



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

علم مفاهیم شناسی
در قرآن



نویسنده: رسول ملکیان اصغرنانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علم مفاهیم شناسی در قرآن

نویسنده:

رسول ملکین اصفهانی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد هشتم - حرف ح
۸	مشخصات کتاب
۸	مقدمه
۲۵	حاجیان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۱	حافظ از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۴	حاکمان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۵۶	حاکمیت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۷۲	حالات از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۸۸	حامی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۳۴	حبس از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۴۰	حبوبات از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۴۶	حج از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۴۸۷	حجاب از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۵۲۰	حجت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۶۶۸	حجر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۶۷۰	حدود از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۷۵۹	حدیبیه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۸۰۵	حر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۸۰۶	حرام خواران از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۸۱۵	حرص از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۸۳۰	حرکت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۸۹۷	حرم از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۹۰۶	حروف مقطعه تبعیض از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

۹۲۱	حریر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۹۲۵	حزب الله از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۹۳۱	حزن از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۹۳۵	حس از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۹۶۲	حسابرسی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۲۰۳	حسادت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۲۴۰	حسرت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۲۸۲	حسن از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۳۳۴	حسنت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۳۴۱	حضور قلب از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۳۴۳	حفصه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۱۳۴۵	حق از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۴۹۵	حقارت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۵۰۱	حقانیت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۷۶۸	حقایق از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۲۹۲۲	حقوق از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۱۵۹	حکمت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۳۰۲	حکومت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۴۳۰	حکومت اسلامی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۴۳۷	حکومت دینی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۴۳۹	حکومتها از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۴۴۳	حلال از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۴۷۹	حلق از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۴۸۰	حلم از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۴۹۱	حلیت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
۳۵۱۵	حمایت خدا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

- ۳۵۴۳ حمد از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۳۶۳۴ حمل و نقل از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۳۶۴۳ حوا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۳۷۲۵ حوادث از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۳۷۷۲ حواریون از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۳۸۰۳ حواس از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۳۸۰۸ حورالعین از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۳۸۳۸ حیا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۳۸۴۲ حیات از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۴۰۲۰ حیض از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۴۰۲۵ حیوانات از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما
- ۴۰۶۸ درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه: رسول ملکیان اصفهانی، ۱۳۴۴

عنوان و نام پدیدآور: علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد هشتم - حرف ح / رسول ملکیان اصفهانی

مشخصات نشر دیجیتال: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه و رایانه

تلفن همراه مولف : ۰۹۱۳۱۱۴۰۱۴۰

موضوع: علم - مفاهیم قرآنی

رده بندی کنگره : ۵۲/BP۶۵/۴

رده بندی دیویی : ۳۷۲/۲۱ د ۵۷۷۴ آ ۱۳۹۰

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

علم مفاهیم شناسی قرآن

۱- قرآن کتاب خداست که برای هدایت ناس و بشروانسان و مسلمان و مومنین و متقین نازل شده است ؛ و از معجزات جاویدان محسوب می شود ؛ چه انسانهای مومن و خدا جوئی که با معرفت و عمل به این کتاب آسمانی به سعادت رسیدند و چه دانشمندان بزرگی که در طول بیش از چهارده قرآن برای فهم و نشر معارف این کتاب کریم عمر خود را گذاشته اند. هر زمانی که از این کتاب می گذرد تازه هائی از معارف این کتاب الهی کشف می گردد و این جریان همچنان ادامه دارد. در پرتو این تلاشهای شایسته علمی زیادی از معارف و علوم قرآنی برای ما به یادگار باقی مانده است . که از مهمترین آن می توان از تفسیر قرآن نام برد. این علم بر اساس مقدماتی از علوم است مثل مفردات قرآن.

شاید بتوان گفت علم مفاهیم شناسی قرآن حد واسط بین معنی کلمه (علم مفردات) و (علم تفسیر قرآن) است. علم مفاهیم شناسی قرآن یک علم جدیدی است که نه می توان علم مفردات قرآن آن را دانست زیرا فراتر از آن است و نه می توان آن را علم تفسیر نامید زیرا اساسا با آن متفاوت است.

تفسیر به معنای «دانش تفسیر»، یعنی علمی که دارای ارکان مشهور علم (موضوع، مسائل، مبادی تصویری و تصدیقی) است و

تفسیر دارای موضوع، تعریف، هدف، فایده،

پیش‌انگاره‌ها (مبانی و مبادی) و ... است. از این رو، تفسیر از علوم مرتبط با قرآن به شمار می‌آید که بیش از هزار سال عمر دارد.

علم تفسیر به دانشی گفته می‌شود که انسان را با معانی و مقاصد آیات قرآن و منابع، مبانی، روش‌ها، معیارها و قواعد آن آشنا می‌سازد.

به عبارت دیگر، دانش تفسیر از چند بخش اساسی تشکیل می‌شود: (۱) مبانی تفسیر؛ (۲) قواعد تفسیر؛ (۳) منابع تفسیر؛ (۴) شرایط مفسر؛ (۵) سنجه‌های فهم تفسیر و معیارهای تفسیر معتبر؛ (۶) روش‌های تفسیری؛ (۷) گرایش‌ها (مکاتب) تفسیری.

موضوع علم تفسیر: آیات قرآن (سخنان الهی که در قالب وحی قرآنی بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است).

هدف دانش تفسیر: کسب توان استنباط صحیح از آیات قرآن.

فایده علم تفسیر: فهم مراد استعمالی (معانی آیات) و مراد جدی خدا (مقاصد آیات).

۲- اگر مفاهیم قرآن خوب تبیین و توصیف شود مقدمه تفسیر خواهد شد و تفسیر قرآن از غنای بیشتری برخوردار خواهد شد. این دانش که مربوط به مجموعه دانشهای نوین زبانشناسی است می‌باشد. زبانشناسی بیشتر ناظر به کلام انسانی است که در دوره‌های مختلف شامل کلام‌های مقدس (کتابهای آسمانی) نیز شده است. زبان‌شناسی شامل: زبان‌شناسی نظری؛ آواشناسی؛ واج‌شناسی؛ واژه‌شناسی؛ ساخت‌واژه؛ نحو؛ معناشناسی؛ معناشناسی واژگانی؛ معناشناسی آماری؛ معناشناسی ساختاری؛ سبک‌شناسی؛ تجویز و توصیف؛ کاربردشناسی؛ زبان‌شناسی کاربردی؛ اکتساب زبان؛ زبان‌شناسی روان‌شناختی؛ زبان‌شناسی جامعه‌شناختی؛ زبان‌شناسی شناختی؛ جامعه‌شناسی زبان؛ زبان‌شناسی محاسباتی؛ زبان‌شناسی توصیفی؛ زبان‌شناسی تاریخی؛ زبان‌شناسی تطبیقی؛ رده‌شناسی زبان؛ دستورگشتاری؛ ریشه‌شناسی. و همچنین توجه به نظریات هرمنوتیک و متودولوژی

می تواند تاثیرات خوبی در مباحث شناخت قرآن داشته باشد و فضاهای جدید تحقیقات قرآنی ایجاد نماید.

۳- اگر تفسیر ما از پیشرفت مناسبی برخوردار نیست دلیل عمده آن این است که روی مقدمات تفسیر کارهای اصلی صورت نگرفته است. این مسئله برای هر کس که با تفسیر قرآن آشنا باشد بدیهی است. برای روشن شدن زوایای پنهان و آشکار قرآن بیش از ده هزار کتاب نوشته شده است ولی می توان به جرات گفت مسلمانان و بشرهنوز به صورت کامل از این ذخیره الهی بهره لازم را نبرده است و استخراجات لازم را از این گنج الهی نکرده است.

۴- بعضی آیات قرآن قرن‌ها از نظر تفسیری هیچ پیشرفتی نداشته است. و مثل آن است که تفاسیر از روی هم بازنویسی کرده اند و اگر حرف تازه ای هم زده شده است بیشتر جنبه فرقه ای و گرایشی داشته که اکثرا به تاویل آیات و یا بهتر بگوئیم تفسیر به رای شده است. چگونه می توان یک آیه و یا یک سوره را خوب تفسیر کرد در صورتی که زوایای آشکار و پنهان کلمات خوب کالبد شکافی نشده باشد. برای آشکار شدن این مدعی تفاسیر قرآن را براساس قرون طبقه بندی کرده و سیر پیشرفت معانی و مفاهیم و تفاسیر آیات را در آن براساس استانداردهای علمی و روش های نوین بررسی کنید.

۵- متأسفانه در زمان معاصر که به این مسئله مهم یعنی مفاهیم آیات کمی توجه شده است بعضی آن را با شرح لغت اشتباه گرفته اند و کتابهایی به همین نام تالیف شده است و اسم کتاب خود را مفاهیم قرآن گذاشته اند و حال آنکه اصلا به مفاهیم نپرداخته اند و یک مقدار بیشتر از حد معمول از ترجمه لغت فرارفته اند و در این زمینه مراکز

قرآنی و علمی را نیز به اشتباه انداخته اند.

۶- علم مفردات یا واژه شناسی در قرآن دانشی است که در باره تک واژه های قرآنی از نظر ریشه اشتقاق لغوی و دلالت آن بر معنای مطلوب مناسب و نوع کاربرد آن در قرآن بحث می کند بدین منظور که هرگاه شخصی معنای واژه های قرآنی را نمی داند با مراجعه به کتابهای لغوی مانند مفردات راغب می تواند معنا و ریشه موارد اشتقاقی و نوع کاربرد آن را بشناسد. و حال آنکه علم مفاهیم شناسی قرآن درباره یک واژه و معنای آن در تمام حالات علمی و ادبی در قرآن بحث می کند با این توضیح تفاوت عمده و عمیق علم مفردات با علم مفاهیم تا حدودی روشن شد.

علم مفردات شاخه های فراوانی دارد که به بعضی از آنها اشاره می شود:

الف- دانش غریب القرآن

ب- معرب القرآن که در آن در مورد واژه هایی که از زبانهای دیگر به زبان قرآن وارد شده و به صورت عربی در آمده بحث می کند.

ج- اعراب القرآن در خصوص چگونگی اعراب الفاظ قرآن بحث می کند

د- مجازات قرآن انواع مجازهای به کار رفته در قرآن در این شاخه بحث می شود.

ه- وجوه و نظائر در قرآن

و بعضی دیگر از موضوعات علوم قرآن که بنوعی با مفردات قرآن سرو کار دارد.

دانشمندان بزرگی به تبیین واژه های قرآنی پرداخته اند و برخی از آنها کتابهایی را نیز تدوین نموده اند که تفصیل آنها در کتابهای رجال مانند: معجم الادباء، تاریخ بغداد، فهرست ابن ندیم، اعلام زرکلی و..... آمده است.

برای آگاهی از این کتابها می توانید به مجله بینات

شماره هفت و نه مراجعه کنید که بیش از سیصد جلد کتاب معرفی شده است.

۷- مفاهیم قرآن به معنای تحقیق کامل و جامع در باره بنیان آشکار و نهان یک لغت است؛ و بررسی سابقه و شرح آن در کل مجموعه آیات قرآن است. و همچنین تمام کاربردهای علمی و ادبی آن را بررسی کردن است. و این تقریباً یک علم کاملاً جدید درباره قرآن است. زیرا باید نقش یک مفهوم را در تمام قرآن در قالب یک کلمه و ارتباطات آن مشخص کرد. تحقیق درباره مفاهیم شناسی قرآن کار ساده ای نیست و افراد باید صاحب تخصص های گوناگونی باشند. و بصورت گروهی کار کنند. مفهوم شناسی قرآن بعد از آشنائی علوم ادبی و منطقی و فلسفی و عرفانی و تاریخی و فقهی و غیره برای محققین حاصل می شود. تازه این بررسی نقش یک کلمه و مفهوم در قرآن است؛ حال آنکه اگر ما خواستیم نقش مفهوم یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه و یا یک سوره را نسبت به یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه و یا یک سوره دیگر بررسی کنیم؛ ببینید چه نیروی انسانی دانشمند و چه سرمایه مالی هنگفت و چه تکنولوژی (ابرایانه) و امکانات نرم افزاری و علمی و سخت افزاری نیاز است. ولی به هر حال کاری است که باید در آینده نزدیک انشاء الله بشود.

۸- قرآن را می توان مثل قطعات متنوع هندسی (Magnets game) فرض کرد که به بی نهایت اشکال قابل تصورات اگر شما به یک آجر در یک ساختمان بسیار بزرگ و چند هکتاری توجه کنید و نقش این آجر در کل مجموعه را بررسی کنید یک تصور مفهومی بدست آورده اید که جایگاه و معنای آن را در منظومه

این ساختمان به شما نشان می دهد و تصور بود و نبود آن در این منظومه به کل آن می تواند کمک کند و یا آسیب برساند. پس باید در نظر داشت هر یک از کلمات قرآن مفهومی در بردارد که با تمام کلمات و جملات قرآن ارتباط دارد ارتباطی که در طول تاریخ تفسیر قرآن کشف نشده است. و از این مینا استنتاجات بسیاری می توان استخراج کرد که در لابلای بعضی از تفاسیر آمده است.

۹- البته شاید بتوان گفت مفاهیم قرآن یک رشته جدید در علوم و معارف قرآن است و مربوط به دوران معاصر است زیرا که بسیاری از علوم در حدود نیم قرن جدید تحولات جدی بخود گرفته اند. با استفاده از ابزار و امکانات جدید بویژه رایانه و برنامه ریزی برای آن می توان به این علم دسترسی پیدا کرد. این علم بصورت رسمی هنوز وارد حوزه و دانشگاه نشده است و مطالب آن بصورت گسیخته در ضمن مطالب دیگر بیان می شود. هراستادی با توجه به شناخت نسبی خود از آن بحث می کند و بسیاری آن را بعنوان یک علم قرآنی نه می شناسند و نه قبول دارند. اینجانب بعد از حدود سی سال آشنائی با علوم دینی و اسلامی و قرآنی و بعد تمرکز بر روی این موضوع (علم مفاهیم شناسی قرآن) و کشف آن در تفسیر شریف راهنما به این امر خطیر نائل شدم و خداوند رحیم افق نور دیدن آن را بمن نشان داد. و این چیزی بود که بصورت متفاوت در بعضی مکتوبات قرآنی با آن برخورد می کردم که خود داستانهای زیبا و دلنشینی دارد. خیلی دوست داشتم با قرآن مانوس باشم و روزانه چندین نوبت تلاوت داشته باشم ولی بعضی از مواقع یک کلمه و یا یک جمله قرآن و نقش آن

در کل قرآن فکرو دل من را بخودش مشغول می کرد و ساعتها و روزها وقت مرا می گرفت و رهایم نمی کرد؛ نمی توانستم از آن مفهوم کلمه و جمله و آیه دلم را جدا بکنم؛ هر لحظه و زمانی که می گذشت رخ جدیدی از آن برایم کشف می شد ولی همیشه دوست داشتم یک راهی پیدا کنم که آن را به صورت علمی در معرض دیگران قرار دهم؛ ولی عظمت کارونداشتن ابزار و امکانات لازم من را از آن باز می داشت تا اینکه این توفیق نسبی برایم حاصل شد. و برای همین همیشه در حیرتتم که قلب مقدس اشرف و اکرم واعظم انبیاء یعنی حضرت محمد مصطفی (ص) چگونه این حجم با عظمت معنوی را در سینه مبارکشان داشتند و آن را حمل می کردند. آری این کلمات و آیات الهی است که بی نهایت بار قابل استناد و استدلال و فیض جاری است و هنرنمایی می کند. کاری که از عهده هیچ مجموعه و دستگاه علمی بر نمی آید. کاریکه من انجام داده ام کاری است که اصل زحمت آن را دانشمندان اسلامی در تفسیر قیم راهنما انجام داده اند و من فقط آن را دیده و استخراج و تالیف کرده ام؛ هر چند که قبل از من به این صورت کسی انجام نداده است.

۱۰- از خوبیهای علم در دوران جدید این است که آنچه را در تصور ذهن و یا کشف دل و یا توهم و یا خیال بود امروز می توان بصورت علم در آورد و به معرض نمایش و عموم گذاشت. شما نگاه کنید در زمان ما مسائلی حتی مثل طی الارض و روی آب راه رفتن و نامرئی شدن و صدها

نمونه از این دست به صورت علمی دسته بندی و طبقه بندی شده است. چه برسد به علمی که از قواعد و ضوابط مثل تفسیر قرآن برخوردار است.

۱۱- بسیاری از تفاسیر که در دوران قدیم نوشته شده است در محدوده علم آموزی و دانش یک فرد و بسته به نوع کتابهای تفسیری و امکاناتی که در اختیار داشته و گرایش و هدفی که داشته است. در صورتیکه در زمان معاصر باید از نوشتن تکراری و بیهوده این تفاسیر خوداری کرد و زیر نظر مجموعه ای از اساتید ، تفسیر همه جانبه نوشت. و حوزه های پژوهشی عظیمی به این امر مهم اختصاص یابد. امید است در آینده حوزه های علمی بزرگ و دانشگاههای بزرگ قرآنی در راستای آموزش و پژوهش های قرآنی بیش از آن چیزی که امروز وجود دارد تاسیس شود.

۱۲- داشتن روش هدفمند و اصولی و رعایت آن در طول نگارش تفاسیر از نکات مهمی است که مفسرین باید رعایت کنند. زیرا مفسرین بزرگ قرآن بعضی از موارد یک مفهوم را در یک جای قرآن به یک معنا گرفته اند و در جاهای دیگر قرآن از آن عدول کرده اند مثل آن است که یک جا در قرآن ما کلمه (صلوة) را به این شکل و در جاهای دیگر قرآن بصورت (صلاة) بنویسیم. اگر ما توانستیم به معنای واقعی و مفهوم (روح) یا (امر) یا (امام) و در قرآن برسیم باید با این ملاک واحد در کل قرآن به تحقیق پردازیم.

۱۳- اگرخواستیم عظمت قرآن را در نظر بگیریم باید اینطور تصور کرد که تمام عالم هستی دو بار تکرار شده است یکبار بصورت عینی در عالم خارج و یکبار بصورت مکتوب به صورت قرآن و اگر گفته عرفاء را به آن اضافه کنیم به این صورت است که وجود انسان قرآنی (کامل) دو چهره دارد یکی به صورت عینی یعنی جهان خارج و دیگری بصورت مکتوب یعنی قرآن.

۱۴- قرآن کریم در آیه ی بیست و یکم

سوره ی حجر به سرچشمه و منبع موجودات و نزول معین آنها اشاره کرده، می فرماید:

(وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ)

و هیچ چیزی نیست جز آن که منابعش نزد ماست؛ و [لی] جز به اندازه معین آن را فرو نمی فرستیم.

«خزائن» در اصل به معنای حفظ و نگه داری چیزی است و در اصطلاح به معنای محلی است که افراد، اموالشان را در آن گردآوری و حفظ می کنند.

این مفهوم در مورد انسان ها صادق است که قدرت محدود دارند و نمی توانند در هر عصری همه چیز را فراهم کنند، اما در مورد خدا تصور نمی شود.

پس خزاین الهی، یا به معنای «مقدورات الهی» است؛ یعنی همه چیز در منبع قدرت الهی جمع است و هر وقت بخواهد هر مقدار که لازم باشد ایجاد می کند و یا به معنای مجموعه ی اموری است که در عالم هستی و جهان ماده وجود دارند؛ مثل عناصر و اسباب، که در این مجموعه همه چیز فراوان است، اما هر موجود خاص آن به صورت محدود ایجاد می شود.

قرآن خداوند نیز از همین سنخ است که متصل به دریای بی کرانه وجود خداوند است و هر وقت خداوند بخواهد مقداری از معنای آن را برای ما ایجاد می کند. و چهره کامل آن در زمان حکومت ولی عصر (عج) ظهور می کند. انشاء الله.

۱۵- قرآن کریم در آیه ی چهل و یکم سوره ی بقره با اشاره به رابطه ی قرآن با کتب آسمانی پیشین، چهار فرمان در مورد پاس داشت قرآن می دهد و می فرماید:

(وَآمِنُوا بِمَا أَنْزَلْنَا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أُولَ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ)

و به آنچه فرو

فرستادم (/قرآن) ایمان آورید، در حالی که مؤید چیزی است که با شماست. و نخستین انکار کننده آن نباشید؛ و بهای اندک را با آیات من مبادله نکنید؛ و تنها (از عذاب) من (خودتان) را حفظ کنید.

خداوند می فرماید قرآن را ارزان نفروشید قدر و قیمت و عظمت آن را دریابید و برای رسیدن به آن بهای لازم را بپردازید. هر آیه قرآن مثل عروسی بلند مرتبه ای است که تا بهای آن پرداخته نشود رخ نمی نماید بعضی از موارد این بهاء به قیمت جان و حقیقت انسان است. کسانی که خادم قرآن هستند باید همیشه این را مد نظر داشته باشند.

عروس حضرت قرآن نقاب آن گه براندازد که دارالملک ایمان را مجرد یابد از غوغا

(سنائی)

۱۶- در این قسمت برای اینکه وظیفه ما نسبت به قرآن مشخص شود سخن رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی در دنیای معاصر حضرت امام خمینی (ره) را می آورم: (جلد بیستم صحیفه امام خمینی (ره) - صفحه ۹۱ تا ۹۳ - پیام به مردم زائران بیت الله الحرام به مناسبت ایام حج "مهجوریت حج ابراهیمی"):

(از انس با قرآن کریم، این صحیفه الهی و کتاب هدایت، غفلت نوزند که مسلمانان هر چه دارند و خواهند داشت در طول تاریخ گذشته و آینده از برکات سرشار این کتاب مقدس است. و از همین فرصت از تمامی علمای اعلام و فرزندان قرآن و دانشمندان ارجمند تقاضا دارم که از کتاب مقدسی که تبیان کل شیء است و صادر از مقام جمع الهی به قلب نور اول و ظهور جمع الجمع تاییده است، غفلت نفرمایند. این کتاب آسمانی - الهی که صورت عینی و کتبی جمیع اسما و صفات و آیات و بینات است

و از مقامات غیبی آن دست ما کوتاه است و جز وجود اقدس جامع من خوطب به از اسرار آن کسی آگاه نیست و به برکت آن ذات مقدس و به تعلیم او خلص اولیای عظام دریافت آن نموده اند و به برکت مجاهدات و ریاضت‌های قلبیه ، خلص اهل معرفت به پرتوی از آن به قدر استعداد و مراتب سیر بهره مند شده اند و اکنون صورت کتبی آن ، که به لسان وحی بعد از نزول از مراحل و مراتب ، بی کم و کاست و بدون یک حرف کم و زیاد به دست ما افتاده است ، خدای نخواستہ مباد که مهجور شود و گر چه ابعاد مختلفه آن و در هر بعد مراحل و مراتب آن از دسترس بشر عادی دور است لکن به اندازه علم و معرفت و استعداد های اهل معرفت و تحقیق در رشته های مختلف ، به بیانها و زبانهای متفاوت نزدیک به فهم از این خزینه لایتناهای عرفان الهی و بحر موج کشف محمدی -صلی الله علیه و آله و سلم - بهره هایی بردارند و به دیگران بدهند و اهل فلسفه و برهان بابررسی رموزی که خاص این کتاب الهی است و با اشارات از آن مسائل عمیق گذشته ، براهین فلسفه الهی را کشف و حل کرده ، در دسترس اهلش قرار دهند. و وارستگان صاحب آداب قلبی و مراقبات باطنی رشحه و جرعه ای از آنچه قلب عوالم از "ادب‌بنی ربی" دریافت فرموده ، برای تشنگان این کوثر به هدیه آورند و آنان را مودب به آداب الله تا حد میسور نمایند. و متقیان تشنه هدایت بارقه

ای از آنچه به نور تقوا از این سرچشمه جوشان هدی للمتقین هدایت یافته اند، برای عاشقان سوخته هدایت الله به ارمغان آورند. و بالاخره هر طایفه ای از علمای اعلام و دانشمندان معظم به بعدی از ابعاد الهی این کتاب مقدس دامن به کمر زده و قلم به دست گرفته و آرزوی عاشقان قرآن را برآورند و در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و جنگ و صلح قرآن وقت صرف فرمایند تا معلوم شود این کتاب سرچشمه همه چیز است؛ از عرفان و فلسفه تا ادب و سیاست، تا بیخبران نگویند عرفان و فلسفه بافته ها و تخیلاتی بیش نیست و ریاضت و سیر و سلوک کار درویشان قلندر است، یا اسلام به سیاست و حکومت و اداره کشور چه کار دارد که این کار سلاطین و روسای جمهور و اهل دنیا است. یا اسلام دین صلح و سازش است و حتی از جنگ و جدال با ستمکاران بری است. و به سر قرآن آن آورند که کلیسای جاهل و سیاستمداران بازیگر به سر دین مسیح عظیم الشان آوردند.

هان ای حوزه های علمیه و دانشگاههای اهل تحقیق! بپاخیزید و قرآن کریم را از شر جاهلان متنسک و عالمان متهتک که از روی علم و عمد به قرآن و اسلام تاخته ومی تازند، نجات دهید. و اینجانب از روی جد، نه تعارف معمولی، می گویم از عمر به بادرفته خود در راه اشتباه و جهالت تاسف دارم. و شما ای فرزندان برومند اسلام! حوزه ها و دانشگاهها را از توجه به شئون قرآن و ابعاد بسیار مختلف آن

بیدار کنید. تدریس قرآن در هر رشته ای از آن را محط نظر و مقصد اعلامی خود قرار دهید. مبدا خدای ناخواسته در آخر عمر که ضعف پیری بر شما هجوم کرد از کرده ها پشیمان و تاسف برایام جوانی بخورید همچون نویسنده .

باید بدانیم حکمت آنکه این کتاب جاوید ابدی که برای راهنمایی بشر به هر رنگ و ملیت و در هر قطب و قطر، تا قیام ساعت نازل گردیده است ، آن است که مسائل مهم حیاتی را چه در معنویات و چه در نظام ملکی زنده نگه دارد و بفهماند که مسائل این کتاب برای یک عصر و یک ناحیه نیست .)

۱۷- منطق شیوه ی تفکر صحیح را می آموزد حال اگر کسی بخواهد اندیشه ها و تفکرات خود را به دیگری منتقل کند. یعنی بخواهد از آنچه در ذهن خودش می گذرد دیگری را آگاه سازد ناچار از سخن استفاده می کند، یعنی الفاظ را برای افاده ی مقصود خود به کار می برد.

مردم عادی چنین می پندارند که انسان نخست می اندیشند سپس اندیشه های خود را در قالب الفاظ بر زبان می آورد. اما با کمی دقت نظر معلوم می شود که اساساً تفکر بدون استعمال الفاظ امکان پذیر نیست. حتی وقتی که آدمی لب را از سخن فرو بسته و به اندیشه فرورفته باشد، باز در واقع با یک سلسله الفاظ مختل به تفکر می پردازد و به قول حکما، گویی با خود «حدیث نفس» یا نجوا می کند، به همین جهت است که تفکر و تعقل را نطق باطن می نامند (در مقابل نطق ظاهر

که با الفاظ مسموع انجام می یابد) پرورش ذهنی و فکری آدمی و از قوه به فعل درآوردن استعدادهاى معرفتى او جز به کار بردن لفظ امکان پذیر نیست. پس زبان اولاً توأم و همراه با اندیشه هاى درونى آدمى است. ثانياً موجب انتقال دانش و فرهنگ و تمدن به ديگران است و آموزش و پرورش بدون استعانت از آن امکانپذیر نیست. همین نیاز مبرم آدمى به زبان موجب شده است که به وضع الفاظ بپردازد و در برابر هر معنایى لفظى را که نمایانگر آن معنى باشد قرار دهد.

چنانکه معلوم است هر لفظ مسموع صوتى است که در هوا پخش می شود و به سرعت محو می گردد. يعنى علامتى است فرار و ناپایدار که عمر آن لحظه اى بیش نیست و فقط هنگام رویارویى با ديگران بکار می رود. اما آدمى مایل است افکار و اندیشه ها و خواسته هاى خود را به مکانهاى دور دست و به آیندگان و کسانی که با او رویاروی نیستند نیز برساند. به همین جهت به وضع الفاظ بسنده نکرده و يك سلسله علايم ديگر نیز وضع کرده که همان خط یا علايم مکتوب یا الفباست. علايمى به مراتب پایدارتر و ثابت تر از الفاظ، اين علائم مکتوب را نشان و دال بر الفاظ قرار داده است.

بنابراین علايم مکتوب یا خط یا وجود کتبى دلالت بر حفظ، يعنى اصوات معين ، دارد. به عبارت مختصرتر وجود کتبى دال بر وجود لفظى است ، همانطور که وجود لفظى دال بر معنای ذهنى است و معنای ذهنى دال بر شیء خارجى.

وجود کتبى (علايم کتبى یا خطى) - وجود لفظى

(علایم ملفوظ یعنی اصواتی که با اتکاء به مخارج حروف از دهان خارج می شود) - وجود ذهنی (معنی ذهنی یا صورت ذهنی) - وجود عینی (وجود خارجی یا شی خارجی)

به عبارت موجزتر شیء دارای چهار نحوه وجود است. وجود عینی و وجود ذهنی و وجود لفظی و وجود کتبی. از آنجا که نقش الفاظ در تفکرات آدمی تا این درجه است. منطق دانان در آغاز منطق مباحثی را نیز به الفاظ اختصاص می دهند و البته بحث آنها از الفاظ بحثی است بسیار کلی به نحوی که کم و بیش شامل همه زبانها می شود. بر خلاف بحث علمای دستور زبان که اختصاص بزبانی معین دارد. (علم منطق - رشته های نظری و علوم انسانی و معارف اسلامی)

براین اساس وجود لفظی و کتبی را اعتباری و وجود ذهنی و عینی را حقیقی می دانند.

اگر بر این مبنا به قرآن رانگاه کنیم؛ فعالیت های علمی و قرآنی ما از چهار حالت خارج نیست:

الف- وجود لفظی قرآن که شامل روخوانی؛ روان خوانی؛ تندخوانی؛ صوت و لحن؛ علم تجوید؛ انواع قرائات قرآنی؛ حفظ ظاهری قرآن؛ و تمام فعالیت هایی که در این حوزه لفظی قرآن می شود.

ب- وجود کتبی قرآن که شامل انواع رسم الخط و نوشتن قرآن؛ چاپ قرآن؛ تمام کارهای هنری مربوط به قرآن.

ج- وجود ذهنی قرآن یعنی آنچه در ذهن مردم مسلمان یا جامعه بشری یا مفسر و محقق قرآن وجود دارد و بر روی آن تدبر و تفکر می کند و آن را نشر و ارائه می دهد. و شامل تمام تفاسیر و معارف و علوم قرآنی می شود.

د- وجود عینی قرآن که به دو صورت جلوه می کند یا بصورت فردی که در یک انسان قرآنی در خارج مصداق پیدا می کند و

حقیقی ترین آن امام معصوم است که واقعیت قرآن و مظهر عینی کامل قرآن در عالم خارج است و قرآن ناطق است و در زمان ما حضرت امام ولی عصر (عج) می باشد و یا بصورت جمعی تجلی و ظهور پیدا می کند که جامعه اسلامی و قرآنی و حکومت اسلامی مهدویت است که انشاء الله در آینده ما شاهد و عامل آن خواهیم بود.

به هر حال هر کس که عالم و خادم قرآن باشد بصورت حصر عقلی از یکی از این چهار قسم خارج نیست؛ و کسیکه در حوزه علم مفاهیم شناسی قرآن فعالیت و تحقیق و مطالعه می کند در بخش سوم (وجود ذهنی) جایگاه می یابد و وقتی در عرصه نشر مکتوب می پردازد در جایگاه دوم (وجود کتبی) فعال است.

اگر خواهیم توضیح مفصل دهیم که علم مفاهیم قرآن شناسی چیست؟ باید کتابهای مستقلی تألیف گردد؛ که امیدواریم این مهم در آینده نزدیک انجام گیرد.

۱۷- ما در اینجا بر اساس امکانات و ابزار و نرم افزارهای علمی بیش از هزار تا از کلمات قرآن را مفهوم شناسی و بر اساس حروف الفبا استخراج کرده ایم؛ باشد که انشاء الله در آینده این علم (مفهوم شناسی قرآنی) توسعه لازم را بنماید. از بین تفاسیر تفسیر راهنما را ملاک قراردادیم که نسبت به تمام تفاسیرهای قرآن بعضی از استانداردهای لازم را دارد که می توانید ویژگیهای آن را در مقدمه آن تفسیر شایسته و مهم بخوانید. باید توجه داشت که بعضی از کلمات مشترک لفظی و بعضی از آنها مشترک معنوی می باشند؛ و تعدادی از کلمات نیز عربی و فارسی می باشد؛ برای همین کسی که می خواهد مفهومی را بررسی کند لازم است یکدور فهرست کلمات را بررسی کند. این مجموعه کتاب مفاهیم شناسی قرآن بیشتر برای محققین و پژوهشگران قرآنی و کسانی که

می خواهند پایان نامه حوزوی و دانشگاهی تالیف کنند و یا علاقه به مباحث عمیق قرآنی هستند می باشد.

حوزه علمیه اصفهان

رسول ملکیان اصفهانی

حاجیان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حاجیان

آگاهی از اعمال حاجیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۸ - ۷

۷ - خداوند به اعمال زائران خانه خدا (به جا آوردن حج و عمره و سعی میان صفا و مروه) آگاه است .

فمن حج البيت أو اعتمر . . . و من تطوع خيراً فإن الله شاكر عليم

آمزش حاجیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۳ - ۱۳

۱۳ حج گزارى که در ایام تشریق بمیرد ، آمرزیده است .

فمن تعجل فی یومین فلا اثم علیه

امام صادق (ع) درباره آیه <فمن تعجل . . .>، فرمود: یعنی من مات قبل ان یمضی، فلا اثم علیه

کافی، ج ۴، ص ۵۲۱، ح ۱۰ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۰۱، ح ۷۴۰.

استفاده حاجیان از قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۶

۱۶ - جواز استفاده حج گزاران از گوشت قربانی

فکلوا منها

امتحان حاجیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۴ - ۱۸، ۴، ۱

۱ هشدار خداوند بر آزمایش مؤمنان راهی حج و عمره

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِيَلُونَكُمْ اللَّهُ

با توجه به آیات بعد معلوم می شود این آزمایش از آن کسانی است که برای انجام حج و یا عمره محرم می شوند.

۴ انواع شکار ها چه آنها که بدون ابزار قابل دسترسی باشند (مانند جوجه پرندگان

و...) و چه آنها که بدون نیزه و مانند آن قابل دستیابی نباشند ، وسیله ای برای آزمون راهیان حج و عمره خواهند بود .

لیلونکم الله بشیء من الصيد تناله ایدیکم و رماحکم

۱۸ دسترسی حج گزار به تخم و بچه حیوانات و در تیررس قرار گرفتن شکار های وحشی ، وسیله آزمایش خداوند از وی .

یأیها الذین ءامنوا لیلونکم الله بشیء من الصيد تناله ایدیکم و رماحکم

برداشت فوق از حدیثی استفاده شده که در توضیح آیه فوق می فرماید: ما تناله الا یدی البیض و الفراخ و ما تناله الرماح فهو ما لاتصل الیه الا یدی.

کافی، ج ۴، ص ۳۹۷، ح ۴؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۵۰۲، ح ۳.

امنیت حاجیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۴،۶

۴ - ضرورت ایجاد امنیت برای حاضران در محیط خانه خدا و حراست آنان در برابر هرگونه آسیب و گزند .

و إذ جعلنا البیت مثابه للناس و أمناً

۶ - تعیین خانه خدا برای حضور مردم و تأکید بر حفظ امنیت حاضران در آن محیط ، از نعمت های الهی و شایسته و بایسته به یادداشتن

و إذ جعلنا البیت مثابه للناس و أمناً

<إذ> مفعول برای <اذکروا> (به یاد داشته باشید) است و لام در <للناس> حکایت از آن دارد که قرار دادن کعبه برای حضور پیاپی مردم در جهت منافع آنان است، که از آن در برداشت، به نعمت تعبیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۷

۷ عدم جواز

هتک حرمت راهیان خانه خدا و سلب امنیت از آنان

لا تحلوا .. و لاء آمین البیت الحرام

<آمین> جمع <آم> به معنای قصد کننده است و مراد از قصد کنندگان بیت الحرام، راهیان حج هستند.

تجاوز به حقوق حاجیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۸

۸ - ممانعت از ورود حاجیان به مکه ، تجاوز به حقی است که خدا برای آنان قرار داده است .

و یصدون .. الذی جعلنه للناس

سقایت حاجیان در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۹ - ۳

۳ سرپرستی مسجد الحرام و آب دهی به زائران کعبه ، شغلی مهم و افتخار آمیز در میان عرب های جاهلی

أجعلتم سقایه الحاج و عماره المسجد الحرام کمن ءامن بالله .. و جهد فی سبیل اللّ

فضایل حاجیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۱۱

۱۱ راهیان خانه خدا ، از شعائر الهی

لا تحلوا شعر الله .. و لاء آمین البیت الحرام

بنابر اینکه امور یاد شده از باب ذکر خاص بعد از عام (شعر الله) باشد و راهیان خانه خدا از جمله آنها هستند.

فضیلت سقایت حاجیان

۱۰ ابوبصیر از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام درباره قول خدای عز و جل > أ جعلتم سقایه الحاج و عماره المسجد الحرام
کمن ءامن بالله و الیوم الآخر < روایت کرده است : > نزلت فی حمزه و

علی و جعفر و العباس و شیبیه . . . و کان علی (ع) و حمزه و جعفر الذین آمنوا باللّٰه و الیوم الآخر و جاهدوا فی سبیل اللّٰه
لا یستون عند اللّٰه ۛ

این آیه شریفه درباره حمزه، علی، جعفر، عباس و شیبیه نازل شده که آنان (عباس و شیبیه) به منصب آب رسانی به حاجیان و پرده داری کعبه افتخار می کردند، پس خداوند عز جل این آیه را نازل فرمود: آیا منصب آب رسانی به حاجیان و آباد کردن مسجدالحرام را با [عمل] کسی که به خدا و روز قیامت ایمان آورد و در راه خدا جهاد کرد. همانند قرار داده اید؟ آنان نزد خدا مساوی نیستند!>.

قیاس سقای حاجیان با جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۹ - ۱

۱ سرزنش خداوند نسبت به مسلمانانی که شغل آب دهی به حاجیان و سرپرستی مسجدالحرام را با جهاد در راه خدا برابر انگاشته و خویشان را همپراز با مؤمنان اهل پیکار در راه خدا می پنداشتند .

أجعلتم سقایه الحاجّ و عماره المسجد الحرام کمن ءامن باللّٰه و الیوم الآخر و جهد فی

ممانعت حاجیان از مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۸

۸ - ممانعت از ورود حاجیان به مکه ، تجاوز به حقّی است که خدا برای آنان قرار داده است .

و یصدّون . . . الذی جعلنه للناس

نشانه های حاجیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۱۲

۱۲ علامت های راهیان خانه

خدا ، از شعایر الهی

لاتحلوا شعر الله .. و لالقلئد

ورود حاجیان به خانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹ - ۸

۸- ورود حاجیان به خانه ، از پشت آن و پرهیز از راه های متعارف ، عملی نیکو در دیدگاه مردم عصر جاهلیت

و لیس البر بأن تأتوا البيوت من ظهورها

نفی نیکو از رسم یاد شده (لیس البر)، دلالت می کند که آن رسم در نزد مردم جاهلی، رسمی نیکو و ارجمند بوده است.

هتک حرمت حاجیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۷

۷ عدم جواز هتک حرمت راهیان خانه خدا و سلب امنیت از آنان

لاتحلوا .. و لاء آمین البيت الحرام

<آمین> جمع <آم> به معنای قصد کننده است و مراد از قصد کنندگان بیت الحرام، راهیان حج هستند.

حافظ از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حافظ

بهترین حافظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۴ - ۱۱

۱۱ خداوند ، بهترین حافظ و نگهبان است .

فَاللّٰهُ خَيْرٌ حَفِظًا

حافظ انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۱۴

۱۴ خداوند ، مراقب پیامبران و توجه دهنده آنان به خطاها و لغزشهایشان

إن ابني من أهلي . . . إنه ليس من أهلك ... فلاتسئلن ما ليس لك به علم

حافظ انسانها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۳ - ۲۱

۲۱ > عن أبي الحسن الرضا (ع) قال : إعلم . . . ان

الله تبارك و تعالى . . . قائم ليس على معنا انتصاب و قيام على ساق في كيد كما قامت الأشياء و لكن < قائم > يخبر أنه حافظ والله هو القائم على كل نفس بما كسبت . . .

از امام رضا(ع) روایت شده است که فرمود: بدان که خداوند تبارك و تعالى . . . قائم است نه به معنای ایستادن و در میان آسمان بر روی پا قرار گرفتن آن گونه که اشیا قیام دارند و ایستاده اند؛ بلکه [خداوند] قائم است، به این معنا می باشد که او حافظ است و تنها خداوند است که حافظ هر فردی می باشد با آنچه کسب کرده است.

حافظ بودن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۴ - ۱۱

۱۱ خداوند ، بهترین حافظ و نگهبان است .

فالله خير حفظًا

حافظ نظم آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۱ - ۱

۱ - تنها خداوند ، نگه دارنده نظم کنونی آسمان ها و زمین از زوال و پاشیدگی است و هیچ قدرت دیگری در آن نقش ندارد .

إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِن زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ

حافظ نظم آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۱ - ۱

۱ - تنها خداوند ، نگه دارنده نظم کنونی آسمان ها و زمین از زوال و پاشیدگی است و هیچ قدرت دیگری در آن نقش ندارد .

إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ

أَنْ تَزُولَا وَلِئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ

حافظ نظم زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۱ - ۱

۱ - تنها خداوند ، نگه دارنده نظم کنونی آسمان ها و زمین از زوال و پاشیدگی است و هیچ قدرت دیگری در آن نقش ندارد .

إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلِئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ

حاکمان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حاکمان

آثار اصلاح حاکمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۶ - ۵

۵ - تصحیح مرکزیت قدرت و حاکمیت جامعه ، راهکار اصلاح و هدایت مردم

ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ .. إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ

با توجه به این که حضرت موسی (ع) در امر رسالت، نخست به سوی فرعون که محور قدرت و حاکمیت بود فرستاده شد، می توان برداشت فوق را به دست آورد.

اذیتهای حاکمان مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۱۱

۱۱ یوسف (ع) علی رغم آزار دیدن از حکومت مصر ، دانش خویش را از آنان دریغ نداشت .

قَالَ تَزْرَعُونَ .. إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ

اصلاح رفتار حاکمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۹ - ۱۴

۱۴ توجه حاکمان به نظارت خداوند بر اعمال ایشان ، زمینه ساز گرایش آنان به کردار نیک و پرهیزشان از اعمال نارواست .

و يستخلفکم فی الأرض فینظر کیف تعملون

هدف از تذکار نظارت خداوند بر اعمال آدمی این است که وی با توجه

به این حقیقت از اعمال ناروا بپرهیزد و به اعمال نیک رو آورد.

اهمیت احترام حاکمان بر حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱۱

۱۱ لزوم احترام به حاکمان برحق و تواضع و خشوع در برابر آنان

و خَرُّوا لَهُ سَجْدًا

اهمیت ایثار حاکمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۲ - ۸

۸- لزوم برخورداری حاکمان و متولیان جامعه ، از ایمان راسخ و شجاعت و ایثار

فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَ تَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ

بنابر این که <تولیتیم> به معنای عهده داری امور و مخاطب آن بیماردلان ترسو و سست ایمان باشد، از مفهوم آیه به مطلب بالا می توان ره برد.

اهمیت ایمان حاکمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۲ - ۸

۸- لزوم برخورداری حاکمان و متولیان جامعه ، از ایمان راسخ و شجاعت و ایثار

فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَ تَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ

بنابر این که <تولیتیم> به معنای عهده داری امور و مخاطب آن بیماردلان ترسو و سست ایمان باشد، از مفهوم آیه به مطلب بالا می توان ره برد.

اهمیت شجاعت حاکمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۲ - ۸

۸- لزوم برخورداری حاکمان و متولیان جامعه، از ایمان راسخ و شجاعت و ایثار

فهل عسىتم إن توليتم أن تفسدوا فى الأرض و تقطعوا أرحامكم

بنابر این که <تولیتیم> به معنای عهده داری امور و مخاطب آن بیماردلان ترسو و سست ایمان باشد، از مفهوم

آیه به مطلب بالا می توان ره برد.

بنی اسرائیل و حاکمان ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۲۰

۲۰ غضب خدا و عذاب همیشگی ، پیامد دوستی بسیاری از بنی اسرائیل با پادشاهان ستمگر و زیبا جلوه دادن هوا های نفسانی آنان ، به امید دستیابی به بهره های دنیایی آنان

تری كثيراً منهم يتولون الذين كفروا .. و في العذاب هم خلدون

از امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: يتولون الملوك الجبارين و يزینون لهم اھوائهم ليصیبوا من دنیاھم.

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۶۱۱؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۱، ح ۳۱۵.

تکبر حاکمان قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۹ - ۱۳

۱۳ تکبر ، سرکشی و لجاجت سران قوم عاد ، مایه انکار رسالت هود (ع) از سوی آنان و نپذیرفتن تعالیم او

و تلك عاد جحدوا بأيت ربهم و عصوا رسله و اتبعوا أمر كل جبار عنيد

تواضع برای حاکمان برحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱۱

۱۱ لزوم احترام به حاکمان برحق و تواضع و خشوع در برابر آنان

و خزوا له سجداً

توصیه به حاکمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۳ - ۱۳

۱۳ - احساس قصور در پیشگاه خداوند و عذرخواهی از او ، هنگام پیروزی و استقبال عمومی از دین و در اوج قدرت ، توصیه خداوند به پیامبر (ص) و شیوه ای مطلوب برای

زامداران و مبلغان

إذا جاء نصر الله و الفتح .. و استغفره

حاکمان سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۸ - ۵

۵ در عصر رسالت حضرت موسی (ع)، قدرت و حاکمیت سرزمین مصر، در اختیار فرعون و اطرافیانش بود.

قالوا أجتئنا .. و تكون لكما الكبرياء في الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۶ - ۱۰

۱۰ - حاکمیت دیرین خاندان فرعون و اشراف دربار او بر سرزمین مصر *

و کانوا قومًا عالین

جمله <کانوا قومًا عالین> می تواند بدین معنا باشد که: فرعون و اشراف حکومت او، بدان جهت که از دیر زمانی بر مصر فرمان می رانند و به آن خو گرفته بودند و پذیرش دعوت موسی، آنان را ناچار به فرمان پذیری ی کرد، از پذیرش آن خود داری می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱ - ۱

۱ - سرزمین مصر، تحت سلطه و حاکمیت فرعون و خویشاوندان وی

أن ات القوم الظلمین . قوم فرعون

<قوم شخص> به کسانی گفته می شود که از نزدیکان وی بوده و در یک جد با او مشترک باشند. بنابراین، از تعبیر <قوم فرعون> استفاده می شود که حاکمیت سرزمین مصر در اختیار فرعون و خاندان ظالم وی قرار داشته است.

حاکمان مصر باستان و یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۵ - ۶،۷

۶ آگاهی کامل عزیز و حاکمان مصر بر پاکدامنی یوسف (ع)

(، با مشاهده دلایل و نشانه های متعدد

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الآيات

۷ حاکمان مصر علی رغم آگاهی به پاکدامنی یوسف (ع) ، او را به زندان افکندند .

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الآيات ليسجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۶ - ۱

۱ رجال مصر تصمیم خویش را عملی ساختند و یوسف (ع) را به زندان افکندند .

بدا لهم .. ليسجنه حتى حين. و دخل معه السجن فتيان

حاکمان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۱ - ۴

۴ - تسلط قریش بر مکه پیش از اسلام *

لایلف قریش

دفع مهاجمان به مکه، در صورتی امتنان بر قریش شمرده می شود که مکه در تصرف آنان باشد.

حاکمان و ظلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۹ - ۱۱

۱۱ ضرورت پرهیز حاکمان از ظلم و ستم

قال معاذ الله .. إنا إذا لظلمون

حاکمان و قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۱۵

۱۵ قدرتمندان و حاکمان نباید از مشیت قاهره خداوند غافل شده و جریان امور را به قدرت و مکنت خویش بدانند .

ادخلوا مصر إن شاء الله ءامنین

حاکمان هنگام خطر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۵ - ۷

۷ - به تواضع نشستن حاکمان مستبد و زورمدار ، هنگام احساس خطر و اضطرار

فماذا تأمرون

مشورت خواهی از شخصی چون فرعون که

می گوید <لئن اتخذت إلهًا غيري..>، نشانگر حالت اضطراب و ناگزیری او است.

حاکمان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۷ - ۱

۱ خداوند برای یهودیان متمرّد مقدرّ ساخت تا در حیات دنیا در سلطه مردمی که همواره آنان را شکنجه کنند، قرار گیرند.

و إذ تأذن ربك ليعيثن عليهم إلى يوم القيمة من يسومهم سوء العذاب

<تأذن> یعنی قسم یاد کرد و اعلام کرد. (قاموس المحيط). <بعث> (مصدر <ليعيثن>) به معنای فرستادن است و چون به <علی> متعدی شده، معنای مسلط ساختن در آن تضمین شده است. <سوم> (مصدر <يسومون>) به معنای تحمیل کردن است.

خشوع برای حاکمان بر حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱۱

۱۱ لزوم احترام به حاکمان برحق و تواضع و خشوع در برابر آنان

و خزوا له سجداً

دین حاکمان مصرباستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۵ - ۵

۵ حکومت مصر در زمان یوسف از شریعت یعقوب پیروی نمی کرد.

قالوا فما جزؤه... من وجد في رحله فهو جزؤه

سهولت ملاقات با حاکمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۱۲

۱۲ سران حکومت ها باید برنامه ای اتخاذ کنند که ملاقات مردم با آنان به آسانی انجام گیرد .

و جاء إخوه يوسف فدخلوا عليه فعرفهم

شرب خمر حاکمان مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ شراب خواری در

میان حاکمان مصر باستان ، امری رایج بوده است .

إني أريني أعصر خمراً

عصيان حاکمان قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۹ - ۱۳

۱۳ تکبر ، سرکشی و لجاجت سران قوم عاد ، مایه انکار رسالت هود (ع) از سوی آنان و نپذیرفتن تعالیم او

و تلک عاد جحدوا بأیت ربهم و عصوا رسله و اتبعوا أمر کل جبار عنید

عوامل تواضع حاکمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۵ - ۷

۷ - به تواضع نشستن حاکمان مستبد و زورمدار ، هنگام احساس خطر و اضطرار

فماذا تأمرون

مشورت خواهی از شخصی چون فرعون که می گوید <لئن اتخذت إلهًا غیری.. > ، نشانگر حالت اضطرار و ناگزیری او است.

لعن بر حاکمان مفسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۴،۵

۴- والیان و حاکمان فسادگر و بی عاطفه ، مورد نفرین الهی

إن تولّیتم أن تفسدوا فی الأرض ... أولئک الذین لعنهم الله

برداشت بالا بنابراین نکته است که <أولئک > اشاره باشد به همه متولیان امر که فسادگر و قطع کننده رحم اند و گروهی از آنان در آیه قبل ، مخاطب <إن تولّیتم أن تفسدوا.. > قرار گرفته اند.

۵- جواز لعن و نفرین حاکمان فسادگر و فاقد عاطفه انسانی

إِنْ تَوَلَّيْتُمْ .. أَوْلَيْتُمْ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که مشارالیه <أَوْلَيْتُمْ> به قرینه آیه قبل <إِنْ تَوَلَّيْتُمْ> کسانی باشند که در صورت رسیدن به حکومت، فسادگر و قاطع رحم اند در این صورت از فعل الهی،

جواز لعن آن گروه استفاده می شود.

مبارزه با حاکمان ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۲ - ۱۱

۱۱ - لزوم مبارزه با حاکمان فاسق و تجاوزپیشه

إلى فرعون و ملائجه إنهم كانوا قومًا فسقين

مبارزه با حاکمان ظلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۷ - ۱۳

۱۳ لزوم مبارزه تا سر حدّ جان دادن ، با فساد و حاکمان فاسد

و من الناس من يعجبك .. و اذا تولى سعى فى الأرض ... و من الناس من یشرى نفسه

از اینکه پس از بیان خصلتهای حاکمان مُفسد، بی درنگ ستایش از کسانی شده است که جان خویش را در راه خدا می دهند، برداشت فوق استفاده می شود.

مبارزه با حاکمان فاسق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۲ - ۱۱

۱۱ - لزوم مبارزه با حاکمان فاسق و تجاوزپیشه

إلى فرعون و ملائجه إنهم كانوا قومًا فسقين

مسئولیت حاکمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۲۰

۲۰ لزوم اهتمام حاکمان جامعه به برنامه ریزی ، محاسبه و پیش بینی شرایط اقتصادی

تزرعون سبع سنين .. مما تأكلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۱۲

۱۲ سران حکومت ها باید برنامه ای اتخاذ کنند که ملاقات مردم با آنان به آسانی انجام گیرد .

و جاء إخوه يوسف فدخلوا عليه فعرفهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ -

۴ لزوم پرهیز حاکمان از مجازات بی گناهان به جای گنه کاران

قال معاذ الله أن نأخذ إلا من وجدنا متعنا عنده

۱۱ ضرورت پرهیز حاکمان از ظلم و ستم

قال معاذ الله ... إنا إذا لظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۱۵

۱۵ قدرتمندان و حاکمان نباید از مشیت قاهره خداوند غافل شده و جریان امور را به قدرت و مکنت خویش بدانند .

ادخلوا مصر إن شاء الله ءامنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۷ - ۱۲

۱۲ - فرمان روایان ، مسؤول کردار زيردستان خود هستند .

لا تعذبهم

ترديدی نیست که فرعون، در شکنجه کردن بنی اسرائیل مباشرت نداشته است؛ ولی در عین حال خداوند عذاب کردن بنی اسرائیل را به او نسبت داده است؛ زیرا فرعون سردمدار حکومت بوده و فرمان شکنجه را صادر می کرده است.

مکر حاکمان مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۲ - ۹

۹ بیان قرآن درباره مکرها و توطئه های برادران یوسف ، زلیخا و هیأت حاکمه مصر علیه او ، دلیلی بس روشن بر وحی بودن و الهی بودن آن

ما کنت لديهم إذ أجمعوا أمرهم و هم یمکرون

جمله <و ما كنت لديهم..> به منزله تعلیل برای <ذلك من أنباء الغیب...> است.

ملاقات مردم با حاکمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۱۲

۱۲ سران حکومت ها باید برنامه ای اتخاذ کنند که ملاقات مردم با آنان به آسانی انجام گیرد

و جاء إخوه يوسف فدخلوا عليه فعرفهم

نقش اجتماعی حاکمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۵ - ۹

۹ - تأثیر کلیدی رهبران سیاسی و نظام اجتماعی ، در ایمان یا کفر و صلاح یا فساد جامعه

كما أرسلنا إلى فرعون رسولا

نقش حاکمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۶ - ۸

۸ - نقش مؤثر حاکمان و نظام حکومتی ، در تغییر و تحول باور ها و شیوه رفتار مردم

و لقد أرسلنا موسى بآيتنا إلى فرعون و ملائجه

مبعوث شدن موسی (ع) برای هدایت فرعون و درباریان وی، ممکن است از آن جهت باشد که تغییر اعتقادی و رفتاری آنان، می توانست تحول گسترده ای در جامعه عصر موسی ایجاد کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۴ - ۲

۲ - تأثیر حاکمان ، در هدایت و گمراهی مردمان

و نادى فرعون . . . فاستخفّ قومه

ویژگیهای حاکمان صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ حاکمان صالح بر پدر و مادر خویش حکومت و فرمانروایی نمی کنند .

و رفع أبویه علی العرش

یوسف(ع) با نشان دادن پدر و مادرش بر تخت خویش ، علاوه بر احترام ویژه اش به آنان ، درصدد بیان این نکته بود که هرگز بر پدر و مادرش حکمرانی و فرمانروایی نخواهد کرد ؛ بلکه مطیع و فرمانبردار ایشان خواهد بود.

هدایت حاکمان گمراه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۳ - ۷

ابلاغ رسالت های الهی به سردمداران نظام های غیر الهی ، وظیفه ای بر عهده مبلغان دین

إلی فرعون و ملایه

هشدار به حاکمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۹ - ۱۱

۱۱ خداوند ، ناظر بر چگونگی رفتار و کردار حکومت مداران

و يستخلفکم فی الأرض فینظر کیف تعملون

حاکمان ظلم

{حاکمان ظلم}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۶ - ۱۹

۱۹ سُستی و آسیب پذیری پیوند با کفر و رهبران طغیانگر آن

فمن یکفر بالطاغوت و یؤمن بالله فقد استمسک بالعروه الوثقی لا انفصام لها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۸ - ۲،۳،۲۵

۲ پادشاهی ، سلطنت و قدرت نمرود ، داده ای از جانب خداوند

ان اتیه الله الملك

۳ حاکمیت و سلطه طغیانگران ، داده ای از جانب خداوند

ان ءاتیه الله الملك

۲۵ پادشاه عصر ابراهیم (ع) (نمرود) ، حاکمی کافر و ستمگر

فبهِت الَّذِي كَفَرَ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

مبارزه با حاکمان ظلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۷ - ۱۳

۱۳ لزوم مبارزه تا سر حدّ جان دادن ، با فساد و حاکمان فاسد

و من الناس من يعجبك . . . و اذا تولى سعى فى الأرض ... و من الناس من يشرى نفسه

از اینکه پس از بیان خصلتهای حاکمان مُفسد، بی درنگ ستایش از کسانی شده است که جان خویش را در راه خدا می دهند، برداشت فوق استفاده می شود.

حاکمیت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حاکمیت

آثار اقرار به حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۹ - ۲

۲ - اذعان به فرمان روایی خدا بر سراسر هستی و گرایش به شرک ، دو امر ناهمخوان و ناسازگار

قل من بیده... إن كنتم تعلمون . سيقولون لله قل فأنى تسحرون

آثار حاکمیت اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۱۱

۱۱ برکت های حاکمیت اسلام ، شامل همه مردم حتی ناباوران و غیر متعهدان به اسلام

و ما نقموا إلا أن أغنيهم الله و رسوله من فضله

آثار حاکمیت بر آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۹ - ۳

۳ - تنها کسی می تواند شکست ناپذیر و ستوده کردار باشد که بر تمامی آسمان ها و زمین ، سیطره داشته و حکمرانی کند .

العزیز الحمید . الذی له ملک السموت و الأرض

وصف <الذی له...>، می تواند توجیه گر دو وصف قبلی باشد. تغییر عبارت که موصول و صله جایگزین صفت مشابه شده است مؤید برداشت بالا است.

آثار حاکمیت بر زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۹ - ۳

۳ - تنها کسی می تواند شکست ناپذیر و ستوده کردار باشد که بر تمامی آسمان ها و زمین ، سیطره داشته و حکمرانی کند .

العزیز الحمید . الذی له ملک السموت و الأرض

وصف <الذی له ...>، می تواند توجیه گر دو وصف قبلی باشد. تغییر عبارت که موصول

و صله جایگزین صفت مشبهه شده است مؤید برداشت بالا است.

آثار حاکمیت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۴ - ۵

۵- هشدار خداوند به بنی اسرائیل ، در غافل نشدن از آخرت پس از دستیابی به آرامش و حاکمیت

اسکنوا الأرض فإذا جاء وعد الآخرة جئنا بكم لفيئاً

آثار حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۲۹

۲۹ یکتایی خدا و غلبه و تسلط او بر هستی ، دلیل ربوبیت و ولایت اوست .

أفأخذتم من دونه أولياء .. و هو الواحد القهَّـر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰۳ - ۳

۳- خداوند به دلیل حاکمیت بر رستاخیز و نظام کیفری انسان ها ، تنها منبع آگاه از سود و زیان واقعی آنان است .

إنا أعتدنا جهنم .. هل ننبئكم بالأخسرين أعمالاً

خداوند پس از این که موضع قیامت و کیفر کافران را در آیات قبل یادآور شده، در مقام اخبار از سود و زیان واقعی انسان ها برآمده است. این نکته نشانه آن است که در شناخت سود و زیان، تنها، گفته های او ملاک است چرا که فرجام انسان ها را، او رقم می زند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۶ - ۳،۴

۳ - حاکمیت خدا بر هستی ، مستلزم راه نداشتن کمترین نقص و بیهوده کاری در نظام آفرینش

أفحسبتم أنما خلقنكم عبثاً .. فتعالى الله الملك الحقّ

٤ - وجود معاد ، لازمه فرمان

روایی مطلق و حاکمیت به حق خدا

أفحسبتم . . . و أنکم إلینا لاترجعون . فتعلی اللہ الملک الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۳ - ۶

۶ - حاکمیت و مالکیت خداوند بر همه چیز و بازگشت همه انسان ها به سوی او ، دلیل و نشانه توانایی او بر برپا کردن قیامت و احیای مجدد انسان ها

فسبحن الذی بیده ملکوت کلّ شیء و إلیه ترجعون

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه در ردیف سلسله آیاتی قرار دارد که درباره اثبات قیامت و ارائه جلوه های قدرت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۹ - ۵

۵ - حاکمیت مطلق خداوند در جهان هستی ، پشتوانه اجرای مشیت وی در آفرینش موجودات

لله ملک السموت و الأرض یخلق ما یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۰ - ۶

۶ - حاکمیت مطلق و بلامنازع خدا در صحنه هستی ، پشتوانه اجرای مشیت او در میزان جمعیت و نوع جنسیت فرزندان خانواده

لله ملک السموت . . . و یجعل من یشاء عقیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۵ - ۳

۳ - حاکمیت مطلقه خداوند بر دو گیتی ، پشتوانه نفوذ مشیت او در گستره حیات

أم للإنسن ما تمنى . فله الأخره و الأولى

ذکر حاکمیت خداوند بر دو گیتی، می تواند نشانگر این باشد که در پرتو آن، اراده خداوند نافذ بر هستی است / چه با تمنیات انسان همساز باشد یا نباشد.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۶ - ۱

۱ - نظام تغییر فصول و کم و زیاد شدن ساعات شب و روز در طول سال ، تحت حاکمیت اراده خداوند

یولج الیل فی النهار و یولج النهار فی الیل

<ایلاج> (مصدر <یولج>) به معنای داخل کردن است. برداشت یاد شده بدان احتمال است که مقصود از <یولج الیل فی النهار> (شب را در روز داخل می کند)، این باشد که او از مقدار شب می کاهد و بر مقدار روز می افزاید و مقصود از <یولج النهار فی الیل> (روز را در شب داخل می کند) این باشد که او از مقدار روز می کاهد و بر مقدار شب می افزاید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱ - ۴

۴ - افاضه خیر ها و برکت ها از سوی خداوند ، برخاسته از فرمانروایی انحصاری او بر جهان است .

تبرک الذی بیده الملك

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <الذی بیده الملك> می تواند در مقام توضیح و تبیین <تبارک> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۹ - ۷

۷ - حاکمیت و مالکیت خداوند بر تمام هستی و علم مطلق او ، دلیل حقانیت عقیده مؤمنان به او است .

إلا أن يؤمنوا بالله .. الذی له ملک السموت و الأرض و الله علی کل شیء شهید

<سماوات و أرض>، کنایه از تمام هستی است و <الذی ..> وصف دیگری برای خداوند است و به علت ایمان مؤمنان

اشاره دارد. تصریح به کلمه <الله> و نیاوردن ضمیر (در آخرین جمله آیه)، هر چند که نشانگر استقلال این جمله از ماقبل و نظر داشتن آن به کار هر دو گروه است نه خصوص مؤمنان ولی علت ایمان مؤمنان را نیز کامل می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۵ - ۴

۴ - مؤاخذه سخت کافران و چشم پوشی از خطای مؤمنان ، برخاسته از سلطه خداوند بر تمام هستی است .

إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ ... و هو الغفور الودود . ذوالعرش

آثار حاکمیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۱۵

۱۵ - ایمان و عمل صالح ، (حاکمیت دین) موجب زدایش ترس و اضطراب و عامل امنیت و آرامش

وعد الله الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت . . . و لبيدلتهم من بعد خوفهم أمناً

آثار حاکمیت سنتهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۹ - ۳

۳ - حاکمیت سنت های الهی بر کفرپیشگان ، مانع از نابودی سریع آنان با عذاب الهی است .

و لولا کلمه سبقت من ربك لکان لزاماً

آثار حاکمیت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۱ - ۸

۸ - پذیرش توحید ربوبی ، ناسازگار با بنیان حاکمیت فرعون

أليس لي ملك مصر

فرعون، برای نفی پیام موسی (ع) که توحید ربوبی است تلاش می کند تا با اقرار گرفتن از مردم، حاکمیت خود را بر مصر تثبیت کند؛ زیرا با

پذیرش توحید، آن را در خطر می دید.

آثار حاکمیت فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۶ - ۱۱

۱۱ - حاکمیت طولانی خاندان فرعون و اشراف بر توده ها و عادت به دستور دادن ، مانع از پذیرش دعوت موسی و سر نهادن به دستور های او ، از سوی آنان بود .

فاستکبروا و کانوا قومًا عالین

آثار درک حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱ - ۱۲

۱۲ - درک فرمانروایی ، قداست ، عزّت و حکمت خدا ، برانگیزاننده موجودات هستی به تسبیح گویی او

یسَّبِحُ لِلَّهِ .. الْمَلِكِ الْقَدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

ذکر اوصاف <ملک> ، <قدّوس> و .. پس از <یسَّبِحُ لِلَّهِ...> ، می تواند بیانگر علت تسبیح گویی موجودات باشد، یعنی، موجودات هستی از آن رو خدا را تنزیه می کنند که او را فرمانروای مطلق هستی، در کمال طهارت، پاکی و... می یابند.

آثار ذکر حاکمیت اراده خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۸

۸ - توجه مؤمنان به غلبه اراده خداوند بر قدرت کافران ، مایه امید و تسلّی خاطر ایشان

و کم أهلكنا قبلهم من قرن هم أشدّ منهم بطشاً فنقبوا فی البلد هل من محیص

آثار ذکر حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۲ توجه به خالقیت ، حاکمیت ، ربوبیت و مدبر بودن خدا ، زمینه پیدایش روح بندگی و پرستش

اللّٰه الذی خلق . . . ثم استوی ... یدبر

الأمر... الله ربكم فاعبدوه أفلا تذكرون

از حرف <فاء> در <فاعبدوه> که فاء تفریعیه است و دلالت می کند بر اینکه ما بعد فاء، برگرفته از ما قبل می باشد، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۹ - ۱۲

۱۲ توجه به جریان امور بر وفق مشیت و قدرت خداوند ، مانع از تفاخر به مال و فرزند و تحقیر دیگران است .

و لولا إذ دخلت جنتك قلت ما شاء الله لا قوه إلا بالله إن ترن أنا أقل منك مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۶ - ۶

۶ - توجه به حاکمیت و مالکیت مطلق الهی بر پدیده های عالم ، مستلزم اختصاص دادن حمد و ستایش به او است .

قل الحمد لله... لله ما فی السموت و الأرض

یادآوری مالکیت خدا بر پدیده های عالم، پس از فرمان به ادای حمد، می تواند برای توجه دادن به نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۵ - ۱۰

۱۰ - توجه به الوهیت و فرمانروایی جاویدان خداوند و نیز تداوم زندگی انسان در آخرت ، زمینه ساز گرایش انسان به حق

و هو الذی فی السماء إله و... و عنده علم الساعه و إلیه ترجعون

با توجه به این که آیات پیشین در رد منکران توحید بود، استفاده می شود که طرح فرمانروایی خدا بر هستی در دنیا و آخرت، هشداری به حق ستیزان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۷ - ۴

۴ - شناخت حاکمیت مطلق خداوند بر هستی و توجه به آن ، زداینده هرگونه شک و تردید درباره امکان معاد

لاریب فیہ و لکنّ اکثر الناس لا یعلمون . و لله ملک السموت و الأرض و یوم تقوم ال

تذکر به حاکمیت مطلق خداوند پس از بیان <أكثر الناس لا یعلمون> می تواند در مقام آگاه ساختن انسان و ارائه طریق درک حقیقت به او باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۹ - ۲

۲- توجه به حاکمیت بی مانند خداوند بر نظام کیفر و پاداش و جریان هدایت و حیات ، زمینه اتکای هر چه بیشتر بر او

فاعلم أنّه لا إله إلاّ الله

فاء در <فاعلم> بیان نتیجه ای است که در آیات پیشین بیان گردید. محور اساسی آن، در پاداش الهی به مؤمنان و مجازات و هلاکت کافران و پدید آوردن قیامت و رستاخیز خلاصه می شود. این همه اگر مورد توجه قرار گیرد، بر علم و اطمینان فرد و اتکای وی بر خداوند افزوده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۵ - ۵

۵ - توجه به حاکمیت مطلقه الهی بر حیات ، گرایش دهنده انسان به واقع نگری در آرزوها *

أم للاینسن ما تمنی . فله الأخره و الأولى

یاد کرد حاکمیت مطلقه خداوند بر هستی در پی ذکر تمنیات و آرزوهای انسان می رساند که ایمان به ولایت الهی بر دو گیتی، با آرزوبروری و خیال پردازی انسان مخالفت کرده و او را به واقع نگری سوق

می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۹ - ۷

۷- توجه به حاکمیت تدبیر خداوند بر نظام زندگانی انسان ها ، وادار کننده انسان به قرار دادن خویش در راه قرب به خدا

فمن شاء اتَّخِذِ إِلَىٰ رَبِّهِ مَآبًا

از واژه <رَبِّ> و جایگاه آن در مفاد آیه، برداشت یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۱ - ۱۱

۱۱- توجه به ربوبیت خداوند و حاکمیت تدبیر او بر نظام هستی ، برانگیزاننده انسان به پناه بردن به او و اطمینان بخش و دلگرم سازنده پناهندگان است .

قل أعوذ بربِّ الفلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۱ - ۸

۸- توجه به ربوبیت خداوند و حاکمیت تدبیر او بر امور مردم ، وادار سازنده انسان ها به استعاذه و دلگرم کننده پناهندگان به او است .

قل أعوذ بربِّ الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۲ - ۶

۶- توجه به حاکمیت فرمان های الهی بر انسان ، برانگیزاننده او به پناه بردن به خداوند و اطمینان بخش و دلگرم کننده پناه آورندگان است .

قل أعوذ .. ملكك الناس

آثار عقیده به حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۱ - ۱۷

۱۷ اعتقاد به رازقیت ، حاکمیت ، حیات بخشی و تدبیر مطلق خدا نسبت به امور جهان ، مقتضی تقوایبشگی است .

قل من یرزقکم .. فسیقولون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۳ - ۹

۹- توحید ربوبی و اعتقاد به حاکمیت یگانه خدا بر هستی ، آرامش بخش روح و اندیشه مؤمنان راستین

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا فَلَاخُوفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

به کار رفتن واژه <رَبِّ> به جای دیگر اوصاف الهی و نیز ارتباط <قالو رَبَّنَا اللَّهُ> با <فلا خوف..>، می رساند که اعتقاد به توحید ربوبی و این که امور تنها در پرتو تدبیر او صورت می گیرد، نقش اساسی در آرامش خاطر مؤمنان مقاوم دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۱ - ۷

۷- ایمان به خداوند و اعتقاد به عزّت ، ستودگی ، حاکمیت ، مالکیت و گواه بودن او و انجام دادن تمامی اعمال صالح ، مایه بهره بردن از مناظر سبز و پر درخت و زمین آب خیز بهشت است .

إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ .. إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

برداشت یاد شده، از ارتباط این آیه با آیه هشتم و نهم استفاده می شود. <الصالحات>، جمع محلی به <ال> و مفید عموم است. عموم در این موارد، عرفی است، یعنی، تمام آن چه میسر است. <جَنَّة>، یعنی، بوستانی که با درختان خود زمین را پوشانده باشد. (مفردات راغب).

ابلیس و حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۲ - ۱۰

۱۰- ابلیس ، خود را مقهور اراده خداوند دانسته و کار خویش را منوط به اذن او می دانست

لئن أآخرتن ... لأحتنكن ذریته

اقرار به حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۷ - ۱

۱ - اعتراف به حاکمیت و ربوبیت یگانه خدا بر جهان هستی ، امری غیر قابل گریز برای هر انسان دانشور و خردورز

إن کنتم تعلمون.. .. قل من ربّ السموت السبع... سيقولون لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۹ - ۱

۱ - اعتراف به حاکمیت و فرمان روایی خداوند بر سراسر هستی ، امری غیر قابل گریز برای اهل دانش و خرد

قل من بیده إن کنتم تعلمون . سيقولون لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۶ - ۸

۸ - اعتراف همه خلائق در قیامت به اختصاص داشتن فرمان روایی جهان به خداوند

لمن الملك اليوم لله الواحد القهار

جمله <لله الواحد القهار> پاسخ سؤال در <لمن الملك اليوم> است؛ برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که گوینده

این پاسخ از سوی خلائق می باشد؛ یعنی، همان مردمی که در قیامت نمایان می شوند (هم بارزون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۸ - ۸

۸ - اعتراف مستکبران در دوزخ ، به بندگی خود و حاکمیت مطلق خداوند

إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ

اهمیت حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۱۴

۱۴ تدارک اسباب نباید موجب غفلت آدمی از حاکمیت مطلق خدا شود .

ادخلوا من أبواب متفرقه و ما أغنی عنکم

من الله من شيء إن الحكم إلا لله

يعقوب(ع) پس از تدبیرش در جهت جلوگیری از حادثه ناگوار برای فرزندانش، بیان می دارد که: با این همه نمی توانم از مقدرات الهی جلوگیری کنم / زیرا حکم و فرمان تنها از آن خداوند است / یعنی، باید توجه داشت که اسباب و علتهای در دایره حکومت و خواست الهی عمل می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۸

۸ - دارا بودن مقام ربوبیت ، فرمان روایی و الوهیت ، دلیل توانایی خداوند بر حفاظت مردم از خطر وسوسه های جنیان و انسان ها است .

بربّ الناس . ملك الناس . إله الناس ... من الجنّه و الناس

اهمیت حاکمیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۹ - ۴

۴ نبرد با کافران تا حاکمیت یافتن دین خدا در جهان ، فرمان خداوند به اهل ایمان

و قتلوهم حتی . . . یكون الدين كله لله

اهمیت ذکر حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۸ - ۱۰

۱۰- لزوم توجه دائمی به قدرت و حاکمیت الهی در همه حال (موقعیت خطر و امنیت)

نَجِّكُمْ إِلَى الْبَرِّ .. أفأمنتم أن يخسف بكم ... أو يرسل عليكم حاصبًا ثم لا تجدوا ل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۴ - ۲

۲ - پناه بردن به خداوند و توجه به ربوبیت ، فرمان روایی و الوهیت او ، فرمانی الهی به پیامبر (ص

(، برای محفوظ ماندن آن حضرت از وسوسه های دشمن

قل أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ . مَلِكِ النَّاسِ . إِلَهِ النَّاسِ . مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ

ایمان به حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۱۶

۱۶ ایمان به حاکمیت خدا بر زمین ، صبر در برابر دشمنان دین و استعانت از خدا ، جلوه هایی از تقوایبشگی است .

و العقبه للمتقين

از بشارت ضمنی موسی(ع) به حاکمیت یافتن بنی اسرائیل به شرط استعانت از خدا و پیشه کردن صبر و سپس بیان این حقیقت که <حاکمیت سرانجام از آن تقوایبشگان است> ، معلوم می شود شرایط ذکر شده جلوه هایی بارز از تقوایبشگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۸ - ۶

۶ اعتقاد به حاکمیت خداوند بر هستی ، از میان برنده هر گونه ناباوری نسبت به بعثت پیامبران

إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ .. الَّذِي لَهُ مَلِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۶ - ۷

۷ باور به حاکمیت خداوند بر موجودات و توجه به ربوبیت او بر انسانها ، ایجاد کننده روحیه توکل در آنان است .

إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هِيَ آخِذَةٌ بِنَاصِيَتِهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۷ - ۱۲

۱۲ باور و توجه به قدرت و حاکمیت مطلق خداوند ، موجب پذیرش ربوبیت او بر انسان و سایر هستی است .

إِلَّا مَا شَاءَ رَبِّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَالٌ لِّمَا

برداشت فوق ، با توجه به کلمه <رب> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۱۷

۱۷ باور به حاکمیت انحصاری خدا بر هستی ، موجب توکل بر خدا و اتکا نکردن به غیر اوست .

إن الحكم إلا لله عليه توكلت و عليه فليتوكل المتوكلون

تفریح <علیه فلیتوکل> به وسیله <فاء> بر <إن الحكم إلا لله> گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۲ - ۵

۵ - مردم ، باید تنها به فرمان خداوند گردن نهاده ، فرمان روایی او را پذیرا باشند .

ملك الناس

توصیف خداوند به فرمان روای مردم، بیانگر این حقیقت است که فرمان روای حقیقی، او است و مردم نباید مطیع کسی جز او باشند.

بشارت حاکمیت اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۸ - ۴

۴ - نوید خداوند به امت اسلامی در برخورداری از حکومت ، اقتصاد شکوفا و شرافت ، در پرتو تعالیم قرآن و رسالت پیامبر (ص) *

و لقد آتینا بنی اسرائیل .. ثم جعلناک علی شریعه من الأمر

واژه <الأمر> در این آیه همانند واژه <الأمر> در آیه قبل می تواند نظر به کتاب، حکومت، نبوت، رزق پاکیزه و فضیلت اجتماعی داشته باشد. در این صورت تعبیر <جعلناک علی شریعه من الأمر>، نوید به بهره مندی پیامبر(ص) و امتش از آن

مواهب خواهد بود.

بشارت حاکمیت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۶

۶- بشارت الهی

، نسبت به حاکمیت صالحان بر زمین

أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ

بی نظیری حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲ - ۷،۹

۷ خداوند ، در فرمان روایی خویش بر جهان هستی ، هیچ شریک و همتایی ندارد .

و لم یکن له شریک فی الملک

۹ فرمان روایی مطلق و بی همتای خداوند ، حکایت گر حاکمیت نظم و مدیریت واحد بر جهان

الذی له ملک السموت و الأرض . . . و لم یکن له شریک فی الملک

تجلی اخروی حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۳

۳ قدرت و حاکمیت خداوند در قیامت تجلی می یابد.

قد خسر الذین کذبوا بقاء الله حتی إذا جاءتهم الساعه بغته

مراد از <لقاء الله> نمی تواند ملاقات و برخورد، به معنی متعارف، باشد. لذا مراد از لقاء خداوند، ملموس شدن حاکمیت و رضایت و غضب اوست، به گونه ای که گویا آدمیان با خود خداوند ملاقات کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۵ - ۴

۴ - آخرت ، روز ظهور و تجلی حاکمیت مطلقه خداوند بر هستی *

فَلِلَّهِ الْآخِرَةُ وَالْأُولَى

تقدیم آخرت بر دنیا، می تواند ناظر به مطلب یاد شده باشد.

تذکر حاکمیت ربوبیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۹ - ۶

۶\$ - توجه دادن فرعون به سیطره ربوبیت خداوند بر او ، از رسالت های موسی (ع)

و اهدیک إلی ربّک فتخشی

تصریح به <ربّک> در

برابر کسی که مدعی ربوبیت بر انسان ها است چنان چه در آیات بعد خواهد آمد گویای برداشت یاد شده است.

تضعیف حاکمیت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۱ - ۱۸

۱ خداوند پی در پی از حاکمیت کفرپیشگان بر زمین می کاست و بر سرزمین های اسلامی و حاکمیت آن می افزود .

أولم يروا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا

مفسران در تفسیر آیه فوق چند نظر ابراز کرده اند. برخی گفته اند: مراد از <الأرض> مطلق زمین است و مقصود از کاستن از نواحی آن، میراندن و هلاک کردن اهل زمین در اطراف و نواحی گوناگون آن می باشد. و برخی گفته اند: مراد از <الأرض> سرزمینهای تحت نفوذ کفر است و منظور از کاستن نواحی آن، کوتاه کردن سیطره کفرپیشگان از آن است که طبعاً به حاکمیت اسلام بر آن جا می انجامد.

۸ از میان رفتن کفرپیشگان و کوتاه شدن سیطره آنان از زمین ، از فرمان های خداوند است که نقض نخواهد شد و تحقق خواهد یافت .

أولم يروا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا وَاللَّهُ يَحْكُمُ لِمَنْ يَشَاءُ لِحُكْمِهِ

جاودانگی حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۵ - ۱۳

۱۳- خداوند ، دارای اقتدار و سلطه کامل و زوال ناپذیر ، بر هر کار و هر چیز است .

و كان الله على كل شيء مقتدرًا

<مقتدر> و <قدیر> در باره خدای تعالی به یک معنا است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۴

۵ - مالکیت و فرمان روایی خداوند بر هستی ، حقیقتی ثابت و فنا ناپذیر است .

الملک الحقّ

<حقّ> یعنی، واجب و ثابت (مصباح) و <الحقّ> در آیه می تواند صفت برای <الملک> باشد و نیز ممکن است صفتی دیگر برای <الله> گرفته شود که با توجه به ذکر آن بعد از وصف <الملک>، نکته یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲ - ۶

۶ فرمان روایی و حاکمیت خداوند بر جهان آفرینش ، ابدی بوده و هیچ کس وارث آن نیست .

له ملک السموت و الأرض و لم یتخذ ولداً

جمله <لم یتخذ ولداً> می تواند کنایه از این باشد که خداوند، حاکم آسمان ها و زمین، فرزندی انتخاب نکرده است تا حاکمیتش را به او منتقل کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۵ - ۲

۲ - حاکمیت خدای یگانه بر نظام هستی ، پاینده و زوال ناپذیر

و تبارک الذی له ملک السموت و الأرض و ما بینهما

<تبارک> می تواند اخبار از پایداری و جاودانگی باشد.

حاکمیت اخروی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۴ - ۱

۱ - خداوند ، مالک و فرمانروای روز قیامت است .

ملک یوم الدین

<مَلِكٌ> در <مالک یوم الدین> ملک حقیقی است؛ یعنی، وابستگی وجودی که لازمه آن تسلط کامل و همه جانبه مالک بر مملوک است. قابل ذکر است که <یوم الدین> هم می تواند مفعول برای <مالک> باشد و هم می تواند ظرف برای آن گرفته شود

و در صورت دوم مفعول، کلمه ای همانند <الامور> خواهد بود؛ یعنی: مالک الامور فی یوم الدین. به هر تقدیر برداشت فوق از آن استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۱۴

۱۴ دانایی خداوند به غیب و شهود عالم، پشتوانه حشر تمامی انسانها و ظهور مالکیت و حاکمیت انحصاری خداوند در قیامت است.

إلیه تحشرون ... یوم ینفخ فی الصور علم الغیب و الشهده

با توجه به اینکه در آخرین جمله آیه قبل سخن از حشر آدمیان بود و در این آیه از نفخ صور و برپایی قیامت یاد شده و سپس جمله <عالم الغیب و الشهاده> آمده، گویا این جمله پاسخی است به کسانی که چگونگی حشر آدمیان را، با وجود متلاشی شدن اجساد و از بین رفتن آثار، امری ناممکن می دانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۵ - ۲

۲ روز قیامت ، روز بروز و ظهور حاکمیت مطلق خداوند بر بندگان

یوم یأت لاتکلم نفس إلا یاذنه

از آن جا که در دنیا هیچ فعل و انفعالی صادر نمی شود مگر اینکه اذن خدا را همراه دارد ، می توان گفت مقصود از <لا-تکلم نفس إلا- یاذنه> این است که: در آخرت این حقیقت برای همگان مکشوف می شود و انسانها آن را لمس خواهند کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۵ - ۵

۵- فرمان روایی حاکمیت مطلق در قیامت ، در انحصار خداوند است .

ءاتیه یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۸ - ۴

۴ - ظهور حاکمیت مطلق خداوند ، در قیامت

یومئذ یتبعون الداعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۹ - ۵

۵ - خداوند ، حاکم مطلق و بی چون و چرای روز قیامت

إلّا من أذن له الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۶ - ۱

۱ - فرمان روایی مطلق و بی همتا در روز قیامت ، مخصوص خداوند است .

الملک یومئذ لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۶ - ۲

۲ قیامت ، عرصه ظهور حاکمیت پایدار خدای رحمان

الملک یومئذ الحقّ للرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۰ - ۸

۸ - تنها خداوند فرمانروای مطلق هستی در عرصه دنیا و آخرت است .

له الحمد فی الأولى و الآخره و له الحکم

با توجه به جمله پیش، می توان گفت که مراد <له الحمد فى الاولى و الآخره> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۲ - ۲

۲ - تصمیم گیر و فرمان روای قیامت ، خداوند است .

فاليوم لا يملك بعضكم لبعض نفعا ولا ضرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۸ - ۵

۵ - قیامت ، روز داوری و حاکمیت مطلق خداوند در میان بندگان

إِنَّ اللَّهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۸ -

۳ - ظهور حاکمیت و قدرت یگانه خداوند برای آدمیان در قیامت

و لله ملك السموت و الأرض .. و تری کلّ أمة جائیه ... الیوم تجزون

با توجه به آیه قبل که سخن از مالکیت و حاکمیت مطلق خدا به میان آورد به زانو نشستن امت ها در قیامت که در این آیه مطرح شده می تواند نشانگر ظهور قدرت و حاکمیت خداوند در آن روز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۸ - ۴

۴ - قیامت ، روز ظهور حاکمیت مطلقه خداوند و بروز ناتوانی غیر او

لیس لها من دون الله کاشفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۲ - ۲

۲ - انسان ها در قیامت ، خود را به طور کامل ، مقهور ربوبیت و تدبیر خداوند خواهند دید .

و جاء ربّک

اضافه <ربّ> به ضمیر خطاب - که به مخاطب خاصی نظر ندارد بیانگر آن است که آنچه برای همگان مشهود خواهد شد، جلوه های ربوبیت خداوند در هر شخص است.

حاکمیت اخروی قانون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۲ - ۳

۳ - قیامت ، روز حاکمیت قانون و جزای اعمال

أیّان یوم الدّین

<دین> به معنای جزا و <یوم الدّین> به معنای روز جزا است.

حاکمیت اراده خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲ - ۸

۸ اراده و قضای الهی حاکم بر پیدایش و مرگ آدمی

هو الذی خلقکم .. ثم قضی أجلا

و أجل مسمى عنده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۴ - ۱۲

۱۲ غلبه اراده خداوند ، بر خواست آدمیان

يحذر المنفقون .. إن الله مخرج ما تحذرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۷

۷ همه موجودات ، مقهور اراده و خواست خداوندند .

لا عاصم اليوم من أمر الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۲ - ۷

۷ رفتار و کردار انسانها ، خارج از اراده و مشیت خداوند نیست .

إن ربی بما تعملون محیط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۷،۱۲

۷ حاکمیت اراده الهی بر جریان تاریخ و حوادث آن

و كذلك مکنا لیوسف فی الأرض

۱۲ حاکمیت مشیت خدا و نفوذ اراده او

نصیب برحمتنا من نشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ حاکمیت اراده خداوند بر اسباب و علل ، از تعالیم خداوند به یعقوب (ع)

ادخلوا من أبواب متفرقة و ما أغنى عنكم من الله من شيء . . . و إنه لذو علم لما علم

۲۱ بیشتر مردم به اسباب و علل چشم می دوزند و از حاکمیت اراده خدا و لزوم توکل بر او ، ناآگاهند .

و لكن أكثر الناس لا يعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۸ - ۳

۳- عوامل طبیعت ، در کنترل اراده و مشیت الهی است .

من كان يريد العاجله عجلنا له فيها

دنیاطلبان، خواسته های خود را از طریق عوامل طبیعی به دست می آورند و خداوند تقدیر امکانات دنیوی را برای آنان به خود اسناد داده است. چنین اسنادی گویای آن است که عوامل طبیعت تحت کنترل خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۱۲

۱۲- غیر خدا ، ناتوان از مقابله با قدرت و اراده او

ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ عَلَيْنَا بِهِ تَبِيعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۵ - ۱۰

۱۰- هیچ گونه قدرتی در مقابل اراده الهی ، وجود ندارد .

ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۳ - ۱۱

۱۱- اراده خداوند ، حاکم بر اراده فرعونیان و جباران تاریخ است .

فَأَرَادَ أَنْ يَنْفِرَ مِنْهُمْ مِنَ الْأَرْضِ فَأَغْرَقْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ جَمِيعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۱ - ۶

۶- اراده الهی ، حاکم بر روابط و عوامل طبیعی و مادی حیات است .

فَضْرَبْنَا عَلَىٰ آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۷ - ۱۶

۱۶- هیچ قدرت و اراده ای در مقابل اراده الهی ، مؤثر و کارساز نیست .

من یهد الله .. و من یضلل فلن تجد له ولیاً مرشداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۸ - ۳۰

۳۰- قلب آدمی و توجهات و غفلت های آن ، در اختیار خداوند و مقهور اراده

او است .

و لاتطع من أغفلنا قلبه عن ذكرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۱ - ۲

۲- مظاهر طبیعت ، مقهور اراده خداوند است .

فتصبح صعيداً زلقاً . أو يصبح ماؤها غوراً

تبدیل شدن باغ و کشت زار به زمینی بی حاصل و یا فرورفتن آب آن به واسطه نزول عذاب الهی، نشان دهنده این حقیقت است که اسباب و علل طبیعی، جملگی مقهور اراده حق اند و از خود، استقلالی ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۵ - ۵

۵- عوامل و اسباب طبیعی ، تحت اراده خدا است .

كماء أنزلنه من السماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۹ - ۱۱

۱۱- تحولات تاریخ و زوال تمدن ها و جوامع ، مقهور اراده الهی است .

القرى أهلکنهم .. و جعلنا لمهلكهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۹۸ - ۱۳

۱۳- محکم ترین دژ های ساخته بشر ، در برابر اراده و قدرت الهی ، ناپایدارند .

فإذا جاء وعد ربّي جعله دكاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵ - ۱۳

۱۳- اراده الهی ، در بینش موحدان راستین ، بر عوامل طبیعی ، حاکم است .

و كانت امرأتی عاقراً فهب لی من لدنک ولیاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹ - ۱۲

۱۲- تفکر در چگونگی آفرینش انسان زداینده هرگونه تردید در حاکمیت اراده و قدرت

خدا بر اسباب و علل طبیعت

هو علیٰ هین و قد خلقتک من قبل و لم تک شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۰ - ۱۳

۱۳- اراده الهی ، حاکم بر عوامل طبیعت است .

قال رب اجعل .. ءایتک ألا تکلم الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۱ - ۵

۵- علل و اسباب عادی و مجاری طبیعی امور ، محدودکننده اراده و قدرت خداوند نیست .

قال ربک هو علیٰ هین

مشکلی که برای تولد فرزندی بدون پدر متصور است، از ناحیه فقدان برخی اسباب طبیعی است، ولی خداوند حرکت بر خلاف این مسیر مأنوس را امری ساده و آسان می شمارد. پیام این قضیه همان حاکمیت خداوند بر علل و اسباب طبیعی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۷ - ۹

۹ - طبیعت ، مقهور اراده خداوند و معجزی فرمان او است .

فاضرب لهم طریقاً فی البحر یبسا

<ضرب> در <اضرب لهم> به معنای ساختن و قراردادن است. فرمان ایجاد راهی خشک در دریا، فرمان به اعجاز است و از مقهور بودن دریا در برابر اراده خداوند، حکایت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۸ - ۷

۷ - طبیعت ، مقهور اراده خداوند و معجزی فرمان های او است .

طريقاً في البحر يبساً .. فغشيهم من اليمّ ما غشيهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۴ - ۱۳

۱۳ - حاکمیت اراده خداوند

بر تحولات تاریخ و سرنوشت امت ها

و لو أَنَا أَهْلَكْنَهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۹ - ۸

۸- عناصر و قدرت های غیر الهی و مورد اتکای کافران ، فاقد هر گونه کارآیی در برابر اراده خداوند

لو يعلم الذین کفروا... و لا هم ینصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۲ - ۲

۲- عجز و ناتوانی همه موجودات ، در برابر اراده الهی

قل من یکلؤکم... من الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۹ - ۲

۲- خاصیت و لوازم طبیعی اشیا و فعل و انفعالات آنها ، در قلمرو اراده خداوند و قابل تغییر به قدرت او است .

قلنا ینار کونی بردًا و سلماً علی إبرهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۸ - ۸

۸ - نظام جاری طبیعت ، مقهور اراده خدا و قابل تغییر به مشیت او

و أنزلنا من السماء ماء... و إِنَّا علی ذهاب به لقدرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۱ - ۳

۳ - حاکمیت اراده خدا ، در شکل گیری و نیز نابودی جوامع بشری

ثم أنشأنا من بعدهم قرناً اخرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۲ - ۴

۴ - تحولات تاریخ ، تحت حاکمیت اراده خداوند

فجعلنهم غثاء .. ثم أنشأنا من بعدهم قرناً اخرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۴ - ۸

۸ - حاکمیت اراده الهی بر تحولات تاریخ

ثم أرسلنا رسلنا .. فأتبعنا بعضهم بعضاً وجعلناهم أحاديث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۹ - ۱

۱ - حاکمیت اراده خداوند بر تحولات تاریخ

فأخرجهم من .. كذلك و أورثناها بني إسرائيل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۹ - ۴

۴ - تذکر ابراهیم (ع) به قوم خویش ، مبنی بر حاکمیت اراده خدا بر معاش و زندگی انسان و نفی هرگونه نقش برای بت ها

فإنهم عدوٌ لى إلا رب العلمين .. و الذى هو يطعمنى و يسقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۰ - ۲

۲ - اراده خدا ، حاکم بر تحولات تاریخ

ثم أغرقنا بعد الباقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۹ - ۴

۴ - اراده خدا ، حاکم بر تحولات تاریخ

فكذبوه فأهلكهم إن فى ذلك لآیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۲ - ۳

۳ - اراده الهی ، حاکم بر تحولات تاریخ

ثمّ دمرنا الآخرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۳ - ۲

۲ - جریان امور طبیعت ، در حیطة قدرت خدا و قابل تغییر و تحوّل به اراده او

ثمّ دمرنا الآخرين . و أمطرنا عليهم مطرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ -

۷- اراده الهی حاکم بر تحولات تاریخ

فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذَابُ يَوْمِ الظَّلَّةِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹ - ۵

۵- طبیعت و جلوه های هستی ، مقهور اراده خدا و هر پدیده آن در راستای مصلحت و هدفی حکیمانه

نودی أن بورك من في النار.. يموسى إنه أنا الله العزيز الحكيم

از ارتباط آیه مورد بحث با آیه قبل، می توان استفاده کرد که سخن گفتن خدای قاهر نشان دادن آیات خویش در آتشی چون آتش طور، برای او کاری است آسان و در راستای مصلحت و هدفی حکیمانه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۱ - ۸

۸- اراده خدا حاکم بر تحولات تاریخ

أنا دمرنهم و قومهم أجمعين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵ - ۱

۱ - حاکمیت اراده خداوند بر تحولات تاریخ

و نريد أن نمنّ على الذين استضعفوا في الأرض.. و نجعلهم الورثين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۳،۶

۳- غلبه اراده الهی بر خواست و تصمیم فرعون در نابود کردن موسی (ع)

يَذْبِحُ أَبْنَاءَهُمْ . . . فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ

موسی(ع) زمانی به دنیا آمد که فرعون به بهانه از بین بردن او، هر کودک پسر بنی اسرائیلی را سر می برید اما خداوند حوادث را طوری ترتیب داد که شخص فرعون به حمایت از موسی(ع) برخیزد و او را تحت سرپرستی خود قرار دهد.

۶ - قدرت خداوند ، بر جهت دادن حوادث

به سمت تحقق اراده خود

أوحينا إلى أمّ موسى . . . و حرّمنا عليه المراضع... فرددنه إلى أمّه

چنان که گفته شد فرعون به بهانه نابود کردن موسی (ع)، فرزندان بنی اسرائیل را سر می برید و ولی خداوند حوادث را به گونه ای تنظیم کرد که موسی (ع) تحت حمایت خود فرعون قرار گیرد و در کاخ او رشد کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۰ - ۴

۴ - تحولات تاریخ ، تحت حاکمیت اراده خداوند

فأخذنه و جنوده فنبذنهم فی الیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۸ - ۲

۲ - اراده خدا ، حاکم بر تحولات تاریخ

و کم أهلکنا من قریه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۱ - ۴

۴ - نظام آفرینش ، تحت اراده و تدبیر خدای یگانه است .

قل أریتم . . . من إله غیر الله یأتیکم بضیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۲ - ۴

۴ - نظام آفرینش ، تحت حاکمیت اراده خدای یگانه است .

قل أریتم . . . من إله غیر الله یأتیکم بلیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۸ - ۸

۸ - حاکمیت اراده خداوند بر تحولات تاریخ

أولم يعلم أنّ الله قد أهلك من قبله من القرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۸

۸ - حاکمیت اراده خدا در زندگی روزمره مردم

الله يبسط الرزق لمن يشاء من عباده و

يقدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴ - ۴

۴ - پیروزی رومیان شکست خورده ، پس از زمانی کوتاه ، جلوه ای از حاکمیت اراده خداوند بر تمامی رخداد های تاریخ است .

غلبت الروم . . . لله الأمر

بیان اختصاص همه امور به خداوند، پس از ذکر پیشگویی پیروزی رومیان، نوعی تعلیل برای پیروزی غیر مترقبه آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۹ - ۳

۳ - بالاترین اقتدار مادی ، در برابر اراده خداوند ، هیچ توانایی و کاربردی ندارد .

الذین من قبلهم كانوا أشد منهم قوه و أثاروا الأرض . . . فما كان الله ليظلمهم و ل

جمله <فما كان الله ليظلمهم> دلالت می کند که نابودی اقوام گذشته، به دست خداوند بوده است. توصیف آن جوامع، به برتری نظامی و اقتصادی بر قریش، برای بیان این حقیقت است که تجهیزات مادی انسان ها، هر چند پیشرفته باشد، در برابر خواست خداوند، کارایی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۲ - ۳

۳ - اراده خدا ، حاکم بر تحولات تاریخ

فانظر كيف كان عقبه المنذرین . . . و لقد نادينا نوح ... ثم أغرقنا الآخرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۸ - ۵

۵ - اراده خدا ، حاکم بر عوامل طبیعی

فأرادوا به كيِّدًا فجعلنهم الأسفلين

برداشت یاد شده از آن جا است که مشرکان از همه عوامل طبیعی، برای نابودی ابراهیم(ع) بهره گرفتند؛ ولی خداوند همه آن عوامل، از جمله آتش را

از تأثیر انداخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۷ - ۹

۹ - شیاطین ، مقهور اراده خداوند هستند .

فسخرنا له . . . و الشیطان کلّ بناء و غواص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۵ - ۹

۹ - جهان هستی ، مغلوب اراده خداوند است .

القهار

مقصود از <القهار> قهاریت و چیره بودن خداوند بر جهان هستی است؛ چنان که در آیه بعد از ربوبیت الهی بر جهان سخن به میان آمده است (ربّ السماوات و الأرض و ما بینهما. ..).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۸ - ۵،۶

۵ - معبود های مورد پرستش مشرکان ، خود مقهور اراده خدا و ناتوان در برابر قدرت او هستند .

قل أفرئتم ما تدعون من دون الله إن أرادنی الله . . . برحمه هل هنّ ممسکت رحمته

۶ - ناتوانی معبود های ادعایی مشرکان ، از رساندن سود به انسان ها و یا دفع گزند از آنان و نیز مقهور بودنشان در برابر اراده و قدرت خداوند ، با اندک تأمل و دقت نظر روشن می شود .

قل أفرئتم ما تدعون من دون الله إن أرادنی الله . . . برحمه هل هنّ ممسکت رحمته

طرح مسأله ناتوانی معبودها در قالب استفهام و سؤال، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۱ - ۱۰

۱۰ - انسان ها ، مقهور اراده و قدرت خدا هستند .

و ما هم بمعجزین

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۱ - ۴،۶

۴ - آسمان و زمین فرمانبر اراده الهی ، از سر میل و رغبت

قالتا أتینا طائعين

۶ - خضوع و کرنش نظام تکوین و قوانین هستی ، در برابر اراده و فرمان خداوند

فقال لها .. ائتيا ... قالتا أتینا طائعين

بنابر این که گفتوگوی یاد شده در این آیه بیان حال و کنایه از تسلیم محض شدن آسمان ها و زمین و قوانین حاکم بر عالم در برابر اراده خدا باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۶ - ۵

۵ - تمامی موجودات هستی ، حتی شیاطین ، مسخر خدا و محکوم اراده اویند .

و من یعش عن ذکر الرحمن نقیض له شیطاناً

از این که خداوند، تسلط شیطان را بر غافلان از یاد خودش، به خود نسبت داده (نقیض)، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۷ - ۳

۳ - حاکمیت اراده خداوند بر مرگ و حیات انسان ، نمودی از حاکمیت مطلق او بر هستی

قل الله یحییکم ثم یمیتکم ثم یرجمکم . . . و لله ملک السموت و الأرض

با توجه به ارتباط دو آیه، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۸ - ۶

۶- قدرت و اراده الهی ، مطلق و بدون معارض

فلا تملكون لی من اللّٰه شیئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۲ - ۵

اراده، قدرت و ولایت الهی، یگانه و بدون معارض

و من لایجب داعی الله .. و لیس له من دونه أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱ - ۴

۴ اراده الهی، حاکم بر تلاش ها و حرکت های بشر

و صدوا .. أضلّ أعملهم

از نسبت یافتن <أضلّ> به خداوند، استفاده می شود که بشر چنانچه در صدد توطئه علیه برنامه های الهی بر آید، خداوند با اراده غالب خویش آن برنامه ها را بر هم زده و بی ثمر خواهد ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲ - ۲۱

۲۱- اراده الهی، حاکم بر تحولات تاریخ و نصرت دهنده مؤمنان در برابر هجوم کفر

الذین کفروا .. أضلّ أعملهم . و الذین ءامنوا ... و أصلح بالهم

با توجه به شأن نزول آیه که در کوران مشکلات مسلمانان نازل شده و بدانان نوید پیروزی داده است مطلب بالا استفاده می شود. در این صورت <بال> به معنای شئون مادی و معنوی زندگی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۰ - ۷

۷- اراده الهی، حاکم بر تحولات تاریخ بشر

دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِم

بی شک نابودی کامل یک نسل در نتیجه کفر و عصیان، تحولی عمده در تاریخ بشر به حساب می آید و خداوند این دگرگونی عظیم را به خود نسبت داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- حاکمیت اراده الهی بر تحولات تاریخ

و کائنات

من قریه .. . أهلکنهم فلاناصر لهم

از این که خداوند، هلاکت و فروپاشی جوامع کفرپیشه را به خود نسبت داده است، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۱۱

۱۱- اراده و تدبیر الهی ، حاکم بر تأثیرها و تأثرهای طبیعی روح و اندیشه بشر *

فأصمهم و أعمى أبصرهم

انسان بیمار دل، در نتیجه عملکرد نادرست خویش، مورد لعن الهی قرار می گیرد و از دریافت حقایق معنوی و انسانی کر و کور می شود. این روند، به ظاهر طبیعی می نماید و در مقوله دانش روان شناسی قابل تحلیل است. با این حال خداوند کر و کوری آنان را به خود نسبت می دهد و این نیست مگر به خاطر این که تأثیرها و تأثرهای طبیعی نیز، به جعل و اراده اویند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۸ - ۱۶

۱۶ اراده الهی ، حاکم بر تحولات تاریخی و اجتماعی بشر

و إن تتولوا يستبدل قوماً غیر کم

استناد فعل <یستبدل> به خداوند، بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۰ - ۶

۶- قدرت و اراده خداوند ، برتر از همه قدرت ها است .

ید الله فوق أیدیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۱۱

۱۱- اراده الهی ، حاکم بر سرنوشت و مقدرات انسان

قل فمن يملك .. إن أراد بكم ضرًّا أو أراد بكم نفعًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه

- فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۱ - ۶

۶ اراده الهی ، حاکم بر نزول باران و رویش زندگی در سرزمین های مرده

و نَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ . . . و أَحْيَيْنَا بِهِ بَلَدَهُ مَيِّتًا

انتساب فعل <نَزَّلْنَا> و <أَحْيَيْنَا> به خداوند و عوامل تحت فرمان او، تأکیدی بر حاکمیت اراده او بر هستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۹

۹ - اراده الهی ، حاکم بر تحولات تاریخ

و كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ . . . هَلْ مِنْ مَّحِيصٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۰ - ۳

۳ - قوانین مادی عالم طبیعت ، مقهور اراده خداوند

و بَشَّرُوهُ بِغُلْمٍ . . . و قَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ . قَالُوا كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ

تعبیر <كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ>، می رساند که عوامل طبیعی مانع اراده الهی نیست؛ بلکه اراده او نافذ بر هستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۳ - ۴

۴ - عوامل طبیعت ، مقهور اراده الهی است .

لنرسل عليهم حجارة من طين

با این که سنگ و خاک بر زمین نشسته و معمولاً آنچه از آسمان می بارد باران است و نه تکه های سنگ اما خداوند با این آیات فهمانده که برای او ریختن سنگ از آسمان، همانند ریختن قطره های باران، آسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۷ - ۸

۸ - اراده الهی ، حاکم بر تحولات تاریخ و جوامع بشری

و ترکنا فیها ءایه

خداوند، به اراده و قدرت

خویش جامعه مفسد لوط را آن چنان از صفحه زمین محو گردانید که تنها نشانه ای از آن برجای ماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۳ - ۱

۱ - اراده الهی ، حاکم بر حالات شادی و غم انسان

و أَنَّهُ هُوَ أَضْحَكُ وَأَبْكِي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۴ - ۳

۳ - اراده الهی ، حاکم بر تحولات تاریخ

و أَنَّهُ أَهْلَكَ عَادًا الْأُولَى .. فغَشَّيْهَا مَا غَشَّى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۱ - ۴

۴ - عوامل طبیعی ، مسخر فرمان و اراده الهی

ففتحننا أبواب السماء بماء منهمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶ - ۳

۳ - سراسر هستی ، از اوج ستارگان تا درختان روئیده بر زمین ، مقهور اراده و قوانین الهی

و النجم و الشجر يسجدان

در صورتی که مراد از <النجم> ستارگان باشد نه گیاهان بی ساقه مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۶ - ۳

۳- مقهور بودن انسان در برابر اراده خداوند، مقتضی پرهیز از کفر و تکذیب

یرسل علیکما شواظ . . . فبأی ءالاء ربکما تکذبان

خداوند متعال در آیه قبل، قاهریت خویش را به خلق یادآوری کرده تا از تکذیب دست بردارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۲ - ۶

۶- اراده الهی، حاکم بر همه تحولات

فردی و اجتماعی در زندگی بشر

ما أصاب من مصيبة في الأرض... من قبل أن نبرأها

ضمیر <ها> در <نبرأها> به مصیبت بازمی گردد و <برء> (مصدر <نبرأ>) به معنای آفریدن و پدید آوردن است. نسبت دادن همه پدیده های فردی و اجتماعی به خداوند، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲ - ۱۵، ۲۲

۱۵ - قلب ها ، در اختیار خداوند و مقهور اراده او است .

و قذف في قلوبهم الرعب

۲۲ - غلبه اراده خدا بر استحکامات بنی نضیر ، درسی برای صاحبان فهم و بصیرت

مانعتهم حصونهم... فأتتهم الله من حيث لم يحتسبوا... فاعتبروا يا أولي الأبصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۸ - ۷

۷ - هر گونه تدبیر و تلاش در راستای مبارزه با اسلام و قرآن ، مغلوب اراده خداوند و محکوم به شکست است .

يريدون ليطفؤا... و الله متم نوره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۸ - ۴

۴ - فرجام فرعونیان و قوم ثمود ، نشانگر حاکمیت اراده خداوند و ناتوانی سپاه کفر از رویارویی با او است .

فَعَالٌ لَمَا يَرِيدُ... فرعون و ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۶ - ۲

۲ - دوزخیان در قیامت ، به حاکمیت اراده خداوند بر آتش جهنم ، به روشنی پی خواهند برد .

نار الله

استناد <نار> به <الله> ، بیانگر آن است که ، استناد آتش جهنم به خداوند ، بر کسی پوشیده

نخواهد ماند، گرچه درباره آتش های دنیا، این حقیقت مخفی مانده و استناد آن به اسباب و علل مادی، انسان را از آن غافل ساخته باشد.

حاکمیت اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۱۰

۱۰ شکست کافران عصر بعثت و حاکمیت دین اسلام بر سرزمین آنان ، نوید خداوند به پیامبر (ص)

و تمت کلمت ربک

هدف از مخاطب قرار دادن پیامبر (ربک) در بیان پیروزی مستضعفان بنی اسرائیل و نابودی مستکبران، مژده پیروزی اسلام و مسلمانان و نابودی کفر و کفرپیشگان مستکبر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۳ - ۷

۷ تاریخ بشریت ، در آینده ، شاهد شکست تمامی ادیان و پیروزی و حاکمیت دین اسلام خواهد بود .

هو الذی أرسل رسوله .. لیظهره علی الدین کله

خداوند در آیه فوق از پیروزی قطعی اسلام بر تمام ادیان جهان، خبر داده و پیشگویی کرد و چون چنین چیزی در دوران رسالت پیامبر اسلام (ص) اتفاق نیفتاد به دست می آید که این پیروزی مربوط به آینده تاریخ بشریت است.

حاکمیت اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۶ - ۱۰

۱۰ - حاکمیت دیرین خاندان فرعون و اشراف دربار او بر سرزمین مصر *

و کانوا قومًا عالین

جمله <کانوا قومًا عالین> می تواند بدین معنا باشد که: فرعون و اشراف حکومت او، بدان جهت که از دیر زمانی بر مصر

فرمان می رانندند و به آن خو گرفته بودند و پذیرش دعوت موسی، آنان را

ناچار به فرمان‌پذیری می‌کرد، از پذیرش آن خود داری می‌کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۷ - ۵

۵ - بنی اسرائیل ، دربند اسارت و بردگی فرعون و اشراف حکومت او

و قومهما لنا عبدون

حاکمیت الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۹ - ۱۰، ۴، ۳، ۱

۱ مالکیت آسمان‌ها و زمین (هستی) و حاکمیت بر آنها، در انحصار خداوند است.

و لله ما فی السموات و ما فی الارض

تقدیم <لله> بیانگر انحصار است.

۳ انحصار حاکمیت و مالکیت مطلق خداوند بر هستی، دلیل انحصار عفو و یا مجازات بندگان به وی

او یتوب علیهم او یعدّبهم .. و لله ما فی السموات و ما فی الارض یغفر لمن یشاء

جمله <و لله ما فی السموات>، بیان علت جمله‌های سابق است.

۴ انحصار مالکیت و حاکمیت مطلق خداوند بر هستی، دلیل عجز غیر خدا در تدبیر شؤون زندگی انسانها

لیس لك من الامر شیء .. و لله ما فی السموات و ما فی الارض

زیرا جمله <لیس لك ..> با جمله <و لله ما فی السموات> تعلیل شده است.

۱۰ مالکیت و حاکمیت خداوند بر سرنوشت مؤمنان و کافران (پیروزی یا شکست)

لیقطع طرفاً من الذین کفروا .. لیس لك من الامر شیء ... و لله ما فی السموات و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- آل عمران - ۳- ۱۴۵- ۶

۶ قوانین حاکم بر حیات و مرگ موجودات ،

برخاسته از اراده و حاکمیت خداوند

و ما كان لِنَفْسِ ان تَمُوتَ اِلَّا باِذْنِ اللّٰهِ كِتَابًا مُّؤَجَّلًا

چون عوامل و اسبابی برای مرگ و حیات در جریان است، و این آیه مرگ را به اذن الهی می داند، بنابراین به این نتیجه می رسیم که عوامل و اسباب مرگ و حیات، در تحت اراده الهی است و به اذن او عمل می کند.

حاکمیت اوامر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۵ - ۷

۷ - عوامل طبیعی ، تحت امر خدا و مجاری تحقق اراده او است .

ألم تر أنّ الله سَخَّرَ لَكُمْ ما فى الأرض . . . و يمسك السماء أن تقع على الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۱ - ۶

۶ - خضوع و کرنش نظام تکوین و قوانین هستی ، در برابر اراده و فرمان خداوند

فقال لها . . . ائتيا ... قالتا أتينا طائعين

بنابر این که گفتوگوی یاد شده در این آیه بیان حال و کنایه از تسلیم محض شدن آسمان ها و زمین و قوانین حاکم بر عالم در برابر اراده خدا باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۲ - ۸

۸ - زیبایی و آراستگی ، نمودی از حرکت طبیعی آسمان ها در جهت فرمان خدا *

قالتا أتينا طائعين . . . و زينا السماء الدنيا بمصبيح

به کار بردن واژه <زینا> به جای واژه های دیگر، نشانگر مطلب یاد شده است. گفتنی است ارتباط <زینا> با تعبیر <أتینا طائعين> می رساند که

زیبایی نتیجه حرکت و شکل گیری طبیعی همراه با رغبت و میل است.

حاکمیت بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۳ - ۶

۶ هیچ کس و هیچ چیز ، بر خداوند حاکمیتی ندارد .

فأنتا بما تعدنا .. قال إنما يأتيكم به الله إن شاء

حاکمیت بر زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۱۰

۱۰ حاکمیت بر زمین ، سرانجام از آن تقوایندگان است .

و العقبه للمتقين

<عاقبه> به معنای سرانجام است و <ال> در آن می تواند جانشین مضاف إليه باشد که به قرینه <إن الأرض لله يورثها ..>
< آن مضاف إليه <ارث الأرض> است. یعنی: عاقبه ارث الأرض للمتقين.

حاکمیت بر ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۹ - ۶

۶ حاکمیت یافتن ستمگران بر مردم ستم پیشه از سنتهای خداوند در جوامع انسانی است.

و كذلك نولي بعض الظالمين بعضا

حاکمیت بر عرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲- مرکز فرمانروایی جهان هستی را در اختیار داشتن (صاحب عرش بودن) ، لازمه غیر قابل انفکاک خداوندی

إِذَا لَابَتَّغُوا إِلَىٰ ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا

از اینکه خداوند می فرماید: >اگر خدایان دیگری وجود داشت، باید برای رسیدن به صاحب عرش، راه و وسیله ای پیدا کنند < نشان می دهد که خدایی، عرش لازم دارد و با آن تلازم تفکیک ناپذیری دارد.

حاکمیت بر قلب ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۴ حاکمیت الهی بر قلب ها و ایجاد الفت میان مؤمنان ، نمودی از عزت و حکمت الهی

و لكن الله ألف بينهم إنه عزيز حكيم

حاکمیت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ موسی (ع) در عین امیدواری به هلاکت فرعون و حاکمیت یافتن بنی اسرائیل ، نگران عدم ایجاد شرایط آن از سوی قوم خویش بوده است .

عسی ربکم أن یهلك عدوكم و یستخلفکم فی الأرض

کلمه <عسی> حکایت از آن دارد که موسی(ع) یقین به هلاکت فرعون و حاکمیت یافتن قومش نداشته است و شاید دغدغه خاطر او بدان جهت بود که وی اطمینان نداشت مردمش شرایطی را که برای پیروزی مطرح ساخته بود (استعینوا بالله ..) رعایت کنند.

۸ نابودی فرعونیان و به حاکمیت رسیدن بنی اسرائیل ، پرتوی از ربوبیت خداوند نسبت به آنان

عسی ربکم أن یهلك عدوكم و یستخلفکم فی الأرض

۱۲ آزمایش بنی اسرائیل ، از اهداف امداد های الهی برای حاکمیت بخشیدن به آنان پس از پیروزی بر دشمنانشان

و یستخلفکم فی الأرض فینظر کیف تعملون

۱۳ آزمایش بنی اسرائیل از سوی خدا پس از دستیابی آنان به حکومت و قدرت ، هشدار موسی (ع) به آنان

فینظر کیف تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ نوید های خداوند به قوم موسی با هلاکت فرعونیان و حاکمیت یافتن بنی اسرائیل به سرزمین آنان ، بی کم و کاست ، تحقق یافت

و تمت كلمت ربك الحسنی علی بنی اسرائیل

<کلمه> به معنای سخن است و مراد از آن به قرینه صدر آیه و نیز آیات ۱۲۸ و ۱۲۹ نوید هلاک سازی فرعونیان و جانشینی بنی اسرائیل از آنان است. <تمت> یعنی به طور کامل و تمام تحقق یافت.

۶ وعده هلاکت فرعونیان و حاکمیت یافتن بنی اسرائیل بر سرزمین آنان ، از وعده های نیکوی خداوند به قوم موسی

و تمت كلمت ربك الحسنی علی بنی اسرائیل

کلمه <الحسنی> (زیباتر) صفت برای <کلمت> است.

حاکمیت بنی اسرائیل بر مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۹ - ۴

۴ موسی (ع) ، قوم خویش را به هلاکت فرعونیان و حاکمیت بنی اسرائیل بر سرزمین مصر امیدوار ساخت .

عسی ربکم أن یهلك عدوكم و یتخلفکم فی الأرض

حاکمیت تدبیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۳ - ۷

۷ - تدبیر های الهی و قوانین اجتماعی ، دارای حاکمیت بی چون و چرا بر زندگی انسان

و لولا أن یكون الناس أمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۹ - ۴

۴ - حاکمیت تدبیر الهی ، بر روند ثبت اعمال آدمیان ، مانع راه یافتن کمترین باطل و کاستی در آن

کتبنا ینطق علیکم بالحقّ

اضافه شدن <کتاب> به ضمیر <نا> بیانگر علت اتصاف آن به <ینطق علیکم بالحقّ> است؛ یعنی، چون ما مطالب آن را ثبت کرده ایم، هرچه گوید حق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ -

۱۱- اراده و تدبیر الهی ، حاکم بر تأثیرها و تأثرهای طبیعی روح و اندیشه بشر *

فَأَصْمَمَهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَرَهُمْ

انسان بیماردل، در نتیجه عملکرد نادرست خویش، مورد لعن الهی قرار می گیرد و از دریافت حقایق معنوی و انسانی کر و کور می شود. این روند، به ظاهر طبیعی می نماید و در مقوله دانش روان شناسی قابل تحلیل است. با این حال خداوند کر و کوری آنان را به خود نسبت می دهد و این نیست مگر به خاطر این که تأثیرها و تأثرهای طبیعی نیز، به جعل و اراده اویند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۲ - ۲

۲ - انسان ها در قیامت ، خود را به طور کامل ، مقهور ربوبیت و تدبیر خداوند خواهند دید .

و جاء رَبُّكَ

اضافه <رَبِّ> به ضمیر خطاب - که به مخاطب خاصی نظر ندارد بیانگر آن است که آنچه برای همگان مشهود خواهد شد، جلوه های ربوبیت خداوند در هر شخص است.

حاکمیت توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۹ - ۸

۸- توحید و پرهیز از شرک ، باید حاکم بر مجموعه روابط فردی ، خانوادگی و اجتماعی باشد .

و لا تجعل مع الله إلهًا آخر

ذکر مجموعه تعالیم فردی، خانوادگی و اجتماعی در بین دو نهی از شرک، (آیه ۲۲ و این آیه) می تواند مشعر به حقیقت یاد شده باشد.

حاکمیت حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۳ - ۵

۵ تلاش برای تسلط

ناروا بر مردم، از محرّمات الهی است.

إنما حرم ربی . . . و البغی بغیر الحق

از معانی <بغی> سلطه جویی است؛ در این صورت <بغیر الحق> احترازی خواهد بود.

حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۴ - ۶

۶ - مالکیت خدا بر روز جزا و فرمانروایی او در آن روز، دلیل اختصاص ستایش ها به اوست .

الحمد لله .. ملک یوم الدین

<مالک یوم الدین> نیز مانند اوصاف گذشته به منزله دلیل برای <الحمد لله> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۲ - ۱۵

۱۵ حاکمیت خداوند بر اسباب و علل طبیعی

أنزل من السماء ماء فأخرج به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۹ - ۱۵

۱۵ - خداوند حاکم بر تاریخ و رخداد های آن

و إذ نجینکم . . . و فی ذلکم بلاء من ربکم عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۰ - ۶

۶ - خداوند، حاکم بر عوامل طبیعی است .

و إذ فرقنا بكم البحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۱۳، ۱۲

۱۲ - خداوند ، حاکم بر عوامل طبیعی است .

يُخْرِجُ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ

۱۳ - قوم موسی معتقد به ربوبیت و حاکمیت خداوند بر طبیعت

فَادِعَ لَنَا رَبِّكَ يُخْرِجُ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۵ - ۸

۸ - خداوند ، دارای حاکمیتی مطلق

و نافذ بر جهان آفرینش

فقلنا لهم كونوا قرده

در آیه شریفه نیامده است که تجاوزگران بنی اسرائیل به بوزینه تبدیل شدند. تصریح نکردن به عملی شدن فرمان (کونوا قرده) - علی رغم منظور بودن آن - اشاره به این حقیقت دارد که: فرمانهای الهی تخلف ناپذیر است و چیزی جلوگیر آن نیست؛ فرمان همان و شدن همان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۷ - ۱۰، ۱۰

۱ - سلطنت و حکومت بر آسمان ها و زمین (جهان هستی) تنها در اختیار خداوند است .

ألم تعلم أن الله له ملك السموت والأرض

تقدیم خبر (له) بر مبتدا (ملك السماوات ..) دلالت بر حصر دارد.

۱۰ - مالکیت و حاکمیت انحصاری خدا بر هستی ، مقتضی نبود هیچ سرپرست و یاوری برای بندگان جز او

له ملك السموت والأرض و ما لكم من دون الله من ولی و لانصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۶ - ۱۵

۱۵ - حاکمیت و فرمانروایی خدا بر جهان آفرینش

له ما فی السموت و الأرض کل له قنتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۴ - ۱۷

۱۷ - ابرها در میان آسمان و زمین مسخر خداوند و فرمانبردار او هستند .

و السحاب المسخر بین السماء و الأرض

<تسخیر> (مصدر سخر) به معنای واداشتن چیزی یا کسی به فرمانبرداری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۴ - ۱

۱ توجه به حاکمیت خداوند در حیات و مرگ ، برطرف

کننده ترس آدمی برای پیکار در راه او

الم تر الى الذين ... وقاتلوا في سبيل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۵ - ۱۰

۱۰ حاکمیت خداوند بر وسعت ها و محدودیت های امکانات مادی انسانها

و الله يقبض و يبسط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۷ - ۱۵

۱۵ حکومت از آن خداوند است و به هر کس بخواهد اعطا می کند .

و الله يؤتي ملكه من يشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۹ - ۲۸

۲۸ حاکمیت اذن الهی ، بر تحولات اجتماعی

کم من فئة قليلة غلبت فئة كثيرة باذن الله

پیروزی بر دشمنان و در نتیجه حاکمیت دین الهی، یک تحول اجتماعی است که تحت اراده و حاکمیت الهی (باذن الله) انجام می پذیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۳ - ۱۹

۱۹ حاکمیت اراده الهی بر افعال اختیاری انسان و تحولات اجتماعی تاریخی

و لو شاء الله ما اقتتل ... و لكن الله يفعل ما يريد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۵ - ۹

۹ حاکمیت و مالکیت مطلق خداوند، بر آنچه در آسمان ها و زمین است. (عالم هستی)

له ما فی السَّموات و ما فی الارض

لازمه ملکیت بر هر چیز، حاکمیت نسبت به آن است؛ بلکه ملکیت، مساوق با حاکمیت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- بقره - ۲ - ۲۵۸ - ۱۶

۱۶ حاکمیت بر نظام هستی و تدبیر جهان ، شأن الوهیت خداوند

فانّ الله يأتي بالشمس من المشرق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۰ - ۲۴

۲۴ حاکمیت و تسلط خداوند بر عالم مرگ و حیات ، دانایی او به کیفیت ترکیب اجزای مردگان و زنده کردن آنان

و اعلم انّ الله عزيز حكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۱ - ۱۳

۱۳ حاکمیت اراده الهی بر روند تاریخ

انّ الذين كفروا .. فاخذهم الله بذنوبهم

حاکمیت خداوند از <فاخذهم الله>، و تاریخ از <ال فرعون و الذين من قبلهم> که سیر تاریخ را نشان می دهد استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۰ - ۱۶

۱۶ کافران نیز همچون مؤمنان ، تحت حاکمیت و نظارت خدا هستند .

و الله بصير بالعباد

از کاربرد کلمه عبد بر کافران، حاکمیت استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۶ - ۴،۷

۴ مقتضای الوهیت حق ، مالکیت و سیطره مطلق او بر هستی است .

قل اللهم مالك الملك

۷ حاکمیت الهی بر تحولات سیاسی و اجتماعی جوامع بشری

تؤتی الملك من تشاء .. و تعزّ من تشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۷ - ۱۳

۱۳ حاکمیت مشیت خداوند بر علل و عوامل طبیعی

كذلك الله يخلق ما يشاء

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۹ - ۱۱

۱۱ اذن خداوند ، حاکم بر نظام حیات

اِنِّیْ اَخْلَقْتُ .. باذن الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۵ - ۱۸

۱۸ خداوند ، مرجع و حاکم حلّ اختلافات یهود و نصارا در قیامت

ثُمَّ اِلَیَّ مَرْجِعُكُمْ فَاحْکُم بَیْنَكُمْ فِیْمَا کُنْتُمْ فِیْهِ تَخْتَلَفُوْنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۴ - ۱۳، ۲، ۱

۱ نفی پرستش غیر خدا ، نفی شرک و عدم پذیرش حاکمیت غیر خداوند ، وجه اشتراک ادیان الهی

یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و لا نشرک ب

۲ دعوت پیامبر (ص) از اهل کتاب به توحید در عبادت ، نفی شرک و عدم پذیرش حاکمیت غیر خداوند

یا اهل الکتاب تعالوا .. و لا یتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله

۳ توحید عبادی ، نفی شرک و ردّ حاکمیت غیر خداوند ، گفتاری عادلانه و منصفانه

تعالوا الی کلمه سواء بیننا .. و لا یتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله

<سواء> ، به معنی <عدل> است.

۱۳ بندگی خدا ، نفی شرک و طرد حاکمیت غیر خداوند ، از ویژگی های مسلمانان

فقولوا شهدوا بانا مسلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۳ - ۱۰

۱۰ حاکمیت قوانین الهی بر نظام هستی

و له اسلم من فی السّموات و الارض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران

۸ حالات روحی و روانی آدمی ، قانونمند و برخاسته از حاکمیت اراده الهی است .

سنلقى فى قلوب الذين كفروا الرعب بما اشركوا

از آنجا که رعب معلول شرک شمرده شده (بما اشركوا)، معلوم می شود رعب که یک حالت روحی است، تابع قانون و علت خویش است و از سویی چون خداوند القای رعب را به خود نسبت داده (سنلقى)، معلوم می شود که این قانون و علت تحت اراده الهی عمل می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۶

۶ جریان و فرجام حوادث ، در قلمرو حاکمیت خداوند

اذ تحسبونهم باذنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۱۹

۱۹ پندار حاکمیت غیر خداوند (شرک افعالی) در تدبیر امور هستی ، پنداری جاهلانه و باطل

يظنون بالله غير الحق ظن الجاهلته .. قل ان الامر كله لله

<إِنَّ الْأَمْرَ... > می رساند که گمان جاهلی، اعتقاد به تأثیر مستقل غیر خداوند در امور هستی است. و این خود نوعی از شرک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۰ - ۴

۴ آفرینش آسمان ها و زمین و گردش شب و روز ، دربردارنده نشانه های فراوان بر یکتایی خدا در مالکیت و فرمانروایی بر هستی

و لله ملك السموات .. ان في خلق السموات ... لآيات

جمله <اِنَّ فِى . . . >، مى تواند بيانگر دليلی برای یکتایی خداوند در فرمانروایی و مالکیت باشد

که در آیه قبل (و لله ملك السموات ...) مطرح شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۷ - ۵

۵ خداوند یگانه ، تنها حاکم در عرصه قیامت

الله لا اله الا هو ليجمعنكم الى يوم القيمة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱ - ۱۷

۱۷ حاکمیت مطلق الهی

إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ

چون <یحکم> متعدی استعمال شده، معنای <يفعل> در آن تضمین شده است. بنابراین مراد از <ما>، معنایی گسترده تر از حکم شرعی خواهد بود. یعنی خداوند هر کاری را که اراده کند، انجام می دهد که از جمله آنها حکم به حرمت اشیا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۷ - ۲۵، ۲۷، ۱۹، ۱۶

۱۶ سلطنت و مالکیت مطلق خداوند بر آسمان ها ، زمین و آنچه میان آن دو است . (تمام هستی)

و لله ملك السموت و الأرض و ما بينهما

تقدیم <الله> دلالت بر حصر دارد. یعنی تنها او مالک آسمانها و ... است. لذا از این معنا به مالکیت مطلق تعبیر شده است.

۱۹ مالکیت و سلطنت خداوند نسبت به مسیح (ع) و مادرش ، دلیل بطلان ادعای الوهیت برای مسیح (ع)

قالوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ .. و لله ملك السموت و الارض

۲۵ نفوذ و حاکمیت مشیت الهی بر هستی

يخلق ما يشاء

۲۷ مالکیت و سلطنت مطلق خداوند بر هستی ، دلیل توانایی او بر هر نوع آفرینش (مانند آفرینش انسان بدون واسطه

لله ملك السموت و الارض و ما بينهما يخلق ما يشاء

بنابر اینکه <يخلق ما يشاء>، نتیجه ای باشد برای <لله ملك السموت و الارض>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۸ - ۱۹

۱۹ یهود و نصارا، همچون سایر مردمان، مملوک و تحت حاکمیت خدا هستند، نه فرزند وی و نه برخوردار از محبتی ویژه در پیشگاه او.

و قالت اليهود و النصرى نحن ابنوا الله .. و لله ملك السموت و الارض

در برداشت فوق، جمله <لله ملك السموت ..> دلیل رد پندار یهود و نصارا (نحن ابنوا الله و احبوه) گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۰ - ۱۶، ۶، ۳، ۲

۲ پیامبر (ص) ، دانا به حاکمیت مطلق و اراده بی چون و چرای خداوند

الم تعلم إنّ الله له ملك السموت و الارض

۳ وضع قوانین و مقررات و جعل کیفر برای متخلفان، از شؤن خداوند و برخاسته از حاکمیت وی بر جهان هستی

فاقطعوا ایدیها جزاء بما کسبا .. الم تعلم إنّ الله له ملك السموت و الارض

آیه مورد بحث، ناظر به مطالبی است که در آیه قبل بیان شد.

۶ حاکمیت و سلطه خداوند بر جهان هستی، دلیل وابستگی آمرزش و عذاب انسان ها به خواست و اراده اوست . *

له ملك السموت و الارض يعذب من يشاء و يغفر لمن يشاء

۱۶ قدرت خداوند، پشتوانه اعمال حاکمیت و جریان مشیت وی

الم تعلم إنّ الله له .. و الله على كل شیء قدير

<والله> تعلیل است برای سلطنت و نفوذ مشیت خداوند در جهان هستی. یعنی چون خداوند قدرت مطلق دارد، می تواند حاکمیت و مشیت خویش را بر جهان اعمال کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۳۱

۳۱ اراده همه موجودات ، حتی رسول خدا (ص) ، مقهور حاکمیت اراده الهی

و من یرد الله فتنته فلن تملك له من الله شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۵ - ۱،۶

۱ تنها خدا ، پیامبر (ص) و مؤمنان فروتن ، برپا دارنده نماز و پرداخت کننده زکات ، دارای حق ولایت و حکومت بر مؤمنان

انما ولیکم الله و رسوله و الذین ءامنوا الذین . . . و یؤتون الزکوه و هم رکعون

در برداشت فوق، رکوع به معنای لغوی آن (خضوع) گرفته شده است.

۶ ولایت و رهبری پیامبر (ص) و مؤمنان واجد شرایط ، در طول ولایت خدا و پرتویی از حاکمیت اوست .

انما ولیکم الله و رسوله و الذین ءامنوا

مفرد آوردن کلمه <ولی> علی رغم جمع بودن خبر آن ، رسای به این حقیقت است که ولایت رسول خدا(ص) و دیگر واجدان شرایط، در طول ولایت خدا و پرتویی از ولایت اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۰ - ۲۹

۲۹ اذن خداوند ، حاکم بر نظام هستی

و اذ تخلق من الطین کهیئه الطیر باذنی . . . و اذ کففت بنی اسرائیل عنک

تکرار کلمه <باذنی> و نیز اسناد نافرجامی توطئه های بنی

اسرائیل به خداوند، بیانگر برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲۰ - ۱،۲

۱ تنها خداوند ، مالک و فرمانروای آسمان ها ، زمین و هر آنچه در آنهاست .

لله ملك السموت و الارض و ما فيهن

۲ باور به حاکمیت انحصاری خداوند بر هستی از میان برنده احتمال شایستگی غیر خدا برای الوهیت

لله ملك السموت و الارض و ما فيهن

جمله <لله ملك .. > می تواند تعلیلی برای یکتایی خداوند، شایستگی و بایستگی او برای پرستش و بی همتایی وی در الوهیت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳ - ۱۲،۱۷

۱ تدبیر و حاکمیت مطلقه و یکسان خداوند بر آسمانها و زمین

و هو الله في السموت و في الأرض

اهل ادب گفته اند که در مانند آیه مورد بحث، <في السماوات .. > نمی تواند متعلق به <الله > باشد، مگر اینکه معنی فعلی در آن منظور گردد و معنی مناسب در این مورد، به قرینه آیات قبل و بعد، مسأله تدبیر و نظارت خداوند بر تمامی موجودات است (مجمع البيان).

۷ آگاهی خداوند بر سرّ و آشکار آدمی، برخاسته از حاکمیت کامل او بر سراسر هستی است.

و هو الله في السموت و في الأرض يعلم سرکم و جهرکم

۱۲ عن أبي جعفر (اظنه محمّد بن نعمان) قال: سألت ابا عبد الله (ع) عن قول الله عز و جل <و هو الله في السموات و في الأرض > قال: كذلك هو في كل مكان .. محیط بما خلق عملا و قدره و احاطه و سلطانا و

ملکاً ...

ابوجعفر (احتمالاً همان محمد بن نعمان است) گوید: از امام صادق (ع) درباره این جمله از آیه <و هو الله...> سؤال کردم، امام فرمود: یعنی او به تمامی مخلوقات خویش از نظر علم، قدرت، سلطه و حاکمیت احاطه دارد ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۱۶

۱۶ حاکمیت مطلقه الهی بر جهان هستی

قل لمن ما فی السموت و الأرض قل لله .. لیجمعنکم إلى یوم القیمه لا ریب فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳ - ۱

۱ مالکیت و حاکمیت مطلقه الهی بر هر موجود مستقر در شب و روز

و له ما سکن فی الیل و النهار

<سکن>، از ماده <سکنی> (به معنی مسکن گزید): و <ما سکن...>، شامل هر موجودی است که در ظرف شب و روز قرار گرفته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۱۷، ۱۰

۱۰ روز دمیده شدن در صور، مالکیت مطلق و حاکمیت انحصاری خداوند، ظهور خواهد یافت.

و له الملک یوم ینفخ فی الصور

<له الملک> بیانگر انحصار ملک در روز نفخ صور برای خداوند است. و چون این مالکیت اکنون نیز وجود دارد، بنابراین مفاد حصر، ظهور این مالکیت در آن روز به گونه ای که جای هیچ انکار برای کسی نماند، است.

۱۷ خداوند حاکم و قضاوت کننده ای است که از حوادث و اعمال آگاهی دقیق دارد.

علم الغیب و الشهده و هو الحکیم الخبیر

از معانی ذکر شده برای <حکیم>،

حاکم و قاضی است. (لسان العرب به نقل از ابن اثیر).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۶ - ۴

۴ خورشید و ماه تحت حاکمیت همه جانبه و دقیق نظم و حساب و برنامه قرار دارند.

و الشمس و القمر حسابانا

برداشت فوق بر این میناست که جمله <جعل .. الشمس و القمر حسابانا> از باب مبالغه باشد، مانند <زید عدل> یعنی خورشید و ماه عین حساب و برنامه هستند. این بیان گویای آن است که هیچ ذره ای از ذرات و حرکتی از حرکات و ... از حساب خارج نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۴ - ۶

۶ خداوند سزاوارترین حاکم و داور در مورد ضرورت و یا عدم ضرورت نزول معجزات و دیگر شرایط و زمینه های آن است.

إنما الآيت عند الله و ما يشعركم أنها إذا جاءت لا يؤمنون .. أفغير الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۴ - ۵،۱۲

۵ عرش ، مرکز استیلای الهی بر جهان آفرینش است .

إن ربكم الله .. استوی علی العرش

۱۲ تنها خداوند ، مالک همه آفریده ها و فرمانروای آنهاست .

ألا له الخلق و الأمر

در برداشت فوق کلمه <الخلق> به معنای اسم مفعول (مخلوق)، و <أمر> به معنای فرمان دادن گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۰ - ۶

٦ اراده خداوند حاکم بر طبیعت و عوامل آن

و لقد أخذنا آل فرعون بالسنين و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۸ - ۱۴، ۱۱، ۷، ۵، ۴

۴ فرمانروایی و حاکمیت بر آسمان ها و زمین در انحصار خداوند است .

الذی له ملک السموت و الأرض

۵ تشریح دین و ارسال پیامبران در راستای فرمانروایی خدا بر جهان هستی است .

إنی رسول الله إلیکم جمیعا الذی له ملک السموت و الأرض

۷ توجه به حاکمیت مطلق خدا بر هستی ، از میان برنده هر گونه تردید نسبت به رسالت جهان شمول پیامبر (ص)

إنی رسول الله إلیکم جمیعا الذی له ملک السموت و الأرض

بیان حاکمیت خدا بر هستی ، پس از طرح مسأله رسالت پیامبر و جهان شمول بودن آن ، در حقیقت استدلالی بر امکان آن رسالت است .

۱۱ باور به حاکمیت انحصاری خدا بر هستی ، زمینه ساز ایمان به نبود هیچ معبودی شایسته پرستش جز او

الذی له ملک السموت و الأرض لا إله إلا هو

۱۴ حاکمیت مطلق خداوند بر هستی ، دلیل اقتدار او بر زنده کردن موجودات و میراندن آنهاست .

الذی له ملک السموت و الأرض . . . یحی و یمیت

بیان حاکمیت انحصاری خدا بر هستی و سپس توصیف او به حیات بخشی و مرگ آفرینی می تواند اشاره به این معنا داشته باشد که چون امور هستی در اختیار اوست ، مرگ و حیات موجودات نیز به دست او خواهد بود . بنابراین <له ملک ... > می تواند استدلال برای <یحی و یمیت > باشد .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۶ - ۵

۵ خداوند دارای حاکمیتی مطلق بر جهان

قلنا لهم كونوا قرده خستين

در آیه شریفه نیامده که متمردان بوزینه شدند، بلکه تنها فرمان به بوزینه شدن ذکر شده است. این معنا (تصریح نکردن به عملی شدن فرمان) اشاره به این حقیقت دارد که فرمانهای الهی تخلف ناپذیر است و چیزی جلوگیر آن نیست. فرمان همان و شدن همان، یعنی حاکمیت علی الاطلاق.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۵ - ۴،۷

۴ تأمل در وابستگی موجودات جهان به مالک هستی بخش ، راهنمای انسان به حاکمیت مطلق خدای یگانه بر هستی است .

أو لم ينظروا فی ملکوت السموت و الأرض و ما خلق اللّٰه من شیء

چون روی سخن با مشرکان است، معلوم می شود هدف از فراخوانی آنان به دقت در ملکوت آسمانها و زمین رهنمون شدن آنان به حاکمیت مطلق خداست.

۷ خداوند آفریدگار همه موجودات و دارای سلطه ای کامل بر آنهاست .

أو لم ينظروا فی ملکوت .. ما خلق اللّٰه من شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۸ - ۶

۶ خداوند و مشیت او حاکم بر امور انسان ها و تمامی هستی

قل لاأملك لنفسی نفعاً و لا ضراً إلا ما شاء اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۳ - ۱۴

۱۴ حاکمیت الهی بر قلب ها و ایجاد الفت میان مؤمنان ، نمودی از عزت و حکمت الهی

و لكن اللّٰه ألفت بینهم إنه عزیز حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲ - ۸

۸

همه جهان تحت سیطره و حاکمیت خداوند است .

فسيحوا فى الأرض . . . و اعلموا أنكم غير معجزى الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۶ - ۱

۱ خداوند ، تنها مالک و فرمانروای آسمان ها و زمین

إن الله له ملك السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۹ - ۱۱

۱۱ خداوند ، دارای قدرتی بی چون و چرا و حاکمیتی بی بدیل ، بر مجموعه هستی

هو رب العرش العظيم

لزوم اتکا داشتن بر خدا به دلیل ربوبیت او نشانگر این است که حکم و اراده اش، همواره بر کل هستی نافذ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳ - ۸،۱۰

۸ خدا ، فرمانروای آسمان ها و زمین است .

الذى خلق السموت . . ثم استوى على العرش

۱۰ سراسر گیتی در سیطره و اقتدار بی چون و چرای خداوند است .

الذى خلق السموت . . ثم استوى على العرش

<استواء> (مصدر استوی) به معنای استیلاست و <عرش> ؛ یعنی، تحت فرمانروایی. <استیلاى خداوند بر تخت حکومت>

کنایه از سیطره کامل و اقتدار مطلق او بر سراسر هستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ رازقیت ، حاکمیت ، حیات بخشی و تدبیر خداوند نسبت به کار جهان ، جلوه های روشنی از ربوبیت خدا بوده و اعتقاد به آن ، مستلزم ایمان به پروردگاری بی شریک است .

قل من یرزقکم من

السماء .. فذلکم اللہ ربکم

تفریع جمله <ذلکم اللہ ربکم> با <فا>ی نتیجه، در آیه پیش (قل من یرزقکم ..) بیانگر این حقیقت است که: با وجود اعتقاد به رازقیت خدا، حاکمیت او بر قوا و حواس آدمی، خالقیت نسبت به جاندار و بی جان و تدبیر او نسبت به امور جهان، ایمان به ربوبیت مطلق خدا ضروری بوده و مجالی برای پندار پروردگاری غیر او باقی نمی ماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۰۹ - ۱۰، ۸

۸ خداوند، حاکم و داور اختلافات و نزاع های میان پیامبر (ص) و مردم کفرپیشه بود.

و اصبر حتی یحکم اللہ

۱۰ خداوند، بهترین حاکم و داور است.

و هو خیر الحکمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷ - ۶

۶ خداوند حاکم و فرمانروای هستی

و کان عرشه علی الماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۵ - ۴

۴ حاکمیت خداوند بر جهان و علل و عوامل آن

نوفّ إلیهم أعملهم فیها

بدیهی است که علل و عوامل طبیعی در رسیدن انسان به نتایج تلاشهایش دخیل و مؤثر است، ولی خداوند با جمله <نوفّ إلیهم أعملهم> (نتیجه تلاش آنها را به ایشان می رسانیم) اعطای نتایج را به خود نسبت داد تا به حاکمیت خویش بر جهان اشاره کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۱،۲،۳،۹

۱ کفرپیشگان در هیچ کجای زمین ، نمی توانند خود را از سیطره و حاکمیت خداوند خارج

سازند .

أُولئِكَ لَمْ يَكُونُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ

اعجاز (مصدر معجزين) به معنای از دسترس خارج بودن است. بنابراین و با توجه به اینکه مفعول <معجزین> الله است ، جمله <أُولئِكَ لَمْ يَكُونُوا...> چنین معنا می شود: آنان هیچ گاه از دسترس خدا (حاکمیتو سلطه او) خارج نبوده اند.

۲ کفرورزی کافران و اعمال ایشان (افترا بر خداوند ، بازداری از راه خدا و ...) خارج از حاکمیت خداوند نیست .

و من أظلم ممن افترى على الله كذبًا .. أُولئِكَ لَمْ يَكُونُوا مُعْجِزِينَ

ماضی بودن معنای جمله <أُولئِكَ لَمْ يَكُونُوا ..> (آنان هیچ گاه از حاکمیت خدا خارج نبوده اند) می رساند که: گرایش کافران به کفر نیز تحت حاکمیت خدا صورت گرفته است.

۳ حاکمیت مطلق خداوند بر سراسر هستی

أُولئِكَ لَمْ يَكُونُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ

۹ گرایش انسان ها به کفر و شرک ، نه دلالت بر خروج آنان از سیطره خدا دارد و نه بیانگر ولایت غیر خدا بر آنان است .

أُولئِكَ لَمْ يَكُونُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ .. ما كانوا يستطيعون السمع و ما كانوا يبصرون

خداوند، با بیان ریشه کفرورزی کافران (ماکانوا ..)، پس از اعلام ولایت خدا بر آنان، به این حقیقت اشاره می کند که: مخالفت کافران با برنامه های الهی به خاطر خروج آنان از حاکمیت خدا و سلطه غیر او بر ایشان نیست؛ بلکه به دلیل ناتوانی آنان از درک معارف الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۳ - ۶

۶ هیچ کس و هیچ چیز ، بر خداوند حاکمیتی ندارد .

فَأَتْنَا بِمَا تَعَدْنَا .. قَالَ إِنَّمَا

يَا تَيْكُم بِهَ اللّٰهٖ اِنْ شَاءَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۴ - ۵

۵ زمین ، آسمان و همه عوامل هستی ، در اختیار خدا و گوش به فرمان او هستند .

يَا رِضْ اِبْلَعِيْ مَاءَ كُ وَّ يَسْمَاءَ اَقْلَعِيْ وَّ غِيضَ الْمَاءِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۲ - ۱۷، ۱۸

۱۷ عوامل طبیعی و فعل و انفعالات در هستی ، به دست خدا و در اختیار اوست .

يُرْسِلُ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مَدْرَارًا وَّ يَزِدُّكُمْ قُوَّةَ

۱۸ سلطه و حاکمیت خداوند بر هستی ، از تعالیم هود (ع) به مردم خویش

يُرْسِلُ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مَدْرَارًا وَّ يَزِدُّكُمْ قُوَّةَ اِلٰى قُوَّتِكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۶ - ۸، ۹، ۱۰

۸ همه موجودات زنده ، تحت فرمان و حاکمیت خداوند هستند .

مَا مِنْ دَابَّةٍ اِلَّا هُوَ اَخَذَ بِنَاصِيَتِهَا

<ناصیه> به قسمت جلوی سر گفته می شود و گاهی به موهای جلوی سر نیز به اعتبار رستگاهش ، اطلاق می گردد. گرفتن جلوی سر و یا موهای آن ، کنایه از تسلط و حاکمیت می باشد.

۹ هیچ جنبنده ای چه انسان و چه حیوان بدون خواست خداوند ، توانا بر ضرررسانی به دیگری نیست .

ثُمَّ لَا تَنْظُرُوْنَ . اِنِّیْ تَوَكَّلْتُ عَلٰی اللّٰهِ ... مَا مِنْ دَابَّةٍ اِلَّا هُوَ اَخَذَ بِنَاصِيَتِهَا

مقصود از بیان سلطه خداوند بر همه جانداران ، به دلیل وقوع آن پس از مبارزه طلبی هود(ع) و توکل بر خداوند ، این معناست که: همه چیز مقهور خواست خداوند است و بدون رخصت او ، هیچ جاننداری

چه رسد به بتهای بی جان توانا بر ضرر رسانی نیست.

۱۰ ربوبیت فراگیر خداوند ، سیطره او بر همه جنبندگان و ضرورت توکل بر او ، از تعالیم حضرت هود (ع)

إني توكلت على الله ربي وربكم ما من دابة إلا هو آخذ بناصيتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۸ - ۳

۳ فرمان خداوند در هستی ، بدون هیچ کم و کاستی تحقق می یابد .

و لما جاء أمرنا

تعبیر کردن از عذاب به <أمر> که به معنای فرمان است - می تواند برای رساندن این حقیقت باشد که: آنچه خداوند به تحقق آن فرمان می دهد ، عیناً و بدون کمترین تخلفی انجام می پذیرد به گونه ای که گویا مورد فرمان ، همان فرمان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۱۲

۱۲ حاکمیت و سیطره بر هستی ، در انحصار خداوند است .

ما أنزل الله بها من سلطان إن الحكم إلا لله

مقصود از <حکم> یا حکم تکوینی یا حکم تشریحی و یا اعم از هر دو نوع است. برداشت فوق ، ناظر به نوع تکوینی آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۱۳، ۱۲

۱۲ حاکمیت خدا بر هستی ، لزوم اتکا به خداوند و تنافی نداشتن توکل با تدارک اسباب و علتها ، از تعالیم یعقوب (ع) به فرزندان خویش

وادخلوا من أبواب متفرقة و ما أغنى عنكم من الله من شيء

۱۳ حاکمیت بر تمام هستی و علل و اسباب

، از آن خداوند است و جملگی مقهور حکم و تقدیر اویند .

وادخلوا من أبواب متفرقه و ما أغنى عنكم من الله من شيء إن الحكم إلا لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۲۸

۲۸ خداوند هر آنچه را بخواهد با لطافت تحقق می بخشد و بر هستی و عوامل و اسباب آن سیطره دارد .

إن ربی لطیف لما یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲ - ۴

۴ خداوند ، بر عرش (تمام هستی) تسلط و فرمانروایی دارد .

ثم استوی علی العرش

از معانی <استواء> تسلط داشتن است و <ثم> برای تراخی رتبی می باشد و این مفهوم را در جمله ارائه می کند که مهمتر از برافراشته ساختن آسمانها ، این است که او بر عرش سلطه دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۱ - ۱۱

۱۱ خداوند ، بر انسان و سرنوشت او و بر تمام هستی حاکمیت دارد .

إن الله لا یغیر .. و إذا أراد الله بقوم سوءاً فلا مرد له

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۲ - ۵

۵ عوامل طبیعی در اختیار خداوند است و تنها او حاکم بر آنهاست .

هو الذی یریکم البرق .. و ینشیء السحاب الثقال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۹ - ۵

۵ مشیت خداوند بر هستی و قوانین آنها حاکم است و چیزی جلوگیری اعمال مشیت او نیست .

لکل

أجل كتاب. يمحو الله ما يشاء و يثبت و عنده أمّ الكتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۱ - ۵،۶،۷

۵ حکومت و فرمانروایی بر هستی از آن خداوند است .

والله يحکم

۶ حکم و فرمان خداوند در هستی نافذ و حتمی الوقوع است .

والله يحکم لامعقب لحکمه

<تعقیب> (مصدر معقب) یعنی به منظور انجام کاری در پی کسی یا چیزی رفتن. قرائن حاکی است که مراد از تعقیب در آیه شریفه ، در پی حکم خدا رفتن به منظور باطل کردن آن است که جمله <لامعقب لحکمه> آن را نفی می کند.

۷ هیچ کس و هیچ چیز نمی تواند حکم و فرمان خدا در هستی را نقض کند و آن را بی اثر سازد .

لامعقب لحکمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۱ - ۳

۳- تمامی تلاش و توان ابلیس برای اغوای اکثریت مردمان ، تحت حاکمیت و قدرت خداوند است .

هذا صراط علیّ مستقیم

جمله <هذا صراط علیّ مستقیم> احتمال دارد در پاسخ ابلیس باشد که با انانیت، اغواگری مردمان را با تأکید به خود نسبت داد و خداوند، جواب می دهد: چنین نیست بلکه این امر تحت قدرت اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۲ - ۱

۱- مالکیت تمامی موجودات آسمان ها و زمین و حاکمیت بر آنها ، در انحصار خداوند است .

و له ما فی السموت و الأرض

لازمه مالکیت، حاکمیت است و <أفْعِرِ اللّٰهَ تَتَّقُونَ> (آیا از غیر خدا می ترسید) می تواند قرینه بر این باشد که:

مراد از <له ما فی السماوات و..> حاکمیت نیز هست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۲ - ۵

۵- خداوند ، تنها قدرت حاکم بر جهان آفرینش است .

قل .. لاَبتغوا إلی ذی العرش سبیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۶ - ۱۸،۱۹

۱۸- حاکمیت و فرمان روایی بر آسمان ها و زمین ، در انحصار خداوند است .

و لا یشرک فی حکمه أحدًا

۱۹- خداوند در فرماندهی بر هستی ، احدی را شریک خود نمی سازد .

و لا یشرک فی حکمه أحدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۴ - ۱

۱- آدمی ، به هنگام شداید ، به ولایت و تسلط مطلق خداوند بر همه امور ، پی می برد .

و لم تکن له فئه ینصرونه .. هنالک الولیه لله الحقّ

تردیدی نیست که ولایت خداوند (چه به معنای حاکمیت و تدبیر و چه به معنای نصرت) همواره، حاکم و نافذ است، لذا اشاره به مکان و واقعه خاص با واژه <هنالک> از آن جهت است که در چنین موقعیت هایی، آدمی، به آن نکته واقف می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۴ - ۲۸

۲- قدرت و امکانات عناصر نیرومند تاریخ ، در قلمرو اراده و حاکمیت خداوند و نه مستقل از آن .

إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ

نسبت دادن قدرت و امکانات ذوالقرنین به خداوند، این پیام را دارد که نباید پنداشت که قدرت مندان، آنچه دارند، خود، به دست آورده

اند، بلکه همه چیز از او است.

۸- خداوند ، بر همه علل و اسباب طبیعی حاکم است .

و ءاتینه من کلّ شیء سببًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۳ - ۴

۴- شیاطین ، تحت سیطره و حاکمیت الهی قرار دارند .

ألم تر أنّا أرسلنا الشیطين

ضمیر <نا> در <أنا أرسلنا> بیانگر این نکته است که تصور نشود کار شیاطین خارج از نظام تقدیر و برنامه الهی است؛ بلکه همه برنامه های آنان، تحت نظارت و در قلمرو مشیت الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۷ - ۸

۸- وجود حق شفاعت برای غیر ، منافی با حاکمیت مطلق خداوند نیست .

لا یملکون الشفعه إلا من اتّخذ عند الرحمن عهدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵ - ۴،۹

۴ - حاکمیت و اصالت رحمت الهی در نظام آفرینش

الرحمن علی العرش استوی

گزینش عنوان رحمن، هنگام توصیف خداوند به فرمان روای جهان، گویای این نکته است که تدبیر امور جهان براساس رحمت الهی است.

۹ - > عن أبی الحسن موسی (ع) و سئل عن معنی قول الله > الرحمن علی العرش استوی < فقال : استولی علی ما دقّ و
جلّ ;

از امام موسی بن جعفر (ع) روایت شده که در پاسخ سؤال از معنی سخن خدا <الرحمن علی العرش استوی> فرمود: خداوند بر همه موجودات کوچک و بزرگ تسلط دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶ - ۵

۵ - آنچه در زیر خاک های

نمناک جهان قرار دارد از آن خداوند است .

له .. و ما تحت الثرى

<ثرى> به معنای خاک نمناک است (مصباح). ال در <الثرى> ظاهراً معنای جنس دارد، لذا شامل هر خاک نمناکی می شود، چه در زمین باشد و چه در کرات دیگر، بلکه چون در آیه <ما فى الأرض> ذکر شده است، احتمال می رود که <ما تحت الثرى> مربوط به غیر زمین باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۴ - ۲

۲ - خداوند ، مالک حقیقی هستی و فرمان روای مطلق آن

فتعلى الله الملك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۷ - ۵

۵ - خداوند ، حاکم بر نظام کیفرسانی به مستحقان عذاب

نجزى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۴۴ - ۱۶

۱۶ - خداوند ، قادر بی مانند و حاکم مطلق در پهنه هستی است .

بل متّعنا هؤلاء .. أنا نأتى الأرض ننقصها من أطرافها أفهم الغلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۷ - ۲

۲ - حاکمیت یگانه خدا بر هستی ، جلوه ای از مالکیت مطلقه او

قل من ربّ السموت السبع .. سيقولون لله

در برابر سؤال از ربوبیت (من ربّ السماوات ..)، پاسخی داده شده که بیانگر مالکیت است (سیقولون لله). و این بدان جهت است که ربوبیت، فرع بر مالکیت مطلقه می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۸ - ۱

۱ - سراسر هستی ، در

سیطره حاکمیت و فرمان روایی یگانه خداوند

قل من بیده ملکوت کلّ شیء

<ملکوت> مبالغه <مَلِک> (فرمان روایی) است؛ مانند <رَحْمُوت> مبالغه <رحمه> و <رَهَبوت> مبالغه <رهبه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۶ - ۲

۲ - خدا، فرمان روای یگانه و به حق جهان هستی

فتعلی الله الملك الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۲ - ۱

۱ - فرمان روایی آسمان ها و زمین ، تنها از آنِ خداوند است .

و لله ملك السموت و الأرض

تقدیم خبر (لله) بر مبتدا (ملك السماوات ..)، مفید حصر و اختصاص است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲ - ۱۰، ۳، ۸، ۲، ۱

۱ فرمان روایی جهان (آسمان ها و زمین) تنها از آن خدا است .

تبارک .. الذى له ملك السموت و الأرض

۲ فرمان روایی خداوند بر جهان هستی ، نشانگر منشأ خیرات بودن او برای جهانیان است .

تبارک الذى نزل الفرقان على عبده .. الذى له ملك السموت و الأرض

برداشت یاد شده بر این مبنا استوار است که جمله <الذى له..> بدل برای جمله <الذى نزل...> باشد. بر این اساس، ارتباط میان مبارک بودن خداوند و پادشاهی او، حقیقت یاد شده را، می رساند.

۳ فرمان روایی و حکومت خداوند بر آسمان ها و زمین ، خاستگاه نزول کتابی که تبیین کننده حق از باطل برای انسان ها است

تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده .. الذی له ملک السموت و الأرض

۸ پادشاهی و حاکمیت مطلق

خداوند بر جهان ، دلیل بی نیازی او از گزینش فرزند و داشتن شریک و همتا

الذی له ملک السموت و الأرض و لم یتخذ ولداً و لم یکن له شریک فی الملک

ذکر حاکمیت و پادشاهی و حاکمیت مطلق خداوند بر هستی در ابتدای آیه، می تواند مقدمه و زمینه چینی برای ابطال عقیده فرزند گزینی و شریک داشتن خدا باشد که از اصول اعتقادات مشرکان است.

۱۰ فرمان روایی و حاکمیت مطلق خداوند بر جهان ، جلوه ای از عظمت و منزّه بودن او هر گونه عیب و نقص است .

تبارک الذی نزل الفرقان .. الذی له ملک السموت ... و لم یکن له شریک فی الملک

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <الذی له ملک السماوات..> بدل برای <الذی نزل الفرقان...> و <تبارک> به معنای <تنزه> و <تعاضم> باشد؛ که یکی از معانی لغوی <تبارک> است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۹ - ۵

۵ سراسر گیتی در سیطره و اقتدار بی چون و چرای خداوند

ثم استوی علی العرش

<استواء> (مصدر <استوی>) به معنای <استیلا> است. <عرش> یعنی، تخت فرمانروایی. استیلا- بر تخت حکومت، کنایه از سیطره کامل و اقتدار مطلق بر سراسر هستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۶ - ۴،۷

۴ - عرش الهی (مرکز حاکمیت و تدبیر خدا) ، بسیار عظیم و گسترده

ربّ العرش العظیم

۷ - پادشاهی و فرمانروایی انسان ها ، امری اعتباری بوده و این مقام در حقیقت تنها از آن خدا است .

امراه تملکهم .

.. و لها عرش عظیم... الله لا إله إلا هو ربّ العرش العظيم

یادآوری الوهیت و ربوبیت مطلق خدا بر جهان و نیز عرش عظیم او (پس از ذکر عرش و فرمانروایی بزرگ ملکه سبا) می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۸ - ۹

۹ - فرمان روایی جهان ، تنها در اختیار خداوند است .

له الحكم

<حکم> به معنای فرمان است و تقدیم خبر (له) بر مبتدا (الحکم) مفید حصر می باشد. بنابراین <له الحكم> یعنی، فرمان در سراسر هستی، تنها در انحصار خدا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۶ - ۲

۲ - خداوند ، حاکم مطلق موجودات هستی است .

لله ما فی السموت

لازمه مالکیت، حاکمیت داشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۳ - ۹

۹ - فرمانروایی مطلق جهان ، مخصوص خدا است .

الله ربکم له الملك

تقدیم خبر (له) بر مبتدا (الملك)، دلالت بر حصر می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۳ - ۲،۴

۲ - حاکمیت و مالکیت همه چیز به دست خدا است .

فسبحن الذی بیده ملکوت کلّ شیء

<ملکوت> یا صیغه مبالعه از مصدر <مَلِكٌ> به معنای مالکیت است (مانند <رحموت> و <رهبوت> که مبالغه رحمت و رهبت است) و یا از مصدر <مُلکٌ> به معنای سلطنت و حاکمیت است.

۴ - در دست داشتن حاکمیت و مالکیت همه چیز در جهان هستی ، دلیل و نشان کمال خدا و مبرا بودن

او از هر نقص و کاستی

فسبحن الذی بیده ملکوت کلّ شیء

برداشت یاد شده از ارتباط میان تنزیه خدا از هر نقصی و توصیف او به <در دست داشتن ملکوت هر چیزی در جهان>، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۰ - ۱

۱ - فرمانروایی جهان هستی (آسمان ها، زمین و موجودات میان آن دو) تنها در اختیار خداوند است.

أَمْ لَهُمْ مَلِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۸ - ۱

۱ - کوه ها، تحت تسخیر خدا و رام او هستند.

إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۹ - ۱

۱ - پرندگان با زندگی دسته جمعی خود، مسخر و رام خدا هستند.

إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ... وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً

<و الطیر> عطف بر <الجبال> و عامل آن فعل <سَخَّرْنَا> است. <محشوره> نیز به معنای <مجتمعه> (دسته جمعی) و حال برای <طیر> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۲ - ۷

۷ - طبیعت، تحت تسخیر و فرمان خداوند

ارکض برجلک هذا مغتسل بارد و شراب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۴ - ۴۶

۴ - جهان آفرینش (آسمان ها ، زمین و ...) تحت فرمانروایی خدا است .

له ملک السموت و الأرض

۶ - فرمانروایی مطلق خداوند بر جهان هستی ، دلیل در اختیار

داشتن همه شفاعت ها در دست خدا و ناتوانی غیر او از هر گونه شفاعت خودسرانه

قل لله الشفعه جميعًا له ملك السموت و الأرض

جمله <له ملك السموات...> در مقام تعلیل برای جمله پیش (لله الشفاعه جميعاً) است؛ یعنی، چون فرمانروایی جهان به دست خداوند است، پس شفاعت هم که جزئی از فرمانروایی است در اختیار او قرار خواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۶ - ۵،۷

۵ - فرمان روایی جهان ، تنها از آن خداوند است .

لمن الملك اليوم لله الواحد القهار

۷ - وحدانیت و قهار بودن خداوند ، نشانه اختصاص داشتن فرمان روایی به ذات مقدس او

لمن الملك اليوم لله الواحد القهار

ذکر شدن دو صفت یکتایی و قهاریت برای خداوند پس از یادآوری اختصاص داشتن فرمان روایی جهان به او می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد؛ زیرا کسی که چیره شونده مطلق است و در این چیره گی، یکتا و یگانه می باشد، در اوج قدرت و استیلا بر جهان قرار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۴ - ۱۱

۱۱ - عالم ، محضر خدا است .

إِنَّ اللَّهَ بصير بالعباد

لازمه بصیرت و آگاهی داشتن خداوند بر احوال بندگان، حضور همه چیز در پیشگاه او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۲ - ۴

۴ - تسلط و سیطره کامل و فراگیر خداوند بر جهان هستی

له مقاليد السموت و الأرض

تعبير <له مقاليد> گاهی کنایه از تسلط بر چیزی است.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۹ - ۱

۱ - تمامی جهان هستی ، قلمرو مالکیت و حکومت خداوند است .

لله ملك السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۷ - ۱

۱ - خداوند ، یگانه فرمانروای آسمان ها و زمین

و لله ملك السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۶ - ۹

۹ - حاکمیت تدبیر و مدیریت خداوند یکتا ، بر کل نظام هستی

فَلله الحمد ربّ السموت و ربّ الأرض ربّ العلمین

تکرار واژه <ربّ> در آیه شریفه، می تواند در راستای شرک زدایی و تثبیت باور به حاکمیت مطلق ربوبیت خداوند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۷ - ۳۸

۳ - حاکمیت خداوند بر قوای هستی ، نشانگر قدرت او بر پاداش مؤمنان و کیفر منافقان و مشرکان

لیدخل المؤمنین و المؤمنت جنتّ . . . و یعدّب المنفقین . . . و المشرکین . . . و لله

از ارتباط این آیه با آیات پیشین که درباره پاداش مؤمنان و کیفر منافقان و مشرکان بود مطلب بالا استفاده می شود.

۸ - حاکمیت مطلق خداوند بر قوای هستی ، نویدی به مؤمنان و هشدار به منافقان و مشرکان

و لله جنود السموت و الأرض

یادآوری قدرت، پس از وعده و وعید، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۴ - ۱

۱ - خداوند ، تنها مالک و فرمانروای آسمان ها و زمین

و لله ملك السموت و

<ملك> به معنای پادشاهی و فرمانروایی و ملازم با مالکیت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۴ - ۳

۳ - یگانه قدرت حاکم بر نظام مرگ و حیات ، قادر به برپایی صحنه معاد

و أنْ إلى رَبِّكَ المنتهى . . . و أنه هو أمات و أحیا

در صورتی که آیه <إلى رَبِّكَ المنتهى> نظر به فرجام زندگی و پایان حیات داشته باشد، ارتباط میان آن و آیه <و أنه هو أمات و أحیا>، بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۹ - ۱

۱ - تمامی قلمرو هستی ، در انحصار ربوبیت خداوند ، از زمین خاکی تا ستاره <شعری>

و أنه هو ربّ الشعری

تصریح به <شعری>، می تواند از آن جهت باشد که این ستاره، در نقطه ای بس دور در فضا قرار دارد و یادکرد آن در حقیقت، برای بیان یگانگی ربوبیت خداوند بر تمام قلمرو گسترده هستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۳ - ۱

۱ - ظهور حاکمیت الهی بر جن و انس ، به هنگام برپایی قیامت

یمعشر الجنّ و .. لاتنفذون

مفاد آیه به قرینه سیاق و ارتباط آیات قبل و بعد درباره قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲ - ۱،۲

۱- فرمانروایی آسمان ها و زمین ، تنها در اختیار خداوند است .

له ملك السموت و الأرض

تقدیم خبر (له) بر مبتدا (ملك) افاده حصر می کند و <ملك>

به معنای سلطنت و فرمانروایی است.

۲- انحصار فرمانروایی برای خداوند ، نشانه منزه بودن او از هر عیب و نقصی (همچون داشتن شریک و ...)

سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ .. له ملك السموت و الأرض

ذکر فرمانروایی انحصاری خداوند پس از یاد کردن تسبیح موجودات عالم برای او می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۵ - ۱

۱- فرمانروایی آسمان ها و زمین ، تنها در اختیار خداوند است .

له ملك السموت و الأرض

<ملك> به معنای سلطنت و فرمانروایی است و تقدیم خبر (له) بر مبتدا (ملك..) افاده حصر می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۷ - ۱۳

۱۳- دل های مردمان ، در اختیار خداوند است و او دل ها را رؤوف و مهربان می گرداند .

و جعلنا فی قلوب الذین اتبعوه رأفه و رحمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۶ - ۳

۳- خداوند ، حاکم روز جزا است .

یوم یبعثهم الله جمیعاً فیبتئهم بما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۹ - ۱۰

۱۰- خداوند ، فرمانروا و داور روز قیامت است .

وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۳ - ۱۸

۱۸ - فرمانروای مقتدر و شکست ناپذیر هستی ، منزّه از هر گونه شریک

سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۲۷

۲۷ - خداوند ، حاکم و داور میان خلق

یحکم بینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱ - ۶

۶ - فرمان روایی عالم ، تنها در انحصار خداوند است .

له الملك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۲ - ۷

۷ - آسمان ها و زمین ، تحت تدبیر و حکومت خداوند قرار دارند .

يُنزِلُ الْأَمْرَ بَيْنَهُنَّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱ - ۳

۳ - فرمانروایی جهان ، تنها در دست خداوند است .

الذی بیده الملك

تقدیم مسند (بیده) بر مسندالیه (الملك)، افاده اختصاص می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۲ - ۲

۲ - خداوند ، تنها فرمانروای روز قیامت

إلى رَبِّكَ يَوْمَئِذِ الْمُسْتَقَرِّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۰ - ۳

۳ - لحظه مرگ ، لحظه بروز ناتوانی کامل انسان و حاکمیت تام خداوند بر سرنوشت او

إلى رَبِّكَ يَوْمَئِذِ الْمَسَاقِ

از آن جایی که قیامت روز حساب و مجازات است، سوق دادن انسان به درگاه خداوند در آن روز، می تواند نشانگر این حقیقت باشد که سرنوشت انسان ها (بهشتی یا جهنمی شدن آنان)، در آن تعیین خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۰ - ۵

۵ - سلطه خداوند بر عرش ، پشتوانه اقتدار جبرئیل

ذی قُوَّةٍ عِنْدَ

ذی العرش مکین

وصف <ذی العرش>، می تواند این نکته را برجسته سازد که منزلت والای جبرئیل، نزد کسی که عرش مقهور او است، اتصاف او را به <ذی قوه> تضمین می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۹ - ۱۰

۱۰ - سیطره حاکمیت خداوند بر تمام امور قیامت، حقیقتی وصف ناپذیر و تصوّر آن بیرون از طاقت علمی بشر است.

و ما أدریک .. ثمّ ما أدریک ما یوم الدین ... و الأمر یومئذ لله

بیان حاکمیت مطلقه خداوند پس از اشاره به فوق تصور بودن قیامت نشانه آن است که بشر، از درک حقیقت حاکمیت اخروی خدا ناتوان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۹ - ۱

۱ - حاکمیت و مالکیت بر آسمان ها و زمین، مخصوص خداوند است.

له ملک السموت و الأرض

<مُلک> اسم مصدر و به معنای بر عهده داشتن سلطنت است (مصباح). هر جا کلمه <مُلک> به کار رود، مستلزم <مَلک> (مالکیت) نیز خواهد بود. (مفردات راغب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۵ - ۱

۱ - فرمانروایی بر جهان هستی و تدبیر آن، در اختیار خداوند است.

ذو العرش

عرش؛ یعنی، تخت فرمانروا (قاموس) و در آیه شریفه معنای مجازی آن (مقام سلطه بر همه جهان و تدبیر آن) مراد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٤ - حاکمیت خداوند ، بر آغاز و فرجام انسان ها

لقد خلقنا الإنسن

... ثمّ ردّنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۲ - ۲

۲ - خداوند ، به دلیل حاکمیت و تسلّط بر مردم ، بر محافظت آنان از خطر ها و مهار کردن حوادث زیان بار ، توانا است .

قل أعوذ بربّ الناس . ملک الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۴ - ۵

۵ - ربوبیت و فرمان روایی خداوند بر مردم و شایستگی او برای الوهیت ، دلیل توانایی او بر ناکام گذاشتن وسوسه گران

بربّ الناس . ملک الناس . إله الناس . من شرّ الوسواس الخنّاس

حاکمیت خدا بر جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۳ - ۵

۵ - تاریخ ، دربردارنده نمونه هایی آشکار از سیطره خداوند بر سرنوشت جامعه ها است .

ألم تر كيف .. فصّبّ عليهم ربّك سوط عذاب

حاکمیت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۶ - ۱

۱ - فرمان روایی مطلق و بی همتا در روز قیامت ، مخصوص خداوند است .

الملك يومئذ لله

حاکمیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۳ - ۳

۳ - نبرد با کافران ، تا حاکمیت یافتن دین خدا در پهنه گیتی ، فرمان خداوند به اهل ایمان

و قتلوهم حتی لاتکون فتنه و یکون الدین لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۴ - ۳

۳ - بهره‌وری انسان از مصنوعات

خویش ، تنها در قلمرو قوانین فائق الهی بر نظام طبیعت

و له الجوار المنشات فی البحر

خداوند با تعبیر <له الجوار..> به انسان تذکر داده است که اگر بشر می تواند با ساخت وسایلی به بهره‌وری بیشتر از دریا پردازد، این چیزی است که در پرتو قوانین الهی حاکم بر ماده صورت می گیرد.

حاکمیت دین در جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴ - ۱۴

۱۴ تحکیم بیشتر پایه های حاکمیت دین در جزیره العرب ، در پرتو جهاد و پیروزی مؤمنان در جنگ تبوک

يعتذرون إلیکم إذا رجعتم إلیهم

با توجه به اینکه این آیات در زمینه جنگ تبوک است که به پیروزی مسلمانان انجامید و از اینکه خداوند می فرماید پس از بازگشت از این جنگ پیروز، متخلفان به عذرخواهی روی خواهند آورد می توان گفت که این نبود مگر به خاطر ذلت و ضعفی که در خود احساس می کردند و قدرتی که در مؤمنان می دیدند.

حاکمیت دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۲۵

۲۵ - کفر و ارتداد ، پس از دیدن حاکمیت دین و دین داران و امنیت و آرامش زیر سایه آن ، نشان فسق و تبه کاری و خروج از راه حق و صواب است .

وعد الله الذین ءامنوا منکم .. لیستخلفنهم ... و لیمکنن لهم دینهم ... یعبدون

در این که مقصود از <کفر> در آیه شریفه چیست؟ میان مفسران دو دیدگاه وجود دارد: ۱ مقصود ارتداد است / یعنی، چنانچه هر کس پس از دیدن حاکمیت و

امنیت زیر سایه دین و نیز اتمام حجت الهی، مجدداً راه کفر را بیمایید، او حقیقتاً فاسق و تبه کار است. ۲- مراد کفران نعمت است؛ یعنی، آن کس که نعمت حاکمیت و امنیت تحت لوای دین را مشاهده کند و در عین حال به جای شکرگزاری، راه ناسپاسی را بیمایید، او حقیقتاً فاسق و تبه کار است. برداشت یاد شده، بنا بر دیدگاه نخست است.

حاکمیت ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۳ - ۸

۸- > عن أبي عبد الله (ع) قال: ملك الأرض كلها أربعة: مؤمنان و كافرين. فأما المؤمنان: فسلیمان بن داوود و ذوالقرنین؛

از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: چهار نفر بودند که بر تمام زمین حکومت کردند: دو نفر مؤمن و دو نفر کافر. آن دو نفر مؤمن: سلیمان بن داوود و ذوالقرنین بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۷ - ۳

۳- ذوالقرنین، بر قوم ساحل دریا، سلطه کامل یافته بود.

قال أمّا من ظلم فسوف نعدّبه

حاکمیت ربوبیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۷ - ۸

۸- همه عوالم هستی، تحت ربوبیت خداوند

ربّ العلمین

<العالمین> جمع همراه با <ال> و مفید استغراق است؛ بنابراین <ربّ العلمین>؛ یعنی، پروردگار همه عالم ها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۵ - ۸

۸ - همه عوالم هستی ، تحت ربوبیت خداوند

رَبِّ الْعَالَمِينَ

<العالمين> جمع همراه با <ال> و مفید استغراق

است. بنابراین <ربّ العالمین> یعنی، پروردگار همه عوالم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۲ - ۲

۲ - انسان ها در قیامت ، خود را به طور کامل ، مقهور ربوبیت و تدبیر خداوند خواهند دید .

و جاء ربّك

اضافه <ربّ> به ضمیر خطاب - که به مخاطب خاصی نظر ندارد بیانگر آن است که آنچه برای همگان مشهود خواهد شد، جلوه های ربوبیت خداوند در هر شخص است.

حاکمیت سنتهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۴ - ۱۵

۱۵ حاکمیت کامل و بدون رقیب سنتهای تغییرناپذیر الهی بر جریان تاریخ

و لقد کذبت رسل من قبلك .. حتی أتهم نصرنا و لا مبدل لکلمت الله

جمله <لا مبدل ..> بیان قاعده و قانونی کلی در نظام جهان است، ولی چون مورد آیه بحثهای تاریخی و روند حوادث آن است، مصداق مورد نظر در آیه، این بخش از سنتهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲ - ۱۱

۱۱ سنت الهی حاکم بر جوامع بشری ، در جهت غلبه یافتن دین خدا و عزّت مؤمنان ، و شکست کفر و خواری کفرپیشگان است .

و أن الله مخزی الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۷ - ۸

۸- تحولات تاریخ ، بر اساس سنت های الهی حاکم بر آنهاست .

و إِذَا لَآيِلَتُونَ خَلْفَكَ إِلَّا قَلِيلًا. سَنَّهُ مِنْ قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رِسَالِنَا وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِ

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۳ - ۶

۶ - قوانین الهی ، حاکم بر تحولات جامعه و تاریخ

سنه الله التي قد خلت من قبل و لن تجد لسنة الله تبديلاً

حاکمیت شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۱۷

۱۷ سلطه و حاکمیت شیاطین بر منکران آیات الهی، سنت خداوند و تحت اراده اوست.

إنا جعلنا الشيطان أولياء للذين لا يؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۸ - ۳

۳ جوامعی که به پندار اجرای فرمان خدا به رسوم ناروای نیاکان خویش پایبندند، جوامعی تحت نفوذ شیاطین می باشند.

إنا جعلنا الشيطان أولياء للذين لا يؤمنون .. الله أمرنا بها

جمله <إذا فعلوا .. > عطف بر <لا- يؤمنون> است و در حقیقت صله برای <الذين> می باشد. یعنی: إنا جعلنا الشيطان أولياء للذين إذا فعلوا فاحشه ...

حاکمیت شیعیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۲۷

۲۷ - > عن علي بن الحسين (ع) انه قرء الآيه > وعد الله الذين آمنوا منكم ... < و قال : هم والله شيعتنا أهل البيت يفعل الله ذالك بهم على یدی رجل منّا و هو مهدى هذه الأمة ... >

از حضرت علی بن الحسین (ع) روایت شده است که آن حضرت در پی تلاوت آیه <وعد الله الذي آمنوا منكم..> فرمود:

سوگند به خدا! آنان شیعیان ما اهل بیت هستند که خداوند به سبب مردی از خاندان ما

که مهدی (عج) این امت باشد آنان را خلیفه روی زمین قرار خواهد داد...>.

حاکمیت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۲

۲- پیش گویی پیروزی و حاکمیت انسان های صالح در سطح زمین در کتاب زبور

و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <من بعد الذکر> متعلق به <کائنات> باشد در نتیجه شامل پیش گویی در تورات نمی شود.

حاکمیت طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۷ - ۱۶، ۱۴، ۱۱، ۹

۹ کفر ، زمینه ساز سرپرستی و حاکمیت طاغوت و انحراف از نور به ظلمتها

و الذین کفروا اولیاءهم الطاغوت یخرجونهم من النور الی الظلمات

۱۱ حاکمیت طاغوت ، منحرف کننده جامعه ، به سوی ظلمت ها و تباهیها

اولیاءهم الطاغوت یخرجونهم من النور الی الظلمات

۱۴ اتحاد اهل ایمان به علت ولایت واحد الهی و تشتت صفوف اهل کفر ، به لحاظ حاکمیت اولیای متعدد طاغوتی بر آنان

الله ولی الذین امنوا .. و الذین کفروا اولیاءهم الطاغوت

چون مؤمنان از یک <ولی> برخوردارند، پس به وحدت می رسند، و در مقابل، کافران دارای اولیایی متعددند و در نتیجه متشتت خواهند شد.

۱۶ توجه به عاقبت و عقوبت اهل کفر ، زمینه ساز پرهیز از انحراف به کفر و پذیرش حاکمیت طاغوت

اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۸ - ۳

۳ حاکمیت و سلطه طغیانگران ، داده ای از جانب خداوند

ان ءاتیه الله الملك

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۰ - ۲۰

۲۰ ارجاع داوری به حاکمان خود کامه و سلطه گر ، پذیرش حاکمیت طاغوت است .

الم تر الى الذين يزعمون أنهم امنوا .. يريدون ان يتحاكموا الى الطاغوت

امام صادق (ع) فرمود: .. أنه لو كان لك على رجل حق فدعوته الى حکام اهل العدل فأبى عليك إلا ان يرافعك الى حکام اهل الجور ليقضوا له لكان ممن حاکم الى الطاغوت و هو قول الله عزّ و جل: الم تر الى الذين يزعمون ...

کافی، ج ۷، ص ۴۱۱، ح ۳ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۰۸، ح ۳۶۱ / تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۸۷، ح ۲، ۳ و ۵ / تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۵۴، ح ۱۸۰.

حاکمیت ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۹ - ۶

۶ حاکمیت یافتن ستمگران بر مردم ستم پیشه از سنتهای خداوند در جوامع انسانی است.

و كذلك نولى بعض الظالمين بعضا

حاکمیت عدالت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۵ - ۷

۷- عدل الهی ، بر نظام جزای اعمال حاکم است .

و لا تزر وازره وزر أخرى

حاکمیت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- فرمان روایی خداوند ، حقیقی است و از غیر او ، اعتباری و مجازی و تحت اراده او است .

له الملك

تقدیم مسند (له) بر مسندالیه (الملک) افاده قصر می کند، یعنی، فرمان روایی تنها از آن خداوند است. وجود

فرمان روایی های دیگر (مانند آنچه در زمین هست)، قرینه است بر این که مراد از <الملک> در آیه شریفه، ملک حقیقی است و آنچه وجود دارد همگی اعتباری می باشد.

حاکمیت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۷ - ۱۰

۱۰ فرعون ، حاکمی مشرک و معتقد به وجود خدایان و معبودهایی متعدد

و یذکرک و ءالھتک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۷ - ۵

۵ - بنی اسرائیل ، دربند اسارت و بردگی فرعون و اشراف حکومت او

و قومھما لنا عبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۹ - ۳

۳ - فرعون ، معتقد به حاکمیت مطلق خویش حتی بر افکار و اندیشه مردم

قال ءامنتم له قبل أن ءاذن لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۱ - ۱

۱ - نظرخواهی و اقرارطلبی فرعون از قوم خویش ، درباره حاکمیت و مالکیت او بر سرزمین مصر

يقوم أليس لی ملک مصر

حاکمیت فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۱ - ۱،۳

۱ بنی اسرائیل همواره تحت سیطره خاندان فرعون به شکنجه هایی سخت گرفتار بودند .

و إذ أنجینکم من آل فرعون یسومونکم سوء العذاب

<سَوْمٌ> مصدر <یسومون> به معنای تحمیل کردن است. اضافه <سوء> به <العذاب> اضافه صفت به موصوف است ; یعنی: العذاب السوء.

۳ نجات از سیطره فرعونیان و عذاب های ایشان ، خاطره ای برای بنی اسرائیل و شایسته همواره به

یاد داشتن

و إذ أنجینکم من آل فرعون یسومونکم سوء العذاب

<إذ> مفعولٌ به برای فعل مقدر <اذکروا> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۶ - ۱۰

۱۰ - حاکمیت دیرین خاندان فرعون و اشراف دربار او بر سرزمین مصر*

و کانوا قومًا عالین

جمله <کانوا قومًا عالین> می تواند بدین معنا باشد که: فرعون و اشراف حکومت او، بدان جهت که از دیر زمانی بر مصر فرمان می راندند و به آن خو گرفته بودند و پذیرش دعوت موسی، آنان را ناچار به فرمان پذیری ی کرد، از پذیرش آن خود داری می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۹ - ۳

۳ - فرمان روایی و سلطه کامل فرعونیان و قبطیان بر سرزمین مصر در عصر حضرت موسی

لکم الملک الیوم ظہرین فی الأرض

حاکمیت قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۷ - ۲،۳

۲ هیچ موجودی توانایی انجام کاری در جهت خنثی کردن کار خداوند را ندارد .

إن یمسک اللہ بضرّ فلا کاشف له إلا هو و إن یردک بخیر فلا راد لفضله

۳ تمام قدرت ها در جهان هستی ، مقهور و مغلوب قدرت خداوند است .

إن یمسک اللہ بضرّ فلا کاشف له إلا هو .. یصیب به من یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۹۸ - ۱۳

۱۳- محكم ترين دژهاى ساخته بشر ، در برابر اراده و قدرت الهى ، ناپايدارند .

فإذا جاء وعد ربّي جعله دكاء

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۱ - ۵

۵- علل و اسباب عادی و مجاری طبیعی امور ، محدودکننده اراده و قدرت خداوند نیست .

قال رَبِّكَ هُوَ عَلِيُّ هَيِّن

مشکلی که برای تولد فرزندی بدون پدر متصور است، از ناحیه فقدان برخی اسباب طبیعی است، ولی خداوند حرکت بر خلاف این مسیر مأنوس را امری ساده و آسان می شمارد. پیام این قضیه همان حاکمیت خداوند بر علل و اسباب طبیعی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۹ - ۲

۲- خاصیت و لوازم طبیعی اشیا و فعل و انفعالات آنها ، در قلمرو اراده خداوند و قابل تغییر به قدرت او است .

قلنا ینار کونی بردًا و سلماً علی إبرهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۲ - ۲

۲ - جهان هستی ، تنها تحت قدرت و تدبیر خداوند است .

و لله ملک السموت و الأرض

لازمه فرمان روایی انحصاری خداوند بر جهان، این است که جهان، تنها تحت قدرت و تدبیر او باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۶ - ۲

۲ - انسان ها در چنبر قدرت مطلق خداونداند و مرگ و حیاتشان تحت مشیت او است .

إن یشاء ینهبکم و یأت بخلق جدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۱ - ۱۰

۱۰ - انسان ها ، مقهور اراده و قدرت خدا هستند .

و ما هم بمعجزین

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۸ - ۶

۶- قدرت و اراده الهی ، مطلق و بدون معارض

فلا تملكون لی من الله شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۲ - ۵

۵- اراده ، قدرت و ولایت الهی ، یگانه و بدون معارض

و من لایجب داعی الله . . . و لیس له من دونه أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۰ - ۵،۶

۵ - قدرت خداوند ، حاکم بر بیعت کنندگان با پیامبر (ص)

إِنَّ الذین یبایعونک . . . ید الله فوق أیدیهم

بنابراین که <ید> کنایه از قدرت باشد، جمله <یدالله فوق أیدیهم> پیام هشدار است به این که: ای بیعت کنندگان! از شکستن بیعت ها پرهیزید که با قدرت خداوند، مواجه خواهید بود.

۶ - قدرت و اراده خداوند ، برتر از همه قدرت ها است .

ید الله فوق أیدیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۸

۸ - اراده و اقتدار خداوند ، حاکم بر اراده و اقتدار انسان ها

و کفّ أیدی الناس عنکم

تعبیر <كَفَّ..>، می رساند که اراده الهی، فائق بر قدرت و اراده مردم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۳ - ۳

۳ - قدرت و مشیت خداوند، حاکم بر تمام عوامل و وسایط مؤثر در مرگ و حیات موجودات

إِنَّا نَحْنُ نَحْيِي وَنُمِيتُ

خداوند از یک سو مرگ موجودات را تنها به خود نسبت می دهد و از سوی دیگر انسان شاهد دخالت

عوامل متعدد طبیعی در مرگ و حیات است. جمع میان این دو مستلزم نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۰ - ۵

۵ - شکوه و اقتدار حکومت فرعونى ، امرى ناچیز و مقهور قدرت خداوند بود .

فبذنهيم فى اليم

حاکمیت قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۱ - ۴

۴ - تسلط قریش بر مکه پیش از اسلام *

لایلف قریش

دفع مهاجمان به مکه، در صورتی امتنان بر قریش شمرده می شود که مکه در تصرف آنان باشد.

حاکمیت قضای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲ - ۸

۸ اراده و قضای الهی حاکم بر پیدایش و مرگ آدمی

هو الذی خلقکم .. ثم قضی أجلا و أجل مسمى عنده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۹ - ۸،۹

۸ - قارون و فرعون و هامان ، هیچ گاه ، نتوانستند بر اراده و قضای خدا ، پیشی گیرند .

و قرون و فرعون و همن ... و ما کانوا سبقین

به قرینه آیات پیش که درباره عذاب اقوام مکذّب انبیا است و نیز آیه بعد که درباره عقوبت قارون و فرعون و هامان است سبقت نگرفتن آنان، سبقت نگرفتن بر امر و قضای الهی در عذاب مکذبان است.

۹- پیشی گرفتن از قضای الهی ، ممکن نیست .

و ما کانوا سبقین

حاکمیت کیفرهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار

۲ - انسان ها در قیامت ، مقهور نظام کیفری خداوند و ناتوان از هر گونه استتار و مقاومت

و ما هم عنها بغائبین

حاکمیت گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۴ - ۱۷

۱۷ - گوساله پرستان ، گروه حاکم بر جوّ عمومی بنی اسرائیل در غیاب موسی (ع)

إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ

نمای اتحاد و یک پارچگی بنی اسرائیل، در فاصله ارتداد آنان، گویای حاکمیت مردان و گوساله پرستان است.

حاکمیت متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۱۵، ۱۳، ۱۰

۱۰ حاکمیت بر زمین ، سرانجام از آن تقوایندگان است .

و العقبه للمتقين

<عاقبه> به معنای سرانجام است و <ال> در آن می تواند جانشین مضاف إليه باشد که به قرینه <إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا ..>

< آن مضاف إليه <ارث الأرض> است. یعنی: عاقبه ارث الأرض للمتقين.

۱۳ موسی (ع) خواهان حاکمیت یافتن تقوایندگان شد .

استعينوا .. و العقبه للمتقين

۱۵ مالکیت خدا بر زمین ، نفوذ مشیت او بر حاکمان آن و سیر تحولات جوامع بشری به سوی حاکمیت تقوایندگان ، از تعالیم

موسی (ع) به قوم خویش

قال موسى .. إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَقْبَةُ لِلْمُتَّقِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۹ - ۱۵

۱۵ خداوند با رساندن تقوایندگان به حکومت ، آنان را آزمایش خواهد کرد .

و العقبه للمتقين . . . فینظر کیف

تعملون

حاکمیت محمد(ص) در مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۰ - ۹

۹ - پیامبر اکرم (ص) در مدینه ، حاکمیت مقتدرانه داشت .

لئن لم ينته المنافقون .. لغرينك بهم

حاکمیت مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۷،۸

۷ نابودی ستمگران و حاکمیت مستضعفان از سنت های خداوند است .

و أورثنا القوم الذين كانوا يستضعفون .. و تمت كلمت ربك الحسنی

خداوند به جای کلمه کوتاهی مانند بنی اسرائیل پس از <أورثنا>، وصف آنان، یعنی <القوم الذين .. >، را می آورد تا به این نکته اشاره کند که حمایت خداوند مخصوص بنی اسرائیل نبوده، بلکه سنت خدا بر این است که مستضعفان را بر مستکبران پیروزی دهد.

۸ مژده هلاکت مستکبران و حاکمیت یافتن مستضعفان ، از سخنان زیبای خداوند برای بشریت .

و أورثنا القوم .. و تمت كلمت ربك الحسنی

حاکمیت مشیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۷

۷ همه موجودات ، مقهور اراده و خواست خداوندند .

لا عاصم اليوم من أمر الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۲ - ۷

۷ رفتار و کردار انسانها ، خارج از اراده و مشیت خداوند نیست .

إن ربی بما تعملون محیط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱۱،۱۲

۱۱ به قدرت رسیدن یوسف (ع) پس از بردگی و اسارت در زندان

، دلیلی متقن بر حاکمیت مشیت الهی بر تمامی اسباب و علتهاست .

كذلك مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نَصِيبٌ بِرَحْمَتِنَا مِنْ نَشَاءِ

جمله <رحمت خویش را بر هر کس که خواهیم شامل می گردانیم و به او قدرت می بخشیم> که مفاد <نصیب برحمتنا..> است به منزله ادعایی است که با <كذلك مَكَّنَّا...> بر آن استدلال شده است ؛ یعنی، خداوند برده ای را که اختیاردار خودش نیز نبود به جایی رسانید که اختیار همگان را دارا شد، و این دلیلی روشن بر حاکمیت مطلق الهی است.

۱۲ حاکمیت مشیت خدا و نفوذ اراده او

نصیب برحمتنا من نشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۷

۷ تقدیر ها و مشیت های الهی ، حاکم بر تدبیر بندگان است .

و لما دخلوا من حيث أمرهم أبوهما ما كان يغني عنهم من الله من شيء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۱۶

۱۶ حاکمیت و نفوذ مشیت الهی در امور انسانها

ادخلوا مصر إن شاء الله ءامنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۸ - ۳

۳- عوامل طبیعت ، در کنترل اراده و مشیت الهی است .

من كان يريد العاجله عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا ما نشاء

دنیاطلبان، خواسته های خود را از طریق عوامل طبیعی به دست می آورند و خداوند تقدیر امکانات دنیوی را برای آنان به خود اسناد داده است. چنین اسنادی گویای آن است که عوامل طبیعت تحت کنترل خداوند است.

- آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۶ - ۸

۸- پیامبر (ص) ، فاقد یاور و مدافع برای خویش ، در مقابل مشیت و تصمیم خدا

ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهِ عَلَيْنَا وَكَيْلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۴ - ۴

۴- کردار انسان ها ، مقهور خواست خداوند و مستند به خود ایشان است .

إِنِّي فَاعِلٌ .. إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ

چنان چه کسی بگوید: <به خواست خداوند، من، در آینده، چنین کاری را انجام خواهم داد> براساس آیه شریف گفتاری صحیح و مُجاز، به زبان آورده است. بنابراین، خواست خداوند، مانع استناد کار به خود انسان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۳۹ - ۷

۷- قدرت و نیروی مطلق خدا ، پشتوانه حاکمیت خواست او بر هستی است .

مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

بیان <لَا قُوَّةَ ..> به منزله تعلیل است ؛ یعنی، چون نیرویی در هستی وجود ندارد جز وابسته به خدا، پس جز مشیت اش اراده ای حاکم بر هستی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹ - ۱۲

۱۲- تفکر در چگونگی آفرینش انسان زداینده هرگونه تردید در حاکمیت اراده و قدرت خدا بر اسباب و علل طبیعت

هُوَ عَلِيُّ هَيْئًا وَ قَدْ خَلَقْتِكُمْ مِنْ قَبْلِ وَ لَمْ تَكْ شَيْئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۴ - ۱۰

۱۰- طبیعت ، در تسخیر مشیت و خواست خداوند است .

قد جعل ربك تحتك سرِّياً

ممکن است اسناد فراهم

آوردن نهر آب به خداوند، به این لحاظ باشد که اسباب طبیعی جز به اذن خداوند نمی توانند اثری ایجاد کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۱۰

۱۰ - فراخ و تنگی روزی مردم ، تحت اراده و خواست خداوند است .

اللّٰه يبسط الرزق لمن يشاء من عباده و يقدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۲۴ - ۱۱

۱۱ - خواست خداوند ، حاکم و مقدم بر تصمیم ها و کارکرد عوامل طبیعی است .

قالوا اقتلوه أو حرّقه فأنجيه اللّٰه من النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۸ - ۳

۳ - مشیت الهی ، حاکم بر هستی است .

و لو شاء اللّٰه لجعلهم أمه وحده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۹ - ۸

۸ - مشیت بی چون و چرای خداوند ، نشانی از قدرت شکست ناپذیر او است .

یرزق من يشاء و هو القویّ العزیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۷ - ۷

۷ - مشیت الهی ، حاکم بر روند تاریخ و زندگی انسان ها

لتدخلنّ .. إن شاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۳ - ۳

۳ - قدرت و مشیت خداوند ، حاکم بر تمام عوامل و وسایط مؤثر در مرگ و حیات موجودات

إنا نحن نحیی و نمیت

خداوند از یک سو مرگ موجودات را تنها به خود نسبت می دهد

و از سوی دیگر انسان شاهد دخالت عوامل متعدد طبیعی در مرگ و حیات است. جمع میان این دو مستلزم نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۳۰ - ۲

۲ - انسان در برابر خداوند ، موجودی مستقل و کاملاً آزاد و مختار نیست ؛ بلکه در محدوده مشیت و خواست او ، دارای آزادی و اختیار است .

و ما تشاءون إلا أن يشاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۶ - ۱۰

۱۰ - وابستگی رویش گیاهان و خشکیدن آنها به خواست خداوند ، گواه توانمندی او بر آموزش قرائت قرآن به پیامبر (ص) و حاکمیت مشیت او بر حفظ یا فراموش کردن آن

و الذی أخرج المرعى . فجعله غثاء أحوی . سنقرئک فلاتنسی

برشمردن صفات خداوند پیش از وعده به قرائت و حفظ نشانگر ارتباط آن صفات با این وعده است ؛ به این بیان که چون زوال گیاهان سر سبز، وابسته به خواست خداوند است، زوال قرآن از حافظه انسان نیز مقهور اراده او می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۷ - ۲

۲ - حاکمیت مشیت خداوند ، بر توانمندی های همه انسان ها حتی پیامبر (ص)

فلاتنسی . إلا ما شاء الله

مفاد استثنا در <إلا ما شاء الله> الزاماً این نیست که خداوند برای پیامبر(ص) فراموشی آیات را اراده خواهد کرد؛ بلکه می توان گفت: این استثنا را فرموده است تا این نکته را بفهماند که مصونیت پیامبر(ص) از فراموشی ؛

همواره معلق بر خواست خداوند است و آن حضرت از خود استقلالی ندارد.

حاکمیت مطلق خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۷ - ۱۰

۱۰ حاکمیت خداوند بر هستی ، حاکمیتی مطلق و قدرت او بلامنازع است .

إن ربك فعال لما يريد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۱۹

۱۹ - فرمانروایی مطلق جهان ، مخصوص خداوند است .

الله ربكم له الملك

تقدم خیر (له) بر مبتدا (ملك) دلالت بر حصر می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۷ - ۴

۴ - شناخت حاکمیت مطلق خداوند بر هستی و توجه به آن ، زداینده هر گونه شک و تردید درباره امکان معاد

لاریب فیه و لکن أكثر الناس لا یعلمون . و لله ملک السموت و الأرض و یوم تقوم ال

تذکر به حاکمیت مطلق خداوند پس از بیان <أكثر الناس لا یعلمون> می تواند در مقام آگاه ساختن انسان و ارائه طریق درک حقیقت به او باشد.

حاکمیت معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۸ - ۱۰

۱۰- فرمان روایی بر جهان ، شرط شایستگی برای معبود بودن است .

لا إله إلا هو .. له الحكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۳ - ۱۲

۱۲ - مالکیت جهان و فرمانروایی بر آن ، از اوصاف و ویژگی های معبود حقیقی و شایسته عبادت

و الله خلقکم .. الشمس و القمر ... ذلکم الله

رَبِّكُمْ لَهُ الْمَلِكُ وَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۳ - ۱،۲

۱ - یگانه معبود هستی ، فرمانروای مطلق نظام وجود است .

هو الله الذي .. الملك القدوس

۲ - یگانه مدبّر و فرمانروای جهان هستی ، شایسته مقام خداوندی و پرستش است .

هو الله الذي لا إله إلا هو الملك

وصف <الملك> برای جمله قبل، اشعار به علیت دارد.

حاکمیت مقدرات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۷

۷ تقدیرها و مشیت های الهی ، حاکم بر تدبیر بندگان است .

و لما دخلوا من حيث أمرهم أبوهم ما كان يغني عنهم من الله من شيء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۷ - ۸

۸ - تقدیر الهی ، حاکم بر جوامع بشری و فرد فرد اعضای آن

إلا امرأته قدرنها من الغبرين

از عبارت <قدرناها> استفاده می شود که نه تنها جریان های عمومی در قلمرو تقدیر الهی قرار دارند؛ بلکه سرنوشت هر فرد نیز در آن مشخص شده است.

حاکمیت مقررات اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۳ - ۷

۷ - تدبیر های الهی و قوانین اجتماعی ، دارای حاکمیت بی چون و چرا بر زندگی انسان

و لولا أن یكون الناس أمه

حاکمیت ملکه سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۲ - ۳

۳ - ملکه سبا ، تصمیم گیرنده نهایی درباره امور مملکت خویش

أفتونی فی امری

ملکه تصمیم

گیری را <أمر> خود دانسته است، نه درباریان.

حاکمیت نظام زوجیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۹ - ۲

۲ - زوجیت ، قانونی حاکم بر نظام جهان و همه مظاهر آن

و من کلّ شیء خلقنا زوجین

حاکمیت ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۲ - ۵

۵- اراده ، قدرت و ولایت الهی ، یگانه و بدون معارض

و من لایجب داعی الله . . و لیس له من دونه أولیاء

حاکمیت یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱۵

۱۵ سلطه داشتن یوسف (ع) بر برادرانش در دیدار مجدد ، بخشی از محتوای وحی الهی به یوسف (ع) در چاه کنعان

و أوحینا إلیه لتنبئنهم بأمرهم هذا و هم لایشعرون

در اینکه چرا هیچ یک از برادران یوسف در ملاقات مجدد وی را نخواهند شناخت وجه دیگری غیر از آنچه در برداشت قبل ذکر شد، به نظر می رسد و آن اینکه خداوند با جمله <و هم لایشعرون> به یوسف القا می کند که در مقام و موقعیتی خواهی بود که برادرانت تصور آن را نمی کنند تا احتمال دهند که تو برادر آنان هستی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۸

۸ نیل یوسف (ع) به عزیزی و اقتدار و حاکمیت وی در دیار مصر، پاداشی بر تقوایبشگی، صبر و نیکوکاری او بود.

قد منّ الله علينا إنه من يتق و يصبر

فإن الله لا يضيع أجر المحسنين

حاکمیت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۳ - ۴

۴ خطر فقر و بیچارگی برای مردم ، در صورت حاکمیت یهود بر آنان

ام لهم نصيب من الملك فاذا لا يؤتون الناس نقيراً

برداشت فوق را فرمایش امام باقر (ع) تأیید می کند که در معنای <الملك> در آیه فوق فرمود: یعنی الامامه و الخلافه . . .

کافی، ج ۱، ص ۲۰۵، ح ۱ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۹۰، ح ۲۹۹.

حتمیت حاکمیت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۷ - ۳

۳ - کافران ، از جلوگیری از تحقق وعده الهی مبنی بر حاکمیت فراگیری اهل ایمان و پیروزی و امنیت آنان در هر جای دنیا ، ناتوانند .

وعد الله الذين ءامنوا .. ليستخلفنهم في الأرض ... لاتحسبن الذين كفروا معجزين

برداشت فوق، از ارتباط میان این آیه و دو آیه قبل، استفاده شده است.

حقانیت حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۴ - ۷

۷ - نزول قرآن ، جلوه ای از بلند مرتبگی و فرمان روایی مطلق خداوند و حقانیت او

و كذلك أنزلنه .. فتعلی الله الملك الحقّ

<فا> در <فتعالی> برای تفریع است و می رساند دارد که پی بردن به مطالب بعد از آن، نتیجه توجه به ما قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۶ - ۱

۱ قیامت ، روز ظهور و بروز حقانیت حاکمیت مطلق خداوند رحمان

الملك یومئذ

<الحق> صفت برای <الملک> است و این کلمه، یا به معنای ثابت است زیرا در روز قیامت، همه حاکمیت ها از بین خواهد رفت و تنها حاکمیت و پادشاهی خدا پایدار خواهد ماند و یا در برابر باطل قرار دارد و به معنای شیء حقیقت دار و مطابق واقع است زیرا که در روز رستاخیز، روشن خواهد شد که پادشاهی و حاکمیت حقیقی از آن خدا است. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱ - ۷

۷ - فرمان روایی خداوند ، حقیقی است و از غیر او ، اعتباری و مجازی و تحت اراده او است .

له الملک

تقدیم مسند (له) بر مسندالیه (الملک) افاده قصر می کند یعنی، فرمان روایی تنها از آن خداوند است. وجود فرمان روایی های دیگر (مانند آنچه در زمین هست)، قرینه است بر این که مراد از <الملک> در آیه شریفه، ملک حقیقی است و آنچه وجود دارد همگی اعتباری می باشد.

درک حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۸ - ۴

۴ - درک حاکمیت و سیطره همه جانبه خدا بر سراسر هستی ، در صلاحیت اشخاص دانشور و خردمند

قل من بیده ملکوت کلّ شیء .. إن کنتم تعلمون

دلایل حاکمیت حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۷ - ۵

۵ - حق مدار و هدفمند بودن آفرینش جهان ، مستلزم حاکمیت حق بر جامعه بشری است .

فاحکم بین الناس بالحقّ ولا تتبّع الهوی

... و ما خلقنا السماء و الأرض و ما بينهما

یادآوری هدفمند و حق مدار بودن آفرینش، پس از توصیه به رعایت حق در داوری به داوود(ع)، می تواند حاکی از ارتباط میان این دو مطلب و گویای برداشت یاد شده باشد.

دلایل حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۶ - ۵

۵ - وحدانیت خدا، دلیل بر نبودن کمترین مانع در برابر تدبیر حکیمانه و هدفدار او در جهان آفرینش

أفحسبتم أنما خلقنكم عبثاً .. فتعالى الله الملك الحق لا إله إلا هو

بیان وحدانیت خدا با <لا إله إلا هو> در این مجموعه از صفات که در مقام تنزیه ذات پروردگار از بیهوده کاری و عبث آفرینی است مطلب یاد شده را افاده می کند.

ذکر حاکمیت اراده خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۰ - ۳

۳- لزوم توجه به حاکمیت اراده الهی، بر فرآیند تحولات شگرف تاریخ

و لقد نجینا بنی اسرائیل

تأکید خداوند در نسبت دادن نجات بنی اسرائیل و وارث قرار دادن ایشان به خود، بیانگر مطلب یاد شده است.

ذکر حاکمیت جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۱ - ۷

۷- توجه به شرافت جبرئیل و نیرومندی، منزلت الهی، فرمان روایی بی چون و چرا و امانت داری او، زمینه ساز باور به سلامت قرآن در مرحله نزول و ابلاغ به پیامبر (ص)

إنه لقول رسول كريم . ذى قوه عند ذى العرش مكين . مطاع ثم

ذکر حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۷ - ۷،۸

۷ - توجه به قدرت همه جانبه خداوند و انحصار حاکمیت او بر هستی زایل کننده هر شبهه ای درباره نسخ ادیان و احکام دین است .

ما ننسخ من آیه أو ننسها .. ألم تعلم أن الله على كل شيء قدير. ألم تعلم أن الله

استفهام تقریری در دو جمله < ألم تعلم أن الله على .. > و < ألم تعلم أن الله له ... > بیانگر این است که: مخاطبان (انسانها) در ارتباط با نسخ دین و جایگزینی آن شبهه هایی داشته یا برای آنان رخ خواهد داد. خداوند، برای یافتن پاسخ شبهات، آنان را به توجه در قدرت همه جانبه و حاکمیت مطلق خویش، سفارش کرده است.

۸ - توجه به قدرت مطلق خداوند و حاکمیتش بر جهان آفرینش ، موجب باور به توان خداوند بر جایگزینی دینی بهتر یا همانند دین منسوخ

نأت بخیر منها أو مثلها ألم تعلم أن الله على كل شيء قدير. ألم تعلم أن الله له م

زمینه جاودانگی حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۵ - ۳

۳ - حکمت و علم گسترده خداوند ، پشتوانه فرمانروایی زوال ناپذیر او بر نظام هستی

و هو الحكيم العليم . و تبارك الذي له ملك السموت و الأرض و ما بينهما

زمینه حاکمیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۹

۹- نقش عبودیت خداوند و صلاح و درست کاری در دستیابی به حاکمیت زمین

یرثها عبادی الصلحون

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۵

۵ - ایمان و انجام اعمال صالح ، موجب شایستگی انسان برای خلافت در زمین و اداره زندگی بشر

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض

زمینه حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۶ - ۳

۳ علم گسترده خداوند ، لازمه فرمانروایی او بر سراسر هستی

إن الله بكل شیء علیم. إن الله له ملک السموت و الأرض

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <إن الله له ملک ..> در مقام تعلیل برای <إن الله بكل شیء علیم> باشد.

زمینه حاکمیت ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۹ - ۱۴

۱۴ پذیرفتن ربوبیت خداوند و مخالفت با پیامبران و برنامه های ایشان ، زمینه ساز نظام استبدادی و حاکمیت ستمگران *

و تلک عاد جحدوا بأیت ربهم .. واتبعوا أمر کل جبار عنید

برداشت فوق ، براساس این احتمال است که ترتیب ذکر جمله <اتبعوا ..> بر جمله های سابق ، حاکی از ترتب خارجی آن باشد.

زمینه حاکمیت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۲۱

۲۱ - عبادت خالصانه خدای یکتا، زمینه ساز حاکمیت، پیروزی و امنیت مؤمنان

وعد الله الذین ءامنوا .. یعبدوننی لایشرکون بی شیئاً

شفاعت و حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۹ - ۶

۶ - شفاعت، منافاتی با حاکمیت

مطلق خداوند در صحنه قیامت ندارد .

یومئذ لاتنفع الشفعه إلا من أذن له الرحمن

ظهور حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۴ - ۶

۶ - < آیام الله > ، روزهای ظهور عینی حاکمیت و اقتدار خداوند و انتقام از کافران

لا یرجون آیام الله لیجزی قومًا

از اضافه <ایام> به <الله>، استفاده می شود که روزهای مورد نظر، ایام ویژه ای است که با سایر روزها تفاوت دارد و اراده الهی در آن ظهور و بروز خاصی می یابد. با توجه به جمله <لیجزی...> ممکن است چنین برداشت شود که <ایام الله> روزهایی است که خداوند از کافران انتقام می گیرد.

عقیده به حاکمیت اراده خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۱۹

۱۹ - عقیده به حاکمیت اراده الهی بر مقدرات انسان ، زمینه ساز حرکت به سوی انجام وظایف الهی و نه ترک مسؤولیت

قل فمن یملک لکم من الله شیئاً إن أراد بکم ضرّاً أو أراد بکم نفعاً

با توجه به این که خداوند، اراده نافذ خویش را به اعراب متخلف یادآور شده است؛ از آیه شریفه استفاده می شود که توجه به تخلف ناپذیری اراده خداوند، باید زمینه اطاعت و تکلیف پذیری را در انسان زنده کند؛ نه روح سستی و مسؤولیت گریزی را.

عقیده به حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۱۵

۱۵ توکل بر خدا و اعتقاد به حاکمت مطلق الهی نباید موجب نادیده انگاشتن اسباب و علل طبیعی شود .

ادخلوا من أبواب

متفرقه . . . إن الحكم إلا لله عليه توكلت

توکل کردن یعقوب(ع) بر خداوند (علیه توکلت) او را از چاره اندیشی و جست و جوی اسباب (لاتدخلوا من باب واحد . . .) باز نداشت. و این درسی برای همگان است که نه تنها تدارک اسباب با توکل تنافی ندارد بلکه باید اسباب و علتها را فراهم آورد و بر خداوند نیز توکل داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۹ - ۳

۳ - شرکورزی ، علی رغم اعتقاد به حاکمیت فراگیر خدا بر سراسر هستی ، سزاوار نکوهش و سرزنش

قل فأنی تسحرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۹ - ۳

۳ - ابلیس ، معتقد به حاکمیت مشیت خداوند بر مرگ و حیات

قال رب فأنظرنی إلى یوم یبعثون

عقیده به حاکمیت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۶ - ۴

۴- تأثیر اعتقاد به حاکمیت نهایی صالحان بر زمین ، در عبودیت و بندگی خدا

و لقد کتبنا فی الزبور . . . إن فی هذا لبلغاً لقوم عبدین

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <هذا> اشاره به مسأله حاکمیت صالحان داشته باشد.

عوامل حاکمیت ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۹ - ۷

۷ حاکمیت و ولایت یافتن ظالمان معلول کردار ظالمانه مردم جامعه است.

و كذلك نولى بعض الظلمين بعضا بما كانوا يكسبون

عوامل حاکمیت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۸

حاکمیت مؤمنان بر زمین در گرو استعانت آنان از خدا و صبر ایشان در طریق ایمان است .

استعينوا باللّٰه و اصبروا إنّ الارض لله يورثها من يشاء من عباده

چون موسی (ع) پیش از بشارت به نابودی فرعونیان و حاکمیت یافتن بنی اسرائیل مردمش را به استعانت جستن از خدا و صبر فراخوانده است، معلوم می شود این دو فضیلت از شرایط تحقق آن وعده است.

قبول حاکمیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۱ - ۱

۱ پذیرش قوانین الهی و حاکمیت پیامبر (ص) ، اعتلابخش است .

و اذا قيل لهم تعالوا الى ما انزل الله و الى الرسول

۱ مراد از <تعالوا .. > به قرینه آیه پیشین، مراجعه به آن حضرت برای قضاوت و داوری است. ۲ <اعتلابخش بودن > در برداشت فوق، از معنای <تعالوا > استفاده شده است.

قد است حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۳ - ۴

۴ - فرمانروایی خداوند بر هستی ، آکنده از پاکی و تقدس و به دور از کمترین ظلم و کاستی است .

الملک القدّوس

وصف <القدّوس >، در پی <الملک >، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که فرمانروایی خداوند، از هر گونه آلودگی، ناپاکی، ظلم و کاستی مبرا است.

گسترش حاکمیت مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۱ - ۱

۱ خداوند پی در پی از حاکمیت کفرپیشگان بر زمین می کاست و بر سرزمین های اسلامی و حاکمیت آن می افزود .

أولم يروا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا

مفسران در تفسیر آیه فوق چند نظر ابراز کرده اند. برخی گفته اند: مراد از <الأرض> مطلق زمین است و مقصود از کاستن از نواحی آن، میراندن و هلاک کردن اهل زمین در اطراف و نواحی گوناگون آن می باشد. و برخی گفته اند: مراد از <الأرض> سرزمینهای تحت نفوذ کفر است و منظور از کاستن نواحی آن، کوتاه کردن سیطره کفرپیشگان از آن است که طبعاً به حاکمیت اسلام بر آن جا می انجامد.

مانعان از حاکمیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۳ - ۸

۸ - تنها باید با ظالمان (کافران محارب و فتنه انگیزان و مانعان از گسترش و حاکمیت دین) مبارزه کرد .

فلا عدون إلا علی الظلمین

مرکز حاکمیت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۵ - ۶

۶ - جهان ، دارای مرکز اداره و فرمانروایی

العرش

<عرش> به معنای تخت فرمانروایی است و گاهی کنایه از مرکز اداره و فرمانروایی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۷ - ۳

۳ - <عرش> ، مرکز تدبیر و فرمان روایی جهان هستی

و یحمل عرش ربّک

<عرش> به معنای تخت فرمان روایی است و در این آیه، کنایه از مرکز تدبیر و فرمان روایی جهان است که فرشتگان، به

فرمان خداوند به این امر می پردازند.

مظاهر حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۸ - ۱۲

۱۲ رسالت پیامبر (ص) و شمول آن

نسبت به همگان ، پرتویی از فرمانروایی خدا بر هستی و نبود خدایی جز او

إني رسول الله .. الذي له ملك السموت و الأرض لا إله إلا هو

تصریح به اینکه پیامبر(ص) فرستاده خداست (رسول الله) و سپس توصیف خداوند به فرمانروایی بر هستی، بیانگر این است که رسالت پیامبر مقتضای اوصافی است که در آیه مورد بحث برای خداوند ذکر شده است.

ممانعت از حاکمیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۳ - ۷

۷ - کافران محارب ، فتنه انگیزان و بازدارندگان از گسترش و حاکمیت دین الهی ، ظالم هستند .

فلا عدون إلا علی الظلمین

منشأ حاکمیت بر طبیعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۰ - ۱۰

۱۰ - لزوم توجه انسان به خدایی بودن ابزار و امکانات مورد استفاده اش در تسلط بر طبیعت و بهره‌وری از آن

كزمننا .. و حملنهم ... و رزقنهم ... فضلنهم

تکرار افعال متکلم مع الغیر و اسناد کارهای انسان، به خداوند، شاید به این منظور باشد که بخواهد انسانها را متوجه خدایی بودن آنها بکند.

منشأ حاکمیت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۴ - ۴

۴ - تسلط و حاکمیت بنی اسرائیل با اذن الهی بر سرزمین مصر (یا شام) پس از هلاکت فرعون *

اسکنوا الأرض

برداشت فوق بدان احتمال است که مراد از <اسکنوا> استقرار و حاکمیت یافتن باشد که تا آن روز بنی اسرائیل فاقد آن بودند و مراد از <الأرض> سرزمین شام [و یا مصر] باشد.

منشأ

حاکمیت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۸

۸- وراثت زمین برای صالحان ، در پرتو عنایت خداوند به آنان

و لقد كتبنا .. أن الأرض يرثها عبادي الصالحون

منشأ حاکمیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۱ - ۷

۷ اراده خداوند منشأ اصلی تسلط پیامبر (ص) بر اسیران جنگ بدر

فأمكن منهم

ضمیر فاعلی در <امکن> به <الله> برمی گردد. یعنی خداوند شما را بر آنان تسلط بخشید.

منشأ حاکمیت مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۹ - ۳

۳ - قدرت خدا بر حاکمیت بخشیدن به مستضعفان زمین و به اضمحلال کشاندن مستکبران

فأخرجهم من .. و أورثنا بني إسرائيل

موانع حاکمیت شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۱۸

۱۸ ایمان به خداوند و آیات او مانع ولایت و حاکمیت شیاطین بر انسان

إنا جعلنا .. للذين لا يؤمنون

موانع حاکمیت ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۹ - ۱۵

۱۵ پذیرش ربوبیت خدا و پیروی از برنامه های پیامبران ، مانع از حاکمیت و سلطه ستمگران و سرکشان *

و تلک عاد جحدوا بآیت ربهم .. واتبعوا أمر کل جبار عنید

موانع حاکمیت عصیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۹ - ۱۵

۱۵ پذیرش ربوبیت خدا و پیروی از برنامه های پیامبران ، مانع از حاکمیت و

سلطه ستمگران و سرکشان *

و تلک عاد جحدوا بأیت ربهم .. واتبعوا أمر کل جبار عنید

ناپایداری حاکمیت انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۶ - ۷

۷ - پادشاهی و فرمانروایی انسان ها ، امری اعتباری بوده و این مقام در حقیقت تنها از آن خدا است .

امرأه تملکهم .. و لها عرش عظیم ... الله لا إله إلا هو ربّ العرش العظیم

یادآوری الوهیت و ربوبیت مطلق خدا بر جهان و نیز عرش عظیم او (پس از ذکر عرش و فرمانروایی بزرگ ملکه سبا) می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

نشانه های حاکمیت اراده خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۵ - ۱۴

۱۴ - ماجرای تولد و سخن گفتن عیسی (ع) ، نمودی از حاکمیت اراده الهی بر هستی است که نه نشان فرزندای عیسی (ع) برای خداوند .

ما کان لله أن یتخذ من ولد .. إذا قضی أمرًا فإِنما یقول له کن فیکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۰ - ۵

۵ - قیامت ، صحنه نمود حاکمیت اراده خداوند

فأما الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فیدخلهم ربّهم

تعبیر به <یدخلهم> گویای این حقیقت است که بهره مند ساختن مردم از رحمت اخروی، کار خدا و وابسته به او است. در غیر این صورت، می فرمود: <یدخلون فی رحمته ...>.

نشانه های حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۶ - ۶

۶ حیات

و مرگ مستمر در جهان ، جلوه ای از حاکمیت مطلق الهی بر هستی

إِنَّ اللَّهَ لَهُ مَلِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَحْيِي وَيُمِيتُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲ - ۱۸

۱۸ اعتقاد و باور جزمی انسان ها به معاد و لقای خداوند ، از هدف های قرآن در بیان نشانه های قدرت و تدبیر خدا و سلطه او بر هستی است .

يَفْصَلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بَلِقَاءِ رَبِّكُمْ تَوْقِنُونَ

برداشت فوق ، ناظر به این معناست که مراد از <الآیات> آیات قرآنی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷ - ۷

۷ - آگاهی خداوند بر سر و آشکار آدمی ، جلوه ای از حاکمیت و مالکیت مطلقه او بر سرتاسر هستی و اجزای آن است .

عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى . لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ ... فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى

ارتباط این آیه با آیات قبل ، گویای این است که چون خداوند بر همه هستی فرمان روایی می کند و مالک حقیقی جهان است ، پس بر همه چیز اطلاع و وقوف دارد ، اگر چه سر و یا مخفی تر از آن باشد .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۴ - ۷،۸

۷ - نزول قرآن ، جلوه ای از بلند مرتبگی و فرمان روایی مطلق خداوند و حقانیت او

و كَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ .. فَتَعَلَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ

<فا> در <فتعالی> برای تفریع است و می رساند دارد که پی بردن به مطالب بعد از آن ، نتیجه توجه به ما قبل است.

۸ - رخداد عظیم قیامت و دگرگونی

های عمده در جهان ، و نظام دقیق و عادلانه آن ، جلوه هایی از مرتبت والا و فرمان روایی مطلق خداوند و منزّه بودن او از هرگونه باطل

فتعلی الله الملك الحقّ

ارتباط این آیه با آیات پیشین که از حوادث نزدیک به قیامت و رخدادهای آن روز سخن گفته بود گویای نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۳ - ۸

۸ - تشکیل و تراکم ابرها و نزول باران و تگرگ ، جلوه فرمان روایی و قدرت بی مانند خداوند بر جهان (آسمان ها و زمین)

و لله ملك السموت . . . أنّ الله يزجي سحابًا ... و ينزل من السماء من جبال فيها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۳ - ۱۰

۱۰ - آفرینش انسان ، دریا ، خورشید و ماه ، جلوه ای از فرمانروایی مطلق خدا بر جهان هستی است .

و الله خلقكم من تراب . . . و ما يستوی البحران ... و سخر الشمس و القمر ... له ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۰ - ۳

۳ - انتخاب و فرستادن رسولان برای بشر ، جلوه ای از فرمانروایی خداوند بر جهان هستی

أم عندهم خزائن رحمه ربّك . . . أم لهم ملك السموت و الأرض و ما بينهما

یادآوری فرمانروایی مطلق خداوند بر جهان، پس از مسأله رسالت و نبوت پیامبراسلام(ص)، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - آفرینش آسمان ها ، زمین ، خورشید ، ماه و انسان ، جلوه فرمانروایی مطلق خدا بر جهان هستی است .

خلق السموت و الأرض .. له الملك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۳ - ۱۲

۱۲ - تشریح دین از سوی خداوند ، مظهری از سلطه وی بر جهان هستی است .

له مقالید السموت و الأرض .. شرع لكم من الدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۲ - ۲

۲ - عظمت و هماهنگی تدبیر آسمان ها و زمین و عرش ، نشان دهنده حاکمیت خدای یگانه بر هستی است .

سبحن رب السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۷ - ۳

۳ - حاکمیت اراده خداوند بر مرگ و حیات انسان ، نمودی از حاکمیت مطلق او بر هستی

قل الله يحييكم ثم يميتكم ثم يجمعكم .. و لله ملك السموت و الأرض

با توجه به ارتباط دو آیه، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۴ - ۱۵، ۱۴

۱۴ - نزول اطمینان و آرامش بر قلب مؤمنان در بحران ها ، نمودی از حاکمیت خداوند بر قوای جهان

أنزل السكينة .. و لله جنود السموت و الأرض

بیان <لله جنود..> در پی <أنزل السكينة> می تواند بیانگر این نکته باشد که با وجود حاکمیت خداوند بر قوای جهان، اطمینان بخشیدن به قلب مؤمنان، امری سهل و آسان

است.

۱۵ - فتح و پیروزی مؤمنان در پرتو امداد الهی ، جلوه ای از حاکمیت خدا بر عوامل و امکانات جهان هستی

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا .. و لِّلّٰهِ جُنُودُ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ

<لله جنود..> ممکن است در مقام تعلیل برای <إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ...> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۶ - ۸

۸ - نیازمندی وساطت و شفاعت در پیشگاه خداوند به اذن او ، نمودی از حاکمیت مطلقه الهی در دو گیتی

فَللّٰهِ الْاٰخِرَةُ وَ الْاَوَّلٰی . و كَم مِّن مَّلَكٍ ... اِلَّا مِّنْ بَعْدِ اَنْ يَّأْذَنَ اللّٰهُ

ارتباط دو آیه، می تواند اشاره به مطلب بالا داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲ - ۶

۶ - در دست داشتن حیات و مرگ موجودات ، جلوه فرمانروایی انحصاری خداوند بر عالم است .

يَحْيٰی وَ يَمِیْتُ وَ هُوَ عَلٰی كُلِّ شَيْءٍ قَدِیْرٌ

<احیاء> و <إماتة>، از مظاهر فرمانروایی مطلق خداوند است. اختصاص به ذکر یافتن آن به خدا، می تواند برای بیان دو

مصدق و جلوه از فرمانروایی او باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۶ - ۲

۲ - آمد و شد شب و روز و جای گزینی مستمر هریک به جای دیگر ، نمودی از حاکمیت اراده الهی بر نظام طبیعت

یُولٰٓئِیۡهِ فِی النَّهَارِ وَ یُولٰٓئِیۡهِ فِی الْاٰیْلِ

مراد از <یولج الیل فی النهار..> می تواند این باشد که خداوند، روز را می برد و شب را جایگزین آن می کند و نیز شب

را می برد و

روز را به جای آن قرار می دهد. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲ - ۲

۲ - تقدیر مرگ و حیات برای بشر ، جلوه فرمانروایی و قدرت مطلق و بی پایان خداوند است .

بیده الملك و هو على كل شيء قدير . الذى خلق الموت و الحيوه

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <الذى خلق الموت..>، درصدد توضیح و تبیین آثار و جلوه های ملک و قدرت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۳ - ۴

۴ - آفرینش آسمان هفتگانه ، جلوه و نشانه فرمان روایی و قدرت مطلق و بی چون خداوند

بیده الملك .. الذى خلق سبع سموت طباقاً

جمله <الذى خلق سبع سماوات طباقاً> توضیح و تبیین دیگری برای آثار و جلوه های ملک و قدرت مطلق خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۶ - ۸

۸ - سرنوشت فرعون ، نشانگر حاکمیت خداوند بر حوادث تاریخ

فأخذه الله .. إنَّ فى ذلك لعبره لمن يخشى

عبرت بودن فرجام فرعون برای آیندگان، مستلزم مقهور بودن همه امور در برابر اراده خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۹ - ۱۱

۱۱ - ناتوانی انسان ها از یاری رسانی به یکدیگر در قیامت ، جلوه ای از حاکمیت مطلقه خداوند بر رخداد های آن است .

يوم لا تملك نفس لنفس شيئاً والأمر يومئذ لله

ارتباط صدر

و ذیل آیه شریفه، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۸ - ۴

۴ - فرجام فرعونیان و قوم ثمود ، نشانگر حاکمیت اراده خداوند و ناتوانی سپاه کفر از رویارویی با او است .

فَعَالٌ لِّمَا يَرِيدُ .. فرعون و ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۵ - ۲

۲ - پژمرده ساختن گیاهان و تبدیل آن به هیزم و خرده کاه ، جلوه های حاکمیت تدبیر خداوند بر جهان هستی است .

رَبِّكَ .. الذی أخرج المرعى . فجعله غثاء أَحوی

در این آیات، همان گونه که رویاندن گیاهان از جلوه های ربوبیت خداوند معرفی شده / پژمرده ساختن آنها نیز براساس تدبیر و ربوبیت او دانسته شده است. این تدبیر، ممکن است ناظر به منافع نظیر تهیه هیزم و کود، غذای زمستانی حیوانات و غیر آن باشد که از گیاهان خشک شده حاصل می شود.

نظام علیت و حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۲۰

۲۰ دانش کشف ارتباط نظام اسباب و علل با حاکمیت اراده الهی ، دانشی بس بلند مرتبه

ادخلوا من أبواب متفرقه و ما أغنی عنکم من الله من شیء .. و إنه لذو علم لما علم

نعمت حاکمیت دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۲۶

۲۶ - کفران و ناسپاسی نعمت حاکمیت دین داران و امنیت در پناه دین ، نشان فسق و تبه کاری و خروج از

راه حق و صواب است .

وعد الله الذين ءامنوا منكم .. ليستخلفنهم ... و ليمكنن لهم دينهم ... يعبدون

<فسق> به معنای عصیان و ترک فرمان های الهی و خروج از راه حق است (لسان العرب).

وسعت حاکمیت بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۶ - ۳

۳- وعده و پیام خداوند به همه بندگان حقیقی خود ، مبنی بر حاکمیت و پیروزی آنان در جای کره زمین

أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ . إِنَّ فِي هَذَا لَلْبَلَاغَ لِقَوْمِ عِبْدِي

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <هذا> اشاره به مضمون آیه قبل و مقصود از <بلاغ>، ابلاغ پیام و رساندن مقصود باشد (لسان العرب). گفتنی است که لحن و آهنگ دو آیه، حاوی وعده و بشارت الهی است.

وسعت حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۷ - ۷

۷ - حاکمیت خداوند بر هستی ، حاکمیت مطلق و بدون معارض

و لِّلَّهِ جُنُودُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

تقدیم خبر (لله) بر مبتدا (جنود..) افاده حصر می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۴ - ۲

۲ - حاکمیت مطلق خداوند بر هستی ، پشتوانه تحقق اراده او بر کیفر کافران

فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا . و لِّلَّهِ مَلِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

تذکر به حاکمیت مطلق خداوند بر هستی در پی تهدید کافران به عذاب بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۴ - ۳

۳ - امکان نداشتن فرار جن و

انس از قلمرو حاکمیت و قدرت خداوند ، نعمتی الهی و غیر قابل تکذیب و انکار

إن استطعتم أن تنفذوا... لاتنفذون... فبأيّ آلاء ربّكما تكذّبان

اطلاق <ءالآء> بر محتوای آیه پیشین و نیز ذکر <ربّ>، بیانگر مطلب بالا است.

وعدۀ حاکمیت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۲،۴

۲ - خلافت و سلطه در زمین و اداره آن ، وعدۀ اکید خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض

۴ - شکست کافران و پایان داده شدن به سلطه آنان و پیروزی مؤمنان دارای عمل صالح ، با در دست گرفتن اداره سرنوشت

بشر در زمین ، وعدۀ اکید خداوند

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض

وعدۀ حاکمیت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۲،۴

۲ - خلافت و سلطه در زمین و اداره آن ، وعدۀ اکید خداوند به مؤمنان دارای عمل صالح

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض

۴ - شکست کافران و پایان داده شدن به سلطه آنان و پیروزی مؤمنان دارای عمل صالح ، با در دست گرفتن اداره سرنوشت

بشر در زمین ، وعدۀ اکید خداوند

وعد الله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الأرض

ویژگیهای حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حاکمیت یگانه خداوند بر هستی ، آمیخته با رحمت گسترده و ازلی او

و لله ملك السموت و الأرض .

.. و كان الله غفورًا رحيمًا

از ارتباط صدر و ذیل آیه شریفه، مطلب بالا قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۳ - ۴

۴ - فرمانروایی خداوند بر هستی، آکنده از پاکی و تقدس و به دور از کمترین ظلم و کاستی است .

الملك القدوس

وصف <القدوس>، در پی <الملك>، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که فرمانروایی خداوند، از هر گونه آلودگی، ناپاکی، ظلم و کاستی مبرا است.

حالات از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حالات

آثار تذکر حالات محض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۶ - ۲،۳

۲ - یادآوری آخرین لحظات زندگی انسان (هنگام احتضار و حالات تکان دهنده محض) ، از سوی خداوند به کافران و منکران معاد ، برای بیدار کردن آنان از غفلت و مستی

كلّا إذا بلغت التراقي

۳ - یادآوری حالات محض در هنگام احتضار ، تأثیر گذار در بیدارگری و غفلت زدایی نسبت به دلبستگان دنیا

بل تحبون العاجله .. كلاً إذا بلغت التراقي

آثار حالات روانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۸ - ۲

۲- حالات روانی انسان ، بر جسم و چهره او تأثیر می گذارد .

و إذا بشر أحدهم بالأنثى ظلَّ وجهه

اگر چه در آیه تنها یک مورد ذکر شده است که خبری، باعث تغییر درونی و دگرگونی در چهره شده است، اما همین مورد هم برای ادعای یاد شده کافی است و این قضیه را ثابت می کند.

تنوع حالات انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰

۵- انسان ها ، در هنگامه های مختلف زندگی (برخورداری و محروم بودن از نعمت های خداوند) حالات گوناگون دارند .

فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مِنْ يَسَاءٍ ... يَسْتَبْشِرُونَ . وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ ... لِمَبْلَسِينَ

حالات اخروی مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۳ - ۱،۲

۱ تکذیب کنندگان قیامت در حالی که به غل و زنجیر بسته شده اند ، به جایگاهی تنگ در دوزخ افکنده خواهند شد .

و إِذَا أُلْقُوا مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مُقَرَّنِينَ

<قرن> (ریشه <مقرنین>) در اصل به معنای ریسمانی است که چند شتر را به هم ببندند؛ ولی به قرینه آیه ۴۹ سوره ابراهیم (تری المجرمین یومئذ مقرنین فی الأصفاد) می توان گفت: مقصود غل و زنجیری است که به وسیله آن، منکران معاد را به هم می بندند. غل و زنجیر است.

۲ افکنده شدن منکران قیامت به جهنم ، همراه با تحقیر و اجبار است .

و إِذَا أُلْقُوا مِنْهَا

واژه <أُلْقُوا> (به صیغه مجهول) به جای <ادخلوا>، حاکی از اجباری و تحقیرآمیز بودن ورود به جهنم است.

حالات انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۶ - ۱۵

۱۵ خداوند آگاه به گفته ها و اندیشه های آدمیان و تمامی حالات و صفات نفسانی ایشان

ان كنت قلته فقد علمته تعلم ما فی نفسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۳ - ۱۱

۱۱ احساس نیاز، تضرع، اخلاص و التزام به شکرگزاری، حالات مختلف انسان به هنگام گرفتاری

در سختیهاست.

تدعونه تضرعا و خفيه لئن أنجنا من هذه لنكونن من الشكرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰ - ۶، ۳، ۲

۲ احساس مصونیت از ابتلا به سختی ها و محنتها ، از حالت های انسان به هنگام رفاه و آسایش

و لئن أذقنه نعماء بعد ضراء مسته ليقولنّ ذهب السيئات عنيّ

<لئن أذقناه .. > دلالت بر برطرف شدن سختیها دارد. از این رو جمله <ذهب السيئات عنيّ > (رنجها از من دور شد) که انسان به خاطر گفتن و اعتقاد به آن مذمت شده است مفهومی دیگر دارد و آن پندار عدم ابتلای دوباره به رنجها و ناملايمات است.

۳ انسان ، پس از گذر از محنت ها و دستیابی به موهبت های دنیوی ، به شادمانی بسیار ، تکبر و فخرفروشی مبتلا خواهد شد .

و لئن أذقنه نعماء بعد ضراء مسته .. إنّه لفرح فخور

جمله <إنّه لفرح فخور > جمله مستأنفه است و بیانگر بازتاب معنایی است که از <ليقولنّ .. > استفاده می شود؛ یعنی ، انسان می پندارد که مشکلات بر او روی نخواهد آورد؛ در نتیجه بی اندازه شادمان می شود و فخرفروشی می کند.

۶ حالات روحیو روانی انسان (ناامیدی ، شادمانی مفرط ، تکبر و ...) حتی باکمترین سختیو رفاه تغییرپذیر است .

و لئن أذقنا الإنسن .. إنّه ليئوس كفور. و لئن أذقنه نعماء .. إنّه لفرح فخور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۳۴ - ۱۳

۱۳ خداوند ، به احوال بندگان و نیاز های آنان داناست .

فاستجاب له ربه .

.. إنه هو السميع العليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۴ - ۴

۴ - خداوند ، به وضعیت انسان در همه حال ، دانا است .

قد يعلم ما أنتم عليه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۸ - ۱۰

۱۰ خداوند ، بر احوال بندگان و به گناهان آنان ، آگاهی کامل دارد .

و كفى به بذنوب عباده خبيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۸ - ۱۶

۱۶ - نظام کيفر و پاداش خداوند ، بر اساس علم همه جانبه او به احوال و کردار بندگان است .

الذين كفروا لهم عذاب شديد . .. إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۳ - ۴

۴ - خنده و گریه ، از بارزترین نمودها و ویژگی های طبیعت انسان

و أنه هو أضحك و أبكى

از اختصاص به ذکر یافتن خنده و گریه در میان سایر افعال انسان، مطلب بالا استفاده می شود.

حالات بلعم باعورا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ حالت بلعم باعورا به سبب دنیاگرایی مانند حالت سگی شد که در هر حال ، چه بر او هجوم کنی و یا رهایش سازی ، زبان از کام بیرون آورد و له له زند .

فمثله کمثل الکلبن ان تحمل علیه یلهث او تترکه یلهث

<تحمل> از <حَمَلَه> گرفته شده و <حَمَلَه> به معنای هجوم کردن است. <مَثَل> در

آیه شریفه به معنای حالت و صفت است.

حالات بنی اسرائیل در میقات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۵ - ۵

۵ برگزیدگان بنی اسرائیل برای همراهی موسی (ع) در میعادگاه مناجات، پس از حضور در آن مقام به لرزشی شدید و کشنده گرفتار شدند.

فلما أخذتهم الرجفة

حالات بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۷ - ۲

۲ - قیامت و احوال خوبان و بدان و بهشتیان و دوزخیان، خبری پرفایده و بزرگ

قل هو نبؤا عظیم

حالات جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۲ - ۲

۲ - دوزخیان هر وقت بر اثر التهاب و غلیان آتش، از قعر دوزخ بالا- آورده شوند، با گرزهای آهنین دوباره به قعر آن بازگردانده خواهند شد.

و لهم مقمع من حدید . کَلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۷ - ۲

۲ - قیامت و احوال خوبان و بدان و بهشتیان و دوزخیان، خبری پرفایده و بزرگ

قل هو نبؤا عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلیٰ - ۸۷ - ۱۳ - ۲،۴

۲ - برای اهل دوزخ ، مرگ مطلوب تر از وضع موجود آنان است .

ثم لایموت فیها

۴ - باقی ماندن جهنمیان ، در حالتی که نه مرگ است و نه زندگی نامیده می شود ، از سوختن در آتش برای آنان دشوارتر

است .

ثم لايموت فيهما ولا يحيى

حرف <ثم>، برای تراخی رتبی است و بیان می کند که آنچه بعد از آن آمده، در مقایسه با قبل از آن قابل توجه تر است.

حالات درونی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۵ - ۲،۴

۲- ربوبیت خداوند ، مقتضی علم و آگاهی کامل او بر حالات درونی انسانها

ربکم أعلم بما فی نفوسکم

۴- خداوند ، از خود انسان به حالات و افکار درونی وی ، آگاه تر است .

ربکم أعلم بما فی نفوسکم

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مفضل علیه <أعلم>، <منکم> باشد؛ یعنی، آگاهی خداوند به درون شما از خودتان بیشتر است.

حالات روانی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۹ - ۱۶

۱۶ - انسان ، موجودی است که حالت های درونی متضادی ، بر او عارض می شود .

فإذا جاء الخوف .. فإذا ذهب الخوف

حالات عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۶ - ۱۷

۱۷ مسیح (ع) آگاه و معتقد به احاطه علمی خداوند بر وی و تمامی اندیشه‌ها و صفات نفسانی او

تعلم ما فی نفسی

حالات مکذبان آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۱ - ۲

۲ - تکذیب کنندگان آخرت، دارای حالات و رفتاری شگفت آور و غیرقابل انتظار

أرءیت الذی یکذب بالذین

استفهام با جمله <أرءیت> آن هم در زمانی که تکذیب گران معاد، فراوان و در دید همگان اند پرسش حقیقی

از دیدن یا دانستن نیست؛ بلکه مجازی است که برای بیان غیر منتظره بودن حال آن افراد است. ادامه سوره، بیانگر این است که علت این شکفتی، پیدایش آثاری است که تکذیب معاد آنها را در پی دارد. مخاطب آیه شریفه، هر کسی است که این سخن به او می رسد و می توان گفت: خطاب به رسول اکرم (ص) است؛ اما چون جنبه رسالت او مورد نظر نبوده، اختصاص به شخص آن حضرت ندارد و مفاد آیه، دیگران را نیز دربرمی گیرد.

حالات مکذبان آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۶ - ۱۵

۱۵ حالت درونی تکذیب کنندگان آیات الهی مانند حالت سگ تشنه ای است که همواره له له می زند .

ذلك مثل القوم الذين كذبوا بآيتنا

<ذلك> اشاره به حالتی است که جمله <فمثله .. > آن را درباره سگ بیان داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۷ - ۱،۵

۱ حالت جوامع تکذیب کننده آیات الهی ، حالتی شوم است .

ساء مثلاً القوم الذين كذبوا بآيتنا

۵ کسانی که با تکذیب آیات الهی بر خود ستم می کنند ، حالتی شوم و ناهنجار دارند .

ساء مثلاً القوم الذين .. أنفسهم كانوا يظلمون

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <أنفسهم كانوا يظلمون> عطف بر <كذبوا بآيتنا> باشد؛ یعنی: <ساء مثلاً القوم الذين أنفسهم كانوا يظلمون>. قابل ذکر است که در برداشتهای گذشته جمله <أنفسهم كانوا يظلمون> عطف بر جمله <ساء مثلاً ... > گرفته شده بود.

حالات منافقان

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۴ - ۸

۸ - منافقان ، همواره در وحشت و اضطراب اند .

يَحْسِبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ

ذکر حالات اخروی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۷ - ۲

۲ وضعیت تأسف بار ظالمان در قیامت و واکنش آنان در آن روز ، شایان یاد و یادآوری

و يَوْمَ يَعْصُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ

برداشت فوق، مبتنی بر این است که <یوم> متعلق به فعلی محذوف مانند <اذکر> باشد.

شگفتی حالات کافران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۱۴

۱۴ - وضعیت کافران به قرآن در قیامت ، رقت بار و شگفت آور است .

و قال الذين كفروا لن نؤمن بهذا القرآن .. و لو ترى إذ الظالمون موقوفون عند ربّ

جواب <لو> محذوف است و عبارت می تواند چیزی همانند و لو ترى .. لرأيت أمراً عجباً باشد.

ملائکه و حالات انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۰ - ۱۰

۱۰ فرشتگان ، توانا بر سخن گفتن با آدمیان و درک سخنان و حالات ایشان

قالوا سلماً .. قالوا لاتخف

نقش حالات روانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۰ - ۶،۱۲

۶ - برخی حالت های روحی و روانی ، در حواس انسان تأثیر بسیار زیادی دارد .

إذ جاءوكم .. و إذ زاغت الأبصر

۱۲ - بروز برخی از حالت های روانی و روحی برای انسان ، ممکن است که

فعالیت قلب را از سیستم عادی خارج کرده و او را غیر متعادل سازد .

إذ جاء وكم .. و بلغت القلوب الحناجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۹ - ۹

۹ - حالت روانی مانند ترس ، برخی از حواس انسان را ، از سیستم عادی خارج می سازد و حرکت آن را غیر متعادل می سازد .

فإذا جاء الخوف .. تدور أعينهم

حالات روانی

آثار حالات روانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۸ - ۲

۲- حالات روانی انسان ، بر جسم و چهره او تأثیر می گذارد .

و إذا بشر أحدهم بالأنثى ظل وجهه

اگر چه در آیه تنها یک مورد ذکر شده است که خبری، باعث تغییر درونی و دگرگونی در چهره شده است، اما همین مورد هم برای ادعای یاد شده کافی است و این قضیه را ثابت می کند.

حالات روانی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۹ - ۱۶

۱۶ - انسان ، موجودی است که حالت های درونی متضادی ، بر او عارض می شود .

فإذا جاء الخوف .. فإذا ذهب الخوف

نقش حالات روانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۰ - ۶،۱۲

۶ - برخی حالت های روحی و روانی ، در حواس انسان تأثیر بسیار زیادی دارد .

إذ جاءوكم . . . و إذ زاغت الأبصر

۱۲ - بروز برخی از حالت های روانی و روحی برای انسان ، ممکن است که فعالیت قلب را از

سیستم عادی خارج کرده و او را غیر متعادل سازد .

إذ جاءوكم . . . و بلغت القلوب الحناجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۹ - ۹

۹ - حالت روانی مانند ترس ، برخی از حواس انسان را ، از سیستم عادی خارج می سازد و حرکت آن را غیر متعادل می سازد .

فإذا جاء الخوف . . . تدور أعينهم

حامی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حامی

احکام حامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۳ - ۱۳، ۱۲، ۷، ۲، ۱

۱ خداوند هیچ حکم ویژه ای برای بحیره ، سائبه ، وصیله و حامی قرار نداده است .

ما جعل الله من بحيره و لاسائبه و لاوصيله و لاحام

مراد از عدم جعل بحیره و ... به قرینه <قالوا حسبنا ما وجدنا...> در آیه بعد، نفی تشریح احکامی خاص درباره حیوانات ذکر شده است زیرا آنچه در بین کافران عصر بعثت و پدرانشان معروف بود، احکامی ویژه درباره بحیره و ... بوده است.

۲ کافران عصر جاهلی جعل احکامی را درباره بحیره ، سائبه ، وصیله و حامی به خداوند نسبت می دادند .

ما جعل الله . . . و لكن الذين كفروا يفترون على الله الكذب

۷ احکام ویژه حامی (شتر نری که از صلبش ده شتر به وجود آید) از بدعت ها و افترا های مردم جاهلی بر خداوند

ما جعل الله . . . و لاحام و لكن الذين كفروا يفترون

اعراب جاهلی از سوار شدن بر شتر مذکور امتناع میورزیدند و آن را از هیچ آب و چراگاهی منع نمی کردند.

بعثت احکام رایج درباره بحیره ، سائبه ، وصیله و حام ، را احکامی الهی می پنداشتند .

ما جعل الله من بحیره . . . یفترون علی الله الکذب و اکثرهم لایعقلون

۱۳ تنها اندکی از کفرپیشگان عصر بعثت علی رغم طرفداری از احکام رایج درباره بحیره ، سائبه ، وصیله و حامی آگاه به بدعت بودن آن احکام و نبود آنها در ادیان الهی

و لكن الذین کفروا یفترون علی الله الکذب و اکثرهم لایعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۴ - ۱۳

۱۳ احکام ویژه بحیره ، سائبه ، وصیله و حامی بدعتهایی دیرینه و میراثی به جا مانده از مردمانی نادان و گمراه .

ما جعل الله من بحیره . . . قالوا حسبنا ما وجدنا علیہ ءاباءنا

حامی اخروی صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۱ - ۱

۱ - یکتاپرستان پایدار بر توحید ، بهره مند از حمایت و یاری فرشتگان در دنیا و آخرت

نحن أولیاءکم فی الحیوه الدنیا و فی الآخره

حامی اخروی موحدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۱ - ۱،۹

۱ - یکتاپرستان پایدار بر توحید ، بهره مند از حمایت و یاری فرشتگان در دنیا و آخرت

نحن أولیاءکم فی الحیوه الدنیا و فی الآخره

۹ - > (فی المجمع) و قیل نحن أولیاءکم فی الحیاه الدنیا ای نحرسکم فی الدینا و عند الموت و فی الآخره عن أبی جعفر (ع

; (

در مجمع البيان ذيل آيه >نحن أولياؤكم في الحياه الدنيا و

فی الآخرة > آمده است: گفته شده (که فرشتگان می گویند) ما اولیای شما در زندگی دنیا هستیم؛ یعنی، در دنیا و هنگام مرگ و در آخرت از شما پاسداری می کنیم و این معنا از امام باقر(ع) روایت شده است >.

حامی ادیان آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۸ - ۶

۶ - خداوند ، حافظ و نگاهبان آیین توحید در گستره تاریخ

و جعلها کلمه باقیه

بنابراین که فاعل <جعل> خداوند باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

حامی اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۹ - ۳

۳ - حمایت های جدی و مکرر خداوند از پیامبر (ص) و اسلام ، در برابر سرسختی و حق ستیزی دشمنان

أم ابرموا أمراً فإنا مبرمون

حامی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۱ - ۱۲

۱۲ پیامبران الهی ، مستظهر و پشت گرم به حمایت و پشتیبانی خدا از آنان علیه توطئه گران و نیرنگ بازان

و إذا أذقنا الناس رحمه . . . إذا لهم مكر في آياتنا قل الله أسرع مكرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۳ - ۸

۸- حمایت از انبیا ، با هلاکت مخالفان ستمگر آنان ، مقتضای ربوبیت خداوند

فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ رَبِّهِمْ لِنَهْلِكَنَ الظَّالِمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۴ - ۱۱

۱۱- انبیا به دلیل ترس از مقام خداوند از حمایت های خداوند برخوردار شدند .

فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ رَبِّهِمْ لِنَهْلِكَنَ الظَّالِمِينَ . و

لنسكننكم الأرض ... ذلك لمن خاف مقامي و خ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۵ - ۶

۶ - خدا ، حامی و پشتیبان پیامبران

اللّه یصطفی .. . إنّ اللّه سمیع بصیر

متعلق <سمیع> و <بصیر> حذف شده و تقدیر آن چنین است: <إِنَّ اللّه سمیع أقوالهم و بصیر بأعمالهم> خدا سخن مردم را می شنود و کردار آنان را می بیند. جمله یاد شده متضمن اعلام حمایت و پشتیبانی خدا از پیامبر(ص) و تهدید همه کسانی است که با آن حضرت به مخالفت برمی خاستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۵ - ۴

۴ - تاریخ بشر ، شاهد حمایت ها و پشتیبانی های خداوند از جبهه توحید و راه انبیا

و كذلك ما أرسلنا من قبلك فی قریه من نذیر .. فانقمنا منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۱ - ۳

۳ - خداوند ، پیامبران خود را با تضمین پیروزی آنان و شکست جبهه دشمن فرستاد .

كتب اللّه لأغلبّ أنا و رسلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۶ - ۷

۷ - خداوند ، حامی پیامبران و مدافعان دین در برابر مخالفان

فأخذه اللّه .. . إنّ فی ذلك لعبره لمن یخشی

حامی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۶ - ۲

۲- تأمین نیازهای مادی انسان در زمین ، دلیل قدرت و کفایت خدا در حمایت همه جانبه از انسان است

و كفى برّبك و كَيْلاً. رَبِّكُم الَّذِي يُزْجِي لَكُمُ الْفَلَكَ فِي الْبَحْرِ لِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ

از اینکه خداوند، پس از تذکر کفایت و وکالت خود، این نکته را که کشتیها را به منظور برآوردن منافع انسانها به حرکت درمی آورد، یادآوری کرده است می تواند برای بیان نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۶ - ۲

۲ - خداوند ، شایسته ترین حامی بندگان و دفع کننده شر دشمنان از آنان است .

أليس الله بكاف عبده

مقصود از کفایت خداوند، با توجه به جملات بعدی آیه شریفه که درباره تهدیدها و ارباب های دشمنان سخن می گوید حمایت الهی از پیامبر(ص) و مؤمنان در برابر دشمنان است.

حامی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۲ - ۴

۴ - بنی اسرائیل گرفتار در نظام فرعونی ، مورد حمایت و لطف الهی

أن أسر بعبادی

اضافه <عباد> به ضمیر متکلم، بیانگر برداشت یاد شده است.

حامی بیعت کنندگان با رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۰ - ۷

۷ - خداوند ، حامی و یاری دهنده بیعت کنندگان با پیامبر (ص) و رهبران الهی

إِنَّ الَّذِينَ يَبَايِعُونَكَ .. يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ

برداشت بالا- بر این اساس است که تعبیر <ید الله..> در مقام تأیید و تشویق و دلجویی باشد؛ یعنی، ای بیعت کنندگان با پیامبر! شما با خدا بیعت کرده اید و از حمایت او برخوردار خواهید بود.

حامی بیعت کنندگان با محمد(ص)

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۰ - ۷

۷ - خداوند ، حامی و یاری دهنده بیعت کنندگان با پیامبر (ص) و رهبران الهی

إِنَّ الَّذِينَ يَبَايِعُونَكَ .. يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ

برداشت بالا- بر این اساس است که تعبیر <يد الله..> در مقام تأیید و تشویق و دلجویی باشد؛ یعنی، ای بیعت کنندگان با پیامبر! شما با خدا بیعت کرده اید و از حمایت او برخوردار خواهید بود.

حامی پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۰ - ۱

۱ خداوند ، حامی و پشتیبان موحدان و مؤمنان به رسالت پیامبران است .

من ينصرنى من الله إن طردتهم

حامی تائبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷ - ۱۸

۱۸ - مؤمنان تائب و پیرو راه الهی ، برخوردار از لطف و حمایت فرشتگان عرش الهی

الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ .. يَسْتَغْفِرُونَ ... لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ

حامی حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۱ - ۶

۶ - دخالت خداوند در تحولات و حوادث تاریخ به نفع جریان حق

إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

حامی دنیوی صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۱ - ۱

۱ - یکتاپرستان پایدار بر توحید ، بهره مند از حمایت و یاری فرشتگان در دنیا و آخرت

نحن أولياؤكم في الحياة الدنيا و في الآخرة

حامی دنیوی موحدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۶

۱ - یکتاپرستان پایدار بر توحید ، بهره مند از حمایت و یاری فرشتگان در دنیا و آخرت

نحن أولیاءکم فی الحیوه الدنیا و فی الآخره

۹ - > (فی المجمع) و قيل نحن أولیاءکم فی الحیاه الدنیا ای نحرسکم فی الدینا و عند الموت و فی الآخره عن أبی جعفر (ع) ; (

در مجمع البیان ذیل آیه <نحن أولیاءکم فی الحیاه الدنیا و فی الآخره> آمده است: گفته شده (که فرشتگان می گویند) ما اولیای شما در زندگی دنیا هستیم؛ یعنی، در دنیا و هنگام مرگ و در آخرت از شما پاسداری می کنیم و این معنا از امام باقر(ع) روایت شده است.<

حامی دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۶ - ۵

۵ - مکتب حق در رویارویی با مخالفان ، همواره مورد حمایت خداوند بوده است .

انتقمنا منهم .. فجعلنهم سلفاً و مثلاً للأخیرین

حامی شاعران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۴ - ۲

۲ - ویژگی شاعران خیال پرداز ، هواداری گمراهان و فاسدان از آنان است .

و الشعراء یتبعهم الغاون

حامی شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۵ - ۱

۱- شهیدان در همه مراحل پس از شهادت ، برخوردار از هدایت و حمایت خداوند

سپه‌دیه‌م و یصلح بالهم

ضمیر <هم> به <الذین قتلوا فی سبیل اللّٰه> بازمی‌گردد. <بال> در <بالهم> یا به معنای شأن و امر (مفرد امور) و یا قلب است. برداشت یاد شده ناظر به معنای

نخست می باشد.

حامی صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۰ - ۴

۴ - حمایت خدا از صالح پیامبر (ع) ، در سرنوشت سازترین مراحل و در اوج مکر کافران

لَنبِئَنَّهٗ وَ اَهْلَهٗ .. و مکروا مکرًا و مکرنا مکرًا و هم لایشعرون

حامی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹ - ۴

۴ مؤمنان نیک کردار ، در کنف حمایت و هدایت مستمر و دایم الهی

إن الذین ءامنوا و عملوا الصلحت یهدیهم ربهم

حامی عابدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۲ - ۶

۶ - اهل عبادت برای خداوند ، برخوردار از حمایت های او در مراحل هولناک قیامت

لیس لها من دون الله کاشفه .. فاسجدوا لله و اعبدوا

چنانچه <کاشفه> در آیات پیشین، به معنای گشاینده سختی ها باشد، از ارتباط این آیه با <لیس لها..> می توان به مطلب

بالا پی برد.

حامی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - خداوند خود ، مدافع قرآن در برابر تبلیغات مکارانه کافران است .

إنه لقول فصل . . . یکیدون کیدا . و اکید کیدا

حامی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۷ - ۶

۶ - حمایت خداوند از لوط (ع) و میهمانان آن حضرت در برابر بدخواهی های قومش

و لقد رودوه عن ضیفه فطمسنا أعینهم

حامی متقین

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۹ - ۸

۸ - خداوند ، سرپرست و حامی تقوایپیشگان

و الله ولي المتقين

حامی متوکلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۶ - ۱۳

۱۳ خداوند ، حامی و پشتیبان مؤمنان و توکل کنندگان بر او

إني توكلت على الله . . . إن ربي على صراط مستقيم

حامی مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲ - ۱۶

۱۶ - ایجاد وحشت در قلب کافران ، از ابزار الهی در حمایت از جهادگران مسلمان

هو الذي أخرج . . . و قذف في قلوبهم الرعب

از این که خداوند، پس از بیان شکست یهود به رغم برخورداری آنان از تجهیزات و استحکامات موضوع ایجاد وحشت را مطرح کرده است؛ مطلب یاد شده استفاده می شود.

حامی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۶ - ۱۴

۱۴ قدرت شکست ناپذیر خداوند ، پشتوانه پیشبرد هدف های رسالت و تدبیر امور نبوت رسول خداست .

إن ربك هو القويُّ العزيز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۱۰

۱۰ پیامبر (ص) همواره از حمایت و یاری خداوند برخوردار بود .

ولئن اتبعت .. مالک من الله من ولی و لا واق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۵ - ۱،۳

۱- پیامبر (ص) تحت حمایت ویژه خداوند در برابر استهزا ، آزار و اذیت مشرکان و دشمنان

إننا کفینک المستهزین

حمایت خداوند از پیامبر (ص) در برابر دشمنان ، پشتوانه آن حضرت در آشکارا و علنی کردن دعوت خویش و بی اعتنایی به مشرکان و دشمنان

فاصدع بما تؤمر و أعرض عن المشركين . إنا كفيناك المستهزئين

جمله <إنا كفيناك .. > به منزله تعلیل برای جمله <فاصدع بما تؤمر ... > است؛ یعنی، چون ما از تو حمایت می کنیم، پس به آنچه مأمور شدی عمل کن و از مشرکان اعراض نما.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۵ - ۶

۶- حمایت خداوند از پیامبر (ص) ، منوط به پایداری او در طریق وحی

و لولا أن ثبتنك لقد كدت تركن إليهم شيئاً قليلاً. إذا لأذقنك ضعف الحيوة و ضعف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۵ - ۷

۷- اعلام حمایت و پشتیبانی همه جانبه خداوند از پیامبر (ص)

الله يصطفى .. إن الله سميع بصير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴ - ۷

۷ خداوند ، مدافع حریم شخصیت پیامبر (ص) در مقابل برخورد های ظالمانه و مزورانه کافران

و قال الذين كفروا إن هذا إلا إفك .. فقد جاءو ظلماً و زوراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۳ - ۷

۷ خداوند ، همواره حامی پیامبر (ص) در برابر بهانه تراشی ها و سخنان شبهه آلود و باطل کفار و دشمنان

و لا يأتونك بمثل إلا جئناك بالحق و أحسن تفسيراً

- سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹ - ۴

۴ - پیامبر (ص)، تحت تربیت خاص و حمایت ویژه خداوند

و إِنَّ رَبَّكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۸ - ۱

۱ - پیامبر (ص)، برخوردار از حمایت ویژه پروردگار در قبال عنادورزی های مشرکان

و ما كان أكثرهم مؤمنين . و إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

ذکر آیه <إِنَّ رَبَّكَ..> پس از بیان ماجرای موسی و فرعون، دارای این پیام است که: ای پیامبر! همان گونه که خداوند، موسی(ع) را تحت حمایت گرفت و فرعونیان را از میان برداشت، تو را نیز تحت حمایت ویژه خود قرار داده و دشمنانت را سرکوب خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۴ - ۱

۱ - پیامبر (ص)، برخوردار از حمایت ویژه پروردگار در برابر کافران حق ستیز

و ما كان أكثرهم مؤمنين . و إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

با توجه به تعریض آیه قبل در باره حق ناپذیر بودن بیشتر مشرکان صدراسلام، آیه یاد شده پیامبر(ص) را بدین گونه مورد خطاب قرار می دهد که: ای پیامبر! تو از این بابت نگران نباش زیرا در حمایت ویژه ما هستی و ما با قدرت قاهر و شکست ناپذیر خود دشمنانت را سرکوب خواهیم کرد؛ چنان که دشمنان ابراهیم را ناکام کردیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۲ - ۱

۱ - پیامبر (ص) برخوردار از حمایت و لطف ویژه خدا

و ما كان أكثرهم مؤمنين . و إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

با توجه به این که آیه پیش به حق ناپذیری اکثریت مشرکان صدر اسلام اشاره دارد، در این آیه پیامبر مورد خطاب قرار گرفته که: ای پیامبر! تو از این بابت نگران نباش؛ زیرا در حمایت ویژه ما هستی و ما با قدرت قاهر و شکست ناپذیر خود، دشمنانت را سرکوب خواهیم کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۰ - ۱

۱ - پیامبر (ص)، برخوردار از حمایت و لطف ویژه خدا در قبال عنادورزی های مخالفان

و ما كان أكثرهم مؤمنين . و إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

با توجه به تعریض آیه قبل به حق ناپذیر بودن اکثریت مشرکان صدر اسلام، این آیه پیامبر(ص) را مورد خطاب قرار داده و می فرماید: ای پیامبر! تو از این بابت نگران نباش؛ زیرا ما با قدرت قاهر و شکست ناپذیر خود، دشمنانت را سرکوب خواهیم کرد. (چنان که دشمنان هود(ع) را سرکوب کردیم).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۹ - ۱

۱ - پیامبر (ص)، برخوردار از حمایت ها و الطاف ویژه خداوند در قبال عنادورزی های مشرکان

و ما كان أكثرهم مؤمنين . و إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

با توجه به بیان سرگذشت صالح(ع) و ثمودیان و فرجام هلاکت بار آنان در آیات پیشین و تعریض آیه قبل به حق ناپذیری اکثریت مشرکان صدر اسلام، در این آیه خطاب را متوجه پیامبر(ص) نموده و می فرماید: ای پیامبر! تو از این

بابت نگران نباش زیرا ما با قدرت قاهر و شکست ناپذیر خود، دشمنانت را سرکوب خواهیم کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۵ - ۲

۲ - پیامبر (ص)، برخوردار از حمایت ها و الطاف ویژه خداوند در قبال عنادورزی های مخالفان

و ما کان اکثرهم مؤمنین . و إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

با توجه به تعریض آیه قبل به حق ناپذیر بودن اکثریت شرک پیشگان صدراسلام، در این آیه پیامبر را مخصوص به خطاب قرار داده می فرماید: ای پیامبر! تو از این بابت نگران نباش، زیرا ما همان گونه که لوط(ع) را مورد حمایت قرار دادیم و قوم فاسدش را از میان برداشتیم، تو را نیز در حمایت خویش قرار خواهیم داد و با قدرت قاهر و شکست ناپذیر خود، دشمنانت را سرکوب خواهیم کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۱ - ۱

۱ - پیامبر (ص)، برخوردار از حمایت و لطف ویژه خداوند در قبال عنادورزی های مشرکان

و ما کان اکثرهم مؤمنین . و إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

ذکر آیه <إِنَّ رَبَّكَ...> پس از بیان ماجرای شعیب(ع) و مردم ایکه، این پیام را دارد که ای پیامبر! همان گونه که خداوند، شعیب(ع) را تحت حمایت خود قرار داد و مردم ایکه را از میان برداشت، تو را نیز در حمایت ویژه خود قرار خواهد داد و دشمنانت را سرکوب خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۱ - ۳

۳ - دفاع خداوند

از حریم پاکِ وحی و پیامبر (ص)

هل أءتبتکم علی من تنزل الشیطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۱ - ۷

۷ - حمایت خدا از پیامبر (ص) در قبال توطئه اشرار قومش علیه او

فانظر کیف کان عقبه مکرهم انا دمرنهم

مقصود از آیه یاد شده این است که: ای پیامبر! ناکامی مفسدان پیشین را مشاهده کن و اطمینان داشته باش که دشمنان تو نیز فرجامی جز آن نخواهند داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۵ - ۴

۴ - اقدام خداوند به دلداری دادن به پیامبر (ص) ، اعلام حمایت از وی و تضمین بازگشت مجدد آن حضرت به مکه

إن الذی فرض علیک القرءان لرادک إلی معاد

کلمه <معاد> اسم مکان و به معنای بازگشت گاه است و بر محل سکونت افراد (خانه، ده و شهر) اطلاق می شود زیرا انسان هر کجا که برود سرانجام به آن محل بازمی گردد. در آیه مراد از <معاد> شهر پیامبر (مکه) است. درباره شأن نزول این آیه گفته اند: هنگامی که پیامبر (ص) به قصد هجرت از مکه خارج شد و به محلی به نام جحفه رسید دلش هوای مکه کرد و از این که زادگاه خود و پدرانش و حرم جدش حضرت ابراهیم (ع) را به ناچار ترک می کند، سخت ناراحت شد. در این حال آیه بالا نازل گردید و خداوند او را دلداری داد و حمایت قطعی خود را از آن حضرت اعلام کرد و وعده فرمود که او را بار دیگر به مکه باز خواهد

گرداند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۰ - ۱۲

۱۲ - پیامبر (ص) ، مورد توجه ویژه خداوند بوده است .

و لئن جاء نصر من ربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۶ - ۱۱

۱۱ - خداوند ، بهترین و شایسته ترین مدافع و حامی پیامبر (ص) و مؤمنان در برابر تهدید و ارباب دشمنان

و يخوفونك بالذین من دونه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۸ - ۱۷، ۱۵

۱۵ - خداوند ، کفایت کننده امور پیامبر (ص) و مواضع او در برابر دشمنان

قل حسبی الله

<حَسْبُ> به معنای <کفایت> است. مقصود از کفایت خداوند که به فرمان اعلام به مردم (قل) همراه شده اعلام حمایت خداوند از پیامبر(ص) و دفع شرّ و توطئه دشمنان از آن حضرت است.

۱۷ - تضمین خداوند نسبت به حمایت از پیامبر (ص) ، در برابر تهدید ها و ارباب دشمنان

و يخوفونك .. قل حسبی الله

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، می تواند ناظر به دو آیه پیش باشد که در آنها مسأله تهدید و ارباب مشرکان به پیامبر(ص) مطرح شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۹ - ۳

۳ - حمايت هاى جدى و مكرر خداوند از پيامبر (ص) و اسلام ، در برابر سرسختى و حق ستيزى دشمنان

أَمْ أُبْرَمُوا أَمْرًا فَإِنَّا مُبْرَمُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آيه

۱- حمایت خداوند از پیامبر (ص) ، با ارائه رهنمود به آن حضرت در قبال تشکیک کافران

أَمْ يَقُولُونَ افتریه . . . قل ما کنت بدعًا من الرسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲- حمایت خداوند از پیامبر (ص) ، در قبال عداوتورزی کافران

إِنَّ الدِّينَ كَفَرُوا . . . وَ شَاقُّوا الرِّسُولَ ... وَ سَيَحْبِطُ أَعْمَالَهُمْ

تعبیر <و سیحبط أعمالهم> می تواند هم به معنای عقیم ساختن توطئه های کافران و هم به معنای پوچ ساختن اعمال به ظاهر نیک آنان باشد. در هر دو صورت، از این موضع گیری شدید، حمایت خداوند از پیامبر(ص) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ پیامبر (ص) ، در پرتو ربوبیت ویژه الهی و در منظر عنایت و حمایت او

وَ اصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - پیامبر (ص) ، تحت حمایت و سرپرستی ویژه خداوند

فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلِيهِ

۱۴ - پیامبر (ص) ، مورد حمایت و پشتیبانی جبرائیل ، صالح ترین مؤمنان (علی (ع)) و فرشتگان قرار داشت .

وَ جِبْرِيْلُ وَ صَلَحَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ

مقصود از <صالح المؤمنین> برابر نظر بسیاری از مفسران و روایات وارده از عامّه و خاصّه امیرالمؤمنین علی (ع) است (مجمع
البیان، ذیل آیه).

۱۵ - پیامبر (ص)

، در برابر ضدیت و خیانت برخی از همسرانش ، مورد حمایت و پشتیبانی خداوند ، جبرائیل ، صالح مؤمنان (علی (ع)) و فرشتگان قرار داشت .

و إن تظهدرا عليه فإنّ الله هو موليه . . . و الملكة بعد ذلك ظهير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۶ - ۷

۷ - پیامبر (ص) از خردسالی ، در پناه خداوند و برخوردار از مراقبت مخصوص او بود .

ألم یجدک یتیمًا فاوی

فعل < آوی > که مطلق است ممکن است به معنای < آواک إلی نفسه > و بیانگر مراقبت مستقیم خداوند، از پیامبر (ص) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۹ - ۲

۲ - خداوند ، با گوشزد کردن یتیمی پیامبر (ص) و مراقبت های خویش از آن حضرت ، او را به پرهیز از سلطه بر یتیمان فراخواند .

ألم یجدک یتیمًا فاوی . . . فأما الیتیم فلاتقهر

حرف < فاء > ، این آیه را بر جمله مناسب آن در آیات پیشین ، تفریع کرده است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۱ - ۶

۶ - خداوند ، حامی پیامبر (ص) در برابر زخم زبان دشمنان

إنا أعطینک الکوثر

آن گونه که از ذیل این سوره استفاده می شود، عطای کوثر به پیامبر (ص) کاری است که خداوند در برابر طعنه ها و سخنان نیشدار دشمن انجام داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۲ - ۷

۷ - فتح مکہ ، نشانه حقانیت

اسلام و حمايت خداوند از پيامبر (ص) ، در ديدگاه مردم عصر بعثت

إذا جاء نصر الله .. يدخلون في دين الله أفواجا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۱۳

۱۳ - خداوند ، پناهگامی شايسته برای پيامبر (ص) ، در برابر تلاش جن و انس برای اغوای مردم و ايجاد تزلزل در دل های آنان

قل أعوذ .. الذي يوسوس في صدور الناس . من الجنه و الناس

حامی مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۹

۹ خداوند ، حامی مستضعفان است .

و أورثنا القوم الذين كانوا يستضعفون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۷

۷ - اسلام ، حامی مستضعفان و ناتوانان است .

ليس على الأعمى حرج ولا على الأعرج حرج ولا على المريض حرج

برداشت ياد شده با توجه به اين نکته است که نابينايی، لنگی و مرض نوعاً موجب از کار افتادگی انسان می شود. در نتیجه، چنین افرادی در شمار افراد مستضعف و ناتوان قرار می گیرند.

حامی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۹ - ۱۳

۱۳ - امت اسلام ، تحت حمایت و یاری خداوند است .

إِنَّ الَّذِينَ يَجْبُونَ أَنْ تُشَاعِرَ الْفَحْشَةَ فِي الَّذِينَ ءَامَنُوا .. وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

جمله <والله يعلم و أنتم لاتعلمون> در واقع نوعی اعلان حمایت و پشتیبانی از سوی خدا است که گر چه مسلمانان، دشمنان داخلی خود

را نمی شناسند؛ ولی خدا آنها را به دقت زیر نظر دارد. گفتنی است آیه بعد (و لولا فضل الله...) مؤید همین برداشت است.

حامی مظلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۴ - ۲

۲- خداوند از جبهه مظلومانِ حق طلب در برابر سرکشی ظالمان حق ستیز، دفاع و حمایت می کند .

و قال الذين كفروا... لنخرجنكم من أرضنا... فأوحى إليهم ربهم لنهلكن الظالمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۷ - ۶

۶- بندگان مظلوم و تحت شکنجه حکومت های ظالم، مورد عنایت و لطف خداوند

أسر بعبادی

یادکردن از بنی اسرائیل به عنوان <عبادی> در حالی که تحت ستم و شکنجه های فرعون قرار داشتند؛ دلالت بر این نکته دارد که بندگان تحت شکنجه ظالمان (در صورتی که خواستار رهایی باشند) مورد نظر و عنایت خداوند قرار دارند.

حامی مظلومان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۰ - ۵

۵- خداوند، حامی و پشتیبان ستمدیدگان و دشمن ستمگران و متجاوزان است .

و من عاقب بمثل ما عوقب به ثم بغى عليه لينصرنه الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۱ - ۱

۱- توانایی خداوند بر جا به جا کردن شب و روز، دلیلی است گویا برای توانایی او بر یاری رساندن به ستمدیدگان در انتقام گرفتن آنان از ستمگران .

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ . . . وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ

در آیه پیش، خداوند به

آن مسلمانی که مورد ستم و تجاوز مشرکان قرار گرفته بود، وعده قطعی داد که او را یاری خواهد کرد تا انتقامش را از متجاوزان بازستاند در این آیه، برای این که کسی در توانایی خدا بر تحقق بخشیدن به وعده‌هایش و در حمایت و پشتیبانی از ستم دیدگان تردیدی نکند، گوشه ای از قدرت نهایت خود را بیان کرده است.

حامی مقربان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۵ - ۸

۸- بندگان مقرب، برخوردار از حمایت (حفاظت و کارسازی) خداوند در برابر وسوسه‌ها و بدخواهی‌های شیطان

و استفزز من استطعت .. إن عبادی لیس لک علیهم سلطن و کفی بر بک و کیلاً

<و کفی بر بک و کیلاً> می‌تواند تعلیلی بر عبارت <إن عبادی ..> باشد. بنابراین، مقصود عبارت این می‌شود: ابلیس بر بندگان خدا سلطه ای ندارد. چون خداوند، حامی کفایت کننده ای برای آنان است.

حامی موحدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۰ - ۱

۱ خداوند، حامی و پشتیبان موحدان و مؤمنان به رسالت پیامبران است.

من ینصرنی من الله إن طردتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۵ - ۴

۴- تاریخ بشر، شاهد حمایت‌ها و پشتیبانی‌های خداوند از جبهه توحید و راه انبیا

و کذلک ما أرسلنا من قبلك فی قریه من نذیر .. فانقمنا منهم

حامی موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵ - ۲۰۴

۲ - حمايت

قاطع خداوند از موسی (ع) در قبال مشکلات راه رسالت .

قال كَلَّا... إنا معكم مستمعون

۴- موسی و هارون (ع) ، مأمور حرکت به سوی فرعونیان با تکیه بر حمایت قاطع الهی

قال كَلَّا فاذهبا بایتنا إنا معكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷ - ۱۲

۱۲ - خداوند ، پناه و پشتیبان موسی (ع) از مرحله شیرخوارگی تا رسیدن به مقام رسالت

إِنَّ فرعون... يذبح أبناءهم... و أوحينا إلى أم موسى أن أرضعیه... إنا راؤو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۷ - ۵

۵ - اطمینان موسی (ع) به حمایت خداوند از او ، در برابر تهدید به قتل از سوی فرعون

أقتل موسی... قال... عدت برّبی و ربّکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۰ - ۲

۲- موسی (ع) ، متکی به حمایت پروردگار در قبال هجوم و تهدید فرعونیان

و إني عدت برّبی و ربّکم أن ترجمون

حامی مؤمن آل فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۵ - ۱

۱ - خداوند مؤمن آل فرعون را از آثار ناپسند مکر فرعونیان محفوظ داشت .

فوقیه الله سیئات ما مکروا

حامی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۹ - ۱۱

۱۱ حمایت و دلجویی خداوند از مؤمنان انفاق کننده و ایثارگر ، در برابر تمسخر منافقان

سخر الله منهم

و لهم عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹ - ۴

۴ مؤمنان نیک کردار ، در کنف حمایت و هدایت مستمر و دایم الهی

إن الذين ءامنوا و عملوا الصلحت يهديهم ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۶ - ۱۳

۱۳ خداوند ، حامی و پشتیبان مؤمنان و توکل کنندگان بر او

إني توكلت على الله . . . إن ربي على صراط مستقيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۰ - ۷

۷- مؤمنان ، برخوردار از حمایت های غیبی الهی در دور ماندن از کفر و معصیت اند .

فكان أبواه مؤمنين فخشينا أن يرهقهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۱ - ۷

۷- خداوند ، حامی مؤمن و تقدیر کننده خیر و مصلحت برای او است .

فكان أبواه مؤمنين . . فأردنا أن يبدلهما ربهما خيرًا منه زكوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۸ - ۱

۱ - مؤمنان ، برخوردار از حمایت و پشتیبانی پیوسته خداوند

إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ عَنِ الَّذِينَ ءَامَنُوا

<دفاع> (مصدر <يدافع>) به معنای پشتیبانی و دفع کردن شرّ دشمن است؛ یعنی، خداوند بی تردید مؤمنان را مورد حمایت و پشتیبانی قرار می دهد و شرّ دشمنان دین را از آنان دفع می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۰ - ۶

۶ - حمایت خدا از ساحت مؤمنان در قبال کافران

فَاتَّخَذَ تَمَوْهَمَ سَخْرِيًّا .

.. و کنتم منهم تضحکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۶ - ۱۱

۱۱ - خداوند ، بهترین و شایسته ترین مدافع و حامی پیامبر (ص) و مؤمنان در برابر تهدید و ارباب دشمنان

و یخوفونک بالذین من دونه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷ - ۱۸

۱۸ - مؤمنان تائب و پیرو راه الهی ، برخوردار از لطف و حمایت فرشتگان عرش الهی

الذین یحملون العرش .. یستغفرون ... للذین تابوا و اتبعوا سبیلک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۸ - ۱۱

۱۱ - ایمان به حمایت الهی از جبهه حق ، پشتوانه مؤمنان در مواجهه با خصومت های جبهه باطل

قل .. کفی به شهیداً بینی و بینکم

خداوند، با تذکر دادن (کفی به شهیداً) به پیامبر(ص)، از یک سو کافران را تهدید کرده و از سوی دیگر آن حضرت را دلداری داده است؛ زیرا توجه به نظارت و داوری خداوند، خصومت دشمنان را برای مؤمنان قابل تحمل و سهل می گرداند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱ - ۲

۲ - جامعه مؤمنان ، برخوردار از حمایت ویژه خداوند در برابر توطئه ها و ترفند های کافران

الذین کفروا و صدوا عن سبیل الله أضلّ أعمالهم

از این که خداوند، تلاش های کافران و توطئه های آنان را نسبت به مؤمنان خنثی می کند؛ مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲

۱۷- دلجویی و حمایت خداوند از مؤمنان ، در برابر توطئه های کافران دین ستیز

الذین كفروا .. أضلّ أعمالهم . و الذین ءامنوا ... کفّر عنهم سیئاتهم و أصلح بال

از مجموع آیه شریفه، استفاده می شود که خداوند، در کنار تهدید و توبیخ کافران دین ستیز، در این آیه به دلجویی و حمایت از مؤمنان راستین پرداخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۵ - ۵

۵ - خداوند ، خود متکفل حمایت از مؤمنان است .

فأخرجنا من كان فيها من المؤمنین

با توجه به این که فرشتگان عذاب، مأموریت خود را در نزول عذاب با فعل مجهول بیان داشته اند (إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ وَوَلِيَّ خَدَاوْنَدِ دَرِ اَیْنِ آیَه نَجَاتِ مَوْمِنَانِ رَا بَه خَوْذِ نَسَبْتِ دَادَه اَسْت). این تفاوت می تواند در جهت توجه دادن مؤمنان به حمایت ویژه الهی از ایشان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، حامی مؤمنان در برابر توطئه های شیطانی منافقان

و لیس بضارّهم .. و علی اللّٰه فلیتوکّل المؤمنون

حامی مؤمنان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۱۴

۱۴ - پیروان عیسی (ع) ، مورد تأیید و حمایت الهی در قبال دشمنانشان (کافران بنی اسرائیل)

فأیندنا الذین ءامنوا علی عدوّهم

حامی مهمانان لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۷ - ۶

۶ - حمایت خداوند از لوط (ع) و میهمانان آن حضرت

در برابر بدخواهی های قومش

و لقد روده عن ضيفه فطمسنا أعينهم

حامی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۷ - ۱

۱- خداوند ، حضرت نوح (ع) را از گزند تکذیب کنندگان آیات الهی نجات داد و از او کاملاً حمایت کرد .

و نصرنه من القوم الذين كذبوا بآيتنا

واژه <نصر> هر گاه با <من> متعدی شود، متضمن معنای نجات و خلاصی است (برگرفته از <قاموس المحيط>).

حامی وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۳ - ۲

۲ - خداوند ، حامی و نگاهبان پیام وحی ، و پیامبر (ص) موظف به انجام وظیفه ابلاغ

فإننا منهم منتقمون .. فإننا عليهم مقتدرون . فاستمسك بالذي أوحى إليك

حامی هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵ - ۴

۴ - موسی و هارون (ع) ، مأمور حرکت به سوی فرعونیان با تکیه بر حمایت قاطع الهی

قال كلاً فاذهباً بآيتنا إننا معكم

خدا و حامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- خداوند ، هیچ گونه فرزندی برای خود نگرفته و از هرگونه شریک و حمایتگر ، مبرا و بی نیاز است .

لم يتخذ ولداً و لم يكن له شريك . . . و لم يكن له ولي

۶- اختصاص همه ستایش ها به خداوند ، در پرتو بی نیازی او از داشتن فرزند ، شریک و حمایتگر است .

الحمد لله الذي لم يتخذ . . . و لم يكن له ولي

اگر

خداوند نیاز به فرزند، شریک و حمایتگر می داشت هر کدام از اینها دلیل نقص و کاستی بود. در آن صورت همه ارزشهای ستایش برانگیز منحصر به خداوند نمی شد پس انحصار ستایشها به خدا، در صورتی است که او را بی نیاز مطلق بشناسیم.

۱۳- مقام خداوند ، برتر از داشتن فرزند ، شریک و حمایتگر

لم يتخذ ولداً .. و کبره تکبیراً

عقیده به حامی برای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱۱ - ۷

۷- اعتقاد به وجود فرزند ، شریک و حمایتگر برای خدا ، اعتقادی شرک آلود و موجب تنقیص او

لم يتخذ ولداً .. و لم یکن له ولی

حبس از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حبس

توطئه حبس محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۰ - ۳

۳ محبوس ساختن یا کشتن و یا تبعید پیامبر (ص) ، از جمله توطئه های کافران مکه علیه آن حضرت

لیبتوک او یقتلوک او یخرجوک و یمکرون

جمله <و یمکرون> بیانگر این است که کافران علاوه بر تصمیم داشتن به قتل پیامبر(ص) و .. برنامه های دیگری نیز علیه پیامبر(ص) در نظر داشته اند. لذا در برداشت فوق از آن به <از جمله> تعبیر شده است.

حبس جایز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۸

۸ جواز توقیف شاهدان بر وصیت تا ادای شهادت قانونی و معتبر

تجسونهما من بعد الصلوه فیقسمان بالله

جمله <تجسونهما> تا آخر آیه می تواند می تواند ناظر به ادای شهادت باشد یعنی شرایط ذکر شده در این بخش از

آیه دخیل در اثبات وصیت است و می تواند ناظر به تحمل شهادت باشد یعنی خداوند وصیت کننده را ارشاد کرده که اگر تردید دارد که شاهدان، وصیت او را به درستی ادا کنند، باید از آنان بخواهد که بعد از نماز سوگند یاد کنند که به حق شهادت خواهند داد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

حبس در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۸ - ۴

۴ - > عن أبي هريره قال: قال رسول الله (ص) ... يقال لأهل الجنة و من دخلها من الجهنميين إطلعوا إلى أهل النار فيطَّلعون إليهم فيرى الرجل أباه و يرى أخاه و يرى جاره و يرى صديقه و يرى العبد مولاه ثم إنَّ الله عزَّوجلَّ يبعث إليهم ملائكة بأطباق من نار و مسامير من نار و عمد من نار فيطبق عليهم بتلك الاطباق و تُسَمَّر بتلك المسامير و تُمَدُّ بتلك العمد . . . فذلك قوله > إنَّها عليهم مؤصده . في عمد ممدده < يقول: مُطْبَقَه ;

ابوهریره گوید: رسول خدا(ص) فرمود: به اهل بهشت و هر کس از جهنمیان که [نجات یافته] و وارد بهشت شده است، گفته می شود: به اهل جهنم نگاه کنید؛ آنان به اهل جهنم نگاه می کنند. پس هر مردی پدر و برادر خود و همسایه و دوست خود را در جهنم می بیند و برده، مولای خود را [در آتش] می نگرد، سپس خدای عزوجل فرشتگانی را با سرپوش هایی از آتش و میخ ها و ستون هایی از آتش، به سوی آنان می

فرستد. با آن سرپوش ها، جهنم بر آنان در بسته خواهد شد سرپوش ها و با آن میخ ها، میخکوب شده و با آن ستون ها، کشیده [و افراشته] می گردد ... و این است قول خدا >إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّصَدَّهٌ . فی عمد ممدّده < می فرماید: [جهنم] در بسته خواهد بود.<

حبس زناکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۵ - ۱۸، ۱۷، ۱۱، ۷، ۲، ۱

۱ کیفر زن در صورت ارتکاب زنا ، حبس ابد است .

وَالَّتِي يَأْتِيَنَّ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ .. فَمَسْكُوهِنَّ فِي الْبُيُوتِ

>الفاحشه< به معنای کار زشت است و الف و لام آن اشاره به عمل خاصی است که به مناسبت مورد، مراد از آن زناست و می تواند مساحقه را نیز شامل شود.

۲ کیفر زن در صورت مساحقه (همجنس بازی) حبس ابد است . *

وَالَّتِي يَأْتِيَنَّ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ .. فَمَسْكُوهِنَّ فِي الْبُيُوتِ

۷ حبس ابد ، کیفر فحشای زنان شوهرداری که شوهرشان مسلمان باشد .

وَالَّتِي يَأْتِيَنَّ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ .. فَمَسْكُوهِنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى يَتُوفِيَهُنَّ الْمَوْتُ

چنانچه مراد از >کُم<، مردان مسلمان باشند ؛ ظاهراً مقصود از >نساء< همسران آنان خواهد بود. بنابراین، حکم مذکور، شامل زنان بی شوهر نخواهد شد.

۱۱ کیفر حبس ابد برای زنا و همجنس بازی زنان ، مشروط به شهادت چهار مرد مسلمان است .

وَالَّتِي يَأْتِيَنَّ الْفَاحِشَةَ .. فَاسْتَشْهَدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا

چون مخاطبان >منکم< مسلمان هستند، معلوم می شود که شاهد در مورد فحشا، باید مسلمان باشد و چون ضمیر مذکر به کار رفته، معلوم می شود که گواهان

بر زنا و همجنس بازی باید مرد باشند.

۱۷ حکم خدا (شلاق) در مورد فحشای زنان، ناسخ حکم حبس ابد در مورد آنان
وَأَلَّتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ .. فَمَسْكُوهِنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى يَتُوفِيَهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَج
امام صادق (ع) درباره <سبیل> در آیه فوق فرمود: منسوخه و السبیل هو الحدود.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۲۷، ح ۶۰؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۵۳، ح ۲.

۱۸ حبس ابد و محرومیت از گفتگو و همنشینی، کیفر منسوخ شده فحشای زنان
فامسکوهن فی البیوت

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: هذه منسوخه .. كانت المرأه ... ادخلت بیتاً و لم تحدث و لم تکلم و لم تجالس و
اوتیت فیہ بطعامها و شرابها حتی تموت ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۲۷، ح ۶۱؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۵۶، ح ۱۲۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۶ - ۱۴

۱۴ حبس، کیفر فحشای دوشیزگان

و الذان یأتیانها منکم فاذوهما

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: یعنی البکر اذا اتت الفاحشه التي اتتها هذه الثیب، و درباره <اذوهما> فرمود: تحبس.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۲۷، ح ۶۱؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۵۶، ح ۱۲۴.

حبس گواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۸

۸ جواز توقیف شاهدان بر وصیت تا ادای شهادت قانونی و معتبر

تجبسونهما من بعد الصلوه فیقسمان بالله

جمله <تجبسونهما> تا آخر آیه می تواند می تواند ناظر به ادای شهادت باشد یعنی شرایط ذکر شده در این بخش از آیه

دخیل در اثبات وصیت است و می تواند ناظر به تحمل شهادت باشد یعنی خداوند وصیت کننده را ارشاد کرده که اگر تردید دارد که شاهدان، وصیت او را به درستی ادا کنند، باید از آنان بخواهد که بعد از نماز سوگند یاد کنند که به حق شهادت خواهند داد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

حبس مجرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۵ - ۸

۸ زندانی کردن ، از راه های مجازات بزهکاران

و الّتی یأتین الفاحشه .. فامسکوهن فی البیوت

حبس محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۲۶

۲۶ زندانی کردن ، کیفر ایجاد ناامنی در راه ها ، بدون قتل و غارت

انما جزؤا الذین یحاربون الله .. او ینفوا من الارض

از امام جواد(ع) روایت شده که در پاسخ سؤال از حکم فسادگرانی که راه بر مرم بسته اند فرمود: .. فان كانوا اخافوا السبیل فقط و لم یقتلوا احداً و لم يأخذوا مالا امر بایداعهم الحبس فان ذلك معنی نفیهم من الارض ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۵، ح ۹۱؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۶۷، ح ۱۶.

حبوبات از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حبوبات

دانه های حبوبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - دانه های حبوبات نهفته در پوسته ها ، نمونه ای مهم از منافع زمین برای آدمیان

و الأرض وضعها للأنام فيها .. و الحب ذوالعصف

<ال> در <الْحَبِّ>، برای جنس است و افاده عموم می کند. بنابراین <الْحَبِّ>

مساوی با مطلق حبوبات است و <عصف> بر پوسته حبوبات که دانه ها در آن رشد می کند اطلاق می شود.

زمینه رویش حبوبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۵ - ۱

۱ - نزول باران بر زمین ، مایه تولید حبوبات و رویش گیاهان است .

و أنزلنا .. لنخرج به حَبًّا و نباتًا

<باء> در <به>، برای استعانت است و بیانگر نقش باران در رویش دانه ها و گیاهان و نیز میوه هایی است که در بوستان های پوشیده از درخت، حاصل می شود.

عوامل رویش حبوبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۳ - ۲

۲ - باران ، عامل سرسبزی زمین ، رویش حبوبات و مایه گردش چرخه حیات

أنزل من السماء ماء فتصبح الأرض مخضرة

فواید حبوبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۳ - ۶۸

۶ - خداوند ، حبوبات (گندم ، جو ، برنج و ...) را به منظور تغذیه انسان ها آفریده است .

و أخرجا منها حَبًّا فممه يأكلون

۸ - تنها بعضی از دانه های روییده از زمین ، قابل تغذیه برای انسان ها است .

و أخرجا منها حَبًّا فممه يأكلون

برداشت یاد شده براساس این احتمال است که <من> در <فمنه> تبعیضیه باشد.

منشأ رویش حبوبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۵ - ۲

۲ - خداوند ، پدید آورنده بذر ها و دانه های خوراکی و رویدنی های زمین و تأمین کننده

غذا های گیاهی انسان است .

لنخرج به حَبًّا و نباتًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۷ - ۱

۱ - رویاندن دانه های خوراکی در زمین ، برای تأمین غذای انسان ، کار خداوند و جلوه قدرت او است .

فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا

<حَبِّ> اسم جنس است و به گندم، جو و دیگر دانه هایی گفته می شود که از زمین می روید؛ گرچه برخی از اهل لغت استعمال آن را تنها در گندم و جو دانسته اند. (لسان العرب)

نعمت حبوبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۵ - ۳

۳ - حبوبات و گیاهان ، از نعمت های الهی

لنخرج به حَبًّا و نباتًا

سیاق آیات مورد بحث، نشان می دهد که خداوند در مقام برشمردن آن دسته از آفریده های خویش است که در زندگانی انسان ها مؤثر می باشد. تقدیم <حَبِّ> بر <نبات>، به دلیل اهمیت بیشتر دانه جات (از قبیل گندم، جو و...) در زندگی آنها است، به گونه ای که در اکثر موارد، گیاه را برای دانه اش می خواهند.

نقش پوسته حبوبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۲ - ۳

۳ - همه مظاهر طبیعت ، از ریاحین تا پوسته حبوبات ، نشانی از طراح حسابگر هستی (خداوند) است .

الرحمن ... و الحبّ ذوالعصف و الريحان

با توجه به این که در آیات پیشین سخن از حاکمیت سنجش بر نظام هستی بود، ممکن است بیان این دقایق در این آیات، به منظور نمایاند آن حساب گری باشد.

نیاز به تنوع حبوبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۲ - ۵

۵ - وجود آدمی ، نیازمند خواص متنوع نهفته در انواع میوه ها ، حبوبات و سبزی ها *

و الأرض وضعها للأنام . فيها فكهه و النخل ... و الحبّ ... الريحان

از این که خداوند، پس از یادآوری آمادگی زمین برای زندگی انسان، میوه های مختلف، حبوبات و سبزی ها را مورد اشاره قرار داده است؛ می توان استفاده کرد که انسان در زندگی خویش، به همه این نعمت ها و خواص نهفته در آنها نیازمند است و کمبود هر یک، می تواند انسان را با مشکل مواجه سازد.

حج از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حج

آثار اقتصادی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۸ - ۹

۹ آمدن مشرکان به مکه در مراسم سالانه حج ، دارای ثمرات اقتصادی برای مکیان (از جمله مسلمانان) بود .

و إن خفتم عيله فسوف يغنيكم الله من فضله

آثار حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۱۸

۱۸ حج ، وسیله ای برای جلب رضایت خداوند

يبتغون فضلا من ربهم و رضواناً

توصیف راهیان حج به جلب کنندگان رضوان الهی به این معناست که حج و حرکت بسوی آن، از عوامل دستیابی به رضایت

خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۷ - ۸،۹،۱۲

۸ تأثیر حج در قوام و برپایی جوامع *

جعل الله الكعبة .. قيماً للناس و الشهر الحرام و الهدى و القلئد

ماه

حرام به قرینه ذکر کعبه و هدی و قلائد بدان جهت مایه قوام جامعه شمرده شده است که مناسک حج در آن واقع می شود بنابراین <قیماً للناس> در حقیقت ثمره مناسک حج است.

۹ حجی که عامل قوام و برپایی جوامع نباشد حج واقعی نیست . *

جعل الله الكعبة البيت الحرام قیماً للناس

۱۲ دستیابی اهل ایمان به جامعه ای با قوام در پرتو حراست از حرمت کعبه و انجام مناسک حج ، موجب آگاهی آنان به علم گسترده و همه جانبه خداوند .

جعل الله .. ذلك لتعلموا إنّ الله يعلم ما فی السموت و ما فی الارض

برداشت فوق بر این میناست که <ذلك> اشاره به خود حقایق بیان شده باشد نه بیان آن حقایق، یعنی آنگاه که انسانها در پرتو احترام به کعبه و ماههای حرام و انجام مناسک آن به جامعه ای با قوام رسیدند، در می یابند که خداوند دارای علمی گسترده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۸ - ۱۰

۱۰ به جای آوری حج با ویژگی های سزاوار آن ، موجب بهره مندی از مغفرت و رحمت الهی

جعل الله الكعبة البيت الحرام قیماً للناس .. و إنّ الله غفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۲

۲ - دستیابی به برکت های حج ، در گرو حضور در مراسم و انجام مناسک آن است .

و أذن فی الناس بالحجّ .. ليشهدوا منفع لهم

<شهاده> (مصدر <یشهدون>) به معنای حاضر شدن است. بنابراین <لشهدوا منافع لهم> به این معنا است

که: حج برای همه مردم سرشار از خیر و برکت است و هر کس بخواهد به آن دست یابد و از آن بهره مند شود، باید رنج سفر را تحمل کند و در مراسم آن حاضر شود و مناسک آن را به جا آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۴ - ۱۶

۱۶ - انجام اعمال و مناسک حج با حفظ همه حدود و مقررات آن ، از نشانه های ایمان راستین

و لکلُّ أُمَّه جعلنا منسكًا .. فإلهکم إله وحد فله أسلموا و بشر المحبتین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۷ - ۸

۸ - حج و مناسک آن ، جلوه آشکار هدایت و راهنمایی خدا

كذلك سخر لكم لتكبروا الله على ما هديكم

آداب حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۷ - ۹

۹ - لزوم انجام مراسم حج با محوریت رهبر جامعه اسلامی

يأتوك رجالاً و على كل ضامر

این که خداوند می فرماید: <مردم از پیاده و سواره بر تو (ابراهیم) وارد خواهند شد> می تواند متضمن دستوری باشد به مردم که باید ابتدا به زیارت رهبر الهی بشتابند و با محوریت او مراسم حج را انجام دهند.

آدم (ع) و حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۶ - ۱۴

۱۴ برپایی مراسم حج در خانه خدا ، از زمان حضرت آدم (ع)

انّ اوّل بيت وضع للناس

امام باقر (ع) در پاسخ سؤال از برقراری حج قبل از بعثت پیامبر

(ص) فرمود: نعم... ان ادم و نوحاً و سليمان قد حجّوا البيت ... كما قال الله تعالى <ان اول بيت وضع للناس ... >.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۶، ح ۹۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۰۰، ح ۱۹.

آمیزش در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۷ - ۲۵، ۲۲

۲۲ حرمت جماع، دروغ، ناسزاگویی و سوگند به <لا و الله و بلی و الله > در حج

فلا رفث و لا فسوق و لا جدال فی الحج

امام صادق (ع): ... و <الرفث > الجماع و <الفسوق > الكذب و السباب و <الجدال > قول الرجل لا و الله و بلی و الله

کافی، ج ۴، ص ۳۳۷، ح ۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۹۴، ح ۷۰۴.

۲۵ دعوت کنایه آمیز از زن، به جماع و هر گونه معصیتی در حج حرام است.

فلا رفث و لا فسوق و لا جدال فی الحج

رسول الله (ص) درباره جمله <فلا رفث > فرمود: الرفث الاعرابه و التعریض للنساء بالجماع و <الفسوق > المعاصی کلها

الدّر المشور، ج ۱، ص ۵۲۸.

ابراهیم (ع) در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۹ - ۱۱

۱۱ لزوم کوچ کردن از عرفات، بسان کوچ کردن ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و سایر حج گزاران

ثم افيضوا من حيث افاض الناس

امام صادق (ع) درباره آيه <ثم افيضوا...> فرمود: يعنى ابراهيم و اسماعيل و اسحاق فى افاضتهم منها و من كان بعدهم

كافى، ج ٤، ص ٢٤٧، ح ٤ / نورالثقلين، ج ١، ص

اجتماع در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۳ - ۱۰

۱۰ اجتماع حج گزاران ، یادآور جمع شدن انسان ها در قیامت

و اعلموا انکم الیه تحشرون

اجتناب از باطل در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۱۹

۱۹ - اجتناب از هر گونه بیهوده گویی و باطل سرایی در مراسم حج ، توصیه خدا به اهل ایمان

و اجتنبوا قول الزور

اجتناب از عبث در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۱۹

۱۹ - اجتناب از هر گونه بیهوده گویی و باطل سرایی در مراسم حج ، توصیه خدا به اهل ایمان

و اجتنبوا قول الزور

احرام در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۶ - ۳۸، ۶

۶ تراشیدن سر پس از بردن قربانی به قربانگاه ، راه خروج از احرام

فان أحصرتم فما استيسر من الهدى و تحلقوا رؤسكم حتى يبلغ الهدى مَحَلَّهُ

ظاهر این است که فرستادن قربانی به محل مخصوص و سپس تراشیدن سر، به جهت خارج شدن از احرام است نه یک تکلیف تعبدی برای محصور.

۳۸ از شرایط تمامیت حج ، محرم شدن از خانه مسکونی خویش است .

و اتمّوا الحجّ و العمره لله

رسول الله (ص) درباره آیه فوق فرمود: انّ من تمام الحجّ ان تحرم من دویره اهلک

الدر المثور، ج ۱، ص ۵۰۲.

احکام حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵

۷ - زیارت کنندگان خانه خدا، باید در مقام ابراهیم، نماز بخوانند.

و اتخذوا من مقام إبراهيم مصلی

گویا مقصود از نمازی که باید در مقام ابراهیم خوانده شود، نماز طواف است، نه سایر نمازها.

۳۰ - > عن ابی الصباح الكنانی، قال سألت ابا عبد الله (ع) عن رجل نسی ان یصلی رکعتین عند مقام ابراهیم (ع) فی طواف الحج و العمرة، فقال: ان کان فی البلد صلی رکعتین عند مقام ابراهیم (ع) فان الله عز و جل یقول: > و اتخذوا من مقام ابراهیم مصلی < و ان کان قد ارتحل فلا آمره ان یرجع؛

ابی الصباح کنانی از امام صادق (ع) سؤال کرد درباره کسی که دو رکعت نماز طواف حج و عمره را در مقام ابراهیم (ع) فراموش کرده است، حضرت فرمود: اگر هنوز در شهر مکه است، باید نماز را در مقام ابراهیم (ع) به جا آورد؛ زیرا خداوند عز و جل فرموده: مقام ابراهیم را برای نماز خود قرار دهید و اگر از شهر مکه کوچ کرده است من به او نمی گویم برگردد.

۳۱ - ابن مسکان گوید: > حدثنی من سأله عن رجل نسی رکعتی طواف الفریضه حتی یخرج فقال: ... ان کان جاوز میقات أهل أرضه فلیرجع و لیصلهما فإن الله یقول: > و اتخذوا من مقام إبراهيم مصلی ...؛

به من خبر داد کسی که از او [امام (ع)] سؤال کرد درباره شخصی که دو رکعت نماز فریضه طواف را از روی فراموشی نخوانده و از محل [مکه] خارج شده بود، امام

(ع) فرمودند: .. اگر از میقات حجاج شهرش گذشته باید برگردد و دو رکعت نماز را بخواند؛ زیرا خداوند می فرماید: <و اتخذوا من مقام ابراهیم مصلی ... >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۸ - ۱۷، ۱۳، ۱۰، ۵، ۲

۲ - طواف صفا و مروه (سعی میان آن دو) عبادت و از مناسک حج و عمره است .

إن الصفا و المروه .. فمن حج البيت أو اعتمر فلاجناح عليه أن يطوف بهما

<اعتمار> (مصدر اعتمر) به معنای: زیارت کردن و نیز انجام دادن عمره است. تفریع <من حج البيت ...> بر معرفی صفا و مروه به عنوان علامتی بر جایگاه عبادت، گویای این است که: اولاً، طواف صفا و مروه - که از آن به سعی میان صفا و مروه تعبیر می کنند - عبادت خداست و ثانیاً، این عبادت از اعمال و مناسک حج و عمره می باشد.

۵ - سعی میان صفا و مروه ، از اعمال نیک حج و عمره است .

فمن حج البيت أو اعتمر فلاجناح عليه أن يطوف بهما و من تطوع خيراً

مصدق مورد نظر برای <خيراً>، به قرینه جمله قبل، سعی میان صفا و مروه است.

۱۰ - امام باقر (ع) فرمود: <... قال الله عز و جل : > ان الصفا و المروه من شعائرالله فمن حج البيت أو اعتمر فلاجناح عليه ان يطوف بهما < الا ترون ان الطواف بهما واجب مفروض لان الله عز و جل ذكره في كتابه و صنعه نبیه (ع) ... >

.. خداوند عز و

جل فرمود: <ان الصفا و المروه من شعائرالله فمن حج البيت او اعتمر فلا جناح عليه ان يطوف بهما> آیا نمی بینید که طواف (سعی) در صفا و مروه واجب است؛ چون خدای عز و جل آن را در کتابش [تشریح] فرموده و این سعی را رسول خدا نیز انجام داده است ... <.

۱۳ - از امام صادق (ع) روایت شده که فرمودند: <ان الصفا و المروه من شعائر الله > فأبده بما بدء الله تعالى به و ان المسلمین كانوا یظنون ان السعی بین الصفا و المروه شیء صنعہ المشركون فأنزل الله عز و جل < ان الصفا و المروه من شعائر الله ... > .

صفا و مروه از شعائر الهی است پس [سعی] را شروع نما از جایی که خداوند [در آیه شریفه] در بیانش شروع نموده و مسلمانان گمان می کردند که سعی بین صفا و مروه چیزی است که مشرکان آن را بنا نهاده اند؛ پس خداوند عز و جل آیه فوق را نازل کرد: <ان الصفا و المروه من شعائر الله ... >.

۱۷ - < عن الحلبي قال : سألت ابا عبد الله (ع) عن المرأة تطوف بين الصفا و المروه و هي حائض قال : لا لان الله تعالى يقول >
< ان الصفا و المروه من شعائر الله > ;

حلبی گوید از امام صادق (ع) سؤال کردم: آیا زن حائض می تواند سعی بین صفا و مروه را انجام دهد؟ امام فرمود: نه، خداوند فرموده: صفا و مروه از شعائر خداست <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - حج عبادتی است مشروط به وقت و ماهی خاص

قل هی موقیت للناس و الحج

<الحج> عطف به <الناس> می باشد؛ یعنی، هی موقیت الحج.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۶ - ۳۴، ۳۳، ۳۲، ۳۱، ۳۰، ۲۹، ۲۸، ۲۷، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ و جوب اتمام اعمال حج و عمره ، به طور کامل

و اتموا الحج و العمره لله

۲ ادای حج و عمره ، باید برای خداوند باشد .

و اتموا الحج و العمره لله

۳ محصور از حج و عمره ، باید برای خروج از احرام ، چهارپایی (گاو ، شتر یا گوسفند) را که برای او میسور و آسان باشد ، قربانی کند .

فان أحصرتم فما استیسر من الهدی

محصور، مُحْرَمی است که به خاطر مرض و یا منع دشمن، نتواند اعمال حج و یا عمره را به پایان رساند.

۴ اتمام حج و عمره بر محصور احرام بسته ، واجب نیست .

و اتموا الحج . . فان أحصرتم فما استیسر من الهدی

۵ حرمت تراشیدن سر برای محصور ، قبل از رسیدن قربانی به قربانگاه

و لا تحلقوا رؤوسکم حتی یبلغ الهدی مَحَلَّهُ

۶ تراشیدن سر پس از بردن قربانی به قربانگاه ، راه خروج از احرام

فان أحصرتم فما استیسر من الهدی و تحلقوا رؤوسکم حتی یبلغ الهدی مَحَلَّهُ

ظاهر این است که فرستادن قربانی به محل مخصوص و سپس تراشیدن سر، به جهت خارج شدن از احرام است؛ نه یک تکلیف تعبدی برای محصور.

۷ ذبح و یا نحر قربانی، باید در مکان مخصوص خود باشد.

حتى يبلغ الهدى محلّه

۸ مُحرمی که بیمار باشد و یا از ناحیه سر

در اذیت است ، می تواند قبل از قربانی کردن ، سرش را بتراشد .

و لا تحلقوا رءوسکم .. فمن کان منکم مریضاً

مراد از <مریض> به قرینه قسیمش (او به اذی من رأسه)، مرضی است که مداوای آن در گرو تراشیدن سر است. و مراد از <به اذی>، آزاری است که از غیر ناحیه مرض، همانند وجود حشرات، در موهای مُحَرَم باشد.

۹ مرض ، موجب تخفیف در تکلیف

فمن کان منکم مریضاً او به اذی من رأسه ففدیه

۱۰ روزه یا صدقه و یا قربانی ، فدیة (کفاره) تراشیدن سر قبل از قربانی ، برای مُحَرَم معذور

فمن کان منکم .. ففدیه من صیام او صدقه او نُسُک

۱۱ حلیت محرمات احرام ، پس از اتمام عمره تا شروع مناسک حج

فاذا امنتم فمن تمتع بالعمرة الى الحج

۱۲ تقدّم اعمال عمره بر حجّ ، در حجّ تمتّع

فمن تمتع بالعمرة الى الحج

۱۳ وجوب قربانی در حج تمتّع

فمن تمتّع .. فما استیسر من الهدی

۱۴ وجوب روزه به مدّت سه روز در حج و هفت روز پس از بازگشت (ده روز کامل) ، برای فاقد قربانی

فمن لم یجد فصیام ثلثة ایام فی الحج و سبعة .. تلک عشرة کامله

۱۵ حج تمتّع ، مخصوص غیر اهل مکه است .

ذلک لمن لم یکن اهله حاضری المسجد الحرام

۲۷ مریض ، مصداق محصور در حج

فان احصرتم

امام صادق (ع): ... المحصور المريض.

كافي، ج ٤، ص ٣٦٩، ح ٣؛ نورالثقلين، ج ١، ص ١٨٣، ح ٦٥٤.

٢٨ اقلّ قرباني ، يكّ گوسفند است .

فما استيسر من الهدى

امام رضا (ع): >فما استيسر من

عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۱۲۰، ح ۱، نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۸۵، ح ۶۶۰.

۲۹ کفاره تراشیدن سر قبل از قربانی، سه روز روزه و یا صدقه به شش مسکین و یا قربانی کردن یک گوسفند است.

فمن كان منكم مريضاً... او صدقه او نسك

امام صادق (ع): ... و جعل الصيام ثلاثة ايام و الصدقه على ستة مساكين لكل مسكين مدين و النسك شاه ...

کافی، ج ۴، ص ۳۵۸، ح ۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۸۷، ح ۶۶۴ و ۶۶۶.

۳۰ ملاک مکی بودن، سکونت در شعاع هجده میلی، از هر سوی مسجد الحرام

لمن لم یکن اهله حاضری المسجد الحرام

امام صادق (ع) درباره آیه مزبور، فرمود: من كان منزله على ثمانية عشر ميلا من بين يديها و ثمانية عشر ميلا من خلفها و ثمانية عشر ميلا عن يمينها و ثمانية عشر ميلا عن يسارها فلا متعه له ...

کافی، ج ۴، ص ۳۰۰، ح ۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۹۲، ح ۶۹۲.

۳۱ حد وجوب قربانی در حج، سهل و میسر بودن آن است.

فمن تمتع... فما استيسر من الهدى

۳۲ مُحرم شدن در غیر میقات و قربانی کردن حیوان آخته شده، جایز نیست.

و اتموا الحج و العمرة

امام رضا (ع): لا يجوز الإحرام دون الميقات قال الله عز و جل <و اتموا الحج و العمرة لله> و لا يجوز ان يضحى بالخصى لانه ناقص ...

عيون اخبار الرضا، ج ٢، ص ١٢٤، ح ١، ب ٣٥؛ نورالثقلين، ج ١، ص ١٨١، ح ٦٤١.

٣٣ عدم جواز

حج قرآن و افراد ، مگر برای اهل مکّه و حاضران در آن

و اتمّوا الحجّ و العمره لله

امام رضا (ع): لا يجوز القران و الافراد الذي يستعمله العامه الا لاهل مكّه و حاضريها . .. قال الله تعالى <و اتمّوا الحجّ و العمره لله ...>

عيون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۲۴، ح ۱، ب ۳۵؛ نورالثقلين، ج ۱، ص ۱۸۱، ح ۶۴۱.

۳۴ تمامیت حج و عمره به پرهیز از کلام ناشایست و نافرمانی و نزاع در حج است .

و اتمّوا الحجّ و العمره لله

امام باقر و امام صادق (ع): .. فانّ تمام الحجّ و العمره ان لا يرفث و لا يفسق و لا يجادل

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۸۸ ح ۲۲۵؛ نورالثقلين، ج ۱، ص ۱۸۱، ح ۶۴۲.

۳۵ تمامیت حج و عمره ، به انجام آن توأم با پرهیز از محرّمات احرام است .

و اتمّوا الحجّ و العمره لله

امام صادق (ع): .. یعنی بتمامهما، اداؤهما و اتقاء ما يتقى المحرم فيهما

کافی، ج ۴، ص ۲۶۴، ح ۱؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۱۹۳، ح ۲.

۳۶ عمره ، همانند حج واجب است .

و اتمّوا الحجّ و العمره لله

امام صادق (ع): العمره واجبه على الخلق بمنزله الحجّ . .. لانّ الله عزّ و جل يقول <و اتمّوا الحجّ و العمره لله >

علل الشرايع، ج ٢، ص ٤٠٨، ح ١؛ كافي، ج ٤، ص ٢٦٥، ح ٤.

٣٧ شتر، گاو و گوسفند، نوع قربانی در حج تمتع

فمن تمتع بالعمره الى الحج فما استيسر من الهدى

امام صادق (ع) ... فما استيسر من الهدى اما جزور و اما بقره

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۹۰، ح ۲۳۳؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۱۹۷، ح ۱۷.

۳۸ از شرایط تمامیت حج، محرم شدن از خانه مسکونی خویش است.

و اتموا الحج و العمره لله

رسول الله (ص) درباره آیه فوق فرمود: ان من تمام الحج ان تحرم من دویره اهلک

الدر المنثور، ج ۱، ص ۵۰۲.

۳۹ کسی که با خود قربانی آورده، نباید قبل از قربانی کردن سر خود را بترشد و محلّ گردد.

و لا تحلقوا رءوسکم حتّی يبلغ الهدی محله

امام صادق (ع): قال رسول الله (ص): .. و لم یکن یستطیع ان یحلّ من اجل الهدی الذی کان معه ان الله عزّ و جل یقول >

لا تحلقوا رءوسکم ... <

کافی، ج ۴، ص ۲۴۸، ح ۶؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۱۲، ح ۱، ب ۱۵۳.

۴۰ در صورت مشکل بودن روزه، کفاره تراشیدن اضطراری سر در حج، صدقه است.

ففدیه من صیام او صدقه او نسک

امام رضا (ع) درباره آیه فوق فرمود: فاقام الصّدقه مقام الصیام اذا عسر علیه

عیون اخبار الرضا(ع)، ج ۲، ص ۱۱۸، ح ۱؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۷۱، ح ۹، باب ۱۸۲.

۴۱ وجوب بجا آوردن عمره تمتّع، قبل از انجام اعمال حجّ

فمن تمتع بالعمرة الى الحجّ

امام صادق (ع): انّ الحجّ متّصل بالعمرة لانّ الله عزّ و جل يقول <فاذا امتتم فمن تمتّع . . . > فليس ينبغي لاحد الا ان يتمتّع

علل الشرايع، ج ۲، ص ۴۱۱، ح ۱، ب ۱۴۹ / نورالثقلين، ج ۱، ص ۱۸۸، ح ۶۶۹.

۴۲ ده روز روزه ، جانشین کامل برای قربانی

فمن لم يجد ... تلك عشره كامله

امام صادق (ع): ... الكامل كمال الاضحيه سواء اتيت بها او اتيت بالاضحيه تمامها كمال الاضحيه

تهذيب شيخ طوسي، ج ٥، ص ٤٠، ح ٤٩، ب ٤؛ كافي، ج ٤، ص ٥١٠، ح ١٥، ب ٣١٨.

٤٣ وجوب سه روز روزه، در روز ترويه و روز قبل و روز بعد از آن (عرفه) در حج بر کسی که قادر به قربانی نیست.

فمن لم يجد فصيام ثلثه ايام في الحج

از امام صادق (ع) درباره حج کننده ای که قادر بر قربانی نیست سؤال شد، آن حضرت فرمود: يصوم ثلثه ايام في الحج يوماً قبل الترويه و يوم الترويه و يوم عرفه

كافي، ج ٤، ص ٥٠٨، ح ٣؛ نورالثقلين، ج ١، ص ١٩٠، ح ٦٧٧ و ٦٧٩.

٤٤ وجوب روزه به مدت سه روز در حج و هفت روز پس از بازگشت به سوی خانواده، برای فاقد قربانی

فمن لم يجد فصيام ثلثه ايام في الحج و سبعة اذا رجعتم

از امام صادق (ع) درباره حاجی متمتعی که قربانی ندارد، سؤال شد، آن حضرت فرمود: يصوم ثلثه ايام بمكّه و سبعة اذا رجع الى اهله

تهذيب شيخ طوسي، ج ٥، ص ٢٣٤، ح ١٢٨، ب ١٦؛ استبصار، ج ٢، ص ٢٨٢، ح ٢٢، ب ١٩٤.

٤٥ حج تمتع مخصوص کسی است که خانواده اش در محدوده چهل و هشت میلی مکه ساکن نباشد.

ذلك لمن لم يكن اهله حاضري المسجد الحرام

امام باقر (ع) درباره آیه فوق فرمود: یعنی اهل مکه ليس عليهم متعه كل من كان اهله دون ثمانيه و اربعين ميلا ذات عرق

و عسفان كما يدور حول مكّه فهو ممن دخل في هذه الايه

تهذيب شيخ طوسي، ج ۵، ص ۳۳، ح ۲۷؛ استبصار، ج ۲، ص ۱۵۷، ح ۳.

۴۶ حج تمتّع مخصوص کسی است که خانواده اش در منطقه واقع بین میقات ها و مسجدالحرام ساکن نباشد.

ذلك لمن لم يكن اهله حاضري المسجد الحرام

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: مادون المواقيت الی مکّه فهو حاضری المسجد الحرام

استبصار، ج ۲، ص ۱۵۸، ح ۴؛ تهذيب شيخ طوسي، ج ۵، ص ۳۳، ح ۲۸؛ تفسير عياشي، ج ۱، ص ۹۴، ح ۲۴۸.

۴۷ زمان انجام عمره تمتّع، ماه های حج می باشد.

فمن تمتّع بالعمره الی الحج

امام باقر (ع): انّ العمره واجبه بمنزله الحج . . . و العمره فی اشهر الحج متعه

تفسير عياشي، ج ۱، ص ۸۷، ح ۲۱۹؛ تفسير برهان، ج ۱، ص ۱۹۴، ح ۱۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فيش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۷ - ۱۳، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۵ - ۱، ۲، ۳، ۴

۱ مراسم حج، باید در ماههایی مخصوص انجام گیرد.

الحج اشهر معلومات

۲ حرمت هر گونه سخن ناشایست (رفث) در حج

فمن فرض فيهن الحج فلا رفث . . . في الحج

۳ حرمت هر گونه نافرمانی (فسوق) در حج

فمن فرض فيهنّ الحج فلا رفق ولا فسوق... في الحج

۴ حرمت هر گونه نزاع (جدال) در حج

فمن فرض فيهنّ الحج... ولا جدال في الحج

۱۳ وجوب تهیّه توشه (پوشاک و خوراک و...) برای سفر حج

و تزوّدوا

با توجّه به شأن نزول نقل

شده در مجمع البيان، ذیل آیه.

۲۱ ماه های حج ، شوال ، ذی القعدة و ذی الحجه است و در غیر آنها حج صحیح نیست .

الحج اشهر معلومات

امام صادق (ع): <الحج اشهر معلومات> شوال و ذوالقعدة و ذوالحجه ليس لأحد ان يحج في ما سواهن

کافی، ج ۴، ص ۲۸۹، ح ۱؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۹۳، ح ۶۹۷.

۲۲ حرمت جماع ، دروغ ، ناسزاگویی و سوگند به < لا و الله و بلی و الله > در حج

فلا رفت و لا فسوق و لا جدال فی الحج

امام صادق (ع): .. و <الرفث> الجماع و <الفسوق> الكذب و السباب و <الجدال> قول الرجل لا و الله و بلی و الله

کافی، ج ۴، ص ۳۳۷، ح ۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۹۴، ح ۷۰۴.

۲۳ آغاز اعمال حج با تلبیه ، اشعار و تقلید است .

فمن فرض فيهنّ الحجّ

امام صادق (ع) درباره قول خداوند <الحجّ اشهر معلومات ..> فرمود: و الفرض التلبیه و الاشعار و التقليد فاي ذلك فعل فقد فرض الحجّ

کافی، ج ۴، ص ۲۸۹، ح ۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۱۹۹، ح ۲.

۲۵ دعوت کنایه آمیز از زن ، به جماع و هر گونه معصیتی در حج حرام است .

فلا رفت و لا فسوق و لا جدال فی الحجّ

رسول الله (ص) درباره جمله <فلا رفت> فرمود: الرفث الاعرابه و التعريض للنساء بالجماع و <الفسوق> المعاصی کلّها

الدّر المشور، ج ۱، ص ۵۲۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۸ - ۱۷، ۱۰، ۸، ۷، ۶، ۱

۱ جواز کسب و کار، در هنگام

انجام مناسک حج

الحج اشهر معلومات .. لیس علیکم جناح ان تبتغوا فضلا

جمله <لیس علیکم ..>، ناظر به کسب و کار در حج و هنگام انجام مناسک است؛ به دلیل وقوع آن در بین احکام حج. علاوه بر اینکه کسب و کار در زمانهای دیگر، محل شبهه نیست تا نفی و یا اثبات شود.

۶ وقوف به عرفات، از مناسک حج

فاذا افضتم من عرفات

کوچ کردن (افاضه) از عرفات بر فرض وقوف به آن است؛ بنابراین وقوف به عرفات مفروض و مسلم گرفته شده است.

۷ وجوب رفتن و وقوف به مشعرالحرام، پس از وقوف در عرفات

فاذا افضتم من عرفات فاذكروا الله عند المشعرالحرام

لازمه وجوب ذکر خداوند در مشعرالحرام پس از وقوف به عرفات، وجوب رفتن و بودن (وقوف) در مشعرالحرام است.

۸ وجوب ذکر خداوند در مشعرالحرام

فاذكروا الله عند المشعرالحرام

۱۰ کیفیت ذکر خداوند در مشعرالحرام، باید طبق دستور وی باشد.

فاذكروا الله .. و اذكروه كما هدیكم

<كما هدیكم> ای كما علمکم. (همان گونه که به شما آموخت).

۱۷ جواز خرید و فروش، در ایام حج، بعد از خروج از احرام و اتمام مناسک

لیس علیکم جناح ان تبتغوا فضلا من ربکم

امام صادق (ع) درباره قول خداوند <لیس علیکم ..> فرمود: یعنی الرزق اذا احل الرجل من احرامه و قضی نسکه فلیشترو لیبع فی الموسم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۹ - ۱،۲،۳،۵،۱۱

۱ برای رفتن به مَشعر ، باید همانند

مردم از عرفات حرکت کرد .

ثم افيضوا من حيث افاض الناس

برخی برآنند که جمله <ثم افيضوا>، تأکید همان افاضه از عرفات است؛ به قرینه <من حيث...>. چون قریش و هم پیمانان آنان بر خلاف مردم، افاضه ای از عرفات نداشتند.

۲ وقوف در عرفات ، از مناسک حج

ثم افيضوا من حيث افاض الناس

بنابراینکه مراد، افاضه از عرفات باشد، لازمه آن لزوم وقوف در عرفات خواهد بود.

۳ لزوم کوچ کردن از مشعرالحرام ، همراه با مردم

ثم افيضوا من حيث افاض الناس

کلمه <ثم> دلالت می کند که مراد از افاضه، افاضه از مشعر است.

۵ وقوف در مشعرالحرام ، از مناسک حج

ثم افيضوا من حيث افاض الناس

بنابراینکه <ثم افيضوا>، مربوط به مشعرالحرام باشد.

۱۱ لزوم کوچ کردن از عرفات ، بسان کوچ کردن ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و سایر حج گزاران

ثم افيضوا من حيث افاض الناس

امام صادق (ع) درباره آیه <ثم افيضوا...> فرمود: یعنی ابراهیم و اسماعیل و اسحاق فی افاضتهم منها و من كان بعدهم

کافی، ج ۴، ص ۲۴۷، ح ۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۹۶، ح ۷۱۹.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۳ - ۴، ۳، ۱

۱ وجوب ذکر خداوند در روز های مشخص (ایام تشریق) بر حج گزار

و اذکروا الله فی ایام معدودات

مراد از روزهای مشخص، ایام تشریق (یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ذی الحجه) است.

۳ ماندن در روز های معین (ایام تشریق) در منی، از مناسک حج

و اذکروا الله فی ایام معدودات فمن تعجل فی یومین فلا اثم علیه و من

۴ مخیر بودن حج گزار در کوچ کردن از منی در روز دوازدهم و یا روز سیزدهم مشروط به رعایت تقوا .

فمن تعجل فی یومین فلا اثم علیه و من تأخر فلا اثم علیه لمن اتقى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۷ - ۲۸، ۲۷، ۲۶، ۲۲، ۲۰، ۲۱، ۲۰، ۱۰

۱۰ استطاعت (توان رفتن به خانه خدا) ، شرط وجوب حج

و لله على الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلا

۲۰ وجوب حج بر ثروتمندان در هر سال

و لله على الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلا

امام کاظم (ع) : ان الله فرض الحج على اهل الجده في كل عام.

این خبر و اخبار مشابه باید حمل بر این معنا شود که در هیچ سالی نباید مکه در ایام حج خالی بماند بلکه باید مراسم حج در هر سال، انجام شود و انجام آن وظیفه افراد مستطیع است.

کافی، ج ۴، ص ۲۶۵، ح ۵؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۷۲، ح ۲۸۰.

۲۱ وجوب حج و عمره ، بر افراد مستطیع

و لله على الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلا

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود: یعنی به الحج و العمره جميعاً لأنهما مفروضان.

کافی، ج ۴، ص ۲۶۵، ح ۱؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۰۲، ح ۲.

۲۰ وجوب حج بر ثروتمندان در هر سال

و لله على الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلا

امام كاظم (ع): ان الله فرض الحج على اهل الجده في كل عام.

این خبر و اخبار مشابه باید حمل بر این معنا شود که در هیچ سالی نباید

مکه در ایام حج خالی بماند بلکه باید مراسم حج در هر سال، انجام شود و انجام آن وظیفه افراد مستطیع است.

کافی، ج ۴، ص ۲۶۵، ح ۵؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۷۲، ح ۲۸۰.

۲۲ استطاعت حجّ، به صحت بدن، داشتن زاد و توشه، مرکب و باز بودن راه می باشد.

من استطاع الیه سبیلاً

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: من کان صحیحاً فی بدنه مخّی سربه له زاد و راحله فهو من یستطیع الحج.

کافی، ج ۴، ص ۲۶۷، ح ۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۷۳، ح ۲۸۳.

۲۶ داشتن مرکب در تحقق استطاعت، شرط نیست.

و لله علی الناس حج البيت من استطاع

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: یخرج و یمشی ان لم یکن عنده ما یرکب.

استبصار، ج ۲، ص ۱۴۰، ح ۵، ب ۸۱؛ تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۱۰، ح ۲۶.

۲۷ کسی که هزینه حج به او اهدا شود، مستطیع است.

و لله علی الناس حج البيت من استطاع

امام صادق (ع) در پاسخ این سؤال که اگر به کسی مالی برای بجا آوردن حج عرضه شده و او از پذیرش آن شرم نماید مستطیع است یا نه؟ فرمود: نعم ما شأنه أن یمشی.

کافی، ج ۴، ص ۲۶۶، ح ۱؛ تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳، ح ۳.

۲۸ استطاعت بر حج، داشتن مخارج اهل و عیال علاوه بر هزینه حج است.

و لله على الناس حج البيت

امام باقر (ع) در بيان استطاعت حج فرمود: .. السَّعَة فِي الْمَالِ إِذَا كَانَ يَحِجُّ بِبَعْضٍ وَيَبْقَى بَعْضاً

کافی، ج ۴، ص ۲۶۷، ح ۳؛ استبصار، ج ۲، ص ۱۳۹، ح ۱، ب ۸۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۳، ۱۵

۳ مناسک حج، از شعایر الهی است. *

لا تحلوا شعر الله

<شعائر> جمع <شعیره> به معنای علامت است. و احتمالاً مراد از آن، علایم و مناسک حج باشد.

۱۵ کسب مال و تجارت به هنگام سفر بسوی خانه خدا، امری مشروع و مجاز بر حاجیان و معتمران

ء آمین البیت الحرام یبتغون فضلاً من ربهم

چنانچه مراد از <فضلاً> رزق و روزی و درآمدهای مادی باشد، ابتغاء فضل به معنای کسب درآمد به وسیله تجارت و مانند آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۲۴، ۱۹، ۳

۳ کشتن عمدی شکار در حرم مکه و نیز در حال احرام موجب سزا و در پی دارنده جریمه است.

و من قتله منکم متعمداً فجزاء مثل ما قتل من النعم .. او کفره

۱۹ تکرار شکار در حال احرام موجب تکرار کفاره نخواهد شد.

و من عاد فینتقم الله منه

بیان انتقام الهی در جزای تکرار صید پس از بیان حکم کفاره شکار حاکی از این است که هیچ جزائی جز خشم و انتقام خداوند در خور گناه تکرار صید نیست.

۲۴ ارزش حیوانی که در کفاره شکار در حال احرام باید ادا شود، تعیین کننده تعداد روزه های معادل آن با احتساب هر یک

چارک طعام مقابل یک روز روزه

کفره طعام مسکین او عدل ذلک صیاماً

از امام صادق (ع) در توضیح

آیه فوق روایت شده: یثمن قیمه الهدی طعاماً ثم یصوم لکل مد یوماً . . .

کافی، ج ۴، ص ۳۸۶، ح ۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۷، ح ۳۸۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۶ - ۱،۲،۷

۱ جواز صید حیوان های دریائی (آبی) در حال احرام

احل لکم صید البحر

صید آیه شریفه به معنای اسم مفعول (مصید) است بنابراین صید البحر به معنای حیوانات دریایی است و به ملاحظه اطلاق صید بر آنها مراد شکار کردن آن حیوانات است گفتنی است که مقصود از بحر خصوص دریا نیست بلکه شامل نهرها و مانند آن نیز می شود.

۲ جواز خوردن حیوان های صید شده دریایی ، برای محرم و غیر محرم

احل لکم صید البحر و طعامه متعاً لکم و للسیاره

در برداشت فوق ضیمر در <طعامه> به <صید البحر> برگردانده شده است. بر این مبنا مراد از <طعام> معنای مصدری است.

۷ حرمت صید شکار های خشکی برای محرم

و حرم علیکم صید البر ما دتم حرماً

برداشت فوق بر این مبناست که <صید> به معنای مصدری باشد در این فرض مراد از <صید البر>، <صید حیوان البر> خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۷ - ۲

۲ - حج ، تکلیفی است الهی بر گردن تمام مردم دور و نزدیک .

يأتوك رجالاً و علي كل ضامر يأتين من كل فج عميق

<يأتوك> جزای شرط محذوف است و تقدیر آن چنین می باشد: <إن تأذن فيهم به يأتوك>. <رجال> جمع <راجل> است و <راجل> یعنی، پیاده. <ضامر> نیز به شتر

لاغر گفته می شود. <فَجَّ> در اصل به معنای شکاف کوه است و در این جا به معنای راه است. <عمیق> معادل بعید است؛ یعنی، دور. بنابراین معنای جمله یاد شده چنین است: <اگر مردم را به حج فرا بخوانی، آنان به دعوت تو لبیک گفته و پیاده و سواره و از راه های دور: به نزد تو خواهند شتافت.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۷، ۱۶، ۹، ۶، ۴

۴ - وقوف در عرفات و مشعر، نخستین تکلیف حاجیان در مراسم حج (پس از احرام)

لِشْهَدُوا مَنَعَ لَهِمْ

جمله <و یذکروا اسم الله...> مربوط به مراسم قربانی است و آیه بعدی، در رابطه با مسأله حلق، تقصیر و طواف می باشد. پس با در نظر گرفتن این مطلب که مراسم حج پس از پوشیدن احرام به ترتیب عبارت است از: وقوف در عرفات و مشعر، قربانی کردن حلق و تقصیر و طواف، باید گفت که حج در شریعت حضرت ابراهیم(ع)، با مراسم قربانی شروع و با طواف ختم می شد و وقوف جزو مراسم نبود و یا این که جمله <لِشْهَدُوا مَنَعَ لَهِمْ> علاوه بر این که بیانگر فلسفه تشریح حج است، ناظر به مسأله حضور در عرفات و مشعر نیز می باشد. برداشت فوق، بر پایه احتمال دوم استوار است.

۶ - قربانی کردن پس از حضور در عرفات و مشعر، از مناسک واجب حج

و یذکروا اسم الله... علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

۹ - انجام تکلیف قربانی، موقوف به زمانی خاص و معین (دهم تا سیزدهم ذی حجه

و يذكروا اسم الله في أيام معلومت على ما رزقهم من بهيمه الأنعم

براساس روایاتی که از اهل بیت (ع) وارد شده است، مراد از <ایام معلومات>، ایام تشریق (دهم تا سیزدهم) ذی حجه است.

۱۶ - جواز استفاده حج گزاران از گوشت قربانی

فكلوا منها

۱۷ - لزوم اطعام مستمندان تنگدست از گوشت قربانی در حج

و أطعموا البائس الفقير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۹ - ۳،۵

۳ - لزوم ادای نذر، پس از تقصیر و خارج شدن از احرام

و لیوفوا نذورهم

۵ - جواز تأخیر در اجرای تقصیر و طواف، پس از انجام قربانی

ثم لیقضوا تفتهم... و لیطوفوا

به کارگیری <ثم> که برای تراخی در زمان است بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۳ - ۱،۲

۱ - حج گزاران می توانند تا روز قربانی، از دام هایی که برای قربانی کردن به همراه دارند، استفاده کنند.

لكم فیها منفع إلى أجل مسمی

ضمیر <فیها> به <شعائر> بازمی گردد. <منافع> جمع <منفعه> و به معنای بهره و سود است. <إلی أجل مسمی> یعنی، تا زمانی مشخص. مقصود این است که شما می توانید تا روز قربانی از دام هایی که به منظور قربانی کردن در حج، به همراه می برید، استفاده کنید (بارتان را به وسیله آنها حمل کنید و آنها را سوار بشوید و از شیر آنها تغذیه کنید).

۲ - مراسم قربانی ، دارای زمانی معین است .

لکم فیها منفع إلى أجل مسمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج

۶ - جواز قربانی کردن به هر یک از شتر، گاو و گوسفند

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتران است. لکن گاهی برای مجموع شتر، گاو و گوسفند به کار می رود. به اعتقاد همه مفسران، مقصود از <أنعام> در این جا، معنای دوم (مجموع شتر، گاو و گوسفند) است. گفتنی است که <بهیمه> به معنای چهارپا و اضافه آن به <أنعام> بیانیه است؛ یعنی، چهارپایی که عبارت است از شتر، گاو و گوسفند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۱۳، ۱۲، ۱۰، ۵، ۴، ۲

۲ - لزوم برگزیدن شتران درشت و چاق برای قربانی در حج

و البدن جعلنهما لکم من شعر الله

به کارگیری <بدن> که به معنای شتران فربه و چاق است به جای <إبل> که به مطلق شتر اطلاق می شود می تواند توصیه ای باشد به حج گزاران که شتران فربه و درشت را، برای قربانی برگزینند.

۴ - استفاده از شتران قربانی (به جهت حمل بار، سوارشدن و تغذیه از شیر آنها)، برای حاجیان مجاز است.

و البدن .. لکم فیها خیر

مقصود از <لکم فیها خیر> با توجه به آیه ۳۳ (لکم فیها منافع إلی أجل مسمی)، این است که حاجیان می توانند تا روز قربانی، از شترانی که به رسم قربانی به همراه خود می برند، بهره گیری کنند (آنها را سوار شوند، یا با آنها بار حمل کنند و یا از شیر آنها تغذیه نمایند).

۵ - لزوم نشانه گذاری شترانی که حاجیان جهت

قربانی به همراه خود می برند .

و البدن جعلنها لكم من شعئر الله

این سخن خدا که: <ما شتران قربانی را شعائر و نشانه های دینی قرار دادیم> می تواند در بردارنده این توصیه باشد که حاجیان نیز باید شتران را به منظور این که آنها از دیگر شتران ممتاز باشند، نشانه گذاری کنند.

۸- لزوم به صف کردن شتران قربانی و نحر هم زمان آنها ، همراه ذکر نام خدا

فاذکروا اسم الله علیها صواف

<صواف> جمع <صافه> حال از ضمیر <علیها> و از مصدر <صف> (گروهی را در کنار هم و در یک امتداد مستقیم به نظم در آوردن) مشتق شده است؛ یعنی، پس نام خدا را بر شتران (به هنگام نحر کردن آنها) در حالی که در امتداد مستقیم به نظم در آمدند بپسندید.

۱۰- خوردن گوشت قربانی برای حاجیان مجاز است .

فاذا وجبت جنوبها فكلوا منها

<وجوب> (مصدر <وجبت>) به معنای سقوط و افتادن است. <جنوب> نیز جمع <جنب> و به معنای پهلو است؛ یعنی، وقتی شتران افتادند و به پهلو غلتیدند (جان دادند)، از گوشت آنها بخورید و به نیازمندان بخورانید. گفتنی است که عرب جاهلی، می پنداشتند قربانی مال خدایان است و کسی حق ندارد از آن استفاده کند. خداوند در این جا تذکر می دهد که این پندار، گمانی است غلط و مسلمانان نباید قربانی را به حال خود رها کنند به گمان این که اینها شعائر الهی اند و خوردن آنها هتک حرمت شعائر است؛ بلکه همین که قربانی جان داد، باید بخشی از آن را برای خود بردارند و بقیه را به نیازمندان بدهند.

۱۲- لزوم اطعام مستمندان از گوشت قربانی در

حج؛ چه خودشان درخواست کنند و چه روی درخواست کردن نداشته باشند.

فكلوا منها و اطعموا القانع و المعتر

<قانع> به کسی گفته می شود که درخواست کمک می کند (سائل و گدا) و <معتز> یعنی، نیازمندی که طالب کمک است؛ لکن روی سؤال کردن ندارد. بنابراین معنای جمله فوق چنین می شود: بخشی از گوشت قربانی را خودتان بخورید و بقیه آن را به نیازمندان بخورانید؛ چه نیازشان را بر زبان جاری کنند و چه بر زبان نیاورند.

۱۳ - منع استفاده انحصاری حاجیان از گوشت قربانی و دریغ کردن از اطعام آن به نیازمندان

فكلوا منها

با توجه به کلمه <من> معنای جمله فوق چنین است: بخشی از آن را بخورید؛ (نه همه اش را).

اخلاص در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۷ - ۱۱

۱۱ حج باید تنها برای خدا باشد.

و لله على الناس حج البيت

ارزش حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹ - ۶

۶ - حج عبادتی بسیار ارزشمند و از ارکان عملی دین است.

قل هي موقيت للناس و الحج

شناخت زمان حج به عنوان فایده ای برای جلوه گر ساختن ماه به صورتهای مختلف، گویای عظمت این دستور الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۷ - ۵

۵ ارزش و اهمیت حج نزد خداوند

الحج أشهر معلومات . . . ولا جدال فی الحج

با توجه به تکرار کلمه <حج> و نهی از <جدال> و . . . برمی آید که حج، عمل با

ارزشی نزد خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۷ - ۱۳

۱۳ ارزش و اهمیت فوق العاده حج

و لله على الناس حج البيت ... و من كفر

زیرا ترک آن، کفر است.

استطاعت در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۷ - ۲۸، ۲۷، ۲۶، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۲، ۱۰، ۹

۹ حج گزاردن، حق خداوند بر توانمندان

و لله على الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلا

۱۰ استطاعت (توان رفتن به خانه خدا)، شرط وجوب حج

و لله على الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلا

۱۲ ترک حج، با وجود استطاعت (توان رفتن به خانه خدا)، کفر است.

و لله على الناس ... و من كفر فان الله غني عن العالمين

برداشت فوق را روایت امام صادق (ع) تأیید می کند که فرمود: و من ترک فقد کفر، و نیز فرمود: و لم لا یکفر و قد ترک شریعه من شرایع الاسلام.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۹۰، ح ۱۰۸؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۰۳، ح ۱۰.

۲۰ وجوب حج بر ثروتمندان در هر سال

و لله على الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلا

امام کاظم (ع): ان الله فرض الحج على اهل الجده في كل عام.

این خبر و اخبار مشابه باید حمل بر این معنا شود که در هیچ سالی نباید مکه در ایام حج خالی بماند بلکه باید مراسم حج در هر سال، انجام شود و انجام آن وظیفه افراد مستطیع است.

کافی، ج ۴، ص ۲۶۵، ح ۵؛ نورالثقلین، ج

۱، ص ۳۷۲، ح ۲۸۰.

۲۱ وجوب حج و عمره ، بر افراد مستطیع

و لله على الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلا

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود: یعنی به الحج و العمره جميعاً لأنهما مفروضان.

کافی، ج ۴، ص ۲۶۵، ح ۱؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۰۲، ح ۲.

۲۲ استطاعت حجّ ، به صحت بدن ، داشتن زاد و توشه ، مرکب و باز بودن راه می باشد .

من استطاع اليه سبيلا

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: من كان صحيحاً في بدنه مخلاً سربه له زاد و راحله فهو من يستطيع الحج.

کافی، ج ۴، ص ۲۶۷، ح ۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۷۳، ح ۲۸۳.

۲۶ داشتن مرکب در تحقق استطاعت ، شرط نیست .

و لله على الناس حج البيت من استطاع

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: يخرج و يمشي ان لم يكن عنده ما يركب.

استبصار، ج ۲، ص ۱۴۰، ح ۵، ب ۸۱؛ تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۱۰، ح ۲۶.

۲۷ کسی که هزینه حج به او اهدا شود ، مستطیع است .

و لله على الناس حج البيت من استطاع

امام صادق (ع) در پاسخ این سؤال که اگر به کسی مالی برای بجا آوردن حج عرضه شده و او از پذیرش آن شرم نماید مستطیع است یا نه؟ فرمود: نعم ما شأنه أن يستحیی.

کافی، ج ۴، ص ۲۶۶، ح ۱ / تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳، ح ۳.

۲۸ استطاعت بر حج، داشتن مخارج اهل و عیال علاوه بر هزینه حج است.

و لله على الناس حج البيت

امام

باقر (ع) در بیان استطاعت حج فرمود: .. السَّعَة فِي الْمَالِ إِذَا كَانَ يَحِجُّ بَعْضُ وَبِئْسَى بَعْضًا يَقُوتُ بِهِ عِيَالَهُ

کافی، ج ۴، ص ۲۶۷، ح ۳؛ استبصار، ج ۲، ص ۱۳۹، ح ۱، ب ۸۱.

استفاده از قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۳ - ۱،۳

۱ - حج گزاران می توانند تا روز قربانی، از دام هایی که برای قربانی کردن به همراه دارند، استفاده کنند.

لکم فیها منفع إلی أجل مسمی

ضمیر <فیها> به <شعائر> بازمی گردد. <منافع> جمع <منفعه> و به معنای بهره و سود است. <إلی أجل مسمی> یعنی، تا زمانی مشخص. مقصود این است که شما می توانید تا روز قربانی از دام هایی که به منظور قربانی کردن در حج، به همراه می برید، استفاده کنید (بارتان را به وسیله آنها حمل کنید و آنها را سوار بشوید و از شیر آنها تغذیه کنید).

۳ - ممنوعیت استفاده از دام های قربانی، در پندار مشرکان عصر بعثت

لکم فیها منفع إلی أجل مسمی

تصریح به جواز بهره برداری از دام های قربانی، نشان می دهد که اعتقاد عمومی پیش از نزول آیه، برخلاف آن بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۴

۴ - استفاده از شتران قربانی (به جهت حمل بار، سوار شدن و تغذیه از شیر آنها)، برای حاجیان مجاز است.

و البدن .. لکم فیها خیر

مقصود از <لکم فیها خیر> با توجه به آیه ۳۳ (لکم فیها منافع إلی أجل

مسمی)، این است که حاجیان می توانند تا روز قربانی، از شترانی که به رسم قربانی به همراه خود می برند، بهره گیری کنند (آنها را سوار شوند، یا با آنها بار حمل کنند و یا از شیر آنها تغذیه نمایند).

استفاده از گوشت قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۸

۱۸ - استفاده از تمام گوشت قربانی ، جایز نیست .

فكلوا منها و اطعموا البائس الفقير

<من> در <منها> تبعیضیه است. بنابراین <كلوا منها> یعنی، <بخورید بخشی از آن را[نه همه آن را]>.

استفاده حاجیان از قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۶

۱۶ - جواز استفاده حج گزاران از گوشت قربانی

فكلوا منها

اسحاق(ع) در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۹ - ۱۱

۱۱ لزوم کوچ کردن از عرفات ، بسان کوچ کردن ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و سایر حج گزاران

ثم افيضوا من حيث افاض الناس

امام صادق (ع) درباره آیه <ثم افيضوا...> فرمود: یعنی ابراهیم و اسماعیل و اسحاق فی افاضتهم منها و من كان بعدهم

کافی، ج ۴، ص ۲۴۷، ح ۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۹۶، ح ۷۱۹.

اطعام از قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۱۸، ۱۲

۱۲ - لزوم اطعام مستمندان از گوشت قربانی در حج؛ چه خودشان درخواست کنند و چه روی درخواست کردن نداشته باشند

فكلوا منها و اطعموا القانع و المعتر

<قانع> به

کسی گفته می شود که درخواست کمک می کند (سائل و گدا) و <معتز> یعنی، نیازمندی که طالب کمک است؛ لکن روی سؤال کردن ندارد. بنابراین معنای جمله فوق چنین می شود: بخشی از گوشت قربانی را خودتان بخورید و بقیه آن را به نیازمندان بخورانید؛ چه نیازشان را بر زبان جاری کنند و چه بر زبان نیاورند.

۱۸ - < عن أبي عبد الله (ع) في قول الله عز وجل ... > و أطعموا القانع و المعتز < قال : القانع الذي يرضى بما أعطيته و لا يسخط و لا يكلح و لا يلوى شذقه غضباً و المعتز المار بك لتطعمه >

از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند عزوجل .. <و أطعموا القانع و المعتز> فرمود: <قانع> کسی است که راضی می شود به آنچه که به او می دهی و نسبت به آن ناراحتی، ترش رویی و دهن کجی نمی کند و <معتز> رهگذری است که بر تو می گذرد تا او را اطعام کنی >.

اطعام فقرا از قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۷

۱۷ - لزوم اطعام مستمندان تنگدست از گوشت قربانی در حج

و أطعموا البائس الفقير

اعلام تبری در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳ - ۳

۳ دهم ذیحجه سال نهم هجرت ، روز ابلاغ پیام برائت خدا و پیامبر (ص) به عموم مردم حاضر در مراسم حج

و أذن من الله و رسوله إلى الناس يوم الحج الأكبر

بر اساس نظر مفسران، سال نهم هجرت، سال اعلام برائت است و بر پایه

روایاتی که از ائمه معصومین (ع) رسیده است، روز حج اکبر، دهم ذیحجه است.

امتیت در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۲۳

۲۳ لزوم برقراری امنیت اقتصادی برای حجاج در ایام حج

لا تحلوا شعر الله... و لاء آمین البیت الحرام بیتغون فضلا من ربهم

از مصادیق مورد نظر برای حفظ حرمت راهیان حج، به قرینه <بیتغون فضلا من ربهم>، حفظ امنیت اقتصادی آنان است.

انکار حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۷ - ۲۵

۲۵ منکر و جوب حج، کافر است.

و من کفر

امام کاظم (ع) در پاسخ این سؤال که آیا اگر کسی حج بجا نیارد کافر است؟ فرمود: لا و لکن من قال لیس هذا هکذا فقد کفر.

کافی، ج ۴، ص ۲۶۵، ح ۵ / تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۰۲، ح ۱.

اوقات حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۷ - ۱،۲۱

۱ مراسم حج، باید در ماههایی مخصوص انجام گیرد.

الحج اشهر معلومات

۲۱ ماه های حج ، شوال ، ذی القعدة و ذی الحجه است و در غير آنها حج صحيح نيست .

الحج اشهر معلومات

امام صادق (ع): <الحج اشهر معلومات> شوال و ذوالقعدة و ذوالحجه ليس لأحد ان يحج في ما سواهن

كافي، ج ۴، ص ۲۸۹، ح ۱ / نورالثقلين، ج ۱، ص ۱۹۳، ح ۶۹۷.

اهمیت حج

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۳

۳ - مردم ،

باید پیایی برای زیارت خانه خدا (حج و عمره) به سوی آن جایگاه روانه شوند .

و إذ جعلنا البيت مثابة للناس و أمناً و اتخذوا

جمله <إتخذوا .. > که جمله ای انشایی و دستوری است می تواند قرینه بر این باشد که مقصود از <جعلنا البيت ... > نیز معنایی انشایی و دستوری است؛ یعنی، مراد از <جعل >، تشریح قانون است. بنابراین مفاد جمله چنین می شود: باید مردم به سوی خانه خدا بیایند و امنیت آن را به شایستگی پاس بدارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۷ - ۸

۸ حج ، میدان انجام اعمال خیر و کسب توشه برای آخرت

و ما تفعّلوا من خیر یعلمه الله و تزودوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۳ - ۶

۶ تقوای الهی ، زمینه ساز انجام فریضه حج

و اتقوا الله

با توجه به اینکه در پایان بیان مناسک حج، مسأله تقوا مطرح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۱۳، ۳

۳ مناسک حج ، از شعایر الهی است . *

لا تحلوا شعر الله

<شعائر > جمع <شعیره > به معنای علامت است. و احتمالاً مراد از آن، علایم و مناسک حج باشد.

۱۳ اهمیت خاص مسجد الحرام ، حج و مناسک آن

یا ایها الذین ءامنوا لاتحلوا .. و لاء آمین البيت الحرام

اهمیت قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۸

۸ اهمیت ویژه قربانی در مراسم حج *

ولاله‌دی

ذکر قربانی با تفصیل آن (با نشان و بی نشان) از میان سایر مناسک حج، بیانگر اهمیت خاص آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۷ - ۵

۵ - مراسم قربانی در حج ، عرصه یاد کرد عظمت و کبریایی خداوند

كذلك سخر لكم لتكبروا الله

ضمیر <ها> در <سخرها> به <بُیدن> (شتران قربانی) بازمی گردد. <تکبیر> (مصدر <تکبرون>) به معنای خدا را به بزرگی یاد کردن است. بنابراین معنای جمله یاد شده چنین می شود: <ما آن شتران درشت و عظیم الجثه را برای شما رام کردیم>، (شما به راحتی می توانید کارد را در حلقوم آنها فرو کنید، بدون این که کمترین آسیبی به شما برسد.) این کار برای آن است که شما به پاس این نعمت بزرگ (توفیق انجام دادن عبادت قربانی)، خدا را به بزرگی یاد کنید و یک صدا فریاد بزنید: <الله أكبر علی ما هدانا>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۶

۶- اهمیت قربانی ، در مناسک عبادی مسجدالحرام

و الهدى معكوفاً أن يبلغ محله

از این که خداوند، یکی از جرم های کافران را، جلوگیری از رسیدن قربانی به قربانگاه شمرده است، اهمیت آن در مناسک زیارت خانه خدا استفاده می شود.

باربری با قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۴

۴ - استفاده از شتران قربانی (به جهت حمل بار ، سوارشدن و تغذیه از شیر آنها) ، برای حاجیان مجاز است .

و البدن .. لکم فیها

مقصود از <لکم فیها خیر> با توجه به آیه ۳۳ (لکم فیها منافع إلی أجل مسمی)، این است که حاجیان می توانند تا روز قربانی، از شترانی که به رسم قربانی به همراه خود می برند، بهره گیری کنند (آنها را سوار شوند، یا با آنها بار حمل کنند و یا از شیر آنها تغذیه نمایند).

برکات حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱

۱ - حج ، سرشار از سود ، منفعت ، خیر و برکت برای مردم

و أذن فی الناس بالحجّ .. ليشهدوا منفع لهم

<منافع> جمع <منفعه> است. منفعت؛ یعنی، سود، خیر و برکت. به کارگیری <منافع> به صورت جمع، بیانگر فراوانی برکت های حج است و آمدن آن به صورت نکره، حاکی از عظمت و بزرگی هر یک از این برکت ها می باشد.

بزرگترین مناسک حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳ - ۵

۵ دهم ذیحجه ، روز برگزاری بزرگترین مناسک حج

یوم الحج الأكبر

پوست قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۲۳

۲۳ - > عن صفوان بن یحیی الأرزق قال : قلت لأبی ابراهیم (ع) : الرجل یعطى الاضحیه من یسلخها بجلد ها قال : لا بأس به ، إنما قال الله عزوجل < فكلوا منها و أطعموا > و الجلد لا یؤکل و لا یطعم ؛

صفوان بن یحیی می گوید: به امام کاظم (ع) گفتم: شخص، قربانی را می دهد به کسی که آن را سلاخی کند، در مقابل

پوست

آن که پوست را مزد خود بردارد [حکمش چیست؟] فرمود: مانعی ندارد؛ زیرا خدای عزوجل فرموده است: <فكلوا منها و أتعموا> و پوست نه خورده می شود و نه (به وسیله آن) اطعام می شود.<

تأخیر تقصیر در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۹ - ۵

۵ - جواز تأخیر در اجرای تقصیر و طواف ، پس از انجام قربانی

ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفْتَهُمْ . . . و لِيَطَّوَّفُوا

به کارگیری <ثُمَّ> که برای تراخی در زمان است بیانگر مطلب یاد شده است.

تأخیر طواف در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۹ - ۵

۵ - جواز تأخیر در اجرای تقصیر و طواف ، پس از انجام قربانی

ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفْتَهُمْ . . . و لِيَطَّوَّفُوا

به کارگیری <ثُمَّ> که برای تراخی در زمان است بیانگر مطلب یاد شده است.

تأخیر قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۱

۱۱ - جواز تأخیر انداختن قربانی ، از روز دهم به هر یک از روز های یازدهم ، دوازدهم و سیزدهم ذی حجه

و يذكروا اسم الله في أيام معلومت . . . من بهيمه الأنعم

تارکان حج در قیامت

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۱ - طہ - ۲۰ - ۱۲۴ - ۱۳

۱۳ - > معاویہ بن عمار عن أبي عبد الله (ع) قال : سألته عن رجل لم يحج قطّ و له مال قال : هو ممّن قال الله : > و نحشره
يوم القيامة

أعمى < قلت : سبحان الله أعمى ؟ قال : أعماه الله عن طريق الجنة ;

معاویه بن عمار گوید: از امام صادق(ع) در باره کسی که مالی داشته و به حج نرفته است سؤال کردم؟ فرمود: او در زمره کسانی است که خداوند فرموده: <و نحشره يوم القيامة أعمى>. گفتم سبحان الله نابینا؟ فرمود: خداوند او را از [دیدن] راه بهشت نابینا کرده است.<

تاریخ حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۷ - ۱۷

۱۷ - < قال الحلبي : سئل ابو عبد الله (ع) عن البيت أكان يحج قبل أن يبعث النبي (ص) ؟ قال : نعم و تصديقه في القرآن .. و إذ يرفع ابراهيم القواعد من البيت و اسماعيل ... ;

حلبی گوید از امام صادق(ع) سؤال شد: آیا حج قبل از بعثت رسول خدا(ص) نیز بوده است؟ حضرت فرمود: آری و شاهد آن در قرآن است که خدا می فرماید: به یاد آورید آن هنگام که ابراهیم و اسماعیل(ع) پایه های خانه کعبه را بالا می بردند .. <

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۶ - ۱۴

۱۴ برپایی مراسم حج در خانه خدا ، از زمان حضرت آدم (ع)

انّ اول بيت وضع للناس

امام باقر(ع) در پاسخ سؤال از برقراری حج قبل از بعثت پیامبر(ص) فرمود: نعم .. ان ادم و نوحاً و سليمان قد حجوا البيت ... كما قال الله تعالى <ان اول بيت وضع للناس ... > .

تفسیر عیاشی، ج ۱،

ص ۱۸۶، ح ۹۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۰۰، ح ۱۹.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۱۰

۱۰ - حج و زیارت مسجدالحرام، مراسمی رایج در میان مردم جزیره العرب

سواء العکف فیه و الباد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۲۲، ۱۰

۱۰ - اجرای مراسم حج در عصر حضرت شعیب

علی أن تأجرنی ثمنی حجج

۲۲ - > قال الحلبي: سئل أبو عبد الله عن البيت أكان يحجّ قبل أن يبعث النبي (ص) قال: نعم و تصديقه في القرآن قول شعیب حين قال لموسى حيث تزوّج > علی أن تأجرنی ثمانی حجج < و لم يقل ثمانی سنين ... /

حلبی گوید: از امام صادق(ع) سؤال شد که آیا قبل از بعثت پیامبر اسلام حج بیت الله الحرام وجود داشت؟ امام صادق(ع) فرمود: آری و شاهد آن در قرآن، کلام شعیب(ع) است که به هنگام تزویج موسی(ع) به وی گفت: [یکی از دختران را به تو تزویج می کنم] که هشت حج اجیر من باشی و نگفت هشت سال... <.

تجارت در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۱۵، ۲۳

۱۵ کسب مال و تجارت به هنگام سفر بسوی خانه خدا، امری مشروع و مجاز بر حاجیان و معتمران

ءآمین البيت الحرام یتغون فضلا من ربهم

چنانچه مراد از <فضلا> رزق و روزی و درآمدهای مادی باشد، ابتغاء فضل به معنای کسب درآمد به وسیله تجارت و مانند آن است.

اقتصادی برای حجاج در ایام حج

لا تحلوا شعر الله... و لاء آمین البیت الحرام بیتغون فضلا من ربهم

از مصادیق مورد نظر برای حفظ حرمت راهیان حج، به قرینه <بیتغون فضلا من ربهم>، حفظ امنیت اقتصادی آنان است.

تخیر در قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۴ - ۶

۶ - جواز قربانی کردن به هر یک از شتر، گاو و گوسفند

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتران است. لکن گاهی برای مجموع شتر، گاو و گوسفند به کار می رود. به اعتقاد همه مفسران، مقصود از <أنعام> در این جا، معنای دوم (مجموع شتر، گاو و گوسفند) است. گفتنی است که <بهیمه> به معنای چهارپا و اضافه آن به <أنعام> بیانیه است؛ یعنی، چهارپایی که عبارت است از شتر، گاو و گوسفند.

تداوم حج ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۷ - ۸

۸ - حضور هر ساله حضرت ابراهیم (ع) در مراسم حج زمان خویش

یأتوک رجالاً و علی کل ضامر

فعل مضارع <یأتوک> می تواند مفید استمرار باشد. بنابراین ورود هر ساله مردم بر حضرت ابراهیم(ع) در مراسم حج بیانگر حضور هر ساله آن حضرت در آن مراسم می باشد.

ترک حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۷ - ۱۴، ۱۲

۱۲ ترک حج ، با وجود استطاعت (توان رفتن به خانه خدا) ، کفر است .

و لله على الناس . . . و من كفر فأنّ

اللّٰهُ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ

برداشت فوق را روایت امام صادق (ع) تأیید می کند که فرمود: و من ترک فقد کفر، و نیز فرمود: و لم لا یکفر و قد ترک شریعه من شرایع الاسلام.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۹۰، ح ۱۰۸ / تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۰۳، ح ۱۰.

۱۴ زیان ترک حج، متوجه خود انسان

و من کفر فانّ اللّٰهُ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ

تعالیم حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۹

۱۹ - یاری مردمان و دستگیری از تنگدستان و نیازمندان، از حکمت های تشریح حج و از آموزه های آن

و أطعموا البائس الفقیر

تعاون در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۳۷

۳۷ لزوم همکاری و تعاون در مراسم حج، بر اساس نیکی و تقوا

لا یجرمنکم .. عن المسجد الحرام ان تعتدوا و تعاونوا علی البر و التقوی

از مصادیق مورد نظر برای <برّ> و <تقوی>، به قرینه فرازهای پیشین، مناسک حج و مسایل پیرامون آن است.

تعظیم قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- بزرگداشت و رعایت حرمت دام های قربانی (کوشش در حفظ و نگه داری آنها و پرهیز از سهل انگاری در حق آنها) ،
توصیه خدا به اهل ایمان

و من يعظم شعئر الله

تعلیم مناسک حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۸ - ۸،۱۵

۸ - ابراهیم و اسماعیل (ع) به هنگام ساختن

کعبه ، از خداوند خواستند تا چگونگی اعمال حج را به آنان بیاموزد .

ربنا .. أرنا مناسکنا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مناسک - چنانچه برخی از اهل لغت و نیز برخی از مفسران گفته اند - به معنای اعمال حج باشد.

۱۵ - از حضرت علی بن ابی طالب (ع) روایت شده است که : > لما فرغ ابراهیم من بناء البيت قال : فعلت أی رب فأرنا مناسکنا ، ابرزها لنا ، علمناها ، فبعث الله جبرئیل فحجّ به ؛

چون ابراهیم(ع) از ساختن خانه کعبه فارغ گشت، عرض کرد: پروردگارا! من مأموریت خود را انجام دادم، پس شیوه انجام اعمال حج را به ما نشان بده و آن را بر ما آشکار کن و به ما بیاموز. پس خداوند جبرئیل را فرستاد تا به همراهی ابراهیم حج نماید [و به صورت عملی به ابراهیم(ع) نشان دهد] <.

تفاخر در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۰ - ۲،۱۱

۲ تفاخر به نیاکان پس از مناسک حج ، از سنن جاهلی

فاذکروا الله کذکرکم اباءکم

۱۱ پس از اتمام حج ، باید به جای تفاخر به نیاکان ، ذکر خداوند کرد .

فاذا قضیت مناسککم فاذکروا الله

امام باقر(ع): .. و یعدّون مفاخر آیاتهم ... فامرهم الله سبحانه، ان یدکروه مکان ذکرهم آبائهم فی هذا الموضع

مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۲۹؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۹۸، ح ۷۲۲.

تقصیر در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١١ - حج - ٢٢ - ٢٩ - ١٠٣٠٤٧

١ - وجوب

تقصیر و بیرون آمدن از احرام ، پس از انجام مراسم قربانی

و یذکروا اسم الله .. ثم لیقضوا تفثهم

<قضاء> (مصدر <یقضون>) به معنای بریدن و جدا کردن است. <تفث> یعنی، غبار و چرکی که بر بدن می نشیند. بنابراین <ثم لیقضوا تفثهم> یعنی، حاجیان پس از انجام مراسم قربانی، با تراشیدن سر و گرفتن ناخن که به خاطر محرم بودن، نمی توانستند انجام دهند خود را تمیز کنند و این کنایه از بیرون شدن از احرام است.

۳- لزوم ادای نذر ، پس از تقصیر و خارج شدن از احرام

و لیوفوا نذورهم

۴- وجوب طواف ، پس از تقصیر و خروج از احرام

ثم لیقضوا تفثهم ... و لیطوفوا

۷- < قال : عبد الله بن سنان فأتیت أبا عبد الله (ع) فقلت : جعلت فداک قول الله عزوجلّ : < ثم لیقضوا تفثهم ... > ؟ قال : أخذ الشارب و قص الأظفار و ما أشبه ذلک ... >

عبدالله بن سنان گفت: نزد امام صادق(ع) آمدم و گفتم: فدایت شوم: [مقصود از] قول خدای عزوجلّ <ثم لیقضوا تفثهم> [چیست؟] فرمود: [مقصود] زدن شارب و گرفتن ناخن و مانند آن است..>.

تقوا در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹ - ۱۴

۱۴ - عمل نیک در حج ، رعایت تقوا و پرهیز از گناهان است .

و لکن البر من اتقی

تکبیر در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۲۱

(أن الذكر في قوله : < و يذكروا اسم الله > هو التكبير عقيب خمس عشره صلاه أولها ظهر العيد ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که مراد از ذکر در سخن خداوند <و يذكروا اسم الله>، تکبیرهایی است که در تعقیب پانزده نماز که اول آنها ظهر عید است گفته می شود.<

تلبیه در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۷ - ۲۳

۲۳ آغاز اعمال حج با تلبیه ، اشعار و تقلید است .

فمن فرض فيهنّ الحجّ

امام صادق (ع) درباره قول خداوند <الحجّ اشهر معلومات .. > فرمود: و الفرض التلبیه و الاشعار و التقليد فاي ذلك فعل فقد فرض الحجّ

کافی، ج ۴، ص ۲۸۹، ح ۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۱۹۹، ح ۲.

توشه حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۷ - ۱۳

۱۳ وجوب تهیّه توشه (پوشاک و خوراک و ...) برای سفر حج

و تزودوا

با توجه به شأن نزول نقل شده در مجمع البیان، ذیل آیه.

جدال در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۶ - ۳۴

۳۴ تمامیت حج و عمره به پرهیز از کلام ناشایست و نافرمانی و نزاع در حج است .

و اتمّوا الحجّ و العمره لله

امام باقر و امام صادق (ع): .. فانّ تمام الحجّ و العمره ان لا یرفث و لا یفسق و لا یجادل

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۸۸ ح ۲۲۵؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۸۱، ح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۷ - ۴،۲۲،۲۴

۴ حرمت هر گونه نزاع (جدال) در حج

فمن فرض فيهن الحج... و لا جدال في الحج

۲۲ حرمت جماع، دروغ، ناسزاگویی و سوگند به < لا و الله و بلی و الله > در حج

فلا رفث و لا فسوق و لا جدال في الحج

امام صادق (ع):... و <الرفث> الجماع و <الفسوق> الكذب و السباب و <الجدال> قول الرجل لا و الله و بلی و الله

کافی، ج ۴، ص ۳۳۷، ح ۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۹۴، ح ۷۰۴.

۲۴ سه قسم صادق پی در پی و یک قسم دروغ، از مصادیق جدال در حج است.

و لا جدال في الحج

امام باقر (ع) یا امام صادق (ع): اذا حلف ثلاث ايمان متتابعات صادقاً فقد جادل... و اذا حلف بيمين واحده كاذباً فقد جادل

کافی، ج ۴، ص ۳۳۸، ح ۴؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۹۵، ج ۲۵۸.

حج افراد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۶ - ۳۳

۳۳ عدم جواز حج قرآن و افراد، مگر برای اهل مکّه و حاضران در آن

و اتموا الحجّ و العمره لله

امام رضا (ع): لا يجوز القران و الافراد الذى يستعمله العامه الا لاهل مكّه و حاضريها . .. قال الله تعالى > و اتّموا الحج و العمرة لله ... <

عيون اخبار الرضا، ج ٢، ص ١٢٤، ح ١، ب ٣٥ / نورالثقلين، ج ١، ص ١٨١، ح ٦٤١.

حج برده

جلد -

۲۰- > حسن العطار قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن رجل أمر مملوكه أن يتمتع بالعمرة إلى الحج أعليه أن يذبح عنه ؟ قال : لا إن الله تعالى يقول : > عبداً مملوكاً لا يقدر على شيء < ;

حسن عطار گوید: از امام صادق(ع) سؤال کردم: مردی برده مملوک خود را امر کرده تا حج تمتع به جا آورد، آیا بر آن مملوک واجب است از طرف مولا قربانی کند؟ حضرت فرمود: نه خدای تعالی می فرماید: عبداً مملوكاً لا يقدر على شيء <.

حج تمتع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۶ - ۴۶، ۴۵، ۳۷، ۱۲

۱۲ تقدم اعمال عمره بر حج ، در حج تمتع

فمن تمتع بالعمرة الى الحج

۳۷ شتر ، گاو و گوسفند ، نوع قربانی در حج تمتع

فمن تمتع بالعمرة الى الحج فما استيسر من الهدى

امام صادق (ع) : .. فما استيسر من الهدى اما جزور و اما بقره و اما شاه

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۹۰، ح ۲۳۳؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۱۹۷، ح ۱۷.

۴۵ حج تمتع مخصوص کسی است که خانواده اش در محدوده چهل و هشت میلی مکه ساکن نباشد .

ذلك لمن لم يكن اهله حاضري المسجد الحرام

امام باقر (ع) درباره آیه فوق فرمود: یعنی اهل مکه لیس علیهم متعه کل من كان اهله دون ثمانيه و اربعين ميلا ذات عرق و عسفان كما يدور حول مکه فهو ممن دخل في هذه الايه

تهذيب شيخ طوسي، ج ٥، ص ٣٣، ح ٢٧؛ استبصار،

۴۶ حج تمتع مخصوص کسی است که خانواده اش در منطقه واقع بین میقات ها و مسجدالحرام ساکن نباشد.

ذلك لمن لم يكن اهله حاضري المسجد الحرام

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: مادون المواقیت الی مکة فهو حاضری المسجد الحرام

استبصار، ج ۲، ص ۱۵۸، ح ۴؛ تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۳، ح ۲۸؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۹۴، ح ۲۴۸.

حج در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹ - ۷، ۲۴

۷ - ورود از پشت خانه ها و نه از درب های ورودی، از آداب حج در سنت های مردم عصر جاهلی

و لیس البر بأن تأتوا البيوت من ظهورها

بیان رسم جاهلیت، مبنی بر وارد شدن به خانه از پشت آنها و نه از درب ورودی - پس از ذکر حج - دلالت بر این دارد که سنت یاد شده از آداب حج در زمان جاهلیت بوده است.

۲۴ - از امام باقر (ع) درباره آیه < لیس البر بأن تأتوا البيوت من ظهورها > روایت شده است: انه كان المحرمون لا يدخلون بيوتهم من أبوابها ولكنهم كانوا ينقبون في ظهر بيوتهم أي في مؤخرها نقباً يدخلون ويخرجون منه فنهوا عن التدنن بذلك

[در جاهلیت] کسانی که برای مناسک حج مُحرم می شدند، از درب خانه هایشان وارد آن نمی شدند؛ بلکه از حفره ای که در پشت خانه و در انتهای آن باز می کردند، رفت و آمد می نمودند و خداوند آنان را از پایندی

به این عمل نهی فرمود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۱۷، ۱۲

۱۲ - آمیختگی مراسم حج و قربانی ، با مظاهر شرک و بت پرستی در عصر جاهلیت

و أُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يَتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ

۱۷ - وجود شعارهای شرک آمیز و ضد توحیدی در مراسم حج عصر جاهلیت

و اجتنبوا قول الزور

<زور> به معنای باطل و اضافه در <قول الزور> اضافه بیانیه است؛ یعنی، از سخنانی که باطل و یاوه است، دوری کنید. با توجه به این که آیه مورد بحث از جمله آیات مربوط به حج است. می توان گفت که مراد از <سخن یاوه> در این جا شعارهای شرک آمیزی بود که مشرکان در مراسم حج و احتمالاً به هنگام ذبح قربانی بر پای بت هایشان که در منا نصب کرده بودند سر می دادند.

حج در دوران شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ - اجرای مراسم حج در عصر حضرت شعیب

علی أن تأجرني ثمني حجج

حج در دین ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۷ - ۴

۴ - حج ، یادگاری از شریعت حضرت ابراهیم (ع)

و أذن في الناس بالحج

حج در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹ - ۱۱

۱۱ - مسلمانان صدر اسلام بر اساس سنت عصر جاهلی ، به هنگام حج از راه های متعارف به خانه ها وارد نمی شدند

و ليس البر بأن تأتوا البيوت من ظهورها

از اینکه مسلمانان مورد خطاب قرار گرفته اند، معلوم می شود: گروهی از آنان تا پیش از نازل شدن آیه شریفه، به این سنت پایبند بوده اند.

حج قبل از اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۷ - ۱۷

۱۷ - > قال الحلبي : سئل ابو عبد الله (ع) عن البيت أكان يحج قبل أن يبعث النبي (ص) ؟ قال : نعم و تصديقه في القرآن ..
و إذ يرفع ابراهيم القواعد من البيت و اسماعيل ...

حلبی گوید از امام صادق(ع) سؤال شد: آیا حج قبل از بعثت رسول خدا(ص) نیز بوده است؟ حضرت فرمود: آری و شاهد آن در قرآن است که خدا می فرماید: به یاد آورید آن هنگام که ابراهیم و اسماعیل(ع) پایه های خانه کعبه را بالا می بردند ..
<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۲۲

۲۲ - > قال الحلبي : سئل أبو عبد الله عن البيت أكان يحج قبل أن يبعث النبي (ص) قال : نعم و تصديقه في القرآن قول
شعيب حين قال لموسى حيث تزوج > على أن تأجرني ثمانى حجج < و لم يقل ثمانى سنين ...

حلبی گوید: از امام صادق(ع) سؤال شد که آیا قبل از بعثت پیامبر اسلام حج بیت الله الحرام وجود داشت؟ امام صادق(ع) فرمود: آری و شاهد آن در قرآن، کلام شعیب(ع) است که به هنگام تزویج موسی(ع) به وی گفت: [یکی از دختران

را به تو تزویج می کنم] که هشت حج اجیر من باشی و نگفت هشت سال.. <.

حج قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۶ - ۳۳، ۳۰، ۱۵

۱۵ حج تمتع ، مخصوص غیر اهل مکه است .

ذلك لمن لم يكن اهله حاضري المسجد الحرام

۳۰ ملاک مکی بودن ، سکونت در شعاع هجده میلی ، از هر سوی مسجد الحرام

لمن لم يكن اهله حاضري المسجد الحرام

امام صادق (ع) درباره آیه مزبور، فرمود: من كان منزله على ثمانية عشر ميلا من بين يديها و ثمانية عشر ميلا من خلفها و ثمانية عشر ميلا عن يمينها و ثمانية عشر ميلا عن يسارها فلا متعه له ..

کافی، ج ۴، ص ۳۰۰، ح ۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۹۲، ح ۶۹۲.

۳۳ عدم جواز حج قرآن و افراد ، مگر برای اهل مکه و حاضران در آن

و اتموا الحج و العمره لله

امام رضا (ع): لا يجوز القران و الافراد الذي يستعمله العامه الا لاهل مکه و حاضريها .. قال الله تعالى <و اتموا الحج و العمره لله... <

عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۲۴، ح ۱، ب ۳۵؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۸۱، ح ۶۴۱.

حج محصور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۶ - ۵، ۴

۴ اتمام حج و عمره بر محصورِ احرام بسته ، واجب نیست .

و اتمّوا الحج . .. فان أحصرتم فما استيسر من الهدى

۵ حرمت تراشیدن سر برای محصور ، قبل از رسیدن قربانی به قربانگاه

و لا تحلقوا رءوسكم حتى يبلغ الهدى

حج محمد (ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۷ - ۱۵

۱۵ - > عن أبي عبد الله (ع) ان رسول الله (ص) أقام بالمدينة عشر سنين لم يحج ثم أنزل الله عزوجل عليه > و أذن في الناس بالحج يأتوك رجالاً و على كل ضامر يأتين من كل فج عميق < فأمر المؤذنين أن يؤذّونا بأعلى أصواتهم بأن رسول الله يحج في عامه هذا ... ;

امام صادق(ع) فرمود: که رسول خدا(ص) ده سال در مدینه اقامت کرد و به حج نرفت. سپس خداوند عزوجل بر آن حضرت [چنین] نازل کرد: > و أذن في الناس بالحج يأتوك رجالاً و على كل ضامر يأتين من كل فج عميق < پس پیامبر(ص) منادیان را فرمان داد که با صدای بلند اعلام کنند که رسول الله(ص) امسال به حج خواهد رفت...<.

حلالها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۵

۱۵ - شتر ، گاو و گوسفند ، چهارپایانی حلال گوشت

على ما رزقهم من بهيمه الأنعم فكلوا منها

حلق در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۶ - ۳۹، ۲۹، ۱۰، ۶۸

۶ تراشیدن سر پس از بردن قربانی به قربانگاه ، راه خروج از احرام

فان أحصرتم فما استيسر من الهدى و تحلقوا رؤسكم حتى يبلغ الهدى مَجَلَّة

ظاهر این است که فرستادن قربانی به محل مخصوص و سپس تراشیدن سر، به جهت خارج شدن از احرام است ؛ نه یک تکلیف تعبّدی برای محصور.

ناحیه سر در اذیت است ، می تواند قبل از قربانی کردن ، سرش را بتراشد .

و لا تحلقوا رءوسکم .. فمن کان منکم مریضاً

مراد از <مریض> به قرینه قسیمش (او به اذی من رأسه)، مرضی است که مداوای آن در گرو تراشیدن سر است. و مراد از <به اذی>، آزاری است که از غیر ناحیه مرض، همانند وجود حشرات، در موهای مُحرم باشد.

۱۰ روزه یا صدقه و یا قربانی ، فدیة (کفاره) تراشیدن سر قبل از قربانی ، برای مُحرم معذور

فمن کان منکم .. ففدیة من صیام او صدقه او نُسک

۲۹ کفاره تراشیدن سر قبل از قربانی ، سه روز روزه و یا صدقه به شش مسکین و یا قربانی کردن یک گوسفند است .

فمن کان منکم مریضاً .. او صدقه او نسک

امام صادق (ع): .. و جعل الصیام ثلاثة ایام و الصدقة علی ستة مساکین لکل مسکین مدین و النسک شاه ...

کافی، ج ۴، ص ۳۵۸، ح ۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۸۷، ح ۶۶۴ و ۶۶۶.

۳۹ کسی که با خود قربانی آورده ، نباید قبل از قربانی کردن سر خود را بتراشد و محلّ گردد .

و لا تحلقوا رءوسکم حتّی یبلغ الهدی محلّه

امام صادق (ع): قال رسول الله (ص): .. و لم یکن یستطیع ان یحلّ من اجل الهدی الذی کان معه ان الله عزّ و جل یقول <و لا تحلقوا رءوسکم ...>

کافی، ج ۴، ص ۲۴۸، ح ۶؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۱۲، ح ۱، ب ۱۵۳.

خوردن قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۱۰، ۱۳

۱۰ - خوردن گوشت قربانی برای حاجیان مجاز است .

فإذا وجبت جنوبها فكلوا منها

<وجوب> (مصدر <وجبت>) به معنای سقوط و افتادن است. <جنوب> نیز جمع <جنب> و به معنای پهلو است؛ یعنی، وقتی شتران افتادند و به پهلو غلتیدند (جان دادند)، از گوشت آنها بخورید و به نیازمندان بخورانید. گفتنی است که عرب جاهلی، می پنداشتند قربانی مال خدایان است و کسی حق ندارد از آن استفاده کند. خداوند در این جا تذکر می دهد که این پندار، گمانی است غلط و مسلمانان نباید قربانی را به حال خود رها کنند به گمان این که اینها شعائر الهی اند و خوردن آنها هتک حرمت شعائر است؛ بلکه همین که قربانی جان داد، باید بخشی از آن را برای خود بردارند و بقیه را به نیازمندان بدهند.

۱۳ - منع استفاده انحصاری حاجیان از گوشت قربانی و دریغ کردن از اطعام آن به نیازمندان

فكلوا منها

با توجه به کلمه <من> معنای جمله فوق چنین است: بخشی از آن را بخورید؛ (نه همه اش را).

خیریت حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱

۱ - حج ، سرشار از سود ، منفعت ، خیر و برکت برای مردم

و أذن فی الناس بالحجّ .. ليشهدوا منفع لهم

<منافع> جمع <منفعه> است. منفعت؛ یعنی، سود، خیر و برکت. به کارگیری <منافع> به صورت جمع، بیانگر فراوانی برکت های حج است و آمدن آن به صورت نکره، حاکی از عظمت و بزرگی هر یک از این برکت ها می باشد.

دروغ در حج

جلد - نام

۲۲ حرمت جماع، دروغ، ناسزاگویی و سوگند به < لا و الله و بلی و الله > در حج

فلا رفث و لا فسوق و لا جدال فی الحج

امام صادق (ع): ... و <الرفث> الجماع و <الفسوق> الکذب و السباب و <الجدال> قول الرجل لا و الله و بلی و الله

کافی، ج ۴، ص ۳۳۷، ح ۳ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۹۴، ح ۷۰۴.

۲۴ سه قسم صادق پی در پی و یک قسم دروغ، از مصادیق جدال در حج است.

و لا جدال فی الحج

امام باقر (ع) یا امام صادق (ع): اذا حلف ثلاث ايمان متتابعات صادقاً فقد جادل .. و اذا حلف بيمين واحده كاذباً فقد جادل

کافی، ج ۴، ص ۳۳۸، ح ۴ / تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۹۵، ج ۲۵۸.

دعا در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ اجابت دعاها و درخواست های دنیوی حج گزاران دنیا طلب

فمن الناس من يقول ربنا اتنا فی الدنيا و ماله فی الاخره من خلاق

و او عاطفه در جمله <و ماله ..>، بیانگر جمله ای محذوف است. \$مثل <توتیه> (به او عطا می کنیم) و از آخرت نصیبی نخواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ تمجید آن دسته از مردم که پس از انجام مناسک حج ، خواهان نیکو های دنیا و آخرت و نجات از آتش هستند .

و منهم

من يقول ربنا اتنا في الدنيا حسنه و في الاخره حسنه و قنا عذاب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۲ - ۵

۵ تنها آنان که پس از انجام حج ، خواهان حسنه دنیوی و آخروی هستند ، از حج خود بهره خواهند برد .

فاذا قضيتم مناسككم .. اولئك لهم نصيب مما كسبوا

بنابراینکه مراد از <مما كسبوا> انجام فریضه حج باشد.

دعوت به حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۷ - ۱۴، ۱۳

۱ - فراخوانی مردم به حج از سوی حضرت ابراهیم (ع) به فرمان خداوند

و أذن في الناس بالحج

<تأذین> (مصدر <أذن>) به معنای اعلان و ندا در دادن است؛ یعنی، <ای ابراهیم! به میان مردم برو و آنان را به حج و زیارت بیت الله، فرا بخوان>.

۳ - تبلیغ و فراخوانی مردم به حج و زیارت بیت الله، از وظایف رهبران الهی

و أذن في الناس بالحج

۱۴ - <عن عبيد الله بن علي الحلبي، عن أبي عبد الله (ع) قال: سألته لم جعلت التلبيه؟ فقال: إن الله عز وجل أوحى إلي ابراهيم (ع) > و أذن في الناس بالحج يأتوك رجالاً < فنأدى فأجيب من كل فجّ يلتون >

عبيدالله بن علي الحلبي گوید: از امام صادق(ع) سؤال کردم: چرا [در حج] تلبیه مقرر شده است؟ فرمود: همانا خداوند به حضرت ابراهیم(ع) وحی کرد: <و أذن في الناس بالحج يأتوك رجالاً> پس ابراهیم ندا در داد و از هر راه دوری با لیبیک گفتن به ابراهیم(ع)،

پاسخ داده شد.

دنیاطلبی در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۰ - ۴،۷

۴ مذمت آن گروه از مردم که پس از انجام مناسک حج، تنها خواهان بهره های دنیوی از پروردگار خویشند.

فمن الناس من يقول ربنا اتنا فی الدنيا

۷ حج گزاران دنیاطلب، محروم از بهره های اخروی

فاذا قضیتم مناسککم .. فمّن الناس من یقول ربنا ... و مالہ فی الآخرہ من خلاق

ذبح گاو در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۲

۱۲ - جواز قربانی کردن به هر یک از شتر، گاو و گوسفند در مراسم حج

علی ما رزقہم من بہیمہ الأنعم

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتران است. لکن گاهی به مجموع شتر، گاو و گوسفند نیز گفته می شود. به اعتقاد همه مفسران مراد از <أنعام> در این جا معنای دوم (مجموع شتر، گاو و گوسفند) می باشد. گفتنی است که <بہیمہ> به معنای چهارپا و اضافه آن به انعام اضافه بیانیہ است؛ یعنی، چهارپایی که عبارت است از شتر، گاو و گوسفند.

ذبح گوسفند در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۲

۱۲ - جواز قربانی کردن به هر یک از شتر، گاو و گوسفند در مراسم حج

علی ما رزقہم من بہیمہ الأنعم

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتران است. لکن گاهی به مجموع شتر، گاو و گوسفند نیز گفته می شود. به اعتقاد همه مفسران مراد از <أنعام> در این

جا معنای دوم (مجموع شتر، گاو و گوسفند) می باشد. گفتنی است که <بهیمه> به معنای چهارپا و اضافه آن به انعام اضافه بیانیه است؛ یعنی، چهارپایی که عبارت است از شتر، گاو و گوسفند.

ذکر خدا در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۲۱

۲۱ - < و روی عن الصادق (ع) أنّ الذکر فی قوله : < و یذکروا اسم الله > هو التکبیر عقیب خمس عشره صلاه أولها ظهر العید ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که مراد از ذکر در سخن خداوند <و یذکروا اسم الله>، تکبیرهایی است که در تعقیب پانزده نماز که اول آنها ظهر عید است گفته می شود.<

ذکر در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۰ - ۱۱

۱۱ پس از اتمام حج ، باید به جای تفاخر به نیاکان ، ذکر خداوند کرد .

فاذا قضیتم مناسککم فاذکروا الله

امام باقر(ع):... و یعدون مفاخر آیاتهم... فامرهم الله سبحانه، ان یذکروه مکان ذکرهم آبائهم فی هذا الموضع

مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۲۹؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۹۸، ح ۷۲۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۳ - ۱،۲

۱ وجوب ذکر خداوند در روز های مشخص (ایام تشریق) بر حج گزار

و اذکروا الله فی ایام معدودات

مراد از روزهای مشخص، ایام تشریق (یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ذی الحجه) است.

۲ اهمیت فوق العاده ذکر خداوند در حج

فاذكروا الله ..

و اذكروه ... فاذكروا الله ... و اذكروا الله

رمی جمرات در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۹ - ۸

۸ - > عن أمير المؤمنين (ع) أنه قال في قول الله عز وجل: > ثم ليقضوا تفثهم و ليوفوا نذورهم و ليطوفوا بالبيت العتيق > قال : التفث الرمي و الحلق و النذور من نذر أن يمشى و الطواف هو طواف الزيارة ... ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است که در باره سخن خداوند عزوجل > ثم ليقضوا تفثهم و ليوفوا نذورهم و ليطوفوا بالبيت العتيق > فرمود: مراد از > تفث > رمی جمرات و تراشیدن سر است و مراد از > نذور > کسی است که نذر کرده که پیاده برود(۱) و مراد از طواف، طواف زیارت است. .. <. ۱. محتمل است مقصود این باشد که شخص نذر کرده که پیاده از منا به مکه برود؛ نه این که نذر کرده است از وطنش پیاده به حج برود؛ چون در این صورت با ظاهر آیه سازگار نیست.

زمینه برکات حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۲

۲ - دستیابی به برکت های حج ، در گرو حضور در مراسم و انجام مناسک آن است .

و أذن في الناس بالحجّ.. ليشهدوا منفع لهم

>شهاده< (مصدر >يشهدون<) به معنای حاضر شدن است. بنابراین >ليشهدوا منافع لهم< به این معنا است که: حج برای همه مردم سرشار از خیر و برکت است و هر کس بخواهد به آن دست یابد و از آن بهره مند شود، باید رنج سفر را

تحمل کند و در مراسم آن حاضر شود و مناسک آن را به جا آورد.

سرتراشی در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۹ - ۸

۸ - > عن أمير المؤمنين (ع) أنه قال في قول الله عزَّوجلَّ : > ثمَّ ليقضوا تفثهم و ليوفوا نذورهم و ليطوفوا بالبيت العتيق > قال : التفث الرمي و الحلق و النذور من نذر أن يمشى و الطواف هو طواف الزيارة . . . ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است که در باره سخن خداوند عزوجلّ > ثمَّ ليقضوا تفثهم و ليوفوا نذورهم و ليطوفوا بالبيت العتيق > فرمود: مراد از >تفث< رمی جمرات و تراشیدن سر است و مراد از >نذور< کسی است که نذر کرده که پیاده برود(۱) و مراد از طواف، طواف زیارت است. ..< . ۱. محتمل است مقصود این باشد که شخص نذر کرده که پیاده از منا به مکه برود؛ نه این که نذر کرده است از وطنش پیاده به حج برود؛ چون در این صورت با ظاهر آیه سازگار نیست.

سواری با قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۴

۴ - استفاده از شتران قربانی (به جهت حمل بار ، سوارشدن و تغذیه از شیر آنها) ، برای حاجیان مجاز است .

و البدن . . . لکم فیها خیر

مقصود از >لکم فیها خیر< با توجه به آیه ۳۳ (لکم فیها منافع إلى أجل مسمی)، این است که حاجیان می توانند تا روز قربانی، از شترانی که به رسم قربانی به همراه خود می

برند، بهره گیری کنند (آنها را سوار شوند، یا با آنها بار حمل کنند و یا از شیر آنها تغذیه نمایند).

سوگند در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۷ - ۲۲،۲۴

۲۲ حرمت جماع، دروغ، ناسزاگویی و سوگند به < لا و الله و بلی و الله > در حج

فلا رفث و لا فسوق و لا جدال فی الحج

امام صادق (ع): ... و <الرفث> الجماع و <الفسوق> الكذب و السباب و <الجدال> قول الرجل لا و الله و بلی و الله

کافی، ج ۴، ص ۳۳۷، ح ۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۹۴، ح ۷۰۴.

۲۴ سه قسم صادق پی در پی و یک قسم دروغ، از مصادیق جدال در حج است.

و لا جدال فی الحج

امام باقر (ع) یا امام صادق (ع): اذا حلف ثلاث ايمان متتابعات صادقاً فقد جادل .. و اذا حلف بيمين واحده كاذباً فقد جادل

کافی، ج ۴، ص ۳۳۸، ح ۴؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۹۵، ح ۲۵۸.

شتر قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۴ - ۶

۶ - جواز قربانی کردن به هر یک از شتر، گاو و گوسفند

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتران است. لکن گاهی برای مجموع شتر، گاو و گوسفند به کار می رود. به

اعتقاد همه مفسران، مقصود از <أنعام> در این جا، معنای دوم (مجموع شتر، گاو و گوسفند) است . گفتنی است که <بهیمه> به معنای چهارپا و

اضافه آن به <أنعام> بیانیه است؛ یعنی، چهارپایی که عبارت است از شتر، گاو و گوسفند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۴، ۵، ۲، ۱

۱ - شتران قربانی از شعائر دینی و الهی مراسم حج

و البدن جعلنها لكم من شعئر الله

<بدن> جمع <بدنه> است. <بدنه> نیز در لغت، به گاو و شتر درشت و چاق گفته می شود. در گذشته، کسانی که قصد داشتند در مراسم حج شرکت کنند، از قبل به دام هایی قربانی خوب می رسیدند تا چاق و فربه شوند. بدین جهت به گاو و شتر قربانی <بدنه> گفته می شد. گفتنی است که مراد از <بدن> در آیه یاد شده به قرینه <فإذا وجبت جنوبه> تنها شتران می باشد؛ یعنی، شترانی را که به رسم قربانی به همراه می برید، برای شما از شعائر دینی و الهی قرار دادیم.

۲ - لزوم برگزیدن شتران درشت و چاق برای قربانی در حج

و البدن جعلنها لكم من شعئر الله

به کارگیری <بدن> که به معنای شتران فربه و چاق است به جای <إبل> که به مطلق شتر اطلاق می شود می تواند توصیه ای باشد به حج گزاران که شتران فربه و درشت را، برای قربانی برگزینند.

۴ - استفاده از شتران قربانی (به جهت حمل بار، سوارشدن و تغذیه از شیر آنها)، برای حاجیان مجاز است.

و البدن .. لكم فيها خیر

مقصود از <لكم فيها خیر> با توجه به آیه ۳۳ (لكم فيها منافع إلى أجل مسمى)، این است که حاجیان می توانند تا روز قربانی،

از شترانی که به رسم قربانی به همراه خود می برند، بهره گیری کنند (آنها را سوار شوند، یا با آنها بار حمل کنند و یا از شیر آنها تغذیه نمایند).

۵- لزوم نشانه گذاری شترانی که حاجیان جهت قربانی به همراه خود می برند .

و البدن جعلنها لكم من شعئر الله

این سخن خدا که: <ما شتران قربانی را شعائر و نشانه های دینی قرار دادیم> می تواند دربردارنده این توصیه باشد که حاجیان نیز باید شتران را به منظور این که آنها از دیگر شتران ممتاز باشند، نشانه گذاری کنند.

شرایط حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹ - ۵

۵ - حج عبادتی است مشروط به وقت و ماهی خاص

قل هی موقیت للناس و الحجج

<الحجج> عطف به <الناس> می باشد؛ یعنی، هی موقیت الحجج.

شرایط وجوب حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۷ - ۲۲، ۲۱، ۱۰

۱۰ استطاعت (توان رفتن به خانه خدا)، شرط وجوب حج

و لله على الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلا

۲۱ وجوب حج و عمره، بر افراد مستطيع

و لله على الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلا

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود: یعنی به الحج و العمره جميعاً لأنهما مفروضان.

کافی، ج ۴، ص ۲۶۵، ح ۱ / تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۰۲، ح ۲.

۲۲ استطاعت حجّ، به صحت بدن، داشتن زاد و توشه، مرکب و باز بودن راه می باشد.

من استطاع الیه سبیلا

امام صادق (ع) درباره آیه

فوق فرمود: من كان صحيحاً في بدنه مخلي سربه له زاد و راحله فهو من يستطيع الحج.

کافی، ج ۴، ص ۲۶۷، ح ۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۷۳، ح ۲۸۳.

شیر قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۴

۴ - استفاده از شتران قربانی (به جهت حمل بار، سوار شدن و تغذیه از شیر آنها)، برای حاجیان مجاز است.

و البدن .. لکم فیها خیر

مقصود از <لکم فیها خیر> با توجه به آیه ۳۳ (لکم فیها منافع إلی أجل مسمی)، این است که حاجیان می توانند تا روز قربانی، از شترانی که به رسم قربانی به همراه خود می برند، بهره گیری کنند (آنها را سوار شوند، یا با آنها بار حمل کنند و یا از شیر آنها تغذیه نمایند).

صید در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۴ - ۱۸، ۴

۴ انواع شکارها چه آنها که بدون ابزار قابل دسترسی باشند (مانند جوجه پرندگان و...) و چه آنها که بدون نیزه و مانند آن قابل دستیابی نباشند، وسیله ای برای آزمون راهیان حج و عمره خواهند بود.

لیلونکم اللہ بشیء من الصید تناله ایدیکم و رماحکم

۱۸ دسترسی حج گزار به تخم و بچه حیوانات و در تیررس قرار گرفتن شکارهای وحشی، وسیله آزمایش خداوند از وی.

یأیها الذین ءامنوا لیلونکم اللہ بشیء من الصید تناله ایدیکم و رماحکم

برداشت فوق از حدیثی استفاده شده که در توضیح آیه

فوق می فرماید: ما تناله الا يدي البيض و الفراخ و ما تناله الرماح فهو ما لاتصل اليه الا يدي.

کافی، ج ۴، ص ۳۹۷، ح ۴؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۵۰۲، ح ۳.

صید وحوش در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۴ - ۱۸

۱۸ دسترسی حج گزار به تخم و بچه حیوانات و در تیررس قرار گرفتن شکارهای وحشی، وسیله آزمایش خداوند از وی.

يأيتها الذين آمنوا ليبلونكم الله بشيء من الصيد تناله أيديكم و رماحكم

برداشت فوق از حدیثی استفاده شده که در توضیح آیه فوق می فرماید: ما تناله الا يدي البيض و الفراخ و ما تناله الرماح فهو ما لاتصل اليه الا يدي.

کافی، ج ۴، ص ۳۹۷، ح ۴؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۵۰۲، ح ۳.

طواف در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۹ - ۸،۹

۸ - > عن أمير المؤمنين (ع) أنه قال في قول الله عز وجل: > ثم ليقضوا تفثهم و ليوفوا نذورهم و ليطوفوا بالبيت العتيق > قال : التفث الرمي و الحلق و النذور من نذر أن يمشي و الطواف هو طواف الزياره . . .

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است که در باره سخن خداوند عزوجل > ثم ليقضوا تفثهم و ليوفوا نذورهم و ليطوفوا بالبيت العتيق > فرمود: مراد از > تفث > رمی جمرات و تراشیدن سر است و مراد از > نذور > کسی است که نذر کرده که پیاده برود(۱) و مراد از طواف، طواف زیارت است. . . >. ۱. محتمل است مقصود این

باشد که شخص نذر کرده که پیاده از منا به مکه برود؛ نه این که نذر کرده است از وطنش پیاده به حج برود؛ چون در این صورت با ظاهر آیه سازگار نیست.

۹ - > عن أبي عبد الله (ع) في قول الله عز وجل : < و لِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ > قال : طواف النساء ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که درباره سخن خداوند عزوجل <و لِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ> فرمود: [مراد] طواف نساء است.

فسق در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۷ - ۲،۳

۲ حرمت هر گونه سخن ناشایست (رفث) در حج

فمن فرض فيهن الحج فلا رفث .. في الحج

۳ حرمت هر گونه نافرمانی (فسوق) در حج

فمن فرض فيهن الحج فلا رفث و لا فسوق .. في الحج

فضیلت حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۱

۱ - حج و مناسک آن ، دارای ارج و منزلتی و الا در نزد خداوند

و أذن في الناس بالحجّ .. و لِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ ذَلِكَ

<ذلك> اشاره به مجموع مطالبی است که تا این جا درباره حج و مناسک آن بیان شده است. مقصود از استعمال <ذلك> در این جا، ایجاد فاصله میان کلام پیشین و کلام بعد و انتقال از یک مطلب مهم به مطلب مهمی دیگر است. در چنین مواردی، کلمه <هذا> را به کار می برند مانند: <هذا و أنّ للطاغين لشرّ مآب>. بنابراین به کارگیری <ذلك> که برای اشاره به دور است

می تواند برای بیان بُعد منزلت حج و مناسک آن و ارج و ارزش والای آن در پیشگاه خداوند باشد.

فضیلت حج پیاده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۷ - ۱۱

۱۱ - فضیلت و ارزش والای حج پیاده در پیشگاه خداوند

يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ

تقدیم پیادگان (رجال) بر سوارکاران (و علی کلّ ضامر) می تواند بیانگر برداشت فوق باشد.

فلسفه حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۷ - ۲۴

۲۴ توجه یافتن به مرگ و قبر و قیامت و آمادگی برای آنها، فلسفه وجود حج و اختصاص آن به خداوند

و لله على الناس حج البيت

امام صادق (ع): ... و اعلم بانّ الله تعالى لم يفترض الحجّ و لم يخصّه من جميع الطاعات بالاضافه الى نفسه بقوله عزّ و جلّ
<و لله على الناس حج البيت ... > ... الا للاستعداد و الاشارة الى الموت و القبر و البعث و القيامة ...

مصباح الشريعة، ص ۴۹؛ بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۲۵، ح ۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۱۴

۱۴ دستیابی حاجیان به پادشاهی از جانب خدا و جلب رضایت او از اهداف تشریح حج و عمره است .

و لاء آمین البيت الحرام یتغون فضلا من ربهم و رضوناً

مراد از <فضلا> می تواند ثواب و پاداش باشد و می تواند مقصود از آن درآمدهای مالی باشد. در برداشت فوق معنای اول لحاظ شده است. گفتنی است <آمین البیت الحرام = راهیان خانه

خدا > شامل حاجیان و معتمران می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۸ - ۴

۴ بی هدف پنداشتن مناسک حج و احکام و قوانین الهی ، موجب عقاب شدید الهی

جعل الله الكعبة البيت الحرام قيماً للناس .. اعلّموا إنّ الله شديد العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۸،۱۹

۸ - آموزش کیفیت ذبح کردن (بردن نام خدا به هنگام سربریدن یا نحر کردن حیوان) به مردم ، یکی از فلسفه های حج

لشهدوا منفع لهم و يذكروا اسم الله في أيام معلومت

<يذكروا> عطف بر <لشهدوا> است و با توجه به این که لام <لشهدوا> برای تعلیل است و بیانگر فلسفه تشریح حج می باشد، عطف <يذكروا> بر <لشهدوا> بیان یکی دیگر از حکمت های تشریح حج خواهد بود.

۱۹ - یاری مردمان و دستگیری از تنگدستان و نیازمندان ، از حکمت های تشریح حج و از آموزه های آن

و أطمعوا البائس الفقير

فواید حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۷ - ۱۵

۱۵ حج ، دارای منافع برای حج گزار

و من كفر فأن الله غني عن العالمين

اشاره به غنی بودن خدا، نشانگر این است که حج گزار، خود از منافع آن بهره مند می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۵

۵ - موسم حج ، مبدأ سال در خانواده شعیب

علی أن تأجرنی ثمنی حجج

فواید قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره -

۷ ماه های حرام و قربانی های بی نشان و بانشان حج ، دارای نقشی خاص در قوام و برپایی جوامع

جعل الله الكعبة قيماً للناس و الشهر الحرام و الهدى و القلئد

الشهر الحرام و ما بعد آن عطف بر <الكعبة> و در حقیقت آنها نیز مفعول اول برای <جعل> می باشند و مفعول دوم آن یعنی <قيماً للناس> به قرینه ماقبل حذف شده است.

۱۰ نقش اساسی تر کعبه در قوام جامعه نسبت به ماه های حرام و قربانی حج

جعل الله الكعبة البيت الحرام قيماً للناس و الشهر الحرام و الهدى و القلئد

تقدیم ذکری کعبه و نیز حذف <قيماً للناس> نسبت به <الشهر الحرام . . > اشاره به این دارد که نقش ماههای حرام و قربانی حج و ... در قوام جوامع بواسطه کعبه می باشد.

۱۱ آگاهی انسان ها به علم گسترده خداوند ، از اهداف بیان نقش کعبه و ماه های حرام و قربانی در قوام جامعه

جعل الله . . . ذلك لتعلموا إنّ الله يعلم ما فى السموت و ما فى الارض

<ذلك> می تواند اشاره به بیان مطالب یاد شده باشد، یعنی خداوند فلسفه ایجاد کعبه و نیز احکام مربوط به آن را بیان کرد تا انسانها بدانند افعال خداوند و احکام او عالمانه و دارای اهدافی والاست و این را نشان و علامتی از علم گسترده خداوند بشمارند.

فواید مادی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ دستیابی حاجیان به پادشاهی از جانب خدا و جلب رضایت

او از اهداف تشریح حج و عمره است .

و لاء آمین البیت الحرام یتغون فضلاً من ربهم و رضوناً

مراد از <فضلاً> می تواند ثواب و پاداش باشد و می تواند مقصود از آن درآمدهای مالی باشد. در برداشت فوق معنای اول لحاظ شده است. گفتنی است <آمین البیت الحرام = راهیان خانه خدا> شامل حاجیان و معتمران می شود.

فواید معنوی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۱۴

۱۴ دستیابی حاجیان به پاداشهایی از جانب خدا و جلب رضایت او از اهداف تشریح حج و عمره است .

و لاء آمین البیت الحرام یتغون فضلاً من ربهم و رضوناً

مراد از <فضلاً> می تواند ثواب و پاداش باشد و می تواند مقصود از آن درآمدهای مالی باشد. در برداشت فوق معنای اول لحاظ شده است. گفتنی است <آمین البیت الحرام = راهیان خانه خدا> شامل حاجیان و معتمران می شود.

قداست قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۲ - ۲

۲ - دام های قربانی (دام هایی که حاجیان برای قربانی کردن به همراه می برند) ، از شعائر الهی و دارای حرمت و قداست در پیشگاه خداوند

و من یعظم شعراً لله

<تعظیم> (مصدر <یعظم>) به معنای بزرگ شمردن است <شعائر> جمع <شعیره> و <شعیره> به معنای علامت و نشانه است. مراد از <شعائر الله> به قرینه آیه بعد (لکم فیها منافع إلى أجل مسمی ثم محلها إلى البیت العتیق) دام هایی برای قربانی است که حج گزاران به همراه خود می بردند یعنی، <هر کس دام

های قربانی را که شعائر و نشانه های خدایند حرمت گذارد و بزرگ بشمارد...>. بنابراین، آیه یاد شده توصیه ای است از سوی خداوند به همه اهل ایمان چه مالک دام های قربانی باشند و چه نباشند که در حفظ و نگه داری آن دام ها بکوشند و از هرگونه سهل انگاری درباره آنها، اجتناب بورزند.

قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۱۰

۱۰ ماه های حرام، قربانی های بی نشان و بانشان حج و نیز نشانه های قربانی، از شعائر الهی

لا تحلوا شعر الله ولا الشهر الحرام ولا الهدی ولا القلند

بنابر اینکه امور یاد شده از باب ذکر خاص بعد از عام (شعر الله) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۸ - ۱۲، ۳

۳ مخالفت با قربانی حج و احکام آن موجب عقاب شدید از سوی خداوند

و الشهر الحرام و الهدی و القلند .. اعلموا ان الله شديد العقاب

۱۲ شکنندگان حرمت کعبه و ماه های حرام و اعراض کنندگان از حکم قربانی نباید از رحمت و مغفرت الهی مأیوس باشند .

جعل الله الكعبة البيت الحرام .. ان الله شديد العقاب و ان الله غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۲، ۶

۶ - قربانی کردن پس از حضور در عرفات و مشعر، از مناسک واجب حج

و يذكروا اسم الله .. على ما رزقهم من بهيمة الأنعم

۱۲ - جواز قربانی کردن به هر یک

از شتر، گاو و گوسفند در مراسم حج

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتران است. لکن گاهی به مجموع شتر، گاو و گوسفند نیز گفته می شود. به اعتقاد همه مفسران مراد از <أنعام> در این جا معنای دوم (مجموع شتر، گاو و گوسفند) می باشد. گفتنی است که <بهیمه> به معنای چهارپا و اضافه آن به انعام اضافه بیانیه است؛ یعنی، چهارپایی که عبارت است از شتر، گاو و گوسفند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۳

۳- مسلمانان در جریان سفر حدیبیه، مصمم به زیارت خانه خدا و قربانی کردن هدی

و صدوكم عن المسجد الحرام و الهدی معكوفاً أن يبلغ محله

قربانی حج در ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۴ - ۳

۳- مراسم قربانی، دارای زمان مشخص در هر یک از ادیان آسمانی پیشین

و لكل أمه جعلنا منسكاً

قربانی در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۶ - ۳،۵،۷،۸،۹،۱۳،۱۴،۲۸،۲۹،۳۱

۳ محصور از حج و عمره، باید برای خروج از احرام، چهارپایی (گاو، شتر یا گوسفند) را که برای او میسور و آسان باشد، قربانی کند.

فان أحصرتم فما استيسر من الهدی

محصور، مُحْرِمِی است که به خاطر مرض و یا منع دشمن، نتواند اعمال حج و یا عمره را به پایان رساند.

۵ حرمت تراشیدن سر برای محصور ، قبل از رسیدن قربانی به قربانگاه

و لا تحلقوا رءوسکم حتی يبلغ الهدی

۷ ذبح و یا نحر قربانی ، باید در مکان مخصوص خود باشد .

حتى يبلغ الهدى محلّه

۸ مُحرمی که بیمار باشد و یا از ناحیه سر در اذیت است ، می تواند قبل از قربانی کردن ، سرش را بتراشد .

ولا تحلقوا رؤوسكم .. فمن كان منكم مريضاً

مراد از <مريض> به قرینه قسیمش (او به اذی من رأسه)، مرضی است که مداوای آن در گرو تراشیدن سر است. و مراد از <به اذی>، آزاری است که از غیر ناحیه مرض، همانند وجود حشرات، در موهای مُحرم باشد.

۹ مرض ، موجب تخفیف در تکلیف

فمن كان منكم مريضاً او به اذی من رأسه ففديه

۱۳ وجوب قربانی در حج تمتّع

فمن تمتّع .. فما استيسر من الهدى

۱۴ وجوب روزه به مدّت سه روز در حج و هفت روز پس از بازگشت (ده روز کامل) ، برای فاقد قربانی

فمن لم يجد فصيام ثلثة ايام فى الحج و سبعة .. تلك عشرة كاملة

۲۸ اقلّ قربانی ، يك گوسفند است .

فما استيسر من الهدى

امام رضا (ع): <فما استيسر من الهدى> يعنى شاه.

عيون اخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۱۲۰، ح ۱، نورالثقلين، ج ۱، ص ۱۸۵، ح ۶۶۰.

۲۹ كفاره تراشیدن سر قبل از قربانی ، سه روز روزه و یا صدقه به شش مسکین و یا قربانی کردن يك گوسفند است .

فمن كان منكم مريضاً .. او صدقه او نسك

امام صادق (ع): ... و جعل الصيام ثلاثة ايام و الصدقه على سته مساكين لكل مسكين مدين و النسك شاه ...

كافي، ج ٤، ص ٣٥٨، ح ٢؛

۳۱ حد وجوب قربانی در حج، سهل و میسر بودن آن است.

فمن تمتع .. فما استیسر من الهدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۹ - ۱

۱ - وجوب تقصیر و بیرون آمدن از احرام، پس از انجام مراسم قربانی

و یدکروا اسم الله ... ثم لیقضوا تفثهم

<قضاء> (مصدر <یقضون>) به معنای بریدن و جدا کردن است. <تفث> یعنی، غبار و چرکی که بر بدن می نشیند. بنابراین <ثم لیقضوا تفثهم> یعنی، حاجیان پس از انجام مراسم قربانی، با تراشیدن سر و گرفتن ناخن که به خاطر محرم بودن، نمی توانستند انجام دهند خود را تمیز کنند و این کنایه از بیرون شدن از احرام است.

کار در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۸ - ۱

۱ جواز کسب و کار، در هنگام انجام مناسک حج

الحج اشهر معلومات .. لیس علیکم جناح ان تبتغوا فضلا

جمله <لیس علیکم ..>، ناظر به کسب و کار در حج و هنگام انجام مناسک است؛ به دلیل وقوع آن در بین احکام حج. علاوه بر اینکه کسب و کار در زمانهای دیگر، محل شبهه نیست تا نفی و یا اثبات شود.

کوری اخروی تارکان حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۴ - ۱۳

۱۳ - > معاویه بن عمار عن أبي عبد الله (ع) قال : سألته عن رجل لم يحج قط و له مال

قال : هو مَمَّن قال الله : < و نحشره يوم القيامة أعمى > قلت : سبحان الله أعمى ؟ قال : أعماه الله عن طريق الجَنَّة ؛

معاویه بن عمار گوید: از امام صادق(ع) در باره کسی که مالی داشته و به حج نرفته است سؤال کردم؟ فرمود: او در زمره کسانی است که خداوند فرموده: <و نحشره يوم القيامة أعمى>. گفتم سبحان الله نابینا؟ فرمود: خداوند او را از [دیدن] راه بهشت نابینا کرده است.

گاو قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۴ - ۶

۶ - جواز قربانی کردن به هر یک از شتر، گاو و گوسفند

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتران است. لکن گاهی برای مجموع شتر، گاو و گوسفند به کار می رود. به اعتقاد همه مفسران، مقصود از <أنعام> در این جا، معنای دوم (مجموع شتر، گاو و گوسفند) است. گفتنی است که <بهیمه> به معنای چهارپا و اضافه آن به <أنعام> بیانیه است؛ یعنی، چهارپایی که عبارت است از شتر، گاو و گوسفند.

گوسفند قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۴ - ۶

۶ - جواز قربانی کردن به هر یک از شتر، گاو و گوسفند

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتران است. لکن گاهی برای مجموع شتر، گاو و گوسفند به کار می رود. به اعتقاد همه مفسران، مقصود از <أنعام> در این جا، معنای دوم (مجموع شتر، گاو و گوسفند) است. گفتنی

است که <بهیمه> به معنای چهارپا و اضافه آن به <أنعام> بیانیه است؛ یعنی، چهارپایی که عبارت است از شتر، گاو و گوسفند.

گوشت قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۶، ۱۷

۱۶ - جواز استفاده حج گزاران از گوشت قربانی

فكلوا منها

۱۷ - لزوم اطعام مستمندان تنگدست از گوشت قربانی در حج

و أطعموا البائس الفقير

محل قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۹

۹ اطراف کعبه، تنها مکان مجاز برای قربانی کردن کفاره صید

هدياً بلغ الكعبه

برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: من وجب علیه هدی فی احرامه فله ان ینحره حیث شاء الا فداء الصید فان الله یقول <هدياً بلغ الكعبه>.

کافی، ج ۴، ص ۳۸۴، ح ۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۵۰۴، ح ۱۴.

مراد از حج اکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳ - ۱۶

۱۶ از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: الحج الأكبر الوقوف بعرفه و بجمع و یرمی الجمار بمنى و الحج الأصغر
العمره؛

حج اکبر، وقوف به عرفه و وقوف به مشعر و رمی جمرات در منی است و حج اصغر، عمره است.

مراد از روز حج اکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳ - ۱۵

۱۵ معاویه بن عمار گوید: > سألت أبا عبد الله (ع) عن يوم الحج الأكبر فقال: هو يوم

النحر ... ;

از امام صادق (ع) پرسیدم: روز حج اکبر چه روزی است؟ فرمود: روز عید قربان است ... <.

مردم جزیره العرب و حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۱۰

۱۰ - حج و زیارت مسجدالحرام ، مراسمی رایج در میان مردم جزیره العرب

سواء العکف فیه و الباد

مرگ در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۳ - ۱۳

۱۳ حج گزاری که در ایام تشریق بمیرد ، آمرزیده است .

فمن تعجل فی یومین فلا اثم علیه

امام صادق (ع) درباره آیه <فمن تعجل ... >، فرمود: یعنی من مات قبل ان یمضی، فلا اثم علیه

کافی، ج ۴، ص ۵۲۱، ح ۱۰ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۰۱، ح ۷۴۰.

معامله در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۸ - ۱۷، ۲، ۱

۱ جواز کسب و کار ، در هنگام انجام مناسک حج

الحج اشهر معلومات ... لیس علیکم جناح ان تبتغوا فضلا

جمله <لیس علیکم . . .>، ناظر به کسب و کار در حج و هنگام انجام مناسک است ؛ به دلیل وقوع آن در بین احکام حج. علاوه بر اینکه کسب و کار در زمانهای دیگر، محل شبهه نیست تا نفی و یا اثبات شود.

۲ ممنوعیت فعالیت های اقتصادی در حج ، پندار غلط برخی از مسلمانان صدر اسلام

لیس علیکم جناح ان تبغوا فضلا

برخی از مسلمانان، خرید و فروش را در حج گناه می شمردند که با این آیه، این تصور دفع شد.

مجمع البيان، ج ۲، ص ۵۲۷؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۰۱، ح ۲.

۱۷ جواز خرید و فروش، در ایام حج، بعد از خروج از احرام و اتمام مناسک

لیس علیکم جناح ان تبتغوا فضلا من ربکم

امام صادق (ع) درباره قول خداوند <لیس علیکم...> فرمود: یعنی الرزق اذا احل الرجل من احرامه و قضی نسکه فلیشترو لیبع فی الموسم

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۹۶، ح ۲۶۲؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۰۱، ح ۱.

ملاقات با رهبران دینی در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ - دیدار با رهبر جامعه اسلامی در مناسک حج

یأتوک رجالاً و علی کل ضامر

ممانعت از حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۴۰

۴۰ جلوگیری از انجام حج، گناه و تجاوز است.

ولا آمین البیت الحرام... و لاتعاونوا علی الاثم و العدون

ممانعت از قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۱

۱- مذمت خداوند از کفر مشرکان ، و جلوگیری آنان از ورود مؤمنان به مسجدالحرام و قربانی کردن

هم الذين كفروا و صدوكم عن المسجدالحرام و الهدى معكوفاً

مناسک حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۷

۷- زیارت کنندگان خانه خدا ، باید در مقام ابراهیم ، نماز بخوانند .

و اتخذوا من مقام إبرهیم مصلی

گویا مقصود از نمازی که باید در مقام ابراهیم خوانده

شود، نماز طواف است، نه سایر نمازها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۸ - ۷، ۶، ۵، ۲

۲ - طواف صفا و مروه (سعی میان آن دو) عبادت و از مناسک حج و عمره است .

إن الصفا و المروه .. فمن حج البيت أو اعتمر فلاجناح عليه أن يطوف بهما

<اعتمار> (مصدر اعتمر) به معنای: زیارت کردن و نیز انجام دادن عمره است. تفریع <من حج البيت...> بر معرفی صفا و مروه به عنوان علامتی بر جایگاه عبادت، گویای این است که: اولاً، طواف صفا و مروه - که از آن به سعی میان صفا و مروه تعبیر می کنند - عبادت خداست و ثانیاً، این عبادت از اعمال و مناسک حج و عمره می باشد.

۵ - سعی میان صفا و مروه ، از اعمال نیک حج و عمره است .

فمن حج البيت أو اعتمر فلاجناح عليه أن يطوف بهما و من تطوع خيراً

مصدق مورد نظر برای <خيراً>، به قرینه جمله قبل، سعی میان صفا و مروه است.

۶ - برخی از مسلمانان صدر اسلام ، از انجام سعی میان صفا و مروه ، اکراه داشته و آن را از مناسک حج نمی پنداشتند .

فمن حج البيت أو اعتمر فلاجناح عليه أن يطوف بهما

نفی اشکال از سعی میان صفا و مروه با جمله <فلاجناح...> گویای این است که: مسلمانان از انجام آن عمل اکراه داشته و منشأ آن - چنانچه در شأن نزول آمده - وجود بتهایی بود که مشرکان در صفا و مروه بین آن دو نصب کرده بودند.

۷ - خداوند به اعمال

زائران خانه خدا (به جا آوردن حج و عمره و سعی میان صفا و مروه) آگاه است .

فمن حج البيت أو اعتمر... و من تطوع خيراً فإن الله شاكر عليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۹ - ۴،۵،۸

۴ لغو هر گونه امتیاز طایفه ای و گروهی در حج

ثم افيضوا من حيث افاض الناس

با توجه به آنچه در ذیل آیه نقل شده که عدّه ای از قریش خود را جدای از مردم فرض می کردند و در عرفات وقوف نداشتند.

۵ وقوف در مشعرالحرام ، از مناسک حج

ثم افيضوا من حيث افاض الناس

بنابراینکه <ثم افيضوا>، مربوط به مشعرالحرام باشد.

۸ لزوم استغفار ، به هنگام کوچ کردن از عرفات و مشعرالحرام

ثم افيضوا... و استغفروا الله

در این برداشت، هر دو نظر درباره جمله <ثم افيضوا> (افاضه از مشعر و یا عرفات)، ملحوظ شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۱،۱۲،۹،۶،۴

۴ - وقوف در عرفات و مشعر ، نخستین تکلیف حاجیان در مراسم حج (پس از احرام)

لشهدوا منفع لهم

جمله <و ینذکروا اسم الله..> مربوط به مراسم قربانی است و آیه بعدی، در رابطه با مسأله حلق، تقصیر و طواف می باشد. پس با در نظر گرفتن این مطلب که مراسم حج پس از پوشیدن احرام به ترتیب عبارت است از: وقوف در عرفات و مشعر، قربانی کردن حلق و تقصیر و طواف، باید گفت که حج در شریعت حضرت ابراهیم(ع)، با مراسم قربانی شروع و

با طواف ختم می شد و وقفین جزو مراسم نبود و یا این که جمله <لشهدوا منافع لهم> علاوه بر این که بیانگر فلسفه تشریح حج است، ناظر به مسأله حضور در عرفات و مشعر نیز می باشد. برداشت فوق، بر پایه احتمال دوم استوار است.

۶- قربانی کردن پس از حضور در عرفات و مشعر، از مناسک واجب حج

و یدکروا اسم الله .. علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

۹- انجام تکلیف قربانی، موقوف به زمانی خاص و معین (دهم تا سیزدهم ذی حجه)

و یدکروا اسم الله فی ایام معلومت علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

براساس روایاتی که از اهل بیت (ع) وارد شده است، مراد از <ایام معلومات>، ایام تشریق (دهم تا سیزدهم) ذی حجه است.

۱۱- جواز تأخیر انداختن قربانی، از روز دهم به هر یک از روزهای یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ذی حجه

و یدکروا اسم الله فی ایام معلومت .. من بهیمه الأنعم

۱۲- جواز قربانی کردن به هر یک از شتر، گاو و گوسفند در مراسم حج

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتران است. لکن گاهی به مجموع شتر، گاو و گوسفند نیز گفته می شود. به اعتقاد همه مفسران مراد از <أنعام> در این جا معنای دوم (مجموع شتر، گاو و گوسفند) می باشد. گفتنی است که <بهیمه> به معنای چهارپا و اضافه آن به انعام اضافه بیانیه است؛ یعنی، چهارپایی که عبارت است از شتر، گاو و گوسفند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۹ -

۱ - وجوب تقصیر و بیرون آمدن از احرام ، پس از انجام مراسم قربانی

و یذکروا اسم الله .. ثم لیقضوا تفثهم

<قضاء> (مصدر <یقضون>) به معنای بریدن و جدا کردن است. <تفث> یعنی، غبار و چرکی که بر بدن می نشیند. بنابراین <ثم لیقضوا تفثهم> یعنی، حاجیان پس از انجام مراسم قربانی، با تراشیدن سر و گرفتن ناخن که به خاطر محرم بودن، نمی توانستند انجام دهند خود را تمیز کنند و این کنایه از بیرون شدن از احرام است.

۴ - وجوب طواف ، پس از تقصیر و خروج از احرام

ثم لیقضوا تفثهم .. و لیطوفوا

۷ - > قال : عبد الله بن سنان فأتیت أبا عبد الله (ع) فقلت : جعلت فداک قول الله عزوجلّ : > ثم لیقضوا تفثهم ... < ؟ قال : أخذ الشارب و قص الأظفار و ما أشبه ذلك ... ؛

عبدالله بن سنان گفت: نزد امام صادق(ع) آمدم و گفتم: فدایت شوم: [مقصود از] قول خدای عزوجلّ <ثم لیقضوا تفثهم> [چیست؟] فرمود: [مقصود] زدن شارب و گرفتن ناخن و مانند آن است. <..>.

۸ - > عن أمير المؤمنين (ع) أنه قال فی قول الله عزوجلّ : > ثم لیقضوا تفثهم و لیوفوا نذورهم و لیطوفوا بالبیت العتیق < قال : التفث الرمی و الحلق و النذور من نذر أن یمشی و الطواف هو طواف الزیارة ... ؛

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است که در باره سخن خداوند عزوجلّ <ثم لیقضوا تفثهم و لیوفوا نذورهم و لیطوفوا بالبیت العتیق> فرمود: مراد از <تفث> رمی جمرات و تراشیدن سر است و

مراد از <نذور> کسی است که نذر کرده که پیاده برود (۱) و مراد از طواف، طواف زیارت است. <.. >. ۱. محتمل است مقصود این باشد که شخص نذر کرده که پیاده از منا به مکه برود؛ نه این که نذر کرده است از وطنش پیاده به حج برود؛ چون در این صورت با ظاهر آیه سازگار نیست.

۹ - > عن أبي عبد الله (ع) في قول الله عز وجل : < و لِيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ > قال : طواف النساء ;

از امام صادق (ع) روایت شده است که درباره سخن خداوند عزوجل <و لِيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ > فرمود: [مراد] طواف نساء است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۱۹

۱۹ - اجتناب از هر گونه بیهوده گویی و باطل سرایی در مراسم حج ، توصیه خدا به اهل ایمان

و اجتنبوا قول الزور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۶

۶- اهمیت قربانی ، در مناسک عبادی مسجدالحرام

و الهدى معكوفاً أن يبلغ محله

از این که خداوند، یکی از جرم های کافران را، جلوگیری از رسیدن قربانی به قربانگاه شمرده است، اهمیت آن در مناسک زیارت خانه خدا استفاده می شود.

منافع اخروی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۲۰

۲۰ - > عن الربيع بن خثيم قال : شهدت أبا عبد الله (ع) . . . قال : إنني سمعت الله عز وجل يقول : < ليشهدوا منافع لهم >

فقلت منافع الدنيا أو منافع الآخرة فقال : الكل ;

بن خثیم می گوید: امام صادق(ع) را دیدم که فرمود: شنیدم که خدای عزوجل می فرماید: <لشهدوا منافع لهم> پس به امام(ع) عرض کردم: منظور از منافع، منافع دنیایی است یا اخروی؟ فرمود: تمام منافع.<

منافع حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱

۱ - حج ، سرشار از سود ، منفعت ، خیر و برکت برای مردم

و أذن فی الناس بالحجّ.. لیشهدوا منفع لهم

<منافع> جمع <منفعه> است. منفعت؛ یعنی، سود، خیر و برکت. به کارگیری <منافع> به صورت جمع، بیانگر فراوانی برکت های حج است و آمدن آن به صورت نکره، حاکی از عظمت و بزرگی هر یک از این برکت ها می باشد.

منافع دنیوی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۲۰

۲۰ - <عن الربیع بن خثیم قال : شهدت أبا عبد الله (ع) . . . قال : إني سمعت الله عزوجل يقول : < لیشهدوا منافع لهم > فقلت منافع الدنيا أو منافع الآخرة فقال : الكلّ ؛

ربیع بن خثیم می گوید: امام صادق(ع) را دیدم که فرمود: شنیدم که خدای عزوجل می فرماید: <لشهدوا منافع لهم> پس به امام(ع) عرض کردم: منظور از منافع، منافع دنیایی است یا اخروی؟ فرمود: تمام منافع.<

نحر شتر در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۲

۱۲ - جواز قربانی کردن به هر یک از شتر ، گاو و گوسفند در مراسم حج

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم

<أنعام> (جمع <نعم>) در

اصل به معنای شتران است. لکن گاهی به مجموع شتر، گاو و گوسفند نیز گفته می شود. به اعتقاد همه مفسران مراد از <انعام> در این جا معنای دوم (مجموع شتر، گاو و گوسفند) می باشد. گفتنی است که <بهیمه> به معنای چهارپا و اضافه آن به انعام اضافه بیانیه است، یعنی، چهارپایی که عبارت است از شتر، گاو و گوسفند.

نحر شتر قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۸،۹

۸ - لزوم به صف کردن شتران قربانی و نحر هم زمان آنها، همراه ذکر نام خدا

فاذکروا اسم الله علیها صواف

<صواف> جمع <صافه> حال از ضمیر <علیها> و از مصدر <صَفَّ> (گروهی را در کنار هم و در یک امتداد مستقیم به نظم در آوردن) مشتق شده است، یعنی، پس نام خدا را بر شتران (به هنگام نحر کردن آنها) در حالی که در امتداد مستقیم به نظم در آمدند ببرید.

۹ - لزوم بستن دست ها و پا های شتران قربانی، به هنگام نحر کردن آنها

فاذکروا اسم الله علیها صواف

با توجه به این که هنگام نحر کردن شتر برای این که بر اثر وارد شدن فشار کارد فرار نکند، ابتدا دستها و پاهایش را کنار هم قرار می دهند و دور آنها را طناب می پیچند و سپس آن را نحر می کنند <صواف> را می توان چنین معنا کرد: در حالی که دستها و پاهایشان را کنار هم قرار دادید و با طناب بستید آنها را نحر کنید.

نذر در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج

۸ - > عن أمير المؤمنين (ع) أنه قال في قول الله عزَّوجلَّ: > ثمَّ ليقضوا تفتهم و ليوفوا نذورهم و ليطوفوا بالبیت العتیق > قال : التفت الرمی و الحلق و النذور من نذر أن یمشی و الطواف هو طواف الزیارة . . .

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است که در باره سخن خداوند عزوجلّ >ثمَّ ليقضوا تفتهم و لیوحوا نذورهم و ليطوفوا بالبیت العتیق > فرمود: مراد از >تفت< رمی جمرات و تراشیدن سر است و مراد از >نذور< کسی است که نذر کرده که پیاده برود(۱) و مراد از طواف، طواف زیارت است. . . . ۱. محتمل است مقصود این باشد که شخص نذر کرده که پیاده از منا به مکه برود؛ نه این که نذر کرده است از وطنش پیاده به حج برود؛ چون در این صورت با ظاهر آیه سازگار نیست.

نشانه گذاری قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۲ - ۴

۴ - لزوم نشانه گذاری روی دام هایی که به منظور قربانی در مراسم حج ، برده می شود .

و من یعظم شعئر الله

تسمیه دام های قربانی به >شعائر< می تواند دربردارنده توصیه ای باشد به صاحبان آنها که باید دام ها را نشانه گذاری کنند تا همگان بدانند که آنها مربوط به خدا هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۶ - ۵

۵ - لزوم نشانه گذاری شترانی که حاجیان جهت قربانی به همراه خود می برند .

و البدن جعلنها لكم من شعئر الله

این سخن

خدا که: <ما شتران قربانی را شعائر و نشانه های دینی قرار دادیم > می تواند دربردارنده این توصیه باشد که حاجیان نیز باید شتران را به منظور این که آنها از دیگر شتران ممتاز باشند، نشانه گذاری کنند.

نقش رهبران دینی در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۷ - ۹

۹ - لزوم انجام مراسم حج با محوریت رهبر جامعه اسلامی

يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ

این که خداوند می فرماید: <مردم از پیاده و سواره بر تو (ابراهیم) وارد خواهند شد > می تواند متضمن دستوری باشد به مردم که باید ابتدا به زیارت رهبر الهی بشتابند و با محوریت او مراسم حج را انجام دهند.

نیکی در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹ - ۱۴

۱۴ - عمل نیک در حج ، رعایت تقوا و پرهیز از گناهان است .

و لکن البر من اتقى

واجبات حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۶

۶ - قربانی کردن پس از حضور در عرفات و مشعر ، از مناسک واجب حج

و يذكروا اسم الله .. على ما رزقهم من بهيمة الأنعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۹ - ۱،۴

۱ - وجوب تقصیر و بیرون آمدن از احرام ، پس از انجام مراسم قربانی

و یذکروا اسم الله .. ثم لیقضوا تفثهم

<قضاء> (مصدر <یقضون>) به معنای بریدن و جدا کردن است. <تفث> یعنی، غبار و چرکی که بر بدن می نشیند.

بنابراین <ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفْتَهُمْ> یعنی، حاجیان پس از انجام مراسم قربانی، با تراشیدن سر و گرفتن ناخن که به خاطر محرم بودن، نمی توانستند انجام دهند خود را تمیز کنند و این کنایه از بیرون شدن از احرام است.

۴- وجوب طواف ، پس از تقصیر و خروج از احرام

ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفْتَهُمْ .. و لِيَطَّوَّفُوا

وقت حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹ - ۴،۵

۴- از فایده های ظهور ماه به شکل های مختلف ، شناخت موسم و زمان حج است .

قل هی موقیت للناس و الحج

۵- حج عبادتی است مشروط به وقت و ماهی خاص

قل هی موقیت للناس و الحج

<الحج> عطف به <الناس> می باشد؛ یعنی، هی موقیت الحج.

وقت ذبح قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۳ - ۲

۲- مراسم قربانی ، دارای زمانی معین است .

لکم فیها منفع إلی أجل مسمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۴ - ۳

۳- مراسم قربانی ، دارای زمان مشخص در هر یک از ادیان آسمانی پیشین

و لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا

وقت قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۹

۹ - انجام تکلیف قربانی ، موقوف به زمانی خاص و معین (دهم تا سیزدهم ذی حجه)

و يذَكِّرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُم مِّنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ

براساس روایاتی که از اهل بیت (ع) وارد شده است، مراد از <ایام معلومات>، ایام

تشریح (دهم تا سیزدهم) ذی حجه است.

ویژگیهای ایام حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳ - ۴

۴ ایام حج، فرصتی مناسب برای اعلان مواضع اسلام در برابر کفر

و أذن من الله و رسوله إلى الناس يوم الحج الأكبر

هتک قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۵،۶

۵ هتک حرمت ماه های حرام، هدی (قربانی بی نشان حج) و قلائد (قربانی با نشان حج)، حرام و گناه است.

لا تحلوا... و لا الشهر الحرام و لا الهدی و لا القلند

<قلائد> جمع قلاده به معنای گردنبند است و مراد از آن گوسفند، شتر و گاوی است که به منظور قربانی کردن در حج، علامتی را بر گردن آن می آویزند. و لفظ <الشهر الحرام> اگر چه مفرد است ولی مراد از آن جنس است. بنابراین شامل تمامی ماههای حرام می شود.

۶ هتک حرمت علامت های ویژه قربانی حج، حرام و گناه است.

و لا تحلوا... و لا القلند

بنابر اینکه مراد از <قلائد>، خود علامت باشد، نه حیوان دارای علامت.

حجر الاسود

{حجر الاسود}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۷ - ۲۳

۲۳ مقام ابراهیم (ع) که نقش دو پای وی بر آن است و حجرالاسود و خانه اسماعیل نشانه هایی روشن در مسجدالحرام

فیه آیات بیّنات مقام ابراهیم

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از <آیات بیّنات> در آیه فوق فرمود: مقام ابراهیم حیث قام علی الحجر فأنثرت

فيه قدماه و الحجر الاسود و منزل اسماعيل.

کافی، ج ۴، ص ۲۲۳، ح ۱؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۷، ح ۹۹.

حجاب از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حجاب

آثار بی حجابی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۹ - ۱۵

۱۵ - بی حجابی ، از جمله عوامل ناهنجاری در محیط دینی است .

یدنین علیهنّ من جلبیهنّ ذلک أدنی أن یعرفن فلا یؤذین

آثار حجاب قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۷

۷ - یهودیان کافر ، علی رغم ناتوانی از ایمان آوردن بر اثر محجوب بودن قلبهایشان ، معذور نیستند .

قلوبنا غلف بل لعنهم الله بکفرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۷ - ۱۶

۱۶ - هدایت پذیری کسانی که بر دل هایشان پرده افکنده شده و بر گوش هایشان سنگینی نشسته (محرومان از درک و فهم

آیات الهی) ، ناممکن است .

و إن تدعهم إلى الهدی فلن یهتدوا إذا أبداً

<لسن> برای نفی همیشگی است که در آیه مورد بحث، با کلمه <أبداً> نیز بر آن تأکید مجدد شده است؛ یعنی، چنین افرادی، هرگز و هیچ گاه، هدایت نخواهند شد و باید از آنان مأیوس بود.

احکام حجاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۲۹، ۲۸، ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۵، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹

۹ - زنان مؤمن، موظف به پوشاندن زینت های خویش و محل آنها (بدن) از دید نامحرمان اند؛ جز آنچه که خود به خود آشکاراست (مثل سرمه، انگشتر، حنا و ..)

و قل للمؤمنت . . . و لا یبدین زینتهنّ إلا ما ظهر منها

درباره مقصود از <زینتهنّ> (زینت زنان) دو دیدگاه وجود دارد: ۱- مقصود محل زینت آلات است؛ زیرا آشکار کردن خود زینت آلات به تنهایی معنی ندارد. ۲- مراد خود زینت آلات است، در حالی که بر روی بدن قرار دارد. در این صورت به طریق اولی آشکار کردن محل زیورآلات (بدن)، حرام خواهد بود. گفتنی است مقصود از استثنا در <إلا ما ظهر منها>، زیورآلاتی است که، به طور متعارف آشکارا استفاده می شود؛ مثل: انگشتر، سرمه، حنا و... .

۱۰- حرمت آشکار ساختن زینت ها و محل های آنها (بدن) بر زنان، جز آنچه که ثخود به خود آشکار است (مانند انگشتر، سرمه، حنا و...) .

لا یبدین زینتهنّ إلا ما ظهر منها

۱۱- پوشاندن آن قسمت از بدن که به طور متعارف و خود به خود آشکار است، (مانند قرص صورت، دست و پا تا مچ) بر زنان، لازم نیست .

لا یبدین زینتهنّ إلا ما ظهر منها

۱۲- پوشاندن زینت هایی که به طور متعارف و خود به خود آشکار است (مانند انگشتر، سرمه، حنا و...) بر زنان، واجب نیست .

و لا یبدین زینتهنّ إلا ما ظهر منها

۱۵- زنان مؤمن، موظف به پوشاندن سر، گلو، و سینه خود از نگاه نامحرمان

و لیضربن بخمرهنّ علی جیوبهنّ

<خمار> نام پوششی (روسری) است که زنان به وسیله آن، سر خود را می پوشانند (مفردات راغب) و <جیب> به آن قسمت از پیراهن

گفته می شود که گلو و قفسه سینه را بیوشاند (مصباح المنیر).

۱۷ - آشکار کردن موی سر ، گلو و سینه در انظار نامحرمان ، بر زنان مؤمن حرام است .

و لیضربن بخرهنّ علی جیوبهنّ

۱۸ - زنان مؤمن ، مجاز به آشکار ساختن زینت های خویش (گوشواره ، انگو گردنبند و ...) و مواضع آنها (بدن) بر شوهر ، پدر ، پدر شوهر و پسران خود هستند .

و لایبدين زینتهنّ إلاّ لبعولتهنّ أو ءابائهنّ أو ءاباءِ بعولتهنّ أو أبنائهنّ

۱۹ - زنان مؤمن ، مجاز به آشکار ساختن زینت های خویش و مواضع آنها (بدن) بر پسران شوهر ، برادران ، پسران برادر و پسران خواهر خود هستند .

و لایبدين زینتهنّ إلاّ.. وؤ أبناء بعولتهنّ أو أخونهنّ أو بنی إخوانهنّ أو بنی أخ

۲۰ - بر زنان مؤمن ، پوشاندن زینت های خویش و مواضع آنها (بدن) ، بر دیگر زنان مؤمن و بردگان خود لازم نیست .

و لایبدين زینتهنّ إلاّ.. أو نسائهنّ أو ما ملکت ایمنهنّ

۲۱ - زنان مؤمن ، از آشکار کردن زینت های خویش و مواضع آنها (بدن) بر زنان غیر مسلمان منع شده اند .

و لایبدين زینتهنّ إلاّ.. أو نسائهنّ

اضافه < نساء > به ضمیر جمع < هنّ > که به < مؤمنات > بازمی گردد دلالت می کند که مراد از آن ، عموم زنان نیست ؛ بلکه مقصود زنان مؤمن می باشد. بنابراین استثنای < إلاّ... نسائهنّ > شامل زنان غیر مسلمان نمی شود.

۲۲ - پوشاندن زینت ها و مواضع آنها (بدن) از خدمت کاران بی نیاز به زن و بی رغبت

به زناشویی و کودکان بی خبر از مسائل جنسی ، بر زنان مؤمن لازم نیست .

و لا یبدین زینتهنّ إلاّ.. أو التبیین غیر اُولی الإربه من الرجال أو الطفل الذی

واژه <الإربه> به معنای حاجت است و در آیه شریفه به مناسبت این که در بیان مسائل محرم و نامحرم است مقصود، نیاز به زن و تمایل جنسی به زنان است.

۲۳ - زنان مؤمن ، موظف به پوشاندن زینت های خویش و مواضع آنها از خدمت کاران نیازمند به زن و راغب به زناشویی و نیز از کودکان آگاه و با خبر از مسائل جنسی

و لا یبدین زینتهنّ إلاّ.. أو التبیین غیر اُولی الإربه من الرجال أو الطفل الذی

۲۴ - پوشاندن زینت و مواضع آنها (بدن) از خدمت کارانی که ساده لوح اند و از بصیرت و عقل کامل برخوردار نیستند ، بر زنان مؤمن واجب نیست .

و لا یبدین زینتهنّ إلاّ.. أو التبیین غیر اُولی الإربه

یکی از معانی و موارد کاربرد واژه <إربه> بصیرت در امور و عقل است (لسان العرب و قاموس المحيط). بنابراین <غیر اُولی الإربه> یعنی، کسانی که ساده لوح اند و از عقل و بصیرت کافی، از جمله در امور جنسی، برخوردار نیستند و از چنین اموری کاملاً بی خبراند.

۲۵ - پدر شوهر ، پسرهمسر ، پسر برادر ، پسر خواهر ، زنان مؤمن ، بردگان ، خدمت کاران بی میل به زن و زناشویی و کودکان بی خبر از مسائل جنسی ، از محارم زنان اند .

و لا یبدین زینتهنّ إلاّ لبعولتهنّ .. أو الطفل الذین لم یظهروا علی عورت النساء

۲۸ - زنان مؤمن ، وظیفه

دار پرهیز از هر گونه رفتار تحریک آمیز و جلب کننده توجه نامحرمان به سوی خویش

و لایضربن بأرجلهن لیعلم ما یخفین من زینتهن

لام در <لیعلم> برای تعلیل و بیان علت حرمت پای کوبیدن بر زمین است و در چنین مواردی، تعلیل موجب تعمیم حکم می شود. از این رو می توان استفاده کرد که هر آنچه موجب آشکار شدن زینت زنان شود، همین حکم را دارد و حرام خواهد بود.

۲۹ - بر زنان مؤمن، پوشاندن پا تا میچ و زینت های آن (مانند خلخال) واجب است.

و لایضربن بأرجلهن لیعلم ما یخفین من زینتهن

۳۹ - > عن فضیل بن یسار قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن الذراعین من المرأه أهما من الزینة التي قال الله تبارک و تعالی > و لایبدین زینتهن إلا لبعولتهن > قال : نعم و مادون الخمار من الزینة و ما دون السوارین ۱

فضیل بن یسار گوید: از امام صادق (ع) پرسیدم: آیا ذراعین زن از (آرنج تا میچ دستهای او) جزء زینتی است که خداوند فرموده است: <و لایبدین زینتهن إلا لبعولتهن>؟ فرمود: آری و نیز آنچه [از سرو گردن] زیر پوشش مقنعه و [از میچ دست] زیر دست بند قرار دارد، از همان زینت است.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۰ - ۱،۱۳

۱ - حجاب و پوشش برای زنان ساخوردده و ناامید از زناشویی و بی میل به امور جنسی واجب نیست .

و القواعد من النساء التي لایرجون نکاحًا فلیس علیهن جناح أن یضعن ثیابهن

<ثوب> (مفرد <ثیاب>) به معنای پیراهن است ۱ ولی مقصود از آن

در آیه شریفه به قرینه آیه قبل که درباره درآوردن پیراهن در وقت خواب و استراحت است روپوش و پوشش های مخصوص زنان مسلمان است، نه این که به معنای عریان شدن باشد.

۱۳ - > عن أبي عبدالله (ع) انه قرأ < أن يضعن ثيابهن > قال الخمار والجلباب ... >

امام صادق(ع) در پی تلاوت آیه < أن يضعن ثيابهن > فرمود: مراد روسری و روپوش است. >..

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۹ - ۳،۴،۱۲

۳ - بر زنان آزاده مؤمن ، لازم است که تمام اندام خود را ، از سر تا پا ، از نامحرمان بیوشانند .

قل لأزوجك و بناتك و نساء المؤمنین یدنین علیهنّ من جلیبهنّ

تعبیر <علیهنّ > شامل تمامی اندام می شود و نکته یاد شده را می رساند.

۴ - کنیزان ، در پوشش و حجاب ، حکم زنان آزاده را ندارند .

قل لأزوجك .. نساء المؤمنین یدنین علیهنّ من جلیبهنّ

<نساء المؤمنین > انصراف به زنان آزاده مؤمن دارد. شأن نزول نقل شده درباره این آیه و این که زنان آزاده و کنیزان، دارای پوشش یک نواختی بودند و از این رو، مورد تعرض مزاحمان قرار می گرفتند، گویای این است که حکم مزبور، مربوط به زنان آزاده است.

۱۲ - بر زنان مؤمن آزاده ، لازم است با پوشش مناسب ، خود را از بردگان کنیز متمایز سازند .

یدنین علیهنّ من جلیبهنّ ذلک أدنی أن یعرفن فلا یؤذین

متعلق <یعرفن > می تواند <من الإماء > باشد و می تواند چیزی شبیه <إنهنّ حرائر > باشد. برداشت بالا، بنا بر احتمال نخست است.

اهمیت حجاب

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۰ - ۸،۹

۸ - حجاب و پوشش برای زنان سالخورده و بی رغبت به زناشویی ، بهتر و سودمندتر از بی حجاب و بی پوشش بودن آنان است .

و القوعد من النساء .. لیس علیهنّ جناح أن یضعن ثیابهنّ ... و أن یتعففن خیر لهن

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که مقصود از <عفت> خویشتن داری زنان سالخورده از فرو نهادن حجاب و پوشش خود باشد که در جمله پیش از آن سخن به میان آمده است.

۹ - حجاب و پوشش زنان ، نشان عفت آنان و حافظ پاکدامنی ایشان

و القوعد من النساء .. فلیس علیهنّ جناح أن یضعن ثیابهنّ ... و أن یتعففن خیر له

آیه شریفه به زنان سالخورده، یادآور می شود که رعایت حجاب برای آنان بهتر از بی حجابی است هر چند آنان مجاز به ترک حجاب اند و خداوند از این مسأله به <عفت گزینند و خویشتن داری کنند> تعبیر فرموده است. این تعبیر می تواند گویای این حقیقت باشد که حجاب، نشان عفت و حافظ پاکدامنی زنان است.

پوشش پا در حجاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۲۹

۲۹ - بر زنان مؤمن ، پوشاندن پا تا مچ و زینت های آن (مانند خلخال) واجب است .

و لایضربن بأرجلهنّ لیعلم ما یخفین من زینتھنّ

پوشش سر در حجاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱۵

۱۵ - زنان مؤمن ،

موظف به پوشاندن سر ، گلو ، و سینه خود از نگاه نامحرمان

و لیضربن بخمرهنّ علی جیوبهنّ

<خمار> نام پوششی (روسری) است که زنان به وسیله آن، سر خود را می پوشانند (مفردات راغب) و <جیب> به آن قسمت از پیراهن گفته می شود که گلو و قفسه سینه را بپوشاند (مصباح المنیر).

پوشش سینه در حجاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱۵

۱۵ - زنان مؤمن ، موظف به پوشاندن سر ، گلو ، و سینه خود از نگاه نامحرمان

و لیضربن بخمرهنّ علی جیوبهنّ

<خمار> نام پوششی (روسری) است که زنان به وسیله آن، سر خود را می پوشانند (مفردات راغب) و <جیب> به آن قسمت از پیراهن گفته می شود که گلو و قفسه سینه را بپوشاند (مصباح المنیر).

پوشش گلو در حجاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱۵

۱۵ - زنان مؤمن ، موظف به پوشاندن سر ، گلو ، و سینه خود از نگاه نامحرمان

و لیضربن بخمرهنّ علی جیوبهنّ

<خمار> نام پوششی (روسری) است که زنان به وسیله آن، سر خود را می پوشانند (مفردات راغب) و <جیب> به آن قسمت از پیراهن گفته می شود که گلو و قفسه سینه را بپوشاند (مصباح المنیر).

تاریخ حجاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱۶

۱۶ - استفاده از روسری ، بدون پوشاندن گلو و سینه ، از پوشش های زنان جزیره العرب پیش از تشریح حکم حجاب از جانب اسلام

و لیضربن بخرهنّ علی جیوبهنّ

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۹ - ۵

۵ - نوعی حجاب و پوشش ، پیش از فرمان به رعایت کامل حجاب ، برای زنان وجود داشته است .

یدنین علیهنّ من جلبیهنّ

شناخته بودن <جلباب> و اضافه آن به ضمیر <هنّ> اشعار به وجود آن می کند.

تقوا در حجاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۵ - ۱۵

۱۵ - کشف حجاب در نزد افرادِ مُجاز ، باید با رعایت ضوابط و تقوای پیشگی باشد .

لا جناح علیهنّ فی اءابائهنّ ... و لا ما ملکت أیمانهنّ و اتقین الله

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که امر به تقوا پس از ذکر استثنای لزوم رعایت حجاب، مربوط به استثناها باشد، یعنی، در اهمیت موارد یاد شده نیز آزادی مطلق وجود ندارد و باید با رعایت ضوابط صورت بگیرد.

حجاب بهشتیان و جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۶ - ۱،۲

۱ وجود حجاب و فاصله میان بهشتیان و دوزخیان

و بینهما حجاب

۲ مردانی بلند مرتبه (أصحاب اعراف) ، بر بلندای حجاب حایل بین دوزخیان و بهشتیان حضور خواهند داشت .

و بینهما حجاب و علی الاعراف رجال

<عرف> به قسمتهای بالا- و روین هر چیز بلند و مرتفع گفته می شود و جمع آن <اعراف> است. (لسان العرب). ال در <الاعراف> جانشین مضاف إليه است، یعنی: و علی اعراف الحجاب رجال.

حجاب بين محمد(ص) و كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۵ - ۱۱، ۱

۱- خداوند ،

به هنگام قراءت قرآن توسط پیامبر (ص) ، میان آن حضرت و کافران ، حجابی نامرئی قرار داد .

و إذا قرأت القرآن .. حجاباً مستوراً

برداشت فوق، مبتنی بر معنای مستور به همان صیغه مفعولی یعنی پوشیده شده است و در آیه به تناسب موضوع، مراد پوشیده شدن از حواس بینندگان (کافران) است.

۱۱- > دخل ... هشام بن السائب ... علی أبي عبدالله (ع) فقال: ... أخبرني عن قول الله > و إذا قرأت القرآن جعلنا بينك و بين الذين لا يؤمنون بالأخرة حجاباً مستوراً < ... قال: آیه فی الکهف و آیه فی النحل و آیه فی الجاثیه و هی: > أفرايت من اتخذ إلهه هواه و أضله الله على علم و ختم على سمعه و قلبه ... < و فی النحل: > أولئك الذين طبع الله على قلوبهم و سمعهم و أبصارهم و أولئك هم الغافلون < و فی الکهف: > و من أظلم ممّن ذكّر بآيات ربّه فأعرض عن ها و نسی ما قدّمت یداه ... < ;

هشام بن سائب بر امام صادق (ع) وارد شد، پس به امام گفت: مرا از سخن خدا > و إذا قرأت القرآن جعلنا بينك و بين الذين لا يؤمنون بالأخرة حجاباً مستوراً < خبر ده؟ حضرت فرمود: مقصود از قرآنی که پیامبر با خواندن آن از چشم کافران مستور و ناپدید می شود، آیه ای در سوره جاثیه > أفرايت ... < و در سوره نحل > أولئك الذين ... < و در سوره كهف > و من أظلم ممّن ... <

است <.

حجاب پیرزن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۰ - ۱،۲،۴،۸

۱ - حجاب و پوشش برای زنان ساخورده و ناامید از زناشویی و بی میل به امور جنسی واجب نیست .

و القواعد من النساء اللّٰتی لایرجون نکاحًا فلیس علیهنّ جناح أن یضعن ثیابهنّ

<ثوب> (مفرد <ثیاب>) به معنای پیراهن است؛ ولی مقصود از آن در آیه شریفه به قرینه آیه قبل که درباره درآوردن پیراهن در وقت خواب و استراحت است روپوش و پوشش های مخصوص زنان مسلمان است؛ نه این که به معنای عریان شدن باشد.

۲ - اجتناب از آرایش و خودآرایی ، شرط جواز حجاب نداشتن زنان سالخورده و ناامید از زناشویی است .

و القواعد من النساء اللّٰتی لایرجون نکاحًا فلیس علیهنّ جناح أن یضعن ثیابهنّ غیر مت

۴ - ناامیدی از زناشویی و بی میلی نسبت به امور جنسی ، نشان سالخوردگی زنان و مجوز فرونهادن حجاب و پوشش برای آنان است .

و القواعد من النساء اللّٰتی لایرجون نکاحًا .. غیر متبرّجت بزینة

جمله <اللّٰتی لایرجون نکاحًا> صفت و قید توضیحی برای <و القواعد من النساء> و بیان کننده مقصود از آن است.

۸ - حجاب و پوشش برای زنان سالخورده و بی رغبت به زناشویی ، بهتر و سودمندتر از بی حجاب و بی پوشش بودن آنان است .

و القواعد من النساء .. لیس علیهنّ جناح أن یضعن ثیابهنّ ... و أن یتعففن خیر لهن

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که مقصود از <عفت> خویشتن داری زنان سالخورده از فرو نهادن حجاب و پوشش خود باشد که در جمله پیش

از آن سخن به میان آمده است.

حجاب چشم کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۱ - ۱

۱- بارزترین ویژگی کافران ، محجوب بودن آنان از دیدن و درک آیات الهی است .

الذین كانت أعینهم فی غطاء عن ذکری

مراد از دیدن ذکر خدا، مشاهده و درک آیات و نشانه هایی است که مایه یاد خداوند هستند (گفتن مسبب و اراده سبب) و مفاد آیه، این است که مشاهده آیات خداوند، کافران را به یاد او نمی افکند، گویا پوششی بر چشم های آنان است که دیدن آن آیات، بر ایشان مقدور نیست.

حجاب حر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۹ - ۱۲

۱۲ - بر زنان مؤمن آزاده ، لازم است با پوشش مناسب ، خود را از بردگان کنیز متمایز سازند .

یدنین علیهنّ من جلیبهنّ ذلک أدنی أن یعرفن فلا یؤذین

متعلق <یعرفن> می تواند <من الإماء> باشد و می تواند چیزی شبیه <إنهنّ حرائر> باشد. برداشت بالا، بنا بر احتمال نخست است.

حجاب دختران محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۹ - ۱،۷

۱ - پیامبر (ص) ، موظف است به همسران و دختران خود و همسران مؤمنان ، آموزش دهد که خود را بپوشانند .

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ قُلًّا لِّأَزْوَاجِكُمْ وَ بَنَاتِكُمْ وَ نِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلِيبِهِنَّ

<یدنین> از ریشه <دنا> به معنای <قرب و نزدیکی> است. <جلایب> جمع <جلباب> به معنای پیراهن و یا روسری است (مفردات راغب). متعدی شدن <یدنین> به <علی> چه بسا، متضمن معنای فروانداختن

و به گونه ای از بالا به سمت پایین انداختن و پوشاندن باشد.

۷- همسران و دختران رسول خدا، در حفظ حجاب و پوشش خود، بر دیگران برتر و مقدم بودند.

قل لأزواجك و بناتك و... یدنین علیهنّ من جلیبهنّ

ذکر <أزواجك و بناتك> در بیان حکم حجاب و نیز مقدم آوردن آنها بر <نساء المؤمنین> می تواند اشعار به تقدم آنها در رعایت حکم حجاب داشته باشد.

حجاب در جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱۶

۱۶ - استفاده از روسری، بدون پوشاندن گلو و سینه، از پوشش های زنان جزیره العرب پیش از تشریح حکم حجاب از جانب اسلام

و لیضربن بخرهنّ علی جیوبهنّ

حجاب زنان مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱۶

۱۶ - استفاده از روسری، بدون پوشاندن گلو و سینه، از پوشش های زنان جزیره العرب پیش از تشریح حکم حجاب از جانب اسلام

و لیضربن بخرهنّ علی جیوبهنّ

حجاب زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۹ - ۱۲، ۳

۳ - بر زنان آزاده مؤمن، لازم است که تمام اندام خود را، از سر تا پا، از نامحرمان بپوشانند.

قل لأزواجك و بناتك و نساء المؤمنین یدنین علیهنّ من جلیبهنّ

تعبیر <علیهنّ> شامل تمامی اندام می شود و نکته یاد شده را می رساند.

۱۲- بر زنان مؤمن آزاده، لازم است با پوشش مناسب، خود را از بردگان کنیز متمایز

سازند .

يدنين عليهنّ من جلبيهنّ ذلك أدنى أن يعرفن فلا يؤذین

متعلق <يعرفن> می تواند <من الإماء> باشد و می تواند چیزی شبیه <إنهنّ حرائر> باشد. برداشت بالا، بنابر احتمال نخست است.

حجاب قبل از اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۹ - ۵

۵ - نوعی حجاب و پوشش ، پیش از فرمان به رعایت کامل حجاب ، برای زنان وجود داشته است .

يدنين عليهنّ من جلبيهنّ

شناخته بودن <جلباب> و اضافه آن به ضمیر <هنّ> اشعار به وجود آن می کند.

حجاب قلب دشمنان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۷ - ۱۰

۱۰- خداوند ، به جهت محروم ساختن مخالفان قرآن از فهمیدن نکته های آن و گوش سپاری به آیات الهی ، بر دل هایشان ، حجاب هایی متعدد و در گوش هایشان ، سنگینی ، می افکند .

إنّا جعلنا علی قلوبهم أكنه أن يفقهوه و فی اذانهم وقراً

<أكنه> جمع <كنان> به معنای <پرده و پوشش> است. <وقر> به معنای <سنگینی> است. سنگینی در گوش، کنایه از دل ندادن به آیات الهی، و نشان دادن رفتاری شبیه کران، در آن است. ضمیر <يفقهوه> به <آیات> بازمی گردد که چون مراد از <آیات>، واژه <قرآن> است، ضمیر مذکر آمده است. و مراد از <أن يفقهوه>، <لثلايفقهوه> و یا <کراهه أن يفقهوه> است.

حجاب قلب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰۱ - ۲

۲- محبوب بودن دل از یاد خدا ، از بارزترین خصلت های کافران است .

الذین كانت أعینهم فی

غطاء عن ذکری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۳ - ۳

۳ - قلب های کافران ، پوشیده در حجاب غفلت و ناآگاهی

بل قلوبهم فی غمره من هذا

حجاب کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۹ - ۴،۱۲

۴ - کنیزان ، در پوشش و حجاب ، حکم زنان آزاده را ندارند .

قل لأزواجک .. نساء المؤمنین یدنین علیهنّ من جلیبهنّ

<نساء المؤمنین> انصراف به زنان آزاده مؤمن دارد. شأن نزول نقل شده درباره این آیه و این که زنان آزاده و کنیزان، دارای پوشش یک نواختی بودند و از این رو، مورد تعرض مزاحمان قرار می گرفتند، گویای این است که حکم مزبور، مربوط به زنان آزاده است.

۱۲ - بر زنان مؤمن آزاده ، لازم است با پوشش مناسب ، خود را از بردگان کنیز متمایز سازند .

یدنین علیهنّ من جلیبهنّ ذلک أدنی أن یعرفن فلا یؤذین

متعلق <یعرفن> می تواند <من الإماء> باشد و می تواند چیزی شبیه <إنهنّ حرائر> باشد. برداشت بالا، بنا بر احتمال نخست است.

حجاب همسران محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۳ - ۲۷،۳۷

۲۷ - همسران پیامبر ، موظف به حفظ حجاب و پوشش مناسب و نگهداری خود از نگاه نامحرمان بودند .

و إذا سألتموهنّ متّعاً فسلوهنّ من وراء حجاب

۳۷- لزوم حفظ حجاب بر همسران پیامبر

و إذا سألتموهنّ متّعاً فسلوهنّ من وراء حجاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۵ - ۹،۱۲

۹ - همسران پیامبر ، موظف

به رعایت پوشش و حجاب مناسب بودند .

و إذا سألتموهنّ متعاً فسنلوهنّ من وراء حجاب. .. لاجنّاح علیهنّ فی ابائهنّ ... و

۱۲ - دستور های صادر شده درباره حجاب همسران پیامبر ، تقوایبشگی است .

لاجنّاح علیهنّ فی ابائهنّ . .. و اتّقین الله

احتمال دارد که < اتّقین الله > دستور عام بعد از ذکر خاص باشد. در این صورت، استفاده می شود که فرمان به رعایت حجاب، از مصداق های تقوا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۹ - ۱،۷

۱ - پیامبر (ص) ، موظف است به همسران و دختران خود و همسران مؤمنان ، آموزش دهد که خود را بپوشانند .

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلِيبِهِنَّ

<یدنین> از ریشه <دنا> به معنای <قرب و نزدیکی> است. <جلایب> جمع <جلباب> به معنای پیراهن و یا روسری است (مفردات راغب). متعدی شدن <یدنین> به <علی> چه بسا، متضمن معنای فروانداختن و به گونه ای از بالا به سمت پایین انداختن و پوشاندن باشد.

۷ - همسران و دختران رسول خدا ، در حفظ حجاب و پوشش خود ، بر دیگران برتر و مقدم بودند .

قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلِيبِهِنَّ

ذکر <أزواجك و بناتك> در بیان حکم حجاب و نیز مقدم آوردن آنها بر <نساء المؤمنین> می تواند اشعار به تقدم آنها در رعایت حکم حجاب داشته باشد.

حرمت کشف حجاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱۷

۱۷ - آشکار کردن موی سر ، گلو و سینه در

انظار نامحرممان ، بر زنان مؤمن حرام است .

و لیضربن بخرهنّ علی جیوبهنّ

شرایط ترک حجاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۰ - ۲

۲ - اجتناب از آرایش و خودآرایی ، شرط جواز حجاب نداشتن زنان سالخورده و نا امید از زناشویی است .

و القواعد من النساء الّتی لایرجون نکاحًا فلیس علیهنّ جناح أن یضعن ثیابهنّ غیر مت

عوامل حجاب چشم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷ - ۵

۵ - آدمی ، خود ایجاد کننده حجاب شنیدن و دیدن ، بر چشم و گوش خویش است .

و علی سمعهم و علی ابصرهم غشوه

ایجاد <غشاوه> بر چشم و گوش - به خلاف مسدود کردن قلبها - به خداوند نسبت داده نشده است. از این مقابله چنین بر می آید که کافران، خود ایجاد کننده <غشاوه> بر گوش و چشم خویش هستند.

عوامل حجاب قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۶

۶ - قرار گرفتن حجاب بر قلب و اندیشه یهودیان ریشه در فطرت و خلقت آنان ندارد بلکه کفرورزی و دور شدنشان از رحمت الهی موجب آن شده است .

قالوا قلوبنا غلف بل لعنهم الله بکفرهم فقلیلا

چنانچه گذشت <بل> نفی معنایی است که از <قلوبنا غلف> استفاده می شود و آن معذور بودن یهود به خاطر نفهمیدن

است. کلمه <بیل> معذور بودن یهود را نفی می کند و جمله <لعنهم الله...> بیان می دارد حجابِ قلبِ یهود از کفرورزی آنان به وجود آمده نه اینکه فطرتاً

این گونه باشند و این چنین نفهمیدنی - که خود آدمی زمینه ساز آن باشد - نمی تواند عذری قابل قبول تلقی شود.

عوامل حجاب گوش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷ - ۵

۵ - آدمی ، خود ایجاد کننده حجاب شنیدن و دیدن ، بر چشم و گوش خویش است .

و علی سمعهم و علی ابصرهم غشوه

ایجاد <غشاوه> بر چشم و گوش - به خلاف مسدود کردن قلبها - به خداوند نسبت داده نشده است. از این مقابله چنین بر می آید که کافران، خود ایجاد کننده <غشاوه> بر گوش و چشم خویش هستند.

فلسفه حجاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۹ - ۸،۹

۸ - فلسفه فرمان به زنان مؤمن برای حفظ حجاب خود ، مصون ماندن شان از آزار و اذیت است .

قل . . . و نساء المؤمنین یدنین علیهنّ من جلیبهنّ ذلک أدنی أن یرفن فلا یؤذین

۹ - حجاب و پوشش مناسب ، دژ مستحکمی برای حفظ زنان مؤمن است .

قل . . . یدنین علیهنّ من جلیبهنّ ذلک أدنی أن یرفن فلا یؤذین

کشف حجاب جایز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۵ - ۱۵

۱۵ - کشف حجاب در نزد افراد مُجاز ، باید با رعایت ضوابط و تقوای پیشگی باشد .

لا جناح علیهنّ فیء اباائهنّ . . . و لا ما ملکت ایمنهنّ و اتّقین الله

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که امر به تقوا پس از ذکر استثنای لزوم رعایت حجاب، مربوط به استثناء باشد، یعنی،
در اهمیت موارد یاد

شده نیز آزادی مطلق وجود ندارد و باید با رعایت ضوابط صورت بگیرد.

محدوده حجاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۳۹، ۲۹، ۲۴، ۱۷، ۱۵، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹

۹ - زنان مؤمن، موظف به پوشاندن زینت های خویش و محل آنها (بدن) از دید نامحرمان اند؛ جز آنچه که خود به خود آشکار است (مثل سرمه، انگشتر، حنا و ...).

و قل للمؤمنت... و لا یبدین زینتهنّ إلا ما ظهر منها

درباره مقصود از <زینتهنّ> (زینت زنان) دو دیدگاه وجود دارد: ۱- مقصود محل زینت آلات است؛ زیرا آشکار کردن خود زینت آلات به تنهایی معنی ندارد. ۲- مراد خود زینت آلات است، در حالی که بر روی بدن قرار دارد. در این صورت به طریق اولی آشکار کردن محل زیورآلات (بدن)، حرام خواهد بود. گفتنی است مقصود از استثنا در <إلا ما ظهر منها>، زیورآلاتی است که، به طور متعارف آشکارا استفاده می شود؛ مثل: انگشتر، سرمه، حنا و ...

۱۰ - حرمت آشکار ساختن زینت ها و محل های آنها (بدن) بر زنان، جز آنچه که ثخود به خود آشکار است (مانند انگشتر، سرمه، حنا و ...).

لا یبدین زینتهنّ إلا ما ظهر منها

۱۱ - پوشاندن آن قسمت از بدن که به طور متعارف و خود به خود آشکار است، (مانند قرص صورت، دست و پا تا مچ) بر زنان، لازم نیست.

لا یبدین زینتهنّ إلا ما ظهر منها

۱۲ - پوشاندن زینت هایی که به طور متعارف و خود به خود آشکار

است (مانند انگشتر ، سرمه ، حنا و ...) بر زنان ، واجب نیست .

و لا یبدین زینتهنّ إلاّ ما ظهر منها

۱۵ - زنان مؤمن ، موظف به پوشاندن سر ، گلو ، و سینه خود از نگاه نامحرمان

و لیضربن بخمرهنّ علی جیوبهنّ

>خمار< نام پوششی (روسری) است که زنان به وسیله آن، سر خود را می پوشانند (مفردات راغب) و <جیب> به آن قسمت از پیراهن گفته می شود که گلو و قفسه سینه را بپوشاند (مصباح المنیر).

۱۷ - آشکار کردن موی سر ، گلو و سینه در انظار نامحرمان ، بر زنان مؤمن حرام است .

و لیضربن بخمرهنّ علی جیوبهنّ

۲۴ - پوشاندن زینت و مواضع آنها (بدن) از خدمت کارانی که ساده لوح اند و از بصیرت و عقل کامل برخوردار نیستند ، بر زنان مؤمن واجب نیست .

و لا یبدین زینتهنّ إلاّ .. أو التبیین غیر أوّلی الإربه

یکی از معانی و موارد کاربرد واژه <إربه> بصیرت در امور و عقل است (لسان العرب و قاموس المحيط). بنابراین <غیر أوّلی الإربه> یعنی، کسانی که ساده لوح اند و از عقل و بصیرت کافی، از جمله در امور جنسی، برخوردار نیستند و از چنین اموری کاملاً بی خبراند.

۲۹ - بر زنان مؤمن ، پوشاندن پا تا مچ و زینت های آن (مانند خلخال) واجب است .

و لا یضربن بأرجلهنّ لیعلم ما یخفین من زینتهنّ

۳۹ - > عن فضیل بن یسار قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن الذراعین من المرأه أهما من الزنیه التي قال الله تبارک و تعالی > و لا یبدین زینتهنّ إلاّ لبعولتهنّ < قال

نعم و مادون الخمار من الزينه و ما دون السوارين ؛

فضیل بن یسار گوید: از امام صادق(ع) پرسیدم: آیا زراعین زن از (آرنج تا مچ دستهای او) جزء زینتی است که خداوند فرموده است: <و لا یبدین زینتهنّ إلاّ لبعولتهنّ>؟ فرمود: آری و نیز آنچه [از سرو گردن] زیر پوشش مقنعه و [از مچ دست] زیر دست بند قرار دارد، از همان زینت است.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۹ - ۳

۳ - بر زنان آزاده مؤمن ، لازم است که تمام اندام خود را ، از سر تا پا ، از نامحرمان بپوشانند .

قل لأزواجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهنّ من جلیبهنّ

تعبیر <علیهنّ> شامل تمامی اندام می شود و نکته یاد شده را می رساند.

محدوده حجاب پیرزن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۰ - ۱۳

۱۳ - <عن أبي عبد الله (ع) انه قرأ > أن يضعن ثيابهنّ < قال الخمار والجلباب ... >

امام صادق(ع) در پی تلاوت آیه <أن يضعن ثيابهنّ> فرمود: مراد روسری و روپوش است. <..>

محدوده حجاب خاله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱۹

۱۹ - زنان مؤمن ، مجاز به آشکار ساختن زینت های خویش و مواضع آنها (بدن) بر پسران شوهر ، برادران ، پسران برادر و پسران خواهر خود هستند .

و لا یبدین زینتهنّ إلاّ... وؤ أبناء بعولتهنّ أو أخونهنّ أو بنی إخوانهنّ أو بنی أخ

محدوده حجاب خواهر

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱۹

۱۹ - زنان مؤمن ، مجاز به آشکار ساختن زینت های خویش و مواضع آنها (بدن) بر پسران شوهر ، برادران ، پسران برادر و پسران خواهر خود هستند .

و لا یبدین زینتهنّ إلاّ.. وّو أبناء بعولتهنّ أو أخونهنّ أو بنی إخوانهنّ أو بنی أخ

محدوده حجاب عروس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱۸

۱۸ - زنان مؤمن ، مجاز به آشکار ساختن زینت های خویش (گوشواره ، النگو گردنبند و ...) و مواضع آنها (بدن) بر شوهر ، پدر ، پدر شوهر و پسران خود هستند .

و لا یبدین زینتهنّ إلاّ لبعولتهنّ أو ءابائهنّ أو ءاباء بعولتهنّ أو أبنائهنّ

محدوده حجاب عمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱۹

۱۹ - زنان مؤمن ، مجاز به آشکار ساختن زینت های خویش و مواضع آنها (بدن) بر پسران شوهر ، برادران ، پسران برادر و پسران خواهر خود هستند .

و لا یبدین زینتهنّ إلاّ.. وّو أبناء بعولتهنّ أو أخونهنّ أو بنی إخوانهنّ أو بنی أخ

محدوده حجاب مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱۸

۱۸ - زنان مؤمن ، مجاز به آشکار ساختن زینت های خویش (گوشواره ، النگو گردنبند و ...) و مواضع آنها (بدن) بر

شوهر ، پدر ، پدر شوهر و پسران خود هستند

و لا یبدین زینتھنّ إلاّ لبعولتھنّ أو ءابائھنّ أو ءاباءِ بعولتھنّ أو أبنائھنّ

محدوده حجاب نامادری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱۹

۱۹ - زنان مؤمن ، مجاز به آشکار ساختن زینت های خویش و مواضع آنها (بدن) بر پسران شوهر ، برادران ، پسران برادر و پسران خواهر خود هستند .

و لا یبدین زینتھنّ إلاّ.. و ءاباءِ بعولتھنّ أو أخونھنّ أو بنی إخوانھنّ أو بنی أخ

و جوب حجاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۹ - ۳

۳ - بر زنان آزاده مؤمن ، لازم است که تمام اندام خود را ، از سر تا پا ، از نامحرمان بپوشانند .

قل لأزواجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیھنّ من جلیبھنّ

تعبیر <علیھنّ> شامل تمامی اندام می شود و نکته یاد شده را می رساند.

حجت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حجت

آثار اتمام حجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۴ - ۲

۲ - خداوند ، بدون فرستادن رسولان و اتمام حجت بر مردم ، آنان را عذاب نمی کند .

و لو أنا أهلكهم بعذاب من قبله لقالوا ربنا لولا أرسلت

<لو> در <لو أنّا..> برای امتناع است؛ یعنی، اگر پیش از فرستادن رسول و اتمام حجت عذاب می کردیم که البته نمی کنیم جا برای اعتراض بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۶ - ۶

۶ هلاکت فرعون و قومش ، پس از اتمام حجت خدا با آنان به وسیله موسی و

هارون (ع) بوده است .

فقلنا اذهبوا إلى القوم الذين كذبوا بآيتنا فدمرناهم تدميراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۹ - ۳

۳ - نزول عذاب بر قوم عاد ، نتیجه عملکرد و اصرار آنان بر کفر پس از اتمام حجت بر ایشان بوده است .

إني أخاف عليكم عذاب .. فكذبوه فأهلكناهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۳ - ۴

۴ - سرکشی و عصیان پس از انذار و اتمام حجت ، دارای فرجامی شوم

و أمطرنا عليهم مطراً فساء مطر المنذرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۶ - ۲

۲ - کیفر کافران ، به دنبال اتمام حجت های مکرر بر آنان

ثم جاءهم ما كانوا يوعدون

<کانوا یوعدون> ماضی استمراری و بیانگر آن است که خداوند، حجت خویش را بر کافران بارها تمام کرده و مرتباً آنان را به فرجام شوم کفرورزی هشدار داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۸ - ۱

۱ - هلاکت و کیفر جوامع تبه کار ، همواره پس از اتمام حجت الهی بر آنان بوده است .

و ما أهلكنا من قريه إلا لها منذرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۹ - ۷

۷ - مؤاخذه بندگان ، قبل از بیان و اتمام حجت بر ایشان ، ظلم و دور از ساحت خداوند است .

و ما أهلکنا من قریه . . . ذکری و ما کنا ظلمین

مفاد مطلب یاد شده،

همان <قبح عقاب بلا بیان> است که از آیه مورد بحث استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۸ - ۳

۳ - نزول عذاب بر قوم لوط ، پس از انذار و اتمام حجت بر آنان بود .

فساء مطر المنذرین

قید <منذرین> بیانگر آن است که پیش از نزول عذاب، هشدارهای لازم به آنان داده شده و حجت خدا بر ایشان تمام شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۲ - ۷

۷ - اقدام خداوند به اتمام حجت بر کافران ، پیش از فرستادن عذاب بر آنان

أخرجنا لهم دابة من الأرض تكلمهم

ارائه معجزه به کافران، پیش از هلاک ساختن آنان با <عذاب استیصال>، می تواند برای این باشد که حجت خدا بر آنان تمام شود و آنان هیچ عذری نداشته باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۸ - ۱۰

۱۰ - عذاب الهی ، پس از اتمام حجت و ابلاغ پیام است .

أو كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۷ - ۹

۹ - مجازات های الهی ، پس از اتمام حجت و ارائه دلیل و برهان است .

فجاءوهم بالبينت فانتقمنا من الذين أجرموا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۱ - ۸

۸ - عذاب شدن فاسقان در قیامت ، پس از اتمام حجت با آنان ، در دنیا است .

و لنذيقنهم من العذاب الأدنى دون

العذاب الأكبر لعلهم يرجعون

بلاهای هشداردهنده دنیا، نوعی اتمام حجت برای فاسقان است. <لعلهم يرجعون> نیز نکته بالا را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ - انتقام الهی از مجرمان در قیامت ، پس از اتمام حجت با ایشان در دنیا است .

ذکر بآیت ربّه .. إنا من المجرمین منتقمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۸ - ۶

۶ - عذاب شدن کافران ، پس از اتمام حجت با آنان است .

و إذا أخذنا من النبیین میثقهم .. لیستل ... و أعدّ للكفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۳ - ۲۰

۲۰ - کیفر شدن در قیامت ، پس از اتمام حجت و ارائه راه درست و حق به بندگان در دنیا است .

و نقول للذین ظلموا ذوقوا عذاب النار .. و إذا تتلی علیهم ءآیتنا بینت ... و ق

برداشت یاد شده از آن جا است که خداوند پس از نقل عذاب شدن ظالمان، مسأله ارائه حق و تلاوت آیات الهی بر آنان را مطرح ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۶ - ۲

۲ - عذاب شدن کافران تکذیب گر پس از اتمام حجت و ارائه معجزات و دلایل آشکار و کتاب های روشنگر بوده است .

كذب الذین من قبلهم جاءتهم رسلهم بالبینت .. ثم أخذت الذین كفروا فكیف كان نك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر

۷ - مجازات الهی برای کافران ، پس از اتمام حجت و دادن فرصت مناسب و عمر کافی برای شناخت و پذیرش دین و تعالیم آسمانی خواهد بود .

أولم نعمركم ما يتذكر فيه من تذكر وجاءكم النذير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۷ - ۴

۴ - آمدن عذاب الهی ، پس از انذار و اخطار و اتمام حجت است .

فساء صباح المنذرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۲۲

۲۲ - عذاب کافران ، پس از اتمام حجت الهی بر آنان خواهد بود .

ألم یأتکم رسل منکم یتلون علیکم ءایة ربکم .. قالوا بلی و لکن حقت کلمه العذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶ - ۴

۴ - عذاب کافران ، پس از اتمام حجت الهی بر آنان خواهد بود .

ما یجدل فی ءایة الله إلا الذین کفروا .. کذبت قبلهم قوم نوح ... و کذلک حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۰ - ۶

۶ - کیفر الهی کافران دوزخی ، پس از ابلاغ پیام الهی و اتمام حجت از سوی رسولان است .

أولم تک تأتیکم رسلکم بالبینت قالوا بلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۳ - ۹

۹ - مشرکان و کفرپیشگان ، پس از اتمام حجت بر آنان ، در معرض گرفتار آمدن به عذاب استیصال اند .

فإن أعرضوا فقل أندر تكم

صعقه مثل صعقه عاد و ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۴ - ۸

۸ - خداوند، قبل از اتمام حجت و بیان حقیقت برای مردم، آنان را به عذاب استیصال گرفتار نخواهد ساخت .

مثل صعقه عاد و ثمود . إذ جاءتهم الرسل ... ألا تعبدوا إلا الله

<إذ> ظرف زمان و متعلق به <نزول صعقه> است که از <مثل صعقه عاد و ثمود> استفاده می شود؛ یعنی، آن گاه صعقه بر آنان نازل شد که پیامبران آمدند توحید و آیین الهی را ابلاغ کردند و آنان نپذیرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۵ - ۲

۲ - انتقام الهی از کافران، پس از احتجاج و اتمام حجت بر آنان

و كذلك ما أرسلنا... قل أولو جنتکم... فانتقمنا منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۲ - ۵

۵ - کیفر دنیوی خداوند درباره مشرکان، پس از اتمام حجت بر آنان است .

أو نرينك الذی وعدنهم

از این که خداوند تحقق کیفر خویش را پس از ابلاغ وعده عذاب به مشرکان (وعدناهم) مطرح می کند، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۸ - ۸

۸ - عذاب های الهی بر کافران، پس از اتمام حجت و ارائه آیات به ایشان

و ما نريهم من ءایه... و أخذنهم بالعذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۸

۱- ابتلای مجرمان به عذاب دوزخ ، پس از ابلاغ حق و اتمام حجت الهی بر ایشان در دنیا است .

إِنَّكُمْ مَكْثُونَ . لَقَدْ جِئْتُمْ بِالْحَقِّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۲

۲- جواز وانهادن گمراهان به خود ، پس از اتمام حجت بر آنان و حق ناپذیری ایشان

فذرهم

<فاء> در <فذرهم>، می رساند که پس از اتمام حجت ادامه تبلیغ ضروری نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۰ - ۶

۶- به کارگیری تهدید از سوی خداوند ، پس از ارائه منطق و برهان و تأثیرناپذیری کافران از آن

فارتقب یوم تأتی السماء بدخان مبین

<فاء> تفریح، تهدید را متفرع بر حق ستیزی کافران و عدم تأثیر منطق و برهان بر آنان کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۳ - ۳،۷

۳- بی ثمری اظهار ایمان ، پس از مشاهده عذاب ، منوط به اتمام حجت قبل از آن

أَنتِ لَهْمُ الذَّكْرَىٰ وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ

۷- نزول عذاب بر کافران ، پس از اتمام حجت بر ایشان با دلایل روشن

یغشی الناس هذا عذاب أليم . . . و قد جاءهم رسول مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۸ - ۳

۳ - کیفر الهی برای کافران ، پس از اتمام حجت بر ایشان

تتلی علیه .. فبشّره بعذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۱ - ۴

۴ - کیفر کافران ،

پس از اتمام حجت پروردگار بر ایشان

هذا هدى و الذین کفروا بایت ربهم لهم عذاب

از این که خداوند پس از بیان هدایتگری قرآن، عذاب کافران را مطرح می کند، مطلب یاد شده قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۶ - ۶

۶- مجازات اقوام مجرم ، پس از اتمام حجت و اعطای ابزار لازم شناخت ، به ایشان است .

كذلك نجزي القوم المجرمين .. و جعلنا لهم سمعًا و أبصرًا و أفئده

تذکر به اعطای چشم، گوش و قلب به قوم هلاک شده عاد، در حقیقت اشاره به این است که هلاکت آنان، پس از قرار گرفتن امکانات معرفت در اختیار ایشان و اتمام حجت بر آنان، صورت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۷ - ۴

۴- سنت خداوند بر هلاکت اقوام کافر ، پس از نمایاندن آیات گوناگون به آنان

و لقد أهلكنا .. و صرّفنا الآيت لعلمهم يرجعون

تذکر به <صرّفنا آیات>، در حقیقت بیانگر این است که خداوند تا وقتی که اتمام حجت نکند و آیات متعدد به کافران نمایاند، ایشان را هلاک نمی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۱۸

۱۸- مجازات و نابودی کافران ، پس از ابلاغ پیام حق و اتمام حجت بر آنان است .

بلغ فهل يهلك إلا القوم الفسقون

با توجه به فای <فهل> که می تواند بیانگر تفریع باشد استفاده می شود که بلاغ و اتمام حجت، همواره قبل از مجازات و کیفر کافران صورت گرفته

و می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۱۶

۱۶- کیفر الهی در مورد کافران ، پس از اتمام حجت و تبیین حق برای آنان

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا و... من بعد ما تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ ... و سَيَحْبُطُ أَعْمَلَهُمْ

در صورتی که <سَيَحْبُطُ..> عنوان کیفر داشته باشد، تعبیر <من بعد ما تَبَيَّنَ...> بیانگر اتمام حجتی است که قبل از اعمال مجازات، صورت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۴ - ۵

۵ کیفر امت های حق ستیز در طول تاریخ ، پس از اتمام حجت الهی بر آنان

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ .. كَلَّ كَذَّبَ الرِّسْلَ فَحَقَّ وَعِيدُ

تعبیر <فَحَقَّ وَعِيدُ> می رساند که اقوام هلاک شده، قبلاً مورد هشدار، تهدید، تذکر و اتمام حجت قرار گرفته بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۹ - ۶

۶- کیفر گمراهان قبل از اتمام حجت ایشان ، ظلم و دور از ساحت خداوند *

و قَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ .. و مَا أَنَا بِظَلَمٍ لِلْعَبِيدِ

برداشت بالا بدان احتمال است که دو بخش این آیه، متفرع بر <قَدْ قَدَّمْتُ..> باشد، یعنی، چون قبلاً اتمام حجت بر ایشان شده است، نه حکم تغییر خواهد کرد و نه اجرای حکم ظلم تلقی خواهد شد؛ زیرا ظلم آن جا است که عقاب، بدون حجت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴ - ۵

۵ - تحقق مجازات های الهی بر کافران ، پس از اتمام حجت بر

و كلّ أمر مستقرّ . و لقد جاءهم من الأنباء ما فيه مزدجر

در صورتی که تعبیر <و كلّ أمر مستقرّ> کنایه از عذاب و کیفر حتمی کافران باشد، در پی آمدن <و لقد جائهم..>، توضیحی است بر این که کیفر آنان، بدون اتمام حجت صورت نگرفته و نمی گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۶ - ۴

۴ - عذاب الهی ، در مورد قوم نوح ، پس از اذارهای مکرر و اتمام حجت بر آنان بود . *

فکیف کان عذابی و نذر

عطف <نذر> بر <عذابی>، ممکن است بیانگر این معنا باشد که عذاب الهی، در حق کافران، بدون اذارهای مکرر و اتمام حجت نبوده است. گفتنی است که <نذر> جمع <نذیر> است و <نذیر> بر دو معنا اطلاق می شود: <انذار> و <منذر>. ظاهراً در آیه شریفه معنای اول (انذارها) اراده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۸ - ۶

۶ - عذاب الهی در مورد قوم عاد ، پس از اذارهای مکرر و اتمام حجت بر آنان بود .

فکیف کان عذابی و نذر

عطف <نذر> بر <عذابی>، ممکن است بیانگر این معنا باشد که عذاب الهی در حق کافران، بدون اذارهای مکرر و تمام شدن حجت بر آنان نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۱ - ۳

۳ - ابتلای قوم عاد به عذاب الهی ، پس از اذارهای مکرر و اتمام حجت بر آنان

فکیف کان عذابی و نذر

عطف <نذر> بر <عذابی>، ممکن است

بیانگر این معنا باشد که عذاب الهی در حق کافران، بدون انذارهای مکرر و اتمام حجت نبوده است. گفتنی است که <نذر> جمع <نذیر> است و <نذیر> بر دو معنا اطلاق می شود: <انذار> و <منذر>، ظاهراً در آیه شریفه، معنای اول (انذارها) مراد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۶ - ۳

۳ - نزول عذاب الهی بر حق ستیزان ، از پی اتمام حجت بر ایشان

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ .. و لقد أنذرهم بطشتنا فتماروا بالئذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۶ - ۲

۲ - عذاب و کیفر خداوند درباره کافران ، پس از اتمام حجت و ارائه دلایل روشن بوده است .

تأتيهم رسلهم بالبینت

آثار اتمام حجت با حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۲

۲ - لزوم ترک بحث و احتجاج با کافران حق ناپذیر ، پس از اتمام حجت و ارائه برهان

فذرهم يخوضوا ويلعبوا

آثار اتمام حجت با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۲

۲ - لزوم ترک بحث و احتجاج با کافران حق ناپذیر ، پس از اتمام حجت و ارائه برهان

فذرهم يخوضوا ويلعبوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۱ - ۳

۳ - کافران ، پس از ابلاغ برهان آشکار و رسیدن پیام اسلام به آنان ، به حال خود رها خواهند شد .

لم یکن .. منفکین

حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ

قید <حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ> مفهومی دارد که برداشت یاد شده، ناظر به آن است.

آثار اتمام حجت بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۸ - ۱۳

۱۳- پیامبر (ص) ، مأمور به ترک مناظره و محاجه با کافران ، پس از اتمام حجت بر ایشان *

قل إن افتريته فلا تملكون .. كفى به شهيداً بينى و بينكم

برداشت یاد شده براساس این احتمال است که تعبیر <كفى به شهيداً> به معنای ترک محاجه باشد؛ یعنی، پس از اتمام حجت، کار داوری درباره کافران را به خدا واگذار.

آثار اتمام حجت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۳ - ۵

۵- کیفر سخت و هلاکت بار فرعون و فرعونیان از سوی خداوند ، پس از اتمام حجت با آنان بود .

و لقد آتينا موسى تسع آيات .. فأراد أن يستفزهم ... فأغرقناه و من معه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۰ - ۷

۷ تحقق لحظه های سخت قیامت ، در پی هشدارها و اتمام حجت

ذلك يوم الوعيد

تعبیر <وعيد> می رساند که قبلاً رخداد روز قیامت و دشواری های آن از سوی خداوند به انسان ها تذکر داده شده است و پس از آن تذکرها است که قیامت برپا می شود.

ابزار اتمام حجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۸ - ۲

۲ - تفهیم معارف و حقایق در قرآن ، با شیوه ها و مثال های

گوناگون ، اتمام حجّتی بر انسان ها است . *

لا ینفع الذین ظلموا معذرتهم .. و لقد ضربنا للناس فی هذا القرآن من کلّ مثل

احتمال دارد ذکرِ <و لقد ضربنا.. > به دنبال اعلامِ سودمند نبودنِ معذرت خواهی کافران در قیامت، به جهت یادآوری تمام شدن حجّت بر آنان، بعد از تفهیم حقایق، به وسیله قرآن باشد.

اتمام حجت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۳ - ۹

۹ وقوع عذاب استیصال ، پس از اتمام حجت رسولان الهی

و لقد أهلكنا القرون .. و جاءتهم رسلهم بالبینة و ما كانوا لیؤمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۷ - ۷

۷ - پیامبران ، حجت را بر مردم خویش تمام کرده بودند .

و ما علینا إلاّ البلیغ المبین

برداشت یاد شده از آن جا است که ابلاغ روشن و بی ابهام پیام الهی به مردم، حاکی از آن است که پیامبران، حجت را بر آنان تمام کرده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۲ - ۵

۵ - مجازات ملت های نیرومند و متمدن گذشته ، پس از اتمام حجت از سوی رسولان الهی

ذلک بأنّهم كانت تأتیهم رسلهم بالبینة فكفروا فأخذهم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۴ - ۷

۷- پیامبران و رسولان ، در ابلاغ دعوت خویش و اتمام حجت کوتاهی نداشته اند .

و ما تفرّقوا إلّا من بعد ما جاءهم العلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - مسؤولیت پیامبران الهی ، تا سر حد اتمام حجت بر حق گریزان است ؛ نه فزون تر از آن .

فما تغن النذر . فتولّ عنهم

تفریح < تولّ عنهم > بر < ما تغن النذر > بیانگر مطلب بالا است .

اتمام حجت با آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۱ - ۴

۴ - اتمام حجت الهی بر کافران در دنیا ، با تلاوت مداوم آیات وحی بر آنان

أفلم تكن آيتي تتلى عليكم

اتمام حجت با انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۴ - ۱

۱ - اتمام حجت و سلب حقانیت از هرگونه اعتراض ، از اهداف فرستادن پیامبران و نزول آیات و معجزات

و لو أنا أهلكنهم بعذاب من قبله لقالوا ربنا لولا أرسلت

مراد از ضمیر در < من قبله > به قرینه < لولا أرسلت > رسول است و ممکن است مربوط به کلمه < بیینه > (در آیه قبل) باشد گرچه کلمه < بیینه > مؤنث است ؛ ولی به اعتبار این که به معنای برهان است ، ارجاع ضمیر مذکر به آن صحیح می باشد .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۹ - ۳،۴

۳ - پیامبران الهی ، تمام کنندگان حجت خدا بر مردم

و ما كان ربك مهلك القرى حتى يبعث في أمها رسولا

۴ - ساحت ربوبی خداوند ، مبرا از نازل کردن عذاب استیصال بر مردم ، پیش از فرستادن پیامبر به سوی آنان

و ما كان ربك مهلك القرى حتى يبعث في أمها رسولا

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۵ - ۱۱

۱۱- نزول عذاب دنیوی بر امت های گنهکار ، تنها پس از اتمام حجت و فرستادن پیامبری برای ایشان است .

و ما کُنَّا مَعذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا

جمله < ما کُنَّا مَعذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا > اطلاق دارد و عذاب دنیوی را هم دربرمی گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۴ - ۷

۷- اتمام حجت خداوند ، بر تمامی انسان ها به وسیله پیامبران

و إِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۸ - ۶

۶- رسولان الهی ، خود بهترین گواه وصول هدایت به خلق و اتمام حجت بر آنان *

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِدًا

<شاهدًا> ممکن است نظر به شهادت بر اصل پیام رسانی به خلق و فرستادن رسول داشته باشد و قید محذوف از فعل

<أَرْسَلْنَاكَ> استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۲ - ۱،۵

۱ - خداوند ، با فرستادن رسولی که مکتوباتی منزّه و به دور از انحراف را بر مردم بخواند ، بر آنان اتمام حجت می کند .

لَمْ يَكُنْ لَكُمْ مِنْكُمْ مَنْفَعِينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ . رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مَطْهُرَةً

۵- اتمام حجت بر تمام مردم ، با ارسال پیامبری همراه با کتاب آسمانی ، سُنَّتْ تَخَلَّفَ نَاطِقًا خَدَاوَنَدَا .

لم يكن . . . منفكين حتى تأتيهم البينه . رسول من الله يتلوا صحفا مطهرة

اتمام حجت با انذار

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - اتمام حجت الهی بر قوم لوط ، با انذار های مکرر

كذّبت قوم لوط بالّنذر

با توجه به جمع آمدن واژه <نذر>، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۴ - ۷

۷ - خداوند ، با انذار به آتش جهنم ، بر همه انسان ها اتمام حجت کرده است .

إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ .. فَأَنْذِرْتَكُم نَارًا تَلْظَىٰ

مفاد آیه شریفه با توجه به آیات پیشین، این است که آنچه بر عهده ما است، هدایت است که آن را با انذار انجام دادیم. بنابراین کوتاهی از جانب خود شما است.

اتمام حجت با انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۲ - ۱

۱ - خداوند ، با فرستادن رسولی که مکتوباتی متّزه و به دور از انحراف را بر مردم بخواند ، بر آنان اتمام حجت می کند .

لَمْ يَكُن لَّهُمْ مِنْكُمْ كِتَابٌ فَاذْرَهُمْ سَبْعًا . رَسُولٌ مِنْ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مَطْهُرَةً

اتمام حجت با اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۱ - ۱

۱ - کافران ، چه اهل کتاب باشند و چه مشرک ، بدون اتمام حجت رها نخواهند شد .

لَمْ يَكُن لَّهُمْ كِتَابٌ فَاذْرَهُمْ سَبْعًا . رَسُولٌ مِنْ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مَطْهُرَةً

<منفك>، به معنای منفصل است. مفاد آیه شریفه، کنار نبودن کافران از قانون فراگیر <اتمام حجت> و <آمدن یبئه> است.

اتمام حجت با بخیلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - خداوند ، با آگاه ساختن ثروتمندان بخیل از آینده دشوارشان ، بر آنان اتمام حجت کرده است .

إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى

مفاد آیه شریفه این است که نشان دادن راه، وظیفه ما است و پیامد بی اعتنایی بخیلان به هدایت ها، بر عهده خود آنان است.

اتمام حجت با بدکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۷ - ۱۰

۱۰- تهدید کردن بدکاران ، پس از استدلال منطقی ، از شیوه های تبلیغی قرآن کریم

و ما أرسلنا من قبلك إلا رجلاً نوحى إليهم فاستلوا أهل الذکر . . . و أنزلنا إليك ا

اتمام حجت با حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، موظف به واگذاری کافران حق ناپذیر ، باطل گرا و بازیگر به حال خود ، پس از اتمام حجت به آنان

فذرهم يخوضوا ويلعبوا

<خوض> (مصدر <يخوضوا>) در اصل به معنای حرکت در آب است؛ ولی در مواردی به کار می رود که انسان، غوطهور در مسائل باطل و ناپسند می شود؛ مانند همین آیه که کافران، سخنان ناروایی درباره اسلام و پیامبر(ص) بر زبان می آوردند.

اتمام حجت با دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۴ - ۴

۴ - تعالیم رسولان الهی برای اتمام حجت بر مشرکان کافی است؛ هر چند که آنان ، رسالت خویش را با معجزه اثبات نکرده

باشند .

و لو أَنَا أَهْلَكْنَهُمْ .. لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ

خداوند، برای عذاب مشرکان پیش از آمدن پیامبران، اعتراض قابل قبول را، در <محرومیت از آیات الهی> منحصر کرده است. یعنی، برای پی بردن به بطلان شرک، صرف آمدن رسولان و آوردن تعالیم الهی کافی است، نه این که پس آنان از شنیدن آیات خداوند، منتظر صدور معجزه باشند و بعد از آن تا به بطلان شرک پی ببرند.

اتمام حجت با ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۵ - ۱۴

۱۴- اتمام حجت خداوند پیش از فرستادن عذاب بر ستمگران

یوم یأتیهم العذاب .. و سکتتم فی مسکن الذین ظلموا أنفسهم و تبین لکم کیف فعلنا

اینکه خداوند فرمود: ما چگونه برخورد خود با ستمگران را برای شما بیان کردیم (تبیین لکم کیف فعلنا بهم)، می تواند بیانگر اتمام حجت خداوند برای همه ستمگران پیش از عذاب باشد، به ویژه اینکه خداوند این سخن را در پاسخ مهلت خواهی آنان می فرماید.

اتمام حجت با غیر مسلمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵ - ۱۱

۱۱ بهره گیری از تمام شیوه های ممکن (کشتن، اسیر کردن، محاصره نمودن و کمین زدن) به منظور وادار کردن جوامع غیر مسلمان به پذیرش آیین اسلام، در پی اتمام حجت و دادن فرصت کافی به آنان، بلامانع است.

فإذا انسلخ الأشهر الحرم فاقتلوا المشرکین .. فإن تابوا ... فخلّوا سبیلهم

اتمام حجت با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۴ - ۵

قرآن ، اتمام حجت خداوند بر منکران رسالت

أولم تأتتهم بيته ... ولو أنا أهلكنهم بعداب من قبله ... فتتبع آيتك

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۰ - ۱۰

۱۰ - قرآن ، وسیله اتمام حجت بر کافران و تحقق بخش وعده الهی درباره آنان است .

و قرءان مبین . لینذر ... و یحقّ القول علی الکفرین

از عطف جمله <و یحقّ الحقّ ...> بر جمله <لینذر> که لام در این جمله برای تعلیل است برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۱۵

۱۵ - قرآن و انذار های بیدار گرانه آن ، اتمام حجت الهی بر خلق

بلغ

<بلاغ> خبر برای <هذای مقدر است. و آن اشاره به آیات هشدار گر قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵ - ۳

۳ - پیام های حکیمانه و رسای قرآن ، اتمام حجت الهی بر خلق

و لقد جاءهم .. حکمه بلغه

برداشت فوق با توجه به این است که آیه قبل از <و لقد جاءهم ..> در مقام بیان علت مجازات کافران و اتمام حجت بر ایشان بود بر این اساس می توان از <حکمه بالغه...> که بدل از <ما فیه...> است مطلب بالا را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۹ - ۷

۷- با ارائه قرآن به انسان ها ، حجّت الهی بر آنان تمام است .

إِنَّ هَذِهِ تَذَكُّرَةٌ فَمَنْ شَاءَ

اتَّخِذْ إِلَى رَبِّهِ سَبِيلًا

خداوند، با ارائه آیات قرآن که مایه بیداری و تذکار است (هذه تذکره) حجتش را بر آدمیان تمام کرده و این انسان است که باید راه دین را، طریق زندگی خویش قرار دهد (اتَّخِذْ إِلَى رَبِّهِ سَبِيلًا).

اتمام حجت با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۴ - ۲

۲ خداوند در پی ارسال هر یک از پیامبران در شهرها و آبادانیها، کفرپیشگان را به سختی تنگدستی و رنج و اندوه گرفتار ساخت.

و ما أرسلنا فی قریه من نبی إلا أخذنا أهلها بالبأساء والضراء

با توجه به دو آیه بعد (ولو أن أهل القری . . .) معلوم می شود گرفتار ساختن امتهای گذشته به بلاها و سختیها در صورتی بوده که آنان با تبلیغ و ارشاد پیامبران خویش ایمان نمی آوردند و همچنان بر کفرورزی پافشاری داشتند. در این مرحله آنها را گرفتار می ساخت تا شاید متنبه شوند. بنابراین جمله <أخذنا أهلها ... > مقید می شود به <إذا لم يؤمنوا و لم يتقوا >

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۵ - ۱۹

۱۹- نزول عذاب بر کفرپیشگان، پس از اتمام حجت است.

و ما منع الناس أن يؤمنوا إذ جاءهم الهدی . . . أو یأتیهم العذاب قبلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۸ - ۴

۴- هلاکت جوامع کفرپیشه و تکذیب گر تاریخ، نتیجه عملکرد خود آنها و پس از اتمام حجت الهی بر

ثم أرسلنا .. بأيتنا و سلطن مبین ... فکذبوهما فکانوا من المهلکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۵ - ۵

۵ - عذاب ابدی دوزخ دامنگیر کافران ، پس از اتمام حجت های الهی بر آنان

الم تکن ءایتی تتلی علیکم فکنتم بها تکذبون

آیه یاد شده، بیانگر این حقیقت است که خداوند، کافران را بی دلیل محکوم به عذاب ابدی دوزخ نکرده؛ بلکه ابتدا با بیان آیات خود، حجت را بر آنان تمام نموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۱۶

۱۶- کیفر الهی در مورد کافران ، پس از اتمام حجت و تبیین حق برای آنان

إنّ الذین کفروا و .. من بعد ما تبیین لهم الهدی ... و سیحط أعمالهم

در صورتی که <سیحط..> عنوان کیفر داشته باشد؛ تعبیر <من بعد ما تبیین...> بیانگر اتمام حجتی است که قبل از اعمال مجازات، صورت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، موظف به واگذاری کافران حق ناپذیر ، باطل گرا و بازیگر به حال خود ، پس از اتمام حجت به آنان

فذرهم یخوضوا و یلعبوا

<خوض> (مصدر <یخوضوا>) در اصل به معنای حرکت در آب است؛ ولی در مواردی به کار می رود که انسان، غوطهور در مسائل باطل و ناپسند می شود؛ مانند همین آیه که کافران، سخنان ناروایی درباره اسلام و پیامبر(ص) بر زبان می آوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینہ

۱ - کافران ، چه اهل کتاب باشند و چه مشرک ، بدون اتمام حجت رها نخواهند شد .

لم يكن الذين كفروا من أهل الكتب و المشركين منفكين حتى تأتيمهم البيئه

<منفك>، به معنای منفصل است. مفاد آیه شریفه، کنار نبودن کافران از قانون فراگیر <اتمام حجت> و <آمدن بیینه> است.

۲ - اتمام حجت بر تمام کافران (یهود ، نصارا ، مجوس و مشرکان) و رساندن برهان آشکار به آنان ، سنتی الهی است .

لم يكن ... منفكين حتى تأتيمهم البيئه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بیینه - ۹۸ - ۴ - ۹

۹ - جدایی کافران اهل کتاب و مشرکان از حرکت اسلام گرایانه دیگر هم کیشان خود ، پس از اتمام حجت بر آنان بود .

و ما تفرّق الذين أوتوا الكتب إلا من بعد ما جاءتهم البيئه

در برداشت یاد شده <الذين أوتوا الكتاب> همان <الذين كفروا> در آیه اول، دانسته شده است؛ با این فرض که مراد از آنان، کسانی اند که پس از ظهور اسلام، به آن کافر شدند.

اتمام حجت با کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۷ - ۳

۳ - اتمام حجت خداوند از طریق کتاب های آسمانی ، هموارکننده راه مجازات کافران *

و کتب مسطور .. إن عذاب ربك لوقع

در آیات پیشین سخن از <کتاب مسطور> (تورات یا کتاب های آسمانی) به میان آمده است. ارتباط <إن عذاب...> با <کتاب مسطور>، می تواند بیانگر مطلب بالا باشد.

اتمام حجت با گمراهان

- آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۴ - ۱۲

۱۲ اغوای گمراهان پس از اتمام حجت بر آنان و عنادورزی ایشان ، پرتوی از ربوبیت خداوند است .

إِنَّ كَانِ اللَّهُ يَرِيدُ أَنْ يُغْوِيَكُمْ هُوَ رَبُّكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۹ - ۶

۶- کیفر گمراهان قبل از اتمام حجت ایشان ، ظلم و دور از ساحت خداوند *

وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ .. و ما أنا بظلم للعبيد

برداشت بالا بدان احتمال است که دو بخش این آیه، متفرع بر <قد قدمت..> باشد؛ یعنی، چون قبلاً اتمام حجت بر ایشان شده است، نه حکم تغییر خواهد کرد و نه اجرای حکم ظلم تلقی خواهد شد؛ زیرا ظلم آن جا است که عقاب، بدون حجت باشد.

اتمام حجت با گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۸ - ۴

۴ جدال مجرمان در قیامت ، بی تأثیر برای تبرئه ایشان ، با وجود اتمام حجت الهی بر آنان در دنیا

قَالَ لَا تَخْتَصِمُوا لَدِيََّ وَ قَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ

اتمام حجت با مجوس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۱ - ۲

۲ - اتمام حجت بر تمام کافران (یهود ، نصارا ، مجوس و مشرکان) و رساندن برهان آشکار به آنان ، سنتی الهی است .

لَمْ يَكُنْ ... مِنْفَكِّينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ

اتمام حجت با مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۱ - ۲

۲ - اتمام حجت بر تمام

کافران (یهود ، نصارا ، مجوس و مشرکان) و رساندن برهان آشکار به آنان ، سنتی الهی است .

لم یکن . . . منفکین حتی تأتیهم البینه

اتمام حجت با مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۶ - ۵

۵- خداوند با مشرکان اتمام حجت کرده و گفتنی ها را به آنان گفته است .

قل کفی بالله شهیداً بینی و بینکم

تعبیر <کفی بالله شهیداً..>، پس از پاسخ گویی به شبهات مشرکان، به منزله قول فصل و اتمام حجت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۱ - ۲، ۱

۱ - کافران ، چه اهل کتاب باشند و چه مشرک ، بدون اتمام حجت رها نخواهند شد .

لم یکن الذین کفروا من أهل الكتب و المشرکین منفکین حتی تأتیهم البینه

<منفک>، به معنای منفصل است. مفاد آیه شریفه، کنار نبودن کافران از قانون فراگیر <اتمام حجت> و <آمدن بینه> است.

۲ - اتمام حجت بر تمام کافران (یهود ، نصارا ، مجوس و مشرکان) و رساندن برهان آشکار به آنان ، سنتی الهی است .

لم یکن . . . منفکین حتی تأتیهم البینه

اتمام حجت با معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۴ - ۱

۱ - اتمام حجت و سلب حقانیت از هرگونه اعتراض ، از اهداف فرستادن پیامبران و نزول آیات و معجزات

و لو أنا أهلكنهم بعذاب من قبله لقالوا ربنا لولا أرسلت

مراد از ضمیر در <من قبله> به قرینه <لولا أرسلت> رسول است و ممکن است

مربوط به کلمه <بینه> (در آیه قبل) باشد گرچه کلمه <بینه> مؤنث است؛ ولی به اعتبار این که به معنای برهان است، ارجاع ضمیر مذکر به آن صحیح می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۲ - ۳

۳ - تمام شدن حجت الهی بر فرعونیان ، نیازمند ارائه معجزات متعدد به ایشان *

کذبوا بآیتنا کلها

در آیات پیشین نسبت به اقوام گذشته سخن از ارائه معجزات و آیات متعدد نبود؛ اما در مورد فرعونیان سخن از معجزات متعدد به میان آمده است.

اتمام حجت با مکذبان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۸ - ۴

۴ - هلاکت جوامع کفرپیشه و تکذیب گر تاریخ ، نتیجه عملکرد خود آنها و پس از اتمام حجت الهی بر آنان

ثم أرسلنا .. بآیتنا و سلطن مبین ... فکذبوهما فکانوا من المهلکین

اتمام حجت با وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۶ - ۱

۱ - ابلاغ وحی از سوی فرشتگان ، به منظور اتمام حجت بر خلق و انذار و اخطار به آنان است .

فالمقیات ذکرًا . عذرًا أو نذرًا

<عذر> و <نذر> مصدر و به معنای <اعذار و انذار> است و نصب این دو، به جهت مفعول له بودن آنها برای <ملقیات> است و یا به سبب بدل بودن آنها، برای <ذکرًا> است. برداشت یاد شده، مبتنی بر ترکیب نخست است.

اتمام حجت با یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینہ - ۹۸ - ۱ - ۲

- ۲

اتمام حجت بر تمام کافران (یهود ، نصارا ، مجوس و مشرکان) و رساندن برهان آشکار به آنان ، سنتی الهی است .

لم یکن . . . منفکین حتی تأتیم البینه

اتمام حجت بر اعراب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۸ - ۲

۲ - اتمام حجت کامل خدا بر مردم عرب ، با فراهم آوردن هموارترین زمینه های هدایت برای آنان

و لو نزلنه علی بعض الأعجمین

اتمام حجت بر اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۲ - ۵

۵ - مجازات ملت های نیرومند و متمدن گذشته ، پس از اتمام حجت از سوی رسولان الهی

ذلک بآئیم کانت تأتیم رسلهم بالبینت فکفروا فأخذهم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۶ - ۶

۶ - مجازات اقوام مجرم ، پس از اتمام حجت و اعطای ابزار لازم شناخت ، به ایشان است .

کذلک نجزی القوم المجرمین . . . و جعلنا لهم سمعًا و أبصرًا و أفئده

تذکر به اعطای چشم ، گوش و قلب به قوم هلاک شده عاد ، در حقیقت اشاره به این است که هلاکت آنان ، پس از قرار گرفتن امکانات معرفت در اختیار ایشان و اتمام حجت بر آنان ، صورت گرفته است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۴ - ۵

۵ کیفر امت های حق ستیز در طول تاریخ ، پس از اتمام حجت الهی بر آنان

كذَّبْت قَبْلَهُمْ .. كَلَّ كَذَّبَ الرِّسْلَ فَحَقَّ وَعِيدُ

تعبیر <فحقّ وعید> می رساند که اقوام

هلاک شده، قبلاً مورد هشدار، تهدید، تذکر و اتمام حجت قرار گرفته بودند.

اتمام حجت بر اکثریت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۳ - ۳

۳ ایمان نیاوردن اکثر مردم، ریشه در حق ناپذیری آنان دارد، نه قصوری از جانب پیامبر (ص) در تبلیغ و نه ناتمام بودن برهان بر حقایق قرآن

ذلك من أنباء الغیب .. و ما أكثر الناس و لو حرصت بمؤمنین

آیه قبل بیان داشت که حقایق قرآن و الهی بودن آن امری روشن است و جمله <و لو حرصت> می رساند که پیامبر(ص) در ابلاغ دین تلاشی پی گیر داشت. این دو حقیقت بیانگر آن است که حجت بر مردم تمام است و ایمان نیاوردن آنان، نشانه حق ناپذیری ایشان است.

اتمام حجت بر امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۳ - ۵

۵- عذاب و کیفر امت ها، پس از اتمام حجت الهی بر آنان با فرستادن انبیا بود.

لقد جاءهم رسول منهم فكذبوه فأخذهم العذاب

اتمام حجت بر امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۲ - ۳

۳ - اتمام حجت خداوند به امت های پیشین، به وسیله رسولان اندازگر

و لقد أرسلنا فيهم منذرين

یادآوری فرستاده شدن پیامبران به سوی امت ها پس از ذکر گمراهی اکثریت امت ها می تواند به این نکته اشاره داشته باشد

که گمراهی اکثریت مردم، علی رغم آمدن رسولان الهی برای هدایت آنان و اتمام حجت بر ایشان بود.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۴ - ۱

۱ - خداوند ، بر همه امت های پیشین ، اتمام حجت کرده ، آنان را از برهانی آشکار ، برخوردار ساخته بود .

و ما تفرّق الذين أوْتوا الكتب إلا من بعد ما جاءتهم البینه

اتمام حجت بر انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۳ - ۴

۴ - اتمام حجت خداوند بر انسان ها ، از راه ارائه آیات و نشانه هایش بر حقانیت خود

هو الذی یریکم ءایته

یادآوری آیات و نشانه های ارائه شده از سوی خداوند به بشر پس از ذکر عذاب شدن کافران و منکران می تواند به منظور

اتمام حجت باشد.

اتمام حجت بر انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۷ - ۲

۲ نزول قرآن موجب اتمام حجت خدا بر مشرکان مکه و سایر انسانها

أنزل نه .. أو تقولوا لو أنا أنزل علينا الكتب لکننا أهدى منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۸ - ۵

۵ - خداوند و پیامبران ، خواستار هدایت تمامی انسان ها و اتمام حجت بر آنان

و ما نریهم من ءایه إلا هی أكبر من أختها

از این که خداوند، آیات و معجزات متعددی را به دست پیامبران ارائه می کند و در اثبات حقانیت پیامبران و هدایت مردم به یک معجزه اکتفا نمی کند، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف -

۱۵- قرآن و انذار های بیدارگرانه آن ، اتمام حجت الهی بر خلق

بلغ

<بلاغ> خبر برای <هَذَا>ی مقدر است. و آن اشاره به آیات هشدارگر قرآن می باشد.

۱۶- رسالت اصلی رهبران الهی ، ابلاغ پیام وحی و اتمام حجت بر خلق

فاصبر ... و لاتستعجل لهم ... بلغ

<بلاغ> سخنی در توجیه و تعلیل <فاصبر> و <لاتستعجل> است؛ یعنی، تو مأمور بلاغی و نگران فرجام کافران مباش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۱ - ۶

۶- انذار های روشن پیامبر (ص) ، اتمام حجت بر خلق و سدّ کننده راه هر گونه عذر و بهانه

إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ . وَ لَاتَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ ... إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ \$

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۳ - ۵

۵- خداوند ، حجت را بر انسان ها تمام کرده و هیچ عذری برای آنان باقی نگذاشته است .

إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۶ - ۱

۱- ابلاغ وحی از سوی فرشتگان ، به منظور اتمام حجت بر خلق و انذار و اخطار به آنان است .

فالمَلَقِيتَ ذِكْرًا . عَذْرًا أَوْ نَذْرًا

<عذر> و <نذر> مصدر و به معنای <اعذار و انذار> است و نصب این دو، به جهت مفعول له بودن آنها برای

<ملقیات> است و یا به سبب بدل بودن آنها، برای <ذکراً> است. برداشت یاد شده، مبتنی بر ترکیب نخست است.

اتمام حجت بر انسانها

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۶ - ۱

۱ نزول قرآن اتمام حجتی است برای مشرکان مکه و سایر انسانها

هذا کتب أنزل نه .. أن تقولوا إنما أنزل الكتب علی طائفین

<أن تقولوا> به تقدیر <لام> و <لا> نافیه متعلق به <أنزلناه> در آیه قبل است ؛ یعنی: <أنزلنا القرآن لئلا تقولوا .. > مخاطبان آیه همه انسانها، بجز یهود و نصارا، هستند و مشرکان مکه نیز به دلیل آیات گذشته و نیز مکی بودن سوره، مصداق مورد نظر هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۷ - ۲

۲ نزول قرآن موجب اتمام حجت خدا بر مشرکان مکه و سایر انسانها

أنزل نه .. أو تقولوا لو أنا أنزل علينا الكتب لکننا أهدی منهم

اتمام حجت بر اهل عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۳ - ۷

۷- نزول عذاب الهی (استیصال) بر امت ها ، پس از اتمام حجت با آنان خواهد بود .

قالوا بل جئناک بما کانوا فیه یمترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۷ - ۳

۳ - کافران و مشرکان تهدید شده به عذاب الهی ، از پیش انذار و اخطار شده و اتمام حجت شده بودند .

فساء صباح المنذرین

منظور از <منذرین> (اخطار شدگان) کافران و مشرکان اند. این تعبیر می رساند که آنان از سوی پیامبر اسلام و قرآن، انذار و

اخطار شده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر

۱ - خداوند ، پیش از عذاب کردن مردم ، آنان را از راه نشان دادن آیات و نشانه های خود هدایت کرده و با آنها اتمام حجت می کند .

لو أن الله هدى لكنت من المتقين . . . بلی قد جاءتك آیتی فکذبت بها

<بلی > حرف جواب است و در این آیه برای اثبات چیزی می باشد که مورد انکار قرار گرفته است ؛ زیرا کافران هدایت کردن خدا را منکر شده و می گفتند: اگر خدا ما را هدایت می کرد، ما از تقوای پیشگان بودیم. خداوند این سخن را رد می کند و می فرماید: آری آیات ما برای هدایتتان آمد ؛ ولی شما آنها را تکذیب کردید.

اتمام حجت بر اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۰ - ۴

۴ خداوند حجت را بر اهل کتاب در مورد رسالت پیامبر(ص) به وسیله کتب آسمانی آنان تمام کرده است.

الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه کما یعرفون أبناءهم . . . فهم لا یؤمنون

با توجه به اینکه منبع و منشأ شناخت اهل کتاب به پیامبر(ص) تورات و انجیل بوده و آنها منکر رسالت آن حضرتند، پس تورات و انجیل وسیله اتمام حجت الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۹ - ۹

۹ بعثت پیامبر (ص) ، اتمام حجت خداوند بر اهل کتاب

ان تقولوا ما جاءنا من بشیر و لاندیر فقد جاءکم بشیر و نذیر

<ان تقولوا > به تقدیر <لام > تعلیل و <لا > نافیة است ؛ یعنی لثلا تقولوا.

اتمام حجت بر اهل مدین

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۳ - ۳،۴

۳ خداوند پیش از نزول عذاب بر مردم مدین با ارسال شعیب و ابلاغ پیام های خویش بر آنان اتمام حجت کرد .

لقد أبلغتكم رسلت ربي و نصحت لكم

۴ شعیب (ع) هنگام خروجش از میان مردم مدین ، اتمام حجت الهی بر آنان را به ایشان گوشزد کرد .

فتولى عنهم و قال يقوم لقد أبلغتكم رسلت ربي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۳ - ۶

۶ شعیب (ع) پس از اتمام حجت بر مردم و لجاجت پیشگی آنان ، در انتظار سرنوشت شوم آنان بود .

وارتقبوا إني معكم رقيب

<رقيب> در آیه شریفه به معنای منتظر است.

اتمام حجت بر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۷ - ۳

۳ - پدید آمدن اختلاف در میان بنی اسرائیل ، در پی اتمام نعمت و حجت الهی بر آنان

و لقد آتينا بنی إسرئیل الکتب و الحکم . . . و آتینهم بینت من الأمر فما اختلف

اتمام حجت بر جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۳ - ۴

۴ - خداوند ، حجتش را بر دوزخیان در دنیا تمام کرده است .

هذه جهنم التي كنتم توعدون

اتمام حجت بر حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۱

۱ - بستن راه بهانه جویی کافران و حق ستیزان (به این که

چرا برای مرسولی نفرستادی (به هنگام گرفتار شدن به عذاب ، از اهداف رسالت پیامبر (ص)

و لولا أن تصيبهم مصيبة بما قدمت أيديهم فيقولوا ربنا لولا أرسلت إلينا رسولا

جواب <لولا> در <لولا> أن تصيبهم مصيبة.. < حذف شده و تقدیر آن چنین است: <لولا> أن تصيبهم مصيبة... لَمَا أرسلناك إليهم>. گفتنی است که آیه پیش، هدف از بعثت پیامبر(ص) را تنبّه و بیداری مردم بیان کرده است. بنابراین آیه یاد شده بیانگر یکی دیگر از هدف های رسالت پیامبر(ص) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۶ - ۲

۲ - مسؤولیت پیامبران الهی ، تا سر حد اتمام حجت بر حق گریزان است ، نه فزون تر از آن .

فما تغن النذر . فتولّ عنهم

تفریع <تولّ عنهم> بر <ما تغن النذر> بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۶ - ۳

۳ - نزول عذاب الهی بر حق ستیزان ، از پی اتمام حجت بر ایشان

إنّا أرسلنا عليهم .. و لقد أنذرهم بطشتنا فتماروا بالّنذر

اتمام حجت بر عرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۱

۱ - عربی بودن قرآن ، اتمام حجت خداوند بر مردم عرب است .

و لو جعلنه قرءاناً أعجمياً لقالوا لولا فصلت ءآيته

اتمام حجت بر فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- کيفر سخت و هلاکت بار فرعون و فرعونيان از سوى خداوند ، پس از

اتمام حجت با آنان بود .

و لقد آتينا موسى تسع آيات .. فأراد أن يستفزهم ... فأغرقناه و من معه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۶ - ۶

۶ هلاکت فرعون و قومش ، پس از اتمام حجت خدا با آنان به وسیله موسی و هارون (ع) بوده است .

فقلنا اذهبا إلى القوم الذين كذبوا بآيتنا فدمرناهم تدميراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۰ - ۱

۱ - اقدام الهی ، به کیفر دادن فرعون و لشکریان او ، پس از اتمام حجت بر ایشان

أرسلناه إلى فرعون بسلطن مبین . فتولّى برکنه ... فأخذناه و جنوده

اتمام حجت بر فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۶ - ۱

۱ خداوند پس از ارائه معجزات متعدد و اتمام حجت بر فرعونیان ، آنان را در دریا غرق کرد .

فانتقمنا منهم فأغرقناهم فی الیم

<الیم> در لغت به معنای دریا و رودخانه بزرگ است و <ال> در <الیم> برای عهد می باشد و چنانچه بسیاری از مفسران گفته اند اشاره به دریای سرخ دارد. برخی دیگر از مفسران آن را اشاره به رودخانه نیل دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۳ - ۵

۵- کیفر سخت و هلاکت بار فرعون و فرعونیان از سوی خداوند ، پس از اتمام حجت با آنان بود .

و لقد آتينا موسى تسع آيات . . . فأراد أن يستفزهم ... فأغرقناه و من معه

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۶ - ۶

۶ هلاکت فرعون و قومش ، پس از اتمام حجت خدا با آنان به وسیله موسی و هارون (ع) بوده است .

فقلنا اذہبا إلی القوم الذین کذبوا بآیتنا فدمرناہم تدمیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۰ - ۱

۱ - اقدام الہی ، به کیفر دادن فرعون و لشکریان او ، پس از اتمام حجت بر ایشان

أرسلنا إلی فرعون بسلطن مبین . فتولّی برکنہ ... فأخذنہ و جنودہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۲ - ۳،۵

۳ - تمام شدن حجت الہی بر فرعونیان ، نیازمند ارائه معجزات متعدد به ایشان *

کذبوا بآیتنا کلہا

در آیات پیشین نسبت به اقوام گذشته سخن از ارائه معجزات و آیات متعدد نبود؛ اما در مورد فرعونیان سخن از معجزات متعدد به میان آمده است.

۵ - مجازات سریع فرعونیان از سوی خداوند ، پس از تمام شدن حجت بر ایشان

کذبوا بآیتنا کلہا فأخذنہم أخذ عزیز مقتدر

عطف <فأخذناہم> بر <کذبوا>، نشانگر آن است که خداوند، پس از این که فرعونیان تمام معجزات را تکذیب کردند، به آنان مهلت نداد؛ بلکه بلافاصله اقدام به نابودی آنها نمود.

اتمام حجت بر قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۳ - ۴

۴- فراهم آمدن زمینه مناسب از جانب خداوند ، برای کوچ های زمستانی و تابستانی قریش ، حجتی کامل بر لزوم روی آوردن آنان به عبادت خداوند

لایلف قریش . ایلفهم

رحله الشتاء و الصيف . فليعبدوا

<لام> در <لايلاف> چه متعلق به سوره <فيل> باشد و چه به <فليعبدوا> (در اين آيه) برداشت ياد شده استفاده مي شود.

اتمام حجت بر قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۸ - ۵

۵ کافران قوم ثمود پس از تمام شدن حجت بر آنان و اصرارشان بر کفرورزی و از میان بردن ناقه صالح به هلاکت رسیدند .

قال المأذون استكبروا... فأخذتهم الرجفة

کلمه <فاء> در <فأخذتهم> نزول عذاب را بر حقایق بیان شده در آیات قبل مرتبط می سازد که از آنهاست کفرورزی قوم صالح، پی کردن ناقه و

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۹ - ۳،۵

۳ خداوند پیش از نزول عذاب بر قوم ثمود ، با ابلاغ پیام های خویش به آنان اتمام حجت کرد .

لقد أبلغتكم رساله ربي و نصحت لكم

۵ صالح (ع) هنگام خروجش از میان قوم ثمود ، اتمام حجت الهی بر آنان را به ایشان گوشزد کرد .

فتولى عنهم و قال يقوم لقد أبلغتكم رساله ربي

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - ذاريات - ۵۱ - ۴۳ - ۲

۲ - اتمام حجت خداوند بر قوم ثمود ، با اعطای مهلتی محدود به ایشان

قيل لهم تمتعوا حتى حين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - اتمام حجت الهی بر قوم ثمود ، با انذار های مکرر

کذّبت ثمود بالنّذر

برداشت یاد شده با توجه

به جمع آمدن واژه <نذر> استفاده می شود.

اتمام حجت بر قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۷ - ۳

۳ هود (ع) ، پس از ابلاغ پیام های الهی و اتمام حجت بر مردم ، خویشتن را مسؤول اعراض آنان نمی دانست .

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ مَا أُرْسَلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ

روشن است که جمله <فقد أبلغتكم ..> نمی تواند جواب شرط <فإن تولوا ...> باشد زیرا هود(ع) رسالت خویش را ابلاغ کرده بود چه مردم اعراض کنند و چه ایمان آورند بلکه آن جمله سبب جواب و جانشین آن می باشد یعنی، اگر اعراض کنید، من مسؤولیتی ندارم و مؤاخذه ای بر من نیست زیرا آنچه را که به خاطر آن به سوی شما فرستاده شده بودم، به شما ابلاغ کردم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۹ - ۳

۳ - نزول عذاب بر قوم عاد ، نتیجه عملکرد و اصرار آنان بر کفر پس از اتمام حجت بر ایشان بوده است .

إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ .. فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۸ - ۶

۶ - عذاب الهی در مورد قوم عاد ، پس از انذار های مکرر و اتمام حجت بر آنان بود .

فکیف کان عذابی و نذر

عطف <نذر> بر <عذابی>، ممکن است بیانگر این معنا باشد که عذاب الهی در حق کافران، بدون انذارهای مکرر و تمام شدن حجت بر آنان نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۱ - ۳

۳ - ابتلای قوم عاد به عذاب الهی ، پس از انذار های مکرر و اتمام حجت بر آنان

فکیف کان عذابی و نذر

عطف <نذر> بر <عذابی>، ممکن است بیانگر این معنا باشد که عذاب الهی در حق کافران، بدون انذارهای مکرر و اتمام حجت نبوده است. گفتنی است که <نذر> جمع <نذیر> است و <نذیر> بر دو معنا اطلاق می شود: <انذار> و <منذر>، ظاهراً در آیه شریفه، معنای اول (انذارها) مراد است.

اتمام حجت بر قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۳ - ۸

۸- نزول عذاب الهی (استیصال) بر قوم لوط ، پس از تمام شدن حجت بر آنان توسط حضرت لوط (ع) بود .

قالوا بل جننک بما کانوا فیه یمترو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۸ - ۳

۳ - نزول عذاب بر قوم لوط ، پس از انذار و اتمام حجت بر آنان بود .

فساء مطر المنذرین

قید <منذرین> بیانگر آن است که پیش از نزول عذاب، هشدارهای لازم به آنان داده شده و حجت خدا بر ایشان تمام شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۳ - ۲

۲ - اتمام حجت الهی بر قوم لوط ، با انذار های مکرر

كذبت قوم لوط بالنذر

با توجه به جمع آمدن واژه <نذر>، برداشت بالا استفاده می شود.

اتمام حجت بر قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰

۱ حضرت نوح (ع) حجت را بر قومش تمام کرده و آنان بی هیچ دلیلی از او رو گردانیده و از پذیرش دعوتش سر باز می زدند .

فإن توليتم فما سألتكم من أجر

این آیه ادامه آیه قبل است که برای بیان تحدی حضرت نوح (ع) و تمام کردن حجت خود بر قومش می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۳ - ۷

۷ خداوند ، قوم نوح را ، پیش از وقوع عذاب استیصال ، انذار کرده و به آنان هشدار داده بود .

و أغرقنا الذين كذبوا بآيتنا فانظر كيف كان عقبة المنذرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۲ - ۲

۲ - غرق شدن کافران قوم نوح از سوی خداوند ، پس از اتمام حجت بر آنان بود .

و لقد أرسلنا فيهم منذرين . فانظر كيف كان عقبة المنذرین ... و لقد نادينا نوح ...

نقل داستان نوح(ع)، در آیات پیشین، برای ارائه نمونه ای تاریخی از اقوامی است که رسولان الهی، آنان را انذار و اتمام حجت کردند؛ ولی آنان ایمان نیاورده و به سرنوشت شوم گرفتار شدند (مفاد آیه ۷۲ و ۷۳).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۶ - ۴

۴ - عذاب الهی ، در مورد قوم نوح ، پس از انذار های مکرر و اتمام حجت بر آنان بود . *

فكيف كان عذابي و نذر

عطف <نذر> بر <عذابی>، ممکن است بیانگر این معنا باشد که عذاب الهی، در حق کافران،

بدون انذارهای مکرر و اتمام حجت نبوده است. گفتنی است که <نذر> جمع <نذیر> است و <نذیر> بر دو معنا اطلاق می شود: <انذار> و <منذر>. ظاهراً در آیه شریفه معنای اول (انذارها) اراده شده است.

اتمام حجت بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴ - ۴

۴ برخی از کافران در برابر آیات و معجزات، در عین اتمام حجت خداوند بر آنان، سرسختی نشان داده و لجاجت میورزند.

و ما تأتیهم من آیه... إلا كانوا عنها معرضین

آمدن آیات و معجزات متعدد، گویای قطع عذر و اتمام حجت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۲ - ۶

۶ خداوند، کافران و گنهکاران را پس از ارائه آیات خویش و اتمام حجت بر آنان، مؤاخذه خواهد کرد.

كفروا بآیت الله فأخذهم الله بذنوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۷ - ۸

۸ وجود دلایل روشن بر توحید و حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص)، مانع هر گونه بهانه ای برای انکار آنها و موجب استحقاق کافران و مشرکان به عذاب های الهی است.

و ما أكثر الناس... بمؤمنین... و ما یؤمن أكثرهم بالله إلا و هم مشرکون. أفأمنو

حرف <فاء> در <أفأمنوا> استحقاق عذاب را بر آیه <ذلک من أنباء الغیب...> که حاوی برهان بر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر(ص) است و آیه <و کأین من آیه...> که دربردارنده دلیل بر توحید می باشد مترتب

کرده است؛ یعنی، چون اتمام حجت شده، عذر و بهانه ای در کار نیست و کفرپیشگان مستحق عذابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۰ - ۱۳

۱۳ خداوند، کفرپیشگان را پس از اتمام حجت حسابرسی می کند و به مجازات می رساند.

فإنما عليك البليغ و علينا الحساب

وقوع جمله <و علينا الحساب> که گویای حسابرسی و مجازات کفرپیشگان است پس از <إنما عليك البليغ> که گویای ابلاغ و اتمام حجت است می رساند که خداوند پیش از ابلاغ دین و اتمام حجت، کافران را مجازات نمی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳ - ۴

۴ - نگرانی برای کافران، پس از ابلاغ آیات روشن الهی به آنان موردی ندارد.

تلک ءایة الکتب المبین . لعلک بخع نفسک ألا یكونوا مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۶ - ۲

۲ - کیفر کافران، به دنبال اتمام حجت های مکرر بر آنان

ثم جاءهم ما كانوا یوعدون

<كانوا یوعدون> ماضی استمراری و بیانگر آن است که خداوند، حجت خویش را بر کافران بارها تمام کرده و مرتباً آنان را به فرجام شوم کفرورزی هشدار داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۹ - ۲

۲ - کیفر جوامع کفرپیشه، پس از انذار های متعدد و یادآوری مکرر ارزش ها است.

و ما أهلكنا من قریه إلا لها منذرون . ذکری

- فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۲ - ۷

۷ - اقدام خداوند به اتمام حجت بر کافران ، پیش از فرستادن عذاب بر آنان

أخرجنا لهم دابة من الأرض تكلمهم

ارائه معجزه به کافران، پیش از هلاک ساختن آنان با <عذاب استیصال>، می تواند برای این باشد که حجت خدا بر آنان تمام شود و آنان هیچ عذری نداشته باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۱،۲

۱ - بستن راه بهانه جویی کافران و حق ستیزان (به این که چرا برای مارسولی نفرستادی) به هنگام گرفتار شدن به عذاب ، از اهداف رسالت پیامبر (ص)

و لولا أن تصيبهم مصيبة بما قدمت أيديهم فيقولوا ربنا لولا أرسلنا إلينا رسولا

جواب <لولا> در <لولا- أن تصيبهم مصيبة..> حذف شده و تقدیر آن چنین است: <لولا- أن تصيبهم مصيبة... لَمَا أرسلناك إليهم>. گفتنی است که آیه پیش، هدف از بعثت پیامبر(ص) را تَبَّه و بیداری مردم بیان کرده است. بنابراین آیه یاد شده بیانگر یکی دیگر از هدف های رسالت پیامبر(ص) می باشد.

۲ - فرستادن رسولان ، اتمام حجت الهی بر کافران

و لولا أن تصيبهم مصيبة... و نكون من المؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۶ - ۲

۲ - عذاب شدن کافران تکذیب گر پس از اتمام حجت و ارائه معجزات و دلایل آشکار و کتاب های روشنگر بوده است .

كذب الذين من قبلهم جاءتهم رسلهم بالبينت .. ثم أخذت الذين كفروا فكيف كان نك

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۷ - ۷

۷ - مجازات الهی برای کافران ، پس از اتمام حجت و دادن فرصت مناسب و عمر کافی برای شناخت و پذیرش دین و تعالیم آسمانی خواهد بود .

أولم نَعْمَرَكُم ما يتذَكَّرُ فيه من تذكَّر و جاءكم النذير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۰ - ۱۰

۱۰ - قرآن ، وسیله اتمام حجت بر کافران و تحقق بخش وعده الهی درباره آنان است .

و قرآن مبین . لینذر ... و يحقّ القول على الكافرين

از عطف جمله < و يحقّ الحقّ .. > بر جمله < لینذر > که لام در این جمله برای تعلیل است برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۷ - ۳

۳ - کافران و مشرکان تهدید شده به عذاب الهی ، از پیش انذار و اخطار شده و اتمام حجت شده بودند .

فساء صباح المنذرين

منظور از < منذرين > (اخطار شدگان) کافران و مشرکان اند. این تعبیر می رساند که آنان از سوی پیامبر اسلام و قرآن، انذار و اخطار شده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۹ - ۲

۲ - با شناخت آیات و نشانه های خداوند ، هیچ عذری از کافران و منکران خداوند پذیرفته نیست .

لو أنّ الله هدینى لکنت من المتّقين .. بلی قد جاءتك ءایتی فکذّبت بها

آیه شریفه، پاسخی است به ادعای کافران که می گفتند: اگر خداوند ما را هدایت می کرد، ما با تقوا می شدیم و قهراً

گرفتار عذاب نمی گشتیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۲۲

۲۲ - عذاب کافران ، پس از اتمام حجت الهی بر آنان خواهد بود .

ألم یأتکم رسل منکم یتلون علیکم آیت ربکم .. قالوا بلی و لکن حقت کلمه العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶ - ۴

۴ - عذاب کافران ، پس از اتمام حجت الهی بر آنان خواهد بود .

ما یجدل فی آیت الله إلا الذین کفروا .. کذبت قبلهم قوم نوح ... و كذلك حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۰ - ۶

۶ - بغض و دشمنی شدید خداوند نسبت به کافران حق ناپذیر ، پس از اتمام حجت و دعوت مکرر آنان به ایمان است .

لمقت الله أكبر .. إذ تدعون إلى الإیمن فتکفرون

آمدن فعل های مضارع < تدعون > و < تکفرون > بر استمرار دلالت دارد، یعنی، شما همواره به ایمان فراخوانده می شدید و ولی به جای ایمان آوردن، به طور مستمر کفر میورزیدید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۲ - ۲

۲ - عذاب شدن کافران و مشرکان در قیامت ، پس از اتمام حجت و دعوت شدن آنان به ایمان از سوی خداوند

ذلکم بآئه إذا دعی الله وحده کفرتم و إن یشرک به تؤمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۰ - ۶

۶ - کیفر الهی کافران دوزخی ، پس از ابلاغ پیام الهی

و اتمام حجت از سوی رسولان است .

أَوَلَمْ تَكُ تَأْتِيكُمْ رَسُولُكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا بَلَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۵ - ۲

۲ - انتقام الهی از کافران ، پس از احتجاج و اتمام حجت بر آنان

و كذلك ما أرسلنا .. قل أو لو جئتمكم ... فانتقمنا منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۹ - ۵

۵ - مهلت الهی به کافران و مشرکان ، برای اتمام حجت بر آنان

بل متعت هؤلاء و آباءهم حتى جاءهم الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۸ - ۸

۸ - عذاب های الهی بر کافران ، پس از اتمام حجت و ارائه آیات به ایشان

و ما نريهم من آية .. و أخذنهم بالعذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۳ - ۷

۷ - نزول عذاب بر کافران ، پس از اتمام حجت بر ایشان با دلایل روشن

يغشى الناس هذا عذاب أليم .. و قد جاءهم رسول مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۹ - ۲

۲ پیامبر (ص)، مأمور به برگزیدن شیوه صبر و انتظار در برابر کافران، در پی اتمام حجت بر ایشان *

فَأْتِمَا يَسْرِنَه .. فارتقب

با توجه به شرایط دشوار پیامبر(ص) در مکه، چه بسا تعبیر <فارتقب> بیانگر لزوم صبر و انتظار تا لحظه تغییر شرایط است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه -

۳ - کیفر الهی برای کافران ، پس از اتمام حجت بر ایشان

تتلی علیه .. فبشّره بعذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۱ - ۴

۴ - کیفر کافران ، پس از اتمام حجت پروردگار بر ایشان

هذا هدی و الذین کفروا بایت ربهم لهم عذاب

از این که خداوند پس از بیان هدایتگری قرآن، عذاب کافران را مطرح می کند، مطلب یاد شده قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۱ - ۴

۴ - اتمام حجت الهی بر کافران در دنیا ، با تلاوت مداوم آیات وحی بر آنان

أفلم تکن ءایتی تتلی علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۱۸

۱۸ - مجازات و نابودی کافران ، پس از ابلاغ پیام حق و اتمام حجت بر آنان است .

بلغ فهل یهلك إلا القوم الفسقون

با توجه به فای <فهل> که می تواند بیانگر تفریع باشد استفاده می شود که بلاغ و اتمام حجت، همواره قبل از مجازات و

کیفر کافران صورت گرفته و می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۴ - ۲

۲ - پیامبر (ص) ، موظف به اتمام حجت بر کافران ، و نه مجبور ساختن آنان به پذیرش دین

فتولّ عنهم

<فاء> می رسانند که علت سلب مسؤولیت از پیامبر(ص) این است که بر کافران حجت تمام گشته و آنان از سر طغیان کفر میوزند و نه به خاطر نادانی.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۶۰ - ۶

۶ - کیفر کافران ، در پی اتمام حجت بر ایشان با هشدار های مکرر

فویل للذین کفروا من یومهم الذی یوعدون

تعبیر <یوعدون> (با فعل مضارع) بیانگر وعیدهای مستمر و مکرر است که قبل از مجازات و کیفر کافران، به ایشان داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۷ - ۳

۳ - اتمام حجت خداوند از طریق کتاب های آسمانی ، هموارکننده راه مجازات کافران *

و کتب مسطور .. . إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوْع

در آیات پیشین سخن از <کتاب مسطور> (تورات یا کتاب های آسمانی) به میان آمده است. ارتباط <إِنَّ عَذَابَ...> با <کتاب مسطور>، می تواند بیانگر مطلب بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۵ - ۳

۳ - وظیفه پیامبر (ص) ، اتمام حجت بر کافران لجوج و حق ناپذیر است ؛ و نه پافشاری بر هدایت آنان .

فذكر .. فذرهم

در آیات پیشین، پیامبر(ص) موظف به تذکر و تبلیغ شد؛ ولی پس از بیان حقایق، فرمان <فذرهم> پایان وظیفه تبلیغ را به آن حضرت اعلام می دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴ - ۱،۵

۱ - اتمام حجت خداوند بر کافران ، با ابلاغ اخبار هشداردهنده و عبرت آمیز به آنان

و لقد جاءهم من الأنباء ما فيه مزدجر

<مزدجر> مصدر میمی و به معنای اتعاض و پندپذیری است. <مافیة مزدجر> یعنی، اخباری که برای بیدار شدن و پندآموزی کافی

است.

۵ - تحقق مجازات های الهی بر کافران ، پس از اتمام حجت بر ایشان

و کَلَّ أمر مستقرّ . و لقد جاءهم من الأنباء ما فيه مزدجر

در صورتی که تعبیر <و کَلَّ أمر مستقرّ> کنایه از عذاب و کیفر حتمی کافران باشد، در پی آمدن <و لقد جائهم..>، توضیحی است بر این که کیفر آنان، بدون اتمام حجت صورت نگرفته و نمی گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۶ - ۲

۲ - عذاب و کیفر خداوند درباره کافران ، پس از اتمام حجت و ارائه دلایل روشن بوده است .

تأتیهم رسلهم بالبینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۹ - ۲

۲ - کافران دوزخی ، از کسانی اند که پس از اتمام حجت و از روی عمد ، راه کفر و انکار را در پیش گرفته و به تکذیب دین پرداختند .

قالوا بلی قد جاءنا نذیر فکذبنا

اتمام حجت بر کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۵ - ۱

۱- کافران مکه با انکار آیات الهی پس از اتمام حجت بر ایشان مستحق نابودی و عذاب بودند .

و لو أَنَا أَهْلُکنهم .. فستعلمون من أصحاب الصراط السوی و من اهتدی

اتمام حجت بر گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ لزوم اتکای مبلغان الهی بر خداوند و نگران نبودن بر حق ناپذیری گمراهان ، پس از اتمام حجت بر آنان

فإن تولوا فقل حسبی

اللّٰه .. عليه توكلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۳۰ - ۲

۲ - لزوم ارشاد و هدایت گمراهان ، تا مرحله اتمام حجت و احتمال اثر است .

فأعرض عنهم

<فاء> در <فأعرض> ممکن است فصیحه باشد، یعنی، حال که روشن شد که آنان تا آخرین لحظات، ایمان نخواهند آورد و در لحظه آخر هم ایمانشان سودی ندارد، به حال خود رهایشان کن و دیگر ادامه نده!

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۲

۲ - جواز وانهادن گمراهان به خود ، پس از اتمام حجت بر آنان و حق ناپذیری ایشان

فذرهم

<فاء> در <فذرهم>، می رساند که پس از اتمام حجت ادامه تبلیغ ضروری نیست.

اتمام حجت بر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۲ - ۶

۶ خداوند ، کافران و گنهکاران را پس از ارائه آیات خویش و اتمام حجت بر آنان ، مؤاخذه خواهد کرد .

كفروا بايت الله فأخذهم الله بذنوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۶ - ۶

۶- مجازات اقوام مجرم ، پس از اتمام حجت و اعطای ابزار لازم شناخت ، به ایشان است .

كذلك نجزي القوم المجرمين .. و جعلنا لهم سمعًا و أبصرًا و أفئده

تذکر به اعطای چشم، گوش و قلب به قوم هلاک شده عاد، در حقیقت اشاره به این است که هلاکت آنان، پس از قرار گرفتن امکانات معرفت در اختیار ایشان و اتمام حجت بر آنان، صورت گرفته است.

اتمام حجت بر مجرمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۸ - ۱

۱ - ابتلای مجرمان به عذاب دوزخ ، پس از ابلاغ حق و اتمام حجت الهی بر ایشان در دنیا است .

إِنَّكُمْ مَكْنُونٌ . لَقَدْ جِئْتَكُمْ بِالْحَقِّ

اتمام حجت بر مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۷ - ۸

۸ وجود دلایل روشن بر توحید و حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، مانع هر گونه بهانه ای برای انکار آنها و موجب استحقاق کافران و مشرکان به عذاب های الهی است .

و ما أكثر الناس .. بمؤمنین ... و ما يؤمن أكثرهم بالله إلا و هم مشرکون . أفأمنو

حرف <فاء> در <أفأمنوا> استحقاق عذاب را بر آیه <ذلک من أنباء الغیب ..> که حاوی برهان بر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر(ص) است و آیه <و کأین من آیه ...> که دربردارنده دلیل بر توحید می باشد مترتب کرده است ؛ یعنی، چون اتمام حجت شده، عذر و بهانه ای در کار نیست و کفرپیشگان مستحق عذابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۴ - ۴

۴ - تعالیم رسولان الهی برای اتمام حجت بر مشرکان کافی است ؛ هر چند که آنان ، رسالت خویش را با معجزه اثبات نکرده باشند .

و لو أَنَا أَهْلُكُمْ .. لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ

خداوند، برای عذاب مشرکان پیش از آمدن پیامبران، اعتراض قابل قبول را، در <محرومیت از آیات الهی> منحصر کرده

است، یعنی، برای پی بردن به بطلان شرک، صرف آمدن رسولان و آوردن تعالیم الهی کافی است، نه این که پس آنان از شنیدن آیات خداوند، منتظر صدور معجزه باشند و بعد از آن تا به بطلان شرک پی ببرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۹ - ۱۰

۱۰ - بعثت پیامبر اکرم (ص)، اتمام حجت خدا با مشرکان

و ما كان ربك مهلك القرى حتى يبعث في أمها رسولا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۷ - ۳

۳ - کافران و مشرکان تهدید شده به عذاب الهی، از پیش انداز و اخطار شده و اتمام حجت شده بودند.

فساء صباح المنذرین

منظور از <منذرین> (اخطار شدگان) کافران و مشرکان اند. این تعبیر می رساند که آنان از سوی پیامبر اسلام و قرآن، انداز و اخطار شده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۲ - ۲

۲ - عذاب شدن کافران و مشرکان در قیامت، پس از اتمام حجت و دعوت شدن آنان به ایمان از سوی خداوند

ذلكم بأنّه إذا دعى الله وحده كفرتم و إن يشرک به تؤمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۹ - ۵

۵ - مهلت الهی به کافران و مشرکان، برای اتمام حجت بر آنان

بل متّعت هؤلاء و ءاباءهم حتى جاءهم الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷- زخرف - ۴۳ - ۴۲ - ۵

۵- کیفردنیوی خداوند دربارہ مشرکان ،

پس از اتمام حجت بر آنان است .

أو نريئك الذی وعدنهم

از این که خداوند تحقق کیفر خویش را پس از ابلاغ وعده عذاب به مشرکان (وعدناهم) مطرح می کند، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۵ - ۳

۳ - اتمام حجت الهی بر مشرکان ، در زمینه حقانیت معاد و حیات اخروی

و قالوا ما هی إلا حیاتنا الدنیا . . . و إذا تلی علیهم آیتنا بینت

اتمام حجت بر مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۶ - ۱

۱ نزول قرآن اتمام حجتی است برای مشرکان مکه و سایر انسانها

هذا کتب أنزل نه . . . أن تقولوا إنما أنزل الکتب علی طائفین

<أن تقولوا> به تقدیر <لام> و <لا> نافیه متعلق به <أنزلناه> در آیه قبل است ؛ یعنی: <أنزلنا القرآن لئلا تقولوا . . . > مخاطبان آیه همه انسانها، بجز یهود و نصارا، هستند و مشرکان مکه نیز به دلیل آیات گذشته و نیز مکی بودن سوره، مصداق مورد نظر هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۷ - ۲

۲ نزول قرآن موجب اتمام حجت خدا بر مشرکان مکه و سایر انسانها

أنزل نه . . . أو تقولوا لو أنا أنزل علینا الکتب لکننا أهدی منهم

اتمام حجت بر مکذبان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۶ - ۲

۲ - عذاب شدن کافران تکذیب گر پس از اتمام حجت و ارائه معجزات و دلایل آشکار

و کتاب های روشنگر بوده است .

كذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ .. ثُمَّ أَخَذَتِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَكَيْفَ كَانَتْ

اتمام حجت بر مکذبان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۹ - ۲

۲ - با شناخت آیات و نشانه های خداوند ، هیچ عذری از کافران و منکران خداوند پذیرفته نیست .

لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ .. بَلَى قَدْ جَاءَتْكَ آيَاتِي فَكَذَّبْتَ بِهَا

آیه شریفه، پاسخی است به ادعای کافران که می گفتند: اگر خداوند ما را هدایت می کرد، ما با تقوا می شدیم و قهراً گرفتار عذاب نمی گشتیم.

اتمام حجت بر مکذبان نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۴ - ۵

۵ - آیات قرآن ، اتمام حجت خداوند بر منکران رسالت

أَوَّلَم تَأْتِهِم بَيِّنَةٌ .. وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِنْ قَبْلِهِ ... فَتَتَّبِعْ آيَاتِكَ

اتمام حجت بر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۴ - ۴

۴ خداوند با اعطای تورات به موسی(ع) نعمت خویش را بر وی تمام و کامل کرد.

تماما على الذى أحسن

برداشت فوق بر این اساس است که مفعول <تمام> کلمه ای مانند <نعمه> باشد ؛ یعنی: <تماما النعمه على الذى أحسن>.

اتمام حجت به اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۹ - ۱۹

۱۹ - خداوند ، امت های تکذیب کننده پیشین را ، پس از اتمام حجت با آنان ، کیفر و عقوبت کرد .

و جاءتهم

رسلهم بالبينت فما كان الله ليظلمهم

اتمام حجت به كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۷

۷ - احيای مردگان و بازگرداندن آنان به دنیا ، آيتی ديگر برای اتمام حجت با كافران زمين است .

أخرجنا لهم دابّة من الأرض .. و يوم نحشر من كلّ أمّة فوجًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۸ - ۶

۶ - عذاب شدن كافران ، پس از اتمام حجت با آنان است .

و إذا أخذنا من النبيّن ميثقهم .. ليستل ... و أعدّ للكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۳ - ۹

۹ - مشركان و كفرپيشگان ، پس از اتمام حجت بر آنان ، در معرض گرفتار آمدن به عذاب استيصال اند .

فإن أعرضوا فقل أنذرتكم صعقه مثل صعقه عاد و ثمود

اتمام حجت به گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۷ - ۹

۹ - نزول عذاب بر جوامع ضلالت پيشه ، پس از اتمام حجت الهی بر آنان

فهدينهم فاستحبوا العمى .. فأخذتهم صعقه العذاب

اتمام حجت به مستكبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۶ - ۸

۸ - عذاب دنیایی جوامع مستکبر ، پس از اتمام حجت و در پی آشکار شدن حق ناپذیری و عناد آنان است .

إذ جاءتهم الرسل . . . و كانوا بآيتنا يجحدون . فأرسلنا عليهم ريحا

اتمام حجت به مشرکان

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۳ - ۹

۹ - مشرکان و کفرپیشگان ، پس از اتمام حجت بر آنان ، در معرض گرفتار آمدن به عذاب استیصال اند .

فإن أعرضوا فقل أندر تكم صعقه مثل صعقه عاد و ثمود

اتمام حجت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۹ - ۴

۴ - اتمام حجت خداوند بر حقانیت اسلام و رسالت پیامبر

قد بيّنّا الأيت لقوم يوقنون. إنا أرسلنك بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۰ - ۴

۴ خداوند حجت را بر اهل کتاب در مورد رسالت پیامبر(ص) به وسیله کتب آسمانی آنان تمام کرده است.

الذين ءاتينهم الكتب يعرفونه كما يعرفون أبناءهم . .. فهم لا يؤمنون

با توجه به اینکه منبع و منشأ شناخت اهل کتاب به پیامبر(ص) تورات و انجیل بوده و آنها منکر رسالت آن حضرتند، پس تورات و انجیل وسیله اتمام حجت الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۴ - ۱۰

۱۰ جریان یافتن سنت استدراج پس از اتمام حجت الهی

فلما نسوا ما ذكروا به .. أخذنهم بغته

<ما ذكروا> شامل همه مواردی می شود که می بایست موجب تنبه و بیداری می شد و تعبیر دیگر آن <اتمام حجت> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۵

۵ قرآن و اسلام پاسخگوی همه نیازهای هدایتی بشر و حجت تامه پروردگار است.

و تمت کلمت ربك

لازمه تمام بودن قرآن و در نتیجه اسلام، توان پاسخگویی

به همه نیازهاست؛ به گونه ای که به بیرون از خود نیازی نداشته باشد؛ همان گونه که راغب می گوید: <تمام .. انتهایه
إلی حد لا یحتاج إلی شیء خارج عنه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۹ - ۱۱

۱۱ عن أبي الحسن موسى بن جعفر (ع) في حديث طويل: .. جميع امور الاديان اربعة ... و أمر یحتمل الشك و الانكار فسييله
استيضاح اهله لمنتحليه بحجه من كتاب الله مجمع على تاويلها و سنه مجمع عليها لا اختلاف فيها، او قياس تعرف العقول عدله و
لا يسع خاصه الامه و عامتها الشك فيه و الانكار له ... فمن اورد واحده من هذه الثلاث فهي الحجه البالغه التي بينها الله في قوله
لنبيه: ... <قل فله الحجه البالغه ... >

از امام کاظم (ع) در ضمن حدیثی طولانی روایت شده است: .. امور ادیان چهار گونه است: ... یکی امری است که احتمال
شک و انکار در آن است و راه آن، این است که از معتقدین به آن توضیح خواسته شود (تا دلیل آورند) به وسیله حجتی از
کتاب خدا که معنای آن مورد اجماع باشد یا با سنتی که اختلاف در آن نباشد و یا با قیاسی که عقل صحت آن را تأیید و
قابل انکار و شک هیچکس نباشد ... هر کس یکی از این سه حجت را بیاورد این همان حجت بالغه است که خداوند در
قرآن برای پیامبر خود فرموده است: <قل فله الحجه البالغه ... >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ نزول قرآن موجب اتمام حجت خدا بر مشرکان مکه و سایر انسانها

أنزل نه .. أو تقولوا لو أنا أنزل علينا الكتب لكانا أهدى منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۱۸

۱۸ خداوند بدون اتمام حجت، بندگان متخلف را توبیخ نخواهد کرد.

ألم أنهكما عن تلكما الشجرة و أقل لكما إن الشيطان لكما عدو مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۹ - ۳،۵

۳ خداوند پیش از نزول عذاب بر قوم ثمود، با ابلاغ پیام های خویش به آنان اتمام حجت کرد .

لقد أبلغتكم رساله ربي و نصحت لكم

۵ صالح (ع) هنگام خروجش از میان قوم ثمود، اتمام حجت الهی بر آنان را به ایشان گوشزد کرد .

فتولى عنهم و قال يقوم لقد أبلغتكم رساله ربي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۱ - ۲

۲ کافران قوم شعیب پس از تمام شدن حجت الهی بر آنان و اصرارشان به کفرورزی و مبارزه با شعیب و مؤمنان به وی، به هلاکت رسیدند .

قال الملائه .. فأخذتهم الرجفه

کلمه <فا> در <فأخذتهم> نزول عذاب را بر قضایای بیان شده در آیات قبل مرتبط می سازد و از آن قضایاست، کفرورزی مردم مدین، مبارزه آنان با شعیب و در آخر دعای شعیب که خواهان داوری خداوند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷- ۹۳- ۳

۳ خداوند

پیش از نزول عذاب بر مردم مدین با ارسال شعیب و ابلاغ پیام های خویش بر آنان اتمام حجت کرد .

لقد أبلغتكم رسلت ربي و نصحت لكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۲ - ۶

۶ خداوند ، کافران و گنهکاران را پس از ارائه آیات خویش و اتمام حجت بر آنان ، مؤاخذه خواهد کرد .

كفروا بايت الله فأخذهم الله بذنوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۷ - ۸،۹

۸ بعثت پیامبران ، اتمام حجت خداوند بر مردم است .

فإذا جاء رسولهم قضی بینهم بالقسط

۹ نزول عذاب استیصال ، همواره پس از تمام شدن حجت خدا بر مردم است .

فإذا جاء رسولهم قضی بینهم بالقسط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۴ - ۱۲

۱۲ اغوای گمراهان پس از اتمام حجت بر آنان و عنادورزی ایشان ، پرتوی از ربوبیت خداوند است .

إن كان الله يريد أن يغويكم هو ربكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۰ - ۱۳

۱۳ خداوند ، کفرپیشگان را پس از اتمام حجت حسابرسی می کند و به مجازات می رساند .

فإنما عليك البليغ و علينا الحساب

وقوع جمله <و علينا الحساب> که گویای حسابرسی و مجازات کفرپیشگان است پس از <إنما عليك البلاغ> که گویای ابلاغ و اتمام حجت است می رساند که خداوند پیش از ابلاغ دین و اتمام حجت ، کافران را مجازات نمی کند.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۵ - ۱۴

۱۴- اتمام حجت خداوند پیش از فرستادن عذاب بر ستمگران

یوم یأتیهم العذاب . . . و سکنتم فی مسکن الذین ظلموا أنفسهم و تبین لکم کیف فعلنا

اینکه خداوند فرمود: ما چگونه برخورد خود با ستمگران را برای شما بیان کردیم (تبیین لکم کیف فعلنا بهم)، می تواند بیانگر اتمام حجت خداوند برای همه ستمگران پیش از عذاب باشد، به ویژه اینکه خداوند این سخن را در پاسخ مهلت خواهی آنان می فرماید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۲ - ۸

۸- اتمام خداوند به هدایت انسان ها در طول تاریخ و اتمام حجت بر آنان

و لقد أرسلنا من قبلك فی شیع الأولین . . . كذلك نسلک فی قلوب المجرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۳ - ۵

۵- نزول عذاب الهی ، پس از اتمام حجت و ارائه معجزات و نشانه های خداوندی است .

و آتینهم آیتنا فکانوا عنها معرضین . . . فأخذتهم الصیحه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۷، ۱۶

۷- وجود انسان های شایسته و متعالی در هر عصر و در میان هر گروه ، مایه اتمام حجت خداوند بر دیگران است .

و یوم نبعث فی کل أمه شهیداً علیهم من أنفسهم

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که منظور از شهادت و گواهی، شهادت و گواهی قولی نباشد؛ بلکه شهادت عملی باشد؛ یعنی، وجود صالحان خود وسیله ای قرار گیرد برای اتمام حجت بر دیگران و اینکه آنان

نیز می توانستند صالح باشند.

۱۶- ارائه بهترین برنامه به انسان (قرآن) ، اتمام حجت خداوند بر آدمیان

و یوم نبعث فی کلِّ أمّه شهیداً .. و نزلنا علیک الکتب تبییناً لكلّ شیء و هدّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۳ - ۵

۵- عذاب و کیفر امت ها ، پس از اتمام حجت الهی بر آنان با فرستادن انبیا بود .

لقد جاءهم رسول منهم فکذبوه فأخذهم العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۶ - ۵

۵- خداوند با مشرکان اتمام حجت کرده و گفتنی ها را به آنان گفته است .

قل کفی بالله شهیداً بینی و بینکم

تعبیر <کفی بالله شهیداً..>، پس از پاسخ گویی به شبهات مشرکان، به منزله قول فصل و اتمام حجت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۶ - ۵

۵ - خداوند ، حجت خویش را بر همه حتی بر امثال فرعون تمام می کند .

و لقد أرینہ ءایتنا کلّها فکذب و أبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۴ - ۱،۴،۵

۱ - اتمام حجت و سلب حقانیت از هرگونه اعتراض ، از اهداف فرستادن پیامبران و نزول آیات و معجزات

و لو أنّا أهلکنهم بعذاب من قبله لقالوا ربّنا لولا أرسلت

مراد از ضمیر در <من قبله> به قرینه <لولا أرسلت> رسول است و ممکن است مربوط به کلمه <بینه> (در آیه قبل) باشد
گرچه کلمه <بینه> مؤنث است؛ ولی به اعتبار این

که به معنای برهان است، ارجاع ضمیر مذکر به آن صحیح می باشد.

۴ - تعالیم رسولان الهی برای اتمام حجت بر مشرکان کافی است؛ هر چند که آنان، رسالت خویش را با معجزه اثبات نکرده باشند.

و لو انا اهلکنهم .. لقالوا ربنا لولا ارسلت إلینا رسولا فنتبع ایتک

خداوند، برای عذاب مشرکان پیش از آمدن پیامبران، اعتراض قابل قبول را، در <محرومیت از آیات الهی> منحصر کرده است؛ یعنی، برای پی بردن به بطلان شرک، صرف آمدن رسولان و آوردن تعالیم الهی کافی است، نه این که پس آنان از شنیدن آیات خداوند، منتظر صدور معجزه باشند و بعد از آن تا به بطلان شرک پی ببرند.

۵ - آیات قرآن، اتمام حجت خداوند بر منکران رسالت

أولم تأتھم بینه .. و لو انا اهلکنهم بعذاب من قبله ... فنتبع ایتک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۸ - ۳

۳ - خداوند، به هر جامعه بی دادگری، پیش از نزول عذاب، فرصت می داد تا شاید متنبه شوند و دست از مخالفت و مبارزه با پیامبرشان بردارند.

و کأین من قریه أملت لها و هی ظالمة ثم أخذتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۹ - ۱،۴

۱ خداوند، پیش از هلاکت تکذیب کنندگان موسی (ع) و اقوام نوح، عاد، ثمود و اصحاب رسّ برای اتمام حجت و عبرت آموزی آنان، مثل های روشنگرانه ای زده بود.

فقلنا اذهبوا إلى القوم الذین کذبوا بآیتنا .. و

قوم نوح ... و عادًا و ثمودا و

۴ هلاکت و نابودی اقوام و ملت ها از سوی خداوند ، همواره پس از اتمام حجت و ارائه طریق است .

و كَلَّا ضَرَبْنَا لَهُ الْأَمْثِلَ وَ كَلَّا تَبَرَّنَا تَتَبِيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۸ - ۲

۲ - اتمام حجت کامل خدا بر مردم عرب ، با فراهم آوردن هموارترین زمینه های هدایت برای آنان

و لو نَزَّلْنَاهُ عَلَىٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۸ - ۱

۱ - هلاکت و کیفر جوامع تبه کار ، همواره پس از اتمام حجت الهی بر آنان بوده است .

و ما أَهْلَكْنَا مِنْ قَرِيْبِهِ إِلَّا لَهَا مَنذْرُون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۹ - ۵

۵ - اتمام حجت الهی بر جوامع کافر پیش از نابودی آنان ، جلوه ای از عدالت خداوند است .

و ما أَهْلَكْنَا مِنْ قَرِيْبِهِ .. و ما كُنَّا ظَلْمِيْنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۹ - ۱

۱ - اقدام خداوند به برانگیختن پیامبر در میان اقوام پیشین ، قبل از نابود ساختن آنان

و ما كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكُ الْقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أُمَمٍ رَسُولًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- اتمام حجت خداوند ، بر تمامی انسان ها به وسیله پیامبران

و إن من أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - خداوند ، حجتش را بر دوزخیان در دنیا تمام کرده است .

هذه جهنم الّتی کنتم توعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۲ - ۳

۳ - اتمام حجت خداوند به امت های پیشین ، به وسیله رسولان اندازگر

و لقد أرسلنا فیهم منذرین

یادآوری فرستاده شدن پیامبران به سوی امت ها پس از ذکر گمراهی اکثریت امت ها می تواند به این نکته اشاره داشته باشد که گمراهی اکثریت مردم، علی رغم آمدن رسولان الهی برای هدایت آنان و اتمام حجت بر ایشان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۲ - ۲

۲ - غرق شدن کافران قوم نوح از سوی خداوند ، پس از اتمام حجت بر آنان بود .

و لقد أرسلنا فیهم منذرین . فانظر کیف کان عقبه المنذرین ... و لقد نادینا نوح ...

نقل داستان نوح(ع)، در آیات پیشین، برای ارائه نمونه ای تاریخی از اقوامی است که رسولان الهی، آنان را انداز و اتمام حجت کردند؛ ولی آنان ایمان نیاورده و به سرنوشت شوم گرفتار شدند (مفاد آیه ۷۲ و ۷۳).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۹ - ۱

۱ - خداوند ، پیش از عذاب کردن مردم ، آنان را از راه نشان دادن آیات و نشانه های خود هدایت کرده و با آنها اتمام حجت می کند .

لو أنّ الله هدینی لکنت من المتّقین .. بلی قد جاء تک ءایتی فکذّبت بها

<بلی > حرف جواب است

و در این آیه برای اثبات چیزی می باشد که مورد انکار قرار گرفته است؛ زیرا کافران هدایت کردن خدا را منکر شده و می گفتند: اگر خدا ما را هدایت می کرد، ما از تقوای پیشگان بودیم. خداوند این سخن را رد می کند و می فرماید: آری آیات ما برای هدایتتان آمد؛ ولی شما آنها را تکذیب کردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۰ - ۶

۶ - بغض و دشمنی شدید خداوند نسبت به کافران حق ناپذیر، پس از اتمام حجت و دعوت مکرر آنان به ایمان است.

لمقت الله أكبر .. إذ تدعون إلى الإيمن فتكفرون

آمدن فعل های مضارع <تدعون> و <تكفرون> بر استمرار دلالت دارد؛ یعنی، شما همواره به ایمان فراخوانده می شدید؛ ولی به جای ایمان آوردن، به طور مستمر کفر میورزیدید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۲ - ۲

۲ - عذاب شدن کافران و مشرکان در قیامت، پس از اتمام حجت و دعوت شدن آنان به ایمان از سوی خداوند

ذلکم بآئنه إذا دعی اللّٰه وحده کفرتم و إن یشرک به تؤمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۳ - ۴

۴ - اتمام حجت خداوند بر انسان ها، از راه ارائه آیات و نشانه هایش بر حقانیت خود

هو الذی یریکم ءآیته

یادآوری آیات و نشانه های ارائه شده از سوی خداوند به بشر پس از ذکر عذاب شدن کافران و منکران می تواند به منظور اتمام حجت باشد.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۴ - ۸

۸ - خداوند ، قبل از اتمام حجت و بیان حقیقت برای مردم ، آنان را به عذاب استیصال گرفتار نخواهد ساخت .

مثل صعقه عاد و ثمود . إذ جاءتهم الرسل ... ألا تعبدوا إلا الله

<إذ> ظرف زمان و متعلق به <نزول صعقه> است که از <مثل صعقه عاد و ثمود> استفاده می شود؛ یعنی، آن گاه صعقه بر آنان نازل شد که پیامبران آمدند توحید و آیین الهی را ابلاغ کردند و آنان نپذیرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۶ - ۸

۸ - عذاب دنیایی جوامع مستکبر ، پس از اتمام حجت و در پی آشکار شدن حق ناپذیری و عناد آنان است .

إذ جاءتهم الرسل .. و كانوا بآيتنا يجحدون . فأرسلنا عليهم ريحا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۷ - ۹

۹ - نزول عذاب بر جوامع ضلالت پیشه ، پس از اتمام حجت الهی بر آنان

فهدينهم فاستجبوا العمى .. فأخذتهم صعقه العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۱

۱ - عربی بودن قرآن ، اتمام حجت خداوند بر مردم عرب است .

و لو جعلنه قرءاناً أعجمياً لقالوا لولا فصلت آياته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۵ - ۲

۲ - انتقام الهی از کافران ، پس از احتجاج و اتمام حجت بر آنان

و كذلك ما أرسلنا .. قل أو

لو جتکم ... فانتقمنا منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۸ - ۸

۸ - عذاب های الهی بر کافران ، پس از اتمام حجت و ارائه آیات به ایشان

و ما نریهم من آیه ... و أخذنهم بالعذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۰ - ۶

۶ - به کارگیری تهدید از سوی خداوند ، پس از ارائه منطق و برهان و تأثیرناپذیری کافران از آن

فارتقب یوم تأتی السماء بدخان مبین

<فاء> تفریح، تهدید را متفرع بر حق ستیزی کافران و عدم تأثیر منطق و برهان بر آنان کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۸ - ۳

۳ - کیفر الهی برای کافران ، پس از اتمام حجت بر ایشان

تتلی علیه ... فبشره بعذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۱ - ۴

۴ - کیفر کافران ، پس از اتمام حجت پروردگار بر ایشان

هذا هدی و الذین کفروا بایت ربهم لهم عذاب

از این که خداوند پس از بیان هدایتگری قرآن، عذاب کافران را مطرح می کند، مطلب یاد شده قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - اتمام حجت الہی بر مشرکان ، در زمینہ حقانیت معاد و حیات اخروی

و قالوا ما ہی إلا حیاتنا الدنیا . .. و إذا تتلی علیہم آیتنا بینت

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۴ - اتمام حجت الهی بر کافران در دنیا ، با تلاوت مداوم آیات وحی بر آنان

أفلم تكن آيتي تتلى عليكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۱۶

۱۶ - کیفر الهی در مورد کافران ، پس از اتمام حجت و تبیین حق برای آنان

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا و... من بعد ما تبين لهم الهدى ... و سيحبط أعمالهم

در صورتی که <سیحبط...> عنوان کیفر داشته باشد؛ تعبیر <من بعد ما تبين...> بیانگر اتمام حجتی است که قبل از اعمال مجازات، صورت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۸ - ۶

۶ - رسولان الهی ، خود بهترین گواه وصول هدایت به خلق و اتمام حجت بر آنان *

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا

<شاهدًا> ممکن است نظر به شهادت بر اصل پیام رسانی به خلق و فرستادن رسول داشته باشد و قید محذوف از فعل <أرسلناك> استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۴ - ۵

۵ کیفر امت های حق ستیز در طول تاریخ ، پس از اتمام حجت الهی بر آنان

كذبت قبلهم .. كل كذب الرسل فحق وعيد

تعبیر <فحق وعيد> می رساند که اقوام هلاک شده، قبلاً مورد هشدار، تهدید، تذکر و اتمام حجت قرار گرفته بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ هشدار های الهی به انسان ها در دنیا ، اتمام حجت او بر آنهاست .

کان فی ضلل بعید . . . و قد

قَدِّمْتُ إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ

۴ جدال مجرمان در قیامت ، بی تأثیر برای تبرئه ایشان ، با وجود اتمام حجت الهی بر آنان در دنیا

قال لا تختصموا لديّ و قد قَدِّمْتُ إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۳ - ۲

۲ - اتمام حجت خداوند بر قوم ثمود ، با اعطای مهلتی محدود به ایشان

قِيلَ لَهُمْ تَمَتَّعُوا حَتَّىٰ حِينٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۷ - ۳

۳ - اتمام حجت خداوند از طریق کتاب های آسمانی ، هموارکننده راه مجازات کافران *

و كتب مسطور .. . إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوْعٌ

در آیات پیشین سخن از <کتاب مسطور> (تورات یا کتاب های آسمانی) به میان آمده است. ارتباط <إِنَّ عَذَابَ...> با <کتاب مسطور>، می تواند بیانگر مطلب بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۳ - ۱۶

۱۶ - انسان ها ، فاقد هر عذر و بهانه ، در پیشگاه پروردگار خویش پس از آمدن وحی

إِن هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا .. . وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدَىٰ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴ - ۱،۵

۱ - اتمام حجت خداوند بر کافران ، با ابلاغ اخبار هشداردهنده و عبرت آمیز به آنان

و لقد جاءهم من الأنباء ما فيه مزدجر

<مزدجر> مصدر میمی و به معنای اتعاظ و پندپذیری است. <مافیة مزدجر> یعنی، اخباری که برای بیدار شدن و پندآموزی کافی است.

۵ - تحقق مجازات های الهی بر کافران ، پس از اتمام حجت بر ایشان

و کلّ أمر

مستقرّ. و لقد جاءهم من الأنباء ما فيه مزدجر

در صورتی که تعبیر <و کلّ أمر مستقرّ> کنایه از عذاب و کیفر حتمی کافران باشد، در پی آمدن <و لقد جائهم..>، توضیحی است بر این که کیفر آنان، بدون اتمام حجت صورت نگرفته و نمی گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵ - ۳

۳ - پیام های حکیمانه و رسای قرآن، اتمام حجت الهی بر خلق

و لقد جاءهم .. حکمه بلغه

برداشت فوق با توجه به این است که آیه قبل از <و لقد جاءهم..> در مقام بیان علت مجازات کافران و اتمام حجت بر ایشان بود بر این اساس می توان از <حکمه بالغه...> که بدل از <ما فيه...> است مطلب بالا را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۶ - ۴

۴ - عذاب الهی، در مورد قوم نوح، پس از انذارهای مکرر و اتمام حجت بر آنان بود. *

فکیف کان عذابی و نذر

عطف <نذر> بر <عذابی>، ممکن است بیانگر این معنا باشد که عذاب الهی، در حق کافران، بدون انذارهای مکرر و اتمام حجت نبوده است. گفتنی است که <نذر> جمع <نذیر> است و <نذیر> بر دو معنا اطلاق می شود: <انذار> و <منذر>. ظاهراً در آیه شریفه معنای اول (انذارها) اراده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۸ - ۶

۶ - عذاب الهی در مورد قوم عاد، پس از انذارهای مکرر و

اتمام حجت بر آنان بود .

فکیف کان عذابی و نذر

عطف <نذر> بر <عذابی>، ممکن است بیانگر این معنا باشد که عذاب الهی در حق کافران، بدون انذارهای مکرر و تمام شدن حجت بر آنان نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۱ - ۳

۳ - ابتلای قوم عاد به عذاب الهی ، پس از انذار های مکرر و اتمام حجت بر آنان

فکیف کان عذابی و نذر

عطف <نذر> بر <عذابی>، ممکن است بیانگر این معنا باشد که عذاب الهی در حق کافران، بدون انذارهای مکرر و اتمام حجت نبوده است. گفتنی است که <نذر> جمع <نذیر> است و <نذیر> بر دو معنا اطلاق می شود: <انذار> و <منذر>، ظاهراً در آیه شریفه، معنای اول (انذارها) مراد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۳ - ۲

۲ - اتمام حجت الهی بر قوم لوط ، با انذار های مکرر

کذبت قوم لوط بالندر

با توجه به جمع آمدن واژه <نذر>، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۲ - ۵،۳

۳ - تمام شدن حجت الهی بر فرعونیان ، نیازمند ارائه معجزات متعدد به ایشان *

کذبوا بآیتنا کلها

در آیات پیشین نسبت به اقوام گذشته سخن از ارائه معجزات و آیات متعدد نبود، اما در مورد فرعونیان سخن از معجزات

متعدد به میان آمده است.

۵ - مجازات سریع فرعونیان از سوی خداوند ، پس از تمام شدن حجت بر ایشان

كذَّبوا بآيتنا كلَّها فأخذناهم أخذ عزيز مقتدر

عطف <فأخذناهم> بر <كذَّبوا>، نشانگر آن است

که خداوند، پس از این که فرعونیان تمام معجزات را تکذیب کردند، به آنان مهلت نداد، بلکه بلافاصله اقدام به نابودی آنها نمود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۹ - ۳

۳ - کیفر و عذاب الهی ، پس از اتمام حجت و ارائه راه حق است .

قالوا بلی قد جاءنا نذیر فکذبنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۳ - ۵

۵ - خداوند ، حجت را بر انسان ها تمام کرده و هیچ عذری برای آنان باقی نگذاشته است .

إنا هدینه السبیل إنا شاکراً و إنا کفوراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۹ - ۷

۷ - با ارائه قرآن به انسان ها ، حجت الهی بر آنان تمام است .

إن هذہ تذکره فمن شاء اتّخذ إلی ربّه سبیلاً

خداوند، با ارائه آیات قرآن که مایه بیداری و تذکار است (هذه تذکره) حجتش را بر آدمیان تمام کرده و این انسان است که باید راه دین را، طریق زندگی خویش قرار دهد (اتخذ إلی ربّه سبیلاً).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴۰ - ۲

۲ - اخطار های الهی درباره عذاب ، از میان برنده هرگونه عذر در ترک راه خدا

إنا أنذرناکم عذاباً قریباً

جملاً-تی نظیر <إنا أنذرناکم> که پس از هشدار به عذاب گفته شود خیر از تحقق انذار نیست، زیرا مخاطب به آن آگاه

است؛ بلکه در مقام اظهار براءت و قطع عذر مخاطب است. ذکر این جمله

پس از <من شاء اتخذ...> در آیه قبل - گویای معذور نبودن کسی است که سیر زندگانی خود را، به سوی خدا قرار نمی دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۲ - ۳

۳ - خداوند ، با آگاه ساختن ثروتمندان بخیل از آینده دشوارشان ، بر آنان اتمام حجت کرده است .

إِنَّ عَلَيْنَا لِلْهُدَى

مفاد آیه شریفه این است که نشان دادن راه، وظیفه ما است و پیامد بی اعتنایی بخیلان به هدایت ها، بر عهده خود آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۴ - ۷

۷ - خداوند ، با انذار به آتش جهنم ، بر همه انسان ها اتمام حجت کرده است .

إِنَّ عَلَيْنَا لِلْهُدَى .. فَأَنْذِرْتُمْ نَارًا تَلْظَى

مفاد آیه شریفه با توجه به آیات پیشین، این است که آنچه بر عهده ما است، هدایت است که آن را با انذار انجام دادیم. بنابراین کوتاهی از جانب خود شما است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۲ - ۱،۵

۱ - خداوند ، با فرستادن رسولی که مکتوباتی منزّه و به دور از انحراف را بر مردم بخواند ، بر آنان اتمام حجت می کند .

لم يكن .. منفيكين حتى تأتيهم البينه . رسول من الله يتلوا صحفًا مطهّره

۵ - اتمام حجت بر تمام مردم ، با ارسال پیامبری همراه با کتاب آسمانی ، سنت تخلف ناپذیر خداوند است .

لم يكن .. منفيكين حتى تأتيهم البينه . رسول من الله يتلوا صحفًا مطهّره

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۴ - ۱

۱ - خداوند ، بر همه امت های پیشین ، اتمام حجت کرده ، آنان را از برهانی آشکار ، برخوردار ساخته بود .

و ما تفرّق الذین أُوتوا الکتب إلاّ من بعد ما جاءتهم البیّنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۳ - ۴

۴ - فراهم آمدن زمینه مناسب از جانب خداوند ، برای کوچ های زمستانی و تابستانی قریش ، حجّتی کامل بر لزوم روی آوردن آنان به عبادت خداوند

لایلف قریش . ایلفهم رحله الشتاء و الصیف . فلیعبدوا

<لام> در <لایلاف> چه متعلق به سوره <فیل> باشد و چه به <فلیعبدوا> (در این آیه) برداشت یاد شده استفاده می شود.

اتمام حجت خدا بر فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۶ - ۵

۵ - خداوند ، حجت خویش را بر همه حتی بر امثال فرعون تمام می کند .

و لقد أُرینہ ءایتنا کلّھا فکذّب و أبی

اتمام حجت در تبلیغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۵

۵- هشدار و انذار و یا توسل به قدرت در مسیر احقاق حق و پیاده کردن دین ، باید پس از اتمام حجت و بیان حقایق دینی باشد .

و ما أرسلنك إلا رحمه للعلمين . . . قل إنما يوحى إليّ ... فهل أنتم مسلمون . فإِ

اتمام حجت رسولان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٦ - غافر - ٤٠ - ٥٠

۶ - کیفر الهی کافران دوزخی ، پس از ابلاغ پیام الهی و اتمام حجت از سوی رسولان است .

أَوَلَمْ تَكُ تَأْتِيكُمْ رَسُولُكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا بَلَى

اتمام حجت رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۲۱

۲۱- > عن عبدالأعلى قال : سمعت أبا عبد الله (ع) يقول : ... السامع المطيع لا - حجّه عليه ، و إمام المسلمين تَمَّت حجّته و إحتجاجه يوم يلقى الله لقول الله > يوم ندعوا كلُّ أناس بإمامهم < ;

عبدالاعلی گوید: شنیدم امام صادق(ع) می فرمود:.. روز ملاقات با خداوند علیه انسان شنوا و مطیع ادعایی نیست؛ [چون] امام مسلمین حجّت و احتجاج او را تکمیل کرده است؛ زیرا خداوند می فرماید: یوم ندعوا کلّ أناس بإمامهم<.

اتمام حجت شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۳ - ۶

۶ شعیب (ع) پس از اتمام حجت بر مردم و لجاجت پیشگی آنان ، در انتظار سرنوشت شوم آنان بود .

وارتقبوا إني معكم رقيب

>رقيب< در آیه شریفه به معنای منتظر است.

اتمام حجت صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۹ - ۵

۵ صالح (ع) هنگام خروجش از میان قوم ثمود ، اتمام حجت الهی بر آنان را به ایشان گوشزد کرد .

فتولی عنهم و قال يقوم لقد أبلغتكم رساله ربی

اتمام حجت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۲ - ۷

۷ انسان ها با نزول قرآن

و دریافت آن هیچ عذر و توجیهی برای گرایش به کفر، به فراموشی سپردن قیامت، فریب خوردن به حیات دنیا و انکار آیات الهی ندارند.

الذین اتخذوا دینهم لهواً و لعباً... و لقد جنّهم بکتب

آیه مورد بحث در پی بیان گرفتاری کافران به آتش دوزخ و بیان عامل دوزخی شدن آنان، اشاره به اتمام حجت الهی برای همگان دارد. یعنی با نزول قرآن و معارف آن بهانه ای برای روی آوری به عقاید و اعمالی که در آیه قبل علل گرفتاری به دوزخ معرفی شده، وجود ندارد.

اتمام حجت لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۳ - ۳،۸

۳- حضرت لوط (ع) پیش از فرا رسیدن عذاب الهی بر قومش، آنان را به چنین سرنوشتی هشدار داده بود.

قالوا بل جنّک بما کانوا فیه یمترو

مقصود از <ما> در جمله <بما کانوا فیه یمترو> عذاب است. بنابراین تردید کردن قوم لوط درباره عذاب الهی، بیانگر این نکته است که: آنان نسبت به عذاب انذار و تهدید شدند و به اندازه کافی با آنان اتمام حجت شد.

۸- نزول عذاب الهی (استیصال) بر قوم لوط، پس از تمام شدن حجت بر آنان توسط حضرت لوط (ع) بود.

قالوا بل جنّک بما کانوا فیه یمترو

اتمام حجت مبلغان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۳

۳- هشدار و انذار، وظیفه مبلغان الهی، پس از اتمام حجت و بیان حقایق الهی و روی گردانی مخالفان

فإن تولّوا فقل ۛ اذنتکم علی

اتمام حجت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۲

۲- پیامبراسلام (ص) ، پیام الهی را به همه مردم رساند و حجت را بر یکایک آنان تمام کرد .

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ ءَاذَنْتَكُمْ عَلَىٰ سِوَاءِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۱ - ۶

۶- انذار های روشن پیامبر (ص) ، اتمام حجت بر خلق و سدّ کننده راه هر گونه عذر و بهانه

إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ . وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ ... إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ \$

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۴ - ۲

۲- پیامبر (ص) ، موظف به اتمام حجت بر کافران ، و نه مجبور ساختن آنان به پذیرش دین

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ

<فء> می رساند که علت سلب مسؤولیت از پیامبر(ص) این است که بر کافران حجت تمام گشته و آنان از سر طغیان کفر میورزند و نه به خاطر نادانی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۵ - ۳

۳- وظیفه پیامبر (ص) ، اتمام حجت بر کافران لجوج و حق ناپذیر است ؛ و نه پافشاری بر هدایت آنان .

فَذَكِّرْ .. فذرههم

در آیات پیشین، پیامبر(ص) موظف به تذکر و تبلیغ شد و ولی پس از بیان حقایق، فرمان <فذرهم> پایان وظیفه تبلیغ را به آن حضرت اعلام می دارد.

اتمام حجت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ -

۱ - ابلاغ وحی از سوی فرشتگان ، به منظور اتمام حجت بر خلق و انذار و اخطار به آنان است .

فالمَلَقِيت ذِكْرًا . عَذْرًا أَوْ نَذْرًا

<عذر> و <نذر> مصدر و به معنای <اعذار و انذار> است و نصب این دو، به جهت مفعول له بودن آنها برای <ملقیات> است و یا به سبب بدل بودن آنها، برای <ذکرًا> است. برداشت یاد شده، مبتنی بر ترکیب نخست است.

اتمام حجت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۶ - ۶

۶ هلاکت فرعون و قومش ، پس از اتمام حجت خدا با آنان به وسیله موسی و هارون (ع) بوده است .

فقلنا اذهبوا إلى القوم الذين كذبوا بآيتنا فدمرناهم تدميراً

اتمام حجت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۲ - ۱

۱ حضرت نوح (ع) حجت را بر قومش تمام کرده و آنان بی هیچ دلیلی از او رو گردانیده و از پذیرش دعوتش سر باز می زدند .

فإن توليتم فما سألتكم من أجر

این آیه ادامه آیه قبل است که برای بیان تحدی حضرت نوح (ع) و تمام کردن حجت خود بر قومش می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۵ - ۶

۶ - هشدار روشن و بی ابهام نوح (ع) به قومش ، نسبت به خطر <عذاب استیصال> در صورت پافشاری آنان بر شرک و مبارزه با توحید

إن أنا إلا نذير مبين

برداشت یاد شده بدان احتمال است که

نوح(ع) در راستای اتمام حجت با قومش، از پیش آنان را به نزول عذاب استیصال هشدار داده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۸ - ۴

۴ - شکوه نوح (ع) به درگاه خدا از ستم قوم خویش، پس از اتمام حجت و به بن بست رسیدن همه راه های تبلیغی بود.

إِن أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مِّبَيْنٍ .. . إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُونِ ... فَافْتَحْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتْحًا وَنَجِّنِي

اتمام حجت هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۶ - ۶

۶ هلاکت فرعون و قومش، پس از اتمام حجت خدا با آنان به وسیله موسی و هارون (ع) بوده است.

فَقُلْنَا اذْهَبَا إِلَى الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَدَمَّرْنَاهُمْ تَدْمِيرًا

اتمام حجت هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۷ - ۳

۳ هود (ع)، پس از ابلاغ پیام های الهی و اتمام حجت بر مردم، خویشان را مسؤول اعراض آنان نمی دانست.

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ مَا أُرْسَلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ

روشن است که جمله <فقد أبلغتكم ..> نمی تواند جواب شرط <فإن تولوا ...> باشد؛ زیرا هود(ع) رسالت خویش را ابلاغ کرده بود چه مردم اعراض کنند و چه ایمان آورند بلکه آن جمله سبب جواب و جانشین آن می باشد؛ یعنی، اگر اعراض کنید، من مسؤولیتی ندارم و مؤاخذه ای بر من نیست؛ زیرا آنچه را که به خاطر آن به سوی شما فرستاده شده بودم، به

شما ابلاغ کردم.

اهمیت اتمام حجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۱ - ۳

۳ اتمام حجت بر جوامع بشری از اهداف بعثت رسولان الهی است.

ألم یأتکم رسل منکم ... ذلک أن لم یکن ربک مهلک القرى بظلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶ - ۴

۴ مؤاخذه کفار به جرم مبارزه با اسلام ، پیش از ارائه معارف الهی قرآن به آنان و تمام شدن حجت بر ایشان ، ممنوع است .

و خذوهم و احصوهم ... و إن أحد من المشرکین استجارک فأجره حتی یسمع کلم اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۵ - ۹

۹- اتمام حجت بر آدمیان ، از جمله اهداف بعثت انبیاست .

و ما کنا معذبین حتی نبعث رسولا

تداوم اتمام حجت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۳ - ۲

۲ - اتمام حجت الهی بر قوم ثمود ، با انداز های مکرر

کذبت ثمود بالنذر

برداشت یاد شده با توجه به جمع آمدن واژه <نذر> استفاده می شود.

حجت امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۳ - ۷

۷ - اعتدال امت اسلام و برتری آنان بر سایر امت ها ، دلیل حجت بودن آنان بر سایر ملتهاست .

جعلنكم أمه وسطاً لتكونوا شهداء على الناس

حجت بر امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۱۹

- پیامبر (ص) حجت خدا بر مسلمانان و امت اسلامی حجت خدا بر دیگر مردمان

لیکون الرسول شهیداً علیکم و تكونوا شهداء علی الناس

از جمله تفسیرهایی که برای کلمه <شهید> و <شهداء> ابراز شده، <حجت> است. برداشت بالا، بر پایه همین تفسیر می باشد.

حجت بر مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۱۹

۱۹ - پیامبر (ص) حجت خدا بر مسلمانان و امت اسلامی حجت خدا بر دیگر مردمان

لیکون الرسول شهیداً علیکم و تكونوا شهداء علی الناس

از جمله تفسیرهایی که برای کلمه <شهید> و <شهداء> ابراز شده، <حجت> است. برداشت بالا، بر پایه همین تفسیر می باشد.

حجت بودن محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۳ - ۶

۶ - پیامبر (ص) حجت خدا بر مسلمانان و امت اسلامی حجت خداوند بر دیگر مردم

لتكونوا شهداء علی الناس و يكون الرسول علیکم شهیداً

از جمله تفسیری که برای کلمه <شهداء> و <شهید> در آیه مورد بحث ابراز شده است، حجت است.

حجت بودن مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۳ - ۶،۷

۶ - پیامبر (ص) حجت خدا بر مسلمانان و امت اسلامی حجت خداوند بر دیگر مردم

لتكونوا شهداء على الناس و يكون الرسول عليكم شهيداً

از جمله تفسیری که برای کلمه <شهداء> و <شهید> در آیه مورد بحث ابراز شده است، حجت است.

۷ - اعتدال امت اسلام و برتری آنان بر سایر امت ها ، دلیل حجت بودن آنان بر سایر ملتهاست .

جعلنکم أمه

وسطاً لتكونوا شهداء على الناس

حجت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۶ - ۵

۵- قرآن ، حجت رسا و پیام بلیغ خدا برای بندگان است .

إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عٰبِدِيْنَ

حجت موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۸ - ۵

۵- حضرت موسی و هارون (ع) ، دو پیامبر برخوردار از حجت و برهان الهی

و لقد ءاتینا موسی و هرون الفرقان

یکی از معانی لغوی <فرقان> حجت و برهان است (لسان العرب).

حجت هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۸ - ۵

۵- حضرت موسی و هارون (ع) ، دو پیامبر برخوردار از حجت و برهان الهی

و لقد ءاتینا موسی و هرون الفرقان

یکی از معانی لغوی <فرقان> حجت و برهان است (لسان العرب).

زمینه اتمام حجت با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - وجود معارف استوار و قوام بخش در قرآن ، نشانِ تمام بودن حجت بر کافران با ابلاغ آن از سوی پیامبر (ص) است .

حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ . رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ ... فِيهَا كُتِبَ قِيمَةٌ

سنت اتمام حجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۹ - ۲

۲ - اتمام حجت با مردمان ، سُنَّتِ الْهَى در طول تاریخ بشر

وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى حَتَّى يَبْعَثَ فِي أُمَمٍ رَسُولًا

عذاب بعد از اتمام حجت

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۳ - ۵

۵- نزول عذاب الهی ، پس از اتمام حجت و ارائه معجزات و نشانه های خداوندی است .

و ءاتینهم ءایتنا فکانوا عنہا معرضین .. فأخذتهم الصیحه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۳ - ۵

۵- عذاب و کیفر امت ها ، پس از اتمام حجت الهی بر آنان با فرستادن انبیا بود .

لقد جاءهم رسول منهم فکذبوه فأخذهم العذاب

عوامل اتمام حجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۵ - ۱۶

۱۶- کاربرد روش های مختلف تبلیغی ، مایه اتمام حجت است نه عامل هدایت حتمی همگان .

ادع .. إن ربک هو أعلم بمن ضلّ عن سبیلہ و هو أعلم بالمهتدین

جمله <إن ربک .. بالمهتدین> می رساند که انسانها دو گروهند: گمراهان و هدایت شدگان. بنابراین فرمان <ادع...> برای اتمام حجت است نه برای هدایت همه مردم.

کیفر و اتمام حجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۵ - ۳

۳ کیفر های الهی ، همواره پس از اتمام حجت است .

ما کان اللّٰه لیضل قوماً بعد إذ هدینهم حتی ینبئ لهم ما یتقون

کیفیت اتمام حجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۶ - ۷

۷ وجود تورات و انجیل به سبب غفلت و ناآگاهی مشرکان از محتوای آنها نمی توانست اتمام حجت برای آنان باشد.

و إن كنا عن دراستهم لغفلین

منشأ اتمام حجت خدا

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۴ - ۹

۹ - اتمام حجت و فرستادن پیامبران برای ابلاغ آیات الهی ، مقتضای ربوبیت الهی است .

رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ

موسی(ع) و اتمام حجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۲۰

۲۰ حضرت موسی (ع) ، دارای قدرت و توانی بالا در ایفای رسالت و اتمام حجت بر مردم

و ءاتینا موسی سلطناً مبیناً

مؤاخذه قبل از اتمام حجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶ - ۴

۴ مؤاخذه کفار به جرم مبارزه با اسلام ، پیش از ارائه معارف الهی قرآن به آنان و تمام شدن حجت بر ایشان ، ممنوع است .

و خذوهم و احصروهم .. و إن أحد من المشركين استجارك فأجره حتى يسمع كلم الله

نقش اتمام حجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۶

۶ - منکران دین بدون اتمام حجت با آنان ، به آتش دوزخ گرفتار نخواهند شد .

فإن لم تفعلوا و لن تفعلوا فاتقوا النار

جواب شرط <فان لم تفعلوا> محذوف است و جمله <فاتقوا ..> جانشین آن شده است. جمله با تقدیر آن چنین است: فان

لم تفعلوا تمت عليكم الحججه و ثبت لديكم ان القرآن منزل من عندالله فاتقوا ...

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٠ - كهف - ١٨ - ٥٥ - ١٩

١٩- نزول عذاب بر كفر پيشگان ، پس از اتمام حجت است .

و ما

منع الناس أن يؤمنوا إذ جاءهم الهدى .. أو يأتيهم العذاب قبلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۲ - ۵

۵ - مجازات ملت های نیرومند و متمدن گذشته ، پس از اتمام حجت از سوی رسولان الهی

ذلک بأنهم کانت تأتیهم رسلهم بالبینت فکفروا فأخذهم الله

نقش اتمام حجت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۵ - ۸،۱۱

۸- مجازات نکردن انسان ها ، قبل از برانگیختن رسولان و اتمام حجت با آنها ، از سنت های الهی است .

و ما کنا معذبین حتی نبعث رسولاً

۱۱- نزول عذاب دنیوی بر امت های گنهکار ، تنها پس از اتمام حجت و فرستادن پیامبری برای ایشان است .

و ما کنا معذبین حتی نبعث رسولاً

جمله <ما کنا معذبین حتی نبعث رسولاً> اطلاق دارد و عذاب دنیوی را هم دربرمی گیرد.

واسطه اتمام حجت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۶ - ۲

۲ - وحی و کتاب های آسمانی ، وسیله اتمام حجت خداوند بر خلق و انداز و اخطار بدان ها است .

ذکراً . عذراً أو نذراً

حجر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

احکام حجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۱۴

۱۴- صغیر بودن و رشد و درک اقتصادی نداشتن ، دو عامل حجر و مانع حق تصرف فرد در مال خویش است .

حتی یبلغ أشده

بیان غایت زمان ممنوعیت حق تصرف یتیم، در واقع بیان کننده ملاک حق تصرف در مال است و آن، بلوغ و رشد

اقتصادی است. بنابراین یتیم بودن، خصوصیت و موضوعیت ندارد.

عظمت آیات سوره حجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱ - ۳

۳- آیه های سوره حجر ، دارای ارزش ، قداست و عظمت

تلک ءایت الکتب

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مشارالیه <تلک> همین سوره حجر باشد و چون <تلک> برای اشاره به دور است، می تواند بیانگر عظمت و مرتبه والای این سوره باشد.

عوامل حجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۱۴

۱۴- صغیر بودن و رشد و درک اقتصادی نداشتن ، دو عامل حجر و مانع حق تصرف فرد در مال خویش است .

حتی یبلغ أشده

بیان غایت زمان ممنوعیت حق تصرف یتیم، در واقع بیان کننده ملاک حق تصرف در مال است و آن، بلوغ و رشد اقتصادی است. بنابراین یتیم بودن، خصوصیت و موضوعیت ندارد.

حدود از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حدود

آثار التزام به حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۳۶

۳۶ - عمل به احکام دین و پایبندی به حدود الهی ، زمینه ساز نایل شدن به تقوایبشگی است .

تلك حدود الله فلا تقربوها كذلك يبين الله آياته للناس لعلهم يتقون

آثار تجاوز از حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۲۵، ۲۹

۲۵ - کسانی که از احکام خدا تعدی کنند ، به عذابی دردناک گرفتار خواهند شد .

فمن اعتدى بعد ذلك فله عذاب أليم

۲۹ - تجاوز از احکام و قوانین الهی ، مانع بهره مندی از رحمت

خداوند است .

ذلك تخفيف من ربكم و رحمه فمن اعتدى بعد ذلك فله عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۰ - ۱۲

۱۲- سرکشی و تجاوز از حدود الهی ، زمینه ساز گرایش انسان به کفر است . *

یرهقهما طغیناً و کفراً

محتمل است تقدیم طغیان بر کفر، گویای این باشد که کشانده شدن به کفر، پی آمد ابتلا به طغیان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۱۷

۱۷ - ضرر و زیان عمل نکردن به احکام الهی و شکستن مرز های دینی ، به خود متجاوزان بازمی گردد .

و من يتعدّ حدود الله فقد ظلم نفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۲ - ۲

۲ - آلودگی به گناه و شکستن حریم قوانین و وظایف الهی ، زمینه ساز انکار روز جزا است .

و ما یکذب به الاکلّ معتد اثم

آثار تجاوز به حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۵

۵ - کوچک شمردن قوانین و مقررات الهی و تجاوز به حریم آنها ، شقاوت و بدبختی انسان ها را در پی دارد .

و من يعظّم حرمت الله فهو خير له عند ربّه

<تعظیم> عکس <تحقیر> است. بنابراین مفهوم جمله یاد شده چنین می شود: <و من یحقر حرّمت اللّٰه فهو شرّ له عند ربّه>.

آثار تحقیر حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۵

۵ - کوچک

شمردن قوانین و مقررات الهی و تجاوز به حریم آنها، شقاوت و بدبختی انسان ها را در پی دارد .

و من يعظم حرمت الله فهو خير له عند ربه

<تعظیم> عکس <تحقیر> است. بنابراین مفهوم جمله یاد شده چنین می شود: <و من يحقر حرمت الله فهو شر له عند ربه>.

آثار تعظیم حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۳

۳ - تعظیم و بزرگداشت حدود و مقررات الهی و رعایت حریم آنها ، مایه خیر و سعادت و خوشبختی برای اهل ایمان

و من يعظم حرمت الله فهو خير له عند ربه

ضمیر <هو> در <فهو خير له> به <تعظیم> (مصدر <يعظم>) بازمی گردد؛ یعنی، <فالتعظیم خير له عند ربه>.

اجتناب از تجاوز به حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۲

۲ - لزوم بزرگداشت حدود و مقررات الهی ، کوچک نشمردن آنها و پرهیز از تجاوز به حریم آنها

و من يعظم حرمت الله

<تعظیم> (مصدر <يعظم>) به معنای بزرگ داشتن است. <حرمت> جمع <حرمه> است و حرمت به چیزی گفته می شود که هتک و دریدن آن ممنوع و رعایت و نگهداری آن واجب است. <حرمت الله> یعنی، حدود و مقرراتی که از سوی خدا تعیین شده و مردم موظف اند آنها را رعایت کنند. بنابراین جمله یاد شده توصیه ای است از سوی خدا به اهل ایمان که باید حدود و مقررات الهی را بزرگ بشمارند و از تجاوز به حریم آنها، سخت خودداری کنند.

اجرای حدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۷ تعیین موارد اجرای حد و یا سقوط آن و گذشت از مجرمان ، به اراده و مشیت الهی است . *

والسارق و السارقه فاقطعوا .. یعذب من یشاء و یغفر لمن یشاء

مراد از جمله <یعذب...> می تواند حکمی باشد که از جمله <فاقطعوا...> به دست می آید و مقصود از جمله <یغفر...> برداشتن آن حکم است که جمله <فان الله یتوب...> بدان اشاره کرد. گفتنی است که تقدیم عذاب بر مغفرت، این احتمال را تقویت می کند.

احکام حدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۵ - ۲۳، ۲۴

۲۳ حدّ زناى کنیزان مسلمان ، نیمی از حدّ زنانی آزاده است .

فاذا احصنّ فان اتین بفاحشه فعلیهن نصف ما علی المحصنات من العذاب

چون فعل <احصنّ> مجهول است، مراد از آن شوهردار بودن است، و چون ضمیر آن به <مؤمنات> برمی گردد، هر دو قید، یعنی مسلمان و شوهردار بودن، از آن استفاده می شود. مؤید معنای مذکور برای <احصنّ> در برداشت فوق، فرمایش امام صادق (ع) است که درباره آن فرمود: یعنی نکاحهنّ ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۳۵، ح ۹۶؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۰، ح ۱۹۰.

۲۴ کنیز شوهردار ، در صورت ارتکاب هر نوع فحشا ، مستحق نیمی از کیفر زن آزاد *

فاذا احصنّ فان اتین بفاحشه فعلیهن نصف ما علی المحصنات

در برداشت فوق، <فاحشه> به معنای مطلق کار زشت گرفته شده، نه به معنای <زنا>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۲ اعدام ، مجازات محارب فسادگر در زمین در صورت ارتکاب قتل

انما جزؤا الذین یحاربون اللّٰه .. ان یقتلوا

از امام رضا(ع) درباره آیه فوق روایت شده: اذا حارب اللّٰه و رسوله و سعی فی الارض فساداً فقتل قتل به . . .

کافی، ج ۷، ص ۲۴۷، ح ۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۲۳، ح ۱۶۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۸ - ۱۵، ۲، ۱

۱ وجوب بریدن دست دزد

و السارق و السارقه فاقطعوا ایدیہما

۲ برابری زنان و مردان در حد سرقت

و السارق و السارقه فاقطعوا ایدیہما

۱۵ قطع انگشتان دست از انت ها ، بجز انگشت شست ، مجازات سرقت

و السارق و السارقه فاقطعوا ایدیہما

از امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از اینکه دست دزد از کجا باید قطع شود روایت شده: تقطع الاربع اصابع و تترك الابهام . . .

کافی، ج ۷، ص ۲۲۵، ح ۱۷؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۲۸، ح ۱۸۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲ - ۷

۷ اعدام ، کیفر طعن و توهین به اسلام

و طعنوا فی دینکم فقتلوا

ارزش حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۱۷، ۱۶

۱۶ خداوند ، فراخوان مردم به مقایسه قوانین الهی با سایر قوانین برای باور به برتری احکام الهی

و من احسن من الله حکماً لقوم یوقنون

۱۷ ناباوری به منزلت برتر احکام الهی بر سایر قوانین ، برخاسته از کوتاه فکری و ناتوانی اندیشه

و من احسن من الله

ایقان، به معنای فهمیدن از روی تدبر و تحقیق است.

اسقاط حدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۴ - ۱

۱ سقوط حدود چهارگانه (قتل، به دار آویختن، قطع دست و پا و تبعید) از محاربان و فسادانگیزی که پیش از دستگیری توبه کنند.

انما جزؤا الذین یحاربون .. الا الذین تابوا من قبل ان تقدروا علیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۹ - ۶،۱۱

۶ مردم، فاقد تصمیمگیری در اجرا و یا اسقاط حد سرقت

فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ

خداوند موضوع حد سرقت را چیزی جز سرقت قرار نداده است و سقوط آن را تنها به توبه سارق و اصلاح وی مشروط ساخته است؛ بدون آنکه در اجرا و یا سقوط حد، رضایت یا درخواست صاحبان مال را شرط کرده باشد.

۱۱ توبه و اصلاح (خودسازی) سارقان برای آمرزش و سقوط حد از ایشان، مورد ترغیب خداوند

و السارق و السارقه .. فمن تاب من بعد ظلمه و اصلح فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ

یادآوری توبه پس از بیان حد سرقت و وعده به عفو سارق، گشودن راهی است برای او تا به این وسیله راه اصلاح در پیش گیرد و از حد رهایی یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۰ - ۷

۷ تعیین موارد اجرای حد و یا سقوط آن و گذشت از مجرمان، به اراده و مشیت الهی است. *

والسارق و السارقه فاقطعوا .

.. يعذب من يشاء و يغفر لمن يشاء

مراد از جمله <يعذب ..> می تواند حکمی باشد که از جمله <فاقطعوا...> به دست می آید و مقصود از جمله <يغفر...> برداشتن آن حکم است که جمله <فان الله يتوب...> بدان اشاره کرد. گفتنی است که تقدیم عذاب بر مغفرت، این احتمال را تقویت می کند.

اعراض از حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۵ - ۲

۲ - تهدید اکید الهی ، به کسانی که به حدود و احکام ظهار تن در ندهند و بر سنت جاهلی پایبند بمانند .

و الذين يظهرون من نسائهم إن الذين يحدّون الله و رسوله

چنان که قبلاً گفته شد، <ظهار> سنتی باقی مانده از عرب جاهلی بود. خداوند در آیات پیشین این سنت را لغو کرد و برای مرتکبان آن مجازات کفّاره تعیین فرمود. با توجه به ارتباط آیه بالا با آیات قبل، آیه شریفه ناظر به کسانی خواهد بود که ممکن است همچنان بر آن سنت غلط پایبند بمانند و حدود الهی را زیر پا بگذارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۱۸، ۳

۳ گریز از احکام الهی و گرایش به احکام جاهلی ، شیوه و منشی ناپسند

افحکم الجهلیه یبغون

۱۸ رویگردانی از احکام الهی ، نشانه محرومیت آدمی از تفکر صحیح و اندیشه توانا

فان تولوا .. و من احسن من الله حکماً لقوم یوقنون

اقامه حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۹ -

۳۲ اقامه حدود و احکام، جلوگیری از نابودی دین و یا تغییر سنت ها و احکام الهی، هدف گزینش < اولی الامر > و لزوم اطاعت از آنان

اطيعوا الله .. و اولی الامر منکم

امام رضا (ع) درباره فلسفه قرار دادن اولوالامر و وجوب اطاعت از آنان فرمود: .. فجعل عليهم قِيماً يمنعهم من الفساد و يقيم فيهم الحدود و الاحكام ... انه لو لم يجعل لهم اماماً قِيماً ... لدرست المله و ذهب الدين و غيرت السنن و الاحكام ...

عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۱۰۱، ح ۱، ب ۳۴ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۹۷، ح ۳۲۹.

اهمیت اجرای حدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۸ - ۴،۹

۴ ضرورت تلاش تمامی اهل ایمان برای اجرای حدود الهی

فاقطعوا

چون خطاب متوجه عموم مؤمنان است، با آنکه اجرا کننده حد سرقت تنها برخی از آنان می باشند، معلوم می شود همه اهل ایمان باید برای اجرای حد سرقت تلاش کنند.

۹ ضرورت اجرای حد سرقت به شیوه ای عبرت انگیز

فاقطعوا ایدیهما .. نکلا من الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲ - ۵

۵- مسؤلیت برپایی نظام قضایی به منظور اجرای حدود الهی، بر عهده فرد فرد مسلمانان است .

الزانیه و الزانی فاجلدوا کلّ وحد منهما مائه جلدہ

با آن که اجرای حدود و مقررات، از طریق دستگاه قضایی انجام می پذیرد، ولی خداوند همه مردم را مخاطب قرار داده و تازیانه زدن را از آنان خواستار شده است. این حکایت

می کند که یکایک افراد جامعه، در برابر اجرای حدود الهی مسؤول اند و باید در این مورد همکاری کنند.

اهمیت تعظیم به حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۲

۲ - لزوم بزرگداشت حدود و مقررات الهی ، کوچک نشمردن آنها و پرهیز از تجاوز به حریم آنها

و من يعظم حرم الله

<تعظیم> (مصدر <يعظم>) به معنای بزرگ داشتن است. <حرمت> جمع <حرمه> است و حرمت به چیزی گفته می شود که هتک و دریدن آن ممنوع و رعایت و نگهداری آن واجب است. <حرمت الله> یعنی، حدود و مقرراتی که از سوی خدا تعیین شده و مردم موظف اند آنها را رعایت کنند. بنابراین جمله یاد شده توصیه ای است از سوی خدا به اهل ایمان که باید حدود و مقررات الهی را بزرگ بشمارند و از تجاوز به حریم آنها، سخت خودداری کنند.

اهمیت حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۲ - ۱

۱ - حدود و مقررات الهی و نیز مسأله توحید و یکتاپرستی ، دارای اهمیتی بسیار و منزلتی والا در نزد خداوند

و من يعظم حرم الله .. أو تهوى به الريح فى مكان سحيق . ذلك

<ذلك> اشاره است به موضوع بزرگداشت حدود و مقررات الهی و نیز مسأله توحید و یکتاپرستی که در آیه پیش مطرح شده است. مقصود از آوردن <ذلك> در این جا، ایجاد فاصله میان کلام قبل و کلام بعد و انتقال از یک مطلب مهم به مطلب مهمی دیگر است. در چنین مواردی کلمه <هذا> را

به کار می برند؛ مانند: <هذا و أن للطاغين لشّر مآب>. بنابراین به کارگیری <ذلك> که برای اشاره به بعید است می تواند برای بیان بُعد منزلت توحید و یکتاپرستی و اهمیت حدود و مقررات الهی باشد.

اهمیت ذکر حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۳ - ۱۱

۱۱ لزوم رعایت تقوا و توجه به حدود الهی ، حتی در مبارزه با کافران

قتلوا الذين يلونكم من الكفار و ليجدوا فيكم غلظه و اعلموا أن الله مع المتقين

پاسداران حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۲ - ۱۵

۱۵ مؤمنان راستین ، پاسداران همیشگی قوانین ، حدود و ارزش های الهی

و الحفظون لحدود الله

پاسداری از حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۲۹،۳۰،۳۱

۲۹ - لزوم حفظ و مراقبت از حدود الهی و پاس داشتن آنها

تلك حدود الله فلا تقربوها

۳۰ - روزه و اعتکاف و احکام آن دو ، حدود الهی است که هرگز نباید نقض شود .

تلك حدود الله فلا تقربوها

۳۱ - احکام قصاص و وصیت ، حدود الهی است که هرگز نباید شکسته شود .

کتب علیکم القصاص .. کتب علیکم ... الوصیه ... تلک حدود اللّٰه فلا تقربوها

مشارالیه <تلک> علاوه بر روزه و احکام آن، می تواند قصاص و وصیت و احکام آنها نیز باشد.

تبدیل حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۲

۲ بسیاری از مسیحیان و یهودیان ، در

صدد جایگزینی گرایش ها و قوانین جاهلی به جای احکام و قوانین الهی

افحکم الجهلیه یبغون

<بغی>، به معنای طلب کردن است.

تجاوز از حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۰ - ۵۸

۵ - نبرد با کسانی که با مسلمانان سر جنگ ندارند ، تجاوزگری و خروج از حدود الهی است .

و قتلوا .. الذین یقتلونکم و لاتعتدوا

از مصداقهای مورد نظر برای اعتدا و تجاوز - به قرینه <الذین یقاتلونکم> - نبرد با کافرانی است که در پی جنگ با اهل ایمان نیستند.

۸ - مجاهدان ، در صورتی که از حدود الهی در جنگ تجاوز کنند و یا حقوق دشمنان را رعایت ننمایند ، از محبت خداوند محروم خواهند شد .

إن الله لا یحب المعتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۱۸، ۱۶

۱۶ - تجاوز از حدود الهی و مرزهای دینی ، ظلم به نفس است .

و من یتعدّ حدود الله فقد ظلم نفسه

۱۸ - رعایت نکردن احکام و حدود الهی درباره طلاق از سوی همسران ، ظلم به نفس و زیان رساندن به خویش است .

فطلّقوهنّ لعدّتهنّ .. و من یتعدّ حدود الله فقد ظلم نفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۱ - ۲

۲ - اعتراف باغداران یمنی ، به طغیان و تجاوز از حدود الهی بر اثر نپرداختن سهم بینوایان

إِنَّا كُنَّا طَغِين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۱ - ۱

۱ - ارضای غرایز جنسی ، جز

از طریق همسر یا کنیز مملوک ، تجاوز به حدود الهی و به دور از حق و اعتدال است .

فمن ابتغى وراء ذلك فأولئك هم العادون

<عادون> (مصدر <عادون>)، به معنای تجاوز کردن و از حد گذشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۴ - ۳،۶،۹

۳ تجاوز از حدود الهی ، نافرمانی خدا و رسول است .

و من يعص الله و رسوله و يتعدّ حدوده

برداشت فوق بر این اساس است که عطف جمله <يتعدّ حدوده> بر جمله <يعص الله و رسوله>، عطف تفسیری باشد.

۶ نافرمانی مستمر و تجاوز دایمی از حدود الهی ، موجب جاودانگی در آتش

و من يعص الله .. و يتعدّ حدوده يدخله ناراً خالداً فيها

۹ عذاب همیشگی و خوارکننده ، کیفر سرکشی از فرامین خدا و رسول (ص) و تجاوز از حدود الهی

و من يعص الله و رسوله .. و له عذاب مهين

تجاوز به حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۴ - ۱۰

۱۰ - انکار حکم ظهار و تجاوز به حدود آن ، در حکم کفر است .

و تلك حدود الله و للكافرين عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۹ - ۲۱،۲۲،۲۳

۲۱ احکام طلاق ، از حدود الهی و تعدی از آن حرام است .

المطلقات يتربصن .. الطلاق مرّتان ... تلك حدود الله فلا تعتدوها

٢٢ تجاوز از حدود و احكام الهى ، ظلم است .

و من يتعدّ حدود الله فأولئك هم الظالمون

ستمکاران ، فقط کسانی هستند که از حدود الهی تعدی کنند .

و من يتعد حدود الله فاولئك هم الظالمون

ضمیر فصل <هُم> گویای حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۱ - ۵،۷

۵ رجوع مرد به زن به قصد آزار و اذیت ، تعدی به حدود الهی و ظلم است .

تلك حدود الله فلا تعتدوها و من يتعد حدود الله فاولئك هم الظالمون . . . و لا تمس

۷ تعدی از حدود الهی ، ظلم به خویشان است .

لتعتدوا و من يفعل ذلك فقد ظلم نفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۰ - ۱۱

۱۱ خداوند ، قادر بر کیفر تخلف کنندگان از احکام الهی

و الله عزيز حكيم

آوردن صفت <عزيز> (به معنای قادری پیروز و شکست ناپذیر) پس از بیان احکام، تهدیدی است نسبت به متخلفان از احکام الهی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۷ - ۴،۵،۱۰

۴ تلاش شهوترانان برای انحراف جوامع دینی از حدود و مقررات الهی در روابط جنسی

و يريد الذين يتبعون الشهوات ان تميلوا ميلاً عظيماً

۵ تلاش هواپرستان برای انحراف جوامع دینی از محدوده احکام و قوانین الهی

ولا تنكحوا .. حرّمت ... و يريد الذين يتبعون الشهوات ان تميلوا ميلاً عظيماً

۱۰ تجاوز از حدود و مقررت الهی در ازدواج و روابط جنسی ، انحرافی بزرگ

حرّمت .. و يريد الذين يتبعون الشهوات ان تميلوا ميلاً عظيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴

۳ شکستن حریم قوانین الهی در روابط جنسی ، رنج آفرین و موجب مشقت برای جوامع انسانی است .

و یرید الذین یتبعون الشهوات .. یرید الله ان یخفف عنکم

چنانچه رعایت احکام الهی در ازدواج موجب سبکباری باشد، زیر پا گذاردن آن قوانین، رنج آور و مشقتبار خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۳۱

۳۱ بسیاری از اهل کتاب در عصر پیامبر (ص) ، مردمی شکننده حدود الهی و از زمره فاسقان

و إن كثيراً من الناس لفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۱۲

۱۲ نافرمانی خدا و پیامبران و استمرار تجاوز به حدود الهی و حقوق مردمان ، موجب کفر و گرفتاری به لعنت الهی

لعن الذین کفروا .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

در برداشت فوق <ذلک> علاوه بر اشاره به لعنت اشاره به کیفر نیز گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۹،۱۱

۹ بسیاری از بنی اسرائیل در زمان پیامبر (ص) فاسق و شکننده حدود و حریم دین خویش بودند .

و لکن كثيراً منهم فسقون

۱۱ پذیرش ولایت و دوستی با کافران نشانه فسق و خروج از حدود الهی است .

ما اتخذوهم أولیاء و لکن كثيراً منهم فسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ تحريم حلال ها و تغيير احكام الهی تجاوز به حدود و قوانين خداوند

است .

لاتحرموا .. و لاتعتدوا

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <ولاتعتدوا> تأکید و تفسیری برای جمله <لاتحرموا ..> باشد.

۱۶ ناسازگاری ایمان به تغییر احکام دین و تجاوز از حدود و قوانین الهی

یایها الذین ءامنوا لاتحرموا .. و لاتعتدوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۸ - ۱۴

۱۴ عمل به احکام الهی نشانگر تقوای پیشگی و تجاوز از حدود خداوندی نشانه بی تقوایی است .

ولاتعتدوا .. و اتقوا الله الذی انتم به مؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۴ - ۱۴، ۱۳

۱۳ تجاوز از حدود الهی پس از هشدار خداوند به رعایت آن ، موجب عذابی دردناک

فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب الیم

۱۴ ناسازگاری خوف از خداوند با تجاوز از حدود و احکام او

لیعلم الله ینخافه بالغیب فمن اعتدی بعد ذلک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷ - ۱

۱ - ارضای غرایز جنسی جز از طریق همسر یا کنیز مملوک ، قانون شکنی و تجاوز به حدود الهی است .

إلا علی أزوجهم أو .. فمن ابتغی ... فأولئک هم العادون

<إبتغاء> (مصدر <ابتغی>) به معنای طلب کردن است. <وراء> معادل <سوی> است یعنی، به غیر از و یا فراتر از.

<ذلک> اشاره است به حدی که خداوند برای ارضای غریزه جنسی تعیین کرده است (آمیزش با همسر یا کنیز مورد تملک).
<عدوان> (مصدر <العادون>) به معنای تجاوز کردن و از حد گذشتن است.

تشریح حدود

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۸ - ۱۳

۱۳ تشریح حد سرقت ، جلوه ای از عزت و حکمت خداوند

فاقطعوا ایدیهما .. و الله عزیز حکیم

توصیف خداوند به <عزیز> و <حکیم> پس از بیان حد سرقت، نقش این دو صفت را در تشریح آن حد نشان می دهد.

تغییر حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۷ - ۱۶

۱۶ ناسازگاری ایمان به تغییر احکام دین و تجاوز از حدود و قوانین الهی

یا ایها الذین ءامنوا لاتحرموا .. و لاتعتدوا

جهل به حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۷

۷ جاهلان به حدود و احکام الهی همانند بیابان گردان دور از تمدنند ، هر چند که شهر نشین باشند .

الأعراب .. أجدر أَلَّا یعلموا حدود ما أنزل الله

از آیه تلازم میان بدوی بودن و ندانستن احکام الهی استفاده می شود.

حد زناى کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۵ - ۲۳، ۲۴

۲۳ حدّ زناى کنیزان مسلمان ، نیمی از حدّ زناى آزاده است .

فاذا احصنَّ فان اتين بفاحشه فعليهن نصف ما على المحصنات من العذاب

چون فعل <احصنَّ> مجهول است، مراد از آن شوهردار بودن است، و چون ضمیر آن به <مؤمنات> برمی گردد، هر دو قید، یعنی مسلمان و شوهردار بودن، از آن استفاده می شود. مؤید معنای مذکور برای <احصنَّ> در برداشت فوق، فرمایش امام صادق (ع) است که درباره آن فرمود: یعنی نکاحهنَّ

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۳۵، ح ۹۶؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۰، ح ۱۹۰.

۲۴ کنیز شوهردار، در صورت ارتکاب هر نوع فحشا، مستحق نیمی از کیفر زن آزاد *

فاذا احصن فان اتین بفاحشه فعلیهن نصف ما علی المحصنات

در برداشت فوق، <فاحشه> به معنای مطلق کار زشت گرفته شده، نه به معنای <زنا>.

حدّ زنای محصنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۵ - ۲۳

۲۳ حدّ زنای کنیزان مسلمان، نیمی از حدّ زنای آزاده است.

فاذا احصن فان اتین بفاحشه فعلیهن نصف ما علی المحصنات من العذاب

چون فعل <احصن> مجهول است، مراد از آن شوهردار بودن است، و چون ضمیر آن به <مؤمنات> برمی گردد، هر دو قید، یعنی مسلمان و شوهردار بودن، از آن استفاده می شود. مؤید معنای مذکور برای <احصن> در برداشت فوق، فرمایش امام صادق (ع) است که درباره آن فرمود: یعنی نکاحهنّ ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۳۵، ح ۹۶؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۰، ح ۱۹۰.

حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۳ - ۱۴،۲۱

۱۴ داوری پیامبران در محدوده قوانین الهی

و انزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس

بنابراینکه ضمیر <لیحکم> به <الکتاب> برگردد.

۲۱ میسر بودن داوری به حق میان مردم ، با قوانین الهی

و انزل معهم الکتاب بالحق لیحکم بین الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۲ - ۱۴

۱۴ لزوم رعایت احکام و مقررات الهی ، در آمیزش با زنان

فاذا

تطهرن فأتوهن من حيث امرکم الله

برخی برآنند که <من حیث> در صدد بیان محلّ آمیزش (فرج) نیست؛ و گر نه کلمه <فی> به کار می رفت. بنابراین تذکر است به مراعات احکام شرعی و پرهیز از موارد ممنوع. مانند ایام روزه و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۳ - ۱۶، ۱۵، ۱۳

۱۳ هشدار الهی به مردان ، نسبت به رعایت احکام الهی در محیط خانواده

نساؤکم حرث لکم .. و اتقوا الله و اعلموا انکم ملاقوه

امر به تقوا و توجه دادن انسانها به ملاقات خدا (روز پاداش و کیفر) پس از بیان احکامی درباره زندگی خانوادگی، می تواند هشدار می باشد به آنان که احکام الهی را مراعات نمی کنند.

۱۵ توجه به حضور در دادگاه الهی و ملاقات وی ، زمینه ساز رعایت تقوا و حفظ حدود الهی

و اتقوا الله و اعلموا انکم ملاقوه

۱۶ پیامبر (ص) ، مأمور بشارت به مؤمنانی که تقوا و حدود الهی را در زندگی زناشویی و محیط خانواده مراعات می کنند و با یکدیگر رفتاری پسندیده دارند .

نساؤکم حرث لکم .. و اعلموا انکم ملاقوه و بشر المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۹ - ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳

۱۳ در صورت ترس از عدم اقامه حدود الهی در زندگی ، مرد می تواند مالی را که به زن داده است ، بازپس بگیرد و او را طلاق دهد .

و لا یحل لکم ان تأخذوا .. الا ان یخافا الا یقیموا حدود الله

چنانچه حرمت بازپس گیری مَهْرِیّه مانع طلاق

میان زن و شوهر شود و در عین حال زندگی آن دو به نحوی است که حدود و احکام الهی بواسطه آن پایمال شود، پرداخت و گرفتن مهریه تجویز می شود تا طلاق صورت گیرد.

۱۴ چشمپوشی زن از مال خود (مهریه) و گرفتن طلاق، بهتر از زندگی زناشویی بدون رعایت حدود الهی است.

و لا يحل لكم ان تأخذوا مما اتيموهن شيئاً الا ان يخافا الا يقيما حدود الله

۱۵ ترس از عدم رعایت حدود الهی در خانواده، مجوز توافق زن و شوهر بر طلاق، با بخشیدن مالی از سوی زن

فان خفتم الا يقيما حدود الله فلا جناح عليهما فيما افتدت به

۱۶ احتمال و ترس معقول و متعارف از مراعات نکردن حدود الهی در خانواده، مجوز طلاق خلع*

فان خفتم الا يقيما حدود الله

با توجه به اینکه <ان خفتم>، خطاب به عموم مردم است، معلوم می شود نگرانی زن و شوهر باید به نحوی باشد که عموم مردم نیز در صورت آگاهی، این نگرانی را داشته باشند.

۱۷ ارزش حفظ خانواده، تا آنجاست که حدود الهی به واسطه آن به مخاطره نیفتد.

الا ان يخافا الا يقيما حدود الله

۱۸ لزوم و اهمیت حفظ حدود الهی در روابط زناشویی

فان خفتم الا يقيما حدود الله فلا جناح .. . تلک حدود الله فلا تعتدوها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۰ - ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹

۹ احکام طلاق، از حدود الهی است.

و تلک حدود الله

۱۰ لزوم و اهمیت حفظ حدود الهی در روابط زناشویی

فلا جناح عليهما ان يتراجعا

ان ظننا ان يقيما حدود الله

۱۱ حفظ حدود الهی ، شرط اساسی تشکیل کانون خانواده

فلا جناح عليهما ان يتراجعا ان ظننا ان يقيما حدود الله

۱۲ خداوند ، بیانگر حدود و احکام خویش ، برای مردم آگاه و داناست .

و تلك حدود الله يبينها لقوم يعلمون

۱۳ بهره برداری از حدود و احکام الهی ، مخصوص عالمان است .

و تلك حدود الله يبينها لقوم يعلمون

ظاهر این است که تبیین احکام، برای همه مردم است. (دانیان و غیر آنان) بنابراین اختصاص تبیین آیات به دانیان، به معنای اختصاص بهره گیری عالمان از تبیین احکام و حدود الهی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۴ - ۱۴

۱۴ خداوند بر کردار زنان در زمان عده وفات و پس از آن ، و عمل مسلمین در نظارت بر حفظ حدود الهی آگاه است .

و الذين يتوفون .. و الله بما تعملون خبير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۹ - ۱۳

۱۳ بروز تضاد های فکری و اجتماعی و دینی ، معلول تجاوز از قوانین عادلانه ادیان الهی

و ما اختلف الذين .. بغياً بينهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۶ - ۱۸

۱۸ صبر و مقاومت ، حتی در برابر دشمن ، باید آمیخته با تقوا و رعایت حدود الهی باشد .

و لتسمعن .. اذی کثیراً و ان تصبروا و تتقوا

از ذکر تقوا پس از صبر، معلوم می شود که در برابر اذیتهای دشمن نباید

دستورات الهی را نادیده گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۳ - ۱،۹

۱ لزوم عمل به وصیت میت ، ادای دین او ، احکام و قوانین ارث ، حدود الهی است .

تلك حدود الله

<تلك>، اشاره به تمامی احکامی است که در آیات ارث بیان شده است.

۹ رعایت حدود الهی (احکام و قوانین ارث و ...) و اطاعت از خدا و رسول (ص) ، رستگاری بزرگ

تلك حدود الله و من يطع الله و رسوله .. و ذلك الفوز العظيم

<ذلك> می تواند اشاره باشد به اطاعت خدا و رسول که از موارد آن رعایت احکام و قوانین ارث و حدود الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۴ - ۱

۱ نافرمانی خدا و رسول (ص) و تجاوز از حدود الهی ، عامل دخول و جاودانگی در آتش جهنم

و من يعص الله و رسوله و يتعد حدوده يدخله ناراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ لزوم عفت و پاکدامنی برای مردان و حفظ حدود الهی در مسائل جنسی

محصنين غير مسافحين

<محصنين>، حال است برای فاعل <ابتغاء>. یعنی انتخاب همسر برای ازدواج و زناشویی باید به صورت حلال باشد، نه به صورت زنا و بی عفتی. گفتنی است که <سفاح> به معنای زنا و بی عفتی است و <غير مسافحين>، تأکید برای محصنين است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳۸ برقراری مقررات الهی اجتماعی در جامعه ، مرهون تعاون و همکاری است .

اوفوا بالعقود .. تعاونوا علی البر و التقوی

فرمان خداوند به تعاون در انجام کارهای نیک پس از بیان مقررات اجتماعی الهی (اوفوا بالعقود .. لاتحلوا ...)، رهنمودی برای پیاده کردن آن مقررات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۷ - ۱۲

۱۲ ضرورت حرکت در چارچوب قوانین و مقررات تبیین شده از سوی خداوند

لاتحرموا .. و لاتعتدوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۹ - ۲۲

۲۲ احکام الهی و تبیین آن ، از جمله نعمت های خداوند ، و مردمان وظیفه دار سپاس گزاردن آن

لاتحرموا .. و احفظوا ایمنکم کذلک بین الله لکم ءایته لعلکم تشکرون

امر به شکرگزاری پس از بیان احکام، می رساند که احکام خداوند و بیان آنها از زمره نعمتهای الهی هستند زیرا شکر همواره در برابر نعمت است.

حدود در تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۳ - ۱۲

۱۲ سنگسار کردن ، مجازات زناى محصنه در تورات

و عندهم التوریه فیها حکم الله

در شأن نزول این آیات آمده است که پیامبر(ص) در زناى محصنه زن و مردی یهودی به سنگسار کردن آنان حکم فرمود و

از <ابن صوری>، که داناترین مردم به تورات بود، بر وجود این حکم در تورات اعتراف گرفت. (مجمع البیان)

ذلت متجاوزان از حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸

۱ - کسانی که حدود الهی را محترم نمی شمردند ، فرجامی شوم و ذلت بار خواهند داشت .

و تلك حدود الله .. إن الذين يحادون الله ورسوله كتبوا

در صورتی که آیه بالا، ادامه آیه قبل و در ارتباط با آن باشد، برداشت بالا به دست می آید.

رعایت حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۲ - ۱۵

۱۵ - رعایت احکام و موعظه های الهی ، نشانه تقوای پیشگی است .

ذلكم يوعظ به .. و من يتق الله يجعل له مخرجاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۸ - ۱۴، ۱۲، ۴

۴ ضرورت بهره گیری از امکانات و روزی های الهی به شیوه حلال و پاکیزه (در چارچوب احکام و قوانین الهی)

و كلوا مما رزقكم الله حلالاً طيباً

برداشت فوق بر این اساس است که <حلالاً طیباً> صفت برای مفعول مطلق محذوف <اکلاً> باشد. بر این مبنا بهره جستن و استفاده از امکانات خدادادی به دو گونه تقسیم می شود یکی استفاده به گونه حلال و دیگر بهره وری به شیوه حرام. هر چند خود امکانات حلال و طیب باشند.

۱۲ تقوا و تعهد نسبت به حلال و حرام الهی ، لازمه ایمان به خداوند

و كلوا .. حلالاً طيباً و اتقوا الله الذي انتم به مؤمنون

۱۴ عمل به احکام الهی نشانگر تقوای پیشگی و تجاوز از حدود خداوندی نشانه بی تقوایی است .

و لاتعتدوا .. و اتقوا الله الذي انتم به مؤمنون

روش اجرای احکام حدود

سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲ - ۱۰

۱۰- استفاده از احساسات مذهبی و عقاید دینی مردم ، از روش های قرآن برای اجرای کامل قوانین و حدود در جامعه

الزانیه و الزانی فاجلدوا.. إن کنتم تؤمنون باللّٰه

جمله <إن کنتم تؤمنون ..؛ اگر ایمان دارید...> ممکن است به منظور بهره گیری از عقاید دینی مردم ادا شده باشد؛ چنان که برای برانگیختن حمیت و غیرت گروهی، گفته می شود: <اگر غیرت دارید...>.

زمینه اجرای حدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۸ - ۵

۵ اهل ایمان ، موظف به زمینه سازی اجرای حدود توسط حاکمان *

و السارق و السارقه فاقطعوا ایدیهما

با اینکه اجرای حد در محدوده وظایف حاکم شرعی است، خداوند همه مؤمنان را مخاطب قرار داد تا به این نکته اشاره کند که مؤمنان باید زمینه اجرای حکم را فراهم سازند.

زمینه تجاوز از حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۱ - ۳

۳ - بخلورزی و محروم ساختن بینوایان از اموال خویش ، طغیان و تجاوز از حدود الهی است .

أن لا یدخلنّها الیوم علیکم مسکین .. إنا کنا طغین

زمینه جهل به حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۸

۸ بادیه نشینی و دوری از فرهنگ اجتماعی ، زمینه ناآگاهی نسبت به حدود و احکام الهی

الأعراب . . . و أجدر ألا يعلموا حدود ما أنزل الله

زمینه حفظ حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۳ - ۵

۵ - مراقبت شدید بر ارزش ها و حدود الهی ، در گرو خشیت از خداوند ، حتی در نهان

أَوَاب حَفِیْظ . من خشی الرحمن بالغیب

برداشت یاد شده بنا بر این نکته است که تعبیر <من خشی...> در مقام توصیف <أَوَاب> و <حَفِیْظ> باشد و علیت را برساند؛ یعنی، این خشیت عامل <أَوَاب> و <حَفِیْظ> بودن آنان است.

زمینه سازی قبول حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۱۰

۱۰ - زمینه سازی روحی و فکری در گنهکاران برای پذیرش حدود ، امری شایسته و نیکوست .

یقوم إنکم ظلمتم أنفسکم . . . فتوبوا إلی بارئکم

شرایط اجرای حدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۶ - ۴

۴ کیفر فحشا (لواط و زنا) ، مشروط به انجام آن از روی اختیار است .

و الذان یأتیانها منکم فاذوهما

عصیان از حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۳۱

۳۱ تسلیم نبودن در برابر احکام الهی و هراس از رویارویی با دشمن ، نشانه بی تقوایی

و قالوا ربنا لم كتبت علينا القتال لولا اخرتنا الى اجل قريب و الاخره خير لمن ات

مفعول <اتقى> می تواند مسائلی باشد که در آیه به متخلفان از جهاد نسبت داده شد؛ همانند اعتراض به حکم خدا و ترس از جنگ.

فرجام شوم متجاوزان از حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ -

۱ - کسانی که حدود الهی را محترم نمی شمردند ، فرجامی شوم و ذلت بار خواهند داشت .

و تلك حدود الله .. إن الذين يحادون الله ورسوله كبتوا

در صورتی که آیه بالا، ادامه آیه قبل و در ارتباط با آن باشد، برداشت بالا به دست می آید.

فلسفه اجرای حدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۱۰

۱۰ اجرای حدود الهی ، روشی برای مبارزه با فساد اجتماعی و پاسداری از امنیت جامعه

انما جزوا الذين يحاربون الله ورسوله و يسعون في الارض فساداً ان يقتلوا

فلسفه حدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۸ - ۸،۱۰

۸ بریدن دست دزد ، عقوبتی بازدارنده و عبرت آموز

نکلا من الله

<نکال> به عقوبتی گفته می شود که برای بازداشتن مجرم از تکرار گناه و عبرت دیگران انجام گیرد.

۱۰ ایجاد امنیت در جامعه و بازداشتن مجرمان از ارتکاب جرم ، فلسفه تشریح حدود

نکلا من الله

<نکلا> همچون <جزاء> مفعول له برای <فاقطعوا> است.

قاطعیت در اجرای حدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- ایمان راستین به خدا و قیامت ، ضامن پیاده شدن کامل و قاطع حدود و کیفر های الهی در جامعه و مانع تأثیر پذیری از احساسات و عواطف به هنگام اجرای آنها

الزانیه و الزانی فاجلدوا.. و لاتأخذکم بهما رأفه فی دین اللّٰه إن کنتم تؤمنون با

پیام و مفهوم جمله >فاجلدوا.. إن کنتم تؤمنون باللّٰه و الیوم الآخر/ تازیانه بزیند...

اگر به خدا و روز واپسین ایمان دارید < این است که: اگر ایمان راستین وجود داشته باشد، حدود الهی اجرا خواهد شد و هرگز احساسات و عواطف و تعلقات شخصی، جلوگیری آنها نخواهد شد. گفتنی است جواب جمله شرطیه <إن کنتم...> جمله ای مقدر مانند: (فلا تأخذکم بهما رأفه) می باشد.

۱۶- < عن أمير المؤمنين (ع) في قول الله عزوجل : < ولا تأخذکم بهما رأفه في دين الله > قال في إقامة الحدود و في قوله تعالى : < وليشهد عذابهما طائفه من المؤمنين قال الطائفه واحد . . . >

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است که درباره سخن خداوند عزوجل <ولا تأخذکم بهما رأفه في دين الله> فرمود: در مورد اجرای حدود [رأفت نشان ندهید] و درباره سخن خدای تعالی <وليشهد عذابهما طائفه من المؤمنين> فرمود: طایفه یک نفر است (یعنی، یک نفر را هم شامل می شود).

کیفر تجاوز به حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۴ - ۱۳، ۱۲

۱۲ - عذاب دردناک الهی ، گریبانگیر کسانی خواهد شد که حدود الهی را رعایت نکرده و به آن تعدی می کنند .

و تلك حدود الله و للكافرين عذاب أليم

۱۳ - رعایت نکردن حدود الهی در ظاهر ، در پی دارنده عذاب دردناک الهی است .

و تلك حدود الله و للكافرين عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۸ - ۱۱

۱۱ انسان ، ناتوان از تحمل عواقب انحراف از حدود الهی در روابط جنسی

و يريد الذين يتبعون الشهوات ان تميلوا ميلا عظيماً .

.. خلق الانسان ضعيفاً

جمله <خلق الانسان ضعيفاً> می تواند بیانگر علت لزوم پیروی از احکام الهی در ازدواج و اجتناب از پیروی هواپرستان باشد. یعنی قوانین الهی، جوامع را سبکبار خواهد کرد و انحراف از آن موجب مشقت خواهد شد و انسان توان تحمل آن مشقتها را ندارد.

مجاهدان و پاسداری حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۲ - ۲

۲ توبه ، عبادت ، حمد ، تلاش در راه بندگی ، رکوع ، سجود ، امر به معروف و نهی از منکر و حفظ حدود الهی ، از صفات مجاهدان راه خدا

إن الله اشترى من المؤمنين .. التّبتون ... و الحفظون لحدود الله

مکذبان حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۴ - ۹

۹ - منکران حدود الهی در حکم کافران اند .

و تلك حدود الله و للكافرين عذاب أليم

موارد حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۳۱ ، ۳۰

۳۰ - روزه و اعتکاف و احکام آن دو ، حدود الهی است که هرگز نباید نقض شود .

تلك حدود الله فلا تقربوها

۳۱ - احکام قصاص و وصیت ، حدود الهی است که هرگز نباید شکسته شود .

کتب علیکم القصاص .. کتب علیکم ... الوصیه ... تلک حدود اللّٰه فلا تقربوها

مشارالیه <تلک> علاوه بر روزه و احکام آن، می تواند قصاص و وصیت و احکام آنها نیز باشد.

مؤمنان و پاسداری از حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه -

۱۷ پایداری مؤمنان بر اجرا و حفظ حدود الهی ، شرط خداوند در وفا نمودن به عهد خویش

و من أوفى بعهده من الله .. التّبتون العبدون ... و بشر المؤمنین

تأکید بر اعمال فردی و اجتماعی و حفظ حدود الهی پس از بیان وفای خداوند به عهد خویش، می تواند مشعر به این حقیقت باشد که پاسداری انسان از حدود الهی، شرط بهرهوری از وعده های خداوندی است.

نظارت بر اجرای حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۱

۱ - نظارت بر حسن اجرای حدود الهی ، از وظایف پیامبر (ص) و رهبر جامعه اسلامی

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ .. تَلْكَ حُدُودَ اللَّهِ

مخاطب قرار گرفتن شخص پیامبر(ص) در آغاز سوره و آیات مربوط به احکام طلاق و حدود الهی با آن که این احکام و حدود مربوط به همه مسلمانان است می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

نهی از سستی در اجرای حدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲ - ۷

۷- تأثیر پذیری از احساسات و عواطف در حدود و کیفر های الهی و تساهل در اجرای دقیق آن ، مورد نهی صریح خداوند

الزّانية و الزّانية فاجلدوا.. و لا تأخذکم بهما رأفة فی دین الله

ویژگی حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۲ - ۱۲

۱۲ هر آنچه از جانب خدا باشد ، دور از اختلاف و تضاد است .

غير الله لوجدوا فيه اختلافاً كثيراً

ویژگیهای حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۱۳

۱۳ حدود و احکام نازل شده از سوی خداوند بر رسول اکرم (ص) بر اساس علم و حکمت است .

حدود ما أنزل الله على رسوله و الله علیم حکیم

حدود خدا

{حدود خدا}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۴ - ۸

۸ - کفارهای تعیین شده برای ظهار ، حدود الهی بوده و رعایت آنها بر همگان لازم است .

و تلك حدود الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۱۵

۱۵ - احکام مربوط به زنان مطلقه ، از حدود الهی است .

تلك حدود الله

آثار التزام به حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۳۶

۳۶ - عمل به احکام دین و پایبندی به حدود الهی ، زمینه ساز نایل شدن به تقوای پیشگی است .

تلك حدود الله فلا تقربوها كذلك يبين الله آياته للناس لعلهم يتقون

آثار تجاوز از حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۲۵، ۲۹

۲۵ - کسانی که از احکام خدا تعدی کنند ، به عذابی دردناک گرفتار خواهند شد .

فمن اعتدى بعد ذلك فله عذاب أليم

۲۹ - تجاوز از احکام و قوانین الهی ، مانع بهره مندی از رحمت خداوند است .

ذلك تخفيف من ربكم و رحمه فمن اعتدى بعد ذلك فله عذاب أليم

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۰ - ۱۲

۱۲- سرکشی و تجاوز از حدود الهی ، زمینه ساز گرایش انسان به کفر است . *

یرهقهما طغیناً و کفراً

محتمل است تقدیم طغیان بر کفر، گویای این باشد که کشانده شدن به کفر، پی آمد ابتلا به طغیان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۱۷

۱۷ - ضرر و زیان عمل نکردن به احکام الهی و شکستن مرز های دینی ، به خود متجاوزان بازمی گردد .

و من یتعدّ حدود الله فقد ظلم نفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۲ - ۲

۲ - آلودگی به گناه و شکستن حریم قوانین و وظایف الهی ، زمینه ساز انکار روز جزا است .

و ما یکذب به الاکلّ معتد اثم

آثار تجاوز به حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۵

۵ - کوچک شمردن قوانین و مقررات الهی و تجاوز به حریم آنها ، شقاوت و بدبختی انسان ها را در پی دارد .

و من یعظم حرمت الله فهو خیر له عند ربّه

<تعظیم> عکس <تحقیر> است. بنابراین مفهوم جمله یاد شده چنین می شود: <و من یحقر حرّمات الله فهو شرّ له عند ربّه> .

آثار تحقیر حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۵

۵ - کوچک شمردن قوانین و مقررات الهی و تجاوز به حریم آنها ، شقاوت و بدبختی انسان ها

را در پی دارد .

و من يعظم حرمت الله فهو خير له عند ربه

<تعظيم> عكس <تحقير> است. بنابراین مفهوم جمله یاد شده چنین می شود: <و من يحقر حرمت الله فهو شر له عند ربه>.

آثار تعظیم حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۳

۳- تعظیم و بزرگداشت حدود و مقررات الهی و رعایت حریم آنها ، مایه خیر و سعادت و خوشبختی برای اهل ایمان

و من يعظم حرمت الله فهو خير له عند ربه

ضمیر <هو> در <فهو خير له> به <تعظیم> (مصدر <يعظم>) بازمی گردد؛ یعنی، <فالتعظیم خير له عند ربه>.

اجتناب از تجاوز به حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۲

۲- لزوم بزرگداشت حدود و مقررات الهی ، کوچک نشمردن آنها و پرهیز از تجاوز به حریم آنها

و من يعظم حرمت الله

<تعظیم> (مصدر <يعظم>) به معنای بزرگ داشتن است. <حرمت> جمع <حرمه> است و حرمت به چیزی گفته می شود که هتک و دریدن آن ممنوع و رعایت و نگهداری آن واجب است. <حرمت الله> یعنی، حدود و مقرراتی که از سوی خدا تعیین شده و مردم موظف اند آنها را رعایت کنند. بنابراین جمله یاد شده توصیه ای است از سوی خدا به اهل ایمان که باید حدود و مقررات الهی را بزرگ بشمارند و از تجاوز به حریم آنها، سخت خودداری کنند.

ارزش حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- مائده - ۵ - ۵۰ - ۱۷، ۱۶

۱۶ خداوند ، فراخوان مردم به

مقایسه قوانین الهی با سایر قوانین برای باور به برتری احکام الهی

و من احسن من الله حکماً لقوم یوقنون

۱۷ ناباوری به منزلت برتر احکام الهی بر سایر قوانین ، برخاسته از کوتاه فکری و ناتوانی اندیشه

و من احسن من الله حکماً لقوم یوقنون

ایقان، به معنای فهمیدن از روی تدبر و تحقیق است.

اعراض از حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۵ - ۲

۲ - تهدید اکید الهی ، به کسانی که به حدود و احکام ظهار تن در ندهند و بر سنت جاهلی پایبند بمانند .

و الذین یظهرون من نسائهم .. . إنّ الذین یحادّون الله و رسوله

چنان که قبلاً گفته شد، <ظهار> سنتی باقی مانده از عرب جاهلی بود. خداوند در آیات پیشین این سنت را لغو کرد و برای مرتکبان آن مجازات کفّاره تعیین فرمود. با توجه به ارتباط آیه بالا با آیات قبل، آیه شریفه ناظر به کسانی خواهد بود که ممکن است همچنان بر آن سنت غلط پایبند بمانند و حدود الهی را زیر پا بگذارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۱۸، ۳

۳ گریز از احکام الهی و گرایش به احکام جاهلی ، شیوه و منشی ناپسند

افحکم الجهلیه یبغون

۱۸ رویگردانی از احکام الهی ، نشانه محرومیت آدمی از تفکر صحیح و اندیشه توانا

فان تولوا .. . و من احسن من الله حکماً لقوم یوقنون

اقامه حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٣ - نساء - ٤ - ٥٩ - ٣٢

٣٢ اقامه حدود و

احکام ، جلوگیری از نابودی دین و یا تغییر سنت ها و احکام الهی ، هدف گزینش < اولی الامر > و لزوم اطاعت از آنان

اطيعوا الله . . . و اولی الامر منکم

امام رضا (ع) درباره فلسفه قرار دادن اولوالامر و وجوب اطاعت از آنان فرمود: .. فجعل عليهم قیماً يمنعهم من الفساد و یقیم فیهم الحدود و الاحکام ... اِنَّه لو لم يجعل لهم اماماً قیماً ... لدرست المله و ذهب الدين و غیرت السنن و الاحکام ...

عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۱۰۱، ح ۱، ب ۳۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۹۷، ح ۳۲۹.

اهمیت تعظیم به حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۲

۲ - لزوم بزرگداشت حدود و مقررات الهی ، کوچک نشمردن آنها و پرهیز از تجاوز به حریم آنها

و من یعظم حرمت الله

<تعظیم> (مصدر <یعظم>) به معنای بزرگ داشتن است. <حرمت> جمع <حرمه> است و حرمت به چیزی گفته می شود که هتک و دریدن آن ممنوع و رعایت و نگهداری آن واجب است. <حرمت الله> یعنی، حدود و مقرراتی که از سوی خدا تعیین شده و مردم موظف اند آنها را رعایت کنند. بنابراین جمله یاد شده توصیه ای است از سوی خدا به اهل ایمان که باید حدود و مقررات الهی را بزرگ بشمارند و از تجاوز به حریم آنها، سخت خودداری کنند.

اهمیت حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۲ - ۱

۱ - حدود و مقررات الهی و نیز مسأله توحید و

یکتاپرستی ، دارای اهمیتی بسیار و منزلتی والا در نزد خداوند

و من يعظم حرمت الله .. او تهوی به الريح فی مکان سحیق . ذلک

<ذلک> اشاره است به موضوع بزرگداشت حدود و مقررات الهی و نیز مسأله توحید و یکتاپرستی که در آیه پیش مطرح شده است. مقصود از آوردن <ذلک> در این جا، ایجاد فاصله میان کلام قبل و کلام بعد و انتقال از یک مطلب مهم به مطلب مهمی دیگر است. در چنین مواردی کلمه <هذا> را به کار می برند؛ مانند: <هذا و أنّ لطاغین لشرّ مآب>. بنابراین به کارگیری <ذلک> که برای اشاره به بعید است می تواند برای بیان بُعد منزلت توحید و یکتاپرستی و اهمیت حدود و مقررات الهی باشد.

اهمیت ذکر حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۳ - ۱۱

۱۱ لزوم رعایت تقوا و توجه به حدود الهی ، حتی در مبارزه با کافران

قتلوا الذین یلونکم من الکفار و لیجدوا فیکم غلظه و اعلموا أنّ الله مع المتقین

پاسداران حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۲ - ۱۵

۱۵ مؤمنان راستین ، پاسداران همیشگی قوانین ، حدود و ارزش های الهی

و الحفظون لحدود الله

پاسداری از حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۳۱، ۳۰، ۲۹

۲۹ - لزوم حفظ و مراقبت از حدود الهی و پاس داشتن آنها

تلک حدود اللہ فلا تقربوها

۳۰- روزہ و اعتکاف و احکام آن دو ، حدود الہی است کہ ہرگز

نباید نقض شود .

تلك حدود الله فلا تقربوها

۳۱ - احكام قصاص و وصيت ، حدود الهی است که هرگز نباید شکسته شود .

کتب عليكم القصاص .. کتب عليكم ... الوصيه ... تلك حدود الله فلا تقربوها

مشاراليه <تلك> علاوه بر روزه و احكام آن، می تواند قصاص و وصيت و احكام آنها نیز باشد.

تبدیل حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۲

۲ بسیاری از مسیحیان و یهودیان ، در صدد جایگزینی گرایش ها و قوانین جاهلی به جای احكام و قوانین الهی

افحکم الجهلیه یبغون

<بغی>، به معنای طلب کردن است.

تجاوز از حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۰ - ۵۸

۵ - نبرد با کسانی که با مسلمانان سر جنگ ندارند ، تجاوز گری و خروج از حدود الهی است .

و قتلوا .. الذین یقتلونکم و لاتعتدوا

از مصداقهای مورد نظر برای اعتدا و تجاوز - به قرینه <الذین یقاتلونکم> - نبرد با کافرانی است که در پی جنگ با اهل ایمان نیستند.

۸ - مجاهدان ، در صورتی که از حدود الهی در جنگ تجاوز کنند و یا حقوق دشمنان را رعایت ننمایند ، از محبت خداوند محروم خواهند شد .

إن الله لایحب المعتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۱۶، ۱۸

۱۶ - تجاوز از حدود الهی و مرز های دینی ، ظلم به نفس است .

و من يتعدّ حدود الله فقد ظلم نفسه

۱۸ - رعایت نکردن احکام و حدود الهی درباره طلاق از سوی همسران ،

ظلم به نفس و زیان رساندن به خویشتن است .

فَطَلَّقُوهُنَّ لَعَدَّتِهِنَّ . . . و من يتعدّ حدود الله فقد ظلم نفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۱ - ۲

۲ - اعتراف باغداران یمنی ، به طغیان و تجاوز از حدود الهی بر اثر نپرداختن سهم بینوایان

إِنَّا كُنَّا طَغِين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۱ - ۱

۱ - ارضای غرایز جنسی ، جز از طریق همسر یا کنیز مملوک ، تجاوز به حدود الهی و به دور از حق و اعتدال است .

فمن ابتغى وراء ذلك فأولئك هم العادون

<عادون> (مصدر <عادون>)، به معنای تجاوز کردن و از حد گذشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۴ - ۳،۶،۹

۳ تجاوز از حدود الهی ، نافرمانی خدا و رسول است .

و من يعص الله و رسوله و يتعدّ حدوده

برداشت فوق بر این اساس است که عطف جمله <يتعدّ حدوده> بر جمله <يعص الله و رسوله>، عطف تفسیری باشد.

۶ نافرمانی مستمر و تجاوز دایمی از حدود الهی ، موجب جاودانگی در آتش

و من يعص الله . . . و يتعدّ حدوده یدخله ناراً خالداً فیها

۹ عذاب همیشگی و خوارکننده ، کیفر سرکشی از فرامین خدا و رسول (ص) و تجاوز از حدود الهی

و من يعص الله و رسوله . . . و له عذاب مهین

تجاوز به حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۴ - ۱۰

۱۰ - انکار حکم

ظهار و تجاوز به حدود آن ، در حکم کفر است .

و تلك حدود الله و للكافرين عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۹ - ۲۱،۲۲،۲۳

۲۱ احکام طلاق ، از حدود الهی و تعدی از آن حرام است .

المطلقات یتربصن .. . الطلاق مرتان ... تلك حدود الله فلا تعتدوها

۲۲ تجاوز از حدود و احکام الهی ، ظلم است .

و من یتعدّ حدود الله فاولئك هم الظالمون

۲۳ ستمکاران ، فقط کسانی هستند که از حدود الهی تعدی کنند .

و من یتعدّ حدود الله فاولئك هم الظالمون

ضمیر فصل <هم> گویای حصر است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۱ - ۵،۷

۵ رجوع مرد به زن به قصد آزار و اذیت ، تعدی به حدود الهی و ظلم است .

تلك حدود الله فلا تعتدوها و من یتعدّ حدود الله فاولئك هم الظالمون .. . و لا تمس

۷ تعدی از حدود الهی ، ظلم به خویشان است .

لتعتدوا و من یفعل ذلك فقد ظلم نفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۰ - ۱۱

۱۱ خداوند ، قادر بر کیفر تخلف کنندگان از احکام الهی

و الله عزيز حكيم

آوردن صفت <عزيز> (به معنای قادری پیروز و شکست ناپذیر) پس از بیان احکام، تهدیدی است نسبت به متخلفان از احکام الهی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۷ - ۴،۵،۱۰

۴ تلاش شهوترانان برای انحراف جوامع دینی از حدود و

مقررات الهی در روابط جنسی

و یرید الذین یتبعون الشهوات ان تمیلوا میلاً عظیماً

۵ تلاش هواپرستان برای انحراف جوامع دینی از محدوده احکام و قوانین الهی

و لا تنکحوا... حرمت... و یرید الذین یتبعون الشهوات ان تمیلوا میلاً عظیماً

۱۰ تجاوز از حدود و مقررات الهی در ازدواج و روابط جنسی، انحرافی بزرگ

حرمت... و یرید الذین یتبعون الشهوات ان تمیلوا میلاً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۸ - ۳

۳ شکستن حریم قوانین الهی در روابط جنسی، رنج آفرین و موجب مشقت برای جوامع انسانی است.

و یرید الذین یتبعون الشهوات... یرید الله ان یخفف عنکم

چنانچه رعایت احکام الهی در ازدواج موجب سبکباری باشد، زیر پا گذاردن آن قوانین، رنج آور و مشقتبار خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۳۱

۳۱ بسیاری از اهل کتاب در عصر پیامبر (ص)، مردمی شکننده حدود الهی و از زمره فاسقان

و إن كثيراً من الناس لفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۱۲

۱۲ نافرمانی خدا و پیامبران و استمرار تجاوز به حدود الهی و حقوق مردمان، موجب کفر و گرفتاری به لعنت الهی

لعن الذین کفروا... ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

در برداشت فوق <ذلک> علاوه بر اشاره به لعنت اشاره به کیفر نیز گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ -

۹ بسیاری از بنی اسرائیل در زمان پیامبر (ص) فاسق و شکننده حدود و حریم دین خویش بودند .

و لکن کثیراً منهم فسقون

۱۱ پذیرش ولایت و دوستی با کافران نشانه فسق و خروج از حدود الهی است .

ما اتخذوهم أولیاء و لکن کثیراً منهم فسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۷ - ۱۶، ۱۳

۱۳ تحریم حلال ها و تغییر احکام الهی تجاوز به حدود و قوانین خداوند است .

لاتحرموا .. و لاتعتدوا

برداشت فوق بر این اساس است که جمله < و لاتعتدوا > تأکید و تفسیری برای جمله < لاتحرموا .. > باشد.

۱۶ ناسازگاری ایمان به تغییر احکام دین و تجاوز از حدود و قوانین الهی

یا ایها الذین ءامنوا لاتحرموا .. و لاتعتدوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۸ - ۱۴

۱۴ عمل به احکام الهی نشانگر تقوای پیشگی و تجاوز از حدود خداوندی نشانه بی تقوایی است .

و لاتعتدوا .. و اتقوا الله الذی انتم به مؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۴ - ۱۴، ۱۳

۱۳ تجاوز از حدود الهی پس از هشدار خداوند به رعایت آن ، موجب عذابی دردناک

فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب الیم

۱۴ ناسازگاری خوف از خداوند با تجاوز از حدود و احکام او

ليعلم الله يخافه بالغيب فمن اعتدى بعد ذلك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷ - ۱

۱ - ارضای غرایز جنسی جز از طریق

همسر یا کنیز مملوک ، قانون شکنی و تجاوز به حدود الهی است .

إلا على أزوجهم أو ... فمن ابتغى ... فأولئك هم العادون

<إبتغاء> (مصدر <ابتغى>) به معنای طلب کردن است. <وراء> معادل <سوی> است؛ یعنی، به غیر از و یا فراتر از. <ذلك> اشاره است به حدی که خداوند برای ارضای غریزه جنسی تعیین کرده است (آمیزش با همسر یا کنیز مورد تملک). <عادون> (مصدر <العادون>) به معنای تجاوز کردن و از حد گذشتن است.

تغییر حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۷ - ۱۶

۱۶ ناسازگاری ایمان به تغییر احکام دین و تجاوز از حدود و قوانین الهی

يايها الذين ءامنوا لاتحرموا .. و لاتعتدوا

جهل به حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۷

۷ جاهلان به حدود و احکام الهی همانند بیابان گردان دور از تمدنند ، هر چند که شهر نشین باشند .

الأعراب .. أجدرا ألا يعلموا حدود ما أنزل الله

از آیه تلازم میان بدوی بودن و ندانستن احکام الهی استفاده می شود.

حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۳ - ۱۴،۲۱

۱۴ داوری پیامبران در محدوده قوانین الهی

و انزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس

بنابراینکه ضمیر <لیحکم> به <الکتاب> برگردد.

۲۱ میسر بودن داوری به حق میان مردم ، با قوانین الهی

و انزل معهم الکتاب بالحق لیحکم بین الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۲ - ۱۴

لزوم رعایت احکام و مقررات الهی ، در آمیزش با زنان

فاذا تطهرن فأتوهنَّ من حیث امرکم الله

برخی برآنند که <من حیث> در صدد بیان محلّ آمیزش (فرج) نیست؛ و گر نه کلمه <فی> به کار می رفت. بنابراین تذکر است به مراعات احکام شرعی و پرهیز از موارد ممنوع. مانند ایام روزه و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۳ - ۱۶، ۱۵، ۱۳

۱۳ هشدار الهی به مردان ، نسبت به رعایت احکام الهی در محیط خانواده

نساؤکم حرث لکم .. و اتقوا الله و اعلموا انکم ملاقوه

امر به تقوا و توجه دادن انسانها به ملاقات خدا (روز پاداش و کیفر) پس از بیان احکامی درباره زندگی خانوادگی، می تواند هشدار باشد به آنان که احکام الهی را مراعات نمی کنند.

۱۵ توجه به حضور در دادگاه الهی و ملاقات وی ، زمینه ساز رعایت تقوا و حفظ حدود الهی

و اتقوا الله و اعلموا انکم ملاقوه

۱۶ پیامبر (ص) ، مأمور بشارت به مؤمنانی که تقوا و حدود الهی را در زندگی زناشویی و محیط خانواده مراعات می کنند و با یکدیگر رفتاری پسندیده دارند .

نساؤکم حرث لکم .. و اعلموا انکم ملاقوه و بشر المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۹ - ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳

۱۳ در صورت ترس از عدم اقامه حدود الهی در زندگی ، مرد می تواند مالی را که به زن داده است ، بازپس بگیرد و او را طلاق دهد .

و لا یحل لکم ان تأخذوا .. الا

ان يخافا الا يقيما حدود الله

چنانچه حرمت بازپس گیری مهریه مانع طلاق میان زن و شوهر شود و در عین حال زندگی آن دو به نحوی است که حدود و احکام الهی بواسطه آن پایمال شود، پرداخت و گرفتن مهریه تجویز می شود تا طلاق صورت گیرد.

۱۴ چشمپوشی زن از مال خود (مهریه) و گرفتن طلاق، بهتر از زندگی زناشویی بدون رعایت حدود الهی است.

و لا يحل لكم ان تأخذوا مما اتيموهنّ شيئاً الا ان يخافا الا يقيما حدود الله

۱۵ ترس از عدم رعایت حدود الهی در خانواده، مجوز توافق زن و شوهر بر طلاق، با بخشیدن مالی از سوی زن

فان خفتم الا يقيما حدود الله فلا جناح عليهما فيما افتدت به

۱۶ احتمال و ترس معقول و متعارف از مراعات نکردن حدود الهی در خانواده، مجوز طلاق خلع*

فان خفتم الا يقيما حدود الله

با توجه به اینکه <ان خفتم>، خطاب به عموم مردم است، معلوم می شود نگرانی زن و شوهر باید به نحوی باشد که عموم مردم نیز در صورت آگاهی، این نگرانی را داشته باشند.

۱۷ ارزش حفظ خانواده، تا آنجاست که حدود الهی به واسطه آن به مخاطره نیفتد.

الا ان يخافا الا يقيما حدود الله

۱۸ لزوم و اهمیت حفظ حدود الهی در روابط زناشویی

فان خفتم الا يقيما حدود الله فلا جناح . . . تلك حدود الله فلا تعتدوها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۰ - ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۰، ۹

۹ احکام طلاق، از حدود الهی است.

و تلك حدود الله

۱۰ لزوم

و اهمیت حفظ حدود الهی در روابط زناشویی

فلا جناح علیهما ان یتراجعا ان ظنّا ان یقیما حدود اللّٰه

۱۱ حفظ حدود الهی ، شرط اساسی تشکیل کانون خانواده

فلا جناح علیهما ان یتراجعا ان ظنّا ان یقیما حدود اللّٰه

۱۲ خداوند ، بیانگر حدود و احکام خویش ، برای مردم آگاه و داناست .

و تلک حدود اللّٰه یبینها لقوم یعلمون

۱۳ بهره برداری از حدود و احکام الهی ، مخصوص عالمان است .

و تلک حدود اللّٰه یبینها لقوم یعلمون

ظاهر این است که تبیین احکام، برای همه مردم است. (دانیان و غیر آنان) بنابراین اختصاص تبیین آیات به دانیان، به معنای اختصاص بهره گیری عالمان از تبیین احکام و حدود الهی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۴ - ۱۴

۱۴ خداوند بر کردار زنان در زمان عدّه وفات و پس از آن ، و عمل مسلمین در نظارت بر حفظ حدود الهی آگاه است .

و الذین یتوفّون .. و اللّٰه بما تعملون خبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۹ - ۱۳

۱۳ بروز تضاد های فکری و اجتماعی و دینی ، معلول تجاوز از قوانین عادلانه ادیان الهی

و ما اختلف الذین .. بغیاً بینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۶ - ۱۸

۱۸ صبر و مقاومت ، حتی در برابر دشمن ، باید آمیخته با تقوا و رعایت حدود الهی باشد .

و لتسمعنَّ .. اذی کثیراً و ان تصبروا و تتقوا

از ذکر تقوا

پس از صبر، معلوم می شود که در برابر اذیت‌های دشمن نباید دستورات الهی را نادیده گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۳ - ۱،۹

۱ لزوم عمل به وصیت میت، ادای دین او، احکام و قوانین ارث، حدود الهی است.

تلك حدود الله

<تلك>، اشاره به تمامی احکامی است که در آیات ارث بیان شده است.

۹ رعایت حدود الهی (احکام و قوانین ارث و...) و اطاعت از خدا و رسول (ص)، رستگاری بزرگ

تلك حدود الله و من يطع الله و رسوله .. و ذلك الفوز العظيم

<ذلك> می تواند اشاره باشد به اطاعت خدا و رسول که از موارد آن رعایت احکام و قوانین ارث و حدود الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۴ - ۱

۱ نافرمانی خدا و رسول (ص) و تجاوز از حدود الهی، عامل دخول و جاودانگی در آتش جهنم

و من يعص الله و رسوله و يتعدّ حدوده يدخله ناراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ لزوم عفت و پاکدامنی برای مردان و حفظ حدود الهی در مسائل جنسی

محصنين غير مسافحين

<محصنين>، حال است برای فاعل <ابتغاء>. یعنی انتخاب همسر برای ازدواج و زناشویی باید به صورت حلال باشد، نه به صورت زنا و بی عفتی. گفتنی است که <سفاح> به معنای زنا و بی عفتی است و <غير مسافحين>، تأکید برای محصنين است.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۳۸

۳۸ برقراری مقررات الهی اجتماعی در جامعه ، مرهون تعاون و همکاری است .

اوفوا بالعقود ... تعاونوا علی البر و التقوی

فرمان خداوند به تعاون در انجام کارهای نیک پس از بیان مقررات اجتماعی الهی (اوفوا بالعقود ... لاتحلوا...)، رهنمودی برای پیاده کردن آن مقررات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۷ - ۱۲

۱۲ ضرورت حرکت در چارچوب قوانین و مقررات تبیین شده از سوی خداوند

لاتحرموا .. و لاتعتدوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۹ - ۲۲

۲۲ احکام الهی و تبیین آن ، از جمله نعمت های خداوند ، و مردمان وظیفه دار سپاس گزاردن آن

لاتحرموا .. و احفظوا ایمنکم کذلک بین الله لکم ءایته لعلکم تشکرون

امر به شکرگزاری پس از بیان احکام، می رساند که احکام خداوند و بیان آنها از زمره نعمتهای الهی هستند زیرا شکر همواره در برابر نعمت است.

ذلت متجاوزان از حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۵ - ۱

۱ - کسانی که حدود الهی را محترم نمی شمزند ، فرجامی شوم و ذلت بار خواهند داشت .

و تلک حدود الله .. إن الذین یحادّون الله و رسوله کبتوا

در صورتی که آیه بالا، ادامه آیه قبل و در ارتباط با آن باشد، برداشت بالا به دست می آید.

رعایت حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۲ - ۱۵

۱۵ - رعایت احکام و موعظه های الهی ، نشانه تقوایبشگی است .

ذلكم یوعظ به ... و من یتق الله یجعل له مخرجاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۸ - ۱۴، ۱۲، ۴

۴ ضرورت بهره گیری از امکانات و روزی های الهی به شیوه حلال و پاکیزه (در چارچوب احکام و قوانین الهی)

و کلو مما رزقکم الله حلالاً طیباً

برداشت فوق بر این اساس است که <حلالاً طیباً> صفت برای مفعول مطلق محذوف <اکلاً> باشد. بر این مبنا بهره جستن و استفاده از امکانات خدادادی به دو گونه تقسیم می شود یکی استفاده به گونه حلال و دیگر بهره وری به شیوه حرام. هر چند خود امکانات حلال و طیب باشند.

۱۲ تقوا و تعهد نسبت به حلال و حرام الهی ، لازمه ایمان به خداوند

و کلو... حلالاً طیباً و اتقوا الله الذی انتم به مؤمنون

۱۴ عمل به احکام الهی نشانگر تقوایبشگی و تجاوز از حدود خداوندی نشانه بی تقوایی است .

و لاتعتدوا... و اتقوا الله الذی انتم به مؤمنون

زمینه تجاوز از حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۱ - ۳

۳ - بخلورزی و محروم ساختن بینوایان از اموال خویش ، طغیان و تجاوز از حدود الهی است .

أن لا یدخلنَّها الیوم علیکم مسکین... إنا كنا طغین

زمینه جهل به حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۸

بادیه نشینی و دوری از فرهنگ اجتماعی، زمینه ناآگاهی نسبت به حدود و احکام الهی

الأعراب .. و أجدر ألا يعلموا حدود ما أنزل الله

زمینه حفظ حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۳ - ۵

۵ - مراقبت شدید بر ارزش ها و حدود الهی، در گرو خشیت از خداوند، حتی در نهان

أواب حفيظ . من خشى الرحمن بالغيب

برداشت یاد شده بنا بر این نکته است که تعبیر <من خشی..> در مقام توصیف <أواب> و <حفيظ> باشد و علیت را برساند؛ یعنی، این خشیت عامل <أواب> و <حفيظ> بودن آنان است.

زمینه سازی قبول حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۱۰

۱۰ - زمینه سازی روحی و فکری در گنهکاران برای پذیرش حدود، امری شایسته و نیکوست.

يقوم إنكم ظلمتم أنفسكم .. فتوبوا إلى بارئكم

عصیان از حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۳۱

۳۱ تسلیم نبودن در برابر احکام الهی و هراس از رویارویی با دشمن، نشانه بی تقوایی

و قالوا ربنا لم كتب علينا القتال لولا أخرتنا إلى أجل قريب و الاخره خير لمن ات

مفعول <اتقی> می تواند مسائلی باشد که در آیه به متخلفان از جهاد نسبت داده شد؛ همانند اعتراض به حکم خدا و ترس از جنگ.

فرجام شوم متجاوزان از حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۵ - ۱

کسانی که حدود الهی را محترم نمی شمردند ، فرجامی شوم و ذلت بار خواهند داشت .

و تلك حدود الله .. إن الذين يحادون الله ورسوله كبتوا

در صورتی که آیه بالا، ادامه آیه قبل و در ارتباط با آن باشد، برداشت بالا به دست می آید.

کیفر تجاوز به حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۴ - ۱۳، ۱۲

۱۲ - عذاب دردناک الهی ، گریبانگیر کسانی خواهد شد که حدود الهی را رعایت نکرده و به آن تعدی می کنند .

و تلك حدود الله و للكافرين عذاب أليم

۱۳ - رعایت نکردن حدود الهی در ظاهر ، در پی دارنده عذاب دردناک الهی است .

و تلك حدود الله و للكافرين عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۸ - ۱۱

۱۱ انسان ، ناتوان از تحمل عواقب انحراف از حدود الهی در روابط جنسی

و يريد الذين يتبعون الشهوات ان تميلوا ميلا عظيماً .. خلق الانسان ضعيفاً

جمله <خلق الانسان ضعيفاً> می تواند بیانگر علت لزوم پیروی از احکام الهی در ازدواج و اجتناب از پیروی هواپرستان باشد. یعنی قوانین الهی، جوامع را سبکبار خواهد کرد و انحراف از آن موجب مشقت خواهد شد و انسان توان تحمل آن مشقتها را ندارد.

مجاهدان و پاسداری حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۲ - ۲

۲ توبه ، عبادت ، حمد ، تلاش در راه بندگی ، رکوع ، سجود ، امر به معروف و نهی از منکر و

حفظ حدود الهی ، از صفات مجاهدان راه خدا

إن الله اشترى من المؤمنين .. التَّابُونَ ... و الحفظون لحدود الله

مکذبان حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۴ - ۹

۹ - منکران حدود الهی در حکم کافران اند .

و تلك حدود الله و للكافرين عذاب أليم

موارد حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۳۱، ۳۰

۳۰ - روزه و اعتکاف و احکام آن دو ، حدود الهی است که هرگز نباید نقض شود .

تلك حدود الله فلا تقربوها

۳۱ - احکام قصاص و وصیت ، حدود الهی است که هرگز نباید شکسته شود .

کتب علیکم القصاص .. کتب علیکم .. الوصیه ... تلك حدود الله فلا تقربوها

مشارالیه <تلك> علاوه بر روزه و احکام آن، می تواند قصاص و وصیت و احکام آنها نیز باشد.

مؤمنان و پاسداری از حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۲ - ۱۷

۱۷ پایداری مؤمنان بر اجرا و حفظ حدود الهی ، شرط خداوند در وفا نمودن به عهد خویش

و من أوفى بعهده من الله .. التَّابُونَ العبدون ... و بشر المؤمنين

تأکید بر اعمال فردی و اجتماعی و حفظ حدود الهی پس از بیان وفای خداوند به عهد خویش، می‌تواند مشعر به این حقیقت باشد که پاسداری انسان از حدود الهی، شرط بهره‌وری از وعده‌های خداوندی است.

نظارت بر اجرای حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ -

۱ - نظارت بر حسن اجرای حدود الهی ، از وظایف پیامبر (ص) و رهبر جامعه اسلامی

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ .. تَلَكَ حُدُودَ اللَّهِ

مخاطب قرار گرفتن شخص پیامبر(ص) در آغازِ سوره و آیات مربوط به احکام طلاق و حدود الهی با آن که این احکام و حدود مربوط به همه مسلمانان است می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

ویژگی حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۲ - ۱۲

۱۲ هر آنچه از جانب خدا باشد ، دور از اختلاف و تضاد است .

و لو كان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافاً كثيراً

ویژگیهای حدود خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۱۳

۱۳ حدود و احکام نازل شده از سوی خداوند بر رسول اکرم (ص) بر اساس علم و حکمت است .

حدود ما أنزل الله على رسوله و الله علیم حکیم

حدیبیه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حدیبیه

آثار صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱ - ۲،۳،۷

۲- صلح حدیبیه ، فتحی بزرگ و موهبتی الهی برای پیامبر (ص)

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا

بنابراین که مراد از <فتحاً> صلح حدیبیه باشد، برداشت بالا به دست می آید.

۳- نقش مهم صلح حدیبیه ، در پیروزی های شگرف بعدی پیامبر (ص) و مسلمانان *

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا

با توجه به این که صلح حدیبیه در ظاهر فتح به شمار نمی آمده، ممکن است اطلاق <فتح مبین> بر آن، از آن

جهت باشد که این صلح، سرآغاز فتح مکه و یا دیگر پیروزی های مهم پس از آن بوده است.

۷- وعده قطعی خداوند به فتح بزرگ مکه در پی صلح حدیبیه

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا

مراد از <فتح>، ممکن است فتح مکه باشد و فعل ماضی <فتحننا> در واقع تأکیدی باشد بر فتحی که در آینده صورت خواهد گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲ - ۶، ۷، ۱۲

۱ - صلح حدیبیه ، مایه شوکت اسلام و فروختن کینه ها و خصومت های مشرکان نسبت به پیامبر (ص)

ليغفر لك الله ما تقدم من ذنبك و ما تأخر

با توجه به این که در این آیات، غفران مترتب بر فتح شده است، می توان پی برد که مراد از <غفران> و <ذنب> معنای رایج آن نیست؛ زیرا ربطی میان صلح حدیبیه و بخشش گناهان دیده نمی شود. بر این اساس معنای دیگری این جا مراد است و آن این که بعثت پیامبر(ص)، آن حضرت را در نظر دشمنانش گنه کار و متهم می نمود؛ ولی در پرتو صلح حدیبیه، زمینه نشر دعوت پیامبر(ص) و بازساخت شخصیت، اوصاف و خصال کریمانه آن حضرت فراهم آمد.

۲ - صلح حدیبیه ، کاهش دهنده کینه مشرکان نسبت به پیامبر (ص) ، در زمینه های مورد اختلاف آنان ، قبل از هجرت و پس از آن *

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا . ليغفر لك الله ما تقدم من ذنبك و ما تأخر

منظور از <ما تقدم> و <ما تأخر>، امور قبل از هجرت و پس از آن است.

۶ - صلح حدیبیه ، پایانی

بر خصوصیتورزی بی امان مشرکان علیه اسلام و نعمتی والا برای پیامبر (ص) و مسلمانان

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا .. و یتّم نعمته علیک

اهمیت صلح حدیبیه و اطلاق <فتح مبین> بر آن، از آن جهت است که این صلح، مقطع جدیدی در روابط و نگرش مشرکان نسبت به اسلام و مسلمانان به وجود آورد و چه بسا نعمت شمردن آن نیز بر این پایه بوده است.

۷- نوید الهی، به تحقق نعمت کامل فتح مکه، در پی صلح حدیبیه

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ .. و یتّم نعمته علیک

<یتّم نعمته> بیانگر نتیجه ای است که خداوند نوید تحقق آن را به پیامبر(ص) داد؛ یعنی، صلح حدیبیه راه را با مسالمت بر روی مسلمانان باز کرد و این نعمت بزرگی بود؛ اما اتمام این نعمت در آن روز صورت می گرفت که مسلمانان فاتح مکه و صاحب اختیار آن باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۳ - ۱

۱ - صلح حدیبیه، در پی آورنده نصرتی بزرگ از سوی خداوند برای پیامبر (ص)

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا .. و ینصرک الله نصرًا عزیزًا

<ینصر..> بیانگر نتیجه ای است که مستقیماً بر <فتح مبین> مترتب گشته است؛ یعنی، <فتح مبین> همان نصرت شگرف الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۴ - ۳،۴،۵

۳ - مؤمنان، قبل از صلح حدیبیه، دارای شرایطی بحرانی و اضطراب روحی *

هو الذی أنزل السکینه فی قلوب المؤمنین

نزول آرامش، زمانی صادق است که قبل از آن، اضطراب

و ناآرامی وجود داشته باشد.

۴ - صلح حدیبیه ، زمینه نزول آرامش بر قلب مؤمنان *

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا .. هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ

در صورتی که اضطراب مؤمنان، مربوط به قبل از صلح باشد، از ارتباط <أنزل السکینه> با <إنا فتحنا..> احتمال مطلب بالا می رود.

۵ - مؤمنان ، پس از صلح حدیبیه ، گرفتار بحران روحی و تردید در ماهیت و نتایج این معاهده *

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ .. هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ

بردشت بالا بدان احتمال است که مؤمنان پس از صلح حدیبیه، در تحلیل و بررسی آن گرفتار تردید شده باشند که: آیا به راستی این صلح، یک پیروزی بود یا مایه شکست؟ خداوند در چنین شرایطی، قلب ها را اطمینان بخشید و صلح حدیبیه را <فتح مبین> نام نهاد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۶ - ۶،۹

۶ - صلح حدیبیه ، زمینه قرار گرفتن منافقان و مشرکان ، در تنگنا و رنج *

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مَبِينًا . لِيُغْفِرَ ... لِيَدْخُلَ الْمُؤْمِنِينَ وَ ... وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ وَ ا

در صورتی که <يعذب..> با صدر سوره (إنا فتحنا...) در ارتباط باشد، احتمال می رود که مراد از عذاب، صرفاً عذاب اخروی نباشد، بلکه بیانگر تنگناهای خط نفاق و شرک، پس از رخداد صلح حدیبیه باشد.

۹ - رخداد صلح حدیبیه ، پاسخی قاطع به بدگمانی منافقان و مشرکان درباره موفقیت های اسلام *

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مَبِينًا . لِيُغْفِرَ لَكَ ... وَ يُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ وَ ... الظَّالِمِينَ بِاللَّ

چنانچه <و يعذب..> عطف بر <ليغفر لك...> باشد، آیه شریفه می تواند

بیانگراین مطلب باشد که منافقان و مشرکان، به سرنوشت اسلام بدگمان بودند و می پنداشتند که خداوند از مؤمنان حمایت نخواهد کرد؛ ولی صلح پیروزمند حدیبیه، نادرستی پندار آنان را اثبات کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۱۸

۱۸ - سفر حدیبیه ، برای مسلمانان همراه با پیروزی و خلاف انتظار اعراب متخلف

سیقول لك المخلفون .. فاستغفر لنا

در آیات پیشین، سفر حدیبیه به عنوان سفری پر بار معرفی شده و خداوند پس از تمجید آثار این سفر، عذرخواهی های آینده اعراب متخلف را یاد آور شده است. با توجه به این نکته، از مجموع آیات استفاده می شود که اعراب متخلف، انتظار چنین فرجام فرخنده ای را برای این سفر نداشته و با مشاهده نتایج مثبت آن، از تخلف خود اظهار ندامت خواهند کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۳

۳ - وعده الهی به مسلمانان ، در دستیابی به فتح خیبر و غنایم آن ، پس از صلح حدیبیه

سیقول المخلفون إذا انطلقتم إلى مغانم لتأخذوها ذرونا تتبعكم

آیه شریفه، در زمینه جنگ خیبر است و خداوند از حرکت مسلمانان به این جنگ به عنوان حرکت به سوی غنایم یاد کرده است. از این نکته استفاده می شود که خداوند به طور ضمنی، نوید فتح خیبر و غنایم آن را به جبران مشکلات سفر حدیبیه، به مسلمانان داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۱۸، ۱۲، ۱۱، ۴

۴ - غنایم خیبر ، نزدیک ترین بخش از غنایم موعود

الهی به مؤمنان ، پس از حدیبیه

وعدکم الله .. فعجل لکم هذه

آیه شریفه پس از صلح حدیبیه نازل شده و <هذه> اشاره به غنایم خیبر دارد.

۱۱ - صلح حدیبیه ، پیش درآمد پیروزی ها و غنایمی گسترده برای امت اسلامی

وعدکم الله .. فعجل لکم هذه

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <هذه> اشاره به صلح حدیبیه داشته باشد؛ یعنی، خداوند غنایم زیادی را برای مؤمنان در نظر گرفته؛ اما قبل از آن صلح حدیبیه را پیش درآمد آن غنایم قرار داده است.

۱۲ - نقش بارز صلح حدیبیه ، در کوتاه شدن دست دشمنان از ضربه زدن به مسلمانان

فعجل لکم هذه و کفّ أیدی الناس عنکم

ممکن است <هذه> اشاره به صلح حدیبیه داشته باشد و <کفّ..> مترتب بر آن بوده و نتیجه آن به شمار آید.

۱۸ - رخداد جریان حدیبیه و ثمرات آن ، الگویی برای مؤمنان در جهت پیشبرد اهداف اسلام *

و لتکون ءایه للمؤمنین و یهدیکم صراطاً مستقیماً

مراد از <صراط مستقیم> شیوه درست حرکت جهادی و تبلیغی دین است؛ یعنی، مسلمانان می توانند از جریان حدیبیه نتیجه بگیرند که چگونه استواری بر حمایت از رهبری و تدبیر صحیح در پذیرش صلح در شرایط نابرابری قوا، می تواند زمینه را برای پیروزی های آینده هموار سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۱۲، ۱۰

۱۰- مؤمنان مکه قبل از صلح حدیبیه ، دارای شرایطی دشوار و ناگزیر از تقیه شدید

رجال مؤمنون و نساء مؤمنت لم تعلموهم

آگاهی نداشتن مؤمنان مدینه از مؤمنان مکه، از آن جهت بوده است که مؤمنان مکه در آن محیط،

قادر به ابراز ایمان نبوده و شدیداً تقیه می کردند.

۱۲- پی بردن مسلمانان، پس از حدیبیه به وجود عناصری مؤمن، اما مخفی در قلب محیط شرک (مکه)

و لولا رجال مؤمنون .. لم تعلموهم

تعبیر <لم تعلموهم>، بیانگر عدم اطلاع قبلی مسلمانان از وجود مؤمنانی در مکه است و نفس همین تعبیر، تذکری به مسلمانان نسبت به وجود مؤمنان ناشناخته در مکه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۱۵

۱۵ - تثبیت روح تقوا در پیامبر (ص) و مؤمنان، در جریان حدیبیه به اراده الهی

و أَلْزَمَهُم كَلِمَةَ التَّقْوَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۷ - ۱۶، ۱۷، ۵

۵- منتهی شدن سفر پیامبر (ص) به صلح حدیبیه و عدم ورود به مسجدالحرام، زمینه ساز تردید برخی در رؤیای آن حضرت

*

لقد صدق الله

تأکید خداوند بر راستی رؤیای پیامبر(ص)، حکایت از آن دارد که برخی در درستی آن رؤیا تردید کرده، یا زمینه این تردید را داشته اند.

۱۶- صلح حدیبیه، تدبیر الهی و زمینه ساز ورود مؤمنان به مسجدالحرام، با امنیت و آرامش

فعلم ما لم تعلموا فجعل من دون ذلك فتحاً قريباً

<ذلك> اشاره به <لقد خلن> و <فتحاً قريباً> نظر به صلح حدیبیه دارد؛ یعنی، خداوند می دانست که جز در سایه صلحی، همانند صلح حدیبیه، امنیت مسلمانان برای ورود به مسجدالحرام و انجام عمره، میسر نمی شد.

۱۷- صلح حدیبیه و تن دادن مشرکان لجوج به پیمان، فتحی برای مؤمنان

فجعل من دون ذلك فتحًا قريبًا

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۴

۴ - اقدام برخی از زنان مؤمن ، به هجرت از مکه به سوی مدینه ، پس از پیمان حدیبیه

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا

آیه شریفه بر اساس شأن نزول پس از هجرت برخی از زنان مکه به مدینه، نازل شده است.

آثار مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۱۸

۱۸ - سفر حدیبیه ، برای مسلمانان همراه با پیروزی و خلاف انتظار اعراب متخلف

سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ ... فَاَسْتَغْفِرُ لَنَا

در آیات پیشین، سفر حدیبیه به عنوان سفری پر بار معرفی شده و خداوند پس از تمجید آثار این سفر، عذرخواهی های آینده اعراب متخلف را یاد آور شده است. با توجه به این نکته، از مجموع آیات استفاده می شود که اعراب متخلف، انتظار چنین فرجام فرخنده ای را برای این سفر نداشته و با مشاهده نتایج مثبت آن، از تخلف خود اظهار ندامت خواهند کرد.

احساس خطر متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۲۰

۲۰ - انگیزه اصلی متخلفان از سفر حدیبیه ، گریز از خطرات احتمالی و حفظ منافع دنیوی خود

قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ نَفْعًا

اقرار متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۹

۹ - متخلفان از سفر حدیبیه ، معترف به گناه خویش و متقاضی عفو و استغفار پیامبر (ص

سيقول لك المخلفون من الأعراب .. فاستغفر لنا

انگیزه متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۲۰

۲۰ - انگیزه اصلی متخلفان از سفر حدیبیه ، گریز از خطرات احتمالی و حفظ منافع دنیوی خود

قل فمن يملك لكم من الله شيئاً إن أراد بكم ضرراً أو أراد بكم نفعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۸

۸ - تلاش متخلفان حدیبیه برای حضور در جنگ خیبر ، به منظور شکستن نهی الهی از شریک شدن آنان در غنایم خیبر *

يريدون أن يبدلوا كلم الله قل لن تتبعونا كذلكم قال الله من قبل

برداشت بالا بدان احتمال است که به قرینه <قل لن تتبعونا كذلكم قال الله من قبل> ، خداوند از قبل ، پربار بودن جنگ خیبر را یاد آور شده و از حضور متخلفان ، در آن جنگ نهی کرده است ؛ تا آنان به غنایم دست نیابند. ولی متخلفان ، به خاطر شکستن این نهی الهی ، در صدد شرکت در جنگ و سهم شدن در غنایم بودند.

اهمیت صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۰ - ۱۲

۱۲ - صلح حدیبیه و فتح مکه ، پاداش بزرگ الهی به ثابت قدمان بر پیمان با پیامبر (ص) *

و من أوفى .. فسيؤتيه أجراً عظيماً

با توجه به این که پیمان یاد شده ، قبل از انعقاد صلح حدیبیه صورت گرفته است ؛ احتمال می رود که نوید <فسيؤتيه ..> بر صلح حدیبیه و فتح مکه منطبق شود که پس از این

پیمان رخ داده است؛ زیرا اگر آن بیعت و پایداری نبود، نوبت به چنان پیروزی هایی نمی رسید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۱۳

۱۳ - صلح حدیبیه و پیروزی های پس از آن ، پاداش الهی به مؤمنان حاضر در بیعت رضوان

لقد رضی الله عن المؤمنین إذ بیاعونک . . . و أثبهم فتحاً قریباً

بنابراین که مراد از <فتحاً قریباً> به قرینه سیاق آیات صلح حدیبیه باشد، برداشت یاد شده به دست می آید.

بسمله در صلح نامه حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ - اصرار تعصب آمیز مشرکان مکه ، بر نیامدن < بسمله > و عنوان < رسول الله > در متن صلحنامه حدیبیه *

إذ جعل الذین کفروا فی قلوبهم الحمیه حمیه الجهلیه

با توجه به شأن نزول آیه شریفه، استفاده می شود که خشم و عصبیت مشرکان در زمینه یاد شده بود.

بشارت به متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۱۰

۱۰ - نوید الهی به اعطای پاداشی نیک به اعراب متخلف از حدیبیه ، در صورت نبرد صادقانه با دشمنان نیرومند اسلام

فإن تطیعوا یؤتکم الله أجراً حسناً

بهانه جویی متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۱۳، ۶

۶- ادعای سرگرمی به مال و خانواده ، بهانه تخلف اعراب از همراهی با پیامبر (ص)

سيقول لك المخلفون من الأعراب شغلنا أمولنا و

۱۳ - عذر بادیه نشینان برای توجیه غیبت خویش از سفر حدیبیه ، بهانه ای واهی و مخالف نیت درونی آنان

سیقول .. فاستغفر لنا یقولون بألسنتهم ما لیس فی قلوبهم

برداشت بالا- با توجه به این نکته است که تعبیر <یقولون..> در رابطه با <شغلتنا أموالنا و أهلونا> باشد یعنی، اعراب در این که گرفتاری مالی و خانوادگی را عذر آورده اند؛ دروغ می گویند و مشکل آنان چیز دیگری است.

بی ایمانی متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۲

۲ - پیش بینی آیات وحی ، از عذرخواهی و اظهار پشیمانی بادیه نشینانی که از همراهی پیامبر (ص) تخلف کرده بودند .

سیقول لك المخلّفون من الأعراب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۱۴

۱۴ - ناباوری عمیق متخلفان از حدیبیه ، نسبت به سخنان پیامبر (ص) و مؤمنان

كذلكم قال الله من قبل فسیقولون بل تحسدوننا

پس از ابلاغ کلام خداوند بهوسیله پیامبر(ص) به متخلفان، مبنی بر عدم شرکت ایشان در فتح خیبر، آنان پیامبر(ص) و مؤمنان را به حسادت متهم کردند و این بیانگر مطلب بالا است.

بی شخصیتی متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ - اعراب متخلف از دعوت پیامبر (ص) ، مردمی بی خاصیت و بی ارج در نظر خداوند

و کنتم قومًا بورًا

<بوراً> در اصل به معنای شدت کساد است و در این آیه، کنایه از بی

خاصیت و بی ارزش بودن می باشد.

بینش متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۲ - ۱

۱ - سفر پیامبر (ص) و مؤمنان در جریان حدیبیه ، سفری پرخطر و بی بازگشت در نظراعراب متخلف

بل ظننتم أن لن ينقلب الرسول و المؤمنون إلى أهلهم أبدًا

پاداش مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۴

۴ - غنایم خیبر ، ارمغان الهی به مسلمانان ، در پی اقدام به سفر پر خطر حدیبیه *

سيقول المخلفون إذا انطلقتم إلى مغانم لتأخذوها

سفر حدیبیه، در آغاز چنین می نمود که فرجامی بس مبهم و آمیخته با خطر دارد و مؤمنان واقعی با این همه بدان اقدام کردند و در پی آن خداوند نوید غنایم خیبر را به ایشان داد. با توجه به این مطالب، احتمال می رود که میان تن دادن به آن مشکلات و دست یابی به این غنایم ارتباطی باشد.

پشیمانی متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۲،۱۵

۲ - پیش بینی آیات وحی ، از عذرخواهی و اظهار پشیمانی بادیه نشینانی که از همراهی پیامبر (ص) تخلف کرده بودند .

سيقول لك المخلفون من الأعراب

۱۵ - طلب استغفار و اظهار ندامت اعراب متخلف از سفر حدیبیه ، بی اساس و مخالف باور درونی آنان

سيقول .. فاستغفر لنا يقولون بألسنتهم ما ليس في قلوبهم

برداشت بالا بنابراین نکته است که تعبیر <يقولون..> در رابطه با

مفهوم <فاستغفر لنا> باشد؛ زیرا درخواست استغفار، مفهومی است که اعراب متخلف، در باطن از تخلف خود پشیمان اند. اما خداوند می فرماید: اینان در اظهار ندامت دروغگویند؛ زیرا در باطن نادم نیستند.

تحریفگری متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۶

۶ - متخلفان از سفر حدیبیه، در صدد تغییر کلام خدا با شرکت در جنگ خیبر

ذرونا تَبَعَكُم يَرِيدُونَ أَن يُبَدِّلُوا كَلِمَ اللَّهِ

در برداشت های آتی، چگونگی و شیوه تصمیم متخلفان و احتمال هایی که در آیه وجود دارد، بیان شده است.

تحلیل غلط متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۲ - ۵،۷

۵ - تحلیل متخلفان درباره سفر حدیبیه و بی فرجام بودن آن، متکی بر محاسبات بشری و نادیده گرفتن اراده الهی

بَلْ ظَنَنْتُمْ أَن لَّنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَىٰ أَهْلِيهِمْ أَبَدًا

از قرائن و زمینه های تاریخی، دشواری این سفر قابل پیش بینی بود و متخلفان براساس همین معیارها، این سفر را بی فرجام می دیدند؛ غافل از این که دعوت پیامبر(ص) به بن بست نخواهد رسید و حمایت الهی از آن حضرت دریغ نخواهد شد.

۷ - متخلفان از سفر حدیبیه، شیفته تحلیل غلط خود درباره آن سفر

بَلْ ظَنَنْتُمْ . . . وَ زَيَّنَّا ذَٰلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ

برداشت بالا بنابراین نکته است که <ذَٰلِكَ> اشاره به پندار و تحلیلی باشد که از تعبیر <ظَنَنْتُمْ أَن لَّنْ يَنْقَلِبَ..> استفاده می شود؛ یعنی، این تحلیل در نظرشان زیبا جلوه کرده و خود شیفته آن گردیدند.

متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۲ - ۳

۳ - ترس از مرگ ، عامل اصلی تخلف اعراب از همراهی پیامبر (ص) ، در سفر حدیبیه

بل ظننتم أن لن ينقلب الرسول و المؤمنون إلى أهلهم أبدًا

تلاش متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۸

۸ - تلاش متخلفان حدیبیه برای حضور در جنگ خیبر ، به منظور شکستن نهی الهی از شریک شدن آنان در غنایم خیبر *

یریدون أن يبدلوا كلم الله قل لن تتبعونا كذلكم قال الله من قبل

برداشت بالا بدان احتمال است که به قرینه <قل لن تتبعونا كذلكم قال الله من قبل> ، خداوند از قبل ، پربار بودن جنگ خیبر را یادآور شده و از حضور متخلفان ، در آن جنگ نهی کرده است ؛ تا آنان به غنایم دست نیابند. ولی متخلفان ، به خاطر شکستن این نهی الهی ، درصدد شرکت در جنگ و سهم شدن در غنایم بودند.

توبه متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۳

۳ - خداوند ، باز گذارنده راه توبه و آزمون عملی ، برای اعراب متخلف از سفر حدیبیه

قل للمخلفين من الأعراب ستدعون إلى قوم أولى بأس شديد

از جمله <فإن تطيعوا> که در ذیل آیه آمده است استفاده می شود که دعوت متخلفان برای جنگ ، در حقیقت ایجاد فرصتی برای بازگشت آنان به سوی خدا و اطاعت از رسول او است.

توجیه گری متخلفان از

مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۷

۷ - اعراب متخلف از سفر حدیبیه ، درصدد توجیه تخلف گذشته خود با شرکت در جنگ خیبر *

ذرونا تَبَعَكُم يَرِيدُونَ أَن يُبَدِّلُوا كَلِمَ اللَّهِ

از آیات پیشین استفاده می شود که انگیزه اصلی متخلفان از حدیبیه، بی ایمانی بوده است؛ ولی آنان با اعلام آمادگی برای شرکت در جنگ خیبر، می خواستند خود رامؤمن جلوه داده و گذشته خود را توجیه کنند و سخن الهی را در مورد خود نفی نمایند.

تهدید متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۱۳

۱۳ - تهدید متخلفان از سفر حدیبیه ، به عذاب دردناک ، در صورت تخلف و روی گردانی دوباره از جهاد

وَإِنْ تَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِنْ قَبْلِ يَعَذَّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

تهمتهای متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۱۳

۱۳ - منع شدگان از شرکت در فتح خیبر ، متهم کننده مؤمنان به حسدورزی

فسيقولون بل تحسدوننا

خطر مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۱۴

۱۴ - سفر پیامبر (ص) به سوی مکه (قبل از صلح حدیبیه)، سفری مخاطره آمیز و نگران کننده برای برخی مسلمانان

سيقول لك المخلفون من الأعراب . . يقولون بألسنتهم

عذر آوری <مخلفون> و رد عذر آنان از سوی خداوند، می رساند که عامل اصلی آنان از ترک سفر، نگرانی از سرنوشت

آن بوده است. قرینه های تاریخی و نیز آیه بعد، مؤید این نکته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۲ - ۱

۱ - سفر پیامبر (ص) و مؤمنان در جریان حدیبیه، سفری پرخطر و بی بازگشت در نظراعراب متخلف

بل ظننتم أن لن ينقلب الرسول و المؤمنون إلى أهلهم أبدًا

خواسته های متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۹

۹ - متخلفان از سفر حدیبیه، معترف به گناه خویش و متقاضی عفو و استغفار پیامبر (ص)

سيقول لك المخلفون من الأعراب .. فاستغفر لنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۲

۲ - تمایل متخلفان از سفر حدیبیه، به شرکت در جنگ خیبر برای دستیابی به غنایم و یا پوشاندن گذشته خود

سيقول المخلفون إذا انطلقتم إلى مغانم .. ذرونا تتبعكم

هدف متخلفان از شرکت در جنگ خیبر، یا رسیدن به غنایم و یا توجیه گذشته تاریک خود بود. تعبیر <إلى مغانم>، بیانگر نکته اول و <یریدون أن یدلّوا...> حاکی از نکته دوم است.

دعوت از متخلفان مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۱

۱ - دعوت خداوند از متخلفان سفر حدیبیه، برای شرکت در جنگی دشوار به منظور جبران گذشته خود

قل للمخلفين .. ستدعون إلى قوم أولى بأس شديد

دنیاطلبی متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۲۰

۲۰ - انگیزه اصلی متخلفان از سفر حدیبیه ، گریز از خطرات احتمالی و حفظ منافع دنیوی خود

قل فمّن یملک لکم من اللّٰه شیئاً إنّ اراد بکم ضرّاً أو اراد بکم نفعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۲۸

۲ - تمایل متخلفان از سفر حدیبیه ، به شرکت در جنگ خیبر برای دستیابی به غنایم و یا پوشاندن گذشته خود

سیقول المخلفون إذا انطلقتم إلى مغانم .. ذرونا تتبعکم

هدف متخلفان از شرکت در جنگ خیبر، یا رسیدن به غنایم و یا توجیه گذشته تاریک خود بود. تعبیر <إلى مغانم>، بیانگر نکته اول و <یریدون أن یبدلوا...> حاکی از نکته دوم است.

۸ - تلاش متخلفان حدیبیه برای حضور در جنگ خیبر ، به منظور شکستن نهی الهی از شریک شدن آنان در غنایم خیبر *

یریدون أن یبدلوا کلم اللّٰه قل لن تتبعونا کذلکم قال اللّٰه من قبل

برداشت بالا بدان احتمال است که به قرینه <قل لن تتبعونا کذلکم قال اللّٰه من قبل>، خداوند از قبل، پربار بودن جنگ خیبر را یادآور شده و از حضور متخلفان، در آن جنگ نهی کرده است؛ تا آنان به غنایم دست نیابند. ولی متخلفان، به خاطر شکستن این نهی الهی، درصدد شرکت در جنگ و سهم بردن در غنایم بودند.

رازهای متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۲ - ۴

۴ - اخبار خداوند از تصورات درونی اعراب متخلف ، نشانه ای از علم عمیق او به کردار بندگان

بل کان اللّٰه

بما تعملون خبيرًا . بل ظننتم أن لن ينقلب الرسول

از ارتباط این آیه با ذیل آیه قبل، مطلب بالا برداشت می شود.

رد پیشنهاد متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۹

۹ - فرمان خدا به پیامبر (ص) ، در رد پیشنهاد غایبان از حدیبیه ، برای شرکت در جنگ خیبر

ذرونا تَبِعْكُمْ .. قل لن تَبْعونا كذلكم قال الله من قبل

<لن تَبْعونا> می تواند اخبار در مقام انشا باشد.

رسول الله در صلح نامه حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ - اصرار تعصب آمیز مشرکان مکه ، بر نیامدن < بسمله > و عنوان < رسول الله > در متن صلحنامه حدیبیه *

إذ جعل الذين كفروا في قلوبهم الحمية حمية الجاهلية

با توجه به شأن نزول آیه شریفه، استفاده می شود که خشم و عصبیت مشرکان در زمینه یاد شده بود.

زمان صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۱۰

۱۰ - فاصله زمانی نزدیک میان صلح حدیبیه و فتح خیبر

سيقول المخلفون

با توجه به <سین > در <سيقول > و پیوستگی آیات صلح حدیبیه با جنگ خیبر، برداشت بالا قابل استفاده است.

زمینه صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۹ - ۷

۷ - صلح حدیبیه و فتح خیبر ، در پی وفاداری مؤمنان ، نمودی از عزت و حکمت خداوند

و أثبهم فتحًا قريبًا . و مغانم كثيره ... و كان الله

از ارتباط <کان الله..> با آیه قبل، مطلب بالا استفاده می شود.

زمینه مسافرت محمد(ص) به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۷ - ۳

۳- نقش مهم رؤیای پیامبر (ص) ، در حرکت آن حضرت به سوی مکه و حدیبیه

الرءیا بالحق لتدخلن المسجد الحرام

با توجه به این که آیات پیشین در مورد مسائل حدیبیه بود؛ از این آیه شریفه استفاده می شود که حرکت پیامبر(ص) در سفر منتهی به حدیبیه، مسبوق به رؤیایی بود که خداوند به آن حضرت نمایانده بود.

سرگرمی متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۶

۶- ادعای سرگرمی به مال و خانواده ، بهانه تخلف اعراب از همراهی با پیامبر (ص)

سیقول لك المتخلفون من الأعراب شغلتنا أموالنا و أهلونا

سطحی نگری متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۱۵

۱۵ - متخلفان از سفر حدیبیه ، مردمی سطحی نگر و ظاهربین بودند .

بل كانوا لا يفقهون إلا قليلاً

سوءظن متخلفان از مسافرت به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۲ - ۹

۹ - اعراب متخلف از دعوت پیامبر (ص) ، بدگمان به خداوند و فرجام مؤمنان

بل ظننتم أن لن ينقلب .. و ظننتم ظنَّ السوء

پندار بد اعراب، یا از آن جهت بوده که گمان می کردند خداوند، پیامبرش را یاری نخواهد کرد و این بدگمانی به خدا است

و یا از آن جهت بوده که آینده ای تیره برای مؤمنان در ذهن خود ترسیم کرده بودند.

عبرت از صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۱۸

۱۸ - رخداد جریان حدیبیه و ثمرات آن ، الگویی برای مؤمنان در جهت پیشبرد اهداف اسلام *

و لتكون آية للمؤمنين و يهدىكم صراطًا مستقيمًا

مراد از <صراط مستقیم> شیوه درست حرکت جهادی و تبلیغی دین است؛ یعنی، مسلمانان می توانند از جریان حدیبیه نتیجه بگیرند که چگونه استواری بر حمایت از رهبری و تدبیر صحیح در پذیرش صلح در شرایط نابرابری قوا، می تواند زمینه را برای پیروزی های آینده هموار سازد.

عذرخواهی متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۲،۱۳

۲ - پیش بینی آیات وحی ، از عذرخواهی و اظهار پشیمانی بادیه نشینانی که از همراهی پیامبر (ص) تخلف کرده بودند .

سيقول لك المخلفون من الأعراب

۱۳ - عذر بادیه نشینان برای توجیه غیبت خویش از سفر حدیبیه ، بهانه ای واهی و مخالف نیات درونی آنان

سيقول .. فاستغفر لنا يقولون بألسنتهم ما ليس في قلوبهم

برداشت بالا- با توجه به این نکته است که تعبیر <يقولون..> در رابطه با <شغلتنا أموالنا و أهلونا> باشد؛ یعنی، اعراب در این که گرفتاری مالی و خانوادگی را عذر آورده اند؛ دروغ می گویند و مشکل آنان چیز دیگری است.

علائق خانوادگی متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱

۶- ادعای سرگرمی به مال و خانواده ، بهانه تخلف اعراب از همراهی با پیامبر (ص)

سيقول لك المخلفون من الأعراب شغلنا أموالنا و أهلونا

علايق متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۲ - ۷

۷- متخلفان از سفر حدیبیه ، شیفته تحلیل غلط خود درباره آن سفر

بل ظننتم .. و زین ذلک فی قلوبکم

برداشت بالا بنابراین نکته است که <ذلک> اشاره به پندار و تحلیلی باشد که از تعبیر <ظننتم أن لن ینقلب..> استفاده می شود؛ یعنی، این تحلیل در نظرشان زیبا جلوه کرده و خود شیفته آن گردیدند.

عمره حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۴ - ۱۷

۱۷ نزدیک شدن شکارهای وحشی به پیامبر (ص) و مؤمنان در عمره حدیبیه جهت آزمایش آنان

لیلونکم اللہ بشیء من الصيد تناله ایدیکم و رماحکم

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: حشرت لرسول(ص) فی عمره الحدیبیه الوحوش حتی نالتها ایدیههم و رماحهم.

کافی، ج ۴، ص ۳۹۶، ح ۱ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۱، ح ۳۵۷.

عوامل تخلف متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- ادعای سرگرمی به مال و خانواده ، بهانه تخلف اعراب از همراهی با پیامبر (ص)

سيقول لك المخلفون من الأعراب شغلتنا أموالنا و أهلونا

غفلت متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- تحلیل متخلفان درباره سفر حدیبیه و بی فرجام بودن آن ، متکی بر محاسبات بشری و نادیده گرفتن اراده الهی

بل ظننتم أن لن ينقلب الرسول و المؤمنون إلى أهلهم أبدًا

از قرائن و زمینه های تاریخی، دشواری این سفر قابل پیش بینی بود و متخلفان براساس همین معیارها، این سفر را بی فرجام می دیدند؛ غافل از این که دعوت پیامبر(ص) به بن بست نخواهد رسید و حمایت الهی از آن حضرت دریغ نخواهد شد.

فرجام مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۲ - ۱،۵

۱ - سفر پیامبر (ص) و مؤمنان در جریان حدیبیه ، سفری پرخطر و بی بازگشت در نظراعراب متخلف

بل ظننتم أن لن ينقلب الرسول و المؤمنون إلى أهلهم أبدًا

۵ - تحلیل متخلفان درباره سفر حدیبیه و بی فرجام بودن آن ، متکی بر محاسبات بشری و نادیده گرفتن اراده الهی

بل ظننتم أن لن ينقلب الرسول و المؤمنون إلى أهلهم أبدًا

از قرائن و زمینه های تاریخی، دشواری این سفر قابل پیش بینی بود و متخلفان براساس همین معیارها، این سفر را بی فرجام می دیدند؛ غافل از این که دعوت پیامبر(ص) به بن بست نخواهد رسید و حمایت الهی از آن حضرت دریغ نخواهد شد.

فلسفه صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۲۲، ۲۰، ۱۵

۱۵- تدبیر صلح حدیبیه از جانب خداوند ، به منظور حفظ جان مؤمنان ناشناخته مکه

و لولا رجال مؤمنون .. أن تطوهم

۲۰- مصونیت مؤمنان مکه و بهره مندی آنان از رحمت الهی ، از اهداف

برقراری صلح حدیبیه

لیدخل الله فی رحمته من یشاء

از ارتباط جمله <لیدخل ..> با آیه قبل، مطلب بالا استفاده می شود؛ زیرا <لیدخل ...> غایت برای جواب محذوف است؛ یعنی، ما بدین سبب اجازه جنگ ندادیم تا مؤمنان مکه آسیب نینند و از رحمت الهی بهره مند گردند.

۲۲- صلح حدیبیه، تدبیر الهی برای گرایش یافتن نیروهای فزون تری از مشرکان به ایمان

و لولا رجال .. لیدخل الله فی رحمته من یشاء

مراد از دخول در رحمت الهی، ممکن است ورود افراد جدیدی از مردم به جرگه مؤمنان باشد؛ زیرا در پرتو فرصت جدید، نیروهای مستعد ایمان، مجال گرایش به آن را می یابند.

قصه صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱ - ۴

۴- تسلیم شدن مشرکان در برابر مسلمانان و پذیرش صلح در حدیبیه، فتحی بزرگ برای جبهه اسلام*

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا

اهمیت صلح حدیبیه، از آن رو است که مشرکان تا آن روز، جز به نابودی مسلمانان نمی اندیشیدند؛ اما با صلح حدیبیه، آنان در حقیقت مجموعه مسلمانان را به عنوان گروهی قدرتمند، رسماً پذیرفتند و این در صحنه سیاسی، فتحی بزرگ برای مسلمانان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۰ - ۳

۳- بیعت مجدد مسلمانان با پیامبر (ص)، در شرایط بحرانی قبل از صلح حدیبیه

إِنَّ الدِّينَ يَبَايَعُ نَكَاحًا إِنَّمَا يَبَايَعُونَ اللَّهَ

از قرینه های موجود در آیه شریفه، استفاده می شود که بیعت مورد نظر، بیعت خاصی بوده است و از تعبیر <فمن نکث..> بحرانی بودن آن شرایط

استفاده می شود و شأن نزول نیز مؤید این دیدگاه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۱۴، ۱۳، ۹، ۲، ۱

۱ - تخلف برخی از اعراب بادیه نشین در سفر منتهی به صلح حدیبیه ، از همراهی و یاری پیامبر (ص)

سیقول لك المخلفون من الأعراب

با توجه به این که آیات پیشین درباره <فتح مبین> (صلح حدیبیه) بود؛ استفاده می شود که تخلف این گروه از اعراب، در رابطه با همین سفر است که به صلح حدیبیه منتهی گشت.

۲ - پیش بینی آیات وحی ، از عذرخواهی و اظهار پشیمانی بادیه نشینانی که از همراهی پیامبر (ص) تخلف کرده بودند .

سیقول لك المخلفون من الأعراب

۹ - متخلفان از سفر حدیبیه ، معترف به گناه خویش و متقاضی عفو و استغفار پیامبر (ص)

سیقول لك المخلفون من الأعراب .. فاستغفر لنا

۱۳ - عذر بادیه نشینان برای توجیه غیبت خویش از سفر حدیبیه ، بهانه ای واهی و مخالف نیت درونی آنان

سیقول .. فاستغفر لنا یقولون بألسنتهم ما لیس فی قلوبهم

برداشت بالا- با توجه به این نکته است که تعبیر <یقولون..> در رابطه با <شغلتنا أموالنا و أهلونا> باشد؛ یعنی، اعراب در این که گرفتاری مالی و خانوادگی را عذر آورده اند؛ دروغ می گویند و مشکل آنان چیز دیگری است.

۱۴ - سفر پیامبر (ص) به سوی مکه (قبل از صلح حدیبیه) ، سفری مخاطره آمیز و نگران کننده برای برخی مسلمانان

سیقول لك المخلفون من الأعراب .. یقولون بألسنتهم

عذرآوری <مخلفون> و رد عذر آنان از سوی خداوند، می

رساند که عامل اصلی آنان از ترک سفر، نگرانی از سرنوشت آن بوده است. قرینه های تاریخی و نیز آیه بعد، مؤید این نکته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۲ - ۲،۳

۲ - سفر پیامبر (ص) و مؤمنان به سوی مکه قبل از حدیبیه ، بدون همراهی خانواده هایشان *

بل ظننتم أن لن ينقلب الرسول و المؤمنون إلى أهليهم

تعبیر <إلى أهليهم>، این احتمال را تقویت می کند که خانواده سپاه اسلام در مدینه باقی مانده و در سفر همراهشان نبوده اند.

۳ - ترس از مرگ ، عامل اصلی تخلف اعراب از همراهی پیامبر (ص) ، در سفر حدیبیه

بل ظننتم أن لن ينقلب الرسول و المؤمنون أبداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۳

۳ - افراد مریض و ناتوان از شرکت در سفر حدیبیه ، نگران از عدم حضور خود و همراهی نکردن مسلمانان در آن سفر *

ليس على الأعمى حرج ولا على الأعرج حرج ولا على المريض حرج

تویخ شدید متخلفان از سفر حدیبیه در آیات گذشته و استثنای معذوران در این آیه؛ بیانگر آن است که مؤمنان معذور، نگران آن بوده اند که مشمول تویخ خداوند باشند. خداوند در این آیه، به رفع این نگرانی آنان پرداخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۱،۲،۳،۴،۹

۱ - خشنودی و رضایت حتمی خداوند ، از مؤمنان بیعت کننده با پیامبر (ص) در سفر حدیبیه

لقد رضی الله عن المؤمنین

إذ يبایعونک تحت الشجره

۲ - پدید آمدن شرایطی حساس و نیازمند اخذ بیعتی ویژه از مسلمانان ، در جریان حدیبیه

لقد رضی الله عن المؤمنین إذ يبایعونک تحت الشجره

ایمان نخستین، خود بیعتی با پیامبر(ص) است. حال از این که دوباره از مؤمنان بیعت گرفته شد، ویژه و حساس بودن شرایط استفاده می شود.

۳ - < بیعت رضوان > ، حرکتی مؤثر و سرنوشت ساز ، در جریان حدیبیه

لقد رضی الله عن المؤمنین إذ يبایعونک تحت الشجره

تأکید خداوند در این آیات، بر مسأله بیعت مؤمنان و اعلام رضایت از آنان، حکایت از اهمیت این رخداد در روند حرکت اسلام دارد.

۴ - بیعت ویژه مؤمنان با پیامبر (ص) ، در جریان حدیبیه ، باعث غفران لغزش های گذشته آنان نزد خداوند *

لقد رضی الله عن المؤمنین إذ يبایعونک تحت الشجره

تعبیر <رضی الله عن المؤمنین> به جای تعبیر <رضی عن بیعتکم> این برداشت را افاده می کند که خود مؤمنان علاوه بر عملشان مورد رضایت الهی قرار گرفتند.

۹ - نزول آرامش از سوی خداوند بر قلب مؤمنان ، در شرایط نگران کننده قبل از صلح حدیبیه

فعلم ما فی قلوبهم فأنزل السکینه علیهم

از تعبیر <فأنزل السکینه> وجود نوعی نگرانی در آن شرایط حساس استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۴ - ۱۰، ۶، ۳

۳ - مصون ماندن مؤمنان از گزند اهل مکه در جریان حدیبیه ، نمودی از سنت الهی در یاری اهل ایمان

سنه الله .. و هو الذی کفّ أیدیهم عنکم و أیدیکم عنهم بطن مکه

۶ - رخ دادن درگیری هایی منتهی به

پیروزی مؤمنان بر مکیان ، قبل از انعقاد صلح حدیبیه *

من بعد أن أظفركم عليهم

در صورتی که مراد از <بطن مکه> سرزمین حدیبیه باشد؛ احتمال می رود که تعبیر <من بعد أن أظفر< بیانگر درگیری های محدودی باشد که قبل از انعقاد صلح حدیبیه، میان کافران و مؤمنان صورت گرفت و به پیروزی مؤمنان منتهی گردید.

۱۰- امداد های الهی در حق مؤمنان ، پاداشی به عملکرد شایسته آنان در جریان حدیبیه *

و كان الله بما تعملون بصيرًا

ارتباط <كان الله..> با صدر آیه، نتیجه می دهد که الطاف الهی در حق اهل ایمان، از آن جهت صورت گرفته است که خداوند بر اعمال گذشته آنان، نظارت عمیق داشته و ایشان را شایسته آن موهبت ها دانسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۳،۵

۳- مسلمانان در جریان سفر حدیبیه ، مصمم به زیارت خانه خدا و قربانی کردن هدی

و صدوكم عن المسجد الحرام و الهدى معكوفاً أن يبلغ محله

۵- امتنان الهی بر شرکت کنندگان در < عمره القضا > ، با یادآوری ممانعت مکیان از ایشان در سفر حدیبیه *

هم الذين كفروا و صدوكم عن المسجد الحرام و الهدى معكوفاً

برداشت بالا بدان احتمال است که آیه شریفه خطاب به مؤمنانی باشد که در سال هفتم هجری (یک سال پس از صلح حدیبیه) برای انجام عمره وارد مسجدالحرام شدند. در چنین شرایطی خداوند، موقعیت دشوار گذشته را به یاد ایشان آورد تا نعمت ها را از یاد نبرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۷،۹،۱۰

۷ - نزول

آرامش بر پیامبر (ص) و مؤمنان از سوی خدا، در قبال تعصب و رزی جاهلانۀ مشرکان در حدیبیه

فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ

۹- تحمل تعصب های جاهلانۀ مشرکان در حدیبیه، امری دشوار برای پیامبر (ص) و مؤمنان

فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ

از نزول <آرامش> استفاده می شود که دستکم زمینه نگرانی و دشواری برای مؤمنان وجود داشته است.

۱۰- اصرار تعصب آمیز مشرکان مکه، بر نیامدن <بسمله> و عنوان <رسول الله> در متن صلحنامه حدیبیه *

إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ

با توجه به شأن نزول آیه شریفه، استفاده می شود که خشم و عصبیت مشرکان در زمینه یادشده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۷ - ۳، ۱۴

۳- نقش مهم رؤیای پیامبر (ص)، در حرکت آن حضرت به سوی مکه و حدیبیه

الرَّيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ

با توجه به این که آیات پیشین در مورد مسائل حدیبیه بود؛ از این آیه شریفه استفاده می شود که حرکت پیامبر (ص) در سفر منتهی به حدیبیه، مسبوق به رؤیایی بود که خداوند به آن حضرت نمایانده بود.

۱۴- رخداد صلح حدیبیه و تأخیر عمره مسلمانان، تدبیر عالمانۀ خدا و دارای اسراری نهفته بر مؤمنان

فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا

در آیات پیشین، سخن از منتهی شدن سفر مسلمانان به صلح حدیبیه بود و این که رؤیای پیامبر (ص) در آن سفر، تعبیر نشد. خداوند در این آیه، پس از این که رؤیای آن حضرت را صادق دانسته و ورود مؤمنان را به مسجدالحرام قطعی

شمرده است، به آنان یاد آور می شود: مؤمنان با توجه به این جریان، در خواهند یافت که رخداد صلح و تأخیر عمره، منافی داشته که بر آنان مخفی بوده است.

مال دوستی متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۶

۶ - ادعای سرگرمی به مال و خانواده، بهانه تخلف اعراب از همراهی با پیامبر (ص)

سیقول لك المخلفون من الأعراب شغلنا أموالنا و أهلونا

متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۱

۱ - تخلف برخی از اعراب بادیه نشین در سفر منتهی به صلح حدیبیه، از همراهی و یاری پیامبر (ص)

سیقول لك المخلفون من الأعراب

با توجه به این که آیات پیشین درباره <فتح مبین> (صلح حدیبیه) بود، استفاده می شود که تخلف این گروه از اعراب، در رابطه با همین سفر است که به صلح حدیبیه منتهی گشت.

متخلفان از مسافرت به حدیبیه و جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۱

۱ - اخبار خداوند، از مواضع بعدی متخلفان از سفر حدیبیه، در قبال مسؤولیت های جهادی

سیقول المخلفون

متخلفان از مسافرت به حدیبیه و غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - متخلفان از سفر حدیبیه ، در صدد تغییر کلام خدا با شرکت در جنگ خیبر

ذرونا تَتَّبِعْكُمْ يَرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلِمَ اللَّهِ

در برداشت های آتی، چگونگی و

شیوه تصمیم متخلفان و احتمال هایی که در آیه وجود دارد، بیان شده است.

۷- اعراب متخلف از سفر حدیبیه، درصدد توجیه تخلف گذشته خود با شرکت در جنگ خیبر *

ذرونا تَبِعْكُمْ يَرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلِمَ اللَّهِ

از آیات پیشین استفاده می شود که انگیزه اصلی متخلفان از حدیبیه، بی ایمانی بوده است؛ ولی آنان با اعلام آمادگی برای شرکت در جنگ خیبر، می خواستند خود را مؤمن جلوه داده و گذشته خود را توجیه کنند و سخن الهی را در مورد خود نفی نمایند.

۸- تلاش متخلفان حدیبیه برای حضور در جنگ خیبر، به منظور شکستن نهی الهی از شریک شدن آنان در غنایم خیبر *

يَرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلِمَ اللَّهِ قُلْ لَنْ تَتَّبِعُونَا كَذَلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلِ

برداشت بالا بدان احتمال است که به قرینه <قُلْ لَنْ تَتَّبِعُونَا كَذَلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلِ>، خداوند از قبل، پربار بودن جنگ خیبر را یاد آور شده و از حضور متخلفان، در آن جنگ نهی کرده است؛ تا آنان به غنایم دست نیابند. ولی متخلفان، به خاطر شکستن این نهی الهی، درصدد شرکت در جنگ و سهم شدن در غنایم بودند.

۱۱- اخبار خداوند، از محرومیت حتمی غایبان در حدیبیه از شرکت در جنگ خیبر

ذرونا تَبِعْكُمْ .. قُلْ لَنْ تَتَّبِعُونَا كَذَلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلِ

<لَنْ تَتَّبِعُونَا> ممکن است در مقام انشا نباشد؛ بلکه اخبار باشد.

محرومیت متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۱۱

۱۱- اخبار خداوند، از محرومیت حتمی غایبان در حدیبیه از شرکت در جنگ خیبر

ذرونا تَبِعْكُمْ .. قُلْ

لن تَتَّبِعُونَا كَذَلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلِ

<لن تَتَّبِعُونَا> ممکن است در مقام انشا نباشد؛ بلکه اخبار باشد.

مسافرت محمد(ص) به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۱۴

۱۴ - سفر پیامبر (ص) به سوی مکه (قبل از صلح حدیبیه) ، سفری مخاطره آمیز و نگران کننده برای برخی مسلمانان

سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ .. يَقُولُونَ بَأْسَنَتِهِمْ

عذرآوری <مخلفون> و رد عذر آنان از سوی خداوند، می رساند که عامل اصلی آنان از ترک سفر، نگرانی از سرنوشت آن بوده است. قرینه های تاریخی و نیز آیه بعد، مؤید این نکته است.

منشأ صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۱۴

۱۴ - آرامش درونی ، و پیروزی صلح حدیبیه و فتح خيبر ، نتیجه بیعت مهم مؤمنان با پیامبر (ص)

إِذْ يَبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ .. فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَبَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا

عبارت <فتحا قريبا> ممکن است اشاره به <فتحا مينا> (صلح حدیبیه) و یا فتح خيبر داشته باشد؛ چه این که هر دو فتح با فاصله ای نه چندان دور، صورت گرفته و اطلاق فتح قریب بر هر دو ممکن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۴ - ۱

۱ - رخداد صلح حدیبیه و باز نشدن دست مکيان و مؤمنان علیه یکدیگر ، تنها به تدبیر و اراده الهی

و هو الذي كفّ أیدیهم عنکم و أیدیکم عنهم بیطن مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶- صلح حدیبیه ، تدبیر الهی و زمینه ساز ورود مؤمنان به مسجدالحرام ، با امنیت و آرامش

فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فِجْعَلٍ مِّنْ دُونِ ذَلِكَ فَتَحًا قَرِيبًا

<ذَلِكَ> اشاره به <لِتَدْخُلْنَ> و <فَتْحًا قَرِيبًا> نظر به صلح حدیبیه دارد؛ یعنی، خداوند می دانست که جز در سایه صلحی، همانند صلح حدیبیه، امنیت مسلمانان برای ورود به مسجد الحرام و انجام عمره، میسر نمی شد.

نعمت صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲ - ۵،۶،۹

۵ - صلح حدیبیه ، اتمام نعمت خداوند بر پیامبر (ص)

لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ... وَ يَتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ

<يَتِمَّ نِعْمَتَهُ> بیانگر پیامد و نتیجه مستقیم صلح حدیبیه است.

۶ - صلح حدیبیه ، پایانی بر خصومتورزی بی امان مشرکان علیه اسلام و نعمتی والا برای پیامبر (ص) و مسلمانان

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا... وَ يَتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ

اهمیت صلح حدیبیه و اطلاق <فتح مبین> بر آن، از آن جهت است که این صلح، مقطع جدیدی در روابط و نگرش مشرکان نسبت به اسلام و مسلمانان به وجود آورد و چه بسا نعمت شمردن آن نیز بر این پایه بوده است.

۹ - صلح با مشرکان ، در شرایط سخت و دشوار مکه ، نعمتی بزرگ و راه گشای حرکت های سرنوشت ساز بعدی پیامبر (ص)

ص) *

فَتْحْنَا لَكَ فَتْحًا... وَ يَتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَ يَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا

با توجه به این که صلح حدیبیه، در شرایط دشوار صورت گرفته است؛ احتمال می رود که نعمت شمرده شدن آن، از این جهت بوده که فرصتی برای

تجدید قوا پدید آورده و راه را به سوی حرکت های مهم بعدی گشوده است (و یهدیک صراطاً مستقیماً).

نقش صلح حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۲ - ۲

۲ - مسلمانان، قادر به دفع هجوم کافران، در صورت عدم انعقاد صلح حدیبیه و ناگزیری از جنگ *

و لو قتلکم الذین کفروا لو لّوا الأذیر

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <لوقاتلکم> نظر به گذشته داشته باشد، یعنی، خداوند گرچه فتح مبین (صلح حدیبیه) را برای شما رقم زد و در پرتو آن ثمرات زیادی را برای شما به بار آورد، اما اگر این صلح هم صورت نمی گرفت و کافران به نبرد با شما برمی خاستند، شما با قدرت ایمانی و رهبری پیامبر(ص) آنان را منهزم می ساختید.

نگرانی متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۳

۳ - افراد مریض و ناتوان از شرکت در سفر حدیبیه، نگران از عدم حضور خود و همراهی نکردن مسلمانان در آن سفر *

لیس علی الأعمی حرج و لا علی الأعرج حرج و لا علی المریض حرج

توییح شدید متخلفان از سفر حدیبیه در آیات گذشته و استثنای معذوران در این آیه، بیانگر آن است که مؤمنان معذور، نگران آن بوده اند که مشمول توییح خداوند باشند. خداوند در این آیه، به رفع این نگرانی آنان پرداخته است.

وعده به مسافران به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۱۲

۱۲ - اختصاص غنایم خیبر به

شرکت کنندگان سفر حدیبیه ، براساس وعده قبلی خداوند *

إذا انطلقتم إلى مغانم لتأخذوها .. قال الله من قبل

برداشت بالا بدان احتمال است که آنچه از قبل گفته شده، اختصاص غنایم، به حاضران صلح حدیبیه باشد؛ چه این که این نکته از نظر تاریخی نیز تأیید شده است.

حر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حر

حجاب حر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۹ - ۱۲

۱۲ - بر زنان مؤمن آزاده ، لازم است با پوشش مناسب ، خود را از بردگان کنیز متمایز سازند .

يدنين عليهنّ من جلبيبهنّ ذلک أدنی أن يعرفن فلا يؤذین

متعلق <يعرفن> می تواند <من الإماء> باشد و می تواند چیزی شبیه <إنهنّ حرائر> باشد. برداشت بالا، بنا بر احتمال نخست است.

حقوق حر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۸ - ۹

۹ - مردم ، در صدر اسلام ، با نظام برده داری آشنا بودند و همسان نبودن حقوق برده با مالک اش را قبول داشتند .

هل لکم من ما ملکت أیمنکم من شرکاء فی ما رزقکم فأنتم فیه سواء

قصاص حر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۵،۷

۵- انسان آزاد (غیر برده) در مقابل کشتن انسان آزاد و برده در مقابل کشتن برده ، قصاص می شوند .

الحر بالحر و العبد بالعبد

۷- عدم تساوی انسان آزاد با برده و زن با مرد در قانون قصاص

کتب علیکم القصاص فی القتلی الحر بالحر و العبد بالعبد و الأثنی بالأثنی

حرام خواران از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حرام خواران

حرام خواران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۸

۸- مال دوستان و حرام خواران ، در آخرت به ارزش حقیقی ثروت و لزوم مصرف آن در اطعام گرسنگان و فواید بزرگداشت یتیمان ، پی خواهند برد .

لا تکرمون . . . و لاتحضون ... تأکلون ...

تَجْبُونُ ... كَلًّا ... يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَ

زمینه کیفر حرام خواران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۶ - ۷

۷ - ربوبیت خداوند ، مقتضی مجازات حرام خواران و کم فروشان

ویل للمطففین . . . یوم یقوم الناس لرب العلمین

حرام خواری

آثار حرام خواری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۹ - ۳

۳ - حرام خواری ، زمینه ساز سرپیچی از فرمان های خدا و ارتکاب گناهانی دیگر است .

فبدل الذین ظلموا قولاً غیر الذی قیل لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۱۸ ، ۱۰

۱۰ رباخواری و حرامخواری یهودیان ، موجب محرومیت آنان از برخی طیبات *

فبظلم من الذین هادوا و حرّمنا علیهم الطیبیت . . . و أکلهم أموال الناس بالباطل

بدان احتمال که مراد از تحریم، تحریم تکوینی باشد.

۱۸ ظلم ، جلوگیری از راه خدا ، رباخواری و به ناحق خوردن مال مردم ، موجب گرایش آدمی به کفر

فبظلم من الذین هادوا حرّمنا . . . و أعتدنا للكفرین منهم عذاباً ألیماً

مراد از <للكفرین منهم> همان یهودیانی هستند که مرتکب گناهان ذکر شده در این آیه و آیه قبل بودند، بنابراین صفات یاد

شده کفر است و یا موجب کفر خواهد شد. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۱۰

۱۰ رشوه گیری ، حرامخواری و آزمندی به دنیا ، مایه خواری و رسوایی در دنیا و عذابی بزرگ در آخرت

لهم فی الدنيا خزی

و لهم فى الاخره عذاب عظيم .. اكلون للسحت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۵

۵ ارتكاب محرمات الهى، حتى به مقدارى اندك، زمينه ساز رسوايى انسان است.

فلما ذاقا الشجره بدت لهما سوء تهما

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۲ - ۳

۳ حرامخوارى زمينه سرپيچى از فرمان هاى الهى و ارتكاب گناهانى ديگر

فبدل الذين ظلموا منهم قولاً غير الذى قيل لهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۱ - ۲

۲ منفعت پرستى، حرام خوارى، تعصب و قوم گرایی عامل هاى بازدارنده مردم مدين از اندیشه كردن در تعاليم شعيب (ع) و فهميدن آنها

قالوا يشعيب ما نفقه كثيراً مما تقول

اجتناب از حرام خوارى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۶۲ - ۸،۱۱

۸ گروهى از اهل كتاب مردانى صالح، پرهيز كننده از گناه، و بدور از تجاوز و حرام خوارى

و ترى كثيراً منهم يسرعون فى الاثم و العدوان و اكلهم السحت

۱۱ لزوم پرهيز از گناه، تجاوز، رشوه گيرى و حرام خوارى

يسرعون في الاثم و العدوان و اكلهم السحت لبئس ما كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۶۵ - ۱۰

۱۰ پرهيز از رشوه گيري ، حرام خواري ، تجاوزگري و گفتار كفرآمیز شرط آمرزش گناهان اهل كتاب و ورود آنان به بهشت

و لو ان أهل الكتب ءامنوا و اتقوا

متعلق

<واتقوا> چنانچه گذشت، گناهان است، از مصادیق مورد نظر آن با توجه به آیات گذشته، گناهانی است که در برداشت به آنها اشاره شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۱ - ۶

۶ - خداوند، خواهان بهره‌وری انسان‌ها، از روزی‌های حلال و اجتناب از حرام خواری است.

يَأْتِيهَا الرِّسْلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <طَيِّب> در لغت به معنای حلال به کار رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۳۰ - ۵

۵ - اندیشه صحیح نسبت به فقر و غنا، برخورد شایسته با یتیمان و مسکینان، قطع حرام خواری و دل‌ن بستن به ثروت، زمینه ساز ورود به بهشت برین

فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلِيَهُ .. و ادخلی جَنَّتِي

زشتی حرام خواری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۲ - ۹

۹ زشتی و ناروایی گناه، تجاوز و حرام خواری

يَسْرِعُونَ فِي الْأَثْمِ وَالْعُدُونِ وَ أَكَلْهُمْ السَّحْتِ لِبِئْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

زمینه حرام خواری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۲ - ۶

۶ چشمداشت و آرزوی دستیابی به نعمت‌های خدادادی دیگران، زمینه حرام‌خواری و ناهنجاری‌های اقتصادی

لا تاكلوا اموالكم بينكم بالباطل . . و لا تتمنوا ما فضل الله به بعضكم على بعض

نهی از آرزوی دستیابی به نعمتهای دیگران، پس از بیان حکم تصرفات ناروا در اموال مردم، می تواند بیانگر این باشد که
تملك

اموال دیگران از راه باطل، ریشه در طمعورزی به نعمتهای دیگران دارد.

سرزنش حرام خواری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۸

۸ رغبت به شنیدن دروغ ها و شایعات ، پذیرش احکام تحریف شده ، حرامخواری و رشوه گیری ، بسی زشت و نارواست .

سمعون للکذب اکلون للسحت

عذاب دنیوی حرام خواری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۲۱

۲۱ ظلم ، جلوگیری از راه خدا ، به ناحق خوردن مال مردم ، موجب عقوبت های دنیوی و عذاب اخروی

فبظلم من الذین هادوا حرمننا .. و أعتدنا للکفرین منهم عذاباً ألیماً

کیفر حرام خواری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۲۱

۲۱ ظلم ، جلوگیری از راه خدا ، به ناحق خوردن مال مردم ، موجب عقوبت های دنیوی و عذاب اخروی

فبظلم من الذین هادوا حرمننا .. و أعتدنا للکفرین منهم عذاباً ألیماً

گناه حرام خواری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۲ - ۵

۵ تجاوز به حقوق دیگران ، حرام خواری و رشوه گیری ، از گناهان بزرگ

يسرعون في الاثم و العدون و اكلهم السحت

ذکر تجاوز و حرام خواری پس از کلمه <اثم> که شامل همه گناهان می شود (ذکر خاص بعد از عام)، می تواند اشاره به بزرگی آن دو گناه داشته باشد.

موارد حرام خواری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۹

۱۷ صرف موجودی کمتر و یا مساوی بدهی در مخارج زندگی و نپراختن دین ، اکل مال به باطل است .

لا تأكلوا أموالكم بينكم بالباطل

امام صادق (ع) در مورد کسی که مالی دارد و باید آن را یا خرج زندگی کند یا قرض خود را بپردازد، فرمود: یقضی بما عنده دینه و لا یأکل اموال الناس الا و عنده ما یؤدی الیهم حقوقهم: انّ الله عزّ و جل یقول: <لا تأكلوا أموالكم بینكم بالباطل . . . > .

کافی، ج ۵، ص ۹۵، ح ۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۱، ح ۱۹۷؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۳۶، ح ۱۰۱؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۱۲، ح ۱۲، ب ۶۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۴۱

۴۱ منافع به دست آمده از دین فروشی ، مصداقی بارز برای سحت

اکلون للسحت . . . و لاتشتروا بایتی ثمناً قليلا

نهی خداوند از دین فروشی در قبال منافع دنیا، پس از توصیف عالمان یهود در آیات پیش به <اکلون للسحت>، بیانگر آن است که از مصداق مورد نظر برای <سحت> (حرامی ننگ آور)، منافی است که آنان از دین فروشی به چنگ می آورند.

ناپسندی حرام خواری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۹ - ۱۱

۱۱ - پرهیز از نعمت های حلال و طیب ، استفاده از پلیدی ها و حرام خواری ، از کار های بد و ناپسند است .

كلو مما فی الارض حلالاً طیباً . . . إنما یأمرکم بالسوء و الفحشاء

حرص از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حرص

ترک حرص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۶ - ۱۴

۱۴ - پاک ساختن نفس از آلودگی به بخل و حرص ، موجب رستگاری بشر

و من یوق شح نفسه فأولئك هم المفلحون

آثار حرص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۲ - ۵

۵ - تأثیر نداشتن تلاش آمیخته با حرص و ولع انسان ها ، در دستیابی آنان به بهره‌وری بیشتر مادی

نحن قسمنا بینهم معیشتهم

ذکر ضمیر <نحن> و تقدم آن بر <قسمنا> که نقش بی چون و چرای خداوند در تقسیم معیشت را بازگو می کند بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۹ - ۱۴

۱۴ - حرص و چشمداشت به مال و حقوق دیگران ، از موانع جدی رستگاری است .

و من یوق شح نفسه فأولئك هم المفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۶ - ۱۷

۱۷ - انفاق ، عامل مهم رستگاری و بخل و حرص ، مانع از آن است .

أنفقوا .. و من یوق شح نفسه فأولئك هم المفلحون

از ارتباط میان موضوع انفاق و بخل و حرص و نیز مسأله رستگاری که همراه با قصر (فأولئك هم) ادا شده است می توان
مطلب بالا را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۹ - ۴

۴ - زر اندوزی و انباشتن ثروت ، برخاسته از روح ناشکیبایی و آزمندی انسان

و جمع فأوعی

. إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا

جمله <إِنَّ الْإِنْسَانَ..>، می تواند در مقام تعلیل برای جمله قبلی (و جمع فأوعی) باشد. برداشت یاد شده، براساس این نکته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۱ - ۳

۳ - بخلورزی و دریغ داشتن از رسیدن خیر به دیگران ، برخاسته از خصلت حرص و آزمندی است .

إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا .. وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا

تنزیه از حرص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۶ - ۱۶

۱۶ - انفاق ، مبارزه با بخل و حرص است و انفاق گران مبرّا از آن هستند .

و أنفقوا .. و من یوق شح نفسه

این مطلب از ارتباط میان موضوع انفاق و مسأله بخل و حرص، به دست می آید.

حرص انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۶ - ۱۵

۱۵ - بخل و حرص ، عجین شده در جان بشر و برخاسته از طبیعت او است .

و من یوق شح نفسه

مطلب یاد شده، از اضافه <شح> به <نفسه> به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۹ - ۲،۳

۲ - انسان ، موجودی حریص و آزمند

إِنَّ الْإِنْسَانَ خَلْقٌ هَلُوعًا

۳ - ناشکیبایی و آزمندی ، نهفته در سرشت بشر

إِنَّ الْإِنْسَانَ خَلْقٌ هَلُوعًا

مطلب یاد شده، از تعبیر <خلق> درباره صفت <هلوع> استفاده می شود.

حرص به زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۱۰

- مشرکان ، به زندگی دنیا حریص و دل بسته اند .

لتجدنهم أحرص الناس .. و من الذين أشركوا

حرص در رفاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۹ - ۶

۶ - حرص و آز در شرائط رفاه و یأس و ناامیدی به هنگام سختی ، امری ناپسند و مورد نکوهش

لايسئم الإنسن من دعاء الخير و إن مسّه الشرّ فيئوس قنوط

با توجه به لحن نکوهش آمیز آیه، مطلب بالا استفاده می شود.

حرص مشرکان به زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۱۰

۱۰ - مشرکان ، به زندگی دنیا حریص و دل بسته اند .

لتجدنهم أحرص الناس .. و من الذين أشركوا

حرص مشرکان به عمر طولانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۱۱

۱۱ - گروهی از مشرکان ، خواهان عمری طولانی هزار ساله هستند .

و من الذين أشركوا يود أحدهم لو يعمر الف سنه

برداشت فوق مبتنی بر این است که <و من الذين أشركوا> خبر برای مبتدایی محذوف باشد نه عطف بر <الناس> یعنی: <و من الذين أشركوا طائفه يود أحدهم>. بر این مبنا، جمله <و من الذين...> جمله حالیه است و <يود أحدهم> توصیف همین دسته از مشرکان خواهد بود. بر این اساس مفاد آیه چنین است: یهودیان از همه مردم به دنیا دل بسته ترند و این در حالی

است که گروهی از مشرکان خواهان عمری هزار ساله هستند.

حرص یهود به زندگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره -

۱ - یهود، حریص ترین مردمان بر زنده ماندن و برخوردار شدن از عمری طولانی هستند.

و لتجدنهم أحرص الناس على حيوة

۲ - یهود، به هر نوع زندگی دنیوی - هر چند پست باشد - حریص و دل بسته اند.

و لتجدنهم أحرص الناس على حيوة

نکره آوردن <حياه> اشاره به این نکته دارد که: یهودیان بر صرف زنده ماندن با هر ویژگی - هر چند که پست و حقیر هم باشد - حریصند.

۳ - روش و منش یهود، نمایانگر حرص شدید آنان بر زندگانی دنیا و ترس از مرگ است.

و لتجدنهم أحرص الناس على حيوة

<لتجدن> مرکب از فعل تجد (می یابی)، لام قسم و نون تأکید است؛ یعنی، البته و بدون هیچ تردید می یابی که یهود حریص ترین مردمند. تأکید بر اینکه مخاطب، دلبستگی یهود را بر زندگی دنیا می یابد، گویای این معناست که عملکرد یهود نمایانگر علاقه شدید آنان به حیات دنیاست.

۴ - نمایان بودن علاقه یهود به زندگی دنیا، مانع آنان از اظهار اشتیاق به حیات اخروی و تظاهر به نهراسیدن از مرگ

و لتجدنهم أحرص الناس على حيوة

جمله <لتجدنهم...> استشهادی است برای جمله <لن یتمنوه>؛ یعنی، این حقیقت که یهود تمنای مرگ و رسیدن به آخرت را ندارند، از زندگی آنان به خوبی معلوم می شود؛ به گونه ای که حتی خود آنان نیز نمی توانند آن را انکار کنند.

۵ - اشتیاق یهود به زندگی دنیا، حتی از مشرکان فروتر است.

و لتجدنهم أحرص الناس... و من الذین أشركوا

<من الذین> عطف بر <الناس> می باشد؛ یعنی: <و>

لتجدنهم أحرص من الذين اشركوا؛ می یابی آنها را که از مشرکان به زندگی در دنیا دلبسته ترند.

۱۳ - یأس یهود از سرای آخرت ، زمینه ساز حرصشان بر حیات دنیا و آرزوی عمر طولانی است . *

یود أحدهم لو یعمر الف سنه و ما هو بمزحزحه من العذاب أن یعمر

حرص یهود به عمر طولانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۱۳، ۱۸

۱ - یهود ، حریص ترین مردمان بر زنده ماندن و برخوردار شدن از عمری طولانی هستند .

و لتجدنهم أحرص الناس علی حیوه

۸ - فرد فرد یهود ، خواهان عمر طولانی هزار ساله هستند .

یود أحدهم لو یعمر الف سنه

<یعمّر> از تعمیر و به معنای عمر داده شود، است. آوردن <أحدهم> به عنوان فاعل <یود> و استفاده نکردن از ضمیر جمع (یودون) تصریح به این معنا دارد که: عمر طولانی هزار ساله، خواسته فرد فرد آنان است.

۱۳ - یأس یهود از سرای آخرت ، زمینه ساز حرصشان بر حیات دنیا و آرزوی عمر طولانی است . *

یود أحدهم لو یعمر الف سنه و ما هو بمزحزحه من العذاب أن یعمر

مبارزه با حرص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۶ - ۱۶

۱۶ - انفاق ، مبارزه با بخل و حرص است و انفاق گران میرا از آن هستند .

و أنفقوا... و من یوق شح نفسه

این مطلب از ارتباط میان موضوع انفاق و مسأله بخل و حرص، به دست می آید.

مصونیت از حرص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - نماز گزاران ، مصون از خصلت حرص و آزمندی

إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا .. إِلَّا الْمُصَلِّينَ

معرضان از حرص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۹ - ۱۲

۱۲ - دوری گزیدگان از بخل و حرص ، رستگاران واقعی اند .

و من يوق شح نفسه فأولئك هم المفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۶ - ۱۳

۱۳ - کسانی که روح و جانشان از آلودگی به بخل و حرص پاک است ، قطعاً رستگارانند .

و من يوق شح نفسه فأولئك هم المفلحون

<شَح> به معنای بخل و حرص و یا بخل همراه حرص است (برگرفته از قاموس المحيط و مفردات راغب).

موانع حرص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۲ - ۶

۶ - تأثیر نماز در جلوگیری از خصلت حرص و آزمندی ، بیش از هر فریضه دیگر است .

إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا .. إِلَّا الْمُصَلِّينَ

مطلب یاد شده، از ذکر نماز در آغاز و تقدیم آن بر فریضه انفاق، پاک دامن، امانت داری و .. به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - انفاق و اختصاص دادن مقدار معینی از اموال خویش به نیازمندان جامعه ، تعدیل کننده غرایز و تأثیرگذار در اخلاق بشر (حرص ، بخل ، ناشکیبایی و ...)

إِنَّ الْإِنْسَانَ خَلَقَ هَلُوعًا . . . إِلَّا الْمَصْلِيْنَ ... وَ الَّذِينَ فِيْ أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۶ - ۲

۲ - اعتقاد به روز جزا، تعدیل کننده غرایز و تأثیر گذار در خُلق و خوی بشر (حرص ، بخل ، ناشکیبایی و ...)

إِنَّ الْإِنْسَانَ خَلَقَ هَلُوعًا .. إِلَّا الْمَصْلِينَ ... وَالَّذِينَ يَصَّدَّقُونَ يَوْمَ الدِّينِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۷ - ۲

۲ - هراس و نگرانی از عذاب الهی ، تعدیل کننده غرایز و تأثیر گذار در خُلق و خوی بشر (حرص ، بخل ، ناشکیبایی و ...)

إِنَّ الْإِنْسَانَ خَلَقَ هَلُوعًا .. إِلَّا الْمَصْلِينَ ... وَالَّذِينَ هُمْ مِنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۹ - ۲

۲ - تأثیر پاکدامنی و دوری از آلودگی های جنسی ، در تعدیل غرایز و تأثیر گذار در خُلق و خوی بشر (بخل ، آزمندی ، ناشکیبایی و ...)

إِنَّ الْإِنْسَانَ خَلَقَ هَلُوعًا .. إِلَّا ... وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَفِظُونَ

ناپسندی حرص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۹ - ۶

۶ - حرص و آز در شرائط رفاه و یأس و ناامیدی به هنگام سختی ، امری ناپسند و مورد نکوهش

لَا يَسْتَمِ الْإِنْسَانُ مِنْ دَعَاءِ الْخَيْرِ وَإِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيَئُوسٌ قَنُوطٌ

با توجه به لحن نکوهش آمیز آیه، مطلب بالا استفاده می شود.

نشانه های حرص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۰ - ۳

- ۳

بی صبری و ناشکیبایی در برابر شرور و بدی ها ، نشانه وجود خصلت حرص و آزمندی در انسان است .

إِنَّ الْإِنْسَانَ خَلْقٌ هَلُوعًا . إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا

برداشت یاد شده، از آن جا است که عبارت <إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا>، می تواند توضیح صفت <هلوع> و نیز بیان نشانه های آن باشد؛ زیرا حریص، فزون طلب است و چون شرور، مانع نیل به این خواسته است، قهراً در برابر آن ناشکیبا خواهد بود.

نشانه های حرص یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۳،۴

۳- روش و منش یهود ، نمایانگر حرص شدید آنان بر زندگانی دنیا و ترس از مرگ است .

و لتجدنهم أحرص الناس على حيوة

<لتجدن> مرکب از فعل تجد (می یابی)، لام قسم و نون تأکید است؛ یعنی، البته و بدون هیچ تردید می یابی که یهود حریص ترین مردمند. تأکید بر اینکه مخاطب، دلبستگی یهود را بر زندگی دنیا می یابد، گویای این معناست که عملکرد یهود نمایانگر علاقه شدید آنان به حیات دنیاست.

۴ - نمایان بودن علاقه یهود به زندگی دنیا ، مانع آنان از اظهار اشتیاق به حیات اخروی و تظاهر به نهرا سیدن از مرگ

و لتجدنهم أحرص الناس على حيوة

جمله <لتجدنهم ..> استشهادی است برای جمله <لن يتمنوه>؛ یعنی، این حقیقت که یهود تمنای مرگ و رسیدن به آخرت را ندارند، از زندگی آنان به خوبی معلوم می شود؛ به گونه ای که حتی خود آنان نیز نمی توانند آن را انکار کنند.

حرکت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حرکت

آثار حرکت کشتی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- حرکت پیوسته کشتی ها و قوانین حاکم بر آن ، در جهت منافع انسان و جلوه ای از ربوبیت خداوند است .

رَبِّكُمْ الَّذِي يُزْجِي لَكُمْ الْفَلَكَ فِي الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ

ارزش حرکت اسب مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۴ - ۲

۲ - حرکت مرکب رزمندگان در راه جهاد ، حتی غبار برخاسته از آن ، ارزشمند و دارای عظمتی درخور سوگند خداوند است .

فَأَثَرُنْ بِه نَقَعًا

اهداف حرکت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۲ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، هدف حرکت همه موجودات

اللّٰهُ الصَّمَدُ

<صَيَّمَدٌ>، با فعل <صَيَّمَدَ إِلَيْهِ> (او را قصد کرد)، هم خانواده و <فَعَّلَ> به معنای <مفعول> است؛ یعنی، مَصْمُودٌ إِلَيْهِ و خداوند <صمد> است؛ یعنی، مقصود و مقصد نهائی موجودات است. حذف متعلقات <صمد> نشانه عموم است و مقصود بودن خداوند را به تمام موجودات و مقاصد آنها تعمیم می دهد.

اهمیت حرکت ابرها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴ - ۳،۴

۳ - کیفیت رانش ابرها به وسیله بادها ، ریزش باران و برخورداری قسمت های مختلف زمین از آن ، دارای اهمیت و شایان

برداشت بالا، با توجه به این نکته است که مراد از <مقسّيمات> بادها باشند که با راندن ابرها و ریزش تدریجی باران، ذخیره های حیاتی آب را بر سرزمین های پست و بلند و دور و نزدیک تقسیم می کنند.

تشکیل توده های ابر و حرکت آنها و ریزش باران ، از مظاهر حکمت و تدبیر الهی در نظام طبیعت

و الذریت ذرّوا . فالحملت وقرّا . فالجریّت یسرّا . فالمقسّمت أمرّا

خداوند، با برشمردن بخشی از امور دقیق طبیعت و مهم دانستن آنها با سوگند خوردن، در حقیقت تدبیر و حکمت خویش را به آدمیان یادآور شده است.

اهمیت حرکت اسب مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۴ - ۲

۲ - حرکت مرکب رزمندگان در راه جهاد ، حتی غبار برخاسته از آن ، ارزشمند و دارای عظمتی درخور سوگند خداوند است .

فأثرن به نقعاً

اهمیت حرکت روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۲ - ۱۴

۱۴- تذکر به اهمیت و نقش گردش شب و روز در حیات انسان ، نمودی از بیان تفصیلی آیات توسط خداوند

و جعلنا الیل و النهار آیتین .. و کلّ شیء فصلّنه تفصیلاً

یکی از مصادیق <کلّ شیء..> به قرینه جمله <و جعلنا اللیل و النهار آیتین> می تواند گردش شب و روز باشد.

اهمیت حرکت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۲ - ۱۴

۱۴- تذکر به اهمیت و نقش گردش شب و روز در حیات انسان ، نمودی از بیان تفصیلی آیات توسط خداوند

و جعلنا الیل و النهار آیتین .. و کلّ شیء فصلّنه تفصیلاً

یکی از مصادیق <کَلَّ شَيْءٌ..> به قرینه جمله <و جعلنا الليل و النهار آیتین> می تواند گردش شب و روز باشد.

اهمیت ذکر حرکت کشتیها

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۵ - ۳

۳ - خداوند ، خواهان توجه انسان به شگفتی حرکت کشتی های عظیم بر دریا و درس آموزی از آن

و له الجوار المنشات فی البحر کالأعلم . فبأیء الآء ربکما تکذبان

تداوم حرکت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۳ - ۲

۲- خورشید و ماه دارای حرکتی با روال مشخص و وضعیتی همیشگی

و سخر لکم الشمس و القمر دائین

<دائین> تثنيه <دائب> و از ریشه <دأب> و به معنای عادت و روال همیشگی است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵ - ۷

۷- حرکت منظم و بی وقفه خورشید و ماه

و سخر الشمس و القمر کل یجری

فعل مضارع <یجری>، دلالت بر استمرار جریان حرکت خورشید و ماه دارد.

تداوم حرکت ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۳ - ۲

۲- خورشید و ماه دارای حرکتی با روال مشخص و وضعیتی همیشگی

و سخر لکم الشمس و القمر دائین

<دائین> <تنیه> <دائب> و از ریشه <دأب> و به معنای عادت و روال همیشگی است (مفردات راغب).

تداوم حرکت ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵ - ۷

۷ - حرکت منظم و بی وقفه خورشید و ماه

و سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلَّ يَجْرِي

فعل مضارع <یجری>، دلالت بر استمرار جریان حرکت خورشید و ماه دارد.

حرکت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد

۶ آسمانها، عرش، خورشید و ماه تا سرآمدی معین در حرکتند.

کل یجری لأجل مسمی

مضاف الیه محذوف از کلمه <کل> ضمیری است که به <السموت>، <عرش>، <شمس> و <قمر> باز می گردد. <مسمی> یعنی مشخص و معین. <اجل> در لغت به معنای مدت و نیز به معنای پایان مدت آمده است. برداشت فوق بر اساس دومین معناست. گفتنی است که بر این مبنا <لام> در <لأجل> به معنای <إلی> خواهد بود.

۱۵ نظام هستی (برافراشته بودن آسمانها، رام بودن خورشید و ماه به فرمان خدا و حرکت آنها) دلیل و آیتی بر ربوبیت خداوند

الله الذی رفع السموت .. لعلکم بلقاء ربکم توقنون

چون خداوند در ابتدای آیه با جمله <الله الذی ..> توصیف و معرفی شد، ظاهر آن بود که در جمله <لعلکم ...> نیز <لعلکم بلقاء الله> آورده شود. این تعویض یعنی، آوردن <ربکم> به جای <الله> می رساند که مقصود اصلی از توصیف <الله> به ویژگیهای یاد شده، اثبات ربوبیت اوست.

حرکت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۲ - ۸

۸ جهان هستی به سوی کمال در حرکت است .

رب العلمین

<رب> به معنای تربیت کردن است و تربیت ایجاد حالتی در شیء پس از حالت قبل است تا آن گاه که به حد تمام و کمال برسد (مفردات راغب). پس این معنا حکایت از حرکت تکاملی دارد. گفتنی است که کلمه <رب> مشترک لفظی میان وصف و مصدر می باشد و در آیه مورد بحث معنای وصفی دارد.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۵ - ۲۱

۲۱ حرکت جهان آفرینش ، تنها به سوی خداوند است .

و اليك المصير

<ال> در <المصير> برای جنس است؛ یعنی هر تحوّل و حرکتی تنها به سوی اوست و تمام جهان آفرینش دارای حرکت و تحوّل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۹ - ۷۸

۷ خداوند ، هدف حرکت همه هستی

و الي الله ترجع الامور

۸ همه جهان هستی ، در حال سیر و حرکت

و الي الله ترجع الامور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۸ - ۱۳

۱۳ هستی ، دارای جریانی رو به کمال در پرتو ربوبیت خداوند

رب العلمين

<رب> به معنای تربیت کننده است و تربیت یعنی ایجاد تدریجی چیزی تا آنگاه که به کمال خویش برسد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۳ - ۱۰

۱۰ - جهان آفرینش ، در حال حرکت است و خدا منت ها الیه این حرکت می باشد .

<ال> در <المصير> برای جنس است؛ یعنی، هر تحوّل و حرکتی در جهان هستی، تنها به سوی خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۳ - ۵

۵ - جهان هستی، به سوی کمال در حرکت است.

رَبِّ الْعَالَمِينَ

<رَبِّ>، به معنای تربیت کردن است و <تربیت> ایجاد حالتی در شیء پس از حالت قبل است تا آن گاه که به حد تمام و کمال برسد (مفردات راغب). این معنا حکایت

از حرکت تکاملی دارد. گفتنی است که کلمه <رَبِّ > مشترک لفظی میان وصف و مصدر است و در آیه مورد بحث معنای وصفی دارد.

حرکت ابرها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۷ - ۲

۲ خداوند باد های نویددهنده باران را به حرکت می آورد و ابرها را به سرزمین های خشک گسیل می دارد .

و هو الذی یرسل الریح بشراً بین یدی رحمته . . . سقنه لبلد میت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۳ - ۱،۲،۵

۱ - خداوند ابرها را به آرامی روان می سازد .

ألم تر أنّ الله یزجی سحاباً

<ازجاء > (مصدر <یزجی >) به معنای دفع و حرکت دادن به آرامی و ضعیف است (برگرفته شده از لسان العرب).

۲ - خداوند ، پاره های ابر را جمع کرده و میان آنها پیوند می دهد .

ثمّ یؤلّف بینه

<تألیف > به معنای جمع و پیوند است.

۵ - حرکت ابر ، جمع اجزای آن و تراکم و فشردگی آنها ، موجب پیدایش و نزول باران می شود .

أنّ الله یزجی سحاباً ثمّ یؤلّف بینه ثمّ یجعله ركاماً فتری الودق یرج من خلله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱ - ۷

۷ - > قال رسول الله (ص) : الریح ثمان : أربع منها عذاب و أربع منها رحمه . . . و الرحمه منها . . . المرسلات . . . فیرسل

الله المرسلات فُتثیر السحاب . . . ;

رسول خدا(ص) فرمود: بادها هشت گونه اند؛ چهار گونه

از آنها بادهای عذاب و چهارگونه دیگر رحمت اند. .. و از جمله بادهای رحمت... <مرسلات> است... پس خداوند <مرسلات> را می فرستد تا ابرها را به حرکت درآورد.<

حرکت اجرام آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۹ - ۷

۷- در پرواز پرندگان و حرکت اجرام آسمانی ، آیات بسیاری بر عظمت و قدرت خداوند وجود دارد .

ألم يروا إلى الطير .. ما يمسكهنَّ إلاَّ الله إن في ذلك لآيت لقوم يؤمنون

حرکت ارتجاعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۱ - ۱۱

۱۱ گرایش به شرک پس از توحید (ارتداد)، حرکتی ضد تکاملی و ارتجاعی است.

أندعوا من دون الله .. و نرد على أعقابنا بعد إذ هدينا الله

معنای جمله <نرد علی ..> صرفاً به معنای بازگشت به گذشته تاریخی نیست بلکه حکایت از بازگشت به جهل و عقب ماندگی فکری نیز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۵ - ۳

۳- روی گردانی از دین ، پس از گرایش و تمایل به آن ، عملی ارتجاعی و مورد نکوهش

إنَّ الذين ارتدّوا على أذرهم من بعد.. .. الشيطان سؤل لهم

حرکت ارتجاعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۵ - ۳

۳- روی گردانی از دین ، پس از گرایش و تمایل به آن ، عملی ارتجاعی و مورد نکوهش

إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدَّوْا عَلَىٰ أَدْبُرِهِمْ مِنْ بَعْدِ .. الشَّيْطَانِ سَوَّلَ لَهُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ گرایش به شرک پس از توحید (ارتداد)، حرکتی ضد تکاملی و ارتجاعی است.

أندعوا من دون الله .. و نرد علی أعقابنا بعد إذ هدینا الله

معنای جمله <نرد علی .. > صرفاً به معنای بازگشت به گذشته تاریخی نیست بلکه حکایت از بازگشت به جهل و عقب ماندگی فکری نیز دارد.

حرکت باد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۷ - ۲

۲ خداوند باد های نویددهنده باران را به حرکت می آورد و ابرها را به سرزمین های خشک گسیل می دارد .

و هو الذی یرسل الریح بشراً بین یدی رحمته .. سقنه لبلد میت

حرکت بسوی جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۹ - ۱

۱ - حرکت تکذیب گران روز جزا به سوی دوزخ ، به فرمان الهی

انطلقوا إلی ما کنتم به تکذبون

طبق گفته مفسران، مقصود از تکذیب در این آیه، تکذیب دوزخ است. گفتنی است که در روز قیامت، به کافران فرمان داده می شود که به سوی آن حرکت کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۰ - ۱

۱ - فرمان حرکت به تکذیب کنندگان روز جزا ، به سوی ستون های دود برخاسته از آتش دوزخ

انطلقوا إلی ظلّ

بنا به گفته مفسران، مقصود از <ظَلَّ> (سایه)، دود غلیظ برخاسته از آتش دوزخ است که به صورت سایه نمایان می شود؛
مانند: <و ظَلَّ من یحموم؛ و سایه ای از دودی سخت سیاه>. (واقعه، آیه ۴۳)

حرکت به سوی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۹ - ۶

۶ - حرکت به سوی خداوند و دستیابی به مقام قرب او ، برای تمام انسان ها امکان پذیر است .

فمن شاء اتَّخِذْ إِلَى رَبِّهِ مَآبًا

حرکت به سوی مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶ - ۵

۵ شرکت در جنگ بدر حرکتی آشکار به سوی مرگ در پندار گروهی از مسلمانان صدر اسلام

كأنما يساقون إلى الموت وهم ينظرون

مفعول <ینظرون> به قرینه فراز قبل، <الموت> است. یعنی <وهم ينظرون الموت>. بنابراین جمله حالیه <وهم ... > حکایت از آن دارد که اطمینان برخی از مسلمانان به مرگ آفرینی جنگ بدر به گونه ای بوده که گویا مرگ را با چشم خویش مشاهده می کردند.

حرکت تاریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۱ - ۱۴

۱۴ تکرار و تشابه حوادث تاریخ

كدأب ال فرعون و الذین من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۶ - ۷

۷ حاکمیت الهی بر تحولات سیاسی و اجتماعی جوامع بشری

تؤتی الملک من تشاء .. و تعزّ من تشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۰ - ۷،۱۱

۷ حاکمیت اراده الهی بر حرکت تاریخ (شکست ها و پیروزی ها ، تلخی ها و شادی ها)

و تلك الايام نداولها بين الناس

از اینکه خداوند تمامی شکستها و پیروزیها

و تلخیها و شادیها و .. را به خود نسبت داده است (نداولها)، حاکمیت اراده الهی بر حرکت تاریخ به دست می آید.

۱۱ بینش توحیدی قرآن در تحلیل حوادث تاریخی

و تلك الايام نداولها بين الناس

مستفاد از انتساب گردش حوادث تاریخی به خداوند (نداولها).

حرکت تکاملی حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۱۲

۱۲ حرکت تمامی موجودات به سوی پروردگارشان، تکاملی است. *

ثم إلی ربهم یحشرون

با توجه به کلمه <رب>، که تربیت کنندگی را می رساند، و کلمه <إلی> که حرکت به سوی هدف و مقصدی را می رساند، برداشت فوق به دست آمده است.

حرکت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲ - ۱۵، ۶

۶ آسمانها، عرش، خورشید و ماه تا سرآمدی معین در حرکتند.

کل یجری لأجل مسمی

مضاف الیه محذوف از کلمه <کل> ضمیری است که به <السموت>، <عرش>، <شمس> و <قمر> باز می گردد. <مسمی> یعنی مشخص و معین. <اجل> در لغت به معنای مدت و نیز به معنای پایان مدت آمده است. برداشت فوق بر اساس دومین معناست. گفتنی است که بر این مبنا <لام> در <لأجل> به معنای <إلی> خواهد بود.

۱۵ نظام هستی (برافراشته بودن آسمانها، رام بودن خورشید و ماه به فرمان خدا و حرکت آنها) دلیل و آیتی بر ربوبیت خداوند

الله الذی رفع السموت . . لعلمکم بقاء ربکم توقنون

چون خداوند در ابتدای آیه با جمله <الله الذی . . > توصیف و معرفی شد، ظاهر آن بود که در جمله <لعلمکم ... > نیز

<لعلکم بقاء الله> آورده شود. این تعویض ^۲ یعنی، آوردن <ربکم> به جای <الله> می رساند که مقصود اصلی از توصیف <الله> به ویژگیهای یاد شده، اثبات ربوبیت اوست.

حرکت در راه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۷ - ۲

۲ الهی بودن هدف و مسیر حرکت ، ملاک ارزش اعمال آدمی

و لئن قتلتم فی سبیل الله او متم لمغفره من الله و رحمه

مسئلاً انسانها یا می میرند و یا کشته می شوند، بنابراین آنچه دارای ارزش است و سعادت آدمی را در پی دارد، معنایی است که از <فی سبیل الله> به دست می آید که از آن تعبیر به الهی بودن هدف و مسیر حرکت شده است.

حرکت در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۵ - ۶

۶ - آفرینش زمین و بستر مناسب بودن آن برای حرکت و روزی انسان ها ، جلوه علم و آگاهی خداوند بر احوال نهان و آشکار انسان ها

إنه علیم بذات الصدور .. هو الذی جعل لکم الأرض ذلولاً ... و کلوا من رزقه

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه، درصدد تبیین چگونگی علم خداوند بر احوال و ضمیر انسان ها است که در دو آیه قبل، از آن سخن به میان آمده است.

حرکت در سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۴ - ۴

۴ در راه خدا بودن عمل ، ملاک ارزش آن

و قاتلوا فى سبيل الله

حرکت زمين

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۵ - ۵

۵ زمین در حرکت است و انسان ها را بر آیات آسمانی عبور می دهد .

كأين من آيه في السموت و الأرض يمرون عليها

چنان چه جمله <یمرون علیها> را به معنای حقیقی آن و نه معنای کنایی اش (مشاهده می کنند) حمل کنیم، حاکی از حرکت زمین خواهد بود؛ زیرا مرور بر آیات آسمانی با این معنا سازگار می باشد که زمین حرکت کند و انسانها به واسطه حرکت آن بر آیات آسمانی عبور نمایند (برگرفته شده از تفسیرالمیزان).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۳ - ۴

۴ - کره زمین ، دارای حرکت و جنب و جوش است . *

الذی جعل لکم الأرض مهذا

از وجوه تشبیه زمین به گهواره آن است که همان گونه که گهواره برای آرامش طفل حرکت داده می شود، زمین نیز دارای حرکت است.

حرکت سپاه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۷ - ۲

۲ - فراخوانی سپاه سلیمان از سوی او ، برای حرکت به سوی مقصدی خاص

و حشر لسلیمن جنوده

واژه <حشر> (مصدر <حشر>) به معنای بیرون آوردن جماعت از قرارگاهشان و حرکت دادن آنان به سوی مقصدی چون آوردگاه و .. می باشد.

حرکت ستارگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۶ - ۲

۲- ستارگان ، در مدار و قرارگاههایی معین در حال حرکتند .

و لقد جعلنا فی السماء بروجًا و زینها للنظرین

<برج> به منزلگاه و

قرارگاه معنا شده است و منزلگاه به جایی اطلاق می شود که وارد شونده ای بر آن وجود داشته باشد و مراد از آن در این آیه، می تواند ستارگان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۳ - ۳

۳- هر یک از سیارات و ستارگان ، در مسیر و مدار معین در حال حرکت اند .

أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ... وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ

لفظ <کَلٌّ> مضاف به مضاف الیه محذوف مانند (<ها> و ..) است. و مرجع ضمیر، مجموعه آسمان ها و زمین می باشد که در سه آیه قبل از آن یاد شده است.

حرکت سریع سپاه در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۳ - ۲

۲ - هجوم غافلگیرانه بر دشمن در صبحگاه ، پس از حرکت سریع سپاهیان در شب ، شیوه ای کارساز در جهاد

فَالْمَغِيرَتِ صَبِيحًا

حرکت سیارات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۳ - ۳

۳- هر یک از سیارات و ستارگان ، در مسیر و مدار معین در حال حرکت اند .

أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ... وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ

لفظ <کَلٌّ> مضاف به مضاف الیه محذوف مانند (<ها> و ..) است. و مرجع ضمیر، مجموعه آسمان ها و زمین می باشد که در سه آیه قبل از آن یاد شده است.

حرکت عرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲ - ۶

۶ آسمانها ، عرش ، خورشید و ماه تا سرآمدی

معین در حرکتند .

کل یجری لأجل مسمی

مضاف الیه محذوف از کلمه <کل> ضمیری است که به <السموت>، <عرش>، <شمس> و <قمر> باز می گردد. <مسمی> یعنی مشخص و معین. <اجل> در لغت به معنای مدت و نیز به معنای پایان مدت آمده است. برداشت فوق بر اساس دومین معناست. گفتنی است که بر این مبنا <لام> در <لأجل> به معنای <إلی> خواهد بود.

حرکت عصای موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۲ - ۴

۴ - عصای موسی پس از تبدیل شدن به اژدها ، حرکت و پیشروی کرد .

فإذا هی ثعبان مبین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <ثعبان> از ریشه <ثعب> (آب جاری) بوده و این اشاره ای به حرکت و پیشروی اژدها داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۱ - ۲

۲ - تحرك شدید و تند و تیز عصای موسی در پی افکندن آن بر زمین

فلما رءاها تهتّر كأنّها جانّ

<إهتزاز> (مصدر <تهتّر>) به معنای به حرکت در آمدن است. تشبیه حرکت عصای اژدها شده موسی به حرکت مار کوچك (جان)، بیانگر آن است که عصای مار شده علی رغم این که ماری بزرگ بود چنان چالاک بود که گویا ماری کوچك است.

حرکت کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۲ - ۲

۲ حرکت کشتی ها بر سطح دریا ، در سایه وزش باد های ملایم و موافق ، از جلوه های ربوبیت و پروردگاری خدا

هو الذی یسیرکم فی البر و البحر

حتى إذا كنتم فى الفلك وجرين بهم بريح طيبة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۵ - ۴،۱۳

۴ - توجه به تسخیر طبیعت برای انسان ، حرکت کشتی در دریا و امنیت زمین از برخورد با کرات و سنگ های آسمانی ، زمینه روشنی برای ره یابی به توحید ربوبی خداوند

ألم تر أنّ الله سَخَّرَ.. أن تقع على الأرض

۱۳ - رام بودن طبیعت برای انسان ، حرکت کشتی در دریا و امنیت زمین از برخورد کرات آسمانی با آن ، جلوه های رأفت و رحمت گسترده خدا به انسان

ألم تر أنّ الله سَخَّرَ.. إنّ الله بالناس لرءوف رحيم

حرکت کشتی در دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۴ - ۶

۶ - حرکت کشتی ها در دریا در جهت منافع انسان ، از نشانه های توحید و رحمت گستری خداوند است .

إن فى .. الفلك تجرى فى البحر بما ينفع الناس ... لأيت

کلمه <ما> در <بما ينفع> می تواند موصوله باشد که در این صورت <باء> به معنای مصاحبت است. بر این مبنا <التي تجرى...> یعنی، آن کشتیهایی که در دریا حرکت می کنند و چیزهایی (از قبیل مال التجاره ها و ...) به همراه دارند که برای مردم سودبخش است ... و نیز <ما> می تواند مصدریه باشد که در این صورت <باء> به معنای سبب است؛ یعنی، کشتیهایی که در دریا به خاطر نفع رسانی به مردم در حرکت هستند.

حرکت کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ کشتی نوح ، او و همراهانش را در میان موج های عظیمی بسان کوهها ، به پیش می برد .

و هی تجری بهم فی موج کالجبال

<موج> اسم جنس است و بر یک موج و نیز موجهای متعدد و کثیر اطلاق می شود از آن جا که در آیه شریفه ، کلمه <موج> به <جبال> (کوهها) تشبیه شده ، معلوم می شود مراد از آن ، امواج متعدد و کثیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۴ - ۱

۱ - حرکت کشتی حضرت نوح بر امواج طوفان ، در پرتو حمایت و نظارت الهی

تجری بأعیننا

حرکت کشتی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۱ - ۴،۶

۴ - آمادگی شرایط طبیعی و خصوصیات اجسام ، برای ساختن کشتی و حرکت بر آب ، از نشانه های خدا است .

ألم تر أنّ الفلک تجری فی البحر بنعمت اللّٰه لیریکم من ءایته

۶ - فلسفه فراهم آوردن امکانات حرکت کشتی در آب ، ارائه برخی از آیات خدا به بندگان است .

ألم تر أنّ الفلک تجری فی البحر بنعمت اللّٰه لیریکم من ءایته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۲ - ۱

۱ - حرکت کشتی های کوه پیکر در دریا ها ، آیه ای الهی و نشانی از تدبیر ، علم و قدرت خداوند است .

و من ءایته الجوار فی البحر

<جوار> (جمع <جاریه>) وصف <سفن> (جمع <سفینه>) است که به دلیل اختصار حذف گشته، و

وصف جریان و حرکت کشتی ها جایگزین آن شده است.

حرکت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۷ - ۲

۲- در آستانه بروز قیامت ، کوه ها جابه جا شده و صفحه زمین مسطح می شود .

و یوم نسیر الجبال و تری الأرض بارزه

<نسیر> (از ماده سیر) یعنی <حرکت می دهیم> و <بارزه> به معنای <ظاهر و آشکار> است. چون در قیامت، کوه ها، از جا کنده می شوند و ناهمواری های زمین از بین می رود، همه جای آن دیده شده و هیچ مانعی در برابر دید وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۸ - ۱

۱ - جمود و ایستایی کوه ها در پندار آدمی ، علی رغم حرکت ابرآسای آنها

و تری الجبال تحسبها جامده و هی تمرّ مرّ السحاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۰ - ۲

۲ - به حرکت در آمدن کوه ها ، در آستانه رستاخیز

و تسیر الجبال سیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵ - ۱،۳

۱ - حرکت و رانش کوه ها ، در آستانه قیامت بر اثر زلزله شدید

إذا رجّت الأرض رجًا . و بست الجبال بسًا

<بَسَّ> در دو معنا به کار می رود: ۱ به حرکت واداشتن (القاموس المحيط)؛ ۲ خرد و ریز ریز کردن (المصباح المنیر). برداشت بالا بر پایه معنای اول است.

۳- رانش و از هم پاشیدگی کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، بسیار عظیم و

غیرقابل توصیف

و بَسَّتِ الْجِبَالَ بَسًّا

ذکر <بَسًّا> به صورت نکره، بیانگر عظمت و غیرقابل توصیف بودن مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۰ - ۱،۲

۱ - کوه ها در آغاز برپایی قیامت، از جا کنده و حرکت داده خواهند شد.

و سَيَّرَتِ الْجِبَالَ

۲ - حرکت کوه ها در قیامت، آنها را به توده غباری شبیه کوه، تبدیل خواهد کرد.

و سَيَّرَتِ الْجِبَالَ فِكَانَتِ سَرَابًا

تشبیه کوه به سراب، بیانگر آن است که پس از حرکت کوه ها در قیامت، آنچه دیده می شود کوه نیست؛ ولی بیننده آن را کوه خواهد دید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۳ - ۱

۱ - در آستانه قیامت، کوه ها از جا کنده و حرکت داده خواهند شد.

و إِذَا الْجِبَالَ سَيَّرَتِ

حرکت کوه های یخی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۲ - ۲

۲ - حرکت کوه های یخ، با تمامی عظمت و بزرگی در اقیانوس ها، نشانی از قدرت خدای یگانه *

و مِنْ ءَايَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَمِ

حرکت گناهکاران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۴ - ۱

۱ - حرکت مجرمان دوزخی ، در مداری بسته میان جهنم و چشمه های سوزان آن

یطوفون بینها و بین حمیم ءان

حرکت ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲ - ۱۵، ۶

۶ آسمانها ، عرش ، خورشید و

ماه تا سرآمدی معین در حرکتند .

کل یجری لأجل مسمی

مضاف الیه محذوف از کلمه <کل> ضمیری است که به <السموت>، <عرش>، <شمس> و <قمر> باز می گردد. <مسمی> یعنی مشخص و معین. <اجل> در لغت به معنای مدت و نیز به معنای پایان مدت آمده است. برداشت فوق بر اساس دومین معناست. گفتنی است که بر این مبنا <لام> در <لأجل> به معنای <إلی> خواهد بود.

۱۵ نظام هستی (برافراشته بودن آسمانها، رام بودن خورشید و ماه به فرمان خدا و حرکت آنها) دلیل و آیتی بر ربوبیت خداوند

الله الذی رفع السموت .. لعلکم بقاء ربکم توقنون

چون خداوند در ابتدای آیه با جمله <الله الذی ..> توصیف و معرفی شد، ظاهر آن بود که در جمله <لعلکم ...> نیز <لعلکم بقاء الله> آورده شود. این تعویض / یعنی، آوردن <ربکم> به جای <الله> می رساند که مقصود اصلی از توصیف <الله> به ویژگیهای یاد شده، اثبات ربوبیت اوست.

حرکت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۸ - ۲۲

۲۲ تنها خداوند مُنت ها الیه حرکت تمامی موجودات است .

و إلیه المصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲ - ۳

۳ - خداوند به حرکت ها و سکون های همه موجودات ، احاطه علمی کامل دارد .

یعلم ما یلج فی الأرض و ما ینزل منها و ما ینزل من السماء و ما ینزل فیها

علم خداوند به ورود چیزی در زمین و یا خروج اشیا از آن و نیز علم او به آنچه از آسمان نازل

می شود و یا به سمت آن بالا می رود، کنایه از احاطه علمی او به همه چیز است.

زمان حرکت کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۱ - ۹

۹ > عن أبي عبدالله (ع) : إن نوحاً (ع) ركب السفينه أول يوم من رجب ... ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: حضرت نوح اول ماه رجب بر کشتی سوار شد. <..>

سرعت حرکت اجرام آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۹ - ۱

۱ - حرکت سریع و بی سابقه اجرام آسمانی ، در آستانه رخداد قیامت

یوم تمور السماء مورًا

<مور> (مصدر <تمور>) در معانی <حرکت سریع> و <اضطراب و ناآرامی> به کار می رود. برداشت بالا با توجه به معنای نخست آن است.

سوگند به حرکت اسب مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۴ - ۲

۲ - حرکت مرکب رزمندگان در راه جهاد ، حتی غبار برخاسته از آن ، ارزشمند و دارای عظمتی درخور سوگند خداوند است .

فأثرن به نقعًا

سوگند به حرکت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - سوگند خداوند ، به شب هنگام گذر کردن و پایان یافتن آن

و الیل إذا یسر

حرف <ال> در <الیل>، برای جنس است. برخی آن را برای عهد گرفته و مراد از <الیل> را شب عید قربان دانسته اند. در برداشت یاد شده، احتمال اول ترجیح داده شده است. <یسر>؛

یعنی، می گذرد. اصل این کلمه <یسری> بوده و چون در آخر آیه قرار گرفته، برای تناسب با آخر آیات قبل و بعد، حرف آخر آن حذف شده است. اسناد حرکت و گذر کردن به شب، مجاز و از باب تشبیه به اجسام است. (مصباح)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۵ - ۱،۲

۱ - عاقلان با سوگند های خداوند به فجر ، شب های ده گانه ، شفع ، وتر و گذشت شب ، به صحت گفته او اطمینان یافته و آن را تصدیق می کنند .

هل فی ذلک قسم لذی حجر

۲ - سوگند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، هر جفت و تاق و گذشت شب ، سوگندی شایسته و بجا در دیدگاه هر شخص عاقل

هل فی ذلک قسم لذی حجر

استفهام در <هل فی ذلک..>، تقریری است و مراد تثبیت این نکته است که قسم های یاد شده، فرد عاقل را اقناع می کند؛ به گونه ای که او نیز در تأکید کلام خود، چنین سوگندهایی به کار می برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۶ - ۸

۸ - سوگند خداوند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، جفت ، تاق و گذشت شب ، برای تأکید بر دارا بودن توان اجرای تهدیدات خویش و نابود ساختن کافران

و الفجر .. ألم تر کیف فعل ربک بعاد

ممکن است مراد از سوگندها، تأکید بر قدرت خداوند بر نابود ساختن مخالفان پیامبر(ص) باشد؛ در این صورت جواب قسم محذوف خواهد بود. گفتنی

است که جواب قسم در احتمال دیگر، آیه چهاردهم این سوره است که مراقبت شدید خداوند را مطرح کرده است.

شرایط حرکت در راه حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۷ - ۱۹

۱۹ شناخت دقیق مرزهای حق و باطل، مقدمه ضروری برای حرکت در مسیر حق

يقص الحق و هو خير الفصلين

شگفتی حرکت کشتی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۴ - ۷

۷- حرکت کشتی در دریا با شکافتن آب آن ، منظره ای دیدنی و شگفت آور

و تری الفلک مواخر فیه

عبارت <و تری الفلک مواخر فیه> معترضه است و بین چند جمله ای واقع شده که به همدیگر عطف شده اند. آوردن جمله معترضه در صورتی که امکان عطف وجود دارد به خاطر مخالفت با اسلوب جمله و بیان تعجب آور بودن آن است. لازم به ذکر است که <مواخر> جمع <مأخره> (از ماده مخر) بوده و به معنای شکافتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۵ - ۳

۳ - خداوند ، خواهان توجه انسان به شگفتی حرکت کشتی های عظیم بر دریا و درس آموزی از آن

و له الجوار المنشات فی البحر کالأعلم . فبأیء آلاء ربکما تکذبان

شگفتی حرکت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۰ - ۳

۳- حرکت کوه های زمین در آستانه رستاخیز، حرکتی عجیب و نامعهود

و تسیر الجبال سیرًا

مفعول مطلق <سیرًا>، می تواند اشاره به مطلب بالا

داشته باشد.

عبرت از حرکت باد ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۵ - ۹

۹ - تغییر و تحول در حرکت باد ها ، امری الهی و در راستای درس آموزی بشر

و تصریف الريح

با توجه به واژه <تصریف> که به معنای تغییر و دگرگونی از حالتی به حالتی دیگر است برداشت بالا به دست می آید.

عبرت از حرکت کشتی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۱ - ۱

۱ - حرکت کشتی ها بر پهنه دریا ، در پرتو مواهب الهی ، شایسته تأمل و درس آموزی است .

ألم تر أن الفلك تجرى في البحر بنعمت الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۵ - ۳

۳ - خداوند ، خواهان توجه انسان به شگفتی حرکت کشتی های عظیم بر دریا و درس آموزی از آن

وله الجوار المنشآت في البحر كالأعلام . فبأي آلاء ربكماتكذبان

عظمت حرکت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۴ - ۳

۳ - گذشت شب ، پدیده ای با عظمت در جهان طبیعت

و الیل إذا یسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۱۹ - ۵ - ۳

۳ - عظمت سپیده دم ، شب های ده گانه ، جفت ، تاق و گذشت شب ، قابل درک برای بهره مندان از اندکی عقل

هل فی ذلک قسم لذی حجر

تقلیل، از نکره بودن <حجر> استفاده شده است.

علم خدا به

حرکت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲ - ۵

۵ - احاطه علمی خداوند به همه جنبش ها و سکون های موجودات ، مقتضی اختصاص داشتن همه ستایش ها و حمد ها به او است .

الحمد لله الذى له .. يعلم ما يلج فى الأرض و ما يخرج منها و ما ينزل من السماء

عبارت <يعلم ما> می تواند حال برای ضمیر <له> باشد. بنابراین، معنا چنین می شود: حمد برای کسی است که مالک همه موجودات است؛ در حالی که از همه چیز خبر دارد.

عوامل حرکت ابرها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۷ - ۴

۴ باد ، عامل جابه جایی توده های سنگین و پر آب ابرها

حتى إذا أقلت سحاباً ثقالا

<سحاب> جمع <سحابه> و <ثقال> جمع <ثقیل> (سنگین) است و سنگینی ابرها به بزرگی توده ها و پرآبی آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۲ - ۷

۷ > سأل أبو بصير أبا عبد الله (ع) : . . . ما حال البرق فقال : تلك مخاريق الملائكة تضرب السحاب فتسوقه إلى الموضع الذى قضى الله عز وجل فيه المطر؛

ابوبصیر از امام صادق (ع) از چگونگی برق سؤال کرد، حضرت فرمود: آن تازیانه های فرشتگان است که بر ابرها می زنند و آنها را به مکانی که خدای عزوجل در آن باران مقدر فرموده است، می رانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- حجر - ۱۵ - ۲۲ - ۲

۲- باد ها ، وسیله

جا به جا کردن گرده های نر ، برای بارور ساختن گیاهان و درختان است .

و أرسلنا الريح لوقح

برداشت فوق، بنابراین احتمال است که مراد از <الرياح لواقح> (بادهای بارورکننده) بادهایی است که مواد باردارکننده را از گیاهان نر، به گیاهان ماده منتقل می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۹ - ۲

۲ - باد ، عامل حرکت و تشکیل ابرها

و الله الذي أرسل الريح فتثير سحابًا

عوامل حرکت کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۱ - ۲

۲ کشتی نوح ، با نام خدا حرکت می کرد و با نام خدا از حرکت باز می ایستاد .

بسم الله مجریها و مرسیها

<مجری> و <مرسی> مصدرهای میمی هستند و در کلام مبتدا واقع شده اند و به ترتیب به معنای <جری> (حرکت کردن) و <إرساء> (از حرکت بازداشتن) می باشد. حرف <باء> برای استعانت و <بسم الله> خبر برای <مجریها...> است. بنابراین جمله <بسم الله مجریها...> چنین معنا می شود: [نوح گفت: حرکت این کشتی و نیز بازداشتن آن از حرکت، با نام خدا تحقق می یابد.

عوامل حرکت کشتی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۶ - ۹

۹ - از جمله فواید باد ها ، به حرکت در آوردن کشتی ها در دریا ها است .

أن يرسل الرياح .. و لتجری الفلک بأمره

<لام> در <لتجری> تعلیل برای فعل <یرسل> است.

فلسفه حرکت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد

۷ حرکت آسمانها ، عرش ، خورشید و ماه برای سپری شدن مدت معین شده برای حیات دنیاست .

کل یجری لأجل مسمی

برداشت فوق بر این اساس است که <لأجل> به معنای مدت باشد. بر این اساس <لام> در <لأجل> به معنای غایت و هدف است.

فلسفه حرکت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲ - ۷

۷ حرکت آسمانها ، عرش ، خورشید و ماه برای سپری شدن مدت معین شده برای حیات دنیاست .

کل یجری لأجل مسمی

برداشت فوق بر این اساس است که <لأجل> به معنای مدت باشد. بر این اساس <لام> در <لأجل> به معنای غایت و هدف است.

فلسفه حرکت عرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲ - ۷

۷ حرکت آسمانها ، عرش ، خورشید و ماه برای سپری شدن مدت معین شده برای حیات دنیاست .

کل یجری لأجل مسمی

برداشت فوق بر این اساس است که <لأجل> به معنای مدت باشد. بر این اساس <لام> در <لأجل> به معنای غایت و هدف است.

فلسفه حرکت ماه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ حرکت آسمانها ، عرش ، خورشید و ماه برای سپری شدن مدت معین شده برای حیات دنیا است .

کل یجری لأجل مسمی

برداشت فوق بر این اساس است که <لأجل> به معنای مدت باشد. بر این اساس <لام> در <لأجل> به معنای غایت و هدف است.

فواید حرکت روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- از فواید گردش شب و روز ، محاسبه زمان و سال شماری و آشنایی انسان با تاریخ است .

جعلنا آیه النهار .. لتعلموا عدد السنین و الحساب

فواید حرکت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۲ - ۹

۹- از فواید گردش شب و روز ، محاسبه زمان و سال شماری و آشنایی انسان با تاریخ است .

جعلنا آیه النهار .. لتعلموا عدد السنین و الحساب

کیفیت حرکت جانداران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۵ - ۵،۶،۷

۵ - بعضی از جانداران ، بر شکم خود راه می روند .

فمنهم من یمشی علی بطنه

۶ - بعضی از جانداران ، بر روی دو پا راه می روند .

و منهم من یمشی علی رجلین

۷ - بعضی از جانداران ، بر روی چهار پا راه می روند .

و منهم من یمشی علی أربع

مبدأ حرکت کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۱ - ۱۰

۱۰ > عن أبي عبد الله (ع) قال : جاء رجل إلى أمير المؤمنين (ع) و هو في مسجد الكوفة فقال (ع) : ... صلّ في هذا المسجد ... منه سارت سفينه نوح ...

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: امیرالمؤمنین(ع) در مسجد کوفه بود. مردی نزد وی آمد، آن حضرت فرمود: ... در این مسجد نماز بخوان... از همین مسجد کشتی نوح سیر خود را آغاز کرد ...<

محدوده حرکت

در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۴ - ۴

۴ - دوزخیان ، دارای توان و اختیاری محدود برای حرکت و جابه جایی در دوزخ *

یطوفون بینها و بین حمیم ءان

مدت حرکت خورشید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵ - ۸

۸ - حرکت خورشید و ماه ، تا وقت معینی بوده و زمانی به پایان می رسد .

و سَخَّرَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرَ كُلَّ يَجْرِى لِأَجَلٍ مُّسَمًّى

مدت حرکت کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۴ - ۱۰

۱۰ > عن المفضل قال : قلت لأبي عبدالله (ع) ... كم لبث نوح و من معه فى السفينه حتى نضب الماء و خرجوا منها ؟ فقال :

لبثوا فيها سبعة أيام و لياليها و طافت بالبيت ثم استوت على الجودى ... ;

مفضل گوید: به امام صادق(ع) گفتم: ... چه مدتی نوح و همراهان در کشتی ماندند تا آب فرو نشست و از کشتی خارج

شدند؟ فرمود: هفت شبانه روز در کشتی ماندند و کشتی بر خانه خدا طواف کرد، سپس بر کوه جودی استقرار یافت ...<.

مدت حرکت ماه (گردون)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵ - ۸

۸ - حرکت خورشید و ماه ، تا وقت معینی بوده و زمانی به پایان می رسد .

و سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلًّا يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى

مسیر حرکت فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۸ - ۵

۵ - فرعونیان ، در تعقیب بنی اسرائیل ، به راه خشک شده دریا ، وارد شدند .

طريقاً في البحر يبساً .. فأتبعهم فرعون بجنوده

مطالعه حرکت ابرها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴ - ۳

۳ - کیفیت رانش ابرها به وسیله بادها ، ریزش باران و برخورداری قسمت های مختلف زمین از آن ، دارای اهمیت و شایان مطالعه

فالمقسّمت أمراً

برداشت بالا، با توجه به این نکته است که مراد از <مقسّمت> بادها باشند که با راندن ابرها و ریزش تدریجی باران، ذخیره های حیاتی آب را بر سرزمین های پست و بلند و دور و نزدیک تقسیم می کنند.

مطالعه حرکت ابرهای باردار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳ - ۳

۳ - حرکت نرم توده های سنگین بار ابر در فضا با وزش بادها ، امری الهی و شایان تأمل

فالحملت وقرّاً . فالجريت يسراً

در صورتی که <جاریات> وصف ابرها باشد، از ملاحظه <وقراً> (سنگین باری ابرها) و <یسراً> (حرکت نرم ابرها علی رغم سنگین باری آنها)، مطلب بالا استفاده می شود.

مطالعه حرکت اجرام آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- تفکر در حرکت منظم و رام شده اجرام آسمانی ، از راه های خدانشناسی *

ألم يروا إلى الطير .. ما يمسكهنَّ إلاَّ الله

ممکن است منظور از <طیر> تنها پرندگان نباشد؛ بلکه شامل همه اجسام شناور در فضا نیز

باشد.

مطالعه حرکت منظومه شمسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۸ - ۳

۳- دعوت خداوند ، برای مطالعه و دقت در حرکات و آثار منظومه شمسی

أو لم یروا إلی ما خلق الله من شیء یتفتیوا ظلله عن الیمین و الشمال

دعوت برای ژرف نگری در سایه های پدیده های مادی، می تواند إشعار به مطالعه در منظومه شمسی باشد؛ چه اینکه گردش سایه اجسام، معلول خود آنها نیست؛ بلکه حاصل طلوع و غروب و گردش منظومه شمسی است.

معجزه حرکت کوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱

۱ نزول قرآنی که کوه ها را به حرکت درآورد ، زمین را قطعه قطعه کند ، مردگان را زنده سازد ، نمی تواند مایه هدایت کسانی شود که خدا هدایت آنان را نخواهد .

و لو أن قرءاناً سیّرت به الجبال أو قَطَّعت به الأرض أو کَلَّم به الموتی

<تسییر> (مصدر سیّرت) به معنای حرکت دادن است و <تقطیع> (مصدر قَطَّعت) به معنای شکافتن عمیق یا قطعه قطعه کردن می باشد و حرف باء در جمله های سه گانه فوق به معنای استعانت است. عبارت <بل لله الأمر> و نیز <أن لو یشاء الله لهدی الناس> گویای این است که جواب شرط <لو أن...> جمله ای نظیر <لم یهدوا إن لم یشأ الله> است.

منشأ حرکت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۰ - ۵

۵- خداوند ، فراهم آورنده زمینه ها و امکانات حرکت انسان در خشکی ها و دریاها

منشأ حرکت ابرها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۲ - ۷

۷ خداوند، گسیل دهنده ابرها و نازل کننده باران

یرسل السماء علیکم مدراراً

مراد از <سما> به مناسبت مورد، ابر است و <مدراراً> صیغه مبالغه و به معنای بسیار بارنده می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳ - ۲

۲ - نقش عظیم بادها و حرکت نرم آنها در آسمان، در شکل گیری توده های سنگین ابرها

و الذریت ذرواً . فالحملت وقرأ . فالجريت یسراً

<جاریات> مانند دو وصف قبل، می تواند مربوط به بادها باشد؛ یعنی، <اقسم بالرياح الجاریه فی السماء یسراً>. برداشت بالا برپایه این احتمال است.

منشأ حرکت ابرهای باردار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳ - ۳

۳ - حرکت نرم توده های سنگین بار ابر در فضا با وزش بادها، امری الهی و شایان تأمل

فالحملت وقرأ . فالجريت یسراً

در صورتی که <جاریات> وصف ابرها باشد، از ملاحظه <وقراً> (سنگین باری ابرها) و <یسراً> (حرکت نرم ابرها علی رغم سنگین باری آنها)، مطلب بالا استفاده می شود.

منشأ حرکت انسانها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۵ - ۶

۶- خدا، مبدأ آغازین حرکت انسان ها است .

و إلینا ترجعون

برداشت یاد شده از واژه <رجوع> استفاده می شود؛ زیرا برای هر رجوع و بازگشتی، نقطه آغازین خواهد بود.

منشأ حرکت بادها

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۵ - ۹

۹ - تغییر و تحول در حرکت باد ها ، امری الهی و در راستای درس آموزی بشر

و تصریف الريح

با توجه به واژه <تصریف> که به معنای تغییر و دگرگونی از حالتی به حالتی دیگر است برداشت بالا به دست می آید.

منشأ حرکت زنبورعسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۹ - ۴،۷

۴- خداوند ، به زنبور های عسل برای حرکت منقادانه و خاشعانه در راههایی که پروردگارشان تقدیر فرموده ، الهام کرده است .

فاسلکی سبل ربك ذللاً

برداشت فوق بر اساس این نظریه است که <ذللاً> حال برای فاعل فعل <فاسلکی> که ضمیر <أنت> است باشد.

۷- نشان دادن راه زندگی طبیعی (حرکات غریزی برای خانه سازی ، تغذیه از گیاهان و تولید عسل) به زنبور های عسل ، به مقتضای ربوبیت پروردگار است .

فاسلکی سبل ربك ذللاً

منشأ حرکت سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۵ - ۴،۵

۴ خداوند ، توانا بر متوقف کردن حرکت سایه ها و بازایستادن آنها از کم و زیاد شدن

الظلّ و لو شاء لجعله ساکناً

۵ حرکت سایه ها و کم و زیاد شدن آنها ، برخاسته از مشیت خداوند است .

و لو شاء لجعله ساكنًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۶ - ۱

۱ جریان مستمر کوتاه و بلند شدن سایه ها در طول روز ، برخاسته از قدرت و مشیت خداوند

مَدَّ الظِّلَّ .

.. ثم قبضنه إلینا قبضاً یسیراً

منشأ حرکت کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۵ - ۶

۶ - حرکت کشتی ها در دریا ، به اذن خدا و تحت فرمان او است .

و الفلک تجری فی البحر بأمره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۳ - ۶

۶ - انسان های صبور و شاکر ، بهره مند از فهم و درک نشانه های قدرت الهی در حرکت و سکون کشتی ها

و من آیته ... إن فی ذلک لآیت لکل صبار شکور

با توجه به این که لام در <لکل صبار شکور> لام انتفاع است، مطلب بالا استفاده می شود.

منشأ حرکت کشتی بادبانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۲ - ۵

۵ سفر های دریایی با کشتی های بادبانی ، در گرو وزش باد های ملایم و موافق

حتی إذا کنتم فی الفلک و جرین بهم بريح طیه

منشأ حرکت کشتی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۲ - ۱۲

۱۲ - حرکت کشتی ها و رام بودن آنها برای انسان ها به فرمان خداوند است .

و سَخَّرَ لَكُمْ الْفَلَكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۶ - ۸

۸ - حرکت کشتی ها در دریا ها ، به امر خداوند است .

یرسل الرياح . . . و لتجرى الفلك بأمره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱

۳ - خداوند ، فراهم آورنده اسباب و وسایل حرکت کشتی ها در دریا است .

ألم تر أنّ الفلك تجرى في البحر بنعمت الله

<با> در <بنعمت> می تواند برای مصاحبه و یا برای تعدیه و یا برای سبب باشد. برداشت بالا، بر اساس احتمال سوم است. لازم به ذکر است که <بنعمت الله> براساس یاد شده، احسانِ خداوند در تهیه اسباب حرکت کشتی ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جایه - ۴۵ - ۱۲ - ۳

۳ - حرکت کشتی ها بر پهنه آب های دریا ، به امر و فرمان الهی

لتجری الفلك فيه بأمره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۴ - ۱

۱ - حرکت کشتی های کوه پیکر در دریا ها ، به تدبیر و اراده الهی

وله الجوار المنشات في البحر كالأعلم

<جواری> (جمع <جاریه>) به معنای کشتی ها و <أعلام> (جمع <علم>) به معنای کوه ها است.

منشأ حرکت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۸ - ۱۲

۱۲ - متلاشی شدن و به حرکت درآمدن کوه ها در فضا ، بر اثر نفخ صور

و یوم ینفخ فی الصور... و تری الجبال تحسبها جامده و هی تمرّ مرّ السحاب

ذکر <تری الجبال..> در ادامه <یوم ینفخ فی الصور...> می تواند به منظور بیان رخدادهایی باشد که در پی دمیده شدن

در صور، در نظام طبیعت ظاهر می گردد. بنابراین معنای آیه بالا چنین می شود: تو این کوه ها را می بینی و می پنداری که

ایستا و غیرقابل حرکت اند؛ در حالی که آنها روزی که در صور دمیده شود، چون ابر در آسمان به حرکت در خواهند آمد.

منشأ حرکت ماهی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۳ - ۱۱،۱۲

۱۱ خداوند برای امتحان یهودیان ایله، ماهیان را در روز شنبه به طرف ساحل سوق می داد و در روز های دیگر از ساحل دور می ساخت .

إذ تأتیهم حیتانهم یوم سبتهم شرعاً و یوم لایستون لا تأتیهم کذلک نبلوهم

چون حکم تعطیلی روز شنبه برای همه یهود بود، نه مخصوص مردم ایله، معلوم می شود آنچه خداوند برای مردم آن سامان پیش آورد تا آنان را بیازماید، همان آمدن ماهیان در روز شنبه و کمیاب شدنشان در روزهای دیگر بود، نه اصل تحریم کار در روز شنبه. لذا مشارالیه <ذلک> وضعیت بیان شده برای ماهیان است.

۱۲ حرکت ماهیان و تعیین مسیر حرکتشان در دریا، به دست خدا و در اختیار اوست .

إذ تأتیهم .. لا تأتیهم کذلک نبلوهم بما کانوا یفسقون

نشانه حرکت سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۵ - ۶

۶ خورشید، دلیل و راهنمای انسان ها بر حرکت سایه ها و مقدار امتداد و گسترده شدن آنها

کیف مدّ الظلّ .. ثمّ جعلنا الشمس علیه دلیلاً

نعمت حرکت در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۵ - ۳

۳ - حرکت انسان ها، بر روی زمین و اطراف و اکناف آن، از

نعمت های خداوند و جلوه لطف او است .

جعل لكم الأرض ذلولاً فامشوا في مناكبها

مقصود از <مناكب> (شانه ها) در این آیه، روی زمین و اطراف و اکناف آن است. گفتنی است برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام برشمردن نعمت های الهی به بشر است.

نعمت حرکت سایه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۶ - ۴

۴ حرکت سایه ها و بلند و کوتاه شدن آنها، از نعمت های الهی برای انسان ها

ألم تر إلى ربك كيف مد الظلّ .. ثم قبضنه إلينا قبضاً يسيراً

آیه شریفه، هر چند در صدد بیان قدرت و ربوبیت خداوند نسبت به پدیده های جهان است، ولی در عین حال می تواند بازگو کننده نعمتی از نعمت های خداوند برای بشر نیز باشد.

نعمت حرکت کشتی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۲ - ۴

۴ - حرکت کشتی ها در دریا، نعمتی مهم و اساسی برای انسان ها

سخر لكم البحر لتجری الفلک فیہ بأمره

از این که در میان منافع دریا، جریان کشتی ها (کشتی رانی) اختصاص به ذکر یافته است، اهمیت استفاده می شود.

نقش حرکت روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۲ - ۱۴

۱۴- تذکر به اهمیت و نقش گردش شب و روز در حیات انسان، نمودی از بیان تفصیلی آیات توسط خداوند

و جعلنا الیل و النهار ایتین . . و کلّ شیء فصلنه تفصیلاً

یکی از مصادیق > کلّ شیء.

>.. به قرینه جمله <و جعلنا اللیل و النهار آیتین> می تواند گردش شب و روز باشد.

نقش حرکت شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۲ - ۱۴

۱۴- تذکر به اهمیت و نقش گردش شب و روز در حیات انسان ، نمودی از بیان تفصیلی آیات توسط خداوند

و جعلنا الیل و النهار آیتین .. و کلّ شیء فضلنه تفصیلاً

یکی از مصادیق <کلّ شیء..> به قرینه جمله <و جعلنا اللیل و النهار آیتین> می تواند گردش شب و روز باشد.

حرم از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حرم

احکام حرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۱۲، ۳، ۲

۲ حرمت کشتن شکار در حرم (حرم مکه)

لا تقتلوا الصيد و انتم حرم

برخی بر آنند که "حرم" جمع حرام به کسانی گفته می شود که داخل در حرم مکه هستند. (لسان العرب)

۳ کشتن عمدی شکار در حرم مکه و نیز در حال احرام موجب سزا و در پی دارنده جریمه است .

و من قتله منکم متعمداً فجزاء مثل ما قتل من النعم .. او کفره

۱۲ تعداد روزه در کفاره صید ، بایستی به تعداد مساکین در آن کفاره باشد .

او کفره طعام مسکین او عدل ذلک صیاماً

در برداشت قبل روشن شد که قیمت شکار، به صورت غذا به مساکین پرداخت می شود بر این اساس معنای <او عدل ذلک

صیاماً< این است که اگر مکلف روزه، را به عنوان کفاره برگزید باید حساب کند که به طور معمول چند مسکین را می توان با قیمت شکار اطعام کرد، به همان تعداد باید روزه

بگیرد. امام باقر(ع) درباره آیه فوق فرمود: ... فان لم یکن عنده فلیصم بقدر ما بلغ لکل مسکین یوماً.

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۴۲، ح ۹۷، ب ۲۵؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۵۰۳، ح ۳.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۷ - ۲۱

۲۱ ممنوعیت ورود مشرکان به خانه خدا، سبب نامگذاری آن به بیت الله الحرام

جعل الله الکعبه البیت الحرام

از امام صادق(ع) نقل شده که در پاسخ سؤال از سبب نامگذاری خانه خدا به بیت الله الحرام فرمود: لانه حرم علی المشرکین ان یدخلوه.

علل الشرایع، ص ۳۹۸، ح ۱، ب ۱۳۹؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۸۰، ح ۴۰۱.

احکام حرم مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱ - ۱۱، ۱۰

۱۰ حرمت صید در حرم مکه

غیر محلی الصید و انتم حرم

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <حُرْم> <داخلون فی الحرم> باشد گفتنی است مراد از حَرَم بر اساس این احتمال حرم مکه است.

۱۱ حرمت گوشت و سایر بهره برداری ها، از حیوانی که در حرم مکه صید شود.

غیر محلی الصید و انتم حرم

امنیت حرم مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۷ - ۱،۲،۴

۱ - مکه ، به خواست خداوند ، حرمی امن است .

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا

۲ - امنیت مکه حتی پیش از ظهور اسلام ، برخاسته از خواست خدا بوده است .

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا

۴ - مردم جزیره العرب ، به حفظ حرمت

و امنیت مکه ، پایند بوده اند .

أولم يروا أننا جعلنا حرماً عامناً و يتخطف الناس من حولهم

صید در حرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۱۷، ۳، ۲

۲ حرمت کشتن شکار در حرم (حرم مکه)

لا تقتلوا الصيد و انتم حرم

برخی بر آنند که "حرم" جمع حرام به کسانی گفته می شود که داخل در حرم مکه هستند. (لسان العرب)

۳ کشتن عمدی شکار در حرم مکه و نیز در حال احرام موجب سزا و در پی دارنده جریمه است .

و من قتله منكم متعمداً فجزاء مثل ما قتل من النعم .. او کفره

۱۷ صید های انجام شده پیش از تشریح کفاره شکار ، جریمه ای ندارد .

فجزاء مثل ما قتل .. عفا الله عما سلف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۶ - ۳

۳ مسافران غیر محرم مجاز به صید حیوان های دریایی و خوردن آن

احل لكم صید البحر و طعامه متعاً لكم و للسیاره

کلمه <السیاره> به معنای جماعتی است که در حال سیر هستند که از آنان به مسافر تعبیر می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۹ - ۵

۵ بی اعتنایی به احکام صید و کفاره آن در نهان و شکستن حرمت کعبه و ماه های حرام به دور از چشم مردم ، پدیدار و

آشکار در محضر خداوند

و الله يعلم ما تبون و ما تکتون

از مصادیق مورد نظر برای <ما تکتون> با توجه به آیات قبل افعال و رفتاری

است که در برداشت به آنها اشاره شد.

صید در حرم مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱ - ۱۱، ۱۰

۱۰ حرمت صید در حرم مکه

غیر محلی الصید و انتم حرم

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <حُرْم> <داخلون فی الحرم> باشد گفتنی است مراد از حَرَم بر اساس این احتمال حرم مکه است.

۱۱ حرمت گوشت و سایر بهره برداری ها، از حیوانی که در حرم مکه صید شود.

غیر محلی الصید و انتم حرم

قبله اهل حرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۰ - ۱۹

۱۹ - از ابن عباس روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود: <البيت قبله لأهل المسجد والمسجد قبله لأهل الحرم والحرم قبله لأهل الأرض فی مشارقها و مغاربها من أمتی ;

کعبه، قبله اهل مسجد الحرام و مسجدالحرام قبله اهل حرم (مکه و حوالی آن) و حرم قبله تمامی اهل زمین از امت من در مشرقها و مغربهای آن است.>

کفاره صید در حرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ - > عن أبي عبد الله (ع) قال إنما يكون الجزاء مضاعفاً فيما دون البدنه حتى يبلغ البدنه فإذا بلغ البدنه فلا تضاعف لأنه

أعظم ما يكون ، قال الله عزَّوجلَّ : و من يعظّم شعائر الله فإنَّها من تقوى القلوب ۝

از امام صادق(ع) روایت شده است [که در باره کفّاره صید در حرم] فرمود: همانا جزای صید اضافه می شود

تا آن جایی که کمتر از شتر باشد. پس آن گاه که به حد شتر رسید، دیگر اضافه نمی شود؛ زیرا شتر بزرگ ترین چیزی است که می توان قربانی کرد. خداوند عزوجل می فرماید: <و من يعظم شعائر الله...>.

گناه صید در حرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۱۶

۱۶ گناه شکار های صورت گرفته تا قبل از حکم به تحریم آن مورد عفو و بخشایش خداوند

لا تقتلوا الصيد و انتم حرم .. عفا الله عما سلف

در آیه مورد بحث برای شکار در حال احرام دو حکم بیان شده است یکی حرمت آن که بر گناهکاری شکار کننده دلالت دارد و دیگر لزوم کفاره جمله <عفا الله عما سلف> می تواند ناظر به هر دو جهت باشد. برداشت فوق به جهت اشاره اول اشاره دارد.

محرمات حرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۲ - ۱،۲

۱ - شهر مکه ، دارای محرماتی ویژه و احکامی خاص است .

لا أقسم .. و أنت حلّ بهذا البلد

جمله <و أنت حلّ ..>، یکی از خصایص پیامبر اکرم(ص) را بیان کرده است و آن اباحه برخی از اموری است که بر دیگران مباح نبود. بنابراین شهر مکه برای غیر پیامبر(ص)، احکامی ویژه و محرماتی خاص دارد.

۲ - تکلیف پیامبر (ص) درباره محرمات شهر مکه ، با دیگر مردم یکسان نبود .

و أنت حلّ بهذا البلد

<حِلٌّ> و <حَلَالٌ>، به یک معنا است و به مردی که از احرام بیرون آمده و یا از حرم خارج شده باشد، <حَلَالٌ>

و <مُجَلِّ< گفته می شود (مفردات راغب). بر این مبنا <جَلَّ< بودن پیامبر (ص)؛ یعنی، آنچه درباره مکه بر دیگران تحریم شده، برای آن حضرت مباح است. در این معنا جمله <و أنت حلَّ<، مستأنفه خواهد بود. مشهور گفته اند: محرّمات مکه برای حضرت رسول (ص)، تنها در <لحظه ای از روز فتح مکه< مباح شد و در غیر آن زمان با دیگران یکسان بوده است.

حروف مقطعه تبیض از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{حروف مقطعه}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱ - ۱

۱ - <عن علی بن الحسین (ع) فی دعاء له : الهی و سیدی ... قلت : ... > الم ذلك الكتاب لا یرب فیہ ... < ثنیت بالکتاب مع القسم الذی هو اسم من اختصصته لوحیک و استودعته سرّ غیبک ... ;

از امام سجّاد (ع) روایت شده که در ضمن دعایی به درگاه خدا عرض کرد: ای معبود من! و ای سید من! .. فرمودی: ... <الم ذلك الكتاب ...> [و بدین طریق] سخن از کتاب خود را توأم با قسمی آوردی که نام کسی است که او را به وحی خود اختصاص دادی و راز غیب خویش را به ودیعت به او سپردی ... <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱ - ۱

۱ <الم> در سوره آل عمران، یعنی منم خداوند مجید .

الم

امام صادق (ع): <الم> فی اول آل عمران، فمعناه انا الله المجید.

معانی الاخبار، ص ۲۲، ح ۱؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۶۹، ح

۱ / نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۰۹، ح ۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱ - ۱

۱ عن الصادق(ع): .. و <المص> فمعناه: أنا الله المقتدر الصادق ...

از امام صادق(ع) روایت شده است: .. <المص> یعنی، من خدای توانمند راستگو هستم ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱ - ۱۸

۱۱. ل. ر. از رمز های قرآن

الر

۸ حروف مقطعه قرآن (الر) بخشی از آیات با عظمت قرآن

الر تلك آیت الکتب المبین

برداشت فوق، براساس این احتمال است که <تلك> اشاره به <الر> باشد / یعنی: تلك الحروف آیات ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱ - ۱

۱۱. ل. م. ر.، از رمز های قرآن

المر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۱

۱- الر از حروف مقطعه قرآن

الر کتب أنزلنه إلیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱ - ۱

۱- <الر> از حروف مقطعه قرآن است .

الر تلك آيات الكتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱ - ۱،۲،۳

۱- <كهيعص> از رمز های قرآن است .

كهيعص

۲- > عن جعفر بن محمد (ع) قال :... و (كهيعص) معناه أنا الكافي ، الهادي ، الولي ، العالم ،

از امام جعفر صادق (ع) روایت شده که فرمود: ... معنای < کهیص > این است: من < کافی >، < هادی >، < ولی > < عالم > و < صادق الوعد > هستم.

۳- > عن [امام] علی (ع) أنه دعا فقال : اللهم سألتك يا كهيعص ;

از حضرت علی (ع) روایت شده که آن حضرت دعا کرد و فرمود: خدایا! از تو می خواهم ای کهیص!

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲ - ۷

۷- > کهیص < ، رمزهایی از سرگذشت لطف الهی در حق زکریا است .

کهیص . ذکر رحمت ربك عبده زکریا

گفته اند: < کهیص > می تواند مبتدا باشد و < ذکر >، خبر آن. در این صورت خود < کهیص >، یادی رمزگونه از رحمت خداوند به زکریا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱ - ۱،۲،۳

۱- > عن جعفر بن محمد (ع) قال : ... و أمّا < طه > فاسم من أسماء النبی (ص) و معناه : یطالب الحقّ الهادی إلیه ;

از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: .. و اما < طه > نامی از نام های پیغمبر (ص) است و معنایش این است: ای طالب حق که هدایت کننده به سوی حق هستی.

۲- > عن جعفر بن محمد الصادق (ع) : قوله عزّوجلّ : < طه > أي طهاره أهل بیت محمد (صلوات الله علیهم) من الرجس ;

از امام صادق (ع) روایت شده < طه > در سخن خداوند اشاره به طهارت اهل بیت محمد (ص) از رجس و پلیدی است.

۳- عن جعفر بن محمد (ع) ()

آنه قال لمحمد بن مسلم (إذا أتيت مشهد أمير المؤمنين بن (ع) ... قل ... السلام عليك يا طه ...)؛

از امام صادق(ع) روایت شده که (به محمد بن مسلم) فرمود: .. هر گاه به زیارت مرقد امیرالمؤمنین(ع) رفتی... بگو... السلام
علیک یا طه >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱ - ۱

۱ - > سفیان بن السعید الثوری قال : قلت لجعفر بن محمد (ع) ... یابن رسول الله ما معنی قول الله عزوجل ... طسم ... ؟
قال (ع) : فمعناه أنا الطالب السميع المبدئ المعید ... ؛

سفیان بن سعید ثوری گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: .. ای فرزند رسول خدا! معنای سخن خدای عزوجل <طسم>
چیست؟ فرمود: معنایش این است: أنا <الطالب>، <السمیع>، <المبدئ المعید...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱ - ۱

۱ - از ائمه علیهم السلام روایت شده : > إِنَّ الحروف المفتحہ بها السور من المتشابهات التي إستأثر الله تعالی بعلمها و لا یعلم
تأویلها إلا هو ؛

حروف [مقطعه] که سوره ها با آنها آغاز می شود از متشابهاتی است که خدا علم آنها را به خود اختصاص داده و تأویل آنها
را غیر از او کسی نمی داند >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱ - ۱

۱ - از ائمه علیهم السلام روایت شده : > إِنَّ

الحروف المفتحة بها السور من المتشابهات التي إستأثر الله تعالى بعلمها ولا يعلم تأويلها إلا هو ;

حروف [مقطعه] که سوره ها با آنها آغاز می شود از متشابهاتی است که خدا علم آنها را به خود اختصاص داده و تأویل آنها را غیر از او کسی نمی داند < .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱ - ۱

۱ - از ائمه علیهم السلام روایت شده : < إِنَّ الحروف المفتحة بها السور من المتشابهات التي إستأثر الله تعالى بعلمها ولا يعلم تأويلها إلا هو ;

حروف [مقطعه] که سوره ها با آنها آغاز می شود از متشابهاتی است که خدا علم آنها را به خود اختصاص داده و تأویل آنها را غیر از او کسی نمی داند < .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱ - ۱

۱ - از ائمه علیهم السلام روایت شده : < إِنَّ الحروف المفتحة بها السور من المتشابهات التي إستأثر الله تعالى بعلمها ولا يعلم تأويلها إلا هو ;

حروف [مقطعه] که سوره ها با آنها آغاز می شود از متشابهاتی است که خدا علم آنها را به خود اختصاص داده و تأویل آنها را غیر از او کسی نمی داند < .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱ - ۱

۱ - < عن سفیان بن سعید الثوری قال : قلت لجعفر بن محمد . . . یابن رسول الله ، ما معنی قول الله عزوجل

... یس ... قال (ع) ... و أما < یس > فإسم من أسماء النبی (ص) ... ;

سفیان بن سعید ثوری می گوید: از امام صادق(ع) از معنای <یس> سؤال کردم. .. فرمود:... <یس> نامی از نام های رسول خدا(ص) است...< .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱ - ۶

۶ - از ائمه علیهم السلام روایت شده : < إِنَّ الحروف المفتحة بها السور من المتشابهات التي إستأثر الله تعالی بعلمها و لا یعلم تأویلها إلا هو ;

حروف [مقطعه] که سوره ها با آنها آغاز می شود از متشابهاتی است که خدا علم آنها را به خود اختصاص داده و تأویل آنها را غیر از او کسی نمی داند.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱ - ۱

۱ از ائمه علیهم السلام روایت شده : < انّ الحروف المفتحة بها السور من المتشابهات التي إستأثر الله تعالی بعلمها و لا یعلم تأویلها إلا هو ;

حروف [مقطعه] که سوره ها با آنها آغاز می شود از متشابهاتی است که خدا علم آنها را به خود اختصاص داده و تأویل آنها را غیر از او کسی نمی داند.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱ - ۱

۱ از ائمه علیهم السلام روایت شده : < انّ الحروف المفتحة بها السور من المتشابهات التي إستأثر الله تعالی

بعلمها و لا يعلم تأويلها إلا هو ;

حروف [مقطعه] که سوره ها با آنها آغاز می شود از متشابهاتی است که خدا علم آنها را به خود اختصاص داده و تأویل آنها را غیر از او کسی نمی داند <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲ - ۱

۱ از ائمه علیهم السلام روایت شده : > ان الحروف المفتحة بها السور من المتشابهات التي إستأثر الله تعالى بعلمها و لا يعلم تأويلها إلا هو ;

حروف [مقطعه] که سوره ها با آنها آغاز می شود از متشابهاتی است که خدا علم آنها را به خود اختصاص داده و تأویل آنها را غیر از او کسی نمی داند <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱ - ۱

۱ - > المروى عن أئمتنا عليهم السلام أنّها من المتشابهات التي إستأثر الله تعالى بعلمها و لا يعلم تأويلها إلا هو ;

از امامان ما(ع) روایت شده است: این ها (حروف مقطعه که سوره ها با آنها آغاز می شود) از متشابهاتی است که خدا علم آنها را به خود اختصاص داده و تأویل آنها را غیر از او کسی نمی داند <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱ - ۱

۱ - > المروى عن أئمتنا عليهم السلام أنّها من المتشابهات التي إستأثر الله تعالى بعلمها و لا يعلم تأويلها إلا هو ;

از امامان ما(ع) روایت شده است: این ها (حروف مقطعه که سوره ها با آنها

آغاز می شود) از متشابهاتی است که خداوند علم آنها را به خود اختصاص داده و تأویل آنها را غیر از او کسی نمی داند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱ - ۱

۱ - > المروى عن أئمتنا عليهم السلام أنّها من المتشابهات التي استأثر الله تعالى بعلمها ولا يعلم تأويلها إلا هو ;

از امامان ما(ع) روایت شده است: این ها (حروف مقطعه که سوره ها با آنها آغاز می شود) از متشابهاتی است که خداوند علم آنها را به خود اختصاص داده و تأویل آنها را غیر از او کسی نمی داند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱ - ۱

۱ - > المروى عن أئمتنا عليهم السلام أنّها من المتشابهات التي استأثر الله تعالى بعلمها ولا يعلم تأويلها إلا هو ;

از امامان ما(ع) روایت شده است: این ها (حروف مقطعه که سوره ها با آنها آغاز می شود) از متشابهاتی است که خداوند علم آنها را به خود اختصاص داده و تأویل آنها را غیر از او کسی نمی داند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱ - ۶

۶ > المروى عن أئمتنا عليهم السلام أنّها من المتشابهات التي استأثر الله تعالى بعلمها ولا يعلم تأويلها إلا هو ;

از امامان ما(ع) روایت شده است: این ها (حروف مقطعه که سوره ها با آنها آغاز می شود) از متشابهاتی است که خداوند علم آنها را به خود اختصاص داده و تأویل آنها را غیر

از او کسی نمی داند.

اهمیت حروف مقطعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱ - ۶

۶ از امام باقر (ع) روایت شده که درباره فواتح سور فرمود: < ان هذه الآيات أنزلت فيهم > منهم آیات محکّمات هنّ أمّ الكتاب و آخر متشابهات < >;

آیه < منه آیات محکّمات هنّ أمّ الكتاب و آخر متشابهات > درباره همین حروف مقطعه نازل شده است.

عظمت حروف مقطعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱ - ۲

۲- < الف ، لام ، را > از زمره آیات قرآن کریم بوده و دارای عظمت است .

الر تلك آيات الكتب

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که <الر> مبتدا و جمله <تلك آيات الكتاب> خبر آن باشد.

علم به حروف مقطعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱ - ۵

۵ - از ائمه علیهم السلام روایت شده: < ان الحروف المفتحة بها السور من المتشابهات التي إستأثر الله تعالى بعلمها و لا يعلم تأويلها إلا هو >;

حروف [مقطعه] که سوره ها با آنها آغاز می شود از متشابهاتی است که خدا علم آنها را به خود اختصاص داده و تأویل آنها را غیر از او کسی نمی داند.

فلسفه حروف مقطعه

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱ - بقرہ - ۲ - ۱ - ۴، ۲، ۱

۱ - > عن علی بن الحسین (ع) فی دعاء له : الہی و سیدی .

.. قلت : ... > الم ذلك الكتاب لاریب فیه ... < ثبت بالكتاب مع القسم الذی هو اسم من اختصاصته لوحیک و استودعته سرّ غیبک ... ;

از امام سجاد (ع) روایت شده که در ضمن دعایی به درگاه خدا عرض کرد: ای معبود من! و ای سید من! ... فرمودی: ... > الم ذلك الكتاب ... < [و بدین طریق] سخن از کتاب خود را توأم با قسمی آوردی که نام کسی است که او را به وحی خود اختصاص دادی و راز غیب خویش را به ودیعت به او سپردی ... <.

۲ - از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: > الم < رمز و اشاره بینه و بین حبیبه محمد (ص) (أراد أن لا- یطلع علیه سواهما ... ;

> الم < رمز و اشاره است بین خدا و حبیب خود، محمد (ص) که خواسته است هیچ کس غیر از خود و رسولش، از آن آگاه نشود ... <.

۴ - از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: > الم < هو حرف من حروف اسم الله الأعظم المقطع فی القرآن ، الذی یؤلفه النبی و الإمام فإذا دعا به أجیب ... ;

> الم < حرفی از حروف اسم اعظم خداست که در قرآن تقطیع شده است و پیامبر و امام آن را ترکیب می کنند. پس هرگاه خدا را با آن بخوانند دعایشان مستجاب می شود <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱ - ۱۰

۱۰ - > عن جابر بن عبد الله الأنصاری

قال: ... وجدت ... سيدى على بن الحسين (ع) ... يدعو ... وقال: إلهى و سيدى ... و قلت: ... > أَلر تَلَك آيات الكتاب < ... ثبت بالكتاب مع القسم الذى هو اسم من اختصته لوحيك و استودعته سرّ غيبك ;

از جابر بن عبدالله أنصاری روایت شده است که گفت: آقا و سرورم علی بن الحسین (ع) را یافتم در حالی که ... دعا می کرد ... و می گفت: ای معبود من و ای سید من! ... تو فرمودی: ... > أَلر تَلَك آيات الكتاب < [و بدین طریق] سخن از کتاب خود را توأم با قسمی آوردی که نام کسی است که او را به وحی خود اختصاص دادی و راز غیب خویش را به ودیعت به او سپردی ... <.

مراد از حروف مقطعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱ - ۵

۵ سفیان بن سعید ثوری گوید: > قلت لجعفر بن محمد ... یا ابن رسول الله ما معى قول الله عز و جل: < ... الر ... > قال: ... و الر ، فمعناه انا الله الرؤوف ;

به امام صادق (ع) گفتم: ... معنای قول خدای عز و جل: < ... الر ... > چیست؟ فرمود: معنای <الر> انا الله الرؤوف است (<الف> رمز أنا و <لام> رمز الله و <راء> رمز رؤوف) <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود -

۱۱ ((عن سفیان بن سعید الثوری قال : قلت لجعفر بن محمد (ع) . . . یا بن رسول الله ما معنی قول الله عزوجل : ((. . . الر . . .)) قال : . . . الر فمعناه أنا الله الرؤوف ؛ ۱

سفیان بن سعید ثوری گوید: به جعفر بن محمد (ع) گفتم: . . . ای فرزند رسول خدا! معنای قول خدای عزوجل: ((. . . الر . . .)) چیست؟ فرمود: . . . معنای الر، أنا الله الرؤوف است (یعنی الف رمز أنا و لام رمز الله و راء رمز رؤوف می باشد)).

۱۲ ((عن أبي جعفر (ع) قال : إن حیی بن أخطب و أخاه أبایاسر بن أخطب و نفرأ من اليهود من أهل نجران أتوا رسول الله (ص) فقالوا له : أليس فيما

از امام باقر (ع) روایت شده است که حیی بن اخطب و برادرش ابویاسر و چند تن از یهود نجران نزد رسول خدا (ص) آمدند و گفتند: آیا در میان آنچه می گویی بر تو نازل شده ((الم)) نیست؟ فرمود: چرا . . . آن گاه حیی به آن حضرت گفت: آیا غیر از ((الم)) نیز هست؟ فرمود: آری گفت: بیاور، فرمود: ((الر))، گفت: . . . الف یک، لام سی و راء دو است . . . امام باقر (ع) فرمود: آیات قرآن نازل شده درحالی که بخشی از آنها محکمانند که آنها اساس کتابند و

بخشی دیگر متشابهات و این متشابهات راههای تأویلی دارند غیر از آنچه حبی و ابویاسر و یاران او تأویل کرده اند)).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱ - ۱۶

۱۶ > عن سفیان ... الثوری ، قال : قلت لجعفر بن محمد ... یابن رسول الله ما معنی قول الله عزوجل : ... < المر > ... قال (ع) : ... فمعناه : أنا الله المحیی الممیت الرازق ... ;

از سفیان ثوری روایت شده است: به جعفر بن محمد (امام صادق(ع)) گفتم: ای فرزند رسول الله معنای سخن خداوند عزوجل: .. < المر > چیست؟... حضرت فرمود:... معنای آن این است که من خدای زنده کننده، میراننده و روزی دهنده ام...>. مراد از روایت این است که: < الف > رمز < أنا >، < ل > رمز < الله >، < م > رمز < محیی و ممیت > و < ر > رمز < رازق > می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱ - ۱

۱ - > سفیان بن السعید الثوری قال : قلت لجعفر بن محمد (ع) ... یابن رسول الله ما معنی قول الله عزوجل : ... طسم ... قال (ع) ... معناه أنا الطالب السميع المبدئ المعید ... ;

سفیان بن سعید ثوری می گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! معنای سخن خداوند عزوجل: .. < طسم > چیست؟ فرمود: معنای آن این است: أنا < الطالب >، < السميع > و < المبدئ المعید >...>.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱ - ۶

۶ - > عن سفیان بن السعید الثوری ، قال : قلت لجعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن أبی طالب . یابن رسول الله ما معنى قول الله عزوجل . . . و طس . . . قال (ع) . . . و أمّا طس فمعناه أنا الطالب السميع . . . ;

سفیان ثوری گوید از امام باقر(ع) از معنای <طس> سؤال کردم، آن حضرت فرمود: معنای آن أنا <الطالب> و <السمیع> می باشد. . .<

حریر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حریر

حریر ضخیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۳ - ۱

۱- دیبای نازک و ضخیم ، پوشش تقوایشگان در بهشت

یلبسون من سندس و إستبرق

>سندس< به پارچه ابریشمی نازک و لطیف گفته می شود. >استبرق< نیز به معنای پارچه ابریشمی ضخیم است.

حریر نازک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۳ - ۱

۱- دیبای نازک و ضخیم ، پوشش تقوایشگان در بهشت

یلبسون من سندس و إستبرق

>سندس< به پارچه ابریشمی نازک و لطیف گفته می شود. >استبرق< نیز به معنای پارچه ابریشمی ضخیم است.

زیبایی لباس حریر بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۱ - ۴

۴- پوشاک هایی به رنگ سبز، فراهم آمده از حریر و در کمال ظرافت و لطافت، لباس رسمی بهشتیان است.

یلبسون ثياباً خضرًا من سندس

<سندس> به <پارچه دیبای نازک> گفته می شود نکره بودن واژه های <ثياباً> و <خضرًا> و <سندس> دال بر تفخیم است، از

همین رو، در برداشت، قید <کمال ظرافت و لطافت> آمده است. و نیز بدان جهت که اهل بهشت، هرگونه لباس که بخواهند، فراهم است، از این لباس، به عنوان لباس ویژه و رسمی یاد گردیده است.

علاقه به لباس حریر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۳ - ۸

۸ - علاقه و تمایل طبیعی همه انسان ها ، به زیور آلات و پوشیدن لباس های ابریشمین

يَحْلُونَ فِيهَا مِنْ اساورٍ مِنْ ذَهَبٍ وَ لَوْلُؤًا وَ لِبَاسِهِمْ فِيهَا حَرِيرٌ

لباس حریر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۳ - ۱

۱- دیبای نازک و ضخیم ، پوشش تقوایندگان در بهشت

يَلْبَسُونَ مِنْ سُنْدُسٍ وَ اِسْتَبْرَقٍ

<سندس> به پارچه ابریشمی نازک و لطیف گفته می شود. <استبرق> نیز به معنای پارچه ابریشمی ضخیم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۲ - ۱

۱ - بوستانی بزرگ و پر نعمت و لباسی فاخر از حریر ، پاداش ابرار در قیامت

اِنَّ الْاَبْرارَ .. وَ جَزِيهِمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَ حَرِيْرًا

<جَنَّة> به معنای بوستان است و تنکیر آن بر تعظیم و تفخیم دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۱ - ۱،۲

۱- ابرار در بهشت ، برخوردار از بالاپوش های سبز رنگ از حریر نازک و ریزباف و حریر ستبر و درشت باف

عليهم ثياب سندس خضر و استبرق

<سندس>، در لغت به معنای پارچه ابریشمی نازک و <استبرق> به معنای پارچه ضخیم است. برخی نیز آن را معرب و برگرفته

از کلمه فارسی <استبر> یا <ستبر> دانسته اند (تاج العروس). از تعبیر <عالیهم> (بالای ایشان) می توان استفاده کرد که مقصود، لباس رویی و بالا پوش است.

۲- جامه های سبز رنگ از حریر نازک و ستبر ، از لباس های فاخر و رسمی بهشتیان

علیهم ثياب سندس خضر و استبرق

لباس حریر بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۱ - ۵

۵- تن پوش هایی فاخر و ضخیم ، فراهم آمده از حریر سبز ، از جمله لباس های ویژه اهل بهشت است .

و یلبسون ثيابًا خضرًا من سندس و استبرق

کلمه <استبرق> معرب <استبر> فارسی است. و به معنای <دییای ضخیم> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۳ - ۷

۷- پرنیان ، جنس لباس مؤمنان در بهشت

و لباسهم فیها حریر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۳ - ۶

۶- لباس بهشتیان از حریر است .

و لباسهم فیها حریر

حزب الله از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حزب الله

۱ پذیرندگان ولایت و سرپرستی خدا، پیامبر (ص) و مؤمنان واجد شرایط، از زمره حزب الله (یاران و پیروان خدا)

و من يتول الله و رسوله و الذين ءامنوا فان حزب الله هم الغلبون

<الذين ءامنوا> اشاره به مؤمنانی است که در آیه قبل توصیف شدند.

۲ دوستداران خدا، پیامبر (ص) و مؤمنان، از زمره حزب خدا

و من يتول الله و رسوله و

الذین ءامنوا فان حزب الله هم الغلبون

بدان احتمال که <تولی> به معنای دوست داشتن باشد.

۶ اطاعت از خدا و رسول و مؤمنان واجد شرایط ، محور تشکل حزب الله

و من يتول الله و رسوله و الذین ءامنوا فان حزب الله هم الغلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۲۶،۲۷

۲۶ - انسان ها ، در بینش الهی دو دسته اند : حزب خدا و حزب شیطان .

أولئك حزب الشیطن . .. أولئك حزب الله

۲۷ - مؤمنان راستین ، حزب خدا هستند .

أولئك حزب الله

اطمینان حزب الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۶ - ۹

۹ حزب خدا ، رهیده از بیم و نگرانی نسبت به سرنوشت خویش و مطمئن به آینده ای پیروز

فان حزب الله هم الغلبون

پیروزی حزب الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۶ - ۴

۴ پیروزی حتمی تنها از آن حزب الله (یاران و پیروان خدا) است .

فان حزب الله هم الغلبون

ضمیر فصل <هم>، دلالت بر حصر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۲۹

۲۹ - حزب خدا (مؤمنان راستین) ، تنها حزب ظفرمند و رستگار

ألا إنّ حزب الله هم المفلحون

قرآن قبلاً درباره حزب شیطان فرمود: <ألا إنّ حزب الشيطان هم الخاسرون> و درباره حزب خدا می فرماید: <ألا إنّ حزب الله هم المفلحون> (حزب خدا فرجامی جز پیروزی و رستگاری ندارند).

حتمیت پیروزی حزب الله

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۲۸

۲۸ - رستگاری و ظفرمندی ، فرجام قطعی حزب خدا (مؤمنان راستین)

ألا إِنَّ حزب الله هم المفلحون

حتمیت رستگاری حزب الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۲۸

۲۸ - رستگاری و ظفرمندی ، فرجام قطعی حزب خدا (مؤمنان راستین)

ألا إِنَّ حزب الله هم المفلحون

رستگاری حزب الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۲۹

۲۹ - حزب خدا (مؤمنان راستین) ، تنها حزب ظفرمند و رستگار

ألا إِنَّ حزب الله هم المفلحون

قرآن قبلاً درباره حزب شیطان فرمود: <ألا إِنَّ حزب الشيطان هم الخاسرون> و درباره حزب خدا می فرماید: <ألا إِنَّ حزب الله هم المفلحون> (حزب خدا فرجامی جز پیروزی و رستگاری ندارند).

شجاعت حزب الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۶ - ۹

۹ حزب خدا ، رهیده از بیم و نگرانی نسبت به سرنوشت خویش و مطمئن به آینده ای پیروز

فان حزب الله هم الغلبون

فرجام حزب الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٨ - مجادله - ٥٨ - ٢٢ - ٢٨

٢٨ - رستگاری و ظفرمندی ، فرجام قطعی حزب خدا (مؤمنان راستین)

ألا إنّ حزب الله هم المفلحون

فضایل حزب الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٨ - مجادله - ٥٨ - ٢٢ - ٢٩

٢٩ - حزب خدا (مؤمنان راستین) ، تنها حزب ظفرمند و رستگار

ألا

إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

قرآن قبلاً درباره حزب شیطان فرمود: <أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ> و درباره حزب خدا می فرماید: <أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ> (حزب خدا فرجامی جز پیروزی و رستگاری ندارند).

حزن از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حزن

{حزن}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۹ - ۱

۱ نباید اهل ایمان در هنگامه های دشوار (رویارویی با دشمنان) ، سستی و اندوهی به خویش راه دهند .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا .. وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا

ایمان و حزن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۹ - ۸

۸ ناسازگاری ایمان آدمی با تن دادن او به سستی و اندوه در هنگامه های دشوار و رویارویی با دشمن

و لَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

در براشت فوق، جمله <و لَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا>، به منزله جواب شرط <إِنْ كُنْتُمْ ..> گرفته شده است.

حزن در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۹ - ۱

۱ نباید اهل ایمان در هنگامه های دشوار (رویارویی با دشمنان) ، سستی و اندوهی به خویش راه دهند .

يا ايها الذين امنوا .. ولا تهنوا ولا تحزنوا

حزن محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۸ - ۱۷

۱۷ نگرانی پیامبر (ص) ، از هدایت نیافتن مشرکان و اعلام خداوند ، به اینکه هدایت

به دست اوست ، نه پیامبر (ص) .

ليس لك من الامر شيء

رسول الله (ص) در پی شکست دندان مبارکش توسط مشرکان در جنگ احد فرمود: کیف یفلح قوم فعلوا هذا بنبيهم؟ در این هنگام آیه فوق نازل شد.

الدر المثور، ج ۲، ص ۳۱۲.

حزن همسر عمران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۶ - ۳

۳ تأسف و اندوه همسر عمران ، به گمان عدم پذیرش نذرش

أني نذرت .. قالت ربّ اني وضعتها أنثى

عوامل حزن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۹ - ۳

۳ شکست در جنگ ، نباید موجب سستی و اندوه اهل ایمان شود .

ولا تهنوا ولا تحزنوا وانتم الاعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۰ - ۲

۲ سختی و جراحت های ناشی از رویارویی با دشمنان دین ، نباید موجب حزن و یا سستی در پیکار با آنان گردد .

ولا تهنوا ولا تحزنوا .. ان یمسکم قرح

عوامل رفع حزن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۹ - ۵

۵ توجه به سنت های الهی در فرجام شوم تکذیب کنندگان دین خداوند ، از میان برنده هر گونه حزن و اندوه و سستی از جامعه ایمانی

فسیروا .. فانظروا کیف کان عاقبه المکذبین ... و لاتهنوا و لاتحزنوا

اگر جمله < و لاتهنوا .. >، عطف بر جمله < فانظروا کیف ... > باشد، معنای

این دو آیه چنین می شود: شما محزون نباشید، عاقبت تکذیب کنندگان آیات الهی (دشمن شما مسلمانان)، نابودی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۰ - ۸

۸ یادآوری پیروزی های گذشته و توجه به گردش قانونمند تغییرات اجتماعی ، برطرف کننده ضعف و اندوه جامعه ایمانی

و لا تهنوا و لا تحزنوا .. ان یمسسکم قرح فقد مسّ القوم قرح مثله و تلک الایام ن

بنابر اینکه <فقد مسّ القوم>، درباره شکست مشرکان در جنگ بدر باشد، خداوند برای از بین بردن اندوه و ضعف مؤمنان،

پیروزی آنان را در جنگ بدر یادآوری کرده و همه را (چه شکست و چه پیروزی) برخاسته از مشیت خویش دانسته است.

حس از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حس

آثار حس گرایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۱۱

۱۱ نگرش مادی در مورد خداوند و بهانه جویی در مقابل پیامبران ، از مصادیق بارز ظلم و موجب گرفتاری به عذاب الهی

است .

یسئلک أهل الکتب .. فأخذتهم الصعقه بظلمهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۸ - ۹

۹ وجود گرایی های شرک آلود در بنی اسرائیل و علاقه به معبودی محسوس ، زمینه ساز روی آوری آنان به گوساله پرستی

و اتخذ قوم موسی من بعده من حلیمهم عجلاً جسداً

تأکید قرآن بر اینکه قوم موسی پس از غیاب وی شروع به ساختن معبود کردند (من بعده)، بیانگر این است که حقایق مطرح

شده از سوی موسی در آیه ۱۳۸ و ۱۳۹، تأثیری در متقاضیان خدای

محسوس نداشت و آنان همچنان در اندیشه خدایی محسوس و ملموس بودند و لذا در فرصت پیش آمده (غیاب موسی) به آن خواسته جامه عمل پوشاندند.

ابداع حس بینایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۸ - ۲

۲ - دستگاه شنوایی ، بینایی و تعقل انسان ، دستگاهی بدیع و بی مانند در نظام خلقت

و هو الذى أنشأ لكم السمع و الأبصر و الأفئده

<إنشاء> (مصدر <أنشأ>) به ایجاد بدون طرح و الگوی قبلی، گفته می شود.

ابداع حس شنوایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۸ - ۲

۲ - دستگاه شنوایی ، بینایی و تعقل انسان ، دستگاهی بدیع و بی مانند در نظام خلقت

و هو الذى أنشأ لكم السمع و الأبصر و الأفئده

<إنشاء> (مصدر <أنشأ>) به ایجاد بدون طرح و الگوی قبلی، گفته می شود.

اقرار حس گرایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴ - ۷

۷ - اعتراف برخی از مردم به حوادث بعد از مرگ ، تنها با مشاهده آن امکان پذیر است .

کلاً سیعلمون

سؤال در <یتسائلون> چنانچه به معنای استفهام حقیقی باشد جمله <کلاً سیعلمون> به منزله پاسخ خواهد بود یعنی، پاسخ این گونه پرسش ها مشکل این گروه از مردم را حل نمی کند بلکه باید آن را مشاهده کنند تا به حقانیت آن اعتراف نمایند.

بیش حس گرایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴ - ۷

۷ - اعتراف برخی از مردم به حوادث بعد از مرگ

، تنها با مشاهده آن امکان پذیر است .

کلاً سیعلمون

سؤال در <یتسائلون> چنانچه به معنای استفهام حقیقی باشد جمله <کلاً سیعلمون> به منزله پاسخ خواهد بود؛ یعنی، پاسخ این گونه پرسش ها مشکل این گروه از مردم را حل نمی کند؛ بلکه باید آن را مشاهده کنند تا به حقانیت آن اعتراف نمایند.

حس شنوایی و خواب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۱ - ۵

۵- حس شنوایی ، رابطه نزدیکی با خواب انسان دارد . *

فضرینا علی ءاذانهم فی الکهف سنین عددًا

به خواب بردن را با <زدن حجاب و مانع بر گوش ها> بیان کردن که مفاد <ضرینا..> است می رساند که ارتباط تنگاتنگی میان خواب و حس شنوایی وجود دارد.

حس گرایی اکثریت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۷ - ۱

۱ - شناخت و آگاهی اکثریت مردم ، محدود به مظاهر ناچیزی از زندگی دنیا است .

یعلمون ظهراً من الحیوه الدنیا

نکره آوردن واژه <ظاهراً> به منظور تحقیر و بیان بی ارزش بودن ظاهر زندگی دنیا است.

حس گرایی اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۸

۸ اهل کتاب ، به ویژه یهود ، مردمی حسگرا و دارای بینشی مادی

يسئلك أهل الكتب ان تنزل عليهم كتاباً من السماء .. فقالوا أرنا الله

حس گرایى بنى اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۵ - ۴

۴ - بنى اسرائیل ، دارای روحیه حس گرایى

بودند .

حتی نری الله جهره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۸ - ۱۰

۱۰ بنی اسرائیل با مشاهده بت پرستان و کرنش آنان در برابر معبودهایی محسوس ، خواستار معبودی ملموس و محسوس شدند

فأتوا علی قوم یعکفون علی أصنام لهم قالوا یموسی اجعل لنا إلهاً کما لهم ءالهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۸ - ۹

۹ وجود گرایش های شرک آلود در بنی اسرائیل و علاقه به معبودی محسوس ، زمینه ساز روی آوری آنان به گوساله پرستی

و اتخذ قوم موسی من بعده من حلیهم عجلاً جسداً

تأکید قرآن بر اینکه قوم موسی پس از غیاب وی شروع به ساختن معبود کردند (من بعده)، بیانگر این است که حقایق مطرح شده از سوی موسی در آیه ۱۳۸ و ۱۳۹، تأثیری در متقاضیان خدای محسوس نداشت و آنان همچنان در اندیشه خدایی محسوس و ملموس بودند و لذا در فرصت پیش آمده (غیاب موسی) به آن خواسته جامه عمل پوشاندند.

حس گرایی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۱ - ۱

۱ - موافقت فرعون با پیشنهاد موسی (ع) مبنی بر ارائه دلیل محسوس و روشن بر صدق رسالت خویش

قال أولو جئتک بشیء مبین . قال فأت به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۸ - ۹

۹ - ضرورت قابل رؤیت بودن خدا در پندار فرعون

فاجعل لی صرْحًا لعلّی اُطَّلِعَ إلی إله موسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۷ - ۴

۴ - تصور نادرست فرعون ، از حقیقت خداوند و اعتقاد باطل وی به وجود او در آسمان ها و انحصار راه خدا شناسی در محسوسات

أسبب السموت فأطلع إلى إله موسى

از این که فرعون برای کسب اطلاع از خداوند، به کاوش در آسمان ها پرداخت، این مطلب به دست می آید که او خدا را موجودی می دانست که اولاً در آسمان ها جای دارد نه در زمین، ثانیاً از راه های محسوس آسمانی (أسباب السماوات) قابل شناخت است.

حس گرایی قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۳ - ۲

۲ - بهره گیری ابراهیم (ع) در هدایت قومش ، از محسوس ترین و بدیهی ترین امور

قال هل يسمعونكم .. أو ينفعونكم أو يضرون

حس گرایی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۲ - ۷

۷- قوم عاد ، روی گردان از تفکر در پیام هود (ع) و منتظر مشاهده دلایل حسی *

قالوا .. فأتنا بما تعدنا إن كنت من الصادقين

برداشت بالا بدان احتمال است که درخواست عذاب، صرفاً به دلیل استهزا نباشد؛ بلکه از آن جهت باشد که هود(ع) بدانان وعده عذاب می داد و آنان می گفتند: تا آنچه را تو وعده می دهی به چشم خود نبینیم، باور نخواهیم داشت.

حس گرایی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸ - ۱،۴

۱ مشاهده نزول فرشتگان بر پیامبر (ص)، درخواست نابجا و

و قالوا لو لا أنزل عليه ملك و لو أنزلنا ملكا لفضى الأمر

۴ کفرپيشگان حتى با نزول کتابی ملموس بر پیامبر(ص)، ایمان نمی آورند و خواهان نزول فرشتگان می شوند.

و لو نزلنا عليك كتابا في قرطاس فلمسوه بأيديهم لقال... و قالوا لو لا أنزل عليه م

بر اساس این احتمال که <قالوا> بر جواب <لو> در آیه قبل عطف شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰ - ۵

۵ استهزای کفار نسبت به پیامبر اکرم(ص)، با درخواست نزول کتاب ملموس و مشاهده فرشتگان

و لو نزلنا عليك كتابا في قرطاس فلمسوه... و لقد استهزىء برسلى من قبلك

یادآوری استهزا شدن انبیای گذشته برای تسلی پیامبر(ص)، پس از بیان بهانه جوییها و توقعات بیجای کافران چنین می نماید

که همین بهانه جوییها، از مصادیق استهزاگری کافران در مورد رسولان الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۳

۳ ارائه معجزه ای محسوس و قابل رؤیت، توقع مشرکان از پیامبر (ص) جهت اثبات درستی ادعای نبوت خویش *

أو يلقى إليه كنز أو تكون له جنة يأكل منها

درخواست و انتظار فرود آمدن گنجی برای پیامبر(ص) و یا داشتن باغ های پرثمر که امری محسوس و ملموس است می تواند

به این خاطر باشد که کافران، به دنبال معجزه ای محسوس و قابل رؤیت از پیامبر(ص) بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۰ - ۳

۳ - در نظر کافران،

حقیقت انسان ، در جسم و اجزای مادی ، خلاصه شده است .

و قالوا أءذا ضللنا فی الأرض

حس گرای کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷ - ۴

۴- کافران مکه ، بر این باور بودند که نزول هر نوع پیام آسمانی بر بشر ، باید همراه با شاهد آسمانی محسوسی باشد . *

قالوا .. لو ما تأتینا بالملئکه إن کنت من الصدقین

درخواست کافران از پیامبر(ص) برای آوردن ملائکه جهت تصدیق نبوتش، ممکن است از این رو باشد که: آنان ارتباط بشر با خداوند را غیر ممکن می دانستند و برای قبول نبوت بشر، خواستار آوردن شاهد آسمانی بودند و ذکر نام ملائکه شاید به عنوان نمونه و یا شناخته شده بودن آنان باشد.

حس گرای مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۱ - ۶،۷

۶ مشرکان ، معتقد به جسمانیت خدا و قابل مشاهده بودن او

أو نری ربّنا

۷ مشرکان ، مردمانی حس گرا در عقیده و اندیشه و منکر حقایق ماورا ، محسوسات

أو نری ربّنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۵ - ۵،۸

۵ - مشرکان ، بی اعتقاد نسبت به دلایل عقلی و روشن معاد و خواهان مشاهده حسی امور

و ما یهلکنا إلاّ الدهر .. ما کان حجّتهم إلاّ أن قالوا اتوا بابائنا

درخواست زنده شدن پدران، در حقیقت ناشی از روحیه حسّ گرایي مشرکان است. مفاد آیه قبل (ما یهلکنا إلاّ الدهر) نیز تأیید و گواهی بر این مدعا است.

۸ - حقانیت معاد از

نظر مشرکان ، منوط به زنده شدن پدران آنان در برابر دیدگانشان

قالوا ائتوا بابائنا إن كنتم صدقین

حس گرای مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۰ - ۴

۴- مشرکان مکه ، علی رغم مشاهده آیات گوناگون الهی ، از پیامبر (ص) درخواست معجزه حسی کردند .

و لقد صرّفنا .. من كلّ مثل فأبی ... و قالوا لن نؤمن لك حتى تفجر لنا من الأرض ی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۲ - ۱۰

۱۰- اتکای مشرکان مکه در عقاید و جهان بینی خود ، تنها بر محسوسات و دریافت های حسی بود .

تأتی بالله و الملئکه قبیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۳ - ۴۸

۴- مشرکان مکه ، علی رغم مشاهده آیات گوناگون الهی ، از پیامبر (ص) درخواست معجزه حسی کردند .

و لقد صرّفنا .. من كلّ مثل فأبی ... و قالوا لن نؤمن لك حتى ... یكون لك بیت من

۸- اتکای مشرکان مکه به ملاک های مادی و حسی ، در شناخت معجزات و آیات الهی

حتى تفجر لنا .. حتى تنزل علينا كتبًا نقرؤه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۰ - ۲

۲ - مشرکان مکه ، نزول وحی را ، به عنوان آیه ای از جانب خدا قبول نکرده و خواستار معجزه حسی شدند .

و كذلك أنزلنا إليك الكتب . . . و ما يجحد بآيتنا ... و قالوا لولا أنزل

علیه آء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۶ - ۳

۳- مشركان مكه ، خواهان شهود حسی برای ایمان به حقایق غیبی

فأتوا بآبائنا إن كنتم صدقین

با این كه معاد اخروی از امور غیبی به حساب می آید، مشركان با پیشنهاد زنده شدن پدرانشان، خواهان محسوس شدن آن بودند.

حس گرای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۸

۸ اهل كتاب ، به ویژه یهود ، مردمی حسگرا و دارای بینشی مادی

یسئلک اهل الکتب ان تنزل علیهم کتاباً من السماء .. فقالوا أرنا الله

فواید حس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۹ - ۱۳

۱۳ حس ، از ابزار شناخت

فانظر الی طعامک .. و انظر الی حمارک ... و انظر الی العظام

حس گرایان

اقرار حس گرایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - اعتراف برخی از مردم به حوادث بعد از مرگ ، تنها با مشاهده آن امکان پذیر است .

کلاً سیعلمون

سؤال در <یتسائلون> چنانچه به معنای استفهام حقیقی باشد جمله <کلاً سیعلمون> به منزله پاسخ خواهد بود یعنی، پاسخ این گونه پرسش ها مشکل این گروه از مردم را حل نمی کند بلکه باید آن را مشاهده کنند تا به حقانیت آن اعتراف نمایند.

بینش حس گرایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - اعتراف برخی از مردم به حوادث بعد از مرگ

، تنها با مشاهده آن امکان پذیر است .

کلاً سیعلمون

سؤال در <یتسائلون> چنانچه به معنای استفهام حقیقی باشد جمله <کلاً سیعلمون> به منزله پاسخ خواهد بود؛ یعنی، پاسخ این گونه پرسش ها مشکل این گروه از مردم را حل نمی کند؛ بلکه باید آن را مشاهده کنند تا به حقانیت آن اعتراف نمایند.

حس گرای

آثار حس گرایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۱۱

۱۱ نگرش مادی در مورد خداوند و بهانه جویی در مقابل پیامبران ، از مصادیق بارز ظلم و موجب گرفتاری به عذاب الهی است .

یسئلک اهل الکتب .. فأخذتهم الصعقه بظلمهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۸ - ۹

۹ وجود گرایی های شرک آلود در بنی اسرائیل و علاقه به معبودی محسوس ، زمینه ساز روی آوری آنان به گوساله پرستی

و اتخذ قوم موسی من بعده من حلیهم عجلاً جسداً

تأکید قرآن بر اینکه قوم موسی پس از غیاب وی شروع به ساختن معبود کردند (من بعده)، بیانگر این است که حقایق مطرح شده از سوی موسی در آیه ۱۳۸ و ۱۳۹، تأثیری در متقاضیان خدای محسوس نداشت و آنان همچنان در اندیشه خدایی محسوس و ملموس بودند و لذا در فرصت پیش آمده (غیاب موسی) به آن خواسته جامه عمل پوشاندند.

حس گرایی اکثریت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۷ - ۱

۱ - شناخت و آگاهی اکثریت مردم ، محدود به مظاهر ناچیزی از زندگی دنیا است .

یعلمون ظهراً من الحیوه

نکره آوردن واژه <ظاهراً> به منظور تحقیر و بیان بی ارزش بودن ظاهر زندگی دنیا است.

حس گرای اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۸

۸ اهل کتاب ، به ویژه یهود ، مردمی حسگرا و دارای بینشی مادی

يسئلك أهل الكتب ان تنزل عليهم كتباً من السماء .. فقالوا أرنا الله

حس گرای بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۵ - ۴

۴ - بنی اسرائیل ، دارای روحیه حس گرای بودند .

حتی نری الله جهره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۸ - ۱۰

۱۰ بنی اسرائیل با مشاهده بت پرستان و کرنش آنان در برابر معبودهایی محسوس ، خواستار معبودی ملموس و محسوس شدند

فأتوا على قوم يعكفون على أصنام لهم قالوا يموسى اجعل لنا إلهاً كما لهم ءالهه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۸ - ۹

۹ وجود گرایش های شرک آلود در بنی اسرائیل و علاقه به معبودی محسوس ، زمینه ساز روی آوری آنان به گوساله پرستی

و اتخذ قوم موسى من بعده من حليهم عجباً جسداً

تأکید قرآن بر اینکه قوم موسی پس از غیاب وی شروع به ساختن معبود کردند (من بعده)، بیانگر این است که حقایق مطرح شده از سوی موسی در آیه ۱۳۸ و ۱۳۹، تأثیری در متقاضیان خدای محسوس نداشت و آنان همچنان در اندیشه خدایی محسوس و ملموس بودند و لذا در فرصت پیش آمده (غیاب موسی)

به آن خواسته جامه عمل پوشاندند.

حس گرای فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۱ - ۱

۱ - موافقت فرعون با پیشنهاد موسی (ع) مبنی بر ارائه دلیل محسوس و روشن بر صدق رسالت خویش

قال أولو جئتک بشیء مبین . قال فأت به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۸ - ۹

۹ - ضرورت قابل رؤیت بودن خدا در پندار فرعون

فاجعل لی صرْحًا لعلی أطلع إلی إله موسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۷ - ۴

۴ - تصور نادرست فرعون ، از حقیقت خداوند و اعتقاد باطل وی به وجود او در آسمان ها و انحصار راه خدا شناسی در محسوسات

أسبب السموت فأطلع إلی إله موسی

از این که فرعون برای کسب اطلاع از خداوند، به کاوش در آسمان ها پرداخت، این مطلب به دست می آید که او خدا را موجودی می دانست که اولاً در آسمان ها جای دارد نه در زمین، ثانیاً از راه های محسوس آسمانی (أسباب السماوات) قابل شناخت است.

حس گرای قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۳ - ۲

۲- بهره گیری ابراهیم (ع) در هدایت قومش ، از محسوس ترین و بدیهی ترین امور

قال هل یسمعونکم . . . أو ینفعونکم أو یضرون

حس گزایی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۲ - ۷

۷- قوم عاد ، روی گردان از

تفکر در پیام هود (ع) و منتظر مشاهده دلایل حسی *

قالوا .. فأتنا بما تعدنا إن كنت من الصادقين

برداشت بالا بدان احتمال است که درخواست عذاب، صرفاً به دلیل استهزا نباشد؛ بلکه از آن جهت باشد که هود(ع) بدانان وعده عذاب می داد و آنان می گفتند: تا آنچه را تو وعده می دهی به چشم خود نبینیم، باور نخواهیم داشت.

حس گرای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸ - ۴، ۱

۱ مشاهده نزول فرشتگان بر پیامبر(ص)، درخواست نابجا و بهانه جویانه کافران

و قالوا لو لا أنزل عليه ملك و لو أنزلنا ملكا لفضى الأمر

۴ کفرپیشگان حتی با نزول کتابی ملموس بر پیامبر(ص)، ایمان نمی آورند و خواهان نزول فرشتگان می شوند.

و لو نزلنا عليك كتابا في قرطاس فلمسوه بأيديهم لقال ... و قالوا لو لا أنزل عليه م

بر اساس این احتمال که <قالوا> بر جواب <لو> در آیه قبل عطف شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰ - ۵

۵ استهزای کفار نسبت به پیامبر اکرم(ص)، با درخواست نزول کتاب ملموس و مشاهده فرشتگان

و لو نزلنا عليك كتابا في قرطاس فلمسوه .. و لقد استهزىء برسلى من قبلك

یادآوری استهزا شدن انبیای گذشته برای تسلی پیامبر(ص)، پس از بیان بهانه جویها و توقعات بیجای کافران چنین می نماید که همین بهانه جویها، از مصادیق استهزاگری کافران در مورد رسولان الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۳

ارائه معجزه ای محسوس و قابل رؤیت ، توقع مشرکان از پیامبر (ص) جهت اثبات درستی ادعای نبوت خویش *

أو يلقى إليه كنز أو تكون له جنه يأكل منها

درخواست و انتظار فرود آمدن گنجی برای پیامبر(ص) و یا داشتن باغ های پرثمر که امری محسوس و ملموس است می تواند به این خاطر باشد که کافران، به دنبال معجزه ای محسوس و قابل رؤیت از پیامبر(ص) بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۰ - ۳

۳ - در نظر کافران ، حقیقت انسان ، در جسم و اجزای مادی ، خلاصه شده است .

و قالوا أءذا ضللنا فی الأرض

حس گرایی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷ - ۴

۴- کافران مکه ، بر این باور بودند که نزول هر نوع پیام آسمانی بر بشر ، باید همراه با شاهد آسمانی محسوسی باشد . *

قالوا .. لو ما تأتینا بالملئکه إن كنت من الصدقین

درخواست کافران از پیامبر(ص) برای آوردن ملائکه جهت تصدیق نبوتش، ممکن است از این رو باشد که: آنان ارتباط بشر با خداوند را غیر ممکن می دانستند و برای قبول نبوت بشر، خواستار آوردن شاهد آسمانی بودند و ذکر نام ملائکه شاید به عنوان نمونه و یا شناخته شده بودن آنان باشد.

حس گرایی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۱ - ۶،۷

۶ مشرکان ، معتقد به جسمانیت خدا و قابل مشاهده بودن او

أو نری ربنا

مردمانی حس گرا در عقیده و اندیشه و منکر حقایق ماورا ، محسوسات

أو نری ربّنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۵ - ۵۸

۵ - مشرکان ، بی اعتقاد نسبت به دلایل عقلی و روشن معاد و خواهان مشاهده حسی امور

و ما یهلکنا إلاّ الدهر .. ما کان حجّتهم إلاّ أن قالوا ائتوا بابائنا

درخواست زنده شدن پدران، در حقیقت ناشی از روحیه حسّ گرای مشرکان است. مفاد آیه قبل (مایهلکنا إلاّ الدهر) نیز تأیید و گواهی بر این مدعا است.

۸ - حقانیت معاد از نظر مشرکان ، منوط به زنده شدن پدران آنان در برابر دیدگانشان

قالوا ائتوا بابائنا إن کنتم صدقین

حس گرای مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۰ - ۴

۴- مشرکان مکه ، علی رغم مشاهده آیات گوناگون الهی ، از پیامبر (ص) درخواست معجزه حسی کردند .

و لقد صرّفنا .. من کلّ مثل فأبی ... و قالوا لن نؤمن لك حتی تفجر لنا من الأرض ی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۲ - ۱۰

۱۰- اتکای مشرکان مکه در عقاید و جهان بینی خود ، تنها بر محسوسات و دریافت های حسی بود .

تأتی بالله و الملئکه قبیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- مشركان مكه ، على رغم مشاهده آيات گوناگون الهى ، از پيامبر (ص) درخواست معجزه حسى كردند .

و لقد صرفنا .. من كلّ مثل

فأبى ... وقالوا لن نؤمن لك حتى ... يكون لك بيت من

۸- اتکای مشرکان مکّه به ملاک های مادی و حسی ، در شناخت معجزات و آیات الهی

حتی تفجر لنا .. حتی تنزل علينا کتباً نقرؤه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۰ - ۲

۲ - مشرکان مکّه ، نزول وحی را ، به عنوان آیه ای از جانب خدا قبول نکرده و خواستار معجزه حسی شدند .

و كذلك أنزلنا إليك الكتب .. و ما يجحد بآيتنا ... وقالوا لولا أنزل عليه آي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۶ - ۳

۳- مشرکان مکّه ، خواهان شهود حسی برای ایمان به حقایق غیبی

فأتوا بابائنا إن كنتم صدقین

با این که معاد اخروی از امور غیبی به حساب می آید، مشرکان با پیشنهاد زنده شدن پدرانشان، خواهان محسوس شدن آن بودند.

حس گرای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۸

۸ اهل کتاب ، به ویژه یهود ، مردمی حسگرا و دارای بینشی مادی

يسئلك أهل الكتب ان تنزل عليهم كتباً من السماء .. فقالوا أرنا الله

حسابرسی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حسابرسی

آثار ترس از حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۲ - ۱۸

۱۸ آنان که از خدا ترسانند و از حساب سخت و ناگوار قیامت هراس دارند ، به فرجامی نیک خواهند رسید .

و یخشون ربهم و یخافون سوء الحساب .. أولئک لهم عقبی الدار

آثار تکذیب حسابرسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۷ - ۷

۷- انکار معاد و روز حسابرسی ، مستلزم باطل و بی هدف دانستن آفرینش جهان است .

بما نسوا يوم الحساب . و ما خلقنا السماء و الأرض و ما بينهما بطلاً

یادآوری این نکته که ما جهان را بی هدف نیافریده ایم پس از طرح مسأله فراموشی روز حساب می رساند که نسیان و انکار معاد با هدف مندی و حق مداری جهان، ناسازگار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۷ - ۵

۵- انکار معاد و حسابرسی قیامت ، عامل طغیان گری و مایه گرفتاری به عذاب جهنم است .

لَلطَّغِينِ .. إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا

آثار حسابرسی اخروی امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۸ - ۱۰

۱۰- احضار امت ها برای حسابرسی ، مایه هراس و به زانو درآمدن آنان در صحنه قیامت *

و تری کلّ أمّه جائیه کلّ أمّه تدعی إلی کتبها

برداشت بالا بدان احتمال است که جمله <کلّ أمّه تدعی إلی کتبها> درصدد بیان علت <کلّ أمّه جائیه> باشد.

آثار حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۸ - ۱۰

۱۰ - محاسبه اعمال و مراقبت بر کردار، هم ریشه در تقوا دارد و هم روحیه تقوا را رشد داده، شکوفا می سازد.

و لتنظر نفس .. و اتقوا الله

از قرار گرفتن عبارت <و لتنظر..> در میان دو <اتقوا الله>،

استفاده می شود که محاسبه نفس از یک سو، متکی به تقوا است و از سوی دیگر عامل شکوفایی و تکامل آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۰ - ۴

۴ - حسابرسی و سنجش نهان کاری ها و نیت های انسان ، مایه ناتوانی او از هرگونه دفاع و محرومیت او از کمترین یار و یاور در قیامت

یوم تبلی السرائر . فما له من قوه و لا ناصر

حرف <فاء> در <فما له من..>، نبود قوت و ناصر را بر <تبلی السرائر> تفریح کرده و آن را نتیجه حسابرسی قرار داده است. یعنی، روز قیامت با متمایز شدن سریره های نیک و بد، راهی جز پذیرفتن جزای آن برای انسان باقی نمی ماند. زیرا نه او را یارای انکار است و نه کسی به حمایت از او برخواهد خاست.

آثار ذکر حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۶ - ۱۲

۱۲ - توجه به محاسبه دقیق اعمال در آخرت ، در گرایش انسان به صلاح ، نقش سازنده ای دارد .

يَبْنِيْ اِنَّهَا اِنْ تَكَ مَثَقَالِ حَبَّةٍ .. يَأْتِ بِهَا اللّٰهُ

آثار ذکر حسابرسی نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۳

۳ - توجه به حسابرسی و مسؤولیت در برابر نعمت ها ، بازدارنده انسان از دل خوشی به فراوانی آن و زمینه ساز ترک افتخار بر دیگران است .

اَلْهَيْكَمُ التَّكَاثُرُ .. ثُمَّ لَتَسْتَلْنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيْمِ

آثار علم به حسابرسی عمل

- سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۶ - ۳

۳ - آشنایی با مرحله حسابرسی نامه های اعمال ، زمینه ساز باور انسان به تغییرپذیر بودن حالات خویش است .

فلا أقسم

جمله <طبقاً عن طبق> (در آیات بعد) که سوگندهای مکرر این آیات مربوط به آن است از دگرگونی حالات انسان خبر می دهد و حرف <فاء> در <فلا- أقسم> این مجموعه را بر آیات پیشین که درباره محاسبه نامه های اعمال بود تفریع کرده است؛ یعنی، حال که از حساب و کتاب آگاه شدید، بدانید که دگرگونی حالات حتمی است.

آثار غفلت از حسابرسی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۳ - ۵

۵ - غفلت از نظام ثبت و حسابرسی دقیق اعمال و کیف و پاداش اخروی ، عامل بیگانگی کافران با اعمال نیک و آلودگی آنان به کردار های بد و ناشایست

بل قلوبهم فی غمره من هذا .. هم لها عملون

ارزش ترس از حسابرسی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۴ - ۷

۷- ترس از حسابرسی خداوند و وعید او ، امری ارزشمند و مورد تشویق خداوند

ذلک لمن خاف مقامی و خاف وعید

اهمیت ایمان به حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۰ - ۷

۷- لزوم ایمان به ثبت کردار انسان در نامه اعمال و حسابرسی آن در قیامت

وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ . . . وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ ... فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

اهمیت ترس از

حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۰ - ۸

۸ - ضرورت بیم داشتن از حسابرسی اعمال

و أمّا من خاف مقام ربّه

اهمیت حسابرسی خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۷ - ۶

۶- توجه همیشگی انسان به اعمال گذشته خویش و نقد و بررسی آنها، لازم است .

و من أظلم ممّن .. نسی ما قدّمت یداه

اهمیت حسابرسی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۹ - ۵

۵ ضرورت و لزوم یاد قیامت و صحنه های حسابرسی آن برای اهل ایمان

یوم یجمع الله الرسل فیقول ماذا اجبتم

بدان احتمال که <یوم> مفعول به برای فعل محذوف همانند <اذکروا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۶ - ۵

۵ - حسابرسی از بندگان ، مهم ترین ویژگی قیامت است .

یوم الحساب

از نام گذاری روز قیامت به <روز حساب> برداشت یاد شده استفاده می شود.

اهمیت حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۷ - ۶

۶- توجه همیشگی انسان به اعمال گذشته خویش و نقد و بررسی آنها، لازم است .

و من أظلم ممّن .. نسی ما قدّمت یداه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۰ - ۳

۳ - حساب رسی اعمال ، مهم ترین ویژگی قیامت و فلسفه برپایی آن

إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مَلَقَ حَسَابِيه

از این که از میان مجموعه مسائل

قیامت، مسأله حساب رسی مورد توجه مؤمنان قرار گرفته است؛ می توان به حقیقت یاد شده پی برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۰ - ۱

۱ - توجه به هشدار های قرآن درباره بررسی نامه های عمل و پیامد های آن ، برای ایمان آوردن کافی است .

فما لهم لا يؤمنون

حرف <فاء>، این آیه را بر مفاد آیه های قبل تفریح کرده است؛ یعنی، پس از گوشزد شدن خطرهای ایمان نیاوردن توجیه ناپذیر است.

اهمیت عقیده به حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۶ - ۲

۲ - اعتقاد به محاسبه اعمال در عالم آخرت ، مهم ترین اصل عقیدتی پس از عقیده به یک تایی خداوند است .

لا تشرک بالله .. یبئىٰ انّها ان تک مثقال حبه ... یأت بها الله

ایمان به حسابرسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۵ - ۱۹

۱۹ - باور به قیامت و بازگشت به خدا و حسابرسی کردار ها زمینه ساز مراقبت بر ایمان و پرهیز از عوامل گمراهی

علیکم انفسکم .. فینبئکم بما کنتم تعملون

ایمان به حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۶ - ۱

۱ - تصدیق روز جزا و اعتقاد به حساب رسی بندگان ، از ویژگی های مؤمنان و مسلمانان راستین

و الذین یصدّقون بیوم الدین

یکی از کاربردهای واژه <دین>، جزا و حساب است.

ایمان به حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه -

۱ - نامه اعمال معتقدان به قیامت و حساب رسی ، به دست راست آنان داده خواهد شد .

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ .. إِنَّيْ ظَنَنْتُ أَنِّيْ مَلَقْتُ حِسَابِيْهِ

۵ - ایمان به قیامت و حساب رسی اعمال ، دلیل شادمانی و رضایت مندی مؤمنان بهشتی ، هنگام مشاهده نامه اعمال خویش است .

فَيَقُولُ هَآؤُمُ اقْرَءُوا كِتَابِيْهِ . إِنَّيْ ظَنَنْتُ أَنِّيْ مَلَقْتُ حِسَابِيْهِ

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <إِنِّي ظننت..> در مقام تعلیل برای جمله <فَيَقُولُ هَآؤُمُ...> باشد.

پاداش بی حسابرسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۸ - ۱،۲،۴

۱ - مؤمنان نیک کردار ، برخوردار از پاداش بی حساب و همیشگی خداوند

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ

برداشت یاد شده بر این اساس است که <غیر ممنون> به معنای غیر منقطع و یا غیر قابل محاسبه باشد.

۲ - خداوند در پاداش دادن به مؤمنان نیک کردار ، هیچ گونه متنی بر آنان نخواهد گذاشت .

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ

برداشت بالا مبتنی بر این نکته است که <ممنون> از ماده <منت> اشتقاق یافته باشد.

۴ - همراه بودن ایمان و عمل صالح ، شرط بهره‌وری از اجر بی حساب و بی منت الهی

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ

تذکر حسابرسی اخروی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- تبیین آیات الهی در طبیعت و تذکر به محاسبه اعمال در قیامت ، برای هدایت آدمیان

است .

و جعلنا الیل و النهار آیتین .. اقرأ کتبتک ... من اهتدی فانما یهتدی لنفسه

تذکر حسابرسی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۲ - ۹

۹ شعیب (ع) مردم مدین را به حسابرسی خداوند و مجازات های او هشدار داد .

إن ربی بما تعملون محیط

چنان چه مقصود از احاطه خداوند بر اعمال بندگان ، آگاهی او بر اعمال باشد ، جمله <إن ربی .. > کنایه از حسابرسی و کیفردهی می باشد.

تذکر حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۵ - ۱۷

۱۷ - توجه دادن انسان به محاسبه اعمال اش در نزد خداوند ، زمینه ساز پابندی وی به توحید و پیروی کردن از انسان های خداجو است .

و إن جهداک علی أن تشرک بی .. فلا تطعهما ... و اتبع سبیل من أناب إلیّ ثمّ إلیّ

ترس از حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۱ - ۷۸

۷ انسان ها باید از مواجه شدن با حساب سخت و ناگوار قیامت ، خائف و هراسان باشند .

و یخافون سوء الحساب

۸ خشیت از خدا و هراس از حساب سخت و ناگوار قیامت ، از نشانه های خردمندان است .

إنما يتذكر أولوا الألباب .. الذين ... يخشون ربهم و يخافون سوء الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۱ - ۳

۳ هراس انسان در قیامت ، از حضور در دادگاه عدل الهی *

و جاءت كلّ نفس

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تعبیر <سائق> و مأمور پیش برنده، از آن جهت یاد شده باشد که بی رغبتی و هراس انسان را، از حضور اختیاری در محکمه عدل الهی بنمایاند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۱ - ۲

۲ - پرهیز از طغیان گری، ترس از حسابرسی اعمال و پذیرش آیات الهی، مصداق تقوای پیشگی است.

لَلطَّغِينَ .. إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا . وَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا ... إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَف

از تقابل بین متقین و طغیان گران، دانسته می شود که منزه بودن از صفات طغیان گران، تقوای پیشگی است.

ترس از حسابرسی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۴ - ۶

۶- کسانی از امداد های ویژه خداوند برخوردار می شوند که از مقام الهی (حسابرسی) و وعید او ترس داشته باشند .

و لَنَسْكُنَنَّكُمْ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ ذَلِكُمْ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَ خَافَ وَعِيدِ

<مقام> اسم مکان است و به قرینه ترس و وعیدی که به دنبال آن آمده است می تواند به معنای مکان قیام برای حسابرسی باشد.

تشویق به ترس از حسابرسی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۴ - ۷

۷- ترس از حسابرسی خداوند و وعید او ، امری ارزشمند و مورد تشویق خداوند

ذَلِكُمْ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَ خَافَ وَعِيدِ

تعدد آیات حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۸ - ۳

۳ - بسیاری از آیات قرآن ، هشدار دهنده مردم

درباره معاد و حسابرسی در قیامت است .

لایرجون حساباً . و کذبوا بایتنا کذاباً

جمع بودن <آیات> بر نکته یاد شده دلالت دارد. به قرینه کلمه <حساباً> در آیه قبل موضوع حسابرسی در مجموعه آن آیات مطرح شده است.

تعدد ابزار حسابرسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۷ - ۳

۳- ابزار سنجش اعمال (میزان) در قیامت ، متعدد است .

و نضع الموزین القسط

<موازین> (جمع <میزان>) به معنای ترازوها است و جمع آمدن آن دلیل بر تعدد است. هرچند میان مفسران در باره چگونگی متعدد بودن ترازوهای قسط و عدل اختلاف هست.

تعدد حسابرسی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۲ - ۶

۶- رسیدگی به کارهای انسان ها در قیامت ، دارای قسمت های گوناگون و تفکیک شده است .

صَفًّا صَفًّا

تقسیم بندی حسابرسی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۲ - ۶

۶- رسیدگی به کارهای انسان ها در قیامت ، دارای قسمت های گوناگون و تفکیک شده است .

صَفًّا صَفًّا

۹ علم الهی ، به زوایای وجود آدمی ، پشتوانه برپایی قیامت و حساب رسی و مؤاخذه انسان *

و نحن أقرب إليه من جبل الوريد

در آیات پیشین برای اقامه برهان معاد به دو نکته اشاره شده است: نخست قدرت خداوند و سپس علم او. اکنون در این آیات،

تعبیر <أفعمینا...> به قدرت

و <نعلم ما توسوس...> به علم الهی نظر دارد.

حتمیت حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۸ - ۳

۳ - بازگشت به سوی خدا و حضور در دادگاه قیامت ، برای محاسبه و مجازات ، امری حتمی و غیر قابل اجتناب است .

ثم تردون إلى علم الغيب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۷ - ۲

۲ - احضار کم فروشان در صحنه قیامت و حسابرسی اعمال آنان ، قطعی و تردیدناپذیر است .

ويل للمطففين . . . ألا یظنُّ أولئک ... کلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۱ - ۳

۳ - روز مجازات و حسابرسی ، حقیقتی است انکارناپذیر و دروغ پنداشتن آن ، شگفت آور و توجیه ناپذیر است .

أرءیت الذی یکذب بالذین

حتمیت حسابرسی اخروی نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۲

۲ - حسابرسی از نعمت ها در قیامت ، اجتناب ناپذیر و بیرون از اختیار انسان ها است .

ثم لتسئلنَّ

مجهول بودن <لتسئلنَّ>، اشاره به نکته یاد شده دارد.

حتمیت حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱ - ۲

۲- حسابرسی اعمال مردم ، قریب الوقوع و تخلف ناپذیر است .

اقترب للناس حسابهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۵ - ۵

۵ - بازگشت به خداوند جهت محاسبه اعمال ، امری گریزناپذیر است .

و إلى الله ترجع الأمور

به کارگیری

فعل مجهول (ترجع) بیانگر آن است که مسأله بازگشت به محضر خداوند، دل بخواهی نبوده و انسان ها چه بخواهند و چه نخواهند به حضور او بازگشت داده خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۸ - ۲

۲ - حضور مردم در پیشگاه خداوند در قیامت و حسابرسی اعمال آنان، قطعی و تردیدناپذیر است .

یوم یقوم الناس لربّ العلمین . کَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفَجَارِ ... کَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۰ - ۳

۳ - قیامت روز بی ثمر ماندن نیروهای درونی و بیرونی انسان، در برابر حسابرسی کارهای پنهانی او است .

فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۶ - ۱

۱ - خداوند، حسابرسی اعمال مردم را بر خود لازم شمرده است .

ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ

حسابرسی اخروی از مکذبان الیاس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۷ - ۲

۲ - قوم تکذیب کننده الیاس، در روز قیامت برای حسابرسی و کیفر احضار خواهند شد .

فَأِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ

حسابرسی اخروی از مکذبان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۷ - ۳

۳ - تکذیب کنندگان پیامبران و ادیان الهی ، برای حسابرسی و کیفر در روز قیامت احضار خواهند شد .

فإنهم لمحضرون

حسابرسی اخروی امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه -

۳ - صحیفه اعمال امت ها در قیامت ، بیان کننده تمامی کردار ایشان ، به صورتی دقیق و بدون کمترین کاستی و فزونی

ینطق علیکم بالحقّ

حسابرسی اخروی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۱ - ۲،۳

۲ - جن و انس ، هر دو دارای مسؤولیت و حسابرسی در قیامت

سنفرغ لکم آیه الثقلان

۳ - بسیج تمامی امکانات هستی در نشأه آخرت ، برای حسابرسی نهایی خلق

سنفرغ لکم آیه الثقلان

نسبت داده شدن <فراغ> به خداوند با ضمیر متکلم مع الغیر می تواند کنایه از این باشد که او تمامی اسباب و عوامل را در جهت رسیدگی به حساب خلق، در قیامت قرار می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۵

۵ - ربوبیت الهی در حق جن و انس ، مستلزم برپا داشتن نظام حسابرسی اعمال برای آنان

سنفرغ لکم آیه الثقلان . فبأی ءالاء ربکمما تکذبان

ارتباط <ربکمما> با محتوای آیه قبل، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۳ - ۲

۲ - جنیان چونان آدمیان ، مشمول محاسبه الهی و قوانین عام خداوند در سرای واپسین

يمعشر الجنّ و الإنس إن استطعتم .. لا تنفذون

از ذکر <جنّ> و تقدیم آن بر <إنس>، می توان استفاده کرد که نباید گمان برد که جنیان، به واسطه داشتن اجرام لطیف، قدرت بر فرار از محاکمه و عقاب الهی دارند.

حسابرسی اخروی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

رعد - ۱۳ - ۲۱ - ۵،۷

۵ انسان ها در قیامت مورد حسابرسی قرار می گیرند .

و يخافون سوء الحساب

۷ انسان ها باید از مواجه شدن با حساب سخت و ناگوار قیامت ، خائف و هراسان باشند .

و يخافون سوء الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۱ - ۹

۹- اهمیت و عظمت موقعیت حسابرسی انسان ها در قیامت *

رَبَّنَا اغْفِرْ لِي . . . يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ

اینکه حضرت ابراهیم(ع) در میان موقعیتها و صحنه های گوناگون روز قیامت تنها از وقت حسابرسی یاد کرده است، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۳ - ۷

۷- انسان ها ، در قیامت در برابر اعمال خود بازپرسی می شوند .

و لتسئلنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱ - ۶

۶- انسان در برابر رفتار و کردار خویش ، مسؤول بوده و در قیامت مورد مؤاخذه و بازخواست قرار خواهد گرفت .

اقترب للناس حسابهم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که حسابرسی آن گاه معقول و متصور است که مسؤولیت و بازخواهی در کار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۱ - ۵

۵ - انسان ها پس از زنده شدن در قیامت ، بی هیچ فاصله و تأخیری برای حسابرسی به پیشگاه خداوند احضار می شوند .

فإذا هم من الأجداث إلى ربهم ينسلون

بیشتر مفسران بر آنند که مقصود از حرکت سریع انسان ها به سوی پروردگار، احضار آنان

برای حسابرسی است. گفتنی است که به کار رفتن <إِذَا>ی فجائیه، می رساند که این حسابرسی بی هیچ فاصله ای پس از نفع صور انجام خواهد پذیرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۴ - ۱

۱ - قیامت ، روز حساب رسی از تمام رفتار و کردار های بندگان

فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ . فَاَلْيَوْمَ لَا تَظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۱۹،۲۱

۱۹ - حسابرسی اعمال بندگان از سوی خداوند در قیامت ، متکی به علم همه جانبه او است .

فَيَتَّبِعْكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

برداشت بالا از آن جا است که جمله <إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ> تعلیل برای جمله <فَيَتَّبِعْكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ> است؛ یعنی، چون خداوند به باطن افراد آگاه است، پس می تواند آنان را به کردارشان آگاه سازد و به حسابرسی آنان پردازد.

۲۱ - ربوبیت الهی ، مقتضی برپایی قیامت و حسابرسی اعمال بندگان

ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيَتَّبِعْكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۸ - ۲

۲ - قیامت ، روز حساب رسی و عرضه شدن نیات ، انگیزه ها ، افکار و رفتار انسان ها به محکمه عدل الهی

یومئذ تعرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۳ - ۳

۳ - خروج انسان ها از گور ها و زنده شدن آنان ، برای محاکمه با سرعت انجام می پذیرد .

يوم يخرجون من الأجداث سرعًا كأنهم إلى

نصب یوفضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۰ - ۱

۱ - انسان پس از مرگ به سوی دادگاه عدل الهی ، هدایت و سوق داده می شود .

إلى ربك يومئذ المساق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۷ - ۱

۱ - قیامت ، صحنه حسابرسی انسان ها است .

إنهم كانوا لا يرجون حساباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففين - ۸۳ - ۶ - ۹

۹ - ایستادن در پیشگاه خداوند برای حسابرسی اعمال ، از صحنه های خوفناک و حوادث بزرگ روز قیامت است .

ليوم عظيم . يوم يقوم الناس لرب العلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۲ - ۳،۵

۳ - رسیدگی به حال انسان ها در قیامت ، از شئون ربوبیت خداوند است .

كلاً إذا .. و جاء ربك

۵ - فرشتگان ، مأمور رسیدگی به امور انسان ها در قیامت

و الملك صفاً صفاً

از جمله <یومئذ يتذکر الإنسان> در آیه بعد، معلوم می شود که حضور فرشتگان در قیامت در رابطه با کار انسان ها است.

حسابرسی اخروی تجزیه کنندگان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۲ - ۵

۵- قیامت ، روز بازخواست از مجرمان و تجزیه کنندگان آیات قرآن

لنستلّهم أجمعین

آورده شدن فعل مضارع <نستل> برای بازخواست، می تواند اشاره به آینده و روز قیامت داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۳ - ۲

۲- تمامی

رفتار و اعمال کافران و تجزیه کنندگان قرآن ، مورد بازپرسی خداوند در قیامت قرار خواهد گرفت .

المقتسمين . الذين جعلوا القرآن عضين . فوربِّك لنسئَلَنهم أجمعين . عمّا كانوا يعمل

حسابرسی اخروی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۸ - ۵

۵ - آگاهی جن به احضار شدن شان برای حسابرسی اعمالشان در روز رستاخیز

و لقد علمت الجنة إنهم لمحضرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۱ - ۲

۲ - جن و انس ، هر دو دارای مسئولیت و حسابرسی در قیامت

سنفرغ لكم آیه الثقلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۵

۵ - ربوبیت الهی در حق جن و انس ، مستلزم برپا داشتن نظام حسابرسی اعمال برای آنان

سنفرغ لكم آیه الثقلان . فبأی ءالاء ربكما تكذبان

ارتباط <ربكما> با محتوای آیه قبل، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۳ - ۲

۲ - جنیان چونان آدمیان ، مشمول محاسبه الهی و قوانین عام خداوند در سرای واپسین

یمعشر الجنّ و الإنس إن استطعتم .. لاتنفذون

از ذکر <جَنِّ > و تقدیم آن بر <إِنْس >، می توان استفاده کرد که نباید گمان برد که جنیان، به واسطه داشتن اجرام لطیف، قدرت بر فرار از محاکمه و عقاب الهی دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۹ - ۳

۳ - حضور جن همچون آدمیان ، در صحنه قیامت برای حسابرسی و کیفر

و پاداش

فیومئذ لایسل عن ذنبه إنس و لاجان

حسابرسی اخروی سعادت‌مندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۱۴

۱۴- کمترین ظلم و بی عدالتی در محاسبه اعمال و نیز در پاداش اخروی سعادت‌مندان وجود ندارد .

فمن أوتی کتبه بیمینه . . . و لایظلمون فتیلاً

حسابرسی اخروی صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۲۲

۲۲ - > عن أبي عبد الله (ع) قال : قال رسول الله (ص) إذا نشرت الدواوين و نصبت الموازين لم ينصب لأهل البلاء میزان و لم ينشر لهم دیوان ثم تلا هذه الآية > **إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ** < ;

از امام صادق(ع) روایت شده که رسول خدا(ص) فرمود: هنگامی که نامه های اعمال گشوده می شود و میزان ها [برای سنجش اعمال] برپا می گردد، برای اهل مصیبت و بلا [که صابر بوده اند] میزانی برپا نشده و نامه عملی گشوده نخواهد شد. آن گاه این آیه را تلاوت فرمود: **إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ**.

حسابرسی اخروی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۷ - ۹

۹- آخرت ، زمان بازگردانده شدن ستم گران و کافران و افراد ناصالح به پیش گاه خداوند و حساب رسی کردار آنها است .

ثم یردّ إلى ربّه فیعدّبه

حسابرسی اخروی عقیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۷ - ۱

۱ خداوند در قیامت رفتار و عقاید آدمیان را به گونه ای دقیق و عالمانه

برای آنان بیان خواهد کرد.

فلنقصن عليهم بعلم و ما كنا غائبين

حرف <باء> به معنای مصاحبت و ملابست است؛ یعنی: <فلنقصن عليهم مصاحبين و متلبسين بعلم. و نكره بودن <علم> دلالت بر عظمت آن علم دارد كه از آن به <دقيق بودن> تعبیر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۲ - ۶

۶ - انسان ، مسؤول اندیشه ها و گرایش های خویش و مورد بازخواست از سوی خداوند در قیامت

و يوم يناديهم فيقول أين شركاءي الذين كنتم تزعمون

حسابرسی اخروی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۵ - ۱۵

۱۵ خداوند در قیامت انسان ها را به تمامی اعمال دنیویشان آگاه ساخته و دستاوردشان را به آنان نشان خواهد داد .

إلى الله مرجعكم جميعاً فينبئكم بما كنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۹ - ۶

۶ یاد قیامت و صحنه های بررسی اعمال در آن ، زمینه ساز رعایت تقوا و ترس از خداوند

و اتقوا الله .. . يوم يجمع الله الرسل

چنانچه <يوم> مفعول برای <اذكروا> باشد، جمله <اذكروا يوم .. .> پس از <اتقوا الله> می تواند اشاره به علتی از علل لزوم تقوا و ترس از خدا داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۲ - ۷۸

۷ سریعترین نظام محاسبه و رسیدگی به اعمال در قیامت استقرار دارد.

ثم ردوا .. ألا له الحكم وهو أسرع الحسين

۸ قضاوت و صدور حکم در قیامت، بر

اساس محاسبه و سنجش اعمال آدمیان است.

ثم ردوا .. ألا له الحكم و هو أسرع الحسبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۷ - ۱

۱ خداوند در قیامت رفتار و عقاید آدمیان را به گونه ای دقیق و عالمانه برای آنان بیان خواهد کرد.

فلنقصن عليهم بعلم و ما كنا غائبين

حرف <باء> به معنای مصاحبت و ملابست است؛ یعنی: <فلنقصن عليهم مصاحبين و متلبسين بعلم. و نكره بودن <علم> دلالت بر عظمت آن علم دارد که از آن به <دقیق بودن> تعبیر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۸ - ۷

۷ سنجش اعمال در قیامت، حق و بر اساس عدل است.

و الوزن يومئذ الحق

برداشت فوق بر این اساس است که <الوزن> به معنای مصدری، یعنی سنجیدن باشد و <الحق> صفت برای خبر محذوف، که تقدیر آن چنین می شود: <الوزن يومئذ الوزن الحق>. یعنی: سنجیدن در آن روز، سنجشی حق و بر اساس عدل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۱ - ۱۲

۱۲- خداوند، حسابرسی اعمال انسان را در قیامت با سرعت انجام می دهد.

ليجزي الله كل نفس ما كسبت إن الله سريع الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۳ - ۱

۱- تمامی رفتار و اعمال آدمیان، مورد بازپرسی خداوند در قیامت قرار خواهد گرفت.

لنسلّتهم .. عمّا كانوا يعملون

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ -

۴- برای محاسبه عمل انسان در قیامت ، نیازی به وکیل ، دلیل ، شاهد و ... نیست .

کفی بنفسک الیوم علیک حسبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۹ - ۱۹

۱۹- حساب رسی و سنجش عادلانه اعمال آدمیان در قیامت ، لازمه ربوبیت خدا است .

و وضع الکتب .. و لایظلم ربک أحدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۵ - ۱۱

۱۱- قیامت ، روز سنجش و محاسبه اعمال است .

فلانقیم لهم یوم القیمه وزنا

از تعبیر موجود در آیه، چنین برمی آید که در قیامت، برای سنجش اعمال آدمیان، معیارها و میزان هایی به کار گرفته می شود، لکن برای برخی، به جهت فقدان هرگونه عمل ارزشمند، هیچ محاسبه و میزانی برقرار نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۰ - ۶

۶- رسیدگی به همه گفته ها و کرده های آدمیان در روز رستاخیز

اللّه أعلم بما تعملون . اللّه یحکم بینکم یوم القیمه... إنّ ذلک فی کتب إنّ ذلک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۲ - ۳

۳- وجود معیارها و میزان های متعدد در قیامت ، برای سنجش اعمال انسان ها

<موازين > جمع <میزان > است. به کارگیری جمع، بیانگر این معنا است که هر نوع عمل فرد، دارای میزان مخصوصی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۱۵

۱۵ - خداوند

، در قیامت اعمال بندگان را با سرعت حسابرسی خواهد کرد .

و الله سریع الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۲ - ۲

۲ - قیامت ، روز محاسبه کردار آدمیان و مجازات و پاداش در تعلیمات ابراهیم

و الذی أطمع أن یغفرلی خطیئتی یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۶ - ۱۵، ۱۰

۱۰ - حساب رسی خداوند از اعمال انسان ها ، در قیامت ، نیاز به شاهد ندارد .

إنّها إن تک مثقال حبه . . یأت بها الله

از این که به جای <یعلمها الله> فرموده است <یأت بها الله> استفاده می شود که خداوند، خود ناظر بر اعمال بوده و براساس آن، حکم خواهد کرد و نیازی به گواه ندارد. فعل مضارع <یأت> هم می تواند به وقوع چنین عملی در آینده که همان قیامت است دلالت داشته باشد.

۱۵ - علم دقیق و آگاهی عمیق خداوند به امور ، پشتوانه قدرت او برگردآوری اعمال انسان و بروز دادن آن در روز حساب

إن تک مثقال حبه . . یأت بها الله إن الله لطیف خبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۵ - ۴

۴ - هر کسی در قیامت پاسخگوی کردار و عمل خویش است .

لا تسئلون عمّا أجرنا و لانسئل عمّا تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۷ - ۷

۷ - خداوند ، حسابرسی اعمال بندگان را در قیامت با سرعت انجام خواهد داد .

اليوم تجزي كلّ نفس بما

کسبت .. إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۱ - ۱۰

۱۰ - بازخواست و محاسبه شدن رفتار و کردار انسان ها در قیامت

یوم یقوم الأشهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱۶

۱۶ - قیامت ، صحنه سنجش و محاسبه اعمال و رفتار آدمی است .

اللّٰهُ الَّذِي .. الْمِيزَانِ وَ مَا يَدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ

از ارتباط دو قسمت از آیه مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۸ - ۷

۷ - تمامی اعمال انسان ها در دادگاه الهی ، مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت .

ثُمَّ تَرَدُّونَ إِلَى .. فَيَتَبَّنُّكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۷ - ۵

۵ - تمامی رفتار ها و کرده های انسان ها در قیامت ، مورد حسابرسی دقیق قرار خواهد گرفت .

ثُمَّ لَتَتَّبِعُنَّ بِمَا عَمَلْتُمْ

کلمه <ما> (آنچه) افاده عموم می کند. با خیر کردن انسان ها از تمامی کرده های خویش در قیامت، اشاره به حسابرسی و کیفر و پاداش دادن به آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۸ - ۲

۲ - قیامت ، روز حساب رسی و عرضه شدن نیا ، انگیزه ها ، افکار و رفتار انسان ها به محکمه عدل الهی

یومئذ تعرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نیا - ۷۸ - ۲۹ - ۶

- ۶

احاطه علمی خداوند به همه موجودات ، پشتوانه دقیق بودن حسابرسی اعمال در قیامت

لایرجون حساباً .. و کلّ شیءٍ أحصینہ کتباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۵ - ۵

۵ - انسان در دنیا ، پیش فرستنده دستاورد خویش و ذخیره سازنده آن برای صحنه حسابرسی اعمال

علمت نفس ما قدّمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۶ - ۱۰

۱۰ - حرکت ها و کردار های انسان ، نزد خداوند حسابرسی خواهد شد .

کادح إلی ربّک کدحاً فملقیہ

ملاقات با خداوند، به معنای حضور در نزد او برای حسابرسی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۷ - ۳

۳ - حاکمیت نظمی خاص ، بر حسابرسی اعمال در قیامت

أوتی کتبه بیمینہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۸ - ۱،۵

۱ - در قیامت ، اعمال انسان ها حسابرسی خواهد شد .

فسوف یحاسب

۵ - در قیامت ، انسان خود ، محاسبه و ارزشیابی خواهد شد .

فعل <يحاسب> به شخص استناد یافته است؛ نه به عمل؛ بنابراین حسابرسی قیامت در مورد خود اشخاص خواهد بود. می توان گفت: اعمال و نیت های انسان برای او، رتبه وجودی خاصی می بخشد؛ زیرا ملکه او شده و ابعاد وجودی او را شکل می دهد و در نتیجه سنجش آن انسان، در حقیقت محاسبه اعمال او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۶ - ۵

۵ - مرحله سنجش اعمال

، پس از تخریب کوه ها و گذشت دوران سرگردانی مردم در قیامت است .

یوم یكون الناس كالفراش ... و تكون الجبال كالعهن المنفوش . فَأَمَّا من ثقلت موزینه

حرف <فاء> در <فَأَمَّا> بیانگر نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۸ - ۲

۲ - وزنه های محاسبه اعمال در قیامت ، متناسب با آنها و سنگین یا سبک خواهد بود .

فَأَمَّا من ثقلت موزینه .. و أمّا من خفّت موزینه

چنانچه کلمه <موازين> جمع <میزان> (وزنه ای که با آن متاع را می سنجند)، باشد، نکته یاد شده استفاده می شود.

حسابرسی اخروی عمل ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۸ - ۳،۶

۳ - محاسبه اعمال ناروا در قیامت

و أمّا من خفّت موزینه

۶ - کردار های ناروا ، هنگام حسابرسی در قیامت با وجود تهی بودن همه آنها از وزن و ارزش گوناگون بوده و ابزار سنجش آنها متفاوت است .

و أمّا من خفّت موزینه

جمع بودن <موازين> بیانگر تعدد میزان و موزون و تغایر آنها است.

حسابرسی اخروی عهدشکنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۱ - ۹

۹ قطع پیوندهایی که خداوند به برقرار کردن آنها امر کرده ، موجب مواجه شدن با حساب سخت و ناگوار قیامت خواهد شد .

والذین يصلون .. و یخشون ربهم و یخافون سوء الحساب

حسابرسی اخروی فاسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۷ - ۹

۹- آخرت ، زمان

بازگردانده شدن ستم گران و کافران و افراد ناصالح به پیش گاه خداوند و حساب رسی کردار آنها است .

ثُمَّ يَرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ

حسابرسی اخروی قوم الیاس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۷ - ۲

۲- قوم تکذیب کننده الیاس ، در روز قیامت برای حسابرسی و کیفر احضار خواهند شد .

فَأَنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ

حسابرسی اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۳ - ۲

۲- تمامی رفتار و اعمال کافران و تجزیه کنندگان قرآن ، مورد بازپرسی خداوند در قیامت قرار خواهد گرفت .

المقتسمين . الذين جعلوا القرآن عضين . فوربِّكَ لَنَسْتَلْتَهُمْ أَجْمَعِينَ . عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۷ - ۹

۹- آخرت ، زمان بازگردانده شدن ستم گران و کافران و افراد ناصالح به پیش گاه خداوند و حساب رسی کردار آنها است .

ثُمَّ يَرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۱۱،۱۴

۱۱ - کافران ، در روز رستاخیز به جای نیل به ثمره اعمال نیک خویش ، با خدا و کیفر او مواجه خواهند شد .

و الذين كفروا أعمالهم كسراب بقيعه .. حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُمْ لَمْ يَجِدُوا شَيْئًا وَ وَجَدَ اللَّهُ ع

۱۴ - اعمال کافران به روز رستاخیز ، مورد حسابرسی کامل خداوند قرار خواهد گرفت و کیفر آنان بی کم و کاست داده خواهد شد .

و الذین کفروا أعمالهم کسراب .. و وجد الله عنده فوفیه حسابہ

<توفیه> (مصدر)

<وَفِي> به معنای پرداخت و دریافت کامل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۳ - ۲

۲ - وجود نقطه ای مشخص ، برای محاکمه و حساب رسی کافران در قیامت

كَأَنَّهُمْ إِلَىٰ نَصَبٍ يَوْفُضُونَ

حسابرسی اخروی کم فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۷ - ۲

۲ - احضار کم فروشان در صحنه قیامت و حسابرسی اعمال آنان ، قطعی و تردیدناپذیر است .

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ .. أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ ... كَلَّا

حسابرسی اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۱ - ۶

۶ گنه کاران در قیامت با حسابی سخت و ناگوار مواجه می شوند .

و يخافون سوء الحساب

اضافه <سوء> به <الحساب> اضافه صفت به موصوف است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۲ - ۵

۵- قیامت ، روز بازخواست از مجرمان و تجزیه کنندگان آیات قرآن

لنسلنهم أجمعين

آورده شدن فعل مضارع <نسل> برای بازخواست، می تواند اشاره به آینده و روز قیامت داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۳ - ۱

۱ خداوند ، تمامی اعمال و رفتار مجرمان و منکران معاد را ، در روز رستاخیز محاسبه و رسیدگی خواهد کرد .

و قدمنا إلی ما عملوا من عمل فجعلنه هباءً منثورًا

فعل <قدمنا> در آیه شریفه طبق نظر مفسران به معنای <قصدنا> <عمدنا> (قصد آهنگ [کاری] کردیم) است و مقصود

از آن، پرداختن به حساب اعمال مجرمان حساب اعمال مجرمان

و بررسی آنها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۵

۵ - مجرمان پس از حسابرسی شدن در قیامت ، به تبه کاری خویش در دنیا ، پی می برند .

و لو تری إذ المجرمون ناكسوا رءوسهم عند ربهم ربنا أبصرنا

<عند ربهم> می تواند کنایه از حسابرسی شدن باشد. اعتراف با <أبصرنا و سمعنا> پس از آن، نشان دهنده این است که آنان، به جرم و تبه کاری خود پی می برند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۰ - ۲

۲ - اعطای پاداش به مؤمنان و نیک کرداران در قیامت ، قبل از حسابرسی بدکرداران *

فأماالذین ءامنوا .. و أماالذین كفروا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم در بیان، بیانگر تقدم خارجی نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۹ - ۳

۳ - مجازات های سخت مجرمان در قیامت ، براساس محاسبه و سنجشی عادلانه و به دور از گزاف و ظلم است .

یوم یسحبون .. إنا کلّ شیء خلقنه بقدر

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل که در زمینه مجازات سخت مجرمان در قیامت است برداشت یاد شده به دست می آید.

حسابرسی اخروی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۳ - ۱

۱ - تقواییشگان ، پس از حسابرسی اعمالشان ، دسته دسته و گروه گروه به سوی بهشت هدایت خواهند شد .

و وضع الکتب . . . و

قضى بينهم بالحقّ ... و سيق الذين اتّقوا ربّهم إلى الجنّه

حسابرسی اخروی معروضان از محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۶ - ۵

۵ - روی گردانان از دعوت به حق پیامبر (ص) ، ناگزیر از اجابت دعوت الهی در قیامت برای حسابرسی و مجازات

فما تغن النذر . . . یوم یدع الداع إلى شیء نکر

حسابرسی اخروی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۵ - ۲

۲ - بصیر بودن خداوند به ویژگی های منکران معاد ، دلیل لزوم محشور ساختن آنان و حسابرسی از آنها است .

ظنّ أن لن یحور . بلی إنّ ربّه کان به بصیراً

حسابرسی اخروی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۸ - ۶

۶ - > قاسم بن محمد عن علی قال : سمعت أبا عبد الله (ع) يقول : إنّ الله تبارک و تعالی إذا أراد أن یحاسب المؤمن أعطاه کتابه بيمينه و حاسبه فيما بينه و بينه فيقول : عبدی ! فعلت کذا . . . قد غفرتها لک و ابدلتها حسنات . . . و هو قول الله عزوجلّ > فأما من أوتی کتابه بيمينه فسوف یحاسب حساباً یسیراً < ;

قاسم بن محمد از علی [بن ابی حمزه] روایت نموده که گفت: از امام صادق(ع) شنیدم که می فرمود: خدای تبارک و تعالی زمانی که بخواهد مؤمنی را محاسبه کند، نامه عملش را به دست راست وی می دهد و او را در آنچه بین خود

و او است محاسبه کرده، می فرماید: بنده من فلان کار را کردی؟ .. من آن را برای تو بخشیدم و آن را به حسنه هایی تبدیل کردم... و این سخن خدای عزوجل است <فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ يَمِينَهُ . فسوف يحاسب حساباً يسيراً>».

حسابرسی اخروی نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۴ - ۲

۲ - آگاهی تمام مردم ، از بی پایه بودن امتیازات مادی ، هنگام حسابرسی نعمت ها در قیامت

ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ

آخرین آیه سوره، بیانگر زمانی است که مفاد <سوف تعلمون> تحقق می یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۱،۴

۱ - قیامت ، زمان حسابرسی از نعمت ها است .

ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ

<نعیم>، به معنای نعمت فراوان است. (مفردات)

۴ - پرسش و حسابرسی از نعمت ها ، زمینه ساز گرفتاری برتری جویان و تفاخر کنندگان به آتش دوزخ

لَتَرْوَنَّ الْجَحِيمَ .. ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ

نشان دادن جهنم به اهل تکاثر پیش از بازخواست نعمت ها بیانگر آن است که اهل تکاثر، باید پس از طی مراحل بازخواست و حسابرسی، جهنم را جایگاه خویش بدانند.

حسابرسی اخروی نعمت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۳ - ۲

۲ - همه انسان ها ، در آینده هنگام حسابرسی نعمت ها ، به پوچی افتخارات مادی پی خواهند برد .

زمان مورد نظر در <سوف تعلمون> به قرینه <ثم لتسئلنَّ يومئذ عن النعيم> هنگام حسابرسی نعمت ها است.

حسابرسی از امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۶ - ۱

۱ تمامی امته‌ها و پیامبران مورد بازجویی خداوند در قیامت قرار می‌گیرند.

فلنستلن الذين أرسل إليهم ولنستلن المرسلين

حسابرسی از انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۶ - ۱،۳

۱ تمامی امته‌ها و پیامبران مورد بازجویی خداوند در قیامت قرار می‌گیرند.

فلنستلن الذين أرسل إليهم ولنستلن المرسلين

۳ تبلیغ تعالیم دینی و آسمانی، محور بازجویی از پیامبران خدا در قیامت

فلنستلن الذين أرسل إليهم ولنستلن المرسلين

عنوان <مرسلین> در جمله <ولنستلن المرسلین> بیانگر این است که سؤال از پیامبران درباره تبلیغ رسالت است.

حسابرسی از تجزیه کنندگان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۲ - ۱

۱- سوگند مؤکد خداوند به ربوبیت خویش بر بازپرسی تمامی کافران و تجزیه گران دین

فوربک لنستلنهم أجمعین

ضمیر جمع غایب <لنستلنهم> هم می‌تواند به کافرانی برگردد که در چند آیه قبل از آن سخن به میان آمد (..أزواجاً منهم) و هم می‌تواند به <المقتسمین> اشاره داشته باشد. برداشت فوق بنابر هر دو احتمال است.

حسابرسی از خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۸ - ۵

۵ - در قیامت ، انسان خود ، محاسبه و ارزشیابی خواهد شد .

فسوف یحاسب

فعل <یحاسب> به شخص استناد یافته است نه به عمل؛ بنابراین حسابرسی قیامت در مورد خود اشخاص خواهد بود. می توان گفت: اعمال و نیت های انسان برای او، رتبه

وجودی خاصی می بخشد؛ زیرا ملکه او شده و ابعاد وجودی او را شکل می دهد و در نتیجه سنجش آن انسان، در حقیقت محاسبه اعمال او است.

حسابرسی از سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۹ - ۵

۵ - سلیمان (ع) در بخشش به هر کس و به هر مقدار آزاد بود و مورد محاسبه الهی قرار نداشت .

فامنن أو أمسك بغير حساب

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که <بغير حساب> قید برای <فامنن أو أمسك> باشد.

حسابرسی از شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۹ - ۳

۳ - شیاطین ، موجوداتی مکلف و مسؤول و مورد کیفر و بازخواست الهی

و لهم عذاب واصب

برداشت یاد شده از مبتلا شدن به عذاب و کیفر الهی به دست می آید؛ زیرا کیفر و عذاب بدون تکلیف و مسؤولیت، معقول نیست.

حسابرسی از عقیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۴ - ۱۲

۱۲ - انسان ، نسبت به عقاید و باور های بنیادین خود ، مورد بازخواست خدا قرار خواهد گرفت .

قل هاتوا برهنکم

از این که خداوند، پیامبر(ص) را مأمور ساخت که از مشرکان، دلیل بطلبد، استفاده می شود که اصولاً خداوند انسان را در

برابر عقایدش بازخواست می کند و در برابر هر عقیده اصولی از او دلیل می طلبد.

حسابرسی از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۰ - ۱۳

۱۳ خداوند ، کفرپیشگان را پس از

اتمام حجت حسابرسی می کند و به مجازات می رساند .

فإنما عليك البلق و علينا الحساب

وقوع جمله <و علينا الحساب> که گویای حسابرسی و مجازات کفرپیشگان است پس از <إنما عليك البلق> که گویای ابلاغ و اتمام حجت است می رساند که خداوند پیش از ابلاغ دین و اتمام حجت ، کافران را مجازات نمی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۲ - ۱

۱- سوگند مؤکد خداوند به ربوبیت خویش بر بازپرسی تمامی کافران و تجزیه گران دین

فوربك لنسنلنهم أجمعین

ضمیر جمع غایب <لنسنلنهم> هم می تواند به کافرانی برگردد که در چند آیه قبل از آن سخن به میان آمد (..أزواجاً منهم) و هم می تواند به <المقتسمین> اشاره داشته باشد. برداشت فوق بنابر هر دو احتمال است.

حسابرسی از معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۳ - ۵

۵- خدایان پنداری مشرکان (مقربان و فرشتگان) خود مورد محاسبه و بازخواست قرار خواهند گرفت .

لا یسل عمّا یفعل و هم یسلون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که ضمیر <هم> به <من عنده> بازگردد؛ که از آنان به مقربان درگاه الهی و مصداق بارز آن <فرشتگان> تعبیر می شود.

حسابرسی از مقربان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۳ - ۵

۵- خدایان پنداری مشرکان (مقربان و فرشتگان) خود مورد محاسبه و بازخواست قرار خواهند گرفت .

لايسل عمًا يفعل و هم يسلون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که ضمیر <هم> به

<من عنده> بازگردد؛ که از آنان به مقربان درگاه الهی و مصداق بارز آن <فرشتگان> تعبیر می شود.

حسابرسی از ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۳ - ۵

۵- خدایان پنداری مشرکان (مقربان و فرشتگان) خود مورد محاسبه و بازخواست قرار خواهند گرفت .

لایسل عمّا یفعل و هم یسلون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که ضمیر <هم> به <من عنده> بازگردد؛ که از آنان به مقربان درگاه الهی و مصداق بارز آن <فرشتگان> تعبیر می شود.

حسابرسی از منافقان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۵ - ۳

۳- عهد منافقان مدینه با خدا برای فرار نکردن از جهاد ، مورد حساب کشی خداوند است .

و لقد کانوا عهدوا اللّٰه من قبل .. و کان عهد اللّٰه مسئولاً

حسابرسی از موجودات با شعور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۳ - ۶

۶- تمامی مخلوقات با شعور جهان ، موجوداتی مسؤول و مورد بازپرسی خداوند

و هم یسلون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مرجع ضمیر <هم> <مَن> در <من فی السماوات> باشد.

حسابرسی اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۹ - ۵

۵ - رفتار اصحاب اخدود با مؤمنان و کردار تمام مجرمان ، از خداوند مخفی نبوده و حسابرسی خواهد شد .

و الله على كل شيء شهيد

بیان گواه بودن و آگاهی خداوند، تهدید مجرمان به رسیدگی به کردارشان است.

حسابرسی امت ها

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۹ - ۳

۳ قیامت صحنہ حسابرسی از امت ها و واکنش های آنان در برابر دعوت پیامبران

یوم یجمع الله الرسل فیقول ماذا اجبتم

حسابرسی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۷ - ۱۸

۱۸ - حسابرسی انسان ها ، تنها در اختیار خدا است .

إلیه ترجعون

تقدیم <إلیه> بر <ترجعون> می تواند مفید حصر باشد. گفتنی است: <إلیه ترجعون> می تواند کنایه از این حقیقت باشد که انسان ها، سرانجام، حسابرسی خواهند شد.

حسابرسی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۰ - ۸

۸ حسابرسی بندگان در شأن خداوند است نه وظیفه ای برعهده پیامبر (ص)

و علینا الحساب

تقدیم <علینا> بر <الحساب> دلالت بر حصر دارد. بنابراین <علینا الحساب> یعنی، حساب بندگان تنها برعهده ماست نه برعهده تو و نه غیر تو. قابل ذکر است که جمله <علینا الحساب> عطف بر <إنما علیک البلاغ> است نه بر <علیک البلاغ>، زیرا در این صورت <إنما> بر <علیک الحساب> داخل شده و معنای جمله چنین می شود: <فقط حسابرسی بر ماست نه چیز دیگر> و این معنا قطعاً مراد نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - انسان ها در قیامت ، مورد مجازات و پاداش الهی قرار خواهند گرفت .

أءنَّا لمدینون

<دین> (مصدر <مدینون>) به معنای جزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۹ - ۶

علم همه جانبه خداوند به احوال ظاهر و باطن انسان ها ، دلیل توانایی او بر حسابرسی سریع بندگان

إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ .. يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ

برداشت یاد شده بر این اساس است که جمله <يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ..> تعلیل برای جمله <إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ> باشد؛ یعنی، چون خداوند از تمامی حالات انسان ها آگاهی کامل دارد، اعمال بندگان را با سرعت رسیدگی خواهد کرد و نیازی به ارائه دلیل و شهود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۶ - ۳

۳ - حساب رسی و کیفر و پاداش بندگان ، مهم ترین خصوصیت معاد و فلسفه برپایی قیامت

و الَّذِينَ يَصَّدَّقُونَ يَوْمَ الدِّينِ

مطلب یاد شده، از تعبیر <يوم الدين> درباره قیامت، به دست می آید.

حسابرسی جوامع عصیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۸ - ۵

۵ - جوامعی که از فرمان های خدا و رسولان او ، سرپیچی کردند ، مورد محاسبه سخت الهی و عذاب ناشناخته و ناخوشایند (عذاب استیصال) قرار گرفتند .

فحاسبنها حسابًا شديدًا و عذبنها عذابًا نكرًا

<نكر> (مرادف <منكر>) به معنای شیء ناخوشایند و ناشناخته است.

حسابرسی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۴ - ۲

۲ - حسابرسی در روز قیامت و کیفر و پاداش دهی در آن روز ، به دست خدا و در اختیار اوست .

ملک یوم الدین

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱ - بقرہ - ۲ - ۱۴۱ - ۱۱

۱۱ - عدل

الهی در رسیدگی به اعمال انسان ها و پاداش دهی به آنان

لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۲ - ۷

۷ محاسبه اعمال تمامی بندگان توسط خداوند ، یکباره انجام می گیرد .

والله سریع الحساب

امیرالمؤمنین (ع): .. معناه انه يحاسب الخلق دفعه كما يرزقهم دفعه

مجمع البيان، ج ۲، ص ۵۳۱؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۰۰، ح ۷۳۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۳ - ۱۴

۱۴ خداوند ، محاسبه کننده و جزادهنده اعمال

و اعلموا انکم ملاقوه

با توجه به هشدار در آیه، ملاقات خداوند، کنایه از محاسبه و جزا می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۵ - ۱،۳

۱ خداوند کسی را به خاطر سوگند بیهوده اش مؤاخذه نمی کند .

لا یؤاخذکم الله باللغو فی ایمانکم و لکن

مراد از سوگند لغو، سوگندهایی است که معمولاً به خاطر عادت بر زبان جاری می شود؛ بدون اینکه یادکننده سوگند، نسبت به آن قصد قلبی داشته باشد. این معنا از مقابله <باللغو> با <بما کسبت قلوبکم> به دست می آید.

۳ سوگندهایی که با قصد قلبی و اراده جدی باشد ، موجب مؤاخذة الهی است .

و لكن يؤاخذكم بما كسبت قلوبكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۴ - ۱۴، ۹، ۸، ۵، ۴، ۳

۳ خداوند ، حسابگر آنچه آدمی در دل دارد ؛ خواه آدمی آن را آشکار نماید و یا پنهان سازد .

و ان تبدوا ما فی

انفسکم او تخفوه يحاسبکم به الله

۴ هشدار خداوند به کتمان کنندگان شهادت و حسابرسی گناه آنان

و من یکتّمها فانّه اثم قلبه .. و ان تبدوا ما فی انفسکم او تخفوه يحاسبکم به اللّ

۵ منویات و ملکات نفسانیه انسان ، مورد محاسبه خداوند

و ان تبدوا ما فی انفسکم .. يحاسبکم به الله

<ما فی النفس>، علاوه بر منویات، می تواند شامل ملکات نفسانیه (مانند شجاعت و بخل و ..) نیز بشود. بنابراین احتمال که <فی انفسکم>، متعلق به استقرار باشد نه وجود تنها. و مستقر در نفس همان ملکات است.

۸ مالکیت مطلق الهی ، علت و دلیل سلطه وی به اعمال و نیات انسان و محاسبه آنها

لله ما فی السموات و ما فی الارض و ان تبدوا ما فی انفسکم او تخفوه يحاسبکم به ال

جمله <لله ما فی السموات .. > به منزله تمهیدی است برای <ان تبدوا ... > یعنی خداوند مالک حقیقی همه چیز است که از جمله آنها، اعمال و نیات انسان می باشد. و چون مالک حقیقی است، قادر به محاسبه نیات و اعمال آدمی است.

۹ خداوند پس از محاسبه اعمال و نیات انسان ، وی را یا عفو خواهد کرد و یا عذاب .

و ان تبدوا .. فیغفر لمن یشاء و یعدّب من یشاء

۱۴ خداوند ، قادر بر محاسبه اعمال و نیات انسان و آمرزش و عذاب او

و ان تبدوا .. يحاسبکم به الله فیغفر ... و یعدّب ... و الله علی کلّ شیء قدیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۹

۱۶ خداوند ، سریع الحساب است .

فانّ الله سريع الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۱۰

۱۰ ارزیابی دقیق اعمال از سوی خداوند

انّی لا اضع عمل عامل منکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۲۴

۲۴ خداوند ، حسابرسی سریع است .

انّ الله سريع الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶ - ۱۷، ۱۶

۱۶ کفایت خداوند در حسابرسی اعمال

و کفی بالله حسبیا

۱۷ اعتقاد به حسابرسی دقیق خداوند (وجدان دینی) ، پشتوانه رعایت حقوق دیگران

و کفی بالله حسبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۱ - ۱۰

۱۰ خداوند در قیامت با وجود آگاهی بر اعمال گواهانی را برای نشان دادن اتقان در حسابرسی ، فراخواهد خواند .

كان الله بهم عليماً .. فكيف اذا جئنا ... و جئنا بك على هؤلاء شهيداً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۸۶ - ۷۸، ۹، ۱۰

۷ قدرت و تسلط خداوند بر حسابرسی و سنجش هر چیز

انّ الله كان على كل شيء حسيباً

۸ هر عملی از انسان مورد حسابرسی خداوند قرار می گیرد .

انّ الله كان على كل شيء حسيباً

۹ تحیت ها و درود های اهل ایمان به یکدیگر ، مورد محاسبه خداوند و در پی دارنده اجر و پاداش الهی

و اذا حیّتم .. انّ الله كان على كل شيء حسيباً

محاسبه اعمال

نیک کنایه از پاداش دهی خداوند بر آن اعمال می باشد.

۱۰ توجه به حسابرسی دقیق و کامل خداوند در هر عمل ، زمینه انجام اعمال نیک و پرهیز از اعمال ناروا

و اذا حینتم .. انّ الله کان علی کل شیء حسیباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۷ - ۴

۴ قیامت ، روز حسابرسی اعمال از سوی خداوند

انّ الله کان علی کلّ شیء حسیباً .. لیجمعنکم الی یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۳۰

۳۰ توجه به حسابرسی سریع خداوند ، زمینه حصول تقوا در انسان

و اتقوا الله إنّ الله سریع الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۹ - ۴

۴ اعمال و نیت پنهان و آشکار آدمی مورد محاسبه و جزاء و پاداش الهی

و الله یعلم ما تبدون و ما تکتمون

بیان آگاهی خداوند بر آشکار و پنهان انسان هشدار می است به بندگان که اعمال و رفتار و نیز نیت و حالات آنان محاسبه خواهد شد. و به مقتضای آن به پاداش و یا سزای لازم خواهند رسید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳ - ۶

۶ شنوایی و دانایی خداوند، تضمین کننده حسابرسی از بندگان در روز قیامت

ليجمعنكم إلى يوم القيمة .. و هو السميع العليم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۳۰ - ۳

۳ خداوند در قیامت از منکران معاد بازخواست

می کند.

و قالوا إن هی إلا حیاتنا الدنیا و ما نحن بمبعوثین. و لو تری إذ ... ألیس هذا بالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۲ - ۶

۶ سریعترین محاسبه کننده امور خداوند است.

ألا له الحکم و هو أسرع الحسین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۶ - ۲

۲ پذیرش و عدم پذیرش رسالت‌های انبیا و نیز عمل به احکام دین، محور بازجویی خداوند از امتهاست.

فلنستلن الذین أرسل إلیهم

توصیف مردم با عنوان <أرسل إلیهم> دلالت بر این دارد که بازجویی از امتها درباره چگونگی برخورد با رسالت‌های الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۱۴

۱۴ تعیین راستی و درستی ایمان افراد و حسابرسی مدعیان ایمان، از شؤون خداوند است.

بل نزنکم کذبین .. ما أنا بطارد الذین ءامنوا إنهم ملقوا ربهم

کفرپیشگان، ایمان پیروان نوح را سطحی، بلکه آنان را در ادعای ایمان دروغگو می شمردند (بل نزنکم کذبین). نوح(ع) در پاسخ ایشان با جمله <إنهم ملقوا ربهم> بیان می دارد که برای انسانها روز آخرتی است و خداوند در آن روز، راستی و ناراستی ایمانها را تعیین خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۷ - ۱۴

۱۴ کردار کفر پیشگان قوم عاد و کيفر آنان ، تحت حسابرسی دقیق خداوند بود .

إن ربي علي كل شيء حفيظ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۰ - ۱۳

خداوند ، کفرپیشگان را پس از اتمام حجت حسابرسی می کند و به مجازات می رساند .

فإنما عليك البلق و علينا الحساب

وقوع جمله <و علينا الحساب> که گویای حسابرسی و مجازات کفرپیشگان است پس از <إنما عليك البلق> که گویای ابلاغ و اتمام حجت است می رساند که خداوند پیش از ابلاغ دین و اتمام حجت ، کافران را مجازات نمی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۱ - ۹

۹ خداوند ، اعمال و رفتار آدمیان را محاسبه می کند و بر اساس آن ، ایشان را سزا می دهد .

و هو سریع الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۴ - ۸

۸- خداوند ، پرونده کردار کافران و مشرکان را مورد حسابرسی دقیق قرار خواهد داد .

إنما نعدّ لهم عدًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۲ - ۶

۶ - نظام حسابرسی خداوند ، مبرا از کمترین ظلم به آدمیان

و لدینا کتب . . . و هم لایظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۷ - ۵

۵ - اعمال و باور های مشرکان ، دارای کیفر و حسابی معلوم و قطعی در نزد پروردگار

و من یدع مع الله . . . فإنما حسابہ عند ربّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۱۴

۱۴ - اعمال کافران به روز رستاخیز ، مورد حسابرسی کامل خداوند قرار خواهد گرفت و کیفر آنان

بی کم و کاست داده خواهد شد .

و الذین کفروا أعملهم کسراب . . . و وجد الله عنده فوقیه حسابه

<توفیه> (مصدر <وقی>) به معنای پرداخت و دریافت کامل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۷ - ۳

۳ خداوند ، به روز رستاخیز ، خواهان توضیح و پاسخ گویی معبود های باطل در باره نقش خود مشرکان در گمراهی خویش

فیقول ءأنتم أضللتم عبادی هولاء أم هم ضلوا السبیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۳ - ۱

۱ خداوند ، تمامی اعمال و رفتار مجرمان و منکران معاد را ، در روز رستاخیز محاسبه و رسیدگی خواهد کرد .

و قدمنا إلی ما عملوا من عمل فجعلنه هباء منثورًا

فعل <قدمنا> در آیه شریفه طبق نظر مفسران به معنای <قصدنا> <عمدنا> (قصد آهنگ [کاری] کردیم) است و مقصود

از آن، پرداختن به حساب اعمال مجرمان حساب اعمال مجرمان و بررسی آنها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۳ - ۱

۱ - محاسبه اعمال گذشته و نهانی گروندگان به دین ، برعهده خدا است ، نه پیامبران .

و ما علمی بما کانوا یعملون . إن حسابهم إلا علی ربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۸ - ۱۴

۱۴ - اعمال دنیوی انسان ها ، مورد حساب رسی خداوند قرار خواهد گرفت .

إِلَىٰ مَرْجِعِكُمْ فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ

آگاه کردن خداوند، انسان ها را، از اعمال دنیوی شان، کنایه از مؤاخذه و حساب

رسی است و صرف اطلاع رسانی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۷ - ۱۸

۱۸ - حسابرسی انسان ها ، تنها در اختیار خدا است .

إليه ترجعون

تقدیم <إليه> بر <ترجعون> می تواند مفید حصر باشد. گفتنی است: <إليه ترجعون> می تواند کنایه از این حقیقت باشد که انسان ها، سرانجام، حسابرسی خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۶ - ۱۵، ۱۰

۱۰ - حساب رسی خداوند از اعمال انسان ها ، در قیامت ، نیاز به شاهد ندارد .

إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ .. يَأْتِ بِهَا اللَّهُ

از این که به جای <يعلمها الله> فرموده است <يَأْتِ بِهَا اللَّهُ> استفاده می شود که خداوند، خود ناظر بر اعمال بوده و براساس آن، حکم خواهد کرد و نیازی به گواه ندارد. فعل مضارع <يَأْتِ> هم می تواند به وقوع چنین عملی در آینده که همان قیامت است دلالت داشته باشد.

۱۵ - علم دقیق و آگاهی عمیق خداوند به امور ، پشتوانه قدرت او برگردآوری اعمال انسان و بروز دادن آن در روز حساب

إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ .. يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۵ - ۳، ۶

۳ - عهد منافقان مدینه با خدا برای فرار نکردن از جهاد ، مورد حساب کشی خداوند است .

و لقد كانوا عهدوا الله من قبل .. و كان عهد الله مسئولاً

۶ - همه عهد ها با خداوند ، قطعاً مورد حساب کشی خواهد بود .

آوردن فعل ماضی برای بیان تحقق امری که در آینده خواهد بود، حکایت از وقوع قطعی آن می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۹ - ۸،۱۰

۸ - حسابرسی خداوند ، مستلزم اختصاص دادن ترس به او است .

و یخشونه و لایخشون أحدًا إلا الله و کفی بالله حسبيًا

۱۰ - خداوند ، حسابرسی کفایت کننده است .

و کفی بالله حسبيًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۱۷

۱۷ - انسان ، در برابر اعمال خود مسؤول است و مورد بازخواست الهی قرار خواهد گرفت .

فیتبتکم بما کتتم تعملون

مقصود از آگاه ساختن مردم نسبت به اعمالشان، حسابرسی اعمال آنان و کیفر و پاداش به ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۱ - ۱،۲

۱ - گنه کاران ، دارای حسابی مجزا از مؤمنان نیک کردار ، در پیشگاه الهی

أم حسب الذین .. کالذین ءامنوا

۲ - بی توجهی به عدالت الهی در نظام حسابرسی ، از زمینه های گناه پیشگی است .

أم حسب الذین اجترحوا السيئات

پرسش انکارآمیز خداوند در زمینه پندار غلط گناه پیشگان، حکایت از این می کند که چنین پنداری در اهل گناه، وجود

داشته و یا زمینه بروز دارد. لحن توبیخی و هدایت گرانه آیه شریفه، می رساند که این پندار، خود موجب انحراف است و برای از میان بردن انحراف، باید پندار را نقد و ابطال کرد.

حسابرسی خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰

۶ - ربوبیت خداوند ، مقتضی حسابرسی و مؤاخذه خطاکاران است .

إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ

حسابرسی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۸ - ۴۸،۹،۱۳

۴ اجابت کنندگان دعوت خدا ، از حسابرسی روز قیامت رنجی نمی برند و بر آنان سخت گرفته نمی شود .

لِلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمُ الْحَسَنَى

مقصود از <الحسنی> به قرینه مقابله آن - در ذیل آیه با فرجام روی گردانان از دعوت خدا ، معنایی مقابل <سوء الحساب> و نیز مقابل <جهنم> است. بنابراین مراد از <الحسنی> حساب آسان و نیز بهشت می باشد.

۸ روی گردانان از دعوت خدا ، در قیامت به حسابی سخت و ناگوار گرفتار خواهند بود .

وَالَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُ .. أُولَئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ

<سوء> به هر چیزی که مایه ناراحتی و رنج باشد گفته می شود. اضافه <سوء> به <الحساب> اضافه صفت به موصوف است. بنابراین <سوء الحساب> ؛ یعنی: <الحساب السوء>.

۹ قیامت صحنه حسابرسی از انسانهاست .

أُولَئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ

۱۳ > فی مجمع البیان فی قوله : <أُولَئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ> ... هو أن لا يقبل لهم حسنه ولا يغفر لهم سيئه ... روی ذلك عن أبي عبدالله (ع) ؛

در مجمع البیان درباره سخن خدا: <أُولَئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ> .. از امام صادق(ع) روایت شده: مراد از <سوء الحساب> این است که هیچ حسنه ای از آنان پذیرفته نمی شود و هیچ گناهی از آنان آمرزیده نمی گردد.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - حسابرسی در روز قیامت و کیفر و پاداش دهی در آن روز ، به دست خدا و در اختیار اوست .

ملک یوم الدین

۳ - برپایی قیامت و قرار دادن روز جزا برای جهانیان ، جلوه ای از رحمت خداوند است .

الرحمن الرحیم. ملک یوم الدین

مطرح کردن مسأله قیامت پس از بیان رحمت الهی، اشاره به برداشت فوق دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۴

۴ محاسبه دقیق اعمال انسان و جزای عادلانه آن در قیامت

و اَئْمَا تَوْفُونِ اجورکم یوم القیمه

<توفون> (اعطای پاداش کامل و تمام در مقابل عمل)، حکایت از محاسبه دقیق اعمال دارد و نیز حاکی از عدالت در پرداخت پاداش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۷ - ۴

۴ قیامت ، روز حسابرسی اعمال از سوی خداوند

اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلٰی كُلِّ شَيْءٍ حَسِيْبًا .. لِيَجْمَعَنَّكُمْ اِلٰی يَوْمِ الْقِيَمَةِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۶ - ۱۳

۱۳ صحرای محشر عرصه حسابرسی مردم برای تعیین میزان پایبندی آنان به احکام الهی

احل لکم .. حرم علیکم صید البر ما دتمم حرماً و اتقوا الله الذی الیه تحشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۹ - ۳،۶،۷

۳ قیامت صحنه حسابرسی از امت ها و واکنش های آنان در برابر دعوت پیامبران

یوم یجمع الله الرسل فیکول ماذا اجبتم

۶ یاد قیامت و صحنه های بررسی اعمال در آن ، زمینه ساز رعایت تقوا

و ترس از خداوند

و اتقوا الله .. یوم یجمع الله الرسل

چنانچه <یوم> مفعول برای <اذکروا> باشد، جمله <اذکروا یوم ..> پس از <اتقوا الله> می تواند اشاره به علتی از علل لزوم تقوا و ترس از خدا داشته باشد.

۷ ضرورت ترس از قیامت و صحنه های حسابرسی در آن روز .

یوم یجمع الله الرسل

برداشت فوق بر این است که <یوم> بدل اشتمال برای <الله> در آیه قبل <اتقوا الله> گرفته شود و یا مفعول باشد. برای فعلی همانند: <اتقوا و یا احذروا و ...> که به قرینه <اتقوا الله> حذف شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳ - ۶

۶ شنوایی و دانایی خداوند، تضمین کننده حسابرسی از بندگان در روز قیامت

لیجمعنکم إلی یوم القیمه .. و هو السميع العليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ قیامت روز رسیدگی به کار حق پذیران و حق ناپذیران و پاداش و مجازات آنهاست.

إنما یرجعون إلیه یرجعون و الموتی یرجعون إلیه ثم یرجعون إلیه

جمله <ثم إلیه یرجعون> ظاهراً تذلیلی برای تمامی آیه است. یعنی هم پاسخ دهندگان و هم مرده دلان جملگی در قیامت مبعوث شده و به نتایج اعمال خود می رسند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۰ - ۱۴

۱۴ خداوند در قیامت آدمیان را به کردارهای دنیویشان آگاه می کند.

ثم إليه مرجعكم ثم ينبئكم بما كنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٥ - انعام - ٦

۷ سریعترین نظام محاسبه و رسیدگی به اعمال در قیامت استقرار دارد.

ثم ردوا .. ألا له الحكم و هو أسرع الحسين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۲،۵

۲ گمراهان برای حسابرسی و جزای عملکردشان در روز قیامت برانگیخته خواهند شد.

و من یرد أن یضله .. و یوم یحشرهم جمیعا یمعشر الجن

۵ جنیان و انسانها در قیامت مورد بازخواست مشترک قرار خواهند گرفت.

یمعشر الجن .. و قال أولیاءهم من الإنس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۸ - ۸

۸ عن امیر المؤمنین (ع) .. و اما قوله: < فمن ثقلت موازینہ ... > فإنما یعنی الحساب ... و الحسنات ثقل المیزان ...

از امیر المؤمنین (ع) روایت شده است: .. مراد از آیه < فمن ثقلت موازینہ >، حسابرسی (در قیامت) است ... و حسنات، موجب سنگینی میزان است ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۹ - ۶

۶ عن امیر المؤمنین (ع): .. و أما قوله: < ... و من خفت موازینہ > فإنما یعنی الحساب ... و السيئات خفه المیزان ...

از امیر المؤمنین (ع) روایت شده است: مراد از آیه < و من خفت موازینہ >، حسابرسی (در قیامت) است ... و گناهان، موجب سبکی میزان هستند ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۵ - ۹

۹ قیامت ، عرصه احضار انسان ها برای حسابرسی اعمالشان

و ستردون . . . فینبئکم بما کتتم تعملون

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۳

۳- پس از اتمام حسابرسی اعمال اهل جهنم، شیطان آنان را سرزنش می کند و گمراهی آنان را معلول اندیشه و عمل خود آنان معرفی خواهد کرد.

و قال الشیطن لَمَّا قَضَى الْأَمْرَ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقُّ وَعَدْتُكُمْ

مفسران، از جمله احتمالاتی که برای <قضی الأمر> برشمرده اند این است که وقتی به حسابهای اهل قیامت رسیدگی شد، شیطان به اهل جهنم چنین خطابی خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۱ - ۸

۸- قیامت روز حسابرسی است .

یوم یقوم الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۳ - ۱،۲

۱- تمامی رفتار و اعمال آدمیان، مورد بازپرسی خداوند در قیامت قرار خواهد گرفت .

لنستلّهم .. عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ

۲- تمامی رفتار و اعمال کافران و تجزیه کنندگان قرآن، مورد بازپرسی خداوند در قیامت قرار خواهد گرفت .

المقتسمین . الذین جعلوا القرآن عِزّاً . فوربک لنستلّهم أجمعین . عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۳ - ۹

۹- > عن النبی قال : الکتب کلّها تحت العرش فإذا کان یوم القیامه بعث الله تبارک و تعالی ریحاً تطیرها بالأیمان و الشمال أول حرفه : > إقرأ کتابک کفی بنفسک الیوم علیک حسیاً < ;

از رسول خدا(ص) روایت شده است که فرمود: تمام نامه ها زیر عرش قرار دارند و آن گاه که روز قیامت فرا رسد، خداوند تبارک و تعالی

بادی را برمی انگیزد تا آنها را به پرواز درآورد و به دستهای چپ و راست مردم برساند و اولین حرف آن کتاب این است:
اقرأ کتابک کفی بنفسک الیوم علیک حسیباً.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۴ - ۲

۲- هر انسانی در قیامت ، با خواندن پرونده اعمال خویش ، خود حسابگر آنها خواهد بود .

اقرأ کتابک کفی بنفسک الیوم علیک حسیباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۹ - ۱۹

۱۹- حساب رسی و سنجش عادلانه اعمال آدمیان در قیامت ، لازمه ربوبیت خدا است .

و وضع الکتب . . . و لایظلم ربک أحدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۵ - ۱۱

۱۱- قیامت ، روز سنجش و محاسبه اعمال است .

فلانقیم لهم یوم القیمه وزناً

از تعبیر موجود در آیه، چنین برمی آید که در قیامت، برای سنجش اعمال آدمیان، معیارها و میزان هایی به کار گرفته می شود، لکن برای برخی، به جهت فقدان هرگونه عمل ارزشمند، هیچ محاسبه و میزانی برقرار نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱ - ۴

۴- حسابرسی ، از رخدادهای مهم قیامت است .

اقترب للناس حسابهم

آغاز شدن سوره با طرح مسأله حسابرسی و بیان آن از میان دیگر رخدادهای قیامت، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۲ - ۳،۶

۳ - وجود معیارها و میزانهای متعدد در قیامت

، برای سنجش اعمال انسان ها

فمن ثقلت موازینہ

<موازن> جمع <میزان> است. به کارگیری جمع، بیانگر این معنا است که هر نوع عمل فرد، دارای میزان مخصوصی می باشد.

۶- > عن أبي عبدالله (ص) (فی قوله تعالی): <فمن ثقلت موازینہ> قال: فمن رحج عمله...؛

از امام صادق (ع) روایت شده است که در معنای قول خدای تعالی <فمن ثقلت موازینہ> فرمود: کسی که عمل او سنگین و با ارزش باشد...<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۶

۶- وجود دادگاه و محاکمه برای انسان ها در قیامت

یوم تشهد علیهم ألسنتهم... بما كانوا یعملون

برداشت یاد شده بر این اساس است که شهادت و گواهی، حاکی از وجود نوعی دادگاه و محاکمه است؛ زیرا بدون دادگاه و محاکمه، شهادت و گواهی بی معنا خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۳ - ۱

۱ خداوند، تمامی اعمال و رفتار مجرمان و منکران معاد را، در روز رستاخیز محاسبه و رسیدگی خواهد کرد.

وقدمنا إلی ما عملوا من عمل فجعلناه هباء منثورًا

فعل <قدمنا> در آیه شریفه طبق نظر مفسران به معنای <قصدنا> <عمدنا> (قصد آهنگ [کاری] کردیم) است و مقصود از آن، پرداختن به حساب اعمال مجرمان حساب اعمال مجرمان و بررسی آنها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۲ - ۲

پاداش در تعلیمات ابراهیم

و الذی أطمع أن یغفرلی خطیئتی یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۳ - ۱۰

۱۰ - مشرکان مکه ، به بازخواست انسان ها از سوی خداوند ، پس از مرگ ، معتقد بودند .

و یوم تقوم الساعه .. و لم یکن لهم من شرکائهم شفعا

نفی شفاعت از معبودان مشرکان، حکایت از اعتقاد آنان به شفاعت می کند و ذکر آن به عنوان یکی از رخدادهای قیامت، این احتمال را تقویت می کند که آنان شفاعت معبودان را برای پس از مرگ خود می خواسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۶ - ۱۵، ۱۲، ۱۰، ۲

۲ - اعتقاد به محاسبه اعمال در عالم آخرت ، مهم ترین اصل عقیدتی پس از عقیده به یک تایی خداوند است .

لا تشرک بالله .. ینبئ انّها ان تک مثقال حبه ... یأت بها الله

۱۰ - حساب رسی خداوند از اعمال انسان ها ، در قیامت ، نیاز به شاهد ندارد .

انّها ان تک مثقال حبه .. یأت بها الله

از این که به جای <یعلمها الله> فرموده است <یأت بها الله> استفاده می شود که خداوند، خود ناظر بر اعمال بوده و براساس آن، حکم خواهد کرد و نیازی به گواه ندارد. فعل مضارع <یأت> هم می تواند به وقوع چنین عملی در آینده که همان قیامت است دلالت داشته باشد.

۱۲ - توجه به محاسبه دقیق اعمال در آخرت ، در گرایش انسان به صلاح ، نقش سازنده ای دارد .

ینبئ انّها ان تک مثقال حبه

... یأت بها الله

۱۵ - علم دقیق و آگاهی عمیق خداوند به امور ، پشتوانه قدرت او برگردآوری اعمال انسان و بروز دادن آن در روز حساب

إن تک مثقال حبه .. یأت بها الله إن الله لطیف خبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۳ - ۱۷

۱۷ - کیفر و داوری خدا ، در روز قیامت ، متکی به علم خویش به نیت و مقاصد محاکمه شوندگان است .

فنتبئهم بما عملوا إن الله علیم بذات الصدور

<إن الله علیم..> به منزله تعلیل است برای مفاد <نتبئهم...> که مجازات است و حکایت از نکته یاد شده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۳ - ۳

۳ - انسان ها در قیامت ، مورد مجازات و پاداش الهی قرار خواهند گرفت .

أءنا لمدينون

<دین> (مصدر <مدینون>) به معنای جزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۶ - ۳

۳ - قیامت ، روز حسابرسی از بندگان

یوم الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۲۴،۲۵

۲۴ - قیامت ، روز حسابرسی از بندگان

بما نسوا يوم الحساب

۲۵ - حسابرسی از بندگان ، مهم ترین ویژگی قیامت است .

يوم الحساب

از نام گذاری قیامت به روز حساب، برداشت یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۷ - ۶

۶ - حق مدار و هدفمند بودن آفرینش جهان ، مستلزم برپایی قیامت و وجود حسابرسی برای

بندگان است .

بما نسوا يوم الحساب . و ما خلقنا السماء و الأرض و ما بينهما بطلاً

ذکر حق مدار و هدفمند بودن جهان، پس از طرح مسأله حسابرسی قیامت، می تواند بیانگر چنین ارتباطی میان آن دو مسأله باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۸ - ۱

۱ - هدفمند بودن آفرینش جهان ، مقتضی برپایی قیامت به منظور کیفر بندگان و یا پاداش به آنان

و ما خلقنا السماء .. بطلاً... أم نجعل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

یادآوری برابر نبودن سرنوشت مؤمنان با مفسدان، پس از طرح مسأله بی هدف نبودن آفرینش جهان، می رساند که اگر مؤمنان و مفسدان یکسان باشند، لازم می آید که جهان آفرینش بی هدف باشد و چون جهان آفرینش هدفمند است، پس باید سرنوشت این دو گروه یکسان نباشد. و از آن جایی که در دنیا یکسان زندگی می کنند، پس باید جهان دیگری (رستاخیز) باشد که با آنان برخورد متفاوت و متناسب شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۳ - ۴

۴ - قیامت ، روز حسابرسی اعمال و پاداش و جزا

هذا ما توعدون لیوم الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۱۹

۱۹ - حسابرسی اعمال بندگان از سوی خداوند در قیامت ، متکی به علم همه جانبه او است .

فیتبئکم بما کنتم تعملون إنه علیم بذات الصدور

برداشت بالا از آن جا است که جمله <إنه علیم بذات الصدور> تعلیل برای جمله <فیتبئکم بما کنتم تعملون> است / یعنی، چون خداوند به

باطن افراد آگاه است، پس می تواند آنان را به کردارشان آگاه سازد و به حسابرسی آنان پردازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۸ - ۱۰

۱۰ - تمامی موجودات آسمان ها و زمین ، پس از به پاخاستن با دومین نفخ صور ، در انتظار سرنوشت خود به سر خواهند برد

ثم نفخ فيه اُخرى فإذا هم قيام ينظرون

<نظر> (مصدر <ينظرون>) هم به معنای انتظار است و هم به معنای نظر متحیرانه و بهت آمیز. برداشت یاد شده مبتنی بر معنای نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۷ - ۷

۷ - خداوند ، حسابرسی اعمال بندگان را در قیامت با سرعت انجام خواهد داد .

اليوم تجزي كل نفس بما كسبت .. ان الله سريع الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۷ - ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۸، ۷

۷ - فرعون فردی متکبر و منکر قیامت و روز حساب بود .

كل متكبر لا يؤمن بيوم الحساب

۸ - مخالفان رسالت موسی (ع) (فرعونیان) ، گروهی متکبر و منکر قیامت و روز حساب بودند .

كل متكبر لا يؤمن بيوم الحساب

۱۰ - تکبر در برابر سخن حق و باور نداشتن به روز حساب ، از زمینه های فسادگری و کشتار افراد بی گناه در جامعه

كل متكبر لا يؤمن بيوم الحساب

توصیف فرعون فاسد و سفاک به متکبر و منکر روز حساب، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

۱۱ - اعتقاد به روز حساب ، از اصول دعوت موسی (ع)

لايؤمن بيوم الحساب

۱۲ - قيامت

، روز حسابرسی اعمال بندگان

لا يؤمن يوم الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۴ - ۹

۹ - قیامت ، عرصه بازخواست و حسابرسی

و سوف تسئلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۰ - ۲

۲- قیامت ، روز داوری و حلّ و فصل نهایی امور و کشف حقیقت برای همگان

و لكنّ اكثرهم لا يعلمون . إنّ يوم الفصل ميقتهم أجمعين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۱ - ۳

۳ - بسیج تمامی امکانات هستی در نشأه آخرت ، برای حسابرسی نهایی خلق

سنفرغ لكم أیه الثقلان

نسبت داده شدن <فراغ> به خداوند با ضمیر متکلم مع الغیر می تواند کنایه از این باشد که او تمامی اسباب و عوامل را در جهت رسیدگی به حساب خلق، در قیامت قرار می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۹ - ۸

۸ - قیامت ، روز فراهم آمدن انسان ها برای محاکمه و کیفر و پاداش

و اتّقوا الله الذی إلیه تحشرون

<حشر> (مصدر <تحشرون>) به معنای جمع کردن و فراهم آوردن است. فراهم آمدن مردم در قیامت، برای محاکمه و تعیین کیفر و پاداش برای آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۷ - ۵

۵ - تمامی رفتارها و کرده‌های انسان‌ها در قیامت، مورد حسابرسی دقیق قرار خواهد گرفت.

ثُمَّ لَتَبْتُنَّ بِمَا عَمَلْتُمْ

کلمه <ما> (آنچه) افاده عموم می‌کند. با خیر کردن انسان‌ها از

تمامی کرده های خویش در قیامت، اشاره به حسابرسی و کیفر و پاداش دادن به آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۹ - ۲، ۱

۱ - خداوند ، همه انسان ها را برای حسابرسی در روز قیامت گرد می آورد .

یوم یجمعکم

۲ - قیامت و گرد آمدن انسان ها در آن روز ، برای محاکمه و مجازات ، شایان یاد و یادآوری

یوم یجمعکم

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <یوم> متعلق به فعل مقدر <اذکر> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۸ - ۲

۲ - قیامت ، روز حساب رسی و عرضه شدن نيات ، انگیزه ها ، افکار و رفتار انسان ها به محکمه عدل الهی

یومئذ تعرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۶ - ۲

۲ - قیامت ، روز جزا و حسابرسی است .

بیوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۸ - ۶، ۴

۴ - قیامت ، روز حسابرسی اعمال انسان ها و پرسش از رفتار آنان با یکدیگر

و إذا الموءودة سئلت

۶ - حسابرسی قاتل در قیامت ، بر دادخواهی مقتول توقف ندارد .

و إذا الموءودة سئلت

مجهول آوردن <سئلت>، حاکی از این است که فرد یا افرادی غیر از مقتول، پی گیر محاکمه قاتل خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۷ - ۳

۳ - حاکمیت نظمی خاص ، بر حسابرسی اعمال در قیامت

أوتی کتبه بیمینه

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۹ - ۱

۱ - تمام اسرار و اعمال کتمان شده ، در قیامت ارزیابی گشته ، و مورد سنجش و شناسایی قرار خواهد گرفت .

یوم تبلی السرائر

<سرائر> جمع <سریره> (آنچه کتمان شود) است (قاموس) و چون با حرف <ال> همراه است، بر عموم دلالت دارد. <ابلاء> (مصدر <تبلی>) به معنای امتحان کردن است (مصباح). مراد از آزمودن سرائر، سنجش و محاسبه آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱۰ - ۳

۳ - قیامت ، روز حسابرسی نیت ها ، خصلت ها و اسرار درونی است .

و حصّل ما فی الصدور

تهدید به ظهور اسرار درونی در قیامت، کنایه از تأثیر آنها در فرجام اخروی است. بنابراین انسان ها، براساس رازهای سینه خود نیز، محاسبه و کیفر خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۱

۱ - قیامت ، زمان حسابرسی از نعمت ها است .

ثمّ لتسئلنّ یومئذ عن النعیم

<نعیم>، به معنای نعمت فراوان است. (مفردات)

حسابرسی دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۰ - ۱۱

۱۱ حسابرسی و مجازات کفرپیشگان و منکران رسالت در دنیا

و علینا الحساب

از آن جا که مقصود از تهدیدهای اشاره شده در این آیه عذابهای دنیوی است ، معلوم می شود مراد از حساب در جمله <علینا الحساب> نیز حسابرسی در دنیا است.

حسابرسی دنیوی مکذبان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۰ -

۱۱ حسابرسی و مجازات کفرپیشگان و منکران رسالت در دنیا

و علینا الحساب

از آن جا که مقصود از تهدیدهای اشاره شده در این آیه عذابهای دنیوی است ، معلوم می شود مراد از حساب در جمله <علینا الحساب> نیز حسابرسی در دنیا است.

حسابرسی راز انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱۰ - ۳

۳ - قیامت ، روز حسابرسی نیت ها ، خصلت ها و اسرار درونی است .

و حصّل ما فی الصدور

تهدید به ظهور اسرار درونی در قیامت، کنایه از تأثیر آنها در فرجام اخروی است. بنابراین انسان ها، براساس رازهای سینه خود نیز، محاسبه و کیفر خواهند شد.

حسابرسی سخت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۸ - ۶

۶ - سربچی از فرمان های خدا و پیامبران ، در پی دارنده محاسبه سخت الهی و عذاب ناخوشایند و ناشناخته (عذاب استیصال)

عتت عن أمر ربّها و رسله فحاسبنها حسابًا شديدًا و عذبنها عذابًا نکرًا

حسابرسی سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۸ - ۲

۲ سخنان آدمی ، همانند سایر اعمال او ، مسؤولیت آفرین و مورد محاسبه

ما یلفظ من قول إلا لدیه رقیب عتید

در آیه قبل، مسأله محاسبه و ضبط اعمال به صورت مطلق مطرح گردیده است و اکنون در این آیه، ضبط و محاسبه گفتار، به انسان یادآوری شده است.

حسابرسی شیعیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۶ - ۶

۶ - > عن قَبِيصَةَ بنِ يَزِيدِ الْجُعْفِيِّ قَالَ :

دخلت علی الصادق جعفر بن محمد (ع) ... قلت ... أسألك عن قول الله تعالى < إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ . ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ > قال : نعم يا قبيصه إذا كان يوم القيامة جعل الله حساب شيعتنا علينا فما كان بينهم وبين الله استوهبه محمد (ص) من الله و ما كان فيما بينهم وبين الناس من المظالم أذاه محمد (ص) عنهم و ما كان فيما بيننا وبينهم وهبناه لهم حتى يدخلون الجنة بغير حساب ;

قبيصه بن يزيد جعفی روایت کرده که خدمت امام صادق(ع) رسیدم و گفتم: از شما درباره سخن خدای تعالی <إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ . ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ> سؤال دارم امام فرمود: آری ای قبیصه! زمانی که قیامت برپا شود، خداوند حساب شیعیان ما را به ما واگذار می کند. پس هر چه [از خطا و گناه] که بین آنان و خدا باشد، [حضرت] محمد(ص) از خداوند بخشش آن را طلب می کند و آنچه از مظلوم و حقوق که بین آنان و مردم باشد، آن را نیز [حضرت] محمد(ص) پرداخت می کند و آنچه [از حقوق] بین ما و آنان باشد، ما به آنان می بخشاییم؛ تا این که بدون حساب وارد بهشت شوند.

حسابرسی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۰ - ۳

۳ - شمول رحمت و حمایت خداوند ، نسبت به اهل ایمان و عمل صالح ، پس از حسابرسی آنان

كُلُّ أُمَّه تَدْعِي إِلَى كِتَابِهَا .. فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ ف

حسابرسی طراح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۹

۹ - تهدید شدن سازندگان < افك > به محاکمه ای سخت در قیامت و آشکار شدن توطئه های پنهانی آنان با شهادت غیر قابل انکار اعضا و جوارح خود آنها

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ... يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنُهُمْ... بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

برداشت یاد شده، بر این اساس است که این آیه از جمله آیات مربوط به ماجرای < افك > باشد.

حسابرسی عصیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۸ - ۶

۶ - سرپیچی از فرمان های خدا و پیامبران ، در پی دارنده محاسبه سخت الهی و عذاب ناخوشایند و ناشناخته (عذاب استیصال)

عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرَسُولِهَا فَحَاسِبْنَهَا حَسَابًا شَدِيدًا وَعَذِّبْنَهَا عَذَابًا نَكْرًا

حسابرسی عقیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۷ - ۵

۵ - اعمال و باور های مشرکان ، دارای کیفر و حسابی معلوم و قطعی در نزد پروردگار

وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ... فَإِنَّمَا حَسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ

حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۱۱

۱۱ - عدل الهی ، در رسیدگی به اعمال انسان ها و پاداش دهی به ایشان

لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۲ - ۷

۷ محاسبه اعمال تمامی بندگان توسط خداوند ، یکباره انجام می گیرد .

والله سریع الحساب

امیرالمؤمنین (ع): .. .

معناه انه يحاسب الخلق دفعه كما يرزقهم دفعه

مجمع البيان، ج ۲، ص ۵۳۱؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۰۰، ح ۷۳۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۱۰

۱۰ ارزیابی دقیق اعمال از سوی خداوند

اَنى لا اضيع عمل عامل منكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۲۶

۲۶ نظام اجر و پاداش الهی، قانونمند و دارای محاسبات دقیق و سریع

ان الله سريع الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶ - ۱۶

۱۶ کفایت خداوند در حسابرسی اعمال

و كفى بالله حسيبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۶ - ۸

۸ هر عملی از انسان مورد حسابرسی خداوند قرار می گیرد.

ان الله كان على كل شيء حسيبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ قیامت ، روز حسابرسی اعمال از سوی خداوند

انّ الله كان على كلّ شيء حسيبا .. ليجمعنكم الى يوم القيمة

۶ یگانگی خداوند ، مقتضی برپایی قیامت و حسابرسی اعمال *

انّ الله كان على كلّ شيء حسيبا. الله لا اله الا هو ليجمعنكم الى يوم القيمة

توصیف خداوند به یگانگی و آنگاه بیان برپایی قیامت از سوی او، می تواند اشاره به این معنا باشد که یگانگی خداوند دلیل برپایی قیامت از سوی اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

تهدید مستکبران و امتناع کنندگان از بندگی خداوند به احضار در پیشگاه خداوند برای حسابرسی و مجازات

و من يستنكف عن عبادته ويستكبر فسيحشرهم إليه جميعاً

جمله <فسيحشرهم> کنایه از حسابرسی و مجازات مستکبران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۹ - ۴

۴ قیامت، عرصه پرسش از عملکرد آدمیان

یوم یجمع الله الرسل فيقول ماذا اجبتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۲ - ۱۴

۱۴ محاسبه اعمال و برآورد تأثیر حضور و یا عدم حضور مؤمنان فقیر و ضعیف در کنار پیامبر(ص)، در محدوده وظایف آن حضرت نیست.

و لا تطرد الذين يدعون ربهم بالغدوة .. ما عليك من حسابهم من شيء

مرجع ضمیر در <من حسابهم> موصول در صدر آیه و مراد از آن همان مؤمنان فقیرند. و <من> بنابر گفته اهل ادب، زاید و مفید استغراق است. یعنی حساب هیچ عمل و کاری از آنان با تو نیست، که از جمله آنها برآورد نقش حضور و یا عدم حضور آنان در نزد پیامبر(ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۱ - ۲

۲ خوابانیدن و بیدار کردن تا زمان اجل و سپس بازگشت به خداوند و محاسبه اعمال، نشانه تسلط خداوند بر امور بندگان است.

هو الذی یتوفکم باللیل .. و هو القاهر فوق عباده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٣ > عن أبي عبد الله (ع) في قوله : > و يخافون سوء

الحساب < قال : الإستقصاء والمدافه و قال : يحسب عليهم السيئات و لا يحسب لهم الحسنات ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدا: <و يخافون سوء الحساب> روایت شده است که فرمود: [سوء الحساب] حسابرسی دقیق و دقت در بررسی اعمال است و [همچنین] فرمود: کارهای بد آنان علیه ایشان محاسبه می شود و کارهای نیکشان به سود آنان به حساب نمی آید.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۱ - ۹

۹ خداوند ، اعمال و رفتار آدمیان را محاسبه می کند و بر اساس آن ، ایشان را سزا می دهد .

و هو سريع الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۵۱ - ۱۳

۱۳- رفتار آدمی به مجرد صدور آن در دنیا ، بدون تأخیر مورد حسابرسی دقیق خداوند قرار می گیرد .

ليجزى الله كل نفس ما كسبت إن الله سريع الحساب

برداشت فوق مبتنی بر این است که مقصود از <سريع الحساب> بودن خداوند حسابرسی اعمال در همین دنیا باشد و این محاسبه تا روز قیامت به تأخیر نمی افتد؛ بلکه همزمان با صدور اعمال از بندگان محاسبه و ثبت خواهد گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۴ - ۲

۲- هر انسانی در قیامت ، با خواندن پرونده اعمال خویش ، خود حسابگر آنها خواهد بود .

اقرأ كتبك كفى بنفسك اليوم عليك حسيباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۷ - ۵

۵ - اعمال و باور های مشرکان ، دارای کیفر و حسابی

معلوم و قطعی در نزد پروردگار

و من یدع مع الله .. فإتما حسابه عند ربّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۳ - ۱

۱ خداوند ، تمامی اعمال و رفتار مجرمان و منکران معاد را ، در روز رستاخیز محاسبه و رسیدگی خواهد کرد .

و قدمنا إلی ما عملوا من عمل فجعلنه هباء منثورًا

فعل <قدمنا> در آیه شریفه طبق نظر مفسران به معنای <قصدنا> <عمدنا> (قصد آهنگ [کاری] کردیم) است و مقصود از آن، پرداختن به حساب اعمال مجرمان حساب اعمال مجرمان و بررسی آنها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۳ - ۱،۶

۱ - محاسبه اعمال گذشته و نهانی گروندگان به دین ، برعهده خدا است ، نه پیامبران .

و ما علمی بما کانوا یعملون . إن حسابهم إلیّ علی ربّی

۶ - ربوبیت خداوند ، مقتضی حساب رسی از اعمال بندگان است .

إن حسابهم إلیّ علی ربّی لو تشعرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۸ - ۱۴

۱۴ - اعمال دنیوی انسان ها ، مورد حساب رسی خداوند قرار خواهد گرفت .

إلیّ مرجعکم فأتبئکم بما کنتم تعملون

آگاه کردن خداوند، انسان ها را، از اعمال دنیوی شان، کنایه از مؤاخذه و حساب رسی است و صرف اطلاع رسانی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - انسان ها ، پس از مرگ ، در پیشگاه خداوند درباره اعمال دنیوی شان ، مؤاخذه خواهند شد

إِلَىٰ مَرْجِعِكُمْ فَأَتَّبْتُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۶ - ۸،۱۶

۸ - اعمال انسان ها ، چه خوب و چه بد ، باقی می ماند و روزی ، محاسبه می شود .

فتکن فی صخره ... یأت بها الله

۱۶ - خداوند ، حساب رسی اعمال انسان ها را با دقت انجام می دهد .

یأت بها الله إِنَّ اللهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۵ - ۱،۹

۱ - پیامبر (ص) مأمور ابلاغ پیام خداوند به مشرکان ، درباره بازخواست نشدن هرکسی از عمل دیگری

قُلْ لَا تَسْئَلُونَ عَمَّا أُجْرِمْنَا وَلَا نَسْئَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ

۹ - انسان ها در قیامت ، درباره عملشان مورد مؤاخذه و پرسش قرار خواهند گرفت .

قُلْ لَا تَسْئَلُونَ عَمَّا أُجْرِمْنَا وَلَا نَسْئَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۵ - ۴

۴ - رسیدگی نهایی به کار مردمان و تعیین کیفر و پاداش برای آنان ، از شؤون خداوند

و إِلَىٰ الله تَرْجَعُ الْأُمُورُ

در صورتی که مراد از <الأمور> کارهای مربوط به انسان ها باشد؛ آیه شریفه به فلسفه قیامت و حضور مردم در پیشگاه خداوند، جهت محاسبه اعمال و مشخص شدن فرجام نهایی شان اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۸ - ۶

۶ - محاسبه اعمال و مراقبت بر آن ، لازمه تقوا است .

اتَّقُوا اللَّهَ وَ لَتَنْظُرَ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللَّهَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۸ - ۴

۴ - قیامت ، روز حسابرسی اعمال انسان ها و پرسش از رفتار آنان با یکدیگر

و إذا الموءودة سئلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۹ - ۵

۵ - حسابرسی نهان کاری های انسان و چشیدن کیفر آن ، از اهداف معاد است .

إنه علی رجعه لقادر . یوم تبلی السرائر

<یوم> ظرف برای <رجعه> و بیانگر آن است که ارجاع دوباره انسان، روزی به وقوع خواهد پیوست که از مشخصات آن، محاسبه اعمال پنهانی و نیت های انسان برای تشخیص میزان کیفر او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۷ - ۷

۷ - کمک های مالی به مردم هر چه باشد از دید خداوند مخفی نمانده و محاسبه خواهد شد .

يقول أهلکت مالاَ لبدأ . أیحسب أن لم یره أحد

در برداشت یاد شده، مفروض این است که گوینده <أهلکت ..> اهل انفاق بوده و ولی بر تعبیر <أهلکت> توییخ شده است. به این بیان که انفاق گران، نباید مال خود را تلف شده بدانند زیرا انفاق ها از نظر خداوند مخفی نمی ماند. البته این افراد نباید به همین مقدار اکتفا کنند بلکه برای قرار گرفتن در زمره <أصحاب المیمنه> باید به عقبه هایی گام نهند که آیات بعد گویای آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۶ - ۷

۷ - مواجه شدن انسان ها با کردار خود و پاداش یا کیفر آن ، پس از بازگشت آنان از

حسابرسی است .

يصدر الناس أشتاتاً ليروا أعملهم

حسابرسی عمل انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۶ - ۴

۴ - تمامی انسان ها در قیامت ، با حساب رسی اعمال خویش روبه رو خواهند شد .

و لم أدر ما حسابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۴ - ۲

۲ - افکار و کردار انسان ها ، محفوظ مانده و محاسبه خواهد شد .

إن كل نفس لهما عليها حافظ

خبر از حفاظت و مراقبت بر انسان ها، هشدار می دهد، فانی گشته و پیامدی نخواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۹ - ۱

۱ - تمام اسرار و اعمال کتمان شده ، در قیامت ارزیابی گشته ، و مورد سنجش و شناسایی قرار خواهد گرفت .

يوم تبلى السرائر

<سرائر> جمع <سریره> (آنچه کتمان شود) است (قاموس) و چون با حرف <ال> همراه است، بر عموم دلالت دارد.
<ابلاء> (مصدر <تبلی>) به معنای امتحان کردن است (مصباح). مراد از آزمودن سرائر، سنجش و محاسبه آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۶ - ۴،۵

۴ - حسابرسی اعمال ، از اهداف احضار همگان در پیشگاه خداوند است .

إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ . ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ

۵ - وجود کارگزارانی چند ، برای حسابرسی اعمال مردم در قیامت

ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ

برداشت یاد شده، از ضمیر <نا> استفاده شده است.

حسابرسی عمل در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۲ - ۳

۳ - وجود جهنم ، پیش از حسابرسی کردار ها در قیامت

و إذا الجحیم سعرت

برافروختن جهنم در قیامت، حاکی از وجود اصل آن پیش از قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۳ - ۲

۲ - وجود بهشت ، پیش از حسابرسی کردار ها در قیامت

و إذا الجنة أزلفت

حسابرسی عمل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۶ - ۳

۳ - حساب و نتیجه اعمال کافران دوزخی ، در نامه اعمالشان درج شده و روشن است .

و لم أدر ما حسابیه

حسابرسی عمل محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۲ - ۱۶

۱۶ مؤمنان وظیفه دار محاسبه اعمال و برخوردهای پیامبر با دیگران نیستند.

و ما من حسابک علیهم من شیء

حسابرسی قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۸ - ۶

۶ - حسابرسی قاتل در قیامت ، بر دادخواهی مقتول توقف ندارد .

و إذا الموءودة سئلت

مجهول آوردن <سئلت>، حاکی از این است که فرد یا افرادی غیر از مقتول، پی گیر محاکمه قاتل خواهند شد.

حسابرسی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۴ - ۸

۸- خداوند ، پرونده کردار کافران و مشرکان را مورد حسابرسی دقیق قرار خواهد داد .

إِنَّمَا نَعَدُّ لَهُمْ عَدًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۱

۱ - کافران

پس از حسابرسی اعمالشان ، دسته دسته و گروه گروه به دوزخ رانده خواهند شد .

و وضع الکتب . . . و وقیت کلّ نفس ما عملت ... و سیق الذین کفروا إلی جهنّم زمراً

<زمره> (مفرد <زمر>) به معنای گروه و دسته است که به دنبال گروه و دسته ای دیگر باشند. بنابراین پیام آیه شریفه این می شود که کافران به چند دسته تقسیم شده؛ آن گاه دسته دسته به دنبال هم وارد دوزخ خواهند شد.

حسابرسی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۱ - ۱

۱ - گنه کاران ، دارای حسابی مجزاً از مؤمنان نیک کردار ، در پیشگاه الهی

أم حسب الذین . . . کالذین ءامنوا

حسابرسی مجرمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۹ - ۵

۵ - رفتار اصحاب اخذود با مؤمنان و کردار تمام مجرمان ، از خداوند مخفی نبوده و حسابرسی خواهد شد .

و الله علی کلّ شیء شهید

بیان گواه بودن و آگاهی خداوند، تهدید مجرمان به رسیدگی به کردارشان است.

حسابرسی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۵ - ۳، ۲

۲ - مشرکان ، هیچ گاه درباره کردار پیامبر و مؤمنان ، مورد مؤاخذه قرار نمی گیرند .

قل لاتستلون عماً أجرنا

۳- پیامبر (ص) و مؤمنان، از کردار مشرکان بازخواست نمی شوند.

و لانسئل عمّا تعملون

حسابرسی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۴ - ۸

۸- خداوند، پرونده کردار کافران و مشرکان

را مورد حسابرسی دقیق قرار خواهد داد .

إِنَّمَا نَعَدُّ لَهُمْ عَدًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۵ - ۳، ۲

۲ - مشرکان ، هیچ گاه درباره کردار پیامبر و مؤمنان ، مورد مؤاخذه قرار نمی گیرند .

قُلْ لَا تَسْئَلُونَنَا عَمَّا أُجْرِمْنَا

۳ - پیامبر (ص) و مؤمنان ، از کردار مشرکان بازخواست نمی شوند .

وَلَا نَسْئَلُكُمْ عَمَّا تَعْمَلُونَ

حسابرسی مکذبان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۶ - ۳

۳ - روی گردانان از رهنمود های پیامبر (ص) و کافران به آن ، در قیامت مورد حسابرسی و مؤاخذه قرار خواهند گرفت .

إِلَّا مَنْ تَوَلَّىٰ وَ كَفَرَ . . . ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ

حسابرسی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۳ - ۱

۱ خداوند ، تمامی اعمال و رفتار مجرمان و منکران معاد را ، در روز رستاخیز محاسبه و رسیدگی خواهد کرد .

وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنثُورًا

فعل <قدمنا> در آیه شریفه طبق نظر مفسران به معنای <قصدنا> <عمدنا> (قصد آهنگ [کاری] کردیم) است و مقصود از آن، پرداختن به حساب اعمال مجرمان و بررسی آنها می باشد.

حسابرسی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۵ - ۲،۳

۲ - مشرکان ، هیچ گاه درباره کردار پیامبر و مؤمنان ، مورد مؤاخذه قرار نمی گیرند .

قل لاتستلون عما أجرنا

۳ - پیامبر (ص) و مؤمنان ، از

کردار مشرکان بازخواست نمی شوند .

و لانسئل عمّا تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۱ - ۱

۱ - گنه کاران ، دارای حسابی مجزّا از مؤمنان نیک کردار ، در پیشگاه الهی

أم حسب الذین .. کالذین ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۰ - ۳

۳ - شمول رحمت و حمایت خداوند ، نسبت به اهل ایمان و عمل صالح ، پس از حسابرسی آنان

کلّ أمّه تدعی إلی کتبها .. فأما الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فیدخلهم ربّهم ف

حسابرسی نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۷

۷ - حسابرسی از نعمت ها ، مرحله ای پس از مشاهده دوزخ و یقین به آن است .

ثمّ لترونها .. ثمّ لتستلنّ

حسابرسی نیات در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱۰ - ۳

۳ - قیامت ، روز حسابرسی نیت ها ، خصلت ها و اسرار درونی است .

و حصّل ما فی الصدور

تهدید به ظهور اسرار درونی در قیامت، کنایه از تأثیر آنها در فرجام اخروی است. بنابراین انسان ها، براساس رازهای سینه خود نیز، محاسبه و کیفر خواهند شد.

حقانیت حسابرسی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۸ - ۷

۷ سنجش اعمال در قیامت، حق و بر اساس عدل است.

و الوزن یومئذ الحق

برداشت فوق بر این اساس است که <الوزن> به معنای مصدری، یعنی سنجیدن باشد و

<الحق> صفت برای خبر محذوف، که تقدیر آن چنین می شود: <الوزن یومئذ الوزن الحق>. یعنی: سنجیدن در آن روز، سنجشی حق و بر اساس عدل است.

دقت حسابرسی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۷ - ۱۰

۱۰- تمامی اعمال آدمیان حتی خردترین و سبک ترین آنها مورد حسابرسی، بازخواست و جزای الهی قرار خواهد گرفت .

و إن كان مثقال حبه من خردل أتينا بها و كفى بنا حسبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۶ - ۱۶

۱۶ - خداوند، حساب رسی اعمال انسان ها را با دقت انجام می دهد .

يأت بها الله إنَّ الله لطيف خبير

دقت در حسابرسی اخروی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱۱ - ۷

۷ - علم خداوند، پشتوانه دقت در حسابرسی و مجازات انسان ها در قیامت است .

إنَّ رَبَّهُم بِهِم يَوْمئذٍ لخبير

دقت در حسابرسی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۸ - ۱۱

۱۱ - اتقان و استواری صنع خدا، نشانگر برخورد دقیق و بی تسامح او در سنجش کردار آدمیان

صنع الله الذي أتقن كل شيء إنه خبير بما تفعلون

از ارتباط <صنع الله..> با <إنه خبير...> می توان استفاده کرد که خداوند، هم چنان که در امر تکوین هیچ ضرورتی را فروگذار نکرده است، در بررسی کردار آدمیان نیز از هیچ نکته ای غافل و فروگذار نیست.

دقت در حسابرسی عمل

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۸ - ۷

۷ - > عن أبي الجارود عن أبي جعفر (ع) قال: قال رسول الله (ص) كل محاسب معذب فقال له قائل: يا رسول الله فأين قول الله عزوجل > فسوف يحاسب حساباً يسيراً < قال: ذلك العزض يعني التصفح ;

ابی جارود از امام باقر(ع) روایت نموده که حضرت فرمود: رسول خدا(ص) فرمودند: هر کس محاسبه شود، در عذاب خواهد بود. شخصی به رسول خدا(ص) گفت: پس کلام خدای عزوجل که فرموده: >فسوف يحاسب حساباً يسيراً< چه می شود؟ حضرت فرمود: آن محاسبه [که گفتم] عرضه شدن [تمام اعمال] است [امام باقر(ع) فرمود:]مقصود پیامبر(ص) بررسی دقیق[اعمال] است <.

دلایل حسابرسی اخروی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۶ - ۲

۲ - برنامه و حساب دقیق حاکم بر هستی ، خود دلیل ضرورت قیامت و محاسبه نهایی کردار آدمیان *

والذريت .. و إنّ الدين لواقع

از مناسبت میان مقسم به و جواب قسم، استفاده می شود: همان طور که تمام مظاهر طبیعت به گونه ای حساب شده در ارتباط باهم قرار دارند و هدفی را دنبال می کنند، به طریق اولی حیات انسان بی فرجام نیست و بدون حساب پایان نمی پذیرد.

ذکر حتمیت حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۳

۳ - توجه به حتمی بودن حسابرسی اعمال ، زمینه ساز شناخت پروردگار و بازدارنده خلق از کفر و تکذیب

سنفرغ لکم .. فبأی

برداشت یاد شده از آن جا است که خداوند، برای دور ساختن خلق از کفر و تکذیب حق، حتمی بودن حسابرسی اعمال را یادآور شده است.

روزی بی حسابرسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۸ - ۱۵

۱۵ - مردان الهی ، از روزی و فضل بدون حسابرسی خداوند برخورداراند .

رجال لاتلهيهم تجره ولابيع عن ذكر الله .. و الله يرزق من يشاء بغير حساب

معنای <بغیر حساب> به قرینه <و یزیدهم من فضله> می تواند بدون حسابرسی باشد؛ زیرا اعطای مازاد بر استحقاق (من فضله) دلیل بر این است که حسابرسی در کار نیست، وگرنه می بایست تنها به مقدار استحقاق شخص، پاداش داده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۲۳

۲۳ - > عن أمير المؤمنين (ع) : ... قال الله عزوجلّ ... إنّما يوفى الصابرون أجرهم بغير حساب ، فما أعطاهم الله في الدنيا لم يحاسبهم به في الآخرة ... ;

از امام علی (ع) روایت شده: ..خدای عزوجلّ فرمود: <إنّما يوفى الصابرون أجرهم بغير حساب> آنچه را خدا در دنیا به صابران داده است، در قیامت حساب آن را از آنان نمی خواهد.

زمان حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۸ - ۲

۲ - مرحله حسابرسی در قیامت ، مرحله ای پس از دریافت نامه های اعمال است .

فسوف يحاسب حسابًا يسيرًا

>سوف<، برای وعده دادن به کار می رود (مصباح) و دلالت بر

تأخیر دارد. (مقایس اللغه)

زمینه حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۸

۸ - رحمانیت خداوند ، مقتضی برپا کردن قیامت و حساب رسی از بندگان است .

هذا ما وعد الرحمن

برداشت یاد شده از یاد کردن خدا به صفت و نام <رحمان> از میان دیگر اوصاف و نام های الهی به دست می آید.

زمینه حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۳ - ۴

۴- ربوبیت الهی ، مقتضی بازپرسی و کیفر و پاداش دادن در برابر اعمال و رفتار آدمی است .

فوربک لسنلنهم أجمعین . عمّا كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۷ - ۷

۷ - ربوبیت خدا ، مقتضی حسابرسی اعمال و کیفر کافران

فإنما حسابہ عند ربّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۸ - ۱۶

۱۶ - رخداد های جهان بر اثر نفخ صور ، زمینه ساز برپایی قیامت و حسابرسی آدمیان ، براساس علم دقیق خداوند به اعمال

آنان

و يوم ينفخ في الصور.. و ترى الجبال... إنّه خبير بما تفعلون

برداشت یاد شده بنابراین فرض است که <ترى الجبال..> ادامه <يوم ينفخ في الصور...> و بیانگر حوادث جهان در پی دمیده شدن در صور باشد. بنابراین جمله پایانی آیه (إنّه خبير بما تفعلون) می رساند که قیامت، برای حسابرسی است و این کار متکی به علم دقیق الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - محاسبه اعمال و مراقبت بر کردار ، هم ریشه در تقوا دارد و هم روحیه تقوا را رشد داده ، شکوفا می سازد .

و لتنظر نفس .. و اتقوا الله

از قرار گرفتن عبارت < و لتنظر .. > در میان دو < اتقوا الله > ، استفاده می شود که محاسبه نفس از یک سو ، متکی به تقوا است و از سوی دیگر عامل شکوفایی و تکامل آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۰ - ۵

۵ - ربوبیت الهی ، مقتضی برپایی قیامت و حسابرسی اعمال

إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۶ - ۲

۲ - زلزله زمین ، از مقدمات حشر مردم و حسابرسی اعمال آنان در قیامت است .

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ .. یَوْمَئِذٍ یَصْدُرُ النَّاسُ

زیادی حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۶ - ۶

۶ - < قال علی (ع) ... و معنی قوله < فمن ثقلت موازینه > و < من خفت موازینه > فهو قله الحساب و کثرته ;

علی (ع) فرمود: معنای سخن خداوند < فمن ثقلت موازینه > و < من خفت موازینه > ، پس آن [سنگینی و سبکی، به معنای [کمی و زیادی [مدت] حسابرسی است < .

سختی حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴- یک عمر لذت جویی و هوس رانی ، پوچ و بی ارزش در قبال لحظه پاسخ گویی و

كأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرُونَ مَا يوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنْ نَّهَارٍ

<یوم یرون مایوعدون> همان قیامت و روز کیفر است که با دیدنش روزگار دراز کامروایی کافران، لحظه ای از روز می نماید.

سختی حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۱ - ۴

۴ - محاسبه و رسیدگی به اعمال کسانی که نامه عمل خود را از پشت سر دریافت کرده اند، سخت و اندوه بار خواهد بود.

حَسَابًا يَسِيرًا .. مَسْرُورًا ... فَسُوفَ يَدْعُوا ثُبُورًا

برداشت یاد شده، از مقابله دو گروه استفاده شده است. از آنجا که گروه اول حسابی آسان داشته و شادمان خواهند شد، دانسته می شود که برای گروه دوم، جز سختی حساب و غمگین شدن نخواهد بود.

سختی حسابرسی عمل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۶ - ۲

۲ - حسابرسی اعمال در قیامت برای کافران، از حضور در پیشگاه خداوند دشوارتر است.

ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ

حرف <ثم>، بر تراخی رتبی دلالت دارد و بیانگر آن است که مرحله حسابرسی، سخت تر از مرحله رجوع به خداوند است؛ هر چند هر دو هم زمان باشند.

سختی حسابرسی عهدشکنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۱ - ۱۰

۱۰ شکستن پیمان ها و پایبند نبودن به عهدها ، در پی دارنده حساب سخت و ناگوار قیامت است .

الذین یوفون بعهد الله و لاینقضون المیثق . . . و یخافون سوء الحساب

سختی حسابرسی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد

۶ گنه کاران در قیامت با حسابی سخت و ناگوار مواجه می شوند .

و يخافون سوء الحساب

اضافه <سوء> به <الحساب> اضافه صفت به موصوف است.

سختی حسابرسی معرضان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۸ - ۸

۸ روی گردانان از دعوت خدا، در قیامت به حسابی سخت و ناگوار گرفتار خواهند بود .

و الذين لم يستجيبوا له .. أولئك لهم سوء الحساب

<سوء> به هر چیزی که مایه ناراحتی و رنج باشد گفته می شود. اضافه <سوء> به <الحساب> اضافه صفت به موصوف است. بنابراین <سوء الحساب> یعنی: <الحساب السوء>.

سرعت حسابرسی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۱ - ۱۳، ۱۲

۱۲- خداوند، حسابرسی اعمال انسان را در قیامت با سرعت انجام می دهد .

ليجزى الله كل نفس ما كسبت إن الله سريع الحساب

۱۳- رفتار آدمی به مجرد صدور آن در دنیا، بدون تأخیر مورد حسابرسی دقیق خداوند قرار می گیرد .

ليجزى الله كل نفس ما كسبت إن الله سريع الحساب

برداشت فوق مبتنی بر این است که مقصود از <سريع الحساب> بودن خداوند حسابرسی اعمال در همین دنیا باشد و این محاسبه تا روز قیامت به تأخیر نمی افتد؛ بلکه همزمان با صدور اعمال از بندگان محاسبه و ثبت خواهد گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - خداوند ، حسابرسی اعمال بندگان را در قیامت با سرعت انجام خواهد داد .

اليوم تجزي كلّ نفس بما كسبت

... إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۹ - ۶

۶ - علم همه جانبه خداوند به احوال ظاهر و باطن انسان ها ، دلیل توانایی او بر حسابرسی سریع بندگان

إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ .. يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورِ

برداشت یاد شده بر این اساس است که جمله <يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ..> تعلیل برای جمله <إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ> باشد؛ یعنی، چون خداوند از تمامی حالات انسان ها آگاهی کامل دارد، اعمال بندگان را با سرعت رسیدگی خواهد کرد و نیازی به ارائه دلیل و شهود ندارد.

سرعت در حسابرسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۲ - ۹

۹ سرعت در حسابرسی و قضاوت و حکم، معیاری مهم و اساسی در نظام قضائی شایسته

أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحُسْبِينِ

بیان سرعت حسابرسی به عنوان یکی از ویژگیهای مهم در حکم و قضاوت خداوند، گویای رجحان و مزیت قضاوت و حکمی است که سرعت هر چه بیشتر و بدون فوت وقت انجام پذیرد.

سرعت در حسابرسی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۱۵

۱۵ - خداوند ، در قیامت اعمال بندگان را با سرعت حسابرسی خواهد کرد .

وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ

سهولت حسابرسی اجابت کنندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۸ - ۴

۴ اجابت کنندگان دعوت خدا، از حسابرسی روز قیامت رنجی نمی برند و بر آنان سخت گرفته نمی شود

لذین استجابوا لربهم الحسنى

مقصود از <الحسنى> به قرینه مقابله آن - در ذیل آیه با فرجام روی گردانان از دعوت خدا، معنایی مقابل <سوء الحساب> و نیز مقابل <جهنم> است. بنابراین مراد از <الحسنى> حساب آسان و نیز بهشت می باشد.

سهولت حسابرسی اخروی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۷ - ۷

۷ - برانگیختن انسان ها و حسابرسی از آنان در قیامت، کاری سهل و آسان برای خداوند

لتبعثنَّ ثمَّ لتتَّبِرْنَ بما عملتم و ذلك علی الله یسیر

سهولت حسابرسی اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۸ - ۳،۶

۳ - کسانی که نامه عمل آنان به دست راستشان داده شود، حسابرسی آسانی خواهند داشت.

فأما من أوتی کتبه یمینه . فسوف یحاسب حساباً یسیراً

<یسیر> دو معنا دارد: ۱. آسان، ۲. قلیل (مفردات راغب). در آیه شریفه، اولین معنا مناسب است.

۶ - > قاسم بن محمد عن علی قال : سمعت أبا عبد الله (ع) یقول : إنَّ الله تبارک و تعالی إذا أراد أن یحاسب المؤمن أعطاه کتابه یمینه و حاسبه فیما بینه و بینه فیقول : عبدی ! فعلت کذا . . . قد غفرتها لک و ابدلتها حسنات . . . و هو قول الله عزوجل > فأما من أوتی کتابه یمینه فسوف یحاسب حساباً یسیراً > ;

قاسم بن محمد از علی [بن ابی حمزه] روایت نموده که گفت: از امام صادق(ع) شنیدم که می فرمود: خدای تبارک و تعالی زمانی که بخواهد مؤمنی را محاسبه کند، نامه عملش

را به دست راست وی می دهد و او را در آنچه بین خود و او است محاسبه کرده، می فرماید: بنده من فلان کار را کردی؟ .. من آن را برای تو بخشیدم و آن را به حسنه هایی تبدیل کردم... و این سخن خدای عزوجل است >فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ . فسوف يحاسب حساباً يسيراً<».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۹ - ۱،۳

۱ - اعطای نامه عمل به دست راست انسان در قیامت و حسابرسی آسان از او ، فرح بخش و شادی آفرین است .

و ينقلب إلى أهله مسرورًا

۳ - دریافت کنندگان نامه عمل با دست راست ، با آسان گذراندن مرحله حسابرسی ، شادمان به نزد خویشاوندان خود بر خواهند گشت .

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ . .. و ينقلب إلى أهله مسرورًا

شرایط حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۱ - ۸

۸ رساندن انسان ها به سزایی کامل و مطابق با اعمال و رفتار آنان ، تنها درخور کسی است که به تمام اعمال و جزئیات رفتار ایشان آگاه باشد .

لِيُوفِّيَهُمْ رَبِّكَ أَعْمَلَهُمْ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

بیان آگاهی خداوند به تمامی اعمال و جزئیات آن ، پس از مطرح ساختن ادای کامل پاداش و کیفر اعمال ، گویای برداشت فوق است.

شگفتی تکذیب حسابرسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۱ - ۳

۳ - روز مجازات و حسابرسی ، حقیقتی است انکارناپذیر و دروغ پنداشتن آن ، شگفت آور و

توجیه ناپذیر است .

أرءیت الذی یکذب بالذین

عدالت در حسابرسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۸ - ۷

۷ سنجش اعمال در قیامت، حق و بر اساس عدل است.

و الوزن یومئذ الحق

برداشت فوق بر این اساس است که <الوزن> به معنای مصدری، یعنی سنجیدن باشد و <الحق> صفت برای خبر محذوف، که تقدیر آن چنین می شود: <الوزن یومئذ الوزن الحق>. یعنی: سنجیدن در آن روز، سنجشی حق و بر اساس عدل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۷ - ۱

۱- حسابرسی مردم در قیامت بر میزان قسط و عدالت است .

و نضع الموزین القسط لیوم القیمه

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که لام در <لیوم القیامه> برای ظرفیت و به معنای <فی>، یا <عند> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۱۱

۱۱ - حسابرسی اعمال بندگان ، عادلانه خواهد بود .

و لاتزرر وازره وزر أخری

عدالت در حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴- کمترین ظلم و بی عدالتی در محاسبه اعمال و نیز در پاداش اخروی سعادتمندان وجود ندارد .

فمن أوتى كتبه بيمينه . . . و لا يظلمون فتياً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۷ - ۴،۵

۲- حسابرسی اعمال بندگان بر مبنای قسط و عدل ، از فلسفه های برپایی قیامت

و نضع الموزین القسط لیوم القیمه

برداشت یاد شده بر مبنای این است که لام

در <لیوم القیامه> برای تعلیل باشد. بر این اساس پیام آیه چنین می شود: ترازوهای قسط و داد را به خاطر برپایی قیامت، بنا می نهم.

۴- حسابرسی دقیق و عادلانه خداوند ، فراگیر تمامی اعمال خُرد و کلان انسان

و نضع الموزین القسط لیوم القیمه .. من خردل

<حَبّه> به معنای یک دانه از گندم، جو و مانند آن است و <خردل> به معنای بذره‌های بسیار ریز است. <مثقال حَبّه من خردل> مثلی است برای بیان هر چیز دقیق و کوچک و مقصود از آن در این آیه، تمامی اعمال خُرد و کلان انسان ها است.

۵- حسابرسی خداوند در قیامت به گونه ای است که به هیچ کس اندکی ظلم نمی شود .

و نضع الموزین .. فلا تظلم نفس شیئاً

عقیده به حسابرسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۳ - ۱۰

۱۰ - مشرکان مکه ، به بازخواست انسان ها از سوی خداوند ، پس از مرگ ، معتقد بودند .

و یوم تقوم الساعه .. و لم یکن لهم من شرکائهم شفیعوا

نفی شفاعت از معبودان مشرکان، حکایت از اعتقاد آنان به شفاعت می کند و ذکر آن به عنوان یکی از رخدادهای قیامت، این احتمال را تقویت می کند که آنان شفاعت معبودان را برای پس از مرگ خود می خواسته اند.

عقیده به حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۱۰

۱۰ - عقیده به برپایی قیامت و حساب رسی از بندگان ، از موضوعات دعوت رسولان الهی

من بعثنا من مرقدنا هذا ما وعد الرحمن و

صدق المرسلون

عقیده به حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳ - ۶

۶ - اعتقاد به قیامت و محاسبه اعمال ، دارای نقشی بنیادین در مجموعه باور های دینی

و هم بالآخره هم یوقنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۰ - ۲

۲ - اطمینان و اعتقاد به حساب رسی اعمال در قیامت ، مهم ترین رکن اعتقادی مؤمنان

إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَقٌ حِسَابِيهِ

برداشت یاد شده، از آن جا است که مسأله حساب رسی اعمال در این آیات در ردیف نخستین اصل اعتقادی مؤمنان برشمرده شد.

عمومیت حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۲ - ۱

۱ - تمامی انسان ها بدون استثنا ، در قیامت برای حساب رسی و کیفر و پاداش به پیشگاه خداوند احضار خواهند شد .

و إنَّ كُلَّ لَمَّا جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۶ - ۴

۴ - تمامی انسان ها در قیامت ، با حساب رسی اعمال خویش روبه رو خواهند شد .

و لم أدر ما حساييه

عموميت حسابرسی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۶ - ۱

۱ تمامی امته‌ها و پیامبران مورد بازجویی خداوند در قیامت قرار می‌گیرند.

فلنسلن الذين أرسل إليهم ولنسلن المرسلين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۲ - ۶

۶- همه انسان‌ها بدون استثنا ، در

قیامت مورد بازپرسی خداوند قرار خواهند گرفت .

فوربک لسنئلنهم أجمعین

برداشت فوق، بنابراین احتمال است که مرجع ضمیر <هم> به قرینه <إنی أنا النذیر المبین> همه انسانها باشد. به دلیل اینکه <نذیر> بودن پیامبر(ص) برای همه انسانهاست.

عمومیت حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۰ - ۴

۴ - تمامی انسان ها در قیامت ، با حساب رسی اعمال خویش روبه رو می شوند .

إنی ظننت أننی ملق حسابیه

عوامل سختی حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۱ - ۹،۱۰

۹ قطع پیوندهایی که خداوند به برقرار کردن آنها امر کرده ، موجب مواجه شدن با حساب سخت و ناگوار قیامت خواهد شد .

والذین یصلون .. و یخشون ربهم و یخافون سوء الحساب

۱۰ شکستن پیمان ها و پایبند نبودن به عهدها ، در پی دارنده حساب سخت و ناگوار قیامت است .

الذین یوفون بعهد الله و لاینقضون المیثق .. و یخافون سوء الحساب

غافلان از حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱ - ۳

۳- مشرکان صدراسلام ، از مسأله حسابرسی قیامت ، به طور کلی غافل مانده و از تأمل و اندیشه در نشانه ها و دلایل روشن آن ، روی گردان بودند .

اقترب للناس حسابهم و هم في غفله معرضون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که این سوره، مکی است و مخاطب و مصداق اولی <الناس>، مردم مشرک اند.

غفلت از حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱ - ۱

۱- انسان ها از حسابرسی قیامت در عین نزدیکی بودن آن در غفلت شدید به سر می برند .

اقترب للناس حسابهم و هم فی غفله معرضون

کلمه <فی> در <فی غفله> برای ظرفیت مجازی است و دلالت بر شدتِ وصف می کند؛ یعنی، غفلت مردم از حسابرسی قیامت بسیار شدید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۱

۱ - سرزنش شدن تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر بی توجهی آنان به موضوع حسابرسی اعمال خلق در قیامت و کیفر و پاداش الهی در آن

سنفرغ لكم آیه الثقلان . فبأیء آلاء ربکما تکذبان

استفهام در <فبأیء آلاء> توییخی است و تشبیه آمدن <کما> و <تکذبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

غفلت از حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۹ - ۴

۴ - غفلت از محاسبه اعمال ، زمینه ساز فراموشی از یاد خداوند *

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا . .. و لَتَنْظُرَنَّ اللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ. و لاتكونوا کالذین ن

برداشت یاد شده، بدان احتمال است که تقدم <و لتنظر..> بر <و لاتكونوا کالذین...> نظر به تقدم رتبی داشته باشد.

فلسفه حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۳ - ۶

۶ گذر از موقف های قیامت (حسابرسی ، کیفر ، پاداش و ...) غرض از گردآوری همگان در صحنه قیامت است .

ذکر یوم مجموع

برداشت فوق ، مبتنی براین نکته است که <لام> در <له> برای بیان غایت و غرض باشد. بر این اساس مفاد جمله <ذلك يوم...> چنین می شود: روز قیامت روزی است که خداوند ، همگان را برای گذر از موقفهای آن روز گردآوری می کند.

قانونمندی حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۷ - ۳

۳ - حاکمیت نظمی خاص ، بر حسابرسی اعمال در قیامت

اوتی کتبه بیمینه

کمی حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۶ - ۶

۶ - < قال علی (ع) ... و معنی قوله < فمن ثقلت موازینه > و < من خفت موازینه > فهو قله الحساب و کثرته ;

علی(ع) فرمود: معنای سخن خداوند <فمن ثقلت موازینه> و <من خفت موازینه>، پس آن [سنگینی و سبکی، به معنای] کمی و زیادی [مدت] حسابرسی است.<

گواهی در حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۴ - ۴

۴- برای محاسبه عمل انسان در قیامت ، نیازی به وکیل ، دلیل ، شاهد و ... نیست .

کفی بنفسک الیوم علیک حسبیًا

لجاجة مکذبان حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - گروهی از مردم با وجود هشدار های قرآن ، همچنان بر بی ایمانی خود باقی اند و ربوبیت و بصیرت الهی را انکار کرده و معاد و حسابرسی اعمال را نمی پذیرند .

إِنَّ رَبَّهٖ كَانَ

به بصیرًا .. فما لهم لا يؤمنون

متعلق <لا يؤمنون>، ممکن است معارفی باشد که در آیات پیشین بیان شد؛ از قبیل: ربوبیت و بصیرت الهی، نامه های اعمال، محاسبه و ...

محور حسابرسی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۶ - ۴، ۳، ۲

۲ پذیرش و عدم پذیرش رسالت‌های انبیا و نیز عمل به احکام دین، محور بازجویی خداوند از امتهاست.

فلنستلن الذين أرسل إليهم

توصیف مردم با عنوان <أرسل إليهم> دلالت بر این دارد که بازجویی از امتها درباره چگونگی برخورد با رسالت‌های الهی است.

۳ تبلیغ تعالیم دینی و آسمانی، محور بازجویی از پیامبران خدا در قیامت

فلنستلن الذين أرسل إليهم و لنستلن المرسلين

عنوان <مرسلين> در جمله <و لنستلن المرسلين> بیانگر این است که سؤال از پیامبران درباره تبلیغ رسالت است.

۴ چگونگی رفتار امتها و برخورد آنان با رسالت انبیا، پرسش خداوند از رسولان خویش در قیامت *

فلنستلن الذين أرسل إليهم و لنستلن المرسلين

بدان احتمال که مورد سؤال از پیامبران، رفتار امت‌هایشان باشد؛ چه اینکه محور آیات پیشین فرمان به پذیرش آیات الهی و تهدید مخالفان انبیا بوده است.

مدت حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴ - ۵، ۷

۵ - عرصه محشر و حساب رسی خلایق در آن، بسیار طولانی است.

فی یوم کان مقداره خمسين ألف سنه

برداشت یاد شده، بنابراین احتمال است که عدد یاد شده در آیه شریفه، صرفاً برای بیان کثرت است.

۷ - > روی عن أبي عبدالله (ع) أنه قال : لو ولي الحساب غير الله لمكثوا فيه

خمسين ألف سنه من قبل أن يُفْرَغُوا و اللّٰه سبحانه يفرغ من ذلك في ساعه ؛

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: اگر حساب رسی قیامت را کسی غیر خدا به عهده گیرد، هر آینه [مردم] در آن جا پنجاه هزار سال باید توقف کنند؛ قبل از این که از حساب فارغ شوند؛ ولی خدای سبحان در کمتر از ساعتی از [حساب رسی] آنان فارغ می شود.

مدت حسابرسی اخروی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴ - ۴

۴ - عرصه محشر و حساب رسی خلائق ، پنجاه هزار سال به طول می انجامد .

فی یوم کان مقداره خمسين ألف سنه

مدت حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۶ - ۶

۶ - > قال علیّ (ع) . . . و معنی قوله > فمن ثقلت موازینه < و > من خفت موازینه < فهو قله الحساب و کثرته ؛

علی(ع) فرمود: معنای سخن خداوند >فمن ثقلت موازینه< و >من خفت موازینه<، پس آن [سنگینی و سبکی، به معنای] کمی و زیادی [مدت] حسابرسی است.

مکان حسابرسی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۳ - ۲

۲ - وجود نقطه ای مشخص ، برای محاکمه و حساب رسی کافران در قیامت

کأنهم إلى نصب یوفضون

مکان حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۴ - ۳

۳ - زمین پس از تحولاتی در سه مرحله (> لرزش ویرانگر

در پایان عمر دنیا < ، > اخراج مردگان از درون خود در آغاز قیامت < و > اظهار اطلاعات بایگانی شده در خود < ، > مکان حسابرسی اعمال انسان ها خواهد شد .

إذا زلزلت . . . و أخرجت ... تحدّث أخبارها

آیات این سوره می تواند بیانگر حوادث آخرت باشد که از پایان نظام موجود، شروع می شود. تعبیر <یومئذ> در این احتمال نشانگر وقوع تمام آن حوادث، در یک زمان گسترده است.

مکذبان حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۶ - ۲

۲ - سران کفر و شرک ، در اوج غرور و ناباوری نسبت به معاد و حسابرسی الهی به سر می بردند .

و قالوا ربّنا عجلّ لنا قطنًا قبل يوم الحساب

از استهزای معاد به وسیله کافران و درخواست شتاب در نزول عذاب قیامت، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۷ - ۲

۲ - طغیان گران دوزخی ، حسابرسی قیامت را انکار کرده و احتمال حقانیت آن را نیز مردود می دانستند .

إنّهم كانوا لا يرجون حسابًا

نفی <امید>، بیانگر این است که انکار قیامت از سوی دوزخیان، به حدی شدید بود که آنان احتمال آن را نیز نمی دادند و حتی اندک امیدی به آن نداشتند.

ملاک حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۷ - ۱۱

۱۱- > عن هشام بن سالم قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله عزّ وجلّ : > ونضع الموازين القسط

ليوم القيامه فلا تظلم نفس شيئاً < قال : هم الأنبياء والأوصيا (ع) ;

از هشام بن سالم نقل شده كه گفت: از امام صادق(ع) در باره قول خدای عزوجل <ونضع الموازين القسط ليوم القيامه..> پرسيدم فرمود: موازين قسط، پیامبران و اوصيا هستند.<

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۱۹

۱۹ - حسابرسی اعمال بندگان از سوی خداوند در قیامت ، متکی به علم همه جانبه او است .

فیتبئکم بما کنتم تعملون إنه علیم بذات الصدور

برداشت بالا از آن جا است كه جمله <إنه علیم بذات الصدور> تعلیل برای جمله <فیتبئکم بما کنتم تعملون> است ؛ یعنی، چون خداوند به باطن افراد آگاه است، پس می تواند آنان را به کردارشان آگاه سازد و به حسابرسی آنان پردازد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۹ - ۳

۳ - انسان در قیامت ، بر باور ها و ملکات نفسانی خویش ، مؤاخذه خواهد شد .

يوم تبلى السرائر

مراد از آزمودن سریره ها، حسابرسی و سنجش میزان کیفر آنها است.

ملاک حسابرسی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۳ - ۵

۵- اعمال و رفتار انسان ، معیار بازپرسی و محاسبه و تعیین کننده سرنوشت او در قیامت

لنستئنبهم .. عما كانوا يعملون

ملاک حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ محاسبه کردار بندگان و جزا دهی به آنان ، متکی بر شهادت گواهان

کلّ نفس معها سائق و شهید

منشأ حسابرسی در آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷ - ۳

۳ - برقراری قانون ، محاسبه و سنجش به اراده الهی ، در ساختار نظام جهان

و السماء رفعها و وضع المیزان

با توجه به این که <میزان> به ابزار سنجش گفته می شود، وضع میزان در آسمان، می تواند اشاره به حاکمیت قانون و محاسبه در نظام جهان داشته باشد.

منشأ حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۵

۵ - ربوبیت الهی در حق جن و انس ، مستلزم برپا داشتن نظام حسابرسی اعمال برای آنان

سنفرغ لكم أئنه الثقلان . فبأئء الآء ربكما تكذبان

ارتباط <ربكما> با محتوای آیه قبل، بیانگر مطلب یاد شده است.

موانع ذکر حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۱ - ۳

۳ - ضرورت پرهیز از سرگرمی ها و ترك امور بازدارنده از توجه به حسابرسی ها در قیامت

ألهیكم التكاثر

آیه <لتستلنَّ یومئذ عن النعیم> در آخر سوره که بر حسابرسی از نعمت ها دلالت دارد نشانگر آن است که سرگرم شدن به تکاثر، مایه غفلت از حسابرسی است و باید انسان از آنچه او را سرگرم ساخته و از اهداف نعمت ها بازمی دارد، پرهیز کند تا هنگام حسابرسی نعمت ها، پاسخی داشته باشد.

نزدیکی حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۱ - ۱

۱ - هشدار الهی ، به دور نبودن لحظه حسابرسی خلق و برپایی قیامت

سنفرغ لکم أیه الثقلان

نزدیکی حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱ - ۲

۲- حسابرسی اعمال مردم ، قریب الوقوع و تخلف ناپذیر است .

اقترب للناس حسابهم

نعمت حسابرسی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۲

۲- اصل حسابرسی اعمال خلق در نظام جهان ، نعمتی الهی ، انکارناپذیر و غیر قابل تکذیب

سنفرغ لکم .. فبأیء آلاء ربکمما تکذبان

تعبیر <سنفرغ لکم..>، می تواند نویدی باشد به از بین رفتن اعمال خلق و به حساب آمدن نهایی آن و <ءالاء> نیز بر این نعمت الهی اطلاق شده باشد.

وضوح حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۴ - ۳

۳- حساب انسان در پرونده عمل وی در قیامت ، روشن و آشکار است .

کفی بنفسک الیوم علیک حسیبًا

از اینکه خداوند فرموده است: <خودت برای حسابرسی عمل خود کافی هستی> نشان می دهد که اعمال و حسابرسی آنها روشن و آشکار است و نیاز به تبیین از سوی کسی ندارد.

وعده حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- برپایی قیامت و حسابرسی از بندگان ، وعده الهی به انسان ها

هذا ما وعد الرحمن

وکیل در حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۴ - ۴

۴- برای محاسبه عمل انسان در قیامت ، نیازی به وکیل ، دلیل ، شاهد و ... نیست .

کفی بنفسک الیوم علیک

حسیّا

ویژگیهای حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۴ - ۴

۴- برای محاسبه عمل انسان در قیامت ، نیازی به وکیل ، دلیل ، شاهد و ... نیست .

کفی بنفسک الیوم علیک حسیّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۳ - ۳

۳- خروج انسان ها از گور ها و زنده شدن آنان ، برای محاکمه با سرعت انجام می پذیرد .

یوم یخرجون من الأجداث سراعًا کأنّهم إلی نصب یوفضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۹ - ۵

۵- انسان ها در قیامت ، تنها و دور از خویشاوندان ، مورد حسابرسی قرار خواهند گرفت .

فسوف یحاسب .. و ینقلب إلی أهله

ویژگیهای حسابرسی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۷ - ۴،۵،۹،۱۰

۴- حسابرسی دقیق و عادلانه خداوند ، فراگیر تمامی اعمال خرد و کلان انسان

و نضع الموزین القسط لیوم القیمه .. من خردل

<حَبّه> به معنای یک دانه از گندم، جو و مانند آن است و <خردل> به معنای بذرهایی بسیار ریز است. <مثقال حَبّه من

خردل < مثلی است برای بیان هر چیز دقیق و کوچک و مقصود از آن در این آیه، تمامی اعمال خُرد و کلان انسان ها است.

۵- حسابرسی خداوند در قیامت به گونه ای است که به هیچ کس اندکی ظلم نمی شود .

و نضع الموزین .. فلا تظلم نفس شیئاً

۹- خداوند در رسیدگی به اعمال بندگان ، حسابگری با کفایت

و بی نیاز از کمک و یاری دیگران در روز قیامت است .

و کفی بنا حسین

۱۰- تمامی اعمال آدمیان حتی خردترین و سبک ترین آنها مورد حسابرسی ، بازخواست و جزای الهی قرار خواهد گرفت .

و إن كان مثقال حبه من خردل أتينا بها و کفی بنا حسین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۰ - ۱۰

۱۰ - محاسبه و جزای اعمال انسان ، براساس علم دقیق و همه جانبه الهی

إنه خبير بما تفعلون .. فكبت وجوههم في النار هل تجزون إلا ما كنتم تعملون

مطلب یاد شده با توجه به ارتباط این آیه با ذیل آیه ۸۸ (إنه خبير بما تفعلون) استفاده می شود.

هشدار به حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبا - ۷۸ - ۲۸ - ۳

۳ - بسیاری از آیات قرآن ، هشدار دهنده مردم درباره معاد و حسابرسی در قیامت است .

لا يرجون حساباً . و كذبوا بآياتنا كذاباً

جمع بودن <آیات> بر نکته یاد شده دلالت دارد. به قرینه کلمه <حساباً> در آیه قبل موضوع حسابرسی در مجموعه آن آیات مطرح شده است.

حسابرسی اخروی

آثار ترس از حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۲ - ۱۸

۱۸ آنان که از خدا ترسانند و از حساب سخت و ناگوار قیامت هراس دارند ، به فرجامی نیک خواهند رسید .

و یخشون ربهم و یخافون سوء الحساب .. أولئک لهم عقبی الدار

آثار تکذیب حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- انکار معاد و روز حسابرسی ، مستلزم باطل و بی هدف دانستن آفرینش جهان است .

بما نسوا يوم الحساب . و ما خلقنا السماء و الأرض و ما بينهما بطلاً

یادآوری این نکته که ما جهان را بی هدف نیافریده ایم پس از طرح مسأله فراموشی روز حساب می رساند که نسیان و انکار معاد با هدف مندی و حق مداری جهان، ناسازگار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۷ - ۵

۵- انکار معاد و حسابرسی قیامت ، عامل طغیان گری و مایه گرفتاری به عذاب جهنم است .

لَلطَّغِينَ .. إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا

آثار حسابرسی اخروی امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۸ - ۱۰

۱۰- احضار امت ها برای حسابرسی ، مایه هراس و به زانو درآمدن آنان در صحنه قیامت *

و تری كلّ أمّه جائیه كلّ أمّه تدعى إلى كتبها

برداشت بالا بدان احتمال است که جمله < كلّ أمّه تدعى إلى كتبها > درصدد بیان علت < كلّ أمّه جائیه > باشد.

اهمیت ایمان به حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۰ - ۷

۷- لزوم ایمان به ثبت کردار انسان در نامه اعمال و حسابرسی آن در قیامت

و أمّا من أوتى .. و أمّا من أوتى ... فما لهم لا يؤمنون

ایمان به حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۶ - ۱

۱ - تصدیق روز

جزا و اعتقاد به حساب رسی بندگان ، از ویژگی های مؤمنان و مسلمانان راستین

و الذین یصدّقون بیوم الدین

یکی از کاربردهای واژه <دین>، جزا و حساب است.

تذکر حسابرسی اخروی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۵ - ۴

۴- تبیین آیات الهی در طبیعت و تذکر به محاسبه اعمال در قیامت ، برای هدایت آدمیان است .

و جعلنا الّیل و النهار ٔایتین .. اقرأ کتّبک ... من اهتدی فإنما یهتدی لنفسه

ترس از حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۱ - ۷،۸

۷ انسان ها باید از مواجه شدن با حساب سخت و ناگوار قیامت ، خائف و هراسان باشند .

و یخافون سوء الحساب

۸ خشیت از خدا و هراس از حساب سخت و ناگوار قیامت ، از نشانه های خردمندان است .

إنما یتذکّر أولوا الألب .. الذین ... یخشون ربهم و یخافون سوء الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۱ - ۳

۳ هراس انسان در قیامت ، از حضور در دادگاه عدل الهی *

و جاءت کلّ نفس معها سائق

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تعبیر <سائق> و مأمور پیش برنده، از آن جهت یاد شده باشد که بی رغبتی و هراس

انسان را، از حضور اختیاری در محکمه عدل الهی بنمایاند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۱ - ۲

۲ - پرهیز از طغیان گری ، ترس از حسابرسی اعمال و پذیرش آیات الهی ، مصداق تقوای پیشگی

است .

لِّلطَّغِيْنَ .. إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا . وَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا ... إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفْ

از تقابل بین متقین و طغیان گران، دانسته می شود که منزه بودن از صفات طغیان گران، تقوای پیشگی است.

تعدد آیات حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۸ - ۳

۳ - بسیاری از آیات قرآن ، هشدار دهنده مردم درباره معاد و حسابرسی در قیامت است .

لَا يَرْجُونَ حِسَابًا . وَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كَذَابًا

جمع بودن <آیات> بر نکته یاد شده دلالت دارد. به قرینه کلمه <حساباً> در آیه قبل موضوع حسابرسی در مجموعه آن آیات مطرح شده است.

حتمیت حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۸ - ۳

۳ - بازگشت به سوی خدا و حضور در دادگاه قیامت ، برای محاسبه و مجازات ، امری حتمی و غیر قابل اجتناب است .

ثُمَّ تَرْدُّونَ إِلَىٰ عِلْمِ الْغَيْبِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۷ - ۲

۲ - احضار کم فروشان در صحنه قیامت و حسابرسی اعمال آنان ، قطعی و تردیدناپذیر است .

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ .. أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ ... كَلَّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۱ - ۳

۳ - روز مجازات و حسابرسی ، حقیقتی است انکارناپذیر و دروغ پنداشتن آن ، شگفت آور و توجیه ناپذیر است .

أرءیت الذی یکذب بالدين

حتمیت حسابرسی اخروی نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ -

۲ - حسابرسی از نعمت ها در قیامت ، اجتناب ناپذیر و بیرون از اختیار انسان ها است .

ثُمَّ لَتَسْأَلُنَّ

مجهول بودن <لتسألن>، اشاره به نکته یاد شده دارد.

حسابرسی اخروی از مکذبان الیاس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۷ - ۲

۲ - قوم تکذیب کننده الیاس ، در روز قیامت برای حسابرسی و کیفر احضار خواهند شد .

فَأَنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ

حسابرسی اخروی از مکذبان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۷ - ۳

۳ - تکذیب کنندگان پیامبران و ادیان الهی ، برای حسابرسی و کیفر در روز قیامت احضار خواهند شد .

فَأَنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ

حسابرسی اخروی امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۹ - ۳

۳ - صحیفه اعمال امت ها در قیامت ، بیان کننده تمامی کردار ایشان ، به صورتی دقیق و بدون کمترین کاستی و فزونی

يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ

حسابرسی اخروی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۱ - ۲،۳

۲ - جن و انس ، هر دو دارای مسؤولیت و حسابرسی در قیامت

سنفرغ لکم أیه الثقلان

۳ - بسیج تمامی امکانات هستی در نشأه آخرت ، برای حسابرسی نهایی خلق

سنفرغ لکم أیه الثقلان

نسبت داده شدن <فراغ> به خداوند با ضمیر متکلم مع الغیر می تواند کنایه از این باشد که او تمامی اسباب و عوامل را در جهت رسیدگی به حساب خلق، در قیامت قرار می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن

۵- ربوبیت الهی در حق جن و انس ، مستلزم برپا داشتن نظام حسابرسی اعمال برای آنان

سنفرغ لكم أئنه الثقلان . فبأئء الآء ربكمآ تكذبان

ارتباط <ربكمآ> با محتوای آیه قبل، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۳ - ۲

۲- جنیان چونان آدمیان ، مشمول محاسبه الهی و قوانین عام خداوند در سرای واپسین

یمعشر الجنّ و الإنس إن استطعتم .. لاتنفذون

از ذکر <جنّ> و تقدیم آن بر <انس>، می توان استفاده کرد که نباید گمان برد که جنیان، به واسطه داشتن اجرام لطیف، قدرت بر فرار از محاکمه و عقاب الهی دارند.

حسابرسی اخروی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۱ - ۵،۷

۵ انسان ها در قیامت مورد حسابرسی قرار می گیرند .

و یخافون سوء الحساب

۷ انسان ها باید از مواجه شدن با حساب سخت و ناگوار قیامت ، خائف و هراسان باشند .

و یخافون سوء الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۱ - ۹

۹- اهمیت و عظمت موقعیت حسابرسی انسان ها در قیامت *

رَبَّنَا اغْفِرْ لِي . . . يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ

اینکه حضرت ابراهیم(ع) در میان موقعیتها و صحنه های گوناگون روز قیامت تنها از وقت حسابرسی یاد کرده است، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۳ - ۷

۷- انسان ها ، در قیامت در برابر اعمال خود بازپرسی می شوند .

و لتسئلنَّ

عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱ - ۶

۶- انسان در برابر رفتار و کردار خویش ، مسؤول بوده و در قیامت مورد مؤاخذه و بازخواست قرار خواهد گرفت .

اقترب للناس حسابهم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که حسابرسی آن گاه معقول و متصور است که مسؤولیت و بازخواهی در کار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۱ - ۵

۵ - انسان ها پس از زنده شدن در قیامت ، بی هیچ فاصله و تأخیری برای حسابرسی به پیشگاه خداوند احضار می شوند .

فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ

بیشتر مفسران برآنند که مقصود از حرکت سریع انسان ها به سوی پروردگار، احضار آنان برای حسابرسی است. گفتنی است که به کار رفتن <إِذَا>ی فجائیه، می رساند که این حسابرسی بی هیچ فاصله ای پس از نفخ صور انجام خواهد پذیرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۴ - ۱

۱ - قیامت ، روز حساب رسی از تمام رفتار و کردار های بندگان

فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ . فَالْيَوْمَ لَا تَنْظُمُ نَفْسٌ شَيْئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۱۹،۲۱

۱۹ - حسابرسی اعمال بندگان از سوی خداوند در قیامت ، متکی به علم همه جانبه او است .

فَيَتَّبِعْكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

برداشت بالا از آن جا است که جمله <إِنَّهٗ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ> تعلیل برای جمله <فَيَتَّبِعْكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ> است، یعنی،
چون

خداوند به باطن افراد آگاه است، پس می تواند آنان را به کردارشان آگاه سازد و به حسابرسی آنان پردازد.

۲۱- ربوبیت الهی ، مقتضی برپایی قیامت و حسابرسی اعمال بندگان

ثمَّ إلى ربِّكم مرجعكم فيبئسكم بما كنتم تعملون إنَّه علیم بذات الصدور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۸ - ۲

۲- قیامت ، روز حساب رسی و عرضه شدن نیات ، انگیزه ها ، افکار و رفتار انسان ها به محکمه عدل الهی

یومئذ تعرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۳ - ۳

۳- خروج انسان ها از گور ها و زنده شدن آنان ، برای محاکمه با سرعت انجام می پذیرد .

یوم یخرجون من الأجداث سراعاً كأنهم إلى نصب یوفضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۰ - ۱

۱- انسان پس از مرگ به سوی دادگاه عدل الهی ، هدایت و سوق داده می شود .

إلی ربِّک یومئذ المساق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۷ - ۱

۱- قیامت ، صحنه حسابرسی انسان ها است .

إنهم كانوا لایرجون حساباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ایستادن در پیشگاه خداوند برای حسابرسی اعمال ، از صحنه های خوفناک و حوادث بزرگ روز قیامت است .

لیوم عظیم . یوم یقوم الناس لرب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- رسیدگی به حال انسان ها در قیامت ، از شئون ربوبیت خداوند است .

كَلَّا إِذَا... وِجَاءِ رَبِّكَ

۵- فرشتگان ، مأمور رسیدگی به امور انسان ها در قیامت

و الْمَلِكِ صَفًّا صَفًّا

از جمله <یومئذ یتذکر الإنسان> در آیه بعد، معلوم می شود که حضور فرشتگان در قیامت در رابطه با کار انسان ها است.

حسابرسی اخروی تجزیه کنندگان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۲ - ۵

۵- قیامت ، روز بازخواست از مجرمان و تجزیه کنندگان آیات قرآن

لنسلّتهم أجمعین

آورده شدن فعل مضارع <نسل< برای بازخواست، می تواند اشاره به آینده و روز قیامت داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۳ - ۲

۲- تمامی رفتار و اعمال کافران و تجزیه کنندگان قرآن ، مورد بازپرسی خداوند در قیامت قرار خواهد گرفت .

المقتسمین . الذین جعلوا القرآن عسین . فوربک لنسلّتهم أجمعین . عمّا کانوا یعمل

حسابرسی اخروی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۸ - ۵

۵- آگاهی جن به احضار شدن شان برای حسابرسی اعمالشان در روز رستاخیز

و لقد علمت الجنة إنهم لمحضرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۱ - ۲

۲ - جن و انس ، هر دو دارای مسؤولیت و حسابرسی در قیامت

سنفرغ لكم أیه الثقلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۵

۵ - ربوبیت الهی در حق جن و انس ، مستلزم

برپا داشتن نظام حسابرسی اعمال برای آنان

سنفرغ لكم أیه الثقلان . فبأی ءالآء ربكما تكذبان

ارتباط <ربكما> با محتوای آیه قبل، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۳ - ۲

۲ - جنیان چونان آدمیان، مشمول محاسبه الهی و قوانین عام خداوند در سرای واپسین

یمعشر الجنّ و الإنس إن استطعتم .. لاتنفذون

از ذکر <جنّ> و تقدیم آن بر <انس>، می توان استفاده کرد که نباید گمان برد که جنیان، به واسطه داشتن اجرام لطیف، قدرت بر فرار از محاکمه و عقاب الهی دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۹ - ۳

۳ - حضور جن همچون آدمیان، در صحنه قیامت برای حسابرسی و کیفر و پاداش

فیومئذ لایسل عن ذنبه إنس و لاجانّ

حسابرسی اخروی سعادت‌مندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۱۴

۱۴ - کمترین ظلم و بی عدالتی در محاسبه اعمال و نیز در پاداش اخروی سعادت‌مندان وجود ندارد .

فمن أوتی کتبه بیمینه .. و لایظلمون فتیلاً

حسابرسی اخروی صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۲ - > عن أبي عبد الله (ع) قال: قال رسول الله (ص) إذا نشرت الدواوين و نصبت الموازين لم ينصب لأهل البلاء ميزان و لم ينشر لهم ديوان ثم تلا هذه الآية > إنما يوفى الصابرون أجرهم بغير حساب < ;

از امام صادق(ع) روایت شده که رسول خدا(ص) فرمود: هنگامی که نامه های

اعمال گشوده می شود و میزان ها [برای سنجش اعمال] برپا می گردد، برای اهل مصیبت و بلا [که صابر بوده اند] میزانی برپا نشده و نامه عملی گشوده نخواهد شد. آن گاه این آیه را تلاوت فرمود: *إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ*.

حسابرسی اخروی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۷ - ۹

۹- آخرت ، زمان بازگردانده شدن ستم گران و کافران و افراد ناصالح به پیش گاه خداوند و حساب رسی کردار آنها است .

ثُمَّ يَرْدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ

حسابرسی اخروی عقیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۷ - ۱

۱ خداوند در قیامت رفتار و عقاید آدمیان را به گونه ای دقیق و عالمانه برای آنان بیان خواهد کرد.

فَلَنَقْصِنَ عَلَيْهِمْ بِعِلْمٍ وَ مَا كُنَّا غَائِبِينَ

حرف <باء> به معنای مصاحبت و ملابست است؛ یعنی: <فَلَنَقْصِنَ عَلَيْهِمْ مَصَاحِبِينَ وَ مَتَلَبِّسِينَ بِعِلْمٍ وَ نَكْرَهُ بُوْدُنَ <علم> دلالت بر عظمت آن علم دارد که از آن به <دقیق بودن> تعبیر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۲ - ۶

۶- انسان ، مسؤول اندیشه ها و گرایش های خویش و مورد بازخواست از سوی خداوند در قیامت

و یوم ینادیهم فیقول أین شرکاء الذین کنتم ترعمون

حسابرسی اخروی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۵ - ۱۵

۱۵ خداوند در قیامت انسان ها را به تمامی اعمال دنیویشان آگاه ساخته و دستاوردهایشان را به آنان نشان خواهد داد .

إلى الله

مرجعکم جمعاً فینبئکم بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۹ - ۶

۶ یاد قیامت و صحنه های بررسی اعمال در آن ، زمینه ساز رعایت تقوا و ترس از خداوند

و اتقوا الله .. یوم یجمع الله الرسل

چنانچه <یوم> مفعول برای <اذکروا> باشد، جمله <اذکروا یوم ..> پس از <اتقوا الله> می تواند اشاره به علتی از علل لزوم تقوا و ترس از خدا داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۲ - ۷۸

۷ سریعترین نظام محاسبه و رسیدگی به اعمال در قیامت استقرار دارد.

ثم ردوا .. ألا له الحكم و هو أسرع الحسین

۸ قضاوت و صدور حکم در قیامت، بر اساس محاسبه و سنجش اعمال آدمیان است.

ثم ردوا .. ألا له الحكم و هو أسرع الحسین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۷ - ۱

۱ خداوند در قیامت رفتار و عقاید آدمیان را به گونه ای دقیق و عالمانه برای آنان بیان خواهد کرد.

فلنقصن علیهم بعلم و ما کنا غائبین

حرف <باء> به معنای مصاحبت و ملابست است؛ یعنی: <فلنقصن علیهم مصاحبین و متلبسین بعلم. و نکره بودن <علم> دلالت بر عظمت آن علم دارد که از آن به <دقیق بودن> تعبیر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۸ - ۷

۷ سنجش اعمال در قیامت، حق و بر اساس عدل است.

و الوزن يومئذ الحق

برداشت فوق بر این اساس است که

<الوزن> به معنای مصدری، یعنی سنجیدن باشد و <الحق> صفت برای خبر محذوف، که تقدیر آن چنین می شود:
<الوزن یومئذ الوزن الحق>. یعنی: سنجیدن در آن روز، سنجشی حق و بر اساس عدل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۱ - ۱۲

۱۲- خداوند ، حسابرسی اعمال انسان را در قیامت با سرعت انجام می دهد .

لیجزی الله کلّ نفس ما کسبت إن الله سریع الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۳ - ۱

۱- تمامی رفتار و اعمال آدمیان ، مورد بازپرسی خداوند در قیامت قرار خواهد گرفت .

لنستلّهم .. عمّا كانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۴ - ۴

۴- برای محاسبه عمل انسان در قیامت ، نیازی به وکیل ، دلیل ، شاهد و ... نیست .

کفی بنفسک الیوم علیک حسابًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۹ - ۱۹

۱۹- حساب رسی و سنجش عادلانه اعمال آدمیان در قیامت ، لازمه ربوبیت خدا است .

و وضع الکتب .. و لایظلم ربّک أحدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۵ - ۱۱

۱۱- قیامت ، روز سنجش و محاسبه اعمال است .

فلانقیم لهم یوم القیمه وزناً

از تعبیر موجود در آیه، چنین برمی آید که در قیامت، برای سنجش اعمال آدمیان، معیارها و میزان هایی به کار گرفته می شود، لکن برای برخی، به جهت فقدان هرگونه عمل ارزشمند،

هیچ محاسبه و میزانی برقرار نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۰ - ۶

۶- رسیدگی به همه گفته ها و کرده های آدمیان در روز رستاخیز

اللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ . اللّٰهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ... إِنَّ ذَٰلِكَ فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَٰلِكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۲ - ۳

۳- وجود معیار ها و میزان های متعدد در قیامت ، برای سنجش اعمال انسان ها

فمن ثقلت موازينه

<موازنین> جمع <میزان> است. به کارگیری جمع، بیانگر این معنا است که هر نوع عمل فرد، دارای میزان مخصوصی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۱۵

۱۵ - خداوند ، در قیامت اعمال بندگان را با سرعت حسابرسی خواهد کرد .

واللّٰهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۲ - ۲

۲- قیامت ، روز محاسبه کردار آدمیان و مجازات و پاداش در تعلیمات ابراهیم

والذی اطمع ان ینفعلی خطیبتی یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - حساب رسی خداوند از اعمال انسان ها ، در قیامت ، نیاز به شاهد ندارد .

إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ .. يَأْتِ بِهَا اللَّهُ

از این که به جای < يعلمها الله > فرموده است < يأت بها الله > استفاده می شود که خداوند، خود ناظر بر اعمال بوده و براساس آن، حکم خواهد کرد و نیازی به گواه ندارد. فعل

مضارع <یأت> هم می تواند به وقوع چنین عملی در آینده که همان قیامت است دلالت داشته باشد.

۱۵ - علم دقیق و آگاهی عمیق خداوند به امور ، پشتوانه قدرت او برگردآوری اعمال انسان و بروز دادن آن در روز حساب

إِنَّ تَكْ مَثْقَالَ حَبَّةٍ .. يَأْتُ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۵ - ۴

۴ - هر کسی در قیامت پاسخگوی کردار و عمل خویش است .

لَا تَسْئَلُونَ عَمَّا أُجْرِمْنَا وَلَا نَسْئَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۷ - ۷

۷ - خداوند ، حسابرسی اعمال بندگان را در قیامت با سرعت انجام خواهد داد .

الْيَوْمَ تَجْزَى كُلَّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ .. إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۱ - ۱۰

۱۰ - بازخواست و محاسبه شدن رفتار و کردار انسان ها در قیامت

يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱۶

۱۶ - قیامت ، صحنه سنجش و محاسبه اعمال و رفتار آدمی است .

اللَّهُ الَّذِي .. الْمِيزَانَ وَ مَا يَدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ

از ارتباط دو قسمت از آیه مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۸ - ۷

۷ - تمامی اعمال انسان ها در دادگاه الهی ، مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت .

ثم تردون إلی . . . فیتبئکم بما کنتم تعملون

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۷ - ۵

۵ - تمامی رفتارها و کرده‌های انسان‌ها در قیامت، مورد حسابرسی دقیق قرار خواهد گرفت.

ثُمَّ لَتَبْتُنَّ بِمَا عَمَلْتُمْ

کلمه <ما> (آنچه) افاده عموم می‌کند. با خبر کردن انسان‌ها از تمامی کرده‌های خویش در قیامت، اشاره به حسابرسی و کیفر و پاداش دادن به آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۸ - ۲

۲ - قیامت، روز حساب‌رسی و عرضه شدن نیت، انگیزه‌ها، افکار و رفتار انسان‌ها به محکمه عدل الهی

یومئذ تعرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۹ - ۶

۶ - احاطه علمی خداوند به همه موجودات، پشتوانه دقیق بودن حسابرسی اعمال در قیامت

لایرجون حسابًا... و کلّ شیءٍ أحصینہ کتبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۵ - ۵

۵ - انسان در دنیا، پیش فرستنده دستاورد خویش و ذخیره سازنده آن برای صحنه حسابرسی اعمال

علمت نفس ما قدامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۶ - ۱۰

۱۰ - حرکت ها و کردار های انسان ، نزد خداوند حسابرسی خواهد شد .

کادح إلی ربّک کدحاً فملقیه

ملاقات با خداوند، به معنای حضور در نزد او برای حسابرسی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۷ - ۳

۳ - حاکمیت نظمی خاص ، بر حسابرسی

اعمال در قیامت

أوتی کتبه بیمینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۸ - ۵، ۱

۱ - در قیامت ، اعمال انسان ها حسابرسی خواهد شد .

فسوف يحاسب

۵ - در قیامت ، انسان خود ، محاسبه و ارزشیابی خواهد شد .

فسوف يحاسب

فعل <يحاسب> به شخص استناد یافته است نه به عمل؛ بنابراین حسابرسی قیامت در مورد خود اشخاص خواهد بود. می توان گفت: اعمال و نیت های انسان برای او، رتبه وجودی خاصی می بخشد؛ زیرا ملکه او شده و ابعاد وجودی او را شکل می دهد و در نتیجه سنجش آن انسان، در حقیقت محاسبه اعمال او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۶ - ۵

۵ - مرحله سنجش اعمال ، پس از تخریب کوه ها و گذشت دوران سرگردانی مردم در قیامت است .

یوم یکون الناس کالفراش . . . و تكون الجبال کالعهن المنفوش . فأما من ثقلت موزینه

حرف <فاء> در <فأما> بیانگر نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۸ - ۲

۲ - وزنه های محاسبه اعمال در قیامت ، متناسب با آنها و سنگین یا سبک خواهد بود .

فأما من ثقلت موزینه . . . و أما من خفت موزینه

چنانچه کلمه <موازين> جمع <میزان> (وزنه ای که با آن متاع را می سنجند)، باشد، نکته یاد شده استفاده می شود.

حسابرسی اخروی عمل ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۸ - ۳،۶

۳ - محاسبه اعمال ناروا در

قیامت

و أمّا من خفت موزینه

۶- کردار های ناروا، هنگام حسابرسی در قیامت با وجود تهی بودن همه آنها از وزن و ارزش گوناگون بوده و ابزار سنجش آنها متفاوت است.

و أمّا من خفت موزینه

جمع بودن <موازن>؛ بیانگر تعدد میزان و موزون و تغایر آنها است.

حسابرسی اخروی عهدشکنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- رعد - ۱۳ - ۲۱ - ۹

۹ قطع پیوندهایی که خداوند به برقرار کردن آنها امر کرده، موجب مواجه شدن با حساب سخت و ناگوار قیامت خواهد شد.

والذین یصلون... و یخشون ربهم و یخافون سوء الحساب

حسابرسی اخروی فاسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۷ - ۹

۹- آخرت، زمان بازگردانده شدن ستم گران و کافران و افراد ناصالح به پیش گاه خداوند و حساب رسی کردار آنها است.

ثم یردّ الی ربّه فیعدّبه

حسابرسی اخروی قوم الیاس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۷ - ۲

۲- قوم تکذیب کننده الیاس، در روز قیامت برای حسابرسی و کیفر احضار خواهند شد.

فإنهم لمحضرون

حسابرسی اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۳ - ۲

۲- تمامی رفتار و اعمال کافران و تجزیه کنندگان قرآن ، مورد بازپرسی خداوند در قیامت قرار خواهد گرفت .

المقتسمين . الذين جعلوا القرآن عضين . فوربك لنسألنهم أجمعين . عما كانوا يعمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ -

۹- آخرت ، زمان بازگردانده شدن ستم گران و کافران و افراد ناصالح به پیش گاه خداوند و حساب رسی کردار آنها است .

ثُمَّ يَرْدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۱۱،۱۴

۱۱ - کافران ، در روز رستاخیز به جای نیل به ثمره اعمال نیک خویش ، با خدا و کیفر او مواجه خواهند شد .

و الَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَلُهُمْ كَسْرَابٍ بَقِيْعَةٍ .. حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُمْ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَ وَجَدَ اللَّهُ ع

۱۴ - اعمال کافران به روز رستاخیز ، مورد حسابرسی کامل خداوند قرار خواهد گرفت و کیفر آنان بی کم و کاست داده خواهد شد .

و الَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَلُهُمْ كَسْرَابٍ .. وَ وَجَدَ اللَّهُ عِنْدَهُ فَوْقِيْهِ حِسَابَهُ

<توفیه> (مصدر <وفی>) به معنای پرداخت و دریافت کامل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۳ - ۲

۲ - وجود نقطه ای مشخص ، برای محاکمه و حساب رسی کافران در قیامت

كَأَنَّهُمْ إِلَىٰ نَصَبٍ يُّوفَضُونَ

حسابرسی اخروی کم فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۷ - ۲

۲ - احضار کم فروشان در صحنه قیامت و حسابرسی اعمال آنان ، قطعی و تردیدناپذیر است .

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِيْنَ .. أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ ... كَلَّا

حسابرسی اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۱ - ۶

۶ گنه کاران در قیامت با حسابی سخت و ناگوار مواجه می شوند .

و يخافون سوء الحساب

اضافه <سوء> به <الحساب> اضافه صفت

به موصوف است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۲ - ۵

۵- قیامت ، روز بازخواست از مجرمان و تجزیه کنندگان آیات قرآن

لنستلّهم أجمعین

آورده شدن فعل مضارع <نستلّ > برای بازخواست، می تواند اشاره به آینده و روز قیامت داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۳ - ۱

۱ خداوند ، تمامی اعمال و رفتار مجرمان و منکران معاد را ، در روز رستاخیز محاسبه و رسیدگی خواهد کرد .

و قدمنا إلی ما عملوا من عمل فجعلناه هباءً منثورًا

فعل <قدمنا > در آیه شریفه طبق نظر مفسران به معنای <قصدنا > <عمدنا > (قصد آهنگ [کاری] کردیم) است و مقصود از آن، پرداختن به حساب اعمال مجرمان حساب اعمال مجرمان و بررسی آنها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۵

۵ - مجرمان پس از حسابرسی شدن در قیامت ، به تبه کاری خویش در دنیا ، پی می برند .

و لو تری إذ المجرمون ناکسوا رءوسهم عند ربّهم ربّنا أبصرنا

<عند ربّهم > می تواند کنایه از حسابرسی شدن باشد. اعتراف با <أبصرنا و سمعنا > پس از آن، نشان دهنده این است که آنان، به جرم و تبه کاری خود پی می برند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۰ - ۲

۲ - اعطای پاداش به مؤمنان و نیک کرداران در قیامت ، قبل از حسابرسی بدکرداران *

فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا .. وَ أَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که

تقدم در بیان، بیانگر تقدم خارجی نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۹ - ۳

۳ - مجازات های سخت مجرمان در قیامت ، براساس محاسبه و سنجشی عادلانه و به دور از گزاف و ظلم است .

یوم یسحبون .. إنا کلّ شیء خلقنه بقدر

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل که در زمینه مجازات سخت مجرمان در قیامت است برداشت یاد شده به دست می آید.

حسابرسی اخروی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۳ - ۱

۱ - تقوای پیشگان ، پس از حسابرسی اعمالشان ، دسته دسته و گروه گروه به سوی بهشت هدایت خواهند شد .

و وضع الکتب .. و قضی بینهم بالحقّ ... و سیق الذین اتقوا ربهم إلی الجنّه

حسابرسی اخروی معرضان از محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۶ - ۵

۵ - روی گردانان از دعوت به حق پیامبر (ص) ، ناگزیر از اجابت دعوت الهی در قیامت برای حسابرسی و مجازات

فما تغن النذر .. یوم یدع الداع إلی شیء نکر

حسابرسی اخروی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۵ - ۲

۲ - بصیر بودن خداوند به ویژگی های منکران معاد ، دلیل لزوم محشور ساختن آنان و حسابرسی از آنها است .

ظَنُّ أَنْ لَنْ يَحُورَ . بَلَى إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا

حسابرسی اخروی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۶ - > قاسم بن محمد عن علی قال : سمعت أبا عبد الله (ع) يقول : إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِذَا أَرَادَ أَنْ يَحَاسِبَ الْمُؤْمِنَ أَعْطَاهُ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ وَحَاسِبَهُ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَهُ فَيَقُولُ : عَبْدِي ! فَعَلْتَ كَذَا . . . قَدْ غَفَرْتُهَا لَكَ وَابْدَلْتُهَا حَسَنَاتٍ . . . وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ > فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَسَوْفَ يَحَاسِبُ حَسَابًا يَسِيرًا < ;

قاسم بن محمد از علی [بن ابی حمزه] روایت نموده که گفت: از امام صادق (ع) شنیدم که می فرمود: خدای تبارک و تعالی زمانی که بخواهد مؤمنی را محاسبه کند، نامه عملش را به دست راست وی می دهد و او را در آنچه بین خود و او است محاسبه کرده، می فرماید: بنده من فلان کار را کردی؟ .. من آن را برای تو بخشیدم و آن را به حسنه هایی تبدیل کردم ... و این سخن خدای عزوجل است > فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ . فسوف يحاسب حساباً يسيراً< .».

حسابرسی اخروی نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۴ - ۲

۲ - آگاهی تمام مردم ، از بی پایه بودن امتیازات مادی ، هنگام حسابرسی نعمت ها در قیامت

ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ

آخرین آیه سوره، بیانگر زمانی است که مفاد <سوف تعلمون> تحقق می یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۱،۴

۱ - قیامت ، زمان حسابرسی از نعمت ها است .

ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ

<نعيم>، به معنای نعمت فراوان است. (مفردات)

۴- پرسش و حسابرسی از نعمت ها، زمینه ساز گرفتاری برتری جویان و تفاخر کنندگان به آتش دوزخ

لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ .. ثُمَّ لَتَسْتَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ

نشان دادن جهنم به اهل تکاثر پیش از بازخواست نعمت ها بیانگر آن است که اهل تکاثر، باید پس از طی مراحل بازخواست و حسابرسی، جهنم را جایگاه خویش بدانند.

حسابرسی اخروی نعمت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۳ - ۲

۲- همه انسان ها، در آینده هنگام حسابرسی نعمت ها، به پوچی افتخارات مادی پی خواهند برد.

سوف تعلمون

زمان مورد نظر در <سوف تعلمون> به قرینه <ثُمَّ لَتَسْتَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ> هنگام حسابرسی نعمت ها است.

دقت در حسابرسی اخروی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱۱ - ۷

۷- علم خداوند، پشتوانه دقت در حسابرسی و مجازات انسان ها در قیامت است.

إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ

دلایل حسابرسی اخروی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۶ - ۲

۲- برنامه و حساب دقیق حاکم بر هستی ، خود دلیل ضرورت قیامت و محاسبه نهایی کردار آدمیان *

و الذریت .. و إنّ الدین لوقع

از مناسبت میان مقسم به و جواب قسم، استفاده می شود: همان طور که تمام مظاهر طبیعت به گونه ای حساب شده در ارتباط باهم قرار دارند و هدفی را دنبال می کنند، به طریق اولی حیات انسان بی

فرجام نیست و بدون حساب پایان نمی پذیرد.

زمان حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۸ - ۲

۲ - مرحله حسابرسی در قیامت ، مرحله ای پس از دریافت نامه های اعمال است .

فسوف يحاسب حسابًا يسيرًا

<سوف>، برای وعده دادن به کار می رود (مصباح) و دلالت بر تأخیر دارد. (مقایس اللغه)

زمینه حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۸

۸ - رحمانیت خداوند ، مقتضی برپا کردن قیامت و حساب رسی از بندگان است .

هذا ما وعد الرحمن

برداشت یاد شده از یاد کردن خدا به صفت و نام <رحمان> از میان دیگر اوصاف و نام های الهی به دست می آید.

سختی حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۱۴

۱۴- یک عمر لذت جویی و هوس رانی ، پوچ و بی ارزش در قبال لحظه پاسخ گویی و مجازات

كأنهم يوم يرون ما يوعدون لم يلبثوا إلا ساعة من نهار

<یوم یرون ما یوعدون> همان قیامت و روز کیفر است که با دیدنش روزگار دراز کامروایی کافران، لحظه ای از روز می نماید.

سهولت حسابرسی اخروی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۷ - ۷

۷- برانگیختن انسان ها و حسابرسی از آنان در قیامت ، کاری سهل و آسان برای خداوند

لتبعثنَّ تَمَّ لَتَتَّبُوْنَ بِمَا عَمَلْتُمْ وَ ذَلِكْ عَلَيَّ اللّٰهُ يَسِير

عدالت در حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴- کمترین ظلم و بی عدالتی در محاسبه اعمال و نیز در پاداش اخروی سعادت‌مندان وجود ندارد .

فمن أوتى كتبه بيمينه . . . و لا يظلمون فتياً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۷ - ۴،۵،۲

۲- حسابرسی اعمال بندگان بر مبنای قسط و عدل ، از فلسفه های برپایی قیامت

و نضع الموزین القسط لیوم القیمه

برداشت یاد شده بر مبنای این است که لام در <لیوم القیامه> برای تعلیل باشد. بر این اساس پیام آیه چنین می شود:
ترازوهای قسط و داد را به خاطر برپایی قیامت، بنا می نهیم.

۴- حسابرسی دقیق و عادلانه خداوند ، فراگیر تمامی اعمال خُرد و کلان انسان

و نضع الموزین القسط لیوم القیمه . . من خردل

<حَبّه> به معنای یک دانه از گندم، جو و مانند آن است و <خردل> به معنای بذره‌های بسیار ریز است. <مثقال حَبّه من خردل> مثلی است برای بیان هر چیز دقیق و کوچک و مقصود از آن در این آیه، تمامی اعمال خُرد و کلان انسان ها است.

۵- حسابرسی خداوند در قیامت به گونه ای است که به هیچ کس اندکی ظلم نمی شود .

و نضع الموزین . . فلا تظلم نفس شیئاً

عقیده به حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۱۰

۱۰ - عقیده به برپایی قیامت و حساب رسی از بندگان ، از موضوعات دعوت رسولان الهی

من بعثنا من مرقدنا هذا ما وعد الرحمن و صدق المرسلون

عمومیت حسابرسی اخروی

- یس - ۳۶ - ۳۲ - ۱

۱ - تمامی انسان ها بدون استثنا ، در قیامت برای حساب رسی و کیفر و پاداش به پیشگاه خداوند احضار خواهند شد .

و إن کُلّ لَمَّا جَمِیع لَدینَا مَحضرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۶ - ۴

۴ - تمامی انسان ها در قیامت ، با حساب رسی اعمال خویش روبه رو خواهند شد .

و لم أدر ما حسابیه

عوامل سختی حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۱ - ۹،۱۰

۹ قطع پیوندهایی که خداوند به برقرار کردن آنها امر کرده ، موجب مواجه شدن با حساب سخت و ناگوار قیامت خواهد شد .

والذین یصلون .. و یخشون ربهم و یخافون سوء الحساب

۱۰ شکستن پیمان ها و پایبند نبودن به عهدها ، در پی دارنده حساب سخت و ناگوار قیامت است .

الذین یوفون بعهد الله و لاینقضون المیثق .. و یخافون سوء الحساب

غافلان از حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱ - ۳

۳- مشرکان صدراسلام ، از مسأله حسابرسی قیامت ، به طور کلی غافل مانده و از تأمل و اندیشه در نشانه ها و دلایل روشن آن ، روی گردان بودند .

اقترب للناس حسابهم و هم فی غفله معرضون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که این سوره، مکی است و مخاطب و مصداق اوّلی <الناس>، مردم مشرک اند.

غفلت از حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء

۱- انسان ها از حسابرسی قیامت در عین نزدیک بودن آن در غفلت شدید به سر می برند .

اقترب للناس حسابهم و هم فی غفله معرضون

کلمه <فی> در <فی غفله> برای ظرفیت مجازی است و دلالت بر شدتِ وصف می کند؛ یعنی، غفلت مردم از حسابرسی قیامت بسیار شدید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۱

۱ - سرزنش شدن تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر بی توجهی آنان به موضوع حسابرسی اعمال خلق در قیامت و کیفر و پاداش الهی در آن

سنفرغ لكم آیه الثقلان . فبأی ءالاء ربكما تکذبان

استفهام در <فبأی ءالاء> توییخی است و تشبیه آمدن <کما> و <تکذبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

فلسفه حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۳ - ۶

۶ گذر از موقف های قیامت (حسابرسی ، کیفر ، پاداش و ...) غرض از گردآوری همگان در صحنه قیامت است .

ذلک یوم مجموع له الناس

برداشت فوق ، مبتنی براین نکته است که <لام> در <له> برای بیان غایت و غرض باشد. بر این اساس مفاد جمله <ذلک یوم...> چنین می شود: روز قیامت روزی است که خداوند ، همگان را برای گذر از موقفهای آن روز گردآوری می کند.

قانونمندی حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۷ - ۳

حسابرسی اعمال در قیامت

أوتی کتبه بيمينه

گواهی در حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۴ - ۴

۴- برای محاسبه عمل انسان در قیامت ، نیازی به وکیل ، دلیل ، شاهد و . . . نیست .

کفی بنفسک الیوم علیک حسیباً

مدت حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴ - ۵،۷

۵- عرصه محشر و حساب رسی خلایق در آن ، بسیار طولانی است .

فی یوم کان مقداره خمسين ألف سنه

برداشت یاد شده، بنابراین احتمال است که عدد یاد شده در آیه شریفه، صرفاً برای بیان کثرت است.

۷- > روی عن ابي عبدالله (ع) أنه قال : لو ولی الحساب غیر الله لمکتوا فیه خمسين ألف سنه من قبل أن یفرغوا و الله

سبحانه یفرغ من ذلک فی ساعه ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: اگر حساب رسی قیامت را کسی غیر خدا به عهده گیرد، هر آینه [مردم] در آن جا

پنجاه هزار سال باید توقف کنند؛ قبل از این که از حساب فارغ شوند؛ ولی خدای سبحان در کمتر از ساعتی از [حساب رسی]

آنان فارغ می شود.<

مدت حسابرسی اخروی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴ - ۴

۴ - عرصه محشر و حساب رسی خلاق ، پنجاه هزار سال به طول می انجامد .

فی یوم کان مقداره خمسين ألف سنه

مکذبان حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ -

۲ - سران کفر و شرک ، در اوج غرور و ناباوری نسبت به معاد و حسابرسی الهی به سر می بردند .

و قالوا ربنا عجل لنا قطنًا قبل يوم الحساب

از استهزای معاد به وسیله کافران و درخواست شتاب در نزول عذاب قیامت، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۷ - ۲

۲ - طغیان گران دوزخی ، حسابرسی قیامت را انکار کرده و احتمال حقانیت آن را نیز مردود می دانستند .

إنهم كانوا لا يرجون حسابًا

نفی <امید>، بیانگر این است که انکار قیامت از سوی دوزخیان، به حدی شدید بود که آنان احتمال آن را نیز نمی دادند و حتی اندک امیدی به آن نداشتند.

ملائك حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۷ - ۱۱

۱۱- > عن هشام بن سالم قال : سألت أبا عبد الله (ع) عن قول الله عز وجل : > ونضع الموازين القسط ليوم القيامة فلا تظلم نفس شيئاً < قال : هم الأنبياء والأوصيا (ع) ;

از هشام بن سالم نقل شده که گفت: از امام صادق(ع) در باره قول خدای عزوجل > ونضع الموازين القسط ليوم القيامة .. < پرسیدم فرمود: موازین قسط، پیامبران و اوصیا هستند.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۱۹

۱۹ - حسابرسی اعمال بندگان از سوی خداوند در قیامت ، متکی به علم همه جانبه او است .

فیتبئکم بما کنتم تعملون إنّه علیم بذات الصدور

برداشت بالا از آن جا است که

جمله <إِنَّهٗ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ> تعلیل برای جمله <فِيْتَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ> است؛ یعنی، چون خداوند به باطن افراد آگاه است، پس می تواند آنان را به کردارشان آگاه سازد و به حسابرسی آنان پردازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۹ - ۳

۳ - انسان در قیامت ، بر باور ها و ملکات نفسانی خویش ، مؤاخذه خواهد شد .

یوم تبلی السرائر

مراد از آزمودن سریره ها، حسابرسی و سنجش میزان کیفر آنها است.

موانع ذکر حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۱ - ۳

۳ - ضرورت پرهیز از سرگرمی ها و ترک امور بازدارنده از توجه به حسابرسی ها در قیامت

ألهيكم التكاثر

آیه <لَتَسْتَلْنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ> در آخر سوره که بر حسابرسی از نعمت ها دلالت دارد نشانگر آن است که سرگرم شدن به تکاثر، مایه غفلت از حسابرسی است و باید انسان از آنچه او را سرگرم ساخته و از اهداف نعمت ها بازمی دارد، پرهیز کند تا هنگام حسابرسی نعمت ها، پاسخی داشته باشد.

نزدیکی حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۱ - ۱

۱ - هشدار الهی ، به دور نبودن لحظه حسابرسی خلق و برپایی قیامت

سنفرغ لكم آیه الثقلان

وضوح حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۴ - ۳

۳- حساب انسان در پرونده عمل وی در قیامت ، روشن و آشکار است .

کفی بنفسک الیوم علیک حسیبًا

از اینکه خداوند فرموده است:

>خودت برای حسابرسی عمل خود کافی هستی < نشان می دهد که اعمال و حسابرسی آنها روشن و آشکار است و نیاز به تبیین از سوی کسی ندارد.

و عده حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۶

۶ - برپایی قیامت و حسابرسی از بندگان ، وعده الهی به انسان ها

هذا ما وعد الرحمن

وکیل در حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۴ - ۴

۴- برای محاسبه عمل انسان در قیامت ، نیازی به وکیل ، دلیل ، شاهد و ... نیست .

کفی بنفسک الیوم علیک حسبًا

ویژگیهای حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۴ - ۴

۴- برای محاسبه عمل انسان در قیامت ، نیازی به وکیل ، دلیل ، شاهد و ... نیست .

کفی بنفسک الیوم علیک حسبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۳ - ۳

۳ - خروج انسان ها از گور ها و زنده شدن آنان ، برای محاکمه با سرعت انجام می پذیرد .

يوم يخرجون من الأجداث سراغًا كأنهم إلى نصب يوفضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۹ - ۵

۵ - انسان ها در قیامت ، تنها و دور از خویشاوندان ، مورد حسابرسی قرار خواهند گرفت .

فسوف يحاسب .. و ينقلب إلى أهله

هشدار به حسابرسی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ -

۳ - بسیاری از آیات قرآن ، هشدار دهنده مردم درباره معاد و حسابرسی در قیامت است .

لایرجون حساباً . و کذبوا بایتنا کذاباً

جمع بودن <آیات> بر نکته یاد شده دلالت دارد. به قرینه کلمه <حساباً> در آیه قبل موضوع حسابرسی در مجموعه آن آیات مطرح شده است.

حسادت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حسادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۰ - ۳،۵

۳ حسد و عداوت برخی اهل کتاب ، نسبت به مؤمنان

ان تمسکم .. و ان تصبکم سیئه یفرحوا بها

۵ بدخواهی و حسادت منافقان با اهل ایمان *

اذا لقوكم قالوا امنا .. ان تمسکم حسنه تسؤهم و ان تصبکم سیئه یفرحوا بها

برخی برآنند که جمله <و اذا لقوكم قالوا امنا> درباره منافقان است. بنابر این ضمیر مفعولی <تسؤهم> نیز به آنان برمی گردد.

آثار حسادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۵ - ۱،۶

۱ - حسادت به دیگران ، حالتی ناپسند و عملی ساختن آن ، شرّآفرین و ضربه زننده به آنان است .

و من شرّ حاسد إذا حسد

۶ - پیامبر (ص) ، در معرض ضربه خوردن از سوی فردی یا افرادی که حسادت ، آنان را به تلاش های شرّآفرین وادار می

ساخت .

قل . . و من شرّ حاسد إذا حسد

نکره بودن <حاسد> در مقابل معرفه بودن <النفاثات> می تواند بیانگر ناشناخته بودن حسودانی باشد که درصدد ضربه زدن به پیامبر(ص) بودند و ممکن است مراد از آن جنس باشد؛ در آن صورت بر همه

حسودان تعمیم خواهد یافت.

آثار حسادت رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۴

۴ - رویارویی سران شرک با پیامبر اسلام (ص) ، برخاسته از حسادت و خوی جاه طلبی آنان بود .

أءنزل علیه الذکر من بیننا

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که مقصود از <بیننا> خود سران کفر و شرک باشد. بر این اساس اعتراض آنان به انتخاب پیامبر اسلام(ص) از میان آنها، می تواند ناشی از جاه طلبی و حسادت آنان به آن حضرت باشد.

حسادت اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۹ - ۹

۹ حسادت و تجاوز ، عامل مخالفت اهل کتاب (یهود و نصارا) با دین مورد پذیرش خدا

و ما اختلف الذین اوتوا الكتاب . . . بغیاً بینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۰ - ۳

۳ حسد و عداوت برخی اهل کتاب ، نسبت به مؤمنان

ان تمسکم . . . و ان تصبکم سیئه یفرحوا بها

حسادت اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۳ - ۶

۶ حسادت مردم مکه بر پیامبر (ص) از ریشه های ایمان نیاوردن ایشان به آن حضرت *

و ما أكثر الناس و لو حرصت بمؤمنين

برداشت فوق با توجه به توضیحی که در شماره قبل آورده شد معلوم می شود.

حسادت برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸ -

۶ همه فرزندان یعقوب محبت افزون تر او به یوسف (ع) و بنیامین را احساس می کردند و بر آن رشک می بردند .

إذ قالوا ليوסף و أخوه أحب إلى أبينا منا

ضمیر در <قالوا> به <إخوته> در آیه قبل برمی گردد ؛ یعنی ، همه آنان چنین گفتند و بر این نظر اتفاق داشتند.

۷ محبت و علاقه افزون تر یعقوب (ع) به دو فرزندش یوسف (ع) و بنیامین ، برانگیزنده حسادت دیگر فرزندان وی نه اطلاعشان از رؤیای یوسف (ع)

إذ قالوا ليوסף و أخوه أحب إلى أبينا منا

چنان چه یوسف (ع) رؤیای خویش را برای برادرانش نقل کرده بود و آن باعث حسادت و توطئه علیه او شده بود ، سخن از بنیامین به میان نمی آوردند و تنها به ذکر یوسف (ع) اکتفا می کردند.

۸ حسادت برادران یوسف به وی ، آنان را به جلسه ای برای تصمیم گیری علیه او واداشت .

إذ قالوا ليوסף و أخوه أحب إلى أبينا منا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹ - ۲

۲ حسادت برادران یوسف به وی ، منشأ تصمیم آنان بر کشتن و یا تبعید او

إذ قالوا ليوסף و أخوه أحب إلى أبينا منا

حسادت بربرادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۹

۹ یعقوب (ع) نگران از چشم زخم و حسادت بر فرزندان خویش در صورت ورود جملگی آنان به مصر از یک دروازه آن

لاتدخلوا من باب واحد .. و ما أغنى عنكم من الله من

آیه شریفه در این باره که یعقوب(ع) چه خطری را برای فرزندان خویش و یا برای بنیامین احساس می کرده، بیانی ندارد. بسیاری از مفسران گفته اند از اینکه یعقوب(ع) از آنان خواسته متفرق شوند و از دربهای متعدد وارد گردند، می توان حدس زد که وی از خطر چشم زخم و مانند آن هراسان بوده است.

حسادت لبید بن اعصم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۵ - ۷

۷ - تلاش شدید فردی حسود ، برای رساندن شرّ به پیامبر (ص)

و من شرّ حاسد إذا حسد

چنانچه آمدن <حاسد>، برای بیان شدت حسدی باشد که از فرد حسود سر زده بود، ناشناخته بودن او از آیه استفاده نمی شود؛ مؤید این احتمال شأن نزول آیه شریفه است که در آن آمده: آن فرد <لبید بن اعصم> نام داشته است.

حسادت مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۹ - ۹

۹ حسادت و تجاوز ، عامل مخالفت اهل کتاب (یهود و نصارا) با دین مورد پذیرش خدا

و ما اختلف الذین اوتوا الكتاب . . . بغیاً بینهم

حسادت منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۰ - ۵

۵ بدخواهی و حسادت منافقان با اهل ایمان *

إذا لئوکم قالوا امنا . . . ان تمسکم حسنه تسؤهم و ان تصبکم سیئه یفرحوا بها

برخی برآیند که جمله <و اذا لقوكم قالوا آمنا> درباره منافقان است. بنابراین ضمیر مفعولی <تسؤهم> نیز به آنان برمی گردد.

حسادت یهود

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۹ - ۹

۹ حسادت و تجاوز ، عامل مخالفت اهل کتاب (یهود و نصارا) با دین مورد پذیرش خدا

و ما اختلف الذین اوتوا الكتاب . . . بغیاً بینهم

ناپسندی حسادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۵ - ۱

۱ - حسادت به دیگران ، حالتی ناپسند و عملی ساختن آن ، شرّ آفرین و ضربه زننده به آنان است .

و من شرّ حاسد إذا حسد

حسد

آثار حسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱۴

۱۴ - حسادت ، از رذایلی است که آدمی را به گناهان بزرگ و حتی کفر می کشاند .

أن یکفروا بما أنزل الله بغیاً أن ینزل الله من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۵،۷

۵ - حسادت یهود و نصارا ، منشأ علاقه و تلاش آنها بر بازگرداندن اهل ایمان از اسلام بود .

وَدّ کثیر من أهل الکتب لو یردونکم من بعد ایمنکم کفاراً حسداً

<حسداً> مفعولٌ له برای <وَدّ کثیراً..> می باشد یعنی، علاقه و تلاش اهل کتاب برای مرتد ساختن مسلمانان، به علت

حسادت ایشان بود.

۷ - حسد از عوامل انکار حق و عاملی برای مبارزه با آن

لو یردونکم من بعد ایمنکم کفاراً حسداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۳ - ۲۹،۳۲،۳۸

۲۹ نکوهش شدید خداوند از کسانی که پس از روشن شدن حق ،

از سر تجاوزگری و حسادت ، در آن اختلاف می کنند .

و ما اختلف فيه الا الذين اوتوه من بعد ما جاءتهم البينات بغياً بينهم

<بغياً> در لغت به معنای تجاوز و نیز حسد آمده است.

۳۲ حسد و خودخواهی (بغی) عالمان ناشایسته ، ریشه اختلافات دینی

و ما اختلف ... بغياً بينهم

۳۸ حسد و سرکشی (بغی) مانع پذیرش بینات و هدایت الهی

و ما اختلف فيه الا الذين اوتوه بغياً

<بغياً> (حسد و سرکشی)، مفعول لأجله برای <ما اختلف> است ؛ یعنی حسد و سرکشی، مانع پذیرش هدایت و حق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۹ - ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷

۷ اختلافات دینی ، نشأت یافته از ناحیه عالمان متجاوز و حسود

و ما اختلف .. الا من بعد ما جاءهم العلم بغياً

کلمه <بغياً>، به معنای تجاوز است و به معنای حسد نیز آمده است (مجمع البيان).

۸ حسادت و نارسایی های اخلاقی ، از عوامل ستیز عالمان

و ما اختلف ... بغياً بينهم

۹ حسادت و تجاوز ، عامل مخالفت اهل کتاب (یهود و نصارا) با دین مورد پذیرش خدا

و ما اختلف الذين اوتوا الكتاب .. بغياً بينهم

۱۰ حسد و تجاوز از حد ، تهدید کننده واقعنگری و روشن بینی عالمان دینی

و ما اختلف الذين اوتوا الكتاب .. بغياً بينهم

۱۱ ستیز عالمان حسود با یکدیگر ، نشان بی دینی و تسلیم نبودن آنان در برابر خداست .

انّ الدين عند الله الاسلام و ما اختلف الذين . . . بغياً بينهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه -

۶ حسادت یهودیان بر پیامبر (ص) و منزلت وی، مایه گرایش آنان به کفر و شرک

يؤمنون بالجبّ و الطاغوت .. ام يحسدون الناس على ما اتيهم الله من فضله

۷ حسادت، خطری برای ایمان و اعتقاد و عاملی برای گرایش به شرک و کفر

يؤمنون بالجبّ و الطاغوت .. ام يحسدون الناس على ما اتيهم الله من فضله

<ام يحسدون>، چنانچه گذشت، بیان علت مسائلی است که در آیه ۵۱ مطرح شد که از جمله آنها، گرایش و ایمان برخی از یهودیان به کفر و شرک است. یعنی حسادت باعث شد تا به <جبّ> و <طاغوت> ایمان بیاورند.

۹ بی نتیجه بودن حسادت اهل کتاب (یهود) نسبت به تفضّلات الهی به پیامبر (ص)

ام يحسدون الناس على ما اتيهم الله من فضله فقد اتينا ال ابرهيم

<فقد آتينا> به این معناست که همان گونه که حسدورزان به آل ابراهیم طرفی نیستند و به آنان ضرری نرسانند، حسودان به پیامبر (ص) نیز نتیجه ای نخواهند برد و ضرری را متوجّه آن حضرت نخواهند کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ حسد و خودخواهی، ریشه و آغاز برادرکشی در تاریخ

قال لاقتلنک

۱۷ حسد، زمینه ساز سستی مناسبات و روابط عاطفی در میان انسانها

نأ ابني ادم .. قال لاقتلنک

با توجه به اینکه حسادت قاییل، باعث نادیده گرفتن عاطفه برادری خود نسبت به هاییل شد.

۱۸ حسد، زمینه ساز قتل و جنایت

قال لاقتلنک

برداشت فوق را فرمایش منقول از

امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: .. فقبل الله قربان هاييل فحسده قابيل فقتله

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۲، ح ۸۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۰، ح ۱۲۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۱۱

۱۱ حسد و هوای نفس آدمی ، جلوگیر وی از پندپذیری و عاقبت اندیشی

انی اخاف الله رب العلمین انی ارید .. فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۱۸

۱۸ حسادت ، زمینه ای مناسب برای بروز دشمنی شیطان با انسان

فیکیدوا لک کیداً إن الشیطن للانسن عدو مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸ - ۸

۸ حسادت برادران یوسف به وی ، آنان را به جلسه ای برای تصمیم گیری علیه او واداشت .

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب إلی أبینا منا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹ - ۲،۳

۲ حسادت برادران یوسف به وی ، منشأ تصمیم آنان بر کشتن و یا تبعید او

إذ قالوا لیوسف و أخوه أحب .. اقتلوا یوسف

۳ حسد ، آدمی را به گناهای همانند قتل و آواره ساختن برادر وادار می سازد .

إذ قالوا لـيوسف و أخوه أحب .. اقتلوا يوسف أو اطرحوه أرضاً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸- يوسف - ۱۲ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ حسد ، آدمی را به گناهانی همانند دروغ گفتن و نیرنگ زدن حتی به

محبوب ترین نزدیکانش ، وادار می سازد .

قالوا یا بانا ما لک لا تأمنا علی یوسف و انا له لنصحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۳ - ۶

۶ حسادت مردم مکه بر پیامبر (ص) از ریشه های ایمان نیاوردن ایشان به آن حضرت *

و ما اکثر الناس و لو حرصت بمؤمنین

برداشت فوق با توجه به توضیحی که در شماره قبل آورده شد معلوم می شود.

آثار حسد مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۵

۵ - حسادت یهود و نصارا ، منشأ علاقه و تلاش آنها بر بازگرداندن اهل ایمان از اسلام بود .

وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكُتُبِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كَفَارًا حَسَدًا

<حسدًا> مفعولٌ له برای <وَدَّ كثيرًا..> می باشد؛ یعنی، علاقه و تلاش اهل کتاب برای مرتد ساختن مسلمانان، به علت حسادت ایشان بود.

آثار حسد یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱۲

۱۲ - حسادت یهود به پیامبر (ص) از ریشه های کفرورزی آنان به قرآن و تورات

أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَغْيًا أَنْ يَنْزِلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَيَّ مِنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ

<بغی> به معنای حسادت و نیز به معنای ظلم و سرکشی است؛ برداشت فوق ناظر به احتمال اول است. کلمه <بغياً> مفعولٌ به برای <أَنْ يَكْفُرُوا> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۵

۵ - حسادت یهود و نصارا ، منشأ علاقہ و تلاش آنها

بر بازگرداندن اهل ایمان از اسلام بود .

وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكُتُبِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كَفَارًا حَسَدًا

<حسدًا> مفعولٌ له برای <وَدَّ كَثِيرًا..> می باشد؛ یعنی، علاقه و تلاش اهل کتاب برای مرتد ساختن مسلمانان، به علت حسادت ایشان بود.

انصار و حسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۹ - ۷

۷- انصار، به دور از کمترین حسد و چشمداشت نسبت به اموال عطا شده به مهاجران از <فیء >

و لایجدون فی صدورهم حاجه ممّا أوتوا

با توجه به این که حسد مسبوق به چشمداشت است و انصار هیچ گونه چشمداشتی نسبت به اموال عطا شده به مهاجران نداشتند؛ از آیه شریفه نفی هر گونه حسادت استفاده می شود.

اهمیت اجتناب از حسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳ - ۱۵

۱۵ > عن جعفر بن محمد (ع) انه قال : قال والدي . . . و ما أنزل الله سورة يوسف إلا أمثالا لكي لا يحسد بعضنا بعضا كما حسد يوسف إخوته و بغوا عليه ؛

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: پدرم (امام باقر) فرمود: خدا سوره یوسف را نازل نفرمود مگر به عنوان مثلها [ی بیدار کننده] تا بعضی از ما به بعضی دیگر حسد نوزیم، آن گونه که برادران یوسف به او حسد ورزیدند و به او ستم کردند.<

اهمیت رفع حسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۸ - ۳

۳ لزوم تلاش در جهت آرام نمودن خشم و حسادت بر افروخته

دیگران در رویارویی با آنان

لئن بسطت .. ما إنا بباسط یدی إلیک

بیان نحوه برخورد هاییل با برادرش، می تواند درسی آموزنده برای همگان در موارد مشابه با آن باشد.

ترک زمینه حسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۱۱

۱۱ لزوم پرهیز از نقل و ارائه مسائل غیر ضروری که سبب برانگیختن حسادت دیگران می شود .

لا تقصص رءیاک علی إخوتک فیکیدوا لک کیداً

تهمت حسد به مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۱۳

۱۳ - منع شدگان از شرکت در فتح خیبر ، متهم کننده مؤمنان به حسدورزی

فسیقولون بل تحسدوننا

حسد اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۶

۶ - حسادت اهل کتاب بر مسلمانان ، ریشه در اعماق جان ایشان داشت .

حسداً من عند أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۴ - ۱،۲،۹

۱ حسادت اهل کتاب (یهود) ، نسبت به پیامبر (ص) و مسلمانان

ام يحسدون الناس على ما اتيهم الله من فضله

این آیه و آیات گذشته جوابی است بر گفتار غیر منصفانه یهود درباره اهل ایمان (هؤلاء اهدی . . .) بنابراین مراد از <الناس > پیامبر (ص) و مؤمنان خواهد بود.

۲ همسویی اهل کتاب (یهود) با کافران و تصدیق عقاید آنان ، برخاسته از حسادتشان به پیامبر (ص) و مسلمانان

يقولون هؤلاء اهدى من الذين امنوا سيلا . . . يحسدون الناس

جمله <ام يحسدون . . . >

بیان علتی برای مسائل عنوان شده در آیه ۵۱ است. و از جمله آنها، قضاوت ظالمانه و همسویی با کافران است. یعنی این قضاوت و همسویی، ناشی از حسادت یهود می باشد.

۹ بی نتیجه بودن حسادت اهل کتاب (یهود) نسبت به تفضلات الهی به پیامبر (ص)

ام یحسدون الناس علی ما اتیهم الله من فضله فقد اتینا ال ابرهیم

<فقد آتینا> به این معناست که همان گونه که حسدورزان به آل ابراهیم طرفی نبستند و به آنان ضرری نرساندند، حسودان به پیامبر (ص) نیز نتیجه ای نخواهند برد و ضرری را متوجه آن حضرت نخواهند کرد.

حسد به عقیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۸

۸ - ایمان و عقاید دینی ، در گستره حسدورزی انسان

وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكُتُبِ .. حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ

حسد به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱۱، ۱۲

۱۱ - یهودیان ، به خاطر نزول وحی بر پیامبر (ص) و رسالت آن حضرت ، بر او حسادت میورزیدند .

بغياً أن ينزل الله من فضله علی من یشاء من عباده

عبارت <أن ينزل الله...> به تقدیر <لام> بیانگر علت و منشأ حسادت است و حاصل معنای <أن يكفروا... من عباده> چنین است: یهودیان به خاطر حسادتشان بر پیامبر(ص)، به قرآن کافر شدند و منشأ حسادتشان این بود که خدا محمد(ص) - که از نژاد عرب بود - به پیامبری برگزید و به آن حضرت وحی فرستاد.

۱۲ - حسادت یهود به پیامبر)

ص) از ریشه های کفرورزی آنان به قرآن و تورات

أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَغِيًّا أَنْ يَنْزِلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ

<بغياً> به معنای حسادت و نیز به معنای ظلم و سرکشی است؛ برداشت فوق ناظر به احتمال اول است. کلمه <بغياً> مفعول^۸ به برای <أَنْ يَكْفُرُوا> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۳ - ۶

۶ حسادت مردم مکه بر پیامبر (ص) از ریشه های ایمان نیاوردن ایشان به آن حضرت *

و ما أكثر الناس و لو حرصت بمؤمنين

برداشت فوق با توجه به توضیحی که در شماره قبل آورده شد معلوم می شود.

حسد به نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۳ - ۱۳

۱۳ - > عن أمير المؤمنين (ع) ... و نوح (ع) حسده قومه فقالوا: > ما هذا إلا بشر مثلكم يأكل مما تأكلون و يشرب مما تشربون ، و لئن أطعتم بشراً مثلكم إنكم إذا لخاسرون < ... ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است که فرمود: ... و قوم نوح نسبت به آن حضرت حسادت ورزیدند، پس گفتند: ما هذا إلا بشر مثلكم...<.

حسد علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۳ - ۲۹،۳۲

۲۹ نکوهش شدید خداوند از کسانی که پس از روشن شدن حق ، از سر تجاوزگری و حسادت ، در آن اختلاف می کنند .

و ما اختلف فيه الا الذين اوتوه من بعد ما جاءتهم البينات بغياً

<بغی> در لغت به معنای تجاوز و نیز حسد آمده است.

۳۲ حسد و خودخواهی (بغی) عالمان ناشایسته، ریشه اختلافات دینی

و ما اختلف .. بغياً بینهم

حسد قاییل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۱۵،۲۳

۱۵ رد قربانی قاییل و پذیرش قربانی برادرش هاییل، برانگیزنده احساس حسادت در وی نسبت به هاییل *

قال لاقتلنک

به نظر می رسد که پس از پذیرفته شدن قربانی هاییل، انگیزه ای برای تصمیم قاییل جز حسادت در کار نبوده و گویا روشنی این مسأله، موجب آن شده که در کلام به آن پرداخته نشود. برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: ... فقبل الله قربان هاییل فحسده قاییل فقتله ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۲، ح ۸۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۰، ح ۱۲۵.

۲۳ قاییل، انسانی ناآشنا به معارف الهی، بی تقوا و حسود

قال لاقتلنک .. قال انما يتقبل الله من المتقين

حسد قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۳ - ۱۳

۱۳ - > عن أمير المؤمنين (ع) ... و نوح (ع) حسده قومه فقالوا: > ما هذا إلا بشر مثلكم يأكل مما تأكلون و يشرب مما تشربون، و لئن أطعتم بشراً مثلكم إنكم إذا لخاسرون < ... ;

از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است که فرمود: .. و قوم نوح نسبت به آن حضرت حسادت ورزیدند، پس گفتند: ما هذا إلا بشر مثلكم...<

حسد مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۴

۴ - یهودیان و نصاری عصر بعثت ، بر ایمان مسلمانان رشک برده به آنان حسادت میورزیدند .

وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِن بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كَفَارًا حَسَدًا

مقصود از <اهل الكتاب> به دلیل <وقالوا لن يدخل ..> در آیه ۱۱۱، یهود و نصاراست.

حسد منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۱۴

۱۴ رفاه و امکانات مادی مسلمانان ، غیر قابل تحمل برای منافقان صدر اسلام و برانگیزنده آنان به ستیزه جویی و کینه‌ورزی

و ما نقموا إلا أن أغنيهم الله ورسوله من فضله

حسد یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱۱، ۱۲

۱۱ - یهودیان ، به خاطر نزول وحی بر پیامبر (ص) و رسالت آن حضرت ، بر او حسادت میورزیدند .

بغياً أن ينزل الله من فضله على من يشاء من عباده

عبارت <أن ينزل الله ..> به تقدیر <لام> بیانگر علت و منشأ حسادت است و حاصل معنای <أن يكفروا ... من عباده>

چنین است: یهودیان به خاطر حسادتشان بر پیامبر(ص)، به قرآن کافر شدند و منشأ حسادتشان این بود که خدا محمد(ص) -

که از نژاد عرب بود - به پیامبری برگزید و به آن حضرت وحی فرستاد.

۱۲ - حسادت یهود به پیامبر (ص) از ریشه های کفرورزی آنان به قرآن و تورات

أن يكفروا بما أنزل الله بغياً أن ينزل الله من فضله على من يشاء من

<بغی> به معنای حسادت و نیز به معنای ظلم و سرکشی است؛ برداشت فوق ناظر به احتمال اول است. کلمه <بغیاً> مفعول به برای <أن یکفروا> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۴ - ۱،۲،۳،۴،۶،۹

۱ حسادت اهل کتاب (یهود) ، نسبت به پیامبر (ص) و مسلمانان

ام یحسدون الناس علی ما اتیهم الله من فضله

این آیه و آیات گذشته جوابی است بر گفتار غیر منصفانه یهود درباره اهل ایمان (هؤلاء اهدی . . .) بنابراین مراد از <الناس> پیامبر (ص) و مؤمنان خواهد بود.

۲ همسویی اهل کتاب (یهود) با کافران و تصدیق عقاید آنان ، برخاسته از حسادتشان به پیامبر (ص) و مسلمانان

يقولون هؤلاء اهدی من الذین امنوا سیلا . . یحسدون الناس

جمله <ام یحسدون . . .> بیان علتی برای مسائل عنوان شده در آیه ۵۱ است. و از جمله آنها، قضاوت ظالمانه و همسویی با کافران است. یعنی این قضاوت و همسویی، ناشی از حسادت یهود می باشد.

۳ مقام پیامبری و حکومت اعطا شده از جانب خدا به پیامبر (ص) باعث حسادت یهودیان به آن حضرت و پیروانش

ام یحسدون الناس علی ما اتیهم الله من فضله فقد اتینا ال ابرهیم

مراد از <فضله> به قرینه ذیل آیه (فقد آتانا . . .)، کتاب و حکمت و ملک عظیم است.

۴ اعطای قرآن به پیامبر (ص) ، مایه حسادت یهود بر آن حضرت

ام یحسدون الناس علی ما اتیهم الله من فضله

از مصادیق <فضل> به قرینه ذیل آیه قرآن می

باشد.

۶ حسادت یهودیان بر پیامبر (ص) و منزلت وی، مایه گرایش آنان به کفر و شرک

یؤمنون بالجبث و الطاغوت .. ام یحسدون الناس علی ما اتیهم الله من فضله

۹ بی نتیجه بودن حسادت اهل کتاب (یهود) نسبت به تفضلات الهی به پیامبر (ص)

ام یحسدون الناس علی ما اتیهم الله من فضله فقد اتینا ال ابرهیم

<فقد آتینا> به این معناست که همان گونه که حسدورزان به آل ابراهیم طرفی نیستند و به آنان ضرری نرسانند، حسودان

به پیامبر (ص) نیز نتیجه ای نخواهند برد و ضرری را متوجه آن حضرت نخواهند کرد.

حسد یهود صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۴

۴ - یهودیان و نصاری عصر بعثت، بر ایمان مسلمانان رشک برده به آنان حسادت میورزیدند .

وَدَّ کثیر من أهل الکتب لو یردونکم من بعد ایمنکم کفاراً حسداً

مقصود از <اهل الکتب> به دلیل <وقالوا لن یدخل ..> در آیه ۱۱۱، یهود و نصاریست.

شومی حسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۲۶

۲۶ سرانجام شوم حسادت و برادرکشی قایل، درسی برای اهل کتاب

و اتل علیهم نبأ ابنی ادم .. فاصبح من الندمین

با توجه به اینکه ضمیر در <علیهم> به اهل کتاب باز می گردد، هدف اصلی از بر شمردن پیامدهای قتل هابیل، پند گرفتن

آنان خواهد بود.

عوامل حسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۴ - ۳،۴،۱۰

۳ مقام پیامبری

و حکومت اعطا شده از جانب خدا به پیامبر (ص) باعث حسادت یهودیان به آن حضرت و پیروانش

ام یحسدون الناس علی ما اتیهم الله من فضله فقد اتینا ال ابرهیم

مراد از <فضله> به قرینه ذیل آیه (فقد آتانا ..)، کتاب و حکمت و ملک عظیم است.

۴ اعطای قرآن به پیامبر (ص) ، مایه حسادت یهود بر آن حضرت

ام یحسدون الناس علی ما اتیهم الله من فضله

از مصادیق <فضل> به قرینه ذیل آیه قرآن می باشد.

۱۰ خاندان رسالت به علت بهره مندی از داده ها و فضل خداوند ، مورد حسادت

ام یحسدون الناس علی ما اتیهم الله من فضله

امام صادق (ع) فرمود: .. نحن الناس المحسودون الذین قال الله: ام یحسدون الناس

کافی، ج ۱، ص ۱۸۶، ح ۶؛ و ص ۲۰۵، ح ۱، ص ۲۰۶، ح ۲، ۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۹۱، ح ۳۰۱؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۶، ح ۱۵۳.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۱۵

۱۵ رد قربانی قایل و پذیرش قربانی برادرش هابیل ، برانگیزنده احساس حسادت در وی نسبت به هابیل *

قال لاقتلنک

به نظر می رسد که پس از پذیرفته شدن قربانی هابیل، انگیزه ای برای تصمیم قایل جز حسادت در کار نبوده و گویا روشنی این مسأله، موجب آن شده که در کلام به آن پرداخته نشود. برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: ... فقبل الله قربان هابیل فحسده قایل فقتله

۱، ص ۳۱۲، ح ۸۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۰، ح ۱۲۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸ - ۶،۷

۶ همه فرزندان یعقوب محبت افزون تر او به یوسف (ع) و بنیامین را احساس می کردند و بر آن رشک می بردند .

إذ قالوا ليوסף و أخوه أحب إلى أبينا منا

ضمیر در <قالوا> به <إخوته> در آیه قبل برمی گردد؛ یعنی ، همه آنان چنین گفتند و بر این نظر اتفاق داشتند.

۷ محبت و علاقه افزون تر یعقوب (ع) به دو فرزندش یوسف (ع) و بنیامین ، برانگیزنده حسادت دیگر فرزندان وی نه اطلاعشان از رؤیای یوسف (ع)

إذ قالوا ليوסף و أخوه أحب إلى أبينا منا

چنان چه یوسف(ع) رؤیای خویش را برای برادرانش نقل کرده بود و آن باعث حسادت و توطئه علیه او شده بود ، سخن از بنیامین به میان نمی آوردند و تنها به ذکر یوسف(ع) اکتفا می کردند.

فرجام حسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۲۶

۲۶ سرانجام شوم حسادت و برادرکشی قابیل ، درسی برای اهل کتاب

و اتل عليهم نبأ ابني آدم .. فاصبح من الندمين

با توجه به اینکه ضمیر در <عليهم> به اهل کتاب باز می گردد، هدف اصلی از بر شمردن پیامدهای قتل هابیل، پند گرفتن آنان خواهد بود.

فسق حسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۱۰

۱۰- هواپرستی ، حسد ، نژادپرستی ، خود بزرگ بینی

و خویشان را بدون هیچ دلیل اهل بهشت پنداشتن ، از مصادیق فسق است .

و ما یکفر بها إلا الفسقون

محدوده حسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۸

۸ - ایمان و عقاید دینی ، در گستره حسدورزی انسان

وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكُتُبِ .. حَسِداً مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ

حسودان

{حسودان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱۱

۱۱ - یهودیان ، به خاطر نزول وحی بر پیامبر (ص) و رسالت آن حضرت ، بر او حسادت میورزیدند .

بغياً أن ينزل الله من فضله على من يشاء من عباده

عبارت <أن ينزل الله .. > به تقدیر <لام> بیانگر علت و منشأ حسادت است و حاصل معنای <أن يكفروا ... من عباده> چنین است: یهودیان به خاطر حسادتشان بر پیامبر(ص)، به قرآن کافر شدند و منشأ حسادتشان این بود که خدا محمد(ص) - که از نژاد عرب بود - به پیامبری برگزید و به آن حضرت وحی فرستاد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۴ - ۱،۲،۳،۴،۶،۹

۱ حسادت اهل کتاب (یهود) ، نسبت به پیامبر (ص) و مسلمانان

ام يحسدون الناس على ما اتيهم الله من فضله

این آیه و آیات گذشته جوابی است بر گفتار غیر منصفانه یهود درباره اهل ایمان (هؤلاء اهدى ..) بنابراین مراد از

>الناس < پیامبر (ص) و مؤمنان خواهد بود.

۲ همسویی اهل کتاب (یهود) با کافران و تصدیق عقاید آنان ، برخاسته از حسادتشان

به پیامبر (ص) و مسلمانان

يقولون هؤلاء اهدى من الذين امنوا سيلا .. يحسدون الناس

جمله <ام يحسدون .. > بیان علتی برای مسائل عنوان شده در آیه ۵۱ است. و از جمله آنها، قضاوت ظالمانه و همسویی با کافران است. یعنی این قضاوت و همسویی، ناشی از حسادت یهود می باشد.

۳ مقام پیامبری و حکومت اعطا شده از جانب خدا به پیامبر (ص) باعث حسادت یهودیان به آن حضرت و پیروانش

ام يحسدون الناس على ما اتيهم الله من فضله فقد اتينا ال ابراهيم

مراد از <فضله> به قرینه ذیل آیه (فقد آتانا ..)، کتاب و حکمت و ملک عظیم است.

۴ اعطای قرآن به پیامبر (ص)، مایه حسادت یهود بر آن حضرت

ام يحسدون الناس على ما اتيهم الله من فضله

از مصادیق <فضل> به قرینه ذیل آیه قرآن می باشد.

۶ حسادت یهودیان بر پیامبر (ص) و منزلت وی، مایه گرایش آنان به کفر و شرک

يؤمنون بالجبت والطاغوت .. ام يحسدون الناس على ما اتيهم الله من فضله

۹ بی نتیجه بودن حسادت اهل کتاب (یهود) نسبت به تفضلات الهی به پیامبر (ص)

ام يحسدون الناس على ما اتيهم الله من فضله فقد اتينا ال ابراهيم

<فقد آتينا> به این معناست که همان گونه که حسدورزان به آل ابراهیم طرفی نبستند و به آنان ضرری نرساندند، حسودان به پیامبر (ص) نیز نتیجه ای نخواهند برد و ضرری را متوجه آن حضرت نخواهند کرد.

آسیب پذیری از حسودان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - پیامبر (ص) ، در معرض ضربه خوردن از سوی فرد یا افرادی که حسادت ، آنان را به تلاش های شرّ آفرین وادار می ساخت .

قل . . و من شرّ حاسد إذا حسد

نکره بودن <حاسد> در مقابل معرفه بودن <النفاثات> می تواند بیانگر ناشناخته بودن حسودانی باشد که درصدد ضربه زدن به پیامبر(ص) بودند و ممکن است مراد از آن جنس باشد؛ در آن صورت بر همه حسودان تعمیم خواهد یافت.

استعاذه از حسودان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۵ - ۲۸

۲ - لزوم پناه بردن به خداوند ، هنگام تلاش های حسادت آمیز دیگران

و من شرّ حاسد إذا حسد

۸ - خداوند ، پیامبر (ص) را به پناه خواستن و امداد طلبیدن از او ، در برابر آثار حسادت مردم فرمان داد .

قل أعوذ برّب الفلق . . و من شرّ حاسد إذا حسد

برخورد با حسودان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۸ - ۳

۳ لزوم تلاش در جهت آرام نمودن خشم و حسادت بر افروخته دیگران در رویارویی با آنان

لئن بسطت . . ما إنّا بباسط یدی إلیک

بیان نحوه برخورد هابیل با برادرش، می تواند درسی آموزنده برای همگان در موارد مشابه با آن باشد.

زمینه مصونیت از حسودان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - پناه بردن به خداوند و به زبان جاری ساختن استعاذه به درگاه او ،

زمینه ساز دور ماندن انسان از آسیب های حسودان

أعوذ برَبِّ الفلق . . و من شرِّ حاسد إذا حسد

منشأ مصونیت از حسودان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۵ - ۳،۵

۳ - خداوند ، بر بی اثر کردن حسد دیگران و مصون ساختن انسان در برابر تلاش های عملی حسودان ، توانا است .

أعوذ برَبِّ الفلق . . و من شرِّ حاسد إذا حسد

۵ - توانایی خداوند بر شکافتن تاریکی ها با سپیده صبح ، دلیل قدرت او بر نجات انسان از خطر حسودان

قل أعوذ برَبِّ الفلق . . و من شرِّ حاسد إذا حسد

حسرت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حسرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۳ - ۱۵،۲۱

۱۵ اندوه و حسرت مسلمانان به خاطر از دست دادن غنائم جنگی و جراحاتی که در نبرد احد به آنان رسید .

فأثابکم غمًّا بغمِّ لکیلا تحزنوا علی ما فاتکم و لا ما اصابکم

مراد از <غمِّ> (غم دوّم) باید غمی ناپسند باشد ؛ چرا که خداوند آن را به غم پسندیده تبدیل کرد و آن را پاداشی بر مسلمانان قرار داد و به قرینه <لکیلا .. >، آن غم ناپسند همان از دست دادن غنائم و جراحات وارد شده بر مسلمانان بوده است.

۲۱ هجوم پی در پی غم ها و حسرت ها به مسلمانان در کارزار احد ، نتیجه مخالفت آنان با پیامبر خدا (ص)

اذ تصعدون . . فأثابکم غمًّا بغمِّ

برخی از مفسران بر آنند که <باء> در <بغمِّ> الصاقیه است و مراد، غمهای فراوانی است که یکی پس

از دیگری در آن نبرد به مسلمانان وارد می شد و همه آنها پیامد فرار از جنگ و مخالفت با دستور پیامبر (ص) بود. در برداشت فوق <اثابکم> به معنای مجازات گرفته شده نه پاداش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۷

۷ حسرت و افسوس فراریان از میدان نبرد، پس از دانستن این که حیات و مرگ تقدیر الهی است .

لا تکنونوا .. ما ماتوا و ما قتلوا لیجعل الله ذلک حسره فی قلوبهم

بنابر اینکه <لیجعل> متعلق به محذوف باشد، یعنی بیان این حقیقت که مرگ و حیات تقدیر الهی است، برای این بود که متخلفان از جنگ بر کرده خویش حسرت برند. زیرا معلوم می شد که اگر در جنگ شرکت می کردند، چون مقدر نبود، کشته نمی شدند.

انذار از حسرت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۹ - ۱۱

۱۱- انذار غافلان و منکران قیامت و بیم دادن آنان از زمینه های حسرت در آن از وظایف پیامبر (ص) است .

و أنذرهم یوم الحسره .. و هم فی غفله و هم لا یؤمنون

بی تأثیری حسرت اخروی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۳ - ۹

۹ - بی اثر بودن اعتراف مشرکان به وجود رستاخیز و اظهار تأسف و حسرت آنان به حال زار خویش در روز قیامت

قالوا یویلنا هذا یوم الدین .. احشروا الذین ظلموا ... فاهدوهم إلى صراط الجحیم

حسرت اخروی انسان

جلد - نام سوره - سوره

۱۱ - اعمال ناروای آدمیان در قیامت ، به صورت حسرتی مجسم در پیش روی آنان قرار خواهد گرفت .

كذلك يريهم الله أعمالهم حسرت عليهم

برداشت فوق بر این اساس است که: <یری> از رؤیت قلبی باشد. در این صورت <حسرات> مفعول سوم برای <یری> خواهد بود و معنای جمله چنین می شود: خداوند اعمال مشرکان را به صورت حسرتهاایی، بر آنان جلوه گر خواهد ساخت.

حسرت اخروی بندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - > فی الخبر النبوی (ص) أنه يُفْتَحُ للعبد يوم القيامة على كل يوم من أيام عمره أربعة و عشرون خزانه . . . يُفْتَحُ له خزانه . . . فیراها فارغه لیس فیها ما یسرّه و لا ما یسؤوه و هی الساعه التي نام فیها أو اشتغل فیها بشیء من مباحات الدنیا فیناله من الغبن و الأسف علی فواتها . . . ما لا یوصف و من هذا قوله تعالی : < ذلک يوم التغابن > ;

در روایتی از پیامبر(ص) آمده که برای بنده در قیامت، برای هر روز از ایام عمرش ۲۴ خزانه باز می شود . . . خزانه ای برای او باز می گردد که آن را خالی می بیند و چیزی که او را خوشحال یا ناراحت کند در آن نیست. این همان ساعتی است که در آن خوابیده و یا مشغول کارهای مباح دنیا بوده است. پس غبن و تأسف بر از دست دادن آن ساعت، به او دست می دهد . . . به اندازه

ای که قابل توصیف نیست و در همین باره است سخن خدای تعالی: و ذلک یوم التغابن <

حسرت اخروی خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۴ - ۱

۱ - خطاکاران در قیامت ، فرورفته در حسرت و پشیمان از ترک ذخیره سازی توشه آخرت

و جایء یومئذ بجهنم .. یقول یلینتی قدمت لحياتی

حسرت اخروی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۹ - ۵

۵- حسرت کافران و ستم گران در قیامت ، به خاطر از دست دادن فرصت ها در دنیا

و أنذرهم یوم الحسره إذ قضی الأمر

<إذ> در <إذ قضی الأمر> بیانگر <یوم الحسره> است و مراد این است که روز حسرت، هنگامی است که موضوع خاتمه یافته باشد.

حسرت اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۷ - ۸

۸ کافران با مشاهده مقام و جایگاه مؤمنان در قیامت به آن حسرت می خورند.

یلینتا نرد و لا نکذب بأیت ربنا و نکون من المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۹ - ۵

۵- حسرت کافران و ستم گران در قیامت ، به خاطر از دست دادن فرصت ها در دنیا

و أنذرهم يوم الحسره إذ قضی الأمر

<إذ> در <إذ قضی الأمر> بیانگر <یوم الحسره> است و مراد این است که روز حسرت، هنگامی است که موضوع خاتمه یافته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۸

۸- اظهار حسرت کافران در

قیامت ، به خاطر غفلت عمیق و پیوسته خویش از روز قیامت

یویلنا قد کنا فی غفله من هذا

برداشت یاد شده از آمدن <فی> که برای ظرفیت است استفاده می شود. بدین صورت که غفلت، ظرف و انسانِ غافل، مظلوف قرار گرفته است و این حکایت از غوطهور شدن و فرورفتن در عمق غفلت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۶ - ۱۱، ۶

۶ - کافران ، در جهنم بر نیندوختن توشه ای برای آخرت خود ، حسرت می خورند .

الکفرین .. یوم تقلب وجوههم فی النار یقولون یلینا أطعنا الله و أطعنا الرسو

۱۱ - کافران ، در حال سوختن در آتش جهنم ، بر عملکرد گذشته خود در دنیا ، حسرت می خورند .

یوم تقلب وجوههم فی النار یقولون یلینا أطعنا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۱

۱ - کافران به وقت زنده شدن و حضور به پیشگاه پروردگار ، به شدت اظهار تأسف و حسرت می کنند .

إلی ربهم ینسلون . قالوا یویلنا

<یاویلنا> (ای وای بر ما) در جایی به کار می رود که حادثه ای مصیبت بار و تأسف آور، پدید آمده باشد و از آن اظهار تأسف شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۷ - ۳

۳ - غبطه و حسرت کافران و گنه کاران ، به حال تقواییشان در قیامت

أَنَّ الله هدینی لکنک من المتقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- غبطه و حسرت کافران و گنه کاران به حال محسنان در قیامت

لو أن لی کزّه فأکون من المحسنین

حسرت اخروی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۸ - ۱

۱- انسان گمراه و غفلت زده ، در روز قیامت گرفتار حسرت و آرزومند عدم همنشینی با عناصر شیطانی گمراه کننده

حتّی إذا جاءنا قال یتب بینی و بینک بعد المشرقین

حسرت اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۷ - ۳

۳- غبطه و حسرت کافران و گنه کاران ، به حال تقوایندگان در قیامت

أنّ الله هدینى لکنّ من المتّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۸ - ۶

۶- غبطه و حسرت کافران و گنه کاران به حال محسنان در قیامت

لو أن لی کزّه فأکون من المحسنین

حسرت اخروی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۷ - ۷

۷- قیامت صحنه حسرت و اندوه مشرکان پیرو ، از شرک‌ورزی و پیروی از سران شرک

كذالك يريهم الله اعملهم حسرت عليهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۰ - ۲

۲ - حسرت مشرکان در قیامت ، بر نداشتن شفاعت کننده و مددکار

إذ نسوئكم ربّ العلمين .. فما لنا من شفيعين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۱ - ۱

۱ - حسرت مشرکان ، بر نداشتن کمترین دوست دلسوز در قیامت

و لاصديق حميم

<حميم> به

معنای نزدیک است و <صدیق حمیم> (دوست نزدیک) می تواند کنایه از فرد مشفق، مهربان و دلسوز باشد.

حسرت اخروی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۰ - ۱

۱ - اظهار تأسف و حسرت منکران معاد بر حال زار خود ، پس از برانگیخته شدن در قیامت

فإذا هم ينظرون . و قالوا یویلنا

<ویل> واژه ای است که برای اظهار تأسف و حسرت به کار می رود و ضمیر متکلم مع الغیر (نا) برای تأکید و اهتمام به این امر است.

حسرت باغدار متکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۲ - ۴

۴- مرد ثروت مند ، بادیدن باغ فرو ریخته بر سقف ها و تباهی تمامی محصول و سرمایه های خویش به حسرت شدید فرو رفت .

و أحيط بثمره فأصبح يقلب كفيه.. و هی خاویه علی عروشها

<كف> یعنی دست و <كفيه> تشبیه آن و به معنای دو دست او است. جمله <يقلب كفيه> یعنی، دو دست اش را زیر و رو می کرد (گاهی کف یک دست را بر پشت دست دیگر و گاه عکس آن را انجام می داد). این حرکت، بازتابی از اندوه و حسرت شدید آدمی است. <خاویه> یعنی، فرو ریخته و منهدم شده و <عروش> به معنای سقف ها و یا داربست هایی است که برای برخی درختان میوه برپا می گردد. <خاویه علی عروشها> یعنی: <درختان و یا بناهای باغ، بر سقف های خود فرو ریخته بود.>

حسرت تارکان انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون

۱۲ - تأسف عمیق دریغ کنندگان از انفاق ، به هنگام فرارسیدن مرگ

فیقول ربّ لولا أخرتني . . . و أكن من الصالحين

حسرت جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۱۷

۱۷ عن النبي (ص) في قوله: <يا حسرتنا> قال: يرى أهل النار منازلهم من الجنة فيقولون: <يا حسرتنا>.

رسول خدا(ص) درباره قول خداوند <یا حسرتنا> فرمود: جهنمیان جایگاه خودشان را در بهشت می بینند آنگاه می گویند: <ای افسوس>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۷ - ۱

۱ - سوگند به خدا و اعتراف حسرت بار دوزخیان در میان شراره های آتش ، به گمراهی آشکار خویش در دنیا

تالله إن كنا لفي ضلل مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۷ - ۳

۳ - پشیمانی دوزخیان از کرده های ناشایست خویش و حسرت شدید آنان برای انجام اعمال صالح

ربّنا أخرجنا نعمل صلحًا غير الذي كنّا نعمل

آهنگ سخن دوزخیان، به گونه ای است که نشانگر ندامت شدید آنان بر گذشته های خود و حسرتشان برای انجام اعمال نیک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۲ - ۲

۲ - اظهار تعجب و حسرت طاغیان و دوزخیان ، از ناتوانی شان در دیدن مؤمنان و جایگاه آنان

و قالوا ما لنا لانرى رجالاً كنا نعدّهم من الأشرار

استفهام در <ما لنا..> برای تعجب و تحسّر است.

حسرت حبيب نجار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس

۹- مؤمن انطاکیه (حبیب نجار) ، پس از به شهادت رسیدنش ، از آگاه نبودن مردم از جایگاه بهشتی خود ، اظهار تأسف کرده و آرزو نمود که ای کاش آنان آگاه می شدند .

یلیت قومی یعلمون

جمله <یا لیت قومی..> برای استتشاف بیانی است / یعنی، بیانگر امری است که پس از ورود به بهشت [برزخی] اتفاق افتاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۷ - ۴

۴- مؤمن انطاکیه (حبیب نجار) ، پس از به شهادت رسیدن ، از آگاه نبودن مردم از مورد غفران قرار گرفتن و عزیز شدنش در پیشگاه الهی ، تأسف خورد .

قال یلیت قومی یعلمون . بما غفر لی ربی و جعلنی من المکرمین

حسرت خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۴ - ۳

۳- خطاکاران ، زندگانی اخروی خویش را فاقد توشه های لازم دیده و در حسرت فرصت های برباد رفته بسر می برند .

یلیتنی قدمت لِحیاتی

حسرت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۸

۸ اندیشه های جاهلانه درباره مرگ و حیات (حاکمیت عوامل مادی بر اراده خداوند) ، موجب حسرت کفرپیشگان ، به هنگام قیامت

لو كانوا عندنا ما ماتوا و ما قتلوا ليجعل الله ذلك حسره في قلوبهم

برخی از مفسران برآنند که زمان حسرت مطرح شده در آیه، قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران

۷ بدکاران در قیامت آرزو می کنند کاش میان آنان و عملشان ، زمان بی حدی فاصله بود .

و ما عملت من سوء توذّ لو أنّ بینها و بینها امداً بعیداً

۱۱ قیامت ، روز اندوه و افسوس بدکاران

توذّ لو أنّ بینها و بینها امداً بعیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۷،۸

۷ منکران ملاقات پروردگار در قیامت بر تفریط و کوتاهیهای خویش در دنیا تأسف و حسرت بسیار می خورند.

حتى إذا جاءتهم الساعة بغته قالوا يحسرتنا علی ما فرطنا فیها

منادا قرار گرفتن حسرت گویای شدت و عمق ندامت است. ضمناً مرجع ضمیر <فیها>، <حیات دنیا> گرفته شده که مرجعی معنوی است.

۸ منکران معاد در قیامت بر سهل انگاری و بی توجهی خود در مورد قیامت بسیار حسرت و تأسف خواهند خورد.

حتى إذا جاءتهم الساعة بغته قالوا يحسرتنا علی ما فرطنا فیها

مرجع ضمیر در <فرطنا فیها> می تواند <الساعة> باشد. و مراد از <الساعة> ممکن است قیامت باشد، در این صورت معنی جمله چنین می شود <یا حسرتنا علی ما فرطنا فی امر القیامه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۹ - ۱،۲

۱- پیامبر اکرم (ص) مأمور انداز و هشدار دادن به مردم در مورد حوادث حسرت آفرین قیامت

و أنذرهم یوم الحسره

ضمیر <هم> در <أنذرهم> شامل همه مردم می شود. از اضافه شدن <یوم> به <الحسره> معلوم می شود که در آن روز همگان برگزیده خویش تأسف می خورند، به طوری که آن روز <روز حسرت> نامیده شده

است.

۲- قیامت ، روز حسرت و افسوس آدمیان بر عملکرد خویش در دنیا است .

و أنذرهم يوم الحسره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۲

۲ - وضعیت کافران در روز رستاخیز ، بسیار تأسف بار و حسرت آور خواهد بود .

قالوا یویلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - تذکر و بیداری انسان در قیامت ، حاصلی جز پشیمانی و حسرت ندارد .

و أنئی له الذکری . یقول یتینی قدّمت لِحیاتی

حسرت دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۹ - ۸

۸ - اظهار حسرت و دریغ از سوی دنیاطلبان غافل ، به هنگام مشاهده قارون در تجمل ویژه خود

قال الذین یریدون الحیوه الدنیا یتلینا مثل ما أوتی قرون

حسرت دنیوی دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۶ - ۲

۲ - واکنش کافران دنیاگرا در برابر فشار های ناگهانی اقتصادی ، واکنشی ذلیلانه و حسرت بار است .

لو نشاء .. فظلمت تفكّهون . إنّنا لمغرمون

حسرت دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۶ - ۲

۲ - واکنش کافران دنیاگرا در برابر فشار های ناگهانی اقتصادی ، واکنشی ذلیلانه و حسرت بار است .

لو نشاء .. فظلمت تفكّهون . إنّنا لمغرمون

حسرت طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۲ - ۲

۲ - اظهار تعجب و حسرت

طاغیان و دوزخیان ، از ناتوانی شان در دیدن مؤمنان و جایگاه آنان

و قالوا ما لنا لانرى رجالاً كنا نعدّهم من الأشرار

استفهام در <ما لنا..> برای تعجب و تحسر است.

حسرت ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۴ - ۲

۲- مرفهان ستمگر ، با مشاهده عذاب الهی در حسرت و ندامت فرو می روند .

فلما أحسوا بأسنا .. قالوا یویلنا إنا كنا ظلمین

حسرت عمل صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۷ - ۳

۳ - پشیمانی دوزخیان از کرده های ناشایست خویش و حسرت شدید آنان برای انجام اعمال صالح

ربّنا أخرجنا نعمل صلحاً غیر الذی کنا نعمل

آهنگ سخن دوزخیان، به گونه ای است که نشانگر ندامت شدید آنان بر گذشته های خود و حسرتشان برای انجام اعمال نیک است.

حسرت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۸

۸ اندیشه های جاهلانه درباره مرگ و حیات (حاکمیت عوامل مادی بر اراده خداوند) ، موجب حسرت کفرپیشگان ، به هنگام قیامت

لو كانوا عندنا ما ماتوا و ما قتلوا لیجعل الله ذلک حسره فی قلوبهم

برخی از مفسران بر آنند که زمان حسرت مطرح شده در آیه، قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۶ - ۱

۱- حسرت و ندامت کافران از ستم کاری خویش ، به هنگام احساس و لمس اندکی از عذاب الهی

ولئن مسّتهم نفعه من عذاب ربّک لیقولنّ یویلنا إنّنا کنا ظلمین

<نفعه> در لغت

به معنای وزیدنی و یا یک وزیدن است که نوعاً در امور خیر به کار می رود و گاهی هم در امور شرّ استعمال می شود. از نظر مفسران این کلمه در آیه شریفه، به سه دلیل دلالت تقلیل را می رساند: ۱ ماده <نفحه> دال بر تقلیل است؛ ۲ بر وزن و بناء <مژه> می باشد؛ ۳ به صورت نکره آمده است. گفتنی است کسی واژه <ویل> را می گوید که دچار بدبختی و هلاکت شده و از روی تأسف و تحسّر این لفظ را ادا کرده باشد.

حسرت کافران قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۵

۵ حسرت و ندامت کافران قریش بر نابودی داراییهایشان ، تنها نتیجه پرداخت هزینه مبارزاتی آنان علیه اسلام

ثم تکون علیهم حسره ثم یغلبون

چون هدف کافران از سرمایه گذاری اموال جلوگیری از گسترش اسلام بوده، معلوم می شود حسرت و ندامت آنان بدان جهت بوده است که اموالشان از دست رفته و به نتیجه مطلوب نرسیده اند. قابل ذکر است که جمله <ثم یغلبون> دلالت می کند که زمان ندامت آنان در دنیاست.

حسرت گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۳ - ۳

۳ - حسرت شدید مجرمان لجاجت پیشه ، بر فرصت های از دست رفته و نومیدی آنان به هنگام مشاهده عذاب الهی

فیأتیهم بغته .. فیقولوا هل نحن منظرون

با توجه به تعبیر <هل نحن..> به دست می آید که آنان به گونه ای قطعی چنین درخواستی نمی کنند؛ بلکه آرزوی خود را در قالب پرسش

بیان می دارند.

حسرت متخلفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۳ - ۹،۱۰

۹ متخلفان از جهاد، بیگانه با جامعه ایمانی و پیوند های مودت آمیز آن

و انّ منکم لمن لیبطئنّ .. کان لم تکن بینکم وینه مودّه

۱۰ حسرت و تأسف متخلفان از جهاد بر محرومیتشان از غنائم جنگی

و لئن اصابکم فضل من اللّٰه ليقولنّ .. یا لیتنی کنت معهم فافوز فوزاً عظیماً

حسرت متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۳ - ۱۰

۱۰ حسرت و تأسف متخلفان از جهاد بر محرومیتشان از غنائم جنگی

و لئن اصابکم فضل من اللّٰه ليقولنّ .. یا لیتنی کنت معهم فافوز فوزاً عظیماً

حسرت مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۷

۷ حسرت و افسوس فراریان از میدان نبرد، پس از دانستن این که حیات و مرگ تقدیر الهی است.

لا تکونوا .. ما ماتوا و ما قتلوا لیجعل اللّٰه ذلک حسره فی قلوبهم

بنابر اینکه <لیجعل> متعلق به محذوف باشد، یعنی بیان این حقیقت که مرگ و حیات تقدیر الهی است، برای این بود که متخلفان از جنگ بر کرده خویش حسرت برند. زیرا معلوم می شد که اگر در جنگ شرکت می کردند، چون مقدر نبود، کشته نمی شدند.

حسرت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۸ - ۱۴، ۱۳

۱۳ - توصیه خداوند به پیامبر (ص)، مبنی بر

حسرت و اندوه نداشتن بر گمراهی کافران

فلاتذهب نفسک علیهم حسرت

۱۴ - حسرت و اندوه شدید و همه جانبه پیامبر (ص) ، بر انحراف و گمراهی مردم کافر

فلاتذهب نفسک علیهم حسرت

آمدن <حسرات> به صورت جمع به جای <حسرت>، بر کثرت و چند جانبه بودن آن دلالت می کند.

حسرت مرفهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۴ - ۲

۲- مرفهان ستمگر ، با مشاهده عذاب الهی در حسرت و ندامت فرو می روند .

فلما أحسوا بأسنا .. قالوا یویلنا إنا كنا ظلمین

حسرت مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۳ - ۱۵،۲۱

۱۵ اندوه و حسرت مسلمانان به خاطر از دست دادن غنائم جنگی و جراحاتی که در نبرد احد به آنان رسید .

فانابکم غمًا بغمٍ لکیلا تحزنوا علی ما فاتکم و لا ما اصابکم

مراد از <غمّ> (غم دوّم) باید غمی ناپسند باشد ؛ چرا که خداوند آن را به غم پسندیده تبدیل کرد و آن را پاداشی بر مسلمانان قرار داد و به قرینه <لکیلا .. >، آن غم ناپسند همان از دست دادن غنائم و جراحات وارد شده بر مسلمانان بوده است.

۲۱ هجوم پی در پی غم ها و حسرت ها به مسلمانان در کارزار احد ، نتیجه مخالفت آنان با پیامبر خدا (ص)

اذ تصعدون .. فانابکم غمًا بغمٍ

برخی از مفسران بر آنند که <باء> در <بغمّ> الصاقیه است و مراد، غمهای فراوانی است که یکی پس از دیگری در آن نبرد

به مسلمانان وارد می شد و همه آنها

پیامد فرار از جنگ و مخالفت با دستور پیامبر (ص) بود. در برداشت فوق <اثابکم> به معنای مجازات گرفته شده نه پاداش.

حسرت مشرکان پیرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۷ - ۱۲

۱۲ - شرک‌ورزی، محبت به سران شرک و پیروی از آنان، عمل‌های حسرت‌آفرین و اندوه‌بار در سرای آخرت برای مشرکان پیرو

كذلك يريهم الله أعملهم حسرت عليهم

حسرت مکذبان لقاءالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۷

۷ منکران ملاقات پروردگار در قیامت بر تفریط و کوتاهیهای خویش در دنیا تأسف و حسرت بسیار می‌خورند.

حتى إذا جاءتهم الساعة بغتة قالوا يحسرتنا على ما فرطنا فيها

منادا قرار گرفتن حسرت گویای شدت و عمق ندامت است. ضمناً مرجع ضمیر <فیها>، <حیات دنیا> گرفته شده که مرجعی معنوی است.

حسرت مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۸

۸ منکران معاد در قیامت بر سهل‌انگاری و بی‌توجهی خود در مورد قیامت بسیار حسرت و تأسف خواهند خورد.

حتى إذا جاءتهم الساعة بغتة قالوا يحسرتنا على ما فرطنا فيها

مرجع ضمیر در <فرطنا فیها> می‌تواند <الساعة> باشد. و مراد از <الساعة> ممکن است قیامت باشد، در این صورت معنی جمله چنین می‌شود <یا حسرتنا علی ما فرطنا فی امر القیامه>.

حسرت منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۸ - ۵

۵ اظهار حسرت و اندوه منافقان بر کشته شدن بستگان خویش

الَّذِينَ قَالُوا لآخْوَانِهِمْ وَقَعَدُوا لَوْ اطَاعُونَا مَا قَتَلُوا

گفته شده مراد از <لاخوانهم>، خویشان نسبی است. و جمله <قالوا لآخوانهم> یعنی: <درباره آنها گفتند> نه <به آنها گفتند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۵ - ۱۶، ۱۳

۱۳ حسرت منافقان برای از دست دادن اموال و فرزندان خویش به هنگام مرگ

فلا تعجبك أمولهم ولا أولدهم... ليعذبهم... و تزهق أنفسهم

<زهوق نفس> به معنای خروج جان بر اثر تأسف و حسرت است. (مفردات راغب).

۱۶ جان کندن دشوار و حسرت بار منافقان و کفر نهایی آنان، پیامد کثرت مال و اولاد و نمودی از عذاب الهی

فلا تعجبك أمولهم... يريد الله ليعذبهم بها... و تزهق أنفسهم و هم كفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۵ - ۱۵، ۱۲

۱۲ حسرت منافقان برای از دست دادن اموال و فرزندان خویش به هنگام مرگ

أن يعذبهم... و تزهق أنفسهم

<زهوق> به معنای مفارقت جستن از امری که همراه با تأسف و حسرت است (مفردات راغب).

۱۵ کثرت مال و اولاد منافقان نمودی از عذاب الهی و زمینه ساز جان کندن دشوار و حسرت بار آنان

أن يعذبهم... و تزهق أنفسهم و هم كفرون

با توجه به اینکه <تزهق أنفسهم> می تواند عطف تفسیری برای <أن يعذبهم> باشد، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۹

۹ بی اعتنائی اهل ایمان به توطئه های تبلیغاتی کفرپیشگان ، ایجاد کننده حسرت

در دل های ایشان

لا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا .. لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَلِكُ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ

بنابر اینکه <ليجعل> متعلق به <لا تكونوا> باشد.

حسرت ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۳ - ۲۳

۲۳ ناپسندی حسرت و اندوه بر زوال منفعت های مادی و نیز حسرت بر کشته های راه خدا

لَكَيْلًا تَحْزَنُوا عَلَي مَافَاتِكُمْ وَا لَا مَا أَصَابَكُمْ

چون خداوند با مرحمت خویش غمی را بر آنان وارد کرد تا اندوه از دست دادن غنایم و کشته های جنگ را نادیده انگارند، بنابراین اگر چنین اندوهی پسندیده بود از یاد بردن آن، پاداش و مرحمت محسوب نمی شود.

زمینه حسرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۹ - ۸

۸- انسان نباید مرتکب عملی شود که مورد سرزنش قرار گیرد و از کرده خود پشیمان گشته و بر آن حسرت بخورد .

وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ .. فَتَقْعَدَ مَلُومًا مَحْسُورًا

زمینه حسرت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۵ - ۹

۹ - بی توجهی به فرصت های مناسب و از کف دادن آنها ، امری ناپسند و مایه افسوس خوردن بر آن در آخرت

علمت نفس ما .. أُخْرَت

بیان آگاهی به آنچه از دست رفته (ما أُخْرِت)، نظر به ندامتی دارد که پس از آگاهی پیدا می شود؛ زیرا آیه شریفه در مقام هشدار است و صرف <آگاه شدن از چیزی> هشدار نمی خواهد.

شدت حسرت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۹

۴ - تأسف و حسرت شدید کافران دوزخی ، از بهره مناسب نبردن از قدرت و توانمندی خویش و ذخیره نکردن آن برای سعادت اخروی

هلک عنی سلطیه

عوامل حسرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۹،۱۰

۹ بی اعتنایی اهل ایمان به توطئه های تبلیغاتی کفرپیشگان ، ایجادکننده حسرت در دل های ایشان

لا تکنوا کالذین کفروا .. لیجعل الله ذلک حسره فی قلوبهم

بنابر اینکه <لیجعل> متعلق به <لا تکنوا> باشد.

۱۰ ضرورت هشیاری آدمی ، در پرهیز از گرایش های حسرت آفرین

لا تکنوا کالذین کفروا .. لیجعل الله ذلک حسره فی قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۴،۵

۴ از دست دادن دارایی ها و بر جای ماندن حسرت و ندامت ، ثمره تلاش برای مبارزه با اسلام

ثم تکون علیهم حسره

۵ حسرت و ندامت کافران قریش بر نابودی داراییهایشان ، تنها نتیجه پرداخت هزینه مبارزاتی آنان علیه اسلام

ثم تکون علیهم حسره ثم یغلبون

چون هدف کافران از سرمایه گذاری اموال جلوگیری از گسترش اسلام بوده، معلوم می شود حسرت و ندامت آنان بدان جهت بوده است که اموالشان از دست رفته و به نتیجه مطلوب نرسیده اند. قابل ذکر است که جمله <ثم یغلبون> دلالت می کند که زمان ندامت آنان در دنیاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۹ - ۶

۶- بخل ، باعث سرزنش و زیاده روی در انفاق ، عامل ناتوانی و حسرت انسان در زندگی است .

ولاتجعل

یدک .. و لاتبسّطها کلّ البسط فتتعد ملوماً محسوراً

برداشت فوق بنابراین نکته است که <ملوماً> به <لاتجعل یدک مغلوله> و <محسوراً> به <لاتبسّطها> نظر داشته باشد و نیز بنابراین است که <محسوراً> به معنای جدا شدن شخص از امکانات خویش باشد و مایه حسرت او گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤنون - ۲۳ - ۱۰۰ - ۶

۶ - ضییع عمر و از دست دادن فرصت های زندگی دنیوی ، مایه حسرت انسان به هنگام مرگ

قال ربّ ارجعون . لعلی أعمل صلحاً فیما ترکت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۳ - ۳

۳ - حسرت شدید مجرمان لجاجت پیشه ، بر فرصت های از دست رفته و نومییدی آنان به هنگام مشاهده عذاب الهی

فیأتیهم بغته .. فیقولوا هل نحن منظرون

با توجه به تعبیر <هل نحن..> به دست می آید که آنان به گونه ای قطعی چنین درخواستی نمی کنند؛ بلکه آرزوی خود را در قالب پرسش بیان می دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۰ - ۲،۵

۲ - برخورد استهزاگرانه مردم با پیامبران الهی ، بس حسرت آور و اندوه بار بود .

یحسره علی العباد ما یأتیهم من رسول إلاّ کانوا به یستهزءون

۵ - استهزای رسولان الهی ، رفتاری بس حسرت آور و اندوه بار است .

یحسره علی العباد ما یأتیهم من رسول إلاّ کانوا به یستهزءون

تنوین <حسره> بر تکثیر دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- کوتاهی در حق خداوند ، موجب حسرت و پشیمانی شدید انسان

أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَحْسَرْتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ

<حسرت> به معنای پشیمانی شدید است و عبارت <یا حسرتی> در صورتی گفته می شود که انسان از انجام و ترک کاری به شدت پشیمان شده و بخواهد آن را اظهار کند. <تفریط> (مصدر <فرطت>) به معنای تقصیر و کوتاهی و کلمه <جنب> به معنای جهت و ناحیه است که در این آیه کنایه از حق می باشد. پس <ما فرطت فی جنب الله> یعنی، آنچه در حق خدا کوتاهی کردم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۷ - ۵

۵ - تقوایپیشگان ، دارای مقام و جایگاهی حسرت برانگیز در قیامت

أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ

از این که کافران می گویند: اگر خداوند ما را هدایت می کرد از تقوایپیشگان بودیم، به دست می آید که افراد با تقوا، از چنان مقام والایی برخوردارند که کافران درباره آنان غبطه خورده و آرزو می کنند که ای کاش از زمره آنان بودند.

عوامل حسرت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۷ - ۱۵

۱۵ - از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند که فرموده: <كذلك يريهم الله اعمالهم حسرات عليهم> روایت شده: > هو الرجل يدع المال لا ينفقه في طاعة الله بخلا ثم يموت فيدعه لمن هو يعمل في طاعة الله او في معصيته فان عمل به في طاعة الله رآه في ميزان غيره فزاده حسره و قد كان المال له و

ان كان عمل به في معصية الله قواه بذلك المال حتى عمل به في معصية الله ;

مراد شخصی است که مال دنیا را به جا می گذارد و از روی بخل آن را در طاعت خدا انفاق نمی کند و بعد از مرگش آن مال در طاعت و یا معصیت خدا خرج می شود. پس اگر آن مال در طاعت خدا مصرف شود آن را در میزان دیگری می بیند و حسرت او زیادتر می شود؛ چون این مال، ملک او بوده است و اگر در معصیت خدا صرف شده باشد، او آن گناهکار را به وسیله آن مال تقویت کرده تا بدین گونه نافرمانی خدا را نماید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۱۰، ۹

۹ پشیمانی، اندوه و حسرت در آخرت، پیامد تباہ کردن فرصت دنیا و کوتاهی در انجام تکالیف

قد خسر الذین کذبوا بقاء الله .. قالوا يحسرتنا علی ما فرطنا فیها

ضمیر <ها> در <علی ما فرطنا فیها>، به <ما بر می گردد و معنا چنین می شود: <یا حسرتنا علی تفریطنا>. و چون متعلق تفریط محذوف است، بر اطلاق متعلق تفریط دلالت دارد.

۱۰ محدود دانستن حیات در تنگنای زندگی مادی دنیا، موجب حسرت و اندوه عمیق در قیامت می شود.

و قالوا إن هی إلا حیاتنا الدنیا .. حتی إذا جاء تهم الساعه بغته قالوا يحسرتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۹ - ۷۸، ۵

۵- حسرت کافران و ستم گران در قیامت ، به خاطر از دست دادن فرصت ها در دنیا

و أندرهم

<إذ> در <إذ قضى الأمر> بیانگر <يوم الحسره> است و مراد این است که روز حسرت، هنگامی است که موضوع خاتمه یافته باشد.

۷- اعتقاد به فرزندى عيسى (ع) برای خداوند ، مایه دریغ و حسرت در قیامت

فاختلف الأحزاب . . . و أنذرهم يوم الحسره

۸- مرگ همراه با غفلت و بی ایمانی ، موجب حسرت در قیامت است .

و أنذرهم يوم الحسره إذ قضى الأمر و هم فى غفله و هم لا يؤمنون

ضمیر <هم> به <الظالمون> در آیه قبل بازمی گردد و جمله <هم فى...> حالیه است و مفاد آیه این است که در حالی فرصت دنیایی ظالمان پایان یافت که آنان غافل بودند و به معاد ایمان نمی آوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۱۰

۱۰- ظلم و غفلت در دنیا ، موجب حسرت و ندامت انسان در قیامت

یویلنا قد کنا فى غفله من هذا بل کنا ظلمین

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که <بل> در <بل کنا..> برای اضراب انتقالی باشد، یعنی، سخنان کافران در قیامت دو چیز است: ۱ اعتراف به غافل بودن خود؛ ۲ اعتراف به ستمگر بودن خویش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۰ - ۲

۲- انکار معاد ، موجب تأسف و اندوه انسان در قیامت

و قالوا یویلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۶ - ۳،۶

۳- عمل نکردن به تعالیم قرآن ، مایه حسرت و پشیمانی انسان در عرصه زندگی دنیایی و

و اتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ .. أن تقول نفس يحسرتي على ما فرّطت في جنب الله

۶ - تمسخر تعالیم الهی (قرآن) ، کوتاهی در حق خدا و موجب حسرت و پشیمانی انسان در دنیا و آخرت است .

أن تقول نفس يحسرتي .. و إن كنت لمن السخرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۸ - ۵

۵ - اندوختن مال و ثروت بدون ایمان و مصرف آنها در جهت سعادت اخروی ، مایه حسرت و تأسف در قیامت

ما أغنى عني ماليه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۹ - ۵

۵ - قدرت و توانمندی بدون ایمان و مصرف آن در مسیر سعادت اخروی ، مایه حسرت و تأسف در قیامت

هلك عني سلطنيه

عوامل حسرت اخروی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۰ - ۴

۴ - نظام کیفر و پاداش الهی در روز رستاخیز ، موجب تأسف و حسرت شدید منکران معاد خواهد شد .

و قالوا یویلنا هذا یوم الدین

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <هذا یوم الدین> استثنافیه و در مقام تعلیل برای مفاد جمله قبل است.

عوامل حسرت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۷ - ۱۱، ۱۲، ۹، ۷

۷ - قیامت صحنه حسرت و اندوه مشرکان پیرو ، از شرک‌ورزی و پیروی از سران شرک

کذلک یربهم الله أعمالهم حسرت علیهم

۹ - اعمال ناشایست آدمی در دنیا ، مایه حسرت و اندوه او

در قیامت خواهد شد .

كذلك يريهم الله أعمالهم حسرت عليهم

۱۱ - اعمال ناروای آدمیان در قیامت ، به صورت حسرتی مجسم در پیش روی آنان قرار خواهد گرفت .

كذلك يريهم الله أعمالهم حسرت عليهم

برداشت فوق بر این اساس است که: <یری> از رؤیت قلبی باشد. در این صورت <حسرات> مفعول سوم برای <یری> خواهد بود و معنای جمله چنین می شود: خداوند اعمال مشرکان را به صورت حسرت‌هایی، بر آنان جلوه گر خواهد ساخت.

۱۲ - شرک‌ورزی ، محبت به سران شرک و پیروی از آنان ، عمل های حسرت آفرین و اندوهبار در سرای آخرت برای مشرکان پیرو

كذلك يريهم الله أعمالهم حسرت عليهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۷ - ۶

۶ - < عن أبي جعفر (ع) في قوله > فمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ < يقول إن كان من أهل النار و كان قد عمل في الدنيا مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ يوم القيامة حسرةً انه كان عمله لغير الله > ;

از امام باقر(ع)، درباره سخن خداوند <فمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ> روایت شده که خداوند [می فرماید]: اگر [بنده ای] از اهل آتش بوده و در دنیا به اندازه وزن یک ذره، کار خوب انجام داده باشد، در قیامت آن را می بیند تا حسرت بخورد که چرا این عمل را برای غیر خدا انجام داده بود.

عوامل حسرت دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۶ - ۳،۶

۳ - عمل نکردن به تعالیم قرآن ، مایه حسرت و پشیمانی انسان در عرصه زندگی دنیایی و

و اتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ .. أن تقول نفس يحسرتي على ما فرّطت في جنب الله

۶- تمسخر تعالیم الهی (قرآن) ، کوتاهی در حق خدا و موجب حسرت و پشیمانی انسان در دنیا و آخرت است .

أن تقول نفس يحسرتي .. و إن كنت لمن السخرين

غفلت از حسرت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۹ - ۹

۹- باور نداشتن قیامت و غفلت از حسرت باربودن آن ستم گری است .

لكن الظلمون .. هم في غفله و هم لا يؤمنون

موانع حسرت اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۲ - ۱۱

۱۱ اندیشه و تعقل درباره دنیا و آخرت و ارزش و جایگاه هر یک، زمینه مصون ماندن از زیان و حسرت در قیامت

قد خسر الذين كذبوا .. و ما الحيوه الدنيا إلا ... أفلا تعقلون

ناپسندی حسرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۹ - ۹

۹- مورد سرزنش قرار گرفتن و حسرت خوردن بر از دست داده ها ، اموری ناخوشایند بر انسان ها و ناسازگار با طبع آنها

فتقعد ملومًا محسورًا

از اینکه خداوند پیامد افراط و تفریط در انفاق را مورد سرزنش قرار گرفتن و حسرت خوردن ذکر کرده است تا به این وسیله

انسان برای دچار نشدن به آن از افراط و تفریط پرهیز کند، به دست می آید که چنین حالاتی برای انسان ناخوشایند است.

حسن از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حسن

آثار حسن پیشینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- یوسف - ۱۲ - ۷۳ - ۷

۷ حسن سابقه افراد از نشانه های بی گناهی آنان است .

لقد علمتم .. و ما كنا سرقین

آثار حسن نیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ - ۱۴، ۱۲

۱۲ اشخاص معذور و معاف شده از جهاد ، در صورت داشتن حسن نیت و خیرخواه بودن ، از محسنان به حساب می آیند .

لیس علی الضعفاء .. إذا نصحوا لله ورسوله ما علی المحسنین من سییل

۱۴ معاف شدگان از جهاد ، در صورت داشتن حسن نیت و خیرخواه بودن ، باید از هر گونه تعرض در جامعه مصون باشند .

لیس علی الضعفاء .. إذا نصحوا لله ورسوله ما علی المحسنین من سییل

ارزش حسن فرجام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۴ - ۹

۹- فرجام نیک و پایان خوش ، ملاکی مهم در ارزش گذاری امور است .

خیر عقباً

امیدواری به حسن فرجام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۰ - ۲

۲- مؤمن ، به آینده و پایانی بهتر از امکانات مادی دنیاداران ، امیدوار است .

فعسی ربی أن یؤتین خیراً

منظور مرد مؤمن از <عسی ربی..> ممکن است انتظار ثواب آخرت باشد. ترک آرزوی اولاد بیشتر و نیز جمله <هنالك الولایه لله> و عبارت <خیر عقباً> در آیه چهل و چهارم، این معنا را محتمل می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۲ - ۲۲

۲۲ - ضرورت

دل بستن به عاقبت نیک و دل خوش نبودن به لذت های زودگذر

والعقبه للتقوی

امیدواری به حسن فرجام انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۶ - ۷

۷- نگرش مثبت و امیدوارانه اندیشه مذهبی ، نسبت به فرجام جامعه بشری

و لقد كتبنا فی الزبور .. أن الأرض یرثها عبادی الصالحون . إن فی هذا لبلغاً

امیدواری به حسن فرجام انسانها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۶ - ۷

۷- نگرش مثبت و امیدوارانه اندیشه مذهبی ، نسبت به فرجام جامعه بشری

و لقد كتبنا فی الزبور .. أن الأرض یرثها عبادی الصالحون . إن فی هذا لبلغاً

اهمیت حسن ظن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۲ - ۲

۲- لزوم حاکمیت روح خوشبینی ، در زندگی اجتماعی مؤمنان و پرهیز از بدگمانی و شک

اجتنبوا کثیراً من الظنّ

اهمیت حسن فرجام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۵ - ۱۰، ۹

۹ فرجام نیک از آن پیامبر(ص) و مؤمنان است. و ظالمان محروم از آن می باشند.

فسوف تعلمون من تكون له عقبه الدار إنه لا يفلح الظلمون

۱۰ فرجام نیک، رستگاری است.

فسوف تعلمون من تكون له عقبه الدار إنه لا يفلح الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۲۴، ۲۰

۲۰ تسلیم خدا بودن تا پایان عمر، از نعمت های بزرگ الهی است .

توفنی مسلماً

جمله <مرا در حال تسلیم بمیران > (توفنی مسلماً) کنایه از این

است که من همواره تسلیم تو باشم به گونه ای که در هر لحظه و شرایطی که جان دادم ، با این وصف قرین بوده باشم.

۲۴ انسان باید برای تسلیم بودن در برابر خدا و عاقبت به خیر شدن و زیستن با صالحان در سرای آخرت ، دعا کرده و به درگاه خدا نیایش کند .

توفنی مسلماً و ألحقنی بالصلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۵ - ۶

۶ - حسن عاقبت و نیک فرجامی ، امری بس مهم در زندگی بشر

و حسن مثاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۰ - ۳

۳ - حسن عاقبت و نیک فرجامی ، امری بس مهم در زندگی بشر

و حسن مثاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۳ - ۸

۸ - اهمیت حسن عاقبت *

و جاء بقلب منیب

برداشت بالا بدان احتمال است که <جاء بقلب> اشاره به پایان کار و حسن عاقبت داشته باشد.

بشارت به حسن فرجام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲ - ۶

۶ پیامبر (ص) ، وظیفه دار مژده دادن به موحدان و بشارت دادن آنان به عاقبتی خوش

أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ .. بشیر

بشارت حسن فرجام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۲ - ۳

۳ خداوند ، پیامبر (ص) و مؤمنان را به فرجامی نیکو بشارت داد .

و قل .. إنا منتظرون

تشخیص حسن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۴ - ۸

۸- بعضی از افعال ، دارای حسن و قبح ذاتی و کافران گرفتار انحراف در تشخیص آن *

زین له سوء عمله

در آیه شریفه میان بینش فرد کافر و ارزش واقعی اعمال، تفکیک شده است، یعنی، در متن واقع عمل او حقیقتاً بد است ولی کافر آن را زیبا می بیند و این می نمایاند که واقعیت هر عمل، بدون داوری انسان ها، دارای ارزشی مستقل و اصیل است.

تضمین حسن فرجام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۲ - ۲،۳

۲- اخلاص و عمل نیک ، تضمین کننده فرجامی نیک است .

و من یسلم وجهه إلى الله و هو محسن فقد استمسک . . و إلى الله عقبه الأمور

۳- تسلیم محض شدن در برابر خدا و اطاعت بی چون و چرا از او ، تضمین کننده فرجام نیک

و من یسلم وجهه إلى الله . . و إلى الله عقبه الأمور

حسن پیشینه برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۳ - ۳،۶

۳ فرزندان یعقوب نزد کارگزاران یوسف به حسن سابقه و منزله بودن از فساد و سرقت شناخته شده بودند .

تالله لقد علمتم ما جئنا لنفسد فی الأرض و ما كنا سرقین

۶ فرزندان یعقوب با بیان حسن پیشینه خویش و منزله بودنشان از سابقه سرقت ، متهم شدنشان را به سرقت جام شاهی امری نابجا شمردند .

لقد علمتم .. ما كنا سرقين

حسن پيشينه متقين

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۶ - ۴

۴ - پیشینه درخشان تقوایندگان و پابندی آنان بر نیکی و احسان ، مایه دستیابی آنان به بهشت و هدایای پروردگار

ءاخذین ماء اتیهم .. إنهم كانوا قبل ذلک محسنین

حسن پیشینه متهمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۴ - ۶

۶ سابقه نیک متهمان و سوگند آنان بر بی گناهی ، مانع جواز بازرسی و تحقیق درباره اتهام آنان نمی شود .

قالوا تالله لقد علمتم .. فما جزؤه إن كنتم كذبین

از آن جا که کارگزاران یوسف به حسن سابقه فرزندان یعقوب اعتنایی نکردند و به سوگند آنان بر بی گناهی خویش وقعی نهادند ، می توان برداشت فوق را استفاده کرد .

حسن خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۷ - ۳، ۷، ۲، ۱

۱ - خداوند ، همه آفریده های خود را ، به صورتی نیکو و شایسته پدید آورده است .

الله .. الذی أحسن کلّ شیء خلقه

۲ - آفرینش موجودات به صورتی نیکو و شایسته ، نشانه تدبیر و علم الهی است .

یدبّر الأمر .. علم .. الذی أحسن کلّ شیء خلقه

۳ - زیبا و نیکو آفریده شدن پدیده ها ، از جمله آیات الهی است .

الله الذی .. الذی أحسن کلّ شیء خلقه

۷- خلقت موجودی شگفت مانند انسان از گلی بی شکل و فاقد حیات ، نمود آفرینش نیکوی خدا است .

أحسن کلّ شیء خلقه و بدأ خلق الإنسن من طین

حسن سابقه مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۲ - ۱۴، ۱۰

۱۰ اهل ایمان ، دارای پیشینه ای نیک و پرونده ای درخشان در نزد پروردگار

و بشر الذین ءامنوا أن لهم قدم صدق عند ربهم

<قدم صدق> کنایه از حسن پیشینه است.

۱۴ برخورداری از جایگاه بلند و حسن سابقه در پیشگاه پروردگار ، بشارت پیامبر (ص) به مؤمنان

و بشر الذین ءامنوا أن لهم قدم صدق عند ربهم

حسن عاقبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۳ - ۱۹

۱۹ ترغیب مؤمنان از سوی خداوند به دعا و طلب آمرزش و همراهی با ابرار و حسن عاقبت

ربنا فاغفر لنا ذنوبنا و کفر عنا سیئاتنا و توفنا مع الابرار

ستایش خردمندان به ویژگیهای یاد شده، به این منظور است که مؤمنان هم، خواستار موارد یاد شده باشند.

حسن فرجام ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۷

۷- داوود ، سلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، الیسع ، ذالکفل (علیهم السلام) ، از تقوایبندگان و نیک

فرجامان بودند .

و اذکر داود .. إسمعیل و الیسع و ذالکفل ... هذا ذکر و إن للمتقین لحسن مئاب

<مئاب> به معنای مرجع و بازگشت است و منظور از <حسن مئاب> حسن عاقبت و سرانجام نیک است. گفتنی است که

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <متقین> پیامبرانی باشد که در آیات گذشته از آنان سخن گفته شد.

حسن فرجام اسحاق (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- داوود ، سلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، یسع ، ذالکفل (علیهم السلام) ، از تقوایبندگان و نیک فرجامان بودند .

و اذکر داود .. إسمعیل و یسع و ذالکفل ... هذا ذکر و إنّ للمتقین لحسن مئاب

<مئاب> به معنای مرجع و بازگشت است و منظور از <حسن مئاب> حسن عاقبت و سرانجام نیک است. گفتنی است که برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <متقین> پیامبرانی باشد که در آیات گذشته از آنان سخن گفته شد.

حسن فرجام اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- داوود ، سلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، یسع ، ذالکفل (علیهم السلام) ، از تقوایبندگان و نیک فرجامان بودند .

و اذکر داود .. إسمعیل و یسع و ذالکفل ... هذا ذکر و إنّ للمتقین لحسن مئاب

<مئاب> به معنای مرجع و بازگشت است و منظور از <حسن مئاب> حسن عاقبت و سرانجام نیک است. گفتنی است که برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <متقین> پیامبرانی باشد که در آیات گذشته از آنان سخن گفته شد.

حسن فرجام اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲- در دست راست داشتن نامه عمل در قیامت ، نشانه سعادت و نیک فرجامی است .

فمن أوتی کتبه بيمينه فأولئك یقرءون کتبهم ولا یظلمون فتیلاً

جلد - نام سوره -

۱ - برپایی قیامت ، تقسیم شدن مردم به سه دسته (مقربان ، اصحاب الیمین و اصحاب الشمال) و فرجام نیک دو دسته اول و بدفرجامی دسته آخر ، امری قطعی ، یقینی و غیرقابل تردید است .

إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ

<هَذَا> به آنچه در سوره واقعه مطرح شده اشاره دارد و محور آن مطالبی است که در برداشت بالا آمده است. گفتنی است که تعبیر <حَقُّ الْيَقِينِ> از باب اضافه صفت به موصوف است؛ یعنی، <اليقين الحقّ> و حق به معنای ثابت و استوار است. بنابراین <اليقين الحقّ>؛ یعنی، یقینی که ثابت است و هرگز تردید در آن راه ندارد.

حسن فرجام اليسع(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - داوود ، سلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، اليسع ، ذالكفل (عليهم السلام) ، از تقوایبندگان و نیک فرجامان بودند .

و اذکر داود .. . إسمعیل و اليسع و ذالكفل ... هذا ذکر و إِنَّ لِّلْمُتَّقِينَ لِحَسَنٍ مَّثَابٍ

<مَثَابٍ> به معنای مرجع و بازگشت است و منظور از <حسن مَثَابٍ> حسن عاقبت و سرانجام نیک است. گفتنی است که برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <مُتَّقِينَ> پیامبرانی باشد که در آیات گذشته از آنان سخن گفته شد.

حسن فرجام انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ فرجام نیک از آن پیامبران الهی و پیروان ایشان است .

سيعلم الكفر لمن عقبى الدار

۱۱ کفرپیشگان در قیامت و یا پس از مرگشان - درخواهند یافت که فرجام نیک از آن پیامبران و پیروان ایشان است .

و سيعلم الكفر لمن عقبى الدار

حسن فرجام انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۰ - ۳

۳ - باغ های جاویدان بهشت ، فرجامی نیک برای انسان ها

لحسن مثاب . جنت عدن

حسن فرجام انفاقگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۲ - ۱۷

۱۷ فرجام نیک از آن صبرپیشگان ، برپادارندگان نماز ، انفاق گران و جبران کنندگان اعمال بد با اعمال شایسته است .

والذين صبروا .. و یدرءون بالحسنه السيئه أولئك لهم عقبى الدار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۱ - ۱

۱ - انفاق گران باتقوا و مخلص ، آینده ای سرشار از رضایت خاطر خواهند داشت .

و لسوف یرضی

حسن فرجام اولوا الالباب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۲ - ۱۶

۱۶ فرجام نیک حیات دنیا از آن خردمندان است .

إنما يتذكر أولوا الألب .. أولئك لهم عقبى الدار

حسن فرجام ایوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۷

۷- داوود ، سلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، یسع ، ذالکفل (علیهم السلام) ، از تقوایبشگان و نیک فرجامان بودند .

و اذکر داود .. إسمعیل و یسع و ذالکفل ...

هذا ذكر و إن للمتقين لحسن مئاب

<مئاب> به معنای مرجع و بازگشت است و منظور از <حسن مئاب> حسن عاقبت و سرانجام نیک است. گفتنی است که برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <متقین> پیامبرانی باشد که در آیات گذشته از آنان سخن گفته شد.

حسن فرجام پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۲ - ۱۱، ۱۰

۱۰ فرجام نیک از آن پیامبران الهی و پیروان ایشان است .

و سيعلم الكُفْر لمن عقبى الدار

۱۱ کفرپیشگان در قیامت و یا پس از مرگشان - درخواهند یافت که فرجام نیک از آن پیامبران و پیروان ایشان است .

و سيعلم الكُفْر لمن عقبى الدار

حسن فرجام پیروان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۱۵

۱۵ نوح (ع) و پیروان او ، از تقوایپیشگان و بهره مند از فرجامی نیک

تلك من أنباء الغيب .. فاصبر إن العقبه للمتقين

حسن فرجام خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۲ - ۱۸

۱۸ آنان که از خدا ترسانند و از حساب سخت و ناگوار قیامت هراس دارند ، به فرجامی نیک خواهند رسید .

و يخشون ربهم و يخافون سوء الحساب .. أولئك لهم عقبى الدار

حسن فرجام داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۵ - ۵

۵ - داوود (ع) ، برخوردار از حسن عاقبت و سرانجامی نیک

و حسن مثاب

<مثاب> به معنای مرجع و بازگشت است و

منظور از <حسن مئاب> حسن عاقبت و سرانجام نیک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۷

۷ - داوود ، سلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، الیسع ، ذالکفل (علیهم السلام) ، از تقواییشان و نیک فرجامان بودند .

و اذکر داود .. إسمعیل و الیسع و ذالکفل ... هذا ذکر و إن للمتقین لحسن مئاب

<مئاب> به معنای مرجع و بازگشت است و منظور از <حسن مئاب> حسن عاقبت و سرانجام نیک است. گفتنی است که برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <متقین> پیامبرانی باشد که در آیات گذشته از آنان سخن گفته شد.

حسن فرجام دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۲ - ۹

۹ دنیا ، دارای عاقبت و فرجامی نیک است .

لمن عقبی الدار

<ال> در <الدار> عهد حضوری و اشاره به حیات دنیا دارد. مراد از فرجام حیات دنیا بهشت و نعمتهای آن است.

حسن فرجام دنیا طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۱۱

۱۱ - دنیا مداران ، مغرور به آخرت اند و سرنوشت خویش را در آن جا نیک می پندارند .

و لئن رجعت إلی ربّی إنّ لی عنده للحسنی

حسن فرجام ذوالکفل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٧ - داوود ، سليمان ، ايوب ، ابراهيم ، اسحاق ، يعقوب ، اسماعيل ، اليسع ، ذالكفل (عليهم السلام)

، از تقوایپیشگان و نیک فرجامان بودند .

و اذکر داود .. إسمعیل و الیسع و ذالکفل ... هذا ذکر و إنّ للمتقین لحسن مئاب

<مئاب> به معنای مرجع و بازگشت است و منظور از <حسن مئاب> حسن عاقبت و سرانجام نیک است. گفتنی است که برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <متقین> پیامبرانی باشد که در آیات گذشته از آنان سخن گفته شد.

حسن فرجام سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۰ - ۲

۲ - سلیمان (ع) ، برخوردار از حسن عاقبت و سرانجامی نیک

و حسن مئاب

<مئاب> به معنای مرجع و بازگشت است و منظور از <حسن مئاب> حسن عاقبت و سرانجام نیک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۷

۷ - داوود ، سلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، الیسع ، ذالکفل (علیهم السلام) ، از تقوایپیشگان و نیک فرجامان بودند .

و اذکر داود .. إسمعیل و الیسع و ذالکفل ... هذا ذکر و إنّ للمتقین لحسن مئاب

<مئاب> به معنای مرجع و بازگشت است و منظور از <حسن مئاب> حسن عاقبت و سرانجام نیک است. گفتنی است که برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <متقین> پیامبرانی باشد که در آیات گذشته از آنان سخن گفته شد.

حسن فرجام صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۲ - ۱۷

۱۷ فرجام نیک از آن صبرپیشگان ، برپادارندگان نماز ، انفاق

گران و جبران کنندگان اعمال بد با اعمال شایسته است .

والذین صبروا .. و یدرءون بالحسنه السیئه أولئک لهم عقبی الدار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۴ - ۶

۶ عاقبت و فرجام حیات دنیا (بهشت) برای صبرپیشگان بر طاعت خدا عاقبتی خوش و نیکوست .

فنعیم عقبی الدار

حسن فرجام صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۹ - ۲

۲ فرجام نیکو (سعادت اخروی) از آن مؤمنان دارای عمل صالح است .

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت طوبی لهم و حسن مئاب

<مئاب> مصدر میمی و به معنای بازگشت است و مراد از آن سرای آخرت می باشد. قابل ذکر است که <طوبی> مبتدا و

<حسن مئاب> عطف بر آن و <لهم> خبر برای آن دو می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۶ - ۱۳

۱۳- بهترین عاقبت ، در انتظار انجام دهندگان عمل صالح است .

و خیر مردّاً

<مردّاً> می تواند اسم مکان و به معنای <مرجع> باشد (البحر المحیط). در این صورت مراد از <خیر مردّاً> بهترین فرجام

خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۱۰ - ۱۸

۱۸ - صالحان ، دارای فرجامی نیک در جهان آخرت

لولا آخرتی ... و أکن من الصالحین

حسن فرجام قوم یونس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۸ - ۵

۵ - ایمانِ ثمربخش قوم یونس و فرجام نیک آنان ، مایه عبرت

و موجب دلداری به پیامبر (ص) و مؤمنان

فَامِنُوا فَمَتَّعْنَهُمْ إِلَىٰ حِينٍ

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه درصدد دلداری به پیامبر(ص) و مؤمنانی است که در شرایط سخت و طاقت فرسای مکه قرار داشتند. در واقع این آیه، آنان را (همچون یونس(ع)) به ادامه رسالت الهی فرا می خواند.

حسن فرجام متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۱۷، ۱۶

۱۶ فرجام نیک ، از آن تقوای پیشگان است .

إِنَّ الْعَقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ

۱۷ پیامبر (ص) و پیروان او ، از تقوای پیشگانند و فرجام نیک از آن ایشان است .

فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۲ - ۱۹

۱۹ - فرجام نیک ، از آن تقوای پیشگان است .

وَالْعَقِبَةُ لِلتَّقِيّ

گفتن <التقوی> و اراده <أهل التقوی>، برای مبالغه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۳ - ۷

۷ - عاقبت نیک ، ویژه تقوای پیشگان است .

و الْعَقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۸

۸ - تقوایندگان ، برخوردار از فرجامی نیک

و إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لِحَسَنٍ مَّأْتَابٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۱۹

۱۹ - فرجام نیک متقین بهشتی ، غیرقابل قیاس با فرجام سخت دوزخیان

مِثْلَ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ .. كَمَنْ هُوَ خَلْدٌ فِي النَّارِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۷ - ۶

۶ - مقایسه فرجام

نیک تقوایندگان با سرنوشت شوم کافران ، شیوه بهینه هدایت خلق

اصلوها .. إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ

از این که خداوند در هدایت خلق، به ترسیم هر دو فرجام پرداخته است؛ مطلب بالا برداشت می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۹ - ۴

۴ - ترسیم فرجام نیک متقین و سرنوشت شوم تکذیب کنندگان دین ، از وظایف رهبران الهی

فذكر

ظاهراً موضوع تذکر، مطالبی است که در آیات پیشین در مورد فرجام نیک مؤمنان و سرنوشت شوم کافران آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۱ - ۱

۱ - انفاق گران باتقوا و مخلص ، آینده ای سرشار از رضایت خاطر خواهند داشت .

و لسوف یرضی

حسن فرجام محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۲ - ۱۷

۱۷ فرجام نیک از آن صبرپیشگان ، برپادارندگان نماز ، انفاق گران و جبران کنندگان اعمال بد با اعمال شایسته است .

والذین صبروا .. و یدرءون بالحسنه السیئه أولئک لهم عقبی الدار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۷ - ۱۲

۱۲ - محسنان (نیکوکاران) ، دارای آینده ای درخشان و سرشار از شادی و شادکامی

كذلك سخر لكم... و بشر المحسنين

حسن فرجام محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۵ - ۹

۹ فرجام نيك از آن پيامبر(ص) و مؤمنان است. و ظالمان محروم از آن مي باشند.

فسوف تعلمون من تكون

له عقبه الدار إنه لا يفلح الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۱۷

۱۷ پیامبر (ص) و پیروان او ، از تقوا پیشگامند و فرجام نیک از آن ایشان است .

فاصبر إن العقبه للمتقين

حسن فرجام مخلصان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۱ - ۱

۱ - انفاق گران باتقوا و مخلص ، آینده ای سرشار از رضایت خاطر خواهند داشت .

و لسوف یرضی

حسن فرجام مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۱۷

۱۷ پیامبر (ص) و پیروان او ، از تقوا پیشگامند و فرجام نیک از آن ایشان است .

فاصبر إن العقبه للمتقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲ - ۴

۴- مسلمان و تسلیم خدا بودن ، فرجامی نیک و پسندیده دارد .

ربما یوّد الذین کفروا لو کانوا مسلمین

حسن فرجام مقربان

۱ - برپایی قیامت ، تقسیم شدن مردم به سه دسته (مقربان ، اصحاب الیمین و اصحاب الشمال) و فرجام نیک دو دسته اول و بدفرجامی دسته آخر ، امری قطعی ، یقنی و غیرقابل تردید است .

إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ

<هَذَا> به آنچه در سوره واقعه مطرح شده اشاره دارد و محور آن مطالبی است که در برداشت بالا آمده است. گفتنی است که تعبیر <حَقُّ الْيَقِينِ> از باب اضافه صفت به موصوف

است؛ یعنی، <اليقين الحق> و حق به معنای ثابت و استوار است. بنابراین <اليقين الحق>؛ یعنی، یقینی که ثابت است و هرگز تردید در آن راه ندارد.

حسن فرجام مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۵ - ۴،۹

۴ کافران در روز قیامت در خواهند یافت که فرجام نیک از آن مؤمنان است.

فسوف تعلمون من تكون له عقبه الدار

۹ فرجام نیک از آن پیامبر(ص) و مؤمنان است. و ظالمان محروم از آن می باشند.

فسوف تعلمون من تكون له عقبه الدار إنه لا يفلح الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۹ - ۲

۲ فرجام نیکو (سعادت اخروی) از آن مؤمنان دارای عمل صالح است.

الذين آمنوا و عملوا الصلحت طوبى لهم و حسن مئاب

<مئاب> مصدر میمی و به معنای بازگشت است و مراد از آن سرای آخرت می باشد. قابل ذکر است که <طوبی> مبتدا و <حسن مئاب> عطف بر آن و <لهم> خبر برای آن دو می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۳ - ۱۲

۱۲- بیان عاقبت نیک مؤمنان دارای عمل صالح و فرجام شوم پیروان شیطان، روشی است برای ایجاد انگیزش آدمیان به عاقبت اندیشی.

و برزوا لله جميعًا فقال الضعفوا للذين استكبروا... فهل أنتم مغنون عَنَّا من عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - مؤمنان راستین و مبرا از پندار های شرک آمیز ، دارای آینده ای سعادت مند

و سرشار از خوشبختی و شادکامی

و بشرّ المختین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۸ - ۲

۲ - فرجام ناگوار کافران و عاقبت نیکوی مؤمنان ، علامت برابر نبودن آنان با یکدیگر است .

فذوقوا بما نسيتم لقاء يومكم .. فلاتعلم نفس ما أخفى لهم ... أؤمن كان مؤمناً كم

<فاء> در <أؤمن> تفریع بر آیات سابق است که در آنها از کافران و مؤمنان و فرجام و عاقبتشان سخن گفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۴ - ۴

۴ - مسؤولیت پیامبر (ص) ، تبیین سر انجام نیک مؤمنان و عاقبت شوم کفرپیشگان است .

إنا أرسلناك بالحقّ بشيراً و نذيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳ - ۲

۲- نیک فرجامی و غفران لغزش های مؤمنان ، نتیجه پیروی از حق و پیام پروردگارشان

و الذين ءامنوا .. ذلك بأنّ ... و أنّ الذين ءامنوا اتّبعوا الحقّ من ربّهم

حسن فرجام نمازگزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۲ - ۱۷

۱۷ فرجام نیک از آن صبرپیشگان ، برپادارندگان نماز ، انفاق گران و جبران کنندگان اعمال بد با اعمال شایسته است .

والذين صبروا .. و یدرءون بالحسنه السيئه أولئك لهم عقبی الدار

حسن فرجام نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۴۹ - ۱۵

۱۵ نوح (ع) و پیروان او ، از تقوای پیشگان و بهره مند از فرجامی نیک

تلک

من أنباء الغيب .. فاصبر إن العقبه للمتقين

حسن فرجام یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۷

۷- داوود ، سلیمان ، ایوب ، ابراهیم ، اسحاق ، یعقوب ، اسماعیل ، الیسع ، ذالکفل (علیهم السلام) ، از تقوایندگان و نیک فرجامان بودند .

و اذکر داود .. إسمعیل و الیسع و ذالکفل ... هذا ذکر و إنّ للمتقين لحسن مئاب

<مئاب> به معنای مرجع و بازگشت است و منظور از <حسن مئاب> حسن عاقبت و سرانجام نیک است. گفتنی است که برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <متقین> پیامبرانی باشد که در آیات گذشته از آنان سخن گفته شد.

حسن معاشرت با مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۷ - ۵

۵- آگاهی از فلسفه فقر و غنا و برخورد صحیح با یتیمان ، مسکینان و اموال مردم و دل نبستن به ثروت ، فرونشاندن اضطراب درونی و مایه اطمینان نفس انسان

فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ .. يَأْتِيهَا النَّفْسُ الْمَطْمَئِنَّةُ

توصیف <نفس> به <مطمئن> در قیامت ممکن است به اعتبار اطمینانی باشد که در دنیا، برای او حاصل شده بود.

حسن معاشرت با یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۷ - ۵

۵- آگاهی از فلسفه فقر و غنا و برخورد صحیح با یتیمان ، مسکینان و اموال مردم و دل نبستن به ثروت ، فرونشاندن اضطراب درونی و مایه اطمینان نفس انسان

ابتلیه . . . یأیتها النَّفس المطمئنَّه

توصیف <نفس> به <مطمئن> در قیامت ممکن است به اعتبار اطمینانی باشد که در دنیا، برای او حاصل شده بود.

حسن نیت معذوران از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ - ۱۲

۱۲ اشخاص معذور و معاف شده از جهاد ، در صورت داشتن حسن نیت و خیرخواه بودن ، از محسنان به حساب می آیند .

لیس علی الضعفاء . . . إذا نصحوا لله ورسوله ما علی المحسنین من سبیل

حسن نیت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۰ - ۱۴

۱۴ - مؤمن ، به دور از نیت و اندیشه سوء نسبت به دیگر مؤمنان

الذین جاءو من بعدهم یقولون . . . و لا تجعل فی قلوبنا غلاً للذین ءامنوا

آیه شریفه، در حقیقت رهنمودی است به مؤمنان که خویش را از هرگونه بدخواهی و کینه نسبت به اهل ایمان، دور نگه دارند.

زمینه حسن فرجام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۷

۷- تقوا، احسان به پدر و مادر ، پرهیز از سلطه جویی و عصیان ، زمینه ساز فرجامی سرشار از سلامت و امنیت کامل است .

براً بولدیه و لم یکن جباراً عصیاً . و سلم علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فرجام نیک و بد انسان ها ، در گرو عقیده و عمل آنان است .

رجال لاتلهیهم

تجره و لایع عن ذکر الله و إقام الصلوه . . لیجزیهم الله أحسن م

تصریح خداوند بر اعمال مؤمنان (أحسن ما عملوا) و نیز اعمال کافران (أعمالهم کسراب)، حکایت از این دارد که علاوه بر عقیده انسان ها (ایمان و کفر)، اعمال آنان نیز در سرنوشت شان مؤثر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۰ - ۴

۴ - فرجام نیک و بد ، در اختیار خداوند است و زمینه هر دو را او فراهم می سازد .

فسنیسره للیسری . . للعسری

سرزنش اطمینان به حسن فرجام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۱۲

۱۲ - غرور و اطمینان به سرنوشت نیک اخروی ، امری نکوهیده است .

و لئن رجعت إلی ربّی إنّ لی عنده للحسنی

شرایط حسن فرجام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۱۲

۱۲ صبر و تقوا ، دو شرط اساسی برای پیروزی نهایی بر کافران و نایل شدن به فرجامی نیکوست .

فاصبر إن العقبه للمتقین

عوامل حسن عاقبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۱۳

۱۳ استقامت در راه خدا و دستیابی به حسن عاقبت ، نیازمند امداد های خداوند است .

ربنا أفرغ علينا صبراً و توفنا مسلمين

عوامل حسن فرجام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲ - ۴

۴ پرستش خدای یکتا ، در پی دارنده فرجامی خوش و نیکوست .

إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ ... بشیر

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۲ - ۴

۴ اعمال و عقاید مؤمنان ، موجب دستیابی آنان به فرجامی نیک خواهد شد .

إنا عملون .. إنا منتظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۵ - ۴

۴- رعایت عدل و انصاف اقتصادی ، در پی دارنده عاقبت و فرجامی نیک است .

ذلک خیر و أحسن تأویلاً

<تأویل> از مصدر <أول> به معنای بازگشت به اصل است و مراد از آن، غایتی است که منظور و مورد نظر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۷

۷- انسان ها ، برای وصول به فرجام نیک ، باید با هوشیاری کامل در پی رهبرانی صالح و شایسته باشند .

یوم ندعوا کلّ أناس یأممهم

از اینکه خداوند قیامت را با این وصف ذکر می کند: <همه انسانها به نام رهبرانشان فرا خوانده می شوند> احتمالاً هشدار می دهد که آنان که متوجه باشند به دنبال چه کسی حرکت می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۲ - ۴

۴- فرجام نیک و بد انسان ها در آخرت ، تابع عملکرد و بینش دنیوی آنان است .

و من کان فی هذه أعمی فهو فی الآخرة أعمی و أضلّ سبیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- ولایت خداوند و حَقَّائِیت او ، ضامن اعطای بهترین پاداش ها و فرجام ها است .

هنالك الوليه لله الحق هو خير ثواباً و خير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۵ - ۶

۶ تقوای پیشگی ، عامل دستیابی به بهشت جاودان و سرانجامی خوش و برتر

جَنَّةُ الْخُلْدِ .. و مصیرًا

از پاداش قرار گرفتن بهشت برای متقین، استفاده می شود که بهشت را به بهای تلاش می دهند نه به بهانه و این تلاش به قرینه وصف <مُتَّقِينَ> تقوای پیشگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۲ - ۶

۶ - چنگ زدن به ریسمان محکم الهی ، فرجامی خوش دارد .

فقد استمسک بالعروة الوثقی و إلى الله عقبه الأمور

<و إلى الله عقبه الأمور> در مقام تعلیل برای <فقد استمسک...> است و کنایه از فلاح و رستگاری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۹ - ۹،۱۰

۹ - تقوا ، عامل نیک فرجامی انسان

و إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لِحَسَنٍ مَّأْتَابٍ

۱۰ - نیک فرجامی ، تنها در سایه تقوای پیشگی میسر است .

و إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لِحَسَنٍ مَّأْتَابٍ

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که لام در <لِلْمُتَّقِينَ> برای اختصاص است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- نیک فرجامی و غفران لغزش های مؤمنان ، نتیجه پیروی از حق و پیام پروردگارشان

و الذین ءامنوا .. ذلك بأنّ ... و أنّ الذین ءامنوا اتّبعوا الحقّ من ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- عنصر ایمان و تقوا ، تغییر دهنده ماهیت پوچ زندگی دنیایی به

ماهیتی ارزشی و با فرجام

إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ إِن تَوَمَّنُوا وَ تَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أُجُورَكُمْ

از ارتباط <إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا..> با <إِن تَوَمَّنُوا و...>، استفاده می شود که همین زندگی لعب و لهو، اگر به عنصر ایمان و تقوا آمیخته شد، در نزد خدا ارزش می یابد و دارای پاداش خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲ - ۵

۵ - انسان های برخوردار از نفس لؤامه ، دارای فرجامی نیکو در قیامت *

لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ . وَ لَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ

بیان سوگند به نفس لؤامه، پس از سوگند به روز قیامت، ممکن است بیانگر حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۱ - ۵

۵ - برخورداری از توجهات و عنایت های خداوند ، مایه خشنودی انسان و دست یافتن او به فرجامی پسندیده و رضایت بخش

ابتغاء وجه ربّه . . . و لسوف یرضی

مشركان و حسن فرجام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۲ - ۶،۷،۹

۶- مشركان علی رغم استناد امر ناخوشایند به خداوند ، مدعی عاقبتی نیکو برای خود بودند .

و يجعلون لله ما یكروهون و تصف ألسنتهم الكذب أن لهم الحسنی

۷- ادعای خوش عاقبتی مشركان برای خویش ، ادعایی دروغ و دور از واقعیت

و تصف ألسنتهم الكذب أن لهم الحسنی

> أن لهم الحسنی < بدل برای > الكذب < است.

۹- مشرکان ، تداوم نسل خویش را از طریق داشتن پسر ، برای خود فرجامی نیک تلقی می کردند . *

و يجعلون لله ما يكرهون و تصف ألسنتهم الكذب

أَنْ لَّهُمُ الْحَسَنَى

احتمال دارد مراد از <الحسنی> به قرینه <و يجعلون لله البنات .. و لهم ما يشتهون> و <يجعلون لله ما يكرهون> ادامه نسل مشرکان از طریق پسرانی باشد که آنان برای خویش مدعی بودند.

منشأ حسن فرجام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۴ - ۶

۶- خداوند ، عطاکننده بهترین پاداش ها و برترین فرجام ها است .

هو خير ثوابًا و خير عقبًا

<ثواب> به معنای <اجر و پاداش> است و <عقب> به معنای <عاقبت و فرجام>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۹ - ۵

۵- انسان فرجام نیک یا بد را به خواست خود ، انتخاب می کند و بر آن مجبور نیست .

فمن شاء اتَّخِذْ إِلَىٰ رَبِّهِ مَا بَاءًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۰ - ۴

۴- فرجام نیک و بد ، در اختیار خداوند است و زمینه هر دو را او فراهم می سازد .

فَسَنِيئِرْهُ لَلْيَسْرَىٰ .. لِلْعَسْرَىٰ

منشأ حسن فرجام انفاقگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۲ - ۲

۲- فراهم ساختن آسانی برای انفاق گران با تقوا و سختی برای ثروتمندان بخیل، وعده تخلف ناپذیر خداوند و نمونه ای از هدایت گری او است.

فسنیسره لیسری .. فسنیسره للعسری ... إِنَّ عَلینا للهدی

جمله <إِنَّ عَلینا للهدی>، به منزله تعلیل برای آیات پیشین است؛ یعنی، چون هدایت را بر خویش لازم شمرده ایم، برای هر یک از آن دو دسته فرجام

مناسب برخوردارشان با هدایت را فراهم می سازیم.

حسن ظن

اهمیت حسن ظن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۲ - ۲

۲ - لزوم حاکمیت روح خوشبینی ، در زندگی اجتماعی مؤمنان و پرهیز از بدگمانی و شک

اجتنبوا کثیراً من الظنّ

حسن عاقبت

{حسن عاقبت}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۴ - ۱۳

۱۳ جایگاه و فرجام نیک ، تنها نزد خداوند است .

و الله عنده حسن المثاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۱۲

۱۲ مؤمنان راستین نگران حسن عاقبت خویش و باقی ماندن بر طریق ایمان تا آخرین لحظات

و توفنا مسلمین

حسن عاقبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۳ - ۱۹

۱۹ ترغیب مؤمنان از سوی خداوند به دعا و طلب آمرزش و همراهی با ابرار و حسن عاقبت

رَبَّنَا فاغفرلنا ذنوبنا و کفرَّ عَنَّا سَيِّئاتنا و توفَّنا مع الابرار

ستایش خردمندان به ویژگیهای یاد شده، به این منظور است که مؤمنان هم، خواستار موارد یاد شده باشند.

عوامل حسن عاقبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۱۳

۱۳ استقامت در راه خدا و دستیابی به حسن عاقبت، نیازمند امداد های خداوند است .

رَبنا افرغ عَلینا صبراً و توفنا مسلمین

حسن عقلی

{حسن عقلی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۸ - ۹،۱۰

۹ وجود کارهای پسندیده و ناپسند،

بدون امر و نهی خداوند

إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ

۱۰ عقل آدمی توانا بر درک کردارهایی پسندیده و ناپسند، مستقل از امر و نهی خداوند

قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۱ - ۴

۴ عدالت پیشگان همواره حق را میزان قضاوت های خویش قرار داده و بر اساس آن داوری می کنند .

و به يعدلون

<به> متعلق به <يعدلون> و <باء> در آن برای استعانت است.

حسن نیت

آثار حسن نیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ - ۱۴، ۱۲

۱۲ اشخاص معذور و معاف شده از جهاد ، در صورت داشتن حسن نیت و خیرخواه بودن ، از محسنان به حساب می آیند .

ليس على الضعفاء .. إذا نصحوا لله ورسوله ما على المحسنين من سبيل

۱۴ معاف شدگان از جهاد ، در صورت داشتن حسن نیت و خیرخواه بودن ، باید از هر گونه تعرض در جامعه مصون باشند .

ليس على الضعفاء .. إذا نصحوا لله ورسوله ما على المحسنين من سبيل

حسن نیت معذوران از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۱ - ۱۲

۱۲ اشخاص معذور و معاف شده از جهاد ، در صورت داشتن حسن نیت و خیرخواه بودن ، از محسنان به حساب می آیند .

ليس على الضعفاء .. إذا نصحوا لله ورسوله ما على المحسنين من سبيل

حسن نیت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹

۱۴ - مؤمن ، به دور از نیت و اندیشه سوء نسبت به دیگر مؤمنان

الذین جاءو من بعدهم یقولون . . . و لاتجعل فی قلوبنا غلاً للذین ءامنوا

آیه شریفه، در حقیقت رهنمودی است به مؤمنان که خویش را از هرگونه بدخواهی و کینه نسبت به اهل ایمان، دور نگه دارند.

حسانات از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حسانات

آثار حسانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۸ - ۸

۸ عن امیر المؤمنین (ع) . . . و اما قوله: < فمن ثقلت موازینہ ... > فإنما یعنی الحساب ... و الحسنات ثقل المیزان

از امیر المؤمنین (ع) روایت شده است: . . . مراد از آیه < فمن ثقلت موازینہ >، حسابرسی (در قیامت) است ... و حسانات، موجب سنگینی میزان است

حسانات دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۲ - ۵

۵- کسب فضایل معنوی و کوشش خود انسان ، مؤثر در برخورداری او از مواهب و نیکی ها در دنیا و مقامات عالی در آخرت

إن إبرهیم کان أمه قانتاً لله . . . و إنه فی الآخره لمن الصالحین

زمینه حسانات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۲ - ۸

۸- دین ، دربردارنده سعادت و حسنات دنیوی و اخروی است .

و ءاتینه فی الدنیا حسنه و إنه فی الآخره لمن الصلحین

زمینه حسنات دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۲ - ۸

۸- دین ، دربردارنده سعادت و حسنات دنیوی و اخروی است .

و ءاتینه فی الدنیا حسنه و إنه

فی الآخره لمن الصالحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۳ - ۱۰

۱۰- پیروی از مرام حنیف (معتدل و بی انحراف) ابراهیمی ، دربردارنده نیکی های دنیوی و صلاح اخروی

و ءاتینه فی الدنيا حسنه و إنه فی الآخره لمن الصالحین .. اتبع مله ابرهیم حنیف

موارد حسنات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۰ - ۴

۴ پذیرش همه معارف و احکام دین، حسنه و پذیرش بخشی از آن و رهاسازی بخشهای دیگر، سیئه است.

إن الذین فرقوا دینهم .. من جاء بالحسنه ... و من جاء بالسیئه

با توجه به آیه قبل می توان گفت مصداق مورد نظر برای <الحسنه> ایمان به همه معارف و احکام دین و مصداق <السیئه> تفرقه در دین است.

حسنة

تبدیل سیئه به حسنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۰ - ۱۰، ۶، ۴

۴ کسانی که مرتکب گناه شرک، آدم کشی و زنا شده اند، در صورتی که به توبه، ایمان و عمل صالح روی آورند، خداوند کردار بد آنان را از نامه عملشان محو کرده و به جای آنها کردار نیک قرار می دهد.

و من یفعل ذلک .. یضعف له العذاب ... إلا من تاب ... فأولئک یبدل الله سیئ

در این که مقصود از تبدیل <سیئات> به <حسنات> چیست؟ میان مفسران دو دیدگاه عمده وجود دارد: ۱ تبدیل خود اعمال بد به اعمال نیک؛ به گونه ای که در پرونده اعمال مؤمنان به جای <سیئه>، <حسنة> نوشته

شود. ۲- تبدیل آثار و پیامدهای <سیئات> که عقاب است به آثار و پیامدهای <حسنات> که ثواب است. گفتنی است برداشت فوق مبتنی بر دیدگاه نخست است.

۶ توبه، ایمان و عمل صالح، موجب محو شدن گناهان و آثار آنها (عقاب) و جایگزین شدن نیکی‌ها و آثار آنها (ثواب) به جای آن گناهان

إِلَّا مِنْ تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ

۱۰ تبدیل بدی‌های مردم توبه‌کار، مؤمن و نیکوکار به خوبی‌ها و جایگزین کردن ثواب به جای عقاب آنان، برخاسته از غفران و مهربانی خداوند

إِلَّا مِنْ تَابَ .. فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

یادآوری دو صفت غفران و رحمت خداوند، پس از وعده تبدیل بدی‌های مؤمنان به خوبی‌ها، می‌تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

حسنه اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۱ - ۶

۶ حسنه در دنیا، وسعت روزی و اخلاق نیک و در آخرت، رضوان الهی و بهشت است.

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً

امام صادق (ع) درباره آیه <رَبَّنَا آتِنَا ..>، فرمود: رضوان الله و الجنة في الآخرة و السعة في الرزق و المعاش و حسن الخلق في الدنيا

معانی الاخبار، ص ۱۷۵، نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۹۹، ح ۷۲۵ و ۷۲۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۲ - ۱،۵

۱ آنان که خواهان حسنه دنیوی و اخرویند، از آنچه انجام داده

اند ، بهره خواهند برد .

و منهم من يقول ربنا اتنا .. اولئك لهم نصيب مما كسبوا

۵ تنها آنان که پس از انجام حج ، خواهان حسنه دنیوی و اُخروی هستند ، از حج خود بهره خواهند برد .

فاذا قضيتم مناسككم .. اولئك لهم نصيب مما كسبوا

بنابراینکه مراد از <مما كسبوا> انجام فریضه حج باشد.

حسنة دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۱ - ۶

۶ حسنه در دنیا ، وسعت روزی و اخلاق نیک و در آخرت ، رضوان الهی و بهشت است .

ربنا اتنا فی الدنيا حسنة

امام صادق (ع) درباره آیه <ربنا اتنا ..>، فرمود: رضوان الله و الجنة فی الاخره و السعه فی الرزق و المعاش و حسن الخلق فی الدنيا

معانی الاخبار، ص ۱۷۵؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۹۹، ح ۷۲۵ و ۷۲۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۲ - ۱،۵

۱ آنان که خواهان حسنه دنیوی و اُخرویند ، از آنچه انجام داده اند ، بهره خواهند برد .

و منهم من يقول ربنا اتنا .. اولئك لهم نصيب مما كسبوا

۵ تنها آنان که پس از انجام حج ، خواهان حسنه دنیوی و اُخروی هستند ، از حج خود بهره خواهند برد .

فاذا قضيتم مناسككم .. اولئك لهم نصيب مما كسبوا

بنابراینکه مراد از <مَمَّا كَسَبُوا> انجام فریضه حج باشد.

سنت های حسنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۴ - ۷

۷ مشروعیت و پسندیده بودن حضور بر

مزار مؤمنان و دعا و استغفار برای آنان

و لاتصل ... و لاتقم علی قبره

آنچه در آیه نهی شده در خصوص منافقان است و همین تخصیص می رساند که حضور یافتن بر مزار مؤمنان و دعا برای آنان امری جایز، بلکه پسندیده است.

مراد از حسنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۰ - ۹

۹ عن علی (ع) فی قوله تعالی .. <من جاء بالحسنة فله عشر امثالها>، الحسنه حبا أهل البيت و السيئه بغضنا

از امیرالمؤمنین (ع) درباره آیه <من جاء بالحسنة .. > روایت شده است: <حسنة> دوستی ما اهل بیت و <سیئه> دشمنی ماست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۰ - ۸

۸ > عن ابی جعفر (ع) فی قوله : < إن تصبک حسنه تسؤهم و إن تصبک مصیبه > : اما الحسنه فالغنیمه و العافیة و اما المصیبه فالبلاء و الشده ;

از امام باقر (ع) درباره قول خدا <ان تصبک حسنه .. > روایت شده است: <حسنة> غنیمت و سلامتی و <مصیبت> بلا و سختی است < .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۶ - ۸

۸ - > عن أبی عبد الله (ع) . . . قال الحسنه التقیه و السيئه الإیذاعه . و قوله عزّوجلّ < ادفع بالتی هی أحسن السيئه > قال : التی هی أحسن التقیه . . . ;

از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: <حسنة> تقیه است و <سیئه> شایع کردن [آسرار] است.

[در باره] قول خدای عزوجل نیز <ادفع بالتی هی أحسن السیئه> فرمود: آنکه احسن است، همان تقیه می باشد...<.

موارد حسنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۰ - ۱۰

۱۰ ایمان و انفاق ، حسنه ای است که ، هر چند اندک باشد ، پاداش عظیم الهی را در پی خواهد داشت .

ماذا علیهم لو امنوا باللّٰه و الیوم الآخر و انفقوا .. و ان تک حسنه یضاعفها و یؤ

از مصادیق مورد نظر برای حسنه، به دلیل آیه قبل، ایمان و انفاق است.

حضور قلب از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حضور قلب

آثار حضور قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۸ - ۲۷

۲۷- کسانی که یاد خداوند در قلب آنان حضور ندارد ، شایسته رهبری نیستند .

و لاتطع من أغفلنا قلبه عن ذکرنا

نهی از اطاعت غافلان، نفی شایستگی آن ها برای فرمان دادن و ارائه پیشنهاد است.

اهمیت حضور قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۹ - ۴

۴ لزوم روی آوری خالصانه به خدا و انقطاع کامل از غیر او به هنگام حضور در مساجد

و أقیموا وجوهکم عند کل مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۸ - ۲۸

۲۸- زنده نگه داشتن یاد خدا در قلب و از میان بردن زمینه های غفلت از آن ، لازم است .

و لاتطع من أغفلنا قلبه عن ذكرنا

حضور قلب در عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱

۸- احساس حضور در پیشگاه خداوند از آداب عبادت است .

ایاک نعبد

از جمله نکته های التفات از غیبت به خطاب در سوره حمد، بیان ادب عبادت و دعاست یعنی، شایسته است انسان به هنگام پرستش و دعا احساس کند که در پیشگاه خداوند حاضر است.

حضور قلب در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۳ - ۸،۹

۸ بی توجهی به اذکار نماز و مفاهیم آن ، فلسفه بطلان آن در حال مستی

لا تقربوا الصلوه . . . حتی تعلموا ما تقولون

جمله <حتی تعلموا . . . > بیانگر علت تحریم بطلان نماز در حال مستی است.

۹ برپایی نماز با حالت حضور قلب امری بایسته و سزاوار

حتی تعلموا ما تقولون

ملاک حرمت نماز در حال مستی توجه نداشتن و آگاه نبودن به اذکار نماز است. و این معنا به هنگام غفلت و فقدان حضور قلب نیز وجود دارد.

نشانه های حضور قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۸ - ۲۹

۲۹- دعای خالصانه در سپیده دم و پسین ، نشانه حضور یاد خدا در قلب انسان است .

الذین یدعون ربهم بالغدوه و العشی . . . و لاتطع من أغفلنا قلبه عن ذکرنا

حفصه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

افشاگری حفصه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۳ - ۲،۹

۲ - یکی از همسران پیامبر (ص) (حفصه)، سخن محرمانه و سرّی آن حضرت را [برای عایشه] فاش ساخت .

و إذ أسرّ النبيّ إلى بعض أزوجه حديثاً فلما

نَبَأَتْ بِهِ

مفسران، براساس شأن نزول ها، ماجرای نقل شده در آیه شریفه را مربوط به حفصه و عایشه دانسته اند.

۹- هیچ کس ، جز خداوند ، از افشا شدن راز پیامبر (ص) از سوی همسرش (حفصه) آگاه نبود .

قالت من أنباك هذا قال تبأني العليم الخبير

از این که پیامبر(ص) آگاهی خود را از ناحیه خداوند دانسته است، می توان به مطلب یاد شده پی برد.

پرسش حفصه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۳ - ۷

۷- پرسش همسر پیامبر (ص) (حفصه) ، از آن حضرت درباره منبع اطلاع ایشان از افشا شدن رازش

فلما نبأها به قالت من أنباك هذا

توصیه توبه به حفصه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۴ - ۱

۱ - توصیه خداوند به دو همسر خطاکار پیامبر (ص) (حفصه و عایشه) ، به توبه و دست برداشتن از خطاکاری

إن تتوبا إلى الله

جواب شرط <إن تتوبا إلى الله>، محذوف و تقدیر آن چنین است: <فهو خير لكما>. این جمله در حقیقت، تشویق و توصیه به توبه و تکرار نکردن اشتباهات گذشته است.

حق از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{حق}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ مقابله با پیامبر (ص) و جبهه حقّ ، به منزله مقابله با خداوند است .

انّهم لن يضرّوا الله شيئاً

مستند نمودن نفی ضرر به خداوند، با وجود اینکه مراد، نفی ضرر از دین و پیامبر (ص) و مسلمانان

است، اشاره به این معنا دارد که مقابله با دین و پیامبر (ص)، به منزله مقابله با خداوند است.

آثار اتمام حجت با حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۲

۲ - لزوم ترک بحث و احتجاج با کافران حق ناپذیر، پس از اتمام حجت و ارائه برهان

فذرهم یخوضوا و یلعبوا

آثار اجتناب از حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۲ - ۱۴

۱۴ - استفاده از آیه های خدا، برای رهیافت به خداشناسی، منوط به حفظ بی طرفی و دست کشیدن از دغلكاری و حق ناپذیری است.

و ما یجحد بآیتنا إلا کلّ ختار کفور

آثار اصرار بر حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۷ - ۷

۷ - اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفر و حق ستیزی، زمینه نزول عذاب الهی

إن فی ذلک لأیه و ما کان اکثرهم مؤمنین

آثار اصرار بر حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۸ - ۹

۹- اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفوورزی و حق ناپذیری ، زمینه ساز نزول عذاب و گرفتار شدن آنان به خشم و قهر الهی

فأخذهم العذاب . . . و ما كان أكثرهم مؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۴ - ۶

۶- اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفوورزی و حق ناپذیری ، زمینه ساز نزول عذاب و گرفتار شدن به خشم

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً و ما كان أكثرهم مؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۶ - ۸

۸ - اصرار و مداومت بر کفر و حق ناپذیری ، در پی دارنده عذاب آتش دوزخ

إنما تجزون ما كنتم تعملون

فعل <کنتم تعملون>، ماضی استمراری و بیانگر اصرار و مداومت شخص، بر عمل است.

آثار اعراض از حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۹ - ۶

۶ عدول از حق در بینش و اعتقادات، زمینه تکذیب آیات الهی

و الذين كذبوا بآيتنا يمسههم العذاب بما كانوا يفسقون

جمله <بما كانوا يفسقون> می تواند بیان علت تکذیب منجر به عذاب باشد. یعنی چون آنان فاسق بودند، تکذیب می کردند. و چون سوره انعام مکی است و آیات قبل هم بحث از اعتقادات می باشد، به نظر می رسد این فسق، فسق اعتقادی باشد، نه فسق عملی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۲۵

۲۵ روی گردانی از حق و اصرار بر کفر و ارتداد ، مستلزم کیفر شدید دنیوی و اخروی است .

و إن يتولوا يعذبهم الله عذاباً أليماً في الدنيا و الآخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۹ - ۵

۵ اختلافات دینی و مذهبی و دور شدن از حق به خاطر آن ، مانع نیل انسان ها به هدف خلقتشان است .

و لا يزالون مختلفين . إلا من رحم ربك و لذلك خلقهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف -

۸- گرایش و عدم گرایش مردم و آرای آنان در حقایق حق ، بی تأثیر است .

الحق من ربکم فمن شاء فليؤمن ومن شاء فليکفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶ - ۲

۲ - روی گردانی مداوم از حق ، زمینه ساز اقدامات خصمانه تری علیه آن از طریق تکذیب و استهزا

إلّا كانوا عنه معرضين . فقد كذبوا ... يستهزءون

با توجه به تفریع <فقد كذبوا..> بر <كانوا عنه معرضين> روشن می شود که کافران در نتیجه روی گردانی مستمر از حق، کم کم موضعشان را نسبت به آن سخت تر کرده و صریحاً به تکذیب و ریشخند آن پرداختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۷ - ۶

۶ - جدی نگرفتن پیام حق و برخورد هوچی گرانه با آن ، شیوه مستمر اهل باطل

فلما جاءهم بآيتنا إذا هم منها يضحكون

آثار اعلام پیروزی حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۱ - ۷

۷- اعلام پیروزی قطعی حق بر باطل ، مایه امید مؤمنان و یأس مشرکان و باطل گرایان

وقل جاء الحقّ وزهق البطل إن البطل كان زهوقاً

اعلام صریح بر شکست قطعی باطل، در پی بیان تلاشهای کافران جهت اخراج پیامبر(ص) از مکه، می تواند برای تقویت بنیه روانی مؤمنان و ایجاد یأس در دل مشرکان باشد.

آثار انذار حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۲ - ۱۲

۱۲ - تنها انذار و تهديد نسبت به

عواقب شوم عمل ، دارای امکان تأثیر در حق ستیزان

و من ضلّ فقل إنّما أنا من المنذرين

با این که قرآن در بردارنده هر دو بعد انذار و تبشیر است؛ اما پیامبر(ص) در قبال گمراهان حق ناپذیر، تنها موظف به بیان بُعد انذارگر قرآن بود و این بدان جهت است که تنها عاملی که ممکن بود در آنان تأثیر بگذارد <انذار> است.

آثار پیروی از حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳ - ۲

۲- نیک فرجامی و غفران لغزش های مؤمنان ، نتیجه پیروی از حق و پیام پروردگارشان

و الذین ءامنوا .. ذلك بأنّ ... و أنّ الذین ءامنوا اتّبعوا الحقّ من ربّهم

آثار تبیین حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۱۰

۱۰- حق ، هر چند روشن و تبیین شده باشد ، لزوماً پذیرش همگان را در پی ندارد .

و لقد صرّفنا فی هذا القرآن لیذکروا و ما یزیدهم إلاّ نفورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۲ - ۱۳

۱۳- انذار پس از تبیین حق ، وسیله ای است در جهت اصلاح حق ناپذیران

لقد علمت .. و إني لأظنّک یفرعون مشورًا

ذکر <إني لأظنّک یفرعون مشورًا> پس از ارائه معجزه و رد آن از سوی فرعون، احتمال دارد وارد شدن از در تهدید برای اصلاح باشد.

آثار ترک تبلیغ حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۴

۴ - کفرورزی ، ترک عمل صالح و بی اعتنایی به ترویج

حق و صبر، زیان کاری است .

لفی خسر . إلا الذين ءامنوا و عملوا الصلحت و تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

آثار تسلیم به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۱۱

۱۱- برخورداری از روحیه تسلیم در برابر حق ، شرط بهره‌وری از هدایت و بشارت قرآن

و هدی و بشری للمسلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۳

۳ تسلیم بودن انسان در برابر حق و داشتن روحیه حق‌پذیری، نشانه برخورداری از هدایت و توفیق الهی است.

فمن یرد الله أن یهدیه یشرح صدره للإسلام

اسلام در این آیه می‌تواند به معنی لغوی آن که تسلیم است، باشد.

آثار تشخیص حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۶

۶- شناخت حق ، در پی دارنده تکلیف و مسؤولیت فزون تر ، برای انسان

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا و .. من بعد ما تبین لهم الهدی لن یضروا الله شیئاً

تصریح به <من بعد ما تبین لهم الهدی>، می‌رساند که آشکار شدن حق بر انسان، تأثیر عمده‌ای در برطرف کردن کفر، داشته باشد.

آثار تکذیب حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۷

۷ رودررویی با حق و تکذیب آن، زمینه رویگردانی از آیات الهی

و ما تأتیهم ... إلا كانوا عنها معرضین. فقد کذبوا بالحق

<فاء> در <فقد کذبوا> می تواند سببیه باشد، بر این مبنا جمله <فقد کذبوا .. > بیانگر سبب و زمینه اعراض

مذکور در آیه قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۷

۷ - کفر به حق و اصالت وحی ، دلیل عدم شایستگی کافران برای دوستی

تلقون إلیهم بالموّده و قد کفروا بما جاء کم من الحقّ

عبارت <و قد کفروا..> در حقیقت بیانگر علت نهی (لا تتخذوا عدوی) است.

آثار تنفر از حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۸ - ۲

۲ - حق گریزی و تنفر از پیام حق ، ویژگی بارز بیشتر مجرمان ستم پیشه

و لکنّ اکثرکم للحقّ کرهون

آثار توبه حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۴ - ۲

۲- امکان شمول عفو الهی ، نسبت به کافران حق ستیز ، به شرط توبه و پشیمانی قبل از مرگ

إنّ الذین کفروا و .. ثمّ ماتوا و هم کفّار فلن یغفر الله لهم

از مفهوم آیه شریفه، استفاده می شود که اگر کافر معاند در حال کفر نمیرد و قبل از مرگ توبه کند، مشمول <لن یغفر الله> نخواهد بود.

آثار حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- وجود حق و مظاهر آن ، زمینه ساز آشکار شدن ماهیت نهفته حق ستیزان *

حتّی أنسوکم ذکری

از این که خداوند، مؤمنان را عامل غفلت کافران از یاد خدا معرفی کرده است، به دست می آید که اگر مؤمنان نبودند، ماهیت حق ستیز کافران نهان می ماند؛ ولی وجود آنان سبب شد تا چهره اصلی آنها آشکار شود.

آثار

حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۱۸

۱۸- روحیه حق پذیری ، شرط بهره‌وری از هدایت ، رحمت و بشارت قرآنی

و نزلنا عليك الكتب ... و هدى و رحمه و بشرى للمسلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۴ - ۴

۴ - داشتن استعداد و روح حق پذیری ، شرط بهره مند شدن و تأثیر پذیرفتن از گفته های رسولان

ربّ السموت و الأرض و ما بينهما إن كنتم موقنین

جمله <إن كنتم موقنین> در حقیقت به معنای <إن كنتم مستعدين للإيقان و طالبين لمعرفة الحقائق> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۰ - ۴

۴ - حق شنوی و حق پذیری ، نشانی از حیات جان و سلامت روان انسان در بینش الهی

إنك لاتسمع الموتى ... إذا ولّوا مدبرین

خداوند، کافران حق ناپذیر را هم مرده خوانده است و هم ناشنوا، این نشان می دهد کسانی که حق را به جان می پذیرند و سخن حق را به گوش دل می شنوند، نه مرده اند و نه ناشنوا.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۱ - ۶،۷

۶ - تنها دل های سلیم و حق پذیر ، شایسته بهره مندی از پیام الهی انبیا

إن تسمع إلا من يؤمن بآيتنا

مراد از <من یؤمن> کسانی اند که در مقام پذیرش حق می باشند و دل هایشان گرفتار کفری و کوری نشده است.

۷- بی تأثیر بودن هدایت گری پیامبر (ص) در محرومان

از روحیه تسلیم و حق پذیری

إِن تَسْمَعُ إِلَّا مِنْ يَوْمِنَا بَإِيتِنَا فَهَمَّ مُسْلِمُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳ - ۴

۴ - آمادگی برای پذیرش حق ، شرط بهره گرفتن از قرآن است .

هَدَىٰ وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ

بی شک قرآن کریم، کتاب هدایت برای همه است. اختصاص یافتن هدایت آن به گروهی خاص، در این آیه، به معنای محدودیت هدایت قرآن نیست، بلکه به معنای بهره بردن کسانی است که آمادگی لازم را داشته باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۱۳

۱۳ - برخورداری از روحیه حق پذیری و به دور بودن از لجاجت و عناد ، شرط بهره‌وری انسان از هدایت وحی

و لَوْ جَعَلْنَاهُ... وَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَ هُوَ عَلَيْهِمْ عَمًّ

از صدر آیه که درباره لجاجت کافران است و نیز فعل مضارع <لایؤمنون> که اشعار به استمرار عدم ایمان دارد می توان استفاده کرد که لجاجت و عناد، در محرومیت انسان از ابزارهای شناخت نقش دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۰ - ۱

۱ - راه یابی به بهشت ، فرجام نیک ایمان به آیات الهی و تسلیم بودن در برابر حق

الَّذِينَ آمَنُوا بَإِيتِنَا وَ كَانُوا مُسْلِمِينَ . ادخلوا الجنة أنتم و أزواجكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۸ - ۴

۴ - حق پذیری ، تنها رمز سعادت و رهایی انسان از فرجام شوم اخروی

لقد جننكم بالحقّ و لكنّ

أكثرکم للحقّ کرهون

تکرار لفظ <حقّ> و اکتفا نکردن به ضمیر، می تواند اشاره به این نکته داشته باشد که تنها حق پذیری، می تواند تعیین کننده سر نوشت انسان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۷ - ۷

۷- تقوای عملی، زاییده هدایت و ره یابی اندیشه به حق

زادهم هدی و آتیهم تقویهم

از ارتباط <آتاهم تقوایهم> با <زادهم هدی> و عطف آن دو که مستلزم تغایر و دوگانگی است می توان استفاده کرد که: اولاً هدایت امری روحی و فکری و تقوا مقوله ای عملی است و ثانیاً تقوا مترتب بر ازدیاد هدایت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۷ - ۳

۳- دریافت پیام های نهفته در متن تاریخ، نیازمند قلبی آگاه یا گوش شنوا و حق پذیر

إن فی ذلک لذکرى لمن کان له قلب أو ألقى السمع و هو شهید

عبارت <لمن کان له قلب أو ألقى..> می رساند که برای فهم صحیح تاریخ، یکی از دو شرط لازم است: یا خردمندی و تیزهوشی در درک و تحلیل و یا حق شنوی از اهل خرد و اندیشه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۲ - ۲

۲- داشتن گوش شنوا و دلی حق پذیر، از شرایط و زمینه های درس آموزی و پندگیری

لنجعلها لکم تذکره و تعیها أذن و عیه

<وعی> (مصدر <تعیها>) و <واعیه> به معنای نگه داری شیء و فهم و پذیرش آن است (لسان العرب). گفتنی است اسناد <وعی> به <أذن>، اسناد

مجازی و مقصود از آن دل و جان حق پذیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۱،۲

۱ - تنها مؤمنانی که کارهای شایسته انجام داده و یکدیگر را به پذیرش حق و شکیبایی توصیه می کنند، گرفتار خسارت نخواهند شد.

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خَسْرٍ . إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا

۲ - ایمان و عمل صالح و پذیرش حق و شکیبایی، بهره گیری درست از سرمایه های وجودی خویش است.

لَفِي خَسْرٍ . إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۷ - ۲

۲ - ایمان و روح حق پذیری، زمینه ساز شناخت صحیح آیات الهی و حوادث تاریخی و بهره گیری از آنهاست.

إِن فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ

آثار حق پذیری انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۹ - ۲

۲ - توجه به تأثیر حق در نفوس مستعد، به رغم عناد کافران، مشوق رهبران الهی به تداوم تبلیغ

إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِ نَدْعَوِهِ ... فَذَكَرْ فَمَا أَنْتَ ... بِكَاهِنٍ

فاء در <فذكر>، تکلیف تذکر را متفرع بر آیات پیشین کرده است. در آن آیات سخن از حق ناپذیری برخی از مردم و حق پذیری و قدرشناسی گروهی دیگر به میان آمده بود.

آثار حق پذیری بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۳

۳ صبر

و شکیبایی بندگان خالص خدا، در انجام تکالیف الهی چون فروتنی، و شب زنده داری، حلم، ترس از قیامت، توبه، عفو کریمانه، پذیرش حق و دعا و نیایش، سبب برخوردار شدن آنان از نعمت‌ها و درجات عالی بهشت

الذین یمشون علی الأرض هوناً... و الذین یقولون ربّنا... أولئک یجزون الغرفه بم

متعلق و موارد صبر هر چند در آیه شریفه ذکر نشده است، ولی مقصود از آن به قرینه آیات گذشته که در بیان تکالیف بندگان خالص و محرماتی است که آنان می‌بایست ترک می‌کردند مجموعه مسائلی است که خداوند به انجام آنها امر کرده و یا از انجام آنها باز داشته است؛ زیرا انجام چنین تکالیفی و یا ترک محرمات الهی، صبر و شکیبایی در برابر هوای نفس را نیازمند است.

آثار حق‌پذیری فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۹ - ۱۰

۱۰ - وعده خداوند به موسی (ع)، درباره رفع عذاب فرعونیان، در صورت روی آوردن آنان به حق

ادع لنا ربّک بما عهد عندک إنّنا لمهتدون

به قرینه ذیل این آیه و آیه بعد، به دست می‌آید که مراد از <ما عهد عندک>، وعده خداوند به رفع عذاب از فرعونیان در صورت پذیرش هدایت است.

آثار حق‌پذیری مؤمنان اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۳ - ۱۱

۱۱ - روحیه حق‌پذیری ایمان‌آوردگان از اهل کتاب، عامل گرویدن آنان به اسلام

قالوا ءامنّا به إنّّه الحقّ

جمله > إنّّه

الحقّ > به منزله تعلیل برای < آمنا به > است، یعنی، ما بدان جهت به قرآن ایمان آوردیم که آن را حق یافتیم.

آثار حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۶

۶ - حق ستیزی موجب گمراهی، محرومیت از لطف و مغفرت خدا و گرفتار شدن به آتش دوزخ می باشد.

لا یکلمهم الله یوم القیمه ... ذلك بأن الله نزل الكتب بالحق

برداشت فوق بر این اساس است که < ذلك > اشاره به عقوبتهای مطرح شده در آیات قبل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۷

۷ رودرویی با حق و تکذیب آن، زمینه رویگردانی از آیات الهی

و ما تأتیهم ... إلا كانوا عنها معرضین. فقد کذبوا بالحق

< فاء > در < فقد کذبوا > می تواند سببیه باشد، بر این مبنا جمله < فقد کذبوا .. > بیانگر سبب و زمینه اعراض مذکور در آیه قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۱۶

۱۶ انحطاط و نابودی بسیاری از تمدنها پیش از اسلام به سبب گناه و ستیز با حق

الم یروا کم أهلكنا من قبلهم ... فأهلكنهم بذنوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۲

۲ اصرار بر کفر و شرک از سر حق ستیزی، موجب افکنده شدن حجاب بر دل و سنگینی بر گوش آدمی است.

و جعلنا علی قلوبهم أكنه أن يفقهوه و فی اذانهم وقرا

<اصرار> و <حق ستیزی> از جملات دیگر آیه، مانند

<کل آیه ... > و <یجادلونک ... >، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۴ - ۱۰

۱۰ ثبوت و رسوخ صفت تجاوز و حق ستیزی در نفس آدمی ، موجب مهر شدن قلب و هدایت ناپذیری است .

فما کانوا لیؤمنوا ... کذلک نطبع علی قلوب المعتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۲ - ۸

۸- استبداد ، حق ستیزی و سلطه گری از موجبات شقاوت و تیره بختی است .

و لم یجعلنی جباراً شقیّاً

<شقیّاً> می تواند صفت توضیحی برای <جباراً> باشد، یعنی اگر کسی جبار شد، شقی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۹ - ۱۱

۱۱ - اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفر و حق ستیزی ، زمینه ساز نزول عذاب الهی

فأهلکنهم ... و ما کان اکثرهم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۰ - ۲

۲ - کفرورزی به قرآن و تورات ، علی رغم عدم وجود کتابی هدایت بخش تر از آنها ، نشان از حق ستیزی و پیروی از هوای نفس دارد .

قل فأتوا بکتاب .. أهدی منهما... فاعلم أنّما یتبعون أهواءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - خوی سرکشی ، تکبر ، ستیزه جویی و حق ناپذیر ، از موانع پذیرش قرآن و وحی الهی

و القراءان ذی الذکر . بل الذین کفروا فی عزّه و شقاق

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۰ - ۵

۵ - کفر و حق ستیزی ، موجب عذاب ذلت بار دنیایی و عذاب فراگیر و دائمی دوزخ

من یأتیهِ عذاب یخزیه و یحلّ علیهِ عذاب مقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۱

۱۱ - مجادله و ستیزه جویی با حق ، عقوبت الهی در دنیا را در پی دارد .

و جدلوا بالبطل لیدحضوا به الحقّ فأخذتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۳ - ۹

۹ - اسراف و زیاده روی در گناه و حق ستیزی ، موجب دوزخی شدن انسان ها است .

و أنّ المسرفین هم أصحاب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۳ - ۳

۳ - روح لجاجت و ستیزه جویی ، از عوامل انکار آیات الهی و نپذیرفتن حق

کذلک یؤفک الذین کانوا بأیت الله یجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۰ - ۲

۲ - روح لجاجت و ستیزه جویی ، از عوامل دین ستیزی و حق ناپذیری

الذین یجدلون فی ءایت الله .. الذین کذبوا بالکتب و بما أرسلنا به رسلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۲ - ۲

۲ - انکار حق و لجاج و عناد در برابر آن مایه دوری انسان از خدا و محرومیت از عنایت وی

قل أریتم

با توجه به اعراض خداوند از خطاب مستقیم به مشرکان لجوج، مطلب یاد شده قابل

برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۹ - ۶

۶- عزت ها و شرافت های دنیوی ، متکی به گناه و حق ستیزی ، ناپایدار و منتهی به ذلت و درماندگی است .

ذق إنك أنت العزيز الكريم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳ - ۸

۸- روحیه انکار و عناد در برابر حق ، مانع بهره‌وری معنوی و عرفانی انسان از ژرف کاوی در نظام طبیعت

إن في السموت والأرض آيات للمؤمنين

وصف <للمؤمنين> این مفهوم را می‌رساند که کافران و یا غافلانی که انگیزه حق جویی را ندارند، با ژرف کاوی در نظام آسمان ها و زمین، بهره‌ای بایسته از آن نمی‌برند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۵ - ۵

۵- محکومیت ابدی کافران مستکبر به عذاب همیشگی دوزخ ، نتیجه حق ستیزی و دنیا محوری آنان

اتخذتم آيات الله هزواً و غرتكم الحيوة الدنيا فاليوم لا يخرجون منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۵ - ۵

۵ تعارض و نابسامانی در روح و اندیشه ، نتیجه حق ستیزی است .

كذبوا بالحقّ .. فهم في أمر مريج

<فأى تفریح، این نتیجه کلی را به دست می‌دهد که انکار حق آشکار، فرد را گرفتار بحران روحی و تناقض گویی می‌سازد؛ زیرا از یک سو وضوح حق را در می‌یابد و از سوی دیگر، تلاش می‌کند تا بر آن سرپوش نهاده و عقیده باطل خود را

توجیه کند.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۵ - ۳

۳ کفر و حق ستیزی ، زمینه فروافتادن انسان به ورطه شر و تجاوز و تردید در تمامی ارزش ها *

کفّار عنید . مَناع للخیر معتد مریب

برداشت بالا بدان احتمال است که ترتیب میان صفات کفّار، عنید و ..، اشاره به ترتب و تأثیر هر وصف در پیدایش وصف متأخر آن، داشته باشد.

آثار حق ستیزی اقوام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - استمرار و اصرار ملت ها بر انحراف و حق ستیزی ، عامل مجازات آنان از سوی خداوند

لیجزی قومًا بما کانوا یکسبون

تعبیر <کانوا یکسبون> استمرار را می رساند و برداشت بالا در صورتی استفاده می شود که <قومًا> نظر به کافران و منکران <ایام الله> داشته باشد.

آثار حق ستیزی اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۴ - ۴

۴ نابودی بسیاری از اقوام ، در نتیجه حق ستیزی و تکذیب پیامبران

کذّبت قبلهم .. فحقّ وعید

آثار حق ستیزی اکثریت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۷ - ۷

۷- اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفر و حق ستیزی ، زمینه نزول عذاب الهی

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۹ - ۱۱

۱۱- اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفر و حق ستیزی ، زمینه ساز نزول عذاب الهی

فَأَهْلَكْنَهُمْ . . .

و ما كان أكثرهم مؤمنين

آثار حق ستیزی امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳ - ۲

۲ - خوی سرکشی ، تکبر ، حق ناپذیری و ستیزه جویی ، عامل نابودی بسیاری از امت ها و ملت های گذشته

بل الذین کفروا فی عزه و شقاق . کم أهلكنا من قبلهم من قرن

آیه شریفه، درصدد بیان این حقیقت است که آنچه موجب ایمان نیاوردن کافران صدراسلام شد، همان سبب کفر بسیاری از امت ها و ملت های گذشته گردید.

آثار حق ستیزی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۲ - ۲

۲ - هلاکت قوم ثمود ، بازتاب ظلم و حق ستیزی خود آنان

فتلك بيوتهم خاويه بما ظلموا

قید <بما ظلموا> بیان علت هلاکت قوم ثمود است؛ یعنی، آنان بدان سبب که ستم کردند... .

آثار حق ستیزی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۱

۱- کافران ، با کفر و حق ستیزی و مخالفتشان با پیامبر (ص) ، ناتوان از رسانیدن کمترین زیان به خداوند

إِنَّ الذین کفروا و ... لن یضرّوا الله شیئا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ شبهات کافران درباره معاد، ناشی از روحیه حق ستیزی آنان است؛ نه نامعقول بودن آن.

بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که مراد از <الحق>، حقانیت قرآن و رسالت پیامبر(ص) باشد؛ یعنی، اینان در همان آغاز

نشانه های حق را دیدند و به تکذیب آن پرداختند. این حق ستیزی، بسیاری از حقایق معقول را برای آنان، ناممکن جلوه داده است.

آثار حق شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۵ - ۴

۴ هدایت و شناخت حق ، مسؤولیت آفرین است .

من بعد ما تبین له الهدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۴ - ۶

۶ - عبودیت و بندگی ، نماد و نتیجه حق شناسی انسان در برابر پروردگاری خداوند است .

إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ فَاعْبُدُوهُ

از تفریع <فاعبدوه> بر <إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ> می توان استفاده کرد که باور به ربوبیت یگانه الهی، آدمی را به مسؤولیت و وظیفه عبودیت و بندگی رهنمون می سازد.

آثار حق شنوایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۲ - ۲

۲ - داشتن گوش شنوا و دلی حق پذیر ، از شرایط و زمینه های درس آموزی و پندگیری

لنجعلها لكم تذكرة و تعيها أذن وعيه

<وعی> (مصدر <تعیها>) و <واعیه> به معنای نگه داری شیء و فهم و پذیرش آن است (لسان العرب). گفتنی است اسناد <وعی> به <أذن>، اسناد مجازی و مقصود از آن دل و جان حق پذیر است.

آثار حق شنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۴ - ۸

۸ حرف شنوی و خردورزی ، از ملاک های ارزیابی شخصیت و ارزش انسان ها

أم تحسب أن أكثرهم يسمعون أو يعقلون إن هم إلا كالأنعم

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۵ - ۹

۹- حق شنوی ، زمینه درک حقایق

إن فی ذلک لآیه لقوم یسمعون

آثار حق طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳ - ۶

۶ - روحیه حق طلبی ، زمینه پیدایش جهان بینی الهی در انسان

لآیت للمؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۸ - ۲

۲ انسان ، با روحیه تواضع و حقّ جویی ، بهره مند از درس های توحیدی و رهنمود های نهفته در هستی

تبصره و ذکر لکلّ عبد منیب

واژه <عبد>، اشاره به روحیه تواضع و <منیب> اشاره به حقّ جویی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۹ - ۱۶

۱۶ کسانی که در طلب ایمان بوده و از لجاجت و عناد به دورند، از آیات طبیعت به شناخت خدا و یگانگی او راهی می یابند.

إن فی ذلکم لآیت لقوم یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۱ - ۷

۷- سبقت در ایمان و قرار گرفتن در صف نخستین مؤمنان و حق گرایان ، موجب جلب آمرزش الهی

إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطِيئَاتِنَا أَنْ كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ

برداشت یاد شده از تعلیل قرار گرفتن جمله <أَنْ كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ> برای جمله قبل (إِنَّا نَطْمَعُ ..) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲ - ۵

۵- برخورداری از روحیه حق جویی ، شرط بهره‌وری از

پیام های روشن و هدایتگر قرآن

تلک آیت القراءان و کتاب مبین . هدی و بشری للمؤمنین

از آن جا که <ایمان> وصفی مقابل <کفر> است و کافران به خاطر داشتن روحیه استکباری و حق ستیزی (به جای بهره مند شدن از هدایت های آن) با آن به ستیز بر می خاستند، می توان گفت که قید <للمؤمنین> اشاره به این حقیقت دارد که روحیه ایمان و تسلیم در برابر حق، شرطی است لازم برای بهره‌وری از هدایت های قرآن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۱ - ۳

۳ - حق گرایی و حق یابی ، نشان بینایی حقیقی در بینش الهی

و ما أنت بهدی العمی عن ضللتهم

خداوند، به کسانی که چشم ظاهر دارند؛ ولی فاقد زمینه شناخت حق و گرایش به آن هستند، عنوان <نابینا> داده است و این بدان معنا است که بینایی در این بینش، به چشم ظاهر نیست؛ بلکه به حق یابی و حق گرایی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۱۸

۱۸ - داشتن روح پندپذیری و حق جویی ، شرط بهره جستن و تأثیر پذیرفتن از سخنان به حق قرآن

إنما يتذكر أولوا الألب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۱ - ۱۸

۱۸ - داشتن روح پندپذیری و حق جویی ، شرط بهره جستن و تأثیر پذیرفتن از سخنان به حق قرآن

ألم تر أن الله أنزل من السماء ماء .. إن في ذلك لذكرى لأولى الألب

آثار حق گرایی

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۹ - ۸،۱۰

۸ اعتقاد به توحید و روی دل و جان به خدای یگانه کردن، مقتضای گرایش به حق و راه مستقیم است.

وجهت وجهی للذی ... حنیفا و ما أنا من المشرکین

راغب در معنای حنیف می گوید: <حنف> تمایل به استقامت و دوری از گمراهی است. و چون <حنیفا> در آیه شریفه وصف برای فاعل <وجهت> است، تعلیلی برای مضمون <وجهت ...> محسوب می شود.

۱۰ اعتقاد به توحید، نتیجه حق‌گرایی، و شرک، گمراهی و مولود گریز از راه مستقیم است.

وجهت وجهی ... حنیفا و ما أنا من المشرکین

آثار حق‌گرایی ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۱ - ۵۳

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۲ - ۳

۳- نقش عمده روحیه تسلیم در برابر خدا، حق‌گرایی، دوری از شرک و شکرگزاری حضرت ابراهیم(ع)، در برخورداری او از نیکی‌ها و نعمت‌های الهی در دنیا و منزلت والا در آخرت

إن إبرهیم کان أمه قانتاً لله .. وءاتینه فی الدنیا حسنه و إنه فی الآخره لمن

آثار حق‌ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۱۰

۱۰- انسان حق‌گریز، فاقد ارزش‌های انسانی و خاصیت واقعی حیات

أولئک الذین .. فأصمهم و أعمی أبصرهم

کسانی که در نتیجه بیماری مشارالیه <أولئك>.. قرار گرفته اند به ظاهر گوش و چشم دارند اما خداوند در حقیقت این

ابزار را برای آنان زاید و بی خاصیت قلمداد کرده است زیرا بهره نجستن از امکانات، چونان محرومیت از آن است.

آثار حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۱۵

۱۵ جهل، گردن فرازی و حق ناپذیری، از ریشه های دشمنی و مخالفت با اسلام و اهل ایمان

اشد الناس عدوه للذين ءامنوا اليهود .. و انهم لا يستكبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۵

۵ کفر و سرسختی در برابر حق، زمینه ساز انحراف در بینش و تفسیر غلط و نابجا از پدیده هاست.

و لو نزلنا .. لقال الذين كفروا ان هذا إلا سحر مبين

عنوان ساختن کفر در <الذين كفروا ..> بیان تأثیر کفر کافران در بینش غلط و منحرف آنان است. یعنی <کفر> موجب می گردد که پدیده ها بر خلاف حق و واقع تفسیر شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۰ - ۷۸

۷ محرومیت از هدایت پذیری، پیامد کفر و لجاجت در برابر حق است.

و نقلب أفئدتهم و أبصرهم كما لم يؤمنوا به أول مره

۸ حق ناپذیری و انکار آیات الهی، طغیان و موجب حیرت و سرگردانی است.

كما لم يؤمنوا به أول مره و نذرهم فی طغينهم يعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۱۲، ۶

۶ ضيق صدر و قرار گرفتن صدر در تنگنای شدید (روحیه حق ناپذیری) زمینه گمراهی انسان است.

و من یرد أن

يضله يجعل صدره ضيقا حرجا

حرج به معنای تنگنای شدید است. در مجمع البیان آمده است: <الحرج أضيق الضيق>.

۱۲ ضيق صدر (تنگ دلی و حق ناپذیری) نشانه تسلط پلیدی بر آدمی است.

و من یرد أن یضله .. كذلك یجعل الله الرجس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۱۹، ۱۷

۱۷ پیمان شکنی ، کرداری برخاسته از روحیه فسق و حق گریزی است .

لا یزقیوا فیکم إلاّ و لاذمه .. و اکثرهم فسقون

۱۹ عدم رعایت حقوق خویشاوندی ، برخاسته از روحیه فسق و حق گریزی است .

لا یزقیوا فیکم إلاّ .. و اکثرهم فسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۲۱

۲۱ نزول عذاب بر امت های کافر پیشین ، پس از اصرار و مداومت آنان بر ظلم و حق ناپذیری

و لکن کانوا أنفسم یظلمون

فعل <کانوا> به همراه <یظلمون> افاده استمرار می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۳ - ۳

۳ ایمان نیاوردن اکثر مردم ، ریشه در حق ناپذیری آنان دارد ، نه قصوری از جانب پیامبر (ص) در تبلیغ و نه ناتمام بودن

برهان بر حقایق قرآن

ذکک من أنباء الغیب .. و ما اکثر الناس و لو حرصت بمؤمنین

آیه قبل بیان داشت که حقایق قرآن و الهی بودن آن امری روشن است و جمله <و لو حرصت > می رساند که پیامبر(ص) در ابلاغ دین تلاشی پی گیر داشت. این دو حقیقت بیانگر آن است که حجت بر مردم تمام است و

ایمان نیاوردن آنان، نشانه حق ناپذیری ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۴ - ۱

۱- کسانی که بر کفر اصرار ورزیده و از سر لجاجت حق را نمی پذیرند ، محروم از هدایت الهی اند .

إن الذين لا يؤمنون بأيت الله لا يهديهم الله

فعل مضارع <لا يؤمنون> دلالت بر استمرار دارد و با توجه به اینکه قرآن به زبان روشن و فصیح نازل گردیده است، ولی در عین حال کافران به آن ایمان نیاورده اند، می تواند لجاجت و روح حق ناپذیری آنان را برساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۶

۶- لجاجت و حق ناپذیری ، باعث برداشت و تفسیر غلط از روشن ترین دلایل حق و گریز و اجتناب از آنهاست .

و لقد صرّفنا في هذا القرآن ليدّكروا و ما يزيدهم إلا نفورًا

سخن حق، به خودی خود چیزی نیست که نفرت آفرین باشد. با توجه به این نکته، تنفر مشرکان از آیات روشن قرآن، عاملی جز موضع گیری پیشین و لجاجت آنها نخواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۶ - ۱،۳

۱- کسانی که از موضع حق ناپذیری ، به آخرت ایمان نمی آورند ، خداوند بر قلبهایشان پوششی قرار می دهد که قادر به فهم قرآن نباشند .

الذين لا يؤمنون بالأخرة ... و جعلنا على قلوبهم أكنه أن يفقهوه

۳- محرومیت از درك صحیح حقایق قرآن ، پیامد حق ناپذیری و کفرپیشگی کافران

الذين لا يؤمنون بالأخرة ... و جعلنا على قلوبهم أكنه أن يفقهوه و فيء اذانهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۹ - ۷

۷- روی گردانی از قرآن ، به خاطر قابل فهم نبودن قرآن و یا محتوای آن نیست ؛ بلکه به دلیل حق گریزی است .

و لقد صرّفنا للناس فی هذا القرآن من کلّ مثل فأبى أكثر الناس إلاّ کفورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۱ - ۴

۴- کفر و حق ناپذیری ، عامل عجز انسان از گوش فرا دادن به آیات الهی است .

عن ذکری و کانوا لا یستطیعون سمعًا

مفاد <کانوا لا یستطیعون..> ماضی استمراری است ؛ یعنی، کافران، پیوسته ناتوان از شنوایی بوده اند. روشن است که نفی شنوایی، به معنای حسیّی آن مراد نیست، بلکه بیان این است که حال کافران در برابر استماع تذکرات، همانند حال کسی است که هیچ گاه قدرت شنوایی نداشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۵ - ۸

۸- تأثیر نکردن اندازهای پیامبر (ص) در برخی از مردم ، برخاسته از حرف ناشنوایی آنان بود ؛ نه ناشی از ضعف در منطق وحی و بیان آن حضرت .

قل إنّما أنذرکم بالوحی و لا یسمع الصمّ الدعاء إذا ما ینذرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۱۲

۱۲- کفر و سرپیچی از عبودیت حق ، مصداق بارز ظلم است .

أبصر الذین کفروا .. بل کنا ظلمین

توصیف کردن کافران به ظالم بودن خود به جای کافر بودن، بیانگر یکی بودن این دو وصف است و هر

کافری در حقیقت ظالم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۴ - ۳

۳ - حق ناپذیری ، تعصب و جمود بر فرقه گرایی ، گردابی است هلاکت بار .

فتقظعوا أمرهم بینهم . . . فذرهم فی غمرتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۷ - ۳

۳ - عوامل انحراف و حق ناپذیری ، سبب مخفی بودن روشن ترین حقایق (یگانگی خدا) بر گمراهان در دنیا

تالله إن کنا لفی ضلل مبین

با این که پوچی شرک و یگانگی خدا، امری روشن است؛ مشرکان، تنها پس از گرفتار شدن به آتش دوزخ، وضوح آن را درمی یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۷ - ۷

۷ - روحیه عناد و حق ناپذیری ، مانع از درک صحیح حقایق و تصمیم گیری به موقع

ففقروها فأصبحوا ندمین

ثمودیان تا قبل از کشتن ناقه، به امکان نزول عذاب نیندیشیدند؛ چرا که کفر و عنادشان مانع از درک این حقیقت بود؛ ولی به مجرد کشتن ناقه و مشاهده نشانه های عذاب، آثار پشیمانی آنان را فرا گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۰ - ۳

۳ - لزوم وانهادن امر کافران به خدا ، پس از احراز تأثیرناپذیری آنان در قبال حق

فتوکل علی الله إنک علی الحقّ المبین . إنک لاتسمع الموتی ... إذا ولّوا مدبرین

آیه یاد شده، دارای این پیام است که: چون آنها مرده اند و سخن در مرده بی تأثیر است، پس بیش از این تلاش

مکن و نگران مباش و کار خود را با ایشان به خدا واگذار.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۶ - ۱۱

۱۱ - روحیه لجاج و حق ناپذیری ، مانع بهره‌وری انسان از آیات الهی

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

قید <لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ> نشانگر آن است که کسانی که مصمم بر عدم پذیرش حق اند، از آیات روشن و غیرقابل انکار و گسترده الهی در نظام آفرینش، کمترین بهره را نخواهند برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۲ - ۷،۱۰

۷ - عناد و حق‌گریزی موجب محرومیت انسان از هدایت الهی است .

فَأِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَىٰ . . . إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ

۱۰ - هدایت نشدن برخی انسان‌ها ، معلول هدایت ناپذیری خود آنان است و نه نارسایی مفاهیم دینی و یا نارسایی تبلیغی .

فَأِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَىٰ . . . إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۵ - ۵

۵ - تعلق نگرفتن هدایت خدا به گروهی از انسان‌ها ، ناشی از روحیه حق ناپذیر آنها است .

و لو شئنا لأتينا كلَّ نفسٍ هديها . . . إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِهَا خَرُّوا

احتمال دارد که این آیه درصدد تبیین آیه <و لو شئنا . . .> باشد؛ یعنی، فلسفه عدم شمول هدایت خداوند به همه انسان‌ها در این جا بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۵ - ۲

۲- تکذیب پیامبران از سوی ملت های گذشته ، ناشی از روحیه

حق ناپذیری آنان بوده است .

و كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ .. فَكَذَّبُوا رُسُلِي

تکرار ماده <کذب> (کذب و کذبوا) ممکن است به خاطر این باشد که <کذب> برای تکثیر و <کذبوا> برای تعدیه است. بنابراین استفاده می شود که آنان تکذیب پیامبران را دنبال کردند و همواره در پی آن بودند، تا حدی که جزء اخلاقیاتشان شد و از آن پس، براساس این خصلت، هر پیامبری را انکار می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸ - ۳

۳ - لجاجت و حق ناپذیری ، موجب محرومیت از فهم صحیح حقایق الهی

فهم لایؤمنون . إِنَّا جَعَلْنَا فِيْ أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا ... فهم مقمحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۹ - ۳

۳ - لجاجت ، حق ناپذیری و دوری از ایمان ، موجب محرومیت از شناخت درست حقایق الهی و از دست دادن بصیرت و

بینایی

فهم لایؤمنون .. فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهْمَ لَا يَبْصُرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۰ - ۳

۳ - کسانی که دارای روح لجاجت و حق ناپذیری باشند ، انذارها و اخطارهای پیامبران ، در آنان کارساز نخواهد بود .

و سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لایؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۸ - ۳

۳ - انکار لجوجانه معاد و روح حق ناپذیر ، موجب خواری و ذلت آدمی در قیامت است .

و أنتم دخرون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٥ - صفات - ٣٧

۴- روح طغیان و حق ناپذیر ، از عوامل تأثیرپذیری از جریان کفر و شرک

بل کنتم قومًا طغین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۱ - ۲

۲- روح طغیان و حق ناپذیری ، عامل دوزخی شدن و استحقاق کیفر الهی

بل کنتم قومًا طغین . فحقّ علینا قول ربّنا إنّنا لذائقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۲ - ۳

۳- روح طغیان گری و حق ناپذیری ، زمینه ساز تأثیرپذیری از فریب اغواگران و کژی منحرف کنندگان

بل کنتم قومًا طغین .. فأغوینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۸ - ۲

۲- شرک به خدا ، تکذیب رسالت پیامبران و استکبار در برابر حق ، موجب عذاب دردناک اخروی

و إذا قیل لهم لا إله إلاّ الله یستکبرون .. إنّکم لذائقوا العذاب الألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲ - ۵

۵- خوی سرکشی ، تکبر ، ستیزه جویی و حق ناپذیر ، از موانع پذیرش قرآن و وحی الهی

و القرءان ذی الذکر . بل الذین کفروا فی عزّه و شقاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٢ - كفر و روح حق ناپذیری ، عامل مجادلہ و ستیزہ جویی با آیات الہی

ما یجدل فی ءایت اللہ إلا الذین کفروا

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۰ - تکبر در برابر سخن حق و باور نداشتن به روز حساب ، از زمینه های فسادگری و کشتار افراد بی گناه در جامعه

کَلِّ مَتَكَبِرَ لَايُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ

توصیف فرعون فاسد و سفاک به متکبر و منکر روز حساب، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۰ - ۱

۱ - تکذیب کتاب های آسمانی و فرستادگان الهی ، برخاسته از روح ستیزه جویی و حق ناپذیری است .

أَلَمْ تَر إِلَى الَّذِينَ يَجْدُلُونَ .. الَّذِينَ كَذَّبُوا بِالْكِتَابِ وَبِمَا أَرْسَلْنَا بِهِ رُسُلَنَا

جمله <الذین کذبوا بالکتاب ..> بدل برای <الذین یجادلون...> می باشد. در واقع تکذیب کنندگان همان مجادله گران اند که از سر لجاجت به تکذیب آیات الهی می پردازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۸ - ۳

۳ - اعراض و روی گردانی از پیام حق ، موجب جاودانگی در آتش جهنم

إِنَّكُمْ مَكْثُونَ .. أَكْثَرُكُمْ لِلْحَقِّ كَرْهُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۲

۲ - جواز وانهادن گمراهان به خود ، پس از اتمام حجت بر آنان و حق ناپذیری ایشان

فَذَرَهُمْ

<فاء> در <فذرهم>، می رساند که پس از اتمام حجت ادامه تبلیغ ضروری نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- جدی نگرستن حقایق و برخورد بازیگرانه با هستی ، ریشه حق ناپذیری منکران وحی و رسالت

بل هم فی شکّ یلعبون

تعبیر < یلعبون > بیانگر این نکته است که کافران، علاوه بر

سست اندیشی، گرفتار نوعی بازیگری و دلبستگی کودکانه به مظاهر مادی و جدی نگرفتن حقایق هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۷ - ۷

۷- جرم پیشگی مردمان و حق ناپذیری ایشان، زمینه ساز عقوبت آنان در دنیا

أهلکنهم إنهم كانوا مجرمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۶ - ۱۴، ۱۲

۱۲- روحیه حق ناپذیری، مانع بهره‌وری صحیح انسان از ابزار شناخت

فما أغنى عنهم سمعهم .. إذ كانوا يجحدون بآيت الله

<إذ..> در عین حالی که ظرف <ما أغنى...> است، بیانگر علت نیز هست و تعبیر <كانوا يجحدون> رساننده استمرار است که در پرتو آن، افعال تبدیل به خصلت و روحیه می شود.

۱۴- فراگیری عذاب بر قوم عاد، پس از حق ناپذیری های مستمر آنان

إذ كانوا يجحدون بآيت الله و حاق بهم ما كانوا به يستهزءون

<كانوا يجحدون> مفید استمرار است و ارتباط <حاق بهم> با آن، گویای ترتیبی است که در برداشت آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۱ - ۳

۳- روحیه ناباوری و سطحی نگری، مانع رهجویی انسان به شناخت آیات الهی

آيت للموقنين .. أفلاتبصرون

تصریح به <موقنین> و تویخ کافران با عبارت <أفلاتبصرون>، می رساند که مشکل اصلی آنان که آیات الهی را در زمین و وجود انسان، نمی بینند و یا پیام آن را درک نمی کنند سست اندیشی، ناباوری و سطحی نگری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- روح لجاج ، استکبار و حق گریزی ، عامل کفر و تکذیب دین از سوی کافران در صدر اسلام

و لقد كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ... بَلْ لَجَّوْا فِي عِتْوٍ وَ نَفُورٍ

۵- روح لجاج ، استکبار و حق گریزی ، از موجبات کفر و تکذیب دین

و لقد كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ... بَلْ لَجَّوْا فِي عِتْوٍ وَ نَفُورٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲ - ۲

۲ - کفر و حق ناپذیری ، موجب عذاب الهی است .

بعذاب واقع . للكفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۷ - ۲

۲ - حق ناپذیری و عناد با دین ، موجب عذاب سخت و طاقت فرسا

سأرهقه صعوبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۳ - ۳

۳ - حق گریزی و کفر ، از میان برنده زمینه های تأثیرپذیری از تعالیم دین و پند های آن است .

فذکر .. إلا من تولّى و کفر

استثنای اعراض کنندگان کافر از مجموعه کسانی که پیامبر(ص) به تذکر دادن آنان مکلف شده است، نشانگر بی اثر بودن

تذکرات آن حضرت، در آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۲ - ۱

۱ انسان های حق ناشنوا و خاموش از بیان معارف حق و فاقدان فهم حقایق دینی ، بدترین جنبندها در پیشگاه خداوند

إن شر الدواب عند الله الصم البكم الذين لا يعقلون

کلمات <الصم> و <البکم> به ترتیب جمع <الاصم = کر> و <الابکم = لال> است. <الذین

لايعقلون > خبر سوم برای <إن> می باشد. قابل ذکر است که صفت بودن آن برای <الصم> و <البکم> نیز محتمل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۵ - ۱

۱ حق ناپذیری و پافشاری بر کفر ، موجب از میان رفتن توفیق آدمی برای ایمان به آیات الهی است .

الذین کفروا فهم لایؤمنون

با توجه به فعل مضارع <لایؤمنون> که دلالت بر استمرار دارد، جمله <هم لایؤمنون> به این معناست که آنان ایمان نخواهند آورد. و چون این جمله به وسیله <فاء> بر جمله <کفروا> عطف شده، دلالت می کند که سلب توفیق ایمان از آنها بر اثر کفرورزی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۲ - ۵۸

۵- قلب حق ناپذیر ، مانع از ایمان آوردن به عالم آخرت است .

إلهکم إله وحد فالذین لایؤمنون بالأخره قلوبهم منکره

<فاء> در <فالذین> برای تفریع است و دلالت می کند که توحید اثبات شده در آیات قبل، توحید کاملی است که اعتقاد به آخرت را نیز به همراه دارد. بنابراین کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند، موانعی همچون قلب حق ناپذیر و استکبار دارد.

۸- حق ناپذیری ، نشانه بیماری قلب است . *

فالذین لایؤمنون بالأخره قلوبهم منکره

فعل <لایؤمنون> (ایمان نمی آورند) حکایت از حق ناپذیری دارد و <منکره> به معنای زیر بار حق نرفتن است که بیماری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۴ - ۳

۳- نپذیرفتن حق و داشتن روحیه استکباری ، عامل انکار نزول قرآن از جانب خداوند

لا يؤمنون بالأخره قلوبهم منكروه و هم مستكبرون . . . و إذا قيل لهم ماذا أنزل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۵ - ۳

۳- کفر و حق ناپذیری ، منشأ دروغ پردازی و افترا بستن به حقایق دین است .

إنما یفتري الکذب الذین لا یؤمنون بأیت الله

آثار حق ناپذیری اکثریت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۱ - ۷

۷- اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفرورزی و حق ناپذیری ، زمینه ساز نزول عذاب و گرفتار شدن آنان به خشم و قهر الهی

إن فی ذلک لأیه و ما کان أكثرهم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۸ - ۹

۹- اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفرورزی و حق ناپذیری ، زمینه ساز نزول عذاب و گرفتار شدن آنان به خشم و قهر الهی

فأخذهم العذاب . . . و ما کان أكثرهم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۴ - ۶

۶- اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفرورزی و حق ناپذیری ، زمینه ساز نزول عذاب و گرفتار شدن به خشم و قهر الهی

إن فی ذلک لأیه و ما کان أكثرهم مؤمنین

آثار حق ناپذیری امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۳- دشمنی با حق و سرسختی در برابر آن ، مایه هلاکت بسیاری از جوامع و تمدن های پیشین

و تنذر به قومًا لَدَّا . و کم أهلكنا قبلهم من

وصف <لئلاً> بر شدت سرسختی و خصومت دلالت دارد، بیان هلاکت جوامع به دنبال مطرح ساختن سرسختی مردم عصر بعثت، نشان از تأثیر بسزای این خصلت در نابودی اقوام پیشین دارد.

۴- هلاکت اقوام و تمدن های بسیاری در طول تاریخ در اثر خیره سری در مقابل حق ، نشانگر واقعیت داشتن انذار های قرآن است .

و تنذر به ... و کم أهلكنا قبلهم من قرن

طرح مسأله نابودی جوامع در طول تاریخ (در پی بیان وظیفه پیامبر(ص) در انذار مردم لجوج به وسیله قرآن) هشدار به مردم عصر بعثت و دیگر عصرها است که ایستادگی و سرسختی در برابر حق، عواقب زیانبار و تباه کننده ای برای جوامع در پی دارد.

آثار حق ناپذیری قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۰ - ۳

۳- قوم ثمود ، گرفتار عذاب الهی ، در پی درس نگرفتن از انذار های مکرر پیامبر خویش

كذبت ثمود بالئذر ... فكيف كان عذابي و نذر

عطف <نذر> بر <عذابی>، ممکن است بیانگر این معنا باشد که عذاب الهی در حق ثمودیان، بدون انذارهای مکرر و اتمام حجت نبوده است.

آثار حق ناپذیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۱۱

۱۱ - حق ناپذیری کافران ، تنها مایه محرومیت آنان از رهنمود های بیدار کننده قرآن

بل أتینهم بذکرهم ... معرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- رسوخ روحیه حق ناپذیری در بیشتر کافران ، عامل بی تأثیری آیات الهی

در آنان

و ما كان أكثرهم مؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۰ - ۶

۶- به کارگیری تهدید از سوی خداوند ، پس از ارائه منطق و برهان و تأثیرناپذیری کافران از آن

فارتقب يوم تأتي السماء بدخان مبين

<فاء> تفریح، تهدید را متفرع بر حق ستیزی کافران و عدم تأثیر منطق و برهان بر آنان کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۷ - ۶

۶- سحر خواندن قرآن ، نتیجه تضاد و بحران درونی کافران ، در انکار حق و مشاهده نفوذ آیات وحی *

قال الذين كفروا للحقِّ لما جاءهم هذا سحر مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۱۰

۱۰- حق ناپذیری و هدایت گریزی کافران ، منتهی به دروغ شمردن پیام راستین وحی

و اذ لم يهتدوا به فسيقولون هذا إفك قديم

<فاء> در <فسيقولون> ، بیانگر ترتب و نتیجه است ، یعنی، اتهام آنان به قرآن، نتیجه حق ناپذیری و هدایت گریزی آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۵ - ۷

۷- پرسش بهانه جویانه کافران ، درباره زمان برپایی قیامت ، ناشی از خوی لجاجت ، استکباری و حق گریزی آنان بوده است

بل لَجوا في عتوّ و نفور . . . و يقولون متى هذا الوعد إن كنتم صدقين

آثار حق ناپذیری کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲ - ۳

۳ - خوی سرکشی و حق ناپذیری کافران در آغاز بعثت

، مانع پذیرش اسلام از سوی آنان گردید .

و القرآن ذی الذکر . بل الذین کفروا فی عزه و شقاق

<بل> در <بل الذین ..> برای اضراب انتقالی است؛ بدین معنا که خداوند پس از آن که خاصیت بیدارگری و ذکر بودن قرآن را مطرح فرمود، به پاسخ این سؤال پرداخت که: چرا کافران چنین کتاب آگاهی بخش را نپذیرفتند؟ در جواب می فرماید: نپذیرفتن آنان به دلیل وجود روح سرکشی و حق ناپذیری در آنها است.

آثار حق ناپذیری مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۱ - ۵

۵- عدم اعطای معجزات اقتراحی مشرکان از سوی خداوند ، به دلیل علم خدا به حق ناپذیری آنان

و لقد ءاتینا موسی .. فقال له فرعون إني لأظنك يموسی مسحورًا

یادآوری کفر فرعون، علی رغم ارائه معجزات فراوان از سوی موسی(ع) در پی رد درخواستهای مشرکان، می رساند که دلیل عدم اجابت خواسته های مشرکان، تصمیم آنان بر عدم ایمان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۲ - ۳

۳ لجاجت و روح حق ناپذیری مشرکان ، مانع از تأثیر نهایی دعوت و هدایت پیامبر (ص) در آنان بود .

إن کاد لیضلنا عن ءالھتنا لولا أن صبرنا علیھا

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که صبر و مقاومت در برابر دعوت به حق پیامبر(ص)، معنایی جز لجاجت و عناد ندارد و نشانه وجود روح حق ناپذیری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۰ - ۲

۲ - پیشوایان شرک ،

عامل اصلی گمراهی مشرکان را ، روح طغیان و حق ناپذیری خود آنان معرفی خواهند کرد .

بل کنتم قومًا طغین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۱ - ۱

۱ - روح طغیان گری و حق ناپذیری مشرکان ، موجب مستحق بودن آنان به عذاب الهی (دوزخ) در نظر سران شرک

بل کنتم قومًا طغین . فحقّ علینا قول ربّنا إنّنا لذائقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۲ - ۲

۲ - روح طغیان گری و حق ناپذیری مشرکان ، زمینه ساز تأثیرپذیری آنان از اغواگری سردمداران شرک

بل کنتم قومًا طغین ... فأغویناکم

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <فأغویناکم> می تواند متفرع بر جمله <بل کنتم قومًا طغین> باشد؛ یعنی، چون شما مردم سرکشی بودید، پس ما توانستیم به اغوای شما پردازیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۹ - ۷

۷ - دلجویی خداوند از پیامبر اکرم (ص) ، در قبال حق ناپذیری مشرکان

فاصفح عنهم .. فسوف یعلمون

آثار حق ناپذیری مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶ - ۹

۹- ایمان نیاوردن و حق ناپذیری مشرکان ستم پیشه ، فلسفه و دلیل ردّ شدن پیشنهاد آنان مبنی بر ارائه معجزه از سوی پیامبر (

ص)

فليأتنا بآيه .. أفهم يؤمنون

آثار دشمنى با حق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٦ - غافر - ٤٠ - ٥ - ١١

١١ - مجادله و

ستیزه جویی با حق ، عقوبت الهی در دنیا را در پی دارد .

و جدلوا بالبطل لیدحضوا به الحق فأخذتهم

آثار دفاع از حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۱ - ۵

۵- دفاع از حق و حرکت بر مدار توحید در برابر حق ستیزان و مشرکان ، امداد و نصرت الهی را در پی خواهد داشت .

و أرادوا به کیداً .. و نجینه و لوطاً إلى الأرض التي برکنا فيها

آثار دنیوی حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۵ - ۴

۴ - حق ستیزی ، دارای پیامد ناگوار دنیوی برای انسان

ذاقوا وبال أمرهم

آیه شریفه در مورد کافرانی سخن می گوید که در برابر اسلام، به ستیز برخاسته بودند.

آثار شرک حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۹ - ۵

۵ - حق ناپذیران لجوج ، شاهد بازتاب کفر و شرک خویش در فرجامی نه چندان دور

فسوف یعلمون

آثار شناخت حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- معرفی حق و ارائه ارزش های واقعی ، راه مبارزه با ضد ارزش ها و جریان های باطل

و قل جاء الحقّ و زهق البطل

از تقدم <جاء الحق> می توان استفاده کرد که باطل در پرتو ظهور حق، رنگ می بازد و در صورتی که راه صحیح و حق ارائه نگردد، باطل همچنان میدان دار خواهد بود.

آثار صبر بر حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ صبر در مسیر حق ، وسیله جلب حمایت الهی است .

و اتبع ما یوحی إليك و اصبر حتی یحکم الله

آثار ظهور حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۱ - ۳

۳- اضمحلال و نابودی باطل ، تنها در پرتو ظهور و به میدان آمدن حق میسر است .

و قل جاء الحقّ و زهق البطل

احتمال دارد تقدم <جاء الحق> بر <زهق البطل> از آن جهت باشد که باید با میدان آوردن حق، باطل را از میان برد و جمله <إن الباطل کان زهوقاً> (باطل طبیعتاً نابود شدنی و رفتنی است) مؤید برداشت فوق است.

آثار عذاب حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۷

۷ - کافران و حق ستیزان ، تنها به هنگام گرفتار شدن به عذاب الهی متنبه شده و به ارزش تعالیم پیامبران پی می برند .

أن تصیبههم مصیبه .. فقولوا ربنا لولا أرسلت إلینا رسولاً

آثار عذاب حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۱ - ۵

۵ - تبدیل شدن کافران حق ستیز به موجوداتی بی جان همچون خس و خاشاک در پی نزول عذاب

فجعلنهم غثاء

<جعل> (مصدر <جعلنا>) در جمله بالا به معنای گردانیدن و تغییر دادن از صورتی یا حالتی، به صورت یا حالت دیگر است. <غشاء> نیز به خس و خاشاک روی آب گفته می شود.

آثار عمل حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف

۱۳- محروم شدن حق ناپذیران از گوش سپاری به آیات الهی و توجه به آن ، بازتاب عملکرد خود آنها است .

فأعرض عنها .. إنا جعلنا ... فيء اذانهم وقراً

آثار کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۸،۱۰

۸ - کتمان کنندگان حقایق دینی ، به لعنت خدا و دوری از رحمت او گرفتار خواهند شد .

إن الذين يكتُمون .. أولئك يلعنهم الله

۱۰ - علمای یهود و نصارا به خاطر کتمان حقایق و معارف کتب آسمانی از رحمت خدا محروم شده و مورد لعن و نفرین لعنت کنندگان هستند .

إن الذين يكتُمون ما أنزلنا .. أولئك يلعنهم الله و يلعنهم اللعنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۰ - ۴

۴ - کتمان حقایق دینی و معارف کتب آسمانی ، فسادانگیز است .

إلا الذين تابوا و أصلحوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۵ - ۵

۵ - عالمان اهل کتاب با کتمان حقایق کتاب های آسمانی ، گمراه شدند و عذاب الهی را برای خویش کسب کردند .

أولئك الذين اشتروا الضلله بالهدى و العذاب بالمغفره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۱ - ۱۶

۱۶ لجاجت در برابر حق و تکذیب آن ، موجب استحقاق لعن و نفرین خدا

فمن حاجبک .. فنجعل لعنت الله على الكاذبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹

۱۳ محرومیت از هدایت الهی، نتیجه حق پوشی و مغالطه کاری خود انسان

و للبسنا علیهم ما یلبسون

تلبیس خداوند (للبسنا)، از نظر رتبه، پس از تلبیس خود آدمی (ما یلبسون) قرار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۴ - ۵

۵ سرپوش گذاشتن بر حق و مداومت بر آن، پدید آورنده روحیه عناد و دشمنی عمیق با ارزش ها *

کَلْ کَفَّار عَنید

برداشت بالا بدان احتمال است که تقدم <کَفَّار> بر <عَنید>، اشاره به تقدم رتبی و علی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۶ - ۳

۳ یهود و نصارا، محروم از هدایت، به جهت انکار آگاهانه حقانیت پیامبر (ص) با وجود دلایل روشن بر آن

کیف یهدی الله قوماً .. و الله لا یهدی القوم الظالمین

آیه در مورد اهل کتاب نازل شده و آنان با وجود شهادت قبلی بر حقانیت آن حضرت، منکر حقانیت وی شدند. (روح المعانی).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۲ - ۱

۱ اهل کتاب (علمای یهود) مشمول لعن خداوند به جهت حقپوشی و همسویی با کفار علیه مسلمانان

الم تر .. اولئک الذین لعنهم الله

آثار کفر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۹ - ۵

۵ - حق ناپذیران لجوج ، شاهد بازتاب کفر و شرک خویش در فرجامی نه چندان دور

فسوف يعلمون

آثار گرایش به حق

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۸

۸- گرایش و عدم گرایش مردم و آرای آنان در حقیقت حق ، بی تأثیر است .

الحق من ربکم فمن شاء فليؤمن ومن شاء فليکفر

آثار گواهی به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۵ - ۴

۴ شهادت به حق و برای خدا ، زمینه تأمین عدالت اجتماعی است .

يأيتها الذين آمنوا كونوا قومين بالقسط شهداء لله

ظاهراً <شهداء لله>، که در حقیقت شهادت دادن به حق است، به عنوان راهی برای دستیابی به اقامه قسط معرفی شده است.

آثار لجاجت با حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۲ - ۲

۲ - انکار حق و لجاجت و عناد در برابر آن مایه دوری انسان از خدا و محرومیت از عنایت وی

قل أریتم

با توجه به اعراض خداوند از خطاب مستقیم به مشرکان لجوج، مطلب یاد شده قابل برداشت است.

آثار مبارزه با حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۰

۱۰ - تمامی اقوام تکذیب گر (چون قوم نوح) ، به خاطر مبارزه با حق (تعالیم پیامبران) ، در دنیا مورد عقوبت و کیفر الهی

قرار گرفتند .

كذّبت قبلهم قوم نوح . . . ليدحضوا به الحقّ فأخذتهم

آثار مبارزه با حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۱ - ۵

۵- دفاع از حق و حرکت بر مدار توحید در برابر حق ستیزان و مشرکان ، امداد و نصرت

الهی را در پی خواهد داشت .

و أرادوا به کیداً .. و نَجینَه و لوطًا إلى الأرض التي برکنا فیها

آثار مجادله با حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۸

۸- استکبارپیشگی و جدال با حق ، در پی دارنده خواری و رسوایی دنیوی است .

و من الناس من یجادل فی اللّٰه .. ثانی عطفه ... له فی الدنیا خزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۱

۱۱ - مجادله و ستیزه جویی با حق ، عقوبت الهی در دنیا را در پی دارد .

و جدلوا بالبطل لیدحضوا به الحقّ فأخذتهم

آثار وصول حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۲ - ۷

۷- دریافت سخن حق و تکلیف آور ، شرط تکلیف و وظیفه مندی

و کذب بالصدق إذ جاءه

آثار وضوح حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۴

۴- اخبار خداوند از ستیز برخی کافران با دین و پیامبر (ص) ، به رغم وضوح حق برای آنان

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدَّوْا... وَشَاقَّوْا... مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۳ - ۱۳

۱۳ - نکوهش مضاعف هواپرستی و پیروی از حدس و گمان ، در شرایط وضوح و تجلی حقیقت

إِنَّ يَتَّبِعُونَ... وَ لَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ رَبِّهِمْ الْهُدَى

ضمیمه شدن ذیل آیه شریفه، می تواند بیانگر این باشد

که هواپرستی و متابعت مشرکان از حدس و گمان در شرایط وضوح حقیقت، دارای زشتی فزون تری است.

آثار هلاکت حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۷ - ۲

۲ - فرجام هلاکت بار قدرت های حق ستیز تاریخ ، مایه تذکر خردمندان و مردمان حق شنو

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ

آثار یأس از حق پذیری گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۹ - ۳

۳ - سعی در هدایت گمراهان ، پس از یأس از حق پذیری آنان ، لازم نیست .

إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ لَّا يُؤْمِنُونَ . فَاصْفَحْ عَنْهُمْ

آثار حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۶ - ۶

۶ - حق ناپذیری و عناد با دین ، موجب زوال نعمت ها است .

ثُمَّ يَطْمَعُ أَن يَزِيدَ . كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِأَيْتِنَا عَنِيدًا

جمله > إِنَّهُ كَانَ لِأَيْتِنَا عَنِيدًا < تعلیل برای ردع (کلاً) است ، یعنی ، چنین نخواهد شد (بر قدرت و ثروت او افزوده نخواهد شد) ، چون او نسبت به آیات ما عناد دارد .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۲ - ۱

۱ انسان های حق ناشنوا و خاموش از بیان معارف حق و فاقدان فهم حقایق دینی ، بدترین جنبندها در پیشگاه خداوند

إن شر الدواب عند الله الصم البكم الذين لا يعقلون

کلمات <الصم> و <البکم> به ترتیب جمع <الاصم = کر> و <الابکم = لال> است. <الذین لا یعقلون> خبر سوم برای <إن> می باشد. قابل ذکر است

که صفت بودن آن برای <الصم> و <البکم> نیز محتمل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۵ - ۱

۱ حق ناپذیری و پافشاری بر کفر ، موجب از میان رفتن توفیق آدمی برای ایمان به آیات الهی است .

الذین کفروا فهم لایؤمنون

با توجه به فعل مضارع <لایؤمنون> که دلالت بر استمرار دارد، جمله <هم لایؤمنون> به این معناست که آنان ایمان نخواهند آورد. و چون این جمله به وسیله <فاء> بر جمله <کفروا> عطف شده، دلالت می کند که سلب توفیق ایمان از آنها بر اثر کفرورزی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۲ - ۵۸

۵- قلب حق ناپذیر ، مانع از ایمان آوردن به عالم آخرت است .

إلهکم إله وحد فالذین لایؤمنون بالأخره قلوبهم منکره

<فاء> در <فالذین> برای تفریع است و دلالت می کند که توحید اثبات شده در آیات قبل، توحید کاملی است که اعتقاد به آخرت را نیز به همراه دارد. بنابراین کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند، موانعی همچون قلب حق ناپذیر و استکبار دارد.

۸- حق ناپذیری ، نشانه بیماری قلب است . *

فالذین لایؤمنون بالأخره قلوبهم منکره

فعل <لایؤمنون> (ایمان نمی آورند) حکایت از حق ناپذیری دارد و <منکره> به معنای زیر بار حق نرفتن است که بیماری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۴ - ۳

۳- نپذیرفتن حق و داشتن روحیه استکباری ، عامل انکار نزول قرآن از جانب خداوند

فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ . . . وَ

إذا قيل لهم ماذا أنزل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۵ - ۳

۳- کفر و حق ناپذیری ، منشأ دروغ پردازی و افترا بستن به حقایق دین است .

إنما يفترى الكذب الذين لا يؤمنون بأيت الله

آفات حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۷

۷- ذهنیت ها و پیشداوری ها ، از آفات حق پذیری و عامل حق گریزی

و لقد صرّفنا .. و ما يزيدهم إلا نفورًا

در آیه قبل، توضیح داد که مشرکان مکه با انتساب فرزند به خداوند، در صدد استهزای خداوند بودند که این برخوردی است خصمانه و در این جا می گوید: <آیات فراوان الهی، بر نفرت آنها می افزاید> و این نشان دهنده آن است که موضع گیری پیشین آنها، موجب شده است که آنان، حق را نپذیرند و از آن بگریزند.

آمزش حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۰ - ۱۲

۱۲ آمزش گناه ستیزه جویان علیه دین ، پس از گرایش آنان به اسلام ، جلوه ای از مغفرت و رحمت خدا نسبت به انسانهاست .

و يغفر لكم و الله غفور رحيم

آمزش حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حق گرایان برخوردار از مغفرت الهی ، و ملحدان و حق ناپذیران رویارو با مجازات دردناک او

ما يقال لك إلا ما قد قيل للرسل . . . إن ربك لذو مغفرة

در آیات پیشین، قرآن پیامی حق معرفی شده

است که ملحدان با ایجاد شبهه در آن سعی می کردند پیامبر(ص) را مورد انکار قرار دهند. اکنون در این آیه خداوند به غفران و عقاب خود اشاره کرده که غفران منطبق بر حق گرایان و عقاب درباره ملحدان است.

ابزار تشخیص حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۳ - ۳،۴

۳ - خداوند ، به جز تورات حقایق دیگری را - که وسیله تمییز حق از باطل بود - در اختیار موسی (ع) قرار داد .

و إذ ءاتینا موسی الکتب و الفرقان

عطف <الفرقان> بر <الکتب> می تواند عطف صفتی بر صفت دیگر گرفته شود و هر کدام بیانگر بعدی از ابعاد تورات باشد؛ یعنی، ما به موسی (ع) چیزی را عطا کردیم که هم کتاب بود و هم فرقان و می تواند مراد از کتاب و فرقان دو چیز متفاوت باشد؛ یعنی، به موسی کتاب (تورات) دادیم و نیز به او فرقان عطا کردیم. بر این مبنا مراد از <فرقان> معجزات، براهین و مانند آن خواهد بود. (اقتباس از الکشاف)

۴ - تورات ، وسیله ای کارآمد برای تشخیص حق از باطل

و إذ ءاتینا موسی الکتب و الفرقان

<فرقان>؛ یعنی، وسیله تمییز و تشخیص و مراد از آن - به مناسبت مورد - چیزی است که بتوان به وسیله آن، حق را از باطل در محدوده احکام و معارف الهی، متمایز ساخت.

ابزار مبارزه با حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۷

۷ - همه امت ها با حربه باطل ، به جدال و ستیزه با

حق بر خاستند تا آن را از بین ببرند .

كذبت قبلهم قوم نوح . . . و جدلوا بالبطل ليدحضوا به الحق

<إدحاض> به معنای ابطال و از بین بردن است.

اتمام حجت با حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، موظف به واگذاری کافران حق ناپذیر ، باطل گرا و بازیگر به حال خود ، پس از اتمام حجت به آنان

فذرهم يخوضوا و يلعبوا

<خوض> (مصدر <يخوضوا>) در اصل به معنای حرکت در آب است؛ ولی در مواردی به کار می رود که انسان، غوطهور در مسائل باطل و ناپسند می شود؛ مانند همین آیه که کافران، سخنان ناروایی درباره اسلام و پیامبر(ص) بر زبان می آوردند.

اتمام حجت بر حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۱

۱ - بستن راه بهانه جویی کافران و حق ستیزان (به این که چرا برای مارسولی نفرستادی) به هنگام گرفتار شدن به عذاب ، از اهداف رسالت پیامبر (ص))

و لولا أن تصيبهم مصيبة بما قدمت أيديهم فيقولوا ربنا لولا أرسلت إلينا رسولا

جواب <لولا> در <لولا> آن تصيبهم مصيبة. .. <حذف شده و تقدیر آن چنین است: <لولا> أن تصيبهم مصيبة ... لما أرسلناك إليهم>. گفتنی است که آیه پیش، هدف از بعثت پیامبر(ص) را تئبه و بیداری مردم بیان کرده است. بنابراین آیه یاد شده بیانگر یکی دیگر از هدف های رسالت پیامبر(ص) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴

۲- مسؤولیت پیامبران الهی، تا سر حد اتمام حجت بر حق گریزان است؛ نه فزون تر از آن.

فما تغن النذر . فتولّ عنهم

تفریع < تولّ عنهم > بر < ما تغن النذر > بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۶ - ۳

۳- نزول عذاب الهی بر حق ستیزان، از پی اتمام حجت بر ایشان

إنا أرسلنا عليهم .. و لقد أنذرهم بطشتنا فتماروا بالنذر

اثبات حق بر قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۹ - ۱۲

۱۲- < ناقه > معجزه ای روشنگر و اثبات کننده حق برای قوم ثمود بود.

و ءاتینا ثمود الناقه مبصره

< مبصره > به صیغه اسم فاعل و متعدی است و معنای آن چنین است: ناقه ثمود برای ایجاد بینش و بصیرت در مردم بود.

اجابت دعای حق پذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۶ - ۴

۴- دعای شکر گزاران تائب و تسلیم در برابر حق، مورد استجابت خداوند *

قال ربّ أوزعنی أن أشکر .. نتقبّل عنهم أحسن ما عملوا

از ارتباط این آیه با آیه پیشین، چنین استفاده می شود که < نتقبّل > پاسخی است برای دعا و التجای انسان به رشد رسیده ای

که می گوید: <رَبِّ أَوْزَعْنِي أَنْ أَشْكُرَ..>.

اجابت دعای حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۹ - ۶

۶ اجابت دعا و خواسته های حق طلبان از سوی خدا و تحقق بخشیدن

پیروزی آنان بر مستکبران ، مقتضی استقامت و پایداری آنان در میدان مبارزه است .

قال قد أجيب دعوتكما فاستقيما

اجتناب از کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۲

۲ - کتمان نکردن حقایق ، توصیه و سفارش خداوند به بنی اسرائیل

و لاتلبسوا .. و تکتّموا الحق

کتمان (مصدر تکتّموا) به معنای مخفی کردن است. فعل <تکتّموا> عطف بر <تلبسوا> می باشد؛ یعنی: <ولاتکتّموا>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۵ - ۵

۵ - صبر و نماز عوامل کارآمد برای موفق شدن در پرهیز از محرمات الهی (کفر به قرآن ، دین فروشی ، کتمان حق و ...)

و لاتکونوا اول کافر به .. و استعینوا بالصبر و الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۶ - ۱۰

۱۰ - ضرورت پرهیز از کتمان حقایق دینی

و إن فريقاً منهم ليكتمون الحق و هم يعلمون

احکام احقاق حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۶

۶- جهاد و توسل به قدرت در مسیر احقاق حق و پیاده کردن دین ، پس از بیان حقایق دینی و کارساز نبودن آن ، امری جایز

و مشروع است .

فإن تولوا فقل اذنتكم على سواء

احكام حق الحصاد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٥ - انعام - ٦ - ١٤١ - ١٩،٢٠

١٩ عبدالله بن سنان عن أبي عبدالله (ع) قال: سألته عن قوله: <وآتوا حقه يوم حصاده>

قال: اعط من حضرک من المسلمین و إن لم یحضرک إلا مشرک فاعطه.

عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق(ع) درباره <وأتوا حقه یوم حصاده> سؤال کردم، فرمود: اگر کسی از مسلمانان هنگام برداشت محصول حضور داشت، حق الحصاد را به او بده و اگر کسی غیر از مشرک نبود، به او پرداز.

۲۰ عن أبی عبدالله(ع) فی قوله: <وأتوا حقه یوم حصاده> قال: حقه یوم حصاده علیک واجب و لیس من الزکاه ...

از امام صادق(ع) درباره آیه <وأتوا حقه یوم حصاده> روایت شده است: پرداخت حق الحصاد در روز درو، بر تو واجب است و این حق، غیر از زکات است ...

اختلاف در دین حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۴ - ۸

۸- اختلافات یهود درباره دین حق و صراط مستقیم ، اختلافاتی دامنه دار و بی فرجام است .

و إن ربک لیحکم بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که ضمیر <فیه> به ابراهیم(ع) و دین او برگردد.

ادراک حق شنوایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۵ - ۸

۸- آیت خداوند بودن آب باران و حیات موجودات ، برای مردم حق شنو قابل درک است .

و الله أنزل من السماء ماء .. إن فی ذلک لآیه لقوم یسمعون

اذن اخروی به حق گویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۸ - ۱۳

۱۳ - خداوند در قیامت ، جز به افراد حقیقت گو اذن

سخن نخواهد داد .

و قال صوابًا

چنانچه جمله <قال صوابًا> عطف بر <أذن..> و داخل استثنا باشد، مراد این خواهد بود که: تنها شخص درست گفتار، مأذون به سخن گفتن خواهد بود.

اذیتهای حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۲ - ۹

۹- اتکا و اتکال پیامبر (ص) به پروردگار بخشنده در برابر تهدیدها ، رجزخوانی ها و نسبت های ناروای مشرکان و کافران
حق ستیز

و ربنا الرحمن المستعان علی ماتصفون

مقصود از توصیف در <ماتصفون>، ممکن است دو چیز باشد: ۱ تهدیدهایی که مشرکان و کافران داشته اند و خود را پیروز و مسلمانان را شکست خورده می شمردند. ۲ نسبت های ناروایی که به پیامبر(ص) و قرآن می دادند.

ارائه حق در تبلیغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۷ - ۱۴

۱۴ - در تبلیغ ، تنها ، به نفی باطل نباید پرداخت ، بلکه باید راه درست را نیز معرفی کرد .

إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوا

ارزش تبلیغ حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۰ - ۴

۴ - اعلان موضع حق و ترویج توحید در مجامع شرک ، دارای ارزشی والا

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ

واژه <قالوا> می تواند اشاره به این داشته باشد که موحدان، به صرف اعتقاد به توحید بسنده نمی کنند؛ بلکه آن را در مجامع شرک و کفر اعلان می دارند.

ارزش حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- آل عمران - ۳ - ۱۰۸ - ۶

۶ حق ، ملاک و معیار ارزشها

نتلوهما علیک بالحق

ارزش حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۲ - ۳

۳ حق شنوایی و بیان حقایق و معارف دین و درک آنها ، از ملاک های ارزش و کرامت آدمی در پیشگاه خداوند

إن شر الدواب عند الله الصم البکم الذین لا یعقلون

کلمه <دواب>، به معنای بهائم و یا جنبندها، برای اشاره به این است که توصیف شدگان به منزله حیوانات هستند و ارزش نام انسان را ندارند.

ارزش صبر بر حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۷ - ۳

۳ استوار ماندن بر حق و پایداری بر ایمان ، در تنگناها و شرایط دشوار ، دارای ارزشی والا و پاداشی ویژه

لقد تاب الله علی النبی و .. الذین اتبعوه فی ساعه العسره

ارزیابی با حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۵ - ۸

۸ - تمامی رفتار و کردار آدمی در دنیا ، باید بر پایه حق و مطابق با عدل باشد .

و قضی بینهم بالحق

تذکر خداوند بر این که داوری میان مردم در قیامت بر پایه حق و عدل خواهد بود، در واقع توصیه ای است به بندگان که رفتار خود را مطابق عدل و بر پایه حق بنا نهند؛ زیرا در قیامت رفتار آنان بر همین اساس سنجیده و جزا داده خواهد شد.

استحکام حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران

۷ آسیب ناپذیری جبهه حق در برابر شتابگران در کفر

انَّهْم لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا

در برداشت فوق، ضرر زدن به خدا کنایه از ضرر زدن به دین او گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۸ - ۷

۷- حق ، دارای صلابت و استحکام و باطل ، پوچ و سست است .

بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ

از این که خداوند <حق> را از بین برنده و درهم کوبنده باطل دانسته، صلابت حق استفاده می شود. و از این که باطل ناگهان و بلافاصله از بین رفته است، میان تهی و پوچ بودن آن به دست می آید. گفتنی است تعبیر <قذف> که به معنای انداختن با قدرت و قوت است مؤید برداشت یاد شده است.

استقامت در برابر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۴

۴ - سلامت جامعه بشری و مصون ماندن آن از فساد و تباهی ، در گرو اجرای قوانین الهی و ایستادگی در برابر تمایلات حق ستیزان

و لَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ

استمرار حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۲ - ۱

۱ سنت الهی حاکم بر جوامع انسانی ، علی رغم ناخوشایندی تبه کاران و مجرمان ، پایدار کردن و بر کرسی نشانیدن حق است

و يحق الله الحق بكلمته و لو كره المجرمون

استمرار گمراهی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۷ - ۷

۷ - پایدار ماندن هدایت مؤمنان و استمرار گمراهی کافران حق گریز، جلوه عزتمندی و مجازات الهی است.

و من یضلل الله فما له من هاد. و من یهد الله فما له من مضلّ أليس الله بعزیز ذ

یادآوری دو صفت عزت و مجازات دهی خداوند، پس از ذکر پایدار ماندن هدایت مؤمنان و استمرار یافتن گمراهی کافران حق گریز به وسیله خداوند، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

استواری عقیده حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۴ - ۴

۴- اعتقادات حق چنان درختی ریشه دار، ثابت و استوار است.

کلمه طیبه کَشَجَرَه طیبه أصلها ثابت و فرعها فی السَّماء

از معنایی که مفسران، از صحابه و تابعان تاکنون، برای <شجره طیبه> ذکر کرده اند، عقیده به توحید و کلمه <لا إله إلاّ الله> است که عقیده حق می باشد.

استهزای حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۸

۸ تمسخر حق (قرآن) و آیات الهی، شیوه کافران مکه بوده است.

فسوف تأتيهم أنبؤا ما كانوا به يستهزءون

مفاد جمله <كانوا به يستهزءون> ماضی استمراری است و بیانگر تداوم استهزا از سوی کافران عصر نزول این سوره است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۱۹

١٩ - > في مجمع البيان : و روى ... عن أبي عبدالله (ع) قال : هو الطعن بالحقّ و الإستهزاء به ... ;

در مجمع البيان

[ذیل آیه] <و من الناس من یشتري لهُو الحدیث > آمده است: از امام صادق (ع) روایت شده که گفت: لهو الحدیث، طعنه زدن به حق و مسخره کردن آن است. <..>

استهزای حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جایه - ۴۵ - ۸ - ۵

۵ - کافران حق ناپذیر مورد تمسخر و تحقیر

فبشره

ذکر عذاب، تناسبی با کاربرد واژه بشارت ندارد. از این رو تعبیر به بشارت می تواند به عنوان سخریه و تحقیر باشد.

اصالت حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۷، ۸، ۱۱

۷ حق در تشبیه مانند باران و سیلاب است و باطل همسان کف های پف کرده بر روی آن

أنزل من السماء ماء فسالت أودية بقدرها فاحتمل السيل زبداً رابياً . .. كذلك يضرب ا

۸ حق در تشبیه همانند فلزات گداخته شده و ذوب گشته است و باطل بسان کف های ایجاد شده بر روی آن

و مما یوقدون علیه فی النار . .. زبد مثله كذلك یضرب الله الحق و البطل

۱۱ باطل بر محور حق خودنمایی کرده و بر آن تحمیل می شود .

فاحتمل السيل زبداً رابياً

اصرار بر حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جایه - ۴۵ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - استمرار و اصرار ملت‌ها بر انحراف و حق‌ستیزی، عامل مجازات آنان از سوی خداوند

لیجزی قومًا بما کانوا یکسبون

تعبیر <کانوا یکسبون> استمرار را می‌رساند و برداشت بالا در صورتی استفاده می‌شود که <قومًا> نظر به کافران و منکران <ایام الله> داشته باشد.

اصرار بر حق ناپذیری

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۱۳

۱۳ - پافشاری در مخالفت با دین و تردید در حقانیت آن با وجود مشاهده دلایل روشن موجب گمراهی ابدی است .

كذلك يضلّ الله من هو مسرف مرتاب

مقصود از <مسرف> در این آیه، کسی است که در مخالفت با حق، پافشاری و اصرار فراوان دارد.

اصرار بر کفر حق ستیزان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۱۲

۱۲ - اقدام حق ستیزان صدراسلام به انکار صریح قرآن و تورات و تأکید بر کفر خویش نسبت به آن دو

و قالوا إنا بكلّ كفرون

اصلاح مفسد کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۰ - ۳

۳ - اصلاح مفسد کتمان حق بر اثر کتمان حقایق دین پدیدار شده و نیز بیان آن حقایق ، از شرایط پذیرش توبه کتمان کنندگان است .

إلا الذين تابوا و أصلحوا و بینوا فأولئك أتوب عليهم

اضطرار حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۴ - ۳

۳ - مشرکان حق ناپذیر و ستیزه جو ، از سرِ ناچاری و اضطرار به انکار عبادت کردن معبود های ادعایی خویش می پردازند .

بل لم نكن ندعوا من قبل شيئاً

اضطرار حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۴ - ۳

۳ - مشرکان حق ناپذیر و ستیزه جو ، از سرِ ناچاری و اضطراب به انکار عبادت کردن معبود های ادعایی خویش می پردازند

بل لم نكن ندعوا من قبل شيئاً

اظهار حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۷ - ۴

۴ قرآن ، بیانگر حقایق ؛ حتی در مواردی که نتیجه آن به ضرر برخی از مسلمانان باشد .

یسئلونک عن الشهر الحرام قتال فيه قل قتال فيه کبیر

برخی از مسلمانان در ماه رجب به عده ای از کافران حمله بردند و آنان را کشته یا اسیر کردند. پس از این واقعه، آیه مزبور نازل شد و حکم به تحریم قتال در ماههای حرام کرد؛ هر چند بیان این حقیقت، به ضرر آن گروه از مسلمانان تمام شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۰ - ۳،۴

۳ بیان حقایق ، پرتویی از ربوبیت خداوند

الحق من ربك

۴ تربیت و سازندگی ، در گرو بیان حقایق

الحق من ربك

از آنجا که خداوند، <رب> (تربیت کننده) است، حق را بیان می کند. بنابراین ارتباط تربیت و حق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۱ - ۵

۵ اظهار حق و نیامیختن آن به باطل ، از وظایف عالمان و آگاهان

یا اهل الكتاب لم تلبسون الحق بالباطل و تکتُمون الحق و انتم تعلمون

اگر کتمان حق حرام باشد، لزوماً اظهار آن ضرورت دارد؛ چون شقّ سوّمی تصوّر نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۹

۹ فرمان خداوند به مبارزه با کفر و شرک و به وجود آوردن صحنه مبارزه ،

از اسباب تحقق اراده خداوند برای اظهار حق و نابودی کفر

و یرید الله أن يحق الحق بكلمته

خداوند در برابر مؤمنان که خواهان هجوم به کاروان تجاری قریش بودند، خواست تا آنان با لشکریان کفر در آویزند و به جهاد با آنان پردازند و همان را نیز مقدر ساخت و بیان داشت که احقاق حق در پرتو آن حاصل می شود. بنابراین مراد از <بکلمته> همان فرمان به جهاد و تحقق یافتن صحنه مبارزه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۳ - ۱۳

۱۳ - ربوبیت خداوند ، مقتضی اظهار حق برای بندگان

قالوا ماذا قال ربكم قالوا الحق

اعراض از حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۲ - ۷

۷- امکان روی گردانی انسان از حق و حقایق دینی علی رغم روشن بودن آنها

فإن تولوا فإنما عليك البلغ المبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۷ - ۶

۶- انسان ها پس از رهایی از خطر های مرگ آفرین ، خدا را فراموش می کنند و از حق روی گردان می شوند .

فلما نَجَّكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۴ - ۱۴

۱۴ - تسلی خداوند به پیامبر (ص) برای نگران نبودن از روی گردانی مردم از حق و دین الهی

فإن تولّوا .. و ما على الرسول إلاّ البلاغ المبين

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام تسلی دادن به پیامبر(ص) در برابر حق

گریزی کافران است.

اعراض از حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۵

۵ - وانهادن امر کافران حق ستیز به خداوند ، رهنمودی الهی به پیامبر (ص)

و لاتکن فی ضیق مّما یمکرون. .. إنّ ربّک یقضی بینهم بحکمہ

با توجه به این که آیات این بخش در ارتباط با هم است، تذکر خداوند به قضاوت نهایی خویش درباره کافران، می تواند در مقام توضیح و تعلیل برای آیه <و لاتکن فی ضیق مّما یمکرون> باشد. آیات بعد نیز مؤید همین معنا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۵ - ۱۱

۱۱ - مبلغان دین ، موظّف به تلاش در بیداری نفوس مستعد و وانهادن حق ستیزان ، به خداوند

نحن أعلم بما یقولون . .. فذکر بالقرءان من یخاف وعید

برداشت یاد شده، با الغای خصوصیت از مورد پیامبر اکرم(ص) استفاده می شود.

اعراض از حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۶ - ۶

۶- لزوم فیصله دادن به بحث و گفتوگو با بهانه جویان و حق ناپذیران

قل کفی بالله شهیداً بینی و بینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۱،۲

۱ - پیامبر (ص) ، موظف به واگذاری کافران حق ناپذیر ، باطل گرا و بازیگر به حال خود ، پس از اتمام حجت به آنان

فذرهم یخوضوا و یلعبوا

<خوض> (مصدر <یخوضوا>) در اصل به معنای حرکت در آب است؛ ولی در مواردی به کار می رود که

انسان، غوطهور در مسائل باطل و ناپسند می شود؛ مانند همین آیه که کافران، سخنان ناروایی درباره اسلام و پیامبر(ص) بر زبان می آوردند.

۲- لزوم ترک بحث و احتجاج با کافران حق ناپذیر، پس از اتمام حجت و ارائه برهان

فذرهم يخوضوا و يلعبوا

اعراض حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۲ - ۶

۶- تسلی دادن خداوند به پیامبر (ص)، برای نگران نبودن از روی گردانی حق ناپذیران

فإن تولّوا فإنما عليك البلغ المبین

اعلام پیروزی حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۱ - ۱

۱- فرمان خدا به پیامبر (ص) برای اعلام غلبه حتمی حق و اضمحلال قطعی باطل، به مشرکان مکه

و قل جاء الحقّ و زهق البطل

افساد حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۲ - ۵

۵ حق ستیزان، مردمی تبهکار و مجرمند.

و يحقّ الله الحقّ بكلمته و لو كره المجرمون

اقرار اخروی حق ناپذیران

۱ - اعتراف مشرکان حق ناپذیر و ستیزه جو ، به بی فایده بودن کامل عبادت غیرخدا و حاجت خواهی از معبود های ادعایی خویش

أین ما کنتم تشرکون . من دون الله قالوا ضلوا عنّا بل لم نکن ندعوا من قبل شیئاً

جمله < ضلّوا عنّا > (از نظر ما ناپدید شدند و آنان را گم کردیم) کنایه از بطلان و پوچی آیین شرک و بی اثر بودن

معبودهای ادعایی در عرصه قیامت است. گفتنی است جمله <بل لم نكن ندعوا...> می تواند به معنای بی اثر بودن حاجت خواهی از معبودها باشد؛ زیرا چیزی که بی فایده است مانند این است که وجود ندارد. هم چنین می تواند گویای انکار عبادت معبودها باشد که از سرِ ناچاری و اضطراب به آنها متوسل شده باشند. احتمال نخست مؤید برداشت یاد شده است.

اقرار به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۳ - ۲۶

۲۶ پیامبران الهی پیشتاز در ایمان به حقایق و اقرار به آن

و أنا أول المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۱ - ۳

۳- اعتراف به سخن حق ، اگر چه دشمن آن را گفته باشد ، مطلوب و پسندیده است .

قالوا إن أنتم إلا بشر مثلنا .. قالت ... إن نحن إلا بشر مثلکم

اینکه انبیای الهی در مقام پاسخ گویی به مخالفان، کلام آنها را درباره بشر بودن خود مورد تأیید قرار می دادند، حکایت از پسندیده بودن اعتراف به سخن مطابق با واقع می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۲۵

۲۵- اعتراف به حق در قیامت ، رهایی بخش از عذاب نیست .

إني كفرت بما أشركتمون من قبل إن الظالمين لهم عذاب أليم

برداشت فوق بر این اساس است که <إن الظالمين لهم عذاب أليم> کلام خداوند باشد. از اینکه خداوند ماجرای برخورد مستکبران و پیروانشان و نیز برخورد آنها با شیطان و اعتراف شیطان به خطای خود در قیامت

را بیان می کند و آن گاه می فرماید که برای ستمگران عذابی دردناک در نظر گرفته شده است، نکته فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۰ - ۹

۹ - ایمان و اعتراف به حق ، در شرایط اضطرار و ناگزیری ، فاقد ارزش و اصالت است .

قال ربّ ارجعون .. کلاً إنّها کلمه هو قائلها

اقرار به حق ناپذیری فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۱ - ۳

۳- پیامبر (ص) ، مأمور اقرار گرفتن از بنی اسرائیل نسبت به حق ناپذیری فرعون و پیروان او ، علی رغم اعطای معجزات فراوان به موسی (ع)

و لقد ءاتینا موسی تسع ءایت بیّنات فستل بنی اسرائیل إذ جاءهم فقال له فرعون إنی لأ

اقرار به حق ناپذیری فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۱ - ۳

۳- پیامبر (ص) ، مأمور اقرار گرفتن از بنی اسرائیل نسبت به حق ناپذیری فرعون و پیروان او ، علی رغم اعطای معجزات فراوان به موسی (ع)

و لقد ءاتینا موسی تسع ءایت بیّنات فستل بنی اسرائیل إذ جاءهم فقال له فرعون إنی لأ

امتحان حق ناپذیران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۱ - ۱

۱- آزمایش کافران و مشرکان حق ناپذیر صدراسلام ، فلسفه به تأخیر افتادن عذاب آنان و نامعلوم بودن زمان شکست آنها

است .

و إن أدري لعلّ فتنه لكم

ضمير <لعلّ>

به نکته ای برمی گردد که از دو آیه قبل استفاده می شود. آن نکته، مسأله تأخیر عذاب کافران و مشرکان و یا نامعلوم بودن زمان شکست آنان و پیروزی مسلمین است.

امداد به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۷ - ۲

۲ - ماجرای میان موسی (ع) و فرعونیان، نمودی از سنت مستمر الهی در یاری حق و سرکوب باطل

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً

چنان که گفته شد <آیه> به معنای عبرت است و عبرت بودن ماجرای موسی و فرعونیان، در صورتی است که تکرار نظایر آن همواره ممکن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۱ - ۲

۲ - ماجرای میان نوح (ع) و قومش، نمودی از سنت مستمر الهی در یاری حق و سرکوبی باطل

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً

آیه و عبرت آموز بودن، مستلزم امکان تحقق دوباره و استمرار یافتن چیزی است که باید از آن درس عبرت گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۹ - ۶

۶ - فرجام هلاکت بار عادیان، نمودی از سنت مستمر الهی در یاری حق و سرکوب باطل

فَأَهْلَكْنَهُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً

نشانه و مایه عبرت بودن ماجرای هلاکت قوم عاد، مستلزم استمرار داشتن مجازات اقوام در صورت کفرورزی و اصرار بر حق ناپذیری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نزول عذاب مرگبار بر ثمودیان ، نمودی از سنت مستمر الهی در یاری رسانی به

حق و سرکوب باطل

فأخذهم العذاب إنَّ في ذلك لآيه

نشانه و مایه عبرت بودن ماجرای هلاکت ثمودیان، مستلزم استمرار داشتن مجازات اقوام دیگر، در صورت کفرورزی و اصرار بر حق ناپذیری آنان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۴ - ۲

۲ - هلاکت قوم فساد پیشه لوط و نجات وی و خاندانش به جز همسر وی نمودی از سنت مستمر الهی در یاری رسانی به حق و سرکوب باطل

إنَّ في ذلك لآيه

نشانه و مایه عبرت بودن سرگذشت قوم لوط، در صورتی است که درباره دیگر امت ها قابل تکرار باشد و به تعبیر دیگر، سنتی مستمر به شمار آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۰ - ۲

۲ - فرجام هلاکت بار مردم ایکه ، نمودی از سنت مستمر الهی در یاری رسانی به حق و سرکوب باطل

فأخذهم عذاب يوم الظلَّة . . . إنَّ في ذلك لآيه

نشانه و مایه عبرت بودن سرگذشت مردم ایکه، در صورتی است که تکرار نظایر آن همواره ممکن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۹ - ۱۰

۱۰ - حمایت از حق در برابر باطل ، سنّت الهی است .

فتوكل على الله إنك على الحق المبين

خداوند پیامبرش را به این دلیل که بر حق است به توکل فراخوانده است. از این استفاده می شود که بنای خداوند و سنّت او،

بر حمایت از راه حق و راهیان آن است.

امداد به حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ کافران قوم شعیب ، به خدا و داوری او و یاری رسانیش به حقپویان معتقد بودند .

فاصبروا حتی یحکم الله بیننا و هو خیر الحکمین

چنانچه خطاب در <فاصبروا> متوجه کافران نیز باشد، دعوت شعیب از آنان به صبر تا داوری خدا، بیانگر این نکته است که منکران رسالت او معتقد به خداوند بوده اند. تصریح به <بالذی ارسلت به > پس از <ءامنوا> این معنا را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۹۸ - ۶،۷

۶ - جبهه حق ، برخوردار از امداد های غیبی و لطف و کمک الهی

فأرادوا به کیداً فجعلنهم الأسفلین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که ذکر داستان ابراهیم(ع) برای مسلمانان، به عنوان الگو و نمونه ای از دو جریان حق و باطل است.

۷ - دخالت خداوند در رخداد های تاریخ و تحولات اجتماعی به نفع جبهه حق

فألقوه فی الجحیم . فأرادوا به کیداً فجعلنهم الأسفلین

امداد به حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۵ - ۱۲

۱۲- شیطان ، یاری دهنده حق گریزان ، در روی گردانی از ایمان و هدایت

و أملی لهم

مفاد <أملی > ممکن است امداد و یاری رساندن باشد.

امکان حق ناپذیری خانواده پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- امکان نفوذ کفر و فساد و حق ناپذیری در افراد خانواده پاکان

إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَّرْنَا إِنَّهَا لَمِنَ الْغَابِرِينَ

امکانات دنیوی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۱ - ۳

۳- تأخیر عذاب و کیفر مشرکان و کافران حق ناپذیر ، به خاطر بهره بردن ناچیز و موقتی آنان از متاع های دنیوی است .

إِنْ أَدْرَى لَعَلَّهُ ... مَتَعِ إِلَى حِينٍ

انتقام از حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۲ - ۱،۷

۱ - انتقام الهی ، گریبان گیر کافران و حق ستیزان ، در حیات و یا پس از رحلت پیامبر (ص)

و من يعيش عن ذكر الرحمن .. فإما نذهبنّ ... أو نرينك الذی وعدنهم

۷ - خداوند ، به انتقام گرفتن از حق ستیزان چه در دنیا و چه در آخرت توانا است .

فإنا عليهم مقتدرون

انتقام از حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۲ - ۲،۴

۲ - حضور رهبران الهی در جوامع ، مانع از تحقق انتقام الهی نسبت به کافران و حق گریزان نخواهد بود .

أو نرينك الذی وعدنهم

۴ - تأخیر خداوند در انتقام گرفتن از حق گریزان ، مهلتی به ایشان و احترامی به وجود پیامبر (ص)

فإما نذهبنّ بك .. فإنا عليهم مقتدرون

از آیه قبل استفاده شد که اگر پیامبر رحلت کند، خداوند از مخالفان حق ستیز او انتقام خواهد گرفت. مفهوم این سخن آن است که حضور پیامبر(ص) مانع تسریع در انتقام است؛ ولی این مانع، قطعی نیست و خداوند می تواند حتی در زمان حضور پیامبر(ص)، مخالفان دین را مجازات کند.

اندوه بر حق ناپذیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۷ - ۸،۱۰

۸- پیامبر (ص) ، به خاطر حق ناپذیری کافران ، بسیار محزون و اندوهگین بود .

و لاتحزن علیهم

۱۰- دلداری و تسلی خداوند به پیامبر (ص) در غم او بر کفرورزی و حق ناپذیری کافران

و لاتحزن علیهم

انذار به حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳ - ۱۴

۱۴ - یاد کرد حقانیت نظام هستی ، اندازی به حق گریزان پوچ گرا *

ما خلقنا .. إلا بالحقّ ... و الذین کفروا عمّا أنذروا معرضون

از آن جا که قبل از تعبیر <عمّا أنذروا..> ، انذار صریحی در این آیه و آیه قبل نیامده است، احتمال می رود که نفس تذکر به حقانیت هستی، هشدار به کسانی است که هستی را پوچ و بی هدف دانسته و هیچ تعهدی در برابر ارزش ها ندارند.

انذار حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۵ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، موظف به ادامه دادن تذکر و هشدار ، در عین اصرار نوزیدن بر هدایت حق ستیزان

فتولّ عنهم .. و ذکر

انذار حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۹ - ۱۷

۱۷- بیم دادن انسان ها از حق ناپذیری ، تنها هدف خداوند از فرستادن معجزات

و ما نرسل بالآیت إلا تخویفاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۶ - ۴

۴- مشرکان و کافران حق ناپذیر و بهانه جو

، مورد تهدید خداوند

قالوا أبعث الله بشراً رسولاً. قل كفى بالله شهيداً بيني و بينكم

تذکر خداوند به گواه و ناظر بودن میان پیامبر(ص) و مشرکان حق ناپذیر، می تواند به منظور تهدید آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۱۰، ۱۱

۱۰- پیامبر (ص) ، مشرکان و کافران حق ناپذیر را به عذاب الهی تهدید کرد .

إن أدری أقریب أم بعید ما توعدون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از < ماتوعدون >، عذاب الهی در دنیا و یا آخرت باشد.

۱۱- پیامبر (ص) ، پیروزی اسلام را به مشرکان و کافران حق ناپذیر یادآور شد و شکستشان را به آنان هشدار داد .

و إن أدری أقریب أم بعید ما توعدون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از < ماتوعدون > پیروزی اسلام و شکست جبهه شرک و کفر باشد. گفتنی است که جمله < أن الأرض يرثها عبادي الصالحون > در آیه ۱۰۵ مؤید همین دیدگاه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۸ - ۱

۱ - هشدار شعیب (ع) به مردم حق ناپذیر < آیکه > ، درباره نظارت خداوند بر رفتار و اعمال ناشایست آنان

قال ربی أعلم بما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۸ - ۲

۲ - سنت الهی ، بر انداز و بیم دهی مکرر حق ناپذیران پیش از عذاب

و ما أهلکنا من قریه إلا لها منذرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۲

۸ - انذارگری و هشداردهی ، موضع پیامبر (ص) در برابر گمراهان حق ناپذیر

و من ضلّ فقل إنّما أنا من المندرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۳ - ۳

۳ - تکلیف مؤمنان و مبلغان دینی ، در برابر انسان های لجوج و حق ناپذیر ، تنها انذار و هشدار است .

إن أنت إلا نذير

انذار کتمان کنندگان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۵ - ۲

۲ - آیات و نشانه های الهی در پهنه طبیعت ، معرفت بخش انسان ها و انذاردهنده حق پوشان

و من آياته ... و يعلم الذين يجدلون في آيتنا

اهل کتاب و کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۶ - ۴۸

۴ - گروهی از اهل کتاب علی رغم شناخت حقیقت (پیامبری رسول اکرم) آن را کتمان می کردند .

و إن فريقاً منهم ليكتمون الحق و هم يعلمون

۸ - گروهی از عالمان اهل کتاب علی رغم اطمینانشان به حقانیت قبله مسلمانان ، آن را کتمان می کردند .

و إن فريقاً منهم ليكتمون الحق و هم يعلمون

جمله < و هم يعلمون > اشاره به این معنا دارد که کتمان کنندگان از عالمان دینی اهل کتاب بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۰ - ۲

۲ انکار و پوشاندن آیات الهی توسط اهل کتاب ، وسیله ای برای گمراه کردن دیگران

وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّوكُمْ .. لَمْ تَكْفُرُوا بِالْآيَاتِ

کفر، در لغت چه همراه باء باشد و یا نباشد به معنای انکار و پوشاندن است (القاموس المحيط).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۱ - ۲، ۱

۱ آمیختن آگاهانه حق به باطل و کتمان آن توسط علمای یهود و نصارا، و نکوهش آنان از سوی خداوند

یا اهل الكتاب لم تلبسون الحق بالباطل و تکتُمون الحق و انتم تعلمون

۲ علمای اهل کتاب با درآمیختن حق به باطل و کتمان حق، مردم را گمراه می ساختند.

وَدَّت طائفة من اهل الكتاب لو یضلونکم .. یا اهل الكتاب لم تلبسون الحق بالباطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۳ - ۹

۹ توصیه علمای یهود به یکدیگر، بر مخفی کردن ادله رسالت پیامبر اسلام *

و لا تؤمنوا .. ان یؤتی احد مثل ما اوتیتم

احتمالا مراد از <ما اوتیتم>، دلایل رسالت پیامبر (ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۸ - ۵

۵ اهل کتاب، منکر نشانه های روشن الهی در خانه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۹ - ۹

۹ مبارزه عالمان اهل کتاب با اسلام، با علم و آگاهی به حقایق آن

قل يا اهل الكتاب لم تصدّون عن سبيل الله .. و انتم شهداء

مقصود از <سبيل الله>، اسلام است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۵۲ -

۱ اهل کتاب (علمای یهود) مشمول لعن خداوند به جهت حقپوشی و همسویی با کفار علیه مسلمانان

الم تر .. اولئك الذين لعنهم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۵ - ۳،۷

۳ اهل کتاب (یهود و نصارا) ، همواره بسیاری از حقایق تورات و انجیل را مخفی می کردند .

مما كنتم تخفون من الكتب

با توجه به آیات پیشین، مراد از اهل کتاب هم یهودیان هستند و هم نصارا. بنابراین مقصود از <الکتاب> تورات و انجیل خواهد بود.

۷ چشمپوشی پیامبر (ص) ، از افشا و بیان حقایق مخفی شده توسط اهل کتاب

يبين لكم .. و يعفوا عن كثير

برداشت فوق بر این مناسبت که مراد از <کثیر>، به قرینه فراز پیشین، حقایق مخفی شده باشد. بنابراین عفو به معنای فاش نساختن و مسکوت گذاشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۰ - ۶،۷،۱۲

۶ عناد و لجاجت اهل کتاب در مخالفت با پیامبر(ص)، در عین آگاهی کامل از حقانیت آن حضرت

الذين ءاتينهم الكتب يعرفونه كما يعرفون أبناءهم .. فهم لا يؤمنون

۷ اهل کتاب، مورد توبیخ خداوند به جهت کتمان حقانیت پیامبر(ص) و ایمان نیاوردن به او

الذين ءاتينهم الكتب .. الذين خسروا أنفسهم فهم لا يؤمنون

۱۲ کتمان کنندگان حقانیت پیامبر(ص) از اهل کتاب، ایمان نخواهند آورد.

الذين ءاتينهم الكتب يعرفونه .. فهم لا يؤمنون

اهمیت ابلاغ حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۹ - ۱

۱ - پیامبر

(ص) ، مأمور ابلاغ پیام الهی به مردم مبنی بر آمدن حق برای آنان

قل جاء الحقّ

اهمیت احترام حاکمان بر حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱۱

۱۱ لزوم احترام به حاکمان برحق و تواضع و خشوع در برابر آنان

و خزّوا له سجّداً

اهمیت استقامت حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۸ - ۸

۸ ضرورت صبر و مقاومت حق پویان در برابر استهزا و آزار دشمنان

و يصنع الفلک و کلما مرّ علیه ملائم قومه سخروا منه

جمله <و يصنع الفلک و کلما مرّ...> بیانگر صبر و مقاومت حضرت نوح(ع) و پیروان اوست و هدف از نقل آن ، ایجاد روحیه مقاومت در حق پویان و درس صبر و استقامت به آنان است.

اهمیت استقامت در تبلیغ حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۶

۶ - لزوم حق پذیری ، شناختن و شناساندن حق و پایداری و شکیبایی برای تحقق آن

تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

ترغیب مؤمنان به توصیه دیگران بر حق و صبر، بیانگر لزوم پابندی خود به آن دو است.

اهمیت اظهار حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۴ - ۹

۹ - ناخوشایندی کافران و دگراندیشان ، نباید مانع اظهار حق در اصول دین و موجب دست برداشتن از مواضع اصولی در نهضت توحیدی شود .

فادعوا الله مخلصين له الدين و لو كره الكفرون

اهمیت تبلیغ حق

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۶

۶ - لزوم حق پذیری ، شناختن و شناساندن حق و پایداری و شکیبایی برای تحقق آن

تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

ترغیب مؤمنان به توصیه دیگران بر حق و صبر، بیانگر لزوم پابندی خود به آن دو است.

اهمیت تبیین حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۱۷

۱۷ کیفر انسان ها ، قبل از تبیین حق و باطل برای آنان ، ظلم و دور از ساحت قدس خداست .

أتتهم رسلهم بالبینت فما كان الله ليظلمهم

نفی ظلم از خدا و متفرع شدن آن بر وجود بینات، بیانگر این نکته است که: در صورت ارائه نشدن دلایل روشن، به هلاکت رساندن انسانها ظلم می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۱۱

۱۱- تبیین و ارائه حق لازم است ، هر چند مخاطبان آن را نپذیرند .

و لقد صرّفنا فی هذا القرآن لیذکروا و ما یزیدهم إلا نفورا

اینکه خداوند می فرماید: <ما آیات خود را گوناگون و متنوع بیان کردیم، اما آنان نپذیرفتند> استفاده می شود که باید حق را به هر صورت بیان کرد؛ هر چند شنوندگان و مخاطبان، آن را قبول نکنند.

اهمیت تذکر به حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۵ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، موظف به ادامه دادن تذکر و هشدار ، در عین اصرار نوزیدن بر هدایت حق ستیزان

فتولّ عنهم ... و ذکّر

اهمیت تشخیص حق

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۴ - ۱۵

۱۵- شناخت حق و جستجو برای فهم صحیح حقایق دینی ، امری است لازم و بایسته .

بل أكثرهم لا یعلمون الحقّ فهم معرضون

آیه بالا صرفاً برای حکایت از وضعیت مشرکان نیست؛ بلکه علاوه بر این درصدد محکومیت و سرزنش آنان نیز هست و این می رساند که شناخت حق، امری لازم است؛ زیرا سرزنش بر امر غیر لازم معقول نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۰ - ۸

۸- ارتباط همیشگی با خداوند ، نیرومندی ، حکمت ، توانایی بر فیصله دادن به امور و داشتن منطق قوی در جداسازی حق از باطل ، از شرایط لازم رهبران و مدیران جامعه در نگاه وحی

واذکر عبدنا داود ذا الأید إنه أواب .. و شددنا ملکه و ءاتینه الحکمه و فصل الخ

برداشت یاد شده از مجموع اوصافی که خداوند برای داوود(ع) به عنوان حاکم و فرمانروا ذکر کرده است، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۵

۵- ارائه حق و شناساندن آن به مردم ، فلسفه نزول قرآن

إنا أنزلنا علیک الکتب للناس بالحقّ

اهمیت حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۱ - ۷

۷ لزوم محور قرار دادن حق ، در عقاید و گفتار

و لاتقولوا علی الله الا الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۳ - ۶

۶ حق ، پایه و محور احکام و قوانین

هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۳۲ - ۵،۶

۵ حق ، مدار هدایت و باطل ، مدار ضلالت است .

فماذا بعد الحق إلا الضلل

جمله <فما بعد الحق ..> دارای حذف و ایجاز است و تقدیر آن چنین می باشد: <فماذا بعد الحق الذی هو الهدی إلا الباطل الذی هو الضلال>.

۶ وراى حق و حقیقت جز گمراهی و ضلالت نیست .

فماذا بعد الحق إلا الضلل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۲ - ۶

۶- ارزشمندی ابزار و امکانات معرفتی انسان ، در گرو به کارگیری آن در طریق حق است .

و من كان فى هذه أعمى فهو فى الآخرة أعمى

از اینکه خداوند، انسانی را که بیناست ولی بینش درست نیافته <أعمى> خوانده است، استفاده می شود که چشم به عنوان وسیله معرفت آن گاه ارزشمند به حساب می آید که در مسیری بایسته و شایسته به کار گرفته شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۹ - ۷

۷- توکل بر خداوند تنها در مسیر حق ، دارای معنا و ثمربخش است .

فتوكل على الله إنك على الحق المبين

از تعلیل <إنك على الحق> استفاده می شود که توکل بر خدا، تنها در حرکت های درست و حقّانی، معنادار است نه در هر

تلاش مشکوک و نادرست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۹ - ۱۳

۱۳ - تمامی رفتار و کردار آدمی در

دنیا ، باید بر پایه حق و مطابق با عدل باشد .

و قضی بینهم بالحقّ و هم لایظلمون

تذکر خداوند به این که داوری میان مردم در قیامت، بر پایه حق و عادلانه خواهد بود، در واقع توصیه ای است به بندگان که رفتار خود را مطابق عدل و بر پایه حق بنا نهند؛ زیرا در قیامت رفتار آنان بر همین اساس سنجیده و جزا داده خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۸ - ۳

۳- حق ، پایه و محور احکام و قوانین دین اسلام

أرسل رسوله بالهدی و دین الحقّ

اهمیت حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۷ - ۱۰

۱۰ روحیه حرف شنوی و حق پذیری ، شرط بهره مندی از آیات الهی است .

إن فی ذلک لآیت لقوم یسمعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۱۱

۱۱ لزوم تسلیم بودن در برابر حق پس از ثبوت آن

لقد جاءك الحقّ . . . فلاتکونن من الممترین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۲

۲ - گرایش به دین اسلام ، در گرو وجود سعه صدر و روح پذیرش حق در انسان است .

أفمن شرح الله صدره للإسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۶

۶- لزوم حق پذیری ، شناختن و شناساندن حق و پایداری و شکیبایی برای تحقق آن

تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

ترغیب مؤمنان به توصیه دیگران بر

حق و صبر، بیانگر لزوم پابندی خود به آن دو است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۹ - ۸

۸- داشتن روحیه حق پذیری و حق جویی ، شرط بهره‌وری از آیات الهی

إن فی ذلک لأیت لقوم یؤمنون

اهمیت حق شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۸ - ۳

۳ ارائه حق و شناساندن آن به مردم ، فلسفه نزول قرآن

قد جاءکم الحق من ربکم

برداشت فوق از وجه تسمیه قرآن به <حق> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۴ - ۳

۳ حق شنوی و خردورزی ، دو عنصر تعیین کننده و اساسی برای شناخت حق و پیمودن راه آن

أم تحسب أن أكثرهم یسمعون أو یعقلون

از این که خداوند برای هواپرستان، دو صفتی را ذکر می کند که آنان فاقد آن دو بودند، حکایت از آن دارد که آن دو، نقش تعیین کننده در شناخت و پذیرش راه پیامبر(ص) و تعالیم قرآن داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۶

۶- لزوم حق پذیری ، شناختن و شناساندن حق و پایداری و شکیبایی برای تحقق آن

تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

ترغیب مؤمنان به توصیه دیگران بر حق و صبر، بیانگر لزوم پابندی خود به آن دو است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۱۴

۱۴ فهم حقایق و معارف دینی و حق بینی و حق شنوی ،

ملاک انسانیت و برتری انسان بر چهارپایان است .

أولئك كالأنعم

اهمیت حق طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۹ - ۸

۸- داشتن روحیه حق پذیری و حق جویی ، شرط بهره‌وری از آیات الهی

إن فی ذلك لآیت لقوم یؤمنون

اهمیت حق گوئی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۹ - ۴

۴- تکذیب و نپذیرفتن گروهی ، نباید مانع از اظهار سخن حق و تبلیغ دین از سوی منادیان حق و مبلغان دین گردد .

و إنا لنعلم أنّ منکم مکذبین

برداشت یاد شده، از آن جا است که خداوند، با آن که از تکذیب گروهی از مردم آگاهی کامل دارد و این مطلب را نیز اعلام می کند؛ در عین حال پیام های خود (وحی) را به وسیله پیامبر اسلام (ص)، پیاپی ابلاغ می فرماید.

اهمیت دفاع از حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۲

۲- نفوذ و راه یافتن به مراکز قدرت و حکومت های استکباری ، به منظور رساندن پیام الهی به آنان و دفاع کردن از حق ، کاری روا و پسندیده است .

و لقد أرسلنا موسیٰ .. . إلى فرعون و همین و قرون ... فلما جاءهم بالحقّ من عندنا

اهمیت روحیه حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۳۰

۳۰ تنها حق پذیران قادر به درک سعادت آفرینی پیام های الهی هستند .

ذلکم خیر لکم إن کنتم مؤمنین

چنانچه مشارالیه <ذلکم> تمام مسائلی باشد که در

آیه مطرح شده، و از جمله اعتقاد به یگانگی خدا و لزوم پرستش او، باید گفت مراد از ایمان در <ان کنتم مؤمنین> داشتن روحیه حق پذیری و اهل باور بودن است، نه ایمان به یگانگی خدا. و چون خیر بودن یکتاپرستی و عدالت پیشگی منوط به حق پذیری نیست، یعنی چه انسانها حق پذیر باشند و چه نباشند مسائل مطرح شده دارای خیر است، معلوم می شود شرط <ان کنتم ...> ناظر به درک خیر بودن است. یعنی اگر حق پذیر باشید می فهمید که پیامهای مطرح شده به خیر و صلاح شماست.

اهمیت صبر در تبلیغ حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۶

۶ - لزوم حق پذیری، شناختن و شناساندن حق و پایداری و شکیبایی برای تحقق آن

تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر

ترغیب مؤمنان به توصیه دیگران بر حق و صبر، بیانگر لزوم پایبندی خود به آن دو است.

اهمیت گواهی به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۵ - ۲۰، ۱۴، ۱۱، ۸

۸ لزوم ادای شهادت به حق، گر چه به ضرر خود یا پدر و مادر و نزدیکان باشد.

کونوا قومین بالقسط شهداء لله و لو علی أنفسکم او الولدین و الاقربین

<شهداء>، خبر دوم برای <کونوا> است. بنابراین شهادت به حق تکلیفی لازم الاجرا است. گفتنی است که متعلق شهادت در برداشت فوق به قرینه <و لو علی أنفسکم> کلمه <بالحق> گرفته شده است.

۱۱ لزوم شهادت به حق، بدون در نظر گرفتن فقر و غنای افراد

کونوا قومین

بالقسط شهداء لله .. ان يكن غنياً او فقيراً فالله اولي بهما

۱۴ ترحم به فقيران و بيزاری از ثروتمندان و يا بی اعتنایی به فقيران و طمع به ثروتمندان ، نباید مؤمنان را از شهادت به حق بازدارد .

كونوا قومين بالقسط شهداء لله .. ان يكن غنياً او فقيراً فالله اولي بهما

شهادت درباره فقير و ثروتمند چهار صورت دارد: يا شهادت عليه ثروتمند است به خاطر گرايش ضد استكباری، يا به نفع اوست به خاطر طمع يا ترس، يا عليه فقير است به خاطر بی اعتنایی به او، و يا به نفع اوست به خاطر ترحم و گرايش به مستضعفان، خداوند دخالت دادن اين موارد را در ادای شهادت ممنوع دانسته است.

۲۰ مقدم داشتن مصالح خویش ، والدین و بستگان بر شهادت به حق ، هواپرستی و عدالت شکنی است .

كونوا قومين بالقسط شهداء لله و لو على أنفسكم .. فلا تتبعوا الهوى

ایجاد زمینه حق شناسی در برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۲ - ۶

۶ یوسف (ع) با باز گرداندن مال التجاره فرزندان یعقوب ، درصدد بود در آنان احساس حق شناسی و سپاس گذاری ایجاد کند و انگیزه مراجعت ایشان را قوت بخشد .

اجعلوا بضعتهم فی رحالهم لعلهم يعرفونها .. لعلهم يرجعون

برداشت فوق ، ناظر به دومین احتمالی است که در توضیح برداشت قبل آمده است.

ایفای حق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۴ - ۵

۵ - حاضران صحنه قیامت ، از مؤاخذه دیگران

و گرفتن حقوق خود حتی از نزدیک ترین خویشاوندان چشم پوشی نخواهند داشت . *

یوم یفر المرء من أخیه

فرار از برادر و ترس از روبه رو شدن با او، حاکی از واقع شدن در مؤاخذه شدید از سوی او است؛ به گونه ای که شخص گمان می کند که اگر فرار نکند، گرفتار خواهد شد.

ایمان به پیروزی حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۹ - ۲

۲ - توجه به قاهر بودن خدا، مقتضی اطمینان به غلبه حق و پایداری در برابر هجوم کافران علیه دین

فاصبر علی ما یقولون

<فاء> در <فاصبر> لزوم صبر را متفرع بر مطالب آیات پیشین کرده است. در آن آیات، از قدرت الهی بر نابودی کافران و نیز اعاده آنان در قیامت برای حساب رسی، سخن به میان آمده است.

ایمان حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۱ - ۲

۲ کفرپیشگان و حق ستیزان، به هنگام وقوع عذاب استیصال، دست از کفر کشیده، ایمان خواهند آورد.

أثم إذا ما وقع ءامنتم به ءالئن

ایمان حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۱۰

۱۰ راه یافتن حق (اسلام) به قلب حق ناپذیر، مانند صعود در آسمان دشوار و یا غیرممکن است.

و من یرد أن یضله یجعل صدره ضیقاً حرجاً كأنما یصعد فی السماء

باطل نمایی حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کھف - ۱۸ - ۵۶ - ۸

۸- خارج کردن

حق از صحنه ، با باطل نشان دادن چهره آن ، از شیوه های تبلیغاتی کفرپیشگان است .

و يجعل الذين كفروا بالباطل ليدحضوا به الحق

<إدحاض> به معنای <إبطال> و <إزالة> است. <لیدحضوا به الحق> یعنی: <کفرپیشگان، با مجادله باطل، سعی در ابطال و ازاله حق دارند.>. روشن است که حق، قابل ابطال نیست، لذا تعبیر <خروج از صحنه> و <باطل نمایی> در برداشت به کار رفته است.

برپایی حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۸

۸ پیاده شدن حق و ریشه کن شدن بنیان کافران ، هدف از فرمان خداوند به نبرد با مشرکان مکه در بدر

و يريد الله أن يحق الحق بكلمته و يقطع دابر الكافرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۸ - ۱،۳

۱ پیاده شدن حق و نابودی باطل ، هدف از تشریح جهاد و مبارزه در اسلام

إذ يعدكم .. يريد الله .. ليحق الحق ... و لو كره المجرمون

۳ تضمین تحقق حق و محو باطل در پرتو ریشه کن شدن کافران است .

و يقطع دابر الكافرين. ليحق الحق و يبطل البطل

برداشت فوق بر این اساس است که <ليحق الحق> متعلق به <يقطع ..> در آیه قبل باشد.

بشارت به حق پذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۸ - ۲۰

۲۰ - بشارت خداوند به حق پذیران و صاحبان عقل و خردناب ، به داشتن آینده سعادت‌مندانه

فبشّر عباد . الذين يستمعون القول ... و أولئك هم أولوا الألب

بشارت پیروزی

حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۱۷

۱۷ نوید خداوند به پیروزی حق و استقرار آن در زمین و شکست باطل و رخت بر بستن آن

فأما الزبد فيذهب جفاءً و أما ما ينفع الناس فيمكث في الأرض

بنی اسرائیل و کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۸ - ۱۶

۱۶ وجود افراد غیر مؤمن (لجاج و ناباور) ، در میان بنی اسرائیل ، علی رغم وجود نشانه روشن الهی بر زمامداری طالوت

انّ في ذلك لآيه لكم ان كنتم مؤمنين

تعبیر < ان كنتم مؤمنين > اشاره است به اینکه افرادی غیر مؤمن (ناباوران) در میان بنی اسرائیل وجود داشته اند.

بهانه جویی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۳

۳ - کفرپیشگان حق ستیز ، منکر آسمانی بودن قرآن به بهانه عدم نزول دفعی آن

قالوا لولا أوتى مثل ما أوتى موسى

مقصود از < ما أوتى موسى > تورات است که یکباره نازل شده بود، یعنی، چرا قرآن مانند تورات، یکباره نازل نشده است؟

بی ارزشی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۶

۶- انسانِ بیهوده گرای حق ستیز ، فاقد ارج و منزلت در پیشگاه پروردگار

فذرهم یخوضوا

تعبیر <فذرهم> در بردارنده معنای تحقیر است.

بی ارزشی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۰ - ۳

۳- کافران و حق ناپذیران ، عناصری بی ارزش نزد خداوند

و لاتحزن علیهم

این

که خداوند به پیامبر(ص) توصیه می کند که بر بدبختی کافران غم و اندوه بر خود راه ندهد، نشانگر این است که آنان در پیشگاه خدا، از هیچ ارج و ارزشی برخوردار نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۱۰

۱۰- انسان حق گریز، فاقد ارزش های انسانی و خاصیت واقعی حیات

أولئك الذين .. فأصمهم و أعمى أبصرهم

کسانی که در نتیجه بیماری مشارالیه <أولئك> قرار گرفته اند به ظاهر گوش و چشم دارند اما خداوند در حقیقت این ابزار را برای آنان زاید و بی خاصیت قلمداد کرده است زیرا بهره نجستن از امکانات، چونان محرومیت از آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۲ - ۵

۵ انسانهایی که حقایق دینی را نپذیرند، فاقد ارزش انسانی هستند.

إن شر الدواب عند الله الصم البکم الذين لا یعقلون

بی ارزشی مکذبان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۲۵

۲۵ کسانی که آگاهانه و از سر عناد و لجاجت حقایق را منکر شوند، فاقد ارزش هستند.

ما أنزل الله علی بشر .. قل الله ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون

کاربرد واژه <ذر> در مواردی است که چیزی را به جهت حقارت و بی ارزشی آن رها کرده و از آن بگذرند. آیه شریفه نیز در مقام فرمان به ترک مخاصمه با یهودیانی که به جهت عناد با پیامبر(ص) اصل نزول وحی بر بشر را منکر شده اند، این واژه را به کار برده است.

بی استعدادی

حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۲ - ۳

۳ - کافرانِ رویگردان از حق ، با لجاجت و تعصّب خویش در برابر حق ، ظرفیت و صلاحیت حق پذیری را از دست می دهند

یکفرون .. فَإِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى ... إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ

بی تأثیری انذار بر حق ناپذیران مگه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۰ - ۲۰

۲۰ - روی آوردن حق ناپذیران مکه به سرکشی ها و جرایمی بس بزرگتر ، پس از انذار های هشدار دهنده الهی

و نَخَوْفَهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طِغْنًا كَبِيرًا

بی تأثیری حق ستیزی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳ - ۵

۵ - حق ستیزی کافران ، بی تأثیر در برنامه های الهی و در سد کردن راه رسالت

و كَذَّبُوا.. و كَلَّ أَمْرٌ مُسْتَقَرٌّ

بی منطقی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۴

۴ - کفرپیشگان حق ستیز ، ناتوان از برخورد منطقی با پیامبر (ص) و قرآن

و قال الذين كفروا لاتسمعوا لهذا القرآن و الغوا فيه

بی منطقی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۵ - ۷

۷ - دشمنان دیانت و ستیزه جویان با آیات الهی ، فاقد منطق و برهان

الذین یجدلون فی ءایت اللّٰه بغير سلطن اٰتیهم

برداشت یادشده بر این اساس است که <بغیر سلطان . . .> قید توضیحی باشد، یعنی، همواره چنین است که

مجادله گران با آیات الهی، بدون حجت و برهان به مجادله می پردازند.

بی مهری با حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۳

۳- برای کسانی که حق گریز و هدایت ناپذیرند ، نباید دل سوزاند و سرمایه گذاری کرد .

ذره‌م یا کلووا و یتمتّعوا

بیان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۳ - ۲۳، ۲۵

۲۳ - خداوند ، هیچ گونه ملاحظه ای برای بیان حق ندارد .

و الله لا يستحي من الحقّ

۲۵ - در بیان حق ، نباید شرم و حیا داشت .

و الله لا يستحي من الحقّ

بیان کنندگان حق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۷

۱۷- خداوند در قیامت ، عالمان متعهد و بیان کنندگان حقایق و معارف کتاب های آسمانی را مورد لطف خویش قرار خواهد داد و با آنان سخن خواهد گفت .

إن الذين يكتُمون .. لا يكلمهم الله

برداشت فوق از مفهوم جمله <إن الذين .. لا يكلمهم الله> استفاده شده است.

بینش حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۷ - ۱

۱- حق ناباوران کافر، آیات الهی را سحر و جادوئی روشن قلمداد می کردند.

و إذا تتلى عليهم آیتنا بینت قال الذین کفروا .. هذا سحر

پاداش حق پذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ قیامت روز رسیدگی به کار حق پذیران و حق ناپذیران و پاداش

و مجازات آنهاست.

إنما يستجيب الذين يسمعون و الموتى يعثهم الله ثم إليه يرجعون

جمله <ثم إليه يرجعون> ظاهراً تذليلی برای تمامی آیه است. یعنی هم پاسخ دهندگان و هم مرده دلان جملگی در قیامت مبعوث شده و به نتایج اعمال خود می رسند.

پاداش حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۲

۲ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، موجب ورود به بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذين يمشون على الأرض هوناً.. و الذين لا يشهدون الزور ... أولئك يجزون الغرفة

پاداش دعوت به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۲ - ۴

۴ مزد و پاداش دعوت به حق و تبلیغ دین ، بر عهده خداست .

إن أجرى إلا على الله

پاداش صبر بر حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۷ - ۳

۳ استوار ماندن بر حق و پایداری بر ایمان ، در تنگناها و شرایط دشوار ، دارای ارزشی والا و پاداشی ویژه

لقد تاب الله على النبي و .. الذين اتبعوه في ساعه العسره

پایان حق ستیزی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۹ - ۱

۱ - لحظه مرگ ، لحظه پایان یافتن شرارت ها و

حق ستیزی های کافران و ستمگران

حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ

<حتی> برای بیان غایت شرارت ها و ستمگری های کافران است.

پایان حق ستیزی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۹ - ۱

۱ - لحظه مرگ ، لحظه پایان یافتن شرارت ها و حق ستیزی های کافران و ستمگران

حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ

<حتی> برای بیان غایت شرارت ها و ستمگری های کافران است.

پذیرش حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۸ - ۲۳، ۲۸

۲۳ انسان های برخوردار از نعمت های بیشتر الهی ، سزاوارتر به درک و پذیرش ربوبیت الهی

الم تر .. ان اتیه الله الملك

گفته شده جمله <ان اتیه الله ..> به قرینه سیاق آیه به این معناست که نمرود به خاطر برخورداری از نعمت خدادادی ملک و سلطنت، باید بهتر از دیگران به ربوبیت الهی اذعان کند. چرا که ملک و سلطنت نیز پرتویی از ربوبیت و الوهیت خداست.

۲۸ پذیرش دلایل روشن و هدایت یافتن آدمی ، منوط به تعلق اراده خداوندی است .

فبهت الذی کفر و الله لا یهدی القوم الظالمین

پرسش از حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - پرسش عتاب آمیز خداوند از مشرکان حق ستیز و لجوج ، درباره معبود های ادعایی آنان

ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَشْرِكُونَ

پیروزی حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۳ - ۱۷

پیروزی حق بر باطل ، در گرو کوشش و تلاش صاحبان حق *

فاذا دخلتموه فانکم غلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۱۴

۱۴ پیروزی حق و شکست باطل ، هدفی بس والاتراز رسیدن به ثروت دنیا در بینش الهی

تودون أن غیر ذات الشوکه تكون لکم و یرید الله .. و یقطع دابر الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۸ - ۹، ۶، ۵

۵ منافقان ، تلاش تخریب گرانه خود را تا مرحله غلبه حق و پیروزی قطعی جبهه اسلام ، ادامه می دهند .

لقد ابتغوا الفتنة .. حتی جاء الحق و ظهر أمر الله و هم کرهون

۶ پیروزی اسلام و مسلمانان ، برای حق و جلوه تحقق اراده الهی

حتی جاء الحق و ظهر أمر الله

۹ جبهه حق ، علی رغم میل منافقان ، دارای روندی رو به پیروزی و موفقیت

حتی جاء الحق و ظهر أمر الله و هم کرهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۶ - ۶

۶- مکرها و چاره اندیشی های ستمگران ، هر چند گسترده و کوه شکن باشد ، در برابر نیروی حق بی ثمر و ناموفق خواهد

بود .

و قد مکروا مکرمهم و عند الله مکرمهم و إن کان مکرمهم لتزول منه الجبال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- در نزاع میان جبهه حق و باطل ، پیروزی نهایی از آنِ حق مداران است .

بل نقذف بالحقّ

۲- پیروزی عقیده و جهان بینی حق بر عقیده و جهان بینی باطل ، سنت الهی است .

و ما خلقنا السماء .. لعین ... بل نقذف بالحق علی البطل فیدمغه

خداوند در آیه قبل، از هدفمند بودن آفرینش جهان و نیز بطلان عقیده به بیهوده بودن خلقت طبیعت سخن به میان آورده است. این سخن قرینه بر این است که مقصود از حق و باطل در آیه شریفه، عقیده و جهان نگری حق و باطل است. گفتنی است که ذیل همین آیه (و لکم الویل ممّا تصفون) که در باره نسبت ناروا به خداوند و توصیف او به امور نادرست است، مؤید برداشت یاد شده است.

۳- پیروزی حق بر باطل ، جلوه ای از هدف داری نظام آفرینش است .

و ما خلقنا السماء .. بل نقذف بالحق علی البطل فیدمغه

خداوند در آیه قبل، سخن از آفرینش جهان براساس حق و هدفمند به میان آورد و در این آیه، پیروزی حق بر باطل را یادآور شد. ارتباط میان این دو گفتار بیانگر برداشت یاد شده است.

۱۲- > عن أبی عبد الله (ع) : ما من أحد إلا و قد برز علیه الحقّ حتی یصدع ، قبله أم ترکه و ذلك أنّ الله یقول فی کتابه : >
بل نقذف بالحقّ علی الباطل فیدمغه فإذا هو زاهق ... < ;

از امام صادق(ع) روایت شده است : هیچ فردی نیست، مگر آن که حق تا روشن شدن کامل، بر او ظاهر شده است. این سخن خداوند است که در کتابش می فرماید: >بل نقذف بالحقّ علی الباطل فیدمغه فإذا هو زاهق .. <».

- سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۸ - ۸

۸ - پیروزی نهایی در عرصه مبارزه حق و باطل ، از آن جبهه حق خواهد بود .

إذ قال لأبيه و قومه ماذا تعبدون .. قالوا ابنوا له نبيناً فألقوه فى الجحيم . ف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۱ - ۲

۲ - جبهه کفر و باطل ، در مصاف با جبهه ایمان و حق ، محکوم به شکست است .

جند ما هنالك مهزوم من الأحزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۱ - ۱

۱ - در جنگ حق و باطل ، غلبه با حق است .

كتب الله لأغلبن أنا و رسلى

پیروزی دین حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۳ - ۱۱

۱۱ > عن محمد بن الفضيل عن ابى الحسن الماضى (ع) قال : قلت : > هو الذى أرسل رسوله بالهدى و دین الحق < قال : .

.. الولایه هی دین الحق قلت : > لیظهره على الدین کله < قال : یظهره على جميع الأديان عند قیام القائم ... ;

محمد بن فضیل گوید: از امام کاظم (ع) درباره > هو الذى ارسل رسوله ... < سؤال کردم، فرمود: ... ولایت، همان دین حق

است و درباره > لیظهره على الدین کله < فرمود: خداوند هنگام قیام قائم (ع) دین حق را بر همه ادیان غلبه می دهد ... < .

پیشینه حق ناپذیری مصریان باستان

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۱۰

۱۰ - حق ناپذیری و ایمان نیاوردن مردم مصر در عصر موسی (ع) ، دارای پیشینه در تاریخ گذشته آنان و به ارث رسیده از اجدادشان

لقد جاءكم يوسف من قبل .. فمازلتم في شك مما جاءكم به حتى إذا هلك قلتم لن نبع

تأخير كيف حق ستيزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۳ - ۱۵

۱۵ - تأخير كيف حق ستيزان ، براساس مصالح و نه معلول غفلت خداوند از کردار آنان

سيريكم آيته .. و ما ربك بغفل عما تعملون

با توجه به این که بیشتر آیات این سوره، متوجه منکران رسالت پیامبر(ص) و توحید ربوبی خداوند است، خاتمه یافتن سوره با تعبیر <سيريكم آياته> و <ما ربك بغافل..> می رساند که خداوند، از نشان دادن آیات انکار ناپذیر خود، عاجز نیست و از کردار بندگان نیز غافل نمی باشد و به موقع جزای آنان را خواهد داد.

تبعیت از حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۹ - ۶

۶ تبعیت محض از حق و وحی الهی ، و صبر و بردباری در برابر مشکلات آن ، از شرایط رهبری الهی است .

قد جاءكم الحق من ربكم .. و اتبع ما يوحى إليك و اصبر حتى يحكم الله

تبليغ عقیده حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۱۱

، خصلتی ستوده و مایه کامیابی انسان

لفی خسر . إلا الذین ... تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

تبیین حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۷ - ۳

۳ مسؤولیت سنگین عالمان به کتاب های آسمانی در بیان حقایق آن برای مردم

و اذ اخذ الله میثاق الذین اتوا الکتب لتبیینته للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۳ - ۲

۲ - انذار ، پس از تبیین حق و ارائه دلیل ، شیوه ای بایسته در هدایت خلق

فقل أنذرتکم صعقه

برداشت بالا- بر این اساس است که مسأله انذار در این آیه، پس از تبیین مسأله توحید و دلایل آن در آیات پیشین، صورت گرفته است و فرمان <فقل أنذرتکم .. > بایسته بودن را می فهماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۶ - ۶

۶ - روح تبلیغ دین ، تبیین حق برای مردم است ، نه اکراه ایشان به ایمان .

و ما أنت علیهم بوکیل

تبیین حق در تبلیغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۳ - ۶

۶ ارائه راه حق و تفسیر حقیقت ، در برابر سخنان باطل و شبهه انگیز ، شیوه پسندیده در تبلیغ و ارائه تعالیم دین

و لا یأتونک بمثل إلا جئناک بالحقّ و أحسن تفسیراً

تبیین حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۳ - ۵

۵ تعالیم دین و قرآن ، حاوی بهترین راه کشف حقیقت

و تفسیر درست جریان حق و باطل

إِلَّا جِنَّكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا

تثبیت حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۳۱

۳۱ تثبیت حق ، هدف دعای شعیب پیامبر

ربنا افتح . . . بالحق

شعیب(ع) در دعای خویش با اینکه اذعان به حقانیت خویش داشت، نگفت که خدایا به سود ما داوری کن، بلکه گفت خدایا حق را به کرسی بنشان و این اشاره به این حقیقت دارد که پیامبران هدفی جز تثبیت حق نداشته اند.

تحقیر حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۴ - ۳

۳ - حقیر و ناچیز جلوه دادن قدرت و توانایی های جبهه مخالف و حق طلب ، از ترفند های قدرت های استکباری و نظام های فرعونی

إِنَّ هَؤُلَاءَ لَشُرَّ ذَمِّ قَلِيلُونَ

تحقیر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۸ - ۵

۵ - کافران حق ناپذیر مورد تمسخر و تحقیر

فبشره

ذکر عذاب، تناسبی با کاربرد واژه بشارت ندارد. از این رو تعبیر به بشارت می تواند به عنوان سخریه و تحقیر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۰ - ۸

۸ - قدرت های فرعونى و حق ناپذیر ، محکوم به سرزنش شدن و تحقیر در گستره تاریخ *

فبذنبهم فی الیم و هو ملیم

تعبیر <و هو ملیم> می تواند نظر به ملامت شدن قدرت های حق ناپذیر از سوی اندیشهورزان و نظارت گران تاریخ بشر، داشته باشد.

تحمیل باطل بر حق

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۱۱

۱۱ باطل بر محور حق خودنمایی کرده و بر آن تحمیل می شود .

فاحتمل السیل زبداً رابئاً

تحریر مکذبان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۵ - ۴

۴ تکذیب کنندگان حق قرآن ، پیامبر و معاد گرفتار سردرگمی و پریشان گویی

بل کذبوا بالحقّ لما جاءهم و هم فی أمر مریج

یکی از نمودهای پریشان گویی تکذیب گران معاد این است که می گویند چون بدن انسان در خاک متلاشی می شود پس چگونه می تواند از خاک دوباره برآید؛ این در حالی است که خود می دانند انسان برای نخستین بار نیز از همین خاک برآمده است.

تداوم حق ستیزی فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۹ - ۲

۲ - استمرار مواضع خصمانه و حق ستیزانه فرعونیان در مقابل موسی (ع) ، حتی پس از گرفتار آمدن آنان به عذاب الهی

إذا هم منها یضحکون ... و أخذنهم بالعذاب ... و قالوا یاأیه الساحر

فرعونیان پس از گرفتار شدن به عذاب های متعدد، همچنان راه کج خویش را ادامه داده و موسی(ع) را ساحر می نامیدند.

تداوم عذاب حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۶ - ۶

۶ - عذاب دائمی و بی تخفیف ، کیفر تمامی کافران حق ناپذیر

كذلك نجزي كلّ كفور

<کفور> صیغه مبالغه از ماده <کفر> و یا <کفران> می باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

ترك مجادله با حق ناپذیران

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۲۶

۲۶ ضرورت اکتفا کردن به ابلاغ و پرهیز از بحث و مجادله با کسانی که روحیه عناد و لجاجت داشته و حق ناپذیرند.

قل الله ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون

تسلیم به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۸ - ۳

۳ - برخی از کافران لجوج و گنه کاران سرمست ، تنها به وقت مشاهده عذاب الهی و یقین به نزول آن ، بیدار گشته و در برابر سخن حق (قرآن) تسلیم شده و از آن پیروی می کنند .

أو تقول حين ترى العذاب لو أن لی کره فأكون من المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۰ - ۴

۴ لزوم تسلیم در برابر حق و پرهیز از بحث جدال آمیز

فان حاجوك فقل اسلمت

تشبیه حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۷۸،۲۲

۷ حق در تشبیه مانند باران و سیلاب است و باطل همسان کف های پف کرده بر روی آن

أنزل من السماء ماء فسالت أودية بقدرها فاحتمل السيل زبداً رابياً . . . كذلك يضرب ا

۸ حق در تشبیه همانند فلزات گداخته شده و ذوب گشته است و باطل بسان کف های ایجاد شده بر روی آن

و مما یوقدون علیه فی النار . . . زید مثله كذلك یضرب الله الحق و البطل

۲۲ همانندی حق با آب فرود آمده از آسمان و نیز با فلزات ذوب شده و همسانی

باطل با کف سیلاب ها و کف فلزات ذوب شده ، از ضرب المثل های قرآن است .

كذلك يضرب الله الحق و البطل .. كذلك يضرب الله الأمثال

تشخیص حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۹ - ۲،۳

۲ رعایت تقوا و ترس از خداوند ، موجب بهره مند شدن از بصیرتی ویژه و خدادادی برای شناخت حق و باطل

يأيتها الذين ءامنوا إن تتقوا الله يجعل لكم فرقانا

نکره آمدن کلمه <فرقانا> حکایت از آن دارد که این بصیرت خدادادی بصیرتی ویژه و غیر از عقل و فطرت و مانند آن است که خداوند به عموم انسانها عطا فرموده است.

۳ انسان های بی تقوا ، محروم از دستیابی به بصیرت ویژه الهی برای تمییز حق و باطل و شناخت حقایق

إن تتقوا الله يجعل لكم فرقانا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۱ - ۱۵،۱۶

۱۵ جنگ بدر ، میدان رویارویی جبهه ایمان و کفر ، صحنه تمایز حق و باطل و ثبوت حقانیت پیامبر (ص)

يوم الفرقان يوم التقى الجمعان

ال در <الفرقان> برای عهد است و اشاره به جنگ بدر دارد. و فرقان یعنی چیزی که به وسیله آن بین دو یا چند چیز تمایز داده می شود. خداوند از آن رو جنگ بدر را فرقان نامید که در آن نبرد، علی رغم وجود شرایط پیروزی برای مشرکان، مسلمانان پیروز شدند و این نشانه ای بود برای حقانیت پیامبر(ص) و دین اسلام.

۱۶ تمایز حق از باطل با امداد های ویژه خداوند در جنگ بدر نمودی

از قدرت مطلقه او

يوم الفرقان يوم التقى الجمعان و الله على كل شيء قدير

برداشت فوق بر این مبناست که جمله <و الله .. > ناظر به <يوم الفرقان > بودن جنگ بدر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۸ - ۳

۳- حضرت موسی و هارون (ع)، از قدرت تشخیص حق و باطل در پرتو لطف خدا برخوردار بودند .

و لقد اتینا موسی و هرون الفرقان

با توجه به معنای لغوی <فرقان > (شیء جدا کننده و متمایز ساز میان حق و باطل) برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۰ - ۷

۷- خداوند به داوود (ع)، منطقی نیرومند در شناساندن حق و باطل و نیز توانایی بر فیصله دادن به نزاع ها و خصومت ها اعطا کرد .

و اتینہ .. فصل الخطاب

<فصل > مصدر و به معنای چیزی را از چیز دیگری جدا کردن و نیز فیصله دادن نزاع ها و خصومت ها آمده است. اگر مراد آیه معنای اول باشد، کلمه <خطاب > به معنای سخن بوده و مقصود از <فصل خطاب > سخن جدا کننده حق از باطل و شناساننده صواب از ناصواب خواهد بود. و اگر معنای دوم مراد باشد، واژه <خطاب > به معنای خصومت و نزاع بوده و مقصود از <فصل خطاب > رفع خصومت ها و فیصله دادن به نزاع ها خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۱ - ۱۰

۱۰ - قیامت ، > کلمه

فصل < الهی و صحنه نهایی جداسازی حق و باطل

الذین یمارون فی الساعه . . . و ما له فی الآخره من نصیب ... و لولا کلمه الفصل لقضی

از آن جا که محور این چند آیه، مسأله ایمان به قیامت و محاسبه آن در معادلات رفتاری و اعتقادی است، عنوان < کلمه الفصل > بر این معنا منطبق است؛ یعنی، اگر قیامتی نبود می بایست دنیامداران در همین دنیا به کیفر کفرشان می رسیدند؛ ولی چون قیامت هست، عذاب دردناک آنان به آخرت وانهاده شده است.

تشخیص حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۸ - ۸

۸ - جامعه داستان پرداز و افسانه گرا، دارای ذهنیتی ناتوان و مغشوش در تشخیص حق و باطل

إن هذا إلا أسطیر الأولین

کافران عقیده به معاد را <أسطوره> می پنداشتند و این پندار نشانگر رواج افسانه ها در میان جوامع پیشین و ذهنیت مغشوش است که در نتیجه شیوع خرافات، پدید آمده بود و براساس آن هر سخن تازه ای را حکایتی ساخته و پرداخته افراد تلقی می کردند.

تشویق به حق شنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۳ - ۴

۴ پندپذیری و حرف شنوی، از اوصاف پسندیده و مورد تشویق خداوند

و الذین إذا ذکروا بأیت ربهم لم یخزوا علیها صمًا و عمیًا

تضاد حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴ - ۳

۳- التزام به دو امر حق و باطل ، در يك زمان ، ممكن نيست .

و لاتطع الكافرين

... و اتبع ما يوحى إليك من ربك ... ما جعل الله لرجل من قلبى

احتمال دارد ذکر <ما جعل الله لرجل...> برای تبیین امر لزوم تبعیت از وحی و نهی از اطاعت از کافران و منافقان باشد؛
یعنی، آیه می گوید تبعیت همزمان از تعالیم وحی و خواسته های کافران، قابل جمع نیست؛ چون انسان دارای دو قلب نیست
که با یکی، این و با دیگری، آن را قبول کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۴ - ۱۲

۱۲ - راه حق و باطل ، غیرقابل جمع باهم

و إنا أو إياكم لعلی هدی أو فی ضلل مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۹ - ۶

۶ - حق و باطل ، باهم قابل جمع نیستند .

قل جاء الحقّ و ما یبدئ البطل و ما یعید

تفاوت حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۳ - ۶

۶ - حق ناپذیران ، گونه ها و رتبه های متفاوت دارند . *

فإنك لاتسمع الموتی و لاتسمع الصمّ .. و ما أنت بهد العمی

ذکر صفات <موتی> ، <صمّ> ، <عمی> برای حق ناپذیران، احتمال دارد به خاطر وجود حقیقت خارجی آنان باشد که
دارای تفاوت هایی نیز هستند.

تفویض حق تشریح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - حق تشریح و قانون گذاری ، قابل تفویض از سوی خداوند

شرعوا لهم من الدين ما لم يأذن به الله

از مفهوم < ما لم يأذن به الله > مطلب

بالا استفاده می شود.

تقدس حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۴ - ۶

۶ - حق ، امری است بس با عظمت و مقدس .

قال فالحقّ و الحقّ أقول

سوگند خداوند بزرگ، به <حقّ> گویای عظمت و بزرگی آن است.

تکذیب آگاهانه حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۲۵

۲۵ کسانی که آگاهانه و از سر عناد و لجابت حقایق را منکر شوند، فاقد ارزش هستند.

ما أنزل الله علی بشر .. قل الله ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون

کاربرد واژه <ذر> در مواردی است که چیزی را به جهت حقارت و بی ارزشی آن رها کرده و از آن بگذرند. آیه شریفه نیز در مقام فرمان به ترکِ مخاصمه با یهودیانی که به جهت عناد با پیامبر(ص) اصل نزول وحی بر بشر را منکر شده اند، این واژه را به کار برده است.

تکذیب حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۱ - ۱۶

۱۶ لجابت در برابر حق و تکذیب آن ، موجب استحقاق لعن و نفرین خدا

فمن حاجک .. فنجعل لعنت الله علی الکاذبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ لزوم پرهیز از همنشینی با منکران و تکذیب گران حق و بدگویی کنندگان نسبت به حقگرایان

إذا سمعتم آیت الله یکفر بها و یستهزأ بها

امام رضا(ع) درباره آیه فوق فرمود: اذا سمعت الرجل یجحد الحق و یکذب به و یقع فی اهله فقم من

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۸۱، ح ۲۹۰؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۶۴، ح ۶۲۷.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۵،۶

۵ تکذیب آیات الهی، تکذیب حق است.

و ما تأتیهم من آیه... فقد کذبوا بالحق

۶ رویگردانی از آیات خداوند، تکذیب حق است.

إلا كانوا عنها معرضين. فقد کذبوا بالحق

تلاش برای حق پذیری فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۴ - ۳

۳ - تلاش موسی (ع) برای زنده ساختن اشتیاق شناخت حق در وجود فرعون و فرعونیان

قال رب السموت... إن كنتم موقنين

اقدام موسی(ع) به معلق کردن فهم گفته خویش بر شرط (إن كنتم موقنين) می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

تلاش برای حق پذیری فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۴ - ۳

۳ - تلاش موسی (ع) برای زنده ساختن اشتیاق شناخت حق در وجود فرعون و فرعونیان

قال رب السموت... إن كنتم موقنين

اقدام موسی(ع) به معلق کردن فهم گفته خویش بر شرط (إن كنتم موقنین) می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

تمایلات حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۰ - ۵

۵ - امیال و خواسته های انسان دو گونه است: برخی موافق با حق و هدایت الهی و برخی مخالف با آنها .

و من أضلّ ممّن اتّبع هویه

ضمیر <بغیر هدّی من الله> به اصطلاح می تواند احترازی باشد یعنی، آن دسته از هواپرستان

گمراه اند که خواسته های آنان برخلاف هدایت الهی باشد؛ و گرنه گمراه نخواهند بود؛ زیرا برخی از خواهش های نفسانی مطابق با هدایت است.

تمیز حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۷ - ۵

۵ - قیامت ، روز داوری و تمیز حق از باطل و سره از ناسره

إِنَّ اللَّهَ يَفْصَلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

تمیز حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۷ - ۱۹

۱۹ شناخت دقیق مرزهای حق و باطل، مقدمه ضروری برای حرکت در مسیر حق

يَقْصُ الْحَقُّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَصْلِينَ

تمیز حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۲ - ۵

۵ - انسان ، موجودی انتخاب گر و توانا بر تشخیص حق از باطل و پیمودن راه آن

فَمَنْكُمْ كَافِرٌ وَمَنْكُمْ مُؤْمِنٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱ - ۶

۶ - جن ، دارای شعور و قدرت شنوایی و آشنا به زبان انسان ها و تشخیص دهنده حق از باطل در معارف الهی و دینی

استمع نفر من الجنّ فقالوا إنا سمعنا قرءاً عجباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۳ - ۷

۷ - جن ، دارای قدرت شنوایی و تشخیص حق از باطل در معارف الهی

و أنا لما سمعنا الهدى ءامنّا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۸ - ۱،۲

۱ - قیامت ، روز جداسازی میان خلاق

و داوری میان حق و باطل است .

هذا يوم الفصل

<فصل> به حایل بین دو چیز و نیز به داوری میان حق و باطل گفته می شود (قاموس المحيط). روز قیامت، از این رو <یوم الفصل> نامیده شده که در آن روز، میان خلائق جدایی خواهد افتاد و حق از باطل تمیز داده شده و مورد داوری قرار خواهد گرفت.

۲ - جداسازی میان خلائق و داوری میان حق و باطل ، از مهم ترین خصیصه روز قیامت

هذا يوم الفصل

توصیف روز قیامت به <یوم الفصل> در سلسله آیات مربوط به حوادث قبل و بعد از برپایی قیامت، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۷ - ۲

۲ - متمایز شدن حق از باطل ، فلسفه برپایی قیامت

یوم الفصل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۳ - ۴، ۲، ۱

۱ - قرآن ، کلامی است که حق و باطل را به طور کامل متمایز می سازد .

إنه لقول فصل

از سیاق مطالب به دست می آید که مرجع ضمیر <إنه> قرآن است. <فصل> یعنی، جدا ساختن دو چیز از یکدیگر، به گونه ای که بین آن دو فاصله افتد (مفردات راغب). تعبیر <فصل> که مصدر است در معنای فاصل، مبالغه آمیز است و بر کمال جدایی دلالت دارد. برخی گفته اند: مراد از ضمیر در <إنه>، گفته های خداوند درباره معاد است که آیات پیش گویای آن بود. در این احتمال نیز <قول فصل> بودن آن آیات، به اعتبار قرآن بودن آنها است.

۲ - خداوند ، با سوگند به آسمان

و زمین ، بر فارق بودن قرآن بین حق و باطل ، تأکید ورزیده است .

و السماء . . . و الأرض ... إِنَّه لقول فصل

۴ - > [فی مجمع البیان فی قوله تعالی] > إِنَّه لقول فصل < یعنی إِنَّ القرآن یفصل بین الحقّ و الباطل بالبیان عن کلّ واحد منهما و روی ذلك عن الصادق (ع) ;

[در مجمع البیان در تفسیر قول خدای تعالی] > إِنَّه لقول فصل < [آمده است]: یعنی قرآن با بیان حقّ و باطل، آن دو را از یکدیگر جدا می سازد و این معنا از امام صادق(ع) روایت شده است.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۴ - ۲

۲ - پرندگان حمله‌ور به اصحاب فیل ، دارای شعور و قدرت تمییز بین نیروهای حق و باطل *

ترمیم بحجاره من سجیل

انتخاب سپاه ابرهه از بین مردمی که در آن منطقه حضور داشتند، بیانگر قدرت تشخیص پرندگان است.

تناقض گویی مکذبان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۵ - ۴

۴ تکذیب کنندگان حق قرآن ، پیامبر و معاد گرفتار سردرگمی و پریشان گویی

بل کذبوا بالحقّ لما جاءهم و هم فی أمر مریج

یکی از نمودهای پریشان گویی تکذیب گران معاد این است که می گویند چون بدن انسان در خاک متلاشی می شود پس چگونه می تواند از خاک دوباره برآید؟ این در حالی است که خود می دانند انسان برای نخستین بار نیز از همین خاک برآمده است.

تواضع برای حاکمان بر حق

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱۱

۱۱ لزوم احترام به حاکمان برحق و تواضع و خشوع در برابر آنان

و خَزُوا لَهُ سَجْدًا

توبه کتمان کنندگان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۰ - ۱،۳۸

۱ - کتمان کنندگان حقایق دینی در صورت توبه ، از لعنت خدا نجات یافته و از رحمت او برخوردار خواهند شد .

أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ .. إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا

۳ - اصلاح مفاسدی که بر اثر کتمان حقایق دین پدیدار شده و نیز بیان آن حقایق ، از شرایط پذیرش توبه کتمان کنندگان است .

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيْنُوا فَاُولَئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ

۸ - نباید کتمان کنندگان حقایق دینی را در صورتی که توبه کنند و گذشته را جبران نمایند ، نفرین کرده و خواهان دوری آنان از رحمت خدا شد .

و يَلْعَنُهُمُ اللَّعْنُونَ. إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيْنُوا

تورات و تشخیص حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۳ - ۳،۴

۳ - خداوند ، به جز تورات حقایق دیگری را - که وسیله تمیز حق از باطل بود - در اختیار موسی (ع) قرار داد .

و إِذْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ

عطف <الفرقان> بر <الكتاب> می تواند عطف صفتی بر صفت دیگر گرفته شود و هر کدام بیانگر بعدی از ابعاد تورات

باشد، یعنی، ما به موسی (ع) چیزی را عطا کردیم که هم کتاب بود و هم فرقان و می تواند مراد از کتاب و فرقان دو چیز متفاوت باشد، یعنی، به موسی

کتاب (تورات) دادیم و نیز به او فرقان عطا کردیم. بر این مبنا مراد از <فرقان> معجزات، براهین و مانند آن خواهد بود. (اقتباس از الکشاف)

۴- تورات، وسیله ای کارآمد برای تشخیص حق از باطل

و إذءاتینا موسی الکتب و الفرقان

<فرقان> یعنی، وسیله تمیز و تشخیص و مراد از آن - به مناسبت مورد - چیزی است که بتوان به وسیله آن، حق را از باطل در محدوده احکام و معارف الهی، متمایز ساخت.

توصیه به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۱

۱ - تنها مؤمنانی که کارهای شایسته انجام داده و یکدیگر را به پذیرش حق و شکیبایی توصیه می کنند، گرفتار خسارت نخواهند شد.

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خَسْرٍ . إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالصَّالِحِينَ وَتَوَّصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّصُوا

توصیه به حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۵

۵ - توصیه دیگران به پذیرش حق و شکیبایی در راه آن، مصداق بارز عمل صالح است.

عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ

عطف توصیه به حق و صبر که مصداق عمل صالح است بر انجام اعمال صالح، عطف خاص بر عام و نشانه اهمیت ویژه خاص است.

توصیه به حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - سیاحت در زمین برای مشاهده شهر های ویران شده و مطالعه در سرنوشت و فرجام شوم ستمگران تاریخ ، توصیه خداوند به گردنکشان و

حق ستیزان

أفلم يسيروا في الأرض فتكون لهم قلوب يعقلون بها

توکل حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۹ - ۸

۸ - خداوند ، تکیه گاهی قویم و مطمئن برای راهیان راه حق

و هو العزيز العليم . فتوكل على الله إنك على الحق

این که خداوند قبل از تشویق به توکل، موضع قویم و شکست ناپذیر خود را بیان داشته است می تواند به این دلیل باشد که مؤمنان با اطمینان بیشتری بر او تکیه کنند.

تهدید حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۴

۴ - خداوند ، مشرکان و کافران حق ستیز را کراراً به عذاب استیصال تهدید کرده است .

فإما نرينك بعض الذي نعدهم

فعل مضارع <نعد> دلالت بر استمرار می کند. این کلمه مشتق از <وعد> است و <وعد< هم در خیر استعمال می شود و هم در شر. چون در این جا ضمیر به مشرکان و کافران بر می گردد، برای شر و تهدید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۰ - ۹

۹ - تهدید حق ستیزان از سوی خداوند ، به محاکمه نهایی و مشاهده جزای خویش در فرجام

بلی و رسلنا لדיهم یکتبون

فعل <یکتبون> از یک سو می رساند که خداوند، همیشه حق ستیزان را به مجرد وقوع جرم جزا نمی دهد و از سوی دیگر

افاده می کند که تأخیر جزای آنان سبب غفلت نمی شود؛ زیرا فرشتگان آن را ثبت می کنند و در محاکمه نهایی مورد استفاده قرار می گیرد.

تهدید حق ستیزان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ - تهدید حق ستیزان عصر بعثت به محاکمه و مجازات در روز رجعت

و یوم نحشر من کلّ أمّه فوجًا ممّن یکذب بایتنا

ظاهراً آیه یاد شده، تعریض به رجعت کافران عصر بعثت نیز دارد.

تهدید حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۴

۴- پیامبر (ص)، مشرکان و کافران لجوج و حق ناپذیر را به جنگ و جهاد تهدید کرد .

فإن تولّوا فقلّ اذنتکم علی سواء

برداشت یاد شده بر اساس یکی از احتمالاتی است که میان مفسران در باره این آیه مطرح است و آن این که جمله <آذنتکم

علی سواء> تهدید به جنگ و هشدار به جهاد است. مانند آیه <فانبد إلیهم علی سواء> (انفال (۸) آیه ۵۸).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۷ - ۱۱

۱۱ - لهو گرایانِ مستکبرِ حق ناپذیر، مورد تهدید خداوند به عذابی بس دردناک اند .

و من الناس من یشتری لهو الحدیث .. ولی مستکبرًا... فبشره بعذاب ألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۷ - ۸

۸ - دلداری خداوند به مؤمنان و تهدید کافران و مشرکان حق گریز به انتقام و شکست

أليس الله بعزیز ذی انتقام

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ذیل آیه شریفه که از عزت و انتقام خداوند سخن گفته دارای لحن تهدیدآمیز است.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۹ - ۲

۲ - هشدار و تهدید ، از وظایف پیامبر اسلام (ص) در برخورد با کافران لجوج و حق ناپذیر

قل يقوم اعملوا علی مکانتکم انی عمل فسوف تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۷ - ۵

۵ - تهدید شدن کافران لجوج و حق گریز ، به نزول عذاب الهی

فستعلمون کیف نذیر

تهدید کافران حق ستیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۸ - ۷

۷ خداوند ، کافران عصر بعثت را در صورت از سرگیری شرارت ها به سرکوبی و نابودی تهدید کرد .

و إن یعودوا فقد مضت سنت الأولین

تهدید کافران حق ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۶ - ۴

۴- مشرکان و کافران حق ناپذیر و بهانه جو ، مورد تهدید خداوند

قالوا أبعث الله بشرًا رسولًا. قل كفى بالله شهيدًا بيني وبينكم

تذکر خداوند به گواه و ناظر بودن میان پیامبر (ص) و مشرکان حق ناپذیر، می تواند به منظور تهدید آنان باشد.

تهمت‌های حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۷ - ۱

۱- حق ناباوران کافر، آیات الهی را سحر و جادوئی روشن قلمداد می کردند .

و إذا تتلى عليهم آیتنا بینت قال الذین کفروا .. هذا سحر

جایگاه حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۸ - ۸

۸ - خداوند ، حق را در قلب های

شایسته قرار می دهد .

قُلْ إِنَّ رَبِّي يَقْضِي بِالْحَقِّ

احتمال دارد مراد از <يقضی بالحق> انداختن حق در قلب ها باشد. گفتنی است: ذکر صفت <عَلَامُ الْغُيُوبِ> برای خداوند پس از یادآوری ارائه شدن حق از جانب خداوند می تواند گویای این حقیقت باشد که چون خداوند به نهان های بشر آگاه است، می داند که چه کسی شایستگی آن را دارد تا حق را به قلب او القا کند.

جدایی حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۹ - ۳

۳- قیامت ، روز جدایی صف اهل حق و باطل است .

و امتزوا اليوم أيها المجرمون

برداشت فوق از آن جا است که جدا شدن صف مجرمان از مؤمنان به دلیل باطل و حق بودن آن دو صف است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۰ - ۳

۳- قیامت ، روز جدایی حق از باطل و تمایز حق مداران از باطل گرایان

إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ مِيقَتَهُمْ أَجْمَعِينَ

مراد از <فصل>، ممکن است جدا شدن صفوف حق و حق مداران، از باطل و باطل گرایان باشد.

جنیان حق ناپذیر در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۵ - ۴

۴ - ظالمان و حق ناپذیران جن ، همچون انسان ها ، به عذاب دوزخ گرفتار خواهند شد .

و أمّا القسطنون فكانوا لجهنم حطبًا

جوسازی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۹

۹ - جنجال آفرینی و هوچی گری ، از

شیوه های مخالفان جبهه حق

و قال الذین کفروا .. و الغوا فیہ لعلکم تغلبون

جهاد با حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۴

۴- پیامبر (ص) ، مشرکان و کافران لجوج و حق ناپذیر را به جنگ و جهاد تهدید کرد .

فإن تولوا فقل ءاذنتکم علی سواء

برداشت یاد شده بر اساس یکی از احتمالاتی است که میان مفسران در باره این آیه مطرح است و آن این که جمله <آذنتکم علی سواء> تهدید به جنگ و هشدار به جهاد است. مانند آیه <فانذ إليهم علی سواء> (انفال (۸) آیه ۵۸).

جهل حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۱۲

۱۲ - کافران حق ستیز ، فاقد بینش و درک لازم نسبت به مصالح و منافع خویش

بل أتینهم بذکرهم فهم عن ذکرهم معرضون

حامی حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۱ - ۶

۶ - دخالت خداوند در تحولات و حوادث تاریخ به نفع جریان حق

إنّا لننصر رسلنا و الذین ءامنوا فی الحیوه الدنیا

حتمیت پیروزی حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۸۲ - ۱

۱- سنت الهی حاکم بر جوامع انسانی ، علی رغم ناخوشایندی تبه کاران و مجرمان ، پایدار کردن و بر کرسی نشاندن حق است

و يحق الله الحق بكلمته و لو كره المجرمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- اسراء - ۱۷ - ۸۱ - ۱

فرمان خدا به پیامبر (ص) برای اعلام غلبه حتمی حق و اضمحلال قطعی باطل، به مشرکان مکه

و قل جاء الحقّ و زهق البطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۱ - ۲

۲ - غلبه حق بر باطل، قانون مکتوب الهی است .

كتب الله لأغلبنّ أنا و رسلی

حتمیت پیروزی حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۳ - ۱

۱ - پیروزی جبهه حق و لشکریان الهی، سنت و قضای حتمی و غیر قابل تخلف خداوند

و لقد سبقت كلمتنا لعبادنا المرسلین . . . و إنّ جنودنا لهم الغلبون

حتمیت حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۹ - ۷

۷ حق، امری گریزناپذیر، به رغم همه تلاش های بشر برای گریز از آن *

و جاءت سكره الموت . . . بالحقّ ذلكّ ما كنت منه تحید

واژه <بالحقّ> قیدی است که بیانگر علت نیز می باشد؛ یعنی، از آن جهت که حق است، حتماً تحقق پذیر خواهد بود؛ هر چند آدمی از حق و حقایق پس از مرگ، همواره روی گردان و گریزان است.

حتمیت شکست حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ شکست نهایی در جنگ بین حق و باطل ، سرنوشت محتوم حق ستیزان و باطل مداران مفسد است .

إن الله سيظلمه إن الله لا يصلح عمل المفسدين

حتمیت عذاب حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء

۳- گرفتاری به عذاب استیصال پیش از فرا رسیدن قیامت ، سرنوشت محتوم همه اقوام و جوامع کافر و مشرک حق ستیز است .

و إن من قرية إلا نحن مهلكوها قبل يوم القيمة

اینکه آیه می فرماید: همه جوامع بشری قبل از قیامت یا هلاک می شوند و یا دچار عذاب می شوند احتمال دارد که مراد از <مهلكوها> هلاکت انسانهای معمولی و مراد از <معدبوها> عذاب کافران و مشرکان باشد.

حتمیت عذاب حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۹ - ۲

۲ - عذاب مردم حق ناپذیر و لجوج ، امری قطعی و سنت تغییرناپذیر الهی

أفمن حقّ عليه كلمة العذاب أفأنت تنقذ من في النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۲ - ۸

۸ - حکم خداوند به عذاب مشرکان و کافران حق ناپذیر ، قطعی و قابل نقض و تغییر نیست .

فالحکم لله العلیّ الکبیر

آمدن دو صفت <علیّ> و <کبیر> برای خداوند (پس از ذکر حکم الهی درباره کافران و مشرکان) می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

حتمیت کیفر حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۶

۶ - مشرکان و کافران حق ستیز ، چون از بازگشت به سوی خدا و گرفتار شدن به عذاب جهنم راه فراری ندارند ، مهلت دادن خداوند به آنان نگران کننده نیست .

فإِذَا نَرَيْنَكَ بَعْضَ الَّذِي نَعْدُهُمْ أَوْ نَتُوفِّيَنَّكَ فإِلَيْنَا يَرْجِعُونَ

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱

۱ - عذاب سخت و دشوار الهی ، کیفری حتمی برای کافران حق ستیز

فلنذيقن الذين كفروا عذاباً شديداً

لام و نون تأکید در <لنذيقن> ، حاکی از حتمی بودن عذاب و کیفر می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۷ - ۶

۶- امکانات گسترده دنیوی ، مانع از مجازات الهی نسبت به حق ستیزان نخواهد بود .

إنهم جند مغرقون .. و نعمه كانوا فيها فكهين

حتمیت کیفر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۵ - ۱۵

۱۵- کیفر دادن حق ناپذیران ، سنت دیرپای الهی است .

و ما منع الناس أن يؤمنوا .. إلا أن تأتيهم سنّه الأولین

اضافه <سنه> به <الأولین> اضافه مصدر به مفعول است و مراد، سنت خداوند درباره انسان های گذشته است.

حتمیت هلاکت حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۶

۶ - هلاکت ، سرنوشت محتوم همه توان مندان حق ستیز تاریخ

و کم أهلکنا .. هل من محيص

حرمت کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۴

۴ - کتمان حقایق دینی و ایجاد عواملی برای ناشناخته ماندن معارف الهی ، امر نکوهیده و حرام است .

و لا تلبسوا الحق بالباطل و تکتموا الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۷ - ۸

۸ حرمت کتمان حقایق کتب آسمانی و وجوب اظهار معارف دینی

و اذ اخذ الله میثاق الذين اوتوا

الكتب لتبينته للناس و لا تكتُمونه

حشراخروی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۷ - ۷

۷- تأثیر عقیده و عمل گمراهان حق ناپذیر ، در قوای ادراکی و حسی (چشم ، گوش و زبان) آنان به هنگام حشر در قیامت

و نحشرهم یوم القیمه علی وجوههم عمیًا و بکمًا و صمًا

حق مالکیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۱۳

۱۳- امکان انفکاک حق مالکیت از حق تصرف

و لا تقربوا مال الیتیم .. حتی یبلغ أشده

از اینکه یتیم، علی رغم مالک بودنش، حق تصرف قبل از بلوغ را ندارد و اولیای وی، علی رغم مالک نبودنشان، حق تصرف در مال یتیم را دارند، به دست می آید که مالکیت و جواز تصرف، انفکاک پذیر هستند.

حق اطاعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۸ - ۴

۴ - پدر و مادر ، بر فرزندان حق اطاعت کردن دارند .

و إن جهداک لتشرک بی .. فلا تطعهما

حق الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ پیامبر (ص) موظف به گذشت از حقوق خویش بر مردم و طلب آمرزش برای آنان نسبت به حقوق الهی

فاعف عنهم و استغفر لهم

از اینکه پیامبر (ص) از یکسو مأمور به گذشت از مردم و از سوی دیگر مأمور به طلب مغفرت برای آنان از خدا می شود، می توان به دست آورد که مراد از <فاعف>، گذشت از حقوق

خود پیامبر (ص) و مراد از <فاستغفر>، طلب مغفرت در مورد حقوق خداوند است.

حق الله در محصولات کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۱ - ۱۰

۱۰ خداوند حقی برای خود در محصولات کشاورزی قرار داده است.

و ءاتوا حقه یوم حصاده

مرجع ضمیر <حقه>، به قرینه صدر آیه، ممکن است <الله> باشد.

حق الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۳ - ۴

۴ - مسکین ، دارای سهم غذا در اموال مردم *

طعام المسکین

اضافه <طعام> به <مسکین>، نشانگر استحقاق است، زیرا دلالت می کند که آن غذا، طعام خود مسکین است.

حق امر به معروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۴،۵

۴ امر به معروف و نهی از منکر ، حقی است برخاسته از شأن ولایت و سرپرستی عموم مؤمنان به یکدیگر .

و المؤمنون و المؤمنت بعضهم أولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر

۵ امر به معروف و نهی از منکر ، تبلور ولایت و محبت جامعه ایمانی نسبت به یکدیگر

و المؤمنون و المؤمنت بعضهم أولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر

حق انتخاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۴ - ۶

۶ آدمی برخوردار از حق انتخاب و گزینش، پس از رویارویی با حق و باطل است.

قد جاءكم بصائر من ربكم فمن أبصر فلنفسه و من عمى فعليها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۸ -

۶ - همه موجودات ، ناگزیر از اطاعت خداوند و تنها انسان دارای حق انتخاب آگاهانه

و النجم و الشجر يسجدان . . . و وضع الميزان . ألا تطغوا في الميزان

خداوند، در آیات پیشین <نجم> و <شجر> را تسلیم بی چون و چرای فرمان حق شمرده و هستی را مسخر قوانین دانسته است؛ اما تنها از انسان می خواهد که خود با اختیار و انتخاب سر بر آستان معیارها بساید.

حق اولویت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۵ - ۷۸، ۹، ۱۳

۷ خویشاوندان در برخوردار شدن از حقوق ولایت مقرر شده در میان مؤمنان ، بر غیر خویشان اولویت دارند .

و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض في كتب الله

۸ خویشاوندان در ارث بردن از یکدیگر بر غیر خویشان اولویت دارند .

و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض

برداشت فوق با توجه به روایات متعددی که درباره <اولوا الارحام> آمده، استفاده شده است. علاوه بر آن مفسران بزرگ شیعه و سنی جمله <اولوا الأرحام بعضهم ...> را بیان حکم ارث دانسته اند.

۹ اولویت خویشان در ارث بردن از یکدیگر ، حکمی است ثبت شده در کتاب الهی (قرآن)

و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض في كتب الله

<فی كتب الله> می تواند متعلق به کلمه ثابت و مانند آن و خبر برای مبتدایی محذوف باشد؛ یعنی: هذا الحكم ثابت فی كتب الله. همچنین می تواند متعلق به مضمون جمله <بعضهم أولى ببعض> باشد؛ یعنی متعلق به نسبت خبریه در آن جمله باشد. قابل ذکر است که مآل هر دو فرض به یک معناست.

۱۳ حکم ولایت مهاجر

و انصار بر یکدیگر و اولویت خویشان در آن ولایت ، حکمی بر اساس علم مطلق الهی

إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

جمله <إِنَّ اللَّهَ .. > پس از بیان احکام ذکر شده، در این آیه و آیات پیشین، اشاره به این حقیقت دارد که احکام و قوانین یاد شده احکامی عالمانه و نشأت گرفته از علم مطلق خداوند است.

حق بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶ - ۳

۳ تأمین روزی موجودات زنده ، حق آنها بر خداست .

و ما من دابة في الأرض إلا على الله رزقها

حق بر فرزندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۳ - ۱۱

۱۱ پدران دارای حق امر و نهی به فرزندان خویش

فَأَرْسَلْنَاكُمْ مَعَنَا أَهْلَانَا

حق بهره‌وری از زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۰ - ۵

۵ حق بهره‌وری از زمین و امکانات آن برای همه انسانهاست، نه گروهی خاص.

و لقد مكنكم في الأرض و جعلنا لكم فيها معيش

حق پذیران و آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۰ - ۲

۲ - حق باوران اهل یقین ، توانا به درک پیام های بایسته آیات الهی در زمین

و فی الأرض آیت للموقنین

حق پذیران و توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۷ - ۸

۸ شب و روز ، دارای نشانه های فراوان توحید ربوبی برای شنوایان حق پذیر

هو الذی جعل لکم

الَّيْلِ .. و النَّهَارِ ... إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ

حق پذیری اولوا الالباب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۱۷

۱۷ - تنها صاحبان عقل سلیم و خردناب ، پندپذیر و حق جو هستند .

إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ

<لُبِّ> (مفرد <ألباب>) به معنای عقل خالص و خردناب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۱ - ۱۷

۱۷ - تنها صاحبان عقل و خرد ، گروه حق جو و پندپذیراند .

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً .. إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِأُولَى الْأَلْبَابِ

حق پذیری جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۶ - ۶

۶ - تأثیر عمیق آیات الهی در آگاهان و اهل شناخت

فَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ساحران چون با افسون آشنا بودند و خیال را از واقعیت تشخیص می دادند، زودتر از دیگران به معجزه بودن کار موسی(ع) و حقانیت رسالت وی پی بردند.

حق پذیری خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - خدا ترسان و نماز گزاران ، بیشتر از دیگران ، حق پذیراند .

إِنَّمَا تَنْذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ

حق پذیری در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۸ - ۲

۲ - قیامت ، صحنه زانو زدن انسان و تسلیم الزامی او در برابر حق

و ترى كلّ أمّة جاثیه

حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۶ - ۷

۷ خداترسی ، انتقاد و نصیحت پذیری ، شرط لازم برای انتخاب حاکم

و اذا قيل له اتق الله

حق پذیری عاقلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۹ - ۲

۲ - انسان های عاقل و خردمند ، پذیرای حقانیت وعده های خداوند و تحقق روز جزا

يُؤفِكُ عَنْهُ مِنَ الْفِكْ

حق پذیری علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۲۰

۲۰ - پندپذیر و حقیقت جو بودن عالمان ، دلیل برتری آنان بر جاهلان است .

هل يستوى الذين يعلمون و الذين لا يعلمون إنما يتذكر أولوا الألب

جمله <إنما يتذكر أولوا الألب>، در مقام تعلیل برای جمله پیشین (هل يستوى الذين يعلمون ..) است، یعنی، عالمان با نادانان برابر نیستند، زیرا صاحبان خردناب که همان عالمان اند پندپذیر و حقیقت جو هستند.

حق پذیری علمای دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۴

۴- برخورداران از علم و آگاهی به معارف آسمانی ، دارای روحیه حق پذیری و خضوع در برابر آیات قرآن

إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ

حق پذیری علمای مسیحیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۹،۱۱

۹ مسیحیان و عالمان دینی آنان ، مردمی حق پذیر و برخوردار از سلامت نفس

الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصْرِي... وَانْهَمُ لَيْسْتَكْبُرُونَ

بنابر اینکه متعلق حذف شده از <لایستکبرون>

کلمه ای همانند < عن اتباع الحق > باشد، آیه بعد این معنا را تأیید می کند.

۱۱ تمجید خدا از کشیشان و راهبان وارسته و مسیحیان حق پذیر و فروتن

ذَلِكْ بَانَ مِنْهُمْ قَسِيْسِيْنَ وَ رَهْبَانًا وَ اَنْهَمْ لَايَسْتَكْبِرُوْنَ

حق پذیری محرومان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۳ - ۴

۴- ملت های محروم و رنج دیده ، دارای زمینه حق پذیری و گرایش به دین

و لقد اخترنهم . . . وءاتينهم

با توجه به سیاق آیات پیشین که فرعونیان را به دلیل رفاه مندی و اسرافگری، حق ناپذیر و محکوم به هلاکت معرفی کرده است می توان علت و انتخاب بنی اسرائیل را برای دریافت آیات و معجزات، محرومیت آنان از رفاه مندی و آمادگی آنان برای حق پذیری دانست. البته این هم آغاز یک آزمون است؛ نه امضای صلاحیت مطلق و بی استثنای آنان.

حق پذیری مستضعفان قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۱ - ۳

۳ - پیام نوح (ع) ، دارای جاذبه بیشتر برای طبقات محروم جامعه

قالوا اَنْؤْمِن لَكَ وَ اتَّبِعَكَ الْاَرْذَلُوْنَ

حق پذیری مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۹

۹ مسیحیان و عالمان دینی آنان ، مردمی حق پذیر و برخوردار از سلامت نفس

الذین قالوا اِنَّا نصری . . . و انهم لا يستکبرون

بنابر اینکه متعلق حذف شده از <لايستکيرون> کلمه ای همانند <عن اتباع الحق> باشد، آيه بعد اين معنا را تأييد می کند.

حق پذيری موحدان

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۰ - ۴

۴ - حق شنوی و حق پذیری ، نشانی از حیات جان و سلامت روان انسان در بینش الهی

إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى .. إِذَا وَلَّوْا مَدْبِرِينَ

خداوند، کافران حق ناپذیر را هم مرده خوانده است و هم ناشنوا، این نشان می دهد کسانی که حق را به جان می پذیرند و سخن حق را به گوش دل می شنوند، نه مرده اند و نه ناشنوا.

حق پذیری موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۳ - ۲۴

۲۴ موسی (ع) بدون هیچ درنگ پس از دریافت حقیقت (ناشدنی بودن رؤیت خدا) آن را پذیرفت و بدان اعتراف کرد .

قال .. و أنا أول المؤمنين

متعلق <المؤمنین> به قرینه فرازهای قبل (بانک لا-تری) است. کلمه <اول> در جمله <أنا أول المؤمنين> علاوه بر معنای مقدم بودن، معنای تأخیر نکردن را نیز می رساند. زیرا صحت این ادعا که شخص بخواهد اول مؤمن باشد، به این است که بی درنگ حقیقت رخ نموده را باور کند و به آن ایمان آورد، و گرنه این احتمال منتفی نیست که دیگری در این فاصله ایمان آورد و او نتواند اول مؤمن باشد.

حق پذیری مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۸ - ۱۸

۱۸ تنها مؤمنان و دارندگان روحیه باور و تصدیق ، تأثیرپذیر از انذار و بشارت انبیا و بهره مند از پیام های ایشان خواهند بود .

إن أنا إلا نذیر و بشیر لقوم یؤمنون

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۱۲

۱۲- مؤمنان ، برخوردار از روح تسلیم در برابر حق

لیثت الذین ءامنوا و هدی و بشری للمسلمین

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <للمسلمین> وصف دیگری برای <الذین ءامنوا> باشد نه بازگو کننده گروه دیگری از مردم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۵ - ۱

۱ - برخورداران از روحیه تواضع و حق پذیری ، تنها گروندگان به آیات الهی اند .

إنما يؤمن بآیتنا الذین إذا ذكروا بها خرّوا سجّداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱،۱۰

۱ - مؤمنان ، برخوردار از شرح صدر و روح تسلیم و انقیاد در برابر حق

أفمن شرح الله صدره للإسلام

<شرح> به معنای بسط و سعه است و شرح صدر به معنای بسط و گشادن سینه و قلب برای تحمل و پذیرش سخن حق است. <اسلام> در دو معنا به کار می رود ۱ تسلیم و انقیاد، ۲ دین اسلام. گفتنی است که برداشت بالا مبتنی بر معنای نخست اسلام است آیه شریفه نیز درصدد بیان اوصاف مؤمنان است.

۱۰ - وجود اختلاف اساسی انسان مؤمن حق پذیر و نرم دل با کافر حق ناپذیر و سنگدل ، از نظر شخصیت و سرنوشت

أفمن شرح الله صدره للإسلام فهو على نور من ربه فويل للقاسیه قلوبهم

<من> در آیه شریفه، اسم موصول و مبتدا است و خبر آن به قرینه جمله بعدی (فويل للقاسیه قلوبهم..) جمله ای محذوف می باشد. تقدیر کلام چنین است: <أفمن شرح

اللّٰه صـدره للإسلام ... كمن قسا قلبه >. بنابراین می توان گفت: آیه شریفه درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳ - ۲

۲- نیک فرجامی و غفران لغزش های مؤمنان ، نتیجه پیروی از حق و پیام پروردگارشان

و الذین ءامنوا .. ذلك بأنّ ... و أنّ الذین ءامنوا اتّبعوا الحقّ من ربّهم

حق پذیری مؤمنان به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۷ - ۹

۹ - معتقدان به قیامت ، به دور از باطل گرایي و ایمن از زیان اخروی

یومئذ یخسر المبطلون

برداشت بالا، با استفاده از مفهوم آیه صورت گرفته است.

حق پذیری مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۸ - ۱۵

۱۵ - بهره مندی از هدایت خاص خداوند ، در گرو تلاش و کوشش مناسب برای دریافت حقایق

الذین یستمعون القول .. أولئک الذین هدیهم اللّٰه

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند انسان هایی که به تلاش برای شنیدن و برگزیدن بهترین سخنان می پردازند، هدایت یافتگان خود شمرده است. گفتنی است مقصود از هدایت در آیه شریفه، هدایت خاص الهی است نه هدایت عام که برای همه انسان ها خواهد بود.

حق پذیری نماز گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۸ - ۹

۹ - خداترسان و نماز گزاران ، بیشتر از دیگران ، حق پذیراند .

إِنَّمَا تَنْذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۸ - ۳

۳ - تعیین تکلیف برای خلق ، در حیطه اختیار خداوند

و رَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ

جمله <يخلق ما يشاء> بیانگر مشیت و اراده تکوینی خدا و جمله <يختار> بیانگر اراده تشریحی او است؛ یعنی، <و یختار للخلق ما يشاء>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۹ - ۶

۶ - علم همه جانبه خداوند به نهان و آشکار مردمان ، دلیل انحصار حق تشریح و انتخاب پیامبر به او

و رَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ .. و رَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ

برداشت یاد شده بر این اساس است که آیه در مقام بیان علت منحصر بودن حق قانون گذاری و حق برگزیدن پیامبر به خداوند باشد که در آیه قبل، از آن سخن به میان آمده است؛ یعنی، چون خداوند به نهان و آشکار انسان ها آگاهی کامل دارد؛ پس تنها او شایسته قانون گذاری برای ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۰ - ۷

۷ - حکم و فرمان (تعیین تکلیف برای خلق و امر و نهی به آنان) ، تنها در حیطه اختیار خداوند است .

وله الحكم

تقدیم <له> (مسند) بر <الحکم> (مسند الیه) مفید حصر می باشد؛ یعنی، <ليس الحكم إلا لله>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - حق تشریح و قانون گذاری و نظام بخشی به باور ها

، تنها از آن خداوند است .

من الدين ما لم يأذن به الله

حق تشریح احکام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۱۳

۱۳ تنها خداوند دارای حق قانون گذاری و تشریح احکام است .

إن الحكم إلا لله

برداشت فوق بر این مبناست که مقصود از <حکم> حکم تشریحی باشد.

حق تصرف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۱۳

۱۳- امکان انفکاک حق مالکیت از حق تصرف

و لا تقربوا مال الیتیم .. حتی یبلغ أشده

از اینکه یتیم، علی رغم مالک بودنش، حق تصرف قبل از بلوغ را ندارد و اولیای وی، علی رغم مالک نبودنشان، حق تصرف در مال یتیم را دارند، به دست می آید که مالکیت و جواز تصرف، انفکاک پذیر هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۲ - ۲

۲ - انسان ، دارای حق تصرف و بهره برداری در تمام محصولات طبیعت

متعاً لكم

حق تمتع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۲ - ۴،۵

۴ - همه انسان ها دارای حق بهره گیری از مواهب طبیعی و نعمت های الهی هستند .

فَأُخْرِجْ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ

۵ - همه انسان ها ، دارای حق تصرف در گسترده زمین هستند .

الذی جعل لکم الأرض فرشاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۹ - ۴

۴ - همه انسان ها دارای حق بهره گیری از مواهب زمین

خلق لکم ما فی الأرض

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۸ - ۶

۶ - بهره برداری از زمین حق همه انسانهاست و اختصاص به گروه و یا امتی خاص (مسلمان و یا ...) ندارد .

يَأْيِهَا النَّاسِ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۳ - ۶

۶- همه انسان ها (مؤمن و کافر) دارای حق بهره‌وری از طبیعت

الله الذی خلق .. رزقاً لکم ... و سخر لکم الشمس و القمر دائین و سخر لکم ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۵ - ۵

۵ - استخدام طبیعت و بهره‌گیری از منافع آن ، حق مشروع و متساوی همه انسان ها

ألم تر أن الله سخر لکم ما فی الأرض

رام قرار داده شدن آنچه در زمین است برای انسان، مستلزم این حقیقت است که همه انسان ها در بهره برداری از زمین و آنچه در آن است، از حق برابری برخوردار می باشند و هیچ کس حق ندارد، دیگری را از این حق باز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۰ - ۹

۹ - تمامی موجودات زمین ، دارای حقی برابر در تأمین نیازمندی های خویش از زمین

و قدر فیها .. سواء للسائلین

برداشت بالا- با توجه به دو نکته است: ۱ <سواء> مفعول مطلق برای فعل مقدر باشد، یعنی، <إستوت الأتوات المقدره سواء للسائلین>. ۲ مراد از سائلین تمامی موجودات باشد.

حق جویی اصحاب کهف

- سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰ - ۹

۹- اصحاب کهف ، حقّ جوئیانی اقدام گر و متکی بر امداد الهی بودند .

إذ أوى الفتيه إلى الكهف فقالوا ربنا ءاتنا من لدنك رحمه

حق حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۸ - ۵

۵- هر انسانی ، دارای حق حیات است و سلب کننده آن در قیامت باید پاسخگو باشد .

و إذا الموءوده سئلت

ذکر <موءوده> (دختر زنده به گور شده) به جهت پیشگیری از ارتکاب این جنایت بوده است؛ و گرنه حرمتِ گرفتن جان دیگران، اختصاص به این نوع خاص ندارد.

حق در قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۸ - ۱۰

۱۰ - داوری خداوند ، بر اساس حق است .

فإذا جاء أمر الله قضی بالحقّ

حق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۸ - ۲

۲ حق (نوع شایسته و بایسته رفتار و اندیشه ها در پیشگاه خداوند)، وسیله سنجش اعمال و عقاید در قیامت است.

برداشت فوق مبتنی بر این است که <الحق> خبر برای <الوزن> باشد و کلمه <الوزن> به معنای میزان (مقیاس سنجش) باشد. مانند مثقال و کیلو که مقیاس سنجش و تعیین کننده سبکی و سنگینی اشیاء است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۳ - ۱،۲

۱ - قیامت ، روز جداسازی میان خلاق و داوری میان حق و باطل است .

لیوم الفصل

<فصل> به حایل بین

دو چیز و نیز به داوری میان حق و باطل گفته می شود (قاموس المحيط). روز قیامت چنان که مفسران گفته اند از این رو <یوم الفصل> نامیده شده که در آن روز، میان خلائق جدایی ایجاد شده و حق از باطل تمیز داده خواهد شد و مورد داوری قرار خواهد گرفت.

۲ - جداسازی میان خلائق و داوری میان حق و باطل ، از مهم ترین خصیصه روز قیامت

لیوم الفصل

توصیف روز قیامت به <یوم الفصل>، در سلسله آیات مربوط به حوادث قبل و بعد از برپایی قیامت، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۴ - ۱

۱ - شناخت ژرفای حقیقت و عظمت روز قیامت (روز داوری میان اهل حق و باطل) ، بس دشوار و دست نیافتنی برای بشر

و ما أدریک ما یوم الفصل

از تعبیر <و ما أدراک..> (چه چیز آگاه ساخت تو را...) استفاده می شود: قیامت، حقیقتی بس بزرگ و عمیق است که کسی به درستی و شایستگی از آن آگاه نیست و تنها در پرتو وحی الهی، قابل شناخت است.

حق دفاع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۳،۱۵

۳ - جنگ و پیکار آوارگان با زورگویانی که آنان را به جرم ایمان و خداخواهی از سرزمین شان بیرون کردند ، حقی است مشروع که خدا به آنان داده بود .

أذن للذین یقتلون .. الذین أخرجوا من دیرهم

۱۵ - دفاع ، حقی مشروع در تمامی شریعت های آسمانی

و لولا دفع الله .. لهدمت ... و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۱ - ۹

۹ - لزوم اعطای فرصت به متخلف برای دفاع از خود

لَأَعَذَّبَنَّهٗ ... أَوْ لِيَأْتِيَنَّكَ بِسُلْطٰنٍ مّبِينٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۲

۲ تأکید هابیل بر پیشدستی نکردن در قتل برادر، در عین حفظ حق دفاع از خویش در برابر تهاجم وی

انی ارید ان تبوا باثمی

چنانچه مراد از <اثمی>، گناهی باشد که از کشته شدن احتمالی قایل به دست هابیل صورت گیرد، معلوم می شود هابیل خاطر نشان ساخته است که من اگرچه قصد کشتن تو را ندارم ولی از خود دفاع می کنم، هر چند به کشتن ناخواسته تو بینجامد.

حق دفاع از خود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۴ - ۹

۹ - لزوم فرصت دادن به متهمان برای دفاع از خود

لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ

حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۵، ۴

۴ - کتمان محتوای کتاب های آسمانی، کتمان حق است و کتمان کنندگان مردمی حق ستیزند.

ذلك بأن الله نزل الكتب بالحق

۵ - حق ستیزی و حق پوشی علمای یهود و نصارا

إن الذين يكتُمون .. ذلك بأن الله نزل الكتب بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۴ - ۸،۹

۸ خداوند ، بر دل های تکذیب کنندگان پیامبران پس از نوح (ع) ، به علت رسوخ صفت

تجاوز و حق ستیزی در نفس آنان ، مهر زده بود .

فما كانوا ليؤمنوا بما كذبوا به من قبل كذلك نطبع على قلوب المعتدين

تعبیر به اسم فاعل (المعتدين) بدون لحاظ زمان و مفعول، بیانگر ثبوت مبدأ اشتقاق (اعتدا) در ذات (مکذبان) است.

۹ تکذیب کنندگان پیامبران پس از نوح (ع) مردمی تجاوزپیشه و حق ستیز بودند .

فما كانوا ليؤمنوا بما كذبوا به من قبل كذلك نطبع على قلوب المعتدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۹ - ۳

۳ - امکان پیدایش افرادی حق ناپذیر و دین ستیز در جامعه ، با وجود شناخت کامل حق و حقانیت دین

ألم تر إلى الذين يجدلون في آيات الله أنى يصرفون

حق ستیزان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۶

۶ - حق ستیزی موجب گمراهی ، محرومیت از لطف و مغفرت خدا و گرفتار شدن به آتش دوزخ می باشد .

لايكلهم الله يوم القيامة .. ذلك بأن الله نزل الكتب بالحق

برداشت فوق بر این اساس است که <ذلك> اشاره به عقوبتهای مطرح شده در آیات قبل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۳ - ۶

۶ - اسراف گران و افراط کنندگان در گناه و حق ستیزی ، اهل دوزخ اند .

و أن المسرفين هم أصحاب النار

<اسراف> به معنای افراط است و مقصود از <مسرفين> در آیه شریفه، کسانی اند که در گناه و حق ستیزی افراط می کنند.

۱ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در قیامت به آب داغ و پر حرارت افکنده خواهند شد .

یسحبون . فی الحمیم

یکی از معانی <حمیم>، آب داغ و پر حرارت است.

۲ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در انبوهی از آتش دوزخ سوزانده خواهند شد .

ثمّ فی النار یسجرون

<سجر> در اصل به معنای پر کردن تنور از آتش گیره برای بر افروختن و تقویت آتش آن است. اسناد فعل <یسجرون> به اشخاص، اسناد مجازی است. مقصود از آن فراگرفتن آتش زیاد بر تمامی وجود دوزخیان می باشد.

۳ - عذاب شدن کافران حق ستیز و ستیزه جو به آتش دوزخ ، پس از کیفر شدنشان با آب داغ و پر حرارت خواهد بود .

فی الحمیم ثمّ فی النار یسجرون

برداشت یاد شده از آمدن <ثم> که نوعاً برای تراخی زمانی است، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۴ - ۳

۳ دوزخ ، فرجام هر کفرپیشه معاند حق ستیز

ألقیا فی جهنّم کلّ کفار عنید

حق ستیزان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۱ - ۱،۲،۳

۱ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در روز قیامت غل به گردن خواهند داشت .

الذین یجدلون .. إذ الأغلل فی أعنقهم

۲ - کافران حق ستیز و ستیزه جو در قیامت ، با زنجیر بر روی زمین کشان کشان برده می شوند .

و السلسل یسحبون

<سلسله> (مفرد <سلاسل>) به معنای حلقه ای منظم از نظر طول است ؛ یعنی، زنجیر. <سحب>

(مصدر <يسحبون>) به معنای کشاندن چیزی بر سطح زمین است.

۳ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، هنگام گرفتار شدن به عذاب الهی ، به عمق بطلان راه خود و پیامد رفتارشان آگاه خواهند شد .

فسوف يعلمون . إذ الأغلل في أعنقهم و السلسل يسحبون

برداشت یاد شده، از آن جا است که ظرف <إذ الأغلل .. > متعلق به <يعلمون> می باشد. <يسحبون> نیز حال از ضمیر <هم> در <في أعنقهم> است؛ یعنی، به زودی می دانند آن گاه که غل در گردن هایشان باشد و با زنجیر کشان کشان برده می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۲ - ۱

۱ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در قیامت به آب داغ و پر حرارت افکنده خواهند شد .

يسحبون . في الحميم

یکی از معانی <حميم>، آب داغ و پر حرارت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۰ - ۴

۴ قیامت ، روز تحقق هشدارها و انذارهای الهی برای کافران و حق ستیزان

و نفخ في الصور ذلك يوم الوعيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۶ - ۵

۵ - ظهور ماهیت زشت حق ستیزان منکر پیامبران ، در روز قیامت *

سيعلمون غداً من الكذاب الأشر

احتمال دارد <غداً> اشاره به روز قیامت داشته باشد.

حق ستیزان و محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۴

۴ - کفرپیشگان حق ستیز ، ناتوان از برخورد منطقی با پیامبر

(ص) و قرآن

و قال الذين كفروا لاتسمعوا لهذا القرآن و الغوا فيه

حق ستیزان هنگام عذاب استیصال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۱ - ۲

۲ کفرپیشگان و حق ستیزان ، به هنگام وقوع عذاب استیصال ، دست از کفر کشیده ، ایمان خواهند آورد .

أثم إذا ما وقع ءامنتم به ءالئن

حق ستیزی آل فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۱ - ۳

۳ - خاندان فرعون ، محور اصلی حق ستیزی و مخالفت با وحی ، در جامعه خویش

و لقد جاء ءال فرعون النذر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که در آیات گذشته، در مقام بیان سرگذشت حق ستیزان، نام اقوام آمده است؛ اما در این آیه مخالفان حق با عنوان <آل فرعون> مطرح شده اند.

حق ستیزی اخروی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۹

۹ - قیامت ، روز کیفر مشرکان به خاطر ستیزه گری های آنان با پیام حق

حتى یلقوا یومهم الذی یوعدون

حق ستیزی اصحاب رس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۲ - ۳

۳ قوم نوح ، اصحاب رسّ و ثمود ، از اقوام حق ستیز و تکذیب کننده رسولان الهی

کذّبت قبلهم قوم نوح و أصحاب الرسّ و ثمود

حق ستیزی اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۹ - ۱۵

۱۵- اقوام کفرپیشه ، با مشاهده دلایل روشن انبیا

، تلاش گسترده ای به عمل آوردند تا آنان را به سکوت وادارند و مانع تبلیغشان شوند .

جاءتهم رسلهم بالبینة فردوا ایدیهم فی أفوههم و قالوا إنا کفرنا بما أرسلتم به

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که فاعل <ردّوا> اقوام یاد شده و مرجع ضمیر <أیدیهم> انبیا و یا اقوام و مرجع ضمیر <أفوههم> انبیا باشد. در این صورت به معنای این خواهد بود که: آن اقوام دستان انبیا یا دستان خود را بر دهان انبیا می گذاشتند.

حق ستیزی اکثریت اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۴ - ۴

۴ نابودی بسیاری از اقوام ، در نتیجه حق ستیزی و تکذیب پیامبران

کذّبت قبلهم .. فحقّ وعید

حق ستیزی اکثریت مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۰ - ۸

۸ - رسوخ روحیه کفر و حق ستیزی ، در اکثریت شرک پیشگان صدر اسلام

و ما کان اکثرهم مؤمنین

گرچه ضمیر <هم> در <اکثرهم> به مردم ایکه باز می گردد؛ اما در عین حال تعریض به مشرکان صدر اسلام نیز دارد.

حق ستیزی امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۴ - ۳

۳ - حق ستیزی و سرکشی در برابر پیامبران الهی ، خصیصه حاکم بر جوامع بشری در طول تاریخ

کلّ ما جاء أمّه رسولها کذبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۷

۷ - همه امت ها با حربه باطل ، به جدال و ستیزه با حق برخاستند تا

آن را از بین ببرند .

كذبت قبلهم قوم نوح . . . و جدلوا بالبطل ليدحضوا به الحق

<إدحاض> به معنای ابطال و از بین بردن است.

حق ستیزی دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۹ - ۳

۳ - حمایت های جدی و مکرر خداوند از پیامبر (ص) و اسلام ، در برابر سرسختی و حق ستیزی دشمنان

أم أبرموا أمراً فإنا مبرمون

حق ستیزی دشمنان اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۲ - ۳

۳ - آرزومندان نابودی اسلام و پیامبر (ص) ، مردمی طغیانگر و حق ستیز

نترّبص به ريب المنون . . . أم تأمرهم أحلمهم بهذا أم هم قوم طاغون

حق ستیزی دشمنان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۲ - ۳

۳ - آرزومندان نابودی اسلام و پیامبر (ص) ، مردمی طغیانگر و حق ستیز

نترّبص به ريب المنون . . . أم تأمرهم أحلمهم بهذا أم هم قوم طاغون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۹ - ۳

۳ - دلجویی خداوند از پیامبر (ص) در قبال کفر و حق ستیزی دشمنان

كذبت قبلهم قوم نوح

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ضمیر <قبلهم> به کافران عصر پیامبر بازمی‌گردد و در آیات پیشین نیز افعال <إن یروا..> و <کذبوا> و <اتبعوا> نظر به ایشان دارد.

حق ستیزی رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸

۲ - سران کفر و شرک ، آن چنان لجوج و حق ستیز بودند که تنها نزول عذاب ناگهانی پایان بخش تکذیب آنان بود .

و ما ينظر هؤلاء إلا صيحة وحده

بیشتر مفسران بر این عقیده اند که مقصود از این که کافران تنها در انتظار نزول عذاب سهمگین هستند، بیان این حقیقت است که آنان از سر لجاجت، بر راه نادرست خود تا پایان عمر پای می فشرند و به حقیقت اسلام تن در نمی دهند.

حق ستیزی رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۵ - ۲

۲ - سران کفر و شرک ، آن چنان لجوج و حق ستیز بودند که تنها نزول عذاب ناگهانی پایان بخش تکذیب آنان بود .

و ما ينظر هؤلاء إلا صيحة وحده

بیشتر مفسران بر این عقیده اند که مقصود از این که کافران تنها در انتظار نزول عذاب سهمگین هستند، بیان این حقیقت است که آنان از سر لجاجت، بر راه نادرست خود تا پایان عمر پای می فشرند و به حقیقت اسلام تن در نمی دهند.

حق ستیزی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۶

۶ - بی دادگران کفرپیشه تاریخ ، مردمانی حق ستیز و غیر قابل آشتی با آیات وحی و رسولان الهی

و إن الظلمين لفي شقاق بعيد

حق ستیزی علمای مسیحیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۵

۵ - حق ستیزی و حق پوشی علمای یهود و نصارا

إن الذين يكتُمون .. ذلك بأن الله

نزل الكتب بالحق

حق ستیزی علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۵

۵ - حق ستیزی و حق پوشی علمای یهود و نصارا

إن الذين يكتُمون .. ذلك بأن الله نزل الكتب بالحق

حق ستیزی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۴ - ۱

۱ - واکنش حق ستیزانه فرعون در قبال دو معجزه روشن موسی (ع)

قال للملأ حوله إن هذا لسحر عليم

حق ستیزی فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۷ - ۳

۳- وجود نوعی مشابهت در عملکرد ، میان مشرکان مکه و فرعونیان در حق ستیزی و مقابله با رسول الهی

و لقد فتنّا قبلهم قوم فرعون و جاءهم رسول كريم

تعبیر <قبلهم>، نوعی ارتباط و همگونی میان مشرکان مکه و فرعونیان را می رساند.

حق ستیزی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۶ - ۲

۲- وعده خداوند ، به مجازات قوم حق ستیز ثمود و نزول عذاب استیصال بر آنان

سيعلمون غداً من الكذاب الأشر

<غداً> ظاهراً اشاره به هنگام نزول عذاب دنیوی دارد؛ و نه قیامت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۷ - ۳

۳- اعطای معجزه به صالح پیامبر (ع) ، زمینه ساز نزول عذاب بر قوم حق ستیز ثمود

سيعلمون غداً من الكذاب الأشر . إنا مرسلوا الناقه فتنه لهم

با توجه به ارتباط <إنا مرسلوا الناقه> با آیه قبل، استفاده می شود

که ظهور حقانیت صالح و کذب و غرور قوم ثمود، امری محقق شدنی است، اما پس از اتمام آخرین حجت ها و اعطای معجزه به ایشان.

حق ستیزی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۵ - ۱۰

۱۰- سرنوشت شوم حق ستیزی قوم عاد ، درسی برای مجرمان همیشه تاریخ

كذلك نجزي القوم المجرمين

تعبیر <كذلك> و به رخ کشیدن سنت، در حقیقت اشاره به مطلب بالا دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۱ - ۲

۲ - کفر و حق ستیزی قوم عاد ، منتهی به عذاب الهی با بادی ویرانگر

و فی عاد إذ أرسلنا عليهم الريح العقيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۸ - ۱

۱ - قوم عاد ، از جمله ملت های حق ستیز و تکذیب گر پیامبران

كذبت عاد

حق ستیزی قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۴ - ۱

۱ - مجازات قوم حق ستیز لوط ، به وسیله طوفانی از شن و سنگریزه

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا

<حاصب> به باد شدیدی که با خود سنگریزه حمل کند، گفته می شود (مختار الصحاح).

حق ستیزی قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۲ - ۳

۳ قوم نوح ، اصحاب رسّ و ثمود ، از اقوام حق ستیز و تکذیب کننده رسولان الهی

کذّبت قبلهم قوم نوح و أصحاب الرسّ و ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر

۲- یأس و ناامیدی نوح (ع) از هدایت پذیری قوم حق ستیز خویش

فدعا ربّه أنّی مغلوب فانتصر

از تعبیر <مغلوب>، استفاده می شود که نوح(ع) خود را در موضعی یافت که دیگر تنها چاره را در انتقام الهی از قوم حق ستیزش می دید.

حق ستیزی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۴۴ - ۳

۳ حق ستیزی و هدایت ناپذیری کافران ، پیامد ظلمی است که آنان بر خودشان کرده اند .

و منهم من يستمعون إليك ... و منهم من ينظر إليك ... و لكن الناس أنفسهم يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۶ - ۸

۸- خارج کردن حق از صحنه ، با باطل نشان دادن چهره آن ، از شیوه های تبلیغاتی کفرپیشگان است .

و يجدل الذين كفروا بالباطل ليدحضوا به الحقّ

<إدحاض> به معنای <إبطال> و <إزاله> است. <لیدحضوا به الحقّ> یعنی: <کفرپیشگان، با مجادله باطل، سعی در ابطال و ازاله حق دارند.>. روشن است که حق، قابل ابطال نیست، لذا تعبیر <خروج از صحنه> و <باطل نمایی> در برداشت به کار رفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۶

۶- بی دادگران کفرپیشه تاریخ ، مردمانی حق ستیز و غیر قابل آشتی با آیات وحی و رسولان الهی

و إنّ الظلمين لفي شقاق بعيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۰ - ۸

۸ - حق ستیزی ، انگیزه

اصلی بیشتر کافران منکر قرآن و پیامبر (ص) بود، نه ناشناخته بودن حقانیت آن دو برای آنها.

أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّهٌ... وَأَكْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ كَرهُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۰ - ۱۰

۱۰ - شرارت و حق ستیزی کافران در دنیا، گواه حق گریزی آنان پس از بازگشت دوباره به دنیا

قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ... كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۴

۴ - دلجویی خدا از پیامبر (ص) در قبال حق ستیزی های کافران

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ

آیه فوق در عین این که تهدیدی برای کافران و حق ستیزان است، مایه دلداری پیامبر(ص) نیز هست، چه این که توجه به مقهوریت حق ستیزان در برابر عزت و اقتدار خداوند، خود آرامشی برای پیامبر(ص) و مؤمنان است که همواره از آنان در رنج بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۱۹

۱۹ - دلجویی خداوند از پیامبر (ص)، در برابر حق ستیزی و هدایت ناپذیری کافران و مشرکان

وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۴ - ۷

۷ - ناباوری کافران به روز های تحقق وعده ها و وعید های خداوند، عامل حق ستیزی آنان *

يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ

از این که خداوند از مشرکان و حالت روحی شان با عنوان <لایرجون آیام الله> یاد

فرموده؛ استفاده می شود که ایمان نداشتن آنان به وعده ها و وعیدهای خداوند، عامل ستیزه گری آنان با مؤمنان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جایه - ۴۵ - ۳۵ - ۵

۵ - محکومیت ابدی کافران مستکبر به عذاب همیشگی دوزخ ، نتیجه حق ستیزی و دنیا محوری آنان

اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَ غَرَّتَكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ لَا يَخْرُجُونَ مِنْهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۲ - ۳

۳ - دلجویی خداوند از پیامبر (ص) ، در برابر حق ستیزی و اتهام های ناروای کافران

كذَلِكَ مَا أَتَى . . . إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۲ - ۳

۳ - تلاش کافران ، برای خدشه دار ساختن قرآن ، کاری بازیگرانه و بی فرجام

الَّذِينَ هُمْ فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که مراد از <خوض>، نقد و انتقادهایی باشد که کافران از سر تکذیب نسبت به قرآن انجام می دهند و اطلاق لعب بر این عمل از آن جهت باشد که نتیجه ای، عاید آنان نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۰ - ۲

۲ - توبیخ کافران از سوی خداوند ، به خاطر موضع گیری علیه دعوت حق و بی چشمداشت پیامبر (ص)

أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - جبهه کفر ، متکی به جمعیت و اتحاد نیرو های خود

برای مقابله با حق

أم يقولون نحن جميع منتصر

<جميع> <خير> <نحن> است؛ یعنی، ما جماعتی هستیم که با حیثیت جمعی خویش پیروزمندیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۱ - ۶

۶ - مشرکان صدراسلام، پیشوای کافران گذشته تاریخ در کفر و حق ستیزی *

و لقد أهلكنا أشياعكم

با توجه به این که <شیعه> به معنای پیرو است و از نظر زمانی کفار مکه دنباله رو کافران گذشته اند؛ احتمال می رود که اطلاق <أشیاع> بر کافران گذشته تاریخ از آن جهت باشد که مشرکان مکه در کفر و حق ستیزی، گوی سبقت را از پیشینیان خود ربوده اند، به گونه ای که باید پیشینیان را پیرو آنها به حساب آورد و آنان را پیشوای گذشتگان.

حق ستیزی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۳ - ۲، ۱

۱ - کافران و مشرکان صدراسلام، آیات الهی را از سر لجاج و ستیزه جویی، انکار می کردند؛ نه از روی جهل و ناآشنایی به آن.

كذلك يؤفك الذين كانوا بأيت الله يجحدون

<جحد> (مصدر <يجحدون>) به معنای انکار چیز معلوم و روشن است. آیه شریفه به منزله تعلیل برای مضمون آیه قبل است که در آن، از انکار آیات الهی و دور شدن از عبادت خداوند، اظهار شگفتی شده بود.

۲ - کافران و مشرکان صدراسلام، مردمی لجوج، ستیزه جو و حق ناپذیر

كذلك يؤفك الذين كانوا بأيت الله يجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - تحریم گوش

فرا دادن به قرآن ، از سوی کافران عصر پیامبر (ص)

و قال الذين كفروا لاتسمعوا لهذا القرآن

حق ستیزی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۶

۶ - کافران مکه ، در تلاش برای غلبه بر قرآن و پیام وحی

و قال الذين كفروا لاتسمعوا .. لعلکم تغلبون

حق ستیزی مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۳ - ۱۰

۱۰ - اتهام ، و نیز ادعای برتری در آیین و روش زندگی ، شیوه مستکبران در برخورد با حق و آیین پیامبران

إن هذن لسحرن .. بطریقتم المثلی

حق ستیزی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۱۹

۱۹ - دلجویی خداوند از پیامبر (ص) ، در برابر حق ستیزی و هدایت ناپذیری کافران و مشرکان

و ما أنت علیهم بوکیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۶ - ۱۶

۱۶ - دلداری خداوند به پیامبر (ص) ، در برابر حق ستیزی و دشمنی مشرکان و تهدید آنان به کیفر و عذاب

أنت تحکم بین عبادک فی ما کانوا فیہ یختلفون

از تعلیم خداوند به پیامبر(ص)، مبنی بر درخواست داوری از او درباره مشرکان حق ستیز، برداشت بالا به دست می آید.

حق ستیزی مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۶ - ۶

۶ - مشرکان تکذیب گر و حق ستیز عصر بعثت ، مردمی پندناپذیر و کوردل

و إن یکذبوک

... أفلم يسيروا في الأرض ... القلوب التي في الصدور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۳ - ۱

۱ - کافران و مشرکان صدراسلام ، آیات الهی را از سر لجاج و ستیزه جویی ، انکار می کردند ؛ نه از روی جهل و ناآشنایی به آن .

كذلك يؤفك الذين كانوا بأيت الله يجحدون

<جحد> (مصدر <يجحدون>) به معنای انکار چیز معلوم و روشن است. آیه شریفه به منزله تعلیل برای مضمون آیه قبل است که در آن، از انکار آیات الهی و دور شدن از عبادت خداوند، اظهار شکفتی شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۱ - ۶

۶ - مشرکان صدراسلام ، پیشوای کافران گذشته تاریخ در کفر و حق ستیزی *

و لقد أهلكنا أشياعكم

با توجه به این که <شیعه> به معنای پیرو است و از نظر زمانی کفار مکه دنباله رو کافران گذشته اند ؛ احتمال می رود که اطلاق <أشیاع> بر کافران گذشته تاریخ از آن جهت باشد که مشرکان مکه در کفر و حق ستیزی، گوی سبقت را از پیشینیان خود ربوده اند، به گونه ای که باید پیشینیان را پیرو آنها به حساب آورد و آنان را پیشوای گذشتگان.

حق ستیزی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۷ - ۳

۳- وجود نوعی مشابهت در عملکرد ، میان مشرکان مکه و فرعونیان در حق ستیزی و مقابله با رسول الهی

و لقد فتنا قبلهم قوم فرعون و جاءهم رسول كريم

تعبیر <قبلهم>، نوعی ارتباط و همگونی

میان مشرکان مکه و فرعونیان را می رساند.

حق ستیزی معرضان از انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۲ - ۱

۱- اعراض کنندگان از دعوت پیامبران ، ناتوان از مبارزه با حق و گریز از عذاب الهی

و من لایجب داعی الله فلیس بمعجز فی الأرض

حق ستیزی مکذبان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۴ - ۸،۹

۸ خداوند ، بر دل های تکذیب کنندگان پیامبران پس از نوح (ع) ، به علت رسوخ صفت تجاوز و حق ستیزی در نفس آنان ، مهر زده بود .

فما کانوا لیؤمنوا بما کذبوا به من قبل کذلک نطیع علی قلوب المعتدین

تعبیر به اسم فاعل (المعتدین) بدون لحاظ زمان و مفعول، بیانگر ثبوت مبدأ اشتقاق (اعتدا) در ذات (مکذبان) است.

۹ تکذیب کنندگان پیامبران پس از نوح (ع) مردمی تجاوزپیشه و حق ستیز بودند .

فما کانوا لیؤمنوا بما کذبوا به من قبل کذلک نطیع علی قلوب المعتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۶ - ۷

۷- انکار رسولان الهی ، بینشی متکی به باطل و در جهت ستیز با حقیقت است .

و یجدل الذین کفروا بالبطل لیدحضوا به الحق

حق ستیزی ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۶ - ۲

۲ - ولیدبن مغیره ، فردی عنود و حق ستیز

إِنَّهٗ كَانَ لِأَيُّنَا عَنِيدًا

حق سکونت در وطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج

۴ - سکونت در زادگاه و موطن ، حق مشروع انسان ها

الذین أُخْرِجُوا مِنْ دِيرِهِمْ بِغَيْرِ حَقِّ

حق شنوایی رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۲ - ۹

۹ - رهبران و داوران جامعه الهی ، باید نصیحت پذیر و حق شنو باشند .

فاحکم بیننا بالحقِّ و لا تشطط

حق شنوی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۳ - ۳

۳ حرف شنوی و بصیرت ، از اوصاف بندگان خالص خدا

لم یخزوا علیها صمًّا و عمیًّا

حق شنوی در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۰ - ۷

۷ - حق شنوی ، بصیرت و آگاهی همه جانبه از موضوع مورد داوری ، از شرایط داوری به حق

والله یقضی بالحقِّ .. . إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِیعُ البصیر

برخی از مفسران بر آنند که یادآوری سمیع و بصیر بودن خداوند در داوری، می تواند اشاره به مطلب بالا باشد.

حق طعام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۱۸ - ۸۹ - ۲

۲ - مسکین ، دارای سهم غذا در اموال مردم *

طعام المسکین

اضافه <طعام> به <مسکین> ، بیانگر استحقاق است.

حق طلبان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۶ - ۴

۴ - تحقق قیامت ، به منظور جدا شدن و شفاف گردیدن صفوف حق مداران از باطل گرایان است .

قل یجمع بیننا ربنا ثم یفتح بیننا بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۱ - ۱

۱ - قیامت ، روز جدایی خوبان و بدان و حق مداران و باطل گرایان و داوری میان آنان است .

هذا يوم الفصل

<فصل> به معنای فاصله و جدایی میان دو شیء است و مقصود از آن در آیه شریفه، جدایی میان خوبان و بدان و حق پویان و باطل گرایان و داوری میان آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۰ - ۳

۳- قیامت ، روز جدایی حق از باطل و تمایز حق مداران از باطل گرایان

إنّ يوم الفصل میقتهم أجمعین

مراد از <فصل>، ممکن است جدا شدن صفوف حق و حق مداران، از باطل و باطل گرایان باشد.

حق طلبان فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۲ - ۲

۲ - حضور برخی از افراد حق طلب و نصیحت پذیر در صفوف فرعونیان

فتنزعوا أمرهم بینهم

اختلاف نظر فرعونیان در باره موسی(ع)، نشان از متمایل شدن برخی از فرعونیان به موسی(ع) در روز مقابله دارد.

حق طلبان و آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۶ - ۱۰

۱۰ - تنها اهل ایمان (دارندگان زمینه گرایش به حق) ، بهره مند از آیات گسترده الهی

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

حق طلبان و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳ - ۸

۸ - تنها حق جویان و اهل ایمان ، زمینه دار بهره مندی از روشنگری های قرآن

تلك آيات الكتب المبين .

نتلوا علیک... لقوم یؤمنون

قید <لقوم یؤمنون> می رساند که دیگران شایستگی بهره‌وری از قرآن را ندارند.

حق طلبان و قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۶

۶ تنها جویندگان حقیقت و پژوهشگران وادی معرفت، به نشانه‌های ربوبیت خدا و علم و حکمت او در داستان یوسف پی خواهند برد.

لقد کان فی یوسف و إخوته آیت للسانین

بدیهی است که داستان یوسف(ع) و برادرانش، حاوی آیات و نشانه‌هاست، چه پرسشگری باشد یا نباشد. بنابراین حرف لام در <لسانین> لام انتفاع است و <لسانین> گویای این است که پرسشگران و محققان، از آن داستان سود می‌برند.

حق طلبان و مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۹ - ۶

۶ اجابت دعا و خواسته‌های حق طلبان از سوی خدا و تحقق بخشیدن پیروزی آنان بر مستکبران، مقتضی استقامت و پایداری آنان در میدان مبارزه است.

قال قد أجبیت دعوتکما فاستقیما

حق طلبی ادیان آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۳

۳ - ارائه حق، گوهر و قلمرو اصلی دین الهی

فلما جاءهم بالحقّ

مقصود از <حقّ> در آیه شریفه، دین و پیام الهی است. این تعبیر گویای مطلب یاد شده است.

حق طلبی سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۶ - ۱۲

۱۲ - مقام سلیمان ، مبرّا از پذیرش هدیه برای سکوت از حق و چشم پوشی از کفر و شرک

قال أتمدّونن

بمال ... بل أنتم بهدیتکم تفرحون

حق طلبی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۱ - ۲

۲- پیامبر (ص)، منادی حق و دعوت کننده خلق به سوی خداوند

أجیبوا داعی الله

حق طلبی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۴ - ۵

۵ - عدالت خواهی و حق طلبی، از اوصاف مسلمانان و پیرو قرآن و ظلم و انحراف از مسیر حق، از اوصاف کافران

و أنا منّا المسلمون و منّا القسطنون

با توجه به معنای <قَسْطٌ> (جور) و نیز تقابل <قاسطون> با <مسلمون>، مطلب یاد شده به دست می آید.

حق طلبی مشمولان رحمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۹ - ۱

۱ تنها مشمولان رحمت الهی، درگیر و دار اختلافات دینی و مذهبی راه درست را می یابند و بر طریق حق گام می نهند.

و لایزالون مختلفین. إلا من رحم ربك

حق طلبی هدایتگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۱ - ۲،۶

۲ هدایتگران الهی در جوامع ، خود همواره ملازم حق و حقیقت هستند .

و ممن خلقنا أمه يهدون بالحق

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که <باء> در <بالحق> برای مصاحبت باشد ؛ یعنی: یهدون مصاحبین الحق.

۶ عهده داران هدایت در جامعه باید خود ملازم حق باشند و با موازین و روش های حق دیگران را هدایت کنند .

و ممن خلقنا أمه يهدون بالحق

حق عتق برده

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۳ - ۶

۶ - خداوند ، حق آزاد شدن را از هیچ برده ای سلب نکرده و کسی را به بردگی همیشگی ، محکوم نکرده است .

فَكَ رقبه

حق قابل عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۱۱، ۱۰، ۹، ۸

۸ - اولیای مقتول می توانند قاتل را از قصاص عفو کنند .

فمن عفی له من أخیه شیء

مراد از <من> قاتل و مقصود از <أخیه> ولی مقتول می باشد. ضمیرهای <له> و <أخیه> به <من>، یعنی قاتل باز می گردد و <شیء> عبارت است از حق قصاص. بنابراین جمله <فمن عفی ...> چنین معنا می شود: پس آن قاتلی که از طرف ولی مقتول چیزی از حق قصاص بر او بخشیده شود ...

۹ - قصاص حقی است قابل گذشت نه حکمی غیر قابل اسقاط .

فمن عفی له من أخیه شیء

۱۰ - حق قصاص حتی با عفو یکی از اولیای مقتول ساقط می شود .

فمن عفی له من أخیه شیء

مراد از <شیء> چنانچه گذشت حق قصاص است. نکره آوردن <شیء> اشاره به این دارد که: اگر بخشی از حق قصاص نیز مورد عفو قرار گیرد، قاتل قصاص نمی شود و این فرض در صورتی است که اولیای مقتول متعدد بوده و برخی از آنها قاتل را عفو کنند.

۱۱ - ولی مقتول ، بهتر است قاتل را عفو کرده و از حق خویش (قصاص) درگذرد .

فمن عفی له من أخیه شیء

ترغیب ولی مقتول به گذشت از حق قصاص، از جمله اهدافی است که می توان از کاربرد

کلمه <أخيه> به جای ولی مقتول استفاده کرد.

حق قانونگذاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۲ - ۴

۴- تشریح دین و قانون گذاری ، حق اختصاصی خداوند است .

و له الدین واصبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۱۳

۱۳ تنها خداوند دارای حق قانون گذاری و تشریح احکام است .

إن الحكم إلا لله

برداشت فوق بر این مبناست که مقصود از <حکم> حکم تشریحی باشد.

حق قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۱۱، ۹

۹ - قصاص حقی است قابل گذشت نه حکمی غیر قابل اسقاط .

فمن عفی له من أخیه شیء

۱۱ - ولی مقتول ، بهتر است قاتل را عفو کرده و از حق خویش (قصاص) درگذرد .

فمن عفی له من أخیه شیء

ترغیب ولی مقتول به گذشت از حق قصاص، از جمله اهدافی است که می توان از کاربرد کلمه <أخیه> به جای ولی مقتول استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۳ - ۱۱،۱۶

۱۱- اولیای مقتول ، دارای حق قصاص و کشتن قاتل

جعلنا لولیه سلطناً فلا یسرف فی القتل

۱۶- تشریح حق قصاص و سلطه برای اولیای مقتول ، حمایت الهی از آنان است .

و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطناً .. إنه کان منصوراً

برداشت فوق، بنابراین نکته است که ضمیر <إنه> به ولیّ مقتول باز گردد.

حق گرایان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵

۲۲ وجود افراد اندکی انسانِ حق گرا در میان یهود عصر پیامبر (ص)

فلا يؤمنون إلا قليلاً

حق گرایی ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۵ - ۷

۷- ابراهیم (ع) ، انسانی حق گرا و گریزان از باطل

مله ابرهیم حنیفاً

<حنیف> به کسی گفته می شود که از ضلالت روی برتابد و به طریق مستقیم روی آورد. (مفردات راغب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۹ - ۶

۶ حقگرایی و گرایش به راه راست از ویژگیهای حضرت ابراهیم(ع)

إني وجهت وجهي للذي .. حنیفاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۳ - ۶

۶- ابراهیم (ع) ، شخصیتی حق گرا و میرا از شرک و جدا از مرام مشرکان در همه عمر خویش

مله ابرهیم حنیفاً و ما كان من المشركين

حق گوئی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۵ - ۲

حقیق علی أن لا أقول علی الله إلا الحق

اعلام رسالت و سپس بیان این حقیقت که موسی سخنی جز حق به خدا نسبت نمی دهد، بیانگر این است که حقگویی درباره خدا اقتضای رسالت است. بنابراین همه پیامبران الهی دارای این ویژگی هستند. گفتنی است کلمه <حقیق> به معنای <سزاوار> است و چون به <علی> متعدی شده است، می تواند معنای <حریص> در آن تضمین شده باشد؛ یعنی: اینی حریص علی کذا حقیقاً به.

حق گویی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۴ - ۲

۲ - خدا، جز حق سخن نمی گوید .

و الحق أقول

<الحقّ> معمول و مفعول <أقول> است و تقدم معمول بر عاملش، مفید حصر می باشد؛ یعنی، <لا أقول إلا الحقّ> جز حق سخن دیگری نمی گویم.<

حق گویی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۸ - ۱۲

۱۲ - آنان که در قیامت، رخصت سخن گفتن یافته اند، سخنانی درست و به دور از هر گونه خطا خواهند گفت .

و قال صواباً

<قال> در <قال صواباً> به جای مضارع آمده است تا بر یقینی بودن آن دلالت کند. جمله <قال صواباً>، یا حالیه است و یا مستأنفه ای که وضعیت پس از اذن را بیان می کند.

حق گویی موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۲ - ۱۰

۱۰- مقابله به مثل و حقیقت گویی، از ویژگی های برخوردار موسی (ع) با فرعون

إني لأظنك يموسى مسحوراً .. و إني لأظنك يفرعون مثبوراً

حق مالکیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - حق مالکیت انسان بر دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) و بهره برداری از آنها ، از حقوق پذیرفته شده در اسلام

لأنعمکم

<أنعام> (جمع <نعم>) به شتر، گاو و گوسفند گفته می شود. کلمه <نعم> به شتر اختصاص دارد زیرا بزرگ ترین نعمت نزد عرب است (مفردات راغب). اضافه

شدن <أنعام> به ضمیر <کم>، حاکی از حق تصرف و مالکیت انسان بر دام ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۲ - ۲

۲ - انسان ، دارای حق تصرف و بهره برداری در تمام محصولات طبیعت

متنًا لکم

حق مسکن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۴ - ۴

۴ - داشتن وطن و سرپناه از حقوق ملت ها و جوامع بشری است . *

من دیرکم

قرآن با اضافه کردن کلمه <دیار> به <کم> و نسبت دادن خانه و وطن به انسانها (دیار کم = خانه هایتان و وطنتان) این حقیقت را امضا و تثبیت می کند که: هر ملت و طایفه ای این حق را دارد که در سرزمینی سکنا گزیند و محلی را برای زندگی انتخاب کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۲۴

۲۴ - > عن سعد بن أبي خَلف قال : سألت أبا الحسن موسى بن جعفر (ع) : . . . أليس الله عزَّوجلَّ يقول : > لا تخرجوهنَّ من بيوتهنَّ ولا يخرجن < قال : فقال إنما عني بذلك التي تطلق تطيقه بعد تطيقه فتلك التي لا تخرج ولا تخرج حتى تطلق الثالثة فإذا طلقت الثالثة فقد بانت منه ولا نفقه لها ، والمرأه التي يطلقها الرجل تطيقه ثم يدعها حتى يخلوا أجلها فهذا أيضاً يقعد في منزل زوجها ولها النفقه والسكنى حتى تنقضى عدتُها ؛

سعد بن ابی خلف گوید: از امام کاظم (ع) پرسیدم .. [و] گفتم: آیا خداوند عزوجل

نفرموده: <لاتخرجهنّ و لا يخرجن > حضرت فرمود: خداوند [در این دستور] زنی را قصد کرده که دو بار [به طلاق رجعی] طلاق داده می شود. این زن [نباید در زمان عدّه] از خانه خارج شود و نباید شوهر او را خارج کند تا این که طلاق سوم واقع شود. پس آن گاه که برای بار سوم، طلاق داده شد از شوهر جدا می شود و برای او نفقه نیست. و زنی که شوهر او یک بار طلاق داده و او را رها نموده تا این که عدّه اش تمام شود، او نیز در منزل شوهرش می نشیند [و نباید خارج شود] و حق نفقه و سکنی دارد تا عدّه اش تمام شود <.

حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۱۸

۱۸ پیمان شکنان ، مردمانی فاسق و منحرف از مسیر حق

لا یرقیبوا فیکم ... ذمه ... و اکثرهم فسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۰ - ۲۱

۲۱- برخی از مردمان ، آن چنان حق ناپذیرند که هیچ سخن حقی - هر چند کلام خدا باشد - در آنان کارساز نیست .

و نخوفهم فما یزیدهم إلا طغیاً کبیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۵ - ۹

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۷ - ۱

۱ - برخی از مردم اصلاً ، روحیه حق پذیری ندارند و در صورت تلاوت آیات الهی بر آنان ، مستکبرانه از آن روی برمی گردانند .

و من

الناس .. و إذا تتلى عليه آيتنا ولى مستكبراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۹ - ۳

۳ - امکان پیدایش افرادی حق ناپذیر و دین ستیز در جامعه ، با وجود شناخت کامل حق و حقانیت دین

ألم تر إلى الذين يجدلون في آيت الله أنى يصرفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۸ - ۱۲

۱۲ - قیامت ، روز کشف زیان کاری اهل باطل

و خسرها لک المبتلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۶ - ۴

۴ - وجود انسان هایی حق ناپذیر در جامعه ، به رغم شناخت نشانه های درستی آن

إنه كان لأيتنا عيناً

<عنید> و <عنود> به کسی گفته می شود که حق را شناخته است ولی عمداً و آگاهانه با آن مخالفت میورزد.

حق ناپذیران اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۶ - ۷

۷ - وجود افرادی لجوج و حق ناپذیر در میان اهل کتاب که سخن ملاطفت آمیز با آنها ، بی فایده است .

ولا تجدلوا أهل الكتب إلا بالتي هي أحسن إلا الذين ظلموا منهم

مراد از <ظلموا> به قرینه سیاق، کسانی اند که در حق ناپذیری، لجاجت به خرج می دهند و سخن نرم و آرام را، حمل بر

ضعف می کنند.

حق ناپذیران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کَهِف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۹

۹- خداوند ، از کافران حق ناپذیر ، به وسیله شراره های دوزخ

، پذیرایی می کند .

إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نَزْلًا

کلمه <نَزْلٌ> می تواند اسم باشد برای چیزی که به هنگام ورود میهمان برای پذیرایی او می آورند. این نوع سخن، <تَهَكُّمٌ> بوده و برای استهزا به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۶ - ۱،۴

۱ - کافران حق ناپذیر و لجوج ، از درب های گوناگون وارد جهنم خواهند شد .

ادخلوا أبواب جهنم

۴ - کافران حق ناپذیر و لجوج ، برای همیشه در جهنم خواهند ماند .

ادخلوا أبواب جهنم خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۷ - ۲

۲ - آتش دوزخ ، کیفر حق گریزان

تدعوا من أدبر و تولّی

حق ناپذیران و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۶ - ۳

۳ - قرآن و کلام الهی ، دارای جاذبه بسیار / حتی برای کافران لجوج و حق ناپذیر

فمال الذین کفروا قبلک مهطعین

حق ناپذیری اشراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۷ - ۸

۸ - اعیان و اشراف هر جامعه ، افرادی مغرور و ناشنوا در برابر سخنان حق

إلی فرعون و ملایه . .. إذا هم منها یضحکون

حق ناپذیری اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۵ - ۸،۱۰

۸ خودبرتربینی فرعون و اطرافیانش ، مانع از پذیرش رسالت موسی و هارون (ع)

ثم بعثنا من بعدهم موسی و هرون إلی فرعون و ملایه بأیتنا فاستکبروا

تبه کاری مستمر فرعون و اطرافیانش ، عامل سرکشی آنان از پذیرش رسالت موسی و هارون (ع)

ثم بعثنا .. موسی و هرون إلی فرعون و ملایه بآیتنا فاستکبروا و كانوا قوماً مجرمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۶ - ۶

۶ - تأثیر عمیق آیات الهی در آگاهان و اهل شناخت

فَأَلْقَى السَّحْرَ سَجْدِينَ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ساحران چون با افسون آشنا بودند و خیال را از واقعیت تشخیص می دادند، زودتر از دیگران به معجزه بودن کار موسی(ع) و حقانیت رسالت وی پی بردند.

حق ناپذیری اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۴ - ۳

۳ - کفرورزی و حق ناپذیری ، بارزترین مشخصه اشراف قوم نوح

فقال الملؤا الذین كفروا

حق ناپذیری اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۵ - ۱

۱ - موضع گیری خصمانه مردم ایکه در برابر نصیحت های شعیب (ع)

قالوا إنا أنتم من المسخرین

ضمیر فاعل در <قالوا> به <اصحاب الأیکه> بازمی گردد. <إنا> از ادوات قصر است؛ بنابراین جمله <إنا أنتم من المسخرین> به تقدیر <ما أنت إلا من المسخرین> می باشد. <مسخر> نیز به کسی گفته می شود که به سختی افسون شده باشد.

حق ناپذیری اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۴ - ۳

۳ - اقوام قدرتمند محکوم شده به عذاب استیصال ، مردمی لجوج و حق ناپذیر در برابر تعالیم

فلما رأوا بأسنا قالوا آمنا بالله وحده و كفرنا بما كنا به مشركين

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که اقوام یادشده تا لحظه مشاهده آثار آمدن عذاب، به استهزای آن می پرداختند و تنها به محض دیدن آن، تسلیم شده، ایمان می آوردند.

حق ناپذیری اقوام کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۲۱

۲۱ نزول عذاب بر امت های کافر پیشین ، پس از اصرار و مداومت آنان بر ظلم و حق ناپذیری

و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

فعل <كانوا> به همراه <يظلمون> افاده استمرار می کند.

حق ناپذیری اکثریت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۹ - ۶

۶- روی گردانی بیشتر مردم از قرآن ، جز به خاطر حق گریزی نیست .

و لقد صرفنا .. فأبى أكثر الناس إلا كفورا

حق ناپذیری اکثریت اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۰ - ۴

۴ - بیشتر مردم <ایکه> ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر بودند .

و ما كان أكثرهم مؤمنين

ضمیر <هم> در <أكثرهم> به <اصحاب الأيكة> برمی گردد.

حق ناپذیری اکثریت امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۲ - ۴

۴ - مخالفت بیشتر مردم از امت های پیشین با رسولان الهی و نپیمودن راه هدایت ، ناشی از روح لجاجت و حق ناپذیر خودشان بود .

ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ . و لقد أرسلنا فيهم منذرين

پیمودن راه گمراهی با وجود پیامبران اخطارکننده، گویای

حقیقت یاد شده است.

حق ناپذیری اکثریت رهبران شرک صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷ - ۲

۲ - بیشتر سران کفر و شرک در صدراسلام ، دچار روح لجاجت و حق ناپذیری و مصمم بر نپذیرفتن ایمان

فهم لایؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۰ - ۲

۲ - بیشتر سران شرک و کفر در صدراسلام ، گرفتار روح لجاجت و حق ناپذیری بودند .

و سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لایؤمنون

حق ناپذیری اکثریت رهبران کفر صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷ - ۲

۲ - بیشتر سران کفر و شرک در صدراسلام ، دچار روح لجاجت و حق ناپذیری و مصمم بر نپذیرفتن ایمان

فهم لایؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۰ - ۲

۲ - بیشتر سران شرک و کفر در صدراسلام ، گرفتار روح لجاجت و حق ناپذیری بودند .

و سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لایؤمنون

حق ناپذیری اکثریت فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۷ - ۴

۴ - اکثریت فرعونیان (قبطیان) ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر

و ما کان اکثرهم مؤمنین

حق ناپذیری اکثریت قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۴ - ۴

۴ - بیشتر قوم لوط ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر

و ما کان اکثرهم مؤمنین

ضمیر <هم> در <اکثرهم> به قوم لوط

بازمی گردد.

حق ناپذیری اکثریت قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۱ - ۴

۴ - بیشتر افراد قوم نوح ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر

و ما کان اکثرهم مؤمنین

حق ناپذیری اکثریت مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۴ - ۱۱،۱۴

۱۱ - بیشتر مشرکان صدر اسلام ، ناآگاه و جاهل به حق بودند .

بل اکثرهم لایعلمون الحقّ

۱۴ - گروه بسیاری از مشرکان در صدر اسلام علی رغم شناخت حق مردمی حق گریز بودند .

بل اکثرهم لایعلمون الحقّ

واژه <أكثر> افعال التفضیل است و نقطه مقابل آن، کثیر می باشد نه قلیل و بدین جهت گروه بسیار استفاده شده است؛ یعنی، هر چند مشرکان دانا و حق گریز، در مقایسه با نادانان کمتر بودند؛ ولی خود جمعیتی چشم گیر و بسیار بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۹ - ۱۲

۱۲ - رسوخ روحیه کفرورزی و حق ناپذیری در بیشتر شرک پیشگان صدر اسلام

إنّ فی ذلک لأیه و ما کان اکثرهم مؤمنین

گرچه ضمیر <هم> در <أكثرهم> به عادیان بازمی گردد؛ اما در عین حال به شرک پیشگان صدر اسلام نیز اشاره ای دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۸ - ۱۰

۱۰ - رسوخ روحیه کفرورزی و پندناپذیری ، در اکثریت شرک پیشگان صدراسلام

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ

گرچه ضمیر <هم> در <أكثرهم> به نمودیان بازمی گردد؛ اما در عین حال تعریض به مشرکان صدراسلام نیز دارد.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۴ - ۷

۷- رسوخ روحیه کفرورزی و حق ستیزی ، در اکثریت شرک پیشگان صدراسلام

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَ مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ

گرچه ضمیر <هم> در <اکثرهم> به قوم لوط بازمی گردد؛ اما در عین حال اشاره به مشرکان صدراسلام نیز دارد.

حق ناپذیری انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۸ - ۶

۶ اختلاف انسان ها در دین و پرهیز آنان از پذیرش حق ، خارج از مشیت خداوند نیست .

و لو شاء ربك لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَإِذَا لَوْنَ مُخْتَلِفِينَ

حق ناپذیری اهل انطاکیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۴ - ۶

۶ - مردم انطاکیه ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

فَكَذَّبُوهُمَا فَعَبَّوْا وَنَا بَثَالث

فرستاده شدن دو پیامبر در یک زمان در میان مردم انطاکیه و تکذیب آن دو از سوی آنان و نیز فرستاده شدن پیامبر سوم برای تقویت دو فرستاده پیشین، بیانگر لجاجت و سرسختی چنین مردمی در برابر حق است.

حق ناپذیری اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۴

۴ - اهل کتاب (یهود و نصارا) مردمی لجوج و حق ناپذیرند .

و لئن أتیت الذین أوتوا الکتب بکل ءایه ما تبعوا قبلتک

جمله <لئن ..> (به خدا قسم! اگر هر معجزه و برهانی را به اهل کتاب ارائه کنی، از قبله تو پیروی نمی کنند) گویای عمق عناد، لجاجت و حق ناپذیری آنان می

باشد.

حق ناپذیری بادیه نشینان جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۱

۱ بادیه نشینان جزیره العرب در عصر بعثت ، در کفر و نفاق پابرجاتر و در امتناع از پذیرش سخن حق ، سخت تر بودند .

الأعراب أشد کفراً و نفاقاً

حق ناپذیری بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۱ - ۴

۴ - بنی اسرائیل ، مردمی شخصیت پرست بودند ؛ نه حقیقت طلب .

لن نبرح .. حتی يرجع إلینا موسی

گوساله پرستان بنی اسرائیل، به جای اندیشه در گفته های هارون(ع) و شناخت حقیقت، تنها پاسخی که به او دادند، آن بود که بازگشت موسی(ع) از میقات را، شرط تجدید نظر در عقاید خود دانستند. حال آن که معقول آن بود که در باره کار خویش و گفته های هارون(ع)، درست بیندیشند.

حق ناپذیری بیماردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۶

۶- بیماردلان گریزان از جهاد و فسادانگیز و قطع کننده رحم ، مردمی کر و کور در برابر حق

أولئک الذین .. فأصمّهم و أعمی أبصرهم

حق ناپذیری تارکان جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- بیماردلان گریزان از جهاد و فسادانگیز و قطع کننده رحم ، مردمی کر و کور در برابر حق

أولئك الذين .. فأصمهم و أعمى أبصرهم

حق ناپذیری ثروتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۶

۴- مترفان و صاحبان مال و منال بیش از دیگران در معرض نافرمانی خدا و حق ناپذیری قرار دارند .

أمرنا مترفها ففسقوا فيها

برداشت فوق مبتنی بر این است که مفعول <أمرنا> کلمه محذوفی چون <بالطاعة> و .. باشد. بنابراین معنای آیه چنین می شود: ما مترفان جامعه را به طاعت و بندگی فرمان می دهیم، ولی آنان برخلاف انتظار راه فسق و نافرمانی پیشه می سازند.

حق ناپذیری جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۵ - ۱

۱ - سرزنش دوزخیان از سوی خداوند ، به خاطر حق ناپذیری های گذشته آنان

ألم تكن آيتي تتلى عليكم .. تكذبون

استفهام در آیه فوق، استفهام توییخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۰ - ۴

۴ - کافران دوزخی ، مردمی لجوج و حق گریزانند .

وقالوا لو كنا نسمع أو نعقل ما كنا في أصحاب السعير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۷ - ۳

۳ - حق گریزی ، از ویژگی های مجرمان دوزخی

يودّ المجرم .. تدعوا من أدبر و تولّى

حق ناپذیری رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۸

۸ - سران کفر و شرک در صدر اسلام ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

بَل لِّمَّا يَذُوقُوا عَذَاب

جمله <بَل لِّمَّا يَذُوقُوا عَذَاب> (بلکه هنوز عذاب مرا نچشیده اند) کنایه از این نکته است که آنان آن چنان در شک و تردید نسبت به قرآن به سر می

برند و زیر بار رسالت پیامبر اسلام(ص) نمی روند که تنها با چشیدن عذاب الهی دست از مخالفت برمی دارند و به سخن حق تن در می دهند. این نکته نشانگر اوج لجاجت و حق ناپذیری آنان است.

حق ناپذیری رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۸

۸ - سران کفر و شرک در صدر اسلام ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

بل لَمَا يذوقوا عذاب

جمله <بل لَمَا يذوقوا عذاب> (بلکه هنوز عذاب مرا نچشیده اند) کنایه از این نکته است که آنان آن چنان در شک و تردید نسبت به قرآن به سر می برند و زیر بار رسالت پیامبر اسلام(ص) نمی روند که تنها با چشیدن عذاب الهی دست از مخالفت برمی دارند و به سخن حق تن در می دهند. این نکته نشانگر اوج لجاجت و حق ناپذیری آنان است.

حق ناپذیری ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۸ - ۲

۲ - حق گریزی و تنفر از پیام حق ، ویژگی بارز بیشتر مجرمان ستم پیشه

و لَكِنَّ أَكْثَرَكُم لِلْحَقِّ كَرهُونَ

حق ناپذیری علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۱۰، ۹

۹ - پیشوایان و عالمان یهود در عصر بعثت ، مردمانی لجوج و حق ناپذیر

أتحدثونهم بما فتح الله عليكم . . . أفلا تعقلون

۱۰ - لجاجت و حق ناپذیری عالمان و پیشوایان یهود ، دلیل نا به جا بودن امید و دل بستن مسلمانان به ایمان آوردن آنان

أفتطمعون أن يؤمنوا لكم... قالوا أتحدثونهم

بما فتح الله عليكم

آیه مورد بحث عطف بر جمله حالیه <وقد كان ..> و یا عطف بر جمله <يسمعون ...> در آیه قبل می باشد. در هر صورت، بیانگر علتی دیگر برای <أفتطمعون ...> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۵ - ۱

۱ - عالمان یهود ، به رغم آگاهی از دستورات تورات ، به آن عمل نمی کردند .

مثل الذین حملوا التوریه ثم لم یحملوها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۱۳

۱۳ یهودیان و علمای آنان دارای روحیه سلطه گری و حق ناپذیری

اشد الناس عدوه للذین ءامنوا الیهود .. و انهم لایستکبرون

حق ناپذیری فاسقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۱۶

۱۶ حق ناپذیری فاسقان مجوز ترک نهی از منکر نیست .

لم تعظون قوماً الله مهلكهم .. قالوا معذره إلی ربکم و لعلهم یتقون

موعظه گران یهود دو دلیل برای نهی از منکر اقامه کردند: داشتن عذر در پیشگاه خدا (معذره إلی ربکم)، احتمال تأثیر (لعلهم یتقون). مقتضای سخن آنان این است که نبود احتمال تأثیر نمی تواند مجوز ترک نهی از منکر باشد و عذر پذیرفته شده ای نخواهد بود.

حق ناپذیری فاقدان استعداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ فاقدان خیر و استعداد کمال ، اگر چه مشمول هدایت های ویژه خداوند شوند ، از آن رویگردان و گریزانند .

و لو أسمعهم لتولوا و هم

ضمير مفعولى در <أسمعهم> همان كسانى هستند كه با جمله <ولو علم...> توصيف شدند. بنابراین جمله <ولو
أسمعهم...> چنین معنا مى شود: <ولو اسمع الذین لیس فیهم خیرا...> یعنی اگر خداوند هدایت ویژه اش را شامل حال
كسانى كند كه در آنها خیرى نیست... .

حق ناپذیری فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۵ - ۸،۱۰

۸ خودبرترینی فرعون و اطرافیانش ، مانع از پذیرش رسالت موسى و هارون (ع)

ثم بعثنا من بعدهم موسى و هرون إلى فرعون و ملایه بآیتنا فاستكبروا

۱۰ تبه كاری مستمر فرعون و اطرافیانش ، عامل سرکشی آنان از پذیرش رسالت موسى و هارون (ع)

ثم بعثنا .. موسى و هرون إلى فرعون و ملایه بآیتنا فاستكبروا و كانوا قوماً مجرمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۶ - ۴

۴ فرعون و قوم او ، دعوت حضرت موسى و هارون (ع) را نپذیرفته و آیات و معجزات الهی را تكذیب كردند .

فقلنا اذهبا إلى القوم الذین كذبوا بآیتنا فدمرناهم تدمیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۹ - ۵

۵ - پیروزی موسى (ع) بر ساحران ، بی تأثیر در روحیه حق ناپذیر فرعون

قال ءامنتم له قبل أن ءاذن لكم إنه لكبيركم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۹ - ۱۴

آل فرعون ، نسبت به قتل موسی (ع) ، در فرعون بی تأثیر بود .

أتقتلون رجلاً .. قال فرعون ما أريكم إلا ما أرى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۹ - ۷

۷ - سعی فرعون ، در موجه جلوه دادن حق ناپذیری خود

فتولّی .. و قال سحر أو مجنون

نسبت دادن سحر و جنون از سوی فرعون به موسی(ع)، به رغم روشنی دلایل رسالت آن حضرت، نشانگر تلاشی است که او برای سرپوش گذاشتن بر حق ناپذیری خود به کار بسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۰ - ۷

۷ - فرجام حق ناپذیری فرعون ، فرجامی ملامت بار

فنبذنهم فی الیم و هو ملیم

<ملیم> بر کسی اطلاق می شود، که سزاوار سرزنش باشد.

حق ناپذیری فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۶ - ۴

۴ فرعون و قوم او ، دعوت حضرت موسی و هارون (ع) را نپذیرفته و آیات و معجزات الهی را تکذیب کردند .

فقلنا اذهبا إلى القوم الذین کذبوا بآیتنا فدمرناهم تدمیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۳ - ۱،۲

۱ - موضع گیری خصمانه فرعونیان در برابر آیات (معجزات) روشن الهی

فلما جاءتهم آیتنا مبصره قالوا هذا سحر مبین

۲ - سحر خوانده شدن معجزات الهی موسی ، از سوی فرعونیان علی رغم وضوح و روشنی آن

فلما جاءتهم آیتنا مبصره قالوا هذا سحر مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۱ - ۳

۳ - اظهار شگفتی مؤمن آل فرعون از تأثیر ناپذیری مردم از خیرخواهی ها و فراخوانی های او

و يقوم مالی أدعوکم إلى النجوه و تدعوننی إلى النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۳ - ۷

۷ - فرعونیان در عصر موسی (ع) ، مردمی اسراف گر و افراط کننده در گناه و حق ناپذیری

و أنّ المسرفین هم أصحاب النار

از مصداق های بارز <مصرفان> ، در آیه شریفه، فرعونیان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۴ - ۳

۳ - هدایت ها و خیر خواهی های مؤمن آل فرعون ، در قومش تأثیر نگذاشت .

فستذكرون ما أقول لكم

حق ناپذیری قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۳ - ۳

۳ - اکثریت قوم ابراهیم ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر

و ما كان أكثرهم مؤمنین

حق ناپذیری قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- اصحاب حجر (قوم ثمود)، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند.

و ءاتینهم ءایتنا فکانوا عنها معرضین

اینکه اصحاب حجر، علی رغم مشاهده معجزات و آیات فراوان الهی از آنها اعراض کردند، بیانگر لجاجت و حق ناپذیری آنان بود؛ چنان که آمدن جمله <فکانوا عنها معرضین> به جای <فأعرضوا عنها> که نشان دهنده این است که اعراض آنان از دیر باز وجود داشته است می تواند مؤید برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۹ - ۱۶

۱۶- ناقه قوم ثمود ، از جمله آیات الهی برای اخطار به آنان به خاطر حق ناپذیریشان

و ءاتینا ثمود الناقه .. و ما نرسل بالآیت إلاّ تخویفاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۷ - ۶

۶- ثمودیان ، مردمی لجوج و حق ناپذیر

فأت بئایه إن كنت من الصدقین . قال هذه ناقه... و لاتمّسوها بسوء... فعقروها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۸ - ۶

۶- بیشتر ثمودیان ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر بودند .

و ما كان أكثرهم مؤمنین

حق ناپذیری قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۶ - ۲

۲- قوم عاد ، مردمی لجوج و مصمم بر حق ناپذیری

قالوا سواء علینا .. من الوعظین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۹ - ۸

۸- بیشتر عادیان ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر

و ما كان أكثرهم مؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۵ - ۱۵

۱۵ - لجاجت و عناد مستمر قوم عاد ، در برابر آیات روشن الهی

أولم يروا .. و كانوا بأيتنا يجحدون

<جحد> (مصدر <يجحدون>) به معنای انکار کردن چیزی است که حقانیت آن برای منکر روشن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۳ - ۶

۶- قوم عاد ، مردمی جهالت

پیشه و روی گردان از حقایق

و لکنّی اریکم قومًا تجهلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۶ - ۱۴

۱۴- فراگیری عذاب بر قوم عاد ، پس از حق ناپذیری های مستمر آنان

إذ كانوا يجحدون بآيت الله و حاق بهم ما كانوا به يستهزون

<کانوا یجحدون> مفید استمرار است و ارتباط <حاق بهم> با آن، گویای ترتیبی است که در برداشت آمده است.

حق ناپذیری قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۴ - ۹

۹- جامعه فاسد و ناپاک قوم لوط ، از دعوت و تبلیغ آن حضرت تأثیر نپذیرفتند .

و نَجّینه من القریه التي كانت تعمل الخبث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۷ - ۲

۲ - خیره سری و مقاومت قوم لوط ، در برابر نصیحت های وی

قالوا .. لتكوننّ من المخرجین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۱

۱ - تأثیر ناپذیری قوم لوط ، در برابر هشدارها و هدایت گری های او

فما كان جواب قومه إلا أن قالوا أخرجوا آل لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۶ - ۲

۲ - روی آوردن قوم لوط ، به جدال و تشکیک نسبت به انذارها ؛ بجای حق پذیری

و لقد أنذرهم .. فتماروا بالّنذر

حق ناپذیری قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۰ - ۱

۱ - التجای نوح (ع)

(به درگاه پروردگار برای استمداد از او در برابر قوم حق ناپذیر خویش

فدعا ربّه ائّی مغلوب فانتصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۶ - ۲

۲ - قوم نوح ، مردمی حق ناپذیر و لجوج بودند .

فلم یزدهم دعاءى إلاّ فرارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۷ - ۵،۹

۵ - قوم نوح ، مردمی حرف ناشنوا و حق ناپذیر

و ائّی کلّما دعوتهم ... و استغشوا ثيابهم

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <و ائّی کلّما دعوتهم..> تفسیر و تبیین برای <فرار> است و تعبیر <انگشت ها در گوش کردن و جامه بر سر نهادن>، می تواند کنایه از حرف ناشنوی و حق ناپذیری باشد.

۹ - روح استکبار و خودبرتربینی ، سبب حرف ناشنوی ، حق ناپذیری و دین گریزی قوم نوح بود .

و ائّی کلّما دعوتهم ... و استکبروا استکبارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۳

۳ - قوم نوح ، مردمی عصیانگر و حق ناپذیر

قال نوح ربّ ائّهم عصونى

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که شکوائیه نوح(ع) از عصیان قوم خود، پس از دعوت و موعظه طولانی آنان بوده است.

حق ناپذیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۰ - ۹

۹ سرگردانی در طغیان، کیفر و پیامد حق ناپذیری کافران است.

و نذرهم فی طغینهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف

۱۴- حق گریزی کافران و منکران الهی ، در حیطة قدرت خدا و وابسته به اراده او است .

إِنَّا جَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً

تأکید خداوند به وسیله <إِنَّا جَعَلْنَا...> بر حاکمیت و نقش خود، از آن جهت است که گمان نرود کفر کافران و منکران آیات الهی، از قلمرو قدرت الهی بیرون است و آنان تبدیل به قدرتی در برابر خدا شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۲ - ۵

۵- اعراض کافران از شنیدن کلام الهی و درک مفاهیم و معارف قرآنی ، دلیل بی توجهی آنان به رحمت گسترده الهی و متأثر نشدن از مواعظ پیامبر (ص)

قل من يكلوكم .. من الرحمن بل هم عن ذكر ربهم معرضون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <ذکر> قرآن باشد زیرا یکی از نام ها و اوصاف قرآن کریم ذکر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۰ - ۹

۹ - شالوده زندگی بیشتر کافران ، بر پایه باطل و منافع آنان ، ناسازگار با پذیرش حق

حَتَّىٰ إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِمْ .. وَاكْثَرَهُمْ لِلْحَقِّ كَرْهُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ دلداری خداوند به پیامبر (ص) و مؤمنان ، در برابر کارشکنی ها و حق ناپذیری کافران و مشرکان

و جَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا

یادآوری خداوند به بصیرت و بینایی خود، به پیامبر(ص) پس از یاد کردن از مشرکان

و آزمایش شدن آنان، می تواند برای دلجویی از پیامبر(ص) و مؤمنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۳ - ۱،۳

۱ - پیامبر (ص) از حق ناپذیری کافران، اندوهگین بود.

و من کفر فلا یحزنک کفره

توصیه خداوند به پیامبر(ص) برای پرهیز از اندوه درباره کفر کافران، این نکته را می رساند که آن حضرت، در قبال کفر آنان، اندوهناک بوده است.

۳ - دلداری خداوند، پیامبر (ص) را در برابر حق ناپذیری کافران

و من کفر فلا یحزنک کفره إلینا مرجعهم

جمله <إلینا مرجعهم..> به منزله تهدید است. چنین تهدید و هشدار، می تواند به منظور دلداری به پیامبر(ص) بیان شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ - وجود اختلاف اساسی انسان مؤمن حق پذیر و نرم دل با کافر حق ناپذیر و سنگدل، از نظر شخصیت و سرنوشت

أفمن شرح الله صدره للإسلام فهو علی نور من ربّه فویل للقسیه قلوبهم

<من> در آیه شریفه، اسم موصول و مبتدا است و خبر آن به قرینه جمله بعدی (فویل للقسیه قلوبهم..). جمله ای محذوف می باشد. تقدیر کلام چنین است: <أفمن شرح الله صدره للإسلام... کمن قسا قلبه>. بنابراین می توان گفت: آیه شریفه در صدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴ - ۱

۱ - تنها کافران حق ناپذیر به مجادله و ستیزه جویی با آیات الهی می پردازند و

از پذیرش آن سر باز می زنند .

مايجدل في آيت الله إلا الذين كفروا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۰ - ۱

۱ - اعلام بغض و دشمنی شدید خداوند نسبت به کافران لجوج و حق ناپذیر در قیامت

إنّ الذين كفروا ينادون لمقت الله أكبر من مقتكم أنفسكم إذ تدعون إلى الإيمن فتكف

<مقت> به معنای بغض شدید است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۰ - ۲

۲- دلداری خداوند ، به پیامبر (ص) در برابر حق ناپذیری کافران

فارتقب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۳ - ۶

۶- ستیز کافران با منطق روشن رسولان الهی ، گواه بی اساس بودن ایمان اضطراری آنان

أنتی لهم الذکری و قد جاءهم رسول مبين

در صورتی که <أنتی لهم الذکری> در صدد بیان پوچی ادعای ایمان کافران باشد، تعبیر <و قد جاءهم..> بیانگر فلسفه پوچی ادعای آنان خواهد بود، یعنی، آنان که منطق روشن رسولان را نپذیرفتند، چگونه با مشاهده عذابی، می توانند به ایمان راستین رسیده باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۱۶

۱۶- کیفر الهی در مورد کافران ، پس از اتمام حجت و تبیین حق برای آنان

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا و... مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ ... وَ سَيَحْبُطُ أَعْمَلَهُمْ

در صورتی که <سیحبط...> عنوان کیفر داشته باشد، تعبیر <من بعد ما تبیین...> بیانگر اتمام حجّتی است که قبل از اعمال مجازات، صورت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۲ - ۲

۲ دلجویی خداوند از پیامبر (ص) در برابر تکذیب، حق ناپذیری و عناد کافران

کذبت قبلهم قوم نوح و أصحاب الرس و ثمود

یادآوری روحیه حق ستیز بسیاری از امت ها در طول تاریخ در برابر پیام رسولان الهی، می تواند از آن جهت باشد که پیامبر(ص) در برابر تکذیب کافران، احساس نگرانی نداشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۴ - ۱،۵

۱ - ناباوری کفرپیشگان به حقانیت وعده های الهی، حتی با مشاهده نمود های عینی عذاب و سقوط سنگی از آسمان بر آنان

و إن یروا کسفاً .. یقولوا سحاب مرکوم

۵ - دلایل حسی نیز همانند برهان های عقلی، بی تأثیر در روح حق ستیز کفرپیشگان

و إن یروا کسفاً من السماء ساقطاً یقولوا سحاب مرکوم

سقوط پاره های سنگ از آسمان، دلیلی حسی است و خداوند می فرماید: کافران نه تنها براهین عقلی را بی تأمل رد می کنند؛ که حتی دلایل حسی را نیز با توجیهی، وارونه جلوه می دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۰ - ۴

۴ - کافران دوزخی، مردمی لجوج و حق گریزانند.

و قالوا لو کنا نسمع أو نعقل ما کنا فی أصحاب السعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۷ - ۵

۵ - تهدید شدن کافران لجوج و حق گریز، به نزول عذاب الهی

فستعلمون كيف نذير

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - کافران لجوج و دین گریز ، مردمی ناسپاس بوده و از نعمت شنوایی ، بینایی و تعقل بهره کافی نبرده اند .

و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئده قليلاً ما تشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۸ - ۷

۷ - کافران حق ناپذیر و لجوج ، در معرض عذاب الهی قرار دارند .

فمن يجير الكافرين من عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۴ - ۲

۲ - در اختیار گرفتن ثروت و نیروی انسانی کافران حق ناپذیر ، نمی تواند مجوز عدول مبلغان و رهبران جامعه اسلامی از مواضع عقیدتی خویش و سازش و مسامحه با آنان باشد .

و لاتطع .. أن كان ذا مال و بنين

تردیدی نیست که اجابت خواسته های کافران و یا سازش با آنان از سوی رهبران جامعه اسلامی ، به جهت طمع شخصی نیست بلکه برای در اختیار گرفتن ثروت و نیروی انسانی کافران و صرف آنها در جهت مصالح و منافع مسلمین است و ولی چون این کار به قیمت عدول از مواضع اعتقادی و یا سازش با کافران است ، جایز نمی باشد .

حق ناپذیری کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۷ - ۹

۹ - مشرکان و کافران عصر بعثت ، در برابر حق و دعوت های پیامبر (ص) ، مردمی لجوج و سرسخت بودند .

و تنذر به قومًا لداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- رسوخ روحیه حق ناپذیری ، در بیشتر کفرپیشگان صدراسلام

و ما کان اکثرهم مؤمنین

گرچه ضمیر <هم> در <اکثرهم> به فرعون و قوم وی (قبطیان) بازمی گردد؛ اما در عین حال تعریض به مشرکان صدراسلام نیز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۳ - ۵

۵- رسوخ روحیه حق ناپذیری ، در بیشتر کفرپیشگان صدراسلام

و ما کان اکثرهم مؤمنین

گرچه ضمیر <هم> در <اکثرهم> به قوم ابراهیم بازمی گردد؛ اما در عین حال این آیه تعریض به مشرکان صدراسلام نیز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۶ - ۲

۲- کافران صدراسلام ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

و ما تأتیهم من ءایه ... إلا کانوا عنها معرضین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲ - ۲

۲- سرکشی ، تکبر ، ستیزه جویی و حق ناپذیری ، از اوصاف کافران صدراسلام

بل الذین کفروا فی عزّه و شقاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۳ - ۲

۲ - کافران و مشرکان صدراسلام ، مردمی لجوج ، ستیزه جو و حق ناپذیر

كذلك يؤفك الذين كانوا بأيت الله يجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۶ - ۵

۵ - مشرکان و کافران صدراسلام ، مردمی بس لجوج و حق ناپذیر

و إنه لقسم لو تعلمون عظیم

سوگند مؤکد خداوند، پس از استدلال بسیار بر اثبات توحید و معاد، نشانگر روح لجاجت و

حق ناپذیری کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۱ - ۳،۴

۳ - کافران صدراسلام ، مردمی لجوج ، مستکبر و حق گریز

بل لَجُوا فِي عِتْوٍ وَ نَفُورٍ

<عتوّ> به معنای استکبار و تجاوز از حد است (قاموس المحيط) و مقصود از <نفور> (رمیدن) گریز از سخن حق می باشد.

۴ - روح لجاج ، استکبار و حق گریزی ، عامل کفر و تکذیب دین از سوی کافران در صدراسلام

و لقد كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ .. بل لَجُوا فِي عِتْوٍ وَ نَفُورٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱ - ۳

۳ - کافران مخالف رسالت پیامبر (ص) ، گروهی لجوج و حق ناپذیر

سأل سائل بعذاب واقع

مفسران بر این عقیده اند که کافران، این سخن را از سر لجاجت بر زبان می آوردند؛ چنان که در آیه ۳۲ از سوره <انفال> از آنان چنین یاد شده است: <و إذ قالوا اللهم إن كان هذا هو الحق من عندك فأمطر علينا حجارة من السماء أو ائتنا بعذاب أليم>.

حق ناپذیری کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۲

۲ حق ناپذیری و عناد و لجاجت شدید کافران مکه در عصر بعثت، در برابر وحی و معجزات الهی

و لو نزلنا عليك كتابا .. إن هذا إلا سحر مبين

سوره انعام در مکه نازل شده است و بنابراین طبیعی است که ناظر به مردم آن سامان، خصوصاً مشرکان مکه، باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر

۱- پیامبر (ص)، به هنگام مواجهه با حق ناپذیری کافران مکه، مأمور به رها کردن آنان به حال خود و ترک محاجه با آنها شد.

ذره‌م یا کُلُوا و یتمتعوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۴ - ۱

۱- اگر دری از آسمان به قدرت خداوند گشوده شود که کافران مکه برای دریافت حقایق به آنجا بروند، ایمان نخواهند آورد.

كذلك نسلک فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به ... و لو فتحنا علیهم بابًا من السماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۵ - ۱،۲،۴

۱- کافران هدایت ناپذیر مکه، در صورت مشاهده گشایش دری از آسمان برای بالا رفتن خود و درک حقایق، آن را نوعی چشم بندی و سحر وانمود خواهند کرد.

و لو فتحنا علیهم بابًا من السماء فظلّوا فیه یعرجون . لقالوا إنما سكرت أبصرنا

<سكر> در لغت حالتی را گفته اند که عارض بر عقل می شود. بنابراین مراد از ادعای آنان این می شود که: آنان خود را گرفتار نوعی چشم بندی می دانستند.

۲- کافران مکه، مردمی حق ناپذیر و لجاجت پیشه در برابر آیات الهی

و لو فتحنا علیهم بابًا من السماء فظلّوا فیه یعرجون . لقالوا إنما سكرت أبصرنا

۴- کافران مکه برای گریز از پذیرفتن حقایق الهی، آنها را اموری موهوم جلوه می دادند.

لقالوا إنما سكرت أبصرنا بل نحن قوم مسحورون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۵

۵- بهره

کفرپیشگان مکه از آیه های بیدارگر قرآن ، تنها تنفر و فرار از آنها بود .

و لقد صرفنا فی هذا القرآن لیذکروا و ما یزیدهم إلا نفورا

حق ناپذیری گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۴ - ۳

۳ گمراهی ضلالت پیشگان از سوی خدا ، سزا و کیفر لجاجت و حق ناپذیری ایشان است .

ینوح قد جدلنا .. فأتنا بما تعدنا ... إن کان الله یرید أن یغویکم

وقوع جمله <إن کان الله> پس از بیان لجاجتها و حق ناپذیریهای کفرپیشگان (قد جدلنا ..) ، حاکی است که اراده خداوند بر اغوای آنان ، به خاطر عناد و لجاجتشان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۲

۲ - جواز وانهادن گمراهان به خود ، پس از اتمام حجت بر آنان و حق ناپذیری ایشان

فذرهم

<فاء> در <فذرهم> ، می رساند که پس از اتمام حجت ادامه تبلیغ ضروری نیست.

حق ناپذیری گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۰ - ۴

۴ - حق ناپذیری دل های مجرمان ، کیفری تعیین شده از جانب خداوند در قبال جرم هایشان

کذلک سلکنه فی قلوب المجرمین

ذکر مشرکان با وصف <المجرمین> ، اشعار به علیت حکم دارد؛ یعنی ، <سلکننا القرآن و هو بلسان عربی مبین فی قلوب هؤلاء المشرکین مثل ذلک السلوک جزاء لأجرامهم> ما قرآن را با این که به زبان عربی روشن است در دل های مشرکان هم

چون زبان عجمی غیر قابل فهم راه دادیم، تاکیفری باشد در برابر جرم هایشان <.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۱ - ۱

۱ - پافشاری اهل جرم و گناه بر انکار حقایق وحی ، تا مرز مشاهده عذاب دردناک الهی (عذاب استیصال)

كذلك سلكنه .. لا يؤمنون به حتى يروا العذاب الاليم

<ال> در <العذاب> برای عهد است. بنابراین <العذاب الاليم> اشاره به عذابی دارد که مشرکان مکه به آن تهدید شدند (عذاب استیصال). آیه <أفبعذابنا يستعجلون> بیانگر آن است که آنان تهدید به عذاب را جدی نگرفتند و بدان جهت از روی استهزاء، خواستار تعجیل نزول آن بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۵ - ۲

۲ - مجرمانِ نادم در روز قیامت ، فاقد روحیه حق پذیری ، حتی در صورت رجوع دوباره به دنیايند .

فارجعنا نعمل صلحًا .. إنما يؤمن بأيتنا الذين إذا ذكروا بهَاخروا سجدًا

احتمال دارد که آیه درصدد تبیین و تشریح جواب رد دادن به درخواست مجرمان باشد. خداوند در این آیه، تلویحاً می گوید: <آنان فاقد روحیه ایمان اند و بنابراین، درخواست شان اجابت نمی شود.>

حق ناپذیری لجوجان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۷ - ۵

۵ - تأثیرناپذیری اهل عناد ، در برابر معجزات الهی

فأت بئایه .. قال هذه ناقه ... فعقروها

حق ناپذیری متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۳ - ۱۰

۱۰ توانمندان متخلف از جهاد ، گرفتار خصلت حق ناپذیری

الذین یستذنونک و هم أغنیاء .. طبع اللّٰه علی قلوبهم فهم

لا يعلمون

حق ناپذیری مترفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۶ - ۴

۴- مترفان و صاحبان مال و منال بیش از دیگران در معرض نافرمانی خدا و حق ناپذیری قرار دارند .

أمرنا مترفيها ففسقوا فيها

برداشت فوق مبتنی بر این است که مفعول <أمرنا> کلمه محذوفی چون <بالطاعة> و .. باشد. بنابراین معنای آیه چنین می شود: ما مترفان جامعه را به طاعت و بندگی فرمان می دهیم، ولی آنان برخلاف انتظار راه فسق و نافرمانی پیشه می سازند.

حق ناپذیری مجرمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۸ - ۲

۲ - حق گریزی و تنفر از پیام حق ، ویژگی بارز بیشتر مجرمان ستم پیشه

و لکن أكثرکم للحقّ کرهون

حق ناپذیری مخالفان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۶ - ۵

۵ - مخالفان رسالت پیامبر (ص) ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

إنّه کان لأیتنا عنیداً

حق ناپذیری مردم صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - مردم در صدر اسلام ، مردمی سخت پایبند به آیین شرک و انعطاف ناپذیر در برابر سخن حق و مستدل

و الصَّفَّتْ صَفًّا .. إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ

برداشت یاد شده از آن جا است که خداوند در آغاز سوره مبارکه بر اثبات توحید سوگند متعدد یاد کرده است. این در حالی است که خداوند پیش از آن، دلایل و شواهد کافی بر اثبات این حقیقت در قرآن

کریم ارائه فرموده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵ - ۴

۴ - بیشتر مردم عصر بعثت ، مصمم به تأثیرناپذیری از کلام وحی و پیام قرآن

فأعرض أكثرهم . . . و قالوا ... فاعمل إننا عملون

تعبیرهای سه گانه در آیه (>أَكْثَهُمَ، >وَقَرُّ و >حِجَابُ) تأکید و تصمیم آنان را به نفوذناپذیری در برابر قرآن می رساند.

حق ناپذیری مرفهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ مرفهان اسراف پیشه ، مردمانی خودپسند ، از خود راضی و حق ناپذیر

كذلك زين للمسرفين ما كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۳ - ۳

۳- انسان های برخوردار از رفاه و نعمت ها ، در معرض ابتلا به بیماری حق ناپذیری

و إذا أنعمنا على الإنسان أعرض و ثنا بجانبه

حق ناپذیری مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۰ - ۱۰

۱۰ - انسان های مستکبر و حق ستیز ، تأثیرناپذیر از آیات اعجازی و کیفی

فلما جاءهم بآيتنا إذا هم منها يضحكون . و ما نريهم من آيه ... و أخذنهم بالعذ

حق ناپذیری مسرفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ مرفهان اسراف پیشه ، مردمانی خودپسند ، از خود راضی و حق ناپذیر

كذلك زين للمسرفين ما كانوا يعملون

حق ناپذیری مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۴

اهل کتاب (یهود و نصارا) مردمی لجوج و حق ناپذیرند .

و لئن أتیت الذین أوتوا الکتب بکل ءایه ما تبعوا قبلتک

جمله <لئن ..> (به خدا قسم! اگر هر معجزه و برهانی را به اهل کتاب ارائه کنی، از قبله تو پیروی نمی کنند) گویای عمق عناد، لجاجت و حق ناپذیری آنان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۳ - ۱۱

۱۱ - قابلیت نداشتن جامعه عصر عیسی (ع) ، برای دریافت و پذیرش تمامی حقایق *

و لأبین لکم بعض الذی تختلفون فیه

این سخن حضرت عیسی (ع) که: <من آمده ام تا برخی از اختلافات شما را بیان کنم>، می تواند نشانگر عدم قابلیت آنان برای دریافت تمامی حقایق باشد، زیرا محدودیتی از ناحیه خود حضرتش نمی توان فرض کرد.

حق ناپذیری مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۶

۶ برخی مشرکان با دیدن هر گونه معجزه و آیت الهی ایمان نخواهند آورد.

و إن یروا کل ءایه لایؤمنوا بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۰ - ۳

۳ یکسانی عنادورزی و حق ناباوری مشرکان، قبل و بعد از دیدن معجزه مورد درخواست خویش

و نقلب .. کما لم یؤمنوا به أول مره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ دلداری خداوند به پیامبر (ص) و مؤمنان ، در برابر کارشکنی ها و حق ناپذیری کافران و مشرکان

و جعلنا بعضکم لبعض

فتنه أتصبرون و كان ربك بصيرًا

یادآوری خداوند به بصیرت و بینایی خود، به پیامبر(ص) پس از یاد کردن از مشرکان و آزمایش شدن آنان، می تواند برای دلجویی از پیامبر(ص) و مؤمنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۲ - ۱۳

۱۳ - سرزنش مشرکان از سوی خداوند ، به خاطر نادیده گرفتن نشانه های توحید در نظام شب و روز

قل أرءیتم إن جعل الله علیکم النهار سرمدًا إلی یوم القیمه .. أفلاتبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۹ - ۶

۶ - حق ناپذیری مشرکان ، پس از اقامه دلیل های گوناگون برای آنان ، عامل منفور شدن شان در پیشگاه خداوند است .

هل لکم من ما ملکت . . . بل اتبع الذین ظلموا أهواءهم

التفات از خطاب <هل لکم من ما ملکت..> به غیبت <اتبع الذین...> می تواند گویای این حقیقت باشد که آنان، به دلیل تداوم عقیده شرک، از مخاطب خدا شدن محروم شدند. این، نشانه منفور شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲ - ۱،۳

۱ - تعجب پیامبر (ص) از مواضع انکار آمیز مشرکان نسبت به معاد و یگانگی خداوند ؛ علی رغم مشاهده عظمت آفرینش و قدرت خداوند در جهان

إِنَّ إِلَهکمْ لَوحِدٌ . . . فاستفتهم أهم أشدّ خلقًا... بل عجت

به قرینه آیات پیشین به دست می آید که آنچه موجب شگفتی پیامبر(ص) گردیده بود، انکار توحید ربوبی و معاد از سوی مشرکان به رغم مشاهده آیات الهی در طبیعت و عظمت آفرینش بود.

مشرکان به رغم مشاهده عظمت آفرینش و آیات الهی در طبیعت تعالیم قرآن (معاد و احیای مجدد انسان ها و توحید ربوبی و ...) را به تمسخر می گرفتند .

إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ... فاستفتهم أهم أشدَّ خلقاً... بل عجبت و يسخرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۱ - ۴

۴ - تکذیب نظام کیفر و پاداش و جدایی حق و باطل ، از ویژگی های مشرکان

هذا يوم الفصل الذي كنتم به تكذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۵ - ۱

۱ - سرزنش شدن مشرکان ، به سبب بیدار نشدن و پند نگرفتن آنان در برابر حقایق الهی

أفلاتنظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۶ - ۱۲

۱۲ - پیامبر (ص) ، برای حل اختلاف خود با مشرکان حق گریز ، از خداوند کمک خواسته و او را به داوری طلبید .

أنت تحکم بین عبادک فی ما کانوا فیہ یختلفون

جمله <أنت تحکم...> برای انشای دعا است که در قالب جمله خبری آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۹ - ۱

۱ - توطئه های پی در پی و جدی مشرکان ، نسبت به پیامبر (ص) و تصمیم قطعی آنان برای انکار حق

أم أبرموا أمراً

<إبرام> (مصدر <أبرموا>) در اصل به معنای تاییدن و محکم کردن است و در این جا مراد از آن به قرینه شأن نزول و آیه

بعد تصمیم

جدی مشرکان بر توطئه چینی علیه پیامبر(ص) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۳ - ۱۲

۱۲ - مشرکان ، گرفتار هواپرستی و پیروی از حدس و گمان ، به رغم تجلی انوار هدایت الهی در حق ایشان

إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ مَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ وَ لَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدَى

حق ناپذیری مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۷ - ۹

۹- مشرکان و کافران عصر بعثت ، در برابر حق و دعوت های پیامبر (ص) ، مردمی لجوج و سرسخت بودند .

و تنذر به قومًا لُدًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵ - ۱۰

۱۰- مشرکان ستم پیشه صدراسلام ، مردمی لجوج ، حق ناپذیر و بهانه جو بودند .

بَلْ قَالُوا .. فليأتنا بآية كما أرسل الأولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۴ - ۴

۴ - عدم تأثیر دعوت پیامبر (ص) بر مشرکان متعصب و متحجر

فذرهم في غمرتهم حتى حين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۱ - ۸

۸- رسوخ روحیه کفرورزی و حق ناپذیری ، در بیشتر مشرکان صدراسلام

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَّ مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ

گرچه ضمیر <هم> در <أكثرهم> به قوم نوح بازمی گردد؛ اما در عین حال تعریض به مشرکان صدر اسلام نیز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۰

۱۳ - توبیخ مشرکان مکه از سوی خداوند ، به خاطر انحراف آنان از حق و نادیده گرفتن دلایل روشن توحید

أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ .. أءَلَهُ مَعَ اللَّهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مخاطبان نخستین آیه، مشرکان مکه بوده اند. گفتنی است که واژه <عدول> (مصدر <يعدلون>) به معنای میل و انحراف است، یعنی، <بل هم قوم عادت‌هم العدول عن طریق الحق و الإنحراف عنها>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۱ - ۱۰

۱۰ - مشرکان بهانه جو و حق‌گریز صدر اسلام ، عناصری مرفه و برخوردار از موهبت‌های دنیوی

و قالوا إن نتَّبِعِ الهدى معك .. كمن متَّعنه متع الحيوه الدنيا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳ - ۳

۳ - لجاجت و حق‌ناپذیری ، از اوصاف مشرکان صدر اسلام

و إذا ذكروا لا يذكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴ - ۱،۲

۱ - مشرکان صدر اسلام ، هر معجزه ملموس و روشنی را به شدت مورد استهزا قرار داده و ایمان نمی‌آوردند .

و إذا رأوا آية يستسخرون

مقصود از <آیه> معجزه است و متهم کردن آن به سحر از سوی مشرکان (در آیه بعد) مؤید همین مطلب است. گفتنی است <يستسخرون> به معنای <يسخرون> است و آمدن آن با <سین> و <تا> برای مبالغه می‌باشد.

۲ - مشرکان صدر اسلام ، مردمی لجوج و حق‌ناپذیر بودند .

و إذا رأوا آية يستسخرون

تمسخر معجزه الهی که امری

ملموس و روشن می باشد گویای حقیقت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۳ - ۲،۲

۲ - کافران و مشرکان صدراسلام ، مردمی لجوج ، ستیزه جو و حق ناپذیر

كذلك يؤفك الذين كانوا بأيت الله يجحدون

۲ - کافران و مشرکان صدراسلام ، مردمی لجوج ، ستیزه جو و حق ناپذیر

كذلك يؤفك الذين كانوا بأيت الله يجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۶ - ۵

۵ - مشرکان و کافران صدراسلام ، مردمی بس لجوج و حق ناپذیر

و إنه لقسم لو تعلمون عظيم

سوگند مؤکد خداوند، پس از استدلال بسیار بر اثبات توحید و معاد، نشانگر روح لجاجت و حق ناپذیری کافران است.

حق ناپذیری مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۲ - ۱۰

۱۰ مشرکان مکه ، پذیرای هیچ سخن حق و منطقی در جهت مخالفت با عقیده شان نبودند .

إن كاد ليضلنا عن ءالھتنا . .. و سوف يعلمون حين يرون العذاب من أضلّ سبيلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴۹ - ۱۰

۱۰ - انکار قرآن از سوی مشرکان مکه ، از سر لجاجت و حق ناپذیری بود .

ما يجحد بأيتنا إلا الكفرون .. و ما يجحد بأيتنا إلا الظلمون

<جحد> در لغت نفی چیزی است که دل آن را اثبات می کند و اثبات چیزی است که دل نفی می کند. (مفردات راغب).
<جحد> طبق معنای لغوی منطبق بر لجاجت است. گفتنی است: <ال> در

<الظالمون> عهد بوده و اشاره به <الكافرون> در آیه چهل و هفت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۵ - ۷

۷- تهدید شدید مشرکان مکه از سوی خداوند ، به خاطر تن در ندادن به تعالیم پیامبر (ص)

و إذا تتلى عليهم آياتنا بينت قالوا ما هذا إلا رجل.. و كذب الذين من قبلهم

حق ناپذیری مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۶،۷،۱۵

۶- مردم مصر در عصر یوسف (ع) ، مردمی لجوج و حق ناپذیر

فمازلتم فی شكّ ممّا جاءكم به

تردید مردم مصر در رسالت یوسف(ع) با وجود عرضه شدن دلایل روشن برای ایشان به دو دلیل می تواند باشد: ۱ به خاطر لجالت آنان است که در آیه بعد از آنان به مردمی مجادله گر تعبیر شده است. ۲ یا به این دلیل است که آنان نسبت به دعوت یوسف(ع) و دلایل ایشان، بی اعتنا و گریزان بودند.

۷- مردم مصر در عصر یوسف (ع) ، مردمی بی اعتنا به دعوت ایشان و گریزان از فهم صحیح آن

فمازلتم فی شكّ ممّا جاءكم به

۱۵ - مخالفت بیش از حد با دین الهی و تردید در حقانیت آن ، از ویژگی های مردم مصر از عصر یوسف تا موسی (ع)

كذلك يضلّ الله من هو مسرف مرتاب

حق ناپذیری مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۶

۶- بیماردلان گریزان از جهاد و فسادانگیز و قطع کننده

رحم ، مردمی کر و کور در برابر حق

أولئك الذين .. فأصمهم و أعمى أبصرهم

حق ناپذیری مکذبان آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۲ - ۳

۳- آنان که به عالم آخرت ایمان نمی آورند ، قلبهایی حق ناپذیر و روشی مستکبرانه دارند .

فألذین لایؤمنون بالأخره قلوبهم منکره و هم مستکبرون

حق ناپذیری مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۶ - ۸

۸- مشکل منکران قرآن ، نهفته در خودشان و نه ناشی از نارسایی مفاهیم وحی

نتلوها علیک بالحق فبأی حدیث بعد الله و آیته يؤمنون

خداوند با تعبیر <فبأی حدیث..>، تأثیر و کارایی والا و بی نظیر قرآن را یادآور شده است. این تعبیر تعریضی به کافران نیز دارد که کفر و بی ایمانی آنان، برخاسته از نارسایی مفاهیم وحی نیست؛ بلکه ریشه در لجاج، عناد و سست اندیشی نهفته در درون آنها دارد.

حق ناپذیری مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۸ - ۷

۷- تسلی و دلداری خداوند به پیامبر (ص) ، در برابر حق ناپذیری منکران معاد

و قالوا ما هی إلا حیاتنا الدنیا .. و تری کلّ أمّه جاثیه

حق ناپذیری مکذبان نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۹ - ۲

۲- جدی نگرفتن حقایق و برخورد بازیگرانه با هستی ، ریشه حق ناپذیری منکران وحی و رسالت

بل هم فی شکّ یلعبون

تعبیر <یلعبون> بیانگر این نکته است که کافران، علاوه

بر سست اندیشی، گرفتار نوعی بازیگری و دلبستگی کودکانه به مظاهر مادی و جدی نگرفتن حقایق هستند.

حق ناپذیری مکذبان وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۹ - ۲

۲- جدی نگرفتن حقایق و برخورد بازیگرانه با هستی، ریشه حق ناپذیری منکران وحی و رسالت

بل هم فی شکّ یلعبون

تعبیر <یلعبون> بیانگر این نکته است که کافران، علاوه بر سست اندیشی، گرفتار نوعی بازیگری و دلبستگی کودکانه به مظاهر مادی و جدی نگرفتن حقایق هستند.

حق ناپذیری منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۰ - ۴

۴ - خداوند با سلب درک و فهم از برخی منافقان، آنان را حق ناپذیر کرده و برخی دیگر را برای انتخاب هدایت، مهلت می دهد.

و لو شاء الله لذهب بسمعهم و أبصرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۱۸، ۷

۷ بازداری منافقان و یهودیان حق ناپذیر از شتاب در کفر، خارج از محدوده رسالت پیامبر (ص)

يأبها الرسول لا يحزنك الذين يسرعون في الكفر

خطاب خداوند به پیامبر(ص) با عنوان رسالت (یابها الرسول) گویای برداشت فوق است.

۱۸ منافقان و یهودیان جاسوس، دروغ پرداز و حق ناپذیر، آن قدر بی ارزشند که حتی نباید بر گمراهی آنان تأسف خورد و بر کفرشان غمگین بود

لا يحزنك الذين يسرعون في الكفر .. سمعون للكذب سمعون لقوم ءاخريـن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٧ - توبه - ٩ - ٨٧ - ٨

٨ منافق ، داراي خصلت

حق ناپذیری

و طبع علی قلوبهم فهم لایفقهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۷ - ۶،۷،۹

۶ سعی منافقان در گریختن از محیط ابلاغ آیات الهی و مراکز شناخت و تبلیغ دین

و إذا ما أنزلت سوره . . . ثم انصرفوا

۷ روی گردانی منافقان صدر اسلام از آیات الهی پس از شنیدن وحی

و إذا ما أنزلت سوره . . . ثم انصرفوا

۹ حق ناپذیری قلب منافقان ، کیفر الهی برای آنان

ثم انصرفوا صرف الله قلوبهم

حق ناپذیری ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۳ - ۲

۲ - ولید بن مغیره ، فردی لجوج و حق ناپذیر بود .

ثم أدبر

برداشت یاد شده، از <إدبار و روی گردانی> از آیات الهی و سخن بحق پیامبر(ص) استفاده می شود.

حق ناپذیری همگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۱۰

۱۰- حق ، هر چند روشن و تبیین شده باشد ، لزوماً پذیرش همگان را در پی ندارد .

و لقد صرّفنا في هذا القرآن ليدّكروا و ما يزيدهم إلا نفورًا

حق ناپذیری هواپرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۳ - ۱۲

۱۲ - پرستشگران هوای نفس براساس سنت الهی ناشنوا ، نابینا و تأثیرناپذیر در برابر حق

من اتّخذ إلهه هويّه و أضلّه الله على علم و ختم على سمعه و قلبه و جعل على بصره غ

حق ناپذیری یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲

۴ - اهل کتاب (یهود و نصارا) مردمی لجوج و حق ناپذیرند .

و لئن أتیت الذین أوتوا الکتب بکل ءایه ما تبعوا قبلتک

جمله <لئن...> (به خدا قسم! اگر هر معجزه و برهانی را به اهل کتاب ارائه کنی، از قبله تو پیروی نمی کنند) گویای عمق عناد، لجاجت و حق ناپذیری آنان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۷،۱۸

۷ بازداري منافقان و يهوديان حق ناپذير از شتاب در کفر ، خارج از محدوده رسالت پیامبر (ص)

يأيها الرسول لا يحزنك الذین يسرعون فی الكفر

خطاب خداوند به پیامبر(ص) با عنوان رسالت (یایها الرسول) گویای برداشت فوق است.

۱۸ منافقان و يهوديان جاسوس ، دروغ پرداز و حق ناپذير ، آن قدر بی ارزشند که حتی نباید بر گمراهی آنان تأسف خورد و بر کفرشان غمگین بود

لا يحزنك الذین يسرعون فی الكفر .. سمعون للكذب سمعون لقوم ءاخرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۱۴،۱۳

۱۳ يهوديان و علمای آنان دارای روحیه سلطه گری و حق ناپذیری

اشد الناس عدوه للذین ءامنوا اليهود .. و انهم لا يستکبرون

۱۴ حق ناپذیری و روحیه استکباری يهود ، عامل عداوت آنان با مسلمانان

اشد الناس عدوه للذین ءامنوا اليهود .. و انهم لا يستکبرون

حق ناشنوایی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ حق ناشنوایی کافران و منافقان ، نشانه نبودن استعداد پذیرش معارف الهی در آنان است .

و

لو علم الله فيهم خيرا لاسمعهم

مراد از خیر به قرینه آیه قبل، استعداد پذیرش معارف الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۲ - ۷

۷ - کافران لجوج ، مانند مردگان در قبرها ، از شنیدن سخن حق ناتوان بوده و هیچ راهی برای هدایتشان نیست .

و ما أنت بمسمع من فی القبور

در این آیه کافران لجوج و حق ناپذیر صدراسلام درمکه، به مردگان در قبرها تشبیه شده اند که هیچ راهی برای هدایتشان نیست و آنان نیز هیچ زمینه ای برای پذیرش ندارند.

حق ناشنوایی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۲ - ۳

۳ مشرکانی که قرآن را از زبان پیامبر (ص) می شنیدند و به آن ایمان نمی آوردند ، دلهایشان از شنوایی محروم و از فهمیدن حقیقت ، ناتوان بود .

و منهم من يستمعون إليك أفأنت تسمع الصمّ و لو كانوا لا يعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۱ - ۱۱

۱۱ - سرزنش مشرکان از سوی خدا به خاطر حق ناشنوایی شان

من إله غير الله يأتيكم بضياء أفلاتسمعون

حق ناشنوایی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۴ - ۴

۴ بیشتر مشرکان مکه ، مردمانی حق نشنو و نابخرد

إِذَا رَأَوْكَ إِن يَتَّخِذُونَكَ .. . أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ

برداشت فوق، با توجه به نزول آیه شریفه در مکه است؛ چرا که بیشتر مشرکان آن شهر در نیمه نخست بعثت

دارای چنین خصلتی بودند.

حق ناشنوایی مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۲ - ۶

۶ مردمی که به آیات قرآن گوش سپارند و به آن ایمان نیاورند ، دل‌هایشان از شنوایی محروم و از فهمیدن حق ناتوان است .

و منهم من يستمعون إليك أفأنت تسمع الصمّ و لو كانوا لا يعقلون

حق ناشنوایی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸ - ۲،۴

۲ - منافقان ، از حق شنوی ، حق بینی و حق گویی ناتوان هستند .

صم بکم عمی

۴ - عجز و ناتوانی از شنیدن ، دیدن و گفتن حقایق ، ظلمتهایی است که منافقان در آن گرفتارند .

ترکهم فی ظلمت لایبصرون. صم بکم عمی

آیه مورد بحث می تواند تفسیری برای کلمه <ظلمات> و جمله <لایبصرون> در آیه قبل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹ - ۸

۸ - منافقان در برابر آوازه قرآن و گسترش اسلام ، چاره ای جز ناشنیده انگاشتن آن ندارند .

یجعلون أصبعمهم فی اذانهم من الصوعق حذرالموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۳ - ۲

۲ حق ناشنوایی کافران و منافقان ، نشانه نبودن استعداد پذیرش معارف الهی در آنان است .

و لو علم الله فيهم خيرا لأسمعهم

مراد از خیر به قرینه آیه قبل، استعداد پذیرش معارف الهی است.

حق ناشنوایی هواپرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۴ - ۱،۶

۱ پندار حق

شنوی و خرد ورزی بیشتر هواپرستان ، پنداری بس واهی و به دور از واقعیت

من اتخذ إلهه هويه . . . أم تحسب أن أكثرهم يسمعون أو يعقلون

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که <أم> در آیه شریفه، از نوع منقطعه و برای اضراب (مانند <بل>) و متضمن معنای استفهام انکاری است. گفتنی است مقصود از <یسمعون> شنیدن ظاهری نیست؛ بلکه مراد شنیدن با گوش دل و حرف شنوی است.

۶ مردمان هواپرست را ، در حق نشنوی و بی خردی ، جز به چهارپایان (شتر ، گاو و گوسفند) نمی توان تشبیه کرد .

إن هم إلا كالأنعم

<أنعام> نامی است که شامل سه نوع حیوان می شود: شتر و گاو و گوسفند.

حق نهی از منکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۴،۵

۴ امر به معروف و نهی از منکر ، حقی است برخاسته از شأن ولایت و سرپرستی عموم مؤمنان به یکدیگر .

و المؤمنون و المؤمنت بعضهم أولياء بعض يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنکر

۵ امر به معروف و نهی از منکر ، تبلور ولایت و محبت جامعه ایمانی نسبت به یکدیگر

و المؤمنون و المؤمنت بعضهم أولياء بعض يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنکر

حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۳ - ۴

۴ - تورات ، وسیله ای کارآمد برای تشخیص حق از باطل

و إذ آتینا موسی الکتب و الفرقان

<فرقان> یعنی، وسیله تمیز و تشخیص و مراد از آن - به مناسبت مورد - چیزی است که

بتوان به وسیله آن، حق را از باطل در محدوده احکام و معارف الهی، متمایز ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۱ - ۱۲

۱۲ شکست نهایی در جنگ بین حق و باطل، سرنوشت محتوم حق ستیزان و باطل مداران مفسد است.

إن الله سيظلمه إن الله لا يصلح عمل المفسدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۵

۱۵ باطل نمی تواند برای همیشه پوشاننده حق باشد.

الئن حصحص الحق أنا رودته عن نفسه

حق وطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۴ - ۴

۴ - داشتن وطن و سرپناه از حقوق ملت ها و جوامع بشری است . *

من دیرکم

قرآن با اضافه کردن کلمه <دیار> به <کم> و نسبت دادن خانه و وطن به انسانها (دیار کم = خانه هایتان و وطنتان) این حقیقت را امضا و تثبیت می کند که: هر ملت و طایفه ای این حق را دارد که در سرزمینی سکنا گزیند و محلی را برای زندگی انتخاب کند.

حق ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۴

۴ امر به معروف و نهی از منکر، حقی است برخاسته از شأن ولایت و سرپرستی عموم مؤمنان به یکدیگر.

و المؤمنون و المؤمنت بعضهم أولياء بعض يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۸ - ۳

۳ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت

و اطاعت بر مردم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا

تفریح <آتقوا الله و اطیعون> بر جمله <إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ> بیانگر این معنا است که: اگر قبول دارید من رسول الهی و امین هستم پس بر شما لازم است که تقوای الهی پیشه کنید و از من فرمان ببرید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۶ - ۴

۴ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا

تفریح <فاتقوا الله و اطیعون> بر آیه قبل (إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ) بیانگر این حقیقت است که با توجه به این که من رسول الهی و امین هستم، پس بر شما لازم است که تقوای الهی پیشه کنید و از من فرمان ببرید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۱ - ۳

۳ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۴ - ۴

۴ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

و أَطِيعُوا

تفریح <فاتقوا الله و اطیعون> بر آیه قبل (إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ)، بیانگر این معنا است که با توجه به این که من رسول خدا هستم، بر شما لازم است که تقوای او را پیشه کنید و از من فرمان ببرید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۰ - ۴

۴ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۳ - ۳

۳ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

تفریح <فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا> بر آیه قبل (إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ) بیانگر این معنا است که با توجه به این که من رسول الهی ام، بر شما لازم است که تقوای الهی را رعایت کنید و از من فرمان ببرید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۹ - ۴

۴ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

تفریح <أَتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا> بر آیه قبل (إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ)؛ بیانگر این حقیقت است که با توجه به این که من رسول الهی و امین هستم، پس بر شما لازم است که ضمن رعایت تقوای الهی از من اطاعت کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۳ - ۴

۴- پیامبر (ص) ، دارای حق ولایت بر مردم ، در پرتو جعل و تفویض الهی

أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ

اطاعت رسول(ص)، به فرمان الهی جعل و تفویض او واجب شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۶

۶ - پیامبر اکرم (ص) ، دارای حق ولایت و فرماندهی بر انسان ها

و من يطع الله و رسوله يدخله جنّات

حق همبستری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۱ - ۳،۴،۷،۹،۱۲،۱۳

۳ - پیامبر (ص) اختیار دارد که در تماس با همسرانش ، به

اختیار خود، برخی را مقدم بدارد و برخی دیگر را به تأخیر بیندازد.

ترجی من تشاء منهّن و تئوی إلیک من تشاء

احتمال دارد که مراد از <حق اختیار تأخیر و تقدیم> چنان که برخی از مفسران نیز گفته اند <حق همبستری> باشد.

۴- واگذاری حق تصمیم و اختیار درباره همبستری با همسران، به خود پیامبر (ص) به خاطر رفع مشقت از آن حضرت است

لکیلا یکون علیک حرج... ترجی من تشاء منهّن

۷- بر پیامبر (ص) روا و جایز است که تصمیم خود را درباره به تأخیر انداختن همبستری با یکی از همسران خود، تغییر داده و آن را مقدم بدارد.

ترجی من تشاء منهّن... و من ابتغیت ممّن عزلت فلاجناح علیک

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که مراد از <ترجی> و <تئوی> تقدیم و تأخیر در همبستری با یکی از همسران باشد. بنابراین مراد از <من عزلت> آن کسی خواهد بود که فعلاً از او کناره گیری شده است. و به عبارتی، همبستری با او به تأخیر افتاده است.

۹- واگذار شدن تقدیم و تأخیر همخوابگی با همسران، به تصمیم پیامبر (ص) به منظور فراهم آوردن رضایت آنان است.

ترجی من تشاء منهّن... ذلک أدنی أن تقرّ أعینهنّ و لایحزنّ و یرضین

۱۲- همسران پیامبر، به موضع و تصمیم عادلانه آن حضرت درباره تأخیر و تقدیم همخوابگی با هر یک از آنان، اطمینان خاطر داشتند.

ذلک أدنی أن تقرّ أعینهنّ و لایحزنّ و یرضین بما ءاتیتهنّ کلّهنّ

از این که خداوند، در فلسفه واگذاری اختیار تصمیم

گیری در همخوابگی با همسران و یا رد و قبول زنانی که خود را به آن حضرت هبه می کنند، به پیامبر(ص) گفته است: <چنین حقی، به خاطر جلب رضایت همسران است > حکایت می کند که آنان، پیامبر(ص) را در تصمیم و موضع گیری اش در قبال آنان، عادل می دانسته اند.

۱۳ - خدایی بودن حق تصمیم گیری پیامبر (ص) درباره همخوابگی با همسران، مایه شادمانی آنان و موجب رفع نگرانی شان است.

ترجی من تشاء منهنّ .. ذلک أدنی أن تقرّ أعینهنّ و لایحزنّ و یرضین بما ءاتیتهنّ

احتمال دارد که مشارئالیه <ذلک> اصل حکمی باشد که آن حضرت، با آن، حق پیدا کرد تا مجاز به چنان رفتاری با همسران خود باشد. در این صورت، رضایت و رفع نگرانی از آنان، باز می گردد به این که آنان، چون به حکم خداوند تن در می دهند، و آنچه از پیامبر(ص) می رسد تابع حکم خدا است از آنان راضی اند.

حمایت از حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۱۵

۱۵- دخالت های الهی، در تاریخ به نفع جبهه حق و علیه جبهه کفر

و سیحبط أعملهم

چنانچه حبط عمل در این آیه، به معنای عقیم ساختن تلاش های ستیزه جویانه کافران علیه دین باشد، استفاده می شود که خداوند، به موقع از جبهه حق حمایت کرده و تلاش کافران را بی ثمر خواهد ساخت.

ختم قلب حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۰ - ۱

۱ - تأثیر ناپذیری برخی از انسان ها

در برابر پیام انبیا، علی رغم روشنی و اصالت آن

إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ . إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى ... إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ

آیه فوق بدین معنا است که: ای پیامبر! با این که تو بر حقی آن هم حقی بس روشن و انکارناپذیر اما در عین حال نباید توقع داشته باشی که سخنانت در دل همگان تأثیر کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۴ - ۶

۶- تویخ الهی نسبت به حق گریزان، به خاطر بسته بودن قلب و روح آنان بر آیات ژرف قرآن

أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا

برداشت بالا، بر این اساس است که <أم> به معنای <بل> و برای اضراب انتقالی باشد.

خداشناسی حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۶ - ۸

۸- وجود نشانه های روشن و غیرقابل انکار الهی، در نظام شب و روز برای جویندگان حقیقت

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

عبارت <قوم يؤمنون> یعنی، کسانی که دارای زمینه گرایش به حق اند و اگر حق را بیابند به آن ایمان می آورند.

خشوع برای حاکمان بر حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱۱

۱۱ لزوم احترام به حاکمان برحق و تواضع و خشوع در برابر آنان

و خَرَّوْا لَهُ سَجْدًا

خطر حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۶ - ۴

۴- مترفان و صاحبان مال و منال بیش از دیگران در معرض نافرمانی خدا و حق ناپذیری قرار دارند .

أمرنا

برداشت فوق مبتنی بر این است که مفعول <أمرنا> کلمه محذوفی چون <بالطاعه> و .. باشد. بنابراین معنای آیه چنین می شود: ما مترفان جامعه را به طاعت و بندگی فرمان می دهیم، ولی آنان برخلاف انتظار راه فسق و نافرمانی پیشه می سازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۸ - ۶

۶ اشراف و بزرگان هر قوم در معرض استکبار و حق ناپذیری هستند .

قال الملائئین استکبروا من قومه

درخواست حق طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۵ - ۷

۷ - موسی (ع) در وادی طوی از خداوند خواست او را پذیرای حقیقت قرار دهد و توان مندی های او را برای دریافت پیام های الهی افزایش دهد .

ربِّ اشرح لی صدري

شرح صدر، گنجایش دادن آن برای قبول حق است (لسان العرب). صدر و قلب، کنایه از نفس انسان است که دارای وصف فهم و درک است و گفته شده است که صدر اعم از قلب است، زیرا علاوه بر عقل و علم، شامل قوای شهوت و غضب و هوس و غیر آن نیز می شود (مفردات راغب).

دشمنی با حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۸ - ۲۶

۲۶ کفر همراه با عناد و ایستادگی در برابر حق ، ستمگری است .

فبهت الذی کفر و الله لا یهدی القوم الظالمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۲ - ۸

۸ عناد و لجاجت

آدمی در برابر حق تا مرز رضایت به نابودی خویش و گرفتار شدن به عذاب های الهی

اللهم إن كان هذا هو الحق من عندك فأمطر علينا حجاره .. أو ائتنا بعذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۷۸

۷ - پذیرش برخی از احکام و معارف کتاب های آسمانی و انکار برخی دیگر ، مخالفت با حق و دور شدن از آن است .

إن الذين اختلفوا في الكتب لفي شقاق بعيد

مفسران درباره اختلاف در کتابهای آسمانی - که مفاد جمله <اختلفوا في الكتاب> است - چند وجه گفته اند و برداشت فوق بیان یکی از آن وجوه می باشد. <شقاق> به معنای عداوت و دشمنی است و مفعول آن به قرینه جمله قبل کلمه ای همانند <الحق> می تواند باشد.

۸ - ایمان به برخی از کتب آسمانی و انکار برخی دیگر ، مخالفت با حق و دور شدن از آن است .

إن الذين اختلفوا في الكتب لفي شقاق بعيد

برداشت فوق از جمله وجوهی است که در تفسیر <اختلفوا في الكتاب> بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۰ - ۴

۴ کفر و عنادورزی در برابر حق دارای رابطه متقابل با عدم درک صحیح حقایق است.

و نقلب أفئدتهم .. كما لم يؤمنوا به أول مره

رابطه متقابل از آن جهت که میان <عناد> و وارونگی دل و دیده پیوندی برقرار شده که هرکدام از آن دو قابلیت تأثیر در دیگری دارد. از یکسو کفر موجب وارونگی دل می شود و از سوی دیگر این

حالت نیز آدمی رابه کفر و طغیان بیشتر سوق می دهد.

دشمنی با حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۶ - ۱۰

۱۰ - دشمنی با کفرپیشگان حق ستیز و پرهیز از تقویت آنان ، نشانه پیامبری و لازم جدایی ناپذیر آن

و ما کنت ترجوا أن یلقى إلیک الکتب . . . فلا تکوننّ ظهیرًا للکفرین

برداشت یاد شده با توجه به تفریح <لا تکوننّ . . .> بر صدر آیه به دست می آید.

دشمنی با حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۰ - ۱

۱ - اعلام بغض و دشمنی شدید خداوند نسبت به کافران لجوج و حق ناپذیر در قیامت

إِنَّ الذین کفروا ینادون لمقت الله أكبر من مقتکم أنفسکم إذ تدعون إلى الإیمن فتکف

<مقت> به معنای بغض شدید است.

دشمنی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲ - ۱

۱ - رو به رو شدن قرآن و پیامبراسلام ، با مخالفت کافران سرکش ، متکبر ، ستیزه جو و حق ناپذیر

و القرءان ذی الذکر . بل الذین کفروا فی عزّه و شقاق

<عزت> در اصل به معنای رفعت و سرافرازی است و ولی هرگاه احساس عزت برخاسته از عوامل ناصواب (مانند غرور و خودپسندی) باشد، این واژه در معنای غرور و تکبر به کار می رود. در آیه شریفه نیز در همین معنا به کار رفته است. <شقاق> به معنای مخالفت است و مقصود از آن در این آیه، مخالفت با پیامبراسلام و قرآن است. گفتنی است تنکیر

<عزت> و <شفاق> دلالت بر شدت

آن دو دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۴ - ۳

۳ - تهدید شدن کافران حق ناپذیر به عذاب الهی ، به سبب دشمنی ها و کارشکنی های آنان نسبت به رسالت پیامبر اسلام

فسیعلمون من أضعف ناصراً و أقلّ عدداً

دشمنی حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۲۸

۲۸ - وانهادن داوری نهایی به خداوند برای فیصله دادن به خصومت های طرفداران حق و باطل ، مصداقی از توکل بر اوست .

على الله توكلنا ربنا افتح بيننا و بين قومنا بالحق

دعوت از حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۱۷

۱۷ - شیطان ، فراخوان حق ناپذیران به دوزخ

كان الشیطن یدعوهم إلى عذاب السعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۷ - ۱

۱ - آتش دوزخ ، مجرمان و حق گریزان را به سوی خود فرامی خواند .

تدعوا من أدبر و تولّی

دعوت به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۹

۹ - تعالیم پیامبران ، مطابق حق بوده و آنان مردم را به سوی حق فرامی خواندند .

كذّبت قبلهم قوم نوح .. ليدحضوا به الحقّ

دلایل پیروزی حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۱ - ۶

۶- ناپایداری و شکست پذیری جریان باطل ، دلیل و نشان پیروزی قطعی جریان حق . به هنگام ظهور و بروزش

جاء الحقّ و زهق البطل إن البطل كان زهوقاً

از اینکه خداوند ناپایداری و شکست پذیری را ذاتی باطل معرفی کرد (إن الباطل كان زهوقاً) استفاده می شود که خود همین ناپایداری، دلیل پیروزی حق است.

دلایل حاکمیت حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۷ - ۵

۵ - حق مدار و هدفمند بودن آفرینش جهان ، مستلزم حاکمیت حق بر جامعه بشری است .

فاحکم بین الناس بالحقّ و لا تتبع الهوی . . و ما خلقنا السماء و الأرض و ما بینهم

یادآوری هدفمند و حق مدار بودن آفرینش، پس از توصیه به رعایت حق در داوری به داوود(ع)، می تواند حاکی از ارتباط میان این دو مطلب و گویای برداشت یاد شده باشد.

دلایل حق ناپذیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۰ - ۱۰

۱۰ - شرارت و حق ستیزی کافران در دنیا ، گواه حق گزیری آنان پس از بازگشت دوباره به دنیا

قال ربّ ارجعون . . کلاً إنّها کلمه هو قائلها

دین حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۵ - ۱۳

۱۳ - اصرار بر توحید ، از نشانه های اساسی دین حق و از علامت های مهم آیین هدایت بخش است .

و قالوا .. تهتدوا قل بل مله إبرهیم حنیفاً و ما کان من المشرکین

جمله <و ما كان من المشركين> در حقیقت بیان علت گزینش آیین ابراهیم، اعلام شایستگی آن برای پیروی و دلیل هدایت
بخشی آن است؛ یعنی، به این دلیل که ابراهیم مشرک

نمود و آیین او به شرک آمیخته نبود، باید پیروی شود و به همین دلیل آیین او آیینی هدایت بخش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۹ - ۶

۶ شریعت اسلام، تنها دین حق و مورد پذیرش خداوند

و لا یدینون دین الحق

مقصود از دین حق در <لایدینون دین الحق> دین اسلام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۳ - ۴،۵،۸

۴ اسلام، تنها دین حق و مورد قبول خدا

هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق

۵ آمدن پیامبر (ص)، همراه با هدایت (قرآن) و دین حق (اسلام) در راستای تکمیل نور الهی و تحقق اراده خداست.

و یأبی الله إلا أن یتیم نوره .. هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق

۸ تعلق اراده الهی در غلبه یافتن دین حق (اسلام) بر دیگر ادیان جهان، علی رغم کراهت مشرکان

و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۳ - ۱۰

۱۰ - تنها دین اسلام از میان دیگر ادیان الهی، حق بوده و سزاوار پیروی کردن است.

إنا کنا من قبله مسلمین

از این که پیروان ادیان الهی پیشین (اهل کتاب) با آمدن دین اسلام، این دین را حق دانستند و دست از دین گذشته خود برداشته و تسلیم دین اسلام گشتند، می توان مطلب یاد شده را استفاده کرد.

راه اثبات حق

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۱ - ۵

۵ مباحثه ، راهی نتیجه بخش برای اثبات حق ، پس از اقامه برهان

انّ مثل عیسی . . . فمن حاجك فيه من بعد ما جاءك من العلم فقل تعالوا

در برداشت فوق، ضمیر <فیه>، به کلمه <الحق> برگردانده شده است.

رجعت حق ستیزان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ - تهدید حق ستیزان عصر بعثت به محاکمه و مجازات در روز رجعت

و یوم نحشر من کلّ أمّه فوجاً ممّن یکذب بایتنا

ظاهراً آیه یاد شده، تعریض به رجعت کافران عصر بعثت نیز دارد.

رحمت بر حق پذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۲ - ۷

۷- تنها اهل ایمان و حق پذیران ، برخوردار از شفا و رحمت قرآنند .

و ننزل من القرآن ما هو شفاء و رحمه للمؤمنین

رد استمهال حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۵ - ۶

۶ - کافران حق ستیز ، فاقد هر گونه مجال و فرصت برای عذرخواهی و رضایت طلبی از خداوند ، در روز قیامت

و لا هم يستعتبون

<استعتاب> (مصدر <يستعتبون>) به معنای درخواست عذرخواهی است. و در این آیه می تواند کنایه از این باشد که به کافران، مجالی برای عذرخواهی و طلب رضایت خداوند، داده نمی شود.

روحیه حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۳،۴

۳ تسلیم بودن انسان در برابر حق

و داشتن روحیه حق پذیری، نشانه برخورداری از هدایت و توفیق الهی است.

فمن یرد الله أن یهدیه یشرح صدره للإسلام

اسلام در این آیه می تواند به معنی لغوی آن که تسلیم است، باشد.

۴ حالت پذیرش در برابر معارف آسمانی اسلام نشانه شرح صدر است.

فمن یرد الله أن یهدیه یشرح صدره للإسلام

در برداشت فوق اسلام به معنی اصطلاحی آن که دین اسلام است، گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۳ - ۱۲

۱۲ - داشتن روحیه حق پذیری، زمینه رشد و کمال است .

إن تسمع إلا من يؤمن بأیتنا فهم مسلمون

<مسلم> به کسی گفته می شود که تسلیم و منقاد بوده و بدون پیش داوری و موضع گیری پیشین، در مواجهه با حق، آن را بپذیرد. این که خداوند، فرموده است: <تو به دارندگان روحیه تسلیم، می توانی منظورت را تفهیم کنی و آنان نیز آن رامی پذیرند>، نشان می دهد که داشتن چنین حالتی، باعث حرف شنوی و در نتیجه، رشد می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۸ - ۱۸

۱۸ تنها مؤمنان و دارندگان روحیه باور و تصدیق، تأثیرپذیر از انذار و بشارت انبیا و بهره مند از پیام های ایشان خواهند بود .

إن أنا إلا نذیر و بشیر لقوم يؤمنون

روش اثبات حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۸ - ۷

۷ - معجزات پیامبران، در جهت اثبات حق و ابطال باطل بود .

و ما كان لرسول أن يأتي بأيه إلاّ

جمله < و خسر هنالك المبطلون > در ذیل آیه، قرینه است براین که معجزات رسولان، در راستای زیان زدن به باطل گرایان و مبارزه با جریان باطل است.

روش اثبات حق ستیزی مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۹ - ۱۱

۱۱ - تحدی با منکران قرآن، روشی ارائه شده از سوی خدا به پیامبر (ص) برای اثبات دروغ گویی و انگیزه های حق ستیزانه آنان

قل فأتوا بكتب من عند الله هو أهدي منهما

امر در <فأتوا> به اصطلاح برای تعجیز (نشان دادن عجز ناتوانی کافران) و تحدی است.

روش اثبات حق یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۳

۳ یوسف (ع) با تقاضای دادرسی و درخواست بازجویی از زنان، درصدد بود تا به پادشاه اثبات کند که هرگز با همسر وی رابطه نامشروع نداشته و به او خیانت نکرده است.

ذلك ليعلم أني لم أخنه بالغيب

برداشت فوق، بر این اساس است که ضمیر در <يعلم> و <لم أخنه> به <ملك> باز گردد.

روش احقاق حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۵

۵- هشدار و انذار و یا توسل به قدرت در مسیر احقاق حق و پیاده کردن دین، باید پس از اتمام حجت و بیان حقایق دینی

باشد .

و ما أرسلنك إلا رحمه للعلمين . .. قل إنما يوحى إليّ ... فهل أنتم مسلمون . في

روش اصلاح حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۲ - ۱۳

۱۳- انذار پس از تبیین حق ، وسیله ای است در جهت اصلاح حق ناپذیران

لقد علمت . . . و إني لأظنك يفرعون مشورًا

ذکر <إني لأظنك يفرعون مشورًا> پس از ارائه معجزه و رد آن از سوی فرعون، احتمال دارد وارد شدن از در تهدید برای اصلاح باشد.

روش برخورد با حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۲۶

۲۶ ضرورت اکتفا کردن به ابلاغ و پرهیز از بحث و مجادله با کسانی که روحیه عناد و لجاجت داشته و حق ناپذیرند.

قل الله ثم ذرهم فی خوضهم يلعبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۸ - ۷

۷ لزوم پرهیز از بحثها و مجادله های بی ثمر با کسانی که در جستجوی حقیقت نیستند.

الذین یخوضون . . . فأعرض عنهم حتی یخوضوا فی حدیث غیره

روش برخورد حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۹

۹ - جنجال آفرینی و هوچی گری ، از شیوه های مخالفان جبهه حق

وقال الذین کفروا . . . والغوا فیہ لعلکم تغلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۰ - ۶

۶- روی آوری به اتهام و جنگ روانی تبلیغی ، شیوه مخالفان پیام حق

و لما جاءهم الحقّ قالوا هذا سحر

روش برخورد حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۹ - ۱۱

۱۱- تنها شیوه حق

ناپذیران ستم پیشه در برخورد با آیات الهی ، انکار آنهاست .

فأبى الظلمون إلا كفورا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۷ - ۶

۶ - جدی نگرفتن پیام حق و برخورد هوچی گرانه با آن ، شیوه مستمر اهل باطل

فلما جاءهم بآيتنا إذا هم منها يضحكون

روش تبیین حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۵ - ۱۳

۱۳- لزوم به کارگیری برترین و مؤثرترین روش ها ، در جدل (مباحثه و مناظره) برای بیان مسائل دینی و احیای حقایق الهی

ادع إلى سبيل ربك . . . و جدلهم بالتي هي أحسن

روش تشخیص حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۲۴

۲۴ فراوانی رهروان یک راه هرگز نشانه سلامت آن راه نیست .

و كثير منهم ساء ما يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۶ - ۵

۵- مقایسه بین عقاید حق و باطل ، روشی برای تشخیص حق و رهنمودی کاربردی برای تعیین مسیر حرکت آدمی است .

مثلاً کلمه طیبه کَشَجَرَه طَيِّبَه أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فِرْعَانُ فِي السَّمَاءِ . . . و مثل کلمه خبیثه

بی شک منظور از تشبیهات در قرآن، و از جمله موارد یاد شده در آیه های فوق، تبیین دقیق آن دسته از معارفی است که فهم آنها مشکل می باشد و فلسفه چنین روشنگری ای نیز، قطعاً ارائه راه روشن برای انسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ -

۴ - ارزیابی منطقی براساس ملاک های شناخته شده جهت تشخیص حقانیت ، شیوه ای قرآنی است .

قل أروني الذين ألحقتهم به شركاء

درخواست پیامبر(ص) از مشرکان، برای ارائه خدایان ادعایی شان صرفاً جهت به نمایش گذاشتن آنها نیست؛ بلکه به منظور ارزیابی آنان است و این که آیا آنها واجد صفات الوهیت و ربوبیت هستند، یا خیر؟ بنابراین از آیه استفاده می شود که شیوه پسندیده در اثبات حقانیت و یا عدم آن، ارزیابی منطقی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۸ - ۱۴

۱۴ - شنیدن سخنان و برگزیدن بهترین آنها ، تنها راه مطمئن و خردورزانه برای دستیابی به حقایق الهی

الذين يستمعون القول .. أولئك الذين هديهم الله و أولئك هم أولوا الألب

روش حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۶ - ۷

۷- انكارِ رسولان الهی ، بینشی متکی به باطل و در جهت ستیز با حقیقت است .

و يجعل الذين كفروا بالباطل ليدحضوا به الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۴ - ۳

۳ تجلیل حاکمان ستمگر از عالمان ستیزه جو با حق تا حد مقرب ساختن آنان به درگاه خویش

قال نعم و إنكم لمن المقربين

روش حق ستیزی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- جدال و اشکال تراشی ، با به کارگیری روش های باطل و دستاویز های دروغین ، از شیوه های مبارزه کافران با حق است .

يجدل الذين كفروا بالباطل ليدحضوا به الحقّ

روش وصول به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۱۲

۱۲ نیل به حقیقت ، مولود امتزاج علم ، عبادت و اخلاق

ذلک بان منهم قسیسین و رهباناً و انهم لایستکبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۰ - ۱۹

۱۹ به کارگیری اندیشه، راهی برای رسیدن به حقایق است.

قل لا أقول لكم عندی خزائن الله .. أفلاتتفكرون

رؤیت عذاب حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۰ - ۹

۹ - تهدید حق ستیزان از سوی خداوند ، به محاکمه نهایی و مشاهده جزای خویش در فرجام

بلی و رسلنا لدیهم یکتبون

فعل <یکتبون> از یک سو می رساند که خداوند، همیشه حق ستیزان را به مجرد وقوع جرم جزا نمی دهد و از سوی دیگر افاده می کند که تأخیر جزای آنان سبب غفلت نمی شود؛ زیرا فرشتگان آن را ثبت می کنند و در محاکمه نهایی مورد استفاده قرار می گیرد.

رهبری حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۵ - ۱۴

۱۴ تسلیم در برابر احکام و داوری های حاکمان حق ، از علایم ایمان است . *

فلا و ربك لا يؤمنون حتى يحكموك .. و يسلموا تسليماً

چون امر قضاوت همیشگی و احکام قرآن جاودانی است و پیامبر (ص) در همه ادوار حضور ندارد، بنابراین آیه مزبور شامل همه رهبران الهی و جانشینان بحق آن حضرت خواهد بود.

زمینه آموزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۴ - ۲

۲- امکان شمول عفو الهی ، نسبت به کافران حق ستیز ، به شرط توبه و پشیمانی قبل از مرگ

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا و... ثُمَّ مَاتُوا و هُمْ كَفَّارٌ فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ

از مفهوم آیه شریفه، استفاده می شود که اگر کافر معاند در حال کفر نمیرد و قبل از مرگ توبه کند، مشمول <لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ> نخواهد بود.

زمینه اجتناب از حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۶ - ۱۰

۱۰- توجه به احاطه علمی خدا بر بندگان ، زمینه ساز پرهیز آنان از حق ناپذیری و بهانه جویی است .

قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا... إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا

اینکه خداوند بر مشرکان حق ناپذیر اتمام حجت کرده و آنگاه فرموده است: <او بر حال بندگان آگاه و بیناست> می تواند مشعر به نکته یاد شده باشد.

زمینه استهزای حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶ - ۲

۲- روی گردانی مداوم از حق ، زمینه ساز اقدامات خصمانه تری علیه آن از طریق تکذیب و استهزا

إِلَّا كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ . فَقَدْ كَذَّبُوا... يَسْتَهْزِءُونَ

با توجه به تفریع <فَقَدْ كَذَّبُوا...> بر <كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ> روشن می شود که کافران در نتیجه روی گردانی مستمر از حق، کم کم موضعشان را نسبت به آن سخت تر کرده و صریحاً به تکذیب و ریشخند آن پرداختند.

زمینه اعراض از حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۹- جدال به باطل در برابر حق و به استهزا گرفتن آیات الهی، زمینه ساز اعراض از آن و بی اثر ماندن رهنمود های الهی است

و یجدل الذین کفروا بالبطل لیدحضوا به الحقّ .. و من أظلم ممّن ذکر بآیت ربّه

ارتباط آیه مورد بحث با آیه قبل را می توان این چنین تصویر کرد که اعراض کنندگان از آیات الهی، همان مجادلگرانی هستند که با جدال باطل و استهزای آیات الهی، خود را از فیض آن محروم می سازند.

زمینه اقرار به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۰ - ۳

۳- تقوا، زمینه ساز اعتراف به حقایق و تسلیم شدن در برابر آن

و قیل للذین اتّقوا ماذا أنزل ربکم قالوا خیرًا

برداشت فوق با توجه به آیه ۲۳ و ۲۴ این سوره است که در آنها برخورد مستکبران را با همین سؤال مطرح کرده بود و آنان به دلیل برخورداری از روحیه استکباری، قرآن را ساخته و پرداخته انسانها دانسته بودند. اما در این جا متقین را مطرح کرده است که به دلیل داشتن تقوا در برابر واقعیت وحی، تسلیم شده اند و آن را خیر محض تلقی کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۴ - ۹

۹- خودیابی و مراجعه به وجدان، زمینه ساز اعتراف به حقایق

فرجعوا إلى أنفسهم فقالوا إنکم أنتم الظلمون

از این که بت پرستان پس از به خود آمدن و رجوع به وجدان و ضمیر خویش، به بطلان شرک و راستی

توحید پی بردند، مطلب یاد شده را می توان استفاده کرد.

زمینه انکار حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۱۹

۱۹ طغیانگری، زمینه کفرورزی و انکار حق

طغیاناً و کفرأ

تقدیم طغیان بر کفر می تواند بیانگر نقش طغیان در پیدایش کفر باشد.

زمینه ایصال به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۸

۸ رسیدن به حق، در گرو شناخت باطل و نفی آن است.

ینی ترکت مله قوم لایؤمنون... واتبعت مله اباہی ابرہیم

زمینه بصیرت حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۹ - ۳

۳ قطره های برکت آفرین باران، پیامدار بصیرت و بیداری برای حق جویان

تبصره و ذکرى لكل عبد منیب . و نزلنا من السماء ماء مبرگاً

از ارتباط این آیه با آیه قبل، مطلب بالا قابل برداشت است.

زمینه پذیرش حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ توجه به علم کامل خداوند بر اندیشه ها ، زمینه ساز اجابت دعوت خدا و رسول و پرهیز از نفاق و دورویی

لاتكونوا كالذين قالوا سمعنا و هم لا يسمعون . . و اعلموا أن الله يحول

۱۵ توجه انسان ها به حشر قهری ایشان به پیشگاه الهی ، زمینه ساز گرایش آنان به اجابت دعوت خدا و رسول

يأيها الذين ءامنوا استجبوا . . و أنه إليه تحشرون

هدف از بیان حشر آدمیان به سوی خداوند پس از <استجبوا . . >، ایجاد

زمینه برای اجابت دعوت خدا و رسول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۴ - ۷

۷- انسان ، موجودی مباحثگر و نیازمند مشاهده دلایل و بیان های مختلف برای پذیرش حق است .

و لقد صرّفنا فی هذا القرآن للناس من کلّ مثل و كان الإنسن أكثر شیء جدلاً

بیان مجادلگری انسان، پس از اشاره به ارائه مثال ها و بیان های مختلف در قرآن، گویا به این نکته اشاره دارد که برای این موجود مجادلگر، سخن بسیار و با طرح های مختلف باید گفته شود تا او قانع شده و به راه هدایت، رهنمون گردد.

زمینه تبلیغ حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۱۲

۱۲ - ترویج حق و تقویت روحیه پایداری ، نیازمند مشارکت و هم یاری مردم با یکدیگر است .

تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

زمینه تسلیم به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۰ - ۳

۳- تقوا، زمینه ساز اعتراف به حقایق و تسلیم شدن در برابر آن

و قيل للذین اتّقوا ماذا أنزل ربکم قالوا خیرًا

برداشت فوق با توجه به آیه ۲۳ و ۲۴ این سوره است که در آنها برخورد مستکبران را با همین سؤال مطرح کرده بود و آنان به دلیل برخورداری از روحیه استکباری، قرآن را ساخته و پرداخته انسانها دانسته بودند. اما در این جا متقین را مطرح کرده است که به دلیل داشتن تقوا در برابر واقعیت وحی، تسلیم شده اند و آن را خیر محض تلقی کرده اند.

زمینه تشخیص حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۸ - ۹

۹- ایمان و تقوا، سبب می شود که خداوند، در درون انسان نوری قرار دهد که با آن بتواند راه درست را تشخیص داده و مسیر زندگی را سالم طی کند.

و يجعل لكم نوراً تمشون به

جمله <يجعل لكم..> (نظیر جمله پیشین) جواب برای شرط مقدر است. تقدیر آن چنین می شود: <إِن تَتَّقُوا وَ تَوَّعَلُوا
برسوله يجعل لكم نوراً تمشون به.>

زمینه تشخیص حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۰ - ۸

۸- وجود حق و مظاهر آن، زمینه ساز آشکار شدن ماهیت نهفته حق ستیزان *

حتی أنسوكم ذکری

از این که خداوند، مؤمنان را عامل غفلت کافران از یاد خدا معرفی کرده است، به دست می آید که اگر مؤمنان نبودند، ماهیت حق ستیز کافران نهان می ماند؛ ولی وجود آنان سبب شد تا چهره اصلی آنها آشکار شود.

زمینه تنبه حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۹ - ۳

۳ قطره های برکت آفرین باران، پیامدار بصیرت و بیداری برای حق جویان

تبصره و ذکری لكل عبد منیب . و نزلنا من السماء ماء مبرگاً

از ارتباط این آیه با آیه قبل، مطلب بالا قابل برداشت است.

زمینه حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۷

۷ - دستیابی انسان به حق و عدل ، در پرتو بهره گیری از قرآن و

به کارگیری آن

أنزل الكتب بالحقّ و الميزان

بنابراین که <الميزان> عبارت دیگری از <الكتاب> باشد و با توجه به این که <ميزان> ابزار اجرای عدالت است، برداشت یاد شده به دست می آید.

زمینه حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۴ - ۱۸

۱۸- عبادت و پرستش خدا ، زمینه ساز پندپذیری و حق شنوی است .

ذکری للعبدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۴ - ۵

۵- نرمی و سلامت دل ، زمینه ای مناسب برای گرایش به حق و پذیرش آن

ليجعل ... للذين في قلوبهم مرض و القاسيه قلوبهم ... و ليعلم الذين أوتوا العلم أ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۴ - ۳

۳- بصیرت و روشن دلی ، زمینه ساز پذیرش سخن حق و عبرت آموزی است .

إنّ في ذلك لعبره لأُولى الأبصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۲ - ۶

۶- علم و معرفت ، زمینه ساز خضوع و تسلیم انسان در برابر حق

و أوتينا العلم من قبلها و كُنَّا مسلمين

تقديم <علم> بر <اسلام> می تواند بیانگر مطلب فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۷ - ۹

۹ - حق پذیری ، زمینه و شایستگی و صلاحیت لازم را می طلبد .

و إذا تتلى عليه ءآيتنا ولَّى مستكبرًا .. كأنَّ في أذنيه وقْرًا

این که گفته است: <لهو طلبان، با شنیدن آیات الهی، روی می گردانند

به گونه ای که گویا ثقل سامعه دارند، می رساند که پذیرفتن حق، زمینه لازم دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۶

۶ - توجه به در اختیار خداوند بودن همه موجودات عالم و نیز نعمت های اعطا شده به انسان ، تبعیت از تعالیم آسمانی را اقتضا می کند .

ألم تروا أنّ الله سخر... و أسبغ عليكم نعمه... أتبعوا ما أنزل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱۸

۱۸ - > روى أنّ النبیّ (ص) قرأ > أفمن شرح الله صدره للإسلام فهو على نور من ربّه < فقال إنّ النور إذا وقع فى القلب إنفسح له و انشرح ، قالوا : يا رسول الله فهل لذلك علامه يعرف بها ؟ قال : التجافى عن دارالغرور و الإنابه إلى دار الخلود و الإستعداد للموت قبل نزول الموت ;

از رسول خدا(ص) روایت شده است که آن حضرت آیه > أفمن شرح الله صدره للإسلام فهو على نور من ربّه < را تلاوت کرد و آن گاه فرمود: هنگامی که نور وارد قلب می شود، قلب برای اسلام باز و گشاده می گردد. گفتند: ای رسول خدا! آیا علامتی برای آن هست که به وسیله آن شناخته شود؟ فرمود: علامت آن پهلو تهی کردن از خانه غرور و بازگشت به خانه جاویدان و آماده شدن برای مرگ قبل از آمدن آن است.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۴ - ۱۳

۱۳ - اعتقاد به بصیرت

و آگاهی کامل خداوند بر احوال بندگان، زمینه ساز پرهیز آدمی از گناه و حق ناپذیری است.

إِنَّ اللَّهَ بصير بالعباد

یادآوری بصیرت و آگاهی خداوند بر احوال بندگان، برای کسانی که در گناه افراط کرده، حق را نمی پذیرند (أَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ)، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۳ - ۱۶

۱۶ - توجه به رحمت گسترده و عقاب شدید خداوند، زمینه ساز بازگشت انسان از مخالفت با حق

إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَ ذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ

چنانچه جمله <إِنَّ رَبَّكَ...> مربوط به مخالفان پیامبران باشد، از توجه دادن خداوند به مغفرت و عقاب خویش، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۵ - ۱۰

۱۰ - توجه به الوهیت و فرمانروایی جاویدان خداوند و نیز تداوم زندگی انسان در آخرت، زمینه ساز گرایش انسان به حق

وَ هُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهُ وَ... وَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَ إِلَيْهِ تَرْجَعُونَ

با توجه به این که آیات پیشین در رد منکران توحید بود، استفاده می شود که طرح فرمانروایی خدا بر هستی در دنیا و آخرت، هشدار می به حق ستیزان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳ - ۷

۷ - تشویق انسان از سوی خداوند، به مطالعه و تأمل در نظام طبیعت به انگیزه حق جویی و حق پذیری

إِنَّ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِلْمُؤْمِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳- توجّه به وقوع حتمی وعده های الهی ، بازدارنده انسان از لجاجت و حق ناپذیری *

ءامن إنّ وعد الله حقّ

<إنّ> بیانگر تعلیل است؛ یعنی، ایمان بیاور چون وعده خداوند حق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۴ - ۱۸

۱۸ - اطاعت از خدا و رسول او و قرار گرفتن انسان در مسیر اصلی حق ، زمینه بخشش لغزش های وی

و إنّ تطیعوا الله و رسوله .. إنّ الله غفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۶ - ۲،۴

۲ تأمل و اندیشه در کیفیت آفرینش ، زیبایی و اتقان بنای آسمان ، زمینه ره جویی به حق

بل کذبوا بالحقّ .. أفلم ينظروا إلى السماء ... و ما لها من فروج

واژه <ینظر>، به معنای تأمل و نگاه از روی دقت و تحقیق است.

۴ زینت و زیبایی آسمان ، به تدبیر الهی و در جهت ره یابی انسان به حق

أفلم ينظروا .. و زینّها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۵ - ۱۲

۱۲ - بیم از فرجام عمل ، نقطه آغازین حرکت انسان به سوی تعهد و حق پذیری

فذكر .. من یخاف وعید

از این که خداوند، پیامبر(ص) را موظف کرده تا <من یخاف وعید> با قرآن تذکر دهد؛ استفاده می شود که اعتقاد به

قیامت و بیم از فرجام عمل، نخستین مرحله ای است که فرد را مستعد پذیرش حق می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- نوح - ۷۱ - ۶ - ۳

۳ - تأثیر سخن حق ، مشروط به وجود زمینه پذیرش است .

فلم یزدهم دعاءى إلاّ فرارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۷

۷ - حق پذیری و دفاع از حق ، نیازمند شکیبایی و استقامت \$ است .

تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

جمله <تواصوا بالصبر>، ممکن است درصدد بیان زمینه های لازم برای مفاد <تواصوا بالحقّ> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۸ - ۱۵

۱۵ ایمان (باور) ، زمینه ساز پذیرش معجزات الهی و بهره مندی از آن

انّ فی ذلک لایه لکم ان کنتم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۵

۵ سابقه آشنایی مسیحیان عصر پیامبر (ص) به حقائق ، زمینه تأثیرپذیری آنان از قرآن

تری اعینهم تفیض من الدمع مما عرفوا من الحق

بدان احتمال که مراد از <الحق> حقایقی غیر از قرآن و رسالت پیامبر(ص) باشد بر این مبنا: ما در <مما> مصدریه و

<من> در <من الحق> تبعیضیه است نه بیانیه یعنی چون مسیحیان مؤمن، حقایقی از دین را می شناختند، اعتراف به رسالت

پیامبر(ص) کردند. ماضی بودن فعل <عرفوا> این احتمال را تأیید می کند.

زمینه حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ بی نیازی و رفاه ، زمینه ساز طغیان و ستیزه جویی با حق

و ما نقموا إلا أن أغنيهم الله ورسوله من فضله

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۲ - ۶

۶ جرم و تبه کاری ، زمینه ساز حق ستیزی است .

و يحق الله الحق بكلمته و لو كره المجرمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶ - ۲

۲ - روی گردانی مداوم از حق ، زمینه ساز اقدامات خصمانه تری علیه آن از طریق تکذیب و استهزا

إلّا كانوا عنه معرضين . فقد كذبوا ... يستهزءون

با توجه به تفریع <فقد كذبوا..> بر <كانوا عنه معرضين> روشن می شود که کافران در نتیجه روی گردانی مستمر از حق، کم کم موضعشان را نسبت به آن سخت تر کرده و صریحاً به تکذیب و ریشخند آن پرداختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۰ - ۱

۱ - تصور ناقص انسان از خداوند و گستره علم وی ، زمینه ساز فروغلتیدن وی در دام حق ستیزی و مبارزه با پیامبران

أم أبرموا أمراً .. أم يحسبون أننا لانسمع سرهم و نجويهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۷ - ۴

۴- غوطهوری در سرخوشی ها و امکانات دنیایی ، از زمینه های حق ستیزی و هلاکت *

إنهم جند مغرقون . کم ترکوا ... فیها فکھین

ترسیم برخورداری های فرعونیان پس از یادکرد هلاکت ایشان ممکن است از آن جهت باشد که این برخورداری ها، در حق ستیزی آنان نقش داشته است.

زمینه حق ستیزی قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱

۱۰- پیشینه جامعه لوط در فسق و انحراف ، زمینه ساز روی آوردن آنان به کردار پلید و ناشایست و پذیرفتن دعوت حضرت لوط (ع)

تعمل الخبث إنهم كانوا قوم سوء فسقین

جمله <إنهم كانوا..> به منزله تعلیل برای جمله <تعمل الخبث> می باشد. بنابراین فسق (عصیان و انحراف از مسیر حق) موجب رویکرد قوم لوط به خبث و ناپاکی ها گردید. گفتنی است فعل <كانوا> که مفید استقرار وصف است بیانگر تداوم فساد در میان قوم لوط در گذشته است.

زمینه حق شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۴ - ۸

۸- عقل ، ارزشمند بوده و در شناخت حقایق و پیشگیری از نابخکاری ها نقشی مهم و اساسی دارد .

إن فی ذلک لآیت لأولی النهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۵ - ۱۰

۱۰ طرح سؤال و پرسش ، روشی برای برانگیختن اندیشه و تفکر ، در شناخت بهتر حقایق الهی و گزینش بهترین عقیده ها و رفتارها

قل أذلک خیر أم جنّه الخلد التی وعد المتّقون

زمینه حق شناسی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۴ - ۲

۲- سخنان نرم موسی و هارون (ع) ، زمینه ای مناسب برای پی بردن فرعون به حقیقت و یا پیدایش باور های خویش

فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لِّعَلَّهِ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى

<خشیه> ترسی است که آمیخته با احساس عظمت طرف مقابل باشد (مفردات راغب). حرف <أو> فرعون را بین دو واکنش احتمالی

ترسیم کرده است. بنابراین جمله <لعله...> بیان می دارد که امید است فرعون یا حقیقت را فهمیده و به آن یقین یابد و بالااقل احتمال صداقت موسی و هارون(ع) را بدهد و در نتیجه خطر را بزرگ دیده و از آن هراسان شود.

زمینه حق طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جایشه - ۴۵ - ۳ - ۷

۷ - تشویق انسان از سوی خداوند ، به مطالعه و تأمل در نظام طبیعت به انگیزه حق جویی و حق پذیری

إِنَّ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِلْمُؤْمِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۰ - ۲،۳

۲ - نقش اخلاص مبلغان دینی ، در گرایش مردم به تقوا و پیروی از حق

و مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ .. فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

۳ - تقوای الهی ، زمینه ساز گرایش به حق و پیروی از آن

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

مقدم آمدن امر به تقوا (اتَّقُوا اللَّهَ) بیانگر مطلب یاد شده است.

زمینه حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۰ - ۶

۶ - تعصب های نژادی و فامیلی ، امری نکوهیده و زمینه ساز حق ناپذیری است .

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ ءِآبَاءَنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ جرم مستمر و تبه کاری ، زمینه ساز پیدایش روح استکبار و سر باز زدن از پذیرش حق است .

فاستکبروا و کانوا قوماً مجرمین

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۳ - ۳

۳- انسان های برخوردار از رفاه و نعمت ها ، در معرض ابتلا به بیماری حق ناپذیری

و إذا أنعمنا على الإنسان أعرض و ثنا بجانبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۶ - ۶

۶- امکان سقوط انسان به مرحله ای از حق ناپذیری که هیچ آیت و معجزه ای در او تأثیر نکرده و جملگی آنها را تکذیب کند .

و لقد أرینہ ءایتنا کلها فکذب و أبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۶ - ۹

۹- اشرافیت ، زمینه حق ناپذیری و استکبار در برابر پیامبران

إلی فرعون و ملایه فاستکبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۵ - ۴

۴- برخورداری از امکانات مادی فراوان ، زمینه ساز خودپسندی و حق گریزی است .

کلّ حزب بما لدیهم فرحون .. أیحسبون أنّما نمدهم به من مال و بنین

ذکر مال و فرزندی، می تواند بدان جهت باشد که این دو، در پیدایش فرقه گرایى و حق ناپذیری مؤثر بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶ - ۲

۲- روی گردانی مداوم از حق ، زمینه ساز اقدامات خصمانه تری علیه آن از طریق تکذیب و استهزا

إلّا كانوا عنه معرضين . فقد كذبوا ... يستهزءون

با توجه به تفریح <فقد كذبوا..> بر <كانوا عنه معرضين> روشن می شود که کافران در نتیجه روی گردانی مستمر از حق،
کم کم

موضعشان را نسبت به آن سخت تر کرده و صریحاً به تکذیب و ریشخند آن پرداختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۰ - ۲

۲ - جرم و گناه ، زمینه ساز حق ناپذیری

كذلك سلكنه فى قلوب المجرمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۳ - ۳

۳ - روحیه فسق و تجاوزگری ، زمینه ساز مقاومت انسان در برابر آیات روشن الهی و حقایق آشکار

إنهم كانوا قومًا فسقین . فلما جاءتهم آیتنا مبصره قالوا هذا سحر مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۷ - ۷

۷ - دلبستگی به زندگی دنیایی و مرز و بوم خویش ، زمینه ساز گریز از حق و هدایت

وقالوا إن تتبع الهدی معك نتخطف من أرضنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۴ - ۳

۳ - برخوردارى از ثروت و رفاه ، موجب پیدایش خصلت حق ناپذیری است .

وما أرسلنا فی قریه من نذیر إلا قال مترفوها إنا بما أرسلتم به كفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۴ - ۹

۹ - تکبر و خودبرتربینی ، زمینه حق گریزی و صفتی بس زشت و ناپسند

إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكٰفِرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۴ - ۸

۸ - برخورداری از قدرت و توانایی سیاسی و اقتصادی ، از زمینه های طغیان ، حق گریزی و دین ستیزی

کانوا

هم أشدّ منهم قوّه وءاثارًا .. إلى فرعون و همن و قرون فقالوا سحر كذّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۵ - ۳

۳- افراط در شادمانی و زندگی سرمستانه ، زمینه ساز غفلت از حقایق و معارف الهی و انکار و تکذیب آنها

الذین کذبوا بالکتب .. ذلکم بما کنتم تفرحون فی الأرض بغير الحقّ و بما کنتم تم

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که مشار الیه <ذلکم> تکذیب کافران باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۹

۹- ابتلای انسان به لعن الهی و حق نشنوی ، معلول عملکرد خود او است .

فلو صدقوا الله لكان خیرًا لهم .. أولئک الذین لعنهم الله فأصمّهم و أعمى أبص

هر چند فعل های <أصمّ> و <أعمى> به خداوند نسبت داده شده، اما این مستلزم جبر نیست؛ زیرا انسان در ابتدا کر و کور نمی شود؛ بلکه در پی یک سلسله اعمال منافقانه، محکوم به لعن و نفرین الهی می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۷ - ۹

۹- روح استکبار و خودبرتربینی ، سبب حرف ناشنوی ، حق ناپذیری و دین گریزی قوم نوح بود .

و إني کلمّا دعوتهم .. و استکبروا استکبارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۹

۹- قدرت سیاسی و اقتصادی ، زمینه ساز کفر و حق ناپذیری

و اتبعوا من لم یزده ماله و ولده إلاّ خسارًا

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۱ - ۵

۵ - رفاه و قدرت اقتصادی ، از زمینه های حق ناپذیری و دین گریزی

و المكذبین أولی النعمه

زمینه حق ناپذیری زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۱۴

۱۴ - زنان همانند مردان ، در معرض انحراف و حق ناپذیری شدید و مثال زدنی

ضرب الله مثلاً للذین کفروا امرأت نوح و امرأت لوط .. قیل ادخلا النار مع الذلین

زمینه حق ناپذیری مردان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۱۴

۱۴ - زنان همانند مردان ، در معرض انحراف و حق ناپذیری شدید و مثال زدنی

ضرب الله مثلاً للذین کفروا امرأت نوح و امرأت لوط .. قیل ادخلا النار مع الذلین

زمینه دفاع از حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۷

۷ - حق پذیری و دفاع از حق ، نیازمند شکیبایی و استقامت \$ است .

تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

جمله <تواصوا بالصبر>، ممکن است درصدد بیان زمینه های لازم برای مفاد <تواصوا بالحقّ> باشد.

زمینه عذاب حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۶ - ۳

۳ - نزول عذاب الهی بر حق ستیزان ، از پی اتمام حجت بر ایشان

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ .. و لقد أنذرهم بطشتنا فتماروا بالّنذر

زمینه علم حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۴ - ۲

۲ - کافران

لجوج و حق ناپذیر ، تنها به هنگام مشاهده نشانه های نزول عذاب الهی ، به ناتوانی و بی پناهی خود پی می برند .

حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَيَسْئَلُونَ مَنْ أَرْسَلَنَا بِآيَاتِنَا أَنزِلْنَا هَٰذَا قَدْرًا

زمینه غفلت از حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۳ - ۱۱

۱۱- موقعیت برتر اقتصادی و اجتماعی و بهره مندی های مادی ، زمینه ساز غفلت از حق و بهره نبردن از آیات قرآن

و إِذَا تَلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا .. أَى الْفَرِيقِينَ خَيْرَ مَقَامًا وَأَحْسَنَ نَدِيًّا

زمینه قبول حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۵ - ۹

۹ توجه به مرگ و نزدیک بودن پایان عمر ، زمینه ساز پرهیز آدمی از انکار حق و معارف دین (توحید ، نبوت و قیامت) است .

إِنَّ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مِّمَّنْ .. وَأَنْ عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ

زمینه کیفر حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۷ - ۴

۴ - ربوبیت الهی ، مقتضی مجازات کافران و حق ستیزان

إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ

از اضافه <عذاب> به <رب>، مطلب بالا استفاده می شود.

زمینه گمراهی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۶۳ - ۲

۲ - آیین شرک و بت پرستی ، تنها در انسان های بدطینت و حق گریز زمينه تأثیر و نفوذ دارد .

ما أنتم عليه بفتنين . إلا من هو صال الجحيم

زمينه گواهی به حق

جلد - نام

۱ قوانین و شرایط شهادت بر وصیت (عادل بودن شاهدان ، ضمیمه قسم در موارد شک و ...) بهترین قوانین و شرایط برای تحقق شهادت ها به درستی و راستی

ذلك ادنی ان یأتوا بالشهده علی وجهها

۲ توجه به احکام و قوانین شهادت بر وصیت (نقض شهادت های دروغین و بازگشت حق سوگند به دیگران) ، مایه هراس از ادای شهادت دروغ و زمینه ساز ادای شهادت به راستی و درستی

او یخافون ان ترد ایمن بعد ایمنهم

ضمیر در < یخافوا > و < ایمنهم > به شاهدان نخست بر می گردد و مراد از رد یمین < ترد ایمن > بازگشت حق سوگند به دیگران است. بنابراین < او یخافوا ان ترد... > یعنی تا شاهدان نخست بترسند که سوگند آنان نادیده انگاشته شده و حق سوگند به دیگران بازگردانده شود.

۴ رعایت تقوا و ترس از خدا ، ضامن ادای شهادت به درستی و راستی است .

ان یأتوا بالشهده علی وجهها .. و اتقوا الله

زمینه هدایت حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۲ - ۱۲

۱۲ - تنها انذار و تهدید نسبت به عواقب شوم عمل ، دارای امکان تأثیر در حق ستیزان

و من ضلّ فقل إنّما أنا من المنذرين

با این که قرآن در بردارنده هر دو بعد انذار و تبشیر است ، اما پیامبر (ص) در قبال گمراهان حق ناپذیر، تنها موظف به بیان بُعد انذار گر قرآن بود و این بدان جهت است که تنها عاملی که ممکن بود در آنان تأثیر

بگذارد <انذار> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۸ - ۷

۷- مجازات های دنیوی حق ستیزان از سوی خداوند ، به منظور هدایت و اصلاح آنان است ؛ نه انتقام .

و أخذنهم بالعذاب لعلهم يرجعون

زیان ترک تبلیغ حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۲ - ۳

۳- بی ایمانی و ترک عمل صالح و تبلیغ نکردن از حق و صبر ، زیان بزرگی است .

لفی خسر

نکره آمدن کلمه <خسر>، برای بیان عظمت آن است. استثنایی که در آیه بعد آمده، زیان را به غیر افراد مستثنی، اختصاص داده است.

زیان حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۰ - ۶

۶- بت پرستی و موضع گیری در مقابل حق و رهبران الهی ، از زیان بارترین کارها است .

و أرادوا به کیداً فجعلنهم الأخسرین

زیانکاری حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۵ - ۴

۴- آشکار شدن خسارت و زیان کاری مشرکان و کافران قدرتمند و حق ناپذیر، به وقت نزول عذاب الهی بر ایشان در دنیا

لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا .. و خسرو هنالك الكفرون

سختی حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۸

۸ فروتنی، شب زنده داری، حلم، توبه، عفو کریمانه، پذیرش حق، دوری از اسراف، تنگ گیری، شرک، زنا، آدم کشی

و سخن باطل ، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذين يمشون على الأرض هوناً .. و الذين لا يشهدون الزور ... أول

سختی عذاب اخروی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۴

۴ - عذاب اخروی برای کافران و حق ستیزان ، کیفری گران و سخت مصیبت بار

و لولا أن تصيبهم مصيبة

<مصیبه> به بلیه و هر امر مکروه، و ناخوشایند گفته می شود و تنکیر آن برای تفخیم است. بنابراین واژه <مصیبه> در این آیه به معنای بلای بزرگ می باشد و مقصود از آن می تواند عذاب استیصال باشد و می تواند عذاب اخروی باشد.

سختی عذاب حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۷ - ۱

۱ - عذاب سخت و دشوار الهی ، کیفری حتمی برای کافران حق ستیز

فلنذيقن الذين كفروا عذاباً شديداً

لام و نون تأکید در <لنذيقن>، حاکی از حتمی بودن عذاب و کیفر می باشد.

سختی کیفر حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۲

۱۲ - عقوبت دنیایی مردم حق ناپذیر و ستیزه جو از اقوام گذشته (چون قوم نوحو ...) مجازاتی سخت ، شگفت آور و درس آموز

فأخذتهم فكيف كان عقاب

برداشت یادشده از استفهام تعجیبی <کیف> استفاده می شود.

سختی کیفر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۲

۱۲ - عقوبت دنیایی مردم حق ناپذیر و ستیزه جو از اقوام

گذشته (چون قوم نوحو...) مجازاتی سخت، شگفت آور و درس آموز

فأخذتهم فكيف كان عقاب

برداشت یادشده از استفهام تعجیبی <کیف> استفاده می شود.

سرزنش اخروی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۳ - ۱

۱ - سرزنش شدن کافران حق ستیز در قیامت از سوی خداوند

ثم قيل لهم أين ما كنتم تشرکون

استفهام در <آین ما کنتم..> توییحی است.

سرزنش تکذیب حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۲

۲ تکذیب حق (قرآن)، بدون تأمل در آن، مورد سرزنش خداوند است.

فقد كذبوا بالحق لما جاءهم فسوف

سرزنش حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۱۴

۱۴- ایمان گروهی از جنیان، به مجرد شنیدن قرآن، تعریضی به مشرکان لجوج و حق ستیز است. *

و إذ صرفنا إليك نفرًا من الجن

با توجه به این که آیات پیشین، تماماً هشدار به مشرکان بود، این آیه نیز در بردارنده تعریض و سرزنش برای آنان است زیرا

جنیان پیغام قرآن را شنیده و پذیرفتند؛ ولی آنان چنین نکردند.

سرزنش حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۴ - ۱،۶

۱- توبیخ بیماردلان حق گریز، از سوی خداوند به خاطر نیندیشیدن در ژرفای مفاهیم قرآن

أفلایتدبرون القرآن

۶- توبیخ الهی نسبت به حق گریزان، به خاطر بسته بودن قلب و روح آنان بر آیات ژرف قرآن

أفلایتدبرون القرآن أم علی قلوب أفعالها

برداشت بالا، بر این اساس است

که <أم> به معنای <بیل> و برای اضراب انتقالی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۱ - ۴

۴ - توبیخ حق ناباوران ، به خاطر نیندیشیدن به ژرفای مظاهر هستی و اکتفا به نگاهی سطحی

و فی الأرض آیت ... و فی أنفسکم أفلاتبصرون

تویب، از تعبیر <أفلاتبصرون> استفاده می شود و با توجه به این که ماده <تبصرون> به معنای نگاه همراه با تحقیق و تأمل است، استفاده می شود که مشکل کافران، سطحی نگری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۰ - ۸

۸ - قدرت های فرعونى و حق ناپذیر ، محکوم به سرزنش شدن و تحقیر در گستره تاریخ *

فنبذنهم فی الیم و هو ملیم

تعبیر <و هو ملیم> می تواند نظر به ملامت شدن قدرت های حق ناپذیر از سوی اندیشهورزان و نظارت گران تاریخ بشر، داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۳ - ۱

۱ - روی گردانان از راه حق و هدایت ، مورد توبیخ و سرزنش خداوند

أفرءیت الذی تولّی

سرزنش سستی در حق طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۹ - ۸

۸ سستی و ناپایداری در مسیر حق طلبی و خداخواهی ، عملی جاهلانه و پیمودن راه جاهلان است .

فاستقيما و لاتتبعان سبيل الذين لا يعلمون

سرزنش کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۴،۵

۴ - کتمان حقايق دينی و ايجاد عواملی برای

ناشناخته ماندن معارف الهی، امر نکوهیده و حرام است.

و لاتلبسوا الحق بالباطل و تکتبوا الحق

۵ - کتمان حقایق دینی از سوی عالمان دین، بسی نکوهیده تر و ناپسندیده تر است.

و لاتلبسوا الحق بالباطل و تکتبوا الحق و أنتم تعلمون

فعل <تعلمون> می تواند به منزله فعل لازم لحاظ شده و مفعولی برای آن در نظر نباشد. بر این مبنا <و أنتم تعلمون>; یعنی، در حالی که شما اهل علم و دانش هستید - و از آنجایی که حق پوشی از سوی همگان ناپسند است - جمله حالیه، دلالت بر این معنا دارد که: کتمان حقایق دینی از سوی عالمان ناپسندیده تر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۱۵

۱۵ کتمان معارف و حقایق کتب آسمانی امری نکوهیده است.

تجعلونه قراطیس تبدونها و تخفون كثيرا

سرگردانی اخروی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۲ - ۵

۵- حق ناپذیران، در صحنه آخرت متحیر و سرگردان می شوند.

و من كان في هذه أعمى .. أضلّ سبيلاً

سرگردانی مشرکان حق ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۰ - ۱۰

۱۰ خداوند مشرکان حق ناپذیر را در سرگردانی طغیانشان رها می سازد.

و نذرهم في طغيانهم يعمهون

سطحی نگری حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۱ - ۴

۴ - توبیح حق ناباوران ، به خاطر نیندیشیدن به ژرفای مظاهر هستی و اکتفا به نگاهی سطحی

وفی

الأرض آیت .. و فی أنفسکم أفلاتبصرون

توبیخ، از تعبیر <أفلاتبصرون> استفاده می شود و با توجه به این که ماده <تبصرون> به معنای نگاه همراه با تحقیق و تأمل است، استفاده می شود که مشکل کافران، سطحی نگری است.

سعادت‌مندی حق پذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۸ - ۲۰

۲۰ - بشارت خداوند به حق پذیران و صاحبان عقل و خردناب ، به داشتن آینده سعادت‌مندان

فبشر عباد . الذین یستمعون القول ... و أولئک هم أولوا الألب

سقوط حق قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۱۳

۱۳ چشمپوشی از حق قصاص ، موجب آموزش گناه مجرم و سقوط حق قصاص *

فمن تصدق به فهو كفاره له

چنانچه ضمیر <له> به مجرم، که از مضمون کلام به دست می آید، برگردد جمله <فهو كفاره له> علاوه بر سقوط حق قصاص، به آموزش گناه شخص مجرم نیز دلالت خواهد داشت.

سنت بقای حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - محو باطل و تثبیت حق ، سنت الهی است .

و یمح الله البطل و یحقّ الحقّ بکلمته

از فعل مضارع <یمح> و <یحقّ> که دلالت بر استمرار دارد سنت الهی استفاده می شود.

سنت هلاکت حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸ - ۷

۷ - نابودی تمدن ها و جوامع حق ناپذیر ، سنت الهی است .

و ما یأتیهم من نبی . . . فأهلکنا أشدّ

طرح بعثت پیامبران در طول تاریخ و مواجه شدن آنان با مخالفت و استهزا و یادآوری نابودی مخالفان، می تواند اشاره به سنت بودن این جریان داشته باشد.

سنگینی گوش حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۷ - ۱۳

۱۳- محروم شدن حق ناپذیران از گوش سپاری به آیات الهی و توجه به آن ، بازتاب عملکرد خود آنها است .

فأعرض عنها .. إنا جعلنا ... في آذانهم وقراً

سوگند برای احقاق حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۲ - ۲

۲- سوگند برای اثبات و احقاق حق ، امری جایز و مشروع

فوربك لنسننهم

از سوگند خداوند بر اثبات قیامت، می توان جواز و مشروعیت اصل سوگند را استفاده کرد.

سوگند برای احیای حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۷ - ۲

۲- سوگند یاد کردن با نام مقدس < الله > ، برای احیای حق و هدایت دیگران جایز است .

و تالله لأكيدن

سوگند به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۴ - ۱

۱ - سوگند خداوند به حق

قال فالحقّ

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که <فالحقّ> مبتدا و خبر آن (قسمی) در تقدیر باشد.

شبهه افکنی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۶ - ۴

۴ - تشکیک در حقایق الهی ، دارای پیشینه در تاریخ امت های حق ستیز

و لقد أنذرهم .. فتماروا بالندر

شرایط تشخیص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۸ - ۴

۴- انسان ، در تشخیص میان حق و باطل ، نیازمند به رهنمود های خدا است و بدون این رهنمود ، در تشخیص خویش دچار خطا خواهد شد .

و لقد ءاتینا موسی و هرون الفرقان

از این که پیامبران، قدرت تشخیص خود را از خدا گرفته اند، به طریق اولی انسان ها نیز نیازمند این جهت می باشند.

شرایط حرکت در راه حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۷ - ۱۹

۱۹ شناخت دقیق مرزهای حق و باطل، مقدمه ضروری برای حرکت در مسیر حق

يقص الحق و هو خیر الفصلین

شرایط حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۱ - ۱۸

۱۸ - داشتن روح پندپذیری و حق جویی ، شرط بهره جستن و تأثیر پذیرفتن از سخنان به حق قرآن

ألم تر أنّ الله أنزل من السماء ماء . . . إنّ فی ذلك لذكری لأولی الألب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۰ - ۴

۴ - وجود استعداد و قابلیت ، شرط بهره مندی از پیام حق

أفأنت تسمع الصمّ أو تهدى العمى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۶ - ۳

۳ - تأثیر سخن حق ، مشروط به وجود زمینه پذیرش است .

فلم یزدهم دعاءى إلاّ فرارًا

شرایط قضاوت به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۰

۷ - حق شنوی ، بصیرت و آگاهی همه جانبه از موضوع مورد داوری ، از شرایط داوری به حق

والله يقضى بالحقّ . . . إنّ الله هو السميع البصير

برخی از مفسران بر آنند که یادآوری سمیع و بصیر بودن خداوند در داوری، می تواند اشاره به مطلب بالا باشد.

شرح صدر حق پذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۶ - ۲

۲ گمراه کردن حقگریزان با ضیق صدر و هدایت حقپویان با شرح صدر، صراط مستقیم پروردگار و سنت استوار اوست.

فمن یرد الله ان یهدیه . . . هذا صراط ربك مستقيما

ظاهراً مشارالیه <هدا> مفاد آیه قبل است که به منزله نتیجه ای بر آیات گذشته بود. بنابراین <هدا> اشاره به شرح صدر و ضیق صدر و ... است.

شفاعت حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۶ - ۳

۳ - اهل حق و حقیقت ، قادر به شفاعت دیگران در قیامت

و لا یملک . . . الشفعه إلا من شهد بالحقّ و هم یعلمون

<من شهد بالحقّ> وصف برای شافع است؛ نه شفاعت شونده.

شفای حق پذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۲ - ۷

۷- تنها اهل ایمان و حق پذیران ، برخوردار از شفا و رحمت قرآند .

و نَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ

شکست حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۲ - ۴

۴ حق ستیزان ، همواره محکوم به شکستند .

و يحق الله الحق بكلمته و

لو کره المجرمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۱۰

۱۰ - حق ستیزان ، سرانجام مقهور قدرت شکست ناپذیر خداوند

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ

شکست حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۴ - ۱۷

۱۷ جبهه گیری در برابر حق و مبارزه با رسالتهای الهی محکوم به شکست است.

و لقد كذبت رسل من قبلك فصبروا .. حتى أتتهم نصرنا و لا مبدل لكلمت الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۶

۶ خداوند بی ثمر ماندن تلاش های حق ستیزانه کافران قریش را به مسلمانان صدر اسلام بشارت داد .

ثم تكون عليهم حسره ثم يغلبون

شکست حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۱۱

۱۱- پیامبر (ص) ، پیروزی اسلام را به مشرکان و کافران حق ناپذیر یادآور شد و شکستشان را به آنان هشدار داد .

و إن أدری أقرب أم بعید ماتوعدون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <ماتوعدون> پیروزی اسلام و شکست جبهه شرک و کفر باشد. گفتنی

است که جمله <أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ> در آیه ۱۰۵ مؤید همین دیدگاه است.

شگفتی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۹ - ۳

۳ - حق ناپذیری و اندیشه دین ستیزانه ، عملی شگفت انگیز و به دور از شأن انسان

فقتل کیف قدر

<کیف>، در

این آیه برای تعجب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۰ - ۳

۳ - حق ناپذیری و اندیشه دین ستیزانه ، عملی بس شگفت انگیز و به دور از شأن انسان

ثم قتل کیف قدر

شگفتی کیفر حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۲

۱۲ - عقوبت دنیایی مردم حق ناپذیر و ستیزه جو از اقوام گذشته (چون قوم نوحو ...) مجازاتی سخت ، شگفت آور و درس آموز

فأخذتهم فكيف كان عقاب

برداشت یادشده از استفهام تعجیبی <کیف> استفاده می شود.

شگفتی کیفر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۲

۱۲ - عقوبت دنیایی مردم حق ناپذیر و ستیزه جو از اقوام گذشته (چون قوم نوحو ...) مجازاتی سخت ، شگفت آور و درس آموز

فأخذتهم فكيف كان عقاب

برداشت یادشده از استفهام تعجیبی <کیف> استفاده می شود.

صبر بر مشکلات حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ تبعیت محض از حق و وحی الهی ، و صبر و بردباری در برابر مشکلات آن ، از شرایط رهبری الهی است .

قد جاءكم الحق من ربكم .. و اتبع ما يوحى إليك و اصبر حتى يحكم الله

صبر در حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۸

۸ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، توبه

، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذين يمشون على الأرض هوناً .. و الذين لا يشهدون الزور ... أول

ضيق صدر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۷

۷ ضیق صدر و سختی دل در پذیرش حق، کیفی از جانب خداوند برای حق ناپذیران است.

يجعل صدره ضيقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۶ - ۲

۲ گمراه کردن حقگریزان با ضیق صدر و هدایت حقپویان با شرح صدر، صراط مستقیم پروردگار و سنت استوار اوست.

فمن یرد الله ان یهدیه .. هذا صرط ربك مستقيماً

ظاهراً مشارالیه <هذا> مفاد آیه قبل است که به منزله نتیجه ای بر آیات گذشته بود. بنابراین <هذا> اشاره به شرح صدر و ضیق صدر و ... است.

طعنه به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۱۹

۱۹ - > فی مجمع البیان : و روی ... عن أبی عبد الله (ع) قال : هو الطعن بالحقّ و الإستهزاء به ... ;

در مجمع البیان [ذیل آیه] <و من الناس من یشتری لهو الحدیث > آمده است: از امام صادق (ع) روایت شده که گفت: لهو الحدیث، طعنه زدن به حق و مسخره کردن آن است. <..>

طغیان حق ناپذیران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء

۱۹- حق ناپذیران مکه در برابر انذار و بیم خداوند ، نه تنها تسلیم نشدند ؛ بلکه جز سرکشی و طغیان بیشتر ، چیزی بر آنها افزوده نشد .

و نَخَوْفَهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا

هر چند ضمیر <هم> به <الناس> برمی گردد و شامل همه مردم می شود، ولی به قرینه و <و ما یزیدهم> می توان استفاده کرد که مرجع <هم> انسانهایی اند که اصل طغیان در وجودشان هست و با مواعظ الهی تشدید می شود.

۲۰- روی آوردن حق ناپذیران مکه به سرکشی ها و جرایمی بس بزرگتر ، پس از انذار های هشدار دهنده الهی

و نَخَوْفَهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا

ظلم اعراض از حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۸ - ۵

۵ - حق گریزی ، ظلم و ستم آدمی به خویشان است .

و لکن كانوا هم الظلمین . . . و لکن أكثرکم للحقّ کرهون

از ارتباط آیات می توان استفاده کرد که ظلم و ستم مجرمان، چیزی جز حق گریزی آنان نیست.

ظلم تکذیب حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۸ - ۲

۲ - تکذیب حق ، بزرگ ترین ظلم ها است .

و من أظلم ممّن . . . أو کذب بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۲ - ۳

۳- دروغ پنداشتن و رد کردن سخن حق (قرآن)، بدون تأمل و اندیشه و در آغاز دریافت آن، بزرگ‌ترین ظلم است.

فمن أظلم ممن كذب على الله

و كَذَّبَ بِالصَّدَقِ إِذْ جَاءَهُ

<إذ> برای ظرف زمان ماضی است و گویای آن است که انکار و تکذیب قرآن، مقارن و همزمان با آمدن این کتاب بود و هیچ فاصله ای میان دریافت قرآن و تکذیب آن وجود نداشت. این حقیقت می رساند که تکذیب کافران، بدون تأمل و تفکر و با شتاب بود.

ظلم حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۲ - ۱۱

۱۱- کافران حق ناپذیر، ظالمند و از موهبت رحمت و شفاعت قرآن، تنها خسارت و زیان به ارمغان می برند.

شفاء و رحمه للمؤمنين و لايزيد الظلمين إلا خسارًا

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <ظالمین> به قرینه مقابله با <مؤمنین> کافران باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۹ - ۱۱

۱۱- تنها شیوه حق ناپذیران ستم پیشه در برخورد با آیات الهی، انکار آنهاست.

فأبى الظلمون إلا كفورًا

ظلم حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۱۷

۱۷ - شرک، حق ناپذیری و تکذیب پیامبران، ظلمی است هلاکت بار.

فقال الملأؤ الذين كفروا... ولا تخطبني في الذين ظلموا إنهم مغرقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۰ - ۱۰

۱۰ - انکار بدون دلیل حق ، ظلم و برخاسته از هواپرستی

فلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ . . . قَالُوا سِحْرَانِ تَظْهَرَا ... إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

ظلم کافران حق ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۷ - ۸

۸- کافران حق ناپذیر ، مردمانی ظالم و ستم پیشه اند .

الذین لایؤمنون بالأخره .. إذ یقول الظلمون

ظلم کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۷

۷ - ظالمترین مردم کسی است که حقایق دینی و معارف الهی را کتمان کرده و از ارائه آنها به دیگران خودداری کند .

و من أظلم ممن کتم شاهده عنده من الله

<من الله> همانند <عنده> صفت برای <شاهده> است. بنابراین <شاهده عنده من الله> یعنی، شهادتی که در نزد اوست از ناحیه خدا دریافت کرده است. مقصود از شهادت که از ناحیه خدا در اختیار انسان می باشد، حقایق دینی و معارف الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۱ - ۵

۵ کتمان حقانیت پیامبر اکرم(ص)، مصداق بارز تکذیب آیات الهی و از بزرگترین ظلمهاست.

الذین ءاتینهم الکتب .. و من أظلم ممن افتری علی الله کذبا أو کذب بایته

در آیه قبل سخن از تکذیب پیامبر(ص) بود و این آیه در مقام هشدار به تکذیب کنندگان آن حضرت است. چرا که وی مصداقی روشن برای آیات الهی است.

عبرت از کیفردنیوی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۲

۱۲ - عقوبت دنیایی مردم حق ناپذیر و ستیزه جو از اقوام گذشته (چون قوم نوحو...) مجازاتی سخت ، شگفت آور و درس آموز

فأخذتهم فكيف كان عقاب

برداشت یادشده از استفهام تعجیبی <کیف>

استفاده می شود.

عبرت پذیری حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳ - ۷

۷ - داستان موسی و فرعون ، دربردارنده درس عبرت برای انسان های مؤمن و حق پذیر

نتلوا علیک من نیا موسی و فرعون بالحقّ لقوم یؤمنون

عجز حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۷ - ۵

۵ - حق ستیزان در اوج اقتدار و شکوه ، ناتوان از مقابله با عظمت و کبریایی خداوند

و له الکبریاء فی السموت و الأرض

یادکرد جلال و قدرت یگانه و برتر خداوند، در پی ذکر حق ستیزان کافر و ناباور به معاد، می تواند پیامی هشداردهنده برای آنان و نویدی آرامش بخش برای پیامبر(ص) و مؤمنان باشد.

عجز حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۴ - ۲

۲ - کافران لجوج و حق ناپذیر ، تنها به هنگام مشاهده نشانه های نزول عذاب الهی ، به ناتوانی و بی پناهی خود پی می برند .

حتی إذا رأوا ما یوعدون فسیعلمون من أضعف ناصرًا و أقلّ عددًا

عذاب اخروی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در روز قیامت غل به گردن خواهند داشت .

الذین یجدلون .. إذ الأغلل فی أعنقهم

۲ - کافران حق ستیز و ستیزه جو در قیامت ، با زنجیر بر روی زمین کشان کشان برده می شوند .

و السلسل یسحبون

<سلسله> (مفرد <سلاسل>) به معنای حلقه

ای منظم از نظر طول است؛ یعنی، زنجیر. <سحب> (مصدر <یسحبون>) به معنای کشاندن چیزی بر سطح زمین است.

۳ - کافران حق ستیز و ستیزه جو، هنگام گرفتار شدن به عذاب الهی، به عمق بطلان راه خود و پیامد رفتارشان آگاه خواهند شد.

فسوف يعلمون . إذ الأغلل فی أعنقهم و السلسل یسحبون

برداشت یاد شده، از آن جا است که ظرف <إذ الأغلال .. > متعلق به <یعلمون> می باشد. <یسحبون> نیز حال از ضمیر <هم> در <فی أعناقهم> است؛ یعنی، به زودی می دانند آن گاه که غل در گردن هایشان باشد و با زنجیر کشان کشان برده می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۲ - ۱،۲

۱ - کافران حق ستیز و ستیزه جو، در قیامت به آب داغ و پر حرارت افکنده خواهند شد.

یسحبون . فی الحمیم

یکی از معانی <حمیم>، آب داغ و پر حرارت است.

۲ - کافران حق ستیز و ستیزه جو، در انبوهی از آتش دوزخ سوزانده خواهند شد.

ثمّ فی النار یسجرون

<سجر> در اصل به معنای پر کردن تنور از آتش گیره برای بر افروختن و تقویت آتش آن است. اسناد فعل <یسجرون> به اشخاص، اسناد مجازی است. مقصود از آن فراگرفتن آتش زیاد بر تمامی وجود دوزخیان می باشد.

عذاب اخروی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۰ - ۹

۹ - عذاب سخت و جانکاه روز قیامت، فرجام کافران حق ناپذیر

و لهم عذاب عظیم

۴ حق پوشان لجوج و معاند، مستحق آتش دوزخ؛ و نه ناآگاهان ره نیافته به حق *

أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ

وصف <کفار> و <عنید> مشعر به علیت است؛ یعنی، آنچه آدمی را به سوی دوزخ می کشاند، انکار لجوجانه و حق ستیزانه است و نه صرف انکار ناشی از جهل و نرسیدن به حق؛ گرچه ظاهراً به چنین فردی نیز <کافر> اطلاق می شود.

عذاب اخروی کتمان کنندگان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۵۸

۵ - عذاب اخروی کفرپیشگان و کتمان کنندگان حقایق، عذابی تخفیف ناپذیر است.

لَا يَخْفَى عَنْهُمْ الْعَذَابُ

۸ - عذاب اخروی کفرپیشگان و کتمان کنندگان حقایق دینی، پس از مرگ آغاز شده و به تأخیر نخواهد افتاد.

و لاهم ينظرون

برداشت فوق مبتنی بر این است که <ینظرون> فعل مجهول از باب افعال باشد؛ یعنی، از مصدر انظار (مهلت دادن) گرفته شده باشد. مراد از مهلت ندادن به قرینه <ماتوا و هم کفار> شروع عذاب پس از مرگ است.

عذاب استیصال حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۴

۴ - خداوند، مشرکان و کافران حق ستیز را کراً به عذاب استیصال تهدید کرده است.

فَإِذَا نَرَيْنَكَ بَعْضَ الَّذِي نَعْدُهُمْ

فعل مضارع <نعد> دلالت بر استمرار می کند. این کلمه مشتق از <وعد> است و <وعد> هم در خیر استعمال می شود و هم در شر. چون در این جا ضمیر به مشرکان و کافران بر می گردد، برای شر و

تهدید است.

عذاب استیصال حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۱ - ۳

۳ - تکذیب گران حق ستیز، سزاوار عذاب مرگ بار استیصال

فَأَخَذْتَهُمُ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ

کلمه <بالحق> را به دو صورت می توان تفسیر کرد: الف) جامعه پس از نوح، به خاطر کفر و تکذیب گری شان، مستحق عذاب بودند. ب) نزول عذاب صیحه بر آن قوم، حکمی بر پایه حق و عدل بود. برداشت فوق، براساس تفسیر اول می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۵

۵ - کفرپیشگان حق ناپذیر، در معرض عذاب استیصال

و لولا أن تصيبهم مصيبة

واژه <مصیبه> در آیه، هم شامل عذاب استیصال می شود و هم شامل عذاب اخروی، برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

عذاب جنیان حق ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۵ - ۴

۴ - ظالمان و حق ناپذیران جن، همچون انسان ها، به عذاب دوزخ گرفتار خواهند شد.

و أمّا القسطنون فکانوا لجهنم حطبًا

عذاب حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مشرکان و مجادله گران حق ستیز گرفتار غضب و عذاب سخت الهی

و الذین یحاجون فی اللّٰه .. علیهم غضب و لهم عذاب شدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۵ - ۸

۸ - عذاب الهی ، بر جوامع حق ستیز فراگیر و گسترده است .

فأغرقنهم أجمعین

عذاب حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۲

۲- انسان های ناسپاس و روی گردان از حق ، هیچ گاه و در هیچ شرایطی ، از عذاب و کیفر دنیوی خداوند ، در دریا و خشکی در امان نیستند .

فلَمَّا نَجَّكُم إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ .. أم أمتهم أن يعيدكم فيه تاره أخرى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۱۱۰ - ۲

۲- کافران و مشرکان حق ناپذیر ، به عذاب و کیفر الهی تهدید شدند .

إنه يعلم الجهر من القول و يعلم ماتكتمون

تذکر به این که خداوند به سخنان آشکار و توطئه ها و اسرار مشرکان و کافران آگاه است، در حقیقت تهدید آنان و هشداری به کیفر و عذاب شدن آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۴ - ۴

۴ - عده ای از مردم آن چنان لجوج و حق ناپذیراند که تنها با مشاهده عذاب الهی راه درست را می پیمایند .

فلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحَدَّةً وَ كَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملك - ۶۷ - ۲۸ - ۷

۷ - کافران حق ناپذیر و لجوج ، در معرض عذاب الهی قرار دارند .

فمن يجير الكافرين من عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - کافران حق ناپذیر و اندیشه گر علیه دین ، مستحق شدیدترین عقوبت و نابودی اند .

ثمّ قتل کیف قدر

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۴ - ۳

۳ - جهان آخرت ، عرصه گرفتاری کافران حق گریز به بزرگ ترین عذاب های الهی است .

العذاب الأكبر

به قرینه آیه بعد، مراد از <العذاب الأكبر> عذابی است که کافران در آخرت، به آن گرفتار خواهند شد.

عصیان حق ناپذیران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۰ - ۱۹

۱۹- حق ناپذیران مکه در برابر انذار و بیم خداوند ، نه تنها تسلیم نشدند ؛ بلکه جز سرکشی و طغیان بیشتر ، چیزی بر آنها افزوده نشد .

و نخوفهم فما یزیدهم إلا طغیناً

هر چند ضمیر <هم> به <الناس> برمی گردد و شامل همه مردم می شود، ولی به قرینه و <و ما یزیدهم> می توان استفاده کرد که مرجع <هم> انسانهایی اند که اصل طغیان در وجودشان هست و با مواعظ الهی تشدید می شود.

عظمت حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۴ - ۶

۶ - حق ، امری است بس با عظمت و مقدس .

قال فالحقّ و الحقّ أقول

سوگند خداوند بزرگ، به <حقّ> گویای عظمت و بزرگی آن است.

عفو حق پذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- عفو و اغماض خداوند ، از خطا ها و لغزش های شکرگزاران تائب و تسلیم به درگاه پروردگار

و نتجاوز عن سيئاتهم

عقیده حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۸ - ۲

۲- پیروزی عقیده

و جهان بینی حق بر عقیده و جهان بینی باطل ، سنت الهی است .

و ما خلقنا السماء .. لعین ... بل نقذف بالحق علی البطل فیدمغه

خداوند در آیه قبل، از هدفمند بودن آفرینش جهان و نیز بطلان عقیده به بیهوده بودن خلقت طبیعت سخن به میان آورده است. این سخن قرینه بر این است که مقصود از حق و باطل در آیه شریفه، عقیده و جهان نگرى حق و باطل است. گفتنی است که ذیل همین آیه (و لکم الویل ممّا تصفون) که در باره نسبت ناروا به خداوند و توصیف او به امور نادرست است، مؤید برداشت یاد شده است.

عقیده حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۷ - ۶

۶ اسلام و عقیده به توحید ، تنها راه صحیح و عقیده درست برای ره پویان طریق حق و حقیقت

ء أنتم أضللتهم عبادى هولاء أم هم ضلّوا السبيل

برداشت فوق از اطلاق واژه <السبيل> (راه) بر راه حق و درستی که مشرکان از آن دور شده و آن را گم کرده اند به دست می آید.

علم اخروی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۱ - ۳

۳ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، هنگام گرفتار شدن به عذاب الهی ، به عمق بطلان راه خود و پیامد رفتارشان آگاه خواهند شد .

فسوف يعلمون . إذ الأغلل فی أعنقهم و السلسل یسحبون

برداشت یاد شده، از آن جا است که ظرف <إذ الأغلال ..> متعلق به <یعلمون> می باشد. <یسحبون> نیز

حال از ضمیر <هم> در <فی أعناقهم> است؛ یعنی، به زودی می دانند آن گاه که غل در گردن هایشان باشد و با زنجیر کشان کشان برده می شوند.

علمای اهل کتاب و کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۱۴

۱۴ - عالمان اهل کتاب ، مورد تهدید خداوند به خاطر کتمان حقایق آسمانی

و من أظلم ممن کتم شاهده عنده من الله و ما الله بغفل عما تعملون

هدف از بیان آگاهی خدا و غفلت نداشتن از رفتار عالمان اهل کتاب، تهدید کردن آنان به کیفر و مجازات می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۱۹

۱۹ - عالمان اهل کتاب ، حقانیت تغییر قبله را کتمان می کردند .

إن الذین أتوا الکتب لیعلمون أنه الحق من ربهم و ما الله بغفل عما یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۶ - ۸

۸ - گروهی از عالمان اهل کتاب علی رغم اطمینانشان به حقانیت قبله مسلمانان ، آن را کتمان می کردند .

و إن فریقاً منهم لیکتبون الحق و هم یعلمون

جمله <و هم یعلمون> اشاره به این معنا دارد که کتمان کنندگان از عالمان دینی اهل کتاب بودند.

علمای دنیا طلب و کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۲

۲ - ناسازگاری حقایق کتاب های آسمانی با منافع عالمان دنیا طلب ، وادار کننده آنان به کتمان آن حقایق

إن الذین یکتُمون . . . ویشترون ... ذلک

برداشت فوق بر این اساس است که <ذلك> اشاره به <کتمان> - که از جمله <یکتمون ..> به دست می آید - داشته باشد. بر این مبنا از یک سو حق ستیزی دلیل کتمان معارف و احکام کتب آسمانی دانسته شده است (ذلك) [الكتمان] بأن الله نزل الكتاب بالحق) و از سوی دیگر جمله <یشترون به ثمناً قليلاً در آیه ۱۷۴> رسیدن به منافع دنیوی را دلیل و انگیزه کتمان معارف می شمرد. نتیجه این دو دلیل این است که: حقایق کتابهای آسمانی با منافع گروهی دنیاطلب ناسازگار است و این ناسازگاری مایه کتمان آن حقایق می شود.

علمای دین و کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۵

۵ - کتمان حقایق دینی از سوی عالمان دین ، بسی نکوهیده تر و ناپسندیده تر است .

و لاتلبسوا الحق بالباطل و تکتّموا الحق و أنتم تعلمون

فعل <تعلمون> می تواند به منزله فعل لازم لحاظ شده و مفعولی برای آن در نظر نباشد. بر این مبنا <و أنتم تعلمون>؛ یعنی، در حالی که شما اهل علم و دانش هستید - و از آنجایی که حق پوشی از سوی همگان ناپسند است - جمله حالیه، دلالت بر این معنا دارد که: کتمان حقایق دینی از سوی عالمان ناپسندیده تر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۱ - ۱۲

۱۲ - معتقدان به مکاتب الهی ، حتی عالمان دینی و دانایان به کتاب های آسمانی ، در خطر انحراف و حق پوشی هستند .

نبد فریق

من الذين أوتوا الكتب كتب الله وراء ظهورهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۶ - ۹،۱۱

۹ - کتمان کنندگان مسایل دینی بویژه اگر از عالمان دین باشند ، سزاوار سرزنش و ملامتند .

و إن فريقاً منهم ليكتمون الحق و هم يعلمون

لحن جمله <إن فريقاً...> گویای ملامت و سرزنش کسانی است که حقیقت را فهمیده و آن را انکار می کنند.

۱۱ - عالمان ادیان ، در خطر آلوده شدن به گناه کتمان حقایق هستند .

و إن فريقاً منهم ليكتمون الحق و هم يعلمون

علمای مسیحیت و کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۶،۱۰

۶ - عالمان یهود و نصارا در عصر بعثت ، شواهد و نشانه های حقانیت پیامبر (ص) و احکام اسلام را کتمان می کردند .

الذين يكتُمون ما أنزلنا من البینت و الهدی من بعد ما بینه للناس فی الكتب

۱۰ - علمای یهود و نصارا به خاطر کتمان حقایق و معارف کتب آسمانی از رحمت خدا محروم شده و مورد لعن و نفرین لعنت کنندگان هستند .

إن الذين یکتُمون ما أنزلنا .. أولئک یلعنهم الله و یلعنهم اللعنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۵

۵ - حق ستیزی و حق پوشی علمای یهود و نصارا

إن الذين یکتُمون .. ذلك بأن الله نزل الكتب بالحق

علمای یهود و کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۱۲

۱۲ - پیشوایان

و عالمان یهود، اعتراف به حقایق دینی و معارف الهی را، در صورتی که مخدوش کننده منافع قومی آنان گردد، ناروا و برخاسته از بی خردی می دانستند.

أتحدثونهم بما فتح الله عليكم .. أفلا تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۶،۱۰

۶ - عالمان یهود و نصارا در عصر بعثت، شواهد و نشانه های حقانیت پیامبر (ص) و احکام اسلام را کتمان می کردند.

الذين يكتُمون ما أنزلنا من البینت و الهدی من بعد ما بینه للناس فی الکتب

۱۰ - علمای یهود و نصارا به خاطر کتمان حقایق و معارف کتب آسمانی از رحمت خدا محروم شده و مورد لعن و نفرین لعنت کنندگان هستند.

إن الذین یکتُمون ما أنزلنا .. أولئک یلعنهم الله و یلعنهم اللعنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۵

۵ - حق ستیزی و حق پوشی علمای یهود و نصارا

إن الذین یکتُمون .. ذلک بأن الله نزل الکتب بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۱۶، ۱۳، ۱۲، ۱۱

۱۱ عالمان یهود برخی از حقایق تورات را برای مردم بیان می کردند و بسیاری از حقایق آن را از مردم پنهان می ساختند.

تجعلونه قراطیس تبدونها و تخفون کثیرا

۱۲ عالمان یهود مانع دسترسی مردم به حقایق کتاب آسمانی خود (تورات) بودند.

هدی للناس تجعلونه قراطیس تبدونها و تخفون کثیرا

۱۳ تورات مشتمل بر حقایقی بوده، که بیان آن به نفع و مصلحت عالمان یهود نبوده

است.

تجعلونه قراطیس تبدونها و تخفون کثیرا

۱۶ عالمان یهود با پنهان کردن بسیاری از معارف تورات آن را تحریف کردند.

تجعلونه قراطیس تبدونها و تخفون کثیرا

کتمان بسیاری از نوشته های تورات از دید و اطلاع مردم طبیعتاً منجر به فراموش شدن آن قسمتها می شود و در نتیجه کتاب آسمانی به شکل ناقص در اختیار مردم قرار می گیرد که این خود نوعی تحریف است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۲ - ۱

۱ اهل کتاب (علمای یهود) مشمول لعن خداوند به جهت حقپوشی و همسویی با کفار علیه مسلمانان

الم تر .. اولئك الذين لعنهم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۲۵

۲۵ خداوند ، بر حذر دارنده عالمان یهود از کتمان حقایق تورات

و کانوا علیه شهداء فلا تخشوا الناس

برداشت فوق بر این مبناست که متعلق <فلاتخشوا ..> مضمونی باشد که از <کانوا علیه شهداء> به دست می آید. یعنی در اظهار آنچه در تورات است، از مردم نترسید.

عوامل اصرار بر حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۵ - ۱۲

۱۲ - تکبر و تجاوزگری ، موجب پافشاری بر راه باطل ، تردید در حق و ستیزه جویی با آیات الهی (تعالیم دین) است .

من هو مسرف مرتاب . الذین یجدلون فی ءایت الله ... کذلک یطبع الله علی کل قلب

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که جمله <كذلك يطبع الله على كل قلب متكبر جبار> درصدد بیان علت

اسراف و تردید در حق و جدال در آیات الهی باشد (که در آیه پیش و صدر این آیه، مورد بحث قرار گرفته است).

عوامل اقرار به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۶ - ۳

۳- گرفتاری ها و شداید ، عامل تبتّه و اعتراف انسان ها به حق

و لئن مسّتهم نفضه من عذاب ربّك لیقولنّ یویلنا

عوامل بشارت به حق پذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۱۷

۱۷- قرآن ، مایه هدایت ، رحمت و بشارت برای تسلیم شوندگان در برابر حق است .

و نزلنا علیک الکتب .. و هدّی و رحمه و بشری للمسلمین

عوامل پیروزی حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۸ - ۳

۳ تضمین تحقق حق و محو باطل در پرتو ریشه کن شدن کافران است .

و یقطع دابر الکفرین. لیحق الحق و یبطل البطل

برداشت فوق بر این اساس است که <لیحق الحق> متعلق به <یقطع .. > در آیه قبل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۲ - ۳

۳ خداوند ، با کلمات خود حق را بر کرسی نشانده و پایدار می کند .

و يحق الله الحق بكلمته

عوامل تبیین حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۴ - ۹

۹- تبیین نهایی حق و باطل و فیصله دادن به اختلافات بشری ، مقتضای ربوبیت الهی

و إن ربك ليحكم .. فيما

کانوا فيه یختلفون

عوامل تحکیم حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۴ - ۱۲

۱۲ - وحی الهی (قرآن) ، موجب تحکیم حق و نابودی باطل

یَمَحُّ اللَّهُ الْبَطْلَ وَ یُحَقِّقُ الْحَقَّ بِکَلِمَتِهِ

<کلمات> می تواند اشاره به وحی و آیات الهی داشته باشد.

عوامل تذکر حق شنوایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۷ - ۲

۲ - فرجام هلاکت بار قدرت های حق ستیز تاریخ ، مایه تذکر خردمندان و مردمان حق شنو

إِنَّ فِی ذَٰلِکَ لَذِکْرٍ لِّمَن کَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ

عوامل تکذیب حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۷

۷ - حسد از عوامل انکار حق و عاملی برای مبارزه با آن

لَوْ یَرِدُونَکُمْ مِنْ بَعْدِ إیمَنَکُمْ کُفَّارًا حَسَدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۵ - ۶

۶ - لجاجت و تعصب ، عامل انکار حقایق عینی و محسوس

و لو فتحنا عليهم بابًا من السماء فظلّوا فيه يعرجون . لقالوا إنما سكرت أبصرنا ب

عوامل تنبه حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۷

۷ - کافران و حق ستیزان ، تنها به هنگام گرفتار شدن به عذاب الهی متنبه شده و به ارزش تعالیم پیامبران پی می برند .

أن تصيبهم مصيبة .. فيقولوا ربنا لولا أرسلت إلينا رسولاً

عوامل حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۴ -

۵- باور به معاد و توجه به آن، دارای نقش اساسی در حق پذیری انسان

سنریهم ءايتنا في الأفاق .. ألا إنهم في مريه من لقاء ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳ - ۷

۷- نیاز همه انسان ها به پیام وحی و رهنمود های پروردگار، برای رسیدن به حق و صلاح

بأن الذين كفروا اتبعوا البطل و أن الذين ءامنوا اتبعوا الحق من ربهم

مقید شدن <الحق> به <من ربهم> و مقابله <الحق من ربهم> با <الباطل>، می رساند که بشر بیش از دو راه در پیش ندارد: راه باطل و یا راه حق، راه حق تنها همان راهی است که منتسب به پروردگار و نازل شده از سوی او است از این رو انسان برای رسیدن به حق، ضرورتاً نیازمند رهنمود خداوند است.

عوامل حق پذیری گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۷ - ۲

۲- آتش دوزخ، تنها عامل تسلیم گمراهان لجوج در برابر حق

قالوا و هم فيها یختصمون . تالله إن كنا لفي ضلل مبين

برداشت یاد شده از آن جا است که اعتراف حق ستیزان، تنها در جهان آخرت و آن هم در داخل دوزخ صورت می گیرد.

عوامل حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۷

۷- حسد از عوامل انکار حق و عاملی برای مبارزه با آن

لو یردونکم من بعد ایمنکم کفاراً حسداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۱

۱۶ جهل مایه لجاجت و مقاومت در برابر حق است.

ما كانوا لیؤمنوا .. و لكن أكثرهم یجهلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۴ - ۳

۳ حق ستیزی و هدایت ناپذیری کافران ، پیامد ظلمی است که آنان بر خودشان کرده اند .

و منهم من یستمعون إلیک .. و منهم من ینظر إلیک ... و لكن الناس أنفسهم یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۱ - ۵

۵ - کفر و حق ستیزی دارای مراتب ، گونه ها و عوامل مختلف

إنک لاتسمع الموتی و لاتسمع الصم .. و ما أنت بهدی العمی عن ضللتهم

از این که در این آیه و در آیه قبل، سه تعبیر مختلف درباره کافران به کار رفته است (۱ مرده، ۲ ناشنوی روی بر تافته، ۳ نابینای گمراه)، احتمال می رود که هر یک اشاره به مرتبه و گونه ای از کفر و تعریضی به عوامل متفاوت آن داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۹ - ۸

۸ - تصویر نادرست از زندگی دنیایی و اخروی ، منشأ اصلی انحراف ها ، خودکامگی ها و حق ستیزی ها است .

یقوم .. و إنَّ الآخره هی دار القرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۱ - ۷

۷ - دنیاگرایی و مال پرستی ، عامل اساسی در مخالفت با حق

لَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ . . . لَوْلَا نَزَّلَ هَذَا الْقُرْءَانَ عَلَى رَجُلٍ

بَا تَوْجِهٍ بِهِ تَوْضِيحٌ بَرَدَاثَتْ

قبل و الغای خصوصیت از مورد (مشرکان مکه)، مطلب بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۴ - ۷

۷- ناباوری کافران به روز های تحقق وعده ها و وعید های خداوند ، عامل حق ستیزی آنان *

یغفروا للذین لایرجون اَیامَ اللّٰه

از این که خداوند از مشرکان و حالت روحی شان با عنوان <لایرجون اَیامَ اللّٰه> یاد فرموده ، استفاده می شود که ایمان نداشتن آنان به وعده ها و وعید های خداوند، عامل ستیزه گری آنان با مؤمنان بوده است.

عوامل حق طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳ - ۱۲

۱۲- توجه به محدودیت عمر زندگی ، هشدار به انسان ها و عاملی در جهت حق گرایی و روی آوردن آنان به حقایق دین

*

ما خلقنا..إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَالَّذینَ کَفَرُوا عَمَّا أُنذِرُوا مُعْرِضُونَ

برداشت بالا براساس این احتمال است که تذکر خداوند به <أَجَلٍ مُّسَمًّى> در پی تذکر به حقانیت هستی هشدار به آدمیان که دل به زندگی ناپایدار نبندند و از حاکمیت حق غافل نگردند.

عوامل حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۵ - ۱۰

۱۰ تبه کاری مستمر فرعون و اطرافیانش ، عامل سرکشی آنان از پذیرش رسالت موسی و هارون (ع)

ثم بعثنا .. موسی و هرون إلی فرعون و ملایه بآیتنا فاستکبروا و کانوا قوماً مجرمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٠ - اسراء - ١٧ - ٤١ - ٧

٧- ذهنيٓت

ها و پیشداوری ها، از آفات حق پذیری و عامل حق گریزی

و لقد صرفنا .. و ما یزیدهم إلا نفورا

در آیه قبل، توضیح داد که مشرکان مکه با انتساب فرزند به خداوند، در صدد استهزای خداوند بودند که این برخوردی است خصمانه و در این جا می گوید: <آیات فراوان الهی، بر نفرت آنها می افزاید> و این نشان دهنده آن است که موضع گیری پیشین آنها، موجب شده است که آنان، حق را نپذیرند و از آن بگریزند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹ - ۹

۹- اسراف کاری، زمینه ساز حق ناپذیری و مخالفت با پیامبران و از موجبات هلاکت و نابودی است .

و أهلكنا المسرفین

توصیف هلاک شدگان به <مصرفان>، می تواند مشعر به علیت و تأثیر این وصف در هلاکت آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۴ - ۱۳

۱۳- جهل و ناآگاهی، عامل گریز بسیاری از انسان ها از حق و حقیقت است .

بل أكثرهم لا یعلمون الحق فهم معرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۹

۹- ستم پیشگی، عامل اصلی دوری از حق، گرایش به کفر و بدبختی در جهان آخرت است .

یویلنا قد کنا فی غفله من هذا بل کنا ظلمین

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <بل> در <بل کنا..> اضراب ابطالی باشد، یعنی، حقیقت این نیست که در آغاز گفتیم که ما در غفلت به سر می بردیم؛ بلکه حقیقت این است که

ما از ظالمان و ستم پیشگان بودیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۰ - ۲

۲ - بی اثر بودن قرآن در برخی از انسان ها ، معلول بیماری خود آنان است ، نه ابهام و نارسایی پیام الهی .

إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ . إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى ... إِذَا وُلُّوا مَدْبَرِينَ

پس از این که خداوند حقانیت پیامبر(ص) و قرآن را بیان فرمود، این سؤال مطرح می شود که پس چرا برخی این سخن حق را نمی پذیرند؟ قرآن پاسخ می دهد: که مشکل از ناحیه حق نیست؛ بلکه مشکل از ناحیه خود آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۹ - ۳

۳ - پیروی از هوای نفس ، از عوامل انکار توحید و گریز از پذیرش حق است .

هَلْ لَكُمْ مِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ .. بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۳ - ۳

۳ - روح لجاجت و ستیزه جویی ، از عوامل انکار آیات الهی و نپذیرفتن حق

كَذَلِكَ يُؤْفِكُ الَّذِينَ كَانُوا بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۰ - ۲

۲ - روح لجاجت و ستیزه جویی ، از عوامل دین ستیزی و حق ناپذیری

الَّذِينَ يَجِدَلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ .. الَّذِينَ كَذَّبُوا بِالْكِتَابِ وَبِمَا أُرْسِلْنَا بِهِ رُسُلَنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۵ - ۱۷

۱۷ - خودبرتربینی ، غرور و

غفلت از قدرت برتر خداوند ، از عوامل لجاجت ، حق ناپذیری و انکار رسولان الهی *

فَأَمَّا عَادُ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ . . . وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸ - ۴

۴ - خودبزرگ بینی و توهم اقتدار و نیرومندی ، از عوامل حق ناپذیری و وحی ستیزی

فَأَهْلَكْنَا أَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا

تذکر <فأهلکنا أشد..> در حقیقت هشدار به کسانی است که با احساس توانمندی، پنداشته اند که می توانند از مجازات حق ستیزی گریخته و ایمن بمانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۸ - ۲

۲ - استکبار ، عامل نادیده انگاشتن حقایق وحی و اصرار بر انکار آن *

يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ثُمَّ يَصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا

تعبیر <مستکبراً كأن لم يسمعها> چنین می نمایاند که صفت استکبار، از عوامل مهم کفر و پافشاری بر رد آیات روشن الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۷

۷- بینش طبقاتی ، عامل کفر و حق ناپذیری

و قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا . . . لَوْ كَان خَيْرًا مَا سَبَقُونَا إِلَيْهِ

از آیه شریفه استفاده می شود که کافران، به نوعی روحیه استکباری ناشی از اشرافیت گرفتار بودند و مؤمنان را از طبقه حقیر و پایین به شمار می آوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - روح استکبار و خودبرتربینی ، از عوامل حرف ناشنوی ، حق ناپذیری و دین گریزی

و اِنِّی کَلِّمًا دَعُوْتَهُمْ ... و

استکبروا استکبارًا

عوامل حق ناپذیری فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۴ - ۳

۳ - روحیه ستمگری و جاه طلبی فرعونیان ، عامل موضع گیری آنان در برابر آیات الهی

و جحدوا بها.. ظلماً و علواً

عوامل حق ناپذیری قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۵ - ۵

۵ - قدرت و نیرومندی قوم عاد ، عامل غرور و استکبار آنان در مقابل حق

فاستکبروا فی الأرض بغير الحقّ و قالوا من أشدّ منا قوه

عوامل حق ناپذیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۵ - ۱۰

۱۰ - عامل بازداشتن کافران از رویکرد به حق ، دروغ پردازی آنان است .

كذلك كانوا يُؤفكون

<كذلك> اشاره به دروغ پردازی و افترا زدن کافران مجرم است، یعنی، همان طور که در قیامت دروغ می گویند در دنیا نیز عمل می کردند. لازم به ذکر است که ریشه <يؤفكون> <إفك> است و به معنای <هر نوع باز داشته شدن از جهت و موقعیتی است که شایسته بوده در آن موقعیت باشد> (مفردات راغب). بنابراین، مراد از <يؤفكون>، منصرف شدن از عقیده حق و گرایش یافتن به باطل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - ناباوری کافران نسبت به تحقق مجازات های الهی ، عاملی مهم در حق ناپذیری آنان *

و الطَّوْر . . . إِنَّ عَذَابَ ... مَا لَهُ مِنْ دَافِعٍ

تأکید، معمولاً در مواردی صورت می گیرد که مسأله تأکید شده، مورد

انکار یا غفلت باشد.

عوامل حق ناپذیری مرفهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۵ - ۳

۳ - کثرت مال و اولاد ، باعث ایجاد خصلت حق ناپذیری در مترفان

و ما أرسلنا فی قریه من نذیر إلا قال مترفوها إنا بما أرسلتم به كفرون . و قالو

عوامل حق ناپذیری مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۰ - ۱۰

۱۰ فرمان پیامبر (ص) به سجده کردن مشرکان صدراسلام برای خدای رحمان ، موجب نفرت فزون تر آنان از سجده و دوری آنها از راه حق و حقیقت گردید .

اسجدوا للرحمن قالوا و ما الرحمن أنسجد لما تأمرنا و زادهم نفورًا

در برداشت فوق، فاعل <زاد> امر به سجده دانسته شد.

عوامل رحمت بر حق پذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۱۷

۱۷- قرآن ، مایه هدایت ، رحمت و بشارت برای تسلیم شوندگان در برابر حق است .

و نزلنا علیک الکتب .. و هدی و رحمه و بشری للمسلمین

عوامل زیان حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱- کافران حق ناپذیر ، ظالمند و از موهبت رحمت و شفابخشی قرآن ، تنها خسارت و زیان به ارمغان می برند .

شفاء و رحمه للمؤمنين ولايزيد الظلمين إلا خسارًا

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <ظالمین> به قرینه مقابله با <مؤمنین> کافران باشند.

عوامل کتمان حق

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۳

۳ - کتمان حقیقت ، هدف یهود و نصارا از آمیختن حق و باطل

و لا تلبسوا الحق بالباطل و تکتّموا الحق

تکرار نکردن <لا-> کی ناهیه در <تکتّموا> به این معنا اشاره دارد که: هدف یهود و نصارا در آمیختن حق به باطل، مخفی نگاه داشتن حق بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۲

۲ - ناسازگاری حقایق کتاب های آسمانی با منافع عالمان دنیاطلب ، وادار کننده آنان به کتمان آن حقایق

إن الذين یکتّمون .. و یشترون ... ذلک بأنّ الله نزل الکتب بالحق

برداشت فوق بر این اساس است که <ذلک> اشاره به <کتمان> - که از جمله <یکتّمون ..> به دست می آید - داشته باشد. بر این مبنا از یک سو حق ستیزی دلیل کتمان معارف و احکام کتب آسمانی دانسته شده است (<ذلک> [الکتمان] بأنّ الله نزل الکتب بالحق) و از سوی دیگر جمله <یشترون به ثمناً قليلاً در آیه ۱۷۴> رسیدن به منافع دنیوی را دلیل و انگیزه کتمان معارف می شمرد. نتیجه این دو دلیل این است که: حقایق کتابهای آسمانی با منافع گروهی دنیاطلب ناسازگار است و این ناسازگاری مایه کتمان آن حقایق می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۴۲

۴۲ ترس از مردم و مال پرستی ، عامل کفرپیشگی و کتمان حقایق آسمانی

فلا تخشوا الناس .. و من لم یحکم بما أنزل الله فأولئک هم الکفرون

جلد - نام سوره - سوره -

۹ اختلاف انسان ها در دین ، مایه پوشیده شدن حقیقت بر عموم آنان می شود .

و لایزالون مختلفین

چون <إلاّ- من رحم> در آیه بعد استثنا از <لا-یزالون مختلفین> است معلوم می شود همه اختلاف کنندگان در دین جز کسی که مورد رحمت الهی قرار گیرد بر طریق ناصوابند بنابراین اختلاف در دین باعث می شود که حق بر همه گروهها پوشیده بماند و همگان بیراهه بروند.

عوامل هدایت حق پذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۱۷

۱۷- قرآن ، مایه هدایت ، رحمت و بشارت برای تسلیم شوندگان در برابر حق است .

و نزلنا علیک الکتب ... و هدی و رحمه و بشری للمسلمین

فاقدان درک حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۲ - ۱

۱ انسان های حق ناشنوا و خاموش از بیان معارف حق و فاقدان فهم حقایق دینی ، بدترین جنبندها در پیشگاه خداوند

إن شر الدواب عند الله الصم البکم الذین لایعقلون

کلمات <الصم> و <البکم> به ترتیب جمع <الاصم = کر> و <الابکم = لال> است. <الذین لایعقلون> خبر سوم برای <إن> می باشد. قابل ذکر است که صفت بودن آن برای <الصم> و <البکم> نیز محتمل است.

فرجام استهزای حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ هلاکت، سرانجام مبارزه با حق (اعراض، تکذیب و استهزای آن)

ما تأتيهم من آية... إلا كانوا عنها معرضين. فقد

كذبوا بالحق ... ألم يروا كم أه

فرجام اعراض از حق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۶

۶ هلاکت، سرانجام مبارزه با حق (اعراض، تکذیب و استهزای آن)

ما تأتیهم من آیه... إلا كانوا عنها معرضین. فقد كذبوا بالحق... ألم يروا كم أه

فرجام تکذیب حق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۶

۶ هلاکت، سرانجام مبارزه با حق (اعراض، تکذیب و استهزای آن)

ما تأتیهم من آیه... إلا كانوا عنها معرضین. فقد كذبوا بالحق... ألم يروا كم أه

فرجام حق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۴

۱۴ درخشش نهایی از آن حق است .

الئن حصحص الحق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۱۸ - ۱

۱- در نزاع میان جبهه حق و باطل ، پیروزی نهایی از آن حق مداران است .

بل نقذف بالحق علی البطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۹۸ - ۸

۸ - پیروزی نهایی در عرصه مبارزه حق و باطل ، از آن جبهه حق خواهد بود .

إِذْ قَالَ لِأَيُّهِمْ وَمَاذَا تَعْبُدُونَ .. قَالُوا ابْنُوا لَهُ بِنِينَ فَأَلْقَوْهُ فِي الْجَحِيمِ . ف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۱ - ۱

۱ - در جنگ حق و باطل ، غلبه با حق است .

كُتِبَ لِلَّهِ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي

فرجام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۸ - ۳

۳- گرفتاری به عذاب استیصال پیش از فرا رسیدن قیامت ، سرنوشت محتوم همه اقوام و جوامع کافر و مشرک حق ستیز است .

و إن من قرية إلا نحن مهلكوها قبل يوم القيمة

اینکه آیه می فرماید: همه جوامع بشری قبل از قیامت یا هلاک می شوند و یا دچار عذاب می شوند احتمال دارد که مراد از <مهلكوها> هلاکت انسانهای معمولی و مراد از <معدّبوها> عذاب کافران و مشرکان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۱۰

۱۰ - حق ستیزان ، سرانجام مقهور قدرت شکست ناپذیر خداوند

إن ربك يقضى بينهم بحكمه و هو العزيز العليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۷

۷- قیامت ، پایان بازیگری و بیهوده گرایی های کافران حق ستیز

يخوضوا و يلعبوا حتى يلقوا يومهم الذي يوعدون

بنابراین که مراد از <يومهم..> روز قیامت باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۴ - ۳

۳ دوزخ ، فرجام هر کفرپیشه معاند حق ستیز

ألقيأ في جهنم كل كفار عنيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۶

۶ - هلاکت ، سرنوشت محتوم همه توان مندان حق ستیز تاریخ

و کم أهلکنا .. هل من محیص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۷ - ۲

فرجام هلاکت بار قدرت های حق ستیز تاریخ ، مایه تذکر خردمندان و مردمان حق شنو

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ

فرجام حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۶

۶ هلاکت، سرانجام مبارزه با حق (اعراض، تکذیب و استهزای آن)

ما تأتیهم من ءایه ... إلا كانوا عنها معرضین. فقد کذبوا بالحق ... ألم یروا کم أه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۸ - ۲

۲ - کفر و حق ستیزی ، منتهی به تناقض در گفتار و اندیشه *

إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُخْتَلَفٍ

مخاطب <إِنَّكُمْ>، کافران هستند. از آن جایی که برای آنان وصفی آورده نشده، استفاده می شود که نفس کفر آنان، منتهی به اختلاف در گفتار و پندار آنها شده است.

فرجام حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۹ - ۵

۵ - حق ناپذیران لجوج ، شاهد بازتاب کفر و شرک خویش در فرجامی نه چندان دور

فسوف یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۰ - ۹

۹ - عذاب سخت و جانکاه روز قیامت ، فرجام کافران حق ناپذیر

و لهم عذاب عظیم

فضایل بیان کنندگان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۷

۱۷- خداوند در قیامت ، عالمان متعهد و بیان کنندگان حقایق و معارف کتاب های آسمانی را مورد لطف خویش قرار خواهد داد و با آنان سخن خواهد گفت

إن الذين يكتُمون .. لا يكلمهم الله

برداشت فوق از مفهوم جمله <إن الذين .. لا يكلمهم الله> استفاده شده است.

فضایل حق پذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۲ - ۷

۷- تنها اهل ایمان و حق پذیران ، برخوردار از شفا و رحمت قرآند .

و نزل من القرآن ما هو شفاء و رحمه للمؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۶ - ۸

۸- انسان های خردمند و روی آورده به خدا ، با روحیه شکر و توبه و تسلیم ، دارای ارج و منزلت

و بلغ أربعين سنة قال رب أوزعني أن أشكر .. إني تبت إليك و إني من المسلمين .

<بلغ أربعين> اشاره به رسیدن به سن خردمندی است و <أولئك> بیانگر نوعی تعظیم و ارجمندی است که با تعابیر <نتقبل> و <نتجاوز> و <في أصحاب الجنة> تأکید شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۱۵

۱۵ - مؤمنان و دارندگان روحیه حق پذیری و ایمان ، بهره مند از آیات و نشانه های الهی

و لتكون آية للمؤمنين

لام در <للمؤمنين> برای انتفاع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - حق باوران اهل یقین ، توانا به درک پیام های بایسته آیات الهی در زمین

و فی الأرض ءایت للموقنین

فضایل حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۷ - ۴

۴ - تنها مؤمنان و حق جویان ،

زمینه دار بهره مندی از هدایتگری ها و رحمت آفرینی های قرآن

و إِنَّ لَهُدًى وَ رَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ

قید <للمؤمنين> می رساند که دیگران شایستگی بهره‌وری از قرآن را ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳ - ۸

۸ - تنها حق جویان و اهل ایمان ، زمینه دار بهره مندی از روشنگری های قرآن

تلك آیت الکتب المبین . نتلوا علیک... لقوم یؤمنون

قید <لقوم یؤمنون> می رساند که دیگران شایستگی بهره‌وری از قرآن را ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۶ - ۴

۴ - رویاندن درختی پهن برگ در زمینی خالی از درخت و گیاه برای یونس (ع) ، از نشانه های قدرت خداوند و امداد الهی برای حق طلبان

و أنبتنا علیه شجرة من یقظین

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، با ارائه نمونه ای از قدرت خداوند و امدادهای او برای جبهه حق، در مقام امتنان بر یونس(ع) و نیز در صدد دلداری به پیامبر(ص) و مؤمنان، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ - حق گرایان برخوردار از مغفرت الهی ، و ملحدان و حق ناپذیران رویارو با مجازات دردناک او

ما یقال لک إلا ما قد قیل للرسول .. إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ

در آیات پیشین، قرآن پیامی حق معرفی شده است که ملحدان با ایجاد شبهه در آن سعی می کردند پیامبر(ص) را مورد انکار قرار دهند. اکنون در این آیه خداوند به غفران و عقاب خود اشاره کرده که غفران منطبق

بر حق گرایان و عقاب درباره ملحدان است.

فضایل حق گویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۸ - ۱۳

۱۳ - خداوند در قیامت ، جز به افراد حقیقت گو اذن سخن نخواهد داد .

و قال صواباً

چنانچه جمله <قال صواباً> عطف بر <أذن..> و داخل استثنا باشد، مراد این خواهد بود که: تنها شخص درست گفتار، مأذون به سخن گفتن خواهد بود.

فطرت حق طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۹ - ۴

۴ انسان ، بر فطرت خداجویی و مسیر حق پویی است .

لاتخذن من عبادك نصیباً مفروضاً. و لاضلنهم

گمراه کردن، که از جمله <لاضلنهم> استفاده می شود، باید مسبوق به هدایت باشد تا گمراه کردن صدق کند و هدایت مسبوق به گمراهی نسبت به تمامی انسانها هدایت فطری است.

فطرت حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۸ - ۱۲

۱۲ - فطرت اولیه انسان ها ، توحید ، خداپرستی و حق پذیری است .

لعلهم یرجعون

از سیاق آیات پیشین که درباره توحید و شرک است و نیز از واژه <رجوع> استفاده می شود که انسان ها به توحید گرایش

فطری دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۷ - ۶

۶- انسان در سرشت و نماد خویش ، موجودی حق طلب و حق پذیر

و صرّفنا الأیة لعلّهم یرجعون

تعبیر <یرجعون> می تواند بدان معنا باشد که انسان دارای فطرت حق پذیر است و نمایاندن آیات الهی به او، وسیله

ای برای بازگشت به فطرت اولیه خویش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۶ - ۱۲

۱۲- قلب آدمی ، در سرشت خود ، پذیرای حق و عملکرد و روحيات منفی او ، عامل جمود آن

طبع الله على قلوبهم واتبعوا أهواءهم

از تعبیر <طبع الله على قلوبهم> استفاده می شود که قلب آدمی در ابتدا، پذیرای سخن حق و قادر به فهم پیام الهی است؛ ولی در نتیجه عواملی از سوی خود انسان، طبق اراده الهی، قلب کارایی اصلی خود را از دست می دهد و در برابر حق نفوذناپذیر می شود.

فطرت حق طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۵ - ۴

۴- حق جویی و حقیقت پذیری ، طبیعت و فطرت انسانی است .

أَجْتَنَّا بِالْحَقِّ

از این که مشرکان و بت پرستان، پذیرش <حق> را اصلی مفروض می دانستند و تردید آنان تنها در حقانیت دعوت ابراهیم(ع) بود، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۷ - ۶

۶- انسان در سرشت و نماد خویش ، موجودی حق طلب و حق پذیر

و صَرَفْنَا الْأَيْتَ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

تعبیر <یرجعون> می تواند بدان معنا باشد که انسان دارای فطرت حق پذیر است و نمایاندن آیات الهی به او، وسیله ای برای بازگشت به فطرت اولیه خویش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۵ - ۱۲

۱۲ - قلب آدمی ، دارای تمایل فطری به حق و حرکت در راه مستقیم است

فلما زاغوا أزاغ الله قلوبهم

منحرف شدن قلب بر اثر گناه، موقوف بر آن است که پیش از آن متمایل به حق بوده و به اصطلاح مصداق <قلب سلیم> باشد.

فلسفه تأخیر عذاب حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۱ - ۳

۳- تأخیر عذاب و کیفر مشرکان و کافران حق ناپذیر ، به خاطر بهره بردن ناچیز و موقتی آنان از متاع های دنیوی است .

إن أدرى لعلّه .. متع إلى حين

فلسفه تأخیر عذاب حق ناپذیران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۱ - ۱

۱- آزمایش کافران و مشرکان حق ناپذیر صدراسلام ، فلسفه به تأخیر افتادن عذاب آنان و نامعلوم بودن زمان شکست آنها است .

و إن أدرى لعلّه فتنة لكم

ضمیر <لعلّه> به نکته ای برمی گردد که از دو آیه قبل استفاده می شود. آن نکته، مسأله تأخیر عذاب کافران و مشرکان و یا نامعلوم بودن زمان شکست آنان و پیروزی مسلمین است.

فلسفه تبیین حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۵

۵- تبیین حق و راستی برای انسان ها ، در جهت رشد و تربیت آنها است .

الحقّ من ربّكم

گزینش کلمه <ربّ> حاکی از نکته بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۷ - ۳

۳ - بیان حق از سوی خدا برای رفع اختلافات فکری و سرگردانی های عقیدتی ، هدایت و رحمتی است بزرگی .

إِنَّ هَذَا الْقُرْءَانَ يَقْصُّ ..

و إِنَّ لَهُدًى و رَحْمَةً

با توجه به ارتباط این آیه به آیه قبل که در زمینه رفع اختلافات بنی اسرائیل است و نیز با توجه به این که نکره آمدن <هدی> و <رحمه> عظمت و بزرگی آن دو را می رساند، مطلب یاد شده را می توان استفاده کرد.

فلسفه تهدید حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۴ - ۳

۳ - تهدید شدن کافران حق ناپذیر به عذاب الهی ، به سبب دشمنی ها و کارشکنی های آنان نسبت به رسالت پیامبر اسلام

فَسَيَعْلَمُونَ مِنْ أضعف ناصراً و أقلّ عدداً

فلسفه کیفرهای دنیوی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۸ - ۷

۷ - مجازات های دنیوی حق ستیزان از سوی خداوند ، به منظور هدایت و اصلاح آنان است ؛ نه انتقام .

و أخذنهم بالعذاب لعلهم يرجعون

فلسفه مهلت به حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۳ - ۱۵

۱۵ - تأخیر کیفر حق ستیزان ، براساس مصالح و نه معلول غفلت خداوند از کردار آنان

سیریکم آیته ... و ما ربك بغفل عما تعملون

با توجه به این که بیشتر آیات این سوره، متوجه منکران رسالت پیامبر(ص) و توحید ربوبی خداوند است، خاتمه یافتن سوره با تعبیر <سیریکم آیاته> و <ما ربك بغافل..> می رساند که خداوند، از نشان دادن آیات انکار ناپذیر خود، عاجز نیست و از کردار بندگان نیز غافل نمی باشد و به موقع جزای آنان را خواهد داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۲ - ۴

۴ - تأخیر خداوند در انتقام گرفتن از حق گریزان ، مهلتی به ایشان و احترامی به وجود پیامبر (ص)

فَأَمَّا نَذَهْبِنَّ بَكَ .. فَأَنَا عَلَيْهِم مَّقْتَدِرُونَ

از آیه قبل استفاده شد که اگر پیامبر رحلت کند، خداوند از مخالفان حق ستیز او انتقام خواهد گرفت. مفهوم این سخن آن است که حضور پیامبر(ص) مانع تسریع در انتقام است و ولی این مانع، قطعی نیست و خداوند می تواند حتی در زمان حضور پیامبر(ص)، مخالفان دین را مجازات کند.

فواید عقیده حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۵ - ۲،۳

۲- اعتقادات حق با اذن پروردگار ، دارای ثمردهی مداوم بوده و محدود به زمانی نیست .

مثلاً کلمه طَّيِّبَه .. تَوْتَى أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ يَأْذَنُ رَبُّهَا

احتمال دارد که <تَوْتَى أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ> ادامه مشبه باشد که به تناسب موضوع همواره بار و ثمر می دهد و منوط به زمان خاصی نیست.

۳- اعتقادات حق ، دارای ثمرهای فراوان بوده و همه آنها مفید است .

مثلاً کلمه طَّيِّبَه .. تَوْتَى أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ

آوردن جمع مضاف <أَكْلَ > (خوردنیها)، که مفید عموم است، برای توصیف مشبه (کلمه طیبه)، به جای <فواکه> و <ثمرات>، می تواند مشعر به نکته یاد شده باشد.

فهم حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳۰ تنها حق پذیران قادر به درك سعادت آفرینی پیام های الهی هستند .

ذلكم خير لكم إن كنتم مؤمنين

چنانچه مشارالیه

<ذلکم> تمام مسائلی باشد که در آیه مطرح شده، و از جمله اعتقاد به یگانگی خدا و لزوم پرستش او، باید گفت مراد از ایمان در <ان کنتم مؤمنین> داشتن روحیه حق پذیری و اهل باور بودن است، نه ایمان به یگانگی خدا. و چون خیر بودن یکتاپرستی و عدالت پیشگی منوط به حق پذیری نیست، یعنی چه انسانها حق پذیر باشند و چه نباشند مسائل مطرح شده دارای خیر است، معلوم می شود شرط <ان کنتم ...> ناظر به درک خیر بودن است. یعنی اگر حق پذیر باشید می فهمید که پیامهای مطرح شده به خیر و صلاح شماست.

قدرت حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۷

۷ - نابودی حق ستیزان با همه نیرو و توان ، گواه قدرت قاهر خداوند است .

و کم أهلکنا .. أشدّ ... منهم بطشاً ... هل من محیص

از ارتباط <هل من محیص> با صدر آیه، استفاده می شود که توجه به نابودی ملت های توان مند در گذشته تاریخ، خود می تواند بهترین گواه باشد بر این که ملت ها سرانجام مقهور اراده خدا و ناگزیر از آن هستند.

قدرت حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۷ - ۱،۲

۱ - کافران ، از شکست دادن و به سستی کشاندن نیروی الهی و جبهه حق در هر جای دنیا ناتوانند .

لا تحسبنّ الذین کفروا معجزین فی الأرض

در آیه شریفه، متعلق <معجزین> (این که کافران چه چیز را به ناتوانی می کشانند ذکر نشده است؛

ولی با توجه به این که کافران، همواره در صدد تضعیف جبهه حق و دین الهی اند، مقصود از آن نیروی الهی و جبهه حق است. گفتنی است ظرف <فی الأرض> می رساند که این ناتوانی در همه جای دنیا وجود دارد.

۲- ناتوانی کافران در به شکست کشاندن جبهه حق و نیروی الهی، جای هیچ گونه شک و تردیدی ندارد.

لاتحسبنّ الذین کفروا معجزین فی الأرض

تعبیر <لاتحسبنّ> (گمان مبر) با آن که گمان امری غیر اختیاری است و چیزی نیست که به پرهیز از آن توصیه شود می رساند که جای چنین گمانی نیست و نباید کسی به خود تردید راه دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۱ - ۲

۲- وانهاده شدن مشرکان و معبودهایشان به خود و ناتوانی آنان در برابر خداپرستان و حق جویان

فإنکم و ما تعبدون

قضاوت به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۱ - ۶

۶ هلاکت کافران قوم شعیب و نجات مؤمنان آن قوم، داوری به حق خداوند در میان آنان

ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق .. فأخذتهم الرجفة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۹ - ۱۱، ۱۵

۱۱- داوری میان مردم در قیامت، بر پایه حق خواهد بود.

و قضی بینهم بالحقّ

۱۵- داوری بر اساس مستندات پرونده و گواهی شاهدان، قضاوتی عادلانه و به حق خواهد بود.

و وضع الکتب و جایء بالنبیین و الشهداء و قضی بینهم بالحقّ و هم لایظلمون

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۵ - ۷،۱۰

۷ - داوری میان مردم در قیامت ، بر پایه حق و عادلانه خواهد بود .

و قضی بینهم بالحقّ

۱۰ - همه خلایق در قیامت ، به خاطر قضاوت به حق و عادلانه خداوند ، به حمد و ستایش او خواهند پرداخت .

و قضی بینهم بالحقّ و قیل الحمد لله ربّ العلمین

برخی از مفسران بر این عقیده اند که حمد و ستایش خلایق در قیامت، به خاطر داوری به حق خداوند در میان آنان می باشد. از این رو این ستایش و حمد پس از قضاوت خداوند انجام خواهد گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۰ - ۱،۳،۴

۱ - داوری خداوند ، بر اساس حق است .

و الله یقضی بالحقّ

۳ - قضاوت به حق ، از شؤون الوهیت حقیقی است .

و الله یقضی بالحقّ و الذین یدعون من دونه لایقضون بشیء

مطلب یاد شده، از تصریح شدن اسم جلاله (الله) به دست می آید.

۴ - آگاهی همه جانبه خداوند از احوال انسان ها ، پشتوانه قضاوت به حق او

یعلم خائنه الأعین . .. و الله یقضی بالحقّ

یادآوری قضاوت به حق خداوند پس از تذکر به علم همه جانبه او می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

قضاوت بین حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- ربوبیت خداوند ، مقتضی جمع انسان ها در قیامت و داوری نهایی بین جریان حق و باطل

قل یجمع بیننا ربنا ثم ینفتح بیننا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۰ - ۷۸

۷ امتناع خداوند از داوری میان حق و باطل در عرصه حیات دنیوی، بر اساس تقدیری است که خود مقرر کرده است.

لولا کلمه سبقت من ربك لقضی بینهم

۸ مصالح جوامع بشری و تدبیر امور انسان ها، مایه تقدیر خداوند بر داوری نکردن او میان حق گرایان و باطل اندیشان، در عرصه حیات دنیاست.

لولا کلمه سبقت من ربك لقضی بینهم

برداشت فوق، از کلمه <رب> که به معنای مدبر و مربی است استفاده می شود؛ یعنی، تقدیر یاد شده (لولا کلمه سبقت ..) در راستای تدبیر امور انسانهاست.

قضاوت بین محمد(ص) و حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۲ - ۱

۱- درخواست پیامبر (ص) از پروردگار در باره داوری به حق، بین خود و مشرکان و کافران حق ناپذیر

قل ربّ احکم بالحقّ

قضاوت حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۱ - ۴

۴ عدالت پیشگان همواره حق را میزان قضاوت های خویش قرار داده و بر اساس آن داوری می کنند.

و به يعدلون

<به> متعلق به <يعدلون> و <باء> در آن برای استعانت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۶ - ۳،۵

۳ - داوری خداوند بین پیامبر (ص) و مشرکان، بر اساس حق است.

ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ

۵ - ملاک و معیار داوری در نزد خداوند

، حق است .

ثم يفتح بيننا بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۵،۷

۵ - داوود (ع) ، از سوی خدا مأمور حکومت و داوری میان مردم برپایه حق

إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ

۷ - حق ، پایه و محور داوری ها در جامعه الهی

فاحكم بين الناس بالحقّ

قیام علیه رهبران حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۳ - ۱۹

۱۹ - > عن ابی عبد الله (ع) فی قول الله عز و جل : < فمن اضطر غير باغ و لاعاد > قال : الباغي الذی یخرج علی الأمام و

العادی : الذی یقطع الطریق لایحل لهما المیتة . . . ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند که فرموده: < فمن اضطر غير باغ و لاعاد > روایت شده است: مراد از باغی کسی است

که علیه امام [حق] خروج کرده و مراد از عادی کسی است که راهزنی می کند که در [حال اضطرار هم] خوردن مردار بر

آنان حلال نیست . . . < .

کافران حق ستیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۷ - ۷

۷ کافران حق ستیز ، زیانکاران واقعی هستند .

أولئك هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۸ - ۵، ۲، ۱

۱ خداوند ، کافران ستیزه گر عصر بعثت را به ترک مبارزه علیه اسلام و مسلمانان فراخواند .

قل للذین کفروا إن ینتھوا یغفر لهم

انتھاء به معنای پذیرش

نهی است؛ یعنی انجام ندادن کاری بر اثر نهی شدن از آن. بنابراین با توجه به اینکه متعلق <ینتهوا> شرارت‌های کافران علیه مسلمانان است، جمله <ان ینتهوا> دلالت می‌کند که خداوند کافران را از تعرض به مسلمانان نهی کرده است.

۲ به کافران ستیزه‌گر عصر بعثت ابلاغ شد در صورت ترک مخاصمه علیه اسلام، از خطاهای گذشته آنها چشمپوشی خواهد شد.

قل للذین کفروا إن ینتهوا یغفر لهم ما قد سلف

درباره متعلق <ان ینتهوا> دو نظر ابراز شده است: یکی کفر و دیگری اعمالی که در آیه ۳۶ مطرح شد؛ یعنی سرمایه‌گذاریها و شرارت‌های علیه اسلام. جمله <ان یعودوا> نظر دوم را تقویت می‌کند. گفتنی است بر این مبنا مراد از <یغفر لهم ...> انتقام نگرفتن از شرارت‌های گذشته کافران است.

۵ خداوند، کافران حق ستیز را به عبرت گرفتن از سرنوشت شوم همسانان گذشته خویش فرامی‌خواند.

و إن یعودوا فقد مضت سنت الأولین

۸ پیامبر (ص) از جانب خداوند مأموریت یافت تا سنت الهی را در سرکوبی حق ستیزان به کافران عصر خویش ابلاغ کند.

قل للذین کفروا .. و إن یعودوا فقد مضت سنت الأولین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۶

۶ دشمنان اسلام و کافران حق ستیز در صورت تسلط بر مسلمانان هرگز بر پیمان و پیوند دوستی و خویشاوندی پایبند نخواهند بود.

کیف و إن یظہروا علیکم لایرغبوا فیکم إلاً و لاذمه

کافران حق ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام

۴ کافران لجاجت پیشه و حق ناپذیر از شیطانهای انسی هستند.

و لو أننا .. ما كانوا لیؤمنوا ... و كذلك جعلنا لكل نبی عدوا شیطین الإنس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۴ - ۷

۷ جهاد و مبارزه با کافران حق ناپذیر ، مایه حیات واقعی جامعه ایمانی

یا یها الذین ءامنوا استجبوا لله و للرسول

از مصادیق مورد نظر برای <ما یحییکم>، به دلیل وقوع آیه مورد بحث در سیاق آیات جنگ و مبارزه، فراخوانی اهل ایمان به نبرد با دشمنان دین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۲ - ۳

۳ - کافرانِ رویگردان از حق ، با لجاجت و تعصب خویش در برابر حق ، ظرفیت و صلاحیت حق پذیری را از دست می دهند

یکفرون .. فإِنَّک لا تسمع الموتی ... إذا ولّوا مدبرین

کافران مکه و حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۸

۸ تمسخر حق (قرآن) و آیات الهی، شیوه کافران مکه بوده است.

فسوف تأتیهم أنبؤا ما كانوا به یتستهزءون

مفاد جمله <كانوا به یتستهزءون> ماضی استمراری است و بیانگر تداوم استهزا از سوی کافران عصر نزول این سوره است.

کافران و حق بینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۳

۳ - کافران به قرآن از حق شنوی ، حق گویی و حق بینی ، ناتوانند .

و مثل الذین کفروا .. صم بکم عمی

<صم> و <بکم> و

<عمی> به ترتیب: جمع أصم (کر) و أبکم (لال) و أعمی (کور) می باشند. به نظر می رسد متعلق <کفروا> به قرینه آیه قبل <ما أنزل الله> باشد، یعنی: مثل الذين كفروا بما أنزل الله.

کافران و حق شنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۳

۳ - کافران به قرآن از حق شنوی ، حق گوئی و حق بینی ، ناتوانند .

و مثل الذين كفروا ... صم بکم عمی

<صم> و <بکم> و <عمی> به ترتیب: جمع أصم (کر) و أبکم (لال) و أعمی (کور) می باشند. به نظر می رسد متعلق <کفروا> به قرینه آیه قبل <ما أنزل الله> باشد، یعنی: مثل الذين كفروا بما أنزل الله.

کافران و حق گوئی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۳

۳ - کافران به قرآن از حق شنوی ، حق گوئی و حق بینی ، ناتوانند .

و مثل الذين كفروا ... صم بکم عمی

<صم> و <بکم> و <عمی> به ترتیب: جمع أصم (کر) و أبکم (لال) و أعمی (کور) می باشند. به نظر می رسد متعلق <کفروا> به قرینه آیه قبل <ما أنزل الله> باشد، یعنی: مثل الذين كفروا بما أنزل الله.

کافران و کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۲ - ۸،۱۱

۸ پشیمانی و تأسف شدید کافران در قیامت از کتمان کردن حقایق در دنیا

یومئذ یؤدّ الذین کفروا و عصوا الرسول ... و لا یکتُمون الله حدیثاً

بنا بر اینکه <لا یکتمون> عطف بر جمله

<تسوی باشد.>

۱۱ شرمساری و پشیمانی کافران در قیامت، از کتمان حقانیت رسالت پیامبر (ص)

و عصوا الرسول... و لا یکتُمون الله حدیثاً

مصدق مورد نظر از کتمان حدیث در آیه شریفه، به دلیل <کفروا و عصوا الرسول>، کتمان حقانیت پیامبر (ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹ - ۱۱

۱۱ کافران به رسالت پیامبر (ص)، حق پوش و مغالطه کارند.

و للبسنا علیهم ما یلبسون

<یلبسون>، فعل مضارع و بیانگر استمرار تلبیس کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۵

۵ خودداری کافران از اعتراف به مالکیت مطلق خداوند، علی رغم آگاهی بدان

قل لمن ما فی السموت و الأرض قل لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۵

۵ تکذیب قرآن و آیات الهی از سوی برخی کفار، با وجود علم و آگاهی بر حقانیت آن

إن هذا إلا أسطیر الأولین... بل بدلهم ما كانوا یخفون

چون در آیات قبل سخن از تکذیب قرآن و آیات الهی بود، مراد از <ما كانوا یخفون> می تواند موارد مذکور باشد.

کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - کتمان محتوای کتاب های آسمانی ، کتمان حق است و کتمان کنندگان مردمی حق ستیزند .

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۱ - ۱،۲

۱ آمیختن آگاهانه حق به باطل

و کتمان آن توسط علمای یهود و نصارا، و نکوهش آنان از سوی خداوند

یا اهل الكتاب لم تلبسون الحق بالباطل و تکتمون الحق و انتم تعلمون

۲ علمای اهل کتاب با درآمیختن حق به باطل و کتمان حق، مردم را گمراه می ساختند.

وَدَّت طائفه من اهل الكتاب لو يضلونكم .. یا اهل الكتاب لم تلبسون الحق بالباطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۲ - ۱

۱ انسان های حق ناشنوا و خاموش از بیان معارف حق و فاقدان فهم حقایق دینی، بدترین جنبندگان در پیشگاه خداوند

إن شر الدواب عند الله الصم البکم الذین لا یعقلون

کلمات <الصم> و <البکم> به ترتیب جمع <الاصم = کر> و <الابکم = لال> است. <الذین لا یعقلون> خبر سوم برای <إن> می باشد. قابل ذکر است که صفت بودن آن برای <الصم> و <البکم> نیز محتمل است.

کتمان حق مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۴۰

۴۰- کشف ماجرای اصحاب کهف، عامل تقویت موضع موحدان و معتقدان به معاد بود.

إذ یتنزعون .. قال الذین غلبوا علی أمرهم

در بیان آنچه مورد نزاع و اختلاف مردم بود، دو احتمال بیان شد: اگر <إذ یتنزعون..> نظر به اختلاف آنان در باره معاد داشته باشد، <الذین غلبوا...> آن دسته از مردم خواهند بود که معاد را پذیرا بودند و با بیداری اصحاب کهف، به دلیلی محکم و ملموس، در برابر خصم خود، دست یافته بودند.

کتمان حق مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- حق پوشی ، کارشکنی در طریق دین و پیامبرستیزی ، ویژگی مشرکان عصر نزول

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدَّوْا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقَّوْا الرَّسُولَ

کتمان کنندگان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۱۰

۱۰ - علمای یهود و نصارا به خاطر کتمان حقایق و معارف کتب آسمانی از رحمت خدا محروم شده و مورد لعن و نفرین لعنت کنندگان هستند .

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا .. أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّعْنُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۵

۵ - حق ستیزی و حق پوشی علمای یهود و نصارا

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ .. ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَلَ الْكُتُبَ بِالْحَقِّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۱ - ۴

۴ - مشرکان ، مستورسازنده حقیقت اند .

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ

به کار بردن عنوان <کافر> که به معنای پوشاننده و انکارکننده امری معلوم است تعریض به مخاطبان است که بین من و شما، این شما هستید که حقیقت را پوشانده اید.

کتمان کنندگان حق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - در قیامت برای متخلفان از دستورات الهی (بر پایی نماز و پرداخت زکات) و ارتکاب کنندگان محرمات (دین فروشی ، حق پوشی و ...) راه نجاتی نیست .

لا تشتروا بآیتی . . . و أقيموا الصلوه ... واتقوا يوماً لا تجزی نفس

عن نفس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۹

۹ - خداوند در قیامت نظر رحمتی بر کفرپیشگان و کتمان کنندگان حقایق دینی ، نخواهد داشت .

و لاهم ينظرون

در برداشت فوق فعل مجهول <ينظرون> از (نظر) به معنای رؤیت گرفته شده است. بر این مبنا <ولاهم ينظرون> یعنی، نظر رحمتی به آنان نخواهد شد.

کری حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۲ - ۲

۲ - حق گریزان ، انسان هایی هستند همانند مردگان کَر

فإنك لاتسمع الموتى و لاتسمع الصم الدعاء إذا ولوا مدبرین

<فء> در <فإنك> فصیحه است و بر کلام مقدری دلالت می کند که می تواند چنین باشد: <حال که آنان، کفر را بر ایمان برگزیده اند، مانند مردگان اند.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۲ - ۲

۲ آنان که حقایق دینی را ناشنیده گیرند ، کنند و آنان که حقایق دینی را بازگو نکنند ، لالند و آنان که معارف الهی را درک نکنند ، فاقد عقلند .

إن شر الدواب عند الله الصم البکم الذین لا یعقلون

کفر مکذبان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - افترازنندگان به خدا و تکذیب کنندگان حق ، کافرند و جایشان در جهنم است .

و من أظلم ممن افتري على الله .. أو كذب بالحقّ... أليس في جهنم مثوى للكفر

<ال> در <الكافرين> برای عهد بوده و اشاره به همین افرادی دارد که در آیه، مورد بحث

قرار گرفته اند.

کمی حق پذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۶ - ۱۱

۱۱ - انسان های طرفدار حق و هدایت پذیر ، همواره در تاریخ کم بوده اند .

فمنهم مهتد و کثیر منهم فسقون

با توجه به این که <کثیر> در مقابل <قلیل> قرار دارد، تقدیر آیه شریفه چنین می شود: <فقلیل منهم مهتد و کثیر منهم فسقون>.

کوردلی کافران حق ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۳ - ۲

۲ - کافران حق ناپذیر ، انسان هایی کوردل اند .

إذا ولّوا... و ما أنت بهد العمی عن ضللتهم

کوری کافران حق ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۹ - ۴

۴ - <عن أبي جعفر (ع) في قوله > و جعلنا من بين أيديهم سداً و من خلفهم سداً فأغشيناهم < يقول : فأعميناهم > فهم لا يبصرون < الهدى... >

از امام باقر(ع) درباره قول خدا <..فأغشيناهم> روایت شده: که خدا می فرماید: آنان را کور کردیم، پس نور هدایت را نمی بینند...>.

کوری مشرکان حق ناپذیر

۴ - > عن أبي جعفر (ع) في قوله > و جعلنا من بين أيديهم سدّاً و من خلفهم سدّاً فأغشيناهم < يقول : فأعميناهم > فهم لا يبصرون < الهدى ... ;

از امام باقر(ع) درباره قول خدا >..فأغشيناهم< روایت شده: که خدا می

فرماید: آنان را کور کردیم، پس نور هدایت را نمی بینند...>

کیفر اخروی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۱۵

۱۵ - قیامت ، روز مجازات و کیفر کفرپیشگان و حق ستیزان

و نذيقه يوم القيمة عذاب الحريق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۲ - ۳

۳ - عذاب شدن کافران حق ستیز و ستیزه جو به آتش دوزخ ، پس از کیفر شدنشان با آب داغ و پر حرارت خواهد بود .

فی الحمیم ثم فی النار یسجرون

برداشت یاد شده از آمدن <ثم> که نوعاً برای تراخی زمانی است، استفاده می شود.

کیفر استهزاگران حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۱۰

۱۰ عذاب خداوند و سرانجامی شوم در انتظار تکذیب کنندگان و استهزاگران حق (قرآن و دیگر آیات خداوند)

فقد کذبوا بالحق لما جاءهم فسوف یأتیهم أنبؤا ما كانوا به یتستهزءون

کیفر اعراض از حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۷ - ۱۲

۱۲ بخل ، روی گردانی از حق ، پیمان شکنی و دروغ ، گناه و دارای کیفر

فلما آتاهم .. بخلوا به و تولوا ... بما أخلفوا الله ... و بما كانوا يكذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۲

۲- انسان های ناسپاس و روی گردان از حق ، هیچ گاه و در هیچ شرایطی ، از عذاب و کیفر دنیوی خداوند ، در دریا

و خشکی در امان نیستند .

فلما نَجَّكُم إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ .. أم أمتم أن يعيدكم فيه تاره أخرى

کیفر حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۰

۱۰- تمامی اقوام تکذیب گر (چون قوم نوح) ، به خاطر مبارزه با حق (تعالیم پیامبران) ، در دنیا مورد عقوبت و کیفر الهی قرار گرفتند .

كذَّبت قبلهم قوم نوح .. ليدحضوا به الحق فأخذتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶ - ۶

۶- ربوبیت الهی ، مقتضی عذاب دادن و کیفر کردن کافران حق ستیز و تکذیب کننده

و كذلك حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۹ - ۲

۲- عوامل طبیعی ، در خدمت اراده الهی ، برای کیفر اقوام حق ستیز

فكيف كان عذابي .. إنا أرسلنا عليهم ريحا صرصرا

کیفر حق ستیزان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۱۲

۱۲- تهدید حق ستیزان عصر بعثت به محاکمه و مجازات در روز رجعت

و یوم نحشر من کلّ أُمَّه فوجًا مَمَّن یكذّب بایتنا

ظاهراً آیه یاد شده، تعریض به رجعت کافران عصر بعثت نیز دارد.

کیفر حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۲ - ۴

۴ - ستیزه جویی و تکذیب لجوجانه کتاب های آسمانی و فرستادگان الهی ، موجب انواع گوناگون عذاب (در غل و

زنجیر شدن ، سوخته شدن به آب داغ و آتش دوزخ)

الذین یجدلون .. الذین کذبوا بالکتب ... إذ الأغلل فی أعنقهم ... ثم فی الن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۵

۵ - انکار آیات الهی ، از سر عناد و حق ستیزی ، در پی دارنده آتش همیشگی دوزخ

لهم فیها دار الخلد بما کانوا بأیتنا یجدلون

کیفر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ قیامت روز رسیدگی به کار حق پذیران و حق ناپذیران و پاداش و مجازات آنهاست.

إنما یتجیب الذین یسمعون و الموتی یبعثهم الله ثم إلیه یرجعون

جمله <ثم إلیه یرجعون> ظاهراً تذلیلی برای تمامی آیه است. یعنی هم پاسخ دهندگان و هم مرده دلان جملگی در قیامت مبعوث شده و به نتایج اعمال خود می رسند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۷

۷ ضیق صدر و سختی دل در پذیرش حق، کیفری از جانب خداوند برای حق ناپذیران است.

یجعل صدره ضیقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۹

۹- خداوند ، از کافران حق ناپذیر ، به وسیله شراره های دوزخ ، پذیرایی می کند .

إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نَزْلًا

کلمه <نُزِّلَ> می تواند اسم باشد برای چیزی که به هنگام ورود میهمان برای پذیرایی او می آورند. این نوع سخن، <تَهَكُّمٌ> بوده و برای استهزا به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۰ - ۲

۲- کافران و مشرکان حق ناپذیر ، به عذاب و کیفر الهی تهدید شدند .

إِنَّهٗ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ

تذکر به این که خداوند به سخنان آشکار و توطئه ها و اسرار مشرکان و کافران آگاه است، در حقیقت تهدید آنان و هشدار به کیفر و عذاب شدن آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۱ - ۳

۳ - تکذیب گران حق ستیز ، سزاوار عذاب مرگ بار استیصال

فَأَخَذْتَهُمُ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ

کلمه <بالحق> را به دو صورت می توان تفسیر کرد: الف) جامعه پس از نوح، به خاطر کفر و تکذیب گری شان، مستحق عذاب بودند. ب) نزول عذاب صیحه بر آن قوم، حکمی بر پایه حق و عدل بود. برداشت فوق، براساس تفسیر اول می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۴ - ۷

۷ - مجازات الهی ، در انتظار فرقه گرایان حق ناپذیر

فَذَرَهُمْ فِي غَمَرْتِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۴ - ۵

۵ - خداوند ، کافران حق ناپذیر را ، به سرعت مجازات نمی کند و به آنها مدتی مهلت می دهد .

نَمَتَّعَهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضَظَرُّهُمْ

احتمال دارد <قلیلاً> صفت برای مفعول به <نمّّع> باشد که <زماناً> است. بنابراین، مفاد آیه چنین می شود: <به آنان،

مدت کوتاهی مهلت می دهیم و سپس آنان را روانه عذاب جهنم می کنیم.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ -

۶ - عذاب دائمی و بی تخفیف ، کیفر تمامی کافران حق ناپذیر

کذلک نجزی کلّ کفور

< کفور > صیغه مبالغه از ماده < کفر > و یا < کفران > می باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ - حق گرایان برخوردار از مغفرت الهی ، و ملحدان و حق ناپذیران رویارو با مجازات دردناک او

ما يقال لك إلا ما قد قيل للرسل . . . إن ربك لذو مغفرة

در آیات پیشین، قرآن پیامی حق معرفی شده است که ملحدان با ایجاد شبهه در آن سعی می کردند پیامبر(ص) را مورد انکار قرار دهند. اکنون در این آیه خداوند به غفران و عقاب خود اشاره کرده که غفران منطبق بر حق گرایان و عقاب درباره ملحدان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۹ - ۱۱

۱۱ - مجازات حق ناپذیران ، پیمان خداوند با پیامبران خویش

ادع لنا ربك بما عهد عندك إننا لمهتدون

با توجه به سیاق آیات که راجع به عذاب است استفاده می شود که عهد الهی همان عذاب هدایت ناپذیران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۷ - ۲

۲ - آتش دوزخ ، کیفر حق گریزان

تدعوا من أدبر و تولی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ کیفر حق ناپذیران ، در راستای ربوبیت الهی بر جامعه انسانی است .

قد وقع علیکم من ربکم رجس

کیفر حق ناپذیری

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷ - ۶

۶ - درک نکردن معارف الهی ، کیفری است از جانب خدا ، بر ناشنیده گرفتن و نادیده انگاشتن حقایق دینی

ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم و علی ابصرهم غشوه

جمله <و علی سمعهم ..> جمله حالیه و بیانگر علت مسدود شدن قلبهاست ؛ یعنی ، بدان جهت خداوند آنان را از درک کردن محروم ساخت که ایشان حقایق را ناشنیده انگاشتند و بر واقعیتها چشم فرو بستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۰ - ۹

۹ سرگردانی در طغیان، کیفر و پیامد حق ناپذیری کافران است.

و نذرهم فی طغینهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۴ - ۳

۳ گمراهی ضلالت پیشگان از سوی خدا ، سزا و کیفر لجاجت و حق ناپذیری ایشان است .

ینوح قد جدلتنا .. فأتنا بما تعدنا ... إن کان الله یرید أن ینویکم

وقوع جمله <إن کان الله> پس از بیان لجاجتها و حق ناپذیریهای کفرپیشگان (قد جدلتنا ..) ، حاکی است که اراده خداوند بر اغوای آنان ، به خاطر عناد و لجاجتشان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۹ - ۲

۲ - عذاب دردناک دوزخ ، کیفری عادلانه و متناسب با رفتار شرک آلود و استکبار در برابر حق

العذاب الالیم . و ما تجزون إلا ما کتمتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- حق گریزی ، از موجبات دوزخی شدن

تدعوا من أدبر و تولی

کیفر دنیوی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۲

۲- انسان های ناسپاس و روی گردان از حق ، هیچ گاه و در هیچ شرایطی ، از عذاب و کیفر دنیوی خداوند ، در دریا و خشکی در امان نیستند .

فلما نَجَّكُم إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ .. أم أمتهم أن يعيدكم فيه تاره أخرى

کیفر کافران حق ستیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۸ - ۳،۴،۶

۳ گرفتار شدن به سرنوشت شوم پیشینیان ، تهدید الهی نسبت به کافران ستیزه گر علیه اسلام

و إن يعودوا فقد مضت سنت الأولین

جواب شرط <إن يعودوا...> حذف شده و جمله <فقد مضت...> جانشین آن می باشد و تقدیر کلام چنین است: <و

إن يعودوا فانتقمنا منهم كما انتقمنا من الأولین...>

۴ خداوند بر اساس سنت خویش ، کافران حق ستیز دوران های پیشین را به سزای اعمالشان رسانیده است .

و إن يعودوا فقد مضت سنت الأولین

۶ مجازات و سرکوبی کافران حق ستیز ، سنتی الهی

و إن يعودوا فقد مضت سنت الأولین

کیفر کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۶ فرجام کتمان کنندگان احکام خداوند ، فرجامی هراس انگیز

و اخشون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۷ - ۶

۶ کسانی از یهود و نصارا که آگاهانه نبوت

پیامبر (ص) را انکار نمودند ، گرفتار لعنت خدا و فرشتگان و مردم هستند .

قوماً كفروا بعد ايمانهم .. اولئك جزاؤهم انّ عليهم ... و الناس اجمعين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۸ - ۱۳ ، ۱۰

۱۰ واهی بودن پندار نجات عالمان اهل کتاب از عذاب الهی ، با وجود عملکرد ناشایست آنان (کتمان حقایق و ...)

لا تحسبنّ الذین .. بمفازه من العذاب

کلمه <مفازه>، مصدر میمی و به معنای خلاص و نجات یافتن است.

۱۳ عذابی دردناک در انتظار عالمان اهل کتاب به جهت کتمان حقایق و انتظار چاپلوسی و ستایش بیجا

لا تحسبنّ الذین .. بمفازه من العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۲ - ۳

۳ کسانی که حقایق اسلام را می پوشانند و راه شرک را بهتر از آن می نمایند ، مورد لعن الهی هستند .

الم تر الى الذین .. يقولون هؤلاء اهدى من الذین امنوا سییلا. اولئك الذین لعنه

کیفر کتمان کنندگان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۵ - ۲

۲ - دین فروشان و کتمان کنندگان حقایق کتاب های آسمانی ، از مغفرت الهی محروم و به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

اولئك الذین اشتروا .. العذاب بالمغفره

کیفر مبارزه با حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ جهنم ، سزای کافران حق ستیز

و الذین کفروا إلی جهنم یحشرون

کیفر

مکذِّبانِ حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۱۰

۱۰ عذاب خداوند و سرانجامی شوم در انتظار تکذیب کنندگان و استهزاگران حق (قرآن و دیگر آیات خداوند)

فقد کذبوا بالحق لما جاءهم فسوف یأتیهم أنبؤا ما کانوا به یتستهزءون

گرایش به عقیده حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۶ - ۳

۳- عقیده حق ، دلپذیر و مطابق طبع آدمی بوده و عقیده باطل منفور است .

مثلاً کلمه طیبه کسجیره طیبه .. و مثل کلمه خبیثه کسجیره خبیثه

<طیب> در لغت به چیزی معنا شده است که مطابق طبع و میل آدمی می باشد و <خبث> چیزی است که مورد کراهت و نفرت می باشد. برداشت فوق، با توجه به معنای یاد شده، بنابر احتمالی است که مراد از <کلمه طیبه> عقیده حق و <کلمه خبیث> عقیده باطل باشد.

گمراهی از حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۵ - ۲۲

۲۲ لزوم ریشه یابی و تحلیل زمینه های گریز از حق و گرایش به عقاید شرک آلود و انحرافی

انظر کیف نبین لهم الایة ثم انظر انی یؤفکون

کلمه <انی> گاه به معنای <من این> بکار می رود، بنابراین جمله <ثم انظر ..> می تواند فرمان به تأمل و اندیشه در منشأ انحراف بنی اسرائیل باشد.

گمراهی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۶

۶ - حق ستیزی موجب گمراهی ، محرومیت از لطف و مغفرت خدا و گرفتار شدن

به آتش دوزخ می باشد .

لايكلهم الله يوم القيامة .. ذلك بأن الله نزل الكتب بالحق

برداشت فوق بر این اساس است که <ذلك> اشاره به عقوبتهای مطرح شده در آیات قبل باشد.

گمراهی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۶ - ۲

۲ گمراه کردن حقگریزان با ضیق صدر و هدایت حقپویان با شرح صدر، صراط مستقیم پروردگار و سنت استوار اوست.

فمن یرد الله ان یهدیه .. هذا صرط ربك مستقيما

ظاهراً مشارالیه <هذا> مفاد آیه قبل است که به منزله نتیجه ای بر آیات گذشته بود. بنابراین <هذا> اشاره به شرح صدر و ضیق صدر و ... است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۲ - ۱۲

۱۲ - پیامبر (ص) نیز ، توان بیرون آوردن افراد حق گریز را از گمراهی ، ندارد .

فإنك لاتسمع الموتی و لاتسمع الصم الدعاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۳ - ۴

۴ - کافران حق ناپذیر ، در گمراهی و ضلالت ، غوطهورند .

و ما أنت بهد العمی عن ضللتهم

گمراهی کتمان کنندگان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- انعام - ۶ - ۹ - ۱۲

۱۲ خداوند حق پوشان و مغالطه کاران در رسالت پیامبر(ص) را در گمراهی رها می کند.

و للبسنا علیهم ما یلبسون

گناه اعراض از حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۷ - ۱۲

۱۲ بخل ، روی گردانی از

حق ، پیمان شکنی و دروغ ، گناه و دارای کیفر

فلما ءاتیهم . . . بخلوا به و تولوا ... بما أخلفوا الله ... و بما كانوا یکذبون

گناه کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۶ - ۱۱

۱۱ - عالمان ادیان ، در خطر آلوده شدن به گناه کتمان حقایق هستند .

و إن فريقاً منهم لیکتمون الحق و هم یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۷

۷ - کتمان حقایق دینی و معارف کتب آسمانی از گناهان بزرگ است .

خلدین فیها لایخفف عنهم العذاب

دوری همیشگی کتمان کنندگان حقایق از رحمت خدا و نیز ابتلای آنان به عذابی تخفیف ناپذیر، حکایت از بزرگی گناه آنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۸

۸ - عالمان دینی ، در خطر آلوده شدن به گناه کتمان حقایق کتاب های آسمانی و احکام الهی هستند .

إن الذین یتکتمون ما أنزل الله من الکتب

گناه کتمان کنندگان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۴

۱۴ - خداوند ، کتمان کنندگان حقایق کتاب های آسمانی را از گناهان و آلودگی ها پاک نخواهد کرد .

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ .. لَا يَزِيدُهُمْ

گواهی به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸ - ۱۸، ۱

۱ مؤمنان باید همواره برای خدا قیام کنند و بر اساس حق ، شهادت دهند .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا

قومین لله شهداء بالقسط

<قَوَام> صیغه مبالغه است و دلالت بر دوام دارد، یعنی عادت شما باید قیام برای خدا باشد. و <قسط> به معنای عدل و حق است.

۱۸ قیام برای خدا، شهادت به حق و برپا داشتن قسط، نشانه و جلوه ای از تقوا

کنونا قومین لله شهداء بالقسط .. و اتقوا الله

لجاجت با حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۱ - ۱۶

۱۶ لجاجت در برابر حق و تکذیب آن، موجب استحقاق لعن و نفرین خدا

فمن حاجک .. فنجعل لعنت الله علی الکاذبین

لجاجت حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۲۶

۲۶ ضرورت اکتفا کردن به ابلاغ و پرهیز از بحث و مجادله با کسانی که روحیه عناد و لجاجت داشته و حق ناپذیرند.

قل الله ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۴ - ۲

۲- روشن ترین دلایل الهی، در قلب حق ناپذیران لجوج تأثیر نمی کند.

لسان الذی یلحدون إلیه أعجمی و هذا لسان عربی مبین . إن الذین لایؤمنون ... لایه

در آیه قبل خداوند با روشن ترین بیان حقانیت قرآن را مبرهن ساخت. در این آیه نیز می فرماید: آن دلیل با همه روشنی برای آنان که تصمیم به ایمان آوردن ندارند، بی ثمر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۲ - ۳

۳ - کافرانِ رویگردان از حق ، با لجاجت و

تعصّب خویش در برابر حق ، ظرفیت و صلاحیت حق پذیری را از دست می دهند .

يَكْفُرُونَ... فَإِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمُوتَى ... إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۹ - ۵

۵ - برخی از مردم ، چنان هدایت ناپذیر و حق گریزانند که حتی سخنان پیامبران نیز در آنان کارساز نیست .

أفأنت تنقذ من في النار

تردیدی نیست بر کسانی عذاب الهی قطعی خواهد شد که هیچ امیدی به هدایت آنان نباشد. بنابراین می توان استفاده کرد که هدایت این گروه امکان پذیر نخواهد بود، حتی اگر هادی شخصیتی چون رسول الله باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۴ - ۴

۴ حق پوشان لجوج و معاند ، مستحق آتش دوزخ ؛ و نه ناآگاهان ره نیافته به حق *

ألقيا في جهنم كل كفار عنيد

وصف <کفار> و <عنید> مشعر به علیت است ؛ یعنی، آنچه آدمی را به سوی دوزخ می کشاند، انکار لجوجانه و حق ستیزانه است و نه صرف انکار ناشی از جهل و نرسیدن به حق ؛ گرچه ظاهراً به چنین فردی نیز <کافر> اطلاق می شود.

لجاجة معرضان از حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۵ - ۱۲

۱۲- > عن أبي جعفر (ع) قال : < العنيد > المعرض عن الحق ؛

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود: [مراد] از <عنید> کسی است که از حق روی گردان است.<

لعن بر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- جواز لعن و نفرین حق گریزانِ فسادانگیز و فاقد عواطف انسانی

أولئك الذين لعنهم الله

اعلام خداوند به ملعون بودن حق گریزان، نشانگر آن است که لعن آن گروه، مورد رضای الهی و هماهنگ با اراده او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۹ - ۴

۴ - جواز نفرین و دعا ، علیه کافران حق ناپذیر و دین ستیز

فقتل كيف قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۰ - ۴

۴ - جواز نفرین و دعا ، علیه کافران حق ناپذیر و دین ستیز

ثم قتل كيف قدر

لعن بر کافران حق ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۱۴، ۱۳

۱۳ - کافران عنود و حق ناپذیر ، مورد لعنت خداوند هستند .

فلعنه الله على الكافرين

۱۴ - جواز لعنت و نفرین بر آنانی که از سر عناد و لجاجت ، به پیامبر (ص) و قرآن کافر می شوند .

فلعنه الله على الكافرين

لعن بر کتمان کنندگان حق

۹ - ضرورت نفرین و لعنت بر کسانی که حقایق کتاب های آسمانی را از مردم پنهان می کنند .

أولئك .. يلعنهم اللعنون

تکرار فعل <یلعن> به تفاوت لعنت خدا و لعنت دیگران اشاره دارد. لعنت خدا به معنای مطرود ساختن از رحمت است و لعنت مردم به معنای نفرین و درخواست از خدا بر قطع رحمت از لعنت شونده

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۰ - ۸

۸ - نباید کتمان کنندگان حقایق دینی را در صورتی که توبه کنند و گذشته را جبران نمایند ، نفرین کرده و خواهان دوری آنان از رحمت خدا شد .

و يلعنهم اللعنون. إلا الذين تابوا و أصلحوا و بينوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۱ - ۵

۵ - کتمان کنندگان حقایق دینی هم در دنیا و هم در آخرت به لعنت خداوند گرفتار خواهند بود .

أولئك يلعنهم الله .. أولئك عليهم لعنة الله

جمله <أولئك يلعنهم الله> (در آیه ۱۵۹) به قرینه <إلا الذين تابوا ..> حاکی از آن است که: کتمان کنندگان حقایق در دنیا به لعنت خدا گرفتارند و جمله <أولئك عليهم لعنة الله> به دلیل <ماتوا و هم کفار> دلالت بر این دارد که در آخرت نیز مورد لعنت هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۲

۲ - کتمان کنندگان حقایق دینی ، در صورتی که بدون توبه بمیرند ، همواره مورد لعنت خدا خواهند بود .

إن الذين يكتُمون .. أولئك عليهم لعنة الله ... خلدین فیها

مبارزه با حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۳ - ۵

۵ بهره گیری حکومت های باطل از عالمان ، برای مقابله با حق

و جاء السحره فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٦ - فصلت - ٤١ - ٤٥ - ٦

٦ - توجه به مخالفت

و ستیزه جویی با حق در طول تاریخ ، مانع راه یابی روحیه یأس و ناامیدی در حق گرایان

و لقد ءاتینا موسی الکتب فاختلف فیه

مبارزه حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۲

۲ درگیری حق و باطل در سراسر تاریخ انبیا جریان داشته است.

و كذلك جعلنا لكل نبی عدوا شیطین الإنس و الجن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۸ - ۱،۴،۵

۱- در نزاع میان جبهه حق و باطل ، پیروزی نهایی از آن حق مداران است .

بل نقذف بالحقّ علی البطل

۴- درگیری و ستیز مداوم حق و باطل در طول تاریخ

و کم قصمنا من قریه کانت ظالمه. .. بل نقذف بالحقّ علی البطل فیدمغه

۵- نابودی باطل و اندیشه های نادرست ، در گرو حضور اهل حق در میدان مبارزه با باطل است .

بل نقذف بالحقّ علی البطل فیدمغه

<باء> در <بالحقّ> برای استعانت است. براین اساس معنای آیه چنین می شود: <ما به کمک حق بر باطل می کویم و نابودش می سازیم>. این معنا می رساند که حق باید در صحنه کارزار با باطل، حضور داشته باشد تا به وسیله آن بتوان باطل و اندیشه های نادرست را نابود کرد. گفتنی است خداوند نابود ساختن باطل را به خود نسبت نداده؛ بلکه حق را نابود کننده باطل دانسته است (فیدمغه)، این نکته مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۸

و باطل بود .

كذّبت قبلهم قوم نوح . . . و جدلوا بالبطل ليدحضوا به الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ - حق و باطل ، جریانی مستمر در تاریخ

فمنهم مهتد و کثیر منهم فسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۶ - ۱۳

۱۳ رویارویی و برخورد مداوم حق و باطل

و لتسمعنّ من اللّذين اتوا الكتب من قبلکم و من اللّذين اشرکوا اذی کثیراً

مبلغان و حق ناپذیری گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۹ - ۳

۳ لزوم اتکای مبلغان الهی بر خداوند و نگران نبودن بر حق ناپذیری گمراهان ، پس از اتمام حجت بر آنان

فإن تولوا فقل حسبی الله . . . علیه توکلت

مبین حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۷ - ۱۸

۱۸ خداوند بهترین جدا کننده حق از باطل است.

يقص الحق و هو خير الفصلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱ - ۶

۶ قرآن ، تبیین گر حق و باطل و جدا کننده سره از ناسره است .

تبارك الذى نزل الفرقان على عبده

<فرقان> اسم است برای آنچه فارق و جدا کننده حق از باطل باشد (لسان العرب).

مثل عقیده حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۴ - ۴

۴- اعتقادات حق چنان درختی ریشه دار ، ثابت و استوار است .

کلمه

طیبه کَشَجَرَه طَیْبَه اَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفِرْعَاهَا فِي السَّمَاءِ

از معنایی که مفسران، از صحابه و تابعان تا کنون، برای <شجره طیبه> ذکر کرده اند، عقیده به توحید و کلمه <لا إله إلا الله> است که عقیده حق می باشد.

مجارى كيفر حق ستيزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۱ - ۷

۷ - عوامل طبیعی ، تحقق بخش اراده الهی در كيفر حق ستيزان

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُحْتَظِرِ

مجرمیت حق ستيزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۲ - ۵

۵ حق ستيزان ، مردمی تبهکار و مجرمند .

و يحق الله الحق بكلمته و لو كره المجرمون

محاكمه حق ستيزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۰ - ۹

۹ - تهدید حق ستيزان از سوی خداوند ، به محاکمه نهایی و مشاهده جزای خویش در فرجام

بلى و رسلنا لديهم يكتوبون

فعل <يكتوبون> از يك سو می رساند که خداوند، همیشه حق ستيزان را به مجرد وقوع جرم جزا نمی دهد و از سوی ديگر افاده می کند که تأخير جزای آنان سبب غفلت نمی شود؛ زیرا فرشتگان آن را ثبت می کنند و در محاکمه نهایی مورد استفاده قرار می گیرد.

محاكمه حق ستیزان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ - تهدید حق ستیزان عصر بعثت به محاکمه و مجازات در روز رجعت

و یوم نحشر من کلّ أمّه فوجاً ممّن یکذبّ بایتنا

ظاهراً آیه یاد شده، تعریض به رجعت

کافران عصر بعثت نیز دارد.

محدوده حق تصمیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۶ - ۳،۴

۳ - مردم ، حق ندارند که تصمیم هایی بگیرند که با حکم ها و فرمان های خدا و پیامبرش مخالف باشد .

و ما كان لمؤمن ولا مؤمنة إذا قضى الله ورسوله أمراً أن يكون لهم الخيرة من أمرهم

۴ - صرف صاحب اختیار بودن در چیزی ، حق تصمیم گیری را درباره آن نمی آورد .

و ما كان لمؤمن ولا مؤمنة إذا قضى الله ورسوله أمراً أن يكون لهم الخيرة من أمرهم

مرجع ضمیر <أمرهم> عبارت <مؤمن و مؤمنه> است که به اعتبار نکره بودن آنها و در سیاق نفی واقع شدن، افاده عموم می کند. اضافه <أمر> به ضمیر <هم> می تواند برای القای این نکته باشد که در صورتی که خداوند و پیامبرش، حتی درباره امور مربوط به مؤمنان، اعلام نظر کرده اند، آنان حق تصمیم دیگری ندارند.

محرومان از حق شنوایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۲ - ۳،۶

۳ مشرکانی که قرآن را از زبان پیامبر (ص) می شنیدند و به آن ایمان نمی آوردند ، دلهایشان از شنوایی محروم و از فهمیدن حقیقت ، ناتوان بود .

و منهم من يستمعون إليك أفأنت تسمع الصمّ و لو كانوا لا يعقلون

۶ مردمی که به آیات قرآن گوش سپارند و به آن ایمان نیاورند ، دلهایشان از شنوایی محروم و از فهمیدن حق ناتوان است .

و منهم من يستمعون إليك أفأنت تسمع الصمّ و لو كانوا لا

محرومیت حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۶

۶ - حق ستیزی موجب گمراهی ، محرومیت از لطف و مغفرت خدا و گرفتار شدن به آتش دوزخ می باشد .

لايكلهم الله يوم القيامة .. ذلك بأن الله نزل الكتب بالحق

برداشت فوق بر این اساس است که <ذلك> اشاره به عقوبتهای مطرح شده در آیات قبل باشد.

محرومیت حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۴ - ۱

۱- کسانی که بر کفر اصرار ورزیده و از سر لجاجت حق را نمی پذیرند ، محروم از هدایت الهی اند .

إن الذين لا يؤمنون بأيت الله لا يهديهم الله

فعل مضارع <لا يؤمنون> دلالت بر استمرار دارد و با توجه به اینکه قرآن به زبان روشن و فصیح نازل گردیده است، ولی در عین حال کافران به آن ایمان نیاورده اند، می تواند لجاجت و روح حق ناپذیری آنان را برساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۲ - ۱

۱ - معاندانِ حق گریز ، از هدایت و ارشاد پیامبر (ص) تأثیر ناپذیرند .

فإنك لاتسمع الموتى .. إذا ولّوا مدبرين

<إذا ولّوا> (آنان، آنگاه که روی برمی گردانند) قرینه است بر این که مراد از <الموتی> کسانی اند که از حق گریزان اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - کافران حق ناپذیر ، از حیات معنوی و امتیازات بشری ، محروم اند .

و ما أنت بهد العمى عن ضللتهم

در

آیه، کسانی که پیامبر(ص) نیز توان خارج کردن آنها را، از گمراهی ندارد، به کوران تشبیه شده اند و مراد از آنها کافران اند. تشبیه کافران به کوران، استعاره مصرحه است و <هادی>، استعاره کنایی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸ - ۲

۲ - کافران و مشرکان لجوج و حق ناپذیر ، محروم از فهم صحیح حقایق الهی

إِنَّا جَعَلْنَا فِيْ أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا.. فهم مقمحون

از تشبیه کافران لجوج و حق ناپذیر به انسان هایی که چون اسیران، غل و زنجیر بر گردن دارند و سرهایشان بالا مانده و از دیدن اطراف خویش محروم اند، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۹ - ۲

۲ - مشرکان و کافران لجوج و حق ناپذیر ، محروم از شناخت صحیح حقایق الهی و فاقد بصیرت و بینایی

فَأَعْشَيْنَهُمْ فِهُم لَّا يَبْصُرُونَ

<إِغْشَاء> (مصدر <أَغْشَيْنَا>) به معنای قرار دادن پرده بر چیزی است که آن را بپوشاند. در جمله <فَأَعْشَيْنَاهُمْ> نیز مضافی در تقدیر است یعنی، <فَأَعْشَيْنَا أَبْصَارَهُمْ>.

محرومیت کتمان کنندگان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۵ - ۲

۲ - دین فروشان و کتمان کنندگان حقایق کتاب های آسمانی ، از مغفرت الهی محروم و به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا .. الْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ

محرومیت مکذبان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٩ - نحل - ١٦ - ٢٣ - ٧

٧- منكران حق ، از محبت خداوند محرومند .

فالذين لا يؤمنون بالأخرة

قلوبهم منكره و هم مستكبرون . . . إنه لا يحبّ المستكبرين

محمد(ص) و حق ستیزی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۹ - ۲

۲ دلجویی خداوند از پیامبر (ص) ، در قبال حق ستیزی و روی گردانی منافقان

فإن تولوا فقل حسبى الله

محمد(ص) و حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۸ - ۱

۱ - خداوند ، آگاه به شکوه پیامبر (ص) از قوم حق ناپذیر خویش

و قيله یربّ إنّ هؤلاء قوم لا يؤمنون

<قیل>، مصدر برای <قال> و عطف بر <الساعة> است، یعنی، <و عنده علم قیله>.

محمد(ص) و حق ناپذیری منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۹ - ۱

۱ رهنمود الهی به پیامبر (ص) ، در اتکای آن حضرت بر خداوند یکتا و اندوهگین نبودن بر حق ناپذیری و روی گردانی

منافقان

فإن تولوا فقل حسبى الله . . . علیه توکلت

مخالفت حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - دلداری خداوند به پیامبر (ص) ، در برابر مخالفت های کافران حق ستیز و لجوج

فاصبر إنّ وعد الله حقّ

مراتب حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۱ - ۵

۵ - کفر و حق ستیزی دارای مراتب ، گونه ها و عوامل مختلف

إنّك لاتسمع الموتى و لاتسمع الصمّ . . و ما أنت بهدى العمى عن ضللتهم

از این که

در این آیه و در آیه قبل، سه تعبیر مختلف درباره کافران به کار رفته است (۱ مرده، ۲ ناشنوای روی بر تافته، ۳ نابینای گمراه)، احتمال می رود که هر یک اشاره به مرتبه و گونه ای از کفر و تعریضی به عوامل متفاوت آن داشته باشد.

مراد از دعوت حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۴ - ۹

۹ > عن علی بن أبی طالب (ع) فی قوله : < له دعوه الحق > قال : التوحید ، لا إله إلا الله ؛

از علی بن ابی طالب (ع) روایت شده که درباره قول خدا: < له دعوه الحق > فرمود: مقصود توحید و لا إله إلا الله است < .

مراد از دین حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۳ - ۱۱

۱۱ > عن محمد بن الفضیل عن ابی الحسن الماضي (ع) قال : قلت : < هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق > قال : .

.. الولایه هی دین الحق قلت : < لیظهره علی الدین کله > قال : یظهره علی جمیع الأدیان عند قیام القائم ... ؛

محمد بن فضیل گوید: از امام کاظم (ع) درباره < هو الذی أرسل رسوله .. > سؤال کردم، فرمود: ... ولایت، همان دین حق است و درباره < لیظهره علی الدین کله > فرمود: خداوند هنگام قیام قائم (ع) دین حق را بر همه ادیان غلبه می دهد ... < .

مردگی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم

۲ - حق گریزان ، انسان هایی هستند همانند مردگان گریزان

فإنك لاتسمع الموتى و لاتسمع الدعاء إذا ولوا مدبرین

<فناء> در <فإنك> فصیحه است و بر کلام مقدری دلالت می کند که می تواند چنین باشد: <حال که آنان، کفر را بر ایمان برگزیده اند، مانند مردگان اند.>

مسئولیت حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۱ - ۲

۲ دعوت کنندگان به سوی حق در صورت مواجه شدن با پافشاری مردم بر انکار حق ، باید با اعلان تبری از باطل ، آنان را به حال خود رها کنند .

و إن كذبوك فقل . . و انا برىء مما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۲

۲ - لزوم پایداری حق و حق طلبان ، در برابر هوس ها و تمایلات فساد انگیز کافران

و لو اتبع الحق أهواءهم لفسدت السموت و الأرض و من فیهنّ

مسیحیان حق پذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۱۱

۱۱ تمجید خدا از کشیشان و راهبان وارسته و مسیحیان حق پذیر و فروتن

ذلک بان منهم قسیسین و رهباناً و انهم لایستکبرون

مسیحیان حق ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۲۳

۲۳ - یهود و نصاریٰ عصر بعثت ، مردمی حق ناپذیر بودند .

و إن الذين أتوا الكتب ليعلمون أنه الحق من ربهم و ما الله بغفل عما يعملون

مسیحیان و کتمان حق

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۳

۳ - کتمان حقیقت ، هدف یهود و نصارا از آمیختن حق و باطل

و لا تلبسوا الحق بالباطل و تکتّموا الحق

تکرار نکردن <لا-> کی ناهیه در <تکتّموا> به این معنا اشاره دارد که: هدف یهود و نصارا در آمیختن حق به باطل، مخفی نگاه داشتن حق بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۹،۱۰

۹ - یهود و نصارا به خاطر کتمان حقایق درباره ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) و نوادگان یعقوب ، از ظالمترین مردم هستند .

أم تقولون إن إبراهيم .. و من أظلم ممن كتم شهاده عنده من الله

از مصداقهای مورد نظر برای <شهاده من الله> به قرینه صدر آیه، حقایق است درباره ابراهیم(ع) و سایر پیامبران یاد شده در آیه.

۱۰ - یهود و نصارا، حقیقتی را که باید به آن شهادت می دادند ، کتمان کرده و از ارائه آن خودداری نمودند .

و من أظلم ممن كتم شهاده عنده من الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۵ - ۳

۳ اهل کتاب (یهود و نصارا) ، همواره بسیاری از حقایق تورات و انجیل را مخفی می کردند .

مما كنتم تخفون من الكتب

با توجه به آیات پیشین، مراد از اهل کتاب هم یهودیان هستند و هم نصارا. بنابراین مقصود از <الکتاب> تورات و انجیل خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۹ -

۷ تبیین حقایق و معارف کتمان شده به دست یهود و نصارا، از اهداف رسالت پیامبر (ص)

قد جاء کم رسولنا یبیین

بنابر اینکه مفعول حذف شده از <یبیین>، به قرینه آیه پانزدهم، حقایقی باشد که علمای اهل کتاب آنها را مخفی می داشتند.

مشرکان حق ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۴

۴ محرومیت مشرکان حق ناپذیر از فهم حقایق و معارف الهی نتیجه عملکرد خود آنهاست.

و جعلنا علی قلوبهم أکنه أن یفقهوه و فی ءاذانهم وقرا

توصیف مشرکان به <فی ءاذانهم وقرا و إن یروا .. یجادلونک ... > گویای نقش و تأثیر این عوامل در مهر خوردن به دل‌های آنان است. چنانکه موصول <یقول الذین کفروا> به جای ضمیر برای اشاره به همین جهت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۹ - ۶

۶- وجود عناصری آگاه اما لجوج و حق ناپذیر، در میان مشرکان و منکران معاد

إن هؤلاء لیقولون .. و لکن أكثرهم لایعلمون

بنابراین که ضمیر <هم> به مشرکان مکه باز گردد؛ از مفهوم <أكثرهم> استفاده می شود که اقلیتی آگاه در میان مشرکان حضور داشتند که به رغم درک حقانیت معاد، به انکار آن می پرداختند.

مشرکان و حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۲

۲ مشرکان قریش پیش از جنگ بدر با نیایش به درگاه خداوند، خواهان پیروزی حامیان دین حق شدند.

إن تستفتحوا فقد جاءكم الفتح

جمله <إن تستفتحوا> اشاره دارد به دعای مشرکان پیش از

جنگ بدر که آنان با پندار حقانیت خویش از خداوند خواستند تا حامیان دین حق را در این نبرد پیروز گردانند.

مشرکان و کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۳

۳ مشرکان، علی رغم گواهی ضمیرشان بر حقانیت توحید و معاد، آن را پنهان می کنند.

بل بدالهم ما کانوا یخفون من قبل

مراد از <ما یخفون>، به قرینه آیات پیشین، حقایق ایمانی، از قبیل توحید و معاد، است که مشرکان آن را در ضمیر خویش پنهان می ساختند.

مشکلات تبعیت از حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۹ - ۵

۵ تبعیت محض از وحی الهی و گام نهادن در مدار حق، ملازم با سختی ها و مشکلات است.

قد جاءکم الحق من ربکم .. و اتبع ما یوحی إلیک و اصبر حتی یحکم اللّٰه

مصایب حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۴

۴ - عذاب اخروی برای کافران و حق ستیزان، کیفری گران و سخت مصیبت بار

و لولا أن تصیبهم مصیبه

<مصیبه> به بلیه و هر امر مکروه، و ناخوشایند گفته می شود و تکثیر آن برای تفخیم است. بنابراین واژه <مصیبه> در این آیه به معنای بلای بزرگ می باشد و مقصود از آن می تواند عذاب استیصال باشد و می تواند عذاب اخروی باشد.

مظهر حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۴ - ۷

۷ - خداوند ، مظهر حق است

قال فالحقّ و الحقّ أقول

برداشت یاد شده بر این اساس مبتنی است که <فالحقّ> خبر برای مبتدای محذوف (أنا) باشد، یعنی، <فأنا الحقّ>.

معجزه برای حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۹ - ۱۸

۱۸- اعطای معجزه به امت های حق ناپذیر و تکذیب کننده آیات الهی ، کاری بیهوده و دور از ساحت خداست .

و ما منعنا أن نرسل . . و ما نرسل بالأیت إلاّ تخویفاً

عبارت <و ما نرسل بالأیات إلاّ تخویفاً> (ما معجزات را جز برای بیم دادن نفرستادیم) می تواند توضیحی باشد برای امتناع خداوند از ارائه معجزه به امتهای بعدی به خاطر تکذیب شدن معجزات توسط پیشینیان. با این بیان که هدف از ارائه معجزه بیم دادن است. وقتی امتهای آن را تکذیب کنند، ارائه آن لغو و بیهوده خواهد بود و چنین امری از ساحت خداوند به دور است.

معروفیت حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۴ - ۴

۴ - حق و حقیقت ، امری شناخته شده و قابل قبول برای مردم است .

خلق الله السموت و الأرض بالحقّ

قید <بالحقّ> با توجه به این که خداوند، خود به حقایق خلق اش اذعان دارد و در عین حال، آن را برای مخاطبان اش بازگو می کند، نشانه این حقیقت است که حق، امری شناخته شده برای مردم است و آن را به راحتی می پذیرند.

مغضوبیت حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۶ - ۱۲

غضب و عذاب سخت الهی

و الذین یحاجون فی اللّٰه .. علیهم غضب و لهم عذاب شدید

مقایسه حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۶ - ۵

۵- مقایسه بین عقاید حق و باطل ، روشی برای تشخیص حق و رهنمودی کاربردی برای تعیین مسیر حرکت آدمی است .

مثلاً کلمه طیّبه کَشَجَره طیّبه أصلها ثابت و فرعها فی السّماء .. و مثل کلمه خبیثه

بی شک منظور از تشبیهات در قرآن، و از جمله موارد یاد شده در آیه های فوق، تبیین دقیق آن دسته از معارفی است که فهم آنها مشکل می باشد و فلسفه چنین روشنگری ای نیز، قطعاً ارائه راه روشن برای انسان است.

مکذبان حق در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۸ - ۹

۹ - افترازنندگان به خدا و تکذیب کنندگان حق ، کافرند و جایشان در جهنم است .

و من أظلم ممّن افتری علی اللّٰه .. أو کذب بالحقّ... ألیس فی جهنّم مثوی للكفر

<ال> در <الکافرین> برای عهد بوده و اشاره به همین افرادی دارد که در آیه، مورد بحث قرار گرفته اند.

ملاک ارزیابی حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۵ - ۸

۸ - فرجام امور ، ملاک ارزیابی حق و باطل است ؛ نه جلوه های ناپایدار مادی .

قال مترفوها .. فانظر کیف کان عقبه المکذبین

ملاک تشخیص حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۳ - ۱۶

۱۶

کتاب های آسمانی ، معیار شناخت حق از باطل و قضاوت صحیح

و انزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۰ - ۶

۶ اکثریت نه ملاک حقانیت چیزی است و نه نشانه ارزش و برتری آن

لايستوى الخبيث والطيب ولو اعجبك كثرة الخبيث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۴ - ۴

۴ - سخنان خداوند ، معیار شناخت حق از باطل است .

قال فالحقّ و الحقّ أقول

تصریح به این حقیقت که سخنان خداوند سراسر حق است، می تواند برای به دست دادن معیاری برای شناخت حق از باطل باشد که بیشتر انسان ها از شناخت آن بدون رهنمود الهی ناتوان اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۸ - ۱۹

۱۹ - عقل و خرد ناب ، از ابزار و راه های شناخت حقایق

الذين يستمعون القول فيتبعون أحسنه .. و أولئك هم أولوا الألب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۵ - ۶

۶ - رسولان الهی ، پیام آوران عدالت برای جوامع و ارائه دهندگان موازین و معیار های حق و باطل

و أنزلنا معهم الكتاب و الميزان

<میزان> اسم آلت و ابزار سنجش اشیا است. فرستادن میزان از سوی خداوند، به معنای ارائه معیارها و ملاک‌ها، برای رعایت حق و عدل می باشد.

ملاک تشریح حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴ - ۱۸

۱۸ - احکام ،

وقتی شرعی و قابل عمل اند که خداوند ، آنها را تشریح و یا امضا کرده باشد .

و ما جعل أزواجكم الی تظهرون منهنّ أمهتکم و ما جعل أذعیاء کم أبناء کم ذلکم قول

ملاک حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۱ - ۱۹

۱۹ کثرت رهروان یک راه ، دلیل حقانیت آن نیست .

ثم عموا و صموا کثیر منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۱ - ۲

۲- دین اسلام و راه پیامبر (ص) حق ، و هر جریانی به جز آن باطل و نابود شونده است .

و قل جاء الحقّ و زهق البطل

به دلیل مکی بودن سوره چنان که مفسّران نیز گفته اند احتمال دارد مراد از حق دین اسلام و شریعت محمدی و مراد از باطل عقاید موجود در آن عصر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۳

۳- قرآن ، معیار و میزان حق (در میدان باور ها ، روش ها و عملکرد ها)

اللّه الذی أنزل الکتب بالحقّ و المیزان

برداشت یاد شده بر این پایه است که <المیزان> عطف تفسیری بر <الکتاب> و تعبیر دیگری از قرآن باشد.

ملاکهای تشخیص حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - قرآن ، حاوی رهنمود ها و دلایلی روشن جهت دستیابی به میزانی برای تمیز حق از باطل

الذی أنزل فيه القرآن . . . بینت من الهدی و الفرقان

<فرقان> به چیزی گفته

می شود که به وسیله آن می توان حق را از باطل و درست را از نادرست تمیز داد.

ممانعت از حق شنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۵

۵ - تلاش جبهه کفر و باطل ، برای محروم ساختن انسان ها از شنیدن کلام حق

و قال الذین کفروا لاتسمعوا

ممنوعیت حق کشی در مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۱۲

۱۲ - ممنوعیت هر گونه انحراف از حق و تجاوز به حقوق دیگران ، در محیط مسجدالحرام

و من یرد فیه یالحاد بظلم نذقه من عذاب الیم

<إلحاد> به معنای انحراف و کج روی است. از نکره آوردن <إلحاد> و <ظلم> استفاده می شود که مردم در مسجدالحرام و محدوده آن، باید در امنیت و آرامش مطلق باشند و در این راستا از کم ترین و کوچک ترین انحراف و تجاوز به حقوق آنان، چشم پوشی نخواهد شد.

تمیز حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱ - ۹

۹- آیات قرآن ، جدا کننده حق از باطل و ملاک تمیز بین آن دو

و قرءان مبین

برداشت فوق، مبتنی بر متعدی بودن <مبین> است که در لغت به معنای جدا کننده بین دو شیء آمده است و به قرینه مقام، مراد از آن ایجاد تمایز حق از باطل می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۸ - ۲

۲- تورات ، جدا کننده حق از باطل

ءاتینا موسی و هرون الفرقان

و ضیاء و ذکرًا

واژه <فرقان> به هر چیز جدا کننده حق از باطل اطلاق می شود. توصیف کتاب آسمانی تورات به <فرقان> بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱ - ۶

۶ قرآن ، تبیین گر حق و باطل و جدا کننده سره از ناسره است .

تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده

<فرقان> اسم است برای آنچه فارق و جدا کننده حق از باطل باشد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲ - ۳

۳ فرمان روایی و حکومت خداوند بر آسمان ها و زمین ، خاستگاه نزول کتابی که تبیین کننده حق از باطل برای انسان ها است

تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده .. الذی له ملک السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۶ - ۵

۵ - جداسازی حق از باطل ، سره از ناسره و ارائه بینش صحیح مکتبی از رسالت های قرآن

إنّ هذا القرآن یقضّ علی بنی اسرائیل أكثر الذی هم فیه یختلفون

مراد از <یقضّ> صرف قصه گویی و گزارش نیست؛ بلکه گزارش همراه با نقد و تبیین و تفکیک سره از ناسره است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۶

۶ - قرآن ، معیار شناخت حق و باطل در معارف الهی

فلما جاءهم الحقّ

توصیف قرآن به <حق> می تواند به این خاطر باشد که بشر در شناخت حقایق و معارف الهی (هم چون مبدأ و معاد) دچار

خطا نشود و معیاری صحیح در شناخت آنها داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲ - ۵

۵ - ارائه حق و شناساندن آن به مردم ، فلسفه نزول قرآن

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷ - ۵

۵ - برقراری میزان و ابزار سنجش حق و باطل در میان مردم از سوی خداوند

و السَّمَاءِ رَفَعَهَا وَ وَضَعَ الْمِيزَانَ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مقصود از <وضع المیزان> برقراری ابزار سنجش در میان مردم باشد نه آسمان ها ؛ آن گونه که در آیه ۲۵ سوره <حدید> آمده است (و أنزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط). گفتنی است آیه بعد که توصیه به پرهیز از طغیان در میزان می کند مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴ - ۳، ۲

۲ - فرشتگان وحی ، جداکنندگان حق از باطل اند .

فالفرقت فرقا

<فرق> به معنای تمیزدادن میان اشیا است و مقصود از فارق بودن فرشتگان، به این است که آنان اهل بهشت را از اهل دوزخ و اقوام محکوم به عذاب را (مانند قوم نوح و عاد و ..) با غیر اینها جدا کرده، تمیز می دهند و یا این که آنان چیزهایی می آورند که جداکننده حق از باطل است (وحی و کتاب های آسمانی). گفتنی است برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

۳ - وحی و کتاب های آسمانی ، جداکننده حق از

باطل اند .

فالفرقت فرقاً

منافقان و حق بینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸ - ۲

۲ - منافقان ، از حق شنوی ، حق بینی و حق گویی ناتوان هستند .

صم بکم عمی

منشأ اظهار حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۸ - ۶

۶ - خداوند ، آشکار کننده حق برای مردم

رَبِّي يَقْذِفُ بِالْحَقِّ

<قذف>، می تواند استعاره برای اظهار حق باشد. <با> در <بالحق> نیز برای ملامت است.

منشأ پیروزی بر مکذبان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۰ - ۱۶

۱۶- دلیل و حجت نیرومند و توان پیروزمند در صحنه رویارویی با منکران حق و حقیقت ، در گرو امداد الهی است .

و اجعل لی من لدنک سلطناً نصیراً

منشأ پیروزی حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- مالکیت مطلقه الهی بر جهان هستی ، پشتوانه و تضمین کننده تحقق پیروزی حق بر باطل است .

بل نقذف بالحقّ .. و له من فی السموت والأرض

جمله <و له من فی السماوات.. > عطف بر جمله <لو أردنا ... بل نقذف بالحقّ...> است و تبیین و تفسیر کننده حق بودن آفرینش جهان و نیز پیروزی حق بر باطل می باشد؛ زیرا وقتی جهان در ملک خدا بود، پیروز کردن حق بر باطل، امری ممکن و آسان بر او خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۱۶ - ۴

۴ - در

صورت یاری خداوند ، پیروزی سپاه دین و جریان حق بر کفر و باطل ، قطعی است .

و نصرنهم فکانوا هم الغلبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۴ - ۱۷

۱۷ - علم و آگاهی گسترده خداوند ، پشتوانه پیروزی دین حق و شکست جبهه کفر و باطل

و یمح الله البطل .. . إنه علیم بذات الصدور

جمله <إنه علیم بذات الصدور> می تواند علت برای جمله <و یمح الله البطل> باشد.

منشأ حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۰ - ۲۸

۲ خداوند ، سرچشمه هر حقی است .

الحق من ربك

۸ توجه به این که تمامی حق از ناحیه پروردگار است ، برطرف کننده زمینه های تردید نسبت به معارف و تعالیم الهی

الحق من ربك فلا تكن من الممترین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۹

۹ خداوند نازل کننده حق و سرچشمه آن

أنزل من السماء ماء .. . كذلك یضرب الله الحق و البطل

منشأ حق امر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - ولّی نعمت کسی شدن ، حق امر و نهی کردن به آن شخص را ایجاد می کند .

و إذ تقول للذی .. و أنعمت علیه أمسک علیک زوجک و اتق الله

منشأ حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۲ - ۴

۴ - خداوند ، هر کس را که بخواهد شنوا و

حق پذیر می سازد .

إِنَّ اللَّهَ يَسْمَعُ مَنْ يَشَاءُ

منشأ حق پذیری عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۲ - ۶

۶- عنایات خداوند به عیسی (ع) ، او را فردی حق پذیر ، خوش بخت و نرم خو ساخته بود .

و لم يجعلني جبارًا شقيًّا

منشأ حق پذیری محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۱ - ۱

۱ - خداوند به پیامبر (ص) ، شرح صدر عنایت کرده و قوای باطنی آن حضرت را پذیرای حقیقت قرار داد و توانمندی های او را ، برای تحمّل سختی ها و تکالیف ، فزونی بخشید .

ألم نشرح لك صدرك

شرح صدر، گنجایش دادن آن برای قبول حق است (لسان العرب). <صدر> و <قلب>، کنایه از نفس انسان است که دارای فهم و درک است. گفته شده <صدر> اعم از <قلب> است؛ زیرا شامل تمام قوای انسان می شود. (برگرفته شده از مفردات راغب)

منشأ حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۱۴

۱۴- جهل و استکبار ، ریشه بسیاری از انکار ها و حق ستیزی ها

و إذ لم يهتدوا به فسيقولون هذا إفك قديم

تعبیر <و اذ لم يهتدوا..>، در حقیقت بیان نمونه ای از این حقیقت کلی است که تکذیب ها و انکارها در بسیاری از موارد متفرع بر زمینه نداشتن، جاهل بودن و برخورد مستکبرانه با حقایق است.

منشأ حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ -

۱۰ - انکار بدون دلیل حق ، ظلم و برخاسته از هواپرستی

فلما جاءهم الحقّ .. قالوا سحران تظهرا ... إنّ الله لا يهدى القوم الظالمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۹ - ۶

۶ - خود برترینی و بزرگ منشی ، منشأ کفر و حق ناپذیری و سبب تکذیب آیات الهی

قد جاءتك ءآيتي فكذبت بها و استكبرت و كنت من الكافرين

<استکبار> (مصدر <استکبرت>) به معنای خود را برتر از آنچه هست، دیدن و نشان دادن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۵ - ۱

۱- روی گردانی از حق ، به رغم وضوح آن بر انسان ، نتیجه وسوسه ها و فریب های شیطانی است .

إنّ الذين ارتدّوا على أذرهم .. الشيطان سؤل لهم

منشأ حق نهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۷ - ۱۰

۱۰ - ولی نعمت کسی شدن ، حق امر و نهی کردن به آن شخص را ایجاد می کند .

و إذ تقول للذی .. و أنعمت علیه أمسک علیک زوجک و اتق الله

منشأ فواید عقیده حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۵ - ۴

۴- ثمربخشی اعتقادات حق برخاسته از ربوبیت خداوند است .

تَوْتَى أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا

منشأ مهلت به حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۸ - ۵

۵ - مهلت خداوند به کافران حق ستیز صدراسلام ، به خاطر رحمت

و لطف او بود؛ نه برخاسته از ضعف و ناتوانی .

و ما كان أكثرهم مؤمنين . و إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

یاد کرد سرگذشت موسی و فرعون تسلی بخش خاطر پیامبر(ص) و نیز هشدار است به کافران مکه که نازل نشدن عذاب بر آنان، نه از باب ناتوانی حق تعالی است؛ بلکه از باب رحمتی است که بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان برسد، عزت و قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۰ - ۵

۵ - مهلت دادن خدا به کافران و حق ستیزان ، معلول رحمت و لطف او است؛ نه از روی ضعف و ناتوانی .

و ما كان أكثرهم مؤمنين . و إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

یاد کرد سرگذشت قوم عاد از یکسو تسلی بخش خاطر پیامبر(ص) و از سوی دیگر هشدار است به مشرکان مکه که اگر بر آنان عذاب نازل نشده، از باب ناتوانی حق تعالی نیست؛ بلکه از باب رحمتی است که او بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان رسد، عزت و قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۵ - ۴

۴ - مهلت خدا به کافران و حق ستیزان صدراسلام و تأخیر در مجازات آنان ، معلول رحمت او بود؛ نه برخاسته از ناتوانی .

و ما كان أكثرهم مؤمنين . و إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

یاد آوری سرگذشت قوم لوط، از یک سو تسلی بخش خاطر پیامبر(ص) است و از سوی دیگر هشدار است به شرک پیشگان صدر

اسلام است که اگر بر آنان عذاب نشده، نه از باب ناتوانی خداوند است؛ بلکه از باب رحمتی است که او بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان برسد، قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۱ - ۴

۴ - مهلت خداوند به کافران حق ستیز صدراسلام و تأخیر در مجازات آنان، معلول رحمت او است؛ نه برخاسته از ضعف و ناتوانی.

و ما كان أكثرهم مؤمنين . و إنّ ربك لهُوَ العزيز الرحيم

یادکرد سرگذشت شعیب(ع) و مردم ایکه، از یکسو تسلی بخش خاطر پیامبر(ص) می باشد و از سوی دیگر هشدار می به شرک پیشگان حق ستیز مکه است که اگر بر آنان عذاب نازل نشده، نه از باب ناتوانی خداوند است؛ بلکه از باب رحمتی است که او بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان برسد، قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

منشأ مهلت به حق ستیزان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۲ - ۵

۵ - مهلت خداوند به کافران حق ستیز صدراسلام، معلول رحمت و لطف وی بود؛ نه برخاسته از ضعف و ناتوانی او.

و ما كان أكثرهم مؤمنين . و إنّ ربك لهُوَ العزيز الرحيم

یادکرد سرگذشت قوم نوح، از یکسو تسلی خاطر پیامبر(ص) و از سوی دیگر هشدار می بود به مشرکان که اگر بر آنان عذاب نازل نشده؛ نه از باب ناتوانی حق تعالی است؛ بلکه از باب رحمتی است که بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان برسد، عزت

و قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

منشأ هدایت حق پذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۸

۸ - هدایت انسان های حق پذیر و دارای شرح صدر ، مقتضای ربوبیت الهی است .

أفمن شرح الله صدره للإسلام فهو على نور من ربه

موارد پیروزی حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۸ - ۸

۸ - هلاکت و نابودی جوامع ستمگر گذشته ، نمونه ای از پیروزی حق بر باطل

و کم قصمنا من قریه کانت ظالمه.. بل نقذف بالحق علی البطل فیدمغه فإذا هو زاهق

موارد حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۱۶

۱۶ توحید ، ولایت خدا و ربوبیت او ، حقایقی است ماندگار و شرک و پرستش غیر خدا باطلهایی است رفتنی و ناپایدار

فأما الزبد فیزهب جفاءً و أما ما ینفع الناس

به قرینه آیات گذشته از مصادیق مورد نظر برای باطل که به کفها تشبیه شد شرک و پرستش غیر خداست و از مصادیق حق که نافع و ماندگار است توحید و اعتقاد به ربوبیت و ولایت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۰ - ۶

۶ برپایی قیامت و تحقق هشدار های الهی ، از مصادیق حق

و جاءت سكره الموت بالحقّ . .. ذلك يوم الوعيد

چنانچه <باء> در <بالحقّ> برای تعدیه و مرگ و سكرات آن زمینه آشکار شدن حقایق باشد، نفخ صور و حیات مجدد اخروی و تحقق هشدارهای الهی بی تردید مصادیقی از

همان حقایق خواهد بود که بر آدمی مکشوف می شود.

موارد حق الحصاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۱ - ۲۱

۲۱ عن النبي (ص) في قوله: <وأتوا حقه يوم حصاده> قال: ما سقط من السنبل.

از رسول خدا(ص) در توضیح آیه <وأتوا حقه يوم حصاده> روایت شده است: خوشه های بر زمین ریخته شده در هنگام درو، حق الحصاد است.

موانع اجرای حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ - پیروی از هوای نفس ، مانع اجرای حق است .

فاحکم بین الناس بالحقّ و لا تتبع الهوی

نهی از پیروی هوای نفس، پس از فرمان به داوری به حق میان مردم، می تواند به منظور بیان حقیقت یاد شده باشد.

موانع پذیرش حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۸ - ۲۷

۲۷ کفر و ستمگری ، مانع پذیرش حقّ و خضوع در برابر دلایل روشن آن

فبهت الذی کفر و الله لا یهدی القوم الظالمین

موانع تشخیص حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ تکذیب و قتل انبیا از سوی بنی اسرائیل مایه محرومیت آنان از حق شناسی و بینش دینی

فريقاً کذبوا و فريقاً یقتلون .. فعموا و صموا

جمله <عموا و صموا> علاوه بر اینکه متفرع بر جمله <حسبوا ..> است می تواند متفرع بر جمله <فريقاً کذبوا ...> نیز باشد.

موانع تکذیب حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ انذار و تهديد ، از روش های قرآن برای بازداشتن انسان ها از كفر و انكار حقايق و تكذيب آيات الهی

و الذین كفروا و كذبوا بآیتنا أولئک اصحب الجحیم

موانع حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۱۱

۱۱ زندگی دنیا عامل فریب خوردن کافران در پذیرفتن آیات و پند نگرفتن از انذار انبیا

و غرتهم الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۵ - ۸

۸ خودبرتربینی فرعون و اطرافیانش ، مانع از پذیرش رسالت موسی و هارون (ع)

ثم بعثنا من بعدهم موسی و هرون إلی فرعون و ملایه بآیتنا فاستکبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۲ - ۱۱

۱۱ وفاداری جوامع به آرا و اندیشه های باطل قومی و قبیله ای ، بازدارنده بروز اندیشه های نو و برحق در میان آنان

أتنهنأ أن نعبد ما یعبدءابأؤنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۱۰، ۶

۶- غوطهوری در تمتعات و لذت های مادی ، مانع تسلیم شدن در برابر حقايق دینی

ربما یوّد الذین كفروا لو كانوا مسلمین. ذرهم یا کلوأ و یتمتّعا

فراز <ذره‌م یأكلوا و يتمتعوا و...> که در صدد بیان حالات کفار است می‌تواند به منزله تعلیل و جوابی باشد برای اینکه:
چرا آنان اسلام نمی‌آورند و سرانجام نادم و پشیمان می‌شوند؟

۱۰- سرگرم شدن به آرزوهای واهی، مانع هدایت‌پذیری

و تسلیم شدن در برابر حق است .

ربما يوّد الذين كفروا لو كانوا مسلمين . ذرهم ... و يلههم الأمل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۶ - ۵

۵ - غلبه رذایل اخلاقی بر روح انسان ، مانع حق پذیری او

قالوا ربّنا غلبت علينا شقوتنا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۹ - ۳

۳ - اندیشه سودجویانه ، مانع از پذیرش حق است .

و إذا دعوا إلى الله و رسوله ليحكم بينهم إذا فريق منهم معرضون . و إن يكن لهم الح

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۱ - ۱۳

۱۳ روحیه خود برترینی و خوی تجاوزگری ، از موانع پذیرفتن حق و ایمان آوردن

لقد استكبروا في أنفسهم و عتوا عتواً كبيراً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۳ - ۴

۴ هواپرستی ، مانع اصلی حق پذیری و هدایت است .

أرءيت من اتّخذ إلهه هويه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸ - ۳

۳ - عناد و لجاجت ، از موانع ایمان و رهیابی به حق

إلا كانوا عنه معرضين . فقد كذبوا ... و ما كان أكثرهم مؤمنين

از ارتباط این بخش از آیات می توان نتیجه گرفت که عزم کافران بر حق ناپذیری، علت برخورد سطحی آنان با آیات الهی و در نتیجه ره نیافتن آنان به حق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ -

۷ - سنت گرایی از موانع پذیرش حق

سواء علينا أوعظت . . . إن هذا إلا خلق الأولين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۳ - ۳

۳ - عادات و رفتار رسوخ یافته در وجود روح انسان ، مانع گرایش وی به حق آشکار

و أوتينا العلم من قبلها. .. و صدّها ما كانت تعبد من دون الله

عبارت <کانت تعبد> ماضی استمراری و بیانگر دوام و رسوخ است؛ یعنی، خو کردن بلیقیس بر رفتار شرک آلود (پرستش خورشید) مانع از آن شده بود که وی علی رغم آگاهی یافتن به حقیقت، به آن بازگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۲،۵

۲ - تعصّب و تقلید کور از نیاکان ، مانع گرایش کافران به پیروی از قرآن و تعالیم آسمانی است .

و إذا قيل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالوا بل نتبع ما وجدنا عليه ءاباءنا

۵ - تعصّب خویشاوندی و سنت گرایی ، از موانع حق پذیری است .

و إذا قيل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالوا بل نتبع ما وجدنا عليه ءاباءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۳ - ۷

۷ - پافشاری بر تقلید از آیین نیاکان و گذشتگان ، از جمله موانع پذیرش دین حق

و إذا تتلى عليهم ءآيتنا بينت قالوا ما هذا إلا رجل يريد أن يصدّكم عمّا كان ي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶- زمر- ۳۹- ۲۲- ۱۳

۱۳- قساوت قلب و سنگدلی ، مانع پذیرش حق

و تابش نور الهی بر قلب ها

أفمن شرح الله صدره للإسلام .. فويل للقسية قلوبهم من ذكر الله

توصیف کافران به قساوت قلب و سنگدلی، در برابر مؤمنان که از نور هدایت الهی برخوردارند می تواند بیانگر این نکته باشد که قساوت قلب، مانع تابش نور هدایت الهی در قلب ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۵ - ۱۱

۱۱ - تکبر و تجاوزگری، موجب محرومیت از درک صحیح حقایق الهی و مانع از پذیرش آن می شود.

كذلك يضلّ الله .. كذلك يطبع الله على كلّ قلب متكبر جبار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۲ - ۵

۵ - تقلید کورکورانه و تعصبات قومی، سدی در برابر حق گرایی است.

أمّه و إنا على آثرهم مهتدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۲ - ۵

۵- فراگیری فساد و غوطه‌وری مردم در جرم و گناه، مانع نفوذ منطق مستدل وحی در ایشان

فدعا ربّه أنّ هؤلاء قوم مجرمون

دعای موسی(ع)، شکوه ای از روی یأس و ناامیدی از ایمان فرعونیان به درگاه خداوند بود. تعبیر <أَنْ هَؤُلَاءِ...> بیانگر علت ناامیدی موسی(ع) از تأثیر سخنانش در فرعونیان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۸ - ۷

۷ - تکبر و غرور، مانع از دریافت حقیقت

ثمَّ يَصْرِّ مُسْتَكْبِرًا

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۶ - ۶

۶- کفر، مانع

درک و پذیرش حق ، حتی از زبان پیامبر (ص)

يَسْمَعُ إِلَيْكَ حَتَّى إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا .. مَاذَا قَالَ ءَانفًا

<ماذا قال..> ممکن است پرسش حقیقی باشد و ناتوانی کافران از فهم کلام وحی را برساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۵ - ۲

۲- شیطان ، از موانع جدی گرایش آگاهان ، به حق و هدایت

من بعد ما تبين لهم الهدى الشيطان سؤل لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۵ - ۱۳

۱۳ - ناباوری به قیامت ، عامل حق ناپذیری و تأثیر نداشتن عالی ترین پیام های ارزشی در روح انسان

فذکر بالقرءان من يخاف وعيد

با توجه به این که آیات پیشین درباره معاد و رستاخیز بود؛ <من يخاف وعيد> می تواند بیانگر مسأله قیامت و نظام کیفر و پاداش باشد. در این صورت مفهوم آیه چنین خواهد بود: <قرآن در ناباوران به قیامت بی تأثیر است.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱۴

۱۴ - بیماردلی و نفاق ، از موانع شناخت و حق پذیری

و ليقول الذين في قلوبهم مرض .. ماذا أراد الله بهذا مثلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۶ - ۳،۴

۳ سرسختی ، غرور و تکبر برخاسته از گناه ، مانع نصیحت پذیری حاکمان مفسد

و اذا قيل له اتق الله اخذته العزه بالاثم

بنابراينكه <بالاثم>، متعلق به <العزّه> باشد.

۴ سرسختی ، تكبر و غرور ، مانع اصلاح و نصيحت پذيری

اخذته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۳ - ۳۸

۳۸ حسد و سرکشی (بغی) مانع پذیرش بینات و هدایت الهی

و ما اختلف فيه الا الذين اوتوه بغياً

<بغياً> (حسد و سرکشی)، مفعول لأجله برای <ما اختلف> است؛ یعنی حسد و سرکشی، مانع پذیرش هدایت و حق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۳ - ۷

۷ اعتقاد به الوهیت حضرت مسیح (ع) و عدم پذیرش توحید، برخاسته از افساد و تباهیگری *

فان تولّوا فانّ الله عليهم بالمفسدين

احتمال دارد کلمه <بالمفسدين>، اشاره به علت و زمینه شرک باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۵ - ۹

۹ ایجاد ترس، از شگرد های شیطانی برای جلوگیری مردم از گرایش به حق

اتّما ذلكم الشّيطان يخوّف اولياءه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۸،۹

۸ استکبار و سخت دلی یهودیان و مشرکان موجب تأثرناپذیری آنان از قرآن

و إذا سمعوا ما أنزل إلى الرسول تری اعينهم تفيض من الدمع

بیان واکنش خاضعانه مسیحیان در برابر قرآن پس از توصیف آنان به فروتنی در آیه پیش گویای این است که دو گروه دیگر

(یهودیان و مشرکان) به دلیل گردنفرازی و استکبار در برابر حق، از پذیرش قرآن سرباز زدند.

۹ استکبار موجب سخت دلی و مانع تأثیرپذیری از قرآن

و انهم لا یتکبرون. و إذا سمعوا ما أنزل إلى الرسول ... تفیض من الدمع

موانع حق ستیزی

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴ - ۶

۶- توجه به علم همه جانبه خداوند به گفتار و اعمال موجودات جهان ، بازدارنده آدمی از حق ستیزی و گناه

أَسْرُوا النجوى . . قال ربى يعلم القول فى السماء والأرض و هو السميع العليم

خداوند در پاسخ به توطئه ها و سخنان سرّی مشرکان علیه اسلام، به پیامبر(ص) فرمان داد که علم همه جانبه الهی را به آنان گوشزد کند. این حقیقت می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۹ - ۵

۵- اعتقاد به قیامت و آگاهی از آتش دوزخ ، بازدارنده آدمی از گناه و حق ستیزی

متى هذا الوعد . . لو يعلم الذين

از این که خداوند فرمود: اگر کافران می دانستند که آتش دوزخ و .. با آنان چه می کند، در نزول عذاب و برپایی قیامت عجله نمی کردند، به دست می آید که ایمان به قیامت و آگاهی از احوال آن، آدمی را از کفر و حق ستیزی و هرگونه گناه باز می دارد.

موانع حق شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۱ - ۱۴

۱۴ لجاجت ، از موانع شناخت حق و ایمان آوردن است .

و ما تغنى الأيت و النذر عن قوم لا يؤمنون

موانع حق شنوایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۷

۷- گرفتار آمدن به لعن الهی ، عامل محرومیت انسان از حق شنوی و بینش صحیح

لعنهم الله فأصمهم و أعمى

أبصرهم

موانع حق شنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۴ - ۲

۲ هواپرستی ، مانع حق شنوی و خردورزی است .

من اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوِيَهُ .. أم تحسب أن أكثرهم يسمعون أو يعقلون

موانع حق طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۱۵

۱۵ - حق پرستی و حق مداری ، در تضاد با هواپرستی است .

فاحكم بين الناس بالحقّ ولا تتبع الهوى

موانع حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۸ - ۸

۸ - آگاهی و ایمان به علم همه جانبه خداوند ، به تمامی حقایق عالم و رازهای دل آدم ، بازدارنده انسان از حق گریزی و ستم کاری

إنّ الله علم غيب السموت .. علم بذات الصدور

یادآوری علم همه جانبه خداوند در این آیه پس از نقل سرگذشت ستم کاران دوزخی و کافران حق ناپذیر در آیات پیشین می تواند حاکی از مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۶ - ۸

۸- توجه و اعتقاد به آگاهی خداوند به تمامی رفتارها و حرکت های پنهانی و آشکار انسان ها ، بازدارنده آدمی از گناه و حق ناپذیری است .

إِنَّا نَعْلَمُ مَا يَسْرُونَ وَ مَا يَعْلَنُونَ

برداشت بالا- از این رو است که آیه شریفه در مقام تهدید به کافران و مشرکان حق ناپذیر است. بنابراین یادآوری آگاهی مطلق خداوند به رفتار نهان و آشکار انسان ها در شرایط تهدید،

می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

موانع درك حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۹ - ۱۰

۱۰ حسد و تجاوز از حد ، تهدید کننده واقعنگری و روشن بینی عالمان دینی

و ما اختلف الذين اتوا الكتاب .. بغياً بينهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۱۱

۱۱ روحیه جدال و لجاجت، مانع از درك و پذیرش حق است.

حتى إذا جاءوك يجدلونك يقول الذين كفروا إن هذا إلا أسطير الأولين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۷ - ۸

۸ - اندیشه های خرافی ، مانع از درك واقعیت امور و تحلیل صحیح آنها

قالوا أطيرنا بك و بمن معك .. بل أنتم قوم تفتنون

ثمودیان به جای درك ریشه واقعی مشکلات خود، آن را به وجود صالح(ع) و بدیمنی او نسبت می دادند؛ در حالی که تأثیر وجود فیزیکی یک فرد در سرنوشت یک ملت آن هم به گونه ای که ثمودیان می پنداشتند چیزی جز خرافه نبود.

موانع فهم حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۱۳

۱۳ قساوت قلب و نفهمیدن حق ، آنگاه که پیامد گناه و کیفر آن باشد ، عذر نیست .

لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

بنی اسرائیل گر چه به سبب ناتوانی از درک حقایق مرتکب تحریف شدند، ولی چون این ناتوانی ناشی از گناه خود آنان بوده است، مورد مذمت خداوند قرار گرفتند. بنابراین عجز از فهمیدن حق، اگر

پیامد گناه باشد، نمی تواند عذر شمرده شود.

موانع قبول حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۳

۳ خداوند ، پیمان شکنان بنی اسرائیل را از رحمت خویش دور ساخت و دل های آنان را از پذیرش حق بازداشت .

فَمَا نَقْضَهُمْ مِيثَاقَهُمْ لَعْنَهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَسِيَةً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۱۱

۱۱ روحیه جدال و لجاجت، مانع از درک و پذیرش حق است.

حتى إذا جاءوك يجدلونك يقول الذين كفروا إن هذا إلا أسطير الأولين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۹ - ۳

۳ - گرایش های شدید نژادی و قومی ، مانع از پذیرش حق

و لو نزلناه على بعض الأعجمين .. ما كانوا به مؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۳ - ۲

۲ - تبختر و خودبینی ، از موانع پذیرش حقایق الهی

و لكن كذب و تولّى . ثم ذهب إلى أهله يتمطى

توصیف کافران تکذیب گر، به انسان های خودبین و مغرور، می تواند اشاره به علت تکذیب آنان داشته باشد.

موانع کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۳ - ۵

۵ - باور به یگانگی خدا و نبود معبودی جز او ، بازدارنده آدمی از کتمان معارف الهی و حقایق کتاب های آسمانی است . *

إِن الدّین یکتّمون ما أنزلنا .. و إلهکم إله وحّد لا إله إلا هو

برداشت فوق و نیز برداشتهای

بعدی، بیانگر وجه ارتباط میان آیه مورد بحث و آیات پیشین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۹ - ۳

۳ توجه به مالکیت و فرمانروایی مطلق خداوند، زمینه پرهیز از شکستن میثاق، کتمان حقایق، دین فروشی و خودپسندی

و اذ اخذ الله میثاق الذین اوتوا الکتب لتبییننه... و لا تکتُمونه... و اشترُوا

موانع ولایت حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۱ - ۸

۸- به کارگیری نیروهای ناصالح، ناسازگار با ولایت دل سوزانه و برحق است.

و ما کنت متخذ المضلین عضداً

موانع هلاکت حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۹ - ۹

۹ - سنت استمرار زندگی بشر بر روی زمین تا مدتی مشخص، ناسازگار با نابود کردن فوری همه حق ستیزان

و لولا کلمه سبقت من ربک لکان لزاماً و أجل مسمی

<أجل> به معنای تمام مدت و یا پایان آن است (لسان العرب) و <أجل مسمی> عطف بر <کلمه> است، یعنی، لولا کلمه و أجل مسمی... در این که مراد از <کلمه> و <أجل> دو چیز مستقل است، یا دو تعبیر از یک حقیقت اند، صاحب نظران گفته‌هایی مطرح کرده‌اند: یکی از احتمالات این است که مراد از <کلمه>، سخن خداوند هنگام هبوط آدم است که فرمود: <لکم فی الأرض مستقر و متاع إلى حین> (بقره/۳۶). مراد از <أجل> در این احتمال، پایان عمر دنیا است برداشت یاد شده بر اساس این احتمال است.

موانع یأس حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۵ - ۶

۶ - توجه به مخالفت و ستیزه جویی با حق در طول تاریخ ، مانع راه یابی روحیه یأس و ناامیدی در حق گرایان

و لقد ءاتینا موسی الکتب فاختلف فیه

موجبات استمرار حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۲ - ۳

۳ خداوند ، با کلمات خود حق را بر کرسی نشانده و پایدار می کند .

و یحق الله الحق بکلمته

موجبات گواهی به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۵ - ۵،۶

۵ اجرای عدالت و شهادت به حق ، مقتضای ایمان است .

یأیها الذین ءامنوا کونوا قومین بالقسط شهداء لله

۶ تحقق شهادت به حق در گرو داشتن ملکه عدالتخواهی

یأیها الذین ءامنوا کونوا قومین بالقسط شهداء لله

برداشت فوق بر این اساس است که نظر اصلی آیه بر شهادت دادن به حق باشد، بنابراین اقامه قسط به منزله مقدمه ای برای رسیدن به شهادت به حق، خواهد بود. یعنی شهادت به حق در صورتی میسر است که ملکه قیام به قسط، در وجود آدمی ایجاد شده باشد.

موضعگیری علیه حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۵ - ۶

۶ - لزوم موضع گرفتن و بی تفاوت نبودن در برابر دشمنان دیانت و ستیزه جویان حق ناپذیر

الذین یجدلون فی آیت اللّٰه .. کبر مقتاً ... عند الذین ءامنوا

مهلت به حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۶

۶ - مشرکان و کافران حق ستیز ، چون از بازگشت به سوی خدا و گرفتار شدن به عذاب جهنم راه فراری ندارند ، مهلت دادن خداوند به آنان نگران کننده نیست .

فإِذَا نَرَيْتَكَ بِعِضِ الذِّمَى نَعْدَهُمْ أَوْ نَتُوفِّيَنَّكَ فإِلَيْنَا يَرْجِعُونَ

نشانه های توصیه به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۸

۸ - < صبر > ، نشان حق پذیری است و سفارش دیگران به آن ، نمونه بارز ترغیب مردم به حق است .

تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

برداشت یاد شده، ناظر به این احتمال است که عطف <تواصوا بالصبر> بر جمله قبل، عطف خاص بر عام باشد. تکرار فعل <تواصوا>، این ارتباط را تأیید می کند؛ زیرا در تعبیری نظیر <تواصوا بالحقّ و الصبر>، تفاوت حق و صبر نمایان تر است.

نشانه های حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۲ - ۱

۱- نزول آیات قرآن از جانب خداوند ، جلوه حق و مایه نابودی باطل

و قل جاء الحقّ و زهق البطل . . و نزل من القرآن

ذکر <و نزل من القرآن> پس از اعلام پیروزی حق و شکست باطل می تواند به منظور نکته یاد شده باشد.

نشانه های حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۸

۸ - < صبر > ، نشان حق پذیری است و سفارش دیگران به آن ، نمونه بارز ترغیب مردم به حق است .

تواصوا بالحقّ و

برداشت یاد شده، ناظر به این احتمال است که عطف <تواصوا بالصبر> بر جمله قبل، عطف خاص بر عام باشد. تکرار فعل <تواصوا>، این ارتباط را تأیید می کند؛ زیرا در تعبیری نظیر <تواصوا بالحق و الصبر>، تفاوت حق و صبر نمایان تر است.

نشانه های حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۳ - ۴

۴ - انکار ربوبیت و یکتایی خداوند، در عین مشاهده آیات و جلوه های خالقیت مطلق او، نشانه وجود روح لجاجت و ستیزه جویی است.

اللّٰه الذی جعل لکم الیل . . . ذلکم اللّٰه ربّکم ... فأنّی تؤفکون . کذلک یؤفک الذی

نشانه های حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۷ - ۳

۳ - نپذیرفتن معارف اسلام، پس از آگاهی به آنها، نشانه حق ناپذیری و ستیزه جویی است.

قولوا ءامنا باللّٰه .. فان ءامنوا ... و ان تولوا فإنما هم فی شقاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۱ - ۱۳

۱۳ - شرکورزی، نشانه کفر و حق ناشنوایی است.

قل أراءیتم .. أفلاتسمعون

نشانه های حق ناپذیری دهریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۴ - ۲

۲ - محدود شمردن زندگی به مجال دنیا، نمودی از ناشنوایی، نابینایی و حق ناپذیر بودن دهریون

و أضلّه الله علی علم و ختم علی سمعه . . . و قالوا ما هی إلا حیاتنا الدنیا

نشانه های حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۹ - ۲

۲ - اصرار و لجاجت مشركان در مخالفت با دعوت پیامبر (ص)، نمودی از حق گریزی آنان

أكثرکم للحقّ کرهون . أم أبرموا أمراً

نشانه های ولایت حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۰ - ۲۵

۲۵ - محبت و دل سوزی، درون مایه ضروری برای هر ولایت حق و سرپرست لایق است .

أفتتخذونه و ذرّيته أولياء من دوني و هم لكم عدوّ

خداوند، با به رخ کشیدن عداوت شیطان، سزاوار نبودن پذیرش ولایت او را یادآور شده است و مفهوم آن این است که رهبری ولایت، باید از کینه‌وزی و عداوت به دور بوده و آمیخته با محبت باشد.

نصرت حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۲۶

۲۶ - قدرت و عزت الهی، ضامن نصرت قطعی دفاع کنندگان از حق و یاوران دین است .

و لينصرونّ الله من ينصره إنّ الله لقوى عزيز

نفرین بر حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۰ - ۱

۱ - کافران حق ستیز و یاوه سرا ، مورد نفرین خداوند

قتل الخَرَصون

نفرین بر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۳

۳- جواز لعن و نفرین حق گریزانِ فسادانگیز و فاقد عواطف انسانی

أولئك الذين لعنهم الله

اعلام خداوند به ملعون بودن حق گریزان، نشانگر آن است که لعن آن گروه، مورد رضای

الهی و هماهنگ با اراده او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۶ - ۳،۴

۳ - کافران و بت پرستان حق ناپذیر ، مستحق نفرین و نابودی اند .

و قال نوح رب لاتذر علی الأرض من الکفرین دیارًا

۴ - نفرین علیه کافران و بت پرستان حق ناپذیر پس از ناامیدی از هدایت آنان امری پسندیده و روا

و قال نوح رب لاتذر علی الأرض من الکفرین دیارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۸ - ۱۷

۱۷ - مؤمنان نمی توانند در برابر جامعه خویش بی تفاوت باشند ؛ بلکه باید برای دوستان و همکیشان خود ، خیرخواه و نسبت به کافران و دشمنان اصلاح ناپذیر ، آرزوی نابودی کنند .

رب اغفر لی .. و للمؤمنین و المؤمنت و لاتزد الظلمین إلا تبارًا

برداشت یاد شده، از دعای خیر نوح(ع) برای مؤمنان و نفرین علیه کافران و دشمنان دعوتش، استفاده می شود.

نقش حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۲ - ۵

۵ حق ، مدار هدایت و باطل ، مدار ضلالت است .

فماذا بعد الحق إلا الضلل

جمله <فما بعد الحق ..> دارای حذف و ایجاز است و تقدیر آن چنین می باشد: <فماذا بعد الحق الذی هو الهدی إلا الباطل الذی هو الضلال.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- داوری های خدا ، بر اساس و محور حق است .

رَبِّ احْكُم بِالْحَقِّ

برداشت یاد شده بنابراین است

که این است که قید <بالحق> توضیحی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۹ - ۵

۵ - با نبود حق ، باطل امکان ظهور و تجلی می یابد .

قل جاء الحق و ما يبدئ البطل و ما يعيد

نقش حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۷ - ۱۸

۱۸- سرسختی برخی از افراد در برابر حق ، نباید مایه دل سردی و نگرانی پیشوایان و مبلغان دین گردد .

و إن تدعهم إلى الهدى فلن يهتدوا إذا أبداً

نگرانی از حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۴ - ۱۴

۱۴ - تسلی خداوند به پیامبر (ص) برای نگران نبودن از روی گردانی مردم از حق و دین الهی

فإن تولّوا .. و ما على الرسول إلاّ البلاغ المبین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام تسلی دادن به پیامبر(ص) در برابر حق گزیزی کافران است.

نگرانی از حق ناپذیری فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۵ - ۵

۵ - نگرانی موسی و هارون (ع) از ناکامی در ابلاغ پیام خداوند به فرعون

إِنَّا نَخَافُ أَنْ يُفْرِطَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطْغَى

واقعیت حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۰ - ۱۲

۱۲- حق ، درستی و راستی ، مفاهیمی واحد در فرهنگ جن و انس و نه اموری اعتباری و نسبی *

قالوا يقومنا إنا

سمعنا كتبًا .. يهدى إلى الحقّ و إلى طريق مستقيم

قرآن، گرچه بر انس نازل شده و هدایت گر انسان به سوی حق و راه مستقیم است، اما جنیان نیز همان پیام، مفاهیم و تعالیم را، حق و راه مستقیم دانسته اند. از این مطلب استفاده می شود که حق و راه مستقیم، در بینش جن و انس و در فهم و ادراک آنان واحد است.

وحدت حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۳ - ۷

۷ - راه های باطل ، پراکنده و مختلف ، و راه حق ، یکی است .

ليخرجكم من الظلمت إلى النور

مراد از <ظلمت> و <نور> در این آیه، معنوی است و منظور از آن دو به قرینه این که خداوند، با اعطای رحمت، خواسته است تا مؤمنان را از ظلمت ها به نور رهنمون سازد بردن آنان از باطل و بی راهه ها به حق و راه خدا است. لازم به ذکر است که جمع آورده شدن <ظلمات> دلالت بر تعدد راه های باطل، و مفرد آورده شدن <نور>، دلالت بر یکی بودن راه حق می کند.

وحدت راه حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۱۸

۱۸ راه حق یکی است و بیراهه های باطل متعدد است .

أم هل تستوی الظلمت والنور

جمع آوردن <ظلمات> و در مقابل مفرد آوردن <نور> گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۴ - ۹

۹ - هر یک از حق و باطل ،

یک راه بیشتر ندارد .

و إنا أو إياكم لعلی هدی أو فی ضلل مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۰ - ۴

۴ - راه حق و هدایت ، یکی است و راه باطل و گمراهی متعدد و گوناگون .

و لا الظلمت و لا النور

جمع آوردن <ظلمات> و مفرد آوردن <نور>، گویای برداشت یاد شده است.

وضوح حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۴

۱۴ درخشش نهایی از آن حق است .

الثن حصحص الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۰ - ۵

۵ - مصمم بودن بر حق ناپذیری ، مانع از شناخت حق با همه روشنی آن

إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ .. و لاتسمع الصمّ الدعاء إذا ولّوا مدبرین

قید <إذا ولّوا مدبرین> بیانگر روحیه عناد و حق ستیزی است ؛ یعنی، آن جا که عناد ریشه بدواند، سخن حق بی تأثیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۲ - ۴

۴ حقیقت ، قابل شهود در دنیا ؛ اما آدمی گرفتار غفلت و سطحی نگری

لقد كنت في غفلة من هذا

<غفلت> در جایی صادق است که حقیقت قابل شهود باشد؛ ولی آدمی به دلایلی از مشاهده آن محروم بماند. تعبیر <کشفنا...> می رساند که آدمی در دنیا، گرفتار سطحی نگری است و چشمانش در حجاب دنیاگرایی قرار دارد.

وقت شکست حق ناپذیران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۱ - ۱

۱- آزمایش کافران و

مشرکان حق ناپذیر صدراسلام ، فلسفه به تأخیر افتادن عذاب آنان و نامعلوم بودن زمان شکست آنها است .

و إن أدری لعلّه فتنه لکم

ضمیر <لعلّه> به نکته ای برمی گردد که از دو آیه قبل استفاده می شود. آن نکته، مسأله تأخیر عذاب کافران و مشرکان و یا نامعلوم بودن زمان شکست آنان و پیروزی مسلمین است.

وقت عذاب حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۱۲، ۱۳

۱۲- پیامبر (ص) ، آگاه نبودن خود از زمان دقیق وقوع عذاب الهی بر مشرکان و کافران لجوج و پیروزی قطعی مسلمانان بر آنان را به مردم اعلام کرد .

و إن أدری أقریب أم بعید ماتوعدون

<إن> در <إن أدری> نافیه است.

۱۳- محدودیت علم پیامبر (ص) نسبت به زمان وقوع عذاب بر مشرکان و کافران حق ناپذیر و زمان دقیق پیروزی قطعی مسلمانان بر آنان

إن أدری أقریب أم بعید ماتوعدون

ویژگیهای حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۰ - ۸

۸- پیام قرآن برای همگان است و ولی بهره‌وری از آن ، مخصوص حق باوران و حق جویان می باشد .

هذا بصائر للناس و هدی و رحمه لقوم یوقنون

هدایت به حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- وحدت و هماهنگی کتاب های آسمانی در هدایت گری به سوی حق

سمعنا کتباً .. مصدقاً لما بین یدیه یهدی إلى الحقّ و إلى طریق مستقیم

واژه <مصدقاً> هماهنگی و عدم تناقض را می رساند و این

هماهنگی، در پیام های اصولی است که همان هدایت به حق و راه مستقیم می باشد.

۱۱- هدایت گری به سوی حق و راه مستقیم ، اصیل ترین ویژگی قرآن و هر کتاب آسمانی

كُتِبَ أَنْزَلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقِ الْمُسْتَقِيمِ

ابتدا قرآن با کتاب های آسمانی هماهنگ معرفی شده و سپس به عنوان اصیل ترین بُعد هماهنگی آن دو، هدایت گری به سوی حق و راه مستقیم مورد تصریح واقع شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲ - ۶، ۵، ۳، ۱

۱ - قرآن ، در دیدگاه گروهی از جن ، راهنمای مؤمنان به راه حق و درستی است .

یهدی إلى الرشد

<رشد> (<ضد > غی) به معنای دستیابی به راه حق و درستی است. (مصباح المنیر و قاموس المحيط)

۳ - قرآن ، راهنمای انسان ها به راه حق و درستی

یهدی إلى الرشد

۵ - راهنما بودن قرآن به درستی و حق ، فلسفه و دلیل ایمان آوردن گروهی از جن به این کتاب

یهدی إلى الرشد فامنا به

<فا> در <فامنا> عاطفه و برای ربط مسبب به سبب است ؛ یعنی، چون قرآن به رشد هدایت می کند، پس ما به این سبب به آن ایمان آوردیم.

۶ - راهنما بودن قرآن به راه حق و درستی ، مقتضی ایمان به آن است .

یهدی إلى الرشد فامنا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۹ - ۴

۴ هدف از خلقت انسانها ، هدایت کردن ایشان به طریق حق و نزول رحمت بر آنان است .

إِلَّا مِنْ رَحْمِ رَبِّكَ وَ

لذلك خلقهم

مشارالیه <ذلك> رحمتی است که از جمله <رحم ربك> استفاده می شود.

هدایت حق پذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۶ - ۲

۲ گمراه کردن حقگریزان با ضیق صدر و هدایت حقپویان با شرح صدر، صراط مستقیم پروردگار و سنت استوار اوست.

فمن یرد الله ان یهدیه .. هذا صراط ربك مستقیما

ظاهراً مشارالیه <هذا> مفاد آیه قبل است که به منزله نتیجه ای بر آیات گذشته بود. بنابراین <هذا> اشاره به شرح صدر و ضیق صدر و ... است.

هدایت حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۵ - ۱

۱ - پیامبر (ص)، موظف به ادامه دادن تذکر و هشدار، در عین اصرار نورزیدن بر هدایت حق ستیزان

فتولّ عنهم... و ذکر

هدایت حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۷ - ۴

۴ - تنها مؤمنان و حق جویان، زمینه دار بهره مندی از هدایتگری ها و رحمت آفرینی های قرآن

و اِنَّه لَهْدی و رحمه للمؤمنین

قید <للمؤمنین> می رساند که دیگران شایستگی بهره‌وری از قرآن را ندارند.

هدایت حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۲ - ۷۸

۷ ارشاد مردمی که از پذیرفتن حق صریح و روشن سر باز می زنند ، عملی بی نتیجه است .

و منهم من یستمعون إلیک أفأنت تسمع الصمّ و لو کانوا لا یعقلون

۸ هیچ کس حتی پیامبر (ص) ، نمی تواند

مردمی را که از پذیرفتن حق صریح و روشن سر باز می زنند ، ارشاد کند .

و منهم من يستمعون إليك أفأنت تسمع الصمّ و لو كانوا لا يعقلون

هدایت ناپذیری حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۱۰

۱۰ راه یافتن حق (اسلام) به قلب حق ناپذیر، مانند صعود در آسمان دشوار و یا غیرممکن است.

و من یرد أن یضله یجعل صدره ضيقا حرجا كأنما یصعد فی السماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۴ - ۲

۲- روشن ترین دلایل الهی ، در قلب حق ناپذیران لجوج تأثیر نمی کند .

لسان الذی یلحدون إلیه أعجمیّ و هذا لسان عربیّ مبین . إن الذین لایؤمنون ... لایه

در آیه قبل خداوند با روشن ترین بیان حقانیت قرآن را مبرهن ساخت. در این آیه نیز می فرماید: آن دلیل با همه روشنی برای آنان که تصمیم به ایمان آوردن ندارند، بی ثمر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۳ - ۵

۵- بیرون آوردن کافران حق گریز به هر نحو ممکن از گمراهی ، نه کار پیامبر است و نه در توان او است .

و ما أنت بهد العمی عن ضللتهم

هدایتگران و حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۹ - ۴

۴ هدایتگران باید خود ملازم حق و پیرو حقیقت باشند .

یهدون بالحق

هشدار به حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- تاریخ گذشتگان و سرگذشت مبارزه رسولان الهی ، تسکینی برای رهبران دینی و هشدار به حق ستیزان

لعلک بخر نفسک .. و إذ نادى ربك موسى أن ات القوم الظلمين

پرداختن به سرگذشت موسی و فرعون و فرجام بد فرعونیان، پس از بیان موضع گیری حق ستیزانه مشرکان با پیامبر اکرم(ص)، دربردارنده دلداری به پیامبر(ص) است و نیز هشدار به کافران است که از عاقبت بد فرعونیان درس بگیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۷ - ۶

۶- انتقام الهی از فرعونیان ، هشدار جدی به همه کفرپیشگان حق ستیز است .

إن فی ذلک لآیه و ما کان اکثرهم مؤمنین

با توجه به لحن تهدید آمیز این آیه و بیان این که علت انتقام گرفتن خداوند از فرعونیان، این بود که بیشتر آنان از پذیرفتن ایمان امتناع ورزیدند، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۱ - ۶

۶- فرجام هلاکت بار قوم نوح ، هشدار جدی به همه حق ستیزان

إن فی ذلک لآیه

با توجه به لحن تهدید آمیز این آیه و بیان این که علت انتقام گرفتن خداوند از قوم نوح، این بوده که بیشتر آنان پذیرای ایمان نبودند، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۹ - ۱۰

۱۰- سرنوشت شوم قوم عاد ، هشدار جدی به همه حق ستیزان

إن فی ذلک لآیه

لحن تهديد آميز آيه و بيان اين كه علت انتقام گرفتن خداوند

از عادیان، این مطلب بود که بیشتر آنان از پذیرش ایمان سرباز زدند، بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۸ - ۸

۸ - فرجام هلاکت بار ثمودیان ، هشدار جدی به همه حق ستیزان

فأخذهم العذاب إنَّ في ذلك لآیه

با توجه به لحن تهدیدآمیز آیه و بیان این که علت انتقام گرفتن خداوند از ثمودیان، این بود که بیشتر آنان پذیرای ایمان نبودند (و ما کان اکثرهم مؤمنین)، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۴ - ۵

۵ - فرجام هلاکت بار قوم لوط ، هشدار جدی است به همه حق ستیزان .

ثم دمرنا الآخرين . . . و ما کان اکثرهم مؤمنین

با توجه به لحن تهدیدآمیز آیه و بیان این که علت انتقام گرفتن خداوند از قوم لوط، این بود که بیشتر آنان پذیرای ایمان نبودند رساننده مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۰ - ۶

۶ - انتقام الهی از مردم < ایکه > ، هشدار جدی به همه کفرپیشگان و حق ستیزان است .

و ما کان اکثرهم مؤمنین

با توجه به لحن تهدیدآمیز این آیه و بیان این که علت انتقام گرفتن خداوند از مردم ایکه، این بود که بیشتر آنان از پذیرش حق سرباز زدند، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۴ - ۷

نهان آدمیان ، هشدارى است به حق ستيزان .

وَ إِنَّ رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَ مَا يُعْلِنُونَ

با توجه به بُعد هشدارى و تهديدى آيات پيشين، تذکر دادن به علم خداوند مى تواند هشدار ديگرى به مجرمان و حق ستيزان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۰ - ۴

۴ قيامت ، روز تحقّق هشدار ها و انذار هاى الهى براى كافران و حق ستيزان

وَ نَفَخَ فِي الصُّورِ ذَلِكَ يَوْمَ الْوَعِيدِ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۲

۲ - فرجام هلاکت بار امت هاى کفرپيشه تاريخ ، به رغم شوکت مندى آنان ، هشدارى به همه ملت هاى حق ستيز

وَ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا

هشدار به حق ناپذيران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۱۱۰ - ۲

۲ - كافران و مشركان حق ناپذير ، به عذاب و كيفر الهى تهديد شدند .

إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَ يَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ

تذکر به اين که خداوند به سخنان آشکار و توطئه ها و اسرار مشركان و كافران آگاه است، در حقيقت تهديد آنان و هشدارى به كيفر و عذاب شدن آنان است.

هشدار به حق ناپذيران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳- تذکر به هلاکت اقوامی کافر در اطراف مکه ، هشدارى به مکيان حق ناپذير

و لقد أهلكنا ما حولكم من القرى

مخاطب <کم> مشرکان مکه اند.

هلاکت حق ستيزان

جلد - نام سوره - سوره - آيه

۷ - نابودی حق ستیزان با همه نیرو و توان ، گواه قدرت قاهر خداوند است .

و کم أهلكنا .. أشدّ .. منهم بطشاً ... هل من محيص

از ارتباط <هل من محيص> با صدر آیه، استفاده می شود که توجه به نابودی ملت های توان مند در گذشته تاریخ، خود می تواند بهترین گواه باشد بر این که ملت ها سرانجام مقهور اراده خدا و ناگزیر از آن هستند.

۱۰ - زوال قدرت ها و سلطه های حق ستیز ، سنتی الهی است .

و کم أهلكنا قبلهم من قرن .. هل من محيص

هلاکت حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۱ - ۵

۵ - تبدیل شدن کافران حق ستیز به موجوداتی بی جان همچون خس و خاشاک در پی نزول عذاب

فجعلنهم غنّاء

<جعل> (مصدر <جعلنا>) در جمله بالا به معنای گردانیدن و تغییر دادن از صورتی یا حالتی، به صورت یا حالت دیگر است. <غنّاء> نیز به خس و خاشاک روی آب گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۹ - ۲

۲ - کافران حق ناپذیر و اندیشه گر علیه دین ، مستحق هلاکت و نابودی اند .

إنّه فکّر و قدر . فقتل کیف قدر

هماهنگی شبهه افکنی با حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ کفر، حق ستیزی، سد کردن راه خیر و خوبی، تجاوز و شک آفرینی

، حلقه هایی به هم پیوسته

فی جهنم کل کفار عنید . مَناع للخیر معتد مریب

هماهنگی کفر با حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۵ - ۲

۲ کفر ، حق ستیزی ، سد کردن راه خیر و خوبی ، تجاوز و شک آفرینی ، حلقه هایی به هم پیوسته

فی جهنم کل کفار عنید . مَناع للخیر معتد مریب

هماهنگی ممانعت از خیر با حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۵ - ۲

۲ کفر ، حق ستیزی ، سد کردن راه خیر و خوبی ، تجاوز و شک آفرینی ، حلقه هایی به هم پیوسته

فی جهنم کل کفار عنید . مَناع للخیر معتد مریب

همنشینی با منکران حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۰ - ۱۹

۱۹ لزوم پرهیز از همنشینی با منکران و تکذیب گران حق و بدگویی کنندگان نسبت به حقگرایان

إذا سمعتم آیت الله یکفر بها و یستهزأ بها

امام رضا(ع) درباره آیه فوق فرمود: اذا سمعت الرجل یجحد الحق و یکذب به و یقع فی اهله فقم من عنده و لاتقاعد.

هواپرستی و حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۷

۷ - تمایلات و هوس های نفسانی ، در ضدیت با حق

و لو اتبع الحق أهواءهم لفسدت السموت و الأرض

یأس از ایمان حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۷

۷ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر این که از حق ستیزان بیمار دل و قسی القلب قطع امید کند و به ایمان آوردن آنان دل نبندد .

و إِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۵ - ۲

۲ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر این که از کفرپیشگان حق ستیز قطع امید کند و به ایمان آوردن آنان دل نبندد .

حَتَّى تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً

اخبار خداوند به این که مخالفان پیامبر(ص)، هرگز به قرآن ایمان نخواهند آورد، می تواند متضمن توصیه ای باشد به پیامبر(ص) مبنی بر این که آنان را در کفر بی ایمانی شان رها کند و امیدی به گرویدن آنان به اسلام و قرآن نداشته باشد.

يَأْسُ از هدایت حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۶ - ۴

۴ - نفرین علیه کافران و بت پرستان حق ناپذیر پس از ناامیدی از هدایت آنان امری پسندیده و روا

و قَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْنِي عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا

يَأْسُ حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ - یأس و ناامیدی شدید کافران حق ناپذیر ، از نجات خویش از عذاب الهی

فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ

مفسران بر این باوراند که چنین سخنی، از زبان کسانی صادر می شود که یأس و ناامیدی بر وجود آنان چیره شده باشد.

یگانگی حق

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۷ - ۵

۵ وحدت راه حق و تشتت و پراکندگی راه های باطل

من الظلمات الى النور

مفرد آوردن کلمه <نور>، حاکی از وحدت نور و حق و در مقابل، جمع آوردن کلمه <ظلمات>، حاکی از تعدد و تشتت ظلمت و باطل است.

یهود حق ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۴

۴ - خداوند، یهودیان حق ناپذیر را از رحمت خویش محروم و به لعنت، گرفتارشان کرد.

بل لعنهم الله بکفرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۲۳

۲۳ - یهود و نصارای عصر بعثت، مردمی حق ناپذیر بودند.

و إن الذين أتوا الكتب ليعلمون أنه الحق من ربهم و ما الله بغفل عما يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۶ - ۳

۳ دوزخ جایگاه مشرکان و یهودیان مستکبر و حق ناپذیر

و الذين كفروا و كذبوا بآيتنا أولئك اصحاب الجحيم

یهود صدر اسلام و کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۷

۷ - یهودیان عصر بعثت در تلاش برای کتمان حقانیت اسلام و رسالت پیامبر (ص)

أتحدثونهم بما فتح الله عليكم

یهود و کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۱۷

۱۷ - از امام باقر (ع) روایت شده که : > انه قال کان قوم

من اليهود ليسوا من المعاندين المتواطئين إذا لقوا المسلمين حدوهم بما في التوراه من صفة محمد (ص) فنهاهم كبرائهم عن ذلك ، و قالوا : لا تخبروهم بما في التوراه ، من صفة محمد (ص) فيحاجوكم به عند ربكم فنزلت هذه الآية ؛

گروهی از یهود - که کینه ای به مسلمانان نداشتند - هنگامی که با مسلمانان روبرو می شدند از اوصاف رسول خدا(ص) که در تورات آمده بود سخن می گفتند؛ بزرگان یهود با خبر شده و آنها را نهی کردند و گفتند: از صفات محمد [ص] - که در تورات آمده - مسلمانان را مطلع نسازید که به وسیله آن با شما در نزد پروردگارتان استدلال و احتجاج خواهند نمود، پس آیه فوق نازل گشت. <

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۹،۱۰

۹ - یهود و نصارا به خاطر کتمان حقایقی درباره ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) و نوادگان یعقوب ، از ظالمترین مردم هستند .

أم تقولون إن إبراهيم .. و من أظلم ممن كتم شهاده عنده من الله

از مصداقهای مورد نظر برای <شهاده من الله> به قرینه صدر آیه، حقایقی است درباره ابراهیم(ع) و سایر پیامبران یاد شده در آیه.

۱۰ - یهود و نصارا، حقیقتی را که باید به آن شهادت می دادند، کتمان کرده و از ارائه آن خودداری نمودند .

و من أظلم ممن كتم شهاده عنده من الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۳ - ۹

۹ توصیه

علمای یهود به یکدیگر ، بر مخفی کردن ادله رسالت پیامبر اسلام *

و لا تؤمنوا .. ان یؤتی احد مثل ما اوتیتم

احتمالا مراد از <ما اوتیتم>، دلایل رسالت پیامبر (ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۷ - ۴

۴ عالمان یهود ، دارای اهداف دنیوی در کتمان و تحریف عهد خدا (حقایق مربوط به پیامبر (ص))

ان الذین یشترون بعهد الله و ایمانهم

با توجه به شأن نزول، مقصود از <عهد الله>، حقایق مربوط به پیامبر اکرم (ص) در تورات است که به دست عالمان یهود تحریف گشته.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۳ - ۹

۹ پنهان کردن تورات ، توسط یهودیان *

قل فاتوا بالتوریه فاتلوها

دعوت به آوردن تورات و تلاوت آن، این را گوشزد می کند که آنها تورات را از دسترس مردم خارج کرده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۵ - ۳

۳ اهل کتاب (یهود و نصارا) ، همواره بسیاری از حقایق تورات و انجیل را مخفی می کردند .

مما کنتم تخفون من الکتب

با توجه به آیات پیشین، مراد از اهل کتاب هم یهودیان هستند و هم نصارا. بنابراین مقصود از <الکتب> تورات و انجیل خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ تبیین حقایق و معارف کتمان شده به دست یهود و نصارا، از اهداف رسالت پیامبر (ص)

قد جاءکم

بنابر اینکه مفعول حذف شده از <بیین>، به قرینه آیه پانزدهم، حقایقی باشد که علمای اهل کتاب آنها را مخفی می داشتند.

حق الحصاد

{حق الحصاد}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۱ - ۱۹

۱۹ عبدالله بن سنان عن أبي عبدالله (ع) قال: سألته عن قوله: <وآتوا حقه يوم حصاده> قال: اعط من حضرک من المسلمین و إن لم یحضرک إلا مشرک فاعطه.

عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق (ع) درباره <وآتوا حقه يوم حصاده> سؤال کردم، فرمود: اگر کسی از مسلمانان هنگام برداشت محصول حضور داشت، حق الحصاد را به او بده و اگر کسی غیر از مشرک نبود، به او پرداز.

احکام حق الحصاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۱ - ۱۹،۲۰

۱۹ عبدالله بن سنان عن أبي عبدالله (ع) قال: سألته عن قوله: <وآتوا حقه يوم حصاده> قال: اعط من حضرک من المسلمین و إن لم یحضرک إلا مشرک فاعطه.

عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق (ع) درباره <وآتوا حقه يوم حصاده> سؤال کردم، فرمود: اگر کسی از مسلمانان هنگام برداشت محصول حضور داشت، حق الحصاد را به او بده و اگر کسی غیر از مشرک نبود، به او پرداز.

۲۰ عن أبي عبدالله (ع) فی قوله: <وآتوا حقه يوم حصاده> قال: حقه يوم حصاده عليك واجب و ليس من الزکاه . . .

از امام صادق (ع) درباره آیه <وآتوا حقه يوم حصاده> روایت شده است: پرداخت حق الحصاد در روز درو، بر تو واجب است و این حق، غیر از زکات است

موارد حق الحصاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۱ - ۲۱

۲۱ عن النبي (ص) في قوله: <وأتوا حقه يوم حصاده> قال: ما سقط من السنبل.

از رسول خدا(ص) در توضیح آیه <وأتوا حقه يوم حصاده> روایت شده است: خوشه های بر زمین ریخته شده در هنگام درو، حق الحصاد است.

حق الله

{حق الله}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۷ - ۹

۹ حج گزاردن ، حق خداوند بر توانمندان

و لله على الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلا

حق الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۹ - ۱۴

۱۴ پیامبر (ص) موظف به گذشت از حقوق خویش بر مردم و طلب آموزش برای آنان نسبت به حقوق الهی

فاعف عنهم و استغفر لهم

از اینکه پیامبر (ص) از یکسو مأمور به گذشت از مردم و از سوی دیگر مأمور به طلب مغفرت برای آنان از خدا می شود، می توان به دست آورد که مراد از <فاعف>، گذشت از حقوق خود پیامبر (ص) و مراد از <فاستغفر>، طلب مغفرت در مورد حقوق خداوند است.

حق الله در محصولات کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۱ - ۱۰

۱۰ خداوند حقی برای خود در محصولات کشاورزی قرار داده است.

و ءاتوا حقه یوم حصاده

مرجع ضمیر < حقه >، به قرینه صدر آیه، ممکن است < الله > باشد.

حق پذیری

آثار حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۷ - ۲

۲- ایمان و روح حق پذیری ، زمینه ساز شناخت صحیح آیات الهی و حوادث تاریخی و بهره گیری از آنهاست .

إِن فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۱۸

۱۸- روحیه حق پذیری ، شرط بهره‌وری از هدایت ، رحمت و بشارت قرآنی

و نزلنا عليك الكتاب .. و هدى و رحمه و بشرى للمسلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۴ - ۴

۴ - داشتن استعداد و روح حق پذیری ، شرط بهره مند شدن و تأثیر پذیرفتن از گفته های رسولان

رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ

جمله <إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ> در حقیقت به معنای <إِنْ كُنْتُمْ مُسْتَعِدِينَ لِلْإِيقَانِ وَطَالِبِينَ لِمَعْرِفَةِ الْحَقَائِقِ> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۰ - ۴

۴ - حق شنوی و حق پذیری ، نشانی از حیات جان و سلامت روان انسان در بینش الهی

إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى .. إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ

خداوند، کافران حق ناپذیر را هم مرده خوانده است و هم ناشنوا، این نشان می دهد کسانی که حق را به جان می پذیرند و سخن حق را به گوش دل می شنوند، نه مرده اند و نه ناشنوا.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - تنها دل های سلیم و حق پذیر ، شایسته بهره مندی از پیام الهی انبیا

إِن تَسْمَعُ إِلَّا مِنْ يُؤْمِنُ

مراد از <من یؤمن> کسانی اند که در مقام پذیرش حق می باشند و دل هایشان گرفتار کوری و کوری نشده است.

۷- بی تأثیر بودن هدایت گری پیامبر (ص) در محرومان از روحیه تسلیم و حق پذیری

إن تسمع إلا من یؤمن بایتنا فهم مسلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳ - ۴

۴- آمادگی برای پذیرش حق، شرط بهره گرفتن از قرآن است.

هدی و رحمه للمحسنین

بی شک قرآن کریم، کتاب هدایت برای همه است. اختصاص یافتن هدایت آن به گروهی خاص، در این آیه، به معنای محدودیت هدایت قرآن نیست، بلکه به معنای بهره بردن کسانی است که آمادگی لازم را داشته باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۱۳

۱۳- برخورداری از روحیه حق پذیری و به دور بودن از لجاجت و عناد، شرط بهره‌وری انسان از هدایت وحی

و لو جعلته... و الذین لایؤمنون فی اذانهم وقر و هو علیهم عمی

از صدر آیه که درباره لجاجت کافران است و نیز فعل مضارع <لایؤمنون> که اشعار به استمرار عدم ایمان دارد می توان استفاده کرد که لجاجت و عناد، در محرومیت انسان از ابزارهای شناخت نقش دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۰ - ۱

۱- راه یابی به بهشت، فرجام نیک ایمان به آیات الهی و تسلیم بودن در برابر حق

الذین ءامنوا بایتنا و كانوا مسلمین . ادخلوا الجنة انتم و أزواجکم

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۸ - ۴

۴ - حق پذیری ، تنها رمز سعادت و رهایی انسان از فرجام شوم اخروی

لقد جئناکم بالحقّ و لکنّ اکثرکم للحقّ کرهون

تکرار لفظ <حقّ> و اکتفا نکردن به ضمیر، می تواند اشاره به این نکته داشته باشد که تنها حق پذیری، می تواند تعیین کننده سر نوشت انسان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۷ - ۷

۷- تقوای عملی ، زاییده هدایت و ره یابی اندیشه به حق

زادهم هدی و آتیهم تقویهم

از ارتباط <آتاهم تقوایهم> با <زادهم هدی> و عطف آن دو که مستلزم تغایر و دوگانگی است می توان استفاده کرد که: اولاً هدایت امری روحی و فکری و تقوا مقوله ای عملی است و ثانیاً تقوا مترتب بر ازدیاد هدایت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۷ - ۳

۳ - دریافت پیام های نهفته در متن تاریخ ، نیازمند قلبی آگاه یا گوش شنوا و حق پذیر

إنّ فی ذلک لذکری لمن کان له قلب أو ألقى السمع و هو شهید

عبارت <لمن کان له قلب أو ألقى..> می رساند که برای فهم صحیح تاریخ، یکی از دو شرط لازم است: یا خردمندی و تیزهوشی در درک و تحلیل و یا حق شنوی از اهل خرد و اندیشه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۲ - ۲

۲ - داشتن گوش شنوا و دلی حق پذیر ، از شرایط و زمینه های

لنجعلها لكم تذكرة و تعيها أذن وعيه

<وعی> (مصدر <تعیها>) و <واعیه> به معنای نگه داری شیء و فهم و پذیرش آن است (لسان العرب). گفتنی است اسناد <وعی> به <أذن>، اسناد مجازی و مقصود از آن دل و جان حق پذیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۱،۲

۱ - تنها مؤمنانی که کارهای شایسته انجام داده و یکدیگر را به پذیرش حق و شکیبایی توصیه می کنند، گرفتار خسارت نخواهند شد.

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خَسْرٍ . إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا

۲ - ایمان و عمل صالح و پذیرش حق و شکیبایی، بهره گیری درست از سرمایه های وجودی خویش است.

لَفِي خَسْرٍ . إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ

آثار حق پذیری انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۹ - ۲

۲ - توجه به تأثیر حق در نفوس مستعد، به رغم عناد کافران، مشوق رهبران الهی به تداوم تبلیغ

إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِ نَدْعُوهُ .. فَذَكِّرْ فَمَا أَنْتَ ... بِكَاهِنٍ

فاء در <فذكر>، تکلیف تذکر را متفرع بر آیات پیشین کرده است. در آن آیات سخن از حق ناپذیری برخی از مردم و حق پذیری و قدرشناسی گروهی دیگر به میان آمده بود.

آثار حق پذیری بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۳

۳ صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا، در انجام

تکالیف الهی چون فروتنی ، و شب زنده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق و دعا و نیایش ، سبب برخوردار شدن آنان از نعمت ها و درجات عالی بهشت

الذین یمشون علی الأرض هونًا . . . و الذین یقولون ربَّنَا... أُولَئِکَ یجزون الغرفه بم

متعلق و موارد صبر هر چند در آیه شریفه ذکر نشده است، ولی مقصود از آن به قرینه آیات گذشته که در بیان تکالیف بندگان خالص و محرّماتی است که آنان می بایست ترک می کردند مجموعه مسائلی است که خداوند به انجام آنها امر کرده و یا از انجام آنها باز داشته است؛ زیرا انجام چنین تکالیفی و یا ترک محرّمات الهی، صبر و شکیبایی در برابر هوای نفس را نیازمند است.

آثار حق پذیری فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۹ - ۱۰

۱۰ - وعده خداوند به موسی (ع) ، درباره رفع عذاب فرعونیان ، در صورت روی آوردن آنان به حق

ادع لنا ربّک بما عهد عندک إنّنا لمهتدون

به قرینه ذیل این آیه و آیه بعد، به دست می آید که مراد از <ما عهد عندک>، وعده خداوند به رفع عذاب از فرعونیان در صورت پذیرش هدایت است.

آثار حق پذیری مؤمنان اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۳ - ۱۱

۱۱ - روحیه حق پذیری ایمان آوردگان از اهل کتاب ، عامل گرویدن آنان به اسلام

قالوا ءامنّا به إنّّه الحقّ

جمله <إنّّه الحقّ> به منزله تعلیل برای <آمنّا به> است؛

یعنی، ما بدان جهت به قرآن ایمان آوردیم که آن را حق یافتیم.

آثار یأس از حق پذیری گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۹ - ۳

۳ - سعی در هدایت گمراهان ، پس از یأس از حق پذیری آنان ، لازم نیست .

إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ لَّا يُؤْمِنُونَ . فاصفح عنهم

آفات حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۷

۷- ذهنیت ها و پیشداوری ها ، از آفات حق پذیری و عامل حق گریزی

و لقد صرفنا .. و ما يزيدهم إلا نفورا

در آیه قبل، توضیح داد که مشرکان مکه با انتساب فرزند به خداوند، در صدد استهزای خداوند بودند که این برخوردی است خصمانه و در این جا می گوید: <آیات فراوان الهی، بر نفرت آنها می افزاید> و این نشان دهنده آن است که موضع گیری پیشین آنها، موجب شده است که آنان، حق را نپذیرند و از آن بگریزند.

ارزش حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۲ - ۳

۳ حق شنوایی و بیان حقایق و معارف دین و درک آنها ، از ملاک های ارزش و کرامت آدمی در پیشگاه خداوند

إن شر الدواب عند الله الصم البكم الذين لا يعقلون

کلمه <دواب>، به معنای بهائم و یا جنبندگان، برای اشاره به این است که توصیف شدگان به منزله حیوانات هستند و ارزش نام انسان را ندارند.

اهمیت حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۹

۸- داشتن روحیه حق پذیری و حق جویی ، شرط بهره‌وری از آیات الهی

إِن فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۶۷ - ۱۰

۱۰ روحیه حرف شنوی و حق پذیری ، شرط بهره مندی از آیات الهی است .

إِن فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۱۱

۱۱ لزوم تسلیم بودن در برابر حق پس از ثبوت آن

لَقَدْ جَاءَكَ الْحَقُّ... فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۲

۲ - گرایش به دین اسلام ، در گرو وجود سعه صدر و روح پذیرش حق در انسان است .

أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۶

۶ - لزوم حق پذیری ، شناختن و شناساندن حق و پایداری و شکیبایی برای تحقق آن

تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ

ترغیب مؤمنان به توصیه دیگران بر حق و صبر، بیانگر لزوم پایبندی خود به آن دو است.

اهمیت روحیه حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۳۰

۳۰ تنها حق پذیران قادر به درک سعادت آفرینی پیام های الهی هستند .

ذلکم خیر لکم ان کتم مؤمنین

چنانچه مشارالیه <ذلکم> تمام مسائلی باشد که در آیه مطرح شده، و از جمله اعتقاد به یگانگی خدا و لزوم پرستش او، باید گفت مراد از ایمان در <ان کتم

مؤمنین < داشتن روحیه حق پذیری و اهل باور بودن است، نه ایمان به یگانگی خدا. و چون خیر بودن یکتاپرستی و عدالت پیشگی منوط به حق پذیری نیست، یعنی چه انسانها حق پذیر باشند و چه نباشند مسائل مطرح شده دارای خیر است، معلوم می شود شرط <ان کنتم ... > ناظر به درک خیر بودن است. یعنی اگر حق پذیر باشید می فهمید که پیامهای مطرح شده به خیر و صلاح شماست.

پاداش حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۲

۲ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، موجب ورود به بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذین یمشون علی الأرض هوناً.. و الذین لایشهدون الزور ... أولئک یجزون الغرفه

تلاش برای حق پذیری فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۴ - ۳

۳ - تلاش موسی (ع) برای زنده ساختن اشتیاق شناخت حق در وجود فرعون و فرعونیان

قال رب السموت .. إن کنتم موقنین

اقدام موسی(ع) به معلق کردن فهم گفته خویش بر شرط (إن کنتم موقنین) می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

تلاش برای حق پذیری فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۴ - ۳

۳ - تلاش موسی (ع) برای زنده ساختن

اشتیاق شناخت حق در وجود فرعون و فرعونیان

قال ربّ السموت . . . إن كنتم موقنین

اقدام موسی(ع) به معلق کردن فهم گفته خویش بر شرط (إن كنتم موقنین) می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

توصیه به حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۵

۵ - توصیه دیگران به پذیرش حق و شکیبایی در راه آن ، مصداق بارز عمل صالح است .

عملوا الصلحت و تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

عطف توصیه به حق و صبر که مصداق عمل صالح است بر انجام اعمال صالح، عطف خاص بر عام و نشانه اهمیت ویژه خاص است.

حق پذیری اولوا الالباب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۱۷

۱۷ - تنها صاحبان عقل سلیم و خردناب ، پندپذیر و حق جو هستند .

إنّما يتذكّر أولوا الألباب

<لُبٌّ> (مفرد <ألباب>) به معنای عقل خالص و خردناب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۱ - ۱۷

۱۷ - تنها صاحبان عقل و خرد ، گروه حق جو و پندپذیراند .

ألم تر أنّ الله أنزل من السماء ماء . . . إنّ في ذلك لذكرى لأولى الألباب

حق پذیری جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۶ - ۶

۶ - تأثیر عمیق آیات الهی در آگاهان و اهل شناخت

فَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ساحران چون با افسون آشنا بودند و خیال را از واقعیت تشخیص می دادند،
زودتر

از دیگران به معجزه بودن کار موسی(ع) و حقانیت رسالت وی پی بردند.

حق پذیری خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۸ - ۹

۹ - خداترسان و نماز گزاران ، بیشتر از دیگران ، حق پذیراند .

إِنَّمَا تَنْذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ

حق پذیری در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۸ - ۲

۲ - قیامت ، صحنه زانو زدن انسان و تسلیم الزامی او در برابر حق

و تری كلِّ أُمَّه جاثیه

حق پذیری رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۶ - ۷

۷ خداترسی ، انتقاد و نصیحت پذیری ، شرط لازم برای انتخاب حاکم

و اذا قيل له اتق الله

حق پذیری عاقلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۹ - ۲

۲ - انسان های عاقل و خردمند ، پذیرای حقانیت وعده های خداوند و تحقق روز جزا

يُؤفك عنه من أفك

حق پذیری علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۲۰

۲۰ - پندپذیر و حقیقت جو بودن عالمان ، دلیل برتری آنان بر جاهلان است .

هل يستوى الذين يعلمون و الذين لا يعلمون إنما يتذكر أولوا الألب

جمله <إنما يتذكر أولوا الألب>، در مقام تعلیل برای جمله پیشین (هل يستوى الذين يعلمون ..) است یعنی، عالمان با نادانان برابر نیستند زیرا صاحبان خردناب که همان عالمان اند پندپذیر و حقیقت جو هستند.

حق پذیری علمای دینی

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۴

۴- برخورداران از علم و آگاهی به معارف آسمانی ، دارای روحیه حق پذیری و خضوع در برابر آیات قرآن

إن الذين أُوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم يخرون

حق پذیری علمای مسیحیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۹،۱۱

۹ مسیحیان و عالمان دینی آنان ، مردمی حق پذیر و برخوردار از سلامت نفس

الذين قالوا إنا نصرى . . . و انهم لا يستكبرون

بنابر اینکه متعلق حذف شده از <لايستكبرون> کلمه ای همانند <عن اتباع الحق> باشد، آیه بعد این معنا را تأیید می کند.

۱۱ تمجید خدا از کشیشان و راهبان وارسته و مسیحیان حق پذیر و فروتن

ذلك بان منهم قسيسين و رهباناً و انهم لا يستكبرون

حق پذیری محرومان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۳ - ۴

۴- ملت های محروم و رنج دیده ، دارای زمینه حق پذیری و گرایش به دین

و لقد اخترنهم . . . و ءاتينهم

با توجه به سیاق آیات پیشین که فرعونیان را به دلیل رفاه مندی و اسرافگری، حق ناپذیر و محکوم به هلاکت معرفی کرده است می توان علت و انتخاب بنی اسرائیل را برای دریافت آیات و معجزات، محرومیت آنان از رفاه مندی و آمادگی آنان برای حق پذیری دانست. البته این هم آغاز یک آزمون است؛ نه امضای صلاحیت مطلق و بی استثنای آنان.

حق پذیری مستضعفان قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶

۳ - پیام نوح (ع) ، دارای جاذبه بیشتر برای طبقات محروم جامعه

قالوا أنؤمن لك و اتبعك الأذلون

حق پذیری مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۹

۹ مسیحیان و عالمان دینی آنان ، مردمی حق پذیر و برخوردار از سلامت نفس

الذین قالوا إنا نصری . . . و انهم لایستکبرون

بنابر اینکه متعلق حذف شده از <لایستکبرون> کلمه ای همانند <عن اتباع الحق> باشد، آیه بعد این معنا را تأیید می کند.

حق پذیری موحدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۰ - ۴

۴ - حق شنوی و حق پذیری ، نشانی از حیات جان و سلامت روان انسان در بینش الهی

إنك لاتسمع الموتی . . . إذا ولّوا مدبرین

خداوند، کافران حق ناپذیر را هم مرده خوانده است و هم ناشنوا، این نشان می دهد کسانی که حق را به جان می پذیرند و سخن حق را به گوش دل می شنوند، نه مرده اند و نه ناشنوا.

حق پذیری موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۳ - ۲۴

۲۴ موسی (ع) بدون هیچ درنگ پس از دریافت حقیقت (ناشدنی بودن رؤیت خدا) آن را پذیرفت و بدان اعتراف کرد .

قال . . . و أنا أول المؤمنين

متعلق <المؤمنين> به قرینه فراهای قبل (بانك لا-تری) است. کلمه <اول> در جمله <أنا أول المؤمنين> علاوه بر معنای مقدم بودن، معنای تأخیر نکردن را نیز می رساند. زیرا صحت این ادعا که شخص

بخواهد اول مؤمن باشد، به این است که بی درنگ حقیقت رخ نموده را باور کند و به آن ایمان آورد، و گرنه این احتمال منتفی نیست که دیگری در این فاصله ایمان آورد و او نتواند اول مؤمن باشد.

حق پذیری مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۸ - ۱۸

۱۸ تنها مؤمنان و دارندگان روحیه باور و تصدیق، تأثیرپذیر از انداز و بشارت انبیا و بهره مند از پیام های ایشان خواهند بود.

إِن أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۱۲

۱۲- مؤمنان، برخوردار از روح تسلیم در برابر حق

لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <للمسلمين> وصف دیگری برای <الذين ءامنوا> باشد نه بازگو کننده گروه دیگری از مردم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۵ - ۱

۱ - برخورداران از روحیه تواضع و حق پذیری، تنها گروندگان به آیات الهی اند.

إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱،۱۰

۱ - مؤمنان، برخوردار از شرح صدر و روح تسلیم و انقیاد در برابر حق

أَفَمَن شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ

<شرح> به معنای بسط و سعه است و شرح صدر به معنای بسط و گشادن سینه و قلب برای تحمل و پذیرش سخن حق است.

<اسلام> در دو معنا به کار می

رود ۱ تسلیم و انقیاد، ۲ دین اسلام. گفتنی است که برداشت بالا مبتنی بر معنای نخست اسلام است آیه شریفه نیز درصدد بیان اوصاف مؤمنان است.

۱۰ - وجود اختلاف اساسی انسان مؤمن حق پذیر و نرم دل با کافر حق ناپذیر و سنگدل ، از نظر شخصیت و سرنوشت

أفمن شرح الله صدره للإسلام فهو على نور من ربه فويل للقاسية قلوبهم

<من> در آیه شریفه، اسم موصول و مبتدا است و خبر آن به قرینه جمله بعدی (فويل للقاسية قلوبهم..) جمله ای محذوف می باشد. تقدیر کلام چنین است: <أفمن شرح الله صدره للإسلام ... كمن قسا قلبه>. بنابراین می توان گفت: آیه شریفه درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳ - ۲

۲- نیک فرجامی و غفران لغزش های مؤمنان ، نتیجه پیروی از حق و پیام پروردگارشان

و الذين ءامنوا .. ذلك بأنّ ... و أنّ الذين ءامنوا اتّبعوا الحقّ من ربّهم

حق پذیری مؤمنان به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۷ - ۹

۹ - معتقدان به قیامت ، به دور از باطل گرای و ایمن از زیان اخروی

يومئذ يخسر المبطلون

برداشت بالا، با استفاده از مفهوم آیه صورت گرفته است.

حق پذیری مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۸ - ۱۵

۱۵ - بهره مندی از هدایت خاص خداوند ، در گرو تلاش و کوشش مناسب برای دریافت حقایق

القول .. أولئك الذين هديهم الله

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که خداوند انسان هایی که به تلاش برای شنیدن و برگزیدن بهترین سخنان می پردازند، هدایت یافتگان خود شمرده است. گفتنی است مقصود از هدایت در آیه شریفه، هدایت خاص الهی است نه هدایت عام که برای همه انسان ها خواهد بود.

حق پذیری نماز گزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۸ - ۹

۹ - خدا ترسان و نماز گزاران ، بیشتر از دیگران ، حق پذیراند .

إنما تنذر الذين يخشون ربهم بالغيب و أقاموا الصلوة

روحیه حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۸ - ۱۸

۱۸ تنها مؤمنان و دارندگان روحیه باور و تصدیق ، تأثیر پذیر از انذار و بشارت انبیا و بهره مند از پیام های ایشان خواهند بود .

إن أنا إلا نذیر و بشیر لقوم یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۳،۴

۳ تسلیم بودن انسان در برابر حق و داشتن روحیه حق پذیری، نشانه برخورداری از هدایت و توفیق الهی است.

فمن یرد الله أن یهدیه یشرح صدره للإسلام

اسلام در این آیه می تواند به معنی لغوی آن که تسلیم است، باشد.

۴ حالت پذیرش در برابر معارف آسمانی اسلام نشانه صدر است.

فمن یرد الله أن یهدیه یشرح صدره للإسلام

در برداشت فوق اسلام به معنی اصطلاحی آن که دین اسلام است، گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۳ -

۱۲ - داشتن روحیه حق‌پذیری، زمینه رشد و کمال است.

إِن تَسْمَعُ إِلَّا مِنْ يَوْمِنَا فَهَمَّ مُسْلِمُونَ

<مسلم> به کسی گفته می‌شود که تسلیم و منقاد بوده و بدون پیش‌داوری و موضع‌گیری پیشین، در مواجهه با حق، آن را بپذیرد. این که خداوند، فرموده است: <تو به دارندگان روحیه تسلیم، می‌توانی منظورت را تفهیم کنی و آنان نیز آن رامی پذیرند>، نشان می‌دهد که داشتن چنین حالتی، باعث حرف‌شنوی و در نتیجه، رشد می‌شود.

زمینه حق‌پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۸ - ۱۵

۱۵ ایمان (باور)، زمینه ساز پذیرش معجزات الهی و بهره‌مندی از آن

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُمُ الَّذِينَ آمَنُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۵

۵ سابقه‌آشنایی مسیحیان عصر پیامبر (ص) به حقائق، زمینه تأثیرپذیری آنان از قرآن

تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ

بدان احتمال که مراد از <الحق> حقایقی غیر از قرآن و رسالت پیامبر(ص) باشد بر این مبنا: ما در <مما> مصدریه و <من> در <من الحق> تبعیضیه است نه بیانیه یعنی چون مسیحیان مؤمن، حقایقی از دین را می‌شناختند، اعتراف به رسالت پیامبر(ص) کردند. ماضی بودن فعل <عرفوا> این احتمال را تأیید می‌کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۴ - ۱۸

۱۸ - عبادت و پرستش خدا، زمینه ساز پندپذیری و حق‌شنوی است.

ذكري للعبدين

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۴ - ۵

۵- نرمی و سلامت دل ، زمینه ای مناسب برای گرایش به حق و پذیرش آن
لیجعل ... للذین فی قلوبهم مرض و القاسیه قلوبهم ... و لیعلم الذین أُوتوا العلم أ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۴ - ۳

۳- بصیرت و روشن دلی ، زمینه ساز پذیرش سخن حق و عبرت آموزی است .

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لَأُولِي الْأَبْصَارِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۲ - ۶

۶- علم و معرفت ، زمینه ساز خضوع و تسلیم انسان در برابر حق

و أُوتِينَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَ كُنَّا مُسْلِمِينَ

تقدیم <علم> بر <اسلام> می تواند بیانگر مطلب فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۷ - ۹

۹- حق پذیری ، زمینه و شایستگی و صلاحیت لازم را می طلبد .

و إِذَا تَلَىٰ عَلَيْهِ ءَايَاتِنَا وَلَّىٰ مُسْتَكْبِرًا .. كَأَنَّ فِي أُذُنِهِ وَقْرًا

این که گفته است: <لهو طلبان، با شنیدن آیات الهی، روی می گردانند به گونه ای که گویا ثقل سامعه دارند>، می رساند
که پذیرفتن حق، زمینه لازم دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - توجه به در اختیار خداوند بودن همه موجودات عالم و نیز نعمت های اعطا شده به انسان ، تبعیت از تعالیم آسمانی را اقتضا می کند .

ألم تروا أنّ الله سخر... و

أسبغ عليكم نعمه ... أتبعوا ما أنزل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱۸

۱۸ - > روى أنّ النبىّ (ص) قرأ > أفمن شرح الله صدره للإسلام فهو على نور من ربّه < فقال إنّ النور إذا وقع فى القلب إنفسح له و انشرح ، قالوا : يا رسول الله فهل لذلك علامه يعرف بها ؟ قال : التجافى عن دارالغرور و الإنابه إلى دار الخلود و الإستعداد للموت قبل نزول الموت ؛

از رسول خدا(ص) روایت شده است که آن حضرت آیه > أفمن شرح الله صدره للإسلام فهو على نور من ربّه < را تلاوت کرد و آن گاه فرمود: هنگامی که نور وارد قلب می شود، قلب برای اسلام باز و گشاده می گردد. گفتند: ای رسول خدا! آیا علامتی برای آن هست که به وسیله آن شناخته شود؟ فرمود: علامت آن پهلو تهی کردن از خانه غرور و بازگشت به خانه جاویدان و آماده شدن برای مرگ قبل از آمدن آن است.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۴ - ۱۳

۱۳ - اعتقاد به بصیرت و آگاهی کامل خداوند بر احوال بندگان ، زمینه ساز پرهیز آدمی از گناه و حق ناپذیری است .

إنّ الله بصیر بالعباد

یادآوری بصیرت و آگاهی خداوند بر احوال بندگان، برای کسانی که در گناه افراط کرده، حق را نمی پذیرند (أنّ المسرفین هم أصحاب النار)، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۳ -

۱۶ - توجه به رحمت گسترده و عقاب شدید خداوند ، زمینه ساز بازگشت انسان از مخالفت با حق

إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَ ذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ

چنانچه جمله <إِنَّ رَبَّكَ .. > مربوط به مخالفان پیامبران باشد، از توجه دادن خداوند به مغفرت و عقاب خویش، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۵ - ۱۰

۱۰ - توجه به الوهیت و فرمانروایی جاویدان خداوند و نیز تداوم زندگی انسان در آخرت ، زمینه ساز گرایش انسان به حق

و هُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ وَ .. وَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

با توجه به این که آیات پیشین در رد منکران توحید بود، استفاده می شود که طرح فرمانروایی خدا بر هستی در دنیا و آخرت، هشداری به حق ستیزان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳ - ۷

۷ - تشویق انسان از سوی خداوند ، به مطالعه و تأمل در نظام طبیعت به انگیزه حق جویی و حق پذیری

إِنَّ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّلْمُؤْمِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۷ - ۱۳

۱۳ - توجه به وقوع حتمی وعده های الهی ، بازدارنده انسان از لجajt و حق ناپذیری *

ءَامِنٌ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

<إِنَّ > بیانگر تعلیل است؛ یعنی، ایمان بیاور چون وعده خداوند حق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۴ - ۱۸

۱۸ - اطاعت از خدا و رسول او و قرار گرفتن انسان در مسیر

اصلی حق ، زمینه بخشش لغزش های وی

و إن تطيعوا الله و رسوله .. . إن الله غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۶ - ۲،۴

۲ تأمل و اندیشه در کیفیت آفرینش ، زیبایی و اتقان بنای آسمان ، زمینه ره جویی به حق

بل کذبوا بالحقّ .. أفلم ينظروا إلى السماء ... و ما لها من فوج

واژه <ینظر>، به معنای تأمل و نگاه از روی دقت و تحقیق است.

۴ زینت و زیبایی آسمان ، به تدبیر الهی و در جهت ره یابی انسان به حق

أفلم ينظروا ... و زینتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۵ - ۱۲

۱۲ - بیم از فرجام عمل ، نقطه آغازین حرکت انسان به سوی تعهد و حق پذیری

فذکر .. من یخاف و عید

از این که خداوند، پیامبر(ص) را موظف کرده تا <من یخاف و عید> با قرآن تذکر دهد؛ استفاده می شود که اعتقاد به

قیامت و بیم از فرجام عمل، نخستین مرحله ای است که فرد را مستعد پذیرش حق می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۶ - ۳

۳ - تأثیر سخن حق ، مشروط به وجود زمینه پذیرش است .

فلم یزدهم دعاءى إلاّ فرارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - حق پذیری و دفاع از حق ، نیازمند شکیبایی و استقامت \$ است .

تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

جمله <تواصوا بالصبر>، ممکن است درصدد بیان زمینه های لازم

برای مفاد <تواصوا بالحق> باشد.

سختی حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۸

۸ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذين يمشون على الأرض هوناً .. و الذين لا يشهدون الزور ... أول

شرایط حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۱ - ۱۸

۱۸ - داشتن روح پندپذیری و حق جویی ، شرط بهره جستن و تأثیر پذیرفتن از سخنان به حق قرآن

ألم تر أن الله أنزل من السماء ماء .. إن في ذلك لذكرى لأولى الألب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۰ - ۴

۴ - وجود استعداد و قابلیت ، شرط بهره مندی از پیام حق

أفأنت تسمع الصم أو تهدي العمى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۶ - ۳

۳ - تأثیر سخن حق ، مشروط به وجود زمینه پذیرش است .

فلم يزدهم دعاءي إلا فرارًا

صبر در حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۸

۸ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم
کشی و سخن

باطل ، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذين يمشون على الأرض هوناً .. و الذين لا يشهدون الزور ... أول

عوامل حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۴ - ۵

۵ - باور به معاد و توجه به آن ، دارای نقش اساسی در حق پذیری انسان

سنريهم ءايتنا في الأفاق .. ألا إناهم في مريه من لقاء ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳ - ۷

۷- نیاز همه انسان ها به پیام وحی و رهنمود های پروردگار ، برای رسیدن به حق و صلاح

بأن الذين كفروا اتبعوا البطل و أن الذين ءامنوا اتبعوا الحق من ربهم

مقید شدن <الحق> به <من ربهم> و مقابله <الحق من ربهم> با <الباطل>، می رساند که بشر بیش از دو راه در پیش ندارد: راه باطل و یا راه حق، راه حق تنها همان راهی است که منتسب به پروردگار و نازل شده از سوی او است از این رو انسان برای رسیدن به حق، ضرورتاً نیازمند رهنمود خداوند است.

عوامل حق پذیری گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۷ - ۲

۲ - آتش دوزخ ، تنها عامل تسلیم گمراهان لجوج در برابر حق

قالوا و هم فيها يختصمون . تالله إن كنا لفي ضلل مبين

برداشت یاد شده از آن جا است که اعتراف حق ستیزان، تنها در جهان آخرت و آن هم در داخل دوزخ صورت می گیرد.

فطريت حق پذیری

- فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۸ - ۱۲

۱۲ - فطرت اولیه انسان ها ، توحید ، خداپرستی و حق پذیری است .

لَعَلَّهِمْ يَرْجِعُونَ

از سیاق آیات پیشین که درباره توحید و شرک است و نیز از واژه <رجوع> استفاده می شود که انسان ها به توحید گرایش فطری دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۷ - ۶

۶- انسان در سرشت و نماد خویش ، موجودی حق طلب و حق پذیر

و صَرَفْنَا الْأَيْتِ لَعَلَّهِمْ يَرْجِعُونَ

تعبیر <یرجعون> می تواند بدان معنا باشد که انسان دارای فطرت حق پذیر است و نمایاندن آیات الهی به او، وسیله ای برای بازگشت به فطرت اولیه خویش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۶ - ۱۲

۱۲- قلب آدمی ، در سرشت خود ، پذیرای حق و عملکرد و روحتیات منفی او ، عامل جمود آن

طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ

از تعبیر <طبع الله علی قلوبهم> استفاده می شود که قلب آدمی در ابتدا، پذیرای سخن حق و قادر به فهم پیام الهی است ولی در نتیجه عواملی از سوی خود انسان، طبق اراده الهی، قلب کارایی اصلی خود را از دست می دهد و در برابر حق نفوذناپذیر می شود.

منشأ حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - خداوند ، هر کس را که بخواهد شنوا و حق پذیر می سازد .

إِنَّ اللَّهَ يَسْمَعُ مَنْ يَشَاءُ

منشأ حق پذیری عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۲ - ۶

۶- عنایات خداوند به عیسی (ع) ، او را فردی حق پذیر ، خوش بخت و نرم خو ساخته بود .

و لم يجعلني جبارًا شقيًّا

منشأ حق پذیری محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شرح - ۹۴ - ۱ - ۱

۱ - خداوند به پیامبر (ص) ، شرح صدر عنایت کرده و قوای باطنی آن حضرت را پذیرای حقیقت قرار داد و توانمندی های او را ، برای تحمّل سختی ها و تکالیف ، فزونی بخشید .

ألم نشرح لك صدرك

شرح صدر، گنجایش دادن آن برای قبول حق است (لسان العرب). <صدر> و <قلب>، کنایه از نفس انسان است که دارای فهم و درک است. گفته شده <صدر> اعم از <قلب> است زیرا شامل تمام قوای انسان می شود. (برگرفته شده از مفردات راغب)

موانع حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۶ - ۳،۴

۳ سرسختی ، غرور و تکبر برخاسته از گناه ، مانع نصیحت پذیری حاکمان مفسد

و اذا قيل له اتق الله اخذته العزه بالاثم

بنابراینکه <بالاثم>، متعلق به <العزه> باشد.

۴ سرسختی ، تکبر و غرور ، مانع اصلاح و نصیحت پذیری

اخذته العزه بالاثم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۳ - ۳۸

۳۸ حَسَد و سرکشی (بَغِي) مانع پذیرش بینات و هدایت الهی

و ما اختلف فيه الا الذين اوتوه بغياً

<بغياً> (حَسَد و سرکشی)، مفعول لأجله برای <ما اختلف> است ؛ یعنی حسد و سرکشی، مانع پذیرش

هدایت و حق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۳ - ۷

۱۷ اعتقاد به الوهیت حضرت مسیح (ع) و عدم پذیرش توحید، برخاسته از افساد و تباهیگری *

فان تولّوا فانّ الله علیهم بالمفسدین

احتمال دارد کلمه <بالمفسدین>، اشاره به علت و زمینه شرک باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۵ - ۹

۹ ایجاد ترس، از شگرد های شیطانی برای جلوگیری مردم از گرایش به حقّ

اتّما ذلکم الشّیطان یخوّف اولیاءه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۸،۹

۸ استکبار و سخت دلی یهودیان و مشرکان موجب تأثرناپذیری آنان از قرآن

و إذا سمعوا ما أنزل إلى الرسول تری اعینهم تفیض من الدمع

بیان واکنش خاضعانه مسیحیان در برابر قرآن پس از توصیف آنان به فروتنی در آیه پیش گویای این است که دو گروه دیگر (یهودیان و مشرکان) به دلیل گردنفرازی و استکبار در برابر حق، از پذیرش قرآن سرباز زدند.

۹ استکبار موجب سخت دلی و مانع تأثیرپذیری از قرآن

و انهم لایستکبرون. و إذا سمعوا ما أنزل إلى الرسول ... تفیض من الدمع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۱۱

۱۱ زندگی دنیا عامل فریب خوردن کافران در نپذیرفتن آیات و پند نگرفتن از انذار انبیا

و غرتهم الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۵ - ۸

۸ خودبرترینی فرعون و اطرافیانش ،

مانع از پذیرش رسالت موسی و هارون (ع)

ثم بعثنا من بعدهم موسی و هرون إلی فرعون و ملایه بآیتنا فاستکبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۲ - ۱۱

۱۱ وفاداری جوامع به آرا و اندیشه های باطل قومی و قبیله ای ، بازدارنده بروز اندیشه های نو و برحق در میان آنان

أتنهنا أن نعبد ما یعبد ءاباؤنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۱۰، ۶

۶- غوطه‌وری در تمتعات و لذت های مادی ، مانع تسلیم شدن در برابر حقایق دینی

ربما یوّد الذین کفروا لو کانوا مسلمین. ذرهم یا کلوا و یتمتّعوا

فراز <ذرهم یا کلوا و یتمتّعوا و...> که درصدد بیان حالات کفار است می تواند به منزله تعلیل و جوابی باشد برای اینکه:

چرا آنان اسلام نمی آورند و سرانجام نادم و پشیمان می شوند؟

۱۰- سرگرم شدن به آرزوهای واهی ، مانع هدایت پذیری و تسلیم شدن در برابر حق است .

ربما یوّد الذین کفروا لو کانوا مسلمین . ذرهم ... و یلههم الأمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۶ - ۵

۵ - غلبه رذایل اخلاقی بر روح انسان ، مانع حق پذیری او

قالوا ربّنا غلبت علینا شقوتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۹ - ۳

۳- اندیشه سودجویانه ، مانع از پذیرش حق است .

و إذا دعوا إلى الله ورسوله ليحكم بينهم إذا فريق منهم معرضون . و إن يكن لهم الح

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۱ - ۱۳

۱۳ روحیه خود برتربینی و خوی تجاوزگری ، از موانع پذیرفتن حق و ایمان آوردن

لقد استكبروا في أنفسهم و عتوا عتواً كبيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۳ - ۴

۴ هواپرستی ، مانع اصلی حق پذیری و هدایت است .

أرءيت من اتخذ إلهه هوبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸ - ۳

۳ - عناد و لجاجت ، از موانع ایمان و رهیابی به حق

إلا كانوا عنه معرضين . فقد كذبوا ... و ما كان أكثرهم مؤمنين

از ارتباط این بخش از آیات می توان نتیجه گرفت که عزم کافران بر حق ناپذیری، علت برخورد سطحی آنان با آیات الهی و در نتیجه ره نیافتن آنان به حق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۷ - ۷

۷ - سنت گرایی از موانع پذیرش حق

سواء علينا أوعظت . . . إن هذا إلا خلق الأولين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۳ - ۳

۳ - عادات و رفتار رسوخ یافته در وجود روح انسان ، مانع گرایش وی به حق آشکار

و أُوتینا العلم من قبلها. .. و صدّها ما كانت تعبد من دون الله

عبارت <کانت تعبد> ماضی استمراری و بیانگر دوام و رسوخ است؛ یعنی، خو کردن بلیقیس بر رفتار شرک آلود (پرستش خورشید) مانع از آن شده بود که وی علی رغم آگاهی یافتن به حقیقت،

به آن باز گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۲،۵

۲ - تعصّب و تقلید کور از نیاکان ، مانع گرایش کافران به پیروی از قرآن و تعالیم آسمانی است .

و إذا قيل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالوا بل نتبع ما وجدنا عليه آباءنا

۵ - تعصّب خویشاوندی و سنت گرایی ، از موانع حق پذیری است .

و إذا قيل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالوا بل نتبع ما وجدنا عليه آباءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۳ - ۷

۷ - پافشاری بر تقلید از آیین نیاکان و گذشتگان ، از جمله موانع پذیرش دین حق

و إذا تتلى عليهم آياتنا بينت قالوا ما هذا إلا رجل يريد أن يصدّكم عما كانى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱۳

۱۳ - قساوت قلب و سنگدلی ، مانع پذیرش حق و تابش نور الهی بر قلب ها

أفمن شرح الله صدره للإسلام .. فويل للقسيه قلوبهم من ذكر الله

توصیف کافران به قساوت قلب و سنگدلی، در برابر مؤمنان که از نور هدایت الهی برخوردارند می تواند بیانگر این نکته باشد که قساوت قلب، مانع تابش نور هدایت الهی در قلب ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۵ - ۱۱

۱۱ - تکبر و تجاوزگری ، موجب محرومیت از درك صحيح حقایق الهی و مانع از پذیرش آن می شود .

كذلك يضلّ الله .. كذلك يطبع الله على

کَلَّ قَلْبٌ مَّتَكَبِرٌ جَبَّارٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۲ - ۵

۵ - تقلید کورکورانه و تعصبات قومی ، سدی در برابر حق گرایی است .

أُمُّهُ وَإِنَّا عَلَيَّاءُ أَتْرَهَمٌ مَّهْتَدُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۲ - ۵

۵- فراگیری فساد و غوطه‌وری مردم در جرم و گناه ، مانع نفوذ منطق مستدل وحی در ایشان

فَدَعَا رَبَّهُ أَنَّ مَثَلَهُمْ كَمِثْلِهِمْ

دعای موسی(ع)، شکوه ای از روی یأس و ناامیدی از ایمان فرعونیان به درگاه خداوند بود. تعبیر <أَنَّ هَؤُلَاءِ...> بیانگر علت ناامیدی موسی(ع) از تأثیر سخنانش در فرعونیان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۸ - ۷

۷ - تکبر و غرور ، مانع از دریافت حقیقت

ثُمَّ يَصْرُ مَسْتَكْبِرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۶ - ۶

۶- کفر ، مانع درک و پذیرش حق ، حتی از زبان پیامبر (ص)

يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّىٰ إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا .. مَاذَا قَالَ ءَانفًا

<ماذا قال..> ممکن است پرسش حقیقی باشد و ناتوانی کافران از فهم کلام وحی را برساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۵ - ۲

۲- شیطان ، از موانع جدی گرایش آگاهان ، به حق و هدایت

من بعد ما تبین لهم الهدى الشیطن سؤل لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۵ - ۱۳

۱۳ - ناباوری به قیامت ،

عامل حق ناپذیری و تأثیر نداشتن عالی ترین پیام های ارزشی در روح انسان

فذكر بالقرءان من يخاف وعيد

با توجه به این که آیات پیشین درباره معاد و رستاخیز بود؛ <من يخاف وعيد> می تواند بیانگر مسأله قیامت و نظام کیفر و پاداش باشد. در این صورت مفهوم آیه چنین خواهد بود: <قرآن در ناباوران به قیامت بی تأثیر است.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱۴

۱۴ - بیمار دلی و نفاق، از موانع شناخت و حق پذیری

و ليقول الذين في قلوبهم مرض .. ماذا أراد الله بهذا مثلاً

نشانه های حق پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۸

۸ - < صبر >، نشان حق پذیری است و سفارش دیگران به آن، نمونه بارز ترغیب مردم به حق است.

تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

برداشت یاد شده، ناظر به این احتمال است که عطف <تواصوا بالصبر> بر جمله قبل، عطف خاص بر عام باشد. تکرار فعل <تواصوا>، این ارتباط را تأیید می کند؛ زیرا در تعبیری نظیر <تواصوا بالحقّ و الصبر>، تفاوت حق و صبر نمایان تر است.

حق ستیزان

آثار انذار حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۲ - ۱۲

۱۲ - تنها انذار و تهدید نسبت به عواقب شوم عمل، دارای امکان تأثیر در حق ستیزان

و من ضلّ فقل إنّما أنا من المنذرين

با این که قرآن دربردارنده هر دو بعد انذار و تبشیر است؛ اما پیامبر(ص) در قبال گمراهان حق ناپذیر، تنها

موظف به بیان بُعد انذارگر قرآن بود و این بدان جهت است که تنها عاملی که ممکن بود در آنان تأثیر بگذارد <انذار> است.

آثار توبه حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۴ - ۲

۲- امکان شمول عفو الهی ، نسبت به کافران حق ستیز ، به شرط توبه و پشیمانی قبل از مرگ

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا و... ثُمَّ مَاتُوا و هُمْ كَفَّارٌ فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ

از مفهوم آیه شریفه، استفاده می شود که اگر کافر معاند در حال کفر نمیرد و قبل از مرگ توبه کند، مشمول <لن يغفر الله> نخواهد بود.

آثار عذاب حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۷

۷- کافران و حق ستیزان ، تنها به هنگام گرفتار شدن به عذاب الهی متنبه شده و به ارزش تعالیم پیامبران پی می برند .

أَنْ تَصِيبَهُمْ مَصِيبَةٌ... فَيَقُولُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا

آثار مبارزه با حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۱ - ۵

۵- دفاع از حق و حرکت بر مدار توحید در برابر حق ستیزان و مشرکان ، امداد و نصرت الهی را در پی خواهد داشت .

وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا... وَ نَجَّيْنَاهُ وَ لَوْطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَرَكْنَا فِيهَا

آثار هلاکت حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - فرجام هلاکت بار قدرت های حق ستیز تاریخ ، مایه تذکر خردمندان

و مردمان حق شنو

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ

آمزش حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۰ - ۱۲

۱۲ آمزش گناه ستیزه جویان علیه دین ، پس از گرایش آنان به اسلام ، جلوه ای از مغفرت و رحمت خدا نسبت به انسانهاست .

و يغفر لكم و الله غفور رحيم

اتمام حجت بر حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۱

۱ - بستن راه بهانه جویی کافران و حق ستیزان (به این که چرا برای مارسولی نفرستادی) به هنگام گرفتار شدن به عذاب ، از اهداف رسالت پیامبر (ص)

و لولا أن تصيبهم مصيبة بما قدمت أيديهم فيقولوا ربنا لولا أرسلت إلينا رسولا

جواب <لولا> در <لولا> أن تصيبهم مصيبة.. < حذف شده و تقدیر آن چنین است: <لولا> أن تصيبهم مصيبة ... لَمَا أرسلناك إليهم >. گفتنی است که آیه پیش، هدف از بعثت پیامبر(ص) را تئبه و بیداری مردم بیان کرده است. بنابراین آیه یاد شده بیانگر یکی دیگر از هدف های رسالت پیامبر(ص) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۶ - ۲

۲ - مسؤولیت پیامبران الهی ، تا سر حد اتمام حجت بر حق گریزان است ؛ نه فزون تر از آن .

فما تغن النذر . فتول عنهم

تفریح <تولّ عنهم> بر <ما تغن الذر> بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۶ - ۳

- نزول عذاب الهی بر حق ستیزان ، از پی اتمام حجت بر ایشان

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ . . . و لقد أنذرهم بطشتنا فتماروا بالئذ

اصرار بر کفر حق ستیزان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۱۲

۱۲ - اقدام حق ستیزان صدراسلام به انکار صریح قرآن و تورات و تأکید بر کفر خویش نسبت به آن دو

و قالوا إِنَّا بَكْلٌ كَفْرُونَ

اضطرار حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۴ - ۳

۳ - مشرکان حق ناپذیر و ستیزه جو ، از سرِ ناچاری و اضطراب به انکار عبادت کردن معبود های ادعایی خویش می پردازند .

بل لم نكن ندعوا من قبل شيئا

اعراض از حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۵

۵ - وانهادن امر کافران حق ستیز به خداوند ، رهنمودی الهی به پیامبر (ص)

و لاتكن في ضيق مما يمكرون. .. إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهِ

با توجه به این که آیات این بخش در ارتباط با هم است، تذکر خداوند به قضاوت نهایی خویش درباره کافران، می تواند در مقام توضیح و تعلیل برای آیه <و لاتكن في ضيق مما يمكرون> باشد. آیات بعد نیز مؤید همین معنا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - مبلغان دین ، موظف به تلاش در بیداری نفوس مستعد و وانهادن حق ستیزان ، به خداوند

نحن أعلم بما يقولون .. فذكر بالقرءان من

بخاف و عید

برداشت یاد شده، با الغای خصوصیت از مورد پیامبر اکرم (ص) استفاده می شود.

افساد حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۲ - ۵

۵ حق ستیزان ، مردمی تبهکار و مجرمند .

و يحق الله الحق بكلمته و لو كره المجرمون

انتقام از حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۲ - ۱،۷

۱ - انتقام الهی ، گریبان گیر کافران و حق ستیزان ، در حیات و یا پس از رحلت پیامبر (ص)

و من يعيش عن ذكر الرحمن .. فإما نذهبنّ ... أو نرينك الذي وعدنهم

۷ - خداوند ، به انتقام گرفتن از حق ستیزان چه در دنیا و چه در آخرت توانا است .

فإنّا عليهم مقتدرون

انذار حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۵ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، موظف به ادامه دادن تذکر و هشدار ، در عین اصرار نورزیدن بر هدایت حق ستیزان

فتولّ عنهم .. و ذکر

اهمیت تذکر به حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۵ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، موظف به ادامه دادن تذکر و هشدار ، در عین اصرار نورزیدن بر هدایت حق ستیزان

فتولّ عنهم .. و ذکر

ایمان حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۱ - ۲

۲ کفرپیشگان و حق ستیزان ، به هنگام وقوع

عذاب استیصال ، دست از کفر کشیده ، ایمان خواهند آورد .

أثم إذا ما وقع ءامنتم به ءالن

بهبانه جوئی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۳

۳ - کفرپیشگان حق ستیز ، منکر آسمانی بودن قرآن به بهانه عدم نزول دفعی آن

قالوا لولا أوتی مثل ما أوتی موسی

مقصود از <ما أوتی موسی> تورات است که یکباره نازل شده بود؛ یعنی، چرا قرآن مانند تورات، یکباره نازل نشده است؟

بی ارزشی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۶

۶ - انسان بیهوده گرای حق ستیز ، فاقد ارج و منزلت در پیشگاه پروردگار

فذرهم یخوضوا

تعبیر <فذرهم> دربردارنده معنای تحقیر است.

بی منطقی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۴

۴ - کفرپیشگان حق ستیز ، ناتوان از برخورد منطقی با پیامبر (ص) و قرآن

وقال الذین کفروا لاتسمعوا لهذا القرآن و الغوا فیه

پرسش از حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۳ - ۳

۳ - پرسش عتاب آمیز خداوند از مشرکان حق ستیز و لجوج ، درباره معبود های ادعایی آنان

ثم قيل لهم أين ما كنتم تشرکون

تأخیر کیفر حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۳ - ۱۵

۱۵ - تأخیر کیفر حق ستیزان ، براساس مصالح و نه معلول غفلت خداوند از کردار آنان

سیریکم ءایته . . . و ما ربك بغفل

با توجه به این که بیشتر آیات این سوره، متوجه منکران رسالت پیامبر(ص) و توحید ربوبی خداوند است، خاتمه یافتن سوره با تعبیر <سیریکم آیاته> و <ما ربک بغافل..> می رساند که خداوند، از نشان دادن آیات انکار ناپذیر خود، عاجز نیست و از کردار بندگان نیز غافل نمی باشد و به موقع جزای آنان را خواهد داد.

توصیه به حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۶ - ۲

۲ - سیاحت در زمین برای مشاهده شهرهای ویران شده و مطالعه در سرنوشت و فرجام شوم ستمگران تاریخ ، توصیه خداوند به گردنکشان و حق ستیزان

أفلم یسیروا فی الأرض فتکون لهم قلوب یعقلون بها

تهدید حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۴

۴ - خداوند ، مشرکان و کافران حق ستیز را کراراً به عذاب استیصال تهدید کرده است .

فإمّا نریئک بعض الذی نعدهم

فعل مضارع <نعد> دلالت بر استمرار می کند. این کلمه مشتق از <وعد> است و <وعد> هم در خیر استعمال می شود و هم در شر. چون در این جا ضمیر به مشرکان و کافران بر می گردد، برای شر و تهدید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۰ - ۹

۹ - تهدید حق ستیزان از سوی خداوند ، به محاکمه نهایی و مشاهده جزای خویش در فرجام

بلی و رسلنا لدیهم یکتبون

فعل <یکتبون> از یک سو می رساند که خداوند، همیشه حق ستیزان را به مجرد وقوع جرم جزا نمی

دهد و از سوی دیگر افاده می کند که تأخیر جزای آنان سبب غفلت نمی شود؛ زیرا فرشتگان آن را ثبت می کنند و در محاکمه نهایی مورد استفاده قرار می گیرد.

تهدید حق ستیزان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ - تهدید حق ستیزان عصر بعثت به محاکمه و مجازات در روز رجعت

و یوم نحشر من کلّ أمّه فوجاً ممّن یکذب بایتنا

ظاهراً آیه یاد شده، تعریض به رجعت کافران عصر بعثت نیز دارد.

جوسازی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۹

۹ - جنجال آفرینی و هوچی گری ، از شیوه های مخالفان جبهه حق

و قال الذین کفروا .. و الغوا فیه لعلکم تغلبون

حتمیت شکست حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۱ - ۱۲

۱۲ شکست نهایی در جنگ بین حق و باطل ، سرنوشت محتوم حق ستیزان و باطل مداران مفسد است .

إن الله سیطله إن الله لایصلح عمل المفسدین

حتمیت عذاب حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- گرفتاری به عذاب استیصال پیش از فرا رسیدن قیامت ، سرنوشت محتوم همه اقوام و جوامع کافر و مشرک حق ستیز است .

و إن من قریه إلا نحن مهلكوها قبل یوم القیمه

اینکه آیه می فرماید: همه جوامع بشری قبل از قیامت یا هلاک می شوند و یا دچار عذاب می شوند احتمال دارد که مراد از

<مهلكوها>

هلاکت انسانهای معمولی و مراد از <معدَّبوها> عذاب کافران و مشرکان باشد.

حتمیت کیفر حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۶

۶ - مشرکان و کافران حق ستیز ، چون از بازگشت به سوی خدا و گرفتار شدن به عذاب جهنم راه فراری ندارند ، مهلت دادن خداوند به آنان نگران کننده نیست .

فَإِذَا نَرَيْنَكَ بَعْضَ الَّذِي نَعْدَهُمْ أَوْ نَتُوفِّيَنَّكَ فَاَلَيْنَا يَرْجِعُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۷ - ۱

۱ - عذاب سخت و دشوار الهی ، کیفری حتمی برای کافران حق ستیز

فَلَنَذِقَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا عَذَابًا شَدِيدًا

لام و نون تأکید در <لَنَذِقَنَّ> ، حاکی از حتمی بودن عذاب و کیفر می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۷ - ۶

۶- امکانات گسترده دنیوی ، مانع از مجازات الهی نسبت به حق ستیزان نخواهد بود .

إِنَّهُمْ جُنْدٌ مَغْرُقُونَ ... وَ نِعْمَ كَانُوا فِيهَا فُكْهِينَ

حتمیت هلاکت حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۶

۶ - هلاکت ، سرنوشت محتوم همه توان مندان حق ستیز تاریخ

و کم أهلکنا .. هل من محیص

حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۴،۵

۴ - کتمان محتوای کتاب های آسمانی ، کتمان حق است و کتمان کنندگان مردمی حق ستیزند .

ذکک بأن الله نزل الکتب بالحق

۵ - حق ستیزی و حق پوشی علمای یهود و نصارا

إن الذین یکتمون .

.. ذلك بأن الله نزل الكتب بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۴ - ۸،۹

۸ خداوند ، بر دل های تکذیب کنندگان پیامبران پس از نوح (ع) ، به علت رسوخ صفت تجاوز و حق ستیزی در نفس آنان ، مهر زده بود .

فما كانوا ليؤمنوا بما كذبوا به من قبل كذلك نطبع على قلوب المعتدين

تعبیر به اسم فاعل (المعتدين) بدون لحاظ زمان و مفعول، بیانگر ثبوت مبدأ اشتقاق (اعتدا) در ذات (مکذبان) است.

۹ تکذیب کنندگان پیامبران پس از نوح (ع) مردمی تجاوزپیشه و حق ستیز بودند .

فما كانوا ليؤمنوا بما كذبوا به من قبل كذلك نطبع على قلوب المعتدين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۹ - ۳

۳ - امکان پیدایش افرادی حق ناپذیر و دین ستیز در جامعه ، با وجود شناخت کامل حق و حقانیت دین

ألم تر إلى الذين يجدلون في آيات الله أتى يصرفون

حق ستیزان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۶

۶ - حق ستیزی موجب گمراهی ، محرومیت از لطف و مغفرت خدا و گرفتار شدن به آتش دوزخ می باشد .

لايكلهم الله يوم القيامة .. ذلك بأن الله نزل الكتب بالحق

برداشت فوق بر این اساس است که <ذلك> اشاره به عقوبتهای مطرح شده در آیات قبل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اسراف گران و افراط کنندگان در گناه

و حق ستیزی ، اهل دوزخ اند .

و أنّ المسرفین هم أصحاب النار

<اسراف> به معنای افراط است و مقصود از <مسرفین> در آیه شریفه، کسانی اند که در گناه و حق ستیزی افراط می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۲ - ۱،۲،۳

۱ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در قیامت به آب داغ و پر حرارت افکنده خواهند شد .

یسحبون . فی الحمیم

یکی از معانی <حمیم>، آب داغ و پر حرارت است.

۲ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در انبوهی از آتش دوزخ سوزانده خواهند شد .

ثمّ فی النار یسجرون

<سجر> در اصل به معنای پر کردن تنور از آتش گیره برای بر افروختن و تقویت آتش آن است. اسناد فعل <یسجرون> به اشخاص، اسناد مجازی است. مقصود از آن فراگرفتن آتش زیاد بر تمامی وجود دوزخیان می باشد.

۳ - عذاب شدن کافران حق ستیز و ستیزه جو به آتش دوزخ ، پس از کیفر شدنشان با آب داغ و پر حرارت خواهد بود .

فی الحمیم ثمّ فی النار یسجرون

برداشت یاد شده از آمدن <ثمّ> که نوعاً برای تراخی زمانی است، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۴ - ۳

۳ دوزخ ، فرجام هر کفرپیشه معاند حق ستیز

ألقیا فی جهنّم کلّ کفّار عنید

حق ستیزان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۱ - ۱،۲،۳

۱ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در روز قیامت غل به گردن خواهند داشت .

الذین

يجدلون ... إذ الأغلل في أعنقهم

۲ - کافران حق ستیز و ستیزه جو در قیامت ، با زنجیر بر روی زمین کشان کشان برده می شوند .

و السلسل یسحبون

<سلسله> (مفرد <سلاسل>) به معنای حلقه ای منظم از نظر طول است ، یعنی ، زنجیر . <سحب> (مصدر <یسحبون>) به معنای کشاندن چیزی بر سطح زمین است .

۳ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، هنگام گرفتار شدن به عذاب الهی ، به عمق بطلان راه خود و پیامد رفتارشان آگاه خواهند شد .

فسوف یعلمون . إذ الأغلل فی أعنقهم و السلسل یسحبون

برداشت یاد شده، از آن جا است که ظرف <إذ الأغلل ..> متعلق به <یعلمون> می باشد . <یسحبون> نیز حال از ضمیر <هم> در <فی أعناقهم> است ، یعنی ، به زودی می دانند آن گاه که غل در گردن هایشان باشد و با زنجیر کشان کشان برده می شوند .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۲ - ۱

۱ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در قیامت به آب داغ و پر حرارت افکنده خواهند شد .

یسحبون . فی الحمیم

یکی از معانی <حمیم> ، آب داغ و پر حرارت است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۰ - ۴

۴ قیامت ، روز تحقّق هشدارها و انذارهای الهی برای کافران و حق ستیزان

و نفخ فی الصور ذلک یوم الوعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - ظهور ماهیت زشت حق ستیزان منکر پیامبران ، در روز قیامت *

سیعلمون

غَدًا من الكَذَابِ الأَشْر

احتمال دارد <غداً> اشاره به روز قیامت داشته باشد.

حق ستیزان و محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۴

۴ - کفرپیشگان حق ستیز ، ناتوان از برخورد منطقی با پیامبر (ص) و قرآن

و قال الذين كفروا لاتسمعوا لهذا القرآن و الغوا فيه

حق ستیزان هنگام عذاب استیصال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۱ - ۲

۲ کفرپیشگان و حق ستیزان ، به هنگام وقوع عذاب استیصال ، دست از کفر کشیده ، ایمان خواهند آورد .

أثم إذا ما وقع ءامنتم به ءالئن

دشمنی با حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۶ - ۱۰

۱۰ - دشمنی با کفرپیشگان حق ستیز و پرهیز از تقویت آنان ، نشانه پیامبری و لازم جدایی ناپذیر آن

و ما كنت ترجوا أن يلقى إليك الكتب .. فلاتكوننّ ظهیرًا للكفرین

برداشت یاد شده با توجه به تفریع <لاتكوننّ..> بر صدر آیه به دست می آید.

رجعت حق ستیزان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - تهدید حق ستیزان عصر بعثت به محاکمه و مجازات در روز رجعت

و یوم نحشر من کلّ أُمَّه فَوْجًا مِّمَّنْ یُکَذِّبْ بَایْتِنَا

ظاهراً آیه یاد شده، تعریض به رجعت کافران عصر بعثت نیز دارد.

رد استمهال حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۵ - ۶

۶ - کافران حق ستیز، فاقد هر

گونه مجال و فرصت برای عذرخواهی و رضایت طلبی از خداوند ، در روز قیامت

و لا هم يستعتبون

<استعتاب> (مصدر <يستعتبون>) به معنای درخواست عذرخواهی است. و در این آیه می تواند کنایه از این باشد که به کافران، مجالی برای عذرخواهی و طلب رضایت خداوند، داده نمی شود.

روش برخورد حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۹

۹ - جنجال آفرینی و هوچی گری ، از شیوه های مخالفان جبهه حق

و قال الذین کفروا .. و الغوا فیہ لعلکم تغلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۰ - ۶

۶ - روی آوری به اتهام و جنگ روانی تبلیغی ، شیوه مخالفان پیام حق

و لما جاءهم الحق قالوا هذا سحر

رؤیت عذاب حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۰ - ۹

۹ - تهدید حق ستیزان از سوی خداوند ، به محاکمه نهایی و مشاهده جزای خویش در فرجام

بلی و رسلنا لدیهم یکتبون

فعل <یکتبون> از یک سو می رساند که خداوند، همیشه حق ستیزان را به مجرد وقوع جرم جزا نمی دهد و از سوی دیگر افاده می کند که تأخیر جزای آنان سبب غفلت نمی شود؛ زیرا فرشتگان آن را ثبت می کنند و در محاکمه نهایی مورد استفاده قرار می گیرد.

زمینه آموزش حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۴ - ۲

۲- امکان شمول عفو الهی ، نسبت به کافران حق ستیز ، به شرط

توبه و پشیمانی قبل از مرگ

إِنَّ الدِّينَ كَفْرًا وَ... ثُمَّ مَاتُوا وَ هُمْ كَفَّارٌ فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ

از مفهوم آیه شریفه، استفاده می شود که اگر کافر معاند در حال کفر نمیرد و قبل از مرگ توبه کند، مشمول <لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ> نخواهد بود.

زمینه تشخیص حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۰ - ۸

۸ - وجود حق و مظاهر آن ، زمینه ساز آشکار شدن ماهیت نهفته حق ستیزان *

حَتَّىٰ أَنسُوكُمْ ذِكْرِي

از این که خداوند، مؤمنان را عامل غفلت کافران از یاد خدا معرفی کرده است، به دست می آید که اگر مؤمنان نبودند، ماهیت حق ستیز کافران نهان می ماند؛ ولی وجود آنان سبب شد تا چهره اصلی آنها آشکار شود.

زمینه عذاب حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۶ - ۳

۳ - نزول عذاب الهی بر حق ستیزان ، از پی اتمام حجت بر ایشان

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ... وَ لَقَدْ أَنذَرَهُمْ بَطْشَتَنَا فَتَمَارَوْا بِالْأَنْذَرِ

زمینه کیفر حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۷ - ۴

۴ - ربوبیت الهی ، مقتضی مجازات کافران و حق ستیزان

إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوْ قَع

از اضافه <عذاب> به <رَبِّ>، مطلب بالا استفاده می شود.

زمینه هدایت حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۲ - ۱۲

۱۲ - تنها انذار و تهدید نسبت به عواقب شوم عمل ، دارای امکان تأثیر در حق ستیزان

و من ضلّ فقل إنّما

با این که قرآن در بردارنده هر دو بعد انذار و تبشیر است؛ اما پیامبر(ص) در قبال گمراهان حق ناپذیر، تنها موظف به بیان بُعد انذار گر قرآن بود و این بدان جهت است که تنها عاملی که ممکن بود در آنان تأثیر بگذارد <انذار> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۸ - ۷

۷ - مجازات های دنیوی حق ستیزان از سوی خداوند، به منظور هدایت و اصلاح آنان است؛ نه انتقام.

و أخذنهم بالعذاب لعلهم يرجعون

سختی عذاب اخروی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۴

۴ - عذاب اخروی برای کافران و حق ستیزان، کیفری گران و سخت مصیبت بار

و لولا أن تصيبهم مصيبة

<مصیبه> به بلیه و هر امر مکروه، و ناخوشایند گفته می شود و تنکیر آن برای تفخیم است. بنابراین واژه <مصیبه> در این آیه به معنای بلای بزرگ می باشد و مقصود از آن می تواند عذاب استیصال باشد و می تواند عذاب اخروی باشد.

سختی عذاب حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۷ - ۱

۱ - عذاب سخت و دشوار الهی، کیفری حتمی برای کافران حق ستیز

فلنذيقن الذين كفروا عذاباً شديداً

لام و نون تأکید در <لنذيقن>، حاکی از حتمی بودن عذاب و کیفر می باشد.

سختی کیفر حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۲

۱۲ - عقوبت دنیایی مردم حق ناپذیر و ستیزه جو

از اقوام گذشته (چون قوم نوحو ...) مجازاتی سخت ، شگفت آور و درس آموز

فأخذتهم فكيف كان عقاب

برداشت یادشده از استفهام تعجیبی <کیف> استفاده می شود.

سرزنش اخروی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۳ - ۱

۱ - سرزنش شدن کافران حق ستیز در قیامت از سوی خداوند

ثم قيل لهم أين ما كنتم تشرکون

استفهام در <آین ما كنتم..> تویخی است.

سرزنش حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۹ - ۱۴

۱۴- ایمان گروهی از جنیان ، به مجرد شنیدن قرآن ، تعریضی به مشرکان لجوج و حق ستیز است . *

و إذ صرفنا إليك نفرًا من الجنّ

با توجه به این که آیات پیشین، تماماً هشدار به مشرکان بود، این آیه نیز در بردارنده تعریض و سرزنش برای آنان است، زیرا جنیان پیغام قرآن را شنیده و پذیرفتند ولی آنان چنین نکردند.

شبهه افکنی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۶ - ۴

۴ - تشکیک در حقایق الهی ، دارای پیشینه در تاریخ امت های حق ستیز

و لقد أنذرهم .. فتماروا بالندر

شكست حق ستيزان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٧ - يونس - ١٠ - ٨٢ - ٤

٤ حق ستيزان ، همواره محكوم به شكستند .

و يحق الله الحق بكلمته و لو كره المجرمون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٣ - نمل - ٢٧ - ٧٨ - ١٠

١٠ - حق ستيزان ، سرانجام

مقهور قدرت شکست ناپذیر خداوند

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ

شگفتی کیفر حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۲

۱۲ - عقوبت دنیایی مردم حق ناپذیر و ستیزه جو از اقوام گذشته (چون قوم نوحو...) مجازاتی سخت ، شگفت آور و درس آموز

فَأَخَذْتَهُمْ فَكَيْفَ كَانِ عِقَابٍ

برداشت یادشده از استفهام تعجیبی <کیف> استفاده می شود.

عجز حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۷ - ۵

۵ - حق ستیزان در اوج اقتدار و شکوه ، ناتوان از مقابله با عظمت و کبریایی خداوند

و لَه الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

یادکرد جلال و قدرت یگانه و برتر خداوند، در پی ذکر حق ستیزان کافر و ناباور به معاد، می تواند پیامی هشداردهنده برای آنان و نویدی آرامش بخش برای پیامبر(ص) و مؤمنان باشد.

عذاب اخروی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۱ - ۱،۲،۳

۱ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در روز قیامت غل به گردن خواهند داشت .

الَّذِينَ يَجْدُلُونَ... إِذِ الْأَغْلَالِ فِي أَعْنَاقِهِمْ

۲ - کافران حق ستیز و ستیزه جو در قیامت ، با زنجیر بر روی زمین کشان کشان برده می شوند .

و السلسل یسحبون

<سلسله> (مفرد <سلاسل>) به معنای حلقه ای منظم از نظر طول است؛ یعنی، زنجیر. <سحب> (مصدر <یسحبون>) به معنای کشاندن چیزی بر سطح زمین است.

۳ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، هنگام گرفتار شدن به عذاب الهی ،

به عمق بطلان راه خود و پیامد رفتارشان آگاه خواهند شد .

فسوف يعلمون . إذ الأغلل فی أعنقهم و السلسل یسحبون

برداشت یاد شده، از آن جا است که ظرف <إذ الأغلل .. > متعلق به <یعلمون > می باشد. <یسحبون > نیز حال از ضمیر <هم > در <فی أعنقهم > است؛ یعنی، به زودی می دانند آن گاه که غل در گردن هایشان باشد و با زنجیر کشان کشان برده می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۲ - ۱،۲

۱ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در قیامت به آب داغ و پر حرارت افکنده خواهند شد .

یسحبون . فی الحمیم

یکی از معانی <حمیم >، آب داغ و پر حرارت است.

۲ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در انبوهی از آتش دوزخ سوزانده خواهند شد .

ثم فی النار یسجرون

<سجر > در اصل به معنای پر کردن تنور از آتش گیره برای بر افروختن و تقویت آتش آن است. اسناد فعل <یسجرون > به اشخاص، اسناد مجازی است. مقصود از آن فراگرفتن آتش زیاد بر تمامی وجود دوزخیان می باشد.

عذاب استیصال حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۴

۴ - خداوند ، مشرکان و کافران حق ستیز را کراراً به عذاب استیصال تهدید کرده است .

فإما نرینک بعض الذی نعدهم

فعل مضارع <نعد > دلالت بر استمرار می کند. این کلمه مشتق از <وعد > است و <وعد > هم در خیر استعمال می شود و هم در شر. چون در این جا ضمیر به مشرکان و کافران بر می گردد،

برای شر و تهدید است.

عذاب حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۶ - ۱۲

۱۲ - مشرکان و مجادله گران حق ستیز گرفتار غضب و عذاب سخت الهی

و الذین یحاجون فی اللہ .. علیهم غضب و لهم عذاب شدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۵ - ۸

۸ - عذاب الهی ، بر جوامع حق ستیز فراگیر و گسترده است .

فأغرقنهم أجمعین

علم اخروی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۱ - ۳

۳ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، هنگام گرفتار شدن به عذاب الهی ، به عمق بطلان راه خود و پیامد رفتارشان آگاه خواهند شد .

فسوف یعلمون . إذ الأغلل فی أعنقهم و السلسل یسحبون

برداشت یاد شده، از آن جا است که ظرف <إذ الأغلل ..> متعلق به <یعلمون> می باشد. <یسحبون> نیز حال از ضمیر <هم> در <فی أعناقهم> است؛ یعنی، به زودی می دانند آن گاه که غل در گردن هایشان باشد و با زنجیر کشان کشان برده می شوند.

عوامل تنبه حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - کافران و حق ستیزان ، تنها به هنگام گرفتار شدن به عذاب الهی متنبه شده و به ارزش تعالیم پیامبران پی می برند .

أَن تَصِيْبَهُمْ مَّصِيْبَةٌ .. فَيَقُولُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا

فرجام حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- گرفتاری به عذاب استیصال پیش از فرا رسیدن قیامت ، سرنوشت محتوم همه اقوام و جوامع کافر و مشرک حق ستیز است .

و إن من قرية إلا نحن مهلكوها قبل يوم القيمة

اینکه آیه می فرماید: همه جوامع بشری قبل از قیامت یا هلاک می شوند و یا دچار عذاب می شوند احتمال دارد که مراد از <مهلكوها> هلاکت انسانهای معمولی و مراد از <معدّبوها> عذاب کافران و مشرکان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۱۰

۱۰ - حق ستیزان ، سرانجام مقهور قدرت شکست ناپذیر خداوند

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۷

۷- قیامت ، پایان بازیگری و بیهوده گرایی های کافران حق ستیز

يَخْضُوا وَيلعبوا حَتَّى يَلْقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوْعَدُونَ

بنابراین که مراد از <یومهم..> روز قیامت باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۴ - ۳

۳ دوزخ ، فرجام هر کفرپیشه معاند حق ستیز

أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۶

۶- هلاکت ، سرنوشت محتوم همه توان مندان حق ستیز تاریخ

و کم أهلکنا .. هل من محیص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۷ - ۲

۲- فرجام هلاکت بار قدرت های حق ستیز تاریخ ، مایه تذکر خردمندان

و مردمان حق شنو

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ

فلسفه کیفرهای دنیوی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۸ - ۷

۷ - مجازات های دنیوی حق ستیزان از سوی خداوند ، به منظور هدایت و اصلاح آنان است ؛ نه انتقام .

و أَخَذْنَهُم بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

فلسفه مهلت به حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۳ - ۱۵

۱۵ - تأخیر کیفر حق ستیزان ، براساس مصالح و نه معلول غفلت خداوند از کردار آنان

سیریکم آیته ... و ما رَبُّكَ بِغَفْلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

با توجه به این که بیشتر آیات این سوره، متوجه منکران رسالت پیامبر(ص) و توحید ربوبی خداوند است، خاتمه یافتن سوره با تعبیر <سیریکم آیاته> و <ما رَبُّكَ بِغافل...> می رساند که خداوند، از نشان دادن آیات انکار ناپذیر خود، عاجز نیست و از کردار بندگان نیز غافل نمی باشد و به موقع جزای آنان را خواهد داد.

قدرت حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۷

۷ - نابودی حق ستیزان با همه نیرو و توان ، گواه قدرت قاهر خداوند است .

و کم أهلكنا ... أشدّ ... منهم بطشاً ... هل من محييص

از ارتباط <هل من محييص> با صدر آیه، استفاده می شود که توجه به نابودی ملت های توان مند در گذشته تاریخ، خود می

تواند بهترین گواه باشد بر این که ملت‌ها سرانجام مقهور اراده خدا و ناگزیر از آن هستند.

کیفر اخروی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۱۵

۱۵ - قیامت ، روز مجازات و کیفر کفرپیشگان و حق ستیزان

و نذیقه یوم القیمه عذاب الحریق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۲ - ۳

۳ - عذاب شدن کافران حق ستیز و ستیزه جو به آتش دوزخ ، پس از کیفر شدنشان با آب داغ و پر حرارت خواهد بود .

فی الحمیم ثم فی النار یسجرون

برداشت یاد شده از آمدن <ثم> که نوعاً برای تراخی زمانی است، استفاده می شود.

کیفر حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۰

۱۰ - تمامی اقوام تکذیب گر (چون قوم نوح) ، به خاطر مبارزه با حق (تعالیم پیامبران) ، در دنیا مورد عقوبت و کیفر الهی قرار گرفتند .

كذّبت قبلهم قوم نوح .. لیدحضوا به الحقّ فأخذتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶ - ۶

۶ - ربوبیت الهی ، مقتضی عذاب دادن و کیفر کردن کافران حق ستیز و تکذیب کننده

و كذلك حقّت کلمت ربّک علی الذین کفروا أنّهم أصحاب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۹ - ۲

۲ - عوامل طبیعی ، در خدمت اراده الهی ، برای کیفر اقوام حق ستیز

فکیف کان عذابی . . . إنا أرسلنا عليهم ريحًا صرصراً

کیفر حق ستیزان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل

۱۲ - تهدید حق ستیزان عصر بعثت به محاکمه و مجازات در روز رجعت

و یوم نحشر من کلّ أمّه فوجاً ممّن یکذب بایتنا

ظاهراً آیه یاد شده، تعریض به رجعت کافران عصر بعثت نیز دارد.

گمراهی حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۶

۶ - حق ستیزی موجب گمراهی ، محرومیت از لطف و مغفرت خدا و گرفتار شدن به آتش دوزخ می باشد .

لایکلمهم الله یوم القیمه . . . ذلك بأن الله نزل الکتب بالحق

برداشت فوق بر این اساس است که <ذلك> اشاره به عقوبتهای مطرح شده در آیات قبل باشد.

مجاری کیفر حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۱ - ۷

۷ - عوامل طبیعی ، تحقق بخش اراده الهی در کیفر حق ستیزان

إنّا أرسلنا علیهم صیحه وحده فکانوا کهشیم المحتظر

مجرمیت حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۲ - ۵

۵ حق ستیزان ، مردمی تبهکار و مجرمند .

و یحق الله الحق بکلمته و لو کره المجرمون

محاكمه حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۰ - ۹

۹ - تهدید حق ستیزان از سوی خداوند ، به محاکمه نهایی و مشاهده جزای خویش در فرجام

بلی و رسلنا لدیهم یکتبون

فعل < یکتبون > از یک سو می رساند که خداوند، همیشه حق ستیزان را به مجرد وقوع جرم جزا نمی دهد و از سوی دیگر افاده می کند که تأخیر جزای آنان

سبب غفلت نمی شود؛ زیرا فرشتگان آن را ثبت می کنند و در محاکمه نهایی مورد استفاده قرار می گیرد.

محاکمه حق ستیزان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ - تهدید حق ستیزان عصر بعثت به محاکمه و مجازات در روز رجعت

و یوم نحشر من کلّ أمّه فوجاً ممّن یکذب بایتنا

ظاهراً آیه یاد شده، تعریض به رجعت کافران عصر بعثت نیز دارد.

محرومیت حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۶

۶ - حق ستیزی موجب گمراهی، محرومیت از لطف و مغفرت خدا و گرفتار شدن به آتش دوزخ می باشد.

لا یکلمهم الله یوم القیمه .. ذلك بأن الله نزل الکتب بالحق

برداشت فوق بر این اساس است که <ذلك> اشاره به عقوبتهای مطرح شده در آیات قبل باشد.

مخالفت حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۳

۳ - دلداری خداوند به پیامبر (ص)، در برابر مخالفت های کافران حق ستیز و لجوج

فاصبر إنّ وعد الله حقّ

مصایب حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - عذاب اخروی برای کافران و حق ستیزان ، کیفری گران و سخت مصیبت بار

و لولا أن تصیبهم مصیبه

<مصیبه> به بلیه و هر امر مکروه، و ناخوشایند گفته می شود و تنکیر آن برای تفخیم است. بنابراین واژه <مصیبه> در این آیه به معنای بلای بزرگ می باشد و مقصود از

آن می تواند عذاب استیصال باشد و می تواند عذاب اخروی باشد.

مغضوبیت حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۶ - ۱۲

۱۲ - مشرکان و مجادله گران حق ستیز گرفتار غضب و عذاب سخت الهی

و الذین یحاجون فی اللہ .. علیهم غضب و لهم عذاب شدید

منشأ مهلت به حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۸ - ۵

۵ - مهلت خداوند به کافران حق ستیز صدراسلام ، به خاطر رحمت و لطف او بود ؛ نه برخاسته از ضعف و ناتوانی .

و ما کان اکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لهُو العزیز الرحیم

یادکرد سرگذشت موسی و فرعون تسلی بخش خاطر پیامبر(ص) و نیز هشدار است به کافران مکه که نازل نشدن عذاب بر آنان، نه از باب ناتوانی حق تعالی است ؛ بلکه از باب رحمتی است که بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان برسد، عزّت و قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۰ - ۵

۵ - مهلت دادن خدا به کافران و حق ستیزان ، معلول رحمت و لطف او است ؛ نه از روی ضعف و ناتوانی .

و ما کان اکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لهُو العزیز الرحیم

یادکرد سرگذشت قوم عاد از یکسو تسلی بخش خاطر پیامبر(ص) و از سوی دیگر هشدار است به مشرکان مکه که اگر بر آنان عذاب نازل نشده، از باب ناتوانی حق تعالی نیست ؛ بلکه از باب رحمتی است که او

بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان رسد، عزت و قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۵ - ۴

۴ - مهلت خدا به کافران و حق ستیزان صدراسلام و تأخیر در مجازات آنان ، معلول رحمت او بود ، نه برخاسته از ناتوانی .

و ما كان أكثرهم مؤمنين . و إِنَّ رَبَّكَ لَهوَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ

یاد آوری سرگذشت قوم لوط، از یک سو تسلی بخش خاطر پیامبر(ص) است و از سوی دیگر هشدار به شرک پیشگان صدر اسلام است که اگر بر آنان عذاب نشده، نه از باب ناتوانی خداوند است ، بلکه از باب رحمتی است که او بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان برسد، قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۱ - ۴

۴ - مهلت خداوند به کافران حق ستیز صدراسلام و تأخیر در مجازات آنان ، معلول رحمت او است ، نه برخاسته از ضعف و ناتوانی .

و ما كان أكثرهم مؤمنين . و إِنَّ رَبَّكَ لَهوَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ

یادکرد سرگذشت شعیب(ع) و مردم ایکه، از یکسو تسلی بخش خاطر پیامبر(ص) می باشد و از سوی دیگر هشدار به شرک پیشگان حق ستیز مکه است که اگر بر آنان عذاب نازل نشده، نه از باب ناتوانی خداوند است ، بلکه از باب رحمتی است که او بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان برسد، قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

منشأ مهلت به حق ستیزان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۵ - مهلت خداوند به کافران حق ستیز صدراسلام، معلول رحمت و لطف وی بود؛ نه برخاسته از ضعف و ناتوانی او.

و ما كان أكثرهم مؤمنين . و إنّ ربّك لهُوَ العزيز الرحيم

یاد کرد سرگذشت قوم نوح، از یکسو تسلی خاطر پیامبر(ص) و از سوی دیگر هشدار می‌دهد که اگر بر آنان عذاب نازل نشده؛ نه از باب ناتوانی حق تعالی است؛ بلکه از باب رحمتی است که بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان رسد، عزت و قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

موانع هلاکت حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۹ - ۹

۹ - سنت استمرار زندگی بشر بر روی زمین تا مدتی مشخص، ناسازگار با نابود کردن فوری همه حق ستیزان

و لولا کلمه سبقت من ربّک لکان لزامًا و أجل مسمّی

<أجل> به معنای تمام مدت و یا پایان آن است (لسان العرب) و <أجل مسمّی> عطف بر <کلمه> است؛ یعنی، لولا کلمه و أجل مسمّی... در این که مراد از <کلمه> و <أجل> دو چیز مستقل است، یا دو تعبیر از یک حقیقت اند، صاحب نظران گفته‌هایی مطرح کرده‌اند: یکی از احتمالات این است که مراد از <کلمه>، سخن خداوند هنگام هبوط آدم است که فرمود: <لکم فی الأرض مستقر و متاع إلی حین> (بقره/ ۳۶). مراد از <أجل> در این احتمال، پایان عمر دنیا است برداشت یاد شده بر اساس این احتمال است.

مهلت به حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۶

۶ - مشرکان و کافران حق ستیز ، چون از بازگشت به سوی خدا و گرفتار شدن به عذاب جهنم راه فراری ندارند ، مهلت دادن خداوند به آنان نگران کننده نیست .

فَإِذَا نَرَيْتَكَ بِعُضِّ الدِّي نَعْدَهُمْ أَوْ نَتُوفِّيَنَّكَ فَاَلِينَا يَرْجِعُونَ

نفرین بر حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۰ - ۱

۱ - کافران حق ستیز و یاوه سرا ، مورد نفرین خداوند

قتل الخرصون

هدایت حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۵ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، موظف به ادامه دادن تذکر و هشدار ، در عین اصرار نورزیدن بر هدایت حق ستیزان

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ ... وَ ذَكَرَ

هشدار به حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰ - ۶

۶ - تاریخ گذشتگان و سرگذشت مبارزه رسولان الهی ، تسکینی برای رهبران دینی و هشدار به حق ستیزان

لَعَلَّكَ بَخِعَ نَفْسِكَ ... وَ إِذْ نَادَى رَبَّكَ مُوسَى أَنْ ائْتِ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

پرداختن به سرگذشت موسی و فرعون و فرجام بد فرعونیان، پس از بیان موضع گیری حق ستیزانه مشرکان با پیامبر اکرم (ص)، دربردارنده دلداری به پیامبر (ص) است و نیز هشدار به کافران است که از عاقبت بد فرعونیان درس بگیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۷ - ۶

۶ - انتقام الهی از فرعونیان ، هشدار جدی به همه کفرپیشگان حق ستیز است .

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَأَيَّةٍ وَ مَا كَانَ

أكثرهم مؤمنين

با توجه به لحن تهدید آمیز این آیه و بیان این که علت انتقام گرفتن خداوند از فرعونیان، این بود که بیشتر آنان از پذیرفتن ایمان امتناع ورزیدند، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۱ - ۶

۶ - فرجام هلاکت بار قوم نوح ، هشدار جدی به همه حق ستیزان

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً

با توجه به لحن تهدید آمیز این آیه و بیان این که علت انتقام گرفتن خداوند از قوم نوح، این بوده که بیشتر آنان پذیرای ایمان نبودند، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۹ - ۱۰

۱۰ - سرنوشت شوم قوم عاد ، هشدار جدی به همه حق ستیزان

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً

لحن تهدید آمیز آیه و بیان این که علت انتقام گرفتن خداوند از عادیان، این مطلب بود که بیشتر آنان از پذیرش ایمان سرباز زدند، بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۸ - ۸

۸ - فرجام هلاکت بار ثمودیان ، هشدار جدی به همه حق ستیزان

فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً

با توجه به لحن تهدید آمیز آیه و بیان این که علت انتقام گرفتن خداوند از ثمودیان، این بود که بیشتر آنان پذیرای ایمان نبودند (و ما کان أكثرهم مؤمنین)، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۴ - ۵

۵ - فرجام هلاکت بار قوم لوط ، هشدارى

جدی است به همه حق ستیزان .

ثم دمرنا الآخرين . . . و ما كان أكثرهم مؤمنين

با توجه به لحن تهدیدآمیز آیه و بیان این که علت انتقام گرفتن خداوند از قوم لوط، این بود که بیشتر آنان پذیرای ایمان نبودند رساننده مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۰ - ۶

۶ - انتقام الهی از مردم < ایکه > ، هشدار جدی به همه کفرپیشگان و حق ستیزان است .

و ما كان أكثرهم مؤمنين

با توجه به لحن تهدیدآمیز این آیه و بیان این که علت انتقام گرفتن خداوند از مردم ایکه، این بود که بیشتر آنان از پذیرش حق سرباز زدند؛ برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۴ - ۷

۷ - علم خداوند ، به آشکار و نهان آدمیان ، هشدار است به حق ستیزان .

و إنّ ربّك لیعلم ما تكفّر صدورهم و ما یعلنون

با توجه به بُعد هشدار و تهدیدی آیات پیشین، تذکر دادن به علم خداوند می تواند هشدار دیگری به مجرمان و حق ستیزان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۰ - ۴

۴ قیامت ، روز تحقّق هشدارها و اندازهای الهی برای کافران و حق ستیزان

و نفخ فی الصور ذلک یوم الوعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - فرجام هلاکت بارامت های کفرپیشه تاریخ ، به رغم شوکت مندی آنان ، هشدار

به همه ملت های حق ستیز

و کم أهلكنا قبلهم من قرن هم أشدّ منهم بطشاً

هلاکت حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۷،۱۰

۷- نابودی حق ستیزان با همه نیرو و توان ، گواه قدرت قاهر خداوند است .

و کم أهلكنا .. أشدّ .. منهم بطشاً ... هل من محیص

از ارتباط <هل من محیص> با صدر آیه، استفاده می شود که توجه به نابودی ملت های توان مند در گذشته تاریخ، خود می تواند بهترین گواه باشد بر این که ملت ها سرانجام مقهور اراده خدا و ناگزیر از آن هستند.

۱۰- زوال قدرت ها و سلطه های حق ستیز ، سنتی الهی است .

و کم أهلكنا قبلهم من قرن .. هل من محیص

یأس از ایمان حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۷

۷- توصیه خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر این که از حق ستیزان بیماردل و قسی القلب قطع امید کند و به ایمان آوردن آنان دل نبندد .

و إنّ الظلمین لفی شقاق بعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۵ - ۲

۲- توصیه خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر این که از کفرپیشگان حق ستیز قطع امید کند و به ایمان آوردن آنان دل نبندد .

حتّی تأتیهم الساعه بغته

اخبار خداوند به این که مخالفان پیامبر(ص)، هرگز به قرآن ایمان نخواهند آورد، می تواند متضمن توصیه ای باشد به پیامبر(ص) مبنی

بر این که آنان را در کفر بی ایمانی شان رها کند و امیدی به گرویدن آنان به اسلام و قرآن نداشته باشد.

حق ستیزی

آثار اصرار بر حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۷ - ۷

۷ - اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفر و حق ستیزی ، زمینه نزول عذاب الهی

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ

آثار حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۶

۶ - حق ستیزی موجب گمراهی ، محرومیت از لطف و مغفرت خدا و گرفتار شدن به آتش دوزخ می باشد .

لَا يَكْلِمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ .. ذَلِكَ بِأَنَّهُ نَزَلَتِ الْكُتُبُ بِالْحَقِّ

برداشت فوق بر این اساس است که <ذَلِكَ> اشاره به عقوبت‌های مطرح شده در آیات قبل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۷

۷ رودررویی با حق و تکذیب آن، زمینه رویگردانی از آیات الهی

و مَا تَأْتِيهِمْ .. إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ. فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ

<فاء> در <فقد کذبوا> می تواند سببیه باشد، بر این مبنا جمله <فقد کذبوا ..> بیانگر سبب و زمینه اعراض مذکور در آیه قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ انحطاط و نابودی بسیاری از تمدنها پیش از اسلام به سبب گناه و ستیز با حق

ألم یروا کم أهلكنا من قبلهم . . . فأهلكنهم بذنوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ اصرار بر کفر و شرک از سر حق ستیزی، موجب افکنده شدن حجاب بر دل و سنگینی بر گوش آدمی است.

و جعلنا علی قلوبهم أكنه أن يفقهوه و فی اذانهم وقرا

<اصرار> و <حق ستیزی> از جملات دیگر آیه، مانند <کل آیه .. > و <یجادلونک ... >، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۴ - ۱۰

۱۰ ثبوت و رسوخ صفت تجاوز و حق ستیزی در نفس آدمی، موجب مهر شدن قلب و هدایت ناپذیری است.

فما كانوا لیؤمنوا .. كذلك نطبع علی قلوب المعتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۲ - ۸

۸- استبداد، حق ستیزی و سلطه گری از موجبات شقاوت و تیره بختی است.

و لم یجعلنی جباراً شقیّاً

<شقیّاً> می تواند صفت توضیحی برای <جباراً> باشد، یعنی اگر کسی جبار شد، شقی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۹ - ۱۱

۱۱ - اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفر و حق ستیزی، زمینه ساز نزول عذاب الهی

فأهلکنهم .. و ما کان اکثرهم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۰ - ۲

۲ - کفرورزی به قرآن و تورات، علی رغم عدم وجود کتابی هدایت بخش تر از آنها، نشان از حق ستیزی و پیروی از هوای

نفس دارد .

قل فأتوا بكتب . . . أهدى منهما... فاعلم أنما يتبعون أهواءهم

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲ - ۵

۵ - خوی سرکشی ، تکبر ، ستیزه جویی و حق ناپذیر ، از موانع پذیرش قرآن و وحی الهی

و القرءان ذی الذکر . بل الذین کفروا فی عزّه و شقاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۰ - ۵

۵ - کفر و حق ستیزی ، موجب عذاب ذلت بار دنیایی و عذاب فراگیر و دائمی دوزخ

من یأتیه عذاب یخزیه و یحلّ علیه عذاب مقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۱

۱۱ - مجادله و ستیزه جویی با حق ، عقوبت الهی در دنیا را در پی دارد .

و جدلوا بالبطل لیدحضوا به الحقّ فأخذتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۳ - ۹

۹ - اسراف و زیاده روی در گناه و حق ستیزی ، موجب دوزخی شدن انسان ها است .

و أنّ المسرفین هم أصحاب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۳ - ۳

۳ - روح لجاجت و ستیزه جویی ، از عوامل انکار آیات الهی و نپذیرفتن حق

کذلک یؤفک الذین کانوا بأیت الله یجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۰ - ۲

۲ - روح لجاجت و ستیزه جویی ، از عوامل دین ستیزی و حق ناپذیری

الذین یجدلون فی ءایت اللّٰه .. الذین کذّبوا بالکتب و بما أرسلنا به رسلنا

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۲ - ۲

۲ - انکار حق و لجاج و عناد در برابر آن مایه دوری انسان از خدا و محرومیت از عنایت وی

قل أریتم

با توجه به اعراض خداوند از خطاب مستقیم به مشرکان لجوج، مطلب یاد شده قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۹ - ۶

۶ - عزت ها و شرافت های دنیوی، متکی به گناه و حق ستیزی، ناپایدار و منتهی به ذلت و درماندگی است.

ذق إنک أنت العزیز الکریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳ - ۸

۸ - روحیه انکار و عناد در برابر حق، مانع بهره‌وری معنوی و عرفانی انسان از ژرف کاوی در نظام طبیعت

إن فی السموت و الأرض لآیت للمؤمنین

وصف <للمؤمنین> این مفهوم را می‌رساند که کافران و یا غافلانی که انگیزه حق جویی را ندارند، با ژرف کاوی در نظام آسمان ها و زمین، بهره‌ای بایسته از آن نمی‌برند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۵ - ۵

۵ - محکومیت ابدی کافران مستکبر به عذاب همیشگی دوزخ، نتیجه حق ستیزی و دنیا محوری آنان

اتخذتم آیت الله هزواً و غرتکم الحیوه الدنیا فالیوم لایخرجون منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ تعارض و نابسامانی در روح و اندیشه ، نتیجه حق ستیزی است .

كذَّبوا بِالْحَقِّ .. فَهَم فِي أَمْرٍ مَرِيحٍ

<فا>ی تفریع، این نتیجه کلی

را به دست می دهد که انکار حق آشکار، فرد را گرفتار بحران روحی و تناقض گویی می سازد؛ زیرا از یک سو وضوح حق را در می یابد و از سوی دیگر، تلاش می کند تا بر آن سرپوش نهاده و عقیده باطل خود را توجیه کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۵ - ۳

۳ کفر و حق ستیزی ، زمینه فروافتادن انسان به ورطه شر و تجاوز و تردید در تمامی ارزش ها *

کفار عنید . مَناع للخیر معتد مریب

برداشت بالا بدان احتمال است که ترتیب میان صفات کفار، عنید و ..، اشاره به ترتب و تأثیر هر وصف در پیدایش وصف متأخر آن، داشته باشد.

آثار حق ستیزی اقوام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - استمرار و اصرار ملت ها بر انحراف و حق ستیزی ، عامل مجازات آنان از سوی خداوند

لیجزی قومًا بما کانوا یکسبون

تعبیر <کانوا یکسبون> استمرار را می رساند و برداشت بالا در صورتی استفاده می شود که <قوماً> نظر به کافران و منکران <أیام الله> داشته باشد.

آثار حق ستیزی اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۴ - ۴

۴ نابودی بسیاری از اقوام ، در نتیجه حق ستیزی و تکذیب پیامبران

کذبت قبلهم .. فحق وعید

آثار حق ستیزی اکثریت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۷ - ۷

۷ - اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفر و حق ستیزی

، زمينه نزول عذاب الهی

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۹ - ۱۱

۱۱ - اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفر و حق ستیزی ، زمينه ساز نزول عذاب الهی

فَأَهْلَكْنَهُمْ... وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ

آثار حق ستیزی امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳ - ۲

۲ - خوی سرکشی ، تکبر ، حق ناپذیری و ستیزه جویی ، عامل نابودی بسیاری از امت ها و ملت های گذشته

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ . كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ

آیه شریفه، درصدد بیان این حقیقت است که آنچه موجب ایمان نیاوردن کافران صدراسلام شد، همان سبب کفر بسیاری از امت ها و ملت های گذشته گردید.

آثار حق ستیزی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۲ - ۲

۲ - هلاکت قوم ثمود ، بازتاب ظلم و حق ستیزی خود آنان

فَتَلَكَّ بِيَوْتِهِمْ خَاوِيَةٌ بِمَا ظَلَمُوا

قید <بما ظلموا> بیان علت هلاکت قوم ثمود است؛ یعنی، آنان بدان سبب که ستم کردند... .

آثار حق ستیزی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۱

۱- کافران ، با کفر و حق ستیزی و مخالفتشان با پیامبر (ص) ، ناتوان از رسانیدن کمترین زیان به خداوند

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا و .. لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق

۱ شبهات کافران درباره معاد، ناشی از روحیه حق ستیزی آنان است؛ نه نامعقول بودن آن.

بل کذبوا بالحقِّ لَمَّا جاءهم

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که مراد از <الحقّ>، حقانیت قرآن و رسالت پیامبر(ص) باشد؛ یعنی، اینان در همان آغاز نشانه های حق را دیدند و به تکذیب آن پرداختند. این حق ستیزی، بسیاری از حقایق معقول را برای آنان، ناممکن جلوه داده است.

آثار دنیوی حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۵ - ۴

۴ - حق ستیزی، دارای پیامد ناگوار دنیوی برای انسان

ذاقوا وبال أمرهم

آیه شریفه در مورد کافرانی سخن می گوید که در برابر اسلام، به ستیز برخاسته بودند.

اصرار بر حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - استمرار و اصرار ملت ها بر انحراف و حق ستیزی، عامل مجازات آنان از سوی خداوند

لیجزی قومًا بما كانوا یکسبون

تعبیر <كانوا یکسبون> استمرار را می رساند و برداشت بالا در صورتی استفاده می شود که <قومًا> نظر به کافران و منکران <ایام الله> داشته باشد.

بی تأثیری حق ستیزی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - حق ستیزی کافران ، بی تأثیر در برنامه های الهی و در سد کردن راه رسالت

و کذبوا.. و کلّ امر مستقرّ

پایان حق ستیزی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۹ - ۱

لحظه مرگ ، لحظه پایان یافتن شرارت ها و حق ستیزی های کافران و ستمگران

حَتَّى إِذَا جَاء أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ

<حتی> برای بیان غایت شرارت ها و ستمگری های کافران است.

پایان حق ستیزی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۹ - ۱

۱ - لحظه مرگ ، لحظه پایان یافتن شرارت ها و حق ستیزی های کافران و ستمگران

حَتَّى إِذَا جَاء أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ

<حتی> برای بیان غایت شرارت ها و ستمگری های کافران است.

تداوم حق ستیزی فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۹ - ۲

۲ - استمرار مواضع خصمانه و حق ستیزانه فرعونیان در مقابل موسی (ع) ، حتی پس از گرفتار آمدن آنان به عذاب الهی

إِذَا هُمْ مِنْهَا يَضْحَكُونَ .. و أَخَذْنَاهُم بِالْعَذَابِ ... و قَالُوا يَا أَيُّهَا السَّاحِر

فرعونیان پس از گرفتار شدن به عذاب های متعدد، همچنان راه کج خویش را ادامه داده و موسی(ع) را ساحر می نامیدند.

حق ستیزی آل فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۱ - ۳

۳ - خاندان فرعون ، محور اصلی حق ستیزی و مخالفت با وحی ، در جامعه خویش

و لقد جاء آل فرعون النُّذْر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که در آیات گذشته، در مقام بیان سرگذشت حق ستیزان، نام اقوام آمده است؛ اما در این آیه مخالفان حق با عنوان <آل فرعون> مطرح شده اند.

حق ستیزی اخروی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹- قیامت ، روز کیفر مشرکان به خاطر ستیزه گری های آنان با پیام حق

حَتَّى يَلْقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوْعَدُونَ

حق ستیزی اصحاب رس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۲ - ۳

۳ قوم نوح ، اصحاب رس و ثمود ، از اقوام حق ستیز و تکذیب کننده رسولان الهی

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمَ نُوحٍ وَأَصْحَابَ الرَّسِّ وَثَمُودَ

حق ستیزی اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۹ - ۱۵

۱۵- اقوام کفرییشه ، با مشاهده دلایل روشن انبیا ، تلاش گسترده ای به عمل آوردند تا آنان را به سکوت وادارند و مانع تبلیغشان شوند .

جاءتهم رسلهم بالبينت فردوا أيديهم في أفوههم وقالوا إنا كفرنا بما أرسلتم به

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که فاعل <ردوا> اقوام یاد شده و مرجع ضمیر <أیدیهم> انبیا و یا اقوام و مرجع ضمیر <أفوههم> انبیا باشد. در این صورت به معنای این خواهد بود که: آن اقوام دستان انبیا یا دستان خود را بر دهان انبیا می گذاشتند.

حق ستیزی اکثریت اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۴ - ۴

۴ نابودی بسیاری از اقوام ، در نتیجه حق ستیزی و تکذیب پیامبران

كذبت قبلهم .. فحقّ وعيد

حق ستیزی اکثریت مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۰ - ۸

۸ - رسوخ روحیه کفر و حق ستیزی ، در اکثریت شرک پیشگان صدراسلام

و ما

کان اکثرهم مؤمنین

گرچه ضمیر <هم> در <اکثرهم> به مردم ایکه باز می گردد؛ اما در عین حال تعریض به مشرکان صدر اسلام نیز دارد.

حق ستیزی امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۴ - ۳

۳ - حق ستیزی و سرکشی در برابر پیامبران الهی ، خصیصه حاکم بر جوامع بشری در طول تاریخ

کَلَّ مَا جَاءُ أُمَّه رَسُولَهَا كَذَّبُوهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۷

۷ - همه امت ها با حربه باطل ، به جدال و ستیزه با حق بر خاستند تا آن را از بین ببرند .

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمَ نُوحٍ... وَجَدَلُوا بِالْبَطْلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ

<إدحاض> به معنای ابطال و از بین بردن است.

حق ستیزی دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۹ - ۳

۳ - حمایت های جدی و مکرر خداوند از پیامبر (ص) و اسلام ، در برابر سرسختی و حق ستیزی دشمنان

أَمْ أَبْرَمُوا أَمْرًا فَإِنَّا مُبْرَمُونَ

حق ستیزی دشمنان اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۲ - ۳

۳- آرزومندان نابودی اسلام و پیامبر (ص)، مردمی طغیانگر و حق ستیز

نترَبِّصْ به ریب المنون .. أم تأمرهم أحلمهم بهذا أم هم قوم طاغون

حق ستیزی دشمنان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۲ - ۳

۳- آرزومندان نابودی اسلام و پیامبر (ص)، مردمی طغیانگر

نترَبِّصْ به ريب المنون .. أم تأمرهم أحلمهم بهذا أم هم قوم طاغون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۹ - ۳

۳ - دلجویی خداوند از پیامبر (ص) در قبال کفر و حق ستیزی دشمنان

کذبت قبلهم قوم نوح

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ضمیر <قبلهم> به کافران عصر پیامبر بازمی گردد و در آیات پیشین نیز افعال <إن یروا..> و <کذبوا> و <اتبعوا> نظر به ایشان دارد.

حق ستیزی رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۵ - ۲

۲ - سران کفر و شرک، آن چنان لجوج و حق ستیز بودند که تنها نزول عذاب ناگهانی پایان بخش تکذیب آنان بود.

و ما ينظر هؤلاء إلا صيحة وحده

بیشتر مفسران بر این عقیده اند که مقصود از این که کافران تنها در انتظار نزول عذاب سهمگین هستند، بیان این حقیقت است که آنان از سر لجاجت، بر راه نادرست خود تا پایان عمر پای می فشردند و به حقیقت اسلام تن در نمی دهند.

حق ستیزی رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۵ - ۲

۲ - سران کفر و شرک، آن چنان لجوج و حق ستیز بودند که تنها نزول عذاب ناگهانی پایان بخش تکذیب آنان بود.

و ما ينظر هؤلاء إلا صيحة وحده

بیشتر مفسران بر این عقیده اند که مقصود از این که کافران تنها در انتظار نزول عذاب سهمگین هستند، بیان این حقیقت است

از سر لجاجت، بر راه نادرست خود تا پایان عمر پای می فشردند و به حقیقت اسلام تن در نمی دهند.

حق ستیزی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۶

۶ - بی دادگران کفرپیشه تاریخ ، مردمانی حق ستیز و غیر قابل آشتی با آیات وحی و رسولان الهی

و إِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ

حق ستیزی علمای مسیحیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۵

۵ - حق ستیزی و حق پوشی علمای یهود و نصارا

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ... ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَلَ الْكُتُبَ بِالْحَقِّ

حق ستیزی علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۵

۵ - حق ستیزی و حق پوشی علمای یهود و نصارا

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ... ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَلَ الْكُتُبَ بِالْحَقِّ

حق ستیزی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۴ - ۱

۱ - واکنش حق ستیزانه فرعون در قبال دو معجزه روشن موسی (ع)

قال للملأ حوله إن هذا لسحر عليم

حق ستیزی فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۷ - ۳

۳- وجود نوعی مشابهت در عملکرد، میان مشرکان مکه و فرعونیان در حق ستیزی و مقابله با رسول الهی

و لقد فتننا قبلهم قوم فرعون و جاءهم رسول کریم

تعبیر <قبلهم>، نوعی ارتباط و همگونی میان مشرکان مکه و فرعونیان را می رساند.

حق ستیزی قوم ثمود

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۶ - ۲

۲ - وعده خداوند ، به مجازات قوم حق ستیز ثمود و نزول عذاب استیصال بر آنان

سيعلمون غداً من الكذاب الأشر

<غداً> ظاهراً اشاره به هنگام نزول عذاب دنیوی دارد و نه قیامت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۷ - ۳

۳ - اعطای معجزه به صالح پیامبر (ع) ، زمینه ساز نزول عذاب بر قوم حق ستیز ثمود

سيعلمون غداً من الكذاب الأشر . إنا مرسلوا الناقه فتنه لهم

با توجه به ارتباط <إنا مرسلوا الناقه> با آیه قبل ، استفاده می شود که ظهور حقانیت صالح و کذب و غرور قوم ثمود ، امری محقق شدنی است ، اما پس از اتمام آخرین حجت ها و اعطای معجزه به ایشان.

حق ستیزی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۵ - ۱۰

۱۰ - سرنوشت شوم حق ستیزی قوم عاد ، درسی برای مجرمان همیشه تاریخ

كذلك نجزي القوم المجرمين

تعبیر <كذلك> و به رخ کشیدن سنت ، در حقیقت اشاره به مطلب بالا دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۱ - ۲

۲ - کفر و حق ستیزی قوم عاد ، منتهی به عذاب الهی با بادی ویرانگر

و فی عاد إذ أرسلنا عليهم الريح العقيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۸ - ۱

۱ - قوم عاد ، از جمله ملت های حق ستیز و تکذیب گر پیامبران

کذبت عاد

حق ستیزی قوم لوط

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۴ - ۱

۱ - مجازات قوم حق ستیز لوط ، به وسیله طوفانی از شن و سنگریزه

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا

<حاصب> به باد شدیدی که با خود سنگریزه حمل کند، گفته می شود (مختار الصحاح).

حق ستیزی قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۲ - ۳

۳ قوم نوح ، اصحاب رس و ثمود ، از اقوام حق ستیز و تکذیب کننده رسولان الهی

كذّبت قبلهم قوم نوح و أصحاب الرس و ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۰ - ۲

۲ - یأس و ناامیدی نوح (ع) از هدایت پذیری قوم حق ستیز خویش

فدعا ربّه أنّی مغلوب فانتصر

از تعبیر <مغلوب>، استفاده می شود که نوح(ع) خود را در موضعی یافت که دیگر تنها چاره را در انتقام الهی از قوم حق ستیزش می دید.

حق ستیزی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۴ - ۳

۳ حق ستیزی و هدایت ناپذیری کافران ، پیامد ظلمی است که آنان بر خودشان کرده اند .

و منهم من يستمعون إليك .. و منهم من ينظر إليك ... و لكن الناس أنفسهم يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۶ - ۸

۸- خارج کردن حق از صحنه ، با باطل نشان دادن چهره آن ، از شیوه های تبلیغاتی کفرپیشگان است .

و یجدل الذین کفروا بالباطل لیدحضوا به الحقّ

<إدحاض> به معنای <إبطال>

و <إزالة> است. <لیدحضوا به الحق> یعنی: <کفرپیشگان، با مجادله باطل، سعی در ابطال و ازاله حق دارند.>. روشن است که حق، قابل ابطال نیست، لذا تعبیر <خروج از صحنه> و <باطل نمایی> در برداشت به کار رفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۶

۶ - بی دادگران کفرپیشه تاریخ، مردمانی حق ستیز و غیر قابل آشتی با آیات وحی و رسولان الهی

و إِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۰ - ۸

۸ - حق ستیزی، انگیزه اصلی بیشتر کافران منکر قرآن و پیامبر (ص) بود، نه ناشناخته بودن حقانیت آن دو برای آنها.

أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّهٌ... وَ أَكْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ كَرهُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۰ - ۱۰

۱۰ - شرارت و حق ستیزی کافران در دنیا، گواه حق گریزی آنان پس از بازگشت دوباره به دنیا

قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ... كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۴

۴ - دلجویی خدا از پیامبر (ص) در قبال حق ستیزی های کافران

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ

آیه فوق در عین این که تهدیدی برای کافران و حق ستیزان است، مایه دلداری پیامبر(ص) نیز هست، چه این که توجه به مقهوریت حق ستیزان در برابر عزت و اقتدار خداوند، خود آرامشی برای پیامبر(ص) و مؤمنان است که

همواره از آنان در رنج بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۱۹

۱۹ - دلجویی خداوند از پیامبر (ص) ، در برابر حق ستیزی و هدایت ناپذیری کافران و مشرکان

و ما أنت عليهم بوكيل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۴ - ۷

۷ - ناباوری کافران به روز های تحقق وعده ها و وعید های خداوند ، عامل حق ستیزی آنان *

يغفروا للذين لا يرجون أيام الله

از این که خداوند از مشرکان و حالت روحی شان با عنوان <لا يرجون أيام الله> یاد فرموده / استفاده می شود که ایمان نداشتن آنان به وعده ها و وعید های خداوند، عامل ستیزه گری آنان با مؤمنان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۵ - ۵

۵ - محکومیت ابدی کافران مستکبر به عذاب همیشگی دوزخ ، نتیجه حق ستیزی و دنیا محوری آنان

اتخذتم آيات الله هزواً و غرتكم الحيوة الدنيا فاليوم لا يخرجون منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۲ - ۳

۳ - دلجویی خداوند از پیامبر (ص) ، در برابر حق ستیزی و اتهام های ناروای کافران

كذلك ما أتى... إلا قالوا ساحر أو مجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - تلاش کافران ، برای خدشه دار ساختن قرآن ، کاری بازیگرانه و بی فرجام

الذین هم فی خوض یلعبون

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که مراد از

<خوض>، نقد و انتقادهایی باشد که کافران از سر تکذیب نسبت به قرآن انجام می دهند و اطلاق لعب بر این عمل از آن جهت باشد که نتیجه ای، عاید آنان نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۰ - ۲

۲ - توبیخ کافران از سوی خداوند، به خاطر موضع گیری علیه دعوت حق و بی چشمداشت پیامبر (ص)

أم تسئلهم أجرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۴ - ۱

۱ - جبهه کفر، متکی به جمعیت و اتحاد نیروهای خود برای مقابله با حق

أم يقولون نحن جميع منتصر

<جميع> خبر <نحن> است؛ یعنی، ما جماعتی هستیم که با حیثیت جمعی خویش پیروزمندیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۱ - ۶

۶ - مشرکان صدراسلام، پیشوای کافران گذشته تاریخ در کفر و حق ستیزی *

و لقد أهلكنا أشياعكم

با توجه به این که <شیعه> به معنای پیرو است و از نظر زمانی کفار مکه دنباله رو کافران گذشته اند؛ احتمال می رود که اطلاق <أشیاع> بر کافران گذشته تاریخ از آن جهت باشد که مشرکان مکه در کفر و حق ستیزی، گوی سبقت را از پیشینیان خود ربوده اند، به گونه ای که باید پیشینیان را پیرو آنها به حساب آورد و آنان را پیشوای گذشتگان.

حق ستیزی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۳ - ۱،۲

سر لجاج و ستیزه جویی ، انکار می کردند ؛ نه از روی جهل و ناآشنایی به آن .

كذلك يؤفك الذين كانوا بأيت الله يجحدون

<جحد> (مصدر <يجحدون>) به معنای انکار چیز معلوم و روشن است. آیه شریفه به منزله تعلیل برای مضمون آیه قبل است که در آن، از انکار آیات الهی و دور شدن از عبادت خداوند، اظهار شگفتی شده بود.

۲ - کافران و مشرکان صدر اسلام ، مردمی لجوج ، ستیزه جو و حق ناپذیر

كذلك يؤفك الذين كانوا بأيت الله يجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۱

۱ - تحریم گوش فرادادن به قرآن ، از سوی کافران عصر پیامبر (ص)

و قال الذين كفروا لاتسمعوا لهذا القرآن

حق ستیزی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۶

۶ - کافران مکه ، در تلاش برای غلبه بر قرآن و پیام وحی

و قال الذين كفروا لاتسمعوا .. لعلكم تغلبون

حق ستیزی مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۳ - ۱۰

۱۰ - اتهام ، و نیز ادعای برتری در آیین و روش زندگی ، شیوه مستکبران در برخورد با حق و آیین پیامبران

إن هذن لسحرن .. بطريقتكم المثلى

حق ستیزی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۱۹

۱۹ - دلجویی خداوند از پیامبر (ص) ، در برابر حق ستیزی و هدایت ناپذیری کافران و مشرکان

و ما أنت عليهم بوكيل

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۶ - ۱۶

۱۶ - دلداری خداوند به پیامبر (ص)، در برابر حق ستیزی و دشمنی مشرکان و تهدید آنان به کیفر و عذاب

أنت تحکم بین عبادک فی ما کانوا فیہ یختلفون

از تعلیم خداوند به پیامبر(ص)، مبنی بر درخواست داوری از او درباره مشرکان حق ستیز، برداشت بالا به دست می آید.

حق ستیزی مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۶ - ۶

۶ - مشرکان تکذیب گر و حق ستیز عصر بعثت، مردمی پندناپذیر و کوردل

و إن یکذبوک .. أفلم یسیروا فی الأرض ... القلوب التی فی الصدور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۳ - ۱

۱ - کافران و مشرکان صدراسلام، آیات الهی را از سر لجاج و ستیزه جویی، انکار می کردند؛ نه از روی جهل و ناآشنایی به آن.

کذلک یؤفک الذین کانوا بآیت الله یجحدون

<جحد> (مصدر <یجحدون>) به معنای انکار چیز معلوم و روشن است. آیه شریفه به منزله تعلیل برای مضمون آیه قبل است که در آن، از انکار آیات الهی و دور شدن از عبادت خداوند، اظهار شگفتی شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۱ - ۶

۶ - مشرکان صدراسلام، پیشوای کافران گذشته تاریخ در کفر و حق ستیزی *

و لقد أهلكنا أشیاعکم

با توجه به این که <شیعه> به معنای پیرو است و از نظر زمانی کفار مکه دنباله رو کافران گذشته

اند؛ احتمال می رود که اطلاق <اشیاع> بر کافران گذشته تاریخ از آن جهت باشد که مشرکان مکه در کفر و حق ستیزی، گوی سبقت را از پیشینیان خود ربوده اند، به گونه ای که باید پیشینیان را پیرو آنها به حساب آورد و آنان را پیشوای گذشتگان.

حق ستیزی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۷ - ۳

۳- وجود نوعی مشابهت در عملکرد، میان مشرکان مکه و فرعونیان در حق ستیزی و مقابله با رسول الهی

و لقد فتننا قبلهم قوم فرعون و جاءهم رسول کریم

تعبیر <قبلهم>، نوعی ارتباط و همگونی میان مشرکان مکه و فرعونیان را می رساند.

حق ستیزی معرضان از انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۲ - ۱

۱- اعراض کنندگان از دعوت پیامبران، ناتوان از مبارزه با حق و گریز از عذاب الهی

و من لایجب داعی الله فلیس بمعجز فی الأرض

حق ستیزی مکذبان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۴ - ۸،۹

۸ خداوند، بر دل های تکذیب کنندگان پیامبران پس از نوح (ع)، به علت رسوخ صفت تجاوز و حق ستیزی در نفس آنان، مهر زده بود.

فما کانوا لیؤمنوا بما کذبوا به من قبل کذلک نطبع علی قلوب المعتدین

تعبیر به اسم فاعل (المعتدین) بدون لحاظ زمان و مفعول، بیانگر ثبوت مبدأ اشتقاق (اعتدا) در ذات (مکذبان) است.

۹ تکذیب کنندگان پیامبران پس از نوح (ع) مردمی تجاوزپیشه و حق ستیز بودند

فما كانوا ليؤمنوا بما كذبوا به من قبل كذلك نطبع على قلوب المعتدين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۶ - ۷

۷- انكارِ رسولان الهی ، بينشی متكى به باطل و در جهت ستيز با حقيقت است .

و يجدل الذين كفروا بالباطل ليدحضوا به الحق

حق ستيزی وليد بن مغيره

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۶ - ۲

۲ - وليد بن مغيره ، فردی عنود و حق ستيز

إنه كان لأيتنا عنيداً

روش اثبات حق ستيزی مكذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۹ - ۱۱

۱۱ - تحدى با منكران قرآن ، روشی ارائه شده از سوى خدا به پيامبر (ص) برای اثبات دروغ گویی و انگيزه های حق ستيزانه آنان

قل فأتوا بكتب من عند الله هو أهدي منهما

امر در <فأتوا> به اصطلاح برای تعجيز (نشان دادن عجز ناتوانی كافرين) و تحدى است.

روش حق ستيزی

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ تجلیل حاکمان ستمگر از عالمان ستیزه جو با حق تا حد مقرب ساختن آنان به درگاه خویش

قال نعم و إنکم لمن المقربین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۶ - ۷

۷- انکارِ رسولان الهی ، بینشی متکی به باطل و در جهت ستیز با حقیقت است .

و یجدل الذین کفروا بالباطل لیدحضوا به الحقّ

روش حق ستیزی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- جدال و اشكال تراشی ، با به کارگیری روش های باطل و دستاویز های دروغین ، از شیوه های مبارزه کافران با حق است .

و یجدل الذین کفروا بالباطل لیدحضوا به الحقّ

زمینه حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۱۵

۱۵ بی نیازی و رفاه ، زمینه ساز طغیان و ستیزه جویی با حق

و ما نقموا إلا أن أغنیهم الله و رسوله من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۲ - ۶

۶ جرم و تبه کاری ، زمینه ساز حق ستیزی است .

و یحق الله الحق بکلمته و لو کره المجرمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶ - ۲

۲ - روی گردانی مداوم از حق ، زمینه ساز اقدامات خصمانه تری علیه آن از طریق تکذیب و استهزا

إلا کانوا عنه معرضین . فقد کذبوا ... یستهزءون

با توجه به تفریع <فقد کذبوا..> بر <کانوا عنه معرضین> روشن می شود که کافران در نتیجه روی گردانی مستمر از حق، کم کم موضعشان را نسبت به آن سخت تر کرده و صریحاً به تکذیب و ریشخند آن پرداختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۰ - ۱

۱ - تصور ناقص انسان از خداوند و گستره علم وی ، زمینه ساز فروغلتیدن وی در دام حق ستیزی و مبارزه با پیامبران

أَمْ أَبْرَمُوا أَمْرًا . . . أَمْ يَحْسِبُونَ أَنَّا لَأَنسَمِعَ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۷ - ۴

۴- غوطه‌وری در سرخوشی‌ها و امکانات دنیایی، از زمینه‌های حق ستیزی و هلاکت *

إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُّغْرَقُونَ . كَمْ تَرَكَوْا... فِيهَا فَكْهِين

ترسیم برخورداری‌های فرعونیان پس از یادکرد هلاکت ایشان ممکن است از آن جهت باشد که این برخورداری‌ها، در حق ستیزی آنان نقش داشته است.

زمینه حق ستیزی قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۴ - ۱۰

۱۰- پیشینه جامعه لوط در فسق و انحراف، زمینه ساز روی آوردن آنان به کردار پلید و ناشایست و پذیرفتن دعوت حضرت لوط (ع)

تَعْمَلُ الْخَبَائِثَ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا سَوِيًّا

جمله <إِنَّهُمْ كَانُوا..> به منزله تعلیل برای جمله <تَعْمَلُ الْخَبَائِثَ> می باشد. بنابراین فسق (عصیان و انحراف از مسیر حق) موجب رویکرد قوم لوط به خبائث و ناپاکی‌ها گردید. گفتنی است فعل <کانوا> که مفید استقرار وصف است بیانگر تداوم فساد در میان قوم لوط در گذشته است.

شکست حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۶

۶ خداوند بی ثمر ماندن تلاش‌های حق ستیزانه کافران قریش را به مسلمانان صدر اسلام بشارت داد .

ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةٌ ثُمَّ يَغْلِبُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ جبهه گیری در برابر حق و مبارزه با رسالتهای الهی محکوم به شکست است.

و لقد کذبت رسل من قبلك فصبروا

... حتی أتهم نصرنا ولا مبدل لكلمت الله

عوامل حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۷

۷ - حسد از عوامل انکار حق و عاملی برای مبارزه با آن

لو يردونكم من بعد إيمانكم كفاراً حسداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۱ - ۱۶

۱۶ جهل مایه لجاجت و مقاومت در برابر حق است.

ما كانوا ليؤمنوا... و لكن أكثرهم يجهلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۴ - ۳

۳ حق ستیزی و هدایت ناپذیری کافران، پیامد ظلمی است که آنان بر خودشان کرده اند.

و منهم من يستمعون إليك... و منهم من ينظر إليك... و لكن الناس أنفسهم يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۱ - ۵

۵ - کفر و حق ستیزی دارای مراتب، گونه ها و عوامل مختلف

إنك لاتسمع الموتى و لاتسمع الصم... و ما أنت بهدى العمى عن ضللتهم

از این که در این آیه و در آیه قبل، سه تعبیر مختلف درباره کافران به کار رفته است (۱) مرده، ۲ ناشنوای روی برتافته، ۳ نابینای گمراه)، احتمال می رود که هر یک اشاره به مرتبه و گونه ای از کفر و تعریضی به عوامل متفاوت آن داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۹ - ۸

۸ - تصویر نادرست از زندگی دنیایی و اخروی ، منشأ

اصلی انحراف ها ، خودکامگی ها و حق ستیزی ها است .

يقوم . . . و إِنَّ الأخره هي دار القرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۱ - ۷

۷ - دنیاگرایی و مال پرستی ، عامل اساسی در مخالفت با حق

لَمَّا جاءهم الحقّ . . . لولا نزل هذا القرآن على رجل

با توجه به توضیح برداشت قبل و الغای خصوصیت از مورد (مشرکان مکه)، مطلب بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۴ - ۷

۷ - ناباوری کافران به روز های تحقق وعده ها و وعید های خداوند ، عامل حق ستیزی آنان *

يغفروا للذين لا يرجون أيام الله

از این که خداوند از مشرکان و حالت روحی شان با عنوان <لا يرجون أيام الله> یاد فرموده / استفاده می شود که ایمان نداشتن آنان به وعده ها و وعیدهای خداوند، عامل ستیزه گری آنان با مؤمنان بوده است.

فرجام حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۶

۶ هلاکت، سرانجام مبارزه با حق (اعراض، تکذیب و استهزای آن)

ما تأتیهم من آیه . . . إلا كانوا عنها معرضین. فقد كذبوا بالحق ... ألم یروا كم أه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۸ - ۲

۲ - کفر و حق ستیزی ، منتهی به تناقض در گفتار و اندیشه *

إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُخْتَلِفٍ

مخاطب <إِنَّكُمْ>، کافران هستند. از آن جایی که برای آنان وصفی آورده نشده، استفاده می شود که نفس کفر آنان،

منتهی به اختلاف در گفتار و پندار آنها شده است.

کیفر حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۲ - ۴

۴ - ستیزه جویی و تکذیب لجوجانه کتاب های آسمانی و فرستادگان الهی ، موجب انواع گوناگون عذاب (در غل و زنجیر شدن ، سوخته شدن به آب داغ و آتش دوزخ)

الذین یجدلون .. الذین کذبوا بالکتب ... إذ الأغلل فی أعنقهم ... ثم فی الن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۵

۵ - انکار آیات الهی ، از سر عناد و حق ستیزی ، در پی دارنده آتش همیشگی دوزخ

لهم فیها دار الخلد بما کانوا بأیتنا یجدون

محمد(ص) و حق ستیزی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۹ - ۲

۲ دلجویی خداوند از پیامبر (ص) ، در قبال حق ستیزی و روی گردانی منافقان

فإن تولوا فقل حسبی الله

مراتب حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۱ - ۵

۵ - کفر و حق ستیزی دارای مراتب ، گونه ها و عوامل مختلف

إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى وَلَا تَسْمَعُ الصَّمَّ . . . و ما أنت بهدى العمى عن ضللتهم

از این که در این آیه و در آیه قبل، سه تعبیر مختلف درباره کافران به کار رفته است (۱) مرده، ۲ ناشنوای روی برتافته، ۳ نابینای گمراه)، احتمال می رود که هر یک اشاره به مرتبه و گونه ای از کفر و تعریضی به عوامل

متفاوت آن داشته باشد.

منشأ حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۱۴

۱۴- جهل و استکبار ، ریشه بسیاری از انکارها و حق ستیزی ها

و إذ لم يهتدوا به فسيقولون هذا إفك قديم

تعبیر <و إذ لم يهتدوا..>، در حقیقت بیان نمونه ای از این حقیقت کلی است که تکذیبها و انکارها در بسیاری از موارد متفرع بر زمینه نداشتن، جاهل بودن و برخورد مستکبرانه با حقایق است.

موانع حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴ - ۶

۶- توجه به علم همه جانبه خداوند به گفتار و اعمال موجودات جهان ، بازدارنده آدمی از حق ستیزی و گناه

أسرّوا النجوى .. قال ربّی يعلم القول فى السماء والأرض و هو السميع العليم

خداوند در پاسخ به توطئهها و سخنان سرّی مشرکان علیه اسلام، به پیامبر(ص) فرمان داد که علم همه جانبه الهی را به آنان گوشزد کند. این حقیقت می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۹ - ۵

۵- اعتقاد به قیامت و آگاهی از آتش دوزخ ، بازدارنده آدمی از گناه و حق ستیزی

متى هذا الوعد .. لو يعلم الذین

از این که خداوند فرمود: اگر کافران می دانستند که آتش دوزخ و .. با آنان چه می کند، در نزول عذاب و برپایی قیامت عجله نمی کردند، به دست می آید که ایمان به قیامت و آگاهی از احوال آن، آدمی را از کفر و حق

ستیزی و هرگونه گناه بازمی دارد.

نشانه های حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۳ - ۴

۴ - انکار ربوبیت و یکتایی خداوند ، در عین مشاهده آیات و جلوه های خالقیت مطلق او ، نشانه وجود روح لجاجت و ستیزه جویی است .

اللّٰهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ .. ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ ... فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ . كَذَلِكَ يُؤْفَكُ الَّذِي

هماهنگی شبهه افکنی با حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۵ - ۲

۲ کفر ، حق ستیزی ، سد کردن راه خیر و خوبی ، تجاوز و شک آفرینی ، حلقه هایی به هم پیوسته

فِي جَهَنَّمَ كُلِّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ . مَنّاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مَرِيْبٍ

هماهنگی کفر با حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۵ - ۲

۲ کفر ، حق ستیزی ، سد کردن راه خیر و خوبی ، تجاوز و شک آفرینی ، حلقه هایی به هم پیوسته

فِي جَهَنَّمَ كُلِّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ . مَنّاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مَرِيْبٍ

هماهنگی ممانعت از خیر با حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۵ - ۲

۲ کفر ، حق ستیزی ، سد کردن راه خیر و خوبی ، تجاوز و شک آفرینی ، حلقه هایی به هم پیوسته

فی جهنم کل کفار عنید . مناع للخیر معتد مریب

حق شناسی

آثار حق شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۵ - ۴

۴ هدایت

و شناخت حق ، مسؤولیت آفرین است .

من بعد ما تبین له الهدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۴ - ۶

۶ - عبودیت و بندگی ، نماد و نتیجه حق شناسی انسان در برابر پروردگاری خداوند است .

إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبِّكُمْ فَاعْبُدُوهُ

از تفریع <فاعبدوه> بر <إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبِّكُمْ> می توان استفاده کرد که باور به ربوبیت یگانه الهی، آدمی را به مسؤولیت و وظیفه عبودیت و بندگی رهنمون می سازد.

اهمیت حق شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۱۴

۱۴ فهم حقایق و معارف دینی و حق بینی و حق شنوی ، ملاک انسانیت و برتری انسان بر چهارپایان است .

أَوْلَيْتُكَ كَالْأَنْعَمِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۸ - ۳

۳ ارائه حق و شناساندن آن به مردم ، فلسفه نزول قرآن

قد جاءكم الحق من ربكم

برداشت فوق از وجه تسمیه قرآن به <حق> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۴ - ۳

۳ حق شنوی و خردورزی ، دو عنصر تعیین کننده و اساسی برای شناخت حق و پیمودن راه آن

أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ

از این که خداوند برای هواپرستان، دو صفتی را ذکر می کند که آنان فاقد آن دو بودند، حکایت از آن دارد که آن دو، نقش تعیین کننده در شناخت و پذیرش راه پیامبر(ص) و تعالیم قرآن داشته است.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۳ - ۶

۶ - لزوم حق پذیری ، شناختن و شناساندن حق و پایداری و شکیبایی برای تحقق آن

تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

ترغیب مؤمنان به توصیه دیگران بر حق و صبر، بیانگر لزوم پابندی خود به آن دو است.

ایجاد زمینه حق شناسی در برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۲ - ۶

۶ یوسف (ع) با بازگرداندن مال التجاره فرزندان یعقوب ، درصدد بود در آنان احساس حق شناسی و سپاس گذاری ایجاد کند و انگیزه مراجعت ایشان را قوت بخشد .

اجعلوا بضعتهم فی رحالهم لعلهم یعرفونها .. لعلهم یرجعون

برداشت فوق ، ناظر به دومین احتمالی است که در توضیح برداشت قبل آمده است.

زمینه حق شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۴ - ۸

۸ - عقل ، ارزشمند بوده و در شناخت حقایق و پیشگیری از نابخاری ها نقشی مهم و اساسی دارد .

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَأَيُّتٍ لِّأُولِي النُّهْيِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۵ - ۱۰

۱۰ طرح سؤال و پرسش ، روشی برای برانگیختن اندیشه و تفکر ، در شناخت بهتر حقایق الهی و گزینش بهترین عقیده ها و رفتارها

قل أذلك خير أم جنه الخلد التي وعد المتقون

زمينه حق شناسى فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۴ - ۲

۲ - سخنان نرم موسى و هارون (ع) ، زمينه اى مناسب

برای پی بردن فرعون به حقیقت و یا پیدایش باور های خویش

فقولا له قولاً لئنا لعله يتذكر أو يخشى

<خشیه> ترسی است که آمیخته با احساس عظمت طرف مقابل باشد (مفردات راغب). حرف <أو> فرعون را بین دو واکنش احتمالی ترسیم کرده است. بنابراین جمله <لعله...> بیان می دارد که امید است فرعون یا حقیقت را فهمیده و به آن یقین یابد و یالاقل احتمال صداقت موسی و هارون(ع) را بدهد و در نتیجه خطر را بزرگ دیده و از آن هراسان شود.

موانع حق شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۰۱ - ۱۴

۱۴ لجاجت ، از موانع شناخت حق و ایمان آوردن است .

و ما تغنی الأیت و النذر عن قوم لایؤمنون

حق شنوایان

ادراک حق شنوایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۵ - ۸

۸- آیت خداوند بودن آب باران و حیات موجودات ، برای مردم حق شنو قابل درک است .

و الله أنزل من السماء ماء .. إن فی ذلك لآیه لقوم یسمعون

عوامل تذکر حق شنوایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۷ - ۲

۲ - فرجام هلاکت بار قدرت های حق ستیز تاریخ ، مایه تذکر خردمندان و مردمان حق شنو

إن فی ذلك لذکری لمن کان له قلب أو ألقى السمع

حق شنوایی

آثار حق شنوایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۲ - ۲

۲ - داشتن گوشی شنوا و دلی حق پذیر، از شرایط و زمینه

های درس آموزی و پندگیری

لنجعلها لكم تذكرة و تعيها أذن وعيه

<وعی> (مصدر <تعیها>) و <واعیه> به معنای نگه داری شیء و فهم و پذیرش آن است (لسان العرب). گفتنی است اسناد <وعی> به <أذن>، اسناد مجازی و مقصود از آن دل و جان حق پذیر است.

حق شنوایی رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۲ - ۹

۹- رهبران و داوران جامعه الهی ، باید نصیحت پذیر و حق شنو باشند .

فاحکم بیننا بالحقّ و لا تشطط

محرومان از حق شنوایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۴۲ - ۳،۶

۳ مشرکانی که قرآن را از زبان پیامبر (ص) می شنیدند و به آن ایمان نمی آوردند ، دلهایشان از شنوایی محروم و از فهمیدن حقیقت ، ناتوان بود .

و منهم من يستمعون إليك أفأنت تسمع الصمّ و لو كانوا لا يعقلون

۶ مردمی که به آیات قرآن گوش سپارند و به آن ایمان نیاورند ، دلهایشان از شنوایی محروم و از فهمیدن حق ناتوان است .

و منهم من يستمعون إليك أفأنت تسمع الصمّ و لو كانوا لا يعقلون

موانع حق شنوایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۷

۷- گرفتار آمدن به لعن الهی ، عامل محرومیت انسان از حق شنوی و بینش صحیح

لعنهم الله فأصمهم و أعمى أبصرهم

حق شنوی

آثار حق شنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۵ - ۹

۹- حق شنوی ، زمینه درک حقایق

إن فی

ذلك لأيه لقوم يسمعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۴ - ۸

۸ حرف شنوی و خردورزی ، از ملاک های ارزیابی شخصیت و ارزش انسان ها

أم تحسب أن أكثرهم يسمعون أو يعقلون إن هم إلا كالأنعم

تشویق به حق شنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۳ - ۴

۴ پندپذیری و حرف شنوی ، از اوصاف پسندیده و مورد تشویق خداوند

و الذين إذا ذكروا بآيت ربهم لم يخزوا عليها صمًا و عميًا

حق شنوی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۳ - ۳

۳ حرف شنوی و بصیرت ، از اوصاف بندگان خالص خدا

لم يخزوا عليها صمًا و عميًا

حق شنوی در قضاوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۰ - ۷

۷ - حق شنوی ، بصیرت و آگاهی همه جانبه از موضوع مورد داوری ، از شرایط داوری به حق

والله يقضى بالحقّ .. . إنّ الله هو السميع البصير

برخی از مفسران بر آنند که یادآوری سمیع و بصیر بودن خداوند در داوری، می تواند اشاره به مطلب بالا باشد.

کافران و حق شنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۳

۳ - کافران به قرآن از حق شنوی ، حق گویی و حق بینی ، ناتوانند .

و مثل الذین کفروا . . . صم بکم عمی

<صم> و <بکم> و <عمی> به ترتیب: جمع أصم (کر) و أبکم (لال) و أعمی (کور)

می باشند. به نظر می رسد متعلق <کفروا> به قرینه آیه قبل <ما أنزل الله > باشد، یعنی: مثل الذین کفروا بما أنزل الله.

ممانعت از حق شنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۵

۵ - تلاش جبهه کفر و باطل ، برای محروم ساختن انسان ها از شنیدن کلام حق

و قال الذین کفروا لاتسمعوا

موانع حق شنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۴ - ۲

۲ هواپرستی ، مانع حق شنوی و خردورزی است .

من اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوِيَهُ .. أم تحسب أن أكثرهم يسمعون أو يعقلون

حق طلبان

آمزش حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ - حق گرایان برخوردار از مغفرت الهی ، و ملحدان و حق ناپذیران رویارو با مجازات دردناک او

ما يقال لك إلا ما قد قيل للرسل .. إن ربك لذو مغفرة

در آیات پیشین، قرآن پیامی حق معرفی شده است که ملحدان با ایجاد شبهه در آن سعی می کردند پیامبر(ص) را مورد انکار قرار دهند. اکنون در این آیه خداوند به غفران و عقاب خود اشاره کرده که غفران منطبق بر حق گرایان و عقاب درباره ملحدان است.

اجابت دعای حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۹ - ۶

۶ اجابت دعا و خواسته های حق طلبان از سوی خدا و تحقق بخشیدن پیروزی آنان بر مستکبران ، مقتضی استقامت و پایداری آنان در میدان مبارزه است .

قال قد

أجيب دعوة تكما فاستقيما

امداد به حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۷ - ۱۱

۱۱ کافران قوم شعيب ، به خدا و داوری او و یاری رسانیش به حقپویان معتقد بودند .

فاصبروا حتى يحكم الله بيننا و هو خير الحكمين

چنانچه خطاب در <فاصبروا> متوجه کافران نیز باشد، دعوت شعيب از آنان به صبر تا داوری خدا، بیانگر این نکته است که منکران رسالت او معتقد به خداوند بوده اند. تصریح به <بالذی ارسلت به> پس از <ءامنوا> این معنا را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۸ - ۶،۷

۶ - جبهه حق ، برخوردار از امداد های غیبی و لطف و کمک الهی

فأرادوا به كيدًا فجعلنهم الأسفلين

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که ذکر داستان ابراهیم(ع) برای مسلمانان، به عنوان الگو و نمونه ای از دو جریان حق و باطل است.

۷ - دخالت خداوند در رخداد های تاریخ و تحولات اجتماعی به نفع جبهه حق

فألقوه في الجحيم . فأرادوا به كيدًا فجعلنهم الأسفلين

اهمیت استقامت حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۸ - ۸

۸ ضرورت صبر و مقاومت حق پویان در برابر استهزا و آزار دشمنان

و يصنع الفلك و كلما مرّ عليه مألّمن قومه سخروا منه

جمله <و يصنع الفلك و كلما مرّ . ..> بیانگر صبر و مقاومت حضرت نوح(ع) و پیروان اوست و هدف از نقل آن ، ایجاد روحیه مقاومت در حق پویان و درس صبر و استقامت به آنان

است.

تحقیر حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۴ - ۳

۳ - حقیر و ناچیز جلوه دادن قدرت و توانایی های جبهه مخالف و حق طلب ، از ترفند های قدرت های استکباری و نظام های فرعونیی

إِنَّ هَؤُلَاءَ لَشَرِّ ذَمَّةٍ قَلِيلُونَ

توکل حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۹ - ۸

۸ - خداوند ، تکیه گاهی قویم و مطمئن برای راهیان راه حق

و هو العزيز العليم . فتوكل على الله إنك على الحق

این که خداوند قبل از تشویق به توکل ، موضع قویم و شکست ناپذیر خود را بیان داشته است می تواند به این دلیل باشد که مؤمنان با اطمینان بیشتری بر او تکیه کنند.

حتمیت پیروزی حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۳ - ۱

۱ - پیروزی جبهه حق و لشکریان الهی ، سنت و قضای حتمی و غیر قابل تخلف خداوند

و لقد سبقت كلمتنا لعبادنا المرسلين . . . و إن جندنا لهم الغلبون

حق طلبان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - تحقق قیامت ، به منظور جدا شدن و شفاف گردیدن صفوف حق مداران از باطل گرایان است .

قل یجمع بیننا ربنا ثم ینفخ بیننا بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - قیامت ، روز جدایی خوبان و بدان و حق مداران و باطل گرایان و داوری میان

آنان است .

هذا يوم الفصل

<فصل> به معنای فاصله و جدایی میان دو شیء است و مقصود از آن در آیه شریفه، جدایی میان خوبان و بدان و حق پویان و باطل گرایان و داوری میان آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۰ - ۳

۳- قیامت ، روز جدایی حق از باطل و تمایز حق مداران از باطل گرایان

إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ مِيقَتَهُمْ أَجْمَعِينَ

مراد از <فصل>، ممکن است جدا شدن صفوف حق و حق مداران، از باطل و باطل گرایان باشد.

حق طلبان فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۲ - ۲

۲ - حضور برخی از افراد حق طلب و نصیحت پذیر در صفوف فرعونیان

فتنزعوا أمرهم بينهم

اختلاف نظر فرعونیان در باره موسی (ع)، نشان از متمایل شدن برخی از فرعونیان به موسی (ع) در روز مقابله دارد.

حق طلبان و آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۶ - ۱۰

۱۰ - تنها اهل ایمان (دارندگان زمینه گرایش به حق) ، بهره مند از آیات گسترده الهی

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

حق طلبان و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳ - ۸

۸ - تنها حق جوینان و اهل ایمان ، زمینه دار بهره مندی از روشنگری های قرآن

تلک ءایت الکتب المبین . نتلوا علیک... لقوم یؤمنون

قید <لقوم یؤمنون> می رساند که دیگران شایستگی بهره‌وری از قرآن را ندارند.

حق طلبان و قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۶

۶ تنها جویندگان حقیقت و پژوهشگران وادی معرفت ، به نشانه های ربوبیت خدا و علم و حکمت او در داستان یوسف پی خواهند برد .

لقد کان فی یوسف و إخوته ءایت للسرائین

بدیهی است که داستان یوسف (ع) و برادرانش، حاوی آیات و نشانه هاست ، چه پرسشگری باشد یا نباشد. بنابراین حرف لام در <لسائین> لام انتفاع است و <لسائین> گویای این است که پرسشگران و محققان ، از آن داستان سود می برند.

حق طلبان و مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۹ - ۶

۶ اجابت دعا و خواسته های حق طلبان از سوی خدا و تحقق بخشیدن پیروزی آنان بر مستکبران ، مقتضی استقامت و پایداری آنان در میدان مبارزه است .

قال قد أجیت دعوتکما فاستقیما

خداشناسی حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۶ - ۸

۸ - وجود نشانه های روشن و غیرقابل انکار الهی ، در نظام شب و روز برای جویندگان حقیقت

إِنَّ فی ذلک لآیت لقوم یؤمنون

عبارت <قوم یؤمنون>؛ یعنی، کسانی که دارای زمینه گرایش به حق اند و اگر حق را بیابند به آن ایمان می آورند.

زمینه بصیرت حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ قطره های برکت آفرین باران ، پیامدار بصیرت و بیداری برای حق جویان

تبصره و ذکری لکلّ عبد منیب . و نزلنا من السماء ماء مبرکاً

از ارتباط این آیه با آیه قبل، مطلب

بالا قابل برداشت است.

زمینه تنبه حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۹ - ۳

۳ قطره های برکت آفرین باران ، پیامدار بصیرت و بیداری برای حق جویان

تبصره و ذکری لکلّ عبد منیب . و نزلنا من السماء ماء مبرکاً

از ارتباط این آیه با آیه قبل، مطلب بالا قابل برداشت است.

شفاعت حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۶ - ۳

۳ - اهل حق و حقیقت ، قادر به شفاعت دیگران در قیامت

و لا یملک .. الشفعه إلا من شهد بالحقّ و هم یعلمون

<من شهد بالحقّ > وصف برای شافع است؛ نه شفاعت شوند.

عبرت پذیری حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳ - ۷

۷ - داستان موسی و فرعون ، دربردارنده درس عبرت برای انسان های مؤمن و حق پذیر

نتلوا علیک من نبیا موسی و فرعون بالحقّ لقوم یؤمنون

عقیده حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ اسلام و عقیده به توحید ، تنها راه صحیح و عقیده درست برای ره پویان طریق حق و حقیقت

ء أنتم أضللتهم عبادى هؤلاء أم هم ضلّوا السبيل

برداشت فوق از اطلاق واژه <السبيل> (راه) بر راه حق و درستی که مشرکان از آن دور شده و آن را گم کرده اند به دست می آید.

فضایل حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۷ - ۴

- تنها مؤمنان و حق جویان ، زمینه دار بهره مندی از هدایتگری ها و رحمت آفرینی های قرآن

و إِنَّ لَهُدًى و رَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ

قید <للمؤمنين> می رساند که دیگران شایستگی بهره‌وری از قرآن را ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳ - ۸

۸ - تنها حق جویان و اهل ایمان ، زمینه دار بهره مندی از روشنگری های قرآن

تلك آیت الکتب المبین . نتلوا علیک... لقوم یؤمنون

قید <لقوم یؤمنون> می رساند که دیگران شایستگی بهره‌وری از قرآن را ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۶ - ۴

۴ - رویاندن درختی پهن برگ در زمینی خالی از درخت و گیاه برای یونس (ع) ، از نشانه های قدرت خداوند و امداد الهی برای حق طلبان

و أنبتنا علیه شجرة من یقظین

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، با ارائه نمونه ای از قدرت خداوند و امدادهای او برای جبهه حق، در مقام امتنان بر یونس(ع) و نیز در صدد دلداری به پیامبر(ص) و مؤمنان، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ - حق گرایان برخوردار از مغفرت الهی ، و ملحدان و حق ناپذیران رویارو با مجازات دردناک او

ما یقال لک إلا ما قد قیل للرسول .. إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ

در آیات پیشین، قرآن پیامی حق معرفی شده است که ملحدان با ایجاد شبهه در آن سعی می کردند پیامبر(ص) را مورد انکار قرار دهند. اکنون در این آیه خداوند به غفران و

عقاب خود اشاره کرده که غفران منطبق بر حق گرایان و عقاب درباره ملحدان است.

فهم حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۳۰

۳۰ تنها حق پذیران قادر به درک سعادت آفرینی پیام های الهی هستند .

ذلکم خیر لکم إن کنتم مؤمنین

چنانچه مشارالیه <ذلکم> تمام مسائلی باشد که در آیه مطرح شده، و از جمله اعتقاد به یگانگی خدا و لزوم پرستش او، باید گفت مراد از ایمان در <ان کنتم مؤمنین> داشتن روحیه حق پذیری و اهل باور بودن است، نه ایمان به یگانگی خدا. و چون خیر بودن یکتاپرستی و عدالت پیشگی منوط به حق پذیری نیست، یعنی چه انسانها حق پذیر باشند و چه نباشند مسائل مطرح شده دارای خیر است، معلوم می شود شرط <ان کنتم ...> ناظر به درک خیر بودن است. یعنی اگر حق پذیر باشید می فهمید که پیامهای مطرح شده به خیر و صلاح شماست.

قدرت حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۷ - ۱،۲

۱ - کافران ، از شکست دادن و به سستی کشاندن نیروی الهی و جبهه حق در هر جای دنیا ناتوانند .

لا تحسبنّ الذین کفروا معجزین فی الأرض

در آیه شریفه، متعلق <معجزین> (این که کافران چه چیز را به ناتوانی می کشانند ذکر نشده است؛ ولی با توجه به این که کافران، همواره در صدد تضعیف جبهه حق و دین الهی اند، مقصود از آن نیروی الهی و جبهه حق است. گفتنی است ظرف <فی الأرض> می رساند که این

ناتوانی در همه جای دنیا وجود دارد.

۲- ناتوانی کافران در به شکست کشاندن جبهه حق و نیروی الهی، جای هیچ گونه شک و تردیدی ندارد.

لَاتَحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مَعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ

تعبیر <لَاتَحْسِبَنَّ> (گمان مبر) با آن که گمان امری غیر اختیاری است و چیزی نیست که به پرهیز از آن توصیه شود می رساند که جای چنین گمانی نیست و نباید کسی به خود تردید راه دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۶۱ - ۲

۲- وانهادن شدن مشرکان و معبودهایشان به خود و ناتوانی آنان در برابر خداپرستان و حق جویان

فَأِنَّكُمْ و مَا تَعْبُدُونَ

مسئولیت حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۴۱ - ۲

۲ دعوت کنندگان به سوی حق در صورت مواجه شدن با پافشاری مردم بر انکار حق، باید با اعلان تبری از باطل، آنان را به حال خود رها کنند.

و إِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ .. و انا برىء مما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۲

۲- لزوم پایداری حق و حق طلبان، در برابر هوس ها و تمایلات فساد انگیز کافران

و لَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ

موانع یأس حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - توجه به مخالفت و ستیزه جویی با حق در طول تاریخ ، مانع راه یابی روحیه یأس

و ناامیدی در حق گرایان

و لقد ءاتینا موسی الکتب فاختلف فیه

نصرت حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۲۶

۲۶ - قدرت و عزت الهی ، ضامن نصرت قطعی دفاع کنندگان از حق و یاوران دین است .

و لینصرنّ الله من ینصره إنّ الله لقوی عزیز

ویژگیهای حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۰ - ۸

۸ - پیام قرآن برای همگان است ؛ ولی بهره‌وری از آن ، مخصوص حق باوران و حق جویان می باشد .

هذا بصائر للناس و هدی و رحمه لقوم یوقنون

هدایت حق طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۷ - ۴

۴ - تنها مؤمنان و حق جویان ، زمینه دار بهره مندی از هدایتگری ها و رحمت آفرینی های قرآن

و اِنَّه لهدی و رحمه للمؤمنین

قید <للمؤمنین> می رساند که دیگران شایستگی بهره‌وری از قرآن را ندارند.

حق طلبی

{حق طلبی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۵ - ۶،۷

۶ برخی از اهل کتاب ، تنها با اعمال زور و قدرت تن به بازگردانی امانت خواهند داد .

الَّا مَادُمْتُ عَلَيْهِ قَائِمًا

جمله <مادمت .. >، کنایه از مطلب فوق است.

۷ قیام مداوم علیه تضييع کنندگان حقوق اجتماعی و فردی ، راهی برای بازگرداندن آن

و منهم من ان تأمنه بدینار الا یؤده الیک الَّا مادمت علیه قائماً

آثار حق طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام

۱۶ کسانی که در طلب ایمان بوده و از لجاجت و عناد به دورند، از آیات طبیعت به شناخت خدا و یگانگی او راهی می یابند.

إِن فِي ذَلِكُمْ لَأَيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۱ - ۷

۷ - سبقت در ایمان و قرار گرفتن در صف نخستین مؤمنان و حق گرایان ، موجب جلب آمرزش الهی

إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطِيئَاتِنَا أَنْ كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ

برداشت یاد شده از تعلیل قرار گرفتن جمله <أَنْ كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ> برای جمله قبل (إِنَّا نَطْمَعُ ..) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲ - ۵

۵ - برخورداری از روحیه حق جویی ، شرط بهره‌وری از پیام های روشن و هدایتگر قرآن

تلك آيات القرآن و كتاب مبين . هدى و بشرى للمؤمنين

از آن جا که <ایمان> وصفی مقابل <کفر> است و کافران به خاطر داشتن روحیه استکباری و حق ستیزی (به جای بهره مند شدن از هدایت های آن) با آن به ستیز بر می خاستند، می توان گفت که قید <للمؤمنين> اشاره به این حقیقت دارد که روحیه ایمان و تسلیم در برابر حق، شرطی است لازم برای بهره‌وری از هدایت های قرآن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۱ - ۳

۳ - حق گرایی و حق یابی ، نشان بینایی حقیقی در بینش الهی

و ما أنت بهدى العمى عن ضللتهم

خداوند، به کسانی که چشم ظاهر دارند ولی فاقد زمینه شناخت حق

و گرایش به آن هستند، عنوان <نابینا> داده است و این بدان معنا است که بینایی در این بینش، به چشم ظاهر نیست؛ بلکه به حق یابی و حق گرایی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۱۸

۱۸ - داشتن روح پندپذیری و حق جویی، شرط بهره جستن و تأثیر پذیرفتن از سخنان به حق قرآن

إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۱ - ۱۸

۱۸ - داشتن روح پندپذیری و حق جویی، شرط بهره جستن و تأثیر پذیرفتن از سخنان به حق قرآن

ألم تر أن الله أنزل من السماء ماء .. إن في ذلك لذكرى لأولي الألباب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳ - ۶

۶ - روحیه حق طلبی، زمینه پیدایش جهان بینی الهی در انسان

لأيت للمؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۸ - ۲

۲ انسان، با روحیه تواضع و حق جویی، بهره مند از درس های توحیدی و رهنمود های نهفته در هستی

تبصره و ذکرى لكل عبد منيب

واژه <عبد>، اشاره به روحیه تواضع و <منیب> اشاره به حق جویی دارد.

اهمیت حق طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۹ - ۸

۸- داشتن روحیه حق پذیری و حق جویی ، شرط بهره‌وری از آیات الهی

إِن فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

حق طلبی ادیان آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۳

۳ - ارائه حق ، گوهر و قلمرو اصلی دین الهی

فلما جاءهم بالحقّ

مقصود از <حقّ> در آیه شریفه، دین و پیام الهی است. این تعبیر گویای مطلب یاد شده است.

حق طلبی سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۶ - ۱۲

۱۲ - مقام سلیمان ، مبرّا از پذیرش هدیه برای سکوت از حق و چشم پوشی از کفر و شرک

قال أتمدّونن بمال .. بل أنتم بهديتكم تفرحون

حق طلبی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۱ - ۲

۲- پیامبر (ص) ، منادی حق و دعوت کننده خلق به سوی خداوند

أجيبوا داعی الله

حق طلبی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۴ - ۵

۵ - عدالت خواهی و حق طلبی ، از اوصاف مسلمانان و پیرو قرآن و ظلم و انحراف از مسیر حق ، از اوصاف کافران

و أنا منّا المسلمون و منّا القسطنون

با توجه به معنای <قَسَطٌ> (جور) و نیز تقابل <قاسطون> با <مسلمون>، مطلب یاد شده به دست می آید.

حق طلبی مشمولان رحمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۹ - ۱

۱ تنها مشمولان رحمت الهی، در گیر و دار اختلافات دینی و مذهبی راه درست را می یابند و بر طریق حق گام می نهند.

و لایزالون مختلفین. إلا من رحم ربك

حق طلبی هدایتگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۶

۲ هدایتگران الهی در جوامع ، خود همواره ملازم حق و حقیقت هستند .

و ممن خلقنا أمه يهدون بالحق

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که <باء> در <بالحق> برای مصاحبت باشد / یعنی: یهدون مصاحبین الحق.

۶ عهده داران هدایت در جامعه باید خود ملازم حق باشند و با موازین و روش های حق دیگران را هدایت کنند .

و ممن خلقنا أمه يهدون بالحق

درخواست حق طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۵ - ۷

۷ - موسی (ع) در وادی طوی از خداوند خواست او را پذیرای حقیقت قرار دهد و توان مندی های او را برای دریافت پیام های الهی افزایش دهد .

ربّ اشرح لی صدري

شرح صدر، گنجایش دادن آن برای قبول حق است (لسان العرب). صدر و قلب، کنایه از نفس انسان است که دارای وصف فهم و درک است و گفته شده است که صدر اعم از قلب است، زیرا علاوه بر عقل و علم، شامل قوای شهوت و غضب و هوس و غیر آن نیز می شود (مفردات راغب).

زمینه حق طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۰ - ۲،۳

۲ - نقش اخلاص مبلغان دینی ، در گرایش مردم به تقوا و پیروی از حق

و ما أسئلكم عليه من أجر .. فاتقوا الله و أطيعون

۳ - تقوای الهی ، زمینه ساز گرایش به حق و پیروی از آن

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاطِيعُونَ

مقدم آمدن امر به تقوا (اتَّقُوا اللَّهَ) بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳ - ۷

۷ - تشویق انسان از سوی خداوند ، به مطالعه و تأمل در نظام طبیعت به انگیزه حق جویی و حق پذیری

إِنَّ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِلْمُؤْمِنِينَ

سرزنش سستی در حق طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۹ - ۸

۸ سستی و ناپایداری در مسیر حق طلبی و خداخواهی ، عملی جاهلانه و پیمودن راه جاهلان است .

فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانَّ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

عوامل حق طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳ - ۱۲

۱۲ - توجه به محدودیت عمر زندگی ، هشدار به انسان ها و عاملی در جهت حق گرایی و روی آوردن آنان به حقایق دین

*

ما خلقنا..إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنذِرُوا مُعْرِضُونَ

برداشت بالا براساس این احتمال است که تذکر خداوند به <أجل مسمی> در پی تذکر به حقانیت هستی هشدار باشد به آدمیان که دل به زندگی ناپایدار نبندند و از حاکمیت حق غافل نگردند.

فطرت حق طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۹ - ۴

۴ انسان ، بر فطرت خداجویی و مسیر حق پویی است .

لاتخذن من عبادك نصيباً مفروضاً. و لاضلنهم

گمراه کردن، که از جمله <لاضلنهم> استفاده می شود، باید مسبوق به هدایت باشد تا گمراه کردن صدق کند و هدایت مسبوق به گمراهی نسبت به تمامی انسانها هدایت فطری است.

فطريت حق طلبی

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۷ - ۶

۶- انسان در سرشت و نماد خویش ، موجودی حق طلب و حق پذیر

و صرّفنا الأیت لعلّهم یرجعون

تعبیر <یرجعون> می تواند بدان معنا باشد که انسان دارای فطرت حق پذیر است و نمایاندن آیات الهی به او، وسیله ای برای بازگشت به فطرت اولیه خویش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۵ - ۱۲

۱۲ - قلب آدمی ، دارای تمایل فطری به حق و حرکت در راه مستقیم است .

فلما زاغوا أزاغ الله قلوبهم

منحرف شدن قلب بر اثر گناه، موقوف بر آن است که پیش از آن متمایل به حق بوده و به اصطلاح مصداق <قلب سلیم> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۵ - ۴

۴- حق جویی و حقیقت پذیری ، طبیعت و فطرت انسانی است .

أجئتنا بالحقّ

از این که مشرکان و بت پرستان، پذیرش <حق> را اصلی مفروض می دانستند و تردید آنان تنها در حقانیت دعوت ابراهیم(ع) بود، برداشت یاد شده به دست می آید.

موانع حق طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۱۵

۱۵ - حق پرستی و حق مداری ، در تضاد با هواپرستی است .

فاحکم بین الناس بالحقّ و لا تتبع الهوی

حق گویان

اذن اخروی به حق گویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۸ - ۱۳

۱۳ - خداوند در قیامت ، جز به افراد حقیقت گو اذن سخن نخواهد داد

و قال صواباً

چنانچه جمله <قال صواباً> عطف بر <أذن..> و داخل استثنا باشد، مراد این خواهد بود که: تنها شخص درست گفتار، مأذون به سخن گفتن خواهد بود.

فضایل حق گویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۸ - ۱۳

۱۳ - خداوند در قیامت، جز به افراد حقیقت گو اذن سخن نخواهد داد.

و قال صواباً

چنانچه جمله <قال صواباً> عطف بر <أذن..> و داخل استثنا باشد، مراد این خواهد بود که: تنها شخص درست گفتار، مأذون به سخن گفتن خواهد بود.

حق گویی

اهمیت حق گویی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۹ - ۴

۴ - تکذیب و نپذیرفتن گروهی، نباید مانع از اظهار سخن حق و تبلیغ دین از سوی منادیان حق و مبلغان دین گردد.

و إنا لنعلم أنّ منكم مكدّبين

برداشت یاد شده، از آن جا است که خداوند، با آن که از تکذیب گروهی از مردم آگاهی کامل دارد و این مطلب را نیز اعلام می کند، در عین حال پیام های خود (وحی) را به وسیله پیامبر اسلام (ص)، پیاپی ابلاغ می فرماید.

حق گویی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ پیامبران الهی حریص بر راستگویی و حقگویی درباره خداوند

حقیق علی أن لا أقول علی الله إلا الحق

اعلام رسالت و سپس بیان این حقیقت که موسی سخنی جز حق به خدا نسبت نمی دهد، بیانگر این است که حقگویی درباره خدا اقتضای رسالت است. بنابراین همه پیامبران الهی دارای این ویژگی هستند.

گفتنی است کلمه <حقیق> به معنای <سزاوار> است و چون به <علی> متعدی شده است، می تواند معنای <حریص> در آن تضمین شده باشد؛ یعنی: *إني حریص علی کذا حقیقاً* به.

حق گویی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۴ - ۲

۲ - خدا، جز حق سخن نمی گوید .

و الحق أقول

<الحق> معمول و مفعول <أقول> است و تقدم معمول بر عاملش، مفید حصر می باشد؛ یعنی، <لا أقول إلا الحق> جز حق سخن دیگری نمی گویم.<

حق گویی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۸ - ۱۲

۱۲ - آنان که در قیامت، رخصت سخن گفتن یافته اند، سخنانی درست و به دور از هر گونه خطا خواهند گفت .

و قال صواباً

<قال> در <قال صواباً> به جای مضارع آمده است تا بر یقینی بودن آن دلالت کند. جمله <قال صواباً>، یا حالیه است و یا مستأنفه ای که وضعیت پس از اذن را بیان می کند.

حق گویی موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۲ - ۱۰

۱۰- مقابله به مثل و حقیقت گویی، از ویژگی های برخورد موسی (ع) با فرعون

إني لأظنك يموسی مسحوراً... و إني لأظنك يفرعون مشهوراً

کافران و حق گویی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۳

۳ - کافران به قرآن از حق شنوی ، حق گویی و حق بینی ، ناتوانند .

و مثل الذین

كفروا... صم بكم عمى

<صم> و <بكم> و <عمى> به ترتیب: جمع أصم (كر) و أبكم (لال) و أعمى (كور) می باشند. به نظر می رسد متعلق <كفروا> به قرینه آیه قبل <ما أنزل الله> باشد، یعنی: مثل الذين كفروا بما أنزل الله.

حق ناپذیران

{حق ناپذیران}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۳ - ۶

۶ فاقدان خیر و استعداد کمال ، اگر چه مشمول هدایت های ویژه خداوند شوند ، از آن رویگردان و گریزانند .

و لو أسمعهم لتولوا و هم معرضون

ضمیر مفعولی در <أسمعهم> همان کسانی هستند که با جمله <و لو علم...> توصیف شدند. بنابراین جمله <و لو أسمعهم...> چنین معنا می شود: <و لو اسمع الذين ليس فيهم خيرا...> یعنی اگر خداوند هدایت ویژه اش را شامل حال کسانی کند که در آنها خیری نیست ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۵ - ۲

۲- کافران مکه ، مردمی حق ناپذیر و لجاجت پیشه در برابر آیات الهی

و لو فتحنا عليهم بابًا من السماء فظلوا فيه يعرجون . لقالوا إنما سكرت أبصرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۱ - ۳

۳- اصحاب حجر (قوم ثمود) ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

و ءاتينهم ءايتنا فكانوا عنها معرضين

اینکه اصحاب حجر، علی رغم مشاهده معجزات و آیات فراوان الهی از آنها اعراض کردند، بیانگر لجاجت و حق ناپذیری

آنان بود؛ چنان که آمدن جمله >فکانوا عنها

معرضین < به جای > فأعرضوا عنها > که نشان دهنده این است که اعراض آنان از دیر باز وجود داشته است می تواند مؤید برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۲ - ۳

۳- آنان که به عالم آخرت ایمان نمی آورند ، قلبهایی حق ناپذیر و روشی مستکبرانه دارند .

فالدین لایؤمنون بالأخره قلوبهم منکره و هم مستکبرون

آثار اتمام حجت با حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۲

۲- لزوم ترک بحث و احتجاج با کافران حق ناپذیر ، پس از اتمام حجت و ارائه برهان

فذرهم یخوضوا و یلعبوا

آثار حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۱۰

۱۰- انسان حق گریز ، فاقد ارزش های انسانی و خاصیت واقعی حیات

أولئک الذین .. فأصمّهم و أعمی أبصرهم

کسانی که در نتیجه بیماری مشارالیه <أولئک..> قرار گرفته اند به ظاهر گوش و چشم دارند اما خداوند در حقیقت این ابزار را برای آنان زاید و بی خاصیت قلمداد کرده است زیرا بهره نجستن از امکانات، چونان محرومیت از آن است.

آثار شرک حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۹ - ۵

۵ - حق ناپذیران لجوج ، شاهد بازتاب کفر و شرک خویش در فرجامی نه چندان دور

فسوف یعلمون

آثار عذاب حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۱ - ۵

۵ - تبدیل شدن

کافران حق ستیز به موجوداتی بی جان همچون خس و خاشاک در پی نزول عذاب

فجعلنهم غنَاءً

<جعل> (مصدر <جعلنا>) در جمله بالا، به معنای گردانیدن و تغییر دادن از صورتی یا حالتی، به صورت یا حالت دیگر است. <غناء> نیز به خس و خاشاک روی آب گفته می شود.

آثار عمل حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۷ - ۱۳

۱۳- محروم شدن حق ناپذیران از گوش سپاری به آیات الهی و توجه به آن، بازتاب عملکرد خود آنها است.

فأعرض عنها .. إنا جعلنا ... فیء اذانهم وقراً

آثار کفر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۹ - ۵

۵ - حق ناپذیران لجوج، شاهد بازتاب کفر و شرک خویش در فرجامی نه چندان دور

فسوف يعلمون

اتمام حجت با حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۱

۱ - پیامبر (ص)، موظف به واگذاری کافران حق ناپذیر، باطل گرا و بازیگر به حال خود، پس از اتمام حجت به آنان

فذرهم یخوضوا و یلعبوا

<خوض> (مصدر <یخوضوا>) در اصل به معنای حرکت در آب است؛ ولی در مواردی به کار می رود که انسان، غوطه‌ور در مسائل باطل و ناپسند می شود؛ مانند همین آیه که کافران، سخنان ناروایی درباره اسلام و پیامبر(ص) بر زبان می

آوردند.

اذیت‌های حق‌ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۲ - ۹

۹- اتکا و

اتکال پیامبر (ص) به پروردگار بخشنده در برابر تهدیدها، رجزخوانی‌ها و نسبت‌های ناروای مشرکان و کافران حق ستیز

و رَبَّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلٰی مَا تَصِفُونَ

مقصود از توصیف در <ماتصفون>، ممکن است دو چیز باشد: ۱ تهدیدهایی که مشرکان و کافران داشته‌اند و خود را پیروز و مسلمانان را شکست خورده می‌شمردند. ۲ نسبت‌های ناروایی که به پیامبر(ص) و قرآن می‌دادند.

استقامت در برابر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۴

۴ - سلامت جامعه بشری و مصون ماندن آن از فساد و تباهی، در گرو اجرای قوانین الهی و ایستادگی در برابر تمایلات حق ستیزان

و لَوَاتَبِعَ الْحَقِّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَوَاتُ وَ الْأَرْضُ وَ مَنْ فِيهِنَّ

استمرار گمراهی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۷ - ۷

۷ - پایدار ماندن هدایت مؤمنان و استمرار گمراهی کافران حق‌گریز، جلوه عزتمندی و مجازات الهی است.

و مَنْ يَضِلُّ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ . وَ مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَزِيزٍ ذ

یادآوری دو صفت عزت و مجازات‌دهی خداوند، پس از ذکر پایدار ماندن هدایت مؤمنان و استمرار یافتن گمراهی کافران حق‌گریز به وسیله خداوند، می‌تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

استهزای حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۸ - ۵

۵ - کافران حق ناپذیر مورد تمسخر و تحقیر

ذكر عذاب، تناسبى با کاربرد واژه بشارت ندارد. از اين رو تعبير به

بشارت می تواند به عنوان سخریه و تحقیر باشد.

اضطرار حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۴ - ۳

۳ - مشرکان حق ناپذیر و ستیزه جو ، از سرِ ناچاری و اضطراب به انکار عبادت کردن معبود های ادعایی خویش می پردازند .

بل لم نكن ندعوا من قبل شيئا

اعراض از حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۶ - ۶

۶- لزوم فیصله دادن به بحث و گفتوگو با بهانه جویان و حق ناپذیران

قل كفى بالله شهيداً بينى و بينكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۱،۲

۱ - پیامبر (ص) ، موظف به واگذاری کافران حق ناپذیر ، باطل گرا و بازیگر به حال خود ، پس از اتمام حجت به آنان

فذرهم يخوضوا و يلعبوا

<خوض> (مصدر <يخوضوا>) در اصل به معنای حرکت در آب است و ولی در مواردی به کار می رود که انسان، غوطهور در مسائل باطل و ناپسند می شود و مانند همین آیه که کافران، سخنان ناروایی درباره اسلام و پیامبر(ص) بر زبان می آوردند.

۲ - لزوم ترک بحث و احتجاج با کافران حق ناپذیر ، پس از اتمام حجت و ارائه برهان

فذرهم يخوضوا و يلعبوا

اعراض حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۲ - ۶

۶- تسلی دادن خداوند به پیامبر (ص) ، برای نگران نبودن از روی گردانی حق ناپذیران

فإن تولّوا فإنما عليك الِبلِغ المبین

اقرار اخروی حق ناپذیران

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۴ - ۱

۱ - اعتراف مشرکان حق ناپذیر و ستیزه جو ، به بی فایده بودن کامل عبادت غیرخدا و حاجت خواهی از معبود های ادعایی خویش

این ما کنتم تشرکون . من دون الله قالوا ضلوا عنا بل لم نکن ندعوا من قبل شیئا

جمله < ضلوا عنا > (از نظر ما ناپدید شدند و آنان را گم کردیم) کنایه از بطلان و پوچی آیین شرک و بی اثر بودن معبودهای ادعایی در عرصه قیامت است. گفتنی است جمله < بل لم نکن ندعوا... > می تواند به معنای بی اثر بودن حاجت خواهی از معبودها باشد زیرا چیزی که بی فایده است مانند این است که وجود ندارد. هم چنین می تواند گویای انکار عبادت معبودها باشد که از سر ناچاری و اضطراب به آنها متوسل شده باشند. احتمال نخست مؤید برداشت یاد شده است.

امتحان حق ناپذیران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۱ - ۱

۱- آزمایش کافران و مشرکان حق ناپذیر صدراسلام ، فلسفه به تأخیر افتادن عذاب آنان و نامعلوم بودن زمان شکست آنها است .

و إن أدری لعلّه فتنه لکم

ضمیر < لعلّه > به نکته ای برمی گردد که از دو آیه قبل استفاده می شود. آن نکته، مسأله تأخیر عذاب کافران و مشرکان و یا نامعلوم بودن زمان شکست آنان و پیروزی مسلمین است.

امداد به حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۵ - ۱۲

۱۲- شیطان ، یاری دهنده حق گریزان ، در

روی گردانی از ایمان و هدایت

و اُملی لهم

مفاد <اُملی> ممکن است امداد و یاری رساندن باشد.

امکانات دنیوی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۱ - ۳

۳- تأخیر عذاب و کیفر مشرکان و کافران حق ناپذیر ، به خاطر بهره بردن ناچیز و موقتی آنان از متاع های دنیوی است .

إن أدری لعلّه .. متع إلى حین

انتقام از حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۲ - ۲،۴

۲ - حضور رهبران الهی در جوامع ، مانع از تحقق انتقام الهی نسبت به کافران و حق گریزان نخواهد بود .

أو نریّنک الذی وعدنهم

۴ - تأخیر خداوند در انتقام گرفتن از حق گریزان ، مهلتی به ایشان و احترامی به وجود پیامبر (ص)

فإما نذهبنّ بک .. فإنّا علیهم مقتدرون

از آیه قبل استفاده شد که اگر پیامبر رحلت کند، خداوند از مخالفان حق ستیز او انتقام خواهد گرفت. مفهوم این سخن آن است که حضور پیامبر(ص) مانع تسریع در انتقام است؛ ولی این مانع، قطعی نیست و خداوند می تواند حتی در زمان حضور پیامبر(ص)، مخالفان دین را مجازات کند.

انذار به حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳ - ۱۴

۱۴ - یاد کرد حقانیت نظام هستی ، اندازی به حق گریزان پوچ گرا *

ما خلقنا .. إلا بالحقّ ... و الذین کفروا عمّا أنذروا معرضون

از آن جا که قبل از تعبیر <عمّا أنذروا..>، انذار صریحی در این آیه و آیه قبل

نیامده است، احتمال می رود که نفس تذکر به حقانیت هستی، هشدار به کسانی است که هستی را پوچ و بی هدف دانسته و هیچ تعهدی در برابر ارزش ها ندارند.

انذار حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۹ - ۱۷

۱۷- بیم دادن انسان ها از حق ناپذیری ، تنها هدف خداوند از فرستادن معجزات

و ما نرسل بالآیت إلا تخويفًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۶ - ۴

۴- مشرکان و کافران حق ناپذیر و بهانه جو ، مورد تهدید خداوند

قالوا أبعث الله بشرًا رسولًا. قل كفى بالله شهيدًا بيني و بينكم

تذکر خداوند به گواه و ناظر بودن میان پیامبر(ص) و مشرکان حق ناپذیر، می تواند به منظور تهدید آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۱۱، ۱۰

۱۰- پیامبر (ص) ، مشرکان و کافران حق ناپذیر را به عذاب الهی تهدید کرد .

إن أدرى أقریب أم بعید ما توعدون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <ماتوعدون>، عذاب الهی در دنیا و یا آخرت باشد.

۱۱- پیامبر (ص) ، پیروزی اسلام را به مشرکان و کافران حق ناپذیر یادآور شد و شکستشان را به آنان هشدار داد .

و إن أدرى أقریب أم بعید ما توعدون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <ماتوعدون> پیروزی اسلام و شکست جبهه شرک و کفر باشد. گفتنی

است که جمله <أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ> در آیه ۱۰۵ مؤید همین دیدگاه است.

- سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۸ - ۱

۱ - هشدار شعیب (ع) به مردم حق ناپذیر < آیکه > ، درباره نظارت خداوند بر رفتار و اعمال ناشایست آنان

قال ربی أعلم بما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۸ - ۲

۲ - سنت الهی ، بر انداز و بیم دهی مکرر حق ناپذیران پیش از عذاب

و ما أهلكنا من قرية إلا لها منذرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۲ - ۸

۸ - اندازگری و هشداردهی ، موضع پیامبر (ص) در برابر گمراهان حق ناپذیر

و من ضلّ فقل إنما أنا من المنذرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۳ - ۳

۳ - تکلیف مؤمنان و مبلغان دینی ، در برابر انسان های لجوج و حق ناپذیر ، تنها انداز و هشدار است .

إن أنت إلا نذير

ایمان حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۱۰

۱۰ راه یافتن حق (اسلام) به قلب حق ناپذیر، مانند صعود در آسمان دشوار و یا غیرممکن است.

و من یرد أن یضله یجعل صدره ضيقا حرجا كأنما یصعد فی السماء

بی ارزشی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۲ - ۵

۵ انسانهایی که حقایق دینی را نپذیرند ، فاقد ارزش انسانی هستند .

إن شر الدواب عند الله الصم البکم الذین لا یعقلون

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۰ - ۳

۳ - کافران و حق ناپذیران ، عناصری بی ارزش نزد خداوند

و لاتحزن علیهم

این که خداوند به پیامبر(ص) توصیه می کند که بر بدبختی کافران غم و اندوه بر خود راه ندهد، نشانگر این است که آنان در پیشگاه خدا، از هیچ ارج و ارزشی برخوردار نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۱۰

۱۰- انسان حق گریز ، فاقد ارزش های انسانی و خاصیت واقعی حیات

أولئك الذين .. فأصمّهم و أعمى أبصرهم

کسانی که در نتیجه بیماری مشارالیه <أولئك>.. قرار گرفته اند به ظاهر گوش و چشم دارند اما خداوند در حقیقت این ابزار را برای آنان زاید و بی خاصیت قلمداد کرده است زیرا بهره نجستن از امکانات، چونان محرومیت از آن است.

بی استعدادی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۲ - ۳

۳ - کافرانِ رویگردان از حق ، با لجاجت و تعصّب خویش در برابر حق ، ظرفیت و صلاحیت حق پذیری را از دست می دهند

یکفرون .. فَأِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَىٰ ... إِذَا وُلُّوا مَدْبِرِينَ

بی تأثیری انذار بر حق ناپذیران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۰ - ۲۰

۲۰- روی آوردن حق ناپذیران مکه به سرکشی ها و جرایمی بس بزرگتر ، پس از انذار های هشدار دهنده الهی

و نَخَوْفَهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا

بی منطقی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۵ - ۷

۷ - دشمنان دیانت و ستیزه جویان با آیات الهی ، فاقد منطق و برهان

الذین یجدلون فی ءایت الله بغیر سلطن اَیهم

برداشت یادشده بر این اساس است که <بغیر سلطان .. > قید توضیحی باشد یعنی ، همواره چنین است که مجادله گران با آیات الهی ، بدون حجت و برهان به مجادله می پردازند.

بی مهری با حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۳

۳- برای کسانی که حق گریز و هدایت ناپذیرند ، نباید دل سوزاند و سرمایه گذاری کرد .

ذره م یا کلو و یتمتّعا

بینش حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۷ - ۱

۱- حق ناباوران کافر ، آیات الهی را سحر و جادوئی روشن قلمداد می کردند .

و إذا تتلی علیهم ءایتنا بینت قال الذین کفروا .. هذا سحر

تحقیر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۸ - ۵

۵ - کافران حق ناپذیر مورد تمسخر و تحقیر

ذكر عذاب، تناسبى با کاربرد واژه بشارت ندارد. از اين رو تعبير به بشارت مى تواند به عنوان سخرىه و تحقير باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فبش

۱۸ - ذاريات - ۵۱ - ۴۰ - ۸

۸ - قدرت هاى فرعونى و حق ناپذير ، محكوم به سرزنش شدن و تحقير در گستره تاريخ *

فبذنهف فى اليم و هو مليم

تعبير <و هو مليم> مى تواند نظر به ملامت شدن قدرت هاى حق ناپذير از سوى

اندیشه‌پورزان و نظارت گران تاریخ بشر، داشته باشد.

تداوم عذاب حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۶ - ۶

۶ - عذاب دائمی و بی تخفیف ، کیفر تمامی کافران حق ناپذیر

کذلک نجزی کلّ کفور

< کفور > صیغه مبالغه از ماده < کفر > و یا < کفران > می باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

ترک مجادله با حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۲۶

۲۶ ضرورت اکتفا کردن به ابلاغ و پرهیز از بحث و مجادله با کسانی که روحیه عناد و لجابت داشته و حق ناپذیرند.

قل الله ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون

تفاوت حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۳ - ۶

۶ - حق ناپذیران ، گونه ها و رتبه های متفاوت دارند . *

فإنّک لاتسمع الموتی و لاتسمع الصّمّ . . . و ما أنت بهد العمی

ذکر صفات < موتی > ، < صّم > ، < عمی > برای حق ناپذیران، احتمال دارد به خاطر وجود حقیقت خارجی آنان باشد که دارای تفاوت هایی نیز هستند.

تهدید حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۴

۴- پیامبر (ص) ، مشرکان و کافران لجوج و حق ناپذیر را به جنگ و جهاد تهدید کرد .

فإن تولّوا فقل ءاذنتکم علی سواء

برداشت یاد شده بر اساس یکی از احتمالاتی است که میان مفسران در باره این آیه مطرح است و آن این که جمله >آذنتکم
علی سواء< تهدید به جنگ و هشدار به

جهاد است. مانند آیه <فانبذ إليهم على سواء> (انفال (۸) آیه ۵۸).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۷ - ۱۱

۱۱ - لهو گرایان مستکبر حق ناپذیر ، مورد تهدید خداوند به عذابی بس دردناک اند .

و من الناس من يشتري لهو الحديث .. ولى مستكبرًا... فبشره بعذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۷ - ۸

۸ - دلدارى خداوند به مؤمنان و تهدید کافران و مشرکان حق گریز به انتقام و شکست

أليس الله بعزيز ذى انتقام

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ذیل آیه شریفه که از عزت و انتقام خداوند سخن گفته دارای لحن تهدیدآمیز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۹ - ۲

۲ - هشدار و تهدید ، از وظایف پیامبر اسلام (ص) در برخورد با کافران لجوج و حق ناپذیر

قل يقوم اعمالوا على مكانتكم إنى عمل فسوف تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۷ - ۵

۵ - تهدید شدن کافران لجوج و حق گریز ، به نزول عذاب الهی

فستعلمون كيف نذير

تهمتهای حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۷ - ۱

۱- حق ناباوران کافر، آیات الهی را سحر و جادوئی روشن قلمداد می کردند .

و إذا تتلى عليهم آياتنا بينت قال الذين كفروا .. هذا سحر

جهاد با حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۴

۴- پیامبر (ص) ، مشرکان و کافران لجوج و حق ناپذیر را به جنگ و جهاد تهدید کرد .

فإن تولّوا فقل ۛاذنتکم علی سواء

برداشت یاد شده بر اساس یکی از احتمالاتی است که میان مفسران در باره این آیه مطرح است و آن این که جمله <آذنتکم علی سواء> تهدید به جنگ و هشدار به جهاد است. مانند آیه <فانبد إلیهم علی سواء> (انفال (۸) آیه ۵۸).

حتمیت عذاب حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۹ - ۲

۲ - عذاب مردم حق ناپذیر و لجوج ، امری قطعی و سنت تغییرناپذیر الهی

أفمن حقّ علیه کلمه العذاب أفأنت تنقذ من فی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۲ - ۸

۸ - حکم خداوند به عذاب مشرکان و کافران حق ناپذیر ، قطعی و قابل نقض و تغییر نیست .

فالحکم لله العلیّ الکبیر

آمدن دو صفت <علیّ> و <کبیر> برای خداوند (پس از ذکر حکم الهی درباره کافران و مشرکان) می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

حتمیت کیفر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۵ - ۱۵

۱۵- کیفر دادن حق ناپذیران ، سنت دیرپای الهی است .

و ما منع الناس أن يؤمنوا .. إلا أن تأتيهم سنّة الأولين

اضافه <سنه> به <الأولين> اضافه مصدر به مفعول است و مراد، سنت خداوند درباره انسان های گذشته است.

حشراخروی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- تأثیر عقیده و عمل گمراهان حق ناپذیر ، در قوای ادراکی و حسی (چشم ، گوش و زبان) آنان به هنگام حشر در قیامت

و نحشرهم یوم القیمه علی وجوههم عمیًا و بکمًا و صمًا

حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۱۸

۱۸ پیمان شکنان ، مردمانی فاسق و منحرف از مسیر حق

لا یرقبوا فیکم .. ذمه ... و اکثرهم فسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۰ - ۲۱

۲۱- برخی از مردمان ، آن چنان حق ناپذیرند که هیچ سخن حقی - هر چند کلام خدا باشد - در آنان کارساز نیست .

و نخوفهم فما یزیدهم إلا طغیًا کبیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۵ - ۹

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۷ - ۱

۱ - برخی از مردم اصلاً ، روحیه حق پذیری ندارند و در صورت تلاوت آیات الهی بر آنان ، مستکبرانه از آن روی برمی گردانند .

و من الناس .. و إذا تتلی علیه آیتنا ولی مستکبرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - امکان پیدایش افرادی حق ناپذیر و دین ستیز در جامعه ، با وجود شناخت کامل حق و حقانیت دین

ألم تر إلى الذين يجدلون في آيات الله أنى يصرفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- غافر - ۴۰ - ۷۸ - ۱۲

۱۲ - قیامت ، روز کشف زیان کاری اهل باطل

و خسرها لک المبتلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۶ - ۴

۴ - وجود انسان هایی حق ناپذیر در جامعه ، به رغم شناخت نشانه های درستی آن

إِنَّهٗ كَانَ لِأَيْتِنَا عَنِيْدًا

<عنید> و <عنود> به کسی گفته می شود که حق را شناخته است؛ ولی عمداً و آگاهانه با آن مخالفت میورزد.

حق ناپذیران اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۶ - ۷

۷ - وجود افرادی لجوج و حق ناپذیر در میان اهل کتاب که سخن ملاطفت آمیز با آنها ، بی فایده است .

و لا تجدلوا أهل الكتب إلا بالتي هي أحسن إلا الذين ظلموا منهم

مراد از <ظلموا> به قرینه سیاق ، کسانی اند که در حق ناپذیری ، لجاجت به خرج می دهند و سخن نرم و آرام را ، حمل بر ضعف می کنند.

حق ناپذیران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۹

۹ - خداوند ، از کافران حق ناپذیر ، به وسیله شراره های دوزخ ، پذیرایی می کند .

إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ نَزْلًا

کلمه <نُزِّلَ> می تواند اسم باشد برای چیزی که به هنگام ورود میهمان برای پذیرایی او می آورند. این نوع سخن، <تَهَكِّمَ> بوده و برای استهزا به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۶ - ۱،۴

۱ - کافران حق ناپذیر و لجوج ، از درب های

گوناگون وارد جهنم خواهند شد .

ادخلوا أبواب جهنم

۴ - کافران حق ناپذیر و لجوج ، برای همیشه در جهنم خواهند ماند .

ادخلوا أبواب جهنم خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۷ - ۲

۲ - آتش دوزخ ، کیفر حق گریزان

تدعوا من أدبر و تولی

حق ناپذیران و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۶ - ۳

۳ - قرآن و کلام الهی ، دارای جاذبه بسیار / حتی برای کافران لجوج و حق ناپذیر

فمال الذین کفروا قبلک مهطعین

ختم قلب حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۰ - ۱

۱ - تأثیر ناپذیری برخی از انسان ها در برابر پیام انبیا ، علی رغم روشنی و اصالت آن

إنک علی الحقّ المبین . إنک لاتسمع الموتی ... إذا ولّوا مدبرین

آیه فوق بدین معنا است که: ای پیامبر! با این که تو بر حقی آن هم حقی بس روشن و انکارناپذیر اما در عین حال نباید توقع داشته باشی که سخنان در دل همگان تأثیر کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۴ - ۶

۶- توبیخ الهی نسبت به حق گریزان ، به خاطر بسته بودن قلب و روح آنان بر آیات ژرف قرآن

أفلا يتدبرون القرآن أم على قلوب أقفالها

برداشت بالا، بر این اساس است که <أم> به معنای <بل> و برای اضراب انتقالی باشد.

دشمنی با حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰

۱ - اعلام بغض و دشمنی شدید خداوند نسبت به کافران لجوج و حق ناپذیر در قیامت

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا ينادون لمقت الله أكبر من مقتكم أنفسكم إذ تدعون إلى الإيمن فتكف

<مقت> به معنای بغض شدید است.

دشمنی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲ - ۱

۱ - رو به رو شدن قرآن و پیامبراسلام ، با مخالفت کافران سرکش ، متکبر ، ستیزه جو و حق ناپذیر

و القرءان ذی الذکر . بل الذین کفروا فی عزّه و شقاق

<عزت> در اصل به معنای رفعت و سرافرازی است و ولی هر گاه احساس عزت برخاسته از عوامل ناصواب (مانند غرور و خودپسندی) باشد، این واژه در معنای غرور و تکبر به کار می رود. در آیه شریفه نیز در همین معنا به کار رفته است. <شقاق> به معنای مخالفت است و مقصود از آن در این آیه، مخالفت با پیامبراسلام و قرآن است. گفتنی است تنکیر <عزت> و <شقاق> دلالت بر شدت آن دو دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۴ - ۳

۳ - تهدید شدن کافران حق ناپذیر به عذاب الهی ، به سبب دشمنی ها و کارشکنی های آنان نسبت به رسالت پیامبراسلام

فسیعلمون من أضعف ناصرًا و أقلّ عددًا

دعوت از حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۱۷

۱۷ - شیطان ، فراخوان حق ناپذیران به دوزخ

كان الشيطان يدعوهم إلى عذاب السعير

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٩ - معارج -

۱- آتش دوزخ، مجرمان و حق گریزان را به سوی خود فرامی خواند.

تدعوا من أدبر و تولی

روش اصلاح حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۲ - ۱۳

۱۳- انذار پس از تبیین حق، وسیله ای است در جهت اصلاح حق ناپذیران

لقد علمت .. و إني لأظنك يفرعون مثبوراً

ذکر <إني لأظنك يفرعون مثبوراً> پس از ارائه معجزه و رد آن از سوی فرعون، احتمال دارد وارد شدن از در تهدید برای اصلاح باشد.

روش برخورد با حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۸ - ۷

۷ لزوم پرهیز از بحثها و مجادله های بی ثمر با کسانی که در جستجوی حقیقت نیستند.

الذین یخوضون .. فأعرض عنهم حتی یخوضوا فی حدیث غیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۲۶

۲۶ ضرورت اکتفا کردن به ابلاغ و پرهیز از بحث و مجادله با کسانی که روحیه عناد و لجاجت داشته و حق ناپذیرند.

قل الله ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون

روش برخورد حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۹ - ۱۱

۱۱- تنها شیوه حق ناپذیران ستم پیشه در برخورد با آیات الهی ، انکار آنهاست .

فأبى الظلمون إلا كفورا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۷ - ۶

۶- جدی نگرفتن پیام حق و برخورد هوچی گرانه با آن ، شیوه

مستمر اهل باطل

فلما جاءهم بايتنا إذا هم منها يضحكون

زمينه علم حق ناپذيران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۴ - ۲

۲ - کافران لجوج و حق ناپذیر ، تنها به هنگام مشاهده نشانه های نزول عذاب الهی ، به ناتوانی و بی پناهی خود پی می برند .

حتى إذا رأوا ما يوعدون فسيعلمون من أضعف ناصراً و أقلّ عدداً

زمينه گمراهی حق ناپذيران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۳ - ۲

۲ - آیین شرک و بت پرستی ، تنها در انسان های بدطینت و حق گریز زمينه تأثیر و نفوذ دارد .

ما أنتم عليه بفتنين . إلا من هو صال الجحيم

زیانکاری حق ناپذيران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۵ - ۴

۴ - آشکار شدن خسارت و زیان کاری مشرکان و کافران قدرتمند و حق ناپذیر ، به وقت نزول عذاب الهی بر ایشان در دنیا

لما رأوا بأسنا . .. و خسر هنالك الكفرون

سختی کیفر حق ناپذيران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۲

۱۲ - عقوبت دنیایی مردم حق ناپذیر و ستیزه جو از اقوام گذشته (چون قوم نوحو...) مجازاتی سخت ، شگفت آور و درس آموز

فأخذتهم فكيف كان عقاب

برداشت یادشده از استفهام تعجیبی <کیف> استفاده می شود.

سرزنش حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۴ - ۱،۶

۱- توبیخ بیمار دلان حق گریز

، از سوی خداوند به خاطر نیندیشیدن در ژرفای مفاهیم قرآن

أفلا يتدبرون القرآن

۶- توبیخ الهی نسبت به حق گریزان ، به خاطر بسته بودن قلب و روح آنان بر آیات ژرف قرآن

أفلا يتدبرون القرآن أم على قلوب أقفالها

برداشت بالا، بر این اساس است که <أم> به معنای <بل> و برای اضراب انتقالی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۱ - ۴

۴ - توبیخ حق ناباوران ، به خاطر نیندیشیدن به ژرفای مظاهر هستی و اکتفا به نگاهی سطحی

و فی الأرض ءایت .. و فی أنفسکم أفلا تبصرون

توبیخ، از تعبیر <أفلا تبصرون> استفاده می شود و با توجه به این که ماده <تبصرون> به معنای نگاه همراه با تحقیق و تأمل است، استفاده می شود که مشکل کافران، سطحی نگری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۰ - ۸

۸ - قدرت های فرعونى و حق ناپذیر ، محکوم به سرزنش شدن و تحقیر در گستره تاریخ *

فنبذنهم فی الیم و هو ملیم

تعبیر <و هو ملیم> می تواند نظر به ملامت شدن قدرت های حق ناپذیر از سوی اندیشهورزان و نظارت گران تاریخ بشر، داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۳ - ۱

۱ - روی گردانان از راه حق و هدایت ، مورد توبیخ و سرزنش خداوند

أفرءیت الذی تولی

سرگردانی اخروی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۲ - ۵

۵- حق ناپذیران ، در صحنه آخرت متحیر و سرگردان می شوند .

و

من كان في هذه أعمى . .. أضلّ سيلاً

سطحی نگری حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۱ - ۴

۴ - توبیح حق ناباوران ، به خاطر نیندیشیدن به ژرفای مظاهر هستی و اکتفا به نگاهی سطحی

و في الأرض آيت . . . و في أنفسكم أفلات تبصرون

توبیح، از تعبیر <أفلات تبصرون> استفاده می شود و با توجه به این که ماده <تبصرون> به معنای نگاه همراه با تحقیق و تأمل است، استفاده می شود که مشکل کافران، سطحی نگری است.

سنت هلاکت حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸ - ۷

۷ - نابودی تمدن ها و جوامع حق ناپذیر ، سنت الهی است .

و ما يأتيهم من نبي . . . فأهلكنا أشد منهم بطشاً

طرح بعثت پیامبران در طول تاریخ و مواجه شدن آنان با مخالفت و استهزا و یادآوری نابودی مخالفان، می تواند اشاره به سنت بودن این جریان داشته باشد.

سنگینی گوش حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۷ - ۱۳

۱۳ - محروم شدن حق ناپذیران از گوش سپاری به آیات الهی و توجه به آن ، بازتاب عملکرد خود آنها است .

فأعرض عنها . . . إنا جعلنا ... في آذانهم وقراً

شکست حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۱۱

۱۱- پیامبر (ص) ، پیروزی اسلام را به مشرکان و کافران حق ناپذیر یادآور شد و شکستشان را به آنان هشدار داد .

وإن

أدری أقریب أم بعید ماتوعدون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <ماتوعدون> پیروزی اسلام و شکست جبهه شرک و کفر باشد. گفتنی است که جمله <أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ> در آیه ۱۰۵ مؤید همین دیدگاه است.

شگفتی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۹ - ۳

۳ - حق ناپذیری و اندیشه دین ستیزانه ، عملی شگفت انگیز و به دور از شأن انسان

فقتل کیف قدر

<کیف>، در این آیه برای تعجب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۰ - ۳

۳ - حق ناپذیری و اندیشه دین ستیزانه ، عملی بس شگفت انگیز و به دور از شأن انسان

ثم قتل کیف قدر

شگفتی کیفر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۲

۱۲ - عقوبت دنیایی مردم حق ناپذیر و ستیزه جو از اقوام گذشته (چون قوم نوحو...) مجازاتی سخت ، شگفت آور و درس آموز

فأخذتهم فكيف كان عقاب

برداشت یاد شده از استفهام تعجیبی <کیف> استفاده می شود.

ضیق صدر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۷

۷ ضیق صدر و سختی دل در پذیرش حق، کیفی از جانب خداوند برای حق ناپذیران است.

یجعل صدره ضیقا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۶ - ۲

۲ گمراه کردن حقگريزان با ضیق صدر و هدایت حقپویان با شرح صدر، صراط مستقیم

پروردگار و سنت استوار اوست.

فمن یرد الله ان یهدیه .. هذا صرط ربك مستقیما

ظاهراً مشارالیه <هذا> مفاد آیه قبل است که به منزله نتیجه ای بر آیات گذشته بود. بنابراین <هذا> اشاره به شرح صدر و ضیق صدر و ... است.

طغیان حق ناپذیران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۰ - ۱۹،۲۰

۱۹- حق ناپذیران مکه در برابر انذار و بیم خداوند ، نه تنها تسلیم نشدند ؛ بلکه جز سرکشی و طغیان بیشتر ، چیزی بر آنها افزوده نشد .

و نخوفهم فما یزیدهم إلا طغیناً

هر چند ضمیر <هم> به <الناس> برمی گردد و شامل همه مردم می شود، ولی به قرینه و <و ما یزیدهم> می توان استفاده کرد که مرجع <هم> انسانهایی اند که اصل طغیان در وجودشان هست و با مواعظ الهی تشدید می شود.

۲۰- روی آوردن حق ناپذیران مکه به سرکشی ها و جرایمی بس بزرگتر ، پس از انذار های هشدار دهنده الهی

و نخوفهم فما یزیدهم إلا طغیناً کبیراً

ظلم حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۲ - ۱۱

۱۱- کافران حق ناپذیر ، ظالمند و از موهبت رحمت و شفابخشی قرآن ، تنها خسارت و زیان به ارمغان می برند .

شفاء و رحمه للمؤمنین و لایزید الظلمین إلا خساراً

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <ظالمین> به قرینه مقابله با <مؤمنین> کافران باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- اسراء - ۱۷ - ۹۹ - ۱۱

۱۱- تنها شیوه حق ناپذیران ستم

پیشه در برخورد با آیات الهی ، انکار آنهاست .

فأبى الظلمون إلا كفورا

عبرت از کیفر دنیوی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۲

۱۲ - عقوبت دنیایی مردم حق ناپذیر و ستیزه جو از اقوام گذشته (چون قوم نوحو...) مجازاتی سخت ، شگفت آور و درس آموز

فأخذتهم فكيف كان عقاب

برداشت یادشده از استفهام تعجیبی <کیف> استفاده می شود.

عجز حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۴ - ۲

۲ - کافران لجوج و حق ناپذیر ، تنها به هنگام مشاهده نشانه های نزول عذاب الهی ، به ناتوانی و بی پناهی خود پی می برند .

حتى إذا رأوا ما يوعدون فسيعلمون من أضعف ناصرا و أقلّ عددا

عذاب اخروی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۰ - ۹

۹ - عذاب سخت و جانکاه روز قیامت ، فرجام کافران حق ناپذیر

و لهم عذاب عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ حق پوشان لجوج و معاند، مستحق آتش دوزخ؛ و نه ناآگاهان ره نیافته به حق *

أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ

وصف <کفار> و <عنید> مشعر به علیت است؛ یعنی، آنچه آدمی را به سوی دوزخ می کشاند، انکار لجوجانه و حق ستیزانه است و نه صرف انکار ناشی از جهل و نرسیدن به حق؛ گرچه ظاهراً به چنین فردی نیز <کافر> اطلاق می شود.

عذاب استیصال حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۱ - ۳

۳ - تکذیب گران حق ستیز ، سزاوار عذاب مرگ بار استیصال

فأخذتهم الصيحة بالحقّ

کلمه <بالحقّ> را به دو صورت می توان تفسیر کرد: الف) جامعه پس از نوح، به خاطر کفر و تکذیب گری شان، مستحق عذاب بودند. ب) نزول عذاب صیحه بر آن قوم، حکمی بر پایه حق و عدل بود. برداشت فوق، براساس تفسیر اول می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۵

۵ - کفرپیشگان حق ناپذیر ، در معرض عذاب استیصال

و لولا أن تصيبهم مصيبة

واژه <مصیبه> در آیه، هم شامل عذاب استیصال می شود و هم شامل عذاب اخروی، برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

عذاب حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۲

۲- انسان های ناسپاس و روی گردان از حق ، هیچ گاه و در هیچ شرایطی ، از عذاب و کیفر دنیوی خداوند ، در دریا و خشکی در امان نیستند .

فلما نَجِّكُم إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ .. أم أمتم أن يعيدكم فيه تاره أخرى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۰ - ۲

۲- کافران و مشرکان حق ناپذیر، به عذاب و کیفر الهی تهدید شدند .

إِنَّهٗ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ

تذکر به این که خداوند به سخنان آشکار و توطئه ها و اسرار مشرکان و کافران آگاه است، در حقیقت تهدید آنان و هشدار
به کیفر

و عذاب شدن آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۴ - ۴

۴ - عده ای از مردم آن چنان لجوج و حق ناپذیراند که تنها با مشاهده عذاب الهی راه درست را می پیمایند .

فلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحَدَّةً وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۸ - ۷

۷ - کافران حق ناپذیر و لجوج ، در معرض عذاب الهی قرار دارند .

فَمَنْ يَجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۰ - ۲

۲ - کافران حق ناپذیر و اندیشه گر علیه دین ، مستحق شدیدترین عقوبت و نابودی اند .

ثُمَّ قَتَلَ كَيْفَ قَدَّرَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۴ - ۳

۳ - جهان آخرت ، عرصه گرفتاری کافران حق گریز به بزرگ ترین عذاب های الهی است .

العذاب الأكبر

به قرینه آیه بعد، مراد از <العذاب الأكبر> عذابی است که کافران در آخرت، به آن گرفتار خواهند شد.

عصیان حق ناپذیران مگه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹- حق ناپذیران مکه در برابر انذار و بیم خداوند ، نه تنها تسلیم نشدند ؛ بلکه جز سرکشی و طغیان بیشتر ، چیزی بر آنها افزوده نشد .

و نَحْوَهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طِغْيَانًا

هر چند ضمیر <هم> به <الناس> برمی گردد و شامل همه مردم می شود، ولی به قرینه و <و

ما یزیده‌م < می توان استفاده کرد که مرجع > هم < انسانهایی اند که اصل طغیان در وجودشان هست و با مواعظ الهی تشدید می شود.

عوامل زیان حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۲ - ۱۱

۱۱ - کافران حق ناپذیر ، ظالمند و از موهبت رحمت و شفاعت قرآن ، تنها خسارت و زیان به ارمغان می برند .

شفاء و رحمه للمؤمنين ولايزيد الظلمين إلا خسارًا

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <ظالمین> به قرینه مقابله با <مؤمنین> کافران باشند.

فرجام حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۹ - ۵

۵ - حق ناپذیران لجوج ، شاهد بازتاب کفر و شرک خویش در فرجامی نه چندان دور

فسوف يعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۰ - ۹

۹ - عذاب سخت و جانکاه روز قیامت ، فرجام کافران حق ناپذیر

و لهم عذاب عظیم

فلسفه تأخیر عذاب حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۱ - ۳

۳- تأخیر عذاب و کیفر مشرکان و کافران حق ناپذیر ، به خاطر بهره بردن ناچیز و موقتی آنان از متاع های دنیوی است .

إن أدری لعلّه .. متع إلى حین

فلسفه تأخیر عذاب حق ناپذیران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۱ - ۱

۱- آزمایش کافران و مشرکان حق ناپذیر صدراسلام ، فلسفه به تأخیر افتادن عذاب آنان و نامعلوم

بودن زمان شکست آنها است .

و إن أدرى لعلّه فتنه لكم

ضمیر <لعلّه> به نکته ای برمی گردد که از دو آیه قبل استفاده می شود. آن نکته، مسأله تأخیر عذاب کافران و مشرکان و یا نامعلوم بودن زمان شکست آنان و پیروزی مسلمین است.

فلسفه تهدید حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۴ - ۳

۳ - تهدید شدن کافران حق ناپذیر به عذاب الهی ، به سبب دشمنی ها و کارشکنی های آنان نسبت به رسالت پیامبر اسلام

فسيعلمون من أضعف ناصراً و أقلّ عدداً

فلسفه مهلت به حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۲ - ۴

۴ - تأخیر خداوند در انتقام گرفتن از حق گریزان ، مهلتی به ایشان و احترامی به وجود پیامبر (ص)

فإما نذهبنّ بكّ . . . فإنّا عليهم مقتدرون

از آیه قبل استفاده شد که اگر پیامبر رحلت کند، خداوند از مخالفان حق ستیز او انتقام خواهد گرفت. مفهوم این سخن آن است که حضور پیامبر(ص) مانع تسریع در انتقام است ولی این مانع، قطعی نیست و خداوند می تواند حتی در زمان حضور پیامبر(ص)، مخالفان دین را مجازات کند.

قضاوت بین محمد(ص) و حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۲ - ۱

۱- درخواست پیامبر (ص) از پروردگار در باره داوری به حق ، بین خود و مشرکان و کافران حق ناپذیر

قل رب احکم بالحقّ

کری حق ناپذیران

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۶ - انفال -

۲ آنان که حقایق دینی را ناشنیده گیرند ، کنند و آنان که حقایق دینی را بازگو نکنند ، لالند و آنان که معارف الهی را درک نکنند ، فاقد عقلند .

إن شر الدواب عند الله الصم البكم الذين لا يعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۲ - ۲

۲ - حق گریزان ، انسان هایی هستند همانند مردگان کر

فإنك لاتسمع الموتى و لاتسمع الصم الدعاء إذا ولوا مدبرين

<فاء> در <فإنك> فصیحه است و بر کلام مقدری دلالت می کند که می تواند چنین باشد: <حال که آنان، کفر را بر ایمان برگزیده اند، مانند مردگان اند.>

کیفر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۱ - ۴

۴ کیفر حق ناپذیران ، در راستای ربوبیت الهی بر جامعه انسانی است .

قد وقع علیکم من ربکم رجس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ قیامت روز رسیدگی به کار حق پذیران و حق ناپذیران و پاداش و مجازات آنهاست.

إنما يستجيب الذين يسمعون و الموتى یبعثهم الله ثم إلیه یرجعون

جمله <ثم إلیه یرجعون> ظاهراً تذلیلی برای تمامی آیه است. یعنی هم پاسخ دهندگان و هم مرده دلان جملگی در قیامت مبعوث شده و به نتایج اعمال خود می رسند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۷

۷ ضیق صدر و سختی دل در پذیرش حق، کیفی از جانب خداوند برای حق ناپذیران است.

یجعل صدره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۹

۹- خداوند ، از كافران حق ناپذیر ، به وسیله شراره های دوزخ ، پذیرایی می کند .

إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نَزْلًا

کلمه <نُزِّلَ> می تواند اسم باشد برای چیزی که به هنگام ورود میهمان برای پذیرایی او می آورند. این نوع سخن، <تَهَكُّمٌ> بوده و برای استهزا به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۰ - ۲

۲- کافران و مشرکان حق ناپذیر ، به عذاب و کیفر الهی تهدید شدند .

إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ

تذکر به این که خداوند به سخنان آشکار و توطئه ها و اسرار مشرکان و کافران آگاه است، در حقیقت تهدید آنان و هشدار به کیفر و عذاب شدن آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۱ - ۳

۳ - تکذیب گران حق ستیز ، سزاوار عذاب مرگ بار استیصال

فَأَخَذْتَهُمُ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ

کلمه <بِالْحَقِّ> را به دو صورت می توان تفسیر کرد: الف) جامعه پس از نوح، به خاطر کفر و تکذیب گری شان، مستحق عذاب بودند. ب) نزول عذاب صیحه بر آن قوم، حکمی بر پایه حق و عدل بود. برداشت فوق، براساس تفسیر اول می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۴ - ۷

۷- مجازات الهی ، در انتظار فرقه گرایان حق ناپذیر

فذرهم فی غمرتهم حتّی حین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱

۵ - خداوند ، کافران حق ناپذیر را ، به سرعت مجازات نمی کند و به آنها مدتی مهلت می دهد .

نَمْتَعَهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ

احتمال دارد <قلیلاً> صفت برای مفعول به <نمّع> باشد که <زماناً> است. بنابراین، مفاد آیه چنین می شود: <به آنان، مدت کوتاهی مهلت می دهیم و سپس آنان را روانه عذاب جهنم می کنیم.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۶ - ۶

۶ - عذاب دائمی و بی تخفیف ، کیفر تمامی کافران حق ناپذیر

كذلك نجزي كلّ كفور

<کفور> صیغه مبالغه از ماده <کفر> و یا <کفران> می باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ - حق گرایان برخوردار از مغفرت الهی ، و ملحدان و حق ناپذیران رویارو با مجازات دردناک او

ما يقال لك إلا ما قد قيل للرسل . . . إن ربك لذو مغفرة

در آیات پیشین، قرآن پیامی حق معرفی شده است که ملحدان با ایجاد شبهه در آن سعی می کردند پیامبر(ص) را مورد انکار قرار دهند. اکنون در این آیه خداوند به غفران و عقاب خود اشاره کرده که غفران منطبق بر حق گرایان و عقاب درباره ملحدان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۹ - ۱۱

۱۱ - مجازات حق ناپذیران ، پیمان خداوند با پیامبران خویش

ادع لنا ربك بما عهد عندك إنا لمهتدون

با توجه به سیاق آیات که راجع به عذاب است استفاده می شود که

عهد الهی همان عذاب هدایت ناپذیران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۷ - ۲

۲ - آتش دوزخ ، کیفر حق گریزان

تدعوا من أدبر و تولی

کیفر دنیوی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۲

۲- انسان های ناسپاس و روی گردان از حق ، هیچ گاه و در هیچ شرایطی ، از عذاب و کیفر دنیوی خداوند ، در دریا و خشکی در امان نیستند .

فلما نَجَّكُم إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ .. أم أمتم أن يعيدكم فيه تاره أخرى

گمراهی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۶ - ۲

۲ گمراه کردن حقگریزان با ضیق صدر و هدایت حقپویان با شرح صدر، صراط مستقیم پروردگار و سنت استوار اوست.

فمن یرد الله ان یهدیه .. هذا صرط ربك مستقیما

ظاهراً مشارالیه <هذا> مفاد آیه قبل است که به منزله نتیجه ای بر آیات گذشته بود. بنابراین <هذا> اشاره به شرح صدر و ضیق صدر و ... است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۲ - ۱۲

۱۲ - پیامبر (ص) نیز ، توان بیرون آوردن افراد حق گریز را از گمراهی ، ندارد .

فإنك لاتسمع الموتى و لاتسمع الصمّ الدعاء

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۳ - ۴

۴ - كافران حق ناپذير ، در گمراهی و ضلالت ، غوطهورند .

و ما أنت بهد العمى عن ضللتهم

لجاجة

حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۲۶

۲۶ ضرورت اکتفا کردن به ابلاغ و پرهیز از بحث و مجادله با کسانی که روحیه عناد و لجاجت داشته و حق ناپذیرند.

قل الله ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۴ - ۲

۲- روشن ترین دلایل الهی، در قلب حق ناپذیران لجوج تأثیر نمی کند.

لسان الذی یلحدون إلیه أعجمیّ و هذا لسان عربیّ مبین . إن الذین لایؤمنون ... لایه

در آیه قبل خداوند با روشن ترین بیان حقانیت قرآن را مبرهن ساخت. در این آیه نیز می فرماید: آن دلیل با همه روشنی برای آنان که تصمیم به ایمان آوردن ندارند، بی ثمر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۲ - ۳

۳ - کافرانِ رویگردان از حق، با لجاجت و تعصّب خویش در برابر حق، ظرفیت و صلاحیت حق پذیری را از دست می دهند

یکفرون ... فإِنَّکَ لاتسمع الموتی ... إذا ولّوا مدبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۹ - ۵

۵ - برخی از مردم، چنان هدایت ناپذیر و حق گریزانند که حتی سخنان پیامبران نیز در آنان کارساز نیست.

أفأنت تنقذ من فی النار

تردید نیست بر کسانی عذاب الهی قطعی خواهد شد که هیچ امیدی به هدایت آنان نباشد. بنابراین می توان استفاده کرد که

هدایت این گروه امکان پذیر نخواهد بود، حتی اگر هادی شخصیتی چون

رسول الله باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۴ - ۴

۴ حق پوشان لجوج و معاند، مستحق آتش دوزخ؛ و نه ناآگاهان ره نیافته به حق *

أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ

وصف <کفار> و <عنید> مشعر به علیت است؛ یعنی، آنچه آدمی را به سوی دوزخ می کشاند، انکار لجوجانه و حق ستیزانه است و نه صرف انکار ناشی از جهل و نرسیدن به حق؛ گرچه ظاهراً به چنین فردی نیز <کافر> اطلاق می شود.

لعن بر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۳

۳- جواز لعن و نفرین حق گریزانِ فسادانگیز و فاقد عواطف انسانی

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ

اعلام خداوند به ملعون بودن حق گریزان، نشانگر آن است که لعن آن گروه، مورد رضای الهی و هماهنگ با اراده او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۹ - ۴

۴ - جواز نفرین و دعا، علیه کافران حق ناپذیر و دین ستیز

فقتل كيف قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۰ - ۴

۴ - جواز نفرین و دعا، علیه کافران حق ناپذیر و دین ستیز

ثم قتل كيف قدر

محرومیت حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۴ - ۱

۱- کسانی که بر کفر اصرار ورزیده و از سر لجاجت حق را نمی پذیرند ، محروم از هدایت الهی اند .

إن الذين لا يؤمنون بأيت الله لا يهديهم الله

فعل

مضارع <لایؤمنون> دلالت بر استمرار دارد و با توجه به اینکه قرآن به زبان روشن و فصیح نازل گردیده است، ولی در عین حال کافران به آن ایمان نیاورده اند، می تواند لجاجت و روح حق ناپذیری آنان را برساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۲ - ۱

۱ - معاندانِ حق گریز، از هدایت و ارشاد پیامبر (ص) تأثیر ناپذیرند .

فإنك لاتسمع الموتى .. إذا ولّوا مدبرین

<إذا ولّوا> (آنان، آنگاه که روی برمی گردانند) قرینه است بر این که مراد از <الموتی> کسانی اند که از حق گریزان اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۳ - ۱

۱ - کافران حق ناپذیر، از حیات معنوی و امتیازات بشری، محروم اند .

و ما أنت بهد العمی عن ضللتهم

در آیه، کسانی که پیامبر(ص) نیز توان خارج کردن آنها را، از گمراهی ندارد، به کوران تشبیه شده اند و مراد از آنها کافران اند. تشبیه کافران به کوران، استعاره مصرحه است و <هادی>، استعاره کنایی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸ - ۲

۲ - کافران و مشرکان لجوج و حق ناپذیر، محروم از فهم صحیح حقایق الهی

إنّا جعلنا فی أعنتهم أغلاً.. فهم مقمحون

از تشبیه کافران لجوج و حق ناپذیر به انسان هایی که چون اسیران، غل و زنجیر بر گردن دارند و سرهایشان بالا مانده و از دیدن اطراف خویش محروم اند، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۹ - ۲

۲ - مشرکان و کافران لجوج و حق ناپذیر، محروم از شناخت صحیح حقایق الهی و فاقد بصیرت و بینایی

فأغشینهم فهم لایبصرون

<إغشاء> (مصدر <أغشینا>) به معنای قرار دادن پرده بر چیزی است که آن را بپوشاند. در جمله <فأغشیناهم> نیز مضافی در تقدیر است؛ یعنی، <فأغشینا أبصارهم>.

محمد(ص) و حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۸ - ۱

۱ - خداوند، آگاه به شکوه پیامبر (ص) از قوم حق ناپذیر خویش

و قیله یربّ إنّ هؤلاء قوم لایؤمنون

<قیل>، مصدر برای <قال> و عطف بر <الساعة> است؛ یعنی، <و عنده علم قیله>.

مردگی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۲ - ۲

۲ - حق گریزان، انسان هایی هستند همانند مردگان گر

فإنّک لاتسمع الموتی و لاتسمع الصمّ الدعاء إذا ولّوا مدبرین

<فاء> در <فإنّک> فصيحه است و بر کلام مقدری دلالت می کند که می تواند چنین باشد: <حال که آنان، کفر را بر ایمان برگزیده اند، مانند مردگان اند>.

معجزه برای حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸- اعطای معجزه به امت های حق ناپذیر و تکذیب کننده آیات الهی ، کاری بیهوده و دور از ساحت خداست .

و ما منعنا أن نرسل .. و ما نرسل بالأیة إلا تخویفاً

عبارت <و ما نرسل بالأیة إلا تخویفاً> (ما معجزات را جز برای بیم دادن نفرستادیم) می تواند توضیحی باشد برای امتناع خداوند

از ارائه معجزه به امتهای بعدی به خاطر تکذیب شدن معجزات توسط پیشینیان. با این بیان که هدف از ارائه معجزه بیم دادن است. وقتی آنها آن را تکذیب کنند، ارائه آن لغو و بیهوده خواهد بود و چنین امری از ساحت خداوند به دور است.

موضعگیری علیه حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۵ - ۶

۶- لزوم موضع گرفتن و بی تفاوت نبودن در برابر دشمنان دیانت و ستیزه جویان حق ناپذیر

الذین یجدلون فی ءایت اللّٰه .. کبر مقنًا ... عند الذین ءامنوا

نفرین بر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۳

۳- جواز لعن و نفرین حق گریزانِ فسادانگیز و فاقد عواطف انسانی

أولئک الذین لعنهم اللّٰه

اعلام خداوند به ملعون بودن حق گریزان، نشانگر آن است که لعن آن گروه، مورد رضای الهی و هماهنگ با اراده او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۶ - ۳،۴

۳ - کافران و بت پرستان حق ناپذیر ، مستحق نفرین و نابودی اند .

و قال نوح ربّ لاتذر علی الأرض من الکفرین ديارًا

۴ - نفرین علیه کافران و بت پرستان حق ناپذیر پس از ناامیدی از هدایت آنان امری پسندیده و روا

و قال نوح ربّ لاتذر علی الأرض من الکفرین ديارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - مؤمنان نمی توانند در برابر جامعه خویش بی تفاوت باشند ؛ بلکه باید برای

دوستان و همکیشان خود ، خیرخواه و نسبت به کافران و دشمنان اصلاح ناپذیر ، آرزوی نابودی کنند .

رَبِّ اغْفِرْ لِي . . . و للمؤمنين و المؤمنات و لا تزد الظالمين إلا تبارًا

برداشت یاد شده، از دعای خیر نوح(ع) برای مؤمنان و نفرین علیه کافران و دشمنان دعوتش، استفاده می شود.

نقش حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۷ - ۱۸

۱۸- سرسختی برخی از افراد در برابر حق ، نباید مایه دل سردی و نگرانی پیشوایان و مبلغان دین گردد .

و إن تدعهم إلى الهدى فلن يهتدوا إذا أبداً

وقت شکست حق ناپذیران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۱ - ۱

۱- آزمایش کافران و مشرکان حق ناپذیر صدراسلام ، فلسفه به تأخیر افتادن عذاب آنان و نامعلوم بودن زمان شکست آنها است .

و إن أدری لعلّه فتنه لكم

ضمیر <لعلّه> به نکته ای برمی گردد که از دو آیه قبل استفاده می شود. آن نکته، مسأله تأخیر عذاب کافران و مشرکان و یا نامعلوم بودن زمان شکست آنان و پیروزی مسلمین است.

وقت عذاب حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۱۲،۱۳

۱۲- پیامبر (ص) ، آگاه نبودن خود از زمان دقیق وقوع عذاب الهی بر مشرکان و کافران لجوج و پیروزی قطعی مسلمانان بر آنان را به مردم اعلام کرد .

و إن أدرى أقرب أم بعيد ماتوعدون

<إن> در <إن أدرى> نافیه است.

۱۳- محدودیت علم پیامبر (ص) نسبت به زمان وقوع عذاب بر

مشركان و كافران حق ناپذير و زمان دقيق پيروزي قطعي مسلمانان بر آنان

إن أدرى أقرب أم بعيد ماتوعدون

هدايت حق ناپذيران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۴۲ - ۷۸

۷ ارشاد مردمی که از پذیرفتن حق صریح و روشن سر باز می زنند ، عملی بی نتیجه است .

و منهم من يستمعون إليك أفأنت تسمع الصمّ و لو كانوا لا يعقلون

۸ هیچ کس حتی پیامبر (ص) ، نمی تواند مردمی را که از پذیرفتن حق صریح و روشن سر باز می زنند ، ارشاد کند .

و منهم من يستمعون إليك أفأنت تسمع الصمّ و لو كانوا لا يعقلون

هدايت ناپذیری حق ناپذيران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۱۰

۱۰ راه یافتن حق (اسلام) به قلب حق ناپذیر، مانند صعود در آسمان دشوار و یا غیرممکن است.

و من یرد أن یضله یجعل یصدره ضیقا حرجا كأنما یصعد فی السماء

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۴ - ۲

۲- روشن ترین دلایل الهی ، در قلب حق ناپذیران لجوج تأثیر نمی کند .

لسان الذی یلحدون إلیه أعجمی و هذا لسان عربی مبین . إن الذین لا یؤمنون ... لایه

در آیه قبل خداوند با روشن ترین بیان حقانیت قرآن را مبرهن ساخت. در این آیه نیز می فرماید: آن دلیل با همه روشنی برای آنان که تصمیم به ایمان آوردن ندارند، بی ثمر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ -

۵- بیرون آوردن کافران حق گریز به هر نحو ممکن از گمراهی، نه کار پیامبر است و نه در توان او است.

و ما أنت بهد العمی عن ضللتهم

هشدار به حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۰ - ۲

۲- کافران و مشرکان حق ناپذیر، به عذاب و کیفر الهی تهدید شدند.

إنه يعلم الجهر من القول و يعلم ماتکتمون

تذکر به این که خداوند به سخنان آشکار و توطئه ها و اسرار مشرکان و کافران آگاه است، در حقیقت تهدید آنان و هشدار به کیفر و عذاب شدن آنان است.

هشدار به حق ناپذیران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۷ - ۳

۳- تذکر به هلاکت اقوامی کافر در اطراف مکه، هشدار به مکیان حق ناپذیر

و لقد أهلكنا ما حولکم من القرى

مخاطب <کم> مشرکان مکه اند.

هلاکت حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۱ - ۵

۵- تبدیل شدن کافران حق ستیز به موجوداتی بی جان همچون خس و خاشاک در پی نزول عذاب

<جعل> (مصدر <جعلنا>) در جمله بالا، به معنای گردانیدن و تغییر دادن از صورتی یا حالتی، به صورت یا حالت دیگر است. <غناء> نیز به خس و خاشاک روی آب گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۹ - ۲

۲ - کافران حق ناپذیر و اندیشه گر علیه دین ، مستحق هلاکت

و نابودی اند .

إِنَّهٗ فِكْرٌ وَّ قَدْرٌ . ففقتل كيف قدر

یأس از هدایت حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۶ - ۴

۴ - نفرین علیه کافران و بت پرستان حق ناپذیر پس از ناامیدی از هدایت آنان امری پسندیده و روا

و قال نوح ربِّ لا تذر علی الأرض من الکفرین ديارًا

یأس حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ - یأس و ناامیدی شدید کافران حق ناپذیر ، از نجات خویش از عذاب الهی

فهل إلی خروج من سبیل

مفسران بر این باوراند که چنین سخنی، از زبان کسانی صادر می شود که یأس و ناامیدی بر وجود آنان چیره شده باشد.

حق ناپذیران مکه

بی تأثیری انداز بر حق ناپذیران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۰ - ۲۰

۲۰ - روی آوردن حق ناپذیران مکه به سرکشی ها و جرایمی بس بزرگتر ، پس از انداز های هشدار دهنده الهی

و نخوفهم فما یزیدهم إلا طغینًا کبیرًا

طغیان حق ناپذیران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۰ - ۱۹،۲۰

۱۹- حق ناپذیران مکه در برابر انذار و بیم خداوند ، نه تنها تسلیم نشدند ؛ بلکه جز سرکشی و طغیان بیشتر ، چیزی بر آنها افزوده نشد .

و نخوفهم فما یزیدهم إلا طغیاً

هر چند ضمیر <هم> به <الناس> برمی گردد و شامل همه مردم می شود، ولی به قرینه و <و ما یزیدهم> می توان استفاده کرد که

مرجع <هم> انسانهایی اند که اصل طغیان در وجودشان هست و با مواعظ الهی تشدید می شود.

۲۰- روی آوردن حق ناپذیران مکه به سرکشی ها و جرایمی بس بزرگتر، پس از انذار های هشدار دهنده الهی

و نَخَوْفَهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا

عصیان حق ناپذیران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۰ - ۱۹

۱۹- حق ناپذیران مکه در برابر انذار و بیم خداوند، نه تنها تسلیم نشدند؛ بلکه جز سرکشی و طغیان بیشتر، چیزی بر آنها افزوده نشد.

و نَخَوْفَهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا

هر چند ضمیر <هم> به <الناس> برمی گردد و شامل همه مردم می شود، ولی به قرینه و <و ما یزیدهم> می توان استفاده کرد که مرجع <هم> انسانهایی اند که اصل طغیان در وجودشان هست و با مواعظ الهی تشدید می شود.

حق ناپذیری

آثار اجتناب از حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۲ - ۱۴

۱۴ - استفاده از آیه های خدا، برای رهیافت به خداشناسی، منوط به حفظ بی طرفی و دست کشیدن از دغلكاری و حق ناپذیری است.

و ما یجحد بأیتنا إِلَّا کُلٌّ خَتَّارٌ کَفُورٌ

آثار اصرار بر حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۸ - ۹

۹ - اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفرورزی و حق ناپذیری ، زمینه ساز نزول عذاب و گرفتار شدن آنان به خشم و قهر الهی

فأخذهم العذاب . . . و ما كان أكثرهم مؤمنين

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۴ - ۶

۶ - اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفرورزی و حق ناپذیری ، زمینه ساز نزول عذاب و گرفتار شدن به خشم و قهر الهی

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۶ - ۸

۸ - اصرار و مداومت بر کفر و حق ناپذیری ، در پی دارنده عذاب آتش دوزخ

إِنَّمَا تَجْزُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

فعل <كنتم تعملون>، ماضی استمراری و بیانگر اصرار و مداومت شخص، بر عمل است.

آثار حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۲ - ۱

۱ انسان های حق ناشنوا و خاموش از بیان معارف حق و فاقدان فهم حقایق دینی ، بدترین جنبندگان در پیشگاه خداوند

إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمَّ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ

کلمات <الصم> و <البکم> به ترتیب جمع <الاصم = کر> و <الابکم = لال> است. <الذین لایعقلون> خبر سوم برای <إن> می باشد. قابل ذکر است که صفت بودن آن برای <الصم> و <البکم> نیز محتمل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۵ - ۱

۱ حق ناپذیری و پافشاری بر کفر ، موجب از میان رفتن توفیق آدمی برای ایمان به آیات الهی است .

الذین کفروا فهم لایؤمنون

با توجه به فعل مضارع <لا-یؤمنون> که دلالت بر استمرار دارد، جمله <هم-لا-یؤمنون> به این معناست که آنان ایمان نخواهند آورد. و چون این جمله به وسیله <فاء> بر جمله <کفروا> عطف شده، دلالت می کند

که سلب توفیق ایمان از آنها بر اثر کفرورزی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۲ - ۵۸

۵- قلب حق ناپذیر ، مانع از ایمان آوردن به عالم آخرت است .

إلهکم إله وحد فالذین لایؤمنون بالأخره قلوبهم منکره

<فاء> در <فالذین> برای تفریع است و دلالت می کند که توحید اثبات شده در آیات قبل، توحید کاملی است که اعتقاد به آخرت را نیز به همراه دارد. بنابراین کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند، موانعی همچون قلب حق ناپذیر و استکبار دارد.

۸- حق ناپذیری ، نشانه بیماری قلب است . *

فالذین لایؤمنون بالأخره قلوبهم منکره

فعل <لایؤمنون> (ایمان نمی آورند) حکایت از حق ناپذیری دارد و <منکره> به معنای زیر بار حق نرفتن است که بیماری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۴ - ۳

۳- نپذیرفتن حق و داشتن روحیه استکباری ، عامل انکار نزول قرآن از جانب خداوند

فالذین لایؤمنون بالأخره قلوبهم منکره و هم مستکبرون .. و إذا قیل لهم ماذا أنزل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۵ - ۳

۳- کفر و حق ناپذیری ، منشأ دروغ پردازی و افترا بستن به حقایق دین است .

إنما یفتري الکذب الذین لایؤمنون بأیت الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۱۵

۱۵ جهل ، گردن فرازی و حق ناپذیری ، از ریشه های دشمنی و مخالفت با اسلام و اهل ایمان

اشد الناس عدوه للذین ءامنوا الیهود . . .

و انهم لا يستكبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۵

۵ کفر و سرسختی در برابر حق، زمینه ساز انحراف در بینش و تفسیر غلط و نابجا از پدیده هاست.

و لو نزلنا... لقال الذین کفروا إن هذا إلا سحر مبین

عنوان ساختن کفر در <الذین کفروا..> بیان تأثیر کفر کافران در بینش غلط و منحرف آنان است. یعنی <کفر> موجب می گردد که پدیده ها بر خلاف حق و واقع تفسیر شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۰ - ۷۸

۷ محرومیت از هدایت پذیری، پیامد کفر و لجاجت در برابر حق است.

و نقلب أفئدتهم و أبصرهم کما لم یؤمنوا به أول مره

۸ حق ناپذیری و انکار آیات الهی، طغیان و موجب حیرت و سرگردانی است.

کما لم یؤمنوا به أول مره و نذرهم فی طغینهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۱۲، ۶

۶ ضیق صدر و قرار گرفتن صدر در تنگنای شدید (روحیه حق ناپذیری) زمینه گمراهی انسان است.

و من یرد أن یضله یجعل صدره ضیقاً حرجاً

حرج به معنای تنگنای شدید است. در مجمع البیان آمده است: <الحرج أضیق الضیق>.

۱۲ ضیق صدر (تنگ دلی و حق ناپذیری) نشانه تسلط پلیدی بر آدمی است.

و من یرد أن یضله .. كذلك یجعل الله الرجس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۱۹، ۱۷

۱۷ پیمان شکنی ، کرداری برخاسته از روحیه فسق

و حق گریزی است .

لا یرقبوا فیکم إلاً و لاذمه . . . و اکثرهم فسقون

۱۹ عدم رعایت حقوق خویشاوندی ، برخاسته از روحیه فسق و حق گریزی است .

لا یرقبوا فیکم إلاً . . . و اکثرهم فسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۲۱

۲۱ نزول عذاب بر امت های کافر پیشین ، پس از اصرار و مداومت آنان بر ظلم و حق ناپذیری

و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

فعل <کانوا> به همراه <یظلمون> افاده استمرار می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۳ - ۳

۳ ایمان نیاوردن اکثر مردم ، ریشه در حق ناپذیری آنان دارد ، نه قصوری از جانب پیامبر (ص) در تبلیغ و نه ناتمام بودن

برهان بر حقایق قرآن

ذلک من أنباء الغیب . . . و ما اکثر الناس و لو حرصت بمؤمنین

آیه قبل بیان داشت که حقایق قرآن و الهی بودن آن امری روشن است و جمله <و لو حرصت> می رساند که پیامبر(ص) در ابلاغ دین تلاشی پی گیر داشت. این دو حقیقت بیانگر آن است که حجت بر مردم تمام است و ایمان نیاوردن آنان، نشانه حق ناپذیری ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۴ - ۱

۱- کسانی که بر کفر اصرار ورزیده و از سر لجاجت حق را نمی پذیرند ، محروم از هدایت الهی اند .

إن الذین لایؤمنون بأیت الله لایهدیهم الله

فعل مضارع <لایؤمنون> دلالت بر استمرار دارد و با توجه به اینکه قرآن به زبان روشن و

فصیح نازل گردیده است، ولی در عین حال کافران به آن ایمان نیاورده اند، می تواند لجاجت و روح حق ناپذیری آنان را برساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۶

۶- لجاجت و حق ناپذیری ، باعث برداشت و تفسیر غلط از روشن ترین دلایل حق و گریز و اجتناب از آنهاست .

و لقد صرّفنا فی هذا القرآن لیذکروا و ما یزیدهم إلا نفورًا

سخن حق، به خودی خود چیزی نیست که نفرت آفرین باشد. با توجه به این نکته، تنفر مشرکان از آیات روشن قرآن، عاملی جز موضع گیری پیشین و لجاجت آنها نخواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۶ - ۱،۳

۱- کسانی که از موضع حق ناپذیری ، به آخرت ایمان نمی آورند ، خداوند بر قلبهایشان پوششی قرار می دهد که قادر به فهم قرآن نباشند .

الذین لایؤمنون بالأخره . . . و جعلنا علی قلوبهم أکنه أن یفقهوه

۳- محرومیت از درک صحیح حقایق قرآن ، پیامد حق ناپذیری و کفرپیشگی کافران

الذین لایؤمنون بالأخره . . . و جعلنا علی قلوبهم أکنه أن یفقهوه و فی ءاذانهم وقرّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۹ - ۷

۷- روی گردانی از قرآن ، به خاطر قابل فهم نبودن قرآن و یا محتوای آن نیست ؛ بلکه به دلیل حق گریزی است .

و لقد صرّفنا للناس فی هذا القرآن من کلّ مثل فأبی أكثر الناس إلا کفورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف -

۴- کفر و حق ناپذیری، عامل عجز انسان از گوش فرا دادن به آیات الهی است.

عن ذکری و کانوا لایستطیعون سمعاً

مفاد <کانوا لایستطیعون..> ماضی استمراری است، یعنی، کافران، پیوسته ناتوان از شنوایی بوده اند. روشن است که نفی شنوایی، به معنای حسی آن مراد نیست، بلکه بیان این است که حال کافران در برابر استماع تذکرات، همانند حال کسی است که هیچ گاه قدرت شنوایی نداشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۵ - ۸

۸- تأثیر نکردن انذارهای پیامبر (ص) در برخی از مردم، برخاسته از حرف ناشنوایی آنان بود، نه ناشی از ضعف در منطق و وحی و بیان آن حضرت.

قل إِنَّمَا أَنذَرُكُمْ بِالْوَحَىٰ وَ لَا يَسْمَعُ الصَّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا مَا يَنْذُرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۱۲

۱۲- کفر و سرپیچی از عبودیت حق، مصداق بارز ظلم است.

أَبْصِرِ الَّذِينَ كَفَرُوا... بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ

توصیف کردن کافران به ظالم بودن خود به جای کافر بودن، بیانگر یکی بودن این دو وصف است و هر کافری در حقیقت ظالم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۴ - ۳

۳ - حق ناپذیری، تعصب و جمود بر فرقه گرایی، گردابی است هلاکت بار.

فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ... فَذَرَهُمْ فِي غَمْرَتِهِمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۷ - ۳

۳ - عوامل انحراف و حق ناپذیری

، سبب مخفی بودن روشن ترین حقایق (یگانگی خدا) بر گمراهان در دنیا

تَاللّٰهِ اِنْ كُنَّا لَفِي ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ

با این که پوچی شرک و یگانگی خدا، امری روشن است؛ مشرکان، تنها پس از گرفتار شدن به آتش دوزخ، وضوح آن را درمی یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۷ - ۷

۷ - روحیه عناد و حق ناپذیری ، مانع از درک صحیح حقایق و تصمیم گیری به موقع

فَعَقَرُوْهَا فَاصْبَحُوْا نَدَمِيْنَ

ثمودیان تا قبل از کشتن ناقه، به امکان نزول عذاب نیندیشیدند؛ چرا که کفر و عنادشان مانع از درک این حقیقت بود؛ ولی به مجرد کشتن ناقه و مشاهده نشانه های عذاب، آثار پشیمانی آنان را فرا گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۰ - ۳

۳ - لزوم وانهادن امر کافران به خدا ، پس از احراز تأثیرناپذیری آنان در قبال حق

فَتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ اِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِيْنِ . اِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتٰى ... اِذَا وُلُوْا مُدْبِرِيْنَ

آیه یاد شده، دارای این پیام است که: چون آنها مرده اند و سخن در مرده بی تأثیر است؛ پس بیش از این تلاش مکن و نگران مباش و کار خود را با ایشان به خدا واگذار.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۶ - ۱۱

۱۱ - روحیه لجاج و حق ناپذیری ، مانع بهره‌وری انسان از آیات الهی

اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُوْنَ

قید <لقوم يؤمنون> نشانگر آن است که کسانی که مصمم بر عدم پذیرش حق اند، از آیات روشن و غیرقابل انکار

و گسترده الهی در نظام آفرینش، کمترین بهره را نخواهند برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۲ - ۷،۱۰

۷ - عناد و حق گریزی موجب محرومیت انسان از هدایت الهی است .

فإنك لاتسمع الموتى .. إذا ولّوا مدبرین

۱۰ - هدایت نشدن برخی انسان ها ، معلول هدایت ناپذیری خود آنان است و نه نارسایی مفاهیم دینی و یا نارسایی تبلیغی .

فإنك لاتسمع الموتى .. إذا ولّوا مدبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۵ - ۵

۵ - تعلق نگرفتن هدایت خدا به گروهی از انسان ها ، ناشی از روحیه حق ناپذیر آنها است .

و لو شئنا لأتینا كل نفس هدیها .. إنما يؤمن بأیتنا الذین إذا ذكروا بها خرو

احتمال دارد که این آیه درصدد تبیین آیه <و لو شئنا ..> باشد، یعنی، فلسفه عدم شمول هدایت خداوند به همه انسان ها در این جا بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۵ - ۲

۲ - تکذیب پیامبران از سوی ملت های گذشته ، ناشی از روحیه حق ناپذیری آنان بوده است .

و كذب الذین من قبلهم .. فكذبوا رسلی

تکرار ماده <کذب> (کذب و کذبوا) ممکن است به خاطر این باشد که <کذب> برای تکثیر و <کذبوا> برای تعدیه است. بنابراین استفاده می شود که آنان تکذیب پیامبران را دنبال کردند و همواره در پی آن بودند، تا حدی که جزء اخلاقیاتشان شد و از آن پس، براساس این خصلت، هر پیامبری را انکار

می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸ - ۳

۳ - لجاجت و حق ناپذیری ، موجب محرومیت از فهم صحیح حقایق الهی

فهم لایؤمنون . إنا جعلنا فی أعینهم أغلاً ... فهم مقمحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۹ - ۳

۳ - لجاجت ، حق ناپذیری و دوری از ایمان ، موجب محرومیت از شناخت درست حقایق الهی و از دست دادن بصیرت و

بینایی

فهم لایؤمنون .. فأغشینهم فهم لایبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۰ - ۳

۳ - کسانی که دارای روح لجاجت و حق ناپذیری باشند ، انذارها و اخطارهای پیامبران ، در آنان کارساز نخواهد بود .

و سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لایؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۸ - ۳

۳ - انکار لجوجانه معاد و روح حق ناپذیر ، موجب خواری و ذلت آدمی در قیامت است .

و أنتم دخرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۰ - ۴

۴- روح طغیان و حق ناپذیر ، از عوامل تأثیرپذیری از جریان کفر و شرک

بل کنتم قومًا طغین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۱ - ۲

۲- روح طغیان و حق ناپذیری ، عامل دوزخی شدن و استحقاق کیفر الهی

بل کنتم قومًا طغین . فحقّ علینا قول ربّنا إنّنا لذائقون

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۲ - ۳

۳ - روح طغیان گری و حق ناپذیری ، زمینه ساز تأثیرپذیری از فریب اغواگران و کثری منحرف کنندگان

بل کنتم قومًا طغین . . . فأغوینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۸ - ۲

۲ - شرک به خدا ، تکذیب رسالت پیامبران و استکبار در برابر حق ، موجب عذاب دردناک اخروی

و إذا قيل لهم لا إله إلا الله يستكبرون . . . إنکم لذائقوا العذاب الأليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲ - ۵

۵ - خوی سرکشی ، تکبر ، ستیزه جویی و حق ناپذیر ، از موانع پذیرش قرآن و وحی الهی

و القرآن ذی الذکر . بل الذین کفروا فی عزّه و شقاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴ - ۲

۲ - کفر و روح حق ناپذیری ، عامل مجادله و ستیزه جویی با آیات الهی

ما یجدل فی ءایت الله إلا الذین کفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ - تکبر در برابر سخن حق و باور نداشتن به روز حساب ، از زمینه های فسادگری و کشتار افراد بی گناه در جامعه

کلّ متکبر لا یؤمن بیوم الحساب

توصیف فرعون فاسد و سفاک به متکبر و منکر روز حساب، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۰ - ۱

۱ - تکذیب کتاب های آسمانی

و فرستادگان الهی، برخاسته از روح ستیزه جویی و حق ناپذیری است.

ألم تر إلی الذین یجدلون .. الذین کذبوا بالکتب و بما أرسلنا به رسلنا

جمله <الذین کذبوا بالکتب ..> بدل برای <الذین یجدلون...> می باشد. در واقع تکذیب کنندگان همان مجادله گران اند که از سر لجاجت به تکذیب آیات الهی می پردازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۸ - ۳

۳- اعراض و روی گردانی از پیام حق، موجب جاودانگی در آتش جهنم

إنکم مکثون .. أكثرکم للحقّ کرهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۲

۲- جواز وانهادن گمراهان به خود، پس از اتمام حجت بر آنان و حق ناپذیری ایشان

فذرهم

<فاء> در <فذرهم>، می رساند که پس از اتمام حجت ادامه تبلیغ ضروری نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۹ - ۲

۲- جدی نگرفتن حقایق و برخورد بازیگرانه با هستی، ریشه حق ناپذیری منکران وحی و رسالت

بل هم فی شکّ یلعبون

تعبیر <یلعبون> بیانگر این نکته است که کافران، علاوه بر سست اندیشی، گرفتار نوعی بازیگری و دلبستگی کودکانه به مظاهر مادی و جدی نگرفتن حقایق هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۷ - ۷

۷- جرم پیشگی مردمان و حق ناپذیری ایشان ، زمینه ساز عقوبت آنان در دنیا

أهلکنهم إنهم كانوا مجرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۶ - ۱۴، ۱۲

۱۲- روحیه

حق ناپذیری ، مانع بهره‌وری صحیح انسان از ابزار شناخت

فما أغنى عنهم سمعهم .. إذ كانوا يجحدون بآيت الله

<إذ..> در عین حالی که ظرف <ما أغنى...> است، بیانگر علت نیز هست و تعبیر <كانوا يجحدون> رساننده استمرار است که در پرتو آن، افعال تبدیل به خصلت و روحیه می شود.

۱۴- فراگیری عذاب بر قوم عاد ، پس از حق ناپذیری های مستمر آنان

إذ كانوا يجحدون بآيت الله و حاق بهم ما كانوا به يستهزءون

<كانوا يجحدون> مفید استمرار است و ارتباط <حاق بهم> با آن، گویای ترتیبی است که در برداشت آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۱ - ۳

۳- روحیه ناباوری و سطحی نگری ، مانع رهجویی انسان به شناخت آیات الهی

آیت للموقنین .. أفلاتبصرون

تصریح به <موقنین> و توییح کافران با عبارت <أفلاتبصرون>، می رساند که مشکل اصلی آنان که آیات الهی را در زمین و وجود انسان، نمی بینند و یا پیام آن را درک نمی کنند سست اندیشی، ناباوری و سطحی نگری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۱ - ۴،۵

۴- روح لجاج ، استکبار و حق گریزی ، عامل کفر و تکذیب دین از سوی کافران در صدراسلام

و لقد كذب الذين من قبلهم .. بل لجوا في عتو و نفور

۵- روح لجاج ، استکبار و حق گریزی ، از موجبات کفر و تکذیب دین

و لقد كذب الذين من قبلهم .. بل لجوا في عتو و نفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲ - ۲

۲ - کفر و حق ناپذیری ، موجب عذاب الهی است .

بعذاب واقع . للكفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۷ - ۲

۲ - حق ناپذیری و عناد با دین ، موجب عذاب سخت و طاقت فرسا

سأرهقه صعودًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۳ - ۳

۳ - حق گریزی و کفر ، از میان برنده زمینه های تأثیرپذیری از تعالیم دین و پند های آن است .

فذکر .. إلا من تولی و کفر

استثنای اعراض کنندگان کافر از مجموعه کسانی که پیامبر(ص) به تذکر دادن آنان مکلف شده است، نشانگر بی اثر بودن تذکرات آن حضرت، در آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۶ - ۶

۶ - حق ناپذیری و عناد با دین ، موجب زوال نعمت ها است .

ثم یطمع أن أزید . کلاً إنه کان لأیتنا عنیداً

جمله <إنه کان لأیتنا عنیداً> تعلیل برای ردع (کلاً) است؛ یعنی، چنین نخواهد شد (بر قدرت و ثروت او افزوده نخواهد شد)؛ چون او نسبت به آیات ما عناد دارد.

آثار حق ناپذیری اکثریت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۱ - ۷

۷ - اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفرورزی و حق ناپذیری ، زمینه ساز نزول عذاب و گرفتار شدن آنان به خشم و قهر الهی

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۸ - ۹

۹ - اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفرورزی و حق ناپذیری ، زمینه ساز نزول عذاب و گرفتار شدن آنان به خشم و قهر الهی

فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابَ ... و ما كان أكثرهم مؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۴ - ۶

۶ - اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفرورزی و حق ناپذیری ، زمینه ساز نزول عذاب و گرفتار شدن به خشم و قهر الهی

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً و ما كان أكثرهم مؤمنين

آثار حق ناپذیری امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۸ - ۳،۴

۳ - دشمنی با حق و سرسختی در برابر آن ، مایه هلاکت بسیاری از جوامع و تمدن های پیشین

و تنذر به قومًا لَدًّا . و کم أهلکنا قبلهم من قرن

وصف <لَدًّا> بر شدت سرسختی و خصومت دلالت دارد، بیان هلاکت جوامع به دنبال مطرح ساختن سرسختی مردم عصر بعثت، نشان از تأثیر بسزای این خصلت در نابودی اقوام پیشین دارد.

۴ - هلاکت اقوام و تمدن های بسیاری در طول تاریخ در اثر خیره سری در مقابل حق ، نشانگر واقعیت داشتن انذار های قرآن است .

و تنذر به ... و کم أهلکنا قبلهم من قرن

طرح مسأله نابودی جوامع در طول تاریخ (در پی بیان وظیفه پیامبر(ص) در انذار مردم لجوج به وسیله قرآن) هشدار به مردم عصر بعثت و دیگر عصرها است که ایستادگی و سرسختی در برابر حق، عواقب زیانبار و تباه کننده ای برای جوامع در پی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۰ - ۳

۳- قوم ثمود، گرفتار عذاب الهی، در پی درس نگرفتن از انذارهای مکرر پیامبر خویش

کذبت ثمود بالذکر... فکیف کان عذابی و نذر

عطف <نذر> بر <عذابی>، ممکن است بیانگر این معنا باشد که عذاب الهی در حق ثمودیان، بدون انذارهای مکرر و اتمام حجت نبوده است.

آثار حق ناپذیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۱۱

۱۱ - حق ناپذیری کافران، تنها مایه محرومیت آنان از رهنمودهای بیدار کننده قرآن

بل أتینهم بذکرهم... معرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸ - ۲

۲ - رسوخ روحیه حق ناپذیری در بیشتر کافران، عامل بی تأثیری آیات الهی در آنان

و ما کان اکثرهم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۰ - ۶

۶- به کارگیری تهدید از سوی خداوند، پس از ارائه منطق و برهان و تأثیرناپذیری کافران از آن

فارتقب یوم تأتي السماء بدخان مبین

<فاء> تفریع، تهدید را متفرع بر حق ستیزی کافران و عدم تأثیر منطق و برهان بر آنان کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۷ - ۶

۶- سحر خواندن قرآن ، نتیجه تضاد و بحران درونی کافران ، در انکار حق و مشاهده نفوذ آیات وحی *

قال الذين كفروا للحقِّ لَمَّا جاءهم هذا سحر مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۱۰

۱۰- حق ناپذیری و هدایت گریزی کافران ، منتهی به دروغ شمردن پیام راستین وحی

و اذ لم یهدوا به فسیقولون هذا إفک قدیم

<فاء> در <فسیقولون>، بیانگر ترتب و نتیجه است؛ یعنی، اتهام آنان به قرآن، نتیجه حق ناپذیری و هدایت گریزی آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۵ - ۷

۷- پرسش بهانه جویانه کافران ، درباره زمان برپایی قیامت ، ناشی از خوی لجاجت ، استکباری و حق گریزی آنان بوده است

بل لَجَوا فی عتوّ و نفور . . . و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

آثار حق ناپذیری کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲ - ۳

۳- خوی سرکشی و حق ناپذیری کافران در آغاز بعثت ، مانع پذیرش اسلام از سوی آنان گردید .

و القرءان ذی الذکر . بل الذین کفروا فی عَزّه و شقاق

<بل> در <بل الذین . . .> برای اضراب انتقالی است؛ بدین معنا که خداوند پس از آن که خاصیت بیدارگری و ذکر بودن قرآن را مطرح فرمود، به پاسخ این سؤال پرداخت که: چرا کافران چنین کتاب آگاهی بخش را نپذیرفتند؟ در جواب می فرماید: نپذیرفتن آنان به دلیل وجود روح سرکشی و حق ناپذیری در آنها است.

آثار حق ناپذیری مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- عدم اعطای معجزات اقتراحی مشرکان از سوی خداوند ، به دلیل علم خدا به حق ناپذیری آنان

و لقد

ءاتینا موسی . . . فقال له فرعون إني لأظنك يموسی مسحورًا

یادآوری کفر فرعون، علی رغم ارائه معجزات فراوان از سوی موسی(ع) در پی رد درخواستهای مشرکان، می رساند که دلیل عدم اجابت خواسته های مشرکان، تصمیم آنان بر عدم ایمان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۲ - ۳

۳ لجاجت و روح حق ناپذیری مشرکان ، مانع از تأثیر نهایی دعوت و هدایت پیامبر (ص) در آنان بود .

إن کاد لیضلنا عن ءالھتنا لولا أن صبرنا علیھا

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که صبر و مقاومت در برابر دعوت به حق پیامبر(ص)، معنایی جز لجاجت و عناد ندارد و نشانه وجود روح حق ناپذیری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۰ - ۲

۲ - پیشوایان شرک ، عامل اصلی گمراهی مشرکان را ، روح طغیان و حق ناپذیری خود آنان معرفی خواهند کرد .

بل کنتم قومًا طغین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۱ - ۱

۱ - روح طغیان گری و حق ناپذیری مشرکان ، موجب مستحق بودن آنان به عذاب الهی (دوزخ) در نظر سران شرک

بل کنتم قومًا طغین . فحقّ علینا قول ربّنا إنا لذائقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۲ - ۲

۲ - روح طغیان گری و حق ناپذیری مشرکان ، زمینه ساز تأثیرپذیری آنان از اغواگری سردمداران شرک

بل کنتم قومًا طغین . . . فأغوینکم

است که جمله <فأغویناکم> می تواند متفرع بر جمله <بل کنتم قوما طاغین> باشد، یعنی، چون شما مردم سرکشی بودید، پس ما توانستیم به اغوای شما پردازیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۹ - ۷

۷- دلجویی خداوند از پیامبر اکرم (ص)، در قبال حق ناپذیری مشرکان

فاصفح عنهم .. فسوف يعلمون

آثار حق ناپذیری مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶ - ۹

۹- ایمان نیاوردن و حق ناپذیری مشرکان ستم پیشه، فلسفه و دلیل رد شدن پیشنهاد آنان مبنی بر ارائه معجزه از سوی پیامبر (ص)

فلیأتنا بایه .. أفهم یؤمنون

اصرار بر حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۱۳

۱۳- پافشاری در مخالفت با دین و تردید در حقانیت آن باوجود مشاهده دلایل روشن موجب گمراهی ابدی است.

کذالك یضلّ الله من هو مسرف مرتاب

مقصود از <مسرف> در این آیه، کسی است که در مخالفت با حق، پافشاری و اصرار فراوان دارد.

اقرار به حق ناپذیری فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۱ - ۳

۳- پیامبر (ص) ، مأمور اقرار گرفتن از بنی اسرائیل نسبت به حق ناپذیری فرعون و پیروان او ، علی رغم اعطای معجزات فراوان به موسی (ع)

و لقد ءاتینا موسی تسع ءایت بیئت فسئل بنی اسرائیل إذ جاءهم فقال له فرعون إنی لأ

اقرار به حق ناپذیری فرعونیان

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۱ - ۳

۳- پیامبر (ص) ، مأمور اقرار گرفتن از بنی اسرائیل نسبت به حق ناپذیری فرعون و پیروان او ، علی رغم اعطای معجزات فراوان به موسی (ع)

و لقد آتینا موسی تسعة آيات بینت فستل بنی اسرائیل إذ جاءهم فقال له فرعون إني لأ

امکان حق ناپذیری خانواده پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۰ - ۷

۷- امکان نفوذ کفر و فساد و حق ناپذیری در افراد خانواده پاکان

إلا امرأته قدّرتنا إنها لمن الغبرین

اندوه بر حق ناپذیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۷ - ۸،۱۰

۸- پیامبر (ص) ، به خاطر حق ناپذیری کافران ، بسیار محزون و اندوهگین بود .

ولا تحزن علیهم

۱۰- دلداری و تسلی خداوند به پیامبر (ص) در غم او بر کفرورزی و حق ناپذیری کافران

ولا تحزن علیهم

پیشینه حق ناپذیری مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۱۰

۱۰ - حق ناپذیری و ایمان نیاوردن مردم مصر در عصر موسی (ع) ، دارای پیشینه در تاریخ گذشته آنان و به ارث رسیده از اجدادشان

لقد جاءكم يوسف من قبل .. فمازلتم في شك مما جاءكم به حتى إذا هلك قلتم لن يبع

حق ناپذیری اشراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۷ - ۸

۸ - اعیان و اشراف هر

جامعه ، افرادی مغرور و ناشنوا در برابر سخنان حق

إلى فرعون و ملائجه . . . إذا هم منها يضحكون

حق ناپذیری اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۵ - ۸،۱۰

۸ خودبرتربینی فرعون و اطرافیانش ، مانع از پذیرش رسالت موسی و هارون (ع)

ثم بعثنا من بعدهم موسی و هرون إلى فرعون و ملائجه بأیتنا فاستكبروا

۱۰ تبه کاری مستمر فرعون و اطرافیانش ، عامل سرکشی آنان از پذیرش رسالت موسی و هارون (ع)

ثم بعثنا . . . موسی و هرون إلى فرعون و ملائجه بأیتنا فاستكبروا و كانوا قوماً مجرمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۶ - ۶

۶ - تأثیر عمیق آیات الهی در آگاهان و اهل شناخت

فَأَلْقَى السَّحْرَةَ سَجْدِينَ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ساحران چون با افسون آشنا بودند و خیال را از واقعیت تشخیص می دادند، زودتر از دیگران به معجزه بودن کار موسی(ع) و حقانیت رسالت وی پی بردند.

حق ناپذیری اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۴ - ۳

۳ - کفرورزی و حق ناپذیری ، بارزترین مشخصه اشراف قوم نوح

فقال الملأؤ الذین كفروا

حق ناپذیری اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۵ - ۱

۱ - موضع گیری خصمانه مردم ایکه در برابر نصیحت های شعیب (ع)

قالوا إنّما أنت من المسخرین

ضمیر فاعل در <قالوا> به <اصحاب الأیکه> بازمی گردد. <إنّما> از

ادوات قصر است؛ بنابراین جمله <إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمَسْحُورِينَ> به تقدیر <مَا أَنْتَ إِلَّا مِنَ الْمَسْحُورِينَ> می باشد. <مَسْحُورٌ> نیز به کسی گفته می شود که به سختی افسون شده باشد.

حق ناپذیری اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۴ - ۳

۳ - اقوام قدرتمند محکوم شده به عذاب استیصال، مردمی لجوج و حق ناپذیر در برابر تعالیم پیامبران

فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحَدَّةٌ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که اقوام یادشده تا لحظه مشاهده آثار آمدن عذاب، به استهزای آن می پرداختند و تنها به محض دیدن آن، تسلیم شده، ایمان می آوردند.

حق ناپذیری اقوام کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۲۱

۲۱ نزول عذاب بر امت های کافر پیشین، پس از اصرار و مداومت آنان بر ظلم و حق ناپذیری

و لکن كانوا أنفسهم يظلمون

فعل <كانوا> به همراه <يظلمون> افاده استمرار می کند.

حق ناپذیری اکثریت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۹ - ۶

۶- روی گردانی بیشتر مردم از قرآن، جز به خاطر حق گریزی نیست.

و لقد صرّفنا .. فأبى أكثر الناس إلا كفورًا

حق ناپذیری اکثریت اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۰ - ۴

۴ - بیشتر مردم <ایکه > ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر بودند .

و ما کان اکثرهم مؤمنین

ضمیر <هم > در <اکثرهم > به

<اصحاب الأيكة> برمی گردد.

حق ناپذیری اکثریت امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۲ - ۴

۴ - مخالفت بیشتر مردم از امت های پیشین با رسولان الهی و نپیمودن راه هدایت ، ناشی از روح لجاجت و حق ناپذیر خودشان بود .

ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ . و لقد أرسلنا فيهم منذرين

پیمودن راه گمراهی با وجود پیامبران اخطارکننده، گویای حقیقت یاد شده است.

حق ناپذیری اکثریت رهبران شرک صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷ - ۲

۲ - بیشتر سران کفر و شرک در صدراسلام ، دچار روح لجاجت و حق ناپذیری و مصمم بر نپذیرفتن ایمان

فهم لایؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۰ - ۲

۲ - بیشتر سران شرک و کفر در صدراسلام ، گرفتار روح لجاجت و حق ناپذیری بودند .

و سواء عليهم ءأندرتهم أم لم تنذرهم لایؤمنون

حق ناپذیری اکثریت رهبران کفر صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷ - ۲

۲ - بیشتر سران کفر و شرک در صدر اسلام ، دچار روح لجابت و حق ناپذیری و مصمم بر نپذیرفتن ایمان

فهم لایؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۰ - ۲

۲ - بیشتر سران شرک و کفر در صدر اسلام ، گرفتار روح لجابت و حق ناپذیری بودند .

و سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لایؤمنون

حق ناپذیری اکثریت فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۷ - ۴

۴ - اکثریت فرعونیان (قبطیان) ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر

و ما کان اکثرهم مؤمنین

حق ناپذیری اکثریت قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۴ - ۴

۴ - بیشتر قوم لوط ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر

و ما کان اکثرهم مؤمنین

ضمیر <هم> در <اکثرهم> به قوم لوط بازمی گردد.

حق ناپذیری اکثریت قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۱ - ۴

۴ - بیشتر افراد قوم نوح ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر

و ما کان اکثرهم مؤمنین

حق ناپذیری اکثریت مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۴ - ۱۴، ۱۱

۱۱ - بیشتر مشرکان صدر اسلام ، ناآگاه و جاهل به حق بودند .

بل اکثرهم لایعلمون الحق

۱۴- گروه بسیاری از مشرکان در صدراسلام علی رغم شناخت حق مردمی حق گریز بودند .

بل أكثرهم لا يعلمون الحقّ

واژه <أكثر> افعال التفضیل است و نقطه مقابل آن، کثیر می باشد نه قلیل و بدین جهت گروه بسیار استفاده شده است؛ یعنی، هر چند مشرکان دانا و حق گریز، در مقایسه با نادانان کمتر بودند؛ ولی خود جمعیتی چشم گیر و بسیار بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۹ - ۱۲

۱۲ - رسوخ روحیه کفرورزی و حق ناپذیری در بیشتر شرک پیشگان صدراسلام

إنّ فی ذلک لآیه و ما کان أكثرهم مؤمنین

گرچه ضمیر <هم> در <أكثرهم> به عادیان بازمی

گردد؛ اما در عین حال به شرک پیشگان صدراسلام نیز اشاره ای دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۸ - ۱۰

۱۰ - رسوخ روحیه کفرورزی و پندناپذیری ، در اکثریت شرک پیشگان صدراسلام

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَ مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ

گرچه ضمیر <هم> در <أكثرهم> به ثمودیان بازمی گردد؛ اما در عین حال تعریض به مشرکان صدراسلام نیز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۴ - ۷

۷ - رسوخ روحیه کفرورزی و حق ستیزی ، در اکثریت شرک پیشگان صدراسلام

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَ مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ

گرچه ضمیر <هم> در <أكثرهم> به قوم لوط بازمی گردد؛ اما در عین حال اشاره به مشرکان صدراسلام نیز دارد.

حق ناپذیری انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۸ - ۶

اختلاف انسان ها در دین و پرهیز آنان از پذیرش حق ، خارج از مشیت خداوند نیست .

و لو شاء ربك لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَآ يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ

حق ناپذیری اهل انطاکیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۴ - ۶

۶ - مردم انطاکیه ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

فَكَذَّبُوهُمَا فَعَبَّوْا وَنَالُوا

فرستاده شدن دو پیامبر در يك زمان در میان مردم انطاکیه و تکذیب آن دو از سوی آنان و نیز فرستاده شدن پیامبر سوم برای تقویت دو فرستاده پیشین، بیانگر لجاجت و سرسختی چنین مردمی در برابر حق است.

حق ناپذیری اهل کتاب

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۴

۴ - اهل کتاب (یهود و نصارا) مردمی لجوج و حق ناپذیرند .

و لئن أتیت الذین أوتوا الکتب بکل ءایه ما تبعوا قبلتک

جمله <لئن...> (به خدا قسم! اگر هر معجزه و برهانی را به اهل کتاب ارائه کنی، از قبله تو پیروی نمی کنند) گویای عمق عناد، لجاجت و حق ناپذیری آنان می باشد.

حق ناپذیری بادیه نشینان جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۱

۱ بادیه نشینان جزیره العرب در عصر بعثت ، در کفر و نفاق پابرجاتر و در امتناع از پذیرش سخن حق ، سخت تر بودند .

الأعراب أشد کفراً و نفاقاً

حق ناپذیری بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۱ - ۴

۴ - بنی اسرائیل ، مردمی شخصیت پرست بودند ؛ نه حقیقت طلب .

لن نبرح .. حتّی یرجع إلینا موسی

گوساله پرستان بنی اسرائیل، به جای اندیشه در گفته های هارون(ع) و شناخت حقیقت، تنها پاسخی که به او دادند، آن بود که بازگشت موسی(ع) از میقات را، شرط تجدید نظر در عقاید خود دانستند. حال آن که معقول آن بود که در باره کار خویش و گفته های هارون(ع)، درست بیندیشند.

حق ناپذیری بیماردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- بیماردلان گریزان از جهاد و فسادانگیز و قطع کننده رحم ، مردمی کرو کور در برابر حق

أولئك الذين .

.. فأصمّهم و أعمى أبصرهم

حق ناپذیری تارکان جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۶

۶- بیماردلان گریزان از جهاد و فسادانگیز و قطع کننده رحم ، مردمی کر و کور در برابر حق

أولئك الذين .. فأصمّهم و أعمى أبصرهم

حق ناپذیری ثروتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۶ - ۴

۴- مترفان و صاحبان مال و منال بیش از دیگران در معرض نافرمانی خدا و حق ناپذیری قرار دارند .

أمرنا مترفيها ففسقوا فيها

برداشت فوق مبتنی بر این است که مفعول <أمرنا> کلمه محذوفی چون <بالطاعة> و .. باشد. بنابراین معنای آیه چنین می شود: ما مترفان جامعه را به طاعت و بندگی فرمان می دهیم، ولی آنان برخلاف انتظار راه فسق و نافرمانی پیشه می سازند.

حق ناپذیری جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۵ - ۱

۱ - سرزنش دوزخیان از سوی خداوند ، به خاطر حق ناپذیری های گذشته آنان

ألم تكن آيتي تتلى عليكم .. تكذبون

استفهام در آیه فوق، استفهام توییخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملك - ۶۷ - ۱۰ - ۴

۴ - كافران دوزخى ، مردمى لجاج و حق گريزاندا .

و قالوا لو كنا نسمع أو نعقل ما كنا فى أصحاب السعير

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۷ - ۳

۳ - حق گريزى ، از ويژگى هاى مجرمان دوزخى

يودّ المجرم . . . تدعوا من أدبر و

حق ناپذیری رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۸

۸ - سران کفر و شرک در صدراسلام ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

بل لَمَا يذوقوا عذاب

جمله <بل لَمَا يذوقوا عذاب> (بلکه هنوز عذاب مرا نچشیده اند) کنایه از این نکته است که آنان آن چنان در شک و تردید نسبت به قرآن به سر می برند و زیر بار رسالت پیامبراسلام(ص) نمی روند که تنها با چشیدن عذاب الهی دست از مخالفت برمی دارند و به سخن حق تن در می دهند. این نکته نشانگر اوج لجاجت و حق ناپذیری آنان است.

حق ناپذیری رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۸

۸ - سران کفر و شرک در صدراسلام ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

بل لَمَا يذوقوا عذاب

جمله <بل لَمَا يذوقوا عذاب> (بلکه هنوز عذاب مرا نچشیده اند) کنایه از این نکته است که آنان آن چنان در شک و تردید نسبت به قرآن به سر می برند و زیر بار رسالت پیامبراسلام(ص) نمی روند که تنها با چشیدن عذاب الهی دست از مخالفت برمی دارند و به سخن حق تن در می دهند. این نکته نشانگر اوج لجاجت و حق ناپذیری آنان است.

حق ناپذیری ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۸ - ۲

۲ - حق گریزی و تنفر از پیام حق ، ویژگی بارز بیشتر مجرمان ستم پیشه

و لكنْ أَكْثَرُكُمْ لِلْحَقِّ كَرِهُونَ

حق ناپذیری علمای یهود

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۹، ۱۰

۹ - پیشوایان و عالمان یهود در عصر بعثت ، مردمانی لجوج و حق ناپذیر

أتحدثونهم بما فتح الله عليكم .. أفلا تعقلون

۱۰ - لجاجت و حق ناپذیری عالمان و پیشوایان یهود ، دلیل نا به جا بودن امید و دل بستن مسلمانان به ایمان آوردن آنان

أفتطمعون أن يؤمنوا لكم .. قالوا أتحدثونهم بما فتح الله عليكم

آیه مورد بحث عطف بر جمله حالیه <وقد كان ..> و یا عطف بر جمله <يسمعون ...> در آیه قبل می باشد. در هر صورت، بیانگر علتی دیگر برای <أفتطمعون ...> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۵ - ۱

۱ - عالمان یهود ، به رغم آگاهی از دستورات تورات ، به آن عمل نمی کردند .

مثل الذين حملوا التوریه ثم لم يحملوها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۱۳

۱۳ یهودیان و علمای آنان دارای روحیه سلطه گری و حق ناپذیری

أشد الناس عدوه للذین ءامنوا الیهود .. و انهم لایستکبرون

حق ناپذیری فاسقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۱۶

۱۶ حق ناپذیری فاسقان مجوز ترک نهی از منکر نیست .

لم تعظون قوماً لله مهلكهم .. قالوا معذرة إلى ربكم و لعلمهم يتقون

موعظه گران یهود دو دلیل برای نهی از منکر اقامه کردند: داشتن عذر در پیشگاه خدا (معذره إلى ربکم)، احتمال تأثیر (لعلمهم يتقون). مقتضای سخن آنان

این است که نبود احتمال تأثیر نمی تواند مجوز ترک نهی از منکر باشد و عذر پذیرفته شده ای نخواهد بود.

حق ناپذیری فاقدان استعداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۳ - ۶

۶ فاقدان خیر و استعداد کمال ، اگر چه مشمول هدایت های ویژه خداوند شوند ، از آن رویگردان و گریزانند .

و لو أسمعهم لتولوا و هم معرضون

ضمیر مفعولی در <أسمعهم> همان کسانی هستند که با جمله <و لو علم ... > توصیف شدند. بنابراین جمله <و لو أسمعهم ... > چنین معنای می شود: <و لو اسمع الذین لیس فیهم خیرا ... > یعنی اگر خداوند هدایت ویژه اش را شامل حال کسانی کند که در آنها خیری نیست ...

حق ناپذیری فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۵ - ۸،۱۰

۸ خودبرتربینی فرعون و اطرافیانش ، مانع از پذیرش رسالت موسی و هارون (ع)

ثم بعثنا من بعدهم موسی و هرون إلی فرعون و ملایه بآیتنا فاستکبروا

۱۰ تبه کاری مستمر فرعون و اطرافیانش ، عامل سرکشی آنان از پذیرش رسالت موسی و هارون (ع)

ثم بعثنا .. موسی و هرون إلی فرعون و ملایه بآیتنا فاستکبروا و كانوا قوماً مجرمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۶ - ۴

۴ فرعون و قوم او ، دعوت حضرت موسی و هارون (ع) را نپذیرفته و آیات و معجزات الهی را تکذیب کردند .

فقلنا اذهبا إلی القوم الذین

كذَّبوا بِآيَاتِنَا فَذَمَّرْنَاهُمْ تَدْمِيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۹ - ۵

۵ - پیروزی موسی (ع) بر ساحران ، بی تأثیر در روحیه حق ناپذیر فرعون

قال ءامنتم له قبل أن ءاذن لكم إنّه لكبيركم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۹ - ۱۴

۱۴ - نصیحت ها و هشدار های مؤمن آل فرعون ، نسبت به قتل موسی (ع) ، در فرعون بی تأثیر بود .

أتقتلون رجلاً.. قال فرعون ما أريكم إلا ما أرى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۹ - ۷

۷ - سعی فرعون ، در موجه جلوه دادن حق ناپذیری خود

فتولّى .. و قال سحر أو مجنون

نسبت دادن سحر و جنون از سوی فرعون به موسی(ع)، به رغم روشنی دلایل رسالت آن حضرت، نشانگر تلاشی است که او برای سرپوش گذاشتن بر حق ناپذیری خود به کار بسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۰ - ۷

۷ - فرجام حق ناپذیری فرعون ، فرجامی ملامت بار

فنبذنهم فی الیمّ و هو ملیم

<ملیم> بر کسی اطلاق می شود، که سزاوار سرزنش باشد.

حق ناپذیری فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۶ - ۴

۴ فرعون و قوم او ، دعوت حضرت موسی و هارون (ع) را نپذیرفته و آیات و معجزات الهی را تکذیب کردند .

فقلنا اذهبنا إلى القوم الذين كذبوا بآيتنا فدمرناهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۳ - ۱،۲

۱ - موضع گیری خصمانه فرعونیان در برابر آیات (معجزات) روشن الهی

فلما جاءتهم آیتنا مبصره قالوا هذا سحر مبین

۲ - سحر خوانده شدن معجزات الهی موسی ، از سوی فرعونیان علی رغم وضوح و روشنی آن

فلما جاءتهم آیتنا مبصره قالوا هذا سحر مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۱ - ۳

۳ - اظهار شگفتی مؤمن آل فرعون از تأثیرناپذیری مردم از خیرخواهی ها و فراخوانی های او

و یقوم مالی ادعوکم إلى النجوه و تدعونى إلى النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۳ - ۷

۷ - فرعونیان در عصر موسی (ع) ، مردمی اسراف گر و افراط کننده در گناه و حق ناپذیری

و أن المسرفین هم أصحاب النار

از مصداق های بارز <مصرفان>، در آیه شریفه، فرعونیان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۴ - ۳

۳ - هدایت ها و خیر خواهی های مؤمن آل فرعون ، در قوش تأثیر نگذاشت .

فستذکرون ما أقول لكم

حق ناپذیری قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۳ - ۳

۳ - اکثریت قوم ابراهیم ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر

و ما کان اکثرهم مؤمنین

حق ناپذیری قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۱ - ۳

۳ - اصحاب حجر (قوم ثمود) ،

مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

و ءاتینهم ءایتنا فکانوا عنها معرضین

اینکه اصحاب حجر، علی رغم مشاهده معجزات و آیات فراوان الهی از آنها اعراض کردند، بیانگر لجاجت و حق ناپذیری آنان بود؛ چنان که آمدن جمله <فکانوا عنها معرضین> به جای <فأعرضوا عنها> که نشان دهنده این است که اعراض آنان از دیر باز وجود داشته است می تواند مؤید برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۹ - ۱۶

۱۶- ناقه قوم ثمود ، از جمله آیات الهی برای اخطار به آنان به خاطر حق ناپذیریشان

و ءاتینا ثمود الناقه ... و ما نرسل بالآیت إلاّ تخویفاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۷ - ۶

۶ - ثمودیان ، مردمی لجوج و حق ناپذیر

فأت بئایه إن كنت من الصدقین . قال هذه ناقه... و لا تمسوها بسوء... فعقروها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۸ - ۶

۶ - بیشتر ثمودیان ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر بودند .

و ما كان أكثرهم مؤمنین

حق ناپذیری قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۶ - ۲

۲ - قوم عاد ، مردمی لجوج و مصمم بر حق ناپذیری

قالوا سواء علينا .. من الوعظين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۹ - ۸

۸ - بیشتر عاديان ، حق ناپذير و مصمم بر كفر

و ما كان أكثرهم مؤمنين

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۵ - ۱۵

۱۵ - لجاجت و عناد مستمر قوم عاد ، در برابر آیات روشن الهی

أولم یروا... و كانوا بأیتنا یجحدون

<جحد> (مصدر <یجحدون>) به معنای انکار کردن چیزی است که حقانیت آن برای منکر روشن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۳ - ۶

۶- قوم عاد ، مردمی جهالت پیشه و روی گردان از حقایق

و لکنّی أریکم قومًا تجهلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۶ - ۱۴

۱۴- فراگیری عذاب بر قوم عاد ، پس از حق ناپذیری های مستمر آنان

إذ كانوا یجحدون بایت الله و حاق بهم ما كانوا به یتهزءون

<كانوا یجحدون> مفید استمرار است و ارتباط <حاق بهم> با آن، گویای ترتیبی است که در برداشت آمده است.

حق ناپذیری قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۴ - ۹

۹- جامعه فاسد و ناپاک قوم لوط ، از دعوت و تبلیغ آن حضرت تأثیر نپذیرفتند .

و نَجّینه من القریه الّتی کانت تعمل الخبیث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۷ - ۲

۲ - خیره سری و مقاومت قوم لوط ، در برابر نصیحت های وی

قالوا .. لتكوننّ من المخرجين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۱

۱ - تأثیرناپذیری قوم لوط ، در برابر هشدارها و هدایت گری های او

فما كان جواب قومه إلا أن قالوا أخرجوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۶ - ۲

۲ - روی آوردن قوم لوط ، به جدال و تشکیک نسبت به انذارها / بجای حق پذیری

و لقد أنذرهم .. فتماروا بالئذیر

حق ناپذیری قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۰ - ۱

۱ - التجای نوح (ع) به درگاه پروردگار برای استمداد از او در برابر قوم حق ناپذیر خویش

فدعا ربّه أنّی مغلوب فانتصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۶ - ۲

۲ - قوم نوح ، مردمی حق ناپذیر و لجوج بودند .

فلم یزدهم دعاءى إلاّ فرارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۷ - ۵،۹

۵ - قوم نوح ، مردمی حرف ناشنوا و حق ناپذیر

و إنّی کلّما دعوتهم .. و استغشوا ثیابهم

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <و إنّی کلّما دعوتهم ..> تفسیر و تبیین برای <فرار> است و تعبیر <انگشتها در گوش کردن و جامه بر سر نهادن>، می تواند کنایه از حرف ناشنوی و حق ناپذیری باشد.

۹- روح استکبار و خودبرتربینی ، سبب حرف ناشنوی ، حق ناپذیری و دین گریزی قوم نوح بود .

و اِنِّی کَلِّمًا دَعَوْتَهُمْ . . . و استکبروا استکبارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۳

۳- قوم نوح ، مردمی عصیانگر و حق ناپذیر

قال نوح ربِّ اِنَّهُمْ عَصَوْنِی

برداشت یاد

شده، با توجه به این نکته است که شکوائیه نوح(ع) از عصیان قوم خود، پس از دعوت و موعظه طولانی آنان بوده است.

حق ناپذیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۰ - ۹

۹ سرگردانی در طغیان، کیفر و پیامد حق ناپذیری کافران است.

و نذرهم فی طغینهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۷ - ۱۴

۱۴- حق گریزی کافران و منکران الهی، در حیطة قدرت خدا و وابسته به اراده او است .

إِنَّا جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً

تأکید خداوند به وسیله <إِنَّا جَعَلْنَا..> بر حاکمیت و نقش خود، از آن جهت است که گمان نرود کفر کافران و منکران آیات الهی، از قلمرو قدرت الهی بیرون است و آنان تبدیل به قدرتی در برابر خدا شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۲ - ۵

۵- اعراض کافران از شنیدن کلام الهی و درک مفاهیم و معارف قرآنی، دلیل بی توجهی آنان به رحمت گسترده الهی و متأثر نشدن از موعظ پیامبر (ص)

قل من یکلؤکم... من الرحمن بل هم عن ذکر ربهم معرضون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <ذکر> قرآن باشد؛ زیرا یکی از نام ها و اوصاف قرآن کریم ذکر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۰ - ۹

۹ - شالوده زندگی بیشتر کافران، بر پایه باطل و منافع آنان، ناسازگار با پذیرش حق

أخذنا مترفيهم .. و أكثرهم للحقّ كرهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ دلدارى خداوند به پیامبر (ص) و مؤمنان ، در برابر کارشکنى ها و حق ناپذيرى کافران و مشرکان

و جعلنا بعضكم لبعض فتنة أتصبرون و كان ربك بصيرًا

یاد آوری خداوند به بصیرت و بینایی خود، به پیامبر(ص) پس از یاد کردن از مشرکان و آزمایش شدن آنان، می تواند برای دلجویی از پیامبر(ص) و مؤمنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۳ - ۱،۳

۱ - پیامبر (ص) از حق ناپذيرى کافران ، اندوهگین بود .

و من كفر فلا يحزنك كفره

توصیه خداوند به پیامبر(ص) برای پرهیز از اندوه درباره کفر کافران، این نکته را می رساند که آن حضرت، در قبال کفر آنان، اندوهناک بوده است.

۳ - دلدارى خداوند ، پیامبر (ص) را در برابر حق ناپذيرى کافران

و من كفر فلا يحزنك كفره إلینا مرجعهم

جمله <إلینا مرجعهم..> به منزله تهدید است. چنین تهدید و هشدارى، می تواند به منظور دلدارى به پیامبر(ص) بیان شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ - وجود اختلاف اساسی انسان مؤمن حق پذیر و نرم دل با کافر حق ناپذیر و سنگدل ، از نظر شخصیت و سرنوشت

أفمن شرح الله صدره للإسلام فهو على نور من ربه فويل للقسيه قلوبهم

<من> در آیه شریفه، اسم موصول و مبتدا است و خبر آن به قرینه جمله بعدی (فویل للقاسیه قلوبهم..). جمله ای محذوف

می باشد. تقدیر کلام چنین است: <أفمن شرح الله صدره للإسلام... كمن قسا قلبه>. بنابراین می توان گفت: آیه شریفه در صدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴ - ۱

۱ - تنها کافران حق ناپذیر به مجادله و ستیزه جویی با آیات الهی می پردازند و از پذیرش آن سر باز می زنند .

مايجدل فیءایة الله إلا الذین کفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۰ - ۱

۱ - اعلام بغض و دشمنی شدید خداوند نسبت به کافران لجوج و حق ناپذیر در قیامت

إن الذین کفروا ینادون لمقت الله أكبر من مقتکم أنفسکم إذ تدعون إلى الإیمن فتکف

<مقت> به معنای بغض شدید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۰ - ۲

۲- دلداری خداوند ، به پیامبر (ص) در برابر حق ناپذیری کافران

فارتقب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۳ - ۶

۶- ستیز کافران با منطق روشن رسولان الهی ، گواه بی اساس بودن ایمان اضطراری آنان

أئی لهم الذکری و قد جاءهم رسول مبین

در صورتی که <أئی لهم الذکری> در صدد بیان پوچی ادعای ایمان کافران باشد؛ تعبیر <و قد جاءهم..> بیانگر فلسفه

پوچی ادعای آنان خواهد بود؛ یعنی، آنان که منطق روشن رسولان را نپذیرفتند، چگونه با مشاهده عذابی، می توانند به ایمان

راستين رسیده باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۱۶

۱۶- کیفر الهی در مورد کافران ، پس از اتمام حجت و تبیین حق برای آنان

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا و... من بعد ما تبين لهم الهدى ... و سيحبط أعمالهم

در صورتی که <سیحبط...> عنوان کیفر داشته باشد، تعبیر <من بعد ما تبين...> بیانگر اتمام حجتی است که قبل از اعمال مجازات، صورت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۲ - ۲

۲ دلجویی خداوند از پیامبر (ص) در برابر تکذیب ، حق ناپذیری و عناد کافران

كذبت قبلهم قوم نوح و أصحاب الرس و ثمود

یادآوری روحیه حق ستیز بسیاری از امت ها در طول تاریخ در برابر پیام رسولان الهی، می تواند از آن جهت باشد که پیامبر(ص) در برابر تکذیب کافران، احساس نگرانی نداشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۴ - ۱،۵

۱ - ناباوری کفرپیشگان به حقانیت وعده های الهی ، حتی با مشاهده نمود های عینی عذاب و سقوط سنگی از آسمان بر آنان

و إن يروا كسفاً .. يقولوا سحاب مركوم

۵ - دلایل حسی نیز همانند برهان های عقلی ، بی تأثیر در روح حق ستیز کفرپیشگان

و إن يروا كسفاً من السماء ساقطاً يقولوا سحاب مركوم

سقوط پاره های سنگ از آسمان، دلیلی حسی است و خداوند می فرماید: کافران نه تنها براهین عقلی را بی تأمل رد می کنند؛ که حتی دلایل حسی را نیز با توجیهی، وارونه جلوه می دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - کافران دوزخی ، مردمی لجوج و حق گریزانند .

و قالوا لو كنا نسمع أو نعقل ما كنا في أصحاب السعير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۷ - ۵

۵ - تهدید شدن کافران لجوج و حق گریز ، به نزول عذاب الهی

فستعلمون کیف نذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۳ - ۹

۹ - کافران لجوج و دین گریز ، مردمی ناسپاس بوده و از نعمت شنوایی ، بینایی و تعقل بهره کافی نبرده اند .

و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئده قليلاً ما تشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۸ - ۷

۷ - کافران حق ناپذیر و لجوج ، در معرض عذاب الهی قرار دارند .

فمن يجير الكافرين من عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۴ - ۲

۲ - در اختیار گرفتن ثروت و نیروی انسانی کافران حق ناپذیر ، نمی تواند مجوز عدول مبلغان و رهبران جامعه اسلامی از مواضع عقیدتی خویش و سازش و مسامحه با آنان باشد .

و لاتطع .. أن كان ذا مال و بنين

تردیدی نیست که اجابت خواسته های کافران و یا سازش با آنان از سوی رهبران جامعه اسلامی، به جهت طمع شخصی نیست؛ بلکه برای در اختیار گرفتن ثروت و نیروی انسانی کافران و صرف آنها در جهت مصالح و منافع مسلمین است؛ ولی چون این کار به قیمت عدول از مواضع اعتقادی و

یا سازش با کافران است، جایز نمی باشد.

حق ناپذیری کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۷ - ۹

۹- مشرکان و کافران عصر بعثت ، در برابر حق و دعوت های پیامبر (ص) ، مردمی لجوج و سرسخت بودند .

و تنذر به قومًا لداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۷ - ۸

۸- رسوخ روحیه حق ناپذیری ، در بیشتر کفرپیشگان صدراسلام

و ما کان اکثرهم مؤمنین

گرچه ضمیر <هم> در <اکثرهم> به فرعون و قوم وی (قبطیان) بازمی گردد؛ اما در عین حال تعریض به مشرکان صدراسلام نیز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۳ - ۵

۵- رسوخ روحیه حق ناپذیری ، در بیشتر کفرپیشگان صدراسلام

و ما کان اکثرهم مؤمنین

گرچه ضمیر <هم> در <اکثرهم> به قوم ابراهیم بازمی گردد؛ اما در عین حال این آیه تعریض به مشرکان صدراسلام نیز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۶ - ۲

۲ - کافران صدراسلام ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

و ما تأتيهم من آية . . . إلا كانوا عنها معرضين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲ - ۲

۲ - سرکشی ، تکبر ، ستیزه جویی و حق ناپذیری ، از اوصاف کافران صدراسلام

بل الذین کفروا فی عزّه و شقاق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۳ - ۲

- کافران و مشرکان صدراسلام ، مردمی لجوج ، ستیزه جو و حق ناپذیر

كذلك يؤفك الذين كانوا بأيت الله يجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۶ - ۵

۵ - مشرکان و کافران صدراسلام ، مردمی بس لجوج و حق ناپذیر

و إنه لقسم لو تعلمون عظیم

سوگند مؤکد خداوند، پس از استدلال بسیار بر اثبات توحید و معاد، نشانگر روح لجاجت و حق ناپذیری کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۱ - ۳،۴

۳ - کافران صدراسلام ، مردمی لجوج ، مستکبر و حق گریز

بل لجوا فی عتو و نفور

<عتو> به معنای استکبار و تجاوز از حد است (قاموس المحيط) و مقصود از <نفور> (رمیدن) گریز از سخن حق می باشد.

۴ - روح لجاج ، استکبار و حق گریزی ، عامل کفر و تکذیب دین از سوی کافران در صدراسلام

و لقد کذب الذين من قبلهم .. بل لجوا فی عتو و نفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱ - ۳

۳ - کافران مخالف رسالت پیامبر (ص) ، گروهی لجوج و حق ناپذیر

سأل سائل بعذاب واقع

مفسران بر این عقیده اند که کافران، این سخن را از سر لجاجت بر زبان می آوردند؛ چنان که در آیه ۳۲ از سوره <انفال> از آنان چنین یاد شده است: <و إذ قالوا اللهم إن كان هذا هو الحق من عندك فأمطر علينا حجارة من السماء أو ائتنا بعذاب أليم>.

حق ناپذیری کافران مکہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ حق ناپذیری و عناد و لجاجت شدید کافران مکه در عصر بعثت، در برابر وحی و معجزات الهی

و لو نزلنا علیک کتابا .. إن هذا إلا سحر مبین

سوره انعام در مکه نازل شده است و بنابراین طبیعی است که ناظر به مردم آن سامان، خصوصاً مشرکان مکه، باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۱

۱- پیامبر (ص)، به هنگام مواجهه با حق ناپذیری کافران مکه، مأمور به رها کردن آنان به حال خود و ترک محاجه با آنها شد.

ذره‌م یا کلوا و یتمتّعوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۴ - ۱

۱- اگر دری از آسمان به قدرت خداوند گشوده شود که کافران مکه برای دریافت حقایق به آنجا بروند، ایمان نخواهند آورد.

کذلک نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به ... و لو فتحنا علیهم باباً من السماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۵ - ۱،۲،۴

۱- کافران هدایت ناپذیر مکه، در صورت مشاهده گشایش دری از آسمان برای بالا رفتن خود و درک حقایق، آن را نوعی چشم بندی و سحر وانمود خواهند کرد.

و لو فتحنا علیهم باباً من السماء فظّلوا فیه یعرجون . لقالوا إنما سکرّت أبصرنا

<سکر> در لغت حالتی را گفته اند که عارض بر عقل می شود. بنابراین مراد از ادعای آنان این می شود که: آنان خود را گرفتار نوعی چشم بندی می دانستند.

کافران مکه ، مردمی حق ناپذیر و لجاجت پیشه در برابر آیات الهی

و لو فتحنا علیهم بابًا من السماء فظلّوا فيه يعرجون . لقالوا إنما سكرت أبصرنا

۴- کافران مکه برای گریز از پذیرفتن حقایق الهی ، آنها را اموری موهوم جلوه می دادند .

لقالوا إنما سكرت أبصرنا بل نحن قوم مسحورون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۵

۵- بهره کفرپیشگان مکه از آیه های بیدارگر قرآن ، تنها تنفر و فرار از آنها بود .

و لقد صرّفنا فی هذا القرآن لیذکروا و ما یزیدهم إلاّ نفورًا

حق ناپذیری گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۴ - ۳

۳ گمراهی ضلالت پیشگان از سوی خدا ، سزا و کیفر لجاجت و حق ناپذیری ایشان است .

ینوح قد جدلتنا .. فأتنا بما تعدنا ... إن کان الله یرید أن یغویکم

وقوع جمله <إن کان الله> پس از بیان لجاجتها و حق ناپذیریهای کفرپیشگان (قد جدلتنا ..) ، حاکی است که اراده خداوند بر اغوای آنان ، به خاطر عناد و لجاجتشان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۲

۲ - جواز وانهادن گمراهان به خود ، پس از اتمام حجت بر آنان و حق ناپذیری ایشان

فذرهم

<فاء> در <فذرهم> ، می رساند که پس از اتمام حجت ادامه تبلیغ ضروری نیست.

حق ناپذیری گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۰ - ۴

۴ - حق ناپذیری دل های مجرمان ، کیفی

تعیین شده از جانب خداوند در قبال جرم هایشان

كذلك سلكنه فی قلوب المجرمین

ذكر مشركان با وصف <المجرمین>، اشعار به علیت حکم دارد؛ یعنی، <سلكننا القرآن و هو بلسان عربی مبین فی قلوب هؤلاء المشركین مثل ذلك السلوك جزاء لأجرامهم؛ ما قرآن را با این که به زبان عربی روشن است در دل های مشركان هم چون زبان عجمی غیر قابل فهم راه دادیم، تا کیفری باشد در برابر جرم هایشان>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۱ - ۱

۱ - پافشاری اهل جرم و گناه بر انکار حقایق وحی، تا مرز مشاهده عذاب دردناک الهی (عذاب استیصال)

كذلك سلكنه .. لا یؤمنون به حتی یروا العذاب الألیم

<ال> در <العذاب> برای عهد است. بنابراین <العذاب الألیم> اشاره به عذابی دارد که مشركان مکه به آن تهدید شدند (عذاب استیصال). آیه <أفبعذابنا یستعجلون> بیانگر آن است که آنان تهدید به عذاب را جدی نگرفتند و بدان جهت از روی استهزا، خواستار تعجیل نزول آن بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۵ - ۲

۲ - مجرمانِ نادم در روز قیامت، فاقد روحیه حق پذیری، حتی در صورت رجوع دوباره به دنیایند.

فارجعنا نعمل صلحًا .. إنما یؤمن بأیتنا الذین إذا ذكروا بهاخروا سجدًا

احتمال دارد که آیه درصدد تبیین و تشریح جواب رد دادن به درخواست مجرمان باشد. خداوند در این آیه، تلویحاً می گوید: <آنان فاقد روحیه ایمان اند و بنابراین، درخواست شان اجابت نمی شود>.

حق ناپذیری لجوجان

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۷ - ۵

۵ - تأثیر ناپذیری اهل عناد ، در برابر معجزات الهی

فأت بئایه .. قال هذه ناقه ... فعقروها

حق ناپذیری متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۳ - ۱۰

۱۰ توانمندان متخلف از جهاد ، گرفتار خصلت حق ناپذیری

الذین یستئذنونک و هم أغنیاء .. طبع الله علی قلوبهم فهم لا یعلمون

حق ناپذیری مترفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۶ - ۴

۴- مترفان و صاحبان مال و منال بیش از دیگران در معرض نافرمانی خدا و حق ناپذیری قرار دارند .

أمرنا مترفیها ففسقوا فیها

برداشت فوق مبتنی بر این است که مفعول <أمرنا> کلمه محذوفی چون <بالطاعة> و .. باشد. بنابراین معنای آیه چنین می شود: ما مترفان جامعه را به طاعت و بندگی فرمان می دهیم، ولی آنان برخلاف انتظار راه فسق و نافرمانی پیشه می سازند.

حق ناپذیری مجرمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۸ - ۲

۲ - حق گریزی و تنفر از پیام حق ، ویژگی بارز بیشتر مجرمان ستم پیشه

و لَكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَرِهُونَ

حق ناپذیری مخالفان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۶ - ۵

۵ - مخالفان رسالت پیامبر (ص) ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

إِنَّهٗ كَانَ لِأَيْتِنَا عَنِيْدًا

حق ناپذیری مردم صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴

۳ - مردم در صدر اسلام ، مردمی سخت پایبند به آیین شرک و انعطاف ناپذیر در برابر سخن حق و مستدل

و الصَّفَّتْ صَفًّا .. إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ

برداشت یاد شده از آن جا است که خداوند در آغاز سوره مبارکه بر اثبات توحید سوگند متعدد یاد کرده است. این در حالی است که خداوند پیش از آن، دلایل و شواهد کافی بر اثبات این حقیقت در قرآن کریم ارائه فرموده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵ - ۴

۴ - بیشتر مردم عصر بعثت ، مصمم به تأثیرناپذیری از کلام وحی و پیام قرآن

فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ .. و قَالُوا ... فاعمل إننا عملون

تعبیرهای سه گانه در آیه (>أَكْثَهُمْ< ، >وَقَرُّوْا< و >حِجَابٌ<) تأکید و تصمیم آنان را به نفوذناپذیری در برابر قرآن می رساند.

حق ناپذیری مرفهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ مرفهان اسراف پیشه ، مردمانی خودپسند ، از خود راضی و حق ناپذیر

كَذَلِكَ زَيْنٌ لِّلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۳ - ۳

۳- انسان های برخوردار از رفاه و نعمت ها ، در معرض ابتلا به بیماری حق ناپذیری

وَ إِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَ نَا بَجَانِبِهِ

حق ناپذیری مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۰ - ۱۰

۱۰ - انسان های مستکبر و حق ستیز ، تأثیرناپذیر از آیات اعجازی و کیفی

فلما جاءهم بآیتنا إذا هم منها یضحکون .

و ما نريهم من آيه ... و أخذنهم بالعذ

حق ناپذیری مسرفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ مرفهان اسراف پیشه ، مردمانی خودپسند ، از خود راضی و حق ناپذیر

كذلك زين للمسرفين ما كانوا يعملون

حق ناپذیری مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۴

۴ - اهل کتاب (یهود و نصارا) مردمی لجوج و حق ناپذیرند .

و لئن أتيت الذين أوتوا الكتب بكل آيه ما تبعوا قبلتك

جمله <لئن ..> (به خدا قسم! اگر هر معجزه و برهانی را به اهل کتاب ارائه کنی، از قبله تو پیروی نمی کنند) گویای عمق عناد، لجاجت و حق ناپذیری آنان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۳ - ۱۱

۱۱ - قابلیت نداشتن جامعه عصر عیسی (ع) ، برای دریافت و پذیرش تمامی حقایق *

و لأبين لكم بعض الذي تختلفون فيه

این سخن حضرت عیسی (ع) که: <من آمده ام تا برخی از اختلافات شما را بیان کنم>، می تواند نشانگر عدم قابلیت آنان برای دریافت تمامی حقایق باشد، زیرا محدودیتی از ناحیه خود حضرتش نمی توان فرض کرد.

حق ناپذیری مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۶

۶ برخی مشرکان با دیدن هر گونه معجزه و آیت الهی ایمان نخواهند آورد.

و إن یروا کل ءایه لایؤمنوا بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ -

۳ یکسانی عنادورزی و حق ناباوری مشرکان، قبل و بعد از دیدن معجزه مورد درخواست خویش

و نقلاب .. کما لم یؤمنوا به اول مره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ دلداری خداوند به پیامبر (ص) و مؤمنان، در برابر کارشکنی ها و حق ناپذیری کافران و مشرکان

و جعلنا بعضکم لبعض فتنة أتصبرون و کان ربک بصیرًا

یادآوری خداوند به بصیرت و بینایی خود، به پیامبر(ص) پس از یاد کردن از مشرکان و آزمایش شدن آنان، می تواند برای دلجویی از پیامبر(ص) و مؤمنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۲ - ۱۳

۱۳ - سرزنش مشرکان از سوی خداوند، به خاطر نادیده گرفتن نشانه های توحید در نظام شب و روز

قل أراءیتم إن جعل الله علیکم النهار سمرمدًا إلی یوم القیمه .. أفلاتبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۹ - ۶

۶ - حق ناپذیری مشرکان، پس از اقامه دلیل های گوناگون برای آنان، عامل منفور شدن شان در پیشگاه خداوند است.

هل لکم من ما ملکت .. بل اتبع الذین ظلموا أهواءهم

التفات از خطاب <هل لکم من ما ملکت..> به غیبت <اتبع الذین...> می تواند گویای این حقیقت باشد که آنان، به دلیل تداوم عقیده شرک، از مخاطب خدا شدن محروم شدند. این، نشانه منفور شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲ - ۱،۳

ص) از مواضع انکار آمیز مشرکان نسبت به معاد و یگانگی خداوند؛ علی رغم مشاهده عظمت آفرینش و قدرت خداوند در جهان

إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ... فاستفتهم أهم أشدَّ خلقاً... بل عجب

به قرینه آیات پیشین به دست می آید که آنچه موجب شگفتی پیامبر(ص) گردیده بود، انکار توحید ربوبی و معاد از سوی مشرکان به رغم مشاهده آیات الهی در طبیعت و عظمت آفرینش بود.

۳- مشرکان به رغم مشاهده عظمت آفرینش و آیات الهی در طبیعت تعالیم قرآن (معاد و احیای مجدد انسان ها و توحید ربوبی و...) را به تمسخر می گرفتند .

إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ... فاستفتهم أهم أشدَّ خلقاً... بل عجب و یسخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۱ - ۴

۴- تکذیب نظام کیفر و پاداش و جدایی حق و باطل ، از ویژگی های مشرکان

هذا يوم الفصل الذي كنتم به تكذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۵ - ۱

۱- سرزنش شدن مشرکان ، به سبب بیدار نشدن و پند نگرفتن آنان در برابر حقایق الهی

أفلاتنكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۶ - ۱۲

۱۲- پیامبر (ص) ، برای حل اختلاف خود با مشرکان حق گریز ، از خداوند کمک خواسته و او را به داوری طلبید .

أنت تحکم بین عبادک فی ما كانوا فیہ یختلفون

جمله <أنت تحکم...> برای انشای دعا است که در قالب جمله خبری آمده است.

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۹ - ۱

۱ - توطئه های پی در پی و جدی مشرکان ، نسبت به پیامبر (ص) و تصمیم قطعی آنان برای انکار حق

أم أبرموا أمراً

<إبرام> (مصدر <أبرموا>) در اصل به معنای تابیدن و محکم کردن است و در این جا مراد از آن به قرینه شأن نزول و آیه بعد تصمیم جدی مشرکان بر توطئه چینی علیه پیامبر(ص) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۳ - ۱۲

۱۲ - مشرکان ، گرفتار هواپرستی و پیروی از حدس و گمان ، به رغم تجلی انوار هدایت الهی در حق ایشان

إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ مَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ وَ لَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدَى

حق ناپذیری مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۷ - ۹

۹- مشرکان و کافران عصر بعثت ، در برابر حق و دعوت های پیامبر (ص) ، مردمی لجوج و سرسخت بودند .

وَ تَنْذِرُ بِهِ قَوْمًا لُدًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵ - ۱۰

۱۰- مشرکان ستم پیشه صدراسلام ، مردمی لجوج ، حق ناپذیر و بهانه جو بودند .

بَلْ قَالُوا... فليأتنا بآية كما أرسل الأولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۴ - ۴

۴ - عدم تأثیر دعوت پیامبر (ص) بر مشرکان متعصب و متحجر

فذرهم فی غمرتهم حتی حین

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۱ - ۸

۸ - رسوخ روحیه کفرورزی و حق ناپذیری ، در بیشتر مشرکان صدر اسلام

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَ مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ

گرچه ضمیر <هم> در <أكثرهم> به قوم نوح بازمی گردد؛ اما در عین حال تعریض به مشرکان صدر اسلام نیز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۰ - ۱۳

۱۳ - توبیخ مشرکان مکه از سوی خداوند ، به خاطر انحراف آنان از حق و نادیده گرفتن دلایل روشن توحید

أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ .. أءَلَهُ مَعَ اللَّهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مخاطبان نخستین آیه، مشرکان مکه بوده اند. گفتنی است که واژه <عدول> (مصدر <يعدلون>) به معنای میل و انحراف است؛ یعنی، <بل هم قوم عادت‌هم العدول عن طريق الحق و الانحراف عنها>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۱ - ۱۰

۱۰ - مشرکان بهانه جو و حق گریز صدر اسلام ، عناصری مرفه و برخوردار از موهبت های دنیوی

و قالوا إِنْ نَتَّبِعِ الْهَدَىٰ مَعَكَ .. كَمَنْ مَتَّعْنَاهُ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۳ - ۳

۳ - لجاجت و حق ناپذیری ، از اوصاف مشرکان صدر اسلام

وَ إِذَا ذُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - مشرکان صدر اسلام ، هر معجزه ملموس و روشنی را به شدت مورد استهزا قرار

داده و ایمان نمی آوردند .

و إذا رأوا آية يستسخرون

مقصود از <آیه> معجزه است و متهم کردن آن به سحر از سوی مشرکان (در آیه بعد) مؤید همین مطلب است. گفتنی است <یستسخرون> به معنای <یسخرون> است و آمدن آن با <سین> و <تا> برای مبالغه می باشد.

۲ - مشرکان صدر اسلام ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

و إذا رأوا آية يستسخرون

تمسخر معجزه الهی که امری ملموس و روشن می باشد گویای حقیقت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۳ - ۲،۲

۲ - کافران و مشرکان صدر اسلام ، مردمی لجوج ، ستیزه جو و حق ناپذیر

كذلك يؤفك الذين كانوا بآيت الله يجحدون

۲ - کافران و مشرکان صدر اسلام ، مردمی لجوج ، ستیزه جو و حق ناپذیر

كذلك يؤفك الذين كانوا بآيت الله يجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۶ - ۵

۵ - مشرکان و کافران صدر اسلام ، مردمی بس لجوج و حق ناپذیر

و إنه لقسم لو تعلمون عظيم

سوگند مؤکد خداوند، پس از استدلال بسیار بر اثبات توحید و معاد، نشانگر روح لجاجت و حق ناپذیری کافران است.

حق ناپذیری مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ مشرکان مکه ، پذیرای هیچ سخن حق و منطقی در جهت مخالفت با عقیده شان نبودند .

إن كاد ليضلنا عن ءالھتنا .. و سوف يعلمون حين يرون العذاب من أضلّ سبيلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت

۱۰ - انکار قرآن از سوی مشرکان مکه ، از سر لجاجت و حق ناپذیری بود .

ما یجحد بأیتنا إلاّ الکفرون .. و ما یجحد بأیتنا إلاّ الظلمون

<جحد> در لغت نفی چیزی است که دل آن را اثبات می کند و اثبات چیزی است که دل نفی می کند. (مفردات راغب).
<جحد> طبق معنای لغوی منطبق بر لجاجت است. گفتنی است: <ال> در <الظالمون> عهد بوده و اشاره به <الکافرون> در آیه چهل و هفت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۵ - ۷

۷ - تهدید شدید مشرکان مکه از سوی خداوند ، به خاطر تن در ندادن به تعالیم پیامبر (ص)

و إذا تتلى عليهم آیتنا بینت قالوا ما هذا إلاّ رجل .. و کذب الذین من قبلهم

حق ناپذیری مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۱۵، ۷، ۶

۶ - مردم مصر در عصر یوسف (ع) ، مردمی لجوج و حق ناپذیر

فمازلتم فی شککم ممّا جاءکم به

تردید مردم مصر در رسالت یوسف (ع) با وجود عرضه شدن دلایل روشن برای ایشان به دو دلیل می تواند باشد: ۱ به خاطر لجالت آنان است که در آیه بعد از آنان به مردمی مجادله گر تعبیر شده است. ۲ یا به این دلیل است که آنان نسبت به دعوت یوسف (ع) و دلایل ایشان، بی اعتنا و گریزان بودند.

۷ - مردم مصر در عصر یوسف (ع) ، مردمی بی اعتنا به دعوت ایشان و گریزان از فهم

صحیح آن

فمازلتم فی شکّ ممّا جاءکم به

۱۵ - مخالفت بیش از حد با دین الهی و تردید در حقانیت آن ، از ویژگی های مردم مصر از عصر یوسف تا موسی (ع)

کذلک یضللّ الله من هو مسرف مرتاب

حق ناپذیری مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۶

۶- بیماردلان گریزان از جهاد و فسادانگیز و قطع کننده رحم ، مردمی کر و کور در برابر حق

أولئک الذین ... فأصمّهم و أعمی أبصرهم

حق ناپذیری مکذبان آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۲ - ۳

۳- آنان که به عالم آخرت ایمان نمی آورند ، قلبهایی حق ناپذیر و روشی مستکبرانه دارند .

فالذین لایؤمنون بالأخره قلوبهم منکره و هم مستکبرون

حق ناپذیری مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۶ - ۸

۸ - مشکل منکران قرآن ، نهفته در خودشان و نه ناشی از نارسایی مفاهیم وحی

نتلوها علیک بالحقّ فبأی حدیث بعد الله و آیته یؤمنون

خداوند با تعبیر <فبأی حدیث..>، تأثیر و کارایی والا و بی نظیر قرآن را یادآور شده است. این تعبیر تعریضی به کافران نیز

دارد که کفر و بی ایمانی آنان، برخاسته از نارسایی مفاهیم وحی نیست؛ بلکه ریشه در لجاج، عناد و سست اندیشی نهفته در درون آنها دارد.

حق ناپذیری مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۸ - ۷

۷ - تسلی و دلداری خداوند به پیامبر (ص)

، در برابر حق ناپذیری منکران معاد

و قالوا ما هي إلا حياتنا الدنيا .. و ترى كل أمه جاثیه

حق ناپذیری مکذبان نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۹ - ۲

۲- جدی نگرفتن حقایق و برخورد بازیگرانه با هستی ، ریشه حق ناپذیری منکران وحی و رسالت

بل هم فی شکّ یلعبون

تعبیر <یلعبون> بیانگر این نکته است که کافران، علاوه بر سست اندیشی، گرفتار نوعی بازیگری و دلبستگی کودکانه به مظاهر مادی و جدی نگرفتن حقایق هستند.

حق ناپذیری مکذبان وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۹ - ۲

۲- جدی نگرفتن حقایق و برخورد بازیگرانه با هستی ، ریشه حق ناپذیری منکران وحی و رسالت

بل هم فی شکّ یلعبون

تعبیر <یلعبون> بیانگر این نکته است که کافران، علاوه بر سست اندیشی، گرفتار نوعی بازیگری و دلبستگی کودکانه به مظاهر مادی و جدی نگرفتن حقایق هستند.

حق ناپذیری منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۰ - ۴

۴ - خداوند با سلب درک و فهم از برخی منافقان ، آنان را حق ناپذیر کرده و برخی دیگر را برای انتخاب هدایت ، مهلت می

دهد .

و لو شاء الله لذهب بسمعهم و أبصرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۷،۱۸

۷ بازدارى منافقان و يهوديان حق ناپذير از شتاب در كفر ، خارج از محدوده رسالت پيامبر (ص)

يأيتها الرسول لا يحزنك الذين يسرعون في الكفر

خطاب خداوند به پيامبر(ص) با عنوان

رسالت (یا یها الرسول) گویای برداشت فوق است.

۱۸ منافقان و یهودیان جاسوس ، دروغ پرداز و حق ناپذیر ، آن قدر بی ارزشند که حتی نباید بر گمراهی آنان تأسف خورد و بر کفرشان غمگین بود

لا یحزنک الذین یسرعون فی الکفر .. سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۷ - ۸

۸ منافق ، دارای خصلت حق ناپذیری

و طبع علی قلوبهم فهم لایفقهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۷ - ۶،۷،۹

۶ سعی منافقان در گریختن از محیط ابلاغ آیات الهی و مراکز شناخت و تبلیغ دین

و إذا ما أنزلت سوره .. ثم انصرفوا

۷ روی گردانی منافقان صدر اسلام از آیات الهی پس از شنیدن وحی

و إذا ما أنزلت سوره .. ثم انصرفوا

۹ حق ناپذیری قلب منافقان ، کیفر الهی برای آنان

ثم انصرفوا صرف الله قلوبهم

حق ناپذیری ولید بن مغیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۳ - ۲

۲ - ولید بن مغیره ، فردی لجوج و حق ناپذیر بود .

برداشت یاد شده، از <إدبار و روی گردانی> از آیات الهی و سخن بحق پیامبر(ص) استفاده می شود.

حق ناپذیری همگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۱۰

۱۰- حق ، هر چند روشن و تبیین شده باشد ، لزوماً پذیرش همگان را در پی ندارد .

و لقد صرّفنا فی هذا القرآن لیذکروا و ما یزیدهم إلا نفورا

حق ناپذیری هواپرستان

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۳ - ۱۲

۱۲ - پرستشگران هوای نفس براساس سنت الهی ناشنوا، نابینا و تأثیرناپذیر در برابر حق

من اتخذ إلهه هویه و أضله الله علی علم و ختم علی سمعه و قلبه و جعل علی بصره غ

حق ناپذیری یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۴

۴ - اهل کتاب (یهود و نصارا) مردمی لجوج و حق ناپذیرند .

و لئن أتیت الذین أوتوا الکتب بکل ءایه ما تبعوا قبلتک

جمله <لئن...> (به خدا قسم! اگر هر معجزه و برهانی را به اهل کتاب ارائه کنی، از قبله تو پیروی نمی کنند) گویای عمق عناد، لجاجت و حق ناپذیری آنان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۷،۱۸

۷ بازداري منافقان و یهودیان حق ناپذیر از شتاب در کفر، خارج از محدوده رسالت پیامبر (ص)

يأیها الرسول لا یحزنک الذین یسرعون فی الکفر

خطاب خداوند به پیامبر(ص) با عنوان رسالت (یاایها الرسول) گویای برداشت فوق است.

۱۸ منافقان و یهودیان جاسوس، دروغ پرداز و حق ناپذیر، آن قدر بی ارزشند که حتی نباید بر گمراهی آنان تأسف خورد و بر کفرشان غمگین بود

لا یحزنک الذین یسرعون فی الکفر .. سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخیرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۱۳،۱۴

۱۳ یهودیان و علمای آنان دارای روحیه سلطه‌گری و حق‌ناپذیری

اشد الناس

عدوه للذين ءامنوا اليهود . . . و انهم لا يستكبرون

۱۴ حق ناپذیری و روحیه استکباری یهود ، عامل عداوت آنان با مسلمانان

اشد الناس عدوه للذين ءامنوا اليهود . . . و انهم لا يستكبرون

خطر حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۸ - ۶

۶ اشراف و بزرگان هر قوم در معرض استکبار و حق ناپذیری هستند .

قال الملائكة الذين استكبروا من قومه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۶ - ۴

۴- مترفان و صاحبان مال و منال بیش از دیگران در معرض نافرمانی خدا و حق ناپذیری قرار دارند .

أمرنا مترفيها ففسقوا فيها

برداشت فوق مبتنی بر این است که مفعول <أمرنا> کلمه محذوفی چون <بالطاعة> و . . . باشد. بنابراین معنای آیه چنین می شود: ما مترفان جامعه را به طاعت و بندگی فرمان می دهیم، ولی آنان برخلاف انتظار راه فسق و نافرمانی پیشه می سازند.

دلایل حق ناپذیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۰ - ۱۰

۱۰ - شرارت و حق ستیزی کافران در دنیا ، گواه حق گریزی آنان پس از بازگشت دوباره به دنیا

قال ربّ ارجعون . . . کلاً إنّها کلمه هو قائلها

زمینه اجتناب از حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۶ - ۱۰

۱۰- توجه به احاطه علمی خدا بر بندگان ، زمینه ساز پرهیز آنان از حق ناپذیری و بهانه جویی است .

قل كفى بالله شهيدًا .. إنه كان بعباده خبيرًا بصيرًا

اینکه

خداوند بر مشرکان حق ناپذیر اتمام حجت کرده و آنگاه فرموده است: <او بر حال بندگان آگاه و بیناست> می تواند مشعر به نکته یاد شده باشد.

زمینه حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۰ - ۶

۶ - تعصب های نژادی و فامیلی ، امری نکوهیده و زمینه ساز حق ناپذیری است .

و إذا قيل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالوا بل نتبع ما ألفينا عليه ءاباءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۵ - ۱۱

۱۱ - جرم مستمر و تبه کاری ، زمینه ساز پیدایش روح استکبار و سر باز زدن از پذیرش حق است .

فاستكبروا و كانوا قوماً مجرمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۳ - ۳

۳ - انسان های برخوردار از رفاه و نعمت ها ، در معرض ابتلا به بیماری حق ناپذیری

و إذا أنعمنا على الإنسان أعرض و ثنا بجانبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۶ - ۶

۶ - امکان سقوط انسان به مرحله ای از حق ناپذیری که هیچ آیت و معجزه ای در او تأثیر نکرده و جملگی آنها را تکذیب کند .

و لقد أرينه ءايتنا کلها فکذب و أبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۶ - ۹

۹ - اشرافیت ، زمینه حق ناپذیری و استکبار در برابر پیامبران

إلی فرعون و ملایه فاستکبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون -

۴ - برخورداری از امکانات مادی فراوان ، زمینه ساز خودپسندی و حق گریزی است .

كُلَّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ .. أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدَّهُمْ بِهِ مِن مَّالٍ وَبَنِينٍ

ذکر مال و فرزند، می تواند بدان جهت باشد که این دو، در پیدایش فرقه گرایی و حق ناپذیری مؤثر بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶ - ۲

۲ - روی گردانی مداوم از حق ، زمینه ساز اقدامات خصمانه تری علیه آن از طریق تکذیب و استهزا

إِلَّا كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ . فَقَدْ كَذَّبُوا ... يَسْتَهْزِءُونَ

با توجه به تفریع <فقد کذبوا..> بر <کانوا عنه معرضین> روشن می شود که کافران در نتیجه روی گردانی مستمر از حق، کم کم موضعشان را نسبت به آن سخت تر کرده و صریحاً به تکذیب و ریشخند آن پرداختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۰ - ۲

۲ - جرم و گناه ، زمینه ساز حق ناپذیری

كَذَلِكَ سَلَكَ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۳ - ۳

۳ - روحیه فسق و تجاوزگری ، زمینه ساز مقاومت انسان در برابر آیات روشن الهی و حقایق آشکار

إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَسِقِينَ . فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۷ - ۷

۷- دل‌بستگی به زندگی دنیایی و مرز و بوم خویش ، زمینه ساز گریز از حق و هدایت

و قالوا إن نَّبَع الهدی معك

نتخطف من أرضنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۴ - ۳

۳ - برخورداری از ثروت و رفاه ، موجب پیدایش خصلت حق ناپذیری است .

و ما أرسلنا فی قریه من نذیر إلا قال مترفوها إنا بما أرسلتم به كفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۴ - ۹

۹ - تکبر و خودبرتربینی ، زمینه حق گریزی و صفتی بس زشت و ناپسند

إلا إبليس استکبر و کان من الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۴ - ۸

۸ - برخورداری از قدرت و توانایی سیاسی و اقتصادی ، از زمینه های طغیان ، حق گریزی و دین ستیزی

کانوا هم أشدّ منهم قوه و ءاثارا .. إلى فرعون و هم و قرون فقالوا سحر کذّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۵ - ۳

۳ - افراط در شادمانی و زندگی سرمستانه ، زمینه ساز غفلت از حقایق و معارف الهی و انکار و تکذیب آنها

الذین کذبوا بالکتب .. ذلکم بما کنتم تفرحون فی الأرض بغير الحقّ و بما کنتم تم

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که مشار الیه <ذلکم> تکذیب کافران باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۹

۹- ابتلای انسان به لعن الهی و حق نشنوی ، معلول عملکرد خود او است .

فلو صدقوا الله لكان خيرا لهم .. أولئك الذين لعنهم الله فأصمّهم و أعمى أبص

هر چند

فعل های <أصم> و <أعمى> به خداوند نسبت داده شده، اما این مستلزم جبر نیست؛ زیرا انسان در ابتدا کر و کور نمی شود؛ بلکه در پی یک سلسله اعمال منافقانه، محکوم به لعن و نفرین الهی می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۷ - ۹

۹ - روح استکبار و خودبرتربینی ، سبب حرف ناشنوی ، حق ناپذیری و دین گریزی قوم نوح بود .

و إني كلما دعوتهم .. و استكبروا استكبارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۹

۹ - قدرت سیاسی و اقتصادی ، زمینه ساز کفر و حق ناپذیری

و اتبعوا من لم يزدده ماله و ولده إلا خسارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۱ - ۵

۵ - رفاه و قدرت اقتصادی ، از زمینه های حق ناپذیری و دین گریزی

و المكذبين أولي النعمة

زمینه حق ناپذیری زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۱۴

۱۴ - زنان همانند مردان ، در معرض انحراف و حق ناپذیری شدید و مثال زدنی

ضرب الله مثلاً للذين كفروا امراة نوح و امراة لوط .. قيل ادخلا النار مع الداخلين

زمینه حق ناپذیری مردان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۱۴

۱۴ - زنان همانند مردان ، در معرض انحراف و حق ناپذیری شدید و مثال زدنی

ضرب الله مثلاً للذين كفروا امراًت نوح و امراًت لوط . . قيل ادخلا النار مع

زيان حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۷۰ - ۶

۶- بت پرستی و موضع گیری در مقابل حق و رهبران الهی ، از زیان بارترین کارها است .

و أرادوا به كيدًا فجعلنهم الأخرين

ظلم حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۱۷

۱۷ - شرک ، حق ناپذیری و تکذیب پیامبران ، ظمی است هلاکت بار .

فقال الملوأ الذين كفروا .. و لاتخطبنى فى الذين ظلموا إنهم مغرقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۰ - ۱۰

۱۰ - انکار بدون دلیل حق ، ظلم و برخاسته از هواپرستی

فلما جاءهم الحقّ .. قالوا سحران تطهرا ... إنّ الله لا يهدى القوم الظالمين

عوامل اصرار بر حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۵ - ۱۲

۱۲ - تکبر و تجاوزگری ، موجب پافشاری بر راه باطل ، تردید در حق و ستیزه جویی با آیات الهی (تعالیم دین) است .

من هو مسرف مرتاب . الذين يجدلون فى آيات الله ... كذلك يطبع الله على كلّ قلب

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که جمله <كذلك يطبع الله على كل قلب متكبر جبار> در صدد بیان علت اسراف و تردید در حق و جدال در آیات الهی باشد (که در آیه پیش و صدر این آیه، مورد بحث قرار گرفته است).

عوامل حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس -

۱۰ تبه کاری مستمر فرعون و اطرافیانش ، عامل سرکشی آنان از پذیرش رسالت موسی و هارون (ع)

ثم بعثنا .. موسی و هرون إلی فرعون و ملائیه بأیتنا فاستکبروا و کانوا قوماً مجرمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۷

۷- ذهنیت ها و پیشداوری ها ، از آفات حق پذیری و عامل حق گریزی

و لقد صرّفنا .. و ما یزیدهم إلاّ نفوراً

در آیه قبل، توضیح داد که مشرکان مکه با انتساب فرزند به خداوند، در صدد استهزای خداوند بودند که این برخوردی است خصمانه و در این جا می گوید: <آیات فراوان الهی، بر نفرت آنها می افزاید> و این نشان دهنده آن است که موضع گیری پیشین آنها، موجب شده است که آنان، حق را نپذیرند و از آن بگریزند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹ - ۹

۹- اسراف کاری ، زمینه ساز حق ناپذیری و مخالفت با پیامبران و از موجبات هلاکت و نابودی است .

و أهلکنا المسرفین

توصیف هلاکت شدگان به <مصرفان>، می تواند مشعر به علیت و تأثیر این وصف در هلاکت آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۴ - ۱۳

۱۳- جهل و ناآگاهی ، عامل گریز بسیاری از انسان ها از حق و حقیقت است .

بل أكثرهم لایعلمون الحقّ فهم معرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۹

دوری از حق ، گرایش به کفر و بدبختی در جهان آخرت است .

یولنا قد کنا فی غفله من هذا بل کنا ظلمین

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <بل> در <بل کنا..> اضراب ابطالی باشد؛ یعنی، حقیقت این نیست که در آغاز گفتیم که ما در غفلت به سر می بردیم؛ بلکه حقیقت این است که ما از ظالمان و ستم پیشگان بودیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۰ - ۲

۲ - بی اثر بودن قرآن در برخی از انسان ها ، معلول بیماری خود آنان است ، نه ابهام و نارسایی پیام الهی .

إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ . إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى ... إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ

پس از این که خداوند حقانیت پیامبر(ص) و قرآن را بیان فرمود، این سؤال مطرح می شود که پس چرا برخی این سخن حق را نمی پذیرند؟ قرآن پاسخ می دهد: که مشکل از ناحیه حق نیست؛ بلکه مشکل از ناحیه خود آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۹ - ۳

۳ - پیروی از هوای نفس ، از عوامل انکار توحید و گریز از پذیرش حق است .

هَلْ لَكُمْ مِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ... بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۳ - ۳

۳ - روح لجاجت و ستیزه جویی ، از عوامل انکار آیات الهی و نپذیرفتن حق

كَذَلِكَ يُؤْفِكُ الَّذِينَ كَانُوا بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۰ - ۲

۲ - روح لجاجت و ستیزه جویی ، از عوامل دین ستیزی و حق ناپذیری

الذین یجدلون فی ءایت الله .. الذین کذبوا بالکتب و بما أرسلنا به رسلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۵ - ۱۷

۱۷ - خودبرتربینی ، غرور و غفلت از قدرت برتر خداوند ، از عوامل لجاجت ، حق ناپذیری و انکار رسولان الهی *

فأما عاد فاستکبروا فی الأرض .. و كانوا بآیتنا یجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸ - ۴

۴ - خودبزرگ بینی و توهم اقتدار و نیرومندی ، از عوامل حق ناپذیری و وحی ستیزی

فأهلکنا أشدّ منهم بطشاً

تذکر <فأهلکنا أشدّ..> در حقیقت هشدار به کسانی است که با احساس توانمندی، پنداشته اند که می توانند از مجازات

حق ستیزی گریخته و ایمن بمانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۸ - ۲

۲ - استکبار ، عامل نادیده انگاشتن حقایق وحی و اصرار بر انکار آن *

یسمع ءایت الله تتلی علیه ثم یصرّ مستکبراً کأن لم یسمعها

تعبیر <مستکبراً کأن لم یسمعها> چنین می نمایاند که صفت استکبار، از عوامل مهم کفر و پافشاری بر رد آیات روشن الهی

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- بینش طبقاتی ، عامل کفر و حق ناپذیری

و قال الذین کفروا .. لو کان خیرًا ما سبقونا إلیه

از آیه شریفه استفاده می شود که کافران، به

نوعی روحیه استکباری ناشی از اشرافیت گرفتار بودند و مؤمنان را از طبقه حقیر و پایین به شمار می آوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۷ - ۱۰

۱۰ - روح استکبار و خودبرتربینی ، از عوامل حرف ناشنوی ، حق ناپذیری و دین گریزی

و اِنِّی کَلِمَا دَعَوْتَهُمْ ... و استکبروا استکبارًا

عوامل حق ناپذیری فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۴ - ۳

۳ - روحیه ستمگری و جاه طلبی فرعونیان ، عامل موضع گیری آنان در برابر آیات الهی

و جحدوا بها.. ظلَمًا و علْوًا

عوامل حق ناپذیری قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۵ - ۵

۵ - قدرت و نیرومندی قوم عاد ، عامل غرور و استکبار آنان در مقابل حق

فاستکبروا فی الارض بغير الحقّ و قالوا من اشدّ منا قوّه

عوامل حق ناپذیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۵ - ۱۰

۱۰ - عامل بازداشتن کافران از رویکرد به حق ، دروغ پردازی آنان است .

کذلک کانوا یؤفکون

<كذلك> اشاره به دروغ پردازی و افترا زدن کافران مجرم است؛ یعنی، همان طور که در قیامت دروغ می گویند در دنیا نیز عمل می کردند. لازم به ذکر است که ریشه <يؤفكون> <إفك> است و به معنای <هر نوع باز داشته شدن از جهت و موقعیتی است که شایسته بوده در آن موقعیت باشد> (مفردات راغب). بنابراین، مراد از <يؤفكون>، منصرف شدن از عقیده حق و گرایش

یافتن به باطل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۸ - ۳

۳ - ناباوری کافران نسبت به تحقق مجازات های الهی ، عاملی مهم در حق ناپذیری آنان *

و الطُّور . . . إِنَّ عَذَابَ ... ما له من دافع

تأکید، معمولاً در مواردی صورت می گیرد که مسأله تأکید شده، مورد انکار یا غفلت باشد.

عوامل حق ناپذیری مرفهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۵ - ۳

۳ - کثرت مال و اولاد ، باعث ایجاد خصلت حق ناپذیری در مترفان

و ما أرسلنا فی قریه من نذیر إلا قال مترفوها إنا بما أرسلتم به كفرون . و قالو

عوامل حق ناپذیری مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۰ - ۱۰

۱۰ فرمان پیامبر (ص) به سجده کردن مشرکان صدراسلام برای خدای رحمان ، موجب نفرت فزون تر آنان از سجده و دوری آنها از راه حق و حقیقت گردید .

اسجدوا للرحمن قالوا و ما الرحمن أنسجد لما تأمرنا و زادهم نفورًا

در برداشت فوق، فاعل <زاد> امر به سجده دانسته شد.

کیفر حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- درك نكردن معارف الهی، کیفری است از جانب خدا، بر ناشنیده گرفتن و نادیده انگاشتن حقایق دینی

ختم الله علی قلوبهم و علی سمعهم و علی ابصرهم غشوه

جمله <و علی سمعهم ..> جمله حالیه و بیانگر علت مسدود شدن قلبهاست؛ یعنی، بدان جهت خداوند

آنان را از درك کردن محروم ساخت که ایشان حقایق را ناشنیده انگاشتند و بر واقعیتها چشم فرو بستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۰ - ۹

۹ سرگردانی در طغیان، کیفر و پیامد حق ناپذیری کافران است.

و نذرهم فی طغینهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۴ - ۳

۳ گمراهی ضلالت پیشگان از سوی خدا، سزا و کیفر لجاجت و حق ناپذیری ایشان است.

ینوح قد جدلتنا .. فأتنا بما تعدنا ... إن كان الله یرید أن یغویکم

وقوع جمله <إن كان الله> پس از بیان لجاجتها و حق ناپذیریهای کفرپیشگان (قد جدلتنا ..)، حاکی است که اراده خداوند بر اغوای آنان، به خاطر عناد و لجاجتشان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۹ - ۲

۲ - عذاب دردناك دوزخ، کیفری عادلانه و متناسب با رفتار شرک آلود و استکبار در برابر حق

العذاب الالیم . و ما تجزون إلا ما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۷ - ۴

۴ - حق گریزی، از موجبات دوزخی شدن

تدعوا من أدبر و تولی

مبلغان و حق ناپذیری گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۹ - ۳

۳ لزوم اتکای مبلغان الهی بر خداوند و نگران نبودن بر حق ناپذیری گمراهان ، پس از اتمام حجت بر آنان

فإن تولوا فقل حسبى الله . . . عليه

تو کلت

محمد(ص) و حق ناپذیری منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۹ - ۱

۱ رهنمود الهی به پیامبر (ص) ، در اتکای آن حضرت بر خداوند یکتا و اندوهگین نبودن بر حق ناپذیری و روی گردانی منافقان

فإن تولوا فقل حسبي الله... علیه تو کلت

منشأ حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۰ - ۱۰

۱۰ - انکار بدون دلیل حق ، ظلم و برخاسته از هواپرستی

فلما جاءهم الحق... قالوا سحران تظهرا... إن الله لا يهدى القوم الظالمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۹ - ۶

۶ - خود برترینی و بزرگ منشی ، منشأ کفر و حق ناپذیری و سبب تکذیب آیات الهی

قد جاءتك ءآيتي فكذبتها واستكبرت بها و كنت من الكافرين

<استكبار> (مصدر <استكبرت>) به معنای خود را برتر از آنچه هست، دیدن و نشان دادن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۵ - ۱

۱- روی گردانی از حق ، به رغم وضوح آن بر انسان ، نتیجه وسوسه ها و فریب های شیطانی است .

إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدَّوْا عَلَىٰ أَدْبُرِهِمْ .. الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ

موانع حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۸ - ۸

۸- آگاهی و ایمان به علم همه جانبه خداوند ، به تمامی حقایق عالم و رازهای دل آدم ، بازدارنده انسان از حق گریزی و ستم کاری

إِنَّ

اللّٰهُ عَلِمَ غَيْبَ السَّمَوَاتِ... عَلِيمَ بَدَاتِ الصُّدُورِ

یادآوری علم همه جانبه خداوند در این آیه پس از نقل سرگذشت ستم کاران دوزخی و کافران حق ناپذیر در آیات پیشین می تواند حاکی از مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۶ - ۸

۸ - توجه و اعتقاد به آگاهی خداوند به تمامی رفتارها و حرکت های پنهانی و آشکار انسان ها ، بازدارنده آدمی از گناه و حق ناپذیری است .

إِنَّا نَعْلَمُ مَا يَسْرُونَ وَ مَا يَعْلَنُونَ

برداشت بالا- از این رو است که آیه شریفه در مقام تهدید به کافران و مشرکان حق ناپذیر است. بنابراین یادآوری آگاهی مطلق خداوند به رفتار نهان و آشکار انسان ها در شرایط تهدید، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

نشانه های حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۷ - ۳

۳ - نپذیرفتن معارف اسلام ، پس از آگاهی به آنها ، نشانه حق ناپذیری و ستیزه جویی است .

قُولُوا ءَامَنَّا بِاللّٰهِ... فَإِن ءَامَنُوا... وَإِن تَوَلَّوْا فِإِنَّمَا هُمْ فِى شِقَاقٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۱ - ۱۳

۱۳ - شرکورزی ، نشانه کفر و حق ناشنوایی است .

قُلْ أَرَأَيْتُمْ... أَفَلَا تَسْمَعُونَ

نشانه های حق ناپذیری دهريون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - محدود شمردن زندگي به مجال دنيا ، نمودی از ناشنوايي ، نابينايي و حق ناپذير

و أضلّه الله على علم و ختم على سمعه .. و قالوا ما هي إلا حياتنا الدنيا

نشانه های حق ناپذیری مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۹ - ۲

۲ - اصرار و لجاجت مشرکان در مخالفت با دعوت پیامبر (ص)، نمودی از حق گزیری آنان

أكثرکم للحقّ کرهون . أم أبرموا أمراً

نگرانی از حق ناپذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۴ - ۱۴

۱۴ - تسلی خداوند به پیامبر (ص) برای نگران نبودن از روی گردانی مردم از حق و دین الهی

فإن تولّوا .. و ما على الرسول إلاّ البلاغ المبین

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام تسلی دادن به پیامبر(ص) در برابر حق گزیری کافران است.

نگرانی از حق ناپذیری فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۵ - ۵

۵ - نگرانی موسی و هارون (ع) از ناکامی در ابلاغ پیام خداوند به فرعون

إننا نخاف أن يفرط علينا أو أن يطغى

حق و باطل

{حق و باطل}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴ - ۶

۶ قرآن ، جداکننده حق و باطل از یکدیگر ، در زمینه هدایت انسانها

هدی للناس و انزل الفرقان

به گفته مجمع البیان <الفرقان> یعنی چیزی که حق را از باطل متمایز نماید و <هدی للناس> قرینه حمل آن بر موارد هدایتی است.

جلد - نام سوره - سوره

۹ جدا شدن صف مؤمنان واقعی از غیر آنان ، از فلسفه های پیکار میان حق و باطل

ان یمسسکم قرح . . . و تلک الایام نداولها بین الناس و لیعلم الله الذین امنوا

در برداشت فوق، کلمه <تلک>، به روزهای مبارزه و جنگ تفسیر شده است؛ نه خصوص پیروزی و یا شکست.

۱۲ گردش شکست و پیروزی بین جبهه حق و باطل ، عرصه و زمینه مناسبی برای ظهور ایمان مؤمنان

و تلک الایام نداولها بین الناس و لیعلم الله الذین امنوا

در برداشت فوق، <و لیعلم> به معنای <لیحقق> (تا به وجود آورد) گرفته شده است، چون علم خداوند به اشیا، همان تحقق اشیاست؛ بنابراین علم خداوند به ایمان مؤمنان، تحقق ایمان آنان است. و چون فرض شده است که آنان ایمان دارند (امنوا، با صیغه ماضی)، مراد از تحقق ایمان ظهور آن خواهد بود.

۱۳ برگزیدن زبندگان امت از سوی خداوند ، از اهداف رخداد های رنج آور تاریخی در مبارزه حق و باطل

و تلک الایام نداولها . . . و یتخذ منکم شهداء

<شهداء> به معنی گواهان است و گواهان هر امت، زبندگان آنان هستند.

۱۹ مؤمنان استوار در نبرد اُحد و دیگر هنگامه های پیکار با کافران ، برگزیدگان خداوند برای گواهی بر اعمال مردم

و تلک الایام . . . و لیعلم الله الذین امنوا و یتخذ منکم شهداء

ترک لام در <و یتخذ>، اشاره به این معنا دارد که برگزیدن، در پی مشخص شدن مؤمنان واقعی است. یعنی مؤمنان واقعی برای گواه بودن برگزیده می شوند. گفتنی است که در برداشت فوق،

متعلق حذف شده <شهد آء>، اعمال مردم، گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۶ - ۳

۳ رویارویی حق و باطل ، در طول تاریخ

و کاین من نبی قاتل معه ربیون کثیر

تبیین حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۳ - ۵

۵ تعالیم دین و قرآن ، حاوی بهترین راه کشف حقیقت و تفسیر درست جریان حق و باطل

إلا جنك بالحق وأحسن تفسیراً

تشخیص حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۸ - ۸

۸ - جامعه داستان پرداز و افسانه گرا ، دارای ذهنیتی ناتوان و مغشوش در تشخیص حق و باطل

إن هذا إلا أسطیر الأولین

کافران عقیده به معاد را <أسطوره> می پنداشتند و این پندار نشانگر رواج افسانه ها در میان جوامع پیشین و ذهنیت مغشوش است که در نتیجه شیوع خرافات، پدید آمده بود و براساس آن هر سخن تازه ای را حکایتی ساخته و پرداخته افراد تلقی می کردند.

تضاد حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴ - ۳

۳ - التزام به دو امر حق و باطل ، در یک زمان ، ممکن نیست .

و لا تطع الكفرین . . . و اتّبع ما یوحی إليك من ربّك ... ما جعل الله لرجل من قلبی

احتمال دارد ذکر <ما جعل الله لرجل...> برای تبیین امر لزوم تبعیت از وحی و نهی از اطاعت از کافران و منافقان باشد؛
یعنی، آیه می

گوید تبعیت همزمان از تعالیم وحی و خواسته های کافران، قابل جمع نیست؛ چون انسان دارای دو قلب نیست که با یکی، این و با دیگری، آن را قبول کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۴ - ۱۲

۱۲ - راه حق و باطل ، غیر قابل جمع باهم

و اِنَّا اَوْ اِيَّاكُمْ لَعَلِي هَدَىٰ اَوْ فِى ضَلٰلٍ مَّبِيْنٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۹ - ۶

۶ - حق و باطل ، باهم قابل جمع نیستند .

قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ مَا يَبْدِئُ الْبَاطِلَ وَ مَا يَعْصِدُ

تمیز حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۷ - ۵

۵ - قیامت ، روز داوری و تمیز حق از باطل و سره از ناسره

اِنَّ اللّٰهَ يَفْصَلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

تمیز حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۲ - ۵

۵ - انسان ، موجودی انتخاب گر و توانا بر تشخیص حق از باطل و پیمودن راه آن

فَمَنْكُمْ كٰفِرٌ وَ مَنْكُمْ مُّؤْمِنٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱ - ۶

۶ - جن ، دارای شعور و قدرت شنوایی و آشنا به زبان انسان ها و تشخیص دهنده حق از باطل در معارف الهی و دینی

استمع نفر من الجنّ فقالوا إنا سمعنا قرءاناً عجباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۳ - ۷

۷ - جن ، دارای قدرت

شنوایی و تشخیص حق از باطل در معارف الهی

و أَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهَدَىٰ ءَامَنَّا بِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۸ - ۱،۲

۱ - قیامت ، روز جداسازی میان خلاق و داوری میان حق و باطل است .

هذا يوم الفصل

<فصل> به حایل بین دو چیز و نیز به داوری میان حق و باطل گفته می شود (قاموس المحيط). روز قیامت، از این رو <یوم الفصل> نامیده شده که در آن روز، میان خلاق جدایی خواهد افتاد و حق از باطل تمیز داده شده و مورد داوری قرار خواهد گرفت.

۲ - جداسازی میان خلاق و داوری میان حق و باطل ، از مهم ترین خصیصه روز قیامت

هذا يوم الفصل

توصیف روز قیامت به <یوم الفصل> در سلسله آیات مربوط به حوادث قبل و بعد از برپایی قیامت، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۷ - ۲

۲ - متمایز شدن حق از باطل ، فلسفه برپایی قیامت

یوم الفصل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۳ - ۱،۲،۴

۱ - قرآن ، کلامی است که حق و باطل را به طور کامل متمایز می سازد .

إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلِ

از سیاق مطالب به دست می آید که مرجع ضمیر <إنه> قرآن است. <فصل> یعنی، جدا ساختن دو چیز از یکدیگر، به گونه ای که بین آن دو فاصله افتد (مفردات راغب). تعبیر <فصل> که مصدر است در معنای فاصل، مبالغه آمیز است و بر کمال جدایی دلالت دارد. برخی گفته اند:

مراد از ضمیر در <إِنَّه>، گفته های خداوند درباره معاد است که آیات پیش گویای آن بود. در این احتمال نیز <قول فصل> بودن آن آیات، به اعتبار قرآن بودن آنها است.

۲ - خداوند ، با سوگند به آسمان و زمین ، بر فارق بودن قرآن بین حق و باطل ، تأکید ورزیده است .

و السماء . . . و الأرض ... إِنَّه لقول فصل

۴ - < [فی مجمع البیان فی قوله تعالی] > إِنَّه لقول فصل < یعنی إِنَّ القرآن یفصل بین الحقّ و الباطل بالبیان عن کلّ واحد منهما و روی ذلك عن الصادق (ع) ;

[در مجمع البیان در تفسیر قول خدای تعالی] <إِنَّه لقول فصل> [آمده است]: یعنی قرآن با بیان حقّ و باطل، آن دو را از یکدیگر جدا می سازد و این معنا از امام صادق(ع) روایت شده است.<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۴ - ۲

۲ - پرندهگان حمله‌ور به اصحاب فیل ، دارای شعور و قدرت تمیز بین نیرو های حق و باطل *

ترمیم بحجاره من سجّیل

انتخاب سپاه ابرهه از بین مردمی که در آن منطقه حضور داشتند، بیانگر قدرت تشخیص پرندهگان است.

جدایی حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۹ - ۳

۳ - قیامت ، روز جدایی صف اهل حق و باطل است .

و امتزوا الیوم أئنها المجرمون

برداشت فوق از آن جا است که جدا شدن صف مجرمان از مؤمنان به دلیل باطل و حق بودن آن دو صف است.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۰ - ۳

۳- قیامت ، روز جدایی حق از باطل و تمایز حق مداران از باطل گرایان

إِنَّ يَوْمَ الْفِصْلِ مِيقَتَهُمْ أَجْمَعِينَ

مراد از <فصل>، ممکن است جدا شدن صفوف حق و حق مداران، از باطل و باطل گرایان باشد.

حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۳ - ۴

۴ - تورات ، وسیله ای کارآمد برای تشخیص حق از باطل

و إِذْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ

<فرقان> یعنی، وسیله تمییز و تشخیص و مراد از آن - به مناسبت مورد - چیزی است که بتوان به وسیله آن، حق را از باطل در محدوده احکام و معارف الهی، متمایز ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۱ - ۱۲

۱۲ شکست نهایی در جنگ بین حق و باطل ، سرنوشت محتوم حق ستیزان و باطل مداران مفسد است .

إِنَّ اللَّهَ سَيُطْلِعُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يَصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۵

۱۵ باطل نمی تواند برای همیشه پوشاننده حق باشد .

الَّذِينَ حَصَّصُوا الْحَقَّ أَنَا رُودَتْهُ عَنِ نَفْسِهِ

دشمنی حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۲۸

۲۸ وانهادن داوری نهایی به خداوند برای فیصله دادن به خصومت های طرفداران حق و باطل ، مصداقی از توکل بر اوست .

علی الله توکلنا ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق

قضاوت بین حق و باطل

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۶ - ۲

۲ - ربوبیت خداوند ، مقتضی جمع انسان ها در قیامت و داوری نهایی بین جریان حق و باطل

قل یجمع بیننا ربنا ثم یفتح بیننا بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۰ - ۷۸

۷ امتناع خداوند از داوری میان حق و باطل در عرصه حیات دنیوی ، بر اساس تقدیری است که خود مقرر کرده است .

لولا کلمه سبقت من ربک لفضی بینهم

۸ مصالح جوامع بشری و تدبیر امور انسان ها ، مایه تقدیر خداوند بر داوری نکردن او میان حق گرایان و باطل اندیشان ، در عرصه حیات دنیا است .

لولا کلمه سبقت من ربک لفضی بینهم

برداشت فوق ، از کلمه <رب> که به معنای مدبر و مربی است استفاده می شود؛ یعنی ، تقدیر یاد شده (لولا کلمه سبقت ..) در راستای تدبیر امور انسانهاست.

مبارزه حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۶ - ۱۳

۱۳ رویارویی و برخورد مداوم حق و باطل

و لتسمعن من الذین اتوا الکتب من قبلکم و من الذین اشرکوا اذی کثیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۲

۲ درگیری حق و باطل در سراسر تاریخ انبیا جریان داشته است.

و كذلك جعلنا لكل نبي عدوا شيطيين الإنس و الجن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۱۸ - ۱۴، ۵

۱- در نزاع میان جبهه حق و

باطل ، پیروزی نهایی از آن حق مداران است .

بل نقذف بالحقّ علی البطل

۴- درگیری و ستیز مداوم حق و باطل در طول تاریخ

و کم قصمنا من قریه کانت ظالمه. .. بل نقذف بالحقّ علی البطل فیدمغه

۵- نابودی باطل و اندیشه های نادرست ، در گرو حضور اهل حق در میدان مبارزه با باطل است .

بل نقذف بالحقّ علی البطل فیدمغه

<باء> در <بالحقّ> برای استعانت است. براین اساس معنای آیه چنین می شود: <ما به کمک حق بر باطل می کویم و نابودش می سازیم>. این معنا می رساند که حق باید در صحنه کارزار با باطل، حضور داشته باشد تا به وسیله آن بتوان باطل و اندیشه های نادرست را نابود کرد. گفتنی است خداوند نابود ساختن باطل را به خود نسبت نداده بلکه حق را نابود کننده باطل دانسته است (فیدمغه)، این نکته مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۸

۸ - جامعه بشری ، از دیرباز عرصه درگیری حق و باطل بود .

کذّبت قبلهم قوم نوح . . . و جدلوا بالباطل لیدحضوا به الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ - حق و باطل ، جریانی مستمر در تاریخ

فمنهم مهتد و کثیر منهم فسقون

مبین حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۷ - ۱۸

۱۸ خداوند بهترین جدا کننده حق از باطل است.

يقص الحق و هو خير الفصلين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ قرآن ، تبیین گر حق و باطل و جدا کننده سره از ناسره است .

تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده

<فرقان> اسم است برای آنچه فارق و جدا کننده حق از باطل باشد (لسان العرب).

مقایسه حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۶ - ۵

۵- مقایسه بین عقاید حق و باطل ، روشی برای تشخیص حق و رهنمودی کاربردی برای تعیین مسیر حرکت آدمی است .

مثلاً کلمه طیبه کشجره طیبه أصلها ثابت و فرعها فی السماء . . . و مثل کلمه خبیثه

بی شک منظور از تشبیهات در قرآن، و از جمله موارد یاد شده در آیه های فوق، تبیین دقیق آن دسته از معارفی است که فهم آنها مشکل می باشد و فلسفه چنین روشنگری ای نیز، قطعاً ارائه راه روشن برای انسان است.

ممیز حق و باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱ - ۹

۹- آیات قرآن ، جدا کننده حق از باطل و ملاک تمیز بین آن دو

و قرءان مبین

برداشت فوق، مبتنی بر متعدی بودن <مبین> است که در لغت به معنای جدا کننده بین دو شیء آمده است و به قرینه مقام، مراد از آن ایجاد تمایز حق از باطل می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۸ - ۲

۲- تورات ، جدا کننده حق از باطل

ءاتینا موسی و هرون الفرقان و ضیاء و ذکرًا

واژه <فرقان> به هر چیز جدا کننده حق از باطل اطلاق

می شود. توصیف کتاب آسمانی تورات به <فرقان> بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱ - ۶

۶ قرآن ، تبیین گر حق و باطل و جدا کننده سره از ناسره است .

تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده

<فرقان> اسم است برای آنچه فارق و جدا کننده حق از باطل باشد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲ - ۳

۳ فرمان روایی و حکومت خداوند بر آسمان ها و زمین ، خاستگاه نزول کتابی که تبیین کننده حق از باطل برای انسان ها است

تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده .. الذی له ملک السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۶ - ۵

۵ - جداسازی حق از باطل ، سره از ناسره و ارائه بینش صحیح مکتبی از رسالت های قرآن

إن هذا القرآن یقصّ علی بنی اسرائیل أكثر الذی هم فیه یختلفون

مراد از <یقصّ> صرف قصه گویی و گزارش نیست؛ بلکه گزارش همراه با نقد و تبیین و تفکیک سره از ناسره است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۶

۶ - قرآن ، معیار شناخت حق و باطل در معارف الهی

فلما جاءهم الحقّ

توصیف قرآن به <حق> می تواند به این خاطر باشد که بشر در شناخت حقایق و معارف الهی (هم چون مبدأ و معاد) دچار خطا نشود و معیاری صحیح در شناخت آنها داشته باشد.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲ - ۵

۵ - ارائه حق و شناساندن آن به مردم ، فلسفه نزول قرآن

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷ - ۵

۵ - برقراری میزان و ابزار سنجش حق و باطل در میان مردم از سوی خداوند

و السَّمَاءِ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مقصود از <وضع المیزان> برقراری ابزار سنجش در میان مردم باشد نه آسمان ها ؛ آن گونه که در آیه ۲۵ سوره <حدید> آمده است (و أنزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط). گفتنی است آیه بعد که توصیه به پرهیز از طغیان در میزان می کند مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴ - ۲،۳

۲ - فرشتگان وحی ، جداکنندگان حق از باطل اند .

فالفرقت فرقا

<فرق> به معنای تمیزدادن میان اشیا است و مقصود از فارق بودن فرشتگان، به این است که آنان اهل بهشت را از اهل دوزخ و اقوام محکوم به عذاب را (مانند قوم نوح و عاد و ..) با غیر اینها جدا کرده، تمیز می دهند و یا این که آنان چیزهایی می آورند که جداکننده حق از باطل است (وحی و کتاب های آسمانی). گفتنی است برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

۳ - وحی و کتاب های آسمانی ، جداکننده حق از باطل اند .

فالفرقت فرقا

حقارت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حقارت

پيروان نوح(ع) و حقارت

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۷ - ۱۲

۱۲ حقارت و پستی مؤمنان به نوح (ع)، امری آشکار و روشن در نظر اشراف و سران قوم نوح

ما نریک اتبعک إلا الذین هم أراذلنا بادی الرأی

برداشت فوق، براساس این احتمال است که <بادی الرأی> ظرف برای مضمون جمله <هم أراذلنا> باشد؛ یعنی، در یک نگاه ظاهری می توان دریافت که پیروان تو، مردمی پست و حقیرند.

حقارت در برابر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۱۶

۱۶ تهی بودن دل از محبت خدا، بی مهری نسبت به اهل ایمان، احساس کوچکی در برابر کافران، از نشانه های بیماری دل و ضعف ایمان

فتری الذین فی قلوبهم مرض .. اذله علی المؤمنین اعزه علی الکفرین

ارتباط آیه مورد بحث با آیات پیش گویای این است که بیمار دلان (الذین فی قلوبهم مرض) از مصادیق مرتدان می باشند و چون صفات شمردده شده برای مؤمنان واقعی نقطه مقابل مرتدان قرار گرفته؛ است معلوم می شود نبود این صفات در مدعیان اسلام، نشانه بیمار دلی آنان است.

حقارت ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۵ - ۲

۲ - ظالمان و منحرفان از حق، مردمی حقیر و فاقد ارزش های انسانی در پیشگاه خداوند

و أما القسطون فکانوا لجهنم حطباً

<حطب>، به معنای چوب خشک و هیزم است. تشبیه ظالمان و منحرفان از حق به آن، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

۱ - فرعون و سپاهیان وی ، عناصری پست و حقیر در پیشگاه خداوند

فأخذنه و جنوده فنبدنهم فی الیم

در تعبیر آمده فرعون و سپاهیان، به مشتی ریگ تشبیه شده اند که کسی آنها را از زمین برمی گیرد و در آب می اندازد. این تشبیه هم بیانگر حقارت و پستی آنان در پیشگاه الهی و هم نشان دهنده ناچیز بودن قدرت آنان در برابر عظمت قدرت الهی است. برداشت یاد شده بر پایه بیان نخست می باشد.

حقارت فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۰ - ۱

۱ - فرعون و سپاهیان وی ، عناصری پست و حقیر در پیشگاه خداوند

فأخذنه و جنوده فنبدنهم فی الیم

در تعبیر آمده فرعون و سپاهیان، به مشتی ریگ تشبیه شده اند که کسی آنها را از زمین برمی گیرد و در آب می اندازد. این تشبیه هم بیانگر حقارت و پستی آنان در پیشگاه الهی و هم نشان دهنده ناچیز بودن قدرت آنان در برابر عظمت قدرت الهی است. برداشت یاد شده بر پایه بیان نخست می باشد.

حقارت منحرفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۵ - ۲

۲ - ظالمان و منحرفان از حق ، مردمی حقیر و فاقد ارزش های انسانی در پیشگاه خداوند

و أما القسطون فکانوا لجهنم حطباً

<حطب>، به معنای چوب خشک و هیزم است. تشبیه ظالمان و منحرفان از حق به آن، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

موانع حقارت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل

۱۳ آگاهی مؤمنان به ارزش ایمان ، مانع خود کم بینی

یا ایها الذین امنوا .. و انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین

چون فرض شده که مخاطبین آیه مؤمن هستند و مؤمن برتر است و نباید در مقابل کافران احساس ضعف کند (ولا تهنوا ..)
بنابراین ضعف و اندوه مؤمنان، ناشی از غفلت آنان به ارزش ایمان خواهد بود.

حقانیت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حقانیت

{حقانیت}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۱۷،۲۲

۱۷ شکست ها و حوادث ناگوار ، موجب تردید مسلمانان سست اندیشه در مورد حقانیت پیامبر (ص) و وعده های خدا به پیروزی آنان

طائفه .. یقولون هل لنا من الامر من شیء

۲۲ انکار حقانیت رسول خدا (ص) و نادرست پنداشتن وعده های الهی به پیروزی ، چیزی است که خودگزیان شرکت کننده در نبرد احد از رسول خدا پنهان می داشتند .

و طائفه .. یخفون فی انفسهم ما لایبدون لک

آثار تذکر حقانیت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳ - ۱۴

۱۴ - یاد کرد حقانیت نظام هستی ، اندازی به حق گریزان پوچ گرا *

ما خلقنا .. إلا بالحقّ ... و الذین کفروا عما أنذروا معرضون

از آن جا که قبل از تعبیر <عَمَّا أَنْذَرُوا..>، انذار صریحی در این آیه و آیه قبل نیامده است، احتمال می رود که نفس تَذْکُر به حقانیت هستی، هشدار به کسانی است که هستی را پوچ و بی هدف دانسته و هیچ

تعهدی در برابر ارزش ها ندارند.

آثار حقانیت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۵ - ۷

۷- حق بودن (هدفدار و حکیمانه بودن) نظام آفرینش ، مقتضای برپایی قیامت

و ما خلقنا السموت .. . إلاّ بالحقّ و إن الساعه لأتیه

جمله <إن الساعه لأتیه> به منزله نتیجه استدلال به آیه <و ما خلقنا السموات .. . إلاّ بالحق> است / یعنی، چون جهان بر اساس حق آفریده شده است، قهراً برپایی قیامت قطعی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۳ - ۱۱

۱۱ - معاد و بازگشت انسان ها ، به پیشگاه عدل الهی برای کیفر و پاداش ، مقتضای آفرینش به حق و هدفمند جهان است .

خلق السموت و الأرض .. . و إليه المصیر

ذکر معاد انسان ها پس از بیان آفرینش جهان بر پایه حق و هدفمندی می تواند گویای نکته یاد شده باشد.

آثار حقانیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۴ - ۷

۷- ولایت خداوند و حقانیت او ، ضامن اعطای بهترین پاداش ها و فرجام ها است .

هنالك الولیه لله الحقّ هو خیر ثواباً و خیر عقباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۰ - ۱

۱ - اداره نظام عالم با گردش همواره شب و روز و جریان دائمی خورشید و ماه ، برخاسته از حق محض بودن خداوند است .

ألم تر أنّ الله يولج الليل .. ذلك بأنّ الله هو الحقّ

آثار حقانیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۸ - ۵

۵- ارشاد و راهنمایی در پرتو قوانین حق ، دارای ثمربخشی *

أرسل رسوله بالهدى و دین الحق لیظهره

برداشت بالا بدان احتمال است که هدایت امری علاوه بر دین حق باشد یعنی، هدایت، راهنمایی و ارشاد در کنار قوانین حق، مکمل یکدیگر بوده و آثار بایسته را در پی دارند.

آثار حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۹

۱۹ الهی بودن قرآن و پیراستگی آن از هرگونه باطل ، دلیل ناروا بودن شک و شبهه در راستی و درستی آن

فلاتک فی مریه منه إنه الحق من ربک

جمله <إنه الحق من ربک> به منزله دلیل برای <فلاتک ..> می باشد.

آثار ذکر حقانیت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۹ - ۴

۴ - توجه به حقانیت قیامت ، زمینه ساز جهت دادن تلاش ها و حرکت ها به سوی خداوند

فمن شاء اتخذ إلی ربّه ما بآ

<فاء> در <فمن شاء..> برای تفریع است. مفاد آیه شریفه این است که چون قیامت حق است، بنابراین باید مقصد را به گونه ای برگزید که به سوی خدا باشد.

آثار شک در حقانیت اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۰ - ۴

۴ - شک و تردید نسبت به حقانیت اسلام و پیامبر (ص) در عین آگاهی از آن، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان

أم ارتابوا

آثار شک در

حقانیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۰ - ۴

۴ - شک و تردید نسبت به حقانیت اسلام و پیامبر (ص) در عین آگاهی از آن ، از نشانه های نفاق و اوصاف منافقان

أم ارتابوا

آثار شک در حقانیت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۱۷

۱۷ - هشدار مؤمن آل فرعون به مردم مصر ، از دچار شدن به گمراهی ابدی بر اثر پافشاری بر مخالفت با دعوت موسی (ع)

و تردید در حقانیت آن

كذلك يضلّ الله من هو مسرف مرتاب

ابزار تشخیص حقانیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۴ - ۵

۵ - عقل به تنهایی ، برای قضاوت در حقانیت تعالیم آسمانی و یا عدم آن ، کافی نیست .

و ما ءاتینهم من كتب یدرسونها

اثبات حقانیت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۸ - ۱

۱ عصای موسی (ع) با بلعیدن جادوی ساحران ، موجب به کرسی نشستن حق و پوچ گشتن دستاورد های ساحران شد .

فوق الحق و بطل ما کانوا یعملون

در برداشت فوق ضمیر <کانوا> و <یعملون> به ساحران برگردانده شده است. بر این مبنا مراد از <ما> در <ما کانوا ... > همان ابزار و آلاتی است که با سحر خویش آنها را در چشم بینندگان به صورت جانورانی پر تحرک جلوه داده بودند.

ادعای حقانیت فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- فرعونیان، در سخنان و تبلیغات خویش، سحر برتر و بی رقیب را، نشانگر حقانیت مرام ساحر و عقاید او قلمداد می کردند.

و قد أفلح اليوم من استعلى

بسیج ساحران برای ابطال ادعاهای موسی(ع)، حاکی از آن است که در نظر فرعونیان، قدرت ساحر میزان حق و باطل بود.

اطمینان به حقانیت عقیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۹ - ۶

۶- اطمینان از حقانیت راه، مقتضی اقدام و توکل بر خدا و نهراسیدن از مشکلات

فتوکل علی الله إنک علی الحق المبین

<إنک...> در مقام تعلیل است؛ یعنی، چون تو بر حقی، پس بر خدا توکل کن و از توطئه های دشمنان نهراس.

اعلام حقانیت توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۶ - ۳

۳- پیامبر (ص)، مأمور اعلام در دست داشتن دلایل و برهان های روشن بر بطلان عقیده شرک آلود و درستی آیین توحیدی

إني نهيت أن أعبد الذين تدعون من دون الله لَمَّا جَاءَنِي الْبَيِّنَاتُ

اقرار به حقانیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۱

۱- عوام، یهود در حضور مسلمانان به حقانیت پیامبر اسلام (ص) و انطباق نشانه های پیامبر موعود، بر آن حضرت اعتراف

می کردند .

و إذا لقوا الذين ءامنوا قالوا ءامننا .. قالوا أتحدثونهم بما فتح الله عليكم

جمله >أتحدثونهم .. چرا حقایقی که خدا در اختیار شما نهاده به

مسلمانان باز می گویند؟> دلالت بر این دارد که مراد از <آمناء> بیان ویژگیهای پیامبر موعود در تورات و تطبیق آن با رسول اکرم(ص) است. بنابراین <آمناء>؛ یعنی، ما تصدیق می کنیم که محمد(ص) همان پیامبر موعود است و ویژگیهای بیان شده بر او تطبیق می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۳ - ۱۲

۱۲ > عن ابی جعفر (ع) فی قول الله < لیظهره علی الدین کله ... > یکون ان لا یبقی أحد إلا أقرّ بمحمد (ص) ؛

از امام باقر(ع) درباره قول خدا <لیظهره علی الدین کله ... > روایت شده: [زمانی] خواهد بود هیچ کس باقی نمی ماند مگر اینکه به حضرت محمد(ص) اقرار می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۰ - ۱۰

۱۰ - اذعان درونی کافران صدراسلام ، به حقانیت رسالت پیامبر (ص) و قرآن

بل جاءهم بالحقّ و أكثرهم للحقّ کرهون

عبارت <أكثرهم للحقّ کارهون>؛ یعنی، بیشتر آنان حقیقت را خوش ندارند. بنابراین انکار رسالت پیامبر(ص) و آسمانی بودن قرآن، نه از آن رو است که آنان به حقانیت آن دو یقین ندارند؛ بلکه بدان جهت بود که آن دو حق است و آنها از حق خوششان نمی آید.

اقرار به حقانیت تهدیدهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۴

۴- اقرار گرفتن خداوند از کافران ، هنگام مواجهه آنان با آتش دوزخ ، درباره حقانیت تهدید های وحی

و یوم یعرض

.. أليس هذا بالحقّ

به قرینه صدر آیه <هذا> اشاره به آتشی است که کافران در معرض آن قرار گرفته اند.

اقرار به حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۵

۵- وجود عالمانی در میان مردم عصر نزول و اذعان آنان به حقانیت قرآن پس از شنیدن آن

إن الذين أوتوا العلم من قبله إذا يتلى عليهم يخرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۰ - ۱۰

۱۰- اذعان درونی کافران صدر اسلام ، به حقانیت رسالت پیامبر (ص) و قرآن

بل جاءهم بالحقّ و أكثرهم للحقّ كرهون

عبارت <أكثرهم للحقّ كارهون> یعنی، بیشتر آنان حقیقت را خوش ندارند. بنابراین انکار رسالت پیامبر(ص) و آسمانی بودن قرآن، نه از آن رو است که آنان به حقانیت آن دو یقین ندارند؛ بلکه بدان جهت بود که آن دو حق است و آنها از حق خوششان نمی آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۳ - ۳

۳- اعتراف ایمان آوردگان اهل کتاب ، به حقانیت و آسمانی بودن قرآن به هنگام شنیدن آیات آن

و إذا يتلى عليهم قالوا .. إنه الحقّ من ربّنا

اقرار به حقانیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۴

۴- اعتراف شیطان در قیامت به حقانیت وعده های خداوند و پوچی وعده های خود

و قال الشیطن . . . إنّ الله وعدکم وعد الحق و وعدتکم فأخلفتکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۵

۵- اعتراف کافران به حقانیت وعده های الهی ، پس از لمس و مشاهده آن

و یوم یعرض .. ألیس هذا بالحقّ قالوا بلی و ربّنا

اهل کتاب و حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۴ - ۹

۹ اهل کتاب (عالمان یهود و نصارا) آگاه به حقانیت قرآن و نزول آن از جانب خدا

و الذین ءاتینهم الکتب یعلمون أنه منزل من ربک بالحق

اهمیت تدبر در حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۲ - ۱

۱ - لزوم تأمل و تدبر انسان ، درباره حقانیت قرآن و پرهیز از مخالفت عجولانه با آن

قل أریتم إن کان من عند اللّٰه ثم کفرتم به من أضلّ

ایمان به حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۵

۱۵ لزوم زدودن شک و شبهه از خویشتن در باره راستی و درستی قرآن

فلاتک فی مریه منه

مراد از ضمیر در <منه> قرآن است و مخاطب جمله <فلاتک .. > تک تک انسانهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱ - ۱۱

۱۱ لزوم ایمان به قرآن ، الهی بودن و پیراستگی آن از هر گونه باطل

و الذى أنزل إليك من ربك الحق و لكنّ أكثر الناس لا يؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۴ - ۱

۱ - زدوده شدن شبهات شیطانی از چهره آیات وحی به اراده خداوند

، به این دلیل بود تا کسانی که از نعمت معرفت و دانش برخوردار بودند ، به حقانیت آن پی ببرند و با آرامش خاطر ، به آن ایمان بیاورند .

فینسخ الله ما یلقى الشیطن . . . و لیعلم الذین أوتوا العلم ... فتخبث له قلوبهم

ضمیر در <أنه الحق> به قرآن باز می گردد که در آیه ۵۲ از آن ذکر ضمنی به میان آمده است. <إخبات> (مصدر <تخبث>) مشتق از <خَبَثَ> است. <خَبَثَ> به زمین وسیع و همواری گفته می شود که بی فراز و نشیب است. <قلب مخبت>؛ یعنی، قلبی که مطمئن آرام و بی اضطراب و تردید است. آیه یاد شده تعلیل برای جمله <فینسخ الله ما یلقى الشیطان...> است؛ یعنی، خداوند شبهه های شیطان را از آیات وحی می زداید، تا کسانی که از نعمت دانش برخوردارند، بدانند که قرآن حق بوده و از جانب پروردگار نازل شده است و دل هایشان به آن مطمئن شود و آرام گیرد.

ایمان به حقانیت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۰ - ۵

۵ - ساحران به جهت تخصص در سحر ، حقانیت گفته های موسی (ع) و سحر نبودن کار او را به روشنی درک کردند .

فَأَلْقَى السِّحْرَ سَاجِدًا قَالُوا ءَامِنًا

از ظاهر آیه برمی آید، که در میدان مبارزه، تنها ساحران بودند که ایمان خود را اعلام کردند و یا لااقل اولین افراد بودند. این سبقت در ایمان از سوی ساحران، به جهت شناخت آنان از کار خود و تفاوت آن با معجزه بود.

بی اعتنایی به حقانیت قرآن

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۷ - ۳

۳ - توییح مشرکان از سوی خداوند ، به خاطر نادیده گرفتن دلایل حقانیت قرآن و پیامبر (ص)

أولم یکن لهم ءایه أن یعلمه علموا بنی اسرائیل

بی اعتنایی به حقانیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۷ - ۳

۳ - توییح مشرکان از سوی خداوند ، به خاطر نادیده گرفتن دلایل حقانیت قرآن و پیامبر (ص)

أولم یکن لهم ءایه أن یعلمه علموا بنی اسرائیل

تبیین حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۸ - ۱

۱ پیامبر اکرم (ص) از سوی خداوند دستور یافت تا مردم را به الهی و حق بودن قرآن توجه داده و آنان را به پذیرش معارف آن دعوت کند .

قل یا ایها الناس قد جاءکم الحق من ربکم فمن اهتدی فإنما یتهدی لنفسه

تکذیب حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۳

۳ کافران مورد سرزنش خداوند به خاطر باور نکردن حقانیت قرآن جز با آمدن قیامت

هل ینظرون إلا تأویله یوم یأتی تأویله

جهل به حقانیت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۹ - ۴

۴- بی دانشی نسبت به حقانیت هستی و اهداف ارزشی آفرینش ، عامل انکار معاد

إِنَّ هِيَ إِلَّا مَوْتَتِنَا الْأُولَىٰ . . . وَ لَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

از ارتباط میان <إِنَّ هِيَ إِلَّا مَوْتَتِنَا الْأُولَىٰ> با <وَ لَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ> استفاده می شود که انکار

معاد، ریشه در جهل نسبت به حقانیت آفرینش دارد.

حقانیت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۵ - ۱

۱- خداوند آسمان ها ، زمین و موجودات در فضا را بر اساس حق (حکیمانه و با مقصودی صحیح) آفرید .

و ما خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما إلاّ بالحقّ

یکی از موارد کاربرد واژه <حق> جایی است که کاری به مقتضای حکمت و بر اساس مصلحت انجام پذیرفته باشد (مفردات راغب). برداشت فوق بر اساس این کاربرد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳ - ۴

۴- آفرینش حق مدار آسمان ها و زمین ، گواه وحدانیت خدا و نبود شریک برای او

أن أنذروا أنه لا إله إلاّ أنا فاتقون . خلق السموت و الأرض بالحقّ تعلی عمّا یشر

جمله <خلق السماوات و الأرض> به منزله تعلیل برای مضمون <لا إله إلاّ أنا> در آیه قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۷ - ۳

۳- آفرینش جهان ، امری است بایسته ، به اندازه و به جا .

و ما خلقنا السماء و الأرض و ما بینهما بطلاّ

<حقّ> کاری است که انجامش ضروری بوده و به اندازه لازم و در زمان خودش تحقق یابد (مفردات راغب) و باطل نقیض حق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۲ - ۳،۵

۳- برابر انگاشتن مؤمن و کافر در پیشگاه خداوند ، پنداری مغایر با هدفمندی و حقانیت نظام جهان

أم حسب الذین اجترحوا

... و خلق الله السموت و الأرض بالحقّ

خداوند، هدفمندی و حقانیت نظام جهان را به دنبال طرح عدم تساوی صالح و ناصالح در پیشگاه داوری حق، یاد کرده و از یک مقوله و معنا دانسته است. بر این اساس آیه شریفه را می توان تفسیر و تعلیلی برای آنچه که در آیه قبل بیان شده، دانست.

۵ - هدفمندی و حقانیت نظام جهان ، مستلزم برپایی نظام عادلانه کیفر و پاداش

خلق .. بالحقّ و لتجزی ... و هم لایظلمون

در آیه شریفه پس از طرح حقانیت نظام هستی، به عدل الهی در نظام کیفر و پاداش اشاره شده است. از این نکته استفاده می شود که عدل در مجازات، لازمه حقانیت آفرینش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳ - ۳،۴،۹

۳- کتاب تشریح و نظام تکوین ، هر دو بحق ، حکیمانه و متکی به عزت و توانمندی خداوند

تنزیل الکتب من الله العزيز الحكيم . ما خلقنا السموت و الأرض

طرح مسأله حقانیت آفرینش آسمان و زمین و نظام تکوین در پی بیان نزول کتاب از سوی خداوند عزیز و حکیم می تواند اشاره به همگونی و هماهنگی کتاب تشریح با نظام تکوین، در حقانیت و استواری و استحکام داشته باشد.

۴ - نزول کتاب آسمانی ، لازمه حقانیت آفرینش و عبث نبودن آن *

تنزیل الکتب .. ما خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما إلا بالحقّ

از ارتباط <تنزیل الکتب ..> با <و ما خلقنا السماوات... إلا بالحقّ>، مطلب یاد شده قابل برداشت است.

۹ - لازمه حقانیت آفرینش ، وجود معاد و عالمی دیگر

، غیر از جهان مادی دنیوی

خلقنا .. إلا بالحقّ و أجل مسمّی و الذین کفروا عما أنذروا معرضون

چنانچه زندگی انسان، محدود به حیات دنیوی وی باشد، بسیاری از نابرابری ها و بی عدالتی ها جبران نشده و حق حاکم نمی گردد. از این بیان می توان استفاده کرد که لازمه حق بودن آفرینش، وجود جهان دیگری پس از این جهان است.

حقانیت آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۶ - ۲

۲- آیات الهی ، حق و پیراسته از هرگونه باطل و بیهودگی

نتلوها علیک بالحقّ

برداشت بالا، بر این پایه است که <بالحقّ> حال برای مفعول <نتلو> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۷ - ۴

۴- تأثیر آیات الهی در قلب ها ، نتیجه حقانیت و روشنی آنها است ؛ نه معلول سحر بودن .

ءایتنا بینت قال الذین کفروا .. هذا سحر

حقانیت آیات قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱ - ۲

۲ همه آیات قرآن و تعالیم آن ، متقن و از هرگونه خلل و بطلان پذیری مبراست .

کتب أحکمت ءآیته

إحکام (مصدر أحکمت) به معنای اتقان است . بنابراین ((أحکمت آیاته)) گویای این است که : آیه های قرآن ، متقن است و هیچ خللی نداشته و بطلان در آنها راه ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۶ - ۱

۱ - آیات قرآن ، منطبق با حقیقت و واقعیت هستی و به دور از

هرگونه کذب و افترا

تلك آيت الله نتلوها عليك بالحق

برداشت بالا بنابراین نکته است که <تلك>، اشاره به آیات قرآن باشد و <بالحق> حال برای مفعول <نتلو> و نیز <حق> به معنای مطابق با واقع باشد.

حقانیت آیات منسوخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۷

۷- نزول تدریجی قرآن و ناسخ و منسوخ آن ، امری به حق و بایسته

و إذا بدلنا آیه مکان آیه .. قل نزله روح القدس من ربك بالحق

حقانیت آیات ناسخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۷

۷- نزول تدریجی قرآن و ناسخ و منسوخ آن ، امری به حق و بایسته

و إذا بدلنا آیه مکان آیه .. قل نزله روح القدس من ربك بالحق

حقانیت ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۳، ۱۲

۱۲ - بی پایه و اساس خواندن ادیان الهی ، سخنی برخاسته از جهل است .

كذلك قال الذين لا يعلمون مثل قولهم

توصیف مشرکان به بی دانشی، پس از بیان ادعای آنان (بی اساس بودن دین یهود و نصارا) اشاره به این حقیقت دارد که: بی پایه شمردن ادیان الهی، ریشه در جهل و نادانی دارد.

۱۳ - تمامی ادیان آسمانی ، دارای اساسی استوار هستند .

و قالت اليهود . . . و هم يتلون الكتب كذلك قال الذين لا يعلمون

حقانیت ادیان آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۳ - ۷

۷ - قرآن و ادیان الهی ، سراسر راست و مطابق

با واقع و حق و حقیقت

و الذی جاء بالصدق

حقانیت اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۱۴

۱۴ - حقانیت اسلام ، حتی در نظر یهودیان و مسیحیان امری روشن و تردیدناپذیر بود .

من بعد ما تبین لهم الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۹ - ۲،۴

۲ - معارف و احکام ارائه شده به پیامبر (ص) ، سراسر حق است .

إنا أرسلناك بالحق

برداشت فوق بر این اساس است که <باء> در <بالحق> به معنای <مع> و حال برای ضمیر (ك) باشد. بر این مبنا مقصود از <الحق> احکام و معارفی است که پیامبر به ابلاغ آنها مأمور بود. بنابراین جمله <إنا أرسلناك بالحق> یعنی، ای پیامبر! تو را همراه با احکام و معارفی که سراسر حق، است به سوی مردم فرستادیم.

۴ - اتمام حجت خداوند بر حقانیت اسلام و رسالت پیامبر

قد بَيَّنَّا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ. إنا أرسلناك بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۲ - ۳

۳ کسانی که حقانیت اسلام را می پوشانند و راه شرک را بهتر از آن می نمایانند ، مورد لعن الهی هستند .

الم تر الى الذين ... يقولون هؤلاء اهتدى من الذين امنوا سبيلا. اولئك الذين لعنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۲ پیروزی مسلمانان ، مایه پشیمانی بیمار دلان سست ایمان عصر بعثت از شک و تردید نسبت به حقانیت اسلام

فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ

.. فیصبحوا علی ما اسروا فی انفسهم ندمین

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <ما اسروا فی انفسهم>، تردید مسلمانان سست ایمان نسبت به حقانیت اسلام باشد. <فی قلوبهم مرض>، این احتمال را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۸ - ۱۴

۱۴ نگاه به دین اسلام با دیدی منطقی و عقلی، مایه اطمینان به حقانیت، شایستگی و بایستگی آن

اتخذوها هزواً و لعباً .. ذلک بانهم قوم لا یعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۹ - ۶

۶ شریعت اسلام، تنها دین حق و مورد پذیرش خداوند

و لا یدینون دین الحق

مقصود از دین حق در <لا یدینون دین الحق> دین اسلام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۳ - ۴،۵،۶

۴ اسلام، تنها دین حق و مورد قبول خدا

هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق

۵ آمدن پیامبر (ص)، همراه با هدایت (قرآن) و دین حق (اسلام) در راستای تکمیل نور الهی و تحقق اراده خداست.

و یأبی الله إلا أن یتم نوره .. هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق

۶ حق، پایه و محور احکام و قوانین دین اسلام

هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۱ - ۲

۲- دین اسلام و راه پیامبر (ص) حق ، و هر جریانی به

جز آن باطل و نابود شونده است .

و قل جاء الحقّ و زهق البطل

به دلیل مکی بودن سوره چنان که مفسّران نیز گفته اند احتمال دارد مراد از حق دین اسلام و شریعت محمدی و مراد از باطل عقاید موجود در آن عصر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۹ - ۵

۵ - شریعت و راه و رسم پیامبر (ص) ، حقی آشکار و انکارناپذیر

إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ

بر حق بودن حضرت رسول(ص) نظر به دو بعد دارد: حقانیت رسالت او و حقانیت راه او.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۳ - ۱۰

۱۰ - تنها دین اسلام از میان دیگر ادیان الهی ، حق بوده و سزاوار پیروی کردن است .

إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ

از این که پیروان ادیان الهی پیشین (اهل کتاب) با آمدن دین اسلام، این دین را حق دانستند و دست از دین گذشته خود برداشته و تسلیم دین اسلام گشتند؛ می توان مطلب یاد شده را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۷ - ۲

۲ - آنچه پیامبر اسلام (ص) به عنوان دین به مردم ارائه فرموده ، صددرصد حق است .

بَلْ جَاء بِالْحَقِّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۴ - ۱۴

۱۴ - استمرار و گسترش دعوت پیامبر (ص) و آموزه های قرآن ، با توجه به سنت خداوند بر محو باطل ، نشان دهنده حقانیت اسلام

و قرآن است .

أم يقولون افتري على الله .. و يمح الله البطل و يحق الحق بكلمته

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲ - ۱۲

۱۲- حق و حقیقت ، منحصر در معارف نازل شده بر پیامبر (ص) است .

و هو الحق من ربهم

از تقدیم <هو> بر <الحق> انحصار و از الف و لام <الحق> استغراق و تمامیت استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۸ - ۳

۳- حق ، پایه و محور احکام و قوانین دین اسلام

أرسل رسوله بالهدى و دین الحق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۲۵

۲۵ - احکام اسلام ، دارای ملاک های واقعی و انسانی ؛ نه صرفاً در جهت منافع پیروان خود

و سئلوا ما أنفقتم و ليسئلوا ما أنفقوا

با این که قبلاً لزوم پراخت مخارج مردان کافر در <آتوهم ما أنفقوا> بیان شده، تکرار آن در <و ليسئلوا ما أنفقوا> و نیز طرح حقوق متقابل مؤمن و کافر در مسأله مورد نظر، بیانگر مطلب یاد شده، است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۹ - ۷۸

۷ - اسلام ، تنها دین حق و مورد قبول خداوند

هو الذى أرسل رسوله . . . ودين الحقّ

۸- پیامبر (ص) ، آورنده دین حق از سوی خداوند

أرسل رسوله بالهدى ودين الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینہ - ۹۸ - ۱ - ۱۳

۱۳ - برخی

از اهل کتاب و مشرکان ، پس از مشاهده برهان حقانیت اسلام ، با کفرورزی به آن ، راه خویش را از دیگر هم کیشان خویش جدا کردند .

لم یکن الذین کفروا من أهل الکتاب و المشرکین منفکین حتی تأتیهم البینه

این برداشت، بر چهار نکته استوار است: ۱. مراد از <الذین کفروا> کسانی اند که پس از ظهور اسلام، به آن کافر شدند؛ ۲. حرف <من> در <من أهل الکتاب و المشرکین> برای تبعیض است؛ ۳. تعبیر <منفکین> ناظر به جدا شدن کافران، از دیگر اهل کتاب و مشرکانی است که به اسلام گرویده اند؛ ۴. آیه شریفه در مقام توییح کسانی است که به رغم پیدایش <بینه>، خود را از صف عموم گروندگان به اسلام جدا کرده اند.

حقانیت افعال خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۳ - ۲

۲- تمامی افعال خداوند ، حکیمانه ، شایسته و مطابق با حق است .

لا یسل عمّا یفعل

مورد سؤال قرار نگرفتن خداوند، ممکن است به این خاطر باشد که تمامی افعال او شایسته، حکیمانه و مطابق با حق است و جایی برای سؤال و بازخواست وجود ندارد؛ زیرا سؤال از چرایی اعمال کسی روا است که او خطا کار باشد و یا احتمال خطا از او ممکن باشد و خداوند چنین نیست.

حقانیت الوهیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۳ - ۵

۵ - توصیف خداوند به معبود حقیقی و شایسته مردم ، از آداب استعاذه به درگاه او است .

قل أعوذ .. إله الناس

حقانیت انبیا

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۱۶

۱۶ - ادعای نبود نشانه ای بر حقانیت رسالت پیامبر (ص) و نیز سایر پیامبران ، ادعایی گزاف و دروغین است .

لولا .. تأتینا آیه ... قد بیّننا الأیت لقوم یوقنون

جمله < قد بیّننا الأیات > پاسخ به ادعایی است که جمله < لولا .. تأتینا آیه > آن را بیان می دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۱۲

۱۲ شهادت بسیاری از انبیای الهی به دست یهود ، علی رغم مشاهده معجزات و علم به حقانیت آنان

قل قد جاءکم رسل من قبلی بالبینات و بالذی قلتهم فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

هنگامی به یک دلیل ، < بیّنه > گفته می شود که حق را برای طرف مقابل روشن کند و او را به حقانیت آن آگاه کند. بنابراین یهودیان می دانستند و برای آنان روشن بود که پیامبران واقعی را می کشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۳ - ۷

۷ وحی پشتوانه حقانیت پیامبران (ع) در ادعای پیامبری

إنّا أوحینا إلیک کما أوحینا إلی نوح و النبین من بعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۱۳

۱۳ از امام هادی (ع) روایت شده است : < ... قالت الجهله : کیف لایبعث إلینا نبیاً من الملائکه ؟ ... فأوحی الله عزوجل إلی نبیه (ص) : فاسئل الذین یقرؤن الكتاب من قبلک ..

هل يبعث الله رسولا قبلك إلا و هو يأكل الطعام و يمشى فى الأسواق و لك بهم أسوه ;

... جاهلان گفتند: چرا برای ما پیامبری از فرشتگان مبعوث نمی شود...؟ پس خداوند به پیامبر خود وحی نمود: از کسانی که پیش از تو کتاب می خواندند، پرس آیا چنین نیست که قبلا خداوند هیچ پیغمبری نفرستاد مگر اینکه او طعام می خورده و در بازارها راه می رفته؟ و آنان برای تو اسوه و مقتدا هستند.<

حقانیت انبیای انطاکیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۴ - ۷

۷ - تأکید سه رسول الهی ، بر رسالت و درستی ادعای خویش برای مردم انطاکیه

فكذبوهما فعزنا بثالث فقالوا إنا إليكم مرسلون

حقانیت انجیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۵،۷،۹

۵ گواهی قرآن بر حقانیت تورات و انجیل

امنوا بما نزلنا مصداقاً لما معكم

۷ نزول قرآن ، دلیل و گواه حقانیت تورات و انجیل

نزلنا مصداقاً لما معكم

مصداق بودن قرآن می تواند به این معنا باشد که آمدن قرآن از جمله دلایل حقانیت تورات و انجیل است. زیرا در آن دو کتاب، وعده آمدن قرآن داده شده است.

۹ تأیید قرآن بر درستی و راستی تورات و انجیل ، نشانه حقانیت آن و راهبر اهل کتاب بر ایمان بدان

امنوا بما نزلنا مصداقاً لما معكم

<مصداقاً لما معكم> پس از دعوت اهل کتاب به ایمان به منزله دلیلی است فراروی آنان برای باور به حقانیت قرآن و لزوم

ایمان بدان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۵ گواهی قرآن بر راستی و درستی کتب آسمانی پیشین (تورات و انجیل)

و انزلنا إليك الكتب بالحق مصدقاً لما بين يديه من الكتب

به دلیل آیات گذشته مراد از <ما بین یدیه من الکتب>، تورات و انجیل است.

۸قرآن ، نگهبان حقایق و معارف تورات و انجیل

و انزلنا إليك الكتب بالحق مصدقاً .. و مهيمناً عليه

<مهیمن> به معنای مراقب و محافظ است.

حقانیت انذارهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۶ - ۱

۱ - سرگذشت قوم نوح ، دلیلی بر حقانیت عذاب ها و هشدار های خداوند

فکیف کان عذابی و نذر

خداوند، پس از بیان هلاکت قوم نوح، با پرسشی انسان ها را به این حقیقت متوجه ساخته است که: <آنان ببینند چگونه عذاب ها و انذارهای ما تحقق پذیرفت و عملی گردید.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۱ - ۱

۱ - سرگذشت قوم عاد ، دلیلی بر حقانیت عذاب ها و هشدار های خداوند

فکیف کان عذابی

خداوند، پس از بیان نابودی قوم عاد، با پرسشی انسان ها را به این حقیقت متوجه ساخته است که: <ببیند چگونه عذاب ها و انذارهای الهی تحقق پذیرفت و عملی گردید.>

حقانیت انذارهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۸ - ۴

۴- هلاکت اقوام و تمدن های بسیاری در طول تاریخ در اثر خیره سری در مقابل حق ، نشانگر واقعیت داشتن انذار های قرآن است .

و تنذر به ...

و کم أهلكنا قبلهم من قرن

طرح مسأله نابودی جوامع در طول تاریخ (در پی بیان وظیفه پیامبر(ص) در انداز مردم لجوج به وسیله قرآن) هشدار به مردم عصر بعثت و دیگر عصرها است که ایستادگی و سرسختی در برابر حق، عواقب زیانبار و تباه کننده ای برای جوامع در پی دارد.

حقانیت اندازهای موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۹ - ۸

۸ - تلاش گسترده مؤمن آل فرعون ، بر ایجاد احتمال درست بودن دعوت موسی (ع) و راستی هشدار های او در افکار عمومی قومش

وإن يك كذبًا فعليه كذبه .. فمن ينصرنا من بأس الله إن جاءنا

شیوه سخن مؤمن آل فرعون به فرعونیان (اگر موسی(ع) دروغ گو باشد به ضرر خودش است و اگر راستگو باشد ممکن است هشدارهای او درباره نزول عذاب درست باشد)، گویای این نکته است که او بایجاد احتمال درست بودن دعوت موسی(ع) در افکار عمومی، در صدد جلب نظر آنان به سود آن حضرت بوده است.

حقانیت اوامر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۷،۹

۷ فرمان خداوند بر پدیدار شدن هر چیزی بر اساس حق و به دور از بیهودگی و بطلان است.

و یوم یقول کن فیکون قوله الحق

جمله <قوله الحق> می تواند مبتدا و خبر و <یوم> ظرف مقدم شده برای مضمون جمله <قوله الحق> باشد. در این صورت مفاد جمله چنین می شود: روزی که او فرمان به ایجاد چیزی دهد، گفتار او حق است.

۹ فرمان خداوند بر تحقق روز قیامت، فرمانی

حق و به دور از بطلان و بیهودگی است.

و یوم یقول کن فیکون قوله الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵ - ۵،۸

۵ فرمان ها و رهنمود های خداوند ، همواره بر اساس حق و مصلحت است .

كما أخرجك ربك من بیتك بالحق

کلمه <كما> بیانگر این است که حقانیت خروج پیامبر(ص) برای جنگ بدر نمونه و مثالی است از حقانیت تمامی کارها و فرمانهای خداوند.

۸ حکم خداوند درباره انفال ، حکمی حق و همانند حقانیت فرمان او به خروج از مدینه برای جنگ بدر

قل الأنفال لله و الرسول .. كما أخرجك ربك من بیتك بالحق

حقانیت برپایی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۹

۹ فرمان خداوند بر تحقق روز قیامت، فرمانی حق و به دور از بطلان و بیهودگی است.

و یوم یقول کن فیکون قوله الحق

حقانیت بعثت شعيب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۱۳

۱۳ شعيب برخوردار از بینه و دلیلی روشن بر حقانیت بعثت و پیام های خویش

قد جاء تکم بینه من ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۸ - ۱۰

۱۰- ترسیم های قرآن از بهشت و دوزخ ، نمودی از حقایق سهولت یافته وحی برای بیداری خلق

فإنّما یسّرناه بلسانک لعّهم یتذکّرون

تعبیر <فإنّما یسّرناه..> پس از مجموعه آیاتی آمده است که ترسیم کننده تفصیلی بهشت و دوزخ و فرجام بهشتیان و دوزخیان است، بنابراین آن آیات نمونه

ای بارز برای اثبات آسان بودن قرآن است.

حقانیت پیدایش موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۷

۷ فرمان خداوند بر پدیدار شدن هر چیزی بر اساس حق و به دور از بیهودگی و بطلان است.

و یوم یقول کن فیکون قوله الحق

جمله <قوله الحق> می تواند مبتدا و خبر و <یوم> ظرف مقدم شده برای مضمون جمله <قوله الحق> باشد. در این صورت مفاد جمله چنین می شود: روزی که او فرمان به ایجاد چیزی دهد، گفتار او حق است.

حقانیت تشریح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴ - ۱۵

۱۵ - تشریح و گفتار خداوند ، مطابق با حق و واقعیت است .

و الله یقول الحقّ

حقانیت تعالیم انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۶ - ۹

۹- معارف و احکام ارائه شده به پیامبران ، سراسر حق است .

و ما نرسل المرسلین . . . و یجدل ... لیدحضوا به الحقّ

توصیف برنامه پیامبران و بشارت و انذار آنان به <الحقّ> گویای آن است که آنچه آنان می گویند، همه، از حقانیت و تطبیق با واقعیت های هستی برخوردار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - تعالیم پیامبران ، مطابق حق بوده و آنان مردم را به سوی حق فرامی خواندند .

كذّبت قبلهم قوم نوح .. ليدحضوا به الحقّ

حقانیت تعالیم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ -

۲۴ احکام قضایی و قوانین الهی ، عادلانه و به دور از هرگونه ستم

و من لم يحکم بما أنزل الله فأولئك هم الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۴ - ۱۰، ۱۱، ۱۲

۱۰ خداوند آگاه کننده مردم به حقانیت معارف دین در قیامت

ثم إلى ربکم مرجعکم فینبئکم

۱۱ قیامت روز آگاهی عینی همگان به حقیقت معارف دین*

فینبئکم بما کنتم فیه تختلفون

روشن است که خداوند در دنیا حقانیت مسائل مورد اختلاف میان اهل ایمان و شرک را بیان کرده است. بنابراین می توان گفت خبر دادن <فینبئکم>، کنایه از کیفر دهی است، و یا مراد از آن آگاهی ویژه، یعنی آگاهی عینی و ملموس است. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

۱۲ مشرکان در قیامت به حقانیت معارفی که بر سر آن با اهل ایمان اختلاف داشتند، پی خواهند برد.

فینبئکم بما کنتم فیه تختلفون

حقانیت تعالیم دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۰ - ۷

۷ - سست باوران در حقانیت وحی و معارف دینی ، محروم از هدایت و رحمت قرآن

و هدی و رحمه لقوم یوقنون

در صورتی که <قوم یوقنون> نظر به کسانی داشته باشد که دارای یقین بالفعل هستند؛ از مفهوم آیه شریفه مطلب یاد شده استفاده می شود.

حقانیت تعالیم سوره هود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۰ - ۷۸،۱۰

۷ سوره هود و داستان های نقل شده در آن ، بیانگر حقایقی پیراسته از هر گونه باطل

و جاءك في هذه الحق

مشارالیه <هذه> سوره هود

و یا داستانهای پیامبرانی است که در آن بیان شده است. <ال> در <الحق> به اصطلاح برای استغراق صفات است. بنابراین <الحق> یعنی ، حق کامل و بدون هیچ نقص.

۸ مطالب مطرح شده در سوره هود و بیان سرگذشت پیامبران در آن ، موجب بروز و ظهور حق برای پیامبر (ص)

و جاءك في هذه الحق

۱۰ سوره هود و داستان پیامبران مطرح شده در آن ، حاوی موعظه‌هایی ارجمند و مایه تذکار معارف و حقایق دینی است .

جاءك في هذه الحق و موعظه و ذکری

حقانیت تعالیم قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱ - ۲

۲ همه آیات قرآن و تعالیم آن ، متقن و از هرگونه خلل و بطلان پذیری مبراست .

کتابُ أحکمت ءآیته

إحکام (مصدرُ أحکمت) به معنای اتقان است . بنابراین ((أحکمت آیاته)) گویای این است که : آیه های قرآن ، متقن است و هیچ خللی نداشته و بطلان در آنها راه ندارد.

حقانیت تعالیم محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۰ - ۱

۱ پیامبر (ص) فرستاده ای از جانب خدا به همراه رسالت و معارفی سراسر حق

قد جاءكم الرسول بالحق

در برداشت فوق <باء> در <بالحق> به معنای مصاحبت گرفته شده است و مراد از آن می تواند تعالیم و معارف الهی که همان رسالت پیامبر(ص) است، باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - محتوای رسالت پیامبر (ص)، پیام‌ها و رهنمودهایی

بود سراسر حق و مبرا از هر سخن یاوه و نادرست

بل جاءهم بالحقّ

عبارت <جاءهم بالحقّ>؛ یعنی، حق را برای آنان آورد.

۵ - حقانیت سخنان پیامبر (ص) (پیام ها و رهنمود های او) ، گواه برخورداری آن حضرت از روح و اندیشه ای سالم

أم يقولون به جنّه بل جاءهم بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۴ - ۲

۲ - تعالیم ارائه شده از سوی پیامبر (ص) ، سراسر حق است .

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که <باء> در <بالحقّ> به معنای <مع> و حال برای ضمیر (ك) باشد. بر این مبنا، مقصود از <الحقّ> تعالیمی است که پیامبر(ص) به ابلاغ آنها مأمور بود. بنابراین جمله <إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ>؛ یعنی، ای پیامبر! تو را همواره با تعالیمی که سراسر حق است، به سوی مردم فرستادیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۷ - ۲

۲ - آنچه پیامبر اسلام (ص) به عنوان دین به مردم ارائه فرموده ، صددرصد حق است .

بل جاء بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲ - ۱۲

۱۲- حق و حقیقت ، منحصر در معارف نازل شده بر پیامبر (ص) است .

و هو الحقّ من ربّهم

از تقدیم <هو> بر <الحقّ> انحصار و از الف و لام <الحقّ> استغراق و تمامیت استفاده می شود.

حقانیت تغییر قبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۱۶،۱۹،۲۰

- عالمان اهل کتاب (یهود و نصارا) به حقانیت تغییر قبله (از بیت المقدس به مسجدالحرام) واقف بودند .

إن الذين أوتوا الكتب ليعلمون أنه الحق

مراد از ضمیر <أنه> نسخ قبله سابق (بیت المقدس) و تعیین قبله فعلی (مسجدالحرام) است.

۱۹ - عالمان اهل کتاب ، حقانیت تغییر قبله را کتمان می کردند .

إن الذين أوتوا الكتب ليعلمون أنه الحق من ربهم و ما الله بغفل عما يعملون

۲۰ - موضعگیری یهود و نصارا درباره تغییر قبله ، علی رغم آگاهی آنها به حقانیت آن

إن الذين أوتوا الكتب ليعلمون أنه الحق من ربهم و ما الله بغفل عما يعملون

جمله <و ما الله...> - که به تهدید اهل کتاب اشاره دارد - بیانگر موضعگیری اهل کتاب در برابر تغییر به حق قبله و مخالفت ایشان با حکم الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۶ - ۶،۷

۶ - تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه و حقانیت آن ، موضوعی مطرح شده در تورات و انجیل *

الذين ءاتينهم الكتب يعرفونه كما يعرفون أبناءهم

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر <يعرفونه> به تغییر قبله باز گردد.

۷ - اهل کتاب ، هیچ تردیدی در حقانیت تغییر قبله نداشتند . *

الذين ءاتينهم الكتب يعرفونه كما يعرفون أبناءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۷ - ۳

۳ - تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه ، حق و پیراسته و از هرگونه بطلان و ناروایی

الحق من ربك

به دلیل آیات قبل مصداق مورد نظر برای <الحق>، تغییر قبله می باشد.

حقانیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۳

۳ مشرکان، علی رغم گواهی ضمیرشان بر حقانیت توحید و معاد، آن را پنهان می کنند.

بل بدالهم ما كانوا يخفون من قبل

مراد از <ما يخفون>، به قرینه آیات پیشین، حقایق ایمانی، از قبیل توحید و معاد، است که مشرکان آن را در ضمیر خویش پنهان می ساختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۰ - ۲۱

۲۱ تذکر و زدودن غفلت، برای درک حقانیت توحید و بطلان شرک کافی است.

قال أتحنونی فی الله و قد هدین . . أفلا تتذكرون

به کار رفتن <تذکرون> به جای <تتفکرون> و مانند آن، بیانگر این نکته است که تذکر و زدودن غبار غفلت برای اقرار به توحید کافی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۱۶

۱۶ توحید، ولایت خدا و ربوبیت او، حقایقی است ماندگار و شرک و پرستش غیر خدا باطلهایی است رفتنی و ناپایدار

فأما الزبد فیزهب جفاءً و أما ما ینفع الناس

به قرینه آیات گذشته از مصادیق مورد نظر برای باطل که به کفها تشبیه شد شرک و پرستش غیر خداست و از مصادیق حق که نافع و ماندگار است توحید و اعتقاد به ربوبیت و ولایت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۰ - ۴

۴ - پیام توحید ، پیامی حق و منطبق با واقعیت های عالم هستی

بل أتینهم الحقّ

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۸ - ۷

۷ - آشکار نشدن حقیقت توحید برای مشرکان در عالم برزخ *

و یوم... و ظنوا ما لهم من محیص

برداشت یاد شده بدین احتمال است که روشن شدن حقیقت توحید برای مشرکان در روز قیامت، اشعار به این دارد که حتی پس از مرگ و در برزخ نیز حقایق برای آنان روشن نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۱ - ۵

۵ - وحدانیت خداوند ، حقیقتی ثابت و واقعیته انکارناپذیر است .

هو الله أحد

ترکیبی که بسیاری از ادیبان و مفسران برای آیه شریفه پذیرفته اند، این است که: <هو> ضمیر شأن و جمله <الله أحد> مفسر آن باشد که در حقیقت مرجع ضمیر خواهد بود. آوردن ضمیر شأن، بیانگر عظمت مطلب و تثبیت آن است؛ یعنی، حقیقت و واقعیت این است که خداوند یکتا است.

حقانیت توحید ربوبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۲ - ۳

۳ توحید (اعتقاد به ربوبیت بی همتای خدا) آیینی حق و یکتاپرستی سلوک راه هدایت است .

فذلکم الله ربکم الحق فماذا بعد الحق إلا الضلل

حقانیت توحید عبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۷ - ۶

۶- توحید و یکتاپرستی ، عقیده ای کاملاً حق

إذا قيل لهم لا إله إلا الله يستكبرون .. بل جاء بالحقّ و صدق المرسلين

حقانیت تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۱ -

۳ - پیامبر (ص)، آسمانی بودن تورات را تأیید و حقایق آن را تصدیق می کرد .

مصدق لما معهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۵،۷،۹

۵ گواهی قرآن بر حقایق تورات و انجیل

امنوا بما نزلنا مصداقاً لما معكم

۷ نزول قرآن، دلیل و گواه حقایق تورات و انجیل

نزلنا مصداقاً لما معكم

مصدق بودن قرآن می تواند به این معنا باشد که آمدن قرآن از جمله دلایل حقایق تورات و انجیل است. زیرا در آن دو کتاب، وعده آمدن قرآن داده شده است.

۹ تأیید قرآن بر درستی و راستی تورات و انجیل، نشانه حقایق آن و راهبر اهل کتاب بر ایمان بدان

امنوا بما نزلنا مصداقاً لما معكم

<مصدقاً لما معكم> پس از دعوت اهل کتاب به ایمان به منزله دلیلی است فراروی آنان برای باور به حقایق قرآن و لزوم ایمان بدان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۱۶،۱۷

۱۶ دانشمندان یهود و عالمان ربانی آنان، گواهان حقایق تورات و بیان کنندگان حقایق آن

یحکم بها... و الرنبیون و الاحبار بما استحفظوا من کتب الله و کانوا علیه شهداء

۱۷ دانشمندان یهود به دلیل شهادتشان بر حقایق تورات آن را اساس احکام خویش قرار دادند .

یحکم بها... بما استحفظوا من کتب الله و کانوا علیه شهداء

چون جمله <كانوا...> عطف بر <استحفظوا> است، معلوم می شود که دلیل قضاوت ربانیون و احبار بر اساس تورات، اعتقاد آنان به حقانیت آن کتاب است.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۶ - ۱۳، ۱۲، ۹، ۷، ۶

۶ گواهی و تأیید عیسی (ع) بر راستی و درستی تورات موجود در عصر خویش

و قفینا .. بعیسی ابن مریم مصدقاً لما بین یدیه من التوریه

۷ بعثت عیسی (ع) ، گواه و تأییدی بر حقانیت تورات

و قفینا .. بعیسی ابن مریم مصدقاً لما بین یدیه من التوریه

با در نظر گرفتن اینکه در تورات نوید بعثت عیسی(ع) داده شده بود، بعثت عیسی(ع) خود گواه راستی و درستی تورات خواهد بود.

۹ گواهی تمامی پیامبران یهود بر حقانیت تورات

و قفینا علی ءاثرهم بعیسی ابن مریم مصدقاً لما بین یدیه من التوریه

توصیف عیسی(ع) به تصدیق کننده تورات، پس از بیان پیروی آن حضرت از پیامبران یهود، بیانگر آن است که آنان نیز مصدق تورات بوده اند.

۱۲ گواهی و تأیید انجیل بر راستی و درستی تورات موجود در عصر عیسی (ع)

و ءاتینه الانجیل .. مصدقاً لما بین یدیه من التوریه

۱۳ وجود انجیل ، گواه بر راستی و درستی تورات

و ءاتینه الانجیل .. و مصدقاً لما بین یدیه من التوریه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۵۸

۵ گواهی قرآن بر راستی و درستی کتب آسمانی پیشین (تورات و انجیل)

و انزلنا إلیک الکتب بالحق مصدقاً لما بین یدیه من الکتب

به دلیل آیات گذشته مراد از <ما بین یدیه من الکتب>، تورات و انجیل است.

٨ قرآن ، نگهبان حقايق و معارف تورات و انجيل

و انزلنا إليك الكتب بالحق مصداقاً .. و مهيمناً

<مهیمن> به معنای مراقب و محافظ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۵ - ۳

۳ - قوم موسی ، گرفتار اختلاف در پذیرش تورات و حقانیت آن

و لقد ءاتینا موسی الکتب فاختلف فیه

حقانیت جهاد محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵ - ۴

۴ اقدام پیامبر (ص) به جنگ بدر ، اقدامی به حق و تحت تدبیر و ربوبیت خداوند

كما أخرجک ربک من بیتک بالحق

حقانیت جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۸ - ۱۰

۱۰- ترسیم های قرآن از بهشت و دوزخ ، نمودی از حقایق سهولت یافته وحی برای بیداری خلق

فإنما یسرّنه بلسانک لعلّهم یتدکرون

تعبیر <فإنما یسرّناه..> پس از مجموعه آیاتی آمده است که ترسیم کننده تفصیلی بهشت و دوزخ و فرجام بهشتیان و دوزخیان است، بنابراین آن آیات نمونه ای بارز برای اثبات آسان بودن قرآن است.

حقانیت حاکمیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- نزول قرآن ، جلوه ای از بلند مرتبگی و فرمان روایی مطلق خداوند و حقانیت او

و كذلك أنزلناه .. فتعالى الله الملك الحقّ

<فا> در <فتعالی> برای تفریع است و می رساند دارد که پی بردن به مطالب بعد از آن، نتیجه توجه به ما قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۶ - ۱

۱ قیامت ، روز ظهور و بروز حقانیت حاکمیت مطلق خداوند

الملک یومئذ الحق للرحمن

<الحق> صفت برای <الملک> است و این کلمه، یا به معنای ثابت است؛ زیرا در روز قیامت، همه حاکمیت‌ها از بین خواهد رفت و تنها حاکمیت و پادشاهی خدا پایدار خواهد ماند و یا در برابر باطل قرار دارد و به معنای شیء حقیقت‌دار و مطابق واقع است؛ چرا که در روز رستاخیز، روشن خواهد شد که پادشاهی و حاکمیت حقیقی از آن خدا است. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱ - ۷

۷ - فرمان روایی خداوند، حقیقی است و از غیر او، اعتباری و مجازی و تحت اراده او است.

له الملک

تقدیم مسند (له) بر مسندالیه (الملک) افاده قصر می‌کند؛ یعنی، فرمان روایی تنها از آن خداوند است. وجود فرمان روایی‌های دیگر (مانند آنچه در زمین هست)، قرینه است بر این که مراد از <الملک> در آیه شریفه، ملک حقیقی است و آنچه وجود دارد همگی اعتباری می‌باشد.

حقانیت حسابرسی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۸ - ۷

۷ سنجش اعمال در قیامت، حق و بر اساس عدل است.

و الوزن یومئذ الحق

برداشت فوق بر این اساس است که <الوزن> به معنای مصدری، یعنی سنجیدن باشد و <الحق> صفت برای خیر محذوف، که تقدیر آن چنین می‌شود: <الوزن یومئذ الوزن الحق>. یعنی: سنجیدن در آن روز، سنجشی حق و بر اساس عدل است.

حقانیت حکم خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ حکمهای صادره از جانب خداوند بر اساس حق است.

إن الحكم إلا لله يقص الحق

حقانیت حکومت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۴ - ۶

۶ - حکومت حق ، مخصوص خداوند است .

الملك الحقّ

حقانیت حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۵ - ۳

۳ - اتمام حجت الهی بر مشرکان ، در زمینه حقانیت معاد و حیات اخروی

و قالوا ما هي إلا حياتنا الدنيا .. و إذا تتلى عليهم آیتنا بینت

حقانیت حیات برزخی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۴ - ۷

۷ - وجود عالم برزخ و حیات برزخی ، از حقایق هستی است .

و لا تقولوا لمن یقتل فی سبیل الله أموت بل أحياء

حقانیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- حَقَّانیت و ثبات ، از جمله ویژگی های ذات یگانه خداوند است .

لله الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۴ - ۳

۳ - خداوند ، حق محض است و هیچ باطلی در او راه ندارد .

فتعلی الله الملك الحقّ

<حقّ> نقطه مقابل باطل است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶ - ۱

۱ - تنها خداوند ، حق و پروردگار شایسته پرستش است .

فإنّا خلقناکم ... و ترى الأرض هامده ... ذلك بأنّ الله هو الحقّ

<ذلك>

در این جا به دو چیز اشاره دارد: ۱ به قدرت نمایی های خدا در آفرینش انسان از خاک بی جان و مراحل رشد او در رحم و خارج از آن (فإننا خلقناكم من تراب. ..) ۲ به جلوه های قدرت خدا در رویش و رشد انواع گیاهان در زمین (و ترى الأرض هامده...). <باء> در <بأنّ الله> سببیه است. <ال> در <الحق> جنسیه و مفید حصر می باشد و روی سخن با مردمی است که گرفتار پندارهای شرک آمیز بودند و گمان می کردند که غیر از خدا، خدایان دیگری نیز در سرنوشت آنها تأثیر می گذارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۹

۹ - ظهور کامل حقانیت < الله > در قیامت برای همگان

یومئذ .. يعلمون أنّ الله هو الحقّ المبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۱۳

۱۳ - قیامت ، روز ظهور و بروز حقایقی همانند حقانیت خداوند و پوچی اعمال کافران

و الذين كفروا أعمالهم كسراب بقيعه .. حتى إذا جاءه لم يجده شيئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۰ - ۳،۴،۷

۲ - نوسان های مداوم شب و روز ، حرکت منظم و قانون مند خورشید و ماه ، آگاهی خداوند به اعمال انسان ها ، بر حق محض بودن او دلالت دارد .

ألم تر أنّ الله يولج الليل .. و يولج النهار ... و سخر الشمس و ... و أنّ اللّ

<ذلك بأنّ الله..> می تواند در جایگاه نتیجه

برای دلیل های یاد شده باشد.

۳ - لازمه حقانیت خدا، آگاهی وی بر اعمال انسان ها است .

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ

۴ - خالقیت ، مالکیت ، قدرت و علم مطلق خدا ، برخاسته از حقانیت محض و ثبوت ازلی خداوند است .

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض ليقولنَّ الله .. لله ما فی ... إِنَّ اللَّهَ عَزَّ

مشارالیه <ذَلِكَ> می تواند صفات کمالی ذکر شده در آیات پیشین برای خداوند باشد.

۷ - خداوند ، تنها حقیقت ثابت و زوال ناپذیر است .

بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ

<حَقٌّ> به چیزی اطلاق می شود که ثبات داشته باشد و هیچ گونه بطلانی در آن راه پیدا نکند. لازم به ذکر است که تأکید جمله با <أَنَّ> و آوردن ضمیر فصل <هو> و معرفه شدن خبر با <ال>، حصر مبتدا در خبر را می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۴ - ۷

۷ - خداوند ، مظهر حق است .

قال فالْحَقُّ وَ الْحَقُّ أَقُولُ

برداشت یاد شده بر این اساس مبتنی است که <فالْحَقُّ> خبر برای مبتدای محذوف (أنا) باشد، یعنی، <فَأَنَا الْحَقُّ>.

حقانیت خلقت آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴۴ - ۱،۵

۱ - خداوند ، آسمان ها و زمین را ، به حق ، آفریده است .

خلق الله السموت و الأرض بِالْحَقِّ

۵ - خلقت هدف دار آسمان ها و زمین ، نشانه و آیه بزرگ خدا برای مؤمنان است .

خلق الله السموت و الأرض . .. إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ

حقانیت خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۵ - ۱

۱- خداوند آسمان ها ، زمین و موجودات در فضا را بر اساس حق (حکیمانه و با مقصودی صحیح) آفرید .

و ما خلقنا السموت و الأرض و ما بينهما إلا بالحقّ

یکی از موارد کاربرد واژه <حق> جایی است که کاری به مقتضای حکمت و بر اساس مصلحت انجام پذیرفته باشد (مفردات راغب). برداشت فوق بر اساس این کاربرد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۹ - ۱،۲،۳

۱- آفرینش آسمان ها و زمین ، آفرینشی بحق ، بایسته ، ارزشمند و هدفدار

و ما خلقنا السموت و الأرض و ما بينهما لعین . ما خلقنهما إلا بالحقّ

۲- آفرینش آسمان ها و زمین ، به دور از هر گونه پوچی ، بیهودگی و بطلان

و ما خلقنا السموت و الأرض .. لعین ... إلا بالحقّ

۳- حقانیت آفرینش جهان ، مستلزم وجود معاد

إن هی إلا موتتنا الأولى .. ما خلقنهما إلا بالحقّ

از این که حقانیت آفرینش در مقام رد اندیشه منکران معاد مطرح شده، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۲ - ۱

۱ - آفرینش آسمان ها و زمین از سوی خداوند ، آفرینشی به حق و هدفدار

و خلق الله السموت و الأرض

<حق> به چیزی گفته می شود که براساس حکمت و فلسفه ای بایسته پدید آمده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳ - ۱

۱- آفرینش آسمان ها و زمین و

موجودات هستی ، آفرینشی بایسته و بحق

ما خلقنا السموت و الأرض و ما بينهما إلا بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۳ - ۲

۲ - آفرینش جهان (آسمان ها ، زمین و ...) ، براساس حق و هدفدار و به دور از بیهوده کاری است .

خلق السموت و الأرض بالحقّ

<حقّ> در مقابل باطل قرار دارد. یکی از معانی <باطل> عبث و بیهوده کاری است / یعنی، کاری که در آن هدف معقولی لحاظ نشود.

حقانیت خلقت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۴ - ۳

۳ - عالم ، حق و هدف دار خلق شده است .

خلق الله السموت و الأرض بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۳ - ۲،۱۱

۲ - آفرینش جهان (آسمان ها ، زمین و ...) ، براساس حق و هدفدار و به دور از بیهوده کاری است .

خلق السموت و الأرض بالحقّ

<حقّ> در مقابل باطل قرار دارد. یکی از معانی <باطل> عبث و بیهوده کاری است / یعنی، کاری که در آن هدف معقولی لحاظ نشود.

۱۱ - معاد و بازگشت انسان ها ، به پیشگاه عدل الهی برای کیفر و پاداش ، مقتضای آفرینش به حق و هدفمند جهان است .

خلق السموت و الأرض ... و إليه المصیر

ذکر معاد انسان ها پس از بیان آفرینش جهان بر پایه حق و هدفمندی می تواند گویای نکته یاد شده باشد.

حقانیت خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۵ - ۱

۱- خداوند آسمان ها ، زمین و موجودات در فضا را بر اساس حق (حکیمانه و با مقصودی صحیح) آفرید .

و ما خلقنا السموت و الأرض و ما بينهما إلا بالحقّ

یکی از موارد کاربرد واژه <حق> جایی است که کاری به مقتضای حکمت و بر اساس مصلحت انجام پذیرفته باشد (مفردات راغب). برداشت فوق بر اساس این کاربرد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۴ - ۱،۵

۱ - خداوند ، آسمان ها و زمین را ، به حق ، آفریده است .

خلق الله السموت و الأرض بالحقّ

۵ - خلقت هدف دار آسمان ها و زمین ، نشانه و آیه بزرگ خدا برای مؤمنان است .

خلق الله السموت و الأرض . .. إنّ فی ذلك لآیه للمؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۹ - ۱،۲

۱- آفرینش آسمان ها و زمین ، آفرینشی بحق ، بایسته ، ارزشمند و هدفدار

و ما خلقنا السموت و الأرض و ما بينهما لعین . ما خلقنهما إلا بالحقّ

۲- آفرینش آسمان ها و زمین ، به دور از هرگونه پوچی ، بیهودگی و بطلان

و ما خلقنا السموت و الأرض . .. لعین ... إلا بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۲ - ۱

۱ - آفرینش آسمان ها و زمین از سوی خداوند ، آفرینشی به حق و هدفدار

و خلق الله السموت و الأرض

<حق> به چیزی گفته می شود که براساس حکمت و

فلسفه ای بایسته پدید آمده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳ - ۱

۱- آفرینش آسمان ها و زمین و موجودات هستی ، آفرینشی بایسته و بحق

ما خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما إلاّ بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۳ - ۲

۲ - آفرینش جهان (آسمان ها ، زمین و ...) ، براساس حق و هدفدار و به دور از بیهوده کاری است .

خلق السموت و الأرض بالحقّ

<حقّ> در مقابل باطل قرار دارد. یکی از معانی <باطل> عبث و بیهوده کاری است؛ یعنی، کاری که در آن هدف معقولی لحاظ نشود.

حقانیت خلقت موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳ - ۱

۱- آفرینش آسمان ها و زمین و موجودات هستی ، آفرینشی بایسته و بحق

ما خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما إلاّ بالحقّ

حقانیت دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۴ - ۱

۱ خواندن خدا و دعا کردن به درگاه او امری حق و بجاست .

له دعوه الحق

<دعوه> به معنای خواندن و نیز درخواست کردن می باشد. این کلمه در آیه شریفه موصوفی است که به صفتش (الحق) اضافه شده است یعنی: <الدعوه الحقه>.

حقانیت دعوت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۳ - ۴

۴ - محتوای دعوت عیسی (ع) و دیگر پیامبران الهی ، غیر قابل خدشه و تردیدناپذیر

قال قد

جنتکم بالحکمه

واژه <حکمت> به معنای معارف و احکام متقن و قطعی است.

حقانیت دعوت عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۳ - ۴

۴ - محتوای دعوت عیسی (ع) و دیگر پیامبران الهی، غیرقابل خدشه و تردیدناپذیر

قال قد جنتکم بالحکمه

واژه <حکمت> به معنای معارف و احکام متقن و قطعی است.

حقانیت دعوت‌های موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۹ - ۸

۸ - تلاش گسترده مؤمن آل فرعون، بر ایجاد احتمال درست بودن دعوت موسی (ع) و راستی هشدارهای او در افکار

عمومی قومش

وإن یک کذباً فعلیه کذبہ .. فمن ینصرنا من بأس اللہ إن جاءنا

شیوه سخن مؤمن آل فرعون به فرعونیان (اگر موسی (ع) دروغ گو باشد به ضرر خودش است و اگر راستگو باشد ممکن است

هشدارهای او درباره نزول عذاب درست باشد)، گویای این نکته است که او با ایجاد احتمال درست بودن دعوت موسی (ع) در

افکار عمومی، در صدد جلب نظر آنان به سود آن حضرت بوده است.

حقانیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۸ - ۱۲

۱۲ نکوهش خداوند از اهل کتاب به خاطر ترک اندیشه و تعقل در حقانیت دین و احکام و شعایر آن

ذلك بانهم قوم لا يعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۹ - ۵

۵- دستور های الهی ، حقایقی است مبتنی بر علم و آگاهی خداوند به نیاز های تربیتی بشر

ذلك مما أوحى إليك ربك من

<حکمت> وقتی به خداوند نسبت داده شود، به معنای معرفت او به اشیا و به وجود آوردن آنها در نهایت اتقان است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۶ - ۹

۹- معارف و احکام ارائه شده به پیامبران ، سراسر حق است .

و ما نرسل المرسلین . . . و یجدل ... لیدحضوا به الحقّ

توصیف برنامه پیامبران و بشارت و انذار آنان به <الحقّ> گویای آن است که آنچه آنان می گویند، همه، از حقاّیت و تطبیق با واقعیت های هستی برخوردار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۵

۵ - بنیان دین ، نهاده شده بر شالوده حق و نه تمایلات هوس آلود کافران

و اکثرهم للحقّ کرهون . و لو اتبع الحقّ أهواءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳ - ۳

۳- کتاب تشریح و نظام تکوین ، هر دو بحق ، حکیمانه و متکی به عزت و توانمندی خداوند

تنزیل الکتب من الله العزيز الحكيم . ما خلقنا السموات و الأرض

طرح مسأله حقانیت آفرینش آسمان و زمین و نظام تکوین در پی بیان نزول کتاب از سوی خداوند عزیز و حکیم می تواند اشاره به همگونی و هماهنگی کتاب تشریح با نظام تکوین، در حقانیت و استواری و استحکام داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۸ - ۴

٤- قوانین حق شریعت ، تبلور هدايت الهی نسبت به خلق

أرسل .. بالهدى و دين الحقّ

عطف > دين

الحقّ > بر > الهدی > ممکن است عطف تفسیری باشد.

حقانیت دین ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۲ - ۵،۷

۵ - آیین ابراهیم ، آیینی نیکو و منزّه از هر گونه شائبه باطل و ناهنجار

إن الله اصطفى لكم الدين

>اصطفاء> به معنای گزینش صفوه (خالص و نیکوی) هر چیزی است. >ال> در >الدين> عهد ذکری و اشاره به آیین ابراهیم دارد.

۷ - منزّه بودن آیین ابراهیم از هر گونه باطلی و گزینش آن از سوی خدا دلیل توصیه ابراهیم و یعقوب به پذیرش آن

و وصی بها ابراهیم بینی إن الله اصطفى لكم الدين فلاتموتن

تفریع جمله >لاتموتن .. > بر >إن الله ...> به وسیله حرف >فاء> گویای برداشت فوق است.

حقانیت دین محمد (ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۸ - ۱

۱- خداوند ، فرستنده رسول خویش (محمد (ص)) ، با دو ارمانِ هدایت و دین حق

هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحقّ

حقانیت ربوبیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۱۶

۱۶ توحید ، ولایت خدا و ربوبیت او ، حقایقی است ماندگار و شرک و پرستش غیر خدا باطلهایی است رفتنی و ناپایدار

فأما الزبد فيذهب جفاءً و أما ما ينفع الناس

به قرینه آیات گذشته از مصادیق مورد نظر برای باطل که به کفها تشبیه شد شرک و پرستش غیر خداست و از مصادیق حق که نافع و ماندگار است توحید و اعتقاد به ربوبیت و ولایت خداوند است.

حقانیت رسالت انبیا

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۱۴

۱۴ بهشتیان حقانیت رسالت و وعده های پیامبران را درمی یابند و با سوگند آن را بازگو می کنند .

لقد جاءت رسل ربنا بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۵

۵ منکران حقانیت قرآن ، در روز قیامت و بروز حقایق قرآن ، به حقانیت رسالت پیامبران اعتراف خواهند کرد .

يوم يأتى تأويله يقول الذين نسوه من قبل قد جاءت رسل ربنا بالحق

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر مفعولی در <نسوه> به <کتب> در آیه قبل برگردانده شود.

حقانیت رسالت موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۸ - ۲

۲ - معجزات موسی (ع) ، هر یک به تنهایی آیتی بزرگ و کافی برای اثبات حقانیت رسالت آن حضرت *

و ما نريهم من ءايه إلا هي أكبر من أختها

جمله <هي أكبر من أختها> ممکن است کنایه از اهمیت و بزرگی هر یک از معجزات باشد (بدون در نظر گرفتن ترتیب در بزرگی)؛ چنان که در فارسی نیز برای بیان کامل بودن افراد گفته می شود: <یکی از دیگری برتر>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۵ - ۳،۵

۳ - بنی اسرائیل ، به حقانیت موسی (ع) معرفت و آگاهی داشتند .

و قد تعلمون أنى رسول الله

۵- بنی اسرائیل ، به رغم آگاهی از رسالت الهی موسی (ع) ، آن حضرت را مورد آزار

قرار می دادند .

لم تؤذوننی و قد تعلمون أنّی رسول الله إلیکم

حقانیت سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۱۸

۱۸ - راه خدا ، راهی است برپایه حق .

فاحکم بین الناس بالحقّ و لا تتبع الهوی فیضلک عن سبیل الله

فرمان حق مداری به داوود(ع) در داوری و سپس توصیه به پرهیز از پیروی هوای نفس، به خاطر ضرر گمراه شدن از راه خدا، حاکی از این نکته است که راه خدا راهی است برپایه حق.

حقانیت سخن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۳ - ۱۲، ۱۰

۱۰ - جواب شفاعت کنندگان به سؤال یکدیگر درباره فرمان خداوند ، این است که هر آنچه خداوند فرموده ، حق است .

قالوا ماذا قال ربکم قالوا الحقّ

برداشت یاد شده بر این اساس است که مرجع ضمیر فاعلی <قالوا>ی دوم، شفیعان باشد.

۱۲ - پاسخ شفیعان به سؤال منتظران شفاعت درباره فرمان خداوند نسبت به آن ، این است که خدا حق گفته است .

قالوا ماذا قال ربکم قالوا الحقّ

بنابراین که مرجع ضمیر فاعلی <قالوا>ی اول، منتظران شفاعت و مرجع ضمیر فاعلی <قالوا>ی دوم، شفاعت کنندگان باشد، نکته یاد شده به دست می آید.

حقانیت سخنان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ سخنان رسولان الهی درباره خداوند و هر آنچه به وی نسبت می دهند ، سراسر حق و حقیقت است .

حقیق علی أن لا أقول علی الله إلا الحق

حقانیت صیحه آسمانی

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۲ - ۳

۳- فریاد آسمانی در آستانه رستاخیز، امری بایسته در روند تجدید حیات، و نه گراف و بیهوده

یسْمعون الصَّیْحَه بِالْحَقِّ

برداشت بالا بنابراین نکته است که <بالحق> اشاره به بایستگی و نقش ضروری صیحه آسمانی برای رخداد رستاخیز داشته باشد؛ تا گمان نرود که صیحه صرفاً پدیده ای تشریفاتی است.

حقانیت عالم برزخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۴ - ۷

۷- وجود عالم برزخ و حیات برزخی، از حقایق هستی است.

و لا تقولوا لمن یقتل فی سبیل اللّٰه أموت بل أحياء

حقانیت عذاب اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۷ - ۱

۱ - برپایی قیامت و عذاب آن، امری است ممکن و دارای حقیقت.

و نریه قریباً

حقانیت عذاب دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۸ - ۱۱

۱۱ - حکم خداوند به عذاب کافران در دنیا، مطابق حق است.

فَإِذَا جَاءَ أَمْرَ اللَّهِ قَضَىٰ بِالْحَقِّ

برداشت یاد شده بر این احتمال است که مقصود از <أمر الله> عذاب دنیوی (استیصال) باشد؛ چنان که موارد بسیاری در قرآن به همین معنا آمده است؛ مانند عذاب طوفان نوح که از آن چنین یاد شده است: <قال لا عاصم الیوم من أمر الله ..>، (هود، آیه ۴۳).

حقانیت عذاب قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۴ - ۳

۳- عذاب قوم لوط ، عذابی بر اساس

حق بود .

و أتینک بالحقّ

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که مراد از <بالحق> عذاب باشد و از عذاب به <به حق> تعبیر آوردن، می تواند مشعر به نکته یاد شده باشد.

حقانیت عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۱ - ۴

۴ - عذاب استیصال ، کیفری بر اساس حق و به دور از کمترین بی عدالتی نسبت به کافران و تکذیب گران

فأخذتهم الصيحة بالحقّ

حقانیت عذابهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۶ - ۱

۱ - سرگذشت قوم نوح ، دلیلی بر حقانیت عذاب ها و هشدار های خداوند

فکیف کان عذابی و نذر

خداوند، پس از بیان هلاکت قوم نوح، با پرسشی انسان ها را به این حقیقت متوجه ساخته است که: <آنان ببینند چگونه عذاب ها و انذارهای ما تحقق پذیرفت و عملی گردید.>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۱ - ۱

۱ - سرگذشت قوم عاد ، دلیلی بر حقانیت عذاب ها و هشدار های خداوند

فکیف کان عذابی

خداوند، پس از بیان نابودی قوم عاد، با پرسشی انسان ها را به این حقیقت متوجه ساخته است که: <ببیند چگونه عذاب ها و

انذارهای الهی تحقق پذیرفت و عملی گردید.<

حقانیت عقیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۴ - ۱۶

۱۶- لزوم استوار سازی عقاید ، بر میزان حق و عدل و پرهیز از هر گونه گرایش به باطل

لن ندعوا من دونه إِلَهًا لَقَدْ قَلْنَا إِذَا شَطَطًا

در آیه شریف و

در گفتار اصحاب کهف، سخنی که متمایل به باطل و دور از حق باشد، محکوم و مردود شمرده شده است. این بیان، در حقیقت، برای گزینش عقاید ملاکی را ارائه کرده است.

حقانیت عقیده به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۹ - ۷

۷ - حاکمیت و مالکیت خداوند بر تمام هستی و علم مطلق او ، دلیل حقانیت عقیده مؤمنان به او است .

إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ .. الَّذِي لَهُ مَلِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

<سماوات و ارض>، کنایه از تمام هستی است و <الذی ..> وصف دیگری برای خداوند است و به علت ایمان مؤمنان اشاره دارد. تصریح به کلمه <الله> و نیاوردن ضمیر (در آخرین جمله آیه)، هر چند که نشانگر استقلال این جمله از ماقبل و نظر داشتن آن به کار هر دو گروه است نه خصوص مؤمنان ولی علت ایمان مؤمنان را نیز کامل می سازد.

حقانیت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۴ - ۸

۸ نزول مائده آسمانی از میان برنده شک و تردید در حقانیت مسیح و معجزه ای کافی برای همه مسیحیان

و نعلم ان قد صدقتنا .. أنزل علينا مائدة من السماء

حقانیت غزوه احد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵ - ۹

۹ خروج پیامبر (ص) از مدینه برای مقابله با مشرکان در دامنه احد ، حرکتی حق ، همانند خروج وی برای جنگ بدر *

كما أخرجك

ربك من بيتك بالحق

برخی برآنند که <کما... > متعلق به <يجدلونک... > در آیه بعد است و آن آیه اشاره به قضایای پیش از نبرد احد دارد. بر این اساس <کما أخرجک... > چنین معنا می شود: گروهی از مسلمانان درباره حرکت به سوی احد، که حرکتی حق بود، به جدال با پیامبر(ص) پرداختند و آن را مصلحت نمی پنداشتند؛ همان گونه که از حرکت به سوی بدر، که حرکتی حق بود، نیز کراهت داشتند.

حقانیت غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵ - ۸

۸ حکم خداوند درباره انفال ، حکمی حق و همانند حقانیت فرمان او به خروج از مدینه برای جنگ بدر

قل الأنفال لله و الرسول .. . كما أخرجک ربك من بيتك بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶ - ۱

۱ گروهی از مسلمانان در صدد بازداشتن پیامبر (ص) از حرکت به سوی جنگ بدر ، علی رغم وضوح حقانیت آن

يجدلونک فی الحق بعد ما تبين

در وجه ترکیبی <يجدلونک> چند نظر ایراد شده است؛ از جمله اینکه <يجدلونک> حال برای فاعل <لکرهاون> و یا همانند <إن فریقا> حال برای مفعول <أخرجک> باشد. بر این دو مبنا، آیه مورد بحث توضیحی درباره قضایای پیش از جنگ بدر است. گفتنی است جدال به معنای منازعه برای غلبه بر اندیشه و رأی طرف مقابل است.

حقانیت قبله بودن مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ -

۲- اهل کتاب (یهود و نصارا) علی رغم اطمینانشان به حقانیت قبله مسلمانان (مسجدالحرام) ، آن را نخواهند پذیرفت .

ليعلمون أنه الحق . . . و لئن أتيت الذين ... ما تبعوا قبلتك

۳- هیچ برهان و معجزه ای نمی تواند اهل کتاب را به پذیرش مسجدالحرام به عنوان قبله حق ، وادارد .

و لئن أتيت الذين أوتوا الكتب بكل آية ما تبعوا قبلتك

کلمه <آیه> به معنای علامت و نشانه است و مقصود از آن معجزه و برهان می باشد.

حقانیت قبله شدن مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۹ - ۳

۳- تعیین مسجدالحرام به عنوان قبله ، حکمی حق (حکمت آمیز و به جا) و از ناحیه خداوند

و إنه للحق من ربك

حقانیت قبله مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۶ - ۸

۸- گروهی از عالمان اهل کتاب علی رغم اطمینانشان به حقانیت قبله مسلمانان ، آن را کتمان می کردند .

و إن فريقاً منهم ليكتمون الحق و هم يعلمون

جمله <و هم يعلمون> اشاره به این معنا دارد که کتمان کنندگان از عالمان دینی اهل کتاب بودند.

حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲ - ۳

۳- قرآن کتابی متقن و منزّه از هر گونه زمینه تردید افکن و شبهه ساز در حقانیت آن

لاریب فیه

<اریب> به معنای شک و نیز چیزی که مایه شک باشد، آمده است. برداشت فوق با توجه به معنای دوم استفاده شده است.

بر این مبنا <لاریب فیه> یعنی در قرآن مسأله ای که موجب شک در حقانیت آن بشود، هرگز وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۳ - ۷،۱۳

۷ - قرآن منزّه از آن است که در آسمانی بودنش ، شک و تردید روا باشد .

و إن کنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا

با وجود اینکه کفر پیشگان در آسمانی بودن قرآن اظهار تردید می کردند و بلکه منکر آن بودند خداوند در بیان تردید آنان جمله شرطیه به کاربرد تا به این حقیقت اشاره کند که: تردید در حقانیت قرآن تنها قابل فرض است و نمی تواند واقعیت داشته باشد.

۱۳ - منکران قرآن به دروغ در حقانیت قرآن و آسمانی بودن آن ، اظهار تردید می کردند .

و إن کنتم فی ریب .. فأتوا بسوره ... إن کنتم صدقین

متعلق <صادقین> به قرینه <إن کنتم فی ریب> شک و تردید مشرکان در آسمانی بودن قرآن است ؛ یعنی: إن کنتم صادقین فی انکم مرتابون .. ؛ اگر در اظهار تردید راستگو هستید چنین کنید. این معنا کنایه از دروغگویی آنان در اظهار شک و تردید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۶،۷

۶ - بنی اسرائیل عصر بعثت ، حقانیت قرآن را به خوبی شناخته و به حرمت کتمان آن آگاه بودند .

و لاتلبسوا الحق بالباطل و تکتموا الحق و أنتم تعلمون

فعل <تعلمون> می تواند فعلی متعدی لحاظ شود. بر این مبنا مفعول آن مطالبی است که در آیه مطرح شده است، از جمله حرمت کتمان حق

و اینکه چه چیز حق است و چه چیز باطل. گفتنی است که از مصداقهای مورد نظر برای <الحق> - به قرینه آیه قبل - <حقانیت قرآن> است.

۷ - کتاب های آسمانی بنی اسرائیل ، حاوی بشارت به نزول قرآن و نشانه های حقانیت آن است .

و لا تلبسوا الحق بالباطل و تکتموا الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱۵

۱۵ - قرآن ، کتابی سراسر حق و پیراسته از هر باطل

و هو الحق

<ال> در <الحق> نظیر ال در <زید الرجل> برای استغراق صفات افراد است؛ یعنی، قرآن در حق بودن کامل است و کاستی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۸ - ۴

۴ حقانیت آیات الهی (قرآن)

تلك ايات الله نتلوها عليك بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۱۴

۱۴ تورات و انجیل ، حاوی آیات و نشانه هایی دالّ بر حقانیت قرآن و پیامبر (ص) *

انّ من اهل الكتب .. لا يشترّون بايات الله ثمناً قليلاً

از رابطه بین ایمان به قرآن و نادیده نگرفتن آیات الهی (تورات و انجیل)، به دست می آید که در آنها بروشنی حقانیت قرآن و پیامبر (ص) مطرح بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ تأیید قرآن بر درستی و راستی تورات و انجیل ، نشانه حقیقت آن و راهبر اهل کتاب بر ایمان بدان

امنوا بما نزلنا مصداقاً لما

<مصدقاً لما معکم> پس از دعوت اهل کتاب به ایمان به منزله دلیلی است فراروی آنان برای باور به حقایق قرآن و لزوم ایمان بدان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۸ - ۶

۶ حقایق قرآن و پیامبر اسلام، امانتی الهی که اهل کتاب وظیفه دار بیان آن بودند .

ام یحسدون الناس علی ما اتیهم الله من فضله .. ان الله یامرکم ان تؤدوا الام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۲ - ۸،۱۱

۸ محتوای قرآن، شاهد حقایق آن

افلا یتدبرون القران و لو کان من عند غیر الله لوجدوا فیہ اختلافاً کثیراً

۱۱ پیراستگی قرآن از هر گونه اختلاف، دلیل صدور آن از جانب خداست .

و لو کان من عند غیر الله لوجدوا فیہ اختلافاً کثیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۵ - ۳

۳ حقایق همه جانبه قرآن و مطابقت معارف و تعالیم آن با واقع

إنا انزلنا إلیک الکتب بالحق

کلمه <حق> به معنای مطابقت و موافقت با واقع است و در برداشت فوق، کلمه <بالحق>، توصیف <الکتب> گرفته شده و به تعبیر ادبی، حال برای آن است. یعنی: متلبساً بالحق.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۶ - ۱۵،۷،۱۳

۱ خداوند و فرشتگان او گواه بر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص)

لكن الله يشهد بما أنزل إليك . . . و الملكة يشهدون

در برداشت فوق جمله <و الملكة يشهدون> عطف بر <الله يشهد> گرفته

شده است و در نتیجه متعلق <يشهدون> نیز <بما انزل اليك> خواهد بود.

۵ تجلی علم الهی در قرآن، گواهی خداوند بر حقانیت قرآن و پیامبر (ص) است.

لكن الله يشهد بما أنزل إليك أنزله بعلمه

جمله <انزله بعلمه> می تواند تفسیری برای <يشهد> باشد یعنی نزول قرآن که مظهري از علم خداوند است، همان شهادت الهی بر حقانیت قرآن و متعاقباً حقانیت پیامبر(ص) است.

۷ گواهی خداوند به حقانیت قرآن برخاسته از علم و آگاهی او نسبت به آن

لكن الله يشهد بما أنزل إليك أنزله بعلمه

۱۳ شهادت خداوند برای اثبات حقانیت قرآن کافی است.

لكن الله يشهد بما أنزل .. و كفى بالله شهيداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۰ - ۴

۴ قرآن، کتابی از جانب خدا و سراسر حق

قد جاءكم الرسول بالحق من ربكم

در برداشت فوق کلمه <الحق> به قرآن تفسیر شده است و <من ربكم> حال برای آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۲

۲ قرآن، کتابی سراسر حق و پیراسته از هرگونه باطل

و انزلنا إليك الكتب بالحق

در برداشت فوق <بالحق> حال برای <الكتب> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ گرایش مسیحیان عصر بعثت به اسلام ، برخاسته از آگاهی آنان بر حقانیت قرآن

تری اعينهم تفيض من الدمع مما عرفوا من الحق

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <الحق> قرآن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۴ - ۱

۱ ایمان به خداوند یکتا و حقانیت قرآن تنها راه منطقی و درست در دیدگاه مسیحیان عصر بعثت پس از آشنایی با قرآن

يقولون .. لا تؤمن بالله وما جاءنا من الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۵ - ۴

۴ ضرورت اقرار زبانی به توحید، رسالت پیامبر (ص) و حقانیت قرآن پس از باور به آن

فأثبهم الله بما قالوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۰ - ۸

۸ اهل کتاب، قرآن و حقانیت آن را، همانند فرزندان خود، می شناختند.

و أوحى إليّ هذا القرآن .. الذين ءاتينهم الكتب يعرفونه كما يعرفون أبناءهم

از احتمالات مطرح در مورد مرجع ضمیر <يعرفونه> قرآن است که در آیه قبل به صراحت به عنوان شاهد بر نبوت و توحید ذکر گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۶ - ۱

۱ قبیله و قوم پیامبر (قریش) با وجود حقانیت قرآن و معارف و وعده های آن به تکذیب آن پرداختند.

و كذب به قومك و هو الحق

در آیه ۵۷ <قل إني على بينة> موضوع بحث <قرآن> بود و آیات بعد از آن نیز وعده های قرآن را مطرح ساخته است. بنابراین مرجع ضمیر <به> می تواند <قرآن> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ اهل کتاب (عالمان یهود و نصارا) آگاه به حقانیت قرآن و نزول آن از

جانب خدا

و الذين ءاتينهم الكتب يعلمون أنه منزل من ربك بالحق

۱۰ نزول قرآن بر اساس حق، جلوه ربوبیت الهی نسبت به پیامبر(ص) است.

أنه منزل من ربك بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۷ - ۷

۷ قرآن خود روشنگر حقانیت خویش و بی نیاز از دلیلی دیگر است.

فقد جاءكم بينه من ربكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۲ - ۱،۲،۳،۴

۱ کافران مکه از خداوند خواستند چنانچه قرآن حقیقی از جانب اوست ، آنان را سنگباران کند و یا عذاب دردناک دیگری بر آنان فرورستد .

و إذ قالوا .. فأمطر علينا حجاره

۲ نابحق جلوه دادن قرآن با درخواست عذاب از درگاه خدا ، از حيله های کافران مکه در مبارزه با قرآن و رسالت پیامبر (ص) (

و یمکرون .. و إذ قالوا اللهم ... فأمطر علينا حجاره من السماء

برخی در توجیه عذاب خواهی کافران (فامطر علينا ..) چنین گفته اند که آنان برای فریب دیگران و یا افساد خویش این نفرین را در حق خود روا داشتند تا با اجابت نشدن آن، خویشان را در انکار قرآن و حقانیت رسالت پیامبر(ص) محق بشمارند. آیه قبل که سخن از مکر کافران داشت، می تواند تأییدی برای این نظریه باشد.

۳ قرآن ، کتابی سراسر حق و نازل شده از جانب خداوند

إِكان هذا هو الحق من عندك

۴ کافران مکه مردمانی لجوج و دارای عنادی خاص در برابر رسالت پیامبر (ص) و حقانیت قرآن

فأمطر علينا حجاره من السماء أو

ائتنا بعذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۳ - ۲

۲ وجود پیامبر (ص) در میان منکران قرآن، علت مصونیت آنان از عذاب های الهی، نه حقانیت آنان در انکار قرآن

إن كان هذا هو الحق من عندك فأمطر .. و ما كان الله ليعذبهم و أنت فيهم

جمله <و ما كان .. > پاسخی است به عذاب خواهی منکران قرآن. یعنی وجود پیامبر(ص) در میان جامعه مانع عذاب استیصال است. بنابراین کسی میندارد که عذاب نشدن منکران قرآن هر چند به تقاضای خود آنان باشد، دلیل حقانیت آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۸

۸ قرآن، کتابی حق، میرا از پندارها، تخیلات و نازل شده از جانب خداوند

لقد جاءك الحق من ربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۸ - ۲

۲ قرآن کتابی حق و مبرا از هرگونه پندارها و تخیلات باطل است.

قد جاءكم الحق من ربكم

حق، مقابل باطل و به معنای دارای واقعیت است، به این معنا که معارفی که در قرآن آمده، حقایقی است منطبق با واقعیت و از هرگونه پندار و تخیلات واهی خالی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۸

۱۸ قرآن، کتابی سراسر حق و پیراسته از هرگونه باطل

إنه الحق

<ال> در <الحق> به اصطلاح برای استغراق صفات است و دلالت بر کمال دارد.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۳ - ۳

۳ ایمان نیاوردن اکثر مردم ، ریشه در حق ناپذیری آنان دارد ، نه قصوری از جانب پیامبر (ص) در تبلیغ و نه ناتمام بودن برهان بر حقایق قرآن

ذلك من أنباء الغیب .. و ما أكثر الناس و لو حرصت بمؤمنین

آیه قبل بیان داشت که حقایق قرآن و الهی بودن آن امری روشن است و جمله < و لو حرصت > می رساند که پیامبر (ص) در ابلاغ دین تلاشی پی گیر داشت. این دو حقیقت بیانگر آن است که حجت بر مردم تمام است و ایمان نیاوردن آنان، نشانه حق ناپذیری ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱ - ۶

۶ قرآن کتابی سراسر حق ، بدون نقص و پیراسته از هر گونه باطل و ناروایی

و الذی أنزل إليك من ربك الحق

<ال> در <الحق> برای استغراق خصایص افراد است. بنابراین <الحق> ؛ یعنی ، حق کامل که کمترین باطلی در آن راه ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۹ - ۱

۱ قرآن ، کتابی سراسر حق و پیراسته از هر گونه باطل و ناروا

أنما أنزل إليك من ربك الحق

<ما> در <أنما> موصول اسمی و به معنای <الذی> است و مراد از آن قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۶

۶- قرآن ، کتابی است سراسر حق و به دور از سخنان باطل و بیهوده

قل نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۱

۱- ایمان یا بی ایمانی مردم به قرآن ، تأثیری در حقانیت مفاهیم و معارف آن نخواهد داشت .

و بالحقّ أنزلناه .. قل ءامنوا به أو لا تؤمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰ - ۱۰

۱۰- نقش مؤثر و سازنده اندیشه و خردمندی در ره یابی به حقانیت قرآن و پیامبر (ص)

لقد أنزلنا .. أفلاتعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۴ - ۷

۷- قرآن ، کتابی است آمیخته به حق و میرا از هر گونه باطل .

أنه الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۰ - ۶

۶- قرآن ، کتابی آمیخته با حق و میرا از هر گونه سخن باطل

بل جاءهم بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۲

۲- قرآن ، کتابی آمیخته به حق و میرا از هر گونه آموزه های باطل

فلما جاءهم الحقّ من عندنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۳ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی آمیخته به حق و میرا از هرگونه باطل

إِنَّهُ الْحَقُّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۸ - ۷

۷ - قرآن ، کتابی سراسر حق است .

أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ

برداشت بالا براساس این احتمال است که <ال> در <الحق> عهد بوده و به قرینه <لَمَّا جَاءَهُ>

اشاره به قرآن داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۳ - ۴،۶

۴ - خداوند ، در مقابل تهمت مشرکان (ساختگی بودن قرآن) ایستاده و از حقانیت قرآن ، دفاع کرده است .

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرِيَهُ بَلْ هُوَ الْحَقُّ

۶ - قرآن ، حَقُّ محض و نازل شده از جانب خداوند است .

بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۶ - ۲

۲ - قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خدا و سراسر حق و حقیقت در دیدگاه عالمان

و يرى الذين أوتوا العلم الذي أنزل إليك من ربك هو الحق

مراد از <الذي أنزل إليك> قرآن کریم است و مصداق کامل و تمام عیار آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۳ - ۱۹

۱۹ - قرآن ، کتابی حق است و ساخته و پرداخته [دست] بشر نیست .

و قالوا ما هذا إلا إفكٌ .. وقال الذين كفروا للحقِّ لما جاءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۸ - ۷

۷ - قرآن ، کتاب حقی است و ساخته دست بشر نیست .

قالوا ما هذا إلا إفكٌ مفترىٌ .. قل إنَّ ربِّي يقذف بالحقِّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۹ - ۲

۲ - قرآن ، کتاب حقی است .

قل جاء الحقّ

به قرینه این که آیه در سیاق آیاتی است که درباره قرآن کریم و برخورد با

مشرکان با آن است، <ال> در <الحق> می تواند عهد بوده و به قرآن بازگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۱ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی سراسر حق و پیراسته از هر باطل

من الکتب هو الحقّ

<ال> در <الحق> نظیر ال در <زیدالرجل> برای استغراق صفات است؛ یعنی، قرآن در حق بودن کامل است و کاستی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۹ - ۱۱، ۳

۳ - قرآن ، سخنی است سراسر حق و هدف مند و پیراسته از کلامِ برخواسته از تخیلات و سخنان مبالغه آمیز و خلاف واقع .

و ما علّمه الشعر

برداشت یاد شده از شعر نبودن قرآن استفاده می شود؛ زیرا شعر برخاسته از تخیلات شاعر و معمولاً توأم با سخنان مبالغه آمیز و خلاف واقع است که شاعران گاهی به منظور حفظ وزن، سجع و قافیه شعر به آن متوسل می شوند.

۱۱ - محتوا، شیوه و نظم موجود در قرآن، روشنگر خدایی بودن آن و پیراستگی آن از تخیلات شاعرانه .

و ما علّمه الشعر و ما ینبغی له إن هو إلا ذکر و قرءان مبین

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که مقصود از روشنگر بودن قرآن به قرینه صدر آیه (و ما علّمناه الشعر و ما ینبغی له) این حقیقت باشد که قرآن، خود شاهد و گواه الهی بودن و نیز پیراسته بودنش از تخیلات شاعرانه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۷ - ۱

۱ - قرآن

، کتابی سراسر حق و پیراسته از هرگونه باطل

بل جاء بالحقّ

مقصود از <حق> قرآن است و <ال> در آن، می تواند برای استغراق صفات افراد باشد (مانند <ال> در <زید الرجل>)؛ یعنی، قرآن در حق بودن کامل است و کاستی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی است سراسر حق و به دور از مطالب نادرست و خیال پردازی های باطل .

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ

برداشت یاد شده بر این دیدگاه استوار است که <بالحقّ> متعلق به ظرف مستقر و حال برای <الکتاب> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۲ - ۵

۵ - قرآن ، سخنی سراسر راست و مطابق با واقع و حق و حقیقت

و كَذَّبَ بِالْصِّدْقِ

<صدق> به معنای امر مطابق با واقع و حق است و آمدن آن به صورت مصدر، برای افاده مبالغه می باشد؛ یعنی، قرآن و دینی که عین حق و نفس صدق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۳ - ۷

۷ - قرآن و ادیان الهی ، سراسر راست و مطابق با واقع و حق و حقیقت

و الَّذِي جَاءَ بِالْصِّدْقِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۴

۴- قرآن ، کتابی است سراسر حق و به دور از مطالب نادرست و تخیلات باطل

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ

برداشت یاد شده بر این دیدگاه استوار است که <بالحقّ> متعلق به ظرف مستقر و حال برای <الکتاب> باشد.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۷

۷ - انکار قرآن ، با وجود درک حقانیت آن دشمنی با خدا است .

ذلك جزاء أعداء الله .. جزاء بما كانوا بآيتنا يجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۸

۸ - آیات قرآن و معارف آن ، حقایق استوار و تردید ناپذیر

و إنه لكتب عزیز

<عزیز> به معنای شکست ناپذیر است که مراد از آن در آیه شریفه، استحکام و خلل ناپذیری قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۲ - ۳،۴،۱۲

۳ - معارف و آموزه های قرآن ، سراسر حق و به دور از هر گونه سخن باطل است .

لا یأتیه البطل من بین یدیه و لا من خلفه

۴ - تأثیر نداشتن گذشت زمان ، در حقانیت معارف قرآن

لا یأتیه البطل من بین یدیه و لا من خلفه

بنابراین که مراد از <باطل> زوال حقانیت باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

۱۲ - < فی المجمع : فی قوله تعالی > لا یأتیه البطل من بین یدیه و لا من خلفه < ، قيل فيه أقوال : . . . ثالثها : معناه أنه ليس

فی أخباره عمّا مضى باطل و لا فی أخباره عما یكون فی المستقبل باطل بل إخباره کلّها موافقه لمخبراتها . و هو المروی عن

أبی جعفر و عن أبی عبد الله (ع) . . . ;

در مجمع البیان در مورد قول خدا <لا یأتیه البطل من بین یدیه و لا من خلفه> آمده است: اقوالی در تفسیر این

آیه گفته شده که سوم آن این است: در خبر دادن قرآن از آنچه گذشته و از آنچه در آینده خواهد آمد، هیچ باطلی نیست؛ بلکه خبرهای قرآن همه مطابق با واقع است و این معنا از امام باقر و امام صادق (ع) روایت شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱،۶

۱ - خداوند، قرآن و سایر کتاب های آسمانی را به حق و پیراسته از هر گونه باطل فرو فرستاد .

اللّٰهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ

الف و لام در <الكتاب> می تواند برای عهد باشد و نیز می تواند برای جنس باشد که در این صورت شامل همه کتاب های آسمانی خواهد بود.

۶ - حقانیت محتوای قرآن، نشانگر نزول آن از سوی خداوند (الله)

اللّٰهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ

آیه شریفه بدین معنا است که آن کس که این کتاب را به حق نازل کرده خداست و جز او نمی تواند باشد؛ نظیر این که گفته شود: هنرمند است آن کس که چنین خط زیبا نوشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۴ - ۱۴

۱۴ - استمرار و گسترش دعوت پیامبر (ص) و آموزه های قرآن، با توجه به سنت خداوند بر محو باطل، نشان دهنده حقانیت اسلام و قرآن است .

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ... وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَطْلَ وَيُحَقِّقُ الْحَقَّ بِكَلِمَتِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۹ - ۷

۷ - قرآن، سخنی سراسر حق و

حقیقت

حَتَّىٰ جَاءَهُمُ الْحَقُّ

برداشت یاد شده، بر این اساس است که مراد از <حَقُّ> قرآن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲ - ۵

۵ - محتوای قرآن ، حقایقی استوار و ابطال ناپذیر

تنزیل الکتب من الله العزيز الحكيم

آیه شریفه از یک سو نزول قرآن را به خداوند نسبت می دهد و از سویی دیگر او را به وصف عزت توصیف می کند. تناسب بین نزول قرآن و صفت عزت، می تواند اشاره به این نکته داشته باشد که قرآن نیز همچون نازل کننده آن، عزیز و شکست ناپذیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۱۱

۱۱- سرزنش مشرکان عرب از سوی خداوند ، به سبب کفرورزی به قرآن ، علی رغم ایمان برخی غیر عرب به حقانیت آن *

و شهد شهد من بنی اسرائیل علی مثله فامن و استکبرتم

این احتمال در آیه وجود دارد که تذکر قرآن به ایمان فردی از بنی اسرائیل از آن جهت برای مشرکان عرب سرزنش بار باشد که بنی اسرائیل در اصل عرب نبودند و عوامل نژادی و زبانی، مقتضی آن بوده تا در برابر قرآن خاضع نشوند. با این وصف برخی از آنان به قرآن ایمان آوردند؛ در حالی که مشرکان عرب که قرآن به لغت آنان نازل شده از پذیرش آن امتناع ورزیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲ - ۹، ۱۰، ۷

۷- قرآن ، حقایقی نازل شده از سوی خداوند ، بر پیامبر (ص)

نَزَّلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَهُوَ

الحقّ من ربّهم

تصریح به <نزل>، بیانگر این حقیقت است که شخص پیامبر(ص) مفاهیم و حقایق قرآن را ابداع نکرده؛ بلکه قرآن به همین صورت از جانب خداوند بر آن حضرت نازل شده است.

۹- قرآن، حقایق و قوانینی در جهت رشد و تکامل بشر

و هو الحقّ من ربّهم

با توجه به این که ضمیر <هو> به <ما نزل..> (قرآن) بازمی‌گردد؛ از تعبیر <من ربّهم> استفاده می‌شود که قرآن نشأت یافته از مقام ربوبیت خدا و در جهت رشد و تکامل انسان‌ها است.

۱۰- مفاهیم و معارف قرآن، حق، و به دور از پوچی و تضاد با ارزش‌ها و واقعیت‌های هستی

و ءامنوا بما نزل علی محمد و هو الحقّ

از اطلاق واژه <حقّ> بر قرآن (مانزل علی محمد)، مطلب بالا استفاده می‌شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳ - ۶

۶- پیام‌های پروردگار (آیات قرآن)، سراسر حق و به دور از بطلان و پوچی

الذین کفروا اتّبعوا البطل و أنّ الذین ءامنوا اتّبعوا الحقّ من ربّهم

از مقابله حق و باطل و این که <حقّ> مقید به <من ربّهم> شده؛ استفاده می‌شود که <ما نزل علی محمد> جز حق چیزی نیست و باطل به خداوند انتساب ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۵ - ۲

۲ قرآن و رسالت پیامبر (ص)، از نمودهای بارز حق

و القرءان المجید . بل عجبوا أنّ جاءهم منذر ... بل کذبوا بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - قرآن ، کتابی آمیخته به حق و مبرّا از هر گونه باطل

و ما نزل من الحقّ

در صورتی که <حقّ> در آیه شریفه، مقابل باطل به کار رفته باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۵۱ - ۱،۲،۳

۱ - قرآن ، کتابی است سراسر حق .

و إنّ له لحقّ الیقین

۲ - حقانیت قرآن و درستی تعالیم آن ، امری است یقینی و تردیدناپذیر .

و إنّ له لحقّ الیقین

۳ - وجود مسائل و معارف یقینی و تردیدناپذیر در قرآن

و إنّ له لحقّ الیقین

حقانیت قرعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۱ - ۶

۶ - > و قال الصادق (ع) : ما تقارع قوم ، ففوّضوا أمرهم إلى الله تعالى إلا خرج سهم المحق و قال : أيّ قضیه أعدل من القرعه إذ فوّض الأمر إلى الله ؟ أليس الله تعالى يقول : > فساهم فكان من المدحضین < ;

امام صادق(ع) فرمود: هیچ قومی قرعه نزدند و امر خود را به خداوند تعالی واگذار نکردند؛ مگر این که سهم کسی که صاحب حق است از آن بیرون آمد. امام فرمود: چه قضیه ای به عدالت نزدیک تر از قرعه است، آن گاه که کار به خدا واگذار شود؟ آیا خداوند تعالی نفرموده است: > فساهم فكان من المدحضین <؟

حقانیت قصص قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۳ - ۹

۹ - نقل های تاریخی قرآن ، سراسر حقیقت است و افسانه سرایی در آن

راه ندارد .

إِذَا تَتْلَىٰ عَلَيْهِ ءَايَاتِنَا قَالَ أَسْطِيرَ الْأَوَّلِينَ

حقانیت قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۲ - ۲،۴

۲- داوری های خدا ، بر اساس و محور حق است .

رَبِّ احْكُم بِالْحَقِّ

برداشت یاد شده بنابراین است که این است که قید <بالحق> توضیحی باشد.

۴- داوری عادلانه و برحق خداوند ، از شئون ربوبیت او است .

رَبِّ احْكُم بِالْحَقِّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۶

۶- قضاوت و داوری خدا درباره کافران و حق ستیزان ، متکی بر موازین حق و عدل و به دور از کمترین سستی و کاستی

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهِ

با این که واژه <یقضی> معنای حکم و داوری را می رساند، آمدن قید <بحکمه> نشانگر این حقیقت است که قضاوت الهی مخصوص به او است به گونه ای که کمترین خلل در آن راه ندارد و بر موازین عدل و حق استوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۶ - ۳،۵

۳- داوری خداوند بین پیامبر (ص) و مشرکان ، بر اساس حق است .

ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ

۵- ملائک و معیار داوری در نزد خداوند ، حق است .

ثم يفتح بيننا بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۰ - ۱

۱ - داوری خداوند ، بر اساس حق است .

والله يقضى بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۸ - ۱۱

حکم خداوند به عذاب کافران در دنیا ، مطابق حق است .

فإذا جاء أمر الله قضي بالحقّ

برداشت یاد شده بر این احتمال است که مقصود از <أمر الله> عذاب دنیوی (استیصال) باشد؛ چنان که موارد بسیاری در قرآن به همین معنا آمده است؛ مانند عذاب طوفان نوح که از آن چنین یاد شده است: <قال لا عاصم اليوم من أمر الله ..>، (هود، آیه ۴۳).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۸ - ۲

۲ - قضاوت های خداوند ، حکیمانه ترین قضاوت ها و موافق ترین آنها با حقیقت است .

أليس الله بأحكم الحكمين

اسم تفضیل <أحكم>، ممکن است از <حُكْم> به معنای قضاوت باشد؛ یعنی، <أقضى> و نیز می تواند از <حکمه> گرفته شده باشد؛ یعنی، حکیم تر. در برداشت یاد شده، معنای دوم مورد نظر است؛ گرچه <حاکمین> بر معنای <قضاوت کنندگان> تطبیق یافته است.

حقانیت قضاوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۹ - ۵

۵ - داوری پیامبر (ص) بر اساس حق بود .

و إذا دعوا إلى الله ورسوله ليحكم بينهم... و إن يكن لهم الحقّ

حقانیت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۰ - ۴

۴ منکران معاد در قیامت به حقانیت رستاخیز با سوگند اقرار می کنند.

و لو ترى إذ وقفوا على ربهم قال أليس هذا بالحق قالوا بلى و ربنا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۱ - ۸،۱۶

۸- برپایی قیامت

، حقیقتی تردیدناپذیر است .

و أَنَّ السَّاعَةَ لَارِيبُ فِيهَا

جمله <لاریب فیها> جمله خبریه ای است که از آن، مبالغه در نهی، اراده شده است؛ یعنی، نباید در باره قیامت، تردید کرد؛ چه این که در موضوع قیامت، جایی برای تردید وجود ندارد!

۱۶- معاد و برپایی قیامت، وعده حق و تخلف ناپذیر الهی است .

لِيعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَارِيبُ فِيهَا

عبارت <أَنَّ السَّاعَةَ..> ممکن است تفسیر کننده <أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۱۱

۱۱- در روز قیامت، حقانیت وقوع آن روز، و نادرستی انکار آن، به رخ منکران قیامت کشیده می شود .

فَهَذَا يَوْمَ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

عبارت توییحی <فَهَذَا يَوْمَ الْبَعْثِ> قرینه است بر این که متعلق <لَا تَعْلَمُونَ> حقانیت وقوع قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۸ - ۶

۶- اهل ایمان، آگاه به حقانیت رستاخیز و وقوع حتمی آن

و يَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۲ - ۵، ۲

۲- برپایی قیامت، وعده ای به حق از جانب خداوند و رخدادی حتمی و تخلف ناپذیر

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةَ لَارِيبُ فِيهَا

عطف جمله <الساعة..> بر جمله <إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ>، می تواند تفسیری و یا از قبیل عطف خاص بر عام باشد. و در هر صورت، مطلب بالا را افاده می کند.

۵- صدور وعده قیامت، از جانب خداوند، خود کافی برای یقین به

حقانیت آن

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا

برداشت بالا بدان بدان احتمال است که <إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ> تمهید و زمینه چینی برای بیان شک ناپذیری مسأله قیامت <لا ریب فیها> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۰ - ۶

۶ برپایی قیامت و تحقق هشدار های الهی ، از مصادیق حق

و جاءت سكره الموت بالحقّ .. ذلك يوم الوعيد

چنانچه <باء> در <بالحقّ> برای تعدیه و مرگ و سكرات آن زمینه آشکار شدن حقایق باشد، نفع صور و حیات مجدد اخروی و تحقق هشدارهای الهی بی تردید مصداقی از همان حقایق خواهد بود که بر آدمی مکشوف می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲ - ۲

۲ - سخن الهی درباره وقوع قیامت و تخلف ناپذیر بودن آن ، حق و میرا از هرگونه کذب و دروغ

لیس لوقعتها کاذبه

<کاذبه> می تواند مصدر باشد (نظیر <عافیه و عاقبه>). در این صورت لام در <لوقعتها>، به معنای <فی> است؛ یعنی، درباره واقع شدن قیامت دروغی وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۷ - ۱

۱ - برپایی قیامت و عذاب آن ، امری است ممکن و دارای حقیقت .

و نریه قریباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- برپایی قیامت ، حتمی و صحنه های آن ، سراسر حق و منزّه از هر گونه باطل است .

ذَٰلِكَ الْيَوْمَ الْحَقِّ

درباره <حَقِّ>، معانی گوناگونی گفته شده است از جمله این

که این کلمه مصدر و به معنای لزوم و ثبوت است و نیز نقطه مقابل باطل را <حق> گویند (مصباح). هر گاه مصدری صفت قرار گیرد، بر مبالغه دلالت دارد؛ بنابراین <روز حق>؛ یعنی، روزی سراسر حق.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۴ - ۲

۲ - قیامت ، حقیقت دارد و نباید آن را افسانه پنداشت .

الذین یکذبون بیوم الدین . . . إذا تتلی علیه آیتنا قال أسطیر الأولین . کلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۵ - ۱

۱ - قیامت ، حقیقت دارد و نباید آن را افسانه پنداشت .

الذین یکذبون بیوم الدین . . . قال أسطیر الأولین ... کلاً

حرف <کلاً> یا به معنای حقاً و یا برای <ردع> است و مخاطب را از پذیرش گفتار قبل، پرهیز می دهد.

حقانیت کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۴

۴ - قرآن تصدیق کننده حقانیت کتاب های آسمانی بنی اسرائیل (تورات ، انجیل و ...)

ءامنوا بما أنزلت مصدقاً لما معکم

مراد از <ما>ی موصوله در <لما معکم>: کتابهای آسمانی بنی اسرائیل است که تورات و انجیل از مصداقهای بارز و مورد نظر آن می باشد. تصدیق (مصدر مصدقاً) نسبت دادن صدق و درستی به کسی یا چیزی است. بنابراین <مصدقاً لما معکم>؛ یعنی: قرآن کتابهای آسمانی شما را، راست و درست می داند و حقانیت آنها را تصدیق می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ -

۳ - محتوای کتاب های آسمانی سراسر حق و پیراسته از هر گونه باطل است .

نزل الکتب بالحق

<بالحق> متعلق به کلمه ای همانند <متلبساً> و حال برای <الکتاب> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۳ - ۱۵

۱۵ حقانیت محتوای کتاب های آسمانی

و انزل معهم الکتاب بالحقّ

بنابراینکه <بالحق>، متعلق به عامل مقدر و حال از <الکتاب> باشد؛ یعنی کتابی که مصاحب حق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۱۸،۲۰

۱۸ محور قرار دادن کتب آسمانی در قضاوت ها ، شهادت بر حقانیت آنهاست .

یحکم بها النبیون .. بما استحفظوا من کتب اللّٰه و كانوا علیه شهداء

۲۰ حراست و نگهبانی از کتب آسمانی و شهادت بر حقانیت آن ، مسؤولیت انبیای الهی *

یحکم بها النبیون .. بما استحفظوا من کتب اللّٰه و كانوا علیه شهداء

بنابر اینکه ضمیر در <استحفظوا> به <النبیون> نیز برگردانده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۵،۶

۵ گواهی قرآن بر راستی و درستی کتب آسمانی پیشین (تورات و انجیل)

و انزلنا إلیک الکتب بالحق مصدقاً لما بین یدیه من الکتب

به دلیل آیات گذشته مراد از <ما بین یدیه من الکتب>، تورات و انجیل است.

۶ وجود قرآن، گواه راستی و درستی کتب آسمانی پیشین

و انزلنا إليك الکتب بالحق مصدقاً لما بین یدیه من الکتب

با در نظر گرفتن اینکه کتابهای آسمانی به آمدن قرآن نوید داده بودند، لذا نزول قرآن دلیل حقانیت آنها خواهد

بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۵ - ۹

۹ - کتاب های آسمانی و تعالیم الهی ، دارای حقایقی روشن و قابل فهم برای انسان ها

جاءتهم رسلهم .. بالكتب المنير

از توصیف کتاب به <منیر> (روشن و روشنگر)، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱

۱ - خداوند ، قرآن و سایر کتاب های آسمانی را به حق و پیراسته از هر گونه باطل فرو فرستاد .

الله الذي أنزل الكتب بالحقّ

الف و لام در <الكتاب> می تواند برای عهد باشد و نیز می تواند برای جنس باشد که در این صورت شامل همه کتاب های آسمانی خواهد بود.

حقانیت کلام خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴ - ۱۵

۱۵ - تشریح و گفتار خداوند ، مطابق با حق و واقعیت است .

والله يقول الحقّ

حقانیت کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۳

۳ - کیفر های الهی در روز رستاخیز ، بر پایه حق و عدل و به دور از هر شایبه ظلم و بی دادگری

یومئذ یوفیهم الله دینهم الحقّ

<الحقّ> در جمله <دینهم الحقّ> صفت برای <دین> است؛ یعنی، جزای عادلانه و به حق.

حقانیت مثالهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۶ - ۵،۷

۵ - مثل های قرآن ، حق (بیانگر واقعیت ها) و همه از جانب

خداوند است .

فيعلمون أنه الحق من ربهم

۷- اهل ایمان حقانیت مثل های قرآن و آسمانی بودن آنها را در می یابند و به خوبی می فهمند .

فأما الذين ءامنوا فيعلمون أنه الحق من ربهم

حقانیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۲

۲ - یهودیان عصر بعثت ، مطمئن به حقانیت رسالت پیامبر و انطباق علایم پیامبر موعود بر آن حضرت

و إذا لقوا الذين ءامنوا قالوا ءامنوا .. قالوا أتحدثونهم بما فتح الله

عبارت <لیجاجوكم به ...> تا به استناد آن حقایق در پیشگاه خدا علیه شما استدلال کنند. < می رساند که مصداق مورد نظر از <ما فتح الله> حقانیت اسلام و رسول اکرم(ص) است که در تورات بیان شده است. بنابراین همه یهودیان - چه عالمان و چه عوام ایشان - به رسالت پیامبر(ص) اطمینان داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۲

۲ - یهودیان ، پیامبر (ص) را به نداشتن دلیل و برهانی روشن بر حقانیت رسالتش متهم می کردند .

و لقد أنزلنا إليك آیت بینت

معمولا بیان جمله با تأکید حکایت از آن دارد که مخاطبان، مضمون آن جمله را مورد تردید قرار داده یا انکار می کنند و از آن جا که جمله <و لقد أنزلنا ...> با حرف لام - که حاکی از قسم مقدر است - و نیز با حرف <قد> تأکید شده معلوم می شود که یهودیان مخاطب آیه، مضمون جمله فوق را مورد تردید و یا انکار قرار می دادند.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۹،۱۶

۹ - یهود و نصارا نیز همانند مشرکان ، خواهان سخن گفتن خدا با آنان درباره راستی و درستی رسالت پیامبران بودند .

كذلك قال الذين من قبلهم مثل قولهم

در آیه ۱۱۳ مشرکان با تعبیر <الذين لا يعلمون> در قبال یهود و نصارا مطرح شده اند و در آیه مورد بحث مشرکان با همان تعبیر در قبال <الذين من قبلهم> قرار گرفته اند. از این مقایسه معلوم می شود: مقصود از <الذين من قبلهم> یهود و نصارا است.

۱۶ - ادعای نبود نشانه ای بر حقانیت رسالت پیامبر (ص) و نیز سایر پیامبران ، ادعایی گزاف و دروغین است .

لولا .. تأتينا آيه ... قد بينا الأيت لقوم يوقنون

جمله <قد بينا الأيات> پاسخ به ادعایی است که جمله <لولا .. تأتينا آيه> آن را بیان می دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۹ - ۳،۴

۳ - ارسال محمد (ص) به پیامبری ، ارسالی بجا و بایسته ، در نظام هدایتی بشر

إنا أرسلنك بالحق

برداشت فوق بر این اساس است که <بالحق> قید برای ارسال باشد؛ یعنی، <إنا أرسلنك بالحق> ای پیامبر تو را به سوی مردم به رسالت برانگیختم و این ارسال، بحق و بایسته بود.

۴ - اتمام حجت خداوند بر حقانیت اسلام و رسالت پیامبر

قد بينا الأيت لقوم يوقنون. إنا أرسلنك بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۲ - ۹

۹ بیان بحق تاریخ گذشتگان توسط پیامبر (ص) ،

نشانه ای بر حقایق رسالت وی

تلك ايات الله .. و انك لمن المرسلين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۱ - ۲۰

۲۰ به گواه گرفتن انبیا بر حقایق پیامبر اکرم (ص) از سوی خداوند، و گواهی خداوند همراه آنان بر این حقایق

ثم جاءكم رسول .. قال فاشهدوا و انا معكم من الشاهدين

بنابراینکه مراد از <رسول>، پیامبر اکرم (ص) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۶ - ۴

۴ آگاهی و شهادت اهل کتاب، بر حقایق پیامبر اکرم (ص) و اسلام

و شهدوا ان الرسول حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۱۷،۲۲

۱۷ شکست ها و حوادث ناگوار، موجب تردید مسلمانان سست اندیشه در مورد حقایق پیامبر (ص) و وعده های خدا به پیروزی آنان

طائفه .. يقولون هل لنا من الامر من شيء

۲۲ انکار حقایق رسول خدا (ص) و نادرست پنداشتن وعده های الهی به پیروزی، چیزی است که خودگزینان شرکت کننده در نبرد احد از رسول خدا پنهان می داشتند.

و طائفه .. یخفون فی انفسهم ما لا یبدون لك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۱۴

۱۴ تورات و انجیل ، حاوی آیات و نشانه هایی دالّ بر حَقّانیت قرآن و پیامبر (ص) *

انّ من اهل الكتب . . لا يشترّون بايات الله ثمناً

از رابطه بین ایمان به قرآن و نادیده نگرفتن آیات الهی (تورات و انجیل)، به دست می آید که در آنها بروشنی حقایق قرآن و پیامبر (ص) مطرح بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۸ - ۶

۶ حقایق قرآن و پیامبر اسلام، امانتی الهی که اهل کتاب وظیفه دار بیان آن بودند .

ام یحسدون الناس علی ما اتیهم الله من فضله .. ان الله یامرکم ان تؤدوا الام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۲ - ۲

۲ قرآن، دلیل حقایق رسالت پیامبر (ص)

و ارسلناک للناس رسولا و کفی بالله شهیداً .. افلا یتدبرون القران

در آیه ۷۹ بیان شد که خدا، شاهد حقایق رسالت پیامبر (ص) است و در این آیه چگونگی شهادت را این چنین توضیح می دهد که خداوند قرآن را به صورت معجزه بر پیامبر (ص) فرستاد تا شاهد حقایق او باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۵ - ۵

۵ گرفتاری مخالفان رسول خدا به عذاب جهنم، مشروط به آگاهی آنان به حقایق رسول خداست .

و من یشاقق الرسول من بعد ما تبین له الهدی .. نصله جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۶ - ۵

۵ تجلی علم الهی در قرآن، گواهی خداوند بر حقایق قرآن و پیامبر (ص) است .

لکن الله یشهد بما أنزل إلیک أنزله بعلمه

جمله <انزله بعلمه > می تواند

تفسیری برای <یشهد> باشد یعنی نزول قرآن که مظهري از علم خداوند است، همان شهادت الهی بر حقانیت قرآن و متعاقباً حقانیت پیامبر(ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۵ - ۶

۶ بیان حقایق کتمان شده تورات و انجیل، نشانی بر حقانیت پیامبر (ص)

یبين لكم كثيراً مما كنتم تخفون من الكتب

جمله <یبين لكم> پس از <قد جاءكم رسولنا> اشاره به دلیل حقانیت رسول اکرم(ص) دارد. مؤید این معنا جمله <كنتم تخفون> است که دلالت بر مخفی نگاه داشتن حقایق در همه ادوار گذشته دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۰ - ۶

۶ عناد و لجاجت اهل کتاب در مخالفت با پیامبر(ص)، در عین آگاهی کامل از حقانیت آن حضرت

الذين ءاتينهم الكتب يعرفونه كما يعرفون أبناءهم . . . فهم لا يؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۳ - ۹

۹ لجاجت کفار و مقابله آنها به پیامبر اکرم(ص) در عین آگاهی از حقانیت آن حضرت

فإنهم لا يكذبونك و لكن الظلمين بأيت الله يجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۶ - ۸

۸ تکذیب کنندگان پیامبر(ص)، حقانیت آن حضرت و دعوت او را در قیامت درمی یابند.

إنما يستجيب الذين يسمعون و الموتى يبعثهم الله

مراد از <الموتى> در آیه، به قرینه جملات قبل، کسانی هستند که به دعوت پیامبر(ص)، پاسخ مثبت نمی دهند، جمله

<يبعثهم الله>، گذشته از اینکه خبر بعثت قیامت است، کنایه از این مطلب

است که خداوند این مرده دلان را برخواهد انگيخت تا حقانيت دعوت پيامبر(ص) و وعده های آن حضرت را دريابند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۱ - ۱۵

۱۵ جنگ بدر ، میدان رویارویی جبهه ایمان و کفر ، صحنه تمایز حق و باطل و ثبوت حقانیت پيامبر (ص)

يوم الفرقان يوم التقى الجمعان

ال در <الفرقان> برای عهد است و اشاره به جنگ بدر دارد. و فرقان یعنی چیزی که به وسیله آن بین دو یا چند چیز تمایز داده می شود. خداوند از آن رو جنگ بدر را فرقان نامید که در آن نبرد، علی رغم وجود شرایط پیروزی برای مشرکان، مسلمانان پیروز شدند و این نشانه ای بود برای حقانیت پيامبر(ص) و دین اسلام.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۱۰ - ۱۰

۱۰- نقش مؤثر و سازنده اندیشه و خردمندی در ره یابی به حقانیت قرآن و پيامبر (ص)

لقد أنزلنا.. أفلاتعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۹ - ۳،۵

۳ - تأیید حقانیت و روشنی راه پيامبر (ص) از سوی خداوند

إنك على الحق المبين

۵ - شریعت و راه و رسم پيامبر (ص) ، حقی آشکار و انکارناپذیر

إنك على الحق المبين

بر حق بودن حضرت رسول(ص) نظر به دو بعد دارد: حقانیت رسالت او و حقانیت راه او.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱ - ۳

بر حقانیت و درستی رسالت پیامبر اسلام (ص)

و القرآن

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که جواب قسم (و القرآن) به قرینه آیات مشابه مانند <و القرآن الحکیم * إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ> در سوره <یس> و .. مربوط به رسالت پیامبر اسلام (ص) است و تقدیر آن چنین می باشد: <و القرآن ذی الذکر إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ یا إِنَّكَ صَادِقٌ>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۳ - ۱۲

۱۲ - تأیید پیامبر (ص) و درستی راه و حرکت آن حضرت از سوی خداوند

إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۹ - ۱

۱- تذکر خدا، به حقانیت راه پیامبر (ص) و لزوم استواری آن حضرت بر صراط توحید

فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

با توجه به این که خطاب <فاعلم> به پیامبر (ص) است و آن حضرت خود در رأس یکتاپرستان قرار دارد، تعبیر <فاعلم> در حقیقت تأیید راه پیامبر (ص) و تشویق ایشان به استوار ماندن در راه توحیدی خود و نیندیشیدن به حرکت های کفرآمیز مخالفان است.

حقانیت مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۹ - ۴

۴ پدیده مرگ در زندگی انسان، براساس حکمت و به دور از پوچی و بیهودگی

و جاءت سكره الموت بالحق

مراد از <بالحقّ> می تواند این باشد که پدیده مرگ اصولاً پدیده ای است به حق و بایسته و این گونه نیست که فاقد حکمت باشد.

حقانیت مسیحیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - جاهلان (مشرکان و صاحب های آیین های غیر الهی) دین یهود و نصارا را بی پایه و اساس می شمردند .

كذلك قال الذين لا يعلمون مثل قولهم

مقصود از <الذين لا يعلمون> [به گفته مفسران] مشرکان و معتقدان به ادیان غیر الهی هستند.

حقانیت مشیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۷ - ۱۰

۱۰ - مشیت های خداوند ، گزاف و ناپسند نبوده و متکی به علم همه جانبه او است .

إلا ما شاء الله إنه يعلم الجهر وما يخفى

حقانیت معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۳

۳ مشرکان، علی رغم گواهی ضمیرشان بر حقانیت توحید و معاد، آن را پنهان می کنند.

بل بدلهم ما كانوا يخفون من قبل

مراد از <ما يخفون>، به قرینه آیات پیشین، حقایق ایمانی، از قبیل توحید و معاد، است که مشرکان آن را در ضمیر خویش پنهان می ساختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۴

۴ منکران قیامت با برپایی آن به درستی و راستی گفتار انبیا درباره معاد پی خواهند برد و بدان اعتراف خواهند کرد .

يوم يأتي تأويله يقول الذين نسوه من قبل قد جاءت رسلنا بالحق

ضمیر مفعولی در <نسوه> می تواند به <کتب> در آیه قبل برگردد. بر این مبنا <ال> در <الحق> جنسیه است و مراد از آن حقانیت رسالت انبیاست. و نیز می تواند آن ضمیر به <یوم یأتی تأویله>، که همان روز

قیامت است، برگردانده شود. در این صورت <ال> در <الحق> عهدیه است و اشاره به حقانیت روز قیامت دارد. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۱۶

۱۶- معاد و برپایی قیامت ، وعده حق و تخلف ناپذیر الهی است .

ليعلموا أنّ وعد الله حقّ و أنّ الساعة لا ريب فيها

عبارت <أنّ الساعة..> ممکن است تفسیر کننده <أنّ وعد الله حقّ> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۱۷

۱۷ - مجرمان در قیامت ، به حقانیت وعده های خداوند درباره معاد ، زبان می گشایند .

ربّنا أبصرنا و سمعنا .. إنا موقنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۵ - ۳

۳ - اتمام حجت الهی بر مشرکان ، در زمینه حقانیت معاد و حیات اخروی

و قالوا ما هي إلا حياتنا الدنيا .. و إذا تتلى عليهم آياتنا بينت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴ - ۳

۳ - منکران معاد ، در قیامت به خطای خود واقف شده و حقانیت معاد را درخواست یافت .

كلّا سيعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - منکران معاد ، در آخرت به حقانیت آن پی خواهند برد .

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ . . . ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ

حقانیت معبودیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۰ - ۹

- معبودیت خداوند ، حق ، و معبودیت غیر او ، باطل است .

ذَلِكَ بَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الْبَطْلُ

به قرینه <ما یدعون..> مراد از <حق>، حق بودن در معبودیت است. بنابراین که <ما> در <مایدعون> موصول باشد، عبارت چنین خواهد بود <الذی یدعون من دونه الباطل>.

حقانیت معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۵ - ۳

۳ - معجزه ، امری واقعی ، و سحر عملی خیالی و فاقد حقیقت و واقعیت است .

فَأَلْقَى مُوسَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ

<إفكك> در اصل به سخنی گفته می شود که اصل و ریشه نداشته و دروغ است. بنابراین سحر را بدان جهت <إفكك> می نامند که فاقد حقیقت و واقعیت است.

حقانیت معجزه موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۶ - ۲

۲ حضرت موسی (ع) برای اثبات نبوت خود و هارون (ع) ، معجزه ای بزرگ که در حق و الهی بودن آن شبیه ای نبود به فرعون و اطرافیانش ارائه کرد .

فلما جاءهم الحق من عندنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۲ - ۱

۱- تذکر موسی (ع) به آگاهی و اعتقاد درونی فرعون به حقانیت معجزات او علی رغم سحر خواندن آنها

إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَمُوسَىٰ مَسْحُورًا . قَالَ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا أَنْزَلَ هَؤُلَاءِ إِلَّا رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۶ - ۵

- وجود نشانه هایی تردیدناپذیر در تفاوت معجزه موسی با هرگونه افسون ، در نظر سحرشناسان

فَأَلْقَى السِّحْرَ سَجْدِينَ

برداشت یاد شده از سجده بی درنگ ساحران، در پی مشاهده معجزه موسی استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۴ - ۱

۱ - انکار معجزات الهی ، از سوی فرعونیان با وجود یقین درونی به حقانیت آن

و جحدوا بها و استیقنتها أنفسهم

<جَحِدُوا> (مصدر <جحدوا>) به معنای نفی و انکار کردن است. <استیقان> (مصدر <استیقنت>) معادل <ایقان> و جمله <استیقنتها أنفسهم> حال برای ضمیر فاعل در <جحدوا> است؛ یعنی، در حالی که جان های آنان به الهی بودن آیات یقین داشت باز آنها را انکار کردند.

حقانیت معجزه هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۶ - ۲

۲ حضرت موسی (ع) برای اثبات نبوت خود و هارون (ع) ، معجزه ای بزرگ که در حق و الهی بودن آن شبهه ای نبود به فرعون و اطرافیان او ارائه کرد .

فلما جاءهم الحق من عندنا

حقانیت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۲ - ۳

۳- مخالفت فرعون با دعوت موسی (ع) ، از روی لجاجت و با آگاهی کامل از حقانیت او بود .

فقال له فرعون إني لأظنك يموسى مسحورًا . قال لقد علمت ما أنزل هؤلاء إلا ربّ ا

حقانیت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۳

۳ پیروزی مؤمنان در جنگ

بدر حجتی بر حقانیت اهل ایمان و هشدار و عبرتی برای کافران

إن تستفتحوا فقد جاءكم الفتح

مراد از <الفتح> پیروزی اهل ایمان در جنگ بدر است. و جمله <فقد جاءكم الفتح> پاسخ همان تمنای مشرکان است که خواهان پیروزی حامیان دین حق بودند.

حقانیت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۲ - ۲

۲ - نامه عمل سراسر حقیقت و خالی از هرگونه خطا است .

یعلمون ما تفعلون

تصریح به علم کاتبان نامه عمل، توجه دادن به راستی و درستی آن نامه است.

حقانیت نبوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۶ - ۱،۱۰

۱ خداوند و فرشتگان او گواه بر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص)

لكن الله يشهد بما أنزل إليك . . . و الملكة يشهدون

در برداشت فوق جمله <و الملكة يشهدون> عطف بر <الله يشهد> گرفته شده است و در نتیجه متعلق <یشهدون> نیز <بما انزل اليك> خواهد بود.

۱۰ قرآن دلیلی کافی برای باور به حقانیت رسالت پیامبر (ص)

لكن الله يشهد بما أنزل إليك أنزله بعلمه

<باء> در <بما انزل اليك> می تواند سببیه باشد؛ در این صورت متعلق شهادت به قرینه آیات گذشته رسالت پیامبر(ص) خواهد بود؛ بنابراین مبنا مفاد جمله <یشهد بما انزل . . .> این است که علت شهادت خداوند بر رسالت پیامبر(ص)، نزول

قرآن بر وی است، یعنی هر کس قرآن را ملاحظه کند به حقانیت رسالت پیامبر(ص) شهادت می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ -

۳ پیامبر (ص) خود حجت و برهانی روشن بر حقانیت رسالت خویش

قد جاءكم برهن من ربكم

مصدق بارز و مورد نظر از <برهان> پیامبر اکرم (ص) است. که با توجه به آیه ۱۷۰ و آیات قبل از آن می توان گفت چیزی که برهان بر آن اقامه شده، حقانیت رسالت آن حضرت است. مؤید برداشت فوق فرمایش امام صادق (ع) است که درباره <برهان> در آیه فوق فرمود البرهان، محمد (ص) ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۸۵، ح ۳۰۸؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۷۹، ح ۷۰۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۴ - ۳

۳ - فرستادن حضرت محمد (ص) به پیامبری، ارسالی به جا و بایسته در نظام هدایتی بشر

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <بالحق> قید برای ارسال باشد؛ یعنی، <إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ إِسْرَافًا بِالْحَقِّ> ای پیامبر! تو را به سوی مردم به رسالت برانگیختیم و این ارسال بحق و بایسته بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱ - ۲

۲ تأکید خداوند، بر حقانیت رسالت پیامبر اسلام

ق و القرءان المجید . بل عجبوا أن جاءهم منذر

سوگند به قرآن در حقیقت تثبیت حقانیت آن و در نتیجه تأکید بر حقانیت رسالت پیامبر اسلام (ص) و نوعی تأیید غیرمستقیم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ قرآن و رسالت پیامبر (ص)، از نمود های بارز حق

و القرءان المجید . بل عجبوا أن جاءهم منذر ... بل كذبوا بالحقّ

حقانیت نبوت موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۶ - ۱

۱ - پی بردن ساحران به حقانیت رسالت موسی (ع) ، در پی مشاهده بطلان افسون خود در برابر معجزه موسی

فإذا هی تلقف ما یأفکون . فألقى السحره سجدين

برداشت یاد شده با توجه به تفریع <ألقى> بر آیه پیش به دست می آید.

حقانیت نزول تدریجی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۷

۷- نزول تدریجی قرآن و ناسخ و منسوخ آن ، امری به حق و بایسته

و إذا بدلنا آیه مکان آیه .. قل نزله روح القدس من ربک بالحق

حقانیت نزول قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۵ - ۱

۱- فرو فرستادن قرآن از سوی خدا و رسیدن آن به دست پیامبر (ص) و آدمیان ، بر اساس حق و به دور از کمترین خلل و

باطلی

و بالحق أنزلنه و بالحق نزل

حقانیت وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۶ - ۷، ۱

۱ - عالمان (آشنایان به معارف آسمانی) ، آنچه را که از جانب خداوند به پیامبر (ص) نازل شده است ، حق می دانند .

و يرى الذين أُوتوا العلم الذي أنزل إليك من ربك هو الحقّ

۷ - لازمه علم و آگاهی ، قضاوت صحیح و واقع بینانه درباره تعالیم نازل شده از جانب خداوند است .

و يرى الذين أُوتوا العلم الذي أنزل إليك من ربك هو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۰ - ۷

۷ - سست باوران در حقانیت وحی و معارف دینی ، محروم از هدایت و رحمت قرآن

و هدی و رحمه لقوم یوقنون

در صورتی که <قوم یوقنون> نظر به کسانی داشته باشد که دارای یقین بالفعل هستند؛ از مفهوم آیه شریفه مطلب یاد شده استفاده می شود.

حقانیت ورود شیاطین به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۵ - ۲

۲ - پر شدن دوزخ از شیطان ها و پیروان آنان ، سخنی حق و تحقق یافتنی است .

فالحقّ و الحقّ أقول . لأملأنّ جهنّم منک و ... منهم أجمعین

برداشت یاد شده بر این دیدگاه است که جمله <لأملأنّ جهنّم..> با تقدیر <قسمی>، مقسم علیه برای فالحقّ باشد. هم چنین جمله <و الحقّ أقول> جمله معترضه باشد؛ یعنی، فالحقّ قسمی لأملأنّ جهنّم...>.

حقانیت وعده خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۲ - ۹

۹ وعده های خداوند حق و سخنان او راست و تخلف ناپذیر است .

وعد الله حقاً و من اصدق من الله قیلا

حقانیت وعده عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ مشرکان مکه به زودی حقانی وعده های عذاب الهی را درخواهند یافت.

علی أن یبعث .. لکل نبیا مستقر و سوف تعلمون

پس از تهدید مشرکان مکه در آیات قبل به عذاب الهی، گویا از سوی آنان سؤالی مطرح شد که چرا عذاب تحقق نمی یابد.

این آیه بدین گونه پاسخ می دهد که وقوع عذاب، حتمی، ولی منوط به زمان مناسب و شرایط خاص است.

حقانیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۷ - ۶

۶ گذر زمان و حوادث تاریخ همواره تأیید بر حقانیت وعده های قرآن خواهد بود.

لکل نیا مستقر و سوف تعلمون

جمله <سوف تعلمون> تصریح به این نکته است که همواره در آینده حقانیت وعده های قرآن را نشان خواهد داد. و چون این جمله همواره صادق است، پس حوادث هر زمان، تأییدی بر حقانیت قرآن خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴ - ۳

۳ وعده های خدا، حق و تخلف ناپذیر است .

وعد الله حقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۵ - ۳،۵

۳ وعده های خداوند، حق و تخلف ناپذیر است .

ألا إن وعد الله حق

۵ وعده خداوند به عذاب مشرکان ستمگر، حق و تخلف ناپذیر است .

يقولون متى هذا الوعد .. ألا إن وعد الله حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۵

۵- در قیامت ، حقانیت وعده خداوند در حتمیت وقوع آن و کذب بودن وعده شیطان در عدم وقوع آن آشکار خواهد شد .

و برزوا لله جميعًا فقال الضعفاء .. قال الشيطان ... إنَّ الله وعدكم وعد الحق و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ -

۵- پدیدار ساختن اصحاب کهف و پرده برداشتن از راز خواب و بیداری آنان، زمینه ساز آگاهی مردم بر حَقانیت وعده های خداوند بود.

و كذلك أَعَثَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

مراد از ضمیر فاعل در <لِيَعْلَمُوا> همان مفعول محذوفی است که برای <أَعَثَرْنَا> در نظر گرفته شده است؛ یعنی: <أَعَثَرْنَا النَّاسَ لِيَعْلَمُوا>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۱ - ۲

۲ - عیان شدن وعده ها و وعید های الهی برای مردمان در قیامت

و أَرْزَلْنَا الْجَنَّةَ لِّلْمُتَّقِينَ . و بَرَزُوا الْجَحِيمَ لِلْغَاوِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۱۱

۱۱ - بازگشت موسی (ع) به دامن مادر، نمود حَقانیت و تخلف ناپذیری وعده های خداوند

و لتعلم أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که مراد از <وَعْدَ اللَّهِ> مطلق وعده های الهی باشد. بنابراین بازگشت موسی (ع) به دامن مادر نمود این است که تمام وعده های الهی، از همین قبیل بوده و تخلف در آن راه ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۹ - ۳

۳ - وعده خداوند به پاداش مؤمنان و کیفر معرضان از آیات خدا، وعده ای حق و تخلف ناپذیر است.

فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ .. لَهُمْ جَنَّتُ النِّعِيمِ ... وَعْدَ اللَّهِ حَقًّا

<وَعْدَ> مفعول مطلق و <حَقًّا> تأکید آن است و دلالت بر حَقانیت و تخلف ناپذیری آن می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۵ - ۲

- ۲

وعده های خدا ، حق و تخلف ناپذیر است .

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۵

۵ - کافران در قیامت ، به درستی وعده های خداوند رحمان پی برده و به آن اعتراف خواهند کرد .

هذا ما وعد الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۵

۵ - وعده های خداوند ، حق و تخلف ناپذیر است .

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۲ - ۵، ۲، ۱

۱ - وعده های خداوند ، حق و تخلف ناپذیر

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

۲ - برپایی قیامت ، وعده ای به حق از جانب خداوند و رخدادی حتمی و تخلف ناپذیر

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَارِيبُ فِيهَا

عطف جمله <السَّاعَةُ..> بر جمله <إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ>، می تواند تفسیری و یا از قبیل عطف خاص بر عام باشد. و در هر صورت، مطلب بالا را افاده می کند.

۵ - صدور وعده قیامت ، از جانب خداوند ، خود کافی برای یقین به حقانیت آن

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَارِيبُ فِيهَا

برداشت بالا بدان بدان احتمال است که <إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ > تمهید و زمینه چینی برای بیان شک ناپذیری مسأله قیامت <لا ریب فیها > باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۸ - ۱۱

۱۱- تحقق وعده خداوند ، به ورود پیروزمندانه مسلمانان به مکه ، گواه تحقق پذیری وعده او در غلبه اسلام بر تمامی ادیان *

لتدخلنَّ

المسجد الحرام .. هو الذي أرسل رسوله ... ليظهره على الدين كله

خداوند در آیه قبل، به مؤمنان وعده داد که با ایمنی وارد مکه خواهند شد و این وعده تحقق یافت. حال در این آیه، نوید داده است که اسلام نه بر مشرکان مکه بلکه بر تمامی ادیان غلبه خواهد کرد و این وعده، همانند وعده پیشین تحقق پذیر خواهد بود.

حقانیت وعده های قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۸ - ۲

۲ - اخبار خداوند از شناخته شدن حقانیت وعده ها و وعید های قرآن

و لتعلمن نبأه بعد حين

برخی از مفسران بر این باوراند که مقصود از <نبأه> (خبر قرآن) مجموعه وعده ها و وعیدهای قرآن است؛ اعم از عذاب ها و شکست های کافران و پیروزی های مؤمنان.

حقانیت وعیدهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۱ - ۲

۲ - عیان شدن وعده ها و وعید های الهی برای مردمان در قیامت

و أزلفت الجنة للمتقين . و برزت الجحيم للغاوين

حقانیت وعیدهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۸ - ۲

۲ - اخبار خداوند از شناخته شدن حقانیت وعده ها و وعید های قرآن

و لتعلمن نبأه بعد حين

برخی از مفسران بر این باوراند که مقصود از <نبأه> (خبر قرآن) مجموعه وعده ها و وعیدهای قرآن است؛ اعم از عذاب ها و شکست های کافران و پیروزی های مؤمنان.

حقانیت ولایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ -

۱۶ توحید ، ولایت خدا و ربوبیت او ، حقایقی است ماندگار و شرک و پرستش غیر خدا باطلهایی است رفتنی و ناپایدار

فأما الزبد فيذهب جفاءً و أما ما ينفع الناس

به قرینه آیات گذشته از مصادیق مورد نظر برای باطل که به کفها تشبیه شد شرک و پرستش غیر خداست و از مصادیق حق که نافع و ماندگار است توحید و اعتقاد به ربوبیت و ولایت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۵

۵- ولایت حق و اصیل ، ویژه خدا است .

أفحسب الذين كفروا أن يتخذوا عبادي من دوني أولياء

حقانیت هشدارهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۰ - ۶

۶ برپایی قیامت و تحقق هشدارهای الهی ، از مصادیق حق

و جاءت سكره الموت بالحقّ . .. ذلك يوم الوعيد

چنانچه <باء> در <بالحق> برای تعدیه و مرگ و سكرات آن زمینه آشکار شدن حقایق باشد، نفخ صور و حیات مجدد اخروی و تحقق هشدارهای الهی بی تردید مصداقی از همان حقایق خواهد بود که بر آدمی مکشوف می شود.

حقانیت یهودیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۹

۹ - جاهلان (مشرکان و صاحب های آیین های غیر الهی) دین یهود و نصارا را بی پایه و اساس می شمردند .

كذلك قال الذين لا يعلمون مثل قولهم

مقصود از <الذین لایعلمون> [به گفته مفسران] مشرکان و معتقدان به ادیان غیر الهی هستند.

درخواست دلایل حقانیت قرآن

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۳ - ۲

۲- کافران حق ناپذیر مکه ، در انتظار معجزه آمدن فرشتگان و یا امر ویژه ای از جانب خداوند برای تأیید حقانیت قرآن بودند و إذا قیل لهم ماذا أنزل ربکم قالوا أسطر الأولین .. هل ينظرون إلا أن تأتیهم

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که عبارت <تأتیهم الملائکه أو یأتی أمر ربک> (ملائکه برای آنان بیاید و یا امر پروردگارت بیاید) به قرینه آیات سابق که درباره قرآن کریم بود بر آمدن ملائکه یا امر خداوند جهت تأیید قرآن دلالت داشته باشد.

دلایل حقانیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۶ - ۳

۳ گریه و ناله ، نمی تواند دلیل صداقت و حقانیت باشد .

و جاءو أباهم عشاءً یبکون

دلایل حقانیت اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۵،۶

۵- تورات و انجیل ، حاوی شواهد و نشانه هایی بر حقانیت پیامبر (ص) و احکام و معارف اسلام هستند .

من بعد ما بینة للناس فی الکتب

برخی بر آنند که مراد از <الکتب> تورات و انجیل و مقصود از <البینات و الهدی> دلایل و رهنمودهایی است که مردم را به حقانیت نبوت و احکام اسلام هدایت می کنند. آیات گذشته - که درباره کتمان حقانیت تغییر قبله بود - مؤید این احتمال است.

۶- عالمان یهود و نصارا در عصر بعثت ، شواهد و نشانه های حقانیت پیامبر (ص) و احکام اسلام را کتمان می کردند .

ما أنزلنا من البينت و الهدى من بعد ما بينه للناس فى الكتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۲ - ۱۴

۱۴ حقانیت اسلام ، متكى بر برهان و دلائل روشن

ليهلك من هلك عن بينه و يحيى من حى عن بينه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۷ - ۱۱

۱۱ - ارائه نشانه های روشن درباره قرآن و اسلام و پیامبر اکرم (ص) ، از سوى خداوند به بنى اسرائيل

و ءاتينهم بينت من الأمر

برداشت یاد شده بنابراین نکته است كه <الأمر> اشاره به مسأله حقانیت دین اسلام و رسالت پیامبر اکرم (ص) باشد؛ كه آیات پیشین اساساً درباره آن بود و در آیات بعد نیز مورد توجه قرار گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۲ - ۷

۷ - فتح مکه ، نشانه حقانیت اسلام و حمایت خداوند از پیامبر (ص) ، در دیدگاه مردم عصر بعثت

إذا جاء نصر الله .. يدخلون فى دين الله أفواجا

دلائل حقانیت امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۴۴ - ۶

۶ - بهره مندی از نعمت های دنیایی و عمر طولانی جوامع و تمدن ها ، دلیل بر حقانیت و موفقیت آنان نیست .

بل متعنا هؤلاء و ءاباءهم حتى طال عليهم العمر .. أفهم الغلبون

دلایل حقانیت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۱۸

۱۸ نابودی اقوام مشرک و فسادگر

پیشین ، روشنگر حقانیت توحید و رسالت پیامبران الهی است .

قد جاء تکم بینہ من ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۶ - ۳

۳ معجزه ، نشان صداقت انبیا در ادعای رسالتشان

إن كنت جئت بثأیه فأت بها إن كنت من الصدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۸ - ۴

۴ معجزه پیامبران در راستای اثبات حقانیت آنان و خنثی کردن عملکرد مخالفان دین است .

فوقع الحق و بطل ما كانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۳ - ۵

۵ پیامبران الهی ، دارای دلایل روشن و براهین غیر قابل انکار بودند .

جاءتهم رسلهم بالبینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۴ - ۳

۳ پیامبران بعد از حضرت نوح (ع) پس از رو به رو شدن با ایستادگی و تکذیب قومشان ، معجزات و براهین روشنی که شاهد صدق ادعایشان بود به مردم ارائه کردند .

ثم بعثنا من بعده رسلا إلی قومهم فجاءوهم بالبینت

<بینات> در این آیه می تواند شامل معجزات نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۲ - ۷

۷ - معجزه ، راهی برای اثبات حقانیت رسالت و نبوت پیامبران

اذه‌ب أنت و أخوک بایتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۱ - ۳،۶

۳ - اخلاص و مزد نخواستن در ابلاغ رسالت و ره یافته بودن ،

دو ملاک و معیار برای سنجش درستی ادعای رسالت و پیامبری در دیدگاه مؤمن انطاکیه (حیب نجار)

اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ . اتَّبِعُوا مِنْ لَيْسَ لَكُمْ أَجْرًا وَ هُمْ مَهْتَدُونَ

۶ - اخلاص و مزد نخواستن در ابلاغ رسالت و ره یافته بودن ، دلیل درستی ادعای رسالت و پیامبری

اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ . اتَّبِعُوا مِنْ لَيْسَ لَكُمْ أَجْرًا وَ هُمْ مَهْتَدُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۶ - ۳

۳ - پیامبران ، دارای معجزات و دلایل روشن بر حقانیت رسالت خویش

تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۲ - ۳

۳ - رسولان الهی ، خود برهانی روشن بر حقانیت مکتب خویش اند .

الْبَيِّنَةُ . رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ

دلایل حقانیت انجیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۶

۶ - قرآن دلیلی بر حقانیت تورات و انجیل *

مصدقاً لما معكم

تصدیق کتابهای آسمانی از سوی قرآن، می تواند به این معنا باشد که: نزول قرآن موجب شد اخبار و پیشگوییهای آن کتابها مبنی بر آمدن قرآن، تحقق یابد. بنابراین نزول قرآن، مایه اثبات راستی و درستی آن کتابها شد.

دلایل حقانیت انذارهای خدا

۲ - سرگذشت هلاکت بار قوم ثمود ، دلیلی بر حقانیت عذاب ها و هشدار های خداوند

کذب ثمود بالنذر ... فکیف کان عذابی و نذر

کذب ثمود بالنذر ... فکیف کان عذابی و نذر

خداوند، پس از بیان موضع تکذیب گرانه ثمودیان نسبت به

هشدارهای الهی؛ انسان‌ها را به این حقیقت متوجه ساخته است که > ببیند چگونه عذاب‌ها و اندازهای الهی تحقق پذیرفت و عملی گردید <.

دلایل حقانیت بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ - آفرینش آسمان‌ها و زمین و تدبیر امور آنها، نشانه تحقق وعده‌های خداوند به برپایی قیامت و وجود بهشت و جهنم است.

أعدّ الله لهم عذاباً شديداً .. جنت تجري من تحتها الأنهر ... الله الذي خلق

یادآوری خلقت آسمان‌ها و زمین و تدبیر امور آنها پس از ذکر دو گروه دوزخیان و بهشتیان در آیات گذشته می‌تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

دلایل حقانیت توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۱۸

۱۸ نابودی اقوام مشرک و فسادگر پیشین، روشنگر حقانیت توحید و رسالت پیامبران الهی است.

قد جاء تكم بينه من ربكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۲ - ۱۳، ۱۱

۱۱ خداوند به منظور تبیین حقانیت توحید و رسالت پیامبر (ص)، جنگ بدر را تحقق بخشید و مسلمانان را به پیروزی رسانید.

ليقضى الله أمرا كان مفعولا ليهلك من هلك عن بينه و يحيى من حى عن بينه

۱۳ پیروزی مسلمانان در جنگ بدر حجتی روشن علیه شرک و دلیلی واضح بر حقانیت توحید و اسلام

ليقضى الله .. ليهلك من هلك عن بينه و يحيى من حى عن بينه

<ليهلك> متعلق به <يقضى> است. يعنى هدف از تحقق جنگ

بدر این بود که ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۹ - ۶

۶ - نیایش شرک پیشگان به درگاه خداوند ، هنگام گرفتاری و مصیبت ها ، دلیلی روشن بر پوچی اندیشه شرک و حقانیت عقیده توحیدی

فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضَرٌّ دَعَانَا

برداشت یاد شده از آن جا است که مخاطبان آیه شریفه، مشرکان مکه هستند و این آیه، در مقام بیان یکی از دلایل روشن بر اثبات توحید الهی و پوچی اندیشه شرک است.

دلایل حقانیت توحید ربوبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۲ - ۶

۶ نیایش خالصانه شرک پیشگان به درگاه خداوند ، به هنگام گرفتاری ها و مصایب ، دلیلی روشن بر پوچی اندیشه شرک و حقانیت توحید ربوبی

وَ إِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضَّرَّ دَعَانَا

روی سخن در این سوره با مشرکان مکه است و آیه شریفه در مقام بیان یکی از دلیلهای روشن توحید ربوبی و پوچی اندیشه شرک است.

دلایل حقانیت تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۶

۶ - قرآن دلیلی بر حقانیت تورات و انجیل *

مصدقاً لما معکم

تصدیق کتابهای آسمانی از سوی قرآن، می تواند به این معنا باشد که: نزول قرآن موجب شد اخبار و پیشگوییهای آن کتابها مبنی بر آمدن قرآن، تحقق یابد. بنابراین نزول قرآن، مایه اثبات راستی و درستی آن کتابها شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱۸، ۱۷

۱۷ - گواهی قرآن بر راستی و درستی تورات ،

از نشانه های حقانیت قرآن

و هو الحق مصداقاً لما معهم

توصیف قرآن به تصدیق کننده تورات، پس از ادعای حقانیت قرآن (و هو الحق) استدلالی است برای یهودیان بر لزوم ایمان آوردن به آن.

۱۸ - قرآن ، گواه و دلیلی بر راستی و درستی تورات است . *

و هو الحق مصداقاً لما معهم

تصدیق کتابهای آسمانی اهل کتاب از سوی قرآن، محتمل است به این معنا باشد که: نزول قرآن موجب شد اخبار و پیشگوییهای آن کتاب ها، مبنی بر آوردن قرآن تحقق یابد. بنابراین نزول قرآن مایه اثبات راستین و درستی آن کتاب هاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۷ - ۷۸

۷ - قرآن ، محتوای تورات را تأیید و راستی و درستی آن را تصدیق می کند .

مصداقاً لما بین یدیه

برداشت فوق مبتنی بر این است که <مصداقاً> حال برای ضمیر مفعولی <نزله> - که مراد از آن قرآن است - باشد. مقصود از <ما بین یدیه> (کتابی که پیش از قرآن بوده است)، در آیه مورد بحث، تورات است.

۸ - وجود قرآن ، گواه و شاهی بر حقانیت تورات است . *

مصداقاً لما بین یدیه

تصدیق تورات از سوی قرآن (مصداقاً لما بین یدیه) محتمل است به این معنا باشد که: قرآن گواه صدق و درستی تورات است؛ یعنی، نزول قرآن موجب آن شد که اخبار و پیشگوییهای تورات مبنی بر آمدن قرآن تحقق یابد. بنابراین قرآن مایه اثبات راستی و درستی تورات و گواه حقانیت آن است.

دلایل حقانیت جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۲

۱۴ - آفرینش آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها ، نشانه تحقّق وعده های خداوند به برپایی قیامت و وجود بهشت و جهنّم است .

أعدّ الله لهم عذاباً شديداً .. جنّت تجرى من تحتها الأنهر ... الله الذى خلق

یادآوری خلقت آسمان ها و زمین و تدبیر امور آنها پس از ذکر دو گروه دوزخیان و بهشتیان در آیات گذشته می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

دلایل حقانیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۳ - ۴

۴ - اتمام حجت خداوند بر انسان ها ، از راه ارائه آیات و نشانه هایش بر حقانیت خود

هو الذى يريكم ءآيته

یادآوری آیات و نشانه های ارائه شده از سوی خداوند به بشر پس از ذکر عذاب شدن کافران و منکران می تواند به منظور اتمام حجت باشد.

دلایل حقانیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۱،۲

۱ - کتاب های آسمانی ، حاوی احکام و معارف دینی و در بردارنده دلایلی روشن بر حقانیت آنها

ما أنزلنا من البینت و الهدی من بعد ما بینه للناس فی الکتب

۲ - خداوند ، احکام و معارف دینی و دلایل حقانیت آنها را نازل کرده و در کتاب های آسمانی بیان داشته است .

ما أنزلنا من البینت و الهدی من بعد ما بینه للناس فی الکتب

<هدی> به معنای هدایت کننده است و مقصود از آن در آیه شریفه احکام و معارف دین می باشد. <بینات> به معنای

در آیه، دلایل و براهینی است که برای معارف و احکام دینی ایراد شده است.

دلایل حقانیت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۵ - ۱۵

۱۵ - حکومت پهناور و بی نظیر سلیمان (ع) ، از معجزات الهی بر حقانیت رسالت او بود .

و هب لی ملکاً لاینبغی لأحد من بعدی

طبق نظر بیشتر مفسران، خواسته پادشاهی به گونه ای که برای هیچ کس میسر نباشد، در واقع برای اعجاز و نشان دادن الهی بودن این قدرت و اثبات ارتباط سلیمان با خداوند قادر و پیامبری او بود.

دلایل حقانیت عذابهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۰ - ۲

۲ - سرگذشت هلاکت بار قوم ثمود ، دلیلی بر حقانیت عذاب ها و هشدار های خداوند

کذبت ثمود بالثدر ... فکیف کان عذابی و نذر

کذبت ثمود بالثدر .. فکیف کان عذابی و نذر

خداوند، پس از بیان موضع تکذیب گرانه ثمودیان نسبت به هشدارهای الهی^۲ انسان ها را به این حقیقت متوجه ساخته است که >ببیند چگونه عذاب ها و انذارهای الهی تحقق پذیرفت و عملی گردید<.

دلایل حقانیت عقیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۴ - ۴

۴- فراوانی پیروان و سابقه تاریخی یک اندیشه ، دلیل حقانیت آن نیست .

قالوا وجدنا ءاباءنا .. أنتم و ءاباؤکم فی ضلل مبین

برداشت یاد شده از آن جا به دست می آید که مردم بت پرست در پاسخ به اعتراض حضرت ابراهیم(ع)، مسأله سابقه تاریخی
اندیشه بت پرستی

و فزونی پیروان اندیشه شرک را مطرح کردند؛ ولی حضرت ابراهیم(ع) با گمراه خواندن آنان و اجدادشان چنین استدلالی را مردود دانست.

دلایل حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲ - ۴

۴ - توان قرآن بر هدایت و تربیت انسان های پرهیزگار ، دلیل و گواهی کافی بر اتقان و حقانیت آن است .

لاریب فیه هدی للمتقین

<هدی للمتقین> به منزله استدلال برای جمله <لاریب فیه> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱۷

۱۷ - گواهی قرآن بر راستی و درستی تورات ، از نشانه های حقانیت قرآن

و هو الحق مصداقاً لما معهم

توصیف قرآن به تصدیق کننده تورات، پس از ادعای حقانیت قرآن (و هو الحق) استدلالی است برای یهودیان بر لزوم ایمان آوردن به آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۴

۴ - قرآن ، متضمن آیات و دلایلی روشن بر حقانیت خود و رسالت پیامبر (ص) (ص)

و لقد أنزلنا إليك آیت بینت

مقصود از <آیات> می تواند آیات قرآنی باشد و می تواند معجزات و دلایلی باشد که بر صداقت پیامبر(ص) و آسمانی بودن قرآن دلالت دارد. برداشت فوق ناظر به احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- انعام - ۶ - ۱۱۴ - ۱۲

۱۲ وجود دلایل حقانیت قرآن و پیامبر(ص) در تورات و انجیل

و الذين ءاتينهم الكتب يعلمون أنه منزل من ربك بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰

۳ کتاب های آسمانی پیشین ، سند زنده ای برای اثبات حقانیت و الهی بودن آیات قرآن کریم

فإن كنت في شك مما أنزلنا إليك فسل الذين يقرءون الكتب من قبلك

تذکر این نکته لازم است که مراد از کتابهای آسمانی پیشین، کتابهایی است که دست تحریف، آنها را دگرگون نکرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- هود - ۱۱ - ۱ - ۱۰

۱۰ آیات قرآن ، دلیلی است متقن و روشن بر الهی بودن قرآن و درستی حقایق مطرح شده در آن .

كتب أحکمت آيته ثم فصلت من لدن حكيم خبير

کلمه ((آیات)) به معنای نشانه هاست . نامیده شدن بندهای قرآن به این نام سپس توصیف آنها به اینکه از ناحیه خدای حکیم داناست ، اشاره به این دارد که : جملات قرآن ، آیت و نشانی بر الهی ، حکیمانه و عالمانه بودن آنهاست . بنابراین آیه فوق را می توان چنین معنا کرد: این قرآن ، کتابی از ناحیه خدای حکیم و خبیر است و تک تک آیات آن ، دلالت بر این مدعا دارد و این دلالت هم متقن است و هم واضح و روشن .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۴ - ۱۰

۱۰- راه نداشتن نسیان در ذات اقدس خداوند ، پشتوانه حقانیت گزارش های قرآن از تاریخ پیامبران پیشین

و ما ننزل إلا بأمر ربك .. و ما كان ربك نسيًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۸ - ۶

۶- بررسی تاریخ و پیدایش

و زوال تمدن ها ، منبعی برای شناخت و عبرت آموزی و درک حقایق قرآن

فَاتْمَا يَسْرَنه. .. لتندر به ... و كم أهلكنا قبلهم من قرن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰ - ۱۲

۱۲- قرآن ، بهترین و نیرومندترین دلیل و معجزه بر اثبات حقانیت خود و پیامبر اسلام (ص)

لقد أنزلنا إلیکم کتابا فیه ذکر کم أفلاتعقلون

آیه شریفه، می تواند پاسخی باشد به درخواست بهانه جویانه مشرکان از پیامبر(ص) مبنی بر آوردن معجزه بر اثبات حقانیت خویش؛ یعنی، اگر آنان تعقل کنند، خواهند فهمید که قرآن معجزه پیامبر اسلام است. گفتنی است تأکید شدن این حقیقت با لام قسم و حرف تحقیق (لقد) مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۰ - ۶

۶- قرآن ، به عنوان کتاب بیدارگر و منشأ خیر و برکت ، قابل انکار و تردید نیست .

هذا ذکر مبارک أنزلنه أفأنتم له منکرون

خداوند، قرآن را به عنوان کتاب بیدارگر (ذکر) و مایه خیر و برکت (مبارک) معرفی کرده و سپس انکار این حقیقت از سوی مشرکان را مورد سرزنش قرار داده است. این سرزنش می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۷ - ۱

۱ - آگاهی و اطلاع عالمان بنی اسرائیل از آمدن قرآن ، خود دلیل حقانیت آن و صدق پیامبر (ص) است .

أولم یکن لهم ءایه أن یعلمه علمؤا بنی إسرءیل

استفهام در این آیه توییخی است. ضمیر <هم> در <لهم> به مشرکان مکه بازمی گردد و

<آیه> <خبر> <لم یکن> و به معنای دلیل روشن می باشد. <أن یعلمه...> نیز اسم <لم یکن> و ضمیر در آن به خبر <قرآن> یا <خبر نزول آن بر پیامبر> بازمی گردد؛ یعنی، <أولم یکن علم علماء بنی اسرائیل بخبر القرآن أو خبر نزوله علیک علی سبیل البشاره فی کتب الأنبیاء الماضین آیه للمشرکین علی صحّه نبوتک>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۶ - ۲

۲ - تشریح سخن حق در قرآن در زمینه موضوعات مورد اختلاف بنی اسرائیل ، نمود حقانیت آن و رسالت پیامبر (ص)

إنّ هذا القرآن یقصّ علی بنی اسرائیل أكثر الذی هم فیه یختلفون

از مضمون آیه استفاده می شود که بیان حق، نشانگر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر(ص) است. علاوه بر این که سیر آیات گذشته به این صورت است که از مسأله توحید آغاز شده و سپس به حقانیت معاد و اکنون به حقانیت قرآن پرداخته شده است. گفتنی است که حقانیت قرآن مستلزم حقانیت رسالت پیامبر(ص) نیز هست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۷ - ۴

۴ - تصدیق و تأیید رسولان پیشین از سوی پیامبر اکرم (ص) ، نشانه درستی رسالت آن حضرت و حقانیت قرآن

بل جاء بالحقّ و صدّق المرسلین

خداوند در این آیه به دو مطلب اشاره فرموده است: ۱ تأیید حقانیت آنچه پیامبر(ص) آورده است (قرآن)؛ ۲ توصیف آن حضرت به تصدیق کننده رسولان پیشین. بیان هم زمان این دو مطلب، می تواند دلیلی بر راستی رسالت پیامبر اکرم(ص) و لزوم تصدیق آن حضرت باشد.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۸ - ۱

۱ - گذشت زمان و آینده بشریت ، بستر کشف حقانیت قرآن

و لتعلمن نبأه بعد حين

طبق نظر مفسران، ضمیر در <نبأه> به قرآن بازمی گردد و مقصود از <نبأ> خبر حق بودن قرآن است؛ یعنی، به زودی خواهید فهمید که قرآن و گفته های آن، حق و مطابق با واقعیت ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۳ - ۳

۳ - نشانه ها و دلایل حقانیت قرآن ، نهفته در متن طبیعت و اسرار وجود آدمی

سنرهم ایتنا فی الأفاق .. أنه الحق

بنابراین که ضمیر <أنه> به قرآن باز گردد، انطباق آیات مربوط به پدیده های طبیعی با واقعیت جهان طبیعت، نشانگر حقانیت قرآن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۷ - ۱۱

۱۱ - ارائه نشانه های روشن درباره قرآن و اسلام و پیامبر اکرم (ص) ، از سوی خداوند به بنی اسرائیل

و ایتینهم بینت من الأمر

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <الأمر> اشاره به مسأله حقانیت دین اسلام و رسالت پیامبر اکرم(ص) باشد؛ که آیات پیشین اساساً درباره آن بود و در آیات بعد نیز مورد توجه قرار گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۴،۷

۴- ایمان و اعتقاد برخی از پیروان ادیان آسمانی به قرآن ، تأییدی بر حقانیت آن

إن كان من عند الله و كفرتم به و شهد شهد من بنى إسرائيل على مثله

ارزش ایمانِ اهل کتاب به قرآن

و پیام آن برای دیگران، از آن جهت است که آنان با پیام وحی آشنا هستند و ایمانشان به قرآن، بر اساس آگاهی به پیام و محتوای کتاب های آسمانی است. از این جهت می تواند برای دیگران دلیل و حجت باشد.

۷- وجود قرینه هایی در متن تورات ، بر حقانیت قرآن *

و شهد شهد من بنی اسرائیل علی مثله فامن

مترتب شدن ایمان به قرآن، بر ایمان به تورات و آیین موسی، ممکن است از آن جهت باشد که در تورات، قرینه هایی بر حقانیت قرآن وجود داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۳ - ۴

۴ - دلایل حقانیت قرآن ، متجلی در متن آن برای حق جویان

أم یقولون تقوله بل لا یؤمنون

<بل لا یؤمنون> یعنی، اینان نمی خواهند ایمان بیاورند و گر نه حقانیت قرآن و الهی بودن آن، بدان اندازه پنهان نیست که آنها درک نکنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱۰

۱۰ - ذکر تعداد نگهبانان دوزخ در قرآن ، زداینده هر گونه شک و تردید ، از دل اهل کتاب و مؤمنان نسبت به حقانیت و درستی قرآن

و لایرتاب الذین أوتوا الکتب و المؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۴ - ۱

۱ - درخواست نزول نامه سرگشاده از سوی خداوند ، در تأیید رسالت پیامبر (ص) و بر درستی قرآن ، درخواستی نابجا و نشانه بهانه جویی کافران

بل یرید کل امریء منهم أن یوتی صحفًا منشره .. کلاً إنه تذکره

كلمه <كَلَّا>، تأكيد مطلبى

است که در آیه پیش (کلاً- بل لایخافون..) بیان شده است؛ یعنی، قرآن کریم تذکره است و اگر بنا بود که کافران به سبب آن متذکر شوند، نزول قرآن به همین صورت برای پندآموزی آنان کافی بود. پس درخواست کافران مبنی بر نامه اختصاصی از جانب خداوند، بهانه ای بیش از سوی آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۵۰ - ۴

۴ - قرآن ، دارای مضامینی روشن و دلایلی گویا ، بر صدق و درستی خویش

فبأی حدیث بعده یؤمنون

از این که ایمان نیاوردن به قرآن، امری شگفت آور تلقی شده است؛ می توان پی برد که راستی و درستی قرآن، آن چنان روشن است که به اثبات از بیرون نیاز ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۵ - ۶

۶ - دور بودن ساحت قرآن از دخالت شیطان ، ضامن حقانیت و درستی تعالیم آن

إنه لقول رسول .. و ما هو بقول شیطن رجیم

دلایل حقانیت قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۰ - ۶

۶ - شنوایی و بینایی مطلق خداوند ، دلیل به حق بودن داوری او در میان بندگانش

والله یقضی بالحقّ .. إنّ الله هو السميع البصیر

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <إنّ الله هو السميع البصیر>، در مقام تعلیل برای جمله <والله یقضی بالحقّ> می باشد.

دلایل حقانیت قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۳ -

۱ عذاب های نازل شده بر امت های کفرپیشه و مشرک ، نشانه ای بزرگ بر وجود قیامت و عذاب های اخروی است .

إن فی ذلک لآیه

<آیه> به معنای نشانه است و متعلق آن به قرینه <لمن خاف عذاب الآخره> - حقانیت قیامت و عذابهای آن است. نکره آوردن <آیه> برای رساندن بزرگی و عظمت آن می باشد. بنابراین <إن فی ذلک لآیه> یعنی، همانا در آن عذابهای دنیوی، نشانه بزرگی است بر حقانیت قیامت و عذابهای آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۳ - ۳

۳ - پدیده حیات و احیای زمین مرده ، نشانه راستی قیامت و دلیل توانایی خداوند بر احیای مردگان است .

و آیه لهم الأرض الميته أحيينها و أخرجنا منها حيا

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که آیه شریفه پس از طرح مسأله برانگیختن انسان ها که کافران آن را انکار می کردند آمده است. و در حقیقت، این آیه درصدد اثبات قیامت و نشان دادن جلوه ای از قدرت خداوند است.

دلایل حقانیت کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۳ - ۶

۶- کافران عصر های پیش از اسلام ، در انتظار آمدن فرشتگان و یا نزول امر ویژه ای از سوی خداوند جهت تأیید حقانیت کتاب آسمانی خود بودند .

و إذا قيل لهم ماذا أنزل ربكم قالوا أسطر الأولين .. قد مكر الذين من قبلهم ...

دلایل حقانیت لقاءالله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۳ -

۵- نزول کتابی آسمانی بر موسی (ع) ، دلیلی بر حقانیت و تحقق لقاءالله است .

فذوقوا بما نسيتم لقاء يومكم هذا.. و لقد آتينا موسى الكتب فلا تكن في مريه من

احتمال دارد به قرینه سیاق مراد از <لقاء>، روز قیامت و معاد باشد و مرجع ضمیر در <لقاءه> واژه <بعث> باشد که مستفاد از آیه های ده و چهارده است. بنابراین، معنا چنین می شود: <تو در لقای ربّ که قرآن درباره آن سخن گفته تردیدی به خود راه نده! چرا که قرآن حاوی مسأله لقای ربّ نازل شده از ناحیه کسی است که تورات را به موسی(ع) داده است.>

دلایل حقانیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۱

۱ - پیامبر (ص) برخوردار از دلایل و معجزاتی روشن بر حقانیت رسالت خویش

و لقد أنزلنا إليك آیت بینت

چون سخن در این بخش از سوره درباره دعوت به رسالت پیامبر(ص) و قرآن است، می توان گفت متعلق <آیات بینات> (نشانه های روشن) راستی و درستی قرآن و رسالت پیامبر(ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۱۹، ۱۸، ۱۴

۱۴ - خداوند ، نشانه های بسیاری را برای اثبات حقانیت پیامبر (ص) در اختیار مردم قرار داده است .

قد بيّنّا الأیت

<ال> در <الآیات> برای استغراق و شمول است و مقصود از آن در آیه شریفه، کثرت و فراوانی است.

۱۸ - آیات قرآن ، نشانه هایی روشن بر حقانیت پیامبر (ص) است .

قد بيّنّا الأیت

مراد

از <الآیات> می تواند همه نشانه هایی باشد که گواه بر راستی و درستی نبوت پیامبر(ص) است که بارزترین آنها، آیات قرآن می باشد و نیز منظور از آن می تواند خصوص آیات قرآن باشد.

۱۹ - مشرکان بر اثر جهل و لجاجت ، آیات قرآن را نشانه ای بر حقانیت پیامبر نمی شمردند .

قال الذین لایعلمون لولا .. تأتینا آیه ... قد بینا الآیت لقوم یوقنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۰ - ۷۸

۷ - تغییر یافتن قبله از بیت المقدس به مسجدالحرام ، از نشانه های بیان شده در ادیان پیشین برای حقانیت پیامبر موعود

فول وجهک شطر المسجدالحرام .. لئلا یکون للناس علیکم حجه

تعلیل <لئلا یکون ..> گویای این است که: استمرار مسلمانان بر قبله سابق (بیت المقدس) موجب می شد که مخالفان اسلام علیه حقانیت پیامبر(ص) و مسلمانان احتجاج کنند. بنابراین باید تغییر قبله از نشانه های مطرح شده در کتابهای آسمانی پیشین، به عنوان نشانه ای بر حقانیت پیامبر موعود شمرده شده باشد.

۸ - تعیین کعبه به عنوان قبله مسلمانان ، موجب روشن شدن حقانیت پیامبر اسلام برای گروهی از مخالفان

لئلا یکون للناس علیکم حجه إلا الذین ظلموا منهم

وجود حجت برای ستمگران - که مفاد جمله استثنائیه است - بدان معنا نیست که ستم پیشگان علیه مسلمانان دلیل دارند، بلکه مراد تقسیم مخالفان است به دو جناح: جناحی که از سر ظلم و ستم با پیامبر(ص) مخالفت می کردند و جناحی که بر اساس شبهه دست به مخالفت زده اند. دسته اول در هر حال - چه تغییر قبله حاصل

می شد، یا نمی شد - به مخالفت و دشمنی ادامه می دادند و دسته دوم به حقانیت پیامبر(ص) پی برده و از تبلیغات سوء دست می کشیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۵،۶

۵ - تورات و انجیل ، حاوی شواهد و نشانه هایی بر حقانیت پیامبر (ص) و احکام و معارف اسلام هستند .

من بعد ما بينه للناس في الكتب

برخی بر آنند که مراد از <الكتاب> تورات و انجیل و مقصود از <البيئات و الهدى> دلایل و رهنمودهایی است که مردم را به حقانیت نبوت و احکام اسلام هدایت می کنند. آیات گذشته - که درباره کتمان حقانیت تغییر قبله بود - مؤید این احتمال است.

۶ - عالمان یهود و نصارا در عصر بعثت ، شواهد و نشانه های حقانیت پیامبر (ص) و احکام اسلام را کتمان می کردند .

الذين يكتُمون ما أنزلنا من البين والهدى من بعد ما بينه للناس في الكتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۶

۶ کفرورزی، موجب انکار هر گونه معجزه و آیه (گواه حقانیت پیامبر) هر چند ملموس و قابل حس باشد.

و لو نزلنا عليك .. لقال الذين كفروا إن هذا إلا سحر مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۰ - ۱۳

۱۳ عن أبي عبدالله(ع) قال: هذه الآيه نزلت في اليهود والنصارى يقول الله تبارك و تعالی: <الذين آتيناهم الكتاب يعني التوراه و الإنجيل يعرفونه يعني

رسول الله (ص)... لأن الله عز و جل قد أنزل عليهم في التوراه و الإنجيل و الزبور صفه محمد (ص)... و مبعثه ...

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۵۷ - ۶

۶ مشركان صدر اسلام دليل روشن حقانيت پيامبر (ص) (قرآن) را تكذيب مي كردند.

قل إني على بينه من ربي و كذبتهم به

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۴ - ۵،۱۲

۵ نزول قرآن معجزه ای کافی برای اثبات حقانيت پيامبر (ص)

أفغير الله أبتغي حكما و هو الذي أنزل إليكم الكتب مفصلا

۱۲ وجود دلايل حقانيت قرآن و پيامبر (ص) در تورات و انجيل

و الذين ءاتينهم الكتب يعلمون أنه منزل من ربك بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۳ - ۱

۱ آیات قرآن نشانه و معجزه ای برای حقانيت رسالت پيامبر (ص)

و إذا لم تأتهم بآيه

كلمه <آيه> به معنای نشانه و دليل است و مراد از آن آیات قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۴ - ۷

۷ قرآن ، معجزه و سند حقانيت پيامبر (ص) است .

أم يقولون افتريه ... فإلم يستجيبوا لكم فاعلموا أنما أنزل بعلم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰ - ۱۲

۱۲- قرآن ، بهترین و نیرومندترین دلیل و معجزه بر اثبات حقانیت خود و پیامبر اسلام (ص)

لقد أنزلنا إلیکم کتابًا فیہ ذکرکم أفلاتعقلون

آیه شریفه، می تواند پاسخی باشد

به درخواست بهانه جویانه مشرکان از پیامبر(ص) مبنی بر آوردن معجزه بر اثبات حقانیت خویش؛ یعنی، اگر آنان تعقل کنند، خواهند فهمید که قرآن معجزه پیامبر اسلام است. گفتنی است تأکید شدن این حقیقت با لام قسم و حرف تحقیق (لقد) مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۶ - ۳

۳ - هماهنگی عمیق گفتار و کردار پیامبر (ص) ، نمود اصالت پیام های آن حضرت

و أَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ

خداوند تبارک و تعالی در مذمت شاعران، سرگردانی و دوگانگی گفتار و رفتار آنان را مطرح ساخته است؛ تا انسان ها در پیام وحی و سخنان و کردار پیامبر(ص) بیندیشند و از هماهنگی گفتار و کردار آن حضرت، به واقعیت و اصالت آن پیام پی برده و دریابند که قرآن وحی آسمانی است، نه بافته هایی شعرگونه و وهمی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۶ - ۲

۲ - تشریح سخن حق در قرآن در زمینه موضوعات مورد اختلاف بنی اسرائیل ، نمود حقانیت آن و رسالت پیامبر (ص)

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَقُصُّ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

از مضمون آیه استفاده می شود که بیان حق، نشانگر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر(ص) است. علاوه بر این که سیر آیات گذشته به این صورت است که از مسأله توحید آغاز شده و سپس به حقانیت معاد و اکنون به حقانیت قرآن پرداخته شده است. گفتنی است که حقانیت قرآن مستلزم حقانیت رسالت پیامبر(ص) نیز هست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۲ - قرآن ، دلیل صدق و گواه راستی رسالت پیامبر اسلام است .

و القراءان الحکیم . إنک لمن المرسلین

برخی از مفسران برآنند که میان آیه شریفه و آیه قبل، ارتباط نزدیکی وجود دارد؛ بدین صورت که هر دو آیه درصدد اثبات راستی رسالت پیامبر اسلام(ص) از راه قرآن می باشند؛ منتها این حقیقت در قالب سوگند بیان شده است و انتخاب این قالب، صرفاً برای جلب توجه بیشتر مخاطبان به این امر مهم می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - تصدیق و تأیید رسولان پیشین از سوی پیامبر اکرم (ص) ، نشانه درستی رسالت آن حضرت و حقانیت قرآن

بل جاء بالحق و صدق المرسلین

خداوند در این آیه به دو مطلب اشاره فرموده است: ۱ تأیید حقانیت آنچه پیامبر(ص) آورده است (قرآن)؛ ۲ توصیف آن حضرت به تصدیق کننده رسولان پیشین. بیان هم زمان این دو مطلب، می تواند دلیلی بر راستی رسالت پیامبر اکرم(ص) و لزوم تصدیق آن حضرت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - ارائه نشانه های روشن درباره قرآن و اسلام و پیامبر اکرم (ص) ، از سوی خداوند به بنی اسرائیل

و ءاتینهم بینت من الأمر

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <الأمر> اشاره به مسأله حقانیت دین اسلام و رسالت پیامبر اکرم(ص) باشد؛ که آیات پیشین اساساً درباره آن بود و در آیات بعد نیز مورد توجه قرار گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۴- هماهنگی محتوای قرآن با تعالیم پیامبران پیشین، گواه آسمانی بودن آن و حقانیت رسالت پیامبر (ص)

أَمْ يَقُولُونَ افتریه... قل ما كنت بدعًا من الرسل

واژه <بدعاً> می تواند ناظر به شخص پیامبر(ص) باشد؛ یعنی، او اولین رسولی نیست که مبعوث شده است؛ بلکه قبل از او نیز رسولان دیگری بوده اند. هم چنین می تواند ناظر به اقوال و افعال پیامبر(ص) باشد؛ یعنی، آن حضرت ابداع کننده اقوال و سخنان تازه ای نیست؛ بلکه سخنان او پیشینه در اقوال و سخنان پیامبران گذشته دارد. برداشت یاد شده براساس احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- قرآن و محتوای آسمانی آن، کافی برای اثبات حقانیت رسالت پیامبر (ص)

صرفنا إلیک... یستمعون القرآن... إنا سمعنا کتبًا أنزل من بعد موسی... ینهدی

برداشت بالا با توجه به دو نکته است زیر استفاده شده است: ۱ مؤمنان پیشتاز جن، فقط با استماع قرآن به آسمانی بودن آن و حقانیت رسالت پیامبر(ص) پی بردند ۲ در مقام دعوت قوم، باز بر محتوای پیام قرآن تکیه نمودند؛ نه بر معجزه و نظائر آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - دعوت مردم از سوی پیامبر (ص) به تسلیم و انقیاد در برابر خداوند و نه فراخوانی آنان به اطاعت خویش نشانه حقانیت او است.

و من أظلم ممّن افتری علی الله... و هو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۳ - ۲

۲ - نازل شدن نامه ای سرگشاده از سوی خداوند ، برای یکایک انسان ها در اثبات رسالت پیامبر (ص) ، درخواستی نابجا و غیرمنطقی

بل یرید کلّ امریء منهم .. کلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۴ - ۱

۱ - درخواست نزول نامه سرگشاده از سوی خداوند ، در تأیید رسالت پیامبر (ص) و بر درستی قرآن ، درخواستی نابجا و نشانه بهانه جویی کافران

بل یرید کلّ امریء منهم أن یوتی صحفًا منشره .. کلاً إنّه تذکره

کلمه <کلاً>، تأکید مطلبی است که در آیه پیش (کلاً بل لایخافون..)) بیان شده است؛ یعنی، قرآن کریم تذکره است و اگر بنا بود که کافران به سبب آن متذکر شوند، نزول قرآن به همین صورت برای پندآموزی آنان کافی بود. پس درخواست کافران مبنی بر نامه اختصاصی از جانب خداوند، بهانه ای بیش از سوی آنان نیست.

دلایل حقانیت معجزه موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۹ - ۷

۷ - بلعیده شدن سحر ساحران به وسیله عصای موسی ، نشانه بطلان سحر و حقانیت معجزه موسی

و ألق ما فی یمینک تلقف ما صنعوا إنّما صنعوا کید سحر

جمله <إنّما صنعوا..> تعلیل برای <تلقف> است؛ یعنی، بدان جهت که سحر، کیدی بیش نیست، در برابر حقیقت اعجاز موسی نابود خواهد شد و به دین وسیله بطلان سحر ساحران و حقانیت معجزه اثبات خواهد گردید.

حقانیت موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۳ - ۳

۳ موسی (ع) ، برخوردار از دلایلی فراوان بر حقانیت رسالت خویش

ثم بعثنا من بعدهم موسی بنایتنا

کلمه <آیات> به معنای علامتها و نشانه هاست و از مصادیق آن به قرینه <بعثنا>، نشانه های راستی و درستی بعثت موسی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۵ - ۵

۵ موسی (ع) برای اثبات رسالت الهی خویش برخوردار از دلیلی روشن بود .

قد جئتکم ببینه من ربکم

<با> در <بینه> به معنای مصاحبت است. بنابراین جمله <قد جئتکم ببینه> یعنی من با دلیلی روشن به سوی شما آمدم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۸ - ۲

۲ سفید گشتن دست موسی (ع) پس از نمایان ساختن آن ، دومین معجزه موسی و آیتی برای حقانیت رسالت او

و نزع یده فإذا هی بیضاء للنظرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۸ - ۳

۳ معجزه موسی (ع) در صحنه مبارزه با ساحران ، عامل تثبیت حقانیت وی و از میان رفتن تمام دستاورد های دیرینه فرعون و اشراف دربارش شد .

فوقع الحق و بطل ما كانوا يعملون

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از ضمیر <کانوا> و <یعملون> فرعون و فرعونیان باشد. بر این مبنا مقصود از <ما> در <ما کانوا> تلاشهای فرعونیان برای تثبیت ربوبیت فرعون و مانند آن خواهد بود.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۱ - ۲

۲- دعوت حضرت موسی (ع) ، همراه با دلایل روشن (معجزات گویا) بر حقانیت رسالتش بود .

و لقد آتینا موسی تسع آیت ینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۴

۴- بینات (دلایل روشن) موسی (ع) ، برهان هایی واضح بر حقانیت او و باطل بودن ادعاهای فرعون

قالوا لن نؤثرک علی ما جاءنا من الینت

دلایل حقانیت نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۹ - ۷

۷- مستند بودن نامه اعمال آدمیان ، دلیل حق بودن و کاستی نداشتن آن

ینطق علیکم بالحقّ إنّنا کنّا نستسخ

<إنّا کنّا..> در مقام تعلیل است و تکرار ضمائر متکلم و نیز تأکید به وسیله <إنّ>، مطلب بالا را افاده می کند.

دلایل حقانیت نبوت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۷۱ - ۹

۹ حضرت نوح (ع) ، قومش را بر قتل خود تحدی کرد و عدم توانایی آنان را بر انجام این کار ، شاهد درستی ادعای نبوت خود ، اعلام نمود .

إن کان کبر علیکم مقامی .. فأجمعوا أمرکم ... و لا تنظرون

جمله <فعلى الله توكلت > بیانگر شکست ناپذیری حضرت نوح (ع) به علت متکی بودنش به قدرت لایزال الهی و جمله <أجمعوا أمرکم و شرکاءکم > بیان ناچیزی قدرت قومش می باشد.

دلایل حقانیت وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۱۶ - احاطه ربوبیت خداوند بر هستی ، گواه حقانیت پیام او و هماهنگی آن با قوانین نظام هستی

سنرېهم ءايتنا .. حَتَّى يَتَّبِعِنَ لَهُمُ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوْلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

دلایل حقانیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۳ - ۸

۸ - پرهیز شعورمندان از کلام دروغین ، دلیل نداشتن باطل در حریم وعده های خداوند (آفریدگار شعور) *

إِنَّهُ لِحَقِّ مِثْلِ مَا أَنْتُمْ تَنْطِقُونَ

تعبیر <مثل آنکم تنطقون> ممکن است در بیان این معنا آمده باشد که اگر انسان شعورمند، از باطل گریزان است و ارزش را در حقیقت می بیند؛ پس چگونه ممکن است که سخن پروردگار آدمیان و خالق نطق (شعور)، بی حقیقت و وعده اش تحقق ناپذیر باشد.

دلایل حقانیت هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۵ - ۵

۵ عجز و ناتوانی قوم عاد و خدایانشان ، برای از میان بردن هود (ع) ، دلیل و آیتی بر حقانیت رسالت او

فكيدونى جميعاً ثم لا تنظرون

<فاء> در <فكيدونى> فصیحه و حاکی از جمله ای مقدر است. آن جمله به قرینه <إن نقول إلاّ اعتریک ...> چنین است: <إن كان كما تقولون فكيدونى ...> اگر بتها چنین نیرویی دارند پس شما و آنها با من به مبارزه برخیزید و کار را یکسره کنید.<

ذکر حقانیت عقیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۷ - ۴

۴ - توجه به حقانیت مواضع

عقیدتی خویش، موجب تقویت روح صبر و بردباری در مسیر عقیده و دفاع از آن

فاصبر .. إِنْهُمْ يَرْوَنه بَعِيدًا . و نریه قَرِيبًا

از یادآوری مسأله حقانیت معاد برای پیامبر(ص) پس از توصیه به ایشان مبنی بر صبر و مقاومت در انجام رسالت مطلب یاد شده، استفاده می شود.

رفع شبهه از حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۷، ۱۵

۱۵ لزوم زدودن شک و شبهه از خویشتن در باره راستی و درستی قرآن

فلاتک فی مریه منه

مراد از ضمیر در <منه> قرآن است و مخاطب جمله <فلاتک .. > تک تک انسانهاست.

۱۷ درخواست بصیرت از خداوند، توجه به قرآن و حقایق مطرح شده در آن و مطالعه تورات، راه های زدودن شک و شبهه درباره حقانیت قرآن است.

أفمن كان علی بینه .. فلاتک فی مریه منه

روشن است که شک و شبهه، همانند علم و یقین که از امور قلبی است، با امر و نهی قابل ایجاد و رفع نیست. بنابراین جمله <فلاتک فی مریه منه> (در حقانیت قرآن شک نداشته باش) ارشاد به فراهم آوردن زمینه هایی است که مایه برطرف شدن شک می شود و آنها همان حقایقی است که در صدر آیه، بیان شده است.

زلیخا و حقانیت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۳

۱۳ زلیخا شهادت زنان اشراف بر پاکدامنی یوسف (ع) را تصدیق کرد و سخن آنان را مایه روشن شدن حقیقت دانست.

قالت امرأت العزیز الثن حصحص الحق

> حصصه (مصدر حصص)

به معنای روشن شدن چیزی پس از کتمان آن است. برخی نیز گفته اند به معنای ثبوت و استقرار است.

زمینه ظهور حقانیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۵ - ۶

۶- تاریخ ، بستری برای ظهور و تجلی حقانیت دین الهی است .

فَتَرَبَّصُوا فَمَا تَعْلَمُونَ مِنْ أَصْحَابِ الصَّرْطِ السَّوِيِّ

مطرح ساختن آینده به عنوان زمان ظهور قطعی حقایق، بیانگر این نکته است که بستر تاریخ ظرفی مناسب برای احقاق حق است که حقایق را به تناسب حوادث، به منصفه ظهور می رساند.

زمینه فهم حقانیت انذارهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۶ - ۳

۳- تفکر در تاریخ پیامبران و امت های پیشین ، راهگشای انسان در فهم حقانیت هشدار های خداوند

فکیف کان عذابی و نذر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۸ - ۵

۵- اندیشه در تاریخ پیامبران و امت های پیشین ، راه گشای انسان در فهم حقانیت هشدار های خداوند

فکیف کان عذابی و نذر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۱ - ۴

۴- تفکر در تاریخ پیامبران و امت های پیشین ، راه گشای انسان در فهم حقانیت هشدار های خداوند

فکیف کان عذابی و نذر

زمینه فهم حقانیت وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۳ - ۵

۵ - دانش بشر و دریافت های علمی او ، در پهنه طبیعت و وجود انسان ، هموارکننده راه درک حقانیت

سنريهم ءايتنا في الأفاق و في أنفسهم حتى يتبين لهم أنه الحق

خداوند حقایقی را در قرآن در مورد انسان مطرح نموده است. از انطباق آن با واقعیت وجودی انسان، حقانیت قرآن آشکار می گردد. این برداشت در صورتی است که ضمیر در <أنه>، به قرآن باز گردد.

سوگند بر حقانیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳ - ۱

۱ - سوگند خداوند بر حقانیت و درستی رسالت پیامبر اسلام

إنك لمن المرسلين

سوگند بر حقانیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۳ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، بر حقانیت و تخلف ناپذیری وعده های خویش

و ما توعدن . قُورَبَ السَّماءِ و الأرضِ إنه لحقّ

در این که مرجع ضمیر در <إنه> چیست، چند احتمال داده شده است. از جمله آنها این است که ضمیر به <ما توعدون> (در آیه قبل) بازمی گردد. برداشت بالا براساس این احتمال است.

شك در حقانیت ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۵ - ۱

۱- قوم ابراهیم نسبت به حق بودن سخن ابراهیم (ع) و جدی بودن او در نفی شرک و بت پرستی ، تردید داشته و آن را بعید می دانستند .

قالوا أجبنا بالحقّ أم أنت من اللّعين

شک در حقانیت اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۰ - ۳

۳ - منافقان صدر اسلام ، نسبت به حقانیت پیامبر (ص) و درستی اسلام ، در شک و تردید به

سر می بردند .

أم ارتابوا

<أم> در <أم ارتابوا> منقطعه و به معنای <بل> (اضراب) است.

شک در حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۳

۳- گرایش محرومان به قرآن ، بهانه مستکبران برای تردید در حقانیت آن

و قال الذین کفروا .. لو کان خیرًا ما سبقونا إلیه

تعبیر <لو کان خیرًا..>، بیان دلیل است و از محتوای آیه استفاده می شود که کافران، از طایفه اشراف مستکبر و مؤمنان از طبقه محروم بودند. بدین جهت مستکبران، ابراز می داشتند اگر قرآن خیری در برداشت، تهی دستان بی هویت بدان روی نمی آوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱۶

۱۶- ازدیاد شک و تردید نسبت به حقانیت قرآن ، بر اثر یادآوری بعضی از حقایق الهی ، جلوه ای از گمراه شدن کافران و بیماردلان از سوی خداوند

کذلک یضلّ الله من یشاء و یهدی من یشاء

شک در حقانیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۰ - ۳

۳- منافقان صدراسلام ، نسبت به حقانیت پیامبر (ص) و درستی اسلام ، در شک و تردید به سر می بردند .

أم ارتابوا

<أم> در <أم ارتابوا> منقطه و به معنای <بل> (اضراب) است.

شناخت حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۲۲

۲۲ بیشتر مردم از بصیرتی که آنان را به حقانیت قرآن رهنمون شود، محرومند.

أفمن كان على بينة من ربه .

.. و لكنّ أكثر الناس لا يؤمنون

شناخت حقانیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۳ - ۱۰

۱۰ آگاه شدن از قرآن و محتوای آن ، آدمی را به حقانیت رسالت پیامبر (ص) راهنمایی می کند .

كفى بالله شهيدًا .. و من عنده علم الكتب

ظهور حقانیت اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۱۱

۱۱- اخبار خداوند به آشکار شدن حقانیت اسلام ، برای کافران صدر اسلام در آینده

ربما يوّد الذين كفروا .. فسوف يعلمون

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مفعول و متعلق علم در <یعلمون> حقانیت اسلام باشد که مورد انکار آنان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۵ - ۹

۹- حقانیت اسلام و وعده های الهی ، برای همیشه مخفی نمی ماند و در آینده نزدیک برای همگان روشن خواهد شد .

فترّبصوا فستعلمون من أصحاب الصرط السويّ

علم به حقانیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۱۳

۱۳ - گواهی اعضا و جوارح بر گفتار و رفتار انسان ها و جزای کامل و عادلانه خدا به آنان ، موجب آگاهی آنان به حقانیت

خداوند است .

يوم تشهد عليهم ألسنتهم ... يومئذ يوفّيهم الله دينهم الحقّ و يعلمون أنّ الله ه

جمله <و يعلمون...> عطف بر <يوفّيهم> است و مقصود از <يومئذ> به قرینه آیه قبل (يوم تشهد ...) - همان روزی است که اعضای بدن علیه انسان گواهی می دهند.

بنابراین معنای آیه چنین می شود: روزی که اعضای بدن انسان، بر رفتار وی گواهی می دهند و مردم به جزای کامل و عادلانه خود می رسند، در چنین روزی است که مردم خواهند فهمید که خدا حق است.

علم به حقانیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۸ - ۱

۱ - آگاهی از دلایل روشن الهی بر اثبات حقانیت تعالیم دین (همچون معاد و جزای انسان ها در آن روز) ، مقتضی ایمان به خدا ، رسول او و قرآن است .

فامنوا بالله و رسوله و النور الذی أنزلنا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه به منزله نتیجه برای مطالب یاد شده در آیات پیشین است. آن مطالب عبارت است از ارائه دلایل روشن بر حقانیت تعالیم الهی و نیز اثبات معاد و

علمای اهل کتاب و حقانیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۳ - ۱۳

۱۳ آگاهان به تورات و انجیل در عصر بعثت بر حقانیت رسالت پیامبر (ص) شهادت می دادند .

و کفی بالله شهیداً .. و من عنده علم الكتب

فرعون و حقانیت مسیحیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۰ - ۷

۷ فرعون ، هنگام غرق شدن ، به حقانیت دین موسی (ع) و بنی اسرائیل و باطل بودن آیین خود ، اعتراف کرد .

حتى إذا أدركه الغرق قال ءامنت أنه لا إله إلا الذي ءامنت به بنوا إسرائيل

فرعون

و حقانیت موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۰ - ۷

۷ فرعون ، هنگام غرق شدن ، به حقانیت دین موسی (ع) و بنی اسرائیل و باطل بودن آیین خود ، اعتراف کرد .

حتى إذا أدركه الغرق قال ءامنت أنه لا إله إلا الذي ءامنت به بنوا إسرائيل

کافران و حقانیت اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۱۱

۱۱- اخبار خداوند به آشکار شدن حقانیت اسلام ، برای کافران صدر اسلام در آینده

ربما يوّد الذين كفروا .. فسوف يعلمون

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مفعول و متعلق علم در <یعلمون> حقانیت اسلام باشد که مورد انکار آنان بود.

کتمان حقانیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۰ - ۱۲، ۷

۱۷ اهل کتاب، مورد توبیخ خداوند به جهت کتمان حقانیت پیامبر(ص) و ایمان نیاوردن به او

الذين ءاتينهم الكتب .. الذين خسروا أنفسهم فهم لا يؤمنون

۱۲ کتمان کنندگان حقانیت پیامبر(ص) از اهل کتاب، ایمان نخواهند آورد.

الذين ءاتينهم الكتب يعرفونه .. فهم لا يؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۱ - ۵

۵ کتمان حقانیت پیامبر اکرم(ص)، مصداق بارز تکذیب آیات الهی و از بزرگترین ظلمهاست.

الذین ءاتینهم الکتب . . . و من أظلم ممن افتری علی اللّٰه کذباً أو کذب بایته

در آیه قبل سخن از تکذیب پیامبر(ص) بود و این آیه در مقام هشدار به تکذیب کنندگان آن حضرت است. چرا که وی

مصدافی روشن برای آیات الهی است.

گواه حقانیت سخن خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۳ - ۱۶

۱۶ - احاطه ربوبیت خداوند بر هستی ، گواه حقانیت پیام او و هماهنگی آن با قوانین نظام هستی

سنریمهء ایتنا .. حتّی یتبین لهم أنّه الحقّ أولم یکف برّبک أنّه علی کلّ شیء

گواهان حقانیت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۷ - ۳

۳ - پیامبر (ص) ، تأیید کننده رسولان الهی پیشین و گواه بر درستی تعالیم آنان

و صدق المرسلین

گواهان حقانیت انبیای انطاکیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۶ - ۱

۱ - پیامبران مردم انطاکیه ، خدا را بر راستی ادعاهای خود گواه گرفته و به او سوگند یاد کردند .

قالوا ربّنا یعلم إنّنا إلیکم لمرسلون

جمله <ربّنا یعلم> (پروردگار ما می داند) و نظایر آن (مانند <شهد الله> و <علم الله>) در عرف عرب برای گواه گرفتن خدا بر راستی امری و نیز در حکم قسم و جانشین آن است.

گواهان حقانیت توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۶ - ۱۲

۱۲- حضرت ابراهیم (ع) بر صحت عقاید توحیدی خویش گواهی داد و خود را به آثار و پیامد های این عقیده ، ملتزم و متعهد دانست .

و أنا علی ذلکم من الشهدین

گواهان حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۱، ۵، ۲

۲ قرآن ،

خود دلیل و شاهی بر راستی و درستی خویش است .

و یتلوه شاهد منه

در اینکه مقصود از <شاهد> چیست، چند نظر ابراز شده است. عبارت <و من قبله کتاب موسی> می تواند این نظر را تأیید کند که: مراد از آن خود قرآن می باشد. مورد شهادت به دلیل <إنه الحق من ربك> حقانیت و الهی بودن قرآن است و <تُلُوْهُ> (مصدر یتلوه) به معنای در پی آمدن است و در پی آمدن شاهد، کنایه از تأیید کردن و پشتیبانی نمودن می باشد. ضمیر در <یتلوه> به <مَنْ> و ضمیر <منه> به <رب> برمی گردد. بنابراین جمله <أفمن ... یتلوه شاهد منه> یعنی، آیا کسی که علاوه بر <بینه> از پشتیبانی شهادت قرآن برخوردار است، مانند کسی است که اینگونه نیست؟

۵ تورات ، دلیلی بر حقانیت قرآن

و یتلوه .. من قبله کتب موسی

<کتاب> عطف بر <شاهد> است و ضمیر در <قبله> به شاهد برمی گردد.

۱۱ پیامبر (ص) دارای بصیرتی الهی بر حقانیت قرآن و برخوردار از شاهی ربانی بر الهی بودن آن و آگاه به حقایق تورات

أفمن كان علی بینه من ربه .. و من قبله کتب موسی

برخی از مفسران برآنند که مصداق بارز و مورد نظر برای <من كان علی بینه> پیامبر(ص) است. این گروه جمله <فلاتك ...> را مؤید این نظر شمرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۸

۸- گواهی دهنده بر حقانیت قرآن از میان بنی اسرائیل ، فردی دانا و متشخص بود .

و شهد شهد من بنی إسرئیل علی مثله فامن

تکیه قرآن بر شهادت فردی از

بنی اسرائیل و استفاده از گواهی وی در گرایش دادن مردم به ایمان، نشانگر این معنا است که وی، فردی متشخص و صاحب نظر و معتبر بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱ - ۳

۳ قرآن ، خود گواه حقانیت خویش *

و القرآن المجید

وجود سوگند به <قرآن> در متن آن، در صورتی منطقی خواهد بود که از متن قرآن، بتوان اهمیت و حقانیت آن را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۱۱

۱۱ مسیحیان عصر بعثت پس از پذیرش اسلام با نیایش به درگاه خداوند ، خواهان پیوستن به صف شاهدان و گواهان حقانیت قرآن بودند .

ربنا ءامننا فاکتبنا مع الشهدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۴ - ۱۰

۱۰ صالحان ، گواهان عینی بر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص) *

فاکتبنا مع الشهدین .. ان یدخلنا ربنا مع القوم الصالحین

جمله <نطمع ان یدخلنا ..> می تواند اشاره به آرزو و درخواستی باشد که مسیحیان آن را با جمله <فاکتبنا مع الشهدین> از خداوند تقاضا کردند. بنابراین درخواست همراهی با شاهدان همان آرزوی همنشینی با صالحان خواهد بود. و لذا می توان گفت شاهدان همان صالحان هستند.

گواهان حقانیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ صالحان ، گواهان عینی بر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص) *

فاکتبنا مع الشهدین . . ان یدخلنا ربنا مع القوم

جمله <نطمع ان یدخلنا ..> می تواند اشاره به آرزو و درخواستی باشد که مسیحیان آن را با جمله <فاکتبنا مع الشهدین> از خداوند تقاضا کردند. بنابراین درخواست همراهی با شاهدان همان آرزوی همنشینی با صالحان خواهد بود. و لذا می توان گفت شاهدان همان صالحان هستند.

گواهان حقانیت معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۲

۲ عمق وجدان مشرکان در دنیا گواه بر حقانیت توحید و معاد می دهد.

بل بدالهم ما کانوا یخفون من قبل

گواهی بر حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۸ - ۳،۴

۳ آمدن فرشتگان به عنوان پیامبر و یا تصدیق کننده قرآن امری ناشدنی

هل ینظرون إلا أن تأتیهم الملائکه

با توجه به اینکه آیه مورد بحث ناظر به آیه قبل است و در آن آیه سخن از قرآن و منکران آن بود، معلوم می شود انتظارات مطرح شده در این آیه شرایطی است که برای ایمان به قرآن مطرح شده است. بیان نکردن پیامد نزول ملائکه، در مقابل تحلیل سومین پیشنهاد و بیان نتایج آن، اشاره به ناممکن بودن نزول ملائکه بر عموم مردم دارد.

۴ ظهور خداوند برای تصدیق قرآن و بیان پیامهای خویش به طور مستقیم، ناممکن است.

هل ینظرون إلا أن .. یأتی ربک

<إتیان> در جمله <یأتی ربک> به معنای ظاهر شدن و آشکار گشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ برخورداران از بصیرت الهی ، دلالت تورات بر حقانیت قرآن را ،

به خوبی درمی یابند .

أفمن كان على بينة من ربه..و من قبله كتب موسى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ مقام علم شهودی و گواهی بر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص) جایگاهی والاتر از ایمان

ربنا ءامنا فاکتبا مع الشهدین

گواهی بر حقانیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ مقام علم شهودی و گواهی بر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص) جایگاهی والاتر از ایمان

ربنا ءامنا فاکتبا مع الشهدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۹ - ۱۶، ۷

۷ گواه طلبی مشرکان از پیامبر(ص) در تأیید رسالت آن حضرت*

قل أی شیء أكبر شهده قل الله شهید بینی و بینکم

۱۶ قرآن، گواه خداوند بر حقانیت رسالت پیامبر(ص)

قل الله شهید بینی و بینکم و أوحی الیّ هذا القرءان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۱ - ۵

۱۵ اگر تمامی موجودات دسته دسته برانگیخته شوند و بر حقانیت پیامبر(ص) شهادت دهند، برخی کافران ایمان نمی آورند.

و حشرنا عليهم كل شيء قبلا ما كانوا ليؤمنوا

<قبلا> در این برداشت جمع <قبیل>، به معنی دسته و صنف گرفته شده است. <و القبیل الجماعه ... من اقوام شتی>. (قاموس اللغه).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۲ - ۶

۶- مشرکان مکه ، خواهان حضور یافتن خدا و ملائکه نزد آنان ، برای گواهی دادن به حقانیت پیامبر

(ص)

أو تأتي بالله و الملكة قبلاً

<قبلاً> به معنای <مقابله> (رو در رو شدن) آمده است و در این آیه، می تواند به منظور افاده مطلب فوق باشد.

محمد(ص) و حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۱

۱۱ پیامبر (ص) دارای بصیرتی الهی بر حقانیت قرآن و برخوردار از شاهی ربانی بر الهی بودن آن و آگاه به حقایق تورات

أفمن كان على بينة من ربه .. و من قبله كتب موسى

برخی از مفسران برآنند که مصداق بارز و مورد نظر برای <من كان على بينة> پیامبر(ص) است. این گروه جمله <فلاتك...> را مؤید این نظر شمرده اند.

مسیحیان و حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۵ - ۱

۱ ایمان مسیحیان به خدا و اعترافشان به حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص) موجب برخورداری آنان از بهشت جاودان

فأثبهم الله بما قالوا جنت

مسیحیان و حقانیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۹

۹ - یهود و نصارا نیز همانند مشرکان ، خواهان سخن گفتن خدا با آنان درباره راستی و درستی رسالت پیامبران بودند .

كذلك قال الذين من قبلهم مثل قولهم

در آیه ۱۱۳ مشرکان با تعبیر <الذین لا یعلمون> در قبال یهود و نصارا مطرح شده اند و در آیه مورد بحث مشرکان با همان تعبیر در قبال <الذین من قبلهم> قرار گرفته اند. از این مقایسه معلوم می شود: مقصود از <الذین من قبلهم> یهود و نصارا

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۵ - ۱

۱ ایمان مسیحیان به خدا و اعترافشان به حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص) موجب برخورداری آنان از بهشت جاودان

فأثبهم الله بما قالوا جنت

مشرکان و حقانیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۹، ۶، ۲، ۱

۱ - مشرکان ، خواهان گفتگوی مستقیم خداوند با آنان درباره حقانیت رسالت پیامبر (ص) (ص)

و قال الذين لا يعلمون لولا يكلمنا الله

آیه بعد (انا ارسلنا بالحق ..) دلالت بر آن دارد که پیشنهاد اعتراض آمیز مشرکان (لولا يكلمنا الله؛ چرا خدا با ما سخن نمی گوید) درباره حقانیت رسالت پیامبر(ص) است.

۲ - مشرکان ، برای پذیرش رسالت پیامبر (ص) خواهان نشانه و معجزه ای بر حقانیت او بودند .

و قال الذين لا يعلمون لولا .. أو تأتينا آیه

۶ - مشرکان ، آیات و نشانه های رسالت پیامبر را نادیده گرفته مدعی نبودن هیچگونه نشانه ای بر حقانیت او بودند .

و قال الذين لا يعلمون لولا .. أو تأتينا آیه

۹ - یهود و نصارا نیز همانند مشرکان ، خواهان سخن گفتن خدا با آنان درباره راستی و درستی رسالت پیامبران بودند .

كذلك قال الذين من قبلهم مثل قولهم

در آیه ۱۱۳ مشرکان با تعبیر <الذين لا يعلمون> در قبال یهود و نصارا مطرح شده اند و در آیه مورد بحث مشرکان با همان تعبیر در قبال <الذين من قبلهم> قرار گرفته اند. از این مقایسه معلوم می شود: مقصود از <الذين من قبلهم> یهود و نصارا است.

مکذبان حقانیت محمد (ص)

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۷ - ۱

۱ کفرپیشگان عصر بعثت ، مدعی نبود معجزه و آیتی بر حقایق رسالت پیامبر (ص)

و يقول الذين كفروا لولا أنزل عليه آية من ربه

مکذبان حقایق وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۴ - ۱

۱ - ناباوری کفرپیشگان به حقایق وعده های الهی ، حتی با مشاهده نمود های عینی عذاب و سقوط سنگی از آسمان بر آنان

و إن یروا کسفاً .. یقولوا سحاب مرکوم

ملاک حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۲۶

۲۶ پیروزی و فتح یا شکست و شهادت مسلمانان ، نشانه حقایق و یا باطل بودن اسلام نیست .

ظنّ الجاهلیّه .. یقولون لو کان لنا من الامر شیء ما قتلنا ههنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱ - ۱۵

۱۵ گرایش و عدم گرایش اکثریت مردم به چیزی ، ملاک حقایق یا عدم حقایق آن نیست .

و لکنّ اکثر الناس لا یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۶ - ۱۳

۱۳- حضرت ابراهیم (ع) الگو و مقتدای انسان ها و سیر و سلوک او ، معیار حق و درستی رفتار آنهاست .

فمن تبعنی فإنه منی و من عصانی

از اینکه حضرت ابراهیم(ع) اطاعت و عصیان از فرمانهای خود را ملاک ارزش و خوبی قرار داد و خداوند نیز این نکته را در

مقام

تحسین از او بیان فرمود، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۸

۸- گرایش و عدم گرایش مردم و آرای آنان در حقایق حق ، بی تأثیر است .

الحقّ من ربّکم فمن شاء فليؤمن ومن شاء فليکفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۲۰

۲۰- فرجام امور ، از ملاک های درستی و نادرستی آنها است .

أَوْ لَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ

توجه دادن به فرجام راه شیطان و طرح آن با استفهام انکاری، نشان دهنده این نکته است که بدی و یا خوبی عاقبت کار، خود ملاکی بر درستی و یا نادرستی آن کار است.

ملاک حقایق سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴ - ۱۷

۱۷ - گفتار ها و اظهار نظر ها ، وقتی متقن و پذیرفتنی است که مطابق با واقع و حق باشد .

ذَٰلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵ - ۴

۴ - باید قسط و عدالت ، ملاک اظهار نظر و سخن گفتن باشد .

ادعوهم لأبائهم هو أقسط عند الله

ملاک حقانیت عقیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۸ - ۴

۴ مطابقت اعمال و عقاید آدمی با حق نشانه وزین و ثقیل بودن آن عقاید است.

و الوزن يومئذ الحق فمن ثقلت موازينه فأولئك هم المفلحون

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱۰

۱۰ - تعالیم دین ، معیار حقانیت و بطلان باور ها و اعمال است .

أنزل الكتب بالحقّ و المیزان

بنابراین احتمال که عطف <المیزان> بر <الکتاب> تفسیری بوده و مراد از <الکتاب> دین باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

ملاک حقانیت عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۸ - ۴

۴ مطابقت اعمال و عقاید آدمی با حق نشانه وزین و ثقیل بودن آن عقاید است.

و الوزن یومئذ الحق فمن ثقلت موزینه فأولئك هم المفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱۰

۱۰ - تعالیم دین ، معیار حقانیت و بطلان باور ها و اعمال است .

أنزل الكتب بالحقّ و المیزان

بنابراین احتمال که عطف <المیزان> بر <الکتاب> تفسیری بوده و مراد از <الکتاب> دین باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

ملاکهای حقانیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۸ - ۱۳

۱۳ زیبا جلوه کردن کارها نشانه حقانیت و درستی آنها نیست.

فيسبوا الله عدوا بغير علم كذلك زينا لكل أمة عملهم

جاهلانہ بودن اعمال مشرکان، در عین زیبا جلوه نمودن آن برای آنها، نشانگر آن است که جلوه های زیبا نشان حقانیت و درستی چیزی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۱ - ۳،۱۱

۳ ممنوعیت اطاعت رهبران دینی در آنچه بیرون از فرمان و رضایت خداست .

اتخذوا أحبارهم و رهبنهم أرباباً من دون الله

۱۱ اطاعت از رهبران دینی ،

در آنچه بیرون از فرمان و رضایت خدا باشد، شرک است.

اتخذوا أجبارهم و رهبنهم أرباباً من دون الله .. سبحانه عما يشركون

خداوند اهل کتاب را به خاطر اینکه رهبران دینی خود را به جای خدا <رب> قرار می دادند و از آنان اطاعت می کردند، محکوم کرده و آنان را مشرک خوانده است. بنابراین رب قرار دادن رهبران دینی و اطاعت از آنان به جای اطاعت از فرمانهای الهی، شرک خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۳ - ۶

۶ حق، پایه و محور احکام و قوانین دین اسلام

هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق

ملاکهای حقانیت احکام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۷ - ۱

۱ - احکام و معارفی حق است که از ناحیه خداوند باشد.

الحق من ربک

<ال> در <الحق> جنسیه و مفید استغراق است؛ یعنی، هر آنچه حق است از ناحیه خداوند می باشد. البته به مناسبت مورد، مقصود اصلی احکام و معارف است.

ملاکهای حقانیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۱۸

۱۸ - معارف و قوانینی شایسته و بایسته پذیرش و پیروی اند که از هواهای نفسانی پیراسته و بر پایه علم بنا شده باشند.

و لئن اتبعت اهواءهم من بعد جاءك من العلم إنك إذا لمن الظالمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۷ - ۱

۱ - احکام و معارفی حق است که از ناحیه خداوند باشد

الحق من ربك

<ال> در <الحق> جنسیه و مفید استغراق است، یعنی، هر آنچه حق است از ناحیه خداوند می باشد. البته به مناسبت مورد، مقصود اصلی احکام و معارف است.

ملاکهای حقانیت معبود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۰ - ۶

۶ - حق و باطل، ملاک گزینش و یا عدم گزینش معبود است.

ذلك بأن الله هو الحقّ و أنّ ما يدعون من دونه البطل

تعلیل در آیه، به این که <خداوند حق است و معبودان دیگر، باطل اند>، نشان دهنده این است که حق و باطل، ملاک و معیارند.

منافقان و حقانیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۴ - ۳

۳ حقانیت پیامبر (ص) و ارتباط او با وحی، امری ثابت شده برای منافقان

يحذر المنفقون أن تنزل عليهم سورة تنبئهم بما في قلوبهم

بیم منافقان از افشای اسرارشان به وسیله قرآن، تلویحاً می رساند که آنان ارتباط پیامبر(ص) با وحی را امری مسلم می شمردند.

منشأ حقانیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۲ - ۲

۲ - حقانیت دین، وابسته به انتساب آن به خداوند است.

البینه . . . من الله

نشانه های حقانیت آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۴

۴ حشر آدمیان به سوی خداوند، نشانه ای از حقانیت آفرینش و راه نداشتن بیهودگی در آن است.

و هو الذی إلیه تحشرون. و هو الذی خلق السموت و الأرض بالحق

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۳ - ۷

۷ - آفرینش انسان زیبا صورت و نیکو سیرت ، مظهر و مصداق روشن آفرینش بحق خدا است .

خلق السموت و الأرض بالحقّ و صوّرکم فأحسن صورکم

نشانه های حقانیت اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۵ - ۵

۵ - هم آوایی و هماهنگی ادیان آسمانی در دعوت به توحید ، از نشانه های صدق مکتب توحیدی اسلام

و سئل من أرسلنا

نشانه های حقانیت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۸ - ۱۹

۱۹ ایمان و اعتقاد پیامبران به خدا و محتوای پیام های خویش ، نشانه صداقت آنان در ادعای نبوت و رسالت است .

رسوله .. الذی یؤمن بالله و کلمته

توصیف پیامبر(ص) به اینکه خود به محتوای پیامهای خویش ایمان داشت، می تواند به منظور دلیلی بر صدق رسالت او ایراد شده باشد.

نشانه های حقانیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۳ - ۷

۷ - جهان آفرینش و دنیای درون انسان ، کانون تجلی حقانیت خداوند است .

سنريهم ءايتنا .. و في انفسهم

برداشت ياد شده مبتنی بر این است که ضمير <أنه> به خداوند باز گردد.

نشانه های حقانیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۵ - ۱۳

۱۳ - اصرار بر توحید ، از نشانه های اساسی دین حق و از علامت های مهم آیین هدایت بخش است .

وقالوا .

.. تهتدوا قل بل مله إبرهيم حنيفاً و ما كان من المشركين

جمله <و ما كان من المشركين> در حقیقت بیان علت گزینش آیین ابراهیم، اعلام شایستگی آن برای پیروی و دلیل هدایت بخشی آن است، یعنی، به این دلیل که ابراهیم مشرک نبود و آیین او به شرک آمیخته نبود، باید پیروی شود و به همین دلیل آیین او آیینی هدایت بخش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۳ - ۱۰

۱۰- پیشرفت اقتصادی و اجتماعی و بهبود آن ، الزاماً نشانه حقانیت یک اندیشه و آیین نیست .

أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا

نشانه های حقانیت سخن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۸ - ۱۸

۱۸ - بهترین و برترین سخن ، نشانه حقانیت آن و الزام آور برای انسان

الَّذِينَ يَسْتَمْعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ .. وَأُولَئِكَ هُمُ الْأُولَاءُ

توصیه خداوند به اهل ایمان مبنی برگزیدن و پیروی کردن بهترین سخن، بیانگر این حقیقت است که هرگاه مؤمنان به چنین سخنی دست یافتند، برای آنان حجت و الزام آور خواهد بود.

نشانه های حقانیت عقیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۳ - ۱۰

۱۰- پیشرفت اقتصادی و اجتماعی و بهبود آن ، الزاماً نشانه حقانیت یک اندیشه و آیین نیست .

أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا

نشانه های حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۸ - ۷

۷- پیروزمندی قرآن در صحنه تحدی و مبارزطلبی ، تبلور حقانیت

بی چون آن است .

قل جاء الحقّ . .. قل لئن اجتمعت الإنس و الجنّ ... لا یأتون بمثلہ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۳ - ۲

۲ - غلبه و نصرت قریب الوقوع پیامبر (ص) و مؤمنان بر کافران ، از نشانه های برجسته حقانیت و اعجاز قرآن

سنریهم ءایتنا .. حتّی یتبین لهم أنّه الحقّ

بنابراین که مراد از آیات آفاقی، پیروزی مسلمانان باشد و ضمیر <آنه> به قرآن بازگردد، مطلب بالا به دست می آید.

نشانه های حقانیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ - ۱۱

۱۱ امی بودن پیامبر (ص) (درس نخواندن و خط نوشتن) نشانه حقانیت رسالت او و علامتی پیشرویی اهل کتاب برای شناسایی او به پیامبری و رسالت

الرسول النبی الأمّی الذی یجدونه مکتوبا عندهم

جمله <یجدونه .. > راهنمای این معناست که صفات ذکر شده در آیه، نشانهایی است که خداوند برای اهل کتاب بیان داشته تا به وسیله آنها پیامبر موعود را شناسایی کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۸ - ۱۷

۱۷ امی بودن (درس نخواندن و خط نوشتن) پیامبر ، نشان صداقت وی در ادعای رسالت

فامنوا باللّٰه و رسوله النّبّی لأمّی

بر اساس این احتمال که توصیف پیامبر(ص) به امی بودن به منظور استدلال بر حقانیت او ایراد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - نداشتن چشمداشت مادی از مردم

در امر رسالت و بی تکلف و تصنع بودن پیامبر اسلام (ص)، نشانه حقانیت آن حضرت است.

قل ما أسئلكم عليه من أجر و ما أنا من المتكلفين

از آیه بعد که قرآن را تنها مایه ذکر برای جهانیان معرفی می کند (إن هو إلا ذكر للعالمين)، استفاده می شود که آیه مورد بحث با طرح مسأله نداشتن چشم داشت مادی و بی تکلف بودن پیامبر اسلام (ص) در صدد اثبات رسالت و راستی آن حضرت است.

نشانه های حقانیت موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۳ - ۳،۶

۳ هر یک از عذاب های نازل شده بر فرعونیان به تنهایی آیت و نشانی بر حقانیت رسالت موسی بود.

فأرسلنا عليهم .. آیت مفصلت

جمع آوردن کلمه <آیت> دلالت دارد که هر کدام از عذابهای ذکر شده به تنهایی آیت و نشان حقانیت موسی بوده است.

۶ فرعونیان علی رغم مشاهده آیاتی متعدد بر حقانیت رسالت موسی، از پذیرش آن سرباز زدند.

فأرسلنا عليهم .. فاستكبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۷ - ۴

۴ - <معجزه> نشانه ای الهی بر حقانیت رسالت و پیام توحیدی موسی (ع)

فلما جاءهم بآيتنا

در قرآن به جای واژه <معجزه>، <آیت و نشانه> به کار رفته است که بیانگر مطلب یاد شده است.

وضوح حقانیت اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۵ - ۵

۵- سرزنش اهل کتاب از سوی خداوند ، به خاطر امتناع از ایمان ،

علی رغم آشکار شدن حقانیت اسلام بر ایشان *

إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدَّوْا عَلَىٰ أَدْبُرِهِمْ... الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ

برداشت بالا بدان احتمال است که مراد از <الذین ارتدّوا..> اهل کتاب باشند؛ زیرا آنان با برخورداری از کتاب آسمانی و وعده های الهی به بعثت رسول خاتم(ص) و عالمان به کتاب، نزدیک ترین گروه و سزاوارترین آنان به شناخت حقانیت اسلام و قرآن بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۲ - ۱۸

۱۸ - دین اسلام ، استوار بر برهانی روشن ، رسالتی الهی و کتابی آسمانی و پاک

تَأْتِيهِمُ الْبَيِّنَاتُ . رَسُولٌ مِّنَ اللَّهِ يَتْلُوا صُحُفًا مُّطَهَّرَةً

وضوح حقانیت دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۸ - ۱

۱ - آگاهی از دلایل روشن الهی بر اثبات حقانیت تعالیم دین (همچون معاد و جزای انسان ها در آن روز) ، مقتضی ایمان به خدا ، رسول او و قرآن است .

فَآمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه به منزله نتیجه برای مطالب یاد شده در آیات پیشین است. آن مطالب عبارت است از ارائه دلایل روشن بر حقانیت تعالیم الهی و نیز اثبات معاد و... .

وضوح حقانیت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۷ - ۸

۸ وجود دلایل روشن بر توحید و حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، مانع هر گونه بهانه ای برای انکار آنها و موجب استحقاق کافران و مشرکان

به عذاب های الهی است .

و ما أكثر الناس .. بمؤمنین ... و ما یؤمن أكثرهم بالله إلا و هم مشرکون. أفأمنو

حرف <فاء> در <أفأمنوا> استحقاق عذاب را بر آیه <ذلک من أنباء الغیب ..> که حاوی برهان بر حقایق قرآن و رسالت پیامبر(ص) است و آیه <و کأین من آیه ...> که در بردارنده دلیل بر توحید می باشد مترتب کرده است ؛ یعنی، چون اتمام حجت شده، عذر و بهانه ای در کار نیست و کفرپیشگان مستحق عذابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۹ - ۷

۷ حقایق قرآن امری روشن و واضح است .

أفمن یعلم أنما أنزل إلیک من ربک الحق کمن هو أعمی

نابینا خواندن کسانی که حقایق قرآن را باور ندارند ، اشاره به این نکته دارد که: حقایق قرآن امری روشن است. اگر کسی نمی پذیرد خود مقصر است ؛ چشمانش را باز کند تا ببیند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۶

۶ - آشکار بودن حقایق قرآن ، برای کافران مکه

کانوا بأیتنا یجحدون

واژه <جحد> در مواردی به کار می رود که حقایق چیزی معلوم باشد و در عین حال مورد انکار قرار گیرد.

وضوح حقایق قضاوت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۸ - ۳

۳ - برتری قضاوت خداوند بر داوری دیگران و حکمت آمیز بودن آن ، حقیقتی روشن و غیر قابل انکار است .

ألیس الله بأحکم الحکمین

همزه استفهام در <أليس>، برای تقریر و بیانگر وضوح مفاد

آیه است.

وضوح حقانیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۷ - ۸

۸ وجود دلایل روشن بر توحید و حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص)، مانع هر گونه بهانه ای برای انکار آنها و موجب استحقاق کافران و مشرکان به عذاب های الهی است .

و ما أكثر الناس... بمؤمنین... و ما يؤمن أكثرهم بالله إلا و هم مشرکون. أفأمنو

حرف <فاء> در <أفأمنوا> استحقاق عذاب را بر آیه <ذلک من أنباء الغیب ..> که حاوی برهان بر حقانیت قرآن و رسالت پیامبر(ص) است و آیه <و کأین من آیه ...> که در بردارنده دلیل بر توحید می باشد مترتب کرده است / یعنی، چون اتمام حجت شده، عذر و بهانه ای در کار نیست و کفرپیشگان مستحق عذابند.

وضوح حقانیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۳ - ۷

۷ - حقانیت وعده های الهی مانند قدرت آدمیان بر نطق، روشن و انکارناپذیر است .

و ما توعدون .. إنه لحقّ مثل ما أنکم تنطقون

بنابراین که ضمیر <إنه> به <ما توعدون> بازگردد، تمثیل آیه شریفه در جهت بیان این معنا است که تحقق وعده های الهی، همان قدر روشن است که سخن گفتن آدمیان و قدرت ایشان بر نطق واضح می باشد.

یقین به حقانیت وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۱۳

۱۳ - یقین به حقانیت وعده های خداوند و باور به معاد، تکلیفی

الهی و معرفتی ارجمند است .

أَعْتَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا

یهود و حقانیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۸ - ۹

۹ - یهود و نصارا نیز همانند مشرکان ، خواهان سخن گفتن خدا با آنان درباره راستی و درستی رسالت پیامبران بودند .

كذلك قال الذين من قبلهم مثل قولهم

در آیه ۱۱۳ مشرکان با تعبیر <الذین لایعلمون> در قبال یهود و نصارا مطرح شده اند و در آیه مورد بحث مشرکان با همان تعبیر در قبال <الذین من قبلهم> قرار گرفته اند. از این مقایسه معلوم می شود: مقصود از <الذین من قبلهم> یهود و نصارا است.

حقایق از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حقایق

آثار حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۰ - ۹

۹ حقایق پیراسته از هر گونه باطل ، استوار سازنده دل و آرامش دهنده خاطر است .

ما نثبت به فؤادك و جاءك فی هذه الحق

برداشت فوق، مقتضای ارتباط میان عبارت <ما نثبت به فؤادك> و جمله <جاءك فی هذه الحق> است.

آثار درك حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۴ - ۴

۴ بینایی و شنوایی باطنی انسان (توانایی درک و فهم حقایق) گرایش دهنده او به توحید ، ایمان به قرآن و انجام اعمال صالح

مَثَل الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَى وَالْأَصْمَى وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۷

۷ مشاهده برهان الهی (درک حقایقی نظیر ربوبیت خدا ، دریافت زشتی گناه ،

باور به عدم رستگاری ظالمان و گنه کاران و ...) عامل عصمت پیامبران است .

و همّ بها لولا أن رءا برهن ربه

آثار ذکر حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱۶،۱۷

۱۶ - ازدیاد شك و تردید نسبت به حقانیت قرآن ، بر اثر یادآوری بعضی از حقایق الهی ، جلوه ای از گمراه شدن کافران و بیماردلان از سوی خداوند

كذلك يضلّ الله من يشاء و يهدى من يشاء

۱۷ - ازدیاد و تقویت ایمان اهل کتاب و مؤمنان ، بر اثر یادآوری بعضی از حقایق الهی ، جلوه ای از هدایت گری خداوند

كذلك ... و يهدى من يشاء

آثار ذکر ظهور حقایق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۴ - ۴

۴ - توجه به ظهور حقایق در قیامت ، بازدارنده انسان از تلاش برای پیروزی بر حریفان ، در مسابقه ثروت و مقام

ألهيكم التكاثر .. ثم كلاً سوف تعلمون

آثار ظهور حقایق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۲ - ۶

۶ - ظهور حقایق در رستاخیز ، وادارنده انسان به ستایش خدا و بازدارنده او از گستاخی

يوم يدعوكم فتستجيون بحمده

جمله <تستجیون بحمده> می رساند که این پاسخ گویی، همراه با زور و اکراه نیست؛ بلکه ممکن است به خاطر مشاهده حقایق باشد که انسان را به ستایش خدا وامی دارد.

آثار یقین به حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۵ - ۳

- شناخت حقایق در حد یقین ، مانع سرگرمی به تفاخر و برتری جویی

كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ

به قرینه آغاز سوره، می توان گفت: جواب <لو> محذوف است. در نتیجه مفاد آیه این می شود که اگر به حد <علم
الیقین> عالم می شدید، آن دانش، مانع فخر فروشی و مباهات شما می شد؛ بلکه اگر جمله <لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ> (در آیه بعد) را
جواب <لو> بدانیم، باز هم می توانیم این نکته را از آیه شریفه به دست آوریم.

ابزار درك حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۴ - ۱۵

۱۵- تفکر ، از ابزار شناخت و درك حقایق است .

و لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۲ - ۱۷

۱۷ - تفکر و اندیشه وسیله درك درست حقایق الهی

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

ابزار كشف حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۴ - ۵

۵ تفکر ، روشی ارزشمند در راهیابی به حقایق

أَوْ لِمَ يَتَفَكَّرُوا

ابلاغ حقایق غیبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۴ - ۳

۳ - پیامبر (ص)، معارف غیبی را در انحصار خود قرار نمی داد و از آموختن آن به دارندگان شرایط، امتناع نمیورزید.

و ما هو علی الغیب بضنین

اختفای حقایق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۳ - ۵

۵ - در قیامت نیز برخی حقایق برای گروهی از مردم مخفی می

ماند .

يتخفتون بينهم إن لبثتم إلا عشرًا

جمله <يتخافتون> دلالت می کند که مفاد <إن لبثتم إلا عشرًا> محور صحبت مجرمان بوده است؛ نه این که بر آن اتفاق نظر داشته باشند و ارائه نظرهای گوناگون، حاکی از مشخص نبودن حقیقت برای برخی از آنان است.

ادراک حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۶ - ۳

۳ - اندیشه بشر، ناتوان از درک برخی حقایق عالم

إذ يغشى السدره ما يغشى

از این که پوشش <سدره المنتهی>، به صورت مبهم (آنچه می پوشاند) آمده است؛ مطلب بالا استفاده می شود.

ادراک حقایق آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۴ - ۶

۶ - وجود حقایقی در عالم، فراتر از فکر و اندیشه آدمی

بل أحياء و لكن لا تشعرون

ارزش علم به حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۱ - ۸

۸ علم به حقایق هستی از ارزش های والاست .

إني أعلم ما لا تعلمون. و علم آدم الأسماء كلها

اظهار حقایق دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۰ - ۳

۳- اصلاح مفاسدی که بر اثر کتمان حقایق دین پدیدار شده و نیز بیان آن حقایق ، از شرایط پذیرش توبه کتمان کنندگان است .

إلا الذین تابوا و أصلحوا و بینوا فأولئک أتوب علیهم

اهمیت تبیین حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۹ - ۵

۵- تبیین حقایق ، امری بس مهم و شایسته اقدام

لیتین لهم الذی یختلفون فیه

از

اینکه خداوند از جمله دلایل وقوع قیامت را تبیین حقایق معرفی می کند، نکته فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۳ - ۴

۴ - ضرورت تبیین و توضیح حقایق ، قبل از تهدید و انذار

قل أئنکم لتکفرون .. . فإن أعرضوا فقل أندرکم

اهمیت درک حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۴ - ۱۹

۱۹- انسان ، موظف به تلاش برای فهم حقایق هستی چون تسبیح و حمد موجودات برای خدا

لائفقهون تسبیحهم إنه کان حلیمًا غفورًا

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <إنه کان حلیمًا غفورًا> تهدید مشرکان به خاطر نیندیشیدن درباره تسبیح موجودات باشد. بنابراین، عبارت، اشعار دارد بر اینکه تلاش برای فهم حقایق عالم لازم است.

اهمیت درک حقایق اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۱۸

۱۸ خداوند ، خواهان درک عمیق انسان ها نسبت به حقایق اخروی

لو کانوا یفقهون

برداشت فوق مستفاد از به کارگیری کلمه <لو> که برای تمنی است می باشد.

اهمیت شناخت حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۹ - ۲۰

۲۰- تشویق و فراخوانی خداوند به تفکر و اندیشه در طبیعت برای شناخت حقایق الهی

إِن فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

اهمیت ظهور حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۹ - ۷

۷- آشکار شدن حق در امور اختلافی و برطرف شدن اختلاف ها ، از جمله حکمت های بعثت

و لقد بعثنا فی کلّ أمّة رسولاً .. لیبین لهم الذی یختلفون فیه

برداشت یاد شده بر این اساس است که <لام> تعلیل در <لیبین> تعلیل آیه <و لقد بعثنا فی کلّ أمّة رسولاً> باشد. فعل مضارع <یختلفون> که دلالت بر زمان حال می کند می تواند قرینه ای باشد بر اینکه تبیین در همین دنیا است.

بیان حقایق کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۵ - ۸

۸ - بیان حقایق کتاب های آسمانی ، موجب دستیابی به هدایت و مغفرت الهی است .

إن الذین یتقون .. أولئک الذین اشتروا الضلله بالهدی و العذاب بالمغفره

برداشت فوق از مفهوم آیه به دست می آید.

پوچ انگاری حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۶ - ۳

۳- جدی نگرفتن پیام های وحی و بازی انگاشتن حقایق ، در پی دارنده کیفری سخت و حتمی

بل هم فی شکّ یلعبون .. یوم نبطش البطشه الکبری إنا منتقمون

تبیین حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۵ - ۹

۹ قرآن ، روشن و روشنگر و بیان کننده حقایق است .

قد جاءکم من الله نور و کتب مبین

بنابر اینکه مراد از نور و کتاب، قرآن باشد. ارجاع ضمیر مفرد <به> در آیه بعد، این احتمال را تقویت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۱ - ۴

۴ عدم تبیین برخی حقایق از سوی خداوند ، به مصلحت جامعه انسانی است .

لاتسئلوا عن

اشیاء ان تبدلکم تسؤکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۰ - ۱۳

۱۳ بیانگر حق و پندآموز بودن و یادآور شدن حقایق و معارف الهی ، معیار ارزشمندی داستان ها و سرگذشت پیشینیان

جاءك في هذه الحق و موعظه و ذكرى للمؤمنين

تبیین حقایق بر محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۰ - ۸

۸ مطالب مطرح شده در سوره هود و بیان سرگذشت پیامبران در آن ، موجب بروز و ظهور حق برای پیامبر (ص)

و جاءك في هذه الحق

تحقیق از حقایق دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۳ - ۱۸

۱۸- لزوم کنکاش برای به دست آوردن ویژگی های انبیا و حقایق دین

فسئلوا أهل الذکر إن کنتم لاتعلمون

متعلق <لاتعلمون> محذوف است و به قرینه صدر آیه، می تواند انبیا و ویژگیهای آنان باشد و چون بحث از انبیا و عقیده به آن، از جمله معارف دینی است، می توان استفاده کرد که سایر مسائل دینی هم مشمول آن است.

تشبیه حقایق غیبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ معارف دین در زمینه مسائل و مصادیق < غیب > ، دارای مثال های عینی در جهان محسوس

و أحيينا به . . . كذلك الخروج

مسأله معاد از امور غیبی است؛ یعنی، حقیقت آن اکنون بر بشر نامعلوم است. ولی خداوند برای نزدیک کردن این معرفت غیبی به ذهن بشر، نمونه های مثالی از آن را در جهان طبیعت قرار داده

است تا راه درک آن را هموارتر سازد.

تعلیم روش کشف حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۳ - ۳

۳ خداوند ، در برابر مثل های باطل و توصیف های غیر واقعی کافران علیه پیامبر (ص) ، بهترین راه کشف حقیقت و تفسیر جریان حق و باطل را به آن حضرت ارائه می کرد .

و لا یأتونک بمثل إلا جئناک بالحقّ و أحسن تفسیراً

تکذیب حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۲ - ۷

۷- قلب ، مرکز پذیرش و یا انکار حقایق

فالدین لا یؤمنون بالأخره قلوبهم منکره

تمثیل در تبیین حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۲ - ۴

۴- بهره بردن از تمثیل در تبیین حقایق معنوی ، از روش های مورد استفاده قرآن است .

و اضرب لهم مثلاً رجلین

تنوع بیانی در تبیین حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۵ - ۲

۲ نقش مهم تنوع و گوناگونی بیان در تبیین حقایق

و كذلك نصرَف الأیت .. لنبینه لقوم یعلمون

تنوع در تبیین حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۹ - ۴

۴- تبیین حقایق و تفهیم آنها به توده های بشری ، نیازمند بهره گیری از بیان ها و شیوه های گوناگون است .

و لقد صرّفنا للناس فی هذا القرءان من کلّ مثل

تهمت کتمان حقایق به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - تصور وحی نبودن قرآن و تراوش آن از مغزی مجنون و یا شیطانی مطرود و پندار بخلورزی پیامبر (ص) در بیان حقایق ، کژاندیشی و گم کردن راه حقیقت است .

فأین تذهبون

ممکن است استفهام در آیه شریفه، ناظر به توهماتى باشد که مخالفان درباره قرآن و شخص پیامبر(ص) داشتند. در این صورت پرسش آیه این است که: فکر شما به کجا می رود و چه می پندارید؟! قرآن غیر آنچه گفته شد، نیست.

جایگاه درک حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۹ - ۷

۷ - قلب ، مرکز و جایگاه دریافت و شناخت حقایق است .

كذلك يطبع الله على قلوب الذين لا يعلمون

این که خداوند، از میان حواس و اعضای شناخت در انسان، تنها قلب را مطرح کرده که مُهر می خورد، حکایت از مرکزیت آن می کند و با از کار افتادن آن، بقیه، کارایی خود را از دست می دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۱ - ۳

۳ - قلب ، جایگاه رؤیت حقایق نامحسوس

ما کذب الفؤاد مارأی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۳ - ۱۰

۱۰ - دل آدمی ، مرکز درک و فهم حقایق و معارف الهی است .

فطبع على قلوبهم فهم لا یفقهون

جهل به حقایق آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۰ - ۷

۷ - بشر ، ناتوان از صعود کامل به تمامی آسمان ها و

دستیابی به همه حقایق عالم

فلیرتقوا فی الأسباب

<سبب> (مفرد <أسباب>) به معنای ریسمانی است که به وسیله آن فرد از درخت خرما و مانند آن بالا می رود و مقصود از آن می تواند وسیله صعود به آسمان ها باشد. برداشت یاد شده نیز مبتنی بر این احتمال است. گفتنی است: امر <لیرتقوا> در تعجیز به کار رفته است؛ یعنی، به دنبال وسیله های صعود بروید؛ ولی هرگز نمی توانید.

حقایق آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۴ - ۷

۷- وجود عالم برزخ و حیات برزخی ، از حقایق هستی است .

ولا تقولوا لمن یقتل فی سبیل اللّٰه أموت بل أحياء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶ - ۷

۷ جهان آفرینش ، افزون بر موجودات آشکار و شهودی ، دارای حقایق نهان و غیبی

یعلم السّرّ فی السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۶ - ۹

۹ - جهان هستی ، متشکل از حقایق غیبی و ناشناخته و امور محسوس و شناختنی

علم الغیب و الشّهده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۴ - ۳

۳ - خالقیت خداوند نسبت به انسان و جهان ، نشانه و دلیل احاطه علمی او به تمامی حقایق جهان و نیز راز دل ها و ضمیر

انسان ها است .

إِنَّهٗ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ . أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ

عبارت <ألا يعلم من خلق> در مقام تبیین چگونگی آگاهی خداوند، از راز دل ها و ضمیر انسان

ها است، یعنی، خداوند چون خالق و آگاه به خلق خویش است، پس به راز دل ها و نهان آدمیان آگاهی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۹ - ۲،۳

۲ - وجود پدیده ها و حقایق نادیدنی و شناخته نشدنی در جهان برای بشر

و ما لاتبصرون

۳ - جهان هستی، دارای پدیده ها و حقایق دیدنی و شناختنی و ناپیدا و ناشناختنی

فلا أقسم بما تبصرون . و ما لاتبصرون

حقایق تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۵ - ۱

۱ خداوند، بیانگر راستین حقایق تورات، در مورد خوردنی های حلال و حرام

كُلِّ الطَّعَامِ كَانَ .. قُلْ صَدَقَ اللَّهُ

حقایق غیبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۷ - ۶

۶- برپایی قیامت، از جمله امور غیبی آسمان ها و زمین است\$.

و لله غیب السموت و الأرض و ما أمر الساعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۸ - ۲،۶

۲ - وجود حقایق پنهان از دید انسان ها در آسمان ها و زمین

إِنَّ اللَّهَ عِلْمُ غَيْبِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

۶ - آگاهی خداوند به نیت ها و راز دل ها ، دلیل آگاهی کامل او از حقایق پنهانی تمامی جهان

إِنَّ اللَّهَ عِلْمُ غَيْبِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ عَلِيمُ بِذَاتِ الصُّدُورِ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که جمله <إِنَّهُ عَلِيمُ بِذَاتِ الصُّدُورِ> در مقام تعلیل برای <إِنَّ اللَّهَ عَالِمُ غَيْبٍ..> می باشد؛ یعنی، چون خداوند به

نیت ها و راز دل ها که پنهانی ترین امور جهان است آگاه می باشد، پس نسبت به امور غیبی جهان نیز آگاه خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۶ - ۲

۲ - زمان نزول عذاب ، شکست کافران و برپایی قیامت ، از امور غیبی و تنها در اختیار خداوند است .

حَتَّىٰ إِذَا آوَا مَا يُوعَدُونَ.. اقرب ما توعدون... علم الغیب

تعریف <الغیب> برای استغراق است؛ یعنی، تمامی امور و حقایق غیبی و <عالم الغیب> خبر برای مبتدای محذوف (هو) است. تعریف مسند و مسندالیه، مفید قصر می باشد؛ یعنی، تنها خداوند عالم به امور غیبی است. گفتنی است از مصادیق مورد نظر در امور غیبی به قرینه آیات پیشین مسأله برپایی قیامت، شکست کافران و نزول عذاب بر آنان است.

حقایق غیر قابل ادراک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۴ - ۵،۶

۵ - اندیشه ها ، از درك زنده بودن شهیدان ناتوان است .

بل أحياء و لكن لا تشعرون

۶ - وجود حقایقی در عالم ، فراتر از فکر و اندیشه آدمی

بل أحياء و لكن لا تشعرون

حقایق ناشناخته آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۹ - ۲،۳

۲ - وجود پدیده ها و حقایق نادیدنی و شناخته نشدنی در جهان برای بشر

و ما لا تبصرون

۳ - جهان هستی ، دارای پدیده ها و حقایق دیدنی و شناختنی و ناپیدا و ناشناختنی

فلا أقسم بما تبصرون . و ما لاتبصرون

حقایق نامرئی

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۰ - ۳

۳ - نیروی نگهدارنده آسمان ها (جاذبه) نمونه ای از حقایق موجود ، اما نامرئی برای بشر است .

بغیر عمد ترونها

قید < ترونها > می تواند احترازی باشد. در این صورت، عبارت اشعار دارد به این که نیرویی (ستون مانند) آسمان ها را نگه می دارد و لکن قابل مشاهده نیست.

حیا در تبیین حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۶ - ۴

۴ - شرم و حیا نباید آدمی را از بیان حقایق دینی باز دارد .

إن الله لا يستحي أن يضرب مثلا ما بعوضه

افعال خداوند از منبع لایزال علم و حکمت، صادر گردیده است و آنچه از افعال خداوند در قرآن بیان گردیده برای ما قابل تأسی است (جز مواردی که ممکن نیست مانند <خلق>). بر این اساس از جمله <لايستحيي> می توان این درس را گرفت که: در بیان حقایق نباید از چیزی شرم کرد.

خفای حقایق در دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۲ - ۱۶

۱۶- مخفی ماندن برخی از حقایق و مسائل مورد اختلاف انسان ها ، در دنیا

و ليبيّننّ لكم يوم القيمة ما كنتم فيه تختلفون

تردیدی نیست که حق در پاره ای از مسائل مورد اختلاف مردم در دنیا روشن است. بنابراین تبیین حقایق مورد اختلاف در قیامت، مربوط به مسائلی است که حق در آنها روشن نیست.

درک حقایق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کھف - ۱۸ - ۱۰۱ - ۸،۹

۸ - چشم های نابینا در برابر حق

، در قیامت ، شعله های آتش دوزخ را خواهد دید .

و عرضنا جهنم یومئذ للكفرین عرضاً . الذین كانت أعینهم فی غطاء عن ذکری

عرضه شدن جهنم بر کافران در قیامت و رویت آن، عقوبتی متناسب با بهره نبردن آنان از بینایی برای شناخت خداوند است، همانگونه که گوش ناشنوای آنان نیز صدای جهنم را درخواهد یافت، زیرا، عرضه جهنم، محدود به عرضه بصری نیست.

۹- گوش های عاجز از دریافت پیام های خداوند ، در قیامت ، شنوای صدای دوزخ خواهد بود .

و عرضنا جهنم . . . الذین ... کانوا لایستطیون سمعاً

دعوت به درک حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۴ - ۶

۶ خداوند ، فراخوان مردم به فهمیدن معارف و حقایق و توجه داشتن به آنها

أفلاتذکرون

متعلق <تذکرون> می تواند مطلق حقایق و معارف باشد و می تواند خصوص حقایقی باشد که در آیه مورد بحث بود. برداشت فوق براساس احتمال اول است. قابل ذکر است که استفهام در <أفلاتذکرون> به داعی امر و ترغیب ایراد شده است؛ یعنی، حقایق را بفهمید و بدانها توجه داشته باشید.

ذکر حقایق تاریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۱۱، ۱۰

۱۰ قضایای جنگ بدر و پیروزی مسلمانان در آن ، نعمتی بزرگ و شایسته و بایسته به یاد داشتن و شامل درسهایی از توحید

إذ یعدکم الله إحدى الطائفتین آنها لکم

مقصود از فرمان خداوند به یادآوری قضایای بدر، یادآوری حاکمیت خداوند بر عوامل طبیعی است. زیرا نیروی برتر و غیر قابل مقایسه مشرکان نسبت به مسلمانان اقتضا می کرد

که مشرکان پیروز شوند / ولی تقدیر خداوند بر این بود که پیروزی از آن مسلمانان باشد / و چنین شد.

۱۱ لزوم یادآوری حقایق آموزنده تاریخ

إذ يعدكم الله إحدى الطائفتين

روش اثبات حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۷ - ۷

۷- سؤال از وجدان و برانگیختن حس حق جویی ، وسیله ای برای هوشیاری و روشی در اثبات حقایق

أفمن یخلق کمن لا یخلق أفلاتندکرون

روش تبیین حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۶ - ۲،۳

۲ - خداوند ، در تبیین برخی حقایق ، حشره ای چون پشه و بزرگتر از آن را در مثل های قرآنی به کار برده است .

إن الله لا یستحی أن یضرب مثلاً ما بعوضه فما فوقها

گفتنی است که در لسان العرب آمده است: بعوض از خانواده مگسهاست و بعوضه مفرد آن است.

۳ - خداوند در تبیین حقیقت از تمثیل به حشره ای همانند پشه ، پروا و شرمی ندارد .

إن الله لا یستحی أن یضرب مثلاً ما بعوضه فما فوقها

<استحیاء> از <حیاء> به معنای خجالت کشیدن و شرم کردن است و <بعوضه> به معنای پشه می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۶

۶ طرح و بیان حقایق به شکل پرسش و پاسخ، از روشهای قرآن

قل لمن ما في السموت و الأرض قل لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۱۹

۱۹ طرح و بیان حقایق به صورت پرسش و پاسخ، از روشهای

قل أغیر الله .. قل إنی أمرت أن أكون أول من أسلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۹ - ۸

۸ طرح و بیان حقایق به شکل پرسش و پاسخ، از روشهای قرآن در تبلیغ و هدایت

قل ای شیء أكبر شهده قل الله شهید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۵

۵ بیان حقایق و معارف در قالب پرسش و پاسخ از روش های قرآن برای توجه دادن مردم به آن حقایق

قل من رب السموت و الأرض قل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۲۰

۲۰ خداوند برای تبیین حقایق مثل های فراوان می آورد .

كذلك يضرب الله الأمثال

ادات عموم مانند <کل>، <ال> جنس که بر جمع داخل شود و .. گاهی برای استغراق حقیقی است و گاهی حاکی از کثرت و فراوانی است که از آن به عموم عرفی تعبیر می شود. به نظر می رسد معنای دوم از <الأمثال> اراده شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۴ - ۱۳

۱۳- مردم، باید برای فهم و کشف حقایق به پیامبر اکرم (ص) مراجعه کنند .

فستلوا أهل الذکر إن کنتم لاتعلمون .. و أنزلنا إلیک الذکر لتبین للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۹ - ۴

۴- تبیین حقایق و تفهیم آنها به توده های بشری ، نیازمند بهره گیری از بیان ها و

شیوه های گوناگون است .

و لقد صرّفنا للناس فی هذا القرآن من کلّ مثل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۱۲

۱۲- تفهیم حقایق غیبی با بهره گیری از امور حسی ، سبکی مفید و اسلوبی قرآنی است .

أعثرنا علیهم لیعلموا .. أنّ الساعه لاریب فیها

آموختن حقایق معاد با نشان دادن بیداری اصحاب کهف پس از خوابی دراز مدّت، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۲ - ۴

۴- بهره بردن از تمثیل در تبیین حقایق معنوی ، از روش های مورد استفاده قرآن است .

و اضرب لهم مثلاً رجلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۵ - ۱

۱- پیامبر ، وظیفه دار استفاده از تمثیل برای بیان حقیقت زندگی دنیا و ناپایداری آن است .

و اضرب لهم مثل الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۴ - ۲

۲- آوردن مثال و نمونه ، از شیوه های بیانی قرآن و از روش های مناسب در تبلیغ و بیان حقایق است .

و لقد صرّفنا فی هذا القرآن للناس من کلّ مثل

برای <مَثَل> معانی متعددی از جمله: <شبیّه و نظیر> و <حدیث (کلام تازه)> و <ضرب المثل> و <صفت> ذکر شده

است. در آیه مورد بحث، به مناسبت <واضرب لهم مثلاً رجلین > در آیات قبل ظاهراً، مقصود، ذکر شییه و نظیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴

۵- بهره‌گیری از حوادث و نمونه‌های تاریخی به منظور قابل فهم کردن حقایق، روشی در تبلیغ و هدایت

و مثلاً من الذین خلوا من قبلکم

تردیدی نیست که یاد کردن حوادث و نمونه‌های تاریخی در قرآن، برای درک بهتر حقایقی است که خداوند در صدد بیان آنهاست. بنابراین می‌توان از این یادکرد، روش تبلیغ و هدایت مردم به حقایق را آموخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۶

۶- استفاده از تشبیه، برای بیان کردن حقایق، از روش‌های بیانی قرآن است.

و الذین کفروا أعملهم کسراب بقیعه .. إذا جاءه لم یجدہ شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۱ - ۱۴

۱۴- انتخاب ملموس‌ترین مثال، برای تبیین حقایق پیچیده و بلند آسمانی، شیوه بیانی قرآن کریم است.

ألم تر أن الله یسبّح له .. و الطیر صفت

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که در آیه شریفه، پرندگان از حیث قابل دسترس بودن و نوع پرواز و اندامشان، مورد تمثیل قرار گرفته‌اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۰ - ۴

۴ قرآن، حاوی دلایل گوناگون و همراه با اسلوب‌ها و شیوه‌های مختلف بیانی در ارائه حقایق به مردم

و لقد صرّفنه بینهم

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مرجع ضمیر مفرد غایب در <صرّفناه> به قرینه آیات متعددی که در این سوره، از جمله آیه

نخست و دو آیه بعد (و جاهد هم به جهاداً کبیراً) آمده است قرآن باشد. بر این اساس مقصود از <صرّفناه> یا تغییرات موجود در اسلوب بیانی و شیوه ارائه مطالب قرآن است یا مراد دلایل گوناگونی است، که قرآن بر اثبات ادعاهای خود آورده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۵ - ۸

۸ - طرح پرسش در احتجاج ، برای واداشتن طرف مقابل به اقرار به حق ، از روش های قرآن برای تبیین حقایق است .

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض ليقولنّ الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۱ - ۸

۸ - تبیین حقایق و معارف والا ، با بیانی ساده و همه فهم ، روش هدایتی قرآن

و الذی نزل . .. فأنشرنا به بلده میثاً کذلک تخرجون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۵ - ۶

۶ - روش وحی ، تبیین حقایق با منطق و دلیل روشن و نه الزاماً ارائه نمود های حسی

و إذا تتلی علیهم آیتنا بینت . .. قالوا اتوا بابائنا

از این که خداوند، پس از بیان دلایلی روشن، به درخواست مشرکان مبنی بر ارائه نمودهای محسوس ترتیب اثر نداده است، مطلب یاد شده قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۴ - ۲

۲ - لزوم استفاده از شیوه های مختلف تمثیلی و داستانی ، برای تفهیم حقایق به مردمان

إنّه لحقّ مثل ما أنکم تنطقون . هل أتیک حدیث ضیف إبرهیم

برداشت

یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند در آیه قبل، از تمثیل و در این آیه از بیان سرگذشت میهمانان گرامی ابراهیم(ع) در جهت حقانیت وعده های خویش بهره جسته است.

روش درک حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۹ - ۲۱

۲۱- تفکر و اندیشه‌ورزی در طبیعت ، از راه های خداشناسی و درک حقایق هستی است .

إِن فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۶ - ۱۰

۱۰ - اندیشه و فکر از راه های رسیدن به حقیقت است .

ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ

روش فهم حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۷

۷- پرسش و جستجو از حقیقت ، راهی برای درک آن است .

بکم ... فهم لایعقلون

روش کشف حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۳ - ۵

۵ تعالیم دین و قرآن ، حاوی بهترین راه کشف حقیقت و تفسیر درست جریان حق و باطل

إِلَّا جُنُكَ بِالْحَقِّ وَ أَحْسَنَ تَفْسِيرًا

زمینه تبیین حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۴ - ۷

۷ - استفاده از پرسش برای ایجاد ذهنیت مساعد جهت تفهیم حقیقت به مخاطب ، از روش های تربیتی قرآن کریم

قل من یرزقکم من السموت و الأرض قل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۲۱

گذشت زمان ، روشنگر برخی از حقایق و حل کننده بعضی از مشکلات ناپیدا برای بشر

فَطَلَّقُوهُنَّ لَعَدَّتِهِنَّ .. لا تَدْرِي لَعَلَّ اللّٰهَ يَحْدُثُ بَعْدَ ذٰلِكَ اَمْرًا

برداشت یاد شده، از آن جا است که در فرصت عده، حقایقی همچون بدی ها و ضررهای جدایی و تنهازیستی روشن می شود و نیز همسران به عیب های خویش پی می برند و همین موجب رجوع و بازگشت به زندگی مشترک و حل مشکل طلاق گردد.

زمینه درک حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۵ - ۹

۹- حق شنوی ، زمینه درک حقایق

إِن فِي ذٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَّسْمَعُونَ

زمینه فهم حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳ - ۲

۲- بیداردلی و هوشمندی ، زمینه لازم برای فهم صحیح حقایق الهی و اثرپذیری از وحی و کتاب های آسمانی

مَا يَأْتِيهِمْ .. لَاهِيَةً قُلُوبِهِمْ

زمینه محرومیت از درک حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۶ - ۲

۲ - مصروف داشتن همه تلاش های علمی و فکری در امور دنیایی در پی دارنده خطر محروم شدن از درک حقایق اخروی

بَلْ اَدْرٰكٌ عَلٰمِهِمْ فِي الْاٰخِرَةِ

کافران بدان علت از فهم و درک امور اخروی ناتوان شدند که تمام توان علمی خود را خرج دنیایشان کردند.

سوگند برای اثبات حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳ - ۳

۳ - سوگند بر اثبات و یا تأکید مطلب حق ، امری مجاز

و القرءان الحکیم . إنک لمن المرسلین

برداشت یاد شده، از

سوگند خداوند بر اثبات و تأکید راستی رسالت پیامبر اسلام (ص) استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۳ - ۷

۷ - جواز سوگند برای اثبات مطالب حق و حقوق مسلم

و الصفت صفاً . فالزجرت زجراً . فالتلت ذكراً

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند برای اثبات توحید الهی، سه بار سوگند یاد کرده است. این سوگند، می تواند دلیل پسندیدگی و جواز آن برای بشر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱ - ۵

۵ - سوگند برای اثبات و یا تأکید مطلب حق ، جایز است .

و القرءان ذی الذکر

از سوگند خداوند برای اثبات راستی رسالت پیامبر (ص) و الهی بودن قرآن، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۴ - ۵

۵ - مشروعیت و پسندیده بودن سوگند ، برای اثبات حق

قال فالحقّ و الحقّ أقول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۶ - ۶

۶ - جواز سوگند برای اثبات حقیقت ، پس از اثر نداشتن دلایل و براهین روشن

و إنّه لقسم لو تعلمون عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۴ - ۳

۳ - جواز سوگند ، برای اثبات حقیقت

و القمر . . . و الصبح إذا أسفر

از سوگند خداوند، جواز آن برای بشر استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۵ - ۶

- ۶

سوگند برای اثبات و یا تأکید مطلب حق ، جایز است .

و المرسلت عرفاً .. فالملقیت ذکرًا

از سوگندهای خداوند، برای اثبات تحقق وعده خویش (برپایی قیامت)، مطلب یاد شده استفاده می شود.

سوگند به حقایق آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۸ - ۱

۱ - سوگند مؤکد خداوند ، به تمامی پدیده ها و حقایق دیدنی و شناختنی جهان هستی

فلا أقسم بما تبصرون

درباره <لا> در <لأقسم> و امثال آن، مفسران توجیحات چندی ذکر کرده اند؛ از جمله این که <لا> زاید و برای تأکید <أقسم> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۹ - ۱

۱ - سوگند مؤکد خداوند ، به تمامی پدیده ها و حقایق ناشناخته و دیده نشده جهان هستی

فلا أقسم بما .. و ما لاتبصرون

سوگند در اثبات حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۳ - ۴

۴ > سوگند به خدا < برای اثبات حقایق سرنوشت ساز جامعه ، مشروع است .

قل ای و ربی إنه لحق

شرایط درك حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۹ - ۱۹

۱۹- تفکر و اندیشیدن ، شرط درک صحیح حقایق و بهره گیری از آیات الهی است .

إِن فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

ظهور حقایق پس از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۴ - ۸،۹

۸ با فرارسیدن مرگ، مشرکان بر پوچی پندار خویش در مورد شفاعت معبودهای خود پی

خواهند برد.

و ما نرى معكم شفعاء کم الذین زعمتم أنهم فیکم شرکؤا .. و ضل عنکم ما کنتم تزعمون

در لسان العرب آمده که یکی از معانی <ضل>، پنهان و غایب شد است. بنابراین معنی جمله <و ضل عنکم ... >، یعنی آنچه را شما می پنداشتید پس از مرگ شفاعت شما را خواهند کرد، غایب و پنهان گشته اند.

۹ چشمان آدمی با مرگ به روی حقایق گشوده خواهد شد.

و ضل عنکم ما کنتم تزعمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۷ - ۵

۵ لحظه مرگ ، زمان ملاقات انسان با خدا و آشکار شدن حق برای اوست .

یوم یلقونه

مراد از <یوم یلقونه > می تواند مرگ باشد و همچنین می تواند قیامت باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

ظهور حقایق در آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۹ - ۶

۶- جهان آخرت ، روز عیان شدن سود و زیان واقعی انسان

لاجرم أنهم فی الآخره هم الخسرون

تذکر به خسران اخروی کافران و تأکید بر آن، می تواند ناظر به این باشد که دنیا مجال بروز همه خسرانها نیست و این آخرت است که زیان زیانکاران را حتماً نمایان خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵ - ۵

۵ - جهان آخرت ، صحنه آشکار شدن سود و زیان انسان ها

و هم فى الآخره هم الأخرىون

ظهور حقایق در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۱۴

بهشتیان حقانیت رسالت و وعده های پیامبران را درمی یابند و با سوگند آن را بازگو می کنند .

لقد جاءت رسل ربنا بالحق

ظهور حقایق در دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۹ - ۴

۴- ظهور کامل حقیقت امور اختلافی ، در دنیا امکان پذیر نیست .

بلی وعدًا علیه حقًا .. لیبین لهم الذی یختلفون فیه

با اینکه برای خداوند امکان تبیین حقایق در دنیا هم وجود دارد، اما از جمله دلایل وقوع حتمی قیامت را ظهور حقایق در آن معرفی می کند و این نشان دهنده آن است که علت فاعلی تبیین حقایق، مشکل ندارد؛ بلکه ظرف، قابلیت چنان امری را دارا نیست.

ظهور حقایق در رؤیای محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۰ - ۱۴، ۱۱، ۹

۹- برخی حقایق ، برای پیامبر (ص) در عالم رؤیا ، نمایانده و کشف می شد .

و ما جعلنا الرؤیا التي أرينك إلا فتنة للناس

۱۱- حقیقتی که پیامبر (ص) در عالم رؤیا دید ، با اراده و خواست خداوند بود .

و ما جعلنا الرؤیا التي أرينك

۱۴- ارائه حقایقی در عالم رؤیا به پیامبر (ص) ، جلوه ای از احاطه علمی خداوند است .

إن ربك أحاط بالناس و ما جعلنا الرؤیا التي أرينك إلا فتنة للناس

ظهور حقایق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حقایق ، در پرتو داوری خداوند در قیامت ، بر همگان آشکار می شود .

فَاللّٰهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ

القيمه فيما كانوا فيه يختلفون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۵ - ۲۴

۲۴ - قیامت ، روز ظهور و بروز قدرت مطلق خدا و آگاهی همگان به نبود قدرت برای غیر اوست .

إذ يرون العذاب أن القوه لله جميعاً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۶ - ۵

۵ - قیامت ، روز آگاهی مشرکان تابع و دنباله رو از گمراهی پیشوایان و بزرگان خویش

إذ تبرأ الذين اتبعوا من الذين اتبعوا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۷ - ۸

۸ - صحنه قیامت ، صحنه مشاهده اعمال دنیوی و دیدن نتایج آن است .

كذلك يريهم الله أعمالهم حسرت

فعل <یری> می تواند از رؤیت به معنای دیدن با چشم باشد. بر این مبنا معنای جمله <كذلك...> چنین می شود: خداوند اعمال مشرکان (و یا نتایج اعمالشان) را به آنان نشان خواهد داد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۲ - ۱۳

۱۳ قیامت ، روز ظهور برتری تقواییشان بر کافران و روز ظهور ارزش های حقیقی

و الذين اتقوا فوفهم يوم القيمه

چون برتری مؤمنان تقوایشه در دنیا نیز حتمی است ، بنابراین <يوم القيمه>، ظرف ظهور این برتری خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹ - ۷

۷ قیامت ، روز رسیدن همگان به یقین و برجیده شدن هر گونه تردید

لیوم لا ریب فیه

مراد از جمله <لا ریب فیه> می تواند این معنا

باشد که در آن روز شکی وجود ندارد و آن روز، روز یقین است. نه اینکه در وقوع و تحقق روز قیامت شکی نیست چنانچه در برداشت قبلی آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۵ - ۶،۷

۶ قیامت ، روز رسیدن همگان به یقین و برجیده شدن هر گونه تردید

لیوم لا ریب فیه

مراد از جمله <لا ریب فیه> می تواند این معنا باشد که در آن روز شکی وجود ندارد و آن روز، روز یقین است؛ نه اینکه در وقوع و تحقق روز قیامت شکی نیست، چنانچه در برداشت قبل آمده است.

۷ همه حقایق در قیامت ، مکشوف و یقینی است .

لیوم لا ریب فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۰ - ۱

۱ تجلی علم و قدرت حق ، در روزی که هر کس کردار خویش را حاضر می یابد .

قل ان تخفوا .. یعلمه الله ... و الله علی کل شیء قدیر. یوم تجد کل نفس ما عملت

بنابراینکه <یوم تجد>، ظرف برای <یعلمه الله> و <قدیر> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۵ - ۸

۸ آخرت ، عرصه ظهور واقعی نتایج عقاید و اعمال

و من یتغ .. و هو فی الاخره من الخاسرین

قید <فی الاخره>، نفی زیان در دنیا نیست؛ لذا حمل بر ظهور زیان در آخرت می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

قیامت ، عرصه آشکار شدن اعمال انسان ها در چهره های آنان

یوم تَبْيُضُّ وُجُوهُ وُجُوهُ وُتَسْوَدُّ وُجُوهُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۱ - ۷

۷ تجسم رفتار ناپسند خیانتکاران در روز رستاخیز

و من یغلل یأت بما غلّ یوم القیمه

برخی برآنند که مراد از <ما غلّ>، آن مالی که در دنیا مورد خیانت واقع شده، نیست؛ بلکه گناه خیانتکاری در قیامت تجسم می یابد و خیانتکار همراه آن گناه مجسم در صحنه قیامت حاضر می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۰ - ۱۹،۲۹

۱۹ قیامت ، صحنه ظهور خیر و شرّ واقعی

و لا یحسبنّ . . . هو شرّ خیراً لهم بل هو شرّ سیطوّقون ... یوم القیمه

۲۹ آویخته شدن اموال مانعان زکات به گردنشان در قیامت ، به صورت اژدهایی از آتش

سیطوّقون ما بخلوا به یوم القیمه

از امام صادق (ع) درباره <سیطوّقون ما بخلوا به .. > سؤال شد، آن حضرت فرمود: ما من احد یمنع من زکاه ماله شیئاً الا جعل الله عزوجلّ ذلک یوم القیمه ثعباناً من نار مطوّقاً فی عنقه.

کافی، ج ۳، ص ۵۰۲، ح ۱؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۱۴، ح ۴۴۹ و ۴۵۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۲ - ۱۰،۹

۱ نیستی و نابودی ، آرزوی کافران و عصیانگران بر پیامبر (ص) ، در قیامت

یومئذ یوّد الذین کفروا و عصوا الرسول لو تسوّی بهم الارض

<لو> در <لو تسوّی> به معنای لیت (ای

کاش) است، و جمله <لو تسوی .. > کنایه از هیچ و پوچ شدن است.

۹ مردم در قیامت ، هیچ حقیقتی را از خداوند پنهان نخواهند ساخت .

و لا یکتُمون اللّٰه حدیثاً

بنابر اینکه جمله <و لا یکتُمون > عطف بر <یودّ > باشد، نه عطف بر <تسوی >.

۱۰ قیامت ، روز بروز نهفته های درونی انسان

و لا یکتُمون اللّٰه حدیثاً

بر این مبنا که جمله <و لا یکتُمون > عطف بر <یودّ > باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۴ - ۲۰

۲۰ آگاه شدن امت ها از کرده های خویش در قیامت

إلی یوم القیمه و سوف ینبئهم اللّٰه بما کانوا یصنعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۶ - ۴

۴ قیامت ، صحنه بروز کارساز نبودن ثروت دنیا برای زراندوزان بی ایمان

إِنَّ الذّٰین کفروا لو أنّ لهم ما فی الارض جمیعاً و مثله معه .. ما تقبل منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۶ - ۱۳

۱۳ صحرای محشر عرصه حسابرسی مردم برای تعیین میزان پایبندی آنان به احکام الهی

احل لکم .. حرم علیکم صید البر ما دتمم حرماً و اتقوا اللّٰه الذی إلیه تحشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ قیامت، روز ظهور حقایق و از بین رفتن هر گونه تردید

ليجمعنكم إلى يوم القيمة لا ريب فيه

مرجع ضمیر <فیه> می تواند <یوم القیامه> باشد، یعنی قیامت ظرف تردید نیست و در آن روز تردید از

آدمی رخت بر می بندد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۲ - ۷،۱۱

۷ قیامت، روز استهزای مشرکان و نمایاندن ناتوانی و بطلان خدایان دروغین آنهاست.

و یوم نحشهرهم جمیعا ثم نقول للذین أشركوا این شرکاءکم الذین کنتم تزعمون

۱۱ قیامت، روز ظهور حقانیت توحید، حتی برای مشرکان

ثم نقول للذین أشركوا این شرکاءکم الذین کنتم تزعمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۳ - ۴،۷

۴ قیامت، روز رسوایی مشرکان و آشکار شدن بطلان عقاید شرک آلود آنان

ثم لم تکن فتنتهم .. و الله ربنا ما كنا مشرکین

۷ قیامت، صحنه بروز ملکات و خصلتهای تثبیت شده و پنهان آدمی

و الله ربنا ما كنا مشرکین

مشرکان در قیامت دروغ می گویند، حال آنکه برای آنان فایده ای ندارد. دلیل این کار، به فرموده صاحب المیزان، رسوخ خصلت دروغگویی در آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۴ - ۳،۴،۶

۳ ظهور بطلان شرک و پوچی معبودهای دروغین در قیامت

و ضل عنهم ما كانوا یفترون

از کاربردهای فعل <ضل> جایی است که چیزی از بین رفته است و باطل شود. در لسان العرب آمده است: <ضل الشيء إذا

ضاع>

۴ ظهور بی پایگی و پوچی عقیده شرک در قیامت، صحنه ای در خور تأمل و درس آموز

انظر كيف كذبوا على أنفسهم و ضل عنهم ما كانوا يفترون

۶ قیامت، روز تجلی حقایق و از میان رفتن پرده های اوهام است.

و ضل عنهم ما كانوا يفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ قیامت، هنگامه ظهور زیانکاری منکران معاد و ملاقات پروردگار است.

حتى إذا جاءتهم الساعة بغتة قالوا يحسرتنا على ما فرطنا فيها

منادا قرار گرفتن حسرت، گویای مشهود و عیان بودن آن در صحنه قیامت است. به گونه ای که مورد <نداء> قرار می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۶ - ۸

۸ تکذیب کنندگان پیامبر(ص)، حقانیت آن حضرت و دعوت او را در قیامت درمی یابند.

إنما يستجيب الذين يسمعون و الموتى يبعثهم الله

مراد از <الموتی> در آیه، به قرینه جملات قبل، کسانی هستند که به دعوت پیامبر(ص)، پاسخ مثبت نمی دهند، جمله <يبعثهم الله>، گذشته از اینکه خبر بعثت قیامت است، کنایه از این مطلب است که خداوند این مرده دلان را برخواهد انگیخت تا حقانیت دعوت پیامبر(ص) و وعده های آن حضرت را دریابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۰ - ۱۶، ۱۴

۱۴ خداوند در قیامت آدمیان را به کردارهای دنیویشان آگاه می کند.

ثم إليه مرجعكم ثم ينبئكم بما كنتم تعملون

۱۶ قیامت، روز بروز حقیقت اعمال دنیوی آدمیان است.

ثم إليه مرجعكم ثم ينبئكم بما كنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۳ - ۱۱، ۱۰

۱۰ روز دمیده شدن در صور، مالکیت مطلق و حاکمیت انحصاری خداوند، ظهور خواهد یافت.

و له الملك يوم ينفخ في الصور

>له الملك < بیانگر انحصار ملک در روز نفخ صور برای خداوند است. و چون این مالکیت اکنون نیز وجود دارد، بنابراین مفاد حصر، ظهور

این مالکیت در آن روز به گونه ای که جای هیچ انکار برای کسی نماند، است.

۱۱ تمامی مالکیتها و حاکمیت‌های اعتباری در روز نفخ صور از میان خواهد رفت.

و له الملك يوم ينفخ في الصور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۸ - ۱۷، ۱۹

۱۷ بازگشت همگان به سوی خداوند و آگاهی یافتن آنان از حقیقت کرده های خویش در قیامت، پرتوی از ربوبیت الهی است.

ثم إلى ربهم مرجعهم فينبئهم بما كانوا يعملون

۱۹ قیامت روز ظهور و برملاشدن اعمال آدمی و حقیقت آن است.

كذلك زينا لكل .. فينبئهم بما كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۱۵

۱۵ گمراهان پیرو شیطانها در قیامت بر کفرورزی خویش در دنیا آگاهی می یابند. *

و شهدوا على أنفسهم أنهم كانوا كافرين

<شاهد> عالمی است که آنچه را دریافته بیان می کند. (لسان العرب). لذا اگر <شهدوا> به معنای شهادت دادن باشد، لازمه آن آگاهی فرد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۵ - ۴

۴ کافران در روز قیامت در خواهند یافت که فرجام نیک از آن مؤمنان است.

فسوف تعلمون من تكون له عقبه الدار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- انعام - ۶ - ۱۵۹ - ۱۰

۱۰ خداوند در قیامت خلفکاران را به اعمال ناپسندشان آگاه خواهد ساخت.

ثم ینبئهم بما كانوا یفعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- انعام - ۶ - ۱۶۴ - ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳

۱۰ خداوند آگاه

کننده مردم به حقانیت معارف دین در قیامت

ثم إلى ربكم مرجعكم فينبئكم

۱۱ قیامت روز آگاهی عینی همگان به حقیقت معارف دین*

فینبئکم بما کنتم فیه تختلفون

روشن است که خداوند در دنیا حقانیت مسائل مورد اختلاف میان اهل ایمان و شرک را بیان کرده است. بنابراین می توان گفت خبر دادن <فینبئکم>، کنایه از کیفر دهی است، و یا مراد از آن آگاهی ویژه، یعنی آگاهی عینی و ملموس است. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

۱۲ مشرکان در قیامت به حقانیت معارفی که بر سر آن با اهل ایمان اختلاف داشتند، پی خواهند برد.

فینبئکم بما کنتم فیه تختلفون

۱۳ قیامت ظرف ظهور و انکشاف ربوبیت مطلق خدا برای همگان

أغیر الله أبغی ربا و هو رب کل شیء .. فینبئکم بما کنتم فیه تختلفون

از مصادیق مورد نظر برای <ما کنتم فیه تختلفون>، به دلیل <أغیر الله أبغی ربا>، ربوبیت خداوند بر هستی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۹ - ۱

۱ قیامت روز ظهور و بروز خسارت و زیانکاری تکذیب کنندگان آیات خداوند است.

و من خفت موزینه فأولئک الذین خسروا أنفسهم بما كانوا بآیتنا یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۱۱، ۴، ۳، ۲

۲ قیامت، روز تأویل و بروز حقایق مطرح شده در قرآن

هل ینظرون إلا تأویله یوم یأتی تأویله

مراد از <یوم> به دلیل فرازهای بعد روز قیامت است.

۳ کافران مورد سرزنش خداوند به خاطر باور نکردن حقانیت قرآن جز با آمدن قیامت

هل ينظرون إلا تأويله يوم يأتي تأويله

۴ منکران قیامت با

برپایی آن به درستی و راستی گفتار انبیا درباره معاد پی خواهند برد و بدان اعتراف خواهند کرد .

یوم یأتی تأویلہ یقول الذین نسوه من قبل قد جاءت رسل ربنا بالحق

ضمیر مفعولی در <نسوه> می تواند به <کتب> در آیه قبل برگردد. بر این مبنا <ال> در <الحق> جنسیه است و مراد از آن حقانیت رسالت انبیاست. و نیز می تواند آن ضمیر به <یوم یأتی تأویلہ>، که همان روز قیامت است، برگردانده شود. در این صورت <ال> در <الحق> عهدیه است و اشاره به حقانیت روز قیامت دارد. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است.

۵ منکران حقانیت قرآن ، در روز قیامت و بروز حقایق قرآن ، به حقانیت رسالت پیامبران اعتراف خواهند کرد .

یوم یأتی تأویلہ یقول الذین نسوه من قبل قد جاءت رسل ربنا بالحق

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر مفعولی در <نسوه> به <کتب> در آیه قبل برگردانده شود.

۱۱ کافران به قرآن ، در قیامت ، اندیشه ها و باور های خودبافته و مخالف تعالیم دین را سرابی بر باد رفته خواهند دید .

ضل عنهم ما كانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۲ - ۱۴

۱۴ آدمی در قیامت به علم حضوری درمی یابد که خداوند پروردگار اوست .

إنا كنا هذا غفلین

اشاره به ربوبیت خدا با کلمه <هذا> گویای آن است که انسان در قیامت خود را در پیشگاه خداوند حاضر می یابد. یعنی علم حضوری و شهودی به او پیدا می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴

۲۱ قیامت ، روز حضور انسان در برابر خدا و آگاه شدن او از تمامی کرده هایش و نیز روز محاکمه و تعیین سرنوشت

ثم تردون إلى علم الغيب والشهده فينبئكم بما كنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۵ - ۱۰

۱۰ باخبر شدن انسان ها در قیامت از حقیقت و بازتاب اعمال دنیوی خویش

فینبئکم بما کنتم تعملون

مراد از <ما کنتم تعملون> می تواند ظاهر اعمال نباشد ؛ چه اینکه انسانها از ظاهر اعمال خویش باخبرند و آنچه را نمی دانند، حقیقت اعمالشان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۰ - ۹

۹ قیامت ، روز ظهور مولویت و مالکیت به حق و پروردگاری بی همتای خداوند و بر ملا شدن بطلان اندیشه مولویت و ربوبیت غیر او برای شرک پیشگان

و یوم نحشرهم جميعاً .. و ردوا إلى الله مولیهم الحق و ضل عنهم ما كانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۱۶

۱۶ قیامت ، روز تمایز مؤمنان راستین از مدعیان دروغین

بل نزنکم کذبین .. إنهم ملقوا ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۵ - ۲

۲ روز قیامت ، روز بروز و ظهور حاکمیت مطلق خداوند بر بندگان

یوم یأت لاتکلم نفس إلا بإذنه

از آن جا که در دنیا هیچ فعل و انفعالی صادر نمی شود مگر اینکه اذن خدا را همراه دارد ، می توان گفت مقصود از
>لاتکلم نفس

إلا ياذنه > این است که: در آخرت این حقیقت برای همگان مکشوف می شود و انسانها آن را لمس خواهند کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۵،۶

۵- در قیامت ، حقانیت وعده خداوند در حتمیت وقوع آن و کذب بودن وعده شیطان در عدم وقوع آن آشکار خواهد شد .

و برزوا لله جميعًا فقال الضعفوا .. قال الشيطان ... إِنَّ الله وعدكم وعد الحق و

۶- قیامت ، روز بروز و ظهور حقیقتها

و برزوا لله جميعًا .. سواء علينا أجزعنا أم صبرنا ... إِنَّ الله وعدكم وعد الحق و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۸ - ۹

۹- ظهور و بروز حقیقت انسان و نهان و آشکار وی به هنگام حضور در پیشگاه خداوند در روز رستاخیز

يوم تبدل الأرض .. و برزوا لله الواحد القهار

یکی از معانی <بروز> کشف و ظهور حقیقتی است که قبلاً پنهان و در خفا بوده است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۱ - ۷

۷- کیفر دادن خداوند در قیامت ، عینیت یافتن رفتار خود آدمی و آینه تمام نمای آن است .

ليجزى الله كل نفس ما كسبت

آمدن جمله <ما کسبت> به جای <بما کسبت> (در مقابل کسب و تلاش)، می تواند مشعر به این حقیقت باشد که میان

کیفرهای الهی و رفتار آدمی وحدت کامل وجود داد و بلکه می توان گفت که عین یکدیگرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵

۴- قیامت ، روز کشف حقایق و روشن شدن حق و باطل است .

الذین يجعلون مع الله إلهًا آخر فسوف يعلمون

برداشت فوق مبتنی بر این نکته است که زمان <دانستن>، روز قیامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۷ - ۸

۸- در قیامت ، پوچی و بطلان خدایان مشرکان برملا می شود .

يقول أين شركاءى الذين كنتم تشقون فيهم

از اینکه خداوند در قیامت در مؤاخذه مشرکان، از آنها می پرسد: خدایان ادعایی تان کجاست؟ و آنان جوابی نمی دهند، حکایت از آشکار شدن پوچی معبودهای مشرکان می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۱۳

۱۳- کافران پس از مرگ ، به حقایقی دست می یابند و از اعمال گذشته خود نگران می شوند .

الكفرین . الذین تتوفهم الملائكة ظالمی أنفسهم ... ما كنّا نعمل من سوء

از اینکه کافران پس از مرگ، بی آنکه حرفی زده شود، به دفاع از خود می پردازند و منکر کارهای زشت خود می شوند، به دست می آید که آنان به چیزهایی از جمله به وضعیت بد خود و اینکه کردارشان باعث گرفتار شدن آنان به عذاب می شود، دست می یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۹ - ۱،۲،۳،۴،۸

۱- خداوند ، انسان ها را پس از مرگ زنده می کند تا حقایق را برای آنان تبیین نماید .

بلى وعدًا عليه حقًا . . . ليبين لهم الذى يختلفون فيه

۲- ظهور حقیقت امور اختلافی ، از دلایل زنده شدن انسان

ها در قیامت است .

بلی وعدًا علیه حقًا . .. لیبئن لهم الذی یختلفون فیه

۳- قیامت ، روز ظهور حقایق

بلی وعدًا علیه حقًا . .. لیبئن لهم الذی یختلفون فیه

۸- آگاهی یافتن کافران بر دروغ گویی خویش ، از جمله دلایل احیای مجدد انسان ها در قیامت

بلی وعدًا علیه حقًا . .. و لیعلم الذین کفروا أنهم کانوا کذبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۴ - ۵

۵- قیامت ، روز آشکار شدن اعمال ، انگیزه ها و ماهیت همه انسانها

و یوم نبعث من کلُّ أمَّه شهیدًا

برداشت فوق از آن جاست که با گواهی دادن گواهان، پرده از تمامی اعمال، انگیزه ها و .. انسانها که تا روز قیامت از منظرها پنهان بود برداشته خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۲

۲- لزوم توجه انسان ها ، به حقایقی که ناگزیر در قیامت با آن رو به رو خواهند شد .

و یوم نبعث فی کلِّ أمَّه شهیدًا

مقصود از <یوم> روز قیامت است، توصیه خداوند به یادآوری این روز که از امر <اذکر> مقدر به دست می آید، حاکی از مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۲ - ۱۲

۱۲- خداوند ، تحقیقاً حقایق مورد اختلاف انسان ها را در قیامت ، بیان خواهد کرد .

و ليبيّن لكم يوم القيمة ما كنتم فيه تختلفون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٠ - كهف - ١٨ - ٤٨ - ١٢

١٢ - منكران معاد ، يا مشاهده

حضور خود در صحنه قیامت ، به عمق نادرستی پندار خویش پی می برند .

بل زعمتم ألن نجعل لكم موعدًا

تعبیر <بل زعمتم..> در حقیقت، بازگو کننده حال کسی است که علی رغم باور خویش، خود را در صحنه قیامت می بیند و از این جهت شرمسار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۲ - ۹

۹- در قیامت ، کارآمد نبودن معبودان مشرکان و بطلان شرک ، آشکار خواهد شد .

فدعوهم فلم يستجيبوا لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۵ - ۴

۴- قیامت ، روز فرو افتادن همه حجاب ها و یقین آدمیان به خداوند یکتا است .

أعينهم في غطاء .. كفروا بأيت ربهم و لقاءه

مقصود از لقای پروردگار، مسلماً برخورد حسی نیست (لاتدرکه الأبصار) بلکه مقصود، آن است که آدمی، در قیامت، به حقایق یکتایی خداوند پی خواهد برد، گرچه کافران، چنین ملاقاتی را منکر باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۱۰ - ۱۱

۱۱- قیامت ، روز لقای پروردگار و مشاهده نمود های روشن وی است .

فمن كان يرجو لقاء ربه

مسلم است که مراد از لقای پروردگار، برخوردی حسی با او نیست؛ چون، چنین امری هم از نظر عقل و هم از نظر متون دینی، محال است (لاتدرکه الأبصار). بنابراین، به قرینه <فليعمل عملاً صالحاً>، مراد از لقای پروردگار، مواجه شدن با رضایت و پاداش های او در روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۷

۶- در قیامت ، گواہانی بر بطلان پندار فرزند ی عیسی (ع) برای خداوند شهادت خواهند داد .

فویل للذین کفروا من مشہد یوم عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۸ - ۲،۴

۲- قیامت ، روز ظهور و بروز حقایق است .

أسمع بهم و أبصر یوم یأتوتنا

۴- روبه رو شدن با حقایق و درک و لمس آن ، از جمله عذاب های کافران در روز قیامت است .

فویل للذین کفروا من مشہد یوم عظیم . أسمع بهم و أبصر یوم یأتوتنا

در آیه قبل ، دشواری و سنگینی روز قیامت برای کافران مطرح گردید. دراین آیه یکی از عوامل آن دشواری ها مطرح گردیده که همان درک و فهم حقایق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۲۰

۲۰- قیامت ، روز ظهور حقایق

و إنا الساعه فسیعلمون من هو شرّ مکاناً و أضعف جنداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۲ - ۲،۷

۲- معبود های مشرکان در قیامت ، بطلان و بیهودگی عبادت های مشرکان را برملا کرده و از آن براءت خواهند جست .

سیکفرون بعبادتهم و یکنونون علیهم ضدّاً

در مورد ضمیرهای موجود در آیه ، احتمالاتی ذکر شده است ، از جمله آن که ضمیر <یکفرون> و <یکنونون> به <ءالهه> باز می گردد و ضمیر <بعبادتهم> و <علیهم> به مشرکان. برداشت یاد شده مبتنی براین وجه است. گفتنی است که

< کفر > در معانی مختلفی از جمله انکار و براءت استعمال شده است (لسان العرب). در این آیه نیز به قرینه < و یکنونون

عليهم ضدًّا > به معنای برائت جستن و سلب مسؤولیت است.

۷- قیامت ، روز ظهور حقایق و بطلان شرکورزی و بروز ناتوانی معبود های ساختگی مشرکان از عزت بخشیدن به آنها

لیکونوا لهم عَزًّا .. سیکفرون بعبادتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۶ - ۴

۴- قیامت ، روز ظهور تفاوت وضعیت مجرمان و متقین

یوم نحشر .. و نسوق المجرمین إلی جهنم وردًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۰ - ۴

۴ - قیامت ، روز ظهور اعمال دنیوی انسان است .

من أعرض عنه فإنه یحمل یوم القیمه وزرًا

<وزر>، به معنای بار سنگین است و به گناه از آن جهت که بار سنگینی بر دوش گنه کار است، <وزر> اطلاق می گردد (مفردات راغب). <حمل وزر> حاکی از آن است که در قیامت، گناه به صورت باری بر دوش گناهکار ظهور خواهد یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۴ - ۷

۷ - ملکات و تفاوت های انسان ها ، در قیامت نیز بروز و ظهور خواهند داشت .

إذ یقول أمثلهم طریقه

<أمثلهم طریقه> بیانگر خصلت شخصی است که نظریه <یک روز> را مطرح ساخته است. حدوث این خصلت برای وی در آخرت بعید به نظر می رسد. بنابراین باید گفت این ویژگی، بروز و ظهور ملکاتی است که در دنیا برای او تحصیل شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - ظهور حاکمیت مطلق خداوند ، در قیامت

یومئذ یتبعون الداعی

قیامت ، روز تجلی و ظهور رحمانیت خداوند

و خشعت الأصوات للرحمن

<رحمان> یعنی، دارای رحمت گسترده و فراگیر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۴ - ۷

۷ - حقایق در قیامت ، آشکار خواهد شد .

و نحشره يوم القيمة أعمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۵ - ۵،۱۰

۵ - آدمیان در قیامت ، کمبود ها و کاستی های خویش را درک و احساس خواهند کرد .

قال ربّ لم حشرتنی أعمی

۱۰ - انسان در قیامت ، به خاطرات زندگانی خود در دنیا و ویژگی های جسمی خویش در آن دوران آگاه خواهد بود .

قال ربّ لم حشرتنی أعمی و قد كنت بصیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۷ - ۷

۷ - اعمال آدمیان حتی خُردترین آنها در روز قیامت ، حضور و بروز پیدا خواهند کرد .

و إن كان مثقال حَبَّة من خردل أتینا بها

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که از عبارت <أتینا بها> معنای ظاهری آن اراده شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۷ - ۵

۵- قیامت ، روز داوری و تمیز حق از باطل و سره از ناسره

إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۳ - ۴

۴ - دوزخیان در قیامت ، به اشتباه خود در دل بستن به زندگی محدود دنیا پی خواهند برد .

قَالُوا لَبِئْسَ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۴ - ۴

۴ - پی بردن دوزخیان در قیامت به ناچیزی زندگی دنیوی، امری بی ثمر به حال آنان

إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَّوْ أَنكُم كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

<لو> در عبارت <لو أَنكُم كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ> برای تمنی است؛ یعنی، ای کاش! این حقیقت را از پیش می دانستید تا کارتان به دوزخ نمی کشید؛ اما اکنون که در دوزخ هستید، این اعتراف ثمری برای شما ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۵،۷،۹

۵ - تمامی رفتار و گفته های آدمی در دنیا، در روز رستاخیز آشکار و بر ملا خواهد شد.

یوم تشهد علیهم ألسنتهم... بما كانوا يعملون

با شهادت و گواهی اعضا و جوارح انسان بر گفته ها و رفتارهای او، تمامی آنها در روز قیامت بر ملا و آشکار خواهد شد.

۷ - جهان آخرت، جهان عینیت یافتن شعور و آگاهی برخی از پدیده ها و آشکار شدن حقایق ناشناخته دنیا

یوم تشهد علیهم ألسنتهم... بما كانوا يعملون

از آیه شریفه، چنین استفاده می شود که اعضا و جوارح، دارای نوعی شعوراند و اعمال آدمی را درک کرده و با خود نگه می دارند. البته این حقیقت در عالم دنیا، برای همگان عینیت ندارد و تنها در جهان آخرت، همگان شاهد تحقق عینی این معنا خواهند بود.

۹ - تهدید شدن سازندگان <افک> به محاکمه ای سخت در قیامت و آشکار شدن توطئه های پنهانی آنان با شهادت غیر

قابل انکار اعضا و جوارح خود آنها

إِنَّ الدِّينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ .

.. یوم تشهد علیهم ألسنتهم ... بما كانوا یعملون

برداشت یاد شده، بر این اساس است که این آیه از جمله آیات مربوط به ماجرای <افک> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۹

۹ - ظهور کامل حقانیت < الله > در قیامت برای همگان

یومئذ .. یعلمون أن الله هو الحق المبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۱۳، ۱۲

۱۲ - کافران ، به هنگام اطلاع از پوچی اعمالشان در قیامت ، به حقانیت خداوند پی خواهند برد .

و الذین کفروا أعملهم کسراب بقیعه یحسبه الظمآن ماء حتی إذا جاءه لم یجدہ شیئا و

۱۳ - قیامت ، روز ظهور و بروز حقایقی همانند حقانیت خداوند و پوچی اعمال کافران

و الذین کفروا أعملهم کسراب بقیعه .. حتی إذا جاءه لم یجدہ شیئا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۴ - ۱۰، ۹

۹ - خداوند ، انسان را از نتیجه و حقیقت کارهایی که در دنیا انجام می دهد آگاه خواهد ساخت .

و یوم یرجعون إلیه فیبتئهم بما عملوا

۱۰ - قیامت ، روز آگاه شدن انسان از حقیقت و نتیجه اعمال خویش

و یوم یرجعون إلیه فیبتئهم بما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۶ - ۱، ۲، ۳

۱ قیامت ، روز ظهور و بروز حقانیت حاکمیت مطلق خداوند رحمان

الملك يومئذ الحقّ للرحمن

<الحق> صفت برای <الملك> است و این کلمه، یا به معنای ثابت است؛ زیرا در روز قیامت، همه حاکمیت ها از

بین خواهد رفت و تنها حاکمیت و پادشاهی خدا پایدار خواهد ماند و یا در برابر باطل قرار دارد و به معنای شیء حقیقت دار و مطابق واقع است؛ چرا که در روز رستاخیز، روشن خواهد شد که پادشاهی و حاکمیت حقیقی از آن خدا است. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال دوم است.

۲ قیامت ، عرصه ظهور حاکمیت پایدار خدای رحمان

الملك يومئذ الحق للرحمن

۳ قیامت ، روز جلوه رحمانیت خداوند

الملك يومئذ الحق للرحمن

برداشت فوق، از اختصاص به ذکر یافتن وصف <رحمان> برای خداوند در عرصه قیامت به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۷ - ۵

۵ - قرار گرفتن خصوصیات هر فرد در معرض دید همگان در روز رستاخیز

و لاتخزنی يوم يبعثون

فرض رسوایی و شرمساری، در صورتی صحیح است که دیگران از خصوصیات آدمی با خبر شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۰ - ۳

۳ - ظهور ارزش تقوا و مقام متقین در رستاخیز

و أُزلفت الجنة للمتقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۱ - ۱،۲

۱ - قیامت روز نمودار شدن دوزخ برای گمراهان

و برزت الجحيم للغاوين

۲ - عیان شدن وعده ها و وعید های الهی برای مردمان در قیامت

و أُزلفت الجنة للمتقين . و بززت الجحيم للغاوین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۳ - ۲

۲ - آشکار گشتن پوچی عقاید شرک آلود ، برای مشرکان در قیامت

و قيل لهم أين ما كنتم ..

هل ينصرونكم أو ينتصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۱ - ۳

۳ - آشکار گشتن پوچی دوستی های مبتنی بر جرم و گناه در قیامت

و ما أضلنا إلا المجرمون .. و لاصديق حميم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۲ - ۳

۳ - ظهور ارزش واقعی ایمان و مؤمنان در صحنه قیامت

فلو أن لنا كره فنكون من المؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۰ - ۹

۹ - قیامت ، روز تجسم اعمال آدمیان

هل تجزون إلا ما كنتم تعملون

از این که نفس عمل آدمی به عنوان جزا معرفی شده، مطلب بالا قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۳ - ۳

۳ - قیامت ، عرصه آشکار شدن بطلان شرک و تجلی کردن وحدت و یگانگی خداوند

و يوم يناديهم .. قال الذين حقّ عليهم القول ربّنا

اعتراف پیشوایان شرک به ربوبیت خداوند بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - برملا شدن حقانیت توحید برای جوامع شرک پیشه در قیامت

فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۳ - ۹

۹ - قیامت ، روز ظهور و تجلی حقایق است .

و یوم تقوم الساعة .. و كانوا بشرکائهم کفرین

ذکر کفر مشرکان به معبودان خویش در قیامت، به عنوان یکی از رخدادهای آن، می تواند به

جهت نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۳ - ۱۲

۱۲ - روز قیامت ، روز تفکیک شدن کامل انسان های مؤمن از انسان های کافر است .

یومئذ یصدّعون

احتمال دارد مراد از تفکیک شدن و جدایی در روز قیامت، تفکیک صفوف اهل بهشت از صفوف کسانی که اهل جهنم اند باشد. آیه بعد، مؤید این برداشت است

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۵ - ۷

۷ - خصلت های تثبیت شده انسان ها ، در روز قیامت بروز می کند .

و یوم تقوم الساعه یقسم المجرمون ما لبثوا غیر ساعه کذلک کانوا یؤفکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۱۱

۱۱ - در روز قیامت ، حقانیت وقوع آن روز ، و نادرستی انکار آن ، به رخ منکران قیامت کشیده می شود .

فهذا یوم البعث و لکنکم کنتم لاتعلمون

عبارت توبیخی <فهذا یوم البعث> قرینه است بر این که متعلق <لاتعلمون> حقانیت وقوع قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۱

۱۱ - همه حقایق و وعده های الهی ، در قیامت برای مجرمان به گونه ای ملموس آشکار می شود .

و لو تری إذ المجرمون .. ربّنا أبصرنا و سمعنا

۱۶ - در قیامت ، اهمیت عمل صالح برای همه انسان ها ، آشکار می شود .

فارجعنا نعمل صلحًا

۱۷ - مجرمان در قیامت ، به حقانیت وعده های خداوند درباره معاد ، زبان می گشایند .

رَبَّنَا

أبصرنا و سمعنا .. إنا موقنون

۱۸ - قیامت ، عرصه کشف و بروز حقایق است .

ناکسوارء و سهم عند ربهم ربنا أبصرنا و سمعنا فارجعنا نعمل صلحاً إنا موقنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۸ - ۳

۳ - کافران در قیامت ، در می یابند که منشأ عذاب ، خداوند است .

ربنا ءاتهم ضعفين من العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۶ - ۴

۴ - تحقق قیامت ، به منظور جدا شدن و شفاف گردیدن صفوف حق مداران از باطل گرایان است .

قل يجمع بيننا ربنا ثم يفتح بيننا بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۱۸

۱۸ - قیامت ، روز آشکار شدن حقایق بر انسان ها

و لو ترى إذ الظلمون موقوفون عند ربهم يرجع بعضهم إلى بعض القول .. لولا أنتم لك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۰ - ۱

۱ - در روز قیامت ، همه مشرکان به منظور مؤاخذه و روشن شدن حقایق گردآوری خواهند شد .

و يوم يحشرهم جميعاً ثم يقول للملئكة أهؤلاء إياكم كانوا يعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - کافران در قیامت ، به درستی وعده های خداوند رحمان پی برده و به آن اعتراف خواهند کرد .

هذا ما وعد الرحمن

۹ - کافران در قیامت ، به صراحت و راست گفتاری رسولان الهی پی برده و به آن اعتراف

خواهند کرد .

قالوا يويلنا .. و صدق المرسلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۹ - ۳

۳ - قیامت ، روز جدایی صف اهل حق و باطل است .

و امتزوا اليوم أيها المجرمون

برداشت فوق از آن جا است که جدا شدن صف مجرمان از مؤمنان به دلیل باطل و حق بودن آن دو صف است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۱ - ۲

۲ - قیامت ، روز شناخته شدن حق و باطل و خوب و بد و گروندگان به آنان

هذا يوم الفصل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۵ - ۵

۵ - قیامت ، محل اصلی تجلی خوب و بد سرنوشت و سعادت و شقاوت انسان ها

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لِحَسَنٍ مَثَابٍ .. هذا و إِنَّ لِلطَّغْيَانِ لَشَرٍّ مَثَابٍ

از این که خدا نیک فرجامی و بدفرجامی را در رابطه با آخرت و معاد انسان ها مطرح ساخته است، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶۲ - ۶

۶ - پی بردن طغیان گران در دوزخ ، به نادرستی پندار خود نسبت به مؤمنان در دنیا

و قالوا ما لنا لانرى رجالاً كنا نعدّهم من الأشرار

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٦ - زمر - ٣٩ - ١٣ - ١٠

١٠ - قيامت ، عرصه ظهور حقايق و رخداد هاى بس بزرگ و هولناك

عذاب يوم عظيم

توصيف روز قيامت به عظيم بودن، مى تواند به

خاطر بزرگی رخدادها و عظمت حقایق آن روز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۵ - ۳،۱۰

۳ - مشرکان و کافران در عرصه قیامت ، سرمایه عمر خود را تباه شده می بینند و خویش را از حمایت خانواده شان ، محروم می یابند .

قل إِنَّ الْخٰسِرِيْنَ الَّذِيْنَ خَسَرُوْا اَنْفُسَهُمْ وَاَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ

مقصود از <أنفس> سرمایه های عمر و مراد از <أهل> خانواده می باشد. بر این اساس خسارت نفس، به معنای تباه ساختن و بهره کافی نگرفتن از سرمایه عمر است. خسارت اهل نیز به معنای از کف دادن حمایت خانواده و بهره نجستن از آنان می باشد. گفتنی است برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مخاطبان آیه شریفه کافران و مشرکان هستند.

۱۰ - قیامت ، صحنه بروز و ظهور سعادت واقعی و سودبخشی و یا خسارت آفرینی عمر آدمی

إِنَّ الْخٰسِرِيْنَ الَّذِيْنَ خَسَرُوْا اَنْفُسَهُمْ وَاَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اَلَا ذٰلِكَ هُوَ الْخٰسِرَانِ الْمَبِيْنِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۶ - ۹

۹ - نتیجه و پیامد اصلی عقاید باطل و رفتار زشت انسان ، در قیامت ظهور و بروز پیدا خواهد کرد .

و لعذاب الآخره أكبر لو كانوا يعلمون

<عذاب> نتیجه طبیعی عقاید باطل و کردار ناپسند انسان است. بر این اساس بزرگ تر بودن عذاب اخروی در مقایسه با عذاب دنیایی، بیانگر این حقیقت است که نتیجه اصلی عقاید و رفتار زشت، در آخرت ظاهر خواهد شد و آنچه در دنیا مشاهده می شود تنها ظهور بخشی از آن است.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۷ - ۵

۵ - پی بردن مشرکان و ظالمان به بی ارزشی دنیا ، هنگام روبه رو شدن با عذاب قیامت

و لو أنّ للذین ظلموا ما فی الأرض . . . لا فتدوا به من سوء العذاب یوم القیمه

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که مشرکان و ستمگران، بیشتر برای تقویت دنیای خود از آخرت روی گردان هستند و در صورت مشاهده عذاب الهی حاضر می شوند تمامی دنیا را فدای نجات خود کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۸ - ۱،۳

۱ - ظهور و بروز تمامی اعمال و دستاورد های بد و زشت ستمگران در قیامت

و بدا لهم سیئات ما کسبوا

۳ - تمامی کردار و رفتار آدمیان در روز رستاخیر ، در نظر آنان مجسم و ظاهر خواهد شد .

و بدا لهم سیئات ما کسبوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۷ - ۱

۱ - ظهور ارزش تقوا و نقش هدایت الهی (قرآن) ، هنگام عذاب و در قیامت برای کافران و گنه کاران

أو تقول لو أنّ الله هدینی لکنت من المتّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۸ - ۵

۵ - ظهور ارزش احسان ، برای کافران و گنه کاران در قیامت

لو أنّ لی کثره فأکون من المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۷ - ۶

۶ - ظهور و بروز قدرت مطلقه خداوند بر جهان

و الأرض جميعًا قبضته يوم القيمة و السموت مطوَّيت بيمينه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۹ - ۲،۴،۶

۲ - زمین ، در قیامت عرصه روشن شدن حقایق الهی

و أشرقت الأرض بنور ربِّها

برخی از مفسران بر این عقیده اند که چون خاصیت نور، روشن کردن هر چیز ناپید است. بنابراین مقصود از روشن شدن زمین به نور پروردگار، روشن شدن حقایق در عرصه قیامت است و اضافه نور به خداوند اضافه تشریفی و از باب تعظیم می باشد.

۴ - روشن شدن زمین و حقایق مربوط به اهل آن در قیامت ، جلوه ربوبیت الهی است .

و أشرقت الأرض بنور ربِّها

۶ - تمامی اعمال بندگان ثبت و درج شده و در قیامت به صورت نوشته ای ظاهر خواهد شد .

و وضع الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۶ - ۱

۱ - قیامت ، روز بروز و ظهور حقیقت و باطن انسان ها و نمایان شدن اسرار آنان

یوم هم برزون

طبق نظر بیشتر مفسران مقصود از نمایان شدن انسان ها، بروز و ظهور حقیقت و باطن آنان و کشف اسرار ایشان است؛ نه ظاهر شدن جسم آنان؛ مانند مفاد آیه <یوم تبلی السرائر>، (سوره طارق (۸۶) آیه ۹).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۰ - ۵

۵ - قیامت ، روز کشف حقایق

فسوف يعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۱ - ۳

۳ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، هنگام گرفتار شدن به

عذاب الهی ، به عمق بطلان راه خود و پیامد رفتارشان آگاه خواهند شد .

فسوف يعلمون . إذ الأغلال فی أعناقهم و السلسل یسحبون

برداشت یاد شده، از آن جا است که ظرف <إذ الأغلال .. > متعلق به <یعلمون > می باشد. <یسحبون > نیز حال از ضمیر <هم > در <فی أعناقهم > است؛ یعنی، به زودی می دانند آن گاه که غل در گردن هایشان باشد و با زنجیر کشان کشان برده می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۴ - ۴

۴ - قیامت ، روز کشف حقایق و روشن شدن عقاید < درست و نادرست > و < حق و باطل >

قالوا ضلوا عنّا بل لم نکن ندعوا من قبل شیئا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۸ - ۱۲

۱۲ - قیامت ، روز کشف زیان کاری اهل باطل

و خسر هنالك المبطلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۹ - ۷

۷ - ضرورت یادآوری اوضاع خفت بار دشمنان خدا ، در عرصه قیامت برای کفرپیشگان

و یوم یحشر أعداء الله إلى النار فهم یوزعون

<یوم > مفعول به برای فعل محذوفی مانند <ذکرهم > یا <أندرهم > و امثال آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۱ - ۷

۷ - آخرت ، صحنه بروز و ظهور حیات و شعور موجودات *

قالوا أنطقنا الله الذي أنطق كلّ شيء

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۹ - ۲

۲ - کشف

و ظهور ربوبیت بی همتای الهی در قیامت ، برای کافران

و قال الذین کفروا ربّنا

از اقرار کافران به ربوبیت الهی (ربّنا)، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۷ - ۲۰

۲۰ - قیامت ، صحنه کشف حقایق جهان هستی است .

و یوم ینادیهم این شرکاءى قالوا ءاذنک ما منّا من شهید

بنابراین که جمله <آذّنّاک> برای انشا و ایجاد اعلام باشد (اعلام می کنیم) می توان استفاده کرد که این اعلام براساس کشف حقایق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۸ - ۴

۴ - قیامت ، صحنه آشکار شدن بطلان شرک و باور های شرک آلود

و ضلّ عنهم ما کانوا یدعون من قبل

بنابراین که مراد از <ما> آرا و ادعاهایی باشد که مشرکان در ارتباط با خدایانشان مطرح می کردند، مطلب بالا قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۱۸

۱۸ - کشف حقیقت و باطن اعمال ، برای انسان در آخرت

فلننبئنّ الذین کفروا بما عملوا

بنابراین که <ما> در <ما عملوا> مای حقیقیه باشد با الغای خصوصیت از کافران استفاده می شود که انسان ها، از حقیقت اعمال خویش بی اطلاع اند و در روز قیامت برای آنان آشکار خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۰ - ۲

۲ - قیامت ، صحنه روشن شدن حقایق و حل اختلافات انسان ها به وسیله خداوند

و ما اختلفتم فیہ من شیء فحکمہ إلی اللّٰہ

برداشت یاد

شده بنابراین نکته است که حکم الهی در <فحکمه> جنبه عینی و واقعی داشته باشد؛ یعنی، آشکار کردن حقایق در مورد اختلافات، با توجه به آیات پیشین که در زمینه قیامت بود به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۰ - ۱۶

۱۶ - ظهور قدرت و شکست ناپذیری خداوند برای کافران، در جهان آخرت

و هو القویّ العزیز... و ما له فی الآخره من نصیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۱ - ۱۰

۱۰ - قیامت، < کلمه فصل > الهی و صحنه نهایی جداسازی حق و باطل

الذین یمارون فی الساعه... و ما له فی الآخره من نصیب... و لولا کلمه الفصل لقضی

از آن جا که محور این چند آیه، مسأله ایمان به قیامت و محاسبه آن در معادلات رفتاری و اعتقادی است، عنوان < کلمه الفصل > بر این معنا منطبق است؛ یعنی، اگر قیامتی نبود می بایست دنیامداران در همین دنیا به کیفر کفرشان می رسیدند؛ ولی چون قیامت هست، عذاب دردناک آنان به آخرت وانهاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۲ - ۸

۸ - تجسم اعمال انسان در قیامت

مما کسبوا و هو واقع بهم

بنابراین که مراد از < ما > عمل باشد و < هو > به آن باز گردد، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۴ - ۱۱

۱۱ - عجز و پشیمانی ستمکاران در قیامت،

آشکار و نمایان است .

و ترى الظلمين . . . يقولون

از واژه های <تری> و <يقولون>، استفاده می شود که ظالمان ندامت و آرزوی بازگشت را پنهان نمی دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۱۲

۱۲ - قیامت ، روز ظهور خسران و زیان کاری عمیق ستم پیشگان و گمراهان

إِنَّ الْخَسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۶ - ۳

۳ - قیامت ، صحنه بروز ولایت مطلقه الهی است .

و ما كان لهم من أولياء ينصرونهم من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۷ - ۹

۹ - انکار و پرده پوشی گناهان در قیامت ، امکان ندارد .

و ما لكم من نكير

<نكیر> چنان که برخی گفته اند مصدر و به معنای <انکار> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۸ - ۶،۷

۶ - قیامت ، عرصه ظهور حقایق ، برای انسان ها

و يحسبون . . . حتى إذا جاءنا قال يليت

۷- قیامت ، عرصه رنگ باختن پندار های دروغین گمراهان و فریب خوردگان

و يحسبون أنهم مهتدون . حتّى إذا جاءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۷ - ۴

۴- آشکار شدن آثار زیانبار دوستی و مودّت بی تقوایان در روز قیامت

الأخلاء يومئذ بعضهم لبعض عدوّ إلا المتّقين

دوستانی که دوستی خویش را بر غیر تقوا بنا نهاده اند، در قیامت خواهند فهمید که

چه اثرات شومی را به واسطه آن متحمل شده اند و در نتیجه با یکدیگر دشمن خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۸

۸- قیامت ، صحنه حقیقت و واقعیت است ؛ نه بازیگری و هوسرانی .

فذرهم یخوضوا و یلعبوا حتی یلقوا یومهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۲ - ۴

۴- پایان یافتن تردید ها و سست انگاری های منکران وحی ، با تحقق وعده های الهی در قیامت

بل هم فی شکّ . .. فارتقب یوم تأتی السماء بدخان مبین ... إنا مؤمنون

بنابراین که آیات پیشین در رابطه با قیامت باشد، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۰ - ۲،۳

۲- قیامت ، روز داوری و حلّ و فصل نهایی امور و کشف حقیقت برای همگان

و لکنّ اکثرهم لایعلمون . إنّ یوم الفصل میقتهم أجمعین

۳- قیامت ، روز جدایی حق از باطل و تمایز حق مداران از باطل گرایان

إنّ یوم الفصل میقتهم أجمعین

مراد از <فصل> ، ممکن است جدا شدن صفوف حق و حق مداران، از باطل و باطل گرایان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۰ - ۲

۲- شهود حسی دوزخیان در قیامت ، نسبت به حقایق مورد تشکیک خود در دنیا

إِنَّ هَذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۸ - ۳،۴

۳ - ظهور حاکمیت و قدرت یگانه خداوند برای

و لله ملك السموت و الأرض . . . و تری کلّ أمّه جائیه ... الیوم تجزون

با توجه به آیه قبل که سخن از مالکیت و حاکمیت مطلق خدا به میان آورد به زانو نشستن امت ها در قیامت که در این آیه مطرح شده می تواند نشانگر ظهور قدرت و حاکمیت خداوند در آن روز باشد.

۴ - اضطرار و ناتوانی همه امت ها در روز قیامت ، امری نمایان و قابل مشاهده

و تری کلّ أمّه جائیه

تعبیر <تری> مشهود بودن آن صحنه را افاده می کند و <جائیه> می تواند کنایه از اضطرار و ناتوانی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۰ - ۵

۵ - قیامت ، صحنه نمود حاکمیت اراده خداوند

فأما الذين ءامنوا و عملوا الصلحت فیدخلهم ربّهم

تعبیر به <یدخلهم> گویای این حقیقت است که بهره مند ساختن مردم از رحمت اخروی، کار خدا و وابسته به او است. در غیر این صورت، می فرمود: <یدخلون فی رحمته ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۳ - ۱،۳

۱ - آشکار گشتن زشتی های اعمال کافران ، برای آنان در قیامت

و بدا لهم سیئات ما عملوا

۳ - قیامت ، صحنه ظهور عواقب گناه و بدکاری

و بدا لهم سیئات ما عملوا

چنانچه قبل از <سیئات> مضاف حذف شده و تقدیر آن <جزاء یا عقوبه سیئات..> باشد، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٧ - ق - ٥٠ - ٢٠ - ٤

٤ قیامت ، روز تحقّق هشدار

ها و انذار های الهی برای کافران و حق ستیزان

و نفخ فی الصور ذلك يوم الوعيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۷ - ۵

۵ ربوبیت انکارناپذیر الهی ، متجلی برای همگان در قیامت

قال قرینه ربنا ما أطفیته

التجای قرین کافران به ربوبیت عام الهی در روز قیامت، می رساند که ربوبیت خداوند در آن روز، چنان آشکار است که هیچ کس، قادر به نادیده گرفتن آن نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۴ - ۱

۱ - مواجه گشتن تکذیب گران ، با حقایق مورد انکار خویش در قیامت

هذه النار الّتی کنتم بها تکذّبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۶ - ۳

۳ - تجلی توحید و ظهور حاکمیت یگانه حق ، در صحنه قیامت

یوم لا یغنی عنهم کیدهم شیئاً و لا هم ینصرون

برداشت یاد شده با توجه به دو مطلب زیر به دست می آید: ۱ <یوم لا یغنی...> نظر به قیامت داشته باشد ۲ این که هیچ نیرویی در قبال نیروی حق، کارساز نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۸ - ۴

۴ - قیامت ، روز ظهور حاکمیت مطلقه خداوند و بروز ناتوانی غیر او

لیس لها من دون الله كاشفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۶ - ۵

۵ - ظهور ماهیت زشت حق ستیزان منکر پیامبران ، در روز قیامت *

سيعلمون غداً من الكذاب الأشر

احتمال دارد <غداً> اشاره به روز قیامت داشته

باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۳ - ۱

۱ - ظهور حاکمیت الهی بر جن و انس ، به هنگام برپایی قیامت

یمعشر الجنّ و .. لاتنفذون

مفاد آیه به قرینه سیاق و ارتباط آیات قبل و بعد درباره قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۵ - ۶

۶ - ظهور و تجلی اقتدار الهی بر خلق ، در صحنه قیامت

یرسل علیکما .. فلاتنتصران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۱ - ۲،۳،۱

۱ - شناخته شدن مجرمان به وسیله علامت های چهره آنان در قیامت

يعرف المجرمون بسیمهم

<سیمما> به معنای مطلق علامت است. مراد از آن در آیه شریفه علامتی است که در چهره مجرمان دیده می شود.

۲ - مشخص و محرز بودن گناهان جن و انس در قیامت ، بدون بازجویی

فیومئذ لایسل عن ذنبه إنس و لاجانّ .. یعرف المجرمون بسیمهم

۳ - قیامت ، روز آشکار شدن اسرار و عیان گشتن نهان ها

يعرف المجرمون بسیمهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - قیامت ، روز دگرگونی و زیرورو شدن طبقات مردم

خافضه رافعه

<خفض> به معنای فرود آوردن و به زیر کشیدن و <رفع> به معنای بالا بردن و برافراشتن است ، یعنی ، واقعه قیامت ، به زیر آورنده اقوامی و بالا آورنده اقوامی دیگر است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۳ - ۱۳

۱۳ - قیامت ، روز جلوه گر شدن حقیقت

نورانی ایمان و عمل صالح

قیل ارجعوا وراءكم فالتمسوا نورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۶ - ۶

۶ - تک تک اعمال انسان با وجود این که خود وی آنها را فراموش می کند در نزد خداوند محفوظ بوده و در قیامت به او ارائه خواهد شد .

فیتبئهم بما عملوا أحصيه الله و نسوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۳ - ۶

۶ - قیامت روز گسسته شدن پیوند ها و جدایی خویشاوندان و فرزندان از والدین

لن تنفعکم .. یوم القیمه یفصل بینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۸ - ۸

۸ - آگاهی یافتن انسان در دادگاه الهی در قیامت ، به تمامی اعمال گذشته خویش

فیتبئکم بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۹ - ۵

۵ - قیامت ، روز ظهور و بروز غبن و خسارت کافران

ذلک یوم التغابن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - ظهور و بروز ذلت و ترس ، در دیدگان کافران و مشرکان در عرصه قیامت

خشعه أبصرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۸ - ۳،۴

۳ - قیامت ، روز کشف حقایق و بروز و ظهور تمامی ابعاد وجودی انسان ها (نیات ، انگیزه ها ، افکار و رفتار ها)

لاتخفی منکم خافیه

۴ - بروز و به نمایش در آمدن شخصیت حقیقی

و واقعی انسان ها (نقص و کمال و خوبی و بدی آدمیان)

لاتخفی منکم خافیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۷ - ۳

۳ - لحظه مرگ و جهان پس از آن ، زمان کشف حقایق الهی برای بشر

حتی آتینا الیقین

برداشت یاد شده، براساس این احتمال است که نام گذاری مرگ به <یقین>، ممکن است به این لحاظ باشد که پس از مرگ، حقایق بسیاری از جمله وجود معاد و .. برای بشر روشن و عینی خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۳ - ۱

۱ - آگاه شدن انسان ها در قیامت ، از تمامی کرده های خویش در دنیا ، از نخستین تا آخرین آنها

يَتَّبِعُوا الْاِنْسَانَ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَاٰخِرَ

مفسران در تبیین <بما قَدَّمَ وَاٰخِرَ> سه احتمال بیان کرده اند: ۱ مقصود از <بما قَدَّمَ> اعمالی است که در آغاز زندگی انجام داده نشده و مراد از <اٰخِرَ> انجام دادن عمل در پایان عمر است. ۲ مراد از <بما قَدَّمَ> اعمالی است که در دنیا پایان می پذیرد (مانند نماز) و مقصود از <اٰخِرَ> اعمالی است که ثواب آنها پایان ندارد (مانند صدقه جاریه و سنت حسنه). ۳ مقصود از <بما قَدَّمَ> اقدام به عمل و مراد از <اٰخِرَ> به تأخیر انداختن و انجام ندادن آن است. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۴ - ۳

۳ - مجموعه رفتارها و کردارهای هر انسانی در قیامت

، برای او آن چنان روشن است که نیازی به دلیل و گواه دیگران نیست .

بل الإنسن علی نفسه بصیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۹ - ۳

۳ - ظهور ناتوانی کامل بشر ، در برابر خداوند در عرصه قیامت

فإن کان لکم کید فکیدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴ - ۳،۶

۳ - منکران معاد ، در قیامت به خطای خود واقف شده و حقانیت معاد را درخواست خواهند یافت .

کلاً سیعلمون

۶ - جهان آخرت ، جایگاه کشف حقایق و رفع اختلافات است .

مختلفون .. سیعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۵ - ۳،۴،۵

۳ - با وقوع معاد در آینده ای نزدیک ، حقایق برای کافران کشف شده و اختلاف آنان درباره حوادث پس از مرگ ، برطرف خواهد شد .

الذی هم فیه مختلفون .. ثم کلاً سیعلمون

۴ - منکران معاد ، در آخرت به حقانیت آن پی خواهند برد .

عم یتساءلون .. ثم کلاً سیعلمون

۵ - شبهه افکنان در مورد معاد ، پاسخ خود را تنها با مشاهده قیامت خواهند یافت .

یتساءلون . . . ثم کلاً سیعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۸ - ۱۰

۱۰ - ظهور سلطه کامل خداوند بر تمام موجودات ، در قیامت

لا یتکلمون إلا من أذن له الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴۰ - ۱۶، ۱۳، ۱۰، ۹

۹ - قیامت ، روز تجسم اعمال و ظهور

دست مایه ها و تلاش های انسان

یوم ينظر المرء ما قدمت یداه

۱۰ - انسان ، خود ناظر دسترنج خویش در قیامت

یوم ينظر المرء ما قدمت یداه

۱۳ - کافران در قیامت با مشاهده کردار خویش ، عذاب خود را حتمی خواهند دانست .

عذابًا قریبًا یوم ينظر المرء ما قدمت یداه و یقول الکافر یلیننی کنت ترابًا

از آن جایی که کافران با نگاه به اعمال خویش، آرزوی خاک بودن می کنند؛ می توان پی برد که آنان، گرفتاری به عذاب را بر خود قطعی دیده اند.

۱۶ - کافران در قیامت ، به پستی خود و شرافت خاک بر آنان ، پی خواهند برد .

و یقول الکافر یلیننی کنت ترابًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۲ - ۳

۳ - منکران معاد در قیامت ، زیان کاری خود را مشاهده کرده و به یکدیگر بازگو خواهند کرد .

قالوا تلک اِذًا کره خاسره

برداشت یاد شده، ناظر به احتمال صدور سخن منکران معاد در قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۵ - ۱

۱ - تمام انسان ها ، در صحنه قیامت حاضر شده ؛ کردار های فراموش گشته خویش و اهداف آن تلاش ها را به خاطر خواهند آورد .

یوم یتذکر الإنسن ما سعی

<ما> در <ما سعی> موصول و عائد آن حذف شده است؛ یعنی، <ما سعی له>. این تعبیر بر اهدافی منطبق است که سعی

انسان، برای دستیابی به آن بوده است. ممکن است <ما> مصدريه باشد، یعنی، <سعيه>. در این صورت آنچه به یاد انسان خواهد آمد، نفس سعی و

تلاش او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۶ - ۳

۳ - صحنه قیامت ، آشکار و مکشوف در برابر دیدگان تمام انسان ها

کأنهم یوم یرونها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۴ - ۱

۱ - قیامت ، روز آگاهی انسان ها به کردار دنیایی خویش و آثار و نتایج آن

علمت نفس ما أحضرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۴ - ۷

۷ - قیامت ، روز ظهور حقایق و برملا شدن خطای کافران در گمراه دانستن مؤمنان

قالوا إنّ هؤلاء لضالّون .. فالیوم الذین ءامنوا من الکفّار یضحکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۶ - ۴

۴ - کردار بدکاران در قیامت ، به صورت کیفر برای آنان ظاهر خواهد شد . *

هل توبّ الکفّار ما کانوا یفعلون

<ما> در <ما کانوا..> مفعول دوم برای <توبّ> است؛ یعنی، کافران با همان کردار خود، کیفر داده شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۹ - ۴

۴ - حقایق کتمان شده ، در قیامت آشکار خواهد شد و مخفی نگه داشتن آن امکان پذیر نیست .

یوم تبلی السرائر

گرچه <ابلاء> به معنای آشکار ساختن نیست؛ ولی لازمه اختبار و آزمایش سریره ها، بر ملا شدن ویژگی های آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۱۹ - ۲۳ - ۹،۱۰

۹ - قیامت ، روز آشکار شدن حقایق برای همگان

یومئذ یتذکر

۱۰ - کوبیده و نرم شدن زمین ، احساس حضور در پیشگاه خداوند و صفوف فرشتگان و مشاهده جهنم ، برطرف سازنده غفلت های انسان و احیاگر حس پندپذیری در او است .

إذا دكّت الأرض .. یومئذ یتذكّر الإنسن

<یومئذ>، بدل برای <إذا> در <إذا دكّت الأرض.. > و جمله <یتذكّر الإنسن> جزا برای آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۳ - ۶

۶ - قیامت ، زمان ظهور حقایق و پی بردن انسان ها به نیک و بد اعمال خویش

كلاً سوف تعلمون

وعده <سوف تعلمون> به قرینه <لتسئلن یومئذ عن النعیم> ناظر به زمان برپایی قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۴ - ۳

۳ - خداوند ، با تهدید رقابت کنندگان در امتیازات مادی ، بر ظهور حقیقت و مواجه شدن آنان با کیفر اخروی تأکید کرده است .

ثمّ كلاً سوف تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۶ - ۵

۵ - مشاهده جهنم در قیامت ، موجب آگاهی از نادرست بودن تفاخر و زیاده نمایی و سود نبخشیدن امتیازات مادی است .

سوف تعلمون .. لترونّ الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۶ - ۲

۲ - دوزخیان در قیامت ، به حاکمیت اراده خداوند بر آتش جهنم ، به روشنی پی خواهند برد .

نار الله

استناد <نار> به <الله>، بیانگر آن است که، استناد آتش جهنم به خداوند، بر کسی پوشیده نخواهد ماند، گرچه درباره آتش های

دنیا، این حقیقت مخفی مانده و استناد آن به اسباب و علل مادی، انسان را از آن غافل ساخته باشد.

ظهور حقایق قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۱،۲،۵

۱ تنها راه ایمان به قرآن برای منکران قرآن، تحقق تهدیدها و بروز حقایق آن است.

و لقد جننهم بكتب... هل ينظرون إلا تأويله

ضمیر در <تأویل> به <کتب> در آیه قبل برمی گردد. و مراد از تأویل کتاب الهی، به قرینه فرازهای بعد، بروز و ظهور حقایق قرآن و تحقق تهدیدها و وعده های آن است. و جمله <هل ينظرون...> با توجه به اینکه ناظر به آیه قبل است، چنین معنا می شود: برای منکران قرآن جهت تصدیق آن راهی جز ظهور حقایق قرآنی، که در قیامت تحقق می یابد، نیست.

۲ قیامت، روز تأویل و بروز حقایق مطرح شده در قرآن

هل ينظرون إلا تأويله يوم يأتي تأويله

مراد از <یوم> به دلیل فرازهای بعد روز قیامت است.

۵ منکران حقانیت قرآن، در روز قیامت و بروز حقایق قرآن، به حقانیت رسالت پیامبران اعتراف خواهند کرد.

يوم يأتي تأويله يقول الذين نسوه من قبل قد جاءت رسلنا بالحق

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر مفعولی در <نسوه> به <کتب> در آیه قبل برگردانده شود.

ظهور حقایق معنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۹ - ۴

۴ لحظه مرگ، زمان آشکار شدن حقایق معنوی برای تمامی انسانها *

وإن من أهل الكتاب إلا ليؤمنن به قبل موته

ظهور حقایق هنگام عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۷ - ۱

۱ - ظهور ارزش تقوا و نقش هدایت الهی (قرآن) ، هنگام عذاب و در قیامت برای کافران و گنه کاران

أو تقول لو أن الله هدینی لکنت من المتقين

ظهور حقایق هنگام مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۹ - ۷

۷ - پی بردن انسان در هنگام مرگ ، به دست اندر کاری عوامل و کارگزاران الهی (ملائکه) در مرگ و حیات او

حتی إذا جاء أحدهم الموت قال رب ارجعون

کلمه <ارجعون> می تواند خطاب به خداوند بوده و جمع آمدن آن از باب تعظیم باشد. هم چنین می تواند بدان جهت باشد که انسان، در آن لحظه حضور ملائکه و کارآیی آنان را مشاهده می کند و با التجا به خدا، از آنان می خواهد که او را به دنیا بازگردانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۹ - ۳

۳ سكرات مرگ ، زداینده ابهام از چهره حقایق هستی

و جاءت سكره الموت بالحق

بنابراین که بقاء در <بالحق> برای تعدیه باشد، برداشت بالا به دست می آید؛ یعنی، سكرات مرگ حق را می آورد و حقایق را خواه نا خواه بر انسان آشکار می سازد.

عاجزان از درك حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- متهم کردن پیامبر (ص) به سحرشدهگی ، نمودی از مستوری قلب کافران و ناتوانی آنان از درک حقایق

است .

و جعلنا فی قلوبهم أكنه أن يفقهوه و فی ءاذانهم وقرا و .. إذ يقول الظلمون إن

عجز از حقایق آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۰ - ۳

۳ - انسان ، بدون روشنگری های وحی ، ناتوان از درک عمیق بسیاری از حقایق هستی

هذا بصائر للناس

علم به حقایق پنهانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۲ - ۱۱، ۱۲

۱۱ خداوند نوح (ع) رابه حقایقی پوشیده بر مردم آگاه ساخت .

و أعلم من الله ما لاتعلمون

من در <من الله> می تواند برای ابتدای غایت باشد. در این صورت <أعلم من الله ...> یعنی علم من از جانب خداست و خدا مرا به حقایقی آشنا کرده است. و نیز می تواند <من الله> به معنای <درباره خدا> باشد. یعنی من حقایقی را درباره خدا و صفات او می دانم که شما نمی دانید. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۱۲ نوح (ع) ، آگاه به حقایقی پوشیده از مردم درباره خداوند

و أعلم من الله ما لاتعلمون

برداشت فوق بر این اساس است که <من الله> به معنای <درباره خدا> باشد.

علمای اهل کتاب و کتمان حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۰

۱۰ - عالمان اهل کتاب ، بخشی از احکام تورات و انجیل (حلیت برخی خوراکی ها و حرمت برخی دیگر) را کتمان می کردند .

إن الذین یکتُمون ما أنزل اللّٰه من الکتب

مفسران مصداق مورد نظر برای >الذین

یکتُمون .. < را علمای یهود و نصارا دانسته اند.

عوامل تبیین حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۳ - ۱۳

۱۳- علم ، عامل هوشیاری انسان و آگاه شدن وی به حقایق

فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

<ذکر> در لغت بودن چیزی (صورت علمی) در قلب است و طبق این معنا <ذکر> ضد غفلت و نسیان خواهد بود. مراد از <أهل الذکر> به قرینه <لا-تعلمون> اهل علم است. با توجه به اینکه از علم به <ذکر> تعبیر شده است، می توان نکته یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۴ - ۱۷

۱۷- تفکر در آیات قرآن ، عامل کشف حقانیت و روا بودن نزول وحی بر بشر

و ما أرسلنا من قبلك إلا رجلاً نوحى إليه . . . و أنزلنا إليك الذکر لتبیین للناس

احتمال دارد متعلق <یتفکرون> شبهه ای باشد که از سوی مشرکان درباره عدم امکان نزول وحی بر بشر، القا و مطرح می شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۰ - ۱۱

۱۱- کاربرد اعجاز در راستای روشن سازی حقایق ، حتی برای پیامبران

ءایتک ألا تکلم الناس ثلث لیل

عوامل تکذیب حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲- جهل و نادانی ، عامل انکار حقایق

و أقسموا بالله .. لا یبعث الله من یموت بلی وعداً علیه حقاً و لكنّ أكثر الناس

عوامل ظهور حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ ظهور بطلان ولایت غیر خدا برای مشرکان با آمدن عذاب الهی

و لا تتبعوا .. فما كان دعويهم إذ جاء بأسنا إلا ان قالوا إنا كنا ظلمين

با توجه به جمله <ولا-تتبعوا من دونه أولياء> معلوم می شود که مشرکان با نزول عذاب استیصال، حقیقت امر را دریافته و خود را به سبب پذیرش ولایت غیر خدا ستمگر خواندند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۴

۴ بروز باطن انسان و حقیقت ایمان وی ، در مراحل دشوار و تکالیف سخت الهی (همانند جنگ و جهاد)

لو كان عرضاً قريباً و سفراً قاصداً لا تبعوك و لكن بعدت عليهم الشقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۱۴

۱۴- مرگ ، عامل کشف حقایقی برای انسان

الذين تتوفهم الملائكة .. فألقوا السلم ما كنا نعمل من سوء

عوامل کشف حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۵ - ۵

۵- گذشت زمان و مشاهده فرجام مؤمنان و کافران ، تنها راه کشف حقایق برای برخی از کفرپیشگان است .

قل كل متربص فتربصوا فستعلمون

فرمان به <انتظار> نشانگر از آن دارد که دیگر امیدی به تبه یافتن مخاطبان نیست و تنها گذشت زمان، می تواند حقیقت را برای آنان آشکار سازد.

عوامل محرومیت از درک حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۸ - ۲

۲- عملکرد خود آدمیان (کفر و دنیاگرایی) ، عامل محرومیت

آنان از درک حقایق معنوی است .

من كفر بالله .. بأنهم استحبوا الحيوه الدنيا ... أولئك الذين طبع الله على قـل

الذين طبع الله .. < در مقام بیان مجازات کسانی است که با اختیار خود به کفر گرویدند و دنیا را بر آخرت ترجیح دادند که در آیه قبل از آن سخن به میان آمده است. بنابراین همین گزینش و انتخاب که عملی است اختیاری موجب مجازات > طبع قلب < می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۶ - ۸

۸ - کوردلی ، موجب محرومیت از فهم حقایق و نپندپذیری

أفلم یسیروا .. فإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَرُ وَ لَكِن تَعْمَى الْقُلُوبَ الَّتِي فِي الصُّدُورِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۵ - ۱۱

۱۱ - تکبر و تجاوزگری ، موجب محرومیت از درک صحیح حقایق الهی و مانع از پذیرش آن می شود .

كذَلِكَ يَضِلُّ اللَّهُ .. كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ

عوامل مؤثر در تشخیص حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۹

۹ - امیال و خواسته های انسان ، در تشخیص درستی و نادرستی واقعیت ها تأثیر دارد .

كسراب بقیعه یحسبه الظمآن ماء حتّی إذا جاءه لم یجده شیئاً

برداشت فوق از آن جا استفاده شده است که انسان تشنه، برای سیراب شدن که از خواسته های او است دچار خطا شده و به جای رفتن به طرف آب واقعی، به سوی سراب حرکت می کند.

فلسفه ظهور حقایق در رؤیای

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۰ - ۱۸، ۱۲

۱۲- حقیقت نمایانده شده در رؤیا به پیامبر (ص) ، وسیله آزمایش مردم بود .

و ما جعلنا الرؤيا التي أرينك إلا فتنة للناس

۱۸- حقیقتی که در رؤیا به پیامبر (ص) ارائه شد و نیز طرح شجره ملعونه در قرآن ، به منظور انذار و ترساندن مردم است .

و ما جعلنا الرؤيا التي أرينك إلا فتنة .. و الشجره الملعونه في القراءان و نحو

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مفعول بیواسطه ای برای <نحوّفهم> در تقدیر باشد همانند <بذلک> . بنابراین معنا چنین می شود: ما به وسیله اینها، مردم را انذار می کنیم.

فلسفه ظهور حقایق در محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۰ - ۱۳

۱۳- نمایانده شدن برخی حقایق به پیامبر (ص) در معراج ، وسیله آزمایش مردم بود . *

و ما جعلنا الرؤيا التي أرينك إلا فتنة للناس

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <رؤیا> به معنای خواب نباشد بلکه به معنای مشاهده در بیداری باشد کما اینکه در لغت آمده رؤیا، گاهی در بیداری است (لسان العرب). و نیز اشاره به اولین آیه سوره، یعنی معراج پیامبر(ص) داشته باشد.

فلسفه ظهور حقایق در معراج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۰ - ۱۳

۱۳- نمایانده شدن برخی حقایق به پیامبر (ص) در معراج ، وسیله آزمایش مردم بود . *

و ما جعلنا الرؤيا التي أرينك إلا فتنة للناس

فوق، مبتنی بر این نکته است که <رؤیا> به معنای خواب نباشد؛ بلکه به معنای مشاهده در بیداری باشد کما اینکه در لغت آمده رؤیا، گاهی در بیداری است (لسان العرب). و نیز اشاره به اولین آیه سوره، یعنی معراج پیامبر(ص) داشته باشد.

قبول حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۲ - ۷

۷- قلب ، مرکز پذیرش و یا انکار حقایق

فالدین لایؤمنون بالأخره قلوبهم منکره

قرآن و تبیین حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۶ - ۱۲، ۱۱، ۱۰

۱۰ ضرورت تأمل و اندیشه در کیفیت بیان توحید و ارائه حقایق به شکلهای گوناگون در آیات قرآن

انظر کیف نصرف الأیت

تصریف به معنی دگرگون ساختن و گرداندن است و در آیه شریفه به معنی ارائه صورتها و طرحهای گوناگون کلام برای ارائه حقایق است.

۱۱ بیان قرآن و تنوع و گوناگونی آن برای هدایت انسان کافی است.

انظر کیف نصرف الآیت ثم هم یصدفون

دعوت به نگرش در چگونگی بیان آیات و همچنین اظهار شگفتی از رویگردانی برخی مردم از هدایتهای قرآن، بیانگر کارسازی و نقش مؤثر آن در هدایت انسان است.

۱۲ اعراض مشرکان از توحید و حقایق آسمانی، با وجود بیان روشن و مستدل قرآن، امری شگفت انگیز

انظر کیف نصرف الآیت ثم هم یصدفون

کتمان حقایق انجیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۵ - ۳،۴،۶

۳ اهل کتاب (یهود و نصارا) ، همواره بسیاری از حقایق تورات و انجیل را مخفی می کردند .

مما کنتم تخفون من الکتب

با توجه

به آیات پیشین، مراد از اهل کتاب هم یهودیان هستند و هم نصارا. بنابراین مقصود از <الکتب> تورات و انجیل خواهد بود.

۴ پیامبر (ص) ، بیانگر بسیاری از حقایق مخفی شده از تورات و انجیل

رسولنا ببین لکم کثیراً مما کنتم تخفون

۶ بیان حقایق کتمان شده تورات و انجیل ، نشانی بر حقانیت پیامبر (ص)

ببین لکم کثیراً مما کنتم تخفون من الکتب

جمله <ببین لکم> پس از <قد جاء کم رسولنا> اشاره به دلیل حقانیت رسول اکرم(ص) دارد. مؤید این معنا جمله <کنتم تخفون> است که دلالت بر مخفی نگاه داشتن حقایق در همه ادوار گذشته دارد.

کتمان حقایق تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۵ - ۳،۴،۶

۳ اهل کتاب (یهود و نصارا) ، همواره بسیاری از حقایق تورات و انجیل را مخفی می کردند .

مما کنتم تخفون من الکتب

با توجه به آیات پیشین، مراد از اهل کتاب هم یهودیان هستند و هم نصارا. بنابراین مقصود از <الکتب> تورات و انجیل خواهد بود.

۴ پیامبر (ص) ، بیانگر بسیاری از حقایق مخفی شده از تورات و انجیل

رسولنا ببین لکم کثیراً مما کنتم تخفون

۶ بیان حقایق کتمان شده تورات و انجیل ، نشانی بر حقانیت پیامبر (ص)

ببین لکم کثیراً مما کنتم تخفون من الکتب

جمله <ببین لکم> پس از <قد جاء کم رسولنا> اشاره به دلیل حقانیت رسول اکرم(ص) دارد. مؤید این معنا جمله <کنتم تخفون> است که دلالت بر مخفی نگاه داشتن حقایق در همه ادوار گذشته دارد.

کیفر کفر به حقایق

- آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۲

۱۲- کافران به حقایق نازل شده از سوی خداوند ، ظالم ، و سزاوار آتش اند .

الحق من ربکم .. و من شاء فليکفر إنا أعتدنا للظلمين نارًا

محرومان از درک حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۸ - ۱

۱- خداوند ، قلب و قوای شنوایی و بینایی کافران دنیاگرا (مرتدان) را ، مهر کرده و از درک حقایق محرومشان ساخته است .

استحبوا الحیوه الدنيا .. الکفرین . أولئك الذین طبع الله علی قلوبهم ... و أ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۰ - ۵

۵ - کافران ، چنان در ظلمت و گمراهی فرو رفته اند که حتی ملموس ترین حقایق الهی را درک نمی کنند .

والذین کفروا أعملهم .. أو کظلمت فی بحر لَجّی یغشیه موج من فوقه موج من فوقه س

ندیدن دست خویش با آن که دست از ملموس ترین چیز برای انسان است (إذا أخرج یده لم یکد یرها) حکایت از حقیقت یاد شده دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۵ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، بر قلب هر متکبر تجاوزگری ، مهر می زند و او را از فهم درست حقایق الهی محروم می سازد .

کذلک یطبع الله علی کلّ قلب متکبر جبار

به هر متجاوزی که از قانون بگذرد، <جبار> گویند. (قاموس المحيط).

محرمان از درك حقايق اخروي

جلد - نام سوره - سوره - آيه -

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۱۹

۱۹ منافقان ، مردمانی محروم از درک حقایق اخروی

لو کانوا یفقهون

به کارگیری کلمه <لو> که برای تمنی است حکایت از آن دارد که منافقان از درک حقایق اخروی ناتوانند.

محرومیت از حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۷ - ۵

۵ عملکرد نادرست و تخلف از فرمان های الهی ، زمینه ساز مهر شدن قلب انسان و دست نیافتن وی به درک عمیق حقایق

رضوا بأن یكونوا مع الخوالف و طبع علی قلوبهم

محرومیت از درک حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۸ - ۴۳

مرکز درک حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۶ - ۵

۵- حس شنوایی ، وسیله دستیابی به حقایق و قلب مرکز درک و فهم آنهاست .

علی قلوبهم أکنه أن یفقهوه و فی ءاذانهم وقراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطفین - ۸۳ - ۱۴ - ۵

۵- قلب ، مرکز دریافت حقایق و رهنمود های الهی و پیدایش گرایش ها و اعتقادات است .

ما یکذب .. قال أسطیر الأولین . کلاب ران علی قلوبهم

ملاکهای تشخیص حقایق دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۱ - ۱۵

۱۵ - محک زدن باور ها با دلیل و برهان ، راه شناسایی حقایق دینی از خیالات و آرزو های وارده شده در حوزه عقاید دینی

تلک أمانتہم قل ہاتوا برہنکم

ملائکہ و

کتمان حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۳ - ۱۳، ۱۱

۱۱ - فرشتگان در جریان خلقت و خلافت آدم (ع)، امری را در ضمیر خویش پنهان می داشتند و از ابراز آن خودداری می کردند .

و أعلم ما تبدون و ما کنتم تکتُمون

۱۳ - فرشتگان، توانا بر اخفای امور خویش بر دیگران فرشتگان

أعلم ما تبدون و ما کنتم تکتُمون

منافقان و درک حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۷ - ۷

۷ ناتوانی منافقان از درک عمیق زشتی مواضع و عملکرد خویش و نیز ارزش جهاد در راه خدا

و طبع .. فهم لایفقهون

منشأ تبیین حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ - ارشاد مردم به ترک اظهار نظر های بی پایه در باره حقایق و احاله علم آن به خداوند، وظیفه ای است برعهده رهبران الهی .

سیقولون .. قل ربی أعلم بعدتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۸ - ۵

۵- بعثت پیامبر اکرم (ص)، در ادامه تبیین حقایق و زدایش اختلافات دیرین دینی *

فما اختلفوا إلا من بعد .. ثم جعلناك على شريعة من الأمر

طرح رسالت پیامبر(ص) (جعلناك على شريعة) در پی یادکرد اختلاف بنی اسرائیل، می تواند پیامدار این معنا باشد که: پیدایش و گسترش آن اختلاف ها، مقتضی آمدن رسول جدید و به منظور تبیین حقایق و پایان بخشیدن به تفرقه ها بوده است.

منشأ حقایق

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱

۱- تنها، خداوند سرچشمه حقایق و معارف صحیح است.

الحقّ من ربّکم

<من ربّکم> خبر است برای <الحقّ> و برخی گفته اند که <الحقّ> خبر برای مبتدای محذوف است. <ال> در <الحقّ> برای استغراق است، یعنی: <تمامی حقایق>. بنابراین جمله <الحقّ من ربّکم> در حقیقت، دلالت بر حصر می کند. این حصر، در برابر رهنمودهای هواپرستان است که آیه قبل اطاعت آنان را ناروا دانست.

منشأ ظهور حقایق در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۲ - ۳

۳ کنار رفتن پرده های غفلت از برابر چشمان آدمی، به اراده الهی در قیامت

فكشفتنا عنك غطاءك

موانع درك حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۵ - ۶

۶- درك حقایق معنوی و ارزش های الهی با كفر به آخرت، امکان پذیر نیست.

و جعلنا بینك و بین الذین لایؤمنون بالأخره حجابًا مستورًا

ذکر صفت <لایؤمنون> برای <الذین> مشعر به این معناست که آنان، شایستگی درك و فهم آیات قرآن را نداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۶ - ۱۱

۱۱ - انگیزه های ناخالص نفسانی و جوّ ناسالم فکری جامعه، از موانع شناخت درست حقایق

أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خِزْيَانٍ حَافِيٍّ أَمْ تَتَفَكَّرُوا

توصیه به قیام برای خدا، حاکی از رد انگیزه های ناخالص است و <مثنی و فرادی> دعوت به پرهیز از جوّ زدگی است. این می رساند که ناخالصی و غوغاسالاری، به فهم درست

آسیب می زند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۶ - ۶،۹

۶- کفر ، مانع درک و پذیرش حق ، حتی از زبان پیامبر (ص)

يَسْمَعُ إِلَيْكَ حَتَّىٰ إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا .. مَاذَا قَالَ ءَانفًا

<ماذا قال.. > ممکن است پرسش حقیقی باشد و ناتوانی کافران از فهم کلام وحی را برساند.

۹- هواپرستی و ناتوانی از درک حقایق معنوی ، دو عنصر به هم پیوسته

طَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ

عطف دو جمله، ارتباط و پیوستگی تنگاتنگ میان محتوای آن دو را می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۳ - ۸

۸- مردمی که دل هایشان مهر شده ، از درک حقایق و معارف دینی و الهی محروم اند .

فَطَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ

ناپسندی تکذیب حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۲ - ۹

۹- انکار اموری که احتمال حقانیت آن می رود امری ناروا است .

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُمْ بِهِ مِنْ أَضَلِّ

نشانه های حقایق غیبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- وجود علایمی برای رهیافت انسان به حقایق غیبی ، در متن جهان طبیعت و عالم محسوسات

أو لم یروا أن الله الذی خلق السموت و الأرض قادر علی أن یخلق مثلهم

آسمانها و زمین (عالم طبیعت)، همان آیاتی است که با دقت در آنها، اعجاب انسان نسبت به حقایق غیبی و از جمله حیات دوباره انسان رفع

می شود.

وارونه نمایی حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۸ - ۷

۷ وارونه جلوه دادن واقعیت های اجتماعی ، نشانه فتنه انگیزی است .

لقد ابتغوا الفتنة من قبل و قلبوا لك الأمور

يعقوب(ع) و كشف حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۸ - ۱۵

۱۵ يعقوب (ع) برای كشف حقیقت آنچه فرزندانش درباره يوسف (ع) ابراز می کردند ، از خداوند کمک خواست .

والله المستعان علی ما تصفون

<وصف> (مصدر تصفون) به معنای بیان کردن است و مراد از <ما> سخنان دروغین برادران يوسف می باشد. کمک گرفتن از خدا بر سخنان و گزارشهای غیر واقعی ، به معنای کمک گرفتن از او در كشف حقیقت است.

یقین به حقایق پس از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۹ - ۳

۳- انسان ، پس از مرگ به حقایق آشنا شده و به آنها یقین پیدا می کند .

و اعبد ربك حتى یأتیک الیقین

برداشت فوق، از وجه تسمیه مرگ به <یقین> استفاده می شود؛ یعنی، از این رو به مرگ <یقین> گفته می شود که حقایق برای انسان آشکار شده و او به آنها یقین پیدا می کند.

یهود و کتمان حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۳

۳ - کتمان حقیقت ، هدف یهود و نصارا از آمیختن حق و باطل

و لاتلبسوا الحق بالباطل و تکتّموا الحق

تکرار نکردن <لا>ی ناهیه در <تکتّموا> به این

معنا اشاره دارد که: هدف یهود و نصارا در آمیختن حق به باطل، مخفی نگاه داشتن حق بوده است.

حقایق غیبی

ابلاغ حقایق غیبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۴ - ۳

۳ - پیامبر (ص) ، معارف غیبی را در انحصار خود قرار نمی داد و از آموختن آن به دارندگان شرایط ، امتناع نمیورزید .

و ما هو علی الغیب بضنین

تشبیه حقایق غیبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ معارف دین در زمینه مسائل و مصادیق < غیب > ، دارای مثال های عینی در جهان محسوس

و أحيينا به . . . كذلك الخروج

مسأله معاد از امور غیبی است ؛ یعنی، حقیقت آن اکنون بر بشر نامعلوم است. ولی خداوند برای نزدیک کردن این معرفت غیبی به ذهن بشر، نمونه های مثالی از آن را در جهان طبیعت قرار داده است تا راه درک آن را هموارتر سازد.

حقایق غیبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۷ - ۶

۶- برپایی قیامت ، از جمله امور غیبی آسمان ها و زمین است \$.

و لله غیب السموت و الأرض و ما أمر الساعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۸ - ۲،۶

۲ - وجود حقایق پنهان از دید انسان ها در آسمان ها و زمین

إِنَّ اللَّهَ عِلْمُ غَيْبِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

۶ - آگاهی خداوند به نیت ها و راز دل ها ، دلیل آگاهی کامل او از حقایق پنهانی تمامی جهان

إِنَّ

اللّٰهُ عَلِمَ غَيْبَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که جمله <إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ> در مقام تعلیل برای <إِنَّ اللَّهَ عَالِمُ غَيْبٍ..> می باشد؛ یعنی، چون خداوند به نیت ها و راز دل ها که پنهانی ترین امور جهان است آگاه می باشد، پس نسبت به امور غیبی جهان نیز آگاه خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۶ - ۲

۲ - زمان نزول عذاب ، شکست کافران و برپایی قیامت ، از امور غیبی و تنها در اختیار خداوند است .

حَتَّىٰ إِذَا آوَأْتُمُ الْبُيُوتَ لِلْعَشِيِّ فَيَسْأَلُكُمْ لِجَمَلِ الْيَوْمِ قَالُوا لَمْ نَكُنْ لَكُمْ بَأْسًا فَغَابَ عَنْكُمْ... علم الغیب

تعریف <الغیب> برای استغراق است؛ یعنی، تمامی امور و حقایق غیبی و <عالم الغیب> خبر برای مبتدای محذوف (هو) است. تعریف مسند و مسندالیه، مفید قصر می باشد؛ یعنی، تنها خداوند عالم به امور غیبی است. گفتنی است از مصادیق مورد نظر در امور غیبی به قرینه آیات پیشین مسأله برپایی قیامت، شکست کافران و نزول عذاب بر آنان است.

نشانه های حقایق غیبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۹ - ۵

۵- وجود علایمی برای رهیافت انسان به حقایق غیبی ، در متن جهان طبیعت و عالم محسوسات

أَو لَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ

آسمانها و زمین (عالم طبیعت)، همان آیاتی است که با دقت در آنها، اعجاب انسان نسبت به حقایق غیبی و از جمله حیات دوباره انسان رفع می شود.

حقایق معنوی

ظهور حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۹ - ۴

۴ لحظه مرگ ، زمان آشکار شدن حقایق معنوی برای تمامی انسانها *

و إن من أهل الكتب إلا ليؤمننَّ به قبل موته

حقوق از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حقوق

{حقوق}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۹ - ۱۴،۱۵

۱۴ پیامبر (ص) موظف به گذشت از حقوق خویش بر مردم و طلب آمرزش برای آنان نسبت به حقوق الهی

فاعف عنهم و استغفر لهم

از اینکه پیامبر (ص) از یکسو مأمور به گذشت از مردم و از سوی دیگر مأمور به طلب مغفرت برای آنان از خدا می شود، می توان به دست آورد که مراد از <فاعف>، گذشت از حقوق خود پیامبر (ص) و مراد از <فاستغفر>، طلب مغفرت در مورد حقوق خداوند است.

۱۵ پیامبر (ص) دارای حقوقی بر مردم و آنان وظیفه دار رعایت آن حقوق هستند .

فاعف عنهم و استغفر لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۱۵،۱۸

۱۵ ناروایی تبعیض بین مرد و زن ، در اجرت کاری یکسان *

انّی لا اذیع عمل عامل منکم من ذکر او انّی بعضکم من بعض

۱۸ یکسانی زن و مرد در ماهیت و حقیقت انسانی ، فلسفه تساوی آنان در برخورداری از اجر و پاداش اعمال نیک

اِنَّی لَا اَضِیْعُ عَمَلِ عَامِلٍ مِنْکُمْ مِنْ ذَکْرِ اَوْ اُنْثٰی بَعْضُکُمْ مِنْ بَعْضٍ

آثار تفریط در حقوق خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ -

۱ - کوتاهی در حق خداوند ، موجب حسرت و پشیمانی شدید انسان

أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَحْسَرْتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ

<حسرت> به معنای پشیمانی شدید است و عبارت <یا حسرتی> در صورتی گفته می شود که انسان از انجام و ترک کاری به شدت پشیمان شده و بخواهد آن را اظهار کند. <تفریط> (مصدر <فَرَطْتُ>) به معنای تقصیر و کوتاهی و کلمه <جنب> به معنای جهت و ناحیه است که در این آیه کنایه از حق می باشد. پس <ما فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ> یعنی، آنچه در حق خدا کوتاهی کردم.

۶ - تمسخر تعالیم الهی (قرآن) ، کوتاهی در حق خدا و موجب حسرت و پشیمانی انسان در دنیا و آخرت است .

أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَحْسَرْتِي .. وَإِنْ كُنْتَ لِمَنْ السَّخِرِينَ

احسان در حقوق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۱۷

۱۷ - حقوق اسلامی آمیخته با اخلاق و احسان

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ .. فَمَنْ عَفَىٰ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدِّءِ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ

احقاق حقوق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۷ - ۴

۴ دو مرد از کسانی که شهادت دروغین شاهدان بر وصیت ، بر ضرر آنان تمام شده می توانند در مقام شهادت برآمده و شهادت خویش را ادا کنند

فَاخْرَانِ يَقُومَانِ مَقَامَهُمَا مِنَ الَّذِينَ اسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْأُولَانِ

مفعول <استحق> کلمه <اثماً> می باشد که به قرینه فراز قبل حذف شده است و <اولیان> فاعل آن می باشد. بنابراین و با توجه به آنچه درباره <استحقا اثماً> گفته

شده <من الذین استحق...> چنین معنا می شود آن دو مرد جایگزین در امر شهادت باید از کسانی باشند که شاهدان پیشین با حق جلوه دادن شهادت دروغین خویش ضرری را متوجه آنان کرده اند.

اخلاق و حقوق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۶ - ۱۸

۱۸ نظام اخلاقی ، پایگاه و پشتوانه برای عمل به نظام حقوقی ، در اسلام

حَقًّا عَلَی الْمُحْسِنِیْنَ

با توجّه به اینکه خداوند، احسان که از مقوله اخلاق است را زمینه پذیرش احکام حقوقی و عمل به آنها قرار داده است.

ادای حقوق ابن السبیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۶ - ۲،۶

۲- پیامبر (ص) موظف به ادای حقوق خویشاوندان ، مساکین و در راه ماندگان با رعایت اعتدال و اجتناب از تذبذب

و ءات ذالقربی حقه و المسکین و ابن السبیل و لاتبذّر تبذیرًا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مخاطب در آیه پیامبر(ص) باشد، هر چند دیگران را نیز شامل می شود.

۶- پرداخت حق مساکین و در راه ماندگان ، امری لازم و واجب است .

و ءات .. و المسکین و ابن السبیل

ادای حقوق خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۶ - ۱،۲

۱- ادای حق خویشاوندان ، امری واجب و لازم است .

وَأَتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ

۲- پیامبر (ص) موظف به ادای حقوق خویشاوندان ، مساکین و در راه ماندگان با رعایت اعتدال و اجتناب از تبذیر

وَأَتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمَسْكِينِ وَابْنَ السَّبِيلِ

و لا تبذر تبريرا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مخاطب در آیه پیامبر(ص) باشد، هر چند دیگران را نیز شامل می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۹ - ۲

۲- مؤمنان ، وظیفه دار پرهیز از بخل و خودداری از ادای حق خویشان و مستمندان

و اء ذالقربی حقه ... و لاتجعل یدک مغلوله إلی عنقک

ادای حقوق فقرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۹ - ۲

۲- مؤمنان ، وظیفه دار پرهیز از بخل و خودداری از ادای حق خویشان و مستمندان

و اء ذالقربی حقه ... و لاتجعل یدک مغلوله إلی عنقک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۵ - ۴

۴ - انجام دادن دائم نماز ، ادای حق سائلان و محرومان جامعه ، تصدیق روز جزا و هراس از عذاب الهی ، از موجبات ورود به

بهشت

إلا المصلین ... و الذین فی أموالهم حق ... و الذین یصدقون بیوم الدین ... أول

ادای حقوق متکدیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۵ - ۴

۴ - انجام دادن دائم نماز ، ادای حق سائلان و محرومان جامعه ، تصدیق روز جزا و هراس از عذاب الهی ، از موجبات ورود به

بهشت

إِلَّا الْمَصْلِينَ . . . وَ الَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ . . . وَ الَّذِينَ يَصَدَّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ . . . أَوَّل

ادای حقوق مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۸ - ۷۸

تقوایشگی اجرا کنندگان احکام شهادت و تسلیم بودن آنان در برابر احکام الهی ایشان را به اثبات و ایفای حقوق مردم به طور صحیح می رساند .

و اتقوا الله و اسمعوا

در برداشتهای گذشته مخاطبان <اتقوا و اسمعوا> شاهدان گرفته شده بود ولی احتمال دیگری نیز وجود دارد و آن اینکه مخاطبان در این دو فراز حاکمان و قاضیان که متصدیان اجرای احکام هستند، باشند.

۸ تعهد در برابر احکام الهی ، هموار سازنده جریان صحیح اثبات و ایفای حقوق اجتماعی

و اتقوا الله و اسمعوا

ادای حقوق مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۶ - ۲۶،۶

۲- پیامبر (ص) موظف به ادای حقوق خویشاوندان ، مساکین و در راه ماندگان با رعایت اعتدال و اجتناب از تبذیر

و ءات ذاالقربى حقّه و المسکین و ابن السبیل و لاتبذّر تبذیرًا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مخاطب در آیه پیامبر(ص) باشد، هر چند دیگران را نیز شامل می شود.

۶- پرداخت حق مساکین و در راه ماندگان ، امری لازم و واجب است .

و ءات ... و المسکین و ابن السبیل

ادای حقوق مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۲ - ۸

۸- برخورد شایسته با زنان مطلقه ، ادای حقّ آنان و انتخاب دو شاهد عادل بر امر طلاق یا رجوع ، از موعظه های الهی به مردان و زنان مؤمن

لاتخرجنهنّ من بیوتهنّ .. و اقیموا الشّهده لله ذلکم یوعظ به

<ذلك> اشاره به مجموعه رهنموهای الهی در دو آیه این سوره است.

اعتدال در ادای حقوق

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۶ - ۲

۲- پیامبر (ص) موظف به ادای حقوق خویشاوندان ، مساکین و در راه ماندگان با رعایت اعتدال و اجتناب از تبذیر

و ءات ذالقربی حقّه و المسکین و ابن السبیل و لاتبذّر تبذیرًا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مخاطب در آیه پیامبر(ص) باشد، هر چند دیگران را نیز شامل می شود.

اولویتها در حقوق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۶ - ۴

۴- رعایت حقوق خویشاوندان پس از ادای حق والدین ، بر سایر حقوق اجتماعی ، اولویت دارد .

و بالولدین إحسنًا .. و ءات ذالقربی حقّه و المسکین

فاصله شدن <حقّه> میان <ذالقربی> و دو مورد بعد و نیز تقدمش بر آن دو، می تواند إشعار به تمایز <ذی القربی> و اولویت مرتبه آن داشته باشد.

اهمیت ترک تجاوز به حقوق دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۴ - ۱۵

۱۵ - توصیه به ایمان و عمل صالح و پرهیز از تجاوز به حقوق یکدیگر ، از بهترین رهنمود ها به بشر

و إنّ کثیرًا من الخطاء لیبغی .. إلاّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت و قلیل ما

اهمیت حقوق انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۲ - ۲

۲ - حقوق تمامی انسان ها حتی غیرمؤمنان محترم است .

إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ

از ذکر <الناس> به جای <الذين آمنوا>، می توان استفاده کرد که تجاوز به انسان های

غیر مؤمن نیز مطرود و ناروا است.

اهمیت حقوق خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۹

۹ رعایت حقوق خویشاوندان اگر چه دشمن باشند لازم است .

و إن يظهروا عليكم لا يرقبوا فيكم إلّا

خداوند مشرکان را به خاطر رعایت نکردن حق خویشاوندی خود با مسلمانان که در حال ستیز و دشمنی با آنان بودند محکوم کرد و آنها را متجاوز خواند (هم المعتدون)؛ این می رساند که حق خویشاوندی را در هر شرایط (جنگ و دشمنی و ..) باید رعایت کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰ - ۴

۴ رعایت حقوق خویشاوندان ، واجب است .

لا يرقبون في مؤمن إلّا

آیه فوق که در توصیف مشرکان است، رعایت نکردن حق خویشاوندان را از خصوصیات مشرکان شمرده و به همین خاطر آنان را انسانهای متجاوز معرفی کرد (هم المعتدون) این توصیف، حکایت دارد که رعایت حق خویشاوندان امری لازم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۶ - ۴

۴- رعایت حقوق خویشاوندان پس از ادای حق والدین ، بر سایر حقوق اجتماعی ، اولویت دارد .

و بالوالدين إحسناً .. وءات ذاللقربی حقه و المسکین

فاصله شدن <حقه> میان <ذاللقربی> و دو مورد بعد و نیز تقدمش بر آن دو، می تواند إشعار به تمایز <ذی القربی> و اولویت مرتبه آن داشته باشد.

اهمیت حقوق کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۱۴

۱۴ - رعایت انصاف و حقوق

مالی انسان ها ، حتی کافران ، در احکام شریعت

و ءاتوهم ما أنفقوا

اهمیت حقوق کودک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۶ - ۹

۹ - توجه به مصالح و منافع نوزادان و نیز رعایت موازین شرعی و عقلی ، باید اساس و مبنای مشاوره و هم فکری مردان و زنان مطلقه باشد .

و أتمروا بینکم بمعروف

<معروف> اسم برای هر کاری است که از نظر عقل و شرع، حسن و خوبی آن شناخته شده باشد (مفردات راغب).

اهمیت حقوق مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۷

۷- مادر ، دارای حقی فزون تر از پدر ، در برخورداری از احسان و خدمات فرزند

و وصینا الإنسن بولدیه إحسنًا حملته أمه کرهًا و وضعته کرهًا و حملة و فصله

خداوند، در آغاز احسان به پدر و مادر را توصیه کرده است؛ ولی در بیان فلسفه آن صرفاً از زحمات مادر یاد نموده است. این در حقیقت تأکید بر حق مادر و توصیه فزون تر در مورد او است.

اهمیت حقوق مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۴ - ۲۳

۲۳ - اهمیت حقوق مردم و خطیر بودن مسؤولیت داوری میان آنان

فاستغفر ربّه و خرّ راكعًا و أناب

استغفار، سجده و انابه داوود(ع) به درگاه الهی، پس از گمان به رخ دادن یک خطا در داوری میان دو گروه متخاصم (خطایی که مسلماً در نتیجه حکم هیچ تأثیری نداشت) می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۱۴

۱۴ - رعایت انصاف و حقوق مالی انسان ها ، حتی کافران ، در احکام شریعت

و ءاتوهم ما أنفقوا

اهمیت حقوق مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۷ - ۱۴

۱۴ - اهتمام اسلام به حقوق زنان مطلقه و دفاع از آنان در استیفای آن

فَطَلَّقُوهُنَّ لَعَدَّتِهِنَّ .. فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ ... أَسْكِنُوهُنَّ ... فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ ... سَبِيح

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه، آخرین آیه ای است که درباره زنان مطلقه و تکالیف شوهرانشان در برابر آنها می باشد و در تمام آیات گذشته، مردان مورد خطاب قرار گرفته اند و از آنان خواسته شده که حقوق همسران خود را (از قبیل مسکن، نفقه و اجرت شیردادن و ..) پرداخت نمایند و نیز با آنان به طور شایسته و مطابق با موازین عقل و شرع رفتار کنند.

اهمیت حقوق مظلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۳ - ۶

۶- خداوند ولی کسی را که به ناحق و مظلومانه کشته شود ، بر قاتل او ، سلطه بخشیده است .

و من قتل مظلومًا فقد جعلنا لولئیه سلطنًا

اهمیت حقوق والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۳ - ۶

۶- پدر و مادر، دارای بالاترین و مهم ترین حق، در میان مجموعه حقوق انسان ها بر یکدیگر

و قضی ربّک .. بالولدین إحسنًا

از اینکه خداوند در مقام بیان حقوق متقابل گروههایی از انسانها، حق والدین را مقدم

بر همه آنها و پس از حق خویش قرار داده است، نکته یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۶ - ۴

۴- رعایت حقوق خویشاوندان پس از ادای حق والدین ، بر سایر حقوق اجتماعی ، اولویت دارد .

و بالوالدین إحسنًا .. وءات ذاللقربی حقه و المسکین

فاصله شدن <حقه> میان <ذاللقربی> و دو مورد بعد و نیز تقدمش بر آن دو، می تواند إشعار به تمایز <ذی القربی> و اولویت مرتبه آن داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۴،۶

۴- انسان ها در همه ادیان آسمانی ، موظف به رعایت حقوق والدین و احسان به ایشان

و وصینا الإنسن بولدیه إحسنًا

ماضی آمدن واژه <وصینا> و نیز اطلاق و شمول واژه <الإنسان>، می رساند که این فرمان مخصوص نسل یا امتی نیست بلکه مطلق انسان ها مأمور به آن بوده و هستند.

۶- انسان ، مکلف به رعایت هر چه بیشتر حقوق والدین و احسانی فراتر از رفع نیاز های اولیه آنان *

و وصینا الإنسن بولدیه إحسنًا

در واژه <إحسانًا>، نوعی خدمت فزون تر از حد ضرورت نهفته است. به علاوه تنوین <إحسانًا> بر بزرگی و تفخیم دلالت دارد.

اهمیت حقوق همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۵ - ۱۲

۱۲ - اهمیت مسائل خانوادگی (ازدواج ، طلاق ، حقوق همسران و ...) ، در میان موضوعات اسلامی و آموزه های قرآنی

إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ .. اتَّقُوا اللَّهَ ... مِنْ يَتَّقِ

اللّٰه ... يعظم له أجرًا

اهمیت حقوق یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳ - ۱

۱ ممنوعیت ازدواج با دختران یتیم ، در صورت ترس از بی عدالتی نسبت به آنان

و ان خفتم الا تقسطوا فی الیتامی فانکحوا ما طاب لکم من النساء

جزای شرط <ان خفتم> حذف شده و <فانکحوا>، جانشین آن جزاست. یعنی: <ان خفتم الا تقسطوا فی الیتامی فلا تنکحوهن و انکحوا>. و این نهی بنابر آنچه در شأن نزول آمده ناظر به ازدواج برخی از مردم با یتیمان، بدون پرداخت مهریه مناسب به آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۲۰

۲۰ حفظ حقوق یتیمان و استیفای کامل آن ، وظیفه ای همگانی

و ان تقوموا للیتیمی بالقسط

اهمیت رعایت حقوق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۲۶

۲۶ لزوم احترام به حقوق انسان ها ، حتی دشمنان کینه توز

و لایجرمنکم شنئان قوم ان صدوکم

اهمیت رعایت حقوق خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۰ - ۱۶

۱۶- رعایت عدالت ، احسان ، ادای حق خویشاوندان و دوری از فحشا ، اعمال زشت و ستم ، از موعظه های خداوند به انسان است .

إن الله يأمر بالعدل . . . و ينهى عن الفحشاء ... يعظكم

اهمیت مراعات حقوق مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۸ - ۳

۳ - مراعات و حقوق مردم ، در برخورد

اخلاقی ، دارای اهمیتی ویژه است .

و لا تصعّر خدک للناس

<لام> در <لنناس> برای تعلیل است؛ یعنی، روی خود را متکبرانه به خاطر اعراض از مردم، برنگردان. چنین دستوری حکایت از آن دارد که مردم، در برخورد اخلاقی، دارای حقوق لازم الرعایه اند.

برتری حقوق مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - مادران ، دارای حقی فزون تر از پدران ، بر گردن فرزند هستند . *

و وصینا الإنسن بولدیه حملته أمه وهنأ علی وهن و فصله فی عامین أن اشکر ..

تعلیل آوردن حکم تشکر از والدین، به این که مادر، سختی های بارداری را متحمل شده و فرزند را تا مدت دو سال شیر می دهد، می تواند به فزونی حق مادر اشاره داشته باشد.

بنی اسرائیل و حقوق والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۲۲

۲۲ - بنی اسرائیل ، جز اندکی از آنان به پرستش غیر خدا گرویدند و حقوق والدین ، خویشان ، یتیمان و مساکین را ضایع ساختند .

لا تعبدون إلا الله و بالولدین احساناً .. ثم تولیتم إلا قليلاً منکم

بی اعتنایی به حقوق خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۱۹

۱۹ عدم رعایت حقوق خویشاوندی ، برخاسته از روحیه فسق و حق گریزی است .

لا يرقبوا فيكم إلَّا... و أكثرهم فسقون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٧ - توبه - ٩ - ١٠ - ١

١ شرک پيشگان صدر اسلام ،

درباره هیچ مؤمنی به رعایت حق خویشاوندی، ملتزم نبودند.

لا یرقبون فی مؤمن إلاً

<رقبه> و <رُقبان> (مصدر یرقبون) به معنای حفظ و نگهداری و <إل> به معنای قرابت و خویشاوندی است. قابل ذکر است که لفظ <مؤمن> و <إل> هر دو نکره در سیاق نفی و مفید عمومند؛ یعنی، مشرکان درباره هیچ مؤمنی حرمت قرابت و خویشاوندی را نگه نمی‌دارند.

پاسداری از حقوق مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۸ - ۱۲

۱۲ - نقش بسزای قاضیان در سلامت اقتصاد جامعه و حفظ حقوق مردم

و لا تأکلوا أموالکم بینکم بالباطل و تدلوا بها إلی الحکام .. و أنتم تعلمون

تأمین حقوق همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۷

۷ - نقش سازنده خداترسی و تقوایبشگی، در تضمین حقوق همسران و رفع اختلاف های آنان

إذا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ .. وَ اتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ

مطلب یاد شده، از توصیه خداوند به تقوایبشگی در بیان اولین حکم مربوط به طلاق استفاده می‌شود.

تجاوز به حقوق انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۰ - ۲۰

۲۰ - تجاوز به حقوق و مزایای دیگران، از جلوه های فسادگری است.

کلوا و اشربوا .. و لاتعتوا فی الأرض مفسدین

تجاوز به حقوق حاجیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۸

۸ - ممانعت از ورود حاجیان به مکه ، تجاوز به حقی است که خدا برای آنان قرار داده است .

و یصدون

.. الذی جعله للناس

تجاوز به حقوق در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۳ - ۵،۶

۵ بنی اسرائیل در عین برخورداری از زندگی مناسب، به جای اتحاد و حفظ حقوق یکدیگر، آگاهانه به اختلافات داخلی دامن زده و به حقوق یکدیگر تجاوز می کردند.

و لقد بؤأنا بنی إسرئیل مَبوّأ صدق .. فما اختلفوا حتی جاءهم العلم

۶ بنی اسرائیل، با وجود در اختیار داشتن تورات و برخورداری از زندگی مناسب، کفران نعمت کرده و به اختلاف و تجاوز به حقوق یکدیگر پرداختند.

و لقد بؤأنا بنی إسرئیل مَبوّأ صدق .. فما اختلفوا حتی جاءهم العلم

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از <العلم> کتاب آسمانی تورات باشد.

تجاوز به حقوق دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۱۲

۱۲ - ممنوعیت هرگونه انحراف از حق و تجاوز به حقوق دیگران، در محیط مسجدالحرام

و من یرد فیه یالحاد بظلم نذقه من عذاب ألیم

<إلحاد> به معنای انحراف و کج روی است. از نکره آوردن <إلحاد> و <ظلم> استفاده می شود که مردم در مسجدالحرام و محدوده آن، باید در امنیت و آرامش مطلق باشند و در این راستا از کم ترین و کوچک ترین انحراف و تجاوز به حقوق آنان، چشم پوشی نخواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۰ - ۱

۱ - نجوای آلوده به گناه ، تعدی به دیگران و نافرمانی از پیامبر اکرم (ص

(، از القائنات شیطان است .

إِنَّمَا النُّجُوعُ مِنَ الشَّيْطَانِ

الف و لام <النجوى> برای عهد است و به نجوای منافقان اشاره دارد که آلوده به <إثم>، <عدوان> و <معصیت الرسول> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۱ - ۳

۳ - برخوردارى از امکانات مادی و قدرت ، زمینه ساز طغیان و تعرض به حقوق دیگران

الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبَلَدِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۹ - ۲

۲ - تجاوز به حق ارث دیگران ، ناروا و نکوهیده است .

و تَأْكُلُونَ التَّرَاثَ أَكْلًا لَمًّا

تجاوز به حقوق دیگران در مسجد الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۱۴

۱۴ - انحراف از حق و تجاوز به حقوق دیگران در محیط مسجد الحرام ، گناهی است بس بزرگ و کج روان و ستم کاران باید در انتظار کیفر سخت دنیوی باشند .

و من یرد فیه یالحاد بظلم ندقه من عذاب أليم

برداشت یاد شده بر این اساس است که مقصود از <عذاب أليم> کیفر دنیوی نیز باشد.

تجاوز به حقوق زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳۸ هشدار خداوند به مردان ستمکار و متجاوز به حقوق همسران خویش

فلا تبغوا عليهنّ سيلاً انّ الله كان عليّاً كبيراً

جمله <انّ الله .. > در مقام تهدید شوهران ستمکار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ تجاوز به حقوق زنان یتیم

، در عصر بعثت

فی یتمی النساء التی لا تؤتونهن ما کتب لهن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۱ - ۷

۷ لواط ، تجاوز به حقوق زنان در جامعه است .

شهوة من دون النساء بل أنتم قوم مسرفون

تجاوز به حقوق شریک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۴ - ۴،۵

۴ - رواج ستم و تجاوز به حق ، در میان بسیاری از شریکان در عصر داوود (ع)

و إن کثیرًا من الخطاء لیبغی بعضهم علی بعض

۵ - بسیاری از شریکان ، آلوده به اجحاف و تجاوز به حقوق یکدیگراند .

و إن کثیرًا من الخطاء لیبغی بعضهم علی بعض

آنچه از ظاهر آیه شریفه استفاده می شود، این نکته است که کلام داوود(ع) یک قانون کلی است و شامل تمامی شرکا می شود و منحصر به شریکان عصر او نیست.

تجاوز به حقوق مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۵ - ۱۶، ۱۵، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۸، ۷

۷ قیام مداوم علیه تزییع کنندگان حقوق اجتماعی و فردی ، راهی برای بازگرداندن آن

و منهم من ان تأمنه بدینار الا یؤده الیک الا مادمت علیه قائماً

۸ تَضِيعَ حَقُوقِ دِيْغَرَانِ تَوْسُطِ بَرُخِي اَز اَهْلِ كِتَابِ (يَهُود) ، نَاشِي اَز رُوحِيهِ خُود بَر تَرِيْنِي اَنَان

ذَلِكْ بَاثْمَهُم قَالُوْا لَيْسَ عَلَيْنَا فِى الْاَمْنِ سَبِيْلٌ

۱۰ عَدَمِ اِحْسَاسِ مَسْئُوْلِيَّتِ بَرُخِي اَز اَهْلِ كِتَابِ دَر بَرَابَرِ حَقُوقِ غَيْرِ هَمَكِيْشَانِ خُود

ذَلِكْ بَاثْمَهُم قَالُوْا لَيْسَ عَلَيْنَا فِى الْاَمْنِ سَبِيْلٌ

۱۱ پَنْدَارِ بَاطِلِ بَرُخِي اَز اَهْلِ كِتَابِ بَه جَوَازِ تَصَرُّفِ دَر اَمْوَالِ دِيْغَرَانِ

و تضييع آنها ، عامل خيانتشان به حقوق غير همكيشان خود

ذلك بانهم قالوا ليس علينا في الامين سبيل

۱۲ نژادپرستی و خودبرترینی ، زمينه ای برای تضييع حقوق ديگران

و منهم من ان تأمنه .. ذلك بانهم قالوا ليس علينا في الامين سبيل

۱۳ اهل كتاب به دروغ ، برتری خویش را بر غير همكيشان خود و نیز جواز تصرف در اموال آنان را به خدا نسبت می دادند .

ذلك بانهم قالوا ليس علينا في الامين سبيل و يقولون على الله الكذب

۱۵ نسبت دادن برتری نژادی و مشروعیت تضييع حقوق ديگران به خدا ، نسبتی دروغ و نارواست .

ذلك بانهم قالوا ليس علينا في الامين سبيل و يقولون على الله الكذب و هم يعلمون

۱۶ بدعتگذاری ، وسیله ای برای توجیه ستم و نقض تعهدات اجتماعی

و منهم من ان تأمنه بدینار لا يؤده اليك .. و يقولون على الله الكذب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۱۲

۱۲ نافرمانی خدا و پیامبران و استمرار تجاوز به حدود الهی و حقوق مردمان ، موجب کفر و گرفتاری به لعنت الهی

لعن الذين كفروا .. ذلك بما عصوا و كانوا يعتدون

در برداشت فوق <ذلك> علاوه بر اشاره به لعنت اشاره به کیفر نیز گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۷ - ۱۰

۱۰ شهادت به ناحق و قسم دروغ ، تجاوز به حقوق ديگران و ستمکاری در حق ایشان است .

و ما اعتدینا إنا اذاً لمن الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۸ - ۳

۳ پرهیز شاهدان وصیت از خیانت در شهادت و تجاوز به حقوق دیگران ، تکلیفی الهی بر عهده ایشان و نشان تقوای پیشگی آنان است .

ذلك ادنى ان يأتوا بالشهده على وجهها .. و اتقوا الله و اسمعوا

تجاوز به حقوق مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۸ - ۴

۴ - توصیه به گناه ، تعدی به حقوق مسلمین و نافرمانی از پیامبر اکرم (ص) ، محتوای نجوا های منافقان

و يتنجون بالاثم و العدوان و معصيت الرسول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۹ - ۳

۳ - نهی خداوند ، از نجوای آلوده به گناه ، تعدی به حقوق مسلمین و نافرمانی پیامبر (ص)

فلاتتنجوا بالاثم و العدوان و معصيت الرسول

تجاوز به حقوق مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۱۸

۱۸ - رعایت نکردن احکام و حدود الهی درباره طلاق از سوی همسران ، ظلم به نفس و زیان رساندن به خویشان است .

فطلّقوهنّ لعدّتهنّ .. و من يتعدّ حدود الله فقد ظلم نفسه

تجاوز به حقوق وارث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۳ - ۱۴

۱۴ هشدار خداوند به کسانی که نسبت به پرداخت حقوق ورثه کوتاهی می نمایند .

و لكل جعلنا موالی . . انّ الله کان علی کل شیء شهیداً

جمله <ان الله> می تواند به منظور تهدید کسانی باشد که احکام الهی

را عمل نمی کنند و حقوق بیان شده در آیه شریفه را به اهل آن نمی رسانند.

تجاوز به حقوق همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۴ - ۲۲

۲۲ رعایت نکردن حقوق شوهر از سوی همسر ، نشوز است .

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ... قَائِمَاتٌ... وَ الَّتِي تَخَافُونَ نشوزهنَّ

تجاوز به حقوق یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹ - ۵،۱۳

۵ هشدار خداوند نسبت به عدم رعایت حقوق یتیمان

ولِیْخِشِ الَّذِیْنَ لَوْ تَرَکُوْا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّیَّةً ضَعِیْفًا... فَلِیْتَّقُوا اللّٰهَ

۱۳ حکمت حرمت اجحاف در مال یتیم ، ادامه حیات و استقلال وی و مصون ماندن نسل انسان از آثار سوء آن اجحاف

ولِیْخِشِ الَّذِیْنَ

امام رضا (ع) فرمود: ... ففی تحریم مال الیتیم استبقاء الیتیم و استقلاله بنفسه و السلامه للعقب ان یصیبه ما اصابهم ...

عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۲، ص ۹۲، ح ۱، ب ۳۳ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۴۷، ح ۷۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۱۰،۱۱،۱۲

۱۰ تجاوز به حقوق زنان یتیم ، در عصر بعثت

فی یتیمی النساء التي لا تؤتونهن ما كتب لهن

۱۱ رغبت به ازدواج با دختران یتیم ، به قصد پایمال کردن حقوق آنان ، در عصر بعثت

فی یتیمی النساء التي لا تؤتونهن ما كتب لهن و ترغبون ان تنكحوهن

بنابر اینکه بعد از <ترغبون>، حرف <فی> در تقدیر باشد که در این صورت <رغبت> به معنای تمایل است.

۱۲ مذمت ازدواج با دختران یتیم

، به قصد پایمال ساختن حقوق آنان

فی یتمی النساء التی لا تؤتونهن ما کتب لهن و ترغبون ان تنکوهن

لحن آیه دلالت بر مذمت و محکومیت چنین عملی دارد.

تساوی حقوق انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۵ - ۵

۵ - استخدام طبیعت و بهره گیری از منافع آن ، حق مشروع و متساوی همه انسان ها

ألم تر أن الله سخر لكم ما فی الأرض

رام قرار داده شدن آنچه در زمین است برای انسان، مستلزم این حقیقت است که همه انسان ها در بهره برداری از زمین و آنچه در آن است، از حق برابری برخوردار می باشند و هیچ کس حق ندارد، دیگری را از این حق باز دارد.

تساوی حقوق مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۷

۷ - تمامی مسلمانان (مکی و آفاقی) ، نسبت به مسجدالحرام از حق مساوی برخوردارند .

الذی جعله للناس سواء العکف فیه و الباد

<سواء> به معنای <مستوی> و حال برای <الناس> است. <عاکف> به معنای مقیم (منظور اهل مکه) است. <بادی> یعنی اهل بادیه و مقصود از آن مردمی است که بیرون مکه و در سرزمین های دیگر زندگی می کنند؛ یعنی، ما مسجدالحرام را برای همه انسان ها قرار دادیم و در بهره مندی از آن، مکی و آفاقی برابراوند و کسی را بر دیگری امتیازی نیست.

تساوی حقوق موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۰ - ۹

۹ - تمامی موجودات زمین ، دارای حقی برابر در

تأمین نیازمندی های خویش از زمین

و قدر فیها .. سواء للسائلین

برداشت بالا- با توجه به دو نکته است: ۱ <سواء> مفعول مطلق برای فعل مقدر باشد یعنی، <إستوت الأوقات المقدره سواء للسائلین>. ۲. مراد از سائلین تمامی موجودات باشد.

تساوی حقوق والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۳ - ۱۷

۱۷- حضور هر یک از پدر و مادر سالخورده به تنهایی و یا هر دوی آنها نزد فرزند، تأثیری در مقدار احترام به آنها نداشته و هر دو از حقوق مساوی برخوردارند.

و بالولدين إحسنًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا

تساوی در حقوق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱ - ۳،۵

۳ مسلمانان، برادران دینی یکدیگر بوده و از حقوق و مزایای اجتماعی برابر برخوردارند.

فإن تابوا .. فإخونکم فی الدین

۵ کفار محارب با گرویدن به اسلام، برادران دینی مسلمانان محسوب شده و از حقوق و مزایای اجتماعی مساوی برخوردار می شوند.

فإن تابوا .. فإخونکم فی الدین

تشویق به رعایت حقوق مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۸ - ۳

۳- ترغیب و برانگیخته شدن باغداران یمنی ، از سوی برادر عاقل و معتدل خویش ، بر رعایت حقوق مستمندان و پرهیز از محروم ساختن آنان از محصولات باغ

أَنْ لَا يَدْخُلْنَهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسْكِينٌ . . . قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ

تضییع حقوق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ -

۱۳ ضایع کردن کار دیگران ، نارواست . *

انّی لا اضیع عمل عامل منکم

چون خداوند ضایع نکردن اعمال نیک را به عنوان خویی پسندیده مطرح کرده است.

تضییع حقوق خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۷

۷ شرک پیشگان صدر اسلام در صورت پیروزی بر مسلمانان ، از زیر پا گذاشتن حقوق خویشاوندی و شکستن پیمان ، باکی نداشتند .

و إن یظہروا علیکم لایرغبوا فیکم إلّا و لازمہ

تضییع حقوق مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۴ - ۱۲

۱۲ - حق مادر ، در معرض تضییع از سوی فرزند است .

و وصینا الإنسن بولدیه حملته أمه وهنّا علی وهن . . . أن اشکرلی و لولدیک

این که خداوند، در ضمن توصیه به رعایت حقوق پدر و مادر، تنها مشقّات و زحمت های مادر را در دوران بارداری و شیر دادن یادآوری می کند، احتمال دارد به خاطر نکته یاد شده باشد.

تضییع حقوق مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۲۵،۲۶

۲۵ تضییع حقوق مردمان ، بدون هیچ تردید گناه است .

لانشتری به ثمناً و لو كان ذا قریبی .. إنا اذاً لمن الاثمین

۲۶ دستیابی به منافع مادی و یا نفع رسانی به خویشاوندان ، نمی تواند مجوز پایمال سازی حقوق دیگران باشد .

لانشتری به ثمناً و لو كان ذا قریبی

تضییع حقوق مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۲۲

- بنی اسرائیل ، جز اندکی از آنان به پرستش غیر خدا گرویدند و حقوق والدین ، خویشان ، یتیمان و مساکین را ضایع ساختند

لا تعبدون إلا الله و بالوالدین احساناً .. ثم تولیتم إلا قليلاً منكم

تضییع حقوق والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۲۲

۲۲ - بنی اسرائیل ، جز اندکی از آنان به پرستش غیر خدا گرویدند و حقوق والدین ، خویشان ، یتیمان و مساکین را ضایع ساختند .

لا تعبدون إلا الله و بالوالدین احساناً .. ثم تولیتم إلا قليلاً منكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۴ - ۱۵، ۱۸

۱۵ - انسان ، در معرض ناسپاسی نسبت به نعمت های الهی و حقوق والدین و نیازمند به تذکر است .

و وصینا الإنسن بولدیه .. أن اشکرلی و لولدیک

۱۸ - هشدار الهی به انسان ها ، درباره تضییع حقوق والدین

أن اشکرلی و لولدیک إلی المصیر

جمله <إلی المصیر> پس از توصیه به رعایت حال والدین و فرمان به سپاسگزاری از آنها، ناظر به این نکته است که انسان ها، در صورت رعایت نکردن توصیه و فرمان یاد شده، مورد بازخواست قرار خواهند گرفت.

تضییع حقوق یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۲۲

۲۲ - بنی اسرائیل ، جز اندکی از آنان به پرستش غیر خدا گرویدند و حقوق والدین ، خویشان ، یتیمان و مساکین را ضایع

ساختند .

لا تعبدون إلا الله و بالولدين احساناً .. ثم توليتم إلا قليلا منكم

تفويض حق تشريع

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۱ - ۶

۶ - حق تشریح و قانون گذاری ، قابل تفویض از سوی خداوند

شرعوا لهم من الدین ما لم یأذن به الله

از مفهوم < ما لم یأذن به الله > مطلب بالا استفاده می شود.

تقدم حقوق خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۴ - ۱۴

۱۴ - حق مبدأ فیض (خداوند) ، مقدم بر حق مجاری فیض است .

أن اشکرلی و لولدیک

مقدم داشتن شکر خدا بر تشکر از والدین، در یک فرمان، احتمال دارد به خاطر حقیقت بالا باشد.

تقصیر در حقوق والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۵ - ۱۰

۱۰- انسان ها حتی صالحان ، در معرض لغزش و کوتاهی نسبت به حقوق پدر و مادرند .

و اخفض لهما جناح الذلّ .. ربکم أعلم ... إن تكونوا صلحین فإنه کان للأویین غفو

توصیه به ترک تجاوز به حقوق دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۴ - ۱۴

۱۴ - موعظه و رهنمود داوود (ع) به دو برادر متخاصم ، با توصیه به ایمان و نیک کرداری و پرهیز از تجاوز به حقوق

و إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لِيَبْغَىٰ .. إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا ... و قَلِيلٌ مَّا هُمْ

بیان این نکته مهم و کلی که <بسیاری از شریکان در حق یکدیگر ستم می کنند و تنها مؤمنان نیک کردار چنین نیستند> می تواند نوعی رهنمود و موعظه از سوی داوود(ع) به

دو برادر متخاصم باشد. گفتنی است که درخواست رهنمود از داوود(ع) از سوی آن دو نفر (و اهدنا إلی سواء الصراط) مؤید برداشت یاد شده است.

حفظ حقوق همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۴ - ۲۱، ۱۹، ۱۴

۱۴ همسران شایسته ، حافظ حقوق شوهران خویش در غیاب آنان

فَالصَّالِحَاتِ .. حَافِظَاتٍ لِلْغَيْبِ

در برداشت فوق مفعول <حافظات> به مناسبت حکم و موضوع حقوق شوهران و لام در <للغیب> به معنی <فی> گرفته شده است.

۱۹ اطاعت از شوهر و حفظ حقوق وی ، وظیفه زن در برابر حق سرپرستی و تأمین زندگی وی از سوی مرد است .

الرجال قوامون .. و بما انفقوا ... فالصالحات قانتات حافظات للغيب بما حفظ الله

مراد از <بما حفظ الله>، حقوقی است که خداوند برای زنان مقرر کرده و آنها را بر عهده مردان قرار داده است. و <باء> مقابله در <بما حفظ> می رساند که لزوم اطاعت و حفظ حقوق شوهران در مقابل تعهداتی است که خداوند بر عهده شوهران قرار داده است.

۲۱ مسؤولیت زن در حفظ حقوق شوهر و اطاعت از او ، در چهارچوب قوانین الهی است . *

قانتات حافظات للغيب بما حفظ الله

بر این مبنا که مراد از <ما حفظ الله> قوانین الهی و <باء> در <بما حفظ الله> برای مصاحبت باشد، معنای آیه چنین می شود: زنان باید با رعایت قوانین الهی، از شوهران خویش اطاعت و حقوق آنان را حفظ کنند.

حق مالکیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۱۳

۱۳- امکان انفکاک

حق مالکیت از حق تصرف

و لاتقربوا مال الیتیم . . . حتی یبلغ أشده

از اینکه یتیم، علی رغم مالک بودنش، حق تصرف قبل از بلوغ را ندارد و اولیای وی، علی رغم مالک نبودنشان، حق تصرف در مال یتیم را دارند، به دست می آید که مالکیت و جواز تصرف، انفکاک پذیر هستند.

حق اطاعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۸ - ۴

۴ - پدر و مادر، بر فرزندان حق اطاعت کردن دارند .

و إن جهداک لتشکرک بی . . . فلاتطعهما

حق الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۹ - ۱۴

۱۴ پیامبر (ص) موظف به گذشت از حقوق خویش بر مردم و طلب آمرزش برای آنان نسبت به حقوق الهی

فاعف عنهم و استغفر لهم

از اینکه پیامبر (ص) از یکسو مأمور به گذشت از مردم و از سوی دیگر مأمور به طلب مغفرت برای آنان از خدا می شود، می توان به دست آورد که مراد از <فاعف>، گذشت از حقوق خود پیامبر (ص) و مراد از <فاستغفر>، طلب مغفرت در مورد حقوق خداوند است.

حق الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۳ - ۴

۴ - مسکین، دارای سهم غذا در اموال مردم *

اضافه <طعام> به <مسكين>، نشانگر استحقاق است، زیرا دلالت می کند که آن غذا، طعام خود مسكين است.

حق امر به معروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۴،۵

امر به معروف و نهی از منکر، حقی است برخاسته از شأن ولایت و سرپرستی عموم مؤمنان به یکدیگر.

و المؤمنون و المؤمنت بعضهم أولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر

۵ امر به معروف و نهی از منکر، تبلور ولایت و محبت جامعه ایمانی نسبت به یکدیگر

و المؤمنون و المؤمنت بعضهم أولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر

حق انتخاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۸ - ۶

۶ - همه موجودات، ناگزیر از اطاعت خداوند و تنها انسان دارای حق انتخاب آگاهانه

و النجم و الشجر یسجدان .. و وضع المیزان . ألا تطغوا فی المیزان

خداوند، در آیات پیشین <نجم> و <شجر> را تسلیم بی چون و چرای فرمان حق شمرده و هستی را مسخر قوانین دانسته است؛ اما تنها از انسان می خواهد که خود با اختیار و انتخاب سر بر آستان معیارها بساید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۴ - ۶

۶ آدمی برخوردار از حق انتخاب و گزینش، پس از رویارویی با حق و باطل است.

قد جاءکم بصائر من ربکم فمن أبصر فلنفسه و من عمی فعلیها

حق بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶ - ۳

۳ تأمین روزی موجودات زنده، حق آنها بر خداست.

و ما من دابّه فی الأرض إلا علی الله رزقها

حق تشریح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۸ - ۳

۳ - تعیین تکلیف برای

خلق، در حیطة اختیار خداوند

و رَبِّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ

جمله <يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ> بیانگر مشیت و اراده تکوینی خدا و جمله <يَخْتَارُ> بیانگر اراده تشریحی او است؛ یعنی، <و یختار للخلق ما یشاء>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۹ - ۶

۶ - علم همه جانبه خداوند به نهان و آشکار مردمان، دلیل انحصار حق تشریح و انتخاب پیامبر به او

و رَبِّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ... و رَبِّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ و مَا يَعْلَنُونَ

برداشت یاد شده بر این اساس است که آیه در مقام بیان علت منحصر بودن حق قانون گذاری و حق برگزیدن پیامبر به خداوند باشد که در آیه قبل، از آن سخن به میان آمده است؛ یعنی، چون خداوند به نهان و آشکار انسان ها آگاهی کامل دارد؛ پس تنها او شایسته قانون گذاری برای ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۰ - ۷

۷ - حکم و فرمان (تعیین تکلیف برای خلق و امر و نهی به آنان)، تنها در حیطة اختیار خداوند است .

و له الحكم

تقدیم <له> (مسند) بر <الحکم> (مسندالیه) مفید حصر می باشد؛ یعنی، <ليس الحكم إلا لله>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۱ - ۲

۲ - حق تشریح و قانون گذاری و نظام بخشی به باور ها، تنها از آن خداوند است .

من الدين ما لم يأذن به الله

حق تصرف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۰

۱۳- امکان انفکاک حق مالکیت از حق تصرف

و لا تقربوا مال الیتیم .. حتی یبلغ أشده

از اینکه یتیم، علی رغم مالک بودنش، حق تصرف قبل از بلوغ را ندارد و اولیای وی، علی رغم مالک نبودنشان، حق تصرف در مال یتیم را دارند، به دست می آید که مالکیت و جواز تصرف، انفکاک پذیر هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۲ - ۲

۲ - انسان ، دارای حق تصرف و بهره برداری در تمام محصولات طبیعت

متعاً لکم

حق تمتع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۲ - ۴،۵

۴ - همه انسان ها دارای حق بهره گیری از مواهب طبیعی و نعمت های الهی هستند .

فأخرج به من الثمرت رزقاً لکم

۵ - همه انسان ها ، دارای حق تصرف در گسترده زمین هستند .

الذی جعل لکم الأرض فرشاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۹ - ۴

۴ - همه انسان ها دارای حق بهره گیری از مواهب زمین

خلق لکم ما فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۸ - ۶

۶ - بهره برداری از زمین حق همه انسانهاست و اختصاص به گروه و یا امتی خاص (مسلمان و یا ...) ندارد .

يَأْيِهَ النَّاسِ كُلُوْا مِمَّا فِى الْاَرْضِ حَلٰلًا طَيِّبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۳۳ - ۶

۶ - همه انسان ها (مؤمن و

کافر) دارای حق بهره‌وری از طبیعت

الله الذی خلق... رزقاً لکم... و سخر لکم الشمس و القمر دائین و سخر لکم ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۵ - ۵

۵ - استخدام طبیعت و بهره‌گیری از منافع آن، حق مشروع و متساوی همه انسان‌ها

ألم تر أن الله سخر لکم ما فی الأرض

رام قرار داده شدن آنچه در زمین است برای انسان، مستلزم این حقیقت است که همه انسان‌ها در بهره‌برداری از زمین و آنچه در آن است، از حق برابری برخوردار می‌باشند و هیچ کس حق ندارد، دیگری را از این حق باز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۰ - ۹

۹ - تمامی موجودات زمین، دارای حقی برابر در تأمین نیازمندی‌های خویش از زمین

و قدر فیها... سواء للسائلین

برداشت بالا- با توجه به دو نکته است: ۱ <سواء> مفعول مطلق برای فعل مقدر باشد، یعنی، <استوت الأقوات المقدره سواء للسائلین>. ۲ مراد از سائلین تمامی موجودات باشد.

حق حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۸ - ۵

۵ - هر انسانی، دارای حق حیات است و سلب‌کننده آن در قیامت باید پاسخگو باشد.

و إذا الموءوده سئلت

ذکر <موءوده> (دختر زنده به گور شده) به جهت پیشگیری از ارتکاب این جنایت بوده است، و گرنه حرمت گرفتن جان دیگران، اختصاص به این نوع خاص ندارد.

حق دفاع

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۳،۱۵

۳ - جنگ و پیکار آوارگان با زورگویانی که آنان را به جرم ایمان و خداخواهی از سرزمین شان بیرون کردند ، حقی است مشروع که خدا به آنان داده بود .

أذن للذين يقاتلون .. الذين أُخرجوا من ديارهم

۱۵ - دفاع ، حقی مشروع در تمامی شریعت های آسمانی

و لولا دفع الله .. لهدمت ... و مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۱ - ۹

۹ - لزوم اعطای فرصت به متخلف برای دفاع از خود

لأعدبته .. أو ليأتيني بسلطن مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۲

۲ تأکید هابیل بر پیشدستی نکردن در قتل برادر ، در عین حفظ حق دفاع از خویش در برابر تهاجم وی

انی ارید ان تبوا باثمی

چنانچه مراد از <اثمی>، گناهی باشد که از کشته شدن احتمالی قایل به دست هابیل صورت گیرد، معلوم می شود هابیل خاطر نشان ساخته است که من اگرچه قصد کشتن تو را ندارم ولی از خود دفاع می کنم، هر چند به کشتن ناخواسته تو بینجامد.

حق سکونت در وطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۴

۴ - سکونت در زادگاه و موطن ، حق مشروع انسان ها

الذین أُخرجوا من دیرهم بغير حقّ

حق طعام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۱۸ - ۱۹ - ۲

۲ - مسکین ، دارای سهم غذا در اموال مردم *

طعام المسکین

اضافه <طعام>

به <مسکین>، بیانگر استحقاق است.

حق عتق برده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۳ - ۶

۶ - خداوند، حق آزاد شدن را از هیچ برده ای سلب نکرده و کسی را به بردگی همیشگی، محکوم نکرده است.

فَكَ رقبه

حق قابل عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۱۱، ۱۰، ۹، ۸

۸ - اولیای مقتول می توانند قاتل را از قصاص عفو کنند.

فمن عفی له من أخیه شیء

مراد از <من> قاتل و مقصود از <أخیه> ولی مقتول می باشد. ضمیرهای <له> و <أخیه> به <من>، یعنی قاتل باز می گردد و <شیء> عبارت است از حق قصاص. بنابراین جمله <فمن عفی ...> چنین معنا می شود: پس آن قاتلی که از طرف ولی مقتول چیزی از حق قصاص بر او بخشیده شود ...

۹ - قصاص حقی است قابل گذشت نه حکمی غیر قابل اسقاط.

فمن عفی له من أخیه شیء

۱۰ - حق قصاص حتی با عفو یکی از اولیای مقتول ساقط می شود.

فمن عفی له من أخیه شیء

مراد از <شیء> چنانچه گذشت حق قصاص است. نکره آوردن <شیء> اشاره به این دارد که: اگر بخشی از حق قصاص نیز مورد عفو قرار گیرد، قاتل قصاص نمی شود و این فرض در صورتی است که اولیای مقتول متعدد بوده و برخی از آنها قاتل را عفو کنند.

۱۱ - ولیّ مقتول ، بهتر است قاتل را عفو کرده و از حق خویش (قصاص) درگذرد .

فمن عفی له من أخیه شیء

ترغیب ولیّ مقتول به گذشت

از حق قصاص، از جمله اهدافی است که می توان از کاربرد کلمه <أخیه> به جای ولی مقتول استفاده کرد.

حق قانونگذاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۲ - ۴

۴- تشریح دین و قانون گذاری ، حق اختصاصی خداوند است .

و له الدین واصبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۱۳

۱۳ تنها خداوند دارای حق قانون گذاری و تشریح احکام است .

إن الحكم إلا لله

برداشت فوق بر این مبناست که مقصود از <حکم> حکم تشریحی باشد.

حق قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۱۱، ۹

۹ - قصاص حقی است قابل گذشت نه حکمی غیر قابل اسقاط .

فمن عفی له من أخیه شیء

۱۱ - ولی مقتول ، بهتر است قاتل را عفو کرده و از حق خویش (قصاص) درگذرد .

فمن عفی له من أخیه شیء

ترغیب ولی مقتول به گذشت از حق قصاص، از جمله اهدافی است که می توان از کاربرد کلمه <أخیه> به جای ولی مقتول استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۳ - ۱۱،۱۶

۱۱- اولیای مقتول ، دارای حق قصاص و کشتن قاتل

جعلنا لولیه سلطناً فلا یسرف فی القتل

۱۶- تشریح حق قصاص و سلطه برای اولیای مقتول ، حمایت الهی از آنان است .

و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطناً .. إنه کان منصوراً

برداشت فوق، بنابراین نکته است که ضمیر <إنه> به ولیّ مقتول باز گردد.

حق مالکیت

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۳ - ۳

۳ - حق مالکیت انسان بر دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) و بهره برداری از آنها ، از حقوق پذیرفته شده در اسلام

لأنعمکم

<أنعام> (جمع <نعم>) به شتر، گاو و گوسفند گفته می شود. کلمه <نعم> به شتر اختصاص دارد زیرا بزرگ ترین نعمت نزد عرب است (مفردات راغب). اضافه شدن <أنعام> به ضمیر <کم>، حاکی از حق تصرف و مالکیت انسان بر دام ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۲ - ۲

۲ - انسان ، دارای حق تصرف و بهره برداری در تمام محصولات طبیعت

متعًا لکم

حق مسکن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۴ - ۴

۴ - داشتن وطن و سرپناه از حقوق ملت ها و جوامع بشری است . *

من دیرکم

قرآن با اضافه کردن کلمه <دیار> به <کم> و نسبت دادن خانه و وطن به انسانها (دیار کم = خانه های تان و وطن تان) این حقیقت را امضا و تثبیت می کند که: هر ملت و طایفه ای این حق را دارد که در سرزمینی سکنا گزیند و محلی را برای زندگی انتخاب کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۲۴

٢٤ - > عن سعدبن أبي خَلف قال : سألت أباالحسن موسى بن جعفر (ع) : . . . أليس الله عزّوجلّ يقول : > لا تخرجوهنّ من بيوتهنّ ولا يخرجن < قال : فقال إنّما عنى بذلك التي تطلق تطيقه

بعد تطليقه فتلك التي لا تخرج ولا تخرج حتى تطلق الثالثة فإذا طلقت الثالثة فقد بانت منه ولا نفقه لها ، والمرأه التي يطلقها الرجل تطليقه ثم يدعها حتى يخلوا أجلها فهذا أيضاً يقعد في منزل زوجها ولها النفقه والسكنى حتى تنقضي عدتها ؛

سعد بن ابى خلف گوید: از امام کاظم (ع) پرسیدم: .. [و] [گفتم: آیا خداوند عزوجل فرموده: <لا تخرجوهن و لا یخرجن> حضرت فرمود: خداوند [در این دستور] زنی را قصد کرده که دو بار [به طلاق رجعی] طلاق داده می شود. این زن [نباید در زمان عدّه] از خانه خارج شود و نباید شوهر او را خارج کند تا این که طلاق سوم واقع شود. پس آن گاه که برای بار سوم، طلاق داده شد از شوهر جدا می شود و برای او نفقه نیست. و زنی که شوهر او یک بار طلاق داده و او را رها نموده تا این که عدّه اش تمام شود، او نیز در منزل شوهرش می نشیند [و نباید خارج شود] و حق نفقه و سکنی دارد تا عدّه اش تمام شود.

حق نهی از منکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۴،۵

۴ امر به معروف و نهی از منکر ، حقی است برخاسته از شأن ولایت و سرپرستی عموم مؤمنان به یکدیگر .

و المؤمنون و المؤمنات بعضهم أولياء بعض يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنکر

۵ امر به معروف و نهی از منکر ، تبلور ولایت و محبت جامعه ایمانی نسبت به یکدیگر

و المؤمنون و المؤمنات بعضهم أولياء بعض يأمرون بالمعروف

و ينهون عن المنكر

حق وطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۴ - ۴

۴ - داشتن وطن و سرپناه از حقوق ملت ها و جوامع بشری است . *

من دیرکم

قرآن با اضافه کردن کلمه <دیار> به <کم> و نسبت دادن خانه و وطن به انسانها (دیار کم = خانه هایتان و وطنتان) این حقیقت را امضا و تثبیت می کند که: هر ملت و طایفه ای این حق را دارد که در سرزمینی سکنا گزیند و محلی را برای زندگی انتخاب کند.

حق ولایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۴

۴ امر به معروف و نهی از منکر ، حقی است برخاسته از شأن ولایت و سرپرستی عموم مؤمنان به یکدیگر .

و المؤمنون و المؤمنات بعضهم أولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۸ - ۳

۳ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا

تفریع <آتقوا الله و اطیعوا> بر جمله <إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ> بیانگر این معنا است که: اگر قبول دارید من رسول الهی و امین هستم پس بر شما لازم است که تقوای الهی پیشه کنید و از من فرمان ببرید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

تفریح <فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا> بر آیه قبل (إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ) بیانگر این

حقیقت است که با توجه به این که من رسول الهی و امین هستم، پس بر شما لازم است که تقوای الهی پیشه کنید و از من فرمان ببرید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۱ - ۳

۳ - پیامبران الهی، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۴ - ۴

۴ - پیامبران الهی، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

وَأَطِيعُوا

تفریح <فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا> بر آیه قبل (إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ)، بیانگر این معنا است که با توجه به این که من رسول خدا هستم، بر شما لازم است که تقوای او را پیشه کنید و از من فرمان ببرید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۰ - ۴

۴ - پیامبران الهی، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۳ - ۳

۳ - پیامبران الهی، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

تفریح <فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا> بر آیه قبل (إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ) بیانگر این معنا است که با توجه به این که من رسول الهی ام،

بر شما لازم است که تقوای الهی را رعایت کنید و از من فرمان بگیرید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۹ - ۴

۴ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و

اطاعت بر مردم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

تفریح <آتقوا الله و اطیعون> بر آیه قبل (إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ)؛ بیانگر این حقیقت است که با توجه به این که من رسول الهی و امین هستم، پس بر شما لازم است که ضمن رعایت تقوای الهی از من اطاعت کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۳ - ۴

۴- پیامبر (ص) ، دارای حق ولایت بر مردم ، در پرتو جعل و تفویض الهی

أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ

اطاعت رسول(ص)، به فرمان الهی جعل و تفویض او واجب شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۶

۶ - پیامبر اکرم (ص) ، دارای حق ولایت و فرماندهی بر انسان ها

و من يطع الله و رسوله يدخله جنت

حق همبستری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۱ - ۱۳، ۱۲، ۹، ۷، ۴، ۳

۳- پیامبر (ص) اختیار دارد که در تماس با همسرانش ، به اختیار خود ، برخی را مقدم بدارد و برخی دیگر را به تأخیر بیندازد .

ترجی من تشاء منهّن و تنوی إلیک من تشاء

احتمال دارد که مراد از <حق اختیار تأخیر و تقدیم> چنان که برخی از مفسران نیز گفته اند <حق همبستری> باشد.

۴ - واگذاری حق تصمیم و اختیار درباره همبستری با همسران ، به خود پیامبر (ص) به خاطر رفع مشقت از آن حضرت است

لکيلا يکون عليك حرج .. تر جي من تشاء منهن

۷- بر پیامبر (ص) روا و

جایز است که تصمیم خود را درباره به تأخیر انداختن همبستری با یکی از همسران خود، تغییر داده و آن را مقدم بدارد.

ترجی من تشاء منهنّ . . . و من ابتغیت مّمن عزلت فلاجناح علیک

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که مراد از <ترجی> و <تؤوی> تقدیم و تأخیر در همبستری با یکی از همسران باشد. بنابراین مراد از <من عزلت> آن کسی خواهد بود که فعلاً از او کناره گیری شده است. و به عبارتی، همبستری با او به تأخیر افتاده است.

۹- واگذار شدن تقدیم و تأخیر همخوابگی با همسران، به تصمیم پیامبر (ص) به منظور فراهم آوردن رضایت آنان است.

ترجی من تشاء منهنّ . . . ذلک ادنی أن تقرّ أعینهنّ و لایحزّن و یرضین

۱۲- همسران پیامبر، به موضع و تصمیم عادلانه آن حضرت درباره تأخیر و تقدیم همخوابگی با هر یک از آنان، اطمینان خاطر داشتند.

ذلک ادنی أن تقرّ أعینهنّ و لایحزّن و یرضین بما ءاتیتهنّ کلّهنّ

از این که خداوند، در فلسفه واگذاری اختیار تصمیم گیری در همخوابگی با همسران و یا رد و قبول زنانی که خود را به آن حضرت هبه می کنند، به پیامبر(ص) گفته است: <چنین حقّی، به خاطر جلب رضایت همسران است> حکایت می کند که آنان، پیامبر(ص) را در تصمیم و موضع گیری اش در قبال آنان، عادل می دانسته اند.

۱۳- خدایی بودن حق تصمیم گیری پیامبر (ص) درباره همخوابگی با همسران، مایه شادمانی آنان و موجب رفع نگرانی شان است.

ترجی من تشاء منهنّ . . . ذلک ادنی أن تقرّ أعینهنّ و

لا یحزن و یرضین بما ءاتیتھن

احتمال دارد که مشارئالیه <ذلك> اصل حکمی باشد که آن حضرت، با آن، حق پیدا کرد تا مجاز به چنان رفتاری با همسران خود باشد. در این صورت، رضایت و رفع نگرانی از آنان، باز می گردد به این که آنان، چون به حکم خداوند تن در می دهند، و آنچه از پیامبر(ص) می رسد تابع حکم خدا است از آنان راضی اند.

حقوق ابن السبیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۸ - ۹

۹ - مسکنت و در راه ماندن ، منشأ پیدایش حقوقی ویژه برای مساکین و در راه ماندگان است .

فأت .. و المسکین و ابن السبیل

حقوق اجتماعی برده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۵ - ۱۶

۱۶ لزوم حفظ حقوق اقتصادی و اجتماعی بردگان

بعضکم من بعض .. اتوهن اجورهن

حقوق اجتماعی تازه مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱ - ۵

۵ کفار محارب با گرویدن به اسلام ، برادران دینی مسلمانان محسوب شده و از حقوق و مزایای اجتماعی مساوی برخوردار می شوند .

فإن تابوا .. فإخونکم فی الدین

حقوق اجتماعی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۲ - ۵

۵- زن ، برخوردار از حق مشارکت در مسائل سیاسی ، اجتماعی و دینی

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبَايِعْنَكَ .. فَبَايِعِهِنَّ

از آن جا که بیعت خود نوعی مشارکت است، مطلب بالا استفاده می شود.

حقوق اجتماعی مسلمانان

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱ - ۳

۳ مسلمانان ، برادران دینی یکدیگر بوده و از حقوق و مزایای اجتماعی برابر برخوردارند .

فإن تابوا .. فإخونكم فی الدین

حقوق اقتصادی برده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۵ - ۱۶

۱۶ لزوم حفظ حقوق اقتصادی و اجتماعی بردگان

بعضکم من بعض .. اتوهنّ اجورهنّ

حقوق اقتصادی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵ - ۲۴

۲۴ اهتمام اسلام به رعایت حقوق اقتصادی زنان

إذاءاتیتموهن اجورهن

حقوق انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۸ - ۳

۳ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فأتقوا الله و أطیعون

تفریع <أتقوا الله و أطیعون> بر جمله <إنی لکم رسول> بیانگر این معنا است که: اگر قبول دارید من رسول الهی و امین

هستم پس بر شما لازم است که تقوای الهی پیشه کنید و از من فرمان ببرید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۶ - ۴

۴ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا

تفریح <فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا> بر آیه قبل (إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ) بیانگر این حقیقت است که با توجه به این که من رسول الهی و امین هستم، پس بر شما لازم است که تقوای الهی پیشه کنید و از من فرمان ببرید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- شعراء - ۲۶ - ۱۳۱ - ۳

۳ - پیامبران الهی، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۴ - ۴

۴ - پیامبران الهی، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

وَأَطِيعُوا

تفریح <فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا> بر آیه قبل (إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ)، بیانگر این معنا است که با توجه به این که من رسول خدا هستم، بر شما لازم است که تقوای او را پیشه کنید و از من فرمان برید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۰ - ۴

۴ - پیامبران الهی، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۳ - ۳

۳ - پیامبران الهی، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

تفریح <فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا> بر آیه قبل (إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ) بیانگر این معنا است که با توجه به این که من رسول الهی ام، بر شما لازم است که تقوای الهی را رعایت کنید و از من فرمان ببرید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۹ - ۴

۴ - پیامبران الهی ، دارای حق ولایت و اطاعت بر مردم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

تفریح <آتقوا الله و اطیعون> بر آیه قبل (إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ)؛ بیانگر این حقیقت است که با توجه به این که من رسول الهی و امین هستم، پس بر شما لازم است

که ضمن رعایت تقوای الهی از من اطاعت کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۶ - ۷

۷ - <فیء> حق منصب رسالت است؛ نه ملک شخصی پیامبر (ص). *

و ما أفاء الله على رسوله

ذکر عنوان رسالت برای پیامبر(ص)، می تواند بدان منظور باشد که پیامبر(ص) از آن جهت که عهده دار منصب رسالت است، <فیء> به آن حضرت تعلق دارد.

حقوق انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۱۲

۱۲ - اعتبار مالکیت شخصی در اسلام و پذیرش تفاوت در مقدار مالکیت

و آتی المال علی حبه ذوی القربی . . و السائلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۱۸

۱۸ انسان ها ، دارای منزلتی برابر در برخورداری از حق حیات

من قتل نفساً .. فکانما قتل الناس جميعاً و من احيها فکانما احيا الناس جميعاً

جزای یکسان برای کشتن هر فرد و پاداش مساوی برای احیای وی، حاکی از برابری تمامی انسانها در حق حیات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۴ - ۶

۶ آدمی برخوردار از حق انتخاب و گزینش، پس از رویارویی با حق و باطل است.

قد جاءكم بصائر من ربكم فمن أبصر فلنفسه و من عمى فعليها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۴ - ۵

۵ اصل مالکیت مردم بر اموال ، اصلی پذیرفته شده در اسلام

ليأكلون أموال الناس

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۳ - ۶

۶- همه انسان ها (مؤمن و کافر) دارای حق بهره‌وری از طبیعت

الله الذی خلق .. رزقاً لکم ... و سخر لکم الشمس و القمر دائین و سخر لکم ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۲ - ۲،۳

۲ - انسان ، دارای حق تصرف و بهره برداری در تمام محصولات طبیعت

متعاً لکم

۳ - حق مالکیت انسان بر دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) و بهره برداری از آنها ، از حقوق پذیرفته شده در اسلام

لأنعمکم

<أنعام> جمع <نعم> است. این کلمه در مورد شتر، گاو و گوسفند به کار می رود. هر چند مفرد آن تنها در مورد شتر کاربرد دارد (لسان العرب). اضافه شدن <أنعام> به ضمیر <کم>، حاکی از حق تصرف و مالکیت انسان بر دام ها است.

حقوق انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۲ - ۴،۵

۴ - همه انسان ها دارای حق بهره گیری از مواهب طبیعی و نعمت های الهی هستند .

فأخرج به من الثمرت رزقاً لکم

۵ - همه انسان ها ، دارای حق تصرف در گسترده زمین هستند .

الذی جعل لکم الأرض فرشاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۹ - ۴

۴ - همه انسان ها دارای حق بهره گیری از مواهب زمین

خلق لكم ما فى الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۴

۴ - داشتن وطن و سرپناه از حقوق ملت ها و جوامع بشری است . *

من دیرکم

قرآن با اضافه کردن کلمه <دیوار> به <کم> و نسبت دادن خانه و وطن به انسانها (دیوار کم = خانه هایتان و وطنتان) این حقیقت را امضا و تثبیت می کند که: هر ملت و طایفه ای این حق را دارد که در سرزمینی سکنا گزیند و محلی را برای زندگی انتخاب کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۵

۵ - حضور در خانه خدا (کعبه) حقی برای عموم مردم است .

إذ جعلنا البيت مثابة للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۸ - ۶

۶ - بهره برداری از زمین حق همه انسانهاست و اختصاص به گروه و یا امتی خاص (مسلمان و یا ...) ندارد .

يأيتها الناس كلوا مما في الأرض حلالاً طيباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۴،۱۵

۴ - سکونت در زادگاه و موطن ، حق مشروع انسان ها

الذين أُخرجوا من ديارهم بغير حقّ

۱۵ - دفاع ، حقی مشروع در تمامی شریعت های آسمانی

و لولا دفع الله .. لهدمت ... و مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - آزادی در انتخاب راه و عقیده ، حق مسلم هر انسان است .

فما أرسلنک علیهم حفیظاً

این که حتی پیامبر(ص) وظیفه ای جز تبلیغ دین ندارد و در فرض روی گردانی باید

مشركان را به حال خود واگذارد، نشان می دهد که انسان در انتخاب عقیده آزاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۸ - ۵

۵ - هر انسانی ، دارای حق حیات است و سلب کننده آن در قیامت باید پاسخگو باشد .

و إذا الموءودة سئلت

ذکر <موءوده> (دختر زنده به گور شده) به جهت پیشگیری از ارتکاب این جنایت بوده است، و گرنه حرمت گرفتن جان دیگران، اختصاص به این نوع خاص ندارد.

حقوق اولیای مقتول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۸

۸ - اولیای مقتول می توانند قاتل را از قصاص عفو کنند .

فمن عفی له من أخیه شیء

مراد از <من> قاتل و مقصود از <أخیه> ولی مقتول می باشد. ضمیرهای <له> و <أخیه> به <من>، یعنی قاتل باز می گردد و <شیء> عبارت است از حق قصاص. بنابراین جمله <فمن عفی ...> چنین معنا می شود: پس آن قاتلی که از طرف ولی مقتول چیزی از حق قصاص بر او بخشیده شود ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۳۲

۳۲ آزاد کردن بنده مؤمن در قتل خطائی ، ادای حق خداوند و پرداخت دیه آن ، ادای حق اولیای مقتول است .

و من قتل مؤمناً خطأً فتحریر رقبه مؤمنه و دیه مسلمة الی اهله

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود: اما تحریر رقبه مؤمنه ففیما بینه و بین الله و امّا الدّیه المسلمه الی اولیاء المقتول ..

تفسیر عیاشی، ج ۱،

ص ۲۶۲، ح ۲۱۷؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۳۰، ح ۴۷۳.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۳ - ۱۶، ۱۱، ۱۰، ۸، ۷، ۶

۶- خداوند ولی کسی را که به ناحق و مظلومانه کشته شود، بر قاتل او، سلطه بخشیده است.

و من قتل مظلومًا فقد جعلنا لولیه سلطناً

۷- ولی مقتول بحق (کسی که مطابق قانون الهی کشته شده) فاقد هرگونه سلطه بر قاتل است.

و لا تقتلوا .. إلا بالحقّ و من قتل مظلومًا فقد جعلنا لولیه سلطناً

۸- تصمیم گیری درباره قاتل، مخصوص اولیای مقتول است و باید در جهت منافع آنان باشد.

فقد جعلنا لولیه سلطناً

برداشت فوق، با توجه به لام در <لولیه> است که اختصاص و منفعت را افاده می کند.

۱۰- زیاده روی اولیای مقتول، در انتقام گیری از قاتل، ممنوع و حرام است.

فلا یسرف فی القتل

۱۱- اولیای مقتول، دارای حق قصاص و کشتن قاتل

جعلنا لولیه سلطناً فلا یسرف فی القتل

۱۶- تشریح حق قصاص و سلطه برای اولیای مقتول، حمایت الهی از آنان است.

و من قتل مظلومًا فقد جعلنا لولیه سلطناً .. إنه کان منصورًا

برداشت فوق، بنابراین نکته است که ضمیر <إنه> به ولی مقتول باز گردد.

حقوق اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۴ - ۸

۸ - حق سکونت و زندگی اهل کتاب در جامعه اسلامی ، مشروط به عدم ستیزه جویی و معارضه با حاکمیت اسلام است .

هو الذی أخرج الذین کفروا من أهل الکتاب .. ذلک بأنهم شاقوا لله و رسوله

از تعلیل >ذلک> بأنهم.

..< استفاده می شود که اگر یهود بنی نضیر، به معارضه با خدا و حکومت پیامبر(ص) نمی پرداختند، محکوم به تبعید نمی شدند و همچون گذشته در کنار مسلمانان زندگی می کردند.

حقوق برده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۸ - ۹

۹ - مردم ، در صدر اسلام ، با نظام برده داری آشنا بودند و همسان نبودن حقوق برده با مالک اش را قبول داشتند .

هل لكم من ما ملكت أيمانكم من شركاء في ما رزقكم فأنتم فيه سواء

حقوق بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۱ - ۳

۳ سکونت قوم موسی (ع) در سرزمین مقدس ، حقی برای ایشان از جانب خداوند

التي كتب الله لكم

حقوق بین الملل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۰ - ۱۴

۱۴ جایگاه مهم حفظ روابط صلح آمیز با اقوام و ملت ها ، در حقوق بین الملل اسلامی

ألا الذين يصلون الى قوم بينكم وبينهم ميثاق .. و القوا اليكم السلم فما جعل ا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۱ - ۹

۹ جایگاه مهم روابط صلح آمیز با اقوام و ملت ها ، در حقوق بین الملل اسلامی

فان لم يعتزلوكم و يلقوا اليكم السلم . . فخذوهم و اقتلوهم

حقوق پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۳ - ۱۱،۱۲

۱۱ پدران دارای حق امر و نهی به

فرزندان خویش

فأرسل معنا أختانا

۱۲ گوش سپاری به فرمان ها و خواسته های

پدران از وظایف فرزندان و از آداب معاشرت با ایشان

فأرسل معنا أختانا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - مادران ، دارای حقی فزون تر از پدران ، بر گردن فرزند هستند . *

و وصینا الإنسن بولدیه حملته أمه وهنأ علی وهن و فصله فی عامین أن اشکر ..

تعلیل آوردن حکم تشکر از والدین، به این که مادر، سختی های بارداری را متحمل شده و فرزند را تا مدت دو سال شیر می دهد، می تواند به فزونی حق مادر اشاره داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۷

۷- مادر ، دارای حقی فزون تر از پدر ، در برخورداری از احسان و خدمات فرزند

و وصینا الإنسن بولدیه إحسنأ حملته أمه کرهأ و وضعته کرهأ و حمله و فصله

خداوند، در آغاز احسان به پدر و مادر را توصیه کرده است؛ ولی در بیان فلسفه آن صرفاً از زحمات مادر یاد نموده است. این در حقیقت تأکید بر حق مادر و توصیه فزون تر در مورد او است.

حقوق ثروتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۵ - ۱۵

۱۵ قوانین الهی ، حامی و تأمین کننده حقوق فقیران و ثروتمندان

ان یکن غنیاً او فقیراً فالله اولی بهما

هدف از ایراد جمله <فالله اولی بهما> (خداوند به رعایت حال آنان سزاوارتر است) پس از الزام اهل ایمان به اقامه قسط و شهادت به حق،

می تواند این معنا باشد که تنها با رعایت قوانین الهی، حقوق انسانها چه غنی و چه فقیر تأمین خواهد شد.

حقوق جنبندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶ - ۲،۳

۲ هر موجود زنده ای ، دارای حق تغذیه در دوران حیات خویش

و ما من دابّه فی الأرض إلاّ علی الله رزقها

۳ تأمین روزی موجودات زنده ، حق آنها بر خداست .

و ما من دابّه فی الأرض إلاّ علی الله رزقها

حقوق جوامع جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۴ - ۴

۴ - داشتن وطن و سرپناه از حقوق ملت ها و جوامع بشری است . *

من دیرکم

قرآن با اضافه کردن کلمه <دیار> به <کم> و نسبت دادن خانه و وطن به انسانها (دیار کم = خانه هایتان و وطنتان) این حقیقت را امضا و تثبیت می کند که: هر ملت و طایفه ای این حق را دارد که در سرزمینی سکنا گزیند و محلی را برای زندگی انتخاب کند.

حقوق حر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۸ - ۹

۹ - مردم ، در صدر اسلام ، با نظام برده داری آشنا بودند و همسان نبودن حقوق برده با مالک اش را قبول داشتند .

هل لکم من ما ملکت ایمنکم من شرکاء فی ما رزقکم فأنتم فیہ سواء

حقوق خانواده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۳ - ۱۶، ۱۳

۱۳ هشدار الهی به مردان ، نسبت به رعایت احکام

نساؤکم حرث لکم .. و اتقوا الله و اعلموا انکم ملاقوه

امر به تقوا و توجه دادن انسانها به ملاقات خدا (روز پاداش و کیفر) پس از بیان احکامی درباره زندگی خانوادگی، می تواند هشدار می باشد به آنان که احکام الهی را مراعات نمی کنند.

۱۶ پیامبر (ص)، مأمور بشارت به مؤمنانی که تقوا و حدود الهی را در زندگی زناشویی و محیط خانواده مراعات می کنند و با یکدیگر رفتاری پسندیده دارند .

نساؤکم حرث لکم .. و اعلموا انکم ملاقوه و بشر المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۹ - ۱۶

۱۶ احتمال و ترس معقول و متعارف از مراعات نکردن حدود الهی در خانواده، مُجَوِّز طلاق خُلَع *

فان خفتم الا یقیما حدود الله

با توجه به اینکه <ان خفتم>، خطاب به عموم مردم است، معلوم می شود نگرانی زن و شوهر باید به نحوی باشد که عموم مردم نیز در صورت آگاهی، این نگرانی را داشته باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۳ - ۷

۷ تأمین نیازها و پوشاک مادران به مقدار متعارف، وظیفه شرعی پدر

و علی المولود له زرقهن و کسوتهن بالمعروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۴ - ۱۷

۱۷ لزوم اطاعت زن از شوهر و حفظ حقوق وی، مشروط به تأمین زندگی او از سوی مرد

و بما انفقوا من اموالهم فالصالحات قانتات حافظات

ظاهراً <فالصّالحات .. > نتیجه ای است مترتب بر

جمله <الرجال ... بما انفقوا>. بنابراین اطاعت زن از شوهر در موردی است که شوهر، زندگی او را تأمین کند.

حقوق خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۳۲

۳۲ آزاد کردن بنده مؤمن در قتل خطائی، ادای حق خداوند و پرداخت دیه آن، ادای حق اولیای مقتول است.

و من قتل مؤمناً خطأً فتحرير رقبه مؤمنه و ديه مسلمة الى اهله

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود: اما تحرير رقبه مؤمنه ففیما بینه و بین الله و امّا الدّیه المسلمه الى اولیاء المقتول..

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۶۲، ح ۲۱۷ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۳۰، ح ۴۷۳.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۰ - ۱۳

۱۳ تنها خداوند دارای حق قانون گذاری و تشریح احکام است.

إنّ الحکم إلاّ لله

برداشت فوق بر این مبناست که مقصود از <حکم> حکم تشریحی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۲ - ۴،۶،۷

۴- تشریح دین و قانون گذاری، حق اختصاصی خداوند است.

و له الدین واصباً

۶- یگانگی خداوند، مستلزم اختصاص یافتن حق تشریح دین به او

إنما هو إله وحد . . . وله الدين واصبًا

اینکه خداوند در پی دستور به اجتناب از عقیده به ثنویت، برخی ویژگیها و اختصاصات خود، از جمله اختصاص داشتن دین را یادآوری می کند؛ احتمال دارد برای بیان نکته یاد شده باشد.

۷- جزا دادن به بندگان (کیفر و پاداش) ، حق اختصاصی و دائمی خداوند

است .

و له الدين واصبًا

<دين> دارای چند معناست و از جمله آنها جزاست. برداشت فوق بر اساس این معنا می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۶ - ۵

۵ - خداوند ، دارای حق بر انسان ها است و آنان در برابر آن مسؤول اند .

يحسرتي على ما فرطت في جنب الله

حقوق خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۰ - ۱۴

۱۴ - مسؤولیت انسان بالاخص دارندگان ثروت ، درباره پدر و مادر و سایر خویشاوندان *

الوصيه للولدين و الأقربین بالمعروف حقاً علی المتقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸ - ۲، ۱

۱ لزوم بهره مند ساختن نزدیکان نیازمند ، یتیمان و مساکین از اموال میت ، در صورت حضور آنان هنگام تقسیم ارث

و اذا حضر القسمة اولوا القربی و الیتامی و المساکین، فارزقوهم منه

ذکر <اولوا القربی> در ردیف یتیم و مسکین، حاکی از آن است که مراد از <اولوا القربی> خویشان نیازمند هستند نه خویشان ثروتمندی که با یتیمان و مساکین تناسبی ندارند. ذیل آیه که ترغیب به عطوفت و برخورد نیک با آنان است، این معنا را تأیید می کند.

۲ لزوم برخورد نیک با خویشاوندان ، یتیمان و مساکین به هنگام بهره مند ساختن آنان از میراث

و اذا حضر القسمة .. فارزقوهم منه و قولوا لهم قولاً معروفاً

حقوق خویشاوندان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۶ - ۲،۱۵

۲- پیامبر (ص) موظف به

ادای حقوق خویشاوندان ، مساکین و در راه ماندگان با رعایت اعتدال و اجتناب از تبذیر

و ءات ذالقربی حقه و المسکین و ابن السبیل و لاتبذّر تبذیرًا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مخاطب در آیه پیامبر(ص) باشد، هر چند دیگران را نیز شامل می شود.

۱۵- > عن أبي الحسن موسى (ع) : ... ان الله تبارك و تعالی لَمَّا فتح علی نبیه (ص) فدك ... فَأَنْزَلَ اللهُ عَلَي نَبِيهِ (ص) < و ءات ذالقربی حقه > فلم یدر رسول الله (ص) من هم ... فَأَوْحَى اللهُ إِلَيْهِ أَنْ ادْفَعْ فَدَكَ إِلَى فَاطِمَةَ (ع) ... ;

از ابی الحسن موسی بن جعفر(ع) روایت شده است:.. آنگاه که خداوند تبارک و تعالی فدک را برای پیامبرش فتح کرد ... پس بر او این آیه را نازل فرمود: < و ءات ذالقربی حقه >. پس رسول خدا(ص) ندانست نزدیکان چه کسانی اند ... پس خداوند به او وحی کرد که فدک را به حضرت فاطمه(س) بدهد ...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۸ - ۱۷

۱۷ - > فی مجمع البیان : روی أبوسعید الخدری و غیره أنه لَمَّا نزلت هذه الآية علی النبی (ص) أعطی فاطمه (س) فدکاً و سلّمه إليها . و هو المروئی عن أبي جعفر و أبي عبدالله (ع) ... ;

در مجمع البیان آمده است که ابوسعید خدری و دیگران، روایت کرده اند که هنگامی که این آیه بر

پیغمبر نازل گشت <فَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ> آن حضرت، فدک را به فاطمه (علیهاالسلام) داد و آن را به وی تسلیم کرد. همین مطلب، از امام باقر و امام صادق(ع) نیز روایت شده است.<

حقوق خویشاوندان نسبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶ - ۸

۸ - خویشاوندان نسبی ، در حقوق مقرر شده ، بر دیگران ترجیح دارند .

و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض فی كتب الله

حقوق خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۶ - ۳

۳- پیوند خویشاوندی ، منشأ پیدایش حقوقی ویژه میان انسانهاست .

وآت ذالقربی حقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۱۴

۱۴ - استفاده از خوراکی های موجود در منازل خویشاوندان ، بدون اذن خواستن از ایشان ، از حقوق خویشاوندی است .

لیس علی الأعمی حرج ... و لا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ...

مجاز بودن استفاده از خوراکی های منازل پدر، مادر، برادر، خواهر، عمو و .. که از خویشاوندان محسوب می شوند و بدون هیچ اذنی از آنان، حاکی از حقی است میان آنان که باید رعایت شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۸ - ۶

۶ - پیوند خویشاوندی ، منشأ پیدایش حقوقی ویژه ، میان انسان ها است .

فَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ

آوردن <حَقَّهُ> پس از <ذَا الْقُرْبَىٰ> و نیاوردن آن پس از <ابن السبیل>، ممکن است به این جهت باشد که خویشاوندان،

به

خاطر قرابت، حقوق خاصی پیدا می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶ - ۱۲

۱۲ - قرآن ، به عنوان کتاب الهی ، منبعی برای تشریح قوانین مربوط به حقوق خویشاوندی است .

و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض في كتب الله

حقوق دایه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۳ - ۳۷

۳۷ خدا ترسی و توجه به نظارت او بر اعمال ، عامل رعایت حقوق متقابل مادر ، پدر و دایه

و الوالدات يرضعن ... و اتقوا الله و اعلموا ان الله بما تعملون بصير

حقوق دختران یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۱۲، ۱۴، ۱۵

۱۲ مذمت ازدواج با دختران یتیم ، به قصد پایمال ساختن حقوق آنان

في يمتى النساء التي لا تؤتونهن ما كتب لهن و ترغبون ان تنكحوهن

لحن آیه دلالت بر مذمت و محکومیت چنین عملی دارد.

۱۴ نکوهش خداوند از نادیده گرفتن حق ازدواج دختران یتیم

لا تؤتونهن ما كتب لهن و ترغبون ان تنكحوهن

بنابر اینکه <رغبت> به معنای اعراض باشد، جمله <و ترغبون ...> در حقیقت بیان مصداقی است از جمله <لا تؤتونهن ما كتب لهن>.

۱۵ لزوم حمایت از دختران یتیم و حقوق آنان

فی یتیمی النساء .. و إن تقوموا للیتمی بالقسط

با توجه به اینکه <و ان تقوموا ..>، عطف به <فیهن> است؛ یعنی <لله یفتیکم ان تقوموا ...> بنابراین قیام برای قسط درباره یتیمان، فتوا و حکم الهی است و از جمله آنان، زنان یتیم هستند.

حقوق در قیامت

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۱ - ۱۲

۱۲ در قیامت به حق هیچ کس ظلمی نخواهد شد .

و هم لا یظلمون

حقوق دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۲۶،۲۸،۴۴

۲۶ لزوم احترام به حقوق انسان ها ، حتی دشمنان کینه توز

و لایجرمنکم شنئان قوم ان صدوکم

۲۸ حرمت تجاوز و تعدی ، حتی به دشمنان

و لایجرمنکم شنئان قوم ان صدوکم .. ان تعتدوا

۴۴ ضرورت رعایت تقوا حتی نسبت به دشمنان

لایجرمنکم شنئان قوم ان صدوکم عن المسجدالحرام ان تعتدوا .. واتقوا الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸ - ۱۰،۲۲

۱۰ اهتمام اسلام به لزوم اجرای عدالت و قسط ، حتی در مورد دشمنان

شهداء بالقسط و لایجرمنکم شنئان قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی

۲۲ هشدار الهی به مؤمنان نسبت به عدم اجرای عدالت ، حتی در مورد دشمنان

اعدلوا .. واتقوا الله إن الله خیر بما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ انکار لزوم برپایی عدالت و عدم اجرای آن ، حتی نسبت به دشمنان ، از مصادیق کفر و تکذیب آیات الهی است . *

و لایجر منکم شئان .. و الذین کفروا و کذبوا

حقوق دشمنان در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۰ - ۴۸

۴ - ضرورت رعایت حقوق دشمنان حتی در

جنگ با آنان

و قتلوا فی سبیل اللّٰه الذین یقتلونکم و لاتعتدوا

۸ - مجاهدان ، در صورتی که از حدود الهی در جنگ تجاوز کنند و یا حقوق دشمنان را رعایت ننمایند ، از محبت خداوند محروم خواهند شد .

إن اللّٰه لایحب المعتدین

حقوق دوستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۱۵

۱۵ - استفاده از خوراکی های موجود در منازل دوستان ، بدون اذن خواستن از ایشان از حقوق دوستی است .

لیس علی الأعمی حرج .. و لا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم ... أو ما ملکتم مفات

حقوق ذوی القربای محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۱ - ۷

۷ یتیمان ، مساکین و در راه ماندگان در صورتی می توانند از خمس استفاده کنند که از وابستگان پیامبر (ص) باشند . *

و الیتمی و المسکین و ابن السبیل

برداشت فوق مبتنی بر این است که <ال> در <الیتامی> و ... جانشین مضاف إلیه باشد / یعنی یتامی الرسول و ...

حقوق زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۶ - ۱۳

۱۳ دفاع اسلام از حقوق زنان

لِّلَّذِينَ يُؤَلُّونَ مِن نِّسَائِهِمْ تَرَبُّصًا أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ فَأَن شَهِرًا فَأَن فَأَن اللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۸ - ۱۷، ۲۱، ۱۴

۱۴ رجوع شوهر آنگاه که به قصد آزار و اذیت زن مطلقه اش باشد ، بی اثر و فاقد اعتبار است .

و بعولتهن احق بردهن فی

ذلك ان ارادوا اصلاحاً

حق رجوع در آیه مشروط به اصلاح است؛ بنابراین مفهوم شرط، آن رجوعی که به قصد اصلاح نباشد و به طریق اولی اگر به قصد اضرار باشد، حقایق و اعتبار آن سلب می شود.

۱۷ دفاع اسلام از حقوق زنان

و بعولتهنّ احق بردهنّ ان ارادوا اصلاحاً و لهنّ مثل الذی علیهنّ بالمعروف

بی اعتباری رجوع مرد بدون قصد اصلاح زندگی و نیز شناسایی حقوق زنان همانند حقوق مردان، خاصه با در نظر گرفتن محیط جاهلی، نشانگر دفاع اسلام از حقوق زنان است.

۲۱ تصمیم به رعایت حقوق متعارف زن مطلقه، شرط حق رجوع شوهر به او

ان ارادوا اصلاحاً و لهنّ مثل الذی علیهنّ بالمعروف

بیان حقوق زنان بر مردان پس از مقید کردن حق رجوع به اصلاح، این نتیجه را در بردارد که از مصادیق اراده اصلاح (ارادوا اصلاحاً)، تصمیم مرد بر رعایت حقوق زن مطلقه خویش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۹ - ۲۴، ۱۴، ۱۲، ۹، ۷، ۶، ۴، ۲

۲ نامحدود بودن دفعات طلاق رجعی در جاهلیت و محدود شدن آن در اسلام

الطّلاق مرّتان

با توجه به شأن نزول: كان الرجل في الجاهلية اذا طلق امرأته ثم راجعها قبل ان تنقضى عدتها... و إن طلقها الف مرّة... فذكرت ذلك لرسول الله (ص) فنزلت: <الطلاق مرّتان... >. (مجمع البيان، ذیل آیه).

۴ لزوم تعهد شوهر به رعایت حقوق شناخته شده همسر خویش

فامساک بمعروف

مراد از <معروف> (شناخته شده) حقوقی است که بر اساس عقل، فطرت و شرع در بین مردم متدین و سلیم الفطره، مورد شناسایی قرار گرفته است. اگر چه آیه درباره زن مطلقه ای

است که شوهرش به او رجوع کرده بود؛ ولی به طور کلی بیانگر حقوق تمامی زنان است.

۶ رفتار مرد با زن خود پس از رجوع در طلاق، باید بر اساس موازین شناخته شده عقل و شرع باشد.

الطلاق مَرَّتَانِ فَمَسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ

۷ رجوع مرد در ایام عده، نباید به قصد اضرار به زن باشد.

الطلاق مَرَّتَانِ فَمَسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ اَوْ تَسْرِيحٌ بِاِحْسَانٍ

۹ رها ساختن زن (طلاق) باید علاوه بر رعایت حقوق او، آمیخته با احسان و نیکی و به دور از اضرار به وی باشد.

اَوْ تَسْرِيحٌ بِاِحْسَانٍ

کلمه <احسان> گویای معنایی است فراتر از <معروف>؛ یعنی باید نسبت به زنان، افزون بر حقوق شناخته شده آنان، نیکی شود.

۱۲ هنگام طلاق، حرام است مالی را که شوهر به زن داده (مهریه و...) بازپس گیرد.

و لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا

۱۴ چشمپوشی زن از مال خود (مهریه) و گرفتن طلاق، بهتر از زندگی زناشویی بدون رعایت حدود الهی است.

و لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ

۲۴ حمایت و دفاع اسلام از حقوق زنان

الطلاق مَرَّتَانِ فَمَسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ اَوْ تَسْرِيحٌ بِاِحْسَانٍ و لَا يَحِلُّ لَكُمْ ... فَاُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۱ - ۲

۲ لزوم رعایت موازین شناخته شده شرعی و عرفی در طلاق و یا ادامه زندگی از سوی مردان

فَامَسْكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ اَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ شوهر ، حَقّ جلوگیری از ازدواج زن مطلقه خویش را پس از انقضای عِدّه ندارد .

و اذا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَّغْنِ اجْلِهِنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ

بنابراینکه <فلا تعضلوهن> خطاب به شوهر سابق باشد، بر این مبنا مراد از <ازواجهن> نیز مردی غیر از شوهر سابق خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۳ - ۹،۱۲

۹ تأمین مخارج متعارف زنان مُطلّقه در زمان شیردهی به نوزاد ، بر عهده پدر است .

و علی المولود له زرقهّن

بنابراینکه مراد از <والدات> به قرینه آیات قبل و بعد، زنان مُطلّقه باشند.

۱۲ میزان متعارف نفقه و مخارج واجب بر شوهران ، باید به اندازه توانایی مالی آنان باشد .

و علی المولود له زرقهّن و کسوتهنّ بالمعروف لا تُکلف نفس الا وسعها

به نظر می رسد جمله <لا تُکلف .. > تبیین کلمه <معروف> باشد؛ یعنی نباید حدّ متعارف، بدون در نظر گرفتن توانایی مالی شوهر تعیین شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۴ - ۸،۹،۱۰،۱۱

۸ پس از عِدّه وفات ، زن در گرفتن هر تصمیم شایسته برای خویش آزاد است .

فاذا بلغن اجلهّن فلا جناح علیکم فیما فعلن فی انفسهنّ بالمعروف

۹ عدم لزوم نظارت بر زنان شوهر مُرده ، پس از انقضای عِدّه وفات شوهر

فلا جناح علیکم فیما فعلن

۱۰ جلوگیری از حقوق متعارف زنان شوهر مُرده مانند ازدواج پس از انقضای عِدّه وفات ، جایز نیست .

فلا جناح عليكم فيما فعلن في انفسهنّ بالمعروف

۱۱ پس از عدّه وفات

، زن در انتخاب شوهری شایسته آزاد است .

فلا جناح علیکم فیما فعلن فی انفسهنّ

مراد از <فیما فعلن>، به قرینه جمله <یتربصن> که ممنوعیت ازدواج در زمان عدّه است، انتخاب شوهر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۶ - ۱۵، ۱۴، ۷، ۶

۶ لزوم پرداخت متاعی مناسب و پسندیده از سوی شوهران ، به زنان مُطلّقه ای که برای آنان مهریه تعیین نشده است .

و متّعوهنّ ... متاعاً بالمعروف

ظاهر این است که ضمیر در <متّعوهنّ>، به طایفه دوّم از زنان مُطلّقه برگردد؛ یعنی زنانی که مهر برای آنان تعیین نشده است.

۷ لزوم پرداخت متاعی مناسب و پسندیده از سوی شوهران ، به زنانی که قبل از آمیزش با آنان ، طلاق داده شوند .

ان طلّقتن النساء ... و متّعوهنّ ... بالمعروف

بنابراین احتمال که ضمیر در <متّعوهنّ>، علاوه بر اینکه به طایفه دوّم ارجاع شود، شامل طایفه اوّل (یعنی زنانی که با آنان آمیزش نشده) نیز شود.

۱۴ پرداخت کالای مناسب به زنان مُطلّقه ، حقّی ثابت بر عهده نیکوکاران

حقّاً علی المحسنین

۱۵ پرداخت کالای مناسب به زنان مُطلّقه ، نشانه احسان و نیکوکاری مرد

حقّاً علی المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۷ - ۱۱، ۱۰، ۷، ۴، ۳، ۱

۱ وجوب پرداخت نصف مهریه تعیین شده به زن مُطلّقه از سوی شوهر ، در صورت عدم آمیزش جنسی با او

و ان طلّقتموهنّ من قبل ان تمسوهنّ و قد فرضتم لهنّ فریضه فنصف ما فرضتم

مفسران برآند که جمله <أَن تَمْسُوهُنَّ>، کنایه از آمیزش جنسی است ؛ نه مُجَرَّد لَمَسَ .

۳ سقوط

وظیفه شوهران از پرداخت مهر به همسرانی که قبل از آمیزش طلاق داده می شوند، در صورت عفو و گذشت زنان از آن

و ان طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ .. إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ

۴ عدم وجوب پرداخت نصف مهر تعیین شده از سوی شوهر، در صورت گذشتن ولی زن از حق وی

او يعفوا الذی بیده عقده النکاح

چون آیه در مقام بیان وظیفه ضروری شوهران در قبال زنان مُطلَّقه است، ظاهر این است که <الّا>، بیانگر موارد استثناء و سقوط این وظیفه است و این معنا در آن صورت است که <الذی .. > حمل بر ولی زن شود؛ نه شوهر.

۷ چشمپوشی زن، شوهر و ولی زن از حقوق خویش (مهریه)، به تقوا نزدیکتر است.

و ان تعفوا اقرب للتقوی

در صورتی که خطاب <ان تعفوا> به کلیه افراد اعم از زن و مرد و ولی باشد.

۱۰ استحباب پرداخت تمامی مهریه معین شده به زنی که قبل از آمیزش طلاق داده شود.

و ان طَلَّقْتُمُوهُنَّ .. و ان تعفوا اقرب للتقوی

۱۱ ولی زن مُطلَّقه می تواند از حق وی (نصف مهر)، صرفنظر کند.

او يعفوا الذی بیده عقده النکاح

برخی مفسران برآنند که مراد از <الذی .. > ولی زن است؛ البته این حکم در صورتی است که زن، ولی شرعی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۰ - ۳،۴،۶،۷،۸

۳ لزوم وصیت مردان برای پرداخت هزینه یکسال به همسران خویش

و الذین يتوفون منکم و یذرون ازواجاً وصیةً لازواجهم متاعاً الی

۴ حق سکونت در خانه شوهر و نیز بهره گیری از اموال او به مدّت یکسال، از جمله حقوق زنان شوهر مُرده است.

وصیة لازواجهم متاعاً الی الحول غیر اخراج

ظهور کلمه <غیر اخراج> در این است که نباید زن شوهر مرده را از خانه شوهر بیرون کرد و لازمه این معنا حق سکونت برای اوست.

۶ باقی ماندن زن در خانه شوهر، شرط پرداخت هزینه زندگی وی تا یکسال

متاعاً الی الحول غیر اخراج

بنابراینکه <غیر اخراج> علاوه بر بیان حق سکونت برای زن، قیدی باشد بر حکم سابق (لزوم پرداخت متاع). یعنی آنگاه زن شوهر مرده می تواند از مال شوهر بهره گیرد که از خانه وی خارج نشده باشد.

۷ جواز خروج زن از خانه شوهر وفات یافته، پیش از اتمام سال

غیر اخراج فان خرجن فلا جناح علیکم

۸ جواز هر گونه اقدام مشروع و شایسته (ازدواج) از سوی زنان شوهر مرده پس از خروج از خانه وی

فان خرجن فلا جناح علیکم فی ما فعلن فی انفسهنّ من معروف

برخی برآنند که مراد از <من معروف> ازدواج است؛ بر این اساس، جامعه ایمانی و یا ورثه میّت می توانند از ازدواج زن به مدّت یکسال بر فرض سکونت در منزل شوهر متوفی، ممانعت کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۱ - ۱،۲،۴،۶،۷

۱ لزوم پرداخت کالای شایسته و مناسب به زنان مُطلّقه

و للمطلّقات متاع بالمعروف

۲ شؤن اجتماعی زن و مرد، تعیین کننده مقدار و خصوصیات متاعی که باید به زن مُطلّقه پرداخت شود. *

متاع بالمعروف

می رسد بدون در نظر داشتن شئون اجتماعی زن و مرد، نمی توان مقدار و یا خصوصیات کالای معروف و شایسته را تعیین کرد.

۴ پرداخت کالای مناسب و شایسته به زنان مطلقه، وظیفه تقوایپیشگان و نشانه تقواست.

و للمطلقات .. حقاً علی المتّقین

۶ تقوایپیشگان، رعایت کنندگان حقوق زنان مطلقه در میان افراد جامعه

حقاً علی المتّقین

با توجه به اینکه اصل حکم مربوط به تمام افراد است؛ ولی حکم را بر متّقین بار نموده است.

۷ ارزش والای توجه به مسائل حقوقی زنان مطلقه

حقاً علی المحسنین .. و ان تعفوا اقرب للتقوی ... حقاً علی المتّقین

از مجموع آیات درباره زنان مطلقه، خاصه اینکه با الفاظ گوناگونی از قبیل <حقاً علی المتّقین>، <حقاً علی المحسنین>، <و ان تعفوا اقرب للتقوی> و .. بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۱۸، ۱۵

۱۵ ناروایی تبعیض بین مرد و زن، در اجرت کاری یکسان *

انّی لا اذیع عمل عامل منکم من ذکر او انثی بعضکم من بعض

۱۸ یکسانی زن و مرد در ماهیّت و حقیقت انسانی، فلسفه تساوی آنان در برخورداری از اجر و پاداش اعمال نیک

انّی لا اذیع عمل عامل منکم من ذکر او انثی بعضکم من بعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴ - ۱۵، ۹، ۶، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ وجوب پرداخت مهریه زنان

و اتوا النّساء صدقاتهنّ

کلمه <صدقات> جمع <صدقه>، به معنای مهریه است.

۲ زنان، مالک مهریه خویش هستند.

واتوا النساء صدقاتهنّ

۳ استقلال مالی زن در

و اتوا النساء صدقاتهنّ

۴ لزوم پرداخت مهریه به خود زنان ، نه به فردی دیگر

و اتوا النساء صدقاتهنّ

از اینکه فرمود: <و اتوا النساء صدقاتهنّ> و فرمود: <اتوا صدقات النساء>، معلوم می شود که مهریه زنان را باید به خود آنان پرداخت نه به پدر یا برادر و ... ، بر خلاف آنچه در جاهلیت مرسوم بوده است.

۶ مهریه ، دینی است برای زنان بر عهده مردان

و اتوا النساء صدقاتهنّ نحلّه

<نحلّه> بنا بر گفته برخی از مفسران به معنای فریضه است که در برداشت فوق از آن تعبیر به دین شده است ؛ زیرا فریضه مالی در حقیقت دین است.

۹ حرمت تصرف شوهران در مهریه زنان ، بدون جلب رضایت کامل آنان

و اتوا النساء ... فان طبن لکم عن شیء منه نفساً فکلوه

از مفهوم جمله <فان طبن لکم ... > (اگر رضایت داشتند از مهریه بخورید و در آن تصرف کنید)، حرمت تصرف بدون رضایت به دست می آید.

۱۵ شوهر ، مجاز به استفاده از دارایی زن ، در صورت رضایت خاطر وی

فان طبن لکم عن شیء منه

امام صادق یا امام کاظم (ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود: یعنی بذلک اموالهنّ التی فی ایدیهنّ مما ملکن.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۱۹، ح ۱۶؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۴۱، ح ۴۶.

۳ لزوم طلاق همسر در صورتی که وی از زندگی کردن با شوهر خویش ناخشنود است و شوهر نیز هیچ نیازی به زندگی کردن با وی ندارد . *

لا

يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتُوا النِّسَاءَ كَرِهًا

۲ <کرهاً> به معنای <کارهات>، حال برای <النساء> باشد. گفتنی است که <ان ترثوا> می رساند که هدف شوهر از زندگی با زن ارث بردن از اوست. یعنی نیاز دیگری به وی ندارد.

۴ به ارث بردن زنان، حرام و امری ناخوشایند است. *

لا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتُوا النِّسَاءَ كَرِهًا

در برداشت فوق <النساء> به معنای زنان، نه همسران، و <کرهاً>، مفعول مطلق برای فعلی مقدر گرفته شده است؛ مثل <اکروهه کرهها>. یعنی چنین کاری (به ارث بردن زنان) را ناپسند بشمارید.

۵ حرمت به ارث بردن زنان، به دلیل کراهت آنان

لا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتُوا النِّسَاءَ كَرِهًا

بنابر اینکه <کرهاً> به معنای <کارهات> و حال برای <النساء> باشد. یعنی زنان را به ارث نبرید در حالی که آنان از این کار کراهت دارند. لازم به ذکر است که بر این مبنا، <کرهاً> قید توضیحی غالبی است. یعنی زنان غالباً از این کار کراهت دارند.

۶ حرمت منع کردن زنان از ازدواج به طمع ارث بردن از آنان *

لا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتُوا النِّسَاءَ كَرِهًا

این برداشت بر این اساس است که مراد از <النساء>، مطلق زنان باشد. (مانند دختر و خواهر و ...) نه همسران. و مقصود از <ان ترثوا> به ارث بردن اموال ایشان باشد. بنابراین معنای آیه، حرمت بازداشتن زنان از ازدواج به طمع ارث بردن از اموال ایشان است. زیرا در صورت ازدواج، اکثر اموال زن با مرگ او، به فرزندان و شوهرش منتقل می شود.

۸ حرمت سختگیری مرد بر همسر خویش به انگیزه پس گیری حتی بخشی از مهریه

و لا تعضوهنَّ

لتذهبوا ببعض ما ایتموهنّ

<لا- تعضلوهنّ> از <عضل> به معنای سختگیری است. مراد از <ما ایتموهنّ>، مهریه ای است که مردان به همسران خویش می دهند.

۱۸ حرمت نگهداشتن و آزار رساندن به همسری که برای ادامه زندگی مورد نیاز مرد نیست، به منظور گرفتن بخشی از اموال وی .

و لا تعضلوهنّ لتذهبوا ببعض ما ایتموهنّ

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: اِنَّ الزَّوْجَ امْرَهُ اللّٰهِ بِتَخْلِيهِ سَبِيلَهَا اِذَا لَمْ يَكُنْ لَهَا فِيْهَا حَاجَةٌ وَ اِنْ لَا يُمَسِّكُهَا اِضْرَارًا بِهَا حَتَّى تَفْتَدِيَ بِبَعْضِ مَا لَهَا.

مجمع البيان، ج ۳، ص ۴۰؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۵۹، ح ۱۳۹.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۰ - ۵

۵ کراهت مرد از همسر خویش و علاقه به ازدواجی دیگر، مجوز پس گیری حتی اندکی از مهریه به هنگام طلاق نمی شود .

فان کرهتموهنّ .. و ان اردتم استبدال ... فلا تأخذوا منه شيئاً

جمله <ان اردتم> پس از جمله <فان کرهتموهنّ>، اشاره به این دارد که هر چند دلیل <استبدال> ناخوشایندی از همسر موجود و علاقه به ازدواجی دیگر باشد، این امر، مجوز پس گیری مهریه نمی تواند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۱ - ۱۱، ۱۲

۱ بازپس گیری مهریه زنان، دور از انصاف و خلاف انصاف است .

و كيف تأخذونه و قد افضى بعضكم الى بعض

در آیه قبل، بازپس گیری مهریه، ظلم و گناه شمرده شد و این آیه با طرح سؤال، وجدان انسانی را به قضاوت برمی انگیزاند.

از مهریه زنان ، پس از آمیزش

و کیف تأخذونه و قد افضی بعضکم الی بعض

بنابر اینکه <و قد افضی>، کنایه از آمیزش باشد.

۱۱ مهریه ، حقی برای زن در قبال آمیزش و پیمان زناشویی

و کیف تأخذونه و قد افضی

جمله <و قد افضی>، که کنایه از آمیزش است، و جمله <اخذن منکم>، که دلالت بر عقد زناشویی می کند، بیانگر این است که زن در قبال آن دو، مالک مهریه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۴ - ۱۵

۱۵ حمایت اسلام از حقوق اقتصادی زنان

ان تبتغوا باموالکم .. فاتوهنّ اجورهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۲ - ۹،۱۳

۹ حق مساوی زن و مرد در مالکیت و بهره‌وری از کار و تلاش خویش

للرجال نصیب مما اکتسبوا و للنساء نصیب مما اکتسبن

۱۳ زن و مرد ، دارای حق کسب و کار

للرجال نصیب .. و للنساء نصیب مما اکتسبن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۴ - ۲۰،۲۵،۳۴

۲۰ خداوند ، حافظ حقوق زنان ، با جعل قوانین خانواده

بما حفظ الله

مراد از <ما>، حقوق زنان است که خداوند با جعل قوانین، مانند الزام به تأمین زندگی و .. آن را حفظ کرده است.

۲۵ همخوابگی، از حقوق زنان بر همسران خویش

و اهجرهون فی المضاجع

گویا لزوم همخوابگی با همسران را بر عهده شوهران فرض کرده است و در حال نشوز، ترک آن را مجاز شمرده است. جمله
<فلا تبغوا ... >، پس از فرض اطاعت زنان،

لزوم همخوابگی را تأیید می کند.

۳۴ مرد، هیچ حقی در آزار دادن همسر صالح و مطیع خویش ندارد.

و اضربوهن فان اطعنکم فلا تبغوا علیهنّ سیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۲۴، ۲۳، ۲۱، ۱۵، ۱۴، ۱۲، ۹، ۸، ۵، ۲

۲ حقوق زن، مورد بحث و گفتگوی مسلمانان صدر اسلام

و يستفتونک فی النساء قل الله یفتیکم فیهنّ

از سؤال مکرر، که فعل مضارع دلالت بر آن دارد و صیغه جمع، که دلالت بر تعدد سؤال کنندگان دارد، می توان فهمید که حقوق زنان مورد بحث و گفتگوی مسلمانان بوده است.

۵ وعده خداوند به مردم، مبنی بر پاسخ استفتای آنها درباره حقوق زنان

قل الله یفتیکم فیهنّ

۸ اهمیت حقوق زن در اسلام و اهتمام خداوند نسبت به آن

و يستفتونک فی النساء قل الله یفتیکم فیهنّ ... ما کتب لهن

تصریح به تبیین احکامی درباره زنان از سوی خداوند، دلالت بر اهمیت آن دارد.

۹ زن، دارای حقوقی ویژه در اسلام

ما کتب لهن

۱۲ مذمت ازدواج با دختران یتیم، به قصد پایمال ساختن حقوق آنان

فی یتمی النساء التی لا تؤتونهنّ ما کتب لهنّ و ترغبون ان تنکوهن

لحن آیه دلالت بر مذمت و محکومیت چنین عملی دارد.

۱۴ نکوهش خداوند از نادیده گرفتن حق ازدواج دختران یتیم

لا توثونهن ما كتب لهن و ترغبون ان تنكوهن

بنابر اینکه <رغبت> به معنای اعراض باشد، جمله <و ترغبون ..> در حقیقت بیان مصداقی است از جمله <لا توثونهن ما كتب لهن>.

۱۵ لزوم حمایت از دختران یتیم و حقوق آنان

فی یتمی النساء .. و إن تقوموا للیتمی بالقسط

با توجه به

اینکه <و ان تقوموا...>، عطف به <فیهن> است، یعنی <لله یفتیکم ان تقوموا...> بنابراین قیام برای قسط درباره یتیمان، فتوا و حکم الهی است و از جمله آنان، زنان یتیم هستند.

۲۱ خداوند، خواستار احیای حقوق زنان، یتیمان و مستضعفان

قل الله یفتیکم فیهن... و ان تقوموا للیتمی بالقسط

۲۳ رعایت حقوق زنان، یتیمان، مستضعفان و اقامه قسط، از مصادیق بارز خیرات و نیکیها

و ما تفعّلوا من خیر فإنّ الله کان به علیماً

<من خیر> می تواند اشاره به تکالیفی باشد که در آیه آمده است.

۲۴ اعتقاد انسان به علم الهی، زمینه ساز رعایت حقوق زنان، یتیمان و مستضعفان

و المستضعفین من الولدن... و ما تفعّلوا من خیر فإنّ الله کان به علیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۲۰، ۶، ۵

۵ جواز صرفنظر کردن زن از بعضی حقوق خود، برای جلب نظر شوهر و جلوگیری از نشوز وی

و ان امراه خافت من بعلمها نشوزاً... ان یصلحا بینهما صلحاً و الصلح خیر

جمله <و احضرت الانفس الشح> حکایت از آن دارد که مصالحه عنوان شده در آیه، منوط به گذشت از حقوق شخصی است.

۶ اهمیت حفظ آرامش و امنیت در خانواده و تقدم آن بر حقوق شخصی زن و شوهر

و ان امراه خافت... ان یصلحا بینهما صلحاً و الصلح خیر

۲۰ جواز گذشت زن از برخی حقوق خویش، به انگیزه جلوگیری از ناسازگاری شوهر و رخ ندادن طلاق

و ان امراه خافت من بعلمها نشوزاً او اعراضاً

امام صادق(ع) در

پاسخ سؤال از معنای آیه فوق فرمود: هذا تكون عنده المراه لاتعجبه فيريد طلاقها فتقول له: امسكني و لاتطلقني و ادع لك ما على ظهرك و اعطيك من مالي و احلكك من يومي و ليلتي فقد طاب ذلك له كله .

کافی، ج ۶، ص ۱۴۵، ح ۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۵۸، ح ۶۰۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۹ - ۵،۱۸

۵ بلا تکلیف رها ساختن زن (نه زندگی کردن و نه طلاق دادن وی) ، کاری ممنوع و حرام بر شوهران

فلاتمیلوا کل المیل فتذروها کالمعلقه

۱۸ حرمت بلا تکلیف گذاشتن زن بگونه ای که نه از مزایای شوهرداری بهره مند باشد و نه از مزایای بی همسری

فلاتمیلوا کل المیل فتذروها کالمعلقه

از امام باقر و امام صادق علیهما السلام درباره معنای < کالمعلقه > در آیه فوق روایت شده که فرمودند: التي هی لا ذات زوج و لا ایم.

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۳۴۹؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۵۹، ح ۶۰۳.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۶ - ۱۵

۱۵ ثبوت مالکیت و حق ارث برای زنان در نظام حقوقی اسلام

فلها نصف ما ترک و هو یرثها .. فلها الثلثان مما ترک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵ - ۲۰، ۲۲، ۲۳

۲۰ حلیت ازدواج با زنان ، در صورت پرداخت مهریه آنان

اليوم احل . . و المحصنت من الذين اتوا الكتب من قبلكم إذا ءاتيموهن اجورهن

۲۲ مهریه از آن خود زن و اجرتی در قبال ازدواج با اوست

ءاتیتموهن اجورهن

۲۳ لزوم مراعات حقوق زنان اهل کتاب

و المحصنت من الذین اوتوا الکتب من قبلکم إذا ءاتیتموهن اجورهن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۹ - ۱۳

۱۳ ضرورت پرهیز از تبعیضهای ناروا و جاهلانه در قوانین مربوط به زن و مرد

و قالوا ما فی بطون هذه الأنعم خالصه لذکورنا و محرم علی أزوجنا .. سیجزیهم و صفهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۹ - ۱۳

۱۳- دفاع اسلام از شخصیت و حقوق زنان و دختران

ألا ساء ما یحکمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۸ - ۱

۱ - زن متهم به زنا ، پس از تحقق لعان از سوی شوهرش ، متقابلاً حق لعان دارد .

و یدرؤا عنها العذاب أن تشهد أربع شهدت باللّه

حقوق سفیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۱۷

۱۷ تدوین قانون باید به گونه ای باشد که راه اجحاف بر سفیهان و ناتوانان را مسدود نماید .

فان كان الذي عليه الحقّ .. فليملل وليه بالعدل

حقوق سیاسی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۲ - ۵

۵- زن ، برخوردار از حق مشارکت در مسائل سیاسی ، اجتماعی و دینی

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبَايِعْنَكَ .. فَبَايِعِهِنَّ

از آن جا که بیعت خود نوعی مشارکت است، مطلب بالا استفاده می شود.

حقوق شوهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب -

۴ - عده نگه داشتن زنان مطلقه، به نفع مردان، و از حقوق آنان است.

فما لکم علیهنّ من عدّه

مخاطب <لکم> در آیه، مردانی اند که زنانی را به ازدواج درآورده و آنها را مطلقه کرده اند. قرار دادن عده برای آنان، به مصلحت و سود آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۵ - ۱۱

۱۱ - نقش سازنده تقوای پیشگی، در حفظ کانون گرم خانواده ها و رعایت شدن حقوق همسران

إذا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ .. و اتَّقُوا اللَّهَ ... من يَتَّقِ ... يعظم له أَجْرًا

برداشت یاد شده، از آن جا است که خداوند در ضمن پنج آیه مربوط به مسائل طلاق و اختلافات خانوادگی، چهاربار، به رعایت تقوا توصیه فرموده است.

حقوق صاحب قصاص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۹،۲۵

۹ صاحبان حق قصاص، مختار در گزینش قصاص و چشمپوشی از آن

فمن تصدق به فهو كفاره له

۲۵ آمرزش گناهان صاحب حق قصاص از جانب خداوند، به اندازه گذشت وی از گناه جانی

فمن تصدق به فهو كفاره له

امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از <فمن تصدق به فهو كفاره له> فرمود: يكفر عنه من ذنوبه بقدر ما عفا ...

حقوق ضعفا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۱۷

۱۷ تدوین قانون باید به گونه ای باشد که راه اجحاف بر

سفیهان و ناتوانان را مسدود نماید .

فان كان الذی علیه الحقّ .. فلیملل ولیه بالعدل

حقوق غیر مسلمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۲ - ۱۰

۱۰ حُسن رعایت حال غیر مسلمانان در جامعه اسلامی

لیس علیک هدیهم .. و ما تنفقوا من خیر

حقوق فرزندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۳ - ۴۲، ۳۹، ۳۶، ۲۶، ۲۵، ۲۴، ۲۲، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۰

۱ وجوب شیر دادن مادران به فرزندان خویش

و الوالدات یرضعن اولادهنّ

جمله <یرضعن .. >، جمله ای است خبری در مقام انشا.

۱۷ پدر و مادر، حق ضرر زدن به فرزند خویش را ندارند. حتی بر فرض وقوع طلاق.

لا تضارّ والده بولدها و لا مولود له بولده

بنابراینکه <لا تضارّ> به صیغه معلوم باشد یعنی پدر و مادر ضرر نزنند.

۱۸ نباید مادر حتی پس از طلاق با امتناع از شیر دادن به فرزند، موجب ضرر او شود.

لا تضارّ والده بولدها

۱۹ خودداری مادر از شیر دادن به کودک خویش، از مصادیق بارز اضرار به فرزند

و الوالدات یرضعن .. لا تضارّ والده بولدها

نهی از زیان رسانی به کودک پس از الزام مادر به شیر دادن، اشاره به این معناست که از مصادیق بارز ضرر به کودک، خودداری از شیر دادن به اوست.

۲۰ خودداری پدر از تأمین مخارج مادر، موجب زیان کودک خویش

و علی المولود له زرقهنّ . . لا تضارّ . . و لا مولود له بولده

نهی از زیان رسانی پدر به کودک خویش، پس از الزام او به تأمین مخارج مادر، اشاره

به این معناست که امتناع از تأمین مخارج مادر نهایتاً منجر به زیان کودک خواهد شد.

۲۲ پدر نباید با محروم کردن همسر خود از تأمین مخارج حتی پس از طلاق او، موجب ضرر فرزند شود.

لا تضارّ .. و لا مولود له بولده

۲۴ وارثان پدر باید تأمین مخارج زنی که فرزند میت را شیر می دهد، بر عهده بگیرند.

و علی الوارث مثل ذلک

ظاهر این است که مراد از <وارث>، وارثان پدر کودک هستند.

۲۵ وارثان پدر نباید به فرزند شیرخوار مورث با عدم رعایت حقوق وی ضرر بزنند.

لا تضارّ والده بولدها و لا مولود له بولده و علی الوارث مثل ذلک

جمله <و علی الوارث مثل ذلک>، تمامی تکالیفی را که پدر کودک باید نسبت به او رعایت کند، بر عهده وارث پدر گذاشته که از جمله، عدم اضرار به کودک (لا تضارّ والده بولدها و لا مولود له بولده) است.

۲۶ جواز گرفتن فرزند از شیر قبل از دو سال، به شرط رضایت، مشورت و توافق پدر و مادر

فان ارادا فصالا عن تراض منهما و تشاور فلا جناح علیهما

چون حدّ کمال شیر دادن دو سال است، بنابراین <فصال> پس از دو سال طبیعی است و نیاز به مشورت و توافق ندارد؛ لذا مراد از <فصال> در آیه شریفه، <فصال> قبل از دو سال است.

۳۶ لزوم رعایت تقوا در حقوق نوزادان و آنچه مربوط به شیردهی آنان است.

و الوالدات یرضعن .. و اتقوا الله

محور اصلی آیه، تأمین حیات و رشد نوزادان است. بنابراین مصداق بارز تقوا در آیه شریفه، رعایت حقوق آنان خواهد بود.

و توجه به آگاهی او ، عامل رعایت مصالح نوزادان و مسائل مربوط به شیردهی آنان از سوی پدر ، مادر ، وارثان پدر و دایه

و الوالدات یرضعن . . . و اتقوا الله

۴۲ وارث پدر حق ندارد با جدا کردن طفل از مادر ، به مادر زیان رساند .

و علی الوارث مثل ذلك

امام صادق (ع): ... لا ینبغی للوارث ان یضارّ المرأه فیقول لادع ولدها یأتیها ...

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۲۱، ح ۳۸۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۲۸، ح ۸۸۶.

حقوق فقرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۵ - ۱۵

۱۵ قوانین الهی ، حامی و تأمین کننده حقوق فقیران و ثروتمندان

ان یکن غنیاً او فقیراً فالله اولی بهما

هدف از ایراد جمله <فالله اولی بهما> (خداوند به رعایت حال آنان سزاوارتر است) پس از الزام اهل ایمان به اقامه قسط و شهادت به حق، می تواند این معنا باشد که تنها با رعایت قوانین الهی، حقوق انسانها چه غنی و چه فقیر تأمین خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۱ - ۱۷

۱۷- > عن أبی عبدالله (ع) قال : . . . و لكنّ الله عزّوجلّ فرض فی أموال الأغنیاء حقوقاً غیر الزکاه . . . و قد قال الله عزّوجلّ :
> ینفقوا ممّا رزقناهم سرّاً و علانیة < . . . ;

از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: . . . ولی خداوند عزّوجلّ در اموال ثروتمندان، حقوقی را به غیر از زکات واجب

کرده است ... و خداوند عزوجل فرموده: *ينفقوا مما رزقناهم سراً و علانیه ...*.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۹ - ۳

۳ - نیازمندان سائل و محرومان ، دارای حق در مال ثروتمندان جامعه

و فی أموالهم حق للسائل و المحروم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۸ - ۱۲

۱۲ - > عن أبي عبدالله (ع) قال إن الله عزوجل . . . فرض في أموال الأغنياء حقوقاً غير الزكاة فقال عزوجل : > . . . أقرضوا الله قرضاً حسناً < و هذا غير الزكاة . . . ;

از امام صادق (ع) روایت شده که خدای عزوجل . . . در اموال صاحبان ثروت، حقی غیر زکات واجب نموده... و فرموده است: >...أقرضوا الله قرضاً حسناً< و این <قرض حسن> غیر از زکات است...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۴ - ۸

۸ - گرسنگان و بینوایان ، دارای حق تغذیه از اموال توانمندان

و لايحضّ علی طعام المسکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۴ - ۵،۲

۲ - نیازمندان ، دارای حق در اموال توانگران و شریک ثروت آنان

و الذین فی أموالهم حقّ معلوم

تعبیر <حق>، می تواند بیانگر حقیقت یاد شده باشد.

۵ - > عن محمد بن مروان عن جعفر بن محمد (ع) قال : إنني لأطوفُ بالبيت مع أبي (ع) إذ أقبل رجلٌ ... فقال : . . .

فأخبرني عن قوله : > و في أموالهم

حق معلوم < ما هذا الحقّ المعلوم؟ قال: هو الشيء يخرج الرجل من ماله ليس من الزّكاه فيكون للنّائبه و الصّله . . . >

محمد بن مروان از امام صادق (ع) روایت نموده است که فرمود: با پدرم در حال طواف خانه خدا بودیم که مردی به طرف ما آمد . . . و گفت: ... مرا از سخن خداوند: < و فی أموالهم حقّ معلوم > آگاه کن که این < حق معلوم > چیست؟ فرمود: آن حق چیزی است که شخص از مال خود، خارج می کند و جزء زکات نیست؛ بلکه آن را برای رفع گرفتاری ها و پیشامدها و بخشش و احسان، از مال خود جدا می کند...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۵ - ۲

۲ - سائلان و محرومان جامعه ، دارای حق در اموال توانگران و شریک ثروت آنان

و الذین فی أموالهم حقّ معلوم . للسائل و المحروم

حقوق فقیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۰ - ۲

۲ حمایت اسلام از حقوق طبقات ضعیف اجتماع

و ان كان ذو عسره فنظره الى ميسره

حقوق کارگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۷ - ۱۵

۱۵ ندادن اجر کامل در برابر عمل ، ظلم است .

و الله لا يحب الظالمين

بنابراینکه جمله < و الله لا يحب الظالمين >، تعلیل برای جمله < فيوفّهم اجرهم > باشد.

حقوق کافر ذمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۸ - ۸

۸ - کافران غیر حربی ، برخوردار از

حقوق اجتماعی در جامعه اسلامی

لا ینهیکم اللہ عن الذین لم یقتلوکم

حقوق کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۱۵،۲۴

۱۵ - حق مالکیت کافران غیر محارب ، محترم و رعایت عدل درباره ایشان ضروری است .

و ءاتوهم ما أنفقوا

از شأن نزول آیه، استفاده می شود که حکم پرداخت مهریه و نیز احترامی که اسلام برای مالکیت کافران قائل است، مربوط به کافران غیر محارب است؛ چنان که آیه شریفه مسائل پس از صلح حدیبیه را بیان می کند. بنابراین رعایت این عدل با آنچه از مفهوم <أن تبرؤهم و تقسطوا...> که نهی از قسط درباره کافران حربی بود منافات ندارد.

۲۴ - کافران ، دارای حق مطالبه مهریه همسر خود ، در صورت پیوستن همسر ایشان به جمع مؤمنان

و لیستلوا ما أنفقوا

حقوق کلیدداران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۱۶،۱۸

۱۶ - استفاده کلید داران از خوراکی های موجود در منازل ، بدون اجازه خواستن از صاحبان آنها ، حقی است برای آنان .

لیس علی الأعمی حرج ... و لا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم ... أو ما ملکتم مفات

۱۸ - سپردن کلید های خانه ها به هر شخصی ، منشأ پیدایش حق برای آن شخص

لیس علی الأعمی حرج ... و لا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ...

حقوق کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ مبارزه اسلام با تحقیر کنیزان و ننگ دانستن ازدواج با

من فتیاتکم المؤمنات .. بعضکم من بعض

۱۴ وجوب پرداخت اجرت (مهریه) به کنیزان بر طبق معیار های متعارف جامعه

و اتوهنّ اجورهنّ بالمعروف

حقوق کودک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹ - ۱

۱ کسانی که خواهان رعایت حقوق کودکان یتیم خویش از طرف جامعه هستند ، باید حقوق کودکان یتیم دیگران را رعایت کنند .

وليشخ الذین لو ترکوا من خلفهم ذریه ضعیفاً خافوا علیهم فلیتقوا الله

جمله <فلیتقوا الله>، به قرینه جمله قبل (لو ترکوا من خلفهم ذریه ضعیفاً) چنین معنا می شود: فلیتقوا الله فی امر الذریه الضعاف؛ یعنی کسانی که نگران رعایت حقوق فرزندان خویش پس از مرگ خود هستند، باید تقوای الهی را در مورد فرزندان ضعیف (یتیمان) دیگر مردمان رعایت کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۱۷

۱۷ قرآن حاوی احکامی خاص ، درباره اطفال ناتوان و مستضعف

یفتیکم فیهنّ و ما یتلی علیکم فی الکتب .. و المستضعفین من الولدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۴ - ۶

۶ - دوران شیرخوارگی کودک ، تا دو سال است .

و فصله فی عامین

<فصال> در لغت، به معنای <جدا کردن کودک از شیر> است (مفردات راغب). لازم به ذکر است که <فی> (حرف ظرف) دلالت می کند بر این که مدّت شیرخوارگی، دو سال است و جدا کردن کودک از شیر، می تواند در خلال آن دو سال باشد.

حقوق مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ عدم وجوب شیر دادن به نوزاد به مدّت دو سال بر مادر *

لمن اراد ان یتّم الرضاعه

چون حکم (ارضاع به مدّت دو سال) را تعلیق به اراده مادر کرده است، به نظر می رسد ارضاع به مدّت دو سال واجب نباشد؛ اگر چه اصل ارضاع واجب باشد.

۱۴ مادر، دارای حق حضانت و شیردهی کودک خویش حتی در دوران جدایی و طلاق از همسر .

و الوالدات یرضعن اولادهنّ

مخاطب جمله <والوالدات .. > علاوه بر مادران، پدران نیز می باشند؛ یعنی پدران نیز نباید ارضاع را از عهده مادران خارج کنند؛ و لازمه این معنا، حق اولویّت مادر در شیر دادن و حضانت کودک است.

۲۹ جواز گرفتن دایه برای فرزند، به شرط عدم ترضیع حق اولویّت مادر در شیر دادن فرزند

و الوالدات یرضعن .. و ان اردتم ان تسترضعوا اولادکم فلا جناح

با توجه به اینکه صدر آیه حق اصلی شیر دادن را از مادر می داند، معلوم می گردد که دایه گرفتن پدر در صورتی جایز است که این حق ضایع نشود و ثانیاً بازداشتن مادر از شیر دادن کودک منوط به رضایت اوست و دایه گرفتن مصداقی از این بازداشتن است. پس باید با رضایت او، یعنی مراعات حق اولویّت او، به سراغ دایه رفت.

۳۰ پرداخت کامل حقوق مادر، شرط جواز دایه گرفتن برای کودک

و ان اردتم ان تسترضعوا .. اذا سلّمتم ما اتیتم بالمعروف

بنابراینکه مراد از <اذا سلّمتم .. > تسلیم اجرت به مادر باشد؛ یعنی آنگاه که حقوق مادر را پرداختید، سراغ دایه روید.

۴۱ اولویّت

زن مُطَلَّقه در شیر دادن به فرزندش و دریافت أُجره المثل از پدر

لا تضارّ والده بولدها ولا مولود له بولده

امام صادق (ع): الحبلی المطلقه .. و هی احق بولدها ان ترضعه بما تقبله امرأه اخری انّ الله عزّ و جلّ یقول: <لا تضار والده بولدها ... >

کافی، ج ۶، ص ۱۰۳، ح ۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۲۷، ح ۸۸۴.

حقوق مالی خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۸ - ۳،۴

۳ - بستگان نزدیک ، در اموال و دارایی انسان دارای حقوق شرعی اند .

فَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ

امر <ءاتِ > و نیز اضافه شدن <حق> به ضمیر <ه>، دلالت بر نکته بالا می کند.

۴ - خویشاوندان نزدیک ، در اعطای حقوق مالی و انفاق ، در اولویت اند . *

فَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ

حقوق مالی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۹ - ۸

۸ - زنان با عقد ازدواج ، حقّ مالی به عهده شوهر پیدا می کنند ، و لو با آنان آمیزشی صورت نگیرد .

إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ .. فَمَتَّعُوهُنَّ

حقوق متقابل همسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۸ - ۲۹، ۲۳، ۲۰، ۱۶، ۱۵

۱۵ برخورداری زنان و شوهران از حقوقی متقابل و همانند، به صورت معروف و متعارف (بر اساس موازین عقلی و شرعی)

و لهنّ مثل الذی علیهنّ بالمعروف

۱۶ لزوم تعهد زنان و شوهران نسبت به رعایت حقوق متقابل و همانند یکدیگر

و لهنّ مثل الذی علیهنّ

بالمعروف

۲۰ عدالت ، اساس وضع قوانين الهی برای زندگی زناشویی

و لهن مثل الذی علیهنّ بالمعروف و للرجال علیهنّ درجه

جمله <للرجال .. >، قیدی است متمم <لهنّ ... > یعنی حقوق همانند زن و شوهر به معنای تساوی مطلق نیست؛ چون مردان بر حسب آفرینش ویژگیهایی دارند که بر اساس آن، حقوقی ویژه خواهند داشت. بر این اساس، عدالت فیما بین رعایت می شود.

۲۳ عدم مراعات حقوق متقابل زن و شوهر ، از عوامل طلاق

و المطلقات یتربصن بانفسهن ثلثه قروء .. و لهنّ مثل الذی علیهنّ

۲۹ هشدار و تهدید الهی به همسرانی که حقوق یکدیگر را نادیده می انگارند .

و المطلقات .. و لهنّ مثل الذی ... و الله عزیز حکیم

تذکر به <عزیز> بودن خداوند پس از بیان احکام، می تواند به منظور تهدید متخلفان باشد.

حقوق متکدیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۹ - ۳

۳ - نیازمندان سائل و محرومان ، دارای حق در مال ثروتمندان جامعه

و فی أموالهم حق للسائل و المحروم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۵ - ۲

۲ - سائلان و محرومان جامعه ، دارای حق در اموال توانگران و شریک ثروت آنان

و الذین فی أموالهم حقّ معلوم . للسائل و المحروم

حقوق متهمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۴ - ۹

۹ - لزوم فرصت دادن به متهمان برای دفاع از خود

لاتأخذ بلحیتی ولا برأسی إنی خشیت

حقوق مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال

۱ خداوند از انصار و مهاجران نخستین خواست تا کسانی را که در آینده ایمان می آورند و هجرت می کنند و به جهاد می پردازند، از خود بدانند و حقوق ولایت را درباره آنان رعایت کنند.

و الذین ءامنوا من بعد و هاجروا و جهدوا معکم فأولئک منکم

مخاطبان آیه، انصار و مهاجران نخستین هستند. مضاف إليه کلمه <بعد>، کلمه <ایمانکم> و یا <الهجره الاولى> است. جمله <فأولئک منکم> اشاره به این دارد که تمام قوانین و حقایقی که درباره انصار و مهاجران نخستین بیان شده درباره آنان نیز عیناً وجود دارد.

حقوق محصولات کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۱ - ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۷

۱۷ عن أبي عبدالله(ع): لاتصرم بالليل و لاتحصد بالليل . .. و إن حصدت بالليل لم يأتك السؤال و هو قول الله تعالى: <وأتوا حقه يوم حصاده> ... یعنی القبضه بعد القبضه إذا حصدته و إذا خرج فالحفنه بعد الحفنه ...

از امام صادق(ع) روایت شده است: میوه را در شب نچین و شبانه درو نکن . .. زیرا اگر در شب، درو کنی فقیران نزد تو نمی آیند و این سخن خداوند متعال است که می فرماید: <حق محصول را روز درو پردازید> ... یعنی هنگام درو، دسته دسته و هنگام جدا شدن دانه، مشت مشت پردازید

۱۹ عبدالله بن سنان عن أبي عبدالله(ع) قال: سألته عن قوله: <وأتوا حقه يوم حصاده> قال: اعط من حضرک من المسلمین و إن لم يحضرک إلا مشرک فاعطه.

عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق(ع)

درباره <و اتوا حقه یوم حصاده> سؤال کردم، فرمود: اگر کسی از مسلمانان هنگام برداشت محصول حضور داشت، حق الحصاد را به او بده و اگر کسی غیر از مشرک نبود، به او بپرداز.

۲۰ عن أبي عبدالله(ع) فی قوله: <و اتوا حقه یوم حصاده> قال: حقه یوم حصاده عليك واجب و ليس من الزكاه . . .

از امام صادق(ع) درباره آیه <و اتوا حقه یوم حصاده> روایت شده است: پرداخت حق الحصاد در روز درو، بر تو واجب است و این حق، غیر از زکات است . . .

۲۱ عن النبي(ص) فی قوله: <و اتوا حقه یوم حصاده> قال: ما سقط من السنبل.

از رسول خدا(ص) در توضیح آیه <و اتوا حقه یوم حصاده> روایت شده است: خوشه های بر زمین ریخته شده در هنگام درو، حق الحصاد است.

حقوق محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۹ - ۱۴،۱۵

۱۴ پیامبر (ص) موظف به گذشت از حقوق خویش بر مردم و طلب آمرزش برای آنان نسبت به حقوق الهی

فاعف عنهم و استغفر لهم

از اینکه پیامبر (ص) از یکسو مأمور به گذشت از مردم و از سوی دیگر مأمور به طلب مغفرت برای آنان از خدا می شود، می توان به دست آورد که مراد از <فاعف>، گذشت از حقوق خود پیامبر (ص) و مراد از <فاستغفر>، طلب مغفرت در مورد حقوق خداوند است.

۱۵ پیامبر (ص) دارای حقوقی بر مردم و آنان وظیفه دار رعایت آن حقوق هستند .

فاعف عنهم و استغفر لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶ - ۴

۴ - مقام نبوت ، برای پیامبر (ص) حق ولایت و تصمیم گیری ایجاد کرده است .

النَّبِيِّ أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۳ - ۴

۴ - پیامبر (ص) ، دارای حق ولایت بر مردم ، در پرتو جعل و تفویض الهی

أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ

اطاعت رسول (ص)، به فرمان الهی جعل و تفویض او واجب شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۶

۶ - پیامبر اکرم (ص) ، دارای حق ولایت و فرماندهی بر انسان ها

وَمَنْ يَطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ

حقوق مربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۳ - ۸

۸ - عامل های رشد و تربیت انسان ، حقی بزرگ بر گردن او دارند .

وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا

ذکر احسان به پدر و مادر پس از موضوع ربوبیت یگانه خدا (و قضی ربک ..) می تواند از آن جهت باشد که آنان نیز در رشد و تربیت انسان مؤثرند.

حقوق مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۷ - ۱

۱ تصمیم در طلاق، با مرد است.

و ان عزموا الطلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۸ - ۱۹، ۱۸، ۱۳، ۱۰، ۹

۹ حق رجوع شوهر به زن مُطَلَّقه خویش در مدت عدّه

و بعولتهنّ احق بردهن فی ذلک

ذلک،

اشاره به تریبص است؛ یعنی سه طهری که زمان عدّه می باشد.

۱۰ حق رجوع شوهر به همسر مطلقه خویش، مشروط به قصد اصلاح در زندگی خانوادگی است.

و بعولتهن احق بردهن فی ذلک ان ارادوا اصلاحاً

یعنی اگر شوهر مثلاً در رجوع خویش قصد دارد که زن هنگامی که از عدّه خارج نشده است به وی رجوع کند و پس از رجوع، دوباره او را طلاق دهد تا بدین وسیله به او آزار رساند، رجوع با چنین قصدی به حکم ظاهر آیه مشروع نیست.

۱۳ حق رجوع مرد به همسر مطلقه خود، با انقضای مدّت عدّه ساقط می شود.

و بعولتهن احق بردهن فی ذلک

از مفهوم کلمه <فی ذلک> استفاده می شود.

۱۸ برتری مردان بر همسران خویش

و للرجال علیهنّ درجه

۱۹ مردان، دارای امتیاز حقوقی بر همسران خویش هستند.*

و للرجال علیهنّ درجه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۹ - ۵

۵ حق طلاق و رجوع، با مرد است.

فامساک بمعروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۰ - ۳

۳ اختیار طلاق با مرد است.

فان طلقها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۲ - ۱۳، ۹

۹ حق مساوی زن و مرد در مالکیت و بهره‌وری از کار و تلاش خویش

للرجال نصيب مما اكتسبوا وللنساء نصيب مما اكتسبن

۱۳ زن و مرد، دارای حق کسب و کار

للرجال نصيب . . . و للنساء نصيب مما اكتسبن

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۶

۶ اهمیت حفظ آرامش و امنیت در خانواده و تقدم آن بر حقوق شخصی زن و شوهر

و إن امراه خافت .. ان يصلحا بينهما صلحاً و الصلح خير

حقوق مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۶ - ۱۶

۱۶ نیکوکاران (محسنین) ، موظف به رعایت حقوق دیگران

متَّعوهنَّ .. حقاً علی المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۱ - ۵

۵ رعایت حقوق دیگران ، وظیفه تقوایبندگان و نشانه تقواست .

و للمطلقات .. حقاً علی المتقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۱۵،۳۶،۳۹

۱۵ تقوای الهی عاملی برای رعایت حقوق افراد جامعه و مانعی در برابر تضییع حقوق آنان

و لیتق الله ربّه و لا یبخس منه شیئاً

۳۶ رعایت و اجرای احکام الهی در ثبت اسناد ، موجب تأمین عادلانه حقوق افراد

ذلکم اقسط عند الله

۳۹ مراعات نکردن عدالت در حقوق افراد جامعه و بی ثباتی در تعیین حدود روابط اقتصادی ، از عوامل مفسده انگیز در روابط

ذَلِكُمْ اَقْسَطُ عِنْدَ اللّٰهِ وَاَقْوَمٌ لِلشَّهَادَةِ وَاَدْنٰى اَلَّا تَرْتَابُوْا

چون <ذَلِكُمْ اَقْسَطُ .. > بیان علت احکام ذکر شده است، نشانگر یک قاعده کلی است. یعنی عدالت اجتماعی و ثبات حدود و روابط اقتصادی، یک اصل و قانون است که با عدم رعایت آن، جامعه رو به فساد خواهد رفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ مراعات عدل و داد در قضاوت ، حق تمامی انسانها

و اذا حکمتکم بین الناس ان تحکموا بالعدل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۲۶

۲۶ لزوم احترام به حقوق انسان ها ، حتی دشمنان کینه توز

و لایجرمنکم شنان قوم ان صدوکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۱ - ۵

۵ - هشدار الهی به مؤمنان ، نسبت به رعایت تقوا ، در زمینه ادعا های مالی خویش و پرداخت حقوق دیگران

فاتوا الذین ذهبت أزوجهم .. و اتقوا الله

امر < اتقوا الله .. > احتمالاً نظر به دو زمینه دارد: ۱ مؤمنی که می بایست مهریه صرف کرده برای همسر کافرش را از غنایم بردارد. در این صورت او نباید بیش از آنچه خرج کرده ادعا کند. ۲ مجموعه مؤمنان اند که در پرداخت حق مؤمن از غنایم، کوتاهی نورزند.

حقوق مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۸ - ۹

۹ - مسکنت و در راه ماندن ، منشأ پیدایش حقوقی ویژه برای مساکین و در راه ماندگان است .

فَات . .. و المسکین و ابن السبیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۴ - ۸

۸ - گرسنگان و بینوایان ، دارای حق تغذیه از اموال توانمندان

و لایحضّ علی طعام المسکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۸ - ۲

۲ - مسکین ، دارای سهم غذا در اموال

مردم *

طعام المسكين

اضافه <طعام> به <مسكين>، بیانگر استحقاق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۳ - ۴

۴ - مسكين ، دارای سهم غذا در اموال مردم *

طعام المسكين

اضافه <طعام> به <مسكين>، نشانگر استحقاق است، زیرا دلالت می کند که آن غذا، طعام خود مسكين است.

حقوق مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۲۳، ۲۴، ۲۱، ۱۷

۱۷ قرآن حاوی احکامی خاص ، درباره اطفال ناتوان و مستضعف

يفتيكم فيهنّ و ما يتلى عليكم في الكتب . . و المستضعفين من الولدن

۲۱ خداوند ، خواستار احیای حقوق زنان ، یتیمان و مستضعفان

قل الله يفتيكم فيهنّ . . و إن تقوموا لليتمى بالقسط

۲۳ رعایت حقوق زنان ، یتیمان ، مستضعفان و اقامه قسط ، از مصادیق بارز خیرات و نیکیها

و ما تفعلوا من خير فإنّ الله كان به عليماً

<من خير> می تواند اشاره به تکالیفی باشد که در آیه آمده است.

۲۴ اعتقاد انسان به علم الهی ، زمینه ساز رعایت حقوق زنان ، یتیمان و مستضعفان

و المستضعفين من الولدن . . و ما تفعلوا من خير فإنّ الله كان به عليماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۷

۷ - تمامی مسلمانان (مکی و آفاقی) ، نسبت به مسجدالحرام از حق مساوی برخوردارند .

الذی جعلنه للناس سواء العکف فیه و الباد

<سواء> به معنای <مستوی> و حال برای <الناس> است. <عاکف> به معنای مقیم (منظور اهل مکّه) است. <بادی> یعنی اهل بادیه و مقصود از آن مردمی

است که بیرون مکه و در سرزمین های دیگر زندگی می کنند؛ یعنی، ما مسجدالحرام را برای همه انسان ها قرار دادیم و در بهره مندی از آن، مکی و آفاقی برابrand و کسی را بر دیگری امتیازی نیست.

حقوق مسلمانان مکه مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۷

۷ - تمامی مسلمانان (مکی و آفاقی) ، نسبت به مسجدالحرام از حق مساوی برخوردارند .

الذی جعلنه للناس سواء العکف فیه و الباد

<سواء> به معنای <مستوی> و حال برای <الناس> است. <عاکف> به معنای مقیم (منظور اهل مکه) است. <بادی> یعنی اهل بادیه و مقصود از آن مردمی است که بیرون مکه و در سرزمین های دیگر زندگی می کنند؛ یعنی، ما مسجدالحرام را برای همه انسان ها قرار دادیم و در بهره مندی از آن، مکی و آفاقی برابrand و کسی را بر دیگری امتیازی نیست.

حقوق مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۱ - ۷

۷ ارزش والای توجه به مسائل حقوقی زنان مطلقه

حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ .. و ان تعفوا اقرب للتقوی ... حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ

از مجموع آیات درباره زنان مطلقه، خاصه اینکه با الفاظ گوناگونی از قبیل <حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ>، <حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ>، <و ان تعفوا اقرب للتقوی> و ... بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۲۴، ۱۵، ۱۱، ۱۰

۱۰ - مردان ، حق ندارند زنان مطلقه خود را در ایام عدّه ، از خانه هایشان بیرون کنند .

لا تخرجوهنّ من بیوتهنّ

خانه ها به زنان (بیوتهن) گویای این نکته است که زنان مطلقه، باید در همان منازلی زندگی کنند که پیش از اقدام به طلاق در آن جا بوده اند.

۱۱ - محل سکونت زنان مطلقه در ایام عدّه ، همان محل پیش از طلاق است و مردان حق ندارند آن را تغییر دهند .

لاتخرجوهنّ من بیوتهنّ

۱۵ - احکام مربوط به زنان مطلقه ، از حدود الهی است .

تلک حدود الله

۲۴ - > عن سعد بن أبي خلف قال : سألت أبا الحسن موسى بن جعفر (ع) : . . . أليس الله عزّوجلّ يقول : > لاتخرجوهنّ من بیوتهنّ و لایخرجن < قال : فقال إنّما عنی بذلك الّتی تطلّق تطیقه بعد تطیقه فتلك الّتی لاتخرج و لاتخرج حتّی تطلق الثالثه فإذا طلقت الثالثه فقد بانت منه و لانفقه ل ها ، و المراه الّتی یطلّق ها الرجل تطیقه ثمّ یدع ها حتّی یخلوا أجل ها فهذا أيضاً یقع فی منزل زوج ها و ل ها النفقه و السکنی حتّی تنقضی عدّت ها ;

سعد بن ابی خلف گوید: از امام کاظم (ع) پرسیدم: .. [و] گفتم: آیا خداوند عزّوجلّ فرموده: <لاتخرجوهنّ و لایخرجن > حضرت فرمود: خداوند [در این دستور] زنی را قصد کرده که دو بار [به طلاق رجعی] طلاق داده می شود. این زن [نباید در زمان عدّه] از خانه خارج شود و نباید شوهر او را خارج کند تا این که طلاق سوم واقع شود. پس آن گاه که برای بار سوم، طلاق داده شد از شوهر جدا می شود و برای او نفقه نیست. و زنی که شوهر او یک بار طلاق داده و او را رها نموده تا

این که عدّه اش تمام شود، او نیز در منزل شوهرش می نشیند [و نباید خارج شود] و حق نفقه و سکنی دارد تا عدّه اش تمام شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۵ - ۱

۱ - احکام طلاق و عدّه زنان مطلقه و ادای حقوق آنان (همچون مسکن، هزینه زندگی و برخورد شایسته) فرمان های نازل شده از سوی خداوند

إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلَّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ .. ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۶ - ۱۲، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰

۱ - مسکن زنان مطلقه در ایام عدّه، برعهده همسرانشان است.

أَسْكُونَهُنَّ

۲ - مسکن زنان مطلقه، باید در بخشی از همان محل سکونت و منزل همسرانشان باشد؛ نه در منزل و محل دیگر.

أَسْكُونَهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ

گفتنی است <من> در <من حیث سکنتم> برای تبعیض است؛ یعنی، در بخشی از منزل مسکونی خویش، همسران را اسکان دهید.

۳ - مسکن زنان مطلقه از نظر کمیت و کیفیت، باید به مقدار دارایی و توانایی همسرانشان باشد؛ نه کمتر از آن.

أَسْكُونَهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ

<وجد>، به معنای وسع و طاقت (توانایی) است.

۴ - مردان حق ندارند با گزند رساندن و سخت گیری کردن، عرصه را بر زنان مطلقه خویش تنگ سازند و زندگی آنان را در خانه خود، غیر قابل تحمل کنند.

وَلَا تَضَارُّوهُنَّ لِتَضَيَّقُوا عَلَيْهِنَّ

۵- نفقه (هزینه زندگی) زنان مطلقه تا وقت تولد فرزند، برعهده همسرانشان است.

وَإِنْ كُنَّ أُولَىٰ حَمَلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ

حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ

۶ - مردان باید به زنان مطلقه ، بابت شیردادن فرزندان خود اجرت پردازند .

فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَاتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ

۱۲ - زنان مطلقه ، دارای حق تقدّم و اولویت در شیردادن به نوزادان خود

فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ ... و إِنْ تَعَاَسَرْتُمْ فَسْتَرْضِعْ لَهُ أُخْرَى

برداشت یاد شده، با توجه این نکته است که صورت شیردادن مادران مطلقه به نوزادان خود، در آغاز مطرح شده است. سپس صورت اختلاف و دایه گرفتن برای نوزادان، بیان گردیده است.

۱۷ - > عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ : لَا يُضَارُّ الرَّجُلَ امْرَأَتُهُ إِذَا طَلَّقَهَا فَيَضِيقُ عَلَيْهَا حَتَّى تَنْتَقِلَ قَبْلَ أَنْ تَنْقُضِيَ عِدَّتَهَا ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ قَدْ نَهَى عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ : > وَلَا تَضَارَّوهُنَّ لِتَضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ < ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: مرد نباید به همسر مطلقه خود ضرر برساند و او را [از نظر مسکن و نفقه] در مضیقه قرار دهد تا [مجبور شود] قبل از تمام شدن عده، از خانه شوهر به جای دیگر انتقال یابد؛ زیرا خداوند از این کار نهی کرده و فرموده است: و لَا تَضَارَّوهُنَّ لِتَضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ < .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۷ - ۱۰، ۴، ۳، ۲، ۱

۱ - مردان متمکن و توانگر ، باید به میزان توانایی و فراخ دستی خویش ، هزینه زندگی زنان مطلقه را در دوران شیردادن به نوزادان افزون بر پرداخت اجرت شیردادن پردازند .

لِيَنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ

در این که حکم انفاق در این آیه، اختصاص به دوران شیردادن زنان مطلقه به نوزادشان دارد و یا شامل دوران عده نیز می شود، میان مفسران اختلاف هست. برداشت

یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست است.

۲ - مردان متمکن و توانا، باید به میزان توانایی و فراخ دستی خویش، هزینه زندگی زنان مطلقه خود را در دوران عدّه پردازند.

لینفق ذو سعه من سعه

۳ - مردان تنگ دست، باید به مقدار توانایی خویش هزینه زندگی زنان مطلقه را در دوران شیردادن به نوزادان افزون بر پرداخت اجرت شیردادن پردازند.

و من قدر علیه رزقه فلینفق ممّا آتیه الله

۴ - مردان تنگ دست، باید به میزان توانایی خویش، هزینه زندگی زنان مطلقه را در ایام عدّه پردازند.

و من قدر علیه رزقه فلینفق ممّا آتیه الله

۱۰ - نوید خداوند به امکان رفع مشکل زنان مطلقه و همسرانشان، در صورت رعایت تعالیم و رهنمود های الهی

لینفق ذو سعه من سعه .. سیجعل الله بعد عسر یسراً

حقوق مظلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۸ - ۵،۶

۵ مظلوم، مجاز به دشنام دادن ظالم و افشاگری علیه اوست.

لا یحب الله الجهر بالسوء من القول إلا من ظلم

۶ مظلوم، مجاز به هتک حرمت ظالم و آشکار ساختن خصلت های ظالمانه وی، برای مردم

لا یحب الله الجهر بالسوء من القول إلا من ظلم

مناسبت حکم و موضوع اقتضا می کند که گفته شود مراد از اظهار عیوب ظالم گفتاری است که مظلوم به وسیله آن ستمگری ظالم را نسبت به خودش بیان کند، بنابراین مظلوم حق ندارد بدیهای ظالم را که هیچ رابطه ای با وی ندارد، افشا کند.

حقوق مظلومان

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۹ - ۳

۳ - پیکار با دشمن مهاجم و ستم پیشه ، حق مشروع ستمدیدگان

أذن للذين يقاتلون بأنهم ظلموا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۰ - ۳

۳ - جنگ و پیکار آوارگان با زورگویانی که آنان را به جرم ایمان و خداخواهی از سرزمین شان بیرون کردند ، حقی است مشروع که خدا به آنان داده بود .

أذن للذين يقاتلون .. الذين أُخرجوا من ديارهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۱ - ۱،۲،۴

۱ - انتقام گرفتن از متجاوزان و ستمگران ، حق مشروع و مسلم انسان های ستمدیده است .

و لمن انتصر بعد ظلمه فأولئك ما عليهم من سبيل

۲ - مظلومانی که از حق مشروع مقابله به مثل نمی گذرند ، سزاوار ملامت و سرزنش نیستند .

و لمن انتصر .. ما عليهم من سبيل

۴ - یاری خواستن ستمدیده ، برای انتقام از ستمگر ، حق مشروع او است .

و لمن انتصر بعد ظلمه

گروهی از مفسران <انتصار> را به معنای یاری طلبیدن گرفته اند.

حقوق منعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - ولّی نعمت کسی شدن ، حق امر و نهی کردن به آن شخص را ایجاد می کند .

و إذ تقول للذی .. و أنعمت علیه أمسک علیک زوجک و اتق الله

حقوق موحدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۶

۶ - مسجدالحرام ، از آن

عموم مردم خداپرست است و قشر خاصی حق محروم کردن مردم از زیارت آن را ندارد .

الذی جعله للناس

حقوق مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۵ - ۱

۱ خداوند از انصار و مهاجران نخستین خواست تا کسانی را که در آینده ایمان می آورند و هجرت می کنند و به جهاد می پردازند ، از خود بدانند و حقوق ولایت را درباره آنان رعایت کنند .

و الذین ءامنوا من بعد و هاجروا و جهدوا معکم فأولئک منکم

مخاطبان آیه، انصار و مهاجران نخستین هستند. مضاف إليه کلمه <بعد>، کلمه <ایمانکم> و یا <الهجره الاولى> است. جمله <فأولئک منکم> اشاره به این دارد که تمام قوانین و حقایقی که درباره انصار و مهاجران نخستین بیان شده درباره آنان نیز عیناً وجود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۳ - ۴

۴ از حقوق مؤمنان بر خداوند ، نجات آنان از عذاب های دنیوی است .

کذلک حقاً علينا ننج المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶ - ۳

۳ - مؤمنان ، دارای ولایت و حق تصمیم گیری درباره امور مختلف خودند .

النبي أولى بالمؤمنين من أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۷ - ۱۹

١٩ - > عن أبي عبد الله (ع) . . . ان جميع ما بين السماء و الأرض لله عزّوجلّ و لرسوله و لأتباعهما من المؤمنين فما كان من الدنيا فى أيدي المشركين و الكفار .

.. ظلموا فيه المؤمنین و غلبوهم علیه فما أفاء الله علی رسولہ ، فهو حقهم أفاء الله علیهم و ردّه إليهم ... فما رجع إلی مکانه ..
فقد فاء ۱

از امام صادق(ع) روایت شده . . . تمام آنچه بین آسمان و زمین هست، از آن خدای عزوجل و رسول او و پیروان مؤمنان است ... پس هر چه از [اموال] دنیا در دست مشرکان و کافران هست ... ظلمی است که آنان بر مؤمنان روا داشته و [در استیلا بر آن اموال] بر مؤمنان غلبه کرده اند ... پس آنچه را خداوند به رسول خود برگردانده، حق آنها بوده که او به آنها رد کرده است ... چیزی را که به مکان خود برگردد [می گویند] <قد فاء>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۲۳

۲۳ - مرد مؤمن ، دارای حق مطالبه مهر همسرش از کافران ، در صورت پیوستن همسرش به جمع کافران

و سئلوا ما أنفقتم

چنان که از سیاق آیه استفاده می شود، مؤمن در صورتی مهریه همسر خویش را از کافران طلب می کند که همسر وی به جمع آنان پیوسته و در جامعه آنان پذیرفته شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۱ - ۱

۱ - پیش بینی قوانین اسلامی ، نسبت به حقوق مردان مؤمنی که به حکم اسلام ، همسر کافر خود را رها کرده اند .

و إن فاتکم شیء من أزواجکم

حقوق مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال

۱ خداوند از انصار و مهاجران نخستین خواست تا کسانی را که در آینده ایمان می آورند و هجرت می کنند و به جهاد می پردازند، از خود بدانند و حقوق ولایت را درباره آنان رعایت کنند.

و الذین ءامنوا من بعد و هاجروا و جهدوا معکم فأولئک منکم

مخاطبان آیه، انصار و مهاجران نخستین هستند. مضاف إليه کلمه <بعد>، کلمه <ایمانکم> و یا <الهجره الاولى> است. جمله <فأولئک منکم> اشاره به این دارد که تمام قوانین و حقایقی که درباره انصار و مهاجران نخستین بیان شده درباره آنان نیز عیناً وجود دارد.

حقوق وارث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷ - ۹، ۸

۸ سهام تعیین شده در میراث، حقّ وارثان است؛ چه ما ترک میت اندک باشد و چه فراوان

للرجال نصيب .. مما قلّ منه او اكثر نصيباً مفروضاً

۹ لزوم دقت در تقسیم ارث و پرهیز از تضييع حقوق وارثان

للرجال نصيب .. وللنساء نصيب ... مما قلّ منه او اكثر نصيباً مفروضاً

تصریح به اینکه هر چند مال اندک باشد، وارثان باید در آن سهیم باشند و بهره خویش را ببرند، دلالت بر اهمیت مسأله ارث و لزوم دقت در پرداخت سهام دارد.

حقوق والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۲۸

۲۸ - ابی ولاد حناط می گوید: < سألت ابا عبد الله (ع) عن قول الله عز و جل > و بالوالدین احساناً < ما هذا الاحسان؟ فقال: الاحسان

ان تحسن صحبتها و ان لاتكلفهما ان يسألآك شيئاً مما يحتاجان اليه و ان كانا مستغنين . . . ;

از امام صادق(ع) از آیه <و بالوالدين احساناً> سؤال نمودم که این احسان چیست؟ امام فرمود: احسان [به پدر و مادر] آن است که با آنان خوشرفتار باشی و کاری نکنی که آنان مجبور شوند از تو چیزی که نیاز دارند درخواست کنند ولو اینکه مستغنی باشند . . .>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۰ - ۱۴

۱۴ - مسؤولیت انسان بالاخص دارندگان ثروت ، درباره پدر و مادر و سایر خویشاوندان *

الوصیه للولدين و الأقربین بالمعروف حقاً علی المتقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۸ - ۴

۴ - پدر و مادر ، بر فرزندان حق اطاعت کردن دارند .

و إن جهداك لتشرك بی . . . فلا تطعهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۴ - ۲

۲ - پدر و مادر ، حقی الهی بر گردن فرزند دارند .

و وصینا الإنسن بولدیه

توصیه خداوند به انسان ها، برای رعایت حال والدین، می تواند گویای این حقیقت باشد که رعایت حال والدین، امری الهی است و خدا خواهان آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۵ - ۵

۵ - رفق و مدارا با پدر و مادر و داشتن رفتاری شایسته با آنان در امور دنیوی ، امری لازم است .

و صاحبهما فى الدنيا معروفًا

حقوق همسر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ زن باید در تمتعات جنسی مرد، تسلیم او باشد. *

نساؤکم حرث لکم فأتوا حرثکم انی شئتم

از اینکه برای مردان در تمتع از زنان، نوعی آزادی (آنی شئتم) قائل شده است، چنین استفاده می شود که زن نیز باید در این محدوده تسلیم شوهر باشد و در غیر این صورت، کلام لغو می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۶ - ۴،۶

۴ ایلاءکننده، نمی تواند بیش از چهارماه همسر خود را بلا تکلیف بگذارد.

للذین یؤلون من نسائهم تربص اربعه اشهر

۶ لزوم آمیزش مردان با همسران خویش در هر چهار ماه *

للذین یؤلون من نسائهم تربص اربعه اشهر

به نظر می رسد که اگر ترک آمیزش در بیشتر از چهار ماه جایز بود، به همان مقدار، حکم ایلاء از نظر زمان افزایش می یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۰ - ۴،۵،۶

۴ حق سکونت در خانه شوهر و نیز بهره گیری از اموال او به مدت یکسال، از جمله حقوق زنان شوهر مرده است.

وصیه لازواجهم متاعاً الی الحول غیر اخراج

ظهور کلمه <غیر اخراج> در این است که نباید زن شوهر مرده را از خانه شوهر بیرون کرد و لازمه این معنا حق سکونت برای اوست.

۵ زنان شوهر مرده نباید تا مدت یکسال در غیر از خانه شوهر سکونت گزینند. *

متاعاً الی الحول غیر اخراج

برخی برآنند که کلمه <غیر اخراج>، بیان وظیفه زنان است؛ بنابراینکه فاعل <اخراج>، ازواج باشد؛ یعنی زنان

نباید خود را از خانه شوهر خارج سازند. قابل ذکر است که مراد از ترک اخراج و یا خروج، سکونت گزیدن است، نه محبوس شدن در منزل.

۶ باقی ماندن زن در خانه شوهر، شرط پرداخت هزینه زندگی وی تا یکسال

متاعاً الی الحول غیر اخراج

بنابراینکه <غیر اخراج> علاوه بر بیان حق سکونت برای زن، قیدی باشد بر حکم سابق (لزوم پرداخت متاع). یعنی آنگاه زن شوهر مرده می تواند از مال شوهر بهره گیرد که از خانه وی خارج نشده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۱ - ۳

۳ متارکه زنان و ترک همبستری با آنان، امری نکوهیده و ناروا

إنکم لتأتون الرجال شهوه من دون النساء

<من دون النساء> حکایت از آن دارد که قوم لوط ازدواج با زنان و زناشویی با همسران خویش را ترک کرده بودند. بنابراین نکوهشی که از استفهام توییخی <أتأتون ...> استفاده می شود، دلالت بر ناروایی ترک ازدواج و متارکه زناشویی با همسران نیز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۵ - ۱۱

۱۱ - نقش سازنده تقوای پیشگی، در حفظ کانون گرم خانواده ها و رعایت شدن حقوق همسران

إذا طَلَّقتُم النساء .. و اتَّقوا الله ... من یتَّق ... یعظم له أجرًا

برداشت یاد شده، از آن جا است که خداوند در ضمن پنج آیه مربوط به مسائل طلاق و اختلافات خانوادگی، چهاربار، به رعایت تقوا توصیه فرموده است.

حقوق همسران محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۱

۳ - پیامبر (ص) اختیار دارد که در تماس با همسرانش، به اختیار خود، برخی را مقدم بدارد و برخی دیگر را به تأخیر بپردازد.

ترجی من تشاء منهّن و تئوی إلیک من تشاء

احتمال دارد که مراد از <حق اختیار تأخیر و تقدیم> چنان که برخی از مفسران نیز گفته اند <حق همبستری> باشد.

۴ - واگذاری حق تصمیم و اختیار درباره همبستری با همسران، به خود پیامبر (ص) به خاطر رفع مشقت از آن حضرت است.

لکیلا یكون علیک حرج .. ترجی من تشاء منهّن

۷ - بر پیامبر (ص) روا و جایز است که تصمیم خود را درباره به تأخیر انداختن همبستری با یکی از همسران خود، تغییر داده و آن را مقدم بدارد.

ترجی من تشاء منهّن .. و من ابتغیت ممّن عزلت فلا جناح علیک

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که مراد از <ترجی> و <تئوی> تقدیم و تأخیر در همبستری با یکی از همسران باشد. بنابراین مراد از <من عزلت> آن کسی خواهد بود که فعلاً از او کناره گیری شده است. و به عبارتی، همبستری با او به تأخیر افتاده است.

۹ - واگذار شدن تقدیم و تأخیر همخوابگی با همسران، به تصمیم پیامبر (ص) به منظور فراهم آوردن رضایت آنان است.

ترجی من تشاء منهّن .. ذلک أدنی أن تقرّ أعینهنّ و لایحزنّ و یرضین

۱۲ - همسران پیامبر، به موضع و تصمیم عادلانه آن حضرت درباره تأخیر و تقدیم همخوابگی با هر یک از آنان، اطمینان خاطر داشتند.

ذلک أدنی أن تقرّ

أَعْيُنَهُمْ وَلا يَحْزَنُ وَيَرْضِينَ بِمَا ءَاتَيْتَهُمْ كَلِّهِنَّ

از این که خداوند، در فلسفه واگذاری اختیار تصمیم گیری در همخوابگی با همسران و یا رد و قبول زنانی که خود را به آن حضرت هبه می کنند، به پیامبر(ص) گفته است: <چنین حقی، به خاطر جلب رضایت همسران است> حکایت می کند که آنان، پیامبر(ص) را در تصمیم و موضع گیری اش در قبال آنان، عادل می دانسته اند.

۱۳ - خدایی بودن حق تصمیم گیری پیامبر (ص) درباره همخوابگی با همسران، مایه شادمانی آنان و موجب رفع نگرانی شان است.

ترجی من تشاء منهنّ .. ذلك أدنى أن تقرّ أعينهنّ و لا يحزنّ و يرضين بما ءاتيتهنّ

احتمال دارد که مشارئالیه <ذلك> اصل حکمی باشد که آن حضرت، با آن، حق پیدا کرد تا مجاز به چنان رفتاری با همسران خود باشد. در این صورت، رضایت و رفع نگرانی از آنان، باز می گردد به این که آنان، چون به حکم خداوند تن در می دهند، و آنچه از پیامبر(ص) می رسد تابع حکم خدا است از آنان راضی اند.

حقوق همسری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۳ - ۱۶،۳۵،۳۷،۴۰

۱۶ پدر و مادر نباید فرزند را وسیله تضييع حقوق یکدیگر قرار دهند .

لا تُضَارَّ وَالِدَهُ بَوْلَهَا و لا مولود له بولده

بنابراینکه <لا تُضَارَّ>، مجهول و باء، سببیه باشد، یعنی نباید به بهانه فرزند، پدر و مادر به دیگری ضرر رسانند.

۳۵ لزوم رعایت تقوا از سوی مادر، پدر، وارثان پدر و دایه نسبت به حقوق متقابل یکدیگر

و الوالدات يرضعن .. و

خطاب اصلی در <اتقوا الله>، متوجه کسانی است که آیه شریفه آنها را به وظایف و رعایت حقوقی مکلف کرد؛ یعنی پدر، مادر و دایه و وارثان پدر.

۳۷ خداترسی و توجه به نظارت او بر اعمال، عامل رعایت حقوق متقابل مادر، پدر و دایه

و الوالدات یرضعن .. و اتقوا الله و اعلموا ان الله بما تعملون بصیر

۴۰ ممنوعیت محروم نمودن همسر (مرد یا زن) از آمیزش جنسی، به بهانه وجود فرزند و شیرخوارگی او

لا تضارّ والده بولدها و لا مولود بولده

امام صادق (ع): كانت المرأة منّا ترفع يدها الى زوجها اذا اراد مجامعتها فتقول: لا أدعك لائى اخاف ان احمل على ولدى و يقول الرجل لا اجامعك انى اخاف ان تعلقى فاقتل ولدى فنهى الله عزّ و جلّ أن تضارّ المرأة الرجل و ان يضارّ الرجل المرأة ..

کافی، ج ۶، ص ۱۰۳، ح ۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۲۷، ح ۸۸۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۷ - ۱

۱ وجوب پرداخت نصف مهریه تعیین شده به زن مُطلّقه از سوی شوهر، در صورت عدم آمیزش جنسی با او

و ان طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَ قَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنُصْفُ مَا فَرَضْتُمْ

مفسران برآنند که جمله <ان تمسوهن>، کنایه از آمیزش جنسی است؛ نه مُجرّد لمس.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۹ - ۱۴، ۱۱

۱۱ مرد نباید با همسر خویش، هر چند مورد پسند او نباشد، بدرفتاری کند.

و عاشروهنّ بالمعروف فان کرهتوهن

جمله شرطیه <فان کرهتموهن> حذف شده و <عسی ان تکرهوا> جانشین آن شده است. یعنی <فان کرهتموهن فیضاً عاشروهن بالمعروف عسی ...>.

۱۴ اساس زندگی خانوادگی و مصالح آن ، نباید دستخوش تمایلات مرد قرار گیرد .

فان کرهتموهن فعسی ان تکرهوا شیئاً و يجعل الله فيه خيراً كثيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۴ - ۱۷، ۱۶

۱۶ لزوم اطاعت زنان از شوهر خویش و حفظ حقوق آنان

فَالصّٰلِحٰتِ قٰنِتٰتٌ حٰفِظٰتٌ لِّلْغِیْبِ

۱۷ لزوم اطاعت زن از شوهر و حفظ حقوق وی ، مشروط به تأمین زندگی او از سوی مرد

و بما انفقوا من اموالهم فالصّٰلِحٰتِ قٰنِتٰتٌ حٰفِظٰتٌ

ظاهراً <فَالصّٰلِحٰتِ ...> نتیجه ای است مترتب بر جمله <الرجال ... بما انفقوا>. بنابراین اطاعت زن از شوهر در موردی است که شوهر، زندگی او را تأمین کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۱۹، ۱۵، ۴، ۲

۲ نشوز شوهر و عدم تأمین حقوق همسر ، امری ناروا و ناپسند

و إن امراه خافت من بعلها نشوزاً او اعراضاً فلا جناح علیهما ان یصلحا

۴ تردید مسلمانان صدر اسلام در جواز مصالحه زن و شوهر نسبت به حقوق یکدیگر

و إن امراه خافت .. فلا جناح علیهما ان یصلحا

کلمه <لا جناح> حاکی است که مسلمانان صدر اسلام بر آن گمان بودند که حقوق تعیین شده برای زن و شوهر، قابل مصالحه و گذشت نیست.

۵ جواز صرفنظر کردن زن از بعض حقوق خود ، برای جلب نظر شوهر و جلوگیری از نشوز وی

و إن امراه خافت من بعلها نشوزاً .. ان يصلحا بينهما

صلحاً و الصلح خیر

جمله < و احضرت الانفس الشح > حکایت از آن دارد که مصالحه عنوان شده در آیه، منوط به گذشت از حقوق شخصی است.

۱۹ مصالحه زن و شوهر در حقوق همسری در صورتی ارزشمند است که بر پایه احسان و تقوا باشد.

و الصلح خیر . . . و إن تحسنوا و تقوا فإنَّ الله کان بما تعملون خیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۹ - ۱۸، ۵، ۴، ۱

۱ مردان ، ناتوان از رعایت عدالت کامل میان همسران متعدد خویش

و لن تستطيعوا ان تعدلوا بین النساء

۴ شوهران نباید به بهانه امکان نداشتن رعایت عدالت کامل بین همسران به برخی همسران خویش گرایش کامل و از دیگری اعراض کنند .

و لن تستطيعوا ان تعدلوا بین النساء . . . فلاتمیلوا کل المیل

۵ بلامتکلیف رها ساختن زن (نه زندگی کردن و نه طلاق دادن وی) ، کاری ممنوع و حرام بر شوهران

فلاتمیلوا کل المیل فتذروها کالمعلقه

۸ لزوم رعایت عدالت در حد توان ، میان همسران

و لن تستطيعوا ان تعدلوا بین النساء و لو حرصتم فلاتمیلوا کل المیل

۱۸ حرمت بلامتکلیف گذاشتن زن بگونه ای که نه از مزایای شوهرداری بهره مند باشد و نه از مزایای بی همسری

فلاتمیلوا کل المیل فتذروها کالمعلقه

از امام باقر و امام صادق علیهما السلام درباره معنای < کالمعلقه > در آیه فوق روایت شده که فرمودند: التی هی لا ذات زوج و لا ایم.

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۳۴۹، نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۵۹، ح ۶۰۳.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره -

۴ لزوم تعهد شوهر به رعایت حقوق شناخته شده همسر خویش

فامساک بمعروف

مراد از <معروف> (شناخته شده) حقوقی است که بر اساس عقل، فطرت و شرع در بین مردم متدین و سلیم الفطره، مورد شناسایی قرار گرفته است. اگر چه آیه درباره زن مطلقه ای است که شوهرش به او رجوع کرده بود ولی به طور کلی بیانگر حقوق تمامی زنان است.

۶ رفتار مرد با زن خود پس از رجوع در طلاق، باید بر اساس موازین شناخته شده عقل و شرع باشد.

الطلاق مرتان فامساک بمعروف

حقوق همسری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۹ - ۴،۶

۴ لزوم تعهد شوهر به رعایت حقوق شناخته شده همسر خویش

فامساک بمعروف

مراد از <معروف> (شناخته شده) حقوقی است که بر اساس عقل، فطرت و شرع در بین مردم متدین و سلیم الفطره، مورد شناسایی قرار گرفته است. اگر چه آیه درباره زن مطلقه ای است که شوهرش به او رجوع کرده بود ولی به طور کلی بیانگر حقوق تمامی زنان است.

۶ رفتار مرد با زن خود پس از رجوع در طلاق، باید بر اساس موازین شناخته شده عقل و شرع باشد.

الطلاق مرتان فامساک بمعروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۳ - ۱۶،۳۵،۳۷،۴۰

۱۶ پدر و مادر نباید فرزند را وسیله تضييع حقوق یکدیگر قرار دهند.

لا تُضَارَّ وَالِدَهُ بَوْلِدِهَا وَلَا مَوْلُودَ لَهُ بَوْلِدِهِ

بنابراینکه <لا تُضَارَّ>، مجهول و باء، سببیه باشد؛ یعنی نباید به بهانه فرزند، پدر و مادر به دیگری ضرر

۳۵ لزوم رعایت تقوا از سوی مادر، پدر، وارثان پدر و دایه نسبت به حقوق متقابل یکدیگر

و الوالدات یرضعن . . . و اتقوا الله

خطاب اصلی در <اتقوا الله>، متوجه کسانی است که آیه شریفه آنها را به وظایف و رعایت حقوقی مکلف کرد؛ یعنی پدر، مادر و دایه و وارثان پدر.

۳۷ خداترسی و توجه به نظارت او بر اعمال، عامل رعایت حقوق متقابل مادر، پدر و دایه

و الوالدات یرضعن . . . و اتقوا الله و اعلموا ان الله بما تعملون بصیر

۴۰ ممنوعیت محروم نمودن همسر (مرد یا زن) از آمیزش جنسی، به بهانه وجود فرزند و شیرخوارگی او

لا تضارّ والده بولدها و لا مولود بولده

امام صادق (ع): كانت المرأة منّا ترفع يدها الى زوجها اذا اراد مجامعتها فتقول: لا ادعك لاني اخاف ان احمل على ولدي و يقول الرجل لا اجامعك اني اخاف ان تعلقى فاقتل ولدي فنهى الله عزّ و جلّ ان تضارّ المرأة الرجل و ان يضارّ الرجل المرأة . . .

کافی، ج ۶، ص ۱۰۳، ح ۳؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۲۷، ح ۸۸۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۷ - ۱

۱ وجوب پرداخت نصف مهریه تعیین شده به زن مُطلّقه از سوی شوهر، در صورت عدم آمیزش جنسی با او

و ان طلّتموهنّ من قبل ان تمسوهنّ و قد فرضتم لهنّ فريضه فنصف ما فرضتم

مفسران برآنند که جمله <ان تمسوهنّ>، کنایه از آمیزش جنسی است؛ نه مُجرّد لمس.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴

۱۱ مرد نباید با همسر خویش ، هر چند مورد پسند او نباشد ، بدرفتاری کند .

و عاشروهنّ بالمعروف فان کرهتموهنّ

جواب جمله شرطیه <فان کرهتموهنّ> حذف شده و <عسی ان تکرهوا> جانشین آن شده است. یعنی <فان کرهتموهنّ
فایضاً عاشروهنّ بالمعروف عسی ... >.

۱۴ اساس زندگی خانوادگی و مصالح آن ، نباید دستخوش تمایلات مرد قرار گیرد .

فان کرهتموهنّ فعسی ان تکرهوا شیئاً و يجعل الله فيه خيراً كثيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۴ - ۱۷،۱۶

۱۶ لزوم اطاعت زنان از شوهر خویش و حفظ حقوق آنان

فالصّالحات قانتات حافظات للغیب

۱۷ لزوم اطاعت زن از شوهر و حفظ حقوق وی ، مشروط به تأمین زندگی او از سوی مرد

و بما انفقوا من اموالهم فالصّالحات قانتات حافظات

ظاهراً <فالصّالحات .. > نتیجه ای است مترتب بر جمله <الرجال ... بما انفقوا>. بنابراین اطاعت زن از شوهر در موردی
است که شوهر، زندگی او را تأمین کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۱۹،۵،۴،۲

۲ نشوز شوهر و عدم تأمین حقوق همسر ، امری ناروا و ناپسند

و إن امراه خافت من بعلمها نشوزاً او اعراضاً فلاجناح علیهما ان یصلحا

۴ تردید مسلمانان صدر اسلام در جواز مصالحه زن و شوهر نسبت به حقوق یکدیگر

و إن امراه خافت .. فلاجناح علیهما ان یصلحا

کلمه <لاجناح> حاکی است که مسلمانان صدر اسلام بر آن گمان بودند که حقوق تعیین شده برای زن و شوهر، قابل مصالحه و گذشت نیست.

۵ جواز صرفنظر کردن زن

از بعض حقوق خود، برای جلب نظر شوهر و جلوگیری از نشوز وی

و إن امراه خافت من بعلها نشوزاً .. ان يصلحا بينهما صلحاً و الصلح خير

جمله < و احضرت الانفس الشح > حکایت از آن دارد که مصالحه عنوان شده در آیه، منوط به گذشت از حقوق شخصی است.

۱۹ مصالحه زن و شوهر در حقوق همسری در صورتی ارزشمند است که بر پایه احسان و تقوا باشد .

و الصلح خير .. و إن تحسنوا و تتقوا فإن الله كان بما تعملون خبيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۹ - ۱۸، ۵، ۸، ۴، ۱

۱ مردان، ناتوان از رعایت عدالت کامل میان همسران متعدد خویش

و لن تستطيعوا ان تعدلوا بين النساء

۴ شوهران نباید به بهانه امکان نداشتن رعایت عدالت کامل بین همسران به برخی همسران خویش گرایش کامل و از دیگری اعراض کنند .

و لن تستطيعوا ان تعدلوا بين النساء .. فلا تميلوا كل الميل

۵ بلا تکلیف رها ساختن زن (نه زندگی کردن و نه طلاق دادن وی)، کاری ممنوع و حرام بر شوهران

فلا تميلوا كل الميل فتذروها كالمعلقة

۸ لزوم رعایت عدالت در حد توان، میان همسران

و لن تستطيعوا ان تعدلوا بين النساء و لو حرصتم فلا تميلوا كل الميل

۱۸ حرمت بلا تکلیف گذاشتن زن بگونه ای که نه از مزایای شوهرداری بهره مند باشد و نه از مزایای بی همسری

فلا تميلوا كل الميل فتذروها كالمعلقة

از امام باقر و امام صادق علیهما السلام درباره معنای < كالمعلقة > در آیه فوق روایت شده که فرمودند: التي هي لا ذات زوج

و لا

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۳۴۹؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۵۹، ح ۶۰۳.

حقوق یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲ - ۲

۲ رعایت حقوق ایتام ، از مصادیق تقواست .

و اتَّقُوا اللَّهَ .. و اتوا الیتامی اموالهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶ - ۱۸

۱۸ هشدار خداوند به اولیای یتیمان ، نسبت به عدم رعایت حقوق آنان

فان انستم منهم رشداً .. و کفی بالله حساباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹ - ۱۲، ۷، ۸، ۱۳، ۱

۱ کسانی که خواهان رعایت حقوق کودکان یتیم خویش از طرف جامعه هستند ، باید حقوق کودکان یتیم دیگران را رعایت کنند .

ولیخش الذین لو ترکوا من خلفهم ذریه ضعیفاً خافوا علیهم فلیتقوا الله

جمله <فلیتقوا الله>، به قرینه جمله قبل (لو ترکوا من خلفهم ذریه ضعیفاً) چنین معنا می شود: فلیتقوا الله فی امر الذریه الضعاف؛ یعنی کسانی که نگران رعایت حقوق فرزندان خویش پس از مرگ خود هستند، باید تقوای الهی را در مورد فرزندان ضعیف (یتیمان) دیگر مردمان رعایت کنند.

۳ عواطف انسانی ، از زمینه های ایجاد انگیزه برای رعایت حقوق یتیمان جامعه

ولبخش الذین لو ترکوا من خلفهم ذریه ضعیفاً خافوا علیهم

۷ بی تقوایی آدمی نسبت به حقوق ایتم دیگران ، زمینه ساز پایمال شدن حقوق یتیمان وی از سوی جامعه

ولبخش الذین لو ترکوا من خلفهم ذریه ضعیفاً خافوا علیهم فلیتقوا الله

برداشت فوق را فرمایش امام صادق (ع) تأیید می کند که فرمود: یعنی لبخش ان

اخلفه فی ذریّته کما صنع بهؤلاء الیتامی.

کافی، ج ۵، ص ۱۲۸، ح ۱؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۳۸، ح ۳۸.

۸ هشدار خداوند نسبت به کسانی که یتیمان را از ارشان محروم می کنند .

للزّجال نصیب . . و للنّساء نصیب ... ولیخش الذّین لو ترکوا من خلفهم ذریّه ضعافاً

به مقتضای ارتباط این آیه با آیه قبل، مصداق مورد نظر از ترس و وحشت درباره یتیمان، محروم کردن آنان از ارث است.

۱۲ عنایت ویژه خداوند نسبت به ضرورت رعایت حقوق یتیمان

ولیخش الذّین . . ذریّه ضعافاً ... ولیقولوا قولاً سدیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۲۴، ۲۳، ۲۱، ۱۵

۱۵ لزوم حمایت از دختران یتیم و حقوق آنان

فی یتیمی النساء . . و إن تقوموا للیتمی بالقسط

با توجه به اینکه <و ان تقوموا . .>، عطف به <فیهن> است؛ یعنی <لله یفتیکم ان تقوموا ...> بنابراین قیام برای قسط درباره یتیمان، فتوا و حکم الهی است و از جمله آنان، زنان یتیم هستند.

۲۱ خداوند ، خواستار احیای حقوق زنان ، یتیمان و مستضعفان

قل الله یفتیکم فیهنّ . . و إن تقوموا للیتمی بالقسط

۲۳ رعایت حقوق زنان ، یتیمان ، مستضعفان و اقامه قسط ، از مصادیق بارز خیرات و نیکیها

و ما تفعلوا من خیر فإنّ الله کان به علیماً

<من خیر> می تواند اشاره به تکالیفی باشد که در آیه آمده است.

۲۴ اعتقاد انسان به علم الهی ، زمینه ساز رعایت حقوق زنان ، یتیمان و مستضعفان

والمستضعفين من الولدن . . . و ما تفعلوا من خير فإنّ الله كان به عليماً

خطر تضییع حقوق مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۸ - ۱۱

۱۱ - حاکمان و قاضیان ، در خطر رشوه خواری و تضییع حقوق مردم

و تدلوا بها إلى الحكام لتأكلوا فريقتاً من أموال الناس بالأثم

رعایت حقوق پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۴ - ۹

۹ - فرزند ، به صورت عادی و طبیعی ، حال و حقوق پدر را بیش تر رعایت می کند . *

و وصّينا الإنسان بولديه حملته أمه وهنأ علی وهن... أن اشکر... لولدیک

توصیه به رعایت حال والدین با یادآوری مشقاتی که مادر می کشد، ممکن است از این جهت باشد که فرزند ، حیات و معاش خود را مرهون پدر می داند و طبیعتاً، در مقابل او احساس وظیفه می کند و درباره مادر چنین احساسی ندارد، لذا این توصیه برای ایجاد انگیزه در فرزند جهت رعایت حقوق هر دوی آنها است.

رعایت حقوق خانوادگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۲ - ۱۱

۱۱ - نقش سازنده ایمان به خدا و روز قیامت ، در ایجاد رابطه صحیح و شایسته میان همسران و رعایت شدن حقوق متقابل بین آنان

إذا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ .. ذَلِكُمْ يُوَعِّظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

یادآوری ایمان به خدا و روز قیامت به دنبال موعظه های الهی در مسائل مربوط به همسران می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

رعایت حقوق مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان -

۷- شیر دادن به فرزند ، به مدّت دو سال ، از سوی مادر ، باعث تأکید بر رعایت حقوق مادر از سوی فرزند است .

و وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بَوْلَدِيهِ .. و فصله فی عامین

۸- تحمل ضعف متراپید دوران بارداری از سوی مادر ، برای سالم رساندن کودک به دوره زایمان ، عامل لزوم رعایت حق مادر از سوی فرزند است .

و وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بَوْلَدِيهِ .. حملته أُمّه وهنّا علی وهن ... أن اشکر لی و لولدیك

رعایت حقوق مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶ - ۱۷

۱۷ اعتقاد به حسابرسی دقیق خداوند (وجدان دینی) ، پشتوانه رعایت حقوق دیگران

و کفی بالله حسبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹ - ۱۰، ۱۴

۱ کسانی که خواهان رعایت حقوق کودکان یتیم خویش از طرف جامعه هستند ، باید حقوق کودکان یتیم دیگران را رعایت کنند .

ولبخش الذین لو ترکوا من خلفهم ذریّه ضعافاً خافوا علیهم فلیتّقوا الله

جمله < فلیتّقوا الله > ، به قرینه جمله قبل (لو ترکوا من خلفهم ذریّه ضعافاً) چنین معنا می شود: فلیتّقوا الله فی امر الذریّه الضعاف ؛ یعنی کسانی که نگران رعایت حقوق فرزندان خویش پس از مرگ خود هستند، باید تقوای الهی را در مورد فرزندان ضعیف (یتیمان) دیگر مردمان رعایت کنند.

۴ تحریک عواطف ، از روش های قرآن برای ترغیب به رعایت حقوق دیگران

ولبخش الذین لو ترکوا من خلفهم ذریّه ضعافاً خافوا علیهم

۱۰ توجه به کیفر الهی ، زمینه ساز رعایت حقوق دیگران

و

ليخش .. فليتقوا الله

رعایت حقوق والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۴ - ۱،۱۶

۱ - سفارش خداوند به انسان ، برای رعایت حقوق و حرمت پدر و مادر

و وصينا الإنسن بولديه

۱۶ - تشکر از والدین و رعایت حقوق آنها ، نباید انسان را از شکرگزاری به درگاه خداوند ، باز دارد .

أن اشکرلی و لولدیك

از این که در میان توصیه به رعایت حال و حقوق والدین و تشکر و قدردانی از آنها، یادآوری می کند که >مرا سپاس بگوئید!<، احتمال دارد برای توجه دادن به نکته بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۵ - ۱

۱ - فرزندان به رغم موظف بودن به رعایت حقوق والدین در صورت تلاش پیگیر پدر و مادر به ایجاد انحراف عقیدتی (شرک) در آنان ، نباید تسلیم خواست آنان شوند .

و وصينا الإنسن بولديه .. و إن جهداك علی أن تشرک بی ... فلاتطعهما

متعدی شدن <جاهدا> با <علی> دلالت بر مجاهده و تلاش قوی و پیگیر می کند.

زمینه تجاوز به حقوق دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۷ - ۱

۱ - دل خوشی به ثروت زیاد ، مایه روی آوردن انسان به طغیان و شکستن حریم دیگران

أن رءاه استغنی

> أن رءاه.. < به تقدیر لام تعلیل مفعول له و بیانگر سبب طغیان است.

زمینه تجاوز به حقوق والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ -

۳- انسان در معرض لغزش نسبت به حقوق والدین و سهل انگاری در احسان به آنان

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا

توصیه الهی به لزوم احسان به والدین علی رغم طبیعی و فطری بودن چنین پیوند و تمایلی در وجود انسان نشانگر اهمیت و حساسیت این تکلیف و امکان لغزش و سهل انگاری انسان در مقام عمل بدان است.

زمینه تضييع حقوق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۴ - ۱۲

۱۲ - زندگی مختلط و شراکت در امور اقتصادی ، زمینه ساز تضييع حقوق و لغزشگاه بسیاری از مردم

و إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي .. . إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا ... و قَلِيلٌ مَّا هُمْ

زمینه سستی در حقوق والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۳

۳- انسان در معرض لغزش نسبت به حقوق والدین و سهل انگاری در احسان به آنان

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا

توصیه الهی به لزوم احسان به والدین علی رغم طبیعی و فطری بودن چنین پیوند و تمایلی در وجود انسان نشانگر اهمیت و حساسیت این تکلیف و امکان لغزش و سهل انگاری انسان در مقام عمل بدان است.

زمینه سلب حقوق مطلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱ - ۱۴

۱۴ - ارتکاب عمل بسیار زشت و آشکار از سوی زنان مطلقه ، موجب سلب حق مسکن آنان از عهده همسران است .

و لا يخرجن إلا أن يأتين بفحشه مبينه

زمينه های حقوق خویشاوندی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل -

۴- پیوند خویشاوندی، امری مسؤولیت آور و منشأ پیدایش حقوق ویژه است.

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ... وَ إِيْتَاىِ ذى القربى

سوگند برای اثبات حقوق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳ - ۷

۷- جواز سوگند برای اثبات مطالب حق و حقوق مسلم

و الصّفت صفاً . فالزّجرت زجراً . فالتّلتيت ذكرًا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند برای اثبات توحید الهی، سه بار سوگند یاد کرده است. این سوگند، می تواند دلیل پسندیدگی و جواز آن برای بشر باشد.

عدالت در اعطای حقوق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۵ - ۵

۵ عدل الهی در اعطای حق به صاحبان آن

نوفّ إلیهم أعمالهم و هم فیها لایبخسون

عدالت در حقوق زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۲۸

۲۸ تشویق خداوند به نیکی درباره زنان، یتیمان و مستضعفان، افزون بر رعایت قسط نسبت به آنان

و ما تفعلوا من خیر فإنّ الله کان به علیماً

عدالت در حقوق مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۲۸

۲۸ تشویق خداوند به نیکی درباره زنان ، یتیمان و مستضعفان ، افزون بر رعایت قسط نسبت به آنان

و ما تفعلوا من خیر فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا

عدالت در حقوق یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۱۹،۲۸

۱۹ لزوم رعایت قسط

، درباره یتیمان

و إن تقوموا للیتمی بالقسط

۲۸ تشویق خداوند به نیکی درباره زنان ، یتیمان و مستضعفان ، افزون بر رعایت قسط نسبت به آنان

و ما تفعلوا من خیر فإنّ الله کان به علیماً

عفو از حقوق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۲۰ ، ۱۰

۱۰ گذشت از حقوق شخصی برای استمرار و استحکام روابط همسری ، بهتر از پافشاری بر استیفای آن حقوق

و الصلح خیر و احضرت الانفس الشح

۲۰ جواز گذشت زن از برخی حقوق خویش ، به انگیزه جلوگیری از ناسازگاری شوهر و رخ ندادن طلاق

و إن امراه خافت من بعلها نشوزاً او اعراضاً

امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از معنای آیه فوق فرمود: هذا تكون عنده المراه لا تعجبه فیرید طلاقها فتقول له: امسکنی و لاتطلقنی و ادع لك ما علی ظهرک و اعطیک من مالی و احللک من یومی و لیلتی فقد طاب ذلک له کله .

کافی، ج ۶، ص ۱۴۵، ح ۳، نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۵۸، ح ۶۰۰.

عواطف در ادای حقوق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۶ - ۵

۵- دستورات دین در ادای حقوق دیگران ، همخوان و همسو با عواطف طبیعی انسان است .

و بالولدین إحسنًا .. وءات ذالقربی حقّه

مقدم شمردن حق پدر و مادر و خویشان و رسیدگی به مشکلات آنان، گرایش طبیعی انسان است و خدا همین را مورد تأیید قرار داده است.

عوامل تجاوز به حقوق خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰ - ۷

زیر پا نهادن حقوق خویشاوندی ، برخاسته از روح تجاوزپیشگی است .

لا یرقبون فی مؤمن إلّا و لاذمه و أولئک هم المعتدون

<أولئک> اشاره به مشرکان است با اوصافی که برای آنان ذکر شده است و از جمله آنهاست وصف <لا یرقبون .. > یعنی، اینان که نه به رعایت حقوق خویشاوندی و نه به عهد و پیمان ملتزمند، مردمانی تجاوزپیشه اند.

عوامل تفریط در حقوق خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۶ - ۲

۲ - عمل نکردن به تعالیم قرآن ، کوتاهی کردن در حق خداوند است .

و اتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ .. أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَحْسَرْتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که جمله <أَنْ تَقُولَ ..> یا مفعول له برای جمله <اتَّبِعُوا> است و یا با تقدیر لام تعلیل و لای نافیه تعلیل برای جمله های پیشین (<أَنْبِئُوا>، <أَسْلَمُوا> و <اتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ>) می باشد. در هر صورت پیام این آیه چنین می شود: توبه کنید، تسلیم شوید و از تعالیم قرآن پیروی کنید، تا دچار حسرت نشوید و احساس نکنید که حق خدا را ضایع کردید.

فرصت جبران حقوق خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۶ - ۴

۴ - جبران کوتاهی کردن در حق خدا ، پس از آمدن عذاب الهی ممکن نیست .

مَنْ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً .. أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَحْسَرْتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ

کتابت حقوق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳۵ ثبت دیون و مدّت آن و ثبت حقوق کم باشد و یا زیاد ، از عادلانه ترین اعمال نزد خداوند و استوارترین و مددکارترین چیز برای اقامه شهادت

ذلکم اقسط عند الله و اقوم للشّهاده

کیفر تجاوز به حقوق دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۱۵

۱۵ - عذاب دردناک دوزخ ، کیفر هر نوع انحراف از حق و تجاوز به حقوق دیگران در محیط مسجد الحرام

و من یرد فیه بالحدّ بظلم ندقه من عذاب الیم

کیفر تجاوز به حقوق یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹ - ۹

۹ عقوبت دنیوی و اخروی در کمین پایمال کنندگان حقوق یتیمان

ولیکش الذّین لو ترکوا من خلفهم . . . فلیتّقوا الله

جمله <ولیکش . . . >، اشاره به کیفر دنیوی است و جمله <فلیتّقوا الله> (از خدا بترسید)، دلالت بر استحقاق عقوبت اخروی دارد.

گناه تجاوز به حقوق دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۱۴

۱۴ - انحراف از حق و تجاوز به حقوق دیگران در محیط مسجد الحرام ، گناهی است بس بزرگ و کج روان و ستم کاران باید در انتظار کیفر سخت دنیوی باشند .

و من یرد فیہ یالحاد بظلم نذقه من عذاب ألیم

برداشت یاد شده بر این اساس است که مقصود از <عذاب ألیم> کیفر دنیوی نیز باشد.

مبانی حقوق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۸

۱۵ برخورداری زنان و شوهران از حقوقی متقابل و همانند ، به صورت معروف و متعارف (بر اساس موازین عقلی و شرعی)

و لهنّ مثل الذی علیهنّ بالمعروف

۲۰ عدالت ، اساس وضع قوانین الهی برای زندگی زناشویی

و لهنّ مثل الذی علیهنّ بالمعروف و للرجال علیهنّ درجه

جمله <للرجال .. >، قیدی است متمم <لهنّ ... > یعنی حقوق همانند زن و شوهر به معنای تساوی مطلق نیست؛ چون مردان بر حسب آفرینش ویژگیهایی دارند که بر اساس آن، حقوقی ویژه خواهند داشت. بر این اساس، عدالت فیما بین رعایت می شود.

متجاوزان به حقوق خویشاوندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ زیرپاگذارندگان حقوق خویشاوندی ، مردمانی تجاوزپیشه اند .

لا یرقبون فی مؤمن إلاً و لآذمه و أولئک هم المعتدون

متجاوزان به حقوق مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۴ - ۱۲

۱۲ - تجاوزگران به حقوق مردم ، حیران و سرگردان در صحنه قیامت

یظلمون الناس و یبغون فی الأرض بغير الحقّ .. و ترى الظلمین لَمَا رأوا العذاب یق

محدوده حق تصمیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۶ - ۳،۴

۳- مردم ، حق ندارند که تصمیم هایی بگیرند که با حکم ها و فرمان های خدا و پیامبرش مخالف باشد .

و ما كان لمؤمن ولا مؤمنة إذا قضى الله ورسوله أمراً أن يكون لهم الخيرة من أمرهم

۴- صرف صاحب اختیار بودن در چیزی ، حق تصمیم گیری را درباره آن نمی

آورد .

و ما كان لمؤمن و لا مؤمنة إذا قضى الله و رسوله أمراً أن يكون لهم الخيره من أمرهم

مرجع ضمیر <أمرهم> عبارت <مؤمن و مؤمنه> است که به اعتبار نکره بودن آنها و در سیاق نفی واقع شدن، افاده عموم می کند. اضافه <أمر> به ضمیر <هم> می تواند برای القای این نکته باشد که در صورتی که خداوند و پیامبرش، حتی درباره امور مربوط به مؤمنان، اعلام نظر کرده اند، آنان حق تصمیم دیگری ندارند.

مشورت در حقوق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۳ - ۲۶

۲۶ جواز گرفتن فرزند از شیر قبل از دو سال ، به شرط رضایت ، مشورت و توافق پدر و مادر

فان ارادا فصالاً عن تراض منهما و تشاور فلا جناح عليهما

چون حدّ کمال شیر دادن دو سال است، بنابراین <فصال> پس از دو سال طبیعی است و نیاز به مشورت و توافق ندارد؛ لذا مراد از <فصال> در آیه شریفه، <فصال> قبل از دو سال است.

مصالحه حقوق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۴،۵،۷،۱۹

۴ تردید مسلمانان صدر اسلام در جواز مصالحه زن و شوهر نسبت به حقوق یکدیگر

و إن امراه خافت .. فلا جناح عليهما ان يصلحا

کلمه <لا جناح> حاکی است که مسلمانان صدر اسلام بر آن گمان بودند که حقوق تعیین شده برای زن و شوهر، قابل مصالحه و گذشت نیست.

۵ جواز صرفنظر کردن زن از بعضی حقوق خود ، برای جلب نظر شوهر و جلوگیری از نشوز وی

و إن امراه خافت من بعلها نشوزاً .

.. ان يصلحا بينهما صلحاً و الصلح خیر

جمله < و احضرت الانفس الشح > حکایت از آن دارد که مصالحه عنوان شده در آیه، منوط به گذشت از حقوق شخصی است.

۷ حقوق شخصی، قابل مصالحه و چشم پوشی است.

خافت من بعلها نشوزاً او اعراضاً فلاجناح علیهما ان يصلحا بينهما صلحاً و الصلح خیر

۱۹ مصالحه زن و شوهر در حقوق همسری در صورتی ارزشمند است که بر پایه احسان و تقوا باشد.

و الصلح خیر .. و إن تحسنوا و تتقوا فإنّ الله کان بما تعملون خبیراً

منابع تشریح حقوق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶ - ۱۲

۱۲ - قرآن، به عنوان کتاب الهی، منبعی برای تشریح قوانین مربوط به حقوق خویشاوندی است.

و أولوا الأرحام بعضهم أولى ببعض فی کتب الله

منشأ پیدایش حقوق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۶ - ۳

۳- پیوند خویشاوندی، منشأ پیدایش حقوقی ویژه میان انسانهاست.

و ءات ذالقربی حقه

منشأ حق امر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۷ - ۱۰

۱۰- ولّی نعمت کسی شدن ، حق امر و نهی کردن به آن شخص را ایجاد می کند .

و إذ تقول للذی . . . و أنعمت علیه أمسک علیک زوجک و اتق الله

منشأ حق نهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۷ - ۱۰

۱۰- ولّی نعمت کسی شدن ، حق امر و نهی کردن به آن شخص

را ایجاد می کند .

و إذ تقول للذی ... و أنعمت علیه أمسک علیک زوجک و اتق الله

منشأ حقوق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۱۷، ۱۸

۱۷ - رابطه خویشاوندی و دوستی ، منشأ پیدایش حق است .

لیس علی الأعمی حرج ... و لا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ...

۱۸ - سپردن کلید های خانه ها به هر شخصی ، منشأ پیدایش حق برای آن شخص

لیس علی الأعمی حرج ... و لا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ...

منشأ حقوق ابن السبیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۶ - ۷

۷- فقر و در راه ماندگی ، منشأ پیدایش حقوقی ویژه برای فقرا و در راه ماندگان

و ءات ... و المسکین و ابن السبیل

منشأ حقوق فقرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۶ - ۷

۷- فقر و در راه ماندگی ، منشأ پیدایش حقوقی ویژه برای فقرا و در راه ماندگان

و ءات ... و المسکین و ابن السبیل

منشأ حقوق مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۴ - ۵،۷

۵ - تحمل ناتوانی های روز افزون ، از سوی مادر ، در دوران بارداری ، در پی دارنده حقوقی بر گردن فرزند است .

و وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلِيًّا وَهْنٌ

<وهناً علی وهن> دلالت بر افزایش ضعف و ناتوانی مادر در دوران بارداری می کند.

شیر دادن به فرزند ، به مدت دو سال ، از سوی مادر ، باعث تأکید بر رعایت حقوق مادر از سوی فرزند است .

و وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ .. و فصله فی عامین

موانع تجاوز به حقوق شریک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۴ - ۸

۸- ایمان و عمل صالح ، مانع از تجاوز به حقوق دیگران و ستم در حق شریکان

و إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لِيَبْغَىٰ .. إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

موانع تضییع حقوق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۹ - ۴

۴- تقوای الهی ، مانع از تضییع حقوق ، ریختن آبرو و هتک حرمت دیگران

و اتقوا الله و لاتخزون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۴ - ۸

۸- نقش اساسی ثبت و بایگانی عملکردها ، در ضایع نشدن حقوق افراد

فمن يعمل .. إنا له کاتبون

تأکید خداوند بر تضمین پاداش مؤمنان نیکوکار با ثبت و نوشتن تمامی رفتارها، افاده کننده برداشت بالا است.

نظام حقوقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۱۷

۱۷ - حقوق اسلامی آمیخته با اخلاق و احسان

کتب علیکم القصاص ... فمن عفی له من أخیه شیء فاتباع بالمعروف و أداء إلیه بإحسن

ویژگیهای حقوق اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۱۷

۱۷ - حقوق اسلامی آمیخته با اخلاق و احسان

کتب علیکم القصاص ... فمن عفی له

من أخیه شیء فاتباع بالمعروف و أداء إلیه یاحسن

حقوق مردم

{حقوق مردم}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۷ - ۳

۳ امانتداری و حقوق اجتماعی ، عهد الهی است . *

و منهم من ان تأمنه بدینار لا یؤده الیک . . انّ الذین یشترون بعهد الله

ادای حقوق مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۸ - ۷۸

۷ تقوای پیشگی اجرا کنندگان احکام شهادت و تسلیم بودن آنان در برابر احکام الهی ایشان را به اثبات و ایفای حقوق مردم به طور صحیح می رساند .

و اتقوا الله و اسمعوا

در برداشتهای گذشته مخاطبان < اتقوا و اسمعوا > شاهدان گرفته شده بود ولی احتمال دیگری نیز وجود دارد و آن اینکه مخاطبان در این دو فراز حاکمان و قاضیان که متصدیان اجرای احکام هستند، باشند.

۸ تعهد در برابر احکام الهی ، هموار سازنده جریان صحیح اثبات و ایفای حقوق اجتماعی

و اتقوا الله و اسمعوا

اهمیت حقوق مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۴ - ۲۳

۲۳ - اهمیت حقوق مردم و خطیر بودن مسؤولیت داوری میان آنان

فاستغفر ربّه و خرّ راکعًا و أناب

استغفار، سجده و انابه داوود(ع) به درگاه الهی، پس از گمان به رخ دادن يك خطا در داوری میان دو گروه متخاصم (خطایی که مسلماً در نتیجه حکم هیچ تأثیری نداشت) می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۱۴

۱۴ - رعایت

انصاف و حقوق مالی انسان ها ، حتی کافران ، در احکام شریعت

و ءاتوهم ما أنفقوا

اهمیت مراعات حقوق مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۸ - ۳

۳ - مراعات و حقوق مردم ، در برخورد اخلاقی ، دارای اهمیتی ویژه است .

و لاتصعّر خدک للناس

<لام> در <لنناس> برای تعلیل است؛ یعنی، روی خود را متکبرانه به خاطر اعراض از مردم، برنگردان. چنین دستوری حکایت از آن دارد که مردم، در برخورد اخلاقی، دارای حقوق لازم الرعایه اند.

پاسداری از حقوق مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۸ - ۱۲

۱۲ - نقش بسزای قاضیان در سلامت اقتصاد جامعه و حفظ حقوق مردم

و لاتأکلوا أموالکم بینکم بالبطل و تدلوا بها إلى الحکام... و أنتم تعلمون

تجاوز به حقوق مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۵ - ۱۶، ۱۵، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۷۸

۷ قیام مداوم علیه تضييع کنندگان حقوق اجتماعی و فردی ، راهی برای بازگرداندن آن

و منهم من ان تأمنه بدینار الا یؤده الیک الا مادمت علیه قائماً

۸ تضييع حقوق دیگران توسط برخی از اهل کتاب (یهود) ، ناشی از روحیه خودبرتربینی آنان

ذلك بانّهم قالوا ليس علينا في الامّين سبيل

۱۰ عدم احساس مسؤوليت برخی از اهل کتاب در برابر حقوق غير همکیشان خود

ذلك بانّهم قالوا ليس علينا في الامّين سبيل

۱۱ پندار باطل برخی از اهل کتاب به جواز تصرّف در اموال دیگران و تضییع آنها ، عامل خیانتشان به حقوق غير همکیشان خود

ذلك بانّهم قالوا

۱۲ نژادپرستی و خودبرتربینی ، زمینه ای برای تزییع حقوق دیگران

و منهم من ان تأمنه .. ذلك بأنهم قالوا لیس علینا فی الامّین سبیل

۱۳ اهل کتاب به دروغ ، برتری خویش را بر غیر همکیشان خود و نیز جواز تصرف در اموال آنان را به خدا نسبت می دادند .

ذلك بأنهم قالوا لیس علینا فی الامّین سبیل و یقولون علی الله الکذب

۱۵ نسبت دادن برتری نژادی و مشروعیت تزییع حقوق دیگران به خدا ، نسبتی دروغ و نارواست .

ذلك بأنهم قالوا لیس علینا فی الامّین سبیل و یقولون علی الله الکذب و هم یعلمون

۱۶ بدعتگذاری ، وسیله ای برای توجیه ستم و نقض تعهدات اجتماعی

و منهم من ان تأمنه بدینار لا یؤده الیک .. و یقولون علی الله الکذب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۱۲

۱۲ نافرمانی خدا و پیامبران و استمرار تجاوز به حدود الهی و حقوق مردمان ، موجب کفر و گرفتاری به لعنت الهی

لعن الذین کفروا .. ذلك بما عصوا و كانوا یعتدون

در برداشت فوق <ذلك> علاوه بر اشاره به لعنت اشاره به کیفر نیز گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۷ - ۱۰

۱۰ شهادت به ناحق و قسم دروغ ، تجاوز به حقوق دیگران و ستمکاری در حق ایشان است .

و ما اعتدینا إنا اذاً لمن الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۸ - ۳

وصیت از خیانت در شهادت و تجاوز به حقوق دیگران ، تکلیفی الهی بر عهده ایشان و نشان تقوایبشگی آنان است .

ذلك ادنی ان یأتوا بالشهده علی وجهها .. و اتقوا الله و اسمعوا

تضییع حقوق مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۶ - ۲۵،۲۶

۲۵ تضییع حقوق مردمان ، بدون هیچ تردید گناه است .

لانشتری به ثمناً و لو كان ذا قربی .. إنا اذا لمن الاثمین

۲۶ دستیابی به منافع مادی و یا نفع رسانی به خویشاوندان ، نمی تواند مجوز پایمال سازی حقوق دیگران باشد .

لانشتری به ثمناً و لو كان ذا قربی

حقوق مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۶ - ۱۶

۱۶ نیکوکاران (محسنین) ، موظف به رعایت حقوق دیگران

متَّعوهنَّ .. حقاً علی المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۱ - ۵

۵ رعایت حقوق دیگران ، وظیفه تقوایبشگان و نشانه تقواست .

و للمطلقات .. حقاً علی المتَّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۱۵،۳۶،۳۹

۱۵ تقوای الهی عاملی برای رعایت حقوق افراد جامعه و مانعی در برابر تضییع حقوق آنان

و لیتق الله ربّه و لا یبخس منه شیئاً

۳۶ رعایت و اجرای احکام الهی در ثبت اسناد ، موجب تأمین عادلانه حقوق افراد

ذلکم اقسط عند الله

۳۹ مراعات نکردن عدالت در حقوق افراد جامعه و بی ثباتی در تعیین حدود روابط اقتصادی ، از عوامل مفسده

ذَلِكُمْ اَقْسَطُ عِنْدَ اللّٰهِ وَاَقْوَمٌ لِلشَّهَادَةِ وَاَدْنٰى الْاُتْرَابِ

چون <ذَلِكُمْ اَقْسَطُ .. > بیان علت احکام ذکر شده است، نشانگر یک قاعده کلی است. یعنی عدالت اجتماعی و ثبات حدود و روابط اقتصادی، یک اصل و قانون است که با عدم رعایت آن، جامعه رو به فساد خواهد رفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۸ - ۸

۸ مراعات عدل و داد در قضاوت ، حق تمامی انسانها

و اِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ اَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۲۶

۲۶ لزوم احترام به حقوق انسان ها ، حتی دشمنان کینه توز

و لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ اَنْ صَدُوْكُمْ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۱ - ۵

۵ - هشدار الهی به مؤمنان ، نسبت به رعایت تقوا ، در زمینه ادعای مالی خویش و پرداخت حقوق دیگران

فَاتُوا الَّذِيْنَ ذَهَبَ اُزُوْجُهُمْ .. وَاَتَّقُوا اللّٰهَ

امر <اَتَّقُوا اللّٰهَ .. > احتمالاً نظر به دو زمینه دارد: ۱ مؤمنی که می بایست مهریه صرف کرده برای همسر کافرش را از غنایم بردارد. در این صورت او نباید بیش از آنچه خرج کرده ادعا کند. ۲ مجموعه مؤمنان اند که در پرداخت حق مؤمن از غنایم، کوتاهی نورزند.

خطر تضییع حقوق مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حاکمان و قاضیان ، در خطر رشوه خواری و تزییع حقوق مردم

و تدلوا بها إلی

الحكام لتأكلوا فريقاً من أموال الناس بالأثم

رعایت حقوق مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶ - ۱۷

۱۷ اعتقاد به حسابرسی دقیق خداوند (وجدان دینی) ، پشتوانه رعایت حقوق دیگران

و كفى بالله حسيباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹ - ۱۰، ۴، ۱

۱ کسانی که خواهان رعایت حقوق کودکان یتیم خویش از طرف جامعه هستند ، باید حقوق کودکان یتیم دیگران را رعایت کنند .

ولبخش الذین لو ترکوا من خلفهم ذریه ضعیفاً خافوا علیهم فلیتقوا الله

جمله <فلیتقوا الله> ، به قرینه جمله قبل (لو ترکوا من خلفهم ذریه ضعیفاً) چنین معنا می شود: فلیتقوا الله فی امر الذریه الضعاف؛ یعنی کسانی که نگران رعایت حقوق فرزندان خویش پس از مرگ خود هستند، باید تقوای الهی را در مورد فرزندان ضعیف (یتیمان) دیگر مردمان رعایت کنند.

۴ تحریک عواطف ، از روش های قرآن برای ترغیب به رعایت حقوق دیگران

ولبخش الذین لو ترکوا من خلفهم ذریه ضعیفاً خافوا علیهم

۱۰ توجه به کیفر الهی ، زمینه ساز رعایت حقوق دیگران

و لبخش ... فلیتقوا الله

متجاوزان به حقوق مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۴ - ۱۲

۱۲ - تجاوزگران به حقوق مردم ، حیران و سرگردان در صحنه قیامت

يظلمون الناس و يبغون في الأرض بغير الحقّ .. و ترى الظلمين لما رأوا العذاب يبق

حکمت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حکمت

{حکمت}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۸ - ۶،۷

۶ قرآن

، کتابی سراسر حکمت (مُتقن و خلل ناپذیر)

و الذکر الحکیم

۷ داستان حضرت عیسی ، زکریّا ، مریم و یحیی ، سراسر حکمت و مایه تذکر است .

ذکک تتلوه علیک من الایات و الذکر الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۲ - ۱۰

۱۰ عزّت و حکمت مطلق ، معیار الوهیت است .

و ما من اله الا الله و انّ الله لهو العزیز الحکیم

جمله <و ان الله .. > ، تعلیلی برای <ما من اله ... > است.

آثار حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۱۶

۱۶ - صدور خیر ها و برکت ها و جوشش علم و حکمت ، نشانه منزّه بودن قلب از قساوت و کدورت است .

ثم قست قلوبکم .. فهی کالحجاره أو أشد ... و إن من الحجاره لما یتفجر منه الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۹ - ۴

۴ حکمت ، خیر آفرین است .

و من یؤت الحکمه فقد اوتی خیراً کثیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۳ - ۴

۴ - دستیابی به اوج صلاح ، در پرتو معرفت استوار و حکمت الهی

هب لی حکمًا وألحقنی بالصلحین

مقدم آوردن <حکمًا> می تواند اشاره به تقدم رتبی و واقعی آن داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۳ - ۱۳

۱۳ - التزام به حقایق حکمت آمیز و دست برداشتن از اختلافات ،

جلوه ای از تقوای الهی است .

قد جئتکم بالحکمه و لأبین لکم بعض الذی تختلفون فيه فاتقوا الله و أطيعون

آثار حکمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۰ - ۱۰

۱۰ عذاب گنهکاران ، مظهر عزت و حکمت خداوند و آمرزش توبه کاران ، جلوه غفران و رحمت او

يعذب من يشاء و يغفر لمن يشاء

چنانچه <يعذب... و يغفر> اشاره به آیات پیشین داشته باشد. بیان عزت و حکمت خداوند پس از <فاقطعوا> و ذکر غفران و رحمت او پس از <فان الله يتوب عليه> در آن آیات، حاکی از برداشت مذکور خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۶ - ۳،۵،۶

۳ تعلق مشیت خداوند به کیفر و یا بخشودن خطاکاران ، بر اساس علم و حکمت گسترده او و دارای فلسفه ای عالمانه و حکیمانه است .

إما يعذبهم و إما يتوب عليهم و الله علیم حکیم

۵ مبهم گذاردن سرنوشت اخروی برخی از خطاکاران ، نشأت یافته از علم و حکمت الهی و دارای مصلحت است .

و ءاخرون مرجون لأمر الله... و الله علیم حکیم

۶ اتخاذ عکس العمل های مختلف در برابر خطاکاران گوناگون ، مبتنی بر علم و حکمت الهی است .

و ممن حولکم... سنعذبهم... و ءاخرون مرجون... و الله علیم حکیم

برداشت فوق بر این پایه است که ذکر <علیم حکیم> نظر به عالمانه شمردن برخوردهای متفاوت خداوند در برابر خطاکاران مختلفی داشته باشد که در آیات قبل از آنان یاد شده است.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۶ - ۱۲

۱۲ حمایت خداوند از پیامبران در برابر دشمنان آنان ، مقتضای ربوبیت او و پایه قرار دادن افعالش بر حکمت و صواب است .

إني توكلت على الله ربي وربكم .. إن ربي على صراط مستقيم

<إني توكلت .. > متضمن حمایت خداوند از هود پیامبر می باشد و جمله <إن ربي .. > تعلیل برای این معناست. بنابراین راستی و درستی کارهای خداوند ، اقتضا می کند که هود(ع) را در برابر دشمنانش ، حمایت کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۲۴، ۲۵

۲۲ حکیمانه بودن افعال خدا و آگاهی او به ویژگی های یوسف (ع) ، موجب شد تا او را برگزیند و تعبیر رؤیا و تحلیل حوادث را به آن حضرت بیاموزد .

يجتبيك ربك .. إن ربك عليم حكيم

۲۴ حکمت خدا و علم او به خصلت های یوسف (ع) موجب شد تا نعمت خویش را بر خاندان یعقوب کامل کند .

و يتم نعمته عليك و على ءال يعقوب .. إن ربك عليم حكيم

۲۵ تفاوت های بشر در برخورداری از نعمت های الهی ، برخاسته از حکمت خداست .

يتم نعمته عليك و على ءال يعقوب .. إن ربك عليم حكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۰ - ۵، ۶

۵ - رحمت ، فضل ، توبه پذیری و حکمت خداوند ، جلوگیری مؤمنان از سقوط بر اثر لغزش ها و نادانی هایشان

و لولا فضل الله عليكم و

رحمته و أَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ

جواب <لولا> محذوف است و آنچه می تواند محذوف باشد به قرینه آیات پیشین و نیز آیه ۲۱ همان مضمونی است که در برداشت یاد شده آمده است.

۶- قوانین اسلامی، احکامی سنجیده، بی عیب و نقص و برخاسته از علم و حکمت الهی

و لولا فضل الله عليكم و رحمته و أَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ

برداشت فوق از وصف <حکیم> برای خداوند، پس از بیان یک سلسله از احکام و قوانین در آیات گذشته، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۴۲ - ۵

۵- عزت و حکمت خداوند، دلیل شایستگی او، برای بودنش به عنوان معبودی یکتا است.

إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

این برداشت، بنابر حال بودن جمله <و هو العزيز..> برای ضمیر <من دونه> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۷ - ۱۳

۱۳- آفرینش نخست انسان ها و باز آفرینی آنان پس از مرگ، مقتضای حکمت و عزت خداوند است.

وَ هُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ... وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۹ - ۶،۷

۶- عزت و حکمت خداوند، منشأ تخلف ناپذیری وعده های او است.

وَ عَدَّ اللَّهُ حَقًّا وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

۷- عزت و حکمت الهی، مقتضی کیفر کافران و پاداش مؤمنان است.

فبشره بعذاب أليم .. لهم جنّٰت النعيم ... و هو العزيز

الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱ - ۱۰

۱۰ - فرمان به پیامبر (ص) برای رعایت تقوا، برخاسته از علم و حکمت الهی است.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ .. إِنَّ اللَّهَ كَانِ عَلِيمًا حَكِيمًا

جمله <إِنَّ اللَّهَ..> می تواند تعلیل برای فرمان به رعایت تقوا باشد، یعنی، چون خداوند، دارای آگاهی فراوان و صاحب حکمت است، چنین فرمانی را صادر کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۷ - ۱۱

۱۱ - عزت و حکمت خداوند، مقتضی نداشتن هرگونه شریکی است.

كَلَّا بَلْ هُوَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲ - ۶

۶ - گشایش رحمت و امساک آن از سوی خداوند، ناشی از حکمت او است.

مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا .. وَ هُوَ ... الْحَكِيمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۶ - ۳،۳

۳ - انتخاب پیامبر برای هدایت انسان ها از میان خود آنان، کاری عالمانه و حکیمانه و متناسب با ویژگی های انسان ها و نیاز های آنان است.

قَالُوا رَبَّنَا عَلِّمْنَا لِكُمْ لِمَرْسَلُونَ

بیشتر مفسران برآنند که به گواه گرفتن خدا و یاد علم و دانایی او، در پاسخ کسانی که به دلیل بشر بودن پیامبران منکر رسالت

آنان بودند، می تواند برای بیان این نکته باشد که این انتخاب از سوی کسی است که عالم و حکیم است و کار او نیز

عالمانه و حکیمانه می باشد؛ مثل آیه شریفه: <اللّٰهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ> (أنعام (۶) آیه ۱۲۴).

۳- انتخاب پیامبر برای هدایت انسان ها از میان خود آنان ، کاری عالمانه و حکیمانه و متناسب با ویژگی های انسان ها و نیاز های آنان است .

قالوا ربّنا يعلم إنّنا إليكُم لمرسلون

بیشتر مفسران برآنند که به گواه گرفتن خدا و یاد علم و دانایی او، در پاسخ کسانی که به دلیل بشر بودن پیامبران منکر رسالت آنان بودند، می تواند برای بیان این نکته باشد که این انتخاب از سوی کسی است که عالم و حکیم است و کار او نیز عالمانه و حکیمانه می باشد؛ مثل آیه شریفه: <اللّٰهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ> (أنعام (۶) آیه ۱۲۴).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸ - ۱۴، ۱۳

۱۳ - آمرزش مؤمنان تائب و پیرو دین و وارد شدن آنان به بهشت از سوی خداوند ، حکیمانه و از موضع اقتدار است .

فاغفر للذین تابوا .. إنّک أنت العزیز الحکیم

یاد شدن دو صفت عزت و حکمت در پایان آیه شریفه، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

۱۴ - عزت و حکمت بی مانند خداوند ، مقتضی دل بستن و امید داشتن به ورود مؤمنان تائب و پدران ، همسران و فرزندان صالح آنان به بهشت جاویدان

ربّنا و أدخلهم جنّت .. إنّک أنت العزیز الحکیم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <إنّک أنت العزیز الحکیم> تعلیل برای جمله های پیشین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۲

۱۰ - حکمت الهی ، تضمین کننده مصونیت قرآن از تحریف و دستبرد مخالفان

لایاتیه البطل .. تنزیل من حکیم حمید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۷ - ۸

۸ - تحولات پیچیده شکوفه ها و جنین ، بنا به مقتضای علم و حکمت خداوندی است .

و ما تخرج من ثمرت من أکمامها .. إلا بعلمه

چنانچه <باء> در <بعلمه> برای سببیت باشد، مفاد آیه شریفه، این خواهد بود که همه این رخدادها براساس علم الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳ - ۸،۹،۱۰

۸ - معارف والای کتاب های آسمانی ، برخاسته از حکمت گسترده و عزت خداوندی است .

یوحی إليك .. العزیز الحکیم

ذکر صفت عزت و حکمت برای خداوند و ارتباط صدر و ذیل آیه، بیانگر برداشت یاد شده است.

۹ - انتخاب پیامبران از میان مردم ، براساس حکمت الهی است . *

کذلک یوحی إليك .. الحکیم

برداشت یاد شده بدین احتمال است که ذکر وصف حکمت برای خداوند در مقام بیان این نکته باشد که خداوند بر اساس حکمت خویش، پیامبران را بر می گزیند و به آنان وحی می کند.

۱۰ - تحقق وحی در نظام طبیعت و انتخاب آن به عنوان راه ارتباط خداوند با خلق ، متکی به عزت و حکمت او است .

کذلک یوحی إليك .. الله العزیز الحکیم

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که وصف عزیز و حکیم نظر به توجیه و تبیین اصل وحی داشته و پاسخی به دو پرسش

باشد: الف) آیا راستی وحی امری ممکن

است؟ ب) چرا شیوه وحی به عنوان راه ارتباط خدا با خلق انتخاب شده است؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۱ - ۱۶، ۱۵

۱۵ - وحی و شیوه های گوناگون آن ، متکی بر حکمت و کاردانی خداوند است .

و ما کان لبشر أن .. إنه علیّ حکیم

<حکیم> در جمله <إنه علیّ حکیم>، می تواند مرتبط با وحی و گزینش نوع آن باشد.

۱۶ - مشیت الهی در تعیین محتوای وحی ، متکی به علو مرتبه و حکمت او است .

فیوحی یاذنه ما یشاء إنه علیّ حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴ - ۷

۷ - نزول قرآن در قالب واژگان عرب ، متکی به حکمت خداوند است .

إنّا جعلناه قرءاًنا عربیّاً .. لعلیّ حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۵ - ۳

۳ - حکمت و علم گسترده خداوند ، پشتوانه فرمانروایی زوال ناپذیر او بر نظام هستی

و هو الحکیم العلیم . و تبارک الذی له ملک السموت و الأرض و ما بینهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۷ - ۸

۸ - عزت و شکست ناپذیری خداوند ، آمیخته با حکمت و کاردانی او است .

و هو العزیز الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳ - ۳

۳- کتاب تشریح و نظام تکوین ، هر دو بحق ، حکیمانه و متکی به عزت و توانمندی خداوند

تنزیل الکتب من اللّٰه العزیز

الحکیم . ما خلقنا السموت و الأرض

طرح مسأله حقانیت آفرینش آسمان و زمین و نظام تکوین در پی بیان نزول کتاب از سوی خداوند عزیز و حکیم می تواند اشاره به همگونی و هماهنگی کتاب تشریح با نظام تکوین، در حقانیت و استواری و استحکام داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۴ - ۱۹

۱۹ - علم و حکمت ازلی خداوند ، پشتوانه آفرینش قوای هستی و به کارگیری بهینه آن

و لله جنود السموت و الأرض و كان الله عليماً حكيمًا

تعبیر <و كان الله عليماً حكيمًا> در پایان آیه شریفه، می رساند که فتح مؤمنان و انزال سکینه بر آنان و بهره گیری از جنود آسمان ها و زمین، در پرتو علم و حکمت ازلی صورت می گیرد؛ زیرا نفس تکون جنود و نیز بهره گیری از آنها در موارد مختلف، نیازمند علم و حکمت گسترده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۵ - ۳

۳ - علم و حکمت الهی ، پشتوانه پاداش او به اهل ایمان *

و كان الله عليماً حكيمًا . ليدخل المؤمنين و المؤمنات جنت

در صورتی که میان ذیل آیه قبل (كان الله..) با <لیدخل...> ارتباطی لحاظ شود، مطلب بالا را می توان نتیجه گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۷ - ۵

۵ - شکل گیری و پیدایش قوانین و قوای هستی ، در پرتو عزت و حکمت ازلی خداوند *

و لله جنود السموت و الأرض و كان الله عزيزاً حكيمًا

از ارتباط

دو بخش آیه (و لله جنود.. با (و كان الله...))، می توان به مطلب بالا ره یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۷ - ۱۵

۱۵- اراده و تدبیر الهی ، متکی به علم و حکمت او

فعلم ما لم تعلموا

خداوند، با تعبیر <فعلم..> این واقعیت را به مؤمنان یادآور شده که کارها و تدابیر او، متکی به علم و آگاهی است؛ نه گزاف و بی حساب.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۸ - ۸،۹

۸ - نعمت ها و تفضلات الهی بر خلق ، متکی به علم و حکمت او است؛ نه بدون ملائک و گزاف .

فضلاً من الله و نعمه و الله علیم حکیم

۹ - افعال الهی ، براساس علم و حکمت

و لكن الله حَبَّ .. و كَرِهَ إِلَيْكُمْ ... فضلاً... و الله علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۰ - ۶،۷

۶ - اعطای فرزند به همسر پیر و عقیم ابراهیم (ع) ، متکی بر حکمت و علم الهی بود .

و قالت عجوز عقیم قالوا كذلك .. إنه هو الحكيم العليم

تصریح به علم و حکمت الهی، در پی نوید به اعطای فرزند، بیانگر مطلب بالا است.

۷ - معجزات الهی ، متکی به علم و حکمت گسترده او

و قالت عجوز عقیم . قالوا كذلك .. إنه هو الحكيم العليم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که باروری پیرزنی فرتوت و نازا، طبق عوامل طبیعی صورت نمی گیرد و آن گونه

که به همسر ابراهیم(ع) بشارت داده شد، قطعاً امری اعجازی بوده است و این اعجاز بی دلیل نمی باشد؛ بلکه نشأت یافته از علم و حکمت الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱ - ۸

۸ - عزت و حکمت خداوند ، نشانه منزه بودن او از هر عیب و نقص (همچون داشتن شریک و ...)

ما فی السموت و الأرض و هو العزیز الحکیم

توصیف خداوند به <عزیز> و <حکیم> بودن پس از یادآوری تسبیح همه موجودات برای خداوند حکایت از آن دارد که حقیقتی مانند خداوند عزیز و حکیم، از هر عیب و نقصی (مانند داشتن شریک) مبرا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۳ - ۷

۷ - مهلت یافتن کافران در دنیا ، معلول حکمت و مصلحت سنجی خداوند است ؛ نه عجز و ناتوانی او .

و هو العزیز الحکیم ... و لولا أن کتب اللّٰه علیهم الجلاء لعذبهم فی الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۲۹

۲۹ - احکام و داوری های خداوند میان خلق ، متکی به علم و حکمت گسترده او است .

یحکم بینکم و اللّٰه علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۷ - ۱۳

۱۳ - تنگدستی یاران پیامبر (ص) ، ناشی از حکمت الهی بود .

لاتنفقوا ... و لله خزائن السموت و الأرض و لكنّ المنفقین لایفقهون

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۸ - ۱

۱ - سپاسداری ، بردباری ، آگاهی از نهان و آشکار ، عزّت و حکمت خداوند ، مقتضی تقوای پیشگی ، حرف شنوی ، فرمان بری و انفاق در راه او است .

فَاتَّقُوا اللَّهَ .. اسْمَعُوا و أَطِيعُوا و أَنْفِقُوا ... و اللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ ... العزیز الح

برخی از مفسران، بر این عقیده اند که میان ذکر اوصاف خداوند در دو آیه پایانی، با فرمان الهی به تقوای پیشگی، فرمان بری و انفاق، ارتباط وجود دارد. این مطلب می تواند اشاره به برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۲ - ۱۰

۱۰ - تشریح خداوند ، برخاسته از علم و حکمت او است .

قد فرض الله لكم ... و هو العليم الحكيم

یادآوری علم و حکمت خداوند پس از تشریح قانون شکستن سوگند می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

آثار حکمت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۱۶

۱۶ توحید ناب و خالص یوسف (ع) ، اطاعتش از خدا و تقوا و پرهیزگاری او ، جلوه هایی از علم و حکمتی که خداوند به او عطا کرده بود .

ءاتینه حکمًا و علمًا .. قال معاذ الله إنه ربی أحسن مثوای

آثار درك حکمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱ - ۹

۹- درك عزت و حكمت مطلق خداوند ، برانگيزاننده موجودات هستی به تسبیح و تنزیه او

سَبِّحْ لِلَّهِ

... و هو العزيز الحكيم

جمله <و هو العزيز الحكيم> بیانگر دلیل تسبیح گویی مخلوقات است؛ یعنی، آنها بدان جهت خداوند را تسبیح می گویند که او را عزیز و حکیم می یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱ - ۱۲

۱۲ - درک فرمانروایی، قداست، عزت و حکمت خدا، برانگیزاننده موجودات هستی به تسبیح گویی او

یسَّبِحُ لِلَّهِ .. الملك القدوس العزيز الحكيم

ذکر اوصاف <ملك>، <قدوس> و... پس از <یسَّبِحُ لِلَّهِ...>، می تواند بیانگر علت تسبیح گویی موجودات باشد؛ یعنی، موجودات هستی از آن رو خدا را تنزیه می کنند که او را فرمانروای مطلق هستی، در کمال طهارت، پاکی و... می یابند.

آثار دوری از حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۴ - ۲

۲ - شرک و اعتقاد به ربوبیت جز خداوند، نتیجه سست اندیشی و دور ماندن از حکمت

قد جئتکم بالحکمه .. إنَّ الله هو ربِّي و ربِّکم

آثار ذکر حکمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۳

۳ یوسف (ع) با یادآوری نعمت های الهی و توجه به ربوبیت و علم و حکمت فراگیر خداوند، خویشتن را در محضر او احساس کرد.

إن ربی لطیف لما یشاء إنه هو العلیم الحکیم. رب قد ءاتیتنی

تغییر سیاق؛ یعنی، التفات از غیبت (إن ربی .. إنه هو العلیم) به خطاب (رب قد ءاتیتنی) حاوی نکاتی است از جمله اینکه

یوسف (ع) با یاد کردن از نعمتهای

خدادادی و توجه به ربوبیت و علم و حکمت مطلق الهی، به این حقیقت توجه پیدا کرد که خداوند حاضر و ناظر است. از این رو خود را در محضر او احساس کرد و او را مخاطب قرار داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۴ - ۷

۷- توجه به حکمت و علم گسترده خدا، مستلزم بی نیاز شمردن او از شریک و مشاور

و هو الذی فی السماء إله و فی الأرض إله و هو الحکیم العلیم

تذکر به حکمت و علم گسترده خدا، در پایان جمله ای که نفی کننده شرک و اثبات کننده توحید است، می تواند بیانگر مطلب بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۴ - ۲۰

۲۰- توجه به قدرت، علم و حکمت گسترده خداوند، مایه اطمینان قلب مؤمنان در طریق ایمان.

أنزل السکینه . . . و لله جنود السموت و الأرض و کان الله علیماً حکیماً

<لله جنود..> دال بر حاکمیت و قدرت خداوند است و این که خداوند در پایان آیه به قدرت مطلقه و علم و حکمت گسترده خود اشاره کرده است، می تواند از آن جهت باشد که نفس توجه مؤمنان به این حقیقت، خود وسیله ازدیاد ایمان و آرامش قلب آنان است.

آثار عقیده به حکمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۵ - ۱۲

۱۲- عقیده به قیامت و هدف داری و حکمت آمیز بودن جهان خلقت، موجب آسانی تحمل مشکلات و مقتضی گذشت و

نادیده گرفتن اذیت و آزار و آسیب های وارده از سوی دشمنان است .

و ما خلقنا السموت ... إلا بالحقّ ... فاصفح الصفح الجمیل

<فا> در <فاصفح> تفریع است و جمله <فاصفح ...> را بر جمله <و ما خلقنا السموات ... إلا بالحق و إن الساعه لأتیة> عطف کرده است. بنابراین، استفاده می شود که به حق آفریده شدن جهان اقتضا دارد تا انسان حق طلبی همچون رسول الله(ص) در مسیر حق بردبار باشد و تلاش خود را در برابر حق ناپذیری کافران بیهوده نپندارد.

ارزش تعلم حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۱ - ۱۰

۱۰ - زدودن آلودگی ها و ناپاکی ها از خویشان ، فراگیری قرآن و آموختن حکمت ، احکام و معارف دین ، دارای جایگاهی رفیع و ارزشمند

كما أرسلنا فيكم رسولا .. و يعلمكم الكتب و الحكمة

ارزش تعلیم حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۹ - ۹

۹ - آموزش کتاب آسمانی ؛ یادگیری حکمت ، احکام و معارف الهی و زدودن آلودگی ها و ناپاکی ها از خویشان ، دارای جایگاهی رفیع و ارزشمند در دیدگاه پیامبران الهی

ربنا وبعث فيهم رسولا منهم يتلوا .. يزكّهم

ارزش حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۰ - ۱۸

۱۸ کمال و ارزش والای علم در همراهی و آمیختگی آن با حکمت است .

و كان الله عليماً حكيماً

جلد - نام سورہ - سورہ - آيہ - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۵ -

۸- حکمت (دلایل عقلی و علمی) ، اساسی ترین و ارزشمندترین وسیله تبلیغ دین *

ادع إلى سبيل ربك بالحكمة و الموعظه الحسنه و جدلهم

برداشت فوق، بدان احتمال است که تقدم <حکمه> بر <موعظه> و <جدل>، معلول اهمیت و ارزش برتر آن باشد. به علاوه مطلق آمدن <حکمت> و مقید شدن <موعظه> به <حسنه> و <جدل> به <أحسن>، می تواند مؤید برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳ - ۵

۵ - حکمت و سنجیده کاری ، خصلتی پسندیده و ارجمند در پیشگاه خداوند

و الذین هم عن اللغو معرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۴

۴ - شناختن هستی ، آن گونه که هست و تشخیص کار خیر و انجام دادن آن (حکمت) ، امری بس مهم و ارزش مند است .

و لقد آتینا لقمن الحکمه

حکمت در لغت، به معنای <معرفت پیدا کردن به موجودات> و نیز <انجام دادن کارهای خیر> است. (مفردات راغب)

ازلیت حکمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۹ - ۶

۶ - خداوند ، دارای عزّت و حکمتی گسترده و ازلی

و کان الله عزیزاً حکیمًا

اصول حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۷

۷ - شکرگزاری به درگاه خداوند ، اصلی از اصول حکمت است .

ءاتینا لقمن الحکمه أن اشکر لله

<أن> در <أن اشکر> تفسیری بوده و حکمت را تفسیر کرده است.

اعطای حکمت

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۹ - ۱

۱ حکمت ، موهبت الهی است که خداوند به هر کس خواهد ، عطا می کند .

يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ

اعطای حکمت به موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱ - ۲،۵

۲ - اعطای حکمت و دانش به موسی (ع) از سوی پروردگار در پی فرار او از نظام فرعون

ففررت منکم . . . فوهب لی ربی حکمًا

واژه <حکم> می تواند مرادف <حکومت> (سرپرستی و تدبیر امور مردم) باشد و نیز می تواند معادل <حکمه> و به معنای دانش و معرفت باشد. برداشت یاد شده بر پایه معنای دوم است.

۵ - اعطای حکمت و دانش به موسی (ع) ، زمینه ساز نایل آمدن او به مقام رسالت

فوهب لی ربی حکمًا و جعلنی من المرسلین

جدا بودن <وهب> و <جعل> و مقدم آمدن اعطای حکمت، نشان دهنده تمایز میان آن دو و قرار داشتن <جعل رسالت> در طول اعطای حکمت است.

اهمیت تعلیم حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۳ - ۷

۷ - هدف بعثت پیامبر (ص) تعلیم کتاب و حکمت به همه انسان های عصر خود و نسل های بعد است .

و یعلّمهم الکتب . . . و آخرین منهم

اهمیت حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۴ - ۲۱

۲۱ علم و حکمت ، دو عنصر ضروری برای قانونگذاران

و المحصنات . .. انّ الله كان عليماً حكيماً

بیان علم و حکمت الهی پس

از جعل قوانین و مقررات، دلالت بر این دارد که قانونگذاران باید دارای علم و حکمت باشند و قوانین را بر این دو پایه وضع کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۶ - ۱۴

۱۴ علم و حکمت ، دو پایه اساسی برای قانونگذاران

حزمت .. و المحصنات ... و من لم يستطع ... و الله عليم حكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۰ - ۱۴

۱۴ بهره وری صحیح از امکانات ، نیازمند به حکمت و کاردانی است .

و كان الله وسعاً حكيماً

توصیف خداوند به حکیم بودن پس از توصیف او به <واسع> بودن، اشاره به این است که چون توانمندی حکیم است، می تواند امور انسانها را تدبیر کند. بنابراین قدرت و امکانات بدون حکمت، کارساز نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ حکمت و علم، دو شرط لازم در تدبیر و مدیریت است.

و تلك حجتنا .. إن ربك حكيم عليم

<رب> در لغت به معنای مدیر و مربی آمده است. توصیف رب در آیه به علم و حکمت، گذشته از دلالت آن بر علم و حکمت خداوند، اشاره ای به ضرورت وجود این دو در تدبیر و مدیریت می تواند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۲۶

۲۶ علم و حکمت شرط لازم برای ربوبیت است.

إن ربك حكيم عليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء

۳ - برخورداری از حکمت و معرفت و قرار گرفتن در زمره صالحان ، اوج کمال و سعادت انسان

رَبِّ هَبْ لِي حَكْمًا وَالْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ

با توجه به این که حضرت ابراهیم(ع)، به عنوان بزرگ ترین آرمان های ارزشی، این دو را از درگاه خدا تمنا کرده است، برداشت یاد شده استفاده می شود.

اهمیت حکمت کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲ - ۷

۷ - هر کتابی ، شایسته است که استوار و متقن و حکیمانه باشد .

الکتاب الحکیم

وصف قرآن کریم به عنوان کتاب حکیم، می تواند رهنمودی به نکته یاد شده باشد.

ایمان به حکمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۸

۸ باور و ایمان به شکست ناپذیری و حکیم بودن خداوند ، زمینه ساز توکل و اتکا بر وی

و من يتوكل على الله فإن الله عزيز حكيم

آوردن جمله <فان الله... > به جای جواب شرط و یادآوری عزت و حکمت مطلق الهی، اهدافی را تعقیب می کند که از جمله آنها ایجاد روح توکل در مؤمنان به خداوند است. یعنی اگر خداوند را عزیز و حکیم بدانید بر او توکل خواهید کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۴، ۲۶

۲۰ اعتقاد و باور یعقوب (ع) به علم و حکمت الهی ، موجب اتکا و امید آن حضرت به یاری خداوند بود .

عسى الله أن يأتيني بهم جميعًا إنه هو العليم الحكيم

جمله <إنه هو...>

تعلیل برای <عسی الله...> می باشد.

۲۱ باور به علم خدا و حکیمانه بودن افعال او ، زمینه ساز امید و اتکا به اوست .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعاً إنه هو العلیم الحکیم

۲۲ باور و توجه به انحصار علم و حکمت در خداوند ، زمینه ساز قطع امید از غیر اوست .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعاً إنه هو العلیم الحکیم

هر چند جمله <عسی الله...> حاوی حصر نیست، ولی می توان گفت حصری که از تعلیل (إنه هو...) استفاده می شود به آن جمله نیز سرایت می کند. بنابراین مفاد (عسی الله...) چنین می شود: من تنها به خدا امید دارم و به غیر او امیدی ندارم زیرا تنها او دانا و حکیم مطلق است.

۲۴ باور یعقوب (ع) به علم و حکمت خداوند ، موجب بهره مندی وی از صبر و شکیبایی بود .

فصبر جمیل .. إنه هو العلیم الحکیم

جمله <إنه هو...> علاوه بر اینکه تعلیل برای <عسی الله...> است می تواند بیان علت برای <فصبر جمیل> نیز باشد. برداشت فوق ، ناظر به این احتمال است.

۲۶ باور و توجه به عالمانه و حکیمانه بودن افعال الهی ، آدمی را به صبر و شکیبایی در تنگنا ها و حوادث دشوار ، وامی دارد .

فصبر جمیل .. إنه هو العلیم الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۳۱

۳۱ مطالعه سرگذشت یوسف (ع) ، زمینه باور و توجه به ربوبیت خدا و علم و حکمت اوست .

إن ربی لطیف لما یشاء إنه هو

العلیم الحکیم

پاداش حکمت به موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۴ - ۵

۵ - بهره مند شدن موسی (ع) از حکمت و دانش ، پاداش الهی در برابر احسان و نیکوکاری وی

ءاتینه حکماً و علماً و كذلك نجزی المحسنین

پرسش از حکمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۴

۴ پیدایش سؤالهایی درباره علم و حکمت خداوند و امتیازات یوسف (ع) ، باعث طرح داستان یوسف (ع) در قرآن

إن ربك علیم حکیم. لقد كان فی یوسف و إخوته آیت للسانین

تعلیم حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۹ - ۷ - ۲

۲ - تلاوت آیات الهی ، تعلیم کتاب آسمانی ، آموزش حکمت (معارف و احکام دین و ...) و پاکسازی نسل ابراهیم و اسماعیل (ع) از آلودگی ها و ناخالصی ها ، از ویژگی های پیامبری که ابراهیم و اسماعیل (ع) خواستار بعثت او بودند .

ربنا وبعث فیهم رسولا منهم یتلوا علیهم آیتک و یعلمهم الکتب و الحکمه و یرزقهم

۷ - تلاوت آیات خدا ، تعلیم کتاب آسمانی ، آموزش حکمت و پاکسازی مردم از آلودگی ها ، از وظایف پیامبران و از اهداف بعثت ایشان است .

یتلوا علیهم آیتک و یعلمهم الکتب و الحکمه و یرزقهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۱ - ۸

۸ - تعليم حقايق و معارف قرآن و آموزش حكمت

به مردم ، از وظایف پیامبر (ص) و از هدف های رسالت اوست .

و يعلمکم الکتب و الحکمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۸ - ۴

۴ خداوند به عیسی (ع) ، کتاب (قوانین الهی) ، حکمت (معارف الهی) ، تورات و انجیل را آموخت .

و یعلمه الکتب و الحکمه و التوریه و الانجیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۴ - ۷،۹

۷ تلاوت آیات الهی ، تزکیه نفوس و تعلیم کتاب و حکمت ، سرلوحه برنامه ها و مسؤولیت های پیامبر (ص)

اذا بعث فیهم رسولا .. یتلوا علیهم آیته و یرکبهم و یعلمهم الکتب و الحکمه

۹ طهارت و پاکی نفس ، زمینه فراگیری دانش کتاب الهی و حکمت

یتلوا علیهم آیته و یرکبهم و یعلمهم الکتب و الحکمه

تقدّم ذکری < تزکیه > بر < تعلیم کتاب > ، بیانگر این نکته است که بدون تزکیه ، فراگیری دانش کتاب الهی ، به گونه ای که مقصود انبیاست ، ممکن نیست .

تلاوت حکمت در خانه همسران محمد (ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۴ - ۸

۸ - در خانه های همسران پیامبر ، آیات خدا و حکمت ، تلاوت می شده است .

و اذکرن ما یتلی فی بیوتکن من آیت الله و الحکمه

جایگاه حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۱۵

۱۵ - قلب و دل آدمی باید منشأ بروز حقایق و معارف الهی

بوده و خاستگاه علم و حکمت باشد .

و إن من الحجارة لما يتفجر منه الأنهر و إن منها لما يشقق فيخرج منه الماء

حکمت آل ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۴ - ۸

۸ اعطای کتاب و حکمت (پیامبری) و ملک عظیم به آل ابراهیم (ع) ، از تفضلات الهی

فقد اتینا ال ابرهیم الکتب و الحکمہ و اتیناهم ملکاً عظیماً

برخی از مفسران برآنند که مراد از حکمت، نبوت و پیامبری است.

حکمت ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۳ - ۱

۱ - ابراهیم (ع) ، خواستار دانش و شایستگی از درگاه پروردگار

ربِّ هب لی حکماً وألحقنی بالصلحین

<حکم> می تواند مرادف <حکومه> (سرپرستی و تدبیر امور مردم) و یامعادل <حکمت> (دانش و معرفت) باشد. برداشت یاد شده، بر پایه معنای دوم است.

حکمت الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۶ - ۵۸

۵ پیروزی جبهه مؤمنان ، پرتویی از عزت و حکمت خداوند

و ما النصر الا من عند الله العزيز الحكيم

۸ تعلق نصرت الهی به پیکارگران اهل صبر و تقوا ، برخاسته از حکمت خداوند

ان تصبروا و تتقوا .. و ما النصراً من عند الله العزيز الحكيم

حکمت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۹ - ۵،۹

۵ کتاب و حکمت ، عطیه الهی به انبیا

ان یؤتیه الله الكتاب و الحكم

بنابراینکه <الحکم>، به معنی حکمت باشد.

۹ ناسازگاری

مقام نبوت و دارا بودن کتاب و حکمت ، با دعوت مردم به پرستش خویش

ما كان لبشر . . . ثم يقول للناس كونوا عباداً لي من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۱ - ۳۸

۳ کتاب و حکمت ، عطیه الهی به انبیا

لما اتيتکم من کتاب و حکمه

۸ میثاق الهی از انبیا ، قبل از دادن کتاب و حکمت به آنها

و اذ اخذ الله میثاق النبیین لما اتيتکم من کتاب و حکمه

بنابراینکه <لما>، شرطیه باشد.

حکمت پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۹

۹ پادشاه مصر در عصر یوسف ، فردی با فراست و از حکمت و تدبیر برخوردار بود .

وقال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما کلمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمين

حکمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۲ - ۶،۹

۶ - خداوند ، تنها حقیقتی که دارای علم و حکمت مطلق است .

إنک أنت العليم الحکیم

مقرون بودن خبر (العليم الحکیم) به <ال> و نیز وجود ضمیر فصل <أنت> در جمله، دلالت بر حصر دارد.

۹ - هدف از فرمان خدا به فرشتگان (در بیان نام های حقایق) ، یادآوری عالمانه و حکیمانه بودن افعال الهی و آگاه ساختن آنان به برتری علمی آدم (ع) بود .

أنبئونی بأسماء هؤلاء .. قالوا سبحنک ... إنک أنت العليم الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۹ - ۳

- تعیین مسجدالحرام به عنوان قبله ، حکمی حق (حکمت آمیز و به جا) و از ناحیه خداوند

و إنه للحق من ربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۹ - ۹،۱۲

۹ مقتضای حکمت الهی ، عقابِ خطاکاران پس از بیان احکام و ارائه ادله روشن است .

فان زللتم من بعد ما جاء تکم الیّنات . . ان الله عزیز حکیم

۱۲ آگاهی از عزت و حکمت الهی ، زمینه تسلیم در برابر خداوند و دوری از متابعت شیطان

ادخلوا فی السلم . . و لا تتبعوا ... ان الله عزیز حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۰ - ۲۴،۲۱،۲۰

۲۰ تشریح احکام ، بر اساس حکمت الهی

و یسئلونک عن الیتامی . . ان الله عزیز حکیم

۲۱ عزّت و نفوذناپذیری خداوند در انجام خواسته های حکیمانه خویش

و لو شاء الله لاعتکم ان الله عزیز حکیم

۲۴ حکمت الهی مانع از اراده و جعل احکام دشوار و مشقت آمیز

و لو شاء الله لاعتکم ان الله عزیز حکیم

جمله <ان الله...> دلیل است برای <لو شاء...> یعنی حکمت او مانع است از اینکه احکامی دشوار و مشقت آمیز جعل کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۸ - ۲۴

۲۴ احکام و قوانین الهی ، از جمله قوانین مربوط به زندگی زن و شوهر ، حکیمانه و برخاسته از حکمت خداوند است .

و المطلقات یتربصن . . . و الله عزیز حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۰ - ۱۲

۱۲ تشریح احکام بر اساس حکمت الهی

و الله عزیز حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۷ - ۲۱

۲۱ خواسته ها و مشیت های الهی ، بر اساس ملاک و حکمت است ؛ نه گزاف و بیهوده

و زاده بسطه فی العلم و الجسم و الله یؤتی ملکه من یشاء

خداوند از یک سو اعطای ملک را برخاسته از مشیت خویش شمرده، و از سوی دیگر ملاک انتخاب طالوت را بیان می کند ؛ بنابراین مشیت الهی بر اساس ملاک و حکمت است ؛ نه بی حساب و گزاف.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۰ - ۲۳، ۲۵

۲۳ جمع میان اجزای پراکنده مردگان و احیای آنان ، بر اساس حکمت خداوندی

ثم اجعل . . . ثم ادعهنّ ... انّ الله عزیز حکیم

۲۵ توجه به عزّت و حکمت الهی ، هموارکننده شناختِ چگونگی زنده شدن مردگان

و اعلم انّ الله عزیز حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶ - ۴، ۶

۴ شکل گیری انسان در رَجَم ، نشانه اقتدار و حکمت خداوند است .

هو الذی یصورکم . . . لا اله الا هو العزیز الحکیم

۶ مشیت و خواسته های خداوند ، بر اساس حکمت است .

كيف يشاء لا اله الا هو العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۸ - ۱۴، ۱۳

۱۳ اقتدار و حکمت الهی ، اساس قسط و عدل اوست .

قائماً بالقسط

لا اله الا هو العزيز الحكيم

۱۴ نظام عادلانه آفرينش ، نشان وحدانيت ، اقتدار و حكمت الهی است .

قائماً بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم

گويا جمله <لا-اله الا-هو .. > ، بيان نتيجه ای است برای <قائماً بالقسط> . يعنى نظام عادلانه دلالت می کند بر توحيد ، عزت ، اقتدار و حكمت خداوند .

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۹ - ۲

۲ عدالت ، يكتايی ، اقتدار و حكمت خداوند مقتضى تسليم شدن انسان ، تنها در برابر او

قائماً بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم . انّ الدّين عند الله الاسلام

مستفاد از ارتباط آيه مورد بحث با آيه پيشين .

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۷ - ۳

۳ تبديل تدريجی شب و روز ، به يکديگر (فاصله بين الطلوعين و غروب) به قدرت و حكمت الهی

انّك على كل شيء قدير . تولج اليل في النهار

بنابراينكه <تولج> به معنای تبديل تدريجی باشد .

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۸ - ۳

۳ تعليم و تعلم كتاب الهی و حكمت ، ارزشی والا

و يعلمه الكتاب و الحكمه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳۴ سهم تعیین شده در ارث ، نشأت گرفته از علم و حکمت خداوند

یوصیکم الله فی اولادکم .. انّ الله کان علیماً حکیماً

۳۵ نظام حقوقی اسلام ، نشأت گرفته از علم و حکمت خداوند

یوصیکم الله فی اولادکم ..

انّ الله كان عليماً حكيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۷ - ۹

۹ علم و حکمت الهی ، اساس پذیرش توبه گنهکاران

انّما التّوبه علی الله .. و كان الله عليماً حكيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۴ - ۱۹،۲۰

۱۹ احکام و قوانین ازدواج و مسائل جنسی برخاسته از علم و حکمت خداوند

و المحصنات .. انّ الله كان عليماً حكيماً

۲۰ تشریح ازدواج موقت و مقررات آن ، برخاسته از علم و حکمت خداوند

فما استمتعتم به منهنّ .. انّ الله كان عليماً حكيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۶ - ۱۱،۱۲

۱۱ تبیین احکام و ارائه سنن پیشینیان از سوی خداوند ، برخاسته از علم و حکمت او

یرید الله .. و الله علیم حکیم

۱۲ بازگشت خداوند به بندگان خویش ، برخاسته از علم و حکمت اوست .

و یتوب علیکم و الله علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۶ - ۱۱،۱۲،۱۴

۱۱ اعمال قدرت خداوند ، حکیمانه است .

انّ الله كان عزيزاً حكيماً

۱۲ وارد ساختن کافران به آتش و عذاب آنان در دوزخ ، بر اساس حکمت خداوند

انّ الذين كفروا باياتنا سوف نصليهم ناراً .. انّ الله كان عزيزاً حكيماً

تذکر به حکمت خداوند پس از بیان عذاب کافران، اشاره به حکیمانه بودن چنین عملی است.

۱۴ عزت و حکمت الهی ، مقتضی عذاب مستمر دوزخیان کفرپیشه *

انّ الذين كفروا ..

انّ الله كان عزيزاً حكيماً

بنابر اینکه جمله <انّ الله .. >، بیان علتی برای <سوف نصليهم ناراً> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۲۹،۳۰

۲۹ خداوند ، دانایی با حکمت است .

و كان الله عليماً حكيماً

بنابر اینکه <حکیماً> صفت <علیماً> باشد.

۳۰ تشریح قانون دیه و کفّاره در مورد قتل خطائی ، بر اساس علم و حکمت گسترده خداوند است .

و من قتل مؤمناً خطأ .. و كان الله عليماً حكيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۴ - ۱۳،۱۴

۱۳ خداوند ، دانایی کاردان است .

كان الله عليماً حكيماً

۱۴ فرمان خداوند به مسلمانان در مورد تعقیب دشمنان ، فرمانی حکیمانه و با آگاهی کامل به مصالح آنان است .

ولا تهنوا في ابتغاء القوم .. و كان الله عليماً حكيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۱ - ۸

۸ خداوند ، دانایی کاردان است .

و كان الله عليماً حكيماً

بنابر اینکه <حکیماً>، صفت <علیماً> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۰ - ۱۱،۱۳

۱۱ تشریح طلاق از جانب خداوند ، برای زندگی های مسالمت ناپذیر ، حکمی حکیمانانه است .

و إن يتفرقا .. و كان الله وسعاً حكيماً

۱۳ گستردگی فضل خداوند و حکمت او ، مقتضی رفع نیاز های زن و شوهر پس از طلاق

و إن يتفرقا يغن الله كلا من سعته و كان الله وسعاً حكيماً

جلد - نام سوره - سوره -

۶ معراج حضرت مسیح (ع) امری حکیمانه و پرتوی از عزتمندی خداوند

بل رفعه الله إليه و كان الله عزيزاً حكيماً

بیان عزتمندی و کاردانی خداوند پس از جمله <بل رفعه الله اليه> برای اشاره به این است که بالا بردن عیسی (ع) برخاسته از حکمت و عزت خداوند بوده است.

۷ عزت، قهر و غلبه خداوند، آمیخته با حکمت است.

كان الله عزيزاً حكيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ فرستادن پیامبران مقتضای عزتمندی و حکمت خداوند

رسلا مبشرين و منذرين .. و كان الله عزيزاً حكيماً

۱۲ غلبه خداوند در احتجاج و استدلال، برخاسته از حکمت بی پایان اوست. *

لئلا يكون للناس على الله حجة .. و كان الله عزيزاً حكيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ بعثت پیامبر (ص) و نزول قرآن برخاسته از علم و حکمت خداوند

يأيتها الناس قد جاءكم الرسول بالحق من ربكم .. و كان الله عليماً حكيماً

۱۷ اختیار انسان ها در انتخاب ایمان و کفر، برخاسته از علم و حکمت خداوند

فامنوا خيراً لكم و إن تكفروا .. و كان الله عليماً حكيماً

یادآوری علم و حکمت خداوند در ذیل آیه اشاره به این است که تمامی معارف یاد شده در آیه و از جمله آنها اختیار آدمی، عالمانه و حکیمانه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵

۱۱ خداوند ، مقتدر و کاردان است .

و الله عزيز حكيم

۱۲ خداوند ، مقتدری کاردان است .

و الله عزيز حكيم

بنابر اینکه <حكيم> صفت برای <عزيز> باشد.

۱۳ تشریح حد سرقت ، جلوه ای از عزت و حکمت خداوند

فاقطعوا ايديهما .. و الله عزيز حكيم

توصیف خداوند به <عزيز> و <حكيم> پس از بیان حد سرقت، نقش این دو صفت را در تشریح آن حد نشان می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۰ - ۱۳

۱۳ خداوند ، توانایی حکیم است . *

و الله على كل شيء قدير

<قدير> به کسی گفته می شود که بر هر کاری توانا باشد و آن را بر اساس حکمت انجام دهد. (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۸ - ۱۲، ۱۳

۱۲ تمامی افعال خداوند و حتی آموزش مشرکان ، بر اساس حکمت است .

و إن تغفر لهم فانك انت العزيز الحكيم

۱۳ عذاب های خداوند ، برخاسته از عزت و حکمت اوست .

و إن تعذبهم .. فانك انت العزيز الحكيم

جمله <فانك انت ..> همانگونه که جزای مقدر در <ان تغفر لهم> را بیان کرده است می تواند به جزای تقدیری <ان تعذبهم> نیز نظر داشته باشد در این صورت مفاد آیه این می شود: هیچ جای اعتراضی بر خداوند نیست زیرا وی اولاً عزیز است و محکوم هیچ حکمی نخواهد شد و ثانیاً حکیم است و افعال وی و از جمله عذاب و مغفرت بندگان همواره بر اساس حکمت است.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۸ - ۳،۴

۳ تنها خداوند، حکیم (کاردان) و خیر (آگاه به دقایق امور) است.

و هو الحکیم الخیر

معرفه بودن مبتدا (هو) و خبر (الحکیم الخیر) بیانگر حصر است.

۴ قهر و غلبه خداوند بر اساس حکمت و آگاهی کامل و دقیق اوست.

و هو القاهر فوق عباده و هو الحکیم الخیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۳ - ۱۰

۱۰ ارتقای درجه پیامبران و اعطای حجت به آنها، جلوه ای از حکیمانه و عالمانه بودن افعال الهی است.

تلك حجتنا .. نرفع درجت ... إن ربك حکیم علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۸ - ۲۴،۲۵

۲۴ افعال خداوند بر اساس علم و حکمت اوست.

قال النار مثویکم .. إن ربك حکیم علیم

۲۵ مشیت الهی سرچشمه گرفته از علم و حکمت اوست.

إلا ما شاء الله إن ربك حکیم علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۰ - ۶،۸

۶ پیروزی مسلمانان در جنگ بدر، گسیل هزاران فرشته برای امداد مجاهدان در آن جنگ، بشارت دهی و اطمینان بخشی به

واسطه آنان ، پرتوی از عزتمندی و کاردانی خداوند

و ما النصر إلا من عند الله إن الله عزيز حكيم

جمله <إن الله عزيز حكيم> تعلیلی است برای تمامی مسائلی که در این آیه و آیه قبل مطرح شده بود. یعنی سرچشمه آنچه بیان شد، عزت و حکمت خداوند است.

۸ - خداوند ، غالب و پیروز در انجام هر کار

، و تمام افعال وی بر اساس حکمت است .

إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۷، ۱۲

۷ خداوند ، مؤمنان متوکل بر وی را بر دشمنانشان پیروز و کارهای آنان را حکیمانه سامان خواهد بخشید .

و من يتوكل على الله فإن الله عزيز حكيم

جواب شرط <و من يتوكل على الله> حذف شده و جمله <فان الله .. > جانشین آن شده و دلالت بر آن دارد که تقدیر جمله چنین است: و من يتوكل على الله ينصره و يحكم أمره فان الله

۱۲ قدرت و غلبه خداوند با حکمت و کاردانی است .

فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۳ - ۱۲، ۱۳

۱۲ خداوند ، شکست ناپذیر و بسیار کاردان است .

إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

۱۳ ایجاد الفت و محبت بین مؤمنان ، پرتوی از عزت و حکمت خداوند

و أَلْفٌ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ .. و لَكِنَّ اللَّهَ أَلْفٌ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۱۲

۱۲ خداوند ، شکست ناپذیر و بسیار کاردان است .

وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۱ - ۹،۱۰

۹ خداوند ، بسیار دانا و کاردان است .

و الله علیم حکیم

۱۰ علم و حکمت گسترده الهی ، پشتوانه وعده الهی به ناکامی خائنان به پیامبر (ص) و دین الهی

فقد خانوا الله من قبل فأمكن

منهم و الله عليم حكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۵ - ۶،۷

۶ پذیرش توبه مشرکان و کفار و قبول اسلام آنان از سوی خداوند ، برخاسته از علم و حکمت اوست .

و يتوب الله على من يشاء و الله عليم حكيم

۷ جنگ با دشمنان پیمان شکن و دعوت آنان به توبه و بازگشت به دامن اسلام ، دستوری برخاسته از علم و حکمت خداوند

قتلوهم .. و يتوب الله على من يشاء و الله عليم حكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۸ - ۱۹،۲۱

۱۹ ممنوعیت مشرکان از نزدیک شدن به مسجدالحرام ، حکمی است مبتنی بر علم و حکمت گسترده خدا .

يأيتها الذين آمنوا إنما المشركون نجس فلا يقربوا المسجد الحرام .. إن الله عليم

۲۱ علم و حکمت گسترده خداوند ، پایه و اساس مشیت و اراده او

إن شاء إن الله عليم حكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۱۸

۱۸ علم خداوند ، آمیخته با حکمت است .

و الله عليم حكيم

برداشت فوق بر این اساس است که <حکیم>، صفت <علیم> باشد نه خبر دوم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۲۴،۲۵

۲۴ عزت و حکمت الهی ، تضمین کننده تحقق وعده ها و بشارت های او به مؤمنان

أولئك سيرحمهم الله إن الله عزيز حكيم

۲۵ وعده الهی به شمول رحمتش بر مؤمنان ، نشأت یافته از حکمت اوست نه عجز از

افاضه رحمت فعلی .

أولئك سيرحمهم الله إن الله عزيز حكيم

جمله <إن الله .. > می تواند تعلیلی برای پرسش مقدر باشد، که چرا خداوند نزول رحمت به مؤمنان را موکول به آینده کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۰ - ۷

۷ برخورد شدید خداوند با بناکنندگان مسجد ضرار ، متکی بر علم و حکمت او بود .

والذین اتخذوا .. لا تقم فيه ... فانهار به فی نار جهنم ... و الله علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۶ - ۱۱

۱۱ افعال خداوند و تدبیرات او ، به تمامی براساس حکمت و بر طریق صواب است .

إن ربي على صراط مستقيم

بر صراط مستقیم بودن شخص ، به معنای راستی و درستی کارهای اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۲۵

۲۵ یعقوب (ع) گرفتار شدن به فراق فرزندانش (یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی) را حاوی حکمت و مصلحتی الهی می دید .

فصبر جميل .. إنه هو العليم الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۹ - ۱

۱- خداوند ، آسمان ها و زمین را هدفمند و بر اساس حکمت آفرید .

ألم تر أن الله خلق السموت و الأرض بالحقّ

<حق> در برابر باطل (بیهوده) است و مراد از آن، این است که فاعل حق برای کارش هدفی پسندیده در نظر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۱- خداوند آسمان ها ، زمین و موجودات در فضا را بر اساس حق (حکیمانه و با مقصودی صحیح) آفرید .

و ما خلقنا السموت و الأرض و ما بينهما إلا بالحقّ

یکی از موارد کاربرد واژه <حق> جایی است که کاری به مقتضای حکمت و بر اساس مصلحت انجام پذیرفته باشد (مفردات راغب). برداشت فوق بر اساس این کاربرد است.

۲- نظام آفرینش (آسمان ها ، زمین و موجودات در فضا) ، نظامی هدفدار و حکیمانه است .

و ما خلقنا السموت و الأرض و ما بينهما إلا بالحقّ

واژه <حق> در مقابل <باطل> است و باطل؛ یعنی، پوچ و بی هدف. بنابراین لغت <حق> که متضمن معنای حکمت و مصلحت است می تواند بیانگر هدف داری باشد. مؤید آن آیات متعددی است که بطلان و پوچی در آفرینش جهان را نفی می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲- عزّت و حکمت ، مظهر عالی ترین صفات خداوند

و لله المثل الأعلى و هو العزيز الحكيم

۱۳- عزّت و حکمت خداوند ، ناسازگار با اسناد دختر به او

و يجعلون لله البنت .. و هو العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- مجموعه اوامر و نهی های خداوند ، که به پیامبر (ص) وحی شد ، رهنمودهایی حکیمانه است .

ذلك ممّا أوحى إليك ربّك من الحكمة

مشارالیه <ذلك> مجموعه تعالیم، اعم از نواهی و اوامری می باشد که در چند آیه

قبل آمده است.

۲- دعوت به توحید ، خداپرستی ، احسان به والدین ، اجتناب از پرخاشگری بر آنان ، دعا برای والدین و پرداخت حقوق خویشاوندان ، تعالیمی حکیمانه و وحی الهی است .

ذَٰلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ

۴- ارائه تعالیمی حکیمانه از سوی خداوند برای بشر ، مقتضای ربوبیت اوست .

ذَٰلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۴ - ۴

۴ - افعال خداوند و آفرینش موجودات ، حکیمانه و خردمندانه است .

الْحَقُّ

<حَقٌّ> به کسی گفته می شود که براساس حکمت، چیزی را ایجاد کند (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۱ - ۹

۹- رام کردن تندباد ها و به فرمان درآوردن آنها برای سلیمان (ع) ، کاری حکیمانه و عالمانه از سوی خداوند بود .

و لسلیمن الريح عاصفه . .. و کُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عٰلَمِیْنَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۰ - ۳

۳ - پذیرش توبه بندگان از سوی خداوند ، توأم با حکمت او است .

أَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ

برداشت یاد شده، از آمدن وصف <حکیم> پس از وصف <توَّاب> و ارتباط میان آن دو استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۸ - ۲۲، ۲۱

۲۱ - تبیین و تشریح آیات الهی از سوی خداوند ، عالمانه و حکیمانه است .

كذلك يبين الله لكم الآيت و الله عليم حكيم

جمله < و الله عليم حكيم > جمله ای معترضه و یا حالیه

است که در هر صورت، بیانگر این نکته است که تبیین و تشریح آیات از سوی خدای علیم و حکیم است و همه کارهای او عالمانه و حکیمانه می باشد.

۲۲ - احکام و قوانین الهی ، عالمانه ، حکیمانه و مطابق با علم و حکمت

لیستئذنکم الذین ملکتم أیمنکم .. کذلک یتین الله لکم الایة و الله علیم حکیم

آمدن جمله <و الله علیم حکیم> یعنی، یادآوری علم و حکمت خداوند پس از بیان احکام مربوط به روابط فرزندان با پدر و مادرشان، می تواند به منظور حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۹ - ۶،۷

۶ - تبیین و تشریح آیات الهی از سوی خداوند ، عالمانه و حکیمانه است .

کذلک یتین الله لکم ءایته و الله علیم حکیم

۷ - احکام و قوانین الهی ، عالمانه ، حکیمانه و مطابق با علم و حکمت است .

و إذا بلغ الأطفل منکم الحلم فلیستئذنوا .. کذلک یتین الله لکم ءایته و الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ اعطای گنج و ثروت فراوان به پیامبر (ص) ، بر خلاف حکمت الهی و مصلحت او بود .

أو یلقى إلیه کنز أو تکون له جنّة .. إن شاء جعل لک خیرًا من ذلک جنّت ... و یجع

خداوند در آیه شریفه، به انتظار کافران از پیامبر(ص) مبنی بر داشتن باغ های پرثمر پاسخ گفت و ولی نسبت به داشتن گنج و ثروت فراوان پاسخ نفرمود. از این نکته می توان استفاده کرد که داشتن

گنج و ثروت بسیار بر خلاف حکمت الهی و مصلحت است و این امر، چنان روشن است که نیاز به پاسخ گویی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶ - ۶

۶ - خداوند ، حکیمی بی مانند و دانایی بی همتا است .

من لدن حکیم علیم

تنکیر در <حکیم> و <علیم> برای بیان تفخیم است؛ یعنی، <حکیم أئی حکیم> و <علیم أئی علیم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۶ - ۶

۶ - تأمین تمام نیاز های روحی و جسمی انسان ، در پرتو تدبیر حکیمانه خداوند

جعلنا الیل لیسکنوا فیه و النهار مبصرًا

از این که خداوند شب را برای آرامش بشر قرار داده و برای حرکت و تلاش وی روز را آفریده است، استفاده می شود که نیازهای بشر حتی استراحت وی از دید خداوند پنهان نبوده و آن را تأمین کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۶ - ۱۱

۱۱ - اتکای حضرت ابراهیم (ع) به عزت و حکمت خداوند در هجرت خویش

إِنِّي مهاجر إلى رَبِّي إِنَّهُ هُوَ العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۷ - ۱۱، ۱۲

۱۱ - عزت و شکست ناپذیری خداوند ، آمیخته با حکمت و کاردانی او است .

و هو العزيز الحكيم

۱۲ - عزت و حکمت خداوند ، مظهر عالی ترین صفات او است .

و له المثل الأعلى . . . و هو العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۹ - ۸

۸ - عزت و شکست ناپذیری خداوند ، آمیخته به حکمت و رعایت مصالح است .

و هو العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۷ - ۶،۷

۶ - عزت و حکمت خداوندی ، دلیل بی شماری کلمات و مقدرات او است .

ما نفدت کلمت الله إنّ الله عزيز حکيم

جمله < إنّ الله عزيز حکيم > به منزله تعلیل برای <مانفدت.. > است. بنابراین، معنا چنین می شود: <کلمات خداوند، پایان ناپذیر است؛ چون او حکیم و عزیز است.>.

۷ - عزت الهی ، آمیخته به حکمت (کاردانی) او است .

إنّ الله عزيز حکيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱ - ۱۱

۱۱ - فرمان به تبعیت نکردن از کافران و منافقان ، برخاسته از علم گسترده و حکمت خداوندی است .

يأيتها النبي... و لاتطع الكافرين و المنفقين إنّ الله كان عليماً حكيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱ - ۸

۸ - مالکیت مطلق خدا بر موجودات و حکمت و آگاهی او ، جلوه ای از کمال های او است .

الحمد لله الذي له ما في السموت و ما في الأرض.. و هو الحكيم الخبير

از آن جایی که حمد در برابر کمال است، آوردن صفت های مالکیت، حکمت و آگاهی پس از بیان اختصاص داشتن همه حمدها به خداوند، می تواند به منظور القای نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت -

۶- قرآن ، نازل شده از سوی پروردگار کاردان و ستوده

تنزیل من حکیم حمید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳ - ۶

۶- عزت و پیروزمندی خداوند ، آمیخته با حکمت و کاردانی او است .

الله العزيز الحكيم

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <حکیم> صفت <عزیز> باشد؛ نه وصف دوم <الله> البته در صورت دوم نیز مطلب قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۲ - ۹

۹- تفاوت سطح معیشت و جایگاه اجتماعی انسان ها ، مبتنی بر حکمت و تدبیر الهی است .

و رفعنا بعضهم فوق بعض درجات لیتخذ بعضهم بعضاً سخراً

بیان تفاوت سطح زندگی انسان ها همراه با فلسفه آن، نشانگر آن است که این کار از روی حکمت صورت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۴ - ۶

۶- الوهیت یگانه و بی شریک خداوند ، بر هستی ، همراه با کاردانی و آگاهی ژرف

و هو الذي في السماء إله و في الأرض إله و هو الحكيم العليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲ - ۸

۸ - عزت و اقتدار الهی ، عزتی آمیخته به حکمت

الله العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳ - ۴

۴ - کتاب تشریح (قرآن) و کتاب تکوین (نظام طبیعت) ، هر دو متکی به مبدئی یگانه ، مقتدر

تنزیل الکتب من اللہ العزیز الحکیم . إنّ فی السموت و الأرض لآیت

از ارتباط دو آیه و این که در آیه قبل سخن از <کتاب تشریح> و در این آیه سخن از <نظام تکوین> به میان آمده است؛
همگونی و منشأ یگانه هر دو استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۷ - ۹

۹ - ربوبیت خداوند بر هستی ، متکی بر حکمت و کاردانی او

ربّ العلمین .. و هو العزیز الحکیم

از ارتباط واژه <حکیم> با <ربّ العالمین>، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲ - ۱۲

۱۲ - عزّت و قدرت شکست ناپذیر خداوند ، آمیخته با حکمت و کاردانی او

العزیز الحکیم

از کنار هم آمدن وصف <عزیز> و <حکیم>، مطلب یاد شده قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۷ - ۶

۶ - عزت و شکست ناپذیری خداوند ، آمیخته با حکمت و کاردانی او

و کان اللّٰه عزیزاً حکیمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۲۳

۲۳- افعال الهی ، دارای فلسفه و حکمت

و لولا رجال مؤمنون .. لیدخل الله فی رحمته من یشاء

تعبیر <لیدخل..>، بیانگر فلسفه و حکمت صلح حدیبیه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵ - ۴

۴ - خداوند جهان آفرین حکیم و قادر ، بی نیاز از گرافه گویی و صادق در وعده های خویش

والذریۃ ذرّوا .

فالحملت وقرًا . فالجريت يسرًا . فالمقسّمت أمرًا . إنّما تو

با توجه به این که <إنّما..> جواب سوگندهای آیات پیشین است، از ارتباط نزدیک میان جواب قسم و مقسم به، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۰ - ۵

۵ - مرگ ، نشانه ناتوانی خداوند از زنده نگه داشتن مردم نیست ؛ بلکه تقدیری حکیمانه است .

نحن قدّرنا بینکم الموت و ما نحن بمسبوقین

آیه شریفه درصدد بیان این حقیقت است که وجود مرگ در میان انسان ها، نشانگر این نیست که عواملی بیرون از اراده الهی آنان را از میان می برد و خداوند با این که می خواهد که آنها را زنده نگه دارد، آن عوامل بر اراده او غلبه پیدا می کنند. خدا مغلوب چیزی واقع نمی شود؛ بلکه مرگ تقدیری حکیمانه از سوی او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۳ - ۱

۱ - کار های خداوند ، دارای هدف و حکمت است .

نحن جعلنھا تذکره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱ - ۷

۷ - عزّت و اقتدار الهی ، آمیخته با حکمت (کاردانی و مصلحت سنجی) است .

و هو العزیز الحکیم

قرار گرفتن صفت <حکیم> پس از صفت <عزیز>، بیانگر آمیختگی حکمت و عزت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۴ - ۱۴، ۳

۳- آفرینش الهی ، متکی به تقدیر و سنجشی حکیمانه و مبرا از هرگونه ضعف

هو الله الخلق البارئ

برخی از مفسران، برآنند که در معنای <خالق> آفرینش همراه با تقدیر و حکمت نهفته است و <بارئ> می تواند دربردارنده معنای <پیراستن> باشد.

۱۴ - اقتدار و پیروزمندی خداوند ، آمیخته با حکمت و مصلحت دانی او

العزیز الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۵ - ۹

۹ - پیروزمندی و اقتدار الهی ، آمیخته با حکمت او است .

إنک أنت العزیز الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱ - ۸

۸ - عزت و حکمت ، تنها از آن خداوند است .

و هو العزیز الحکیم

مسند در <هو العزیز..> همراه با الف و لام جنس و مفید حصر است؛ یعنی، <ما العزیز إلا هو و ما الحکیم إلا هو>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۸ - ۴

۴ - رهنمودها و فرمانهای خداوند ، حکیمانه است .

فَاتَّقُوا اللَّهَ... وِاسْمَعُوا وِاطِيعُوا وِأَنْفِقُوا... وِاللَّهُ... الْحَكِيمُ

توصیف خداوند به <حکیم> بودن در پایان سوره، به دنبال یک سلسله از رهنمودها و فرمانهای الهی، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۳ - ۱۲

۱۲ - احکام و رهنمود های الهی درباره طلاق ، مبتنی بر تقدیر حکیمانه خداوند است .

فَطَلَّقُوهُنَّ لَعَدَّتِهِنَّ . . فامسكوهنَّ بمعروف أو فارقوهنَّ ... قد جعل الله لكلّ شيء قدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۰ - ۴،۵

۴ - افعال

الهی ، دارای حکمت است .

و الله جعل لكم الأرض بساطاً . لتسلکوا منها سبلاً فجاجاً

۵ - حکمت آمیز بودن آفرینش طبیعت

و الله جعل لكم الأرض بساطاً . لتسلکوا منها سبلاً فجاجاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۷ - ۱۱

۱۱ - عذاب و کیفر الهی در دنیا حکمت آمیز است .

مما خطیبتهم أغرقوا .. رب لاتذر علی الأرض من الکفرین دياراً . إنک إن تذر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲ - ۸

۸ - آفرینش انسان از سوی خداوند ، حکیمانه و هدفمند و به دور از پوچی و بیهودگی است .

إننا خلقنا الإنسان من نطفه .. نبتلیه

تأکید خداوند بر آزمایش شدن انسان از آغاز خلقت وی، می تواند برای نفی توهم پوچی و بی هدف بودن آفرینش انسان ها باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۳۰ - ۵

۵ - مشیت و خواست خداوند ، عالمانه و حکیمانه است .

أن یشاء الله إن الله کان علیماً حکیماً

حکمت خدا در قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ تنها جویندگان حقیقت و پژوهشگران وادی معرفت ، به نشانه های ربوبیت خدا و علم و حکمت او در داستان یوسف پی خواهند برد .

لقد کان فی یوسف و إخوته ءایت للسرائین

بدیهی است که داستان یوسف (ع) و برادرانش، حاوی آیات و نشانه هاست ، چه پرسشگری باشد یا نباشد. بنابراین حرف لام در <السرائین> لام انتفاع است

و <للسائلین> گویای این است که پرسشگران و محققان ، از آن داستان سود می برند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۳۰

۳۰ سرگذشت یوسف (ع) (خروج او از زندان ، پایان فراق او با بستگان و . . .) بر اساس تدبیر عالمانه و حکیمانه خداوند رقم می خورد .

إن ربی لطیف لما یشاء إنه هو العلیم الحکیم

حکمت خدا در هدایت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴ - ۱۳

۱۳- مشیت خداوند در هدایت و گمراهی مردم ، تخلف ناپذیر است .

فیضلاً الله من یشاء و یهدی من یشاء و هو العزیز

<عزیز> به معنای غلبه کننده شکست ناپذیر است و به تناسب صدر و ذیل آیه استفاده می شود که مشیت خداوند، قطعی است.

حکمت خلقت چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۴

۴ - بهره مندی انسان ها ، فلسفه و حکمت آفرینش شتر ، گاو و گوسفندان

أولم یروا أننا خلقنا لهم ممّا عملت أیدینا أنعمًا

گفتنی است از <لام> <لهم> (به کار رفته در معنای تعلیل) و نیز از این که آیه شریفه در مقام امتنان است، برداشت یاد شده به دست می آید.

حکمت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۱ - ۱۰

۱۰ سلطنت ، حکمت و علم داود ، عطاى خداوند به وی

واتيه الله الملك والحكمه و علمه مما يشاء

حکمت در آیات خدا

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۳۵

۳۵ - آیات خداوندی و احکام الهی ، عمیق ، حکیمانه و شایسته هر گونه تعقل و اندیشه کردن انسان در آنها است .

ليس على الأعمى حرج .. كذلك يبين الله لكم الآيت لعلكم تعقلون

حکمت در افعال خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۸ - ۵

۵ نفع و ضرر رساندن خداوند به آدمیان بر اساس حکمت و آگاهی

و إن يمسسك الله بضر فلا كاشف له إلا هو .. هو الحكيم الخبير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۶ - ۱۵

۱۵ افعال الهی ، دارای علت و حکمت

نعذب طائفه بأنهم كانوا مجرمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۳۱ - ۶

۶- افعال خداوند ، حکمت آمیز است .

و جعلنا في الأرض روسى أن تميد بهم .. سبلاً لعلهم يهتدون

از این که خداوند فرمود: ما کوه ها را به منظور محافظت زمین از لرزش و اضطراب و راه های فراخ را برای راه یابی انسان آفریدیم، به دست می آید که کارهای خداوند هدف دار و حکمت آمیز است.

حکمت در انجیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۸ - ۵

۵ تورات و انجیل (کتب الهی) ، دربردارنده قوانین و معارف الهی *

و یعلّمه الكتاب و الحکمه و التوریه و الانجیل

عطف تورات و انجیل بر کتاب و حکمت، از باب

عطف فرد بر جنس است.

حکمت در اوامر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۱۳

۱۳ رهنمودها و دستورات الهی در زمینه مسائل جنگ، حکیمانه و به کارگیری آنها زمینه ساز پیروزی است.

ما کان لنبی . . . و الله عزیز حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۹ - ۱

۱- مجموعه اوامر و نهی های خداوند، که به پیامبر (ص) وحی شد، رهنمودهایی حکیمانه است.

ذَٰلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ

مشارالیه <ذَٰلِكَ> مجموعه تعالیم، اعم از نواهی و اوامری می باشد که در چند آیه قبل آمده است.

حکمت در تبلیغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۵ - ۶، ۸، ۱۵

۶- آشنایی با حکمت، موعظه و برترین روش های جدلی، نیاز ضروری مبلغان دین

ادع إلى سبيل ربك بالحكمة والموعظة الحسنة و جدلهم بالتي هي أحسن

امر الهی به تبلیغ دین از طریق حکمت، موعظه و جدل برتر نشانگر این معناست که فاقدان این ابزار، از کارآیی لازم و شایسته در امر تبلیغ برخوردار نیستند.

۸- حکمت (دلایل عقلی و علمی)، اساسی ترین و ارزشمندترین وسیله تبلیغ دین *

ادع إلى سبيل ربك بالحكمة والموعظة الحسنة و جدلهم

برداشت فوق، بدان احتمال است که تقدم <حکمه> بر <موعظه> و <جدل>، معلول اهمیت و ارزش برتر آن باشد. به علاوه مطلق آمدن <حکمت> و مقید شدن <موعظه> به <حسنه> و <جدل> به <أحسن>، می تواند مؤید برداشت فوق باشد.

گیری از حکمت ، موعظه نیکو و جدل بهترین در تبلیغ دین ، روشی ابراهیمی است .

اتَّبِعْ مَلَّةَ إِبْرَاهِيمَ .. ادع إلى سبيل ربك بالحكمة و الموعظه الحسنه و جدلهم بالتي

حکمت در تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۸ - ۵

۵ تورات و انجیل (کتب الهی) ، دربردارنده قوانین و معارف الهی *

و يعلمه الكتاب و الحكمة و التوریه و الانجیل

عطف تورات و انجیل بر کتاب و حکمت، از باب عطف فرد بر جنس است.

حکمت در دعوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۵ - ۱

۱- پیامبر (ص) مأمور دعوت مردم به راه پروردگار در پرتو حکمت (برهان های عقلی و علمی) و موعظه نیک

ادع إلى سبيل ربك بالحكمة و الموعظه الحسنه

<حکمت> به معنای دستیابی به حق در پرتو علم و عقل است (مفردات راغب). بنابراین <بالحکمه> یعنی، به وسیله براهین عقلی و علمی به حق رسیدن.

حکمت در ربوبیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ حکمت و علم، دو شرط لازم در تدبیر و مدیریت است.

و تلك حجتنا .. إن ربك حكيم عليم

<رب> در لغت به معنای مدیر و مربی آمده است. توصیف رب در آیه به علم و حکمت، گذشته از دلالت آن بر علم و حکمت خداوند، اشاره ای به ضرورت وجود این دو در تدبیر و مدیریت می تواند باشد.

حکمت در رهبری

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۸ - ارتباط همیشگی با خداوند ، نیرومندی ، حکمت ، توانایی بر فیصله دادن به امور و داشتن منطق قوی در جداسازی حق از باطل ، از شرایط لازم رهبران و مدیران جامعه در نگاه وحی

واذکر عبدنا داود ذا الأید إنه أواب . . . و شددنا ملکه و ءاتینه الحکمه و فصل الخ

برداشت یاد شده از مجموع اوصافی که خداوند برای داوود(ع) به عنوان حاکم و فرمانروا ذکر کرده است، به دست می آید.

حکمت در فراق بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۲۵

۲۵ یعقوب (ع) گرفتار شدن به فراق فرزندانش (یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی) را حاوی حکمت و مصلحتی الهی می دید .

فصبر جمیل . . . إنه هو العلیم الحکیم

حکمت در فراق لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۲۵

۲۵ یعقوب (ع) گرفتار شدن به فراق فرزندانش (یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی) را حاوی حکمت و مصلحتی الهی می دید .

فصبر جمیل . . . إنه هو العلیم الحکیم

حکمت در فراق یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۲۵

۲۵ یعقوب (ع) گرفتار شدن به فراق فرزندانش (یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی) را حاوی حکمت و مصلحتی الهی می دید .

فصیر جمیل . . . إنه هو العلیم الحکیم

حکمت در قانونگذاری

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۱ - ۳۶

۳۶ علم و حکمت ، دو شرط ضروری در قانون گذاری

یوصیکم الله فی اولادکم .. ان الله کان علیماً حکیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۴ - ۲۱

۲۱ علم و حکمت ، دو عنصر ضروری برای قانونگذاران

و المحصنات .. ان الله کان علیماً حکیماً

بیان علم و حکمت الهی پس از جعل قوانین و مقررات، دلالت بر این دارد که قانونگذاران باید دارای علم و حکمت باشند و قوانین را بر این دو پایه وضع کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۶ - ۱۴

۱۴ علم و حکمت ، دو پایه اساسی برای قانونگذاران

حزمت .. و المحصنات ... و من لم یستطع ... و الله علیم حکیم

حکمت در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱ - ۳

۳ قرآن ، کتابی است آمیخته به حکمت .

آیت الکتب الحکیم

برداشت فوق بر این اساس است که <حکیم> به معنای <ذوالحکمه> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۴ - ۴

۴ - قرآن ، دربردارنده آیه های خدا و حکمت است .

و اذکرن ما یتلی فی بیوتکن من ءایت اللّٰه و الحکمہ

مراد از <ما> به قرینه <یتلی> می تواند قرآن باشد و <من> برای بیان <ما>، در این صورت، آیات و حکمت، تشکیل دهنده محتوای قرآن خواهد بود.

حکمت در قضاوت خدا

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۸ - ۶، ۴، ۵، ۳، ۲

۲ - قضاوت های خداوند ، حکیمانه ترین قضاوت ها و موافق ترین آنها با حقیقت است .

أليس الله بأحكم الحكمين

اسم تفضیل <أحكم>، ممکن است از <حُكْم> به معنای قضاوت باشد؛ یعنی، <أقضى> و نیز می تواند از <حکمه> گرفته شده باشد؛ یعنی، حکیم تر. در برداشت یاد شده، معنای دوم مورد نظر است؛ گرچه <حاکمین> بر معنای <قضاوت کنندگان> تطبیق یافته است.

۳ - برتری قضاوت خداوند بر داوری دیگران و حکمت آمیز بودن آن ، حقیقتی روشن و غیر قابل انکار است .

أليس الله بأحكم الحكمين

همزه استفهام در <أليس>، برای تقریر و بیانگر وضوح مفاد آیه است.

۵ - توجه به حکمت برتر خداوند ، زمینه ساز پذیرش معاد

فما يكذبك بعد بالدين . أليس الله بأحكم الحكمين

۴ - جزا دادن به اعمال ، کاری بس حکیمانه و لازمه بی نظیر بودن قضاوت های خداوند است .

فما يكذبك بعد بالدين . أليس الله بأحكم الحكمين

برداشت یاد شده، ناظر به ارتباط این آیه با آیه قبل است که در آن، کلمه <دين> آمده بود، راغب در <مفردات> می گوید: کلمه <دين> در مورد <طاعت> و <جزا> گفته می شود و در معنای <شریعت> نیز به صورت استعاره به کار می رود.

۶ - سرآمد بودن داوری های خداوند و حکیمانه بودن آن ، دلیل ضروری بودن ارشاد های دینی است .

فما يكذبك بعد بالدين . أليس الله بأحكم الحكمين

حکمت در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۹ - ۱

۱ - روز قیامت ، روزی

عظیم و برپایی آن کاری حکیمانه است .

ذَٰلِكَ الْيَوْمَ الْحَقِّ

<ذَٰلِكَ> اشاره به دور است. به قرینه <عذاباً قریباً> در آیه بعد مراد از دوری قیامت، تأخیر زمانی آن نیست؛ بلکه بیانگر عظمت والا و فراتر از حد تصور آن است. <حَقِّ> به چیزی گفته می شود که براساس حکمت پدید آمده باشد.

حکمت در کودکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۱۴

۱۴- <عَلَىٰ بن اسباط قال : رأيت أبا جعفر (ع) ... فقال يا عليّ إنّ الله إحتج في الإمامه بمثل ما احتج به في النبوه فقال : >
و آتیناه الحکم صبیّاً > ... فقد يجوز أن يؤتی الحکمه و هو صبئی ... ;

علی بن اسباط گفت: امام جواد(ع) را دیدم . .. به من فرمود ای علی همان خداوند احتجاج نموده در مورد امامت به حجتی نظیر آنچه در مورد نبوت احتجاج نموده است، پس فرمود: <و آتیناه الحکم صبیّاً> ... پس روا است که حکمت به کودک هم داده شود...>.

حکمت در مدیریت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ حکمت و علم، دو شرط لازم در تدبیر و مدیریت است.

و تلک حجتنا .. إن ربک حکیم علیم

<رب> در لغت به معنای مدیر و مربی آمده است. توصیف رب در آیه به علم و حکمت، گذشته از دلالت آن بر علم و حکمت خداوند، اشاره ای به ضرورت وجود این دو در تدبیر و مدیریت می تواند باشد.

حکمت در

مشیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴ - ۱۳

۱۳- مشیت خداوند در هدایت و گمراهی مردم ، تخلف ناپذیر است .

فیض الله من یشاء و یهدی من یشاء و هو العزیز

<عزیز> به معنای غلبه کننده شکست ناپذیر است و به تناسب صدر و ذیل آیه استفاده می شود که مشیت خداوند، قطعی است.

حکمت در نواهی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۹ - ۱

۱- مجموعه اوامر و نهی های خداوند ، که به پیامبر (ص) وحی شد ، رهنمودهایی حکیمانه است .

ذلك مما أوحى إليك ربك من الحكمة

مشارالیه <ذلك> مجموعه تعالیم، اعم از نواهی و اوامری می باشد که در چند آیه قبل آمده است.

حکمت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۰ - ۱۶،۱۸

۱۶ حضرت مسیح عالم به کتاب ، حکمت ، تورات و انجیل

و اذ علمتک الکتب و الحکمہ و التوریه و الانجیل

۱۸ آگاهی مسیح به کتاب و حکمت و تورات و انجیل ، از نعمت های خاص خدا به آن حضرت

و اذ علمتک الکتب و الحکمہ و التوریه و الانجیل

حکمت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲ - ۲

۲ - قرآن ، کتابی حکیمانه است .

تلک ءایت الکتب الحکیم

وصف <حکیم>، برای قرآن، می تواند به معنای <دارای حکمت> باشد و می تواند به معنای مفعول، یعنی محکم باشد. برداشت بالا، براساس احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲ - ۳

۳ - قرآن ، کتابی است آمیخته با حکمت .

و القراءان الحکیم

<حکیم> می تواند به معنای <ذوالحکمه> باشد و نیز می تواند مرادف <مُحکَم> (فعل به معنای <مُفَعَّل>) باشد؛ چنان که در قرآن هم به همین معنا به کار رفته است: <کتابُ أَحکمت آیاته..> (هود (۱۱) آیه ۱). برداشت فوق بر پایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱ - ۵

۵ - قرآن ، در عرصه فکر ، اندیشه و ... پیروز شکست ناپذیر و کتابی حکیمانه است .

تنزیل الکتب من الله العزيز الحکیم

برداشت بالا- به خاطر این نکته است که چون خداوند، عزیز (پیروز شکست ناپذیر) و حکیم است؛ بنابراین سخن او نیز در عرصه خاص خود (فکر، اندیشه و ..) چنین خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲ - ۶

۶ - برنامه ها و پیام های قرآن ، حکیمانه و منطبق با واقعیت های هستی

تنزیل الکتب من الله .. الحکیم

توصیف خداوند به حکمت در پی سخن گفتن از نزول قرآن می تواند ناظر به مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲ - ۸

۸ - برنامه ها و پیام های قرآن ، حکیمانه و منطبق با واقعیت های هستی است .

تنزیل الکتب من اللّٰه العزیز الحکیم

توصیف خداوند به حکمت در پی سخن گفتن از نزول قرآن می تواند ناظر به مطلب بالا باشد.

جلد -

۱ - قرآن و اخبار هشداردهنده آن ، پیامی حکیمانه و در اوج کمال

حکمه بلغه

<بلوغ> (مصدر <بالغه>) در اصل به معنای رسیدن شیء به نهایت و پایان مسافت به کار می رود و در این جا کنایه از تمامیت و کمال شیء است. بنابراین <حکمه بالغه> یعنی، حکمت تام و کاملی که از هر نقص و کاستی مبرا است. گفتنی است که <حکمه بالغه> در آیه شریفه، بدل برای <ما> در <مافیة مزدجر> است؛ یعنی، <جائهم حکمه بالغه>.

حکمت لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۱۷،۱۸

۱۷ - > عن ابن عمر قال : سمعت رسول الله (ص) يقول : حَقًّا أقول : لم يكن لقمان نبياً و لكن كان عبداً كثير التفكير حسن اليقين أحبَّ الله فأحبَّه و مَنْ عليه بالحكمة . كان نائماً نصف النهار إذ جاءه نداء يا لقمان ! هل لك أن يجعلك الله خليفه في الأرض تحكم بين الناس بالحق فأجاب الصوت إن خيرني ربِّي قبلت العافيه و لم أقبل البلاء و إن عزم عليّ فسمعاً و طاعه . . . فأعطى الحكمة ؛

عبدالله بن عمر می گوید: از رسول خدا(ص) شنیدم که می گفت: <به حق می گویم: لقمان، پیامبر نبود، لکن بنده ای بود اهل تفکر، دارای حسن یقین. خدا را دوست داشت و خدا نیز او را دوست داشت و با آموختن حکمت، او را مورد انعام خود قرار داد. در نیمه روز ، خوابیده بود که صدایی شنید: ای

لقمان! آیا دوست داری که خداوند، تو را خلیفه خود در زمین قرار دهد تا در میان مردم، به حق قضاوت کنی؟ لقمان در جواب آن صدا گفت: اگر پروردگارم، مرا مخیر کرده من عافیت را انتخاب می کنم و نه گرفتاری را و اگر بر من واجب می کند، پس سرا پا گوش و مطیع ام <... در این جا به او حکمت داده شد >.

۱۸ - > عن هشام بن الحكم قال : قال لي أبو الحسن موسى بن جعفر (ع) : ... يا هشام ! إن الله يقول في كتابه ... > و لقد آتينا لقمان الحكمة < قال : الفهم و العقل ... >

هشام بن حکم گوید: امام کاظم (ع) به من گفت: .. ای هشام! خداوند که در کتاب اش می گوید: ... > و لقد آتينا لقمان الحكمة < می گوید: فهم و عقل به [او دادیم]... >.

حکمت محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۱۲

۱۲ اعطای پاداش به نیکوکاران و بهره مند ساختن آنان از علم و حکمت ، سنت الهی است .

و كذلك نجزي المحسنين

فعل مضارع <نجزی> در عبارت <كذلك نجزي المحسنين> حاکی از استمرار است ، و در برداشت از آن به سنت تعبیر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۴ - ۷

۷ - اعطای حکمت و علم به محسنان از سوی خداوند ، پاداشی در برابر نیکوکاری آنان است .

ءاتينه حكماً و علماً و كذلك نجزي المحسنين

حکمت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۳ - ۱۱

۱۱ برخورداری پیامبر (ص) از وحی، حکمت و علم لدنی، زمینه مصونیت آن حضرت از خطا و مایه عصمت وی از گناه

و لولا فضل الله... أنزل الله عليك الكتب و الحكمة و علمك ما لم تكن تعلم

جمله < و انزل الله > بیانگر علت جمله پیشین است. یعنی چون قرآن و حکمت را بر تو نازل کردیم، تلاش آنان برای انحراف تو بی اثر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۴ - ۳

۳ - کلمات و سخنان پیامبر (ص)، سراسر، حکمت است.

و اذکرن ما یتلی... و الحکمه

حکمت موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۴ - ۲

۲ - اعطای حکمت و دانشی گسترده از سوی خدا به موسی (ع) هم زمان با رسیدن او به مرحله جوانی

و لما بلغ أشده و استوی ءاتینه حکماً و علماً

نکره آمدن <حکماً> و <علماً> بیانگر عظمت حکمت و دانشی است که از سوی خدا به موسی(ع) داده شده بود.

حکمت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۲،۹

۲ یوسف (ع) در سن جوانی و رسیدن به رشد عقلی و جسمی، به حکمتی والا و علمی گسترده دست یافت.

و لما بلغ أشده ءاتينه حكماً و علماً

نکره آوردن <حکماً> و <علماً> حکایت از عظمت حکمت و علمی دارد که خداوند به یوسف(ع) عطا فرموده

بود. اسناد <آتی> به ضمیر متکلم <نا> مؤید این حقیقت است. و از آن رو که خداوند داستان مراوده زلیخا را پس از بیان بهره مندی یوسف(ع) از علم و حکمت مطرح می کند، معلوم می شود که او در عنفوان جوانی به حکمت و علم دست یافته بود؛ زیرا محتمل نیست که زلیخا پس از گذشت جوانی یوسف(ع) - مثلاً در سنین سی و یا چهل سالگی - خواهان وصال او بوده باشد.

۹ بهره مندی یوسف (ع) از حکمت و علم، پاداشی الهی بر نیکوکاری او بود.

ءاتینه حکماً و علماً و كذلك نجزی المحسنين

<جزاء> (مصدر نجزی) به معنای سزا و پاداش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۱۵

۱۵ > عن الصادق (ع) [فی البرهان الذی رأى یوسف] : انه النبوه المانعه من ارتکاب الفواحش والحکمه الصارفه عن القبایح ;

از امام صادق(ع) [درباره برهانی که یوسف(ع) دیده] روایت شده: آن برهان نبوت بود که مانع از ارتکاب گناهان می شود و حکمتی که از کارهای زشت باز می دارد.

درخواست حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۳ - ۱

۱ - ابراهیم (ع) ، خواستار دانش و شایستگی از درگاه پروردگار

ربّ هب لی حکماً والحقنی بالصلحین

<حکم> می تواند مرادف <حکومه> (سرپرستی و تدبیر امور مردم) و یامعادل <حکمت> (دانش و معرفت) باشد. برداشت یاد شده، بر پایه معنای دوم است.

درک حکمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اهل ایمان و حق جویان ، قادر به درک نمود های اقتدار و حکمت خداوند در هستی

العزیز الحکیم . إِنَّ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِلْمُؤْمِنِينَ

آیات الهی در هستی، برای همه انسان ها است تا از آن نشانه ها، رو به ایمان آورده و یا در طریق ایمان استوار بمانند. با توجه به این نکته گفتنی است وصف <المؤمنین> نظر به کسانی دارد که اهل ایمان به حق و در جستجوی آنند.

دلایل حکمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۶ - ۹

۹ - هماهنگی نظام طبیعت با نیاز بشر ، گواه وجود مدبری حکیم برای آفرینش

جعلنا الیل لیسکنوا فیه . . . إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ

از این که خداوند برای شب و روز حکمت هایی را برشمرده که در خدمت منافع انسان است و پس از آن، از این امور به عنوان آیه و نشانه یاد کرده است، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱ - ۴،۵

۴ - نمود های هستی و نماد های جهان طبیعت ، خود بیانگر قدرت و حکمت آفریدگار خویش اند .

سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

ارتباط عبارت <سَبِّحْ لِلَّهِ..> با <و هو العزیز الحکیم> می تواند بیانگر این معنا باشد که تسبیح و تنزیه پروردگار، نشانه اتقان و بی عیب و نقص بودن ذات و افعال او است. آفرینش نیز، با این عظمت و استحکام خود نمایانگر قدرت و عزت او است.

۵ - مطالعه

طبیعت و نظام هستی ، زمینه خدانشناسی و پی بردن به اقتدار و کاردانی آفریدگار جهان

سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

خبر دادن خداوند از تسبیح موجودات، در حقیقت توجه دادن انسان ها به حقایق نهفته در متن طبیعت است که هر یک با زبان حال، وجود خدا و صفات کمالی او را نجوا می کنند. گوش فرادادن به این نجوا، زمینه ساز ادراک عزت و حکمت خداوندی است.

ذکر حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۴ - ۱،۵

۱ - همسران پیامبر ، مکلف بودند که هر آنچه در خانه هایشان ، از آیات خداوند و حکمت تلاوت می شود یادآوری کنند و به یاد داشته باشند .

يٰۤاَيُّهَا النَّبِيُّ .. و اذکرن ما یتلی فی بیوتکّن من ءایة اللّٰه و الحکمه

۵ - به خاطر داشتن آیات خدا و حکمت ، امری شایسته و بایسته است .

و اذکرن ما یتلی .. من ءایة اللّٰه و الحکمه

ذکر حکمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۲۶

۲۶ باور و توجه به عالمانه و حکیمانه بودن افعال الهی ، آدمی را به صبر و شکیبایی در تنگنا ها و حوادث دشوار ، وامی دارد .

فصبر جمیل .. إنه هو العلیم الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۳۱

۳۱ مطالعه سرگذشت یوسف (ع) ، زمینه باور و توجه به ربوبیت خدا و علم و حکمت اوست .

لما يشاء إنه هو العليم الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۸ - ۵

۵ - توجّه به حکمت برتر خداوند ، زمینه ساز پذیرش معاد

فما يكذبك بعد بالدين . أليس الله بأحكم الحكمين

زمینه تعلیم حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۲ - ۷

۷ - خداشناسی ، زمینه لازم برای تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت

یتلوا عليهم آياته و یزکیهم و یعلّمهم الکتب و الحکمه

تقدم ذکرى <یتلوا عليهم آیاته> بر <یزکیهم و یعلّمهم الکتب و الحکمه> احتمالاً اشاره به مطلبی دارد که در این برداشت آمده است.

زمینه حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۱۱

۱۱ احسان و نیکوکاری ، زمینه برخوردار شدن از علم و حکمت است .

ءاتینه حکماً و علماً و کذلک نجزی المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۴ - ۶،۹

۶ - نیکوکاران ، زمینه دار بهره مند شدن از حکمت و دانش خدادادی

ءاتینه حکماً و علماً و كذلك نجزی المحسنین

۹ - تشویق انسان ها به احسان و نیکوکاری از سوی خداوند ، به منظور دستیابی به حکمت و دانش است .

ءاتینه حکماً و علماً و كذلك نجزی المحسنین

زمینه حکمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴ - ۳

۳ - مالکیت مطلق خداوند بر جهان هستی ، پشتوانه عزت (قاهر بودن) و حکمت (کاردانی) خداوندی است .

الله العزیز الحکیم . له ما

فی السموت و ما فی الأرض

زمینه حکمت یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۳ - ۱۰

۱۰- تقوا و پرهیزکاری یحیی (ع) ، زمینه ساز برخورداری وی از حکمت ، محبت الهی و تکامل معنوی بود .

و حناناً من لدننا و زکوه و کان تقیاً

با توجه به تفاوت سیاق <و کان تقیاً> با تعابیر قبلی آیه (و آتیناه الحکم..) که در این جا تقوا را به خود یحیی نسبت داده و در آن موارد حکم، حنان و زکات را به خدا، روشن می شود که تقوا به عنوان عمل نفسی یحیی، زمینه ساز برخورداری وی از عطایای الهی بوده است.

زمینه حکمت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۵

۵ رسیدن یوسف (ع) به سن رشد ، زمینه ساز برخورداری او از علم و حکمت

و لما بلغ أشده ءاتینه حکماً و علماً

زمینه درك حکمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱ - ۱۱

۱۱ - مطالعه در موجودات هستی ، راهنمای انسان به شناخت خدا و عزت و حکمت او

سبح لله ما فی السموت .. و هو العزیز الحکیم

شرایط اعطای حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۱۳، ۱۲

۱۲- اعطای حکمت و مقام معنوی و اجتماعی از سوی خداوند به انسان ، به سنی خاص مشروط نیست .

و ءاتینه الحکم صبیئاً

۱۳- تدبر و تأمل در کتاب های آسمانی ، زمینه و

شرطی لازم برای برخورداری از حکمت و علم

يَحْيِي خذِ الْكُتُبَ بِقُوَّةٍ وءَاتِنَهُ الْحَكْمَ صَبِيًّا

جمله و <آتیناه> نمی تواند بدون ارتباط معنایی با <خذ الكتاب بقوه> باشد. بعید به نظر نمی رسد که مفاد <خذ الكتاب> زمینه ای برای <آتیناه الحکم> باشد.

عبرت از حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۹ - ۵

۵ تنها صاحبان خرد ، پندپذیر از حکمت های خداوند هستند .

و ما يَذْكُرُ إِلَّا أُولُوا الْأَلْبَابِ

علم و حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۰ - ۱۸

۱۸ کمال و ارزش والای علم در همراهی و آمیختگی آن با حکمت است .

و كان الله عليماً حكيماً

عوامل زوال حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۳۳ - ۱۹،۲۰

۱۹ يوسف (ع) ، ارتکاب گناه و پذیرش تقاضای زلیخا و همپالگی های او را ، موجب از دست دادن علم و حکمت خدادادی خویش می دانست .

ءَاتِنَهُ حَكْمًا و عَلَمًا ... و إِلَّا تَصْرَفَ عَنِي كِيدَهِنَّ أَصَبَ إِلَيْهِنَّ و أكن من الجهلين

برداشت فوق ، بر این مبناست که مراد از جهل نادانی باشد. بر این مبنای می توان گفت: مقصود یوسف(ع) از جاهل شدن ،

سلب گشتن علم و حکمتی است که خداوند به او عطا کرده بود (ءاتیناه حکماً و علماً) <آیه ۲۲>.

۲۰ گناه ، موجب سلب علوم خدادادی و موهبتی است .

و ءاتینه حکماً و علماً .. و إلاّ تصرف عنی کیدهنّ أصب إلیهنّ و أکن من الجهلین

فلسفه اعطای حکمت

به لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۸

۸ - فلسفه اعطای حکمت به لقمان ، شکرگزاری به درگاه خداوند بوده است .

و لقد آتینا لقمن الحکمه أن اشکر لله

احتمال دارد که <أن>، مصدری و به تقدیر <لام> تعلیل باشد. در این صورت، عبارت چنین می شود: <و لقد آتینا لقمان الحکمه للشکر لله>؛ ما به لقمان حکمت دادیم تا خدا را شکر کند.

کفر به حکمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۱۰

۱۰ ایمان نداشتن به عزت و حکمت خدا و توکل نکردن بر وی از ریشه های نفاق است .

إذ یقول المنافقون و الذین .. . فإن الله عزیز حکیم

از اینکه خداوند منافقان و بیماردلان را قسیم متوکلان قرار داد و با جمله <إن الله عزیز حکیم> منشأ توکل متوکلان را ایمان به عزت و حکمت مطلق خداوند دانست، معلوم می شود از ریشه های نفاق و ضعف ایمان، باور نداشتن به اقتدار خدا و حکیم بودن اوست.

محرومان از حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۳ - ۱۰

۱۰ - اختلافات و ناهمگونی ها ، شاخص جوامع محروم از حکمت و آگاهی

قال قد جئکم بالحکمه و لأبین لکم بعض الذی تختلفون فیه

حضرت عیسی (ع) می فرماید: من با حکمت آمدم و به دنبال آن در جهت رفع اختلافات شما قدم برمی دارم. این گفتار نشان

می دهد که جامعه اختلاف زده یهودیان آن روز فاقد حکمت بوده اند.

مظاهر حکمت خدا

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۹ - ۱۱

۱۱ - بعثت پیامبران ، پرتوی از عزت و حکمت خداوند است .

ربنا وابعث فيهم رسولا .. إنك أنت العزيز الحكيم

منشأ تعليم حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱ - ۶

۶ - قرآن ، مایه عزت انسان ها و آموزنده حکمت به آنان است .

تنزيل الكتب من الله العزيز الحكيم

تذکر این نکته که قرآن از منشأیی (خدایی) نازل گشته که دارای عزت و حکمت است، می تواند گویای این حقیقت باشد که قرآن کتابی عزت آفرین و حکمت آموز برای بشر است.

منشأ حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱ - ۶

۶ - دریافت حکمت الهی و نیل به مقام رسالت ، موهبتی خدا دادی است ، نه اکتسابی .

فوهب لي ربّي حكماً و جعلني من المرسلين

منشأ حکمت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۰ - ۶

۶ - خداوند ، به داوود (ع) حکمت آموخت .

و ءاتينه الحكمه

منشأ حكمت لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۱

۱ - خداوند ، عطاکننده حكمت (علم هستی شناسی و انجام دادن خیرات) به لقمان است .

و لقد ءاتينا لقمن الحكمه

منشأ حكمت لوط (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۷۴ - ۱

۱ - حضرت لوط (ع) ، از علم و

حکمت خدا دادی برخوردار بود .

و لوطاً ءاتینه حکماً و علماً

یکی از معانی <حکم>، حکمت است. برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

منشأ حکمت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۶ - ۳

۳- حضرت نوح (ع) ، از جانب خداوند ، از علم ، حکمت و منصب قضاوت برخوردار بود .

و لوطاً ءاتینه حکماً و علماً .. و نوحاً إذ نادى

برداشت یاد شده براساس این احتمال است که عبارت <نوحاً> عطف بر <و لوطاً آتیناه> باشد، یعنی، همان گونه که به لوط(ع) علم، حکمت و .. دادیم، به نوح(ع) نیز عطا کردیم. گفتنی است واژه <حکم> هم به معنای حکمت استعمال می شود و هم به معنای قضاوت (لسان العرب).

منشأ حکمت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۳

۳ خداوند ، عطاکننده حکمت و علم به یوسف (ع)

ءاتینه حکماً و علماً

موارد حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۹ - ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹

۹ درك معارف و حقایق دینی و عمل به مقتضای آن ، حکمتی خدادادی است .

يؤتى الحكمة من يشاء

با در نظر گرفتن ارتباط این آیه با آیات سابق (که درباره لزوم انفاق، مصالح و پیامدهای نیک آن و نیز عوامل ترک انفاق و پیامدهای شوم آن بود که یکسره درباره احکام و معارف دینی است)، می توان گفت که مراد از حکمت، معارف و حقایق دینی است.

۱۰ اطاعت از خداوند و شناخت امام (ع) ، حکمت

است .

و من يؤت الحكمة فقد اوتى خيراً كثيراً

امام صادق (ع): <و من يؤت الحكمة .. > طاعه الله و معرفه الامام

كافي، ج ١، ص ١٨٥، ح ١١ / نورالثقلين، ج ١، ص ٢٨٧، ح ١١٣٠.

١١ شناخت و تفقه در دين ، حكمت است .

و من يؤت الحكمة

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از آيه فوق فرمود: ان الحكمة المعرفة و التفقه في الدين

تفسير عياشي، ج ١، ص ١٥١، ح ٤٩٨ / نورالثقلين، ج ١، ص ٢٨٧، ح ١١٣٥.

١٢ شناخت امام و پرهيز از گناهان كبيره ، حكمت است .

و من يؤت الحكمة

امام صادق (ع) درباره آيه فوق فرمود: معرفه الامام و اجتناب الكبائر التي اوجب الله عليها النار

كافي، ج ٢، ص ٢٨٤، ح ٢٠ / نورالثقلين، ج ١، ص ٢٨٧، ح ١١٣١.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٣ - قصص - ٢٨ - ٢١ - ٣

٣ - هجرت به منظور حفظ جان ، كاري حكيمانه است .

ءاتينه حكماً و علماً .. فخرج منها خائفاً يترقب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - موعظه انسان ها با منطق و برهانی محکم ، برای توجه دادن آنان به توحید عملی حکیمانه است .

و لقد آتینا لقمن الحكمة .. إذ قال لقمن لابنه... لا تشرك بالله إن الشرك لظلم

موانع حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۹ - ۸

۸ نابخردان ، بی بهره از حکمت و معارف دینی

يؤتى الحكمة من يشاء .. و ما يذكّر إلاّ اولوا الالباب

نزول حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۳ - ۱۰

۱۰ قرآن و حکمت فرو فرستاده شده بر رسول خدا (ص) و الهامات مستقیم به او ، رحمت و فضل عظیم الهی بر آن حضرت

و لولا فضل الله عليك و رحمته ... و كان فضل الله عليك عظيماً

ظاهراً کتاب و حکمت و علوم پیامبر(ص) که در جمله <و انزل الله عليك .. > آمده، مصداقی از فضل و رحمت خاص خداوند است که در جمله <لولا فضل الله ... > بیان شده است.

نشانه های حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۱ - ۴

۴ - قبول نصیحت ناصحان ، نشانه حکمت و دانایی است .

ءاتينه حكماً و علماً .. فاخرج إني لك من النصحين . فخرج منها

نشانه های حکمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۳ - ۱۴

۱۴ حاکمیت الهی بر قلب ها و ایجاد الفت میان مؤمنان ، نمودی از عزت و حکمت الهی

و لكن الله ألف بينهم إنه عزيز حكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۰ - ۱۹

۱۹ رهایی پیامبر (ص) از توطئه کافران مکه و اعتلای کلمه الله ، جلوه عزت (شکست ناپذیری) و حکمت خدا

فقد نصره الله إذ أخرجه .. كلمه الله هي العليا و الله عزيز حكيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٧ - توبه - ٩ - ٦٠ -

۱۹ منحصر شدن مصارف صدقات از سوی خداوند در موارد هشتگانه (فقرا و ...) نشأت گرفته از علم و حکمت اوست .

إنما الصدقات للفقراء .. و الله علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵ - ۷

۷ آفرینش خورشید و ماه و متفاوت قرار داده شدن آن دو در درخشندگی ، جلوه های حکمت خدا و بر پایه حق و هدفی مشخص

هو الذی جعل الشمس ضیاء و القمر نوراً .. ما خلق الله ذلك إلا بالحق

<حق> در مقابل <باطل> (بیهوده) است ؛ یعنی، خداوند ماه و خورشید را بیهوده و بی هدف نیافریده، بلکه آفرینش آنها بر پایه حق و هدف خاصی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱ - ۹

۹ اتقان قرآن و روشنی آیه های آن ، جلوه ای از حکیم و خبیر بودن خداوند است .

کتبُ أحکمت ءایته ثم فصلت من لدن حکیم خبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۲۳

۲۳ پرورش انبیا ، تبلور حکمت و علم الهی است .

یجتئیک ربک .. إن ربک علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۱

۱ داستان یوسف و برادرانش ، حاوی نشانه ها و آیاتی فراوان از ربوبیت خدا و علم و حکمت او

إن ربك عليم حكيم. لقد كان في يوسف و إخوته آيات للسائلين

<آیات> به معنای نشانه هاست و چون در جمله <لقد كان .

>> بیان نشده است که داستان یوسف و برادرانش نشانه چه حقیقت و یا حقایقی می تواند باشد و به عبارت دیگر، متعلق <آیات> ذکر نشده است، می توان گفت متعلق آن، حقایق مطرح شده در آیه قبل است که از جمله آنها ربوبیت، علم و حکمت خداوند است (إن ربك علیم حکیم).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۸ - ۳

۳- عدم برخورداری فرزند انسان از علم و آگاهی از طریق ابزار شنوایی ، بینایی و قلب به هنگام تولد ، از نشانه های تدبیر و حکمت الهی *

و الله أخرجكم من بطون أمهتكم لتعلمون شيئاً

این آیه در مقام اثبات توحید و توجه دادن انسانها به آثار و نشانه های الهی است. بنابراین عالم نبودن فرزندان و عدم توجه آنان به موقعیت خویش، در مراحل تولد و پس از آن، می تواند اشاره به حکمت الهی و اهمیت این موضوع در زندگی انسانها داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۲ - ۸

۸- آزاد گذاشتن شیطان برای ایجاد شبهه پیرامون آیات وحی از یک سو و زدودن شبهه و تثبیت آیات از سوی دیگر ، جلوه ای از علم و حکمت خداوند

ألقى الشيطان . . . و الله علیم حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۸ - ۴،۵

۴- قوانین و احکام خداوند ، جلوه ای از علم و حکمت او است .

و بيّن الله لكم الآيت و الله علیم حکیم

۵- قرآن ، کتابی روشن و به

دور از هرگونه ابهام و جلوه ای از علم و حکمت خداوند

و يبين الله لكم الآيت و الله عليم حكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶ - ۲

۲ - قرآن ، جلوه علم و حکمت خداوند

و إِنَّكَ لتَلْقَى القراءان من لدن حكيم عليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱ - ۴

۴ - قرآن ، جلوه عزت و حکمت خداوند

تنزيل الكتب من الله العزيز الحكيم

آمدن دو صفت عزت و حکمت خداوند، پس از یادآوری الهی بودن قرآن، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۲ - ۸

۸ - قرآن ، مظهر حکمت و کاردانی خداوند است .

تنزيل من حكيم حميد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴ - ۸

۸ - پایین آمدن مفاهیم عالی وحی از مرتبه < أم الكتاب > تا < زبان عرب > ، نمودی از حکمت الهی است .

إِنَّا جعلناه قرءاناً عربياً .. و إِنَّه في أم الكتاب لدينا لعليّ حكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲- حقایق نازل شده از جانب خداوند ، برخوردار از استحکام و نمود کاردانی و حکمت

يفرق كلّ امر حكيم . أمرًا من عندنا

<أمرًا> می تواند به فعل مقدر (مانند <أعنى>) منصوب شده باشد و یا حال برای <أمر> و یا ضمیر <أنزلناه> در آیات قبل به شمار آید. در هر صورت از ارتباط دو

آیه، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳ - ۲

۲ - نمود های اقتدار و کاردانی خداوند ، نمایان در نظام آسمان ها و زمین

العزیز الحکیم . إِنَّ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲ - ۷

۷- عزّت و حکمت الهی ، متجلی در قرآن و مضامین عالی آن

تنزیل الکتب من الله العزیز الحکیم

ارتباط <تنزیل الکتب> با وصف <العزیز الحکیم>، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳ - ۵

۵- آفرینش بهینه آسمان ها و زمین و سایر موجودات ، نمود عزت و حکمت الهی است .

من الله العزیز الحکیم . ما خلقنا السموات والأرض وما بينهما إلا بالحقّ

از ارتباط این آیه با ذیل آیه قبل (من الله العزیز الحکیم)، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۸ - ۷

۷- فرستادن رسول و هدایت خلق ، با بشارت و انداز و نه قوای قهری طبیعت ، نمودی از حکمت خداوند است . *

و لله جنود... و كان الله عزيزًا حكيمًا . إنا أرسلناك شهيدًا و مبشرًا

از آیه قبل، استفاده شد که خداوند مالک یگانه هستی و حاکم مطلق و شکست ناپذیر است و می تواند خلق را به اجبار به

سوی اهداف بایسته و دارد؛ اما در این آیه، خداوند یادآوری کرده که حکمت او، اقتضا می

کند که این هدایت، را از طریق فرستادن رسول و ارائه الگو و بشارت و انداز، انجام پذیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۹ - ۷

۷ - صلح حدیبیه و فتح خیبر ، در پی وفاداری مؤمنان ، نمودی از عزت و حکمت خداوند

و أثبهم فتحًا قریبًا . و مغانم کثیره ... و کان الله عزیزًا حکیمًا

از ارتباط <کان الله..> با آیه قبل، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴ - ۴

۴ - وزش باد ها ، تشکیل توده های ابر و حرکت آنها و ریزش باران ، از مظاهر حکمت و تدبیر الهی در نظام طبیعت

و الذریت ذرّوا . فالحملت وقرّا . فالجریة یسرّا . فالمقسّمت أمرّا

خداوند، با برشمردن بخشی از امور دقیق طبیعت و مهم دانستن آنها با سوگند خوردن، در حقیقت تدبیر و حکمت خویش را به آدمیان یادآور شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱ - ۷

۷ - جهان آفرینش ، جلوه عزّت و حکمت خداوند

ما فی السموت و الأرض و هو العزیز الحکیم

تکیه بر دو وصف <عزیز> و <حکیم>، پس از ذکر آسمان ها و زمین، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲ - ۲

۲ - شکست یهود بنی نضیر ، نمودی از شکست ناپذیری و حکمت خداوند

و هو العزيز الحكيم . هو الذى أخرج الذين كفروا

ارتباط اين آيه با ذيل آيه قبل (و

هو العزيز الحكيم) بیانگر ارائه نمونه و مصداق، پس از بیان یک حقیقت کلی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۴ - ۱۵

۱۵ - ارزش ها و کمالات موجودات جهان ، نمایانگر اقتدار و حکمت الهی

یسَّبِحْ لَهُ .. العزيز الحكيم

در صورتی که تسیح وجودی و به زبان حال باشد، نمایانگر کمال وجودی موجودات است که خود حکایت از عزت و حکمت آفریدگار آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱ - ۱۰

۱۰ - جهان آفرینش ، جلوه عزت و حکمت همه جانبه خداوند

سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ ... و هو العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۲ - ۴

۴ - تجلی عزت و حکمت خداوند در بعثت پیامبر (ص)

العزيز الحكيم . هو الذي بعث في الأميين رسولا منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۳ - ۳

۳ - برانگیختن هادیان خلق و احیاگران دین ، نمودی از عزت و حکمت خداوند

بعث في الأميين رسولا ... وءاخرين منهم لَمَا يَلْحَقُوا بِهِمْ و هو العزيز الحكيم

نشانه های حکمت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲ - ۵

۵- معارف والای قرآن ، نمود قدرت خداوند و نزول آن در سطح فهم و درک بشر ، نشانگر حکمت او است . *

تنزیل الکتب من اللّٰه العزیز الحکیم

<تنزیل می تواند اشاره به تنزل یافتن معارف بلند وحی، در

مرتبۀ فهم بشر باشد و نه تنزل فیزیکی و مکانی. از ارتباط <تنزیل الكتاب> با <العزیز الحکیم> ممکن است استفاده شود که اصل محتوای کتاب، دلیل عزت خداوند و تنزل آن دلیل حکمت او است.

نشانه های حکمت لقمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۳ - ۴

۴ - موعظه لقمان به پسرش درباره لزوم پرهیز از شرک ، نمودی از حکمت وی بود .

لقد آتینا لقمن . . . و إذ قال لقمن لابنه ... لا تشرك بالله

اگر <إذ> متعلق به <آتینا> باشد، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۶ - ۹

۹ - متوجه کردن فرزند به علم و قدرت مطلق خداوند ، با استفاده از شیوه آموزشی قابل فهم ، نمودی از حکمت لقمان است .

لقد آتینا لقمن الحکمه . . . إذ قال ... یبئنی إنّها إن تک مثقال حبه ... یأت به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۷ - ۲

۲ - توصیه به برپایی نماز و امر به معروف و نهی از منکر و صبر ، نمودی از حکمت لقمان

و لقد آتینا لقمن الحکمه . . . إذ قال ... یبئنی أقم الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۸ - ۲

۲ - سفارش لقمان به پرهیز از منش متکبرانه و گردن فرازی کردن ، جلوه ای از حکمت او است .

و لقد آتینا لقمن الحکمه . . . إذ قال ... و لاتصعّر خدک للناس

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۹ - ۵

۵ - توصیه لقمان به فرزندش ، برای رعایت اعتدال در رفتار و پرهیز از گفتار خشن ، نمودی از حکمت وی است .

و لقد آتینا لقمن الحکمه . . . و إذ قال ... و اقصد فی مشیک و اغضض من صوتک

نعمت حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۱ - ۱۵

۱۵ قرآن و حکمت های نازل شده ، از نعمت های الهی

و اذکروا نعمت الله علیکم و ما انزل علیکم من الكتاب الحکمه

بنابراینکه جمله دوم (و ما انزل ...)، عطف تفسیری برای <نعمت الله> باشد، و یا اینکه از موارد عطف خاص بر عام باشد.

نقش حکمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۱ - ۱۶

۱۶ خداوند به وسیله < کتاب > و < حکمت > ، مردم را موعظه می کند .

و ما انزل علیکم من الكتاب و الحکمه یعظکم به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۰ - ۱۹

۱۹ ارزشمندی مالکیت و ثمردهی آن در گرو علم و حکمت

فان لله ما فی السموت و الارض و کان الله علیماً حکیماً

یادآوری علم و حکمت خداوند پس از بیان مالکیت مطلق خداوند، می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۸ - ۱۴

۱۴ قدرت و حکمت ، دو شرط لازم برای برخورد با مجرمان

و متخلفان *

فاقطعوا .. و الله عزيز حكيم

<عزيز> به معنای پیروزمندی است که هیچگاه مقهور نمی شود و جمله < و الله عزيز حكيم > پس از بیان حد سرقت، می تواند اشاره به این باشد که تنها کسانی که عزت و حکمت دارند می توانند با مجرمان برخورد لازم و متناسب داشته باشند.

نقش حکمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴ - ۱۵، ۱۳

۱۳- مشیت خداوند در هدایت و گمراهی مردم ، تخلف ناپذیر است .

فیضل الله من یشاء و یهدی من یشاء و هو العزیز

<عزيز> به معنای غلبه کننده شکست ناپذیر است و به تناسب صدر و ذیل آیه استفاده می شود که مشیت خداوند، قطعی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۵ - ۶

۶- حشر و رستاخیز انسان ها ، برخاسته از حکمت و علم خداوند است .

و إن ربك هو یحشرهم إنه حکیم علیم

وسعت حکمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۹ - ۶

۶ - خداوند ، دارای عزت و حکمتی گسترده و ازلی

و كان الله عزیزاً حکیمًا

وعده حکمت به محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۴ - ۸

۸ - اعطای دانش و حکمت ، وعده الهی به محسنان و نیکوکاران

و كذلك نجزي المحسنين

حکومت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۹ - ۲۲

۲۲ نظام اسلامی ، نظامی مردمی و دور از

استبداد رهبران است .

و شاورهم فی الامر

آثار حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۶ - ۱۳

۱۳ حکومت و حاکمیت ، دلبستگی آور است .

و تنزع الملك ممن تشاء

<تنزع>، به معنای کنندن است و کنندن، مسبوق به اتصال دو چیز با یکدیگر است که در مورد حکومت، از آن تعبیر به <دلبستگی> می شود.

آثار حکومت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۶ - ۱۰

۱۰ - کتاب ، حکومت ، نبوت و اقتصادی شکوفا ، عوامل برتری بنی اسرائیل بر ملت های عصر خویش *

و لقد آتینا بنی اسرائیل الکتب .. و فضلنهم علی العلمین

<فضلناهم..>، ناظر به نتیجه موهبت هایی است که خداوند در گذشته به بنی اسرائیل عطا کرده بود.

آثار حکومت ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۱ - ۵

۵ - هلاکت دنیوی و آتش دوزخ ، پی آمد حکومت های مستکبر ، ستمگر و فاسد (چونان فرعونیان)

إنهم كانوا قومًا فسقین .. إنه لا یفلح الظلمون ... و استکبر هو ... و جعلنهم

آثار حکومت فاسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۵ - ۱۴

۱۴ فساد در زمین ، نتیجه اعمال انسان ها و حکومت های فاسد

و اذا تولى .. ليفسد فيها

آثار حکومت فاسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۱ - ۵

۵ - هلاکت دنیوی و آتش دوزخ ،

پی آمد حکومت های مستکبر ، ستمگر و فاسد (چونان فرعونیان)

إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَسِقِينَ ... إِنَّهُ لَا يَفْلِحُ الظلمون ... و استکبر هو ... و جعلنهم

آثار حکومت فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۱ - ۵

۵ - هلاکت دنیوی و آتش دوزخ ، پی آمد حکومت های مستکبر ، ستمگر و فاسد (چونان فرعونیان)

إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَسِقِينَ ... إِنَّهُ لَا يَفْلِحُ الظلمون ... و استکبر هو ... و جعلنهم

آثار حکومت مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۱ - ۵

۵ - هلاکت دنیوی و آتش دوزخ ، پی آمد حکومت های مستکبر ، ستمگر و فاسد (چونان فرعونیان)

إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَسِقِينَ ... إِنَّهُ لَا يَفْلِحُ الظلمون ... و استکبر هو ... و جعلنهم

آثار علاقه به حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۰ - ۴

۴ شیفگی فرعونیان به حکومت و سلطنت و وابستگی شدیدشان به موطن خویش ، از عوامل تکذیب موسی و جبهه گیری

آنان در برابر وی

یرید أن یخرجکم من أرضکم

آرزوی حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- ابراهیم (ع) آرزومند دریافت حکومت از جانب خدا، برای هدایت و تدبیر امور مردم

رَبِّ هَبْ لِي حَكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <حکم> در آیه معادل <حکومه> (سرپرستی و تدبیر امور خلق) باشد.

آرزوی حکومت بر مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۳ - ۶

۶ - آرزوی به دست گرفتن حکومت و مدیریت جامعه ایمانی و درخواست آن از خداوند ، امری پسندیده و شایسته

رَبِّ هَبْ لِي حَكْمًا

آسیب شناسی حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۱۳

۱۳ - حکومت و منصب قضاوت ، بستر بسیار لغزنده و رهبران و داوران در معرض مقهور شدن به دست هوای نفس

يٰۤاٰدٰمُ اِنَّا جَعَلْنٰكَ خَلِيْفَةً فِى الْاَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَاَتَّبِعِ الْهُوٰى

اختلاف طبقاتی در حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۷ - ۴

۴ - وجود دو قشر ضعیف و توانمند ، در جامعه فرعون و حاکمیت نظام طبقاتی بر آن جامعه

وَ اِذْ يَتَحٰجُّوْنَ فِى النَّارِ فَيَقُوْلُ الضَّعِْفُوْا لِلَّذِيْنَ اسْتَكْبَرُوْا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۲ - ۲

۲ - جامعه فرعونى ، دارای نظامی طبقاتی و مبتنی بر اشرافی گری

اَمْ اَنَا خَيْرٌ مِّنْ هٰذَا الَّذِىْ هُوَ مَهِيْنٌ

اختناق در حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نبودن آزادی عقیده و بیان و حاکمیت جو اختناق و خشونت در دوران حاکمیت فرعون بر سرزمین مصر

لأجعلنك من المسجونين

وجود زندان مشقت بار و زندانیان بسیار سیاسی، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - مردم در نظام فرعونى، فاقد آزادی عقیده و بیان

قال ءامتم

له قبل أن ءاذن لكم .. لأقطعن أيديكم و أرجلكم من خلف

اختیارات حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۸

۸ حکومت ها در شرایط بحرانی کشور ، می توانند آزادی مردم را در تصرف اموال و املاک خویش محدود ساخته ، آنان را به سمت مصالح همگانی سوق دهند .

اجعلنی علی خزائن الأرض .. كذلك مکننا لیوسف فی الأرض یتبوا منها حیث یشاء

اختیارات حکومت اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۷ - ۵۹ - ۱۲

۱۲ - <فیء> ، در اختیار حکومت اسلامی ، برای به کارگیری در مصارف تعیین شده آن *

و ما ءاتیکم الرسول فخذوه و ما نهیکم عنه فانتهوا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که پیامبر(ص)، در این آیه به عنوان رهبر جامعه اسلامی، صاحب اختیار <فیء> شناخته شده باشد؛ زیرا عمر شخص پیامبر(ص) محدود است؛ ولی مسأله <فیء> همچنان استمرار دارد. پس باید تفویض اختیار به منصب باشد (کسانی که اهلیت حکومت را دارند).

ارزش حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ - ۵

۵ دستیابی به اقتدار و سلطنت در زمین ، در قیاس با پاداش های اخروی ناچیز است .

كذلك مکننا لیوسف فی الأرض .. و لأجر الآخره خیر

اشرافیت در حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۶ - ۶

۶ - حکومت فرعونى ، حكومتى اشرافى و مبتنى بر اقتدار اشراف

إلى فرعون و ملايه

كلمه <ملاً> در قرآن مجيد،

معمولاً به طبقه اشراف و ثروتمندان اطلاق می شود.

اطاعت از حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۹ - ۷

۷ لزوم پیروی از حکومت حق

و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم

اقتدار حکومت مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۹ - ۱۰

۱۰ یوسف (ع) و کار گزارانش به هنگام اقتدار و حکومت در مصر ، از هر \$ گونه ظلم و ستم اجتناب می کردند .

قال معاذ الله ان .. إنا إذا لظلمون

مقصود یوسف از ضمیرهای متکلم مع الغیر <نا> و <نحن> در حقایقی که مطرح کرد (أن نأخذ .. إنا إذا لظالمون) خود او و کار گزارانش می باشد.

اقدامات امنیتی در حکومت یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۳ - ۴

۴ دستگاه حکومتی یوسف (ع) ، درباره کاروانهایی که به مصر وارد می شدند ، تفحص می کرد تا به فسادگر و سارق نبودن ایشان اطمینان پیدا کند .

لقد علمتم ما جئنا لنفسد فی الأرض و ما كنا سرقین

جمله <لقد علمتم> (یقیناً دانستید و دریافتید که ما چنین و چنان نیستیم) حاکی است که کاروانهای وارد شده به مصر، مورد تفحص قرار می گرفتند تا هدف آنان از ورود به مصر مشخص شود که مبادا برای جاسوسی ، خرابکاری ، سرقت و .. به

مصر وارد شده باشند.

امانتداری کار گزاران حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱۱

۱۱ واگذار کننده منصب

، باید توانمندی و امانت داری منصب پذیر را احراز کند .

قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی . . . مکین أمين

انقراض حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۰ - ۵، ۲، ۱

۱ به قدرت رساندن بنی اسرائیل برای برچیدن نظام فرعونى ، تحلیل اشراف دربار از پیشنهاد موسى (رهاسازی بنی اسرائیل)

فأرسل معی بنی إسرائيل . . . یرید أن یخرجکم من أرضکم

۲ فرعون و درباریان او آگاه به توان و اقتدار موسى (ع) برای برچیدن نظام حکومتی آنان

یرید أن یخرجکم من أرضکم

تشکیل جلسه مشورتی از سوی سران حکومت مصر برای ارزیابی روشهای مبارزه با موسى بدین سبب که وی در صدد برچیدن حکومت است، نشانگر این نکته است که فرعونیان به توانایی و اقتدار موسى پی برده و سخت بیمناک بودند.

۵ انتخاب روش مبارزه با موسى پس از تصمیم به سحر خواندن وی و تحلیل اهداف او (برچیدن حکومت فرعونى) ، از مسائل مطرح شده در جلسه مشورتی بزرگان دربار فرعون

فماذا تأمرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۷ - ۳

۳ اشراف دربار فرعون بیمناک از برچیده شدن نظام فرعونى و به قدرت رسیدن موسى (ع) و قوم او

أتذر موسى و قومه لیفسدوا فی الأرض و یذرك و ءالھتك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۶

۶ موسى (ع) ، نابودى حکومت فرعونى و تسلط مردمش بر سرزمین مصر را به آنان بشارت داد .

موسی لقومه .. إن الأرض لله يورثها من يشاء من عباده

چون موسی(ع) در پی تهدیدهای فرعون با جمله <إن الأرض .. > در صدد تسلی بخشیدن به بنی اسرائیل بود، این جمله متضمن اخبار به نابودی فرعونیان و جانشینی بنی اسرائیل خواهد بود.

انقراض حکومت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۴

۴ نزول حکومت ها و جانشینی حاکمانی دیگر ، به مشیت خدا و در اختیار اوست .

إن الأرض لله يورثها من يشاء من عباده

ارث به چیزی گفته می شود که در اختیار کسی بوده و با مردن وی به دیگری منتقل شده است. بنابراین <یورثها> یعنی خداوند زمین را با هلاکت حاکمان پیشین به گروهی دیگر از بندگانش خواهد سپرد.

اهل کتاب در حکومت اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۹ - ۳

۳ اهل کتاب [در حاکمیت اسلام] محکوم به پرداخت جزیه اند .

الذين أوتوا الكتب حتى يعطوا الجزية عن يد وهم صغرون

اهمیت تقویت حکومت اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۱۰ - ۴

۴ - تقویت بنیه حکومتی جامعه اسلامی به وسیله انفاق ، سفارش خدا به مؤمنان صدر اسلام

يقولون لئن رجعنا إلى المدینه .. و أنفقوا من ما رزقنكم

با توجه به ارتباط این آیه با آیات قبل که در مورد منافقان و جلوگیری آنان از انفاق در راستای براندازی حکومت اسلامی و.

.. است، برداشت یاد شده استفاده می شود.

اهمیت تقویت حکومت اولیاء الله

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۰ - ۹

۹ - لزوم تقویت و تثبیت حکومت مردان الهی و رهبران صالح

و شددنا ملکه و ءاتینه الحکمه و فصل الخطاب

از این که خداوند پس از ذکر اوصاف معنوی داوود(ع) (واذکر عبدنا داود ذا الأید اِنَّهٗ اُوَّابٌ)، مسأله تقویت و استحکام بخشیدن حکومت آن حضرت را مطرح کرده است، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

اهمیت حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۳ - ۲۳، ۱۳

۱۳ حکومت ، داوری و حل اختلافات مردم ، از اهداف بعثت پیامبران و نزول کتاب های آسمانی

و أنزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس

۲۳ ضرورت قانون و حکومت ، برای جامعه انسانی

و انزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۸ - ۹

۹ لزوم تشکیل حکومت و برقراری نظام قضایی عادلانه در جامعه اسلامی *

انّ الله يأمرکم ان تؤدّوا الامانات الی اهلها و اذا حکمتم بین النّاس ان تحکموا ب

لازمه ادای امانت به اهلش و سپردن مسؤولیتها به افراد لایق و قضاوت عادلانه در میان مردم، وجود تشکیلات حکومتی و قضایی میان مردم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۳ - ۲۱

۲۱ ضرورت وجود حکومت برای تأمین هدایت بشر

و لو لا فضل الله علیکم و رحمته لاتّبعتم الشّیطان

بنابر اینکه مراد از <فضل> و <رحمه>، رسول خدا (ص) و اولوالامر (حاکمان صالح) باشد، خداوند هدایت اکثریت مردم را در گرو

رسالت و حکومت صالح می داند. بنابراین برای تأمین هدایت بشر، چاره ای جز حکومت صالح نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۰ - ۳

۳ - حکومت و مدیریت اجتماعی در نگاه وحی ، امری ضروری و پسندیده برای جوامع بشری

و شددنا ملکه

تثبیت و تقویت حکومت داوود(ع) از سوی خداوند، گویای سه نکته است: ۱ اصل وجود حکومت و مدیریت اجتماعی امری ضروری و مطلوب است؛ ۲ در دست گرفتن حکومت و مدیریت اجتماعی از سوی مردان الهی (همچون داوود(ع)) کاری بایسته و شایسته است و این کار با اهداف معنوی و الهی بشر کاملاً سازگاری دارد؛ ۳ دین از سیاست اجتماع جدا نیست؛ بلکه کاملاً با آن سازگار و هماهنگ است.

اهمیت حکومت اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۵ - ۷

۷ - لزوم کار بنیادی ، در ترویج دین و تشکیل امت اسلامی و ضرورت مبارزه با عوامل اصلی کفر و فساد اجتماعی

كما أرسلنا إلى فرعون رسولا

ایصال به حکومت جاودان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۰ - ۶

۶ - راهنمایی آدم به درخت جاودانگی و ملک و سلطنت همیشگی ، پوشش شیطان برای فریب آدم و حوا و وادار ساختن آنان به خوردن از میوه درخت ممنوع

هل أدلك على شجرة الخلد و ملك لا يبلى

مقصود از <شجره الخلد> درختی است که خوردن میوه آن موجب جاودانگی گردد. <ملک> به معنای مال و نیز سلطنت آمده است (قاموس). مراد از <ملک لا يبلى> مالکیت و حاکمیتی است که

زوال نپذیرد و فرسوده نگردد.

بازدید از کارگزاران حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۰ - ۸

۸ - بازدید از نیروهای تحت فرمان و کارگزاران ، جستوجو از احوال آنان ، نظارت دقیق بر کارهایشان و خویشتن داری در برخورد با آنها ، از اوصاف و وظایف فرماندهان سپاه و رهبران جامعه اسلامی .

و تفقد الطیر فقال ما لی لأری الهدهد أم کان من الغائبین

برپایی حکومت صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۲۵

۲۵ بهره مندی یهود و نصارا از نعمت های بیکران خداوند ، در گرو برپا داشتن حکومت و ولایت الهی

و لو انهم اقاموا التوریه و الانجیل .. لا کلوا من فوقهم و من تحت ارجلهم

امام باقر(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: الولایه.

کافی، ج ۱، ص ۴۱۳، ح ۶؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۵۰، ح ۴۸۵.

برتری حکومت امام عادل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۳ - ۶

۶ - > عن أبی عبد الله (ع) قال : قوله عزّوجلّ < خیر من ألف شهر > هو سلطان بنی امیّه و ليله من امام عدل خیر من ألف شهر ملک بنی امیّه ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: سخن خداوند عزوجلّ <خیر من ألف شهر> آن [هزار ماه، دوران] سلطنت بنی امیّه

است و یک شب از [حکومت] امام عادل، بهتر از هزار ماه سلطنت بنی امیه است <.

بشارت حکومت مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - مؤمنان در شرایط دشوار مکه ، مورد نوید خداوند به برخورداری از اقتدار و حکومت *

و لقد ءاتینا .. الحکم

برداشت بالا با توجه به دو نکته زیر به دست می آید: الف) <الحکم> ممکن است به معنای حکومت و اقتدار باشد (ب) در آیات پیشین خداوند از مؤمنان مکه خواست تا در برابر مشکل آفرینی های مشرکان صبر پیشه کنند و در پی آن، سرگذشت بنی اسرائیل و برخورداری آنان از حکومت الهی را یاد آور شده است تا مؤمنان را امیدوار سازد که پس از تحمل مشکلات، نوبت حکومت فرا می رسد.

بی ارزشی حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۲ - ۱۲

۱۲ - تحقیر دنیا و حاکمیت موقت فرعون در آن ، از سوی ساحران مؤمن

إنما تقضى هذه الحیوه الدنيا

فعل <تقضى> خطاب به فرعون و <هذه الحیاه> مفعول فیه آن است ، یعنی ، <إنما تقضى مده هذه الحیاه الدنيا> (دایره حکم رانی تو، همین زندگی دنیایی است و فراتر از آن در دسترس تو نیست).

بی نظیری حکومت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۵ - ۶

۶ - سلیمان (ع) ، از خداوند خواستار حکومتی بی نظیر و نامیوس برای بشر در طول تاریخ

و هب لی ملکاً لا ینبغی لأحد من بعدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۹ - ۱،۲

۱ - حکومت بزرگ و بی نظیر سلیمان (ع) ، عطیه بزرگ الهی بود .

و

هب لي ملكاً .. هذا عطاؤنا

اضافه <عطا> به ضمير جلاله (نا) بر تعظيم دلالت مي کند.

۲ - امتنان خداوند بر سليمان (ع) ، به خاطر اعطای حکومت عظيم و بي نظير به ايشان

هذا عطاؤنا

تاريخ حکومت دينی

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۷ - جايه - ۴۵ - ۱۶ - ۴

۴ - حکومت الهی ، دارای ديرينه در تاريخ بشر

و لقد آتينا بني إسرائيل الكتب والحكم

بنابراین که واژه <الحکم> به معنای حکومت و فرمانروایی باشد، برداشت بالا به دست می آید.

تثيبت حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱۹

۱۹ - فرعون ، مصمم بر نابود ساختن و از بين بردن موسى (ع) و پيروان او ، و پايدار نشان دادن حکومت خود

و لتعلمنّ آئنا أشدّ عذاباً و أبقى

و عده عذاب و قتل مؤمنان و نیز ادعای باقی تر بودن (أبقى) از سوی فرعون، بیانگر این نکته است که وی به نابود کردن مؤمنان مصمم شده بود. گفتنی است در این برداشت، تمیز <عذاباً> به کلمه <أشدّ> اختصاص یافته و کلمه <أبقى> خالی از تمیز، لحاظ شده است.

تشکیل حکومت ها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۴

۴ نزول حکومت ها و جانشینی حاکمانی دیگر ، به مشیت خدا و در اختیار اوست .

إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ

ارث به چیزی گفته می شود که در اختیار کسی بوده و با مردن وی به دیگری منتقل شده است. بنابراین <یورثها> یعنی خداوند زمین

را با هلاکت حاکمان پیشین به گروهی دیگر از بندگانش خواهد سپرد.

تقوا در حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۱۲

۱۲ ارجمندی حکومت مداران تنها در گرو تقوای پیشگی آنان است .

و العقبه للمتقين

چنانچه مراد از <العقبه> عاقبت نیک باشد، هدف از آوردن جمله <العقبه للمتقين> پس از اشاره به اینکه مؤمنان بنی اسرائیل به حکومت خواهند رسید، بیان این حقیقت است که حاکمیت یافتن مؤمنان برای آنان سعادت آفرین نیست، مگر اینکه اهل تقوا باشند و در حاکمیت خویش تقوا را رعایت کنند.

توطئه براندازی حکومت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۸ - ۲

۲ - منافقان ، درصدد براندازی حکومت پیامبر (ص)

يقولون لئن رجعنا إلى المدینه ليخرجنّ الأعرّ منها الأذلّ

تهمت حکومت طلبی به موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۷ - ۳

۳ - برنامه ریزی و توطئه برای بیرون راندن فرعون و فرعونیان از مصر و تلاش برای رسیدن به حکومت ، اتهام فرعون به حضرت موسی (ع)

أجئتنا لتخرجنا من أرضنا بسحرک یموسی

جن در حکومت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۹ - ۲

۲ - قدرت جنیان در خدمت حکومت سلیمان و قوای سرکش آنان تحت تسلّت وی

قال عفريت من الجنّ أنا اتيك به

واژه <عفريت> به معنای بد ذات و شرور است که مستلزم طغیان و سرکشی است. گاهی نیز به معنای قهرمان به کار می رود.
برداشت یاد

شده بر پایه معنای اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۷ - ۵

۵ - شیاطین جنی ، در خدمت آبادانی قلمرو حکومت سلیمان (ع) بودند .

و الشیاطین کلّ بناء و غواص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۸ - ۱،۲

۱ - اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطین جنی در حکومت سلیمان

و ءاخرین مقرّنین فی الأصفاد

<مقرّنین> اسم مفعول از <قرّنه> (آن را قرین و نزدیک دیگری ساخت) و به معنای گروه به هم بسته شده است. <صَفَدَ> (مفرد <أصفاد>) نیز به معنای قید و بند است.

۲ - اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطین فسادانگیز و اخلال گر جنی ، جلوه ای از اقتدار حکومت ممتاز سلیمان (ع)

و ءاخرین مقرّنین فی الأصفاد

اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطین در حکومت سلیمان(ع) در مقابل گروه دیگری که به خدمت گزاری مشغول بودند می تواند گویای این حقیقت باشد که این دسته اگر آزاد گذاشته می شدند، در حکومت سلیمان(ع) اخلال و فساد ایجاد می کردند.

حرمت حکومت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۱۳

۱۳ حرمت پذیرش ولایت و حکومت کافران

و لن يجعل الله للكفرین علی المؤمنین سییلا

بنابر اینکه جمله <لن يجعل ..>، در مقام انشاء باشد و نه اخبار. یعنی نباید مؤمنان سلطه کافران را پذیرا باشند.

حرمت حکومت منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۴ -

۷ حرمت برقراری روابط دوستی با منافقان و پذیرش ولایت و حکومت آنان

إِنَّ الْمُنْفِقِينَ .. لَا تَتَّخِذُوا الْكُفْرِينَ أَوْلِيَاءَ

حرمت دشمنی با حکومت دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۸

۸ - حرمت مخالفت و معارضه با حکومت های الهی

وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيْطَانِ عَلَىٰ مَلِكِ سُلَيْمَانَ

حقانیت حکومت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۴ - ۶

۶ - حکومت حق ، مخصوص خداوند است .

الْمَلِكِ الْحَقِّ

حکومت آل ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۴ - ۸

۸ اعطای کتاب و حکمت (پیامبری) و ملک عظیم به آل ابراهیم (ع) ، از تفضلات الهی

فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُم مَّلَكًا عَظِيمًا

برخی از مفسران بر آنند که مراد از حکمت، نبوت و پیامبری است.

حکومت ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۳ - ۵

۵ - ابراهیم (ع) آرزومند دریافت حکومت از جانب خدا، برای هدایت و تدبیر امور مردم

رَبِّ هَبْ لِي حَكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <حکم> در آیه معادل <حکومه> (سرپرستی و تدبیر امور خلق) باشد.

حکومت اخروی ابرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۰ - ۱

۱ - ابرار، برخوردار از نعمتی فراوان و سلطنتی بزرگ و چشم گیر در بهشت

وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمَلَكًا كَبِيرًا

<ثَمَّ> (آن جا) مفعول <رأیت> و اشاره به

بهشت ابرار است. گفتنی است تکبیر <نعیمًا> بر عظمت و تفخیم دلالت دارد.

حکومت استبدادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کَهِف - ۱۸ - ۲۰ - ۷

۷- حکومت ، در زمان زندگی اصحاب کَهِف ، حکومتی مستبد و ظالم بود .

إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ

حکومت استبدادی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - اِبْرَاهِيم - ۱۴ - ۶ - ۱۶

۱۶- تحمیل بدترین شکنجه ها ، سر بریدن پسران و زنده نگه داشتن زنان از سوی فرعونیان ، آزمایشی بزرگ از جانب خداوند برای بنی اسرائیل

يسومونكم سوء العذاب . . . و في ذلكم بلاء من ربكم عظيم

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مشارالیه <ذلكم> شکنجه های فرعونیان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مُؤْمِنُونَ - ۲۳ - ۴۶ - ۳،۴

۳ - نظام فرعونی ، نظامی سرکوبگر و متکی به اشراف

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِيهٖ . . . وَ كَانُوا قَوْمًا عَالِينَ

۴ - حاکمیت سرکوبگر فرعون ، مانع از آزادی مردم و روی آوردن موسی به هدایت آنان ، در مرحله نخست

ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ . . . إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِيهٖ

با توجه به این که در آیات پیشین، وقتی سخن از <انییا> به میان می آمد، رسالت آنان به سوی توده های مردم مد نظر بود ولی در مورد موسی(ع) سخن از رسالت او به سوی فرعون به میان آمده است، می توان گفت که حرکت حضرت موسی به

سوی فرعون، بدان جهت بود که نظام فرعونی، مانع از آزادی مردم و گرایش آنان به موسی و به عبارت

دیگر سدی میان او و مردم بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۱ - ۷

۷ - حکومت فرعونى در عصر موسى (ع) ، حكومتى فردى و استبدادى بود .

أليس لى ملك مصر

با توجه به این که فرعون خود را فرمانروای مطلق و بی چون و چرای مصر می داند، مطلب بالا استفاده می شود.

حکومت استبدادى قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۹ - ۹

۹ نظام حاکم بر قوم عاد ، نظامى ظالمانه و استبدادى

و اتبعوا أمر کل جبار عنید

حکومت استبدادى مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ نظام حكومتى مصر در زمان عزیز ، نظامى استبدادى و فاقد دستگاه قضایى مستقل بود .

و لئن لم یفعل .. لیکوناً من الصغیرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۵ - ۸

۸ وحدت نظام سیاسى و قضایى حكومت استبدادى مصر *

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الآیت لیسجننه

حکومت استثماری فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲ - ۲

۲ - بنی اسرائیل ، تحت بردگی و استثمار شدید نظام فرعونی

أَنْ عَبَدْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ

حکومت اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۴ - ۵

۵ اهل ایمان ، وظیفه دار تشکیل حکومتی بر مبنای ایمان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكٰفِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ

چنانچه <ولیی> به

معنای سرپرست باشد، جمله <لا تتخذوا...>، دلالت بر حرمت پذیرش ولایت کافران دارد، و <من دون المؤمنین>، حکایت از ضرورت تشکیل و پذیرش حکومتی بر پایه ایمان دارد.

حکومت اشرافی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۶ - ۳

۳ - نظام فرعونى ، نظامى سرکوبگر و متكى به اشراف

إلى فرعون و ملأيه ... و كانوا قومًا عالين

حکومت امام مهدی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۲۷

۲۷ - < عن على بن الحسين (ع) انه قرء الآيه > و عدالله الذين آمنوا منكم ... > و قال : هم والله شيعتنا أهل البيت يفعل الله ذالك بهم على یدی رجل منّا و هو مهدى هذه الأئمه ... ;

از حضرت علی بن الحسین(ع) روایت شده است که آن حضرت در پی تلاوت آیه <وعد الله الذى آمنوا منكم..> فرمود: سوگند به خدا! آنان شیعیان ما اهل بیت هستند که خداوند به سبب مردی از خاندان ما که مهدی(عج) این امت باشد آنان را خلیفه روی زمین قرار خواهد داد...>.

حکومت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۳ - ۱۳

۱۳ حکومت ، داوری و حل اختلافات مردم ، از اهداف بعثت پیامبران و نزول کتاب های آسمانی

و أنزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٢ - آل عمران - ٣ - ٧٩ - ٦

٦ حكومت ، عطيه الهى

به انبیا

ان یؤتیه الله الكتاب و الحكم

بنابراینکه <الحکم>، به معنی حکومت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۶ - ۲

۲ کتب آسمانی، نبوت و حکومت پیامبران، از آیات خداوند

فقد اتینا ال ابرهیم الکتب و الحکمه و اتیناهم ملکاً عظیماً.. ان الذین کفروا با

با توجه به آیه ۵۴ می توان گفت: کتاب، حکمت و ملک عظیم از مصادیق <بآیاتنا> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۰ - ۱۵

۱۵ شیاطین و طاغوت ها، عناصری در برابر حکومت پیامبران الهی

الم تر الی الذین یزعمون .. و یرید الشیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۶

۶ پیامبران(ع) دارای حق حکومت و قضاوت در میان مردم هستند.

اولئک الذین ءاتینهم الکتب و الحکم و النبوه

از جمله معانی مذکور برای واژه <حکم> قضاوت و همچنین حکومت است، لازم به ذکر است این دو معنی در طول یکدیگر و با هم متقارنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۱۶

۱۶ پیامبران تا پیش از استقرار دین و حکومتشان بر زمین ، از گرفتن اسیر در میدان نبرد پرهیز داشته و آن را ناروا می دانستند .

ما کان لنبی . . . و اللّٰه عزیز حکیم

برداشت فوق بر این اساس است که مفعول <یثخن> کلمه ای همانند <دینه> و یا <حکومته> باشد. بر این مبنا اثخان به معنای تثبیت و محکم کردن است. بنابراین جمله <ما کان لنبی ...

< می رساند که پیامبران تا زمانی که حکومت و دینشان در زمین تثبیت نمی شد، از اسیر گرفتن در میدان نبرد امتناع می کردند. قابل ذکر است اگر مجاهد از این امر تخلف کنند و اسیر بگیرند، به دلیل آیه ۷۰، نمی توان گفت باید آن اسیران کشته شوند.

حکومت اولیاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۰ - ۴

۴ - در دست گرفتن حکومت و مدیریت اجتماعی ، امری شایسته و بایسته برای مردان الهی

و شددنا ملکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۵ - ۹

۹ - در دست داشتن قدرت سیاسی و رهبری جامعه ، امری پسندیده و شایسته برای مردان الهی

و هب لی ملکا لاینبغی لأحد من بعدی

حکومت ایده آل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۳ - ۳

۳ تشکیل حکومت واحد جهانی در پرتو ایمان و جهاد ، ایده ای الهی

قتلوا الذین یلونکم من الکفار

فرمان خدا به پیکار با کافران مجاور و تسخیر پیاپی سرزمینهای کفر می تواند بیانگر ایده ای باشد که در برداشت فوق آمده است.

حکومت باطل و علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۱۱۳ - ۵

۵ بهره گیری حکومت های باطل از عالمان ، برای مقابله با حق

و جاء السحرة فرعون

حکومت بر پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۶

۶ حاکمان صالح بر پدر و مادر خویش حکومت

و فرمانروایی نمی کنند .

و رفع أبویه علی العرش

یوسف(ع) با نشانیدن پدر و مادرش بر تخت خویش ، علاوه بر احترام ویژه اش به آنان ، درصدد بیان این نکته بود که هرگز بر پدر و مادرش حکمرانی و فرمانروایی نخواهد کرد ؛ بلکه مطیع و فرمانبردار ایشان خواهد بود.

حکومت بر مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۶

۶ حاکمان صالح بر پدر و مادر خویش حکومت و فرمانروایی نمی کنند .

و رفع أبویه علی العرش

یوسف(ع) با نشانیدن پدر و مادرش بر تخت خویش ، علاوه بر احترام ویژه اش به آنان ، درصدد بیان این نکته بود که هرگز بر پدر و مادرش حکمرانی و فرمانروایی نخواهد کرد ؛ بلکه مطیع و فرمانبردار ایشان خواهد بود.

حکومت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۴ - ۱۲

۱۲ - بنی اسرائیل پس از دریافت تورات و عمل به محتوای آن ، به قدرت و حکومت رسیدند . *

ثم تولیتهم من بعد ذلک

از معانی <تولی> ولایت پیدا کردن و حکومت یافتن است. برداشت فوق ناظر به این احتمال می باشد. گفتنی است بر این مبنا مراد از فضل خدا و رحمت او، همان اعطای تورات و توفیق عمل به احکام آن می باشد و مقصود از خسران در <لکتتم من الخاسرین> قرار گرفتن در تحت سیطره حکومتهای کفر و جور خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۰ - ۱۲، ۹، ۸، ۷

در برهه ای از تاریخ حیات خویش

و جعلکم ملوکاً

۸ حکومت و فرمانروایی بنی اسرائیل ، نعمتی الهی بر آنان

اذکروا نعمه الله علیکم . . . و جعلکم ملوکاً

۹ سروری قوم موسی (ع) بر دیگر اقوام در گذشته تاریخ خویش

اذکروا نعمه الله علیکم اذ . . . جعلکم ملوکاً

<ملوک> در برداشت فوق، کنایه از سیادت و سروری گرفته شده است.

۱۲ برانگیخته شدن پیامبران در بنی اسرائیل ، زمینه حاکمیت و استقلال آنان *

اذ جعل فیکم انبیاء و جعلکم ملوکاً

تقدیم جمله <جعل فیکم انبیاء> بر جمله <جعلکم ملوکاً>، می تواند اشاره به این معنی باشد که وجود انبیا در میان بنی اسرائیل، سبب استقلال و فرمانروایی آنان شد.

حکومت بنی امیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۳ - ۶

۶ - > عن أبي عبد الله (ع) قال : قوله عزّوجلّ <خير من ألف شهر> هو سلطان بنی امیه و ليله من امام عدل خير من ألف شهر ملک بنی امیه ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: سخن خداوند عزّوجلّ <خير من ألف شهر> آن [هزار ماه، دوران] سلطنت بنی امیه است و یک شب از [حکومت] امام عادل، بهتر از هزار ماه سلطنت بنی امیه است.

حکومت پادشاهی مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۱۱

۱۱ مصر در زمان وزارت یوسف (ع) دارای حکومت پادشاهی بود .

ما كان ليأخذ أخاه في دين الملك

حکومت جالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ -

۱۹ جالوت ، زمامدار ستمگر عصر بنی اسرائیل پس از حضرت موسی (ع)

لا طاقة لنا اليوم بجالوت

حکومت جهان دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۳ - ۳

۳ تشکیل حکومت واحد جهانی در پرتو ایمان و جهاد ، ایده ای الهی

قتلوا الذين يلونكم من الكفار

فرمان خدا به پیکار با کافران مجاور و تسخیر بیابانی سرزمینهای کفر می تواند بیانگر ایده ای باشد که در برداشت فوق آمده است.

حکومت جهانی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۱۱

۱۱- حکومت واحد جهانی به دست بندگان صالح خدا ، فرجام نهایی زندگی بشر در زمین

أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ

حکومت جهانی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۵ - ۱۱

۱۱- حکومت واحد جهانی به دست بندگان صالح خدا ، فرجام نهایی زندگی بشر در زمین

أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ

حکومت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۱ - ۱۵، ۲۶، ۱۰

۱۰ سلطنت ، حکمت و علم داود ، عطای خداوند به وی

و اتیه الله الملك و الحکمه و علمه ممّا یشاء

۱۵ داود ، حاکم الهی بنی اسرائیل ، پس از طالوت

انّ الله قد بعث لکم طالوت ملکاً .. و قتل داود جالوت و اتیه الله الملك

کاربرد <واو> عاطفه به جای <فاء> ، با وجود اینکه اعطای ملک به <داود> مترتب بر کشته شدن جالوت است، می تواند اشاره به فاصله این دو امر

باشد، و این فاصله ظاهراً مدّت زمان زمامداری طالوت است.

۲۶ کشته شدن جالوت (سرکرده کفر و طغیان) به دست داود ، از عوامل اعطای مُلک و سلطنت الهی به وی

و قتل داؤد جالوت و اتیه الله الملک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۰ - ۲

۲ - داوود (ع) ، در دوران رسالت خویش رهبری جامعه و مدیریت اجتماعی را در دست داشت .

و شددنا ملکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۵

۵ - داوود (ع) ، از سوی خدا مأمور حکومت و داوری میان مردم برپایه حق

إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ

حکومت در انجیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۷ - ۳

۳ انجیل ، در بردارنده قوانین حکومتی و قضایی

و ليحكم أهل الانجيل بما أنزل الله فيه

حکومت در تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۸

۸ تورات ، در بردارنده احکام قضایی و حکومتی

يحكم بها النبيون الذين اسلموا للذين هادوا

حکومت در شرایط بحرانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۱۹

۱۹ کنترل حکومت بر روند تولید و توزیع ارزاق در شرایط بحرانی ، امری ضروری است .

تزرعون سبع سنين . . . إلا قليلاً مما تأكلون

التفات از خطاب به غیبت در آیه ۴۹ ؛ یعنی ، آوردن < یغاث الناس > به جای < تُغاثون > و نیز

<يعصرون> به جای <تعصرون> گویای این است که مخاطبان <تررعون> و <ذروه> و مانند اینها سران حکومتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۸

۸ حکومت ها در شرایط بحرانی کشور ، می توانند آزادی مردم را در تصرف اموال و املاک خویش محدود ساخته ، آنان را به سمت مصالح همگانی سوق دهند .

اجعلنی علی خزائن الأرض .. كذلك مکنا لیوسف فی الأرض یتبوا منها حیث یشاء

حکومت در مغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۹ - ۱

۱- ذوالقرنین ، پس از اقامه نظام عادلانه دینی در میان ساحل نشینان غرب ، به سوی شرق سرزمین خویش حرکت کرد .

ثم أتبع سببًا . حتی إذا بلغ مطلع الشمس

حکومت دوران اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۰ - ۷

۷- حکومت ، در زمان زندگی اصحاب کهف ، حکومتی مستبد و ظالم بود .

إنهم إن یظہروا علیکم یرجموکم أو یعیدوکم فی ملتہم

حکومت دوران خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۷

۷- در زمان وقوع داستان موسی و خضر (ع) ، حکومتی ستم گر و غاصب وجود داشته است .

و کان وراءهم ملک يأخذ کلّ سفینه غصبًا

<وراء> به هر مکان مستور و پوشیده ای گر چه روبه رو باشد، اطلاق می گردد. (قاموس) بنابراین، سلطان غاصب، یا پشت سر مساکین و در تعقیب کشتی داران بوده است و یا در پیش روی

آنان بوده آن ها در مسیر خود با او برخورد می کردند.

حکومت دوران موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۹ - ۷

۷- در زمان وقوع داستان موسی و خضر (ع) ، حکومتی ستم گر و غاصب وجود داشته است .

و كان وراءهم ملك يأخذ كل سفينة غصبا

<وراء> به هر مکان مستور و پوشیده ای گر چه روبه رو باشد، اطلاق می گردد. (قاموس) بنابراین، سلطان غاصب، یا پشت سر مساکین و در تعقیب کشتی داران بوده است و یا در پیش روی آنان بوده آن ها در مسیر خود با او برخورد می کردند.

حکومت دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۷ - ۱۲

۱۲- حکومت ذوالقرنین ، حکومتی دینی و الهی بود .

قال .. ثم یردّ الی ربّه فیعذّبه عذابا نکرّا

ذوالقرنین، مجازات ستم پیشگان را به دست خود، در طول مجازات و عذاب خداوند در آخرت دانسته است،\$بنابراین، حکومت ذوالقرنین، برپایه موازین الهی تأسیس شده و با آن منطبق بود.

حکومت دینی در دوران ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۹ - ۱

۱- ذوالقرنین ، پس از اقامه نظام عادلانه دینی در میان ساحل نشینان غرب ، به سوی شرق سرزمین خویش حرکت کرد .

ثم أتبع سببًا . حتّی إذا بلغ مطلع الشمس

حکومت ذوالقرنین

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۰ - کہف - ۱۸ - ۸۳ - ۱۰

۱۰ - > عن أبي جعفر (ع) قال : إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَبْعَثْ

أَنْبِيَاءَ مَلُوكًا فِي الْأَرْضِ إِلَّا أَرْبَعَهُ بَعْدَ نُوحٍ: أَوْلَهُمُ ذَوَالْقُرْنَيْنِ ۚ

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: خدا در زمین، پیامبران را پادشاه قرار نداد، مگر چهار پیامبر را که بعد از نوح بودند: نخستین آنان، ذوالقرنین بود.

حکومت سرزمین مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۶

۶ موسی (ع) ، نابودی حکومت فرعون و تسلط مردمش بر سرزمین مصر را به آنان بشارت داد .

قال موسى لقومه .. إن الأرض لله يورثها من يشاء من عباده

چون موسی(ع) در پی تهدیدهای فرعون با جمله <إن الأرض .. > در صدد تسلی بخشیدن به بنی اسرائیل بود، این جمله متضمن اخبار به نابودی فرعونیان و جانشینی بنی اسرائیل خواهد بود.

حکومت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۱،۴،۵۱

۱ - حضرت سلیمان ، پیامبری دارای سلطنت و حکومت

علی ملک سلیمان

۴ - شیاطین از دشمنان حضرت سلیمان و حکومت الهی او

ما تتلوا الشیطین علی ملک سلیمان

<علی ملک سلیمان> (بر ضد حکومت سلیمان) حال برای مفعول حذف شده از <تتلوا> است؛ یعنی، آن سحری را که برای مردم تلاوت می کردند، علیه سلطنت سلیمان بود.

۵۱ - از امام باقر (ع) روایت شده که فرمود: >... فلما هلك سليمان وضع ابليس السحر و كتبه في كتاب ثم طواه و كتب علی ظهره > هذا ما وضع آصف بن برخيا لملك سليمان بن داود من ذخائر كنوز العلم من أراد كذا و كذا فليفعل كذا و كذا

<

ثم دفنه تحت السرير ثم استتاره لهم فقراهُ فقال الكافرون ما كان سليمان (ع) يغلبنا إلا بهذا و قال المؤمنون بل هو عبدالله و نبّيه فقال الله جلّ ذكره > واتبعوا ما تتلوا الشياطين على ملك سليمان و ما كفر سليمان و لكن الشياطين كفروا يعلمون الناس السحر ; ...

آن هنگام که سلیمان (ع) وفات یافت ابلیس سحر را پایه گذاری کرد و در کتابی نوشت که سپس آن را پیچیده و بر روی آن چنین نوشت: این چیزی است که آصف بن برخیا ساخته است برای برپایی حکومت سلیمان بن داود (ع) که در آن ذخیره های علم انباشته شده است. هر کس چنین می خواهد چنان کند. سپس ابلیس آن را زیر تخت سلیمان (ع) پنهان نمود که سپس آن نامه را بیرون آورده برای آنان خواند. پس کافران در آن جلسه گفتند: سلیمان بر ما چیره نگشت و حکومت نیافت مگر از راه سحر و مؤمنانشان گفتند: هرگز این چنین نیست بلکه او بنده و پیامبر خدا بود. خداوند می فرماید: واتبعوا ما تتلوا الشياطين على ملك سليمان و ما كفر سليمان و لكن الشياطين كفروا يعلمون الناس السحر ...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۴ - ۴

۴ - سلیمان (ع) ، دارای حکومت و تخت فرمانروایی

و لقد فتنا سليمان و ألقينا على كرسيه جسداً

حکومت ظالمانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۵ - ۱۳

۱۳ ممنوعیت سلطه جابرانه بر ضعیفان

و المستضعفين . . اخرجنا من هذه القرية الظالم اهلها

>استضعفه<، یعنی ا

را ضعیف یافت و بر او سلطه افکند. و چون استضعاف کنندگان، ظالم شمرده شده اند، حرمت و ممنوعیت این عمل به دست می آید.

حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۲ - ۱

۱ فرعون ، برخوردار از اقتدار و سلطنتی با نفوذ در سرزمین مصر بود .

يَأْتُوكَ بِكُلِّ سِحْرِ عَلِيمٍ

فعل <يأتوك> جواب فعل امر قرار گرفته و به حرف شرط مقدر مجزوم شده است. تقدیر کلام چنین است: ان ترسل الحاشرين يأتوك بكل ساحر عليم. انتخاب این ترکیب برای کلام حاوی این نکته است که فرستادن نیروها مستلزم آوردن ساحران است و این حکایت از نفوذ فراوان فرعون و مأموران وی بر سرزمین مصر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۷ - ۵

۵ رو آوردن موسی (ع) و قومش به فسادگری علیه نظام فرعونى ، هشدار اشرافیان به فرعون

أَتَذَرُ مُوسَىٰ وَقَوْمَهُ لِيَفْسُدُوا فِي الْأَرْضِ

<لام> در <ليفسدوا> در اصطلاح اهل ادب لام عاقبت می باشد. بنابراین مقصود اشراف از جمله <أتذر...> این است که ترک مجازات موسی (ع) و قومش به فسادگری آنان می انجامد. قابل ذکر است که مراد از فسادگری، به قرینه <ويذرك وءالھتك>، شورش کردن علیه نظام فرعونى است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۵

۵ موسی (ع) در تعالیم خویش به بنی اسرائیل ، پندار مالکیت فرعون را بر زمین ، پنداری باطل و حاکمیت او را مقهور اراده خداوند خواند .

قال

موسی لقومه .. إن الأرض لله يورثها من يشاء من عباده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۲ - ۳

۳ - حکومت فرعون ، حکومتی مقتدر و تثبیت شده بود .

و فرعون ذوالأوتاد

<وَتَد> (مفرد <أوتاد>) به معنای <میخ> است. توصیف فرعون به <ذوالأوتاد> (صاحب میخ ها) بدان معنا است که وی از تمام وسایل لازم، برای تثبیت حاکمیت و اقتدار خویش برخوردار بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۹ - ۵

۵ - اقتدار حکومت فرعون ، اغواگر او و بازدارنده وی از پذیرش پیام روشن موسی (ع)

فتولی برکنه

در صورتی که <باء> برای بیان سببیت یا استعانت و <رکن> کنایه از ارکان اقتدار حکومت فرعونى باشد، استفاده می شود که فرعون به اتکای همین نیروها، به مبارزه با موسی(ع) پرداخت و از پذیرش دعوت او سر بر تافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۰ - ۵

۵ - فرعون ، دارای قدرت و ثبات در عرصه های سیاست و حکومت

و فرعون ذی الأوتاد

<أوتاد> (جمع <وتد>) به معنای میخ ها است. توصیف فرعون به این عبارت (دارای میخ های فراوان)، کنایه از استحکام قدرت او است؛ همان گونه که میخ های اطراف خیمه مایه استحکام آن است. این تعبیر ممکن است کنایه از فراوانی سپاه او باشد که برای نصب خیمه هایشان، زمین وسیعی میخ کاری می شد.

حکومت قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴ - ۲

خلافت قوم ثمود در زمین و سکونت گزیدن آنان در سرزمین حجر ، نعمتی الهی بر آنان

و اذکروا اذ جعلکم خلفاء من بعد عاد و بوأکم فی الأرض

حکومت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۹ - ۳

۳ پیامبر (ص) ، دارای منصب حکومت و ولایت

اطيعوا الله و اطيعوا الرسول

تکرار کلمه <اطيعوا> دلالت بر این دارد که مراد از اوامر رسول خدا (ص)، آن اوامری نیست که از طریق وحی خداوند ابلاغ شده، بلکه دستوراتی است که از ناحیه رسول خدا صادر می شده که همان اوامر حکومتی و ولایتی آن حضرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۴ - ۱۰، ۹، ۸

۸ گذشت از گناه نقض حاکمیت پیامبر (ص) ، در گرو پذیرفتن حاکمیت کامل آن حضرت است .

یریدون ان يتحاكموا .. و لو انهم اذ ظلموا انفسهم جاؤك فاستغفروا الله

مراجعه منافقان به طاغوت، نقض حاکمیت پیامبر (ص)، و جمله <جاؤك .. >، کنایه از پذیرفتن حاکمیت پیامبر است ؛ چون ظاهراً صرف آمدن نزد رسول خدا، موضوعیت ندارد.

۹ گذشت از گناه نقض کنندگان حاکمیت پیامبر (ص) ، در گرو توبه آنان به درگاه خدا و قبول آنان از سوی پیامبر (ص) است .

یریدون ان يتحاكموا .. و لو انهم اذ ظلموا ... لوجدوا الله تواباً

جمله <و استغفر لهم الرسول> می تواند کنایه از این باشد که قبول توبه آنان <لوجدوا الله تواباً> در صورتی است که پیامبر (ص) بازگشت آنان را بپذیرد.

شرط گذشت از گناه نقض کنندگان حاکمیت پیامبر (ص)، استغفار پیامبر (ص) برای آنهاست.

و لو أنهم اذ ظلموا... و استغفر لهم الرسول... لوجدوا الله تواباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۵ - ۶

۶ ربوبیت الهی، منشأ تربیت پیامبر (ص) برای تصدّی مقام قضاوت و حکومت

فلا و ربّك لا يؤمنون حتى يحكموك

برداشت فوق از کاربرد کلمه <ربّ> و اضافه آن به ضمیر خطاب استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۲ - ۳

۳ - پیامبر (ص)، دارای منصب حکومت و ولایت

و أطيعوا الله و أطيعوا الرسول

برخی از مفسران بر این عقیده اند که مقصود از <أطيعوا الرسول>، اطاعت در امور حکومتی و ولایی است زیرا اگر مراد احکام و اوامر الهی باشد، ذکر <أطيعوا الله> کافی است و تکرار <أطيعوا> درباره پیامبر (ص)، مؤید همین برداشت است.

حکومت مصر باستان در دوران یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ نظام حکومتی مصر در زمان عزیز، نظامی استبدادی و فاقد دستگاه قضایی مستقل بود.

و لئن لم يفعل... لیکوناً من الصغیرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۱۱

۱۱ مصر در زمان وزارت یوسف (ع) دارای حکومت پادشاهی بود .

ما كان ليأخذ أخاه في دين الملك

حکومت ملکه سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - اخبار هدهد از فرمانروایی یک زن بر مردم سرزمین سبا

إِنِّي وَجَدت امرأه تملكهم

<مُلْكٌ> (مصدر <تملكهم>) به معنای حکومت و فرمانروایی است؛ یعنی، زنی را یافتم که بر آنان حکمرانی می کند.

حکومت منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۵ - ۱،۱۳

۱ تلاش منافقان برای فساد در زمین و نابودی حرث و نسل، در صورت به حکومت رسیدن

و اذا تولَّى سعى فى الأرض .. الحرث و النسل

بنابراینکه <تولَّى>، به معنای حکومت باشد.

۱۳ از وظایف حکومت، حفظ کشاورزی و نیروی انسانی و اصلاح آنهاست.

و اذا تولی سعى فى الأرض

حکومت نامشروع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۵ - ۹

۹ هرگونه حکومت و ولایت بر اهل ایمان، به جز ولایت خدا، پیامبر (ص) و مؤمنان واجد شرایط، حکومت و ولایتی

نامشروع و غیر قانونی

انما وليکم الله و رسوله و الذین ءامنوا

برداشت فوق با توجه به کلمه <انما> که برای حصر است، استفاده شده است.

حکومت یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۷

۱۷ برخورداری یوسف (ع) از قدرت و مکنت و بهره مندی او از دانش تعبیر رؤیاها و تحلیل حوادث، پرتوی از ولایت خداوند بر او بود.

قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمَلِكِ وَعِلْمَتَنِي .. أَنْتَ وَلِيٌّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

درخواست حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص -

۶ - سلیمان (ع) ، از خداوند خواستار حکومتی بی نظیر و نامیوس برای بشر در طول تاریخ

و هب لی ملکاً لاینبغی لأحد من بعدی

۷ - حکومت مقتدر و پهناور ، از خواسته های سلیمان (ع) از خداوند

و هب لی ملکاً لاینبغی لأحد من بعدی

جمعی از مفسران بر این باوراند که جمله <لاینبغی لأحد من بعدی> کنایه از وسعت و پهناوری حکومت عصر خود و بلامنازع بودن آن است. بر این اساس <من بعدی> به معنای <من غیری> خواهد بود؛ مثل <فمن یهدیه من بعد الله> که به معنای <غیر الله> است.

۱۰ - دعا برای امور دنیوی (مانند داشتن قدرت سیاسی و رهبری) در صورت داشتن هدف الهی از آن ، امری پسندیده برای مردان الهی است .

و هب لی ملکاً لاینبغی لأحد من بعدی

درخواست حکومت جاودان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۰ - ۸

۸ - انسان ، خواهان زندگی جاوید و ملک و مالکیت فنا ناپذیر است .

هل أدلک علی شجره الخلد و ملک لایبلی

شیطان برای کارگر ساختن وسوسه خویش در آدم، از زمینه هایی بهره برد که در آدم وجود داشت. آن زمینه ها، میل به جاودانگی و مالکیت فنا ناپذیر است.

درخواست شغل از حکومت شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۷

۷ جواز تقاضای مشاغل حکومتی حتی در حکومت های کفر و شرک

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

درخواست شغل از حکومت کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ جواز تقاضای مشاغل حکومتی حتی در حکومت های کفر و شرک

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

درخواست نابودی حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۱ - ۱۳

۱۳ - همسر فرعون ، از خداوند خواستار نابودی فرعون و حکومت ستم پیشه او

نَجْنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ وَ نَجْنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که آسیه، نجات خود را با نابودی فرعون و حکومت وی از خداوند خواستار شده باشد.

رد حکومت اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۴ - ۱۲، ۱۱

۱۱ پذیرش توبه نقض کنندگان حاکمیت اسلامی ، در صلاحیت رهبری است .

و لو أَنَّهُمْ .. جَاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ

۱۲ پذیرش توبه نقض کنندگان حاکمیت اسلامی ، در گرو بیعت مجدد با رهبری است .

و لو أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ

روش برخورد با کار گزاران حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۰ - ۸

۸- بازدید از نیروهای تحت فرمان و کارگزاران ، جستوجو از احوال آنان ، نظارت دقیق بر کارهایشان و خویشن داری در برخورد با آنها ، از اوصاف و وظایف فرماندهان سپاه و رهبران جامعه اسلامی .

و تفقد الطیر فقال ما لی لأری الهدهد أم کان من الغائبین

روش حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴ - ۲،۳

۲ - تقسیم

مردم مصر به طبقات و دسته های مختلف و پیرو ، نمود سیاست خود کامه و سلطه جویی فرعون

إِنَّ فرعون علا فی الأرض و جعل أهلها شیعاً

جمله <جعل أهلها شیعاً> عطف تفسیری بر <علا فی الأرض> و بیانگر نوع برتری جویی فرعون نسبت به مردم سرزمین مصر است. گفتنی است که <شیع> جمع <شیعه> است و <شیعه> به فرد یا گروه پیرو اطلاق می شود. بنابراین <جعل أهلها شیعاً>؛ یعنی، مردم آن سرزمین را به چند دسته پیرو درآورده بود.

۳- اقدام فرعون به دسته دسته کردن مردم سرزمین مصر و ایجاد تفرقه میان آنان

و جعل أهلها شیعاً

روش حکومت فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۶ - ۱۷

۱۷- فرعونیان ، به صرف ترس و احساس از به خطر افتادن حکومت و اقتدارشان ، اقدام به کشتن و اعدام مخالفان می کردند .

أقتل موسى . . . إني أخاف أن يبدل دينكم أو أن يظهر في الأرض الفساد

زمینه انحطاط حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۲۱

۲۱- پایه های حکومت فرعون پس از ماجرای ساحران و ایمان آنان به موسی (ع) ، بسیار متزلزل شد .

و لتعلمنّ أننا أشدّ عذاباً و أبقى

تفاوت برخوردهای اولیه فرعون با برخوردهای پس از ایمان ساحران، نشان از تزلزل حکومت فرعون و احساس خطر شدید او از ناحیه موسی(ع) و مؤمنان به او دارد.

زمینه بقای حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۶ - ۱۴

۱۴ - فرعون

، منافع و بقای اقتدار خود را در حفظ آیین گذشته مردم و نگه داری وضعیت اجتماعی موجود می دید .

إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ

زمینه حکومت استبدادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۹ - ۱۴

۱۴ نپذیرفتن ربوبیت خداوند و مخالفت با پیامبران و برنامه های ایشان ، زمینه ساز نظام استبدادی و حاکمیت ستمگران *

و تلک عاد جحدوا بأیت ربهم .. واتبعوا أمر کل جبار عنید

برداشت فوق ، براساس این احتمال است که ترتیب ذکر جمله <اتبعوا ..> بر جمله های سابق ، حاکی از ترتب خارجی آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۴ - ۴

۴ - فقر فرهنگی ، مایه ترویج و پایداری حکومت های استبدادی

فاستخف قومہ فأطاعوه

زمینه حکومت اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۸ - ۴

۴ - نوید خداوند به امت اسلامی در برخورداری از حکومت ، اقتصاد شکوفا و شرافت ، در پرتو تعالیم قرآن و رسالت پیامبر (ص) *

و لقد ءاتینا بنی اسرائیل .. ثم جعلنک علی شریعه من الأمر

واژه <الأمر> در این آیه همانند واژه <الأمر> در آیه قبل می تواند نظر به کتاب، حکومت، نبوت، رزق پاکیزه و فضیلت اجتماعی داشته باشد. در این صورت تعبیر <جعلناک علی شریعه من الأمر>، نوید به بهره مندی پیامبر(ص) و امتش از آن

مواهب خواهد بود.

زمینه حکومت اسلامی در مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - < انصار > ، بنیانگذار جامعه ایمانی در مدینه قبل از هجرت

و الذین تبوءوا الدار و الايمان من قبلهم

<تبوءوا> چنانچه مفردات و المیزان اشاره کرده اند به معنای مهیا ساختن و آماده کردن است. در این صورت <تبوءوا الدار و الايمان> کنایه از فراهم سازی محیط اجتماعی و دینی و <من قبلهم> به حذف مضاف و تقدیر <من قبل هجرتهم> است.

زمینه حکومت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۷ - ۵

۵- تحقق حکومت جهانی صالحان ، در پرتو دین اسلام و رسالت پیامبر اکرم (ص) است .

و لقد كتبنا فی الزبور .. و ما أرسلنک إلا رحمة للعلمین

با توجه به ارتباط دو آیه که در آیه اولی حکومت جهانی و در این آیه رسالت جهانی پیامبر(ص) را مطرح می کند برداشت یاد شده قابل استفاده است.

زمینه حکومت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۱۱

۱۱ خداوند ، با وارد ساختن یوسف (ع) به خانواده عزیز مصر ، راه قدرتمند شدن یوسف (ع) و نفوذ او در سرزمین مصر را فراهم کرد .

و كذلك مکنا لیوسف فی الأرض

مراد از <الأرض> سرزمین مصر است. <تمکین> (مصدر مکنا) به معنای مکان دادن و نیز به معنای قدرت و سلطنت بخشیدن است. قید <فی الأرض> حکایت از آن دارد که: مراد از <مکنا> در آیه شریفه ، معنای دوم است.

زنان در حکومت فرعون

- آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۱۱

۱۱ - زنان بنی اسرائیل ، فاقد هر گونه قدرت در جامعه فرعونى و نقش تأثیرگذار در سرنوشت سیاسى و اجتماعى

و استحیوا نساءهم

از این که فرعونیان دستور قتل دختران ایمان آورندگان به موسى(ع) را صادر نکردند، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد؛ زیرا اگر زنان برای آنان خطر آفرین بودند و خود آنان و یا ایمان آوردنشان، نقشی در جامعه می داشت؛ قهراً در مجازات قتل با مردان شریک می شدند.

شخصیتهای مؤثر در حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۴ - ۴

۴ - نقش کلیدی و کارساز هامان و قارون ، در دستگاه حکومتی فرعون

إلی فرعون و هممن و قرون

یاد شدن هامان و قارون در کنار فرعون (بدون ذکر دیگر اقدار جامعه)، حاکی از مطلب یاد شده است.

شرایط حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۵ - ۱

۱ تنها خدا ، پیامبر (ص) و مؤمنان فروتن ، برپا دارنده نماز و پرداخت کننده زکات ، دارای حق ولایت و حکومت بر مؤمنان

انما ولیکم الله و رسوله و الذین ءامنوا الذین . . . و یؤتون الزکوه و هم رکعون

در برداشت فوق، رکوع به معنای لغوی آن (خضوع) گرفته شده است.

شرایط گزینش کارگزاران حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ واگذار کننده منصب ، باید توانمندی و امانت داری منصب پذیر را احراز کند .

قال الملک ائتونی به أستخلصه

لنفسی . . . مکین آمین

صالحان در حکومت ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کَهِف - ۱۸ - ۸۸ - ۸

۸- برخورد شدید با ظالمان متجاوز و نرمش در برابر مؤمنان صالح ، روشی نیکو در نظام حکومتی و شیوه برگزیده ذوالقرنین در حکومت خویش بود .

أَمَا مِنْ ظَلَمٍ فَسَوْفَ نَعَذِّبُهُ . . . وَأَمَا مِنْ ءَامِنٍ وَعَمَلٍ صَالِحًا

ذوالقرنین، پس از شنیدن وحی الهی که در برخورد با ساحل نشینان غرب، دو راه پیش روی او قرار داد: یکی تعذیب، و دیگری روش نیکو، شقّ دوم را انتخاب کرد و آن را چنین ترسیم کرد که ظالمان را عقوبت و مؤمنان را پاداش نیک خواهد داد.

ظالمان در حکومت ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کَهِف - ۱۸ - ۸۸ - ۸

۸- برخورد شدید با ظالمان متجاوز و نرمش در برابر مؤمنان صالح ، روشی نیکو در نظام حکومتی و شیوه برگزیده ذوالقرنین در حکومت خویش بود .

أَمَا مِنْ ظَلَمٍ فَسَوْفَ نَعَذِّبُهُ . . . وَأَمَا مِنْ ءَامِنٍ وَعَمَلٍ صَالِحًا

ذوالقرنین، پس از شنیدن وحی الهی که در برخورد با ساحل نشینان غرب، دو راه پیش روی او قرار داد: یکی تعذیب، و دیگری روش نیکو، شقّ دوم را انتخاب کرد و آن را چنین ترسیم کرد که ظالمان را عقوبت و مؤمنان را پاداش نیک خواهد داد.

ظلم ستیزی حکومت دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کَهِف - ۱۸ - ۸۸ - ۹

۹- پرداختن حکومت های الهی به مبارزه با ظلم و نیز تلاش برای سبک بار ساختن

مقررات اجتماعی مؤمنان ، امری لازم است .

قال أمّا من ظلم فسوف نعدّبه .. و أمّا من ءامن ... سنقول له من أمرنا يسرّاً

عجز حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۰ - ۵

۵ - شکوه و اقتدار حکومت فرعونى ، امری ناچیز و مقهور قدرت خداوند بود .

فنبذنهم فى الیم

عزیزی در حکومت مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۲

۱۲ منصب عزیزی از مناصب حکومت پادشاهی مصر باستان

و قال الملك .. قالت امرأت العزیز

یاد کردن برادران یوسف از او با عنوان <عزیز> در آیه ۸۸، نشان می دهد که <عزیز> در <امرات العزیز> نام همسر زلیخا نبوده ؛ بلکه بیانگر سمت حکومتی وی بوده است.

عوامل بحران در حکومت مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۵ - ۱

۱ داستان عشق زنان اشراف مصر به یوسف (ع) ، موجب بروز بحران در حکومت و خانه های اشراف شد .

ثم بدا لهم من بعد ما رأوا الأیت

عوامل بقای حکومت فرعون

۴ - ماندن بنی اسرائیل در مصر و جدا نشدن آنان از دیگران ، امری حیاتی برای فرعون و فرعونیان

أسر بعبادی .. فأتبعهم فرعون بجنوده

تعقیب بنی اسرائیل و تلاش برای جلوگیری از هجرت آنان، نشانگر این نکته است که جداشدن بنی اسرائیل از جامعه مصر، خسارت و عواقب سنگینی برای آنان به همراه داشت.

عوامل بقای حکومت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۹ - ۴

۴ - جلب افکار عمومی ، دارای نقش تعیین کننده در بقا و موفقیت حکومت ها

و قيل للناس هل انتم مجتمعون

فراخواندن مردم برای حضور و دیدن صحنه شکست موسی (ع) و پیروزی ساحران بر او، نشانگر این حقیقت است که جلب افکار عمومی حتی برای حکومت های ستمگر و ضد مردمی چون فرعون مهم و سرنوشت ساز است.

عوامل سلطه حکومت های ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۹ - ۵

۵ ظلم انسانها عامل تسلط حکومتهای ظالمانه بر آنان می گردد.

و كذلك نولي بعض الظالمين بعضا

تعلیق حکم بر وصف اشعار به علت دارد. در آیه شریفه تعلیق حکم <نولی> بر وصف <الظالمین> اشاره به نقش و تأثیر وصف ظلم در جریان یافتن فعل دارد.

فرار از حکومت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۲ - ۲

۲ - اعتراف مؤمنان جن ، به ناتوانی جن از فرار از سیطره الهی و ناتوان ساختن خداوند از دستیابی به آنان

و لن نعجزه هرباً

فرعونیان و حفظ حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۱۰۹ - ۵

۵ اشراف و بزرگان قوم فرعون در تلاش برای حفظ نظام فرعونى

قال الملائكة.. إن هذا لسحر عليم

فساد حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۱۰۵ - ۱۰، ۱۲

۱۰ رهاسازی بنی اسرائیل از

نظام فاسد فرعونى ، از وظايف الهى موسى (ع)

فأرسل معى بنى إسرائيل

تفریع جمله <فأرسل .. > بر <إنى رسول ... > حکایت از آن دارد که رهایی بنی اسرائیل از رسالتهای الهی موسى بوده است. یعنی به امر خداوند موظف به انجام این کار بود، نه به تصمیم شخصی خویش

۱۲ بنی اسرائیل زمان موسى (ع) در سیطره نظام فاسد فرعونى

فأرسل معى بنى إسرائيل

فساد در حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۴ - ۹

۹ - فسق و فساد ، دارای ریشه مستحکم و دیرینه در جامعه فرعونى

إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَسِقِينَ

واژه <كانوا> بیانگر آن است که قوم فرعون، دارای پیشینه دیرین فسق بوده اند.

فسق در حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۴ - ۹

۹ - فسق و فساد ، دارای ریشه مستحکم و دیرینه در جامعه فرعونى

إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَسِقِينَ

واژه <كانوا> بیانگر آن است که قوم فرعون، دارای پیشینه دیرین فسق بوده اند.

قدرت کارگزاران حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ واگذار کننده منصب ، باید توانمندی و امانت داری منصب پذیر را احراز کند .

قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی . . مکین أمين

قطع پا در حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۹ - ۱۰

۱۰ - قطع یک دست و یک پا بر عکس یکدیگر ، از شکنجه های سخت نظام فرعونى برای مخالفان

لأُفَطِّنَ أیدیکم

و أرجلكم من خلف

قطع دست در حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۹ - ۱۰

۱۰ - قطع یک دست و یک پا بر عکس یکدیگر ، از شکنجه های سخت نظام فرعونى برای مخالفان

لأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خَلْفِ

کافران در حکومت اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۴

۴ - همانندی منافقان با کافران ، از نظر چگونگی برخورد حکومت اسلامی و جامعه ایمانی با آنان

جهد الکفار و المنفقين و اغلظ عليهم

گرمسیری مرکز حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱۶

۱۶ - مرکز حکومت فرعون ، منطقه ای گرمسیر و دارای درختان نخل بود .

و لأَصْلَبَنَّكُمْ فِي جُدُوعِ النَّخْلِ

گسترش حکومت ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۹ - ۲

۲ - ذوالقرنین در ادامه سفرهایش ، از امکانات خویش در جهت گسترش حکومت و دین الهی ، بهره گرفت .

ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۹۲ - ۳

۳- ذوالقرنین ، از دانش استفاده از اسباب و ابزار در جهت گسترش حکومت خود ، برخوردار بود .

ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا

مبانی حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۳

۳ تنها احکام الهی باید اساس و معیار حکومت و قضاوت قرار گیرد .

وَإِنْ أَحْكَمَ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۰ - ۵

۵ نظام سیاسی و قضایی شکل گرفته بر پایه قوانین غیر الهی ، نظامی جاهلی

افحکم الجهلیه یبغون و من احسن من الله حکماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۶ - ۵

۵ - حکومت و داوری میان مردم ، نیازمند مشروعیت دینی و استناد به منبع وحی

و لقد آتینا .. و الحکم و النبوه

برداشت بالا از آن جا استفاده می شود که یکی از موارد اعطایی از سوی خداوند به بنی اسرائیل ، <حکم> دانسته شده است ؛
آن هم در کنار <کتاب> و <نبوت> که اعطای آنها تنها از شؤن خداوند است.

محدوده حکومت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۵ - ۱۶

۱۶ - > عن أبي جعفر (ع) قال : ... و أمّا داود فملک ما بین الشامات إلى بلاد الإصطخر و كذلك کان ملک سلیمان ... ؛

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: ..محدوده پادشاهی داوود ما بین شامات تا بلاد اصطخر بوده است و همچنین پادشاهی سلیمان...<.

محدوده حکومت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۳ - ۴

۴ - حکومت عظیم سلیمان در آغاز ، محدود به منطقه ای خاص بود ، نه گسترده در همه سرزمین ها .

إِنِّي وجدت امرأه تملکهم .. و لها عرش عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۵ - ۱۶

۱۶ - > عن

أبي جعفر (ع) قال: ... و أمّا داود فملك ما بين الشامات إلى بلاد الإصطخر و كذلك كان ملك سليمان ... ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: .. محدوده پادشاهی داوود ما بین شامات تا بلاد اصطخر بوده است و همچنین پادشاهی سلیمان...<

محدوده حکومت صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۶

۶ حاکمان صالح بر پدر و مادر خویش حکومت و فرمانروایی نمی کنند .

و رفع أبویه علی العرش

یوسف(ع) با نشاندن پدر و مادرش بر تخت خویش ، علاوه بر احترام ویژه اش به آنان ، درصدد بیان این نکته بود که هرگز بر پدر و مادرش حکمرانی و فرمانروایی نخواهد کرد ؛ بلکه مطیع و فرمانبردار ایشان خواهد بود.

محدوده حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱ - ۱

۱ - سرزمین مصر ، تحت سلطه و حاکمیت فرعون و خویشاوندان وی

أن ات القوم الظلمین . قوم فرعون

>قوم شخص< به کسانی گفته می شود که از نزدیکان وی بوده و در یک جد با او مشترک باشند. بنابراین، از تعبیر >قوم فرعون< استفاده می شود که حاکمیت سرزمین مصر در اختیار فرعون و خاندان ظالم وی قرار داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۲ - ۳

۳ - مدین ، سرزمین بیرون از قلمرو حکومت فرعون

و لَمَّا تَوَجَّه تَلْقَاءَ مَدِين

انتخاب مدین به عنوان پناهگاه، نشانگر آن است که آن سرزمین از محدوده حکومت فرعون بیرون بوده است.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۵ - ۱۰

۱۰ - مدین ، سرزمینی خارج از قلمرو حکومت فرعون

لاتخف نجوت من القوم الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۹ - ۲

۲ - سرزمین مصر تحت سلطه نفس گیر سپاهیان سرکش فرعون

و استکبر هو و جنوده فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۱ - ۲

۲ - مباحات فرعون ، به قلمرو قدرت و میزان مکت و دارایی خویش

و نادى فرعون فى قومه قال يقوم أليس لى ملك مصر. .. أفلاتبصرون

محدوده حکومت فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱ - ۱

۱ - سرزمین مصر ، تحت سلطه و حاکمیت فرعون و خویشاوندان وی

أن ائت القوم الظلمین . قوم فرعون

<قوم شخص> به کسانی گفته می شود که از نزدیکان وی بوده و در یک جد با او مشترک باشند. بنابراین، از تعبیر <قوم فرعون> استفاده می شود که حاکمیت سرزمین مصر در اختیار فرعون و خاندان ظالم وی قرار داشته است.

محدوده حکومت مصرباستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۳

۳ سرزمین کنعان ، خارج از قلمرو حکومتی مصر در زمان یوسف (ع) *

و جاء إخوه يوسف

بعید به نظر می رسد که یوسف(ع) همه غلات را از تمامی مناطق مصر به مرکز حکومت منتقل کرده باشد ؛ زیرا طبیعی آن بود که غلات هر منطقه - به ویژه در آن زمان

که حمل و نقل امری مشکل بود - در همان جا ذخیره شود. بنابراین اگر کنعان در قلمرو حکومت یوسف (ع) بود، در آن جا نیز انباری تهیه می شد و غلات در آن ذخیره می گردید و نیازی به آمدن کنعانیان به مرکز مصر نبود.

محدوده حکومت یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۶

۶ قلمرو حکومتی یوسف (ع) محدود بود و فراگیر همه سرزمین ها نمی شد .

قذء اتیتنی من الملک

برداشت فوق با توجه به اینکه <من> در <من الملک> برای تبعیض است ، استفاده شده است.

مستضعفان در حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۷ - ۴

۴ - وجود دو قشر ضعیف و توانمند ، در جامعه فرعون و حاکمیت نظام طبقاتی بر آن جامعه

و إذ یتحاجون فی النار فیقول الضعفوا للذین استکبروا

مستکبران در حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۷ - ۴

۴ - وجود دو قشر ضعیف و توانمند ، در جامعه فرعون و حاکمیت نظام طبقاتی بر آن جامعه

و إذ یتحاجون فی النار فیقول الضعفوا للذین استکبروا

مسئولیت پذیری در حکومت شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ جواز تقاضای مشاغل حکومتی حتی در حکومت های کفر و شرک

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

۸ تصدی مشاغل حکومتی حتی در حکومت های کفر و شرک ، امری جایز و رواست .

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

مسئولیت پذیری در حکومت

کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۷۸

۷ جواز تقاضای مشاغل حکومتی حتی در حکومت های کفر و شرک

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

۸ تصدی مشاغل حکومتی حتی در حکومت های کفر و شرک ، امری جایز و رواست .

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

مسئولیت حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۵ - ۶،۱۳

۶ اصلاح جامعه و حفظ کشاورزی و نسل ، از ویژگی های حکومت صالح

و اذا تولى .. ليفسد فيها و يهلك الحرث و النسل

از اینکه خداوند، فساد و .. را از کارهای حکومتی منافقان می داند؛ معلوم می شود که در حکومت صالحان، چنین اعمالی نباید باشد.

۱۳ از وظایف حکومت ، حفظ کشاورزی و نیروی انسانی و اصلاح آنهاست .

و اذا تولى سعى فى الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۶ - ۲۱،۲۲

۲۱ عفو و عطوفت از وظایف مدیران و والیان جامعه

و اعف عَنَّا و اغفر لنا و ارحمنا و انت مولینا

چون جمله <انت مولینا> به منزله علت برای جمله سابق است، می توان نتیجه گرفت که هر کس نسبت به دیگری نحوی از ولایت را به اذن خداوند دارا باشد، باید عفو و .. را نسبت به او اعمال کند.

۲۲ متولیان جامعه نباید وظایفی خارج از توان معمولی افراد، به آنان تحمیل کنند.

لا یكلف الله نفساً الاّ وسعها .. انت مولینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴

۶ نکوهش خداوند از حکومت ها و حاکمان بی توجه به وضع اقتصادی مردم

فاذا لا يؤتون الناس نقيراً

جمله <فاذا...> در مقام مذمت و نکوهش چنین روشی است.

۸ سخاوتمندی و رسیدگی به وضع اقتصادی مردم، از وظایف حکومت و حاکمان

ام لهم نصيب... فاذا لا يؤتون الناس نقيراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۹ - ۱۵

۱۵ ایجاد و حفظ وحدت جامعه، از وظایف حکومت اسلامی

اطيعوا الله... فان تنازعتم في شئ فردوه الى الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۱۹

۱۹ کنترل حکومت بر روند تولید و توزیع ارزاق در شرایط بحرانی، امری ضروری است.

تزرعون سبع سنين... إلا قليلاً مما تأكلون

التفات از خطاب به غیبت در آیه ۴۹؛ یعنی، آوردن <يغاث الناس> به جای <تُغاثون> و نیز <يعصرون> به جای <تعصرون> گویای این است که مخاطبان <تزرعون> و <ذروه> و مانند اینها سران حکومتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۱۱

۱۱ لزوم نظارت دولت بر امور اقتصادی (تولید، توزیع و...) در شرایط بحرانی

قال اجعلني على خزائن الأرض إني حفيظ عليم

مسئولیت حکومت اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۹،۱۳

۹ گردآوری و تقسیم صدقات و تعیین کارگزارانی برای آن ، از وظایف حکومت اسلامی

إنما الصدقات للفقراء... و العملین علیها

برداشت

فوق با توجه به این است که گردآورندگان زکات با اجازه و تعیین پیامبر(ص) اقدام به جمع آوری صدقات می کردند.

۱۳ بهره گیری از امکانات اقتصادی در جهت جذب قلب ها و متمایل ساختن انسان ها به اسلام ، از وظایف حکومت اسلامی

إنما الصدقات للفقراء .. و المؤلفه قلوبهم

با توجه به اینکه صدقات در اختیار حکومت می باشد و خداوند تألیف قلوب را یکی از مصارف زکات قرار داده است، برداشت فوق استفاده می شود.

مسئولیت حکومت دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۸ - ۹

۹- پرداختن حکومت های الهی به مبارزه با ظلم و نیز تلاش برای سبک بار ساختن مقررات اجتماعی مؤمنان ، امری لازم است

قال أمّا من ظلم فسوف نعذبه .. و أمّا من ءامن ... سنقول له من أمرنا يسراً

مشاوره در حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۰ - ۶

۶ فرعون برای اداره امور مملکتی از مشورت با دیگران ابایی نداشت .

یرید أن یخرجکم من أرضکم فماذا تأمرون

مشاوره در حکومت ملکه سبا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۲ - ۴

۴ - مشورت با بزرگان دربار ، قبل از تصمیم گیری نهایی در امور کشور ، شیوه همیشگی ملکه سبا

أفتونی فی امری ما کنت قاطعه أمراً حتّی تشهدون

<قطع> (مصدر <قاطعه>) در اصل به معنای بریدن و در این جا کنایه از عزم و تصمیم است. <أمرأً> نکره در سیاق نفی و مفید عموم می باشد. <شهاده> (مصدر

<تشهدون> معادل حضور است؛ یعنی، من تاکنون جز با حضور شما در هیچ کاری تصمیم نگرفتم.

مفسدان و حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۲ - ۲۲

۲۲ مفسدان شایسته حکومت بر مردم نیستند .

و لا تتبع سبیل المفسدین

مقهوریت حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۰ - ۵

۵ - شکوه و اقتدار حکومت فرعونى ، امرى ناچیز و مقهور قدرت خداوند بود .

فبذنبهم فى الیم

ملاک ارزش حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۱۲

۱۲ ارجمندی حکومت مداران تنها در گرو تقوایبشگی آنان است .

و العقبه للمتقین

چنانچه مراد از <العقبه> عاقبت نیک باشد، هدف از آوردن جمله <العقبه للمتقین> پس از اشاره به اینکه مؤمنان بنی اسرائیل به حکومت خواهند رسید، بیان این حقیقت است که حاکمیت یافتن مؤمنان برای آنان سعادت آفرین نیست، مگر اینکه اهل تقوا باشند و در حاکمیت خویش تقوا را رعایت کنند.

ملاک مشروعیت حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ هیچ حکومتی جز در چارچوب قوانین الهی ، مشروعیت ندارد .

و ما ارسلنا من رسول الا ليطاع باذن الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ قوانین حکومتی و قضاوت ها ، تنها در صورتی نافذ است که بر اساس احکام الهی صادر شود .

و من لم يحكم بما أنزل الله فأولئك هم الفسقون

مناصب

حکومت مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۲

۱۲ منصب عزیزی از مناصب حکومت پادشاهی مصر باستان

و قال الملك . . . قالت امرأت العزيز

یاد کردن برادران یوسف از او با عنوان <عزیز> در آیه ۸۸، نشان می دهد که <عزیز> در <امرات العزیز> نام همسر زلیخا نبوده ؛ بلکه بیانگر سمت حکومتی وی بوده است.

منافقان در حکومت اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۴

۴ - همانندی منافقان با کافران ، از نظر چگونگی برخورد حکومت اسلامی و جامعه ایمانی با آنان

جهد الکفار و المنفقین و اغلظ علیهم

منشأ استحکام حکومت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۰ - ۱

۱ - خداوند ، به حکومت داوود (ع) استحکام و استواری بخشید .

و شددنا ملکه

منشأ پیدایش حکومت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۱ - ۱

۱ - طلوع و غروب حکومت ها ، نمود های اراده خداوند

و جعلنهم أئمه

در این آیه به قدرت رسیدن فرعون و در آیه پیش غرق شدن وی و سپاهیانش به خدا نسبت داده شده است. این بیانگر این حقیقت است که ظهور و افول تمدن ها و پیدایش و نابودی حکومت ها چه خوب و چه بد همگی تحت اراده خدا و به اذن او بوده و تاریخ دراز بشر عرصه گاه جریان پرفراز و نشیب اراده الهی است.

منشأ حکومت

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۷ - ۱۵

۱۵ حکومت از آن خداوند است و به هر کس بخواهد اعطا می کند .

و الله يؤتی ملکه من یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۱ - ۱۰

۱۰ سلطنت ، حکمت و علم داود ، عطای خداوند به وی

و اتیه الله الملك و الحکمه و علمه ممّا یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۶ - ۲۱ ، ۲۰ ، ۹

۹ خداوند به هر کس که بخواهد مُلک (قدرت و حاکمیت) می دهد و از هر کس بخواهد ، باز می ستاند .

تؤتی الملك من تشاء و تنزع الملك ممّن تشاء

۲۰ قدرت مطلق خداوند ، منشأ اعطای حاکمیت و عزّت

تؤتی الملك من تشاء .. تعزّ من تشاء ... انک علی کل شیء قدير

۲۱ اعطای حاکمیت و پیروزی به انسان ها از جانب خداوند ، از قدرت مطلق او نمی کاهد .

مالک الملك .. انک علی کل شیء قدير

از اینکه قبل از یادآوری عزّت‌ها و قدرتهای خدادادی، مالکیت خدا ذکر شده و پس از آن، بر قدرت مطلق خداوند تأکید شده، برداشت فوق استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۲۷

۲۷ - مشروعیت ولایت ها و حکومت های بشری ، در گرو منتهی شدن آن به ولایت الهی است .

هو مولیکم

با توجه به ظهور <هو مولاکم> در حصر، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۲،۴

۲ - مقام خلافت (تدبیر امور مردم به جای خدا) ، موهبتی است الهی که باید تنها از سوی خدا به فردی واگذار شود .

إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ

استناد تعیین خلیفه به خدا، همراه با تأکید (إِنَّا) گویای برداشت یاد شده است.

۴ - تدبیر امور جامعه انسانی اصالتاً از آن خدا است نه بشر .

يَدَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ

تعیین خلیفه از ناحیه خدا که با تأکید بیان گردیده حکایت از حقیقت یاد شده می کند.

منشأ حکومت بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۶ - ۱

۱ - اعطای کتاب آسمانی ، حکومت و نبوت به بنی اسرائیل از سوی خداوند

ءَاتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنَّبُوَّةَ

منشأ حکومت داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۱

۱ - خداوند ، داوود (ع) را جانشین خود در تدبیر امور مردم قرار داد .

يَدَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ

<خلیفه> به معنای کسی است که از ناحیه دیگری و به جای وی به تدبیر امور می پردازد و وقتی گفته شود: فلانی خلیفه خدا در زمین است، یعنی، خداوند تدبیر امور بندگان را در زمین به او سپرده است (مجمع البیان، ذیل آیه).

منشأ حكومت سليمان (ع)

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۵ - ۸

۸ - پادشاہی بی نظیر و پھناور سلیمان (ع) ، موہتی الہی بود .

وہب لی ملکا

منشأ

حکومت یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۵

۵ خداوند ، اعطا کننده حکومت و فرمانروایی به یوسف (ع)

رب قد ءاتینى من الملك

منشأ قدرت حکومت سلیمان (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۰ - ۱۰

۱۰ - وجود قدرت های فوق العاده در دربار سلیمان ، فضلی از جانب پروردگار برای او

فلما رءاه. .. قال هذا من فضل ربى

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <هذا> اشاره به توان موجود در دستگاه حکومتی سلیمان باشد، یعنی، وجود چنین نیرویی در دستگاه من که توانست تخت عظیم بلقیس را در کمتر از یک نگاه حاضر سازد تفضل پروردگار به من است.

موقعیت جوی مرکز حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱۶

۱۶ - مرکز حکومت فرعون ، منطقه ای گرمسیر و دارای درختان نخل بود .

و لأصلبّنكم فى جذوع النخل

مؤمنان در حکومت ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۸ - ۸

۸- برخورد شدید با ظالمان متجاوز و نرمش در برابر مؤمنان صالح ، روشی نیکو در نظام حکومتی و شیوه برگزیده ذوالقرنین در حکومت خویش بود .

أَمَا مِنْ ظَلَمٍ فَسَوْفَ نَعَذِّبُهُ . . . وَأَمَا مِنْ ءَامِنٍ وَعَمَلٍ صَالِحًا

ذوالقرنین، پس از شنیدن وحی الهی که در برخورد با ساحل نشینان غرب، دو راه پیش روی او قرار داد: یکی تعدیب، و دیگری روش نیکو، شقّ دوم را انتخاب کرد و آن

را چنین ترسیم کرد که ظالمان را عقوبت و مؤمنان را پاداش نیک خواهد داد.

نجات از حکومت ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۵ - ۶

۶ - آزادی از ستم نظام ستمگر و نجات از مشکلات اندوه بار آن ، از نعمت های بزرگ الهی

و لقد منّا علی موسی و هرون . و نجّینهما و قومهما من الکرب العظیم

نجات از حکومت فاسد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۵ - ۱۳

۱۳ - رهاسازی انسان ها از اسارت نظام های فسادگر و غیر توحیدی ، ارزشی الهی

فأرسل معی بنی اسرائیل

نجات از حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۴ - ۲

۲ - زندگی بدون آرامش بنی اسرائیل تا قبل از رهایی از حکومت فرعون *

فأراد أن یستفزّهم من الأرض . . . و قلنا من بعده لبني إسرائيل اسکنوا الأرض

احتمال دارد که <اسکنوا الأرض> به معنای آرام گرفتن در زمین و بیرون آمدن از اضطرابی باشد که قبلاً گریبانگیر آنان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵ - ۲،۳

۲ - تعلق اراده الهی بر تغییر تحولات مصر به نفع بنی اسرائیل و رهانیدن آنان از استضعاف فرعون

و نريد أن نمَنَّ على الذين استضعفوا في الأرض

۳ - نجات از حکومت بسیار خشن و بی رحم فرعون ، امتنانی بزرگ و نعمتی گران سنگ از سوی خدا به بنی اسرائیل بود .

و نريد أن نمَنَّ على الذين استضعفوا في الأرض

<نمَنَّ> از ریشه

<منه> مشتق شده است و <منه> به نعمت سنگین گفته می شود (مفردات راغب).

نخلستان در مرکز حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱۶

۱۶ - مرکز حکومت فرعون ، منطقه ای گرمسیر و دارای درختان نخل بود .

و لأصلبکم فی جذوع النخل

نشانه های اقتدار حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۸ - ۴

۴ - جلوگیری از فعالیت نیروهای مخرب و اخلال گر ، از مقتضیات حکومت مقتدر و آرمانی *

هب لی ملکاً .. وءاخیرین مقرّنین فی الأصفاد

برداشت یاد شده از آن جا است که سلیمان(ع) از خداوند خواستار حکومت مقتدر و بی نظیر شد و خداوند به این منظور، شیاطین اخلال گر و مخرب را در بند قرار داد. این نکته می رساند که برای اقتدار و موفقیت حکومت خوب و آرمانی، مبارزه با فعالیت نیروهای مخرب و اخلال گر و سد راه آنان شدن، امری لازم و ضروری است.

نشانه های اقتدار حکومت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۸ - ۲

۲ - اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطین فسادانگیز و اخلال گر جنی ، جلوه ای از اقتدار حکومت ممتاز سلیمان (ع)

و ءاخیرین مقرّنین فی الأصفاد

اسارت و در بند بودن گروهی از شیاطین در حکومت سلیمان(ع) در مقابل گروه دیگری که به خدمت گزاری مشغول بودند می تواند گویای این حقیقت باشد که این دسته اگر آزاد گذاشته می شدند، در حکومت سلیمان(ع)

اخلال و فساد ایجاد می کردند.

نظارت بر کارگزاران حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۰ - ۸

۸ - بازدید از نیروهای تحت فرمان و کارگزاران ، جستوجو از احوال آنان ، نظارت دقیق بر کارهایشان و خویشتن داری در برخورد با آنها ، از اوصاف و وظایف فرماندهان سپاه و رهبران جامعه اسلامی .

و تفقد الطیر فقال ما لی لأری الهدهد أم کان من الغائبین

نظام حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۴،۵

۴ - ایمان به موسی (ع) در حکومت فرعون ، کاری غیر قانونی و ممنوع بوده است .

ءامنتم له قبل أن ءاذن لكم

نیاز به اذن فرعون در ایمان به موسی(ع)، نشان از ممنوعیت و غیرقانونی بودن ایمان به آن حضرت در آن عصر دارد.

۵ - وجود خفقان فکری و سلب شدن آزادی عقیده در نظام حکومت فرعون

ءامنتم له قبل أن ءاذن لكم

نیاز داشتن <اعتقاد> به اجازه فرعون، نشان از استبداد و خفقان کامل فکری در حکومت فرعون دارد.

نعمت حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ فرمانروایی ، سروری و استقلال امت ها ، از نعمت های بزرگ خداوند

اذكروا نعمه الله عليكم اذ .. جعلكم ملوكاً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۷

۷ بهره مند شدن از قدرت و مکنّت از نعمت های بزرگ الهی است .

رب قءاتيتنى من الملك

از آن جا كه يوسف(ع)

در مقام سپاسگزاری و بیان الطاف خداوند است ، معلوم می شود: آنچه نام برده از نعمتهای الهی است و از اینکه در میان نعمتهای بی شمار الهی چندین نعمت را یادآور شده است ، عظمت و بزرگی آنها را می توان استفاده کرد.

نعمت حکومت دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جایه - ۴۵ - ۱۶ - ۶

۶ - برخورداری از حکومت الهی ، موهبتی والا همچون برخورداری از کتاب آسمانی و نبوت

و لقد آتینا بنی اسرائیل الکتب و الحکم و النبوه

در صورتی که <الحکم> نظر به حکومت داشته باشد از این که در زمره کتاب و نبوت به عنوان موهبتی الهی برای بنی اسرائیل معرفی شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

نعمت نجات از حکومت ظالمانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۷ - ۵

۵- شکر نعمت رهایی از نظام ظالمانه ، موجب فزونی و بقای آن نعمت شده و کفران آن ، مایه از دست رفتنش می شود .

إذ أنجکم من آل فرعون .. و إذ تأذن ربکم لئن شکرتم لأزیدنکم و لئن کفرتم إن

نعمت نجات از حکومت فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۵ - ۴

۴ - نجات موسی و هارون (علیهما السلام) و قوم شان از شر حکومت فرعونیان ، از احسان ها و نعمت های بزرگ الهی به آنان

و لقد منّا علی موسی و هرون . و نجینهما و قومهما من الکرب العظیم

نفوذ در حکومت مستکبران

آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۲

۲ - نفوذ و راه یافتن به مراکز قدرت و حکومت های استکباری ، به منظور رساندن پیام الهی به آنان و دفاع کردن از حق ، کاری روا و پسندیده است .

و لقد أرسلنا موسى .. إلى فرعون و همن و قرون ... فلما جاءهم بالحق من عندنا

نقش حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۶ - ۱۳

۱۳ - حکومت و منصب قضاوت ، بستر بسیار لغزنده و رهبران و داوران در معرض مقهور شدن به دست هوای نفس

يداود انا جعلتك خليفه في الارض فاحكم بين الناس بالحق ولا تتبع الهوى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۶ - ۸

۸ - نقش مؤثر حاکمان و نظام حکومتی ، در تغییر و تحول باور ها و شیوه رفتار مردم

و لقد أرسلنا موسى بايتنا إلى فرعون و ملايه

مبعوث شدن موسی(ع) برای هدایت فرعون و درباریان وی، ممکن است از آن جهت باشد که تغییر اعتقادی و رفتاری آنان، می توانست تحول گسترده ای در جامعه عصر موسی ایجاد کند.

نقش حکومت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۱ - ۳

۳ - نقش حکومت ها و نظام اجتماعی در ساختار فرهنگی و عقیدتی جامعه

و جعلنهم أئمة يدعون إلى النار

برداشت یاد شده از آن جا است که فرعون با ادعای خدایی خویش و مبارزه با پیام موسی (ع)، بر فرهنگ و عقیده مردم چنان تأثیر گذاشته بود که آنان را دوزخی و

بدیخت ساخت.

نیاز به حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۷ - ۱۰

۱۰ نیاز دائمی انسان به رهبری و ولایت

اللّٰهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا .. وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ

خارج نبودن هر انسانی از تحت ولایت و سرپرستی به مقتضای تقسیم آنان به مؤمن و کافر، بیانگر این معناست که آدمی همواره نیازمند رهبری و ولایت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۰ - ۳

۳ - حکومت و مدیریت اجتماعی در نگاه وحی ، امری ضروری و پسندیده برای جوامع بشری

و شددنا ملکه

تثبیت و تقویت حکومت داوود(ع) از سوی خداوند، گویای سه نکته است: ۱ اصل وجود حکومت و مدیریت اجتماعی امری ضروری و مطلوب است؛ ۲ در دست گرفتن حکومت و مدیریت اجتماعی از سوی مردان الهی (همچون داوود(ع)) کاری بایسته و شایسته است و این کار با اهداف معنوی و الهی بشر کاملاً سازگاری دارد؛ ۳ دین از سیاست اجتماع جدا نیست؛ بلکه کاملاً با آن سازگار و هماهنگ است.

وسعت حکومت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۵ - ۷

۷ - حکومت مقتدر و پهناور ، از خواسته های سلیمان (ع) از خداوند

و هب لی ملکاً لا ینبغی لأحد من بعدی

جمعی از مفسران بر این باوراند که جمله <لا ینبغی لأحد من بعدی> کنایه از وسعت و پهناوری حکومت عصر خود و بلامنازع بودن آن است. بر این اساس <من بعدی> به معنای <من غیری> خواهد بود؛ مثل <فمن ینبغی من بعد الله> که

به معنای <غیر الله> است.

ویژگیهای حکومت ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۷ - ۶

۶- حاکمیت ذوالقرنین ، در جهت ظلم زدایی و کفرستیزی بود .

قال أمّا من ظلم فسوف نعذّبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۸ - ۳

۳- حاکمیت ذوالقرنین ، در جهت ترویج ایمان و عمل صالح بود .

قال .. و أمّا من ءامن و عمل صلحًا فله جزاء الحسنی

ویژگیهای حکومت سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۷ - ۷

۷- قدرت و قوای نظامی گسترده سلیمان ، از ویژگی های بارز حکومت الهی وی

و حشر لسلیمن جنوده من الجنّ و الإنس و الطیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۲ - ۶

۶ - دستگاه حکومت سلیمان ، به دور از تملق و چاپلوسی

أحطت بما لم تحط به

گفتار صریح و بی تکلف هدهد، نشانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۵ - ۱۵

۱۵ - حکومت پهناور و بی نظیر سلیمان (ع) ، از معجزات الهی بر حقانیت رسالت او بود .

و هب لی ملکا لاینبغی لأحد من بعدی

طبق نظر بیشتر مفسران، خواسته پادشاهی به گونه ای که برای هیچ کس میسر نباشد، در واقع برای اعجاز و نشان دادن الهی بودن این قدرت و اثبات ارتباط سلیمان با خداوند قادر و پیامبری او بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۶ - ۱،۴

۱ - دعای سلیمان (ع) برای دستیابی به پادشاهی بی نظیر ، مورد استجاب خدا قرار گرفت .

و هب لی ملکاً .. فسخرنا له الريح

از فای تفریع <فسخرنا..> استفاده می شود که خداوند، دعای سلیمان(ع) را مستجاب کرد و برای تقویت ملک او نیروی باد را در اختیارش گذاشت.

۴ - مسخر بودن باد برای سلیمان (ع) از خصوصیات حکومت ممتاز آن حضرت بود .

هب لی ملکاً .. فسخرنا له الريح تجری بأمره رخاء حیث أصاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۷ - ۴،۶

۴ - تسخیر شیاطین جنی و به کارگیری آنها ، از خصوصیات حکومت ممتاز سلیمان (ع)

هب لی ملکاً .. فسخرنا له ... الشیطن کلّ بناء و غواص

۶ - صنعت ساختمان سازی و استخراج منابع و ذخایر دریایی ، در خدمت حکومت سلیمان (ع) بود .

و الشیطن کلّ بناء و غواص

ویژگیهای حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۲۳

۲۳ - اتهام ، توجیهی برای خشونت و کیفر های ظالمانه ، در رژیم فرعون

ءامنتم ... إنه لكبير کم ... فلاقطعن ... أشدّ عذاباً و أبقى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۶ - ۳

۳ - نظام فرعونى ، نظامى سرکوبگر و متكى به اشراف

إلى فرعون و ملایه . . . و كانوا قومًا عالین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء -

۹ - نبودن آزادی عقیده و بیان و حاکمیت جو اختناق و خشونت در دوران حاکمیت فرعون بر سرزمین مصر

لأجعلنك من المسجونين

وجود زندان مشقت بار و زندانیان بسیار سیاسی، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۷ - ۴

۴ - فرعون ، برخوردار از اقتدار و سلطنتی بانفوذ در سرزمین مصر

يأتوك بكلّ سحرٍ عليمٍ

فعل <يأتوك> جزای شرط مقدر (إن تبعثهم يأتوك بكلّ سحرٍ عليمٍ) است. این ترکیب حاوی این نکته است که فرستادن نیروها برای جذب ساحران، مساوی با آمدن آنان بدون تعلل است و این مطلب، می تواند بیانگر حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۸ - ۴

۴ - سرزمین مصر در عصر فرعون ، برخوردار از تمدن و اقتصادی نیرومند

فأخرجنهم من جنّات و عيون . و كنوز و مقام كريم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۸ - ۱۲

۱۲ - وجود استبداد و خودکامگی و نبود آزادی بیان در جامعه فرعونى عصر موسى

أتقتلون رجلاً أن يقول ربّي الله و قد جاءكم بالبينت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۶ - ۶

۶ - حکومت فرعونى ، حكومتى اشرافى و مبتنى بر اقتدار اشراف

إلى فرعون و ملايه

كلمه <ملاً> در قرآن مجيد، معمولاً به طبقه اشراف و ثروتمندان اطلاق مى شود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۱ - ۷

۷ - حكومت فرعونى در عصر موسى

(ع)، حکومتی فردی و استبدادی بود.

أليس لي ملك مصر

با توجه به این که فرعون خود را فرمانروای مطلق و بی چون و چرای مصر می داند، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۲ - ۲

۲ - جامعه فرعون، دارای نظامی طبقاتی و مبتنی بر اشرافی گری

أم أنا خیر من هذا الذی هو مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۱ - ۲

۲ - نظام فرعون، نظامی استبدادی و متکی به رأی فرد

من العذاب المهین . من فرعون

از این که شخص فرعون، به عنوان عامل اصلی عذاب و خواری بنی اسرائیل معرفی شده، استفاده می شود که حضور فرعون و تصمیم گیری او، بر همه شئون جامعه سیطره داشته و از این رو، خطاهای فرعونیان تنها به او نسبت داده شده است.

ویژگیهای حکومت فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴ - ۱۶

۱۶ - حکومت فرعون ها در مصر، آمیخته با فساد، تباهی و بدبختی مردم آن سرزمین بود.

إنه کان من المفسدین

ویژگیهای حکومت منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- اخبار خداوند از فسادگری و خویشاوندکشیِ عناصر سست ایمان منافق ، در صورت رسیدن به حکومت

فهل عسیتم إن تولیتم أن تفسدوا فی الأرض و تقطّعوا أرحامکم

برداشت بالا بنابراین نکته است که <تولیتم> از ماده <ولایت> و به معنای بر عهده گرفتن حاکمیت باشد و مخاطب آن

بیماردلانی باشند که به دلیل سست ایمانی به هنگام فرمان جهاد، به وحشت افتاده و از آن طفره می روند.

ویژگیهای حکومت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۳ - ۱۰

۱۰ یوسف (ع) در حکومت مصر برای جای دادن به یعقوب (ع) و خاندان او در آن دیار، محدودیت و مشکلی نداشت.

وأتونی بأهلكم أجمعین

ویژگیهای حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۹ - ۱۱

۱۱ - مردم در نظام فرعون، فاقد آزادی عقیده و بیان

قال ءامنتم له قبل أن ءاذن لكم .. لأقطعن أیدیکم و أرجلکم من خلف

یعقوب(ع) هنگام حکومت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۴

۴ یعقوب (ع) در زمان وزارت یوسف و داستان اتهام سرقت بنیامین، سالخورده و بسیار کهنسال بود.

إن له أبا شیخاً کبیراً

<شیخ> به معنای پیرمرد و <کبیر> به معنای بزرگ است و مراد از آن ظاهراً بزرگی در سن و سال می باشد.

یوسف(ع) و حکومت مصر باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۱۱

۱۱ یوسف (ع) علی رغم آزار دیدن از حکومت مصر ، دانش خویش را از آنان دریغ نداشت .

قال تزرعون .. إلا قليلاً مما تأكلون

حکومت اسلامی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حکومت اسلامی

اختیارات حکومت اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۷ - ۱۲

۱۲ - < فیه >

، در اختیار حکومت اسلامی، برای به کارگیری در مصارف تعیین شده آن *

و ما ۱۰۰ اتیکم الرسول فخذوه و ما نهیکم عنه فانتهوا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که پیامبر(ص)، در این آیه به عنوان رهبر جامعه اسلامی، صاحب اختیار <فیء> شناخته شده باشد؛ زیرا عمر شخص پیامبر(ص) محدود است؛ ولی مسأله <فیء> همچنان استمرار دارد. پس باید تفویض اختیار به منصب باشد (کسانی که اهلیت حکومت را دارند).

اهل کتاب در حکومت اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۹ - ۳

۳ اهل کتاب [در حاکمیت اسلام] محکوم به پرداخت جزیه اند .

الذین أوتوا الکتب حتی یعطوا الجزیه عن ید و هم صغرون

اهمیت تقویت حکومت اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۱۰ - ۴

۴ - تقویت بنیه حکومتی جامعه اسلامی به وسیله انفاق، سفارش خدا به مؤمنان صدر اسلام

یقولون لئن رجعنا إلی المدینه . . و أنفقوا من ما رزقکم

با توجه به ارتباط این آیه با آیات قبل که در مورد منافقان و جلوگیری آنان از انفاق در راستای براندازی حکومت اسلامی و .. است؛ برداشت یاد شده استفاده می شود.

اهمیت حکومت اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۵ - ۷

۷ - لزوم کار بنیادی، در ترویج دین و تشکیل امت اسلامی و ضرورت مبارزه با عوامل اصلی کفر و فساد اجتماعی

كما أرسلنا إلى فرعون رسولا

حکومت اسلامی

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۴ - نساء - ۴

۵ اهل ایمان ، وظیفه دار تشکیل حکومتی بر مبنای ایمان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكٰفِرِينَ ءَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ

چنانچه <ولئى> به معنای سرپرست باشد، جمله <لا تتخذوا ..>، دلالت بر حرمت پذیرش ولایت کافران دارد، و <من دون المؤمنین>، حکایت از ضرورت تشکیل و پذیرش حکومتی بر پایه ایمان دارد.

رد حکومت اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۴ - ۱۲، ۱۱

۱۱ پذیرش توبه نقض کنندگان حاکمیت اسلامی ، در صلاحیت رهبری است .

و لو أَنَّهُمْ .. جَاؤُكَ فَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمُ الرَّسُولَ

۱۲ پذیرش توبه نقض کنندگان حاکمیت اسلامی ، در گرو بیعت مجدد با رهبری است .

و لو أَنَّهُمْ اذْ ظَلَمُوا اَنْفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمُ الرَّسُولَ

زمینه حکومت اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۸ - ۴

۴ - نوید خداوند به امت اسلامی در برخورداری از حکومت ، اقتصاد شکوفا و شرافت ، در پرتو تعالیم قرآن و رسالت پیامبر (

ص) *

و لَقَدْ ءَاتَيْنَا بَنِي إِسْرٰءِيلَ .. ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِنَ الْأَمْرِ

واژه <الأمر> در این آیه همانند واژه <الأمر> در آیه قبل می تواند نظر به کتاب، حکومت، نبوت، رزق پاکیزه و فضیلت اجتماعی داشته باشد. در این صورت تعبیر <جعلناک علی شریعه من الأمر>، نوید به بهره مندی پیامبر(ص) و امتش از آن مواهب خواهد بود.

زمینه حکومت اسلامی در مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۹ - ۳

۳ - > انصار

< ، بنیانگذار جامعه ایمانی در مدینه قبل از هجرت

و الذین تبوءوا الدار و الایمن من قبلهم

<تبوءوا> چنانچه مفردات و المیزان اشاره کرده اند به معنای مهیا ساختن و آماده کردن است. در این صورت <تبوءوا الدار و الایمن> کنایه از فراهم سازی محیط اجتماعی و دینی و <من قبلهم> به حذف مضاف و تقدیر <من قبل هجرتهم> است.

کافران در حکومت اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۴

۴ - همانندی منافقان با کافران ، از نظر چگونگی برخورد حکومت اسلامی و جامعه ایمانی با آنان

جهد الکفار و المنفقین و اغلظ علیهم

مسئولیت حکومت اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۱۳، ۹

۹ گردآوری و تقسیم صدقات و تعیین کارگزارانی برای آن ، از وظایف حکومت اسلامی

إنما الصدقات للفقراء... و العملین علیها

برداشت فوق با توجه به این است که گردآورندگان زکات با اجازه و تعیین پیامبر(ص) اقدام به جمع آوری صدقات می کردند.

۱۳ بهره گیری از امکانات اقتصادی در جهت جذب قلب ها و متمایل ساختن انسان ها به اسلام ، از وظایف حکومت اسلامی

إنما الصدقات للفقراء... و المؤلفه قلوبهم

با توجه به اینکه صدقات در اختیار حکومت می باشد و خداوند تألیف قلوب را یکی از مصارف زکات قرار داده است، برداشت فوق استفاده می شود.

منافقان در حکومت اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۴

۴ - همانندی منافقان با کافران ، از نظر چگونگی برخورد

حکومت اسلامی و جامعه ایمانی با آنان

جهد الکفار و المنفقین و اغلظ علیهم

حکومت دینی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حکومت دینی

تاریخ حکومت دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۱۶ - ۴

۴ - حکومت الهی ، دارای دیرینه در تاریخ بشر

و لقد آتینا بنی اسرائیل الکتب و الحکم

بنابراین که واژه <الحکم> به معنای حکومت و فرمانروایی باشد، برداشت بالا به دست می آید.

حرمت دشمنی با حکومت دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۸

۸ - حرمت مخالفت و معارضه با حکومت های الهی

واتبعوا ما تتلوا الشیطان علی ملک سلیمان

حکومت دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۷ - ۱۲

۱۲ - حکومت ذوالقرنین ، حکومتی دینی و الهی بود .

قال .. ثم یردّ الی ربّه فیعذّبه عذابًا نکرًا

ذوالقرنین، مجازات ستم پیشگان را به دست خود، در طول مجازات و عذاب خداوند در آخرت دانسته است، \$بنا بر این، حکومت ذوالقرنین، بر پایه موازین الهی تأسیس شده و با آن منطبق بود.

حکومت دینی در دوران ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کَهِف - ۱۸ - ۸۹ - ۱

۱- ذوالقرنین ، پس از اقامه نظام عادلانه دینی در میان ساحل نشینان غرب ، به سوی شرق سرزمین خویش حرکت کرد .

ثُمَّ أَتَبِعَ سَبِيًّا . حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ

ظلم ستیزی حکومت دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کَهِف - ۱۸ - ۸۸ - ۹

۹- پرداختن حکومت های الهی به مبارزه با ظلم و نیز تلاش برای سبک بار

ساختن مقررات اجتماعی مؤمنان ، امری لازم است .

قال أمّا من ظلم فسوف نعذّبه .. و أمّا من ءامن ... سنقول له من أمرنا يسرّاً

مسئولیت حکومت دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۸ - ۹

۹- پرداختن حکومت های الهی به مبارزه با ظلم و نیز تلاش برای سبک بار ساختن مقررات اجتماعی مؤمنان ، امری لازم است

قال أمّا من ظلم فسوف نعذّبه .. و أمّا من ءامن ... سنقول له من أمرنا يسرّاً

نعمت حکومت دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۶ - ۶

۶- برخورداری از حکومت الهی ، موهبتی والا همچون برخورداری از کتاب آسمانی و نبوت

و لقد ءاتینا بنی اسرائیل الکتب و الحکم و النبوه

در صورتی که <الحکم> نظر به حکومت داشته باشد؛ از این که در زمره کتاب و نبوت به عنوان موهبتی الهی برای بنی اسرائیل معرفی شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

حکومتها از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حکومت ها

انقراض حکومت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۱۲۸ - ۴

۴ نزول حکومت ها و جانشینی حاکمانی دیگر ، به مشیت خدا و در اختیار اوست .

إن الأرض لله يورثها من يشاء من عباده

ارث به چیزی گفته می شود که در اختیار کسی بوده و با مردن وی به دیگری منتقل شده است. بنابراین <یورثها> یعنی خداوند زمین را با هلاکت حاکمان پیشین به گروهی دیگر از بندگانش خواهد سپرد.

تشکیل حکومت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ نزول حکومت ها و جانشینی حاکمانی دیگر ، به مشیت خدا و در اختیار اوست .

إن الأرض لله يورثها من يشاء من عباده

ارث به چیزی گفته می شود که در اختیار کسی بوده و با مردن وی به دیگری منتقل شده است. بنابراین <یورثها> یعنی خداوند زمین را با هلاکت حاکمان پیشین به گروهی دیگر از بندگانش خواهد سپرد.

عوامل بقای حکومت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۹ - ۴

۴ - جلب افکار عمومی ، دارای نقش تعیین کننده در بقا و موفقیت حکومت ها

و قيل للناس هل أنتم مجتمعون

فراخواندن مردم برای حضور و دیدن صحنه شکست موسی(ع) و پیروزی ساحران بر او، نشانگر این حقیقت است که جلب افکار عمومی حتی برای حکومت های ستمگر و ضد مردمی چون فرعون مهم و سرنوشت ساز است.

منشأ پیدایش حکومت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۱ - ۱

۱ - طلوع و غروب حکومت ها ، نمود های اراده خداوند

و جعلنهم أئمة

در این آیه به قدرت رسیدن فرعون و در آیه پیش غرق شدن وی و سپاهیانش به خدا نسبت داده شده است. این بیانگر این حقیقت است که ظهور و افول تمدن ها و پیدایش و نابودی حکومت ها چه خوب و چه بد همگی تحت اراده خدا و به اذن او بوده و تاریخ دراز بشر عرصه گاه جریان پرفراز و نشیب اراده الهی است.

نقش حکومت ها

سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۱ - ۳

۳ - نقش حکومت ها و نظام اجتماعی در ساختار فرهنگی و عقیدتی جامعه

و جعلنهم أئمه يدعون إلى النار

برداشت یاد شده از آن جا است که فرعون با ادعای خدایی خویش و مبارزه با پیام موسی(ع)، بر فرهنگ و عقیده مردم چنان تأثیر گذاشته بود که آنان را دوزخی و بدبخت ساخت.

حلال از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حلال

آثار استفاده از روزی حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۴ - ۸

۸- تداوم رفاه و آسایش و حیات اقتصادی جوامع، در پرتو بهره گیری از روزی های حلال و استفاده بهینه از آنها و اجتناب از کفران است.

و ضرب الله مثلاً قریه .. فکفرت بأنعم الله ... فکلوا ممّا رزقکم الله حلالاً طیب

<فاء> در <فکلوا..> برای تفریع این جمله به آیات پیشین است؛ یعنی، از روزیهای حلال و دلپذیر استفاده کنید و شکر نعمت خدا را به جا آورید تا گرفتار سرنوشت مردمی نشوید که آنان در اوج رفاه و آسایش بودند ولی در اثر کفران نعمت، دچار عذاب شدند.

آثار تغذیه حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۱ - ۱۲

۱۲ - تغذیه سالم و حلال، زمینه گرایش انسان به عمل صالح

کلوا من الطّیبت و اعملوا صلحاً

احكام تحريم حلال

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٤ - مائده - ٥ - ٨٧ - ١

١ اهل ايمان نبايد خويشتن را از بهر هوري مواهب پاكيزه و حلال الهى منع كنند .

يايها الذين ءامنوا لاتحرموا

طیبت ما احل الله لكم

برداشت فوق بر این مبناست که تحریم در <لا-تحرموا...>، تحریم عملی باشد یعنی خودداری کردن و استفاده نبردن از حلالهای الهی بدون اعتقاد به حرمت آن

ارزش حلال ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مانده - ۵ - ۱۰۰ - ۲

۲ ارزش حلال ها و حرام ها غیر قابل مقایسه با یکدیگر

قل لا یستوی الخبیث و الطیب

برخی به قرینه آیات گذشته حرامها را مصداق مورد نظر برای خبیث و حلالها را مصداق طیب دانسته اند.

استفاده از روزی حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۷ - ۱۴

۱۴ - بهره گیری از نعمت ها و روزی های حلال و پاکیزه ، توصیه خداوند به بندگان

کلوا من طیب ما رزقکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۴ - ۱،۲

۱- بهره‌وری ، از روزی های حلال و دلپذیر ، مجاز و مطلوب است .

فکلوا ممّا رزقکم الله حللاً طیباً

۲- لزوم شکرگزاری انسان ، در قبال بهره‌وری از روزی های حلال و دلپذیر الهی

فکلوا ممّا رزقکم الله حللاً طیباً و اشکروا نعمت الله

امکانات دنیوی حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۸ - ۶

۶ تمامی آنچه که خداوند حلال کرده ، پاکیزه و خوشایند است .

حلالاً طیباً

بنابر اینکه <طیباً> صفت توضیحی برای <حلالاً> باشد.

اهمیت رعایت حلال ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۰ - ۱۵

۱۵ رعایت حلال ها و حرام

های الهی ، تقوایشگی است .

لايستوى الخبيث و الطيب .. فاتقوا الله

برداشت فوق بر این مبناست که مصداق مورد نظر از خبث و طیب به قرینه آیات گذشته حلالها و حرامهای الهی باشد.

بی اعتباری سوگند بر تحریم حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۲ - ۴

۴ - سوگند و تعهد بر محرومیت خویش از مباحات و حلال ها ، عملی بی اعتبار در نگاه وحی

قد فرض الله لكم تحله أيمانكم

پاکیزگی حلال ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۷ - ۷

۷ آنچه خداوند حلال کرده پاکیزه و گواراست .

لا تحرموا طيب ما احل الله لكم

طیب به معنای چیزی است که خوشایند آدمی باشد و اضافه طیبات به <ما احل الله>، اضافه بیانیه است یعنی <ما احل . . > تفسیری برای طیبات می باشد. گویا سؤال می شود طیبات چیست؟ در پاسخ گفته می شود، آنچه خداوند حلال کرده است.

تحریم حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۹ - ۸

۸ شیطان ، دعوت کننده آدمی به حرام کردن حلال های خداوند

ولامرنهم فليبتكنء اذن الأنعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۱ - ۴

۴ آرزو های شیطانی ، تحریم حلال های الهی و تغییر در آفرینش طبیعی و اولیه موجودات ، از عوامل ورود به جهنم

لامنینهم و الامرئهم فلیبتکن ء اذان الانعم . .. أولئک ماویهم جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ تحریم طیبات بر تمامی یهود کافر و مؤمن و عذاب قیامت تنها از آن کافران ایشان

حَرَمْنَا عَلَيْهِمُ الطَّيِّبَاتِ . . . وَ أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

با توجه به جمله <اعتدنا للکفرین منهم> و جمله <حرمننا علیهم الطیبات> که در یکی کلمه <منهم> آمده و در دیگری نیامده، معلوم می شود برای همه یهودیان چه کافر و چه مؤمن طیبات تحریم شده ولی عذاب قیامت، تنها از آن کافران ایشان است.

۱۴ آلوده شدن گروهی از یهودیان به گناه، موجب تحریم طیبات الهی بر تمامی آنان

فَبَطَّلْنَا مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَمًا عَلَيْهِمْ . . . وَ أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۷ - ۴، ۱۳

۴ مؤمنان نبایستی مواهب پاکیزه و حلال الهی را با قسم و امثال آن بر خویش تحریم کنند .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَحْرِمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ

با توجه به ارتباط این بخش از آیات و بیان احکام قسم در آیه ۸۹ می توان گفت مراد از <لا-تحرموا . . .> نهی از تحریم طیبات به وسیله قسم و امثال آن است گفتنی است که بر این مبنا مراد از تحریم، تحریم حقیقی و واقعی (حرام کردن) خواهد بود.

۱۳ تحریم حلال ها و تغییر احکام الهی تجاوز به حدود و قوانین خداوند است .

لَا تَحْرِمُوا . . . وَ لَا تَعْتَدُوا

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <و لا تعتدوا> تأکید و تفسیری برای جمله <لا تحرموا . . .> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ تحریم مواهب خدادادی بر خویش و یا دیگران و بهره نجستن از آنها خلاف تقواست .

و کَلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالاً طیباً و اتقوا الله

امر به تقوا پس از تصریح به اباحه مواهب خدادادی و نهی از تحریم حلالها می تواند اشاره به این باشد که اگر اعتقاد و یا التزام عملی بر خلاف این احکام باشد، به دور از تقوای پیشگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۳ - ۱۷

۱۷ حرام شمردن زینتها و روزیهای حلال و پاکیزه، افترا بر خداوند است.

قل من حرم زینه الله .. أن تقولوا علی الله ما لا تعلمون

از مصادیق مورد نظر برای افترا، به قرینه آیه قبل، تحریم زینتها و روزیهای پاکیزه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۱ - ۱۲

۱۲ از امام صادق (ع) درباره سخن خدا که فرمود: < اتخذوا أحبارهم و رهبانهم أرباباً من دون الله > روایت شده که فرمود:
> و الله ما صلّوا لهم و لا صاموا و لكنهم أحلّوا لهم حراماً و حرّموا عليهم حلالاً فاتّبعوهم ;

به خدا سوگند آنان برای احبار و راهبان نه نماز خواندند و نه روزه گرفتند ; ولی آن علما و صومعه داران، برای مردم حرام را حلال و حلال را حرام کردند و آنان پیروی کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۹ - ۶

۶ حرام کردن حلال خدا بی اذن او ،

افترا و بدعت است .

فجعلتم منه حراماً .. قل ۛالله أذن لكم على الله تفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۰ - ۲،۱۰

۲ تحریم حلال و تحلیل حرام ، افترا و دروغ بستن به خداوند است .

فجعلتم منه حراماً و حلالاً .. و ما ظن الذين يفترون على الله الكذب

۱۰ تحریم حلال خدا ، ناسپاسی در برابر فضل اوست .

فجعلتم منه حراماً و حلالاً .. إن الله لذو فضل على الناس و لكن أكثرهم لایشكرون

تحریم حلال محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱ - ۱۱

۱۱ - > عن أبي عبد الله (ع) في قوله تعالى : > يا أيها النبي لِمَ تحَرَّم ما أحلَّ الله لك > قال : إطلعتُ عائشهُ و حفصه على النبي و هو مع ماريه فقال النبي (ص) : و الله ما أقربها ، فأمره الله أن يكفّر [عن] يمينه ؛

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند تعالی: >يا أيها النبي لِمَ تحَرَّم ما أحلَّ الله لك > روایت شده که فرمود: عایشه و حفصه بر رسول خدا(ص) ظاهر شدند در حالی که آن حضرت با ماریه بود. پس فرمود: به خدا سوگند با او نزدیک نمی شوم. پس خداوند او را امر کرد تا برای سوگند خود کفّاره دهد [و حلال خدا را با قسم بر خود حرام نکند].<

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۲ - ۱،۲

۱ - توصیه خداوند به پیامبر)

ص) ، مبنی بر شکستن سوگند خود درباره محروم شدن از عملی مباح و حلال ، برای جلب رضایت همسران خود

قد فرض الله لكم تحله أيمانكم

۲ - سوگند پیامبر (ص) ، بر محروم کردن خود از عملی مباح و حلال ، به خاطر جلب رضایت برخی از همسران

قد فرض الله لكم تحله أيمانكم

ترك استفاده از روزی های حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۲ - ۱۱

۱۱- اعراض از تشکیل خانواده ، فرزندداری ، تعاون اجتماعی و بهرهوری از روزی های حلال الهی ، شیوه ای باطل و نادرست است . *

و الله جعل لكم من أنفسكم أزواجًا .. أفتالبطل يؤمنون

بدان احتمال که " و الله جعل لكم .. " در مقام بیان ارزش دادن به موضوع همسری و ... باشد و در پایان بیان اعتراض آمیز "أفتالبطل يؤمنون" در ردّ کسانی باشد که از پذیرش این ارزشها روی گردانند، این برداشت به دست می آید.

چهارپایان حلال گوشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۲،۳

۲ جواز خوردن گوشت چهارپایان (شتر، گاو، گوسفند)

و من الأنعم .. كلوا مما رزقكم الله

<أنعام> جمع <نعم> به شتر، گاو و گوسفند، اطلاق می شود. (لسان العرب).

۳ خداوند گوشت چهارپایان (شتر، گاو، گوسفند) را روزی انسان قرار داده است.

و من الأنعم .. كلوا مما رزقكم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ حلیت خوردن از بز و گوسفند نر و ماده و جنین

من الضأن . . . قل الذکرین حرم أم الأثینین أما اشتملت علیه أرحام الأثینین

حرمت تحریم حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۷ - ۲

۲ حرمت بدعت در دین و تغییر حلال و حرام های الهی

یا ایها الذین ءامنوا لاتحرموا طیبیت ما احل الله لکم و لاتعتدوا

بدان احتمال که تحریم حلال، به معنای حرام دانستن حلالهای الهی باشد.

حلال روزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۸ - ۳،۵

۳ جواز بهره گیری از روزی ها و امکانات مشروط به حلال و طیب بودن آنها است .

و کلوا مما رزقکم الله حللاً طیباً

برداشت فوق بر این اساس است که <مما رزقکم ..> مفعول برای <کلوا> و <حللاً- طیباً> حال برای <رزقکم الله> باشد یعنی از امکانات خدادادی استفاده کنید در صورتی که حلال و طیب باشد.

۵ رزق و روزی های الهی ، امکاناتی پاکیزه و حلال برای انسانها

و کلوا مما رزقکم الله حللاً طیباً

<حللاً- طیباً> می تواند مفعول برای <کلوا> باشد و <من> در <مما رزقکم الله> بیان برای <حللاً- طیباً> و می تواند توضیحی برای <ما رزقکم الله> گرفته شود. در هر صورت رسای به مطلب فوق خواهد بود.

حلال زادگی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- طهارت مولد از جمله شرایط احراز مقام نبوت است .

قال . . . و جعلنی نبیاً

گرچه سخن گفتن عیسی (ع) خود معجزه ای برای اثبات طهارت مریم (س) بود؛ ولی در مفاد جملات نیز نوعی استدلال وجود دارد و آن

این که من پیامبرم و متولد از حرام نمی تواند پیامبر باشد، پس من طهارت مولد دارم.

حنث سوگند بر ترک حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۲ - ۱۱

۱۱ - حکم خداوند مبنی بر شکستن سوگند درباره محرومیت از مباحات و حلال ها ، عالمانه و حکیمانه بوده و در جهت مصالح و منافع انسان ها است .

قد فرض الله لكم تحله أيمانكم .. و هو العليم الحكيم

حیوانات حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۱۴

۱۴ وجود حیوانات حلال گوشت در میان حیوانات وحشی

و ما علمتم من الجوارح مكلين تعلمونهن مما علمكم الله فكلوا مما امسكن

چون سگ و دیگر درندگان را برای شکار حیوانات وحشی به کار می گیرند، برداشت فوق به دست می آید.

حیوانات حلال گوشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۲

۲ استفاده از گوشت شتر و گاو نر و ماده و جنین آنها حلال است.

و من الإبل اثنين .. قل الذکرین حرم أم الأثینین أما اشمتمت علیه أرحام الأثینین

خوردنیهای حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ پرسش مکرر مردم از پیامبر (ص)، درباره خوردنیهایی که بر آنان حلال است .

يسئلونك ماذا احل لهم قل احل لكم الطيبات

فرازهای بعدی آیه همانند <فكلوا>، نشان می دهد که سؤال درباره خوردنیهای حلال بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ شکار حیوان های دریایی در صورتی جایز است که به منظور بهره گیری شکار شوند نه به خاطر تفریح و امثال آن

احل لکم صید البحر و طعامه متعاً لکم و للسیاره

چنانچه متعاً مفعول له باشد بیانگر علت تجویز صید و طعام بوده و در نتیجه حکم حلیت دایر مدار آن می باشد بنابراین شکار دریائی تنها در صورت تمتع و بهره‌وری مجاز شمرده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۸ - ۲

۲ خوردن ذبیحه ای که هنگام ذبح نام خدا بر آن برده شده، مجاز است.

فکلوا مما ذکر اسم الله علیه إن کنتم بأیته مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۲

۲ جواز خوردن گوشت چهارپایان (شتر، گاو، گوسفند)

و من الأنعم . . . کلوا مما رزقکم الله

<أنعم> جمع <نعم> به شتر، گاو و گوسفند، اطلاق می شود. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۳ - ۲

۲ حلیت خوردن از بز و گوسفند نر و ماده و جنین آنها

من الضأن . . . قل الذکرین حرم أم الأنثیین أما اشتملت علیه أرحام الأنثیین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۲

۲ استفاده از گوشت شتر و گاو نر و ماده و جنین آنها حلال است.

و من الإبل اثنين . . . قل الذکرین حرم أم الأثینین أما اشتملت علیه أرحام الأثینین

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۵ - ۵

۵- اصل و قاعده اولیه در تمام خوراکی ها ، حلال بودن آنهاست .

فکلوا .. حلالاً طیباً ... إنما حرم علیکم المیتة ... و ما أهلّ لغير الله به

اطلاق <کلوا> و حصر مستفاد از <إنما حرم> مفید مطلب فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۵

۱۵ - شتر ، گاو و گوسفند ، چهارپایانی حلال گوشت

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم فکلوا منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۸

۸ - شتر ، گاو و گوسفند ، چهار پایانی حلال گوشت

و أُحِلَّتْ لکم الأنعم

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتر است. بنابراین <أنعام>؛ یعنی، شتران لکن گاهی <أنعام>؛ گفته می شود و از آن مجموع شتر، گاو و گوسفند اراده می شود. مقصود از <أنعام> در جمله فوق استعمال دوم است. گفتنی است که جمله <أحلت لکم الأنعام> به تقدیر <أحلت لکم أکل لحوم الأنعام> می باشد؛ یعنی، برای شما خوردن گوشت شتر، گاو و گوسفند حلال شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۲ - ۶

۶ - بخش زیادی از اجزای بدن شتر ، گاو و گوسفند قابل خوردن است ؛ نه همه آنها .

و منها یا کلون

برداشت یاد شده بر این اساس استوار است که <من> در <منها> برای تبعیض و ناظر به بعضیت در اجزاء باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۳

۱ - شتر ، گاو و گوسفند علاوه بر خوردن و سوار شدن دارای منافع بسیار و انواع سود ها برای بشر است .

فمنها ركوبهم و منها يأكلون . و لهم فيها منفع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۹ - ۵

۵ - جواز خوردن گوشت شتر ، گاو و گوسفند

الأنعم . . . و منها تأكلون

خیریت تجارت حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۶ - ۴

۴ خیر بودن منافع حلال و تجارت های عادلانه و سعادت آفرینی معارف و احکام الهی ، از تعالیم شعیب (ع) به مردم خویش

يقوم . . . بقیت الله خير لكم

خیریت منافع حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۶ - ۳،۴

۳ تنها اهل ایمان ، نیکویی منافع حلال و عادلانه و نادرست بودن منافع حرام و ظالمانه را باور خواهند کرد .

بقیت الله خير لكم إن كنتم مؤمنين

چون خیر بودن منافع حلال و عادلانه مشروط به ایمان نیست؛ یعنی، چه جامعه مؤمن باشد و چه نباشد، قسط و عدالت برای آنان خیر است، گفته شده <إن كنتم مؤمنين> شرط باور کردن و فهمیدن است؛ یعنی، اگر مؤمن شوید، می فهمید که منافع حلال خیر است و گرنه باور نخواهید کرد.

۴ خیر بودن منافع حلال و تجارت های عادلانه و سعادت آفرینی معارف و احکام الهی ، از تعالیم شعیب (ع) به مردم خویش

يقوم . . . بقیت الله خير لكم

ربای حلال

جلد - نام سوره - سوره

۱۱ - > قال أبو عبد الله (ع) : الربا ربا، ان : أحدهما حلال و الآخر حرام . فأما الحلال فهو أن يقرض الرجل أخاه قرضاً طمعاً أن يزيد و يعوضه بأكثر مما يأخذه بلا شرط بينهما فإن أعطاه أكثر مما أخذ ، على غير شرط بينهما ، فهو مباح له و ليس له عند الله ثواب فيما أقرضه و هو قوله > فلا يربوا عند الله < ;

امام صادق(ع) فرمود: ربا، بر دو قسم است: یکی، حلال و دیگری، حرام است؛ ربای حلال، آن است که کسی، به برادرش قرض دهد در حالی که امید دارد بیشتر از آنچه قرض داده، به او برگرداند، ولی هیچ گونه شرط زیاده نکرده باشد. در این صورت اگر قرض گیرنده چیزی بیشتر از آنچه گرفته است، به قرض دهنده بدهد، مباح است، ولی هیچ گونه پاداشی نزد خداوند، در قرضی که داده، برای او نیست. این همان سخن خداوند است که: فلا يربوا عند الله...<.

۱۲ - > عن أبي عبد الله (ع) قال : الربا ربا، ان : ربا، لا يؤكل و ربا، لا يؤكل . فأما الذي يؤكل فهديتك إلى الرجل تطلب منه الثواب أفضل منها فذلك الربا الذي يؤكل و هو قوله عز وجل > و ما آتيتم من ربا ليربوا في أموال الناس فلا يربوا عند الله < . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که ربا، دو قسم است: ربایی که خوردن آن جایز است، و ربایی که خوردن اش جایز نیست. آن ربایی که خوردن اش جایز است، هدیه ای است که به کسی می دهی و

انتظار داری که او بیشتر از آن را به تو بدهد. این، اضافه ای که دریافت می کنی، ربایی است که خوردن آن جایز است و این است قول خدای عزوجل که می فرماید: و ما ایتیم من رباً لیربوا فی أموال الناس فلا یربوا عندالله...>.

روزی حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۵ - ۸

۸- تنها روزی های حلال و پسندیده ، روزی مقدر و خدادادی است ، نه روزی های حرام و ناپسند .

و من رزقنه منّا رزقاً حسناً

از اینکه خداوند روزی خویش را (رزقناه) به روزی حسن و پسندیده مقید ساخته است (رزقاً حسناً) می توان به این برداشت دست یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۴ - ۱۲

۱۲- تنها خوراکی های حلال و مطابق با طبع آدمی ، روزی خداوند برای آدمیان است نه روزی های حرام و ناپاک

فکلوا ممّا رزقکم الله حللاً طیباً

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <حللاً طیباً> حال مؤکده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۱ - ۱۷، ۶

۶ - خداوند ، خواهان بهره‌وری انسان ها ، از روزی های حلال و اجتناب از حرام خواری است .

یاأیها الرسل کلوا من الطّیبت

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <طیب> در لغت به معنای حلال به کار رود.

۱۷ - > أبان بن تغلب قال : سألت جعفر بن محمد (ع) عن قول الله عزّ ذکره : > یاأیها الرسل کلوا من الطّیبات ، قال : الرزق

الحلال

ابان بن تغلب گوید: از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند عزّ ذکره <یا أيّها الرسل کلوا من الطّیبات > سؤال کردم، فرمود: [مراد] روزی حلال است <.

روزی حلال در ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۱۳

۱۳ روزیهایی که در تهیه آن ظلم و اجحاف نشود و در فراهم کردن آن عدل و انصاف رعایت گردد، از نظر ادیان الهی روزی حلال و نیکوست .

و رزقنی منه رزقاً حسناً

روزی حلال شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۱۲

۱۲ شعیب (ع) ، علی رغم آلودگی جامعه اش به حرام خواری ، از روزی حلال و نیکو بهره مند بود .

يقوم أوفوا المكيال و الميزان . . و رزقنی منه رزقاً حسناً

از اینکه شعیب(ع) مبادلات و معاملات مردم مدین را ظالمانه خواند و آن گونه درآمدها را ناپسند شمرد و سپس فرمود: من از روزی نیکو برخوردار هستم ، می توان این احتمال را موجه دانست که مراد از <رزقاً حسناً > روزیهای مادی است.

روزی حلال عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۱ - ۱۸

۱۸ - > عن النبی (ص) فی قوله <یا أيّها الرسل کلوا من الطّیبات > (الآیه) قال : ذاک عیسی بن مریم یا کل من غزل أمّه ؛

از رسول خدا(ص) درباره سخن خداوند <یا أيّها الرسل.. > روایت شده است که فرمود: یکی از پیامبران که از طیبات می

خورد عیسی بن مریم است. او

از دستمزد نخ ریسی مادرش ارتزاق می کرد.>

زمینه تحریم حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۹

۹ رباخواری و تصرف نابحق یهودیان در اموال مردم ، موجب تحریم برخی از حلال های پاکیزه بر ایشان

حَرَمْنَا عَلَيْهِمْ .. و أَخَذَهُمُ الرِّبَا وَ قَدْ نَهَوْنَا عَنْهُ وَ أَكَلَهُمْ أَمْوَالَ النَّاسِ

زمینه محرومیت از حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱ - ۷

۷ - جلب رضایت زنان ، نباید منجر به محرومیت همسران از مباحات و حلال های الهی شود .

لَمْ تَحْرَمْ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ

سرزنش تحریم حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۲ - ۲

۲ تحریم کنندگان زیباییها و زینتهای خدادادی و روزیهای پاکیزه، مورد نکوهش و توبیخ خداوند هستند.

قُلْ مَنْ حَرَّمَ .. وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ

استفهام در جمله <من حرم ..> استفهام انکار توییخی است. یعنی خداوند علاوه بر این که تحریم طیبات را صحیح نمی داند، تحریم کننده را نیز سرزنش می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱ - ۶

۶ - محروم ساختن خویش از مباحات و حلال های الهی ، برای جلب رضایت دیگران ، عملی ناپسند و شایسته سرزنش

لَمْ تَحْرَمْ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ

سوگند بر تحریم حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۲ - ۳،۵

۳ - مقرر شدن شکستن سوگند بر محرومیت از

مباحات و حلال های شرعی ، با دادن کفّاره

قد فرض الله لكم تحله أيمانكم

۵- وجود سنت سوگند بر ترک برخی از حلال ها و مباحات در میان مردم صدراسلام و پیش از آن

قد فرض الله لكم تحله أيمانكم

صید حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۲۲،۳۴

۲۲ حلیت شکار درندگان شکاری ، هر چند درندگان شکاری به هنگام شکار از آن تناول کنند . *

فكلوا مما امسكن عليكم

بنابراین احتمال که مراد از <مما امسكن عليكم>، مقداری باشد که حیوان شکاری برای صیاد نگه داشته در مقابل مقداری که خود تا رسیدن صیاد از آن تناول کرده است.

۳۴ حلیت صید یوزپلنگ تعلیم دیده

احل . . و ما علمتم من الجوارح مكلين

از امام صادق(ع) روایت شده: الفهد مما قال الله <مكلين>.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۹۵، ح ۳۴؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۴۸، ح ۱۶.

طعام حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷

۷ حلیت غذای مسلمانان برای اهل کتاب در قوانین آنان *

و طعامکم حل لهم

بنابر اینکه جمله <طعامکم حل لهم> اخبار از حکمی در شریعت آنان باشد. یعنی آنان در کتاب خود، دلیلی بر حرمت غذای شما مسلمانان ندارند.

فلسفه تحریم حلال محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱ - ۲

۲ - اظهار ناخرسندی خداوند ، از این که پیامبر (ص) ، خود را از عملی مباح و حلال ، به خاطر جلب رضایت برخی از همسران خویش ،

محروم کرده بود .

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ لِمَ تَحَرَّمَ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتِ أَزْوَاجِكَ

کسب روزی حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۵ - ۱۶

۱۶ - قال رسول الله (ص) : ... يابن مسعود قول الله ... > و لنبلونكم بشيء من الخوف ... و بشر الصابرين < قلنا يا رسول الله فمن الصابرون ؟ قال : الذين يصبرون على طاعة الله واجتنبوا معصيه ، الذين كسبوا طيباً و انفقوا قصداً و قدموا فضلاً فافلحوا ... ;

از رسول خدا(ص) روایت شده .. که فرمود: ای پسر مسعود ... سخن خداوند است: > و لنبلونكم بشيء من الخوف ... و بشر الصابرين <، به آن حضرت عرض کردیم: صابران چه کسانی هستند؟ فرمود: کسانی که بر اطاعت خدا صبر می نمایند و از گناهان دوری کرده اند، کسانی که روزی پاکیزه کسب کرده و در انفاق میانه رو هستند و زیادی در آمد خود را انفاق نموده اند، پس آنان رستگار گشته اند.

مشرکان و تحریم حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۹ - ۵

۵ خداوند ، مشرکان را که از پیش خود و بی اذن او ، بخشی از رزق حلال را بر خود حرام کرده بودند مورد ملامت و سرزنش قرار داد .

قل أرءيتم ما أنزل الله .. فجعلتم منه حراماً و حللاً قل ءالله أذن لكم

ملاک حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۰

۳ پاکی و ناپاکی از جمله ملاک های حرمت و حلیت اشیاء

لا یتوی الخبیث و الطیب

ملاکهای روزی حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۱۳

۱۳ روزیهایی که در تهیه آن ظلم و اجحاف نشود و در فراهم کردن آن عدل و انصاف رعایت گردد ، از نظر ادیان الهی روزی حلال و نیکوست .

و رزقی منه رزقاً حسناً

منافع حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۶ - ۱،۲

۱ منافع به دست آمده از کسب و تجارت عادلانه و بدون اجحاف ، منافی حلال و نیکوست .

بقیت الله خیر لکم

سخن از مبادله و رعایت قسط در معاملات ، می تواند قرینه بر این باشد که مراد از <بقیت> (باقی مانده) سودهایی باشد که از معاملات و مبادلات عادلانه برای فروشندگان باقی می ماند.

۲ منافع حلال و به دست آمده از تجارت های عادلانه و خالی از ظلم و اجحاف ، عطای الهی است .

بقیت الله خیر لکم

برداشت فوق ، از اضافه شدن <بقیت> به <الله> استفاده می شود.

منشأ روزی حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ روزی های حلال و نیکو از ناحیه خداوند است و فراهم آوردن آن ، به توفیق او می باشد .

و رزقنی منه رزقاً حسناً

برداشت فوق با توجه به <منه، از ناحیه خدا> استفاده شده است.

ناپسندی ترک حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱ - ۶

۶ - محروم

ساختن خویش از مباحات و حلال های الهی ، برای جلب رضایت دیگران ، عملی ناپسند و شایسته سرزنش

لِمَ تَحْرِمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ

نعمت روزی حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۴ - ۱۱

۱۱- روزی های حلال و دلپذیر ، از نعمت های شایان شکرگزاری است .

فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ

وحوش حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۱۴

۱۴ وجود حیوانات حلال گوشت در میان حیوانات وحشی

و ما علمتم من الجوارح مكلين تعلمونهن مما علمكم الله فكلوا مما امسكن

چون سگ و دیگر درندگان را برای شکار حیوانات وحشی به کار می گیرند، برداشت فوق به دست می آید.

حلال ها

{حلال ها}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ - ۱۷

۱۷ هر چیز طیب و پاکیزه ، حلال و هر چیز خبیث و ناپاک ، حرام است .

و يحل لهم الطيب و يحرم عليهم الخبيث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ منافع به دست آمده از کسب و تجارت عادلانه و بدون اجحاف ، منافی حلال و نیکوست .

بقیت الله خیر لکم

سخن از مبادله و رعایت قسط در معاملات ، می تواند قرینه بر این باشد که مراد از <بقیت> (باقی مانده) سودهایی باشد که از معاملات و مبادلات عادلانه برای فروشندگان باقی می ماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸- شتر، گاو و گوسفند، چهار پایانی حلال گوشت

و أُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامُ

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتر است. بنابراین <أنعام>؛ یعنی، شتران لکن گاهی <أنعام>؛ گفته می شود و از آن مجموع شتر، گاو و گوسفند اراده می شود. مقصود از <أنعام> در جمله فوق استعمال دوم است. گفتنی است که جمله <أُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامُ> به تقدیر <أُحِلَّتْ لَكُمْ أَكْلَ لِحُومِ الْأَنْعَامِ> می باشد؛ یعنی، برای شما خوردن گوشت شتر، گاو و گوسفند حلال شده است.

۹- استفاده از گوشت شتر، گاو و گوسفند، به جز در مواردی که از سوی خدا تحریم شده، حلال و جایز است.

و أُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يَتْلَىٰ عَلَيْكُمْ

ارزش حلال ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۰ - ۲

۲ ارزش حلال ها و حرام ها غیر قابل مقایسه با یکدیگر

قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ

برخی به قرینه آیات گذشته حرامها را مصداق مورد نظر برای خبیث و حلالها را مصداق طیب دانسته اند.

اهمیت رعایت حلال ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۰ - ۱۵

۱۵ رعایت حلال ها و حرام های الهی، تقوای پیشگی است.

لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ .. فَاتَّقُوا اللَّهَ

برداشت فوق بر این مبناست که مصداق مورد نظر از خبیث و طیب به قرینه آیات گذشته حلالها و حرامهای الهی باشد.

پاکیزگی حلال ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۷ -

۷ آنچه خداوند حلال کرده پاکیزه و گواراست .

لا تحرموا طيبات ما احل الله لكم

طيب به معنای چیزی است که خوشایند آدمی باشد و اضافه طيبات به <ما احل الله>، اضافه بيانيه است يعنى <ما احل . . > تفسیری برای طيبات می باشد. گویا سؤال می شود طيبات چیست؟ در پاسخ گفته می شود، آنچه خداوند حلال کرده است.

حلق از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حلق (سر تراشی)

حلق (سر تراشی) در عمره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۷ - ۱۰

۱۰- تراشیدن سر و کوتاه کردن مو و ناخن ، از اعمال مراسم عمره

لتدخلن المسجد الحرام ... محلقين رءوسكم و مقصرين

حلق (سر تراشی) مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۷ - ۲

۲- رؤیای پیامبر ، نمایانگر ورود مسلمانان به مسجد الحرام با امنیت و سر تراشیدن و کوتاه کردن مو

لقد صدق الله رسوله الرءيا بالحق لتدخلن المسجد الحرام إن شاء الله ءامنين محل

فضیلت حلق (سر تراشی)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۷ - ۱۹

۱۹- عن علی (ع) ... قال الله تعالى < .. محلّین رءوسکم و مقصّرين > فبدأ بالحلق و هو أفضل ;

از علی (ع) روایت شده که خدای تعالی فرمود: < .. محلّین رءوسکم و مقصّرين > سر تراشیدن را اول ذکر کرد [و تقصیر را بعد] و سر تراشیدن، [از تقصیر] افضل است < .

حلم از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۴ - ۴

۴ تأمین نیازمندی های جامعه ایمانی و خویشتن داری و گذشت در برخورد های اجتماعی ، از ویژگی های اهل تقوا

اعدت للمتقين. الذين ينفقون ... و الكاظمين الغيظ و العافين عن الناس

آثار حلم ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۵ - ۴

۴ بردباری ابراهیم (ع) و تأسفش بر مشکلات مردم و اعتقاد راسخش به خداوند ، برانگیزنده او به شفاعت

درباره قوم لوط

يجدلنا فی قوم لوط. إن ابرهیم لعلیم أوّه منیب

جمله <إن ابرهیم . . .> بیانگر علت مجادله ابراهیم(ع) درباره قوم لوط و دفاع او از ایشان است.

آثار حلم بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۳

۳ صبر و شکیبایی بندگان خالص خدا، در انجام تکالیف الهی چون فروتنی، و شب زنده داری، حلم، ترس از قیامت، توبه، عفو کریمانه، پذیرش حق و دعا و نیایش، سبب برخوردار شدن آنان از نعمت‌ها و درجات عالی بهشت

الذین یمشون علی الأرض هونًا . . و الذین یقولون ربّنا... أولئک یجزون الغرفه بم

متعلق و موارد صبر هر چند در آیه شریفه ذکر نشده است، ولی مقصود از آن به قرینه آیات گذشته که در بیان تکالیف بندگان خالص و محرماتی است که آنان می‌بایست ترک می‌کردند مجموعه مسائلی است که خداوند به انجام آنها امر کرده و یا از انجام آنها باز داشته است؛ زیرا انجام چنین تکالیفی و یا ترک محرمات الهی، صبر و شکیبایی در برابر هوای نفس را نیازمند است.

آثار حلم خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۴ - ۱۵

۱۵- تحمل سخنان ناروا و سخیف مشرکان درباره خداوند، ناشی از بردباری و آمرزندگی خداست .

إنکم لتقولون قولاً عظیماً . . سبحنه و تعلی عمّا یقولون علواً کبیراً ... إنه

ذکر <إنه کان حلیمًا غفوراً>، پس از بیان سخنان ناروای مشرکان درباره خداوند، به این معنا اشعار دارد که آن سخنان،

شایسته واکنش و مجازات است اما چون خداوند حلیم و غفور است، آنها را تحمل می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۸ - ۱

۱ - سپاسداری ، بردباری ، آگاهی از نهان و آشکار ، عزّت و حکمت خداوند ، مقتضی تقوایبشگی ، حرف شنوی ، فرمان بری و انفاق در راه او است .

فَاتَّقُوا اللَّهَ .. اَسْمَعُوا وَاَطِيعُوا وَاَنْفَقُوا ... وَاَللهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ ... العزیز الح

برخی از مفسران، بر این عقیده اند که میان ذکر اوصاف خداوند در دو آیه پایانی، با فرمان الهی به تقوایبشگی، فرمان بری و انفاق، ارتباط وجود دارد. این مطلب می تواند اشاره به برداشت یاد شده باشد.

ارزش حلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۱ - ۷

۷ - حلم و بردباری ، از اوصاف برجسته و ارزشمند برای نوجوانان

فَبَشِّرْهُ بِعِلْمٍ حَلِيمٍ

اهمیت حلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۵ - ۵

۵ بردباری ، تأسف و تأثر بر مشکلات مردم و توجه داشتن به خدا و درخواست حاجت ها از او ، صفات و خصلتهایی نیکو و پسندیده است .

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّهٌ مِّنِيْبٌ

پاداش حلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ،

آدم كشي و سخن باطل ، موجب ورود به بهشت جاودان و برخورداري از قرارگاه و اقامت نيكوي آن

الذین یمشون علی الأرض هوناً.. و الذین لایشهدون الزور ... أولئك یجزون الغرفه

حلم ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۴ - ۱۵،۱۸

۱۵ ابراهیم (ع) ، اهل دعا و نیایش بسیار و شخصیتی حلیم و بردبار بود .

إن إبرهیم لأوّه حلیم

در روایتی از امام باقر(ع) نقل شده که حضرت فرمودند: <لأوّه الدعاء>: یعنی اوّاه کسی است که بسیار دعا و نیایش کند.

۱۸ بردباری و شکیبایی ابراهیم (ع) در راه هدایت مردم و انجام تکالیف الهی

إن إبرهیم لأوّه حلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۵ - ۱

۱ ابراهیم (ع) ، پیامبری بردبار که هرگز در مؤاخذه خطاکاران تعجیل نمی کرد .

إن إبرهیم لحلیم

علل الشرایع، ص ۵۵۰، ح ۴، ب ۳۴۰، نورالثقلین، ج ۲، ص ۳۸۴، ح ۱۶۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۶ - ۱۵

۱۵- شدت بردباری حضرت ابراهیم (ع) در برخورد با مخالفان خویش

و من عصانی فإنک غفور رحیم

اینکه حضرت ابراهیم(ع) تکلیف مخالفان خود را به خدا وا گذاشته و او را با صفت غفران و رحمت یاد کرده است، بیانگر شدت بردباری اوست.

حلم اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۱ - ۶

۶ - حلم و بردباری ، برجسته ترین صفت اسماعیل (فرزندِ بشارت داده شده به ابراهیم) (ع)

فبشرنه بغلم حلیم

توصیف <غلام> به <حلیم>، به جای هر صفت پسندیده دیگری، بیانگر مطلب یاد شده است.

حلم خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۵ - ۸

۸ عدم مؤاخذه بر سوگند های لغو ، جلوه ای از مغفرت و حلم پروردگار

لا یؤاخذکم الله باللغو فی ایمانکم .. و الله غفور حلیم

ظاهراً مغفرت و حلم خدا مربوط به <لا یؤاخذ> است نه <یؤاخذکم>. چون مغفرت با عدم مؤاخذه مناسب است نه با مؤاخذه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۴ - ۱۸

۱۸- خداوند ، در برخورد با گناه نیندیشیدن درباره حقایق هستی چون تسبیح و حمد موجودات بردبارانه برخورد کرده و در صورت توبه ، از آن درمی گذرد .

لا تفتقهن تسبیحهم إنه کان حلیمًا غفورًا

تعلیل <إنه کان حلیمًا غفورًا> دلالت می کند بر اینکه <لا تفتقهن تسبیحهم> (تفقه نمی کنید در تسبیح آنان) گناه داشته و شایسته برخورد و مجازات است اما چون خداوند حلیم و غفور است، بردبارانه برخورد می کند.

حلم در انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۳ - ۱۳

۱۳ لزوم بُردباری توانگرانِ انفاق کننده ، در صورت برخورد ناصواب نیازمندان با آنان *

قول معروف و مغفوره... و الله غنيّ حلیم

بکارگیری صفت <حلیم> ظاهراً برای توصیه به انفاق کنندگان است که مانند خداوند بُردبار باشند تا خطای نیازمندان آنان را خشمگین نسازد.

حلم در معاشرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۴

۴ تأمین نیازمندی های جامعه ایمانی و خویشتن داری و گذشت در برخورد های اجتماعی ، از ویژگی های اهل تقوا

أعدت للمتقين. الَّذِينَ ينفقون ... و الكاظمين الغيظ و العافين عن الناس

حلم در نوجوانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۰۱ - ۷

۷ - حلم و بردباری ، از اوصاف برجسته و ارزشمند برای نوجوانان

فبشّرنه بغلم حلیم

حلم صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۰۱ - ۸،۹

۸ - حلم و بردباری ، برجسته ترین نشانه صالح بودن فرزندان

ربّ هب لی من الصّالحین . فبشّرنه بغلم حلیم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که ابراهیم(ع) از خداوند، فرزندی صالح درخواست کرده بود و خداوند در پاسخ فرمود: به تو فرزندی حلیم و بردبار عطا می کنم. ذکر این خصوصیت در واقع بیانگر ویژگی صالح بودن فرزند است.

۹ - حلم و بردباری ، از ویژگی های انسان های صالح

ربّ هب لی من الصّالحین . فبشّرنه بغلم حلیم

حلم یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۱۰،۹

۹ یوسف (ع) در برابر سخن ناحق برادرانش (مطرح کردن سرقت دروغین او) از خود دفاع نکرد.

فأسرها يوسف في نفسه و لم يبدها لهم

ضمیر <ها> در <أسرها> و <لم يبدها> به حقیقت و واقعیت ماجرای که برادران یوسف با جمله <فقد سرق أخ> مطرح ساختند، باز می گردد. بنابراین <فأسرها...> یعنی، یوسف (ع) حقیقت و واقعیت آن ماجرا را در نفس خویش نهان ساخت

و

از ابراز آن خودداری کرد.

۱۰ یوسف (ع) بهره مند از سیطره بر خویشتن و برخوردار از حلم و بردباری

فأسرها يوسف في نفسه و لم يبدها لهم

سختی حلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۸

۸ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذين يمشون على الأرض هوناً .. و الذين لا يشهدون الزور ... أول

صبر در حلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۸

۸ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، امری دشوار و مقتضی صبر و شکیبایی

و عباد الرحمن الذين يمشون على الأرض هوناً .. و الذين لا يشهدون الزور ... أول

نشانه های حلم اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۰۲ - ۲۴

۲۴ - صبر و شکیبایی اسماعیل (ع) در داستان ذبح شدنش به دست پدر ، نشانه حلم و بردباری او است .

فبشّرنه بغلم حلیم .. یأبت افعل ما تؤمر ستجدنی إن شاء الله من الصبرین

از ارتباط میان وصف شدن اسماعیل(ع) به حلم و بردباری از سوی خداوند و مسأله شناساندن خود به عنوان

فردی صابر و شکیبایا، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۳ - ۴

۴ - تسلیم اسماعیل (ع) در برابر فرمان ذبح شدن ، نشانه حلم و بردباری او است .

فبشّرنه بغلم حلیم .. فلما أسلما و تله للجبین

نشانه های حلم خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۱ - ۵

۵ - تداوم نظم کنونی جهان و ادامه حیات در آن ، جلوه ای از حلم و غفران الهی

إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ .. إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که <إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا> در مقام تعلیل برای جملات پیشین است؛ یعنی، خداوند آسمان ها و زمین را از فروپاشی حفظ می کند؛ زیرا او نسبت به بندگانش بردبار و آمرزنده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۷ - ۹

۹ - پاداش مضاعف به انفاق گران و آمرزش آنان ، جلوه قدرشناسی ، سپاسداری و حلم خداوند است .

إِنْ تَقْرَضُوا اللَّهَ .. يَضْعَفَهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ

حلیت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حلیت

حلیت آشامیدنیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ حلیت، قانون اولی و اصل کلی در بهره گیری از زیتنها، خوراکیها و نوشیدنیهاست.

قل من حرم زینه الله التی أخرج لعباده

استفهام انکاری در <من حرم...> دلالت می کند بر این که اگر دلیلی برای حرمت اشیا

ذکر شده یافت نشد، باید آنها را حلال دانست و منتظر دلیل خاص نبود، و این معنای اصل کلی و قانون اولی است.

حلیت جنین بز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۳ - ۲

۲ حلیت خوردن از بز و گوسفند نر و ماده و جنین آنها

من الضأن . . . قل الذکرین حرم أم الأثنین أما اشتملت علیه أرحام الأثنین

حلیت جنین شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۲

۲ استفاده از گوشت شتر و گاو نر و ماده و جنین آنها حلال است.

و من الإبل اثنین . . . قل الذکرین حرم أم الأثنین أما اشتملت علیه أرحام الأثنین

حلیت جنین گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۲

۲ استفاده از گوشت شتر و گاو نر و ماده و جنین آنها حلال است.

و من الإبل اثنین . . . قل الذکرین حرم أم الأثنین أما اشتملت علیه أرحام الأثنین

حلیت جنین گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۳ - ۲

۲ حلیت خوردن از بز و گوسفند نر و ماده و جنین آنها

من الضأن .. قلء الذكرين حرم أم الأنثيين أما اشتملت عليه أرحام الأنثيين

حليت چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۴

۴ حرام ها و حلال های الهی (همانند حلیت چهارپایان و حرمت صید در حال احرام) ، از شعایر

الهی است . *

أحلت لكم بهيمه الانعم .. لاتحلوا شعر الله

از مصادیق شعایر الهی، با توجه به آیه قبل، حلالها و حرامهای الهی است.

حلیت خوردنیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۲ - ۶

۶ حلیت، قانون اولی و اصل کلی در بهره گیری از زیتنها، خوراکیها و نوشیدنیهاست.

قل من حرم زینه الله التی أخرج لعباده

استفهام انکاری در <من حرم ..> دلالت می کند بر این که اگر دلیلی برای حرمت اشیای ذکر شده یافت نشد، باید آنها را حلال دانست و منتظر دلیل خاص نبود، و این معنای اصل کلی و قانون اولی است.

حلیت زن موهوبه برای محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۰ - ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۹

۱۹ - هبه کردن زنان مؤمن، خودشان را بر پیامبر (ص) مباح و جایز است .

إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ .. و امرأه مؤمنه إن وهبت نفسها للنبي

۲۰ - در صورتی که زنی مؤمن، خود را، بدون صداق بر پیامبر (ص) هبه می کرد، او برای آن حضرت حلال و مباح بود .

إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ .. و امرأه مؤمنه إن وهبت نفسها للنبي

۲۱ - هبه کردن زنی، خود را برای همسری پیامبر (ص)، حکمی ویژه آن حضرت است و هیچ مؤمنی، مشمول آن نمی شود .

و امرأه مؤمنه إن وهبت نفسها للنبي .. خالصه لك من دون المؤمنين

۲۲ - مباح و حلال شدن زنی که خود را بر پیامبر (ص) هبه کرده

، در صورتی است که آن حضرت ، او را بپذیرد .

و امرأه مؤمنه إن وهبت نفسها للنبي إن أراد النبي أن يستنكحها

۲۳ - تنها زنان مؤمن می توانند خود را بر پیامبر (ص) هبه کنند .

و امرأه مؤمنه إن وهبت نفسها للنبي إن أراد النبي أن يستنكحها

حلیت زینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۲ - ۶

۶ حلیت، قانون اولی و اصل کلی در بهره گیری از زینتها، خوراکیها و نوشیدنیهاست.

قل من حرم زینه الله التي أخرج لعباده

استفهام انکاری در <من حرم...> دلالت می کند بر این که اگر دلیلی برای حرمت اشیای ذکر شده یافت نشد، باید آنها را حلال دانست و منتظر دلیل خاص نبود، و این معنای اصل کلی و قانون اولی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۳ - ۱۱

۱۱ زینتها و روزیهای پاکیزه بیرون از دایره محرومات الهی (کردار زشت و ..)

قل من حرم زینه الله .. قل إنما حرم ربي الفواحش

حلیت طیبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۳

۳ خوردن طیبات (چیز های پاکیزه و ملایم با طبع) حلال است .

قل احل لكم الطيبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ - ۱۶، ۱۷، ۱۸

۱۶ حکم به حلیت همه پاکیزه ها و تحریم همه ناپاکی ها ، از وظایف پیامبر (ص) و از اهداف رسالت اوست .

و یحل

لهم الطيب و يحرم عليهم الخبث

۱۷ هر چیز طیب و پاکیزه ، حلال و هر چیز خبیث و ناپاک ، حرام است .

و يحل لهم الطيب و يحرم عليهم الخبث

۱۸ امر به معروف و نهی از منکر ، حلال دانستن پاکیزه ها و حرام شمردن ناپاکی ها ، از علامت های موجود در تورات و انجیل برای شناسایی پیامبر اسلام

الذی یجدونه .. یأمرهم بالمعروف ... و يحل لهم الطيب و يحرم عليهم الخبث

جمله های < یأمرهم و ... > حال برای ضمیر مفعولی در < یجدونه > است و لذا می رساند که مفاد این جمله ها به عنوان صفات پیامبر موعود در تورات و انجیل بیان شده است. بر این اساس می توان گفت که از اهداف بیان این ویژگیها در تورات و انجیل، راهنمایی اهل کتاب است به اموری که باید در شناسایی پیامبر موعود در نظر داشته باشند.

حلیت غنایم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۹ - ۱۱، ۱

۱ غنیمت های به دست آمده از دشمنان دین ، حلال و بهرهوری از آنها جایز است .

فلکوا مما غنمتم حلالا طيبا

۱۱ حکم الهی بر حلیت غنایم و فدیة ها ، جلوه ای از مغفرت و رحمت خداوند است .

فلکوا .. إن الله غفور رحيم

حلیت فدیة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۹ - ۱۱، ۲

۲ فدیة های گرفته شده در قبال آزادی اسیران ، از جمله غنایم و استفاده از آنها حلال است .

فلکوا مما غنمتم حلالا طيبا و اتقوا الله

مورد نظر برای <ما غنمتم> به دلیل آیات گذشته که درباره اسیران جنگی بود، فدیة هایی است که در برابر آزادی آنان گرفته می شود. عطف جمله <فکلوا> به وسیله حرف فاء به جمله سابق این معنا را تأیید می کند.

۱۱ حکم الهی بر حلیت غنایم و فدیة ها ، جلوه ای از مغفرت و رحمت خداوند است .

فکلوا .. إن الله غفور رحیم

حلیت کنیز برای محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۲ - ۱۰

۱۰ - بر پیامبر (ص) غیر از همسران تعیین شده ، تنها کنیز ، حلال و مباح بود .

لا یحلّ لک النساء من بعد .. إلا ما ملکت یمینک

حلیت گوشت بز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۳ - ۲

۲ حلیت خوردن از بز و گوسفند نر و ماده و جنین آنها

من الضأن .. قل الذکرین حرم أم الأثنین أما اشتملت علیه أرحام الأثنین

حلیت گوشت چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱ - ۱۴، ۵

۵ حلیت خوردن گوشت برخی از چهارپایان و سایر بهره برداری ها از آن

أحلّت لکم بهیمه الانعم الا ما یتلی علیکم

<بهیمه> اسم است برای هر حیوان چهارپای صحرايي و یا دریایی (مجمع البیان). و <انعام> به گاو و شتر و گوسفند گفته می شود. (مفردات راغب). و اضافه <بهیمه> به <انعام>، اضافه بیانیه است. قابل ذکر است که چون حلیت به خود بهیمه

تعلق گرفته نه به خصوص خوردن از گوشت آنها،

معلوم می شود علاوه بر استفاده خوراکی، سایر بهره برداریها نیز مورد نظر می باشد.

۱۴ حلیت خوردن گوشت برخی از چهارپایان (شتر، گاو و گوسفند) و حرمت برخی دیگر و حرمت صید و شکار در حال احرام، از عهد ها و پیمان های الهی با مؤمنان

أوفوا بالعقود أحلت لكم بهيمة الأنعام الا ما يتلى عليكم غير محلی الصيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۵

۱۵ - شتر، گاو و گوسفند، چهارپایانی حلال گوشت

علی ما رزقهم من بهيمة الأنعم فكلوا منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۸

۸ - شتر، گاو و گوسفند، چهارپایانی حلال گوشت

و أُحِلَّتْ لَكُمْ الْأنعم

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتر است. بنابراین <أنعام>؛ یعنی، شتران لکن گاهی <أنعام>؛ گفته می شود و از آن مجموع شتر، گاو و گوسفند اراده می شود. مقصود از <أنعام> در جمله فوق استعمال دوم است. گفتنی است که جمله <أحلت لكم الأنعام> به تقدیر <أحلت لكم أكل لحوم الأنعام> می باشد؛ یعنی، برای شما خوردن گوشت شتر، گاو و گوسفند حلال شده است.

حلیت گوشت شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱ - ۱۴

۱۴ حلیت خوردن گوشت برخی از چهارپایان (شتر، گاو و گوسفند) و حرمت برخی دیگر و حرمت صید و شکار در حال احرام، از عهد ها و پیمان های الهی با مؤمنان

أوفوا بالعقود أحلت لكم بهيمة الأنعم الا

ما يتلى عليكم غير محلى الصيد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۲

۲ جواز خوردن گوشت چهارپایان (شتر، گاو، گوسفند)

و من الأنعم ... كلوا مما رزقكم الله

<أنعام> جمع <نعم> به شتر، گاو و گوسفند، اطلاق می شود. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۲

۲ استفاده از گوشت شتر و گاو نر و ماده و جنین آنها حلال است.

و من الإبل اثني .. قل الذکرین حرم أم الأثنيین أما اشتملت علیه أرحام الأثنيین

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۵

۱۵ - شتر، گاو و گوسفند، چهارپایانی حلال گوشت

على ما رزقهم من بهيمه الأنعم فكلوا منها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۸،۹

۸ - شتر، گاو و گوسفند، چهارپایانی حلال گوشت

و أُحِلَّتْ لَكُمْ الْأنعم

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتر است. بنابراین <أنعام>؛ یعنی، شتران لکن گاهی <أنعام>؛ گفته می شود و از آن مجموع شتر، گاو و گوسفند اراده می شود. مقصود از <أنعام> در جمله فوق استعمال دوم است. گفتنی است که جمله <أحلت لكم الأنعام> به تقدیر <أحلت لكم أكل لحوم الأنعام> می باشد؛ یعنی، برای شما خوردن گوشت شتر، گاو

و گوسفند حلال شده است.

۹- استفاده از گوشت شتر، گاو و گوسفند، به جز در مواردی که از سوی خدا تحریم شده، حلال و جایز است.

و أُحِلَّتْ

لكم الأنعم إلا ما يتلى عليكم

حلیت گوشت گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱ - ۱۴

۱۴ حلیت خوردن گوشت برخی از چهارپایان (شتر ، گاو و گوسفند) و حرمت برخی دیگر و حرمت صید و شکار در حال احرام ، از عهد ها و پیمان های الهی با مؤمنان

أوفوا بالعقود أحلت لكم بهيمة الأنعم الا ما يتلى عليكم غير محلی الصيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۲

۲ جواز خوردن گوشت چهارپایان (شتر، گاو، گوسفند)

و من الأنعم ... کلوا مما رزقکم الله

<أنعام> جمع <نعم> به شتر، گاو و گوسفند، اطلاق می شود. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۲

۲ استفاده از گوشت شتر و گاو نر و ماده و جنین آنها حلال است.

و من الإبل اثین .. قل الذکرین حرم أم الأثینین أما اشتملت علیه أرحام الأثینین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۵

۱۵ - شتر ، گاو و گوسفند ، چهارپایانی حلال گوشت

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم فکلوا منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۸،۹

۸ - شتر، گاو و گوسفند، چهار پایانی حلال گوشت

و أُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامُ

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتر است. بنابراین <أنعام>؛ یعنی، شتران لکن گاهی <أنعام>؛ گفته می شود و از آن مجموع شتر، گاو

و گوسفند اراده می شود. مقصود از <أنعام> در جمله فوق استعمال دوم است. گفتنی است که جمله <أحلت لكم الأنعام> به تقدیر <أحلت لكم أكل لحوم الأنعام> می باشد، یعنی، برای شما خوردن گوشت شتر، گاو و گوسفند حلال شده است.

۹- استفاده از گوشت شتر، گاو و گوسفند، به جز در مواردی که از سوی خدا تحریم شده، حلال و جایز است.

و أُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يَتْلَىٰ عَلَيْكُمْ

حلیت گوشت گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱ - ۱۴

۱۴ حلیت خوردن گوشت برخی از چهارپایان (شتر، گاو و گوسفند) و حرمت برخی دیگر و حرمت صید و شکار در حال احرام، از عهد ها و پیمان های الهی با مؤمنان

أوفوا بالعقود أحلت لكم بهيمة الأنعام إلا ما يتلى عليكم غير محلی الصيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۲ - ۲

۲ جواز خوردن گوشت چهارپایان (شتر، گاو، گوسفند)

و من الأنعام .. کلوا مما رزقکم الله

<أنعام> جمع <نعم> به شتر، گاو و گوسفند، اطلاق می شود. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۳ - ۲

۲ حلیت خوردن از بز و گوسفند نر و ماده و جنین آنها

من الضأن .. قل الذکرین حرم أم الأنثیین أما اشتملت علیه أرحام الأنثیین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۱۵

حلال گوشت

علی ما رزقهم من بهیمه الأنعم فكلوا منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۸،۹

۸ - شتر ، گاو و گوسفند ، چهار پایانی حلال گوشت

و أُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامُ

<أنعام> (جمع <نعم>) در اصل به معنای شتر است. بنابراین <أنعام> یعنی، شتران لکن گاهی <أنعام> گفته می شود و از آن مجموع شتر، گاو و گوسفند اراده می شود. مقصود از <أنعام> در جمله فوق استعمال دوم است. گفتنی است که جمله <أُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامُ> به تقدیر <أُحِلَّتْ لَكُمْ أَكْلَ لِحُومِ الْأَنْعَامِ> می باشد یعنی، برای شما خوردن گوشت شتر، گاو و گوسفند حلال شده است.

۹ - استفاده از گوشت شتر ، گاو و گوسفند ، به جز در مواردی که از سوی خدا تحریم شده ، حلال و جایز است .

و أُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يَتْلَىٰ عَلَيْكُمْ

حلیت معامله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۵ - ۹

۹ حکم به حلیت بیع (معاملات غیر ربوی) و حُرْمَتِ رِبَا (معاملات ربوی) ، از جانب خداوند

و أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا

شرایط حلیت خوردنیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۴ - ۱۴

۱۴- ملاک و معیار خوردنی های مجاز ، مطابق با طبع و ذائقه طبیعی انسان و حلال شرعی بودن است .

فكلوا ممّا رزقكم الله حلالاً طيباً

برداشت فوق، بر این اساس است که آیه شریفه به قرینه آیه بعد (إنما حَرَّمَ عليكم الميتة . ..) درصدد بیان قلمرو خوردنیهای مجاز و

غیر مجاز است.

شرایط حلیت ذبیحه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۸ - ۱

۱ بردن نام خدا به هنگام ذبح حیوان، شرط حلیت خوردن آن است.

فکلوا مما ذکر اسم الله علیه

جمله <مما ذکر اسم...> گرچه بیان اباحه خوردن از گوشتی است که نام خدا به هنگام ذبح آن برده شده، در عین حال می تواند ارشاد به شرط بودن <تسمیه> هنگام ذبح باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۱ - ۱۷،۷

۷ واکنش شدید مشرکان مکه در قبال احکام ذبیحه و شرایط حلیت آن در اسلام

فکلوا مما ذکر اسم الله... و ما لکم الا تأکلوا... و ذروا ظهر الاثم... و لا تأ

از تأکید خداوند بر این حکم استفاده می شود که مشرکان در قبال آن واکنش شدیدی نشان می دادند.

۱۷ محمّد بن مسلم قال: سألت أبا جعفر(ع) عن الرجل يذبح ولا يسمي؟ قال: ان كان ناسيا فلا بأس إذا كان مسلما... .

محمّد بن مسلم گوید: از امام باقر(ع) درباره کسی که هنگام ذبح، نام خدا را نمی برد پرسیدم، فرمود: اگر مسلمان باشد و نام خدا را از روی فراموشی ذکر نکند، مانعی ندارد... مفاد روایت تخصیص از حکم در آیه شریفه <ولا تأکلوا مما لم یذکر اسم الله علیه> می باشد.

شرایط حلیت صید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۱۷،۲۳

۱۷ صید درندگان شکاری در صورتی حلال است که همانند سگان

شکاری تعلیم دیده، عمل کنند.

و ما علمتم من الجوارح مکلبین .. فکلوا مما امسکن

<مکلبین> جمع <مکلب> (تعلیم دهنده سگان)، حال برای فاعل <علمتم> است و معنای تشبیه را افاده می کند، بنابراین معنای آیه چنین می شود: شکار درندگان که آنها را همانند سگان شکاری تعلیم داده اید، حلال است.

۲۳ صید سگ شکاری و دیگر درندگان تعلیم دیده در صورتی حلال است که از جانب صیاد روانه شکار شود، نه سرخود و بدون فرمان.

فکلوا مما امسکن علیکم

کلمه <علیکم> جواز استفاده را مشروط به این می کند که درنده شکاری، شکار را برای صیاد گرفته باشد نه برای خود. و این در صورتی است که حیوان شکاری به اشاره و فرمان صیاد به سوی شکار رود، نه سرخود و بدون فرمان.

فلسفه حلیت آمیزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۷ - ۱۴

۱۴ - توالد و تناسل از حکمت های حلیت آمیزش و ترغیب نمودن خداوند به آن

فالن بشروهن و ابتغوا ما کتب الله لکم

مفسران بر آنند که مقصود از <ما کتب ..> فرزند است. بنابراین جمله <فالآن...> یعنی، با همسران خویش آمیزش کنید و در پی چیزی (فرزندانی) باشید که خداوند برای شما مقرر کرده است.

فلسفه حلیت روزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۴ - ۳

۳- پاکیزگی و دلپذیر بودن، راز و حکمت حلیت روزی های حلال

فکلوا مما رزقکم الله حلالاً طیباً

در برداشت فوق <حالاتاً> مفعولٌ به برای <فكّلوا> و <طیباً> صفت توضیحی برای آن است؛ یعنی، تنها

روزیهای حلال و مشروع قابل خوردن است و این روزی حلال، همان روزی طیب و دلپذیر است.

محدوده اصل حلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۹ - ۷

۷ اصل حلیت، جز در مواردی که دلیلی بر حرمت اقامه شود، جاری است. *

و ما لکم الا تأکلوا مما ذکر اسم الله علیه و قد فصل لکم ما حرم علیکم

به احتمال اینکه مراد از <ما حرم> تمامی محرّمات باشد، اعم از خوردنیها و غیر خوردنیها.

محدوده حلیت مردار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۲۴

۲۴ عن أبي عبد الله (ع) فی قول الله عزو جل: <فمن اضطر غیر باغ و لاعاد> قال: الباغی الذی یخرج علی الإمام و العادی الذی یقطع الطریق لایحل لهما المیتة.

از امام صادق (ع) درباره آیه <فمن اضطر غیر باغ و لاعاد> روایت شده است: مراد از <باغی> کسی است که علیه امام قیام کند. و منظور از <عادی>، راهزن است. برای این دو (در حال اضطرار)، مردار حلال نیست.

ملاک حلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۴

۴ پاکیزگی و سازگاری خوردنیها با طبع، ملاکی در حلیت آنها

احل لکم الطیبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵ - ۲

۲ ملاک حلیت اشیا ، پاکیزگی و سازگاری آنها با طبع است .

اليوم احل لكم الطيب

حمایت خدا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حمایت خدا

آثار ذکر حمایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور -

۶- توجه مبلغان دینی به حضور حمایت و لطف الهی ، مایه شکیبایی آنان بر مشکلات راه

و اصبر .. فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که پیامبر(ص) به عنوان مبلغ وحی مورد هجوم کافران، قرار گرفته و خداوند برای پایداری بخشیدن به او نظارت و حمایت خویش را به آن حضرت یادآور شده است.

آثار محرومیت از حمایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۱ - ۴

۴- ذلت و بدفرجامی کافران ، معلول برخوردار نبودن از ولایت و حمایت خداوند

دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ .. ذَلِكَ ... وَأَنَّ الْكٰفِرِينَ لَا مَوْلٰى لَهُمْ

ابزار حمایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲ - ۱۶

۱۶ - ایجاد وحشت در قلب کافران ، از ابزار الهی در حمایت از جهادگران مسلمان

هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ .. وَقَدْ فِى قُلُوبِهِمُ الرِّيبَ

از این که خداوند، پس از بیان شکست یهود به رغم برخورداری آنان از تجهیزات و استحکامات موضوع ایجاد وحشت را مطرح کرده است؛ مطلب یاد شده استفاده می شود.

حمایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۲ - ۶

۶ خداوند ، پشتیبان و حامی مؤمنان ، در برابر مکر و نیرنگ منافقان

إِنَّ الْمُنْفِقِينَ يُخَدَعُونَ اللَّهُ وَ هُوَ خَدَعَهُمْ

بنابر اینکه مراد از مکر با خداوند، مکر با مؤمنان باشد.

شرایط حمایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۰ - ۱۱

- توکل و اعتماد به خداوند ، شرط بهره مند شدن از حمایت و یاری او است .

و علی الله فلیتوکل المؤمنون

کفر به حمایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۱۱

۱۱ ناباوری به حمایت خدا از متوکلان ، نشانه بیماردلی و ضعف ایمان است .

إذ يقول المنفقون و الذین فی قلوبهم مرض . . . فإن الله عزیز حکیم

برداشت فوق با توجه به توضیح برداشت قبل به دست می آید.

محرومان از حمایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۰ - ۹

۹ - نقض کنندگان پیمان دین ، در معرض قهر الهی و محروم از حمایت او

ید الله فوق أیدیهم فمن نکث فإِنما ینکث علی نفسه

<فاء> در <فمن..> می رساند که لازمه <یدالله فوق...>، این است که پیمان شکنان به خود زیان می زنند، زیرا با پیمان شکنی از سایه حمایت خدا بیرون شده، در معرض انتقام و قدرت قاهر او قرار گرفته اند.

مشمولان حمایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۰ - ۳

۳ - شمول رحمت و حمایت خداوند ، نسبت به اهل ایمان و عمل صالح ، پس از حسابرسی آنان

کلّ أمّه تدعی إلی کتبها . . . فأما الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فیدخلهم ربهم ف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۹ - ۱

۱- حمایت خداوند از پیامبر (ص) ، با ارائه رهنمود به آن حضرت در قبال تشکیک کافران

أم یقولون

افتريه .. قل ما كنت بدعًا من الرسل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۵ - ۱

۱- شهيدان در همه مراحل پس از شهادت ، برخوردار از هدايت و حمايت خداوند

سيهديم و يصلح بالهم

ضمير <هم> به <الذين قتلوا في سبيل الله> بازمی گردد. <بال> در <بالهم> يا به معنای شأن و أمر (مفرد أمور) و يا قلب است. برداشت ياد شده ناظر به معنای نخست می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۱۲

۱۲- حمايت خداوند از پيامبر (ص) ، در قبال عداوتورزی کافران

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا .. و شاقوا الرسول ... و سيحبط أعمالهم

تعبير <و سيحبط أعمالهم>، می تواند هم به معنای عقيم ساختن توطئه های کافران و هم به معنای پوچ ساختن اعمال به ظاهر نيک آنان باشد. در هر دو صورت، از اين موضع گيري شديد، حمايت خداوند از پيامبر(ص) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۰ - ۷

۷- خداوند ، حامی و ياری دهنده بيعت کنندگان با پيامبر (ص) و رهبران الهی

إِنَّ الَّذِينَ يَبَايِعُونَكَ .. يد الله فوق أيديهم

برداشت بالا- بر اين اساس است که تعبير <يد الله..> در مقام تأييد و تشويق و دلجويی باشد، يعنی، ای بيعت کنندگان با پيامبر! شما با خدا بيعت کرده ايد و از حمايت او برخوردار خواهيد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۱۸ - ذاريات - ۵۱ - ۳۵ - ۵

، خود متکفل حمایت از مؤمنان است .

فأخرجنا من كان فيها من المؤمنين

با توجه به این که فرشتگان عذاب، مأموریت خود را در نزول عذاب با فعل مجهول بیان داشته اند (إِنَّا أَرْسَلْنَا)؛ ولی خداوند در این آیه نجات مؤمنان را به خود نسبت داده است. این تفاوت می تواند در جهت توجه دادن مؤمنان به حمایت ویژه الهی از ایشان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۸ - ۳

۳ پیامبر (ص) ، در پرتو ربوبیت ویژه الهی و در منظر عنایت و حمایت او

و اصبر لحکم ربّک فَإِنَّکَ بِأَعیننا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۲ - ۶

۶ - اهل عبادت برای خداوند ، برخوردار از حمایت های او در مراحل هولناک قیامت

لیس لها من دون الله کاشفه .. فاسجدوا لله و اعبدوا

چنانچه <کاشفه> در آیات پیشین، به معنای گشاینده سختی ها باشد، از ارتباط این آیه با <لیس لها..> می توان به مطلب بالا پی برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۴ - ۲،۳

۲ - حمایت و لطف الهی ، عامل اصلی نجات نوح (ع) و مؤمنان به آن حضرت از مهلکه طوفان ؛ و نه صرفاً ابزار مادی (کشتی) *

تجری بأعیننا

در صورتی که <بأعیننا> کنایه از نظارت، حمایت و لطف الهی باشد، ذکر <تجری بأعیننا> پس از <حملناه علی ذات..> بیانگر این معناست که هر چند کشتی نوح از ابزار بایسته ای ساخته

شده بود؛ اما این حمایت و نظارت لحظه به لحظه ما بود که در نهایت کارساز و نجات آفرین بود.

۳- نجات نوح (ع) و حمایت خداوند از ایشان، پاداش صبر آن حضرت در قبال ناسپاسی های قومش

تجری بأعيننا جزاء لمن كان كفر

مراد از <لمن كان كفر> نوح است که مورد کفران مستمر قومش قرار گرفته بود و الطاف الهی در حق ایشان پاداش شکیبایی های آن حضرت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۷ - ۶

۶- حمایت خداوند از لوط (ع) و میهمانان آن حضرت در برابر بدخواهی های قومش

و لقد رودوه عن ضیفه فطمسنا أعینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۰ - ۱۰

۱۰- خداوند، حامی مؤمنان در برابر توطئه های شیطانی منافقان

و لیس بضارهم .. و علی الله فلیتوکل المؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۱ - ۳

۳- خداوند، پیامبران خود را با تضمین پیروزی آنان و شکست جبهه دشمن فرستاد.

کتب الله لأغلبنّ أنا و رسلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۱۴

۱۴- پیروان عیسی (ع)، مورد تأیید و حمایت الهی در قبال دشمنانشان (کافران بنی اسرائیل)

فأيدنا الذين ءامنوا على عدوّهم

ملاكهای حمایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۲ - ۴

۴- قرار گرفتن بنی اسرائیل ، تحت

حمایت ویژه خداوند در عصر موسی ، براساس ملائکه هایی متکی به علم الهی

و لقد اخترنهم علی علم

برگزیدن بنی اسرائیل ممکن است به رهایی یافتن آنان از ستم فرعونیان و وراثت آنان نظر داشته باشد؛ یعنی، ملت های زیادی تحت ستم بوده اند، ولی از آن میان، بنی اسرائیل از این حمایت الهی برخوردار شدند.

حمایت های خدا

شرایط حمایت های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۸ - ۳

۳ - ایمان ، شرط بهره مندی از حمایت و پشتیبانی خدا

إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ عَنِ الَّذِينَ ءَامَنُوا

محرومان از حمایت های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۸ - ۶

۶ - خیانت کاران ناسپاس ، محروم از حمایت و محبت خداونداند .

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ

مشمولان حمایت های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۶ - ۱۳

۱۳ خداوند ، حامی و پشتیبان مؤمنان و توکل کنندگان بر او

إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ .. . إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۵ - ۱،۳

۱- پیامبر (ص) تحت حمایت ویژه خداوند در برابر استهزا ، آزار و اذیت مشرکان و دشمنان

إنا كفيناك المستهزئين

۳- حمایت خداوند از پیامبر (ص) در برابر دشمنان ، پشتوانه آن حضرت در آشکارا و علنی کردن دعوت خویش و بی اعتنائی به مشرکان و دشمنان

فاصدع بما تؤمر و أعرض عن المشركين . إنا كفيناك المستهزئين

جمله <إنا كفيناك .. > به

منزله تعلیل برای جمله <فاصدع بما تؤمر...> است؛ یعنی، چون ما از تو حمایت می کنیم، پس به آنچه مأمور شدی عمل کن و از مشرکان اعراض نما.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۸ - ۱،۲،۵،۹

۱- حمایت و لطف الهی، همراه تقوایبندگان است.

إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا

۲- نیکوکاران، از حمایت و لطف الهی برخوردارند.

إِنَّ اللَّهَ مَعَ... الَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ

۵- هدایت گران و مبلغان صابر دین، در قبال مکرها و اذیت و آزار دشمنان، از حمایت و لطف الهی برخوردارند.

و اصبر... إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ الَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ

۹- توجه به حمایت خدا از تقوایبندگان و نیکوکاران، مانع از قرار گرفتن آنان در تنگنای روحی است.

و لَاتَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ . إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ الَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۰ - ۷

۷- مؤمنان، برخوردار از حمایت های غیبی الهی در دور ماندن از کفر و معصیت اند.

فَكَانَ أَبُوهُمُ الْمُؤْمِنِينَ فُخْشِينَ أَنْ يَرْهَقَهُمَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۱ - ۷

۷- خداوند، حامی مؤمن و تقدیر کننده خیر و مصلحت برای او است.

فَكَانَ أَبُوهُمُ الْمُؤْمِنِينَ... فَأَرَدْنَا أَنْ يُبَدِّلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِنْهُ زَكَاةً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۸۲ - ۱۳

۱۳- حمايت خداوند از فرزندان یتیم پدری صالح و حفظ مال آنها ، جلوه

ای از رحمت و ربوبیت او بوده است .

فأراد ربك .. رحمه من ربك

<رحمه> مفعولٌ له برای فعل <أراد> است ؛ یعنی، اراده پروردگار به باقی ماندن گنج یتیمان، به خاطر رحمت او بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۸ - ۱

۱ - مؤمنان ، برخوردار از حمایت و پشتیبانی پیوسته خداوند

إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ عَنِ الَّذِينَ ءَامَنُوا

<دفاع> (مصدر <يدافع>) به معنای پشتیبانی و دفع کردن شرّ دشمن است ؛ یعنی، خداوند بی تردید مؤمنان را مورد حمایت و پشتیبانی قرار می دهد و شرّ دشمنان دین را از آنان دفع می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۰ - ۶

۶ - حمایت خدا از ساحت مؤمنان در قبال کافران

فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سُخْرِيًّا .. وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۹ - ۱۳

۱۳ - امت اسلام ، تحت حمایت و یاری خداوند است .

إِنَّ الَّذِينَ يَحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفُحْشَةُ فِي الَّذِينَ ءَامَنُوا .. وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

جمله <والله يعلم و أنتم لاتعلمون> در واقع نوعی اعلان حمایت و پشتیبانی از سوی خدا است که گر چه مسلمانان، دشمنان داخلی خود را نمی شناسند؛ ولی خدا آنها را به دقت زیر نظر دارد. گفتنی است آیه بعد (و لولا فضل الله...) مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۳ - ۷

۷ خداوند ، همواره حامی پیامبر (ص) در برابر بهانه

تراشی ها و سخنان شبهه آلود و باطل کفار و دشمنان

و لا یأتونک بمثل إلا جئنک بالحق و أحسن تفسیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹ - ۴

۴ - پیامبر (ص) ، تحت تربیت خاص و حمایت ویژه خداوند

و إن ربک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵ - ۲،۴

۲ - حمایت قاطع خداوند از موسی (ع) در قبال مشکلات راه رسالت .

قال کلاً .. إنا معکم مستمعون

۴ - موسی و هارون (ع) ، مأمور حرکت به سوی فرعونیان با تکیه بر حمایت قاطع الهی

قال کلاً فاذهبنا بایتنا إنا معکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۲ - ۴

۴ - بنی اسرائیل گرفتار در نظام فرعونی ، مورد حمایت و لطف الهی

أن أسر بعبادی

اضافه <عباد> به ضمیر متکلم، بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۸ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، برخوردار از حمایت ویژه پروردگار در قبال عنادورزی های مشرکان

و ما كان أكثرهم مؤمنين . و إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

ذکر آیه <إِنَّ رَبَّكَ..> پس از بیان ماجرای موسی و فرعون، دارای این پیام است که: ای پیامبر! همان گونه که خداوند، موسی(ع) را تحت حمایت گرفت و فرعونیان را از میان برداشت، تو را نیز تحت حمایت ویژه خود قرار داده و دشمنانت را سرکوب خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - پیامبر (ص)، برخوردار از حمایت ویژه پروردگار در برابر کافران حق ستیز

و ما كان أكثرهم مؤمنين . و إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

با توجه به تعریض آیه قبل در باره حق ناپذیر بودن بیشتر مشرکان صدراسلام، آیه یاد شده پیامبر(ص) را بدین گونه مورد خطاب قرار می دهد که: ای پیامبر! تو از این بابت نگران نباش؛ زیرا در حمایت ویژه ما هستی و ما با قدرت قاهر و شکست ناپذیر خود دشمنانت را سرکوب خواهیم کرد؛ چنان که دشمنان ابراهیم را ناکام کردیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۲ - ۱

۱ - پیامبر (ص) برخوردار از حمایت و لطف ویژه خدا در قبال عنادورزی های مخالفان

و ما كان أكثرهم مؤمنين . و إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

با توجه به این که آیه پیش به حق ناپذیری اکثریت مشرکان صدر اسلام اشاره دارد، در این آیه پیامبر مورد خطاب قرار گرفته که: ای پیامبر! تو از این بابت نگران نباش؛ زیرا در حمایت ویژه ما هستی و ما با قدرت قاهر و شکست ناپذیر خود، دشمنانت را سرکوب خواهیم کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۰ - ۱

۱ - پیامبر (ص)، برخوردار از حمایت و لطف ویژه خدا در قبال عنادورزی های مخالفان

و ما كان أكثرهم مؤمنين . و إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

با توجه به تعریض آیه قبل به حق ناپذیر بودن اکثریت مشرکان صدراسلام، این آیه پیامبر(ص) را

مورد خطاب قرار داده و می فرماید: ای پیامبر! تو از این بابت نگران نباش؛ زیرا ما با قدرت قاهر و شکست ناپذیر خود، دشمنانت را سرکوب خواهیم کرد. (چنان که دشمنان هود(ع) را سرکوب کردیم).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۹ - ۱

۱ - پیامبر (ص)، برخوردار از حمایت ها و الطاف ویژه خداوند در قبال عنادورزی های مشرکان

و ما كان أكثرهم مؤمنين . و إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

با توجه به بیان سرگذشت صالح(ع) و ثمودیان و فرجام هلاکت بار آنان در آیات پیشین و تعریض آیه قبل به حق ناپذیری اکثریت مشرکان صدر اسلام، در این آیه خطاب را متوجه پیامبر(ص) نموده و می فرماید: ای پیامبر! تو از این بابت نگران نباش؛ زیرا ما با قدرت قاهر و شکست ناپذیر خود، دشمنانت را سرکوب خواهیم کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۵ - ۲

۲ - پیامبر (ص)، برخوردار از حمایت ها و الطاف ویژه خداوند در قبال عنادورزی های مخالفان

و ما كان أكثرهم مؤمنين . و إِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

با توجه به تعریض آیه قبل به حق ناپذیر بودن اکثریت شرک پیشگان صدر اسلام، در این آیه پیامبر را مخصوص به خطاب قرار داده؛ می فرماید: ای پیامبر! تو از این بابت نگران نباش، زیرا ما همان گونه که لوط(ع) را مورد حمایت قرار دادیم و قوم فاسدش را از میان برداشتیم، تو را نیز در حمایت خویش قرار خواهیم داد و با قدرت قاهر و شکست

ناپذیر خود، دشمنانت را سرکوب خواهیم کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۱ - ۱

۱ - پیامبر (ص)، برخوردار از حمایت و لطف ویژه خداوند در قبال عنادورزی های مشرکان

و ما كان أكثرهم مؤمنين . و إنّ ربك لهُو العزيز الرحيم

ذکر آیه <إِنَّ رَبِّكَ...> پس از بیان ماجرای شعیب(ع) و مردم ایکه، این پیام را دارد که ای پیامبر! همان گونه که خداوند، شعیب(ع) را تحت حمایت خود قرار داد و مردم ایکه را از میان برداشت، تو را نیز در حمایت ویژه خود قرار خواهد داد و دشمنانت را سرکوب خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۱ - ۳

۳ - دفاع خداوند از حریم پاک وحی و پیامبر (ص)

هل أءتبتکم علی من تنزل الشیطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۰ - ۴

۴ - حمایت خدا از صالح پیامبر (ع)، در سرنوشت سازترین مراحل و در اوج مکر کافران

لنبتنّه و أهله .. و مکروا مکراً و مکرونا مکراً و هم لایشعرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۱ - ۷

۷ - حمایت خدا از پیامبر (ص) در قبال توطئه اشرار قومش علیه او

فانظر کیف کان عقبه مکروهم أنّا دمرنهم

مقصود از آیه یاد شده این است که: ای پیامبر! ناکامی مفسدان پیشین را مشاهده کن و اطمینان داشته باش که دشمنان تو نیز

فرجامی جز آن نخواهند داشت.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۰ - ۱۲

۱۲ - پیامبر (ص) ، مورد توجه ویژه خداوند بوده است .

و لئن جاء نصر من ربك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۲ - ۴

۴ - خداوند ، از حقانیت پیامبر (ص) در برابر کافران منکر قرآن ، حمایت کرد .

و ما يجحد بآيتنا إلا الكفرون .. و قالوا لولا أنزل عليه آيت ... أولم يكف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۶ - ۱۱

۱۱ - خداوند ، بهترین و شایسته ترین مدافع و حامی پیامبر (ص) و مؤمنان در برابر تهدید و ارباب دشمنان

و يخوفونك بالدين من دونه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۸ - ۱۷، ۱۶، ۱۵

۱۵ - خداوند ، کفایت کننده امور پیامبر (ص) و مواضع او در برابر دشمنان

قل حسبى الله

<حَسْبُ> به معنای <کفایت> است. مقصود از کفایت خداوند که به فرمان اعلام به مردم (قل) همراه شده اعلام حمایت خداوند از پیامبر(ص) و دفع شرّ و توطئه دشمنان از آن حضرت است.

۱۶ - خداوند ، شایسته ترین کفایت کننده تمامی امور بندگان و دفع کننده هر نوع شر دشمنان از آنان است .

قل حسبى الله

حذف متعلق <حسبی>؛ یعنی، ذکر نشدن موارد کفایت، دلالت بر عموم و توسعه دارد.

۱۷ - تضمین خداوند نسبت به حمایت از پیامبر (ص)، در برابر تهدیدها و ارباب دشمنان

و یخوفونک ..

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، می تواند ناظر به دو آیه پیش باشد که در آنها مسأله تهدید و ارباب مشرکان به پیامبر(ص) مطرح شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۸ - ۷

۷ - دفاع مؤمن آل فرعون از موسی (ع) ، جلوه ای از حمایت و امداد خداوند از او

إِنِّي عَذتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ .. . وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ

ذکر دفاع مؤمن آل فرعون از موسی(ع) پس از پناه بردن آن حضرت به خداوند از شر فرعون می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۵ - ۱

۱ - خداوند مؤمن آل فرعون را از آثار ناپسند مکر فرعونیان محفوظ داشت .

فَوَقَّاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا كَفَرُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱ - ۲

۲ جامعه مؤمنان ، برخوردار از حمایت ویژه خداوند در برابر توطئه ها و ترفند های کافران

الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدَّوْا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَلَهُمْ

از این که خداوند، تلاش های کافران و توطئه های آنان را نسبت به مؤمنان خنثی می کند؛ مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۲۱

۲۱- تعلق مشیت الهی ، به حمایت از مؤمنان ناشناخته مکه

ليدخل الله في رحمة من يشاء

تعبير <من يشاء>، ممكن است نظر به مردان و زنان مؤمنی داشته باشد

که در جمله های پیشین آیه، از آنها یاد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۷ - ۱۱

۱۱ - زنان مطلقه و شوهران تنگ دست آنان در صورت رعایت آموزه ها و رهنمود های الهی مورد عنایت و حمایت خدا قرار می گیرند .

سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۶ - ۷

۷ - خداوند ، حامی پیامبران و مدافعان دین در برابر مخالفان

فَأَخَذَهُ اللَّهُ .. إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِمَنْ يَخْشَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۶ - ۷،۹

۷ - پیامبر (ص) از خردسالی ، در پناه خداوند و برخوردار از مراقبت مخصوص او بود .

أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى

فعل <آوی> که مطلق است ممکن است به معنای <آواک إلی نفسه> و بیانگر مراقبت مستقیم خداوند، از پیامبر(ص) باشد.

۹ - خداوند ، با سوق دادن مردم به سوی پیامبر (ص) ، آن حضرت را از تنهایی و غربت در آورد . *

أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى

فعل <آوی> که مطلق است می تواند به معنای <آوی إلیک الناس> باشد. در این صورت یتیم به معنای <وحید> خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - خداوند ، با گوشزد کردن یتیمی پیامبر (ص) و مراقبت های خویش از آن حضرت ، او را به پرهیز از سلطه بر یتیمان فراخواند .

ألم یجدک یتیمًا فاوی .

.. فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَاتَقْهَر

حرف <فاء>، این آیه را بر جمله مناسب آن در آیات پیشین، تفریع کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کوثر - ۱۰۸ - ۱ - ۶

۶ - خداوند ، حامی پیامبر (ص) در برابر زخم زبان دشمنان

إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ

آن گونه که از ذیل این سوره استفاده می شود، عطای کوثر به پیامبر(ص) کاری است که خداوند در برابر طعنه ها و سخنان نیشدار دشمن انجام داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۶ - ۱۳

۱۳ - خداوند ، پناهگاهی شایسته برای پیامبر (ص) ، در برابر تلاش جن و انس برای اغوای مردم و ایجاد تزلزل در دل های آنان

قل أعوذ .. الذی یوسوس فی صدور الناس . من الجنّه و الناس

حمد از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حمد

آثار حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۲۴، ۲۲

۲۲ - نیل پیامبر (ص) به مقام رضا ، در گرو صبر ، تسبیح و حمد مداوم پروردگار

فاصبر .. و سبّح ... لعلّک ترضی

۲۴ - رضایت خاطر و آرامش درون ، از ثمرات تسبیح و تحمید خداوند در فرصت های مختلف شبانه روز *

و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ .. لَعَلَّكَ تَرْضَى

ممکن است رضایت مطرح شده در این آیه، مقابل دل‌گیری حضرت رسول (ص) از سخنان کافران باشد که در صدر آیه مطرح بود. در این صورت مقصود، رضایت خاطر و آرام یافتن درون خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ -

۶ - تسبیح و ستایش (عبادت) پروردگار ، زمینه استواری روح و دستیابی به صبر در برابر ناگواری ها *

فاصبر علی ما یقولون و سبح بحمد ربک

از ارتباط <سبح بحمد ربک> با <فاصبر..>، می توان تأثیر عبادت در تکامل روح و استواری اراده را نتیجه گرفت.

۸ - کمال عبادت ، تحقق پذیر در پرتو تنزیه حق از هر کاستی و ستایش او به جهت صفات کمال *

و سبح بحمد ربک

در صورتی که باء در <بحمد> برای مصاحبت باشد، استفاده می شود که کمال عبادت، متوقف بر دو پایه است: تنزیه حق از کاستی ها و ستایش او بر صفات وجودی و کمالی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۹ - ۳

۳ - تسبیح و حمد پروردگار ، در تکاپوی روزانه و آرامش شب و سحرگاهان ، شکیبایی آفرین برای مؤمنان *

و اصبر .. و سبح بحمد ربک حین تقوم . و من الیل فسبحه و ادبر النجوم

برداشت یاد شده با توجه به نکات زیر است: ۱ <حین تقوم> اشاره به تلاش های روزانه <و من الیل..> نظر به لحظه های آرام شب داشته باشد. ۲ آیه شریفه را با <واصبر...> که در آیه قبل آمده ملاحظه کنیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۳ - ۱۷،۲۲

۱۷ - توبه استغفار کنندگانی که خداوند را تسبیح و حمد کنند ، در پیشگاه خداوند پذیرفته است .

فسبح بحمد ربک و استغفره إنه کان تواباً

۲۲ - تسبیح ، حمد و استغفار ، زمینه ساز جلب

عنایت و توجّه خداوند

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا

تواب بودن خداوند، ممکن است به معنای رجوع به بندگان باشد؛ به این معنا که به آنان تفضل کرده آنان را بپذیرد. (برگرفته از قاموس)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۷ - ۱۱

۱۱- قال أبو عبد الله (ع) : أئما عبد أنعم الله عليه بنعمه فعرفها بقلبه و حمد الله علىها بلسانه لم تنفذ حتى يأمر الله له بالزيادة و هو قوله : < لئن شكرتم لأزيدنكم >

از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمود: هر بنده ای که خدا به او نعمتی عطا کند، پس او با قلبش آن را بشناسد و خدا را با زبان بر آن نعمت حمد گوید، هنوز حمد او پایان نپذیرفته که خداوند امر می کند تا آن نعمت برای او، زیاد شود و این سخن خداوند است لئن شكرتم لأزيدنکم.

آثار عقیده به حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۱ - ۷

۷- ایمان به خداوند و اعتقاد به عزّت، ستودگی، حاکمیت، مالکیت و گواه بودن او و انجام دادن تمامی اعمال صالح، مایه بهره بردن از مناظر سبز و پر درخت و زمین آب خیز بهشت است.

إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ .. إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتُ

برداشت یاد شده، از ارتباط این آیه با آیه هشتم و نهم استفاده می شود. <الصالحات>، جمع محلی به <ال> و مفید عموم است. عموم در این موارد، عرفی است؛ یعنی،

تمام آن چه میسر است. <جَنَّهُ> یعنی، بوستانی که با درختان خود زمین را پوشانده باشد. (مفردات راغب).

آداب حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۰ - ۱۴

۱۴ در ستایش خداوند ، باید سخنی به کار رود ، یا معنایی در نظر گرفته شود که مستلزم کمترین عیب و نقصی نباشد .

و نحن نسبح بحمدك

برداشت فوق مبتنی بر این وجه است که <با> برای استعانت باشد. بر این مبنا، معنای <نسبح بحمدك> چنین می شود: به وسیله حمد و ستایش، تو را تسبیح و تنزیه می کنیم. روشن است که حمد و ستایش، آن گاه در پی دارنده تسبیح و تنزیه است که الفاظ انتخاب شده، یا معانی در نظر گرفته شده برای ستایش خدا، مستلزم هیچ گونه نقص و عیبی برای او نباشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۹ - ۶

۶- بر شمردن و به زبان آوردن نعمت ها به هنگام حمد و ستایش خداوند ، امری پسندیده و از آداب دعاست .

الحمد لله الذی وهب لی علی الکبر إسمعیل و إسحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۱۱، ۱۲، ۶

۶ - پیامبر (ص) و مؤمنان ، موظف به تسبیح و حمد پروردگار ، پیش از طلوع و غروب خورشید

و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا

<باء> در <بحمد ربك> یا برای مصاحبت است و یا استعانت. در هر صورت، فرمان به حمد و تسبیح با هم است. خطاب <سَبِّحْ> گرچه مربوط به

پیامبر(ص) می باشد، ولی آیات بعد، قرینه ای بر منحصر نبودن این تکالیف به آن حضرت است.

۱۱ - تسبیح و ستایش پروردگار ، پیش از طلوع و غروب آفتاب ، دارای ارزش و آثاری ویژه است .

و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا

۱۲ - تسبیح و ستایش پروردگار ، در پاره هایی از شب و نزدیک صبح و پس از غروب ، دارای آثار و ارزشی ویژه است .

و مِنْ أَمَّا آيِ الْإِيلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ

مراد از <اطراف روز> آغاز و پایان آن است و جمع آمدن آن، یا به خاطر توافق لفظی با <آناء اللیل> است و یا برای شمول لحظات متعددی از اول و آخر روز است تا توسعه وقت را برساند؛ یعنی، ذکر و دعا در لحظه های اول و آخر روز، مخصوص اولین لحظه روز و آخرین لحظه آن نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۳ - ۶

۶ - ستایش خداوند ، تنها با سخنی شایسته است که کمترین شائبه عیب شماری و تنقیص در آن نباشد .

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ

حمد، زمانی می تواند وسیله تسبیح باشد که در الفاظ و عبارات های برگزیده آن، منزّه دانستن خداوند از عیب ها جلوه گر باشد.

ارزش تداوم حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۱۴

۱۴ - تداوم بخشیدن به تسبیح و حمد خداوند در تمامی اوقات شب و روز ، کاری ارزشمند و پسندیده

و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَرِ

تسبیح و حمد خداوند در شب و روز می تواند کنایه

از تداوم و استمرار بخشیدن به آنها در همه اوقات باشد.

اعطاء سوره حمد به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۷ - ۱

۱- < سوره حمد > از عطایای خداوند بر پیامبر (ص)

و لقد ءاتینک سبعا من المثانی

نوع مفسّران بر آنند که مراد از <سبعا> سوره حمد است که هفت آیه دارد و <المثانی> (جمع مثنی) صفت برای قرآن کریم است؛ چنان که در سوره <زمر> (آیه ۲۳) این کلمه به عنوان صفت قرآن ذکر شده است. گفتنی است: روایات نیز مؤید همین مطلب است.

اهتمام موسی(ع) به حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۴ - ۱

۱- هدف موسی (ع) از تقاضای نبوت و رسالت برای هارون (ع) ، به دست آوردن فرصت بسیار برای ذکر خداوند و حمد و ثنای مکرر او بود .

و أشركه فی امری . . . و نذکرک کثیرا

فاعل <نذکرک> موسی و هارون(ع) است و مراد از کثرت ذکر خدا، افزایش تبلیغات توحیدی بر اثر همراهی آن دو است که متضمن مدح و ثنای خداوند می باشد.

اهمیت حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۹ - ۵،۷

۵- حمد و ستایش خداوند برای نعمت ها و بخشش های مهم و غیرمترقبه ، امری است شایسته و بایسته

الحمد لله الذى وهب لى على الكبر إسمعيل و إسحق

٧- وجود فرزند ، نعمت الهى و شايسته حمد و سپاس است .

الحمد لله الذى وهب لى على الكبر

إسمعیل و إسحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۸ - ۱

۱- توصیه خداوند به پیامبر (ص) به تسبیح همراه با حمد و ستایش خداوند .

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ كُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ

<بَاء> در <بحمد> برای مصاحبت است، یعنی، تسبیح باید با حمد و ستایش پروردگار قرین و همراه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۸ - ۵

۵- لزوم حمد و ستایش خدا و سپاس گزاری به درگاه او ، پس از رهایی از مشکلات

فَإِذَا اسْتَوَيْتَ .. فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّنا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

با توجه به این که ستایش خدا، پس از رهایی از مشکلات، به منظور سپاس گزاری به درگاه او انجام می گیرد، گفتن <الحمد لله> (ستایش از آن خدا است) دربردارنده شکر و سپاس گزاری نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۶ - ۲

۲- پیامبر (ص) ، موظف به ستایش پروردگار و نیایش به درگاه او

قُلِ اللَّهُمَّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۳ - ۱

۱- لزوم تسبیح و حمد خداوند و طلب بخشش گناهان از پیشگاه او

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ اسْتَغْفِرْهُ

پاداش حمد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۷ - ۵

۵ - پاداش سجده و تسبیح همراه با حمد خداوند و عبادت های شبانه و انفاق های مؤمنان ، فوق حد شمارش است .

إِنَّمَا يُؤْمِنُ .. سَجْدًا

و سَبِّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ ... تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ ... وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ

<فاء> در <فلا-تعلم نفس> تفریع بر آیات پیش است که در آنها صفات نیکوی مؤمنان شمرده شده است. بنابراین، معنا، چنین می شود: <مؤمنانی که دارای صفات یاد شده اند، پاداشی مخفی دارند>. با توجه به تفریع احتمال دارد که اختفای پاداش، کنایه از فوق شمارش بودن باشد.

تداوم حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۱۵

۱۵ - ربوبیت خداوند، مقتضی تسبیح و حمد پیوسته او است.

و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَرِ

تداوم حمد ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵ - ۵

۵ - فرشتگان، همواره در حال ستایش، تسبیح و تنزیه پروردگار خویش

و الْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ

فعل مضارع <یسبِّحون> افاده استمرار می کند.

تعلیم حمد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۶ - ۱

۱ - تعلیم نیایش و ستایش از جانب پروردگار به پیامبر (ص)

قل اللَّهُمَّ

کلمه <اللَّهُمَّ> در زبان عرب، اختصاصاً برای ندای خداوند به وقت دعا به کار می رود؛ یعنی، یا الله.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۶ - ۱

۱- تعلیم نیایش و ستایش از جانب پروردگار به پیامبر (ص)

قل اللهم مالک الملک

تعلیم روش حمد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱۱ - ۲

۲- تعلیم شیوه ستایش به انسان ها از سوی خداوند

و قل الحمد لله

الذی لم یتخذ ولداً

توصیه به حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۳ - ۴

۴ - پرداختن به حمد و ستایش خدا ، توصیه الهی به پیامبر (ص)

و قل الحمد لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۳ - ۲

۲ - تسبیح و حمد خداوند و استغفار به درگاه او ، پس از مشاهده امداد های الهی و گرایش وسیع مردم ، به دین ، فرمان و توصیه خداوند به پیامبر (ص)

إذا جاء نصر الله و الفتح . و رأیت الناس یدخلون فی دین الله أفواجا . فسبح بحم

حمد اخروی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۲ - ۵

۵- حضور انسان ها در صحنه قیامت ، همراه با ستایش خداوند است .

یوم یدعوکم فتستجیبون بحمده

<بحمده> حال برای ضمیر <تستجیبون> است و معنای آن چنین است: شما دعوت خدا را اجابت می کنید در حالی که خدا را حمد می کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۰ - ۶

۶ - حمد و ستایش در دنیا و آخرت ، تنها شایسته ذات پاک خداوند است .

له الحمد في الأولى و الأخره

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٥ - سبأ - ٣٤ - ١ - ٥

٥ - تمامی حمد ها و ستایش ها در آخرت ، از آن خداوند است .

و له الحمد في الأخره

حمد اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه

- فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۲ - ۷

۷- کفر و ناسپاسی ، محدود به دنیاست و در آخرت حتی کافران ، ثناگوی خداوند خواهند بود .

یوم یدعوکم فتستجیبون بحمدہ

بنابر اینکه مخاطب <یدعوکم> منکران قیامت باشد، استفاده می شود که آنان تنها در دنیا مجال کفر و کفران داشتند، ولی در آخرت حمد و ثنا خواهند گفت.

حمد اخروی موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۵ - ۹،۱۰

۹ - همه خلایق در قیامت به حمد و ستایش خداوند خواهند پرداخت .

و قيل الحمد لله رب العالمين

۱۰ - همه خلایق در قیامت ، به خاطر قضاوت به حق و عادلانه خداوند ، به حمد و ستایش او خواهند پرداخت .

و قضی بینهم بالحقّ و قيل الحمد لله رب العالمين

برخی از مفسران بر این عقیده اند که حمد و ستایش خلایق در قیامت، به خاطر داوری به حق خداوند در میان آنان می باشد. از این رو این ستایش و حمد پس از قضاوت خداوند انجام خواهد گرفت.

حمد بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰ - ۱۵

۱۵ از امیر المؤمنین (ع) روایت شده است : < ان اطیب شیء فی الجنة و ألذّه حب الله و الحب فی الله و الحمد لله قال الله عزوجل : > و آخر دعواهم ان الحمد لله رب العالمين < ... ;

دلپذیرترین و لذت بخش ترین چیز در بهشت، دوستی خدا و دوستی در راه خدا و <حمد> برای خداست. خدای عزوجل

فرمود: آخرین دعا [و گفتار] مؤمنان در بهشت

<الحمد لله رب العالمين> است <

حمد حاملان عرش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷ - ۱

۱ - فرشتگان حامل عرش و پیرامون آن ، به تسبیح و تنزیه خداوند همراه با ستایش او می پردازند .

الذین يحملون العرش و من حوله يسبحون بحمد ربهم

حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۲ - ۱۰، ۳، ۱

۱ - همه ستایش ها از آن خداوند است .

الحمد لله

<ال> در <الحمد لله> به اصطلاح جنسیه است و مفید استغراق می باشد؛ یعنی، کل حمد لله.

۳ - تنها خداوند شایسته و بایسته ستایش است .

الحمد لله

۱۰ > عن ابی عبد الله (ع) فی قوله : < الحمد لله > قال : الشکر لله و فی قوله < رب العالمین > قال : خالق المخلوقین ... ;

از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود: <الحمد لله> یعنی شکر مخصوص خداست و <رب العالمین> یعنی، آفریننده مخلوقات ... < .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۶ - ۳

۳ - ستایش خدا و اظهار عبودیت به درگاه او از آداب دعاست .

الحمد لله رب العلمين .. إهدنا الصراط المستقيم

از اینکه دعا به درگاه خدا و درخواست از او (اهدنا الصراط المستقيم)، پس از حمد و ستایش الهی و اظهار عبودیت در پیشگاه وی ذکر شده، می توان به برداشت فوق دست یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۰ - ۱۳، ۱۲، ۱۰

۱۰ فرشتگان ،

تسبیح کننده ، ستایشگر و تقدیس کننده خدا هستند .

و نحن نسبح بحمدك و نقدر لك

۱۲ خلوص فرشتگان در تسبیح و ستایش خداوند

نحن نسبح بحمدك و نقدر لك

<لك> علاوه بر تعلقش به <نقدس>، متعلق به <نسبح> نیز می باشد. خلوص از لام <لك> استفاده شده است؛ یعنی: نقدسك لك لا لغيرك.

۱۳ تسبیح خداوند همراه با ستایش ، روشی نیکو در تسبیح اوست .

و نحن نسبح بحمدك

<باء> در <بحمدك> به معنای مصاحبت بوده و نیز می تواند برای استعانت باشد. برداشت فوق بر اساس وجه اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۹ - ۱۳، ۱۲

۱۲ - ستایش خداوند در پایان دعا ، از آداب دعاست .

ربنا وابعث .. إنك أنت العزيز الحكيم

۱۳ - ستایش خداوند ، مؤثر در اجابت دعا به درگاه اوست .

ربنا وابعث فيهم .. إنك أنت العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۵ - ۳۱

۳۱ - توجه به عظمت خدا و ستودن او به بزرگی ، از اهداف تشریح روزه است .

و لتكبروا الله على ما هديكم

<تكبير> (مصدر لتكبروا) به معنای: بزرگ شمردن و با عظمت دانستن است. <لتكبروا الله> علت غایی برای تشریح روزه است؛ یعنی، چون روزه انسانها را متوجه عظمت خدا می کند، حکم روزه برای اهل ایمان مقرر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۱ - ۱۸،۲۰

۱۸ خداوندِ بی نیاز، سزاوار ستایش است .

و كان الله غنياً حميداً

۲۰ خداوند ، حمید و در خور

ستایش است ، چه مردم ایمان آورند و یا کافر شوند .

ان اتقوا الله و إن تكفروا .. و كان الله غنياً حميداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱ - ۱۲، ۳، ۲، ۱

۱ ستایش مخصوص خداوند آفریدگار آسمانها و زمین و پدیدآورنده تاریکیها و نور است.

الحمد لله الذى خلق السموت و الأرض و جعل الظلمت و النور

۲ آفرینش آسمانها و زمین و پدیدآوردن نور و ظلمت به دست خداوند، دلیل اختصاص ستایش به اوست.

الحمد لله الذى خلق

<الذى خلق>، صفت <الله> و بیان وجه اختصاص حمد به اوست و این تعلیق، که به گفته اهل ادب تعلیق حکم <الحمد لله> بر وصف <الذى خلق> است، بیانگر انحصار شایستگی ستایش به آفریننده هستی است.

۳ تمامی ستایشها به خداوند باز می گردد.

الحمد لله الذى

<ال> در <الحمد لله> یا به معنی جنس است و یا برای استغراق (کل) و به هر حال بیانگر اختصاص حمد به خداست، و اگر دیگری نیز ستایش شود از روی تسامح است. چون همه زیباییها از اوست، ستایشها هم در حقیقت به او بازمی گردد.

۱۲ کفرپیشگی، زمینه ساز سرباز زدن از ستایش انحصاری برای آفریدگار هستی است.

الحمد لله الذى خلق .. ثم الذين كفروا بربهم يعدلون

اگر جمله <الذين ..> عطف بر <الحمد لله> و <يعدلون> به معنای <عدول> باشد، نتیجه این می شود که حمد از آن خداست، ولی کافران از این حقیقت عدول می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۵ - ۱۸، ۱۳، ۱۰

۱۰ همه ستایشها مخصوص خداوند است.

والحمد لله رب

۱۳ تنها خداوند سزاوار ستایش است.

و الحمد لله رب العلمین

۱۸ خداوند به سبب نبود ساختن امتهای ستمگر، سزاوار ستایش است.

فقط دابر القوم الذین ظلموا و الحمد لله رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۲ - ۱۲

۱۲ ستایش خداوند و حرکت در مسیر او و رکوع و سجود و امر به معروف و نهی از منکر، از جلوه های بارز عبادت پروردگار *

التَّابُونَ الْعَبْدُونَ .. و الناهون عن المنکر

برداشت فوق بدان احتمال است که <الحامدون السائحون .. > از باب ذکر خاص بعد از عام (العابدون) و بیانگر اهمیت و ویژگی این صفات باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ تنها خداوند، سزاوار هر گونه حمد و ستایش است .

أن الحمد لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۲۳

۲۳ ستایش خداوند پس از اظهار امید به یاری و کمک او، از آداب پسندیده و نیکوست .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعاً إنه هو العلیم الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ یوسف (ع) ، پس از برشمردن احسان ها و نعمت های خدادادیش برای یعقوب (ع) ، به ستایش خداوند و دعا به درگاه او پرداخت .

رب قءاتیتنی .. فاطر السموت و الأرض ... توفنی مسلماً و ألحقنی بالصلحین

۲۶ یاد کردن از نعمت های خداوند و ستایش کردن او

با صفاتی شایسته ، از آداب دعا به درگاه اوست .

رب قد ءاتینى من الملك .. فاطر السموت و الأرض ... توفنى مسلماً و ألحقنى بالصل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۳ - ۱،۲،۶،۷،۸

۱ غرش آسمان تسبیح گوی خداوند و ستایش کننده اوست .

و یسبح الرعد بحمده

<رعد> به صدایی که از ابرها شنیده می شود اطلاق می گردد که در فارسی به آن تندر و یا غرش آسمان می گویند.

۲ فرشتگان تسبیح گوی خداوند و ستایش کننده اویند .

و یسبح .. و الملئکه

<الملائکه> عطف بر <الرعد> است ؛ یعنی: <یسبح الملئکه بحمده من خیفته>.

۶ خداوند منزّه از هر عیب و نقص و شایسته حمد و ستایش است .

و یسبح الرعد بحمده و الملئکه من خیفته

<تسبیح> (مصدر یسبح) به معنای منزّه دانستن از هر عیب و نقص است.

۷ فرشتگان و رعد های آسمانی به وسیله حمد و ستایش خدا او را تسبیح می کنند .

و یسبح الرعد بحمده

<باء> در <بحمده> می تواند برای مصاحبت باشد و ممکن است برای استعانت باشد. برداشت یاد شده بر اساس احتمال دوم است.

۸ تسبیح خداوند همراه ستایش او ، روشی نیکو در تسبیح خدا

و یسبح الرعد بحمده و الملئکه من خیفته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- حضرت ابراهیم (ع) به سبب فرزنددار شدنش در سالخوردگی ، خدا را حمد و ستایش کرد .

الحمد لله الذی وهب لی علی الکبر إسمعیل و إسحق

۲- حمد و ستایش ، مخصوص خدا و شایسته مقام اوست .

الحمد لله

۳- ستایش از هر

موجودی ، ستایش خداوند است . *

الحمد لله

الف و لام <الحمد> برای جنس است. بنابراین، می توان گفت که مقصود از حمد این است که همه ستایشها بازگشتش به ستایش خداوند است؛ زیرا ستایش از هر چیزی به سبب کمالی است که در آن وجود دارد و هر کمالی از ناحیه خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۵ - ۱۴، ۱۳

۱۳- حمد و ستایش ، مخصوص خداوند است .

الحمد لله

۱۴- همه ستایش ها ، از آن خداوند و شایسته اوست .

الحمد لله

<ال> در <الحمد لله> جنسیه بوده و مفید استغراق (فرا گرفتن) است؛ یعنی: <کل حمد لله>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۴ - ۲۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۷

۷- موجودات هستی ، بدون استثنا در حال تسبیح خداوند یکتا ، همراه با ستایش اویند .

و إن من شیء إلا یسبح بحمده

بنابر اینکه بای <بحمده> برای مصاحبت باشد، استفاده می شود که موجودات، همراه با تسبیح، ثناگوی خداوندند.

۹- تسبیح موجودات برای خداوند ، از طریق حمد و سپاس آنهاست .

یسبح بحمده

بنابر حقیقی بودن اضافه <تسبیح> به موجودات و استعانت بودن <با> در <بحمده> نکته فوق به دست می آید.

۱۰- همه موجودات ، علاوه بر تنزیه خداوند از هر گونه شریک و نقص ، بر اثبات تمامی شایستگی ها برای خداوند دلالت

دارند .

یسبّح بحمده

بنابر اینکه <با> در <بحمده> مصاحبت باشد، استفاده می شود که علاوه بر <تنزیه> او را حمد می کنند و چون حمد، در برابر کمال و شایستگی صورت می گیرد، موجودات با حمدشان، به وجود شایستگی و کمال خداوند اعتراف

می کنند.

۱۱- با وجود تسبیح و ثناگویی تمامی موجودات آفرینش برای خداوند ، شرک به او و تنقیصش ، کاری ناروا و غیر منطقی است .

أفأصفاكم ربكم بالبنين .. تسبح له السموات السبع والأرض

ذکر < تسبیح له السماوات والأرض > پس از < أفأصفاكم ربكم بالبنين و اتخذ من الملائكة إناثاً > به این معناست که: وقتی تمامی موجودات تسبیح گوی خداوندند، شریک گرفتن برای او عملی ناشایست است.

۲۲- < عن أبي الصباح عن أبي عبدالله (ع) قال : قلت له : قول الله < و إن من شيء إلا يسبح بحمده > قال : كل شيء يسبح بحمده و أنا لئنرى أن ينقض الجدر هو تسبيحها ;

ابی الصباح گوید: به امام صادق (ع) گفتم: مراد از سخن خداوند < و إن من شيء إلا يسبح بحمده > چیست؟ حضرت جواب فرمود: تمام موجودات با سپاس و ستایش، تسبیح خدا می کنند و همانا ما شکستن دیوار را تسبیح او می بینیم .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۲ - ۲

۲- خداوند ، به هنگام برپایی قیامت ، مشرکان را به حیات مجدد فرا می خواند و آنان بی هیچ درنگ و تأملی ، به او پاسخ گفته و با ستودن او زنده خواهند شد .

یوم یدعوکم فتستجیبون بحمده

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مرجع ضمیر < کم > منکران معاد و مشرکان باشد که از زمان وقوع قیامت سؤال می کردند و نیز < یوم > بدل برای < قریباً > باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱۱ - ۱،۴،۶

۱- پیامبر (ص

(، موظف به ستایش خدا و منحصر دانستن همه ستایش ها به ذات یکتای او

و قل الحمد لله

الف و لام <الحمد> برای استغراق (شمول و فراگیری) و لام <الله> برای اختصاص است.

۴- بازگشت همه ستایش ها برای هر موجود ، به حمد و ستایش خدای یکتا و بی همتاست .

و قل الحمد لله

مخصوص بودن همه ستایشها به ذات یکتای خداوند، در عین وجود ارزشهایی ستایش برانگیز در مظاهر هستی، اشاره به این معنا دارد که: چون مخلوق همه وجودش را از خالق گرفته، پس ارزشهای او از آن خداست و در حقیقت تنها خدا شایسته ستایش است و بس.

۶- اختصاص همه ستایش ها به خداوند ، در پرتو بی نیازی او از داشتن فرزند ، شریک و حمایتگر است .

الحمد لله الذی لم یتخذ . . . و لم یکن له ولی

اگر خداوند نیاز به فرزند، شریک و حمایتگر می داشت هر کدام از اینها دلیل نقص و کاستی بود. در آن صورت همه ارزشهای ستایش برانگیز منحصر به خداوند نمی شد؛ پس انحصار ستایشها به خدا، در صورتی است که او را بی نیاز مطلق بشناسیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱ - ۱

۱- تنها ، خداوند ، شایسته و بایسته ستایش است .

الحمد لله

<ال>، در <الحمد> برای استغراق است <الحمد لله>؛ یعنی، تمام ستایش ها از آن خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۹ - ۱۳

۱۳- حسن ستایش خدا و یادکردن صفات و اسمای او به گونه ای مناسب با نیاز ، به هنگام

نیایش و دعا

و أنت خیر الورثین

برداشت یاد شده به این دلیل است که زکریا(ع) متناسب با نیاز و خواسته اش (حفظ دستاوردهای خود در پرتو فرزنددار شدن)، خدا را به <بهترین وارث بودن> یاد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۴ - ۴،۵

۴ - خدا، تنها وجود غنی، بی نیاز، حمید و ستوده در سراسر هستی

و إِنَّ اللَّهَ لَهُو الغنَى الحمید

<هو> ضمیر فصل و <الغنى> خبر اول <إِنَّ> و <الحمید> خبر دوم است و <ال> در آنها برای جنس و مفید حصر می باشد. گفتنی است که این قسمت، متضمن دلیل دیگری بر موهوم بودن اندیشه شرک است؛ زیرا با توجه به این که سراسر هستی، ستایشگر خدا و تنها نیازمند به او است، دیگر جایی برای موجود دیگری که بی نیاز باشد و نیاز دیگران را بر آورده کند و بدین جهت مورد ستایش آنان واقع شود وجود ندارد.

۵ - سراسر هستی، فقیر و نیازمند به خدای یگانه و ستایشگر او

له ما فی السموت . . . و إِنَّ اللَّهَ لَهُو الغنَى الحمید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۸ - ۱،۸

۱ - روی آوردن به حمد و ستایش الهی، پس از استقرار در کشتی، رهنمود خداوند به نوح (ع)

فإذا استویت . . . فقل الحمد لله

<إستواء> (مصدر <استویت>) به معنای قرار گرفتن و استقرار یافتن است.

۸ - همه ستایش ها، از آن خداوند است.

فقل الحمد لله

<ال> در <الحمد لله> جنسیه و مفید استغراق می باشد، یعنی:

<كَلِّ حَمْدَ اللَّهِ>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۸ - ۸،۹

۸ توصیه خداوند به پیامبر (ص) به تسبیح و تنزیه همراه با حمد و ستایش خداوند

و سَبِّحْ بِحَمْدِهِ

<باء> در <بحمده> برای مصاحبت است.

۹ قرین و همراه کردن تسبیح و تنزیه خداوند به حمد و ستایش او ، امری نیکو و پسندیده

و سَبِّحْ بِحَمْدِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۵ - ۲،۴

۲ - حمد و ستایش داوود و سلیمان به درگاه خدا به خاطر برخورداری از عنایت ویژه او

و لقد آتینا داود و سلیمان علماً و قالوا الحمد لله

۴ - همه ستایش ها ، مخصوص خداوند است .

و قالوا الحمد لله

<ال> در <الحمد لله> جنسیه است و افاده استغراق می کند؛ یعنی، <كَلِّ حَمْدَ اللَّهِ>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۹ - ۱،۳،۵

۱ - به جا آوردن سپاس و ستایش خدا ، به خاطر بقای خط رسالت و اضمحلال جبهه کفر و فرستادن سلام و درود بر رسولان

او ، رهنمود الهی به پیامبر اسلام (ص)

قل الحمد لله و سلم علی عباده الذین اصطفی

با توجه به این که در آیات پیشین نام چند تن از پیامبران (موسی، داوود، سلیمان، صالح و لوط) و یاد تلاش ها و مبارزات آنان و پیروزی نهایی حق و اضمحلال کافران به میان آمده است، آیه یاد شده می تواند ختامی بر آن مجموعه یادها باشد.

۳ - همه ستایش ها از آن خداوند است .

الحمد لله

<ال> در <الحمد لله> به

اصطلاح جنسیه است و افاده استغراق می کند؛ یعنی، <کلّ حمد لله>.

۵ - تنها خدا، شایسته ستایش است.

الحمد لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۳ - ۱،۳،۴،۵

۱ - ستایش ها، همه از آن خداوند است.

و قل الحمد لله

<ال> در <الحمد لله> جنسیه و مفید استغراق است. بنابراین <الحمد لله>؛ یعنی، <کلّ حمد لله>.

۳ - تنها خداوند، شایسته حمد و ستایش

و قل الحمد لله

از آن جایی که خدا سرچشمه هر کمال و زیبایی است و دیگران هرچه دارند از او گرفته اند، پس تنها کسی که شایسته ستایش است، همان کمال مطلق می باشد.

۴ - پرداختن به حمد و ستایش خدا، توصیه الهی به پیامبر (ص)

و قل الحمد لله

۵ - برخورداری پیامبر (ص) از هدایت های قرآن و مقام رسالت، مقتضی سپاس گزاری او به درگاه الهی و ستایش ذات خدای یگانه در همه حال

و أن أتلوا القرآن .. المنذرین . و قل الحمد لله

آیات پیشین، در زمینه رسالت پیامبر(ص) بود و نیز آن حضرت مأموریت یافت که بر طریق تلاوت قرآن استوار بماند؛ بنابراین آمدن عبارت "قل الحمد لله" در پی تلاوت آن، مطلب یاد شده را می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۰ - ۳

۳ - همه ستایش ها تنها از آنِ خداوند است .

له الحمد

<ال> در <الحمد> جنسیه و مفید استغراق است. بنابراین <له الحمد>؛ یعنی، <له کلّ حمد>. گفتنی است که تقدیم <له> (مسند) بر <الحمد> (مسندالیه) مفید حصر می باشد.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۳ - ۱۲، ۱۰، ۹

۹ - پیامبر (ص)، موظف به حمد و ستایش خداوند بود.

قل الحمد لله

۱۰ - همه حمد و ستایش ها، از آن خداوند است.

الحمد لله

<ال> در <الحمد> برای جنس و مفید استغراق است.

۱۲ - حمد خداوند، با توجه به تمام بودن حجت برای اثبات وحدانیت خداوند، امری لازم است.

و لئن سألتهم من نزل من السماء ماء فأحيا به الأرض من بعد موتها ليقولنَّ الله قل

فرمان به پیامبر(ص) برای حمد و ستایش خداوند، پس از طرح این پرسش فرضی: <چه کسی نازل کننده باران از آسمان و حیات بخشیدن به زمین با آن است؟> و پاسخ گرفتن از مشرکان، دائر بر این که <منشأ همه، خدا است>، مفید حقیقت یاد شده است. به عبارت دیگر، می توان گفت، متعلق حمد، محذوف است و می تواند چیزی از قبیل <الحمد لله علی تمام الحجّه علی التوحید> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۸ - ۳

۳ - اختصاص همه حمد ها به خداوند، دلیل لزوم تسبیح او است.

فسبحن الله .. و له الحمد ... عشياً

جمله <و له الحمد> معترضه و <عشياً> عطف به محل <حين تمسون> است. لذا این دو آیه در صدد توصیه به تسبیح گویی خداوند در وقت های چهارگانه یاد شده است. ذکر جمله معترضه در بین توصیه بالا، می تواند اشاره به این نکته داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۵ - ۱۰، ۶، ۴

شایسته است که پس از مجاب شدن افراد و اعتراف شان به توحید، خداوند، حمد و ستایش شود.

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض ليقولنَّ الله قل الحمد لله

۶- تنها، آفریدگارِ یکِ تا، شایسته همه حمد ها و ستایش ها است.

و لئن سألتهم .. ليقولنَّ الله قل الحمد لله

<ال> در <الحمد> برای استغراق و مفید نکته یاد شده است.

۱۰- مشرکان، از اختصاص داشتن همه حمد و سپاس ها به درگاه خداوند، بی خبرند.

قل الحمد لله بل أكثرهم لا يعلمون

بنابراین احتمال که متعلق و مفعول به <لا يعلمون> همین فرمانی باشد که خداوند به پیامبر(ص) فرموده است (لا يعلمون أن الحمد لله)، نکته بالا قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۶ - ۸،۱۱

۸- توصیه خداوند به ادای حمد به درگاه او، به خاطر انجام دادن وظیفه انسان ها است و نه نیاز خدا به حمد.

قل الحمد لله .. إن الله هو الغني الحميد

اعلام بی نیازی مطلق خداوند در پی توصیه به حمد او، می تواند به حقیقت یاد شده، دلالت داشته باشد.

۱۱- تنها خداوند، شایسته و سزاوار حمد و سپاس است.

إن الله هو .. الحميد

<الحميد> می تواند صفت مفعولی و به معنای <محمود> باشد، یعنی، کسی که مورد ستایش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۵ - ۱۰

۱۰- تسبیح مؤمنان به درگاه خدا، همراه با حمد و سپاس به درگاه او است.

سَبِّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱ - ۱،۶

۱ - تمامی حمد ها و ستایش ها ، از آنِ خداوند است .

الحمد لله

<ال> در <الحمد> برای جنس بوده و مفید استغراق است.

۶ - تنها خداوند ، شایسته حمد و ستایش است .

و له الحمد في الآخرة

تقدیم خبر و معرفه بودن مبتدا و خبر، دلالت بر حصر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱ - ۱،۳

۱ - همه ستایش ها ، از آنِ خداوند است .

الحمد لله

<ال> در <الحمد لله> جنسیه و مفید استغراق است؛ یعنی، <کلّ حمد لله>.

۳ - تنها خداوند ، شایسته و بایسته ستایش است .

الحمد لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۴ - ۵،۷

۵ - همه ستایش ها از آنِ خداوند است .

الحمد لله

<ال> در <الحمد لله> به اصطلاح جنسیه و مفید استغراق است؛ یعنی، <کلّ حمد لله>.

۷ - تنها خداوند شایسته و بایسته ستایش است .

الحمد لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۸۲ - ۱،۳،۹

۱ - همه ستایش ها ، از آن خداوند است .

الحمد لله

<ال> در <الحمد لله> به اصطلاح، جنسیه بوده و مفید استغراق است یعنی، <کلّ حمد لله>.

۳ - تنها خداوند شایسته و بایسته ستایش است .

الحمد لله

۹ - تدبیر همه عالم های هستی از سوی خداوند ، دلیل اختصاص همه ستایش ها به او است .

الحمد لله ربّ العالمین

برداشت یاد شده از آن جا است که <ربّ العالمین> به منزله تعلیل برای <الحمد

لله < می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۵ - ۱۴

۱۴ - ستایش خداوند ، از آداب دعا و عرض حاجت به درگاه او است .

ربِّ اغفر لی و هب لی ملکاً .. إِنَّک أنت الوهَّاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۹ - ۱۶، ۱۵، ۱۳

۱۳ - همه ستایش ها از آن خداوند است .

الحمد لله

<ال> در <الحمد لله> به اصطلاح جنسیه و مفید استغراق است ؛ یعنی ، <کل حمد لله> .

۱۵ - تنها خداوند شایسته و بایسته ستایش است .

الحمد لله

۱۶ - ناآگاهی بیشتر مردم ، از شایستگی انحصاری حمد و ستایش برای خداوند

الحمد لله بل أكثرهم لا يعلمون

برداشت یاد شده مبتنی بر این اساس است که متعلق جهل، مسأله حمد و اختصاص آن به خدا باشد ؛ یعنی ، <بل أكثرهم

لا يعلمون أنّ الحمد لله> .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۶ - ۱۷

۱۷ - ثنای خداوند و ذکر اوصاف او ، پیش از اظهار حاجت ، امری شایسته و از آداب دعا است .

قل اللهم فاطر السموت .. علم ... أنت تحکم بین عبادک فی ما کانوا فیہ یختلفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۴ - ۱

۱ - سپاس گزاری تقوایندگان از خداوند ، به خاطر وفا کردن به وعده های خود درباره آنان

و قالوا الحمد لله الذي صدقنا وعده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۵ - ۲۰ - ۱۴ - ۱۲ - ۹ - ۲

۲ - قرین و همراه کردن تسبیح

و تنزیه خداوند با حمد و ستایش او ، امری نیکو و پسندیده است .

یسَّبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ

<با> در <بحمد> برای مصاحبت است.

۹ - همه خلایق در قیامت به حمد و ستایش خداوند خواهند پرداخت .

و قیل الحمد لله رب العلمین

۱۲ - همه ستایش ها از آن خداوند است .

و قالوا الحمد لله .. و قیل الحمد لله

<ال> در <الحمد لله> به اصطلاح جنسیه و مفید استغراق است ؛ یعنی، <کلّ حمد لله>

۱۴ - تنها خداوند ، شایسته و بایسته ستایش است .

و قالوا الحمد لله .. و قیل الحمد لله

۲۰ - تدبیر همه عالم های هستی از سوی خدا ، دلیل اختصاص همه ستایش ها به او است .

الحمد لله رب العلمین

برداشت یاد شده از آن جا است که <رب العالمین> به منزله تعلیل برای <الحمد لله> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷ - ۲، ۱

۱ - فرشتگان حامل عرش و پیرامون آن ، به تسبیح و تنزیه خداوند همراه با ستایش او می پردازند .

الذین یحملون العرش و من حوله یسَّبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ

۲ - همراه ساختن تسبیح و تنزیه خداوند با حمد و ستایش او ، امری نیکو و پسندیده

یسَّبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ

<با> در <بحمد> برای مصاحبت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۱۳

۱۳ - همراه کردن تسبیح خداوند با حمد و ستایش او ، توصیه الهی

و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَرِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۵ - ۱۰، ۱۲، ۱۸، ۱۹

۱۰ - همه ستایش ها ، از

آن خداوند است .

الحمد لله

<ال> در <الحمد لله> به اصطلاح جنسیه بوده و مفید استغراق است؛ یعنی، <کلّ حمد لله> .

۱۲ - تنها خداوند ، شایسته و بایسته ستایش است .

الحمد لله

۱۸ - تدبیر همه عالم های هستی از سوی خداوند ، دلیل اختصاص همه ستایش ها به او است .

الحمد لله ربّ العلمین

برداشت یاد شده از آن جا است که <ربّ العالمین> به منزله تعلیل برای <الحمد لله> می باشد.

۱۹ - ربوبیت خداوند ، مقتضی حمد و ستایش است .

الحمد لله ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۲ - ۹

۹ - قرآن ، نعمتی بزرگ و فرو فرستنده آن شایسته ستایش و قدردانی است .

تنزیل من حکیم حمید

به کارگیری وصف <حمید> برای خداوند پس از بیان نزول قرآن می تواند از یکسو عظمت قرآن و نعمت بودن آن را بفهماند و از سوی دیگر کرنش و فروتنی انسان در برابر خدا را افاده کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵ - ۵

۵ - فرشتگان ، همواره در حال ستایش ، تسبیح و تنزیه پروردگار خویش

و الملكة یسبحون بحمد ربهم

فعل مضارع <يسبَحون> افاده استمرار می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۸ - ۱۱، ۱۰

۱۰ - ولایت بی نقص و شایسته ستایش ، مخصوص خداوند است .

و هو الولی الحمید

برداشت یاد شده بدین احتمال که <حمید>، وصف <ولیی> باشد نه خبر بعد از خبر.

۱۱ - تنظیم معیشت و نزول باران ، پس از یأس و ناامیدی انسان ،

جلوه ای از ولایت ستوده و بی نقص خداوند است .

و لو بسط الله الرزق .. و لكن ينزل بقدر ما يشاء ... و هو الذي ينزل الغيث ..

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۶ - ۱

۱ - تنها خداوند ، شایسته حمد و ستایش بی پایان

فَلله الحمد

تقدم <لله> بر <الحمد> مفید حصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۰ - ۳

۳ - تنزیه و ستایش پروردگار ، روح نماز و عبادت است . *

و سَبِّحْ .. قبل طلوع الشمس و قبل الغروب . و من الیل فسَبِّحْه

در صورتی که این آیه با آیه قبل، نظر به نمازهای پنجگانه داشته باشد از به کار رفتن تعبیر تسبیح و تحمید به جای <صلاه>، می توان مطلب بالا را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۸ - ۹،۱۱

۹ - پیامبر (ص) ، مأمور تسبیح و حمد پروردگار ، هم زمان با آغاز هر تلاش

و سَبِّحْ بحمد ربِّک حین تقوم

درباره <حین تقوم> چندین احتمال از سوی مفسران مطرح شده است. به نظر می رسد ارتباط <و سَبِّحْ> با <و اصبر لحکم ربِّک> می تواند قرینه باشد بر این که مراد، هنگام برخاستن پیامبر(ص) برای انجام تبلیغ و رسالت است.

۱۱ - لزوم تنزیه خداوند از کاستی ها ، همراه با ستایش او بر جلوه های عالی پروردگاری اش

و سَبِّحْ بحمد ربِّک

<باء> در <بحمد> برای مصاحبت است. از ارتباط <سبح بحمد> با <رب> مطلب بالا استفاده می شود.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۶ - ۸

۸ - اعمال نیک و بد خلق ، بی تأثیر در ذات بی نیاز و ستوده خداوند

و من يتولّ فإنّ الله هو الغنيّ الحميد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱ - ۸،۱۰

۸ - همه ستایش ها ، از آن خداوند است .

له الحمد

<ال> در <الحمد> به اصطلاح جنسیه و مفید استغراق است یعنی ، <له کلّ حمد> .

۱۰ - تنها خداوند ، سزاوار و باسته ستایش است .

له الحمد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۶ - ۱۴،۱۵

۱۴ - خداوند ، مستحق ستایش و ستودنی است .

والله .. حميد

۱۵ - خداوند بی نیاز ، ستودنی و قابل ستایش است .

والله غنيّ حميد

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <حمید>، صفت برای <غنی> باشد نه صفت مستقل برای <الله> .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۳ - ۳،۴،۵،۱۴،۲۱

۳ - خداوند ، مبرّا و منزّه از هر عیب و نقص و شایسته ستودن و تمجید کردن

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ

۴ - شایسته ترین سخن برای نفی عیب از خداوند ، ستایش او است .

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ

<باء> در <بحمد ربّك> برای استعانت است ؛ برخی آن را <باء> مصاحبه می دانند. برداشت یاد شده، ناظر به معنای اول است.

۵ - لزوم همراه ساختن تسبیح با حمد خداوند

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ

<باء> در <بحمد ربّك> ممکن است برای مصاحبه باشد.

۱۴ - ذکر صفات جلال و جمال خداوند ، پیش از درخواست

از او ، از آداب دعا و استغفار

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ

فرمان <تسبیح>، بر ذکر صفات جلالی (سلبی) و فرمان <حمد> بر ذکر صفات جمالی (ثبوتی) دلالت دارد و تقدیم آن دو بر فرمان استغفار، بیانگر برداشت یاد شده است.

۲۱- فرمان خداوند به تسبیح ، حمد و استغفار ، زمینه ساز توفیق یافتن انسان برای توبه به درگاه او است .

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا

عبارت <تاب الله علیه>؛ یعنی، او را به توبه موفق ساخت (قاموس). جمله <إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا>، تعلیل است و بیان می کند که دستورهای سه گانه خداوند در این آیه، به دلیل <تَوَّاب> بودن خداوند صادر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۷ - ۱۳

۱۳ - ستایش خداوند ، از آداب دعاست .

رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۷ - ۱۲

۱۲ خداوند ، سزاوار ستایش

أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ

<حمید> در برداشت فوق به معنای محمود (ستایش شده) گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۶ - ۲

۲ پیامبر (ص) ، موظف به ستایش پروردگار

قُلْ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمَلِكِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۸ - ۷

۷- بی نیازی و ستودگی خداوند ، دلیل زیان ندیدن او از کفر مردم

إِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ

<فإن الله لغني حميد> در مقام تعلیل جزای شرط محذوف است

. در این صورت، معنا چنین می شود: چون خداوند بی نیاز است، کفران شما به او ضرری نمی رساند.

حمد خدا در آسمانها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۸ - ۱

۱ - هر آنچه حمد و ستایش در آسمان ها و زمین (عالم) است ، از آن خداوند است .

و له الحمد فی السموت و الأرض و عشیّاً و حین تظهرون

بنابراین که جمله <و له الحمد..> خبری باشد و <فی السماوات> متعلق به <الحمد> باشد، نکته بالا قابل استفاده است. گفتنی است که تقدیم <له> بر <الحمد> مفید حصر است و <ال> در <الحمد> برای جنس است.

حمد خدا در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۹ - ۳

۳ - ثنا و ستایش خدا در دعا ، با ذکر صفاتی مطابق و متناسب با درخواست و عرض نیاز ، امری پسندیده

و قل ربّ أنزلنی منزلاً مبارکاً و أنت خیر المنزلین

<منزل> در این جا، کنایه از سرزمینی است که حضرت نوح(ع) خواستار فرود آمدن در آن بود. ذکر جمله <و أنت خیر المنزلین> (و تو بهترین میزبانان هستی) در پایان دعا و متناسب با عرض نیاز، بیانگر مطلب بالا است.

حمد خدا در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۸ - ۱

۱ - هر آنچه حمد و ستایش در آسمان ها و زمین (عالم) است ، از آن خداوند است .

و له الحمد فی السموت و الأرض و عشیّاً و حین تظهرون

بنابراین که

جمله <وله الحمد..> خبری باشد و <فی السماوات> متعلق به <الحمد> باشد، نکته بالا قابل استفاده است. گفتنی است که تقدیم <له> بر <الحمد> مفید حصر است و <ال> در <الحمد> برای جنس است.

حمد خدا در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۷،۱۲

۷ - تسبیح و حمد پروردگار در برخی از اوقات شب و در دو طرف روز، از وظایف پیامبر (ص) و مؤمنان

و من ءانآی الیل فسبح و أطراف النهار

<آناء> به معنای <ساعات و اوقات> است و <من> معنای تبعیض دارد. بنابراین <من آناء اللیل> یعنی، پاره هایی از شب را به تسبیح و تحمید بگذران. <بحمد ربک> در صدر آیه، قرینه بر این است که این تسبیح نیز باید با حمد همراه باشد.

۱۲ - تسبیح و ستایش پروردگار، در پاره هایی از شب و نزدیک صبح و پس از غروب، دارای آثار و ارزشی ویژه است.

و من ءانآی الیل فسبح و أطراف النهار

مراد از <اطراف روز> آغاز و پایان آن است و جمع آمدن آن، یا به خاطر توافق لفظی با <آناء اللیل> است و یا برای شمول لحظات متعددی از اول و آخر روز است تا توسعه وقت را برساند؛ یعنی، ذکر و دعا در لحظه های اول و آخر روز، مخصوص اولین لحظه روز و آخرین لحظه آن نیست.

حمد خدا در مبارزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۱۰

۱۰ - تسبیح و حمد مداوم پروردگار، از راه های مقابله مؤمنان

با تبلیغات کافران علیه خدا و دین

فاصبر علی ما یقولون و سَبِّح

حمد خدا در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۱۸

۱۸ - نماز های یومیه ، مشتمل بر تسیح و تحمید پروردگار و تشریح شده در مکه ، پیش از هجرت

و سَبِّح .. قبل طلوع ... ءانآی الیل فسَبِّح و أطراف النهار

این آیه، با اوقات چهار نماز تناسب دارد: صبح (قبل طلوع الشمس)، عصر (قبل غروب ها)، صبح و مغرب (اطراف النهار) و عشا (من آناء اللیل). برخی با توجیه (اطراف النهار) به این که وسط روز نیز طرف آن است، نماز ظهر را نیز مشمول آیه دانسته اند؛ ولی چون سوره <طه> در مکه و پیش از سوره <اسرا> که حکم نماز ظهر در آن آمده نازل شده است، می توان گفت که نماز ظهر را مطرح نکرده است.

حمد داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۵ - ۲

۲ - حمد و ستایش داوود و سلیمان به درگاه خدا به خاطر برخورداری از عنایت ویژه او

و لقد ءاتینا داود و سلیمان علماً و قالوا الحمد لله

حمد در آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱ - ۵

۵ - تمامی حمد ها و ستایش ها در آخرت ، از آن خداوند است .

و له الحمد فی الآخره

حمد در تسبیح خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۱۴، ۱۵، ۱۷

۱۴ - تسبیح خداوند)

منزه دانستن او از هر نقص) ، سزاوار است همواره با ستایش او و آراسته دانستن او به هر کمال همراه باشد .

و سُبْحَ بِحَمْدِ رَبِّكَ

چنانچه <بحمد ربك> حال برای فاعل <سبح> باشد، مفاد جمله چنین می شود: خدا را تسبیح کن، در حالی که او را حمد و ستایش می کنی.

۱۵ - تسبیح خداوند به وسیله ستایش او بر صفات کمالی اش ، روشی نیکو در تسبیح است .

فَسُبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ

در برداشت یاد شده <باء> در <بحمد ربك> برای استعانت گرفته شده است.

۱۷ - تسبیح و تنزیه پروردگار ، باید با ستایش هایی باشد که او خود را با آنها ستوده است .

فَسُبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ

در باره اضافه <حمد> به <رب> ، دو وجه ادبی احتمال می رود: ۱ حمد به فاعل خود اضافه شده باشد. ۲ حمد به مفعول خود اضافه شده باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر وجه اول است و مفاد آن این است که خدای خویش را، با حمدی که او خود را به آن ستوده است تسبیح کن.

حمد در دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۹ - ۱۳، ۱۲

۱۲ - ستایش خداوند در پایان دعا ، از آداب دعاست .

ربنا وابعث .. إنك أنت العزيز الحكيم

۱۳ - ستایش خداوند ، مؤثر در اجابت دعا به درگاه اوست .

ربنا وابعث فيهم .. إنك أنت العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۸۹ - ۱۳

۱۳- حسن ستایش خدا و یادکردن صفات و اسمای او به گونه ای مناسب با نیاز، به

هنگام نیایش و دعا

و أنت خیر الورثین

برداشت یاد شده به این دلیل است که زکریا(ع) متناسب با نیاز و خواسته اش (حفظ دستاوردهای خود در پرتو فرزنددار شدن)، خدا را به <بهترین وارث بودن> یاد کرد.

حمد در روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۹ - ۳

۳ - تسبیح و حمد پروردگار ، در تکاپوی روزانه و آرامش شب و سحرگاهان ، شکیبایی آفرین برای مؤمنان *

و اصبر . . . و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ . و من اللَّیْلِ فَسَبِّحْهُ و إدبر النجوم

برداشت یاد شده با توجه به نکات زیر است: ۱ <حین تقوم> اشاره به تلاش های روزانه <و من الیل..> نظر به لحظه های آرام شب داشته باشد. ۲ آیه شریفه را با <واصبر...> که در آیه قبل آمده ملاحظه کنیم.

حمد در سحرگاه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۹ - ۳

۳ - تسبیح و حمد پروردگار ، در تکاپوی روزانه و آرامش شب و سحرگاهان ، شکیبایی آفرین برای مؤمنان *

و اصبر . . . و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ . و من اللَّیْلِ فَسَبِّحْهُ و إدبر النجوم

برداشت یاد شده با توجه به نکات زیر است: ۱ <حین تقوم> اشاره به تلاش های روزانه <و من الیل..> نظر به لحظه های آرام شب داشته باشد. ۲ آیه شریفه را با <واصبر...> که در آیه قبل آمده ملاحظه کنیم.

حمد در شب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ -

۱۲ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) مبنی بر تسبیح همراه با حمد خدا در هر صبح و شام

و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَرِ

۱۶ - شبان گاهان و بامدادان ، دو وقت مناسب و شایسته برای ذکر خدا و تسبیح و حمد او

و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَرِ

برداشت یاد شده، از اختصاص به ذکر یافتن دو وقت یادشده برای تسبیح و حمد به دست می آید.

حمد در صبح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۱۲،۱۶

۱۲ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) مبنی بر تسبیح همراه با حمد خدا در هر صبح و شام

و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَرِ

۱۶ - شبان گاهان و بامدادان ، دو وقت مناسب و شایسته برای ذکر خدا و تسبیح و حمد او

و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَرِ

برداشت یاد شده، از اختصاص به ذکر یافتن دو وقت یادشده برای تسبیح و حمد به دست می آید.

حمد دنیوی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۰ - ۶

۶ - حمد و ستایش در دنیا و آخرت ، تنها شایسته ذات پاک خداوند است .

له الحمد فی الأولی و الآخره

حمد سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۵ - ۲

۲ - حمد و ستایش داوود و سلیمان به درگاه خدا به خاطر برخورداری از عنایت ویژه او

و لقد ءاتینا داود و سلیمان علماً و قالوا الحمد لله

حمد غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره -

۳ تمامی ستایشها به خداوند باز می گردد.

الحمد لله الذی

<ال> در <الحمد لله> یا به معنی جنس است و یا برای استغراق (کل) و به هر حال بیانگر اختصاص حمد به خداست، و اگر دیگری نیز ستایش شود از روی تسامح است. چون همه زیباییها از اوست، ستایشها هم در حقیقت به او بازمی گردد.

۱۳ ستایش غیر خداوند، کفرپیشگی است.

الحمد لله الذی خلق .. ثم الذین کفروا بر بهم یعدلون

چون در صدر آیه اختصاص حمد به خداوند مطرح شده، ممکن است مراد از <الذین کفروا> کسانی باشند که با بستن چشم خود از حقیقت (کفرورزی) در ستایش برای خداوند، همسان قرار می دهند.

حمد قبل از طلوع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۱۱، ۶

۶ - پیامبر (ص) و مؤمنان، موظف به تسبیح و حمد پروردگار، پیش از طلوع و غروب خورشید

و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا

<باء> در <بحمد ربك> یا برای مصاحبت است و یا استعانت. در هر صورت، فرمان به حمد و تسبیح با هم است. خطاب <سَبِّحْ> گرچه مربوط به پیامبر (ص) می باشد، ولی آیات بعد، قرینه ای بر منحصر نبودن این تکالیف به آن حضرت است.

۱۱ - تسبیح و ستایش پروردگار، پیش از طلوع و غروب آفتاب، دارای ارزش و آثاری ویژه است.

و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا

حمد قبل از غروب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - پیامبر (ص) و مؤمنان ، موظف به تسبیح و حمد پروردگار ، پیش از طلوع و غروب خورشید

و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا

<باء> در <بحمد ربك> یا برای مصاحبت است و یا استعانت. در هر صورت، فرمان به حمد و تسبیح با هم است. خطاب <سَبِّحْ> گرچه مربوط به پیامبر(ص) می باشد، ولی آیات بعد، قرینه ای بر منحصر نبودن این تکالیف به آن حضرت است.

۱۱ - تسبیح و ستایش پروردگار ، پیش از طلوع و غروب آفتاب ، دارای ارزش و آثاری ویژه است .

و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا

حمد مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۲ - ۲

۲ توبه ، عبادت ، حمد ، تلاش در راه بندگی ، رکوع ، سجود ، امر به معروف و نهی از منکر و حفظ حدود الهی ، از صفات مجاهدان راه خدا

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ .. التَّابُونَ ... وَالْحَفِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ

حمد ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۵ - ۱

۱ - فرشتگان به روز قیامت ، در اطراف عرش به تسبیح و تنزیه خداوند همراه با ستایش او خواهند پرداخت .

و تَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِّينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ

حمد موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۴ - ۱۸

۱۸- خداوند ، در برخورد با گناه نیندیشیدن درباره حقایق هستی چون تسبیح و حمد موجودات بردبارانه

برخورد کرده و در صورت توبه ، از آن درمی گذرد .

لاتفقهون تسبیحهم إنه کان حلیمًا غفورًا

تعلیل <إنه کان حلیمًا غفورًا> دلالت می کند بر اینکه <لاتفقهون تسبیحهم> (تفقه نمی کنید در تسبیح آنان) گناه داشته و شایسته برخورد و مجازات است اما چون خداوند حلیم و غفور است، بردبارانه برخورد می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱۱ - ۴

۴- بازگشت همه ستایش ها برای هر موجود ، به حمد و ستایش خدای یکتا و بی همتاست .

و قل الحمد لله

مخصوص بودن همه ستایشها به ذات یکتای خداوند، در عین وجود ارزشهایی ستایش برانگیز در مظاهر هستی، اشاره به این معنا دارد که: چون مخلوق همه وجودش را از خالق گرفته، پس ارزشهای او از آن خداست و در حقیقت تنها خدا شایسته ستایش است و بس.

حمد مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۵ - ۱۵، ۱۰

۱۰ - تسبیح مؤمنان به درگاه خدا ، همراه با حمد و سپاس به درگاه او است .

سَبِّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ

۱۵ - مؤمنان ، برای تسبیح و حمد خداوند ، استکباری از خود بروز نمی دهند .

و سَبِّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ هُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که متعلق <لایستکبرون> تسبیح و حمد باشد.

خدا و حمد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - بی نیازی خداوند ، از عبادت ، ستایش و حاجت خواهی بندگان

إن تدعوهم لا يسمعوا دعاءكم .. أنتم الفقراء إلى الله و الله هو الغني

دلایل

حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۲ - ۹

۹ تدبیر همه عالم های هستی از سوی خدا ، دلیل اختصاص همه ستایش ها به اوست .

الحمد لله رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۳ - ۵

۵ - رحمانیت و رحیمیت خدا ، دلیل اختصاص ستایش ها به اوست .

الحمد لله رب العلمین . الرحمن الرحیم

<الرحمان الرحیم> نیز مانند <رب العالمین> به منزله دلیل برای <الحمد لله> است؛ یعنی، چون خداوند رحمان و رحیم است، شایسته ستایشها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۴ - ۶

۶ - مالکیت خدا بر روز جزا و فرمانروایی او در آن روز ، دلیل اختصاص ستایش ها به اوست .

الحمد لله .. ملک يوم الدين

<مالک يوم الدين> نیز مانند اوصاف گذشته به منزله دلیل برای <الحمد لله> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۰ - ۵

۵ - انحصار خالقیت ، اختیار و آگاهی مطلق و یکتایی به خداوند ، دلیل انحصار شایستگی ستایش ها به او

ربّك يخلق ما يشاء ويختار .. يعلم ... و هو الله لا إله إلا هو له الحمد في ا

از ارتباط میان آیات گذشته که بیانگر اوصاف خداوند بود و این آیه برداشت یاد شده به دست می آید؛ زیرا ذکر انحصار ستایش ها به خداوند، نتیجه اوصاف یاد شده برای او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- فاطر - ۳۵ - ۱ - ۶

۶- اختراع و نوآفرینی جهان از سوی خداوند ، دلیل اختصاص همه ستایش ها به او است .

الحمد لله فاطر السموت و الأرض

توصیف خداوند به <فاطر> پس از اختصاص دادن حمد به او در واقع توجیهی برای این اختصاص است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۶ - ۲

۲- معاد و برپایی قیامت ، نمودی از تدبیر خداوند هستی و شایسته حمد و ستایش

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ .. و قيل اليوم ننسيكم ... فاليوم لا يخرجون ... فَلَلهُ الحمد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲ - ۴

۴- مالکیت مطلق خداوند بر تمامی هستی ، دلیل شکست ناپذیری و ستودگی اوست .

العزیز الحمید. الله الذی له ما فی السموت و ما فی الأرض

روحیه حمد در مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۲ - ۱

۱ مؤمنان راستین ، دارای روحیه توبه ، عبادت و ستایش خدا

التَّابُونَ الْعِبَادُونَ الْحَمْدُونَ

روش حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۳ - ۹

۹ در ستایش خداوند باید سخنی گفته شود و معنایی در نظر گرفته شود که مستلزم کمترین عیب و نقصی برای او نباشد .

و یَسْبِحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَأُكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ

برداشت فوق، مبتنی بر این وجه است که <باء> در <بحمده> برای استعانت باشد. بر این مبنا <یسبح الرعد بحمده
والملائكة> یعنی، رعد و فرشتگان به وسیله حمد و ستایش خدا

وی را تسبیح می کنند. روشن است حمد و ستایش آن گاه در پی دارنده تسبیح و تنزیه است که الفاظ انتخاب شده و معانی قصد شده برای ستایش خدا، مستلزم هیچ گونه نقص و عیبی برای او نباشد.

زمینه حمد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۰ - ۶

۶ باور به خداوندِ دارنده تمام کمالات و منزّه از هر نقص و عیب، وادارکننده انسان به ستایش و پرستش اوست .

و لله الأسماء الحسنی فادعوه بها

حرف <فاء> در <فادعوه> سببیه است و دلالت می کند که لزوم پرستش و خواندن خدا به این سبب است که او همه کمالات را دارد و از هر عیب منزّه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۴ - ۹

۹ - آفرینش انسان، آفرینشی بس مهم و ستایش برانگیز

ثم أنشأه خلقاً اخر فتبارك الله أحسن الخلقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۵ - ۱۲

۱۲ - توجه به مقام ربوبی پروردگار، مایه تواضع و ستایش به درگاه وی و تنزیه او از هر کاستی و نقص است .

خزوا سجداً و سبحوا بحمد ربهم

زمینه حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۵ - ۱۶

۱۶ - حمد و ستایش خدا، تنها با یاری او امکان پذیر است .

الحمد لله .. إياك نستعين

از وظایفی که از سوره حمد استفاده می شود، لزوم ستایش خداوند است. بنابراین می توان گفت این معنا نیز متعلق

<نستعین> است؛ یعنی: نستعینک علی ان نحمدک.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۳ - ۱۰

۱۰ - خوف فرشتگان از خداوند، آنان را به تسبیح و ستایش خداوند سوق می دهد.

و یسَّبِح... والملئکه من خیفته

<من> در <من خیفته> برای تعلیل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱ - ۱۰، ۴

۴ - خداوند، به جهت نازل کردن قرآن بر پیامبر (ص) سزاوار همه ستایش ها است.

الحمد لله الذی أنزل... الکتب

توصیف خداوند به <الذی أنزل...>، گویای علت و دلیل اختصاص حمدها و ستایش ها به او است.

۱۰ - کمال و عظمت قرآن و نبود کمترین کجی و انحراف در آن، مقتضی حمد و ستایش در برابر پدیدآورنده آن است.

الحمد لله الذی... لم يجعل له عوجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۱۶

۱۶ - توجه به تدبیر خداوند و قانون مند بودن عذاب ها و کیفر های او، برانگیزنده انسان به تسبیح و ستایش او در همه حال

و لولا کلمه... بحمد ربک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۵ - ۳

۳ - لزوم حمد و ستایش به درگاه خدا، در مقابل برخورداری از نعمت علم و دانش

و لقد ءاتينا داود و سليمان علمًا و قالوا الحمد لله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۹ - ۲

۲ - هلاک شرک پيشگان

مفسد و نجات مؤمنان به اراده الهی و در سایه تلاش های پیامبران ، شایان سپاس گزاری به درگاه خدا و فرستادن درود و سلام بر فرستادگان او

قل الحمد لله و سلم علی عباده الذین اصطفی

رهنمود الهی به حمد و ستایش برای او و فرستادن درود و سلام بر بندگان برگزیده اش (پیامبران)، در پی یادآوری مکرر نجات مؤمنان و هلاکت کافران، مطلب یاد شده را افاده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۳ - ۶

۶ - عظمت معنوی انسان ها ، مقتضی پرداختن به سپاس و ستایش خدا در همه حال

أمرت أن أعبد .. أن أكون من المسلمين . و أن أتلوا القرآن ... و قل الحمد لله

آیه بالا نشان می دهد که حتی فردی مثل پیامبر(ص) که نزدیک ترین خلق به خدا است هیچ گاه نباید از یاد خدا و سپاس و ستایش او غافل شود؛ یعنی، این گونه نیست که انسان ها با رسیدن به مقامات معنوی، از عبودیت، تسلیم و ستایش خدا معاف شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۳ - ۱۳

۱۳ - توجه به خالقیت ، رازقیت و مدیریت خدا ، زمینه ساز حمد او است .

و لئن سألتهم من خلق ... و سخر ... الله یسط الرزق ... و لئن سألتهم من نزل ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۵ - ۱۱، ۵

۵ - عقیده به یک تایی خدا در خالقیت ، مستلزم منحصر دانستن تمامی ستایش ها به او

است .

و لئن سألتهم من خلق .. ليقولنَّ الله قل الحمد لله

۱۱ - پیچیده نبودن فهم توحید و روشنی آن حتی در نظر مشرکان ، شایسته حمد به درگاه خدا است .

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض ليقولنَّ الله قل الحمد لله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۶ - ۶

۶ - توجه به حاکمیت و مالکیت مطلق الهی بر پدیده های عالم ، مستلزم اختصاص دادن حمد و ستایش به او است .

قل الحمد لله .. لله ما فی السموت و الأرض

یادآوری مالکیت خدا بر پدیده های عالم، پس از فرمان به ادای حمد، می تواند برای توجه دادن به نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱ - ۹

۹ - مالکیت مطلق خداوند بر موجودات عالم ، مقتضی اختصاص همه حمد و ستایش ها به او است .

الحمد لله الذی له ما فی السموت و ما فی الأرض

صله موصول <الذی> که ما فی السماوات و ما فی الأرض است می تواند علت انشای ثنا و حمد برای موصول باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲ - ۵

۵ - احاطه علمی خداوند به همه جنبش ها و سکون های موجودات ، مقتضی اختصاص داشتن همه ستایش ها و حمد ها به او است .

الحمد لله الذی له .. يعلم ما یلج فی الأرض و ما یخرج منها و ما ینزل من السماء

عبارت <يعلم ما> می تواند حال برای ضمیر <له> باشد. بنابراین،

معنا چنین می شود: حمد برای کسی است که مالک همه موجودات است، در حالی که از همه چیز خبر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۵ - ۸،۹

۸ - غنا و بی نیازی هیچ کس جز خداوند، قابل ستایش و مدح نیست.

و الله هو الغنی الحمید

برداشت یاد شده از آمدن صفت حمید، به دنبال صفت غنی به دست می آید.

۹ - خداوند، دارای جود و بخشش ستایش آفرین

و الله هو الغنی الحمید

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که فرد غنی آن گاه ستایش می شود که جود و بخشش داشته باشد، و گرنه شایسته ستایش نخواهد بود و خداوند این چنین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۸۲ - ۱۱

۱۱ - ربوبیت خداوند، مقتضی حمد و ستایش است.

الحمد لله رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۵ - ۲۱، ۱۰

۱۰ - همه خلایق در قیامت، به خاطر قضاوت به حق و عادلانه خداوند، به حمد و ستایش او خواهند پرداخت.

و قضی بینهم بالحقّ و قبل الحمد لله رب العلمین

برخی از مفسران بر این عقیده اند که حمد و ستایش خلایق در قیامت، به خاطر داوری به حق خداوند در میان آنان می باشد. از این رو این ستایش و حمد پس از قضاوت خداوند انجام خواهد گرفت.

۲۱ - ربوبیت خداوند، مقتضی حمد و ستایش است.

الحمد لله ربّ العلمين

جلد - نام سورہ - سورہ - آيہ - فيش

- ۱۶

۹ - دریافت باران ، پس از نیاز و ناامیدی ، زمینه ساز توجه انسان به ولایت الهی بر هستی و روی آوری به ستایش او

و هو الذی ينزل الغيث من بعد ما قنطوا .. و هو الولی الحمید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۶ - ۶،۱۰

۶ - رهیافت انسان به ستایش پروردگار ، در پرتو توجه به نظام عالی تدبیر او در هستی

حم .. إن فی السموت و الأرض لآیت للمؤمنین... فلله الحمد

با توجه به قرار گرفتن این آیه در بخش پایانی سوره، <فاء> در <فلله> تفریع بر کل محتوای سوره است که درصدد نمایاندن مظاهر تدبیر والای الهی در هستی به ویژه در نظام زندگی انسان است.

۱۰ - مدیریت یگانه خداوند بر جهان ، جلوه ای از جمال هستی و شایسته حمد و ستایش

فلله الحمد ربّ السموت و ربّ الأرض ربّ العلمین

ذکر وصف <ربّ السماوات و ..> در پی تأکید بر ربوبیت عام، فراگیر و یگانه خداوند، می تواند بیانگر این نکته باشد که گردش نظام هستی با مدیریت واحد، خود جمال و زیبایی دیگری برای هستی است و در نتیجه خالق و مدیر هستی، شایسته حمد و سپاس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۹ - ۷

۷ - پروردگاری خداوند ، مقتضی گرایش انسان ها ، به تنزیه و ستایش او

و سبح بحمد ربّک

از ارتباط میان <و سبح..> با وصف <ربّ>، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۳ - ۲

۲ - آفرینش انسان و تقدیر و حسابگری های دقیق در اندام وی از سوی خداوند ، ستایش برانگیز است .

ألم نخلقكم من ماء مهين .. فقدرنا فنعم القدرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۳ - ۹

۹ - توجّه به ربوبیت خداوند ، زمینه ساز تسبیح ، حمد و استغفار به درگاه او است .

فسبح بحمد ربك و استغفره

سستی در حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۳ - ۱۱

۱۱ - پیامبر (ص) ، مأمور مغفرت خواهی و درخواست عفو خداوند ، از کوتاهی در تسبیح و حمد او و تقاضای توجّه و

عنایت مجدد او به آن حضرت

و استغفره

استغفاری که در این سوره به آن امر شده است به قرینه تعلیق بر نصرت و فتح و عطف بر تسبیح و حمد استغفار ویژه ای است. این استغفار، در ارتباط با حمد و تسبیح، به معنای درخواست عفو از کاستی های آن و در ارتباط با <تَوَابًا>، به معنای درخواست رجوع مجدد و مکرر خداوند و تقاضای عنایت های تازه به تازه او است.

عوامل حمد اخروی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۲ - ۶

۶- ظهور حقایق در رستاخیز ، وادارنده انسان به ستایش خدا و بازدارنده او از گستاخی

یوم یدعوکم فتستجیون بحمدہ

جملہ <تستجیون بحمدہ> می رساند کہ این پاسخ گویی، همراه با زور و اکراه نیست؛ بلکه ممکن است به خاطر

مشاهده حقایقی باشد که انسان را به ستایش خدا وامی دارد.

عوامل حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۳ - ۱۱

۱۱ توجه به جلال و هیبت خداوند ، وادار کننده موجودات به تسبیح و ستایش او

و یَسْبِحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلٰئِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۸ - ۵،۹

۵- حمایت خداوند از بندگان ، شایسته تسبیح ، سپاسگزاری و عبادت اوست .

و لقد نعلم أنك يضيق صدرك .. فسبح بحمد ربك

<فا> در <فسبح> تفریح بر آیه قبل است (آیه قبل در صدد دلداری به پیامبر(ص) در برابر سخنان آزار دهنده مشرکان بود).
تفریح این آیه بر آن می تواند به منظور نکته یاد شده باشد.

۹- ربوبیت خداوند ، شایسته تسبیح ، حمد ، سجده و فروتنی انسان به پیشگاه او

فسبح بحمد ربك و كن من السجدين

عوامل حمد غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۵ - ۱۴

۱۴ - ستایش غیر خدا در عین عقیده به توحید ، ناشی از جهل و بی دانشی است .

قل الحمد لله بل اكثرهم لا يعلمون

متعلق <لا يعلمون> حذف شده و به قرینه مقام می توان گفت، مراد این است که اکثر مشرکان، این حقیقت را نمی فهمند که
<ستایش مخصوص خالق و آفریدگار جهان است.> و در اثر این نادانی، غیر خداوند خالق را ستایش می کنند.

عوامل حمد ملائکہ

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵ - ۶

۶ - عظمت وحی ، موجب

تسبیح و ستایش فرشتگان

كذلك يوحى إليك .. و الملكة يسبحون بحمد ربهم

جمله <و الملائكة .. > عطف بر جمله <تكاد السماوات ... > است. بنابراین عظمت وحی به هنگام نزول به زمین، همان گونه که آسمان ها را در آستانه فروپاشی قرار می دهد، فرشتگان را نیز به تسبیح و تقدیس خدا و می دارد.

فضیلت حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۱۱، ۱۲

۱۱ - تسبیح و ستایش پروردگار ، پیش از طلوع و غروب آفتاب ، دارای ارزش و آثاری ویژه است .

و سبح بحمد ربك قبل طلوع الشمس و قبل غروبها

۱۲ - تسبیح و ستایش پروردگار ، در پاره هایی از شب و نزدیک صبح و پس از غروب ، دارای آثار و ارزشی ویژه است .

و من اناآي الیل فسبح و اطراف النهار

مراد از <اطراف روز> آغاز و پایان آن است و جمع آمدن آن، یا به خاطر توافق لفظی با <آناء اللیل> است و یا برای شمول لحظات متعددی از اول و آخر روز است تا توسعه وقت را برساند؛ یعنی، ذکر و دعا در لحظه های اول و آخر روز، مخصوص اولین لحظه روز و آخرین لحظه آن نیست.

فضیلت سوره حمد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۷ - ۱، ۲، ۶

۱- <سوره حمد> از عطایای خداوند بر پیامبر (ص)

و لقد اتینک سبعاً من المثانی

نوع مفسّران بر آنند که مراد از <سبعاً> سوره حمد است که هفت آیه دارد و <المثانی> (جمع مثنی) صفت برای قرآن کریم است؛

چنان که در سوره <زمر> (آیه ۲۳) این کلمه به عنوان صفت قرآن ذکر شده است. گفتنی است: روایات نیز مؤید همین مطلب است.

۲- سوره حمد، دارای جایگاه ویژه و ارزشی والا در میان مجموعه سوره های قرآن

و لقد آتینک سبعا من المثانی و القرآن العظیم

برداشت فوق از اختصاص به ذکر یافتن سوره حمد پیش از بیان قرآن به عنوان <کتاب عظیم> استفاده می شود.

۶- > عن یونس بن عبدالرحمان . . . قال : سألت أبا عبد الله (ع) > و لقد آتیناک سبعا من المثانی و القرآن العظیم > قال :
هی سوره الحمد و هی سبع آیات منها بسم الله الرحمن الرحیم و إنما سمیت المثانی لأنها یشنی فی الركعتین ;

یونس بن عبد الرحمان . . . گفت: از امام صادق(ع) در باره سخن خداوند >ولقد آتیناک سبعا من المثانی و القرآن العظیم<
سؤال کردم، آن حضرت فرمود: آن سوره حمد است که هفت آیه دارد و از جمله آنها بسم الله الرحمن الرحیم است و همانا
مثنای نامیده شده است؛ زیرا در دو رکعت نماز دو بار خوانده می شود.<

فهم حمد موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۴ - ۱۹

۱۹- انسان، موظف به تلاش برای فهم حقایق هستی چون تسبیح و حمد موجودات برای خدا

لا تفقهون تسبیحهم إنه کان حلیمًا غفورًا

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که >إنه کان حلیمًا غفورًا< تهدید مشرکان به خاطر نیندیشیدن درباره تسبیح
موجودات باشد. بنابراین، عبارت، اشعار دارد بر اینکه تلاش برای فهم حقایق عالم لازم است.

ملاک حمد معبود

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۳۶ - ۳

۳ - توانمندی معبود بر جزای بندگان ، نمایانگر شایستگی وی برای حمد و سپاس

و ما لکم من نصرین . . . فَلَلهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَ رَبِّ الْأَرْضِ

حرف <فاء> در <فَلَلهِ الْحَمْدُ> مفاد آن را بر مطالب قبل که در باره معاد بود، تفریع کرده است.

منشأ حمد حمد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۴ - ۷

۷ - مالکیت و بی نیازی مطلق خدا ، سرچشمه شایستگی او برای حمد و ستایش

له ما فی السموت . . . و إِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ

ذکر <حمید> در پی <مالکیت و غنای مطلق>، بیانگر مطلب بالا است.

منشأ حمد ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵ - ۱۶

۱۶ - تسبیح و ستایش مداوم فرشتگان ، ره آورد درک و تلقی آنان از عظمت الهی است .

و هو العلیّ العظیم . . . و الملائکه یسبحون بحمد ربهم

برداشت بالا بر این اساس است که آیه درصدد بیان عظمت خدا باشد.

موجبات حمد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۵ - ۱۹

۱۹ نابود ساختن ستمکاران از زمین، کاری در خود ستایش

فقط دابر القوم الذين ظلموا و الحمد لله

مؤمنان و حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰ - ۸

۸ حمد و ستایش خدا، پایان بخش نیایش مؤمنان در بهشت

و ءاخر دعويهم أن الحمد لله رب العلمين

نامهای سوره حمد

جلد -

۶- > عن یونس بن عبدالرحمان . . . قال : سألت أبا عبد الله (ع) > ولقد آتيناك سبعاً من المثاني و القرآن العظيم < قال : هي سوره الحمد و هي سبع آيات منها بسم الله الرحمن الرحيم و إنما سميت المثاني لأنها يثنى في الركعتين ;

یونس بن عبد الرحمان . . . گفت: از امام صادق(ع) در باره سخن خداوند >ولقد آتيناك سبعاً من المثاني و القرآن العظيم< سؤال کردم، آن حضرت فرمود: آن سوره حمد است که هفت آیه دارد و از جمله آنها بسم الله الرحمن الرحيم است و همانا مثانی نامیده شده است؛ زیرا در دو رکعت نماز دو بار خوانده می شود.<

وقت حمد خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - پیامبر (ص) و مؤمنان ، موظف به تسبیح و حمد پروردگار ، پیش از طلوع و غروب خورشید

و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا

>باء< در >بحمد ربك< یا برای مصاحبت است و یا استعانت. در هر صورت، فرمان به حمد و تسبیح با هم است. خطاب >سَبِّحْ< گرچه مربوط به پیامبر(ص) می باشد، ولی آیات بعد، قرینه ای بر منحصر نبودن این تکالیف به آن حضرت است.

۷ - تسبیح و حمد پروردگار در برخی از اوقات شب و در دو طرف روز ، از وظایف پیامبر (ص) و مؤمنان

و من ءانآي الیل فسبِّح و أطراف النهار

>آناء< به معنای >ساعات و اوقات< است و

<من> معنای تبعیض دارد. بنابراین <من آناء اللیل> یعنی، پاره‌هایی از شب را به تسبیح و تحمید بگذران. <بحمد ربك> در صدر آیه، قرینه بر این است که این تسبیح نیز باید با حمد همراه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۵ - ۱۶، ۱۲

۱۲ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) مبنی بر تسبیح همراه با حمد خدا در هر صبح و شام

و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَرِ

۱۶ - شبان گاهان و بامدادان، دو وقت مناسب و شایسته برای ذکر خدا و تسبیح و حمد او

و سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَرِ

برداشت یاد شده، از اختصاص به ذکر یافتن دو وقت یاد شده برای تسبیح و حمد به دست می‌آید.

حمل و نقل از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حمل و نقل

اهمیت حمل و نقل دریایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۱ - ۴

۴ - اهمیت و نقش سازنده صنعت کشتی سازی و حمل و نقل دریایی برای بشر

و آیه لهم أَنَا حملنا ذرِّيَّتَهُمْ فِي الْفَلَكَ الْمَشْحُونِ

قرار گرفتن نعمت کشتی رانی در کنار نعمت بزرگ خورشید و ماه برای بشر، گویای اهمیت و نقش سازنده صنعت کشتی سازی و حمل و نقل دریایی برای انسان‌ها است.

پیشگویی وسایل حمل و نقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۶

۶- پیشگویی قرآن درباره اختراع وسایل پیشرفته و جدید برای حمل و نقل ، مسافرت و سایر وسایل آسایشی و رفاهی انسان

و الأنعم خلقها لكم فيها دفء و منفع . . و لكم فيها

جمال ... لتركبوا و زينه و

متعلق <يخلق> نامعلوم و فواید آن محذوف است، ولی با توجه به فوایدی که برای اشیای خلق شده ذکر کرده، می توان حدس زد که فواید مخلوقهای جدید نیز در راستای بهره‌وری انسان است.

تاریخ حمل و نقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۹ - ۳

۳- کشتی و حمل و نقل دریایی ، در زمان حضرت موسی (ع) از منابع درآمد بود .

فكانت لمسكين يعملون في البحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۵ - ۳

۳ - سفر دریایی و استفاده از کشتی ، در عصر ظهور اسلام ، رواج داشته است .

فإذا ركبوا في الفلك دعوا الله مخلصين له الدين

حمل و نقل دریایی در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۲ - ۳

۳ - تأثیر حمل و نقل دریایی و کشتیرانی ، در زندگی اقتصادی جامعه عصر بعثت *

و من آياته الجوار في البحر كالأعلم

فواید حمل و نقل دریایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۲ - ۳

۳- تأثیر حمل و نقل دریایی و کشتیرانی ، در زندگی اقتصادی جامعه عصر بعثت *

و من آياته الجوار في البحر كالأعلم

وسایل حمل و نقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷ - ۱،۲،۳،۴

۱- حمل بار های سنگین و طاقت فرسای انسان به شهر ها و مناطق بسیار دوردست ، از فواید خلقت شتر

و الأنعم خلقها لكم .. و تحمل أثقالكم إلى بلد لم تكونوا بلغيه إلا بشقّ الأنف

مراد از <بلد لم تكونوا بلغيه> جاهای بسیار دوردست و سختی است که انسان بدون مشقت و سختی نمی تواند به آن جا برسد و <أنعام> اگرچه به معنای <گاو، شتر و گوسفند> است ولی چون در بین دامها تنها شتر اوصاف مذکور در آیه (باربری به نقاط دوردست) را دارد، ضمیر <تحمل> به صورت <استخدام> به <شتر> که از جمله انعام مذکور در آیه قبل است باز می گردد.

۲- شتر وسیله حمل و نقل و تبادل کالا های تجارتي در عصر بعثت بوده است .

و تحمل أثقالكم إلى بلد لم تكونوا بلغيه إلى بشقّ الأنفس

۳- قدرت فوق العاده شتر در پیمودن راه های طولانی و دشوار و حمل بار های سنگین

و تحمل أثقالكم إلى بلد لم تكونوا بلغيه إلا بشقّ الأنفس

۴- جواز استفاده از حیوانات و دام ها جهت حمل بار و کالا

و تحمل أثقالكم إلى بلد لم تكونوا بلغيه إلا بشقّ الأنفس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۲ - ۱

۱ - امکان بهره‌وری بشر از شتران و کشتی ها در جهت سواری و حمل و نقل ، نمونه ای دیگر از تدبیر الهی

و علیها و علی الفلک تحملون

ضمیر در <علیها> به انعام بازمی گردد و مراد از آن به قرینه <تحملون> تنها شتران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۱ - ۵

۵ - کشتیرانی ، دارای اهمیتی اساسی در حمل و نقل نیازمندی های بشر

و مواهب الهی به نقاط مختلف است .

ألم تر أنّ الفلك تجرى فى البحر بنعمت الله ليریکم من آياته

بنابراین که <با> در <بنعمت> برای تعدی و یا مصاحبه باشد، نکته بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۱ - ۳

۳ - امکان بهره برداری انسان ها از دریا به وسیله کشتی در سیر و سفر و حمل و نقل ، از نعمت های الهی است .

و آیه لهم أنا حملنا ذرّيتهم فى الفلك المشحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۲ - ۱،۲

۱ - خداوند ، مرکب هایی مانند کشتی (چهارپایان و ...) در سیر و سفر و حمل و نقل برای بشر آفریده است .

و خلقنا لهم من مثله ما یرکبون

۲ - آفرینش مرکب هایی مانند کشتی (چهارپایان و ...) در سیر و سفر و حمل و نقل برای بشر ، از آیات و نشانه های

قدرت و تدبیر خداوند

و آیه لهم أنا حملنا ذرّيتهم فى الفلك المشحون . و خلقنا لهم من مثله ما یرکبون

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <و خلقنا لهم..> عطف بر جمله <حملنا ذرّيتهم> می باشد و درصدد بیان نشانه

های تدبیر و قدرت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۲ - ۳،۴

۳ - خداوند برخی از دام ها (چون شتر و گاو) را برای سوار شدن و حمل و نقل آفریده است .

فمنها رکوبهم

<من>

در <فمنها> برای تبعیض است؛ یعنی، برخی از انعام که مقصود از آن شتر و گاو است.

۴ - جواز استفاده از شتر و گاو برای سوار شدن و حمل و نقل

فمنها رکوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۰ - ۲،۳

۲ - تأمین خواسته ها و نیازهای بشر در سیر و سفر خویش، از حکمت های آفرینش شتران

و لتبلغوا علیها حاجه فی صدورکم

۳ - سوار شدن و تأمین خواسته ها و نیازهای بشر در سیر و سفر خویش، حکمت اصلی آفرینش شتران

لترکبوا منها .. و لتبلغوا علیها حاجه فی صدورکم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که لام تعلیل تنها بر سر <لترکبوا> و <لتبلغوا..> آمده است؛ نه برای منافع دیگر و حمل و نقل.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۱ - ۲

۲ - آفرینش دام ها و کشتی ها، از نشانه ها و دلایل قدرت و ربوبیت بی همتای خداوند

اللّٰه الذی جعل لکم الأنعم .. و علیها و علی الفلک تحملون . و یریکم ءآیته

از مصادیق مورد نظر آیه شریفه برای آیات الهی، دام ها و کشتی ها (موضوع بحث آیه قبل) می باشد.

وسایل حمل و نقل در دوران موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۳

۳- کشتی و حمل و نقل دریایی، در زمان حضرت موسی (ع) از منابع درآمد بود.

فكانت لمسكين يعملون في البحر

وسايل حمل و نقل در مصر باستان

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۵ - ۱۶

۱۶ شتر وسیله متعارف حمل کالا ، در مصر و کنعان باستان

و نژاد کیل بعیر

وسایل حمل و نقل دریایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۰ - ۵

۵- خداوند ، فراهم آورنده زمینه ها و امکانات حرکت انسان در خشکی ها و دریاها

و حملنهم فی البرّ و البحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۵ - ۳

۳ - سفر دریایی و استفاده از کشتی ، در عصر ظهور اسلام ، رواج داشته است .

فإذا ركبوا فی الفلک دعوا اللّٰه مخلصین له الدّین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۰ - ۵

۵- شتران و کشتی ها ، از وسایل فراهم شده از سوی خداوند ، برای حمل و نقل انسان ها در دریا و خشکی

و علیها و علی الفلک تحملون

وسایل حمل و نقل زمینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۰ - ۵

۵- خداوند ، فراهم آورنده زمینه ها و امکانات حرکت انسان در خشکی ها و دریاها

و حملنهم فی البرّ و البحر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۰ - ۵

۵ - شتران و کشتی ها ، از وسایل فراهم شده از سوی خداوند ، برای حمل و نقل انسان ها در دریا و خشکی

و علیها و علی الفلک تحملون

حوا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حوا

آثار اغواپذیری حوا

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۳

۳ - آدم و حوا (ع)، در پی عمل به وسوسه شیطان و نادیده گرفتن هشدار های خداوند در بهشت، از آن مکان عالی اخراج شدند و به زمین فرود آمدند.

فَأَكَلَا مِنْهَا... و عصىء اءام... قال اهبطا منها جميعاً

<هبوط>؛ یعنی، نزول (مصباح). فرمان <اهبطا> فرمانی تکوینی بوده است؛ زیرا هبوط به زمین برای انسان، عادتاً مقدور نیست.

آثار عصیان حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۸ - ۲

۲ - نسل آدم (ع) و حوا نیز بر اثر تناول آن دو از شجره منیه، از بهشت نخستین محروم شدند.

قلنا اهبطوا منها جميعاً

<اهبطوا> به صیغه جمع اقتضا می کند که: غیر از آدم (ع) و حوا فرد یا افراد دیگری نیز مورد خطاب باشند. در این باره چند نظر ابراز شده است. از جمله اینکه دیگر مخاطبان، نسل آدم (ع) و حوا می باشند. برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۱۱

۱۱ تخلف آدم و همسرش از فرمان الهی، سبب دورگشتن آنان از مقام قرب خدا شد.

ناديهما ربهما ألم أنهكما عن تلكما الشجرة

واژه <ندا> معمولاً در مواردی به کار برده می شود که مخاطب فاصله نسبتاً زیادی با ندا دهنده داشته باشد. و خداوند این واژه را پس از تخلف آدم و همسرش به کار برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - نافرمانی آدم و حوا، مایه محرومیت آنان از وعده خداوند به تأمین پوشاک آنان در بهشت شد.

إِنَّ لَكَ .. لا تعری ... فبذت لهما سوء تهما

ابلیس و حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۰ - ۱۰، ۷، ۵، ۲، ۱

۱ ابلیس پس از سکونت آدم و همسرش در بهشت، در اندیشه فریبکاری و توطئه علیه ایشان برآمد.

فوسوس لهما الشیطن

هنگامی که پس از کلمه <وسوسه> حرف <لام> آورده شود، به معنای نقشه کشیدن و توطئه کردن است.

۲ نمایان سازی شرمگاه آدم و حوا، از اهداف شیطان در فریبکاری و توطئه علیه آنان

فوسوس لهما الشیطن لیبدی لهما ما وُری عنهما من سوء تهما

۵ شیطان در وسوسه آدم و حوا، بازماندن آنها از فرشته شدن و جاودانگی را دلیل تحریم خوردن از شجره نهی شده معرفی کرد.

إلا أن تکونا ملکین أو تکونا من الخلدین

۷ شیطان ایجاد کننده شبهه در ذهن آدم و حوا نسبت به تحریم شجره نهی شده بر آنان

ما نهیکما ربکما .. أو تکونا من الخلدین

برخی جمله <ما نهاکما ربکما ..> را چنین معنا کرده اند: این حرمت شامل شما نیست، مگر در صورتی که شما فرشته باشید و یا از جاودانان در بهشت، و شما نه فرشته اید و نه از جاودانان در بهشت. پس حرمتی بر شما نیست.

۱۰ شیطان، تکلیف الهی را در نظر آدم و حوا مانع تکامل و پیشرفت آنان جلوه داد.

ما نهیکما ربکما .. إلا أن تکونا ملکین

<أن تکونا ..> به تقدیر کراهیه، مفعول له برای <ما

نهاکما > است. بنابراین معنای آیه چنین می شود: خداوند بدان جهت که فرشته نشوید و یا جاودانه نگردید، شما را از خوردن ثمره آن درخت بازداشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۱ - ۱

۱ شیطان با سوگند دروغ و مؤکد خویشتن را از خیرخواهان آدم و حوا قلمداد کرد.

و قاسمها إنی لکما لمن النصحین

به کارگیری فعل <قاسم> از باب مفاعله می تواند برای تأکید باشد. یعنی شیطان با سوگند مؤکد سخنش را به آنان القا کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۱

۱ شیطان با فریبکاریها و سوگند دروغ، آدم و حوا را به پای درخت ممنوع کشاند تا از ثمره آن تناول کنند.

و قاسمها ... فدلیمها بغرور

<تدلیه>، مصدر <دلّی>، به معنای فرستادن است، و مراد از آن نزدیک کردن آدم و حوا به شجره نهی شده برای خوردن از آن است. کلمه <غرور> می تواند مصدر و به معنای فریب دادن باشد و می تواند جمع غار (فریبنده) باشد، و مراد از آن سخنان دروغین و باطلی باشد که شیطان با سوگند به آدم و حوا القا کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۹، ۱۰

۹ نشان دادن شرمگاه آدم و حوا به آنان از اهداف شیطان در فریفتن و برهنه کردن ایشان

ینزع عنهما لباسهما لیریهما سوءتھما

۱۰ شیطان، حتی به هنگام خروج آدم و حوا از بهشت، در صدد برهنه ساختن آنان بود. *

أخرج أبویکم من الجنة ینزع عنهما لباسهما

جمله <ینزع

... < حال برای فاعل > اخرج است. یعنی شیطان به هنگام خروج آدم و حوا نیز برای بیرون آوردن لباس آنان در تلاش بود.

اجابت دعای حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۰ - ۱

۱ خداوند با پذیرش درخواست آدم (ع) و حوا، فرزندی سالم و شایسته به آنان عطا کرد.

دعوا لله ربهما لئن... فلما اتيهما صلحاً

اخراج حوا از بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۳،۴،۲۲

۳ - شیطان و اغواگری های او سبب خروج آدم (ع) و حوا از بهشت شد.

فأخرجهما مما كانا فيه

۴ - خداوند، پس از سلب شایستگی آدم (ع) و حوا برای سکونت در بهشت، آنان را به خروج از بهشت و فرود آمدن به زمین فرمان داد.

و قلنا اهبطوا

هبوط (مصدر اهبطوا) به معنای فرود آمدن است. مفعول < اهبطوا > به دلیل جمله بعد، < الأرض > می باشد.

۲۲ از امام رضا (ع) روایت شده: <... فتسلط عليه (آدم (ع)) الشيطان... و تسلط على حوا... فأخرجهما الله عز و جل عن جنته فاهبطهما عن جواره إلى الأرض... >

... پس شیطان بر آدم (ع) ... و حوا مسلط گشت ... پس خدا آنان را از بهشت خود بیرون راند و از جوار خود به زمین فرو فرستاد ... <

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - خداوند ، پس از نافرمانی آدم (ع) و حوا ، از آنان خواست تا از بهشت خارج شوند .

قلنا اهبطوا منها

درباره دلیل تکرار جمله <قلنا اهبطوا> (آمدنش در این آیه و آیه ۳۶) چند نظر ایراد شده است. نبودن واو و دیگر حروف عطف در آیه مورد بحث، این نظر را تقویت می کند که: <قلنا اهبطوا> در آیه فوق، تأکید جمله <قلنا اهبطوا> در آیه ۳۶ است.

۴ - خداوند ، به هنگام خروج آدم (ع) و حوا از بهشت ، آنان و نسلشان را به بهره مند ساختن از هدایت ها و رهنمودهایی از جانب خودش ، بشارت داد .

فإما يأتينكم منى هدى

<إما> مرکب از <إن> شرطیه و <ما>ی زایده است. شرطیه بودن جمله از یکسو و تأکید آن با <ما>ی زایده و نون تأکید در <يأتين> از سوی دیگر، اقتضا می کند که جمله چنین معنا شود: اگر هدایتی از جانب من آمد که البته خواهد آمد

ارزش مقام حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۹ - ۷

۷ حضرت آدم دارای مقامی برتر در پیشگاه خداوند، نسبت به همسرش حوا

و يأدم أسكن أنت و زوجك الجنة

محور قرار گرفتن آدم در خطاب الهی، می تواند نشان برتری وی نسبت به همسرش باشد.

ازدواج آدم(ع) و حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۴

۴ - ازدواج آدم (ع) و حوا پیش از سکونتشان در بهشت

استتار عورت حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۸

۸ تلاش آدم و همسرش در پوشاندن شرمگاهشان با برگ درختهای بهشت

و طبقاً یخصفان علیهما من ورق الجنة

کلمه <طبقاً> از افعال مقاربه، و به معنای <شروع کرد> است. قرار دادن قسمتی از دو یا چند چیز را بر یکدیگر و به هم دوختن آنها را خصف می گویند و چون <یخصفان> به <علی> متعدی شده، معنای نهادن نیز در آن تضمین شده است. یعنی آدم و حوا برگها را به یکدیگر متصل کردند و آنها را بر شرمگاه خویش نهادند.

استغاثه حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۱۱

۱۱ نهایت تذلل و تضرع آدم و حوا در پیشگاه خدا، پس از توجه به خطای خویش

ربنا ظلمنا .. لنکونن من الخسرین

اعطای فرزند به حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۰ - ۱،۴،۵

۱ خداوند با پذیرش درخواست آدم (ع) و حوا، فرزندی سالم و شایسته به آنان عطا کرد .

دعوا الله ربهما لئن .. فلما آتیهما صلحاً

۴ آدم (ع) و حوا با مؤثر پنداشتن غیر خدا در آفرینش و تأمین سلامت کودکانشان ، به شرک گراییدند .

فلما آتیهما صلحاً جعلاً له شرکاء فیما آتیهما

برخی از مفسران به دلیل جمله <جعلاً له شركاء> (برای او شریک قرار دادند) بر این نظر هستند که مراد از نفس واحده و همسرش، آدم(ع) و حوا نیستند؛ زیرا آنان منزّه

از شرک‌ورزی می‌باشند، بلکه مراد مطلق پدران و مادران می‌باشند. برخی دیگر بر این باورند که مراد از شرک در اینجا توجه به اسباب و علل طبیعی است، به گونه‌ای که با اخلاص کامل تنافی داشته ولی با اصل توحید ناسازگار نبوده و نسبت این معنا به آدم (ع) اشکالی ندارد.

۵ آدم (ع) و حوا به عهد خویش با خدا (سپاسگزاری از او در صورت اعطای فرزند صالح) وفا نکردند.

لنكونن من الشكرين. فلما آتیهما صلحاً جعلاً له شرکاء

اغواپذیری حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۱،۴

۱ - آدم و حوا (ع)، با وسوسه شیطان از درخت ممنوع شده تناول کردند.

فوسوس إليه الشیطن .. فأکلا منها

۴ - آدم و حوا (ع)، علی‌رغم هشدار شدید خداوند به دشمنی شیطان با آنان، تحت تأثیر سخنان او قرار گرفتند.

إنّ هذا عدوّ لک و لزوجک .. فأکلا منها

اغوای حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۴،۸،۹

۴ سرگذشت آدم و حوا و فریب خوردنشان از شیطان، درس عبرتی برای همه انسانها

لا یفتنکم الشیطن کما أخرج أبویکم من الجنه

۸ آدم و حوا دارای پوشش عورت، قبل از فریفته شدن به وسوسه‌های شیطان

ینزع عنهما لباسهما

۹ نشان دادن شرمگاه آدم و حوا به آنان از اهداف شیطان در فریفتن و برهنه کردن ایشان

ینزع عنهما لباسهما لیریهما سوءتھما

اقرار حوا به عصيان

جلد - نام سوره - سوره - آيه

- فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۱،۴

۱ آدم و حوا پس از توبیخ خداوند بر تناول از شجره نهی شده، به خطای خویش پی بردند و بدان اعتراف کردند.

قالا ربنا ظلنا أنفسنا

۴ آدم و حوا پس از اعتراف به لغزش خویش از خداوند خواستند تا گناهشان را بیامرزد و بر آنان ترحم کند.

قالا ربنا ظلنا أنفسنا و إن لم تغفر لنا و ترحمنا

امیدواری حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۵

۵ آدم و حوا امیدوار به مغفرت و رحمت الهی

و إن لم تغفر لنا و ترحمنا

بارداری حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۹ - ۷،۸،۹

۷ حوا در پی آمیزش آدم با وی به باری سبک حامله شد .

فلما تغشيتها حملت حملا خفيفا

<تغشی> یعنی <پوشانید> و در آیه کنایه از آمیزش است. ضمیر در <تغشی> به <نفس واحده> که مراد از آن آدم(ع) است برمی گردد.

۸ حوا در ابتدای حاملگی به خاطر ناچیز بودن حملش بدان بی توجه بوده و درباره آن اندیشه ای نداشت .

حملت حملا خفيفا فمرت به

ضمیر <به> به <حملا>، که مراد از آن جنین است، برمی گردد. <مرورا>، مصدر <مرت>، به معنای گذر کردن و در آیه کنایه از بی اعتنایی است.

۹ آدم (ع) و حوا پس از سنگین شدن حوا بر اثر رشد جنینش، به درگاه خدا به نیایش پرداختند.

فلما أثقلت دعوا الله ربهما

برتری آدم(ع) بر حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۷ - ۱۱

۱۱ - آدم (ع) ، نزد خداوند ارجمندتر از حوا بود .

عدو لک و لزوجک

هر چند که حوا نیز در ماجرای بهشت، با آدم(ع) هم سرنوشت بود ولی خداوند تنها حضرت آدم(ع) را مخاطب خود ساخته است. این ویژگی نشانه برتری آدم(ع) است.

برهنگی حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۱۹

۱۹ عن أبي عبدالله(ع): .. فلما أکلا (آدم و حوا) من الشجرة طار الحلی و الحلل عن اجسادهما و بقیا عریانین

از امام صادق(ع) روایت شده است: .. چون آدم و حوا از آن درخت ممنوعه خوردند، زیور و پوشش آنها از بدنشان جدا شد و برهنه ماندند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ شیطان، حتی به هنگام خروج آدم و حوا از بهشت، در صدد برهنه ساختن آنان بود. *

أخرج أبویکم من الجنة ینزع عنهما لباسهما

جمله < ینزع .. > حال برای فاعل < أخرج > است. یعنی شیطان به هنگام خروج آدم و حوا نیز برای بیرون آوردن لباس آنان در تلاش بود.

بهشت حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۴ - ۵

۵ بهشت نخستین آدم و حوا، مکانی غیر از زمین و بالاتر و برتر از آن بود.

و يأدم اسكن أنت و زوجك الجنة . . قال اهبطوا

جمله <ولکم فی الأرض مستقر> دلالت می کند که بهشتی که آدم و حوا در آن

سکونت داشتند در زمین نبوده است و کلمه <اهبطوا> حکایت از آن دارد که آن مکان برتر و بالاتر از زمین بوده است.

پوشاک حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۸ - ۲

۲ - آدم (ع) و حوا در بهشت مسکونی خود نیازمند خوراک و پوشاک بودند .

إِنَّ لَكَ أَلَاتِجُوعَ فِيهَا وَ لَاتَعْرَى

اختصاص یافتن فعل ها به آدم(ع) شاید به این جهت باشد که اصل سخن خداوند متوجه آدم(ع) بوده است و تنها در مواردی افعال تشبیه آمده که چاره ای جز آن نبوده است. بنابراین، حوا نیز مانند آدم(ع) از نظر غذا و پوشاک تأمین بود.

پیروی حوا از آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۲

۲ - حوا در ماجرای تناول از درخت ممنوع ، موافق تصمیمات شوهرش آدم ، عمل می کرد .

فوسوس إليه الشيطان . .. فأكلا منها

اقدام آدم به خوردن از درخت ممنوع، تحت تأثیر وسوسه های شیطان بود، ولی حوا چنین نبود(فوسوس إليه شیطان). ممکن است اقدام حوا، در برابر عملکرد آدم تأثیر پذیر بوده است.

تاریخ خلقت حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۵

۵ - آفرینش حوا ، پس از آدم بود .

خلقکم من نفس وحده ثم جعل منها زوجها

برداشت بالا بر اساس این دیدگاه است که <ثم> بر تراخی زمانی، دلالت کند.

تَضَرَّعُ حُوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۱۱

۱۱ نہایت تذل و تضرع

آدم و حوا در پیشگاه خدا، پس از توجه به خطای خویش

ربنا ظلمنا .. لنكونن من الخسرین

تقرّب حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۱۱

۱۱ تخلف آدم و همسرش از فرمان الهی، سبب دورگشتن آنان از مقام قرب خدا شد.

نادیهما ربهما ألم أنهکما عن تلکما الشجره

واژه <ندا> معمولاً در مواردی به کار برده می شود که مخاطب فاصله نسبتاً زیادی با ندا دهنده داشته باشد. و خداوند این واژه را پس از تخلف آدم و همسرش به کار برد.

تکفل حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۷ - ۱۰

۱۰ - حوا در بهشت مسکونی خویش، همسر آدم (ع) و تحت سرپرستی وی بود.

عدوّ لک و لزوجک فلا یخرجنکما

خداوند، رهنمودهای مربوط به حوا را، با آدم(ع) در میان گذاشته و او را به پرهیز هر دو از زمینه های خروج از بهشت فرمان داده است. این گونه خطاب را می توان نشان سرپرستی آدم(ع) قلمداد کرد.

تکلیف حوا در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۱۲، ۵، ۸

۵ - استفاده از تمام خوراکی های بهشت، برای آدم (ع) و همسرش مباح بود.

و کلا منها رغداً حیث شئتما

۸ - خداوند تناول و خوردن از درختی مخصوص را بر آدم (ع) و حوا تحریم کرد .

و لاتقربا هذه الشجرة

به قرینه < و کلا > (بخورید) می توان گفت: مراد از < لاتقربا > (نزدیک نشوید) استفاده خوراکی از شجره منهیة بوده است.

هر گونه بهره برداری از شجره منهیة بر آدم (ع) و حوا ممنوع بود . *

و لاتقربا هذه الشجرة

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که: جمله <ولاتقربا ..> کنایه از حرمت همه تصرفات باشد نه خصوص خوردن. جمله مذکور ابایی از این احتمال ندارد، بلکه توجیه پسندیده ای است برای این پرسش که چرا نفرمود: و لاتاکلا من هذه الشجرة.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۷ - ۹

۹ - آدم (ع) و حوا، در بهشت مسکونی خود نیز به انجام تکالیف، ملزم بوده اند .

فلایخرجنکما

گرچه نهی در <فلایخرجنن> متوجه ابلیس است؛ ولی خطاب آن به آدم(ع) و حوا، به معنای نهی آن دو از تأثیرپذیری از القائنات او است.

توطئه علیه حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۰ - ۲

۲ نمایان سازی شرمگاه آدم و حوا، از اهداف شیطان در فریبکاری و توطئه علیه آنان

فوسوس لهما الشیطن لیبدی لهما ما وُری عنهما من سوءتھما

جنس حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۹ - ۴

۴ همسر آدم (حوا) انسانی همانند او در جنس و نوع

جعل منها زوجها

برداشت فوق مبتنی بر این است که <من> در <منها> جنسیه باشد. بنابراین جمله <جعل ...> گویای این است که زوج آدم انسان و از جنس و نوع او بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۳

- حوا، از جنس آدم (ع) و برابر با او، در اصل خلقت و در حقیقت و ویژگی های انسانی

خلقکم من نفس وحده ثم جعل منها زوجها

بیشتر مفسران بر این عقیده اند که مضمون آیه شریفه مانند مضمون آیه > و الله جعل لکم من أنفسکم أزواجاً و جعل لکم من أزواجکم بنین و حفده.. <، (نحل (۱۶) آیه ۷۲) است. مقصود از آن بیان آفرینش نوع انسان و چگونگی پیدایش نسل آدمی و تکثیر نوع بشر است؛ نه این که حوا از یک تن به نام آدم پدید آمده باشد و در نتیجه همه انسان ها از یک تن به وجود آمده باشند.

حوا در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۹ - ۱

۱ خداوند به آدم(ع) و همسرش فرمان داد تا در بهشت سکونت گزینند.

و يأدم أسکن أنت و زوجک الجنة

حوا و ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۱ - ۲

۲ آدم و همسرش حوا، بی اعتماد به شیطان در نخستین مراحل رویارویی با وی

و قاسمهما إنی لکما لمن النصحین

معمولاً سوگند یاد کردن در مواردی است که طرف مقابل حالت انکار و ناباوری از خود ابراز کند.

حوا و درخت ممنوعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۱۳، ۱۲، ۹، ۸

۸ - خداوند تناول و خوردن از درختی مخصوص را بر آدم (ع) و حوا تحریم کرد .

و لاتقربا هذه الشجره

به قرينه < و كلاً > (بخوريد) می توان گفت: مراد از

<لاتقربا> (نزدیک نشوید) استفاده خوراکی از شجره منهییه بوده است.

۹- آدم (ع) و حوا در صورت نزدیک شدن به شجره منهییه ، در معرض ارتکاب نهی الهی قرار می گرفتند .

و لاتقربا هذه الشجرة

چنانچه مراد از <لاتقربا> (نزدیک نشوید) نهی از خوردن باشد، به کارگیری <لاتقربا> به جای <لا تاكلا> (نخورید) اشاره به این معنا دارد که: آدم(ع) و حوا در صورت نزدیک شدن به شجره ممنوعه در خطر ارتکاب نهی الهی قرار می گرفتند.

۱۲ هر گونه بهره برداری از شجره منهییه بر آدم (ع) و حوا ممنوع بود . *

و لاتقربا هذه الشجرة

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که: جمله <ولاتقربا ..> کنایه از حرمت همه تصرفات باشد نه خصوص خوردن. جمله مذکور ابایی از این احتمال ندارد، بلکه توجیه پسندیده ای است برای این پرسش که چرا نفرمود: و لاتاکلا من هذه الشجرة.

۱۳ هشدار خداوند به آدم (ع) و حوا به این که در صورت تناول از شجره ممنوعه ، از ستمکاران خواهند شد .

و لاتقربا هذه الشجرة فتكونا من الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۱

۱ - شیطان با ترغیب آدم (ع) و حوا به بهره گیری از شجره منهییه ، آنان را به لغزش و نافرمانی خداوند کشانید .

فأزلهما الشيطان عنها

<ازلال> (مصدر ازل) به معنای: لغزاندن و به گناه واداشتن است. ضمیر در <عنها> می تواند به <الجنة> برگردد، یعنی، شیطان آدم(ع) و حوا را با واداشتن به لغزش و گناه از بهشت دور ساخت و نیز

می تواند به <الشجره> برگردد؛ یعنی، شیطان، آدم(ع) و حوا را به گناه وادار کرد، گناهی که سرچشمه اش آن درخت ممنوعه بود. برداشت فوق بر اساس دومین احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۹ - ۳،۴

۳ خداوند، خوردن از درختی مخصوص را بر آدم و حوا تحریم کرد.

و لا تقربا هذه الشجره فتكونا من الظلمين

مراد از <لا تقربا ..> به قرینه فراز قبل (فكلا ...) و نیز (فلما ذاقا ...) در آیه ۲۲، نهی از خوردن بوده است نه مجرد نزدیک شدن.

۴ خداوند هر گونه استفاده از شجره نهی شده را بر آدم و حوا ممنوع کرد. *

و لا تقربا هذه الشجره

نهی <لا تقربا> می تواند کنایه از حرمت هر گونه استفاده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۰ - ۳،۴

۳ شرمگاه آدم و حوا مستور از دید یکدیگر پیش از خوردن از شجره نهی شده

لیبدي لهما ما وُرى عنهما

۴ شرمگاه آدم و حوا مستور بر خود آنان تا پیش از خوردن از شجره نهی شده

فوسوس لهما الشيطان لیبدي لهما ما وُرى عنهما من سوءتهما

جمله <ورى عنهما> می تواند دلالت کند بر این که شرمگاه آدم و حوا علاوه بر این که بر یکدیگر مستور بوده، برای خودشان نیز مخفی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۲،۳،۱۰

۲ آدم و حوا پس از نزدیک شدن به شجره نهی شده از آن درخت تناول کردند.

فلما ذاقا

۳ آدم و حوا حتی پس از سوگند ابلیس، نگران عواقب بهره گیری از شجره نهی شده

فلما ذاقا الشجره

کلمه <ذوق> که به معنای چشیدن است، می تواند اشاره به این نکته باشد که آدم و حوا با چشیدن از شجره نهی شده، و نخوردن از آن، در صدد امتحان برآمدند تا ببینند آیا اتفاق ناگواری رخ خواهد نمود.

۱۰ آدم و حوا پس از چشیدن از شجره نهی شده از آن دور شدند و با آن فاصله گرفتند.

و نادیهما ربهما ألم أنهکما عن تلکما الشجره

برداشت فوق با توجه به کلمه <تلک>، که برای اشاره به دور است، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۱

۱ آدم و حوا پس از توبیخ خداوند بر تناول از شجره نهی شده، به خطای خویش پی بردند و بدان اعتراف کردند.

قالا ربنا ظلنا أنفسنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۱،۲،۸،۹

۱ - آدم و حوا (ع)، با وسوسه شیطان از درخت ممنوع شده تناول کردند.

فوسوس إليه الشیطن .. فأکلا منها

۲ - حوا در ماجرای تناول از درخت ممنوع، موافق تصمیمات شوهرش آدم، عمل می کرد.

فوسوس إليه الشیطن .. فأکلا منها

اقدام آدم به خوردن از درخت ممنوع، تحت تأثیر وسوسه های شیطان بود، ولی حوا چنین نبود (فوسوس إليه شیطان). ممکن است اقدام حوا، در برابر عملکرد آدم تأثیر پذیر بوده است.

۸ - عورت و شرمگاه آدم و حوا، پیش از تناول از درخت ممنوع بر آنان پوشیده

بود .

فأكلا منها فبذت لهما سوءتهما

<سوأه> به معنای عورت و شرم گاه است (لسان العرب) و <بذت لهما> ممکن است به این معنا باشد که عورت هر یک برای دیگری آشکار شد و ممکن است مراد این باشد که عورت آنان برای خودشان آشکار شد. بر مبنای دومین احتمال، عورت آدم و حوا قبل از خوردن میوه ممنوع، بر خود آنان نیز پوشیده بود.

۹ - تناول از درخت منع شده ، موجب عریانی و آشکار شدن شرمگاه آدم و حوا گردید .

فأكلا منها فبذت لهما سوءتهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۱۲، ۱۳

۱ - آدم (ع) و حوا ، در پی تناول از درخت منع شده ، صلاحیت سکونت در بهشت را از دست دادند .

فأكلا منها .. قال اهبطا منها

<اهبطا> ممکن است خطاب به آدم (ع) و حوا و یا خطاب به آدم (ع) و ابلیس باشد در صورت دوم، حوا به خاطر این که در عصیان و پی آمد آن تابع آدم بوده، مورد خطاب قرار نگرفته است. در هر دو صورت برداشت یاد شده، به دست می آید.

۳ - آدم و حوا (ع) ، در پی عمل به وسوسه شیطان و نادیده گرفتن هشدار های خداوند در بهشت ، از آن مکان عالی اخراج شدند و به زمین فرود آمدند .

فأكلا منها .. و عصیء اءام .. قال اهبطا منها جميعاً

<هبوط>؛ یعنی، نزول (مصباح). فرمان <اهبطا> فرمانی تکوینی بوده است؛ زیرا هبوط به زمین برای انسان، عادتاً مقدر نیست.

۱۲ - تناول آدم و حوا از میوه ممنوع

بهشت ، زمینه ساز پیدایش روحیه دشمنی در انسان ها شد .

فأكلوا .. بعضكم لبعض عدو

حوا و شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۱۶

۱۶ آدم و حوا، علی رغم هشدار شدید خداوند به دشمنی شیطان با آنان، سخنان وی را پذیرفتند.

فدلیهما بغرور فلما ذاقا الشجره

خطای حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۷

۷ آدم و حوا خویشتن را به سبب خطا و لغزش از زیانکاران شمردند.

إن لم تغفر لنا و ترحمنا لنكونن من الخسرین

خلقت حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۳

۳ - حوا، قبل از سکونت آدم (ع) در بهشت، آفریده شده بود .

اسکن أنت و زوجک الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱ - ۶،۷

۶ خداوند، آفریننده همسر اولین انسان (حضرت آدم)، از او

خلقکم من نفس واحده و خلق منها زوجها

برداشت فوق بر این مبناست که <من> نشویّه باشد / یعنی: آفرینش حوّا از آدم نشأت گرفته است. صدر آیه که فرمود:
<من نفس> و نفرمود: <من نفسین> این معنا را تأیید می کند. مؤید برداشت فوق، فرمایش امام صادق (ع) است که فرمود:
إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ مِنَ الْمَاءِ وَالطِّينِ ... وَ خَلَقَ حَوًّا مِنْ آدَمَ ...

کافی، ج ۵، ص ۳۳۷، ح ۴ / نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۳۴، ح ۱۶.

۷ خداوند ، آفریننده

همسر اولین انسان (حضرت آدم) از جنس او

و خلق منها زوجها

مؤید برداشت فوق، فرمایش امام باقر (ع) به نقل از رسول الله (ص) است که درباره خلقت حوا فرمود: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَبَضَ قَبْضَةً مِنْ طِينٍ فَخَلَطَهَا بِيَمِينِهِ .. فَخَلَقَ مِنْهَا آدَمَ وَفَضَلَتْ فَضْلَهُ مِنَ الطِّينِ فَخَلَقَ مِنْهَا حَوًّا.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۱۶، ح ۷؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۲۹، ح ۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۹ - ۳

۳ خداوند، همسر آدم (حوا) را از او آفرید.

جعل منها زوجها

برداشت فوق بر این اساس است که <من> در <منها> نشویه باشد. بر این مبنا <جعل منها زوجها> بیانگر این است که آدم (ع)، منشأ خلقت حوا بوده است.

خواستہ های حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۹ - ۱۰

۱۰ آدم (ع) و حوا با نیایش به درگاه خدا از وی خواستند تا فرزندی سالم و شایسته بقا به آنان عنایت کند.

دعوا لله ربهما لئن آتیتنا صلحاً لنكونن من الشكرين

صالح در لغت به کسی یا چیزی گفته می شود که فساد در آن نباشد. و مراد از آن به مناسبت مورد، فرزند سالم و مبرا از عیب و نقص است به گونه ای که استعداد زنده ماندن را دارا باشد. گفتنی است که جمله <فلما آتیهما صلحاً ... > دلالت بر آن دارد که مراد از صالح، معنای متعارف در شرع (نیکوکار و پاکدامن) نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۰ - ۱

۱ خداوند با پذیرش درخواست آدم (ع) و حوا، فرزندی سالم و شایسته به آنان عطا کرد .

دعوا لله ربهما لئن .. فلما آتیهما صلحاً

دشمنان حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۷ - ۲،۳،۷

۲ - ابلیس، برای بیرون راندن آدم و حوا (ع) از بهشت، در کمین آنان بود .

إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَ لَزَوْجِكَ فَلَا يَخْرُجَنَّكَمَا

۳ - خداوند حضرت آدم (ع) را از دشمنی ابلیس با او و همسرش حوا آگاه ساخت .

اسجدوا .. أْبِي فَقَلْنَا يَا دَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَ لَزَوْجِكَ

۷ - هشدار خداوند به آدم (ع) و حوا در مورد دشمنی شیطان با آنان، بدان جهت بود که آنان گرفتار رنج و سختی نشوند .

فَلَا يَخْرُجَنَّكَمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى

دعای حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۴

۴ آدم و حوا پس از اعتراف به لغزش خویش از خداوند خواستند تا گناهشان را ببامرزد و بر آنان ترحم کند .

قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَ إِن لَّم تَغْفِرْ لَنَا وَ تَرْحَمْنَا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۹ - ۹،۱۰

۹ آدم (ع) و حوا پس از سنگین شدن حوا بر اثر رشد جنینش ، به درگاه خدا به نیایش پرداختند .

فلما أثقلت دعوا الله ربهما

۱۰ آدم (ع) و حوا با نیایش به درگاه خدا از وی

خواستند تا فرزندی سالم و شایسته بقا به آنان عنایت کند .

دعوا اللّٰه ربهما لئن ءاتیتنا صلحاً لنكونن من الشکرین

صالح در لغت به کسی یا چیزی گفته می شود که فساد در آن نباشد. و مراد از آن به مناسبت مورد، فرزند سالم و مبرا از عیب و نقص است به گونه ای که استعداد زنده ماندن را دارا باشد. گفتنی است که جمله <فلما ءاتیهما صلحا ... > دلالت بر آن دارد که مراد از صالح، معنای متعارف در شرع (نیکوکار و پاکدامن) نیست.

زمینه عصیان حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۳

۳ - تمایل آدم (ع) و طمع وی در مورد خلود و جاودانگی و ملک بی زوال ، او و همسرش را به تناول از درخت ممنوع شده واداشت .

هل أدلک علی شجره الخلد .. فأکلا منها

زمینه هبوط حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۴

۴ - شیطان با وسوسه و اغواگری خود ، زمینه ساز اخراج آدم و حوا از بهشت و هبوط آنان به زمین گردید .

فوسوس إلیه الشیطن .. قال اهبطا منها

زیانکاری حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۷

۷ آدم و حوا خویشان را به سبب خطا و لغزش از زیانکاران شمردند.

إن لم تغفر لنا و ترحمنا لنكونن من الخسرین

ستر عورت حوا

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۸

آدم و حوا دارای پوشش عورت، قبل از فریفته شدن به وسوسه های شیطان

ینزع عنهما لباسهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۸،۱۳،۲۳

۸ - عورت و شرمگاه آدم و حوا ، پیش از تناول از درخت ممنوع بر آنان پوشیده بود .

فأكلا منها فبدت لهما سوءتهما

<سوأه> به معنای عورت و شرم گاه است (لسان العرب) و <بدت لهما> ممکن است به این معنا باشد که عورت هر یک برای دیگری آشکار شد و ممکن است مراد این باشد که عورت آنان برای خودشان آشکار شد. بر مبنای دومین احتمال، عورت آدم و حوا قبل از خوردن میوه ممنوع، بر خود آنان نیز پوشیده بود.

۱۳ - آدم و حوا (ع) ، به طور غریزی یا از روی عادت به پوشاندن عورت حتی از همسر خویش ملتزم بودند .

و طفقا یخصفان علیهما من ورق الجنة

۲۳ - > عن أبي عبدالله (ع) فی قوله : < بدت لهما سوأتهما > قال : كانت سوأتهما لاتبدو لهما / یعنی ، کانت داخله /

از امام صادق(ع) در باره سخن خدا <بدت لهما سوأتهما> روایت شده: عورت آن دو (آدم و همسرش) قبلاً برای آنان آشکار نبود، چون عورت آنان در داخل [پوست بدنشان] بود.<

سرزنش حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۱۷

۱۷ آدم و همسرش به سبب نادیده گرفتن نهی و هشدار خداوند، مورد توبیخ او قرار گرفتند.

و نادیهما ربهما ألم أنهکما .. و أقل لکما إن الشیطن لکما عدو

سکونت حوا در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۱،۲

۱ - خداوند ، به آدم (ع) و همسرش فرمان داد تا در بهشت سکونت کنند .

و قلنا یأدم اسکن أنت و زوجک الجنة

۲ - سکونت آدم (ع) و همسرش در بهشت پس از سجده فرشتگان بر آدم (ع) بوده است .

و إذ قلنا للملئکه اسجدوا لأدم .. و قلنا یأدم اسکن أنت و زوجک الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۵،۱۹

۵ - فاصله زمانی میان سکونت آدم (ع) و حوا در بهشت بالغزش آنان ، فاصله ای نسبتاً کوتاه و اندک بود .

و قلنا یأدم اسکن أنت و زوجک الجنة .. فأزلهما الشیطن عنها

عطف جمله <أزلهما ..> بر آیه قبل به وسیله حرف <فا> می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

۱۹ از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود : <انما کان لبث آدم و حوا فی الجنة حتی خرّجا من ها سبع ساعات من أيام الدنيا ...>

توقف آدم و حوا تا زمان خروجشان از بهشت هفت ساعت از روزهای دنیا بود ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۰ - ۱

۱ ابلیس پس از سکونت آدم و همسرش در بهشت، در اندیشه فریبکاری و توطئه علیه ایشان برآمد.

فوسوس لهما الشیطن

هنگامی که پس از کلمه <وسوسه> حرف <لام> آورده شود، به معنای نقشه

کشیدن و توطئه کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۷ - ۱

۱ - آدم (ع) و همسرش حوا، در بهشت سکونت داشتند.

فقلنا .. فلا یخرجنکما من الجنه

<جنه> به معنای باغ است و <الجنه> در قرآن نوعاً به معنای بهشت به کار رفته است. گفتنی است که خروج آدم و حوا(ع) از بهشت خویش، نشانه آن است که آن بهشت، غیر از بهشت موعود بوده است.

شکر حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۹ - ۱۳

۱۳ آدم (ع) و حوا در پیشگاه خداوند ملتزم شدند که در صورت دارا شدن فرزندی سالم و شایسته همواره از سپاسگزاران وی باشند.

دعوا لله ربهما لئن آتیتنا صلحاً لنكونن من الشکرین

شیطان و حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۱۴

۱۴ هشدار و تذکر پیشاپیش خداوند به آدم و حوا، در مورد دشمنی آشکار شیطان با آنان

و أقل لکما إن الشیطن لکما عدو مبین

طعام حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۸ - ۲

۲- آدم (ع) و حوا در بهشت مسکونی خود نیازمند خوراک و پوشاک بودند .

إِنَّ لَكَ أَلَّتْجوع فيها و لاتعری

اختصاص یافتن فعل ها به آدم(ع) شاید به این جهت باشد که اصل سخن خداوند متوجه آدم(ع) بوده است و تنها در مواردی افعال تشبیه آمده که چاره ای جز آن نبوده است. بنابراین، حوا نیز مانند آدم(ع)

از نظر غذا و پوشاک تأمین بود.

ظلم حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۲

۲ خطا و لغزش آدم و حوا ستمی بود که آنان بر خویشان روا داشتند.

قالا ربنا ظلنا أنفسنا

عبرت از قصه حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۴

۴ سرگذشت آدم و حوا و فریب خوردنشان از شیطان، درس عبرتی برای همه انسانها

لا یفتنکم الشیطن کما أخرج أبویکم من الجنة

عصیان حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۲

۲ - آدم (ع) و حوا با نافرمانی خداوند، شایستگی خویش را برای سکونت در بهشت نخستین از دست دادند.

فأخرجهما مما كانا فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۸ - ۱

۱ - خداوند، پس از نافرمانی آدم (ع) و حوا، از آنان خواست تا از بهشت خارج شوند.

قلنا اهبطوا منها

درباره دلیل تکرار جمله <قلنا اهبطوا> (آمدنش در این آیه و آیه ۳۶) چند نظر ایراد شده است. نبودن واو و دیگر حروف عطف در آیه مورد بحث، این نظر را تقویت می کند که: <قلنا اهبطوا> در آیه فوق، تأکید جمله <قلنا اهبطوا> در آیه ۳۶ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۱۷، ۱۶

۱۶ آدم و حوا، علی رغم هشدار شدید خداوند به دشمنی شیطان با آنان، سخنان وی را پذیرفتند.

فدلیهما

۱۷ آدم و همسرش به سبب نادیده گرفتن نهی و هشدار خداوند، مورد توبیخ او قرار گرفتند.

و نادیهما ربهما ألم أنهکما .. و أقل لکما إن الشیطن لکما عدو مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۱۱

۱۱ نهایت تذلل و تضرع آدم و حوا در پیشگاه خدا، پس از توجه به خطای خویش

ربنا ظلمنا .. لنکونن من الخسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ عن أبی عبدالله(ع) (فی قصه آدم و حوا): .. قال الله لهما: اهبطا من سماواتی إلى الأرض فإنه لا یجاورنی فی جنتی عاص و لا فی سماواتی

از امام صادق(ع) (ضمن بیان داستان آدم و حوا) روایت شده است: خداوند به آدم و حوا فرمود: از آسمانهای من به زمین پائین روید؛ زیرا گنهکار نه در بهشت و نه در آسمانهایم در حریم من قرار نمی گیرد ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۱

۱ - آدم و حوا (ع)، با وسوسه شیطان از درخت ممنوع شده تناول کردند .

فوسوس إليه الشیطن .. فأکلا منها

عقیده حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۹

۹ آدم و حوا آمرزش خدا و رحمت وی را تنها عامل نجات خویش از زیانکاری دانستند.

و إن لم تغفر لنا و ترحمنا لنكونن من الخسرين

عوامل برهنگی حوا

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۷

۷ شیطان عامل برهنگی آدم و حوا و برملا سازنده زشتیهای آنان در بهشت

ینزع عنهما لباسهما لیریهما سوءتھما

عوامل عصیان حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۱

۱ - شیطان با ترغیب آدم (ع) و حوا به بهره گیری از شجره منہیہ ، آنان را به لغزش و نافرمانی خداوند کشانید .

فأزلھما الشیطن عنھا

<ازلال> (مصدر ازل) به معنای: لغزیدن و به گناه واداشتن است. ضمیر در <عنھا> می تواند به <الجنه> برگردد؛ یعنی، شیطان آدم(ع) و حوا را با واداشتن به لغزش و گناه از بهشت دور ساخت و نیز می تواند به <الشجره> برگردد؛ یعنی، شیطان، آدم(ع) و حوا را به گناه وادار کرد، گناهی که سرچشمه اش آن درخت ممنوعه بود. برداشت فوق بر اساس دومین احتمال است.

عوامل کشف عورت حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۱۰، ۹

۹ - تناول از درخت منع شده ، موجب عریانی و آشکار شدن شرمگاه آدم و حوا گردید .

فأكلا منها فبذت لهما سوءتھما

۱۰ - نافرمانی آدم و حوا ، مایه محرومیت آنان از وعده خداوند به تأمین پوشاک آنان در بهشت شد .

إن لك .. لاتعری ... فبذت لهما سوءتھما

عوامل محرومیت حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۱۰

۱۰ - نافرمانی آدم و حوا ، مایه محرومیت آنان از وعده خداوند به تأمین پوشاک

آنان در بهشت شد .

إِنَّ لَكَ .. لا تعری ... فبدت لهما سوء تهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۱

۱ - آدم (ع) و حوا، در پی تناول از درخت منع شده، صلاحیت سکونت در بهشت را از دست دادند .

فأكلا منها .. قال اهبطا منها

<إهبطا> ممکن است خطاب به آدم (ع) و حوا و یا خطاب به آدم (ع) و ابلیس باشد در صورت دوم، حوا به خاطر این که در عصیان و پی آمد آن تابع آدم بوده، مورد خطاب قرار نگرفته است. در هر دو صورت برداشت یاد شده، به دست می آید.

عوامل هبوط حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۳،۴

۳ - شیطان و اغواگری های او سبب خروج آدم (ع) و حوا از بهشت شد .

فأخرجهما مما كانا فيه

۴ - خداوند، پس از سلب شایستگی آدم (ع) و حوا برای سکونت در بهشت، آنان را به خروج از بهشت و فرود آمدن به زمین فرمان داد .

و قلنا اهبطوا

هبوط (مصدر اهبطوا) به معنای فرود آمدن است. مفعول <اهبطوا> به دلیل جمله بعد، <الأرض> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۳

۳ فریبکاریهای شیطان، عامل خروج آدم و حوا از بهشت شد.

كما أخرج أبوبكم من الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۳

۳ - آدم و حوا)

ع)، در پی عمل به وسوسه شیطان و نادیده گرفتن هشدار های خداوند در بهشت، از آن مکان عالی اخراج شدند و به زمین فرود آمدند .

فأكلا منها .. و عصىء آدم ... قال اهبطا منها جميعاً

<هبوط>؛ یعنی، نزول (مصباح). فرمان <اهبطا> فرمانی تکوینی بوده است؛ زیرا هبوط به زمین برای انسان، عادتاً مقدر نیست.

عورت حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۲۰

۲۰ عن أبي عبدالله(ع) في قوله: <بئس لهما سوءاتهما> قال: كانت سوءاتهما لا تبدوا لهما يعني كانت داخله.

از امام صادق(ع) درباره این جمله از آیه <بئس لهما سوءاتهما> روایت شده است: عورت آدم و حوا نمایان نبود، یعنی: داخل بدنشان قرار داشت (و بعد از خوردن از درخت ممنوعه پدیدار شد).

عهد حوا با خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۹ - ۱۳

۱۳ آدم (ع) و حوا در پیشگاه خداوند ملترم شدند که در صورت دارا شدن فرزندی سالم و شایسته همواره از سپاسگزاران وی باشند .

دعوا الله ربهما لئن آتيتنا صلحاً لنكونن من الشكرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۰ - ۵

۵ آدم (ع) و حوا به عهد خویش با خدا (سپاسگزاری از او در صورت اعطای فرزند صالح) وفا نکردند .

لنكونن من الشكرين. فلما آتيتهما صلحاً جعلاه شرکاء

عهدشکنی حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۰ - ۵

آدم (ع) و حوا به عهد خویش با خدا (سپاسگزاری از او در صورت اعطای فرزند صالح) وفا نکردند.

لنكونن من الشكرين. فلما آتیهما صلحاً جعلاً له شركاء

غرایز حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۱۳

۱۳ - آدم و حوا (ع)، به طور غریزی یا از روی عادت به پوشاندن عورت حتی از همسر خویش ملتزم بودند.

و طفقا یخصفان علیهما من ورق الجثّه

فریب حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۰ - ۲۸، ۱

۱ ابلیس پس از سکونت آدم و همسرش در بهشت، در اندیشه فریبکاری و توطئه علیه ایشان برآمد.

فوسوس لهما الشیطن

هنگامی که پس از کلمه <وسوسه> حرف <لام> آورده شود، به معنای نقشه کشیدن و توطئه کردن است.

۲ نمایان سازی شرمگاه آدم و حوا، از اهداف شیطان در فریبکاری و توطئه علیه آنان

فوسوس لهما الشیطن لیبدی لهما ما وُری عنهما من سوءتھما

۸ دروغ، اساس کار شیطان در وسوسه گری و فریب دادن آدم و حوا

ما نهیکما ربکما .. أو تکونا من الخلدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۴ - ۶

۶ سقوط ابلیس در چهار مرحله به خاطر تمرد، تکبر و تصمیم به گمراه سازی انسانها و فریب آدم و حوا بود.

قال فاهبط منها فما يكون لك أن تتكبر فيها فاخرج .. قال اهبطوا

بدان احتمال که تکرار چهار گانه سقوط ابلیس هر یک به دلیل گناهی باشد که مرتکب شده است:

نخست از فرمان خداوند سرپیچی کرد و به آدم سجده نکرد، آنگاه این تمرد را به اظهار برتری خویش توجیه کرد، پس از آن تصمیم خویش را به اغواگری تمامی آدمیان اعلان داشت، و سرانجام آدم و حوا را به پای شجره نهی شده کشاند و با دروغ و نیرنگ آنان را به خوردن از آن شجره ترغیب کرد.

فضایل حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۷ - ۱۱، ۱۳

۱۱ - آدم (ع) ، نزد خداوند ارجمندتر از حوا بود .

عدو لک و لزوجک

هر چند که حوا نیز در ماجرای بهشت، با آدم(ع) هم سرنوشت بود ولی خداوند تنها حضرت آدم(ع) را مخاطب خود ساخته است. این ویژگی نشانه برتری آدم(ع) است.

۱۳ - آدم (ع) و همسرش حوا ، نزد خداوند مقامی رفیع داشتند .

اسجدوا لأدم .. إن هذا عدو لک و لزوجک

فرمان سجده بر آدم(ع) که در آیه قبل ذکر شد و هشدارهای خداوند به آدم(ع) در مورد دشمنی های ابلیس با او و حوا، نشانگر ارجمندی آن دو نزد خداوند است.

فلسفه انذار حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۷ - ۷

۷ - هشدار خداوند به آدم (ع) و حوا در مورد دشمنی شیطان با آنان ، بدان جهت بود که آنان گرفتار رنج و سختی نشوند .

فلا یخرجنکما من الجنه فتشقی

فلسفه خلقت حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اعراف - ۷ - ۱۸۹ - ۵

۵ خداوند حوا را آفرید تا

آدم (ع) در کنار او آرامش یابد .

لیسکن الیها

ضمیر در <الیها> به <زوج .. > و ضمیر در <لیسکن> به <نفس واحده> برمی گردد، ارجاع ضمیر مذکر به <نفس واحده> به اعتبار معنا و مقصود از آن (آدم) است.

فلسفه هبوط حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۶

۶ - هبوط آدم و حوا (ع) به زمین ، ملازم با ابقای تمامی نسل انسانی در آن است .

قال اهبطا .. بعضکم لبعض عدوًّا فإِما یأتینکم

ضمیر جمع در <بعضکم> و <یأتینکم> گویای این نکته است که هنگام صدور فرمان هبوط، ادامه یافتن زندگی بشر در زمین، قطعی بوده است.

قصه حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۴، ۳، ۲، ۱

۱ - خداوند ، به آدم (ع) و همسرش فرمان داد تا در بهشت سکونت کنند .

و قلنا یأدم اسکن أنت و زوجک الجنة

۲ - سکونت آدم (ع) و همسرش در بهشت پس از سجده فرشتگان بر آدم (ع) بوده است .

و إذ قلنا للملئکه اسجدوا لأدم .. و قلنا یأدم اسکن أنت و زوجک الجنة

۳ - حوا ، قبل از سکونت آدم (ع) در بهشت ، آفریده شده بود .

اسکن أنت و زوجک الجنة

۴ - ازدواج آدم (ع) و حوا پیش از سکونتشان در بهشت

يأدم اسكن أنت و زوجك الجنة

۹- آدم (ع) و حوا در صورت نزدیک شدن به شجره منهیه ، در معرض ارتکاب نهی الهی قرار

می گرفتند .

و لاتقربا هذه الشجرة

چنانچه مراد از <لاتقربا> (نزدیک نشوید) نهی از خوردن باشد، به کارگیری <لاتقربا> به جای <لا تاكلا> (نخورید) اشاره به این معنا دارد که: آدم(ع) و حوا در صورت نزدیک شدن به شجره ممنوعه در خطر ارتکاب نهی الهی قرار می گرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۱۹، ۱۳، ۱۲، ۷، ۵، ۴، ۳، ۱

۱ - شیطان با ترغیب آدم (ع) و حوا به بهره گیری از شجره منهیه ، آنان را به لغزش و نافرمانی خداوند کشانید .

فأزلهما الشيطان عنها

<ازلال> (مصدر ازل) به معنای: لغزاندن و به گناه واداشتن است. ضمیر در <عنها> می تواند به <الجنة> برگردد؛ یعنی، شیطان آدم(ع) و حوا را با واداشتن به لغزش و گناه از بهشت دور ساخت و نیز می تواند به <الشجرة> برگردد؛ یعنی، شیطان، آدم(ع) و حوا را به گناه وادار کرد، گناهی که سرچشمه اش آن درخت ممنوعه بود. برداشت فوق بر اساس دومین احتمال است.

۳ - شیطان و اغواگری های او سبب خروج آدم (ع) و حوا از بهشت شد .

فأخرجهما مما كانا فيه

۴ - خداوند ، پس از سلب شایستگی آدم (ع) و حوا برای سکونت در بهشت ، آنان را به خروج از بهشت و فرود آمدن به زمین فرمان داد .

و قلنا اهبطوا

هبوط (مصدر اهبطوا) به معنای فرود آمدن است. مفعول <اهبطوا> به دلیل جمله بعد، <الأرض> می باشد.

۵ - فاصله زمانی میان سکونت آدم (ع) و حوا در بهشت با لغزش آنان ، فاصله ای نسبتاً کوتاه و اندک بود .

و قلنا يادام

اسكن أنت و زوجك الجنة .. فأزلهما الشيطان عنها

عطف جمله <أزلهما ..> بر آیه قبل به وسیله حرف <فا> می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

۷- شیطان در بهشتِ آدم (ع) و حوا، حضور داشت .

فأزلهما الشيطان عنها

۱۲- خداوند در پی هبوط آدم (ع) و حوا، دشمنی فرزندانشان را با یکدیگر، به ایشان گوشزد کرد .

و قلنا اهبطوا بعضكم لبعض عدو

۱۳ تناول آدم (ع) و حوا از شجره ممنوعه ، مایه سلب شایستگی نسل آنان برای سکونت در بهشت نخستین شد . *

قلنا اهبطوا

خداوند در بیان اخراج آدم(ع) و حوا از بهشت و استقرار آن دو در زمین، خطاب خویش را - بر خلاف مقتضای طبیعی کلام - متوجه نسل آنان نیز کرد؛ تا به این نکته اشاره کند که: تناول آدم(ع) و حوا از شجره منیه در نسل ایشان نیز اثری به جای گذاشت که باعث شد آنان نیز، حیات خویش را در زمین سپری کنند.

۱۹ از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود: < انما كان لبث آدم و حوا في الجنة حتى خرجا من ها سبع ساعات من أيام الدنيا ... >

توقف آدم و حوا تا زمان خروجشان از بهشت هفت ساعت از روزهای دنیا بود ..>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۸ - ۴

۴- خداوند، به هنگام خروج آدم (ع) و حوا از بهشت، آنان و نسلشان را به بهره مند ساختن از هدایت ها و

رهنمودهایی از جانب خودش ، بشارت داد .

فإِذَا يَأْتِيكُمْ مَنِي هَدَى

<إِذَا> مرکب از <إِنْ> شرطیه و <مَا>ی زایده است. شرطیه بودن جمله از یکسو و تأکید آن با <مَا>ی زایده و نون تأکید در <يَأْتِيْنَ> از سوی دیگر، اقتضا می کند که جمله چنین معنا شود: اگر هدایتی از جانب من آمد که البته خواهد آمد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۹ - ۳،۴،۵

۱ خداوند به آدم(ع) و همسرش فرمان داد تا در بهشت سکونت گزینند.

و يَأْدَمُ أَسْكَنُ أَنْتَ وَ زَوْجَكَ الْجَنَّةَ

۳ خداوند، خوردن از درختی مخصوص را بر آدم و حوا تحریم کرد.

و لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ

مراد از <لَا تَقْرَبَا ..> به قرینه فراز قبل (فَكَلَا ...) و نیز (فَلَمَّا ذَاقَا ...) در آیه ۲۲، نهی از خوردن بوده است نه مجرد نزدیک شدن.

۴ خداوند هر گونه استفاده از شجره نهی شده را بر آدم و حوا ممنوع کرد. *

و لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ

نهی <لَا تَقْرَبَا> می تواند کنایه از حرمت هر گونه استفاده باشد.

۵ هشدار خداوند به آدم و حوا که در صورت خوردن از شجره نهی شده از ستمکاران خواهند بود.

و لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۰ - ۳،۴،۵،۷

۳ شرمگاه آدم و حوا مستور از دید یکدیگر پیش از خوردن از شجره نهی شده

لییدی لهما ما وری عنهما

۴ شرمگاه آدم و حوا مستور بر خود آنان تا پیش از خوردن از شجره

نهی شده

فوسوس لهما الشیطن لیبدی لهما ما وُری عنهما من سوء تهما

جمله <وری عنهما> می تواند دلالت کند بر این که شرمگاه آدم و حوا علاوه بر این که بر یکدیگر مستور بوده، برای خودشان نیز مخفی بوده است.

۵ شیطان در وسوسه آدم و حوا، بازماندن آنها از فرشته شدن و جاودانگی را دلیل تحریم خوردن از شجره نهی شده معرفی کرد.

إلا أن تکونا ملکین أو تکونا من الخلدین

۷ شیطان ایجاد کننده شبهه در ذهن آدم و حوا نسبت به تحریم شجره نهی شده بر آنان

ما نهیکما ربکما .. أو تکونا من الخلدین

برخی جمله <ما نهاکما ربکما ..> را چنین معنا کرده اند: این حرمت شامل شما نیست، مگر در صورتی که شما فرشته باشید و یا از جاودانان در بهشت، و شما نه فرشته اید و نه از جاودانان در بهشت. پس حرمتی بر شما نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۱ - ۲

۲ آدم و همسرش حوا، بی اعتماد به شیطان در نخستین مراحل رویارویی با وی

و قاسمهما إنی لکما لمن النصحین

معمولاً سوگند یاد کردن در مواردی است که طرف مقابل حالت انکار و ناباوری از خود ابراز کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۲۰، ۱۹، ۱۶، ۱۴، ۱۰، ۸، ۷، ۴، ۳، ۲

۲ آدم و حوا پس از نزدیک شدن به شجره نهی شده از آن درخت تناول کردند.

فلما ذاقا الشجره

۳ آدم و حوا حتی پس از سوگند ابلیس، نگران عواقب بهره گیری از شجره نهی شده

فلما ذاقا الشجره

كلمه <ذوق> كه به معنای چشیدن

است، می تواند اشاره به این نکته باشد که آدم و حوا با چشیدن از شجره نهی شده، و نخوردن از آن، در صدد امتحان برآمدند تا ببینند آیا اتفاق ناگواری رخ خواهد نمود.

۴ شرمگاه آدم و حوا به مجرد چشیدن از شجره نهی شده برای آنان آشکار شد.

فلما ذاقا الشجره بدت لهما سوء تهما

۷ سوگند، امری اطمینان بخش و زداینده شک و تردید برای آدم و حوا

و قاسمهما ... فدلیهما بغرور

۸ تلاش آدم و همسرش در پوشاندن شرمگاهشان با برگ درختهای بهشت

و طفقا یخصفان علیهما من ورق الجنه

کلمه <طفق> از افعال مقاربه، و به معنای <شروع کرد> است. قرار دادن قسمتی از دو یا چند چیز را بر یکدیگر و به هم دوختن آنها را خصف می گویند و چون <یخصفان> به <علی> متعدی شده، معنای نهادن نیز در آن تضمین شده است. یعنی آدم و حوا برگها را به یکدیگر متصل کردند و آنها را بر شرمگاه خویش نهادند.

۱۰ آدم و حوا پس از چشیدن از شجره نهی شده از آن دور شدند و با آن فاصله گرفتند.

و نادیهما ربهما ألم أنهکما عن تلکما الشجره

برداشت فوق با توجه به کلمه <تلک>، که برای اشاره به دور است، استفاده شده است.

۱۴ هشدار و تذکر پیشاپیش خداوند به آدم و حوا، در مورد دشمنی آشکار شیطان با آنان

و أقل لکما إن الشیطن لکما عدو مبین

۱۶ آدم و حوا، علی رغم هشدار شدید خداوند به دشمنی شیطان با آنان، سخنان وی را پذیرفتند.

فدلیهما بغرور فلما ذاقا الشجره

۱۹ عن أبی عبدالله(ع): ... فلما أکلا (آدم و حوا) من الشجره

طار الحلی و الحلل عن اجسادهما و بقیا عریانین ...

از امام صادق(ع) روایت شده است: .. چون آدم و حوا از آن درخت ممنوعه خوردند، زیور و پوشش آنها از بدنشان جدا شد و برهنه ماندند ...

۲۰ عن أبي عبدالله(ع) في قوله: <بَدت لهما سوءاتهما> قال: كانت سوءاتهما لا تبدو لهما یعنی کانت داخله.

از امام صادق(ع) درباره این جمله از آیه <بَدت لهما سوءاتهما> روایت شده است: عورت آدم و حوا نمایان نبود، یعنی: داخل بدنشان قرار داشت (و بعد از خوردن از درخت ممنوعه پدیدار شد).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۱،۴،۷

۱ آدم و حوا پس از توبیخ خداوند بر تناول از شجره نهی شده، به خطای خویش پی بردند و بدان اعتراف کردند.

قالا ربنا ظلنا أنفسنا

۴ آدم و حوا پس از اعتراف به لغزش خویش از خداوند خواستند تا گناهشان را بیامرزد و بر آنان ترحم کند.

قالا ربنا ظلنا أنفسنا و إن لم تغفر لنا و ترحمنا

۷ آدم و حوا خویشتن را به سبب خطا و لغزش از زیانکاران شمردند.

إن لم تغفر لنا و ترحمنا لنكونن من الخسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۴ - ۱،۱۰

۱ خداوند به آدم، حوا و شیطان فرمان داد تا از بهشت به زمین فرو آیند.

قال اهبطوا بعضکم لبعض عدو

مفعول <اهبطوا> به قرینه <و لکم فی الأرض مستقر> کلمه <الأرض> است.

۱۰ عن أبي عبدالله(ع) (فی قصه آدم و حوا): .. قال الله لهما: اهبطا من سماواتی إلى الأرض فإنه

لا یجاورنی فی جنتی عاص و لا فی سماواتی ...

از امام صادق(ع) (ضمن بیان داستان آدم و حوا) روایت شده است: خداوند به آدم و حوا فرمود: از آسمانهای من به زمین پائین روید؛ زیرا گنهکار نه در بهشت و نه در آسمانهایم در حریم من قرار نمی گیرد ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۸،۱۰

۸ آدم و حوا دارای پوشش عورت، قبل از فریفته شدن به وسوسه های شیطان

یتزع عنهما لباسهما

۱۰ شیطان، حتی به هنگام خروج آدم و حوا از بهشت، در صدد برهنه ساختن آنان بود. *

أخرج أبویکم من الجنة یتزع عنهما لباسهما

جمله < یتزع .. > حال برای فاعل < أخرج > است. یعنی شیطان به هنگام خروج آدم و حوا نیز برای بیرون آوردن لباس آنان در تلاش بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۹ - ۳،۴،۷،۸،۹،۱۰

۳ خداوند، همسر آدم (حوا) را از او آفرید.

جعل منها زوجها

برداشت فوق بر این اساس است که < من > در < منها > نشویه باشد. بر این مبنا < جعل منها زوجها > بیانگر این است که آدم(ع)، منشأ خلقت حوا بوده است.

۴ همسر آدم (حوا) انسانی همانند او در جنس و نوع

جعل منها زوجها

برداشت فوق مبتنی بر این است که < من > در < منها > جنسیه باشد. بنابراین جمله < جعل ... > گویای این است که زوج آدم انسان و از جنس و نوع او بوده است.

۷ حوادری آمیزش آدم با وی به باری سبک حامله

شد .

فلما تغشيتها حملت حملاً خفيفاً

<تغشی> یعنی <پوشانید> و در آیه کنایه از آمیزش است. ضمیر در <تغشی> به <نفس واحده> که مراد از آن آدم(ع) است برمی گردد.

۸ حوا در ابتدای حاملگی به خاطر ناچیز بودن حملش بدان بی توجه بوده و درباره آن اندیشه ای نداشت .

حملت حملاً خفيفاً فمرت به

ضمیر <به> به <حملاً>، که مراد از آن جنین است، برمی گردد. <مرورا>، مصدر <مرت>، به معنای گذر کردن و در آیه کنایه از بی اعتنایی است.

۹ آدم (ع) و حوا پس از سنگین شدن حوا بر اثر رشد جنینش ، به درگاه خدا به نیایش پرداختند .

فلما أثقلت دعوا الله ربهما

۱۰ آدم (ع) و حوا با نیایش به درگاه خدا از وی خواستند تا فرزندی سالم و شایسته بقا به آنان عنایت کند .

دعوا الله ربهما لئن آتیتنا صلحاً لنكونن من الشکرین

صالح در لغت به کسی یا چیزی گفته می شود که فساد در آن نباشد. و مراد از آن به مناسبت مورد، فرزند سالم و میرا از عیب و نقص است به گونه ای که استعداد زنده ماندن را دارا باشد. گفتنی است که جمله <فلما آتیهما صلحاً...> دلالت بر آن دارد که مراد از صالح، معنای متعارف در شرع (نیکوکار و پاکدامن) نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۰ - ۱،۴

۱ خداوند با پذیرش درخواست آدم (ع) و حوا، فرزندی سالم و شایسته به آنان عطا کرد .

دعوا الله ربهما لئن... فلما آتیهما صلحاً

آدم (ع) و حوا با مؤثر پنداشتن غیر خدا در آفرینش و تأمین سلامت کودکانشان، به شرک گراییدند.

فلما ءاتيهما صلحاً جعلاهما شرکاء لهما

برخی از مفسران به دلیل جمله <جعلاهما شرکاء> (برای او شریک قرار دادند) بر این نظر هستند که مراد از نفس واحده و همسرش، آدم(ع) و حوا نیستند؛ زیرا آنان منزله از شرکوری می باشند، بلکه مراد مطلق پدران و مادران می باشند. برخی دیگر بر این باورند که مراد از شرک در اینجا توجه به اسباب و علل طبیعی است، به گونه ای که با اخلاص کامل تنافی داشته ولی با اصل توحید ناسازگار نبوده و نسبت این معنا به آدم(ع) اشکالی ندارد.

کشف زشتیهای حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۷

۷ شیطان عامل برهنگی آدم و حوا و برملا سازنده زشتیهای آنان در بهشت

ینزع عنهما لباسهما لیریهما سوءتھما

کشف عورت حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۰ - ۲

۲ نمایان سازی شرمگاه آدم و حوا، از اهداف شیطان در فریبکاری و توطئه علیه آنان

فوسوس لهما الشیطن لیبدی لهما ما وُری عنهما من سوءتھما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۴

۴ شرمگاه آدم و حوا به مجرد چشیدن از شجره نهی شده برای آنان آشکار شد.

فلما ذاقا الشجره بدت لهما سوءتھما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- اعراف - ۷ - ۲۷ - ۹

۹ نشان

دادن شرمگاه آدم و حوا به آنان از اهداف شیطان در فریفتن و برهنه کردن ایشان

ینزع عنهما لباسهما لیریهما سوءتھما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۱۲،۲۴

۱۲ - آدم و حوا در پی مکشوف شدن عورت هایشان، سعی در پوشاندن آن با برگ درختان داشتند .

فبذت لھما سوءتھما و طفقاً یخصفان علیھما من ورق الجنّہ

<طفقاً>؛ یعنی، آغاز کردند و <خصف> هر گاه با <علی> متعدی شود، به معنای به هم دوختن چیزهایی و نهادن آن بر جایی خواهد بود؛ یعنی، آدم و حوا، برگ ها را به یکدیگر متصل کرده و آن را بر خود گرفتند.

۲۴ - > عن أبي عبد الله (ع) (فی حدیث) : فلما أسکن الله عزوجلّ آدم و زوجته الجنّہ قال لهما : . . . و لا تقربا هذه الشجرة . . . فلما أکلا من الشجرة طار الحلّی و الحلل عن أجسادھما و بقیا عریانین ؛

از امام صادق(ع) [ضمن حدیثی] روایت شده که فرمود: چون خداوند عزوجلّ آدم و همسرش را در بهشت جای داد، به آنان گفت: . . . نزدیک این درخت نشوید . . . و آنان چون از آن درخت خوردند، زیور و جامه ها از اندام آنان پرید و آنها عریان ماندند.

کفران حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۰ - ۵

۵ آدم (ع) و حوا به عهد خویش با خدا (سپاسگزاری از او در صورت اعطای فرزند صالح) وفا نکردند .

لنکونن من الشکرین . فلما ءاتیھما صلحاً جعلاً له شرکاء

کیفر

عصیان حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۴ - ۴

۴ هبوط آدم، حوا و شیطان به زمین، کیفر تخلف آنان از فرمان خدا

فدلیهما بغرور... قال اهبطوا بعضکم لبعض عدو

گرایشهای حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۰ - ۴

۴ آدم (ع) و حوا با مؤثر پنداشتن غیر خدا در آفرینش و تأمین سلامت کودکانشان، به شرک گراییدند.

فلما ءاتیهما صلحاً جعلاً له شرکاء فیما ءاتیهما

برخی از مفسران به دلیل جمله <جعلاً له شرکاء> (برای او شریک قرار دادند) بر این نظر هستند که مراد از نفس واحده و همسرش، آدم (ع) و حوا نیستند؛ زیرا آنان منزله از شرکوری می باشند، بلکه مراد مطلق پدران و مادران می باشند. برخی دیگر بر این باورند که مراد از شرک در اینجا توجه به اسباب و علل طبیعی است، به گونه ای که با اخلاص کامل تنافی داشته ولی با اصل توحید ناسازگار نبوده و نسبت این معنا به آدم (ع) اشکالی ندارد.

لغزش حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۵، ۱

۱ - شیطان با ترغیب آدم (ع) و حوا به بهره گیری از شجره منیه، آنان را به لغزش و نافرمانی خداوند کشانید.

فأزلهما الشیطن عنها

<ازلال> (مصدر ازل) به معنای: لغزاندن و به گناه واداشتن است. ضمیر در <عنها> می تواند به <الجنة> برگردد؛ یعنی، شیطان آدم (ع) و حوا را با واداشتن به لغزش و گناه از بهشت دور ساخت

و نیز می تواند به <الشجره> برگردد یعنی، شیطان، آدم(ع) و حوا را به گناه وادار کرد، گناهی که سرچشمه اش آن درخت ممنوعه بود. برداشت فوق بر اساس دومین احتمال است.

۵- فاصله زمانی میان سکونت آدم (ع) و حوا در بهشت با لغزش آنان، فاصله ای نسبتاً کوتاه و اندک بود.

و قلنا یأدم اسکن أنت و زوجک الجنه .. فأزلهما الشیطن عنها

عطف جمله <أزلهما ..> بر آیه قبل به وسیله حرف <فا> می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۳ - ۲

۲ خطا و لغزش آدم و حوا ستمی بود که آنان بر خویشان روا داشتند.

قالا ربنا ظلنا أنفسنا

مستوری عورت حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۰ - ۳،۴

۳ شرمگاه آدم و حوا مستور از دید یکدیگر پیش از خوردن از شجره نهی شده

لییدی لهما ما وُری عنهما

۴ شرمگاه آدم و حوا مستور بر خود آنان تا پیش از خوردن از شجره نهی شده

فوسوس لهما الشیطن لییدی لهما ما وُری عنهما من سوءتھما

جمله <وری عنهما> می تواند دلالت کند بر این که شرمگاه آدم و حوا علاوه بر این که بر یکدیگر مستور بوده، برای خودشان نیز مخفی بوده است.

مشکلات حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۷ - ۷

۷- هشدار خداوند به آدم (ع) و حوا در مورد دشمنی شیطان با آنان، بدان جهت بود که

آنان گرفتار رنج و سختی نشوند .

فلايخر جنكما من الجنة فتشقى

معلم حوا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۳ - ۱۳

۱۳ - خداوند دشمنی افراد بشر را با یکدیگر را به آدم و حوا (ع) گوشزد کرد و راه رهایی از پی آمدهای آن را به آنان آموخت .

بعضكم لبعض عدو... فمن اتبع هداى فلا يضلّ ولا يشقى

مکان هبوط حوا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۲۳

۲۳ از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود: > فأوحى الله تعالى إلى جبرئيل ان اهبطهما إلى البلده المباركه مكه فهبط بهما جبرئيل فألقى آدم على الصفا و ألقى حواء على المروه... ;

خداوند به جبرئیل وحی کرد که آدم و حوا را به شهر مبارک مکّه فرود آور. پس جبرئیل آدم (ع) را بر کوه صفا و حوا را بر کوه مروه فرود آورد...<.

نسل حوا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۶

۶ آدم و حوا پدر و مادر همه انسانها

كما أخرج أبويكم من الجنة

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - همه انسان ها و تمامی نژاد های بشر ، پدید آمده از یک زن و مرد (آدم و حوا)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى

نگرانی حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ -

۳ آدم و حوا حتی پس از سوگند ابلیس، نگران عواقب بهره گیری از شجره نهی شده

فلما ذاقا الشجره

کلمه <ذوق> که به معنای چشیدن است، می تواند اشاره به این نکته باشد که آدم و حوا با چشیدن از شجره نهی شده، و نخوردن از آن، در صدد امتحان برآمدند تا ببینند آیا اتفاق ناگواری رخ خواهد نمود.

نیازهای مادی حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۸ - ۲

۲ - آدم (ع) و حوا در بهشت مسکونی خود نیازمند خوراک و پوشاک بودند .

إِنَّ لَكَ أَلَاتٍ جُوعَ فِيهَا وَ لَا تَعْرِى

اختصاص یافتن فعل ها به آدم(ع) شاید به این جهت باشد که اصل سخن خداوند متوجه آدم(ع) بوده است و تنها در مواردی افعال تشبیه آمده که چاره ای جز آن نبوده است. بنابراین، حوا نیز مانند آدم(ع) از نظر غذا و پوشاک تأمین بود.

ویژگیهای خلقت حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۳

۳ - حوا، از جنس آدم (ع) و برابر با او، در اصل خلقت و در حقیقت و ویژگی های انسانی

خلقکم من نفس وحده ثم جعل منها زوجها

بیشتر مفسران بر این عقیده اند که مضمون آیه شریفه مانند مضمون آیه <و الله جعل لکم من أنفسکم أزواجاً و جعل لکم من أزواجکم بنین و حفده..>، (نحل (۱۶) آیه ۷۲) است. مقصود از آن بیان آفرینش نوع انسان و چگونگی پیدایش نسل آدمی و تکثیر نوع بشر است؛ نه این که حوا از یک تن

به نام آدم پدید آمده باشد و در نتیجه همه انسان ها از یک تن به وجود آمده باشند.

هبوط حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۱۲، ۲۲، ۲۴

۱۲ - خداوند در پی هبوط آدم (ع) و حوا، دشمنی فرزندانشان را با یکدیگر، به ایشان گوشزد کرد .

و قلنا اهبطوا بعضکم لبعض عدو

۲۲ از امام رضا (ع) روایت شده : > ... فتسلط علیه (آدم (ع)) الشیطان ... و تسلط علی حوا ... فأخرجهما اللّٰه عز و جل عن جنته فاهبطهما عن جواره إلى الأرض ... ;

... پس شیطان بر آدم (ع) ... و حوا مسلط گشت ... پس خدا آنان را از بهشت خود بیرون راند و از جوار خود به زمین فرو فرستاد ... <.

۲۴ رسول خدا (ص) فرموده اند : > حین أمر آدم (ع) أن یهبط ... هبط آدم و زوجته و هبط إبلیس و لازوجه له ... ;

آن هنگام که خداوند امر نمود به آدم که فرود آید .. آدم همراه با همسرش فرود آمد و ابلیس [هم] فرود آمد در حالی که همسری نداشت ... <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۸ - ۱

۱ - خداوند، پس از نافرمانی آدم (ع) و حوا، از آنان خواست تا از بهشت خارج شوند .

قلنا اهبطوا منها

درباره دلیل تکرار جمله <قلنا اهبطوا>

(آمدنش در این آیه و آیه ۳۶) چند نظر ایراد شده است. نبودن واو و دیگر حروف عطف در آیه مورد بحث، این نظر را تقویت می کند که: <قلنا اهبطوا> در آیه فوق، تأکید جمله <قلنا اهبطوا> در آیه ۳۶ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۱ - ۵

۵ عن الرضا(ع): .. و لم يكن آدم و حوا شاهدا قبل ذلك من يحلف بالله كاذبا <فدليهما بغرور> فاكلا منها ثقه بيمينه بالله و كان ذلك من آدم قبل النبوه و لم يكن ذلك بذنب كبير استحق به دخول النار

از امام رضا(ع) روایت شده است: .. آدم و حوا قبل از سوگند ابلیس، قسم دروغ به خداوند را مشاهده نکرده بودند و <ابلیس آنها را با فریب، فرود آورد> و با اعتماد به سوگند ابلیس، از آن درخت خوردند و این کار قبل از نبوت آدم(ع) بود و گناه کبیره ای که بدان مستحق آتش شود نبود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۴ - ۱۰، ۴

۱ خداوند به آدم، حوا و شیطان فرمان داد تا از بهشت به زمین فرو آیند.

قال اهبطوا بعضكم لبعض عدو

مفعول <اهبطوا> به قرینه <و لكم فى الأرض مستقر> کلمه <الأرض> است.

۴ هبوط آدم، حوا و شیطان به زمین، کیفر تخلف آنان از فرمان خدا

فدليهما بغرور .. قال اهبطوا بعضكم لبعض عدو

۱۰ عن أبى عبد الله(ع) (فى قصه آدم و حوا): .. قال الله لهما: اهبطا من سماواتى إلى الأرض فإنه لا يجاورنى فى جنتى

عاص و لافی سماواتی ...

از امام صادق(ع) (ضمن بیان داستان آدم و حوا) روایت شده است: خداوند به آدم و حوا فرمود: از آسمانهای من به زمین پائین روید زیرا گنهکار نه در بهشت و نه در آسمانهایم در حریم من قرار نمی گیرد ...

هشدار به حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۵ - ۱۳

۱۳ هشدار خداوند به آدم (ع) و حوا به این که در صورت تناول از شجره ممنوعه ، از ستمکاران خواهند شد .

و لاتقربا هذه الشجرة فتكونا من الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۹ - ۵

۵ هشدار خداوند به آدم و حوا که در صورت خوردن از شجره نهی شده از ستمکاران خواهند بود.

و لا تقربا هذه الشجرة فتكونا من الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۲ - ۱۴، ۱۶

۱۴ هشدار و تذکر پیشاپیش خداوند به آدم و حوا، در مورد دشمنی آشکار شیطان با آنان

و أقل لكما إن الشیطن لكما عدو مبین

۱۶ آدم و حوا، علی رغم هشدار شدید خداوند به دشمنی شیطان با آنان، سخنان وی را پذیرفتند.

فدلیهما بغرور فلما ذاقا الشجرة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۱ - ۴

۴- آدم و حوا (ع)، علی رغم هشدار شدید خداوند به دشمنی شیطان با آنان، تحت تأثیر سخنان او قرار گرفتند.

إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَ لِرِجَالِكَ

حوادث از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حوادث

آثار علم به حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۶ - ۱۳

۱۳ توجه به بحران های گذشته و برطرف شدن آن ، در پرتو امداد های الهی ، زمینه ساز گرایش به شکرگزاری خداوند در برابر نعمت های او

و اذکروا إذ أنتم قليل .. فاویکم ... لعلکم تشکرون

<لعل> متعلق به <اذکروا> است و بیانگر هدف از ضرورت به یاد داشتن مطالبی است که در آیه مطرح شد. از جمله مقایسه دو حالت قبل از هجرت و بعد از آن.

استماع حوادث قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱ - ۱

۱ - خداوند ، هشداردهنده به انسان ها و تشویق کننده آنان به شنیدن حوادث قیامت

هل أتیک حدیث الغشیه

استفهام در <هل أتاک> ، برای ترغیب به شنیدن پاسخ است و خطاب در آن، گرچه ممکن است به طور مستقیم متوجه پیامبر(ص) باشد ولی به دلیل سیاق آیات، مراد عموم انسان ها است.

انسان ها و حوادث قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱ - ۱

۱ - خداوند ، هشداردهنده به انسان ها و تشویق کننده آنان به شنیدن حوادث قیامت

هل أتیک حدیث الغشیه

استفهام در <هل أتاک>، برای ترغیب به شنیدن پاسخ است و خطاب در آن، گرچه ممکن است به طور مستقیم متوجه پیامبر(ص) باشد ولی به دلیل سیاق آیات، مراد عموم انسان ها است.

اهمیت احیای حوادث دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ -

۳ - لزوم زنده نگه داشتن یاد رویداد های خاطره انگیز دینی *

و الطّور

در صورتی که مراد از <الطور> کوه طور (محل وحی بر موسی(ع)) باشد، مورد سوگند قرار گرفتن آن در حقیقت وسیله ای برای زنده نگه داشتن این واقعیت تاریخی است.

اهمیت دانش تحلیل حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۲۰

۲۰ دانش و تحلیل رخداد ها و خبر ها و تأویل رؤیاها ، دانشی گران قدر است .

و كذلك مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِن تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۱

۱۱ دانش تعبیر رؤیاها و تحلیل حوادث ، دانشی گران قدر و از نعمت های خداوند است .

و علمتني من تأويل الأحاديث

بانك اطلاعات حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۹ - ۱۳

۱۳ کتاب مبین، مرکز اطلاعات جامع درباره تمامی موجودات هستی و تحولات آنهاست.

و ما تسقط .. و لا رطب و لا يابس إلا في كتب مبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶- اطلاعات و خبر های مربوط به حادثه ها و تحولات جوامع بشری ، دارای بانک اطلاعات و کتابی معین

و ما أهلکنا من قریه إلا و لها کتاب معلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۵ - ۳

۳ - همه امور هستی (آشکار و پنهان آن) ، ثبت شده در

کتابی روشن و خالی از ابهام در نزد خداوند

و ما من غائبه فی السماء و الأرض إلا فی کتب مبین

بشارت تحلیل حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۷

۷ دستیابی به دانش تعبیر رؤیا و تحلیل صحیح رخدادها، از بشارت های یعقوب (ع) به فرزندش یوسف

و کذلک .. یعلمک من تأویل الأحادیث

<احادیث> جمع حدیث است. راغب در مفردات در معنای کلمه حدیث گفته است: هر کلامی که با شنیدن و یا از طریق وحی چه در بیداری و چه در خواب به انسان برسد، به آن حدیث گفته می شود. بنابراین مراد از <الأحادیث> هم می تواند رؤیایها باشد و هم اخبار حوادث و رویدادها. <تأویل رؤیا>؛ یعنی، آن واقعیت خارجی که در خواب به نحوی جلوه گر می شود و خواب گویای آن است. <تأویل اخبار>؛ یعنی، علل تحقق حوادث و فرجام آنها.

تبیین حوادث قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۳ - ۱۴

۱۴ - تشریح حوادث قیامت و آینده مجرمان، زمینه ساز پیدایش تقوا و رفع غفلت از انسان

و کذلک أنزله .. لعلمهم یتقون أو یحدث لهم ذکرًا

حرف <کاف> در <کذلک> برای تشبیه است و آیات گذشته را نمونه ای از نزول آیات الهی برای ایجاد تقوا و تذکر، معرفی می کند.

تحصیل دانش تحلیل حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۸ - ۷

از خضر (ع) بود، علم تأویل و تحلیل حوادث و شناخت حقایق پشت پرده رخدادها بود.

هل أتبعك على أن تعلمن مما علمت .. سأبئتك بتأويل ما لم تستطع عليه صبرًا

تحلیل حوادث تاریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۷ - ۱۱

۱۱ بینش خدامحوری دست پروردگان پیامبران الهی، در تحلیل حوادث

و کاین من نبی قاتل معه ربیون .. و ثبت اقدامنا و انصرنا علی القوم الکافرین

چون <ربیون>، در عین استقامت و پایداری، پیروزی را از جانب خدا می دانند. (و انصرنا علی القوم الکافرین).

تحلیل غلط حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۵

۵ کفر و سرسختی در برابر حق، زمینه ساز انحراف در بینش و تفسیر غلط و نابجا از پدیده هاست.

و لو نزلنا .. لقال الذین کفروا إن هذا إلا سحر مبین

عنوان ساختن کفر در <الذین کفروا .. > بیان تأثیر کفر کافران در بینش غلط و منحرف آنان است. یعنی <کفر> موجب می گردد که پدیده ها بر خلاف حق و واقع تفسیر شوند.

تقدیر حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۴ - ۳

۳ تحقق جنگ بدر و پیروزی مسلمانان در آن نبرد، امری از پیش رقم خورده و تقدیر شده

لیقضی الله امرنا کان مفعولا

<أمراً> به معنای کار است و مراد از آن تحقق جنگ بدر و پیروزی مسلمانان در آن نبرد می باشد. فعل <کان> دلالت می کند که

ثبوت خبر <مفعولاً- > برای اسمش (تحقق جنگ بدر) از دیرباز تحقق پیدا کرده بود. و تحقق جنگ بدر از دیرباز، به قرینه <لیقضی >، به معنای تقدیر آن است. بنابراین <لیقضی الله ... > یعنی تا انجام پذیرد کاری که از پیش تقدیر شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۸ - ۱۰

۱۰ حوادث و وقایع را خداوند از پیش تقدیر و تعیین کرده است .

لکل أجل کتاب

<أجل > به معنای مدت و <کتاب > مصدر و به معنای اسم مفعول (مکتوب) است و در آیه شریفه به معنای امر تقدیر شده می باشد. بنابراین <لکل أجل کتاب >؛ یعنی، برای هر زمانی تقدیری ثابت شده است.

ثبت حوادث در لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۲ - ۲

۲ - هر رویداد ناگواری، چه آنچه در زمین رخ می دهد (مانند سیل، زلزله، قحطی، خشکسالی و ...) و (چه آنچه بر نفوس عارض می شود (مانند بیماری، نقص عضو، جراحت و ...))، قبلاً تعیین و در کتابی ثبت و درج شده است .

ما أصاب من مصیبه فی الأرض و لا فی أنفسکم إلا فی کتب من قبل أن نبرأها

حوادث تاریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۷ - ۴

۴ ضرورت کند و کاو در تحولات و حوادث اجتماعی تاریخی برای شناسایی قوانین و سنت های حاکم بر جوامع

قد خلت من قبلکم

سنن فسروا فف الارض فانظروا كفف كان عاقبه المكذبفن

جلد - نام سوره - سوره - آفه - ففش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۰ - ۱۸

۱۸ منزلت والاف گواهان بر حوادث تاریخی (شکست ها و پیروزی های مسلمانان) و بیانگران علل آن حوادث

و ففخذ منكم شهداء

چون در آفه شریفه متعلق شهادت ذکر نشده، می توان به قرینه آیات قبل که علل حوادث تاریخی را تحلیل کرده است چنین احتمال داد که مراد از شهفدان، گواهان شکستها و پیروزیهای مسلمانان باشند تا گواهی دهند آنجا که از خدا و رسولش پیروی شد و تقوا رعایت گردفد، مسلمانان پیروز شدند و آنجا که بر خود اعتماد کردند و از خداوند غافل شدند و بی تقوایی و بی صبری ففشه کردند، شکست خوردند.

حوادث قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آفه - ففش

۱۱ - انبفاء - ۲۱ - ۱ - ۴

۴- حسابرسی ، از رخدادهای مهم قیامت است .

اقترب للناس حسابهم

آغاز شدن سوره با طرح مسأله حسابرسی و بیان آن از میان دیگر رخدادهای قیامت، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آفه - ففش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۵ - ۵

۵ - طرح جزئیات حوادث قیامت در قرآن ، نشانه وحی بودن آن

فلا أقسم

جمله <إنه لقول رسول> در آیات بعد که سوگندهای مکرر در این آیات، مربوط به آن است از انتساب قرآن به فرستاده الهی حکایت دارد. حرف <فاء> در آفه شریفه، مجموعه را بر آیات ففشین تفریع کرده است که درباره حوادث قیامت بود؛ یعنی، حال که رخدادهای قیامت و آفنده

جهان را بیان کردیم، جای آن دارد که قرآن را به مبدأ وحی مربوط بدانید.

خطر حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۸ - ۷

۷- انسان ها ، همواره در معرض خطرات ناشی از رخداد های طبیعی اند .

ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِيَّاهُ فَلَمَّا نَجَّكُمْ إِلَى الْبَرِّ . . . يَخْسِفُ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلُ

دانش تحلیل حوادث یعقوب (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۴

۴ یعقوب (ع) برخوردار از نگرشی عمیق و بهره مند از فراستی خاص در تحلیل حوادث و به دور از زودباوری

قال بل سَوَّلْتُ لَكُمْ أَنْفُسَكُمْ أَمْرًا

دانش تحلیل حوادث یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶ - ۸، ۲۲ - ۷

۷ دستیابی به دانش تعبیر رؤیا و تحلیل صحیح رخدادها ، از بشارت های یعقوب (ع) به فرزندش یوسف

و كَذَلِكَ .. يَعْلَمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ

<احادیث> جمع حدیث است. راغب در مفردات در معنای کلمه حدیث گفته است: هر کلامی که با شنیدن و یا از طریق وحی چه در بیداری و چه در خواب به انسان برسد، به آن حدیث گفته می شود. بنابراین مراد از <الاحادیث> هم می تواند رؤیایها باشد و هم اخبارِ حوادث و رویدادها. <تأویل رؤیا> / یعنی، آن واقیعت خارجی که در خواب به نحوی جلوه گر می شود و خواب گویای آن است. <تأویل اخبار> / یعنی، علل تحقق حوادث و فرجام آنها.

۸ رؤیای یوسف ، موجب آگاهی یعقوب (ع)

به برگزیده شدن یوسف (ع) و دستیابی او به دانش تعبیر خواب و تحلیل صحیح حوادث شد.

إني رأيت أحد عشر .. كذلك يجتبيك ربك و يعلمك من تأويل الأحاديث

۲۲ حکیمانه بودن افعال خدا و آگاهی او به ویژگی های یوسف (ع)، موجب شد تا او را برگزیند و تعبیر رؤیا و تحلیل حوادث را به آن حضرت بیاموزد.

يجتبيك ربك .. إن ربك عليم حكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۵

۵ سرگذشت یوسف (ع) بیانگر دلیل و علت برگزیده شدنش از ناحیه خدا، یاد دادن تعبیر رؤیا و تحلیل حوادث به او و اعطای نعمت کامل به وی است.

يجتبيك ربك و يعلمك .. لقد كان في يوسف و إخوته آيات للسائلين

برداشت فوق، ناظر به این مطلب است که متعلق کلمه <آیات>، <اجتبا و گزینش یوسف(ع) و...> باشد که از جمله های <کذلک يجتبيك ربك و...> به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۱۹، ۱۶، ۱۵

۱۵ خداوند، آموزگار یوسف در تفسیر و تحلیل حوادث و تعبیر رؤیاها

و لنعلمه من تأويل الأحاديث

۱۶ آموزش تحلیل رخدادها و تأویل رؤیاها، هدف تقدیر الهی از کشاندن یوسف به خانه عزیز مصر

كذلك مكنا ليوسف في الأرض و لنعلمه من تأويل الأحاديث

<لام> در <لنعلمه> لام غایت است و بیانگر غرض و هدف متعلق می باشد.

۱۹ دانش یوسف (ع) به تعبیر و تأویل رؤیاها و تحلیل رخدادها، دانشی

مطلق و نامحدود نبود .

و لنعلمه من تأويل الأحاديث

برداشت فوق، با توجه به <من> که برای تبعیض است استفاده می شود. بنابراین <ولنعلمه...> یعنی: تا تحلیل بخشی از حوادث و تأویل برخی و یا نوعی از رؤیاها را به او یاد دهیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۷، ۱۰، ۹، ۸

۸ یوسف (ع) برخوردار از علم به تأویل رؤیاها و تحلیل حوادث

علمتني من تأويل الأحاديث

<احادیث> جمع حدیث است. صاحب مفردات در معنای کلمه حدیث گفته است: <هر کلامی که با شنیدن و یا از طریق وحی - چه در بیداری و چه در خواب به انسان برسد به آن حدیث گفته می شود>. بنابراین مراد از احادیث هم می تواند رؤیاها باشد و هم می تواند حوادث و رویدادها باشد.

۹ دانش یوسف (ع) به تعبیر و تأویل رؤیاها و تحلیل حوادث و رخدادها، دانشی مطلق و نامحدود نبود .

علمتني من تأويل الأحاديث

برداشت فوق با توجه به <من> که برای تبعیض است ، استفاده می شود.

۱۰ خداوند ، آموزگار یوسف (ع) در تأویل و تحلیل رؤیاها و حوادث

رب قد .. علمتني من تأويل الأحاديث

۱۷ برخورداری یوسف (ع) از قدرت و مکتب و بهره مندی او از دانش تعبیر رؤیاها و تحلیل حوادث ، پرتوی از ولایت خداوند بر او بود .

قده اتيتني من الملك و علمتني .. أنت ولي في الدنيا و الآخرة

ذکر حوادث تاریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ فرار هزاران تن از اقوام گذشته از دیار خویش به خاطر ترس از مرگ ، و میرانده شدن و دوباره زنده شدن آنان پس از مدتی از سوی خداوند

الم تر الى الذين .. ثم احياهم

۲ واقعه تاریخی آن قومی که از دیارشان خارج شدند و به امر خداوند مردند و سپس زنده شدند ، آیات الهی است .

بين الله لكم اياته .. الم تر الى الذين خرجوا

۸ دعوت خداوند به تعقل در واقعه قومی که مُردند و دوباره زنده شدند . (حوادث تاریخی)

الم تر الى الذين خرجوا من ديارهم وهم ألوف حذر الموت

۱۲ آگاهی ساختن انسان ها از تاریخ گذشتگان ، تفضّل خداوند بر آنان

الم تر الى الذين .. ان الله لذو فضل على الناس

<انّ الله> می تواند تعلیل برای نقل داستان و تاریخ باشد که در آیه بیان شده است.

۱۷ مُردگانی که به فرمان الهی زنده شدند ، در بُرهه ای دیگر از زمان به زندگی خویش ادامه دادند .

ثم احياهم انّ الله لذو فضل على الناس

آنگاه زنده شدن فضل الهی است که زنده شده برای مدّتی به حیات خویش ادامه دهد؛ بنابراین اگر بلافاصله پس از زنده شدن می مُردند، بعید به نظر می رسد که زنده شدن نشان تفضّلی بر آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۰ - ۲

۲ یادآوری ماجرای ابراهیم (ع) و زنده شدن مرغان ، باعث اطمینان به قدرت الهی ، بر احیای مردگان

و اذ قال ابرهيم ربّ ارنى كيف تحيى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۱ - ۲

۲ اهمیت یادآوری روزهای حساس و سرنوشت ساز

و اذ غدوت من اهلک تبویء المؤمنین

کلمه <اذ>، مفعول است برای کلمه ای محذوف از قبیل <اذکر> (بیاد آور).
جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۲ - ۳

۳ لزوم یادآوری و تحلیل حوادث تاریخی (نبرد احد) و عبرت از آن

اذ همّت طائفتان منکم ان تفشلا

بنابر اینکه کلمه <اذ>، مفعول فعلی مقدر، همانند <اذکر> (به یاد آور) باشد و یادآوری حوادث تاریخی، معمولاً برای عبرت گرفتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۰ - ۸

۸ یادآوری پیروزی های گذشته و توجه به گردش قانونمند تغییرات اجتماعی، برطرف کننده ضعف و اندوه جامعه ایمانی

و لا تهنوا و لا تحزنوا .. ان یمسسکم قرح فقد مسّ القوم قرح مثله و تلک الایام ن

بنابر اینکه <فقد مسّ القوم>، درباره شکست مشرکان در جنگ بدر باشد، خداوند برای از بین بردن اندوه و ضعف مؤمنان، پیروزی آنان را در جنگ بدر یادآوری کرده و همه را (چه شکست و چه پیروزی) برخاسته از مشیت خویش دانسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۴ - ۱۴،۱۵

۱۴ یادآوری گمراهی مؤمنان پیش از بعثت و هدایتشان در پرتو تعالیم پیامبر (ص)، عامل تقویت اراده آنان در تحمل

دشواری های مولود جنگ

اذ تصعدون و لا تلون ..

و لئن قتلتم فی سبیل اللّٰه ... لقد منّ اللّٰه علی المؤمنی

با توجّه به ارتباط این آیه و آیات مربوط به جنگ احد.

۱۵ یادآوری وضعیت نابهنجار (گمراهی آشکار) مردم پیش از بعثت، برانگیزنده توجّه و قدردانی از نعمت بزرگ رسالت پیامبر (ص)

لقد منّ اللّٰه ... و ان كانوا من قبل لفی ضلال مبین

جمله <ان كانوا...> به منزله دلیل است برای بزرگی نعمت رسالت. یعنی روشن است که پیش از بعثت پیامبر (ص) در چه منجلابی از گمراهی و ضلالت فرو رفته بودید و این پیامبر (ص) و تعالیم قرآنی بود که شما را هدایت کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۵ - ۴

۴ یادآوری خاطره پیروزی مسلمانان در پیکار بدر، التیام بخش رنج و آثار روحی دردناک شکست نبرد احد

اولمّا اصابکم مصیبه قد اصابتم مثلها

جمله <قد اصابتم مثلها>، که اشاره به پیروزی بزرگ مسلمانان در بدر است، بدان جهت ایراد شده که با یاد آن خاطره بزرگ، مسلمانان مصیبت احد را در مقایسه با پیروزی بدر کوچک شمرند و در نتیجه، رنج مصیبت احد را نادیده انگارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۴ - ۱۵

۱۵ لزوم تمجید و تقدیر از مؤمنان واقعی و یادآوری فعالیت های ایشان در شرایط سخت

المؤمنین. الذّین استجابوا ... و اتّبعوا رضوان اللّٰه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۵،۷

۵ قرآن، فراخوان مردم به درس آموزی

و عبرتگیری از رخداد های تاریخی

و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم بالحق

۷ داستان قربانی فرزندان آدم ، به گونه ای که در قرآن بیان شده ، گزارشی واقعی و به دور از هرگونه باطل

و اتل علیهم نبأ ابنی ءادم بالحق

در برداشت فوق <بالحق> متعلق به <اتل> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۴ - ۱۶

۱۶ - داستان سجده فرشتگان بر آدم (ع) و امتناع ابلیس از آن کار ، داستانی آموزنده و شایسته و بایسته همیشه به خاطر داشتن

و إذ قلنا للملئکه ... و کان من الکفرین

<اذ> مفعول برای <اذکر> (فراگیر و همواره به خاطر داشته باش) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۹ - ۲

۲ عبور فردی (عزیر) در ضمن سفر از قریه ویران شده ای که دیوار های آن روی سقفهایش فروریخته و مشاهده مردگان و پرسش وی از خداوند درباره چگونگی زنده شدن آنان

او کالذی مرّ علی قریه و هی خاویه علی عروشها

بسیاری از مفسران برآنند که داستان ذکر شده درباره عزیر پیامبر است؛ گرچه برخی آن را به ارمیا نسبت داده اند. گفتنی است که جمله <خاویه علی عروشها> را برخی به معنای خالی از سکنه و برخی مخروبه و فروپاشیده دانسته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۰ - ۲

۲ سرگذشت لوط پیامبر در مبارزه علیه فحشا و فرجام شوم قوم زشتکار او ، سرگذشتی پندآموز و شایسته یادآوری

و لوطاً إذ قال

چنانچه

<لوطاً> مفعول برای فعل مقدر <اذکر> باشد، کلمه <إذ> بدل اشمال برای لوطاً است و اگر لوطاً مفعول برای <أرسلنا> گرفته شود، <إذ> مفعول برای فعل مقدر <اذکر> خواهد بود، که بر این مبنا تقدیر جمله چنین است: أرسلنا لوطاً اذکر إذ قال . . . بنا بر هر دو احتمال، لزوم یادآوری داستان لوط و قومش به دست می آید. گفتنی است هدف از یادآوری سرگذشت پیشینیان، عبرت آموزی و پندگیری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۱۱

۱۱ داستان مناظره دو گروه پرهیزکننده از صید ماهی در میان یهودیان (موعظه گران و تارکان نهی از منکر) داستانی آموزنده و شایان به یاد داشتن . *

إذ قالت أمه منهم لم تعظون . . . قالوا معذرة إلی ربکم

برداشت فوق مبتنی بر این است که <إذ قالت . . . > متعلق به فعل محذوف <اذکر> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۷ - ۱۰

۱۰ تقدیر الهی بر ذلت یهودیان متمرّد ، امری عبرت آموز و شایان به یاد داشتن

و إذ تأذن ربک لیبعثن

برداشت فوق با توجه به فعل مقدر <أذکر> استفاده شده است ؛ یعنی: <أذکر إذ تأذن ربک . . . >

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۲ - ۱۲

۱۲ وقوع جنگ بدر و پیروزی مسلمانان در آن ، علی رغم موقعیت ضعیف آنان ، حادثه ای شایسته و بایسته به خاطر سپردن و همواره به یاد داشتن

إذ أنتم بالعدوه الدنيا . . . و

لو تواعدتم لاختلفتم فی الميعد

برداشت فوق بر این اساس است که <إذ> مفعول برای فعل مقدر، یعنی <اذکروا> باشد. مفسران برآنند که از اهداف شرح موقعیت جنگ بدر یادآوری ضعف مسلمانان و برتری کافران است که علی رغم آن با پیروزی مسلمانان پایان یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۴ - ۸

۸ کم نمایاندن هر یک از دو سپاه در جنگ بدر در نظر یکدیگر، امری شایسته و بایسته به یاد داشتن

إذ یریکموهم إذالتقیم فی أعینکم قليلا و یقللکم فی أعینهم

برداشت فوق مبتنی بر این است که <إذا> مفعول برای فعل مقدر <اذکروا> باشد.

ذکر حوادث تاریخی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۳ - ۵،۶

۵ یادآوری پیکار احد و علل شکست مسلمانان در آن، وظیفه مؤمنان

اذ تصعدون و لا تلون علی احد

بنابر اینکه <اذ تصعدون> متعلق به <اذکروا> باشد.

۶ یادآوری علل عدم موفقیت در صحنه های اجتماعی، از شیوه های قرآن برای ارشاد مؤمنان به روش حضور پیروزمندانه در آن صحنه ها

اذ تصعدون و لا تلون علی احد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۱۳

۱۳ پیروزی مجاهدان بدر علی رغم ناتوانی آنان حادثه ای عبرت آموز و شایسته بیاد داشتن

و إذ یقول المنفقون .. و من یتوکل علی الله فإن الله عزیز حکیم

برداشت فوق بر این اساس است که <إذ> مفعول برای <اذکروا> باشد.

ذکر حوادث تاریخی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال

۱۳ پیروزی مجاهدان بدر علی رغم ناتوانی آنان حادثه ای عبرت آموز و شایسته بیاد داشتن

و اذ يقول المنفقون ... و من يتوكل على الله فإن الله عزيز حكيم

برداشت فوق بر این اساس است که <اذ> مفعول برای <اذکروا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۳ - ۵،۶

۵ یادآوری پیکار احد و علل شکست مسلمانان در آن ، وظیفه مؤمنان

اذ تصعدون و لا تلون علی احد

بنابر اینکه <اذ تصعدون> متعلق به <اذکروا> باشد.

۶ یادآوری علل عدم موفقیت در صحنه های اجتماعی ، از شیوه های قرآن برای ارشاد مؤمنان به روش حضور پیروزمندانه در

آن صحنه ها

اذ تصعدون و لا تلون علی احد

روش تحصیل دانش تحلیل حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۸ - ۸

۸- روشِ آموختنِ علم تأویلِ حوادث و شناخت علل اصلی رخداد های هستی ، روشی تجربی و عملی است .

سَأْتِيكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا

روش مصونیت از حوادث ناگوار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۴ - ۸

۸ ضرورت عبرت گیری از حوادث گذشته برای مصون ماندن از گرفتاری در حوادثی نظیر آن

هل ءامنکم علیه إلا کما أمنتکم علی أخیه من قبل

رؤیا و حوادث آینده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۳ - ۱

۱ پیامبر (ص) پیش از جنگ بدر سپاه دشمن را در رؤیاهایی متعدد، اندک دید.

إذ

یریکهم الله فی منامک قلیلا

فعل مضارع <یُرى> دلالت بر تکرار رؤیای پیامبر(ص) در مورد اندک دیدن سپاه دشمن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۹

۹ رؤیاها می تواند بیانگر خبرها و وقوع حوادثی از آینده باشد .

ینی رأیت أحد عشر .. لاتقصص رءیاک علی إخوانک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۱ - ۸

۸ رؤیا ، می تواند صورت و نمودی از حوادث و دریچه ای برای آگاهی به آینده باشد .

فیستقی ربه خمراً .. فیصلب فتأکل الطیر من رأسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۹ - ۵،۶

۵ رؤیاها ، می تواند نمایانگر و بازگو کننده رخداد های آینده باشد .

یوسف أیها الصدیق أفتنا .. قال تزرعون ... ثم یأتی من بعد ذلک عام

۶ رؤیاها می تواند دربردارنده الهامات و رموزی راهگشا برای انسان ها باشد .

یوسف أیها الصدیق أفتنا .. قال تزرعون ... ثم یأتی من بعد ذلک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۰ - ۱۰

۱۰ رؤیاها می تواند گویای واقعتهایی بوده و کاشف حقایقی از آینده باشند .

قال یأبت هذا تأویل رءیی من قبل

رؤیت حوادث قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۶ - ۳

۳ - صحنه قیامت ، آشکار و مکشوف در برابر دیدگان تمام انسان ها

کأنهم یوم یرونها

زمان حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۸ - ۱۲

۱۲ حوادث و وقایع دارای نظامی خاص و معین و هر کدام در ظرف و زمان خاص خود تحقق می پذیرد .

لکل أجل کتاب

سوگند به حوادث قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۳ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند ، به ناظران و امور مشهود در قیامت

و شاهد و مشهود

شهاده^۲ یعنی، حاضر بودن همراه با مشاهده بصری یا بصیرتی و گاه به حضور بدون آن نیز گفته می شود (مفردات راغب).
لفظ <شاهد و مشهود> به قرینه سوگند بر آنها نکره هایی اند که از آنها عموم اراده شده است تا سوگند به آن بیهوده نباشد
و بعید نیست که عظمت آن دو نیز استفاده شود. در این صورت مراد عظمت شهادت مربوط به آنها است تا بر احتمالات
گوناگونی که درباره مصداق آن دو گفته شده است، قابل تطبیق باشد.

۲ - ناظران صحنه قیامت و حوادث آن روز ، دارای عظمتی در خور سوگند خداوند

و شاهد و مشهود

شرایط پیدایش حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۷ - ۱

۱ هر حادثه ای در ظرف زمانی و شرایط ویژه خود حتماً اتفاق می افتد.

لکل نبیا مستقر

<نبأ> مصدر است و در این آیه ظاهراً به معنی اسم مفعول، یعنی <منبأ به>، به کار رفته است.

شرایط تحصیل دانش تحلیل حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۸ - ۱۰

۱۰- برخورداری از علم تأویل و تحلیل حوادث و مصاحبت با عالمانی

مانند خضر (ع)، نیازمند صبری برتر از صبر موسی (ع) و طاقتی افزون تر از طاقت او است.

سَأْتِبُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا

شگفتی حوادث آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۱ - ۴

۴ - آسمان، آفریده ای شگفت است و تجدید حوادث آن بر شگفتی اش افزوده است.

و السماء ذات الرجع

سوگند خداوند به هر چیز، حاکی از عظمت آن است.

شگفتی حوادث قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱ - ۳

۳ - قیامت، روزی بزرگ و هنگامه حوادث و رخداد های شگفت است.

حدیث الغشیه

<غاشیه> به معنای داهیه (کار بزرگ) است (نهایه ابن اثیر) و همان گونه که در موارد بد و ناخوشایند به کار می رود، در موارد خوب نیز استعمال می شود و قیامت به همین مناسبت <غاشیه> نامیده شده است. استفهام از شنیدن خبر قیامت، نشانگر این است که در آن روز، حادثه هایی قابل توجه و سزاوار بازگو کردن و شنیدن به وقوع خواهد پیوست.

عظمت حوادث قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱ - ۳

۳ - قیامت، روزی بزرگ و هنگامه حوادث و رخداد های شگفت است.

حدیث الغشیه

<غاشیه> به معنای داهیه (کار بزرگ) است (نهایه ابن اثیر) و همان گونه که در موارد بد و ناخوشایند به کار می رود، در موارد خوب نیز استعمال می شود و قیامت به همین مناسبت <غاشیه> نامیده شده است. استفهام از شنیدن خبر

قیامت، نشانگر این است که در آن روز، حادثه‌هایی قابل توجه و سزاوار بازگو کردن و شنیدن به وقوع خواهد پیوست.

عوامل مؤثر در حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۱۳

۱۳ تلاش یوسف (ع) برای متوجه ساختن پادشاه مصر به نقش تعیین کننده سنن و اراده الهی در شکل گیری حوادث و رخدادها

ذلك ليعلم .. ان الله لا يهدى كيد الخائنين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۶ - ۱۲

۱۲ - اعمال انسان ها ، در برخی رخداد های تکوینی عالم ، دارای نقش و تأثیر است .

تصبيهم سيئه بما قدمت ايديهم

قانونمندی حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۷ - ۵

۵ هیچ حادثه ای در جهان به طور صدفه و خارج از نظام علیت به وقوع نمی پیوندد.

لكل نيا مستقر

جمله <لكل نيا> بیان یک قضیه محصوره به صورت موجهه ای کلیه است. بنابراین هیچ <مخبر عنه> از کلیت آن خارج نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۸ - ۱۲

۱۲ حوادث و وقایع دارای نظامی خاص و معین و هر کدام در ظرف و زمان خاص خود تحقق می پذیرد .

لکل أجل کتاب

کافران و حوادث طبیعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۷ - ۲

۲ - کافران و ناباوران به رستاخیز، در زندگی فاقد تکیه گاه مطمئن بوده و در مواجهه با حوادث،

زود خود را می بازند و دچار یأس و احساس حرمان می شوند .

لو نشاء .. فظلمت تفكّهون . إنا لمغرمون . بل نحن محرومون

روی سخن در این آیات، با کافران و کسانی است که در برابر مسأله معاد، موضع گیری ناباورانه دارند.

مرفهان و حوادث قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۷

۷ - رفاه زدگان و ذلت پنداران فقر ، تنها به هنگام مواجه شدن با حوادث قیامت ، به خطای خویش پی برده ، حقیقت را در خواهند یافت .

فأما الإنسان إذا ما ابتليه .. يومئذ يتذكر الإنسان

مکذبان قیامت و حوادث طبیعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۷ - ۲

۲ - کافران و ناباوران به رستخیز ، در زندگی فاقد تکیه گاه مطمئن بوده و در مواجهه با حوادث ، زود خود را می بازند و دچار یأس و احساس حرمان می شوند .

لو نشاء .. فظلمت تفكّهون . إنا لمغرمون . بل نحن محرومون

روی سخن در این آیات، با کافران و کسانی است که در برابر مسأله معاد، موضع گیری ناباورانه دارند.

منافقان مدینه و حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۰ - ۶،۷

۶ - منافقان مدینه ، در عین ترس از حضور در مدینه ، به هنگام حمله دشمن ، دوست داشتند از اخبار مربوط به مسلمانان آگاه باشند .

وإن يأت الأحزاب يوّدوا لو أنّهم بادون في الأعراب يسئلون عن أنبائكم

٧ - منافقان مدينه ، به پی

گیری تحولات و رخداد های مدینه ، علاقه مند بودند .

يسئلون عن أنبائكم

منشأ حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۲۷

۲۷ - هیچ فعل و انفعالی در جهان ، خارج از خواست و اختیار خدا تحقق نمی یابد .

و ما هم بضارین به من أحد إلا بإذن الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۸ - ۱۱

۱۱ نکوهش و تحقیر کسانی که خداوند را محور همه حوادث عالم نمی دانند و آن را درک نمی کنند .

فمال هؤلاء القوم لا یکادون یفقهون حدیثا

از مصادیق مورد نظر برای < حدیثا > ، خدامحوری حوادث عالم است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۱ - ۴

۴ حوادث خطر آفرین و مشکل زا ، از ناحیه خداوند است و به فرمان او جریان دارد .

یحفظونه من أمر الله

< من > در < من أمر الله > می تواند سببیه باشد. در این صورت < یحفظونه من أمر الله > ؛ یعنی، او را حفظ می کنند و این به خاطر فرمان خداوند به آن فرشتگان است. و می تواند به معنای < در برابر > باشد. بر این مبنا مراد از < أمر الله > حوادث و خطر هاست و چون اینها به فرمان خدا تحقق یافته اند، به آن < أمر الله > گفته شده است. بر این اساس < یحفظونه من أمر الله > ؛ یعنی، او را از خطر ها حفظ می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰- کھف - ۱۸ - ۸۲ - ۲۵

۲۵- مصائب و حوادث جهان ، دارای توجیه و

تفسیر دقیق و ریشه دارند .

ذَلِك تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا

مجموع داستان موسی و خضر(ع) این نکته را روشن می کند که حوادث غیر مترقبه و رخدادهای مثبت و یا منفی را نباید گتره ای پنداشت، بلکه دستی غیبی در کار است تا حوادث را به این شکل سامان بخشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۱ - ۶

۶- علل و اسباب حوادث عالم ، منحصر به علل طبیعی و عادی نیست .

قال رَبِّكَ هُوَ عَلِيُّ هَيْنِ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۶

۶ - قدرت خداوند ، بر جهت دادن حوادث به سمت تحقق اراده خود

أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ . . . وَ حَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ . . . فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ

چنان که گفته شد فرعون به بهانه نابود کردن موسی(ع)، فرزندان بنی اسرائیل را سر می برید و ولی خداوند حوادث را به گونه ای تنظیم کرد که موسی(ع) تحت حمایت خود فرعون قرار گیرد و در کاخ او رشد کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۷ - ۳۱

۳۱ - رخداد مطلقه شدن زینب و ازدواج اش با پیامبر (ص) از جمله حوادثی است که براساس خواست خداوند ، تحقق پیدا کرده است .

فَلَمَّا قَضَىٰ زَيْدٌ مِنْهَا وَطْرًا زَوَّجْنَاهَا . . . وَ كَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۲ - ۱

۱ - هیچ حادثه ناگواری در زندگی بشر، اتفاقی و از روی تصادف نیست .

ما أصاب

من مصيبه في الأرض ولا في أنفسكم إلا في كتب

منشأ حوادث پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۱ - ۵،۹

۵ تحلیل غلط و جاهلانه فرعونیان از ریشه یابی رخداد های خوشایند و ناخوشایند ، موجب بی تأثیری بلا ها و مصیبت ها در هدایت شدن و تذکر یافتن آنان شد .

و لقد أخذنا .. یطیروا بموسی و من معه

جمله <فإذا جاءتهم ... > با توجه به ترتب آن بر آیه قبل، در حقیقت پاسخ به این سؤال است که چرا ایجاد زمینه های هدایت (لقد أخذنا ... لعلهم یدّکرون) در فرعونیان تأثیر نداشت. آیه مورد بحث در مقام پاسخ ، تحلیل غلط آنان را از موانع هدایت و تذکریابی، بیان می کند.

۹ تحلیل فرعونیان در ریشه یابی رخداد های خوشایند و ناخوشایند (میمنت خویش و نحوست موسویان) ، تحلیلی جاهلانه و نادرست بود .

و لکن اکثرهم لا یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۱ - ۵،۹

منشأ نجات از حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۷ - ۷

۷- نجات از خطراتی که مرگ قطعی برای انسان می آورد ، تنها به عنایت خداوند امکان پذیر است .

و إذا مسکم الضرّ فی البحر ضلّ من تدعون إلاّ إیّاه فلما نجّکم إلی البرّ

موانع تکرار حوادث ناگوار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۴ - ۷

۷ جواز یادآوری سوء سابقه افراد به آنان

و ترتیب اثر دادن به آن ، به منظور جلوگیری از تکرار وقایع ناخوشایند

هل ءامنکم علیه إلاّ کما أمنتکم علی أخیه من قبل

موسی(ع) و دانش تحلیل حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۸ - ۹

۹- موسی (ع) بر روش آموختن علم تأویل حوادث ، شکیبایی نداشت .

سأبئنک بتأویل ما لم تستطع علیه صبرًا

نعمت دانش تحلیل حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۱ - ۱۷

۱۷ علم تعبیر خواب و دانش تحلیل حوادث ، از نعمت های خداوند است .

کذلک .. و لنعلّمه من تأویل الأحادیث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۱ - ۱۱

۱۱ دانش تعبیر رؤیا ها و تحلیل حوادث ، دانشی گران قدر و از نعمت های خداوند است .

و علمتی من تأویل الأحادیث

نقش حوادث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۸ - ۶

۶- رخداد های طبیعی مرگ آفرین ، وسیله ای برای تنبه انسان ها و عاملی در جهت تربیت آنان

أفأمنتم أن يخسف بكم جانب البرّ أو يرسل عليكم حاصبًا

از اینکه خداوند به کسانی که پس از رهیدن از خطر، از خدا اعراض می کنند، هشدار می دهد که هیچ گاه نباید احساس ایمنی کنند، استفاده می شود که توجه به آن رخدادها، می تواند عاملی باشد برای تنبه و تربیت انسانها.

نقش حوادث طبیعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۵ - ۴

حوادث طبیعی ، مجاری تحقق اراده الهی است . *

فأخذهم الطوفان .. فأنجیناه و أصحاب السفینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۳ - ۸

۸ - استفاده از رخداد های طبیعی قابل مشاهده و محسوس ، برای جلب توجه مردم به خداوند ، از روش های هدایتی قرآن است .

و لئن سألتهم من نزل من السماء ماء فأحیا به الأرض .. ليقولنَّ الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۴ - ۷۸

۷ - آیه بودن رخداد های طبیعی ، برای کسانی قابل درک است که قوه عقلانی خویش را به کار می گیرند .

و من آياته يريكم البرق ... و ينزل من السماء ماء فيحيي به الأرض ... إنَّ في ذلك

۸ - پدیده های طبیعی ، مانند برق و باران و رویش گیاهان ، از منابع خداشناسی است .

يريكم البرق .. إنَّ في ذلك لآيت لقوم يعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۶ - ۵

۵ - رخداد های طبیعی ، از مجاری فعل خداوند است .

فأرسلنا عليهم سيل العرم

این که خداوند جاری شدن سیل را (سیلی که باغ ها را تبدیل به درختان گز کرد) به خود نسبت داده است، حکایت از نکته یاد شده دارد.

حوادث طبیعی

کافران و حوادث طبیعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۷ - ۲

۲ - کافران و ناباوران به رستاخیز، در زندگی فاقد تکیه گاه مطمئن بوده و در مواجهه با

حوادث ، زود خود را می بازند و دچار یأس و احساس حرمان می شوند .

لو نشاء .. فظلمتم تفكّهون . إنا لمغرمون . بل نحن محرومون

روی سخن در این آیات، با کافران و کسانی است که در برابر مسأله معاد، موضع گیری ناباورانه دارند.

مکذبان قیامت و حوادث طبیعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۷ - ۲

۲ - کافران و ناباوران به رستخیز ، در زندگی فاقد تکیه گاه مطمئن بوده و در مواجهه با حوادث ، زود خود را می بازند و دچار یأس و احساس حرمان می شوند .

لو نشاء .. فظلمتم تفكّهون . إنا لمغرمون . بل نحن محرومون

روی سخن در این آیات، با کافران و کسانی است که در برابر مسأله معاد، موضع گیری ناباورانه دارند.

نقش حوادث طبیعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۵ - ۴

۴ - حوادث طبیعی ، مجاری تحقق اراده الهی است . *

فأخذهم الطوفان .. فأنجیناه و أصحاب السفینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۳ - ۸

۸ - استفاده از رخداد های طبیعی قابل مشاهده و محسوس ، برای جلب توجه مردم به خداوند ، از روش های هدایتی قرآن است .

و لئن سألتهم من نزل من السماء ماء فأحيا به الأرض .. ليقولنّ الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - آیه بودن رخدادهای طبیعی ، برای کسانی قابل درک است

که قوه عقلانی خویش را به کار می گیرند .

و من آیته یریکم البرق . . . و ینزل من السماء ماء فیحیی به الأرض ... إن فی ذلک

۸ - پدیده های طبیعی ، مانند برق و باران و رویش گیاهان ، از منابع خداشناسی است .

یریکم البرق . . . إن فی ذلک لآیت لقوم یعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۶ - ۵

۵ - رخداد های طبیعی ، از مجاری فعل خداوند است .

فأرسلنا علیهم سیل العرم

این که خداوند جاری شدن سیل را (سیلی که باغ ها را تبدیل به درختان گز کرد) به خود نسبت داده است، حکایت از نکته یاد شده دارد.

حواریون از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حواریون

آمادگی حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۹

۹ - حواریون به دعوت عیسی (ع) ، پاسخ مثبت داده و برای یاری او اعلام آمادگی کردند .

قال الحواریون نحن أنصار الله

اخلاص حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۱ - ۶

۶ ایمان خالصانه حواریون از جمله نعمت های ارزانی شده خداوند بر حضرت مسیح (ع)

اذکر نعمتی . . . و اذ اوحیت إلی الحواریون ان ءامنوا بی و برسولی قالوا ءامنا

امام رضا(ع) در پاسخ سؤال از سبب نامگذاری حواریون به این نام فرمود: . . . لانهم كانوا مخلصین فی انفسهم و مخلصین لغيرهم من اوساخ الذنوب بالوعظ و التذکیر . . . <

عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۷۹، ح ۱۰، ب ۳۲، نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۹۰، ح

الگوگیری از حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۴،۵

۴ - خداوند ، از مؤمنان می خواهد در یاری او مانند حواریون عیسی (ع) باشند .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ .. قَالَ الْحَوَارِيُّونَ

۵ - حواریون عیسی (ع) ، نمونه و الگوی خوبی برای اهل ایمان در یاری خدا ، پیامبر (ص) و دین او

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنصَارَ اللَّهِ

الهام به حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۱ - ۱،۲

۱ خداوند در الهام به حواریون پس از قصه مائده ، آنان را به ایمان به خود و رسولش مسیح فراخواند .

و اذ اوحیت إلی الحواریون ان ءامنوا بی و برسولی

ظاهراً < اذ قال .. > در آیه بعد که بیانگر داستان نزول مائده آسمانی است ظرف برای < اوحیت > می باشد بنابراین مفاد آیه چنین می شود: الهام خداوند به حواریون پس از جریان مائده بوده است.

۲ حواریون ، بهره مند از وحی و الهام خداوند

و اذ اوحیت إلی الحواریون

تفسیر < اوحیت > در آیه فوق به الهام خداوند، با فرمایش منقول از امام باقر(ع) تأیید می شود که فرمود: اللهموا.

امدادهای حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۴

۴ - خداوند ، از مؤمنان می خواهد در یاری او مانند حواریون عیسی (ع) باشند .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا

كونوا أنصار الله كما قال عيسى ابن مريم . . قال الحواريون

انقياد حواريون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۱ - ۴،۷،۸،۹

۴ دستیابی حواریون به مقام تسلیم و ایمانی راستین در پی پذیرش دعوت خاص خداوند .

قالوا ءامنا

۷ تسلیم در برابر دستورات خداوند و رسولش مسیح (ع) از ویژگی های بارز حواریون مسیح

و اشهد باننا مسلمون

جمله <ءامنوا بی و برسولی> حکایت از آن دارد که متعلق <مسلمون> اوامر خدا و رسول او حضرت مسیح است.

۸ حواریون پس از اظهار ایمان خالصانه ، از خداوند خواستند تا بر نیلشان به مقام تسلیم گواه باشد .

و اذ اوحیت . . و اشهد باننا مسلمون

۹ حواریون عیسی (ع) از وی خواستند تا به تسلیمشان در برابر خدا و رسولش گواه باشد .

قالوا ءامنا و اشهد باننا مسلمون

برداشت فوق بر این اساس است که مخاطب فعل <اشهد> حضرت عیسی(ع) باشد. نیاوردن ربنا و مانند آن در مقام درخواست از خداوند می تواند مؤید این احتمال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۲ - ۶

۶ حواریون عیسی (ع) تا قبل از نزول مائده ، در مراحل پایین ایمان و فاقد روحیه تسلیم در برابر خدا بودند .

اذ قال الحواریون یعیسی ابن مريم . . قال اتقوا الله ان کنتم مؤمنین

انگیزه حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۳ - ۱،۲،۳،۴

۱ تناول از غذای آسمانی و اطمینان به توانایی خداوند از انگیزه

های حواریون برای درخواست مائده آسمانی

قالوا نريد ان نأكل منها و تطمئن قلوبنا و نعلم ان قد صدقتنا

۲ یقین به رسالت عیسی (ع) و تبلیغ آن با گواه بودن بر نزول مائده از انگیزه های حواریون برای درخواست مائده آسمانی

و نکون علیها من الشهدین

۳ انگیزه های چهارگانه حواریون (تغذیه ، اطمینان و ...) توجیه آنان برای درخواست نابجای نزول مائده آسمانی *

قال اتقوا الله ان کنتم مؤمنین. قالوا نريد ان نأكل منها ... من الشهدین

۴ اطمینان به واقعی بودن مائده آسمانی انگیزه حواریون از خوردن آن مائده

قالوا نريد ان نأكل منها و تطمئن قلوبنا و نعلم ان قد صدقتنا

عطف <نطمئن> بدون <ان> بر <نأكل> می تواند بیانگر آن باشد که حواریون به این جهت خواهان خوردن از مائده بودند که به متمایز بودن آن از سحر و شعبده پی برده و واقعی بودن آن را لمس کنند.

ایمان حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۲ - ۱۸

۱۸ حواریون ، پیشتازان ایمان به خدا و یاری کردن عیسی (ع)

قال الحواریون نحن انصار الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۱ - ۴،۶،۸

۴ دستیابی حواریون به مقام تسلیم و ایمانی راستین در پی پذیرش دعوت خاص خداوند .

قالوا ءامنا

۶ ایمان خالصانه حواریون از جمله نعمت های ارزانی شده خداوند بر حضرت مسیح (ع)

اذكر نعمتي .. و اذ اوحيت إلى الحواريون ان آمنوا بي و برسولي قالوا ءامنا

امام رضا(ع) در پاسخ سؤال از

سبب نامگذاری حواریون به این نام فرمود: .. لانهم كانوا مخلصين في انفسهم و مخلصين لغيرهم من اوساخ الذنوب بالوعظ و التذكير ... <

عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۷۹، ح ۱۰، ب ۳۲؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۹۰، ح ۴۳۵.

۸ حواریون پس از اظهار ایمان خالصانه، از خداوند خواستند تا بر نیلشان به مقام تسلیم گواه باشد.

و اذ اوحیت ... و اشهد باننا مسلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۲ - ۹، ۷، ۶، ۵

۵ حواریون عیسی پیش از داستان مائده نیز از زمره مدعیان ایمان به رسالت عیسی (ع) بودند.

قال اتقوا الله ان كنتم مؤمنين

چنانچه <اتقوا الله> فرمان به پرهیز از درخواست معجزه ویژه باشد، مراد از ایمان در <ان كنتم مؤمنين> ایمان به رسالت عیسی (ع) خواهد بود.

۶ حواریون عیسی (ع) تا قبل از نزول مائده، در مراحل پایین ایمان و فاقد روحیه تسلیم در برابر خدا بودند.

اذ قال الحواریون یعیسی ابن مریم .. قال اتقوا الله ان كنتم مؤمنين

۷ حواریون عیسی خواهان معجزه ای ویژه (نزول مائده آسمانی) علی رغم ادعای ایمان به رسالت مسیح (ع)

هل يستطيع ربك ان ينزل علينا مائده من السماء قال اتقوا الله ان كنتم مؤمنين

۹ حضرت مسیح (ع) با بیان ناسازگاری درخواست حواریون با ایمان و تقوا در صدد بازداشتن آنان از درخواست نزول مائده

قال اتقوا الله ان كنتم مؤمنين

تبلیغ حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ -

۲۵ حواريون ، ياوران مخلص و پاك عيسى (ع) و مبلغ دين و موعظه كننده مردم

قال الحواريون نحن انصار الله

از امام رضا (ع) سؤال شد: لم سمى الحواريون الحواريين؟ آن حضرت فرمود: ... لانهم كانوا مخلصين في انفسهم و مخلصين لغيرهم من اوساخ الذنوب بالوعظ و التذكير.

عيون اخبارالرضا (ع)، ج ۲، ص ۷۹، ح ۱۰؛ علل الشرايع، ج ۱، ص ۸۰، ح ۱.

تعداد حواريون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۱ - ۱۳

۱۳ حواريون حضرت عيسى (ع) دوازده مرد بوده اند

و اذ اوحيت إلى الحواريون

از امام رضا (ع) در پاسخ سؤال از تعداد حواريون حضرت عيسى (ع) روايت شده: ... اما الحواريون فكانوا اثني عشر رجلا ...

<

توحيد صدوق، ص ۴۲۱، ح ۱، ب ۶۵؛ نورالثقلين، ج ۱، ص ۶۹۰، ح ۴۳۴.

تعقل حواريون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۲ - ۳

۳ حواريون عيسى (ع) در ابتدای ايمانشان بر اندیشه ای ناصواب نسبت به خداوند و توانمندی وی

اذ قال الحواريون ... هل يستطيع ربك ان ينزل علينا مائده من السماء

با توجه به اینکه <اذ قال الحواریون . . . > متعلق به <اوحیت > در آیه قبل است می توان نتیجه گرفت که سخن آنان (هل
یستطیع ...) در همان ابتدای گرایش آنان به مسیح و قبل از الهام خداوند به آنان بوده است.

تقوای حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۲ - ۹

حضرت مسیح (ع) با بیان ناسازگاری درخواست حواریون با ایمان و تقوا در صدد بازداشتن آنان از درخواست نزول مائده

قال اتقوا الله ان كنتم مؤمنين

تلاش حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۱۲

۱۲ - تلاش حواریون به همراه عیسی (ع) ، برای هدایت بنی اسرائیل

فامنت طائفه من بنی اسرائیل و کفرت طائفه

حواریون عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۲ - ۲۵، ۲۳، ۲۲، ۲۰، ۱۸، ۱۴، ۱۳

۱۳ حواریون ، تنها اجابت کنندگان دعوت عیسی (ع) ، برای یاری وی در جهت حرکت به سوی خدا

من انصاری الی الله قال الحواریون نحن انصار الله

۱۴ حواریون در پی دعوت عیسی (ع) ، حمایت و ایمان خود را اظهار داشتند .

من انصاری الی الله .. قال الحواریون نحن انصار الله

۱۸ حواریون ، پیشتازان ایمان به خدا و یاری کردن عیسی (ع)

قال الحواریون نحن انصار الله

۲۰ درخواست حواریون از عیسی (ع) ، مبنی بر شهادت و گواهی او بر مقام تسلیم آنان

امنا بالله و اشهد بانا مسلمون

۲۲ ایمان و اعتقاد حواریون به رستاخیز و حسابرسی در قیامت *

و اشهد بانا مسلمون

چون شاهد گرفتن حواریون در دنیا ظاهراً ثمری برای آنان ندارد، لذا این استشهاد برای استفاده در آخرت خواهد بود.

۲۳ اعتقاد حواریون به مفید بودن شهادت انبیای الهی در رستخیز *

و اشهد بانا مسلمون

۲۵ حواریون ، یاوران مخلص و پاک عیسی (ع) و مبلغ دین و موعظه کننده مردم

قال الحواریون نحن

از امام رضا (ع) سؤال شد: لم سمى الحواريون الحواريين؟ آن حضرت فرمود: ... لانهم كانوا مخلصين فى انفسهم و مخلصين لغيرهم من اوساخ الذنوب بالوعظ و التذكير.

عيون اخبارالرضا (ع)، ج ۲، ص ۷۹، ح ۱۰؛ علل الشرايع، ج ۱، ص ۸۰، ح ۱.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۳ - ۵

۵ اصحاب عيسى (ع)، در برهه ای از زمان دچار کمبود مواد غذایی *

قالوا نريد ان نأكل منها

درخواست نزول مائده به انگیزه تغذیه در صورتی می تواند توجیهی برای آن درخواست به حساب آید که دستیابی به خوراکیها از راههای معمول برای آنان بسیار مشکل باشد.

حواریون و عيسى(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۱ - ۷،۹

۷ تسلیم در برابر دستورات خداوند و رسولش مسیح (ع) از ویژگی های بارز حواریون مسیح

و اشهد باننا مسلمون

جمله <ءامنوا بى و برسولى> حکایت از آن دارد که متعلق <مسلمون> اوامر خدا و رسول او حضرت مسیح است.

۹ حواریون عيسى (ع) از وی خواستند تا به تسلیمشان در برابر خدا و رسولش گواه باشد .

قالوا ءامننا و اشهد باننا مسلمون

برداشت فوق بر این اساس است که مخاطب فعل <اشهد> حضرت عيسى(ع) باشد. نیاوردن ربنا و مانند آن در مقام درخواست از خداوند می تواند مؤید این احتمال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۲ - ۱،۴

۱ میهمانی بر سفره غذایی آسمانی و نازل شده از جانب خداوند

، درخواست حواریون از عیسی (ع)

اذ قال الحواریون .. هل یستطیع ربک ان ینزل علینا مائده من السماء

کلمه <مائده> به معنای غذا و سفره ای است که بر آن غذا نهاده شده باشد.

۴ حواریون ، خواستار معجزه ای اختصاصی برای خویش افزون بر سایر معجزات عیسی (ع)

ان ینزل علینا مائده

کلمه <علینا> به قرینه <نأکل> و <قلوبنا> و <نعلم> و <نکون> در آیه بعد نشانگر این است که حواریون خواستار معجزه ای بودند که تنها خودشان از آن بهره مند گردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۳ - ۱۱

۱۱ تبلیغ حقانیت رسالت عیسی (ع) ، پس از نزول مائده آسمانی ، تعهد و میثاق حواریون با وی

قالوا .. و نکون علیها من الشهدین

خواسته حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۱ - ۸،۹

۸ حواریون پس از اظهار ایمان خالصانه ، از خداوند خواستند تا بر نیلشان به مقام تسلیم گواه باشد .

و اذ اوحیت .. و اشهد باننا مسلمون

۹ حواریون عیسی (ع) از وی خواستند تا به تسلیمشان در برابر خدا و رسولش گواه باشد .

قالوا ءامنا و اشهد باننا مسلمون

برداشت فوق بر این اساس است که مخاطب فعل <اشهد> حضرت عیسی(ع) باشد. نیاوردن ربا و مانند آن در مقام درخواست از خداوند می تواند مؤید این احتمال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۲ - ۱۴، ۹، ۷، ۴، ۲، ۱

۱ میهمانی بر سفره غذایی آسمانی و

نازل شده از جانب خداوند ، درخواست حواریون از عیسی (ع)

اذ قال الحواریون . . . هل یستطیع ربک ان ینزل علینا مائده من السماء

کلمه <مائده> به معنای غذا و سفره ای است که بر آن غذا نهاده شده باشد.

۲ حواریون ، در صدد پی بردن به قدرت الهی ، با درخواست مائده آسمانی

هل یستطیع ربک ان ینزل علینا مائده من السماء

۴ حواریون ، خواستار معجزه ای اختصاصی برای خویش افرون بر سایر معجزات عیسی (ع)

ان ینزل علینا مائده

کلمه <علینا> به قرینه <تأکل> و <قلوبنا> و <نعلم> و <نکون> در آیه بعد نشانگر این است که حواریون خواستار معجزه ای بودند که تنها خودشان از آن بهره مند گردند.

۷ حواریون عیسی خواهان معجزه ای ویژه (نزول مائده آسمانی) علی رغم ادعای ایمان به رسالت مسیح (ع)

هل یستطیع ربک ان ینزل علینا مائده من السماء قال اتقوا الله ان کنتم مؤمنین

۹ حضرت مسیح (ع) با بیان ناسازگاری درخواست حواریون با ایمان و تقوا در صدد بازداشتن آنان از درخواست نزول مائده

قال اتقوا الله ان کنتم مؤمنین

۱۴ حواریون عیسی مورد سرزنش وی به خاطر پیشنهاد معجزه ویژه و نزول مائده آسمانی ، علی رغم مشاهده معجزات فراوان

قال اتقوا الله ان کنتم مؤمنین

آیات پیشین دلالت می کند که عیسی حتی در کودکی و قبل از دعوت مردمان به ایمان، معجزاتی را به مردمان ارائه می کرد. بنابراین می توان گفت انتقاد و اعتراض حضرت مسیح(ع) بدین جهت بوده که چرا با وجود معجزات فراوان باز هم از وی درخواست معجزه دارند.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۳ - ۱،۲،۳

۱ تناول از غذای آسمانی و اطمینان به توانایی خداوند از انگیزه های حواریون برای درخواست مائده آسمانی

قالوا نريد ان نأكل منها و تطمئن قلوبنا و نعلم ان قد صدقتنا

۲ یقین به رسالت عیسی (ع) و تبلیغ آن با گواه بودن بر نزول مائده از انگیزه های حواریون برای درخواست مائده آسمانی

و نکون علیها من الشهدین

۳ انگیزه های چهارگانه حواریون (تغذیه ، اطمینان و ...) توجیه آنان برای درخواست نابجای نزول مائده آسمانی *

قال اتقوا الله ان کنتم مؤمنین . قالوا نريد ان نأكل منها ... من الشهدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۴ - ۱

۱ حضرت مسیح (ع) با پذیرش تقاضای حواریون ، از خداوند خواست سفره غذایی از آسمان فرو فرستد .

قال عیسی ابن مریم اللهم ربنا أنزل علینا مائده من السماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۵ - ۲

۲ مائده درخواستی حواریون به صورت تدریجی بر آنان فرو فرستاده شد .

قال الله انی منزلها علیکم

به کارگیری <منزل> از مصدر تنزیل می تواند حاکی از آن باشد که اجزاء مائده آسمانی یکجا نازل نشده است.

دعای حواریون عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۳ - ۷

۷ حواریون از خداوند درخواست کردند که همواره در دنیا و آخرت ، همراه گواهان (انبیا) باشند .

فاکتبا مع الشاهدين

دعوت از حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۷

۷- عیسی بن مریم (ع)، از حواریون خواست او را در هدایت خلق به سوی خداوند یاری کنند.

كما قال عیسی ابن مریم للحواریین من أنصاری إلی الله

سرزنش حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۲ - ۱۴، ۱۳، ۱۰

۱۰ حواریون عیسی مورد توبیخ وی به خاطر تردیدشان در توانمندی خداوند

هل یستطیع ربک .. قال اتقوا الله ان کنتم مؤمنین

جمله < اتقوا الله .. > حاکی از انتقاد و اعتراض عیسی (ع) به حواریون است ناظر به مطالبی است که از < هل یستطیع ربک ... > به دست می آید که از جمله آنها تردید در توانمندی خداوند است.

۱۳ حواریون عیسی مورد سرزنش وی به خاطر رعایت نکردن ادب در یاد کردن از نام خدا

هل یستطیع ربک .. قال اتقوا الله

رعایت ادب در مورد آیه این بود که حواریون به جای < ربک > (پروردگارت) بگویند: ربنا

۱۴ حواریون عیسی مورد سرزنش وی به خاطر پیشنهاد معجزه ویژه و نزول مائده آسمانی، علی رغم مشاهده معجزات فراوان

قال اتقوا الله ان کنتم مؤمنین

آیات پیشین دلالت می کند که عیسی حتی در کودکی و قبل از دعوت مردمان به ایمان، معجزاتی را به مردمان ارائه می کرد. بنابراین می توان گفت انتقاد و اعتراض حضرت مسیح (ع) بدین جهت بوده که چرا با وجود معجزات فراوان باز هم از وی درخواست معجزه دارند.

طعام حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ -

۴ اطمینان به واقعی بودن مائده آسمانی انگیزه حواریون از خوردن آن مائده

قالوا نرید ان نأكل منها و تطمئن قلوبنا و نعلم ان قد صدقتنا

عطف <نطمئن> بدون <ان> بر <نأكل> می تواند بیانگر آن باشد که حواریون به این جهت خواهان خوردن از مائده بودند که به متمایز بودن آن از سحر و شعبده پی برده و واقعی بودن آن را لمس کنند.

عقیده حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۲ - ۸،۱۰

۸ حواریون عیسی نامطمئن به توانایی خداوند بر فرستادن مائده ای از آسمان

هل يستطيع ربك ان ينزل علينا مائده من السماء

۱۰ حواریون عیسی مورد توبیخ وی به خاطر تردیدشان در توانمندی خداوند

هل يستطيع ربك .. قال اتقوا الله ان كنتم مؤمنين

جمله <اتقوا الله ..> حاکی از انتقاد و اعتراض عیسی (ع) به حواریون است ناظر به مطالبی است که از <هل يستطيع ربك ...> به دست می آید که از جمله آنها تردید در توانمندی خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۳ - ۶،۸

۶ غلبه گرایش های مادی در حواریون عیسی (ع) بر جنبه های معنوی آنان *

قالوا نرید ان نأكل منها و تطمئن قلوبنا

برداشت فوق از تقدیم <نأكل> که اشاره به جنبه مادی دارد، بر <تطمئن> و <نعلم> که از امور معنوی است، استفاده شده است.

۸ حواریون در آغاز رسالت مسیح، محروم از ایمان راستین و گرفتار شک و تردید در حقانیت رسالت عیسی (ع)

قالوا .. و تطمئن قلوبنا

و نعلم ان قد صدقتنا

عهد حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۳ - ۱۱

۱۱ تبلیغ حقانیت رسالت عیسی (ع) ، پس از نزول مائده آسمانی ، تعهد و میثاق حواریون با وی

قالوا .. و نکون علیها من الشهدین

عیسی(ع) و حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۲ - ۹

۹ حضرت مسیح (ع) با بیان ناسازگاری درخواست حواریون با ایمان و تقوا در صدد بازداشتن آنان از درخواست نزول مائده

قال اتقوا الله ان کنتم مؤمنین

فضایل حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۱ - ۲،۴،۷

۲ حواریون ، بهره مند از وحی و الهام خداوند

و اذ اوحیت إلی الحواریون

تفسیر <اوحیت> در آیه فوق به الهام خداوند، با فرمایش منقول از امام باقر(ع) تأیید می شود که فرمود: اللهموا.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۵۰، ح ۲۲۱؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۸۹، ح ۴۲۹.

۴ دستیابی حواریون به مقام تسلیم و ایمانی راستین در پی پذیرش دعوت خاص خداوند .

۷ تسلیم در برابر دستورات خداوند و رسولش مسیح (ع) از ویژگی های بارز حواریون مسیح

و اشهد باننا مسلمون

جمله <ءامنوا بی و برسولی> حکایت از آن دارد که متعلق <مسلمون> اوامر خدا و رسول او حضرت مسیح است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۵ - ۳

۳ تفضل خداوند بر حواریون با تکرار نزول مائده آسمانی بر ایشان *

قال الله انی

برداشت فوق بر این اساس است که استعمال <منزل> از باب تفعیل برای اشاره به کثرت نزول مائده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۴،۱۰

۴ - خداوند ، از مؤمنان می خواهد در یاری او مانند حواریون عیسی (ع) باشند .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا أَنصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ .. قَالَ الْحَوَارِيُّونَ

۱۰ - توسعه و گسترش دین ، نیازمند یاران مؤمنی همچون حواریون عیسی (ع)

قال الحواریون نحن أنصار الله

مادیگری حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۳ - ۶

۶ غلبه گرایش های مادی در حواریون عیسی (ع) بر جنبه های معنوی آنان *

قالوا نريد ان نأكل منها و تطمئن قلوبنا

برداشت فوق از تقدیم <نأكل> که اشاره به جنبه مادی دارد، بر <تطمئن> و <نعلم> که از امور معنوی است، استفاده شده است.

مائده آسمانی حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۵ - ۱

۱ تأکید خداوند بر اجابت دعای حضرت مسیح (ع) با فرو فرستادن مائده آسمانی بر حواریون .

قال الله اني منزلها علیکم

اسم فاعل <منزل> حکایت از تحقق نزول مائده دارد نه وعده به نزول آن در آینده یعنی همان گاه که خداوند اجابت دعوت مسیح(ع) را به وی اعلام کرد، مائده آسمانی نیز در حال نزول بسوی حواریون بود.

نعمت‌های حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۵ - ۹

۹ نزول نان

و گوشت (مائده آسمانی) بر حواریین از سوی خداوند پس از درخواست حضرت عیسی (ع)

قال الله انی منزلها علیکم

رسول خدا(ص) در توصیف مائده ای که بر حواریین نازل شد فرمود: نزلت المائده خبزاً و لحماً

مجمع البیان، ج ۳، ص ۴۱۰؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۹۱، ح ۴۳۷.

هدایتگری حواریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۱۲

۱۲ - تلاش حواریون به همراه عیسی (ع) ، برای هدایت بنی اسرائیل

فامنت طائفه من بنی اسرائیل و کفرت طائفه

حواریون عیسی(ع)

{حواریون عیسی(ع)}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۳ - ۵

۵ تصریح حواریون به ایمان به چیزهایی که خداوند فرءوف رستاده (کتب آسمانی) و پیروی از رسولش (عیسی)

ربنا امننا بما انزلت و اتبعنا الرسول

حواریون عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۲ - ۲۵، ۲۳، ۲۲، ۲۰، ۱۸، ۱۴، ۱۳

۱۳ حواریون ، تنها اجابت کنندگان دعوت عیسی (ع) ، برای یاری وی در جهت حرکت به سوی خدا

من انصاری الی اللّٰه قال الحواریون نحن انصار اللّٰه

۱۴ حواریون در پی دعوت عیسی (ع) ، حمایت و ایمان خود را اظهار داشتند .

من انصاری الی اللّٰه .. قال الحواریون نحن انصار اللّٰه

۱۸ حواریون ، پیشتازان ایمان به خدا و یاری کردن عیسی (ع)

قال الحواریون نحن انصار اللّٰه

۲۰ درخواست حواریون از عیسی (ع) ، مبنی بر شهادت و گواهی او بر

مقام تسلیم آنان

امنا بالله و اشهد باننا مسلمون

۲۲ ایمان و اعتقاد حواریون به رستاخیز و حسابرسی در قیامت *

و اشهد باننا مسلمون

چون شاهد گرفتن حواریون در دنیا ظاهراً ثمری برای آنان ندارد، لذا این استشهاد برای استفاده در آخرت خواهد بود.

۲۳ اعتقاد حواریون به مفید بودن شهادت انبیای الهی در رستاخیز *

و اشهد باننا مسلمون

۲۵ حواریون ، یاوران مخلص و پاک عیسی (ع) و مبلغ دین و موعظه کننده مردم

قال الحواریون نحن انصار الله

از امام رضا (ع) سؤال شد: لم سمی الحواریون الحواریین؟ آن حضرت فرمود: .. لائهم كانوا مخلصین فی انفسهم و مخلصین لغيرهم من اوساخ الذنوب بالوعظ و التذکیر.

عیون اخبارالرضا (ع)، ج ۲، ص ۷۹، ح ۱۰؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۸۰، ح ۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۳ - ۵

۵ اصحاب عیسی (ع) ، در برهه ای از زمان دچار کمبود مواد غذایی *

قالوا نرید ان نأکل منها

درخواست نزول مائده به انگیزه تغذیه در صورتی می تواند توجیهی برای آن درخواست به حساب آید که دستیابی به خوراکیها از راههای معمول برای آنان بسیار مشکل باشد.

دعای حواریون عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۳ - ۷

۷ حواریون از خداوند درخواست کردند که همواره در دنیا و آخرت ، همراه گواهان (انبیا) باشند .

فاکتبنا مع الشاهدین

حواس از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حواس

اهمیت حواس انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۱ -

۷ شنوایی و بینایی و دیگر حواس ، از جلوه های ربوبیت خدا بر انسانها

أمن يملك السمع والأبصر

حواس انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۵

۵ - حواس آدمی (شنوایی ، بینایی و ...) از ابزار درک و شناخت اوست .

صم بکم عمی فهم لا یعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۹ - ۹

۹ - انسان ، واجد دو نوع قوه ادراکی (حسی و باطنی) است .

و جعل لكم السمع والأبصر والأفئده

ضعف حواس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۸ - ۳

۳ - نارسایی حس از دریافت همه واقیعت های نظام طبیعت

تحسبها جامده و هی تمرّ

آیه بالا بیانگر این نکته است که حقایقی در جهان طبیعت وجود دارد که حس معمولی بشر از دریافت آن عاجز است؛ همانند حرکت کوه ها همراه حرکت زمین.

عوامل مؤثر در حواس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۰ - ۶

۶ - برخی حالت های روحی و روانی ، در حواس انسان تأثیر بسیار زیادی دارد .

إذ جاء وكم . . . و إذ زاغت الأبصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۹ - ۹

۹ - حالت روانی مانند ترس ، برخی از حواس انسان را ، از سیستم عادی خارج می سازد و حرکت آن را غیر متعادل می سازد

فإذا جاء الخوف . . . تدور

أعينهم

مالک حواس انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۱ - ۵

۵ شنوایی و بینایی و دیگر حواس انسان ، تحت مالکیت و فرمان خداست .

أمن يملك السمع والأبصر

کلمه <يملك> می تواند از مصدر <ملك> (مالک بودن) و نیز می تواند از <مُلك> (فرمانروایی) باشد.

محدوده حواس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۱۲

۱۲ مشاهده خداوند با حواس ظاهری ، امری ناممکن و انتظاری بی جاست .

فقالوا أرنا الله جهرة فأخذتهم الصعقة بظلمهم

مهمترین حواس انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۱ - ۶

۶ شنوایی و بینایی ، از مهمترین و کارآمدترین قوای موجود در انسان

أمن يملك السمع والأبصر

گزینش دو قوه <شنوایی> و <بینایی> ، از میان دیگر قوا، مفید برداشت فوق است.

نقش حواس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ نقش حس و مشاهده عینی در فراگیری و شناخت

فبعث الله غراباً يبحث في الارض ليريه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۸ - ۷

۷- حس و تجربه (شنیدن و دیدن) ، زمینه شکوفایی ادراک و دانش های بشر *

و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفتده

این برداشت بدان احتمال است که تقدم <السمع و الأبصار> بر <الأفتده> اشاره به مطلب مذکور داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۸ - ۳

- دریافت های حسی ، زمینه ساز شناخت ها و ادراکات عقلانی

و هو الذی أنشأ لكم السمع و الأبصر و الأفئده

آمدن <سمع> و <أبصار> پیش از <افئده> می تواند بیانگر مطلب فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۲ - ۶

۶ - حواس ظاهری ، همانند شنوایی ، از ابزار شناخت است .

لا تسمع الصم الدعاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۱ - ۴

۴ - حس ، عقل و وحی ، ابزار اصلی دریافت معارف صحیح *

أشهدوا خلقهم .. ما لهم بذلك من علم ... أم ءاتینهم كتبًا

برداشت یاد شده بدین احتمال است که آیات سه گانه، اشاره به این نکته داشته باشد که مشرکان در ادعای خویش، به هیچ یک از منابع اصلی معرفت (حس، عقل و وحی) متکی نیستند و در نتیجه می توان استفاده کرد که ابزار شناخت، وحی، حس و عقل می باشد.

حورالعین از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حورالعین

آمادگی حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۲ - ۳

۳ - حوران بهستی ، همواره و در هر لحظه آماده پذیرایی و کام دهی

حور مقصورت فی الخیام

پرده نشینی و ماندگاری در خیمه ها، ممکن است اشاره به این نکته باشد.

بکارت حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۴ - ۱

۱ - حوریان بهشتی ، مصون از لمس هر بیگانه

لم یطمثهنّ انس قبلهم و لاجانّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۶ - ۱

- حوران در بهشت اصحاب الیمین ، همواره باکره بوده و تغییری در آنها پیدا به وجود نخواهد آمد .

فَجَعَلْنَهُنَّ أَبْكَارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۷ - ۲

۲ - در بهشت اصحاب الیمین ، حوران همه در سن و سال برابراند (همگی دوشیزگانی جوان اند) .

أُتْرَابًا

<تَرْبٍ> (مفرد <أُتْرَابٍ>) به زنی اطلاق می شود که در مقایسه با دیگری از نظر سنی برابر باشد. گفتنی است که برداشت یاد شده بر این اساس است که حوران بهشتی با یکدیگر مقایسه شده اند.

پذیرایی حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۲ - ۳

۳ - حوران بهشتی ، همواره و در هر لحظه آماده پذیرایی و کام دهی

حور مقصورت فی الخیام

پرده نشینی و ماندگاری در خیمه ها، ممکن است اشاره به این نکته باشد.

تشبیه حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۸ - ۱

۱ - حوریان بهشتی ، موجوداتی زیبا و جذاب همچون یاقوت و مرجان

كَأَنَّهِنَّ الْيَاقُوتُ وَ الْمَرْجَانُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حوران بهشتی ، در نهایت صفا و طراوت همچون مروارید نهفته در صدف

و حور عین . كَأَمْثَلِ اللَّوْلُؤِ الْمَكْنُونِ

جذابیت حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۴ - ۴

۴- همسران بهشتی تقوایندگان (حوریان) ، دارای بدنی سفید و چشمانی جذاب و دلربا

و زَوْجِنَهُمْ بِحُورٍ عِیْنٍ

<حور> (جمع <حوراء>)؛ یعنی، زنانی که

سیاهی چشم او کاملاً مشکی و سفیدی آن کاملاً نمایان بوده و بدنی سفید داشته باشند. <عین> (جمع <عیناء>) یعنی، زنان فراخ چشم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۷ - ۱

۱ - حوریان زیبا، جذاب و پاکدامن بهشت، نعمتی غیرقابل انکار و تکذیب ناپذیر

فیهنّ قصرت الطرف .. فبأیّ آلاء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۸ - ۱

۱ - حوریان بهشتی، موجوداتی زیبا و جذاب همچون یاقوت و مرجان

کأنهنّ الیاقوت و المرجان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۹ - ۱

۱ - زیبایی و جذابیت حوریان، نعمتی انکارناپذیر و غیر قابل تکذیب

کأنهنّ الیاقوت و المرجان . فبأیّ آلاء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۲ - ۱

۱ - حوریان بهشتی، دارای چشمانی سیاه و بسیار جذاب

حور مقصورت فی الخیام

<حوراء> (جمع <حور>) در وصف چشم آورده می شود؛ چشمی که سفیدی آن در نهایت سفیدی و سیاهی آن در نهایت سیاهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۳ - ۲

۲ - حوریان جذاب و مستور در خیمه های بهشت ، نمودی از ربوبیت الهی نسبت به جن و انس

حور مقصورت فی الخیام . فبأیء آلاء ربکمما تکذبان

جوانی حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۷ - ۲

۲ - در بهشت اصحاب الیمین ، حوران همه

در سن و سال برابراوند (همگی دوشیزگانی جوان اند) .

أتراباً

<تَرْب> (مفرد <أتراب>) به زنی اطلاق می شود که در مقایسه با دیگری از نظر سنی برابر باشد. گفتنی است که برداشت یاد شده بر این اساس است که حوران بهشتی با یکدیگر مقایسه شده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۳ - ۱،۶

۱ - تقوایپیشگان در بهشت ، بهره مند از حوریانی نارس و نار پستان

کواعب

<کاعب> (مفرد <کواعب>) به زنی گفته می شود که پستان هایش برجسته شده باشد. (لسان العرب)

۶ - > عن أبي جعفر (ع) في قوله ... > و کواعب أتراباً > أي الفتيات الناهدات ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند ... > و کواعب أتراباً > روایت شده که فرمود: یعنی دختران نوجوانی که پستان های آنان برآمده است > .

چشمهای حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۴ - ۴

۴- همسران بهشتی تقوایپیشگان (حوریان) ، دارای بدنی سفید و چشمانی جذاب و دلربا

و زوّجنهم بحور عین

<حور> (جمع <حوراء>) یعنی، زنانی که سیاهی چشم او کاملاً مشکی و سفیدی آن کاملاً نمایان بوده و بدنی سفید داشته باشند. <عین> (جمع <عیناء>) یعنی، زنان فراخ چشم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۶ - ۳

۳- باغ های بهشت ، مزین به حوریان خمارچشم مصون مانده از دست هر بیگانه

فیهنّ قصرت الطرف لم یطمثهنّ انس قبلهم ولا جانّ

برداشت بالا بدین احتمال است که <قاصرات الطرف> کنایه از چشم خمار باشد که

در نتیجه خماری پلک ها بهم نزدیک شده است.

خلقت حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۵ - ۳

۳- بهشت اصحاب الیمین و حوریان آن ، از پیش آفریده شده است .

إِنَّا أَنشَأْنَهُنَّ إِنِشَاءً

به کارگیری فعل ماضی <أَنشَأْنَهُنَّ>، بیانگر مطلب یاد شده است.

خوش اخلاقی حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۰ - ۱،۵

۱ - حوریان بهشتی ، علاوه بر صورت زیبا ، برخوردار از اخلاق و سیرتی بس نیک

فیهنَّ خیرت حسان

<خیرات> وصف حوریان بهشتی و بیانگر ارزش های اخلاقی و معنوی است. <حسان> نیز وصف دیگر و بیانگر ارزش های صوری و ظاهری است.

۵ - > قال رسول الله (ص) : . . . > فیهنَّ خیرات حسان < یعنی خیرات الأخلاق حسان الوجوه . . . >

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: . . . >...<خیرات حسان>، یعنی، نیک خویان و زیبا صورتان...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۱ - ۱،۲

۱ - حوریان نیک سیرت و زیبا صورت بهشت ، از نعمت های انکارناپذیر و غیرقابل تکذیب

فیهنَّ خیرت حسان . فبأیء الآء ربکما تکذبان

۲ - خلق حوریان نیک سیرت و زیبا صورت بهستی ، جلوه ای از ربوبیت پروردگار نسبت به جن و انس

فیهنّ خیرت حسان . فبأیّ آلاء ربّکما تکذّبان

خوشرویی حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۷ - ۱

۱ - حوران بهشت ، طنّاز ، بسیار خندان و عاشق و شیفته شوهرانشان

عرباً

<عُرْبٌ> جمع <عَرُوبٌ> است و <عَرُوبٌ>

به زنی گفته می شود که: طَنَاز، عشوه گر، عاشق شوهر، فروتن برای وی و بسیار خندان باشد (قاموس المحيط).

رنگ چشمهای حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۲ - ۱

۱ - حوریان بهشتی ، دارای چشمانی سیاه و بسیار جذاب

حور مقصورت فی الخیام

<حوراء> (جمع <حور>) در وصف چشم آورده می شود؛ چشمی که سفیدی آن در نهایت سفیدی و سیاهی آن در نهایت سیاهی است.

زبان حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۷ - ۵

۵ - > عن جعفر بن محمد عن أبيه (رضی الله عنه) قال رسول الله فی قوله <عرباً> قال : كلامهنّ عربیّ ؛

از امام صادق (ع) از پدرش (ع) از رسول خدا (ص) روایت شده که درباره <عرباً> در کلام خدا فرمود: [یعنی] سخن گفتن آنان عربی است <.

زیبایی حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۷ - ۱

۱ - حوریان زیبا ، جذاب و پاکدامن بهشت ، نعمتی غیر قابل انکار و تکذیب ناپذیر

فیهنّ قصر الطرف .. فبأیّ الآء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۸ - ۱

۱ - حوریاں بهستی ، موجوداتی زیبا و جذاب همچون یاقوت و مرجان

كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۹ - ۱

۱ - زیبایی و جذابیت حوریاں ، نعمتی انکارناپذیر و غیر قابل تکذیب

كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ . فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۰ - ۱،۵

۱ - حوریان بهشتی ، علاوه بر صورت زیبا ، برخوردار از اخلاق و سیرتی بس نیک

فیهنّ خیرت حسان

<خیرات> وصف حوریان بهشتی و بیانگر ارزش های اخلاقی و معنوی است. <حسان> نیز وصف دیگر و بیانگر ارزش های صوری و ظاهری است.

۵ - > قال رسول الله (ص) : . . . > فیهنّ خیرات حسان < یعنی خیرات الأخلاق حسان الوجوه . . . >

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: . . . <...خیرات حسان> یعنی، نیک خویان و زیباصورتان...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۱ - ۱،۲

۱ - حوریان نیک سیرت و زیباصورت بهشت ، از نعمت های انکارناپذیر و غیرقابل تکذیب

فیهنّ خیرت حسان . فبأیّ الآء ربکما تکذبان

۲ - خلق حوریان نیک سیرت و زیباصورت بهشتی ، جلوه ای از ربوبیت پروردگار نسبت به جن و انس

فیهنّ خیرت حسان . فبأیّ الآء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۲ - ۱

۱ - حوریان بهشتی ، دارای چشمانی سیاه و بسیار جذاب

حور مقصورت فی الخیام

<حوراء> (جمع <حور>) در وصف چشم آورده می شود؛ چشمی که سفیدی آن در نهایت سفیدی و سیاهی آن در نهایت سیاهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حوران بهشتی ، در اوج زیبایی و کمال

إِنَّا أَنْشَأْنَهُنَّ إِنِشَاءً

نسبت دادن <إِنِشَاءً> به ضمیر متکلم مع الغیر که برای بیان عظمت است و

نیز نکره آوردن <إنشاء> که آن نیز دلالت بر عظمت دارد حاکی از آن است که خداوند، با قدرت بی مانند خود در زیبایی و کمال حوران بهشتی از چیزی فروگذاری نکرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۳ - ۲

۲ - حوریان بهشتی ، در زیبایی بر یکدیگر برتری ندارند .

أترابًا

<أتراب>، جمع <ترب> بر وزن <مصر> است. کسانی که تولد هم زمان داشته باشند، <ترب> یکدیگرند و چون حوریان بهشتی تولد ندارند، مراد از <ترب> در مورد آنان، همسانی در شمایل و صفات جذاب است. (اقتباس از لسان العرب)

سفیدی بدن حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۴ - ۴

۴- همسران بهشتی تقواییشان (حوریان) ، دارای بدنی سفید و چشمانی جذاب و دلربا

و زوَجْنَهُمْ بِحُورٍ عِينٍ

<حور> (جمع <حوراء>) یعنی، زنانی که سیاهی چشم او کاملاً مشکی و سفیدی آن کاملاً نمایان بوده و بدنی سفید داشته باشند. <عین> (جمع <عیناء>) یعنی، زنان فراخ چشم.

سن حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۷ - ۳

۳ - حوران بهشت ، با شوهرانشان از نظر سنی برابراند .

أترابًا

برداشت بالا بر این اساس است که حوران با شوهرانشان مقایسه شده باشند.

صفات حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۴ - ۴

۴- همسران بهشتی تقوایندگان (حوریان) ، دارای بدنی سفید و چشمانی جذاب و دلربا

و زوَجْنَهُمْ بِحُورٍ عِیْنٍ

<حور> (جمع <حوراء>)؛ یعنی، زنانی که سیاهی چشم او کاملاً

مشکی و سفیدی آن کاملاً نمایان بوده و بدنی سفید داشته باشند. <عین> (جمع <عیناء>) یعنی، زنان فراخ چشم.

عفت حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۶ - ۳

۳ - باغ های بهشت ، مزین به حوریان خمارچشم مصون مانده از دست هر بیگانه

فیهنّ قصرت الطرف لم یطمثهنّ انس قبلهم ولا جانّ

برداشت بالا بدین احتمال است که <قاصرات الطرف> کنایه از چشم خمار باشد که در نتیجه خماری پلک ها بهم نزدیک شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۷ - ۱

۱ - حوریان زیبا ، جذاب و پاکدامن بهشت ، نعمتی غیرقابل انکار و تکذیب ناپذیر

فیهنّ قصرت الطرف .. فبأیء الآء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۲ - ۲،۵

۲ - حوریان بهشتی ، مستور در خیمه ها و پنهان از دید مردان بیگانه

حور مقصورت فی الخیام

۵ - < عن الحلبي قال : سألت أبا عبد الله عن قول الله عز وجل > .. حور مقصورات فی الخیام < قال الحور هنّ البیض المضمومات [المضمورات] [المصونات] المخدّرات فی خیام الدرّ و یاقوت و المرجان ... >

حلبی می گوید از امام صادق (ع) از سخن خداوند عزوجل > .. حور مقصورات فی الخیام < سؤال نمودم، فرمود: [آن [حوریان همان سفیداندامانی هستند که پرده نشین در خیمه هایی از دُرّ، یاقوت و مرجان می باشند...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۳ - ۲

۲ - حوریمان جذاب

و مستور در خیمه های بهشت ، نمودی از ربوبیت الهی نسبت به جن و انس

حور مقصورت فی الخیام . فبأی ءالآء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۵ - ۱،۲

۱ - حوریان عقیف و پاکدامن بهشتی ، از نعمت های انکارناپذیر و غیرقابل تکذیب الهی

لم یطمئننّ انس قبلهم .. فبأی ءالآء ربکما تکذبان

۲ - حوریان باطراوت و پاکدامن بهشتی ، نمودی از ربوبیت الهی نسبت به جن و انس

لم یطمئننّ انس قبلهم .. فبأی ءالآء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۳ - ۲

۲ - حوران بهشتی ، در نهایت پاکدامنی بوده و دست هیچ بیگانه ای آنان را لمس نکرده و چشم بیگانه ای آنها را ندیده است

و حور عین . کأمثل اللؤلؤ المکنون

تشبیه حوران بهشتی به مرواریدهای نهفته در صدف، می تواند کنایه از مطلب بالا باشد.

علاقه حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۷ - ۱

۱ - حوران بهشت ، طنّاز ، بسیار خندان و عاشق و شیفته شوهرانشان

عرباً

<عُرْبٌ> جمع <عَرُوبٌ> است و <عَرُوبٌ> به زنی گفته می شود که: طنّاز، عشوه گر، عاشق شوهر، فروتن برای وی و بسیار خندان باشد (قاموس المحيط).

فضایل حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۰ - ۱،۵

۱ - حوریان بهشتی ، علاوه بر صورت زیبا ، برخوردار از اخلاق و سیرتی بس نیک

فیهنّ خیرت حسان

<خیرات> وصف حوریان بهشتی و بیانگر ارزش های اخلاقی

و معنوی است. <حسان> نیز وصف دیگر و بیانگر ارزش های صوری و ظاهری است.

۵ - < قال رسول الله (ص) :... > فیهن خیرات حسان < یعنی خیرات الأخلاق حسان الوجوه... >

از رسول خدا(ص) روایت شده که فرمود: .. <...خیرات حسان> یعنی، نیک خویان و زیبا صورتان...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۱ - ۲

۲ - خلق حوریان نیک سیرت و زیبا صورت بهشتی ، جلوه ای از ربوبیت پروردگار نسبت به جن و انس

فیهن خیرت حسان . فبأیء آلاء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۵ - ۱

۱ - حوران بهشتی ، در اوج زیبایی و کمال

إنا أنشأنهنّ إنشاءً

نسبت دادن <إنشاء> به ضمیر متکلم مع الغیر که برای بیان عظمت است و نیز نکره آوردن <إنشاء> که آن نیز دلالت بر عظمت دارد حاکی از آن است که خداوند، با قدرت بی مانند خود در زیبایی و کمال حوران بهشتی از چیزی فروگذاری نکرده است.

کام دهی حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۲ - ۳

۳ - حوران بهشتی ، همواره و در هر لحظه آماده پذیرایی و کام دهی

حور مقصورت فی الخیام

پرده نشینی و ماندگاری در خیمه ها، ممکن است اشاره به این نکته باشد.

کمال حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۵ - ۱

۱ - حوران بهشتی ، در اوج زیبایی و کمال

إِنَّا أَنشَأْنَهُنَّ

نسبت دادن <إنشاء> به ضمیر متکلم مع الغیر که برای بیان عظمت است و نیز نکره آوردن <إنشاء> که آن نیز دلالت بر عظمت دارد حاکی از آن است که خداوند، با قدرت بی مانند خود در زیبایی و کمال حوران بهشتی از چیزی فروگذاری نکرده است.

مستوری حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۲ - ۲

۲ - حوربان بهشتی ، مستور در خیمه ها و پنهان از دید مردان بیگانه

حور مقصورت فی الخیام

منشأ جاودانگی بکارت حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۶ - ۴

۴ - باقی ماندن حوران بهشت بر دوشیزگی ، معلول اراده الهی درباره آنان

فجعلنهنَّ أبکارًا

از آن جایی که ممکن بود مسأله <همواره باکره ماندن> در ذهن مخاطبان صدراسلام غیر قابل باور جلوه کند، خداوند آن را به خواست خود نسبت داده و فرموده است: این را ما اراده کرده ایم و اراده ما تخلف ناپذیر است.

نشاط حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۵ - ۲

۲ - حوربان باطراوت و پاکدامن بهشتی ، نمودی از ربوبیت الهی نسبت به جن و انس

لم یطمئننَّ إِنْسَ قَبْلَهُمْ .. فَبَأَىءَ الْآءِ رَبِّکَمَا تَكْذَبَانِ

نعمت ازدواج با حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۴ - ۱

۱- ازدواج با حوریان بهشتی ، نعمتی الهی برای متقین

كذلك و زوجنهم بحور عین

نعمت حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن -

۱ - حوریان مستور در خیمه های بهشت ، از نعمت های انکارناپذیر پروردگار و غیرقابل تکذیب

حور مقصورت .. فبأیء الآء ربکما تکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۵ - ۱

۱ - حوریان عقیف و پاکدامن بهشتی ، از نعمت های انکارناپذیر و غیرقابل تکذیب الهی

لم یطمئنن إنس قبلهم .. فبأیء الآء ربکما تکذبان

نقش حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۵ - ۲

۲ - حوران بهشتی ، جلوه قدرت و عظمت خداوند

إنا أنشأنهنّ إنشاءً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۸ - ۲

۲ - حوریان بهشت ، پاداش الهی به اصحاب الیمین

إنا أنشأنهنّ .. لأصحاب الیمین

ویژگیهای حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۶ - ۶

۶ - حوریان بهشتی ، زنانی غیر از همسران دنیوی بهشتیان

لم يطمئن إنس قبلهم ولا جانّ

تعبیر <لم يطمئن إنس..> می رساند که اصولاً حوریه های بهشت، سابقه ارتباط هیچ موجودی را نداشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۲ - ۵

۵ - > عن الحلبي قال : سألت أبا عبد الله عن قول الله عز وجل <... حور مقصورات في الخيام > قال الحور هنّ البيض المضمومات [المضمورات] [المصونات] المخدرات في خيام الدرّ و الياقوت و المرجان ... ;

حلبی می گوید از امام صادق (ع) از سخن خداوند عزوجل > .. حور مقصورات فی

الخيام > سؤال نمودم، فرمود: [آن] حوریان همان سفیداندامانی هستند که پرده نشین در خیمه هایی از دُرّ، یاقوت و مرجان می باشند...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۴ - ۱،۳

۱ - حوریان بهشتی ، مصون از لمس هر بیگانه

لم یطمئننّ إِنْس قبلهم و لاجانّ

۳ - حوران بهشتی ، زنانی غیر از همسران دنیایی بهشتیان

لم یطمئننّ إِنْس قبلهم و لاجانّ

تعبیر <لم یطمئننّ إِنْس قبلهم..> می رساند که اصولاً حوریان بهشتی، سابقه ارتباط با هیچ موجودی را نداشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۳ - ۳

۳ - حوران بهشتی ، غیر از همسران دنیوی بهشتیان اند .

كأمثل اللؤلؤ المكنون

در صورتی که تشبیه به <لؤلؤ مکنون> کنایه از این باشد که هیچ بیگانه ای، حوران بهشتی را قبلاً لمس نکرده؛ معلوم می شود که آنها زنانی غیر از زنان دنیوی اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۶ - ۱

۱ - حوران در بهشت اصحاب الیمین ، همواره باکره بوده و تغییری در آنها پیدا به وجود نخواهد آمد .

فجعلنهنّ أبكارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۷ - ۱،۳

۱ - حوران بهشت ، طنّاز ، بسیار خندان و عاشق و شیفته شوهرانشان

عربًا

<عُرْبٌ> جمع <عَرُوبٌ> است و <عَرُوبٌ> به زنی گفته می شود که: طنّاز، عشوه گر، عاشق شوهر، فروتن برای وی و بسیار خندان باشد (قاموس المحيط).

۳ - حوران بهشت ، با شوهرانشان از نظر سنی برابراند .

أترابًا

برداشت بالا بر این

اساس است که حوران با شوهرانشان مقایسه شده باشند.

همسانی حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۳ - ۲

۲ - حوربان بهشتی ، در زیبایی بر یکدیگر برتری ندارند .

أترابًا

<أتراب>، جمع <ترب> بر وزن <مصر> است. کسانی که تولد هم زمان داشته باشند، <ترب> یکدیگرند و چون حوربان بهشتی تولد ندارند، مراد از <ترب> در مورد آنان، همسانی در شمایل و صفات جذاب است. (اقتباس از لسان العرب)

همسرداری حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۷ - ۱

۱ - حوران بهشت ، طنّاز ، بسیار خندان و عاشق و شیفته شوهرانشان

عربًا

<عُرب> جمع <عروب> است و <عروب> به زنی گفته می شود که: طنّاز، عشوه گر، عاشق شوهر، فروتن برای وی و بسیار خندان باشد (قاموس المحيط).

همسنی حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۷ - ۲

۲ - در بهشت اصحاب الیمین ، حوران همه در سن و سال برابراند (همگی دوشیزگانی جوان اند) .

أترابًا

<تَزَب> (مفرد <أتراب>) به زنی اطلاق می شود که در مقایسه با دیگری از نظر سنی برابر باشد. گفتنی است که برداشت یاد شده بر این اساس است که حوران بهشتی با یکدیگر مقایسه شده اند.

همنشینی با حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۳ - ۳

۳ - تقوایپیشگان ، برخوردار از هم نشینی صمیمانه حوریان جوان در بهشت

أترابًا

در <معجم مقایس اللغه>، <تَزَب> با <خِذْن> (دوست و همراه) به یک معنا گرفته شده است.

حیا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حیا

آثار حیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۳ - ۲۱

۲۱ - حیای آدمی ، مانع انجام برخی کارها است .

إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ

حیا از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۸ - ۱،۳،۴

۱ خیانت پیشگان گنهکار ، علی رغم شرم از مردم ، از خدا شرم و پروایی ندارند .

يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ

چون <استخفاء> (پنهان سازی) از خداوند مقدور نیست تا نهی و یا مذمتی به فعل و یا ترک آن تعلق گیرد؛ بنابراین <استخفاء> می تواند کنایه از <استحیاء> (شرم کردن) باشد.

۳ خداوند ، سزاوارترین ناظری است که هنگام گناه باید از او شرم کرد .

يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ

۴ کسانی که از مردم شرم می کنند ، ولی از خدا شرمی ندارند ، مورد سرزنش خداوند هستند .

يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ

حیا از مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ خیانت پیشگان گنهکار ، علی رغم شرم از مردم ، از خدا شرم و پروایی ندارند .

يستخفون من الناس ولا يستخفون من الله

چون <استخفاء> (پنهان سازی) از خداوند مقدر نیست تا نهی و یا مذمتی به فعل و یا ترک آن تعلق گیرد؛ بنابراین <استخفاء> می تواند کنایه از <استحیاء> (شرم کردن) باشد.

۴ کسانی که از مردم شرم می کنند ، ولی از خدا شرمی ندارند ، مورد سرزنش

خداوند هستند .

يستخفون من الناس ولا يستخفون من الله و هو معهم

حیا از ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۱ - ۶

۶ - > قال رسول الله (ص) إن الله ينهاكم عن التعرّي فاستحيوا من ملائكة الله الذين معكم الكرام الكاتبين الذين لا يفارقونكم إلا عند ثلاث حاجات الغائط و الجنابه و الغسل ;

رسول خدا(ص) فرمود: خداوند شما را از عریان بودن نهی فرموده است. پس حیا کنید از فرشتگان خدا که با شما هستند؛ همان <کرام الکاتبین> که ارجمند و نویسنده اعمال اند. آنان که از شما جدا نمی شوند؛ مگر در سه مورد که رفع نیاز می کنید: هنگام تخلی، جنابت و غسل.<

حیا در تبیین حقایق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۶ - ۴

۴ - شرم و حیا نباید آدمی را از بیان حقایق دینی باز دارد .

إن الله لا يستحي أن يضرب مثلا ما بعوضه

افعال خداوند از منبع لایزال علم و حکمت، صادر گردیده است و آنچه از افعال خداوند در قرآن بیان گردیده برای ماقابل تأسی است (جز مواردی که ممکن نیست مانند <خلق>). بر این اساس از جمله <لايستحي> می توان این درس را گرفت که: در بیان حقایق نباید از چیزی شرم کرد.

حیای بیجا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۳ - ۲۵

۲۵ - در بیان حق ، نباید شرم و حیا داشت .

وَاللّٰهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ

خدا و حيا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - خداوند در تبیین حقیقت از تمثیل به حشره ای همانند پشه ، پروا و شرمی ندارد .

إن الله لا يستحي أن يضرب مثلاً ما بعوضه فما فوقها

<استحیاء> از <حیاء> به معنای خجالت کشیدن و شرم کردن است و <بعوضه> به معنای پشه می باشد.

حیات از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۵ - ۴،۶

۴ نه جهاد و پایداری در راه خدا مرگ آور است و نه گریز و رویگردان از آن زندگی بخش

و ما كان لنفس ان تموت الا باذن الله كتاباً مؤجلاً

چون آیات قبل و بعد درباره جهاد و مبارزه است، این آیه اشاره دارد به نفی پندار کسانی که جنگ را عامل کشته شدن و ترک حضور در صحنه پیکار را باعث ادامه حیات می دانستند. بنابراین، جنگ، تعیین کننده مرگ و زندگی نخواهد بود.

۶ قوانین حاکم بر حیات و مرگ موجودات ، برخاسته از اراده و حاکمیت خداوند

و ما كان لنفس ان تموت الا باذن الله كتاباً مؤجلاً

چون عوامل و اسبابی برای مرگ و حیات در جریان است، و این آیه مرگ را به اذن الهی می داند، بنابراین به این نتیجه می رسیم که عوامل و اسباب مرگ و حیات، در تحت اراده الهی است و به اذن او عمل می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۸

۸ اندیشه های جاهلانه درباره مرگ و حیات (حاکمیت عوامل مادی بر اراده خداوند) ، موجب حسرت کفرپیشگان ،

و لا تحسینَ . . . عند ربهم یرزقون

از اینکه خداوند در آیات قبل همه مؤمنان را مخاطب قرار می دهد ولی در این آیه تنها

خطابش را متوجه پیامبر (ص) (و لا تحسبن به صیغه مفرد) کرده، می تواند اشاره به این معنا باشد که مضمون این آیه یعنی حیات شهیدان پس از شهادت، تنها در خور فهم پیامبر (ص) است.

آثار استبعاد تجدید حیات انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶ - ۴

۴ - بعید شمردن حیات دوباره انسان ها پس از مرگ ، عامل انکار معاد از سوی مشرکان

أءذا متنا و كُنَّا ترابًا و عظمًا أءنَّا لمبعوثون

آثار انکار حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۱۰

۱۰ محدود دانستن حیات در تنگنای زندگی مادی دنیا، موجب حسرت و اندوه عمیق در قیامت می شود.

و قالوا إن هی إلا حیاتنا الدنیا .. حتی إذا جاءتهم الساعة بغتة قالوا یحسرتنا

آثار تعقل در حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۵ - ۲

۲ - مطالعه جریان مرگ ، حیات ، نظام آفرینش و روند تحولات تاریخ ، راهگشای انسان به سوی جهان بینی الهی

فبأی ءالاء ربك تماری

از ارتباط این آیه با آیات پیشین به وسیله فای تفریع مطلب بالا استفاده می شود.

آثار تفکر در پیدایش حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - اندیشه در چگونگی پیدایش حیات و نیروی حس و ادراک در موجودات زنده ، زمینه ره یابی به نشانه های متقن الهی

و فی خلقکم و ما .. آیت لقوم یوقنون

طرح خلقت

انسان و جنبندگان، به عنوان زمینه ره یابی به یقین، می تواند نظر به جنبه زنده بودن و حس و شعور داشتن آنها داشته باشد. چه این که پیدایش این امور، در متن نظام مادی طبیعت، آیتی بزرگ است.

آثار تفکر در حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۸ - ۳

۳ - تفکر آدمی در آفرینش حیات و مرگ خویش ، وادار کننده وی به ایمان و باور به خدای یکتاست .

کیف تکفرون بالله و کنتم أموتاً فأحیکم

آثار حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۲ - ۱۳

۱۳ - تأثیرپذیری از آیات روشن الهی در جهان طبیعت ، مستلزم داشتن حیات و شعور انسانی است .

الله الذی یرسل الریح .. فإِنَّکَ لَا تسمع الموتی

آثار حیات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۹ - ۷

۷ زندگی بشر ، مرهون حیات زمین (وجود گیاهان و نباتات) و دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) است .

و أنزلنا .. لنحیی به بلده میتاً و نسقیه ممّا خلقنا أنعمًا و أناسی

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که تقدم <بلده میتاً> و <أنعاماً> بر <أناسی> از نوع تقدم علت بر معلول و سبب بر مسبب باشد. گفتنی است برخی از مفسران (مانند زمخشری در کتاب الکشاف) نکته یاد شده را یادآور شده اند.

آثار حیات قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

تداوم حیات قوم کافر و گمراه گر نوح ، موجب گمراهی بندگان خدا و مؤمنان می شد .

إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يَضَلُّوا عِبَادَكَ

۴ - در صورت تداوم حیات قوم کافر و گمراه گر نوح ، تمامی فرزندان و نسل بعدی آنان ، به کفر ، نافرمانی خدا و تبه کاری روی می آوردند .

و لا یلدوا إلا فاجراً کفّاراً

<فاجر> به افراد نافرمان، معصیت کار و زناکار گفته می شود. در این آیه دو معنای اول و دوم مراد است.

آثار حیات محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۶ - ۳

۳ - زنده ماندن پیامبر (ص) پس از ادعای نبوت ، دلیل صدق رسالت و درستی ادعای آن حضرت است .

و لو تقول علینا .. لقطعنا منه بالوتین

خداوند، مجازات مرگ را برای پیامبر(ص) در صورت دروغ بستن بر خدا مقرر فرمود. این مطلب می تواند گویای این حقیقت باشد که زندگانی آن حضرت پس از ادعای نبوت، گواه صدق ادعای ایشان است.

آثار ذکر استمرار حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۲ - ۵

۵ - توجه به آفرینش انسان و استمرار مرگ و حیات در زمین ، زداینده هر گونه تردید و دو دلی نسبت به معاد و حیات مجدد انسان

و هو الذی أنشأ لكم السمع .. و هو الذی یحی و یمیت ... أفلاتعقلون ... قالوا أءذا

آثار شک به حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - تردید جدی نسبت به قیامت

و حیات اخروی ، زمینه سازی اعتنایی انسان به اصول عقلی و ملاک های عقلایی و فطری

قل أریتم إن کان من عند اللّٰه .. فی شقاق بعید... ألا إنهم فی مریه

ارتباط این آیه با آیات پیشین که در یک سیاق قرار دارند نشان می دهد که اگر آیات علمی و داوری های عقلی و فطری نتواند کسی را در برابر حقانیت خدا و وحی متقاعد کند، ریشه آن را باید در ناپاوری او به استمرار حیات و مسؤولیت انسان جستجو کرد.

آثار علاقه به حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۰۰ - ۵

۵ وابستگی به خانه و سرزمین ، از موانع هجرت در راه خدا

و من یخرج من بیته مهاجراً الی اللّٰه و رسوله

تکیه بر خروج از خانه (یخرج من بیته)، اشاره به این دارد که وابستگی آدمیان به خانه و کاشانه، عامل ترک هجرت است.

آل یعقوب و حیات یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۴ - ۷

۷ خانواده یعقوب ، اظهارات او را درباره زنده بودن یوسف (ع) ، انکار می کردند .

قال أبوهم .. لولا أن تفنّدون

روشن است که جمله <إنی لأجد ..> نمی تواند بیانگر جواب <لولا...> باشد زیرا یعقوب(ع) را چه به سستی اندیشه متهم می کردند یا نمی کردند، بوی یوسف(ع) را شنیده بود. بنابراین جواب شرط محذوف است و قرینه های حالی و مقامی می تواند مؤید این احتمال باشد که جواب شرط جمله ای است نظیر <لما کذبتمونی

و... < (مرا تکذیب نمی کردید و نزدیک بودن وصال یوسف (ع) را باور می کردید).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۵ - ۱

۱ بستگان یعقوب باور به زنده بودن یوسف (ع) را خطای دیرینه یعقوب (ع) و اصرار بر آن را برخاسته از کژاندیشی می شمردند .

إنك لفي ضللك القديم

مقصود فرزندان و بستگان یعقوب از خطای دیرینه وی (ضللك القديم) می تواند اعتقاد او به زنده بودن یوسف (ع) و یا برتر دانستن وی بر دیگر فرزندان باشد. هر چند بعید نیست که هر دو معنا نیز مراد باشد.

ادراک حیات شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۴ - ۵

۵ - اندیشه ها ، از درک زنده بودن شهیدان ناتوان است .

بل أحياء و لكن لا تشعرون

ارزش حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۴ - ۷

۷ برتری و اصالت حیات آخرت نسبت به دنیا

الَّذِينَ يَشْرُونَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ

چون برای به دست آوردن حیات اخروی در مواقع لزوم باید از حیات دنیوی چشم پوشید، معلوم می شود اصالت با حیات اخروی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ حیات دنیا در قیاس با حیات اخروی جز توشه ای اندک نیست .

و ما الحیوه الدنیا فی الآخره إلاّ متع

حرف <فی> در <فی الآخره> به معنای مقایسه است. <متاع> به معنای کالا و هر آنچه در زندگی از آن بهره می برند است.

نکره آوردن آن برای رساندن قَلت می باشد.

۵ حیات اخروی ، حیاتی ارجمند و پربهاست .

و ما الحیوه الدنیا فی الآخره إلا متع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۹ - ۶

۶- حیات اخروی ، حیاتی برتر از دنیاست و دستیابی به آن ، باید هدف همه مؤمنان باشد .

من کان یرید العاجله .. و من أراد الآخره ... کان سعیهم مشکورًا

تشکر و قدردانی خداوند از تلاش و کوشش آخرت خواهان در مقابل دنیاطلبان، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

ارزش حیات انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۹ - ۷

۷- ارزش حیات و زندگی دنیوی انسان ها ، در گرو رسیدن آنان به تقوای پیشگی است .

و لکم فی القصاص حیوه .. لعلکم تتقون

برداشت فوق مبتنی بر این نکته است که <لعلکم ..> بیان غایت برای <حیاه> باشد، یعنی، قانون قصاص تشریح شد تا

حیات جامعه را تضمین کند و حیات و زندگی به خودی خود ارزشی ندارد مگر اینکه زمینه ای برای تحصیل تقوا باشد.

ارزش حیات دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۴ - ۷

۷ برتری و اصالت حیات آخرت نسبت به دنیا

الذین یشرون الحیوه الدنیا بالآخره

چون برای به دست آوردن حیات اخروی در مواقع لزوم باید از حیات دنیوی چشم پوشید، معلوم می شود اصالت با حیات اخروی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۲ - ۹

نیندیشیدن درباره حقیقت زندگی دنیا و آخرت و جایگاه و ارزش هر یک، مورد توبیخ خداوند

و ما الحیوه الدنیا .. أفلا تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۸ - ۱۰

۱۰ لزوم توجه به ارزش های حیات اخروی و ترجیح دادن آن بر زندگی دنیوی، به هنگام ارزیابی اعمال و تصمیم گیری و انتخاب

أرضیتم بالحوه الدنیا من الآخره فما متع الحیوه الدنیا فی الآخره إلا قلیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۹ - ۶

۶- حیات اخروی، حیاتی برتر از دنیاست و دستیابی به آن، باید هدف همه مؤمنان باشد.

من کان یرید العاجله .. و من أراد الآخره ... کان سعیهم مشکورًا

تشکر و قدردانی خداوند از تلاش و کوشش خواهان در مقابل دنیاطلبان، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

ارزش حیات مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۳ - ۴

۴ ارزش ایمان و حیات مؤمن در پیشگاه خداوند

و من یقتل مؤمنا متعمداً فجزاؤه جهنم خالداً فیها

استمرار حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۹ - ۹

۹ - سنت استمرار زندگی بشر بر روی زمین تا مدتی مشخص ، ناسازگار با نابود کردن فوری همه حق ستیزان

و لولا کلمه سبقت من ربِّک لکان لزاماً و أجل مسمّی

<أجل> به معنای تمام مدت و یا پایان آن است (لسان العرب) و <أجل مسمّی> عطف بر <کلمه> است؛ یعنی، لولا کلمه و أجل مسمّی. ...

در این که مراد از <کلمه> و <أجل> دو چیز مستقل است، یا دو تعبیر از یک حقیقت اند، صاحب نظران گفته‌هایی مطرح کرده‌اند: یکی از احتمالات این است که مراد از <کلمه>، سخن خداوند هنگام هبوط آدم است که فرمود: <لکم فی الأرض مستقر و متاع إلی حین> (بقره/ ۳۶). مراد از <أجل> در این احتمال، پایان عمر دنیا است برداشت یاد شده بر اساس این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۰ - ۲،۳

۲ - حیات و مرگ ، جریانی مستمر در سراسر گیتی

و هو الذی یحیی و یمیت

حذف مفعول کلمه‌های <یحیی> و <یمیت>، می‌تواند بیانگر این حقیقت باشد که: قضیه مرگ و حیات منحصر در پدیده‌های زمین نیست؛ بلکه حقیقتی است که در سراسر جهان آفرینش جریان دارد. گفتنی است که به کارگیری فعل مضارع (یحیی و یمیت) بیانگر استمرار این جریان عام می‌باشد.

۳ - جریان مستمر مرگ و حیات از جلوه‌های توحید ، ربوبیت و تدبیر خداوند

و هو الذی یحیی و یمیت

این بخش از آیات، در مقام بیان جلوه‌های ربوبیت و تدبیر خداوند نسبت به جهان و انسان است در برابر این اندیشه شرک آمیز مردم صدر اسلام بود که معتقد به ربوبیت غیر خدا بودند.

اقرار به تعدد حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۱ - ۱

۱ - اعتراف کافران در قیامت ، به دو بار مردن و دو بار زنده شدن خود با قدرت الهی

قالوا ربنا أمتنا اثنتین و أحييتنا اثنتین

امتحان با حیات

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲ - ۴

۴ - تقدیر مرگ و حیات ، برای آزمودن انسان ها است .

الذی خلق الموت و الحیوه لیبلوکم

امکان حیات جاودان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۳ - ۹

۹ انسان ، موجودی با استعداد همیشه ماندن و فنا نپذیرفتن

هم فیها خلدون

انسان و حیات جاودان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۳ - ۹

۹ انسان ، موجودی با استعداد همیشه ماندن و فنا نپذیرفتن

هم فیها خلدون

انکار حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۹ - ۱

۱ مشرکان لجاجت پیشه مکه، منکر قیامت و هر گونه زندگی جز زندگانی دنیا بودند.

و قالوا إن هی إلا حیاتنا الدنیا

اهمیت تقدیر حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۸ - ۳

۳ - اهمیت تقدیر و حساب گری در تنظیم بهینه حیات

و أنزلنا من السماء ماء بقدر

اهمیت حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۸ - ۱۱

۱۱ قانون حیات و مرگ ، نشانه و پرتو ربوبیت الهی

رَبِّی الَّذِیْ یَحِیْیْ وَ یَمِیْتُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۳ - ۱۰

۱۰- آبرو و شخصیت انسان مهم تر از حیات و زندگی مادی او است .

یَلِیْتَنِیْ مَتَّ قَبْلَ هَذَا

این که مریم، مرگ را بر زندگی بدون آبرو ترجیح می دهد، گویای

حقیقت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۵ - ۳

۳ - غم ، شادی ، مرگ ، حیات و نیازمندی و غنا ، هر یک ضرورت و نعمتی در نظام زندگی انسان *

فَبأَيِّ آلَاءِ رَبِّكَ تَتَمَارَى

در صورتی که تعبیر <آلاء> در مورد مطالب آیات پیشین به کار رفته باشد، مطلب یاد شده را می توان به دست آورد.

اهمیت حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۰ - ۱۷

۱۷ دستیابی انسان به رضایت الهی و زندگی جاودان بهشتی ، رستگاری بزرگ و سعادت حقیقی است .

رضى الله عنهم .. جنت ... خلدین فیها أبداً ذلك الفوز العظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۹ - ۸

۸- تنها تلاش و کوششی دارای ارزش و شایسته ستایش است که در مسیر آخرت طلبی و کسب حیات برتر اخروی باشد .

من كان يريد العاجله .. و من اراد الآخره ... كان سعيهم مشكوراً

از اینکه خداوند پس از ذکر دنیا طلبی و آخرت خواهی انسانها، از سعی و تلاش آخرت خواهان تشکر و ستایش کرده است، استفاده می شود که تنها سعی و تلاشی که در مسیر کسب حیات برتر اخروی باشد، مورد قدردانی و ستایش است و نه هر تلاش و کوششی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۸ - ۲

۲- وجود معاد و حیات اخروی ، معنادهنده به آفرینش آسمان ها و زمین و سایر پدیده های جهان

إِنَّ هَؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ

... و ما خلقنا السموت ... لعین

خداوند، پس از بیان عقیده باطل کافران در زمینه نفی معاد و در جهت تبیین ضرورت معاد، به هدف مند بودن آفرینش اشاره کرده است؛ یعنی، اگر زندگی در حیات دنیا خلاصه شود، آفرینش معنایی عالمانه و حکیمانه پیدا نخواهد کرد.

اهمیت حیات معنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۲ - ۷

۷ توجه دادن مؤمنان به حیات معنوی خود و برخورداری از نور الهی، بازدارنده آنان از اطاعت مشرکان و گمراهان

و إن أطعموهم إنکم لمشركون. أو من كان میتا فأحیینه و جعلنا له نورا یمشی به فی ال

تمثیل مذکور برای بر حذر داشتن مسلمانان از اطاعت مشرکان است.

اهمیت ذکر حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۸ - ۱۰

۱۰ لزوم توجه به ارزش های حیات اخروی و ترجیح دادن آن بر زندگی دنیوی، به هنگام ارزیابی اعمال و تصمیم گیری و انتخاب

أرضیتم بالحویه الدنیا من الآخره فما متع الحیوه الدنیا فی الآخره إلا قلیل

برتری حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۸ - ۱۰

۱۰ لزوم توجه به ارزش های حیات اخروی و ترجیح دادن آن بر زندگی دنیوی، به هنگام ارزیابی اعمال و تصمیم گیری و انتخاب

أرضیتم بالحویه الدنیا من الآخره فما متع الحیوه الدنیا فی الآخره إلا قلیل

بی ارزشی حیات دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۶ - ۴۷

۴ حیات دنیا در قیاس

با حیات اخروی جز توشه ای اندک نیست .

و ما الحیوه الدنیا فی الآخره إلا متع

حرف <فی> در <فی الآخره> به معنای مقایسه است. <متع> به معنای کالا و هر آنچه در زندگی از آن بهره می برند است. نکره آوردن آن برای رساندن قلت می باشد.

۷ دل خوش کردن به حیات دنیا و نشناختن مقدار ارزش آن ، مایه کفرورزی است .

و فرحوا بالحویه الدنیا و ما الحیوه الدنیا فی الآخره إلا متع

چون مراد از ضمیر در <فرحوا> کفرپیشگان و مخالفان پیامبر(ص) است ، جمله <فرحوا بالحویه الدنیا و ..> در حقیقت بیانگر ریشه و عاملی از عوامل کفرورزی آنان است ؛ یعنی ، دل خوش بودنشان به زندگی دنیا ، آنان را به کفرورزی کشانده است.

پوچی حیات دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۸ - ۶

۶ زندگانی دنیا بدون پایگذاری آن بر مبنای ایمان و تقوا ، بازیچه ای بیش نیست .

أن یأتیهم بأسنا ضحی و هم یلعبون

پیدایش حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۷ - ۴،۵،۶

۴ پدید آمدن زنده از مرده و مرده از زنده ، به دست خداوند

و تخرج الحی من المیت و تخرج المیت من الحی

۵ پیدایش مستمر حیات و مرگ به دست خدا ، نشانه قدرت اوست .

تخرج الحی من المیت

۶ پیدایش جریان حیات در میان موجودات مرده و بی جان

و تخرج الحی من المیت

از تقدیم <تخرج الحی .. > بر <تخرج المیت ... > استفاده می شود که ابتداءً موجودات بی

جان آفریده شدند و از بستر آنها زنده ها به وجود آمدند.

پیدایش حیات از موجودات بی جان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۵ - ۲،۳،۴

۲ خداوند پدید آورنده حیات از دل طبیعت بی جان و مرده است.

إن الله ... یخرج الحی من المیت

۳ رویش گیاهان و درختان از دانه ها و هسته ها، نمودی از بیرون آوردن موجود زنده از مرده است.

إن الله فالق الحب و النوی یخرج الحی من المیت و مخرج المیت من الحی

۴ پدید آمدن موجود زنده از دل مردگان و مرده از دل زندگان، قانونی مستمر در طبیعت است.

یخرج الحی من المیت و مخرج المیت من الحی

جمله <یخرج الحی>، که جمله ای است فعلیه و با فعل مضارع آغاز شده، دال بر استمرار و تجدید است. همچنین جمله دوم (مخرج المیت ...)، که به صورت اسمیه آمده، دال بر دوام و ثبوت است.

تجدید حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۳ - ۷

۷ - خداوند، همه مردگان را حیاتی دوباره خواهد بخشید.

کذلک یحیی الله الموتی

تجدید حیات اجداد مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷ - ۲

۲ - مشرکان ، حیات مجدد نیاکان اولیه خود را در روز رستاخیز ، بعیدتر و غیرممکن تر از تجدید حیات خود می دانستند .

أءنَّا لمبعوثون . أوءاباؤنا الأوّلون

از عطف <أوءاباؤنا..> بر <أءنا لمبعوثون> که برای ارتقای اظهار استحاله امر معاد است و نیز از اختصاص

به ذکر یافتن <آباء>، برداشت یاد شده به دست می آید.

تجدید حیات انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۱ - ۵

۵ - شفایابی انسان پس از بیماری و حیات مجدد وی پس از مرگ ، نمود های ربوبیت الهی

إِلَّا رَبُّ الْعَالَمِينَ .. و إِذَا مَرُضْتَ ... و الَّذِي يَمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِي

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۴ - ۳

۳ - آفرینش ابتدایی انسان ، خود گواه امکان معاد و احیای مجدد وی

أَمْنَ يَبْدُوا الْخَلْقَ ثُمَّ يَعِيدُهُ

سخن گفتن خداوند درباره <بدء> و پدید آوردن خلق در کنار مسأله معاد، می تواند از آن جهت باشد که به انسان یادآوری کند که اعاده حیات برای پدیدآورنده آن، کاری دشوار و نشدنی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۷ - ۵،۶،۳

۳ - بازآفرینی انسان ها پس از قطعه قطعه و پراکنده شدن اجزای بدنشان ، امری ناشدنی در دیدگاه کافران

و قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا .. إِذَا مَرَّ قَمْرٌ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ

<مزق> در لغت به معنای پاره پاره شدن و قطعه گردیدن است (العین).

۵ - کافران ، به دلیل امکان نداشتن بازآفرینی انسان ها ، وقوع قیامت را منکر بودند .

و قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ .. و قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا .. إِذَا مَرَّ قَمْرٌ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ

این آیه عطف به آیه <و قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ ..> است و به منزله اقامه دلیل برای آن می باشد.

رجل یتبئکم إذا مرّتم کلّ ممزّق إنکم لفی خلق جدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶ - ۱

۱ - انسان ها پس از مردن و تبدیل شدن به خاک و استخوان ، دوباره زنده شده و آفرینشی جدید خواهند یافت .

أءذا متنا و کنا ترابًا و عظمًا أءنّا لمبعوثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۱ - ۵

۵ - انکار قدرت خداوند بر حیات مجدد انسان ها و برپایی قیامت از سوی کافران

قالوا ربّنا أمّتنا اثنتین و أحييتنا اثنتین فاعترفنا بذنوبنا

اعتراف کافران در روز قیامت به دو بار مردن و زنده شدن و نیز گنه کار بودن شان، نشانگر آن است که آنان در دنیا منکر توانایی خداوند بر احیای مجدد انسان ها بودند. از این رو به خطاکار بودن شان اعتراف می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۷ - ۱

۱ - ضرورت برپایی قیامت و خلقت دوباره آدمیان ، در بینش الهی

و أنّ علیه النشأه الأخری

تجدید حیات انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۶ - ۵

۵ - انسان ها ، در عالم آخرت ، حیات مجدد پیدا می کنند .

الذین کفروا و کذبوا بآیتنا و لقایِ الآخره

مراد از <لقاء الآخره> می تواند تحقق لقای انسان ها با خدا در عالم آخرت باشد که در این صورت، مستلزم حیات مجدد آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴

۱۵ - احاطه علمی خداوند به ذرات پراکنده در زمین ، پشتوانه تحقق معاد و حیات مجدد انسان ها

یعلم ما یلج فی الأرض . . . و قال الذین کفروا لا تأتینا الساعه قل بلی و ربی لتأتین

توجه دادن به این حقیقت که خداوند از اجزای پراکنده اطلاع دارد، اشعار به امکان تحقق معاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۸ - ۴

۴ - کافران ، بازآفرینی انسان ها را پس از قطعه قطعه شدن از سوی خداوند ، امری ناشدنی می دانستند .

هل ندلکم علی رجل یتبئکم إذا مزّقتم کلّ ممزّق إنکم . . . أفتری علی الله

کافران مدعی بودند که امر بازآفرینی انسان ها در قیامت که پیامبر(ص) مطرح می کند افترا به خداوند است. احتمال دارد از این جهت باشد که آنان این امر را حتی برای خدا ناشدنی می دانستند. از این رو می گفتند اسناد چنین امری به خدا، دروغ بستن به او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۸ - ۱

۱ - تمامی انسان ها ، پس از مرگ و تبدیل شدن به خاک و استخوان ، دوباره زنده شده و آفرینشی جدید خواهند یافت .

أءذا متنا و کنا ترابًا و عظمًا أءنا لمبعوثون . . . قل نعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۷ - ۳،۴،۵

۳ - آفرینش جهان پهناور (آسمان ها و زمین) ، دلیل توانایی خداوند بر آفرینش مجدد و رستاخیز انسان ها و جهان است

لخلق السموت و الأرض أكبر من خلق الناس

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه در سلسله آیاتی قرار دارد که درباره اثبات معاد و رد دیدگاه مشرکان است؛ چنان که در دو آیه بعد از آن بحث به میان آمده است.

۴ - آفرینش مجدد انسان ها در قیامت ، برای خداوند آسان تر از آفرینش آغازین جهان و انسان است .

لخلق السموت و الأرض أكبر من خلق الناس

۵ - بیشتر مردم ، به عظمت آفرینش جهان و قدرت بی پایان خداوند و امکان حیات مجدد انسان ها در قیامت پی نبرده اند .

لخلق السموت و الأرض أكبر .. و لكن أكثر الناس لا يعلمون

برداشت بالا مبتنی بر این احتمال است که متعلق <لا يعلمون> مطلبی باشد که در آغاز آیه آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۸ - ۷

۷ - آفرینش مجدد انسان ها برای خداوند ، بسیار سهل و آسان است .

إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَهُ لَارِيبَ فِيهَا .. هُوَ الَّذِي يَحْيِي وَيُمِيتُ فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ

برداشت یاد شده، از آن جا است که آیه شریفه در ردیف آیاتی قرار گرفته که درصدد اثبات معاد و حیات مجدد انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۱ - ۵

۵ - ربوبیت خداوند نسبت به مشرق و مغرب عالم ، دلیل توانایی او بر احیای مجدد انسان ها است .

بَرَبِّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ إِنَّا لَقَدْرُونَ . عَلَىٰ أَنْ نَبْدَلَ خَيْرًا مِنْهُمْ وَ مَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ

تجدید حیات در روز

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱۱ - ۱

۱ - روز، زمان زندگی و حیاتی مجدد برای انسان، پس از فرو نشستن آثار حیات او در خواب

و جعلنا النهار معاشاً

<معاش> مصدر میمی و به معنای حیات و زندگی است (لسان العرب). اطلاق حیات بر روز، به این اعتبار است که انسان از خواب شب که به قرینه تقارن این آیه با دو آیه قبل به مرگ تشبیه شده است برمی خیزد و حیاتی دوباره آغاز می کند. کسانی که این کلمه را اسم زمان و به معنای زمان عیش (زمان زندگی) دانسته اند، همین مفاد را در نظر گرفته اند.

تجدید حیات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۱ - ۱

۱ - اعتراف کافران در قیامت، به دو بار مردن و دو بار زنده شدن خود با قدرت الهی

قالوا ربنا أمتنا اثنتین و أحييتنا اثنتین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۷ - ۱

۱ - کافران دوزخی در قیامت، از زنده شدن مجدد خود به شدت ناخرسند بوده و آرزوی مرگ می کنند.

يليتها كانت القاضيه

مرجع ضمیر <ياليتها> امری مقدر است که از سیاق آیه شریفه به دست می آید (مانند <الموته>). <قاضیه> نیز به معنای <قاطعہ> است. بر این اساس معنا و پیام آیه چنین می شود: ای کاش مرگ نخستین پایان بخش حیاتم می بود و دیگر بار زنده نمی شدم!

تحول حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ شکل گرفتن عناصر مادی و سپس تعلق روح به آن ، نظام کلی تحول حیات *

أَنِّي اخْلُقْ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَاَنْفِخْ فِيهِ

بیان آنچه حضرت مسیح به عنوان اعجاز انجام می داده، اشاره ای است به نظام کلی تحول حیات. و اگر مقصود، صرف بیان اعجاز بود، نیاز به تذکر مراتب نداشت.

۱۲ امکان آفرینش موجود زنده از عناصر مادی توسط انسان ، در پرتو اذن خداوند

أَنِّي اخْلُقْ . . . بِإِذْنِ اللَّهِ

تداوم حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۳ - ۲

۲- مرگ و حیات ، امری دائمی و مستمر

و إنا لنحن نحی و نمیت

آمدن جمله اسمیه <إنا لنحن نحی و نمیت> و نیز فعلهای مضارع <نحی> و <نمیت>، بیانگر استمرار است.

تداوم حیات انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۵ - ۷

۷- حیات انسان ها با مرگ پایان نمی پذیرد و پس از آن نیز ادامه دارد .

و إنا لنحن نحی و نمیت . . . و إن ربك هو يحشرهم

از اینکه خداوند، در آیه ۲۳ فرمود: <ما انسانها را می میرانیم> و در این آیه می فرماید: <انسانها را گرد خواهیم آورد> حاکی از تداوم حیات انسان پس از مرگ است.

تداوم حیات در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۵ - ۳

۳ - شرایط حیات در کره زمین حتی برای جانداران بیابانی تا زمان پیدایش نشانه های قیامت ، همچنان باقی خواهد ماند .

و إذا

الوحوش حشرت

تداوم حیات شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۳ - ۴

۴- شیطان ، تا برپایی قیامت زنده و همواره به اغوای نسل آدم (ع) مشغول است .

لئن أخرجتن إلى يوم القيمة لأحتكن ذریته إلا قليلاً . قال اذهب فمن تبعك

تذکر به حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷ - ۱۱

۱۱ توجه دادن انسان ها به حیات پس از مرگ و برپایی قیامت ، از رسالت های پیامبر (ص)

و لئن قلت إنکم مبعوثون من بعد الموت

تعقل در چرخه حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۹ - ۸

۸- ژرف نگری درباره چرخه حیات و مرگ موجودات ، برطرف کننده استبعاد معاد است .

أولم یروا کیف بیدئ الله الخلق ثم یعیده

دعوت از کافران به تعمق و مطالعه در کیفیت پیدایش موجودات و بازگشت آنها به حالت نخست شان، به منظور راه یافتن به قدرت خداست و این که خداوندی که بر پدید آوردن و میراندن موجودات، قادر است، توانایی دارد که معاد را تحقق بخشد.

تعقل در حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ تفکر در چگونگی شکافته شدن دانه ها و هسته ها و رویش گیاهان و پیدایش مرگ و حیات، زمینه راهیابی به توحید و پرهیز از شرک است.

إن الله فالق الحب و النوى . . . ذلکم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - جریان مستمر حیات و مرگ و گردش نظام طبیعت ، شایان تفکر و درس آموزی

و هو الذی یحی و یمیت .. أفلاتعقلون

تقدیر حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۷

۷ حسرت و افسوس فراریان از میدان نبرد ، پس از دانستن این که حیات و مرگ تقدیر الهی است .

لا تکنونوا .. ما ماتوا و ما قتلوا لیجعل الله ذلک حسره فی قلوبهم

بنابر اینکه <لیجعل> متعلق به محذوف باشد؛ یعنی بیان این حقیقت که مرگ و حیات تقدیر الهی است، برای این بود که متخلفان از جنگ بر کرده خویش حسرت برند. زیرا معلوم می شد که اگر در جنگ شرکت می کردند، چون مقدر نبود، کشته نمی شدند.

تقدیر حیات امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۹ - ۶

۶ خداوند ، برای حیات و انقراض هر جامعه و امتی ظرف زمانی مشخصی ، از پیش مقدر فرموده است .

لکل أمه أجل

تکامل حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۹ - ۶

۶ آفرینش آدم در دو مرحله (مرحله خلق از خاک ، مرحله امر)

خلقه من تراب ثم قال له کن فیکون

توسعه در حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۰۰ - ۲

۲ رهایی از تنگناها و دستیابی به توسعه در ابعاد مختلف زندگی ، ثمره ای

برای هجرت در راه خدا

و من يهاجر في سبيل الله يجد في الارض مراغماً كثيراً وسعه

جاودانگی حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۲ - ۲

۲ مؤمنان هجرت کننده و مجاهد ، برخوردار از زندگی جاودان در باغ های سرشار از نعمت ، در سرای بهشت

الذين آمنوا و هاجروا و جاهدوا ... و جنت لهم فيها نعيم مقيم. خلدین فیها أبداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۳ - ۸

۸ جاودانگی حیات انسان حتی دوزخیان ، در جهان آخرت

نار جهنم خلداً فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۶

۶ جاودانگی حیات انسان ، حتی دوزخیان در آخرت

نار جهنم خلدین فیها هی حسبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۱

۱ حیات جاودان در باغ های بهشت با نهر های روان ، وعده الهی به زنان و مردان مؤمن

وعد الله المؤمنین .. تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۳ - ۱۰

۱۰ - حیات اخروی ، حیاتی است ابدی و جاودانه .

فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا

حتمیت حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۵ - ۱

۱ - بازگشت دوباره انسان به حیات در آخرت حتمی است .

إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ . بَلَى

حفظ حیات انسان

جلد - نام سوره - سوره -

۵ حضور همواره فرشتگان محافظ در کنار آدمی برای حفظ حیات اوست.

و يرسل عليكم حفظة حتى إذا جاء أحدكم الموت

چون غایت گسیل ملائکه محافظ، مرگ آدمی است (حتی إذا جاء أحدكم الموت)، به قرینه تناسب حکم و موضوع باید حضور فرشتگان برای حفظ و بقای حیات آدمی باشد.

حفظ حیات انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ حفظ حیات یک انسان و جلوگیری از نابودی وی در پیشگاه خداوند به منزله حفظ حیات همه انسانهاست .

و من احياءها فکانما احياء الناس جميعاً

مراد از <احیاء> نمی تواند زنده کردن مردگان باشد؛ بلکه به معنای حفظ حیات انسانها و جلوگیری از هلاکت آنان است. برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند که در پاسخ سؤال از معنای <من احياءها> در آیه فوق فرمود: نجاها من غرق او حرق او سبع او عدو

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۳، ح ۸۴؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۶۴، ح ۱۱.

حق حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - هر انسانی ، دارای حق حیات است و سلب کننده آن در قیامت باید پاسخگو باشد .

و إذا الموءودة سئلت

ذکر <موءوده> (دختر زنده به گور شده) به جهت پیشگیری از ارتکاب این جنایت بوده است، و گرنه حرمتِ گرفتن جان دیگران، اختصاص به این نوع خاص ندارد.

حقانیت حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- جاثیه - ۴۵ - ۲۵ - ۳

۳- اتمام حجت الهی بر مشرکان ، در زمینه حقانیت معاد و حیات اخروی

و قالوا ما هی إلا حیاتنا الدنیا . . . و إذا تتلی علیهم آیتنا بینت

حقانیت حیات برزخی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۴ - ۷

۷- وجود عالم برزخ و حیات برزخی ، از حقایق هستی است .

و لا تقولوا لمن یقتل فی سبیل اللّٰه أموت بل أحياء

حقیقت حیات دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۲ - ۹

۹ نیندیشیدن درباره حقیقت زندگی دنیا و آخرت و جایگاه و ارزش هر یک، مورد توبیخ خداوند

و ما الحیوه الدنیا . . . أفلا تعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۳

۳ حیات دنیا ، حیاتی فریبنده و سرگرم کننده

غرثهم الحیوه الدنیا

غرور (مصدر غرّت) به معنای فریب دادن است.

حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - بازگشت انسان ها به سوی خدا ، پس از زنده شدن به حیات اخروی است .

يحييكم ثم إليه ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۴۰ - ۷

۷ - ارتباط و پیوند وثیق میان حیات دنیوی و اخروی انسان

أیحسب الإنسان أن یترک سدی . . . ألیس ذلک بقدر علی أن یحیی الموتی

از همراه هم آمدن دو موضوع هدفمندی زندگی بشر و احیای مجدد مردگان مطلب یاد شده به دست می

آید.

حیات اخروی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۸ - ۶

۶ - انسان ها دارای دو حیاتند : حیات دنیوی و حیات اخروی

فأحییکم ثم یمیتکم ثم یحییکم

برخی از مفسران <ثم یحییکم> (سپس شما را [پس از میراندن] زنده می کنند) را حاکی از حیات برزخی دانسته اند و گروهی آن را به زنده شدن مردگان برای برپایی قیامت کبری تفسیر کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۵

۵ حیات انسان در آخرت ، حیاتی مادی و جسمانی است نه صرفاً معنوی و روحانی .

وعد الله المؤمنین .. جنت تجری ... مسکن طیبه

بهره گیری از لذایذ مادی، چون باغهای پوشیده از درخت و خانه های دلپذیر، در سرای آخرت، مستلزم وجود مادی و جسمانی انسان نیز می باشد.

حیات اخروی جمادات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۶ - ۷

۷- وجود حیات و شعور در موجودات ، حتی جمادات در آخرت

کانوا لهم أعداء و کانوا بعبادتهم کفرین

از ضمائر <ذوی القعول> در آیه شریفه، مطلب یاد شده استفاده می شود.

حیات اخروی عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۳ - ۱۱

۱۱ - حضرت عیسی (ع) دارای حیاتی ویژه در آخرت

و یوم أُبعث حياً

با این که فعل <أُبعث> بر زنده شدن دلالت دارد، تصریح به <حياً> ممکن است به خاطر ویژگی حیات اخروی عیسی(ع) در مقایسه با دیگران باشد.

حیات اخروی متقین

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۲۹

۲۹ آخرت برای پرهیزگاران بهتر از دنیا است .

و الاخره خیر لمن اتقى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۶ - ۳

۳- راه نداشتن مرگ در بهشت ، نمودی از امنیت عام و فراگیر حیات اخروی تقوای پیشگان

فی مقام أمين . . . فکھه ءامين . لا یدوقون فیها الموت

ارتباط این آیه با <مقام أمين> در آیات پیشین و <آمین> در آیه قبل، گویای برداشت یاد شده است.

حیات اخروی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۵ - ۱

۱ - زندگانی پیامبر (ص) ، در جهان آخرت ، همراه با عطای مداوم پروردگار و سرشار از رضایت است .

و لسوف یعطیک ربک فترضی

<سوف> برای استقبال است و مراد از آن به قرینه آیه قبل جهان آخرت است.

حیات اخروی موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۶ - ۷

۷- وجود حیات و شعور در موجودات ، حتی جمادات در آخرت

کانوا لهم أعداء و کانوا بعبادتهم کفرین

از ضمائر <ذوی القعول> در آیه شریفه، مطلب یاد شده استفاده می شود.

حیات اخروی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۰ - ۱۶

۱۶ آسودگی مؤمنان از دغدغه زوال نعمت های بهشتی و زندگی در آن

خلدین فیها أبداً

حیات از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۳ - ۷

۷- مرگ و حیات ،

از آیات خداوند است .

و إنا لنحن نحي ونميت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۳ - ۱

۱ - پدیده حیات و احیای زمینِ مرده ، آیه و نشانه ای بزرگ از خداوند است .

و آیه لهم الأرض الميته أحيينها .. حَبًّا

<حَبِّ> به معنای انواع دانه ها (چون گندم، جو، برنج و ..) است. گفتنی است که نکره آمدن <آیه> برای تفخیم می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۶ - ۸

۸ - نوع حیات و حاکمیت قانون زوجیت (نر و ماده بودن) ، از آیات خداوند و از نشانه های قدرت او است .

و آیه لهم الأرض .. سبحن الذی خلق الأزوج کلها... و ممّا لا یعلمون

برداشت یاد شده، از آن جا است که آیه شریفه، در ضمن سلسله آیاتی قرار دارد که درصدد بیان نشانه های قدرت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۲ - ۱۵

۱۵ - < حیات و مرگ > و < خواب و بیداری > ، در بردارنده آیات متعدد خداوند و جلوه های گوناگون قدرت او

اللّه يتوفّى الأنفس حين موتها .. فيمسك .. و يرسل الأخرى ... إنّ فی ذلك لآیت

جمع آمدن < آیات > می رساند که آیه و نشانه بودن < حیات و مرگ > و < خواب و بیداری > ، از جهات مختلف و گوناگون است.

حیات اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صفات - ۳۷ - ۱۰۵ - ۵

۵ - توفیق انجام مأموریت ذبح

فرزند با زنده ماندن وی ، پاداش خداوند به ابراهیم (ع)

قد صدقت الرءیا إنا كذلك نجزی المحسنین

حیات امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۷

۷ - هر جامعه و امتی ، دارای حیات ، مرگ و شخصیتی مستقل

تلک أمه قد خلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۷

۷ - هر جامعه و امتی دارای حیات ، مرگ و شخصیتی مستقل

تلک أمه قد خلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۹ - ۷

۷ هر جامعه ای ، جدا از افرادش ، دارای حقیقتی مستقل و از مرگ و زندگی ویژه برخوردار است .

لکل أمه أجل

حیات انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۳ - ۱۳

۱۳ حیات انسان ها ، تفضّل الهی بر آنان

ثم احیاهم انّ الله لذو فضل علی الناس

<انّ الله> همان گونه که می تواند تعلیل نقل داستان باشد، می تواند تعلیل جمله <ثمّ احياهم> نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۹ - ۴

۴ انحصار مالکیت و حاکمیت مطلق خداوند بر هستی ، دلیل عجز غیر خدا در تدبیر شؤون زندگی انسانها

لیس لك من الامر شیء . . . و لله ما فی السموات و ما فی الارض

زیرا جمله <لیس لك . . .> با جمله <و لله ما فی السموات> تعلیل شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۴ - مائده - ۵ - ۱۷ - ۹

۹ حیات و مرگ مسیح (ع) و مادرش مریم و تمامی اهل زمین ، در قبضه قدرت خداوند

قل فمن يملك من الله شيئاً ان اراد ان يهلك .. و من في الأرض جميعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۱۸

۱۸ انسان ها ، دارای منزلتی برابر در برخورداری از حق حیات

من قتل نفساً .. فکانما قتل الناس جميعاً و من احيها فکانما احيا الناس جميعاً

جزای یکسان برای کشتن هر فرد و پاداش مساوی برای احیای وی، حاکی از برابری تمامی انسانها در حق حیات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۲ - ۳

۳ حکم نافذ و لازم الاجرا در آفرینش و حیات و مرگ انسان، تنها از آن خداوند است.

و يرسل عليكم .. ثم ردوا إلى الله مولیهم الحق ألا له الحكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۴ - ۳

۳ حیات انسان، و امکانات دیگر زندگی او، جملگی از آن خداوند و داده اوست.

كما خلقنکم أول مره و ترکتم ما خولنکم وراء ظهورکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۸ - ۵

۵ استقرار و استیداع، دو حالتی که بنی آدم در یکی از آن دو قرار دارند.

أنشأكم من نفس وحده فمستقر و مستودع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۹

۹- حیات

نخستین انسان ، خود گویاترین دلیل بر امکان حیات دوباره اوست .

فسیقولون من یعیدنا قل الذی فطرکم أوّل مرّه

حیات بخشی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱ - ۱۶

۱۶ > عن سفیان ... الثوری ، قال : قلت لجعفر بن محمد ... یابن رسول الله ما معنی قول الله عزوجل : ... > المر < ... قال (ع) : ... فمعناه : أنا الله المحیی الممیت الرازق ... ;

از سفیان ثوری روایت شده است: به جعفر بن محمد (امام صادق(ع)) گفتم: ای فرزند رسول الله معنای سخن خداوند عزوجل: .. > المر < چیست؟! ... حضرت فرمود: ... معنای آن این است که من خدای زنده کننده، میراننده و روزی دهنده ام ... <. مراد از روایت این است که: <الف> رمز <أنا>، <ل> رمز <الله>، <م> رمز <محيی و ممیت> و <ر> رمز <رازق> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۲ - ۵

۵ - تنها آفریدگار هدایت گر ، و روزی دهنده ، شفابخش و حیات آفرین ، شایسته برای دل بستن انسان به غفران و بخشایش او

الذی خلقنی .. و الذی أطمع أن یغفر ... یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۹ - ۳

۳ - حیات بخشی خداوند به مرده و زمین ، از دلایل لزوم تسبیح خداوند است .

فسبحن الله .. ینخرج الحی من المیت ... و یحیی الارض بعد موتها

> ینخرج الحی < می تواند

تعلیل برای <فسبحان الله> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۸ - ۱

۱ - تنها خداوند ، حیات بخش موجودات است .

هو الذی یحیی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۹ - ۷

۷ - آن کس که حیات دهنده زمین است ، حیات دهنده مردگان نیز خواهد بود .

إِنَّ الذی أَحیَاها لَمْحی الموتی

حیات بخشی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۲ - ۴

۴ - قرآن ، حیات بخش جان انسان ها است .

کذلک أوحینا إلیک روحًا

به کارگیری واژه <روح> به جای <قرآن> یا <کتاب>، اشاره به جنبه حیات بخشی قرآن دارد.

حیات بخشی معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۴ - ۸

۸ - پرستش ، مخصوص پدیدآورنده ، اعاده کننده و روزی دهنده انسان ها است و نه غیر او

أَمَّنْ یَبْدُوا الخلق ثمَّ یعیده .. أءله مع الله

۳- وجود عالم برزخ (عالم پس از دنیا و پیش از برپایی قیامت) و زنده شدن و مردن انسان ها در آن عالم *

قالوا ربّنا أمتنا اثنتین و أحييتنا اثنتین

در این که مقصود از دو مردن و دو زنده شدن چیست؟ میان مفسران چند دیدگاه وجود دارد: مهم ترین آنها، دو نظریه است:

۱ زنده شدن در عالم برزخ و قیامت و مردن در دنیا و عالم برزخ؛

۲ مرگ در آغاز تکوین انسان، پیش از دمیده شدن روح در وجود وی و مردن در پایان عمر و زنده شدن با دمیدن روح در انسان و زنده شدن در قیامت. این حقیقت در سوره <بقره> چنین یاد شده است: <و کنتم أمواتاً فأحیاکم ثم یمیتکم ثم یحییکم ثم إلیه ترجعون>. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۶ - ۴

۴ - وجود حیات برزخی (زندگی میان دنیا و قیامت) برای انسان ها

النار یرضون علیها غدواً و عشیاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۰ - ۵،۷،۸

۵ زندگی برتر و بهتر شهدا در عالم برزخ، نسبت به زندگی آنان در دنیا

فرحین بما اتیهم الله من فضله و یتبشرون

شادمانی شهیدان و نیز آرزوی رسیدن دیگر همزمانشان به تفضل الهی، حاکی از برتری زندگی اخروی و برزخی آنان نسبت به زندگی دنیاست.

۷ وجود حیات برزخی، پس از مرگ تا قیامت *

بل احیاء عند ربهم یرزقون. فرحین بما اتیهم الله من فضله و یتبشرون

۸ زندگی جمعی شهیدان در عالم برزخ *

و یتبشرون بالذین لم یلحقوا بهم

جمله <لم یلحقوا بهم>، دلالت بر این دارد که همزمان شهیدان پس از شهادت به آنان ملحق می شوند. بنابراین شهیدان به صورت متفرق زندگی نمی کنند، بلکه شهیدان سراسر تاریخ به یکدیگر می پیوندند.

حیات پس از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵- اعراف - ۷ - ۲۹ - ۱۲

۱۲ معاد و حیات دوباره،

امری حتمی برای تمامی انسانها

کما بدأکم تعودون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۰ - ۱۴

۱۴- حیات انسان ها با مرگ ، پایان نمی پذیرد .

لذین أحسنوا .. و لدار الأخره خیر

با توجه با اینکه آیه درصدد پاداش نیکوکاران در سرای دیگر است معلوم می شود که مرگ پایان حیات آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۲ - ۵

۵- انسان ، با مرگ نیست و نابود نمی شود .

الذین تتوفّهم الملائکه

<توفی> (از مصدر توفی) به معنای گرفتن چیزی به صورت کامل است و این معنا حکایت از آن دارد که حقیقت انسان گرفته می شود و منتقل می گردد. فراز بعدی آیه (سلام علیکم فادخلوا الجنة) نیز مؤید برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۸ - ۶

۶- حیات پس از مرگ ، خلقتی جدید و تازه برای انسان است .

أءنَّا لمبعوثون خلقًا جدیدًا

حیات جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۶ - ۵

۵ جامعه ای از حیات واقعی برخوردار است که به دعوت پیامبران پاسخ مثبت دهد.

إنما يستجيب الذين يسمعون و الموتى يبعثهم الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴ - ۷

۷- هر جامعه ، دارای هویت ، حیات و قوانین مشخصی جدا از افراد آن جامعه

و ما أهلكنا من قريه إلا و لها كتاب معلوم

حیات جاودان

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۷ - توبه - ۹ - ۸۹ - ۱

۱ باغ ها و نهر های روان و زندگی جاودان ، مهیا شده از جانب خدا برای پیامبر (ص) و مؤمنان مجاهد

أعد الله لهم جنت تجري من تحتها الأنهر خلدین فیها

حیات جاودان متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۶ - ۸

۸ متقین ، مردمانی دور اندیش و در پی حیات جاودانه

أم جنّ الخلد التي وعد المتّقون .. لهم فیها ما یشاءون خلدین کان علی ربّک وعدّ

حیات جاودانه مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۰ - ۱۲

۱۲ مؤمنان ، دارای حیات جاودان و آکنده از سعادت و رستگاری در آخرت

خلدین فیها أبداً ذلك الفوز العظیم

حیات جسمانی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۵

۵ حیات انسان در آخرت ، حیاتی مادی و جسمانی است نه صرفاً معنوی و روحانی .

وعد الله المؤمنین .. جنت تجري ... مسکن طیبه

بهره گیری از لذایذ مادی، چون باغهای پوشیده از درخت و خانه های دلپذیر، در سرای آخرت، مستلزم وجود مادی و

جسمانی انسان نیز می باشد.

حیات جسمانی عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۹ - ۵

۵ حضرت عیسی (ع) ، هم اکنون زنده و دارای حیاتی جسمانی است .

و إن من أهل الكتب إلا ليؤمننَّ به قبل موته

با توجه به مضارع بودن فعل <ليؤمننَّ> که اخبار از آینده است

و در طول تاریخ گذشته چنین نبوده که تمامی اهل کتاب به حضرت عیسی(ع) ایمان آورده باشند، معلوم می شود آن حضرت هنوز زنده است.

حیات جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۱۲

۱۲ - جنیان نیز همانند انسان ها دارای زندگی ، مرگ و نابودی اند .

فی أمم قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس

حیات جنیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۷

۷ جن موجودی دارای حیات و شعور و اراده است.

عدوا شیطین الإنس و الجن

حیات جوامع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۷

۷ - هر جامعه و امتی ، دارای حیات ، مرگ و شخصیتی مستقل

تلک أمه قد خلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۷

۷ - هر جامعه و امتی دارای حیات ، مرگ و شخصیتی مستقل

تلک أمه قد خلت

حیات جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۷ - ۳

۳ - دوزخیان ، در عین سوختن دائمی در آتش ، حیات داشته و بر تکلم کردن توانا هستند .

و إذ يتحاجون في النار فيقول الضعفوا للذين استكبروا

حیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۵ - ۲،۴

۲ خداوند ، تنها زنده جاوید و همواره پاینده ای است که قائم به ذات خویش و همه کائنات قائم به اوست .

الله لا

اله الا هو الحي القيوم

کلمه <قیوم> به معنای پاینده ای است که حفظ و نگهداری همه چیز به اوست. (القائم الحافظ لكل شيء و المعطى له ما به قوامه.)

۴ حیات و قیومیت مطلق ، ملائک معبود بر حق

الله لا اله الا هو الحي القيوم

آوردن دو صفت <حی> و <قیوم>، اشاره به علت حصر عبودیت در خداوند است؛ یعنی تنها زنده قائم به ذات و مدبّر اشیا، می تواند معبود باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۶ - ۱۵

۱۵ ایمان به خداوند ، اقرار زبانی و تصدیق قلبی به وحدانیت ، قیومیت ، حیات ، مالکیت و علم مطلق اوست .

الله لا اله الا هو الحي القيوم ... يؤمن بالله ... و الله سمیع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۵ - ۴،۷

۴ - اختصاص حیات حقیقی به خداوند ، دلیل نبودن هیچ معبودی جز او در جهان است .

هو الحي لا اله الا هو

جمله <لا اله الا هو> به منزله نتیجه برای <هو الحي> است؛ یعنی، چون خداوند زنده جاوید است، پس جز او کسی مدبّر عالم و نیز شایسته معبود بودن نیست.

۷ - دعا و عبادت ، تنها شایسته خداوند یکتا و دارنده حیات حقیقی است .

هو الحي لا اله الا هو فادعوه

<فا> در <فادعوه> عاطفه بوده و برای ربط میان سبب و مسبب است؛ یعنی، به سبب آن که خدا دارنده حیات حقیقی و یکتا است، پس او را باید عبادت کرد و از او حاجت خواست.

حیات در آسمان

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۳ - ۸

۸ وجود موجوداتی دارای شعور در آسمانها

و له اسلم من فی السموات و الارض

و له اسلم من فی السموات و الارض

حیات در آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۹ - ۵

۵ - نظام حیات و مرگ در جهان هستی ، دلیلی آشکار بر امکان معاد و احیای مجدد انسان ها است .

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ .. و كذلك تخرجون

حیات در جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۹ - ۹

۹ لزوم هجرت در راه خدا و پیوستن به جامعه اسلامی

حَتَّى يهاجروا فى سبيل الله

حیات در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۷،۱۱

۷ - دوزخیان در دوزخ نخواهند مرد تا عذاب را درک نکنند و نه مانند زندگان خواهند بود .

فإنَّ له جهنم لا يموت فيها و لا يحيى

مراد از <حياه> در <لايحیی> به قرینه <لايموت فيها> حیاتی است که بر مرگ ترجیح داشته باشد و حیات اهل دوزخ، چون مایه افزایش عذاب است، از مرگ که پایان دهنده عذاب است ناگوارتر و منفورتر می باشد.

۱۱ - > عن أبي سعيد الخدري : إن رسول الله (ص) خطب فأتى على هذه آية > إته من يأت ربّه مجرمًا فإنّ له جهنّم لايموت فيها و لايحیی > فقال رسول الله (ص) : أمّا أهلها الذين هم أهلها ، فإنهم لايموتون فيها و لايحیون

، و أمّا الذين ليسوا بأهلها فإنّ النار تميتهم إمامته ثمّ يقوم الشفعاء فيشفعون 7

از ابوسعید خدری روایت شده که رسول خدا(ص) خطبه خواند، تا به این آیه رسید >إِنَّهُ مِنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى<. پس آن حضرت فرمود: ساکنان جهنم که سزاوار آن هستند در آن جا نه می میرند و نه زندگی دارند. اما کسانی که سزاوار جهنم نیستند پس آتش، آنان را یک بار می میراند، آن گاه شفیعان به پاخاسته و آنان را شفاعت می کنند.<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۶ - ۳

۳ - دوزخیان ، در عین سوختن و جدا شدن اندامشان ، هرگز نمی میرند .

نزاعه للشوی

تصریح به این که اندام ها و یا پوست سرها سوخته و جدا می شود 7 می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

حیات در ماده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۹ - ۱۲، ۹

۹ شکل گرفتن عناصر مادی و سپس تعلق روح به آن ، نظام کلی تحول حیات *

أَتَىٰ اخْلُقَ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَاخْفَىٰ فِيهِ

بیان آنچه حضرت مسیح به عنوان اعجاز انجام می داده، اشاره ای است به نظام کلی تحول حیات. و اگر مقصود، صرف بیان اعجاز بود، نیاز به تذکر مراتب نداشت.

۱۲ امکان آفرینش موجود زنده از عناصر مادی توسط انسان ، در پرتو اذن خداوند

أَتَىٰ اخْلُقَ ... باذن الله

حیات دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ زمین در بردارنده وسیله زندگانی و معیشت انسان ها برای زمانی موقت و نامعلوم

و لکم فی الأرض مستقر و متع إلى حین

<متاع> به چیزی گفته می شود که مایه منفعت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۲ - ۱،۲،۳

۱ آراستگی زندگانی دنیا ، در دیدگاه کافران

زین للذین کفروا الحیوه الدنیا

۲ زینت زندگانی دنیا در نظر کافران ، واقعیت آن را پوشانده است .

زین للذین کفروا الحیوه الدنیا

۳ کفر ، زمینه اصیل پنداشتن زندگی دنیا و ارزش های مادی

زین للذین کفروا الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۷ - ۲

۲ چگونه سپری کردن زندگانی دنیا ، پرسش فرشتگان از گناهکاران مستضعف پس از مرگ (سؤال قبر)

انّ الذین توفّیهم الملائکه ظالمی انفسهم قالوا فیم کتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۴۰ - ۷

۷ - ارتباط و پیوند وثیق میان حیات دنیوی و اخروی انسان

أیحسب الإنسان أن یترک سدى . . . ألیس ذلک بقدر علی أن یحیی الموتی

از همراه هم آمدن دو موضوع هدفمندی زندگی بشر و احیای مجدد مردگان مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۴ - ۶

۶ ظاهر سازی و فریفتن دیگران ، فقط در تنگنای حیات دنیا ممکن است .

و من الناس من يعجبك قوله في الحيوه الدنيا

بنابراینکه <فی الحیوه الدنیا>، متعلق به <یعجبک> باشد ؛ یعنی شگفتی گفتارشان در دنیا است ؛ در آخرت

که روز حقیقت است.

حیات دنیوی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۸ - ۶

۶ - انسان ها دارای دو حیاتند : حیات دنیوی و حیات اخروی

فأحیکم ثم یمیتکم ثم یحییکم

برخی از مفسران <ثم یحییکم> (سپس شما را [پس از میراندن] زنده می کند) را حاکی از حیات برزخی دانسته اند و گروهی آن را به زنده شدن مردگان برای برپایی قیامت کبری تفسیر کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۴ - ۳،۹

۳ زندگی انسانها در دنیا همواره آمیخته به دشمنی و عداوت با یکدیگر است.

قال اهبطوا بعضکم لبعض عدو

برداشت فوق بر این اساس است که مخاطب کلمه <اهبطوا> تنها، آدمیان باشند. در این صورت مراد از <بعضکم لبعض عدو> دشمنی انسانها با یکدیگر خواهد بود.

۹ زمین در بر دارنده وسیله زندگانی و معیشت انسانها برای زمانی موقت و نامعلوم

و لکم فی الأرض مستقر و متع إلی حین

حیات دنیوی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۲۹

۲۹ آخرت برای پرهیزگاران بهتر از دنیا است .

و الاخره خیر لمن اتقی

حیات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۴ - ۳

۳ - باران ، مایه حیات زمین و طبیعت است .

و ينزل من السماء ماء فيحيى به الأرض بعد موتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۳ - ۴

۴ - زمین ، دارای مرگ و حیات است .

و

ءايه لهم الأرض الميتة أحيينها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٦ - فصلت - ٤١ - ٣٩ - ١٧

١٧ - حيات زمين در دنيا و رستاخيز مردگان در قيامت ، نمادی از قدرت بی بدیل خداوند است .

إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمُحْيِ الْمَوْتِ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٧ - جاثيه - ٤٥ - ٥ - ٦

٦ - زمين ، دارای مرگ و حيات

فأحيا به الأرض بعد موتها

حيات زندگی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

١٤ - عنكبوت - ٢٩ - ٦٤ - ٥

٥ - آخرت ، سراسر حيات و زندگی است و مرگ و نیستی ، در آن راه ندارد .

و إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ

تعبير <الحيوان> (عين حيات) نشان می دهد که آخرت، حيات محض است.

حيات شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢٠ - شمس - ٩١ - ١٤ - ٦

٦ - پيدایش ناقه صالح ، معجزه و باقی ماندن آن ، براساس علل و عوامل طبیعی بود .

ناقه الله و سقيها .. فعقروها

حیات شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۴ - ۱،۲،۹

۱ - کشته شدگان راه خدا، زنده و برخوردار از حیاتی ویژه اند.

و لاتقولوا لمن یقتل فی سبیل اللّٰه موت بل أحياء

از آن جا که غیر شهیدان نیز از زندگی برزخی برخوردارند، معلوم می شود: حیاتی که خداوند برای شهیدان بیان داشته، حیات و زندگانی ویژه ای است.

۲ - نباید کشته شدگان راه خدا را مرده خواند و آنان

را در شمار مردگان قلمداد کرد .

و لاتقولوا لمن یقتل فی سبیل اللّٰه أموت بل أحياء

۹ - اعطای حیات ویژه به شهیدان ، جلوه ای از همراهی و حمایت خداوند از صبرپیشگان راه ایمان است .

إن اللّٰه مع الصبرین . و لاتقولوا لمن یقتل فی سبیل اللّٰه أموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۹ - ۱۲، ۶، ۸، ۳، ۱

۱ - مرده پنداشتن کشته شدگان در راه خدا (شهدا) از سوی برخی ، و نهی خداوند از این پندار

و لا تحسبنّ الذّین قتلوا فی سبیل اللّٰه امواتا

۳ شهیدان راه خدا ، زنده و برخوردار از روزی در پیشگاه پروردگار خویش

بل احياء عند ربّهم یرزقون

در برداشت فوق <عند ربّهم>، متعلق به <یرزقون> گرفته شده است.

۶ برخورداری شهیدان از حیاتی ویژه در عالم پس از مرگ (برزخ)

بل احياء عند ربّهم یرزقون

نکره بودن کلمه <احیاء> اشاره به این معنا دارد که حیات شهیدان حیاتی است که برای انسانها در دنیا ناشناخته است . بنابراین حیاتی ویژه خواهد بود .

۸ تفاوت زندگی و حیات شهدا با دیگر انسان ها ، در عالم پس از مرگ (برزخ)

بل احياء عند ربّهم یرزقون

چون از نظر قرآن دیگر مردگان نیز از حیات برزخی برخوردارند، مطرح کردن حیات ویژه برای شهیدان، حکایت از تفاوت این دو حیات دارد .

۱۲ حیات شهیدان و چگونگی آن فراتر از درک مردمان عادی و تنها در خور فهم کسانی همچون پیامبر (ص) *

و لا تحسبنّ . . . عند ربّهم یرزقون

از اینکه خداوند در آیات قبل همه مؤمنان را مخاطب قرار می دهد ولی در

این آیه تنها خطابش را متوجه پیامبر (ص) (و لا تحسبن به صیغه مفرد) کرده، می تواند اشاره به این معنا باشد که مضمون این آیه یعنی حیات شهیدان پس از شهادت، تنها در خور فهم پیامبر (ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۰ - ۳،۵۸،۱۴

۳ حیات ویژه و مقام والای شهیدان و ارتزاق آنها نزد خداوند ، از تفضلات الهی به آنان

فرحین بما اتیهم الله من فضله

بنابر اینکه مراد از <ما اتیهم الله>، همان باشد که در آیه قبل بیان شد ؛ یعنی حیات ویژه و

۵ زندگی برتر و بهتر شهدا در عالم برزخ ، نسبت به زندگی آنان در دنیا

فرحین بما اتیهم الله من فضله و یستبشرون

شادمانی شهیدان و نیز آرزوی رسیدن دیگر همزمانشان به تفضل الهی، حاکی از برتری زندگی اخروی و برزخی آنان نسبت به زندگی دنیاست.

۸ زندگی جمعی شهیدان در عالم برزخ *

و یستبشرون بالذین لم یلحقوا بهم

جمله <لم یلحقوا بهم>، دلالت بر این دارد که همزمان شهیدان پس از شهادت به آنان ملحق می شوند. بنابراین شهیدان به صورت متفرق زندگی نمی کنند، بلکه شهیدان سراسر تاریخ به یکدیگر می پیوندند.

۱۴ جاودانگی حیات ، تنعم و امتیث خاطر شهیدان *

الّا خوف علیهم و لا هم یحزنون

نفی ترس و اندوه، مستلزم نفی فناپذیری است. چرا که از جمله اسباب ترس آفرین و غم انگیز، فناپذیری و نابودی است.

حیات طولانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۹ - ۱۶

و نوشیدنی ، علی رغم وجود عوامل فساد آور طبیعی ، نشانه الهی بر امکان حیات طولانی موجودات

فانظر الی طعامک و شرابک لم یتسنه

حیات طولانی ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۵ - ۲

۲ ابلیس از موجودات دارای عمر طولانی و زنده تا روز رستاخیز آدمیان

أنظرنی الی یوم یبعثون .. قال إنک من المنظرین

حیات عالم برزخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۹ - ۶۸،۱۱

۶ برخورداری شهیدان از حیاتی ویژه در عالم پس از مرگ (برزخ)

بل احیاء عند ربهم یرزقون

نکره بودن کلمه <احیاء> اشاره به این معنا دارد که حیات شهیدان حیاتی است که برای انسانها در دنیا ناشناخته است. بنابراین حیاتی ویژه خواهد بود.

۸ تفاوت زندگی و حیات شهدا با دیگر انسان ها ، در عالم پس از مرگ (برزخ)

بل احیاء عند ربهم یرزقون

چون از نظر قرآن دیگر مردگان نیز از حیات برزخی برخوردارند، مطرح کردن حیات ویژه برای شهیدان، حکایت از تفاوت این دو حیات دارد.

۱۱ وجود رابطه میان حیات و رزق ، حتی در عالم برزخ

بل احیاء عند ربهم یرزقون

حیات عیسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۷ - ۹،۱۴

۹ حیات و مرگ مسیح (ع) و مادرش مریم و تمامی اهل زمین ، در قبضه قدرت خداوند

قل فمن يملك من الله شيئاً ان اراد ان يهلكك .. و من في الأرض جميعاً

۱۴ زنده بودن مسیح (ع) و مادرش

مریم در عصر پیامبر (ص) *

فمن يملك من الله شيئاً ان اراد ان يهلك المسيح ابن مريم و امه

مفهوم جمله <ان اراد ..> این است که آن دو بزرگوار در زمان نزول آیه زنده بوده اند.

حیات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۸ - ۱۷

۱۷ مرگ برای کافران بهتر از زندگی است .

و لا يحسبنّ الذين كفروا أنّما نملى لهم خيراً لانفسهم

امام باقر (ع): الموت خیر [ل] . . . الكافر ... لانّ الله يقول ... <و لا يحسبنّ العذین كفروا أنّما نملى لهم خیر لانفسهم أنّما نملى لهم لیزدادوا اثماً> .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۶، ح ۱۵۵؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۱۳، ح ۴۴۵.

حیات ماهی قصه موسی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶۱ - ۵،۶

۵- ماهی بی جان همراه موسی (ع) ، در مجمع البحرین زنده شده و در مسیری تونل مانند ، در آب دریا فرو رفت .

نسیا حوتهما فاتخذ سبيله فی البحر سرباً

فاعل <اتخذ> ضمیری است که به <حوت> بازمی گردد. استناد فعل به ماهی ظهور در آن دارد که ماهی بی جان، جان دار شده است. <سرب> به معنای نفق و سوراخ (تونل) است و در آیه حال برای <سبیل> است؛ یعنی، راهی تونل مانند را در دریا در پیش گرفت.

۶- <عن ابي عبد الله (ع) قال: . . . أرسل (أى موسى) إلى يوشع إني قد ابتليت فاصنع لنا زاداً وانطلق بنا، و اشترى حوتاً . .

ثم شواه ثم حمله في مكمل . . . فقطرت قطره من السماء في المكمل فاضطرب الحوت ثم جعل يثب من المكمل إلى البحر قال :
و هو قوله : < واتخذ سبيله في البحر سرباً > ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: . . . موسی به یوشع پیام فرستاد: <من، در معرض آزمایش قرار گرفتم. برای ما توشه راه فراهم ساز و به همراه ما بیا!>. یوشع، یک ماهی خرید ... و آن را بریان کرد و در زنبیل نهاد... سپس قطره آبی از آسمان در زنبیل چکید و ماهی به جنب و جوش آمد و از زنبیل به دریا پرید و این سخن خدا است که فرمود: واتخذ سبيله في البحر سرباً.>.

حیات مجدد انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۵ - ۳

۳ انسانها پس از مرگ و مدفون شدن در زمین، دوباره زنده خواهند شد و از دل خاک به عرصه زمین بازخواهند گشت.

و فيها تموتون و منها تخرجون

اخراج از زمین (و منها تخرجون) می تواند به این معنا باشد که انسانها از درون زمین، که معمولاً در آن مدفون می شوند؛ پس از زنده شدن به سطح زمین بازگردانده می شوند؛ و می تواند به این معنا باشد که از کره زمین اخراج و به جایی دیگر منتقل خواهند شد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

حیات مجرمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۵ - ۳

۳ کشتن و مصدوم کردن دیگران، موجب سلب حق حیات و سلامتی

از مجرم

و كتبنا عليهم فيها ان النفس بالنفس و العين بالعين . . . و الجروح قصاص

حیات مریم (س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۷ - ۹،۱۴

۹ حیات و مرگ مسیح (ع) و مادرش مریم و تمامی اهل زمین ، در قبضه قدرت خداوند

قل فمن يملك من الله شيئاً ان اراد ان يهلك . . . و من في الأرض جميعاً

۱۴ زنده بودن مسیح (ع) و مادرش مریم در عصر پیامبر (ص) *

فمن يملك من الله شيئاً ان اراد ان يهلك المسيح ابن مریم و امه

مفهوم جمله <ان اراد . . .> این است که آن دو بزرگوار در زمان نزول آیه زنده بوده اند.

حیات معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۲ - ۲

۲- علم ، قدرت ، خالقیت و حیات ، از ویژگی های معبود و خدای حقیقی

أفمن يخلق كمن لا يخلق . . . و الله يعلم . . . و الذين يدعون من دون الله لا يخلقون شيئاً

آوردن عبارت <إلهكم إله واحد> پس از بیان صفات برجسته خداوند و پس از یادآوری ضعف و فتور معبودهای باطل، به منزله ذکر نتیجه آن سخنان و مشعر به نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۵ - ۵

۵ - داشتن حیات حقیقی ، مستقل و جاوید ، از اوصاف معبود حقیقی است .

هو الحيّ لا إله إلاّ هو

حيات معنوی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه -

۵ حیات انسان در آخرت، حیاتی مادی و جسمانی است نه صرفاً معنوی و روحانی.

وعد الله المؤمنین .. جنت تجری ... مسکن طیبه

بهره گیری از لذایذ مادی، چون باغهای پوشیده از درخت و خانه های دلپذیر، در سرای آخرت، مستلزم وجود مادی و جسمانی انسان نیز می باشد.

حیات معنوی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۲ - ۷

۷ توجه دادن مؤمنان به حیات معنوی خود و برخورداری از نور الهی، بازدارنده آنان از اطاعت مشرکان و گمراهان

و إن أطعموهم إنکم لمشركون. أو من كان میتا فأحیینه و جعلنا له نورا یمشی به فی ال

تمثیل مذکور برای بر حذر داشتن مسلمانان از اطاعت مشرکان است.

حیات مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۲ - ۳

۳ واقعیت زندگی منکران معاد، جز بازی و سرگرمی چیز دیگری نیست.

قد خسر الذین کذبوا بقاء الله .. و ما الحیوه الدنیا إلا لعب و لهو

گرچه وجهه غالب دنیا لهو و لعب است، در عین حال می دانیم که همین دنیا سبب ارتقای رتبه ها و کسب درجات است. لذا می توان گفت این آیه ناظر به آیات قبل است که درباره منکران معاد بود. یعنی زندگی دنیا برای آنان جز لعب و لهو معنای دیگری ندارد.

حیات موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - مرگ و حیات موجودات ، جلوه ای از ربوبیت یگانه خداوند بر هستی

است .

وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ .. وَاِنَّهُ هُوَ أَمَاتٌ وَأَحْيَا

از ارتباط این آیه با آیه <وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ>، مطلب بالا قابل استفاده است.

حیات موقت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۸ - ۶

۶ آدمیان، در عین استقرار در زمین، ثبات نداشته و در آن به ودیعت هستند.

أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ

توصیف انسانها به <مستقر> و <مستودع> ظهور در آن دارد که هر کدام از آحاد انسان دارای این وصف هستند و بنابراین هر کدام هم <مستقر> و هم <مستودع> می باشند. برداشت فوق بر این مبناست.

حیات مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۳ - ۱۰

۱۰ - مؤمنان، از حیات و شعور واقعی بهره مندند .

لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَىٰ .. و مَا أَنْتَ بِبَعْدِ الْعَمَىٰ عَنْ ضَلَّتْهُمْ إِنْ تَسْمَعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِأَيْتِنَا

نفی توان شنوندن کلام حق به کافران، با تعبیر <لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَىٰ> و اثبات توان آن به مؤمنان، با تعبیر <إِنْ تَسْمَعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ> حکایت از آن دارد که کافران، فاقد درک و شعور لازم اند و برعکس مؤمنان از آن برخوردارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۲ - ۲

۲ - مؤمنان، مردمی زنده دل و برخوردار از حیات حقیقی و شایسته شأن آدمی

و مَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۸ - ۵

۵ - حیات مؤمنان ، جلوه رحمت خداوند

أو رحمناً

مطلب

یاد شده، از تعبیر حیات مؤمنان به رحمت استفاده می شود.

حیات واقعی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۴ - ۲

۲ دین و تعلیمات و رهنمود های خدا و پیامبر (ص) ، مایه حیات واقعی انسان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ

مراد از <ما> در <لما يحييكم>، تمامی تعلیمات و معارف و رهنمودهای خدا و رسول اوست.

خیریت حیات جاودان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۹ - ۴

۴ خیر و رستگاری واقعی ، دستیابی به بهشت و زندگی جاودان بهشتی است .

أُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. أَعَدَّ اللَّهُ لَهُم جَنَّاتٍ

درخواست حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۱

۱ تقدیر زندگانی نیکو در دنیا و آخرت ، درخواست موسی (ع) از خداوند برای خود و همراهانش در میعادگاه مناجات

و اكتب لنا في هذه الدنيا حسنة و في الآخرة

با توجه به آیه قبل معلوم می شود مراد از <نا> در <لنا>، موسی(ع) و همراهان او در میعادگاه مناجات است. کتابت در آیه شریفه به معنای مقدر کردن است.

زمینه استمرار حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۰ - ۷

۷ - آمد و شد شب و روز و به وجود آمدن فصل های مختلف ، عامل پیدایش موجودات زنده و جریان مستمر مرگ و حیات در زمین

یحی و یمیت و له اختلف الیل و النهار

ذکر

>اختلاف شب و روز< پس از بیان مرگ و حیات می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

زمینه حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۵

۵ بازگشت به خدا و توبه به درگاه او ، زمینه ساز نایل شدن به خیر و سعادت دنیا و برخوردار شدن از حیات نیکوی آخرت است .

و اکتب لنا فی هذه الدنيا حسنه و فی الاخره انا هدنا إلیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۰ - ۷

۷ هجرت در راه خدا و یاری دین ، سبب جلب رضایت الهی و دستیابی به حیات جاودان در بهشت

من المهجرین و الأنصار .. رضی الله عنهم

زمینه حیات انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲ - ۴

۴- < وحی > حیات بخش انسان و جامعه است .

ینزل الملائکه بالروح من أمره علی من یشاء

چنان که مفسران گفته اند، مراد از <الروح> می تواند وحی باشد. به کار بردن کلمه <الروح> به جای وحی، استعاره است. وجه شبه این استعاره حیات بخش بودن وحی است؛ همان گونه که روح حیات بخش موجودات می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۲ - ۴

۴ - قرآن ، حیات بخش جان انسان ها است .

كذلك أوحينا إليك روحًا

به كارگیری واژه <روح> به جای <قرآن> یا <کتاب>، اشاره به جنبه حیات بخشی قرآن دارد.

زمینه حیات جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۹ - نحل - ۱۶ - ۲ - ۴

۴- < وحی > حیات بخش انسان و جامعه است .

يُنزِلُ الْمَلٰٓئِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلٰى مَنْ يَّشَاءُ

چنان که مفسران گفته اند، مراد از <الروح> می تواند وحی باشد. به کار بردن کلمه <الروح> به جای وحی، استعاره است. وجه شبه این استعاره حیات بخش بودن وحی است؛ همان گونه که روح حیات بخش موجودات می باشد.

زمینه درک حیات موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۵ - ۱۰

۱۰- تأمل در جهان طبیعت ، زمینه ای برای درک ویژگی های حیات موجودات است .

واضرب لهم مثل الحیوه الدنیا کما أنزلنه من السماء

سبک شمردن حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۷ - ۱۱

۱۱ شکرگزاران، رهیویان صراط مستقیم الهی هستند.

لأقعدن لهم صراطك المستقیم .. لاتجد أكثرهم شکرین

ظلم سلب حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۰ - ۱۷

۱۷ - سلب حیات انسان ها ، بدون دلیل و حجت ، عمل ظالمانه ای است .

فَكَأَلَّا أَخَذْنَا بِذَنبِهِ... و ما كان الله ليظلمهم و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

عقیده به حیات پس از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۱۰۴ - ۱۰

۱۰ توحید در عبادت و اعتقاد به بقای انسان پس از مرگ ، دو پایه و اساس دین الهی است .

و لكن أعبد الله الذي يتوفيكم

علاقه به حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۵

۵ زنده ماندن ، ولو با توجیه کوتاهی ها و تقصیر ها در دفاع از دین ، خواسته کفرپیشگان به ظاهر مسلمان

لا تکنوا کالذین کفروا و قالوا لاخوانهم .. ما ماتوا و ما قتلوا

۲ در برداشت بالا <الذین کفروا> به قرینه <لاخوانهم> به مسلمانان ضعیف الایمانی که اندیشه کفرآمیز دارند، تفسیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۷ - ۵

۵- انسان ها ، فطرتاً از مرگ و نیستی گریزان بوده و علاقه مند به بقا هستند .

و إذا مسکم الضرّ ضلّ من تدعون إلاّ إیّاه

از اینکه خداوند فرموده است: <وقتی انسانها احساس خطر جدی می کنند، تنها رو به سوی او می آورند تا آنها را از مرگ نجات دهد> حکایت از آن دارد که آنان علاقه مند به بقا و گریزان از مرگ هستند.

عوامل ارزشمندی حیات دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۱۴

۱۴ زندگی منهای دین و اعتقاد به قیامت زیانبار و تباهگر سرمایه عمر آدمی است.

قد خسر الذین کذبوا بقاء الله .. یحسرتنا علی ما فرطنا فیها

عوامل انقراض حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۵ - ۱

۱ - در صورت مؤاخذة شدن مردم در دنیا از سوی خداوند ، هیچ جنبنده ای در سطح زمین باقی نخواهد ماند .

و لو يؤاخذ الله الناس بما كسبوا ما ترك على ظهورها من دأبه

عوامل پوچی حیات دنیوی

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۲ - ۱

۱ واقعیت زندگی دنیا منهای اعتقاد به آخرت، جز پوچی و بیهودگی نیست.

و ما الحیوه الدنیا إلا لعب و لهو

عوامل تداوم حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۷ - ۴

۴ شب و روز، دو نعمت بزرگ الهی و مؤثر در استمرار حیات انسانی

هو الذی جعل لکم الیل لتسکنوا فیہ و النهار مبصراً

عوامل حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹ - ۱

۱ - قرآن و اسلام، مایه حیات و رشد انسانهاست.

أو کصیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۲ - ۴

۴- آب، عامل حیات و رویش گیاهان، میوه ها و نباتات است.

و أنزل من السماء ماء فأخرج به من الثمرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۳ - ۲

۲- باران ، عامل سرسبزی زمین ، رویش حبوبات و مایه گردش چرخه حیات

أنزل من السماء ماء فتصبح الأرض مخضرة

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۹ - ۷

۷- پی بردن انسان در هنگام مرگ ، به دست اندرکاری عوامل و کارگزاران الهی (ملائکه) در مرگ و حیات او

حتى إذا جاء أحدهم الموت قال رب ارجعون

کلمه <ارجعون> می تواند خطاب به خداوند بوده و جمع آمدن آن از باب تعظیم باشد. هم چنین می تواند بدان جهت باشد

که انسان، در آن لحظه حضور ملائکه و کارآیی آنان را مشاهده می کند و با التجا به خدا، از آنان می خواهد که او را به دنیا بازگردانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۹ - ۱

۱ آب باران ، منشأ پیدایش حیات و رویش گیاهان و نباتات در بستر زمین

ماء طهورًا . لنحیی به بلده میتًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۷ - ۶

۶ - آب ، دارای نقش اساسی ، در حیات و تغذیه انسان ها و حیوان ها است .

و نسوق الماء إلى الأرض الجرز فنخرج به زرعًا تأكل منه أنعمهم و أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۹ - ۴

۴ - باران ، منشأ حیات در زمین

فسقنه إلى بلد میت فأحیننا به الأرض بعد موتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۲ - ۳

۳ - ایمان ، حیات آفرین و مایه برخورداری از زندگی حقیقی است و کفر ، مرگ آفرین و سبب نابودی حیات حقیقی آدمی

و ما یستوی الأحياء و لا الأموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۵ - ۹

۹- وحی ، حیات بخش انسان و جامعه است .

يلقى الروح من أمره على من يشاء من عباده

از نام گذاری وحی به روح، برداشت یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۱

۷ پیدایش حیات به وسیله باران ، آیتی الهی و دلیلی بر امکان معاد

و أحيينا به بلده ميتاً كذلك الخروج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۴ - ۴

۴ - تأثیر غیر خدا در روند مرگ و حیات ، در طول اراده و قدرت خداوند است ؛ نه مستقل از او .

و أنه هو أمات و أحيأ

با توجه به این که اسباب و عوامل طبیعی و حتی خود انسان ها در شکل گیری مرگ و حیات به نوعی مؤثراند، انحصار یافتن میراندن و زنده کردن به خداوند، از آن جهت است که اراده الهی، حاکم بر نظام مرگ و حیات است و دیگران هر نقشی که دارند در پرتو اراده الهی و به افاضه و تدبیر او دارای آن نقش هستند.

عوامل حیات انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۹ - ۷

۷ زندگی بشر ، مرهون حیات زمین (وجود گیاهان و نباتات) و دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) است .

و أنزلنا .. لنحيي به بلده ميتاً و نسقيه مما خلقنا أنعمًا و أناسي

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که تقدم <بلده ميتاً> و <أنعاماً> بر <أناسي> از نوع تقدم علت بر معلول و سبب بر مسبب باشد. گفتنی است برخی از مفسران (مانند زمخشری در کتاب الکشاف) نکته یاد شده را یادآور شده اند.

عوامل حیات انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۰ -

۵ - عقل و ایمان ، مایه حیات انسان است .

و قرءان مبین . لینذر من کان حیاً

بیشتر مفسران برآنند که در جمله <من کان حیاً> یا استعاره به کار رفته و مقصود از آن انسان عاقل یا مؤمن است. و یا این که در این جمله، مجاز مرسل به کار رفته است؛ یعنی، چون تعالیم قرآن و پیامبر(ص) سبب حیات واقعی بشر است، از این رو تعبیر <حی> آمده است؛ مثل آیه شریفه: <استجیبوا لله و للرسول إذا دعاکم لما یحییکم> (انفال (۸) آیه ۲۴). گفتنی است که برداشت یاد شده مبتنی بر فرض نخست است.

۶ - تعالیم قرآن و رهنمود های پیامبر اسلام (ص) ، مایه حیات واقعی انسان ها است .

لینذر من کان حیاً

عوامل حیات جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۹ - ۱،۳

۱ - قانون قصاص و اجرای آن موجب حیات جامعه اسلامی است .

و لکم فی القصاص حیوه

۳ - بهره مندان از خرد ناب ، توانا بر درک فلسفه قانون قصاص (حیات جامعه)

و لکم فی القصاص حیوه یا ولی الألب

زندگی در پرتو قانون قصاص و اجرای آن، برای همه جامعه اسلامی است نه خصوص خردمندان. بنابراین مخاطب قرار دادن اولی الألباب (دارندگان خرد ناب) در بیان حقیقت مذکور، اشاره به این دارد که: درک آن حقیقت در خور خردی ناب است.

عوامل حیات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۴ - ۱۲

۱۲ - باران ، منشأ حیات در زمین و موجب پیدایش جنیندگان در آن است .

فأحيا

به الأرض بعد موتها و بث فيها من كل دابة

<بث> به معنای پراکنده ساختن است و مراد از آن در آیه شریفه ایجاد انواع جنندگان و ازدیاد آنها با توالد و تناسل و پراکنده ساختنشان در زمین است. <بث فيها> می تواند عطف بر <أحيا...> باشد که در این صورت متفرع بر <أنزل من السماء من ماء> خواهد بود و گویای این است که: منشأ به وجود آمدن حیوانات آبهای فرود آمده از آسمان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۹ - ۲

۲ زمین ، بدون نزول باران ، مرده و فاقد حیات نباتی خواهد بود .

لنحیی به بلدة میثاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۳ - ۶،۷

۶ - زمین ، بدون داشتن گیاه و نباتات ، مرده است .

نزل .. ماء فأحيا به الأرض من بعد موتها

۷ - از جمله فوائد آب ، حیات بخشی به زمین است .

نزل .. ماء فأحيا به الأرض من بعد موتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۹ - ۵

۵ - زمین ، بدون آب مرده است .

فسقنه إلى بلد میث فأحینا به الأرض بعد موتها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۹ - ۳

۳ - حیات و سرسبزی پهنه زمین ، در گرو نزول باران به اراده الهی

فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ

جلد - نام سورہ - سورہ - آیہ - فیش

۱۷ - جائیہ - ۴۵ -

۵ - باران ، مایه حیات زمین

و ما أنزل الله من السماء .. فأحيا به الأرض

۷ - نقش سازنده حرکت باد ها در شرایط زیستی زمین ، نشانه ای از خداوند برای اهل اندیشه

و تصريف الريح آيت لقوم يعقلون

۸ - اهمیت نور ، تاریکی ، آب و هوا در حیات زمین

و اختلف الیل و النهار و ما أنزل الله .. و تصريف الريح

عوامل حیات معنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۲ - ۲،۳

۲ راهیابی به توحید و ایمان موجب حیات انسان می شود.

و إن أطعموهم إنکم لمشركون. أو من كان ميتا فأحيينه و جعلنا له نورا

چون در آیات پیشین سخن از شرک و توحید و ایمان و کفر به آیات الهی بود، قهراً مقایسه ای که در این آیه صورت گرفته بین این دو گروه است که یکی را مرده و دیگری را زنده دانسته است.

۳ ایمان، حیات است و مولد نور و کفر، مرگ است و تاریکی.

أو من كان ميتا فأحيينه .. کمن مثله فی الظلمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۷ - ۱

۱ - یاد خدا و تلاوت کلام او (قرآن) ، حیات و روشنی بخش دل ها است .

أن تخشع قلوبهم لذكر الله .. و اعلموا أن الله يحيي الأرض

جمله <اعلموا أن الله.. > تعلیل برای جمله <ألم یأن... لذكر الله > است. در این تعلیل، دل های غافل از یاد خدا و بیگانه با کلام او (قرآن)، به زمین مرده و یاد خدا

و کلام او (قرآن)، به باران تشبیه شده است. همان طور که خداوند به وسیله باران، زمین مرده را زنده می کند؛ یاد خدا و تلاوت کلام او (قرآن) نیز، دل های غافل و مرده را حیات می بخشد و نورانی می کند.

عوامل حیات موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۹ - ۳

۳ آب مایه اصلی رویدن گیاهان و هر موجود رشد کننده است.

فأخرجنا به نبات كل شيء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۵ - ۴

۴- خداوند ، آب را مایه حیات موجودات زنده قرار داده است .

فأحيا به الأرض بعد موتها

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مقصود از <الأرض> اهل زمین؛ یعنی، موجودات دارای حیات باشد که شایسته مرگ و حیاتند.

عوامل حیات واقعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۴ - ۵،۷

۵ برخی از دعوت ها و دستورات خدا و پیامبر (ص) ، دستوراتی زیربنایی و حیاتبخش برای جامعه ایمانی *

إذا دعاكم لما يحييكم

اگر جمله شرطیه <إذا دعاكم .. > دارای مفهوم باشد، این جمله با منطوق و مفهومش بیانگر دو نوع دستور است. دستوراتی زیربنایی، اساسی و حیاتبخش برای کل جامعه ایمانی، همانند مسائل حکومت و ولایت، و دستوراتی که جنبه فردی دارد و حیات کل جامعه در گرو آن نیست.

۷ جهاد و مبارزه با کافران حق ناپذیر ، مایه حیات واقعی جامعه ایمانی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ

از مصادیق مورد نظر برای < ما یحییکم >، به دلیل

وقوع آیه مورد بحث در سیاق آیات جنگ و مبارزه، فراخوانی اهل ایمان به نبرد با دشمنان دین است.

عوامل مؤثر در حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ - قلب، نقش اساسی در حیات و مرگ آدمی دارد.

و بلغت القلوب الحناجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۰ - ۸

۸ - شعر در احیای حیات واقعی و معقول انسان ها، کافی نیست.

و ما علمنه الشعر و ما ینبغی له .. لینذر من کان حیًا

از این که خداوند با نفی شعر بودن قرآن، حیاتبخش بودن را منحصر به تعالیم آن و پیامبر(ص) دانسته است، می توان استفاده کرد که شعر، در حیات بخشیدن به انسان ها کافی نیست.

قانونمندی حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴ - ۷

۷ نظام هستی و برنامه حیات و معاد، دارای قوانینی دقیق و تخلف ناپذیر *

و عندنا کتب حفیظ

برداشت بالا بدان احتمال است که واژه <کتاب>، اشاره به قوانین تنظیم شده از سوی خداوند، داشته باشد. گفتنی است که نظام هستی براساس آن قوانین، به گونه ای دقیق راه خود را می پیماید، یعنی، با همان قانونی که نخستین بار آمده اند، دوباره گردآوری می شوند.

قانونمندی حیات امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۴ - ۳

۳ امتها و جوامع بشری، ناتوان از کمترین شتاب در سپری ساختن تاریخ حیات خویش

فإذا جاء أجلهم .

.. لا يستقدمون

قانونمندی حیات در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۳ - ۵

۵ - پدیدار شدن شرایط حیات انسان بر روی زمین و امکانات مختلف برای او ، کاری هدف دار و برنامه ریزی شده

لکم الأرض .. سلککم

از تکرار <لکم> در آیه شریفه و از مضمون آیات بعد، این نکته استفاده می شود که آماده شدن زمین برای حیات انسان امری تصادفی نبوده، بلکه از قبل طراحی گردیده و برنامه ها، هدف دار اجرا شده است.

کیفیت حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۸ - ۱

۱ سبکبار نمودن انسان در زندگی ، خواست الهی است .

یرید الله ان یخفف عنکم

محدوده حیات ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۱ - ۲

۲ - حیات ابلیس ، محدود است و پیش از اتمام عمر دنیا ، به پایان می رسد . *

من المنظرین . إلى یوم الوقت المعلوم

محدودیت حیات دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ انسانها پس از سپری کردن زمان حضورشان در زمین و مرگ همگان، به مکانی دیگر منتقل خواهند شد.

و لكم فی الأرض مستقر و متع إلی حین . . . و منها تخرجون

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <منها تخرجون> اخراج از کره زمین و انتقال به مکانی دیگر باشد. گفتنی است که چون مخاطبان آیه همه انسانها هستند، اخراج از زمین و انتقال به مکانی

دیگر پس از مرگ همگان و سپری کردن مدت زمانی است که <إلی حین> بدان اشاره داشت.

۵ حیات دنیا گذرگاهی موقت، نه پایان زندگی انسان

متع إلی حین . . . و منها تخرجون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۴ - ۵

۵ توجه به محدود بودن زندگی و مجالهای آن، مایه پرهیز از محرمات الهی است.

حرم ربی الفوحش . . . و لكل أمه أجل فإذا جاء أجلهم لا يستأخرون ساعة

محرومان از حیات معنوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۲ - ۱

۱ مشرک، مرده و بی بهره از حیات معنوی و روحانی است.

و إن أطعموهم إنکم لمشركون. أو من كان میتا فأحینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۳ - ۱

۱ - کافران حق ناپذیر، از حیات معنوی و امتیازات بشری، محروم اند.

و ما أنت بهد العمی عن ضللتهم

در آیه، کسانی که پیامبر(ص) نیز توان خارج کردن آنها را، از گمراهی ندارد، به کوران تشبیه شده اند و مراد از آنها کافران اند. تشبیه کافران به کوران، استعاره مصرحه است و <هادی>، استعاره کنایی است.

محرومیت از حیات واقعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ انسان های رویگردان از تعلیمات و رهنمود های خدا و رسول ، محروم از حیات واقعی انسانی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ

مدت حیات در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۲- استمرار زندگی انسان در زمین ، تا آخرین لحظات عمر جهان طبیعت

یوم ترونها

<یوم ترونها> متعلق به <تذهل کلّ مرضعه> می باشد. در مرجع ضمیر <ها> در <ترونها> دو احتمال است: ۱ اگر مراد از <الساعه> در آیه قبل لحظه حضور مردم در عرصه محشر باشد، مراد از <زلزله> اضطراب مردم خواهد بود. در این صورت آیه مورد بحث (یوم ترونها تذهل...)، برای بیان کیفیت و درجه هراس و اضطراب مردم در روز قیامت می باشد و ضمیر <ها> نیز به <الساعه> بازمی گردد. ۲ اگر مراد از <الساعه> لحظه فروپاشی نظام طبیعت باشد، مقصود از <زلزل> لرزش شدیدی خواهد بود که پیکره عالم طبیعت (زمین) را فرا خواهد گرفت. در این صورت آیه مورد بحث، بیانگر حال مردم در لحظه وقوع آن زلزله می باشد و ضمیر <ها> در <ترونها> به <زلزله> بازمی گردد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال دوم است.

مراتب حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۴ - ۳،۷

۳ انسان های رویگردان از تعلیمات و رهنمود های خدا و رسول ، محروم از حیات واقعی انسانی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ

۷ جهاد و مبارزه با کافران حق ناپذیر ، مایه حیات واقعی جامعه ایمانی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ

از مصادیق مورد نظر برای <ما یحییکم>، به دلیل وقوع آیه مورد بحث در سیاق آیات جنگ و مبارزه، فراخوانی اهل ایمان به نبرد با دشمنان دین است.

مراد از حیات طیبه

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۷ - ۹

۹- > عن النبي (ص) [في قوله تعالى < فلنحييَنَّه حياه طيبه > قال] : إنها القناعه و الرضا بما قسم الله ;

از رسول خدا(ص) روایت شده است که [درباره سخن خدا] < فلنحييَنَّه حياه طيبه > فرمود: همانا آن حیات طیبه قناعت و راضی بودن به آن چیزی است که خدا قسمت کرده است.

مشمولان حیات جاودان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۲ - ۲

۲ مؤمنان هجرت کننده و مجاهد ، برخوردار از زندگی جاودان در باغ های سرشار از نعمت ، در سرای بهشت

الذين ءامنوا و هاجروا و جهدوا .. و جنت لهم فيها نعيم مقيم. خلدین فیها أبداً

مکذبان حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۸ - ۱

۱- سوگند مشرکان به خدا ، برای مورد انکار قرار دادن حیات اخروی انسانها

و أقسموا بالله جهد أيمانهم لایبعث الله من یموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۹ - ۱،۳

۱ مشرکان لجاجت پیشه مکه، منکر قیامت و هر گونه زندگی جز زندگانی دنیا بودند.

و قالوا إن هی إلا حیاتنا الدنیا

۳ برخی کافران، حتی در صورت بازگشت به دنیا، زندگی را منحصر به دنیا دانسته و قیامت را انکار می کنند.

و لو ردوا لعادوا .. و قالوا إن هی إلا حیاتنا الدنیا

جمله < و قالوا > می تواند عطف بر جمله < لعادوا > باشد. یعنی اگر به دنیا بازگردند، به همان روش باطل

خودروی آورده و باز هم معاد را انکار می کنند.

مکذبان حیات یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۴ - ۷

۷ خانواده یعقوب ، اظهارات او را درباره زنده بودن یوسف (ع) ، انکار می کردند .

قال أبوهم .. لولا أن تفنّدون

روشن است که جمله <إني لأجد ..> نمی تواند بیانگر جواب <لولا...> باشد زیرا یعقوب (ع) را چه به سستی اندیشه متهم می کردند یا نمی کردند، بوی یوسف (ع) را شنیده بود. بنابراین جواب شرط محذوف است و قرینه های حالی و مقامی می تواند مؤید این احتمال باشد که جواب شرط جمله ای است نظیر <لما كذبتموني و...> (مرا تکذیب نمی کردید و نزدیک بودن وصال یوسف (ع) را باور می کردید).

ملاك حیات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۴ - ۱۱

۱۱ - زمین بی گیاه مرده است و حیات آن به رویش گیاهان است .

فأحيا به الأرض بعد موتها

مراد از <احیای ارض> (زنده کردن زمین) به وجود آوردن گیاهان و درختان در آن است.

منشأ تجدید حیات انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۴ - ۲

۲ - خدای یگانه ، آغازگر آفرینش انسان و بازگرداننده وی در روز رستاخیز

أمن يبدؤا الخلق ثم يعيده

مفسران برآنند که مراد از <إعادة> بازگرداندن در روز قیامت است. بنابراین مراد از <الخلق> آفرینش انسان خواهد بود؛
یعنی، کیست آن که آفرینش انسان را آغاز می کند، آن گاه در آخرت او را برمی گرداند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۸ - ۲

۲ - تبدیل موجود فاقد حیات به موجودی دارای حیات ، دلیل بر وجود خداوند است .

کیف تکفرون بالله و کنتم أموتاً فأحیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۳ - ۵،۷

۵ - حیات بخشی به مقتول بنی اسرائیل ، کار خداوند بود .

فقلنا اضربوه ببعضها كذلك يحيى الله الموتى

از هدفهای بیان این حقیقت که <خداوند مردگان را زنده می کند> - پس از بیان زنده شدن مقتول بنی اسرائیل به وسیله زدن عضوی از گاو بر آن - رساندن این معناست که: حیات بخشی به آن مقتول فعل خداوند بود، نه اثری از عضو آن گاو ذبح شده.

۷ - خداوند ، همه مردگان را حیاتی دوباره خواهد بخشید .

كذلك يحيى الله الموتى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۳ - ۵

۵ مرگ و حیات ، در قدرت خداوند

فقال لهم الله موتوا ثم احياهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۴ - ۱

۱ توجه به حاکمیت خداوند در حیات و مرگ ، برطرف کننده ترس آدمی برای پیکار در راه او

الم تر الى الذين .. وقاتلوا في سبيل الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۸ - ۱۳، ۱۲

۱۲ زندگی و مرگ ، تنها در دست پروردگار است .

رَبِّي الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ

۱۳ ادعای مغالطه آمیز نمود ، بر اینکه

مرگ و زندگی به دست اوست .

قال انا احيى و اميت

از اینکه ابراهیم (ع) در برابر پاسخ نمرود (انا احيى ..)، استدلالی دیگر مطرح کرد (فان الله ...)، معلوم می شود احياء و اماته ای را که نمرود مدعی بود؛ با مغالطه به اطرافیان خویش که درکی از واقعیت حیات و مرگ نداشتند، باوراند. (چنانچه در روایات آمده است که دستور به کشتن فردی و آزادی محکوم به مرگی را داد.)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۹ - ۷،۲۳

۷ خداوند میراننده موجودات و زنده کننده آنان

انى يحيى هذه الله بعد موتها فاماته الله مائه عام ثم بعثه

۲۳ میراندن و زنده کردن موجودات، تنها در قلمرو قدرت مطلق الهی

فاماته الله مائه عام ثم بعثه .. قال اعلم ان الله على كل شيء قدير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۰ - ۲۴

۲۴ حاکمیت و تسلط خداوند بر عالم مرگ و حیات، دانایی او به کیفیت ترکیب اجزای مردگان و زنده کردن آنان

و اعلم ان الله عزيز حكيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۱۱،۱۲

۱۱ مرگ و حیات در هر حال به دست خداست و مسافرت و یا حضور در میدان نبرد، تغییردهنده مسیر مقدر آن نیست .

قالوا .. ما ماتوا و ما قتلوا ... و الله يحيى و يميت

خداوند در جواب کسانی که جهاد و مسافرت را عامل تعیین کننده مرگ می پنداشتند، می فرماید

> و الله يحيى و يميت < يعنى عوامل مادى، تعيين كننده نيستند ؛ هر چه هست به دست خداوند و به تقدير اوست.

۱۲ تضاد و دوگانگى بينش اهل ايمان و كفرپيشگان ، در تفسير عوامل حيات و مرگ

و قالوا .. ما ماتوا و ما قتلوا ... و الله يحيى و يميت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۸ - ۱۴

۱۴ شركت در جنگ و يا خانه نشينى ، هيچكدام نقش تعيين كننده در مرگ و يا زندگى آدمى ندارد .

قل فادرؤا عن انفسكم الموت ان كنتم صادقين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۶۱ - ۱۱

۱۱ اسباب و عوامل مرگ و حيات آدمى منحصرأ تحت اراده قاهر خداوند و در اختيار اوست.

و هو القاهر فوق عباده .. توفته رسلنا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۹۵ - ۲

۲ خداوند پديد آورنده حيات از دل طبيعت بى جان و مرده است.

إن الله .. يخرج الحى من الميت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۹۹ - ۲،۳،۷،۸

۲ خداوند با آب باران گياهان را از زمين مى روياند.

أنزل من السماء ماء فأخرجنا به نبات كل شىء

۳ آب مايه اصلى روييدن گياهان و هر موجود رشد كننده است.

فأخرجنا به نبات كل شيء

۷ خداوند با باران از شکوفه های نخل، خوشه هایی سر فروشته و در دسترس را می رویاند.

فأخرجنا .. و من النخل من طلعها قنوان دانيه

<طلع> به

معنای شکوفه خرما و <قنوان> نیز به معنای خوشه است و <قنوان دانه> یعنی خوشه های نزدیک که در دسترش باشد.

۸ خداوند با آب باران تاکستانهای انگور و باغهای زیتون و انار را پدیدار می سازد.

و جنت من أعناب و الزیتون و الرمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۵ - ۱۹

۱۹ مشیت خدا حاکم بر حیات و مرگ انسانها

رب لو شئت أهکتهم من قبل و إیّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۸ - ۱۳

۱۳ حیات و مرگ همگان به دست خدا و در اختیار اوست .

یحی و یمیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۲ - ۱۵

۱۵ ایمان مبتنی بر دلایل روشن ، دارای ارزش و مایه حیات

و یحیی من حی عن بینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۶ - ۴،۶

۴ مرگ و حیات مستمر در جهان هستی ، متکی به اراده و مشیت خداوند است .

إن الله .. یحیی و یمیت

استمرار حیات و مرگ از به کارگیری فعل مضارع (یحیی و یمیت) استفاده می شود.

۶ حیات و مرگ مستمر در جهان ، جلوه ای از حاکمیت مطلق الهی بر هستی

إن الله له ملك السموت و الأرض یحیی و یمیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷- یونس - ۱۰ - ۵۶ - ۱

۱ مرگ و حیات ، تنها در دست خداوند است .

هو یحیی و یمیت

تقدیم ضمیر در

فعل <یحی> می تواند برای حصر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۳ - ۱

۱- حیات و مرگ موجودات ، تنها به دست خداوند است .

و إنا لنحن نحی و نمیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۵ - ۸

۸- به دست خداوند بودن مرگ و حیات انسان ها ، دلیل علم او بر احوال انسان ها در گذشته و آینده

و إنا لنحن نحی و نمیت . . . و لقد علمنا المستخرین . و إن ربك هو یحشرهم

برداشت فوق، بر این احتمال که ذکر <إنا لنحن نحی و نمیت> قبل از <و لقد علمنا..> و ذکر <إن ربك هو یحشرهم> پس از آن، می تواند به منظور اقامه دلیل برای آن باشد. طبق این احتمال، معنای آیه چنین می شود: ما به احوال پیشینیان و آیندگان آگاهی داریم؛ چرا که خود ما میراننده و زنده کننده همه هستیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۶ - ۳

۳- ابلیس ، باورمند به اینکه مرگ و حیات در دست خداوند است .

قال رب فأنظرنی إلی یوم یبعثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۸ - ۵

۵- مشرکان مکه ، حیات را به دست خداوند می دانستند .

و أقسموا بالله .. لا یبعث الله من یموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴- پیدایش موجودات زنده ، پس از گذشت دوره انباشتگی و تراکم

آسمان ها و زمین بوده است .

أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا

۸- اندیشیدن در پدیده های جهان خلقت ، از راه های دستیابی انسان به توحید و یگانگی خداوند

أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَوَاتِ ... أَفَلَا يُؤْمِنُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۰ - ۱،۴

۱ - حیات و مرگ ، تنها در اختیار خداوند است .

و هو الذی یحیی و یمیت

<الذی> خبر مبتدا و <ال> در آن، برای جنس است. بنابراین جمله <هو الذی> مفید حصر است معنا چنین می شود: او حیات می بخشد و می میراند.

۴ - حیات و مرگ انسان ها ، تنها به اراده و تدبیر خداوند

و هو الذی یحیی و یمیت

برداشت فوق، بر این اساس است که مفعول محذوف، ضمیر خطاب به انسان ها باشد، یعنی، <یحییکم و یمیتکم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳ - ۶

۶ مخلوق نبودن ، قدرت بر آفرینندگی ، جلب منفعت ، دفع ضرر ، میراندن ، حیات بخشیدن و احیای مردگان ، از نشانه های معبود واقعی و شایسته پرستش (الله)

و اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ ... وَلَا يَشْعُرُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۱ - ۱،۲

۱ - مرگ و حیات مجدد انسان به دست خدا و براساس تدبیر او است .

و الذی یمیتنی ثم یحیی

۲- تذکر ابراهیم (ع) به قوم بت پرست خود ، مبنی بر نبود کمترین

نقش برای بت ها در مرگ و حیات آدمی

و الذی یمیتنی ثم یحیی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۴ - ۱

۱ - < رویش و خزان > و < حیات و مرگ > مداوم در پهنه زمین ، از نمود های تدبیر خداوند

أمن یبدؤا الخلق ثم یعیده

فعل های < یبدأ > و < یعید > مضارع و مفید استمرار است. آیه یاد شده به چرخه منظم حیات و مرگ و بهار و خزان در عرصه زمین اشاره دارد، یعنی، کیست که پدیده ها را به طور مداوم پدید می آورد و آن گاه آنها را به حال سابقشان برمی گرداند؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۹ - ۵

۵ - عرصه طبیعت ، مظهر قدرت نمایی خداوند در ایجاد حیات و مرگ پدیده ها است .

کیف یبدئ الله الخلق ثم یعیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۹ - ۴

۴ - حیات ، از میان موجودات بی جان و مرده ، پدید آمده است .

یخرج الحی من المیت و یخرج المیت من الحی

تقدیم < یخرج الحی من المیت > بر < و یخرج المیت .. > می تواند اشاره به این نکته داشته باشد که ابتدا، موجودات بی جان آفریده شدند و از میان آنها جان داران پدید آمدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۶ - ۲

۲- انسان ها در چنبر قدرت مطلق خداونداند و مرگ و حیاتشان تحت مشیت او است .

إِنْ يَشَاءُ يُدْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ

جدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۹ - ۳

۳ - ابلیس ، معتقد به حاکمیت مشیت خداوند بر مرگ و حیات

قال ربّ فأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يَبْعَثُونَ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۱ - ۱،۴

۱ - اعتراف کافران در قیامت ، به دو بار مردن و دو بار زنده شدن خود با قدرت الهی

قالوا ربّنا أَمْتَنَّا اثنین و اَحییتنا اثنین

۴ - مرگ و حیات ، به قدرت خدا است .

ربّنا أَمْتَنَّا اثنین و اَحییتنا اثنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۸ - ۱،۲

۱ - تنها خداوند ، حیات بخش موجودات است .

هو الذی یحیی

۲ - حیات و مرگ موجودات تنها به دست خداوند است .

هو الذی یحیی و یمیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۹ - ۱۰

۱۰ - تولد و مرگ موجودات ، وابسته به مشیت الهی است .

و من آیته خلق السموت .. و هو علی جمعهم إذا یشاء قدیر

ممکن است منظور از جمع به قرینه <بث> نابودی و انقراض تمامی موجودات باشد؛ همان گونه که آفرینش و پراکنندگی آنها به دست خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۱ - ۵

۵ - مرگ و حیات تمامی انسان ها ، حتی پیامبران ، به اراده خداوند است .

فَأَمَّا نَذَهَبْنَ بِكَ فَأَنَا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند <إذهاب> را که

در این جا به معنای میراندن است به خود نسبت داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جایه - ۴۵ - ۲۶ - ۲

۲- زندگی و مرگ انسان به اراده خداوند است نه معلول طبیعت و روزگار .

و ما يهلكنا إلا الدهر .. قل الله يحييكم ثم يميتكم

آیه شریفه در حقیقت پاسخی به دعوی دهریین است که منکر مبدأ و معاد بودند و در آیات پیشین به گفته آنان اشارت رفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۹ - ۲

۲- توجه به حاکمیت بی مانند خداوند بر نظام کیفر و پاداش و جریان هدایت و حیات ، زمینه اتکای هر چه بیشتر بر او

فاعلم أنه لا إله إلا الله

فاء در <فاعلم> بیان نتیجه ای است که در آیات پیشین بیان گردید. محور اساسی آن، در پاداش الهی به مؤمنان و مجازات و هلاکت کافران و پدید آوردن قیامت و رستاخیز خلاصه می شود. این همه اگر مورد توجه قرار گیرد، بر علم و اطمینان فرد و اتکای وی بر خداوند افزوده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۴ - ۱،۳

۱ - مرگ و حیات ، تنها به اراده خداوند و در اختیار او است .

و أنه هو أمات و أحيا

۳ - یگانه قدرت حاکم بر نظام مرگ و حیات ، قادر به برپایی صحنه معاد

و أن إلى ربك المنتهى .. و أنه هو أمات و أحيا

در صورتی که آیه <إلى ربك المنتهى> نظر به فرجام زندگی و

پایان حیات داشته باشد، ارتباط میان آن و آیه <و آنه هو أمات و أحیا>، بیانگر مطلب بالا است.

منشأ حیات ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۴ - ۴

۴ ابلیس، معتقد به حاکمیت مشیت الهی بر مرگ و حیات خویش

أنظرنی إلی یوم یبعثون

منشأ حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۲ - ۳

۳ - حیات اخروی انسان ، به دست خدا است .

أنشره

منشأ حیات انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۸ - ۱

۱ - خداوند ، به انسان ها حیات می بخشد و آنان را می میراند .

و کنتم أموتاً فأحیکم ثم یمیتکم ثم یحییکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۹ - ۴

۴- پدید آمدن روح و حیات در انسان ها ، به امر ویژه خداوند است .

و نفخت فیه من روحی

از اینکه خداوند، افاضه حیات به بشر را به خود اسناد داده است، می تواند گویای نکته فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۶ - ۱

۱ - انسان ، آفریده خدا وزنده به اراده او است .

و هو الذی أحياكم

منشأ حیات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۴ - ۱۳

۱۳ - خداوند احیاء کننده زمین ، ایجاد کننده موجودات زنده در آن و منتشر سازنده آنها در سراسر گیتی است .

فأحيا به الأرض .

.. و بث فیها من کل دابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۳ - ۳

۳ - خداوند ، نازل کننده آب از آسمان ، و حیات بخش زمین مرده ، با باران است .

من نزل من السماء ماء فأحيا به الأرض من بعد موتها ليقولنَّ الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۹ - ۱

۱ - حیات و خرمی زمین پژمرده با نزول باران ، از آیات و نشانه های قدرت خداوند است .

و من آياته أنك تری الأرض خشعه فإذا أنزلنا عليها الماء اهتزت و ربّت

<خشوع> (مصدر <خاشعه>) در اصل به معنای تضرع و تواضع است و در مورد زمین کنایه از خشکی و فسردگی می باشد. <اهتزاز> (مصدر <اهتزت>) به معنای تحرك و جنبش است که نشانه شادابی و خرمی می باشد. <ربو> (مصدر <ربت>) به معنای افزایش و نمو است و در این جا مقصود رویش گیاهان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۱ - ۴

۴ - خرمی و حیات زمین ، وابسته به نزول باران است .

نزل من السماء ماء بقدر فأنشرنا به بلده میتا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۵ - ۲

۲ - ریزش باران از سمت آسمان و تأمین روزی خلق و حیات زمین در پرتو آن ، آیتی خداوندی برای خردورزان

و ما أنزل الله من السماء .. آیت

منشأ حیات موجودات

۱۴ حاکمیت مطلق خداوند بر هستی ، دلیل اقتدار او بر زنده کردن موجودات و میراندن آنهاست .

الذی له ملک السموت و الأرض . . . یحی و یمیت

بیان حاکمیت انحصاری خدا بر هستی و سپس توصیف او به حیات بخشی و مرگ آفرینی می تواند اشاره به این معنا داشته باشد که چون امور هستی در اختیار اوست، مرگ و حیات موجودات نیز به دست او خواهد بود. بنابراین <له ملک ... > می تواند استدلال برای <یحی و یمیت > باشد.

موجبات حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۲ - ۱۶

۱۶ توحید مایه حیات آدمی و شرک ، موجب هلاکت واقعی وی

لیهلک من هلک عن بینه و یحیی من حی عن بینه

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از هلاکت در <لیهلک > و <هلک > کفر و ضلالت و مقصود از حیات در <یحیی > و <حی >، ایمان و هدایت باشد. کلمه <بینه > به دلیل تناسبش با ضلالت و هدایت این احتمال را تقویت می کند. یعنی تا گمراهی کفرپیشگان از سر دلیل باشد و بر آنان اتمام حجت شده باشد و تا هدایت مؤمنان از روی برهان بوده و ایمانشان بر دلیلی روشن استوار باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۲۴ - ۳

۳ - باران ، مایه حیات زمین و طبیعت است .

و ینزل من السماء ماء فیحیی به الأرض بعد موتها

موجبات حیات برتر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶

۵ تقوا و در اندیشه معاد بودن، راه رسیدن به زندگی برتر و نیکو در آخرت

و للدار الآخرة خير للذين يتقون

موجبات حیات جاودان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۹ - ۲

۲ بهشت و زندگی جاودان در آن ، پاداش جهاد با مال و جان

أعد الله لهم جنت تجري من تحتها الأنهر خلدین فیها

موجبات حیات قوم یونس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۸ - ۱۱

۱۱ ایمان به موقع قوم یونس موجب شد که آنان تا پایان عمر ، همراه با برخورداری از مواهب دنیوی ، به زندگی خویش ادامه دهند .

إلا قوم یونس لما آمنوا كشفنا عنهم عذاب الخزی . . . و متعنهم إلی حین

ناپایداری حیات موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۵ - ۲

۲ - حیات تمامی موجودات زنده جهان ، حیاتی است رو به زوال و وابسته به خدای جان آفرین .

هو الحیّ

نشانه های حیات زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۳ - ۵

۵ - رویش دانه ها ، جلوه روشن حیات در زمین است .

و آیه لهم الأرض الميته أحيينها و أخرجنا منها حَبًّا

برداشت یاد شده از آن جا است که رویش دانه ها، به عنوان نخستین نمونه حیات در زمین یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۹ - ۱۱

۱۱ - پیدایش و رویش گیاهان ،

مظهري از حیات زمین است .

اهتَزَّتْ وَ رَبَّتْ إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا

نعمت حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۴ - ۲

۲ پیکار در راه خداوند ، شکر نعمت حیات

ثُمَّ أَحْيَاهُمْ .. وَ لَكِن أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ. وَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ

فرمان جهاد، پس از بیان ناسپاسی مردمان در برابر نعمت حیات، در واقع نشان دادن روشی است برای سپاس و شکر خداوند در برابر نعمت حیات.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۵ - ۳

۳ - غم ، شادی ، مرگ ، حیات و نیازمندی و غنا ، هر یک ضرورت و نعمتی در نظام زندگی انسان *

فَبَأَىءَ الْآلَاءِ رَبُّكَ تَتَمَارَى

در صورتی که تعبیر <آلاء> در مورد مطالب آیات پیشین به کار رفته باشد، مطلب یاد شده را می توان به دست آورد.

نفخه حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۳ - ۱

۱ - هنگام برپایی رستاخیز ، همه انسان ها تنها با یک نهیب به سوی صحنه قیامت رانده خواهند شد .

فَأَنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ

<زجر> یعنی، دفع کردن و راندن با بانگ و فریاد (مفردات راغب) و مراد از <زجره> همان نفخه دوم صور است. ضمیر <هی> به <کزه> بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۴ - ۱

۱ - تمام مردگان پس از نفخ صور، زنده گشته و در دشت هموار قیامت حاضر خواهند شد.

فإذا هم بالساهرة

<ساهره>؛ یعنی، فلات و سرزمین پهناور، مسطح

و بی آب. این کلمه از ریشه <سَهْرَ> است، یعنی، ممکن نبودن خواب در شب (لسان العرب). نامگذاری فلاحت به <ساهره>، به این اعتبار است که پیمایندگان آن در شب بیدار می مانند.

نقش حیات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۱ - ۴

۴- داشتن حیات و مطلع بودن از زمان وقوع قیامت ، از شرایط الوهیت

أموت غیر أحياء و ما يشعرون أئان يبعثون

از اینکه خداوند در مقام رد الوهیت معبودهای مشرکان، از آنها به عنوان مردگانی فاقد هرگونه حیات و شعور نام می برد، می توان استفاده کرد که خدا باید دارای حیات و علم باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۲ - ۱۵

۱۵ - < حیات و مرگ > و < خواب و بیداری > ، در بردارنده آیات متعدد خداوند و جلوه های گوناگون قدرت او

اللّٰهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا .. فِيمَسْكُ ... و يرسل الأخرى ... إِنَّ فِي ذَلِكَ لَأَيَاتٍ

جمع آمدن < آیات > می رساند که آیه و نشانه بودن < حیات و مرگ > و < خواب و بیداری >، از جهات مختلف و گوناگون است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۶ - ۳

۳ - حیات نخستین آدمیان ، خود برترین دلیل بر حقانیت معاد

قل الله يحييكم ثم يميتكم ثم يجمعكم

ویژگی حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ حیات آخرت ، فاقد هر گونه زمینه و فرصت برای انجام اعمال نیک

او نرد فنعمل غیر

الذین کنا نعمل

آرزوی برگشت به دنیا برای انجام اعمال نیک و تدارک گذشته‌ها، دلالت بر این دارد که در آخرت فرصت برای انجام عمل نیک و تدارک گذشته‌ها نیست.

ویژگیهای حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۱ - ۸

۸- معاد و حیات آدمی در سرای آخرت، جسمانی و مادی است.

يحلون ... و يلبسون ... متکئين فيها على الأرائك

سخن از لباس و انواع آن و ترسیم حجله‌ها و تخت‌ها و نیز نه‌های جاری از زیر درختان، جملگی، گویای جسمانی بودن معاد و وجود حیات مادی در سرای آخرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۴ - ۴

۴ - انسان در حیات اخروی، دارای تمایلات و لذت‌های مادی

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهْرٍ

از این که خداوند وعده به <جَنّات> و <نهر> داده است، استفاده می‌شود که انسان در آخرت نیز از مظاهر طبیعی لذت خواهد برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۵ - ۱

۱ - زندگانی پیامبر (ص)، در جهان آخرت، همراه با عطای مداوم پروردگار و سرشار از رضایت است.

و لسوف يعطيك ربك فترضى

<سوف> برای استقبال است و مراد از آن به قرینه آیه قبل جهان آخرت است.

ویژگیهای حیات اخروی یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۹

۹- حضرت یحیی (ع) در آخرت ، دارای حیاتی ویژه است

و یوم یبعث حیًا

فعل <یبعث> بر زنده شدن نیز دلالت دارد. تصریح به <حیًا> ممکن است به خاطر ویژگی حیات یحیی در مقایسه با دیگر انسان ها باشد.

ویژگیهای حیات موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۵ - ۲

۲ - حیات تمامی موجودات زنده جهان ، حیاتی است رو به زوال و وابسته به خدای جان آفرین .

هو الحیّ

هدایت به حیات واقعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۴ - ۶

۶ دعوت خدا و رسولش دارای هویتی واحد برای هدایت انسان ها به حیات واقعی

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ

يعقوب(ع) و حیات بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۱

۱۱ یعقوب (ع) به زنده بودن یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی ، اطمینان داشت .

عسى الله أن يأتيه بهم جميعًا

مراد از ضمیر جمع در <بهم> یوسف(ع) ، بنیامین و لاوی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۱

۱ یعقوب (ع) بر این باور بود که یوسف (ع) و بنیامین زنده اند و با جست و جو کردن ، پیدا خواهند شد .

یبنی اذهبوا فتحسوا من یوسف و أخیه

یعقوب(ع) و حیات لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۱

۱۱ یعقوب (ع) به زنده بودن یوسف (ع) ، بنیامین

و لاوی ، اطمینان داشت .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعاً

مراد از ضمیر جمع در <بهم> یوسف(ع) ، بنیامین و لاوی است.

یعقوب(ع) و حیات یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۳ - ۱۱

۱۱ یعقوب (ع) به زنده بودن یوسف (ع) ، بنیامین و لاوی ، اطمینان داشت .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعاً

مراد از ضمیر جمع در <بهم> یوسف(ع) ، بنیامین و لاوی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۶ - ۱۶ ، ۱۳ ، ۱۱ ، ۹

۹ یعقوب (ع) برخلاف فرزندان و اطرافیانش به زنده بودن یوسف (ع) اطمینان داشت .

و أعلم من الله ما لاتعلمون

<من الله> می تواند به معنای <از ناحیه خدا> باشد و نیز می تواند به معنای <درباره خدا> باشد. بر اساس معنای اول مراد

از <ما لاتعلمون> به مناسبت مورد، زنده بودن یوسف ، دیدار او و ... است.

۱۱ آگاهی یعقوب (ع) به حیات یوسف (ع) ، دانشی بود که از ناحیه خدا به او افاضه شده بود .

و أعلم من الله ما لاتعلمون

۱۳ جهل و ناآگاهی فرزندان یعقوب به حقایقی درباره خداوند

و أعلم من الله ما لاتعلمون

۱۶ > عن أبي عبد الله (ع) قال : قدم أعرابي على يوسف ... قال له يوسف : ... فإذا مررت بوادي كذا و كذا فقف فناد : يا

يعقوب ! يا يعقوب ! فإنه سيخرج إليك رجل ... فقل له : لقيت رجلاً بمصر و هو يقرئك السلام و

يقول لك: إن وديعتك عند الله عزوجل لن تضيع، قال: فمضى الأعرابي... فأبلغه ما قال له يوسف... فكان يعقوب (ع) يعلم أن يوسف (ع) حي لم يموت وأن الله تعالى ذكره سيظهره له بعد غيبته و كان يقول لبنيه: > إني أعلم من الله ما لا تعلمون <...;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: بادیه نشینی بر یوسف وارد شد... یوسف به او گفت: ... آن گاه که بر فلان وادی گذر کردی بایست و صدا بزنی: ای یعقوب، ای یعقوب! پس مردی به سوی تو بیرون خواهد آمد... به او بگو مردی را در مصر ملاقات کردم که تو را سلام رساند و گفت: امانت تو نزد خدا هرگز از بین نمی رود. امام فرمود: آن بادیه نشین رفت... و گفتار یوسف را به یعقوب ابلاغ کرد... پس یعقوب می دانست یوسف زنده است و نمرده و خدای تعالی به زودی او را پس از غیبت، آشکارش خواهد کرد و همواره به پسران خویش می گفت: > إني أعلم من الله ما لا تعلمون <...<.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۱

۱ یعقوب (ع) بر این باور بود که یوسف (ع) و بنیامین زنده اند و با جست و جو کردن، پیدا خواهند شد.

بینی اذهبوا فتحسسوا من يوسف و أخیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۵ - ۳

۳ یعقوب

(ع) در طول فراق یوسف (ع) همواره به زنده بودن او اعتقاد داشت و آن را برای اطرافیانش اظهار می کرد .

قال أبوهم إني لأجد ريح يوسف .. قالوا تالله إنك لفي ضللك القديم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۶ - ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۹

۹ یعقوب (ع) پیش از دریافت بشارت به حیات یوسف (ع) ، به زنده بودن او اطمینان داشت .

ألم أقل لكم إني أعلم من الله ما لا تعلمون

<من الله> می تواند به معنای <از ناحیه خدا> باشد و نیز می تواند به معنای <درباره خدا> باشد. براساس معنای اول، مراد از <ما لا تعلمون> به مناسبت مورد زنده بودن یوسف (ع) ، دیدار او و ... می باشد.

۱۰ یعقوب (ع) برخلاف فرزندانش ، به سپری شدن دوران فراقش از یوسف (ع) اطمینان داشت .

ألم أقل لكم إني أعلم من الله ما لا تعلمون

۱۱ یعقوب (ع) باور خویش را مبنی بر زنده بودن یوسف (ع) و پایان یافتن فراقش به فرزندان و بستگان خویش بازگو می کرد .

ألم أقل لكم إني أعلم من الله ما لا تعلمون

۱۲ آگاهی یعقوب (ع) به حیات یوسف (ع) و وصال او ، دانشی بود که از ناحیه خداوند به آن حضرت افزوده شده بود .

ألم أقل لكم إني أعلم من الله ما لا تعلمون

حیات اخروی

آثار انکار حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۱۰

۱۰ محدود دانستن حیات در تنگنای زندگی مادی

دنیا، موجب حسرت و اندوه عمیق در قیامت می شود.

و قالوا إن هی إلا حیاتنا الدنیا .. حتی إذا جاءتهم الساعه بغته قالوا یحسرتنا

آثار شک به حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۴ - ۶

۶ - تردید جدی نسبت به قیامت و حیات اخروی ، زمینه ساز بی اعتنایی انسان به اصول عقلی و ملاک های عقلایی و فطری

قل أرءیتم إن کان من عند اللّٰه .. فی شقاق بعید... ألا إنهم فی مریه

ارتباط این آیه با آیات پیشین که در یک سیاق قرار دارند نشان می دهد که اگر آیات علمی و داوری های عقلی و فطری نتواند کسی را در برابر حقانیت خدا و وحی متقاعد کند، ریشه آن را باید در ناباوری او به استمرار حیات و مسؤولیت انسان جستجو کرد.

ارزش حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۴ - ۷

۷ برتری و اصالت حیات آخرت نسبت به دنیا

الذّین یشرون الحیوه الدّنیاه بالآخره

چون برای به دست آوردن حیات اخروی در مواقع لزوم باید از حیات دنیوی چشم پوشید، معلوم می شود اصالت با حیات اخروی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۶ - ۴،۵

۴ حیات دنیا در قیاس با حیات اخروی جز توشه ای اندک نیست .

و ما الحیوه الدنیا فی الآخره إلا متع

حرف <فی> در <فی الآخره> به معنای مقایسه است. <متاع> به معنای کالا و هر آنچه در زندگی از آن بهره می برند

است. نکره آوردن آن برای رساندن قَلت می باشد.

۵ حیات اخروی ، حیاتی ارجمند و پربهاست .

و ما الحیوه الدنیا فی الآخره إلا متع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۹ - ۶

۶- حیات اخروی ، حیاتی برتر از دنیاست و دستیابی به آن ، باید هدف همه مؤمنان باشد .

من کان یرید العاجله ... و من أراد الآخره ... کان سعیهم مشکورًا

تشکر و قدردانی خداوند از تلاش و کوشش آخرت خواهان در مقابل دنیاطلبان، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

انکار حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۹ - ۱

۱ مشرکان لجاجت پیشه مکه، منکر قیامت و هر گونه زندگی جز زندگانی دنیا بودند.

و قالوا إن هی إلا حیاتنا الدنیا

اهمیت حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۰ - ۱۷

۱۷ دستیابی انسان به رضایت الهی و زندگی جاودان بهشتی ، رستگاری بزرگ و سعادت حقیقی است .

رضی الله عنهم .. جنت ... خلدین فیها أبداً ذلك الفوز العظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۹ - ۸

۸- تنها تلاش و کوششی دارای ارزش و شایسته ستایش است که در مسیر آخرت طلبی و کسب حیات برتر اخروی باشد .

من كان يريد العاجله .. و من أراد الآخرة ... كان سعيهم مشكوراً

از اینکه خداوند پس از ذکر دنیا طلبی و آخرت خواهی انسانها، از سعی و تلاش آخرت خواهان تشکر و ستایش کرده است،
استفاده

می شود که تنها سعی و تلاشی که در مسیر کسب حیات برتر اخروی باشد، مورد قدردانی و ستایش است و نه هر تلاش و کوششی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۸ - ۲

۲- وجود معاد و حیات اخروی، معنادهنده به آفرینش آسمان ها و زمین و سایر پدیده های جهان

إِنَّ هَؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ ... و ما خلقنا السموت ... لعین

خداوند، پس از بیان عقیده باطل کافران در زمینه نفی معاد و در جهت تبیین ضرورت معاد، به هدف مند بودن آفرینش اشاره کرده است؛ یعنی، اگر زندگی در حیات دنیا خلاصه شود، آفرینش معنایی عالمانه و حکیمانه پیدا نخواهد کرد.

اهمیت ذکر حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۸ - ۱۰

۱۰ لزوم توجه به ارزش های حیات اخروی و ترجیح دادن آن بر زندگی دنیوی، به هنگام ارزیابی اعمال و تصمیم گیری و انتخاب

أرضيتم بالحيوه الدنيا من الآخره فما متع الحيوه الدنيا في الآخره إلا قليل

برتری حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۸ - ۱۰

۱۰ لزوم توجه به ارزش های حیات اخروی و ترجیح دادن آن بر زندگی دنیوی، به هنگام ارزیابی اعمال و تصمیم گیری و انتخاب

أرضيتم بالحيوه الدنيا من الآخره فما متع الحيوه الدنيا في الآخره إلا قليل

تذکر به حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷ - ۱۱

۱۱ توجه دادن انسان ها به حیات پس از

مرگ و برپایی قیامت ، از رسالت های پیامبر (ص)

و لئن قلت إنکم مبعوثون من بعد الموت

جاودانگی حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۲ - ۲

۲ مؤمنان هجرت کننده و مجاهد ، برخوردار از زندگی جاودان در باغ های سرشار از نعمت ، در سرای بهشت

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا .. و جنت لهم فيها نعیم مقیم. خلدین فیها أبداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۳ - ۸

۸ جاودانگی حیات انسان حتی دوزخیان ، در جهان آخرت

نار جهنم خلداً فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۶

۶ جاودانگی حیات انسان ، حتی دوزخیان در آخرت

نار جهنم خلدین فیها هی حسبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۱

۱ حیات جاودان در باغ های بهشت با نهر های روان ، وعده الهی به زنان و مردان مؤمن

وعد الله المؤمنین .. تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۳ - ۱۰

۱۰ - حیات اخروی ، حیاتی است ابدی و جاودانه .

فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا

حتمیت حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۵ - ۱

۱ - بازگشت دوباره انسان به حیات در آخرت حتمی است .

إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ . بَلَى

حقانیت حیات اخروی

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۷ - جائیه - ۴۵ - ۲۵ - ۳

۳ - اتمام حجت الهی بر مشرکان ، در زمینه حقانیت معاد و حیات اخروی

و قالوا ما هی إلا حیاتنا الدنیا . . . و إذا تتلی علیهم آیتنا بینت

حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۸ - ۸

۸ - بازگشت انسان ها به سوی خدا ، پس از زنده شدن به حیات اخروی است .

یحییکم ثم إلیه ترجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۴۰ - ۷

۷ - ارتباط و پیوند وثیق میان حیات دنیوی و اخروی انسان

أیحسب الإنسان أن یترک سدی . . . ألیس ذلک بقدر علی أن یحیی الموتی

از همراه هم آمدن دو موضوع هدفمندی زندگی بشر و احیای مجدد مردگان مطلب یاد شده به دست می آید.

حیات اخروی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۸ - ۶

۶ - انسان ها دارای دو حیاتند : حیات دنیوی و حیات اخروی

فأحییکم ثم یمیتکم ثم یحییکم

برخی از مفسران <ثم یحییکم> (سپس شما را [پس از میراندن] زنده می کند) را حاکی از حیات برزخی دانسته اند و

گروهی آن را به زنده شدن مردگان برای برپایی قیامت کبری تفسیر کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۵

۵ حیات انسان در آخرت ، حیاتی مادی و جسمانی است نه صرفاً معنوی و روحانی .

وعد الله المؤمنین . . . جنت تجری ... مسکن طیبه

بهره

گیری از لذایذ مادی، چون باغهای پوشیده از درخت و خانه های دلپذیر، در سرای آخرت، مستلزم وجود مادی و جسمانی انسان نیز می باشد.

حیات اخروی جمادات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۶ - ۷

۷- وجود حیات و شعور در موجودات ، حتی جمادات در آخرت

کانوا لهم أعداء و کانوا بعبادتهم کفرین

از ضمائر <ذوی القعول> در آیه شریفه، مطلب یاد شده استفاده می شود.

حیات اخروی عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۳ - ۱۱

۱۱- حضرت عیسی (ع) دارای حیاتی ویژه در آخرت

و یوم أُبعث حیًا

با این که فعل <أُبعث> بر زنده شدن دلالت دارد، تصریح به <حیًا> ممکن است به خاطر ویژگی حیات اخروی عیسی(ع) در مقایسه با دیگران باشد.

حیات اخروی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۲۹

۲۹ آخرت برای پرهیزگاران بهتر از دنیا است .

و الاخره خیر لمن اتقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- راه نداشتن مرگ در بهشت ، نمودی از امنیت عام و فراگیر حیات اخروی تقوایندگان

فی مقام أمين . . . فكهه ءامين . لا یدوقون فیها الموت

ارتباط این آیه با <مقام أمين> در آیات پیشین و <آمین> در آیه قبل، گویای برداشت یاد شده است.

حیات اخروی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۵ - ۱

۱ - زندگانی پیامبر (ص) ، در جهان آخرت ،

همراه با عطای مداوم پروردگار و سرشار از رضایت است .

و لسوف يعطيك ربك فترضى

<سوف> برای استقبال است و مراد از آن به قرینه آیه قبل جهان آخرت است.

حیات اخروی موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۶ - ۷

۷- وجود حیات و شعور در موجودات ، حتی جمادات در آخرت

كانوا لهم أعداء و كانوا بعبادتهم كفرين

از ضمائر <ذوی القعول> در آیه شریفه، مطلب یاد شده استفاده می شود.

حیات اخروی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۰ - ۱۶

۱۶ آسودگی مؤمنان از دغدغه زوال نعمت های بهشتی و زندگی در آن

خلدين فيها أبداً

درخواست حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۱

۱ تقدیر زندگانی نیکو در دنیا و آخرت ، درخواست موسی (ع) از خداوند برای خود و همراهانش در میعاد گاه مناجات

و اكتب لنا في هذه الدنيا حسنة و في الآخرة

با توجه به آیه قبل معلوم می شود مراد از <نا> در <لنا>، موسی(ع) و همراهان او در میعاد گاه مناجات است. کتابت در آیه

شریفه به معنای مقدر کردن است.

زمینه حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۵

۵ بازگشت به خدا و توبه به درگاه او ، زمینه ساز نایل شدن به خیر و سعادت دنیا و برخوردار شدن از حیات نیکوی آخرت است .

و اکتب لنا فی هذه الدنيا حسنه و فی الاخره انا هدنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۰ - ۷

۷ هجرت در راه خدا و یاری دین ، سبب جلب رضایت الهی و دستیابی به حیات جاودان در بهشت

من المهجرین و الأنصار .. رضی الله عنهم

سبک شمردن حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۷ - ۱۱

۱۱ شکر گزاران، رهپویان صراط مستقیم الهی هستند.

لأقعدن لهم صراطك المستقیم .. لا تجد أكثرهم شکرین

مکذبان حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۹ - ۱،۳

۱ مشرکان لجاجت پیشه مکه، منکر قیامت و هر گونه زندگی جز زندگانی دنیا بودند.

و قالوا إن هی إلا حیاتنا الدنیا

۳ برخی کافران، حتی در صورت بازگشت به دنیا، زندگی را منحصر به دنیا دانسته و قیامت را انکار می کنند.

و لو ردوا لعادوا .. و قالوا إن هی إلا حیاتنا الدنیا

جمله <و قالوا> می تواند عطف بر جمله <لعادوا> باشد. یعنی اگر به دنیا بازگردند، به همان روش باطل خودروی آورده و باز هم معاد را انکار می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱- سوگند مشرکان به خدا ، برای مورد انکار قرار دادن حیات اخروی انسانها

و أقسموا بالله جهد أيمانهم لايبعث الله من يموت

منشأ حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۲ - ۳

۳ - حیات اخروی انسان ، به دست خدا است .

أنشره

ویژگی حیات اخروی

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۸

۸ حیات آخرت ، فاقد هر گونه زمینه و فرصت برای انجام اعمال نیک

او نرد فنعمل غیر الذین کنا نعمل

آرزوی برگشت به دنیا برای انجام اعمال نیک و تدارک گذشته ها، دلالت بر این دارد که در آخرت فرصت برای انجام عمل نیک و تدارک گذشته ها نیست.

ویژگیهای حیات اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۱ - ۸

۸- معاد و حیات آدمی در سرای آخرت ، جسمانی و مادی است .

یحلون ... و یلبسون ... متکئین فیها علی الأرائک

سخن از لباس و انواع آن و ترسیم حجله ها و تخت ها و نیز نه‌های جاری از زیر درختان، جملگی، گویای جسمانی بودن معاد و وجود حیات مادی در سرای آخرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۴ - ۴

۴ - انسان در حیات اخروی ، دارای تمایلات و لذت های مادی

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهْرٍ

از این که خداوند وعده به <جَنّات> و <نهر> داده است، استفاده می شود که انسان در آخرت نیز از مظاهر طبیعی لذت خواهد برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۵ - ۱

۱- زندگانی پیامبر (ص)، در جهان آخرت، همراه با عطای مداوم پروردگار و سرشار از رضایت است.

و لسوف یعطیک ربّک فترضی

<سوف> برای استقبال است و مراد از آن به قرینه آیه قبل جهان آخرت

است.

ویژگیهای حیات اخروی یحیی (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۵ - ۹

۹- حضرت یحیی (ع) در آخرت ، دارای حیاتی ویژه است .

و یوم یبعث حیًا

فعل < یبعث > بر زنده شدن نیز دلالت دارد. تصریح به < حیًا > ممکن است به خاطر ویژگی حیات یحیی در مقایسه با دیگر انسان ها باشد.

حیض از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حیض

آمیزش در حیض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۲ - ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰

۲۰ آمیزش جنسی در ایام حیض ، خلاف پاکیزگی است .

و یسئلونک عن المحیض . . فاعتزلوا النساء فی المحیض ... ان الله یحب التوابین و ی

نهی از آمیزش در ایام حیض و سپس اظهار محبت به پاکیزگان، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

۲۱ خداوند کسانی را که از گناه آمیزش در حال حیض توبه کنند ، دوست دارد

فاعتزلوا النساء فی المحیض . . ان الله یحب التوابین

۲۲ خداوند پرهیزکنندگان از آمیزش در حال حیض را دوست دارد .

فاعتزلوا النساء فی المحیض . . ان الله ... و یحب المتطهرین

از مصادیق پاکیزگان، به مقتضای ارتباط صدر و ذیل آیه، پرهیزکنندگان از آمیزش در ایام حیض می باشد.

۲۳ تعدیل روابط با زنان حائض در اسلام

و یسئلونک عن المحیض قل هو اذی فاعتزلوا

آن گونه که در شأن نزول آمده است، در جاهلیت بکلی از معاشرت با زنان حائض خودداری می کردند و متقابلاً از سویی مسیحیان، آن را در حال جایز می دانستند؛ ولی اسلام راه میانه را نشان داده است.

احکام حیض

جلد - نام سوره - سوره - آیه

۵ حرمت آمیزش با زنان حائض ، تا زمان پاک شدن آنان از حیض

فاعتزلوا النساء فی المحیض ولا تقربوهن حتی یطهرن

گر چه ظاهر جمله <فاعتزلوا النساء> مطلق معاشرت است؛ ولی اباحه آمیزش پس از گذشت ایام حیض و غسل که جمله <حتی یطهرن فاذا تطهّرن فاتوهن من حیث> دلالت بر آن دارد، قرینه ای است که آنچه مباح نبوده و اعتزال از آن واجب شده، تنها آمیزش است، نه مطلق معاشرت؛ و گر نه می فرمود <فاذا تطهّرن فعاشروهن>.

۶ حرمت و طی در قُبَل ، در ایام حیض

فاعتزلوا النساء فی المحیض

کلمه <محیض> در صدر آیه مصدر است؛ اما در جمله <فاعتزلوا النساء من المحیض> اسم مکان می باشد به دلیل تکرار لفظ در حال که اگر هر دو به یک معنا بود، علی القاعده باید دوّمی به صورت ضمیر آورده می شد.

۷ فلسفه حرمت آمیزش در زمان حیض ، مشقّتبار بودن آن برای زن است .

عن المحیض قل هو اذی فاعتزلوا النساء فی المحیض

۹ زیانبار بودن آمیزش در ایام حیض

و یستلونک عن المحیض قل هو اذی فاعتزلوا

بنابراینکه سؤال، از مقاربت در ایام حیض باشد؛ نه خود حیض و ماهیت آن. بر این مبنا کلمه <هو> به آمیزش در ایام حیض برمی گردد؛ یعنی بگو ای پیامبر آمیزش در ایام حیض زیانبار است.

۱۱ جواز آمیزش با زنان ، پس از پاکی آنان از حیض و تحصیل طهارت (غسل)

ولا تقربوهنّ حتی یطهرن فاذا تطهّرن فاتوهنّ

گر چه مفهوم <حتی یطهرن> جواز آمیزش به مجرد پاکی و قطع خون است؛

ولی با تصریح به مشروط بودن آمیزش به غسل در جمله <فاذا تطهّر< (آنگاه که غسل کردند)، مفهوم <حتی یطهّر< مورد عنایت نیست.

۱۵ جواز استمتاع از زنان بدون آمیزش با آنان، در ایام حیض

یسئلونک عن المحیض .. فاعتزلوا النساء فی المحیض

بنابراینکه مراد از <فی المحیض>، مکان حیض باشد؛ تنها آمیزش، تحریم شده است.

حیض ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۱ - ۶، ۱۶

۶ ساره همسر ابراهیم (ع)، پس از آگاهی به ماهیت مهمانان ابراهیم (ع) و مأموریت ایشان (نابودسازی قوم لوط) حیض شد. *

وامرأته قائمه فضحکت

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که <ضحکت> از مصدر <ضَحَك> (حایض شدن) باشد. مفسرانی که این معنا را یادآور شده اند تفریع <فبشرناها> را بر <ضحکت> مؤید آن دانسته اند.

۱۶ > عن أبي عبد الله (ع) في قول الله عزوجل : < فضحكت فبشرناها باسحاق > قال : حاضت ؛

از امام صادق (ع) درباره <فضحكت فبشرناها باسحاق> روایت شده است که فرمود: عادت زنانگی در ساره ظاهر شد.

سختیهای حیض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۲ - ۴، ۷

۴ قاعدگی، مشقت و آزاری برای زنان

و یسئلونک عن المحیض قل هو اذی

۷ فلسفه حرمت آمیزش در زمان حیض، مشقتبار بودن آن برای زن است.

عن المحيض قل هو اذى فاعتزلوا النساء في المحيض

گواهی در حیض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۸ - ۴،۷

۴ زنان مطلقه نباید

به منظور کم و زیاد کردن مدّت عدّه خویش ، جنین و یا حیض خود را کتمان کنند .

و لا یحلّ لهنّ ان ینکمن ما خلق الله فی ارحامهنّ

کلمه <ما خلق> دارای مفهومی وسیع است که می تواند شامل هر نوع خلقی شود که تأثیر در مدّت عدّه دارد؛ همانند جنین، حیض و طهر.

۱۷ ادّعی زنان در مورد بارداری ، طهر و حیض خود ، پذیرفته است .

و لا یحلّ لهنّ ان ینکمن ما خلق الله فی ارحامهنّ

اگر گفته زنان درباره طهر، حیض، بارداری و هر آنچه دخیل در مدت حیض است، پذیرفته نباشد، حرمت کتمان، لغومی شود.

حیوانات از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

حیوانات

آثار ترس حیوانات وحشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۵ - ۲

۲ - شدت هول و هراس حیوانات از حوادث پایانی دنیا ، جایی برای فکر تهاجم به یکدیگر در خیال آنان باقی نمی گذارد .

و إذا الوحوش حشرت

مراد از <حشر حیوانات> محسوس شدن آنها در قیامت و یا اجتماعشان هنگام ترس از حوادث آغازین قیامت است. ذکر این حادثه در میان حوادث پایانی دنیا و تقارن آن با <رها شدن شتران آبستن> (و إذا العشار عطّلت)، شواهدی بر دومین احتمال است.

احکام حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۲۲

۲۲ حلیت شکار درندگان شکاری ، هر چند درندگان شکاری به هنگام شکار از آن تناول کنند . *

فكلوا مما امسكن عليكم

بنابراین احتمال که مراد از <مما امسكن عليكم>، مقداری باشد که حیوان شکاری برای صیاد نگه داشته در مقابل مقداری که خود تا

رسیدن صیاد از آن تناول کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷ - ۴

۴- جواز استفاده از حیوانات و دام ها جهت حمل بار و کالا

و تحمل أثقالکم إلى بلد لم تکنوا بلغیه إلا بشقّ الأنفس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۳

۳- استفاده از اسب ، استر و الاغ برای سواری و تجمل ، جایز است .

و الخیل و البغال و الحمیر لترکبوا و زینه و یخلق ما لاتعلمون

اختفای حیوانات وحشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۶ - ۲

۲ - سوگند خداوند ، به ستارگان متحرک که مسیر خود را طی کرده و مانند رفتن حیوانات غیر اهلی به مخفیگاه خود ، از نظر
ها محو می گردند .

الجوار الكنس

<کنس> جمع <کانس> است و آن چیزی است که پنهان می شود. این کلمه از ریشه <کنس الطبی> گرفته شده است؛
یعنی، آهو خود را در <کناس> (پناهگاه) خود پنهان ساخت و استتار کرد. (نهایه ابن اثیر)

اختیار حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۹

۹ حیوانات دارای نوعی اراده، اختیار، شعور و تکلیف و جزا و پاداش در قیامت

أمم أمثالكم .. ثم إلى ربهم يحشرون

اراده حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۹

۹ حیوانات دارای نوعی اراده، اختیار، شعور و تکلیف و جزا و پاداش در قیامت

أمم أمثالكم ..

ثم إلى ربهم يحشرون

استعدادهای حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۱۶، ۳۲، ۱۰

۱۰ سگ، از حیوانات قابل تعلیم و فرمانبری

و ما علمتم من الجوارح مكلين تعلمونهن

۱۶ حیوانات درنده، قابل تعلیم و فرمانبری

و ما علمتم من الجوارح مكلين

۳۲ آموزش سگ، بهنگام فرستادن برای شکار، کافی در صدق شکاری بودن و حلیت صیدش

و ما علمتم من الجوارح مكلين تعلمونهن مما علمكم الله

از امام صادق(ع) در مورد سگ شکاری روایت شده: .. و ان كان غير معلم يعلمه في ساعته حين يرسله فيأكل منه فانه معلم

....

کافی، ج ۶، ص ۲۰۵، ح ۱۴؛ نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۰، ح ۳۶.

استفاده از پشم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۱۴

۱۴- بهره مندی انسان از کرک، پشم و موی حیوانات، محدود به زمان خاصی است. *

و من أصوافها و أوبارها و أشعارها أثنا و متعا إلى حين

برای <إلى حين> چند احتمال وجود دارد. یکی از آنها این است که اشیای یاد شده، در مقاطع و دوره های خاصی قابل

استفاده است.

استفاده از حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۳ - ۱

۱ - بهره‌وری انسان از موهبت‌های طبیعی (کشتی و حیوانات) ، زمینه‌ساز توجه وی به نعمت‌دهنده بودن خداوند

جعل لكم من الفلك والأنعم .. لتستوا على ظهوره ثم تذكروا نعمه ربكم إذا استوى

استفاده از کرک

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۱۴

۱۴- بهره مندی انسان از کرک ، پشم و موی حیوانات ، محدود به زمان خاصی است . *

و من أصوافها و أوبارها و أشعارها أثناً و متعاً إلى حين

برای <إلى حين> چند احتمال وجود دارد. یکی از آنها این است که اشیای یاد شده، در مقاطع و دوره های خاصی قابل استفاده است.

استفاده از موی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۱۴

۱۴- بهره مندی انسان از کرک ، پشم و موی حیوانات ، محدود به زمان خاصی است . *

و من أصوافها و أوبارها و أشعارها أثناً و متعاً إلى حين

برای <إلى حين> چند احتمال وجود دارد. یکی از آنها این است که اشیای یاد شده، در مقاطع و دوره های خاصی قابل استفاده است.

امنیت حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۷ - ۱۸

۱۸ امنیت حیوانات در حَرَم ، و عدم جواز آزار آنان

و من دخله كان امناً

امام صادق (ع): من دخل الحرم ... و من دخله من الوحش و الطير كان آمناً من ان يهاج او يؤذى حتى يخرج من الحرم.

اهمیت خلقت حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جا ئیه - ۴۵ - ۴ - ۲

۲ - آفرینش انسان در مقایسه با سایر جانداران زمین ، دارای ویژگی ، امتیاز و اهمیت

و فی خلقکم و ما یبئ من دابّه

از این

که انسان به صورت مستقل و مقدم بر سایر جانداران یاد شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

اهمیت محافظت از حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۸

۸ لزوم حفظ حیوانات از خطر انقراض و نابودی

قلنا احمل فیها من کل زوجین اثنین

تصریح به این معنا که نوح(ع) می بایست از هر حیوان یک جفت (نر و ماده) با خود به همراه برد ، ظاهراً هدفی جز این ندارد که نسل آن حیوان باقی بماند و نابود نشود.

بقای نسل حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۸

۸ لزوم حفظ حیوانات از خطر انقراض و نابودی

قلنا احمل فیها من کل زوجین اثنین

تصریح به این معنا که نوح(ع) می بایست از هر حیوان یک جفت (نر و ماده) با خود به همراه برد ، ظاهراً هدفی جز این ندارد که نسل آن حیوان باقی بماند و نابود نشود.

بی خطری حیوانات وحشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۵ - ۲

۲ - شدت هول و هراس حیوانات از حوادث پایانی دنیا ، جایی برای فکر تهاجم به یکدیگر در خیال آنان باقی نمی گذارد .

و إذا الوحوش حشرت

مراد از <حشر حیوانات> محسوس شدن آنها در قیامت و یا اجتماعشان هنگام ترس از حوادث آغازین قیامت است. ذکر این

حادثه در میان حوادث پایانی دنیا و تقارن آن با <رها شدن شتران آبستن> (و إذا العشار عطّلت)، شواهدی بر دومین احتمال است.

بی عقلی حیوانات

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۴ - ۷

۷ تعقل و اندیشه ، حق شنوی و درس آموزی ، از ویژگی های انسان و فارق میان او و حیوان است .

أَنْ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ

پاداش اخروی حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۹

۹ حیوانات دارای نوعی اراده، اختیار، شعور و تکلیف و جزا و پاداش در قیامت

أَمْ أَمْثَلُكُمْ .. ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَحْشُرُونَ

تأمین علوفه حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۱ - ۲

۲ - خداوند ، رویاننده نباتات و تأمین کننده علوفه گیاه خواران

أَخْرَجَ .. مَرْعِيهَا

<مرعی> مصدر میمی است و در این جا به معنای اسم مفعول به کار رفته است؛ یعنی، آنچه چریده می شود. این کلمه گرچه ناظر به تغذیه گیاه خواران است؛ ولی تأثیر گیاه در زندگانی انسان نیز به قرینه <متاعاً لکم و لأنعامکم> در آیات بعد مراد است.

تجمع حیوانات وحشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۵ - ۱

۱ - حیوانات غیر اهلی با مشاهده حوادث برپایی قیامت ، پناهگاه های خود را ترک کرده ، گرد هم جمع خواهند شد .

<وحوش> جمع <وَحْش> است. به حیواناتی که در خشکی زندگی می کنند و با یکدیگر الفت نمی گیرند، <وَحْش> و <وحشئ> که گویا حرف یاء در آن برای تأکید است گفته می شود (مصباح). <حشر> یعنی، <جمع> (لسان العرب).

راغب می گوید: <حشر> یعنی، بیرون آوردن گروهی از جایگاهشان و متوجه ساختن آنان به جنگ و نظایر آن، بنابراین حشر حیوانات، یعنی، بیرون شدن آنها از پناهگاه خود و جمع گشتن آنها گرد یکدیگر.

تحریم حیوانات جنگال دار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۶ - ۱

۱ خداوند خوردن گوشت حیوانات دارای ناخن (جنگال) را بر یهود حرام کرده بود.

و علی الذین هادوا حرمننا کل ذی ظفر

تحریم حیوانات در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۳،۶

۳ مشرکان عصر جاهلی بدون دلیل به حرمت استفاده از برخی چهارپایان معتقد بودند.

قل الذکرین حرم أم الأثنین أما اشملت علیه أرحام الأثنین

در آیه ۱۳۶ و ۱۳۷ به برخی از افتراءات مشرکان اشاره شده و آیه با <فذرهم و ما یفترون> پایان یافته و آیات بعد در مقام توییح و شمارش موارد افترا در اعتقادات مشرکان است که از آن جمله تحریم بی جاست.

۶ تحریم برخی حیوانات از سوی مشرکان صدر اسلام، فاقد هر گونه دلیل و مستند قابل قبول

قل الذکرین حرم .. نبئونی بعلم ... أم کنتم شهداء

استفهام در آیه برای انکار و یا توییح است و مفاد جملات <نبئونی> و <أم کنتم ..> نیز نفی وجود دلیل بر مدعاهای مشرکان است.

تحریم حیوانات در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۶ - ۵،۱۲

۵. تحریم کامل برخی از حیوانات و تحریم بخشهایی از گاو و گوسفند بر یهود، سزای تجاوزگری آنان بود.

و

علی الذین هادوا حرمانا .. ذلک جزینهم بیغیهم

<بیغی> به معنای تجاوز و تعدی است. (لسان العرب).

۱۲ حلیت نخستین برخی از حیوانات و تحریم آن به واسطه تجاوزگری بر یهودیان، خبری راست و مطابق واقع از جانب خداوند است.

علی الذین هادوا .. ذلک جزینهم بیغیهم و انا لصدقون

تذکیه حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۵

۵ تذکیه حیوان، موجب حلیت آن می گردد، اگر چه به واسطه خفگی، زدن، پرت شدن، شاخ خوردن و دریده شدن توسط درندگان در آستانه مردن باشد.

حرمت .. الا ما ذکیم

تشبیه به حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۴ - ۶

۶ - خوشگذرانان غفلت زده و بی خبر از روز جزا، هم سنگ ددان و وحوش بیابان در بینش الهی

إذا هم یجثرون

چنان که گفته شد <جوار> به زوزه سگ، روباه و گرگ گفته می شود. تعبیر زوزه برای فریاد استغاثه کافران، بیانگر مطلب فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۱۳، ۷

۷- لذت جویی و شکمبارگی حیوان گونه کافران، تنها بهره آنان از زندگی دنیایی

الذین کفروا یتمتعون و یأکلون کما تأکل الأنعم و النار مثوی لهم

از مقابله دو بخش آیه که برای مؤمنان پایان خوش بهشت را یادآور شده استفاده می شود که کافران، هرگز از آن نعمت های اخروی بهره نخواهند برد بلکه تنها شهوت رانی و استفاده حیوان گونه از امکانات دنیا، نصیب

آنان است.

۱۳- بهره گیری از نعمت های دنیوی و نیندیشیدن به آفریننده آن ، شیوه ای حیوانی است . *

و الذین کفروا یتمتعون و یأکلون کما تأکل الأنعم

برداشت بالا بدان احتمال است که تشبیه کافر به حیوان، از آن جهت باشد که حیوان هنگام بهره گیری از موهبت های طبیعی، به پدیدآورنده آن نمی اندیشد.

تشبیه به حیوانات وحشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۶ - ۲

۲ - سوگند خداوند ، به ستارگان متحرک که مسیر خود را طی کرده و مانند رفتن حیوانات غیر اهلی به مخفیگاه خود ، از نظر ها محو می گردند .

الجوار الكنس

<کنس> جمع <کنس> است و آن چیزی است که پنهان می شود. این کلمه از ریشه <کنس الظبی> گرفته شده است؛ یعنی، آهو خود را در <کناس> (پناهگاه) خود پنهان ساخت و استتار کرد. (نهایه ابن اثیر)

تعلیم حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۱۹

۱۹ لزوم آموختن برخی از دستورات تذکیه ، به سگان و درندگان مخصوص شکار

تعلمونهن مما علمکم الله

مراد از <علمکم الله> به مناسبت مورد، دستورات ذبح و تذکیه حیوانات است، و <من> در <مما علمکم> برای تبعیض است. یعنی برخی از دستورات تذکیه را به درندگان شکاری یاد دهید.

تکالیف حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۹

۹ حیوانات دارای نوعی اراده، اختیار، شعور و تکلیف و جزا و پاداش در قیامت

أمم أمثالکم .. ثم إلى ربهم يحشرون

تنوع رنگ حیوانات

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۸ - ۲

۲ - تنوع رنگ ها در انسان ها ، جنبندگان و دام ها ، از نعمت های الهی

و من الناس و الدواب و الأنعم مختلف ألونه

جایگاه حیوانات در کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۹ - ۸

۸ - > عن أمير المؤمنين (ع) قال (في) الفلك المشحون < : اتخذ نوح (ع) فيه تسعين بيتاً للبهائم ;

أمير المؤمنين(ع) درباره <الفلك المشحون> فرمود: نوح در آن کشتی نود جایگاه برای چهارپایان قرار داده بود.<

حرکت تکاملی حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۱۲

۱۲ حرکت تمامی موجودات به سوی پروردگارشان، تکاملی است. *

ثم إلى ربهم يحشرون

با توجه به کلمه <رب>، که تربیت کنندگی را می رساند، و کلمه <إلى> که حرکت به سوی هدف و مقصدی را می رساند، برداشت فوق به دست آمده است.

حشر اخروی حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۱۰

۱۰ برانگیخته شدن تمامی حیوانات جلوه ای از ربوبیت الهی است.

ثم إلى ربهم يحشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۵ - ۴

۴ - محشور شدن حیوانات در قیامت *

و إذا الوحوش حشرت

ممکن است مراد از <حشر>، زنده شدن دوباره و حضور در قیامت باشد.

حلیت اولیة حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ -

۱۲ حلیت نخستین برخی از حیوانات و تحریم آن به واسطه تجاوزگری بر یهودیان، خبری راست و مطابق واقع از جانب خداوند است.

علی الذین هادوا .. ذلک جزینهم بیغیهم و انا لصدقون

حیوانات اهلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۴

۴ جریمه و سزای کشتن شکار، قربانی کردن دام اهلی (شتر، گاو و گوسفند) همانند آن شکار است .

و من قتله .. فجزاء مثل ما قتل من النعم

<نعم> مفرد کلمه انعام است و به شتر و گاو گوسفند گفته می شود. <جزاء> مبتدائی است که خبر آن حذف شده است یعنی علیه جزاء و کلمه <مثل> صفت <جزاء> می باشد و مراد از آن می تواند همگونی در جنس و وزن و یا همانندی در قیمت باشد. <من النعم> صفت و یا حال برای <جزاء> است. امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعامه و فی حمار وحش بقره و فی الظبی شاه و و فی البقره بقره.

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۴۱، ح ۹۴، ب ۲۵.

حیوانات چنگال دار در یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۶ - ۲

۲ خوردن گوشت حیوانات ناخن دار و پیه گاو و گوسفند برای یهود از آغاز حرام نبوده است.

و علی الذین هادوا حرمننا .. ذلک جزینهم بیغیهم

حیوانات حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۳

۳ حرمت استفاده از حیوانی که در اثر خفگی

، زده شدن ، پرت شدن و شاخ خوردن بمیرد .

حرمت .. و المنخنقه و الموقوذه و المترديه و النطيحه

مراد از عناوین یاد شده این است که حیوان بر اثر آنها بمیرد، نه اینکه به مجرد پرت شدن از بلندی، استفاده از آن حرام باشد. دلیل این معنا جمله استثنائیه <الا ما ذکیتم> است.

حیوانات حرام در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۸ - ۱،۲،۷

۱ ممنوعیت خوردن برخی از چهارپایان و محصولات زراعی به اعتقاد واهی مشرکان عصر جاهلیت

و قالوا هذه أنعم و حرث حجر لا يطعمها إلا من نشاء بزعمهم

<حجر> به معنای منع و ممنوعیت است و مراد از ممنوعیت <أنعام> و <حرث>، به قرینه <لا يطعمها>، ممنوعیت خوردن از آنهاست.

۲ اعتقاد بی اساس مشرکان به ممنوعیت خوردن از چهارپایان و کشتی (محصول زراعی) که برای خدا و بتها قرار می دادند.

و جعلو الله .. و قالوا هذه أنعم و حرث حجر لا يطعمها إلا من نشاء بزعمهم

<هذه> اشاره به سهامی است که مشرکان برای خدا و بتها قرار می دادند و در آیه ۱۳۶ بیان گردیده است.

۷ وعده الهی به کیفر مشرکان به سبب افتراهای آنان به خدا (ممنوعیت خوردن برخی از چهارپایان و محصولات، سوار نشدن بر برخی از چهارپایان، نبردن نام خدا به هنگام ذبح)

سیجزیهم بما كانوا یفترون

حیوانات حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۱۴

۱۴ وجود حیوانات حلال گوشت در میان حیوانات وحشی

و ما علمتم من الجوارح مكلبين تعلمونهن مما علمكم الله فكلوا مما امسكن

چون

سگ و دیگر درندگان را برای شکار حیوانات وحشی به کار می گیرند، برداشت فوق به دست می آید.

حیوانات حلال گوشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۴ - ۲

۲ استفاده از گوشت شتر و گاو نر و ماده و جنین آنها حلال است.

و من الإبل اثنين .. قل الذکرین حرم أم الأثنين أما اشتملت علیه أرحام الأثنين

حیوانات در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۹

۹ حیوانات دارای نوعی اراده، اختیار، شعور و تکلیف و جزا و پاداش در قیامت

أمم أمثالکم .. ثم إلی ربهم یحشرون

حیوانات در کشتی نوح (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۶،۷،۲۲

۶ بردن انواع حیوانات به کشتی و نجات دادن آنها از غرق شدن، از وظایف نوح (ع) پس از پیدایش نشانه طوفان (فوران آب از تنور)

قلنا احمل فیها من کل زوجین اثنين

۷ نوح (ع)، موظف بود از هر نوع حیوان تنها یک جفت (نر و ماده) را به کشتی سوار کند.

قلنا احمل فیها من کل زوجین اثنين

مضاف الیه <کل> کلمه ای همانند <حیوان> است؛ یعنی: من کل حیوان ... کلمه <اثنين> تأکید برای زوجین است و اشاره به این معنا دارد که از هر حیوان، بیشتر از یک جفت نباید به کشتی برده شود.

٢٢ > عن أبي عبدالله (ع) قال : حمل نوح (ع) في السفينه الأزواج

الثمانیه التي قال الله عزوجل : < ثمانیه أزواج من الضأن اثین و من المعز اثین و من الإبل اثین و من البقر اثین > فكان من الضأن اثین زوج داجنه یرببها الناس و الزوج الآخر الضأن التي تكون فی الجبال الوحشیه . . . و من المعز اثین زوج داجنه . . . و الزوج الآخر الطبی التي تكون فی المفاوز و من الإبل اثین البخاتی والعراب و من البقر اثین زوج داجنه للناس و الزوج الآخر البقر الوحشیه ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: نوح هشت زوجی را که خدا فرموده <ثمانیه أزواج من الضأن اثین . . .> در کشتی قرار داد: از میش دو جفت یک جفت اهلی که مردم تربیت می کنند و جفت دیگر وحشی که در کوههاست ... و از بز دو جفت: یکی اهلی ... و دیگری آهو که در بیابانهاست و از شتر دو جفت: یکی بخاتی (شتر خراسانی که از شتر عربی و شتر فالج به وجود آید) و دیگری عربی و از گاو دو جفت: یکی اهلی و دیگری وحشی <.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۸

۸- نوح (ع) ، مأمور جای دادن حیوانات و مؤمنان خاندانش در کشتی ، با ظهور اولین نشانه های طوفان

فإذا جاء أمرنا .. فاسلك فيها من كل زوجين اثنين و أهلك إلا من سبق عليه القول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۸ - ۲

۲- استقرار نوح (ع) و مؤمنان همراه او در

کشتی ، پس از جای دادن حیوانات و خاندانش در آن

فاسلک فیها من کل زوجین اثین و أهلك .. فإذا استویت أنت و من معک علی الفلک

از تفریع عبارت <فإذا استویت> بر آیه قبل، استفاده می شود که حضرت نوح(ع) نخست حیوانات و خاندانش را در کشتی جای داد و آن گاه خود و یارانش بر آن سوار شدند.

حیوانات شکاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۱۹،۲۲

۱۹ لزوم آموختن برخی از دستورات تذکیه ، به سگان و درندگان مخصوص شکار

تعلّمونهنّ مما علمکم الله

مراد از <علمکم الله> به مناسبت مورد، دستورات ذبح و تذکیه حیوانات است، و <من> در <مما علمکم> برای تبعیض است. یعنی برخی از دستورات تذکیه را به درندگان شکاری یاد دهید.

۲۲ حلیت شکار درندگان شکاری ، هر چند درندگان شکاری به هنگام شکار از آن تناول کنند . *

فکلوا مما امسکن علیکم

بنابراین احتمال که مراد از <مما امسکن علیکم>، مقداری باشد که حیوان شکاری برای صیاد نگه داشته در مقابل مقداری که خود تا رسیدن صیاد از آن تناول کرده است.

حیوانات موقوفه در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۸ - ۳

۳ مشرکان عصر جاهلی خوردن از حیوان و یا کشت وقف شده برای خدا و شریکان موهوم او را برای هر کس که می خواستند مجاز می شمردند.

و قالوا هذه أنعم و حرث حجر لا یطعمها إلا من نشاء

حيوانات وحشى در قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ -

۱ - حیوانات غیر اهلی با مشاهده حوادث برپایی قیامت ، پناهگاه های خود را ترک کرده ، گرد هم جمع خواهند شد .

و إذا الوحوش حشرت

<وحوش> جمع <وَحْش> است. به حیواناتی که در خشکی زندگی می کنند و با یکدیگر الفت نمی گیرند، <وَحْش> و <وحشئ> که گویا حرف یاء در آن برای تأکید است گفته می شود (مصباح). <حشر>؛ یعنی، <جمع> (لسان العرب).
راغب می گوید: <حشر>؛ یعنی، بیرون آوردن گروهی از جایگاهشان و متوجه ساختن آنان به جنگ و نظایر آن، بنابراین حشر حیوانات؛ یعنی، بیرون شدن آنها از پناهگاه خود و جمع گشتن آنها گرد یکدیگر.

۲ - شدت هول و هراس حیوانات از حوادث پایانی دنیا ، جایی برای فکر تهاجم به یکدیگر در خیال آنان باقی نمی گذارد .

و إذا الوحوش حشرت

مراد از <حشر حیوانات> محشور شدن آنها در قیامت و یا اجتماعشان هنگام ترس از حوادث آغازین قیامت است. ذکر این حادثه در میان حوادث پایانی دنیا و تقارن آن با <رها شدن شتران آبستن> (و إذا العشار عطلت)، شواهدی بر دومین احتمال است.

ذبح حیوانات در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۸ - ۵

۵ - تعمد مشرکان عصر جاهلی به نبرد نام خدا بر بعضی از چهارپایان به هنگام ذبح

و أنعم لا یذکرون اسم الله علیها

روزی حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۳ - ۱

۱ - سودمندی آسمان ، شب ، روز ، زمین ، آب ، گیاه و کوه ها برای انسان و دام

، هدف خداوند از آفرینش و سامان بخشی آنها است .

متَّعَا لَكُمْ و لَأَنْعَمَكُمْ

<متاعاً> مفعول له است. این کلمه گرچه اسم است برای هر چیزی که سودمند باشد (لسان العرب)؛ ولی در این آیه جایگزین مصدر شده است؛ یعنی، <تمتعياً لكم>.

زوجیت حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۷

۷ نوح (ع) ، موظف بود از هر نوع حیوان تنها یک جفت (نر و ماده) را به کشتی سوار کند .

قلنا احمل فیها من کل زوجین اثنین

مضاف الیه <کل> کلمه ای همانند <حیوان> است؛ یعنی: من کل حیوان کلمه <اثنین> تأکید برای زوجین است و اشاره به این معنا دارد که از هر حیوان ، بیشتر از یک جفت نباید به کشتی برده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۶ - ۴

۴ - حاکمیت قانونِ زوجیت (نر و ماده بودن) بر تمامی موجوداتِ دارای حیات (گیاهان ، حیوانات و ...)

سبحن الذی خلق الأزواج کلّها . .. و ممّا لایعلمون

زوجیت حیوانات کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۱۱، ۹

۹ - نوح (ع) ، طبق دستور الهی می بایست از هر حیوان ، تنها یک نر و یک ماده را وارد کشتی کند .

فاسلک فیها من کلّ زوجین اثنین

۱۱ - کشتی نوح ، ظرفیت بیش از یک جفت (یک نر و یک ماده) از هر حیوان مورد نیاز را نداشت

فاسلك فيها من كل زوجين اثنين

تأكيد خداوند بر این که از هر حیوان تنها یک نر و یک ماده و نه بیشتر را در کشتی جای دهند (من كل زوجين اثنين)، بیانگر مطلب فوق است.

شرایط تذکیه حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۵۲

۵۲ وجود علایم حیات در حیوان (حرکت چشم ، پا و دم) قبل از ذبح ، شرایط تحقق تذکیه شرعی

الا ما ذکیتم

امام باقر(ع) درباره <الا ما ذکیتم> در آیه فوق فرمود: .. فان ادركت شيئاً منها و عين تطرف او قائمه تركض او ذنب یمصع فقد ادركت ذكاته فكله

تهذیب شیخ طوسی، ج ۹، ص ۵۸، ح ۲۴۱، ب ۱، نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۸۷، ح ۲۰.

شعور حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۹

۹ حیوانات دارای نوعی اراده، اختیار، شعور و تکلیف و جزا و پاداش در قیامت

أمم أمثالکم .. ثم إلى ربهم يحشرون

صفات حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۱۴، ۱۳، ۹

۹- هدف قرار دادن لذت جویی و شکمبارگی در زندگی ، منشی حیوانی و نه شایسته مقام انسانی

و الذین کفروا یتمتعون و یأکلون کما تأکل الأنعم

لحن شدید توبیخی آیه و به شمار آوردن لذت جویی صرف و به دور از عقیده و ایمان در حد زندگی حیوانی، مطلب بالا را افاده می کند.

۱۳- بهره گیری از نعمت های دنیوی و نیندیشیدن به آفریننده آن ، شیوه ای حیوانی

است . *

و الذين كفروا يتمتعون و يأكلون كما تأكل الأنعم

برداشت بالا بدان احتمال است که تشبیه کافر به حیوان، از آن جهت باشد که حیوان هنگام بهره گیری از موهبت های طبیعی، به پدیدآورنده آن نمی اندیشد.

۱۴- سود جستن از امکانات زندگی ، بدون هدفی متعالی و احساس مسؤولیت ، عملی حیوانی *

يتمتعون و يأكلون كما تأكل الأنعم

برداشت بالا- بدان احتمال است که تشبیه کافر به حیوان، از آن جهت باشد که حیوان در خوردن و لذت جویی، جز ارضای غریزه به هدفی دیگر نیندیشیده و خود را مسؤول نمی داند.

صید حیوانات شکاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۲۳، ۲۱، ۱۵

۱۵ خوردن شکاری که به وسیله حیوانات درنده تعلیم دیده (از قبیل سگ ، شیر ، باز شکاری و ...) صید شود ، حلال است

و ما علمتم من الجوارح مکلبین .. فکلوا

کلمه <جوارح> جمع <جارحه> به هر حیوان درنده گفته می شود. گفتنی است که اگر <مکلبین> حالی باشد که تشبیه را افاده کند، نمی تواند <جوارح> را مقید به خصوص سگان شکاری کند. مضافاً اینکه تقیید کلی به یک مصداق خاص دور از فصاحت است.

۲۱ ضرورت کنار گذاشتن قسمتی از شکار درندگان شکاری برای خود آنها *

فکلوا مما امسکن علیکم

<من> در <مما امسکن> برای تبعیض است. یعنی قسمتی از آن شکار برای شما حلال است. بنابراین به نظر می رسد قسمت دیگر، به مناسبت مورد، باید از آن حیوان شکار کننده باشد.

۲۳ صید سگ شکاری و دیگر درندگان تعلیم دیده در صورتی حلال است

که از جانب صیاد روانه شکار شود ، نه سرخود و بدون فرمان .

فکلوا مما امسکن علیکم

کلمه <علیکم> جواز استفاده را مشروط به این می کند که درنده شکاری، شکار را برای صیاد گرفته باشد نه برای خود. و این در صورتی است که حیوان شکاری به اشاره و فرمان صیاد به سوی شکار رود، نه سرخود و بدون فرمان.

علم حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۵،۱۹

۵ کلاغ گسیل داده شده برای تعلیم قایبل ، آگاه به تحیر و سرگردانی وی برای دفن هایبل

فبعث الله غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

در برداشت فوق ضمیر فاعلی در <لیریه> به <غراب> برگردانده شده است. یعنی کلاغ به انگیزه نشان دادن چگونگی دفن به قایبل در زمین کاوش می کرد و چیزی را در آن نهان می ساخت.

۱۹ آگاهی غریزی کلاغ بر شیوه پنهان سازی اشیا

فبعث الله غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

عوامل تجمع حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۷ - ۳

۳ - ماهیت شب و گسترش تاریکی آن بر موجودات و نقش آن در گرد هم آمدن جانداران ، شگفت و با عظمت است .

و الیل و ما وسق

غرایز حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۱۹

۱۹ آگاهی غریزی کلاغ بر شیوه پنهان سازی اشیا

فبعث الله غراباً يبحث في الارض ليريه كيف يورى سوءه اخيه

فلسفه خلقت حیوانات

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۵ - ۱

۱ - همه موجودات زمین (جمادات ، نباتات و حیوانات) در خدمت انسان و مسخر و رام شده برای بهره برداری او

ألم تر أنّ الله سَخَّرَ لَكُمْ ما فى الأرض

کیفر اخروی حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۹

۹ حیوانات دارای نوعی اراده، اختیار، شعور و تکلیف و جزا و پاداش در قیامت

أمم أمثالکم . . . ثم إلى ربهم يحشرون

گوشت حیوانات دریایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۴ - ۳۸

۳- تغذیه با گوشت های تازه ، استفاده از زیور های دریایی و کشتیرانی ، از فواید دریاست .

سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حَلِيه تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفَلَکَ

<طری> به معنای جدید و تازه و <حلیه> به معنای زیور است.

۸- گوشت های تازه دریایی و اشیای تزئینی آن و سهولت کشتیرانی ، از نعمت های خداوند است .

و هو الذی سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حَلِيه تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۲ - ۱۱ ، ۱۰

۱۰ - تغذیه با گوشت های تازه و استفاده از زیور های دریایی و کشتیرانی ، از فواید دریا ها است .

و من کلّ تأکلون لحمًا طریًّا .. و تری الفلک فیہ مواخر

۱۱ - گوشت های تازه دریایی و اشیای تزینی آن و سهولت کشتیرانی ، از نعمت های الهی برای بشر

من کلّ تأکلون لحمًا طریًّا و تستخرجون حلیه

تلبسونها و ترى الفلك فيه مواخر

مكان حيوانات در كشتى نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۸ - ۳

۳ - داخل كشتى نوح ، محل استقرار حيوانات و خاندان وى و عرشه آن محل استقرار او و پيروانش بود .

فاسلك فيها .. و اهلك فاذا استويت أنت ... على الفلك

برداشت ياد شده، با توجه به عبارت هاى <اسلك فيها> (در كشتى وارد كن) و <اذا استويت.. .. على الفلك> (هرگاه تو... بر كشتى استقرار يافتى)، به دست آمده است.

منافع حيوانات

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۲ - ۱

۱ - آب ، زمين ، دانه ها ، انگور ، سبزيجات ، زيتون ، نخل ، بوستان ، ميوه و چراگاه ، آفريده هاى خداوند و در خدمت منافع انسان و دام هاى آنان است .

متعاً لكم ولأنعمكم

<متعاً> اسم مصدر و جاگزین مصدر حقیقی <تمتعاً> (بهره رساندن) است (لسان العرب). این کلمه، مفعول له و بیانگر علت پیدایش نعمت هاى است که در آیات پیشین ذکر شد.

منشأ تسخير حيوانات

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۲ - ۵

۵ - توان انسان در ساختن كشتى و دريانوردى و به خدمت گرفتن حيوانات ، پرتوى از علم و عزت آفريدگار هستى است .

خلقهنّ العزيز العليم .. و جعل لكم من الفلك و الأنعم ما تركبون

ارتباط دو آیه، نشانگر آن است که خداوند درصدد بیان جلوه های عزت و دانایی خود در نظام هستی است.

نعمت پشم حیوانات

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۸

۸- به کار آمدن پشم ، کرک و موی حیوانات در ساختن اثاثیه و لوازم زندگی ، از نعمت های الهی است .

و من أصوافها و أوبارها و أشعارها أثثًا و متعًا

نعمت کرک حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۸

۸- به کار آمدن پشم ، کرک و موی حیوانات در ساختن اثاثیه و لوازم زندگی ، از نعمت های الهی است .

و من أصوافها و أوبارها و أشعارها أثثًا و متعًا

نعمت موی حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۸

۸- به کار آمدن پشم ، کرک و موی حیوانات در ساختن اثاثیه و لوازم زندگی ، از نعمت های الهی است .

و من أصوافها و أوبارها و أشعارها أثثًا و متعًا

نقش حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۸

۸ حیوانات ، مشمول تدبیر خداوند و کارگزارانی برای تحقق اراده و خواست او

فبعث الله غراباً يبحث في الارض ليريه كيف يورى سوء اخيه

نقش شیر حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۱ - ۳

۳ - تبدیل آب و علوفه در درون حیوانات به شیر گوارا و قابل شرب ، پیام دار درس خداشناسی برای انسان

نسیکم ممّا فی بطونها

<من> در <ممّا فی بطونها> می تواند نشویه باشد. در این صورت <ما>، کنایه از آب و علوفه ای می باشد

که حیوان از آن تغذیه کرده است. بنابراین <مَمَّا فِي بَطُونِهَا> رساننده این مطلب است که شیر، مایعی نشأت یافته از همان علوفه و آبی است که حیوان از آن تغذیه کرده است.

نوح(ع) و حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۶

۶ بردن انواع حیوانات به کشتی و نجات دادن آنها از غرق شدن ، از وظایف نوح (ع) پس از پیدایش نشانه طوفان (فوران آب از تنور)

قلنا احمل فیها من کل زوجین اثنين

ویژگیهای حیوانات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۴ - ۷

۷ تعقل و اندیشه ، حق شنوی و درس آموزی ، از ویژگی های انسان و فارق میان او و حیوان است .

أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَمِ

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌ات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

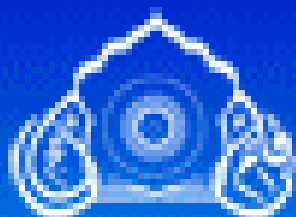
ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گام‌های

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

